جنبش کارگری ومروری براعتصابات واعتراضات کارگران درایران!
روزشمارکارگری ماههای دی- بهمن - اسفند سال ۱۳۹۱ (۲۰۱۲و ۲۰۱۳)

امیرجواهری لنگرودی
Roozshomar_k@yahoo.com
فروردین ۱۳۹۲- مارس ۲۰۱

یادداشت گردآورنده:

بهاران بر شما عزیزان خجسته باد . باشد که آغازسال نو، سالی همراه باشادی وشادمانی برای یکایک شما عزیزان باشد . سالی سرشارازموفقیت وسروروسازمانیابی طبقاتی مبارزات شما برای وصول مطالبات بی پاسخ مانده تان و سالی همگام با مبارزات اجتماعی برای دست یابی به امر آزادی و برابری درکلیت جامعه ما . باری به این ترتیب به پایان آمد این دفتر- روزشمارکارگری سال ۹۱- ، ولی حکایت همچنان باقی ایست!
روزشمارسه ماه چهارم سال گذشته ۱۳۹۱ (دی- بهمن- اسفند) با سرمای جانفزای زمستان دی ماه آغاز وتا فرارسیدن اول بهار ۱۳۹۲پیشروی ما است. تلاشم براین استکه در این یادداشت روزشمار حول چند موئلفه تاکید ورزم و قضاوت نهایی را به خوانندگان روزشمارکارگری وا گذارم:

دستمزد کارگران وبازتاب ها پیرامون رقم اعلام شده مصوبه «شورای عالی کار»:

آنچه درپایان هرسال برحوزه زندگی کارگران وزحمتکشان ایران به بارمی نشیند.خاصه برسرتعیین نرخ دستمزدها، بهارآنان را دستخوش نگرانی ونوعی دلواپسی می نماید .
دراینجاسعی دارم روایت های اعتراضی، تک نوشته های انعکاس یافته درسایت دولتی ایلنا – اعتراضات فعالان کارگری–بیان خودی های رژیم وهمچنین نماینده مجلس راعینا ازروزشمارکارگری اسفند ماه دراینجا بازآورم تا میدان قضاوت همه جانبه تری درموردمسئله دشواری دستمزد کارگران برای سال پیشروی داشته باشیم. با هم این مجموعه رابازخوانیم :
سه ماهه پُرفرازونشیب آخرسال که بمانند هرسال اسفند ماه اش، سقف نرخ دستمزد کارگران را برای سال پیشروی مشخص می سازد. امسال این ماجراآنچنان کمیک بود که وقتی درهفتهٔ سوم اسفند، حداقل مزد سال ۹۲ دردل نشست وبرخاست ها وچانه زنی های نیروی درونی"شورای عالی کار" تصویب شد.بدین معنی که مزد کارگران با ۲۵ درصد افزایش به ۴۸۷ هزارو ۱۲۵ تومان رسید.جدا ازاعتراض های فعالان تشکل ها ومحافل کارگری شناخته شده، درسطح خبرگزاری رسمی دولتی کارایران - ایلنا این مضحکه نرخ دستمزد وشدت و ضعف اش را با عنوان : « یک محاسبه ساده اما وحشت انگیز، راهنمای تهیه خوراک با دستمزد ۴۸۷ هزارتومانی » به این شکل بازتاب داد:

با نان و پنیر چطور می‌گذرد؟

«نان و پنیر»، خوراکی حداقلی و از ساده‌ترین وعده‌های غذایی محسوب می‌شود. اگر یک خانوار ۴ نفره بخواهند وارد یک دوره ریاضت اقتصادی شوند و یک ماه تمام در هر ۳ وعدهٔ غذایی، تنها نان و

پنیربخورند با این فرض که به صورت روزانه ۶ عدد نان سنگگ و یک بسته پنیر سفید مصرف شود، باید بالغ بر ۲۳۴ هزار تومان هزینه کنند.
قیمت یک بسته پنیرسفید دربازاردر کمترین حالت ۴۲۰۰ تومان است و تهیهٔ هرعدد نان سنگک ۶۰۰ تومان هزینه برمي‌دارد بنابراین هرروزبرای سه وعده غذای يك خانوارچهارنفره (متوسط خانوار طبق قانون کار) ۷۸۰۰ تومان خرج مي‌شود. این مبلغ در یک ماه به ۲۳۴ هزار تومان مي‌رسد که تقریبا نصف حقوق دریافتی کارگران است.
این درحالی است که اخیرا یکی ازروسای سه تشکل کارگری کشورازآمار ۵۷ درصدی کارگرانی که با حقوق کمترازمصوبهٔ شورای عالی کارمشغول به کارند خبرداده است. شاید اگرچنین آماری به مسئولان ارائه شود درمورد مزایای «نان و پنیر» به عنوان یک وعدهٔ غذایی سالم سخنرانی کنند.

با املت چطور؟

حال بیایید فرض کنیم یک خانوار ۴ نفری بخواهند در تمام ماه، تنها «گوجه و تخم مرغ» یا اصطلاحا همان «املت گوجه» بخورند. با این فرض که به صورت روزانه یک کیلو گوجه فرنگی و ۱۲عدد تخم مرغ (هر وعده ۴ عدد تخم مرغ - به ازای هر نفر يك عدد) مصرف شود.
هرشانه تخم مرغ به طورمتوسط ۷ هزارتومان است، بنابراین قیمت یک عدد تخم مرغ نزدیک به ۲۵۰ تومان وقیمت ۱۲ عدد تخم مرغ ۴ هزارتومان مي‌شود. همچنین یک کیلو گوجه فرنگی را مي‌توان با قیمتی معادل ۱۷۰۰ تومان دربازارتهیه کرد. بنابراین هزینهٔ یک ماه مصرف کردن «املت گوجه» برای یک خانوار ایرانی ۱۴۱ هزار تومان هزینه بر مي‌دارد.

با برنج سفید...؟

شاید کارگری تصمیم بگیرد برای خانواده‌اش زندگی «شاهانه» راه بیندازد و در تمام وعده‌های غذایی «برنج خالی» مصرف کنند. در این صورت او باید بیش از نصف حقوق دریافتی خود را هزینه کند.
یک خانوار ۴ نفره به طور میانگین ۲۰ کیلو برنج در ماه مصرف مي‌کند و اگر بخواهد هر ۳ وعدهٔ غذایی خود را با «برنج خالی» سر کند این میزان به ۵۰ کیلو در ماه مي‌رسد.
قیمت هر کیلو برنج آن هم از نوع نامرغوب و بي‌کیفیت حداقل ۵ هزار تومان است، بنابراین هزینهٔ تهیهٔ «خوراک شاهانه» برای یک خانوار ۴ نفره در ماه به ۲۵۰ هزار تومان مي‌رسد.

توقف‌گاه لبخند

مي‌توان این بازی را ادامه داد. مي‌توان این لیست را کامل‌تر کرد. مي‌توان به هزینهٔ خوراک حداقلي، هزینه‌های مهم دیگری همچون مسکن، پوشاک، تحصیل، بهداشت و... را اضافه کرد تا به نتایج تاسف باری رسید. مي‌توان شورش را درآورد. مثلا با مثله کردن رقم حداقل دستمزد (که شامل ۸۰ درصد کارگران قرارداد موقت کشورمي‌شود) و تقسیم آن درسایرهزینه‌های جاری زندگي، به ارقام مضحکی رسید و «دم عیدی» موجبات شادی و سرور را برای کاربران فراهم کرد.
اما حقیقتی که کارگران درسال گذشته با نوسانات دیوانه‌واربازارارزوطلا تجربه کردند، و آنچه با دستمزد ۴۸۷ هزارتومانی وتورم لگام گسیخته به طورحتم درسال آینده تجربه خواهند کرد لبخند را برصورت مي‌خشکاند. این بازی را همین جا تمام مي‌کنیم."(روزشمارکارگری ،به نقل از خبرگزاری دولتی کارایران – ایلنا در ۲۸ اسفند ۱۳۹۱)

-*اماهمانگونه که پیشترآوردم؛تشکل ها ومحافل کارگری درون وبرون کشورنیزبراین رقم اعلام شده اعتراض داشتندودارند.این فشارهاهمچنان فزونی می گیرد.باشد که سرفصل های این اقدامات اعتراضی را درآستانه روزجهانی کارگرسال ۹۲- اول ماه مه ۲۰۱۳- بشکل توامان و اتحاد عمل های گسترده ترشاید باشیم.
ازجمله؛ درادامه اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران وحومه، اتحادیه آزاد کارگران ایران وهمچنین کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری،جمعی از فعالان مستقل صنفی «فلزکار و مکانیک» با انتشاربیانیه‌ای نسبت به میزان افزایش حداقل دستمزدها اعتراض خود را اعلام داشتند.

دراین بیانیه، کارگران فلزکارمکانیک، مصوبه مزدی شورای عالی کار را «سند مرگ خانواده های کارگری» اعلام کرده و یاد آور می گردند: « ...نان فرزندانمان بازیچه دست عده‌ای بی‌خبر وسودجو قرارگرفته است. بااجرای دستورات صندوق بین المللی پول درصحنه اقتصاد واجتماع، همانطور که پیش بینی می‌شد با توافق کارفرمای بزرگ (دولت) وکارفرمایان بخش خصوصی، حداقل دستمزد ماهیانه برای سال جدید ۲۵ درصد افزایش یافت، که ۲ برابر زیرخط فقر اعلام شده توسط منابع دولتی است. این افزایش حقوق ازطرف شورای عالی کار، بی‌اعتنایی به خواسته‌های جامعه کارگری و خانواده‌های شریف زحمتکشان است. به سخره گرفتن خواسته‌های طبقه کارگر درحالی صورت می‌گیرد که بیش از ۳۰ هزارامضای اعتراضی به وضعیت معیشتی خانواده‌های کارگری ومشکلات زحمتکشان به مجلس و وزارت کاربرده شده است. ۲ هزارامضای اعتراضی در ۲ هفته قبل ازطرف سندیکای کارگران شرکت واحد به وزارت کار داده شد. درسال جاری گرانی هر روزه، امان کارگران را بریده وسفره‌های ما هر روز خالیتر از روزقبل می‌شود. طی ۳ ماه گذشته با افزایش قیمت ارز نیمی ازقدرت خریدمان به جیب دلالان رفت. ۳ درصد ارزش افزوده به کالاها به ما تحمیل شد. باکمتراز نرخ تورم امسال، برای سال بعد برایمان حقوق تعیین می‌کنند، یعنی حداقل حقوق اعلام شده توسط شورای عالی کار، همیشه یکسال عقب‌تر از تورم سال بعداست. توجیهات آقای عباسی رییس شورای عالی کاربسیار توهین آمیز است. ایشان اعلام می‌کنند: «اگر با تورم امسال برای سال بعد حقوق تعیین می‌کنیم، برای این است که ممکن است درسال آینده اصلا تورم نداشته باشیم» (به نقل از ایلنا). افرادی با چنین درجه هوشی در شورای عالی کار پس از امضا کردن سند مرگ خانواده‌های کارگری، سفر تفریحی به دوبی پاداش می‌گیرند. (به نقل ازایلنا).

خواهران وبرادران زحمتکش!

کارگران فلزکار مکانیک ضمن اعتراض به چنین مصوبهٔ تحقیرآمیزی اعلام می‌کند:

۱-برای مبارزه بابی عدالتی هاهیچ چاره‌ای جزتشکیل ومتحد شدن درسندیکاها را نداریم.

۲- برای مبارزه باگرانی، دست به ایجاد تعاونی‌های مصرف زده واین تعاونی‌ها راتقویت کنیم.

۳- برای رسیدن به خواسته‌هایمان وموفقیت درمبارزاتمان، هیچ پشتیبانی بهتر ازهمدیگر نداریم.

باتماس مستمر،اعتراضاتمان راهماهنگ کرده وازپشتیبانی یکدیگربرخوردارباشیم.

۴- ازهم اکنون برای بزرگداشت وهم اندیشی مبارزات پدرانمان در روزکارگر، گرد هم آییم.

اتحاد رمز پیروزی است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ۲۵/۱۲/۱۳۹۱

رونوشت به:سندیکای کارگران شرکت واحد تهران وحومه - سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه اهواز هیات موسس سندیکای کارگران نقاش وترئینات تهران وحومه - سندیکای کارگران ساختمانی وبنایان تهران وحومه - اتحادیه کارگران پروژه‌ای - اتحادیه کارگران آزاد - کانون مدافعان حقوق کارگر

-*همچنین یک تن ازفعالان حقوق کودکان کارمعتقد است که؛ دستمزد ناچیزسال ۹۲ برشمارکودکان کار می‌افزاید. دراین زمینه اقای حمیدرضا واشقانی فراهانی، یاد آورمی گردد:« یکی از دلایل اصلی کار کودکان را ناتوانی سرپرست خانواده در تامین هزینه‌ها دانست و به ایلنا گفت: دلیل کار کودکان، ناتوانی یا کم توانی سرپرستان آن‌ها در تامین هزینه‌های زندگی است. سرپرستان بعضی از این کودکان حتی توان جسمی کار کردن ندارند و ما بقی اکثرا دست فروش یا کارگر هستند که درآمد بسیار پایینی دارند» وی با اشاره به اینکه « رشد تورم از ۳۲ تا ۵۰ درصد برآورد می‌شود، افزود: با توجه به اینکه افزایش مزد سال ۹۲ به هیچ وجه با نرخ تورم متناسب نبوده است احتمال دارد کودکان بیشتری برای تامین معاش خانواده از سوی سرپرستان خود وارد بازار کار شوند» نامبرده با بیان نگرانی های خود افزود : « باید دلیل اصلی گسترش پدیده کودکان کاردرجامعه ایران را افزایش تورم وفقیرترشدن جامعه دانست .چرا که با توجه به شرایط بد اقتصادی روز به روز تعداد کودکان کار در کشور بیشتر خواهد شد.. .هم اکنون آمار دقیقی از تعداد کودکان کار در ایران وجود ندارد اما با توجه به گزارش سال ۹۰ مرکز پژوهش‌های مجلس درمورد «وجود سه میلیون و ۲۶۵ هزار کودک ایرانی بازمانده از

تحصیل»، مي‌توان گفت که دست‌کم سه میلیون کودک کاردرکشوروجود دارد. »(به نقل از روزشمار کارگری ،اسفند ۱۳۹۱)

-*به نوشته "کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری" دراسفند ماه آمده است : افزایش دستمزدها که ظاهرا و در تبلیغات دولتی در قبال افزایش قیمت ها و نرخ تورم در ایران صورت میگیرد نه تنها حداقل معیشت کارگران را تعیین نمی کند، بلکه دهن کجی بزرگی به زندگی کارگران است. با توجه به آمار و ارقامی که خود منابع دولتی از نرخ تورم و فزونی قیمتها اعلام می کنند اینک به وضوح می توان هویت ضدکارگری (تعین دست مزد) را مشاهده کرد. چنین رفتاری با کارگران و نادیده گرفتن حداقل حقوق آنها، در حقیقت تدارک دیدن جنگی بزرگ برعلیه ۹۹% جامعه به شمار می رود. جنگی که در آن نهایتا صف ضدکارگری مغلوب خواهد شد. .. پایین نگه داشتن سطح معیشت و حق زندگی کارگران از طریق کاهش قدرت خرید آنها و ازسویی دستگیری و زندانی کردن کارگران خود بخود عرصه فلاکت را بیش از پیش به روی کارگران می گشاید.

ما کارگران هیچ چاره ای جز مقابله با این شرایط خفت بار را نداریم. ما کارگران علاوه بر اینکه خواهان افزایش مجدد فصلی دست مزدهای کارگران هستیم، همچنین خواهان آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی می باشیم. (به نقل از روزشمار کارگری ،اسفند ۱۳۹۱)

-*واین هم یک فرمایش بدون شرح دررابطه با رقم اعلام شده ازقول کارد کش دیروزشورای عالی کار و پیشکسوت جامعه کارگری امروزومعاون دبیر کل خانه کارگر درامورشهرستانها ، حسن صادقی معلو الحال است که برزبان می راند. رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در اولین کنگره این اتحادیه گفت: به جای افزایش حقوق، خواهان بازگشت قدرت خرید سال ۸۴ به کارگران هستیم. وی با اشاره به وضعیت نامناسب معیشت کارگران و بازنشستگان گفت: از سال ۱۳۸۴ تاکنون بیش از ۱۲۰ درصد قدرت خرید کارگران آنهم تنها در سبدحداقلی با ۱۷ قلم کالای اصلی کاهش پیدا کرده و ما از دولت و شورایعالی کار افزایش حقوق نمي‌خواهیم بلکه تنها مي‌خواهیم قدرت خرید ۷ سال قبل را به ما برگرداند.... اختصاص یارانه‌ها از سوی دولت حتی ۱۰ درصد از قدرت خرید مزد بگیران را افزایش نداده چرا که اجرای این طرح با ایجاد یک تورم ذاتی و یک تورم توهمی مشکلات جامعه کارگری را به شدت افزایش داده است. .. با انتقاد از نظر بعضی کارشناسان اقتصادی و مسئولان دولتی که ادعا دارند افزایش ناگهانی دستمزد کارگران و بازنشستگان میزان تورم موجود در کشور را افزایش مي‌دهد، اظهار داشت: آیا تزریق ناگهانی ۶ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان با عنوان طرح عیدانه به عموم مردم در اقتصاد تورم ایجاد نمي‌کند، اما افزایش حقوق متاثر از تورم که حق قانونی کارگران و بازنشستگان است تورم زاست و مشکلات اقتصادی زیادی بوجود مي‌آورد.

رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری درمورد رعایت اصل سه جانبه گرایی در شورای عالی کار گفت: حضور نمایندگان کارگری در شورای عالی کار برای اتخاذ تعیین نرخ حداقل مزد نمایشی است و آنچه در این زمینه اعلام مي‌شود نظر نهایی شخص دولت است که طبق قانون فقط باید جنبه نظارتی داشته باشد. او باتاکید بر اجرای قانون در بحث دستمزدها اظهار داشت: مسئولان اگر بخواهند تصمیمی غیر قانونی در تعیین نرخ دستمزدها همانند سالهای گذشته داشته باشند بدانند جامعه کارگری و بازنشسته در مقابل این بي‌قانوني‌ها سکوت نخواهند کرد. (به نقل از روزشمار کارگری ،اسفند ۱۳۹۱)

-*ودیگراینکه سرانجام یک اخطارقانون اساسی دراعتراض به تصویب دستمزد ۹۲ که درروزشمار اسفند ماه ۹۱ثبت شد. يك عضو فراکسیون کارگری مجلس با ارائه اخطار قانون اساسی، افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران را نامتناسب با تورم موجود دانست و گفت: با این دستمزد قطعا کارگران در سال آینده با مشکل مواجه خواهند شد. نادر قاضی‌پور دراخطار قانون اساسی بیان داشت: «من به

عنوان عضو هیات رئیسه فراکسیون کارگری ۲۵ درصد افزایش حقوق کارگران را متناسب با وضعیت کارگران نمی‌دانم و این فراکسیون ۸۰۰ هزارتومان را پایه حقوق کارگران درنظرگرفته بود.» (به نقل از روزشمار کارگری ،اسفند ۱۳۹۱)
اما همانطوری که پیشترنیزطی مقاله ای * دراین باب آوردم. بازتکرارمی کنم : « ... دربرابراین نمایش تکراری ومسخره وبا توجه به نبودِ شرایط لازم برای تعیین با معنای حداقل دستمزد درنظام جمهوری اسلامی ، جدی گرفتن مراسم های سالانه تعیین نرخ دستمزد جمعیت احوال " شورای عالی کار"رژیم ورسمیت دادن به این نشست وبرخاست های یک سویه و بی معنی،عملاً جزتوهم پراکنی و گرم کردن تبلیغات رژیم اسلامی و پرکردن صفحات مطبوعات خودی معنای دیگری نمی تواند داشته باشد. وظیفه همه فعالان کارگری ومدافعین حقوق کارگران،نهاد های همبستگی با جنبش کارگری ،شورای نمایندگان نشست احزاب وسازمان ها،نهاد ها ی چپ و کمونیست،این است که درصفی متحد و متشکل این مراسم تکراری سالانه را با تمام نیرو افشاء نمایند و نشان دهند که این بحث ها نه تنها ربطی به زندگی واقعی کارگران ندارند ،بلکه فقط برای مشروعیت بخشیدن به نهادهای شبه کارگری رژیم که ماهیت کاملاً ضدکارگری دارند ، بپاداشته می شوند. مهم ترین وحیاتی ترین وظیفه همه ما برای مقابله با سیاست ضدکارگری جمهوری اسلامی،متمرکزشدن روی مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل سراسری کارگری است. تنها نیروی متشکل کارگران است که می تواند به فلاکت عمومی کنونی پایان بدهند. ونیرومند شدن فقط با مبارزه ومقابله با پراکندگی ها،معنی می یابد نه هیچ چیز دیگر. برای چنین پیکار پراهمیتی باید ازهمین امروز قدم برداشت. فردا خیلی دیر است !
* http://weblagrahekargar.wordpress.com/2013/03/16/maz-534/

سال ۱۳۹۱درعرصه اقتصاد و تولید ملی، سال سرشکستگی و ورشکستگی

پیشترهم آورده ام ؛ خامنه ای چند سالی ایست که درنخستین روزنوهرسال،موعظه سرمی دهند و سال را نام گذاری می نمایند. نام گذاری هائی که اساسا هیچ ارتباطی با بیلان واقعی آن چه که درطی سال اتفاق می افتد ، نداشته بلکه برعکس همه رجزخوانی ها ی رهبروتلاش اودرابتداء سال،مبتنی برپرده پوشی شکست ها، وفراربجلو ازبارمسئولیتی است که اساسا درتمامی ناکامی ها ی سال متوجه خود به اصلاح "رهبر" خامنه ای و دولت پشتیبان اوست. این نامگذاری ها ازسال ها پیش با نام ها « همت مضاعف وکارمضاعف » شروع شد وتاسال« جهاد اقتصادی » هم پیش رفت وسال ۱۳۹۱رابا گزافگویی بی معنایی به نام سال «تولید ملی وحمایت ازکاروسرمایه ایرانی» ادا کردند. مجددا درنخستین روزنوازسال جدید (۱۳۹۲) نوحه سردادند ودرنامگذاری بازهم سراغ اقتصاد رفتند وسال را به نام پُرزرق و برق «حماسه اقتصادی و سیاسی» ادا کردند.
گفتنی است : آنچه درتمامی سال ۱۳۹۱ شاهدش بودیم نه از بیلان رشد "تولید ملی" خبری بود و نه " حمایت" از نیروی "کار" ولی درعوض برای سرمایه داران ایرانی ونه برای " سرمایه ایرانی " همواره سینه سپرکردند وبشکل متناوب طی سال برای تقویت بنیه « اقتصاد مقاومتی » چه موعظه هایی که نکردند. بطوری که حالا خیلی ازتئوریسین‌های اقتصادی حکومتگران، ترجیح می دهند که تئوری « اقتصاد مقاومتی» موعظه شده رهبررا به عنوان استراتژی کنونی جمهوری اسلامی برای اداره اوضاع نابسامان اقتصادی کشوربخدمت گیرند . عنوانی که درظاهر، نشان ازمقاومت در برابرموج پرقدرت تحریم های سرمایه امپریالیستی درمقابله با بحران اقتصادی ایران دارد. برپایه آمار ها واخبارجمع آوری شده درتمامی روزشمارکارگری سال ۱۳۹۱ و خاصه طی سه ماهه آخر سال بیانگراینستکه؛ آنچه درعمل طی یکسال گذشته (۹۱) اتفاق افتاده است چیزی جز شکسته نشدن سدهای

تورم و بیکاری و هرج و مرج اقتصادی بلکه درعوض برای توده شهروند ایرانی،تمامی این سال شاید یکی ازبدترین سال‌ها بود. سالی که تحریم‌ها درِ خانه تک تک ایرانیان را زد، بازار ارز به شکلی دیوانه وار از پله‌های قیمت بالا رفت و مردم پرایدِ ۲۰ میلیونی، مرغ کیلویی ۸ هزار تومانی و پسته کیلویی ۵۰ هزارتومانی و کارگران خوابیدن چرخه تولید صنایع وکارگاهها و پروژه ها واخراج های صدها هزارنفری هم طبقه ی هایشان را در برابرچشمان هم دیدند.

باید گفت :وقتی خامنه ای در پیام تبریک خود به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۱ با موجه نشان دادن عملکرد دستگاه‌های دولتی، این سال را سال « تولید ملی وحمایت ازکار...» نامید. لابد انتظارداشت که چرخه اقتصاد دربرابرتصمیم بازارجهانی مبنی بررشد جهشی تحریم های اقتصاد ویران ما، آنگونه بگردد که شاخص‌های تولید داخلی طی این سال جهشی یا صعود روبه بالا را نشان دهد اما اکنون که آخرین روزهای اسفند ۱۳۹۱ را پشت سرگذاشتیم و کارنامه نظام درمقابل ما است . همه شواهد بیانگر ورشکسته شدن بیش ازپیش واحدهای تولیدی و درماندگی تولیدکنندگان درمقابل بحران اقتصادی است.

-*وسرانجام این هم افاضات رئیس دولت احمدی نژاد درشب عید ودربرابرسفره خالی کارگران :رئیس جمهور درگفتگوی تلویزیونی خود با نمایندگان رسانه ها ومردم که قرار بود به صورت زنده ازشبکه اول سیما پخش شود درپاسخ به سوال انتقادی خبرنگار دولتی مهر با بیان اینکه؛ می شود همه مشکلات کشوررا به این دولت وصل کرد. اشکالی هم ندارد، گفت:« ما معتقدیم دولت پول نفت را برسرسفره مردم آورد، چرا نیاورد؟ اینکه می‌گویید پول مردم یک سوم شده درجیب چه کسی رفته است؟ پس یک عده پولدارترشده اند. بله، کسانیکه حقوق ثابتی می گیرند در این یکساله آسیب دیده اند، قبل از این یکسال چه؟ بازهم آسیب دیده اند؟ تمام شاخص ها واندازه گیری هایی که تمام نهادها حتی مخالفان دولت تهیه کرده اند می گویند فاصله طبقاتی کم شده است، این یعنی چه؟ یعنی رفت سرسفره مردم. »
وی ادامه داد: «من معتقدم شرایط اقتصادی کشورشرایط بسیارخوبی است. ما گفتیم سه میلیون شغل ایجاد می کنیم، با اجازه جنابعالی ۶ میلیون شغل ایجاد کرده ایم، بیش از ۶ میلیون شغل دراین ۷ سال ایجاد شده است، بیش ازمتوسط همه سال ها وهمه دولت ها درکشور. بله بسیاری ازجوانان مثل جنابعالی در دوره رشد جمعیت بالا هستند وهم اکنون وارد بازار کاروازدواج و زندگی شده اند. اینها آماررسمی کشور است. بیش از یک میلیون و ۲۰۰ هزار نفر دراین سالها وارد بازارکار، مسکن و ازدواج شده است»
مجری با اشاره به طرح برخی مردم در مورد نخریدن پسته از احمدی نژاد پرسید که چه برنامه ای برای قیمت های شب عید دارند.احمدی نژاد گفت: فکر می کنم با این عیدانه، مشکلات اولیه حل شود. سبزی پلویي، آجیلی چیزی .. این یک مقدارکمک است برای شب عید(روزشمارکارگری،به نقل ازخبرگزاری دولتی مهر،۶ اسفند ۹۱).

ارائه آمارها ازروزشمار کارگری سخن می گویند:

آمارهای زیر که در عرصه های مختلف ورشکستگی صنایع تولیدی- کشاورزی و بخشا بیکاری ارائه می گردد ، تماما در روزشمارکارگری سال به تناوب آمده است و من برای سهولت استدلالات خود ، بخشایی از آن را گزین کرده ام تا برای خواننده گان روزشمارکارگری قابل دسترس باشد .

-*علیرضا محجوب، چهره مورد وثوق نظام ، رئیس پارلمان کارگری،عضو کمیسیون کارگری واجتماعی مجلس، اززمره ارباب بیمروت دنیا دربندبازی های خانه کارگر،شوراهای اسلامی کارو غیره... در ابتدای اسفند ماه درتوصیف وضعیت واحدهای تولیدی اذعان کرد که « از هر ۱۰ واحد تولیدی ۸ واحد دارای وضعیت بحرانی و نزدیک به بحران هستند.»

-*در آخرین گزارش شاخص توسعه انسانی ۲۰۱۰ میلادی سازمان ملل متحد، نرخ بیکاری در ایران ۳۳ درصد اعلام شده است. بر اساس گزارش ایلنا، ۷ تیرماه ۱۳۹۱، "بازار کار در سال ۸۹ وارد دور جدیدی از رکود شده به طوری که نرخ بیکاری نسبت به سال قبل کمی بیش از ۶ درصد افزایش داشته است." ایلنا در ادامه، به نقل از توکلی، می‌نویسد: " در مورد فضای کسب و کار ما از نظر رتبه در بین ۱۸۳ کشور در سال ۹۱، رتبه ۱۴۴ هستیم و سال قبل ۱۴۰ و سال قبل‌تر در رتبه ۱۳۲ بودیم، یعنی به انتهای لیست نزدیک می‌شویم." فقر و محرومیت بی سابقه در دوران " بهترین دولت پس از دوران مشروطیت" [به‌گفته خامنه‌ای] در تمامی سی و چهارسال گذشته پس از انقلاب بهمن بی سابقه بوده است، به طوری که بر اساس اعتراف رئیس مرکز آمار ایران، عادل آذر، بیش از ده میلیون ایرانی زیر خط فقر مطلق و نزدیک به سی میلیون ایرانی در زیر خط فقر نسبی به سر می‌برند (به نقل از: آفتاب نیوز، ۷خرداد ماه ۱۳۸۹)

-*همچنین بر اساس گزارشِ اداره آمارِ اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی برایِ شاخص‌های ماهانه اقتصادی (فروردین ماه ۱۳۹۰)، شاخص بهایِ کالاها و خدماتِ مصرفی در شهر تهران (پایتخت) به عدد ۲۴۹/۲ رسید و با فروپاشی صنعت و تولید و رشدِ نرخ تورم، رشدِ شاخص مزد و حقوقِ کارگران و کارکنان واحدهای صنعتی بزرگ کشور طی ۵ سال اخیر ۳۳ درصد کمتر از رشدِ شاخص هزینه های زندگی بوده است. بر این پایه کارنامه هشت ساله دولت برگمارده ولی فقیه، کارنامه یک نهاد هم از نظر اخلاقی و هم از نظر سیاسی- اقتصادی ورشکسته و بی اعتبار است که امروز حتی با انتقاد گسترده و روز افزون متحدان دیروزین خود روبه‌روست.

-*به گزارش جهان صنعت، ۲۶اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱، مدیر اداره سیاست‌های اقتصادی بانک مرکزی، رقم نقدینگی سال ۹۰ را ۳۵۲ هزار میلیارد تومان اعلام کرد. جالب اینکه، رقم نقدینگی بر اساس همین گزارش، در سال ۱۳۸۴، ۹۲ هزار میلیارد تومان اعلام شده است. نکته تأمل‌برانگیز دیگر که توجه به آن اهمیت دارد این است که، بخش عمده این نقدینگی در چارچوب فعالیت‌های تجاری و دلالی متمرکز است و اثرهای مخربی بر فعالیت‌های صنعتی و تولیدی کشور دارد. به گزارش جهان صنعت، ۱۹مردادماه ۱۳۹۱، غضنفری، وزیر صنعت، خبر از کمبود نقدینگی در بخش تولید داد، و گفت: " کمبود نقدینگی واحدهای صنعتی، حاد شده و باید آن را جدی گرفت." وی هشدار داد که، در صورتی که در باره کمبود نقدینگی واحدهای تولیدی هر چه سریع‌تر چاره‌اندیشی نشود، این امر می‌تواند به مشکل‌هایی حاد تبدیل شود و جبران آن سخت خواهد بود.

-*دراین زمینه، روزنامه آرمان روابط عمومی، ۱۶ بهمن‌ماه، درگزارشی نوشت: "بخش کشاورزی بجای ۲/ ۶ درصد رشد، ۱/۴ درصد رشد داشته است... ۸۰ درصد عقب‌ماندگی از برنامه در بخش کشاورزی دیده می‌شود." خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا- نیز درانتهای آذرماه امسال نوشته بود: "تهدید اشتغال ۶۵هزار خانوار کشاورزی در پی عدم پرداخت مطالبات دولتی... مطالبات کشاورزان چایکار بالغ بر ۲۸ میلیارد تومان است، علی‌رغم پیگیری‌های مستمر کشاورزان و انجام ملاقات‌های متعدد با نمایندگان استان (گیلان) در مجلس هنوز مطالبات پرداخت نشده و این خُلف وعده به بحران تبدیل شده است."

-*همچنین خبرگزاری کشاورزی ایران- ایانا - ۳ بهمن‌ماه، گزارش‌داد: " رئیس انجمن ملی سیب‌زمینی ایران گفت، به‌رغم تولید ۵ میلیون و ۲۰۰ هزار تن سیب‌زمینی... کشاورزان سیب‌زمینی کار کشور ضرر کردند... قیمت خرید تضمینی دولت حدود ۱۶۰ تومان بود، درحالی که قیمت تمام‌شده یک کیلوگرم سیب‌زمینی ۲۶۰ تومان برای کشاورز تمام می‌شود"

-*به‌علاوه، خبرگزاری ایسنا، ۵ بهمن‌ماه، در گزارشی، خاطرنشان ساخت: " برآورد تورم ۳۵ درصدی محصولات کشاورزی درسال آینده... درحال و هوای اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها و شدت یافتن تحریم‌ها... نرخ‌های تصویب‌شده خرید تضمینی از ناکارآمدی این بازوی حمایتی[حکایت] داشته. ... نایب

رییس هیات مدیره مجمع ملی هماهنگی و حمایتی تشکل‌های کشاورزی دراین باره می‌گوید، درشرایط افزایش چشمگیر نرخ تورم و رشد ۲۰۰ درصدی قیمت نهادهای کشاورزی اعلام نرخ‌های تضمینی، انگیزه کشاورزان برای کشت را ازبین‌برده و پیش‌بینی می‌کنیم درسال زراعی جدید کاهش قابل ملاحظه سطحِ زیرکشتِ محصولات کشاورزی و بیکاری کشاورزان ضعیف و فقیرتر را شاهد باشیم."

-*تضعیفِ بخش کشاورزی و فقر دهقانان ایرانی، به موازات واردات سیل‌آسای محصولات مختلف کشاورزی از سوی تاجرهای عمده و بنیادهای انگلی، ادامه دارد. در گرماگرم بحران ارزی و سقوط ارزش پول ملی، در پاییز امسال، اعلام‌شد که، در طول شش‌ماهه نخست سال ۱۳۹۱، بیش از ۱۰ میلیون تن محصولات کشاورزی به کشور وارد شده است. رسانه‌های همگانی دراین زمینه خبرهای زیادی منتشر کردند. خبرگزاری دولتی ایلنا، از قول رییس کمیسیون کشاورزیِ اتاق بازرگانی، گزارش داده بود: " طی شش ماه نخست سال جاری واردات ۱۰ میلیون تن محصول کشاورزی به ایران نگران کننده است. طبق آمار منتشره واردات محصولات کشاورزی سبب گردیده، نرخ بیکاری در روستاها و بخش کشاورزی افزایش یابد. به تصریح رییس اتحادیه صادرکنندگان میوه و تره‌بار طی سال جاری دراثر سیاست وزارت جهاد کشاورزی در حمایت از واردکنندگان و تجار عمده "تعداد زیادی از کشاورزان در زمینه تولید مرکبات متضرر شده یا کار خود را از دست دادند." دراین خصوص، ایسنا، ۷ آذرماه، در گزارشی نوشت: "باتوجه به تولید ۵/ ۴ میلیون تن مرکبات در کشور، وزارت جهاد کشاورزی بدون توجه به میزان تولیدات، نسبت به واردات مرکبات اقدام کرد و تعداد زیادی از کشاورزان کار خود را ازدست دادند."

-*تازه‌ترین گزارش‌ها نشان می‌دهد ۶۷ درصد واحدهای صنعتی کشور تعطیل شده‌اند. به گزارش تارنمای اقتصاد ایرانی ۵۹۳۱ واحد صنعتی در کشور تعطیل شده‌اند. گزارش اخیر اتاق های بازرگانی نسبت واحدهای تعطیل شده در استان های مختلف کشور را مشخص کرده است. به طور متوسط بین ۳۰ تا ۹۰ درصد واحدهای صنعتی در استان‌های مختلف کشور تعطیل شده‌اند. در میان استان‌ها خراسان رضوی با ۱۱۴۰ واحد صنعتی تعطیل شده، فارس با ۹۰۰ واحد صنعتی تعطیل شده، لرستان با ۱۱۰۰ واحد صنعتی تعطیل شده، آذربایجان غربی با ۵۲۵ واحد صنعتی تعطیل شده و یزد با ۵۶۰ واحد صنعتی تعطیل شده بیشترین تعداد ورشکستگی را به نام خود ثبت کرده‌اند. سه روز قبل نیز مرکز آمار ایران از بیکاری ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در کشور خبر داده بود. (روز شمار گارگری ، به نقا از سایت اصلاح طلب کلمه، ۱۴دی ۱۳۹۱)

-*تعطیلی ۶۰ درصد کارخانه‌های فرآوری گوشت . محمد موسوی، مدیرعامل تعاونی تولیدکنندگان فرآورده‌های گوشتی می‌گوید ۳۰ درصد کارخانه‌های فرآوری گوشت تعطیل، ۳۰ درصد نیمه تعطیل و تنها ۴۰ درصد «با مشکلات متعدد فعال هستند.» آقای موسوی در گفتگو با خبرگزاری «تسنیم» این اظهارات را بیان کرده است. وی افزوده این در شرایطی است که «طی دو سال گذشته حدود ۶۰۰ هزار نفر و با خانواده آن‌ها حدود ۳ میلیون نفر از طریق این صنعت امرار معاش می‌کردند.» موسوی از عملکرد مسئولان وزارت جهاد کشاورزی و صنعت انتقاد کرده و گفته دولت به درخواست ما مبنی بر معافیت مالیات ۵ درصدی از فرآورده‌های گوشتی «بی‌توجهی» می‌کند. مدیرعامل تعاونی تولیدکنندگان فرآورده‌های گوشتی، تولید سالیانه این فرآورده‌ها در ایران طی دو سال گذشته را ۴۵۰ هزار تن اعلام کرده است. به گفته وی طی دوسال گذشته ورود گوشت به تشکل‌ها و بعضی از صاحبان صنعت سپرده شده بود، «اما در سال ۱۳۹۰ تشکیلاتی بدون رعایت قانون و بدون در نظر گرفتن مصالح عمومی و مصرف کنندگان با انگیزه سلطه به بازار گوشت با پشتیبانی برخی نهادها، به نام مجمع عالی واردات مواد پروتئنی واردات گوشت را به عهده گرفتند.» بدنبال افزایش مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و ناکارآمدی دولت محمود احمدی‌نژاد صنایع بسیاری در ایران ورشکسته شده و یا در آستانه ورشکستگی قرار

گرفته‌اند.مشکل جمهوری اسلامی در دریافت پول نفت نیز مقام‌های این کشور را مجبور به وارد کردن کالا در ازای فروش نفت کرده که تاثیر ویرانگری بر تولیدکنندگان داخلی گذاشته است

-*نماینده مجلس: فقدان نقدینگی دلیل بروز بحران‌های کارگری سال ۹۱ بود . نماینده مجلس ازاردبیل بابیان اینکه در سال ۹۱، تامین نشدن نقدینگی و سرمایه درگردش باعث بروز بحران‌های کارگری درکشوربود، گفت: « درسالی که گذشت از طرف دولت به تولید و صنعت هیچ کمکی نشد.» کمال الدین پیرموذن با اعلام این مطلب، درباره عملکرد اقتصادی دولت در سال ۹۱ به خبرگزاری دولتی ایلنا گفت: «عملکرد دولت در در سال ۹۱ به گونه‌ای بود که نه تنها به تولید و صنعت کمکی نشد بلکه بر خیل عظیم بیکاران کشور نیز افزوده شد.» این نماینده مجلس با بیان اینکه حل مشکلات کارگران در گرو حل مشکلات واحدهای صنعتی است، گفت: « در نتیجه تخلفات دولت برمشکلات کارگران واحدهای صنعتی افزوده شد.» پیرموذن هم چنین به ویژه گی دلالی وسوداگری درسیستم اقتصادی حاکم اشاره کرد و با بیان اینکه عدم تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، علت بروز بحران‌های کارگری است گفت : « درحال حاضر بیش از آنکه به تولید و صنعت بها داده شود، به سوداگری بها داده شده است.»

این آماری ارائه شده را باید درکنارخبرهای هرروزه روزشمارکارگری ازتعطیلی کارخانه ها، هشدارهای تولیدکنندگان درباره تورم سرسام آورمواد اولیه و بیکاری روزافزون زنان کارگروکارگران بخش های مختلف صنایع – کارگاهای تولیدی و بخش خدمات، دراثرتحریم های فزاینده کشورهای سرمایه داری جهانی وامپریالیستی وبانرسیدن موادخام اولیه وازدست رفتن ظرفیت‌های تولیدی چرخه اقتصادی کشورقرارداد تا بتوان تصویری واقعی ترازشکسته شدن چفت و بست‌های اقتصاد ملی ایران داشت. اقتصادی که حتی دربخش‌های استراتژیک که از حمایت‌های بی‌دریغ دولتی هم بهره مند است به ورطه سقوط افتاده وبحرانی‌ترین روزها را تجربه می کند. افزایش قیمت خودروهای داخلی طی ماه‌های اخیر گواهی بر این بحران است. بحرانی که دخالت‌های دولتی و تزریق کمک‌های کلان به این بخش‌ها هم نتوانسته ازتخریب فرسایشی آنان بکاهد و این روند همچنان ادامه دارد.

-*همچون دفعات پیشین آنچه دراین مجموعه به نظرتان می رسد، گردآمده ازمنابع گوناگون ازجمله : خبرگزاری های دولتی ایران (ایلنا – ایسنا – مهر– سایت آفتاب،وسایت فرارو،سلامت نیوز...) وسایت ها ی اصلاح طلب (کلمه – جرس – اعتماد وسحام نیوز....) وتشکل ها،نهادها وسایت های مستقل مانند : (کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری،سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه،جمعی ازفعالان کارگری ایران خودرو،کانون مدافعان حقوق کارگر،کمیته پیگیری ایجاد تشکل های آزاد کارگری،سایت میدان زنان، کمیته حمایت ازشاهرخ زمانی ،کمیته دفاع ازرضا شهابی - کانون صنفی معلمان تهران،کردستان میدیا، آسمان دیلی نیوز وغیره) درداخل وخارج وهمینطورامکانات خبررسانی های خارج ازکشور(تارنمای چشم انداز کارگری- سایت روشنگری –پیام ،افق روشن،وبلاگ کارگری راه کارگر،سایت خبری راه کارگروغیره ...) وخبرهای دریافتی به ایمیل آدرس روزشمار کارگری فراهم آمده وبه نظرتان می رسد.

-*اضافه نمایم؛علاقمندان برای دست یابی به آرشیو روزشمارکارگری سال های پیشین و جداول استخراج و جمعبندی آن ها ،می توانند با آدرس ایمیل روزشمارکارگری** ایجاد ارتباط نمایند

خوشحال می گردم که فعالان کارگری،مدافعان حقوق کارگران وهرآنکس که روزشمارکارگری به دستش می رسد، بتواند نکته نظرها وانتقادات سازنده وموثرخود رابرسراین مجموعه کاربا من درمیان نهد . من همواره ازاظهار نظرات شما خواهم آموخت.

برای دست یابی به اخبارروزشمارکارگری ۹ ماهه سال ۱۳۹۱ به لینک های زیرمراجعه نمایید.

روزشمارکارگری سه ماهه اول (فروردین - اردیبهشت – خرداد) سال ۱۳۹۱ –۲۰۱۲
http://www.rahekargar.net/labor_iran/2012-10-07_332_roozshomar.pdf

روزشمارکارگری سه ماهه دوم (تیر- مرداد – شهریور) سال ۱۳۹۱ - ۲۰۱۲

http://www.rahekargar.net/labor_iran/2012-12-27_356_rs3mahedowom1391.pdf

روزشمار کارگری سه ماه سوم (مهر- آبان – آذر) سال ۱۳۹۱ –۲۰۱۲

http://www.rahekargar.net/labor_iran/2013-03-07_403_rs.pdf

**** آدرس ارتباط با روزشمارکارگری**
Roozshomar_k@yahoo.com

بادرود وبدرود و آرزوی سالی سرخوش ازشادمانی و بهروزی زندگی مردمان جامعه مان ایران

اخبار کارگری دی ماه 1391

اعتراض کارگران کارگاه ریخته گری فولاد اسن کردستان!

به گزارش رسیده کارگران کارگاه ریخته‌گری فولاد اسن کردستان در شهرک شماره ۱ شهر سنندج در اعتراض به عدم دریافت حقوق دست از کار کشیده و اقدام به تجمع کردند.
کارگران این کارگاه ۱۰ نفر می‌باشند و از ۳ تا ٦ ماه مطالبات معوقه دارند. این تجمع اعتراضی در روزهای ٢٦ تا ٢٨ آذر ماه در مقابل درب کارگاه انجام شد.

آتش سوزی در محل کار، نقش سرمایه در آن

فریده ثابتی

جمعه ۱ دی ۱۳۹۱

دو نمونه
آتش سوزی در محل کار به ویژه در کشورهایی که تولید در آن ها تنها معطوف به بهره کشی از نیروی کار بدون پرداخت هزینه ای یا پرداخت هزینه مناسب در امر حفاظت از نیروی کار است به پدیده ای روتین تبدیل شده است. هر روز کارگاهی یا کارخانه ای به دلیل عدم رعایت مسایل ایمنی توسط کارفرما و ترس کارگران در اعتراض به مساله و خواباندن کار تا رسیدگی به آن بخاطر ترس از بیکاری و عواقب آن، آتش می گیرد و کارگران قربانی آن می شوند. بطور مثال در ۵ ماه گذشته یعنی از مرداد تا آذر سال ۱۳۹۱ بنا به گزارش مدیای ایران ۵ آتش سوزی مهم در محل های کار رخ داد. در اکثر موارد تنها به گزارش خبر بدون خسارات مادی و

جانی اشاره می شود. در ماه مرداد کارخانه لوله گستر اسفراین که تنها تولید کننده لوله فولادی بدون درز در خاورمیانه است آتش گرفت. در شهریور دو کارخانه نخ مشهد و داروسازی خوارزمی در شهرک استقلال در ۱۰ کیلومتری کرج دچار آتش سوزی شدند در اولی دو انبار کالا کاملا سوخت و در دومی سه سوله مواد شیمیایی. هیچ گزارشی از وضعیت کارگران و تاثیرات مواد شیمیائی دود شده برسلامت آن ها و محیط ارائه نشده است. در مهرماه کارخانه سلفون اصفهان آتش گرفت و سبب مجروح شدن و شکستگی آتش نشانان شد. در آذرماه آتش سوزی کارخانه رنگ اندیشه شهریار جان دو کارگر را گرفت ولی از تاثیر سوخت مواد شیمیائی روی کارگران و مردم ساکن در منطقه نگرانی ای در میان نیست. آتش سوزی در قزوین یک کشته و بیست مجروح برجا گذاشت و در کارخانه تولید کاغذ زرقان فارس ۴ کارگر را زخمی کرد. آتش سوزی شرکت چوب و کاغذ مازندران مورد دیگر است. اکثر این آتش سوزی ها در اثر اتصال برق و اشکال در ماشین ها رخ داده است. در مورد ایران و کشورهایی ازین دست این امری اتفاقی نیست بلکه قابل پیشگیری است. دلیل فرسودگی ماشین آلات مصرفی، عدم سرمایه گذاری برای کاربرد تکنولوژی پیشرفته تر و حتی عدم سرویس بموقع ماشین الات برای کاهش هزینه و استفاده از آخرین رمق آن ها و بکارگیری ماشین آلاتی که عمر مفید شان بسر رسیده و چند برابر قیمت آن ها بازگردانده شده است و کماکان بازهم سرمایه بخشی از اضافه ارزش تولیدی به حساب جایگزینی ماشین الات و سرمایه ثابت تصاحب می کند. . مسئولین در مورد این حوادث می کویند این یا آن حادثه چیز تازه ای نیست. راست می گویند زیرا روزانه بطور رسمی ۵ کارگر براثر حوادث مختلف ضمن کار کشته می شوند(ایلنا، ۲۹ آذر) بدون این که مسئولیت آن را کسی به عهده بگیرد. هنوز کسی به خانواده های کارگران کشته شده شازند، نورد یزد، ایران خودرو و ... پاسخی نداده است و انفجار معدن طبس با ۷ کشته نیز بعد چند روز به فراموشی سپرده می شود. برای درک بهتر مساله ایمنی کار و واکنش سریع و بموقع برای اطفای حریق و محدود کردن خطرات آن به دو نمونه آتش سوزی در کارخانه نگاهی می اندازیم.

آتش سوزی در کارخانه تولید پوشاک علی- اینترپرایز در مغرب کراچی، پاکستان، سپتامبر ۲۰۱۱

تولید کارخانه برای صادرات به آلمان(کیک)، استرالیا ،5 کشور دیگر اروپائی و آمریکا و سرمایه اش ۱۰ میلیون دلار است. بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ کارگر دارد که دستمزد ماهانه کارگران با ۱۰ تا ۱۴ ساعت کار روزانه بدون دریافت پول اضافه کاری بین ۵۲ تا ۱۰٤ دلار است. مثل اکثر کارخانه های آسیا شرایط ایمنی آن ناکافی است. قابل تامل است که شرایط ایمنی در آن کارخانه در ماه اگوست توسط دو نفر از کارشناسان گروه ایتالیائی رینا مورد بازرسی قرار گرفت و کارنامه SA ۱۸۰۰۰ را دریافت کرد که معرف مطابقت با استانداردهای بین المللی است. در این کارخانه کارگران شرایط کار خود را برای آن ها توضیح دادند و خطر آتش سوزی و عوارض آن را گوشزد کردند اما بازرسین به آن توجه نکردند. در کارخانه از کار کودکان استفاده می شود و برای جلوگیری از ارتباط کارگران شیفت های مختلف باهم به هنگام تغییر شیفت کارگران را در سالنی محبوس می کنند تا شیفت جدید در سرکار خود مستقر شود و کار را آغاز کند؛ آن گاه کارگران شیفت قبلی اجازه دارند از کارخانه خارج شوند. پشت پنجره ها را با میله های فلزی مسدود کرده اند. به هنگام حادثه انفجار بویلر و آتش سوزی در کارخانه از ۴ درخروجی اضطرای کارخانه سه در قفل بود. به همین دلیل آتش سوزی ای که می توانست با عملیات بموقع مهار شود ۳۱۵ کشته و ۲۵۰ زخمی بجا گذاشت. بسیاری قابل شناسائی نبودند. بسیاری بدلیل هجوم جمعیت زیر دست و پا له شدند و مردند. کارگران حتی نمی توانستند خود را از پنجره به بیرون بیندازند. مالک کارخانه با شنیدن خبر به جای اقدامات نجات با خارج کردن ۵ میلیون دلار از حساب بانکی خود بلافاصله کراچی را ترک می کنند.

آتش سوزی در یک انبار ۱۷۰۰ متر مربعی یک شرکت مربوط به اتومبیل سازی در هانوفر، دسامبر ۲۰۱۲
آتش سوزی توسط یک راننده تاکسی به اطلاع رسید. بلافاصله مامورین آتش نشانی به محل

اعزام شدند. ۲۵۰ آتش نشان در عملیات شرکت داشتند. از طریق رادیو به مردم منطقه اعلام شد که به دلیل خطر گازهای حاصل از سوخت مواد درها و پنجره های خانه ها را ببندند و دائم به رادیو گوش بدهند. به هواپیماهایی که از منطقه عبور می کردند به دلیل ارتفاع دود خبر داده شد. عبور و مرور قطارهای بین شهری و شهری را که می باید از ایستگاهی در نزدیک محل اتش سوزی رد می شدند قطع کردند. اتوبان نزدیک محل بسته شد. میزان سموم هوا دائما اندازه گیری می شد و از طریق رادیو به اطلاع مردم می رسید. ۴۵ ماشین آتش نشانی در اطفا حریق شرکت داشتند و هیچ کس زخمی نشد. بیان این دو نمونه مبتنی براین نیست که در کشورهای سرمایه داری پیشرفته برای جان کارگران ارزش بالائی قایل هستند و بخاطرشان این کارها را می کنند بلکه بیانگر این است که در این کشورها مبارزات گذشته کارگران حداقل هایی را به سرمایه تحمیل کرده است. مسئولیت هایی را بر دوش سرمایه و حکومت گذاشته است که مجبور به رعایت آن هستند. کارگر حق خود می داند که در صورت موجود بودن خطر یا اشکال کار را تا رفع خطر و اشکال متوقف کند.

جزئیات مصوبه جدید دولت درباره استخدام و تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی

به گزارش خبرگزارش دولتی ایسنا،در اول دی آمده است : معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور از برطرف شدن موانع استخدامی و تبدیل وضعیت نیروهای شرکتی بدون هیچ گونه شرط زمانی و تعدادی خبر داد.
بنا بهمین گزارش،ابراهیم عزیزی در مورد مهم‌ترین مصوبات جلسه روز گذشته دولت اظهار کرد: با مصوبه جدید، جذب کارکنان در دستگاه اجرایی بر اساس مصوباتی است که مهم‌ترین آنها باید در دستگاه‌های اجرایی بر اساس پست‌هایی باشد که بتواند متصدی داشته باشد.
وی افزود: از این رو در این مصوبه بر اساس شناسایی پست‌های بدون تصدی در سطح ملی و استانی سهمیه‌ها تخصیص داده شده و به بالاترین مقام مربوطه در سطح استانی و ملی این اختیار داده شد تا تمامی کسانی را که در آزمون شرکت کرده و حد نصاب را به دست آورده‌اند با تایید آنها و در قالب پست‌های بدون متصدی با ارائه مجوز و طی مراحل قانونی استخدام صورت بگیرد.
وی در مورد تبدیل وضعیت شرکت‌ها به برداشتن سقف 24 ماه برای سابقه تبدیل نیز اشاره کرد و گفت: در مصوبه اخیر هیچ‌گونه شرطی از نظر زمان و تعداد برای تبدیل شرکتی به قراردادی وجود ندارد و کمترین یا بیشترین سابقه‌ای مورد توجه قرار نگرفته و تمامی کارکنان باید قرارداد کار معین داشته باشند و شرکتی معنا ندارد از این رو هرگونه ادامه خدمت شرکتی برای کادر اداری و نیروی انسانی وجاهت قانونی ندارد.

مرکز آمار ایران:نرخ بیکاری در تابستان به 12.4 درصد رسید

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر،دراول دی آمده است : مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری در تابستان امسال را 12.4 درصد اعلام کرد که نسبت به مدت مشابه در سال قبل، 1.3 درصد افزایش نشان می‌دهد.نرخ بیکاری نشان می دهد چند درصد از جمعیت فعال، بیکار هستند. در مقابل نرخ اشتغال نشان می دهد چند درصد از جمعیت فعال شاغل هستند. بنابراین بررسی نرخ بیکاری به طور ضمنی بررسی نرخ اشتغال نیز می‌باشد.
براساس نتایج به دست آمده در فصل تابستان، نرخ بیکاری جمعیت 10 ساله و بیشتر در کل کشور 12.4 درصد بوده است. این شاخص در بین مردان 10.2 درصد و در بین زنان 22.1 درصد محاسبه شده است.
همچنین نتایج بیانگر آن است که نرخ بیکاری در نقاط شهری بیشتر از نقاط روستایی است به طوری که نرخ بیکاری در نقاط شهری 14.5 درصد و در نقاط روستایی 7.1 درصد است. چنانچه جمعیت فعال 15 ساله و بیشتر در نظر گرفته شود، نرخ بیکاری همان 12.4 درصد به دست می‌آید. مقایسه نرخ بیکاری در گروه‌های سنی نشان می دهد، بیشترین نرخ بیکاری در گروه سنی 24-20ساله با 29.8 درصد بوده است. بررسی این شاخص در بین مردان و زنان نشان

می دهد همین گروه سنی در بین مردان با 24.8 درصد و در بین زنان با 48.5 درصد بالاترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده است.
بررسی نرخ بیکاری جمعیت 10 ساله و بیشتر نشان می دهد که این شاخص در تابستان 1391 نسبت به بهار 1391، 0.5 درصد کاهش یافته است. این نرخ در نقاط شهری 0.4 درصد و در نقاط روستایی 0.8 درصد کاهش داشته است. همچنین در بین زنان 2.1 درصد افزایش و در بین مردان 1.0 درصد کاهش یافته است.
نرخ بیکاری جمعیت 10 ساله و بیشتر در تابستان 1391 نسبت به تابستان 1390، 1.3 درصد افزایش یافته است. این شاخص در نقاط شهری 2.0 درصد و در نقاط روستایی 0.5 درصد کاهش یافته است. همچنین در بین مردان 0.9 درصد و در بین زنان 2.1 درصد افزایش یافته است.
نرخ بیکاری جمعیت 10 ساله و بیشتر در کل کشور 12.4 درصد به دست آمده است. مقایسه این شاخص در بین استان‌ها نشان می دهد استان فارس با 21.2 درصد بالاترین نرخ بیکاری را داشته و بعد از آن استان لرستان با 20.5 درصد قرار گرفته است. از سوی دیگر پایین ترین نرخ بیکاری با 6.3 درصد در استان خراسان جنوبی مشاهده شده است.

هشدار کارگران معادن طبس هشت ماه پیش از وقوع فاجعه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر اول دی ماه 1391 آمده است : تعدادی از کارگران معادن طبس در تاریخ ۱۳ اردیبهشت‌ماه سال جاري، در نامه‌ای سرگشاده ضمن انتقاد از آنچه «سوء مدیریت موجود در معادن زغالسنگ مخصوصا معادن مکانیزه زغالسنگ»، ذکر کرده بودند، خواستار پیگیری کامل، جدی و بدون هیچ گونه تساهل و تسامح و رسیدن به نتیجه نهایی و مشخص شدن عمق، ابعاد و زوایای پنهان این سوءمدیریت‌ها شده بودند.
کارگران معادن زغال‌سنگ شهرستان طبس، هشت ماه پیش از وقوع حادثه انفجار معدن یال شمالي، در نامه‌ای خطاب به نماینده وقت این شهرستان در مجلس شورای اسلامي، نسبت به کمبود امکانات ایمنی و همچنین سوءمدیریت در معادن طبس که جان کارگران را به خطر مي‌اندازد، هشدار داده و اظهار امیدواری کرده بودند با پي‌گیري‌های این نماینده بتوانند بدون ترس و واهمه از دخالت حراست و مدیریت شرکت، نظرات خودشان را برای هیاتهای بازرسی بیان کنند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، این کارگران که شاید تعدادی از آنان در زمره کشته‌شدگان حادثه اخیر انفجار در معدن یال شمالی باشند، در نامه سرگشاده خود که در تاریخ ۱۳ اردیبهشت‌ماه سال جاری خطاب به «محمد کریم عابدی» ارسال شده بود، ضمن انتقاد از آنچه «سوء مدیریت موجود در معادن زغالسنگ مخصوصا معادن مکانیزه زغالسنگ»، ذکر کرده بودند، خواستار پیگیری کامل، جدی و بدون هیچ گونه تساهل و تسامح و رسیدن به نتیجه نهایی و مشخص شدن عمق، ابعاد و زوایای پنهان این سوء مدیریت‌ها شده بودند.
این کارگران در نامه اردیبهشت ماه خود که اکنون نیز در بایگانی پایگاه اینترنتی این نماینده پیشین مجلس موجود است، خواستار فراهم آمدن شرایطی شده بودند که با بررسی کارشناسانه و دقیق موضوع و مشخص شدن تبعات منفی این سوء مدیریت‌ها، شرایطی نیز فراهم شود تا پرسنل بتوانند «بدون ترس و واهمه از دخالت حراست و مدیریت» که برایشان ایجاد خواهند کرد، نظرات خودشان را برای هیاتهای بازرسی بیان نموده و مدارک و مستندات مربوطه را در اختیار آنان قرار دهند.

درباره عواقب کمبود امکانات ایمنی هشدار داده بودم
محمد کریم عابدي، نماینده پیشین مردم طبس درباره نامه هشت ماه قبل کارگران، به ایلنا گفت: علي‌رغم هشدارهای پی در پی کارگران، واقعه انفجار معدن یال شمالی نشان داد که متاسفانه همچنان شاهد بي‌توجه‌ای به مطالبه بحق کارگران هستیم.
به گزارش ایلنا، نماینده پیشین طبس ضمن ابراز تاسف از کشته شدن هشت کارگر معدن یال شمالي، درباره سوابق اینگونه حوادث در معادن این منطقه اظهار کرد: در پی آتش سوزی و انفجار معادن خصوصی زغال سنگ در این منطقه، جلسات متعددی را با مسئولان ایمنی و

کارفرمایان برگزار کرده و درباره عواقب جبران ناپذیر کمبود امکانات ایمنی به آنان هشدارهایی داده بودم.
او اضافه کرد: همچنین در جریان بازدید رئیس جمهوری از معادن طبس در افتتاحیه دستگاه‌های مکانیزه شستشوی زغال سنگ، بسیاری از مشکلات معادن و کارگران را به ایشان منتقل کرده بودم.
عابدی ادامه داد: برای رفع این مشکلات در معادن طبس بودجه‌ای نیز از وزارت معادن برای تجهیز معادن در بخش ایمنی و اکتشاف تخصیص داده شد که در اختیار معادن منطقه قرار گرفت.
به گفته نماینده پیشین مردم طبس بسیاری از کارگران در معادن طبس روزانه ۱۲ ساعت کار مي‌کنند و تعداد زیادی از آن‌ها نیز به علت دوری راه و اینکه از شهرستان‌ها و استانهای هم جوار جهت کار به این معادن آمده‌اند هفته‌ها از خانواده‌های خود دور بوده و شب‌ها در استراحتگاه اقامت دارند.
عابدی درباره مشاهداتش از امکانات معادن طبس اظهار کرد: در بازدیدهای شخصی من از داخل تونل دستگاه تخلیه هوا و برق در آن زمان مشکل داشت و تاکید کرده بودم با تکمیل تجهیزات و افزایش ژنراتورهای کمکی مشکلات قطعی برق حل شود.
نماینده پیشین طبس با بیان اینکه در سال ۸۸ و در پی واگذاری گسترده تعدادی از معادن به بخش خصوصي، مخالفت خود را ابراز کرده بود، ادامه داد: مسئولان وقت به تذکرات ما مبنی بر اینکه پس از خصوصي‌سازی معادن به ایمنی کار اهمیت داده شود و با آموزش نیروی کار و همسان‌سازی تجربه‌ها مانع وقوع حوادث شوند، توجهی نکردند.
او درباره دلایل برخی سوءمدیریت‌ها در بخش خصوصی و دولتي، گفت: بعضی از اعضای هیئت مدیره معادن دولتی حتی نمي‌دانند معدنی که در آن مسئولیت دارند کجاست و در دفتر کارشان در تهران نشسته‌اند. از جانب دیگر بعضی مدیران بخش خصوصی نیز تنها به فکر سودجویی هستند و کمترین توجهی به رعایت نکات ایمنی و تجهیز کارگران ندارند.

در ایران، سالانه به طور متوسط ۵۰ کارگر معدن کار، جان خود را طی حوادث حین کار از دست مي‌دهند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر اول دی ماه 1391 آمده است : در ایران، سالانه به طور متوسط ۵۰ کارگر معدن کار، جان خود را طی حوادث حین کار از دست مي‌دهند/ در ۲۵ آبان سال ۹۱، جوان ۲۷ ساله‌ای به نام «مجید شهریاری» براثر گاز گرفتگی جان خود را در همین معدن از دست داد. این مرگ را مسئولان امری طبیعی تلقی کردند.
معادن ایران همچنان قربانی مي‌گیرد. آخرین مورد، انفجار معدن یال شمالی طبس واقع در شمال شرقی استان یزد در روز سه شنبه ۲۸ آذر ماه سال جاری بود که به جان باختن ۸ کارگر معدن کار منجر شد و احساسات ایرانیان را بار دیگر جریحه دار کرد. مردم استان یزد، فاجعه فولاد غدیر را از یاد نبرده بودند که حادثه‌ای دیگر آن‌ها را مجددا داغدار کرد.
به گزارش ایلنا در ایران، سالانه به طور متوسط ۵۰ کارگر معدن کار، جان خود را طی حوادث حین کار از دست مي‌دهند. حوادث حین کار در معادن ایران، داستان تلخی دارد. اکثریت معدن کاران در طول عمر خود، حداقل یکبار با این حوادث رو به رو مي‌شوند. به باور بسیاری از کارشناسان در اکثر حوادث تلخی که در معادن رخ مي‌دهد، کارفرمایان مقصر اصلی هستند. سهل انگاري، عدم آموزش صحیح به معدن کاران و عدم رعایت استانداردهای ایمنی معادن با انگیزه کاهش دادن هرینه‌های احتمالی از جمله قصور کارفرمایان است که در سال‌های گذشته منجر به حوادث تلخ و ناگوار جان باختن معدن کاران شده است.

در این میان، اهمال بازرسان وزارت کار که به موجب تبصره ۲ ماده ۹۶ قانون کار وظیفهٔ «بازرسی به صورت مستمر، همراه با تذکر اشکالات و معایب و نواقص و در صورت لزوم تقاضای تعقیب متخلفان در مراجع صالح» معادن را بر عهده دارند نباید فراموش شود. در اکثر حوادثی که در سال‌های گذشته در معادن ایران اتفاق افتاده حضور بازرسان وزارت کار کمرنگ گزارش شده است.

قانون کار جایگاه ویژه‌ای برای بازرسان کار به عنوان ضابط قضایی تعیین کرده است و حتی به بازرسین کار اجازه توقیف فعالیت معدن را در صورت رعایت نشدن نکات ایمنی داده است.

مروری اجمالی بر حوادث روی داده در معادن ایران طی سال‌های اخیر
در سال‌های گذشته، حوادث تلخی همچون حادثه معدن یال شمالی طبس به صورت مکرر رخ داده است. تنها طی ۴ سال -در حد فاصل سال‌های ۸۴ تا ۸۸ - سه مورد حادثهٔ فاجعه بار در معدن «باب نیزو» واقع در ۳۸ کیلو متری شهرستان زرند استان کرمان اتفاق افتاده که نشانگر عدم وجود عزمی جدی برای ریشه کن کردن اتفاقات ناگوار در معادن ایران است.
نخستین بار در سال ۸۴، افق شمارهٔ ۲ معدن باب نیزو منفجر شد که ۹ نفر در آن حادثه جان خود را از دست دادند. دلیل این حادثه، حضور ۵ درصدی گاز متان در فضای معدن اعلام شد.
نکتهٔ تلخ ماجرا آن است که اگر بازرسان وزارت کار به وظیفهٔ خود عمل مي‌کردند و از وجود دستگاه گاز سنج که برای مطلع ساختن کارگران از میزان گازهای سمی موجود در فضا به کار مي‌رود مطمئن مي‌شدند آن ۹ کارگر جان باخته هم اکنون زنده بودند. اما یک سهل انگاری ساده از سوی کارفرما - فارغ از دلیل آن - و عدم نظارت جدی بازرسان وزارت کار بر ایمنی معدن، ۹ کارگر را به کام مرگ فرستاد و خانواده‌های آنان را داغدار کرد.
بار دیگر در سال ۸۷، فاجعه‌ای با ابعاد کوچک‌تر در همان معدن رخ داد که منجر به کشته شدن ۲ کارگر شد. اما آن چیزی که کام دلسوزان و ناظران مستقل ماجرا را تلخ تر مي‌کند تکرار این حادثه برای بار سوم در سال ۸۸ است. در آن حادثه نیز ۱۵ کارگر معدن کار کشته شدند.
نمونهٔ دیگر از این دست ماجراها، جان باختن جوانی ۲۷ ساله در معدن «همکار» واقع در شهرستان راور کرمان بر اثر نشت گاز متان است که در آبان ماه سال ۹۱ رخ داد.
در طی سال های گذشته «عبدالرضا مولایی»، «علی حاج حسنی»، «علیرضا کاظمی» و چند تن دیگر از کارگران در این معدن به دلایل مختلف جان باخته بودند و در ادامه این روند، حدود یک ماه قبل در ۲۵ آبان سال ۹۱، جوان ۲۷ ساله‌ای به نام «مجید شهریاری» براثر گاز گرفتگی جان خود را در همین معدن از دست داد. این مرگ را مسئولان امری طبیعی تلقی کردند. گویا به زعم این مسئولان مرگ بر اثر گاز گرفتگی امری طبیعی است. اما باید پرسید که آیا در صورت رعایت موارد ایمنی از سوی کارفرما و نظارت جدی بازرسان وزارت کار بر ایمنی معدن مذکور، باز هم این امر طبیعی رخ مي‌داد؟
درهمین رابطه در تاریخ ۲۶ آذر ماه سال جاری یکی از کارگران معدن همکار که از بیم اخراج نمي‌خواهد نامش فاش شود در تماس با ایلنا مي‌گوید: «نداشتن امکانات ایمنی و همچنین مشکلات معیشتی که ذهن معدن‌کاران را در هنگام انجام کار مشغول مي‌کند، باعث رخ دادن چنین حوادث تلخی مي‌شود. ما از بازرسان وزارت کار مي‌خواهیم با سرکشی منظم و مداوم به ا ین معدن مانع تضییع حقوق کارگران شوند.
او ادامه مي‌دهد: متاسفانه مسئولین در این زمینه اغلب یا مسامحه، علت مرگ این کارگران را سهل انگاری معرفی مي‌کنند در صورتی که کارگران این معدن در نبود امکانات ایمنی و نیروهای امدادی ماهر و باتجربه، پزشک و اورژانس متناسب بامحیط کار، لباس کار، ماسک استاندارد و چکمه کار مجبور به کار کردن هستند. مسئولین تنها به فکر بازدهی معدن هستند نه به فکر کارگری که بایستی ساعت‌ها در عمق بیش از ۲۰۰ متری زمین زغال سنگ استخراج کند.»
ذکر وقوع دو حادثهٔ فاجعه بار دیگر در معادن استان کرمان، این مصیبت نامه را کاملتر مي‌کند.
در سال گذشته، ریزش تونل در معدن اشکلی واقع در هجدک کرمان به مرگ ۴ معدن کار در ۶۰۰ متری افق تونل منجر شد. دادستان شهرستان راور کارفرمای این معدن را مقصر حادثه اعلام کرد. در حاثه ای دیگر ریزش تونل در معدن کروم ضوغان شهرستان ارزوئیه منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از کارگران شده بود.
موارد ذکر شده تنها بخشی از حوادث ناگواری است که در طی سال‌های اخیر در معادن ایران رخ داده است که تمامی آن‌ها نشانگر قصور و تقصیر کارفرمایان و بازرسان وزارت کار است.

فاجعه معدن طبس؛ هشدار کارگران پیش از وقوع حادثه
نکته ی دردناک و تامل برانگیز در فاجعهٔ معدن یال شمالی طبس که به کشته شدن ۸ کارگر

معدن کار منجر شد این است که کارگران معادن زغال‌سنگ شهرستان طبس، هشت ماه پیش از وقوع انفجار، در نامه‌ای خطاب به نماینده وقت این شهرستان در مجلس شورای اسلامي، نسبت به کمبود امکانات ایمنی و همچنین سوءمدیریت در معادن طبس هشدار داده بودند.
این کارگران که شاید تعدادی از آنان در زمره کشته‌شدگان حادثه اخیر انفجار در معدن یال شمالی باشند، در نامه سرگشاده خود که در تاریخ ۱۳ اردیبهشت ماه سال جاری خطاب به محمد کریم عابدی ارسال شده بود، ضمن انتقاد از «سوء مدیریت موجود در معادن زغال سنگ مخصوصا معادن مکانیزه زغال سنگ»، خواستار پیگیری کامل، جدی و بدون هیچ گونه تساهل و تسامح تا رسیدن به نتیجه نهایی و مشخص شدن ابعاد و زوایای پنهان این سوء مدیریت‌ها شده بودند.
این کارگران در نامه اردیبهشت ماه خود که اکنون نیز در بایگانی پایگاه اینترنتی این نماینده پیشین مجلس موجود است، خواستار فراهم شدن شرایطی شده بودند که پرسنل بتوانند «بدون ترس و واهمه از دخالت حراست و مدیریت شرکت»، نظرات خود را برای هیاتهای بازرسی بیان کنند و مدارک و مستندات مربوطه را در اختیار آنان قرار دهند.

چگونگی برخورد با مقصران احتمالی
روز چهارشنبه (۲۹ آذر) استاندار یزد از رسیدگی هیاتی متسکل از کارشناسان و دستگاه‌های اجرایی برای علت یابی حادثه انفجار معدن یال شمالی طبس خبر داد و خواستار برخورد با مقصران احتمالی این فاجعه شد.
اما برخوردهای قبلی که با مقصران حوادث کارگری صورت گرفته و آخرین مورد آن به فاجعه فولاد غدیر یزد باز مي‌گردد ناظران مستقل را از سرانجام این پرونده دچار تردید کرده است.
برای مثال در فاجعهٔ فولاد غدیر یزد که به کشته شدن ۱۸ کارگر منجر شده بود، کارفرمای این کارخانه صرفا به پرداخت دیه به خانوادهٔ جان باختگان و شش ماه حبس تعزیری محکوم شد.
طبیعتا این رای صادره اولیای دم کشته شدگان و ناظران این ماجرا را حیرت زده کرد. این ژرسش برای آنان مطرح بود که در حالی که برخی جوانان به دلیل اخلال در ترافیک طبق قانون به حبس‌های طولاني‌تر از شش ماه محکوم می شوند چگونه قصور و تقصیر در کشته شدن ۱۸ انسان به چنین حکمی منجر می شود.
با توجه به نامهٔ بالا و وقوع حادثهٔ تلخ معدن طبس، افکار عمومی تشنهٔ آن است تا هیات علت یاب هر چه سریع‌تر دلیل این فاجعه و مقصران آن را معرفی کند.

بیانیه مطبوعاتی فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل: تشدید نگرانی نسبت به وضعیت شهابی

تشدید نگرانی نسبت به وضعیت شهابی، خزانه دار سندیکای اتوبوسرانی تهران
فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل نگرانی های مداوم خود را در رابطه با ادامه حبس زندانی بیمار ایرانی، رضا شهابی، خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، یک تشکل وابسته به آی تی اف، که همچنین به نام سندیکای واحد شناخته می شود، ابراز کرده است.
شهابی به مدت بیش از دو سال و نیم شده است که زندانی می باشد. وضعیت جسمی وی پس از یک عمل جراحی در گردن و ستون فقرات بدتر شده است. برخلاف توصیه پزشکان، شهابی در ماه اگوست به زندان اوین برگردانده شد. شهابی، پس از آنکه از انتقال به بیمارستان جهت درمان مناسب محروم شد، از تاریخ ۱۷ دسامبر از خوردن غذا امتناع کرده است. سلامتی وی همچنین به دلیل ضرب و شتم های شدید و بدرفتاریهایی که با وی شده است به شدت متاثر شده است.
دیوید کاکرافت، دبیر کل آی تی اف، اظهار کرد:"رضا شهابی باید فورا از زندان آزاد و به سرعت تحت درمان قرار بگیرد. فدراسیون جهانی حمل و نقل حبس و حکم ناعادلانه علیه او را محکوم می کند، و خواهان توقف همه آزار و اذیت ها علیه فعالین کارگری در ایران می باشد".
لینک به اصل خبر به زبان انگلیسی:

http://www.itfglobal.org/press-area/index.cfm/pressdetail/8294
ترجمه به فارسی و بازتکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
info@workers-iran.org
http://www.workers-iran.org

جمعه ۱ دی ۱۳۹۱ - ۲۱ دسامبر ۲۰۱۲

اتحادیه نقاشان ساختمانی استان کپنهاک:
رضا شهابی باید فورا از زندان آزاد و به سرعت تحت درمان قرار بگیرد

اتحادیه نقاشان ساختمانی استان کپنهاک (دانمارک) این نامه را در اعتراض به ادامه اذیت و آزار فعالین کارگری و نقض فاحش حقوق کارگران در ایران می نویسد. ما همچنان شاهد هستیم که بسیاری از فعالان کارگری در ایران به طرز وحشیانه ای مورد اذیت و آزار قرار گرفته و به ناحق در زندان هستند. مشخصا، ما به طور جدی در مورد سلامتی و وضعیت رضا شهابی نگران هستم. رضا شهابی، عضو هیئت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران، به مدت بیش از دو سال و نیم می باشد که در زندان به سر می برد. شهابی به شدت در طول بازجویی در بازداشت مورد ضرب و شتم قرار گرفته بود. او در تاریخ ۲۴ ژوئیه ۲۰۱۲ مورد عمل ستون فقرات گردنی قرار گرفت. پزشکان توصیه کرده اند که کمر ایشان نیز باید مورد درمان قرار بگیرد. بر خلاف توصیه پزشکان، شهابی به بند ۳۵۰ زندان اوین در تاریخ ۱۴ اوت ۲۰۱۲ فرستاده شد. از آن زمان به بعد، سلامت وی به شدت رو به وخامت گذاشته شده است. از تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۲، رضا شهابی در اعتراض به رفتار تهدید آمیز زندانبانان و همچنین تداوم عدم درمان مناسب پزشکی دست به اعتصاب غذا زده است.
اتحادیه نقاشان ساختمانی استان کپنهاک قویا بازداشت های ناعادلانه و حکم صادره علیه رضا شهابی و دیگر فعالان کارگری را محکوم می کند. اتحادیه نقاشان ساختمانی استان کپنهاک همچنین اذیت و آزار مداوم و بازداشت فعالین کارگری در ایران را محکوم می کند.
اتحادیه نقاشان ساختمانی استان کپنهاک خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط رضا شهابی و همه فعالان کارگری زندانی در ایران می باشد.
بو روسچو
رئیس اتحادیه نقاشان ساختمانی استان کپنهاک
۲۱ دسامبر ۲۰۱۲
ترجمه و بازتکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

اتحادیه اروپا ۱۸ شرکت و سازمان و یک ایرانی دیگر را تحریم کرد

به گزارش سایپت صدای آلمان در اول دی 91 آورده است : اتحادیه اروپا روز جمعه (۲۱ دسامبر/ اول دی) ۱۸ شرکت و سازمان و همچنین یک شخصیت دیگر ایرانی را به فهرست تحریم‌های خود علیه ایران اضافه کرد.
به موجب گزارش خبرگزاری آلمان، با احتساب ممنوعیت‌های جدید، شمار شخصیت‌های ایرانی که نمي‌توانند به کشورهای عضو اتحادیه اروپا سفر کنند به ۱۰۵ نفر رسیده است. همچنین ۴۹۰ شرکت یا سازمان مجاز به انجام معامله در حوزه اتحادیه اروپا نیستند. این تحریم‌ها در تلاش برای توقف برنامه اتمی ایران وضع شده است. غرب به تولید بمب اتم در ایران مظنون است.

تحریم‌های تازه ی آمریکا علیه چند شرکت ایرانی در ارتباط با سوریه و فعالیت‌های هسته‌ای

به گزارش سایت فارسی بی بی سی در اول دی آمده است : وزارت دارایی آمریکا چهار شرکت و یک مدیر ایرانی را به دلیل ارتباطشان با برنامه های هسته ای و موشک های بالستیک ایران در لیست سیاه خود قرار داده است.
بر اساس این تصمیم که روز جمعه ۲۱ دسامبر اتخاذ شده، هر گونه دارایی احتمالی این شرکت ها در آمریکا مسدود می شود و آمریکایی ها از هرگونه معامله با آنها منع می شوند.
وزارت دارایی آمریکا می گوید که یکی از این شرکت ها -شرکت واردات و صادرات ساد- از سوی سازمان صنایع دفاع ایران به ارتش سوریه، تجهیزات نظامی هم ارسال کرده است.
وزارت دارایی آمریکا می گوید که این تجهیزات به تولید خمپاره و موشک برای استفاده علیه مردم سوریه کمک می کند.
سازمان صنایع دریایی و مصطفی اثباتي، مدیر عامل این سازمان، شرکت بین المللی دوستان و شرکت گروه صنایع شیمیایی و توسعه مواد نیز در فهرست سیاه وزارت دارایی آمریکا قرار گرفته اند.
تحریم های تازه از سوی شورای امنیتدر همین حال یک کمیته وابسته به شورای امنیت سازمان ملل متحد شامگاه پنجشنبه ۲۰ دسامبر دو شرکت ایرانی را که با رساندن سلاح به دولت سوریه، تحریم تسلیحات سازمان ملل بر تهران را نقض کرده اند، تحریم کرد.

آمریکا از این تصمیم استقبال کرده است. سوزان رایس، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد، در بیانیه ای گفت که این دو شرکت که کمیته تحریم ایران در شورای امنیت، آنها را در لیست سیاه خود قرار داده، "به وضوح درگیر قاچاق تسلیحات ایرانی از جمله به سوریه بوده اند."
او گفت: " شرکت یاس ایر و شرکت واردات و صادرات ساد (SAD) مسئول ارسال مهمات، تفنگ، مسلسل، خمپاره، و دیگر تجهیزات نظامی از ایران به سوریه اند."
خانم رایس گفت: "تصمیم این کمیته نگرانی های فزاینده بین المللی درباره استفاده ایران از بخش حمل و نقل را به عنوان وسیله ای برای صدور تسلیحات و دیگر فعالیت های غیرقانونی ناقض تحریم های سازمان ملل، مورد تاکید قرار می دهد."
کارگروه نظارت بر اجرای تحریم ها در کمیته تحریم های ایران در شورای امنیت سازمان ملل متحد، پیشتر توصیه کرده بود که این کمیته شرکت حمل و نقل هوایی یاس، شرکت واردات و صادرات ساد و یک شرکت دیگر را در فهرست سیاه سازمان ملل قرار دهد.
روز سی ژوئن ۲۰۱۲ نیز یک کمیته وابسته به شورای امنیت سازمان ملل گزارشی را منتشر کرده بود که حکایت داشت ایران، علي‌رغم تحریم های وضع شده علیه این کشور، اقدام به صادرات سلاح به سوریه کرده است.
شورای امنیت تاکنون در چهار مرحله تحریم هایی را علیه ایران وضع کرده است. دلیل این تحریم ها امتناع ایران از توقف برنامه غنی سازی هسته ای اش است که آمریکا، اتحادیه اروپا و متحدانشان احتمال می دهند به برنامه اتمی نظامی ارتباط داشته باشد. ایران ضمن رد این اتهام، می گوید برنامه هسته ای این کشور کاملا صلح آمیز و هدف از آن، تامین انرژی و مصارف پزشکی است.
طبق تحریم های شورای امنیت، ایران حق صدور سلاح به کشورهای دیگر را ندارد.

«آلومتک و آلومراد» قزوین کارگر را اخراج کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : یک فعال کارگری در کارخانجات «آلومتک و آلومراد» قزوین، از اخراج ۵۰ کارگر این واحد صنعتی به دلیل آنچه از سوی کارفرما «فقدان نقدينگي، عدم دریافت وام و تسهیلات» ذکر شده است، خبر داد.
مرتضی جنت آبادی رئیس شورای اسلامی کار کارخانجات آلومتک و آلومراد قزوین با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: مدیران کارخانجات آلومتک و آلومراد قزوین ۵۰ کارگر این شرکت را با سابقه ۴ تا ۱۸ سال کار به اسم فقدان نقدينگي، عدم دریافت وام و تسهیلات اخراج کردند.
نماینده کارگران آلومتک و آلومراد تاکید کرد: ۵۰ کارگر در اولین روز کار زمستان اخراج شدند و در حال حاضر هیچ کس پاسخوگی وضعیت این کارگران نیست.

گفتگو با کارگران اخراجی
علی شیرواني، کارگر اخراجی خط تولید کارخانجات آلومتک و آلومراد قزوین به ایلنا گفت: کارخانجات آلومتک و آلومراد قزوین در هفته گذشته به عنوان صادر کننده نمونه استان قزوین شناخته شد و در مراسمی که از صدا و سیمای استان پخش شد از دست استاندار و دیگر مسوولان جایزه گرفت، حال این سوال برای ما کارگران مطرح است، این چطور صادر کننده نمونه‌ای است که کارگران خود را بعد از کسب عنوان اخراج مي‌کند.
مجید دوستي، دیگر کارگر اخراجی کارخانجات آلومتک و آلومراد قزوین نیز با اشاره به سابقه ۱۸ سال کار خود در خط تولید این کارخانه افزود: در حین کار صدمات متعددی دیده‌ام و حال با ۴۵ سال سن و چند سرعائله و مستاجری کجا مي‌توانم کار کنم، در حالی که چند ماه دیگر مي‌توانستم بازنشسته شوم.
وی ادامه داد: طی ۴ سال به مرور مزایای کارگران از جمله حق تولید، کارانه، مساعده، سرویس، ناهار و... حذف کردند و حالا خودمان را اخراج کردند.

! جنایات سیستماتیک نظام سرمایه داری و رژیم اسلامی ، علیه کارگران ایران

برپایه اطلاعیه رسیده به روز شمار کارگری در 2 دی ماه 91 آمده است : نظام سرمایه داری ایران (چه بخش دولتی و چه بخش خصوصی آن) در بطن تشدید بحران اقتصادی و به رغم گسترش فقر و فلاکت در جامعه ، برای حفظ سیادت خود و سود ناشی از بهره کشی طبقاتی ، همچنان به یورش به سطح معیشت کارگران ، مقاومت در برابر مطالبات آنها ، تشدید فشار بر فعالین کارگری و نیز اعمال جنایت علیه کارگران در محیط نا امن کارشان ادامه میدهد.

رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد تهران که از سه سال پیش در حبس بسر میبرد در اعتراض به ممانعت عوامل رژیم از معالجه و برخوردهای توهین آمیز زندانبانان ، دست به اعتصاب غذای تر زده است . او قبلا نیز در اعتراض به فشارهای روحی و جسمی ، دو بار دست به اعتصاب غذا زده بود . کمیته دفاع از رضا شهابی در ایران با صدور اطلاعیه جدیدی ، هشدار داده است که با توجه به بیماریهای متعدد رضا شهابی و افزوده شدن مخاطرات ناشی از اعتصاب غذا ، خطر جانی کاملا جدی است و مسئولیت بروز هر گونه پیشامد ناگوار برای رضا شهابی تماما متوجه جمهوری اسلامی است.

تشدید فشار بر رضا شهابی همزمان شده است با ممنوع الملاقات شدن پدرام نصرالهی عضو کمیته هماهنگی ایجاد تشکلهای کارگری در زندان سنندج و نیز دیگر فعالین کارگری زندانی و عموم زندانیان سیاسی ایران . اما این تنها بخشی از ماهیت ضد کارگری جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد . کشته شدن حداقل هشت کارگر معدن ذغال سنگ طبس در هفته گذشته ، بار دیگر توجه افکار عمومی را به جنایات سیستماتیک نظام سرمایه داری علیه کارگران در محیطهای کار را که ناشی از عدم رعایت استانداردهای ایمنی کار توسط کارفرمایان دولتی و خصوصی است ، جلب نمود این تراژدی در حالی به وقوع پیوست که هشت ماه پیش (۱۳ اردیبهشت) جمعی از کارگران همین معدن با ارسال نامه ای به وزارت کار نسبت به فقدان ایمنی های لازم در محیط کارشان هشدارهای لازم را داده بودند.

همزمان با این واقعه دردناک ، رسانه ها و پزشکی قانونی رژیم نیز اعتراف می کنند که آمار تلفات ناشی از حوادث محیط کار نسبت به سال قبل 24 درصد رشد داشته است به طوریکه روزانه حداقل پنج کارگر در ایران به خاطر عدم دسترسی به وسایل ایمنی کار جان خود را از دست میدهند . ضمن اینکه سالانه دهها هزار نفر نیز مجروح و معلول می شوند. این مسئله موجی از اعتراضات را نسبت به سیاستهای ضدکارگری جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران برانگیخته است . در روز ۲۹ آذر هزاران تن از مردم طبس و دیگر شهرهای استان یزد با حضور پرشور در مراسم خاکسپاری هشت معدنچی ، ضمن ابراز همدردی با خانواده های این عزیزان ، اعتراض خود را نسبت به سیاستهای بهره کشانه و جنایتکارانه کارفرمایان و رژیم سرمایه داری اسلامی ابراز داشتند.

همزمان ما شاهد رشد اعتراضات کارگری در نقاط مختلف کشورمان هستیم . اعتصاب کارگران پتروشیمی امیرکبیر در ماهشهر همچنان ادامه دارد . کارگران کارخانه آزمایش در تهران دست به تجمع اعتراضی زده اند . کارگران ساختمانی تهران بزرگ با تجمع در برابر مجلس نسبت به بیکاری ، بی

حقوقی کامل خود و نیز فقدان بیمه و تامین اجتماعی اعتراض کرده اند . همچنین جمعی از هماهنگ کنندگان طومار ۳۰ هزار نفره کارگران ایران در اعتراض به اصلاحیه جدید قانون کار که مجلس ضد کارگری مشغول بررسی آن است در برابر این نهاد حکومتی دست به تجمع زدند . اکثریت امضا کنندگان این طومار اعتراضی اگر چه واقفند که حتی قانون کار فعلی نیز دردی از کارگران مداوا نخواهد نمود و همچنان اکثریت نیروی کار کشور از شمول این قانون کار ارتجاعی خارج خواهند بود ، اما در عین حال آگاهند که اصلاحیه جدید قانون کار وضع کارگران را از این هم که هست بدتر خواهد نمود و رسما طبقه کارگر ایران را به دوره شبه برده داری سوق خواهد داد ، لذا برای درهم شکستن یورش جدید رژیم اسلامی سرمایه ، تلاش متحدانه ای را آغاز کرده اند .

اتحاد چپ ایرانیان در خارج از کشور ضمن پشتیبانی از این مقاومت غرورانگیز ، خواستار آن است که کلیه نیروهای چپ ، مترقی و کارگری در ایران و جهان کارزار وسیعی برای حمایت از طبقه کارگر ایران برپا کنند که زیر بار سیاستهای ویرانگر رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی از یکسو و زیر فشارهای تحریمهای اقتصادی بین المللی از سویی دیگر به اعماق خط فقر سوق داده شده اند.

اتحاد چپ ایرانیان همچنین ضمن همبستگی با رضا شهابی و کلیه فعالین کارگری ، خواهان آزادی فوری و بی قید وشرط همه کارگران زندانی و عموم زندانیان سیاسی و عقیدتی ایران است . ما همچنین مراتب همدردی خود را با خانواده های قربانیان معدن ذغال سنگ طبس اعلام می کنیم و نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی را مسئول کامل این حادثه و جنایاتی نظیر آن میدانیم.

پاینده باد جنبش انقلابی کارگران در ایران

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

اتحاد چپ ایرانیان در خارج از کشور

دیماه ۱۳۹۱ برابر با ۲۲ دسامبر ۲۰۱۲

iranleftalliance@gmail.com

etehadchaptv@gmail.com

همراه شو رفیق
دشوار زندگی بی رزم مشترک آسان نمی شود
نامه ی یک فعال کارگری

بر پایه خبر منتشره در سایت اخبار زور در 2 دی آمده است : به دنبال انتشار نامه ی تعدادی از زندانیان سیاسی بند ۳۵۰ زندان اوین مبنی بر انحصار طلبی در این بند، نامه ی زیر توسط یکی از فعالین کارگری در ایران برای انتشار در اختیار اخبار روز قرار گرفته است. نام واقعی این فعال کارگری در تحریریه ی اخبار روز محفوظ است.
در سایت اخبار روز مورخ ۲۸/۰۹/۹۱ مطلبی به نقل از یکی از دوستان، در ارتباط با پارهای اختلافات سیاسی وعقیدتی و برخی تنگ نظری ها در زندان میان زندانیان سیاسی درج شد. چه خوب بود اخبار روز بخاطر جلوگیری از بازتاب منفی آن از انتشارش خوداری می کرد و در اینکار، که تاثیر بسیار منفی در روحیه مبارزان داخل و خارج از زندان می نهد و مورد سواستفاده سیستم حاکم از این مسایل می گردد پیشقدم نمی شد. این مطلب توسط یکی از دوستان که منهم ایشان را می شناسم و از طرف تعدادی از زندانیان سیاسی، نوشته شده بود که به باور بعضی هایشان جنبش سبز از بین رفته، و تعداد دیگری از آنها گرچه این را قبول ندارند ولی بر این اعتقاد قرار دارند که جنبش در حالت رکود قرار دارد. من فکر می کنم که منشا این اختلافات و البته برخی تنگ نظری ها در میان مخاطبان مطلب مندرج در اخبار روز، وجود این ارزیابی و واکنش مخالفت آمیز آنها با این ارزیابی است که البته در حد ارزیابی هم نمانده و می خواهد راه خودش را از طرفداران جنبش جدا کند و ظاهرا چنان به اینکار مصمم گردیده که تصمیم به علنی کردن اختلافات نموده است.
همه ما می دانیم که در جنبش گرایشات و تمایلات گوناگونی وجود دارد. اما همه این را نیز می

دانیم که بر سر دمکراسی و مبارزه علیه انحصار طلبی حکومت، بین همه زندانیان سیاسی تفاهم و اشتراک نظر وجود دارد که البته اشتراکات به همین دو موضوع محدود نیست و مشترکات دیگری نیز میان آنها وجود دارد و بخاطر همین مساله است که همه آنها در زندان هستند. عدهای از زندانیان که موافق نوشتن نامه و اعلام عمومی آن نبودند و معتقد به رقیق کردن اختلافات بودند، اما متاسفانه، موفق نشدند تهیه کننده مطلب را مجاب کنند که از انتشار آن فعلا خوداری کند. برای من که در رژیم پیشین و در رژیم جمهوری اسلامی زندانی بوده ام و خاطرات ناخوشایندی از نتایج برجسته کردن اختلافات تا حد ایجاد دسته بندی دارم، خواندن این مطلب بسیار آزاردهنده بود و من را به یاد نتایج منفی اینگونه دسته بندی کردن ها انداخت، بهمین جهت خواستم با نوشتن این چند جمله، نظرخودم را با دوستان در میان بگذارم.
امیدوارم دوستان خردمندتر که تعدادشان در میان زندانیان سیاسی بسیار است، بتوانند در حفظ همبستگی زندانیان سیاسی کوشش بیشتری مبذول دارند. دوستان تهیه کننده این مطلب نیز بدانند، که اگر هدفشان دمکراسی و عدالت اجتماعی است، این مهم از طریق افشاگری و دامن زدن به اختلافات تامین نمی شود. زندان و زندانیان سیاسی، الگوی جامعه دمکراتیک آینده ما هستند. اگر نتوانند در زندان الگویی از جامعه آینده مورد نظرشان را درست کنند، چگونه می توانند در جامعه بزرگ و پیچیده ایران، آنرا بوجود آورند.
یاران، رفتار شما در زندان ها در بیرون زندان و در داخل و خارج ایران، در میان ایرانیان و مبارزان جنبش آزادیخواهی اثر زیادی دارد. مراقب باشید روحیه ها را تضعیف نکنید، که جنبش را تضعیف کردهاید. مردم از شنیدن و دیدن همبستگیتان بیشتر خوشحال می شوند.
دراین رزم مشترک باید تا میتوانیم تضادها را کم رنگ نماییم و اجازه ندهیم نیروهای حاکمیت و عناصر فرصت طلب در درون نیروهای اپوزیسیون مدافع مردم، ازاب گل آلود ماهی بگیرند.

دوستان عزیز!
تجربیات تاریخی گذشته باید درس بزرگی برای نیروهای مبارز، چه مذهبی، چه غیرمذهبی، باشد. تجربه تلخ سال ۱۳۵۴ (سازمان مجاهدین خلق) درون زندان، ضربه جبران ناپذیری به نیروهای مبارزی که در مقابل رژیم شاه ایستاده بودند زد، که نه تنها سازمان مجاهدین خلق، بلکه تمام مبارزین صدمه زیادی خوردند وباعث شد که آن اختلاف نظر، مخصوصا" از طرف نیروهای دگم مذهبی، جوی درزندان به وجود آوَرَد، که آه از نهاد آقای طالقانی در آورد، با وجود زحمات زیادی که ایشان کشیدند، نتوانستند جلوی فاجعه را بگیرند، و دیدیم که اثرات آن دراوائل انقلاب ۵۷ چطور مردم را درمقابل مبارزین، که سالها با رژیم شاه مبارزه می کردند قرار داد و بالطبع سایر نیروها هم عکس العمل نشان داده و در مقابل همدیگر ایستادند.
دراوائل دهه ۶۰ هم، باز با درست کردن تواب وعلم کردن منافق، چه نیروهائی را از صحنه مبارزه دور و یا در زندانها جای دادند و چطور خانواده ها در مقابل یکدیگر ایستادند و کشتارهای متعدد هم نتوانست خانواده های تفکرهای مختلف زندانیانیان سیاسی را کنار هم نگهدارد.
دوستانی که تضادهای داخل زندان راعلنی کرده اند و به بیرون داده اند، می دانند چه کرده اند؟ هم نگرانی در درون خانواده ها ایجاد کرده اند هم زندانبانان را هوشیار، که میشود از این طریق زندانیان را به جان یکدیگر انداخت، و زندانی در درون زندان ایجاد
کرد.
درصورتیکه خانواده ها بیرون از زندان باهم ارتباط دارند و به درد همدیگر می رسند و قوت قلبی برای هم می باشند.
دوستان عزیز هدفی که بخاطر آن به زندان ا فتادهاید، را فراموش نکنید. فراموش نکنید که برای چه به زندان افتادهاید. می بینید که حاکمیت با یک چوب همه را میزند. اتحاد شما در این شرایط، باید راه رسیدن به هدف را کم هزینه تر کند.
از تمامی دوستان مخصوصا" پیش کسوتان مبارزه، آرزوی همکاری می طلبیم.
به امید آزادی همه شما.
فعال کارگری
۳۰/۰۹/۹۱

نامه انتقادی کارگران پتروشیمی ماهشهر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : جمعی از نمایندگان کارگران پتروشیمی منطقهٔ ماهشهر در نامه‌ای به رئیس دولت از نحوهٔ «جذب نفرات شاغل» در پتروشیمی‌های این منطقه انتقاد کردند.

برپایه این گزارش،دربخشی ازاین نامه،نمایندگان کارگران پتروشیمی منطقهٔ با اشاره به مصوبهٔ هیئت دولت مبنی تبدیل قرارداد کارگران پیمانکاری این منطقه، آورده‌اند: فقط به جذب نیروهای دیپلم ۱۰ سال سابقه، فوق دیپلم، لیسانس و... بسنده شد و خیل کثیری از کارگران هنوز در سیستم پیمانکاری مشغول به کارند.
در بخشی دیگر از این نامه با اشاره به نصف شدن پاداش کارگران پیمانکاری پتروشیمی‌ها آمده است: در سال‌های قبل سالیانه ۲ مرحله پاداش نفت به کارگران پیمانکاری مترادف با پرسنل رسمی اعطا می‌شد ولی امسال در شش ماهه اول هنوز پرداختی صورت نگرفته است. همچنین اخباری حاکیست که (کارفرمایان) به پرسنل پیمانکار مقرر به پرداخت یک نوبت در سال شده و پرسنل رسمی همان ۲ نوبت را مشمولند.
نمایندگان کارگران پتروشیمی منطقهٔ ماهشهر در پایان این نامه تحقق یافتن اخبار مذکور را با تصمیمات دولت «متناقض» دانستند و از رئیس دولت خواستند تا در رابطه با «سامان دهی وضعیت اشتغال و ستودن حق کارگران از پیمانکاران سود جو» اقدامات عملی انجام دهد.
اسامی امضا کنندگان این نامه عباس رضایی، پیمان سعیدی، جهان شاه امامی، مهرزاد مهرانی، منوچهر یار احمدی، جهاد لطیفی، رضا ملکوتی، فرید عساکره، حسین رفیعیان، غلام حسین حیدری، موسی هندیانی، علی ساجدی‌نژاد، محمد باقر باقری، شاپور بهمنی، علی احمدی، آرش پولادی و علی ساجدی‌نژاد گزارش شده است.

اخراج 9 نفر از کارگران آسفالت شهرداری منطقه 2 سنندج

بر پایه ایمیل رسیده به روزشمار کارگری در 2 دی آمده است : امروز مورخه شنبه 2/10/91 آسفالت شهرداری منطقه 2 سنندج نه نفر از کارگران خود را به نامهای 1-محمود شاه مرادی 2- یحیی نصیری 3- صابر رحیمی 4- مسعود زندی نوا 5- مظفر همکاری 6- جمشید حبیبی 7- امیر محمدی 8- هادی میرحسینی 9-حجت اله روشنی از کار اخراج کرد
طبق اخبار رسیده به اتحادیه آزاد ایران این کارگران بین 5 الی 15 سال دارای سابقه کار در شهرداری هستند و به بهانه ی کمبود نقدینگی از کار بیکار شدند.

اعتراض کارگران توزیع برق تهران به انتخابات نمایشی شورای اسلامی کارگران وعدم تبدیل وضعیت کارگران قرار دادی به دائم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : جمعی از کارگران خدماتی و ستادی شرکت توزیع برق تهران در نامه‌ای خطاب به مسئولان دولتی خواستار رفع مشکلاتشان در خصوص تشکیل نهاد کارگری شورای اسلامی کار و تبدیل وضعیت کارگران قرار دادی به دائم طبق مصوبه هیئت دولت شدند.
بنابهمین گزارش، در این نامه آمده است: کارگران قرار دادی و رسمی شرکت توزیع برق تهران با سوابق ۱۵ تا ۲۵ سال به سبب افزایش مشکلاتی که از سوی بعضی از مسئولان به سبب رعایت نکردن قوانین کار ایجاد شده معترض هستند.
این کارگران با انتقاد از اقدامات خود سرانه شرکت توزیع برق در انتخابات شورای اسلامی کار، اظهار داشته‌اند: ۲۵ منطقه توزیع برق تهران با دو هزار نیروی فعال رسمی و قرار دادی فاقد شورای اسلامی کار به صورت قانونی است وآنچه که به نام شورا در این شرکت وجود دارد غیر قانونی بوده ومنتخب کارگران نیست.
آنان آورده‌اند: درهر دوره از انتخابات نمایندگان کارگری ۲۲ منطقه توزیع برق ۲۰ کارگر کاندید می‌شوند که از این تعداد فقط دو نفر به عنوان نماینده از سوی شرکت توزیع برق انتخاب شده و مابقی برخلاف نظر کارگران به بهانه‌ای متعددی رد صلاحیت شده و خذف می‌شوند.
این کارگران ادامه داده‌اند: بعد از انتخابات نمایشی شورای اسلامی کارگران شرکت توزیع برق تهران، این نمایندگان نسبت به مشکلات کارگران کاملا بی‌توجه بوده و تنها کاری که انجام داده‌اند تشکیل کمیته انظباطی فاقد اساسنامه بوده است.
آنان در بخش دیگری از نامه خود در خصوص تبدیل وضعیت قرارداد کارگران قرار دادی به دائم طبق مصوبه هیئت دولت، تصریح کرده‌اند: علی‌رغم بخشنامه مصوبه هیئت وزیران مبنی بر حذف شرکتهای پیمانکاری و تامین نیروی انسانی وزارت نیرو، شرکت توزیع برق تهران از اجرای این مصوبه سر باز زده وبه بهانه‌های مختلفی از اجرای آن کوتاهی می‌کند.
این کارگران در خاتمه نوشته‌اند: بدنبال مصوبه هیت دولت، وزیر نیرو نیز طبق مصوبه هیئت دولت به

تمام دستگاه‌های ذیربط خود در مورد تبدیل وضعیت کارکنان قرار دادی خود دستوراتی را ابلاغ کرده است که متاسفانه شرکت توزیع برق از اجرای این مصوبه سر باز زده و بدون توجه به این دستورات، خود سرانه کارگران را وادار به بستن قرا ر داد با شرکت پیمانکاری پیمان البرز کرده است.

تاخیر 4ماهه پرداخت حقوق کارگران کارخانه گیتی پسند اصفهان و اخراج تعدادی ازکارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : با گذشت یک سال از آغاز بحران در بزرگ‌ترین کارخانه بخش خصوصی اصفهان، حقوق کارگران همچنان با تاخیر ۴ ماهه پرداخت می‌شود.
برپایه این گزارش بنقل از محمد مهدی اسماعیلی معاون سیاسی امنیتی استانداری اصفهان بیش از ۴ هزار کارگر گیتی پسند اصفهان ماه‌ها حقوق معوقه دارند.
همچنین مدیر روابط عمومی کارخانه گیتی پسند اصفهان ضمن تاییدتاخیر در پرداخت حقوق ماهیانه کارگران کارخانه ازاخراج تعدادی از کارگران خبرداد.
وی با اشاره به مشکلاتی که نرخ ارز، کمبود مواد اولیه و... برای تمام واحدهای تولیدی کشور بوجود آورده، یادآور شد: مشکل اخراج کارگران و تعدیل نیرو محدود بوده و بیشتر شامل کارگران پیمانی می‌شود که در پروژه‌های آینده و توسعه‌ای در حال فعالیت بودند، البته گروهی هم با اتمام مهلت قرارداد کاری‌شان خواستار استفاده از بیمه بیکاری شدند و حدود ۵ درصد از کارگران را نیز خودمان تعدیل کردیم.

کشته وزخمی شدن 16کارگر یکی از کارخانه‌های صنایع غذایی تبریز براثرواژگونی اتوبوس سرویس

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر،در دوم دی آمده است : واژگونی اتوبوس سرویس کارگران در اتوبان پاسداران کلانشهر تبریز 16 کشته و زخمی برجای گذاشت.
براساس این گزارش،مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریت‌های پزشکی آذربایجان‌شرقی صبح شنبه با اعلام این خبر اظهار داشت: در این حادثه اتوبوس سرویس یکی از کارخانه‌های صنایع غذایی در حالی که در مسیر بزرگراه پاسداران تبریز بعد از میدان فهمیده به طرف دانشگاه آزاد در حرکت بود روی پل بارنج واژگون شد.
حبیب حسینقلی‌زاده ادامه داد: بر اثر واژگونی این اتوبوس یک نفر جان خود را از دست داد و 15 نفر دیگر مصدوم شدند.
وی افزود: به دنبال این حادثه مصدومان توسط شش دستگاه آمبولانس مرکز فوریت‌های پزشکی مناطق یک، دو، هفت، هشت، 9 و 10 تبریز به بیمارستان امام رضا (ع) منتقل شدند و هم اکنون حال دو نفر از مصدومان که از پل پرت شده اند وخیم است.
دوم دی ماه 1391

چاره‌ای جز اخراج ۵۰ کارگر نداشتیم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : در پی انتشار خبر اخراج ۵۰ کارگر در کارخانه «آلومتک و آلومراد» قزوین، معاون مدیر عامل این کارخانه اعلام کرد: تعویق مطالبات کارخانه آلومتک از وزارت نیرو باعث ایجاد مشکلات تعدیل نیرو و کاهش ظرفیت تولید شده است.
عباس رستمی در تشریح مشکلات این کارخانه، به ایلنا گفت: سه سال است وزارت نیرو از پرداخت مطالبات خود به کارخانه آلومتک خود داری می‌کند و ما ناچار شده‌ایم برای ادامه حیات و حفظ اشتغال کارگران خود از سال ۹۰ با کاهش ظرفیت خود همچنان به تولید ادامه دهیم.
او با بیان اینکه از یک سال گذشته تولیدی نداشته‌ایم افزود: کارخانه آلومتک با ۳۵۰ کارگر به سبب افزایش مشکلات مالی ناچار شد امروز در اولین روز کاری زمستان، ۵۰ کارگر قرار دادی

خود را با سوابق بیش از ۵سال تعدیل کند.
رستمی میزان مطالبات کارخانه آلومتک را ۱۰ میلیارد تومان عنوان کرد واظهار داشت: وزارت نیرو طی دو سال گذشته مطالبات پیمانکاران خود را پرداخت نکرده و سفارشات جدیدی نیز به کارخانه‌ها نداده است از این رو باعث افزایش مشکلات کارخانجاتی همانند آلومتک شده است.
به گفته معاون مدیر عامل کارخانه آلومتک محصولات تولیدی این واحد تولیدی که هادی‌های فشار قوی انتقال نیروست فقط برای مصارف انتقال برق در وزارت نیرو کاربرد دارد.
رستمی در بخش دیگر از سخنان خود با انتقاد ازعدم پرداخت تسهیلات بانکی از سوی ستاد تسهیلات واحدهای بحرانزا استان گفت: با آنکه کلیه مسئولان استانی و کشوری از وضعیت بحرانی کارخانه با خبر هستند متاسفانه توجه‌ای به حل مشکلات این کارخانه نداشته و به راهکارهای پیشنهادی ما نیز برای خروج از بحران اهمیتی نمی‌دهند.
او اضافه کرد: کارخانه آلو متک با راه کار تغییر کاربری کارخانه و انتقال آن سعی کرد به نوعی با ایجاد تولید حفظ اشتغال کند که باز هم با مخالفت مسئولان هیچ یاری‌ای از سوی انان به کارخانه نشد.
این مقام کارفرمایی با بیان اینکه تنها راه نجات کار کارخانه آلومتک انعقاد قرار داد با کشورهای خارجی برای صادرات محصولات خود بود که انهم با قوانین جدید مسدود کننده کاملا از بین رفت، این در حالیست که این کارخانه در ده ماه گذشته قرار داد ۱۲ هزار تن تولید کابل را در اختیار داشت و می توانست خود را نجات دهد.
او ادامه داد: بیکاری ۵۰ کارگر آموزش دیده‌ای که هزینه‌های زیادی برای آموزش آنان نیز شده بود، بسیار ناراحت کننده است اما ما چاره‌ای جز این کار نداشتیم.
او میزان ظرفیت تولید این کارخانه را سه هزار و پانصد تن در ماه اعلام کرد و افزود: کل تولید این کارخانه در سال ۹۰ سه هزار تن بوده واین رقم در سال ۹۱ بعد از گذشت ۱۰ ماه به ۱۸۰ تن رسیده است.
گفتنی است کارخانه آلومتک تولید کننده ا نواع هادیهای هوایی خطوط انتقال و توزیع، کابل‌های زمینی و هوایی فشار ضعیف آلومینیومی، پروفیل‌های آلومینیومی ساختمانی و صنعتی، رادهای آلومینیومی خالص و آلیاژی و بیلت‌های آلومینیومی در استان قزوین است.

بیانیه 61
بهنام ابراهیم زاده به سلول انفرادی منتقل شد

بر پایه ایمیل دریافتی آمده است : خبردار شدیم بهنام ابراهیم زاده عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری و مدافع حقوق کودکان را به بند ویژه یا همان انفرادی انتقال داده اند ، هر چند از کم و کیف و دلایل انتقال او اطلاع دقیقی نداریم اما در جمهوری اسلامی جنایت و شکنجه هیچ دلیلی نمی خواهد در حکومت نظام اسلامی هر کس حرف راستی به زبان آورد و هر کس از حق خود و انسانها دفاع کند تحت تعقیب و شکنجه ، محاکمه و زندان قرار می گیرد این خصلت عمومی نظام اسلامی است . آنچه اخیرا" دیده می شود این است که فشارها و شکنجه های روحی و روانی علیه زندانیان و خانواده هایشام به شدت افزایش یافته است .شاهرخ زمانی عضو هیئت موسسان سندیکای نقاشان و دیگر عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری را به بندهای مختلف و سپس به زندانهای مختلف انتقال دادند و اکنون در زندان رجایی شهر از تلفن ، ملاقات ، غذای مناسب و صدها حقوق دیگر محروم است ، محمد جراحی دیگر عضو کمیته پیگیری ، کارگر اخراجی پروژه عسلویه از نظر روحی و روانی تحت شدیدترین شکنجه ها قرار دارد او را در داخل زندان آزار می دهند و در بیرون خانواده اش از جمله دختر و پسر جوانش را تحت شدیدترین مراقبتها و آزارها قرار می دهند . روز قبل خبردار شدیم پنج تن از اعضای کمیته هماهنگی را دستگیر کردند . مدتهاست فشار بر زندانیان مختلف افزایش یافته است د زندانها محدودیتهای ارتباطی دهها بار بیشتر شده است ملاقاتها کمتر شده و لوازم و مواد مورد نیاز زندانیان نایاب شده و غذای زندانیان به یک چهارم اندازه تقلیل یافته است و... اینها همه آن چیزی است که ما از دور می شنویم و

البته که دهها مورد دیگر هست که به گوش ما نمی رسد اینها نشان می دهند که وضعیت نظام اسلامی بسیار پیچیدخه شده و هر روز بیشتر نابسامان می شود .
در بیرون از زندان وضعیت ارزاق عمومی به چهار برابر و در برخی موارد تا 8 برابر افزایش یافته ، کرایه های حمل و نقلبه به شدت افزایش یافته است مسکن و پوشاک به لوازم لوکس تبدیل شده است
با همه ی این گرانی ها دستمزدها نه تنها افزایش نیافته بلکه اکثریت کارخانه ها و کارگاهها در حال تعطیلی هستند و بیکار شدنهای جمعی در راه است با توجه به اینکه اکنون هم لشگر بیکاران هر روز رو به افزایش است . در چنین شرایطی جمهوری اسلامی با تشدید فشار و شکنجه علیه زندانیان چه هدفی را دنبال می کند؟
جمهوری اسلامی می داند شرایط انفجاری است و هر لحظه ممکن است توده ها پا به میدان بگذارند بنابراین با افزایش فشار به زندانیان و خانواده های آنها می خواهند به کارگران ، جوانان و خانواده ها در سطح گسترده بگویند که زندانی شدن چقدر سخت و وحشتناک است تا از این طریق شاید بتوانند مردم و توده ها را با رعب و وحشت مرعوب کنند تا قدم به مبارزه نگذارند و هم چنین می خواهد از این طریق از امکان متشکل شدن نیروهای پیشرو جلوگیری نماید .
برای مقابله با چنین ترفندی چه باید کرد؟
جمهوری اسلامی می خواهد فعالین طبقه کارگر را ترسانده و به حرکتهای سازشکارانه بکشاند و در زمین بازی که قواعدش را از قبل مهیا کرده است مشغول شان کند .
اما هم طبقه کارگر و هم جمهوری اسلامی می دانند لحظات انفجار نزدیک است و به دنبال چنین آگاهی است که جمهوری اسلامی خود را سازماندهی می کند در مقابل این برنامه های جمهوری اسلامی فعالین طبقه کارگر کجا قرار دارند ؟
وضعیت جمهوری اسلامی به راهی می رود که هر لحظه نیاز به اعتراضات توده ای بیشتر نمود می یابد و اگر سرمایه داری جهانی با حمله نظامی به کمک جمهوری اسلامی و سرمایه داری ایران نیاید توده های مبارز ضمن شروع انفجاری اعتراضات می توانند طی اعتراضات خود را سازماندهی نمایند .
اما با درس گیری از تاریخ باید به یاد داشته باشیم که همیشه سرمایه داری جهانی به فریاد و کمک نظام جمهوری اسلامی و نظام های مانند آن در دیگر نقاط جهان رسیده است و حرکتهای اصولی توده ها را در نطفه خفه کرده است بنابراین برای رهبری و هدایت، اعتراضات اجتناب ناپذیر توده ها و برای مقابله با دو دشمن جمهوری اسلامی (سرمایه داری داخلی) و سرمایه داری جهانی که به صورتهای مختلف به کمک یکدیگر خواهند شتافت هیچ چاره ای نداریم جز اینکه نیروهای پیشرو طبقه کارگر خود متشکل شوند و سپس برای سازماندهی طبقه و توده های معترض اقدام نمایند در غیر این صورت بار دیگر اعتراضات و حتی ممکن است قیام شروع شود و ما آماده نبوده و برای یک بار دیگر باخته و به حاشیه رانده شویم .
کارگران، فعالین ، جوانان ، دانشجویان ، زنان ، معلمان و سازمانه و احزاب حرکتهای جمهوری اسلامی و فشار آوردن به زندانیان و خانواده های آنها و افزایش گرانی ، تورم و بیکاری و ... نشانه ای از نزدیک شدن اعتراضات را به ما گوشزد می کند .
در چنین شرایطی وظیفه تاریخی ما است که با تمام وجود و با تمام آنچه در اختیار داریم در جهت متشکل شدن انقلابی و برنامه ریزی متحدانه و گسترده در جهت سازمان دهی اعتراضات آماده شویم .
امروز ضمن اینکه می توان از طریق کمکهای مالی و حمایتهای اعتراضی در داخل و خارج از ایران برای دفاع از زندانیان و خانواده هایشان قدمهای عملی برداریم در همین حال مهمترین و ضروری ترین وظیفه ما هر چه بیشتر متشکل شدن و حمایت هر چه بیشتر سازمان یافته است .
اعتراضات خود را به صورت سازمان یافته در مقابل سفارتخانه های جمهوری اسلامی گسترش بدهیم و در همین حال از همه توان خود را برای جلب حمایت نهادهای مختلف بین المللی استفاده کنیم.

کارگران زندانی همچنان در انتظار حمایت های ما هستند.
پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
2/10/1391

www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

کارگران توزیع برق تهران در پی تشکل رسمی کارگری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : جمعی از کارگران خدماتی و ستادی شرکت توزیع برق تهران در نامه‌ای خطاب به مسئولان دولتی خواستار رفع مشکلاتشان در خصوص تشکیل نهاد کارگری شورای اسلامی کار و تبدیل وضعیت کارگران قرار دادی به دائم طبق مصوبه هیئت دولت شدند.
به گزارش ایلنا، در این نامه آمده است: کارگران قرار دادی و رسمی شرکت توزیع برق تهران با سوابق ۱۵ تا ۲۵ سال به سبب افزایش مشکلاتی که از سوی بعضی از مسئولان به سبب رعایت نکردن قوانین کار ایجاد شده معترض هستند.
کارگران در این نامه با انتقاد از نحوه انتخاب نهاد کارگری این شرکت، آورده‌اند: یکی از مشکلات کارگران شرکت توزیع برق تهران برگزاری انتخابات شورای اسلامی کار به صورت قانونی است که متاسفانه بدون توجه به خواسته و انتخاب کارگران این اتخابات برگزار می‌شود.
بنا به ادعای این کارگران شرکت توزیع برق تهران هم اکنون فاقد تشکلات کارگری همچون شورای اسلامی کار به صورت قانونی است و این شرکت بدون توجه به خواسته کارگران اقدام به انتخاب نمایندگانی برای این تعداد از کارگران کرده است.
این کارگران با انتقاد از اقدامات خود سرانه شرکت توزیع برق در انتخابات شورای اسلامی کار، اظهار داشته‌اند: ۲۵ منطقه توزیع برق تهران با دو هزار نیروی فعال رسمی و قرار دادی فاقد شورای اسلامی کار به صورت قانونی است وآنچه که به نام شورا در این شرکت وجود دارد غیر قانون بوده ومنتخب کارگران نیست.
آنان آورده‌اند: درهر دوره از انتخابات نمایندگان کارگری ۲۲ منطقه توزیع برق ۲۰ کارگر کاندید می‌شوند که از این تعداد فقط دو نفر به عنوان نماینده از سوی شرکت توزیع برق انتخاب شده و مابقی برخلاف نظر کارگران به بهانه‌ای متعددی رد صلاحیت شده و خذف می‌شوند.
این کارگران ادامه داده‌اند: بعد از انتخابات نمایشی شورای اسلامی کارگران شرکت توزیع برق تهران، این نمایندگان نسبت به مشکلات کارگران کاملا بی‌توجه بوده و تنها کاری که انجام داده‌اند تشکیل کمیته انظباطی فاقد اساسنامه بوده است.
آنان در بخش دیگری از نامه خود در خصوص تبدیل وضعیت قرارداد کارگران قرار دادی به دائم طبق مصوبه هیئت دولت، تصریح کرده‌اند: علی‌رغم بخشنامه مصوبه هیئت وزیران مبنی بر حذف شرکتهای پیمانکاری و تامین نیروی انسانی وزارت نیرو، شرکت توزیع برق تهران از اجرای این مصوبه سر باز زده وبه بهانه‌های مختلفی از اجرای آن کوتاهی می‌کند.
این کارگران در خاتمه نوشته‌اند: بدنبال مصوبه هیت دولت، وزیر نیرو نیز طبق مصوبه هیئت دولت به تمام دستگاه‌های ذیربط خود در مورد تبدیل وضعیت کارکنان قرار دادی خود دستوراتی را ابلاغ کرده است که متاسفانه شرکت توزیع برق از اجرای این مصوبه سر باز زده و بدون توجه به این دستورات، خود سرانه کارگران را وادار به بستن قرا ر داد با شرکت پیمانکاری پیمان البرز کرده است.

بی‌نظمی در پرداخت حقوق بزرگ‌ترین کارخانه خصوصی اصفهان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا/ اصفهان در دوم دی ماه 1391 آمده است : با گذشت یک سال از آغاز بحران در بزرگ‌ترین کارخانه بخش خصوصی اصفهان، حقوق کارگران همچنان با تاخیر ۴ ماهه پرداخت می‌شود.
به گزارش خبرنگار ایلنا در اصفهان، محمد مهدی اسماعیلی معاون سیاسی امنیتی استانداری اصفهان با انتقاد از اینکه بیش از ۴ هزار کارگر گیتی پسند اصفهان ماه‌ها حقوق معوقه دارند، تصریح کرد: با پی گیری‌های ستاد تسهیل استان و وزارت صنایع، برای بدهی‌های معوقه کارخانه حدود ۶ ماه استمهال در نظر گرفته شده و امکان جذب منابع بانکی جدید هم فراهم است.
همچنین در پی‌گیری ایلنا، مدیر روابط عمومی کارخانه گیتی پسند اصفهان از کاهش زمان تاخیر در پرداخت حقوق ماهیانه کارگران این شرکت خبر داد و گفت: اگر این مشکلات صنعت پی گیری نشود، خود به خود چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد.
وی با اشاره به مشکلاتی که نرخ ارز، کمبود مواد اولیه و... برای تمام واحدهای تولیدی کشور بوجود آورده، یادآور شد: مشکل اخراج کارگران و تعدیل نیرو محدود بوده و بیشتر شامل کارگران پیمانی می‌شود که در پروژه‌های آینده و توسعه‌ای در حال فعالیت بودند، البته گروهی هم با اتمام مهلت قرارداد کاری‌شان خواستار استفاده از بیمه بیکاری شدند و حدود ۵ درصد از کارگران را نیز خودمان تعدیل کردیم.

یک اشتباه بزرگ
گروه صنایع گیتی پسند یکی از بزرگ‌ترین کارخانه‌های خصوصی اصفهان است که از سال ۱۳۷۵ اقدام به سپرده گیری از مردم کرد و روز به روز کار خود را گسترش داد، اما معاون سیاسی امنیتی استانداری اصفهان و رییس شورای اطلاع رسانی استان با انتقاد از این روند گفت: سال ۸۵ مسوولان این واحد تولیدی تعهد داده بودند کار سپرده گیری را که بر خلاف مقررات بوده را متوقف کنند اما با وجودی که دست اندرکاران این کارخانه انسان‌های ارزشی و متعهدی بوده و محصولات تولیدی آن‌ها نیز پرفروش و مورد نیاز است، این اشتباه بزرگ را مرتکب شده‌اند و اگر سه سال قبل وارد ماجرا نمی‌شدیم اکنون این مشکل دامنه بسیار بیشتری داشت و ممکن بود با جمعیت ۵۰ هزار نفری از سپرده گذاران روبرو شویم.
دکتر محمد مهدی اسماعیلی، طرح سپرده گیری عمومی برای این واحد تولیدی را به شدت محکوم کرد و افزود: حجم سپرده گیری این کارخانه از مردم، نزدیک به ۵۰۰ میلیارد تومان است که باید با شیوه مطلوبی بازگردانده شود.

۱۰۰ میلیارد تومان به مردم بازگردانده شد
رییس شورای اطلاع رسانی استان اصفهان با اشاره به اینکه برخی از سپرده گذاران تاکنون بیش از سه برابر پول خود را سود دریافت کرده‌اند، تاکید کرد: تاکنون نزدیک به ۱۰۰ میلیارد تومان از این سرمایه عظیم به مردم برگردانده و تعداد طلبکاران کمتر شده است. البته این آمار تقریبی است چون سیستم اطلاع رسانی گیتی پسند چندان قوی نیست. وی در مقابل از رایزنی با موسسه مهر برای سرمایه گذاری در این واحد تولیدی خبر داد و گفت: درصورتی که این موسسه وارد کار شود، سپرده گذاری‌های عمومی را تبدیل به سپرده خاص می‌کند و باعث می‌شود ساختار حقوقی سنتی این کارخانه در قالب قوانین و مقررات قانون تجارت وارد شود.

۴ هزار کارگر همچنان معطل حقوق
معاون سیاسی امنیتی استانداری اصفهان که همچنان تاکید دارد حسابرسی کارشناسان دادگستری نشان می‌دهد حجم دارایی‌های این شرکت خصوصی، بیش از بدهی آن به سپرده گذاران و شبکه بانکی است، ادامه داد: اگر بخواهیم همه کارها را متوقف کنیم با فروش این دارایی‌ها می‌توان پول مردم را پس داد اما در حال رایزنی برای تامین منابع مالی جدید هستیم و از نمایندگان انتظار داریم به صورت جدی‌تر وارد این موضوع شوند.
وی با انتقاد از اینکه بیش از ۴ هزار کارگر گیتی پسند اصفهان ماه‌ها حقوق معوقه دارند، تصریح کرد: با پی گیری‌های ستاد تسهیل استان و وزارت صنایع، برای بدهی‌های معوق

کارخانه حدود ۶ ماه استمهال در نظر گرفته شده و امکان جذب منابع بانکی جدید هم فراهم است

نمی‌توان زمان اعلام کرد
روابط عمومی و سخنگوی کارخانه گیتی پسند اصفهان در مجموع، تعداد کارگران اخراج شده از ابتدای سال تاکنون را ۲۰ درصد اعلام کرد و گفت: مشکلات از چند کانال نختلف در حال پی گیری است نخست اینکه قرار است صندوق توسعه ملی، مبلغی را برای حفظ تولید به صنایع کشور کمک کند، از طرف دیگر مسوولان استان نیز پی گیر مشکلات و پیدا کردن سرمایه گذاری‌های جدید برای کارخانه هستند.
وی راهکار سوم حل این بحران را فروش بخشی از مستغلات و تبدیل آن‌ها به پول نقد برای تسویه حساب با سرمایه گذران عام دانست و ادامه داد: بخشی از این اقدامات مانند کمک صندوق توسعه، هنوز در مراحل ابتدایی است و نمی‌توان زمان مشخصی برای پایان یافتن بحران این شرکت پیش بینی و اعلام کرد.
ریاحی اظهار امیدواری کرد رایزنی مسوولان استانداری برای دریافت وام مشمول مرور زمان و نزدیک شدن به پایان سال نشود و گفت: تاکنون جلسات فراوانی برای حل مشکل با معاون سیاسی امنیتی داشته‌ایم و وی را متقاعد کرده‌ایم که این شیوه سپرده گیری کار اشتباهی نبوده اما رسانه‌ای شدن موضوع باعث شده به این شکل مورد انتقاد قرار گیرد.

۲۶ هزار سرمایه گذار نگرانند
مدیر روابط عمومی گیتی پسند، با استناد به آمارهای رسمی تعداد سرمایه گذاران طلبکار این شرکت را ۲۶ هزار نفر و میزان بدهی آنرا ۲۰۰ میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: بخشی از سرمایه‌ها به شکل دستگاه تولید و کارخانه است که قابلیت تبدیل به پول نقد را ندارد، علاوه بر آن یکسری از مطالبات را به صورت تهاتری نقد کرده‌ایم مثلا شرکت ایران خودرو و بخش‌های دیگری، به جای پول نقد خودرو یا ساختمان تحویل داده‌اند که تحویل سرمایه گذاران شده است.
وی با اشاره به اشتغال مستقیم ۴ تا ۵ هزار کارگر در این واحد همچنین ایجاد مشاغلی برای حمل و نقل و نمایندگی‌های نصب، فروش و...، بیان داشت: تا سه چهار ماه نخست سال، گیتی پسند با کمتر از ۲۰ درصد ظرفیت خود کار می‌کرد و چون سرمایه گذاران سودی نمی‌گرفتند حقوق کارگران نیز بارها عقب می‌افتاد.

چرخ تولید می‌چرخد
ریاحی بیش از ۶۰ درصد ظرفیت تولید گیتی پسند را در مدار تولید دانست و گفت: چرخ تولید با حضو ۳ هزار و ۶۰۰ کارگر، می‌چرخد و درصورتی که نقدینگی مورد نیاز هم تزریق شود می‌توانیم با شتاب و ظرفیت بیشتری کار کنیم.
وی با اشاره به آغاز استخدام نیروهای جدید برای طرح‌های توسعه کارخانه افزود: از این هفته فراخوان استخدام کارگر برای بخش‌های آذین لوله و لوله سبز منتشر خواهد شد همچنین ظرفیت تولید و مواد اولیه نیز فراهم است و می‌توانیم برای دست کم ۱۵۰ نفر شغل ایجاد کنیم.
سخنگوی کارخانه گیتی پسند اصفهان با تاکید بر اینکه نباید مشکل این واحد تولیدی را با بحران بزرگ قرض الحسنه‌های اصفهان مقایسه کرد، یادآور شد: درباره قرض الحسنه‌ها، بایک بحران مالی و سرمایه گذاری روبرو بودیم اما اکنون مساله کار و تولید و ایجاد ارزش افزوده مطرح است.
وی این موضوع را تایید کرد که مشکلات موجود اعتماد مردم را خدشه دار کرده با این حال تصریح کرد: با اینکه هزاران نفر در این واحد سرمایه گذاری کرده‌اند، شلوغ‌ترین تجمع‌ها با هزار نفر برگزار شده که کمتر از سه چهار درصد آن‌ها را شامل می‌شود و نشان می‌دهد جمعیت زیادی به بازگشت سرمایه خود اطمینان دارند. گزارش از ناهید شفیعی

صادر کننده نمونه قزوین ۵۰ کارگر را اخراج کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : یک فعال کارگری در کارخانجات «آلومتک و آلومراد» قزوین، از اخراج ۵۰ کارگر این واحد صنعتی به دلیل آنچه از سوی کارفرما «فقدان نقدینگی، عدم دریافت وام و تسهیلات» ذکر شده است، خبر داد.
مرتضی جنت آبادی رئیس شورای اسلامی کار کارخانجات آلومتک و آلومراد قزوین با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: مدیران کارخانجات آلومتک و آلومراد قزوین ۵۰ کارگر این شرکت را با سابقه ۴ تا ۱۸ سال کار به اسم فقدان نقدینگی، عدم دریافت وام و تسهیلات اخراج کردند.
نماینده کارگران آلومتک و آلومراد تاکید کرد: ۵۰ کارگر در اولین روز کار زمستان اخراج شدند و در حال حاضر هیچ کس پاسخوگی وضعیت این کارگران نیست.

گفتگو با کارگران اخراجی

علی شیروانی، کارگر اخراجی خط تولید کارخانجات آلومتک و آلومراد قزوین به ایلنا گفت: کارخانجات آلومتک و آلومراد قزوین در هفته گذشته به عنوان صادر کننده نمونه استان قزوین شناخته شد و در مراسمی که از صدا و سیمای استان پخش شد از دست استاندار و دیگر مسوولان جایزه گرفت، حال این سوال برای ما کارگران مطرح است، این چطور صادر کننده نمونه‌ای است که کارگران خود را بعد از کسب عنوان اخراج می‌کند.
مجید دوستی، دیگر کارگر اخراجی کارخانجات آلومتک و آلومراد قزوین نیز با اشاره به سابقه ۱۸ سال کار خود در خط تولید این کارخانه افزود: در حین کار صدمات متعددی دیده‌ام و حال با ۴۵ سال سن و چند سرعائله و مستاجری کجا می‌توانم کار کنم، در حالی که چند ماه دیگر می‌توانستم بازنشسته شوم.
وی ادامه داد: طی ۴ سال به مرور مزایای کارگران از جمله حق تولید، کارانه، مساعده، سرویس، ناهار و... حذف کردند و حالا خودمان را اخراج کردند.

برخلاف وعده شما تبدیل قرارداد نشده‌ایم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : جمعی از نمایندگان کارگران پتروشیمی منطقهٔ ماهشهر در نامه‌ای به رئیس دولت از نحوهٔ «جذب نفرات شاغل» در پتروشیمی‌های این منطقه انتقاد کردند.
به گزارش ایلنا، در ابتدای این نامه خطاب به محمود احمدی‌نژاد آمده است: عطف به نامه شماره ۹۵۶۶۴-۱۰/۱مورخه ۹۱/۳/۱ همانطور که پس از تشریف فرمایی جناب عالی به منطقهٔ ماهشهر برای افتتاح پتروشیمی اروند؛ دستور به جذب نفرات شاغل در پیمانکاری پتروشیمی‌های این منطقه صادر فرمودید. علی رغم پیگیری‌ها و جلسات متعدد با مدیران عامل منطقه ویژه و پتروشیمی‌ها متاسفانه نتیجه مثبتی حاصل نشد.
نمایندگان کارگران پتروشیمی منطقهٔ ماهشهر در ادامهٔ این نامه با اشاره به مصوبهٔ هیئت دولت مبنی تبدیل قرارداد کارگران پیمانکاری این منطقه، آورده‌اند: فقط به جذب نیروهای دیپلم ۱۰ سال سابقه، فوق دیپلم، لیسانس و... بسنده شد و خیل کثیری از کارگران هنوز در سیستم پیمانکاری مشغول به کارند.
در بخشی از این نامه با اشاره به نصف شدن پاداش کارگران پیمانکاری پتروشیمی‌ها آمده است: در سال‌های قبل سالیانه ۲ مرحله پاداش نفت به کارگران پیمانکاری مترادف با پرسنل رسمی اعطا می‌شد ولی امسال در شش ماهه اول هنوز پرداختی صورت نگرفته است.
همچنین اخباری حاکیست که (کارفرمایان) به پرسنل پیمانکار مقرر به پرداخت یک نوبت در سال شده و پرسنل رسمی همان ۲ نوبت را مشمولند.
نمایندگان کارگران پتروشیمی منطقهٔ ماهشهر در پایان این نامه تحقق یافتن اخبار مذکور را با تصمیمات دولت «متناقض» دانستند و از رئیس دولت خواستند تا در رابطه با «سامان دهی وضعیت اشتغال و ستودن حق کارگران از پیمانکاران سود جو» اقدامات عملی انجام دهد.
اسامی امضا کنندگان این نامه عباس رضایی، پیمان سعیدی، جهان شاه امامی، مهرزاد مهرانی، منوچهر یار احمدی، جهاد لطیفی، رضا ملکوتی، فرید عساکره، حسین رفیعیان، غلام

حسین حیدری، موسی هندیانی، علی ساجدی‌نژاد، محمد باقر باقری، شاپور بهمنی، علی احمدی، آرش پولادی و علی ساجدی‌نژاد گزارش شده است.

امسال کارگران کوره‌پزخانه‌ها را از تهران فراری دادند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : رئیس هیات مدیره کانون انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران از کاهش تعداد کارگران شاغل در کوره پزخانه‌های این استان در سال جاری خبر داد.
غلامرضا عباسی در این باره به ایلنا گفت: هم اکنون با شروع فصل سرما کارگران فصلی کوره پزخانه‌های استان تهران تا سال بعد مرخص شده‌اند اما کارگران دائمی مشغول به کارند.
این فعال صنفی با بیان اینکه کوره‌پزخانه‌های تهران در سال جاری با مشکل کمبود کارگر مواجه بودند، افزود: امسال تعداد کارگران کوره پزخانه‌ها کم شده بود که ریشهٔ این کاهش نیروی انسانی را می‌بایست در نحوهٔ پرداخت دستمزد و به کارگیری اتباع غیر ایرانی در سال‌های گذشته جستجو کرد.
وی در ادامه تصریح کرد: کارفرماها در فصول قبل، با کارگران کوره‌پزخانه‌ها رفتار مناسبی نداشتند و آن‌ها را به نحوی فراری دادند. این کارفرماها در سال‌های قبل هم از اتباع غیر ایرانی استفاده می‌کردند و هم در بحث مزد، مبالغ مورد توافق را به کارگران پرداخت نمی‌کردند. کارگران امسال مجبور شدند تا به کوره‌پزخانه‌های شهرهای دیگر پناه ببرند.
رئیس هیات مدیره کانون انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران در پایان اظهار داشت: متاسفانه مشکلات بیمه‌های تامین اجتماعی هنوز وجود دارد که اختیارات زیادی را به کارفرمایان داده و زمینه را برای سوء استفاده از کارگران فراهم کرده است به گونه‌ای که بازرسان تامین اجتماعی نیز، توان جلوگیری از شانه‌خالی کردن کارفرمایان از تعهدات بیمه‌ای را ندارند.

تخریب غیر اصولی دو کارگر ساختمانی را مدفون کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : تخریب غیراصولی ساختمان امروز نیز دو کارگر را زیر انبوهی از خاک گرفتار کرد.
به گزارش ایلنا، دو کارگر ظهر امروز - شنبه 2 دی - در حال تخریب و نوسازی ساختمانی در خیابان مولوی تهران بودند که در اثر رعایت نشدن اصول ایمنی در تخریب یک اتاقک، ناگهان دیوارها فرو ریخته و دو کارگر زیر آوار محبوس شده شدند.
بنا بر این گزارش، نجاتگران همزمان با ایمن سازی محل با استفاده از تجهیزات نجات شروع به آوار برداری کردند و خوشبختانه دو کارگر را زنده از زیر انبوهی از خاک و آجر خارج کرده و با همکاری عوامل اورژانس به مراکز درمانی انتقال دادند.

حوادث کار این‌بار جان یك كارگر ۶۵ ساله را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : گودبرداری غیر اصولی شب گذشته باز هم جان یك كارگر سالمند ساختمانی را گرفت.
به گزارش ایلنا، این حادثه شب گذشته ساعت ۵۸: ۲۲ در بزرگراه صدر تهران، خیابان قلندری شمالی در زمینی به مساحت حدود ۵۰۰ مترمربع رخ داد که در پی فروریختن بخشی از دیواره محل گودبرداری یك كارگر ساختمانی ۶۵ ساله تبعه افغانستان در اثر گودبرداری غیر اصولی جان باخت.
بنابراین گزارش پس از یک ساعت و نیم تلاش، ماموران آتش نشانی موفق شدند پیکر این کارگر را از زیر آوار خارج کنند.

روزانه ۵ کارگر در ایران کشته می‌شوند

روز گذشته مرگ ۸ کارگر معدن در طبس، احساسات بسیاری از ایرانیان را جریحه دار کرد، این در حالی است که طبق گزارش رسمی سازمان پزشکی قانونی که یك روز قبل از وقوع این فاجعه منتشر شد، روزانه پنج کارگر در سراسر ایران بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند. با این آگاهی پرسشی که بار دیگر در اذهان همهٔ ما تکرار شد این است که حوادث شغلی تا چه زمانی قرار است از میان سخت‌گوش‌ترین مردم این سرزمین روزانه به اندازه یك فاجعه انسانی تمام عیار قربانی بگیرند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، سازمان پزشکی قانونی در روز ۲۷ آذرماه جاری، از کشته شدن یک هزار و ۱۰۱ نفر در جریان حوادث کار در هفت ماه نخست سال ۹۱ خبر داده که این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۲ درصد رشد داشته است.
براساس رتبه بندی سازمان پزشکی قانونی، سقوط از بلندی با ۴۵۶ قربانی، اصابت اجسام سخت با ۲۳۶ قربانی، برق‌گرفتگی با ۱۷۳ قربانی و سوختگی و کمبود اکسیژن به ترتیب با ۶۴ و ۳۲ قربانی به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم مرگ آورترین حوادث حین کار را به خود اختصاص داده‌اند.
آمار منتشر شده از سوی پزشکی قانونی و یک محاسبهٔ سر انگشتی به ما نشان می‌دهد که روزانه ۵ کارگر، جان خود را در حوادث حین کار از دست می‌دهند. از این میان، روزانه ۲ کارگر تنها به دلیل سقوط از بلندی، یک کارگر روزانه بر اثر اصابت جسم سخت و ۲ کارگر دیگر به دلایل مختلف از جمله برق‌گرفتگی، سوختگی و کمبود اکسیژن و... جان می‌بازند. با نگاهی به آمار فوق با نگاهی به آمار رسمی در می‌یابیم که حادثهٔ انفجار معدن یال شمالی در طبس - علی‌رغم اندوهبار بودن- اتفاق جدیدی نیست و این فاجعه روزانه برای کارگران ایران رخ می‌دهد. اما به دلیل بی‌توجهی افکار عمومی و رسانه‌ها در میان تلی از اخبار به مراتب کم‌اهمیت‌تر به دست فراموشی سپرده می‌شوند.

مرگ خاموش کارگران
با نگاهی گذرا به اخبار بخش کارگری ایلنا در می‌یابیم که تنها ظرف هفته گذشته، شش خبر رسمی از مرگ و مصدومیت شدید کارگران ساختمانی، تنها بر اثر سقوط از «چاه آسانسور» شده است که بدیهی است انتشار این تعداد خبر رسمی - از خیل وقایعی که هیچ‌گاه به سطح رسانه نمی‌رسند - بر اثر حوادثی مشابه نشان از مرگ خاموش کارگرانی دارد که برای تامین معیشت خود و خانواده‌شان، مجبور هستند به کار در هر شرایطی تن دهند.
در این گزارش‌های که عمدتا از طریق منابع رسمی در اختیار ایلنا قرار می‌گیرند حتی به اسم قربانیان نیز اشاره نمی‌شود و تنها با ذکر عنوان شغلی قربانیان از مرگ آنان خبر می‌دهند که این موضوع نشان از مظلومیت قشری دارد که بار اصلی تولید کشور را بر عهده دارند.
شاید دلیل ضمنی عدم ذکر اسامی کارگرانی که قربانی حوادث حین کار می‌شوند کاستن از ابعاد وحشتناک حادثه‌ای باشد که در کشورمان در حال وقوع است و کارگران از آن با نام مرگ خاموش یاد می‌کنند. چه بسا توجه به این حوادث و بر انگیخته شدن احساسات عمومی جامعه، عزمی جدی را در مسئولان ایجاد کند تا برای حل این معضل، چاره‌ای بیندیشند.

لزوم تامین امنیت محیط کار
عواملی همچون فقدان حداقل آموزش به کارگران، فقدان امکانات ایمنی و بهداشتی، ساعت کار طولانی و متعاقبا خستگی مفرط و پایین آمدن تمرکز در حین کار، عدم امنیت شغلی تنها چند مورد از دلایلی است که مرگ خاموش کارگران رقم می‌زند.
همچنین به رسمیت شناختن تشکل‌های مستقل کارگری و ایجاد فضای باز برای فعالیت کنش‌گران مستقل کارگری منجر به آن خواهد شد تا مسئولان - اگر عزمی برای حل معضلات کارگران در آن‌ها وجود داشته باشد - مشکلات را بهتر ببینند و صدای اعتراض کارگران بشنوند.
به نظر می‌رسد قدم اول برای جلوگیری از این فجایع، تقویب بازرسی برای تامین امنیت محیط کار است که هر روز باعث وقوع یك فاجعه انسانی می‌شود.

تجمع تعدادی از کارگران در اعتراض به تغییر قانون کار

تعدادی از کارگران امروز در اعتراض به ارسال لایحه اصلاح قانون کار در مقابل درب شمال مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار پارلمانی ایلنا، این کارگران که خواستار توقف تغییرات ضد کارگری در قانون کار هستند، همچنین به کاهش ارزش دستمزد که با بالا رفتن نرخ تورم رخ داده و به گفته آنان «حتی کفاف زندگی حداقلی کارگران را نمی‌دهد» و همچنین تصمیم سازمان تامین اجتماعی برای افزایش سن بازنشستگی طبق پیش‌نویس تغییر قانون تامین اجتماعی اعتراض دارند.
نماینده این کارگران به ایلنا گفت: ما به شورای‌عالی کار هشدار می‌دهیم که این تجمع را جدی بگیرند و فکری به حال دستمزدها کنند. همچنین از نمایندگان مجلس می‌خواهیم که قول دهند تا تغیرات مد نظر دولت در قانون کار اعمال نشود.
نماینده کارگران همچنین گفت: ما با تغییرات زیان بار قانون علیه کارگران مخالف هستیم و چون وزیر کار صدای اعتراض ما را در طومارهای اعتراضی را نشنید امروز آمده‌ایم تا صدایمان را به گوش نمایندگان برسانیم.
این کارگران همچنین پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آن نوشته شده بود «خط فقر یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است دستمزد کارگر ۳۸۹ هزار تومان است»، «یک روز حق ماموریت نماینده مجلس مساوی با یک ماه حقوق کارگر است»، «اصلاحات ضد کارگری را متوقف کنید»

تشویق کودکان به کار کردن با برگزاری جشنواره «نان آوران»

۲,۵ میلیون کودک به جای تحصیل، کار می‌کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر دوم دی ماه 1391 آمده است : یک فعال حقوق کودک گفت: نزدیک به ۲,۵ میلیون کودک درکشور خارج از چرخه تحصیل وجود دارد و به جای اینکه به مدرسه بروند مشغول به کارهستند.
فرشیدیزدانی در گفت گو با خبرنگار ایلنا، در مورد برگزاری جشنواره نان آوران از سوی سازمان دانش آموزی وزارت آموزش و پرورش گفت: درحالی که کار کردن کودک در همه جای دنیا تقبیح شده است برگزاری این جشنواره به نوعی تشویق کار کودک است و آموزش وپرورش باید از اینکه کودکانی که درسن تحصیل هستند کار می‌کند شرمنده باشد نه اینکه به تشویق کار کودکان بپردازد.

برگزاری جشنواره دانش آموزان نان آورخانواده، تشویق کار کودک است
وی با اشاره به برگزاری جشنواره نان آوران در سال حمایت از کار، تولید و سرمایه ملی گفت: برگزاری چنین جشنواره‌ای ضد تولید ملی است زیرا کار کردن کودک باعث می‌شود آن‌ها توانمند نشوند و از حضور در عرصه اجتماعی و اقتصادی باز بمانند و نتوانند نقش مفیدی ایفا کنند و در نتیجه این امر به زیان تولید ملی می باشد.
یزدانی تصریح کرد: علاوه بر آن کارکردن کودکانی که در سن تحصیل هستند مغایر با اهداف وزارت آموزش وپرورش در راستای تعلیم و تربیت کودکان و توانمند سازی آن‌ها نیز هست.
یزدانی بخش زیادی از کار کودک را ناشی از ناکارآمدی وزارت آموزش و پرورش عنوان کرد و افزود: نزدیک به ۵ / ۲ میلیون کودک خارج از چرخه تحصیل وجود دارد و به جای اینکه به مدرسه بروند مشغول به کارهستند.
این فعال حقوق کودک افزود: بخشی ازاین آمار به طور رسمی درآمار نیروی کار وجوددارد ودر بخش دیگر آماری موجود نیست.

نقش آموزش و پرورش در حل کارکودک منفی است
یزدانی با تاکید بر اینکه کودکان به غیر از تحصیل نباید کار دیگری داشته باشند، افزود: این درحالی است که آموزش و پرورش به جای حل کارکودک، جشنواره نان آوران دانش آموزی را برگزار می‌کند که این به معنای ایفای نقش منفی آموزش وپرورش در این حوزه است.
این فعال حقوق کودک خاطرنشان کرد: به سازمان دانش آموزی پیشنهاد می‌کنم به جای برگزاری جشنواره نان آوران سمیناری را به عنوان چگونگی شناسایی کودکان خارج ازچرخه تحصیل برگزار کنند و در این سمنیار به بررسی مکانیسم شناسایی این کودکان و چگونگی ورود آن‌ها به چرخه تحصیل بپردازد.

جشنواره نان آوران از سوی آموزش و پرورش مغایر با اصول انسانی است
وی برگزاری جشنواره‌ای با عنوان جشنواره نان آوران از سوی آموزش و پرورش را مغایر با اصول انسانی و بحث‌های کلان ملی ذکر کرد وافزود: آموزش و پرورش به جای اینکه کار کودک را تشویق و به نوعی ترویج کند باید مجموعه کودکان خارج از چرخه تحصیل را تحت پوشش قراردهد.
این فعال حقوق کودک ادامه داد: البته این کار تنها به عهده آموزش و پرورش نیست بلکه نهادهای دیگر در حوزه خدمات اجتماعی ورفاهی نیز باید به این موضوع ورود پیدا کنند.

آموزش و پرورش باید موانع عدم ورود دانش آموزان به چرخه تحصیل را بردارد
یزدانی در مورد اقداماتی که آموزش و پرورش در ارتباط با کودکان کار باید انجام دهد، گفت: آموزش و پرورش ابتدا باید این کودکان را شناسایی و موانع عدم ورود آن‌ها به تحصیل را بردارد زیرا بخشی از کودکان به دلیل افت تحصیلی ازچرخه تحصیل باز می‌مانند و بخشی دیگر به علت فقر و برخی نیزنداشتن شناسنامه وعوامل دیگر اقتصادی و اجتماعی امکان ادامه تحصیل را از دست می‌دهند.
وی افزود: آموزش و پرورش باید این موانع را شناسایی و دراختیار دو لت و افکار عمومی قرار دهد تا به برداشت این موانع کمک شود.

کارکردن کودکان نباید با برگزاری این جشنواره‌ها نهادینه شود
یزدانی با تاکید بر اینکه تاکنون آموزش و پرورش این اقدامات را انجام نداده است، افزود: اگرچه کارکردن کودکان یک واقعیت است اما با برگزاری چنین جشنواره‌هایی نباید نهادینه شود.
وی برگزاری جشنواره نان آوران را یک سیاست گذاری غلط از سوی آموزش و پرورش عنوان کرد و افزود: این تصمیم نیز در راستای نگاههای غلطی است که در آموزش و پرورش وجود دارد همانند موضع گیری وزیر آموزش و پرورش نسبت به ازدواج دانش آموزان که گفت: «خوشحال می‌شوم دانش آموزان ازدواج کنند» و یا عدم اقدامات جدی در آموزش و پرورش در جمع آوری بخاری‌های نفتی در مدارس، که همه این‌ها در راستای آسیب به کودکان و نه حمایت از آن‌ها صورت می‌گیرد.

این سیاست گذاری غلط ناشی از نگاه تحقیر آمیز به انسان است
این فعال حقوق کودک این سیاست گذاری غلط را ناشی از نگاه تحقیر آمیز و از بالا به پایین به انسان دانست و افزود: وقتی برای انسان جایگاه و احترام قائل باشیم خود به خود مسئولیت پذیر و پاسخگو می‌شویم اما زمانی که به انسان‌ها احترام نگذاریم، وقتی که دانش آموزان می‌میرند آقای وزیر می‌گوید بروید و از مسوولانش بپرسید و وقتی که همین کودکان در آتش می‌سوزند پوزخند می‌زند و می‌گوید از این به بعد برای هر اتفاقی که در آموزش و پرورش می‌افتد عذرخواهی می‌کنم و یا اینکه به روزنامه نگاران می‌گوید که شما نسبت به وقوع این حادثه مسوولید که به ما خبرنداده‌اید ممکن است اینجا آتش بگیرند که این برخوردها چیزی جز مسخره کردن یک واقعه تلخ انسانی نیست.
با توجه به نامگذاری امسال به سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ملی» جشنواره همیاران تولید با تغییر نام به جشنواره نان آوران قراراست اسفند ماه به منظور تقدیر از دانش آموزان نان آورخانواده، برگزاری مسابقات بین آن‌ها و همچنین بررسی مشکلات و ثبت خاطرات آن‌ها در مسیر درس خواندن و کارکردن ازسوی سازمان دانش آموزی برگزارشود، که شناسایی این دانش آموزان در مرحله مقدماتی و درسطح شهرستان‌ها درحال انجام است.

نامه مشترک سندیکاهای «س اف د ت»، «ث ژ ت»، « اف اس او»، «سولیدر» و« او ان اس آ» خطاب به رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی در باره وضعیت خطیر رضا شهابی

پاریس 20 دسامبر 2012
عالیجناب صادق لاریجاني، رئیس قوه قضائی جمهوری اسلامی ایران
موضوع: بازداشت رضا شهابی/ درخواست انتقال وی به بیمارستانی خارج از زندان

عالیجناب
سازمان های سندیکائی فرانسوی س اف د ت، س ژ ت، اف اس او، سولیدر، او ان اس آ، توجه شما را نسبت به وضعیت رضا شهابي، عضو هیئت مدیره ی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که از سی ماه پیش به علت فعالیت برای احقاق حقوق کارگران زندانی است، جلب می کند.
رضا شهابی از چندین بیماری رنج می برد (نارسائی کلیوي، فشار خون، درد کمر و پشت، و همچنین آرتروز شدید همراه با وخامت وضع چهار مهرهء پشت). از چند ماه پیش، به خاطر عدم درمان، وضع سلامتی وی شدیدا وخیم تر شده وحتی او را با خطر فلج کامل روبرو کرده است. وضعیت جسمانی او، درمان پزشکی مناسب و انتقال او به بیمارستانی در خارج از زندان را ضروری می سازد.
رضا شهابی در واکنش به رفتار شنیع زندانبان و فقدان مداوا، از 17 دسامبر و برای سومین بار دست به اعتصاب غذا زده است که جان او را در خطر جدی قرار می دهد. لذا وضعیت او بی اندازه نگران کننده و اضطراری است.
سندیکاهای فرانسوی ضمن درخواست آزادی فوری او، بر این باورند که محکومیت و زندانی شدن این فعال سندیکائی از سی ماه پیش تاکنون، نقض حقوق انسانی و سندیکائی است.
ما ضمن ابراز حمایت کامل از رضا شهابی مبارز، از کلیه مقامات مسئول ایرانی می خواهیم که به سرعت اقدامات لازم را مبذول دارند.
با احترمات فائقه
س اف د ت: فیلیپ رئو
س ژ ت: اوزلم ییلدریم
اف اس او: دومینیک ژیانوتی
سولیدر: آلن بارون
او ان اس آ: سعید دروان
ترجمه و تکثیر از :
" همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - پاریس "
" اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران - پاریس"

بیانیه بیش از 370 فعال مدنی و سیاسی در دفاع از رضا شهابی و هشداردر رابطه با خطرجانی برای او

بر پایه طومار حمایتی از رضا شهابی رسیده به روز شمار کارگری در 2 دی آمده است : رضا شهابی کارگر زندانی و عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی از روز دوشنبه 27 آذرماه 1391 (مطابق با 17 دسامبر 2012) برای بار سوم دست به اعتصاب غذا و دارو زده است و این امر موجب نگرانی و تشویش خاطر همگان شده است. شهابی که از مشکلات حاد کمر و گردن رنج مي‌برد و بنا بر اظهارات پزشک معالج، نیاز به عمل جراحی دارد، روز شنبه 25 آذر ماه 1391 جهت معاینه توسط پزشک متخصص به بیمارستان خمینی تهران منتقل گردید و پزشک برای بررسی وضعیت وی عکس برداری را تجویز نمود.
اما در ادامه، پاسیار زندان که شهابی را همراهی می کرده است، از انجام آزمایشات تجویز شده توسط پزشک ممانعت کرده و وقتی ...شهابی و خانواده اش نسبت به این برخورد مامور زندان اعتراض کردند، وی رضا شهابی را تهدید به ضرب و شتم نموده و با الفاظ رکیک و خشونت بار مورد خطاب قرار داده و به زندان بازگردانده است.در نتیجه این رفتار، رضا شهابی دست به اعتصاب غذا و دارو زده و اعلام کرده است که تا زمان برخورداری از امکانات سلامت و اجرای دستورهای پزشکی که با مخالفت دادستانی رو به رو شده، اعتصاب غذای خود را ادامه خواهد داد. رضا شهابی از سوی دادگاه انقلاب به چهار سال حبس تعزیري، پنج سال محرومیت از فعالیت سندیکایی و هفتاد میلیون ریال جریمه نقدی محکوم شده است.
ما امضا کنندگان این بیانیه به عنوان جمعی از فعالین کارگری و سیاسی و حقوق بشر، هنرمندان و روزنامه نگاران، ضمن اعلام مراتب اعتراض و مخالفت با مجازات تایید شده از سوی

دادگاه انقلاب، هرگونه حکم صادره از سوی این دادگاه را فاقد وجاهت قانونی دانسته و حمایت کامل خود را از خواسته های قانونی این کارگر زندانی اعلام می کنیم.
ما هرگونه بایکوت خبری یا به حاشیه راندن اخبار در مورد رضاشهابی و دیگر فعالین کارگری در زندان را محکوم می کنیم و به سهم خود می کوشیم این انحصار رسانه ای را بشکنیم. جان رضا شهابی در خطر است و سابقه حکومت ایران در برخورد با زندانیان معترض و بی تفاوتی آشکار نسبت به جان و سلامت آنان، نگرانی ما را بیش تر نموده است.
حکومت ایران باید فوراً به درخواست قانونی مداوای فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی و دیگر زندانیان سیاسی و عادی پاسخ داده و اقدامات لازم را برای درمان بیماری ایشان فراهم آورد.
ائتلاف سراسری فعالین در حمایت از رضا شهابي، از تمامی فعالین قشرهای مختلف سیاسی و اجتماعي، نهادها و سندیکاهای کارگري، مجامع و نهادهای حامی حقوق کارگران و حقوق بشر، اصحاب و اهالی رسانه و هر انسان آزاده ای که نگران وضعیت جسمانی و سلامت این فعال کارگری است، در خواست می کند که به فراخور توان و به اقتضای امکانات به هر شکلی که می توانند در داخل و خارج از ایران، در حمایت از کارگر زندانی رضا شهابی بکوشند. فعالیت های تبلیغی در شبکه های اجتماعي، ایجاد ارتباط و درخواست از نهادهای کارگری و حقوق بشری مربوطه در هر کشور، ارسال اخبار به رسانه های ایرانی و خارجی و برپایی تجمع و تحصن و تظاهرات نمونه هایی از این فعالیت هاست و قطعاً شامل ابتکارات دیگر نیز می گردد.

آرش کیا فعال سیاسی - آیدا مهرانی فعال حقوق بشر - ناصر بایزیدی فعال سیاسی - آذرطاهرآبادی روزنامه نگاه و فعال حقوق بشر - آرا مهرگان فعال دانشجویی - آرام فرجام فعال سیاسی و آنتی فاشیست - آرش صدری فعال مدنی -آرش نصیری اقبالی فعال حقوق بشر -آرمان بیگی فعال مدنی -آرمان پیرانی فعال دانشجویی - آرمین رحمانی فعال سیاسی - آرین میرذوالفقاری فعال سیاسی - آزاده خسروشاهی فعال زنان -آناهیتا اردوان فعال سیاسی - آوا بیات زنان - آیدا فرسیابی فعال سیاسی - آیدا سعادت فعال حقوق زنان - ائه وین ناهید دانش جو - ائلچین حاتمی فعال حقوق بشر - ابراهیم مهتری فعال حقوق بشر - ابراهیم آوخ فعال سیاسی - ابی خطایی آزادی خواه - احمد زلقی فعال سیاسی - احمد فاضلی اقلیت عرب زبان - احمد فاطمی فعال سیاسی - احمد لطفی فعال سیاسی - احمدسیف مدرس دانشگاه - ارژنگ نورایی فعال جنبش کمونیستی - ارسلان یارمحمدی فعال سیاسی - اسد طاهری فعال سیاسی - اسدالله پناهی مهر فعال حقوق بشری - اسماعیل مشفق زندانی سیاسی دهه 60 -اشرف علیخانی - ستاره فعال سیاسی - افسانه فلاحی فعال سیاسی - اکبر ابهری فعال سیاسی - اکرم بیرم وند فعال سیاسی - البرز ایرانی فعال سیاسی
- الوار قلی وند فعال سیاسی - امرالله ابراهیمی فعال سیاسی - امید حبیبی نیا روزنامه نگار -امید راد فعال دانشجویی و کارگری - امیر ابراهیمی فعال سیاسی - امیر دوشوکی فعال سیاسی - امِیر رزاقی فعال مدنی - امیر سیفی فعال سیاسی - امیر شریفی فعال سیاسی کورد - امیر غفاری کارگر - امیر کارگر سیاسی و حقوق بشری - امیر لاکی شاعر - امیرآریا برهانی فعال سیاسی - امیرحسین مصلی روزنامه نگار - امیرعباس آزرم وند فعال سیاسی چپ - امیرمحسن محمدی فعال سیاسی - اندیشه جعفری فعال حقوق زنان - انور میر ستاری فعال سیاسی - اهورا تهرانی فعال سیاسی - اوستا اورانیان فعال سیاسی - ایدا فرسیابی فعال سیاسی - ایرج باقرزاده ملی مذهبی - بابک اجلالی فعال سیاسی - بابک زنجانی فعال سیاسی - بابک غیاثی فعال دانشجویی دانشگاه رازی - برومند فرد ژورنالیست، مترجم - بشیر احسانی فعال سیاسی - بنفشه جمالی فعال حقوق زنان - بهاره بابایی فعال سیاسی - بهداد بردبار روزنامه نگار - بهرام شجاعی فعال سیاسی - بهرام مودت فعال سیاسی - بهروز جاوید تهرانی فعال سیاسی و حقوق بشر - بهروز رضوانی فعال سیاسی - بهروز علوی فعال سیاسی - بهروز کریمی زاده - بهروزاسلامی مولان فعال مدنی - بهزاد معزی فعال سیاسی - بهمن احمدی فعال سیاسی - بهمن کوهی آزادیخواه - بهمن محمدی - آخن حقوق بشری - بهنام الماسیان طراح - بهنام نوری فعال مدنی و دانشجویی - بهنام

نیک زاد فعال دانشجویی - بهنام وفاسرشت فعال سیاسی - پدرام رفعتی فعال سابق دانشجویی - پردیس رحمانفرد فعال اجتماعی - پروین اردلان فعال زنان و روزنامه نگار - پروین کهزادی فعال سیاسی - پریسا نصرآبادی فعال کارگری - پگاه روشن فعال زنان - پویا صبوری کارحانه فعال سیاسی-کارگری - پویا عزیزی فعال سیاسی چپ - پویان مکاری فعال سیاسی - پیمان فاضلی فعال سیاسی - پیمانه شفیعی حقوق بشر - پیام شاکر فعال سیاسی - پیمان عارف فعال سیاسی - پیمان مراد خانی فعال سیاسی - توفیق عقیلی کاریکاتوریست - جعفر پویه فعال سیاسی - جلال مظهری فعّال سیاسی و حقوق بشری - جمشید انگورانی حقوق بشری - جمیله محققی شاعر - جواد ریاحی فعال سیاسی - جواد سبحانی فعال سیاسی - حامد هنر خواه فعال دانشجویی - حسام سلامت فعال اجتماعی - حسن جنتی فعال کارگری - حسن عزیزیان فعال سیاسی - حسن ماسالی فعال سیاسی- حقوق بشر - حسن نایب هاشم مدافع حقوق بشر - حسین آگاه اصلاح طلب - حسین پویا فیلم و هنر - حسین دولت آبادی فعال سیاسی - حسین لطفی فعال حقوق بشری - حمید بوطاریان فعال کارگری - حمید حمیدی پژوهشگر و فعال حقوق بشر - حمید رضا زندیه فعال سیاسی - حمید صدر نویسنده - حمید عماد پور فعال سیاسی - حمید مافی روزنامه نگار - حنیف حسین دوست فعال سیاسی -حنیف نوربخش فعال سیاسی - خدیجه مقدم فعال حقو ق زنان -صلح و محیط زیست - خسرو تجربه کار فعال حقوق بشری - خسرو خواجه نوری فعال سیاسی و حقوقذ بشری - خسرو شیری فعال سیاسی کورد - خسرو نیک ذات پزشک - داریوش افشار فعال سیاسی - دامون راد فعال سیاسی - دیاکو بهمنی فعال سیاسی - ذکریا عباس پور فعال کارگری - رادیو پیام رادیو - رایا دشتبان فعال سیاسی و آنتی فاشیست - رضا آزادی فعال سیاسی - رضا افشار فعال سیاسی - رضا اکوانیان وبلاگ نویس و فعال حقوق بشر - رضا باستانی حقوق بشر - رضا رهنما فعال مدنی - رضا عزیزیان فعال سیاسی چپ - رضا نگاهداری فعال سیاسی - رعنا کریم زداه فعال سیاسی - روبرت سپانیان فعال سیاسی - روحی شفیعی فعال مدنی - روح الله ضم فعال سیاسی - روژین محمدی فعال زنان و حقوق بشر - روشنک رضایی فعال سیاسی - رویا محمدی فعال سیاسی - زری اصفهانی پزشک - زهره دهقان فعال سیاسی - زهره شجاعی فعال سیاسی و زنان - زینت میرهاشمی فعال کارگری - ژیلا مساعد شاعر - سارا ایرانی فعال حقوق بشر - سارا بهمنی فعال حقوق زنان - سارا کریمی فعال سیاسی - سارا لقایی فعال سیاسی - سارا نخعی علیه اعدام - ساقی لقایی فعال سیاسی - سالومه رحیمی فعال زنان - سامان درختی فعال سیاسی -سامناک آقایی فعال سیاسی - سپیده عباس زاده عکاس - سجاد بختیاری فعال سیاسی - سحر فاطمی حقوق بشر - سروش دشتی تحریریه اشتراك - سروناز باباخانی فعال سیاسی - سعید مقصودی فعال سیاسی - سعید آریان فعال دانشجویی - سعید احمدی فعال سیاسی - سعید افشار فعال سیاسی - سعید بهبهانی فعال سیاسی - سعید شیرزاد فعال سیاسی - سعیده سهرابی فعال سیاسی - سمیرا جمشیدی فعال سیاسی - سوسن شهبازی فعال کارگری حقوق بشر - سوفیا صدیق پور فعال حقوق بشر - سینا دشتی پناهنده- سیاسی ، پزشك - سیامک گلپرور فعال اجتماعی - سیاوش دماوندی وبلاگ نویس - سید اکبر روحانی حقوق بشر - سید علی لنگرودی فعال سیاسی - سیما بختیاری مادران پارک لاله ژنو - سیما ریاحی فعال سیاسی - سیمین دبیری دبیر - سیمین روزگرد فعال سیاسی - سینا اعتمادی فعال سیاسی - سینا پناهی مهر فعال حقوق بشری - شعله ایرانی فعال زنان - شعله فروزنده فعال سیاسی و حقوق بشری - شکوفه منتظری فعال سیاسی - شهرام حاجی حسینی فعـال سیاســی - شهرزاد باقری فعال سیاسی - شهلا ابراهیمی زندانی سیاسی سابق و فعال مدنی - شهلا باور فعال حقوق بشر - شهلا شفیق نویسنده. فعال حقوق بشر و برابری زنان - شورش لرستانی فعال سیاسی - شیدا ناصرزاده فعال حقوق بشر - شیروبه سیفی فعال سیاسی - شیروبه سیفی فعال سیاسی - شیوا نوجو فعال صلح - صادق حیدری فرد فعال سیاسی - صادق رضایی گیگلو فعال سیاسی - صادق ظهراب باقی حقوق بشری - صبا لطفی فعال حقوق بشری - صبا واصفی نویسنده و پژوهشگر - صبری بهمنی روزنامه نگار فعال سیاسی - صحرا هروی فعال سیاسی - صدرا آقاسی فعال حرکت ملی آذربایجان - صدرالدین تام فیلمساز - صمد بهادری طولابی فعال سیاسي، فرزند و از اعضای خانواده دهه خونین شصت - رضا طالبی فعال سیاسی - طاهره

دامن پاک فعال سیاسی - عابد رضایی فعال سیاسی و آنتی فاشیست - عباس بروجردی حقوق بشر - عباس خرسندی سیاسی- حقوق بشری - عباس مانا فعال سیاسی سبز - عبدالرضا صبوری کارخانه فعال کارگری - عزت دولت آبادی کارگری - عزت ملکی فعال کارگری و حقوق مدنی - عزیز اجیکند روزنامه نگار - عزیز میری شاعر و فعال سیاسی - عسل اخوان فعال سیاسی -علی دوستکام سوادکوهی خبرنگار آزاد فعال سیاسی -علی ربیعی فعال سیاسی - علی افشاری فعال کارگری - علی رسولی فعال سیاسی - علی سیفی فعال سیاسی - علی عجمی فعال دانشجویی - علی عزیزی کلانتری فعال حقوق بشر -علی کلائی حقوق بشر - علی محمدی فعال کارگری - علی مهدیان فعال دانشجویی - علی نکویی فعال سیاسی - علی یوسفی فعال کارگری - علیرضا رشیدی فعال سیاسی - علیرضا زندیه فعال سیاسی - علیرضا عبدالشیخی فعال سیاسی - علیرضا یعقوبی دانشگاهی و فعال مدنی - عماد باقرزاده فعال سیاسی - عماد هاشمی فعال سیاسی - غلامرضا انگورانی فعال سیاسی - فاطمه رضایی حامیان مادران پارک لاله دورتموند - آلمان - فاطمه نما فعال سیاسی واجتماعی - فتاح سبحانی فعال حقوق بشر و زندانی سیاسی سابق - فرحناز محمدی فعال حقوق بشری -فرزاد نوری فعال سیاسی - فرزین آصفی فعال سیاسی - فرشاد پاشازاده سردهی فعال کارگری - فرشته فراهانی فعال زنان - فرشید فرشیدی فعال کارگری - فرناز کمالی فعال مدنی - فرهاد مظفری فعال سیاسی و آنتی فاشیست - فرهاد معرابی فعال سیاسی - فرهاد(کریم) اعظمی فعال سیاسی -فرهاد کرامتی فعال سیاسی و آنتی فاشیست - فروغ حکیمی دانشجو - فریا ثمرانی کارگردان، هنرمند - فریبا راد فعال سیاسی - فریبا شجاعی فعال سیاسی - فریبرز ممتحن زندانی سیاسی - فرید فرهان فعال حقوق بشر - فریده چزانی فعال سیاسی - فرین هادی فعال سیاسی - فیروز حیدری فعال سیاسی - فیروزه مهاجر فعال اجتماعی - کوروش صحتی فعال پیشین دانشجویی - کاظم نجفی فعال سیاسی - کامران عالمی نژاد فعال سیاسی - کاوه کرمانشاهی بلاگر و مدافع حقوق بشر - کاوه نوری فعال سیاسی - کریم رستمی میر فرد فعال حقوق بشر و روزنامه نگار - کمال حمیدی فعال سیاسی - کمال دانشیان فعال سیاسی - کمال محمودی فعال سیاسی - کمیته حمایت از شاهرخ زمانی - کوروش زعیمی فعال مدنی - گلناز خواجه گیری فعال اجتماعی - لاله طریقی فعال سیاسی - لیلا اسدی زنان - لیلا توکلی فعال سیاسی - لیلا جدیدی فعال سیاسی - لیلا سبحانی فعال سیاسی - لیلا سومند حقوق بشر - لیلا سیف اللهی فعال حقوق بشر - مجید تمجیدی فعال سیاسی - مجید سیفی فعال سیاسی - محسن یوسفی فعال کارگری - محمد (دمی) شیروانی فعال سیاسی - محمد اشرفی فعال کارگری - محمد اعظمی فعال سیاسی - محمد الهی فعال سیاسی - محمد امیرانی فعال سیاسی - محمد بهروزی فعال اجتماعی و حقوق بشر - محمد پور- عبدالله فعال سیاسی - محمد جلالی نویسنده - محمد حبیب نیا فعال سیاسی - محمد خیرخواه روزنامه نگار - محمد رضا ابراهیمی فعال سیاسی - محمد صفاییان فعال سیاسی - محمد غزنویان فعال اجتماعی - محمد کاشفی فعال حقوق بشری و وبلاگر - محمد کفایتی فعال سیاسی - محمدرضا ابراهیمی فعال سیاسی اصلاح طلب و حقوق بشر - محمدرضا حمیدی فعال سیاسی - محمدرضا حیدری فعال سیاسی - مرتضی موسوی عکاس خبری - مرجان افتخاری فعال سیاسی و زنان - مرجان عبدی فعال اقلیت ها - مرسده هاشمی فعال حقوق بشر - مری گودرزی فعال سیاسی - مریم افشاری فعال سیاسی - مریم رحمانی فعال زنان - مریم شفیع پور حقوق بشر - مریم شیخی نارانی آرشیتکت - مریم مقدم فعال سیاسی - مزدک عبدی پور کنشگر ملی - مسعود ابوعلی فعال سیاسی - مسعود چناسی فعال دانشجویی - مسعود سپنتا فعال سیاسی - مسعود شب افروز فعال سیاسی - مسعود محمدی فعال سیاسی - مسیح شکرالله پور فعال زنان - مصطفی رحمانی فعال سیاسی - مصی شیروانی فعال سیاسی - منصور قدرخواه کارگردان - فعال حقوق بشر - منصوره بهکیش فعال اجتماعی - منصوره خسروشاهی فعال حقوق بشر - منوچهر بی غم فعال سیاسی - مهدی سامع فعال سیاسی - مهدی گرمرودی فعال حقوق بشر - مهدی لطفی فعال حقوق بشری - مهران پارسا فعال سیاسی - مهران جنگلی مقدم نویسنده - مهرداد امیررحیمی فعال سیاسی - مهرداد درویش پور فعال سیاسی - مهری جعفری وکیل دادگستری - مهشید راستی فمینیست / کنشگر حقوق بشر - مهناز پراکند فعال حقوق

بشر - مهوش علاسوندی نهاد مادران علیه اعدام - مهیار هرسینی فعال سیاسی - موسی توحیدی فعال سیاسی - مونا درودی فعال سیاسی
میترا پورفرزانه آموزگار - میثم رودکی فعالسیاسی - میراسماعیل چباری نژاد نوشسنده - میلاد غفاری پور فعال حقوق بشری - میلاد فخرایی فعال کارگری - مینا انتظاری زندانی سیاسی سابق -فعال حقوق بشر - مینا خانلرزاده دانشجو - مینا زاده فعال سیاسی - مینا علیزاده فعال سیاسی - نادر امینیان فعال سیاسی و حقوق بشر - نادر معاونیان مهندس نرم ابزار - نازی عظیما مترجم و نویسنده - ناصر بایزیدی فعال سیاسی - ناصر خدابنده فعال سیاسی - ناصر خدابنده لو فعال حقوق بشر - ناصر صنعتی فعال سیاسی - ناهید خیرابی روزنامه نگار - ناهید فرجاد فعال سیاسی - ناهید میرحاج فعال زنان - ندا آزادمنش فعال دانشجویی - نرگس غفاری رادیو ایرآوا - نسرین حمیدی فعال حقوق بشر - نقی محمودی وکیل و فعال حقوق بشر - نیما نصر فعال دانشجویی - نیره توحیدی فعال حقوق بشر - نیما پوریعقوب فعال کارگری - نینا دانشیان فعال سیاسی - هاجر لیواری فعال حقوق بشری - هژیر پلاسچی فعال سیاسی - هلاکو وحدت فعال سیاسی - هوشنگ دانیالی فعال سیاسی - هیوا کوردستانی مولانیا سخنگوی سازمان دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی ایران و کوردستان
وحیده خرمرودی فعال حقوق بشر - ونداد اولادعظیمی وبلاگ نویس - یاور اعتماد فعال سیاسی - یوسف مهدوی فعال سیاسی

« سوداندوزی لجام گسیخته سرمایه و مرگ دلخراش کارگران »

هر روز در گوشه ای از این کره خاکی واز جمله در کشور ما، کارگران معدن زیر آوار می مانند؛ تکه تکه می شوند ومدفون می گردند تا ثروت نهفته در دل خاک را به صاحبان سرمایه تقدیم کنند. این کارگران معمولا از محرومترین بخش ها و لایه های طبقه کارگرند که به دلیل بیکاری ومشکلات معیشتی اینچنین جان خود را به خطر می اندازند تا لقمه ای نان شرافتمندانه بر سر سفره خانواده شان بگذارند .
قرعه این بار به نام کارگران معدن زغال سنگ یال شمالی متعلق به شرکت آروین نوین واقع در بخش پدیده طبس افتاد که به دنبال انفجاری که ساعت هفت و پنجاه دقیقه صبح سه شنبه در این معدن روی داد 8 نفر از 13 کارگری که در تونل های افق 2 و 3 این معدن مشغول کاربودند به زیر آوار ماندند و به فجیع ترین و دردناک ترین شکل جان خودرا از دست دادند.اجساد این کارگران به تدریج تاساعت 22 چهارشنبه از زیر آوار بیرون کشیده شد.اسامی کشته شدگان عبارتند از :«علی مهدی‌زاده»، «محمود عابد»، «جواد باقرزاده»، «رمضان رضوانی»، «اسماعیل رحیمیان»،«ابوالفضل خوری»و «رسول غلامی» و «اسماعیل عابد».
کارگران این معدن که در عمق بیش از 300 مترکار می کردند، نه تنهاهرلحظه در معرض ریزش خروارها گل و سنگ قرار داشتند، بلکه زندگی شان همواره با مرگی تدریجی ناشی از تنفس گازهای سمی و گرد زغال عجین شده بود . فروش همه ی هستی و زندگی، در ازاء دریافت حداقل ممکن دستمزد که صاحبان سرمایه و حامیانشان همه ساله آن را در به اصطاح "شورای عالی کار" رقم می زنند. دریافت دستمزدی ، تنها برای این که زنده بمانند تا کار کنند و سرمایه داران را فربه و فربه تر نمایند .
این اولین بار نیست که در معادن این منطقه چنین حوادث مرگباری رخ می دهد .در اردیبهشت ماه امسال نیز در معدن شماره 3 ذغال سنگ نگین ، کارگر 27 ساله ای به نام عظیم برزگر جان خود را از دست داد و در معدن شماره 2 همین شرکت محمد قربانی دچار صدمه و جراحت شد.
هر بار به دنبال وقوع چنین حوادثی، در سناریویی تکراری و مسخره، عده ای از صاحبان سرمایه و عوامل آن ها که رد پایشان به وضوح و به اشکال مختلف در وقوع چنین حوادثی دیده می شود ، با خانواده های این کارگران به اصطلاح اظهار همدردی می کنند و پس از ابراز تأسفی ساختگی و فریبکارانه، در همچنان بر همان پاشنه، شروع به چرخیدن می کند و محیط های کار همچنان نا امن و پرخطر باقی می مانند، تا حادثه ای دیگر اتفاق بیفتد و تعدادی دیگر از خانواده ها، همسران و نان آوران خود را از دست بدهند و "این رشته سرِ دراز

دارد". حضرات صاحب سرمایه در اکثریت قریب به اتفاق موارد تقصیر را بر عهده کارگران می گذارند تا خود را از زیر بار مسئولیت ها و پیامدهای آن برهانند. واقعیت این که تا آن زمان که سلطه سرمایه بر جان و مال و هستی کارگران باقی است، این خانواده های کارگران هستند که همچنان قربانی خواهند داد و به روز سیاه خواهند نشست . به اظهار نظر یکی از همین آقایان به عنوان معاون دفتر نظارت و بهره برداری از معادن وزارت صنعت، معدن و تجارت توجه کنید : "معدن یال شمالی دارای ذخایر زغال سنگ بسیارغنی ای است و طبیعی است که بعد از رفع اشکالات فنی حاصل از انفجار، مجددا فعالیت تولیدی خود را از سر خواهد گرفت." وی ضمن اعتراف به این که : " هنوز نظر کارشناسان و بازرسان اداره کار و پزشکی قانونی اعلام نشده و نظر قاطع و حتمی کارشناسان وزارت صنایع نیز گزارش نشده است".، وضعیت ایمنی معدن یال شمالی را مطلوب ارزیابی کرده و پیشا پیش تقصیر را به گردن کارگران انداخت. او همچنین می گوید : "انفجار های معادن قابل پیش‌گیری نیستند و باید پس از رفع نقص در هر انفجاری بلافاصله فعالیت های آن را شروع کرد ." و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل .

واقعیت این است که در شرایط موجود و تحت حاکمیت نظام سرمایه داری، ارتقاء بهداشت محیط و بهبود وضعیت ایمنی کار، نیاز به صرف هزینه و اختصاص مبالغی از سود سرمایه دارد که کارفرمایان، به ویژه در شرایط فقدان تشکل های مستقل کارگری که بر ایمنی کار و بهداشت محیط کارخانه ها ، کارگاه ها و معادن نظارت داشته باشند و کارفرمایان را مجبور به رعایت آن نمایند ، توجه ای به آن نمی کنند و مبالغ مورد نظر را ، به این امر اختصاص نمی دهند. حضرات سرمایه دار اساسن این کارها را نمی کنند، چرا که جان و زندگی کارگران برایشان ارزشی ندارد. آنها فقط و فقط به سود سرمایه می اندیشند و حداکثر اقدامی که ممکن است در این گونه مواقع انجام دهند این است که،برای فرونشاندن خشم خانواده ها، پس از وعده و وعید های فراوان، مخارج کفن ودفن کارگران جان باخته را به عهده بگیرند، تا قضیه فروکش کرده و آن ها بتوانند همچنان به قیمت استثمارهر چه بی رحمانه تر کارگران بیش از پیش سود اندوزی کنند . تنها در صورتی که حوادث کار را در محدوده ای وسیعتر از این کارخانه و آن معدن بررسی کنیم متوجه خواهیم شد که این حوادث ، علی العموم ربطی به بی احتیاطی کارگران نداشته و اساسن نتیجه اجتناب نا پذیر ناامنی محیط های کار، به ویژه معادن و ساختار نظام مبتنی بر سود است.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن ابراز تأسف عمیق از این واقعه جان گداز و اعلام همدردی با خانواده های محترم این عزیزان، مجددن بر علل اصلی و واقعی این گونه حوادث که هیچ چیز جز سودجویی بی حساب و افسار گسیخته سرمایه داران و حرص و ولع بی پایان آنان در انباشت سرمایه از یک سو، و صرفه جویی در هزینه برای ایمن سازی و بهداشت محیط های کار از سوی دیگر نیست تأکید نموده و خواهان پیگیری مسئله و محاکمه مسببین و دست اندر کاران این حادثه هولناک و همزمان جبران خسارت های وارده بر خانواده های این کارگران می باشد.

با آرزوی روزی که از معادن تنها به اندازه رفع نیاز زندگی بشر و نه نیاز آزمندانه سرمایه ،آنهم با استفاده ازبهترین و پیشرفته ترین امکانات ایمنی بهره برداری شود.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-2 دی 1391

کمردرد،افت شنوایی و مشکلات پوستی از شایع‌ترین بیماری‌های شغلی

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 3 دی آمده است : دبیر علمی سمینار بازآموزی مدون طب کار گفت: بیماری‌های اسکلتی عضلانی مانند کمردرد، افت شنوایی و بیماری‌های پوستی از شایع‌ترین بیماریهای شغلی محسوب می‌شوند.

دکتر یاسر لبافی نژاد گفت: این بازآموزی جهت به روز کردن اطلاعات پزشکان عمومی است که در کارخانجات و اداره‌ها مشغول فعالیت هستند و نیاز است که برای معاینات دوره‌ای و سلامت شغلی افراد اطلاعات علمی آنها به روز باشد. مواجهات شغلی ممکن است که مواجهات جدیدی باشند و پزشکان عمومی باید نوع معاینات و دانش خود را در این زمینه به روز کنند.

وی افزود: در محیط های کاری با انواع مواجهات از جمله مواجهات شیمیایی، فیزیکی، روحی

و روانی و بیولوژیک روبه رو هستیم که هر کدام به نوبه خود می توانند سلامت ما را به خطر بیندازند. در مواجهات شیمیایی ما حلال‌ها را در محیط های کاری داریم و اختلالات ارگونومیک باعث بروز بیماریهای اسکلتی عضلانی می شوند.
این متخصص طب کار بیماری‌های اسکلتی عضلانی و کمردرد، افت شنوایی و بیماریهای پوستی را از شایع ترین بیماریهای شغلی عنوان و تصریح کرد: وقتی روش درست انجام معاینات را به پزشکان آموزش دهیم این امر باعث می شود که بیماری‌ها را بهتر شناسایی کنیم، این امر گام موثری در ارتقاء سلامت شغلی افراد خواهد بود.
وی خاطرنشان کرد: نحوه رویکرد تشخیصی بیماری‌های شغلی، ارزیابی و معاینات بالینی کارگران، بیماری‌های ریوی ناشی از کار، بیماری‌های سیستم بینایی ناشی از کار، اختلالات اسکلتی عضلانی ناشی از کار در اندام تحتانی و کمر درد، نوبت کاری و اختلالات خواب از محورهای مورد بحث در این بازآموزی است.
لازم به ذکر است، سمینار بازآموزی مدون طب کار با همکاری مرکز تحقیقات طب کار دانشگاه علوم پزشکی تهران 2 تا 6 دی در مرکز همایش‌های رازی درحال برگزاری است.

افزايش 280 درصدي مرگ هاي ناشي از حوادث كار در استان اردبيل

مرگ و مير ناشي از حوادث كار در هشت ماهه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل 280 درصد افزايش يافت و از 10 نفر در هشت ماهه سال گذشته به 38 نفر در سال جاري رسيده است.
به گزارش واحد آمار اداره كل پزشكي قانوني استان اردبيل، از كل 38 نفر فوت شده در هشت ماهه سال جاري 37 نفر مرد و 1 نفر زن بر اثر حوادث كار در استان جان باخته‌اند.

مرگ دلخراش دو کارگر جوان در حادثه آتش سوزی دریک پروژه مسکن مهر در مشهد

به گزارش روزنامه خراسان،در تاریخ سوم دی آمده است : مدير حوزه ۲ آتش نشاني مشهد از مرگ دلخراش دو كارگر جوان در يک حادثه آتش سوزي خبر داد.
برپايه اين گزارش، مجيد شادي افزود: ساعت ۲۳ و ۴۵دقيقه پنج شنبه گذشته يک مورد حادثه آتش سوزي در شهرک مهرگان به سامانه ۱۲۵اعلام شد و آتش نشانان ايستگاه ۲۹به محل حادثه اعزام شدند.
وي ادامه داد: آتش سوزي در محل اتاق استراحت نگهبانان يک پروژه مسکن مهر در شهرک مهرگان رخ داده بود که طي آن ۲ کارگر جوان ۱۹ و ۲۱ساله به طور کامل در آتش سوختند.
سوم دی ماه 1391

بیکاری 800 هزار کشاورز در 8 سال

به نوشته سایت اعتدال در تاریخ سوم دی امده است : شنیده شد که سهم کشاورزان در اشتغال کشور طی 8 سال اخیر 4/7 درصد کاهش یافت که حاکی از بیکاری حدود 800 هزار کشاورز طی این سال‌هاست.
تسنیم نوشت: با بررسی تفکیکی گزارش‌های مرکز آمار ایران طی سال‌های 84 تا 91 در فصول تابستان به نتایج تازه‌ای درباره سهم بخش‌های مختلف در میزان اشتغال‌زایی در کشور دست یافته است، از جمله اینکه سهم بخش کشاورزی در ایجاد اشتغال طی این 8 سال 4/7 درصد کاهش یافته است.
درحالی که در سال 84 بیش از 5 میلیون و 100 هزار نفر در حوزه کشاورزی فعال بوده‌اند، تازه‌ترین گزارش مرکز آمار ایران حاکی است، در فصل تابستان امسال تعداد کشاورزان کشور به 4 میلیون و 343 هزار نفر کاهش یافته است که از کاهش حدود 800هزار نفری اشتغال در بخش کشاورزی خبر مي‌دهد.

اخراج 86 کارگر آرد یاسوج در آستانه بازنشستگی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر سوم دی ماه 1391 آمده است : نماینده کارگران کارخانه آرد کلوکز و نشاسته یاسوج از انحلال این کارخانه و بیکاری ۷۵ کارگر رسمی و 11 کارگر قراردادی در شرف بازنشستگی خبر داد.
جهانگیر منطقیان با اعلام این خبر به ایلنا گفت: ۷۵ نفر از کارگران رسمی و با سابقه ۲۰ سال خدمت در صنعت تولید آرد، نشاسته، گلوکز، دکستروز و خوراک دام، که با امتیاز مشاغل سخت وزیان آور در شرف بازنشستگی بودند با انحلال کارخانه به بهانه نداشتن صرفه اقتصادي، بیکار شده‌اند.
او با بیان اینکه انحلال این کارخانه قانونی نیست اظهار داشت: این مسأله سوء استفاده از قانون است چرا که فعالیت کارخانه و استفاده از کارگران توجیه اقتصادی دارد.
عضو شورای اسلامی کار کارگران کارخانه آرد، گلوکز و نشاسته یاسوج تصریح کرد: در سال حمایت از تولید ملی که باید به وضعیت اشتغال بیشتر رسیدگی شود، چرا باید کارخانه‌ای با ظرفیت بالای اشتغال تعطیل شده و کارگران آن بیکار شوند.
او تعداد کارگران این کارخانه را در سال ۸۲ تا ۸۴ حدود ۳۰۰ نفر عنوان کرد و گفت: از سال ۸۴ به بعد ۱۲۰ کارگر بازخرید شدند و به مرور این تعداد تا سال ۹۰ به ۸۶ نفر رسید که تعداد ۷۰ نفر آنان نیز تا پایان سال ۹۲ شرایط بازنشستگی خواهند داشت.
وی ادامه داد: هرکدام از این کارگران به صورت میانگین پنج نفر را تحت تکفل خود دارند و بیکاری این کارگران تبعات منفی در استان به همراه داشته است؛ از مسوولان مي‌خواهیم که در خصوص این مشکل چاره اندیشی کنند.
منطقیان اضافه کرد: این کارخانه از سال ۶۹ راه اندازی شده و به عنوان صنعت مادر و بزرگ‌ترین کارخانه در استان شناخته مي‌شد، اما به دلیل ضعف مدیریت و بی توجه‌ای سازمان‌ها و نهادهای اقتصادی هم اکنون منحل و کارگران آن بیکار شده‌اند.
او در خصوص مطالبات کارگران اضافه کرد از یکم مهر ماه سال ۹۰ تا یکم خرداد سال ۹۱ تعداد زیادی از کارگران مطالبات حقوقی خود را دریافت نکرده‌اند و از آن تاریخ به بعد طبق رای دیوان عدالت اداری واعلام بازگشت بکار کاگران تا هم اکنون حقوقی دریافت نکرده‌اند.
او همچنین تاکید کرد: طبق ماده ۵۲ قانون کار در کارهای سخت وزیان آور ساعات کار نباید از ۶ ساعت تجاوز کند این در حالیست که کارگران در این کارخانه روزانه ۸ ساعت کار مداوم انجام مي‌دادند.

انباشت بدهي‌ها باعث انحلال کارخانه شد
در پي‌گیری این خبر، معبود منصوري، مدیر اداری کارخانه آرد، نشاسته، گلوکز، دکستروز، خوراک دام یاسوج، به ایلنا گفت: این کارخانه به دلیل افزایش انباشت بدهي‌ها منحل شده است.
او ضمن تایید ادعای کارگران مبنی بر بیکاری در آستانه بازنشستگي، افزود: این کارخانجات شامل کارخانه‌هایی همچون تولید آرد، نشاسته، گلوکز وخوراک دام است که همه این کارخانه‌ها بجز کارخانه تولید نشاسته که نیاز به باز سازی دارد مابقی در زمینه تولید و فروش ماشین آلات هیچ مشکلی نداشته و تجهیزاتشان بروز هستند.
این مقام کارفرمایی در ادامه علت اصلی تعطیلی کارخانه را انباشت بدهي‌ها عنوان کرد واظهار داشت: میزان بدهي‌های این کارخانه بیش از یک میلیارد دویست میلیون تومان است.
مدیر اداری کارخانه آرد یاسوج تعداد کارگران این کارخانه را ۸۶ نفر اعلام کرد و افزود: از این تعداد ۷۴ نفر رسمی و مابقی قرار دادی هستند که به سبب تعطیلی کارخانه هم اکنون بیکار هستند.
او در خصوص مطالبات کارگران گفت: کل حقوق. مزایای کارگران تا پایان ۳۰ شهریور سال ۹۰ بجز سنوات خدمتی و مرخصی انان پرداخت شده است.
او اضافه کرد: از همان تاریخ تا مورخه یکم شهریور ماه سال ۹۰ این کارگران مقرری بیمه بیکاری دریافت مي‌کرده و از آن تاریخ به بعد نیز طبق رای دیوان عدالت اداری وحکم بازگشت بکار تعداد زیادی از کارگران باید حقوق مزایای خود را دریافت کنند.
گفتنی است کارخانه تولید آرد، نشاسته، گلوکز، دکستروز، خوراک دام یاسوج تا سال ۸۱ زیر

نظر سازمان صنایع فعالیت مي‌کرد و پس از آن به سازمان اقتصادی کوثر وابسته به بنیاد شهید واگذار شد.

بیکاری کارگران آرد یاسوج در آستانه بازنشستگی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر سوم دی ماه 1391 آمده است : طی گزارشی ازتعطیلی کارخانه آردیاسوج وبیکاری ۷۵ کارگر رسمی و 11 کارگر قراردادی در شرف بازنشستگی خبر دادوافزود، هرکدام از این کارگران به صورت میانگین پنج نفر را تحت تکفل خود دارند و بیکاری این کارگران تبعات منفی در استان به همراه داشته است.
این گزارش حاکیست،از یکم مهر ماه سال ۹۰ تا یکم خرداد سال ۹۱ تعداد زیادی از کارگران مطالبات حقوقی خود را دریافت نکرده‌اند و از آن تاریخ به بعد طبق رای دیوان عدالت اداری واعلام بازگشت بکار کارگران تا هم اکنون حقوقی دریافت نکرده‌اند.
بنابهمین گزارش،طبق ماده ۵۲ قانون کار در کارهای سخت وزیان آور ساعات کار نباید از ۶ ساعت تجاوز کند این در حالیست که کارگران در این کارخانه روزانه ۸ ساعت کار مداوم انجام می‌دادند.
براساس این گزارش،معبود منصوری، مدیر اداری کارخانه ضمن تایید ادعای کارگران مبنی بر بیکاری در آستانه بازنشستگی گفت: این کارخانه به دلیل افزایش انباشت بدهی‌ها منحل شده است.
این مقام کارفرمایی در ادامه علت اصلی تعطیلی کارخانه را انباشت بدهی‌ها عنوان کرد واظهار داشت: میزان بدهی‌های این کارخانه بیش از یک میلیارد دویست میلیون تومان است.
مدیر اداری کارخانه آرد یاسوج تعداد کارگران این کارخانه را ۸۶ نفر اعلام کرد و افزود: از این تعداد ۷۴ نفر رسمی و مابقی قرار دادی هستند که به سبب تعطیلی کارخانه هم اکنون بیکار هستند.
او در خصوص مطالبات کارگران گفت: کل حقوق. مزایای کارگران تا پایان ۳۰ شهریور سال ۹۰ بجز سنوات خدمتی و مرخصی آنان پرداخت شده است.
گفتنی است کارخانه تولید آرد، نشاسته، گلوکز، دکستروز، خوراک دام یاسوج تا سال ۸۱ زیر نظر سازمان صنایع فعالیت می‌کرد و پس از آن به سازمان اقتصادی کوثر وابسته به بنیاد شهید واگذار شد.

سه تن از فعالین حقوق زنان در بازداشت

به گزارش خبرگزاری سایت هرانا در سوم دی آمده است : همزمان با روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان جمعی از فعالین حقوق زنان، پنجم آذرماه در پارک دانشجوی شیراز تجمعی مسالمت آمیزی برگزار کردند که پیش از شکل گیری این تجمع نیروهای امنیتی اقدام به بازداشت تنی از فعالین نمودند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، این تجمع که در ساعت ۱۱ صبح روز پنجم آذرماه برگزار شده بود با دخالت نیروهای امنیتی در ساعت ۱۱:۳۰ که منجرب بازداشت عده ای از فعالین شد نیمه تمام ماند.
برخی از بازداشت شدگان پس از چند روز با تودیع وثیقه تا برگزاری دادگاه آزاد شدند، اما دو تن از فعالین به نامهای مهناز. م، مهین. ی، با انتقال به محل نامعلومی کماکان در بازداشت بسر می برند.
هم چنین ماموران امنیتی هفته گذشته یلدا.پ از فعالان حقوق زن را پس از وقایع ۵ آذر در منزل دستگیر کردند، ماموران لباس شخصی در مراجعه به منزل وی هیچگونه مدرک یا کارت شناسایی به خانواده ایشان نشان نداده و با برخوردی بسیار تند و خشونت وار خانه‌ی آنها را مورد تفتیش قرار دادند.
تا کنون هیچ ارگانی مسئولیتی در قبال بازداشت او بر عهد نگرفته اما احتمال می رود وی در پلاک ۱۰۰ (ساختمان اطلاعات شیراز) نگهداری میشود با این وجود پس از پیگیری خانواده وی ماموران پلاک ۱۰۰ وجود چنین بازداشتی را کتمان میکنند.
ماموران امنیتی هم چنین با مراجعه به منزل دلارام. الف یکی دیگر از شرکت کنندگان در این مراسم

قصد بازداشت وی را داشتند که به دلیل عدم حضور وی در منزل موفق به بازداشت او نشدند، این ماموران پس از توقیف لوازم شخصی اقدام به تهدید و بازجویی خانواده ایشان کردند.
با گذشت نزدیک به یک ماه از بازداشت ایشان، خانواده ایشان موفق به کسب اطلاع از وضعیت ایشان نشدند و پیگیری ها برای مشخص شدن وضعیت ایشان کماکان ادامه دارد.

مروری بر روند خصوصی سازی در شرکت واحد

بر پایه مطلب دریافتی از وبلاگ مدافعان حقوق کارگران ایران در سوم دی آمده است : علی اکبر نظری (از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد)
به دنبال اعتراضات و اتحاد کارکنان شرکت واحد درجهت احقاق حق در سال 1384 صاحبان قدرت و زیاده خواهان براي شكستن اتحاد كاركنان، تصمیم به اجرای خصوصی سازی در شرکت واحد گرفت.
آنان از یک طرف با به زندان کشیدن کارگران
معترض توسط عوامل دولتی و از طرف دیگر با واگذاری بخشی ازخطوط شرکت به بخش خصوصی که به اعتقاد نگارنده دانه پاشی مسئولان جهت پیش بردن اهداف شان شمرده می شد اقدام به مقابله با اعتراض کارگران نمودند. متاسفانه عدم آگاهی بعضی از کارگران از ترفند کارفرما موجب به ثمر رسیدن اهداف آن ها در این امر بوده است.
در كشورهاي ديگر نيز اجرای خصوصی سازی بعضا با همین ترفند ها پیش برده شده است. به طوری که برخي از كارگران با گمان درآمد بیشتر از آن استقبال کرده اند. متاسفانه در کشور ما و به خصوص در شرکت واحد ، گروهي را از بدنه ي شركت واحد اتوبوسراني جدا کرده و با وعده و وعید آن هم در ماه های اول با ارائه ي خدماتی نصفه و نیمه بال پرواز متحدشان را بر چیدند. به طور مثال اعلام کردند که برای اتوبوس های خصوصی شده توقفگاه، کارواش، سرویس فنی، باطری، لاستیک، اعزام تعمیرکار، سوخت، سرویس های دربستی و برای راننده بیمه، سفرهای زیارتی وغیره در نظر گرفته می شود که این مساله در ابتدا با استقبال تعدادی از کارگران مواجه شد ، اما به سرعت محدودیت هایی را برای بخش خصوصی اعمال کردند که برای نمونه به مواردی از آن پرداخته می شود:
1- از ورود اتوبوس ها به توقفگاه ها جلوگیری شد و راننده ها مجبور به بردن اتوبوس به درب منزل شدند که این مساله هم سبب افزایش سرقت لوازم و وسایل ماشین توسط سارقین را فراهم می کرد وهم سبب نارضایتی همسایه ها می شد. شکایات زیادی در این مورد شده که به دلیل آن راننده جهت پاسخگویی احضار شده و به دنبال آن، گرفتن تعهد و جریمه نقدی از راننده اتوبوس بوده است.
2- اعزام اتوبوس به کارواش جهت شست و شو و دریافت مبلغ طبق تعرفه بدون هیچ تخفیف.
3- هزینه های سنگین سرویس فنی، خرید باطری و لاستیک بدون سوبسید به عهده ی رانندگان گذاشته شد.
4- در صورت نقص فنی اتوبوس و توقف آن در مسیر، اعزام تعمیرکار با هزینه های بالا به عهده ی رانندگان بوده و در بعضی مواقع اعزام تعمیرکارانی بدون دانش فنی و در نتیجه تحمیل هزینه های مضاعف گزاف به راننده.
5- هزینه سوخت گیری که در اوایل به صورت رایگان بود و بعدها علاوه بر گرفتن مبلغ ، مشکل طولانی بودن صف اتوبوس ها و مسدود شدن خیابان ها و جریمه های راهنمایی و رانندگی را در پی داشته است. برای نمونه راننده ای که جهت جابه جایی مسافر ناگزیر است از ساعت 5 صبح تا ده شب مشغول به کار باشد، تا ساعت 6 صبح نیز باید در صف سوختگیری معطل شود.
6- اولویت گرفتن سرویس هایی دربستی برای خودروهای خود شرکت های خصوصی بود که در آخر از کل مبلغ حق کمیسیون آن برداشته می شود.
7- بیمه های اتوبوس جملگی باید توسط بیمه ی مورد تایید شرکت خصوصی انجام گیرد آن هم با مبالغ بالا.
8- مواردی از قبیل اجبار حضور در مراسم حتي در تعطیلات ، تحمیل هزینه های جانبی بر راننده اتوبوس به علاوه شارژ خط و اقساط لیزینگ
اینها جملگی گوشه ای از مشکلات بخش خصوصی است.
برای نمونه راننده ی اتوبوس جهت جا دادن لاستیک زاپاس ماشین خود ، باید مبلغی بین 300 الای 400 هزارتومان برای هر جعبه هزینه کند و بوده اند رانندگانی که زاپاس خود را در داخل اتوبوس گذاشته و بر اثرگرما یا سرما یک باره منفجر شده و تلفاتی در برداشته است.
راننده ی دیگری که جهت رگلاژ چرخ ها به جهت صرفه جویی درهزینه، خود اقدام به تعمیر آن نموده که با در رفتن جک، راننده زیر اتوبوس جان سپرده است.

راننده ی دیگر به دلیل داشتن یک ظرف 20 لیتری گازوئیل در ماشین به اتهام قاچاق سوخت به بازرسی معرفی شد که به پرداخت جریمه و خودرو در پارکینگ متوقف شده که در نهایت به گرفتن تعهد منجر شد.
یا راننده ی دیگر که به جرم سوارکردن مسافر دربست بدون هماهنگی ، مورد بازخواست قرار گرفت و به دنبال آن جریمه و تعهد...
وهمچنین جریمه های سنگین دیگری با عناوین مختلف از جمله به جهت کشیدن سیگار در پشت فرمان، نصب ضبط صوت، داشتن لوازم جانبی، جعبه ابزار، وضعیت ظاهری خودرو، عقب افتادن شارژ خط و لیزینگ خودرو، داشتن بوق بادی، نداشتن لباس فرم، نداشتن کارت شناسایی وغیره از رانندگان گرفته می شود که به احضار، دادن تعهد، جریمه و در آخر ضبط خودرو توسط شرکت خصوصی و اجاره اتوبوس ها به افراد دیگر منجر می شود که درآمدهای هنگفتی برای صاحبان شرکت ایجاد می کند . صاحبان شرکتی که همگی از مدیران بازنشسته ی شرکت واحد هستند و بعضا موارد فساد مالی در پرونده هایشان وجود دارد.
در بدو واگذاری اتوبوس ها ، مسوولین شرکت واحد اذعان داشتند که 5 دانگ اتوبوس متعلق به راننده و یک دانگ آن متعلق به شرکت می باشد که متاسفانه جز یک بیمه نامه هیچ مدرک دیگری به دست راننده ندادند و حتا مواردی هم بوده که راننده خانواده ی خود را در مسیر سوار نموده، به عنوان تک سرنشین مورد بازخواست قرار گرفته است.
این ها گوشه هایی از مشکلات رانندگان بخش خصوصی اتوبوس رانی است، در کنار آن رانندگانی هستند که از پس این هزینه ها برنیامده و اقدام به واگذاری آن به فرد دیگر یا در نظر گرفتن حق الزحمه شرکت و یا به خود شرکت می کنند.
کار در ترافیک خیابان ها، سرو کله زدن با مسافران، از یک سو و از سوی دیگر بخشنامه ها و دستورالعمل های غیر کارشناسی مسئولان و ظلم وستم های وارد بر رانندگان، هزینه های سنگین خودروها و غیره باعث خود سوزی، تصادفات شدید، مرگ زودرس، فروش خودرو و غیره ...می شود.
این است برکات خصوصی سازی براي رانندگان!
طبق آماری دقیق اکثر کارگران و رانندگانی که به علت عدم آگاهی از بخش خصوصی استقبال کردند، بنا به دلایل ذکر شده در بالا اتوبوس خود را به شرکت های خصوصی واگذار می کنند و شرکت ها این اتوبوس ها را در خط های پرتردد به کار می گیرند که این خود گویای سطح طبقاتی بودن جامعه و شکاف بیشتر بین ثروتمند و فقیر می باشد. از يك طرف حقوق های بازنشستگی مدیریتی و از طرف دیگر درآمدهای کلان از اتوبوس های مصادره شده از کارگران، محل درآمد و سود کلان مسئولان بخش خصوصی است.
طبق مداركي که توسط یکی از رانندگان بخش خصوصی به دست آمده ، وزارت کشور جهت واگذاری اتوبوس ها در سال 84 امتیازاتی قائل شده بود، مانند: (تبصره 13) سوبسید سالانه سه میلیون وهشتاد هزار تومان و اختصاص یک تعمیرگاه جهت تعمیرات اتوبوس ها و موارد دیگر . اما متاسفانه فرد مذکور به دلیل پیگیری ها و نامه نگاری با مسئولان و..... با مشکلاتی همچون تهدید و توقیف اتوبوس مواجه شد. یکی از مسئولان شرکت خصوصی به آوران که خواهر زاده ی آقای ... می باشد، با مصاحبه ی خود همه چیز را منکر شد و تا امروز مبلغ یاد شده به هیچ عنوان به دست رانندگان نرسیده و فقط تعمیرگاه اتوبوس ها دایر شد که آن هم با استقبال کمی روبرو شد.
مردم نیز از این خصوصی سازی راضی نیستند. مشکلات بخش خصوصی کماکان به قوت خود باقی مانده است . نیاز به ایجاد تشکل مستقل جهت احقاق حق در بخش خصوصی مانند ارگان های دولتی به وضوح دیده می شود و گر نه پایمال کردن حقوق رانندگان توسط مسئولان در نبود نمایندگان واقعی کارگران کماکان ادامه خواهد داشت.
به امید تشکیل سندیکای رانندگان در بخش خصوصی
منبع:وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر-23دسامبر

افزایش ۲۰۲ هزار نفری بیکار

بر پایه خبر ی از خبرگزاری دولتی مهر در سوم دی آمده است : آمارهای مستند عملکرد دولت در حوزه اشتغال از سال ۸۴ تا ۹۰ نشان دهنده افزایش ۲۰۲ هزار نفری تعداد بیکاران است، با این حال مقامات دولتی مي‌گویند با بیکاری در حد ریشه‌کني، مبارزه شده است!
به گزارش مهر، بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری کشور در ۷ سال گذشته طبق آمارهای رسمی و از زمان آغاز به کار دولتهای نهم و دهم نشان می دهد که نرخ بیکاری همچنان در وضعیت دورقمی باقی مانده و از ۱۱,۵ درصد در سال ۸۴ به ۱۱,۳ درصد در سال ۸۵، ۱۰,۵

درصد در سال ۸۶، ۱۰,۴ درصد در سال ۸۷، ۱۱,۹ درصد در سال ۸۸، ۱۳,۵ درصد در ۸۹ و در نهایت ۱۲,۳ در سال گذشته در نوسان بوده است.
سهم بخش کشاورزی از اشتغال زایی نیز در ۷ سال اخیر کاهش یافته و از ۲۴,۷ درصد در سال ۸۴ به ۱۸,۶ در سال گذشته رسیده است، ضمن اینکه بررسی روند ادامه کاهش سهم کشاورزی از اشتغال در سالهای اخیر نشان می دهد آمار اشتغال زایی کشاورزی در سال های اخیر، کمترین تاثیرگذاری در بازار کار کشور را داشته است.
به لحاظ عددی بررسی تعداد بیکاران در ۷ سال گذشته نیز حاکی از آن است که تعداد بیکاران کشور از ۲ میلیون و ۶۷۴ هزار نفر سال ۸۴ به ۲ میلیون و ۸۷۷ هزار نفر در سال گذشته افزایش یافته است. با این حال، رکورد بالاترین آمار بیکاری در ۷ سال گذشته مربوط به سال ۸۹ به بیش از ۳ میلیون و ۲۱۸ هزارنفر بوده است.
از کل ۲۰ میلیون و ۵۱۰ هزار نفر شاغل سال ۹۰ تعداد ۳ میلیون و ۸۰۹ هزار نفر در بخش کشاورزي، ۶ میلیون و ۸۴۶ هزار نفر در بخش صنعت و ۹ میلیون و ۸۵۳ هزار نفر نیز در بخش خدمات فعالیت داشته اند.
با اینکه جمعیت جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله در فاصله ۷ سال گذشته از ۱۶ میلیون و ۷۲۰ هزار نفر سال ۸۴ به ۱۴ میلیون و ۸۷۶ هزار نفر در سال ۹۰ کاهش یافته است، اما به دلیل تمرکز کارجویان اصلی کشور در این گروه سني، نرخ بیکاری این گروه سنی همچنان بالا و حائز اهمیت است.
در سال ۸۴ نرخ بیکاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله ۲۳,۳ درصد بوده که این میزان با طی نوساناتی در سال ۸۹ تا ۲۸,۷ درصد اوج گرفت و در سال گذشته به ۲۶,۵ درصد رسیده است.
سهم اشتغال ناقص از ۷,۴ درصد در سال ۸۴ به ۹ درصد در سال ۹۰ افزایش یافته و در نقطه مقابل نیز سهم شاغلان با ۴۹ ساعت کار در هفته و به عبارتي، اشتغال کامل نیز از ۴۶,۶ به ۴۰,۱ درصد کاهش یافته است. به تعبیر دیگر می توان گفت در فاصله ۷ سال گذشته تعداد بیشتری از کارجویان مجبور شده اند برای ورود به بازار کار به مشاغل غیررسمی و غیردائم، فصلی و موقت رو بیاروند.

زندانیان بند سیاسی گوهر دشت دست به اعتراض می زنند!

بدنبال انتقال ۱۲ نفر، از زندانهای مختلف به بند سیاسی گوهر دشت ، شورای زندانیان اقدام به تشکیل مجمع عمومی کردند ، مجمع عمومی زندانیان تصمیم گرفت:
صبح روز دوشنبه ۴/۱۰/۱۳۹۱ جهت اعلام خواسته های خود و اعتراض به افزایش تعداد زندانی بیش از ظرفیت بند از ورود مامور آمار به بند جلو گیری نمایند.
و از مسئولین زندان می خواهند اقدامات لازم را برای بر طرف کردن موانع در راه کسب خواسته های زندانیان انجام بدهند .مجمع عمومی تصمیم گرفته است که اگر به اعتراض و مطالبات زندانیان توجه نشود مجددا" تشکیل مجمع عمومی خواهند داد تا در جلسه مجمع برای ادامه و نوع اعتراض تصمیمات لازم اتخاذ گردد.
همچنین در مجمع عمومی زندانیان از تمامی فعالین و نهاد های مدافع حقوق زندانیان و حقوق بشری همچنین نهاد های کارگری و سیاسی در خواست حمایت و خبر رسانی گسترده شده است.

جهت حمایت از زندانیان معترض هر چه بیشتر متشکل شویم.

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

فریده جعفری - ۳/۱۰/۱۳۹۱

حرص و طمع سرمایه، جان هشت کارگر معدن یال ذغال سنگ شمالی طبس را قربانی نمود!

درتاریخ ۲۸آذر ۹۱براثر انفجار در معدن ذغال سنگ یال شمالی طبس واقع در شمال شرقی استان یزد، هشت کارگر معدن جان باختند و اینگونه سیستم پوشالی و ضد کارگری سرمایه چون همیشه به حیات ننگین خود افزوده و نیروی کار هر چه بیشتری را قربانی میسازد.
سرمایه داران چه از نوع دولتی و چه خصوصی فقط به سود سرمایه می اندیشند
تامین وسایل ایمنی از منافع سرشار آنان میکاهد و هزینه سرمایه گزاری را بالا می برد، بنابراین کارگران بردگان کاری بشمار میروند و جان آنها ارزشی نخواهد داشت.
در ایران مطابق با آمار دولتی هر سال بیش از ۵۰کارگر در معادن مختلف جان خود را ازدست میدهند و در چنین راستایی حادثه ی دلخراش معدن ذغال سنگ یال شمالی تازه گی نداشت چرا که یکماه قبل نیز در تاریخ ۲۵ آبان کارگر جوان ۲۷ ساله ای بنام مجید شهریاری قربانی گاز گرفتگی همین معدن گردید. کارگران معدن ذغال سنگ یال شمالی شهرستان طبس، هشت ماه پیش درتاریخ ۱۳ اردیبهشت امسال در نامه ای سرگشاده به نماینده این شهرستان در مجلس شورای اسلامی از وضعیت اسفبار و فقدان وسایل ایمنی هشدار داده و فضای رعب و وحشت از طرف مسئولین و حراست نسبت به کارگران معدن را برملا ساختند. آنان در نامه ی خود عنوان داشتند که: «بدون ترس و واهمه از دخالت حراست و مدیریت شرکت» ، اسناد عدم امکانات امنیتی و وسایل ایمنی را در اختیار دارند. چه کسی است که نداند که جلادان حراست در تمام واحدهای کارگری، همان شوراهای اسلامی کار وابسته به عملیات ضد کارگری "خانه کارگر" است. آنها بنام کارگر از منافع سرمایه داران حفاظت میکنند و اینگونه با مشارکت مستقیم کارفرمایان، کشتار کارگران را سبب می گردند.
سیستم چپاولگر سرمایه در طول تاریخ حیات خود ثابت کرده است که همواره علیه کارگران عمل می نماید و رهایی از این ننگ فقط با قدرت پذیری طبقاتی کارگران میسر میگردد و در چنین مسیری است که نه تنها بیکاری و فقر نابود می شوند، بلکه دیگر از جان باختن کارگران در تمامی عرصه های تولیدی و بطریق اولی از نمونه ی معدن ماریکانا در آفریقای جنوبی ، معادن یال شمالی طبس،باب نیرو در کرمان ، حادثه ی قربانیان فولاد غدیر یزد و بویژه به رگبار بستن کارگران در خاتون آباد، صحبتی نخواهد بود.
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران ـ خارج کشور با محکوم نمودن جمهوری سرمایه داری اسلامی که بطور مستقیم همراه کارفرمایان در چنین جنایاتی شریک اند، خود را در کنار خانواده های کارگران جان باخته میابد و خود را در غم ازدست دادن آنها سهیم میداند.
نابود باد نظام استثمارگر سرمایه
نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور
nhkommittehamahangi@gmail.com
/http://nahadha.blogspot.com
boltanxaberi@gmail.com
http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy
یکشنبه ۳ دی ۱۳۹۱ برابر با ۲۳ دسامبر ۲۰۱۲

اجبار پرستاران برای شیفت‌های ۱۹ ساعته

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در سوم دی آمده است : وقتی خبر اجرای قانون ارتقای بهره‌وری منتشر شد، همه از جمله پرستاران خوشحال شدند که دیگر مجبور نیستند شیفت‌های کاری طولانی داشته باشند ولی در عمل با اجرای نصفه و نیمه این قانون در برخی مراکز درمانی، پرستاران هنوز شیفت‌های ۱۹ ساعته دارند.
به گزارش 3دی فارس، بیمارستان مرکز طبی کودکان یکی از بیمارستانهای بزرگ و مرجع کشور است و انتظار است الگوی اجرای قوانین باشد اما با وجود ابلاغ قانون ارتقای بهره وری کارکنان بالینی یا همان کاهش ساعت کاری و ممنوعیت کار بیش از ۱۲ ساعته پرستاران، با وجود حجم کاری بالا به دلیل کمبود پرستار، پرستاران مجبورند شیفت‌های 19 ساعته را بگذرانند.
موضوع ساعت‌های کاری طولانی پرستاران را از غضنفر میرزابیگی رئیس سازمان نظام

پرستاری پرسیدیم.
وی گفت: قانون ارتقای بهره‌وری می‌گوید شبی که پرستار 12 ساعت کار می‌کند با محاسبه ضریب 5/1 ، 18 ساعت کاری باید برای او در نظر گرفته شود.
میرزابیگی تصریح کرد: بنا بود با اجرای تعرفه‌های خدمات پرستاری دریافتی پرستاران بالا برود ولی قانون تعرفه‌گذاری را اجرا نکردند. از طرفی قرار بود با اجرای قانون ارتقای بهره وری ساعت کار پرستاران پایین بیاید و در نتیجه پرستار با ساعت کاری کمتر دریافتی بیشتری داشته باشد.
رئیس سازمان نظام پرستاری با تاکید با اینکه قانون تعرفه‌گذاری خدمات پرستاری در شورای عالی بیمه هنوز تصویب نشده اضافه کرد: عملاً شاهد اجرای این قانون نیستیم و قانون ارتقای بهره وری را هم نتوانستیم تمام و کمال اجرا کنیم و پرستارانی هستند که به هر دلیلی نمی‌خواهند دریافتی‌شان پایین بیاید بنابراین مجبورند بیشتر کار کنند.

پنجمین گفتگوی امیر جواهری لنگرودی از طریق "رادیو همبستگی با کارگران – گوتنبرگ"، با محمود صالحی سخنگوی " کمیته دفاع از رضا شهابی " در تاریخ جمعه اول دی ماه ۱۳۹۱رابطه با آخرین وضعیت بیماری وچرایی دست به اعتصاب غذای ترزدن رضا شهابی ودیگر مشکلات کارگران با هم به سخن می نشینند.
http://www.hambastegibakargaran.se/index.php/archive/interviews-subcat/158-20121221-salehi-interview

امیرجواهری: خوب شنوندگان عزیزرادیو کانون همبستگی با کارگران ایران.
باردیگربا محمود صالحی سخنگوی "کمیته دفاع از رضا شهابی" هستیم. و این پنجمین گفتگوی من در سلسه گفتگوهای که پیرامون رضاشهابی و مصادیق مربوط به فعالیت های کارگران ایران می باشد با ایشان گفتگو می دارم .
محمود صالحی عزیز ،ضمن سلام ودرود خدمت شما، نیک در جریان هستید که در طول هفته اخیر از جانب کمیته شما اطلاعیه های شماره ۴۱ - ۴۲ - ۴۳ داده شد و نگرانی های خودتان را دررابطه با وضعیت رضا شهابی و بویژه اعلام "اعتصاب تر"ایشان در رابطه وضعیتی که دربیمارستان و بعد از آن متوجه اش بوده، اعلائم کردید. خواستم بعنوان سخنگوی این کمیته، ما را در جریان آخرین وضعیت او قرار بدهید. میکروفون در اختیار شما می گذارم
محمود صالحی: با درودهای گرم به حضور تمام شنوندگان رادیو شما.دوستان با توجه به برخورد غیرانسانی که با رضا شهابی در بیمارستان امام خمینی تهران از طرف ماموران همراه شده است.رضا شهابی اولین اعتراضش به اولین برخورد اینها،نگرفتن دارو و امکانات بهداشتی بود و بعد از چند روزی، در روز دوشنبه برابربیست هفتم آذر رضاشهابی رسما اعتراض و اعتصاب غذای خودرا علیه این همه نابرابری و تبعیض و انسان ستیزی و اعلام کرده و حال چند روز از این اعتصاب می گذرد و مایعنی از روز پنچشنبه هیچ گونه خبری نداریم. بهرحال درحال اعتصاب غذا می باشد
امیرجواهری :بله خود شما نیز در ارتباط این وضعیتی که الان شمه ای از آنراتوضیح دادید. طی یک نامه سرگشاده ای درواقع به نوعی به بازتاباندن تجربه خودتان از زندان و دوران اعتصاب غذا خودتان یاد آور شدید و فعالان کارگری در داخل و خارج را مخاطب قرار دادید و اعلام داشتید که در این راستا آنچه را که مربوط به حمایت و پشتیبانی از رضاشهابی و همینطور دیگر فعالان کارگری مثل بهنام ابراهیم زاده,محمدجراحی،پدرام نصراللهی وشاهرخ زمانی، دیگران ودیگران که از خدمات دارو ودرمان و ابتداترین امکانات بهداشتی محروم اند می بایستی اعتراض شود. فکرمی کنید که تنظیم این نامه و انتقال تجربه شما چه تاثیری می تواند دربازتابدن وضعیت بد این فعالان عرصه کارگری و مخاطبینش در بیرون داشته باشد؟
محمودصالحی :من قبل از اینکه به این نکته بپردازم .لازم به توضیح میدانم که اولا مابه هیچ کدام از بچه هائیکه در داخل زندان هست، هیچگاه نگفتیم که اعتصاب غذا کنند. چون واقعا اعتصاب غذا ازهرنظربه تمام وجود و تمام ساختاراین بچه ها لطمه میزند. ازنظر ساختار فیزیکی به هم می شکنند و هم از لحاظ روحی هم مشکل پیدا می کنند. با توجه به شرایطی که در داخل زندان حاکمه، الان من خودم چون لمس کردم در آنجا بودم. من زمانی

که خودم اعتصاب غذا کرده بودم .همان بندی که من آنجا بودم .یک عده از آنهایی که واقعا بویی از انسانیت نمی بردند. یعنی اصلا نمی دانستند، زندانی هم بودند. می آمدند جلوی چشم من وپیش من آنجا مثلا غذاهای آنچنانی مصرف می کردند. بخاطر اینکه مثلا من ناراحت بشوم .بیشتر از اینکه غذا نمی خوردم باتوجه به اینکه غذاهای اینها را می دیدم .نوشابه های اینها را می دیدم .چیزهایی که اینها مصرف می کردند من هم می دیدم بهر حال ناراحتر می شدم .بعد با توجه به این وضع، ما هیچ وقت موافق نبودیم که بچه ها از جان خود یعنی به این شکل که گفتم مایه بگذارند و اعتصاب غذا کنند. اما زمانی که شروع می کنند، بالاخره باید ما از آنها حمایت بکنیم .یعنی هیچ راه دیگه ای نیست. ما نباید به آنهایی خانه بشوییم که می گویند: باید اعتصاب را بکشنید. من خودم به این شکلش اعتقاد ندارم که بگم . از آن طرف هم بگویم که هیچ وقت موافق این نیستم که کسی شروع بکنه به اعتصاب، اما کسی که اینکار را شروع کرد باید تا آخرش ادامه بدهد. تااینکه به خواستش برسه. چون اگر بخواستش نرسه، آنجا اعتصاب غذا بی نتیجه میشه، هم اعتصاب غذا لوث میشه، اگر کسی بخواست و مطالبات کسانی که برای رسیدن به خواستشان اعتصاب می کنند توجه ای نمی کنند. پس در هر صورت این اعتصاب غذا باید بحق خودش برسه .دراین رابطه من یه اطلاعیه ای دادم به هر حال از مردم در خواست کردم از کارگران، از تشکلهای کارگری در خواست کردم که دوستان برای تقویت روحیه رضا و امثال رضا،رضا و زندانیان سیاسی.رضاو کسانی که اعتصاب غذا می کنند ،برای تقویت روحی اینها ما باید به هر چیز که می توانیم اینها را یاری و کمک کنیم این برای زندانی که در حالا در حال اعتصابه خیلی مفیده یعنی من خودم زمانی که در زندان بودم و همین موقع که در اعتصاب بودم وقتی که می گفتند؛مردم اعتراض کردند. وقتی می گفتند ؛مردم تجمع کردند. وقتی می گفتند؛ مردم مثلا تشکلهای کارگری اعتراض کردند. من خوشحال می شدم ضمن اینکه از نظرجسمی و از نظرمن زبان ناراحت بودم ولی از نظر روحی من خوشحال می شدم و اصلا خیال می کردم من اعتصاب نکردم یا اصلا خیال می کردم اصلا من سیرم .این مهمه ما باید این را تقویت کنیم بخاطر اینکه کسی که امروز دست به چنین کاری زده از نظر روحی سربلند و موفق باشه.

امیر جواهری : خوب ممنونم از این توضیحات روشنگر. محمود صالحی عزیز همزمان با فشاری که متوجه رضا شهابی هست، بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری را از بند ۳۵۰ اوین طی همین روزهای گذشته به سلولهای انفرادی بند ۲۴۰ انتقال دادند. با خبر شدیم که در تبریز نیز مشکلاتی را متوجه خانواده محمد جراحی کردند. از سوی دیگر بار دیگر سراغ همسر علی نجاتی آمدند. آنهم بجرم همان حضورش به همراه شوهرش در یکی از مراسم های خانوادگی در کردستان و خواندن ترانه و سرود "دایه دایه وقت جنگه" و از طرفی با خبر شدیم که پریشب چهارشنبه شب، سراغ فعالان اعضای "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" آمدند و درشهر بوکان تعدادی از آنها را با ریختن به درون منازلشان و ضبط وسایل شخصی، دستگیرشان کردند. اینگونه تهاجمات پیوسته را در شرایط فعلی چگونه می بینید؟

محمود صالحی:دوستان در رابطه با بهنام من یک توضیحاتی بدهم. بهنام یک زن و یک بچه دارد به اسم نیما، خوب به هر حال چند روز بچه اش مریض است در واقع از نظر تغذیه ناسالم در طول این مدتی که پدرش در زندان بوده زخم معده گرفته و حالا هم کم خون است و یک مدتی در بیمارستان بود و حالا هم که در خانه بستری است . در هر صورت من در همین جا امیدوارم که نیما پسر بهنام زودتر خوب بشود. بهنام هم بله، بهنام هم فعلا از بند ۳۵۰ انتقال دادند به بند **۹۶** که مشخص نیست بند ۹۶ کجاست من دقیقا نمی دانم ولی تا این خبر که به من رسیده در بند ۹۶ است. در رابطه با بچه هایی هم که در بوکان دستگیر شدند بله در روز چهارشنبه بعد ازظهر نیروهای لباس شخصی و انتظامی به منزل و محل کاراین تعداد از اعضای کمیته هماهنگی از جمله: هادی تنومند- ابراهیم مصطفی پور- کاظم مصطفی پور- جمال مینا شیری- محمد کریمی رفتند و اینها را دستگیر کردند. تا دیروز که پنجشنبه بود خانواده اینها در جلوی زندان که تجمع کردند اما به آنها گفتند؛ جلوی زندان را ترک کنید تا روز دوشنبه مراجعه نکنید برای پیگیری پرونده این دوستان.

امیر جواهری:خوب خیلی ممنون ازاین توضیحات شما،در واقع پرسش من این بود که؛ درشرایطی که کارگران با دشواری های وسیع درجامعه روبرو هستند، چگونه است که همزمان اینگونه فشارها در درون زندان و بیرون زندان هم متوجه کارگران هست؟
محمود صالحی: خوب این طبیعی ست. در این شرایطی که موجود است تنها کارگران همیشه دست به اعتراض می زنند .کارگرانند که معترض هستند. کارگرانند که خواستار جامعه دیگری هستند. کارگران هستند که خواستار حق و حقوق خودشان هستند. کارگران هستند که یک مبارزه جاری دارند. این مهم است خوب دارند. سیستم هم این را می داند، می بیندو می شنود. چون کارگران خانه خودشان ننشستند که کسی آنها بیاید و آنها را دستگیر کنند. کارگران دارند تعرض می کنند .دارند روزمره فعالیت می کنند. همین دلیل است که خوب تحت پیگرد هم قرار می گیرند. خوب این امرطبیعی ست. ما نباید تردیدکنیم که چرا این جور می شود؟ چرا اینجوری شد،ندارد.چون کارگر دارد، مبارزه می کند. وقتی مبارزه می کند خوب طبیعی ست که با سیستمی مبارزه می کند که تمام مشکلاتی که امروز برای کارگر پیش آمده از آنجاست.
ببین من یک چیز برای شماها تعریف کنم. من دیروز یک جلسه ای در اداره کارشهربانه داشتم .کارگری چندمدتی در توی یک بیمارستان کار می کند. به آن کارگر می گویند: شما شاهد دارید که تو آنجا کار کردید؟ یعنی دیگر این جوری شده، بازرس کار می گوید: تو باید وقتی صبح ها از خانه بیرون امدی یک شاهد بگیری که من از خانه بیرون امدم .وقتی می روی توی محل کارت، آنجا هم یک شاهد بگیری و بگویی آقا ترا خدا ببین، تو شاهد باش که من آمدم سر کار تا فردا اگر چیزی شد،برای من شهادت بدهی. دیگر توجه به هیچ چیز ی نمی کنند.
کارفرمایی که دستمزد کارگر پرداخت می کند . این مهمه که بدونیم در برابر چه پرداخت می کند ؟مثلا ببین من نماینده کارگر بودم به کارگر ابلاغ می کنند. شما حق ندارید، نماینده بیاورید .خوب در قانون ما این را نداریم .یعنی هر کسی برای خودش.... کارگر هم در این رابطه به این وضع معترض است. وقتی معترض است، اعتراضش در رابطه به چی هست ؟ اعتراضش در رابطه با این موقعیتی که هست دررابطه باچیز دیگری نیست .خوب من به رئیس اداره کار بانه گفتم :جناب عملی که شما انجام می دهید، برابر کدام قانون و بخشنامه است؟ این دیوانه واربلند شده، داد می زند: اقا برو بیرون. محل را ترک کنید چرا ؟ چون تا به امروز کسی این را به او نگفته است. همه به حرفهای او لبیک گفتند. همه گفتند چشم. چشم و چشم. وقتی من میروم می گویم: اقاشما صحبتی که می کنید، برابر کدام قانون وبخشنامه ای هست ؟ این دیگر دیوانه وار،دیوانه می شود. داد می زند. فریاد می زند. این جوری ست. این است به همین دلیل ،خوب کارگر همیشه معترض است و حاضر هم نیست سکوت کند .خوب حالا اگر امروز این اعتراضات و این اعتراضات پراکنده به نیرو تبدیل نشده، خوب میرود که به نیرو تبدیل بشود.

امیرجواهری: خوب حالا برویم به مسئله قانون و اعتراضات اشاره داشتید. در جریان هستید که قانون کار فعلی و همینطور قانون موسسه تامین اجتماعی را دستخوش تغییرات کردند.
محمود صالحی : صدا خیلی خراب است
امیرجواهری : صدای من خراب است ؟خوب این از وضعیت هواست!
پرسشم این بود: که به قانون اشاره داشتید. امروز اصلاحاتی به قانون کار موجود و همین طور به قانون تامین اجتماعی وارد کردند. بدون اینکه کارگران هیچ دخالتی از همین نمونه ای که شما الان گفتید، به آن داشته باشند. فکر می کنید چرا در چنین شرایطی به این اصلاحات فاحش در قانون کار موجود و قانون تامین اجتماعی بدون نظارت و دخالت کارگران دارند دست می برند و آنها را بفوریت از دولت به مجلس بردند تا بتوانند این تغییرات فاحش را بر ضرر کارگران و به نفع کارفرمایان از قوه به فعل دربیارند . چگونه می بایست به این عمل دولت معترض بود ؟

محمود صالحی:ببینید این طبیعی است .چون خود دولت کارفرماست. یعنی بزرگترین کارفرما در ایران،خود دولت است. چون اصل ۴۴ قانون اساسی هنوزجای خودش است. یعنی خود دولت کارفرمای بزرگ است. کسانی هم که به مجلس می روند. کسانی که در وزارت کار

هستند. من مطمئن هستم .من مطمئن هستم که همه اینها بشکلی کارگر دارند. بشکلی، حالا دیگر از یک کارگر گرفته تا صد کارگر از صد کارگر گرفته تا هزار کارگر، اینهای که در مجلس امروزند. امروز که من حرف می زنم ،همه خودشان کارفرما هستند .خوب طبیعی ست که قوانینی که چند سال پیش درست شده اند همان قوانین نیم بند. حالا ببین ما به همان قوانین نیم بند، نگاه کنیم که درسال ۶۹تصویب شده در همین قانون اخراج کارگر وجود ندارد.اصلا نیست، اما ما روزانه شاهد اخراج صدهانفر کارگریم .طبق گفته خود مسئولین خانه کارگر در یکسال صد هزار نفر کارگر اخراج شده است.در حالی که در همان قانون کار ما نداریم .جزء تبصره ماده ۲۷ قانون کار نباشه، که حتی یک موردش هم برابر تبصره ماده ۲۷ قانون کار اجرا نشده است. این یعنی مانتیجه میگیریم که چیزی بنام قانون وجود نداره. در هر شهر وهر مرکز و هر ارگانی، کسانی که روی کار هستند من در آوردی چیزهایی برای خودشان درست می کنند. من در آوردی برای خودشان، چیزهایی برای خودشان درست می کنند .در این رابطه وقتی مجلس هم خودش کار فرما باشه، خوب طبیعیه، قوانین را به نفع کار فرمایان تدوین می کنه نه بنفع طبقه کارگر. حالا اگر هم یک عده امروز داد می زنند یا فریاد می زنند. که مادر مجلس یا مثلا درشورای عالی کار،نماینده کارگر نداریم .حتی اگر هم نماینده کارگر هم داشته باشیم .آنجا هم همان نماینده های رادیکال می توانند آنجا چیکار کنند؟ وقتی اکثریت با آنهاست .یعنی هیچ کاری نمی توانند بکنند .یعنی اگر ما مثلا شورای عالی کاررا در نظر بگیریم یه نفر را اگر سه نفرش هم نماینده کارگر رادیکال ترین انسانها باشند چون در مقابلش شش نفر خوب رای نماینده این مهمه من رفتم در یک شورای سازش، که معمولا طبق قانون ماده ۱۵۷قانون کار ،باید شورای سازش دو نفر باشه. یکی نماینده کارگر باشه، یکی نماینده کارفرما. اما متاسفانه همان دونفر ،نماینده خود دولت بودند. یعنی نه نماینده کارگر آنجا وجود داشت نه نماینده کارفرما، خوب نماینده دولت بود از من بازجویی می کرد.چون چیزی بنام قانون وجود نداره. معلومه چون نوشته ها زیاده، قانون زیاد داریم . الان من گفتم .من توضیح دادم .در قانون کار در هیچ جا اشاره به اخراج کارگرنشده است. جزء تبصره ماده قانون وزارت کار. خوب طبیعی است علیه طبقه کارگر هر مصوبه را بکنند که تا به حال کردند.

امیرجواهری :محمود صالحی عزیز،امروز جدا از رضاشهابی ما با لیست بالا بندی از زندانیان سیاسی مثل : ***بهنام ابراهیم زاده- پدرام نصراللهی - محمد جراحی- شاهرخ زمانی - مهدی شاندیز- دکترفریبرز رئیس دانا- علی جباری - بهاره هدایت- شبنم مددزاده- رسول بداغی- عبدالرضا قنبری- نسرین ستوده- محمدسیف زاده- عبدالفتاح سلطانی- هاشم شعبانزاده- شیوا نظر آهاری- ژیلا بنی یعقوب و دیگران دیگران*** رو به رو هستیم.
فکرمی کنید که چه سطح ازوظایف برای برملا کردن موقعیت بدی که اینها دارند ومثلا نسرین ستوده به عنوان یک قاضی با اعتصاب غذا طولانی مدت خودش دراین دوره، هم پدرش را در زندان از دست داد وهم مادرش را،بدون اینکه به این فرصت دست پیدا کند که آنها را ببیند. یعنی اینکه ازملاقات با آنها و فرزندانش درطولانی مدت محروم بود . فکر می کنید چه کاری میشه برای بر ملا کردن خود ویژگی که اینها به جرمی ناکرده در زندان هستند امروز درسطح جهانی صورت بدهیم . در پرتو همین نامه نگران کننده شما که برای رضا شهابی نوشتید؟

محمودصالحی : خوب این طبیعی است در طول زمان از دهه شصت به این طرف، جنبش کارگری ،
جنبش زنان و جنبش معلمان رشد شایانی کرده است . این طبیعیه، حالا مثلا من زمانی سه سال خودم میرفتم داخل زندان،بعد ازسه سال که می آمدم بیرون،اصلا کسی نمی فهمید که من در زندان بودم .خوب این سیستم همین این را می خواد. اما امروز ازاولین دقیقه ای که کسی که دستگیرمیشه بلافاصله تمام دنیا می ترکه، این خیلی مهم است . اینها را روی این تاکید دارند که مثلا بچه های مارا احضار کردند و گفتند؛آقاما شمارا احضار کردیم که بیایید اینجا، ما ازشما می خواهیم شما دیگه روی آنتن نروید. چون اینها به قول خودشان اگر روی آنتن بره اینها حساس می شوند. خوب این مهمه که روی آنتن بره، وقتی روی آنتن رفت تمام

مردم می دانند. داخل جامعه ای که زندگی می کنم .جامعه ای که زنان را به جرم اینکه مطالبه حقوق می کنند .کارگران به جرم اینکه مطالبه حقوق می کند. آزادی خواهان را به جرم اینکه مطالبه آزادی می کنند، به زندان می اندازند این طبیعیه که جلوش را می گیرند و اینها به این برخوردی که می شود،حساس هستند. خوشبختانه امروز علم آنقدر پیشرفت کرده که از همان اولین دقیقه هایی که چیزی در ایران پیش می آید، در ایرانی که همه چیز سانسور میشه همه چیز اینجا سانسور است . اما خوشبختانه مرتبا گزارش به خارج از ایران منتقل میشه که تمام رسانه ها دارند روی این بحث می کنند .من خودم الان دارم تلفن صحبت می کنم .من مطمئن هستم که تلفنم شنود میشه . چند روز پیش که شما زنگ زدید که اصلا تلفن را خراب کرده بودند، یعنی تلفن خراب کرده بودند که من صحبت نکنم ، اما بهر حال من صحبت می کنم تا زمانی که در یک جایی ازدولت و یایک قاضی به من حکم بده که شما نباید صحبت بکنید. چون من به هیچ جرمی به این محکوم نشدم که صحبت نکنم و اینرا هم برای خودم درست میدانم که صحبت بکنم .داد و فریاد مشکلات کسانی که در داخل زندان به گوش مردم برسانم .چون ما اینجا با نامه نگاری، نامه نمی توانیم ،هیچ کاری بکنیم . ما بارها نامه نوشتیم .بارها درخواست کردیم .بارها هر کاری کردیم اما هیچ چیز واقعا با نامه نگاری ما درست نشده است من الان خودم ،پریروز درجلسه ای که در شهر بانه بودم . اصلا تصمیم گرفتم ؛هر جلسه کارگری رفتم بجای اینکه این اعتراضات به مسئولین انتقال بدهم ،این اعتراضات و این چیزی هاییکه وجود داشته،به اذهان عمومی اعلام کنم .میگویم تامردم بفهمند. مسئولین هیچ جوابی نمی دهند. من میرم میگوم برابر قانون چرا اینکار را می کنی؟ کجای قانون اینکار ها راگفته؟ میگه: آقا برو بیرون. پس ناچارا ما باید دیگه از امروز هرچیزی که درداخل کشورما رخ بده،باید به افکار عمومی اعلان بکنیم تا دیگه پنهان نمانه یعنی بی هویت نباشه!

امیرجواهری :خوب به نکته درستی اشاره کردید. به گمانم من وقتی که پاسیار همراه رضاشهابی از بیمارستان تو شرایطی که پزشک تاکید کرده که او می بایستی که برای استراحت درنزد خانواده اش باشه، آنرا به داخل زندان بر می گردانند . در طول مسیر او را تهدید می کنند که شما "منافق وضد انقلابید. خودتان را به مریضی میزنید و بی خودی خرج روی دست ما می گذارید" همینطور به او فشار می آورند به اینکه" یه آشی برایت می پزیم وبلایی سرت می آوریم تا فراموش نکنی، چی به چی و کی به کی است" محمود صالحی هم بعنوان سخنگوی کمیته دفاع ازرضا شهابی، وقتی چنین مسئولیتی را می پذیره. بگمان من می بایستی فریاد بر بیاره و سخنگوی او باشه بر سر آنچه که متوجه رضا شهابی کارگر زندانی و متوجه دیگرانه.
محمودصالحی عزیز از اینکه دعوت من را در شرایط دشوار فعلی برای این گفتگو پذیرفتید .از شما و سپاسگزارم .اگر نکته پایانی دارید که می خواهید با شنوندگان "رادیو همبستگی با کارگران" اعلام بدارید یکبار دیگرمیکروفون را در اختیار شما می گذارم .
محمود صالحی:خیلی ممنون هستم . صحبت خاصی ندارم .تنها می خواهم در این رادیو شما به دوستان اعلام کنم : کسانی که واقعا دلشان برای طبقه کارگر می تپد. جنبش کارگری احتیاج به آنها دارد. یار گیری نکنند. دوستان یارگیری نکنند. این به ضرر جنبش کارگری است. این یارگیری هارا رها کنند. جنبش احتیاج به آنها داره.یار گیری کردن وارد محفل های بد میشه و.به نظرمن ،جز ضربه زدن به جنبش کارگری هیچ چیز دیگه ای نیست. لطفا یارگیری نکنند برای اینکه جنبش کارگری به پیش برود.
صحبت پایانی امیر:از شما ممنون و سپاسگزارم امیدوارم که باز هم فرصتی پیش بیاید تا بتوانیم با هم صحبت داشته باشیم .شادو سربلند باشید.
****
این گفتگو در تاریخ جمعه اول دی ۱۳۹۱صورت گرفت و رفیق عزیزم اصغرارسنگ از فعالین "کانون همبستگی با کارگران ایران – گوتنبرگ" ، زحمت پیاده کردن نوارو تایپ آنرا بعهده گرفته است . بدینوسیله از زحمت رفیق تشکر می کنم
با مهر و دوستی
امیر جواهری لنگرودی

Roozshomar_k@yahoo.com
یکشنبه ۳ دی ۱۳۹۱ برابر با ۲۳ دسامبر ۲۰۱۲

بهنام ابراهیم زاده به بند ۳۵۰ اوین منتقل شد

امروز سوم دیماه بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری در بند به بند ۳۵۰ انتقال داده شد. بهنام ابراهیم زاده در تاریخ ۲۰ آذر ماه به بند ۲۰۹ منتقل شده بود.

پیام حمایت شاهرخ زمانی از اعتصاب غذای رضا شهابی و خواست های او

کارگران، مردم آگاه و آزادیخواه، تشکّل های کارگری!
من شاهرخ زمانی عضو هیئت موسس بازگشایی سندیکای کارگران نقاش تهران و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری مطّلع گشتم که رضا شهابي، کارگر زندانی و عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی که به اتّهامات واهی و در نتیجه فعالیت قانونی خود نهایتاً به 4 سال حبس تعزیری محکوم شده است، برای دستیابی به حقوق اولیه و بدیهی خود دست به اعتصاب غذا و دارو زده است.
همه ما می دانیم که وضعیت جسمانی رضا شهابی تا چه حد وخیم است و چند ماهی بیشتر از عمل جراحی او نگذشته و فراموش نکرده ایم که بعد از انجام آن عمل جراحی سخت نیز به او اجازه مرخصی ندادند و حالا هم او را از امکانات درمانی و مداوا که به گفته پزشکان برای او بسیار ضروری است، محروم کرده اند.
ما فعالین کارگری که در شرایط خفقان و استبداد لجام گسیخته و بدون کوچک ترین حقوق قانونی در بدترین اوضاع اقتصادی به سر می بریم، در بیرون از زندان مورد هجوم همه جانبه حکومت سرمایه داری هستیم که سفره های خالی ما را نشانه گرفته، و وقتی هم که لب باز می کنیم و می خواهیم از حقوق قانونی مان برای اعتصاب و اعتراض و تشکّل یابی استفاده کنیم، به بهانه های ساختگی و اتهامات جعلی ما را به زندان می اندازند و در زندان هم از حداقلی ترین و ابتدایی ترین حقوق انسانی برخوردار نیستیم.
من خود به دلیل فعالیت های قانونی سندیکایی و بدون هیچ دلیل و مدرکی در بیدادگاه ضد کارگری جمهوری اسلامی به یازده سال حبس محکوم شده ام و خوب می دانم که چه بر سر هم طبقه ای های من در بیرون و درون زندان ها می آید.
اکنون یکی از هم طبقه ای های من، در زندان، مجبور به اعتصاب غذا شده است و جسم نحیف و بیمار خودش را ابزار مبارزه اش کرده تا به خواست هایش دست یابد. ما کارگران خوب می دانیم که به جز همبستگی طبقاتی مان، و حمایت مردم آزادی خواه و نهادها و تشکل های صنفی و سیاسی طبقه کارگر در گوشه گوشه دنیا، پشتیبان و تکیه گاهی نداریم، و برای رسیدن به پیروزی باید دست به دست هم دهیم.
از این رو، من نیز به سهم خودم، پشتیبانی و حمایت بی دریغ خودم را از اعتصاب غذا و مقاومت رضا شهابی کارگر مبارز و خواست های او برای دستیابی به امکانات بی قید وشرط درمانی اعلام می کنم، برای او آرزوی سلامتی و پایداری دارم، و امیدوارم که او به نیروی مبارزات مان و پشتیبانی انسان ها و تشکل های آزادی خواه در سراسر جهان، به پیروزی دست یابد.

شاهرخ زمانی- زندان گوهردشت کرج
چهارم دی ماه 1391

رشد ۲۸ درصدی حوادث ناشی از کار در قزوین در مقایسه با سال قبل

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 4 دی ماه 1391 آمده است : بر اساس آمار مراجعین پزشکی قانونی در آبان ماه امسال ۷۷ نفر (۷۵ نفر مرد و دو نفر زن) در استان قزوین بر اثر حوادث ناشی از کار مصدوم شده‌اند، این رقم در مقایسه با مدت زمان مشابه سال قبل، بیش از ۲۸ درصد افزایش داشته است.

به گزارش خبرنگار ایلنا از قزوین، دکتر عاشوري، مدير كل پزشكي‌قانونی استان قزوین با اعلام این خبر افزود: بر اساس آمارهای موجود در سال ۹۰ تعداد ۶۵۱ نفر (۶۳۷ نفر مرد و ۱۴ نفر زن) در استان قزوین بر اثر حوادث ناشی از کار مصدوم شده بودند و این رقم در مقایسه با سال ۱۳۸۹ که تعداد مصدومین حوادث کار ۵۳۹ نفر (۵۲۳ نفر مرد و ۱۶ نفر زن) بود، بیش از ۲۰ درصد افزایش را نشان مي‌داد.
به گفته وی ۹۷ درصد مصدومین حوادث کار مرد و تنها سه درصد آن‌ها زنان بوده‌اند.

بیانیه 62
از اعضای دستیگر شده کمیته هماهنگی ... دفاع کنیم

روز چهار شنبه 29/9/1391 ساعت 30/4 عصر پنج نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر بوکان به نام های هادی تنو مند ، قاسم مصطفی پور، جمال مینا شیری ، محمد کریمی ، ابراهیم مصطفی پور توسط ماموران اداره اطلاعات با برنامه از پیش طراحی شده دستگیر شدند ، همزمان با دستگیری نامبردگان منازل شان را نیز تفتیش کرده لوازم شخصی آنها را نیز با خود بردند . همچنین حسن رسول نژاد یکی دیگر از اعضای کمیته هماهنگی ... را در تاریخ 3/10/1391 تلفنی احضار کردند، چون ایشان در مسافرت به سر می برد موفق به دستگیری او نشدند
علت دستگیری این فعالین هنوز معلوم نشده است اما برخی از فعالین حدس می زنند در رابطه با پرونده سازی های کرج باشد که با اتهامات دروغین شصت نفر از اعضای کمیته هماهنگی ... را همراه با ضرب و شتم دستگیر کرده و علیه آنها پرونده سازی کردند
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی ضمن محکوم کردن دستگیری ، اذیت و آزار و پرونده سازی علیه فعالین فوق و تمامی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط آنها می باشد .
ما از تمامی کارگران ، تشکل ها ، فعالین و همچنین نهاد ها ، سازمانها و احزاب و روابط بین المللی آنها می خواهیم در جهت تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی برای آزادی دستگیر شدگان اعتراضات عملی متحدانه و گسترده ای را سازماندهی نمایند.
همچنین از تلویزیون ها، رادیو ها ، نشریات و سایت های خبری و سیاسی می خواهیم در جهت انجام رسالت خبری و سیاسی خود مصاحبات هرچه بیشتری برای حمایت از آزادی فعالین و کارگران با خانواده ها و دیگر فعالین ترتیب بدهند .
کارگران زندانی همچنان در انتظار حمایت های ما هستند.
پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار :
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
4/10/1391
www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

نماینده کارگران کارخانه نساجی مازندران: نه حقوق مي‌دهند و نه کارخانه را بازگشایی مي‌کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 4 دی ماه 1391 آمده است : نماینده کارگران کارخانه نساجی مازندران گفت: با وجود وعده داده شده، هنوز حقوق معوقه کارگران پرداخت نشده و اقدامی نیز برای بازگشایی کارخانه صورت نگرفته است.
سعید ابراهیمی با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: در جریان آخرین مراجعه کارگران کارخانه نساجی مازندران به تهران و و تجمع آن‌ها در مقابل نهاد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامي، به کارگران گفته شد که تا پایان فصل پاییز بخشی از مطالبات معوقه آن‌ها پرداخت مي‌شود و همچنین مقدمات لازم برای بازگشایی کارخانه فراهم خواهد شد.

وی با بیان اینکه در سومین روز از فصل زمستان هنوز هیچ کدام از وعده‌های داده شده تحقق نیافته است، گفت: به همین دلیل در حال حاضر مطالبات معوقه حدود ۸۰۰ کارگر شاغل و بازنشسته نساجی مازندران وارد بیستو نهمین ماه شده‌است.
نماینده منتخب کارگران نساجی مازندران یادآور شد: این مطالبات بابت حقوق و سنوات و حق بیمه کارگران شاغل و بازنشسته‌ای است که توسط کارفرما هنوز پرداخت نشده و از این بابت برای کارگران یاد شده مشکلات جدی به وجود آمده است.
وی با بیان اینکه کارگران نساجی مازندران از طریق فرمانداری مطلع شده‌اند که قرار است امروز در رابطه با بازپس‌گیری کارخانه از کارفرمای ترکیه‌ای جلسه‌ای در تهران با حضور وزرای کار، صنعت و اقتصاد با نمایندگان مجلس و شرکت سرماه گذاری بانک ملی تشکیل شود، گفت: به همین دلیل کارگران تصمیم گرفته‌اند تا مشخص شدن نتیجه قطعی این جلسه به صبر کردن ادامه داده و از مراجعه دوباره به تهران خودداری کنند.
با این حال ابراهیمی تاکید کرد چنانچه تا پایان هفته جاری تکلیف کارگران نساجی مازندران روشن نشود این کارگران از هفته بعد پیگیري‌های قانونی خود را آغاز خواهند کرد.
وی گفت: شنیده‌های کارگران حاکی از آن است که اغلب اعضای جلسه امروز بطور ضمنی با «خلع ید» کارفرمای خارجی به دلیل انجام نشدن تعهدات موافق هستند.

اطلاعیه 45- ششمین روز اعتصاب غذای رضا شهابی- کاهش وزن رضا در اثر اعتصاب

طبق خبرهای رسیده رضا شهابی در ششمین روز از اعتصاب غذایی و دارویی به سر می‌برد و اوضاع جسمی او نامناسب است. خانواده رضا شهابی روز دوشنبه 4 دی به ملاقات وی رفتند و رضا در این دیدار اعلام کرد که همچنان بر ادامه ی اعتصابش تا رسیدن به خواسته های مطرح شده اصرار دارد. رضا همچنین عنوان کرده است که او را به بهداری برده اند و پس از گرفتن فشار خون قصد داشته اند به او سرم وصل کنند و دارو دهند که این امر با ممانعت رضا روبرو شده است و او را در ادامه به بند بازگردانده اند. در مدتی که از اعتصاب غذای رضا گذشته است او در حدود 7 کیلوگرم کاهش وزن داشته است.
کمیته ی دفاع از رضا شهابی ضمن ابراز نگرانی از وضعیت وخیم جسمی او خواستار مداوای رضا در شرایطی مناسب و خارج از محیط نامناسب زندان است.

کمیته دفاع از رضا شهابی – 4 دی ۱۳۹۱
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

نماینده کارگران کارخانه نساجی مازندران: نه حقوق مي‌دهند و نه کارخانه را بازگشایی مي‌کنند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 4 دی آمده است : نماینده کارگران کارخانه نساجی مازندران گفت: با وجود وعده داده شده، هنوز حقوق معوقه کارگران پرداخت نشده و اقدامی نیز برای بازگشایی کارخانه صورت نگرفته است.
سعید ابراهیمی با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: در جریان آخرین مراجعه کارگران کارخانه نساجی مازندران به تهران و و تجمع آن‌ها در مقابل نهاد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامي، به کارگران گفته شد که تا پایان فصل پاییز بخشی از مطالبات معوقه آن‌ها پرداخت مي‌شود و همچنین مقدمات لازم برای بازگشایی کارخانه فراهم خواهد شد.
وی با بیان اینکه در سومین روز از فصل زمستان هنوز هیچ کدام از وعده‌های داده شده تحقق نیافته است، گفت: به همین دلیل در حال حاضر مطالبات معوقه حدود ۸۰۰ کارگر شاغل و

بازنشسته نساجی مازندران وارد بیست‌و نهمین ماه شده‌است.
نماینده منتخب کارگران نساجی مازندران یادآور شد: این مطالبات بابت حقوق و سنوات و حق بیمه کارگران شاغل و بازنشسته‌ای است که توسط کارفرما هنوز پرداخت نشده و از این بابت برای کارگران یاد شده مشکلات جدی به وجود آمده است.
وی با بیان اینکه کارگران نساجی مازندران از طریق فرمانداری مطلع شده‌اند که قرار است امروز در رابطه با بازپس‌گیری کارخانه از کارفرمای ترکیه‌ای جلسه‌ای در تهران با حضور وزرای کار، صنعت و اقتصاد با نمایندگان مجلس و شرکت سرماه گذاری بانک ملی تشکیل شود، گفت: به همین دلیل کارگران تصمیم گرفته‌اند تا مشخص شدن نتیجه قطعی این جلسه به صبر کردن ادامه داده و از مراجعه دوباره به تهران خودداری کنند.
با این حال ابراهیمی تاکید کرد چنانچه تا پایان هفته جاری تکلیف کارگران نساجی مازندران روشن نشود این کارگران از هفته بعد پیگیري‌های قانونی خود را آغاز خواهند کرد.
وی گفت: شنیده‌های کارگران حاکی از آن است که اغلب اعضای جلسه امروز بطور ضمنی با «خلع ید» کارفرمای خارجی به دلیل انجام نشدن تعهدات موافق هستند.

مهاجرت چایکاران به حاشیهٔ شهرها برای کار روزمزدی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 4 دی آمده است : با گذشت بیش از یک ماه از خبر ایلنا مبنی بر عدم پرداخت طلب چایکاران از سوی دولت که به بیش از ۲۸/۵ میلیارد تومان مي‌رسد، شنیده‌ها از بلاتکلیف ماندن چایکاران و مهاجرت آن‌ها به حاشیهٔ شهرها برای تامین معیشت خود از طریق کارهای روز مزدی حکایت مي‌کند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، پرویز شعبانی نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال با «بي‌خیال» توصیف کردن مسئولان دولتی در قبال وضعیت چایکاران گفت: متاسفانه طلب ۲۸/۵ میلیارد تومانی چایکاران هنوز پرداخت نشده است. مسولان دولتی هم بي‌خیالند و اصلا پیگیری نمي‌کنند. این شرایط بسیاری از کشاورزان را وادار کرده تا زمین‌های خود را رها کنند و به حاشیهٔ شهرها پناه بیاورند تا معیشت خودشان را از طریق کارهای روز مزدی بگذرانند.
در حالی که اوایل ماه گذشته، ایلنا بخشی از مشکلات چایکاران را گزارش کرده بود هنوز هیچ اقدامی در جهت رفع این مشکلات انجام نشده است.
شعبانی با تاکید بر این نکته که کشاورزان تاوان سیاست‌های دولت را مي‌دهند اظهار داشت: متاسفانه نماینده‌های مجلس به طور کلی «بي‌خیال» مشکلات چای کاران شده‌اند و کسانی هم که پیگیری مي‌کنند به نتیجه‌ای نمي‌رسند چون دولت مي‌گوید پولی ندارد که به چایکاران بدهد. آیا ما باید تاوان سیاست‌های دولت را بدهیم؟
نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال در پایان اعلام کرد: کشاورزها در این شرایط گرفتار شده‌اند. به همه جا بدهکارند. پیش زن و بچهٔ خودشان شرمنده شده‌اند. آدم چه مي‌تواند بگوید. خیلي‌ها فرزندان خود را دیگر به مدرسه و دانشگاه نمي‌فرستند چون توان تامین مالی هزینه‌های آنان را ندارند.

صنعت چای در یغما
به نظر مي‌رسد که تنها کشاورزان و چایکاران نیستند که تحت فشار اقتصادی مجبور به تغییر شغل شده‌اند و فعالان صنعت چای هم به این وضعیت مبتلا هستند.
گزارش‌ها در این رابطه از «تعطیلی بیش از ۶۵ واحد تولید کننده چای در شمال کشور» به دلیل افزایش هزینه‌های جاری و صرفه اقتصادی نداشتن بخش تولید خبر مي‌دهد.
افزایش هزینه‌های جاری واحدهای تولیدی شامل بالا رفتن قیمت حامل‌های انرژی و افزایش هزینه‌های تعمیر ماشین آلات و ناتوانی مالی در جایگزینی دستگاه‌های جدید و پرداخت حقوق کارگران باعث شده تا اکثر کارخانه‌های چای شمال کشور به سمت نابودی حرکت کنند.
در گذشته، تولید سالیانه چای کشور بیش از ۶۵ هزار تن بوده که این رقم به دلیل وجود مشکلات به ۲۰ هزار تن رسیده است. کارشناسان گمانه زنی مي‌کنند که تا ۲ سال آینده، تولید سالیانهٔ چای ایران به کمتر از ۱۰ هزار تن برسد.

وزیر بهداشت: دارو گرانتر مي‌شود

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در 4 دی آمده است وزیر بهداشت گفت: با توجه به اینکه نرخ ارز مرجع نسبت به سال گذشته ۱۶,۵ درصد افزایش یافته و ارز مرجع کافی نیز در اختیار بخش دارویی قرار نگرفته است، افزایش قیمت دارو را در برخی اقلام شاهد هستیم.
مرضیه وحید دستجردی در حاشیه هفتادوسومین اجلاس رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور افزود: به شدت پیگیر ارز دارویی هستیم و روزانه در این خصوص تشکیل جلسه مي‌دهیم امروز نیز از سوی بانک مرکزی نامه‌ای را دریافت کردیم که ظرف ۳ هفته آینده مشکلات ارز دارویی توسط معاونت‌های مربوطه مرتفع مي‌شود.
وی در خصوص نرخ ارز به شرکت‌های دارویی گفت: امسال دلار مرجع به شرکت‌های دارویی با تأخیر واریز شد و این در حالی است که با افزایش 16.5 درصدی مواجه بوده است. زیرا دلار مرجع سال گذشته هزار و ۵۰ تومان و امسال ۱۲۲۶ تومان است.
وزیر بهداشت گفت: برای برخی داروهایی که کاربرد دوگانه در صنعت، تجارت و کشاورزی دارند مانند داروهای ژلاتيني، این داروها نرخ ارز مرجع ندارند و باید با ارز آزاد تهیه شود بنابراین افزایش قیمت را در این داروها شاهد هستیم.
وحید دستجردی گفت: کمیته قیمت‌گذاری بر روی دارو به صورت سه جانبه از سوی تولیدکنندگان، مصرف‌کنندگان و سازمان غذا و دارو تشکیل مي‌شود و در این خصوص تصمیم‌گیری مي‌کند. برخی از تجهیزات پزشکی نیز مانند سرم که شاهد افزایش قیمت آن بوده‌ایم تنها به دلیل محفظه پلاستیکی قیمت آن ۳ برابر شده است اما به جای افزایش دو برابری ما قیمت آن را 40 درصد افزایش دادیم.
وحیددستجردی افزود: به دلیل افزایش نرخ ارز افزایش در قیمت داروها را خواهیم داشت. بسیاری از داروهای وارداتی نیز در شورای تدوین دارویی مصوب شده و ارز دارویی مي‌گرفتند اما برخی داروها نیز مصوب نبوده و ارز مرجع به آنها تعلق نمي‌گیرد بنابر این ارز آزاد ۳برابری را دریافت مي‌کنند.
وزیر بهداشت گفت: در حال حاضر این شرکت‌ها مجبورند اقلام خود را با دلار آزاد تهیه کنند بنابراین قیمت‌ها بالا مي‌رود. خوشبختانه همه کمي‌ها و کاستي‌ها در حال جبران است و تاکنون یک سوم از ارز دارویی پرداخت شده و ظرف دو سه هفته آینده با کمک وزارت نفت و بانک مرکزی عمده مشکلات حل مي‌شود.
وحید دستجردی ادامه داد: 30 درصد داروی بیماران خاص و صعب‌العلاج را داریم که آنچه مورد نیاز است تولید مواد اولیه داروها است چرا که تولید دارو در کشور بالا نیست. به همین دلیل فراخوان کرده‌ایم و 300 قلم مواد اولیه دارویی وجود دارد که حدود 12 درصد قلم از آنها آماده رونمایی هستند.
وی ادامه داد: «300 قلم مواد اولیه دارویی مقدار کمی نیست و این در حالی است که شرکت‌های دارویی در معرض فشار افزایش ریال 135 درصدی هستند.»
وزیر بهداشت گفت: با سندیکای داروسازان و مواد اولیه جلساتی را داشته‌ایم و آنها از مشکلات خود گفتند باید با بانک مرکزی و بانک عامل برسر میز مذاکره بنشینیم تا مشکلات حل شود.

وزیر بهداشت در خصوص افزایش تعرفه‌ها نیز گفت: تعرفه‌ها سالی یکبار تعیین و افزایش مي‌یابد بنابر این سال آینده نیز به صورت برنامه از پیش مشخص شده تعرفه‌ها را افزایش مي‌دهیم. افزایش قیمت وجود دارد و ما راضی به آن نیستیم. اما با این وجود تعرفه‌ها افزایش نمي‌یابد.
وزیر بهداشت در خصوص انتخابات پزشکان عمومی نیز گفت: مشکلاتی در انجمن پزشکان عمومی وجود داشته با این وجود انتخابات آن را برگزار کردیم اما باید مشکلات جانبی آن بررسی شود تا بتوانیم گزارش نهایی را از سوی طرفین درگیر ارائه دهیم.
وزیر بهداشت همچنین در مورد همکاری سازمان بیمه سلامت نیز گفت: این سازمان محدودیت اعتباری دارد اما قول همکاری داده و معاونت راهبردی ریاست جمهوری نیز باید کمک بیشتری کند تا پزشکان خانواده بیش از این تعداد بتوانند با بیمه‌ها قرارداد ببندد.

وحیددستجردی همچنین در پاسخ به این سؤال که آیا در دولت دهم از وی به عنوان وزیر زن حمایت مي‌شود یا خیر گفت: معمولاً زنان تمایلی به انجام کارهای سنگین ندارند اما من را در این سمت انتخاب کردند. اما اینکه از زنان کابینه حمایت مي‌شود یا خیر باید پرسید حمایت چطور باید باشد از نظر انجام وظایف زنان تفاوتی با مردان ندارند اما از این نظر که بودجه بدهند تفاوت قائل مي‌شوند.
وی در پاسخ به این پرسش که آیا شما در ادامه این دولت وزیر بهداشت مي‌مانید به خبرنگاران گفت: خود شما آیا مطمئن هستید که در این سمتی که دارید مي‌مانید.

اخراج ۱۰۰ کارگر شرکت عمران ساحل در عسلویه

به نوشته سایت روشنگری در 4 دی آمده است :شرکت عمران ساحل از زیر مجموعه‌های قرارگاه خاتم الانبیا که در عسلویه مشغول کار است یک شنبه سوم دي ماه ۱۰۰ کارگر کارگاه استحصال زمین از دریا را اخراج کرد ، قبل ذکر است تمامي کارگران این شرکت مدت سه ماه مي‌باشد که هیچ حقوقی دریافت نکردند.
‘‘‘‘
تیکا کلاک

اعتصاب ۳۰۰ کارگر پیمانی پتروشیمی فجر

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 4 دی آمده است : عباس رضایی فعال کارگری در منطقهٔ ویژهٔ ماهشهر در این باره به ایلنا گفت: ۳۰۰ کارگر پیماکاری شرکت رامپکو که در کارخانهٔ پتروشیمی فجر مشغول به کارند در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت جذب نیروها و عدم پرداخت مزایایی که پیش‌تر قول آن‌ها داده شد بود با بهره گرفتن از ماده ۱۴۲ قانون کار، دست از کار کشیده‌اند.د
وی افزود: اکثر این کارگران در بخش‌های اجرایی و عملیات تعمیرات کار مي‌کنند.
این فعال کارگری در پایان اظهار داشت: متاسفانه از صحبت‌های مدیران کارخانه و مسئولان منطقهٔ ویژه اقتصادی ماهشهر چنین بر مي‌اید که امیدی برای حل مشکلات کارگران وجود ندارد.

اعتصاب کارگران پیمانی کارخانه پتروشیمی فجر

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 4 دی آمده است : ۳۰۰ کارگر پیمانکاری شرکت رامپکو که در کارخانهٔ پتروشیمی فجر مشغول به کارند در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت جذب نیروها و عدم پرداخت مزایایی که پیش‌تر قول آن‌ها داده شد بود، با بهره گرفتن از ماده ۱۴۲ قانون کار، دست از کار کشیده‌اند. اکثر این کارگران در بخش‌های اجرایی و عملیات تعمیرات کار می‌کنند.
این گزارش حاکیست،متاسفانه از صحبت‌های مدیران کارخانه و مسئولان منطقهٔ ویژه اقتصادی ماهشهر چنین بر می‌اید که امیدی برای حل مشکلات کارگران وجود ندارد.

واگذاری کارخانه روغن قو ونگرانی کارگران ازبیکارشدن

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 4 دی آمده است : بیش از ۴۰۰ کارگر کارخانه روغن نباتی پارس قو به سبب واگذاری سهام این کارخانه به بخش خصوصی که باعث کاهش روند تولید در این کارخانه شده است، ابراز نگرانی کردند.
براساس این گزارش،کارخانه روغن نباتی پارس قو به دلیل انباشت بدهی‌ها ناچار شد سهام خود را به بخش خصوص واگذار کند از این رو ۴۰۰ کارگر این واحد تولیدی با توجه به مشکلات مشابهی که سایر واحد های تولیدی را به تعطیلی کشانده است، نگران اشتغال خود شده‌اند.

گفتنی است شرکت سهامی عام روغن نباتی پارس تولیدکننده انواع روغن نباتی تحت نام تجاری «قو» در سال ۱۳۳۳ تاسیس شد و این واحد تولیدی طی سالهای گذشته به سبب افزایش مشکلات در زمینه تغییرات متعدد مدیریتی و مشکلات کارگری، که عمده سهام آن در اختیار سازمان اقتصادی کوثر بود طی مزایده‌ای به شرکت «نهان گل» واگذار شد.

بلاتکلیفی کارگران نساجی مازندران ادامه دارد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 4 دی آمده است : پس ازسفرکارگران نساجی مازندران به تهران وبرپایی تجمعات اعتراضی مقابل نهاد ریاست جمهوری و مجلس، وعده داده شدتا پایان پاییز کارخانه بازگشایی و مطالبات کارگران پرداخت شود.
پس ازگذشت چهارروززززمستان، هنوز حقوق معوقه 29ماهه،حدود ۸۰۰ کارگر شاغل و بازنشسته نساجی مازندران پرداخت نشده و اقدامی نیز برای بازگشایی کارخانه صورت نگرفته است.
این گزارش حاکیست،امروز وزرا و وکلا در خصوص خلع ید کارفرما جلسه دارندو کارگران نساجی مازندران منتظر تصمیم این جلسه هستند. چنانچه تا پایان هفته جاری تکلیف کارگران نساجی مازندران روشن نشود این کارگران از هفته بعد پیگیری‌های قانونی خود را آغاز خواهند کرد.

اعتصاب ۵۰۰ نفر از کاسبکاران در مرز مریوان

به گزارش سایت کُردپا،در 4 دی آمده است: طی روزهای گذشته به دلیل فشار مسؤلان بازارچه‌ی مرزی "پیران"، کولبران و کاسبکاران پنج روستای تابعه‌ی شهرستان مریوان به نشانه‌ی اعتراض، دست به اعتصاب زده‌اند.
برپایه این گزارش،، طی روزهای گذشته ۵۰۰ تن از کولبران و کاسبکاران روستاهای" نی، دره تفی، سردوش، درگاه شیخان، نژمار و سرنژمار" از توابع مریوان در اعتراض به اذیت و آزار و ممانعت مسؤلین مرز پیران از امرار معاش آنان، در مقابل هنگ مرزی مریوان دست به اعتصاب زدند.
یک منبع مطلع از مریوان گفت: در گذشته نیز یکی از مسؤلین بازارچه‌ی مرزی پیران، کاسبکاران و کولبران مناطق مرزی را مورد بی حرمتی و توهین قرار داده و همین امر سبب اعتراض و نارضایتی مردم منطقه شده است.
این منبع همچنین اشاره کرده، به دنبال این اعتصاب و در پی درخواست مردم جهت پیگیری مسئله، چند مسؤل شهرستان مریوان به پاسگاه هنگ مرزی احضار و از آنان قول مساعد گرفته شده که اینگونه رفتارها دیگر تکرار نگردد.
شغل کاذب کولبری، منبع اصلی امرار معاش اکثر ساکنان مناطق مرزی کُردستان ایران است که به دلیل عدم فرصت‌های شغلی و نیز مشکلات زندگی به کولبری روی آورده‌اند.

عدم پرداخت حقوق معلمان بازنشسته استان همدان

به نوشته کارمند نیوز در 4 دی آمده است : با سلام. خواهش می کنم نوشته مرا در سایت قرار دهید شاید مسئولی خواند و مشکل ما رفع گردید.
هم اکنون که این مطلب را می نگارم چهارم دی ماه است و معلمان بازنشسته استان همدان هنوز حقوق آذر ماه را دریافت نکرده اند هر چی پیگیری می کنیم نه فرمانداری و نه استانداری پاسخگو نیستند و هیچکس نمی داند علت اینهمه تاخیر چیست در صورتیکه بقیه استانها حقوق را دو روز پیش پرداخت کرده اند.
ای آقای مسئول! که ممکن است این مطلب را بخوانی ما هم مانند دیگر اقشار جامعه قرض و قسط و دانشجو داریم لطفا فکری به حال ما بکنید تا این رویه ادامه پیدا نکند و ماه های بعدی هم اینگونه نشود.

فاجعه کشتار کارگران در معادن طبس

کارگران ایران که در سال گذشته حوادث مختلفی را تجربه کرده اند و بر طبق برخی آمار بیش از هزارنفر در حوادث مختلف کارجان خود را ازدست داده اند، بار دیگر با چشمانی نگران شاهد حوادث مرگبار دیگری هستند. کشتارکارگران در معادن طبس و جان باختن حداقل 8 کارگر ، باز هم فاجعه بار بودن شرایط وحشتناک کار در ایران را به نمایش می گذارد.
فاجعه در آنجاست که بارها در باره ی شرایط وحشتناک وغیر ایمن کارگران در این معدن هشدار داده شده بود. اما هیچ اقدام موثری در این زمینه صورت نگرفته بود. این امر نشان از آن دارد که سرمایه داران و کارفرمایان برای حفظ سود خود از جان انسان ها مایه می گذارند ومسوولان نیز حوادث این چنینی را اجتناب ناپذیر می دانند؟!
کانون مدافعان حقوق کارگر که بارها در باره ی شرایط ایمنی کار هشدار داده است، بار دیگر ضروری می داند که ضمن همدردی با بازماندگان این حادثه به کارفرمایان و مسوولان و به همه ی دست اندرکاران هشدار دهد که بیش از این جان کارگران را فدای حرص و آز خود ننمایند. کارگران نیز باید با گسترش هر چه بیشتر تشکل های مستقل خود با شرایط ناایمن کار مقابله کنند.
کانون مدافعان حقوق کارگر-30 آذر 91

مرگ کارگر جوان در ساختمان نوساز

به گزارش پایگاه خبری 125, در 4 دی آمده است : صبح امروز،در خیابان قصرالدشت، نرسیده به خیابان مرتضوی کوچه ولیعصر، گیر کردن سر کارگر جوان در بین در و کابین آسانسور، مرگ وی را در طبقه سوم یک ساختمان رقم زد.
بنابهمین گزارش،مهران شالی فرمانده آتش نشانان اعزامی در این باره گفت: با رسیدن نیروها به محل مشاهده شد که کارگر 35 ساله ای در طبقه سوم یک ساختمان 4 طبقه نو ساز در حال راه اندازی آسانسور بوده است که سر وی به علت نامعلوم در قسمت کابین آسانسور گیر کرده و بدن وی معلق مانده بود.
شالی خاطرنشان کرد: آتش نشانان مصدوم را تحویل امدادگران اورژانس حاضر در محل دادند که متاسفانه مرگ وی پس از معاینه تایید شد.

تجمع اعتراضی یکصد و هشتاد نفر از بازنشستگان صنایع فلزی در مقابل استانداری تهران

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 5 دی آمده است : بیش از یکصد و هشتاد نفر از بازنشستگان کارخانه‌های شماره یک و دو صنایع فلزی ایران در اعتراض به بي‌توجه‌ای مالکان کارخانه صنایع فلزی ایران در پرداخت سنوات بازنشستگي‌شان، در مقابل استانداری تهران تجمع کردند.
نماینده کارگران بازنشسته صنایع فلزی ایران در این باره گفت: در پی اعتراضات مکرر بازنشستگان در مقابل کارخانه و نهادهای مختلف دولتی در خصوص عدم دریافت سنوات پایان کار، و قولهای بي‌عمل مدیرعامل جدید کارخانه که به عنوان نماینده دولت از سوی استانداری در این کارخانه منصوب شده است، متاسفانه امروز نیز ناچار شدیم در مقابل استانداری تهران تجمع کنیم.
پروین محمدی افزود: کل سنوات بازنشستگان این دو کارخانه دو میلیارد و دویست میلیون تومان است که این رقم بعد از گذشت بیش از ۵ سال از بازنشستگی کارگران و کاهش شدید ارزش پول ملی هنوز به آنان پرداخت نشده است.
او درباره جزئیات مطالبات بازنشستگان اضافه کرد: هشتصد میلیون تومان مربوط به سنوات بازنشستگان صنایع فلزی شماره یک و یک میلیارد و چهارصد میلیون تومان نیز مربوط به سنوات ۹۷ نفر بازنشستگان صنایع فلزی شماره دو است که مسئولان این کارخانه نسبت به

پرداخت این مبلغ به کارگران کوتاهی مي‌کنند.
این کارگر بازنشسته اضافه کرد: بعد از تجمع بازنشستگان صنایع فلزی در مقابل معاونت برنامه ریزی استانداری تهران که در آبان ماه سال جاری صورت گرفته بود، طبق توافق قرار شد چهار نماینده‌ای که حضورا به معاونت برنامه ریزی استانداری معرفی شدند با همکاری معاونت برنامه ریزی استانداري، پی گیر مطالباتشان شوند.
محمدی اظهار داشت: بعد از اعتراض بازنشستگان صنایع فلزی در مقابل ساختمان معاونت استانداری و قول مساعد آنان متاسفانه پی گیري‌های خاصی در خصوص رفع مشکلات بازنشستگان صورت نگرفت از این رو تصمیم گرفته شد برای احقاق حق قانونی خود در مقابل ساختمان مرکزی استانداری تجمع کنیم.
او در خاتمه گفت: معاونت برنامه ریزی استانداری تهران در جمع بازنشستگان صنایع فلزی قول داده بود در صورت عدم پرداخت مطالبات بازنشستگان از جانب کارخانه، استانداری به عنوان نماینده دولت میزان سنوات خدمتی این ۱۸۰ بازنشسته را پرداخت کند که متاسفانه هیچ کدام از این قول‌ها عملی نشده است.

آزادی فوری رضا شهابی

حزب نوین ضدسرمایه داری فرانسه در تاریخ 5 دسامبر برابر 5 دی درخواست آزادی فوری رضا شهابی، عضو هیئت مدیره ی سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه را دارد. جان رضا شهابی، که از سی ماه پیش به علت فعالیت برای احقاق حقوق کارگران زندانی است، در خطر جدی قرار دارد. در واقع نظیر بسیاری از زندانیان سیاسی، مبارزان حقوق دموکراتیک و اجتماعی محبوس در زندان های جمهوری اسلامی ایران، رضا شهابی بدترین شکنجه های فیزیکی و روانی که جزو رسوم و عادات جلادان رژیم اند،متحمل شده است. در هفته های اخیر وضع سلامتی وی شدیدا وخیم تر شده وحتی او را با خطر فلج کامل روبرو کرده است. در واکنش به این شرایط غیرانسانی رضا شهابی از 17 دسامبر بار دیگر دست به اعتصاب غذا زده است و این عمل جان او را در خطر جدی قرار داده است.
حزب نوین ضدسرمایه داری حمایت کامل خود را از رضا شهابی و از کلیه زنان و مردانی که شجاعانه در ایران علیه اختناق، سرکوب و دیکتاتوری مبارزه می کنند، ابراز می دارد. حزب ما در کلیه اقدامات همبستگی شرکت کرده و کلیه سازمان های دموکراتیک را به تدارک فوری یک کارزار بین المللی برای آزادی رضا شهابی فرا می خواند.
مونتروی
ترجمه و تکثیر از: همبستگی سوسیالیستی با کارگران ایران - فرانسه

در سراسر کشور، در تاریخ ۱۲ تا ۱۵ مهرماه سال جاري، در پی انتشار اخبار و شایعاتی درباره تعطیلی برخی واحدهای تولیدی در اثر تحریم ها، مسائل ارزي، کمبود مواد اولیه، نوسانات بازارها و دیگر موانع تولید و سرمایه گذاری در ماه های اخیر، پرسشنامه ای با ۷ سئوال تهیه و برای ۹۸ تشکل اقتصادی سراسری ارسال کرد. منظور از تشکل های سراسری آن دسته از تشکل های اقتصادی است که در چندین استان کشور شعبه و عضو دارند.
براساس این گزارش، میانگین پاسخ ها به این سوال که "در حال حاضر(مهرماه ۱۳۹۱) واحدهای تولیدی تشکل شما به طور متوسط با چند درصد از ظرفیت بالقوه تولید کار می کنند؟" ۴۲,۵ درصد بوده است.
تشکل های شرکت کننده در این کار مطالعاتي، ظرفیت بالقوه ایجاد اشتغال واحد تولیدی خود در مهرماه ۹۱ ، را به طور متوسط ۵۰,۲ درصد اعلام کرده اند.
در این طرح از فعالان اقتصادی پرسیده شده که میزان تولید در واحدهای تولیدی عضو تشکل شما نسبت به سال گذشته (مهر ماه ۱۳۹۰) مجموعا چند درصد تغییر کرده است؟ که میانگین پاسخ ها ۴۰,۳ درصد کاهش تولید بوده است.
همچنین درخصوص میزان اشتغال در واحدهای تولیدی نسبت به سال گذشته (مهرماه ۱۳۹۰) ۳۶,۵ درصد کاهش اشتغال پاسخ میانگین بوده است.
در پاسخ به این سوال که قیمت محصولات و قیمت مواد اولیه در واحدهای تولیدی اعضای شما نسبت به ابتدای سال ۱۳۹۱ مجموعا چند درصد تغییر کرده است؟ میانگین پاسخ پاسخ

دهندگان نشان می دهد محصولات ۸۷,۹ درصد افزایش و قیمت مواد اولیه ۱۱۲,۱ درصد افزایش داشته است.
طبق اظهارات تشکل های اقتصادی سراسری از ابتدای سال جاری ۵۰ واحد تولیدی یا خدماتی در حوزه فعالیت تشکل های سراسری مشارکت کننده در این نظرسنجی تاسیس شده و ۵۶۶ واحد به دلایل مختلف تعطیل شده اند.
پاسخ دهندگان در خصوص مشکلات بر سر راه تولید به ترتیب تامین مواد اولیه و تجهیزات تولید (گرانی، نوسانات قیمت، موجود نبودن در بازار و محدودیت در واردات)، تامین نقدینگی و منابع مالی برای سرمایه در گردش، موانع دسترسی به ارز (عدم تثبیت، نوسان سیاست ها و ...)، مشکلات و موانع ناشی از اثر مستقیم تحریم ها، بی ثباتی و نارسایی ها در برنامه ریزی و اجرای قوانین و مقررات را ذکر کرده اند

تجمع خانواده های بازداشت شدگان در شهر بوکان

روز یکشنبه سوم دی ماه خانوادههای بازداشت شدگان در مقابل اداره اطلاعات شهر بوکان دست به تجمع زدند. تجمع کنندگان ضمن اعلام اینکه بازداشت شدگان هیچ جرمی مرتکب نشده اند به دستگیری آنها اعتراض کرده و خواستار ملاقات شدند. در نهایت مامورین اداره اطلاعات به فرزند 4 ساله ابراهیم مصطفیپور به اسم آرش به مدت 5 دقیقه اجازه ملاقات با پدرش را دادند.
با تجمع خانوادهها در مقابل اداره اطلاعات مامورین نیروی انتظامی در محل حاضر شدند و تلاش کردند که حاضرین را متفرق کنند که خانوادهها تصمیم گرفتند به دادستانی مراجعه کنند. در مراجعه به دادستانی به آنها گفته شد که به مدت یک هفته قرار بازداشت برای 5 نفر فعالین بازداشت شده، صادر شده است.
لازم به ذکر است هادی تنومند مبتلا به میگرن میباشد. به همین دلیل مامورین اداره اطلاعات نسخهای به خانواده هادی تنومد دادند تا داروهای نامبرده را تهیه کنند.
ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری، خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط اعضای خود هادی تنومند، جمال مینا شیری، محمد کریمی، ابراهیم مصطفیپور، قاسم مصطفیپور، پدرام نصرالهی و دیگر کارگران و فعالان در بند هستیم.
کمیتهی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری-4 دی 1391

تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته کارخانه های صنایع فلزی شماره 1 و 2 در مقابل استانداری تهران

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 5 دی آمد است : حدود 180 کارگر کارخانجات صنایع فلزی شماره 1 و 2 از ساعت 10 صبح امروز در اعتراض به عدم پرداخت سنوات خود و بی توجهی مسئولین استانداری تهران به وعده های شان در مقابل این استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند.
در آخرین تجمع اعتراضی این کارگران که روز 23 آبانماه در مقابل معاونت استانداری تهران برگزار شد مسئولین استانداری به آنان وعده دادند حداکثر ظرف مدت یکماه مالکین را وادار به پرداخت سنوات کارگران خواهند کرد و چنانچه اینکار انجام نشود خود استانداری راسا از محل تسهیلات استانداری سنوات کارگران را پرداخت خوهد نمود اما پس از گذشت بیش از چهل روز از این وعده ها و پیگیری نماینده های کارگران در این مدت، خبری از تحقق وعده های داده شده از سوی استانداری نشد به همین دلیل این کارگران روز گذشته با برگزاری مجمعی در محل کارخانه و شنیدن گزارش نماینده های خود تصمیم به تجمع امروز در مقابل استانداری تهران گرفتند. کارگران در این تجمع پلاکارد بزرگی را در دست داشتند که در آن نوشته بودند:
ما کارگران بازنشسته صنایع فلزی بیش از سه سال است سنوات خود را دریافت نکرده ایم
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از گذشت یکساعت از این تجمع، مسئولین استانداری کارگران معترض را به داخل استانداری هدایت کردند و از آنان خواستند نماینده هایی جهت مذاکره انتخاب کنند اما کارگران اعلام کردند ما حاضر به هیچ مذاکره ای

نیستیم و شخص استاندار باید پاسخگوی ما باشد. بدنبال این وضعیت و از آنجا که استاندار تهران در محل نبود معاونت بازرسی استانداری از کارگران خواست تا بروند و از مالک شکایت کنند. وی در حالی این توصیه را به کارگران کرد که طی یکماه گذشته هر گونه شکایات از کارفرمای صنایع فلزی و مصادره اموال وی در مراجع قضایی ممنوع شده است و شکایتهای سالهای گذشته این کارگران نیز به جایی نرسیده است و از سوی دیگر مسئولین استانداری بدنبال تجمع این کارگران در روز 23 آبانماه گذشته به آنان قول دادند ظرف مدت یکماه سنوات همه آنان را پرداخت خواهند کرد. به همین دلیل کارگران تجمع کننده از اظهارات معاونت بازرسی استانداری تهران بشدت خشمگین شدند بطوریکه برخی از کارگران با نشان دادن دست و پاهای معیوب شده خود فریاد اعتراض شان را بلند کردند و مامورین امنیتی استانداری در اقدامی تحریک آمیز تلاش کردند برخی از آنان را از جمع کارگران جدا کنند که با عکس العمل شدید کارگران موفق به اینکار نشدند. در ادامه این تجمع و کشمکش میان مسئولین استانداری و کارگران، معاونت بازرسی استانداری تهران از کارگران خواست تا فردا دست به تجمعی نزنند و نماینده های خود را جهت رسیدگی به خواست هایشان به استانداری بفرستند اما کارگران با پایان دادن به تجمع خود در ساعت 30/12 ظهر اعلام کردند ما فردا با تجمع در محل کارخانه منتظر پاسخ عملی به خواست هایمان خواهیم شد و چنانچه مانند همیشه وعده های توخالی داده شود به سمت استانداری حرکت خواهیم کرد.
بنا بر اظهار کارگران تجمع کننده، کل مطالبات آنان دو میلیارد و دویست میلیون تومان است و استانداری تهران در حالی آنان را برای پرداخت این مبلغ سر میدواند که طی یکماه گذشته از سویی هر گونه شکایت و ضبط اموال کارفرما در مراجع قضایی ممنوع شده است و از سوی دیگر بنا بر اذعان خود مسئولین استانداری 100 میلیارد تومان دارایی نقدی سهامداران عمده کارخانه های صنایع فلزی شماره 1 و 2 بلوکه شده است اما علیرغم تمام اینها و محرز شدن انواع کلاهبرداریهای کارفرما از کارگران بازنشسته، آنان همچنان و بناچار برای پیگیری دریافت سنوات خود اسیر هستند.
بنا بر گفته این کارگران، کارفرمای این دو کارخانه طی سالهای گذشته بطور مداوم اقدام به کلاهبرداریهای متعدد از آنان کرده است. بطوریکه وی در یک دزدی آشکار از کارگران بازنشسته با بهانه پرداخت سنوات آنان، این کارگران را به بانک سرمایه جهت دریافت وام معرفی کرده بود تا آنان وام را به نام خود دریافت کنند و اقساط اش را کارفرما به بانک پرداخت کند. اما کارفرما علیرغم اینکه وام به نام کارگران بوده است و بانک از کارگران سفته دریافت کرده بود این وام را یکجا خود برداشته و هیچ قسطی نیز به بانک پرداخت نکرده است. به این ترتیب وی در یک کلاهبرداری آشکار از کارگران بازنشسته نه تنها سنوات آنان را پرداخت نکرده بلکه آنان را وادار به دریافت و باز پرداخت وامی کرده است که خود همه را برداشت کرده است. لازم به یادآوری است بدنبال تجمعات اعتراضی کارگران بازنشسته کارخانه های صنایع فلزی شماره 1 و 2 یکی از خواستهای آنان عودت سفته هایشان از بانکهای شهر و سرمایه بوده است که در حال حاضر بانک سرمایه مجبور به عودت این سفته ها شده است اما بانک " شهر" هنوز سفته های این کارگران را پس نداده است.
بنا بر گزارش دیگری که به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است حدود ششصد کارگر شاغل کارخانه های صنایع فلزی شماره 1 و 2 نیز مدت دو ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. در حال حاضر و بدنبال تجمعات اعتراضی کارگران شاغل این کارخانه ها از مهر ماه سالجاری به این سو مدیریت دولتی در آنها مستقر شده است با اینحال تغییری در وضعیت پرداخت بموقع دستمزدهای کارگران ایجاد نشده است و در طول دو ماه گذشته در دو مرحله و در هر مرحله فقط یکصد هزارتومان به ششصد کارگر شاغل در این کارخانه ها پرداخت شده است.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – 5 دی ماه 1391

ادامه تجمعات اعتراضی بازنشستگان ذوب آهن اصفهان

به گزارش رویش نیوز، از قول خبرگزاری دولتی فارس در 5 دی آمده است : تجمع بازنشستگان ذوب آهن اصفهان همچنان ادامه دارد.

بنابهمین گزارش، بازنشستگان ذوب آهن اصفهان به دلیل عدم پرداخت معوقاتشان، از ابتدای هفته جاری دست به اعتراض چندباره زدند که همچنان ادامه دارد.
در سومین دوره از این اعتراضات گروه بزرگی از این افراد در چهارراه نقاشی تجمع کرده و مسیر خیابان نشاط را سد می‌کنند.
به گزارش فارس درهمین رابطه ، جمعی از بازنشستگان ذوب‌آهن اصفهان روز گذشته به صورت مجدد برای مطالبه حقوق عقب‌افتاده خود در مقابل کانون بازنشستگی استان واقع در خیابان نشاط اصفهان تجمع کردند.

در ششمین روز اعتصاب غذای رضا شهابی

(نوشته زیر تقدیم است به کارگر اعتصابی رضا شهابی)

محمود صالحی

توضیح: سال ۱۳۸۷ موقعی که از زندان سنندج آزاد شدم، رویدادها و اتفاقات زندان را نوشتم . تلاش خواهم کرد همه آن رویدادها را به صورت یک کتاب منتشر کنم اما با توجه به اینکه دوست عزیزم رضا شهابی دست به اعتصاب غذای تر زده است، این قسمت که مربوط به اعتصاب غذای خودم درزندان سنندج است را انتشار می دهم. امید است با انتشار این نوشته توانسته باشم تجربیاتی را که مربوط به اعتصاب غذا است به دوستان و هم طبقه ای هایم انتقال داده باشم.

روز یکشنبه ٤ فروردین ۱۳۸۷ محکومیت ام در زندان سنندج به پایان می‌رسید و برابر قانون باید همان روز ساعت ۹ صبح آزاد می‌شدم. صبح روز دوشنبه، ۲۷ اسفند ماه ۱۳۸٦ از طرف افسر نگهبانی احضار شدم. قاسم رحمانی (مامور اعزام) مشخصات کامل مرا پرسید. او گفت: "آقای صالحی، شما به شعبه چهارم بازپرسی احضار شدید، دلیل آن چیست؟" من اظهار بی‌اطلاعی کردم و گفتم که: " نمی‌دانم، شاید من نباشم". قاسم رحمانی ادامه داد: " شاید همینطور باشد، به هر حال ما شما را می‌بریم."
ساعت ۹ صبح همراه زندانیانی که همان روز دادگاهی داشتند به دادگستری رفتیم. وقتی به دَر اتاق شعبه چهارم بازپرسی رسیدیم، مأمور مرا به دفتردار شعبه معرفی کرد و او ورودم را به قاضی خبر داد. قاضی مبارکی به محض دیدن من، از شعبه خارج شد و بعد از نیم ساعت برگشت و وارد اتاق خود شد.
در مدتی که جلو دَر اتاق قاضی منتظر بودم، خواهرم همراه با همسر و فرزندانش از شهرستان کرج به ملاقات من آمده بودند. آن‌ها ابتدا به زندان مراجعه کرده بودند و مسئولین زندان به آن‌ها اطلاع داده بودند که محمود صالحی را به دادگاه اعزام کرده‌اند. آنان هم بلافاصله به دادگاه آمدند و جلوی دَر شعبه چهارم همدیگر را ملاقات کردیم. فردین نگهدار یکی از اعضای سابق کمیته هماهنگی هم در آن جا حضور داشت. آن‌ها با چهره‌ای نگران از من دلیل احضارم را پرسیدند که جوابی نداشتم به آن‌ها بدهم.
وقتی قاضی مبارکی برگشت یک "متهم" دیگر را به اتاق او بردند و کمی بعد دستور داد که: ""متهم" محمود صالحی را به داخل رهنمایی کنید." وقتی که وارد اتاق شدم، اوبازجویی از فرد دیگری به اتهام مصرف مواد مخدر را به پایان رساند، واو را بیرون فرستاد و رو به من گفت: "اسم؟"
- محمود صالحی.
- نام پدر؟
- محمد
- آقای صالحی شما متهم هستید که در داخل زندان برای دانشجویان، مردم سنندج و کارگران خاتون آباد پیام فرستاده‌اید من رسماً به شما تفهیم اتهام می‌کنم.
- آقای قاضی، پیام‌های زیادی فرستاده‌ام، اما تا زمانی که پیام‌های خود را مشاهده نکنم، هیچ نوع تفهیم اتهامی را به این عنوان قبول ندارم.

قاضی مبارکی نگاهی به من کرد و گفت: "من از شما می‌خواهم که به سئوالات جواب دهید. وقتی که سئوالی را مطرح می‌کنم، شما می‌توانید آن را تأیید یا رد نماید."
او اولین سوالش را اینطور مطرح کرد:
"آقای صالحی، شما روز دانشجو برای دانشجویان پیام فرستادید و آن‌ها را به اغتشاش دعوت کردید؟!"
- خیر، جناب قاضی من هیچ کس را برای اغتشاش دعوت نکردم و پیام من هم نیست.
- یعنی شما انکار می‌کنید که پیام مربوط به شماست؟
- بله، پیام اگر مربوط به من است، باید آن را مشاهده کنم، آن وقت صحت و سقم آن را تأیید خواهم کرد، در غیر این صورت مربوط به من نیست.
- پیام در پرونده شما موجود است.
- به هر حال تا زمانی که من پیام را نبینم، هیچ وقت آن را تأیید نمی‌کنم.
- آقای صالحی، شما بعد از ترخیص از بیمارستان، برای مردم سنندج پیام تشکر فرستادید و آن‌ها را مردم مبارز سنندج نامیدید. دلیل این پیام چیست؟
- خوب، در بیمارستان بستری بودم در این مدت، مردم سنندج خیلی به من خدمت کردند، و من نیز از آنان تشکر کردم اگر جز این باشد، مربوط به من نیست.
- آقای صالحی، شما برای کارگران خاتون‌آباد پیام فرستادید، آیا این درست است یا خیر؟
- بله درست است، من برای کارگران خاتون‌آباد پیام فرستادم، اما چه ربطی به امروز دارد؟ این پیام را در سال ۱۳۸۲ فرستاده‌ام.
- در پیام چه چیزی را بیان کردید؟
- جناب قاضی، کارگران خاتون‌آباد در سال ۱۳۸۲ از زمین و هوا مورد حمله ی عده‌ای قرار گرفتند، چند نفر از آن‌ها کشته و عده‌ای نیز زخمی شدند. آقای قاضی، می‌دانید جرم این کارگران چه بود؟
- نه.
- جرم این کارگران مطالبه کار بود، از سرمایه‌داران درخواست می‌کردند تا به آنان کار دهند. اما متأسفانه از زمین و هوا مورد حمله قرار گرفتند و فاجعه خونینی به وجود آمد. در پیام نوشته بودم کسانی که مسبب این جنایت شده‌اند، باید شناسایی و در یک دادگاه علنی محاکمه شوند.
- شما در کردستان زندگی می‌کنید و این اتفاق در کرمان روی داده است، این موضوع چه ربطی به شما دارد؟
- ببین جناب قاضی! قانون در کشور برای همه است. اگر امروز حداقل دستمزد تعیین می‌شود برای کل کشور است. اگر کارگری اخراج شود، چه کُرد باشد چه فارس، هیچ فرقی ندارد اخراج، اخراج است. کارگران اخراجی در کل کشور شامل یک قانون هستند، اگر کارگر خاتون‌آباد کشته می‌شود فردا ما هم به خاطر مطالبه کار کشته خواهیم شد. پس ما انسان هستیم و در مقابل همه انسان‌ها مسئول ایم. شما در داخل زندان چند مورد اعتصاب غذا را رهبری کردید؟
- زندانیان از سر گرسنگی اقدام به اعتصاب غذا کردند، اعتصاب غذا تنها به اعتراض به کمی و کیفی غذا بوده نه چیز دیگر. جناب قاضی، در زندان نان پیدا نمی‌شود تا آن را مصرف کنید، اما مواد مخدر زیاد است.
قاضی مبارکی پرونده ی قطوری زیر دست داشت و مرتب آن را زیرو رو می‌کرد بعد از این سئوال‌ها، گفت:
- آقای صالحی، شما از این تاریخ، یعنی ۲۷/۱۲/۱۳۸۷ تا روز دادگاهی بازداشت موقت هستید.
- جناب قاضی، مدت یک سال است که در زندان هستم. این بازداشت موقت، مانع آزادی بنده خواهد شد. شما می‌توانید این قرار را به وثیقه تبدیل کنید تا جلو آزادی مرا نگیرد و....
- شما کی قرار است آزاد شوید؟
- ٤/١/١٣٨٧
- به این حکم اعتراض دارید یا خیر؟
- بله، این حکم ناعادلانه را قبول ندارم و در اعتراض به این حکم، از این ساعت تا تبدیل آن به

وثیقه دست به اعتصاب غذای خشک خواهم زد.
- اعتصاب غذا هیچ مشکلی را حل نخواهد کرد، شما شاکی دارید و شاکی شما اداره اطلاعات و زندان می‌باشد.
- خیلی خوب، چرا این آقایان که از بنده شاکی هستند در دادگاه حضور پیدا نکرده‌اند؟
- شما نمی‌توانید با اعتصاب غذا مشکل خود را حل کنید، لطفاً این کار را نکنید. اعتصاب غذا هیچ گونه وجاهت قانونی ندارد.
- بله می‌دانم که در قانون ایران اعتصاب هیچ‌گونه وجاهت قانونی ندارد، اما برای اولین‌بار در این دادگاه اعلام می‌کنم که یا خواهم مرد یا این حکم ناعادلانه شما را ابطال خواهم کرد.
مأمورانی که همراه من بودند، همگی از صدور حکم نارحت شدند. به این ترتیب از ساعت ۱۰ صبح روز دوشنبه ۲۷ اسفند ۱۳۸٦ رسماً اعتصاب غذای خشک را شروع کردم.
هنگامی که از اتاق قاضی بیرون آمدم، خانواده خواهرم و فردین نگهدار جلوی دَر اتاق بودند. موضوع را برای آن‌ها بازگو کردم خواهرم و همسرش حسین دارووند از این بابت ناراحت و نگران شدند و به قاضی مبارکی مراجعه کردند .نزد قاضی مبارکی رفتند تا با ایشان صحبت کنند. قاضی مبارکی دستور بازداشت حسین دارووند را صادر کرد که او را چند ساعت در داخل دادگاه بازداشت کردند.

زندان بعد از حکم بازداشت موقت

وقتی که به زندان برگشتم، زندانی‌ها فکر می‌کردند که مرا جهت آزادی به دادگاه احضار کرده‌اند. اما با شنیدن صحبت‌هایم، ناراحت و نگران شدند. همه زندانیان با من اظهار همدردی کردند و نگران وضعیت جسمی من در نتیجه اعتصاب غذا بودند. کسانی که این تجربه را داشتند نزد من می‌آمدند و می‌گفتند که اعتصاب را بشکنم. آنها به من گفتند که کسی در زندان سنندج به اعتصاب غذا اهمیت نمی‌دهد بعد از شروع اعتصاب غذا، شما را به سلول انفرادی خواهند برد و....
تعدادی از زندانیان نیز اعلام کردند که جهت حمایت از خواسته شما، ما هم دست به اعتصاب غذا می‌زنیم. اما من مخالفت کردم و قرار گذاشتیم که اگر من موفق به رسیدن به حقوق خود نشدم و در این راه جان خود را از دست دادم، آن وقت یک نفر دیگر اعتصاب غذا را شروع کند. به این ترتیب دوستان را قانع کردم که هر زمان ما اراده کنیم چیزی که می‌خواهیم به دست خواهیم آورد، هر چند که هزینه آن سنگین باشد.
زندان سنندج یکی از قدیمی‌ترین زندان‌های ایران است. هزاران انسان انقلابی برای تحمل دوران محکومیت خود به این زندان آمده و رفته‌اند. این زندان هزاران انسان مبارز را در خود جا داده و یا جان آنان را گرفته است. این زندان برای کسانی که در صفوف مبارزه بوده اند نامی آشنا و همه زندانیان رخدادهای آن را در سینه های خود حک کرده اند. حال این زندانیان مربوط به رژیم سابق باشند و یا بعد از انقلاب ۱۳۵۷.
در این مرکز، بارها ده‌ها زندانی در اعتراض به وضعیت نامناسب زندان دست به اعتصاب غذا زده‌اند، اما هربار این اعتصاب‌ها به شکست منجر شده و زندانیان اعتصابی به خواسته و مطالبات خود نرسیده‌اند. علاوه بر این در زمان اعتصاب غذا، افرادی هستند که از زندانی اعتصابی می‌خواهند که به دور از چشم دیگران غذا بخورند و می گویند که کسی نمی‌فهمد اما خود آن‌ها، این خبر را به مسئولین زندان خواهند رساند و اعتصاب غذا عملا بی اهمیت و بدون نتیجه خواهد شد. از سوی دیگر، بهداری زندان با وصل سرم به زندانیان اعتصابی، توان و نیروی او را باز می‌گردانند که در این صورت اگر اعتصاب غذا ۱۰۰ روز هم طول بکشد، طبق قانون موجود در کشور ما راه به جایی نخواهد برد.
موضوع دیگر اینکه عده‌ایی در داخل زندان هستند که به فرد اعتصابی مراجعه می کنند و به فرد اعتصابی می گویند که اعتصاب غذا در این زندان راه به جای نمی برد و تا این تاریخ ده ها نفر اعتصاب کرده اند و بدون اینکه به خواست خود برسند از مسئولان زندان معذرت خواهی کرده و اعتصاب خود را پایان داده اند.
به رغم همه این مشکلات ودر اعتراض به پایمال شدن حقوق انسانی و برای رسیدن به خواست و مطالبات من تصمیم گرفتم دست به اعتصاب غذای خشک بزنم. از طرفی دیگر

تلاش داشتم تا فضای موجود در زندان را عوض کنم. در آن شرایط برایم اعتصاب غذا یک مبارزه حیاتی بود و باید این کار را انجام می‌دادم تا عملاً به زندانی‌ها نشان دهم که ما هر زمان اراده کنیم، می‌توانیم به خواست و مطالبات مان برسیم. یقین داشتم که پیروز این جنگ نابرابر هستم، حال چه جان خود را از دست بدهم و چه زنده بمانم. می‌بایست یک بار دیگر، اعتصاب غذا جایگاه واقعی خود را بدست می‌آورد. کسی باید آن را شروع می‌کرد و خیلی خوشحال بودم که در این میدان مبارزه، قرعه به نام من درآمده بود. من باید به کسانی که نگاهی تحقیرآمیز به اعتصاب غذا داشتند، اثبات می‌کردم که زندانی می‌تواند تا پای جان برود و اگر هم آن را از دست داد، این در برابر آن (اهداف زندانی) بسیار ناچیز است.
قابل ذکر است که وقتی من وارد زندان سنندج شدم، با تعدادی از زندانیانی که درسنوات گذشته دست به اعتصاب غذا زده بودند ملاقات کردم و انگیزه شروع اعتصاب غذایشان را از آنان سئوال کرده بودم نیز از آنان سئوال کرده بودم که چرا قبل از اینکه به خواست و مطالبات خود برسید اعتصاب را پایان دادید؟ هر کسی برای پایان دادن اعتصاب خود حرفی می زد و یا توجیهی می آورد که من را قانع کنند. با وصف اینکه وضعیت جسمی نامناسبی داشتم و روزانه ۱۳ نوع دارو برای بهبود وضع جسمی‌ام مصرف می‌کردم، در تلاش بودم که از اعتصاب غذا اجتناب کنم اما وقتی با حکم ناعادلانه قاضی مبارکی روبرو شدم و با توجه به همه ی این مشکلات تصمیم قاطع گرفتم که دست به اعتصاب غذای خشک بزنم.

بازتاب اعتصاب غذا در جامعه

خبر اعتصاب غذای خشک من در درون و بیرون از زندان پیچید. دوستان زیادی نگران وضعیت جسمی من بودند، از خانواده‌ام تقاضا می‌کردند که مرا قانع کنند تا به اعتصاب غذا پایان دهم. خانواده‌ام هم هر بار که موفق به ملاقات من می‌شدند از من می‌خواستند که به اعتصاب غذا پایان دهم. تماس های تلفنی مختلفی نیز داشتم که همگی چنین تقاضایی از من داشتند.
دادستان سنندج نیز پیغام فرستاد که به اعتصاب غذا پایان دهم تا حکم بازداشت موقت لغو و به قرار وثیقه تبدیل
از سوی دیگر وکیل من، آقای محمد شریف، با نگرانی به سنندج آمد تا بتواند کاری جهت پایان دادن به این وضعیت انجام دهد. اما به دلیل بی‌توجهی مسئولان قضایی به قانون، این وکیل پرتلاش و زحمت‌کش نمی‌توانست کاری برایم انجام دهد.
اگر چه درخواست‌های دوستان و آشنایان، از روی محبت و دلسوزی بود و آن‌ها برایم قابل احترام بودند، اما تصمیم گرفتم تا رسیدن به نتیجه نهایی و رسیدن به خواسته های خود، آن‌را ادامه دهم.
تنها چیزی که من را در زمان اعتصاب غذا آزار می داد این بود که خانواده و دوستانم از من درخواست می کردند که به اعتصاب غذا پایان دهم. به جای اینکه روحیه من را تقویت کنند همیشه می گفتند که شما جان خود را از دست می دهید و دولت هیچ مسئولیتی در قبال شما ندارد و... این صحبت ها بیشتر من را ضعیف می کرد. در طول آن مدتی که اعتصاب غذا کرده بودم حتی یک نفر هم مشوق من نبود هیچ کس به من نگفت که موفق خواهی شد.
اعتصاب غذا در زندان، قدمت طولانی‌ایی دارد و زندانی به عنوان آخرین سلاح دفاع، از آن استفاده می کند. دلیل اینکه زندانی دست به اعتصاب غذا می زند را باید در داخل زندان و مشکلاتی که در آن زندان موجوداست، جستجو کرد. در اکثر زندان‌ها علی‌الخصوص زندان‌های ایران، زندانی جای مناسب برای استراحت، غذای سالم وبه اندازه کافی در اختیار ندارد. برخورد انسانی با زندانیان صورت نمی‌گیرد و ده‌ها نفر جلوی دَر توالت می‌خوابند و جایی برای وسایل خود ندارند. در داخل زندان قانونی وجود ندارد که زندانی به آن مراجعه و درخواست عدالت کند، خانواده زندانیان نمی توانند هر ماه مبلغی پول به حساب زندانی واریز کنند، زندانی باید غذای خود را از رستوران تهیه کند، بازندانی مثل یک انسان برخورد نمی شود، زندانی از بدو ورود به زندان مورد بی حرمتی کسانی قرار می گیرد که بویی از انسانیت نبردند، زندانی باید برای ملاقات با خانواده خود مورد تأیید مسئول فرهنگی قرار بگیرد، و یا برای ملاقات حضوری باید گزارش همبندی‌های خود را به مسئولان زندان بدهد. زندانی در موقع اعتصاب غذا مورد بی حرمتی قرار می گیرد و او را به سلول انفرادی انتقال می دهند و

یا پاسخ اعتصاب غذا را با توهین و اهانت می‌دهند و جرم محسوب می‌شود، اگر زندانی به وضع موجود اعتراض کند علاوه بر خود او خانوده اش نیزبا قطع کردن ملاقات مورد خشم مسوولان قرار می گیرند یعنی خانواده زندانی هم زندانی هستند چون مسئولان زندان به آنان هم امر و نهی می کنند. درهمین زندان ها جلوی چشم زندانیان سیاسی؛ آنان که برای مردم محروم مبارزه می کنند و به خاطر آنان به زندان می افتند و هر روز ده‌ها نفر جوان ۱۸ الی ۳۰ ساله به جرم دزدی، اعتیاد و... جلو چشم همگان، نابود می‌شوند و ماهی یک بار، ۱۰۰ نفر سرباز با رهبری مسئولین زندان به بندها یورش می‌آورند وکلیه وسایل زندانیان که تنها سرمایه آنان است را، مورد تفتیش قرار داده و از بین می‌برند و...
با وجود این همه نابرابری و بی عدالتی پاسخ من در جواب به این سوال که چرا اعتصاب غدا کردم مشخص است. بخشی از آن رسیدن به خواست و مطالبات خودم بود اما مهمتر از آن به خاطر تغییر شرایطی بود که زندانیان در آن به سر می‌برند. بسیارند کسانی که بیش از ۲۰ سال است که در سخت ترین شرایط در زندان هستند و با این وضعیت اسف‌بار به مبارزه خود در داخل زندان هم ادامه می دهند. من در برابر این همه بی عدالتی، دست به اعتصاب غذای خشک زدم تا چراغی برای روشن کردن راه مبارزه نسل امروز و آینده باشد.

زندان و اعتصاب

زندانی‌ها و مسئولین زندان تاکنون با کسی مواجه نشده بودند که اعتصاب غذای خشک کند. به همین دلیل زندانیان دسته دسته به دیدارم می‌آمدند، لباس‌هایم را تمیز می‌کردند و ضمن اعلام همدردی، اگر کاری داشتم، برایم انجام می‌دادند.
زمانی که اقدام به اعتصاب غذا کردم، مصرف داروهای زیر را قطع کردم. پزشک‌های زندان گفتند که در صورت قطع این داروها، زنده نمی‌مانید:
۱- فلوکستین ۲۰ میلی ۲- نورتریپتیلین ۲۵ میلی ۳- متورال متوپرولول ۵۰ میلی ۴
-آتورواستاتین ۴۰ میلی ۵- املودیپین آریا ۵ میلی ٦- آ سی آ ۷- کاپتوپریل ۲۵ میلی ۸
-نیتروکلسرین ۹- پرازوسین ۱۰- دوگسپین ۲۵ میلی ۱۱- دیمن هیدرینات ۵۰ میلی ۱۲- تریامترن اچ و چند نوع قرص مسکن.
چند بار مرا به بهداری بردند و برایم توضیح دادند که اعتصاب غذای خشک چه عواقبی دارد. دکتر خالدی از من درخواست کرد تا در زمان ناراحتی، به ما اجازه دهید که برایت سرم وصل کنند. من مخالفت کردم و به آنان گفتم که دیگر دنبال من نیایند و در هیچ شرایطی به بهداری نمی‌آیم. اما دکتر خالدی از من خواست که هرچند روز یک بار جهت کنترل فشار خون به آن‌جا بروم. اعتصاب غذا از نظر جسمی، ضعیفم کرد اما از نظر روحی برای رسیدن به اهدافم، سرشار از انرژی بودم.
به دلیل فشار خون بالا، سر درد شدیدی داشتم که هر نیم ساعت یک بار بچه‌های زندانی، دستمالی را خیس می‌کردند و آن را روی پیشانیم قرار می‌دادند تا درد آن کم شود. این کار تا پایان اعتصاب ادامه داشت. در این‌جا لازم می‌دانم از آن‌هایی که نامشان در حافظه‌ام مانده تشکر کنم: صدیق رستمی ، فواد شبکی فرد، حمید کوثرنیا، فردین مرادی، هیوا محمدی و ...
در اولین روز اعتصاب غذای خشک آن هم در آن هوای سرد، حرارت بدنم بسیار بالا رفت. یک بادبزن دستی برای خنک کردن خودم، درست کردم و به هیوا محمدی گفتم که روی باد بزن، شعر زیر را با خط خوب درشت بنویسد:
"ماڵی تو که له لوتکه ی کێوه (خانه شما که در بلندای کوه است)
لای جن و دێوه بەڵای زۆری پێوه (هر جا که جن و دیو باشد سرشاراز بلا خواهد شد.)
دووژمن خه یالی خاوه (خیال دشمن خام است)
وا له مردن به و لاوه (بعد از مرگ هم (مبارزه) ادامه دارد)
توضیح: هیوا محمدی در مراسمی که اول ماه مه ۱۳۸٦ در زندان مرکزی سنندج برگزار کردیم به یک سال حبس محکوم شد.اما متأسفانه او به اتهام قتل یک نفر کرمانشاهی، در تاریخ ۱۵/۱۱/۸۷ بعد از تحمل سه سال و نیم زندان در ساعت ٤ صبح در زندان مرکزی سنندج اعدام شد. در این‌جا لازم می‌دانم که به بستگان، خانواده این عزیز از دست رفته تسلیت عرض

کنم .
با شروع اعتصاب غذا، این نامه را جهت اطلاع رئیس و مسئولین زندان به شرح زیر نوشتم:

ریاست محترم زندان مرکزی سنندج
با سلام
احتراماً اینجانب محمود صالحی فرزند محمد با شماره شناسنامه ۸۷۰ صادره از سقز که به تحمل یک سال حبس محکوم شده و قریب به ۱۲ ماه است که در زندان مرکزی سنندج محبوس می‌باشم، با وضعیت وخیم جسمانی که تمامی مسئولین قضائی و پرسنل زندان کم و بیش از آن اطلاع دارند و برای آنان محرز است، روبرو هستم. از یک طرف برخورد غیرمنطقی قانون گذاران و مجریان چشم و گوش بسته و اطاعت کورکورانه از فرامین آنان، از طرفی دیگر و هم چنین ناملایمات و نابسامانی‌ها و تناقض‌گوئی حاکم‌بر دستگاه‌های ذیربط که برهیچ کس پوشیده نیست و عدم انطباق با قانون اساسی و مغایرت داشتن آشکار شعار و عمل، مجامع بین‌المللی را نیز وادار به واکنش نموده است.
اینجانب از روز دوشنبه مورخ ۲۷/۱۲/۸۶ رسماً اعتصاب غذای خشک را اعلام می‌دارم و تا رسیدن به خواست و مطالبات مشروع، انسانی و احقاق حقوق حقه مظلوم واقع شدگان و تحقق در راه رسیدن به این امر مهم اعتصاب غذای خود را ادامه داده و خواست‌های خود را به شرح زیر اعلام می‌دارم:
۱- پایان دادن به دستگیری فعالین کارگری، زنان، معلمان، دانشجویان و روزنامه نگاران.
۲- رسیدگی به احکام غیرعادلانه به وسیله قضات که می‌توان آن را احکام فله‌ای نامید. لازم به توضیح است که بعضاً چنین احکامی غیابی و به افراد تحمیل شده است.
۳- لغو تبعید تمامی زندانیان سیاسی که همین امر موجبات تحمل هزینه‌های سرسام‌آور با توجه به اوضاع اقتصادی حاکم بر کشور به خانواده‌های زندانی می‌شود.
۴- لغو کلیه بازداشت‌های موقت از طرف مراجع قضائی.
۵- با توجه به برنامه غذائی زندانیان که تامین غذا برای ۷۰۰ نفر زندانی می‌باشد، قطعا کارشناس مربوط به امور تغذیه را در کنترل کمی، کیفی و نحوه توزیع می‌طلبد.
٦- توجه به نگهداری و مراقبت انسانی از هر زندانی از وظایف مهم زندانبان به شمار می‌آید، اما شایان ذکر است که اینجانب در مدت زندانی خود ۳ بار مورد هتاکی، فحاشی و حمله آقای قاسم رحمانی یکی ازمأموران زندان واقع شده‌ام که این واقعه علاوه بر جسمم، روح و روانم را نیز آزار می‌دهد.
۷- اعزام زندانیان بیمار زیر نظر پزشکان متخصص که موارد فوق را بارها و به کرات به وسیله جوامع پزشکی گوشزد شده است و کماکان به این موضوع مهم بی‌توجهی می‌شود. "ضمناً" به لحاظ جلوگیری از هرگونه تحریف در نوشته فوق، خواهان انعکاس این نامه از طریق رسانه‌های جمعی می‌باشم."
با تشکر
زندانی محمود صالحی
زندان مرکزی سنندج بند پاک ۲ اتاق یک تاریخ ۲۷/۱۲/۸٦

مسئولین زندان به نوبت برای دیدار من می‌آمدند و درخواست می‌کردند که به اعتصاب غذا پایان دهم و هر بار با مخالفت شدید من روبرو می‌شدند. یک روز رئیس زندان یکی از مأموران خود را فرستاد و از من دعوت کرد که با افسر نگهبانی نزد ایشان بروم. من در پاسخ گفتم که من با آقای رئیس کاری ندارم اگر ایشان با من کار دارد، می‌تواند نزد من بیاید و....
رئیس زندان وقتی از موضع قاطع و این‌که یک زندانی با این صراحت به او جواب منفی داده، از افسر نگهبانی خارج و تا چند روز به زندان برنگشت. بعد از چند روز رئیس زندان به داخل بند آمد و جلوی تخت من ایستاد و گفت:
آقای صالحی حال شما خوب است؟
- بله خیلی ممنون.
- آقای صالحی چرا به اعتصاب خود پایان نمی‌دهید؟
- به دلیل این‌که می‌خواهم به خواست خود برسم.

- خواست شما چه چیزی است که می‌خواهید جان خود را تلف کنید؟
- خواست من آزادی از زندان و وضعیت نابسامان این مرکز است که حتی غذایی برای خوردن نداریم و هر زمان اعتراض کنیم ما را سرکوب می‌کنند بقیه خواست و مطالبات را در نامه‌ایی برایتان مکتوب کردم.
- آقای صالحی تلف خواهید شد، به خواست شما توجه نمی‌شود، تا به امروز ده‌ها نفر در این زندان اعتصاب غذا کردند، ولی تا جایی که من اطلاع دارم هیچ کدام از آن کسانی که اعتصاب غذا کرده‌اند به خواست خود نرسیده و ناچاراً به اعتصاب خود پایان داده‌اند.
- ببین آقای رئیس، من محمود صالحی هستم یک نسل بعد از فواد مصطفی سلطانی، می‌دانید فواد مصطفی سلطانی چه کسی بود؟
- خیر، نمی‌دانم.
- فواد مصطفی سلطانی کسی است که زمان شاه در همین بند که شما در آن حضور دارید، اعتصاب غذا کرد واعتصاب او با موفقیت به پایان رسید. همین جایی که شما ایستاده‌اید، ده‌ها نفر مثل خالد باباحاجیان را به اتهام داشتن عقیده، اعدام کردند و بدن آنان را با مته سوراخ کردند. من تنها چیزی که در حال حاضر در اختیار دارم، جانم است که آن را نثار همه آن کسانی می‌کنم که برای رسیدن به خواست و مطالبات انسانی خود جان فشانی کردند. مرا از مرگ نترسانید من به کاری که انجام می‌دهم، اعتقاد دارم.
رئیس زندان نگاه عمیقی به من کرد و گفت:
آقای صالحی شما می‌توانید برای دادستان نامه بنویسید و از ایشان درخواست کنید تا حکم شما را لغو کند.
- از دادستان درخواست نخواهم کرد، چون خود ایشان این حکم را صادر کرده است نه قاضی شعبه چهارم.
- به خاطر خودشما می‌گویم که اعتصاب را خاتمه دهید، در هرحال مرتکب جرم شده اید و باید شما را به سلول انفرادی ببریم.
- بله، می‌دانم که در زندان اعتصاب غذا جرم است و باید زندانی اعتصابی را به سلول انفرادی برد اما با پای خود نمی‌آیم، شما می‌توانید مرا به زور ببرید.
در حالی که رئیس زندان می‌خواست از بند خارج شود، نزدیک دَر خروجی پرسید: راستی آقای صالحی، کسانی که دست به اعتصاب غذای خشک می‌زنند، چای هم نمی‌خورند؟
- متأسفم برای رئیس یک زندان بزرگ، مثل زندان استان کردستان که هنوز نمی‌داند اعتصاب خشک یعنی چه، خیر آقای رئیس چای هم نمی‌خورم.
با خروج رئیس زندان، زندانیانی که شاهد صحبت‌های من بودند، خوشحال شدند و مرا تشویق کردند.
قابل ذکر است که هر زمان صحبت می کردم باید یک دستمال خیس را در میان دو لبم قرار می دادم به خاطر اینکه اگر به هم می چسپید باز شدنش برایم مشکل بود و خیلی درد داشت.
اعتصاب ادامه داشت و هر روز وضع جسمی‌ام رو به وخامت بود و فشارم بالا می‌رفت. بعد از ۹ روز فشار خونم کاهش پیدا کرد و سردرم کم شد. وکیل بند، آقای جاندار محمدی، هر وعده غذای تحویلی که مربوط به من بود را نزد افسر نگهبانی می‌برد آن را صورت جلسه می‌کردند و در پرونده ثبت می شد.

در داخل بند چه خبر بود؟

زندانیان سیاسی و عادی بند پاک دو که بیش از ٦٠ نفر بودند، هرروز برای احوالپرسی به دیدن من می‌آمدند و درخواست می‌کردند که اگر کاری داشته باشم، برایم انجام دهند. آن‌ها سه وعده غذا می‌خوردند، من از خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها استفاده نمی‌کردم. تحمل این وضع برای هم‌بندی‌هایم، خیلی دشوار و سخت بود. تعداد زیادی از آن‌ها، زمانی که مشغول صرف غذا بودند، مدام از من معذرت خواهی می‌کردند. اما سه نفر از آنان که به اتهام یک حزب به اصطلاح سیاسی در زندان بودند، در کنار تخت من همیشه به خوردن مشغول بودند و استفاده آنان از مواد خوراکی در جلو تخت من، در واقع برایم خیلی زجر آوربود. آن‌ها بی‌تفاوت نسبت به

موقعیت من، نوشابه گازدار را باز می‌کردند و گاز آن به صورتم می‌خورد. این‌ها چون پدر و مادر پولدار داشتند همیشه از غذاهای رستوران استفاده می کردند یعنی در زندان هم فاصله طبقاتی به اندازه ی زیاد وباور ناپذیر است.
شاید این سئوال برای خواننده پیش بیاید که انسان در زمان اعتصاب غذا، تمایل به چه چیزی دارد؟ من به مواد خوراکی، فکر نمی‌کردم فقط به پیروزی فکر می کردم .اما زمانی که این افراد کنار تختم مشغول خوردن بودند، دلم می‌خواست همه‌ی نوشابه‌های آن‌ها را یک‌جا سر بکشم، بارها از خودم می‌پرسیدم که آیا زنده خواهم ماند تا یک بار دیگر نوشابه بخورم. این سئوال ها همیشه در فکرم مثل برق عمل می کرد اما بعد از گذشت چند روز از اعتصاب غداوضعیت جسمی‌ام به شدت وخیم و تصورم این بود که بعد از خوابیدن هیچگاه بیدار نخواهم شد ودر سرم این فکر بود و هزار و یک فکر دیگر.
به هر حال روز به روزحال جسمی ام بد تر می شد. چند بار آقای صادقی‌طلب، حفاظت زندان، پیش من آمد. او در یکی از دیدارهایش گفت که من از طرف دادستان آمده‌ام و دادستان از شما درخواست کرده است که به اعتصاب غذا پایان دهید تا قرار بازداشت موقت به وثیقه تبدیل شود او در ادامه گفت که این قول دادستان صد درصد قطعی است.
روز شنبه ۱۰ فروردین ۱۳۸۷ساعت ۱۰ صبح به دادگاه احضار شدم و در شعبه چهارم بازپرسی توسط قاضی مبارکی دادگاهی شدم. او از من تقاضا کرد که به اعتصاب غذا پایان دهم.
سرانجام با درخواست مردم، خانواده و دادستان ساعت ۲ بعداز ظهر روز شنبه ۱۰/۱/۱۳۸۷ با خوردن سوپ به اعتصاب غذای خشک خود پایان دادم.
روز یکشنبه ۱۱/۱/۱۳۸۷ساعت یک و سی و پنج دقیقه ظهر از طرف زندان طی حکمی که از شعبه چهارم بازپرسی صادر شده بود به من ابلاغ شد که در آن قرار بازداشت موقت به ٤٠ میلیون تومان وثیقه تبدیل شد. این خبر را به اطلاع خانوده و دوستان رساندم و از آن‌ها خواستم که برای آزادی‌ام اقدامات لازم را انجام دهند. علاقمندان در زندان و بیرون از آن بابت این خبر، خیلی خوشحال شدند.
روز پنجشنبه ۱۵ فروردین ۱۳۸۷ساعت ۹ و ٤٥ دقیقه صبح به دفتر افسر نگهبانی احضار شدم. وقتی وارد افسرنگهبانی شدم نماینده دادگاه هم حضور داشت. نماینده دادگاه گفت: "آقای صالحی، من آمدم تا حکم جدیدی که از طرف شعبه چهارم بازپرسی صادر شده به شما ابلاغ کنم. حکم به شرح زیر است:
طی نامه شماره ٨٦٠٥٠٦ - ۳۰ در شعبه چهارم بازپرسی قرار وثیقه ٤٠ میلیون تومانی شما به قرار بازداشت موقت برای بار دوم تبدیل شده است. آیا به این حکم اعتراض دارید یا خیر؟"
من در پاسخ گفتم: " خیر، به هیچ کدام از احکامی که از طرف دادگاه صادر می‌شود، اعتراض ندارم. به این دلیل که در کشور ما چیزی بنام قانون وجود ندارد، اگر قانون وجود داشت چطور در عرض ۲ روز در یک شعبه دو بار دادنامه صادر می‌شود؟"
با تبدیل شدن قرار وثیقه به قرارباز‌داشت موقت و اطلاع مردم از این حکم ناعادلانه، بسیاری از مردم از صدور این حکم نگران بودند. من هم باید خود را برای دور دیگری از مبارزه آماده می‌کردم پس رهنمودهای لازم را به خانواده‌ام دادم.

تجمع در مقابل زندان

روز ٤/١/٨٧ مصادف با پایان حکم یک ساله‌ام بود و باید از زندان آزاد می‌شدم، اما حکم قرار بازداشت موقت، مانع از این شد. صبح آن روز گروه‌های زیادی از مردم شهرهای مختلف ایران جلوی دَر زندان مرکزی سنندج جمع شدند تا شاهد آزادی‌ام باشند. آن‌ها تصمیم گرفته بودند که تا آزادی من به تجمع و تحصن خود جلوی دَر زندان و دادگستری ادامه دهند. هنگامی که مسئولین زندان با این وضعیت مواجه شدند، نیروهای‌شان را در داخل زندان به حالت آماده‌باش در آوردند و شروع به فیلم‌برداری و گرفتن عکس از جمعیت کردند.اما تجمع کنندگان به هیچ کدام از تهدید های نیروهای زندان و ماموران نیروی انتظامی توجه نکردند و تا چند ساعت جلوی زندان به تجمع خود ادامه دادند و در نتیجه تجمع کنندگان تصمیم گرفتند که در تاریخ ٥/١/٨٧ جلو ی درب دادگستری به تجمع خود ادامه دهند.
جمعیت معترض، تجمع خود را در روز ٥/١/٨٧ در مقابل دادگستری سنندج انتقال دادند و

خواستار آزادی‌ام شدند. ساعاتی بعد، اداره اطلاعات خانواده مرا احضار کرد و از آن‌ها خواسته بود که به تجمع پایان دهند تا محمود را آزاد کنیم... خانواده‌ام نیز از جمعیت حاضر در جلودرب دادگستری خواستند که به تجمع خود پایان دهند. آن‌ها نیز به خانه‌های خود بازگشتند. اما اداره اطلاعات سنندج قول خود را عملی نکرد و هرروز خانواده مرا احضار و آنان را تهدید می‌کردند و...
از طرف دیگر دادستان و معاون اوچندبار به خانواده‌ام گفته بودند که اگر محمود متنی برای ما بنویسد و در آن قید کند که دیگر کاری به هیچ چیز ندارد او را آزاد خواهیم کرد، در غیر این صورت باید در زندان بماند و... وقتی که خانواده، اظهارات آقای دادستان و معاون اورا به من اطلاع دادند، در جواب همه‌ی آن‌ها گفتم: "هیچ جرمی مرتکب نشده‌ام تااظهار ندامت کنم، اگر تا مردن هم در زندان باشم چیزی نخواهم نوشت و از کاری که انجام داده‌ام، پشیمان نیستم. از کارگران و مردم زحمتکش دفاع کرده‌ام، اگر این جرم است، پس من مجرمم و بگذار در زندان بمانم..."
در این شرایط برادرم با معاون دادستان درگیر شد. معاون دادستان پرونده من را داخل گاو صندوق خود گذاشته بود و گفته بود که: "تا من دادستان اینجا هستم، این پرونده باید در این گاو صندوق بماند هیچ کسی نمی‌تواند به آن دست بزند، یا باید محمود یک متن بنویسد و اظهار ندامت کند یا اینکه تا زنده است باید در زندان بماند، این خواست ماست. دیگر در این منطقه آفتابی نشوید، اگر اینجا بیایید، شمارا بازداشت خواهیم کرد. "
با تهدید معاون دادستان، خانواده‌ام از آزادی من ناامید شده بودند و خود را برای مبارزه ای طولانی مدت آماده می کردند.
قابل ذکر است که در این تجمع و اعتراض ها ده‌ها نفر شرکت کرده بودند که شجاعتشان در تاریخ جنبش کارگری ایران ثبت شده است. مسن ترین افراد این تجمع متولد ۱۳۲۹ و ۱۳۳۲ بودند. و کم سن‌ترین آنها "شوان خیرآبادی متولد ۱۳۸٦ وتنها ۱۷٤ روز سن داشت.
مردم تعریف می کنند که در زمان تجمع جلو درب زندان شوان که پسر بچه خردسالی بود گریه می کند ولی مادرش از شیردادن به او خودداری می کند وقتی بچه ها به او می گویند که به بچه شیر دهد مادرش می گوید که" محمود صالحی بر اثر اعتصاب غذا در حال مرگ است ؛من چطور به بچه ام شیر دهم و..." ماموران زندان در زمان تجمع مردم جلو زندان به داخل بند آمدند و برای زندانیان صحبت می کردند و زندانیان از آنان سئوال می کردند که آن تجمع به خاطر چیست؟ ماموران در جواب می گفتند که به خاطر آزادی محمود صالحی است و ما نمی توانیم از زندان خارج شویم به این دلیل که بچه های کوچک را در جلو در گذاشتند و مردم اجازه نمی دهند که ما از زندان خارج شویم. هر چند ماموران نیروی انتظامی آمدند و از مردم درخواست کردند که محل زندان را ترک کنند اما کسی به حرف ماموران گوش نداد و همچنان خواستار آزادی محمود صالحی هستند.

۱۸/۱/۸۷

ساعت ۹,۳۰ دقیقه صبح روز ۱۸/۱/۸۷ از طرف افسرنگهبانی به من اطلاع دادند که به دادگاه احضار شده‌ام.
ساعت ۱۰ صبح جلو دَر شعبه اول دادگاه انقلاب رسیدیم. وقتی وارد اتاق شدم، آقای بابایی قاضی شعبه اول دادگاه انقلاب نشسته بود. آقای بابایی مردی میان قد و انسانی مصمم و با کت و شلوار سرمه‌ای، پشت میز خود نشسته بود قبل از این‌که از من سئوال کند، از زیر چشم چندبار مرا ورانداز کرد و با چهره‌ای خشن گفت:
اسم؟
محمود صالحی.
چند مدت است که در زندان هستید؟
یک سال.
قاضی: کمونیست مُرد، کمونیست تمام شد، شوروی از بین رفت تنها کوبا مانده، آن هم بزودی از بین خواهد رفت.
بدون هیچ صحبتی به آقای قاضی نگاه می‌کردم و پیش خود فکر می‌کردم که صحبت‌های

آقای قاضی چه ربطی به دادگاه من دارد، من که به اتهام کمونیست بودن در زندان نیستم، چرا آقای قاضی حرف‌های خود را با حمله به کمونیست‌ها شروع کرد.
بعد از ۱۵ دقیقه یک نفر دیگر آمد وکنار آقای بابایی نشست. بعداً متوجه شدم که آن شخص آقای کامیانی قاضی شعبه چهارم دادیاری است. هر دو نفر قاضی بطور مشترک از من سئوال می‌کردند.
قاضی: چند مدت است که در زندان سنندج هستید؟
مدت یک سال.
قاضی: آیا در طول این یک سال به مرخصی رفتید؟
خیر، نرفتم.
قاضی: شما سواد دارید؟
خیر، من سواد آکادمیک ندارم.
قاضی: با چه کسی خارج از زندان تماس دارید؟
با خانواده و دوستان.
قاضی: شما از چه طریق مقاله‌های خود را به خارج از زندان انتقال می‌دهید؟
مگر کسی می‌تواند با این تدابیر امنیتی در داخل زندان چیزی به خارج انتقال دهد، این غیر ممکن است جناب قاضی.
قاضی: شما برای کارگران خاتون آباد پیام فرستادید؟
بله، سال ۱۳۸۴ برای کارگران خاتون آباد پیام فرستادم نه در زندان.
قاضی: شما برای دانشجویان در روز دانشجو پیام فرستادید؟
باید پیام را مشاهده کنم، آن وقت جواب خواهم داد.
قاضی: اگر شما را آزاد کنیم، مثل برهان دیوارگر فرار نمی‌کنید؟
هرکس مسئول خودش است، من تنها می‌توانم برای خودم تصمیم‌گیری کنم نه برای دیگران؛ در ایران مشکلی ندارم تا فرار کنم، کسانی از ایران فرار می‌کنند که مشکل دارند. قاضی: خیلی‌ها فعالیت سیاسی می‌کنند، ولی هیچ وقت جرأت نداشتند از کاری که انجام داده‌اند و یا به آن اعتقاد دارند دفاع کنند و... برای نمونه یک نفر باسواد را دستگیر کردندو به این شعبه آوردند، بعد از این‌که با قرار وثیقه آزاد شد، شوهر و فرزند خود را رها کرد و از ایران فراری شد، حتی // جرأت [روی آن صندلی بنشیند و از اعتقادات خود دفاع کند و... شما چکاره هستید می‌خواهید چکار کنید؟
من یک کارگر هستم اگر یک روز کار نکنم، بچه‌هایم از گرسنگی خواهند مرد، از حقوق خود و هم طبقه‌ای‌هایم دفاع می‌کنم و...
قاضی: خوب هرکسی به شکلی کارگر است پدر من هم کارگراست. جواب: من از حقوق کارگران دفاع می‌کنم از جمله پدر شما، اگر در این راه جانم را از دست بدهم، برایم افتخار است. در این جامعه بزرگ حتی یک بلوک (در منطقه ما با بلوک چون از نظر حجم بزرگ است و قیمت آن ارزان است خانه می سازند) هم ندارم که از دست بدهم، حالا باید از چه چیزی بترسم؟
قاضی: حکم قرار بازداشت شما را به ٤٠ میلیون تومان تبدیل می‌کنم، شما می‌توانید با خانواده خود تماس بگیرید تا سند بیاورند.
جناب قاضی با خانواده‌ام تماس بگیرم که سند بیاورند، اما مانند بار قبل نباشد که سند را نپذیرند و به آن‌ها بی‌احترامی کنند.
قاضی: من به شما می‌گویم که سند بیاورید.
چشم من به خانواده‌ام خبر می‌دهم.
بعد از این صحبت‌ها،مأمورین مرا از اتاق قاضی بیرون بردند تا به زندان برگردیم. در راهروهای دادگاه یکی از دوستان که انتظار مرا می‌کشید را دیدم او را در جریان گذاشتم. او نیز بلافاصله با دوستان و خانواده‌ام تماس گرفته و خبر را داده بود.
آقای مجید حمیدی قبل از رسیدن خانواده‌ام از سقز، خود را به شعبه یک دادگاه انقلاب رسانده بود و اعلام کرده بود که حاضر است ضمانت محمود صالحی را قبول کند. قاضی نیز دستور می‌دهد تا سند را کارشناسی کنند. در عرض دو ساعت کارهای اداری انجام شد.
ساعت ۲ بعدازظهروقتی که می‌خواستم با سقز تماس بگیرم، آقای روشنی مدیر داخله

گوشی را قطع کرد و مرا به داخل بند آورد در کنار زندانیان گفت:
آقای صالحی، شما آزاد هستید باید درعرض ۱۰دقیقه وسایل‌های خود را جمع کنیدو از دَر زندان خارج شوید.
آقای روشنی من مدت یک سال است که در این زندان هستم باید به من اجازه دهید که از زندانیان خدا حافظی کنم.
مدیرداخله: آقای صالحی، کلیه‌ی دَر بندها را پلمپ کردند شما نمی‌توانید با هیچ کدام از زندانیان تماس داشته باشید.
هنگامی که می‌خواستم وسایل شخصی‌ام را جمع کنم، زندانیان بند پاک دو، همگی دور من حلقه زده بودند و اظهار خوشحالی می‌کردند عده‌ای فریاد می‌زدند که ما پیروز شدیم و...
آقای روشنی مدیر داخله چند بار از من خواهش کرد که سریع کارم را انجام دهم. بعد از جمع کردن وسایل شخصی که قسمت زیادی از آن را در بین زندانیان تقسیم کردم، با زندانیان بند روبوسی کردم. همگی با کف زدن مرا به طرف دَر خروجی همراهی کردند. وقتی که وارد کُریدُر شدم، متوجه پلمپ شدن دَر کلیه‌ی بندها شدم کسی هم داخل کُریدُر نبود. آقای روشنی مرا به افسرنگهبانی خارجه معرفی کرد. او گفت که تا برگ تسویه حساب نداشته باشد، نمی‌توانیم ایشان را آزاد کنیم. معمولاً کسی که از زندان آزاد می‌شود باید برگه‌ای را به تمام ارگان‌های زندان ببرد و امضاء کنند، سپس آن را به افسرنگهبانی خارجه تحویل دهد که به منزله تسویه حساب می‌باشد. مدیر داخله آقای روشنی به افسرنگهبان خارجه گفت که آقای صالحی را آزاد کنید بعداً خودم شخصاً به کار تسویه حساب ایشان را انجام می دهم و آن را تحویل شما خواهم داد. افسرنگهبان دستور مافوق خود را اطاعت کرد و دَر زندان را برای من باز کرد. آقای روشنی تا دَر زندان مرا همراهی کردآقای کرمی خارج زندان بود و تا سه راهی یی که آن سوتر از زندان بود، با من آمد و مرا تحویل خانوده و دوستانم دادو رفت.
جمعی از دوستان حاضر و خانواده، پیشنهاد دادند که شب را در سنندج بگذارنم، اما این تقاضا از طرف خانواده‌ام رد شد بعد از گرفتن چند قطعه عکس، همراه عده‌ای از دوستان به طرف سقز حرکت کردیم.
واقعیت این است مبارزه‌ایی نابرابر به رضا شهابی تحمیل شده است. با حمایت‌های قاطع و طبقاتی خود، او را تا رسیدن به اهدافش همراهی کنیم.

محمود صالحی - ۵ دی ۱۳۹۱

تجمع اعتراضی کارگران فضای سبز شهرداری اصفهان مقابل ساختمان شهرداری

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر،در 5 دی آمده است : صبح امروز کارگران فضای سبز شهرداری اصفهان با حضور مقابل ساختمان شهرداری اصفهان تقاضای رسیدگی به مشکلات خود را داشتند.
براساس این گزارش،بسیاری از این کارگران حاضر در مقابل شهرداری اصفهان بر این باورند که با وجود سختی کار در این حوزه هیچگونه حق سختی کاری به آنها تعلق نمی‌گیرد.
یکی از این کارگران در این خصوص گفت: متاسفانه موضوع به همین جا ختم نمی‌شود و اگر یکی از آنها در محل کار دچار آسیب شود برای او مرخصی رد خواهد شد و مشمول مرخصی استعلاجی و ... نمی‌شود.
وی ادامه داد: متاسفانه تا کنون هیچ افزایش حقوقی را نیز شاهد نبوده‌ایم و افزایش حقوق کشوری نیز به ما تعلق نگرفته است.
این کارگر شهرداری اصفهان که به نمایندگی از دیگران سخن می‌گفت ادامه داد: بهانه آنها از این موضوع این است که چون مجموعه شهرداری اصفهان گسترده است نمی‌توان برای شما اقدام خاصی انجام داد و علاوه بر آن هیچ گونه اضافه کار و معوقاتی نیز به ما تعلق نمی‌گیرد.
بنا بهمین گزارش،سرپرست سازمان پارک‌ها و فضای سبز اصفهان نیز گفت: لحظاتی پیش در خصوص این موضوع مطلع شدم و هیچ گونه اطلاعی در خصوص دلیل این تجمع ندارم و باید موضوع را بررسی کنم.
دارویش فتحی ادامه داد: احتمال دارد کسانی که امروز مقابل شهرداری بوده‌اند کارگران شرکتهای پیمانکاری باشند و باید موضوع را بررسی کنم.

تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته کارخانه های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ در مقابل استانداری تهران

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 5 دی آمده است : حدود ۱۸۰ کارگر کارخانجات صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ از ساعت ۱۰ صبح امروز در اعتراض به عدم پرداخت سنوات خود و بی توجهی مسئولین استانداری تهران به وعده های شان در مقابل این استانداری دست به تجمع اعتراضی زدند.
در آخرین تجمع اعتراضی این کارگران که روز ۲۳ آبانماه* در مقابل معاونت استانداری تهران برگزار شد مسئولین استانداری به آنان وعده دادند حداکثر ظرف مدت یکماه مالکین را وادار به پرداخت سنوات کارگران خواهند کرد و چنانچه اینکار انجام نشود خود استانداری راسا از محل تسهیلات استانداری سنوات کارگران را پرداخت خوهد نمود اما پس از گذشت بیش از چهل روز از این وعده ها و پیگیری نماینده های کارگران در این مدت، خبری از تحقق وعده های داده شده از سوی استانداری نشد به همین دلیل این کارگران روز گذشته با برگزاری مجمعی در محل کارخانه و شنیدن گزارش نماینده های خود تصمیم به تجمع امروز در مقابل استانداری تهران گرفتند. کارگران در این تجمع پلاکارد بزرگی را در دست داشتند که در آن نوشته بودند:
ما کارگران بازنشسته صنایع فلزی بیش از سه سال است سنوات خود را دریافت نکرده ایم بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از گذشت یکساعت از این تجمع، مسئولین استانداری کارگران معترض را به داخل استانداری هدایت کردند و از آنان خواستند نماینده هایی جهت مذاکره انتخاب کنند اما کارگران اعلام کردند ما حاضر به هیچ مذاکره ای نیستیم و شخص استاندار باید پاسخگوی ما باشد. بدنبال این وضعیت و از آنجا که استاندار تهران در محل نبود معاونت بازرسی استانداری از کارگران خواست تا بروند و از مالک شکایت کنند. وی در حالی این توصیه را به کارگران کرد که طی یکماه گذشته هر گونه شکایات از کارفرمای صنایع فلزی و مصادره اموال وی در مراجع قضایی ممنوع شده است و شکایتهای سالهای گذشته این کارگران نیز به جایی نرسیده است و از سوی دیگر مسئولین استانداری بدنبال تجمع این کارگران در روز ۲۳ آبانماه گذشته به آنان قول دادند ظرف مدت یکماه سنوات همه آنان را پرداخت خواهند کرد. به همین دلیل کارگران تجمع کننده از اظهارات معاونت بازرسی استانداری تهران بشدت خشمگین شدند بطوریکه برخی از کارگران با نشان دادن دست و پاهای معیوب شده خود فریاد اعتراض شان را بلند کردند و مامورین امنیتی استانداری در اقدامی تحریک آمیز تلاش کردند برخی از آنان را از جمع کارگران جدا کنند که با عکس العمل شدید کارگران موفق به اینکار نشدند. در ادامه این تجمع و کشمکش میان مسئولین استانداری و کارگران، معاونت بازرسی استانداری تهران از کارگران خواست تا فردا دست به تجمعی نزنند و نماینده های خود را جهت رسیدگی به خواست هایشان به استانداری بفرستند اما کارگران با پایان دادن به تجمع خود در ساعت ۳۰/۱۲ ظهر اعلام کردند ما فردا با تجمع در محل کارخانه منتظر پاسخ عملی به خواست هایمان خواهیم شد و چنانچه مانند همیشه وعده های توخالی داده شود به سمت استانداری حرکت خواهیم کرد.
بنا بر اظهار کارگران تجمع کننده، کل مطالبات آنان دو میلیارد و دویست میلیون تومان است و استانداری تهران در حالی آنان را برای پرداخت این مبلغ سر میدواند که طی یکماه گذشته از سویی هر گونه شکایت و ضبط اموال کارفرما در مراجع قضایی ممنوع شده است و از سوی دیگر بنا بر اذعان خود مسئولین استانداری ۱۰۰ میلیارد تومان دارایی نقدی سهامداران عمده کارخانه های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ بلوکه شده است اما علیرغم تمام اینها و محرز شدن انواع کلاهبرداریهای کارفرما از کارگران بازنشسته، آنان همچنان و بناچار برای پیگیری دریافت سنوات خود اسیر هستند.
بنا بر گفته این کارگران، کارفرمای این دو کارخانه طی سالهای گذشته بطور مداوم اقدام به کلاهبرداریهای متعدد از آنان کرده است. بطوریکه وی در یک دزدی آشکار از کارگران بازنشسته با بهانه پرداخت سنوات آنان، این کارگران را به بانک سرمایه جهت دریافت وام معرفی کرده بود تا آنان وام را به نام خود دریافت کنند و اقساط اش را کارفرما به بانک پرداخت کند. اما کارفرما علیرغم اینکه وام به نام کارگران بوده است و بانک از کارگران سفته دریافت کرده بود این وام را

یکجا خود برداشته و هیچ قسطی نیز به بانک پرداخت نکرده است. به این ترتیب وی در یک کلاهبرداری آشکار از کارگران بازنشسته نه تنها سنوات آنان را پرداخت نکرده بلکه آنان را وادار به دریافت و باز پرداخت وامی کرده است که خود همه را برداشت کرده است. لازم به یادآوری است بدنبال تجمعات اعتراضی کارگران بازنشسته کارخانه های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ یکی از خواستهای آنان عودت سفته هایشان از بانکهای شهر و سرمایه بوده است که در حال حاضر بانک سرمایه مجبور به عودت این سفته ها شده است اما بانک " شهر" هنوز سفته های این کارگران را پس نداده است.
بنا بر گزارش دیگری که به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است حدود ششصد کارگر شاغل کارخانه های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ نیز مدت دو ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند. در حال حاضر و بدنبال تجمعات اعتراضی کارگران شاغل این کارخانه ها از مهر ماه سالجاری به این سو مدیریت دولتی در آنها مستقر شده است با اینحال تغییری در وضعیت پرداخت بموقع دستمزدهای کارگران ایجاد نشده است و در طول دو ماه گذشته در دو مرحله و در هر مرحله فقط یکصد هزارتومان به ششصد کارگر شاغل در این کارخانه ها پرداخت شده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۵ دی ماه ۱۳۹۱

تعطیلی شرکت صنایع سبز کُردستان وبیکاری 45کارگر

به گزارش سایت کُردپا،در 5 دی آمده است : روز گذشته "شرکت صنعت سبز غرب"، تولید کننده‌ی شیرهای آبیاری بارانی به سبب هر آنچه گرانی اجناس و نبود خریدار عنوان گردیده به تعطیلی کشیده شد.
این شرکت بازرگانی همچنین ٤٥ کارگر شاغل با سوابق کاری ۱۰ تا ۱۲ ساله را اخراج نموده و تنها ٥ تن از کارگران جهت نگهبانی و محافظت از مجتمع مزبور در فهرست شاغلین قرار دارند.
کارگاه تولیدی-خدماتی صنعت سبز غرب از اوایل سال ۷۹ تأسیس و تولید کننده‌ی تجهیزات آبیاری تحت فشار"بارانی" است.

آیا حداقل حقوق ۳۹۰ هزار تومانی پاسخگوی خانوار کارگری است؟

حداقل حقوق ۳۹۰ هزار تومانی تعیین شده برای میلیون ها مشمول قانون کار در ایران را با قیمت های اجناس و کالاهایی که قصد خریدشان دارند و همین طور اجاره مسکنی که می پردازند و هزینه های مربوط به پوشاک، بهداشت و رفت و آمد مقایسه کنید.
آیا این حقوق را در شرایط فعلی پاسخگوی هزینه های یک خانوار چهار نفره می دانید؟
در این مورد می توان به گزارش اردیبهشت ماه خبرگزاری مهر توجه کرد. این خبرگزاری در آن زمان نوشت: با افزایش شکاف بین حداقل دستمزد ۳۹۰ هزار تومانی و سبد معیشت کارگران، این دستمزد فقط ۴۰ درصد هزینه‌های آنان را پوشش می‌دهد.
مریم محسنی، فعال کارگری مقیم سوئد، درباره تاثیر ناشی از حداقل دستمزد ۳۹۰ هزار تومانی کارگران بر زندگی شان عقیده دارد: «رقمی که به عنوان دستمزد اعلام شده است، به هیچوجه کفاف زندگی کارگران را در وضعیت فعلی نمی دهد. آنها نه تنها دیگر نمی توانند مانند گذشته که یک زندگی حداقلی بود، زندگی کنند، بلکه هر روز وضع شان بدتر می شود.»
او اضافه می کند: «الان دیگر هیچ کالا و خدماتی در مملکت پیدا نمی شود که قیمت آن در دو سه سال گذشته به طور سرسام آوری افزایش نیافته باشد. از هزینه حمل و نقل بگیرید تا اجاره خانه، مواد غذایی، مسکن، بهداست، درمان و تحصیل.»
اما ماده ۴۱ قانون کار در مورد تعیین حداقل دستمزد ماهانه چه می گوید؟ به نوشته این ماده، شورای عالی کار باید همه ساله میزان حداقل دستمزد کارگران را برای نقاط مختلف کشور و یا صنایع مختلف با توجه به درصد تورم اعلام شده از طرف بانک مرکزی تعیین کند.
البته این تنها معیار تعیین حداقل دستمزد ماهانه کارگران و مشمولان قانون کار نیست. تبصره دیگری که در ماده ۴۱ قانون کار وجود دارد، تاکید می کند: حداقل دستمزد باید به اندازه ای

باشد تا زندگی یک خانواده، که تعداد متوسط آن توسط مراجع رسمی اعلام می‌شود را تامین کند.
اما چرا دولت محمود احمدی نژاد به رغم شعارها و قول هایی که داده است، گامی برای برابر ساختن حداقل دستمزد ماهانه کارگران با خط فقر که به نوشته خبرگزاری های رسمی، به حدود یک میلیون تومان در ماه می رسد، برنداشته است؟
مریم محسنی می گوید: «این در ادامه همان سیاست تعدیل اقتصادی دولت های اکبر هاشمی رفسنجانی و محمد خاتمی است و در این جهت، هیچ تغییری در نوع نگاه دولت احمدی نژاد ایجاد نشده است.»
این فعال کارگری می افزاید: «در جایی که از سفره خالی کارگران روز به روز برداشته می شود، شاهد آن هستیم در همان دولتی که قرار بود پول نفت را به سر سفره ها بیاورد، اختلاس های کلان صورت می گیرد و این اختلاس ها در حالی صورت می گیرند که برای صرفه جویی از افزایش دستمزد کارگران خودداری می شود.»
این وضعیت باعث شده است که تشکل های کارگری و فعالان کارگری در ماه های گذشته خواستار افزایش دستمزد کارگران در نیمه دوم سال جاری شده اند.
مشخص ترین اقدامی که در این ارتباط صورت گرفته، ارسال نامه ای به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی توسط ۲۰ هزار کارگر است؛ نامه ای که از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران نوشته شده است.
مجید تمجیدی، کارشناس مسایل کارگری مقیم سوئد، می گوید: «دلیل این کار و خواست این است که نرخ تورم در چند ماه اخیر به شدت بالا رفته و قیمت دلار به شدت افزایش یافته و طبیعی است که دستمزدها هم بر اساس قانون موجود باید به اندازه نرخ تورم افزایش می یافت و همان موقع که حداقل دستمزد توسط شورای عالی کار تعیین شد، به مسئله نرخ تورم توجه نشد.»
خبرگزاری مهر در این مورد نوشته است: تعیین حداقل دستمزد سال آینده کارگران به عنوان مهم ترین و محوری ترین برنامه و موضوعی است که در ماه های باقیمانده از سال جاری، از سوی جامعه کارگری کشور پیگیری خواهد شد.
در این میان، اتحادیه آزاد کارگران ایران، در بیانیه ای که در اعتراض به تلاش دولت برای تغییر قانون کار منتشر کرد، به یک نکته اشاره کرده است و آن اینکه «نباید اجازه داد با اعمال تغییر در قانون کار دستمزدها را منجمد کنند.»
مجید تمجیدی عقیده دارد: «یکی از بندهایی که در لایحه تغییر قانون کار قرار است عوض بشود، این است که شورای عالی کار بتواند با توجه به شرایط اقتصادی کشور، خودش تعیین کند که سطح دستمزدها چقدر باشد و اصلا حتی افزایش نیابد و در کنار این موضوع، دیگر بحث توجه به نرخ تورم و تعداد اعضای خانوار لحاظ نخواهد شد. در حقیقت می خواهند موانع قانونی را از بین ببرند.»
منبع:رادیوفردا- بهروز کارونی-۱۳۹۱/۱۰/۰۵

اعتراض کارگران و تغییر قانون کار

اعتراض‌های گسترده کارگران، ابعاد تازه‌ای در داخل و خارج از ایران پیدا کرده است که از جمله می‌توان به تحصن اعتراضی نمایندگان کارگران شرکت واحد در برابر مجلس، نوشتن چندین طومار اعتراضی با هزاران امضا و اعتراض نسبت به عقب افتادن حقوق آنها نام برد.
از سوی دیگر، انفجار معدن در طبس و جان باختن هشت کارگر و مهمتر از همه، طرح پیش‌نویس لایحه تازه کار که دولت به مجلس داده و به گفته فعالان کارگری قانونی ضد کارگری است، به این اعتراض‌ها دامن زده است.
این اعتراض‌ها در خارج از ایران هم واکنشی گسترده در سندیکاهای کارگری، ازجمله در فرانسه و انگلستان داشته است که حمایت و پشتیبانی خود را از جنبش اعتراضی کارگران اعلام کرده‌اند.
علیرضا نوایی، از فعالان "اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران"، پیش‌نویس تازه قانون کار دولت را در ایران، قانونی ضد کارگری توصیف می‌کند.

گفت‌وگو با علیرضا نوایی، را می‌توانید در اینجا بشنوید:
http://www.zamahang.com/podcast/2010/20121222_Eteraz_haye_Kargari_Adibzadeh_Navaii.mp3
در همین زمینه، گفت‌وگوی بهنام دارایی‌زاده با بهروز خباز، فعال و آشنا به مسائل کارگری در سوئد رادرباره حوادث حین کار بشنوید:
http://www.zamahang.com/podcast/2010/20121221_HumanRights_BehrouzKhabaz_Labours_in_Iran_BehnamDaraeizadeh.mp3
علیرضا نوایی: پیش‌نویس اصلاحیه قانون کاری که از طرف دولت در اختیار مجلس قرار داده شده، چیزی جز وجهه قانونی بخشیدن به عملکرد ضد کارگری دولت‌های جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته نیست.
همانطوری که می‌دانید، در سال‌های گذشته، قانون کاری که الان وجود دارد، چه در زمینه قرارداد کار و چه در زمینه تعیین حداقل دستمزد و اخراج‌ها و پرداخت به موقع دستمزدها رعایت نشده است. برای مثال، در حال حاضر ۸۰درصد کارگران ایران با قرارداد موقت کار می‌کنند. در صورتی که در همین قانون کار آمده است که کارهایی که جنبه دائمی دارند، باید قراردادشان دائمی باشد. یا تعیین حداقل دستمزد، بر اساس میزان تورم و تأمین هزینه یک خانواده کارگری تعریف شده است که این‌جا هیچ‌وقت تأمین هزینه در نظر گرفته نمی‌شود. می‌دانیم که تعیین حداقل دستمزد هم از طرف دولت صورت می‌گیرد. ضمن اینکه در پوشش شورای عالی کار است.
پیش‌نویس کنونی اصلاحیه قانون کار تعیین حداقل دستمزد را «با توجه به شرایط اقتصادی» در نظر گرفته است که به این ترتیب هر سال می‌توانند ماده ۴۱ قانون کار را تحت لوای مشکلات اقتصادی در نظر نگیرند و حداقل دستمزدی را که تعیین می‌کنند، بسیار پایین‌تر از تأمین هزینه زندگی باشد. در مورد دیگری هم آمده‌اند دامی برای کارگران پهن کرده‌اند و گفته‌اند که حداقل دستمزد را در دو سطح تعیین کنیم: برای کارگران رسمی و کارگران موقت. برای کارگران موقت حداقل دستمزدها را ده درصد بیشتر تعیین کرده‌اند که آن‌ها در این دام قرار بگیرند و با قراردادهای موقت کار کنند. مسئله دیگری که در این پیش‌نویس طرح شده، قراردادهای موقت و باز گذاشتن دست کارفرمایان برای اخراج کارگران است که خیلی راحت می‌توانند کارگران را اخراج کنند.
همین مسئله در پیوند با قراردادهای موقت، مسئله حداقل دستمزدها و موارد دیگر، اعتراض‌های گسترده‌ای را نه تنها در سطح تشکل‌های مستقل کارگری و فعالان کارگری، بلکه در سطح جنبش کارگری ایران نسبت به این پیش‌نویس به همراه داشته است.
شما از اعتراض‌های گسترده جامعه کارگری گفتید،اما به نظر می‌رسد که خود جامعه ایران به دلیل مشکلاتی که مردم دارند، حساسیت خود را نسبت به این مسائل و اعتراض‌های کارگری، مقداری از دست داده است. می‌بینیم که موجی در می‌گیرد و کارگران مطالباتی را مطرح می‌کنند، اما پی‌گیری این مطالبات و اعتراض‌ها ادامه پیدا نمی‌کند. نظر شما در این زمینه چیست؟
یک وجه اصلی این مسئله، سرکوبی است که به طور سیستماتیک، حکومت اسلامی در پیوند با فعالان جنبش کارگری به کار می‌گیرد. حکومت هر جایی که تشکل مستقل کارگری، مستقل از کارفرما و دولت تشکیل می‌شود، تمام نیروی خود را می‌گذارد تا این تشکل ازهم پاشیده شود. چراکه عدم وجود تشکل‌های مستقل کارگری، باعث می‌شود که حرکت‌های گسترده کارگری‌ای که وجود دارند، به هم پیوند نخورند و سراسری نشوند.
هم‌اکنون کمتر روزی است که ما در ایران شاهد اعتصاب‌ها، اعتراض‌ها و گردهمایی‌های کارگری نباشیم و اگر بخواهیم تاریخ ایران را بررسی کنیم، به غیر از دوره‌هایی که برآمدهای انقلابی در آن وجود داشته است، ما هیچ‌وقت شاهد این سطح از اعتصاب و اعتراض و تجمع کارگری نبوده‌ایم. در جامعه هم مردم با مسائل عدیده‌ای، از نظر اقتصادی، گرانی کمرشکن، تورم و... درگیر هستند و این تشکل‌های مستقل کارگری هستند که با پیوند زدن این حرکت‌های پراکنده می‌توانند این مسائل را در سطح کل جامعه هرچه بیشتر مطرح کنند. مثلاً همین مثالی که شما در مقدمه طرح کردید، همین تحصنی که نمایندگان کارگران در مقابل مجلس داشته‌اند، بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌ها، حتی در رسانه‌های رسمی در ایران و

همینطور رسانه‌های جهانی داشته است. این است که حرکت‌های منظم، وقتی رهبری بشوند و هماهنگ باشند، می‌تواند این تأثیرات را هم در جامعه بگذارند.
مهم این است که مسائل کارگران ایران، حالا در مجامع بین‌المللی هم مطرح می‌شوند. پیش از این حساسیت بین‌المللی بیشتر روی اعدام در ایران، حقوق زنان، وضعیت زندانیان سیاسی و مشکلات آزادی بیان و روزنامه‌نگاران بود. اکنون می‌بینیم که مسئله کارگران ایران هم وارد این حیطه شده است و در مجامع بین‌المللی مطرح می‌شود. شما خودتان هم عضو "اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران در ایران" هستید. به این مسئله چگونه نگاه می‌کنید؟
فعالان کارگری طی سال‌های گذشته خودشان را در اینجا جمع و جور کرده‌اند و تشکل‌هایی را سازمان داده‌اند که یکی از آن‌ها "اتحاد بین‌المللی در حمایت از کارگران ایران" است. نهادهای کارگری دیگری را هم در سراسر جهان تشکیل شده‌اند.
این نهادها و سازمان‌ها طی فعالیت‌ها و ارتباطهای مستمری که در محل زندگی و کارشان با سندیکاهای کارگری کشورهای مختلف دارند، به طور مرتب آن‌ها را در جریان اخبار و گزارش‌های کارگری در ایران قرار داده‌اند و پی‌گیر مشکلات کارگران ایران بوده‌اند. از جمله در فرانسه پنج سندیکا وجود دارند ("س.اف.د.ت"، "س.ژ.ت"، "سود"، "اف.اس.او" و "اونسا") که مسائل کارگران ایران را به طور مرتب دنبال می‌کنند. این سندیکاها مرتب در جریان مسائل کارگران ایران هستند و در همین زمینه در مواردی هم ارتباطات تلفنی با فعالان کارگری در ایران داشته‌اند و دارند.
خبر داریم که رضا شهابی، خزانه‌دار و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه، از روز ۲۵ آذر دست به اعتصاب دارو و قطع روند درمانی‌اش زده است و در وضعیت جسمی خیلی بدی قرار دارد. وی از روز ۲۷ آذر هم دست به اعتصاب غذای تر زده است. به دنبال این، می‌بینیم که بلافاصله رهبر اتحادیه حمل و نقل بریتانیا، الکس گوردون نامه‌ای اعتراضی به مقامات جمهوری اسلامی ایران می‌نویسد و به این مسئله اعتراض می‌کند. یا در فرانسه، مسئول بین‌الملل سندیکای"سود" (همبستگی) هم چنین نامه‌ای را می‌دهد. الان در میان پنج سندیکای فرانسوی بحث‌هایی وجود دارد که آیا اکسیونی را در فرانسه برگزار کنند یا نامه‌ای اعتراضی به جمهوری اسلامی ایران بنویسند؟
همین فعالیت‌ها در کشورهای دیگر هم جریان دارد و ما در روزهای آینده شاهد اعتراض‌های گسترده‌ای در رابطه با حمایت از جنبش کارگری و به خصوص حمایت از رضا شهابی خواهیم بود که جانش بر اساس اعتصاب غذا در خطر است.
اگر بخواهم به‌طور خلاصه بگویم، فعالان کارگری در خارج از کشور با جمع و جور کردن و هماهنگ کردن فعالیت‌های خودشان، اخبار و گزارش‌های کارگری ایران را به طور دائمی و مستمر در اختیار سندیکاها، تشکل‌های کارگری و افکار عمومی و تشکل‌های مترقی کشورهای مختلف قرار می‌دهند.
منبع:رادیوزمانه- ایرج ادیب‌زاده -5دی ماه 1391
پنجم د یماه 1391

تجمع بازیگران یک نمایش در اعتراض به تعویق ۶ ماهه دستمزد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 5دی ماه 1391 آمده است : گروه تولید و بازیگران نمایش «سیاست خواجه» پس از شش ماه به تعویق افتادن پرداخت دستمزد، سرانجام صبح امروز (۶دی‌ماه) برای دریافت طلب خود در ساختمان معاونت هنری وزارت ارشاد تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، اعتراض عوامل این نمایش پس از این صورت می‌گیرد که طی چندماه گذشته مراجعات پیوسته‌ای برای دریافت حقوق خود به مرکزهنرهای نمایشی و انجمن نمایش داشته اما پاسخ روشنی دریافت نکردند.
یکی از این عوامل این نمایش در گفتگو با خبرنگار ایلنا اظهار کرد: در میان ما افرادی هستند که حتی برای پرداخت هزینه‌های درمانی فرزندان‌شان با مشکل مواجه شده‌اند اما مرکز هنرهای نمایشی هیچ توجهی به مشکلات اقتصادی ما ندارد.
در گوشه‌ای دیگر یکی از کارمندان جوان معاونت هنری در گفتگو با یکی از هنرمندان، تاکید

داشت: مرکز برای پرداخت حقوق به کارمندان خود با مشکل مواجه است و پرداختی‌ها چهارماه است که به تعویق افتاده و مرکز پولی دریافت نکرده که بتواند پرداختی داشته باشد.
به تعویق افتادن پرداخت دستمزد بازیگران و عده‌ای از عوامل این نمایش درحالی رخ داد که پس از اجرای نمایش «سیاست خواجه» آثار دیگری در تالار اصلی روی صحنه رفته و یکی دیگر از هنرمندان حاضر در تجمع معتقد بود عوامل این نمایش‌ها به دلیل ارتباط کارگردان با مدیران مرکز و انجمن هنرهای نمایشی به سرعت دستمزدهای خود را دریافت کرده‌اند و در این میان به نمایش «ساقی» آخرین اثر امیر دژاکام اشاره کرد.
در همین رابطه و پیش از این شکایت‌های متعددی ازسوی هنرمندان به اعضای هیت مدیره خانه تئاتر ارسال شده است.
نمایش «سیاست‌خواجه» نوشته عبدالحی شماسی و به کارگردانی سیدعظیم موسوی خردادماه ۱۳۹۱ در تالار اصلی مجموعه تئاترشهر به روی صحنه رفت.
در تجمع اعتراضی صبح امروز چهره‌هایی همچون: محسن حسینی، آتش تقی‌پور، خسرو احمدی، محمود راسخ‌فر، مهدی آگاهی و محمد ساربان به همراه عده‌ای از اعضای گروه فرم این نمایش حضور داشتند. گفتنی است نامه اعضای این گروه نمایشی به پیوست این خبر ارسال شده است.

خطاب به کلیه نهادهای حقوق بشر و انسانهای آزادی خواه
صدای دادخواهی مرا بشنوید

من افشین بایمانی زندانی سیاسی محکوم به حبس ابد دارای همسر و دو فرزند هستم، نزدیک به 13 سال است در زندانهای جهنمی جمهوری اسلامی ، اوین و رجایی شهر تحت شکنجه های روحی و جسمی هر روز با مرگ روبرو میشوم.حکومت جمهوری اسلامی به عنوان عضو سازمان ملل و تمامی نهادهای حقوق بشری نه تنها به مصوبات این سازمان بلکه حتی به قوانین خود نیز هیچ تعهدی ندارد، از جمله نادیده گرفتن حق محاکمه عادلانه در دادگاهها ی صالحه با حضور هیئت منصفه ، شکنجه های روحی و جسمی در جریان بازجویی و دادن حکمهای سفارشی ، حبسهای سنگین ضد انسانی توسط محاکمی که کوچکترین صیانت و علم قضایی ندارند .
قوانین اصلی و آیین نامه های نهاد ها و ادارات و سازمانهای خود رژیم بطور دائمی وبشدت زیر پا گذاشته می شود از جمله سازمان زندانها مثل امکانات درمانی و آموزشی ، غذایی ، فضا که باید برای هر نفر 15 متر باید باشد و دیگر حقوق مانند کار در بیرون از زندان ، مرخصی ، عفو عمومی ، آزادی مشروط، مکالمه تلفنی و کتبی و... بطور مستمر نادیده گرفته می شوند ،لپ مطلب این که زندان را به جهنمی تمام عیار برای زندانیان تبدیل کرده است . زندان رجایی شهر تبعیدگاه زندانهای دیگر با حدود 200 زندانی سیاسی با سنگین ترین احکام از 5 سال تا 50 سال و دهها زندانی حبس ابد از جمله مخوف ترین و بدترین دستگاههای اعمال حاکمیت رژیم می باشد همچنین قطع کامل جیره غذاهای مفید ، هواخوری دو ساعته و فضای زندگی کمتر از دو متر برای هر نفر و قطع کامل تلفن و ملاقات عمومی و کنترل شدید ملاقاتها حضوری، ندادن مرخصی و عفو ، آزادیهای مشروط و نصب آنتن و دستگاهای با امواج سرطان زا در زندان و دهها مورد دیگر . تجسم کنید وضعیت روحی روانی اغلب ساکنین این زندان را که با 13 سال سابقه زندان با نداشتن کوچکترین امید به آینده ،نرفتن به مرخصی، دوری از عزیزان خود که باید رفتارهای ضد حقوق بشری ضد انسانی را تحمل کنند .
مردم و دوستان آزادی خواه، طبق قوانین حکومت هر 10 سال زندان، یک حبس ابد محسوب می شود که من با احتساب این مسئله باید 3 سال پیش آزاد می شدم آنها نه تنها به این مسئله پایبند نیستند بلکه مرخصی را که من حقوق قانونی خود می دانم از من دریغ می دارند پدر و مادر پیر و از پا افتاده ی من برای گرفتن مرخصی به تهران کشیده می شوند و پس از کلی اذیت و آزار و مورد اهانت قرار گرفته شدن با دست خالی برمی گردند .
من از تمام سازمانهای حقوق بشری و انسانهای آزادی خواه می خواهم با فشارهای جهانی ، رژیم را وادار کنند حداقل به مصوبه قانونی خودشان پایبند باشند تا همه بتوانند

اندکی در آزادی و آرامش و آسایش زندگی کنند و به من هم کمک کنید حق آزادی خود را بدست آورم.
افشین بایمانی از زندان رجایی شهر
5/10/1391

بهنام ابراهیم زاده به بند 350 بر گردانده شد

طبق خبر دریافتی بهنام ابراهیم زاده که 11 روز قبل از بند عمومی 350 به سلول انفرادی برده شده بود در تاریخ 3/10/1391 مجددا" به بند عمومی برگردانده شده است .
11 روز قبل به بهنام اعلام می کنند که برای رفتن به مرخصی وسائل خود را جمع کند و پس از جمع آوری وسائل بهنام را به سلول انفرادی انتقال می دهند این موضوع و هزاران نمونه دیگر ثابت می کند که دروغ گفتن ، فریب انسانها ، بستن اتهامات دروغین و پرونده سازی و شکنجه، جزء ذات و بخش لاینفک نظام جمهوری اسلامی (حکومت امام زمان) است که تمامی مسئولین ریز و درشت در این رابطه شریک جرم هستند.
در رابطه با انتقال بهنام به سلول انفرادی هیچ توضیح رسمی اعلام نمی شود فقط بطور غیر مستقیم به او اعلام می کنند که این تنبیه در جهت مرعوب کردن او و بقیه زندانی ها است تا دیگر در اعتراضات و نوشتن نامه های اعتراضی و حمایتی شرکت نکنند . بدین وسیله می خواهند از فعالیت و همکاری او با دیگر زندانیان جلو گیری نمایند .
کارگران ، دانشجویان ، معلمان ، زنان و نهاد ها ، سازمانها و احزاب آزادی خواه ، اگر فقط به اعتراضات نوشتاری قناعت کنیم رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی خواهد توانست نیرو های پیشرو طبقه کارگر را مجبور به اطاعت از اعمال ضد انسانی خود نماید
امروز ما می توانیم با سازماندهی اعتراضات عملی گسترده و متحدانه خود ضمن وادار به عقب نشینی جمهوری اسلامی ، انگیزه و توانایی بیشتری به زندانیان مبارز بدهیم .
پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار :
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
5/10/1391
www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

بازنشستگان صنایع فلزی در مقابل استانداری تهران تجمع کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 5 دی ماه 1391 آمده است : یکصد و هشتاد نفر از بازنشستگان کارخانه‌های شماره یك و دو صنایع فلزی ایران در اعتراض به عدم پرداخت سنوات بازنشستگی از سوی کارخانه، در مقابل استانداری تهران تجمع کردند.
به گزارش ایلنا، صبح امروز - سه‌شنبه 5 دی‌ماه - بیش از یکصد و هشتاد نفر از بازنشستگان کارخانه‌های شماره یک و دو صنایع فلزی ایران در اعتراض به بی‌توجه‌ای مالکان کارخانه صنایع فلزی ایران در پرداخت سنوات بازنشستگی‌شان، در مقابل استانداری تهران تجمع کردند.
نماینده کارگران بازنشسته صنایع فلزی ایران در این باره گفت: در پی اعتراضات مکرر بازنشستگان در مقابل کارخانه و نهادهای مختلف دولتی در خصوص عدم دریافت سنوات پایان کار، و قولهای بی‌عمل مدیرعامل جدید کارخانه که به عنوان نماینده دولت از سوی استانداری در این کارخانه منصوب شده است، متاسفانه امروز نیز ناچار شدیم در مقابل استانداری تهران تجمع کنیم.
پروین محمدی افزود: کل سنوات بازنشستگان این دو کارخانه دو میلیارد و دویست میلیون تومان است که این رقم بعد از گذشت بیش از ۵ سال از بازنشستگی کارگران و کاهش شدید ارزش پول ملی هنوز به آنان پرداخت نشده است.
او درباره جزئیات مطالبات بازنشستگان اضافه کرد: هشتصد میلیون تومان مربوط به سنوات

بازنشستگان صنایع فلزی شماره یک و یک میلیارد و چهارصد میلیون تومان نیز مربوط به سنوات ۹۷ نفر بازنشستگان صنایع فلزی شماره دو است که مسئولان این کارخانه نسبت به پرداخت این مبلغ به کارگران کوتاهی می‌کنند.
این کارگر بازنشسته اضافه کرد: بعد از تجمع بازنشستگان صنایع فلزی در مقابل معاونت برنامه ریزی استانداری تهران که در آبان ماه سال جاری صورت گرفته بود، طبق توافق قرار شد چهار نماینده‌ای که حضورا به معاونت برنامه ریزی استانداری معرفی شدند با همکاری معاونت برنامه ریزی استانداری، پی گیر مطالباتشان شوند.
محمدی اظهار داشت: بعد از اعتراض بازنشستگان صنایع فلزی در مقابل ساختمان معاونت استانداری و قول مساعد آنان متاسفانه پی گیری‌های خاصی در خصوص رفع مشکلات بازنشستگان صورت نگرفت از این رو تصمیم گرفته شد برای احقاق حق قانونی خود در مقابل ساختمان مرکزی استانداری تجمع کنیم.
او در خاتمه گفت: معاونت برنامه ریزی استانداری تهران در جمع بازنشستگان صنایع فلزی قول داده بود در صورت عدم پرداخت مطالبات بازنشستگان از جانب کارخانه، استانداری به عنوان نماینده دولت میزان سنوات خدمتی این ۱۸۰ بازنشسته را پرداخت کند که متاسفانه هیچ کدام از این قول‌ها عملی نشده است.

ممانعت از ورود ۳۵ کارگر معترض به مجتمع پتروشیمی امیر کبیر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 5دی ماه 1391 آمده است : یک فعال کارگری در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر از عدم اجازه ورود ۳۵ نفر از کارگرانی که نسبت به قرارداد خود معترض‌اند به مجتمع پتروشیمی امیر کبیر خود داد و به دلیل این اقدام را از سوی حراست این مجتمع تولیدی «گم شدن قرارداد آن‌ها» ذکر کرد.
مهرداد مهرانی در این باره به ایلنا گفت: از روز پنج شنبه هفتهٔ گذشته مورخ ۳۰ آذر به ۳۵ نفر از کارگران کارخانهٔ پتروشیمی امیر کبیر، اجازهٔ ورود به محل کار خود را نمی‌دهند و ماموران حراست مجتمع به آنان می‌گویند قرار داد شما فعلا موجود نیست و گم شده است.
وی در توضیح این ماجرا افزود: پنج شنبهٔ ۲ هفته پیش، مورخ ۲۳ آذر ماه، حراست پتروشیمی امیر کبیر از ورود بیش از ۴۰۰ نفر از پرسنلی که قرارداد خود را با بهره گیری از ماده ۱۴۲ قانون کار با شرکت پیمانکاری spc (تعمیرات و نگهداری صنایع فارس) امضا نکرده بودند جلو گیری کرد.
ماده ۱۴۲ قانون کار تصریح دارد: «در صورتی که اختلاف نظر در مورد مواد مختلف این قانون و یا پیمانهای قبلی و یا هر یک از موضوعات مورد درخواست طرفین برای‌انعقاد پیمان جدید، منجر به تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه و یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران شود، هیأت تشخیص موظف است براساس در خواست هر یک از طرفین اختلاف و یا سازمانهای کارگری و کارفرمایی، موضوع اختلاف را سریعاً مورد رسیدگی قرار داده و اعلام نظر نماید.»
این فعال کارگری ادامه داد: کارگران نیز در اعتراض به این عمل دست به یک اعتراض صنفی زدند و در مقابل فرمانداری منطقه ویژه ماهشهر تحصن کردند.
مهرانی با مروری بر اعتراضات صورت گرفته از آن زمان تا به حال در مورد چگونگی گم شدن قرار داد این پرسنل گفت: این تحصن در مقابل فرمانداری روز شنبه مورخ ۲۵ آذر بار دیگر تکرار شد و در روزهای بعد تا تاریخ ۲۹ آذر، کارگران در مقابل مجتمع پتروشیمی امیر کبیر دست به تجمع می‌زدند. اما این اعتراضات در پایان ۲۹ آذر با ترفندهای خاصی اتمام یافت. در حال حاضر به ۳۵ نفر از کارگران پتروشیمی امیر کبیر که در این اعتراضات فعال بودند اجازهٔ ورود به محل کار را نمی‌دهند و می‌گویند که قرار داد شما گم شده است. این فعال کارگری در ماهشهر در پایان این گفتگو خواستار پاسخگویی مدیران حراست و رئیس مجتمع پتروشیمی امیر کبیر به این کارگران شد.

با گذشت ۸ ماه از اخراج، مقرری بیمه بیکاری نمی‌گیریم

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 5دی ماه 1391 آمده است : در پی بیکاری ۲۰۰ کارگر مشمول مقرری بیمه بیکاری کارخانه ذوب آهن غرب ایران (کوره بلند) در ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری، ۱۶۲ کارگر تعدیل شده این واحد هنوز موفق به دریافت مقرری بیمه بیکاری نشده‌اند.
به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران بیکار شده شرکت ذوب آهن فولاد غرب به نمایندگی از ۱۶۲ کارگر با ارسال نامه‌ای به ایلنا از ۸ ماه تاخیر برای دریافت مقرری بیمه بیکاری اعتراض کردند و با اشاره به شرایط اقتصادی خواستار تسریع در برقراری این مقرری شدند. در این نامه آمده است: ما جمعی از کارگران سابق شرکت ذوب آهن غرب ایران، به نمایندگی از سایر کارگران خواستار رسیدگی به مشکلاتمان در خصوص عدم همکاری سازمان تامین اجتماعی و اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه در زمینه برقراری مقرری بیمه بیکاری هستیم.
بر اساس نامه این کارگران، ۲۰۰ کارگر کارخانه تولید شمش چدن با تمام قرار داد کاریشان در مورخه ۳۱ اردیبهشت ماه سال ۹۱ به علت مشکلاتی که به گفته مسئولان کارخانه باعث ورشکستگی این واحد عظیم صنعتی شده است،تعدیل شدند و تمامی این کارگران برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه همدان معرفی شدند.
در ادامه این نامه ذکر شده است: از مجموع ۲۰۰ کارگر فقط بیمه ۳۸ کارگر برقرار شد و بیمه بیکاری ۱۶۲ کارگر باقی مانده از خرداد ماه امسال تا هم اکنون به بهانه‌های مختلفی از سوی اداره کار و سازمان تامین اجتماعی تایید نشده و به آنان گفته شده برای برقراری بیمه بیکاری خود تا آذر ماه صبر کنند. در ادامه این کارگران متذکر شدند: با شروع آذر ماه با مراجعه به اداره کار وقتی پی گیر مقرری بیمه بیکاری خود شدیم اداره کار به بهانه اینکه سازمان تامین اجتماعی حاضر به همکاری نیست از پرداخت مقرری بیمه بیکاری خودداری کردند.
گفتنی است کارخانه فولاد غرب، تولید کننده شمش چدن در استان همدان به بهانه نداشتن توجیه اقتصادی و زیان ده بودن تولید از سوی کارفرما اعلام ورشکستگی کرد و کارگران متخصص این کارخانه که طی آزمون کتبی و مصاحبه و گذراندن دوره‌های آموزشی و ایمنی، استخدام شده بودند، با پایان قرارداد کاریشان در مورخه ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری بیکار شدند. از این تعداد کارگر مقرری ۱۶۲ نفر با گذشت هشت ماه هنوز برقرار نشده است. این در حالی است که کارگران در هنگام کار ماهانه سه درصد از دستمزدشان را به صندوق بیمه بیکاری میسپارند تا در هنگام بیکاری بتوانند از حمایت این صندوق بهره‌مند شوند.

مرگ کارگری در ساختمان نوساز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 5دی ماه 1391 آمده است : کارگر ۳۵ ساله‌ای در طبقه سوم یک ساختمان ۴ طبقه نو ساز در حال راه اندازی آسانسور بود که سر وی به علت نامعلوم در قسمت کابین آسانسور گیر کرد و بدن وی معلق ماند. گیر کردن سر کارگری در بین در و کابین آسانسور، باعث مرگش شد.
به گزارش ایلنا، ساعت ۳ بامداد امروز در خیابان قصرالدشت تهران، کارگر ۳۵ ساله‌ای در طبقه سوم یک ساختمان ۴ طبقه نو ساز در حال راه اندازی آسانسور بود که سر وی به علت نامعلوم در قسمت کابین آسانسور گیر کرد و بدن وی معلق ماند.
بنا بر این گزارش، آتش نشانان با ورود به محل حادثه اقدام به ایمن سازی محل و قطع کامل برق، اقدام به خارج کردن مصدوم کردند.
آتش نشانان مصدوم را تحویل امدادگران اورژانس حاضر در محل دادند که متاسفانه مرگ وی پس از معاینه تایید شد.

تجمع اعتراضی کارگران فضای سبز شهرداری اصفهان مقابل ساختمان شهرداری

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر،در 5 دی آمده است : صبح امروز کارگران فضای سبز شهرداری اصفهان با حضور مقابل ساختمان شهرداری اصفهان تقاضای رسیدگی به مشکلات خود را داشتند.

براساس این گزارش،بسیاری از این کارگران حاضر در مقابل شهرداری اصفهان بر این باورند که با وجود سختی کار در این حوزه هیچگونه حق سختی کاری به آنها تعلق نمی‌گیرد.
یکی از این کارگران در این خصوص گفت: متاسفانه موضوع به همین جا ختم نمی‌شود و اگر یکی از آنها در محل کار دچار آسیب شود برای او مرخصی رد خواهد شد و مشمول مرخصی استعلاجی و ... نمی‌شود.
وی ادامه داد: متاسفانه تا کنون هیچ افزایش حقوقی را نیز شاهد نبوده‌ایم و افزایش حقوق کشوری نیز به ما تعلق نگرفته است.
این کارگر شهرداری اصفهان که به نمایندگی از دیگران سخن می‌گفت ادامه داد: بهانه آنها از این موضوع این است که چون مجموعه شهرداری اصفهان گسترده است نمی‌توان برای شما اقدام خاصی انجام داد و علاوه بر آن هیچ گونه اضافه کار و معوقاتی نیز به ما تعلق نمی‌گیرد.
بنا بهمین گزارش،سرپرست سازمان پارک‌ها و فضای سبز اصفهان نیز گفت: لحظاتی پیش در خصوص این موضوع مطلع شدم و هیچ گونه اطلاعی در خصوص دلیل این تجمع ندارم و باید موضوع را بررسی کنم.
دارویش فتحی ادامه داد: احتمال دارد کسانی که امروز مقابل شهرداری بوده‌اند کارگران شرکتهای پیمانکاری باشند و باید موضوع را بررسی کنم.

کارگران نساجی مازندران با ۲۹ ماه بیکاری، محروم از صندوق حمایتی دولت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 5دی ماه 1391 آمده است : دبیراجرایی خانه کارگر مازندران اعلام کرد: صندوق حمایتی وزارت کار، تعاون ورفاه اجتماعی هیچ اقدامی درجهت حمایت از کارگران بیکار کارخانه نساجی مازندران انجام نمی‌دهد.
نصرالله دریابیگی در این باره به ایلنا گفت: صندوق حمایتی وزارت کار با دریافت بودجه‌های قابل توجه از دولت هیچ اقدام حمایتی از کارگران بیکار نساجی مازندران که بیش از ۲۹ ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند انجام نداده است.
او افزود: در شرایط سختی که بسیاری از واحدهای تولیدی با وقوع بحران اقتصادی تعطیل شده و به تبع آن تعداد زیادی از کارگران نیز بیکارشده‌اند، صندوق حمایتی وزارت کار در قبال بیکاری این جمعیت بیکار که هیچ منبع درآمدی ندارند مسئولیتی نمی‌پذیرد.
این فعال کارگری در باره وظایف این صندوق در جهت حمایت از کارگران بیکار گفت: این صندوق طبق قانون نقش یک نهاد حمایتی را دارد و وزارت کار موظف به پرداخت مقرری به کارگرانی است که کارفرمایان آن واحدها قدرت پرداخت مطالبات کارگران خود را نداشته باشند.
او در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از مصاحبه اخیر رئیس جمهور در یک برنامه تلویزیونی در خصوص اینکه هیچ مشکلی در صنعت کشور وجود ندارد، اظهار داشت: صدها واحد صنعتی در استان مازندران تعطیل شده یا در آستانه تعطیل شدن هستند. این مسئله‌ای است که در مازندران به وضوح مشاهده می‌شود. طبق اخباری که هر روز در رسانه‌ها درج می‌شود بحران صنایع در سایر استان‌ها نیز گریبان کارگران را گرفته است. حال رئیس جمهور با چه منطقی منکر وجود بحران در صنایع می‌شود؟
او اضافه کرد: بسیاری از این واحدها علاوه بر اینکه کارگران خود را بیکار کرده‌اند توان پرداخت معوقات حقوقی کارگران خود را نیز ندارند از این رو صندوق حمایتی وزارت کار باید تمام توان حمایتی خود را برای حمایت از این قشر شریف که در موقعیت ضعف قرار گرفته‌اند به کار گیرد.
اما با انکار بحران صنایع به جز آنکه بلحاظ روانی باری بر دوش کارگران بیکار شده می‌گذارند، قدمی برای رفع این بحران برداشته نمی‌شود. به گفته این فعال کارگری در مازندران، در این استان افزایش نرخ بیکاری و رکود اقتصادی و کاهش قدرت خرید کارگران شاغل کاملا نمایان است.
او ادامه داد: نمونه بارز کارگرانی که نیاز به چتر حمایت دولت دارند کارگران نساجی مازندران هستند که بعد ازگذشت ۲۹ ماه از بیکاری‌شان و دریافت نکردن حقوق، متحمل مشکلات زیادی شده‌اند، از این رو وزارت کار باید نسبت به این بی‌توجه‌اش پاسخگو باشد.
دبیر خانه کارگر مازندران خطاب به وزیر کار در این زمینه اضافه کرد: آقای وزیر! شما که خود مازندرانی بوده و به در و رنج کارگران نساجی آشنا هستید، چرا به فریاد این کارگران

نمی‌رسید؟
او گفت: صندوق حمایتی که بودجه آن از در آمدهای نفتی از سوی مجلس تخصیص یافته است وظیفه حمایت از این کارگران را دارد و هر نوع کوتاهی در این زمینه برای جامعه کارگری مازندران قابل پذیرش نیست.
دریابیگی تاکید کرد: کارگران از وعده‌ها و شعارها خسته شده‌اند و منتظر یك اقدام عینی از جانب دولتی هستند که مدعی «عدالت‌گستری» بود.

بیانیه جمعی از فعالین چپ و کمونیست
خطاب به تمامی احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی، تشکّل ها و نهادهای حامی جنبش کارگری ایران

جان رضا شهابی در خطر است، مبارزه را از کلام به عرصه عمل ببریم! رفقا!
چنان که مطلّع هستید، رضا شهابی کارگر زندانی و عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، از روز دوشنبه ۲۷ آذرماه ۱۳۹۱ (مطابق با ۱۷ دسامبر ۲۰۱۲) برای بار سوم دست به اعتصاب غذا و دارو زده است و این امر موجب نگرانی و تشویش خاطر همگان شده است. نیک می دانیم که شما نیز در این نگرانی سهیم هستید و انبوه اطلاعیه ها و بیانیه های حمایتی تان حاکی از این امر و بسیار دلگرم کننده بوده است.

رفقا !
اخبار و گزارشات پیرامون وضعیت سلامتی رضا شهابی و دیگر کارگران زندانی ایران به شکلی کاملا آشکار و غیرقابل انکار، از سوی اغلب نهادها و رسانه های بورژوایی، نادیده گرفته می شود و چنان که باید و شاید، اهمیت و توجه نمی یابد. این اگرچه چندان مایه تعجّب ما نیست و به ماهیت طبقاتی و جایگاه این جریانات در جنگ همه روزه و جاری در زمین سفت سیاست طبقاتی در ایران بر می گردد، اما در هر صورت، موجب به حاشیه رفتن اخبار مربوط به فعالین کارگری دربند شده و از فراگیر شدن آن جلوگیری می کند و موجب می گردد که فشار لازم بر دوش حکومت جمهوری اسلامی قرار نگیرد و به خواست ها و مطالبات آنان وقعی ننهد. از همین رو ضرورت انتقال عرصه مبارزه از کلام به عمل از جانب نیروهای چپ و کمونیست عمیقاً مشهود است و تلاش همه جانبه ما در جهت حمایت از فعالین کارگری زندانی را طلب می کند.

رفقا!
ما امضا کنندگان این بیانیه قویاً و موکداً اعلام می کنیم که تنها خبر رسانی و نگارش بیانیه های محکومیت کفایت نمی کند و لازم است که مانند دیگر مقاطع و برهه های حساّسی که پشت سر گذاشته ایم، اعتراضات و اعتصاباتی را جهت فشارهای همه جانبه و بین المللی بر رژیم سرمایه در ایران ترتیب دهیم.
از شما رفیقانه می خواهیم که همگی در کنار هم، دست به ایجاد و سازماندهی زنجیره ای از اعتراضات به هم پیوسته بزنیم و صدای مبارزات کارگران و فعالین کارگری در سطح بین المللی و خارج از ایران باشیم. سندیکاها و اتحادیه های کارگری کشورهای مختلف را برای حمایت از فعالین کارگری بسیج نماییم و با کوشش هایمان، حکومت جمهوری اسلامی را وادار نماییم که فوراً به خواسته های برحق رضا شهابی تن داده و او را تحت درمان فوری قرار دهد.
تلاش مصرّانه و متّحدانه ما، ادای دینی به مبارزات شجاعانه کارگران و فعالین کارگری در ایران و مانعی برای تداوم سرکوب بیرحمانه آنان توسط حکومت سرمایه جمهوری اسلامی است.

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران!

اسامی امضاکنندگان به ترتیب حروف الفبا: آرام فرجام - آرش عزیزی - امید حبیبی نیا - بهروز جاوید تهرانی - پریسا نصرآبادی - پژمان رحیمی - پویا عزیزی - پیام شاکر - رایا دشتبان - رژین محمدی - روبرت سپانیان - سوسن شهبازی - سیمین دبیری - سیمین روزگرد - صمد بهادری طولابی - عباس سماکار - عابد رضایی - عزیز میری - فرهاد کرامتی - فرهاد مظفری - محمد غزنویان - مرجان افتخاری مرجان عبدی - مریم افشاری - مصی شیروانی - مینا زاده - نیما پوریعقوب - نینا دانشیان

نگرانی کارگران روغن قو از واگذاری کارخانه/ کارفرما: نگران نباشید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 5دی ماه 1391 آمده است : بیش از ۴۰۰ کارگر کارخانه روغن نباتی پارس قو به سبب واگذاری سهام این کارخانه به بخش خصوصی که باعث کاهش روند تولید در این کارخانه شده است، ابراز نگرانی کردند. دبیر اجرایی خانه کارگر تهران اعلام کرد: ۴۰۰ کارگر کارخانه روغن نباتی پارس قو به سبب واگذاری سهام این کارخانه به بخش خصوصی که باعث توقف سه روزه تولید در این کارخانه شده است، ابراز نگرانی می‌کنند.
اسماعیل حق پرستی با بیان این مطلب، به ایلنا گفت: کارخانه روغن نباتی پارس قو به دلیل انباشت بدهی‌ها ناچار شد سهام خود را به بخش خصوص واگذار کند از این رو ۴۰۰ کارگر این واحد تولیدی با توجه به مشکلات مشابهی که سایر واحد های تولیدی را به تعطیلی کشانده است، نگران اشتغال خود شده‌اند.
این فعال کارگری میزان بدهی‌های این کارخانه را یک و نیم میلیارد تومان عنوان کرد و افزود: به سبب مشکلاتی که در گذشته کارخانه پارس قو داشت، تعطیلی موقت و واگذاری کارخانه کارگران را نگران کرده است.

کارگران نگران امنیت شغلی خود نباشند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 5دی ماه 1391 آمده است : در همین زمینه رئیس هیئت مدیره کارخانه روغن نباتی پارس قو در گفتگو با ایلنا علت اصلی توقف موقت تولید کارخانه را انبارگردانی، حساب رسی و بازبینی خطوط تولید کارخانه عنوان کرد.
مصطفی ارجایی در تشریح وضعیت کارخانه روغن نباتی پارس قو گفت: در پی واگذاری کارخانه روغن نباتی قو از سرمایه گذار قبلی (سازمان اقتصادی کوثر) به سرمایه گذار جدید (شرکت نهان گل) فعالیت این واحد تولیدی از از روزسه شنبه ۲۸ آذر ماه تا جمعه یکم دی متوقف شد.
وی افزود: چون حسابرسی و انبار گردانی کارخانه مصادف با دستور سازمان محیط زیست مبنی بر توقف فعالیت کارخانه بود به ناچار در زمان یاد شده کارخانه بصورت موقتا تولید خود را متوقف کرد. او اضافه کرد: هم اکنون این کارخانه از روز یکشنبه (سوم دی) فعالیت خود را از سر گرفته و روند تولید با فعالیت کارگران ادامه دارد.
عضو هیئت مدیره پارس قو ادامه داد: مراحل نقل و انتقالات کارخانه زمان بر است، از این رو برای متوقف نشدن تولید طبق توافق طرفین، این واگذاری بصورت وکالتی انجام شده است.
او با تاکید بر اینکه کارگران نگران امنیت شغلی خود نباشند، اظهار داشت: در گذشته کارگران کارخانه پارس قو دچار مشکلات زیادی در زمینه مطالبات وامنیت شغلی خود شده بودند که با مدیریت جدید همه این مشکلات به مرور مرتفع خواهند شد. به گفته این کارفرما، تعدادی از کارگران در شرف بازنشستگی به علت بدهی‌های کارخانه به بیمه تامین اجتماعی امکان بازنشستگی برایشان وجود نداشت، این در حالیست که درطول مدت واگذاری کارخانه به شرکت نهان گل تعداد ۵۱ نفر از کارگرانی که بعد از ۳۰ سال فعالیت امکان بازنشسته شدن نداشتند، به زودی از حق قانونی‌شان بهره‌مند خواهند شد.
این کارفرما ظرفیت تولید روزانه این کارخانه را ۳۵۰ تن اعلام کرد و گفت: با توجه به افزایش مشکلات کارخانه در سالهای گذشته تولیدات روزانه این واحد تولیدی به حداقل رسیده بود از این رو طبق سیاست گذاری‌های جدید با حل مشکلات و موانع تولید بعد از واگذاری کامل به مرور افزایش تولید خواهیم داشت. او افزود: در ماه‌های ابتدایی واگذاری سعی می‌کنیم با تولید روزانه ۱۰۰ تن در روز به مرور این رقم را به حداکثر تولید (روزانه ۳۵۰ تن) برسانیم.
او در بخش دیگری از سخنان خود در خصوص مشکلات تامین ارز در تهیه مواد اولیه وارداتی گفت: نوسانات قیمت ارز و مشکلات تامین آن باعث شده ۹۰ درصد مواد اولیه تولید ما که وارداتی است با مشکل روبرو شود.
رئیس هیئت مدیره کارخانه روغن نباتی قو در خاتمه عنوان کرد: مشکلات کارخانه با افزایش تولید مرتفع می‌شود از این رو تمام تلاش خود را در جهت حفظ اشتغال کارگران انجام می‌دهیم.
گفتنی است شرکت سهامی عام روغن نباتی پارس تولیدکننده انواع روغن نباتی تحت نام

تجاری «قو» در سال ۱۳۳۳ تاسیس شد و این واحد تولیدی طی سالهای گذشته به سبب افزایش مشکلات در زمینه تغییرات متعدد مدیریتی و مشکلات کارگری، که عمده سهام آن در اختیار سازمان اقتصادی کوثر بود طی مزایده‌ای به شرکت «نهان گل» واگذار شد.

رشد ۲۸ درصدی حوادث ناشی از کار در قزوین

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 5 دی ماه 1391 آمده است : بر اساس آمار مراجعین پزشکی قانونی در آبان ماه امسال ۷۷ نفر (۷۵ نفر مرد و دو نفر زن) در استان قزوین بر اثر حوادث ناشی از کار مصدوم شده‌اند، این رقم در مقایسه با مدت زمان مشابه سال قبل، بیش از ۲۸ درصد افزایش داشته است.
به گزارش خبرنگار ایلنا از قزوین، دکتر عاشوری، مدیر کل پزشکی‌قانونی استان قزوین با اعلام این خبر افزود: بر اساس آمارهای موجود در سال ۹۰ تعداد ۶۵۱ نفر (۶۳۷ نفر مرد و ۱۴ نفر زن) در استان قزوین بر اثر حوادث ناشی از کار مصدوم شده بودند و این رقم در مقایسه با سال ۱۳۸۹ که تعداد مصدومین حوادث کار ۵۳۹ نفر (۵۲۳ نفر مرد و ۱۶ نفر زن) بود، بیش از ۲۰ درصد افزایش را نشان می‌داد. به گفته وی ۹۷ درصد مصدومین حوادث کار مرد و تنها سه درصد آن‌ها زنان بوده‌اند.

کمردرد، افت شنوایی و مشکلات پوستی از شایع‌ترین بیماری‌های شغلی

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی ایسنا در 5 دی آمده است : دبیر علمی سمینار بازآموزی مدون طب کار گفت: بیماری‌های اسکلتی عضلانی مانند کمردرد، افت شنوایی و بیماری‌های پوستی از شایع‌ترین بیماریهای شغلی محسوب می‌شوند.
دکتر یاسر لبافی نژاد گفت: این بازآموزی جهت به روز کردن اطلاعات پزشکان عمومی است که در کارخانجات و اداره‌ها مشغول فعالیت هستند و نیاز است که برای معاینات دوره‌ای و سلامت شغلی افراد اطلاعات علمی آنها به روز باشد. مواجهات شغلی ممکن است که مواجهات جدیدی باشند و پزشکان عمومی باید نوع معاینات و دانش خود را در این زمینه به روز کنند.
وی افزود: در محیط های کاری با انواع مواجهات از جمله مواجهات شیمیایی، فیزیکی، روحی و روانی و بیولوژیک روبه رو هستیم که هر کدام به نوبه خود می توانند سلامت ما را به خطر بیندازند. در مواجهات شیمیایی ما حلال‌ها را در محیط های کاری داریم و اختلالات ارگونومیک باعث بروز بیماریهای اسکلتی عضلانی می شوند.
این متخصص طب کار بیماری‌های اسکلتی عضلانی و کمردرد، افت شنوایی و بیماریهای پوستی را از شایع ترین بیماریهای شغلی عنوان و تصریح کرد: وقتی روش درست انجام معاینات را به پزشکان آموزش دهیم این امر باعث می شود که بیماری‌ها را بهتر شناسایی کنیم، این امر گام موثری در ارتقاء سلامت شغلی افراد خواهد بود.
وی خاطرنشان کرد: نحوه رویکرد تشخیصی بیماری‌های شغلی، ارزیابی و معاینات بالینی کارگران، بیماری‌های ریوی ناشی از کار، بیماری‌های سیستم بینایی ناشی از کار، اختلالات اسکلتی عضلانی ناشی از کار در اندام تحتانی و کمر درد، نوبت کاری و اختلالات خواب از محورهای مورد بحث در این بازآموزی است.
لازم به ذکر است، سمینار بازآموزی مدون طب کار با همکاری مرکز تحقیقات طب کار دانشگاه علوم پزشکی تهران ۲ تا ٦ دی در مرکز همایش‌های رازی درحال برگزاری است. افزایش ۲۸۰ درصدي مرگ های ناشي از حوادث کار در استان اردبیل
مرگ و میر ناشي از حوادث کار در هشت ماهه امسال نسبت به مدت مشابه سال قبل ۲۸۰ درصد افزایش یافت و از ۱۰ نفر در هشت ماهه سال گذشته به ۳۸ نفر در سال جاري رسیده است.
به گزارش واحد آمار اداره کل پزشکي قانوني استان اردبیل، از کل ۳۸ نفر فوت شده در هشت ماهه سال جاري ۳۷ نفر مرد و ۱ نفر زن بر اثر حوادث کار در استان جان باخته‌اند.

افتتاح کارخانه جدید با وجود تعطیلی کارخانه قند اهواز با نیم‌قرن سابقه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 6 دی آمده است : بعد از ظهر روز سه شنبه پنجم دی ماه، محمود احمدی‌نژاد در سفر به اهواز کارخانه ۱۰۰ هزار تنی شکر و ۱۷۵ هزار تنی تصفیه شکر شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا را افتتاح کرد.
به گزارش ایلنا، افتتاح این کارخانه عظیم صنعتی در شرایطی رخ داد که تعدادی از کارگران کارخانه قند اهواز در اعتراض به تعطیلی کارخانه و عدم دریافت مطالبات ۲۲ ماه خود و همچنین بی‌توجه‌ای مسئولان کشوری و استانی نسبت به اعتراضات مکرر کارگران در مسیری که رئیس دولت و همراهانش به قصد افتتاح یک کارخانه جدید در حال عبور بودند تجمع کرده وخواستار توجه رئیس دولت به کارخانه‌های بحران‌زده شدند.
هوشنگ طاهری، عضو شورای اسلامی کار کارخانه قند و تصفیه شکر در این باره گفت: جمعی از کارگر این کارخانه که بیش از ۲۲ ماه است که به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق نگرفته‌اند روز سه شنبه در اعتراض به بی‌توجه‌ای مسئولان نسبت مشکلاتشان به امید عبور رئیس دولت و هیئت همراه از مقابل کارخانه، در مقابل درب ورودی کارخانه قند و شکر اهواز تجمع کردند.
او افزود: یکی دیگر از دغدغه‌های این کارگران، عدم پرداخت حق بیمه و تمدید نشدن دفترچه‌های درمانی‌شان است.
به گفته این فعال کارگری، ۳۰ نفر از کارگران متقاضی بازنشستگی این واحد تولیدی که در آستانه بازنشسته شدن هستند نیز به جهت اینکه لیست بیمه‌ای معوقه و جاری این کارگران به تامین اجتماعی پرداخت نشده است در این خصوص دچار مشکل شده‌اند.
طاهری ادامه داد: مالکیت این کارخانه در گذشته بر عهده بانک ملی و ملت بوده که با افزایش مشکلات، این واحد تولیدی با تصویب هیات دولت به وزارت صنایع جهت راه اندازی مجدد واگذار شد.
نماینده کارگران قند و تصفیه شکر اهواز ادامه داد: با این وجود این کارخانه به جهت مشکلات مدیریتی و مهم‌تر از آن واردات بی‌رویه قند و شکر و همچنین بی‌توجهی مسئولان استانی تعطیل شده است و ۶ نفر از اعضای هیئت مدیره آن به دلیل بلاتکلیفی کارخانه و اینکه از جانب دولت حمایت نمی‌شوند به طور دسته جمعی استعفاء داده‌اند.
او با اشاره به اینکه تا کنون کارگران این کارخانه چندین بار جهت دریافت مطالبات قانونی خود دست به تجمع زده‌اند، اظهار داشت: با اینکه تجمع و اعتراضاتی در خصوص حل مسائل صنفی‌مان انجام داده‌ایم متاسفانه تاکنون با بی‌توجه‌ای مسئولان مواجه شده‌ایم.

افتتاح کارخانه‌های جدید با وجود تعطیلی کارخانه‌های قدیمی

در همین زمینه محمد هاشم نجاتی، یکی از مدیران کارفرمایی کارخانه قند اهواز گفت: افتتاح کارخانه‌ای جدید با وجود بی‌توجه‌ای مسئولان به کارگرانی که ۲۲ ماه حقوق نگرفته‌اند، ظلم مظاعفی در حف آنان است.
او اضافه کرد: استانداری خوزستان برای صیانت از واحدهای بحرانزا بودجه‌ای را که دولت در اختیارش قرار داده است در اختیار واحدهایی همانند قند اهواز قرار نمی‌دهد.
این مسئول همچنین در زمینه تجمع کارگران قند اهواز در روز افتتاح کارخانه کشت صنعت دهخدا گفت: کارگران مخالف افتتاح طرحهای جدید نیستند بلکه به گفته آنان چطور با وجود کارخانه‌ای که (قند اهواز) با نیم قرن سابقه با بی‌توجه‌ای مسئولان تعطیل می‌شود و ماه‌ها کارگران آن بلاتکلیفند، طرح جدیدی را افتتاح می‌کنند.
او اضافه کرد: بعد از گذشت چهار سال از اجرای مصوبه هیئت دولت در خصوص راه اندازی مجدد کارخانه قند اهواز متاسفانه تا به امروز با بی‌مهری مسئولان اقدامی در این خصوص صورت نگرفته ست.

تجمع کارگران معترض در حضور احمدي‌نژاد

به نوشته سایت فرارو در 6 دی آمده است : کارخانه 100 هزار تنی شکر و 175 هزار تنی تصفیه شکر شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا بعد از ظهر سه شنبه با حضور محمود احمدی نژاد رئیس جمهور در اهواز افتتاح شد.

به روایت عکسهای خبرگزاری ها، روز گذشته محمود احمدی نژاد ریاست جمهوری در سفر به اهواز کارخانه 100 هزار تنی شکر و 175 هزار تنی تصفیه شکر شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا را افتتاح کرد؛تنی چند از اعضا کابینه در این سفر رئیس جمهور را همراهی می کردند.

در عکس های منتشر شده در خبرگزاری دولتی ایرنا و نیز خبرگزاری ایسنا و فارس تصاویری از سفر رئیس جمهور و این مراسم منتشر شده است اما در خبرگزاری مهر در کنار تصاویر افتتاح کارخانه دو عکس از تجمع تعداد اندکی از کارگران و جود دارد که نسبت به معوق شدن حقوق خود برای 22 ماه اعتراض دارند. بر روی یکی از پلاکاردهای این معترضین نوشته است: «ما گرسنه ایم، 22 ماه است حقوق نگرفته ایم».

کارگران فولاد غرب: با گذشت ۸ ماه از اخراج، مقرری بیمه بیکاری نمي‌گیریم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 6دی آمده است : در پی بیکاری ۲۰۰ کارگر مشمول مقرری بیمه بیکاری کارخانه ذوب آهن غرب ایران (کوره بلند) در ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاري، ۱۶۲ کارگر تعدیل شده این واحد هنوز موفق به دریافت مقرری بیمه بیکاری نشده‌اند.
به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران بیکار شده شرکت ذوب آهن فولاد غرب به نمایندگی از ۱۶۲ کارگر با ارسال نامه‌ای به ایلنا از ۸ ماه تاخیر برای دریافت مقرری بیمه بیکاری اعتراض کردند و با اشاره به شرایط اقتصادی خواستار تسریع در برقراری این مقرری شدند.
در این نامه آمده است: ما جمعی از کارگران سابق شرکت ذوب آهن غرب ایران، به نمایندگی از سایر کارگران خواستار رسیدگی به مشکلاتمان در خصوص عدم همکاری سازمان تامین اجتماعی و اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه در زمینه برقراری مقرری بیمه بیکاری هستیم.
بر اساس نامه این کارگران، ۲۰۰ کارگر کارخانه تولید شمش چدن با تمام قرار داد کاریشان در مورخه ۳۱ اردیبهشت ماه سال ۹۱ به علت مشکلاتی که به گفته مسئولان کارخانه باعث ورشکستگی این واحد عظیم صنعتی شده است،تعدیل شدند و تمامی این کارگران برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه همدان معرفی شدند.
در ادامه این نامه ذکر شده است: از مجموع ۲۰۰ کارگر فقط بیمه ۳۸ کارگر برقرار شد و بیمه بیکاری ۱۶۲ کارگر باقی مانده از خرداد ماه امسال تا هم اکنون به بهانه‌های مختلفی از سوی اداره کار و سازمان تامین اجتماعی تایید نشده و به آنان گفته شده برای برقراری بیمه بیکاری خود تا آذر ماه صبر کنند.
در ادامه این کارگران متذکر شدند: با شروع آذر ماه با مراجعه به اداره کار وقتی پی گیر مقرری بیمه بیکاری خود شدیم اداره کار به بهانه اینکه سازمان تامین اجتماعی حاضر به همکاری نیست از پرداخت مقرری بیمه بیکاری خودداری کردند.
گفتنی است کارخانه فولاد غرب، تولید کننده شمش چدن در استان همدان به بهانه نداشتن توجیه اقتصادی و زیان ده بودن تولید از سوی کارفرما اعلام ورشکستگی کرد و کارگران متخصص این کارخانه که طی آزمون کتبی و مصاحبه و گذراندن دوره‌های آموزشی و ایمني، استخدام شده بودند، با پایان قرارداد کاریشان در مورخه ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری بیکار شدند. از این تعداد کارگر مقرری ۱۶۲ نفر با گذشت هشت ماه هنوز برقرار نشده است. این در حالی است که کارگران در هنگام کار ماهانه سه درصد از دستمزدشان را به صندوق بیمه بیکاری میسپارند تا در هنگام بیکاری بتوانند از حمایت این صندوق بهره‌مند شوند.

افزایش بیش از نیاز واردات برنج شالیکاران را ناامید کرده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 6 دی آمده است : دبیر انجمن برنج کشور گفت: افزایش واردات برنج شالیکاران را ناامید کرده است.
جمیل علیزاده شایق در گفتگو با خبرنگار ایلنا با بیان اینکه قیمت برنج ایرانی طی ماه گذشته افزایش پیدا نکرده است، اظهار داشت: هم اکنون گران ترین و باکیفیت ترین برنج ایرانی هر کیلو 4 هزار تومان و 700 تومان در شمال کشور و بالای 5 هزار و 500 تومان در تهران به فروش می رسد که نسبت به ماه گذشته تفاوت چندانی نداشته است.
وی افزود: طی 8 ماهه ابتدای سال جاری 7 هزار و 500 هزار تن برنج وارد کشور شده است که این میزان بیش از نیاز کشور است و در واردات برنج باید دقت بیشتری شود.
دبیر انجمن برنج کشور با اشاره به اینکه عمده برنج های وارداتی از هند و پاکستان است گفت: قیمت این نوع برنج ها هر کیلو گرم 3 هزار تومان است که اگر متوسط قیمت برنج را 400 تا 450 دلار در نظر بگیریم و در هر تن ضر ب کنیم سود خوبی نصیب واردکنندگان می شود.
وی افزود: با ادامه این روند شالیکاران ایرانی متضرر می شوند.
علیزداه شایق تصریح کرد: طی 100 سال گذشته در مهر ماه قیمت برنج افزایشی بوده است اما در سال جاری نه تنها قیمت برنج افزایش پیدا نکرد بلکه در برخی از انواع برنج روند کاهشی را تجربه کرده است

ده میلیون بیسواد مطلق در کشور

به نوشته سایت اصلاح طلب جـــرس در 6 دی آمده است : درحالیکه کشورهایی مانند ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و تاجیکستان دارای آمار بیسوادی "صفر" هستند، طبق گفته های مقامات رسمی جمهوری اسلامی نزدیک به ده میلیون نفر بیسواد مطلق در ایران وجود دارد.
به گزارش مهر، محمد مهدی زاده ، معاون آموزشی نهضت سواد آموزي، می گوید بر اساس سرشماری سال ۹۰ تعداد بیسوادان مطلق در ایران نزدیک به نه میلیون و ۷۲۰ هزار نفر است.
مهدی زاده گفته است ازاین تعداد حدود سه و نیم میلیون نفر در گروه سنی ۱۰ تا ۴۹ سال هستند.
به گفته او بر اساس آمار یونسکو، ایران در بین ۱۳۰ کشور جهان جایگاه ۸۷ و در بین ۲۴ کشور منطقه رتبه ۱۷ام را در ریشه کن ساختن بیسوادی دارد.
در کشورهایی مانند ترکمنستان، جمهوری آذربایجان و تاجیکستان آمار بیسوادی صفر است.
معاون آموزشی نهضت سواد آموزی معیار باسواد بودن را داشتن سواد خواندن و نوشتن ، حساب کردن و روخوانی قران ذکر کرده است.

تجمع خانواده های فعالان کارگری بازداشتی در بوکان

به نوشته سایت آژانس خبری موکریان /سرویس حقوق بشر آمده است : خانواده‌های پنج فعال کارگری بازداشتی اهل بوکان در مقابل اداره اطلاعات این شهر تجمع کردند.
بر اساس گزارش رسیده به آژانس خبری موکریان، روز یکشنبه سوم دیماه سال جاری خانواده‌های جمال میناشیري، ابراهیم مصطفي‌پور، قاسم مصطفي‌پور، هادی تنومند و محمد کریمی در مقابل اداره اطلاعات شهر بو کان تجمع نموده . وضمن اعتراض به بازداشت این افراد خواستارملاقات با آنها شدند.
بر اساس همین گزارش، در پی این تجمع، مامورین اداره اطلاعات به فرزند ابراهیم مصطفي‌پور اجازه ملاقات با پدرش را دادند.
پس از تجمع خانواده‌ها در مقابل اداره اطلاعات، مامورین نیروی انتظامی در محل حاضر شدند و تلاش کردند که حاضرین را متفرق کنند که خانواده‌ها تصمیم گرفتند به دادستانی مراجعه کنند
در پی مراجعه خانواده ها به دادستانی در بوکان به آنها گفته شد که برای این پنج شهروند به مدت 7 روز قرار بازداشت صادر شده است

جان زندانیان سیاسی در خطر است

برپایه ایمیل رسیده به روز شمار کارگری آمده است : حکومت اسلامی قرون وسطایی به عنوان مزدور و پاسدار منافع هشتاد مولتی میلیارد هزار فامیل آیت الله و سرداران سپاه در غارت و چپاول مردم ایران در بهره کشی و استثمار مضاعف دمار از روزگار نیروی جوان و کارگران زحمتکش در آورده است. سیستم و نظام ولایت فقیه مطلقه و شخص خامنه ای با نفی حق رأی عمومی حتی روی کاغذ و همچنین نفی مستقیم اراده فردی و جمعی و نفی انجمنها ، احزاب و سازمانهای مردمی به عنوان ستون فقرات حکومت دمکراتیک در دستور کار قرار داده است و کشور ایران را به عنوان زندان بزرگ و مخوف ملیتها ، زنان ، کارگران ، مذاهب و عموم شهروندان ایرانی تبدیل کرده است .
نتیجه چنین قدرتی، تحمیل گرسنگی در اثر بیکاری کارگران و بسته شدن کارخانجات ، اخراج سازی های عمومی و زیر خط فقر بودن هشتاد درصد از افراد جامعه است، همچنین بالاترین آمار اعتیاد در بین جوانان ، فساد و خودکشی و بی آیندگی مردم و تورم افسار گسیخته اقتصادی ، نبود آزادی و دمکراسی محصول دیگری از موجودیت نظام ولایت فقیه است در حالیکه میهن عزیزمان به عنوان رتبه دهم معدن به لحاظ جمعیتی در بین 202 کشور باید جزو ثروتمندترین کشورها می بود. همین طور در نتیجه بی تدبیری و حمایت و دفاع از منافع اقلیت کوچک ، ناشایستگی دولت مردان، تشدید بحران اقتصادی ، اجتماعی ، افزایش نفرت جهانی ، انزوای جهانی و در اثر سیاستهای سرکوب و خفقان و دیکتاتوری و عملکرد ها و اندیشه های تروریستی و پان اسلامیستی همه مشکلات ذکر شده بار ها و بارها مضاعف و باز تولید می گردند. همچنین در اثر اوج گیری اختلافات و درگیری های جناحی میان باندهای حکومتی بر سر تقسیم ثروتهای ملی، اعتراضات مردمی نیز افزایش یافته است ، اعتراضات لاینقطع در مقابل ستم حاکمیت اسلامی طی روند سی و چهار سال گذشته ادامه داشته و افزایش یافته است سیاست جابران حاکم این است : بکش تا کشته نشوی .
بدنبال چنین سیاستی حکومت اسلامی شمشیر خفقان و سرکوب را از رو بسته است و از طریق دستگیری ، زندان و اعدام فعالین جنبش های اجتماعی در مقابله با جهت گیری آلترناتیو نیروها، برای رهبری آینده مردم را در دستور کار سیاسی خود قرار داده است. برای تأیید گفته فوق پرونده های است که وجود چاقو در دست یا جیب یک فرد سیاسی را دلیل محاربه دانسته و حکم اعدام به آنها داده اند، زندانیان سیاسی به عنوان ادامه دهندگان مبارزه و مقاومت مردمی در مقابل استبداد حاکم و همچنین پیام آوران سعادت و آزادی ، عدالت اجتماعی برای مردم، اولین قربانیان بی دفاع رژیم می باشند. آنچه امروز در زندان ها شاهد آن هستیم ، سرکوب و شکنجه و اعدام سیاست پشت پرده ای است که سران و مسئولین زندانها و نهادهای امنیتی در پیش گرفته اند.
دستگیری گسترده فعالین سیاسی شناخته شده و سابقه دار ،مخصوصا" در ماههای منتهی به انتخابات کذایی رژیم و همچنین تهدید و فشارو بازجویی مجدد زندانیان سیاسی حبس سنگین و بر گرداندن آنها تحت اختیار اداره اطلاعات برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه و همینطور افزایش مجدد سیاست تواب سازی و تهیه نمایشات تلویزیونی از جمله مورد اخیر که در رابطه با محمد علی دادخواه در حال انجام است. در رابطه با نمایشات تلویزیونی فعالین ملیت های مختلف در تمامی زندانها از جمله شهروندان ترک زبان، کرد زبان ، بلوچ و عرب و... در چند روز گذشته بشدت تحت فشار قرار گرفته اند و به شکل رفتارهای غیرانسانی ، غیر اخلاقی و اعدامهای مخفی می خواهند آنها را مجبور به پذیرش پروژه تواب سازی و نمایش تلویزیونی نمایند. تکرار اعدامهای ساختگی، لغو مرخصی درست لحظه خروج از درب زندان ، انتشار پارازیتهای سرطان زا و... همه و همه در راستای قتل عام زندانیان سیاسی قرار دارد.
محکومیت چندین باره رژیم ضد مردمی توسط نهادهای حقوق بشری و ملل آزادیخواه جهان، مخصوصا" نماینده ویژه سازمان ملل و حقوق بشر بخشی از نتایج آتش خشم انقلابی مردم است که علیه استبدادحاکم و شکنجه و اعدام و در راستای کسب مطالبات مختلف و آزادی زندانیان سیاسی شعله ور است. آزادی زندانیان سیاسی این فرزندان راستین مردم فقطه شروع آزادی و آزادگی و رهایی کشور از استبداد عریان و بهره کشی است .

برای تحقق چنین امری تشکل و سازماندهی توده های زجر کشیده ، تشکلهای مردمی مانند انجمنها ، کمیته ها ، سازمانها ، سندیکاها و اتحادیه های کارگری بر پایه خواسته های صنفی و سیاسی در محل کار و زندگی مردم ضرورت اجتناب ناپذیر می باشند، مردم بدون تشکل ، سازمان و بدون آگاهی در مقابل رژیم تا دندان مسلح پاسدار قوانین ارتجاعی و نظام قرون وسطایی ولایت فقیه نمی توانند از منافع ملی و حق و حقوق انسانی خود دفاع کنند.
تنها با ایجاد تشکلهای مردمی و ایمان به قدرت مردم می توانیم در نبرد نا برابر بر این حاکمیت مستبد غلبه کنیم
تنها راه نجات وحدت و تشکیلات است
سکولاریسم ، جدایی دین از سیاست اولین اصل دمکراسی است و ما به آن پایبندیم .
امضا کنندگان به ترتیب حروف الفبا :

افشین اسانلو
افشین امدادیان
خالد حردانی
شاهرخ زمانی
رضا شریفی بوکان
صالح کهن دل
علی جباری
محمد خبازان
مصطفی اسکندری
6/10/1391

بیانیه 63
فراخوان به اقدام عملی و متحدانه در حمایت از رضا شهابی

در روزهای گذشته جمعی از فعالین چپ و کمونیست با صدور بیانیه ای (که متن آن در زیر خواهد آمد) خطاب به تمامی احزاب و سازمان های چپ و کمونیستی، تشکّل ها و نهادهای حامی جنبش کارگری ایران خواستار اقدام عملی و متحدانه برای حمایت هر چه بیش تر از رضا شهابی عضو زندانی هیئت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه که در اعتراض به عدم رسیدگی به وضعیت سلامتش در زندان در اعتصاب غذا به سر می برد شدند.
به باور ما، این بیانیه به درستی ضرورتی را برجسته می کند که اکنون بیش از هر زمانی خود نمایی می کند. این که تنها می توان با اتحاد عمل و اقدامات فراگیر در حمایت از کارگران زندانی اقدام موثری انجام داد. در شرایطی که حکومت ضدکارگری جمهوری اسلامی هر روز یورش جدیدی را به سفره ی خالی تر از همیشه ی کارگران تدارک می بیند و در وضعیتی که بسیاری از فعالین کارگری تنها به جرم فعالیت های قانونی خود در زندان ها به سر می برند، خبررسانی و صدور بیانیه ها و اعلام حمایت ها گرچه لازم است اما هرگز کافی نیست.
کمیته ی حمایت از شاهرخ زمانی ضمن حمایت همه جانبه از پیشنهاد رفقای امضا کننده ی بیانیه؛ آمادگی خود را برای مشارکت در برنامه های عملی جهت حمایت از رضا شهابی و سایر کارگران زندانی اعلام می دارد.
پیش به سوی اتحاد بیش تر برای فشار بیش تر
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
6/10/1391
کـــانون مـــدافعان http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2012/12/blog-post_28.html#more
- حقوق کارگر

متن نامه 2342 نيروي كار پروژه اي به مجلس در اعتراض به شرايط كارشان

بنام خدا
رياست محترم مجلس شوراي اسلامي و نمايندگان محترم مردم

با احترام به استحضار مي رساند
اين متن از طرف 2342 نيروي كار پروژه اي (مهندسان ، تكنسين ها و كارگران فني – صنعتي) تنظيم گرديده است . با اين هدف كه مشكلات و كاستي هاي شرايط كار پروژه اي و نارسايي هاي قانون كار در اين موارد را خدمتتان بيان نمايند. زيرا ، كار پروژه اي به دليل نوع كار و ضرورت محل كارخانه (دور بودن آن از نقاط مسكوني) داراي ويژگيهايي است كه اكثر كارشناسان و مشاورين اقتصادي دولتي از چگونگي آن اطلاع كامل و دقيقي در اختيار ندارند. و در اين مورد هم كار كارشناسي صورت نگرفته است . نيروي كار پروژه اي با توضيح اين واقعيتها به نمايندگان ارجمند مجلس شوراي اسلامي و رياست محترم ، انتظار دارند كه اين نوع نگرش و انتقادات ما را مورد بررسي قرار دهند . و در صورت درستي گفته هاي كارگران ، نسبت به حمايت از خواست ما اقدامات مقتضي صورت گيرد. كار پروژه اي در همه ي دنيا به صورت اقماري انجام مي شود و هم اينك در حفاري و فلات قاره ي ايران بدان عمل مي گردد (دو هفته كار 12 ساعته بدون استفاده از تعطيلات و دو هفته مرخصي) . زيرا نيروي كار پروژه اي همه ي اوقات 24 ساعته خود را در اختيار كار پروژه قرار مي دهد . و استراحت او نيز در در خوابگاههاي مجاور محل كار مي باشد . و در اختيار خود و خانواده اش نيست . از اين رو نمي تواند اثر مثبتي در زندگي و تربيت كودكانش داشته باشد . بدين جهت نيروي كار براي باز توليد نيروي از دست رفته اش و تمديد فرسودگي اعصاب و روانش كه ناشي از دشواريهاي چنين كاري مي باشد پيشنهاد كار به صورت اقماري را مطرح مي كند . با توجه به اين واقعيتها ، كه طي اين 14 روز كار ، از هيچ كدام از تعطيلات رسمي و تعطيلي روزهاي جمعه استفاده نمي كنند. لذا ساعت كاري همين 14 روز از يك ماه ساعت كاري يك كارگر و كارمندي كه روزي 8 ساعت كار مي كند و بقيه روز و شب را نزد خانواده اش به سر مي برد بيشتر مي شود. چون طبق قانون كار ساعت كاري ماهانه چنين كارگري 176 ساعت كاري مي باشد آنهم با استفاده از 4 روز تعطيل جمعه و نصفه روزهاي پنجشنبه و بقيه تعطيلات رسمي . ولي يك كارگر اقماري طي 14 روز 168 ساعت كاري دارد بدون استفاده از هيچ تعطيلي و با توجه به اينكه بدليل ضرورتهاي زمان بندي هاي كار پروژه در اكثر روزها ساعات كار تا 16 ساعت هم ادامه مي يابد . بدين جهت ما از نمايندگان محترم تقاضا داريم اقماري شدن كار پروژه را مورد بررسي قرار دهند .

با پيروزي انقلاب كشور ما مورد تجاوز خارجي قرار گرفت . از اين رو كارگران پروژه اي نسبت به ماندن در پروژه ها بدليل نياز جنگ و انقلاب ؛ و تداوم كارشان از 14 روز به 24 روز و تنها 6 روز مرخصي رفتن نزد خانواده هايشان اعتراضي نداشتند . و با علاقه به سازندگي صنايع مادر كشور كمك كردند و پس از جنگ تحميلي براي بازسازي صنايع بمباران شده و ضرورت ساخت صنايع كشور اين شيوه كار را ادامه دادند. ولي واقعيت اين است كه اين شيوه كار 23 الي 24 روز كار ممتد با روزي 12 ساعت و گاهي بيشتر و تنها 6 الي 7 روز مرخصي كه دو روز آن در راه رفت و برگشت هدر مي رود اثرات نامطلوبي بر روي جسم و روان نيروي كار پروژه اي وارد كرده است به گونه اي كه درصد طلاق در خانواده هاي آنها و پاشيدگي خانواده اشان بسيار بالا رفته و اكثر كارگران به دليل شدت و سختي و طولاني بودن زمانهاي كار به اعتياد روي آورده اند . از سوي ديگر در مقابل فداكاريهاي كارگران پروژه اي ، دولتهاي پس از جنگ با مصوبات خود قانون كار را هر روز بي رنگ تر نموده اند. مانند : معاف كردن كارگاههاي زير ده نفر از قانون كار ، تاييد و اجراي بند " ز " و هم اينك با پيشنهاد كارمزد منعطف بوسيله دولت آقاي احمدي نژاد . و بدين صورت هر روز بيشتر زندگي كارگران را به سراشيب فقر ، بيكاري و نداري مي اندازند . با توجه به اين واقعيت كه نيروي كار پروژه اي از هيچ امتيازي كه كارگران و كارمندان ديگر برخوردارند ، برخوردار نيست مانند تعاوني مسكن ، تعاوني مصرف و عدم پرداخت وام مسكن به نيروهاي كار پروژه اي
است .

طي سالها تجربه جهاني كارشناسان و روان پزشكان كار به اين نتيجه رسيدند كه كار ممتد بيش از 8 ساعت صدمات جبران ناپذير جسمي و روحي به نيروي كار وارد مي كند . از اين رو قانون كار جمهوري اسلامي ساعات كار روزانه را 8 ساعت تعيين نمودند و اعلام كردند اضافه كاري در هر روز نبايد بيش از 2 ساعت باشد و هر روز هم نبايد اضافه كاري وجود داشته باشد . ولي در مورد كارگران و همه ي نيروي كار پروژه اي اين موارد قانوني اعمال نمي گردد . و

ادارات كار هم پس از جنگ با پذيرفتن تعديل ساختاري و خصوصي سازي در اين زمينه ها براي خود مسوليتي قائل نيستند . در اين ميان پيمانكاران يا همان بخش خصوصي كه همه ي امتيازات اصل 44 قانون اساسي به نفع آنها تغيير كرده و قوانين كار نيز براي راحتي كسب سود بيشتر بخش خصوصي تعديل گرديده است ، نهايت سوء استفاده را از اين شرايط مي نمايند . نيروي كار پروژه اي در حالي كه اقماري نيست و همه ي تعطيلات رسمي و روزهاي جمعه را كار مي كنند . بخش خصوصي علاوه بر اين كه هيچ مزايايي بابت اين شرايط نمي پردازد از پرداخت بيمه كارگران طبق حقوق دريافتي شان خودداري مي كند . و بيمه آنها را با حداقل حقوق محاسبه ميكند. با اين شرايط اگر نيروي كار در اثر حادثه دچار ازكارافتادگي گردد . تامين اجتماعي تنها حداقل حقوق را به كارگر مي پردازد در حاليكه به خوبي آگاه هستند كه پيمانكاران چگونه حق كارگران را بدين صورت پايمال مي كنند . ولي شركتهاي پيمانكاري دست دوم و سوم از اين هم فراتر مي روند در حالي كه مي دانند با 24 روز كار نيروي كار پروژه اي ساعت كاري اش به 288 رسيده است كه مقدار 112 ساعت كاري بيش از يك ماه است ، 6 روز مرخصي را براي كارگر غيبت رد مي كند و بدين طريق سوابق بيمه او را دچار اشكال جدي مي كنند. در حالي كه اگر روزهاي تعطيل و تعطيلات رسمي را محاسبه كنند نيروي كار پروژه اي نزديك به 2 ماه ساعت كاري را در يك ماه انجام مي دهد آنهم بدون محاسبه ساعات اضافه كاري بعد از 12 ساعت كه گاهي تا 16 ساعت ادامه مي يابد .
چنانچه نمايندگان محترم به هر دليل با اقماري شدن نيروي كار پروژه اي موافق نباشند با توجه به اينكه اين نيروي كار طي هر ماه 288 ساعت كاري ، انجام مي دهد با روزي 12 ساعت و طي هر سال 3456 ساعت كاري ، و طي 20 سال معادل 68120 ساعت كاري صورت مي گيرد كه نسبت به 30 سال كار يك كارگر و كارمند معمولي 60360 ساعت كاري ؛ 7760 ساعت كار بيشتر كار مي كند كه معادل 3 سال و 8 ماه مي باشد از اين رو كارگران انتظار دارند اين واقعيتها مورد بررسي قرار گيرند و نيروي كار پروژه اي پس از 20 سال كار با 68120 ساعت كاري بازنشسته گردند البته با حقوق كامل 30 سال كار . اين تقاضا نه بدليل سختي كار است كه وجود دارد . يا آلودگيهاي صوتي و گازي مرگبار و يا عدم ايمني و حوادث ضمن كار . بلكه چون ما عملا" طي اين مدت معادل 30 سال و 7760 ساعت كاري بيشتر كار انجام مي دهيم درخواست بررسي اين واقعيت را داريم .
سنوات در طي يك سال و 5/2 روز مرخصي ماهانه كه معادل يك ماه حقوق كارگر در طي يك سال است و پاداش و عيدي ، هيچ كدام در شركتهاي دست دوم و سوم پرداخت نمي گردد. و زماني كه كارگر را اخراج مي كنند يك چك به او مي دهند كه حداقل سه ماه بعد قابل دريافت است . در قبال اين همه تجاوز به حقوق كارگران هيچ نهاد دولتي واكنشي قانوني نسبت به صاحب حق كه نيروي كار است صورت نمي دهند.
فرآيند يك نيروي كار پروژه اي در
چيست ؟
فرآيند كار ما توليد يك خودرو و يا يك جفت كفش يا هر كالاي مصرفي ديگري نيست ، اگرچه توليد اين كالاهاي مصرفي هم ضرورينند و هم مهم ولي فرآيند كار ما توليد صنايع بزرگ مادر است . ما صنايعي را توليد مي كنيم كه كارشان توليد كالاهاي مصرفي مورد لزوم است . هر كدام از ما در ساخت و تحويل و راه اندازي دهها پتروشيمي ، پالايشگاه و صنايع سيمان و برق و سد سازي سهيم هستيم . ولي در هيچ زمينه اي از جمله مسكن با نيروي كار پروژه اي هماهنگي و همياري صورت نگرفته است . حتي بيمه بيكاري كه بايد شامل حال ما شود كه نوع كارمان موقت است ، از آن محروم هستيم و ادارات كار مي گويند شامل حال شما نمي شود . ولي 3% بيمه بيكاري را از حقوقمان كسر مي كنند . حتي شركتهاي دست دوم و سوم براي استخدام شرايطي را اعلام ميكنند كه با موارد قانون كار در تضاد است و نيروي كار را در صورتي استخدام مي كنند كه آن شرايط را كتبا" تاييد كنند مثلا تاييد كنند كه كليه حقوق و مزاياي من در حقوق توافقي محاسبه گرديده است و مورد تاييد اينجانب است . ولي مبلغ حقوق نوشته نمي شود. پيمانكار معتقد است بايد كار نيروي كار را ببيند و بعد در مورد مبلغ تصميم مي گيرند بعد از يكي دو ماه پيمانكار مبلغ كمي را اعلام مي كند تا نيروي كار استعفا بدهد . و كارگر بعدي را همين گونه استثمار مي كند . شركتهاي بزرگ نيمه دولتي هم كه بدون توجه به قانون كار به روزهاي اول انقلاب برگشته اند و تست ايدئولوژيكي براي

استخدام مي گيرند در حالي كه ايران سرزميني است با اعتقادات رسمي مختلف مانند سني ، مسيحي ، زرتشتي ، يهودي حنفي ، شافعي آيا ديگر اقليتها در نظام جمهوري اسلامي حق اشتغال ندارند ؟ ما نيروهاي كار پروژه اي مي دانند علت بنيادي اين كاستي ها در چيست . از اين رو ما باور خود را خدمت شما ارائه مي دهيم تا بوسيله نمايندگان محترم ملت مورد بررسي قرار گيرد . علت اين نارسايي ها در سياستهاي اقتصادي دولتهاي بعد از جنگ است كه همگي راه رشد اقتصادي ايران را مطلقا" به نفع بخش خصوصي تغيير داده اند . با تعديل ساختاري و خصوصي سازي با اين اميد كه تغييرات ايجاد شده باعث بهبود شرايط اقتصادي – صنعتي ايران گردد . در حالي كه تعديل ساختاري و خصوصي سازي برنامه اقتصادي صندوق بين المللي پول است كه سياستهاي سرمايه داري جهاني را براي عقب نگهداشتن كشورهاي مالك منابع نفتي را در سر دارند . اين برنامه اقتصادي دامي است كه كارشناسان فراماسيونري – اقتصادي غرب در راه كشورهايي چون برزيل قرار داده بودند و آن كشور را به بدهكارترين كشور دنيا با تورم 80 درصد تبديل نمودند تنها زماني كه نيروهاي مترقي اين كشور توانستند خود را از اين برنامه اقتصادي ضد مردمي نجات دهند ، شرايط بهبود يافت و در آرژانتين هم بدين صورت اتفاق افتاد. .
فرآيند اين مناسبات اقتصادي كه پس از جنگ بوسيله دولتها كاربردي شد . امروز در عمل خود را نشان مي دهد . نمايندگان محترم استحضار دارند كه در همه ي شهرهاي كوچك و بزرگ شهرك هاي صنعتي بوجود آمده بود كه برخي نيازهاي مصرفي مردم را پاسخ مي داد . و اينك هيچ شركت صنعتي با ظرفيت بالا كار نمي كند و يك چهارم از كارگاههاي فعال باقي مانده است كه آنها هم با تمام ظرفيت نمي توانند كار كنند . هزاران كارگر بيكار شده و به نان شب نيازمند شده اند . در حالي كه كارگران ايراني در پيروزي انقلاب و در بازسازي هاي پس از جنگ نقشي حياتي بعهده گرفته بودند . دستآورد انقلابي كه كارگران در آن رزميدند ، اينك در كيسه بخش خصوصي قرار گرفته است . كه در هيچ حاكميتي خود را به خطر نينداخته و هميشه با همه ي شرايط خود را وقف داده و بار خود را بسته است . ليبراليسم و استادان و كارشناسان اقتصادي كه اين راه رشد اقتصادي را به حاكميت و دولتهاي پس از جنگ قبولانده اند . اگر در پيشنهاد خود صداقت مي داشتند به جاي خصوصي سازي كه باعث نابودي صنايع توليدي ملي گرديده و عامل بزرگ بيكاري كارگران شده است صنايع دولتي را حفظ مي كردند و آزادسازي اقتصادي را پيشنهاد مي دادند ، روشي كه در كشور چين توانست اشتغال براي ميلياردها نفر را ايجاد كند و صادرات كالايي بالايي براي چين به ارمغان آورد . يا مانند شيوه ي اقتصادي برزيل كه با دو برابر، بالا بردن و حتي بيشتر حداقل حقوق (حقوق كارگران) قدرت خريد مردم را بالا بردند و بدين طريق اقتصاد ملي و بازار داخلي را پر رونق كردند (به سالنامه شرق سال 91 مراجعه گردد) اين متن، پيرو متني است به پيوست . كه در تاريخ 14 شهريور 1390 در نشريه اعتماد به شماره 2252 به چاپ رسيده بود و ما از طريق نماينده محترم ازنا آنرا براي ارائه در كميسيون مجلس تنظيم نموديد اين دو متن مشكلات جدي كارگران را مطرح نموده اند ، اميدواريم توسط نمايندگان ملت مورد بررسي قرار گيرند .
از طرف 2342 نيروي كار پروژه اي
(اصل نامه و امضاها موجود است)
كانون مدافعان حقوق كارگر

كارگران بيش از ۵۰ واحد صنعتی قزوين از يک تا ۲۴ ماه حقوق معوقه دارند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ايران – ايلنادر 7 دی آمده است : محمد احمدی رئيس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان قزوين تصريح کرد: با توجه به اينکه بيش از ۵۰ واحد توليدی و صنعتی استان قزوين از يک تا ۲۴ ماه به کارگران خود حقوق معوقه دارند و کارفرماها نيز به دليل مشکلات متعدد توانايی پرادخت بيمه کارگران را ندارند و تامين اجتماعی نيز از تعويض و تمديد دفترچه‌های بيمه شده‌ها خودداری می‌کند و برخی از اين کارگران فرزندان بيماری خاص دارند براساس رای ديوان عدالت اداری و مطابق قانون خواستيم که تامين اجتماعی به قانون تمکين کند و به کارگران بيمه شده خدمات بدهد.

کارگران قراردادی هر ماه مي‌ميرند و زنده مي‌شوند
نایب رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور اعلام کرد: در این جلسه نسبت به تغییر قانون بیمه تامین اجتماعی که نظر شرکای اجتماعی لحاظ نشده است، معترض بودیم.
احمدی افزایش سن بازنشستگی در پیش نویس جدید تامین اجتماعی با توجه به مقایسه با کشورهای پیشرفته را نادرست دانست و افزود: در شرایط فعلی اقتصادی کارگران قراردادی در انتهای هر ماه یک بار مي‌ميرند و زنده مي‌شوند که آیا قرارداد موقت کارشان تمدید خواهد شد یا نه. با این شرایط که امنیت شغلی برای کارگران وجود ندارد این افزایش سن بازنشستگی دور از مطق است.
وی ادامه داد: در این جلسه استدلال کردیم در شرایط اقتصادی حاضر و تورم، بازنشستگان به دنبال کار مي‌گردند تا معاش حداقلی خود را تامین کنند.

با گذشت ۸ ماه از اخراج کارگران ذوب آهن، هنوز مقرری بیمه بیکاری دریافت نمی کنند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 7 دی آمده است : در پی بیکاری ۲۰۰ کارگر مشمول مقرری بیمه بیکاری کارخانه ذوب آهن غرب ایران (کوره بلند) در ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری، ۱۶۲ کارگر تعدیل شده این واحد هنوز موفق به دریافت مقرری بیمه بیکاری نشده‌اند.
به گزارش ایلنا، جمعی از کارگران بیکار شده شرکت ذوب آهن فولاد غرب به نمایندگی از ۱۶۲ کارگر با ارسال نامه‌ای از ۸ ماه تاخیر برای دریافت مقرری بیمه بیکاری اعتراض کردند و با اشاره به شرایط اقتصادی خواستار تسریع در برقراری این مقرری شدند.
در این نامه آمده است: ما جمعی از کارگران سابق شرکت ذوب آهن غرب ایران، به نمایندگی از سایر کارگران خواستار رسیدگی به مشکلاتمان در خصوص عدم همکاری سازمان تامین اجتماعی و اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه در زمینه برقراری مقرری بیمه بیکاری هستیم.
بر اساس نامه این کارگران، ۲۰۰ کارگر کارخانه تولید شمش چدن با تمام قرار داد کاریشان در مورخه ۳۱ اردیبهشت ماه سال ۹۱ به علت مشکلاتی که به گفته مسئولان کارخانه باعث ورشکستگی این واحد عظیم صنعتی شده است،تعدیل شدند و تمامی این کارگران برای دریافت مقرری بیمه بیکاری به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان قروه همدان معرفی شدند.
در ادامه این نامه ذکر شده است: از مجموع ۲۰۰ کارگر فقط بیمه ۳۸ کارگر برقرار شد و بیمه بیکاری ۱۶۲ کارگر باقی مانده از خرداد ماه امسال تا هم اکنون به بهانه‌های مختلفی از سوی اداره کار و سازمان تامین اجتماعی تایید نشده و به آنان گفته شده برای برقراری بیمه بیکاری خود تا آذر ماه صبر کنند.
در ادامه این کارگران متذکر شدند: با شروع آذر ماه با مراجعه به اداره کار وقتی پی گیر مقرری بیمه بیکاری خود شدیم اداره کار به بهانه اینکه سازمان تامین اجتماعی حاضر به همکاری نیست از پرداخت مقرری بیمه بیکاری خودداری کردند.
گفتنی است کارخانه فولاد غرب، تولید کننده شمش چدن در استان همدان به بهانه نداشتن توجیه اقتصادی و زیان ده بودن تولید از سوی کارفرما اعلام ورشکستگی کرد و کارگران متخصص این کارخانه که طی آزمون کتبی و مصاحبه و گذراندن دوره‌های آموزشی و ایمنی، استخدام شده بودند، با پایان قرارداد کاریشان در مورخه ۳۱ اردیبهشت ماه سال جاری بیکار شدند. از این تعداد کارگر مقرری ۱۶۲ نفر با گذشت هشت ماه هنوز برقرار نشده است. این در حالی است که کارگران در هنگام کار ماهانه سه درصد از دستمزدشان را به صندوق بیمه بیکاری میسپارند تا در هنگام بیکاری بتوانند از حمایت این صندوق بهره‌مند شوند.

بیانیه 64
شاهرخ زمانی نیاز به حمایت مالی دارد

19 ماه پیش دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی شاهرخ زمانی و 4 نفر دیگر را با اتهامات دروغین دستگیر کردند ، طی 19 ماه گذشته پس از اذیت و آزار و شکنجه های مختلف آنها را محاکمه کردند و شاهرخ را به 11 سال زندان محکوم نمودند .
طبق حکم ضد انسانی صادره او را زندانی کردند و برای شکستن مقاومت او و جلوگیری از اعتراضاتش ، شاهرخ را از بندی به بندی دیگر و سپس از زندانی به زندان دیگر تبعید کردند و اکنون بیش از سه ماه است که به زندان گوهر دشت تبعید شده است . حکومت سرمایه داری اسلامی شاهرخ زمانی کارگر نقاش را که با دسترنج روزانه اش امرار معاش می کرد از خانواده اش جدا کرده و ضمن سلب آزادی ، برای او و خانواده اش ایجاد مشکلات و فشارهای روحی فراوانی کرده اند هم چنین با سردواندن آنها در ادارات ، آنها را دچار مشکلات مالی فراوانی نموده اند . با تبعید های مکرر شاهرخ پدر و مادر پیر و خانواده او را دچار زحمات زیاد مسافرت به جهت ملاقاتهای بی برنامه و نامعلوم کردند همین طور از طرق مختلف پیگیری پرونده او در دادگاهها و ادرات مختلف را با موانع زیادی مواجه کرده اند .
اکنون با توجه به گرانی و تورم در ایران دیگر امکان برطرف کردن نیازهای مالی برای آنها ممکن نیست و همچنین از عهده هزینه های اندک شاهرخ در زندانهای بی قانون و قرون وسطایی جمهوری اسلامی بر نمی آیند .
بدین جهت لازم می دانیم اعلام نمایم که شاهرخ در حال حاضر نیاز مبرمی به حمایت های مالی از جانب انسانهای مبارز و آزادیخواه دارد .
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی ضمن اعلام اینکه طی 19 ماه گذشته حمایتهای مالی و معنوی بسیاری از جانب شما عزیزان صورت گرفته که در جهت ادامه مبارزه بسیار کارساز بوده اند از این بابت به گرمی و صمیمانه تشکر و قدردانی می کنیم و لازم می دانیم بگوییم پس از این نیز به حمایتهای مالی و معنوی گسترده تری احتیاج دارد
هم چنان پیشاپیش از حمایتهای دوستان و رفقا صمیمانه سپاس گزاریم.
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
7/10/1391

ممانعت از ورود ۳۵ کارگر معترض به مجتمع پتروشیمی امیر کبیر

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 7 دی آمده است : ماموران حراست به ۳۵ نفر از کارگران کارخانهٔ پتروشیمی امیر کبیر، اجازهٔ ورود به محل کار خود را نمی‌دهند و به آنان می‌گویند قرار داد شما فعلا موجود نیست و گم شده است.
یک فعال کارگری در منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر از عدم اجازه ورود ۳۵ نفر از کارگرانی که نسبت به قرارداد خود معترض‌اند به مجتمع پتروشیمی امیر کبیر خود داد و به دلیل این اقدام را از سوی حراست این مجتمع تولیدی «گم شدن قرارداد آن‌ها» ذکر کرد.
مهرداد مهرانی در این باره به ایلنا گفت: از روز پنج شنبه هفتهٔ گذشته مورخ ۳۰ آذر به ۳۵ نفر از کارگران کارخانهٔ پتروشیمی امیر کبیر، اجازهٔ ورود به محل کار خود را نمی‌دهند و ماموران حراست مجتمع به آنان می‌گویند قرار داد شما فعلا موجود نیست و گم شده است.
وی در توضیح این ماجرا افزود: پنج شنبهٔ ۲ هفته پیش، مورخ ۲۳ آذر ماه، حراست پتروشیمی امیر کبیر از ورود بیش از ۴۰۰ نفر از پرسنلی که قرارداد خود را با بهره گیری از ماده ۱۴۲ قانون کار با شرکت پیمانکاری spc (تعمیرات و نگهداری صنایع فارس) امضا نکرده بودند جلو گیری کرد.
ماده ۱۴۲ قانون کار تصریح دارد: «در صورتی که اختلاف نظر در مورد مواد مختلف این قانون و یا پیمانهای قبلی و یا هر یک از موضوعات مورد درخواست طرفین برای‌انعقاد پیمان جدید، منجر به تعطیل کار ضمن حضور کارگر در کارگاه و یا کاهش عمدی تولید از سوی کارگران شود، هیأت تشخیص موظف است براساس در خواست هر یک از طرفین اختلاف و یا سازمانهای کارگری و کارفرمایی، موضوع اختلاف را سریعاً مورد رسیدگی قرار داده و اعلام نظر نماید.»
این فعال کارگری ادامه داد: کارگران نیز در اعتراض به این عمل دست به یک اعتراض صنفی زدند و در مقابل فرمانداری منطقه ویژه ماهشهر تحصن کردند.

مهرانی با مروری بر اعتراضات صورت گرفته از آن زمان تا به حال در مورد چگونگی گم شدن قرار داد این پرسنل گفت: این تحصن در مقابل فرمانداری روز شنبه مورخ ۲۵ آذر بار دیگر تکرار شد و در روزهای بعد تا تاریخ ۲۹ آذر، کارگران در مقابل مجتمع پتروشیمی امیر کبیر دست به تجمع می‌زدند. اما این اعتراضات در پایان ۲۹ آذر با ترفندهای خاصی اتمام یافت. در حال حاضر به ۳۵ نفر از کارگران پتروشیمی امیر کبیر که در این اعتراضات فعال بودند اجازهٔ ورود به محل کار را نمی‌دهند و می‌گویند که قرار داد شما گم شده است.
این فعال کارگری در ماهشهر در پایان این گفتگو خواستار پاسخگویی مدیران حراست و رئیس مجتمع پتروشیمی امیر کبیر به این کارگران شد.

ائتلاف "کارگران آمریکا علیه جنگ"

ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی و کلیه فعالان کارگری زندانی در ایران، از جمله شاهرخ زماني، محمد جراحي، بهنام ابراهیم زاده و پدرام نصرالهي، هستیم.
۲۷ دسامبر ۲۰۱۲
موضوع: رضا شهابی و دیگر رهبران کارگری زندانی را آزاد کنید

من این نامه را به نمایندگی از ائتلاف "کارگران آمریکا علیه جنگ"* می نویسم که به تداوم اذیت و آزار فعالین کارگری و نقض فاحش حقوق کارگران در ایران اعتراض خود را اعلام نماییم. ما کماکان شاهد هستیم که بسیاری از فعالین کارگری در ایران به طرز وحشیانه ای مورد اذیت و آزار قرار گرفته و به ناحق در زندان هستند.

من مشخصا به طور جدی نگران سلامت و تندرستی رضا شهابی هستم. رضا شهابي، عضو هیئت مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران، تا کنون بیش از دو سال و نیم می باشد که در زندان به سر می برد. شهابی در طول بازجویی مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفته بود. او در تاریخ ۲۴ جولای ۲۰۱۲ مورد عمل جراحی در ستون فقرات گردنی قرار گرفت. پزشکان توصیه کرده اند که کمر ایشان نیز باید مورد درمان قرار بگیرد. بر خلاف توصیه پزشکان، شهابی به بند ۳۵۰ زندان اوین در تاریخ ۱۴ اگوست ۲۰۱۲ برگردانده شد. از آن زمان تا کنون، سلامت وی به شدت رو به وخامت گذاشته شده است. در تاریخ ۱۷ دسامبر ۲۰۱۲، رضا شهابی در اعتراض به رفتار تهدید آمیز زندانبانان و همچنین تداوم عدم درمان مناسب پزشکی دست به اعتصاب غذا زده است. وی همچنین از مصرف هرگونه دارویی خودداری کرده است.

ما قویا حبس و احکام ناعادلانه علیه رضا شهابی و دیگر فعالان کارگری را محکوم می کنیم. ما همچنین اذیت و آزار مداوم و بازداشت فعالین کارگری در ایران را محکوم کنیم. ما خواهان آزادی فوری و بدون قید و شرط رضا شهابی و کلیه فعالان کارگری زندانی در ایران، از جمله شاهرخ زماني، محمد جراحي، بهنام ابراهیم زاده و پدرام نصرالهي، هستیم.
مایکل آیزنشر
هماهنگ کننده کشوری
"کارگران آمریکا علیه جنگ"
Michael Eisenscher
National Coordinator
(U.S. Labor Against the War (USLAW

* "کارگران آمریکا علیه جنگ" ائتلافی از بیش از ۱۹۰ تشکل کارگری در ایالات متحده آمریکا است که به پایان دادن فوری به جنگ در افغانستان، کاهش هزینه های نظامي، هدایت منابع به رفع نیازهای داخلي، و نظامی زدایی از سیاست خارجی ایالات متحده، از جمله پایان دادن به تحریم و تهدید علیه ایران، متعهد است (ترجمه از متن اصلی نامه در ذیل)

ترجمه و بازتکثیر از اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
Translated and redistributed by: International Alliance in Support of Workers in Iran ((IASWI
info@workers-iran.org / http://www.workers-iran.org

طبقه کارگر متشکل این جنایت را بی پاسخ نخواهد گذاشت!
(درسالروز کشتار کارگران خاتون آباد)

روز شنبه چهارم بهمن ماه ۱۳۸۲ (۲۴ ژانویه ۲۰۰۴) رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی تظاهرات آرام کارگران مجتمع "ذوب مس" خاتون آباد از توابع شهرک بابک (کرمان) را توسط گارد ویژه ضد شورش به گلوله بست.در آن روز کارگران این شرکت و خانواده هایشان که نگران آینده خود بودند در مقابل فرمانداری این شهر دست به اعتراض و سپس اعتصاب بر علیه سیاست اخراج سازی کارفرما زدند. آنان از طرف مقامات فرمانداری شهر مورد تهدید قرار گرفتند. آنان با حمل پلاکاردهایی که بر روی آنان نوشته شده بود؛ "خط فقر ۳۰۰ هزار تومان ، خط بقا ۱۰۰ هزار تومان" در شهر دست به راهپیمایی گسترده ای زدند و حتی جاده های منتهی به شهر را مسدود کردند. آنان فریب وعده و وعید فرمانداری را نخوردند و حیله "خانه کارگر" راکه خواهان متفرق شدن کارگران بودند و قصد داشتند از حضور کارگران قرار دادی در محل کار جلوگیری نماید دفع کردند . گرد هم آمده و خواستار استخدام دائمی بخشی از همکاران خود بودند، که با گلوله های سرمایه رو برو شدند. با گسترش خبر کشته و زخمی شدن کارگران، دامنه اعتراضات کارگری به سراسر شهر بابک کشیده شد و نیروهای سرکوبگر رژیم که تا دندان مسلح بودند، شهر را محاصره نموده و از زمین و هوا کارگران معترض را به گلوله بستند. در این حمله وحشیانه رژیم، تعداد زیادی از کارگران و مردم زحمتکش به قتل رسیده و یا زخمی شدند که در این میان چهار تن از کارگران به اسامی مؤمنی، مهدوی، ریاحی و جاویدی و یک دانش آموز به نام پور امینی جزو کشته شدگان اعلام گردید. در پی این درگیری نابرابر تعداد بسیاری از مردم شهر دستگیر و توسط مزدوران سرمایه به مناطق نامعلومی منتقل شدند.
به گلوله بستن کارگران یکی از وجه مشترک دو رژیم سرمایه داری شاه و جمهوری اسلامی در خفه کردن اعتراضات کارگری در ایران است. در سال پنجاه نیز صف اعتراضی کارگران جهان چیت کرج توسط مزدوران مسلح رژیم شاه در محل "کاروانسروا سنگی" با گلوله پاسخ داده شده بود که طی آن تعدادی از کارگران کشته و زخمی شدند.
در چند سال اخیر در راستای سیاستهای جدید جهانی سرمایه ، در ایران نیز استثمار و بی حقوقی مطلق کارگران شدت بی سابقه ای بخود گرفته است. اخراج و بیکارسازی و قراردادهای سفید امضاء، کاهش دستمزد و بالا کشیدن حقوق معوقه، لغو ابتدایی ترین بیمه های اجتماعی کارگری، تحمیل قوانین ضد کارگری در باز گذاشتن دست کارفرماها، سرکوب و اختناق، بحرانهای اقتصادی روزافزون، فقر و فلاکت و گرانی، حمله به سطح معیشت طبقه کارگر و توده های زحمتکش و ... بیش از پیش زندگی کارگران را به ورطه نابودی کشانده است در چنین شرایطی کارگران چاره ای جزمبارزه بر علیه اینهمه نابرابری را ندارند.
جمهوری اسلامی برای بقاء ننگین خود هر اعتراضی را با سرکوب و زندان و شکنجه پاسخ داده است. زندان های رژیم جمهوری اسلامی به شکنجه گاه و قتلگاه کارگران آگاه و زحمتکشان مبارز و انسانهای آزادیخواه تبدیل شده است. دهها کارگر مبارز و انقلابی فقط بجرم خواسته های اولیه از قبیل؛ مبارزه برای افزایش دستمزد، علیه بیکار سازی ها و حق تشکل و اعتصاب در زندان بسر می برنند و یا به حکم های بلند مدت محکوم شده اند.
سران رژیم جنایتکار و ضد کارگری جمهوری اسلامی که هر روزه با امواج خروشان مردم به جان آمده و به خصوص طبقه کارگر ایران روبروست، بار دیگر نشان داد آنجا که نتواند با حقه و نیرنگ فریاد اعتراض را خاموش کند، چهره خون آشام و واقعی خود را نمایان ساخته و همانطور که دیده شد وقیحانه کارگران را به گلوله می بندد. کارگران ایران هرگز چهره ی فریبکار اصلاح طلبان را به عنوان دولت وقت فراموش نخواهند کرد، دولتی که با به تصویب رساندن و اجرای سیاست های ضدکارگری، مسبب اصلی کشتار کارگران و زحمتکشان شهر بابک است. دولت

خاتمی که همچون رهبران و مقامات جنایتکار تاکنونی رژیم، در همان روزهای نخست به مردم قول داد که هرچه زودتر هیاتی برای بررسی عاملان کشتار راهی استان کرمان خواهد نمود، اما به جای آن با گسیل گارد ویژه کمکی که متشکل از کماندوهای ضد شورش بودند، عملا شهرک بابک را به یک پادگان نظامی بدل نمود.
بدیهی است که اینگونه حملات وحشیانه به کارگران فقط مختص به حاکمان سرمایه در ایران نیست. بورژوازی هر جا منفعتش به خطر بیافتد به روی کارگران آتش می گشاید و آنان را به رگبار می بندد، یا زندانی و شکنجه می نماید. در امرداد ماه امسال بود که کارگران زحمتکش معدن طلای سفید درآفریقای جنوبی برای افزایش دستمزد دست به اعتصاب زدند. اما مزدوران آدم کش سرمایه پاسخ آنان را با سلاح گرم دادند، به روی آنان آتش گشودند و حدود چهل تن از کارگران بی دفاع را به قتل رساندند. بورژوازی چه در حد کشوری و چه جهانی یک منفعت مشترک را دنبال می نماید استثمار وحشیانه برای سوددهی بیشتر. هر زمان که کارگران بر علیه این منفعت کثیف دست به اعتراض و اعتصاب بزنند به شدیدترین شکل مورد تهاجم و کشتار قرار می گیرند. اما طبقه کارگر برای خاتمه دادن به این اوضاع اسفناک چاره ای جز متشکل شدن ندارد. باید تاکید نمود، همانطور که دشمن قسم خورده طبقه ی کارگر، هر اعتراضی را با قهر پاسخ می دهد، در نهایت راهی جز قهر طبقاتی برای کارگران و زحمتکشان نمی گذارد.
کشتار وحشیانه کارگران ستم دیده کرمان، نه اولین و نه آخرین جنایت رژیم علیه کارگران است.طبقه کارگر ایران این جنایت را هرگز فراموش نخواهد کرد و به همین جهت، مناسب است تا روز چهارم بهمن روز جانباختگان جنبش کارگری یاد کارگران جانباخته خاتون آباد ودیگر کارگران جانباختگان از جمله یاد کارگران جان باخته آفریقای جنوبی نیز گرامی داشته شود و نفرت از این اعمال ضد کارگری را به یک مبارزه متحد و همبستگی طبقاتی جهانی برای نابودی نظم سرمایه داری و دولت هایش تبدیل نمود.
یاد کارگران جانباخته خاتون آباد و کلیه جانباختگان جنبش کارگری گرامی باد!
آزادی تمامی کارگران و فعالین کارگری فوری و بدون قید و شرط !
سرنگونی رژیم اسلامی و تحقق نان و آزادی از طریق طبقه کارگر متشکل میسر است !

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور
nhkommittehamahangi@gmail.com
http://nahadha.blogspot.com/
boltanxaberi@gmail.com
http://www.youtube.com/user/NahadhayHambastegy
پنجشنبه ۷ دی ۱۳۹۱ برابر با ۲۷ دسامبر ۲۰۱۲

سازمان تامین اجتماعی کارگران را برای گرفتن تاییدیه شغلی به اتحادیه‌های کارفرمایان ارجاع میدهد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 7 دی آمده است : اکبر شوکت رئیس هیئت مدیره انجمن صنفی کارگران ساختمانی کشور در این باره به ایلنا گفت: متاسفانه برخی شعب سازمان تامین اجتماعی و فنی و حرفه‌ای به جای آنکه با انجمن‌های صنفی که نمایندهٔ واقعی کارگران هستند ارتباط برقرار کنند، به همکاری با اتحادیه‌های بازرگانی و کارفرمایی روی آورده‌اند.
وی ادامه داد: من نمي‌دانم که قصد و نیت آن‌ها از این رفتار چیست. اخیرا شعبهٔ تامین اجتماعی در شهرستان ورامین با «اتحادیه تزیینات و صنوف سیار ساختمانی» که اتحادیه فروشندگان کاغذ دیواری و موکت و... است و ربطی به کارگران ساختمانی یا حتی نقاشان ندارند همکاری مي‌کند.
شوکت افزود: شعبه سازمان تامین اجتماعی شهرستان ورامین، کارگران را برای گرفتن تاییدیه شغلی خود به این اتحادیه معرفی مي‌کند. این اتحادیه از هر کارگر، مبلغی در حدود ۱۰۰ هزار تومان مي‌گیرد تا کارگر ساختمانی بودن فرد مراجعه کننده را تایید کنند.
دبیر اجرایی خانه کارگر قم در پایان اظهار داشت: گرفتن این مبلغ برای تایید کارگر بودن یا نبودن

قانونی نیست. یک زمانی فردی عضو انجمن صنفی کاری خودش مي‌شود و مبلغی را برای حق عضویت مي‌پردازد که در انجمن‌های کارگری اندک و سالیانه ۱۰ هزار تومان است. این یک رویهٔ عادی است اما اینکه برای تایید کارگر بودن یا نبودن مبلغی به میزان ۱۰۰ هزار تومان را به اتحادیه‌ای که کارش بازرگانی است پرداخت شود به هیچ وجه قابل قبول نیست.

رشوه یک میلیارد و دویست میلیون تومانی/رئیس سازمان بازرسی: ای بابا! اینجور چیزها که در مملکت بسیار است

به نوشته قطره در تاریخ 7 دی آمده است : ناصر نقویان در سخنرانی اخیر خود در دانشگاه تربیت مدرس، با انتقاد از برخی نابسامانی ها گفت: یکی از دوستان بنده برای اینکه پروژه‌ای را در وزارت نفت انجام دهد، مجبور شد به یکی از معاونین یا مدیران کل آن وزارتخانه، مبلغ یک میلیارد و دویست میلیون تومان رشوه بدهد و من وقتی کپی چک مربوط به آن رشوه را به آقای پورمحمدي، رئیس سازمان بازرسی کل کشور نشان داده و ایشان را در جریان آن موضوع قرار دادم، ایشان در جواب گفتند: ای بابا! اینجور چیزها که در مملکت بسیار است.

افزایش ۶۰ درصدی هزینه سبد معیشت یک خانوار

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 7 دی آمده است : اولین برآوردهای کارگران حاکی از افزایش ۶۰ درصدی هزینه سبد معیشت خانوار در یکسال گذشته است؛ با این حال در صورت تحقق خواسته کارگران برای افزایش مزد به میزان نرخ تورم؛ حداقل دستمزد سال ۹۲ یک رکورد جدید خواهد بود.
به گزارش مهر، به تازگی و در یکماه اخیر با هماهنگي‌های صورت گرفته از سوی وزارت تعاون، کار و رفاه نشست‌های مذاکره برای تعیین حداقل دستمزد سال آینده بیش از ۱۰میلیون کارگر و مشمولان قانون کار که به گفته مقامات کارگری بیش از ۵۰ درصد کل شاغلان کشور را شامل مي‌شود، آغاز شده است.
تاکنون ۲ نشست مقدماتی و اولیه در قالب شورای عالی کار و با حضور مقامات کارگري، کارفرمایی و دولت در زمینه چگونگی تعیین حداقل دستمزد سال جاری برگزار شده است.
علاوه بر گفت‌وگوهایی که در شورای عالی کار انجام شد، نمایندگان کارگری نیز با تشکیل ستادهای ویژه مزد مذاکراتی را در این باره انجام داده‌اند.
پیش‌تر مقامات کارگری اعلام کرده بودند با تشکیل کمیته‌هایی در استان‌ها، تغییرات قیمتی سبد معیشت خانوار شامل اقلام پرمصرف مانند هزینه‌های خرید نان، برنج، گوشت، مرغ، حمل‌ونقل، مسکن، بهداشت، تحصیل و مواردی از این دست بررسی و نتایج آن برای طرح در شورای عالی کار آماده خواهد شد.
همچنین تاکید کارگران در تعیین حداقل دستمزد سال آینده بر این موضوع استوار است که با توجه به جهش چشمگیر قیمت‌ها در بازار و بالا رفتن هزینه‌های آنان، حداقل دستمزد سال آینده نیز باید رشد قابل توجهی را داشته باشد که اگر با نرخ تورم حدود ۲۷ درصدی نیز تعیین شود؛ خود رکورد جدیدی در تعیین حداقل دستمزدها خواهد بود.
یک مقام مسوول کارگری که نخواست نامش فاش شود در گفتگو با مهر از مشخص‌شدن اولین برآورد از وضعیت تغییرات قیمت سبد معیشت خانوار کارگری خبر داد و گفت: از آذرماه سال گذشته تا آذرماه امسال، سبد معیشت خانوار به صورت متوسط ۶۰ درصد افزایش قیمت داشته است. وی با تاکید بر اینکه این میزان افزایش به اندازه رشد قیمت سکه و طلا بوده است، تصریح کرد: مقامات دولتی در ۲ نشست اخیر شورای عالی کار، از نمایندگان کارگری اعلام برآوردهای قیمتی به صورت عدد و رقم مشخص را درخواست کرده است.
این مقام مسئول کارگري، بیان داشت: همچنین تهیه گزارش تفصیلی از وضعیت معیشت و دستمزد کارگران نیز از دیگر مواردی است که شورای عالی کار از نمایندگان کارگری درخواست کرده است. به گفته وي، قرار است به زودی نمایندگان کارگری گزارشی از وضعیت متوسط قیمت‌ها ارائه کنند که با توجه به محاسبات فعلي، پیشنهادات و گزارش مستندی در اینباره ارائه مي‌شود.

همچنین یک مقام مسئول کارگری دیگر نیز اعلام کرد: محاسبات انجام شده بر اساس ۲۰۰۰ کالری مورد نیاز هر فرد در روز که از مصرف نان، برنج، حبوبات و انواع مواد غذایی به دست مي‌آید؛ انجام شده است. وی جمع بندي‌های صورت گرفته را به گزارشات نمایندگان کارگران از استان‌ها مربوط دانست و گفت: اعداد و ارقامی نیز به میزان ۱ میلیون و ۶۰۰ هزارتومان برآورد شده است. گفتنی است، طبق مصوبه اسفندماه سال ۹۰ شورای عالی کار؛ حداقل دستمزد امسال کارگران و مشمولان قانون کار به میزان ۳۸۹ هزار و ۷۰۰ تومان تعیین شده است که نسبت به ۳۳۰ هزار و ۳۰۰ تومان سال ۸۹، رشدی حدود ۱۸ درصد را نشان مي‌دهد

دموکراسی بدون جنبش نیرومند کارگری امکان پذیر نیست

گروه پژوهش کارگری

جمعه ۸ دی ۱۳۹۱ - ۲۸ دسامبر ۲۰۱۲

طبقه کارگر ایران در سالهای اخیر دورانی را می گذراند که با وجود پرشماری اعتراضات ، تجمع ها ، تحصن ها ، راه پیمایی ها و سرانجام اعتصابات که در ۶۰ سال گذشته (بجز در مقطع سالهای ۵۷ تا ۶۰) بی نظیر است ، اما همین طبقه کارگر از نظر سازماندهی و تشکلات در دوران فترت بسر می برد ! باوجودی که تشکلات مستقل کارگری با زمینه اعتراضات و اعتصابات پایه گذاری و گسترش می یابد ، اما سرکوب شدید آگاهان و فعالان کارگری توسط نیروهای امنیتی و انتظامی دولت و حکومت ،عمده ترین دلیلی است که سازماندهی کارگران را دچار ضعف نموده و اجازه گسترش به نطفه های آن را نداده است . عوامل مهم دیگری چون خارج شدن دو نسل از کارگران آگاه و فعالین کارگری به دلایل بازنشستگی ، کهولت سن ، زندانی و اعدام شدن ، اخراج و تلاش برای تکاپوی زندگی خانواده نیز در این ضعف دخیل بودند ، همچنین فترت و تفرقه نیروهای چپ و سوسیال دموکرات و بدلیل مجهز نشدن آنها به دانش مبارزه طبقاتی دیگر عوامل در عدم ایجاد جنبش کارگری بشمار می روند . تشکیلات زرد کارگری با حمایت همه جانبه از طرف مقامات دولتی و حکومتی و همچنین نیروهای امنیتی و انتظامی با وانمود کردن اینکه آنها تنها تشکیلات موجود کارگری بوده و با داشتن روابط خوب با دولت و کارفرماها قادرند خواسته های کارگران را تحقق بخشند ، نقش مخربی نیز در عدم ایجاد تشکلات مستقل کارگری داشتند . علاوه بر آن مسولان خانه کارگر و انجمنهای اسلامی و دیگر تشکیلات وابسته تلاش داشتند تا بعنوان شاخکهای نفوذی و جاسوسی و استفاده از کارگران ناآگاه ، سازماندهان تشکلات مستقل کارگری را شناسایی و از تحرک آنها برای ایجاد چنین تشکلاتی که آنرا برای خود فاجعه می دانستند ، بکمک نیروهای امنیتی و انتظامی جلوگیری نمایند . عدم ایجاد جنبش کارگری و رشد سریع اقشار متوسط بدلیل تبلیغات رژیم برای افزایش جمعیت که با تفکر اصلاح طلبی همراه بود ، موجب گردید تا برخلاف سالهای ۵۶ تا ۶۰ گسترش جنبش دانشجویی و روشنفکری برای برقراری دموکراسی مبتنی بر حقوق بشر مدافع جنبشهای دموکراتیک گردند و باین ترتیب مبارزه طبقاتی و برقراری سوسیالیسم از الویت تفکر سوسیال دموکراسی بکنار رفت .

سرکوب هر نوع جنبش دموکراتیک و کارگری ، چه تحت عنوان برابری جنسیتی ، قومی ، مذهبی ، صنفی و چه تحت عنوان فرهنگی ، اجتماعی ، اخلاقی و چه تحت عنوان آزادی مطبوعات ، اندیشه ، هنر و سرانجام هر فعالیتی که منجر به ایجاد تشکلات مستقل مدنی ، اجتماعی و کارگری گردد ، موجب الویت یافتن گسترش جنبشهای دموکراتیک در جامعه گردید . جنگ بین جناحهای حکومت در ۳۴ سال گذشته که همواره منجر به قدرت یابی بخش محدودتری از طبقه سرمایه داری می شد ، حذف بخشی از اقشار آن طبقه را بدنبال داشت که برای بدست گرفتن مجدد قدرت ، مجبور به نزدیک شدن به خرده بورژوازی و بخشی از اقشار طبقه متوسط می گردیدند . تفکر حاکم بر این حکومتگران سابق که حفظ نظام را برای کسب قدرت در الویت داشتند ، اصلاحات و گاها همراه با تغییر بخشی از قانون اساسی برای محدود کردن قدرت مطلقه ولایت فقیه بود ، بطوریکه دموکراسی ! مورد درخواست منجر به سقوط نظام نشود ! این گروه های نامتجانس که در طول ۳۴ سال گذشته در قالبهای روحانیت

و روحانیون ، خط امامی و نهضت آزادی ، مجاهدین انقلاب اسلامی یا مشارکت و گروه سازندگی ، سپاهی و نیروهای امنیتی ، تحکیم وحدت و انجمنهای اسلامی و یا تحت نامهای دیگر باهم درگیر بودند ، سرانجام در سالهای اخیر زیر پوشش دو قطب اصلاح طلبان و اصولگرایان به مقابله با یکدیگر پرداخته اند . تفکر اصلاح طلبی بخاطر بافتهای نیرومندی که در طول سالیان حکومتگری جایگزین سایر اندیشه های مترقی نموده بود بهمراه مواردی که در بالا گفته شد ، توانست بر امواج جنبشهای دموکراتیک سوار شده و خود را غالب نماید . یکی از دلایل عمده شکست جنبش سبز نیز وجود همین تفکر اصلاح طلبی بود که حفظ نظام را در الویت داشته و توانسته بود تا استراتژی نیروهای عمده مخالفان ایرانی را در داخل و خارج کشور تغییر داده و لذا جنبش دموکراتیکی را کمرنگ نماید .
اقتصاد مبتنی بر فساد رانتی وابسته به بیت رهبری و دولتی و جناحی ، واردات بی کیفیت چینی و هندی پرسود قاچاقی بهمراه توقف تولید صنعتی و محصولات کشاورزی ، وارد شدن سپاه در همه عرصه های اقتصادی ، توقف پروژه های نفتی و صنعتی بدلیل تحریم اقتصادی و کمبود بودجه ، حذف سوبسیدها و استفاده از بودجه های دولتی برای پرداخت یارانه ها ، استفاده نامشروع از فروش ارز حاصل از نفت و صادرات ، هزینه های سرسام آور انرژی هسته ای و باج به سران برخی از کشورها و تروریستهای منطقه برای ایجاد بحران ، اختلاف جناحهای حکومت برای منافع اقتصادی و سیاسی بیشتر ، بالا بردن قیمت کالاهای اساسی با پایین نگاه داشتن دستمزد ، تولید چاپ اسکناس و افزایش نقدینگی ، ممنوعیت انتقال ارز بین بانکها برای واردات مواد و قطعات مصرفی ، پایین آمدن فروش نفت و کم شدن درآمد صادراتی ، کم شدن درآمد مالیاتی دولت بدلیل عدم پرداخت شرکتهای وابسته به جناحها و سپاه بهمراه کاهش درآمد سایر بخشها و مواردی دیگر که منجر به حذف بخش بزرگی از سرمایه داران و خرده بورژوازی از قدرت گردید . در نتیجه با وجود افزوده شدن نیروهای جدید به صف کار ، میلیونها کارگر بخاطر بحران اقتصادی حاصل از دلایل گفته شده بیکار شدند که البته باید مهاجران روستایی خواستار کار و خرده بورژوایی شهرهای کوچک را بعنوان حاشیه نشینان شهری با انواع آلودگی را نیز به آنها اضافه نمود . باین ترتیب بسیاری از اقشار پایین طبقه سرمایه داری و اقشار متوسط به کارگزاران خدماتی و یا به کارگران و کارمندان حقوق بگیر پیوستند تا صف بیکاران را طولانی تر نموده و خاستگاه طبقاتی خرده بورژوازی را نیز در میان کارگران رسوخ دهند . قوانین کار که دست صاحبان سرمایه را با توجه به پیروی از سیاستهای نئولیبرالیستی کاملا باز گذاشته بود و طبقه کارگر بدلیل سرکوب شدید از عدم تشکلات مستقل کارگری رنج می برد ، خیل بیکاران را برای پایین ترین دستمزد روانه بازار کار نمود تا بیشترین سوء استفاده برای تثبیت قراردادهای سفید امضا با حقوق پایینتر برای کارفرمایان سودجو تامین گردد . در حال حاضر اعتراضات و اعتصابات فراوان کارگری بدلایلی همچون عدم پرداخت ماهها حقوق و مزایایعقب افتاده ، قراردادهای موقت و سفید امضا ، وجود پیمانکاران واسطه و وابسته ، حقوق ناچیز بیمه بازنشستگی برای کسانی که سرانجام با مشکلات فراوان بازنشسته می شدند و پرداخت بیمه بیکاری که با سخت گیری فراوان همراه بود ، مشخصه سالهای اخیر کشور می باشند .
جنبشهای دموکراتیک در طول نیمه دوم قرن بیستم و سالهای اخیر برای حل مشکلات جوامع بسیاری از کشورها از جمله ایران براه افتاد که به جنبشهای مسالمت آمیز و مبارزات بی خشونت مشهور گردیدند که با سقوط برخی از دیکتاتورها چنین شیوه های مبارزاتی بعنوان تفکر غالب در جوامع عقب افتاده شد . گاندی یکی از مهمترین کسانی بود که مبارزات بی خشونت وی علیه امپراتوری انگلستان سرمشق بسیاری از جنبشهای دموکراتیک گردید ، گاندی در جواب یکی از رهبران سیاهپوست آمریکا گفته بود ؛ خشونت پرهیزی بزرگترین و اثربخش ترین نیرو در جهان است . گاندی در مبارزه خود از مذهب نیز بعنوان دستمایه ای برای به حرکت در آوردن اقشار مختلف مردم در تفسیر مبارزات بی خشونت استفاده می کرد ، اما در اینراه وی مذهبی را بر مذهب دیگر برتری نمی داد . جنبش همبستگی لهستان در سالهای ۱۹۸۰که بر محور اتحادیه های کارگری استوار بود و توانست پس از دوسال تظاهرات و اعتصابات نیرومند ، حزب کمونیست را در انتخابات شکست دهد که دولت لهستان تنها با حمایت ارتش شوروی آنرا کنترل نمود . گرچه با سقوط دولت مقتدر شوروی در زمان گورباچف و پاشیدن اقمار اروپای شرقی در سال ۱۹۸۸، جنبش همبستگی مجددا قدرت یافته و لخ

والسا بعنوان رهبر آن حتی به ریاست جمهوری لهستان نیز انتخاب گردید . جنبش رنگین پوستان جنوب آمریکا در سالهای ۱۹۶۰ که جنبشی بر علیه نژاد پرستی بود ، توانست جنبشی نیرومند را تدارک بیند که با کشته شدن مارتین لوترکینگ مبارزات آنها به اوج رسید تا سرانجام به نسبتی از برقراری برابری نژادی موفق شدند . جنبش دانشجویی صربستان نیز با رهبری کسانی همچون ایوان مارویک در سال ۱۹۹۶ توانست دولت مقتدر صربستان را زیر سوال ببرد ، تا نوع دیگری از جنبش دموکراتیک را برضد دیکتاتوریها نشان دهد . نلسون ماندلا و جنبش آفریقای جنوبی که در ابتدا با شیوه مبارزه مسلحانه و سپس با تکیه بر مبارزات بی خشونت به مقابله با رژیم نژاد پرست پرداختند ، خود الگوی بسیاری از جنبشهای دموکراتیک در بسیاری از کشورهای جهان گردیدند . جنبش دموکراتیک سالهای ۵۶ و ۵۷ در ایران که به سقوط سلطنت پهلوی انجامید ، نیز از ترکیب اعتصابات کارگری و مخالفتهای اقشار متوسط با پوشش مذهب برای رسیدن به دموکراسی آغاز گردید که در ادامه به الگویی در کشورهای همسایه و عربی تبدیل گردید .
بنابراین جنبشهای دموکراتیک در اکثر کشورهای قاره های آسیا ، آفریقا ، آمریکا و اروپا با ترکیبهای گوناگونی از جنبشهای کارگری ، دانشجویی ، ضد نژاد پرستی ، برابری جنسیتی ، برابری مذهبی و قومی با پشتیبانی از اعتراضات و اعتصابات کارگران براه افتاد و این موضوع قدرتهای بزرگ غرب و شرق را نیز بفکر راه چاره ای انداخت تا سود سرشارشان ضربه نخورد . بررسی جنبشهای دموکراتیک نیرومند سالیان اخیر نشان داد که دیکتاتوریها هرچند قدرتمند باشند خواهند توانست بکمک یکسری مکانیزمها پیروز گردند اما نتایج حاکیست که باوجود سقوط بسیاری از دیکتاتورهای پیشین ، نه تنها تغییری در نظامهای جدید ایجاد نشده و دموکراسی نیز بدست نیامده ، بلکه حکومتی دیگر با تکیه بر نظام طبقاتی حاکم گردید . باید سوال کرد که چرا عدم استقرار دموکراسی با وجود پیروزی جنبشهای دموکراتیک ، موجب نگردیده که این استراتژی مورد تردید اساسی قرار گیرد ، درحالیکه بدلیل انحرافات انقلابات سوسیالیستی ، تبلیغات گسترده ای در جهان مبنی بر نفی سوسیالیسم براه افتاده است ؟ با وجودیکه تعداد محدودی از انقلاب سوسیالیستی در جهان روی داد که نتوانستند به آرمان سوسیالیسم و نفی طبقات تحقق بخشند ، اما باوجود تعداد فراوان جنبشهای دموکراتیک پیروز و ناموفق که نتوانستند دموکراسی را برقرار کنند ، بازهم بدلیل حمایت اقشار متوسط و تبلیغات فراوان غربیها ، همچنان جنبش دموکراتیکی بعنوان تنها راه حل رسیدن به دموکراسی شمرده شده است . متاسفانه بخشی از سوسیال دموکراسی و روشنفکران با استفاده غلط از دانش مبارزاتی و بویژه لنین ، به دلیل عدم درک شرایط اواخر قرن ۱۹ تا حدود نیم قرن پیش که جنبشهای ملی و دموکراتیک برای برخی از کشورها یک ضرورت بود ، جنبش دموکراتیک را مرحله اول سوسیالیسم نامیدند . درحالیکه با دانشی که توسط مارکس و انگلس و سپس دیگران پایه ریزی گردید ، دیگر سوسیالیسم یک ضرورت بوده و جنبشهای دموکراتیک زمانی قادر به برقراری دموکراسی خواهند بود که جنبشهای نیرومند کارگری شکل گرفته و بتواند رهبری جنبشها را برای نفی طبقات بعهده گیرد .
در اکثر جنبشهای دموکراتیک مبارزه طبقاتی تحت شعاع جنبشها قرارداشته و مقابله با ضد دیکتاتوری مترادف با ایجاد دموکراسی محسوب می گردید که باورهای مذهبی اقشار مختلف نیز در جهت مقابله با رژیم حاکم در نظر گرفته می شد ، در حالیکه استثمار کارگران باید محور اساسی برای عدم تحقق دموکراسی نگریسته می شد . در نتیجه رهبری جنبشها در بهترین وضعیت بدست سوسیال دموکراسی و اقشار متوسط قرار می گرفت و یا در بدترین حالت این خرده بورژوازی و اقشار جناحی طبقه حاکم بودند که رهبری جنبش را بدست می گرفتند و در اکثر آنها جنبش های کارگری و یا کارگران بعنوان بخشی از جنبش و یا نیروی پیاده آن محسوب می گردیدند . اگرچه در سرنگونی دیکتاتور و تکیه بر باورهای مذهبی که نظام طبقاتی را مورد یورش قرار نمی داد اما با منافع قدرتهای بزرگ همخوانی داشت ، چه آنها نیازی به دفاع و پشتیبانی از دیکتاتور پیشین نداشتند که تاریخ مصرفش به پایان رسیده بود . این همخوانی با قدرت روز افزون دیکتاتورها به نتیجه ای رسید که اصولا بدون همراهی و پشتیبانی قدرتهای بزرگ ، امکان پیروزی جنبشها وجود ندارد ! لذا سرنگونی دیکتاتورهایی در کشورهای آسیایی همچون برمه ، اندونزی ، فیلیپین ، ایران ، افغانستان ، عراق و غیره ، در کشورهای آمریکایی همچون نیکاراگوا ، کلمبیا ، ونزوئلا ، برزیل ، آرژانتین ، بولیوی و غیره ، در

کشورهای آفریقایی همچون آفریقای جنوبی ، موزامبیک ، غنا ، اتیوپی ، کنگو و غیره ، در کشورهای اروپایی همچون یوگسلاوی ، لهستان ، آلمان شرقی ، چکسلواکی و غیره که بیشتر از اقمار شوروی بودند ، در جهت ایجاد بازار مصرف کالاهای مصرفی و اسلحه بسیار مورد سودجویان شرکتهای بین المللی واقع شده و همواره نوعی دیگر از دیکتاتوریهای جدید را به ارمغان آورده است . آنچه تاسف آور بود تکیه برخی از جنبشهای دموکراتیکی در کشورهای وابسته به اقمار شوروی بودند که پس از سالیان دراز از گذشت انقلابات سوسیالیستی بازهم به به مذهب برای جایگزینی حکومت نیز تکیه می کردند ، گرچه در بسیاری از جنبشهای دموکراتیک سایر کشورهای جهان مذهب محور محسوب می گردید ! از مدونای پوزنان که از محبوبترین نماد کلیسای کاتولیک کشور در لهستان بود تا مذهب شیعه که بعنوان الگویی در راه رهایی از ستم حکومتها در کشور ایران بود ، حاکی است که بدلیل ریشه عمیق دیکتاتوری و سانسور هر نوع تفکر دیگر ، هنوز نهادهای قدرتمند مدنی نتوانسته اند با تفکر حتی دموکراسی مبتنی بر حقوق بشری جانشین بهتری برای باورهای مذهبی اقشار گوناگون مردم باشند ! بهمین دلیل اتحادیه های نیرومند کارگری لهستان و اعتصابات مهم صنعت نفت و نیروگاههای برق در ایران تنها بعنوان سیاهی لشگر مورد استفاده قرار گرفتند ، بطوریکه لخ والسا در اعتصابات آوریل ۱۹۸۸ گفت که طرفدار اعتصاب نیستم اما بر ضد آن هم نیستم و کارگران جوان آنها را با چشم سناتورهای جنبش محسوب می کردند و کما اینکه اعتصابات در صنعت نفت نیز پس از استقرار جمهوری اسلامی ممنوع گردید !
بسیاری از اندیشمندان و مبارزان طبقاتی کوشش فراوانی کردند تا تغییر جهت انقلابات سوسیالیستی را دریافته و ثابت کنند که رهبری طبقه کارگر برای دگرگونی نظامهای سرمایه داری لازم و ضروری است . اما تبلیغات رسانه ای قدرتهای بزرگ غربی بدلیل فروش کالاهای مصرفی و سلاح و سرکوب جنبشهای کارگری توسط دیکتاتورهای بومی ، سبب گردید تا جنبشهای دموکراتیک خود را جایگزین جنبشهای کارگری نمایند و البته وجود دیکتاتوری در کشورهایی که انقلاب سوسیالیستی کرده بودند ، بهمراه سودجویی قدرتهایی همچون روسیه و چین نیز بر دامنه چنین تفکری افزود . در نتیجه سازمانهای مختلفی در جهت رشد افکار مبارزات بی خشونت همچون انستیتوی آلبرت انشتین در جهت کمک به مطالعه و استفاده استراتژیک از شیوه های پیکار خشونت پرهیز در سراسر جهان تاسیس گردید که هدفش ؛ پشتیبانی از آزادیها و نهادهای دموکراتیک ، مخالفت با سرکوب و دیکتاتوری و کشتار جمعی ، کاهش استفاده از خشونت به مثابه ابزار حکومت است و روشنفکرانی همچون جین شارپ ، پیتر اکرمن ، جک دوال و سایرین در جهت توسعه این افکار قرار گرفتند . جنگهای مسلحانه که توسط بسیاری از جنبشها در کشورهای آمریکای مرکزی و جنوبی و کشورهای آسیا و آفریقا برای سرنگونی دیکتاتورهای حاکم انجام گردید و همواره کشتار فراوان را بدنبال داشت ، خود بر گسترش تفکر مبارزات بی خشونت افزود . در نتیجه بجای آنکه عمدگی مبارزات طبقاتی باشد ، مبارزات بی خشونت و انتخابات آزاد که شیوه های مورد استفاده جنبشها هستند ، محور اصلی محسوب گردیدند . در حالیکه با توجه به اینکه سرانجام همه این جنبشهای دموکراتیک چه با شیوه مبارزه مسلحانه و چه با شیوه مبارزات بی خشونت به استقرار نظام طبقاتی با دیکتاتوریهای جدید منجر گردید ، می بایست نتیجه گرفت که جنبشهای دموکراتیک بدون تکیه بر رهبری جنبشهای نیرومند کارگری قادر نخواهند شد تا دموکراسی را جایگزین دیکتاتوری پیشین نمایند . با وجودیکه مبارزه مسلحانه بدلیل کسب قدرت برای احزاب ، موجب رشد سانترالیسم و دیکتاتوری می گردد و بنظر می رسد که مبارزات بی خشونت به رشد دموکراسی کمک می کند ، اما در حقیقت مبارزه مسلحانه و یا بی خشونت نه استراتژی و بلکه شیوه های مبارزاتی هستند که باید در پروسه مقابله با طبقه سرمایه دار درنظر گرفته شوند و سانترالیسم دموکراتی موضوعی است که باید در این مبارزه شکل گیرد .
جنبش سبز سال ۸۸ ایران و در ادامه سقوط دیکتاتورهای تونس ، مصر ، لیبی که هرکدام از جنبشهای متفاوتی برخوردار و اما در همگی آنها مذهب و مکانیزم قدرتهای غربی تاثیر مهمی داشت ، به تغییر کیفی در نظام طبقاتی منجر نگردید . در این میان تجربه این سرنگونیها ثابت کرد که چه توسط دخالت غیرمستقیم قدرتهای بزرگ همچون مثالهای فوق و چه توسط دخالت جنگی مستقیم آنها همچون در عراق و افغانستان ، نه تنها حکومت دموکراتیکی

سرکار نخواهد آمد ، بلکه مبارزه طبقاتی را برای مدت زمان بیشتری به تاخیر خواهد انداخت . جنبشهای نوع آمریکای مرکزی که برپایه پوپولیسم و توزیع بیشتر درآمد بر اقشار زحمتکش و کارگر نیز متکی است ، در حقیقت نه تنها به حذف دیکتاتوری نیانجامیده و ظاهر ضد غربی دارند ، بلکه با ارتباط سران آنها با سران کشورهایی همچون جمهوری اسلامی و سوریه نشان از ارتجاعی بودن آنها و تکیه برسود و باج بیشتر آنها دارد . بنابراین اگرچه انقلابات سوسیالیستی به دیکتاتوریهائی منجر گردیدند ، اما چه کودتاهای نظامی و چه جنبشهای دموکراتیک با شیوه های مبارزات مسلحانه و بی خشونت نیز به سرانجامی جز تجدید نظام طبقاتی نرسیدند . اگر منطق ایجاد دموکراسی برای همه طبقات و اقشار محوری باشد ، ضرورت ایجاب می کند که کارگران و اقشار کم درآمد نیز از دموکراسی بهره مند گردند و این از طریق جنبشهای دموکراتیک مبتنی بر اصول حقوق بشر میسر نخواهد گردید که اگر حق تشکل و اعتصاب را برای کارگران مجاز می داند ، حق استثمار کارگران توسط سرمایه داران و دولت را نیز مجاز می شمارد . نتیجه منطقی که می توان گرفت ، اینکه نهادهای کارگری و دموکراتیک مبتنی بر کارگران و اقشار متوسط بهمراه سوسیال دموکرات باید چنان مقتدر گردند که برای آنها گرفتن هر نوع کمک خارجی تعیین کننده نبوده و آنها باید خود قادر باشند تا دیکتاتور حاکم و نظام طبقاتی را سرنگون نمایند . باید نتیجه گرفت که دموکراسی برای طبقه سرمایه دار ، استثمار را برای کارگران دربر دارد ، دموکراسی برای اقشار متوسط و سوسیال دموکراسی ، اگر امکان واقعیت داشته باشد ، بازهم نظام طبقاتی را تغییر نمی دهد ، لذا تنها دموکراسی برای پایین ترین اقشار یک جامعه یعنی کارگران است که دموکراسی برای کل جامعه را امکان پذیر می نماید .

در حال حاضر طبقه کارگر ایران بدور از سازماندهی طبقه خود هستند و آگاهان و فعالان کارگری با توجه به کمبود نیرو ، تلاش دارند تا اعتراضات و اعتصابات فراوان کارگری را به تشکلات مستقل فراخوانند . راه دشواری در پیش است ، اما نه تنها غیرممکن نیست ، بلکه ضرورتی انکارناپذیر است ، راهیست گرچه امکانش مشکل بنظر می رسد ، اما اگر حرکتهای اولیه آن صورت بگیرد دیگر توسط نیروهای امنیتی قابل سرکوب نخواهد بود . این راه دشوار نیازمند همه نیروهایی است که باور به رهبری کارگران دارند ، چه آنها که خود را کمونیست می نامند و چه آنهایی که باور دارند تنها زمانی سوسیالیست و کمونیستند که مادیت آنرا در جامعه با سازماندهی تشکلات مستقل کارگری فراهم کرده باشند . این راه سخت بهمه نیروهای چپ که باور به حزب کارگری ، یا باور به شوراهای کارگری ، یا باور به لغو کارمزدی ، یا باور به مجمع کارگری ، یا باور به سندیکاهای مستقل کارگری که در ادامه به تشکلات سیاسی کارگری تحول می یابد و یا هر نوع تشکل مستقل کارگری دیگری هستند ، با حفظ برخورد تئوریکی با یکدیگر و بشرطی که رهبری تشکل را نه در خود و بلکه در کارگران آگاه ببینند ، نیازمند است . در پروسه ایجاد جنبش کارگری ضرورت نوع تشکل مشخص شده ، انحرافات سوسیال دموکراسی زدوده خواهند شد و هم تاکتیکها با توجه به استراتژی تعیین خواهند گردید . اما در حال حاضر ابتدا لازمست تا تعدادی تشکل مستقل با نیروی سازماندهی شده کارگران ایجاد گردد بطوریکه با سرکوب نیروهای امنیتی و سپاه ازهم متلاشی نگردد و کادرهای بسیار و آگاه کارگران امکان جایگزینی با کارگران و فعالین دستگیر شده را داشته باشند .

کار مشترک گروههای داخل و خارج می تواند حداقل در مورد حمایت از کارگران زندانی و آزادی آنها ، پشتیبانی اعتراضات کارگران ، اعتراض به رشد حوادث کاری کارگران و کمبود تجهیزات ایمنی ، پشتیبانی از عدم اجرای قانون رسمی شدن کارگران پیمانکاری و حذف پیمانکاران ، حمایت از حذف قرارداد موقت و اجباری شدن بیمه بیکاری ، پشتیبانی از لغو اصلاحیه قانون کار و تامین اجتماعی با فشار به رییس دولت و مجلس ، حمایت از حق تشکل مستقل و اعتصاب ، حمایت همه جانبه از امضاهای کارگران در بالا بردن دستمزد و سازماندهی آنها ، پشتیبانی از حقوق برابر کارگران زن و جلوگیری از کار کودکان در حالیکه آموزش پرورش جشن نان آوران خانه را برای تثبیت کار کودکان می گیرد ، حمایت همگانی از استخدام رسمی کارگران پیمانکاریها ، حمایت از افزایش حقوق بازنشستگان ، افشای تشکیلات زرد کارگری و عدم شرکت در انتخابات فرمایشی ، اعتراض به کارگران اخراجی و زندانی که در زندان نیز دست از مبارزه برنداشته اند ، نامه به سازمانهای حقوقی و کارگری بین المللی و مواردی

دیگر باشد . در مراحل بعدی که تشکلات مستقل بیشتر پا گرفتند حمله به سیاستهای اقتصادی و سیاسی دولت ، گرانی و فشار اقتصادی ناشی از فساد حکومتی ، افشا کردن سیاستهای نئولیبرالیستی ، روشن کردن استثمار کارگران در جوامع طبقاتی و موارد دیگر باشد . بخشی از اخبار کارگری یکماه اخیر که به پیوست است حاکیست که اعتراضات و تجمعات و اعتصابات آنها گاهی پیروز و گاهی با شکست همراه بوده و هیچگاه تمامی ندارد و اینکه کارگران آماده سازماندهی و تشکلند و نیاز به کارگران آگاه ضرورتی انکار ناپذیر است .
اخبار رسمی گفته شده توسط مسولین مجلسی و دولتی نشان از این دارد که بیش از نیمی از همه شهرکهای صنعتی متوقف شده و کارگران آنها بیکار شده اند ، وضعیت اقتصادی در بخش‌های تولیدی و خدماتی کشور به زیر ۴۰ درصد نزول کرده ، قیمت محصولات تولیدی ۸۷,۹ درصد افزایش و قیمت مواد اولیه ۱۱۲,۱ درصد افزایش داشته ، و دولت با وجود کمترین پرداخت در حق بیمه کارگران دست به دخالت در سازمان تامین اجتماعی زده و حقوق کارگران را در پایین ترین سطح نگاه داشته است . در حالیکه سازمان تامین اجتماعی سازمانی غیر دولتی و متعلق به بیمه شدگان و نسلهای مختلف است و دولت همانطور که کمترین سهم را در میان شرکای اجتماعی دارد ، می‌بایستی کمترین دخالت را در اداره و تصمیم‌سازی در سازمان تامین اجتماعی داشته باشد . اخبار کارگری حاکیست که کارگران حتی برای تامین معاش زندگی خود ناچارند در تداوم اعتصابات بکوشند و لذا فضای کاری برای سازماندهی آنها از هرنظر آماده است .
زمانیکه تعدادی از کارگران پیمانکارهای پتروشیمی توانستند از قیود شرکتهای واسطه رها و به کارگران رسمی صنعت نفت تبدیل گردند ، گرچه تعداد زیادی از آنها نیز با ترفندهای دولت و تحت نام قانون استخدامی همچنان درگیرند ولی نیرویشان برای تحقق خواسته ها کمتر شده ، اهمیت تداوم تشکل مستقل درک می گردد . زمانیکه کارگران بازنشسته ذوب آهن براثر اعتصابات در پروسه گرفتن حقوق مورد درخواست خود پافشاری می کنند ، معنی تشکل مستقل درک می گردد . زمانیکه کارگران فولاد با اعتراضات خود همچنان نسبت به نوع بیمه خود درگیرند ، زمانیکه کارگران برخی از نساجی ها ، خودرو سازیها و غیره به درک تشکل مستقل برای تامین خواسته های خود می رسند ، در ادامه اکثریت کارگران درمی یابند که باوجود تمام تلاش ، آنها بازهم در پایین ترین قشر جامعه جای داشته و حقوق آنها همچنان تکافوی تورم و بحران اقتصادی ناشی از استثمار و فساد مسولان را نمی دهد . زمانیکه کارگران معدن بالی طبس کشته شده و سرنوشت آنها با وجود همه شعارهای مسولان زرد کارگری و نمایندگان زرد مجلس ، همچون سرنوشت سایر کارگران معلول و کشته شده سالهای پیشین سایر معادن دچار می گردد و اینکه حوادث کارگری رو به افزایش است ، اهمیت تشکل مستقل درک می گردد . زمانیکه صدای ۳۰،۰۰۰ امضای کارگران به مسولانی همچون وزیر کار ، رییس مجلس ، رییس دولت ، رییس قوه قضاییه و سایر مسولان شنیده نمی گردد و اگرهم شنیده شود موقتی است و درمانش با مسکن امکان پذیر نیست ، وظیفه سنگین کارگران آگاه برای سازماندهی چنین نیروهایی روشن و آشکار می گردد . زمانیکه کارگران با وجود رسمیت یافتن قراردادهای سفید امضا و موقتی ، بازهم تلاش مسولان دولتی را می بینند که در صدد تصویب قوانین بیشتری برضد کارگران بعنوان اصلاح قانون کار هستند ، آشکار می گردد که این مشکلات تا بودن طبقه سرمایه دار برقرارند . زمانیکه کارگران آگاه و فعالین کارگری هنوز در زندانها بسر برده و مداوای آنها با وجود احتمال معلول شدن صورت نمی پذیرد ، آینده تاریک کارگران در صورت ماندن در وضعیت پراکنده فعلی روشن خواهد شد .
در آنزمان کارگران ناگزیر خواهند شد تا تشکلات مستقل خود را همزمان با درخواستهای اقتصادی ، حول خواسته های سیاسی متمرکز نمایند تا دیگر امکان استثمار آنها نباشد .
بنابراین کارگران آگاه و فعالین کارگری بهمراه نیروهای چپ باور به رهبری کارگران چاره ای ندارند تا تمام هم خود را برای سازماندهی کارگران و ایجاد تشکلات مستقل بکار گیرند و از تفرقه ای که توسط سرکوب حکومت و تفکر برخی نیروهای سوسیال دموکرات پیش می آید ، جلوگیری کنند .

گروه پژوهش کارگری آذر ۱۳۹۱

پیوستها

http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=31651
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=31588
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=31349
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=31391
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=31167
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=31271
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=31202
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=31152
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=27756
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=30895
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=30771
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=30505
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=30511
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=30098
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=30048
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=29859
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=29679
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=29624
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=29352
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=29378
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=28878
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=28498
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=28267
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=27733
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=27490
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=27455
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=26704
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=26275
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=25220
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=25209
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=30449
http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2012/12/blog-post_23.html
http://kanoonmodafean1.blogspot.ca/2012/12/blog-post_15.html
http://www.etehadeh.com/?page=news&nid=2737
http://www.etehadeh.com/?page=news&nid=2728
http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1189:-45----------&catid=10:1389-12-23-23-55-18&Itemid=26
http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1194:1391-10-06-21-11-06&catid=14:1389-12-23-23-57-18&Itemid=27

از ٦٥٠ کارگر کارخانه همگام خودرو آسیا تاکنون ۳۰۰ نفر اخراج شده اند و دستمزد کارگران شاغل با چهار ماه تاخیر پرداخت میشود

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 8 دی آمده است : بدنبال بحران در خودرو سازیها و کارخانه های قطعه سازی، از ٦٥٠ کارگر کارخانه همگام خودرو آسیا ۳۰۰ نفر از آنان

از اول سال جاری بصورت تدریجی از کار خود اخراج شده اند و بر شدت کار در این کارخانه افزوده شده است.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارخانه تولید کننده بدنه پژو ۲۰۶، قطعات خودرو رانا و خودوری ال ۹۰ و طرف قرارداد مستقیم با شرکتهای ایساکو، ساپکو و ایران خودرو است.
گذشته از اخراج ۳۰۰ کارگر این کارخانه، ۳۵۰ کارگر شاغل این کارخانه نیز در شرایط مشقت باری مشغول بکار هستند. این کارگران از شهریور تا سوم دی ماه جاری دستمزدهای خود را دریافت نکرده بودند و از سوی دیگر کارفرما بطور غیر قانونی مرخصی سالیانه کارگران را کاهش داده و بمدت ۱۵ دقیقه ساعت کار روزانه را افزایش داده است به همین دلیل کارگران این کارخانه در اعتراض به شدت کار و عدم پرداخت دستمزدهایشان روز سوم دی ماه بمدت یکروز بطور یکپارچه ای دست به اعتصاب زدند و در مقابل درب اداری کارخانه دست به تجمع زدند.
در این اعتصاب صیادی مدیر عامل کارخانه به کارگران اظهار داشت: شرکتهای اصلی یعنی ایران خودرو و ایساکو و ساپکو بابت تولیدات کارخانه به درستی پول به ما نمیدهند وما هم پول نداریم که به شما بدهیم هرکاری میخواهید بکنید!
با اینحال کارفرمای کارخانه ناچار شد روز پس از اعتصاب، دستمزد شهریور و دو روز بعد دستمزد مهر ماه کارگران را پرداخت کند اما هیچ اقدامی در رابطه با بر قراری مرخصی قانونی سالیانه و افزایش ۱۵ دقیقه کار روزانه انجام نداد.
کارگران کارخانه همگام خودرو آسیا در اعتراض به شرایط خود تیر ماه سالجاری نیز دست به اعتصاب زده بودند. این کارخانه درمنطقه شهرک صنعتی علویجه اصفهان قرار دارد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران- هشتم دی ماه ۱۳۹۱

قیمت روغن‌موتور خودروها حداقل 50 درصد گران مي‌شود

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 9 دی 1391 آمده است : همزمان با افزایش بیش از 80 درصدی بهای خوراک پالایشگاه‌های روغن‌سازی و محاسبه قیمت خوراک این صنایع با دلار مبادلاتي، فعالان این صنعت نفتی از احتمال افزایش حداقل 50 درصدی قیمت انواع روغن‌موتور خودروهای سبک و سنگین در بازار خبر مي‌دهند.
به گزارش خبرنگار مهر، تردد نزدیک به 20 میلیون دستگاه انواع خودروهای سبک و سنگین در کشو موجب شده است که ایران به یکی از بزرگترین بازارهای مصرف انواع روغن موتور و روغن‌های صنعتی خودروهای جهان تبدیل شود.
در حال حاضر ایران به دلیل در اختیار داشتن نوع انحصاری "نفت رافینیتی" تنها تولید کننده یک محصول نفتی به نام "لوبکات" در سطح منطقه خاورمیانه است به طوري‌که برخی از کشورهای نفت‌خیز حاشیه خلیج فارس همچون عراق، عربستان سعودی و کویت هم با وجود ساخت پالایشگاه‌های متعدد نفت هیچگونه ظرفیتی برای تولید لوکات ندارند.
لوبکات خوراک پالایشگاه‌های روغن سازی کشور است که پس از تصفیه برای تولید روغن انواع خودرو مورد استفاده قرار مي‌گیرد و در شرایط فعلی هم کشور با ساخت و راه اندازی صنایع تکمیلی از ظرفیت تولید سالانه یک میلیون تن اتواع روغن موتور برخوردار است.
از سوی دیگر همزمان با تامین نیاز بازارهای داخلی به انواع روغن موتور، ایران یکی از بزرگترین صادر کنندگان روغن موتور به کشورهای مختلف جهان همچون ترکیه، عراق، امارات متحده عربي، هند و برخی از کشورهای اروپایی و آفریقایی بوده و سالانه بیش از 300 هزار تن از این محصول نفتی به بازارهای جهانی صادر مي‌شود.
با وجود تمامی مزیت‌های جغرافیائی و طبیعی ایران برای تولید و صادرات انواع روغن موتور به عنوان یک محصول غیر نفتي، از ابتدای دی ماه سالجاری شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی با دریافت بخشنامه بانک مرکزی اقدام به افزایش بیش از 80 درصدی قیمت خوراک صنایع و پالایشگاه‌های روغن سازی کشور کرده است.
به عبارت دیگر، با اجرای این بخشنامه بانک مرکزی مبنای محاسبه خوراک پالایشگاه‌های

روغن سازی به جای ارز مرجع با دلار مرکز مبالاتی محاسبه خواهد شد.
به اعتقاد فعالان این صنعت پالایشگاهي، این افزایش قیمت خوراک علاوه بر اینکه زمینه گرانی حداقل 50 درصدی قیمت انواع روغن موتور در داخل کشور را فراهم می کند، بازارهای صادرات این محصول نفتی ایران را هم تحت تاثیر قرار خواهد داد.

بیاینه مشترک سندیکاها، اتحادیه ها ودیگرتشکل های کارگری

پیرامون بی توجهی به زندگی کارگران و کودکان

حوادث ناگوار مرگ کارگران و کودکان در چند هفته ی اخیر یکی پس از دیگر ی بیانگر بی توجهی مسوولان و کارفرمایان به جان انسان هاست.
۵ کارگر افغانی به هنگام کار در منطقه خاک سفید تهران پارس زیر آوار رفتند. به دنبال آن، فاجعه کشته شدن کارگران در معدن زغال سنگ طبس و فاجعه های دیگری که هر روزه در جای جای ایران رخ می دهد... بنا بر آمار منتشره هر روز به طور متوسط ۵,۵ کارگر در اثر حوادث کار و نبود شرایط ایمنی جان خود را از دست می دهند.
با توجه به آنکه حکومت کلیه مسوولیت های خود را در قبلا مردم ونظارت بر ایمنی و بهداشت و بهروزی مردم و به خصوص کارگران و خانواده هایشان را فراموش کرده است و هر روز شرایط بدتری بر زندگی اقشار متوسط به پایین سایه می افکند و هر روز اخبار وحشتناک تری از نابودی انسان ها در محل کار و زندگی و سفر و جاده و خیابان ها پخش می شود.
همچنین کنار ناایمنی شرایط کار، خبرها حاکی از آن است که جان کودکان در مدارس مخروبه و غیر ایمن نیز در خطر است. قربانیان حریق مدرسه ی روستایی شین آباد در پیرانشهر ارومیه در آذربایجان به ۳۷ نفر رسیده است که دو نفر از آنان فوت کردند. متاسفانه مسوولان به جای آن که امکانات رفاهی ، گرمایشی و شرایط ایمنی وگرمایشی کلاس های درس روستاها شهرستان ها افزایش دهند، معلم، مستخدم یا بخاری مدرسه را محکوم کرده اند تا شانه از زیر بار مسوولیت خود کنار کشند.
آینده ی این دانش آموزان سوخته شده ، زخمی و ترسیده و معلم زحمتکش آنها چه می شود که باید با نقص عضو به زندگی در شرایط سخت ادامه دهند؟
ما تشکل های کارگری امضا کننده، ضمن حمایت از بیانیه انجمن صنفی معلمان یادآوری می شویم که مسوولان مملکتی باید به وظایفشان عمل کنند و از کارگران وخانواده های آسیب دیده این حوادث می خواهیم یکدیگر را دریابند، به هم بپیوندند و برای درمان این دردهای مشترک تشکل های خود را تشکیل دهند.
برای رسیدن به آینده ای بهتر برای زندگی و کار، چاره ای جز وحدت، تشکیلات و اتحاد سراسری نداریم.

پیش به سوی تشکل مستقل و سراسری کارگران ایران.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران وحومه
هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمانی
اتحادیه کارگران پروژه ای
سندیکای کارگران فلزکار ومکانیک
اتحادیه آزاد کارگران ایران
کانون مدافعان حقوق کارگر

!دور تازه‌ی بازداشت اعضای کمیته هماهنگی را محکوم می‌کنیم

کارگران، تشکل‌های کارگری و نهادهای مدافع حقوق بشر!
همان طوری که در اطلاعیه‌های روزهای گذشته اعلام کردیم در تاریخ ۲۹ آذر مامورین امنیتی پنج نفر از اعضای کمیته هماهنگی به نام‌های هادی تنومند، جمال میناشیری، قاسم مصطفی‌پور، ابراهیم مصطفی‌پور و محمد کریمی در شهر بوکان را بازداشت کردند. اتهام آنها

شرکت در مجمع عمومی این تشکل در ۲۶ خرداد گذشته در شهر کرج اعلام شده است.
علاوه بر این در ۵ دی نیز عباس هاشم‌پور در شهر اشنویه احضار شد و به مدت سه ساعت به دلیل عضویت در کمیته هماهنگی مورد بازجویی قرار گرفت و همچنین عباس پیروتی دیگر عضو کمیته در ٦ دی به اداره اطلاعات اشنویه احضار گردید.
در شرایطی مامورین امنیتی در شهر بوکان درب‌های منازل را به هم کوبیدند، کتاب و کامپیوتر و وسایل شخصی را با خود بردند و کارگر خباز هادی تنومند را از محل کارش بیرون کشیدند که هنوز شش ماه از تعرض به مجمع عمومی کمیته هماهنگی نگذشته است. یورش سازمان یافته و مسلحانه‌ای که شرکت کننده‌گان در آن به شکلی سبعانه مورد ضرب و شتم، توهین و اهانت قرار گرفته و بازداشت شدند. در حالی که هنوز خاطره این تهاجم گسترده فراموش نشده که بار دیگر دوستان ما در شهر بوکان به جرم حضور در این مجمع عمومی دستگیر می‌شوند. مجمعی که همان طوری که بارها اعلام کرده‌ایم جلسه‌ی سالیانه اعضای تشکلی کارگری بود که در شهرهای مختلف ایران دور هم جمع شده بوده‌اند تا در باره مشکلات و مصائب خود و کارگرانی که توسط مناسبات سرمایه‌داری، استثمار شده و حقوق‌شان پایمال می‌شود، گفتگو کنند.
در حالی اعضای کمیته هماهنگی در شهر بوکان زندانی می‌شوند که تاکنون هیچ سرمایه‌داری به دلیل عدم پرداخت حقوق کارگران و به سیه‌روزی کشاندن آنها، به پای میز محاکمه کشیده نشده است. فعالین کارگری به خاطر اینکه شش ماه پیش در مجمع عمومی حضور داشته‌اند! بازداشت می‌شوند؛ اما با گذشت چندین روز از کشتار کارگران معدن در طبس، هنوز مقامهای امنیتی و قضایی، صاحبان معادن و مدیران نالایق نهادهای اداری را به جرم قتل عمد کارگران، دستگیر نکرده‌اند. کارگران زحمتکشی که برای گذراندن امرار معاش و گرفتن ماهیانه ۴۰۰ هزار تومان به عمق چند صد متری زمین رفتند و با انفجار گاز متان، زیر خروارها خاک مدفون شدند. آیا تاکنون نیروهای انتظامی و امنیتی، روسای مجتمع پتروشیمی امیرکبیر در ماهشهر را بازخواست کرده‌اند که چرا در هفته گذشته، ۳۵ نفر از کارگران را به جرم تجمع در دفاع از حق کار و زندگی خود، به کارخانه راه نداده‌اند؟ چرا باید کارگران باید به دلیل عضویت در یک تشکل کارگری و شرکت در مجمع عمومی سالیانه بازداشت شوند، اما سرمایه‌داران آزادانه به کار و معیشت کارگران تعرض کرده و کرامت و شخصیت انسانی آنها را به بازی بگیرند؟ آیا سرکوب و ارعاب کارگران توسط حاکمیت، به معنای حمایت از صاحبان سرمایه و موجودیت آنها نیست؟
ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری اعلام می کنیم که ایجاد هر تشکل کارگری و عضویت و شرکت در جلسات آن، جرم نیست و حق مسلم و شناخته شده‌ی هر کارگری است و هیچ کس را نباید به این دلیل زندانی و محاکمه نمود. کارگران برای دفاع از خود در مقابل تهاجم همه جانبه سرمایه‌داری، راهی جز متشکل شدن ندارند. هم چنین بار دیگر ادامه بازداشت اعضای کمیته هماهنگی در شهر بوکان و افزایش فشار بر کارگران زندانی رضا شهابی، پدرام نصرالهی، بهنام ابراهیمزاده و دیگر زندانیان سیاسی را محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی بدون قید و شرط همه‌ی آنها هستیم. آزادی بیان و اندیشه و حق ایجاد تشکل، از حقوق به رسمیت شناخته شده در دنیای امروز است و هیچ کس نباید این حق انسانی را پایمال کند.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری - ۸ دی ۱۳۹۱

حسرت سندیکا و مرگ‌های خاموش کارگران ایران

به نوشته بخش فارسی سایت بی بی سی در تاریخ 9 دی آمده است : هنوز چند هفته از هشدار پنج تشکل کارگری ایران درباره ی افزایش حوادث کار به دلیل رعایت نکردن اصول ایمنی نگذشته بود که انفجار معدنی در اطراف طبس، جان ۸ معدنچی را گرفت. پنج تشکل کارگری، سندیکای کارگران شرکت واحد، اتحادیه نیروی کار پروژه‌ای، سندیکای فلزکار مکانیک، هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و کانون مدافعان حقوق کارگر بودند. حوادث کار همچون تصادف‌های جاده‌ای، از جمله عوامل مرگ و میری بالا در ایران است که تعدد وقوع آن انتقادهای زیادی را برانگیخته است. در شرایطی که

در کشورهای توسعه یافته یا حتی در حال توسعه نهایت استانداردهای لازم برای تجهیز ایمنی یک کارگاه حرفه ای در نظر گرفته می شود و خطر حوادث کار از سوی کارفرما بسیار پایین می آید، در ایران این موضوع به تعبیر بیانیه اخیر پنج تشکل کارگری به دلیل رعایت نکردن ملاحظات ایمنی و نبود قوانین حمایتی لازم بیشتر نوعی"جنایت علیه کارگران" است.
بر اساس آمار هرسال دست کم ۲۰ هزار کارگر ایرانی در حوادث ناشی از کار آسیب می بینند و از این تعداد به طور میانگین در هر روز ۶ کارگر بر اثر حوادث کار در ایران جان خود را از دست می‌دهند.
"مرگ خاموش کارگران" اصطلاحی است که در بین فعالان حقوق کارگران در پیوند با مرگ نزدیک به هزار کارگر ایرانی در سال بر اثر سوانح محیط کار بیان می شود. "آمار مرگ ناشی از کار در ایران در دوازده ماه سال ۱۳۹۰خورشیدی ۸۸۸ مورد بوده که در سال جاری و تاکنون به ۱۱۰۱ مورد افزایش یافته است"
خاموش از آن رو که به دلیل ناتوانمندی تشکل های کارگری مستقل، کمتر بازتابی در بین رسانه ها می یابد.
بر اساس گزارش دفتر آمار و محاسبات اقتصادی و اجتماعی سازمان تامین اجتماعی، در این میان بسیاری هم با آسیب جدی روبرو می شوند و گاه تا مدت ها یا حتی برای همیشه توانایی کار کردن را از دست می دهند.
سازمان تأمین اجتماعی افراد حادثه دیده حوادث کار را به "آسیب دیده کلی"، "آسیب دیده جزئی" و "پرداخت غرامت نقص عضو" تقسیم می کند تا برای آنان مستمری در نظر بگیرد. هزینه های از کار افتادگی بالاست و برآورها نشان می دهد که دولت باید به ازای هر فرد از کار افتاده به طور میانگین ۵۰ میلیون تومان مستمری پرداخت کند. بی احتیاطی و فقدان ایمن سازی دلیل دو سوم حوادث حین کار است و بریدگی، شکستگی و سقوط مهمترین حوادث کار در ایران قلمداد می شوند.

قربانیان هر سال بیشتر می شوند

در یک نگاه کلان آمارها نشان می دهد که حوادث ناشی از کار هر ساله افزایش می یابد، این آمار کارگرانی را در بر می گیرد که بیمه دارند و تحت پوشش سازمان تأمین اجتماعی قرار دارند وگرنه آمار مرگ و میر ناشی از کار بسیار بیشتر از این رقم است.
سازمان پزشکی قانونی ایران می گوید که میزان حوادث ناشی از کار در این کشور و در هفت ماه نخست سال ۹۱ نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۲۴ درصد افزایش یافته است. در یک سال گذشته استان تهران با ۱۴۰ مرگ (همگی مرد)، اصفهان با ۹۴ مرگ (همگی مرد) و خراسان رضوی با ۷۲ مرگ (۷۱ مرد و یک زن) بیشترین موارد منجر به مرگ را بر اثر حوادث کار را داشته‌اند.
تجمیع فعالیت های اقتصادی در شهرهای بزرگی نظیر تهران و اصفهان می تواند دلیل بالا بودن آمار حوادث در این شهرها باشد.
آمار مرگ ناشی از کار در ایران در دوازده ماه سال ۱۳۹۰خورشیدی ۸۸۸ مورد بوده که در سال جاری و تاکنون به ۱۱۰۱ مورد افزایش یافته است.
بر اساس اعلام سازمان پزشکی قانونی سقوط از بلندی با ۴۵۶ حادثه منجر به مرگ (۴۵۳ مرد و سه زن)، اصابت اجسام سخت با ۲۳۶ حادثه منجر به مرگ (۲۳۵ مرد و یک زن)، برق‌گرفتگی با ۱۷۳ کشته (۱۷۲ مرد و یک زن)، سوختگی با ۶۴ کشته (۵۸ مرد و شش زن) و کمبود اکسیژن با ۳۴ کشته به ترتیب رتبه های نخست تا پنجم مرگ‌آورترین حوادث حین کار در ایران را به خود اختصاص داده‌اند.
از این گذشته کارشناسان بین بیمارهای شغلی و حوادث ناشی از کار، تفاوت قائلند و معتقدند به دلیل نبود آمار رسمی در زمینه بیمارهای شغلی نمی توان برآورد دقیقی از میزان خسارت ها و مرگ و میر ناشی از کار در ایران ارایه داد.
بر اساس بررسی‌های سازمان پزشکی قانونی ایران در ۱۰ سال گذشته (۱۳۸۱ تا ۱۳۹۰)، ۹۶۲۵ نفر بر اثر حوادث کار در ایران جان باختند که بیشترین آن با ۱۵۰۷ فوتی در سال ۱۳۹۰ وکمترین آن با ۴۶۱ فوتی در سال ۱۳۸۱ ثبت شده‌است.
به دلیل همین سوانح کاری که در جهان هم اتفاق می‌افتد و در بعضی کشورها همچون ایران و چین شدت بیشتر به چشم می خورد، سازمان جهانی کار روز ۲۸ آوریل را به عنوان "روز سوانح کاری" اختصاص داده است.
فعالان کارگری ایران همواره از شرایط نامناسب ایمنی کار در این کشور انتقاد می‌کنند. معدود تشکل‌های کارگری مستقل از جمله کانون مدافع حقوق کارگر نسبت به افزایش حوادث کار هشدار می‌دهند و خواستار تامین ایمنی در محیطهای کارند.
برای نمونه در اطلاعیه اخیر کانون مدافعان حقوق کارگر به شرکت‌های پیمانکاری و سرمایه‌داران انتقاد شده که اقدامی برای ایمن‌سازی محیط کار نمی‌کنند. این کانون همچنین به لزوم وجود تشکل‌های کارگری برای بیان خواست‌هایی چون ایمن‌سازی محیط کار اشاره می‌کند. تشکل ها و سندیکاهایی

که اگر به شکل قدرتمند وجود داشتند، می توانست با درخواست های صنفی میزان ایمنی کارگران را بالا ببرد.
اما فعالیت سندیکاها و تشکل‌های مستقل کارگری در ایران با محدودیت‌های شدید رو به رو است و به این ترتیب کارگران ایرانی به سادگی نمی‌توانند برای بالا بردن ایمنی خود به اقدامی مشترک دست بزنند.

در کجای جهان ایستاده‌ایم

"در منشور سازمان ملل مصوب سال ۱۹۴۶ آمده است که تشکل های کارگری باید داوطلبانه و آزاد تشکیل شوند"
در منشور سازمان ملل مصوب سال ۱۹۴۶ آمده است که تشکل های کارگری باید داوطلبانه و آزاد تشکیل شوند و در تعیین اساسنامه خودشان آزاد و مختار باشند، مشروط بر این که اهداف اساسنامه با قوانین جاری کشور مخالف نباشد.
آنچه بارها مورد اعتراض ILO (سازمان بین المللی کار) بوده، آن است که "نظام سندیکایی" در ایران شکل نگرفته و نمی تواند خودش را با ضوابط بین المللی تطبیق دهد. گردهمایی افرادی که دارای کار یکسان، مشابه یا مرتبط هستند و از منافع مربوط به حرفه خود دفاع می کنند "سندیکا" نامیده می شود.
سندیکاهای مشابه نیز در عین حال می توانند "اتحادیه ها" را شکل دهند و اتحادیه ها نیز به همین ترتیب بستر شکل گیری "کنفدراسیون" را فراهم کنند. سندیکاها در همه جای دنیا به چهار گروه کارگری، کارفرمایی، حرفه ای و مشترک تقسیم می شوند که هر یک کارکرد خاص خود را دارند.
پیوستن ایران به مقاوله نامه ۸۷ سازمان بین المللی کار که موضوع آن آزادی انجمن ها و حمایت از حق نهادینه شدن تشکل هاست، از دیگر ابزارهای مورد نیاز برای تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری در ایران است. بر اساس این مقاوله نامه، همه کارگران و کارفرمایان بدون هیچ گونه تبعیضی حق تشکیل انجمن دارند.
این مقاوله نامه بر حق تدوین آزادانه اساسنامه، انتخاب نماینده و تدوین برنامه آزادانه برای انجمن ها تاکید می کند و تعلیق و انحلال این انجمن ها را از طریق مقامات اجرایی کشور مجاز نمی داند و تمام گروه ها بدون نیاز به اجازه قبلی و تنها به شرط رعایت قوانین آن کشور می توانند انجمن و سازمان صنفی تشکیل دهند.
از دیگر موانع شکل گیری تشکل های مستقل کارگری، اقتصاد دولتی است. حاکمیت دولت بر اقتصاد متکی بر درآمدهای نفتی، مانع دیگری برای شکل گیری اتحادیه های کارگری مستقل در ایران است. از آنجا که دولت بزرگترین کارفرما در اقتصاد ایران است و بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی بزرگ از سوی دولت اداره می شود. در این شرایط دولت ها از شکل گیری تشکل های کارگری مستقل استقبال نمی کنند و از سندیکاهای کارگری هراس دارند. کارگران نیز با شناختی که از تشکل های غیرمستقل همچون شورای اسلامی کار دارند، استقبالی از آنها نمی کنند. انحصارگرایی دولت در تشکیل تشکل‌های کارگری دولت جمهوری اسلامی همواره از همان سال های نخست پس از انقلاب ۱۳۵۷ مطرح کرده که شوراهای اسلامی کار (تشکل رسمی و مورد تایید حکومت) در اکثریت هستند و به همین لحاظ به عنوان نمایندگان کارگران کشور محسوب می شوند؛ حال آنکه در قیاس آماری تعداد کارگران کشور با اعضای شوراهای اسلامی حدود ۲۵درصد کارگران ایران عضو این تشکل رسمی هستند.
"در اصل ۲۶ قانون اساسی آمده است که احزاب، جمعیت ها، انجمن های صنفی و سیاسی، انجمن های اسلامی و اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین جمهوری اسلامی را نقض نکنند"
با این اوصاف به نظر می رسد شوراهای اسلامی کار با پسوند اسلامی نه تنها در کشور قدرتمند نیستند، بلکه دچار انحصار گرایی نیز هستند که با رضایت اغلب فعالان کارگری مستقل همراه نیست.
از این گذشته برای نمونه با وجودی که استان تهران حدود ۱۳میلیون نفر جمعیت دارد، حدود ۱۵۰ انجمن صنفی صرفا کارگری دارای اعتبارنامه هستند. در قانون کار مصوب اسفند ۱۳۳۷ فعالیت سندیکاها در ایران آزاد و قانونی اعلام شد.
این موضوع پس از انقلاب به دلیل کشمکش های سیاسی- ایدئولوژیک و نگاه انحصاری حاکم همچنین اختلاف نظر مجلس و شورای نگهبان پیرامون پاره ای از مواد مندرج در قانون، در نهایت به مجمع تشخیص مصلحت نظام فرستاده شد.
مجمع تشخیص نیز سرانجام با انجام اصلاحاتی در مواد این قانون، قانون کار جمهورِی اسلامی را در تاریخ آبان ۱۳۶۹ تصویب و برای اجرا به دولت وقت ابلاغ کرد و به این ترتیب در همین قانون مستند به ماده ۱۳۱ آن و در اجرای اصل ۲۶ قانون اساسی ایران بود که فعالیت انجمن های صنفی شکل و عنصر

قانونی خود را پیدا کرد.
در اصل ۲۶ قانون اساسی آمده است که احزاب، جمعیت ها، انجمن های صنفی و سیاسی، انجمن های اسلامی و اقلیت های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی و موازین جمهوری اسلامی را نقض نکنند.
در همین حال ماده ۱۳۱ قانون کار نیز چنین بیان داشته که به منظور حفظ حقوق و منافع مشروع و قانونی و بهبود وضع اقتصادی کارگران و کارفرمایان، کارگران مشمول قانون کار و کارفرمایان یک حرفه یا صنعت می توانند مبادرت به تشکیل انجمن های صنفی کنند.
با توجه به این موارد، چه در قانون اساسی به عنوان قانون مادر و چه در قوانین و آیین نامه های دیگر، به وجود تشکل ها و اتحادیه های صنفی موضوعیت قانونی بخشیده شد و فعالیت آنها در راستای احقاق حقوق مشروع اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، آزاد و از حقوق حقه کارگران و کارفرمایان به شمار آمد.
از همین روست که چگونگی تشکیل و حدود وظایف تشکل ها و انجمن های صنفی و کوشش برای استیفای حقوق و درخواست های مشروع اعضای آن، یکی از وظایف و اختیارات انجمن های صنفی کارگری است. بر اساس قوانین مدون، رفتار و فعالیت تشکل های صنفی تا آنجا که اصول قانون اساسی را نقض نکنند، به هر شکل و نحو آزاد و اعمال محدودیت علیه آنها غیرقانونی است.حقی که با اعمال محدودیت و فشار از سوی حکومت، عملا تا اجرا فاصله بسیاری دارد.

اعلام علت انفجار معدن یال شمالی برای دومین بار به تاخیر افتاد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنادر 9 دی آمده است : هنوز نظر نهایی کارشناسانی که از سوی اداره کار، صنعت معدن وتجارت وهمچنین کارشناسان معدن زغال شویی پرورده به این معدن اعزام شده‌اند اعلام نشده و تا نتیجه نهایی باید صبر کرد.
براساس این گزارش،پس از آنکه روز چهارشنبه، ۲۹ آذرماه مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان یزد از تشکیل کمیته «علت‌یابی» حادثه انفجار معدن یال شمالی و اعلام نتیجه تحقیقات این کمیته در تاریخ یکشنبه، ۳ دی‌ماه خبر داده بود، در تاریخ مورد اشاره نتیجه این تحقیقات که قرار بود در یک تیم متشکل از کارشناسان فنی از دو وزارتخانه کار و صنعت و معدن و همچنین مسئولان استانی انجام گیرد، منتشر نشد و همین مسئول مجددا در گفتگویی در تاریخ ششم دی ماه از انتشار گزارش نهایی در تاریخ شنبه، ۹ دی‌ماه خبر داده بود.
امروز، شنبه ۹ دی‌ماه نیز در همین رابطه محمد رضا فلاح‌زاده استاندار یزد گفت: هنوز نظر نهایی کارشناسانی که از سوی اداره کار، صنعت معدن و تجارت و همچنین کارشناسان معدن «زغال شویی» پرورده به این معدن اعزام شده‌اند اعلام نشده و تا نتیجه نهایی باید صبر کرد.
در همین زمینه احمد طالبیان فرماندار شهرستان طبس نیز با اعلام اینکه تصاعد آنی نشت گاز از عوامل اولیه انفجار اعلام شده است از نتیجه کامل بررسی کارشناسان فنی اعزام شده به معدن یال شمالی اظهار بی‌اطلاعی کرد و گفت: هنوز نتیجه نهایی علت حادثه انفجار به فرمانداری گزارش نشده است.
همچنین در مصاحبه روز چهارشنبه، ششم دی ماه، امرالله فلاح‌زاده، مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان یزد با اعلام اینکه نظر بازرسان اداره کار مبنی بر «وجود گاز متان و تلفیق آن با هیدروژن و تولید منوکسید کربن نهایی است» نتایج بررسی کمیته علت‌یابی را تا روز شنبه وعده داده بود.

رئیس بیمارستان آتیه: پرداخت یارانه بیمارستان‌ها از جیب کارکنان

به نوشته سایت آفتاب در 9 دی آمده است : خلیل علیزاده در گفت وگو با تسنیم، اظهار داشت: سوالی که باید مطرح شود این است که چطور بیمارستانها با وجود گران شدن خدمات پزشکی و از طرفی عدم افزایش منطقی تعرفه‌های پزشکی توانسته‌اند سرپا بمانند که جواب آن است که ظلم به کارمندان بیمارستانها موجب این ابقاء است.
وی افزود: حقوق و دستمزد کارکنان بیمارستان ۶۵ درصد هزینه‌های یک بیمارستان محسوب می‌شود که این حقوق و دستمزد فقط یک بار در سال تغییر کرد اما هزینه این خدمات چند بار افزایش یافت لذا اگر بیمارستانها بخواهند براساس واقعیت اقتصادی کشور، دستمزد کارکنان خود را تغییر دهند باید حداقل حقوق کارکنان بیمارستان دو برابر شود.
علیزاده گفت: سالها است که دولت از جیب گروه پزشکی به ویژه پرستاران افزایش

هزینه‌های بیمارستانها را جبران مي‌کند که این موضوع باید خاتمه پیدا کند چرا که ظلم بزرگی به کارکنان بیمارستان شده است.
وی یادآور شد: پزشکان از نظر حقوقی با نقطه بحران فاصله دارند اما کارکنان روی خط بحران هستند و این در حالی است که اصل کار درمان را کارکنان انجام مي‌دهند.
علیزاده با بیان اینکه به عبارتی دیگر بیمارستان از جیب کارکنان خود یارانه دریافت مي‌کنند یادآور شد: پیشنهاد مي‌کنند که تعرفه سال آینده ۵۰ درصد افزایش یابد که باید سوال کرد آیا به همین میزان هم دستمزدهای مردم بالا رفته است که بتوانند هزینه‌های سلامت را بپردازند.

این در حالی است که طی ماه‌های اخیر به علت افزایش هزینه‌های خدمات پزشکی تعداد مراجعان به بیمارستانهای دولتی ۲۰ درصد افزایش یافته است و این به معنای کاهش مراجعان ۲۰ درصدی به بیمارستانهای خصوصی است

همسر رضا شهابی :همسرم اگر درمان نشود خطر فلج شدن تهدیدش می کند

همسر رضا شهابی، فعال کارگری زندانی که در اعتراض به شرایط و جلوگیری از درمانش در بیمارستان دست به اعتصاب دارو و غذا از تاریخ ۲۵ آذرماه زده است بتاریخ 8دی،به کمپین بین اللملی حقوق بشر در ایران گفت:« روز دوشنبه این هفته که رضا را در ملاقات کابینی دیدم اصلا حالش خوب نبود. گفت که یکشنبه حالش بد شده و به اصرار هم بندی هایش به درمانگاه زندان رفته است اما اجازه وصل سرم را نداده و از خوردن دارو امتناع کرده است. گفت فشارش روی ده بوده است. من به شدت نگران او هستم. اگر جلوی درمان او در بیمارستان گرفته نمی شد این اتفاق ها نمی افتد.»
رضا شهابی، عضو هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در تاریخ ۲۲ خرداد ماه ۱۳۸۹ بازداشت شد. براساس گزارش ها او در طی دوران بازجویی مورد ضرب و شتم قرار گرفت که منجر به آسیب های نخاعی شد که هنوز تحت درمان پزشکی است و در تابستان امسال مورد عمل جراحی در ناحیه گردن قرار گرفت. او چند روز پس از عمل جراحی مجددا به زندان برگردانده شد. همسر رضا شهابی در گفتگویی با کمپین بین المللی حقوق بشردر ایران گفته بود که او پس از عمل جراحی فقط یکبار برای معاینه به بیمارستان منتقل شده و در ماه های اخیر دچار کرختی پا و انگشتان دست و درد شدید در ناحیه گردن و کمر شده است.
این فعال کارگری به دنبال تقاضاهای فراوان خانواده سرانجام در تاریخ ۲۵ آذر ماه از زندان به بیمارستان برای معاینه منتقل شد. پزشکان انجام آزمایش ام آر ای را تجویز کردند اما قبل از آزمایش مامور زندان با فحاشی و تهدید به ضرب و شتم او را به زندان بر گرداند. رضا شهابی در واکنش به این عمل و شرایط غیر انسانیش از همان روز ۲۵ آذر ماه دست به اعتصاب دارو زد و دو روز بعد در تاریخ ۲۷ آذر ماه اعتصاب غذا را نیز به آن افزود.
ربابه رضایی، همسر این زندانی بیمار به کمپین گفت:« من از رییس قوه قضاییه و دادستان تهران درخواست می کنم که به همسرم مرخصی درمانی بدهند تا بیاید و خودش را درمان کند. من خواسته دیگری ندارم. همسرم اگر درمان نشود خطر فلج شدن تهدیدش می کند.»
خانم رضایی با اشاره به اینکه همسرش از وضعیتی که در آن قرار دارد خسته شده است و دیگر برایش مرگ و زندگی اهمیتی ندارد، گفت:« رضا روز دوشنبه در ملاقاتی به من گفت که اعتصابش را نمی شکند تا مگر به او مرخصی درمانی بدهند.»
رضا شهابی طبق حکمی که به او در تاریخ ۲۶ فروردین ماه امسال ابلاغ شد، به اتهام تبلیغ علیه نظام به یکسال حبس و به اتهام اجتماع و تبانی بر علیه امنیت ملی به ۵ سال حبس محکوم شده است. او همچنین بر اساس این حکم به ۵ سال محرومیت از فعالیت های اجتماعی نیز محکوم شده است. این زندانی اکنون در بند ۳۵۰ زندان اوین به سر می برد

هادی دانشیار فعال کارگری به سه سال حبس تعزیری محکوم شد

به نوشته سایت افق روشن در تاریخ 9 دی آمده است : سید هادی دانشیار فعال کارگری اهل شیراز به سه سال حبس تعزیری محکوم شده است.
بنا به گزارشات رسیده به کمیته گزارشگران حقوق بشر، سید هادی دانشیار طی حکمی از سوی دادگاه انقلاب شیراز در روز یکشنبه ۲۸ آبان ماه به اتهام تبلیغ و تبانی علیه نظام،به نفع

گروه های ضد نظام و شرکت در تجمعات غیرقانونی در شیراز به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم شده است و گفته شده که متهم ظرف مدت بیست روز می تواند با حضور در دادگاه انقلاب این شهر به حکم صادره اعتراض نماید.
سید هادی دانشیار ۳۸ ساله فعال کارگری ساکن شیراز در جریان اعتصاب کارگران معدن استان فارس ،در سال ۸۷ بازداشت و پس از تحمل دو ماه بازجویی و حبس در اداره اطلاعات و زندان عادل آباد شیراز با قرار وثیقه به طور موقت آزاد شده بود. وی پیش از این و در ابتدای سال ۸۷ نیز بنا بر شکایت اداره اطلاعات و به اتهام اقدام علیه امنیت کشور مبنی بر تحریک کارگران معدن به اغتشاش به دو سال حبس تعزیری محکوم شده بود.

کشته و زخمی شدن 5کارگرشهرداری تهران درتصادف

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 9دی آمده است : مدیر روابط عمومی اورژانس تهران گفت: براثر تصادف یک دستگاه پراید با کارگران شهرداری یک نفر کشته و 4 نفر زخمی شدند.
حسن عباسی اظهار داشت: ساعت 12:20 دقیقه امروز تکنسین های اورژانس در جریان تصادف مرگبار خودروی پراید با کارگران شهرداری قرار گرفتند.
با حضور امدادگران اورژانس مشخص شد لحظاتی قبل یک دستگاه پراید بعد از از دست دادن کنترل با کارگران شهرداری که مشغول کار در حاشیه اتوبان بودند، برخورد کرده است.
به گفته مدیر روابط عمومی اورژانس تهران در این حادثه 5 کارگر شهرداری مجروح شدند که متاسفانه یک نفر از آنها به علت شدت جراحات جان خود را از دست داد و 4 مصدوم دیگر به بیمارستان فیاض بخش اعزام شدند.

جریان سرمایه در تن و خون یک کارگر سندیکالیست
محسن حکیمی

به نوشته سایت اخبار روزدر تاریخ 9 دی ماه آمده است : آقای مازیار گیلانی نژاد نمونه ی خوبی است برای نشان دادن تأثیر ویرانگر جریان سیاسی «چپ» ی که، در پوشش دفاع از منافع کارگران و به عنوان «حزب طراز نوین طبقه ی کارگر»، در طول سالیان دراز در مغز کارگران وابسته به خود فروکرده است که به دنیا از منظر منافع سرمایه بنگرند. تأکید بر اثرات ویرانگر این نوع چپ بر کارگران به معنی تبرئه ی انواع دیگرِ چپ نیست. به طور کلی، کل چپ در ایران در کشاندن فعالان کارگری به مسیر سرمایه داری و به طور اخص سرمایه داری دولتی و تبدیل آنها به مبلغان این یا آن فرقه ی چپ ایدئولوژیک نقش مهمی است. اما تأثیر ویرانگر و دیرپای چپ روسی بر کارگران ایران حدیث دیگری است که از هر زبان شنیده شود نامکرر است.
آقای گیلانی نژاد در نوشته ای با عنوان «سندیکایی ها همیشه حقیقت را می گویند!» (مندرج در چند سایت اینترنتی)، از تشکل سندیکایی دفاع کرده و درباره ی نقد من بر دیدگاه های دو تن از سندیکالیست های قدیمی (که چندی پیش با عنوان «حرف راست را از سندیکالیست های قدیمی بشنویم» در اینترنت منتشر شد) از جمله چنین نوشته است:
«چرا منتقدین سندیکاها و سندیکالیست ها از خود نمی پرسند چه چیزی در سندیکا و عملکرد رهبران سندیکاییست که محبوب طبقه کارگرند. به راستی علی امید چه گفت و چه کرد که ۲۵ هزار کارگر صنعت نفت در دهه ی بیست گوش به فرمان او بودند؟»
فرض کنیم «سندیکا و رهبران سندیکایی» واقعاً «محبوب طبقه کارگر» بوده اند و هستند. آیا واقعاً از محبوب بودنِ یک فرد یا تشکل می توان به حقانیتِ اندیشه و عمل آن فرد یا تشکل رسید؟ پاسخ این پرسش به ویژه از نظر مردم ایران که معنای محبوبیت کاریزماتیک در انقلاب ۱۳۵۷ را با گوشت و پوست خود لمس کرده اند، روشن است. صرف محبوبیت هیچ شخصیت تاریخی هیچ گاه به معنای حقانیت اندیشه و عمل او نبوده و نیست. نمونه ی دیگرش، هیتلر. آیا کسی می تواند «محبوبیت» هیتلر را میان مردم آلمان از جمله کارگران این کشور در سال هایی از نیمه ی اول قرن بیستم انکار کند؟ بنابراین، نه سندیکا می تواند به صرف محبوبیت میان کارگران تشکل واقعی و مستقل آنان باشد و نه رهبران سندیکایی را فقط به دلیل محبوبیت شان می توان نماینده ی منافع راستین و واقعی کارگران شمرد.
اما آنچه در نقل قول بالا مهم تر است، درک آقای گیلانی نژاد از سندیکا به عنوان تشکل کارگری است. این جمله که «به راستی علی امید چه گفت و چه کرد که ۲۵ هزار کارگر صنعت نفت در دهه ی بیست گوش به فرمان او بودند؟» هیچ معنایی ندارد جز این که سندیکا تشکلی است که

در آن ۲۵ هزار کارگر گوش به فرمان یک نفرند. در اینجا، آقای گیلانی نژاد بدون این که بخواهد واقعیت تلخی را در باره ی سندیکا بیان کرده است. همان گونه که آقایان فراهانی و مهران گهر پیشتر در مصاحبه-های خود واقعیت های دیگری را مبنی بر سرمایه دارانه بودنِ سندیکا بیان کرده بودند، و من در نقد فوق الذکر آنها را نشان داده ام، آقای گیلانی نژاد نیز واقعیت عریانی را دال بر سرمایه دارانه بودنِ سندیکا بیان کرده است. آیا آقای گیلانی-نژاد برای یک لحظه با خود اندیشیده است که چه چیز خوبی در این هست که ۲۵ هزار نفر «گوش به فرمان» یک نفر باشند؟ «گوش به فرمان بودنِ» کارگر، اعم از این که در قالب سندیکا یا هر تشکل کارگریِ دیگر باشد، و مستقل از این که با هدف اجرای فرامین کارفرمایان و دولت آنها باشد یا به قصد اعتصاب و سرپیچی از این فرامین انجام گیرد، نه تنها فضیلت نیست بلکه رذیلت شوم و منحوسی است که سرمایه بر سر کارگر نازل کرده است. رابطه ی سرمایه، یعنی خرید و فروش نیروی کار، رابطه ی فرماندهی - فرمانبری است. کارگر با فروش نیروی کارش در واقع ملزم می شود که فرمان کارفرما را، که همان انجام کار است دقیقاً همان گونه که کارفرما می خواهد، اجرا کند. کارفرما فرمانده است و کارگر موجودی گوش به فرمان که باید دستور کارفرما را بی چون و چرا اجرا کند. فروش نیروی کار هرگونه اختیار در مورد کار و چگونگی انجام آن را از کارگر سلب می-کند و او را به مجری مجبور و چشم و گوش بسته ی کارفرمایی بدل می سازد که نیروی کار او را خریده است. چنین است که فرایند کار، محصول کار و قدرت کارگر از وجود کارگر منفک و مستقل می شوند و در بیرون از وجود او به دشمنان خونی اش بدل می گردند. کار، که نیاز حیاتی انسان است، در نظام سرمایه داری به ماری بدل می شود که مدام کارگر را نیش می زند و کارگر نیز برای گریز از دست این مار زهری مدام می کوشد سرش را به سنگ بکوبد تا شاید از دست اش رها شود، و این در حالی است که لَه لَه زده و با خوش اقبالی بسیار رو به رو شده تا توانسته است همین کار کوفتی را پیدا کند، زیرا هرچه باشد تحمل نیش این مار را به مرگ بر اثر گرسنگی ترجیح می-دهد. این از بیگانگی کارگر با کار خویش. اما محصول کار نیز به سرمایه ی انباشت شده یا کارِ مُرده تبدیل می شود که هیچ گریزی ندارد جز این که پیوسته و ثانیه به ثانیه شیره ی جان کارگر زنده را بمکد و او را به طرف مرگِ ناشی از گرسنگی براند تا شاید اشتهای سیری ناپذیر خود را برای بلعیدن سود هرچه بیشتر ارضا کند. قدرت کارگر نیز خارج از وجود او شکل دولت و ماشین اداری- نظامی را به خود می گیرد و نقش مدیریت جامعه ی سرمایه داری و سرکوب خودِ کارگر را ایفا می کند. معنا و مفهوم تمام این بی خویشتنی ها و بی پشت و پناهی ها و سیه روزی-ها، گوش به فرمان بودن و فرودست بودنِ کارگر است. تا آنجا که به این فرمانبری و فرودستی مربوط می شود، هیچ فرقی نمی-کند که کارگران گوش به فرمان عسکراولادیِ سرمایه دار باشند یا علی امیدِ کارگر. کارگران چه گوش به فرمان عسکراولادی باشند و چه – آن گونه که آقای گیلانی نژاد گفته است – گوش به فرمان علی امید، در هرحال فرمان سرمایه را اجرا کرده و سیاهی لشکر و گوشت دَم توپ سرمایه داری شده اند، در حالت نخست سرمایه داری بازار و در حالت دوم سرمایه داری دولتی- حزبی. گوش به فرمان کسی بودن – حتا اگر آن کس کارل مارکس باشد چه رسد به علی امید – دونِ شأن یک طبقه ی کارگر آگاه و سازمان یافته است. بنابراین، کارگر سندیکالیستی که اعضای سندیکا را گوش به فرمان رهبر آن بداند و بدین سان رهبر را به موجودی قَدَرقدرت و توده های کارگر را به مشتی «مش رجب» بدل کند که فقط برای اجرای فرامین و «به چپ چپ» و «به راست راستِ» رهبران آفریده شده اند، دارد نفوذ عمیق سرمایه را تا مغز استخوان اش و به این ترتیب ژرفای سرمایه دارانه بودنِ اندیشه اش را به نمایش می گذارد. به این معنا، من هم با تعبیر خودِ آقای گیلانی نژاد برای چنین کارگری موافقم: سندیکا در تن و خون او جاری است.

اما آیا این حرف ها به معنی کم بها دادن به نقش کارگران آگاه و پیشرو در سازماندهی و هدایت توده ی کارگران به سوی مبارزه ی خودآگاهانه با سرمایه داری نیست؟ آیا می توان این واقعیت را نادیده گرفت که بالاخره توده ی کارگران برای پیشبرد مبارزه ی خود به کمک فکری کارگران آگاه و پیشرو نیاز دارند و به همین دلیل است که آنها را به عنوان نمایندگان خود انتخاب می کنند؟ آیا نقد «گوش به فرمان بودن» و لبیک گفتنِ توده ی کارگران به رهبران این نیاز حتمیِ جنبش کارگری را زیر سئوال نمی برد یا دست کم آن را کَمرنگ نمی کند؟

نخست این که رابطه ی توده ی کارگران و کارگران آگاه و پیشرو به هیچ وجه یکطرفه نیست. این رابطه با رابطه ی سرگروهبان ارتش و سربازان زیردست اش یک دنیا فرق دارد. سرگروهبان به هیچ وجه خود را ملزم به شنیدن حرف سربازان و یادگیری از آنان نمی بیند و به اقتضای جایگاه فرادست اش نسبت به سربازان فقط به آنها فرمان می دهد و سربازان هم به اقتضای جایگاه فرودست شان مجبورند گوش به فرمان او باشند. این رابطه، یکسره یکطرفه و کاملاً از بالا به پایین است. حال آن که در رابطه ی توده ی کارگران با کارگران آگاه و پیشرو بر اساس تبادل آزادانه ی افکار و عقاید و نظرات به طور جمعی و همگانی تصمیم گیری می شود و در این فرایند همان قدر که توده ی

کارگران از کارگران آگاه و پیشرو چیز یاد می گیرند این کارگران نیز از زندگی و مبارزه ی توده ی کارگران درس می-گیرند. به این معنا، کارگر آگاه و پیشرو کسی است که – به اتکای دانش و تجربه ی ذهنی خود – ایده ای را به زبان می آورد و راهی را نشان می دهد که توده ی کارگران به دلایل قابل درک قادر به فرموله کردن آن ایده و نشان دادن آن راه نیستند. پس، تنها با گردهمایی فعالانه ی توده ی کارگران همراه با کارگران آگاه و پیشرو و در فرایند تبادل آزادانه ی افکار و نظرات میان آنان است که بهترین راه ممکن برای مبارزه ی طبقه-ی کارگر با سرمایه داری در هر شرایط مشخصی تعیین می شود. این حرف ها شاید برای بسیاری از کارگران توضیح واضحات باشد. اما برای کارگری که فکرش چنان مسموم شده که نه تنها هیچ ایرادی در گوش به فرمان بودنِ ۲۵ هزار کارگر از یک نفر نمی بیند بلکه این امر قبیح را به گونه ای اعلام می کند که گویا طبقه ی کارگر باید به آن افتخار کند، فکر نمی کنم این حرف ها توضیح واضحات باشد. نکته ی شایان ذکر دیگر در اینجا که فقط به آن اشاره می کنم و می گذرم نسبت مستقیمی است که بین تلقی از کارگر به عنوان موجود گوش به فرمان و فرهنگ عدم اعتماد به نفس در میان کارگران وجود دارد. هرچه کارگر خود را گوش به فرمان تر بداند اعتماد به نفس اش کمتر می شود و امکان آویزان شدنِ مستأصلانه اش به احزاب و سازمان های سیاسیِ فراطبقاتی بیشتر می شود. فرهنگ بی اعتمادی به خود و بیگانگی با ایده ی رهایی از سرمایه به نیروی خودِ کارگران، که در واقع شکل سیاسیِ همان فرهنگ مذهبیِ انتظار و طلب منجی است، یکی از لنگرگاه هایی است که احزاب و سازمان های سیاسیِ مدعیِ نمایندگی طبقه ی کارگر در آن لنگر می اندازند تا از کارگران برای رسیدن به قدرت سیاسی سواری بگیرند. دفاع آقای گیلانی نژاد از «حزب طبقه ی کارگر» در این رابطه قابل توضیح است.

اما ای کاش مسمومیت فکری آقای گیلانی نژاد در حد فضیلت دادن به گوش به فرمانیِ توده ی کارگران می بود. در این پرسشِ او خطاب به «دوستان جوان» ی که احتمالاً نظرات مسموم و سرمایه-دارانه اش را نپذیرفته اند، دقت کنید: «دوستان جوان! [آیا] اگر امروز همین آقای محسن حکیمی را به وزارت انتخاب کنیم می تواند حتا در عرض یک سال مشکلات کارگران را حل کند؟» این پرسش به روشنی نشان می دهد که اولاً کاربرد «گوش به فرمانی» برای توده ی کارگران از سوی آقای گیلانی نژاد به هیچ وجه امری سهوی یا به دلیل لغزش کلام نیست. ثانیاً، به پیروی از سنت سیئه ی همان حزب کذایی که رهبران اش دفاع از کارگران را وثیقه ی به وزارت رسیدن خود کردند، برای ایشان نیز دفاع از سندیکا وثیقه ی به وزارت رسیدن رهبران سندیکالیست است. ثالثاً، و مهم تر از همه، مسمومیت فکری و رسوخ افکار سرمایه-دارانه در تار و پود ذهن او تا بدان حد است که می پندارد وزارت یک سندیکالیست محبوب و مورد قبول کارگران (و نه محسن حکیمی) در دولت سرمایه داری می تواند مشکلات کارگران را، آن هم در عرض کمتر از یک سال، حل کند!!! بر کارگر بی ادعا اما متوهمی که می پندارد مشکلات کارگران در چهارچوب نظام سرمایه داری و از طریق به وزارت رسیدن یک کارگر سندیکالیست قابل حل است هیچ حَرَجی نیست. اما وقتی می بینیم کسی که دارد این پندار مخرب را به «دوستان جوان» اش القا می کند در عین حال از «سرمایه»، «ارزش اضافی»، «طبقه»، «بزرگان نام آور کارگری» و «کلاسیک های کارگری» حرف می زند، هیچ نتیجه ی دیگری نمی توانیم بگیریم جز این که این حرف ها برای خالی نبودن عریضه و، بهتر بگویم، برای تزئین ویترین مغازه ای است که اجناس اش به کلی گندیده است.

یکی از ادعاهایی که طیف احزاب و سازمان های متعلق به جریان فکری متبوع آقای گیلانی نژاد در مورد سرکوب سال های اول انقلاب به ویژه دهه ی ۶۰ مطرح کرده اند این بوده که گروه ها و سازمان های چپِ ضدجمهوری اسلامی بودند که با «چپ روی» خود در سال های نخست انقلاب باعث شدند جمهوری اسلامی دست به سرکوب بزند. خوش رقصی و دُم تکان دادنِ این احزاب و سازمان ها برای جمهوری اسلامی تا بدان جا پیش رفت که با جمهوری اسلامی در سرکوب گرو ه ها و سازمان های ضدرژیم همکاری کردند، و البته خود نیز بعدها مشمول این سرکوب شدند. من، بی آن که خواسته باشم از سیاست و عملکرد گروه ها و سازمان های چپِ ضدجمهوری اسلامی دفاع کنم، این ادعا را که آنها باعث سرکوب شدند اتهامی یکسره بی اساس می دانم که فقط از آن دسته از جریان های سیاسی برمی آید که برای به وزارت رسیدن و به قدرت خزیدن حاضرند به هر رذالتی تن دردهند. اکنون آقای گیلانی نژاد نیز به تبعیت از بزرگان خود یک بار دیگر این ادعای بی اساس را مطرح کرده است:

«افراد بی مسئولیت با شعارهای بی پشتوانه و به ظاهر انقلابی آن هم در یک ماه بعد از انقلاب و سرگردان کردن کارگران در خیابان ها و وزارت خانه ها همان کاری را کردند که افراد بی-مسئولیت تر در مواجهه با کارگران و تیراندازی و عامل ساواک خواندن کارگران به این آتش دامن زدند.»

نمی دانم آقای گیلانی نژاد خود در وقایع آن سال ها حضور داشته یا این حرف ها را از زبان بزرگان خود شنیده است. اما من به عنوان شاهد زنده و حاضر در وقایع آن سال ها اعلام می کنم که اصلاً

چنین نبود که ایشان بیان کرده است. واقعیت این بود که کارگران از اوایل پائیز ۱۳۵۷ به بعد حضوری کاملاً پررنگ در صحنه ی مبارزه ی سیاسی با رژیم شاه داشتند. اعتصاب کارگران صنعت نفت یکی از فرازهای مهم و تاریخی این مبارز ه ی سیاسی بود. خواست های اقتصادیِ اولیه ی کارگران به سرعت به خواست های سیاسیِ الغای حکومت نظامی، آزادی زندانیان سیاسی، انحلال ساواک و در نهایت سرنگونی رژیم شاه تبدیل شد. فروپاشی این رژیم در ۲۲بهمن ۱۳۵۷ از نظر کارگران به هیچ وجه به معنی پایان انقلاب نبود؛ سهل است، به نظر آنان انقلاب تازه شروع شده بود. آنها برای «آزادی» و «رفاه» در انقلاب شرکت کرده بودند، و وقتی به هیچ کدام از اینها دست پیدا نکرده بودند، دلیلی برای پایان یافتن انقلاب نمی دیدند و طبعاً حق داشتند به مبارزات خود برای دستیابی به مطالبات شان ادامه دهند. به نظر آنان، برخلاف آقای گیلانی نژاد، انقلاب معادل قدرت گرفتن جمهوری اسلامی نبود که با تحققِ آن انقلاب را پایان یافته تلقی کنند. آنان دنبال خواست های خود بودند. آنها که شاغل بودند از طریق شوراهای خود اداره ی کارخانه ها و دیگر محل های کار و تولید را برعهده گرفتند تا خواست های خود را برآورده کنند. آنان که بیکار بودند کار یا بیمه ی بیکاری می خواستند. و درست به همین دلیل بود که اولین کاری که کارگران بیکار کردند تسخیر «خانه ی کارگر» بود تا محلی برای تجمع و طرح خواست های خود داشته باشند. راه پیمایی و تجمع و تحصن کردند تا سرانجام موفق شدند از وزارت کارِ وقت بیمه ی بیکاری بگیرند. این که احزاب و سازمان ها و گروه های سیاسی می-خواستند از این حرکت کارگران و به طورکلی مبارزات طبقه ی کارگر در سال های پس از انقلاب بهره برداری های سیاسیِ خود را بکنند، کوچک ترین خدشه ای به حقانیت مبارزه ی کارگران وارد نمی کند. حساب این دو تا را باید کاملاً از هم جدا کرد. البته این را نیز باید گفت که تلاش احزاب و سازمان ها و گروه های چپ برای بهره برداری سیاسی از مبارزات کارگران به هیچ عنوان آنها را مستحق سرکوب جمهوری اسلامی نمی کرد و نمی کند. آنها به مثابه ی احزاب مخالف با جمهوری اسلامی حق داشتند و کماکان حق دارند فعالیت سیاسی و تشکیلاتی بکنند، هرچند نه برای بهره برداری سیاسی از مبارزات کارگران، و البته این خودِ کارگران هستندکه نباید اجازه ی این کار را به آنها بدهند.
بنابراین، آقای گیلانی نژاد در تصویر جعلی و وارونه ای که از حوادث ماه های پس از انقلاب ارائه می دهد اولاً انقلاب را معادل به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی می کند. ثانیاً با اطلاق عنوان «سرگردانی کارگران در خیابان ها و وزارت خانه ها» به مبارزات رادیکال کارگران بیکار به شکل راه پیمایی و تجمع و تحصن هم این مبارزات را لوث می کند و هم آن را به حساب «افراد بی-مسئولیت و به ظاهر انقلابی» می گذارد. البته این را نیز باید گفت که خدا پدرش را بیامرزد که همچون حزب رسوای کذایی آن را کار «ضدانقلاب» و «مزدوران امپریالیسم» نمی داند. ثالثاً، با انداختن مسئولیت سرکوب دهه ی ۶۰ به گردن همین «افراد بی-مسئولیت و به ظاهر انقلابی» (که اسم رمزی است برای همان گروه ها و سازمان های چپِ ضدجمهوری اسلامی) در واقع سرکوب و کشتار آنان را توسط جمهوری اسلامی توجیه می کند و به آن حقانیت می دهد. و سرانجام، رابعاً، با نسبت دادن سرکوب ماه-های پس از انقلاب به «افراد بی مسئولیت تر»، این سرکوب خشن، وحشیانه و کاملاً سازمان یافته را بزک می کند، سرکوبی که علاوه بر جلوگیری از راه پیمایی ها و تجمع ها و برهم زدن آنها، پاره کردن نشریات و آتش زدن کتاب فروشی ها، در برخی شهرها منجر به ربودن فعالان سیاسی و سپس پیداشدن جسد آنها در بیابان ها شد و در مواردی چون کشته شدن ناصر توفیقیان در اصفهان حتا به تیراندازی رو در رو نیز کشیده شد.
این جعل و وارونه نمایی و بزک کردن جمهوری اسلامی، آن توهم ویرانگر که گویا مشکلات کارگران در چهارچوب نظام سرمایه داری و از طریق به وزارت رسیدن سندیکالیست ها قابل حل است و بالاخره آن تبدیل فرمانبرداریِ کارگران به فضیلت همه و همه بیانگر رسوخ اندیشه ی بورژوایی تا اعماق استخوان آقای گیلانی-نژاد است. این فقط او نیست که به این سندروم دچار است. کارگران علی العموم زیر سیطره ی افکار و ایدئولوژی طبقه ی سرمایه دار و حتا طبقات ماقبل سرمایه داری قرار دارند. اما فرق است بین آن توده ی عظیم کارگرانی که این سیطره را توجیه نمی کنند و وقتی به بورژوایی بودنِ تفکر خود پی می برند از خود شرم می کنند و همین شرم به انگیزه ای انقلابی در آنان تبدیل می شود تا آن را از ذهن خود بزدایند و آن عده ی انگشت شمار و قلیلی که افکار و عقاید طبقاتیِ عتیق چنان در ذهن شان رسوب کرده است و منافع حزبی و سندیکایی چنان با وجود شان عجین شده است که به هر خس و خاشاکی چنگ می زنند تا آن افکار و عقاید را حفظ کنند و به کارگران دیگر حُقنه نمایند. چه نیکوست که خودِ این کارگران نیز در فرایند لایروبی ذهن خود فعالانه شرکت کنند، هرچند این کار همتی عظیم می طلبد، همتی از آن دست که هرکول در لایروبی طویله ی اوژیاس از خود نشان داد.

دی ماه ۱۳۹۱

کارگران کارخانه نورد لوله صفا در ساوه دست به اعتصاب زدند

به نوشته سایت اتحادیه ازاد کارگران ایران در تاریخ 10 دی آمده است : کارگران کارخانه نورد لوله صفا از ساعات اولیه صبح روز گذشته در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهایشان دست از کار کشیدند.
بدنبال این اعتصاب مسئولین کارخانه با حضور در میان کارگران به آنان وعده دادند امشب مدت یکماه از دستمزد معوقه کارگران را به حسابشان واریز خواهند کرد.
به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲۴۰۰ کارگر کارخانه‌های نورد لوله صفا و پروفیل ساوه شش ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده‌اند. این کارگران روز چهارم آذر ماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای خود بیش از یک هفته دست از کار کشیدند و بدنبال تعهدات کارفرما در فرمانداری شهرستان ساوه مبنی بر پرداخت بموقع دستمزدها بر سر کارهای خود بازگشتند.
بر اساس این تعهد کارفرمای این کارخانه متقبل شده بود از آخر آذر ماه دستمزد کارگران را بموقع پرداخت کند و پنج ماه دستمزد معوقه آنانرا با پرداخت مبلغی در هر ماه تا پایان سال جاری تصفیه کند وی همچنین متعهد شده بوده هیچیک از کارگران اعتصابی را اخراج نکند با اینحال و علیرغم این تعهدات وی تا به امروز به هیچ یک از وعده‌هایش عمل نکرده و نه تنها دستمزد کارگران را پرداخت ننموده است بلکه در کارخانه نورد پروفیل ساوه ۲۰ نفر از کارگران را نیز به کارخانه راه نداده و آنان در حال حاضر در بلاتکلیفی بسر مي‌برند.
به همین دلیل روز نهم دی ماه ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا دست از کار کشیدند و پس از چهار ساعت اعتصاب با وعده کارفرما مبنی بر پرداخت یکماه از دستمزدشان بر سر کارهای خود بازگشتند.

کشته شدن کارگر ۲۰ ساله در حین کار

به گزارش خبرگزاری کار ایران – ایلنا در 10 دی آمده است : این حادثه صبح امروز - یکشنبه - در یک مجتمع مسکونی پنج طبقه در کرج رخ داد و طی آن کارگر ۲۰ ساله‌ای بر اثر شدت جراحات در دم جان باخت که جسد وی توسط امدادگران از داخل چاهک آسانسور بیرون کشیده شد.

سموم کشاورزی عامل شیوع سرطان گوارش در شمال کشور

به گزارش خبرگزاری کار ایران – ایلنا در 10 دی آمده است : مسوول کمیته راهبردی انجمن سرطان ایران یکی از دلایل شیوع سرطان دستگاه گوارش به خصوص در نواحی شمال کشور را استفاده بي‌رويه از سموم و کودهای شیمیایی عنوان کرد.
پیام آزاده در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا در مورد تاثیر سموم و کودهای شیمیایی در بروزبیماری سرطان گفت: در این زمینه آمار دقیقی نمي‌توان ارایه داد اما اثرات سرطان زایی سموم، کودهای شیمیایی و آفت کش‌ها که به صورت بي‌رويه در کشور استفاده مي‌شود ثابت شده است.
عضوهیات علمی دانشگاه علوم پزشکی شهیدبهشتی با اشاره به اینکه سالهاست که دیگر کشور ها از این سموم استفاده نمي‌کنند و موادارگانیک را جایگزین آن کرده‌اند، افزود: در کشورهای پیشرفته استفاده از این سموم ممنوع است و در کشورهای جهان سوم نیز خیلی معقولانه وبا اعمال محدودیت استفاده مي‌شود.
آزاده بااشاره به اینکه کمتر کشوری را در دنیا سراغ دارم که سموم و آفت کش‌ها وکودهای شیمیایی را به راحتی وبه این ارزانی استفاده مي‌کنند، افزود: به نظر مي‌رسد کشاورزان نمي‌دانند که این محصولاتی که با کودهای شیمیایی حاوی نیترات تولید مي‌کنند سرطان زاست.
وی با اشاره به اینکه سموم آفت کش‌ها و کودهای شیمیایی در حال حاضر به صورت بي‌رويه و غیر علمی به کشور وارد و مورد استفاده قرار مي‌گیرد، افزود: وقتی این مواد مورد مصرف قرار مي‌گیرند به راحتی وارد آب مي‌شوند و این‌ها غیر از اینکه درخت‌ها ومیوه ها را آلوده مي‌کنند باعث آلودگی آب نیزمی شوند.
آزاده با تاکید بر اینکه برای ایجاد سرطان با یک تیر چند نشان مي‌زنند، افزود: چون عمده محصولات کشاورزی در شمال ایران تهیه مي‌شوداستفاده از سموم و کودهای شیمیایی یک از علل بروز بیش از حد سرطان گوارش در شمال کشور است.
مسئول سیاستگذاری شبکه ملی تحقیقات سرطان وزارت بهداشت، سرطان دستگاه گوارش رابسیار کشنده و سرکش دانست و افزود: خیلی ازکشورها سرطان معده رابا کنترل مواد غذایی و استفاده از کودهای ارگانیک و نخوردن آب چاه کنترل کرده‌اند.
وی سرطان دستگاه گوارش در ایران را شایع‌تر از جاهای دیگردنیا عنوان کرد و افزود: اگرچه آمار کلی

سرطان در ایران همانند دنیا است، اما چون سرطان دستگاه گوارش بدخیم است سرطان در ایران مرگ و میر بیشتری دارد.

بازداشت پدر هادی دانشیار، فعال کارگری در شیراز

ظهر روز سه شنبه ۲۲ آذرماه ۱۳۸۱ مأموران اداره اطلاعات شهرستان شیراز برای بازداشت این فعال کارگری به منزل ایشان مراجعه کردند که پس از آگاهی از عدم حضور ایشان، به تفتیش منزل پرداخته و سپس اقدام به بازداشت پدر ایشان کرده‌اند.
بنا به اخبار رسیده به کمیته گزارشگران حقوق بشر، پدر این فعال کارگری روز چهارشنبه ۲۳ آذر ماه طی یک تماس تلفنی کوتاه با خانواده از صدور قرار بازداشت موقت توسط دادگاه انقلاب شهر شیراز و انتقالش به زندان عادل آباد خبر داده است.
تا این لحظه اطلاع دقیقی از اتهامات وارده به ایشان در دست نیست، این در حالی است که مأموران پس از تفتیش منزل اقدام به ضبط کامپیوتر و کتاب‌های اعضای خانواده کرده‌اند. سید هادی دانشیار ۳۸ ساله فعال کارگری ساکن شیراز به اتهام تبلیغ و تبانی علیه نظام، به نفع گروه های ضد نظام و شرکت در تجمعات غیرقانونی در شیراز به تحمل سه سال حبس تعزیری محکوم شده است.
دانشیار در جریان اعتصاب کارگران معدن استان فارس، در سال ۸۷ بازداشت و پس از تحمل دو ماه بازجویی و حبس در اداره اطلاعات و زندان عادل آباد شیراز با قرار وثیقه به طور موقت آزاد شده بود. وی پیش از این و در ابتدای سال ۸۷ نیز بنا بر شکایت اداره اطلاعات و به اتهام اقدام علیه امنیت کشور مبنی بر تحریک کارگران معدن به اغتشاش به دو سال حبس تعزیری محکوم شده بود.

درحمایت از مبارزات طبقه کارگر ایران
کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران- دانمارک

رژیم جمهوری اسلامی در تداوم سرکوب فعالین کارگری در هفته گذشته، هفت نفر از فعالین کارگری و از اعضای کمیته هماهنگي‌برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری را دستگیر و بازداشت کرده است. این در حالي‌است که پدرام نصراللهی ، بهنام ابراهیم زاده ، محمد جراحی ، شاهرخ زماني‌و رضا شهابی همچنان دوران محکومیت خود را در زندان مي‌گذرانند و رضا شهابی به خاطر برخورد غیر انسانی زندانبانان و عدم رسیدگی به وضعیت جسمی او، دست به اعتصاب غذای تر و دارو زده است که وضعیت جسمی او روز به روز وخیم‌تر مي‌شود.
از سوی دیگر هر روز شاهد بي‌حقوقی ، اخراج سازي‌های گسترده و جانباختن کارگران به خاطر نبود ایمني‌در محیط کار هستیم. لایحه ضدّ کارگری قانون کار که در آذر ماه امسال جهت تصویب به مجلس ارسال شده، نشان از تعرض افسار گسیخته حاکمان سرمایه علیه طبقه کارگر ایران و اقشار زحمت کش جامعه است.
کارگران و فعالین جنبش طبقه کارگر در این جنگ نابرابر که سرمایه‌داران و صاحبان صنایع معادن و محافظان چماقدارشان به آنها تحمیل کرده‌اند، سکوت نکرده‌و حتی در داخل زندان هم لحظه‌ای دست از مبارزه نکشیده‌اند. کارگران و فعالین جنبش طبقه کارگر با مقاومت و همبستگی طبقاتی خود، استوار و محکم در مقابل تعرض حاکمان سرمایه و محافظانشان ایستاده اند.
رزمندگی فعالین جنبش طبقه کارگر ستودنی است. اما باید سنگر آنها را تقویت کرد. از این رو همه‌انسان‌های شریف و آزاده ائی که در مقابل جنبش طبقه کارگر و فعالین راستین این جنبش، احساس مسئولیت مي‌کنند، باید به هر نحو ممکن به حمایت از طبقه کارگر ایران و فعالین کارگری برخیزند و در هر جای جهان که هستند به کمپین یک ماه "دفاع از مبارزات کارگران ایران" بپیوندند.
"کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران - دانمارک" وظیفه خود مي‌داند که روز شنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۱۳ در کارزار بین‌المللی حمایت از کارگران در ایران، فعالانه شرکت کند.

کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران- دانمارک
۳۰ دسامبر ۲۰۱۲
komitedanmark@yahoo.com

نگرانی از وضعیت رضا شهابی و محمدعلی دادخواه در زندان

به نوشته سایت صدای آلمان در 19 دی آمده است : بنا بر گزارش‌ها وضعیت جسمی رضا شهابی فعال کارگری در زندان وخیم است و خطر فلج شدن او را تهدید مي‌کند. محمد علی دادخواه نیز که در زندان برای اعتراف علیه خود تحت فشار است، دچار افت حافظه شده است.
وضعیت جسمی رضا شهابی فعال کارگری و عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه که در زندان به سر مي‌برد وخیم گزارش شده است. ربابه رضایی همسر رضا شهابی به "کمپین بین‌المللی حقوق بشر" گفته است اگر همسرش درمان نشود خطر فلج شدن او را تهدید مي‌کند.
بنا بر این گزارش هفته گذشته بعد از این که حال عمومی رضا شهابی در زندان به هم مي‌خورد او را به بهداری زندان منتقل مي‌کنند اما آقای شهابی از خوردن دارو امتناع مي‌کند و اجازه وصل کردن سرم به خود را نمي‌دهد.
رضا شهابی از ۲۵ آذر ۱۳۹۱ دست به اعتصاب دارو زده است. این عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه ۲۷ آذر ۱۳۹۱، دو روز پس از شروع اعتصاب دارو، اعتصاب غذای خود را نیز در زندان شروع کرد.
اعتراض رضا شهابی به رفتار ماموران زندان است که در تاریخ ۲۵ آذر ماه او را با "فحاشی و تهدید به ضرب و شتم" از بیمارستان به زندان بازگرداندند.
رضا شهابي، فعال کارگری و از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه ۲۲ خرداد ۱۳۸۹ بازداشت شد و در حین انتقال به بند ۲۰۹ به دلیل ضرب و شتم شدید از ناحیه گردن به شدت آسیب دید.
بنا بر گزارش‌ها آقای شهابی در زندان نیز بارها مورد ضرب و شتم قرار گرفته که باعث آسیب دیدن نخاع او شده است.
بنا بر گزارش‌ها محمد علی دادخواه در زندان تحت فشار است تا علیه خود اعتراف کند
این فعال کارگری به دنبال تقاضاهای فراوان خانواده سرانجام در تاریخ ۲۵ آذر ماه برای معاینه از زندان به بیمارستان منتقل شد اما قبل از آزمایشات پزشکی ماموران زندان با فحاشی و تهدید به ضرب و شتم او را از بیمارستان به زندان بر گرداندند.
ربابه رضایی همسر رضا شهابی از رییس قوه قضاییه و دادستان تهران خواسته است تا به همسرش مرخصی درمانی بدهند چرا که در صورت عدم درمان، خطر فلج رضا شهابی را تهدید مي‌کند.

تحت فشار قرار دادن محمد علی دادخواه در زندان
گزارش‌ها همچنین حاکی از تحت فشار قرار دادن محمد علی دادخواه وکیل و از اعضای هیات موسسان کانون مدافعان حقوق بشر در زندان برای اعتراف علیه خود و پذیرش اتهاماتش است. حسین دادخواه برادر محمد علی دادخواه با اعلام این خبر به " کمپین بین‌اللملی حقوق بشر در ایران" گفته است برادرش در زندان دچار "افت حافظه" شده است.
حسین دادخواه با اظهار نگرانی شدید از وضعیت برادرش گفته است: «دخترش را هفته پیش در ملاقات حضوری نشناخته و حرف‌های بي‌ربط مي‌زده است. خیلی غم‌انگیز است. من هم محمد را کابینی ملاقات کردم. او جملاتی را پس و پیش مي‌گفت که من متعجب شدم. محمد همیشه در صحبت کردن عالی بود، هیچ وقت اشتباه و پس و پیش حرف نمي‌زد، هیچ وقت در صحبت‌هایش مکث نمي‌کرد. نمي‌دانم چه اتفاقی برای او افتاده است. او هفته گذشته مثل همیشه نبود.»
محمد علی دادخواه قبل از زندان نیز برای اعتراف تلویزیونی تحت فشار قرار گرفته بود. او پیش

از زندانی شدن گفته بود که ماموران امنیتی از او خواسته‌اند تا جلوی دوربین تلویزیون بگوید که کانون مدافعان حقوق بشر از خارجي‌ها پول مي‌گرفته است تا مقاصد آن‌ها را انجام دهد.
محمدعلی دادخواه، در تیرماه سال ۹۰ از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب به ۹ سال زندان و ده سال ممنوعیت از وکالت در دادگستری و همچنین به مجازات شلاق و چندفقره جزای نقدی محکوم شده بود. صبح روز یکشنبه ۱۰ اردیبهشت محمد علی دادخواه، حقوق‌دان و مدافع حقوق زندانیان سیاسي، هنگامی که در شعبهٔ ۱۵ برای دفاع از موکلش، زندانی سیاسی ارژنگ داودي، حاضر شده بود دستگیر شد.

بیانیه کانون کارگردانان: سینمای ایران درحال تعطیلی است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 10 دی آمده است : کانون کارگردانان با انتشار بیانیه‌ای نسبت به وضعیت امروز سینما ابراز نگرانی کرد.
به گزارش خبرنگار ایلنا، متن این بیانیه بدین شرح است:
سینمای پر افتخار ایران روزهای سختی را مي‌گذراند. سینمایی که به شهادت خاص و عام در سی و چند سال گذشته سفیر صلح و دوستی مردم ایران با دیگر ملل بوده است. سینمایی که بسیاری از جهانیان، کشور ما را به آن مي‌شناسند و سینمایی که با نگاه انسانی و شرفتمندانه سینماگرانش راهی تازه را مي‌پیماید. اما این سینما امروز در سراشیبی قرار گرفته و روزی نیست که با مانعی جدید روبرو نگردد. کسانی که با شعار ریل‌گذاری تازه برای قطار سینمای ایران پا به میدان گذاشتند در خوش‌بینانه‌ترین حالت، از سر ناآگاهی مسیری را در پیش گرفتند که اگر هر چه زودتر چاره‌ای اندیشه نشود قطاری باقی نمي‌ماند که نیازی به ریل‌گذاری باشد. شعار شفاف‌سازی و مبارزه با شاه‌نشینان و رانت خواران تنها سپری بود برای رانت‌خواران جدید، انبوهی از پروژه‌های فاخر!! و نازل تولید شده در دفاتر نزدیکان به قدرت، گواه مدعای ما است. انحلال تنها نهاد صنفی اهالی سینمای ایران و تولید صنوف دست‌ساز، تنها و تنها سینمای ایران را چندپاره کرد و دریغ از یک شعار وحدت‌طلبانه که گویا برای آقایان این آشفتگی بهترین بستر برای اجرای ریل‌گذاري‌شان بود.
در شرایطی که از مدت‌ها پیش هشدارهای دلسوزان در رابطه با شرایط بحرانی سینما به دفعات به مسؤولین گوشزد مي‌گردید، متأسفانه هر بار با برچسب نخ نمای سیاه نمایی با آن برخورد مي‌شد و نوید روزهای آفتابی و پر رونق ورد زبان‌شان بود، و در این راه از ارائه آمارهای جعلی و غیرمستند نیز ابائی نداشتند. اگر چه از فروردین ماه امسال پیش‌بینی دلسوزان به واقعیت تبدیل شد و سینمای ایران را در گردابی فرو برد اما افسوس که حتی در این شرایط نیز همچنان به فرافکنی و رویارویی مشغولند و نوید روزهای خوش آینده را مي‌دهند.
در روزگاری که بحران اقتصادی گریبان بسیاری از اهالی نجیب سینمای ایران را گرفته و روز به روز بر شدت آن افزوده مي‌گردد، هنگامی که سینما در همه عرصه‌ها اعم از تولید، توزیع و نمایش با معضلات بسیاری دست به گریبان است مسؤولین دست ما را به علامت تسلیم بالا آورده‌اند و تنها از پس پنجره‌های ساختمان بهارستان به نظاره مشغولند.
سوء تدبیر در اکران نوروزی و پیامدهای ناشی از آن، عملاً چرخه اکران را از مسیر طبیعی خود خارج کرده. در این میان مسؤولین شورای صنفی اکران که در واقع بازوهای اجرایی مسؤولین سینمایی مي‌باشند و مجری سیاست‌های آنان دست به تسویه حساب های شخصی زده و با صدور بیانیه‌های عجیب و غریب هر روز آتش این بحران را شعله‌ورتر مي‌سازند. در این اوضاع آشفته عملاً بسیاری از اکران فیلم‌هایشان صرف نظر کرده‌اند. سینماهای کشور در حال زیان‌دهی و بسیاری درمعرض تعطیلی است. وعده‌های مسؤولین هم تنها در حد دلخوشکنکی بیش نیست و هنگامی که سالن‌های سینما نتوانند دخل و خرج کنند عملاً این حقوق معنوی و مادی اهالی سینما است که در این هیاهو به تاراج مي‌رود.
در شرایطی که مسؤولین سینمایی نتوانند پاسخگوی سیاست‌هایشان باشند بدیهی است پای دیگران به میان مي‌آید. گویی سینمای ایران طفل صغیر و یتیمی است رها شده در برزخی بی انتها که همه داعیه مادری آن را دارند و می خواهند آن را به سرمنزل مقصود برسانند، و در واقع آن را تکه پاره مي‌کنند. ورود مسؤولین حوزه هنری به ماوراء اکران و تفکیک فیلم های دارای پروانه نمایش به دو گروه ارزشی و غیرارزشي، با هر نیتی که صورت گرفته

باشد عملی غیرقانونی و باعث ایجاد تشتت و نابسامانی بیش‌تر در عرصه اکران، و ایجاد چند دستگی بین اهالی سینما گردیده. طرح اتهام بی اخلاقی به تعدادی از سینماگران با سابقه، جفای بزرگی به سینمای ایران است، سینمایی که در همه دنیا آن را با صفت اخلاق مي‌شناسند. اگر نبود اهمال متولیان سینمایی کشور و سستی آن‌ها در پاسخگویی به عملکردشان قطعاً هیچ یک از نهادهای فرهنگی دیگر خود را محق برای ورود به این عرصه نمي‌یافتند.

در عرصه تولید به دلیل ایجاد صنفی دولت ساخته و واگذاری بخشی از اختیارات سازمان سینمایی به این تشکل فرمایشي، و الزام بخش عظیمی از تهیه‌کنندگان و کارگردانان به عبور از این فیلتر که عملاً در جایگاه ممیزی درون صنف قرار گرفته، دیگر انگیزه‌ای برای آنان که خارج از این دایره کوچک و ناکارآمد قرار گرفته‌اند باقی نمي‌ماند. آن‌گاه که چرخهٔ اکران به وضعیتی درآمد که ذکر شد، بدیهی است که امنیت سرمایه دچار خلل مي‌گردد و تولید به رکود دچار مي‌آید. تاثیر روانی حاصل از نابسامانی اکران، عملاً نا امنی تولید را افزایش داده و تهیه‌کنندگان بسیاری را دچار تردید کرده...

و عرصه نمایش این آخرین حلقه زنجیره تولید سینما، کافی است نگاهی به اطلاعیه‌های اخیر انجمن سینما داران بیاندازید تا به عمق فاجعه پی ببرید و یا پای درد دل تهیه‌کنندگان بنشینید که ماهی از اتمام تاریخ اکرانشان گذشته و هنوز موفق به دریافت سهم خود از صاحبان سینماهای ورشکسته نشده‌اند.

و در این فضای غبارآلود، شاهد حضور فعال به ظاهر دوستانی هستیم که این شرایط را برای مقاصد حقیر خود مناسب یافته‌اند. کسانی که به ظاهر از سر دلسوزی اما در واقع برای تسویه حساب‌های شخصی خود پا به میدان گذاشته‌اند. کسانی که با تعطیلی جامعه اصناف سینمای ایران شادمانه به پایکوبی برخاستند، و هر آنچه در توان داشتند برای نابودی این نهاد به کاربردند. اما اکنون که گویی روزگار شکلی دیگر به خود گرفته با ظاهر دلسوزانه به میدان آمده و نگران آبروی خانه هستند.

از عجایب روزگار ما دیگر این که، تهیه‌کنندگان و کارگردانانی که ورودشان به این حرفه، از طریق ارتباطات و رانت‌های دولتی بوده امروز عَلَم مبارزه با رانت‌خواری را برافراشته اند که گویی این بهترین حربه برای فرار به جلو است.

از نظر ما، اختلافاتی که به دلیل شرایط بحرانی بین برخی از اهالی سینما بروز کرده از این دسیسه‌ها که ظاهری دلسوزانه دارد و سعی در تشدید این اختلافات، جدا است. ما همه تلاش خود را برای بر طرف کردن این سوء تفاهمات به کار خواهیم بست و در زمان مناسب پاسخ مغرضانی را که شرایط را برای پوشاندن فعالیت‌های مخربشان در چند سال گذشته مناسب تشخیص داده‌اند خواهیم داد.

کانون کارگردانان سینمای ایران، همچنان بر باور همیشگی خود پافشاری مي‌کند، که تا زمانی که مسؤولین سینمایی بر سیاست تفرقه افکنانه خود میان اهالی سینما پافشاری می کنند و تا وقتی که خود به نقد منصفانه عملکرد چند ساله‌شان نپردازند و همچنان نقد دلسوزانهٔ اهالی سینما را با ترفندهای کهنه ازجمله سیاه‌نمایی پاسخگویند. عملاً روز به روز خود را تنهاتر خواهند یافت همچون فرمانده‌ای که لشگرش به او پشت کرده‌اند.

معضلات سینمای ایران تنها و تنها از طریق ایجاد فضای گفت‌وگوی محترمانه و برابر بین مسؤولین و اهالی سینما قابل حل است و بس... اگر مسؤولین سینما همچنان بر فاصله‌گذاری خود با صنوف سینمایی پافشاری کنند ما پیشنهاد مي‌کنیم که هر چه زودتر نشستی بین صنوف سینمایی ازجمله کانون کارگردانان، شورای عالی تهیه‌کنندگان، انجمن سینماداران(هر سه تشکل) و کلیه دلسوزان سینمای ایران که حتی خارج از صنوف حضور دارند برگزار گردد تا راه‌کارهای کوتاه مدت و برنامه‌ای آینده نگر طراحی گردد... از همهٔ دلسوزان سینما مي‌خواهیم که با کنار گذاشتن اختلافات مقطعی پا به میدان بگذارند که در این شرایط هر گونه ساده‌نگری و سهل‌انگاری باعث تأسف در آینده‌ای نزدیک خواهد بود که به ضرر کلیت سینمای ایران است.

چهار کشته بر اثر حادثه انفجار در کارخانه سیمان شاهرود

به نوشته سایت دولتی مهر در 10 دی آمده است : بر اثر حادثه انفجار در یکی از کارگاه های متعلق به پیمانکار حمل مواد اولیه کارخانه سیمان شاهرود چهار نفر کشته شدند.
به گزارش خبرنگار مهر، بر اثر حادثه انفجاری که ساعت 17 روز یکشنبه در یکی از کارگاه های متعلق به پیمانکار حمل مواد اولیه از معدن به سنگ شکن کارخانه سیمان شاهرود رخ داد چهار نفر کشته شدند.
علت دقیق این حادثه که منجر به تخریب این کارگاه شده هنوز مشخص نشده اما علت احتمالی حادثه، انفجار کپسول هوا عنوان شده است.
هم اکنون ماموران آتش نشانی و اورژانس شاهرود در محل حادثه در حال آواربرداری و امدادرسانی هستند.
به گفته شاهدان عيني، شدت حادثه به حدی بوده است که اجساد کشته شدگان متلاشی شده و غیرقابل شناسایی است.
همچنین بنا به گفته شاهدان عيني، مسئول این شرکت پیمانکاری نیز جزء کشته شدگان حادثه انفجار است.
به گزارش مهر، کارخانه سیمان شاهرود با دارا بودن دو خط تولید، روزانه شش هزار و 500 تن سیمان خاکستری تولید می کند.

بیاینه مشترک سندیکاها، اتحادیه ها و دیگرتشکل های کارگری پیرامون بی توجهی به زندگی کارگران وکودکان

باز انتشارمطالب کانون مدافعان حقوق کارگر با ذکر منبع بلامانع است. با تشکر
http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2012/12/blog-post_30.html#more
بیاینه مشترک سندیکاها، اتحادیه ها و دیگرتشکل های کارگری پیرامون بی توجهی به زندگی کارگران وکودکان حوادث ناگوار مرگ کارگران و کودکان در چند هفته ی اخیر یکی پس از دیگری بیانگر بی توجهی مسوولان و کارفرمایان به جان انسان هاست.
5 کارگر افغانی به هنگام کار در منطقه خاک سفید تهران پارس زیر آوار رفتند. به دنبال آن، فاجعه کشته شدن کارگران در معدن زغال سنگ طبس و فاجعه های دیگری که هر روزه در جای جای ایران رخ می دهد... بنا بر آمار منتشره، هر روز به طور متوسط 5.5 کارگر در اثر حوادث کار و نبود شرایط ایمنی جان خود را از دست می دهند.
با توجه به آنکه حکومت کلیه مسوولیت های خود را در قبلا مردم و نظارت بر ایمنی و بهداشت و بهروزی مردم و به خصوص کارگران و خانواده هایشان را فراموش کرده است، هر روز شرایط بدتری بر زندگی اقشار متوسط به پایین سایه می افکند و هر روز اخبار وحشتناک تری از نابودی انسان ها در محل کار و زندگی و سفر و جاده و خیابان ها پخش می شود. همچنین کنار ناایمنی شرایط کار، خبرها حاکی از آن است که جان کودکان در مدارس مخروبه و غیر ایمن نیز در خطر است. قربانیان حریق مدرسه ی روستایی شین آباد در پیرانشهر ارومیه در آذربایجان به 37 نفر رسیده است که دو نفر از آنان فوت کرده اند. متاسفانه مسوولان به جای آن که امکانات رفاهی، گرمایشی و شرایط ایمنی وگرمایشی کلاس های درس روستاها و شهرستان ها را افزایش دهند، معلم، مستخدم یا بخاری مدرسه را محکوم کرده اند تا شانه از زیر بار مسوولیت خود کنار کشند. آینده ی این دانش آموزان سوخته شده ، زخمی و ترسیده و معلم زحمتکش آنها چه می شود که باید با نقص عضو به زندگی در شرایط سخت ادامه دهند؟
ما تشکل های کارگری امضا کننده، ضمن حمایت از بیانیه انجمن صنفی معلمان، یادآوری می شویم که مسوولان مملکتی باید به وظایفشان عمل کنند و از کارگران وخانواده های آسیب دیده این حوادث می خواهیم یکدیگر را دریابند،
به هم بپیوندند و برای درمان این دردهای مشترک تشکل های خود را تشکیلدهند. برای رسیدن به آینده ای بهتر برای زندگی و کار، چاره ای جز وحدت،تشکیلات و اتحاد سراسری نداریم. پیش به سوی تشکل مستقل و سراسری کارگران ایران.
دی ماه 1391
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران وحومه
هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمانی
اتحادیه کارگران پروژه ای
سندیکای کارگران فلزکار ومکانیک
اتحادیه آزاد کارگران ایران

علی نجاتی به شعبه چهارم دادیاری دادگاه انقلاب سنندج احضار شد

علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به شعبه چهارم دادیاری دادگاه انقلاب سنندج احضار شد. بر اساس این احضاریه وی باید سه روز پس از رویت این احضاریه در دادگاه حاضر شود.
احضار علی نجاتی به شعبه چهارم دادیاری دادگاه انقلاب سنندج پیرو محاکمه وی در شعبه اول دادیاری دادگستری شهرستان شوش در 29 مهر ماه سالجاری صورت میگیرد. در این دادگاه در شهرستان شوش به علی نجاتی اعلام شده بود: بر اساس مستندات یک سی دی که بر روی پرونده همسرتان است شما سال گذشته به کردستان رفته اید ودر آنجا سخنرانی کرده و ترانه حماسی و تحریک کننده "دایه دایه وقته جنگه" را خوانده اید. قاضی این دادگاه علی نجاتی را با وثیقه ده میلیون ریالی آزاد کرد و به وی اعلام نمود ما این سی دی را جهت تحقیقات و تکمیل پرونده به دادگستری استان کردستان خواهیم فرستاد و چنانچه دادگستری این استان قصد محاکمه شما را در آنجا نداشته باشد همینجا در شوش به پرونده شما رسیدگی خواهیم کرد.
از 29 مهر ماه سالجاری تاکنون این چهارمین بار است که علی نجاتی و همسرش شهناز سگوند به دادگاههای انقلاب در شهرهای شوش، دزفول و سنندج احضار و با اتهامات واهی مورد بازجویی و محاکمه قرار میگیرند. اولین محاکمه علی نجاتی به جرم مسافرت به کردستان و خواندن سرود "دایه دایه" در یک مهمانی در این شهر در حالی صورت گرفت که وی تنها یک ماه قبل از آن از زندان آزاد شده بود.
اتحادیه آزاد کارگران ایران، احضار و محاکمه های پی در پی علی نجاتی و همسرش شهناز سگوند را با اتهامات واهی ابزاری سیستماتیک برای آزار و اذیت این خانواده معترض کارگری و بالا بردن هزینه فعالیتهای صنفی و اجتماعی برای عموم کارگران ایران ارزیابی میکند و با محکوم کردن احضار علی نجاتی به دادگاه انقلاب شهر سنندج ، اعلام میدارد بر پایی تشکل، اعتصاب و تجمعات کارگری از بدیهی ترین حقوق اجتماعی کارگران است و بدون تردید اینگونه آزار و اذیت رهبران و فعالین کارگری قادر نخواهد شد خدشه ای در مبارزات کارگران ایران برای دست یابی به یک زندگی بهتر ایجاد کند.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – دهم دی ماه 1391

رضا شهابی در اعتصاب غذا و دارو
در گفت‌وگو با محمود صالحی، فعال کارگری و مسعود شفیعی، وکیل رضا شهابی

رضا شهابی، فعال کارگری و عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران است؛ سندیکایی که در سال ۱۳۸۳ خورشیدی شکل گرفت. این تشکل از همان ابتدا زیر فشارهای امنیتی دولت ایران قرار گرفت و اعضای فعال آن چون منصور اسانلو، ابراهیم مددزاده و رضا شهابی بارها احضار و بازداشت و در نهایت به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم شده‌اند.
بشنوید:
http://www.zamahang.com/podcast/2010/20121228_HumanRights_MamoudSalehi_MasoudShafiei_Reza_Shahabi_BehnamDaraeiZadeh.mp3
رضا شهابی در خردادماه سال ۱۳۸۹ از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی به شش سال زندان و پنج سال محرومیت از فعالیت سندیکایی محکوم شد و هم اکنون هم در بند ۳۵۰ زندان اوین، دوران محکومیت خود را می‌گذراند. او به سختی بیمار است و در طول دوران حضور در زندان نیز به سبب بیماری و درد شدید ستون فقرات و گردن، چند مرتبه در بیمارستان‌های تهران بستری شده است و احتمال فلج شدن او نیز می‌رود.
این فعال حقوق کارگران، پس از پیگیری‌های فراوان از سوی خانواده‌اش، بالاخره روز ۲۵ آذرماه سال جاری برای معاینه به بیمارستان منتقل شد، اما در پی جلوگیری از انجام آزمایش‌های پزشکی مرتبط و "فحاشی و تهدید به ضرب و شتم" از سوی ماموری که وی را از زندان به

بیمارستان آورده بود، در بند ۳۵۰ زندان اوین، دست به اعتصاب غذا و دارو زده است و از این حرکت اعتراضی، بیش از ۱۴روز می‌گذرد.
ربابه رضایی، همسر این زندانی به کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران گفته است که مامور همراه رضا شهابی با درخواست دکتر برای انجام آزمایش ام آر آی موافقت نکرده و گفته که باید تا قبل از ظهر وی را به زندان برگرداند. به گفته او مامور زندان "با عبارت‌های خیلی زشت" رضا شهابی را تهدید می‌کرده است که اگر الان به زندان برنگردد "او را با کتک می‌برد".
در گفت‌وگویی با محمود صالحی، فعال اجتماعی و سخنگوی کمیته پیگیری وضعیت رضا شهابی، درباره آخرین وضعیت این زندانی سیاسی پرسیده‌ایم و سپس با مسعود شفیعی، وکیل رضا شهابی در تهران صحبت کرده‌ایم و از او در پیوند با اتهام‌هایی پرسیده ایم که براساس آن موکل او در دادگاه انقلاب تهران محکوم شده است.
محمود صالحی: بعد از آنکه در روز ۲۵ آذر، رضا شهابی را به بیمارستان می‌برند، بر اثر برخورد بدی که همراه ایشان، یعنی پاسداری که همراه او بوده، با وی می‌کند، وقتی به زندان بر می‌گردد، اطلاعیه می‌دهد. در آن اطلاعیه قید می‌کند که من در اعتراض، دو گزینه را در نظر گرفته‌ام: یا دست به اعتصاب غذا خواهم زد، یا دست به اعتصاب دارو خواهم زد و از ادامه درمان و دریافت خدمات پزشکی، خودداری خواهم کرد. در نامه دوم می‌نویسد که من گزینه دوم را در نظر گرفتم. سپس، روز ۲۷ آذر ماه، یعنی روز دوشنبه پیش نیز رسماً اعلام اعتصاب غذای تر می‌کند و از آن هنگام تا به امروز در اعتصاب است.
آیا اطلاعی از آخرین وضعیت جسمی رضا شهابی در پی اعتصاب غذا و دارو دارید؟
رضا در آخرین تماسی که با خانواده‌اش داشته، گفته است که هفت کیلو، وزن کم کرده، اما - خانواده‌اش گفته‌اند- حالش به لحاظ روحی خوب بوده است. با این حال، او نیز چون تمامی زندانیانی که دست به اعتصاب غذا می‌زنند، نیاز به حمایت دارد. رضا شهابی امروز که در حال اعتصاب است، حمایت می‌خواهد و لازم هست که کارگران، زحمتکشان جامعه، مردم آزادی‌خواه، فعالان مدنی و... از او حمایت کنند.
شما خودتان مدت زیادی در زندان بودید و در اعتراض به شرایطتان، دست به اعتصاب غذا زدید. به نظر شما، زندانی در چه شرایطی دست به چنین کاری می‌زند؟
زندانی که دست به اعتصاب غذا می‌زند، یعنی دارد با جان خودش بازی می‌کند. او با وجود اینکه می‌داند جانش در خطر است، به سبب برخوردهای ناانسانی که در زندان با زندانی می‌شود، به رغم میلش دست به چنین کاری می‌زند، اما در کل، این پرسش محوری را باید از خود زندانی پرسید. من که در خانه خود نشسته‌ام، آب می‌خورم، نان می‌خورم، زندگی خودم را می‌کنم، آسایش لازم را دارم و... نمی‌توانم موقعیت یا تصمیم‌های یک زندانی را در داخل زندان درک کنم. اگر از خود زندانی بپرسید که چرا جانت را به خطر می‌اندازی، آنگاه به شما خواهد گفت که به خاطر توهین‌ها و بی‌حرمتی‌ها، بی‌توجهی‌ها یا نابرابری‌هایی طبقاتی که در داخل زندان اعمال می‌شود، دست به اعتصاب زده‌ام. وگرنه زندانی‌ای چون رضا شهابی می‌داند در کشوری که ما زندگی می‌کنیم تنها چیزی که ارزش ندارد انگار جان انسان است.
پنج سال محرومیت از فعالیت سندیکایی
مسعود شفیعی، وکیل مدافع رضا شهابی است. او پس از محکومیت رضا شهابی و آغاز دوران اجرایی حکم، ملاقاتی با موکل خود نداشته است و می‌گوید: "ما حتی در آن مقطعی که نیاز به ملاقات داشتیم و به لحاظ قانونی نیز کاملاً مجاز بودیم و این حق را داشتیم، از این فرصت محروم بودیم."
شما هم در مرحله بدوی و هم در مرحله تجدید نظر، وکیل رضا شهابی بوده‌اید. اتهام اصلی او که در دادگاه انقلاب به آن محکوم شده چه بوده است؟
مسعود شفیعی: به لحاظ قانونی، همانطور که شما اشاره کردید، من هم در مرحله بدوی و هم در مرحله تجدید نظر، وکیل آقای شهابی بودم. البته باید این توضیح را نیز بدهم که وقتی حکم به اصطلاح «قطعی» می‌شود و متهم به عنوان «مجرم» روانه زندان می‌شود، وکیل دیگر سمت خاصی ندارد و دیگر در «موضع دفاع» نیست.
در پیوند با سئوالی که مطرح کردید، باید بگویم اتهام‌های آقای شهابی، در پیوند با مواد ۵۰۰ و ۶۱۰ قانون مجازات اسلامی بود. ماده ۵۰۰ قانون مجازات اسلامی در خصوص افرادی است که علیه نظام جمهوری اسلامی یا به نفع گروه‌ها و سازمان‌های مختلف، به هر نحوی فعالیت

تبلیغی کنند. ماده ۶۱۰ هم به اجتماع و تبانی در جرایم امنیتی اشاره دارد. آقای شهابی در هر دوی این موارد اتهامی به حداکثر مجازات (یک سال و پنج سال) محکوم شده است. علاوه بر این، به مدت پنج سال هم از هرگونه فعالیت سندیکایی و... محروم شده‌اند.
آیا پس از محکومیت رضا شهابی و آغاز دوران اجرایی حکم، شما ملاقاتی هم با وی داشته‌اید؟
نه متأسفانه. ما حتی در آن مقطعی که نیاز به ملاقات داشتیم و به لحاظ قانونی نیز کاملاً مجاز بودیم و این حق را داشتیم، از این فرصت محروم بودیم. البته من ایشان را برای انعقاد وکالتنامه در زندان ملاقات کردم و درباره چگونگی دفاع و... نیز صحبت‌هایی داشتیم، ولی پس از قطعی شدن حکم، ما اصولاً در جایگاه وکیل، سمتی برای ورود به پرونده یا ملاقات با موکل نداریم.
آیا در مرحله کنونی، امکان درخواست آزادی مشروط برای رضا شهابی وجود دارد؟
به موجب قوانین، درخواست «آزادی مشروط»، شرایط ویژه و خاص خود را دارد. در عمل، این رفتار زندانی در زندان است که مبنا و اساس پیگیری چنین درخواست قرار می‌گیرد. در تئوری این درست است که وقتی زندانی، حدود نیمی از دوران محکومیت‌اش را سپری کند، چنین حقی را دارد، اما در عمل، منوط به تصمیم و نظر مسئولان است تا بر پایه چگونگی رفتار زندانی در زندان، تصمیم بگیرند. در خصوص وضعیت آقای رضا شهابی، بعید می‌دانم که چنین برداشتی در نگاه مسئولان قضایی و زندان وجود داشته باشد.
منبع:رادیوزمانه- بهنام دارایی‌زاده -9دی

کارگران نورد لوله صفا در دومین روز اعتراضات خود به فرماندار ساوه اعلام کردند تا دریافت دستمزدهایمان به اعتصاب ادامه خواهیم داد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 10دی آمده است : بدنبال اعتصاب 4 ساعته دیروز 1200 کارگر نورد لوله صفا، کارفرمای این کارخانه به کارگران قول داد دیشب یکماه از دستمزد معوقه آنان را به حساب شان واریز خواهد کرد. اما دیشب هیچ پولی به حساب کارگران واریز نشد و آنان از اول صبح امروز اعتصاب نامحدودی را آغاز کردند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه ازاد کارگران ایران، بدنبال این اعتصاب و عدم توجه مسئولین کارخانه به خواست کارگران، آنان با روشن کردن لاستیک درب ورودی کارخانه را نیز بستند و حوالی ظهر طی تماسی با فرمانداری ساوه مسئله خلف وعده کارفرما را با فرماندار این شهر در میان گذاشتند. فرماندار ساوه در این تماس تلفنی به نقل از کارفرما اعلام کرد سه ماه از دستمزد معوقه کارگران به حساب شان واریز شده است. این در حالی است که هیچ پولی به حساب کارگران واریز نشده بود.
بنا بر این گزارش بدنبال این تماس تلفنی تا ساعت 15 بعد از ظهر هیچ خبری از رسیدگی به خواستهای کارگران نشد به همین دلیل آنان حوالی ساعت 16 با سرویسهای خود به مقابل فرمانداری رفتند اما مسئولین فرمانداری از پذیرش کارگران خودداری کردند و کارگران در عکس العمل به این وضعیت اقدام به بستن خیابان مقابل فرمانداری کردند. در پی این اقدام اعتراضی از سوی کارگران بلافاصله مسئولین فرمانداری درب این نهاد را به روی کارگران باز کردند و ساعت 30/17 فرماندار ساوه با حضور در میان کارگران به آنان اعلام کرد رستمی صفا(کارفرمای دو کانه پروفیل ساوه و نورد لوله صفا) روز سه شنبه در فرمانداری حضور پیدا خواهد کرد و ما تلاش خواهیم کرد یکماه از دستمزدهای شما پرداخت شود و 20 کارگر اخراجی پروفیل ساوه نیز بر سر کارهای خود بازگردند و در ادامه از کارگران خواست به اعتصاب خود پایان دهند اما این اظهارت فرماندار با اعتراض شدید کارگران مواجه شد و آنان با اعلام اینکه ما شش ماه دستمزد معوقه داریم نه یک ماه و تا زمان پرداخت دستمزدهایمان به اعتصاب خود ادامه خواهیم داد به تجمع خود در مقابل فرمانداری پایان دادند.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در تجمع امروز کارگران نورد لوله صفا تعدادی از کارگران پروفیل ساوه نیز حضور داشتند و کارگران نورد لوله صفا با انتخاب ده نماینده ضمن تداوم اعتصاب خود قرار است در جلسه روز سه شنبه در محل فرمانداری که با حضور رستمی صفا برگزار خواهد شد شرکت کنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران – دهم دی ماه 1391

پرداخت حقوق آبان ماه بازنشستگان صندوق فولاد با دو ماه تأخیر

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 10 دی آمده است : بنقل از ابراهیم دستمزد ششم دی ماه امسال حقوق آبان ماه بازنشستگان صندوق فولاد با حدود دو ماه تأخیر پرداخت شده است.
بنا بهمین گزارش، براساس وعده‌های ارائه شده از سوی مدیریت صندوق فولاد کشور تمام مطالبات و حقوق عقب‌افتاده بازنشستگان صندوق فولاد کشور با افزایش‌های جدید 15 دی ماه امسال پرداخت می‌شود.

انفجار در کارخانه سیمان شاهرودومرگ 2کارگرویک مسئول شرکت

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر،در 10 دی آمده است : مدیرعامل سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری شاهرود از پایان عملیات امداد و نجات در حادثه انفجار در یکی از کارگاه های شرکت پیمانکار حمل مواد اولیه کارخانه سیمان شاهرود خبر داد و گفت: بر اثر این حادثه سه نفر کشته شدند.
سید محمد حسینی افزود: حوالی ساعت 17 روز یکشنبه بر اثر انفجار در یکی از کارگاه های شرکت پیمانکار حمل مواد اولیه از معدن آهک به کارخانه سیمان شاهرود که در کنار این کارخانه قرار دارد دو نفر در دم جان باختند و یک نفر دیگر نیز بر اثر شدت جراحات در بیمارستان امام حسین این شهرستان جان خود را از دست داد.
وی اسامی کشته شدگان این حادثه را حسین قاسمی مسئول شرکت پیمانکاری و علیرضا قاسمی و امیر بیکی دو تن از کارگران این کارگاه اعلام کرد.
مدیرعامل آتش نشانی شاهرود در خصوص علت این حادثه اظهار داشت: علت دقیق این حادثه هنوز مشخص نشده است اما در این کارگاه، سیلندرهای گاز اتیلن، اکسیژن و مایع نگهداری می شده که بنا به دلیل نامعلوم باعث انفجار و تخریب کارگاه شده است.

علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به دادگاه احضار شد

به گزارش سایت اتحادیه ازاد کارگران ایران در 11 دی آمده است : علی نجاتی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه به شعبه چهارم دادیاری دادگاه انقلاب سنندج احضار شد. بر اساس این احضاریه وی باید سه روز پس از رویت این احضاریه در دادگاه حاضر شود.
احضار علی نجاتی به شعبه چهارم دادیاری دادگاه انقلاب سنندج پیرو محاکمه وی در شعبه اول دادیاری دادگستری شهرستان شوش در ۲۹ مهر ماه سالجاری صورت میگیرد. در این دادگاه در شهرستان شوش به علی نجاتی اعلام شده بود: بر اساس مستندات یک سی دی که بر روی پرونده همسرتان است شما سال گذشته به کردستان رفته اید ودر آنجا سخنرانی کرده و ترانه حماسی و تحریک کننده "دایه دایه وقته جنگه" را خوانده اید. قاضی این دادگاه علی نجاتی را با وثیقه ده میلیون ریالی آزاد کرد و به وی اعلام نمود ما این سی دی را جهت تحقیقات و تکمیل پرونده به دادگستری استان کردستان خواهیم فرستاد و چنانچه دادگستری این استان قصد محاکمه شما را در آنجا نداشته باشد همینجا در شوش به پرونده شما رسیدگی خواهیم کرد.
از ۲۹ مهر ماه سالجاری تاکنون این چهارمین بار است که علی نجاتی و همسرش شهناز سگوند به دادگاههای انقلاب در شهرهای شوش، دزفول و سنندج احضار و با اتهامات واهی مورد بازجویی و محاکمه قرار میگیرند. اولین محاکمه علی نجاتی به جرم مسافرت به کردستان و خواندن سرود "دایه دایه" در یک مهمانی در این شهر در حالی صورت گرفت که وی تنها یک ماه قبل از آن از زندان آزاد شده بود.
اتحادیه آزاد کارگران ایران، احضار و محاکمه های پی در پی علی نجاتی و همسرش شهناز سگوند را با اتهامات واهی ابزاری سیستماتیک برای آزار و اذیت این خانواده معترض کارگری و بالا بردن هزینه فعالیتهای صنفی و اجتماعی برای عموم کارگران ایران ارزیابی میکند و با محکوم کردن احضار علی نجاتی به دادگاه انقلاب شهر سنندج ، اعلام میدارد بر پایی تشکل، اعتصاب و تجمعات کارگری از بدیهی ترین حقوق اجتماعی کارگران است و بدون تردید اینگونه آزار و اذیت رهبران و فعالین کارگری قادر نخواهد شد خدشه ای در مبارزات کارگران ایران برای دست یابی به یک زندگی بهتر ایجاد کند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران - دهم دی ماه ۱۳۹۱

مرگ کارگر ۲۰ ساله در کرج بر اثر سقوط در چاهك آسانسور

به گزارش برگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 10 دی آمده است : امروز هم کارگر جوانی حین نصب و تعمیر آسانسور در کرج به داخل چاهک سقوط کرد و جان باخت .
براساس این گزارش،این حادثه صبح امروز در یک مجتمع مسکونی پنج طبقه در کرج رخ داد و طی آن کارگر ۲۰ ساله‌ای بر اثر شدت جراحات در دم جان باخت.

در تبریزدستگاه پرس جان کارگری را گرفت

به گزارش برگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 دی آمده است : کارگری در تبریز هنگام کار با دستگاه پرس در يك كارگاه سماورسازی جان خود را از دست داد.
برپایه این گزارش،به نقل از آتش نشانی تبریز، در این حادثه که در میدان کاه فروشان، سرای قریش شهر تبریز در روز گذشته رخ داد، سر کارگر بین جک بالایی پرس و پایه ثابت دستگاه گیر کرد و امدادگران با استفاده از دستگاههای پمپ هیدرولیکی و جک‌های تلسکوپی جسد او را از داخل دستگاه خارج کرده و تحویل عوامل نیروی انتظامی حاضر درمحل دادند.
دهم دی ماه 1391

آخرین خبر از وضعیت فعالین بازداشت شده در شهر بوکان

بر اساس گزارش رسیده، روز شنبه 9 آذرماه خانواده های 5 عضو بازداشتی کمیته‌ی هماهنگی به دادگستری شهر بوکان جهت دریافت مجوز ملاقات مراجعه و توانستند مجوز ملاقات را دریافت کنند.
آنها بعد از ملاقات با بازداشت‌شدگان، مجدداً به دادستانی جهت پیگیری وضعیت پرونده مراجعه کردند و مسئولین دادگاه به آنها گفته‌اند که دادستان تا روز 4 شنبه در مرخصی می‌باشد. خانواده‌ها تصمیم گرفته‌اند مجددا در روزهای آینده پیگیری‌های خود را ادامه دهند.
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-10 دی 1391

تداوم ممنوعیت ملاقات پدرام نصراللهی

روز دوشنبه 11/10/91 خانواده‌ی پدرام نصراللهی، فعال کارگری در بند، به منظور ملاقات با عزیزشان به زندان مرکزی سنندج مراجعه نمودند که برای سومین هفته‌ی متوالی، مسئولین زندان مانع ملاقات آنها شدند، تا بدینوسیله بر فشارهای خود بر این فعال کارگری بیفزایند.
شایان ذکر است که پدرام نصراللهی طی این مدت که در زندان به سر برده است دچار عوارض و مشکلات عدیده‌ی جسمی از قبیل عفونت کلیه، ناراحتی چشم وسرماخوردگی مزمن گشته است.
اما مسئولین و کارگزاران زندان به هیچ وجه تلاشی در جهت بهبودی وی نکرده‌اند و حتی او را از دستیابی به داروهای خود محروم نموده‌اند.
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-11 دی 1391

بازجویی از حسین پیروتی در اداره اطلاعات اشنویه

بنا به خبر رسیده در پی احضار حسین پیروتی به اداره اطلاعات اشنویه، وی روز شنبه 9 دی به اداره اطلاعات مراجعه و مورد بازجویی قرار گرفت.
مامورین اداره اطلاعات به مدت 2 ساعت نامبرده را در خصوص حضور در مجمع عمومی کرج مورد بازجویی قرار دادند.
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، ضمن محکوم کردن احضار نام برده، خواهان آزادی هر چه سریعتر 5 نفر عضو بازداشتی کمیته‌ی هماهنگی در بوکان و همچنین آزادی کارگران و فعالین در بند می‌باشد.
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-10 دی 1391

در پارس خودرو چه می گذرد ؟ (مشتی از خروار)

شرکت پارس خودرو یکی از شرکتهای بزرگ خودروسازی ایران است که به ادعای مدارک و اسنادتبلیغاتی پارس خودرو، بهترین و با کیفیت ترین خودروساز ایرانی محسوب می شودکه تا دیروز با تولید روزانه بیش از هزار دستگاه انواع خودرو جزء خودروسازان برترایران بوده که با توجه به بحران چندین ساله سرمایه داری، که گریبانگیر صنایع ما از جمله نساجی و کفش و الکترونیک و . . . شده، اکنون دامنه این بحران به خودروسازی‌ها هم رسیده و همین شرکت برتر، تولیداتش به کمتر از یک سوم کاهش یافته، سهامش در بازار بورس به ارزشی کمتر از 60 تومان رسیده که در زبان بورس به معنای ورشکستگی می باشد، این شرکت در دوران رونق و شکوفایی‌اش با تحت فشار گذاشتن پرسنل و اجباری کردن اضافه کاری‌های جمعه و تعطیلات رسمی، تولید هر روزه و هر ماهه و سالانه اش را افزایش می داد و هر روزه رکورد خودش را می شکست و معمولا در آن زمان رونق تولید، مبلغی به عنوان آکورد (پاداش افزایش تولید) به پرسنل پرداخت می گردید، امااگر کارگری به هر دلیل نمی توانست در اضافه کاری حاضر شود از این آکورد کاسته می شد و در همین دوران پاداش و انعام مدیران افزوده می گردید ، که این پاداش هاچنان رقابتی برای افزایش تولید بیشتر بین مدیران ایجاد کرده بود که پیامدش از کارافتادگی کارگران برای دستیابی به تولید بیشتر بود . دریافت وام های آنچنانی و خودرو های مدل بالا به عنوان پاداش و دست مریزاد برای مدیران ، ره آورد این سیاست شوم ضد کارگری بود . در حالی که پرسنل برای گرفتن یک وام برای کمک خرج و یا کارهای ضروری زندگی اش می بایستی کلی دوندگی و این و آن را دیدن و مدارک ارائه کند که در صورت موافقت بتواند دو ، سه میلیون تومان وام بگیرد .به هر حال با رسیدن دامنه بحران به خودرو سازی ها از جمله شرکت پارس خودرو و افت تولید به یک سوم تولید قبل ، تعطیل شدن اجباری جمعه ها و پنجشنبه ها و محدود شدن اضافه کاری ها ، رسیدن آکوردها به حدود یک چهارم و به این ترتیب کاهش حدود 50 درصدی دریافتی کارگران و کاهش حق شیفت و شب کاری و تعطیلی حداقل دو تا سه شیفت در هفته و از طرفی چند برابر شدن هزینه های زندگی و در کنار همه اینها نگرانی و نا امنی شغلی و ترس و وحشت از بیکار شدن ، موجب تخریب جسم و روان کارگران گردیده است .

اما با توجه به بحرانی که اشاره شد وهر روز در این شرکت به بهانه صرفه جویی و کاهش هزینه ها ، کارگران را ازتعدیل نیرو می هراسانند ، و اخراج کارگران پیمانی اولین پیامد آن است ، مدیریت های جدید خلق الساعه ای مانند (مدیریت سبک رهبری ،مدیریت استراتژیک ، مدیریت بحران و کاهش هزینه ایجاد شده اند .ما کارگران در حیرتیم شرکتی که گرفتار بحران اقتصادی است و کارگران را تحت فشار قرارداده که نمی توانند اضافه کاری کنند و باید از مرخصی هایشان استفاده کنند و مرخصی ذخیره تا پایان سال نداشته باشند در غیر اینصورت مواخذه می شوند و اکثر روزها بدلیل نداشتن قطعه ، خطوط تولید متوقف است و اکثرروزها در طول هفته شیفتهای شب را تعطیل اعلام می نمایند ، شرکتی با وضع فوق الذکر ، اضافه کردن این همه مدیریت پر هزینه که هر کدام با زیرمجموعه ای باحقوق های نجومی که نه از لحاظ فکری و یدی هیچ نقشی هم در تولید ندارند ودر کنار آنها ایجاد قائم مقام های مدیر و قائم مقام های معاونت وقائم مقام های مدیر عامل و مشاورهای متعدد در حوزه مدیر عامل و . . .؟؟ طبعاً هر پرسنل شرکت و حتی هر ناظر خارج از شرکت در این اوضاع مات و مبهوت می شود که شرکتی با این توصیف چگونه مبالغ نجومی به مدیران بی فایده می پردازد؟ بهر حال شرکتی که در حال ورشکستگی است و کاهش هزینه در صدر برنامه هایش قرار دارد و هر روزه کارگران را به بهانه کار نداشتن در تنگنا قرار می دهند که" شرکت لطف کرده تا حالا شما را اخراج نکرده است و . . . " ما هم علیرغم مشاهده انتصابات فوق ، ولی دستمان را روی کلاه خودمان گذاشته ایم واز ترس اینکه الآن موقع حرف زدن نیست دم نمی زدیم ، تا اینکه چند ماه قبل پرینت فیش های چند نفر* از آقایان مشاور مدیر عامل همه را مات و مبهوت کرد به طوری که باور کردن ارقام این فیش ها دشوار است ، مگر می شود در حالی که میانگین حقوق ماهانه کارگران حدود پانصد هزار تومان است یک مشاورمدیر عامل مبلغ یکصد ، دویست ، سیصد و . . . میلیون تومان در ماه ویابیشترحقوق بگیرد ؟؟ آن هم در شرکتی که دچار بحران است و اضافه کاری و پاداش و مرخصی و . . . کارگران را برای جلوگیری از تعدیل کارگران و تعطیل کارخانه به حداقل رسانده اند ، دندانهایمان را به هم می فشاریم و مجدداً صفرهای اعداد فیش ها را کنترل می کنیم که شاید اشتباه کرده باشیم ولی نوشته حروفی ارقام فیش جای شک نمی گذارد ، بعد از پخش شدن پرینت فیشها در میان کارگران عده ای به باورشان نمی آمد این اعداد را بپذیرند ، از بالا خبر پخش شد که اشتباه چاپی بوده است ؟؟ اما چرا این اشتباه چاپی فقط در میان مشاوران مدیر عامل رخ داده و حتی فیش یک کارگر هم به عنوان نمونه اشتباه نشده است ؟

جای بسی تاسف است در کشوری که از بام تا شام ادعای عدالت گستری اش گوش فلک را کر کرده این همه اختلاس و دزدی میلیاردی علنی و آشکار میشود و صدها برابر آن مانند موارد شرکت پارس خودرو در خفا می ماند و کسی هم خم به ابرو نمی آوردو وقتی به درون سازمان ها و ادارات و وزارت خانه ها می روی عمق فاجعه و فساد را عریان تر می بینی؟؟

جمعی از کارگران صنایع خودروسازی – دی 1391
*6پرینت فیش حقوقی ضمیمه این گزارش است که دربایگانی اخباروگزارشات کارگری موجود است.

اخراج 30 کارگر شهرداری شوشتر

به گزارش 11دی فارس،30 کارگر از بخش تنظیف شهرداری شوشتر اخراج شدند و این امر باعث اعتراض کارگران شهرداری شوشترشده است.
برپایه این گزارش، بر اساس پیمان منعقد شده با پیمانکار حمل زباله شهرداری شوشتر که به تأیید شورای اسلامی شهر نیز رسیده است پیمانکار موظف شده است که برای انجام امورات خود ازنیروهای بومی استفاده ولی در این پیمان قید نشده است که باید با همین نیروهای موجود همکاری کند.

بازگشت دوباره بیکاری به مرز 3 میلیون نفر- جزئیات افزایش 500 هزار بیکار جدید

افزایش دوباره تعداد بیکاران و عبور آمار از مرز 3 میلیون نفر در نیمه اول امسال می‌گوید که معادلات سیاست‌گذاران اشتغالی کشور بر روی کاغذ با نیازهای واقعی بازار کار، فاصله معناداری دارد.
بررسی روند بیکاری نیروی جویای کار در کشور نشان می‌دهد که در چند سال اخیر همواره تعداد بیکاران کشور بین 2 میلیون و 400 هزار نفر تا 3 میلیون و 200 هزار نفر در نوسان بوده است.
به صورت کلی بیشترین تعداد بیکاران کشور نیز در گروه سنی 15 تا 29 سال قرار دارند که جدی‌ترین و اصلی‌ترین گروه متقاضیان کار در کشور را تشکیل می‌دهند.
در چند سال اخیر دولت برنامه‌ها و سیاست‌های مشابهی را درباره حل معضل بیکاری جوانان در بازار کار کشور اجرا کرده است که مهمترین آنها، طرح ایجاد و گسترش بنگاههای کوچک زودبازده است.
همچنین می‌توان به تلاش برای توسعه مشاغل خانگی به عنوان دومین طرح بزرگ دولتی در بازار کار کشور، یاد کرد.
همه طرح‌های اشتغالی دولت
هرچند دولت در طول چند سال اخیر مباحث مختلفی را پیرامون حل مشکل اشتغال کشور مطرح کرده است، اما به گواه آمارهای رسمی تزریق پول و ارائه تسهیلات بانکی نتوانسته است منجر به گشایشی در بازار کار کشور شود و نه تنها نرخ بیکاری در سال‌های اخیر همواره بالای 10 درصد باقی مانده است، بلکه چندان آثار مثبتی از تاثیر سیاست های اشتغالی دولت وجود ندارد.
بر پایه این گزارش، در حالی که دولت طی سال‌های اخیر برنامه ها و وعده‌های فراوانی را برای حل معضل بیکاری ارائه کرد، اما تعداد بیکاران کشور همچنان بین 2 میلیون و 400 تا 3 میلیون و 200 هزار نفر باقی مانده و در مواردی نیز درست زمانی که دولت صحبت از تحقق میلیون‌ها فرصت جدید شغلی را می‌داد، گزارشات بیکاری آمارهای دیگری را ارائه کرده است.
تعداد بیکاران کشور با توجه به فرمول 1 ساعت کار در هفته به عنوان مرز میان شاغل و بیکار در سال 84 و 85 به میزان 2.6 میلیون نفر، در 86 و 87 به تعداد 2.4 میلیون، سال 88 به میزان 2.8 میلیون نفر، 89 به تعداد 3.2 میلیون و در نهایت طی سال گذشته نیز به 2.8 میلیون نفر رسید.
آمار بیکاری 7 ساله
روند افزایش تعداد بیکاران به بیش از 3 میلیون نفر در سال 89 در حال تکرار شدن در سال جاری است به نحوی که طبق گزارش مرکز آمار ایران تعداد بیکاران کشور در بهار امسال 3 میلیون و 146 هزار نفر بوده است که این تعداد در تابستان به 3 میلیون و 23 هزار و 574 نفر رسید.
کاهش ناچیز 122 هزار و 426 نفری بیکاران در فاصله بهار تا تابستان امسال در برابر وجود بیش از 3 میلیون نفر بیکار در کشور؛ نشان دهنده کندی اجرای برنامه های موثر اشتغال زایی و لزوم تغییر سیاست گذاری ها در این بخش است.
تکرار دو آمار بیکاری بالای 3 میلیون نفر در فصول بهار و تابستان امسال می تواند بیانگر این موضوع باشد که سیاست ها و برنامه های دولت در حوزه بازار کار با کندی مواجه شده و احتمال باقی ماندن تعداد بیکاران کشور بیش از 3 میلیون نفر را در فصول پاییز و زمستان امسال را تقویت کند.افزایش 425 هزارنفری تعداد کارجویان
در حالی که تعداد بیکاران کشور در تابستان سال 89 به میزان 3 میلیون و 324 هزار و 620 نفر بوده است، این تعداد در تابستان سال گذشته به 2 میلیون و 597 هزار و 872 نفر رسید که نشان دهنده کاهش 726 هزار نفری تعداد بیکاران در فاصله تابستان 89 تا تابستان 90 بوده است.
با این حال افزایش دوباره تعداد بیکاران کشور از تابستان 90 تا تابستان سال جاری به میزان 425 هزار و 702 نفر و همچنین عبور تعداد بیکاران از مرز 3 میلیون نفر؛ می تواند این پیام را به همراه داشته

باشد که بازار کار همچنان با عدم تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار مواجه باشد.
هم اکنون تمرکز و تجمع بیکاران کشور در گروه سنی 15 تا 29 سال قرار دارد به نحوی که از کل 3 میلیون و 23 هزار و 574 نفر بیکار تابستان امسال، 2 میلیون و 81 هزار و 168 نفر در این گروه سنی قرار داشته اند.
منبع:مهر-11دی

نتیجه رسمی علت انفجار معدن یال شمالی اعلام شد:کارفرما و مسئولان فنی و ایمنی معدن متهم‌اند

به گزارش برگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 11 دی آمده است : «امر الله فلاح‌زاده» در مصاحبه مطبوعاتی صبح امروز خود، عوامل قطعی انفجار معدن یال شمالی را انفجار گاز متان در افق ۳ معدن یال شمالی اعلام کرد و گفت: این نتیجه گزارش قطعی بررسی‌های ۵۰ ساعتهٔ کارشناسان فنی است ومطابق بانظر آنان در رابطه با علت و عوامل احتمالی این حادثه، کارفرما، مسئول ایمنی و مسئول فنی این معدن در معرض اتهام قرار دارند.
وی افزود: بر اساس نظر قطعی کارشناسان اعزامی اداره تعاون، کار ورفاه اجتماعی استان، ومسئولان وکارشناسان فنی معادن بافق وهمچنین گروهی که از تهران به این معادن اعزام شده‌اند این حادثه در اثر تجمع گاز متان در انتهای دویل (حفره نشت گاز در محل کار کارگران) و همچنین نبود دستگاه تهویه مناسب برای خروج گازهای سمی به خارج از تونل و نهایتاً تلفیق این گاز با اکسیژن که با کوچک‌ترین جرقه به منجر به انفجار می‌شود، اتفاق افتاده است.
به گفته این مسئول دولتی، مسئول ایمنی معدن می‌بایست براساس روال قانونی قبل از شروع شیفت کاری نسبت به گازسنجی معدن اقدام و در صورت پایین‌تر بودن میزان گاز متان از حد استاندارد، مجوز ورود کارگران را صادر می‌نموده است.
فلاح‌زاده در ادامه با اشاره به نظر پزشکی قانونی که علت مرگ معدنچیان را جراحت و مسمومیت ناشی از گاز منوکسید کربن حاصل از انفجار گزارش داده‌اند یادآور شد: گاز منوکسید کربن حدود ۳۰۰ برابر بیشتر از اکسیژن تمایل به ترکیب با خون دارد.
مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان یزد تاکید کرد: طبق نظر نهایی بازرسان وکارشناسان اعزامی به محل حادثه، کارفرما، مسئول ایمنی و مسئول فنی معدن در معرض اتهام قرار دارند چرا که آنان به وظایف خود به شکل مطلوب عمل نکرده و هر سه متهم این حادثه هستند.
او در ادامه سخنان خود گفت: جمع‌بندی نهایی بررسی‌های صورت گرفته کارشناسان و بازرسان حادثه یال شمالی فردا سه‌شنبه دوازدهم دیماه برای رسیدگی، به دستگاه قضایی محول می‌شود.
فلاح‌زاده همچنین اظهار داشت: مستمری خانوادهای هشت قربانی این حادثه توسط اداره کل تعاون، کار ورفاه اجتماعی استان یزد پس از تکمیل مدارک برقرار خواهد شد و همچنین سایر حقوق قانونی آنان از امکانات بیمه مسئولیت معدن پرداخت می‌شود.

مرگ یک کارگردرزاهدان

به گزارش پایگاه خبري پليس ، روز گذشته يك كارگر ساختماني از طبقه پنجم ساختمان در حال احداث سقوط كرد و جان باخت .
براساس این گزارش،کارگری به نام يد الله . د در حالي كه مشغول كار در ساختماني 7 طبقه درزاهدان بود از طبقه پنجم سقوط كردوبر اثر جراحات وارده و خونريزي داخلي جان خود را از دست داد.

مرگ کارگر 47 ساله در مشهد

به گزارش خبرگزار ی دولتی ایسنا در تاریخ 11 دی 91 آمده است : بنقل از حسین خاکپور مدیر روابط عمومی سازمان آتش نشانی و خدمات ایمنی شهرداری مشهد، بعد از ظهر یکشنبه کارگر مقنی 47ساله ای در خیابان شهید صادقی در عمق 6 متری چاه مشغول حفاری بود که بر اثر ریزش ریزش دیواره چاه زیرخاک گرفتار شدوجانش راازدست داد.
برپایه این گزارش،پس از ساعت‌ها تلاش آتش‌نشانان و نجات‌گران آتش‌نشانی سرانجام جسم بی‌جان مقنی 47 ساله از زیر آوار خاک بیرون آورده شد.

آزادی دو نفر از فعالین کارگری بازداشتی در بوکان

براساس خبر دریافتی امروز 11 دی ماه ساعت 2 بعد از ظهر محمد کریمی و قاسم مصطفی‌پور از فعالین کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در بوکان با قرار وثیقه آزاد شدند. بر اساس این گزارش قرار است که فردا بقیه بازداشت شدگان نیز آزاد شوند.
همانطور که قبلا اعلام شده بود در 29 آذر ماه، هادی تنومند، محمد کریمی، قاسم مصطفی پور، ابراهیم مصطفی پور و جمال مینا شیری از فعالین کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر بوکان دستگیر شده بودند.
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجا د تشکل های کارگری ضمن تبریک آزادی این عزیزان، خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران و فعالین دربند می باشد.
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-11 آذر 1391

اعتصاب متحدانه 1200 کارگر نورد لوله صفا امروز نیز ادامه یافت

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 11 دی آمده است : کارگران نورد لوله صفا پس از تجمع دیروز خود در مقابل فرمانداری شهرستان ساوه، امروز یازدهم دی ماه در محل کارخانه به اعتصاب خود ادامه دادند. این کارگران از ساعات اولیه صبح همانند دیروز در مقابل درب ورودی کارخانه دست به تجمع زدند و با روشن کردن لاستیک مانع تردد خودروها به داخل کارخانه شدند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه ازاد کارگران ایران ساعت یازده صبح مامورین نیروی انتظامی به همراه اکیپی از ماشینهای آتش نشانی به کارخانه نورد لوله صفا آمدند و اقدام به خاموش کردن آتش نمودند و از کارگران خواستند در محوطه داخلی کارخانه به تجمع خود ادامه دهند. بنا بر این گزارش علیرغم اینکه کارگران تجمع خود را به محوطه داخلی کارخانه کشاندند اما بعد از ظهر امروز آنان بار دیگر با روشن کردن لاستیک و تجمع در مقابل درب ورودی کارخانه به اعتراض خود ادامه دادند.
بر اساس وعده ای که دیروز فرماندار ساوه به این کارگران داد قرار است فردا عصر کارفرمای نورد لوله صفا در جلسه ای با شرکت ده نفر از نماینده های کارگران شرکت کند تا در مورد پرداخت شش ماه دستمزد معوقه کارگران تصمیم گیری شود.
کارگران نورد لوله صفا اعلام کرده اند فردا ضمن تداوم اعتصاب به همراه نماینده هایشان به فرمانداری شهرستان ساوه خواهند رفت تا همانجا در مورد مذاکرات میان نماینده های خود و کارفرما تصمیم بگیرند. این کارگران اعلام کرده اند چناچه نتیجه جلسه فردا منجر به پرداخت دستمزد های معوقه شان نشود به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – یازدهم دی ماه 1391

اطلاعیه شماره ۴۶

رضا شهابی همچنان در اعتصاب - قرار است فردا رضا با قید سند آزاد شود – تشکر از تشکلهای کارگری ایران و جهان

رضا شهابی کارگر زندانی و عضو هیئت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی همچنان بر خواسته ی خود مبنی بر درمان خارج از زندان و محیطی به دور از فشارهای عصبی پافشاری کرده و اعتصاب دارو و غذای وی همچنان ادامه دارد.

وی در ملاقات امروز (دوشنبه) با خانواده اش بسیار ضعیف تر به نظر رسیده و طی 13 روز اعتصاب غذا حدود 10 کیلو وزن کم کرده است.آخرین بار او دچار افت فشار شدید شده است اما با این وجود همچنان از پذیرش دارو و غذا خودداری کرده است. امروز نامه ی 22 فعال کارگری مبنی بر درخواست از وی برای پایان دادن به اعتصاب غذا توسط خانواده اش به اطلاع وی رسانده شده است اما رضا ضمن تشکر از تمامی فعالان کارگری و اجتماعی که ضمن حمایت از وی و خانواده اش خواهان پایان یافتن اعتصاب غذا و داروی وی شده اند، بر تداوم اعتصاب تا دستیابی به خواسته اش اصرار داشته است.

لازم به ذکر است مأموران امنیتی طی صحبتی که در داخل زندان با رضا انجام داده اند و همچنین تماسی که با خانواده ی رضا گرفته اند عنوان کرده اند که خانواده فردا (سه شنبه، 12 دی) سند بگذارد تا رضا برای انجام درمان آزاد شود. رضا شهابی نیز اعلام کرده است اعتصاب غذا و داروی خود را تنها هنگامی می شکند که از زندان خارج شود.

رضا شهابی طی پیام شفاهی که داده است از تمامی کارگران، تشکلهای کارگری، انسانها و نهادهای داخلی و بین المللی که در مورد شرایط دشوار او اطلاع رسانی کرده و اقدام های اعتراضی انجام داده اند کمال تشکر را دارد. همچنین اعضای کمیته ی دفاع از رضا شهابی نیز از تمامی این عزیزان صمیمانه سپاسگزاری می نمایند.

کمیته دفاع از رضا شهابی - 11 دی ۱۳۹۱

شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲

k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com

آتش سوزی مهیب در یک کارخانه صنعتی در حومه تهران

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 11 دی آمده است : سخنگوی سازمان آتش نشانی جزئیات آتش سوزی مهیب در کارخانه مواد شیمیایی و مهار آتش با حضور ۱۴۰ آتش نشان را تشریح کرد.
جلال ملکی در گفتگو با مهر اظهار داشت: ساعت ۱۵ و ۱۴ دقیقه امروز آتش سوزی مهیب در یک کارخانه صنعتی در کیلومتر ۱۸ جاده مخصوص کرج به سازمان آتش نشانی اعلام شد.
پس از حضور آتش نشانان در محل مشخص شد یک تریلر که حاوی اسپری های حلال چسب بوده طعمه حریق شده اند. به دلیل این که این اسپری ها قابلیت اشتعال بالایی دارد هر لحظه بر شدت آتش سوزی افزوده می شد.
وی افزود: اسپری های حلال چسب پس از انفجار به سمت کارخانه های اطراف و خیابان پرتاب می شد. همچنین دو خودرو و مقدار زیادی چوب که در این کارخانه و کارخانه کناری وجود داشت طعمه حریق شده بودند.
سخنگوی سازمان آتش نشانی ادامه داد: در نزدیکی تریلر یک انبار ۲ هزار متری اسپری گاز و حلال چسب وجود داشت که سرایت آتش به آنجا می توانست فاجعه ای را رقم بزند. به همین خاطر آتش نشانان بلافاصله از چند جهت به اطفای حریف پرداخته و دقایقی قبل موفق به مهار شعله های آتش شدند. در حال حاضر نیز عملیات لکه گیری در محل ادامه دارد.
ملکی افزود: در این حادثه ۲ هزار کارتن چسب ، ۵۰ هزار اسپری حلال و چند تن چوب طعمه حریف شدند. همچنین در این عملیات شش ایستگاه آتش نشانی به همراه ۱۲۰ آتش نشان ، ۲۰ تن از مدیران عملیاتی و ۱۰ دستگاه خودروی پشتیبانی حضور داشتند.

اسامی قربانیان حادثه انفجار کارخانه سیمان شاهرود /اجساد تکه تکه شده اند

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 11 دی آمده است : مدیر روابط عمومی کارخانه سیمان شاهرود، گفت: برخلاف اخبار منتشر شده در رسانه‌ها، حادثه دیروز، این کارخانه 3 نفر تلفات داشته است.
علی اصغر یارمحمدی با اعلام این خبر، افزود: به علت شدت حادثه و تکه تکه شدن اجساد در ساعات اولیه حادثه، شمار کشته‌ها به اشتباه 4 نفر اعلام شده بود.
وی با بیان این‌که این حادثه مجروحی نداشته است، گفت: در جریان این حادثه یک پیمانکار این کارخانه بنام علیرضا قاسمی به همراه حسین قاسمی و امیر نیکی در اثر شدت انفجار در دم جان باختند.
مدیر روابط عمومی کارخانه سیمان شاهرود اظهار کرد: هنوز علت حادثه به درستی کارشناسی نشده ولی احتمالاً انفجار کپسول هوا عامل این حادثه بوده است. در اثر این حادثه 2 ساختمان این کارخانه کاملاً تخریب شده‌اند.
یارمحمدی با بیان این‌که قربانیان این حادثه از روستای ابر و روستای رویان شاهرود بوده‌اند، گفت: خاکسپاری یکی از قربانیان امروز در روستای ابر برگزار مي‌شود و اجساد 2 قربانی دیگر برای خاکسپاری به روستای رویان انتقال یافته است.

« عبور مجدد تعداد بیکاران از مرز 3 میلیون نفر»

به نوشته سایت فرارو در تاریخ 11 دی آمده است : آمارها حاکی از عبور مجدد تعداد بیکاران از مرز 3 میلیون نفر است. طرح های دولت برای ریشه کن کردن معضل بیکاری تاکنون بی نتیجه مانده است. کارشناسان از فقدان طرح های برنامه ریزی شده در دولت می گویند.
به گزارش فرارو بررسی روند بیکاری نیروی جویای کار در کشور نشان مي‌دهد که در چند سال اخیر همواره تعداد بیکاران کشور بین 2 میلیون و 400 هزار نفر تا 3 میلیون و 200 هزار نفر در نوسان بوده است.
تعداد بیکاران کشور با توجه به فرمول یک ساعت کار در هفته به عنوان مرز میان شاغل و بیکار در سال 84 و 85 به میزان 2.6 میلیون نفر، در 86 و 87 به تعداد 2.4 میلیون، سال 88 به میزان 2.8 میلیون نفر، 89 به تعداد 3.2 میلیون و در نهایت طی سال گذشته نیز به 2.8 میلیون نفر رسید.
به صورت کلی بیشترین تعداد بیکاران کشور نیز در گروه سنی 15 تا 29 سال قرار دارند که جدي‌ترین و اصلي‌ترین گروه متقاضیان کار در کشور را تشکیل مي‌دهند. آمارها حاکی از نرخ بیکاری 26 درصدی در این گروه است.
افزایش تعداد بیکاران کشور از تابستان 90 تا تابستان سال جاری به میزان 425 هزار و 702 نفر و همچنین عبور تعداد بیکاران از مرز 3 میلیون نفر؛ می تواند این پیام را به همراه داشته باشد که بازار کار همچنان با عدم تعادل در عرضه و تقاضای نیروی کار مواجه است.
در چند سال اخیر دولت برنامه‌ها و سیاست‌های مشابهی را درباره حل معضل بیکاری جوانان اجرا کرده است که مهمترین آنها، طرح ایجاد و گسترش بنگاههای کوچک زودبازده است. همچنین مي‌توان به تلاش برای توسعه مشاغل خانگی به عنوان دومین طرح بزرگ دولتی در بازار کار، اشاره کرد.
بر اساس آمار مرکز پژوهش های مجلس، طرح بنگاه های زودبازده دارای انحراف 60 درصدی بوده و نسبت اشتغال پیش بینی شده به اشتغال ایجاد شده 439 درصد تا پایان سال 89 بوده است.
این در حالی است که به گفته عضو شورای عالی اشتغال در اوایل سال جاری مقرر شد بیش از 32 هزار میلیارد ریال به بخش مشاغل خانگي، خرد و خود اشتغالی اختصاص یابد اما گزارش عملکرد بانک‌ها نشان می دهد که نزدیک به 30 درصد تسهیلات اختصاص یافته و بیش از 70 درصد تعهد بانک‌ها باقی است.
هادی رحمتی زاده کارشناس مسائل اشتغال در گفتگو با فرارو با اشاره به طرح های دولت در ایجاد اشتغال گفت: « دو مشکل اصلی طرح های اشتغال دولت یکی فقدان مطالعه کافی پیش از انجام این طرح ها و مشکل دیگر عدم مدیریت مناسب بر اجرای این طرح ها است.»
رحمتی زاده با اشاره به طرح های زود بازده گفت: «این طرح یک موضوع تازه نیست. پیش از این دوبار این طرح به مرحله اجرا رسیده و هر دو بار با شکست مواجه شده است. اولین بار این طرح در سازمان تامین اجتماعی در مقیاس خیلی کوچک مورد آزمایش قرار گرفت. تجربه دوم در زمان تصدی گری آقای ستاری فر بر سازمان برنامه انجام شد.»
وی تصریح رد: «پرداخت این چنینی تسهیلات در جهت حل مشکل اشتغال که معمولا از ساختار منسجمی هم برخوردار نیست با واقعیت های اقتصاد کشور انطباق ندارد. ریشه بیکاری در کشور به عوامل متعددی بر می گردد که مسئله پرداخت تسهیلات یکی از آن عوامل است. معمولا این تسهیلات مورد سوء استفاده قرار می گیرند. گیرندگان وامها معمولا نه به قصد اشتغال بلکه به قصد سرمایه گذاری در یک بخش دیگر اقدام به دریافت تسهیلات می کنند.»
این کارشناس مسائل اشتغال با اشاره به نرخ بالای رشد جمعیت در سال های میانی دهه 60 گفت: «نرخ رشد جمعیت در سال 65 به 3.9 درصد رسید. این نرخ نشان می داد که وقتی این تعداد موالید به سن اشتغال برسند ما با بحران مواجه خواهیم شد. دولت ها تلاش کردند که با سیاست هایی مانند لزوم دریافت مدارک کارشناسی یا کارشناسی ارشد این بحران را به تاخیر بیاندازد.»
رحمتی زاده با تاکید بر اینکه هنوز این بحران وجود دارد اضافه کرد: «دولت ها می بایست با یک برنامه دراز مدت این بحران را پشت سر می گذاشتند. اما متاسفانه این اتفاق هیچگاه در حوزه اشتغال نیافتاد و این معضل ادامه خواهد داشت.»
وی با توجه به وعده ایجاد 2.5 میلیون شغل در سال جاری از سوی دولت گفت: «یکی از مراجعی که می توان به آمار ارائه شده از سوی آن در خصوص ایجاد اشتغال در کشور تکیه کرد، آمار بیمه شدگان صندوق تامین اجتماعی است. چرا که از لوازم یک شغل پایدار بیمه است. اما آمار های سازمان تامین اجتماعی ادعای دولت در میزان ایجاد شغل را تایید نمی کند. همچنین با توجه به شرایطی که امروز حوزه صنعت با آن مواجه است خارج شدن بیمه شدگان از بیمه های تامین اجتماعی وضع را در حوزه اشتغال بدتر کرده است.»
هادی رحمتی زاده در پایان خاطر نشان کرد: «علاوه بر این بانک ها هم در پرداخت تسهیلات با محدودیت هایی روبرو هستند. افزایش معوقات بانکی حاکی از این است که بدهکاری 50 هزار میلیارد تومانی دولت به بانک ها دست بانک ها را در پرداخت تسهیلات بسته است.»

اخراج ۳۰ تن از کارگران پلاستیک طبرستان در یک ماه گذشته

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در 11 دی آمده است : ظرف ۱ ماه گذشته ۳۰ نفر از کارگران شرکت مجتمع پلاستیک طبرستان اخراج شده‌اند.

بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، در یک ماه گذشته تعداد ۳۰ نفر از پرسنل شرکت مجتمع پلاستیک طبرستان واقع در شهر ساری که بزرگ‌ترین تولید کننده مخازن و محصولات پلی اتیلن در ایران است به دلیل رکود بازار و بالا رفتن قیمت ارز اخراج شده‌اند.

شرکت مجتمع پلاستیک طبرستان در سال ۱۳۷۵ تأسیس گردید و فعالیت تولیدی خود را در سال ۱۳۷۷ در زمینی به مساحت ۸۵۰۰ متر مربع در شمال ایران در شهر ساری آغاز نمود.

این شرکت همچنین در سال ۱۳۸۰ با هدف تأمین بازارهای جنوب کشور و کاهش هزینه‌های حمل و نقل محصولات، شعبه‌ای هم در شیراز دایر نمود که این شعبه نیز طی ماههای اخیر با تعدیل نیرو مواجه بوده است.

با تداوم اعتصاب متحدانه کارگران نورد لوله صفا 250 مهندس و کارشناس این کارخانه نیز به اعتصابیون پیوستند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 11 دی آمده است : در چهارمین روز اعتصاب 1200 کارگر کارخانه نورد لوله صفا 250 مهندس و کارشناس این کارخانه نیز به کارگران اعتصابی پیوستند بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران اعتصابی نورد لوله صفا امروز نیز همچون روزهای دیگر با تجمع در مقابل درب ورودی کارخانه و روشن کردن لاستیک مانع تردد خودور به داخل کارخانه شدند و بطور دسته جمعی بحث ایجاد شورای کارگری را به تبادل نظر گذاشتند. از سوی دیگر بنا بر وعده ای که فرماندار ساوه به کارگران مبنی بر حضور رستمی صفا کارفرمای کارخانه در فرمانداری این شهرستان داده بود ساعت 15 نماینده های کارگران در محل فرمانداری حاضر شدند اما رستمی صفا به فرمانداری نیامده بود با اینحال فرماندار ساوه طی نشستی 1/5 ساعته با نماینده های کارگران به آنان اعلام کرد ما روز شنبه در رابطه با مشکلات شما جلسه شورای تامین استان را تشکیل خواهیم داد و رستمی صفا را متعهد به پرداخت دستمزدهایتان خواهیم کرد و چنانچه ایشان به تعهد خود عمل نکند این اختیار را داریم تا حتی اقدام به بازداشت وی نیز بکنیم.
فرماندار ساوه در ادامه تلاش کرد با این صحبت که من تضمین میکنم روز شنبه دستمزدهای شما پرداخت شود کارگران را ترغیب به بازگشت بکار کند اما نماینده های کارگران اعلام کردند کارگران تا دریافت شش ماه دستمزد معوقه خود حاضر به پایان دادن به اعتصاب نیستند و به محض اینکه دستمزدهای ما پرداخت شود بر سر کارهایمان باز خواهیم گشت.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران اعتصاب متحدانه کارگران کارخانه نورد لوله صفا همچنان ادامه دارد و این کارگران اعلام کرده اند با هیچ وعده ای جز تحقق عملی پرداخت شش ماه دستمزد معوقه خود بر سر کارهایشان باز نخواهند گشت.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – دوازدهم دی ماه 1391

تجمع چهارروزه کارگران لوله سازی صفا در اعتراض به تعویق ۶ ماه حقوق

بهگزارش برگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 دی آمده است : کارگران کارخانه نورد لوله صفا امروز سه شنبه برای چهارمین روزمتوالی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای‌شان دست به تجمع زده‌اند.
کارگران حاضر در این تجمع چهار روزه، دلیل اعتراض کارگران را تعویق 6 ماهه دستمزد و سایر مطالبات‌شان ذکر کرد که از یك ماه گذشته به طور مرتب وعده پرداختش به کارگران داده می‌شود اما محقق نمی‌شود.
یکی از کارگران که به نمایندگی از سایر کارگران سخن می‌گفت، اظهار کرد: از صبح روز شنبه نهم دی ماه بیش از ۵۰۰ کارگر کارخانه نورد «لوله صفا» به نمایندگی از ۱۳۰۰ کارگر در اعتراض به شش ماه حقوق معوقه دست به تجمع زده‌اند.
او با بیان اینکه این تجمعات از روز شنبه تا به امروز (سه شنبه 12 دی‌ماه) ادامه دارد، افزود: با توجه به

تجمعات متعددی که در ماه‌های گذشته توسط کارگران این کارخانه صورت گرفته و بی‌توجه‌ای به آن از سوی مسئولان کارخانه و دولت، کارگران ناچار شدند برای احقاق حقوق صنفی خود از روز شنبه تا به امروز به تجمعات خود ادامه دهند.
این کارگر اضافه کرد: کارخانه نورد لوله صفا دارای تولید و بازار فروش خوبی است اما از دو سال گذشته، زمانی که تحریم‌ها هنوز شروع نشده بود کارفرمای این کارخانه به طور مرتب حقوق کارگران را با تعویق پرداخت می‌کرده است.
این کارگر در ادامه افزود: مشکلات کارگران این کارخانه با عدم پرداخت حقوق افزون‌تر شده چرا که اکثر ما متاهل و دارای زن و فرزند هستیم.
او گفت: گرانی‌های روز افزون کالاهای مصرفی، افزایش اجاره بها، عقب افتادگی اقساط بانکی و... کارگران را تحت فشار قرار داده بطوری که از شش ماه گذشته که حقوقی دریافت نکرده‌ایم علاوه بر مشکلات اقتصادی، دچار بحران‌های روحی و روانی نیز شده‌ایم.
یکی دیگر از کارگران اظهار داشت: برای حل مشکلات‌مان در مقابل مسئولان زانو زده‌ایم اما دریغ از یک توجه، دائما از جانب آنان قول‌هایی می‌شنویم اما سپس متوجه می‌شویم کسی به این موضوع اهمیتی نمی‌دهد.
او ادامه داد: کارفرمای ما یکی از بزرگ‌ترین سرمایه داران این استان است. با وجودی که شنیده می‌شود کارخانه‌های دیگری هم دارد، اما در پرداخت مطالبات 6 ماه گذشته کارگران زحمت کشی که ساعت‌ها برایش کار می‌کنند کوتاهی می‌کند.
این کارگر ادامه داد: با توجه به تجمعات متعددی که در مقابل فرمانداری و کارخانه داشته‌ایم و نمایندگان منتخب کارگران نیز مرتبا برای پی گیری مطالبات‌مان با اکثر مسئولان استانی و کشوری پای میز گفتگو نشسته‌اند. پس چرا آنان ادعای دارند نسبت به مشکلات ما آگاه نیستند.
گفتنی است کارخانه‌های نورد پروفیل ساوه و نورد لوله صفا واقع در شهرستان ساوه به این کارفرما تعلق دارد و مجموعا حدود ۲۵۰۰ کارگر در آن‌ها مشغول بکار هستند.

عدم پرداخت 5ماه حقوق کارگران کارخانه فولاد گزین یزد

بنا به گزارشات منتشره، و با وجود مناسب بودن روند تولید و سفارش کارخانه فولاد گزین اما حقوق کارگران پرداخت نمی‌شود. مجموع مطالبات معوقه کارگران این کارخانه بالغ بر 5 ماه حقوق و ومزایا است.

اعتراض کارگران لامپ الوند به ۶ سال بلاتکلیفی و فروش کارخانه

به گزارش برگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 دی آمده است : 32کارگررسمی کارخانه لامپ الوند، واقع در شهرک صنعتی البرز، با میانگین سوابق ۲۰ سال کار که از دی‌ماه سال ۸۵ طی دو مرحله جمعاً ۱۸ ماه بیمه بیکاری دریافت کرده‌اند، با نزدیک شدن به خاتمه دوره استفاده از بیمه بیکاری، طی نامه‌ای ،مدعی شده‌اند کارفرمای این کارخانه با استفاده از بیکاری‌های بی‌دلیل و متناوب کارگران، ابزار تولید، مواد اولیه و زمین کارخانه را به فروش رسانده است و همچنین بخشی از کارخانه را بدون انتقال کارگران به کارخانه مجاور فروخته است.
در این نامه کارگران آورده‌اند: «ما ۳۲ نفر از کارگران رسمی این شرکت از اول دی ۸۵ علی رغم میل باطنی و به درخواست مدیریت طی دو مرحله به بیمه بیکاری جهت اصلاح ساختار و ایجاد شغل و اشتغال زایی جمعا به مدت ۱۸ ماه بیمه بیکاری رفتیم.»
در بخش دیگری از این نامه نوشته شده است: «متاسفانه در این مدت هیچ اصلاح ساختاری انجام نگرفت و حتی از همان سال ۸۵ مدیریت شروع به فروختن مواد اولیه، و تمامی ماشین آلات تولید لامپ به صورت ضایعات کرد.
آنان اطلاع داده‌اند که دو سوم زمین این کارخانه اینک بدون انتقال کارگران به کارخانه «ایران چسب» واگذار و یک بخش نیز به (کارخانه) تهویه فروخته شده است.

پرداخت حقوق معوقه کارگران کارخانه نئوپان شموشک کردکوی به بازگشایی کارخانه مشروط شد

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 12 دی آمده است : نقل از روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی دادگستری کل استان گلستان، اعضای کمیته حمایت قضایی از سرمایه‌گذاری استان این بار در کارخانه نئوپان‌سازی شموشک کردکوی گردهم آمدند تا برای خروج این کارخانه از بن‌بست، راه چاره‌ای

بیاندیشند.
بنا بهمین گزارش،درپی این نشست، شرط پرداخت بدهی‌های معوق 200کارگراین کارخانه، فعال شدن دوباره خطوط تولید آناعلام شد.
همچنین مقرر شد در آینده نزدیک نشستی با حضور دادستان و فرماندار کردکوی با کارگران این کارخانه به منظور بررسی و حل مشکلات آنان برگزار شود.

کسی پاسخگوی کارگران شرکت واحد مراغه نیست؟!

بنا به گزارش منتشره، رانندگان شرکت واحد شهرستان مراغه بیش از 2 سال است که به دنبال دریافت مطالباتشان دررابطه با مشاغل سخت وزیان آورهستند.
براساس این گزارش، کارگران شرکت واحد مراغه برای احقاق حقوق حقه شان مبنی برسختی وزیان آوری کارشان) بیش از 2سال در ادارات سردرگم هستند و هیچ شخص و سازمانی پاسخگو نیست .
فرمانداری شهرستان مراغه علیرغم ویژه گیش درمنطقه آذربایجان شرقی اما تا کنون هیچ اقدامی برای رفع مشکلات این کارگران نکرده است.

مرگ یک کارگردرقم براثر استنشاق گازسمي تانکرهاي ضایعات کشتارگاه

به گزارش واحدمرکزی خبر،در 12 دی آمده است : رئیس مرکز مدیریت حوادث وفوریت های پزشکی استان قم گفت : بدلیل نشرگاز سمی از تانکرهای ویژه حمل ضایعات کشتارگاه صنعتی ،پنج نفر از کارگران کشتار گاهی در جاده گازرون قم در اثر تخلیه مواد زاید و آلوده موجود در تانکرهای سپتیک دچار حادثه شدندویکی ازکارگران جانش راازدست داد.
براساس این گزارش،یکی از کارگران مشغول تمییز کردن مجاری خروجی تانکر حمل ضایعات کشتارگاه بود که دچار مسمومیت شد و بقیه کارگران برای کمک به وی وارد تانکر شدند.

http://kanoonmodafean1.blogspot.de/2013/01/blog-post.html#more
کانون مدافعان حقوق کارگر –

مصاحبه با آقای وحید فریدونی
راننده اخراجی شرکت واحد و عضو سندیکای رانندگان شرکت واحد تهران و حومه

با سلام و تشکر از این که در این مصاحبه شرکت کرده اید. شنیده ایم شما اخیرا اخراج شده اید در صورت امکان علت آن را توضیح دهید؟
من سخنم را با این مساله آغاز می کنم که حق خواهی و حق طلبی متاسفانه در کشور ما بهای سنگینی دارد. فعالان کارگری (که تعدادشان نسبت به کل کارگران زیاد نیست) همواره به خاطر آن که خواهان حق و حقوق کارگران هستند، مورد تهاجم عوامل کارفرمایان قرار می گیرند و حتا به خاطر آن که از حق و حقوق قانونی کارگران دفاع می کنند و همان حقوق مطرح در قانون را می خواهند، باز هم در هر فرصتی مورد حمله و تحت ستم نهادهای وابسته به کارفرمایان قرار می گیرند.
در پرونده سازی برای من، مشکل از آن جا آغاز شد که پیگیر اجرای ماده 52 قانون کار شدم . ماده ی 52 قانون کار در مورد مزایای شغلی سخت و زیان آور است. این ماده دو تبصره دارد که تبصره ی 2 آن آیین نامه ی 20 بندی برای دریافت مزایای سختی و زیان آور شغلی در نظر گرفته که بند 18 آن کمیته ای شامل 14 نفر است که با حداقل 7 عضو می تواند تشکیل شود. لازم به ذکر است که این کمیته از زمان تصویب قانون کار توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام هنوز اجرایی نشده است. با اداره ی کار و امور اجتماعی استان در این مورد مکاتباتی داشتم که مراحل آخر خود را طی می کند. در طی این پیگیری ها برای اجرای این ماده در شرکت واحد بارها از سوی مدیران تهدید شدم که:" بهای این پیگیری هایت را پرداخت خواهی کرد."
در ضمن این پیگیری ها بود که پرونده ای برای این جانب درست کردند که به تعمیر موتور یک اتوبوس مربوط می شد. در این پرونده من متهم به اهمال کاری در نگهداری از اتوبوس شدم.
در مورخ 14 خرداد 91 به دلیل افتادن تمسه پروانه و جوش آوردنِ اتوبوسِ شماره 32787 با امداد شرکت تماس داشتم. اتوبوس به تعمیرگاه اعزام شد که پس از چند روز اعلام شد

موتور آن کاملا گیرپاژ کرده و باید تعمیر اساسی شود. در تاریخ 6 تیر ماه اتوبوس از تعمیرگاه خارج شد. در تاریخ ده تیر همراه با راننده اصلی و چند نفر دیگر از همکاران مشاهده شد که موتور اتوبوس اصلا باز نشده است. چون آثاری از آچار بر روی پیچ ها نبود و گل و لای و جرم روی موتور شسته نشده بود. در تاریخ 11 تیر همراه با آقایان صالح آبادی (رییس حراست) نیسانی(مدیر سامانه یک) و مسئول واحد فنی آقای ذوالقدر همگی ناظر به باز نشدن موتور بودند، متنی را که همکاران به عنوان شاهد امضا کرده بودند به مدیریت آقای سنندجی ارائه دادم. لازم به ذکر است که یکی از افراد امضاکننده آقای حسین رحیمی از اعضای اصلی شورا می باشد. چون مجموعه تعمیرگاه و مدیریت زیر سوال رفت متاسفانه علیه این جانب جبهه واحدی تشکیل شد. چنانکه عکسی که در هنگام بازدید افراد ذکر شده از موتور اتوبوس گرفته شده بود، توسط حراست از دوربین پاک شد و هر کدام خلاف واقع حرف زدند. در نتیجه سه بار کمیسیون نتوانست مدرکی دال بر تعمیر اتوبوس ارائه دهد که در آخرین کمیسیون خسارت از مبلغ سه میلیون و چهارصد هزار تومان به 300 هزار تومان کاهش داده شد که اینجانب قبول نکردم.

پرونده ی اخراج شما در چه وضعیتی قرار دارد و برای پیگیری آن تا به حال چه اقداماتی انجام داده اید؟

هیات تشخیص حکم به اخراج داده با توجه به این که نظریه مثبت شورا که طبق ماده 27 قانون کار و تبصره 2 باید نظر شورا قبل ازحکم کمیته انضباطي باشد. در صورتي که در پرونده ي من نبوده است و حتا هیات تشخیص گفته است که اگر مدارك لازم را نیاورند حکم به بازگشت به کار مي دهند. در حالي که آن ها نتوانستند مدارك لازم را ارائه دهند، اما به نظر مي آید که با اعمال نفوذ حکم اخراج را داده اند.

علاوه بر آن در هیات حل اختلاف مدارکي را ارائه دادم که نشان مي داد تا افرادي که در ذیل حکم شورا را امضا کرده اند قبل از آن که به عضویت شورا انتخاب شوند این حکم را امضا کرده اند که این یك تخلف محسوب مي شودو

مطابق ماده 20 آیین نامه انتخابات شوراها، باید نام اعضاي شورا در وزارت کار ثبت شده باشد تا شخصیت حقوقي داشته باشند درحالي که چنین امري صورت نگرفته است و افرادي که زیر حکم اینجانب را امضا کرده اند به عنوان عضو شورا داراي شخصیت حقوقي نبوده اند.

آیا موارد دیگری هم بوده است که رانندگان شرکت واحد آن را پیگیری کرده باشند و خواهان حقوق خود شوند.

مورد دیگری که ما با مراجعه حضوری نزد مدیریت آن را پیگری کرده ایم، مربوط به کسر 3 درصد حقوق کارکنان به اضافه معادل آن و واریز به صندوق ذخیره شهرداری از تاریخ 87 است که متاسفانه فقط 6 ماهه دوم سال 90 واریز شده است که صندوق بابت واریز مبلغ یاد شده سود روز شمار پرداخت می کند. پیگیری ما آن بود که این مبلغ هنگفت در چه حسابی بوده و سود آن چه شده است؟

اگر ممکن است در مورد خواسته های دیگر رانندگان که منجر به تجمع 200 نفره آنان جلوی شورای شهر شده هم توضیحی بدهید؟

اعضای فعال سندیکا به همراه عده ای از نمایندگان در یک سال اخیر پیگری رفع تبعیض در مورد پرداخت حقوق به کارکنان شهرداری بودیم که از آن جمله شهرداری و مسئولان آن، بارها اعلام کرده اند که شرکت واحد زیر مجموعه آن است. در نتیجه باید از امکانات و مزایای شهرداری بهره مند شوند. درهمین رابطه فعالان کارگری در شرکت واحد طوماری را امضا کردند که با امضای چند هزار نفر از کارکنان این شرکت تسلیم مقامات شهرداری شد و در آن خواستار یکسان شدن حقوق و مزایای کارکنان شرکت واحد با سایر پرسنل شهرداری شدند. از جمله ده درصد افزایش دستمزد که بیش از سه سال است که کارکنان شهرداری از آن برخوردار شده اند. و حق مسکن چند صد هزار تومانی و پاداش آخر هر شش ماه می باشد. بارها با مسئولان شهرداری نامه نگاری شده است در حدود ده ماه پیگیری مستمر اعضای فعال سندیکا باعث شد شهرداری از اصول غیر قانونی خود عقب نشینی کند.

آیا تجمع 200 نفره هم در این رابطه بود؟

این تجمع مربوط به کل خواسته های کارگران شرکت واحد می شد.در تاریخ 12 تیر ماه عده ای از رانندگان با تجمع در ساختمان 1888 خواهان پاسخ گویی مسئولان شرکت واحد به خواسته های خودشان بودند.

آينده سنديكاي شركت واحد را چگونه ارزيابي مي كنيد؟

سنديكا ديگر يك فرد يا چند نفر نيستند. بلكه خواسته هاي سنديكاي واحد در ميان رانندگان همگاني شده است و بخش وسيعي از اين كارگران با حقوق كارگري و قوانين كار آشنا هستند. چيزي كه قبل از ايجاد سنديكا وجود نداشت. در نتيجه ديگر امروز نمي توان سنديكا را با دستگيري و يا اخراج چند نفر متوقف كرد.

امروزه ديگر نمي توان رانندگان واحد را مجبور كرد كه به افراد خاصي براي نمايندگي شورا و غيره راي دهند. همه ي اين ها كار سنديكا است. امروز سنديكا در شركت واحد نهادينه شده است.

به طور كلي چشم انداز زندگي كارگران و مطالبات آنان را چگونه مي بينيد؟

امروزه بسياري از كارگران نسبت به گذشته آگاه شده اند. تعداد قابل توجهي از كارگران به حقوق صنفي و قانوني خود آشنا هستند و مي توانند از حقوق خود دفاع كنند. در گذشته شوراهاي اسلامي و حراست در تمام اركان هاي دولتي و خصوصي به گونه اي رفتار مي كردند كه كارگران از آن ها وحشت داشتند. ولي امروزه در ميان تعداد قابل توجهي از كارگران اين ترس فرو ريخته است. شايد زماني اگر كسي به حراست احضار مي شد ديگران از او فاصله مي گرفتند ولي امروز در ميان كارگران چنين امري نيست كسي كه به حراست احضار مي شود شايد محبوب تر هم باشد. هر چند نمي توان منكر شدكه هنوز اكثريت كارگران به دنبال همان افزايش حقوق و بهتر شدن وضع زندگي شان هستند و كمتر به مسايل صنفي و هم بستگي كارگري و ضرورت ايجاد تشكل مستقل مي انديشند. اما اين افراد هر روز در حال كاهش هستند و بر عكس افراد آگاه در ميان كارگران رو به افزايش هستند.

به نظر شما چرا مسئولان در پاسخگویی به خواست کارگران اهمال می کنند و حاضر نیستند به خواسته های قانونی و حقوقی کارگران تن دهند.

در وهله ی اول منافع خودشان درخطر می افتد. لازم است یادآور شویم که اکثر مدیران و مسئولان در نوع مدیریت خود فقط تعدیل در هزینه ها را درنظر می گیرند و هیچ ارزشی برای نیروی انسانی قائل نیستند. چون یا اعتقادی به آن ندارند یا اصولا دانش آن را ندارند.

دوم آن که پیروی از قانون، یعنی تشکل های مستقل و نظام مند شدن روابط کارگری و کارفرمایی ،تا جایی که حداقل به اصول برابری بین کارگر و کارفرما برسیم ، باید تداوم یابد. در صورتی که مسئولان خواهان نگاه از بالا به کارگر می باشند و کارگر را به مثابه برده می بینند. اینان همان سرمایه داران قرون گذشته اند که برده داری را رواج می دادند و امروز فقط لغت برده از بین رفته و لفظ کارگر را جانشین آن کرده اند.

*تکذیب سخنان آقای محمود صالحی

رحمان ابراهیم زاده

دوشنبه 11دی ۱۳۹۱

اخیرا در یکی از سایت ها مصاحبه ای از طرف آقای امیر جواهری با آقای محمود صالحی پخش شده است.

در این مصاحبه به مسئله بهنام ابراهیم زاده اشاره می شود و آقای محمود صالحی می گوید که "دوستان در رابطه با بهنام من یک توضیحاتی بدهم. بهنام یک زن و یک بچه دارد به اسم نیما، خوب به هر حال چند روز بچه اش مریض است در واقع از نظر تغذیه ناسالم در طول این مدتی که پدرش در زندان بوده زخم معده گرفته و حالا هم کم خون است و یک مدتی در بیمارستان بود و حالا هم که در خانه بستری است. در هر صورت من در همین جا امیدوارم که نیما پسر بهنام زودتر خوب بشود."

من بعنوان پدر بهنام ابراهیم زاده به شدت این خبر کذب را محکوم می کنم و مشکل نیما،

پسر بهنام، هیچ ربطی به تغذیه ندارد و هم اکنون نیما در بیمارستان محک در طبقه چهارم اطاق پانزده بستری است.
در این مدت که بهنام در زندان است من بیشترین امکانات را برای خانواده بهنام فراهم کرده ام و بیماری ایشان هیچ ربطی به سخنان پوچ آقای محمود صالحی ندارد. آقای محمود صالحی، شما چند بار در باره بهنام با من تماس گرفته اید و احوال بهنام را پرسیده اید؟ این اطلاعات دروغ را ازکجا آورده اید؟ مگر جدیدا وکیل ما شده اید؟ اگر فعالین و هواداران جنبش کارگری و دوستان کارگرم، می خواهند از وضعیت بهنام و خانواده او اطلاع پیدا کنند می توانند مستقیما با من تماس بگیرند.

پدر کارگر زندانی، بهنام ابراهیم زاده

رحمان ابراهیم زاده

شماره تماس - ۰۹۱۴۳۴۵۶۲۹۴

* افق روشن: قسمتی از مصاحبهٔ امیر جواهری با محمود صالحی...

امیر جواهری: خوب ممنونم از این توضیحات روشنگر. محمود صالحی عزیز همزمان با فشاری که متوجه رضا شهابی هست، بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری را از بند ۳۵۰ اوین طی همین روزهای گذشته به سلولهای انفرادی بند ۲۴۰ انتقال دادند. با خبر شدیم که در تبریز نیز مشکلاتی را متوجه خانواده محمد جراحی کردند. از سوی دیگر بار دیگر سراغ همسر علی نجاتی آمدند. آنهم بجرم همان حضورش به همراه شوهرش در یکی از مراسم های خانوادگی در کردستان و خواندن ترانه و سرود "دایه دایه وقت جنگه" و از طرفی با خبر شدیم که پریشب چهارشنبه شب، سراغ فعالان اعضای "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" آمدند و درشهر بوکان تعدادی از آنها را با ریختن به درون منازلشان و ضبط وسایل شخصی، دستگیرشان کردند. اینگونه تهاجمات پیوسته را در شرایط فعلی چگونه می بینید؟

محمود صالحی: دوستان در رابطه با بهنام من یک توضیحاتی بدهم. بهنام یک زن و یک بچه دارد به اسم نیما، خوب به هر حال چند روز بچه اش مریض است در واقع از نظر تغذیه ناسالم در طول این مدتی که پدرش در زندان بوده زخم معده گرفته و حالا هم کم خون است و یک مدتی در بیمارستان بود و حالا هم که در خانه بستری است . در هر صورت من در همین جا امیدوارم که نیما پسر بهنام زودتر خوب بشود. بهنام هم بله، بهنام هم فعلا از بند ۳۵۰ انتقال دادند به بند ۹۶ که مشخص نیست بند ۹۶ کجاست من دقیقا نمی دانم ولی تا این خبر که به من رسیده در بند ۹۶ است. در رابطه با بچه هایی هم که در بوکان دستگیر شدند بله در روز چهارشنبه بعد ازظهر نیروهای لباس شخصی و انتظامی به منزل و محل کاراین تعداد از اعضای کمیته هماهنگی از جمله: هادی تنومند- ابراهیم مصطفی پور- کاظم مصطفی پور- جمال مینا شیری- محمد کریمی رفتند و اینها را دستگیر کردند. تا دیروز که پنجشنبه بود خانواده اینها در جلوی زندان که تجمع کردند اما به آنها گفتند؛ جلوی زندان را ترک کنید تا روز دوشنبه مراجعه نکنید برای پیگیری پرونده این دوستان.

ع مصاحبه امیر جواهری با محمود صالحی اینجا کلیک کنید.

منبع : www.ofros.com

تکثیر : yashar.doulatabadi@gmail.com

قابل توجه رفقا و دوستان
ضمن تبریک ورود سال جدید میلادی و ارزوی سال خوب و پیروزی های بزرگ

پس از فراخوان کمک مالی برای شاهرخ و خانواده او طی بیانیه 64 برخی از رفقا و دوستان در رابطه با روش ارسال کمکهای مالی پرسش های داشتند . لازم دیدیم موارد زیر را اعلام نماییم.
دوستان و رفقا برای ارسال کمک های خود می توانند از روش های زیر استفاده نمایند
1 - با ایمیل کمیته حمایت از شاهرخ زمانی تماس گرفته اطلاعات لازم را دریافت نمایند.
freeshahrookh@gmail.com
2 - بایکی از نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران – خارج کشور که در کشور های مختلف حضور دارند، تماس بر قرار نمایید.
3 - از طریق رفقای صندوق همبستگی با کارگران ایران- کانادا
4 - از طریق رفیق پرویز قلیچ خانی
5 - از طریق رفیق پریسا نصرآبادی
6 - از طریق رفیق نیما پور یعقوب
7 - از طریق رفیق محمد اشرفی
8 - از طریق رفیق علی افشاری
9 - از طریق رفیق حسین حمیدی
10 - از طریق رفقای عضو کمیته حمایت از شاهرخ زمانی که اسامی آنها در این لینک http://chzamani.blogspot.com/p/blog-page.html هست می توانید کمک های خود را تحویل بدهید
11 – از طریق بسیاری از رفقا که با کمیته حمایت ارتباط دارند
12 – یا از طریق رابطه های که خود شما می شناسید
13 - همچنین دوستان و رفقای که خودشان مستقیمان در داخل ارتباط دارند با در نظر گرفتن موارد امنیتی می توانند از ارتباط مستقیم خود استفاده نمایند
قبلا از کمک ها و حمایت های مادی و معنوی و عملی تمامی دوستان و رفقا صمیمانه تشکر می کنیم .
پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار :
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
12/10/1391
www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

اطلاعیه کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران-فنلاند در حمایت از کمپین 26 ژانویه در دفاع از مبارزات کارگران ایران

کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران-فنلاند:حمایت از کمپین 1 ماه دفاع از مبارزات کارگران ایران
رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی ایران در راستای سیاست های همیشگی خود باز هم با یورش به فعالین کارگری 7 نفر از فعالین کارگری و از اعضای کمیته هماهنگی برای ایجاد تشکلهای کارگری را به مدت چندین روز بازداشت کرده است که امروز دو نفر از انها به اسامی محمد کریمی و قاسم مصطفی پور را به قید وثیقه های سنگین آزاد نموده است. این بازداشتها در حالی صورت میگیرد که چند فعال کارگری دیگر از جمله بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحي،شاهرخ زماني، پدرام نصراللهی و رضا شهابی در طی دوران محکومیتشان میباشند.
رضا شهابی در اعتراض به برخورد غیر انسانی زندانبانان و عدم رسیدگی به وضعیت جسمانی خود دست به اعتصاب غذا و دارو زده است و در وضعیت بسیار نامناسب جسمانی به سر میبرد وبعلت بیماری در صورت مصرف نکردن داروها و ادامه اعتصاب غذا و دارو جانش در خطر جدی قرار میگیرد.
در این میان رژیم جدا از سرکوب و بازداشت فعالین کارگری لایحه ضد کارگری قانون کار را

جهت تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه کرده است. روند اخراج سازیهای گسترده، عدم پرداخت حقوقهای معوقه و نبود ایمنی در محل کار که باعث جانباختن صدها کارگر در طی سال میشود و تورم لجام گسیخته باعث شده که جنبش کارگری ایران بشدت زیر فشار و سختی قرار بگیرد.
اما کارگران و فعالین جنبش کارگری در برابر این همه توحش و فشار ساکت ننشسته و به شدت در برابر این همه نابرابری ایستاده و مشغول مبارزه میباشند. این مبارزه حتی در داخل زندانها هم متوقف نگردیده و در برابر ظلم و ستم موجود ایستادگی نموده و خواهان تغییر وضع موجود میباشند.
زنان و مردان آزادیخواه،احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست نهادهای حقوق بشری ما وظیفه داریم که این مبارزه را تقویت کرده و در هر جای که هستیم با حمایت از مبارزات کارگران داخل ایران برخواسته و با حضور فعالانه خود به کمپین یک ماه دفاع از مبارزات کارگران ایران بپیوندیم.
کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران-فنلاند فعالانه در در روز شنبه 26 ژانویه 2013 در کمپین بین المللی حمایت از مبارزات کارگران ایران شرکت مینماید و همچنین از تمامی انسانهای آزادیخواه و مبارز برای پیوستن به این کمپین دعوت به عمل میآورد.
کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران - فنلاند
1 ژانویه 2013
komitehf@hotmail.com

۳۰۰ استاد سالانه خانه نشين مي‌شوند

به نوشته سایت دانشجو نیوز در 12 دی آمده است : بازنشستگی استادان دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر به سریالی در نظام آموزش عالی کشور تبدیل شده است؛ استادانی که به تعدادی از آن‌ها گفته شده «یا تقاضای بازنشستگی کنید یا اخراجتان مي‌کنیم.» حالا سرپرست مرکز نظارت و ارزیابی وزارت علوم مي‌گوید به جای همه استادان بازنشسته‌شده استاد جدید استخدام مي‌کنیم و 40هزار دانشجوی دکترا در نوبت استخدام هستند.

رضا عامري، دیروز در جمع خبرنگاران تعداد استادان بازنشسته را به نسبت استادانی که در دانشگاه‌ها جذب مي‌شوند، بسیار ناچیز دانست و جزییات تغییر آیین‌نامه بازنشستگی اعضای هیات علمی را تشریح کرد. به گفته او در هر سال 300 عضو هیات علمی در کشور بازنشسته مي‌شود. براساس آیین‌نامه جدید، شرط بازنشستگی مربی آموزش‌یار، مربی و استادیار، 65سال سن یا 30سال سابقه خدمت است که با این حال برای عضو هیات علمی با درجه استادیار پیش‌بینی شده است که اگر بتواند در چهار سال آخر منتهی به خدمت، 80 تا 85درصد امتیاز ارتقا به مرحله دانشیاری را کسب کند، مي‌تواند دو تا سه سال دیگر خدمت کند.

همچنین برای عضو هیات علمی با مرتبه دانشیار، شرط بازنشستگی 67سال سن تعیین و در تغییرات جدید پیش‌بیني‌شده که اگر در پنج سال قبل از 67سالگي، 75درصد امتیاز استادی را کسب کند، مي‌تواند تا 70سالگی به خدمت خود ادامه دهد. عامری همچنین با اشاره به شرط سن 70سالگی برای بازنشستگی اعضای هیات علمی با درجه استادی نیز گفت: در این زمینه نیز اساتیدی که استاد نمونه کشوری شوند، سه سال به سقف بازنشستگی آن‌ها اضافه خواهد شد. همچنین درصورتی که دانشگاه پس از 70سالگی نیاز به خدمات استاد داشته باشد، مي‌تواند مستقیما تا شش سال دیگر خدمت فرد را تمدید کند. بخشی از سخنان سرپرست مرکز نظارت و ارزیابی روز گذشته در پاسخ به انتقاداتی مطرح شد که به دلیل بازنشستگی اجباری تعدادی از استادان متوجه وزارت علوم و نیز دولت احمدي‌نژاد است. استادانی که اعلام کرده‌اند با اجبار بازنشسته یا از کار دانشگاهی برکنار شده‌اند. عامری در وزارت علوم در پاسخ به کسانی که عملکرد وزارت علوم را در بازنشسته کردن استادان دانشگاه‌ها مورد انتقاد قرار مي‌دهند، گفت: «در همه نظام‌های آکادمیک بحث بازنشستگی

مطرح است، به‌ویژه در کشور ما با توجه به توسعه تحصیلات تکمیلي، باید زمینه جذب را برای دانشجویان فارغ‌التحصیل فراهم کنیم. الان 40هزار دانشجوی دکترا داریم که بحث استخدام آن‌ها جدی است.» سرپرست مرکز نظارت و ارزیابی با این سخنان در واقع توپ را به زمین جوان‌ترها مي‌اندازد آن‌طور که گویا افزایش تعداد فارغ‌التحصیلان دکترا در رشته‌های مختلف دلیل بازنشستگی استادان باتجربه است.

یا بازنشستگي، یا اخراج یا تعلیق
سعید معیدفر، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه تهران که در همین سال‌های اخیر بازنشسته شده است، به بهار گفت: «در یک دهه گذشته استادانی که در دانشگاه‌ها بازنشسته مي‌شدند عموما افرادی بوده‌اند که میزان سنوات بازنشستگی و کاریشان بالا بود. برای مثال حدود 35سال سابقه یا بالای 70سال سن داشتند اما به تدریج هرچه جلوتر آمدیم این روند بازنشستگی دیگر صرفا براساس سنوات کاری نیست بلکه عمدتا به دلیل عدم تناسب رویکردها و شاید دیدگاه‌های اعضای هیات علمی با منویات وزارت علوم بوده است.»
او با بیان این‌که وزارت علوم در بازنشسته کردن استادان کاملا گزینشی رفتار کرده است، گفت: « افرادی را داشتیم برای مثال در دانشگاه علامه حتی 30سال خدمت را هم تکمیل نکرده بودند اما از وزارت علوم به آن‌ها گفتند که خودتان تقاضای بازنشستگی کنید. در دانشگاه تهران هم به همین شکل یا اشکالی دیگر مثل گوشزد کردن و غیرمستقیم خبر دادن استادان را تحت فشار قرار دادند که تقاضای بازنشستگی کنند.»او ادامه داد: «به برخی از استادان هم گفتند اگر درخواست بازنشستگی نکنید، اخراج مي‌شوید. البته با روش‌های دیگری هم استادان را تحت فشار گذاشتند، برای مثال در دانشگاه تربیت مدرس افراد را معلق کردند به این ترتیب که به آن‌ها کلاس ندادند و حتی به گروهی اجازه ورود به دانشگاه را هم نمي‌دهند یعنی از در ورودی دانشگاه جلوی آن‌ها را مي‌گیرند، این شیوه‌های به شدت تحقیرآمیز، غیرانسانی و غیراخلاقی است آن هم با استادانی که سرمایه‌های کشور هستند»
دکتر خلیل میرزایي، عضو هیات علمی دانشکده علوم اجتماعی آزاد رودهن، روند بازنشستگی گروهی از استادان دانشگاه‌ها را تحت‌تاثیر برخوردهای ایدئولوژیک دانست و به بهار گفت: «وزارت علوم بحث کمیت را مطرح مي‌کند این‌که 40هزار نفر متقاضی دکترا هستند یک بحث است اما از نظر کیفی چطور؟ آیا مي‌توان با گفتن این‌که استادان جوان را جایگزین استادان باسابقه مي‌کنیم بحث بازنشستگی استادان را تمام شده دانست؟ در حالی که در بسیاری از کشورهای جهان مخصوصا در زمینه بازنشستگی دانشگاه را از سایر حوزه‌ها منفک مي‌کنند، با این رویکرد که استادان حتی وقتی سنشان بالا مي‌رود همچنان باروری لازم و زایش دارند و از آن‌ها سود مي‌برند اما در ایران این‌طور نیست و ملاک مشخصی برای بازنشستگی استادان وجود ندارد.»او با بیان این‌که وزارت علوم ملاک‌هایش برای بازنشستگی استادان نامشخص است، افزود: «اگر قانون و آیین‌نامه دارند چرا در مورد همه استادانی که این شرایط را دارند اجرا نمي‌شود و فقط در مورد برخی اجرا مي‌شود؟ بسیاری از استادان این سن را رد کردند و هنوز در حال فعالیت هستند، پس در وزارت علوم یک سری تمایزها و تبعیض‌ها وجود دارد و افرادی که شرایط ایدئولوژیکی خاصی دارند یا باید بمانند یا نباید بمانند.»
احمد ساعي، عضو هیات علمی دانشگاه تهران که سال 85 در دوره ریاست عمید زنجانی به همراه هشت نفر از استادان دیگر یک شبه حکم بازنشستگی خود را دریافت کرد، درباره روند بازنشستگی خود به بهار گفت: «یک روز نامه‌ای در صندوق پستی انداختند با این مضمون که از فلان تاریخ شما بازنشسته هستید. فردا صحن دانشکده پر شده بود و دانشجویان به این شیوه بازنشسته کردن استادان اعتراض داشتند چراکه بعضي‌ها هنوز به سن بازنشستگی نرسیده، بازنشسته شده‌اند. آقای درودیان را هم بدون اطلاع بازنشسته کردند به هر حال بنا داشتند تعدادی از استادان را کنار بگذارد و این کار را هم کردند. در آن زمان ما بسیار احساس تنهایی مي‌کردیم چون به هر قیمتی حاضر به کنار گذاشتن ما بودند و ما هم چاره‌ای نداشتیم و شرایط جوری بود که نشد کاری کنیم»
دیروز اما عامری در نشست مطبوعاتي‌اش و در جمع خبرنگاران اعلام کرد که اگر فردی فکر

مي‌كند كه برخلاف آيين‌نامه بازنشسته شده است، مي‌تواند اعتراض كند و در صورتی كه اعتراض او وارد باشد، حكمش لغو خواهد شد.
اما چنان‌كه معيدفر، استاد بازنشسته دانشگاه تهران به بهار مي‌گويد، با اين‌كه امكان شكايت براى استادان وجود دارد حتى در مراجعى غير از وزارت علوم مانند ديوان عدالت اداري، اما اغلب برخوردها با استادان چنان تحقيرآميز است كه آن‌ها اعتراضى نمي‌كنند و مثل يک فرد مظلوم اين شرايط را مي‌پذيرند.

استادان جديد چگونه گزينش مي‌شوند
يكى از استادان دانشكده علوم اجتماعى دانشگاه علامه مشروط به اين‌كه نامى از او در روزنامه برده نشود، به بهار گفت: «دو سال است كه دانشكده هيچ نظارتى بر نحوه گزينش و استخدام استادان جديد ندارد در واقع گروه‌ها كاملا در جريان گزينش و انتخاب استادان جديد بي‌اثر شدند و هيچ نظرى از ما خواسته نمي‌شود.»
او كه خودش در فهرست استادانى است كه به او گفته شده تقاضاى بازنشستگى كند، گفت: «من هنوز براى بازنشستگى اقدام نكرده‌ام، منتظرم تا ببينم چه مي‌كنند اما گفته‌ام كه خودم تقاضا نمي‌كنم، خواستيد اخراجم كنيد.»
معيدفر هم تاكيد مي‌كند كه روند جذب استادان جديد در دانشگاه‌ها كاملا گزينشى است. او مي‌افزايد: «انتخاب و جذب استادان از گروه‌ها گرفته شده است و حتى افرادى را كه برخى هنوز مدرک دكترا نگرفته‌اند را هم جذب مي‌كنند در حالى كه افراد بسيار شايسته‌تر داريم كه سال‌ها است تحصيل‌شان تمام شده اما به دليل همين گزينش‌هايى كه معيارهايى نامشخص هم دارد جذب نشده‌اند.» اين استاد سابق دانشگاه تهران ادامه داد: «اين وضعيت به شدت موجب نارضايتى دانشجويان شده است و آن‌ها به اشكال مختلفى كه قادر باشند ابراز نارضايتى مي‌كنند اما دانشجويان الان با كميته‌هاى انضباطى طرف هستند و مي‌دانيم چطور با اين‌ها برخورد مي‌كنند، با كمترين اعتراضى از ادامه تحصيل باز داشته مي‌شوند و ستاره‌دار مي‌شوند و حتى اگر در آينده فرصت كارى در انتظارشان باشد از آن‌ها گرفته مي‌شود. شرايط در دانشگاه به شدت غيرعادلانه است و نشاط از دانشجويان گرفته شده است.»
موضوع بازنشستگى استادان دانشگاه‌هاى كشور از تيرماه سال 85 كه اولين بازنشستگي‌ها در دانشكده حقوق دانشگاه تهران رخ داد آغاز شد و سپس به دانشكده ادبيات اين دانشگاه نيز رسيد و بعدها دامنه‌اش تا دانشگاه علامه طباطبايى نيز گسترش يافت. اين موج با خبر بازنشستگى حسين بشيريه، پدر جامعه‌شناسى سياسى ايران و دكتر ميرجلال‌الدين كزازي، فضاى آكادميک ايران را تحت‌تاثير قرار داد. پيش از آن‌ها نيز استاد حقوق مدني، دكتر رضا رييس طوسي، استاد اقتصاد سياسى نفت و دكتر احمد ساعي، استاد مسائل جهان سوم مشمول حكم بازنشستگى شده بودند.

شيده لالمي؛ روزنامه بهار

تعطيلى دو روزه كارخانه‌هاى تهران از حقوق كارگران كسر مي‌شود

به گزارش برگزارى دولتى كار ايران - ايلنا در تاريخ 12 دى آمده است : در پى تعطيلى كارخانه‌هاى اطراف شهر تهران طى امروز و فردا (١٢ و ١٣ دي‌ماه) يک فعال كارگرى معتقد است تعطيلى دو روزه كارخانه‌ها چاره آلودگى هوا نيست و تنها باعث فراهم آوردن فرصت كاستن از حقوق كارگران مي‌شود.
سهراب قنبري، دبير خانه كارگر غرب تهران كه بخش عمده‌اى از صنايع استان در اين منطقه مسئوليت‌اش متمركز است، با بيان اين مطلب به ايلنا گفت: تعطيلى واحدهاى توليدى به بهانه آلودگى هوا علاوه بر افزايش مشكلات اقتصادى و تشديد بحران موجود، تبعاتى نيز به زيان كارگران دارد.
او با بيان اينكه مشكل آلودگى هوا بايد با تصميمات جدى دولت رفع شود، تصريح كرد: اعلام تعطيلى دو روزه دولت در خصوص تعطيلى واحدهاى آلاينده بدون در نظر گرفتن عوامل جانبى آن صورت گرفته است و تصميم گيري‌هايى از اين دست معمولا طبق برنامه قبلى صورت

نمي‌گيرد.
او افزود: وقتی تصمیم گرفته مي‌شود کارخانه‌های آلاینده تعطیل شوند، ساز و کار آن مشخص نمي‌شود تا بدانیم تکلیف قانونی دستمزد کارگران در این دوروز تعطیلی چیست.
این فعال کارگری با یادآوری اینکه تعطیلی دو روزه واحدهای تولیدی به سبب آلودگی هوا جزء تعطیلات رسمی کشور نیست، افزود: اغلب کارفرمایان خصوصی نسبت به پرداخت حقوق کارگران خود در این دو روز کوتاهی مي‌کنند و سعی مي‌کنند با ثبت مرخصی استحقاقی (مرخصی بدون حقوق) این دو روز تعطیلات را جبران کنند.
قنبری اضافه کرد: در این میان فقط کارگران واحدهای دولتی هستند که با مدیریت دولتي، به حق وحقوق چند روزه تعطیلات اجباری که دولت به کارگاها تحمیل کرده است مي‌رسند.
او در خاتمه اظهار داشت: در شرایطی که به دلیل تشدید آلودگی هوا، مسئولان دستگاه‌های حاکمیتی راه حل اجرایی ملموس و اقدام عملی در جهت کاهش آلودگی هوا انجام نمي‌دهند، تعطیلی واحدهای تولیدی در شرایط سخت و بحرانی صنایع، تبعات افزایش خسارات اقتصادی برای واحد تولیدی و به تبع کارگران به همراه دارد

تعطیلی دو روزه کارخانه‌های تهران از حقوق کارگران کسر مي‌شود/ اعتراض کارگران لامپ الوند به ۶ سال بلاتکلیفی و فروش کارخانه در نبود کارگران

به گزارش برگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 دی آمده است : کارگران حاضر در این تجمع چهار روزه، دلیل اعتراض کارگران را تعویق 6 ماهه دستمزد و سایر مطالبات‌شان ذکر کرد که از يك ماه گذشته به طور مرتب وعده پرداخت‌اش به کارگران داده مي‌شود اما محقق نمي‌شود.
یکی از کارگران که به نمایندگی از سایر کارگران سخن مي‌گفت، در گفتگو با خبرنگار ما اظهار کرد: از صبح روز شنبه نهم دی ماه بیش از ۵۰۰ کارگر کارخانه نورد «لوله صفا» به نمایندگی از ۱۳۰۰ کارگر در اعتراض به شش ماه حقوق معوقه دست به تجمع زده‌اند.
او با بیان اینکه این تجمعات از روز شنبه تا به امروز (سه شنبه 12 دي‌ماه) ادامه دارد، افزود: با توجه به تجمعات متعددی که در ماه‌های گذشته توسط کارگران این کارخانه صورت گرفته و بي‌توجه‌ای به آن از سوی مسئولان کارخانه و دولت، کارگران ناچار شدند برای احقاق حقوق صنفی خود از روز شنبه تا به امروز به تجمعات خود ادامه دهند.
این کارگر اضافه کرد: کارخانه نورد لوله صفا دارای تولید و بازار فروش خوبی است اما از دو سال گذشته، زمانی که تحریم‌ها هنوز شروع نشده بود کارفرمای این کارخانه به طور مرتب حقوق کارگران را با تعویق پرداخت مي‌کرده است.
این کارگر در ادامه افزود: مشکلات کارگران این کارخانه با عدم پرداخت حقوق افزون‌تر شده چرا که اکثر ما متاهل و دارای زن و فرزند هستیم.
او گفت: گراني‌های روز افزون کالاهای مصرفي، افزایش اجاره بها، عقب افتادگی اقساط بانکی و... کارگران را تحت فشار قرار داده بطوری که از شش ماه گذشته که حقوقی دریافت نکرده‌ایم علاوه بر مشکلات اقتصادي، دچار بحران‌های روحی و روانی نیز شده‌ایم.
در ادامه این گفتگو یکی دیگر از کارگران اظهار داشت: برای حل مشکلات‌مان در مقابل مسئولان زانو زده‌ایم اما دریغ از یک توجه، دائما از جانب آنان قول‌هایی مي‌شنویم اما سپس متوجه مي‌شویم کسی به این موضوع اهمیتی نمي‌دهد.
او ادامه داد: کارفرمای ما یکی از بزرگ‌ترین سرمایه داران این استان است. با وجودی که شنیده مي‌شود کارخانه‌های دیگری هم دارد، اما در پرداخت مطالبات 6 ماه گذشته کارگران زحمت کشی که ساعت‌ها برایش کار مي‌کنند کوتاهی مي‌کند.

این کارگر ادامه داد: با توجه به تجمعات متعددی که در مقابل فرمانداری و کارخانه داشته‌ایم و نمایندگان منتخب کارگران نیز مرتبا برای پی گیری مطالبات‌مان با اکثر مسئولان استانی و کشوری پای میز گفتگو نشسته‌اند. پس چرا آنان ادعای دارند نسبت به مشکلات ما آگاه نیستند.

گفتنی است کارخانه‌های نورد پروفیل ساوه و نورد لوله صفا واقع در شهرستان ساوه به این کارفرما تعلق دارد و مجموعا حدود ۲۵۰۰ کارگر در آن‌ها مشغول بکار هستند.

نامه اعتراضی کارگران لامپ الوند

به گزارش برگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در تاریخ 12 دی آمده است : تعداد ۳۲ کارگر رسمی کارخانه لامپ الوند، واقع در شهرک صنعتی البرز با ارسال نامه‌ای نسبت به ۶ سال بلاتکليفي، بدون ارائه توضیحی قانع کننده و همچنین فروش مواد اولیه، ابزار تولید و حتی زمین کارخانه از جانب کارفرما، اعتراض کرده‌اند.
به گزارش ایلنا، کارگران رسمی کارخانه لامپ الوند، با میانگین سوابق ۲۰ سال کار که از دي‌ماه سال ۸۵ طی دو مرحله جمعاً ۱۸ ماه بیمه بیکاری دریافت کرده‌اند، با نزدیک شدن به خاتمه دوره استفاده از بیمه بیکاري، با ارسال نامه‌ای به دو نهاد کارگری استان قزوین و خبرگزاری ایلنا، مدعی شده‌اند کارفرمای این کارخانه با استفاده از بیکاري‌های بي‌دلیل و متناوب کارگران، ابزار تولید، مواد اولیه و زمین کارخانه را به فروش رسانده است و همچنین بخشی از کارخانه را بدون انتقال کارگران به کارخانه مجاور فروخته است.
در این نامه که رونوشتی از آن به کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار قزوین و همچنین خانه کارگر این استان ارسال شده است، کارگران آورده‌اند: «ما ۳۲ نفر از کارگران رسمی این شرکت از اول دی ۸۵ علی رغم میل باطنی و به درخواست مدیریت طی دو مرحله به بیمه بیکاری جهت اصلاح ساختار و ایجاد شغل و اشتغال زایی جمعا به مدت ۱۸ ماه بیمه بیکاری رفتیم.»
در بخش دیگری از این نامه نوشته شده است: «متاسفانه در این مدت هیچ اصلاح ساختاری انجام نگرفت و حتی از همان سال ۸۵ مدیریت شروع به فروختن مواد اولیه، و تمامی ماشین آلات تولید لامپ به صورت ضایعات کرد.
آنان اطلاع داده‌اند که دو سوم زمین این کارخانه اینک بدون انتقال کارگران به کارخانه «ایران چسب» واگذار و یک بخش نیز به (کارخانه) تهویه فروخته شده است.
این کارگران در پایان از نهادهای کارگری استان درخواست کمک کرده‌اند.

اعتصاب کارگران معترض «نورد لوله» وارد چهارمین روز شد

به نوشته سایت اصلاح طلب جـــرس در 12 دی آمده است : کارگران کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهاي‌شان از روز شنبه تا کنون در اعتصاب به سر می برند.
یکی از کارگران که به نمایندگی از سایر کارگران سخن مي‌گفت، در گفتگو با ایلنا اظهار کرد: از صبح روز شنبه نهم دی ماه بیش از ۵۰۰ کارگر کارخانه نورد «لوله صفا» به نمایندگی از ۱۳۰۰ کارگر در اعتراض به شش ماه حقوق معوقه دست به تجمع زده‌اند.
او با بیان اینکه این تجمعات از روز شنبه تا به امروز (سه شنبه دوازده دي‌ماه) ادامه دارد، افزود: با توجه به تجمعات متعددی که در ماه‌های گذشته توسط کارگران این کارخانه صورت گرفته و بي‌توجه‌ای به آن از سوی مسئولان کارخانه و دولت، کارگران ناچار شدند برای احقاق حقوق صنفی خود از روز شنبه تا به امروز به تجمعات خود ادامه دهند.
این کارگر اضافه کرد: کارخانه نورد لوله صفا دارای تولید و بازار فروش خوبی است اما از دو سال گذشته، زمانی که تحریم‌ها هنوز شروع نشده بود کارفرمای این کارخانه به طور مرتب حقوق کارگران را با تعویق پرداخت مي‌کرده است.
این کارگر در ادامه افزود: مشکلات کارگران این کارخانه با عدم پرداخت حقوق افزون‌تر شده چرا که اکثر ما متاهل و دارای زن و فرزند هستیم.
او گفت: گراني‌های روز افزون کالاهای مصرفي، افزایش اجاره بها، عقب افتادگی اقساط بانکی و کارگران را تحت فشار قرار داده بطوری که از شش ماه گذشته که حقوقی دریافت نکرده‌ایم علاوه بر مشکلات اقتصادي، دچار بحران‌های روحی و روانی نیز شده‌ایم.
در ادامه این گفتگو یکی دیگر از کارگران اظهار داشت: برای حل مشکلات‌مان در مقابل مسئولان زانو زده‌ایم اما دریغ از یک توجه، دائما از جانب آنان قول‌هایی مي‌شنویم اما سپس

متوجه مي‌شويم كسى به اين موضوع اهميتى نمي‌دهد.
او ادامه داد: كارفرماى ما يكى از بزرگ‌ترين سرمايه داران اين استان است. با وجودى كه شنيده مي‌شود كارخانه‌هاى ديگرى هم دارد، اما در پرداخت مطالبات شش ماه گذشته كارگران زحمت كشى كه ساعت‌ها برايش كار مي‌كنند كوتاهى مي‌كند.
اين كارگر ادامه داد: با توجه به تجمعات متعددى كه در مقابل فرمانداري و كارخانه داشته‌ايم و نمايندگان منتخب كارگران نيز مرتبا براى پى گيرى مطالبات‌مان با اكثر مسئولان استانى و كشورى پاى ميز گفتگو نشسته‌اند. پس چرا آنان ادعاى دارند نسبت به مشكلات ما آگاه نيستند.
تارنماى اتحاديه آزاد كارگران ايران نيز در گزارش روز دوشنبه اين اعتصاب و تجمع اعتراضى نوشت: بدنبال اين اعتصاب و عدم توجه مسئولين كارخانه به خواست كارگران، آنان با روشن كردن لاستيک درب ورودى كارخانه را نيز بستند و حوالى ظهر طى تماسى با فرمانداري ساوه مسئله خلف وعده كارفرما را با فرماندار اين شهر در ميان گذاشتند. فرماندار ساوه در اين تماس تلفنى به نقل از كارفرما اعلام كرد سه ماه از دستمزد معوقه كارگران به حساب شان واريز شده است. اين در حالى است كه هيچ پولى به حساب كارگران واريز نشده بود.
اين تشكل كارگرى روز دوشنبه كارگران اعتصابى و معترض براى پى گيرى اين ادعاها به فرمانداري رفتند اما مسئولين فرمانداري از پذيرش كارگران خودداري كردند و كارگران در عكس العمل به اين وضعيت اقدام به بستن خيابان مقابل فرمانداري كردند. در پى اين اقدام اعتراضى از سوى كارگران بلافاصله مسئولين فرمانداري درب اين نهاد را به روى كارگران باز كردند و پس از مدتى فرماندار ساوه با حضور در ميان كارگران به آنان اعلام كرد ما تلاش خواهيم كرد يكماه از دستمزدهاى شما پرداخت شود و بيست كارگر اخراجى پروفيل ساوه نيز بر سر كارهاى خود بازگردند و در ادامه از كارگران خواست به اعتصاب خود پايان دهند. اما اين اظهارت فرماندار با اعتراض شديد كارگران مواجه شد و آنان با اعلام اينكه ما شش ماه دستمزد معوقه داريم نه يک ماه و تا زمان پرداخت دستمزدهايمان به اعتصاب خود ادامه خواهيم داد به تجمع خود در مقابل فرمانداري پايان دادند.
گفتنى است كارخانه‌هاى نورد پروفيل ساوه و نورد لوله صفا واقع در شهرستان ساوه به اين كارفرما تعلق دارد و مجموعا حدود ۲۵۰۰ كارگر در آن‌ها مشغول بكار هستند

انتشار نامه احمدی نژاد به رئیس قوه قضائیه در رابطه با اسامی مفسدان اقتصادی

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 12 دی آمده است : رئیس‌جمهور 2سال قبل، با ارسال نامه ای از رئیس قوه‌قضائیه اجرای اصل 49 قانون اساسی راخواستار شده بود.
به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوري، به دنبال تأکید سخنگوی قوه قضاییه درباره ارسال نشدن گزارش یا اسامی مفسدان اقتصادی و بدهکاران بزرگ بانکی به قوه قضائیه از سوی دولت، جهت تنویر افکار عمومی 2 مورد از مکاتبات انجام شده با قوه قضائیه منتشر مي‌شود.
نامه اول مربوط به مکاتبه‌ای است که با امضای رئیس‌جمهور در 27 آذر 1389 به رئیس قوه قضائیه ارسال شده است.
متن این نامه که با شماره 28744 از سوی رئیس جمهور خطاب به رئیس قوه قضائیه ارسال شده به این شرح است:

" آیت‌الله جناب آقای صادق لاریجانی

رئیس محترم قوه قضاییه
با سلام و تحیت؛
در اجرای اصل چهل و نهم قانون اساسي، مبنی بر تکلیف دولت نسبت به استرداد ثروتهای نامشروع ناشی از غصب، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی و همچنین اجرای فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری (مدظله العالی) درخصوص مبارزه با مفاسد اقتصادی با

تأکید بر "قطع دست مفسدان و سوء استفاده‌کنندگان از امکانات حکومتی و طرد امتیازطلبان و زیاده‌خواهان پرمدعا و انحصارجو" و با توجه به اعلام جدیت حضرتعالی در برخورد با این مفاسد و همچنین تأمین امنیت سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان و اشتغال‌طلبان کارآفرین، لیست پیوست که بخشی از گزارشات دستگاههای اجرایی و امنیتی درخصوص زمین‌خواری و همچنین عدم استرداد مطالبات بانکی است و عمده آنها قبلاً به قوه قضائیه تقدیم گردیده است ایفاد مي‌گردد.
خواهشمند است دستور دهید بر اساس قوانین به تمامی آنها و همه افراد در هر رده و مسئولیت، دولتی یا غیردولتی رسیدگی و برای استرداد اموال عمومی اقدام و حکم نهایی قضایی را به دولت اعلام فرمائید.
توفیق شما را در احقاق حقوق ملت و تحقق عدالت از خداوند منان خواستارم.

محمود احمدي‌نژاد"
نامه دیگر مربوط به مکاتبه معاون نظارت و هماهنگی در سیاست‌های اقتصادی معاون اول رئیس‌جمهور به دادستان محترم کل کشور است.
متن این نامه که با شماره 16354 مورخ 18 مرداد 1390 ارسال شده به این شرح است:
«جناب آقای حجت‌الاسلام و المسلمین محسنی اژه ای
دادستان محترم کل کشور
سلام علیکم؛
احتراماً با عنایت به بررسي‌های صورت گرفته نسبت به تسهیلات غیرجاری بانکها و مؤسسات اعتباری در کارگروه کارشناسی بررسی مطالبات معوق بانکی ستاد هماهنگی مبارزه با مفاسد اقتصادي، به پیوست فهرست پرونده‌های مشتریان بدحساب و بدهکاران معوق کلان بانک‌ها و مؤسسات اعتباری که جهت رسیدگی به دستگاه قضایی ارسال شده است (تعداد 390 پرونده با حجم مطالبات معوق 70 هزار میلیارد ریال مربوط به 12بانک و مؤسسه اعتباری ارجاع شده به محاکم عمومي، محاکم ویژه اقتصادی یا سازمان ثبت اسناد و املاک کشور) ایفاد مي‌گردد.
لذا خواهشمند است دستور فرمایید نسبت به تسریع در رسیدگی به پرونده‌های مزبور اقدامات لازم مبذول شود»

گزارش مراسم شب همبستگی با کارگران زندانی در تورنتو

امسال برنامه شب همبستگی با کارگران زندانی در شرایطی برگزار شد که رضا شهابی صندوقدار و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران در اعتراض به وحشیگری‌های زندانبانان جمهوری اسلامی ، ازروز ۲۸ آذرماه دراعتصاب غذا به سر می‌برد، ستار بهشتی و جمیل سویدی در زیر شکنجه جان باخته و خانوادهای این عزیزان از نان آوران‌شان محروم شدند، دریورش شبانه به منزل فعالان "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در شهربوکان پنج تن از آنان به نام های: جمال میناشیری، ابراهیم مصطفی‌پور، قاسم مصطفی‌پور، هادی تنومند و محمد کریمی دستگیر شدند، پدرام نصراالهی ممنوع الملاقات شده و شاهرخ زمانی و دیگر فعالین کارگری هنوز در زندان هستند.
ولی‌فریادهای نان و آزادی نه تنها خاموش نشده، بلکه روز بروز همه گیرتر ورسا تر هم شده.
در مراسم شب همبستگی که به دعوت کمیته حمایت از مبارزات کارگری ایران - کانادا در تاریخ ۲۸ دسامبر برگزارگردید، بیش از ۱۷۰ نفرشرکت داشتند.
در محل مراسم، میز اطلاعاتی با تصاویری از **رضا شهابی، بهنام ابراهیم زاده، علی نجاتی، فریبرز رئیس دانا، رسول بداغی، محمد جراحی** وشماری دیگراز رهبران و فعالین کارگری، و اطلاعیه های کمیته مورد توجه وبازدید شرکت کنندگان قرارگرفت.
در ابتدای برنامه فرزانه زلفی به میهمانان خوشامد گفت و طی سخنانی اظهار داشت:
"چه شور و شوقی برپاست اینجا و امشب!

ما جمعی داوطلب با همکاری و پشتیبانی شما دوستان، روزها وهفته هاست که به پیشوازش رفته ایم.
در گیری زندگی، کار، پرداختی ها، بچه ها، مدرسه و درس، دکتر و درمان..... مجالی برای دیگران باقی نمی گذارد. اما ما یاد گرفتیم که برخلاف جریان آب هم می توان هم شنا کرد.
چون این درد مشترک را سا لهاست که حس کرده ایم و نیک می دانیم:

چو عضوی بدرد آورد روزگار
دگر عضو ها را نماند قرار

ما با کما ل خوشحا لی و با صفای قلبی در خدمت شمائیم و کوشیده ایم در حد امکان شرائط راحتی و آسایش عزیزانمان را فراهم سازیم.
امشب رضا شهابی نهمین روز اعتصاب غذای خود را در اعترا ض به رفتار زندانبا بان با او و در اعتراض به عدم توجه حا کمین به وضع سلامتی اش بسر می رساند. ایرانیان آزادمنش وسازمان های مدافع حقوق کارگران در سراسر جهان به پشتیبانی از کارزار آزادی رضا شهابی برخاسته اند.
امسا ل ما با روحیه بهتر و با انرژی بیشتری کار کرده ایم. چون آنها زن و مرد، کارگر ودانشجو، روشنفکر و معلم و وکیل در برابر زندان بانان ایستادگی کردند و در شرائطی نا مساوی سیاست مشت در مقابل مشت را در برابر ستمگران و شکنجه گران به پیش بردند .
نسرین ۴۹ روز اعتصاب را به پیروزی رساند. او برای حق دخترش و دیگر کودکان برخاست و به قانون ارتجا عی قرون وسطا ئی آزار خانواده زندانی اعتراض کرد.
ایستا دگی ستار بهشتی در برابر شکنجه گران تا حد فدا کردن جانش و طنین فریاد خشم مادر و خواهرش در سراسرجهان، مقاومت کارگران زندانی در تمام زندان ها همه وهمه ما را بیشتر انرژی و امید بخشیده.
امسال سال ویژه ایست چون فرادستان با کوته نظری تاریخی خود، تصمیم دارند بحران ساختاری سرمایه را که جهان را به ورشکستگی ومحیط زیست را به تباهی کشیده، با اخراج کارگران و پائین کشیدن سطح مزد و قطع امکا نات اجتماعی به خیا ل باطل خود پشت سر گذارند. اما مقا ومت تنها محدود به زندان ها نیست. نود ونه در صدی ها همه جا در حا ل برخاستنند و خیابان ها و میدان ها را یکی پس از دیگری اشغا ل می کنند.
آ نچه ته صندوق ما از در آمد امشب می ماند و همه کمک هائی را که شما عزیزان می کنید برای خانواده های نیازمند کارگران زندانی ارسا ل خواهیم کرد. کمکی است کوچک ولی با ارزش و نشانه ایست از همبستگی طبقاتیمان.
دوستان عزیزم هیچیک از شما مهمان نیستید، خانه خانه همه است، متعلق به جمع دل شوریدگان است که دلش برای هم نوعا نشان نیز می تپد و غم وشادی خود را بادیگران تقسیم می کند.
چه زیباست باهم بودن، غم یکدیگر را خوردن، دوست داشتن، عشق ورزیدن و شادی امشب را با آنهائی که در سخت ترین شرائط از پشتیبانی ما خوشحا ل می شوند تقسیم کردن! "
از نکات شایان توجه، مشارکت فعال و صمیمانه جوانانی بود که وقت و انرژی خود را بهِ عنوان مجریان برنامه، مسئول فنی و پخش موسیقی در اختیار برنامه گذشته و همراه با نغمه‌های دل انگیز شهروز و صدای گرم فواد به مراسم سرزندگی وشادابی ویژه‌ای بخشیدند.
در طی مراسم از نشریه شهروند و ماهنامه روشنگر برای همکاری و حمایت بی دریغشان قدردانی به عمل آمد.
عواید حاصله ازقرعه کشی جوایز اهدایی هم به صندوق کمک های مالی واریز شد.
کمیته حمایت از مبارزات کارگری ایران- کانادا
۳۱ دسامبر ۲۰۱۲

به یاد جاهد جهانشاهی
سرمایه داری در دام سرمایه

سال گذشته، اوج مبارزات جنبش ضدوال استریت بود، یعنی همان ۹۹ درصدی هایی که در برابر آن یک درصد به خیابان ریخته بودند واعتراض خود را به نظم سرمایه داری بیان کردند که در آن اقلیتی ناچیز بر اکثریتی عظیم حاکم اند.
در آن زمان کانون مدافعان حقوق کارگر به برگزاری سه سمینار مبادرت کرد و در همبستگی با جنبش ضد سرمایه داری از همگان دعوت کرد تا مطالب و نظرات خود را بیان کنند.
از جمله کسانی که با فرستادن مقاله زیر همبستگی خود را با این جنبش بیان داشت و ضدیتش را با نظام سرمایه داری ابراز داشت، جاهد جهانشاهی بود که این مقاله را از طریق فریبرز رییس دانا به دست ما رساند.
درست روز پس از برگزاری سمینار دانشگاه تهران، حکم قطعی زندان رییس دانا صادر و ابلاغ شد. او اکنون دوران زندان خود را سپری می کند و جاهد جهانشاهی نیز چند روزی است در میان ما نیست.
جاهد از آن دسته هنرمنداني است که هیچ گاه استقلالش را فداي زرق و برق هاي زندگي نکرد. او کتاب هايي را ترجمه می کرد که مضموني اجتماعي و انتقادي داشتند و حداقل در خواننده امید به زندگي را القاء می کنند. این کتاب ها حداقل به یکي از مسائل مبتلا به جامعه می پردازند و آگاهي از حق و حقوق خود را به خوانندگان می آموزد. کتاب هايي همانند : "عشق و شیاطین دیگر" اثر گابریل گارسیا مارکز ،" پاییز فراموشي" اثر اگون کرانتس ، "در حال پوست کندن پیاز" اثر گونتر گراس ، " گزارش يك آدم ربايي" اثر گابریل گارسیا مارکز و" مزدوران کوبايي در دادگاه خلق" و ... یادش گرامي باد .
پخش مجدد این مقاله یادی از این عزیز از دست رفته و یادآوری جنبش ضد وال استریت است.
http://kanoonmodafean1.blogspot.de/2012/01/blog-post.html

اعتصاب کارگران کشتارگاه در شهر پاوه

بنا بر خبر رسیده کارگران کشتارگاه در شهر پاوه به دلیل نداشتن امکانات بهداشتی در محیط کار، دست به اعتصاب زده اند. بر پایه این گزارش همچنین تعدادی از مغازه‌های قصابی هم به دلیل کمیاب بودن گوشت و بالا بودن قیمت آن دست به اعتصاب زده‌اند. این اعتصاب از ۴ روز پیش شروع شده است.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
۱۲ دی ۱۳۹۱

اعتصاب کارگران کنتورخوان شرکت گاز در سنندج

بر اساس گزارش رسیده روز سه شنبه ۱۲/۱۰/۹۱ حدود ۳۰ نفراز کارگران کنتورخوان شرکت گاز استان کردستان در سنندج در اعتراض به پایین بودن دستمزدها، عدم تامین کفش ولباس، پرداخت نکردن هزینه ایاب و ذهاب خود و... دست به اعتصاب زدند.
لازم به ذکر است که حقوق کارگران کنتور خوان ماهیانه مبلغی معادل ۴۵۰ هزار تومان در ازای ساعات کار طولانی و شرایط سخت کاری می‌باشد. همچنین تعاونی صنفی کارکنان این شرکت که قرار بود امورات صنفی کارگران را پیگیری کند به دلیل مخالفت مدیر عامل شرکت گاز در همان ابتدای تاسیس مورد مخالفت قرار گرفته و منحل گردید.

۱۳ دی ۱۳۹۱

لوله آب ترکید، ۲ ساختمان در نیاوران ریزش کرد/ تخلیه ۵۰ خانه

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در 13 دی خبر می دهد : سخنگوی سازمان آتش نشانی از ریزش 2 ساختمان در خیابان نیاوران بر اثر ترکیدگی لوله آب خبر داد و گفت: به علت ناامن شدن محل بیش از 50 واحد مسکونی تخلیه شد.
جلال ملکی با اشاره به ترکیدگی لوله اصلی آب در خیابان نیاوران کوچه صادقی قمی گفت:

ساعت 4:50 دقیقه امروز این حادثه رخ داد.

وی ادامه داد:مقدار زیادی آب کوچه را در بر گرفته و به خیلی از خانه ها سرایت کرده است.
به گفته ملكي، بخش های از چند ساختمان 3 و 5 طبقه تخریب شده است.
سخنگوی سازمان آتش نشانی اضافه کرد: 2 نفر از ساکنان در زیر آوارها گرفتار شدند که آتش نشانان آنها را خارج کرده اند.
به گفته ملكي،50 واحد مسکونی تخلیه شده است و محل ناامن است.

در پارس خودرو چه می گذرد ؟ (مشتی از خروار)
جمعی از کارگران صنایع خودروسازی

شرکت پارس خودرو یکی از شرکتهای بزرگ خودروسازی ایران است که به ادعای مدارک و اسنادتبلیغاتی پارس خودرو، بهترین و با کیفیت ترین خودروساز ایرانی محسوب می شودکه تا دیروز با تولید روزانه بیش از هزار دستگاه انواع خودرو جزء خودروسازان برترایران بوده که با توجه به بحران چندین ساله سرمایه داري، که گریبانگیر صنایع ما از جمله نساجی و کفش و الکترونیک و . . . شده، اکنون دامنه این بحران به خودروسازي‌ها هم رسیده و همین شرکت برتر، تولیداتش به کمتر از یک سوم کاهش یافته، سهامش در بازار بورس به ارزشی کمتر از 60 تومان رسیده که در زبان بورس به معنای ورشکستگی می باشد، این شرکت در دوران رونق و شکوفايي‌اش با تحت فشار گذاشتن پرسنل و اجباری کردن اضافه کاري‌های جمعه و تعطیلات رسمي، تولید هر روزه و هر ماهه و سالانه اش را افزایش می داد و هر روزه رکورد خودش را می شکست و معمولا در آن زمان رونق تولید، مبلغی به عنوان آکورد (پاداش افزایش تولید) به پرسنل پرداخت می گردید، امااگر کارگری به هر دلیل نمی توانست در اضافه کاری حاضر شود از این آکورد کاسته می شد و در همین دوران پاداش و انعام مدیران افزوده می گردید ، که این پاداش هاچنان رقابتی برای افزایش تولید بیشتر بین مدیران ایجاد کرده بود که پیامدش از کارافتادگی کارگران برای دستیابی به تولید بیشتر بود . دریافت وام های آنچنانی و خودرو های مدل بالا به عنوان پاداش و دست مریزاد برای مدیران ، ره آورد این سیاست شوم ضد کارگری بود . در حالی که پرسنل برای گرفتن یک وام برای کمک خرج و یا کارهای ضروری زندگی اش می بایستی کلی دوندگی و این و آن را دیدن و مدارک ارائه کند که در صورت موافقت بتواند دو ، سه میلیون تومان وام بگیرد .به هر حال با رسیدن دامنه بحران به خودرو سازی ها از جمله شرکت پارس خودرو و افت تولید به یک سوم تولید قبل ، تعطیل شدن اجباری جمعه ها و پنجشنبه ها و محدود شدن اضافه کاری ها ، رسیدن آکوردها به حدود یک چهارم و به این ترتیب کاهش حدود 50 درصدی دریافتی کارگران و کاهش حق شیفت و شب کاری و تعطیلی حداقل دو تا سه شیفت در هفته و از طرفی چند برابر شدن هزینه های زندگی و در کنار همه اینها نگرانی و نا امنی شغلی و ترس و وحشت از بیکار شدن ، موجب تخریب جسم و روان کارگران گردیده است .
اما با توجه به بحرانی که اشاره شد وهر روز در این شرکت به بهانه صرفه جویی و کاهش هزینه ها ، کارگران را ازتعدیل نیرو می هراسانند ، و اخراج کارگران پیمانی اولین پیامد آن است ، مدیریت های جدید خلق الساعه ای مانند (مدیریت سبک رهبری ،مدیریت استراتژیک ، مدیریت بحران و کاهش هزینه ایجاد شده اند .ما کارگران در حیرتیم شرکتی که گرفتار بحران اقتصادی است و کارگران را تحت فشار قرارداده که نمی توانند اضافه کاری کنند و باید از مرخصی هایشان استفاده کنند و مرخصی ذخیره تا پایان سال نداشته باشند در غیر اینصورت مواخذه می شوند و اکثر روزها بدلیل نداشتن قطعه ، خطوط تولید متوقف است و اکثرروزها در طول هفته شیفتهای شب را تعطیل اعلام می نمایند ، شرکتی با وضع فوق الذکر ، اضافه کردن این همه مدیریت پر هزینه که هر کدام با زیرمجموعه ای باحقوق های نجومی که نه از لحاظ فکری و یدی هیچ نقشی هم در تولید ندارند ودر کنار آنها ایجاد قائم مقام های مدیر و قائم مقام های معاونت وقائم مقام های مدیر عامل و مشاورهای متعدد در حوزه مدیر عامل و . . .؟؟ طبعاً هر پرسنل شرکت و حتی هر ناظر خارج از شرکت در این اوضاع مات و مبهوت می شود که شرکتی با این توصیف چگونه مبالغ نجومی به مدیران بی فایده می پردازد؟ بهر

حال شرکتی که در حال ورشکستگی است و کاهش هزینه در صدر برنامه هایش قرار دارد و هر روزه کارگران را به بهانه کار نداشتن در تنگنا قرار می دهند که" شرکت لطف کرده تا حالا شما را اخراج نکرده است و . . . " ما هم علیرغم مشاهده انتصابات فوق ، ولی دستمان را روی کلاه خودمان گذاشته ایم واز ترس اینکه الآن موقع حرف زدن نیست دم نمی زدیم ، تا اینکه چند ماه قبل پرینت فیش های چند نفر از آقایان مشاور مدیر عامل همه را مات و مبهوت کرد به طوری که باور کردن ارقام این فیش ها دشوار است ، مگر می شود در حالی که میانگین حقوق ماهانه کارگران حدود پانصد هزار تومان است یک مشاورمدیر عامل مبلغ یکصد ، دویست ، سیصد و . . . میلیون تومان در ماه ویابیشترحقوق بگیرد ؟؟ آن هم در شرکتی که دچار بحران است و اضافه کاری و پاداش و مرخصی و . . . کارگران را برای جلوگیری از تعدیل کارگران و تعطیل کارخانه به حداقل رسانده اند ، دندانهایمان را به هم می فشاریم و مجدداً صفرهای اعداد فیش ها را کنترل می کنیم که شاید اشتباه کرده باشیم ولی نوشته حروفی ارقام فیش جای شک نمی گذارد ، بعد از پخش شدن پرینت فیشها در میان کارگران عده ای به باورشان نمی آمد این اعداد را بپذیرند ، از بالا خبر پخش شد که اشتباه چاپی بوده است ؟؟ اما چرا این اشتباه چاپی فقط در میان مشاوران مدیر عامل رخ داده و حتی فیش یک کارگر هم به عنوان نمونه اشتباه نشده است ؟
جای بسی تاسف است در کشوری که از بام تا شام ادعای عدالت گستری اش گوش فلک را کر کرده این همه اختلاس و دزدی میلیاردی علنی و آشکار میشود و صدها برابر آن مانند موارد شرکت پارس خودرو در خفا می ماند و کسی هم خم به ابرو نمی آوردو وقتی به درون سازمان ها و ادارات و وزارت خانه ها می روی عمق فاجعه و فساد را عریان تر می بيني؟؟
جمعی از کارگران صنایع خودروسازی - دی 1391

کارزار آزادی کارگران زندانی
با نیروی همبستگی طبقاتی رضا شهابی ودیگر فعالین کارگری در بند را آزاد کنیم!

رضا شهابي، صندوق دار و عضو هیأت مدیره ی سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و

حومه، طی نامه ای با عنوان "من فقط یک نمونه از اجحاف علیه سلامت زندانیان"، اعلام کرده

است که از روز ۲۸ آذرماه ۱۳۹۱، دست به اعتصاب غذا زده و از پذیرفتن دارو نیز خوداری خواهد نمود.
بدین ترتیب رضا شهابی مرحله سوم اعتصاب غذای خود را آغازکرده است. درمتن چنین شرایطی زندانبانان رژیم بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری را از بند ۳۵۰ زندان اوین به سلول انفرادی بند ۲۴۰ اوین منتقل کرده اند. تهدید ها واذیت و آزارهایی را متوجه خانواده محمد جراحی فعال کارگری درتبریز وارد ساخته اند، دریورش شبانه به منزل فعالان "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در شهربوکان پنج تن از آنان به نام هاي؛ جمال میناشیري، ابراهیم مصطفیپور، قاسم مصطفیپور، هادی تنومند و محمد کریمی را دستگیر و به بازداشتگاه اداره اطلاعات شهربوکان منتقل کردند. همچنین پدرام نصرالهی هم بعد از اعلام پشتیبانی از اعتراض کارگران نسبت به اصلاحیه قانون کار، ممنوع الملاقات شده است . شاهرخ زمانی و دیگر فعالین کارگری هنوز در زندان هستند.
سرکوب بی رحمانه و وحشیانه کارگران و فعالین جنبش کارگری از طرف رژیم اسلامی از سر استیصال و بن بستی است که در شرایط فعلی دراثر بحرانهای عمیق اقتصادی و سیاسی با آن دست و پنجه نرم می کند. حاکمان سرمایه به علت ناتوانی در حل بنیادی مسائل اقتصادی و سیاسی جامعه چاره ای جز سرکوب، زندان وشکنجه برای عبور از این بحران را در جلو روی

خود نمی بینند. ترس حکومت اسلامی از نیرویی است که عزم و توان کوتاه کردن دست کلیت سرمایه را از جان انسانها دارد و در برابر تمامی مناسبات غیر انسانی جامعهٔ سرمایه داری قد علم می کند.
چنین اعتراض و مبارزه ای که در شرایط اختناق آمیز کشور، و در زیر سنگین ترین تهدیدها و دستگیری ها صورت می گیرد، حاصل تلاش های خستگی ناپذیر و مستمری است که فعالین و رهبران کارگری در طی سال ها به انجام رسانده اند و امروز با مقاومت ، استقامت و ایستادگیشان رژیم جنایتکار را به بیماری هاری دچار کرده اند. فعالین کارگری جنبشی را نمایندگی می کنند که حتی زندان ، شکنجه و سرکوب بیرحمانه، نمی تواند اختلالی در اراده طبقاتیشان نسبت به آرمانهای والای بشری بوجود بیاورد.نهادهای همبستگی با جنبش

کارگران ایران ـ خارج کشور، یک بار دیگر از تمامی خواسته های عادلانه و بر حق کارگران و

بخصوص کارگران زندانی دفاع می کند و خواهان آزادی بی قید و شرط تمامی کارگران دستگیر

شده است. ما هرگونه تعرض و اذیت و آزار نسبت به کارگران به ویژه کارگران زندانی و خانواده

هایشان را محکوم می کنیم و یاد آور می شویم که مسئولیت هرگونه عواقب احتمالی در

رابطه با سلامتی رضا شهابی و دیگر کارگران زندانی ، به عهده ی رژیم جنایتکار جمهوری

اسلامی است.

نهادهای همبستگی که خود در کارزار آزادی کارگران زندانی بسر می برند از همه ی نهادهای

کارگري، سازمانها و فعالان سیاسی و اجتماعی در خارج از کشور تقاضا دارند که تمامی

امکانات خود را در حمایت از رضا شهابی و دیگر کارگران زندانی و همه ی زندانیان سیاسی

بکار گیرند. بدون شک تنها با نیروی همبستگی کارگری می توان فعالین کارگری دربند را آزاد ساخت .

نهادهای همبستگی با جنبش کارگران ایران ـ خارج کشور
سیزدهم دی ماه ۱۳۹۱ برابر با ۲ ژانویه ۲۰۱۳
nhkommittehamahangi@gmail.com
/http://nahadha.blogspot.com
boltanxaberi@gmail.com

لوله آب ترکید، ۲ ساختمان در نیاوران ریزش کرد/ تخلیه ۵۰ خانه

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در 13 دی آمده است : سخنگوی سازمان آتش نشانی از ریزش 2 ساختمان در خیابان نیاوران بر اثر ترکیدگی لوله آب خبر داد و گفت: به علت ناامن شدن محل بیش از 50 واحد مسکونی تخلیه شد.
جلال ملکی با اشاره به ترکیدگی لوله اصلی آب در خیابان نیاوران کوچه صادقی قمی گفت: ساعت 4:50 دقیقه امروز این حادثه رخ داد.
وی ادامه داد:مقدار زیادی آب کوچه را در بر گرفته و به خیلی از خانه ها سرایت کرده است.
به گفته ملکي، بخش های از چند ساختمان 3 و 5 طبقه تخریب شده است.
سخنگوی سازمان آتش نشانی اضافه کرد: 2 نفر از ساکنان در زیر آوارها گرفتار شدند که آتش نشانان آنها را خارج کرده اند.
به گفته ملکي،50 واحد مسکونی تخلیه شده است و محل ناامن است.

اعتراض معلمان مقطع ابتدایی در سنندج

پیرو تغییر و تحول در نظام آموزشی ایران و افزودن پایه‌ی ششم به مقطع ابتدایی، وزارت آموزش و پرورش به منظور ارتقاء سطح علمی و هماهنگ نمودن معلمانِ پایه‌های دوم و ششم با تغییرات صورت گرفته، تابستان امسال به صورت سراسری اقدام به برگزاری کلاس‌هایی توجیهی، تحت عنوان کلاس‌های ضمن خدمت نمود؛ که در حین برگزاری آن، با نارضایتی گسترده‌ی معلمان مواجه شدند. زیرا معلمان سراسر کشور بر این باور بودند که تغییرات صورت گرفته، با توجه به ثقیل بودن کتاب‌های درسی، از چاله به چاه انداختن نظام آموزشی ایران خواهد بود؛ زیرا هیچگونه انطباقی با شرایط آموزشی ایران ندارد.
شایان ذکر است مدرسین کلاس‌های توجیهی، در حین برگزاری کلاس‌ها، در نهایت سردرگمی، تنها با اتکا به تجربیات شخصی، جهت سنجش سطح علمی معلمان اقدام به طرح سوالاتی نموده و بر اساس آن‌ها نمرات معلمان را تعیین می‌نمودند؛ و اذعان می‌نمودند دیگر امتحانی در کار نخواهد بود. اما بر خلاف وعده‌های از پیش اعلام شده، اخیرا طی بخشنامه‌ای و ابلاغ آن به مدارس ابتدایی استان کردستان، تنها به دلیل زد و بندهای رؤسای آموزش و پرورش، معلمان را به گذراندن امتحان مکلف و مجبور ساختند؛ که این امر موجبات اعتراض گسترده‌ی معلمان را فراهم ساخت. اما با این وجود اجبارا تمامی معلمان پایه‌ی دوم و ششم سنندج را در تاریخ ۸/۱۰/۹۱ در مدرسه‌ی نامدار مرادی سنندج جهت به عمل آوردن امتحان مورد نظر جمع نمودند. اما طی برگزاری آن اعتراضات اوج گرفته و بسیاری از معلمان با پاره کردن کاغذهای امتحانی مخالفت خود را با سیاست‌های اعمال شده اعلام نموده و حاضر به پذیرش آن نشدند. که این امر باعث بروز واکنش سریع مسئولان آموزش و پرورش شده و با شناسایی معترضین و احضار کتبی آن‌ها به حراست آموزش و پرورش، زمینه‌ی توبیخ آنان را تحت عنوان بانیان ایجاد اخلال در نظم عمومی فراهم نموده، تا در سایه‌ی آن راه را بر بروز اعتراضات صنفی معلمان و پیوستن آنان به سایر اعتراضات اجتماعی و کارگری ببندند.

۱۳ دی ۱۳۹۱

مهندسین به اعتصاب کارگران پیوستند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 13 دی آمده ست : در چهارمین روز اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا ۲۵۰ مهندس و کارشناس این کارخانه نیز به کارگران اعتصابی پیوستند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران اعتصابی نورد لوله صفا امروز نیز همچون روزهای دیگر با تجمع در مقابل درب ورودی کارخانه و روشن کردن لاستیک مانع تردد خودور به داخل کارخانه شدند و بطور دسته جمعی بحث ایجاد شورای کارگری را به تبادل نظر گذاشتند. از سوی دیگر بنا بر وعده ای که فرماندار ساوه به کارگران مبنی بر حضور رستمی صفا کارفرمای کارخانه در فرمانداری این شهرستان داده بود ساعت ۱۵ نماینده های کارگران در محل فرمانداری

حاضر شدند، اما رستمی صفا به فرمانداری نیامده بود. با اینحال فرماندار ساوه طی نشستی ۱/۵ ساعته با نماینده های کارگران به آنان اعلام کرد ما روز شنبه در رابطه با مشکلات شما جلسه شورای تامین استان را تشکیل خواهیم داد و رستمی صفا را متعهد به پرداخت دستمزدهایتان خواهیم کرد و چنانچه ایشان به تعهد خود عمل نکند این اختیار را داریم تا حتی اقدام به بازداشت وی نیز بکنیم.
فرماندار ساوه در ادامه تلاش کرد با این صحبت که من تضمین میکنم روز شنبه دستمزدهای شما پرداخت شود کارگران را ترغیب به بازگشت بکار کند، اما نماینده های کارگران اعلام کردند کارگران تا دریافت شش ماه دستمزد معوقه خود حاضر به پایان دادن به اعتصاب نیستند و به محض اینکه دستمزدهای ما پرداخت شود بر سر کارهایمان باز خواهیم گشت.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران اعتصاب متحدانه کارگران کارخانه نورد لوله صفا همچنان ادامه دارد و این کارگران اعلام کرده اند با هیچ وعده ای جز تحقق عملی پرداخت شش ماه دستمزد معوقه خود بر سر کارهایشان باز نخواهند گشت.

هند، بازار داروی ایران را به دست می گیرد

به نوشته سایت آفتاب ر 13 دی آمده است : یک نشریه هندی از ورود این کشور به بازار داروی ایران در پی تحریم ها و مساله کمبود دارو در ایران خبر داد.
به گزارش عصر ایران وب سایت" PHARMABIZ" هند با انتشار این خبر نوشت که اخیرا در جریان سفر یک هیات هندی به ایران توافقاتی برای صادرات ۲۸ قلم داروی خاص به ایران صورت گرفته است.
بر اساس این گزارش وزارت بهداشت ایران در لیستی که به طرف هندی داده است داروهایی چون Mesalazine ۵۰۰ mg, Nicotinic Acid ۲۵ mg & ۱۰۰ mg, Thiabendazole ۵۰۰ mg, Thioguanine ۴۰ mg and Valganciclovir ۴۵۰ mg among tablets. Amiodarone Hydrochloride ۵۰ mg/ml, Amphotericin B Liposome ۵۰ mg, Gadopentetate dimeglumine ۴۶۹ mg/ml, Iopromide ۳۰۰ mg/ml and Cefotaxime ۵۰۰ mg @ ۱۰۰۰ mg ، را جزء نیازهای خود برای واردات از هند اعلام کرده است.
گفتنی است در ماه دسامبر گذشته هند یک هیات ۲۶ نفره را برای بررسی فرصت های صادرات دارویی این کشور به ایران به تهران اعزام کرده است و در جریان این سفر و دیدارهایی که بین مقامات مسئول در وزارت بهداشت ایران و هیات هندی صورت گرفته، مسئولان ایرانی نیازهای دارویی خود را برای واردات از هند به هیات هندی اعلام کرده اند.
بر اساس این گزارش شرت های تولید کننده هندی که اقدام به صادرات دارو به ایران می کنند در صورت داشتن مجوز های " US FDA/ EDQM/ MHRA " تولید داروا باز بازرسی مسئولان ایرانی معاف خواهند بود ،ولی شرکت هایی که این سه مجوز خاص را نداشته و تنها " گواهی محصول دارویی"(coPP) دارند پیش از دریافت مجوز صادرات از سوی ایران از سوی مقامات مسئول در وزارت بهداشت مورد بازرسی قرار خواهند گرفت.
ایران و هند به رغم مخالفت های آمریکا دارای روابط اقتصادی گسترده ای هستند.
هند یکی از وارد کنندگان عمده نفت ایران محسوب می شود و به جای دلار، در ازای واردات نفت از ایران،روپیه می پردازد.
ایران و هند توافق کرده اند به جای پرداخت پول نفت صادراتی هند به دلار ، بخشی از پرداخت دولت هند به ایران به صورت روپیه و بخش دیگر به صورت صادرات کالاهای مورد نیاز هندی به بازار ایران تسویه شود.

رشد ۱۶ هزار درصدی واردات گندم ایران در ۲۰۱۲

به نوشته سایت اصلاح طلب جـــرس در 13 دی آمده است : به گزارش منابع خبري، وضعيت تجارت خارجی ایران در ۱۱ماهه سال ۲۰۱۲ و ۹ماهه اول سال ۱۳۹۱ منتشر شد. این گزارش از جهات بسیاری حایز توجه است، از یک سو شاهد رشد ۱۲ هزار و ۴۴۶ درصدی واردات گندم در ۹ ماهه نخست سال‌جاری نسبت به مدت مشابه سال قبل هستیم و از دیگر سو، صادرات شبه‌نفتی که در سال‌های قبل، اصلي‌ترين دليل بالا رفتن تراز تجاری و آمار صادرات بود، به

طرز محسوسی کاهش یافته است.

روزنامه شرق طی گزارشی آورده است:
اقلام عمده وارداتی در ۱۱ ماهه نخست سال میلادی ۲۰۱۲ اخبار خوبی را حکایت نمي‌کنند، شاید واردات اقلامی با تکنولوژی بالا توجیه مناسبی برای خروج ارز از کشور باشد، اما سه قلم عمده وارداتی در ۱۱ ماهه نخست ۲۰۱۲ حکایت از موضوع دیگری دارد.
در این مدت ما سه میلیون و ۲۰۱ هزار تن آهن و فولاد به ارزش دو میلیارد و ۲۲۷ میلیون دلار به کشور وارد کردیم، که از نظر ارزش ۲۲/۴ (۴ممیز ۲۲) درصد و از نظر وزن ۳۱/۸ (۸ممیز ۳۱)درصد از کل واردات را به خود اختصاص داده است.
دومین کالای عمده وارداتی به کشور در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۱۲ میلادی گندم بوده، در این مدت چهارمیلیون و ۶۸۸ هزار تن گندم به ارزش یک میلیارد و ۶۹۳ میلیون دلار به کشور وارد شده است. اگر در تقویم شمسی این واردات را نگاه کنیم، یعنی واردات گندم در ۱۱ ماهه نخست امسال چیزی نزدیک به ۱۲ هزار و ۴۴۶ درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل (فروردین تا آذر ۱۳۹۰) رشد داشته است.

رشد ۱۶ هزار درصدی سهم گندم
سهم گندم از کل واردات در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۱۱ از نظر ارزش ۰۲/۰(۰ممیز ۰۲)درصد بوده، این در حالی است که در ۱۱ ماهه سال ۲۰۱۲ این سهم به ۲۱/۳ (۳ممیز ۲۱)درصد رسیده، همچنین سهم گندم از نظر وزن از کل واردات در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۱۱ برابر ۱۱/۰ (۰ممیز ۱۱) درصد بوده که این سهم در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۱۲ به ۱۷/۱۲ (۱۲ممیز ۱۷)درصد رسیده است. به عبارتی سهم واردات گندم در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۱۲ از ارزش کل واردات کشور نزدیک ۱۶ هزار درصد نسبت به مدت مشابه سال قبل افزایش داشته است. دانه ذرت دامی سومین قلم عمده وارداتی به کشورمان است.
این محصول به میزان چهار میلیون و ۲۸۴ هزار تن و به ارزش یک میلیارد و ۵۵۸ میلیون دلار در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۱۲ به کشور وارد شده که سهمی نزدیک به ۹۶/۲(۲ممیز ۹۶)درصد از مجموع ارزش کل واردات و ۱۲/۱۱ (۱۱ممیز ۱۲)درصد از وزن کل واردات به کشور را به خود اختصاص داده است. واردات این محصول نسبت به مدت مشابه سال قبل از نظر وزن ۶۹/۲۸ (۲۸ممیز ۶۹) درصد و از نظر ارزش ۷۶/۳۳ (۳۳ممیز ۷۶)درصد رشد داشته است. نزدیک به ۲۳ درصد از واردات به کشورمان در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۱۲ میلادی به کشور امارات متحده عربی اختصاص داشته است.
در این مدت ما هشت میلیون و ۲۶۱ تن کالا به ارزش ۱۱ میلیارد و ۹۹۷ میلیون دلار از این کشور عربی همسایه واردات داشته‌ایم. پس از امارات چین قرار دارد که سهمی ۱۴ درصدی از بازار واردات به ایران را به خود اختصاص داده است، واردات سه میلیون و ۱۷۲ تنی به ارزش هفت میلیارد و ۴۶۰ میلیون دلار از چین، کارنامه مبادلات تجاری ما با چین در این مدت است.
کره جنوبی سومین شریک در بازار ایران است، در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۱۲ از این کشور مجموعا دو میلیون و ۳۸۹ هزار تن کالا به ارزش چهار میلیارد و ۴۵۱ میلیون دلار وارد کردیم.
ترکیه با واردات چهارمیلیارد و ۲۶۷ میلیون دلاری و سهم هشت درصدي، سوییس با واردات دو میلیارد و ۸۶۰ میلیون دلاری و سهم پنج درصدی در رتبه‌های بعدی قرار دارند. نکته آنکه سهم امارات از بازار واردات ایران در ۱۱ ماهه نخست سال ۲۰۱۱ بیش از ۳۲ درصد بوده که حالا به نزدیک ۲۳ درصد رسیده است و در مقابل سهم چین از نزدیک ۱۱ درصد، به ۱۴ درصد رسیده است، همچنین سهم کره جنوبی نیز از هفت درصد به هشت درصد ارتقا یافته و ترکیه و سوییس نیز سهم خود را به ترتیب ازپنج و چهار درصد به هشت و پنج درصد افزایش دادند.

عراق، همه تخم‌مرغ‌ها در یک سبد
در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۹۱ مجموعا ۴۴ هزار و ۸۲ دستگاه خودرو سواری به ارزش ۲۵۲ میلیون و ۳۹۴هزار دلار به کشور عراق صادر شده است. این یعنی نزدیک به ۹۹ درصد از مجموع صادرات خودرو سواری ایران به جهان (در ۹ ماهه نخست سال ۱۳۹۱ مجموعا از ایران ۴۴ هزار و ۶۸۲ دستگاه خودرو به ارزش ۲۵۶ میلیون و ۸۴۸ هزار دلار به جهان صادر شده

است) به این کشور همسایه انجام شده است.
از دیگر سو در ۹ماهه نخست سال ۱۳۹۱ مجموع ارزش صادرات ما به عراق برابر چهارمیلیارد و ۵۹۵ میلیون دلار بوده است. یعنی چیزی نزدیک به ۴/۵ (۵ممیز ۴)از کل صادرات ما به عراق در این مدت همین خودروها بوده که اتفاقا صادرات آن با حرف و حدیث‌های زیادی در ایران هم همراه بوده است.
حال روز گذشته سایت اینترنتی وزارت بازرگانی عراق اعلام کرد این وزارتخانه قصد دارد واردات خودروهای ایرانی به عراق را متوقف کند! عدنان الشریفی مدیرکل شرکت بازرگانی خودرو وابسته به وزارت بازرگانی عراق در بیانیه‌ای اعلام کرد: این شرکت واردات خودروهای ایرانی پراید، سمند و غیره را متوقف کرده است.

قاضی تعلیق شده کهریزک معاون مرتضوی شد

به نوشته سایت انتخاب در 13 دی امده است : درحالی که حضور سعید مرتضوی در راس سازمان تامین اجتماعي، موجی از نارضایتی را به وجود آورد و حتی وزیر را تا مرز استیضاح کشاند ، اما ظاهراً قصد دولت برای ایجاد تنش در کشور پایانی ندارد و این بار نوبت به قاضی تعلیق شده «کهریزک» رسیده تا صاحب پست و مقام دولتی شود.
به گزارش سرویس سیاسی انتخاب، علي‌اکبر حیدري‌فر با حکم سعید مرتضوی به عنوان معاون حقوقی شرکت سرمایه گذاری صبا تأمین یکی از شرکت‌های وابسته به سازمان تأمین اجتماعی انتخاب شده است.
حیدری فرد معاون دادستان سابق تهران به دلیل اتفاقات بازداشتگاه کهریزک تعلیق شده بود. مشخص نیست دلیل اقدامات جنجالی و مشکوک دولت که هر روز وسعت بیشتری پیدا می کند چیست.

خطر بیکاری ده هزار کارگر خودروسازي‌ها

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 13 دی آمده است : کارگران دو کارخانهٔ بزرگ خودرو سازی کشور، روزهای سختی را پشت سر مي‌گذارند. ناتوانی این کارخانه‌ها در وارد کردن قطعات به دلیل محدودیت‌های بین المللي، روند تولید را با مشکل مواجه کرده است و به تبع کاهش ظرفیت تولید خودروسازان، علاوه بر تهدید امنیت شغلی قریب به ده هزار کارگر خودروسازي‌ها به طور مستقیم، قطعه‌سازي‌ها نیز در قزوین، تهران، اهواز، اراک، زنجان و... یکی بعد از دیگری تعطیل مي‌شوند و کارگران‌شان به خیل بیکاران افزوده مي‌شوند.
عدم همکاری بانک‌ها در ارائهٔ تسهیلات به این دو کارخانه نیز مزید بر علت شده تا با تشدید مشکلات، این صنعت در آستانهٔ فروپاشی قرار گیرد.

سرنوشت وعده کمک ۱۰۰۰ میلیارد تومانی
اوایل شهریور ماه سال جاری بود که زمزمه هایی مبنی بر کمک ۱۰۰۰ میلیارد تومانی دولت به دو کارخانه خودرو ساز ایرانی شنیده شد. جلوگیری از اخراج و حمایت از صدها هزار کارگر شرکت‌های قطعه سازی وابسته به این دو کارخانه، مهم‌ترین دلیلی بود که در دفاع از صحت این تصمیم بیان مي‌شد.
اما با گذشت بیش از ۴ ماه از آن زمان، وعدهٔ دولت هنوز عملی نشده است. این وضعیت منجر به آن شده تا شرکت‌های خودرو سازي، پرداخت مطالبات واحدهای قطعه سازی را به تاخیر بیندازند و دامنهٔ بحران آن‌ها دومینو وار شرکت‌های اقماری را نیز در بر بگیرد.

سرایت مشکل خودرو سازي‌ها به قطعه‌سازان
در همین رابطه علی اصلانی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار استان البرز به ایلنا گفت: به دلیل بد حسابی کارخانه‌های خودرو سازی در پرداخت مطالبات واحدهای قطعه سازي، این بنگاه‌ها برای پرداخت حقوق کارگران خود با مشکل جدی کمبود نقدینگی مواجه هستند.
وی افزود: متاسفانه از مدتی پیش، بد حسابی کارخانه‌های خودروسازی آغاز شده است و

این کارخانه‌ها در مقام سفارش دهنده و خریدار به موقع با قطعه سازان تسویه حساب نمي‌کنند.
این فعال کارگری ادامه داد: در نتیجه این تاخیر، کارخانه‌های قطعه سازی هم اکنون برای پرداخت مطالبات کارگران خود با مشکل کمبود نقدینگی مواجه هستند بطوری که اکثر واحدهای قطعه سازی یا مطالبات کارگران خود را بصورت علی الحسابی پرداخت مي‌کنند و یا اینکه بابت مزد و سایر مطالبات نقدی هر چند ماه یک بار با کارگران خود تسویه حساب مي‌کنند.

تفاوت چاره‌اندیشی و ساده‌اندیشی
نمي‌توان نقش برجسته بنگاه‌های اقتصادی بزرگ را در چرخه تولید نادیده گرفت. اگر بنگاه‌های بزرگ نباشند و خوشه‌های تولید شکل نگیرد، بنگاه‌های کوچک هم نمي‌توانند به حیات خود ادامه دهند. در عین حال اگر بنگاه‌های کوچک نباشند، بنگاه‌های بزرگ نمي‌توانند پایداری لازم را بدست آورند. بنابراین لازمه پویایی و رفع مشکلات بیکاری توجه توامان به بنگاه‌های کوچک و بزرگ است.
به نظر مي‌رسد که رفع مشکلات دو کارخانهٔ بزرگ خودرو سازی کشور و شرکت‌های قطعه سازی وابسته به آن‌ها بایستی در اولویت کار دولت قرار بگیرد. البته توقع از دولتمردان آن است که به جای چاره اندیشی رو به ساده اندیشی نیاورند و نخواهند که با افزایش جهشی قیمت خودرو برای بار دوم و هدایت فشارها و مشکلات بر دوش مردم، مشکلات را حل کنند.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

از : شاهرخ زمانی
به : CFMEU

موضوع : تشکر از حمایت های شما

زنده باد همبستگی طبقاتی جهانی کارگران

درود بر کارگران اتحادیه ساختمانی،جنگلبانی،معادن و انرژی استرالیا

از یک یک اعضای اتحادیه صمیمانه تشکر کرده و دستان پرمهرتان را به گرمی می فشارم وقتی شنیدم شما عزیزان در جهت همبستگی جهانی طبقه کارگر اقدام به حمایت از من برای بدست آوردن آزادیم کردید ایمانم به همبستگی جهانی طبقانی صد چندان شد و در خاطره ام روزی تجسم عینی یافت که به دنبال تصویب هیئت موسس سندیکای نقاشان ساختمان و تزئینات تهران و شورای نمایندگان کمیته پیگیری در جهت حمایت از آزادی آقای نول واشنگتن در مقابل سفارت استرالیا در تهران حاضر شدیم و نامه اعتراضی خود را تحویل کاردار سفارت دادیم در جهت انجام وظیفه طبقاتی و همبستگی جهانی تا زمان رفع مشکل از آقای نول واشنگتن بی صبرانه اخبار را تعقیب می کردیم .
ایمان داشته و ایمان دارم که تنها راه نجات ما کارگران از تمامی مشکلات همبستگی جهانی _ طبقاتی است که اعلام حمایت شما از من قدمی در همین مسیر است .
ضمن اینکه صمیمانه سپاسگزارم از شما می خواهم حمایتهای خود را از کارگران زندانی بخصوص رضا شهابی که اکنون در شرایط بسیار سختی به سر می برد هر چه بیشتر گسترش دهید لازم می دانم بگویم حمایتهای شما و دیگر هم طبقه ایهایمان حتی اگر آزادی را برای ما به ارمغان نیاورد دلگرمی و شوق و انگیزه صد چندان در وجود ما ایجاد می کند که سبب می شود توان مبارزه با سرمایه داری بیشتر و تحمل سختی ها ی مبارزه ساده و ممکن شود .
دوستان حتما" می دانید که در ایران تشکیل و ایجاد تشکل کارگری غیرقانونی محسوب شده و فعالین تشکلهای کارگری با بهانه های مختلف تحت پیگرد و شکنجه و زندان قرار می گیرند که از جمله خود من به دلیل فعالیت جهت تشکیل سندیکای نقاشان و تلاش برای کسب بیمه و تأمین اجتماعی برای کارگران نقاش ساختمان و عضویت در شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری با اتهامات دروغین دستگیر و شکنجه شده و با 11 سال حکم زندانی شدم ، بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال حمایت از کودکان کار و خیابان و عضو شورای نمایندگان کمیته

پیگیری ایجاد تشکل های کارگری بدلیل کمک در تشکل یابی کارگران به 5 سال زندان محکوم شده و اکنون زندانی است ، همچنین محمد جراحی هم پرونده ای من و عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری نیز بجرم ایجاد تشکل کارگری به 5 سال زندان محکوم شده و اکنون زندانی است . پدرام نصرالهی به جرم فعالیت در کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری محکوم به 3 سال زندان شده و در زندان به سر می برد
رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه به جرم ایجاد سندیکای کارگری به 5 سال زندان محکوم شده و او نیز اکنون در زندان است و برای کسب حقوق خود مجبور شده است دست به اعتصاب غذا و دارو بزند و جانش صد در صد در خطر است .
صدها کارگر ناشناخته دیگر نیز مانند افرادی که نام بردم همچنان در زندان تحت اذیت و آزار و شکنجه قرار دارند و تعداد بسیاری نیز دوران محکومیت خود را تمام کرده اند ولی هر لحظه در خطر دستگیری مجدد قرار دارند از جمله منصور اسانلو ، محمود صالحی ، علی نجاتی ، ابراهیم مددی و.... لازم به ذکر است که خانواده ی کارگان چه آنها که دوران محکومیتشان تمام شده و چه آنها که هنوز در زندان هستند همگی تحت فشار و مراقبتهای پلیسی بسیار شدید قرار دارند و دائما" به صورتهای گوناگون تهدید می شوند .
قصدم از بیان موارد فوق این است که بگویم برای ما کارگران ایران متشکل شدن و منسجم شدن بسیار سخت است و در واقع دائما" از طرف حکومت سرمایه داری ایران در خطر جانی به سر می بریم ، بنابراین شما دوستان با حمایتها و کمکهای خود ضمن به انجام رساندن وظایف طبقاتی و همبستگی جهانی کارگران باعث بیشتر شدن امنیت کارگران زندانی در مقابل اعمال ضد انسانی دستگاه قضایی و پلیسی سیاسی ایران می گردید . در نتیجه حمایتهای شما هر چه گسترده تر باشد امنیت ما بیشتر خواهد شد .
در نهایت یک بار دیگر از صمیم قلب از شما تشکر کرده و دستان شما را به گرمی می فشارم .
شاهرخ زمانی
زندان گوهردشت
13/10/1391

از : شاهرخ زمانی
به : ائتلاف کارگران آمریکا علیه جنگ
موضوع : از حمایت های شما تشکر می کنم

درود بر ائتلاف کارگران آمریکا علیه جنگ

دوستان ، هم طبقه ایها،اعضای ائتلاف کارگران آمریکا علیه جنگ ، وقتی شنیدم که شما عزیزان در جهت همبستگی طبقاتی از من و دوستانم که در زندان های ایران اسیر و دربند هستیم اعلام حمایت کردید شوق و انگیزه مبارزه برای کسب حقوق وآزادی در وجودم صد چندان شد .
من به دلیل تلاشهایم در جهت ایجاد سندیکای نقاشان و همچنین فعالیت برای کسب حقوق کارگری خود و دیگر هم طبقه ایهایم دستگیر شدم و با بهانه و اتهامات دروغین مورد پرونده سازی و شکنجه قرار گرفتم و در دادگاهی وابسته توسط قاضیی بی اختیار به یازده سال زندان محکوم شدم و اکنون 20 ماه است در زندان به سر می برم ، ضمن اینکه خود به شدت تحت آزار و اذیت هستم طی 20 ماه گذشته دیده ام که بسیاری از افراد بیگناه ایرانی با اتهامات ساختگی زندانی شده اند و بدون دلیل و بیگناه عمر خود را پشت میله های زندان از دست می دهند و خانواده هایشان نیز در انتظار کشنده ای دچار دهها مشکل و سختی می شوند . همچنین بسیاری هستند با کمترین جرم به بیشترین جزا محکوم شده اند .
جوانانی در زندان هستند که بر اثر مشکلات موجود در زندان از جمله کمبود جا ، نداشتن لوازم بهداشتی ، نبود درمان و بهداشت مناسب ، کمبود مواد غذایی و عدم رعایت حق و حقوق زندانی و ... دچار بیماریهای واگیردار و لاعلاج و بیماریهای روحی شده اند . هزاران مورد را می توان نام برد که طی دو سه سال اول زندان بودنشان سلامتی خود را از دست داده اند و دیگر امکان به دست آوردن سلامتی خود را ندارند تقریبا" هیچ زندانی کارگری نیست که طی دوره گذران محکومیت ناحقی که به او تحمیل کرده اند بیمار نشده باشد در این رابطه از افرادی به عنوان نمونه می توان نام برد که وقتی دستگیر شدند سالم بودند ولی در زندان دچار بیماریهای مختلف گشتند از جمله منصور اسانلو ، علی نجاتی ، بهنام ابراهیم زاده ، محمود صالحی ، محمد جراحی و.... و رضا شهابی که هم اکنون در شرایط بسیار سختی قرار دارد و مجبور شده است جان خود را با خطر روبرو کند تا شاید بتواند اندکی از حق و حقوق خود را بدست اورد .
شدت فشار و ستم و ظلمی که در زندانهای ایران علیه ما وجود دارد آنقدر زیاد و مختلف است که امکان بیان همه آنها وجود ندارد .

هم طبقه ایها، ضمن اینکه دوباره صمیمانه از حمایتهای شما تشکر می کنم از شما می خواهم هم چنان به حمایتهای خود از کارگران زندانی در ایران بخصوص اکنون از رضا شهابی با جدیت و گستردگی بیشتری ادامه دهید ، باشد که حاصل این همبستگی طبقاتی در کوتاه مدت نجات جان رضا باشد و در بلندمدت آزادی او و بقیه کارگران زندانی را به ارمغان آورد .

با درودهای فراوان
شاهرخ زمانی
زندان گوهردشت
13/10/1391

از: شاهرخ زمانی
به : تشکل ها ، نهاد ها و فعالین
موضوع : از حمایتها و همبستگی های طبقاتی صمیمانه تشکر می کنم

می دانم طی 20 ماهی که مرا دستگیر و زندانی کرده اند بسیاری از نهادها ، تشکلهای کارگری از جمله سندیکاها و اتحادیه های کارگران داخل و دیگر کشورها بر مبنای همبستگی طبقاتی از من و تمامی کارگران زندانی بیدریغ حمایت کرده اند و با توجه به اینکه خودشان از جانب سرمایه داری صدها مشکل دارند برای حمایت از من و دیگر دوستان زندانیم مانند رضا شهابی ، بهنام ابراهیم زاده ، محمد جراحی ، علی نجاتی ، پدرام نصرالهی ، رسول بداغی و... کمکهای بی شائبه ای به صورت حمایتهای عملی و جذب حمایتهای بین المللی و خبررسانی گسترده ای را انجام داده اند .
هر چند که انجام چنین کارهایی وظیفه طبقاتی همه ماست من به نوبه خودم صمیمانه تشکر می کنم و امیدوارم که بتوانم جهت جوابگویی به این همه حمایت و محبت دوستان و نهادها، وظایف طبقاتی خود را در حد توانم انجام دهم . شنیده ام که ائتلاف " کارگران آمریکا علیه جنگ " و اتحادیه ساختمانی،جنگلبانی،معادن و انرژی استرالیا و همچنین سندیکای کارگران نقاش دانمارک ، سندیکاهای کارگری فرانسه و کانادا و... و حقوق بشری شهر بوخوم و سایت ایران |آزاد و دیگر نهادهای بین المللی از من و دیگر دوستان زندانیم حمایت کرده اند ضمن تشکر و قدر دانی از این عزیزان می دانم که نهادها و تشکل های ایرانی خارج از کشور به صورت جمعی و فردی بسیار تلاش کردند تا نظر تشکل ها و نهاد های بین المللی را جهت حمایت از کارگران زندانی جلب نمایند بنابراین از صمیم قلب از این دوستان نیز نهایت تشکر را دارم .
دوستان به من حق بدهید که نمی توانم از همه ی شما حمایت کنندگان و تلاشگران جهت جلب حمایت و خبررسانی به خاطر گستردگی و تعداد بسیار زیاد نام ببرم بنابراین به صورت عمومی از شما می خواهم ضمن پذیرفتن تشکر و قدر دانی من حمایتهای خود راهم چنان از تمامی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی با گستردگی بیشتر ادامه دهید و در اینجا لازم است به خصوص از دوستم رضا شهابی که به دلیل عدم رعایت حقوقش مجبور به اعتصاب غذا و دارو شده و شنیده ام از این جهت جانش به شدت در خطر است ادامه بدهید.
همچنین لازم است بگویم تعدادی از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی هستند که ناشناخته مانده اند و این ناشناخته بودن باعث گردیده آنها و خانواده هایشان باشدت بیشتری از زندانیان شناخته شده تحت فشار و اذیت و آزار مأموران و پلیس سیاسی باشند از همگی شما می خواهم حمایتهای خود و خبررسانی عمومی را نسبت به آنها هر چه بیشتر گسترش دهید .

با سپاس از حمایتهای بی دریغ شما دوستان

شاهرخ زمانی
زندان گوهردشت
13/10/1391

بحران بي‌سابقه در خدمات درمانی ایران:کمبود شدید دارو و تجهیزات پزشكي،بیمارستان ها و سازمان های بیمه در آستانه ورشكستگي،گرانی داروهای قلب،فشارخون..

به نوشته سایت صدای آلمان در 14 دی آمده است : بسیاری از بیمارستان‌های دولتی ایران در آستانه ورشکستگی قرار گرفته‌اند. سازمان‌های بیمه ۵ ماه است بدهي‌های خود را به بیمارستان‌ها نپرداخته‌اند. دولت نیز بودجه برخی از دانشگاه‌های پزشکی را پرداخت نکرده است.

نعمت‌الله منوچهری عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با خبرگزاری "خانه ملت" اعلام کرده است که به دلیل عدم توازن درآمد و هزینه بیمارستان‌ها، بسیاری از آن‌ها در حال ورشکستگی هستند. این نماینده مجلس، عدم پرداخت بدهي‌های سازمان‌های بیمه و سیاست‌های نادرست دولت را عامل بروز بحران در خدمات درمانی کشور دانسته است.
مرضیه وحید دستجردی وزیر سابق وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی نیز دو هفته پیش گفته بود که گرانی ارز مورد نیاز برای واردات دارو سبب کمبود دارو در ایران شده است. وي، که تنها وزیر زن دولت احمدي‌نژاد بود، اندکی بعد از کار برکنار شد.

کمبود شدید دارو و تجهیزات پزشکی
بحران دارو و درمان در ایران چنان شدت گرفته که حتی خبرگزاری فارس روز ۱۲ دي‌ماه امسال گزارش مفصلی زیر عنوان «در بیمارستان‌ها چه مي‌گذرد» منتشر کرده است. در این‌گزارش آمده است: «نظام سلامت در شرایط بحرانی کمبودها و تحریم‌ها با تنگناهای زیادی مواجه است. مشکلات این حوزه آنقدر هست که دیگر مردم تاب تحمل بیشتر شدن آن را ندارند.» برپایه همین گزارش، ۸۰ درصد بیماران ایران به بیمارستان‌های دولتی مراجعه مي‌کنند، سرم، داروهای مخصوص قلب، فشار خون و تنظیم عروق کمیاب و بسیار گران است، دستگاه‌های پمپ قلب وارد نمي‌شوند و تعداد پرستاران نیز در بیمارستان‌ها به شدت کم شده است. داروهای اساسی در ایران کمیاب و گران شده است. وزیر بهداشت به‌خاطر انتقاد به این موضوع برکنار شد.

تعرفه بیمارستانی غیرواقعی
در بیان سیاست‌هائی که منتهی به تشدید بحران در بیمارستان‌های ایران شده است، نعمت‌الله منوچهری عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی گفته است: « دولت به‌رغم اصرار وزیر سابق بهداشت، درمان و آموزش پزشکي، تعرفه بیمارستانی را بسیار کم و غیرواقعی اعلام کرده و این موضوع بر مشکلات بیمارستان‌ها، به‌ویژه بیمارستان‌های دولتی افزوده است.»
نماینده مجلس نیز مثل وزیر برکنار شده بهداشت و درمان تصریح کرده است که افزایش قیمت دلار موجب افزایش بي‌رویه قیمت تجهیزات پزشکی و داروهای مورد نیاز بیمارستان‌ها شده است.

تعهدات انجام نشده دولت
حسن ابوالقاسمی رئیس دانشکده علوم پزشکی مشهد نیز غیرواقعی بودن تعرفه‌های بیمارستانی را دلیل تشدید بحران در سیستم درمانی ایران مي‌داند. وی به خبرگزاری فارس گفته است:«قیمت تمام شده خدمات درمانی به‌قدری گران شده که نمي‌دانیم از کجا باید آن را تامین کنیم.»
رئیس دانشکده علوم پزشکی مشهد از شورای عالی بیمه خواسته است که به سرعت تشکیل جلسه دهد و تعرفه‌های بیمارستانی را اصلاح کند. وی همچنین هشدار داده که اگر کسری بودجه دانشگاه‌های پزشکی جبران نشود، بیمارستان‌ها در ارائه خدمات به پائین‌ترین سطح کیفی عقب‌گرد مي‌کنند.
ابوالقاسمی به‌عنوان نمونه‌ای از مشکلات دانشکده‌های پزشکی به عدم تامین بودجه دانشگاه تحت سرپرستی خود اشاره کرده و گفته است:«دولت در پایان هرسال به نوعی این کسري‌ها را جبران مي‌کرد. اما امسال تاکنون تنها ۳۰ درصد بودجه قانونی دانشگاه علوم‌پزشکی مشهد واریز شده است»
با توجه به گزارش‌های رسانه‌های داخلي، به‌نظر مي‌رسد دولت در نتیجه کاهش درآمدهای نفتی در همه عرصه‌ها از انجام تعهدات مالی خود ناتوان مانده است. با این‌همه بسیاری از مقامات بلندپایه جمهوری اسلامی همچنان ادعا مي‌کنند که تحریم‌های بین‌المللی بر اقتصاد ایران تاثیری نداشته است

۶۷ درصد واحدهای صنعتی کشور تعطیل شده‌اند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 14 دی آمده است : تازه‌ترین گزارش‌ها نشان مي‌دهد ۶۷ درصد واحدهای صنعتی کشور تعطیل شده‌اند.
به گزارش تارنمای اقتصاد ایرانی ۵۹۳۱ واحد صنعتی در کشور تعطیل شده‌اند. گزارش اخیر اتاق های بازرگانی نسبت واحدهای تعطیل شده در استان های مختلف کشور را مشخص کرده است. به طور متوسط بین ۳۰ تا ۹۰ درصد واحدهای صنعتی در استان‌های مختلف کشور تعطیل شده‌اند.
در میان استان‌ها خراسان رضوی با ۱۱۴۰ واحد صنعتی تعطیل شده، فارس با ۹۰۰ واحد صنعتی تعطیل شده، لرستان با ۱۱۰۰ واحد صنعتی تعطیل شده، آذربایجان غربی با ۵۲۵ واحد صنعتی تعطیل شده و یزد با ۵۶۰ واحد صنعتی تعطیل شده بیشترین تعداد ورشکستگی را به نام خود ثبت کرده‌اند.
سه روز قبل نیز مرکز آمار ایران از بیکاری ۳ میلیون و ۲۰۰ هزار نفر در کشور خبر داده بود.

اعتراض به ۶ سال بلاتکلیفی و فروش کارخانه در نبود کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 14 دی آمده است : تعداد ۳۲کارگر رسمی کارخانه لامپ الوند، واقع در شهرک صنعتی البرز با ارسال نامه‌ای نسبت به ۶ سال بلاتکلیفی، بدون ارائه توضیحی قانع کننده و همچنین فروش مواد اولیه، ابزار تولید و حتی زمین کارخانه از جانب کارفرما، اعتراض کرده‌اند.
به گزارش ایلنا، کارگران رسمی کارخانه لامپ الوند، با میانگین سوابق ۲۰ سال کار که از دی‌ماه سال ۸۵ طی دو مرحله جمعاً ۱۸ ماه بیمه بیکاری دریافت کرده‌اند، با نزدیک شدن به خاتمه دوره استفاده از بیمه بیکاری، با ارسال نامه‌ای به دو نهاد کارگری استان قزوین و خبرگزاری ایلنا، مدعی شده‌اند کارفرمای این کارخانه با استفاده از بیکاری‌های بی‌دلیل و متناوب کارگران، ابزار تولید، مواد اولیه و زمین کارخانه را به فروش رسانده است و همچنین بخشی از کارخانه را بدون انتقال کارگران به کارخانه مجاور فروخته است.
در این نامه که رونوشتی از آن به کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار قزوین و همچنین خانه کارگر این استان ارسال شده است، کارگران آورده‌اند: «ما ۳۲ نفر از کارگران رسمی این شرکت از اول دی ۸۵ علی رغم میل باطنی و به درخواست مدیریت طی دو مرحله به بیمه بیکاری جهت اصلاح ساختار و ایجاد شغل و اشتغال زایی جمعا به مدت ۱۸ ماه بیمه بیکاری رفتیم.»
در بخش دیگری از این نامه نوشته شده است: «متاسفانه در این مدت هیچ اصلاح ساختاری انجام نگرفت و حتی از همان سال ۸۵ مدیریت شروع به فروختن مواد اولیه، و تمامی ماشین آلات تولید لامپ به صورت ضایعات کرد.
آنان اطلاع داده‌اند که دو سوم زمین این کارخانه اینک بدون انتقال کارگران به کارخانه «ایران چسب» واگذار و یک بخش نیز به (کارخانه) تهویه فروخته شده است.
این کارگران در پایان از نهادهای کارگری استان درخواست کمک کرده‌اند

مقاله کوتاهی در نشریه اتحادیه کارگران ساختمانی استرالیا در مورد شاهرخ زمانی، کارگر دربند

ماهنامه "اتحاد" ارگان رسمی اتحادیه کارگران ساختمانی، جنگلبانی، معادن و انرژی، (Construction, Forestry, Mining and Energy Union) که به اختصار CFMEU، خوانده می شود،در 14 دی نوشت " در پنجاه و هشتمین شماره خود در ماه دسامبر 2012، مقاله ای از فعالیت یکی از هماهنگ کنندگان این اتحادیه درباره وضعیت کارگر و زندانی سیاسی شاهرخ زمانی به همراه عکس های متعددی از همبستگی بین المللی کارگران نقاش ساختمانی در شهر سیدنی استرالیا از این رفیق دربندشان منتشر کرده است که در زیر می آوریم، این ماهنامه را از ادرس زیر هم می توانید دریافت کنید:www.cfmeunsw.asn.au

همبستگی جهانی فعال باشید
به سفارت ایران در کانبرا به این شماره: 02-62907000 زنگ بزنید و بخواهید که شاهرخ زمانی را آزاد کنند. به سفارت جمهوری اسلامی ایران ایمیل بزنید:
consular@iranembassy.org.au و به حمله دولت به حقوق کارگران و آنهایی که برای آنها تلاش می کنند، اعتراض کنید. در حمایت از "زمانی" و دیگر زندانیان سیاسی به این آدرس ایمیل بزنید: freeshahrookh@gmail.com

هماهنگ کننده CFMEU، منصور رزاقی برای آگاهی رسانی درباره سرنوشت کارگر نقاش ایرانی، شاهرخ زمانی اعتراضات ترویجی را هدایت می کند. "زمانی"، عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری و سندیکای کارگران نقاش تهران، در 15 خرداد سال 1390 دستگیر و به 11 سال زندان محکوم شد. او به اتهام "تبلیغات علیه رژیم" محاکمه شد، اما رزاقی می گوید که گناه او دفاع از حقوق کارگران و تشکیل اتحادیه بوده است. دردوران زندان، "زمانی" بشدت شکنجه شده و آزار دیده است و هم اکنون در زندان بدنام "رجایی شهر" محبوس است. رزاقی با پوستری در دست برای آزادی "زمانی" و در اطراف ساختمان های در دست احداث، از کارگران خواسته که فریاد همبستگی شان را در این همایش جهانی ابراز کنند.

زمانی" در نامه ای که مخفیانه از زندان به بیرون فرستاده است، از شکنجه هایی که در این مدت متحمل شده، سخن گفته است. در این نامه نوشته شده که زندانیان غیر سیاسی، تشویق و ترغیب می شوند که مرتب به زندانیان سیاسی حمله کنند و هیچگونه مجازاتی برای این اعمال خود نمی بینند. درباره زندان تبریز که او مدتی محبوس بود، نوشته است که تنها تعداد 20 تخت برای 40 زندانی در سلولی به وسعت 20 متر مربع وجود داشت. زمانی نوشته است که: " تنها امید ما زندانیان، احزاب و نهادهای جهانی علیه سیاست های ضد بشری موجود هستند."

" در پایان قابل تذکر می باشد که در اداره اطلاعات به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تهدید به مرگ شده ام از جمله مسمومیت، قرار دادن در کنار افراد عادی مبتلا به ایدز، وادار کردن افراد نامتعادل روانی، جانی و خطرناک به درگیری با من، قرار دادن افراد اطلاعاتی در پوشش زندانی در کنار من که مرا تشویق به فرار می کردند تا حین فرار با تیر کشته شوم، که با شناسایی و افشای این افراد از آنها دور شده ام. در مورد هرگونه عواقب از این قبیل من به همه هشدار می دهم. مرگ من در زندان به هر دلیل متوجه مسئولین می باشد."

ترجمه از بهروز

اعتصاب غذا و دارو رضا شهابی تا زمان اعزام به مرخصی درمانی ادامه دارد

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در 14 دی آمده است: خانواده رضا شهابی در هفدهمین روز اعتصاب وی اقدام به سپردن وثیقه برای مرخصی درمانی کرده‌اند، این فعال کارگری اعلام کرد تا زمانی که به مرخصی اعزام نشود به اعتصاب خود ادامه خواهد داد.
بنا به اطلاع گزارشگران هرانا، ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، صبح امروز خانواده رضا شهابی موفق به سپردن وثیقه به دادستانی و طی تشریفات قانونی مربوطه شدند ولی بدلیل پایان وقت اداری، مسئولین گفتند: این زندانی سیاسی فردا به مرخصی درمانی اعزام می‌شود.
روز گذشته که خانواده رضا شهابی موفق به ملاقات با وی شده بودند، خبر دادند که وی بیش از ۱۰ کیلو وزن کم کرده و افت و خیز پی در پی فشار خون و خون ریزی بینی بارزترین مشکلات این فعال سیاسی زندانی بوده است.
گفتنی است، رضا شهابی اعلام کرده است، تا زمان خروج از زندان جهت مرخصی درمانی به

اعتصاب غذا و داروی خود ادامه خواهد داد.
رضا شهابی ۱۷ روز پیش یعنی شنبه ۲۵ آذرماه زمانی که به بیمارستان خمینی تهران اعزام شده بود، در پی بدرفتاری مامور اعزام و ممانعت از انجام آزمایشات ضروری اعلام اعتصاب غذا و دارو نمود.
رضا شهابی، فعال کارگری، عضو هیأت مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و مسئول سابق واحد کارگری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، پیش‌تر از سوی شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران توسط قاضی صلواتی به اتهام تبلیغ علیه نظام به یکسال حبس و هم چنین به اتهام تبانی به قصد اقدام علیه امنیت ملی نیز به پنج سال حبس محکوم شده بود. وی همچنین در این حکم به ۵ سال ممنوعیت از فعالیت سندیکایی و هفتاد میلیون ریال جریمه نقدی محکوم گردیده بود.
لازم به یادآوریست، حکم وی بتازگی از سوی دادگاه انقلاب به چهار سال حبس تعزیری، پنج سال محرومیت از فعالیت سندیکایی و هفتاد میلیون ریال جریمه نقدی تقلیل یافته است.

پسر بهنام ابراهیم زاده در بیمارستان بستری شده است

بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری و فعال حقوق کودکان و عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری حدود سه سال است در زندان است و خانواده این کارگر سه سال است ضمن اینکه دور از نان آورشان هستند او را هر روز تحت فشارهای روحی و روانی می بینند. اکنون پسر چهارده ساله بهنام دچار عفونت کلیه شده و مشکل خونی پیدا کرده و در بیمارستان محک بستری شده است.
مشکلات موجود از جمله زندانی بودن بهنام، شرایط اقتصادی بحرانی عمومی ایران و شرایط سخت اقتصادی خصوصی خانواده بهنام و به خصوص بیماری فرزند بهنام سبب شده همسر بهنام دچار مشکلات روحی شود. مجموع این مشکلات و شرایط سخت ضربات بیشتری به این خانواده می زند. ما ضمن اینکه می خواهیم هر چه زودتر و بدون قید و شرط بهنام آزاد شود ،از تمامی دوستان می خواهیم هر چه بیشتر با خانواده بهنام رفت و آمد نمایند و نگذارند آنها احساس تنهایی کنند. دفعات بیشتری به دیدن این خانواده و ملاقات فرزندشان بروند تا از این طریق ضمن به جا آوردن وظیفه حمایتهای طبقاتی خود احساس همبستگی خود را به خانواده بهنام نشان دهند.
البته ضمن اینکه می دانیم این رسم در میان فعالین طبقه کارگر یک سنت است ولی شاید مشکلات اخیر اقتصادی باعث گردیده کمتر به این سنت پرداخته شود بنابراین تذکر در این رابطه و بیشتر کردن رفت و آمد با خانواده زندانیان را لازم می دانیم.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
۱۳۹۱/۱۰/۱۴

تجمع ۵۰۰ کارگر در ساوه برای دریافت شش ماه دستمزد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 14 دی آمده است : بیش از ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه نورد لوله صفا در اعتراض به پرداخت نشدن شش ماه دستمزد و سایر مطالبات‌شان برای چهارمین بار تجمع کردند.
به گزارش خبرگزاری کار ایران(ایلنا) امروز سه‌شنبه ۱۲ دی ماه بیش از ۵۰۰ کارگر از کارگران کارخانه نورد لوله صفا واقع در شهرستان ساوه به دلیل تعویق شش ماهه دستمزد و سایر مطالباتی که از یك ماه پیش وعده پرداخت به آنها داده می‌شود برای چهارمین بار دست به تجمع زدند.
به گفته یکی از کارگران حاضر در این تجمع، "از صبح روز شنبه ۹ دی ماه بیش از ۵۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا به نمایندگی از یک هزار و ۳۰۰ کارگر در اعتراض به شش ماه حقوق معوقه دست به تجمع زده‌اند."
وی افزود: "با توجه به تجمعات متعدد کارگران این کارخانه در ماه‌های گذشته و بی‌توجهی

مسئولان کارخانه و دولت، کارگران ناچار شدند برای احقاق حقوق صنفی خود از روز شنبه تا به امروز به تجمعات خود ادامه دهند.”
در ادامه یکی دیگر از کارگران نیز گفت: “برای حل مشکلات‌مان در مقابل مسئولان زانو زده‌ایم اما دریغ از یک توجه، دائما از جانب آنان قول‌هایی می‌شنویم اما متوجه می‌شویم کسی به این موضوع اهمیتی نمی‌دهد.”
این کارگر کارخانه نورد لوله صفا با بیان اینکه “گرانی‌های روز افزون کالاهای مصرفی، افزایش اجاره بها، عقب‌افتادگی اقساط بانکی" کارگران را تحت فشار قرار داده گفت: "از شش ماه گذشته که حقوقی دریافت نکرده‌ایم علاوه بر مشکلات اقتصادی، دچار بحران‌های روحی و روانی نیز شده‌ایم"
وی کارفرمای کارخانه نورد لوله صفا را یکی از بزرگ‌ترین سرمایه داران استان مرکزی دانست و افزود:”با وجودی که شنیده می‌شود کارفرمای ما کارخانه‌های دیگری هم دارد اما در پرداخت مطالبات شش ماه گذشته کارگران زحمت کشی که ساعت‌ها برایش کار می‌کنند کوتاهی می‌کند.”
به گفته این کارگر، “از دو سال گذشته زمانی که تحریم‌ها هنوز شروع نشده بود کارفرمای این کارخانه به طور مرتب حقوق کارگران را با تعویق پرداخت می‌کرد.”
کارخانه‌های نورد پروفیل ساوه و نورد لوله صفا به این کارفرما تعلق دارد و مجموعا حدود ۲۵۰۰ کارگر در آن‌ها مشغول بکار هستند.
در روزهای نخست ماه جاری نیز ۳۰۰ کارگر کارخانه پتروشیمی فجر ماهشهر در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت جذب نیروها و عدم پرداخت مزایایی که پیش‌تر قول آن‌ها داده شد بود، دست از کار کشیدند.
غلامرضا زنگی اهرمی، عضو انجمن صنفی کارگری دریانوردان مرکز خلیج فارس نیز آذرماه جاری از عدم پرداخت حقوق بیش از یک هزار و ۵۰۰ کارگر دریایی شرکت‌های کشتیرانی جمهوری اسلامی، شرکت ملی نفتکش و شرکت کیش راه آبی که طبق قرارداد باید حقوق خود را به دلار دریافت کنند خبر داده بود.
مهرماه سال جاری نیز بیش از ۶۰۰ کارگر کارخانه‌های صنایع فلزی در مقابل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی تجمع کردند اما مذاکره نمایندگان کارگران با مسئولان وزارت کار بی‌نتیجه ماند.
اعتراضات کارگری و فشار اقتصادی بر کارگران ایران در ماه‌های اخیر افزایش یافته است و تقریباً هر هفته خبرهای تازه‌ای از تعطیلی کارخانه‌ها و کارگاه‌ها منتشر می‌شود.
در یک سال اخیر پس از اجرای طرح هدفمندسازی یارانه‌ها و اعمال تحریم‌های گسترده علیه ایران به‌خاطر برنامه هسته‌ای این کشور خبرهای بسیاری از تعطیلی واحدهای تولیدی و اخراج و عدم پرداخت حقوق کارگران منتشر شده است.
این در حالی است که دولت محمود احمدی‌نژاد، رئیس‌جمهور ایران در دو سال گذشته مدعی ایجاد میلیون‌ها فرصت شغلی شده است. دولت دهم گفته بود در سال ۸۹ یک میلیون و ۶۰۰ هزار فرصت جدید شغلی و در سال ۹۰ نیز به همین میزان شغل در کشور ایجاد شده است.
محمود احمدی‌نژاد، وضعیت اقتصادی کشور را به تحریم‌های جهانی علیه جمهوری اسلامی نسبت می‌دهد اما مخالفان او، سیاست‌های اقتصادی دولت دهم را عامل نابسامانی اقتصادی کشور می‌دانند.

تاکید پزشکان به حضور بهنام ابراهیم زاده در کنار فرزند بیمارش

برپایه خبر سایت کمیته هماهنگی .... در تاریخ 14 دی آمده است : براساس گزارش رسیده، نیما پسر بهنام ابراهیم‌زاده فعال کارگری و حقوق کودکان به دلیل بیماری در بیمارستان محک بستری شده است. پزشکان تاکید کرده‌اند که شرایط نیما ابراهیم زاده، به گونه ای است که به لحاظ روحی، حضور پدرش در کنار وی الزامی است و محیطی آرام و به دور از استرس و فشارهای عصبی، تاثیر به سزایی در کمک به امر درمان نیما دارد.
لازم به ذکر است که نیما ابراهیم‌زاده، ۱۴ سال سن دارد و در کلاس سوم راهنمایی درس می‌خواند. نیما ۱۱ سال سن داشت که پدرش به جرم فعالیت‌های کارگری و عضویت در کمیته پیگیری و دفاع از حقوق کودکان دستگیر و زندانی شد و تاکنون از ملاقات پدرش محروم است.

بهنام ابراهیم‌زاده تنها به جرم دفاع از حقوق ابتدایی خود و هم‌طبقه‌ای‌هایش دستگیر و زندان شده است. .وی باید فوری و بدون قید و شرط آزاد شود تا برای معالجه پسرش اقدام کند. ما بار دیگر زندانی کردن فعالین کارگری را شدیدا محکوم کرده و خواستار آزادی کلیه فعالین کارگری و زندانیان سیاسی هستیم.

کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

ورشکستگی بیمارستان‌های دولتی

نعمت‌الله منوچهری در گفت وگو با خانه ملت،در روز پنجشنبه 14 دی ۱۳۹۱ اعلام داشت : با انتقاد از وضعیت کنونی بیمارستان‌های دولتی، متأسفانه به‌علت کمبود اعتبارات، این بیمارستان‌ها با مشکلات بسیاری روبه‌رو هستند، که این موضوع در وهله اول به بیماران و مردم ضربه می‌زند.
نماینده مردم پاوه، جوانمرد، ثلاث‌باباجانی و رودسر در مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه یکی از عوامل بروز مشکل در بیمارستان‌های دولتی، غیرواقعی بودن تعرفه‌های بیمارستانی است، گفت: متأسفانه هیأت دولت با وجود اصرار وزیر پیشین بهداشت، درمان وآموزش‌پزشکی، میزان تعرفه بیمارستانی را بسیار کم و غیرواقعی اعلام کرده است، که این موضوعات به طور حتم بر افزایش مشکلات بیمارستان‌ها به‌ویژه بیمارستان‌های دولتی تأثیر می‌گذارد.
وی با انتقاد از سازمان‌های بیمه‌گر به‌علت پرداخت نکردن بدهی‌ها بیمارستان‌ها، افزود: به طور حتم باید ساختار بیمه‌ها را برای تسریع در پرداخت بدهی تغییر داد.
این نماینده مردم در مجلس نهم، با اعلام اینکه متأسفانه وضعیت کنونی بیمارستان‌های دولتی به سمت سراشیبی است، تصریح کرد: دولت باید نگرش خود را نسبت به حوزه سلامت به‌ویژه بیمارستان‌های دولتی تغییر دهد، تا در آینده شاهد تعطیلی این‌گونه مراکز نباشیم.
منوچهری با بیان اینکه هم‌اکنون بیمارستان‌ها حدود پنج ماه است که طلب خود را از سازمان‌های بیمه‌گر دریافت نکرده‌اند، گفت: به طور حتم بدقولی‌های سازمان‌های بیمه‌گر در پرداخت بدهی‌ها، موجب بروز مشکلاتی در بیمارستان‌ها می‌شود، از طرف دیگر تمام بیمارستان‌ها باید به سمت هیأت امنایی شدن گام بردارند.
وی با یادآوری مشکلات اخیر بیمارستان‌ها در تهیه تجهیزات پزشکی و داروهای موردنیاز، تصریح کرد: متأسفانه افزایش قیمت دلار موجب افزایش بی‌رویه قیمت این محصولات شده است.
عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه هم‌اکنون درآمد بیمارستان‌ها با هزینه‌های این مراکز درمانی تطابق ندارد، یادآور شد: متأسفانه درآمد حاصله این مراکز کفاف هزینه‌های آنان را نمی‌دهد، بر این اساس شاهدیم که مراکزی همچون بیمارستان‌ها در حال ورشکستگی هستند

سیصد نفر از کارگران کارخانه پتروشیمی فجر دست از کار کشیدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 15 دی آمده است : سیصد کارگر پیماکاری شرکت رامپکو که در کارخانهٔ پتروشیمی فجر مشغول به کارند در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت جذب نیروها و عدم پرداخت مزایایی که پیش‌تر قول آن‌ها داده شد بود، با بهره گرفتن از ماده ۱۴۲ قانون کار، دست از کار کشیده‌اند.
نامشخص بودن وضعیت جذب نیروها و عدم پرداخت مزایایی که پیش‌تر قول آن‌ها داده شد بود باعث اعتراض ۳۰۰ نفری کارگران کارخانه پتروشیمی فجر شد که دست از کار کشیدند. عباس رضایی از فعالان کارگری در منطقهٔ ویژهٔ ماهشهر با اعلام خبر اعتراض صنفی ۳۰۰ کارگر کارخانهٔ پتروشیمی فجر به ایلنا گفت: ۳۰۰ کارگر پیماکاری شرکت رامپکو که در کارخانهٔ پتروشیمی فجر مشغول به کارند در اعتراض به نامشخص بودن وضعیت جذب نیروها و عدم

پرداخت مزایایی که پیش‌تر قول آن‌ها داده شد بود، با بهره گرفتن از ماده ۱۴۲ قانون کار، دست از کار کشیده‌اند.
وی افزود: اکثر این کارگران در بخش‌های اجرایی و عملیات تعمیرات کار می‌کنند.
این فعال کارگری افزود: متاسفانه از صحبت‌های مدیران کارخانه و مسئولان منطقهٔ ویژه اقتصادی ماهشهر چنین بر می‌اید که امیدی برای حل مشکلات کارگران وجود ندارد.

برگزاری گلگشت کارگران، فعالین کارگری و اعضای کمیته‌ی هماهنگیِ سنندج، در اعتراض به فشار بر فعالین کارگری

صبح روز جمعه 15/10/91 جمع کثیری از کارگران، فعالین کارگری و اعضای کمیته‌ی هماهنگی سنندج، در اعتراض به فشار بر فعالین کارگری، گلگشتی را در اطراف این شهر برگزار کردند.

این مراسم ساعت 9 صبح با اعلام یک دقیقه سکوت به یاد تمام جانباختگان راه آزادی و برابری، شروع و سپس با خواندن سرود انترناسیونال، سرود همبستگی طبقاتی کارگران، ادامه یافت. پس از آن یکی از حاضرین بیانیه‌ی کارگران و فعالین کارگری و اعضای کمیته هماهنگی سنندج را قرائت نمود. همچنین بیانیه‌ای دیگر در همین راستا از طرف شورای بیکاران خوانده شد. مراسم با سخنرانی یکی از کارگران در مورد وضعیت جنبش کارگری و شرایط کارگران، ادامه پیدا کرد؛ و سرانجام پس از حدود یک ساعت، این مراسم با بحث و گفتگوی حاضرین پیرامون مسائل کارگری خاتمه یافت.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

تکمیل خبر

بیانیه‌ي گلگشت کارگران و فعالین کارگری و اعضای کمیته ی هماهنگی سنندج در اعتراض به فشار بر فعالین کارگری

کارگران ! مردم شریف و آزادی خواه!
صاحبان سرمایه و حافظان آن بنا به غوطه ور شدن در بحران عمیق سرمایه داری و غریزه ی طبقاتی خود، تلاش کارگران را برای احقاق حقوق خود سرکوب و فعالین کارگری را به زندان می افکند. طی روزهای گذشته هفت نفر از اعضای کمیته ی هماهنگی در شهرهای بوکان و اشنویه را تنها به اتهام عضویت در کمیته ی هماهنگی و شرکت در مجمع عمومی این تشکل، احضار و بازداشت نموده که 5 نفر از آنها را بعد از 13 روز به قید وثیقه و 2 نفر دیگر را نیز بعد از چند ساعت بازجویی آزاد نمودند.

در ادامه ی فشار بر اعضای متشکل در کمیته‌ی هماهنگی، «پدرام نصراللهی»، عضو دیگر این تشکل را به 19 ماه زندان محکوم نموده‌اند و او را در بدترین شرایط در زندان مرکزی سنندج، ممنوع الملاقات، و تهدید به سلول انفرادی کرده‌اند.

«رضا شهابی» انسانی آزادی‌خواه و برابری‌طلب است که در راه دفاع از منافع کارگران و آرمانهای انسانی همطبقه‌ای‌های خود، جانش را به مخاطره انداخته است. او تنها به جرم دفاع از حقوق کارگران دستگیر شده و نزدیک به 3 سال است که در زندان به سر می‌برد و زیر فشارهای زندان دچار آسیب‌های جدی و جبران ناپذیری شده است. با این وجود او از روز دوشنبه 27 آذر ماه در اعتراض به رفتار غیر انسانی و بی توجهی مسئولان زندان به مداوایش، دست به اعتصاب غذا زده و تا این لحظه همچنان بر خواسته‌های خود مبنی بر درمان خارج از زندان و محیطی به دور از فشارهای عصبی پافشاری کرده است.

«علی نجاتی» دیگر فعال کارگری که در سالهای اخیر چندین بار به اتهامات واهی زندانی شده، بار دیگر به دادگاه انقلاب سنندج احضار شده است.

در راستای همین سیاست‌های ضد انسانی و ضد کارگریِ سرمایه‌داری، «ستار بهشتی» کارگر وبلاگ نویس، تنها به جرم بیان عقاید و نظرات خویش، در 7 آبان 91 بازداشت و بعد از 5 روز، در حین بازجویی توسط حافظان زور و سرمایه جان باخت.

نا امنی محیط کار در کارخانه‌ها، معادن، کارگاهها و کارهای فصلی، روزانه هزاران کارگر را قربانی سودخواهی سرمایه‌داران در سرتاسر دنیا می‌کند. اخیرا مرگ 8 تن از کارگران معدن ذغال سنگ طبس برای تمامی کارگران در ایران خبری تکان دهنده و تاسف بار بود. همچنین برای هر چه بیشتر بی حقوق کردن طبقه‌ی کارگر لایحه‌ی ضد کارگری قانون کار و تامین اجتماعی امسال جهت تصویب به مجلس فرستاده شده است.

مرگ کودکان شین‌آباد در پیرانشهر که قرار بود در دنیای کودکی و نوجوانی خود افق‌های روشنتری از یک دنیای آزاد و برابر را نوید دهند و از امکاناتی که حاصل کارِ مادران و پدرانِ کارگرشان بود، بهره جویند، در نتیجه‌ی سودخواهی صاحبان سرمایه، کابوس تلخی بود که ذهن هر انسان شریفی را سخت آزار داد. دیدیم که چگونه 37 نفر از نوشکفته‌ها، طعمه‌ی حریق شدند و از آن میان «سیران یگانه» و «ساریا رسول زاده» با دنیایی سرشار از آرزو، جلوی چشمانمان جان باختند.

تمامی این سیاست‌های ضد انسانیِ سرمایه‌داری، دیربازی است برای کارگران بر ملا شده و می‌خواهد با این فشارها جلوی اعتراضاتِ کارگری را بگیرد و با تعقیب، بازداشت و زندانی کردن کارگران آگاه و پیشرو، زهر چشم بگیرد و یا آن کارگران مبارز را بترساند.

فشار اقتصادی، تورم و گرانی، عدم پرداخت به موقع دستمزد کارگران، اخراج‌های گسترده و دسته جمعی در طول سال جاری بیش از سال‌های دیگر کارگران را به میدان اعتراضات کارگری آورده است و این اعتراضات و اعتصابات کارگری نشان می‌دهد که طبقه‌ی کارگر از خواسته‌های بر حق خود که همانا حق ایجاد تشکل، مبارزه با استثمار و دفاع از منافع طبقه‌ی کارگر می‌باشد، به هیچ وجه عقب نشینی نخواهد کرد.

ما کارگران و فعالین کارگری و اعضای متشکل در کمیته‌ی هماهنگی، دوشادوش تمام هم‌طبقه‌ای‌های خود در سراسر جهان و برای پایان دادن به تمامی مشقات و مظالم و نابرابری‌های نظم سرمایه و برپایی دنیایی انسانی و عاری از هرگونه ستم و استثمار انسان از انسان، متحدانه مبارزه خواهیم کرد و از تمامی کارگران و انسان‌های آزادی‌خواه که منافعی جدا از منافع طبقه‌ی کارگر ندارند، می‌خواهیم که از این مبارزات پستیبانی و صدای این فعالین کارگری را به گوش تمامی نهادهای انسان دوست در سطح جهانی برسانند و برای لغو احکام صادره و فشار بر فعالین کارگری تلاش کنند.

ما بدین‌وسیله با همبستگی مبارزات خود از خواسته‌های بر حق رضا شهابی اعلام حمایت می‌کنیم و هرگونه قصور و عواقب ناشی از تجدید فشار بر رضا شهابی را متوجه حامیان سرمایه و مقامات مسئول در زندان می‌دانیم.

ما بار دیگر تعقیب و بازداشت و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری و اعضای متشکل در کمیته‌ی هماهنگی را به شدت محکوم می‌کنیم و خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران و فعالین کارگری و تمامی زندانیان سیاسی از جمله بهنام ابراهیم زاده، محمد جراحی، فریبرز رئیس دانا، نسرین ستوده، شاهرخ زمانی، رضا شهابی و پدرام نصراللهی و ... از زندان‌های سرمایه‌داری هستیم.

ما همچنین مرگ کارگران معدن ذغال سنگ طبس و دانش آموزان شین‌آباد و جان باختن ستار بهشتی را به خانواده و بستگان این عزیزان تسلیت گفته و تمامی این جنایاتِ سرمایه‌داران را محکوم میکنیم؛ و خواهان مداوای هرچه سریعتر دانش‌آموزان قربانی آتش‌سوزی مدرسه‌ی شین‌آباد هستیم.

زنده باد همبستگی طبقاتی کارگران

کارگران، فعالین کارگری و اعضای کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری سنندج

15/10/91

تجمع کارگران لوله سازی صفا در اعتراض به تعویق ۶ ماه حقوق

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 15 دی آمده است : کارگران کارخانه نورد لوله صفا امروز سه شنبه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای‌شان دست به تجمع زده‌اند.
به گزارش ایلنا، کارگران حاضر در این تجمع چهار روزه، دلیل اعتراض کارگران را تعویق ۶ ماهه دستمزد و سایر مطالبات‌شان ذکر کرد که از یك ماه گذشته به طور مرتب وعده پرداخت‌اش به کارگران داده می‌شود اما محقق نمی‌شود.
یکی از کارگران که به نمایندگی از سایر کارگران سخن می‌گفت، در گفتگو با خبرنگار ما اظهار کرد: از صبح روز شنبه نهم دی ماه بیش از ۵۰۰ کارگر کارخانه نورد «لوله صفا» به نمایندگی از ۱۳۰۰ کارگر در اعتراض به شش ماه حقوق معوقه دست به تجمع زده‌اند.
او با بیان اینکه این تجمعات از روز شنبه تا به امروز (سه شنبه ۱۲ دی‌ماه) ادامه دارد، افزود: با توجه به تجمعات متعددی که در ماه‌های گذشته توسط کارگران این کارخانه صورت گرفته و بی‌توجه‌ای به آن از سوی مسئولان کارخانه و دولت، کارگران ناچار شدند برای احقاق حقوق صنفی خود از روز شنبه تا به امروز به تجمعات خود ادامه دهند.
این کارگر اضافه کرد: کارخانه نورد لوله صفا دارای تولید و بازار فروش خوبی است اما از دو سال گذشته، زمانی که تحریم‌ها هنوز شروع نشده بود کارفرمای این کارخانه به طور مرتب حقوق کارگران را با تعویق پرداخت می‌کرده است.
این کارگر در ادامه افزود: مشکلات کارگران این کارخانه با عدم پرداخت حقوق افزون‌تر شده چرا که اکثر ما متاهل و دارای زن و فرزند هستیم.
او گفت: گرانی‌های روز افزون کالاهای مصرفی، افزایش اجاره بها، عقب افتادگی اقساط بانکی و... کارگران را تحت فشار قرار داده بطوری که از شش ماه گذشته که حقوقی دریافت نکرده‌ایم علاوه بر مشکلات اقتصادی، دچار بحران‌های روحی و روانی نیز شده‌ایم.
در ادامه این گفتگو یکی دیگر از کارگران اظهار داشت: برای حل مشکلات‌مان در مقابل مسئولان زانو زده‌ایم اما دریغ از یک توجه، دائما از جانب آنان قول‌هایی می‌شنویم اما سپس متوجه می‌شویم کسی به این موضوع اهمیتی نمی‌دهد.
او ادامه داد: کارفرمای ما یکی از بزرگ‌ترین سرمایه داران این استان است. با وجودی که شنیده می‌شود کارخانه‌های دیگری هم دارد، اما در پرداخت مطالبات ٦ ماه گذشته کارگران زحمت کشی که ساعت‌ها برایش کار می‌کنند کوتاهی می‌کند.
این کارگر ادامه داد: با توجه به تجمعات متعددی که در مقابل فرمانداری و کارخانه داشته‌ایم و نمایندگان منتخب کارگران نیز مرتبا برای پی گیری مطالبات‌مان با اکثر مسئولان استانی و کشوری پای میز گفتگو نشسته‌اند. پس چرا آنان ادعای دارند نسبت به مشکلات ما آگاه نیستند.
گفتنی است کارخانه‌های نورد پروفیل ساوه و نورد لوله صفا واقع در شهرستان ساوه به این کارفرما تعلق دارد و مجموعا حدود ۲۵۰۰ کارگر در آن‌ها مشغول بکار هستند.

خاک‌سپاری پیکرهای مثله شدهٔ قربانیان انفجار کارخانه سیمان شاهرود

بر پایه خبر رسیده به روز شما رکارگری آمده است : پیکر ۲ کارگر به همراه پیمانکارشان که در پی انفجار روز یکشنبه، ۱۱ دی‌ماه، کپسول گاز صنعتی در بخش استخراج معدن کارخانه سیمان شاهرود کشته شده بودند، به خاک سپرده شد.
حمید رضا بهراد عضو نهاد کارگری کارخانه سیمان شاهرود با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: پیکر مثله شدهٔ جان باختگان این حادثه در روستاهای محل سکونتشان به خاک سپرده شد.
وی افزود: پیکر امیر بیکی در روستای «ابر» و پیکر علیرضا قاسمی و حسین قاسمی که با هم نسبت خانوادگی داشته‌اند (پسر عمو) در روستای «رویان» به خاک سپرده شد.
گفتنی است روز یکشنبه دهم دی ماه، انفجار چند کپسول هوا در قسمتهای جنبی کارخانه استخراج سیمان شاهرود که تحت نظر پیمانکار تهیه مواد اولیه قرار دارد، باعث شد پیمانکار این شرکت بنام حسین قاسمی به همراه دو کارگر به نامهای علیرضا قاسمی و امیر بیکی به علت شدت جراحات وارده جان خود را از دست بدهند.

بیانیه ی شورای بیکاران در محکومیت فشارهای اخیر نظام سرمایه داری بر سفره ی خالی کارگران

کارگران!

بحران جهانی نظام سرمایه داری باعث بی ثباتی اقتصادی و معضلات اجتماعی وهرچه عمیق تر شدن فاصله ی طبقاتی میان فقر و ثروت در کل جهان شده که اعتراضات وسیع کارگری و اجتماعی را به همراه داشته است. نظام سرمایه داری برای تخفیف بحران، حمله ی همه جانبه ی خود را به صفوف مختلف طبقه ی کارگر شدت بخشیده است. از جمله میتوان به نمونه هایی همچون: افزایش اخراج سازی های وسیع و بیکاری در سطح جهانی، کاهش شدید خدمات اجتماعی، بهداشتی و آموزشی اشاره کرد. ایران نیز مستثنی از نظام سرمایه داری جهانی نبوده و تحریمهای اقتصادی فشار مضاعفی را بر طبقه ی کارگر و اقشار کم درآمد وارد کرده است. کارگران ایران نیز برای بدست آوردن مطالبات بر حقشان تنها چاره ای جز آگاهی طبقاتی و سازمان یافته و متشکل شدن در تشکلهای خود ساخته و مستقل ندارند. طبقه ی کارگر درایران باتوجه به بحران های اقتصادی رو به رشد با مسائلی چون ناامنی محیط کار، بیکاری، اخراج، فقر، گرسنگی، بیخانمانی و غیره بیش از هر زمان دیگری دست به گریبان است. ما شورای کارگران بیکار ضمن همدردی و اعلام همبستگی با خانواده های کارگران جانباخته ی معدن طبس و دانش آموزان شین آباد در پیرانشهر مطالبات و خواستهای خود را به شرح زیر اعلام میداریم.

1- افزایش دستمزدها متناسب با نرخ واقعی تورم

2- ممنوعیت تهدید، پیگرد، دستگیری و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری

3-محکومیت اصلاحیه ی قانون کار ضد کارگری

4- ممنوعیت کار کودکان و ایجاد بستر مناسب برای آنان.

5-آموزش و پرورش و بهداشت رایگان برای همه.

شورای کارگران بیکار- ۱۵/۱۰/۹۱

جمعیت زنان بیکار ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد افزایش می‌یابد

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا / اصفهان در 15 دی آمده است : هم اکنون جمعیت زنان جویای کار در کشور ۸۳۰ هزار نفر است و بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار دختر نیز در دانشگاههای کشور مشغول به تحصیل هستند، یعنی بیش از دو برابر کل زنان بیکار، بدیهی است که در صورت عدم برنامه ریزی و تدبیر اندیشی لازم، ظرف سه چهار سال آینده با افزایش ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصدی جمعیت زنان جوان بیکار روبرو خواهیم شد.
اصفهان – ایلنا: رئیس کمیسیون بانوان اتاق بازرگانی و صنایع ومعادن اصفهان، جمعیت زنان بیکار در کشور را ۸۳۰ هزار نفر اعلام کرد و گفت: درصورت عدم برنامه ریزی و تدبیر اندیشی لازم، ظرف سه چهار سال آینده این جمعیت ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصد افزایش می‌یابد.
زهرا اخوان نسب در گفتگو با ایلنا، یکی از اهداف بسیار مهم این کمیسیون را توسعه توان اقتصادی و بازرگانی بانوان دانست و افزود: آموزش مهارتهای زندگی، بهره وری، خلاقیت و نوآوری از مهم‌ترین شاخص‌های توانمندسازی بانوان به شمار می‌آیند.
عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان با انتقاد از اینکه زنان برای ورود به بازار کار و اثبات خود نیاز به تلاش مضاعفی دارند، گفت: با توجه به اختلافات جنسیتی و تبعیض‌هایی که از لحاظ فرهنگی در جامعه وجود دارد، گرچه میزان زنان کارآفرین در مقایسه با مردان کارآفرین

اندک است اما یک زن کارآفرین چندین برابر یک مرد، باید سختی‌ها و ناملایمات را تحمل نموده و کوشش کند، به همین نسبت می‌توان گفت که موفقیت یک زن کارآفرین در جامعه نسبت به مردان چندین برابر است. وی یکی از شاریط مهم برای جذب سرمایه گذاران خارجی را ایجاد محیطی امن برای سرمایه گذار بیان کرد و یادآور شد:
وجود شرایط با ثبات اقتصادی، پایین بودن ضریب ریسک، کوتاه بودن بروکراسی اداری، پاسخگویی به موقع دستگاههای اجرایی، چابک بودن نظام گمرکی و موارد دیگر نیاز است تا بستر مناسب برای سرمایه گذاری فراهم شود.
رئیس کمیسیون بانوان اتاق بازرگانی و صنایع ومعادن اصفهان با استناد به آمار سال ۹۰ تصریح کرد: هم اکنون جمعیت زنان جویای کار در کشور ۸۳۰ هزار نفر است و بیش از یک میلیون و ۸۰۰ هزار دختر نیز در دانشگاههای کشور مشغول به تحصیل هستند، یعنی بیش از دو برابر کل زنان بیکار، بدیهی است که در صورت عدم برنامه ریزی و تدبیر اندیشی لازم، ظرف سه چهار سال آینده با افزایش ۱۰۰ تا ۱۵۰ درصدی جمعیت زنان جوان بیکار روبرو خواهیم شد.
وی که معتقد است همواره نگاه به وضعیت زنان فعال اقتصادی و کارآفرین، یک نگاه ظاهری و شعاری بوده، ادامه داد: هیچ اطلاعاتی در خصوص درصد کارآفرینان زن در کشور وجود ندارد ولی از مقایسه حضور مردان در جوامع کسب و کار که از قدیم الایام بوده با حضور زنان که اگر چه دوشادوش مردان در اداره زندگی مشارکت داشته‌اند اما حقوق آنها و میزان درآمدزاییشان مورد محاسبه قرار نگرفته، فقط کارآفرینی شرط ایجاد اشتغال در بازار کسب و کار به شمار می‌رود و شاید بتوان نسبت کارآفرینان زن به مرد را ۵ درصد تخمین زد.
اخوان بر اساس گزارش سازمان ملل، می‌گوید: ۶۶ درصد کارهای دنیا را زنان انجام می‌دهند، ۵۰ درصد غذای جهان را تولید می‌کنند اما فقط ۱۰ درصد درآمد و یک درصد اموال دنیا را در اختیار دارند، این آمار حاصل برآوردهای جهانی است حال باید دید این میزان در جمعیت حدود ۳۶ میلیون نفری زنان ایران، با توجه به همه شاخص‌ها چه میزان خواهد بود.
عضو هیات نمایندگان اتاق بازرگانی اصفهان با اشاره به اینکه ۴۹ درصد کاربران اینترنت را زنان و دختران جوان تشکیل می‌دهند، تصریح کرد: نقش و کارکردهای فناوری اطلاعات و ارتباطات به عنوان محور بسیاری از تحولات جهانی، انکار ناپذیر است و ICT یکی از مهم‌ترین ابزارها و بسترهای توسعه همه جانبه مدیریت اطلاعات از طریق تولید، پردازش، توزیع و مبادله اطلاعات را فراهم می‌کند.
وی برای دستیابی به شاخص‌ها و ابزارهای توسعه ارتباطات و اطلاعات منطبق بر استانداردهای جهانی، کشور را نیازمند نگرش کلان، اصولی و غیر نمایشی به پدیده ICT عنوان کرد و گفت: با نهادینه و اجرایی کردن مفاهیم دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک، می‌توان به دستیابی ایران به عنوان کشور در حال توسعه ICTو حتی توسعه یافته در این فناوری امیدوار بود.
رئیس کمیسیون بانوان اتاق بازرگانی و صنایع ومعادن اصفهان با تاکید بر لزوم تقویت نقش کارآفرینی زنان در جامعه برای دستیابی به توسعه اقتصادی ادامه داد: سیاست‌های حمایتی مناسب برای تقویت ویژگی‌های کارآفرینانه و ادامه این روحیه در میان زنان، از اهمیت کلیدی برخوردار است به ویژه آنکه امروزه در عرصه جهانی، زنان خلاق، نوآور و مبتگر به عنوان کارآفرین، منشاء تحولات بزرگی در زمینه‌های صنعتی، تولیدی و خدماتی شدهاند و نقش آنان به عنوان موتور توسعه اقتصادی تعریف شده است.
وی با اشاره به اینکه چرخهای توسعه اقتصادی همواره با توسعه کارآفرینی به حرکت در می‌آیند، تصریح کرد: از این رو پرورش نیروهای خلاق یکی از نیازهای مهم صنعت، خدمات و دانشگاه بوده و در عصر حاضر که عصر دانایی، خلاقیت و تلفیق اندیشه هاست، توجه به کارآفرینی در توسعه و پیشرفت بسیار اهمیت دارد.
به گفته زهرا اخوان در حال حاضر زنان راه خود را پیدا کرده و به حد بالایی از آگاهی و رشد رسیدهاند و به سختی فعالیت‌های خود را ادامه می‌دهند گرچه با مشکلات فراوانی روبرو هستند.
وی افزایش توجه حوزه حاکمیت و دلتمردان و تصمیم گیران به این موضوع حساس در جامعه را زمینه ساز بروز استعدادهای زنان و دختران کارآفرین دانست و بیان داشت: برای تعیین میزان تاثیر فعالیت‌های بانوان در عرصه تجارت، مطالعه‌ای درباره فعالیت و دارایی ۵۰۰ شرکت تجاری

صورت گرفته و نتایج آن نشان می‌دهد در شرکت‌هایی که زنان در هیات مدیره حضور دارند، بازگشت سرمایه بیشتر است.

حمایت زندانیان سیاسی - عقیدتی زندان رجایی شهر از رضا شهابی

اعتصاب غذای زندانیان سیاسی زنگ خطری است که برای مسئولان و زندانبانان به صدا در می آید. زیرا که اعتصاب آخرین راه اعتراض زندانی سیاسی به وضعیت نامساعد و شرایط نامناسب اوست و از این طریق میکوشد تا صدای اعتراض و خواسته خود را به گوش همگان برساند. چندیست که با خبر شدیم، آقای رضا شهابی کارگر شرکت واحد (عضو سندیکای کارگران شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه) در اعتراض به عدم رسیدگی پزشکی به وضعیت سلامتی‌اش دست به اعتصاب غذا و دارو زده است. او که تا چندی پیش در بیمارستان بستری بود و علی رغم عدم تکمیل معالجات به زندان بازگردانده شده است ، در حال حاضر از بیماری رنج می برد و مسئولین زندان باوجود نیاز فوری او برای معالجه و درمان از اعزام ایشان به مراکز درمانی خودداری میکنند.
ما زندانیان سیاسی عقیدتی زندان رجایی شهر ضمن اعتراض به بی توجهی مسئولین نسبت به سلامتی رضا شهابی، هشدار می دهیم که اعتصاب غذا برای وی خطرجانی دارد و مسئولیت هر اتفاقی که برای شهابی رخ دهد، برعهده مسئولین است. ما خواستار رسیدگی فوری به خواسته های رضا شهابی، موافقت با مرخصی وی و رسیدگی به وضعیت سلامتی او هستیم تا هرچه سریع تر به اعتصاب خود پایان دهد.

۱. کامران رحیمیان - ۲. کیوان رحیمیان - ۳. وحید تیزفهم - ۴. مینایی - ۵. جمال الدین خانجانی - ۶. بهروز توکلی - ۷. کورش ریاحی - ۸. روانبخش - ۹.رحیم الیاسی - ۱۰. رضا شریفی بوکانی - ۱۱. افشین حیرتیان - ۱۲. خالد حردانی - ۱۳. رسول بداغی - ۱۴. محمد علی منصوری - ۱۵.شاهرخ زمانی - ۱٦. محمد امیرخیزی - ۱۷. علی جباری - ۱۸. صالح کهن دل - ۱۹. جعفر اقدامی (شاهد) - ۲۰. افشین بایمانی ۲۱. عباس بادفر - ۲۲. داود مینایی - ۲۳. رضا مشهدی - ۲٤. افشین سماواتی - و...
۱۰/۱۰/۱۳۹۱
توضیح کمیته حمایت از شاهرخ زمانی:
تعدادی دیگر از اسامی امضا کنندگان بیانیه، در حین انتقال بیانیه ناخوانا شده است هر زمانی که اسامی به دستمان رسید در اولین فرصت افزوده خواهند شد .

تکثیر از کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
۱٦/۱۰/۱۳۹۱

شورای دفاع ازجنبش کارگری درایران ـ گوتنبرگ برگزارمیکند:

درجهت روشنگری درسطح جنبش کارگری درایران، سلسله مباحثاتی را میان سازمانها وجریانات سیاسی چپ وفعالین منفرد بانگرش سوسیالیستی،کارگری برگزار کند .

ـ ارزیابی کنونی ازجنبش کارگری **۱**
ـ تشکل یابی کارگران درایران **۲**
ـ کارعلنی وقانونی وغیرعلنی **۳** ....
ـ وظایف جنبش سوسیالیستی در قبال جنبش کارگری **۴**
ـ تحزب گرائی و افق حزب کارگری ، کمونیستی درایران **۵**

(سمینار اول : دعوت ازحزب کمونیست کارگری (حکمتیست
و
سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)- کمیته اجرائی

زمان : شنبه پنجم ژانویه ۲۰۱۳ از ساعت ۱۶ الی ۲۰
مکان : سالن اجتماعات هاگا بیو
. از همه علاقمندان دعوت میکنیم در این سمینار و پرسش و پاسخ حضور بهم رسانید
شورای دفاع ازجنبش کارگری در ایران ـ گوتنبرگ

افت نزدیک به ۵ میلیارد دلاری واردات ایران

به گزارش سایت بخش فارسی بی بی سی در 16 دی آمده است : بنا به گزارش تازه گمرک ایران، میزان واردات ایران از کشورهای خارجی در نه ماهه اول سال جاری در مقایسه با نه ماهه نخست سال ۱۳۹۰ به اندازه ٤ میلیارد و ۷۱٦ میلیون دلار پایین آمده است.
در عین حال مطابق آمار گمرک ایران، صادرات غیرنفتی ایران در این مدت به اندازه ٤٦۲ میلیون دلار زیاد شده است. هرچند گزارش‌ها حاکی از این است که صادرات نفتی ایران به دلیل تحریم‌های یک جانبه اتحادیه اروپا و ایالات متحده به شدت پایین آمده است.
اوایل سال جاری خورشیدی میزان صادرات نفت ایران در حدود ۲ میلیون ۵۰۰ هزار بشکه در روز بود، اما مقام‌های رسمی اعلام کرده‌اند که با اجرای تحریم‌های نفتی که اوایل تابستان شروع شد، میزان صادرات نفت ایران به حدود ۸۰۰ هزار بشکه در روز رسیده است.
گندم، شمش آهن و فولاد، ذرت و کنجاله سویا و برنج کالاهای عمده‌ای هستند که به ترتیب بیشترین حجم واردات ایران را تشکیل مي‌دهند.
امارات متحده عربي، چین و ترکیه به ترتیب با حدود ۲۰، ۱۵و ۱۰درصد از کل واردات ایران، از این کشورها تامین می شود.
میعانات گازی و محصولات پتروشیمی نزدیک به نیمی از ارزش کالاهای صادراتی ایران را تشکیل مي‌دهند و عراق، چین، امارات متحده عربي، افغانستان و هند مشتریان عمده کالاهای ایرانی هستند.
نزدیک به ۲درصد کل واردات این نه ماهه ایران را خودروی سواری تشکیل مي‌دهد. ارزش هر خودروی وارداتی به طور متوسط نزدیک به ۲٤ هزار دلار بوده است. ارزش کل خودروهای وارداتی به ایران ۷۰٦ میلیون دلار بوده که ۷٤ میلیون دلار بیشتر از واردات خودرو در مدت مشابه سال قبل است.
واردات خودروهای لوکس به ایران انتقادات زیادی را برانگیخته است، به ویژه که مقامات وزارت بهداشت ایران از وضعیت واردات کالای حساسی چون دارو ابراز نگرانی مي‌کنند.
ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا برای اعمال فشار بر ایران برای متوقف کردن برنامه هسته‌ای تحریم‌های گسترده‌ای علیه صنعت نفت و نظام مالی ایران وضع کرده‌اند. برخی مقامات ایرانی مي‌گویند تحریم‌ها تاثیر چندانی بر اقتصاد ایران ندارد.
با این حال به نظر مي‌رسد که افت نزدیک به ۵ میلیارد دلاری واردات ایران در نه ماهه گذشته با این تحریم‌ها مرتبط باشد.

کشته و زخمی شدن ۵ کارگرشهرداری تهران درتصادف

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر،در 17 دی آمده است : مدیر روابط عمومی اورژانس تهران گفت: براثر تصادف یک دستگاه پراید با کارگران شهرداری یک نفر کشته و ۴ نفر زخمی شدند.
حسن عباسی اظهار داشت: ساعت ۱۲:۲۰ دقیقه امروز تکنسین های اورژانس در جریان تصادف مرگبار خودروی پراید با کارگران شهرداری قرار گرفتند.
با حضور امدادگران اورژانس مشخص شد لحظاتی قبل یک دستگاه پراید بعد از از دست دادن کنترل با کارگران شهرداری که مشغول کار در حاشیه اتوبان بودند، برخورد کرده است. به گفته مدیر روابط عمومی اورژانس تهران در این حادثه 5 کارگر شهرداری مجروح شدند که متاسفانه یک نفر از آنها به علت شدت جراحات جان خود را از دست داد و ۴ مصدوم دیگر به بیمارستان فیاض بخش اعزام شدند.

تجمع اعتراضی کارگران صنایع پوشش ایران در مقابل کارخانه

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 17 دی آمده است : بیش از ۵۰ نفر ازکارگران گروه صنایع پوشش ایران به نمایندگی از سایر کارگران دیگر کارخانجات این شرکت، صبح امروز - شنبه 16 دي‌ماه - در اعتراض به عدم اجرای قانون بازنشستگی پیش از موعد و يك ماه تاخیر سازمان‌مند (سیستماتیك) در پرداخت حقوق، مقابل درب ورودی کارخانه تجمع کردند.
یکی از کارگران شرکت پوشش حاضر در این تجمع، به خبرنگار ایلنا گفت: ورشکستگی این کارخانه به دلیل بارش سنگین برف در سال 83 بود که بسیاری از صنایع گیلان را نابود کرد.
این کارگر افزود: در آن زمان این کارخانه در حال واگذاری به بخش خصوصی بود که با وقوع این حادثه طبیعي، دیگر نتوانست همچون گذشته تولید داشته باشد.
گفتنی است کارگران معترض در این تجمع پارچه‌نوشته‌هایی با مضمون «تا زمانی که تکلیف نهایی کارگران در مورد بازنشستگی مشخص نشود حق فروش ابزار تولید و آهن آلات را ندارید» و «دست تخریب گران صنعت را از این مجموعه کوتاه کنید» در دست داشتند.

کارفرما: مطالبات کارگران قانونی نیست
«نصرت الله صمدی» مدیر عامل شرکت صنایع پوشش ایران در گفتگو با ایلنا، ضمن تایید تجمع تعدادی از کارگران این کارخانه گفت: تعدادی از کارگران مجموعه صنعتی پوشش ایران در مقابل درب کارخانه دست به تجمع زده‌اند و خواستار دریافت حقوق معوقه و بازنشستگی پیش از موعد هستند.
او افزود: ۱۱۵ کارگر رسمی صنایع پوشش ایران خواستار بازنشستگی پیش از موعد خود هستند اما فقط توانستیم تعداد ۲۰ نفر از کارگران متقاضی حائز شرایط را بازنشسته کنیم.
او اضافه کرد: کارگران در حالی درخواست بازنشستگی دارند که این امکان از لحاظ قانونی برایشان فراهم نیست.
رییس هیئت مدیره شرکت صنایع پوشش ایران ادامه داد: در صورت مهیا شدن شرایط بازنشستگي، همه کارگران دارای شرایط را بازنشسته خواهیم کرد.
صمدی در مورد معوقات حقوقی کارگران گفت: سیستم پرداخت حقوق به کارگران از اول به این صورت بود که ما یک ماه از پرداخت حقوق به کارگران عقب بودیم (به عنوان مثال حقوق دی ماه را بهمن ماه پرداخت مي‌کنیم) و این روال در گذشته وجود داشته و تا هم اکنون هیچ مشکلی در این زمینه نداشته‌ایم.

او افزود: مجموعه چهار کارخانه پوشش ایران بعد از برف سال ۸۳ بطور کامل تخریب شد و ما توانستیم بر خلاف وعده‌های دولت برای کمک به واحدهای تخریب شده، با سرمایه کارخانه، سالن بافندگی این مجموعه را راه اندازی کرده و اشتغال بخشی از کارگران خود را حفظ کنیم.
به گفته صمدی در صورت حمایت دولت، صنایع پوشش ایران به مرور با راه اندازی بخش‌های جدید مي‌تواند تا سه سال آینده، سه هزار اشتغال ایجاد کند.
او در زمینه مشکلات تهیه مواد اولیه و ابزار تولید گفت: تهیه مواد اولیه و خرید ماشین آلات نیز با توجه به شرایط اقتصادی نامناسب کشور بسیار دشوار شده ولی تا هم اکنون سعی کرده‌ایم برای حفظ تولیدمان آن‌ها را با هر قیمتی تهیه کنیم.
مدیر عامل کارخانه پوشش ایران یکی دیگر از مشکلات این واحد تولیدی را افزایش قیمت حامل‌های انرژی عنوان کرد و گفت: افزایش حاملهای انرژی به ویژه افزایش قیمت برق بسیار سرسام آور بوده و دولت تا کنون در این زمینه هیچ حمایتی از ما نکرده است.
او ادامه داد: تخمین خسارت برف سال ۸۳ به این مجموعه صنعتی ۲۰ میلیارد تومان بود که در این زمینه دولت قول مساعد داده بود با حمایت‌های خود و تسهیلات بانکی به نوعی خسارت‌ها را جبران کند که متاسفانه هیچکدام از این وعده‌ها عملی نشد.
صمدی با بیان اینکه «ما هیچ مشکلی با کارگران و درخواست‌هاي‌شان نداریم» اظهار داشت: بر آورده شدن خواسته‌های کارگران باید قانونی و مستند باشد و در بعضی موارد خواسته کارگران قانون نیست.
رییس هیئت مدیره کارخانجات پوشش ایران در خاتمه از مسئولان استانی تقاضای حمایت از احداث پروژه‌های در حال ساخت را مطرح کرد و افزود: همکاری تمامی سازمان‌ها در رفع

مشکلات و موانع کارخانه در زمینه ساخت و بازسازی و احیای صنایع پوشش ایران ضروری است در غیر اینصورت مشکلات همچنان وجود خواهد داشت.

تجمع رانندگان شرکت واحد تهران در مقابل اداره کار شمال غرب در اعتراض به عملکرد شورای اسلامی کار

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 17 دی ماه آمده است : در پی شکایت دو نفر از کارگران سامانه یک شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از شورای اسلامی این شرکت، حدود 70 نفر از رانندگان شرکت واحد با خواست انحلال نهاد شورای اسلامی کار و حمایت از همکاران خود دست به تجمع در مقابل اداره کار شمال غرب تهران زدند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، آقایان وحید فریدونی فر و عبدالله حسینی در اعتراض به عملکرد ضد کارگری شورای اسلامی شرکت واحد تهران شکایتی را علیه این نهاد به اداره کار شمال غرب تسلیم کردند. رسیدگی به این شکایت قرار بود دو هفته پیش انجام گیرد اما به دلیل به حد نصاب نرسیدن اعضای هیات موضوع ماده 22 ، رسیدگی به این شکایت به امروز 17 دی ماه موکول شد.
بنا بر این گزارش همزمان با حضور آقایان وحید فریدونی فر و عبدالله حسینی در اداره کار شمال غرب تهران حدود 70 نفر از رانندگان شرکت واحد نیز در حمایت از همکاران خود و اعتراض به عملکرد ضد کارگری شورای اسلامی کار شرکت واحد دست به تجمع در مقابل این اداره زدند و خواهان انحلال این نهاد ضد کارگری شدند.
در جلسه امروز هیات موضوع ماده 22 در حالی که این هیات مشغول رسیدگی به شکایت آقایان وحید فریدونی فر و عبدالله حسینی بود یکی از اعضای شورای اسلامی شرکت واحد به نام محمدرضا جورابی در حمایت از کارگران شاکی در حضور هیات موضوع ماده 22 استعفای خود را از این نهاد اعلام کرد و سپس با حضور در میان کارگران تجمع کننده به انتقاد از عملکرد شورای اسلامی کار پرداخت و در همبستگی با همکاران خود اعلام نمود از آنجا که ما در شورای اسلامی شرکت واحد جهت صدور رای بر علیه کارگران تحت فشار هستیم و من نمیتوانم به رایی که کارگران برایم داده اند کاری بکنم بدینوسیله از شورای اسلامی کار شرکت واحد تهران استعفا میدهم.
بنا بر اظهار کارگران تجمع کننده در مقابل اداره کار شمال غرب تهران، شورای اسلامی شرکت واحد تهران راسا و بطور مداوم دست به اخراج کارگران و تضیع حقوق آنان میزند و مستقیما به عنوان عامل کارفرما بر علیه کارگران اقدام میکند.
آقایان حسن سعیدی، وحید فریدونی، ناصر محرم زاده و علی نوریانی پس از اینکه شورای اسلامی کار شرکت واحد در تبعیت و همکاری با کارفرما کاری برای اعمال ده درصد حق جذب کارگران شرکت واحد انجام نداد و این کارگران برای دستیابی به حقوق حقه خود دست به جمع آوری امضا و تجمع در مقابل شورای شهر تهران زدند توسط کارفرما و با همکاری شورای اسلامی شرکت واحد از کار خود اخراج شدند.
لازم به یادآوری است بدنبال این اعتراضات از سوی کارگران شرکت واحد تهران در مورد ده درصد حق جذب، بخشنامه اعمال ده درصد حق جذب بعلاوه 8 درصد حق طبقه بندی مشاغل صادر شد و قرار است بزودی به حساب کارگران شرکت واحد واریز شود.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – 17 دی ماه 1391

جایگزینی ۵۰ درصد ظرفیت تولید کشور با واردات

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 17 دی آمده است : نماینده لنگرود در مجلس از عملکرد دولت در تحقق شعار «تولید ملي، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» انتقاد کرد و عدم پرداخت ۲۰ هزار میلیارد تومان سهم تولید در قانون هدفمندی یارانه‌ها از جانب دولت را ضربه‌ای به بخش اشتغال دانست.
مهرداد بائوج لاهوتی در گفتگو با خبرنگار ایلنا در گیلان، به ارزیابی عملکرد دولت در تحقق شعار امسال پرداخت و اظهار کرد: تورم موجود در جامعه ناشی از عدم حمایت دولت از تولید کنندگان داخلی است.

۵۰ درصد ظرفیت تولید کشور خالی است

عضو کمیسیون عمران مجلس، با اشاره به خالی ماندن ۵۰ درصد ظرفیت تولید، تصریح کرد: اگر دولت به طور صحیح از تولید کنندگان کشور حمایت مي‌کرد، امروز ۵۰ درصد از ظرفیت تولید ایران خالی نبود.
او با بیان خالی ماندن این میزان ظرفیت تولید سبب تشدید واردات به کشور شده است، ادامه داد: بي‌قانونی دولت در پرداخت سهم تولید در قانون هدفمندی یارانه‌ها باعث کاهش ظرفیت تولید به این میزان شده است و با وجود جایگزینی واردات، بازرگرداندن وضعیت تولید به شرایط قبل سخت خواهد بود.
عضو مجمع نمایندگان گیلان در دوره‌های هشتم و نهم مجلس تاکید کرد: مجلس در سال گذشته و امسال در بودجه سالیانه در مجموع ۲۰ هزار میلیارد تومان برای پرداخت به بخش تولید کشور پیش بینی و تصویب کرد ولی دولت این مصوبه را اجرا نکرد و مبلغی به تولیدکنندگان نپرداخت.
بائوج لاهوتی با بیان اینکه «تورم را به تولیدکنندگان تحمیل کردیم ولی حمایتشان نکردیم»، متذکر شد: عدم پرداخت ۳۰ درصد سهم تولید در قانون هدفمندی توسط دولت، سبب شد با خالی شدن ۵۰ درصد ظرفیت تولید کشور و جایگزین شدن واردات، بیکاری افزایش شدیدی پیدا کند.

وضعیت سه دانش آموز پیرانشهری وخیم است، باید به خارج اعزام شوند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 17 دی آمده است: پس از مرگ دو دانش آموز پیرانشهري، نماینده ارومیه در مجلس شورای اسلامی در خصوص وضعیت سه دانش آموز مدرسه شین آباد تذکر داد و گفت: وضعیت این ۳ دختر به گونه ای وخیم است که باید حتما به خارج از کشور اعزام شوند.
به گزارش خبرنگار پارلمانی ایلنا در حالی که وزیر آموزش و پرورش ادعا کرده بود نیازی به اعزام آنان به خارج از کشور نیست، نادر قاضی پور با استناد به اصل سوم قانون اساسی در همین زمینه اظهار داشت: باید هر چه زودتر زمینه اعزام این سه دانش آموز به خارج از کشور فراهم شود.
قاضی پور ادامه داد: بدانید که وضعیت ۳ دانش آموز این مدرسه که دختر هم هستند وخیم است و باید به آنها رسیدگی شود.
این نماینده مجلس در پایان خطاب به لاریجانی گفت: شما به عنوان رئیس مجلس و من به عنوان رئیس مجمع نمایندگان ارومیه باید با هماهنگی وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی زمینه اعزام به خارج این سه دختر دانش آموز را فراهم کنیم.

شورای دفاع ازجنبش کارگری درایران ـ گوتنبرگ برگزارمیکند:

درجهت روشنگری درسطح جنبش کارگری درایران، سلسله مباحثاتی را میان سازمان ها وجریانات سیاسی چپ وفعالین منفرد بانگرش سوسیالیستی،کارگری برگزار کند .

۱ـ ارزیابی کنونی ازجنبش کارگری

۲ـ تشکل یابی کارگران درایران

۳ـ کارعلنی وقانونی وغیرعلنی ....

۴ـ وظایف جنبش سوسیالیستی در قبال جنبش کارگری

۵ـ تحزب گرائی و افق حزب کارگری ، کمونیستی درایران
سمینار اول : دعوت از:

حزب کمونیست کارگری (حکمتیست)(وسازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)- هیئت اجرائی
زمان : شنبه پنجم ژانویه ۲۰۱۳ از ساعت ۱۶ الی ۲۰
مکان : سالن اجتماعات هاگا بیو
از همه علاقمندان دعوت میکنیم در این سمینار و پرسش و پاسخ حضور بهم رسانید .
شورای دفاع ازجنبش کارگری در ایران ـ گوتنبرگ

کارگران کارخانه قند و نیشکر اهواز، بار دیگر در اعتراض به عدم دریافت حقوق خود تجمع کردند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه، گروه کارگری در 17 دی آمده است : بیش از ۷۰ کارگر کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز، صبح امروز یک شنبه -۱۷دی ماه- برای چندمین بار طی سال جاری در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۵ ماهه خود در مقابل درب ورودی ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.
به گزارش ایلنا، هوشنگ طاهري، عضو شورای اسلامی کار کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که در این تجمع حضور یافته است، با اعلام این خبر گفت: بیش از ۷۰ کارگر این کارخانه بیش از ۲۵ ماه است که به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق نگرفته‌اند.
او افزود: یکی دیگر از دغدغه‌های این کارگران، عدم پرداخت حق بیمه و تمدید نشدن دفترچه‌های درماني خانواده‌هاي‌شان است.
به گفته این فعال کارگري، معوقات بیمه‌ای این کارگران در سال گذشته به مدت هشت ماه و در سال اخیر (۹۱) به دو ماه رسیده است.
طاهری ادامه داد: ۳۰ نفر از کارگران این واحد تولیدی که در آستانه بازنشسته شدن هستند نیز به جهت اینکه لیست بیمه‌ای معوقه و جاري‌شان به تامین اجتماعی پرداخت نشده است در این خصوص دچار مشکل شده‌اند.
او با اشاره به اینکه تا کنون کارگران این کارخانه چندین بار جهت دریافت مطالبات قانونی خود دست به تجمع زده‌اند، اظهار داشت: با اینکه تجمع و اعتراضاتی در خصوص حل مسائل صنفي‌مان انجام داده‌ایم متاسفانه تاکنون با بي‌توجه‌ای مسئولان مواجه شده‌ایم.

کارگران قند اهواز امروز هم تجمع کردند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 17 دی آمده است : بیش از ۷۰ کارگر کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز، صبح امروز -۱۷دی ماه- برای چندمین بار طی سال جاری در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۵ ماهه خود در مقابل درب ورودی ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.
به گزارش ایلنا، هوشنگ طاهری، عضو شورای اسلامی کار کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که در این تجمع حضور یافته است، با اعلام این خبر، گفت: بیش از ۷۰ کارگر این کارخانه بیش از ۲۵ ماه است که به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق نگرفته‌اند.
او افزود: یکی دیگر از دغدغه‌های این کارگران، عدم پرداخت حق بیمه و تمدید نشدن دفترچه‌های درمانی خانواده‌های‌شان است.
به گفته این فعال کارگری، معوقات بیمه‌ای این کارگران در سال گذشته به مدت هشت ماه و در سال اخیر (۹۱) به دو ماه رسیده است.
طاهری ادامه داد: ۳۰ نفر از کارگران این واحد تولیدی که در آستانه بازنشسته شدن هستند نیز به جهت اینکه لیست بیمه‌ای معوقه و جاری‌شان به تامین اجتماعی پرداخت نشده است در این خصوص دچار مشکل شده‌اند.
او با اشاره به اینکه تا کنون کارگران این کارخانه چندین بار جهت دریافت مطالبات قانونی خود دست به تجمع زده‌اند، اظهار داشت: با اینکه تجمع و اعتراضاتی در خصوص حل مسائل صنفی‌مان انجام داده‌ایم متاسفانه تاکنون با بی‌توجه‌ای مسئولان مواجه شده‌ایم.

کارخانه صنعت هود گیلان در آستانه تعطیلی

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا / گیلان در 17 دی آمده است :رئیس هیات مدیره اتحادیه‌های تعاوني‌های صنعتی گیلان هشدار داد: به دلیل عدم حمایت مسئولین در مورد بدهي‌های معوقه کارخانه صنعت هود گیلان، این کارخانه با ۵۰ کارگر در آستانه تعطیلی قرار دارد.
محمد بابا علیان، کافرمای این کارخانه در گفتگو با خبرنگار ایلنا در گیلان، اظهار کرد: شرکت صنعت هود گیلان در گذشته بیش از ۱۴۰ کارگر تحت پوشش بیمه تامین اجتماعی داشت ولی متاسفانه اکنون با تعدیل نیروی صورت گرفته، ۵۰ کارگر مشغول به کارند.
این کارفرما ادامه داد: در هنگام تعدیل تدریجی ۹۰ کارگر، هیچ کدام از مسئولین از من نپرسیدند چرا کارگران را بیکار مي‌کني؟ کسی پي‌گیری نکرد مشکل تو به عنوان تولید کننده چیست که کاهش نیرو را در دستور کارت قرار داده‌ای.
این تولید کننده اسکلت‌های پیش ساخته پیچ و مهره‌ای در گیلان همچنین ادامه داد: شرکت صنعت هود گیلان در سالهای ۷۸ و ۸۰ حتی توانست به کشور رومانی صادرات انجام دهد، اما متاسفانه به دلیل عدم ثبات مواد اولیه، شرکت صنعت هود گیلان این بازار خوب خارجی را از دست داد.
بابا علیان ازجمله مهم‌ترین مشکلات حال حاضر این کارخانه را نداشتن سرمایه در گردش عنوان کرد و گفت: قول‌های مساعد استانداری گیلان و فرمانداری شفت جهت رفع مشکل دارایی و تامین اجتماعی شرکت صنعت هود گیلان تا کنون بي‌فایده بوده است.
این کارفرما با اشاره به بدهی ۳۰۰ میلیون تومانی ۲۱ سال گذشته به تامین اجتماعی بابت بیمه کارگران، ادامه داد: میزان بدهي‌های این شرکت به دارائی حدود ۲۰۰ میلیون تومان و در مجموع مدیریت شرکت صنعت هود گیلان حدود یک میلیارد و یکصد میلیون تومان به دولت بدهکار است و با این شرایط دیگر توان ادامه دادن نداریم.
او در خاتمه اظهار داشت: هم اکنون حدود ۵۰ نیروی انسانی در شرکت صنعت هود گیلان مشغول به فعالیت هستند که حقوق آنان با تاخیر پرداخت مي‌شود.

توضیح ایلنا
هرچند شرایط سختی که بر تولید و کارفرمایان تحمیل مي‌شود قابل انکار نیست، اما واسطه قرار دادن کارگران برای دریافت تسهیلات از دولت، نه تنها مورد تایید ایلنا نیست که روزانه چندین خبر را با تشخیص این سوءاستفاده از دستور کار خود خارج مي‌کنیم. اما با توجه به نکات قابل تاملی که در این گفتگو وجود دارد، از جمله بدهی ۳۰۰ میلیونی بیمه کارگران به تامین اجتماعی و همچنین اظهارات صادقانه این کارفرما درباره بازخواست نشدنش هنگام اخراج تدریجی ۹۰ کارگر، قضاوت را به عهده مخاطبان گذاشته و تصمیم به انتشار این خبر گرفتیم.

صدورمجوز استخدام ۱۰ هزار نفر در سازمان حفاظت محیط زیست

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 17 دی آمده است : رئیس سازمان حفاظت محیط زیست از اخذ مجور استخدام ۱۰ هزار نیروی انسانی در سازمان خبر داد.
به گزارش ایسنا، محمدی زاده گفت: سازمان حفاظت محیط زیست ازگذشته در نحوه اتصال نیروها بسیار متکثر و متفاوت عمل می کرد، به همین دلیل در نحوه دریافت نیروها بسیار متفاوت بوده است که این موضوع برای دو نیروئی که در شرایط مساوی که باهم کار می کردند قابل درک نیست و تبعات این مسئله هم برای همکاران از نظر روحی آسیب پذیر است و هم در فضای رسانه ای ما متهم هستیم که چرا امورات مربوط به کارکنان را انجام نمی دهیم.
معاون احمدی نژاد گفت: باید حوزه صید وشکار را مدیریت کنیم نه نگاه افراط گرایانه داشته باشیم و با هر گونه صید و شکار مخالف باشیم به این نحو که نه این قانون را قفل کنیم و نه بی رویه مجوز صید و شکار صادر کنیم.
رییس سازمان حفاظت محیط زیست تاکید کرد: ماموریت ما مدیریت صید و شکار است. افراط و تفریط در این حوزه فقط دست سودجویان را باز می کند .

نامه اعتراضی جمعی از فعالان کارگری سمنان به رئیس مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 17 دی آمده است : جمعی از اعضای شورای اسلامی کار و خانه کارگر سمنان به نمایندگی از کارگران استان با ارسال نامه‌ای به رئیس قوه مقننه، از رئیس مجلس شورای اسلامی خواستار توجه به عدم رعایت اصل سه جانبه گرایی و بی توجه‌ای به نظرات نمایندگان واقعی کارگران در تدوین لوایح اصلاح قانون کار و تامین اجتماعی

شدند.
در این نامه که به امضای روئسای شوراهای استان سمنان رسیده آمده است: علي‌رغم اینکه بیش از نیمی از جمعیت این کشور را قشر کارگر و خانواده آن‌ها تشکیل مي‌دهند ولی تبعیض و برخی بي‌عدالتي‌هایی که در اجتماع بر این قشر وارد شده زمینه فاصله طبقاتی را فراهم آورده که مي‌توان به پایین بودن سطح دستمزدها، افزایش نرخ تورم ۱۰۰ درصدی در جامعه، عدم برخورداری جامعه کارگری از سهام عدالت، عدم امنیت شغلی کارگران و استمرار قراردادهای موقت اشاره کرد.
به گفته نمایندگان کارگران در شرایطی که جامعه کارگری تلاش مي‌کنند در سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی اهداف نظام را محقق کنند و با وجدان کاری مضاعف، دشمنان این مرز و بوم را ناامید و مایوس مي‌کنند، عده‌ای سعی مي‌کنند تمامی ناکامي‌ها و مشکلات اقتصادی و موانع پیش روی تولید را به قشر شریف کارگری نسبت داده و مي‌روند تا با اصلاح قانون کار و اصلاح قانون تامین اجتماعی ضمن محروم ساختن کارگران از حقوق حقه خود، زمینه برده داری نوین را فراهم آورند.
در خاتمه تشکلات کارگری استان سمنان ضمن انتقاد از تغییرات ایجاد شده درلایحه اصلاح قانون کار و تامین اجتماعي، افزوده‌اند: ما تشکلات کارگری استان سمنان به نمایندگی از سایر کارگران استان نسبت به تغییر و اصلاح در قوانین کار و تامین اجتماعی که بر مبنای اصل سه جانبه گرایی و بدون نظر نمایندگان کارگران تدوین شده است معترضیم.

شکایت دو کارگر شرکت واحد از شورای اسلامی کار/ شوراهای اسلامی کار به اهرمی برای فشار بر کارگران تبدیل شده‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 17 دی آمده است : در پی شکایت دو تن از کارگران سامانه یک شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از شورای اسلامی کار این کارگاه، دومین جلسه هیات موضوع ماده ۲۲ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار در اداره کار شمال غرب تهران تشکیل شد.
وحید فریدونی فر و عبدالله حسینی از کارگران راننده شاغل در سامانه یک شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که به تازگی علیه شورای اسلامی کار این واحد در هیات موضوع ماده ۲۲ اداره کار شمال‌غرب اقامه دعوی کرده‌اند، به خبرنگار ایلنا گفتند: در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، اعضای شوراهای اسلامی کار رسالت صنفی خود را فراموش کرده و به اهرمی برای فشار بر کارگران تبدیل شده‌اند.
به گفته این کارگران، هر چند ساختار شوراهای اسلامی کار با استانداردهای تشکلهای مستقل صنفی مغایرت‌هایی دارد، اما اعضای شوراهای اسلامی کار مي‌توانند در مواردی چون اخراج کارگر، دریافت اضافه کاری و فوق العاده روزهای تعطیل و تغییر محل کار کارگر از حقوق صنفی کارگران دفاع کنند.
شاکیان شورای اسلامی کار سامانه ۱ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه افزودند: متاسفانه در این کارگاه مسئولان شورای اسلامی کار وظایف صنفی خود را فراموش کرده‌اند.
این کارگران با بیان اینکه حدود دو هفته پیش نیز نخستین جلسه هیات موضوع ماده ۲۲ برای رسیدگی این شکایت تشکیل شد، افزودند: این جلسه به دلایلی چون عدم حضور تمامی اعضا به امروز موکول شد.
کارگران شاکی همچنین یادآور شدند: در خصوص اعتراض به نحوه عملکرد شورای اسلامی کار ناحیه ۱ شرکت واحد اتوبوسرانی تاکنون تعداد دیگری از کارگران این کارگاه شکایات مشابهی را در هیت موضوع ماده ۲۲ مطرح کرده‌اند.

« با سه نفر از آن سیصد نفر احتمالی رئیس جمهور آشنا شوید/ یک نفر ۲،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ تومان تسهیلات گرفته و مالک ۳۲ شرکت است و اسکله‌های خصوصی دارد »

به نوشته سایت تابناک در تاریخ 17 دی آمده است : سخنان متفاوت احمدي‌نژاد رئیس‌جمهور درباره اقتصاد ایران، بر صحنه سیاست ایران در هفته‌های اخیر سایه افکنده است. وی در گفت‌وگوی تلویزیونی خود، «دیگران» را در مسأله بدهي‌های معوق مورد حمله قرار داد.
به گزارش «تابناک»، یازدهم دی ماه در همایش ملی ابعاد اجرایی سیاست‌های کلی اصل ۴۴

قانون اساسي، با بيان اين كه «فضاى عمومى معنايش اين نيست كه تمام اقتصاد براى چند نفر باشد»، مدعى شد: اكنون سيصد، چهارصد نفر هستند كه پول و رسانه در دست آنهاست و تا صحبتى مي‌شود و تغييرى مي‌خواهد ايجاد شود، مي‌آيند و پشت تريبون‌ها مي‌گويند اقتصاد به هم ريخته مي‌شود و در واقع بحث از فضاى عمومى اين نيست كه تمام فضا در دست سيصد، چهارصد نفر باشد.
وى سپس به كرمانشاه رفت و در مراسم افتتاح چند طرح عمرانى گفت: «اقتصاد نبايد در دست سه هزار نفر در كشور باشد و در صورت اصلاح اين وضعيت كشور آسيب پذير نخواهد بود».
افزايش تعداد افراد مورد نظر از سيصد نفر به سه هزار نفر با مزاح‌ها و مخالفت‌هايى نيز روبه‌رو شد، ولى يكشنبه هفدهم دى ماه در صحن مجلس و در جريان سؤال از وزير اقتصاد، احمد اميرآبادى فراهانى نماينده قم با بيان اينكه بر اساس اطلاعات دريافتى با بدهكاران بانكى كه تسهيلات سنگينى دريافت كرده‌اند، به درستى برخورد نمي‌شود، اظهار داشت: «گفته مي‌شود فردى بيش از هزار ميليارد تومان تسهيلات گرفته و آن را در بورس كشورهاى عربى سرمايه‌گذارى كرده است و اكنون ورشكست گشته است يا گفته مي‌شود فردى دو هزار ميليارد تومان تسهيلات گرفته و مالك ۳۲ شركت است و اسكله‌هاى خصوصى دارد يا فردى با دوازده هزار ميليارد تومان سرمايه هواپيماى اختصاصى دارد كه تسهيلات سنگين بانكى دريافت كرده است، چرا بانك‌ها سراغ اين افراد نمي‌روند؟ مديران عامل بانك‌ها نسبت به معوقات بانكى احساس مسئوليت نمي‌كنند، فردى ميلياردها تومان صرف ورزش و ساخت و ساز مي‌كند ولى معوقاتش به بانك‌ها را بازپرداخت نمي‌كند»
هر چند سخنان اين نماينده مجلس تاكنون در ميان هياهوى ديگر اخبار پنهان مانده است، جامعه قطعا منتظر خواهد بود تا در اين مورد بيشتر بداند. بدهي‌هاى معوقى كه رقم آن در دوره رياست‌جمهورى احمدي‌نژاد اوج گرفته و هنوز نقش قوانين مجلس، سياست‌هاى دولت و يا بانك‌ها در آن تبيين نشده است.

افزایش 71 برابری قیمت خدمات بهداشتی و درمانی

به نوشته سایت سلامت نیوز در 17 دی آمده است : رییس انجمن علمی اقتصاد بهداشت ایران تاکید کرد:« مقایسه شاخص قیمت‌ها در سال 1388 نسبت به سال 1369 برای تمامی گروه‌ها نشان مي‌دهد که بیشترین افزایش قیمت‌ها متعلق به گروه بهداشت و درمان است که قیمت خدمات بهداشتی و درمانی نسبت به رشد 29 برابری شاخص کل 71 برابر شده است»
به گزارش سلامت نیوز، دکتر محمدرضا واعظ مهدوی در سخنرانی ماهیانه خود در موسسه رحمان با مقایسه شاخص قیمت ها در سایر گروه ها در سال 88 نسبت به سال 69 ، بیشترین افزایش قیمت را متعلق به گروه بهداشت و درمان دانست و گفت:« در حالی که شاخص خوراکی ها در سال 69 معادل 6.1 بوده است این مقدار در سال 88 به 218.6 رسیده و 35 برابر شده است در حقیقت رشد تورم غذا و خوراکی از رشد کل هزینه ها بیشتر بوده است و این نشان دهنده روند افزایش یابنده تورم وهزینه ها است اما این بیشترین مقدار نیست چرا که شاخص کل بهداشت و درمان 71 برابر شده است»

وی همچنین طی یادداشتی در هفته نامه سپید گفته بود:« مقایسه شاخص قیمت‌ها در سال 1388 نسبت به سال 1369 برای تمامی گروه‌ها نشان مي‌دهد که بیشترین افزایش قیمت‌ها به ترتیب متعلق به گروه بهداشت و درمان (71 برابر)، گروه تحصیل (57 برابر) و گروه رستوران و هتل (43 برابر) است.»
دکتر واعظ مهدوی افزود:« این امر نشان‌دهنده این است که شاخص گروه بهداشت و درمان رشدی بیش از 2 برابر شاخص کل نسبت به سال 1369 را تحمل کرده است. تورم و افزایش قیمت‌ها در خدمات بهداشتی و درمانی در سال 1388 نسبت با سال قبل، 9/18 درصد اعلام شده است در حالی که نرخ تورم در شاخص کل در همین سال 7/10 درصد بوده است. رشد شاخص بهداشت و درمان در سال قبل از آن 3/23 درصد و سال 1386 نیز 17 درصد ثبت شده است»
رییس هیات مدیره انجمن اقتصاد بهداشت ایران تاکید کرد:« رشد 71 برابری قیمت خدمات بهداشتی و درمانی نسبت به رشد 29 برابری شاخص کل در فاصله سال‌های 1369 تا 1388، باعث شده تا سهم هزینه‌های بهداشتی و درمانی در سبد هزینه‌های خانوار از حدود 4 درصد در سال 69 به 7 درصد برسد. این امر به معنای این است که خانوارها بار افزایش قیمت خدمات بهداشتی و درمانی را عملا خود تحمل کرده‌اند.»
وی افزود:« این امر سبب شده تا میزان پرداخت از جیب خانوارها به بیش از 60 درصد برسد. این

امر نیز به نوبه خود باعث شده تا 3/2 درصد از خانوارها در سال 1385دچار هزینه‌های کمرشکن (کاتاستروفیک) درمان بشوند»
گفتنی است افزایش پرداخت هزینه های درمان از جیب مردم نتیجه بی توجهی های دولت در اختصاص منابع لازم به بخش سلامت و درمان است و درحالی که روز به روز فشار هزینه های درمانی بر مردم افزایش پیدا می کند اما همچنان دولت از اختصاص 10 درصد درآمدهای کسب شده از هدفمندی یارانه ها به بخش سلامت و درمان خودداری می کند که به گفته بسیاری از نمایندگان مجلس در صورت عمل کردن دولت به این مصوبه مجلس از این وضعیت نامناسب خارج خواهیم شد.

حمایت از خواست برحق رضا شهابی را گسترش دهیم!

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 18 دی آمده است : پنج زندانی سیاسی بند 350 در زندان اوین (فریدون صیدی‌راد، سروش ثابت، سعید جلالی‌فر، یاشار دارالشفاء و سعید حائری) ضمن هشدار جدی نسبت به وضعیت رضا شهابی، کارگر زندانی، اعلام کرده‌اند تا «دستیابی رضا به فرصت رضایت‌بخش درمان» اعتصاب غذا خواهند کرد. همان گونه که پیشتر گفته‌ایم، بی هیچ تردیدی، اعتصاب غذا نوعی خودزنی است.

اما طنز تلخ رو به روی رضا شهابی – و هر زندانی سیاسیِ معترض دیگری – این است که اکنون راه جلوگیری از این خودزنی از مسیر خودِ آن می‌گذرد. اکنون، زندانبان هیچ راه دیگری برای زندانی سیاسیِ معترض باقی نگذاشته است، مگر اعتصاب غذا. و زندانی‌یی که نمی-خواهد به خواست ظالمانه‌ی زندانبان تن دردهد، چاره‌ای جز اعتصاب غذا ندارد. این دیگر حکایت همان تیری است که آرش جان خود را وثیقه‌ی آن کرد تا مسافت هر چه بیشتری را بپیماید. این دیگر هنگامه‌ای است از مرگ و زندگی که در آن کارگری مبارز سینه سپر می‌کند و به استقبال مرگ می‌رود تا به این ترتیب در کله‌ی زندانبان فروکند که از این پس باید با زندانیان سیاسیِ برخورد انسانی داشته باشد.
اما اگر اکنون زندانیان سیاسیِ معترض راهی جز اعتصاب غذا ندارند، کارگران مبارز در بیرون از زندان راه‌های آسان‌تری برای اعتراض دارند. اگر کارگران پتروشیمی اهواز در دل همین شرایط خفقان و اختناق می‌توانند برای مطالبات خود اعتصاب کنند، و اگر کارگران شرکت واحد در این اوضاع بگیر و ببند و بکش می‌توانند در مقابل شورای شهر تهران تجمع کنند و خواهان «حق جذب» شوند، پس آنها از همکار و هم‌طبقه‌ای زندانیِ خود نیز می‌توانند حمایت کنند. به یاد آوریم آن گاه را که ناصر زرافشان – که به «جرم» هویدا کردن اسرار قتل‌های سیاسیِ زنجیره-ای به ناحق پنج سال حبس کشید – در همین زندان اوین و برای همین خواست درمان در بیرون زندان دست به اعتصاب غذا زده بود و اعضای کانون نویسندگان و بسیاری از آزادی-خواهان دیگر به حمایت از او برخاستند و به عنوان اعتراض در مقابل زندان اوین تجمع کردند. آن تجمع، بر بستر پایداری خودِ زرافشان، در درمان کلیه‌ی او در بیرون از زندان مؤثر افتاد، هرچند نه بی درنگ و بلافاصله. اکنون نیز کارگران و انسان‌های آزادی‌خواه می‌توانند از رضا شهابی و خواست برحق او حمایت کنند. همان گونه که همسر زحمت‌کش و فداکار رضا شهابی اعلام کرده است، او چیز زیادی نمی‌خواهد. ادامه‌ی درمان بیماری در شرایط مناسب و رضایت‌بخش کمترین چیزی است که یک زندانی سیاسی می‌تواند و باید مطالبه کند. اما دریغا که ما در چنان جامعه‌ای زندگی می‌کنیم و سرمایه‌داری حاکم چنان شرایطی را بر ما تحمیل کرده است که برای همین خواست حداقلی باید نیرویی حداکثری را بسیج کنیم. اعتراض زندانیان سیاسیِ دیگر و عزم راسخ آنان در حمایت از رضا شهابی را به فال نیک بگیرم و با پیوستن به آن گامیِ در راستای بسیج آن نیروی حداکثری برای مقابله با زورگویی زندانبانان برداریم.
درود بر شرف رضا شهابی و زندانیان سیاسی‌یی که در حمایت از او اعتصاب غذا کرده‌اند!
کمیته‌ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری
18 دی 1391

ضرب‌الاجل دولت برای استخدام 500 هزار نفر در سراسر کشور

به گزارش خبرگزاری دولتی مهردر 18 دی آمده است : عضو هیات تطبیق مصوبات دولت از تلاش دولت برای استخدام 490 تا 500 هزار نفر در سراسر کشور خبر داد و گفت: طرح دولت که به نام " مهر آفرین" مصوب شده، برای کشور بسیار خطرناک است و هیات تطبیق کلیات این مصوبه را مغایر با اصول قانون اساسي، برنامه پنجم توسعه و قانون خدمات کشوری دانست.
محمدرضا خباز در گفتگو با خبرنگار پارلمانی مهر، با اشاره به مصوبه دولت که تحت عنوان " مهرآفرین " منتشر شده است، اظهارداشت: براساس این مصوبه، دولت به مسئولان اجرایی استان و استانداران مجوز و اختیار استخدام نیرو داده است.
وی به مصوبه قبلی دولت برای استخدام 1500 نفر در نهاد ریاست جمهوری اشاره کرد و گفت: رئیس مجلس در نامه ای 6 صفحه ای استدلال های حقوقی و قانونی پیرامون مغایرت این مصوبه را به دولت ابلاغ کرد.
نماینده کاشمر در چهار دوره مجلس شورای اسلامی گفت: با خبر شدیم که دولت در همان تاریخ 29 آذرماه که این مصوبه را پیشنهاد و به تصویب رسانده است، مصوبه دیگری که بسیار خطرناک تر از مصوبه اولی است داشته که براساس آن اختیاراتی به استانداران داده شده تا نیروهایی را استخدام کنند.
وی ادامه داد: این مصوبه هم از نظر قانونی همان ایرادات مصوبه قبلی را دارد. علاوه بر آن ایرادات قبلي، این مصوبه اختیاراتی به استانداری داده که مخل ماده 179 قانون برنامه درباره اختیارات شورای برنامه ریزی استان است.
طبق برنامه پنجم توسعه اعتبارات استانی از مرکز تقسیم نمی شود و زیر نظر شورای برنامه ریزی تقیسم می گردد اما این مصوبه با کمال تاسف مقرر کرده استانداران با استفاده از اختیاراتی در سراسر کشور نیروهایی را به تصمیم خود استخدام کنند.
خباز خاطرنشان کرد: برخلاف مصوبه اول که اختیار استخدام 1500 نفر را به نماینده رئیس جمهور می داد، در این مصوبه عدد و رقمی ذکر نشده است اما در جلسه توجیهی که آقایان دولتی داشته اند ، تاکید کرده اند که این مصوبه با ضرب الاجل و فوری اجرایی گردد، صحبت از استخدام 490 تا 500 هزار نفر در سراسر کشور شده است.
نماینده 4 دوره مجلس گفت: این مصوبه تاسف ما را بیشتر برانگیخت زیرا این استخدام ها قرار است با همان روش غیر قانونی و غیر شرعی در مقیاس بزرگ تر انجام شود.
نماینده سابق کاشمر ادامه داد: این مصوبه با نظر استفساری شورای نگهبان که سال 1381 اعلام شد و در آن شورای نگهبان اعلام نظر کرد که اختیارات هیات وزیران فقط در امور اجرایی است نه موارد دیگر. این مصوبه اختیارات دولت را طبق اصل 127 به استانداران واگذار می کند که خلاف نظر استفساری شورای نگهبان است. از طرف دیگر دولت در موضوع استخدام اختیاری ندارد که آن را به استانداران واگذار کند.
وی با اشاره به ممنوعیت هر گونه استخدام جدید طبق قانون خدمات کشوررری افزود: همچنین تبدیل وضعیت کارکنان بدون تشریفات قانونی که در مصوبه دولت تاکید شده است مغایر ضوابط ماده 26 قانون خدمات کشوری و مغایر تبصره 2 ماده 57 قانون برنامه پنجم است.

طرح مهر آفرین پیوست 70 صفحه ای دارد
خباز با بیان اینکه این مصوبه ایرادات قانونی دیگری نیز دارد که از حوصله افکار عمومی خارج است، گفت: مصوبه مذکور پیوستی 70 صفحه ای دارد که کلیات آن در جلسه هیات تطبیق مصوبات دولت رد شد و بررسی جزئیات آن همچنان ادامه دارد.
وی ادامه داد: آنچه مسلم است این است که دولت تلاش دارد حدود 500 هزار نفر را یعنی کسانی که در طول دو دوره ریاست جمهوری یعنی 7 سال گذشته به نوعی با دولت همکاری هایی داشته اند را استخدام کند. در این مصوبه قید شده است که افرادی که در هیچ جا هیچ رد پایی هم ندارند و حتی استخدام قراردادی و پیمانی هم نبوده اند امکان استخدام برایشان فراهم است.
عضو هیات تطبیق مصوبات دولت خاطرنشان کرد: این مصوبه سرتا پا ضد قانون است و به مصلحت کشور نیست و رئیس جمهور قصد دارد 500 هزار نفر را به خیل جمعیت عائله مند و پرفرزند دولت اضافه کند در حالی که دولت نهم و دهم به وظیفه تعدیل نیرو عمل نکرد و امروز تصمیم دارد در روزهای پایانی عمر خود این تعداد را استخدام کند که برای کشور خطرناک است و این چیزی جز زمین گیر کردن دولت نیست.
به گزارش مهر، هیات وزیران در آخر آذرماه در فاصله 7 ماه تا پایان کار دولت دهم؛ مصوبه ای را گذراند که طبق آن اختیار استخدام 1500 نفر خارج از ضوابط قانونی استخدام به معاون اجرایی رئیس جمهور داده می شود.
در همین روز دولت مصوبه دیگری گذراند که مقرر کرده است بالاترین مقام دستگاه اجرایی و

استانداران و معاونین توسعه مدیریت ومنابع انسانی آنان و یا عناوین مشابه علاوه بر دارا بودن اختیارات و مسئولیتهای اصل 126 قانون اساسی به عنوان نماینده ویژه رئیس جمهور موضوع اصل 127 قانون اساسی برای اعمال اختیارات رئیس جمهور و هیئت وزیران در امور اداری واستخدامی ونیز امور برنامه وبودجه مربوط به امور اداری و استخدامی دستگاه مربوط موضوع قوانین و مقررات تعیین شدند.
همچنین دستگاههای اجرایی و استانداری ها موظفند با رعایت و به شرح پیوست که به مهر دفتر هیئت دولت تایید شده است و جزء لاینفک این تصویب نامه است و راسا و بدون نیاز به هیچ امر دیگری از سوی هر مرجع یا مقامی از قبیل موافقت، پیشنهاد، تایید، صدور مجوز صدور واعطای شماره مستخدم یا ابلاغ و بدون الزام به رعایت ابلاغیه های صادره قبلی از سوی مقامات نسبت به همه موارد از جمله نسبت به تبدیل وضعیت استخدامی و بکار گیری و جذب و استخدام افراد اقدام وشماره مستخدم را نیز اختصاص دهند .
طبق بررسی های هیات تطبیق مصوبات این مصوبه مغایر مواد 41 ، 51 ، 57 و 68 قانون برنامه پنج ساله پنجم، همچنین خلاف مواد 29 و 44 قانون خدمات کشوری شناخته شد .
علی لاریجانی رئیس مجلس اولین مصوبه دولت مبنی بر استخدام 1500 نفر در نهاد ریاست جمهوری را مغایر با قانون خواند و مغایرت های قانونی این مصوبه را طی نامه ای به دولت ابلاغ کرد.
طبق اصل 138 قانون اساسی تصویب‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌های دولت ضمن ابلاغ برای اجرا به اطلاع رییس مجلس شورای اسلامی می‌رسد تا در صورتی که آنها را بر خلاف قوانین بیابد با ذکر دلیل برای تجدید نظر به هیأت وزیران بفرستند. مطابق تبصره (4) قانون الحاق پنج تبصره به قانون نحوه اجرای اصل (85 و 138) قانون اساسی مصوب سال 1378 نیز چنانچه تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد رئیس مجلس قرار گیرد و پس از اعلام ایراد به هیئت وزیران، ظرف مدت مقرر در قانون، نسبت به اصلاح یا لغو آن اقدام نشود پس از پایان مدت مذکور حسب مورد تمام یا قسمتی از مصوبه مورد ایراد، ملغی الاثر خواهد بود.
بررسی مصوبه دوم دولت که در نتیجه آن 490 تا 500 هزار نفر در سراسر کشور به استخدام دولت در می آیند در هیات تطبیق مصوبات دولت با قوانین در مجلس آغاز شده است که کلیات آن توسط اعضا رد و بررسی جزئیات همچنان ادامه دارد.

اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا هشتمین روز خود را پشت سر گذاشت

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است : ۱۲۰۰ کارگران نورد لوله صفا که از نهم دی ماه دست به اعتصاب زده اند امروز نیز به اعتصاب خود ادامه دادند. در هشتمین روز اعتصاب این کارگران، کارفرمای کارخانه رستمی صفا ساعت ۵/۸ صبح در میان کارگران حاضر شد . وی در این نشست با کارگران ضمن بر حذر کردن آنان از مراجعه به فرمانداری ساوه و دادن وعده پرداخت دستمزد معوقه آنان و با بیان اینکه حرف و خواست شما درست و بر حق است تلاش کرد کارگران اعتصابی را وادار به شکستن اعتصاب کند اما کارگران بطور مرتب به صحبتهای وی اعتراض میکردند یکی میگفت: قول شما نان نمیشود و دیگری فریاد میزد شما گرسنگی سرت میشود؟ در ادامه صحبتهای رستمی صفا اعتراض کارگران به حدی رسید که آنان بطور دسته جمعی محل نشست را ترک کردند و بتدریج دست به تجمع در مقابل درب ورودی کارخانه زدند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در ادامه تلاش رستمی صفا برای باز گرداندن کارگران بر سر کار وی حوالی ظهر نماینده های کارگران را به نشست دعوت کرد و طی جلسه ای ۵/۲ ساعته فرمول بندی زیر را جهت پایان دادن به اعتصاب به آنان پیشنهاد کرد: ۱- پرداخت دستمزد مرداد و شهریور کارگران در روز بیست و پنجم ماه جاری ۲- پرداخت دستمزد مهر و آبان در بهمن ماه ۳- پرداخت دستمزد آذر و دی به همراه عیدی و پاداش کارگران در اسفند ماه ۴- پرداخت دستمزد بهمن و اسفند در سال ۹۲
بنا بر این گزارش بدنبال این جلسه، نماینده های کارگران پیشنهادات کارفرما را با همکاران خود در میان گذاشتند اما کارگران ضمن تاکید بر خلف وعده های کارفرما به اعتصاب خود پایان ندادند و اعلام کردند فردا طی اتخاذ تصمیمی دسته جمعی پاسخ خود را به کارفرما خواهند داد.

راه میان‌بری وجود ندارد،تشکل یابی راه حل است
گفتگوی روزنامه ی بهار با محمد مالجو

بر پایه خبرمنعکس شده در سایت اخبار روز 18 دی آمده است : روزنامه ی بهار: فواد شمس - حسام منهاج: این روزها همه‌جا سخن از «گرانی» است. سخن از نابه‌سامانی وضعیت اقتصادی مردم است. همه بر سر این‌که وضعیت اقتصادی و معیشت مردم مطلوب نیست توافق دارند. اگر اختلاف نظری باشد بر سر عوامل این نابه‌سامانی و در کنار آن راهکارهای حل آن است. برای آن‌که دیدگاه دقیق‌تری نسبت به این مسئله داشته باشیم سراغ محمد مالجو رفته‌ایم. مالجو سال‌ها در این حوزه کار کرده و از منظرگاهی متفاوت به این مسئله نگاه می‌کند.
او در ابتدای سخنانش بر این تاکید کرد که مخاطب اصلی‌اش نه دولت، بلکه جامعه و مردم است. محمد مالجو دانش‌آموخته اقتصاد، پژوهشگر و نویسنده، متولد تهران است. از او تاکنون کتاب‌ها و مقالات و پژوهش‌هایی در حوزه وضعیت طبقه کارگر و فرودستان جامعه منتشر شده است.
پژوهش‌هایش تاریخ اندیشه اقتصادی، اقتصاد سیاسی و تاریخ اقتصادی ایران در دوره پس از انقلاب را نیز شامل می‌شود.

به عنوان نخستین پرسش، اتفاقات چند ماه اخیر در بازار ارز و تبعات کاهش ارزش ریال روی قیمت کالاهای اساسی و معیشت مردم خصوصا فرودستان و مشخصا طبقه کارگر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

بگذارید آنچه را به وقوع پیوسته است از منظر چهار سطح از عوامل موجود به اجمال بررسی کنیم. از سطح اول شروع می‌کنم، یعنی از سطح استراتژی اتخاذشده برای رشد و توسعه اقتصادی کشور که معطوف به گسترش اقتصاد بازار بوده است. این استراتژی در سراسر سالیان پس از جنگ تا همین امروز عملا در خدمت تغییر بیش از پیش مناسبات قدرت به زیان طبقات فرودست‌تر و به نفع طبقات اجتماعی فرادست‌تر قرار داشته است. این استراتژی به سهم خویش عمیقا در ناتوانمندترسازی طبقات و اقشار آسیب‌پذیر نقش داشته است. سطح دوم عبارت است از سیاست‌هایی که ذیل این استراتژی به دست همه دولت‌های پس از جنگ به اجرا گذاشته شد. این سیاست‌های اقتصادی در فقدان نسبی پیش‌نیازهای نهادی خود حتی نتوانسته‌اند اهداف غالبا ادعاشده استراتژی اقتصادی سال‌های پس از جنگ را تحقق بخشند؛ اهدافی چون تحقق رشد اقتصادی مستمر، افزایش کارآیی اقتصادی، مهار تورم، رشد اشتغال و غیره. سطح سوم عبارت است از ناکارآمدی در اجرای سیاست‌های اقتصادی مربوط. ضعف شدید حکمرانی خصوصا در دوره هفت‌ساله اخیر از مهم‌ترین عواملی بوده است که سیاست‌های اقتصادی اجراشده را حتی از حداقل‌هایی از اثربخشی محروم کرده است. این سه سطح از عوامل به ناتوان‌مندترسازی شدید بخش‌های گسترده‌ای از جمعیت شهری و روستایی طی سالیان پس از جنگ منجر شده است. در انتهای این دوره در چنین وضعیتی با تحریم‌های گسترده اقتصادی در سطح بین‌المللی نیز مواجه شده‌ایم. این عامل طبیعتا به تشدید بیش از پیش عوامل ناتوانمندساز انجامیده است. تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی در واقع چهارمین سطح از عوامل مورد اشاره‌ام هستند. اگر سه سطح قبلی از عوامل، یعنی استراتژی بازارگرا، سیاست‌های اقتصادی نولیبرالی و ضعف شدید حکمرانی در بین نبود، امکان مقاومت در برابر تحریم‌های بین‌المللی خیلی بیش از این حرف‌ها بود. کما این‌که می‌بینیم در دوره جنگ هشت‌ساله که جامعه اصولا پیشاپیش در معرض بلای یک استراتژی اقتصادی ناتوان‌مندساز و سیاست‌های مربوطه‌اش قرار نگرفته بود، گرچه وضعیت جنگی بود اما اوضاع اصلا مثل اکنون نبود. یعنی طبقات فرودست‌تر اجتماعی نیز مثل کلیت جامعه گرچه درگیر یک جنگ تمام‌عیار بودند، اما این‌گونه نبود که پیشاپیش یک دوره‌ای از بینواسازی را تجربه کرده باشد. اما امروز وضع فرق می‌کند. در واقع امروز طبقات فرودست اجتماعی در شرایطی با پیامدهای ناتوان‌مندساز تحریم‌های بین‌المللی مواجه شده‌اند که پیشاپیش حدودا دو دهه در معرض نوعی روند بینواسازی قرار داشته‌اند. این روند بینواسازی

طبقات اجتماعی فرودست در سالیان بلافاصله پس از جنگ با دولت سازندگی شروع شد و با دولت اصلاحات ادامه یافت و با دولت‌های نهم و دهم در وضعیت کنونی به حد بالایی رسیده است.

به نظر شما سیاست‌های دولت در یکی، دو سال اخیر که با عنوان هدفمندی از آن یاد می‌شود، چه تاثیر اقتصادی‌ای بر جای گذاشته و آیا در تحقق اهداف خود موفق بوده است؟

سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها را در آینه همین چهار سطح از عواملی که برشمردم می‌توان ارزیابی کرد. سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها بخشی کوچک از یک استراتژی اقتصادی خطا و ناصواب بوده است که اجرای آن آرزوی دولت‌های سازندگی و اصلاحات بود، اما نهایتا به دست دولت دهم به تحقق رسید. استراتژی اقتصادی بازارگرایانه درصدد بوده است که قیمت‌های کالاها و خدمات دولتی هرچه واقعی‌تر شوند و به این اعتبار اصلا قیمت‌های بازار باشند که رفتارهای مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان در اقتصاد را شکل دهند. بت بازار روح سیاست‌گذاران اقتصادی را تسخیر کرده است. اتخاذ این نوع جهت‌گیری برای کشوری که از اصلی‌ترین تولیدکنندگان انرژی در جهان است، دست‌کم آنقدر که به حامل‌های انرژی برمی‌گردد، اساسا خطا بوده است. چرا باید شهروندان کشوری که صاحب منابع عظیم انرژی است و در این زمینه از مزیت نسبی برخوردار است حامل‌های انرژی را با قیمت‌های جهانی مورد مصرف قرار دهند؟ باید از این مزیت نسبی به منزله موتور رشد و توسعه بهره‌برداری می‌شد و البته سیاست‌های غیرقیمتی برای بهینه‌سازی سطح مصرف انرژی
صورت می‌گرفت، مثلا تقویت و به‌سازی شبکه حمل‌ونقل کشور، گسترش حمل‌ونقل عمومی، به‌سازی فضای شهری، تصحیح نحوه ساخت ساختمان‌ها و غیره. این استدلالی است که زنده‌یاد حسین عظیمی سال‌ها پیش مطرح کرده بود ولی به جایی نرسیده بود. استراتژی خطای بازارگرایانه نهایتا در سالیان پس از جنگ به هر تقدیر در دستور کار دولت‌ها قرار گرفت. سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها در خدمت همین استراتژی بود. اما سیاست‌های هدفمندسازی یارانه‌ها اصلا به هیچ‌وجه هدفمند نبود یعنی پس از واقعی کردن قیمت‌های حامل‌های انرژی، به هیچ‌وجه یارانه‌های نقدی را به سوی گروه‌های آسیب‌پذیر اجتماعی روانه نکرد بلکه به طرزی غیرتبعیض‌آمیز به همه اقشار اجتماعی یارانه پرداخت شد. نظام آماری لازم برای اجرای سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها اصلا تعبیه نشده بود. حرفم این است که خود این سیاست غلط نیز به شیوه‌ای غلطتر به اجرا گذاشته شد. حالا به سومین سطح می‌رسیم. یعنی ضعف حکمرانی. این سیاست غلط پرداخت یارانه‌های نقدی که در چارچوب استراتژی غلط بازارگرایانه در دستور کار قرار گرفت اصلا فقط در شرایطی جواب می‌دهد که پیشاپیش سیاست دموکراتیک‌سازی در عرصه سیاست به اجرا گذاشته شده باشد. بازتوزیع ثروت اقتصادی بدون بازتوزیع قدرت سیاسی مطلقا به اهدافی که یک سیاست بازتوزیع مد نظر دارد، نمی‌تواند برسد. به بیانی دیگر بگویم. اگر جامعه مدنی قوی باشد، مثلا سندیکاها و اتحادیه‌های کارگری پرقدرتی وجود داشته باشند، دولت نمی‌تواند به هر ترتیبی که خواست، درخصوص پرداخت یا عدم پرداخت یا میزان پرداخت یارانه‌های مستقیم تصمیم‌گیری کند. فشاری که جامعه مدنی پرقدرت بر روی دولت وارد می‌کند، دولت را وامی‌دارد که هزینه‌های نالازمی را که نه صرف انباشت سرمایه می‌شود و نه در خدمت پاسخ‌گویی به مطالبات اجتماعی و اقتصادی شهروندان است، کاهش دهد و در عوض بر پرداخت به‌موقع و کافی یارانه‌های مستقیم متعهد باقی بماند. اگر جامعه مدنی قوی در بین نباشد، سیاست بازتوزیع ثروت اقتصادی از جمله پرداخت یارانه‌های مستقیم نمی‌تواند در تحقق اهدافی که مد نظر دارد موفق باشد. وجود یک جامعه مدنی قوی خودش در گرو بازتوزیع قدرت سیاسی است. ضعف حکمرانی دولت از جمله در این بود که در شرایطی ظاهرا می‌کوشیده به یکی از تکنیک‌های بازتوزیع ثروت اقتصادی از طریق پرداخت یارانه‌های مستقیم مبادرت کند که پیشاپیش اصلا به بازتوزیع دموکراتیک قدرت سیاسی دست نزده بود. در وضعیت کنونی اتخاذ استراتژی اقتصادی نادرست از رهگذر سیاست‌های اقتصادی نادرست‌تر به دست دولتی با ضعف مفرط حکمرانی در پیوند با شرایطی قرار گرفته است که تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی پدید آورده‌اند. این مجموعه را که در نظر بگیرید، می‌بینید سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها

مطلقا به اهداف خودش نرسیده است. وضعیت فعلی از زاویه‌ای اصلا طنزآلود است: اصرار دولت برای استمرار حرکت به سوی نظام بازار در شرایطی که فاصله با بازار جهانی خیلی بیشتر شده است.

تبعات منفی خلأ جامعه‌مدنی و نبود قدرت چانه‌زنی چیست و الان شاهد کدامیک از این تبعات منفی هستیم؟

تهاجم به سطح معیشتی طبقات اجتماعی فرودست می‌تواند یا محصول ارزان‌سازی نیروی کار باشد، یا معلول نرخ بالای بیکاری، یا نتیجه نرخ بالا و شتابان تورم، یا مثلا محصول اوضاعی سیاسی که ناشی از تحریم‌های اقتصادی بین‌المللی است. در همه این موقعیت‌ها وضعیت معیشتی طبقات فرودست اجتماعی رو به وخامت می‌گذارد. وقتی طبقات فرودست‌تر اجتماعی و به طور کلی صاحبان نیروی کار در معرض تهاجمی شدید به سطح معیشتی خویش قرار می‌گیرند، علی‌القاعده چند مجرا منطقا می‌تواند فعال شود. اگر این طبقات از هویت‌های جمعی برخوردار باشند، یعنی اگر مثلا برخوردار از تشکل‌های مستقل و اتحادیه‌ها و سندیکاها باشند، علی‌القاعده می‌توانند به طور دسته‌جمعی در مقابل چنین تهاجمی به سطح معیشت خویش ایستادگی کنند و بسته به توازن قوای طبقاتی به دستاوردهایی در این زمینه نیز برسند. این نوع واکنش غالبا مربوط به جوامعی است که نیروی کار متشکل و سازماندهی‌شده دارند. درواقع اگر نیروی کار به صورت متشکل باشد، واکنش‌هایش به وخیم‌تر شدن وضعیت معیشتی‌اش به حوزه سیاست رسمی سرریز می‌کند. در فقدان این تشکل‌ها و در فقدان نیروی کار متشکل، صاحبان نیروی کار از نوعی هویت دسته‌جمعی برخوردار نیستند. وقتی نیروی کار به صورت متشکل نباشد، واکنش‌های طبقات اجتماعی فرودست به تهاجم بی‌امان به معیشت‌شان عملا یا به حوزه سیاست غیررسمی سرریز می‌کند یا به حوزه اجتماعی. وقتی طبقات اجتماعی فرودست‌تر که متشکل نیستند، فشارهای اقتصادی رویشان خیلی شدید و تحمل‌ناپذیر شود، گرچه فاقد هویت‌های دسته‌جمعی هستند، اما ممکن است به طور سازماندهی‌نشده و خودجوش دست به اعتراض‌های کور و بی‌هدف و دسته‌جمعی بزنند. این نوع اعتراض‌ها غالبا در علوم اجتماعی به «شورش‌های نان» معروف است. مشخصه شورش‌های نان این است که از یک سو فشارهای اقتصادی روی طبقات اجتماعی فرودست بسیار شدید است و از دیگر سو نیز هیچ‌گونه تشکل جمعی و امکان سازمان‌دهی میان ناراضیان وجود ندارد. این دسته از اعتراض‌های دسته‌جمعی غالبا بسیار ناپایدار و بی‌هدف هستند. یک مجرای دیگر برای سرریز شدن واکنش‌های طبقات اجتماعی فرودست عبارت است از حوزه اجتماعی. وقتی فرودستان در مواجهه با فشارهای شدید اقتصادی چه به صورت سازماندهی‌شده و چه به صورت خودجوش و سازماندهی‌نشده نمی‌توانند به کنش دسته‌جمعی مبادرت ورزند و وضع را تغییر دهند، احتمال مبادرتشان به کنش‌های فردی در حوزه اجتماعی برای بهبود وضعیت معیشتی‌شان افزایش می‌یابد. یکی از جلوه‌های چنین وضعیتی عبارت است از گسترش آسیب‌های اجتماعی، رشد تعداد کودکان کار، افزایش شمار کودکان خیابانی، افزایش نرخ خودفروشی، گسترش اعتیاد، افزایش شمار متکدیان و.... از این رو تبعات وخیم‌تر شدن معیشت طبقات اجتماعی فرودست را باید در سه حوزه جست‌وجو کنیم: سیاست رسمی، سیاست غیررسمی و حوزه اجتماعی.

شما چه راهکارهای کوتاه‌مدت یا میان‌مدتی برای اصلاح این وضعیت پیشنهاد می‌کنید؟

وقتی از راهکارها سخن می‌گوییم باید مخاطب این راهکارها را هم شناسایی کنیم. اگر مخاطب دولت باشد که خب این بحث خیلی پیچیده نیست. به سامان کردن منازعات سیاسی داخلی که بتواند حداقلی از امنیت را برای حرکت پایدار پدید بیاورد، بهبود مناسبات سیاسی با دنیای خارج و... همگی، از جمله اموری است که باید در دستور کار سیاست‌گذار قرار بگیرد تا در چارچوب چنین فضایی شرط لازم برای اجرای راه‌حل‌های مناسب در جهت اصلاح وضعیت پدید آید. این یعنی ساختن یک فضا برای فکر کردن به راه‌حل. اما فکر می‌کنم

که وقتی من و شما از راهکارها صحبت می‌کنیم بیش از آن‌که دولت را مخاطب قرار دهیم باید جامعه را مورد خطاب قرار دهیم چون مشاور دولت نیستیم و بر مسند قدرت هم ننشسته‌ایم. اگر بخواهیم مخاطب را جامعه قرار دهیم پاسخ هم بسیار روشن است و هم بسیار دشوار. همیشه این راه‌حل روشن و واضح در طول تاریخ دشوار بوده و اکنون هم دشوار است و بعدها هم دشوار خواهد بود. هیچ راه میان‌بری هم وجود ندارد. راه‌حل این است: تشکل‌یابی طبقات فرودست.

دور تازه اخراج رانندگان سندیکائی شرکت واحد

بر پایه خبر رشیده به روز شمار کارگری از قول داود رضوی - فعال سندیکائی در تاریخ 18 دی ماه 1389 آمده است : مهمترین تاثیر برخوردهای امنیتی با کارگران از دست رفتن امنیت شغلی انان است و این عامل تاثیر بسزائی در مبارزات و اگاهی پیدا کردن کارگران از حق و حقوق خودشان میشود. این برخوردها در شرکت واحد اتوبوسرانی به وضوح به چشم میخورد و دست کارفرمایان را در جهت اخراج کارگران بازتر میکند. نمونه بارزآن سال ۸۴ اوج مبارزات رانندگان شرکت واحد در جهت ایجاد تشکیل تشکلی مستقل همچون سندیکای کارگران شرکت واحد بود که بر اساس ایستادگی و تلاش کارگران شرکت واحد، این تشکل با وجود تمام عوامل بازدارنده ای چون فشار نیروهای اطلاعاتی و عوامل سرکوب این نیروها (شوراهای اسلامی کار ده گانه شرکت واحد) و نیروهای چماقدار (خانه کارگر) شکل گرفت.
از همان ابتدا اخراج های رانندگان فعال سندیکائی و اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد بطور فله ای با همکاری و تائید اعضای شوراهای اسلامی کار در دستور کار نیروهای ضدکارگری قرار گرفت، بطورنمونه بیش از ۳۰۰ نفر از رانندگان بدون در نظر گرفتن ابتدائی ترین حقوقشان و بدون حضور در کمیته انظباتی کار، از کار اخراج شدند و ادارات کار استان تهران که وظیفه شان رسیدگی و دادخواهی به مشکلات حقوقی کارگران است، مثل شوراهای اسلامی کار شرکت واحد تبدیل به ما شین سرکوب علیه کارگران شده و رای به اخراج این رانندگان زحمت کش که چیزی جرء حق تشکل خواهی نداشته اند دادند.
البته بعد از سالها بیکاری و سردرگمی در شعبات دیوان عدالت اداری اکثریت ۹۸درصدی این رانندگان با رای دیوان عدالت اداری به سرکار خود بازگشتند.
صدور این احکام از طرف دیوان عدالت موجب ابطال رای های حل اختلاف تمامی ادارات کار استان تهران گردید. نقض این رای ها از طرف دیوان که بدرستی و بر اساس مدارک و تخلفات ادارات کاراستان تهران صورت گرفته بود، باعث گردید که روسای ادارت کار تا همین سال گذشته نسبت به صدور رای علیه رانندگان شرکت واحد بیشتر دقت کنند و در اصل با ضابطه اقدام به صدور رای علیه رانندگان شرکت واحد بکنند، اما متاسفانه از انجائی که بیشترین فساد و رانت خواری در ادارات دولتی صورت میگیرد و عدم برخوردی مناسب از طرف مسئولین با مدیران رشوه خوار باعث گردیده که دوباره این روند بی قانونی در ادارات کار استان تهران شکل بگیرد و با سفارش و ملاقاتی که مدیرعامل شرکت واحد با روسای ادارات کار و رئیس اداره کار استان تهران داشته، مجددا روند قبلی را به جریان انداخته و بدون مدارک و مستندات و با پرونده سازی از سوی شوراهای اسلامی کار شرکت واحد ادارت کار اقدام به صدور رای علیه رانندگان سندیکائی می کنند، که بطور مشخص میشود از حسن سعیدی و ناصر محرم زاده از رانندگان سامانه ۱۰ و وحید فریدونی از رانندگان سامانه یک نام برد که در ماه های گذشته از کار خود اخراج شده اند. البته تعدادی دیگر هم هستند که خواسته اند نام انها را نبریم.
لازم به توضیح است که اقایان حسن سعیدی و وحید فریدونی از رانندگان اگاهی هستند که نه تنها در ادارات کار از حقوق همکارانشان دفاع میکنند، بلکه طرح شکایت موضوع ماده ۲۲ که رسیدگی به عملکرد شوراهای اسلامی کار شرکت واحد میباشد را در اداره کار غرب تهران را به جریان انداخته که در مورخ ۱۷/۱۰/۹۱ هیا ت رسیدگی به موضوع ماده ۲۲ تشکیل شد و حدود ۷۰ نفر از نمایندگان سندیکائی با حضور خود در اداره کار شمال غرب تهران از این نمایندگان سندیکائی حمایت کردند. مدارک ارائه شده از طرف نمایندگان سندیکائی انقدر مشخص و روشن بود که ۷نفر از اعضای شورای سامانه یک به این هیات رسیدگی احضار

شدند و در مقابل کارگران و نمایندگان انها ملزم به پاسخگوئی شدند و این اولین مرتبه ای بود که اعضای شورای اسلامی کار شرکت واحد بخاطر کوتاهی در وظایف مجبور به پاسخگوئی شدند. یکی از نمایندگان شورائی بنام محمدرضا جوابی که باید از او به عنوان فردی اگاه و شجاع نام برد، لب به سخن گشود و بخشی از اعمال فشار مدیریت و حراست شرکت واحد را برای ا خراج کارگران و رانندگان افشاء کرد و گفت که ما دائما جهت اینکه به خواست مدیریت تن دهیم جهت فشار بر رانندگان تحت فشار هستیم و در حضور تمام رانندگان اعلام کرد در مدت این یکسالی که در شوراه هستم بیشترین فشار روحی را داشتم که مجبور بودم در مقابل حقوق همکارانم سکوت کنم در صورتی که دوست داشتم از حقوق همکارانم دفاع کنم، به همین دلیل از این نمایندگی که چیزی جزء ابزاری در دست کارفرما نیست استعفاء میدهم تا بیش از این باعث بی عدالتی و از بین رفتن حقوق کارگران و رانندگان شرکت واحد نباشم.
لازم به توضیح است که شوراهای اسلامی کار شرکت واحد در پی حمایت ها و دخالت های نیروی های امنیتی و کارفرما ماهیت اصلی خودشان را از دست داده و تبدیل به ابزاری در دست کارفرما و عوامل حراست شده در جهت منافع کارفرما. تاثیر برخوردهای امنیتی با کارگران زندانی شدن کارگران و محکومیت های سنگینی است که علیه کارگران حق خواه از سوی دادگاه های انقلاب با هماهنگی عوامل اطلاعاتی صورت میگیرد. بطور مشخص دهها نفر از اعضای سندیکای شرکت واحد در دادگاههای انقلاب محکوم گردیده و حبس های طولانی کشیده اند از جمله منصور اسالو و ابراهیم مددی، رضا شهابی که هم اکنون نزدیک به سه سال است در زندان بسر میبرد که با توجه به اینکه دادستانی بخاطر مشکلات جسمی و جراحی سنگین مهر ه های گردن با مرخصی پزشکی نامحدود شهابی موافقت کرده و خانواده نامبرده ۶ روز است وثیقه برایش گذاشته اند اما هنوز به مرخصی نیامده و تا امروز ۲۳ روز است که با این حال وخیم در اعتصاب غذای تر بسر میبرد.
از دیگر کارگران زندانی هم میتوان از شاهرخ زمانی، بهنام ابراهیم زاده و... نام برد. این تاثیرات البته نتوانسته مبارزات کارگران را متوقف کند اما از شکل گیری دیگر تشکل های مستقل کارگری جلوگیری کرده، که عدم شکل گیری تشکل های مستقل کارگری باعث فاصله طبقاتی زیادی در جامعه شده بطوری که یک نفر به نان شب محتاج است و دیگری اتومبیل ۵۰۰ میلیونی سوار میشود. این فاصله طبقاتی خود دلیلی بر افزایش فقر، ناهنجاری های اجتماعی، افزایش طلاق، گسترش اعتیاد، رانت خواری، رشوه خواری، و در کل بی تفاوتی مردم نسبت به اتفاقات و مشکلات جامعه میشود بطوری که شاهد هستیم در روز روشن در تهران در مقابل چشمان رهگذران سارقان اقدام به زور گیری و دزدی میکنند.
بهترین راه برون رفت از این گسترش فقر در جامعه آزادی ایجاد تشکل های کارگری و ایجاد نهادهای مدنی و مردمی مستقل و آزادی احزاب میباشد. لذا مردم بهترین و مطمئن ترین ناظرین بر جامعه و کشورشان خواهند بود. بدون آزادی عدالت اجتماعی توهمی بیش نخواهد بود.

تجمع اعتراضی کارگران دو کارخانه در مقابل استانداری خوزستان

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا در 18 دی آمده است : جمعی از کارگران کارخانه «کاغذسازی کارون» و «قند اهواز» صبح امروز (دوشنبه ۱۸ دی ماه) در اعتراض به بي‌توجه‌ای مسئولان در رفع مشکلات‌شان، در مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.
جهانبخش میر جانی عضو شورای اسلامی کار کارخانه کاغذ سازی کارون که در این تجمع حضور یافته بود، در تشریح مشکلات کارگران این کارخانه به ایلنا گفت: کارخانه «کاغذسازی کارون» پس از واگذاری به بخش خصوصی در سال ۸۵ به دلایل نامعلومی تعطیل شد و کارفرمای جدید تصمیم به اخراج ۲۰۰ کارگر گرفت.
این فعال کارگری با اشاره به اینکه تعطیلي کارخانه تا سال ۸۹ ادامه پیدا کرد، افزود: در سال ۸۹ دوباره کارگران اخراجی دعوت بکار شدند اما پس از گذشت چهار ماه دوباره کارخانه تعطیل شد و مجددا ۲۰۰ کارگر تا امروز بیکار و بلاتکلیف مانده‌اند.
میرجانی اضافه کرد: تعطیلی کارخانه بعد از گذشت چهار ماه از فعالیت مجدد، با وجود فراهم

بودن ماشین آلات و مواد اولیه تولید، ابهاماتی را برای کارگران بوجود آورده است.
به گفته عضو نهاد کارگری کارخانه کاغذسازی کارون، ۲۰۰ کارگر این واحد تولیدی علاوه بر اینکه خواستار دریافت مطالبات سنواتی خود از سالهای ۸۰ تا ۸۵ هستند، فعالیت مجدد این واحد تولیدی و بازگشت به کار را خواستارند.

تجمع مجدد کارگران قند اهواز
همزمان با تجمع کارگران کاغذسازی کارون، کارگر کارخانه قند و تصویه شکر اهواز نیز برای دومین روز پیاپی تجمع اعتراضی جداگانه‌ای برگزار کردند.
بر اساس این گزارش، ۵۰ کارگر کارخانه قند اهواز در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۵ ماهه خود دیروز ۱۷-دی ماه- نیز در مقابل درب ورودی ساختمان استانداری تجمع کرده بودند.

کاهش 70درصدی صادرات فرآورده‌های نفتی

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در 18 دی 91 آمده است : رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی با اشاره به کاهش 70 درصدی صادرات انواع قیر و روغن‌های صنعتی ایران به کشورهای مختلف جهان اعلام کرد: افزایش غیر منطقی قیمت خوراک منجر به کاهش شدید صادرات این محصولات نفتی شده است.
حسن خسروجردی امروز در گفتگو با مهر درباره آخرین وضعیت صادرات انواع قیر و روغن‌های صنعتی ایران، گفت: از چند روز گذشته تاکنون صادرات انواع قیر و روغن های صنعتی ایران به کشورهای مختلف جهان با کاهش چشمگیری روبرو شده است.
رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده های نفتی با اعلام اینکه در شرایط فعلی صادرات این محصولات نفتی بیش از 70 درصد کاهش یافته است، تصریح کرد: این در حالی است که کشور از ظرفیت صادرات بیش از 2 میلیون و 500 تن قیر و انواع روغن‌های صنعتی به کشورهای مختلف جهان برخوردار است.
این فعال اقتصادی در پاسخ به پرسش مهر در خصوص دلایل کاهش توقف صادرات قیر و روغن‌های صنعتی کشور، توضیح داد: افزایش یک باره و غیر منطقی قیمت خوراک عامل این سقوط صادرات این دسته از محصولات نفتی کشور بوده است.
وی با بیان اینکه شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی از ابتدای دی ماه سالجاری قیمت خوراک صنایع قیرسازی و روغن سازی را افزایش داده است، اظهارداشت: صادرکنندگان این محصولات نفتی با افزایش قیمت خوراک مخالف نیستند اما باید این افزایش قیمت به طور منطقی و عادلانه انجام شود.
خسروجردی با تاکید بر اینکه مخالف هرگونه ارزان فروشی قیر و روغن های صنعتی به کشورهای مختلف هستیم، تبیین کرد: اما قیمت جدید خوراک صنایع روغن سازی بیش از بازارهای جهانی افزایش یافته است.
رئیس اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتي، خاطرنشان کرد: در صورتی که تجدید نظری در تعیین قیمت خوراک این صنایع نفتی نشود حتی امکان توقف کامل قیر و روغن های صنعتی ایران به بازارهای جهانی وجود دارد.

کاهش 45درصدی درآمدهای نفتی کشور

به نوشته سایت اقتصاد آنلاین در 18 دی آمده است : وزیر نفت با حضور در جلسه کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، گزارشی از روند فروش نفت و میزان وصول درآمدها در 9 ماهه سال جاری ارائه کرد.
غلامرضا کاتب - سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه - اظهار کرد: بر اساس گزارش ارائه شده، 40 درصد کاهش در فروش نفت صورت پذیرفته و 45 درصد نیز در وصول درآمدها و میعانات گازی که پیش‌بینی می‌شود در سه ماهه پایانی نیز کاهش قابل توجهی در وصول و فروش درآمدهای حاصل از نفت نسبت به مشابه سال قبل وجود داشته باشد.

سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه خاطرنشان کرد: بر همین اساس نگاه کمیسیون در این جهت است که میزان درآمد نفتی در بودجه 92 در میزان مورد نظر لحاظ شود و اگر این موضوع تحقق پیدا کند به وضعیت بودجه کشور کمک می‌کند.
کاتب تصریح کرد: همچنین پیش‌بینی می‌شود که صادرات نفت در سال 92 به یک میلیون و 500 هزار بشکه در سال برسد.
وی به ایسنا گفت: در این جلسه که وزیر نفت و مسئولان بانک مرکزی حضور داشتند در خصوص رابطه شرکت ملی نفت در مباحث مالی و حقوقی در بودجه سال آینده و نحوه اعمال آن بحث و تبادل نظر صورت گرفت.

به اعتصاب غذای رضا شهابی پیوستند

۲۳ روز از اعتصاب غذای رضا شهابی می گذرد. خواسته ی او چیزی نبوده است مگر برخورداری از فرصتی مناسب و... مکفی و فوری برای درمان کامل کلیه ی بیماری هایی که طی دوره ی بازداشت و حبس، گریبانگیر او شده است. خواسته ی او برخورداری از مرخصی استعلاجی برای درمان است. این در حالیست که پزشکی قانونی رای بر عدم تحمل کیفر وی داده است. مکاتبات و درخواست های قانونی رضا شهابی برای درمان مشکلات جسمی اش از جانب دولت، دولت سرمایه دار، در هزارتوی دم و دستگاه اداری و قضایی سرگردان و بی پاسخ ماند. بی اعتنایی مسئولان برای رضا چاره ای باقی نگذاشت جز اعتصاب غذا.
رضا شهابی به رغم وخامت حالش، یا بهتر است بگوییم درست به سبب وخامت حالش دست به اعتصاب غذا زده است. وزن رضا در این ۲۳ روز کاهش نگران کننده ای داشته است. حال رضا در این ۲۳ روز وخامت افزاینده ای یافته است.
ما، جمعی از زندانیان چپ، ضمن هشدار جدی نسبت به وضعیت رضا شهابی، این مبارز صادق و با شهامت جنبش کارگری در حمایت از خواسته ی وی از شنبه ۱۶/۱۰/۹۱ اعتصاب غذای خود را آغاز می کنیم. شرط پایان اعتصاب غذای ما دستیابی رضا به فرصت رضایتبخش درمان است.
زنده باد رضا شهابی و دیگر کارگران آگاه و مبارز – زنده و پوینده باد جنبش کارگری
فریدون صیدی راد – سروش ثابت – سعید جلالی فر – یاشار دارالشفاء – سعید حائری

اطلاعیه شماره 48
رضا شهابی آزاد شد!

رضا در میان اعضای خانواده و دوستان اعتصاب غذای خود را شکست
تبریک به همه کارگران
به گزارش رسیده به روز شمار کارگری در 18 دی 139 آمده است : رضا شهابی در تاریخ 18 / 10/1391ساعت 10:45 شب از زندان آزاد شد و ساعت 11:30 توانست خودش را به خانواده اش برساند. رضا در میان
شور و شوق زندانیان هم بندش در حالی که آنان سرود "هوا دلپذیر شد "و "یاردبستانی من " را می خواندند به بیرون از بند بدرقه شد.
رضا بعد از 22 روز اعتصاب غذا و دارویی برای 5 روز از طرف مسئولین زندان به مرخصی فرستاده شده است. بعد از 22 روز اعتصاب غذا، رضا شهابی در میان
اعضای خانواده و چند نفر از فعالین اعتصاب غذای خود را شکست. کمیته ی دفاع از رضا شهابی آزادی رضا را به همه کارگران ، تشکل‌های کارگری داخلی و خارجی، دوستان و فعالین اجتماعی ، تبریک گفته و این آزادی را حاصل حمایت کارگران و تشکل های کارگری و فعالین اجتماعی در داخل و خارج می‌داند.
کمیته دفاع از رضا شهابی - 18 دی ۱۳۹۱
شماره تلفن سخنگوی کمیته دفاع از رضا شهابی، آقای محمود صالحی: ۰۹۳۵۷۳۵۳۴۱۲
k.d.shahabi@gmail.com

www.k-d-shahabi.blogspot.com
لیست اعضای کمیته دفاع از رضا شهابی:
رحمان ابراهیم زاده - یوسف آب خرابات - بهنام ابراهیم زاده – لقمان ابراهیم زاده - سعید ابراهیمی - فرهاد ابراهیمی- هه ساره ابراهیمی- شجاع ابراهیمی - جلال احمدی - جمیل احمدی - فرزاد احمدی - لطف اله احمدی – علی آزادی - ولی آزادی - علی آذریان - یوسف آذریان - ربابه آذریان - حسن
آذریان- حبیب آذریان - معصومه آذریان - لیلا آذریان - توفیق اسدی – طیب اسدی- محمد اسدی - بهروز اسماعیلی - سنا اسماعیلی - امیر اسلامی- سیما احسان خواه - یداله احمد پناه - علیرضا اکبری - توفیق امین پناه – مهرداد امین وزیری - جلال امینی - عباس اندریانی - ریحانه انصاری - صدیق امجدی
-رقیه اصولی- اسماعیل بازافکن - حسین باقری -امیر باقری-امین باقری- فرهاد برنا- فرزاد برنا- سینا برنا- تورج برنا- مریم بختیاری – کوروش بخشنده -هوشیار بهمنی - شادی بهرامی - گلباغ بهمنی - سمیه بهشتی زاد - کیانوش بهشتی - کیومرث بهشتی زاده - عبداله بلواسی- ناصر پرکالیان - یاشار پورخامنه - زانیارپورعباد - برهان پیر خضرانی - جلال پیروتی – حسین پیروتی - رحمان تنها - وحید تیطاخی - یوسف جاهدی - قنبر جارپور- سونیاجبار پور- سحر جبار پور-شبنم جبار پور- محمد چرتاب - سعدی چمنی-فرهاد حاتمی -شوان حبیبی - ایوب حسن زاده -مجید حسن زاده-حسین حسن آبادی – محمد حسین - مجید حمیدی - سرکو حسینی - دیمن حسینی - نیشتمان حسینی – همدم حسینی- ئاکو حسینی - شیرکو حسینی - علی حسینی - شاهو حسین پناهی- صباح حیدری -غالب حسینی - عبداله حسینی - سعید حسینی - خالد حسینی – محسن حسینی تبار – دلیر حشمتی - حسن حقیقی- ابوالفضل حکمتی- غلامعلی حکمتی- علیرضا خباز - علی خدارحمی - صدیق خسروی - گلریز خلیلی - چگوارا خورشیدی- خلیل خورشیدی - محمد علی خلیلی - سامره داشاد - شهلا دل بینا – سوسن رازانی - منیره رحینی - غلام رزمی- افروز رزمی-احمد رزمی- بهمن رزمی -- فاطمه رزمی -علیرضا رزمی- فاطمه رفیعی - ربابه رضایی - فریبا رضایی - نورالله رضایی - شهناز رضا قلی - دیلان رضاقلی - برهان رضوی – فریبرز رئیس‌دانا - بیژن رستمی - محی الدین رجبی - سید داوود رضوی - حمید رضایی - ظهیر رضوی - حشمت الله رضایی - هاشم رستمی - آرزو روحی - فواد رنجبری - حسن رنجبری - زاهد رضوی - فراز روشن - سارا زارع - اکبر زاهدی – بیژن زاهدی - ناصر زرافشان - بهزاد زمانی - لیلا زمانی - فواد زندی – بهمن زندی - شریف ساعد پناه - سوما ساعد پناه - کیوان ساعد پناه – یعقوب سبك‌خیز- صدیق سبحانی - شیوا سبحانی - عباس سپهری - احمد سجادی – حسن سعیدی -هوشیار سعیدی - هاجر سعیدی - دلیر سفیدی -علی سهرابی - نیما سهرابی- طلیعه سلامی - مسعود سلیم پور - خالد ساعدی - فتاح سلیمانی - مسعود سبحانی - رحمان سلیمانی - ادیب سوره بومه - واحد سیده - دلیر سفیدی - حبیب اله سلیمانی - ژوبین شادی - پاشا شاکر - نسترن شامعلی – کیوان شریفی- شهرام شمشیری- زاهد شریعتی - علی شهابی زکریا - بهنام شهابی زکریا - حسن شهابی زکریا - پژمان شهابی زکریا - شیرین شهابی زکریا- محمد امین - شهابی زکریا - زهرا شهابی زکریا - بهمن شهابی زکریا - مهدی شهابی زکریا- عسگر شهابی زکریا - قاسم شهابی زکریا - لیلا شهابی - سارا شهابی- بهرام شهابی- شهرام شهابی-مسعود شهابی-محمودشهابی- آریاشهابی- آریناشهابی - آنیتا شهابی - محمد شهابی - سیفعلی شهابی - فرامرز شریعتی - عمر شعبانی - جلیل شریفیان - سعید شوقی-علی شوقی- عباس شوقی - میناشوقی- سمیه شوقی شندی- بهاره صابری - نظام صادقی - منیژه صادقی - مریم صادقی - نجیبه صالحزاده -محمود صالحی - علی صالحی - مظفر صالح نیا - عبداله صمدی - مهرداد صبوری – یدالله صمدی - مادر صمدی زکریا - بختیار صمدی - حاتم صمدی- رسول صمدی -مهران صمدی - مهرداد صمدی - منوچهر صمدی - مهدی صمدی – مریم صمدی - جعفر صمدی - حمید صمدی-علی صمدی -شاهو صفیاری- فریدون ضیائی - ناهید ضیائی - سالار ضیائی - شایان ضیائی- رها ضیائی - محمد عبدی پور - مرضیه عبدی - سیوان عبدی - فرزام عبدی- ریبوار عبدالهی - فواد عبدالهی - محمد عزیزی - علیرضا عسگری - سروش علیپور - آرام فاتحی - طاهره فاضلی - بیان فتاحی - سیروس فتحی - کوروش فتحی - رابعه فروردین - ابوبکر فطنی

- چینی فیضی- حبیب فتحنائی - کیوان فروتن - شورش فروتن - بهزاد فرج الهی - کاظم فرج الهی - کژال فتاحی - مریم قاسملو - پژمان قادری - وفا قادری - زینب قباد پور- یداله قطبی - محمود قلی زاده - صالح قهرمانی- عبداله کاظمی – فهیمه کاملی - سورام کریمی - سیف اله کمانگر - عطیه کمانگر - ناصر کمانگر - مرتضی کمساری - شاهرخ کریمی - رحمان کریمیان – چیمن کیخسروی -علی کریمی - شهناز گلزاری - شعله گودرزی - محمد گویلیان – اقبال لطیفی -شهناز لرکی - بردیا مارابی - افسانه ملا زینل - فرید مجیدی – مینا موحد -جلیل محمدی - علی محمدی- عباس محمودی- مجید محمودی – فیروز محمدزاده- شمس الدین مرادی - زاهد مرادیان - غریب مرادیان - آزاد مرادی نیا - پروین مرادی نیا - اسعد مریوانی - مسعود مریوانی - صباح ملکی - کمال ملکی -مجید ملکی -نادر ملکی- ستار ملایی - سیروان مجیدی - ایوب
مجیدی - احد محمودی -جهانگیر محمود ویسی - حامد محمودی نژاد - لاله محمدی - وحید مختارپور - محمد مولانایی - فردین میرکی - محمد امین میرکی - شریفه محمدی- منیره محمدی- نوشین محمدی - هدی محمدی - مریم میرکی – بهمن محمدی - سعید مقدم - منصور محمد - کوکب محمدی - فردین مهدی - عمر مینای -کیوان مرادی - فرزاد مرادی نیا - خبات مرادی - مازیار مهرپور – دیاکو مردوخی - نسرین محمدی -علیرضا موثقی- منیره موحد- سیاوش موحد- نادر نادری- شاپور نادری - جهانگیر نادری - جهانپور نادری - جهانسوز نادری - فایق نامداری - کوروش نامداری - پروین نامداری - نقشین ناصری – فردین نگهدار -هوشیار نجاری - نامق نیکدل- پدرام نصرالهی - گوهر ناصری – افشین ندیمی‌پور - علی اکبر نظری - صدیقه نظری - سید رضا نعمتی پور- آرمان نوری زاد -لیلانیکو خصال- محمدعلی نیکوخصال- حسین نظیف کردار- آزاد ورمزیار - احسن وزیری - آزاد وکیلی - اشکان وکیلی -جهانبخش وکیلی - میلاد وکیلی - طه ولیزاده - عباس هاشمپور - میترا همایونی - آمانج یوسفی - قانع یوسفی -پروین یوسفی نژاد

رضا شهابی برای ادامه درمان در خارج از محیط زندان آزاد شد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 18 دی امده است : امروز 18 دی ماه 1391 رضا شهابی عضو هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه پس از تحمل بیش از دو سال و نیم حبس بدون اینکه خانواده و دوستانش در جریان خروج اش از زندان اوین قرار گیرند در ساعت 23 شب آزاد و رهسپار منزلش از زندان اوین شد. در نامه ای که رضا شهابی آنرا مشاهده کرده است وی بمدت 5 روز به از زندان مرخص شده است. این اولین بار است که رضا شهابی پس از تحمل بیش از دوسال و نیم حبس به مدت 5 روز به مرخصی از زندان فرستاده میشود.
رضا شهابی و خانواده اش در طول بیش از دو سال و نیم حبس متحمل رنج و محنت های بسیاری شده اند. وی در این مدت یکبار مورد عمل جراحی قرار گرفته و بدلیل وخامت وضعیت جسمانی بدفعات به بیمارستان منتقل شده است اما شرایط زندان مانع از بهبودی کامل او گردیده و به همین دلیل رضا برای دفاع از حقوق انسانی خود بارها دست به اعتصاب غذا زد و مورد حمایت سازمانها و تشکلهای کارگری و حقوق بشری در سرتاسر جهان قرار گرفت.
رضا شهابی بدلیل شرایط وخیم جسمانی جهت ادامه درمان در خارج از محیط زندان با سپردن وثیقه ملکی و صدور قرار ممنوعیت خروج از کشور آنهم فقط بمدت 5 روز آزاد شده است لذا ما با استقبال و ابراز مسرت فراوان از مهیا شدن شرایط لازم برای درمان رضا شهابی در خارج از محیط زندان و با تبریک صمیمانه آن به خانواده و دوستان و همکارانش، بر همبستگی پرشور کارگران جهان با کارگران زندانی در ایران درود می فرستیم و اعلام میداریم آزادی رضا شهابی نباید معطوف به ادامه درمان وی در خارج زندان باشد، وی تحت هیچ عنوانی نباید به زندان بازگردانده شود، رضا همچون دهها و صدها فعال و رهبر کارگری مرتکب هیچ جرمی جز دفاع از حقوق صنفی و اجتماعی خود و همکارانش نشده است و می باید بدون هیچ قید و شرطی آزاد و حکم منع تعقیب قضایی وی صادر شود و به حبس و زندان دیگر کارگران دربند و عموم انسانهای آزادیخواهی که در سرتاسر کشور به زندان افکنده شده اند .پایان داده شود.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – 18 دی ماه 1391

بیانیه ٦٥ - رضا شهابی پس از ٢٣ روز اعتصاب غذا به مرخصی آمد.

طبق اخبار منتشره، رضا شهابی عضو هیئت مدیره ی سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه امروز دوشنبه ١٨ دی ماه و پس از ٢٣ روز اعتصاب غذا و دارو برای مرخصی استعلاجی ٥ روزه از زندان اوین آزاد شد.
این تجربه نشان داد که مقاومت همواره به بار می نشیند و از طرفی درست در لحظه ای که بر اثر مقاومت ستودنی رضا شهابی و پافشاری او بر حقوق خودش، دیگران نیز با وی همراه شده و خبر همراهی سعید متین پور فعال مدنی آذربایجانی و فریدون صیدی راد، سروش ثابت، سعید جلالی فر، یاشار دارالشفاء و سعید حائری زندانیان چپ با اعتصاب غذای او منتشر شد کارگزاران رژیم سرانجام عقب نشسته و او را برای مرخصی درمانی هرچند کوتاه مدت آزاد کردند.
کمیته ی حمایت از شاهرخ زمانی ضمن تبریک این موفقیت به تمامی فعالین کارگری و انقلابیون بار دیگر بر مبارزه ی متحدانه و عملی برای به دست آوردن آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی تاکید می کند.

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
١٨/١٠/٩١

رضاشهابی پس از 23روزاعتصاب غذا برای درمان 5 روزبه مرخصی آمد

بنابه گزارشات رسیده ازمنابع موثق،رضاشهابی عضوزندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحداتوبوسرانی تهران وحومه،ساعت 23امروز 18دی ماه برای مدت 5روزبه مرخصی درمانی آمد.
رضا شهابی پس از 23روزاعتصاب غذا،25روزاعتصاب درمان وبا 15کیلوکاهش وزن به اعتصاب غذایش درمنزلش پایان داد.
این کارگرزندانی درشرایطی اززندان اوین روانه منزل شدکه صبح امروزبدلیل وخامت وضعیت جسمیش وافتادن فشارخونش به بیمارستان زندان اوین منتقل شده بود.
رضا شهابی ازفرداصبح کاردرمانش را ازسرخواهدگرفت.
قابل یادآوری است که 6تن اززندانیان بند 350اوین(هم بندی های رضاشهابی)بنام های یاشار دارالشفاء، سروش ثابت و فریدون صیدی راد، سعید جلالی فر، سعید حائری وسعیدمتین پور در راستای حمایت از رضا شهابی ودر اعتراض به عدم رسیدگی به درخواست مرخصی درمانیِ این عضوزندانی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحداتوبوسرانی تهران وحومه از روز شنبه 16 دی ماه دست به اعتصاب غذا زده بودند.

حمایت از خواست برحق رضا شهابی را گسترش دهیم!

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... در 18 دی امده است : پنج زندانی سیاسی بند 350 در زندان اوین (فریدون صیدی‌راد، سروش ثابت، سعید جلالی‌فر، یاشار دارالشفاء و سعید حائری) ضمن هشدار جدی نسبت به وضعیت رضا شهابی، کارگر زندانی، اعلام کرده‌اند تا «دستیابی رضا به فرصت رضایت‌بخش درمان» اعتصاب غذا خواهند کرد. همان گونه که پیشتر گفته‌ایم، بی هیچ تردیدی، اعتصاب غذا نوعی خودزنی است. اما طنز تلخ رو به روی رضا شهابی – و هر زندانی سیاسی معترض دیگری – این است که اکنون راه جلوگیری از این خودزنی از مسیر خودِ آن می‌گذرد. اکنون، زندانیان هیچ راه دیگری برای زندانی سیاسی معترض باقی نگذاشته است، مگر اعتصاب غذا. و زندانی‌یی که نمی‌خواهد به خواست ظالمانه‌ی زندانبان تن دردهد، چاره‌ای جز اعتصاب غذا ندارد. این دیگر حکایت همان تیری است که آرش جان خود را وثیقه‌ی آن کرد تا مسافت هر چه بیشتری را بپیماید. این دیگر هنگامه‌ای است از مرگ و زندگی که در آن کارگری مبارز سینه سپر می‌کند و به استقبال مرگ می‌رود تا به این ترتیب در کله‌ی

زندانبان فروکند که از این پس باید با زندانیان سیاسی برخورد انسانی داشته باشد.
اما اگر اکنون زندانیان سیاسی معترض راهی جز اعتصاب غذا ندارند، کارگران مبارز در بیرون از زندان راه‌های آسان‌تری برای اعتراض دارند. اگر کارگران پتروشیمی اهواز در دل همین شرایط خفقان و اختناق می‌توانند برای مطالبات خود اعتصاب کنند، و اگر کارگران شرکت واحد در این اوضاع بگیر و ببند و بکش می‌توانند در مقابل شورای شهر تهران تجمع کنند و خواهان «حق جذب» شوند، پس آنها از همکار و هم‌طبقه‌ای زندانی خود نیز می‌توانند حمایت کنند. به یاد آوریم آن گاه را که ناصر زرافشان – که به «جرم» هویدا کردن اسرار قتل‌های سیاسی زنجیره-ای به ناحق پنج سال حبس کشید – در همین زندان اوین و برای همین خواست درمان در بیرون زندان دست به اعتصاب غذا زده بود و اعضای کانون نویسندگان و بسیاری از آزادی-خواهان دیگر به حمایت از او برخاستند و به عنوان اعتراض در مقابل زندان اوین تجمع کردند. آن تجمع، بر بستر پایداری خودِ زرافشان، در درمان کلیه‌ی او در بیرون از زندان مؤثر افتاد، هرچند نه بی درنگ و بلافاصله. اکنون نیز کارگران و انسان‌های آزادی‌خواه می‌توانند از رضا شهابی و خواست برحق او حمایت کنند. همان گونه که همسر زحمت‌کش و فداکار رضا شهابی اعلام کرده است، او چیز زیادی نمی‌خواهد. ادامه‌ی درمان بیماری در شرایط مناسب و رضایت‌بخش کمترین چیزی است که یک زندانی سیاسی می‌تواند و باید مطالبه کند. اما دریغا که ما در چنان جامعه‌ای زندگی می‌کنیم و سرمایه‌داری حاکم چنان شرایطی را بر ما تحمیل کرده است که برای همین خواست حداقلی باید نیرویی حداکثری را بسیج کنیم. اعتراض زندانیان سیاسی دیگر و عزم راسخ آنان در حمایت از رضا شهابی را به فال نیک بگیرم و با پیوستن به آن گامی در راستای بسیج آن نیروی حداکثری برای مقابله با زورگویی زندانبانان برداریم.
درود بر شرف رضا شهابی و زندانیان سیاسی‌یی که در حمایت از او اعتصاب غذا کرده‌اند!
کمیته‌ی هماهنگی برای ایجاد تشکل کارگری

اطلاعیه ی اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران به مناسبت آزادی موقت رضا شهابی

آزادی موقت رضا شهابی را تبریک می گوییم
به تلاشهایمان تا آزادی بدون قید و شرط کلیه کارگران زندانی ادامه دهیم!

رضا شهابی، فعال کارگری و عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه، بعد از بیش از سه هفته اعتصاب غذا و دارو، در حدود یازده شب دوشنبه ۱۸ دی ماه ۱۳۹۱، برابر با هفت ژانویه ۲۰۱۳، به بطور موقت از زندان اوین آزاد شد. اعتصاب غذای رضا شهابی که در اعتراض به محرومیت از معاینه و مداوای مناسب پزشکی و توهین پاسیار رژیم جمهوری اسلامی صورت گرفت، موجی از اعتراض و همبستگی اتحادیه ها و نهاد های کارگری در سطح جهانی و نیز اعتراض فعالان کارگری و انسانهای آزادی خواه در داخل و خارج از ایران را به دنبال داشت. از جمله از دو روز قبل، تعدادی از هم بندان رضا شهابی در زندان اوین در همبستگی و حمایت از او دست به اعتصاب غذا زده بودند.
بنا به گزارش های رسیده، رضا شهابی با سپردن وثیقه ملکی توسط خانواده و با قید ممنوعیت خروج از کشور، فقط برای مدت ۵ روز جهت معالجه آزاد شده است. بنا به گزارش دوستان و خانوده رضا شهابی، او در نتیجه اعتصاب غذا حدود ۱۵ کیلو وزن کم کرده است و از لحاظ جسمی بسیارضعیف شده است، اما همچنان از روحیه بسیار بالایی برخوردار است. رضا شهابی به جرم دفاع از حقوق اولیه کارگران دوسال و نیم گذشته را درزندان بسر برده، آنهم با ناراحتی های گوناگون جسمی که بنا به تشخیص پزشکان می باید از مدت ها پیش در خارج از زندان و در محیط آرام و مناسب مورد معالجه و درمان قرار می گرفت.
اگر چه آزادی رضا شهابی، موقت وآنهم برای پنج روز است، که به هیچ وجه برای درمان و مراقبت های پزشکی کافی نیست، با این حال ما با شادمانی این آزادی موقت را به ایشان و خانواده محترمشان، به سندیکای کارگران شرکت واحد و کمیته دفاع از رضا شهابی و به همه سازمانها و فعالین کارگری و مترقی و تمام نهادها و انسانهای آزادی خواه و برابری طلب که در داخل و خارج از ایران از رضا شهابی حمایت کردند، تبریک می گوییم و خود را در شادی آنها سهیم می دانیم.
رضا شهابی نباید به زندان باز گردانده شود. جای رضا شهابی و هیچ کدام از فعالین کارگری، اجتماعی و سیاسی در زندان نیست. اتحاد بین المللی همچنان به تلاش های جهانی خود برای

آزادی بدون قید شرط رضا شهابی و کلیه فعالین کارگری زندانی ادامه خواهد داد.
اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران
۷ ژانویه ۲۰۱۳

سایت اتحاد" تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران از صبح امروز هک شده است"

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 18 دی امده است : از صبح امروز "سایت اتحاد" تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران هک شده است و این سایت قابل دسترسی نیست. سایت اتحاد یکی از معدود سایت های کارگری در داخل کشور است که بدون وابستگی به نهادهای قدرت و با توجه به شرایط سختی که بر پیشروان جنبش کارگری تحمیل شده است در ابعاد نسبتا قابل قبولی اقدام به انتشار اخبار کارگری از کارخانه ها و مراکز تولیدی کشور میکند و در انعکاس مبارزات کارگران نقشی مهم و پیشروانه دارد.
هزینه های اداره این سایت بر دوش کارگرانی است که در فقر و تنگدستی زندگی میکنند و با زدن از سفره های خالی خود آنرا سر پا نگهداشته اند. بدون تردید اقدام به هک سایت اتحاد از عهده هیچکس الا دشمنان طبقه کارگر بر نمیاید. اینان ساده انگارانه و خام اندیشانه در پی پاک کردن صورت مسئله مطالبات انسانی و بر حق کارگران هستند و به همین دلیل در اقدامی زبونانه با هک سایت اتحاد در صدد آن بر آمده اند تا با جلوگیری از انتشار اخبار مبارزات کارگران و آرای آنان سدی در برابر پیشروی جنبش کارگری ایجاد کنند اما و بی تردید کارگران ایران بدون سایت اتحاد و معدود سایتهای کارگری مستقل دیگر، لحظه ای در دفاع از حقوق انسانی خود درنگ نخواهند کرد و در مبارزات بر حق خود هر روز و هر لحظه سازمانیافته تر از پیش به میدان خواهند آمد و ما نیز در اتحادیه آزاد کارگران ایران نخواهیم گذاشت سایت اتحاد خاموش شود.
لذا بدینوسیله به اطلاع کارگران و عموم علاقمندان به جنبش کارگری در سراسر کشور می رسانیم که مسئولین سایت اتحاد از صبح امروز و پس از اطلاع از هک سایت تمام تلاش خود را بکار گرفته اند تا مشکل پیش آمده را مرتفع و در اسرع وقت سایت را بروز رسانی کنند.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – 18 دی ماه 1391

گزارش مختصری از آکسیون 5 ژانویه کانون هانوفر در همبستگی با کارگر زندانی رضا شهابی

در روز شنبه 5 ژانویه 2013 کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران- هانوفر در راستای همبستگی با اعتصاب غذای کارگر زندانی رضا شهابی و با خواست آزادی فوری او آکسیونی را در محله لیندن هانوفر برگزار نمود.
در این آکسیون که از ساعت 11 آغاز شد و تا ساعت 15 به مدت 4 ساعت ادامه داشت، فعالین کانون با استقرار چادر و برپا نمودن میز اطلاعاتی، اعلامیه هایی به زبان آلمانی و فارسی در باره اعتصاب غذا و خواسته های رضا شهابی و نیز نشریه کارگری توزیع نمودند.
در آکسیون 5 ژانویه در باره اینکه رضا شهابی صندوق دار و عضو هیأت مدیره‌ی سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، از روز 18 دسامبر 2012 در اعتراض به اجحافات رژیم جمهوری اسلامی وارد اعتصاب غذا شده است و تا کنون این اعتصاب ادامه دارد، توضیحاتی داده شد. به علاوه ضمن افشای تهدید ها و آزار رژیم علیه فعالین کارگری از جمله محمد جراحی و پدرام نصراللهی، به سرکوب وحشیانه کارگران اعتراض شد.
هم چنین حاضرین انزجار خود را نسبت به دستگیری 5 تن از فعالین کارگری به نام های جمال مینا شیری، هادی تنومند، ابراهیم مصطفی پور، قاسم مصطفی پور و محمد کریمی بیان داشتند
کانون همبستگی با جنبش کارگری ایران- هانوفر

اطلاعیه

اعلام موجودیت "کمیته دفاع از کارگران زندانی در ایران-سوئد"

سیستم سرمایه‌داری دچار بحران عمیقی شده است. سرمایه‌داران و صاحبان صنایع تلاش دارند که هزینه بار سنگین بحران اقتصادی خویش را بر دوش تهی دستان ستمدیده و زحمتکشان و کارگران بگذارند. اما کشمکش طبقاتی ِعمق یافتهٔ کنونی روزنه‌ها و افق های تازه ای از امید را بروی ستمدیگان جامعهٔ جهانی می گشاید.

شرایط سیاسی کنونی در ایران نیز بخش گسترده ای از نیروی کار جامعهٔ ما را به میدان

مبارزه کشانده و تودهٔ کارگران را به در پیش گرفتن روش‌های پایه ای تر در مبارزه سوق داده

است. اکنون جنبش کارگری ایران سطح نوینی از مبارزه را تجربه می کند و خواست هایش را در ابعاد تازه ای بیان می دارد و می کوشد بدون توهم به ارگان های دولتی، با تکیه بر نیرو و اراده خود و با ایجاد تشکل های خودساخته، به جنگ سرمایه برود و از این راه خواست های خود را متحقق سازد.
نقش فعالین جنبش طبقه کارگر و جنبش‌های دانشجوئی و زنان نیز که بر این بستر رشد کرده‌اند در این راه اهمیت بسیار یافته است. رژیم اسلامی سرمایه با آگاهی از توان این فعالین در سازماندهی مبارزات همگانی و طبقاتی، بیشترین فشار را بر آنان وارد می کند و می کوشد با بازداشت و سرکوب آنان جلوی رشد این فراگرد را بگیرد. به ویژه سد کردن راه تشکل‌های خود ساخته کارگری، سرکوب گردهمائی ها و اعتراضات آنان، جلوگیری از برگزاری روز جهانی کارگر و اخراج و بازداشت فعالین کارگری سبب شده است که اکنون شمار بسیاری از آنان در زندان ها و در شرایط بسیار دشوار قراگیرند و خانواده آنان در وضعیت بد روحی و معیشتی به سربرند.
«کمیته دفاع از کارگران زندانی در ایران» - سوئد، با آغاز حرکت خود می کوشد با دفاع از خواست‌ها، مبارزات و تشکل‌های مستقل کارگری و به ویژه توجه به وضعیت بد مالی خانواده آنان، همه توان خود را بکار گیرد تا گشایش اندکی هم اگر شده در راه این پیکار طبقاتی پدید آید.
جدا از وظیفهٔ گردآوری کمک مالی برای خانوادهٔ فعالین کارگری زندانی به عنوان مهمترین اقدام، وظایف دیگر ما عبارتند از: دفاع از مبارزات کارگری و فعالین کارگری زندانی، بازتاب اخبار مبارزات کارگری ایران و ترجمه آن ها به زبان‌های دیگر، جلب پشتیبانی جنبشها و نهادهای کارگری جهان در دفاع از مبارزات کارگران ایران و افشای ماهیت نیروهای ضد کارگری و نهادهای راست و امپریالسیتی.
ما به عنوان بخشی از جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر، دست همکاری همه فعالینی را که امر مبارزات جنبش کارگری دغدغهٔ آن ها ست به گرمی می‌فشاریم و از همه پشتیبانان جنبش کارگری دعوت می‌کنیم که در این راه با ما همگام شوند و یاری برسانند.
«کمیته دفاع از کارگران زندانی در ایران» - سوئد
اسامی:
اسامی: شاهین قزوینی، گلناز خواجه گیری، پریسا نصرآبادی، پیام شاکر، فریدا صفایی، سارا کریمی، مجتبی عباسی، بهرام رحمانی، ثریا فتاحی، فرشید غفارنژاد، سارا شریفی، عباس سماکار، صدیق اسماعیلی، سعید کریمیان
لیست پیوست به «کمیته دفاع» باز است.

بر خورد هاي امنيتي با فعالين كارگري و عدم امنيت شغلي ، دور تازه اخراج هاي رانندگان سنديكائي شركت واحد اتوبوسراني تهران و حومه

مهمترين تاثير برخوردهاي امنيتي با كارگران باعث از دست رفتن امنيت شغلي آنان است و اين عامل تاثير بسزائي در مبارزات و آگاهي پيدا كردن كارگران از حق و حقوق خودشان ميشود . اين برخوردها در شركت واحد اتوبوسراني به وضوح به چشم ميخورد و دست كارفرمايان را در جهت اخراج كارگران بازتر ميكند . نمونه بارزآن سال 84 اوج مبارزات رانندگان شركت واحد در جهت ايجاد تشكيل تشكلي

مستقل همچون سنديكاي كارگران شركت واحد بود كه بر اساس ايستادگي و تلاش كارگران شركت واحد ،اين تشكل با وجود تمام عوامل بازدارنده اي چون فشار نيروهاي اطلاعاتي و عوامل سركوب اين نيروها (شوراهاي اسلامي كار ده گانه شركت واحد) و نيروهاي چماقدار(خانه كارگر) شكل گرفت . از همان ابتدا اخراج هاي رانندگان فعال سنديكائي و اعضاي هيئت مديره سنديكاي كارگران شركت واحد بطور فله اي با همكاري و تائيد اعضاي شوراهاي اسلامي كار در دستور كار نيروهاي ضد كارگري شكل گرفت ، بطورنمونه بيش از 300 نفر از رانندگان بدون در نظر گرفتن ابتدائي ترين حقوقشان و بدون حضور در كميته انظباتي كار، از كار اخراج شدند وادارات كار استان تهران كه ماهيتش رسيدگي و دادخواهي به مشكلات حقوقي كارگران است، مثل شوراهاي اسلامي كار شركت واحد تبديل به ما شين سركوب عليه كارگران شده و راي به اخراج اين رانندگان زحمت كش كه چيزي جرء حق تشكل خواهي نداشته اند صادر كردند ،البته بعد از سالها بيكاري و سردرگمي در شعبات ديوان عدالت اداري اكثريت 98درصدي اين رانندگان با راي ديوان عدالت اداري به سركار خود بازگشتند . صدور اين احكام از طرف ديوان عدالت موجب ابطال شدن راي هاي حل اختلاف تمامي ادارات كار استان تهران گرديد. نقض اين راي ها از طرف ديوان كه بدرستي و بر اساس مدارك و تخلفات ادارات كاراستان تهران صورت گرفته بود، باعث گرديد كه روساي ادارت كار تا همين سال گذ شته نسبت به صدور راي عليه رانندگان شركت واحد بيشتر دقت كنند و در اصل با ضابطه اقدام به صدور راي عليه رانندگان شركت واحد بكنند،اما متاسفانه از آنجائي كه بيشترين فساد و رانت خواري در ادارات دولتي صورت ميگيرد و عدم برخوردي مناسب از طرف مسئولين با مد يران رشوه خوار باعث گرديده كه دوباره اين روند بي قانوني در ادارات كار استان تهران شكل بگيرد و با سفارش و ملاقاتي كه مدير عامل شركت واحد با روساي ادارات كار و رئيس اداره كار استان تهران داشته ، مجددا روند قبلي را به جريان انداخته و بدون مدارك و مستندات و با پرونده سازي از سوي شوراهاي اسلامي كار شركت واحد ادارت كار اقدام به صدور راي عليه رانندگان سنديكائي مي كنند، كه بطور مشخص ميشود از حسن سعيدي و ناصر محرم زاده از رانندگان سامانه 10و وحيد فريدوني از رانندگان سامانه يك نام برد كه در ماه هاي گذشته از كار خود اخراج شده اند البته تعدادي ديگر هم هستند كه خواسته اند نام آنها را نبريم، لازم به توضيح است كه اقايان حسن سعيدي و وحيد فريدوني از رانندگان آگاهي هستند كه نه تنها در ادارات كار از حقوق همكارانشان دفاع ميكنند، بلكه طرح شكايت موضوع ماده 22كه رسيدگي به عملكرد شوراهاي اسلامي كار شركت واحد ميباشد را در اداره كار غرب تهران به جريان انداخته كه در مورخ 17/10/91هيا ت رسيدگي به موضوع ماده 22 تشكيل شد و حدود 70 نفر از نمايندگان سنديكائي با حضور خود در اداره كار شمال غرب تهران از اين نمايندگان سنديكائي حمايت كردند . مدارك ارائه شده از طرف نمايندگان سنديكائي آنقدر مشخص و روشن بود كه 7نفر از اعضاي شوراي ساما نه يك به اين هيات رسيدگي احضار شدند و در مقابل كارگران و نمايندگان آنها ملزم به پاسخوگوئي شدند و اين اولين مرتبه اي بود كه اعضاي شوراي اسلامي كار شركت واحد بخاطر كوتاهي در وظايف مجبور به پاسخگوئي شدند .يكي از نمايندگان شورائي بنام محمدرضا جوابي كه بايد از او به عنوان فردي اگاه و شجاع نام برد، لب به سخن گشود و بخشي از اعمال فشار مديريت و حراست شركت واحد را براي ا خراج كارگران و رانندگان افشاء كرد و گفت كه ما دائما جهت اينكه به خواست مديريت تن دهيم جهت فشار بر رانندگان تحت فشار هستيم و در حضور تمام رانندگان اعلام كرد در مدت اين يكسالي كه در شورا هستم بيشترين فشار روحي را داشتم كه مجبور بودم در مقابل حقوق همكارانم سكوت كنم در صورتي كه دوست داشتم از حقوق همكارانم دفاع كنم، به همين دليل از اين نمايندگي كه چيزي جزء ابزاري در دست كارفرما نيست استعفاء ميدهم تا بيش از اين باعث بي عدالتي و از بين رفتن حقوق كارگران و رانندگان شركت واحد نباشم . لازم به توضيح است كه شوراهاي اسلامي كار شركت واحد در پي حمايت ها و دخالت هاي نيروي هاي امنيتي و كارفرما ماهيت اصلي خود شان را از دست داده و تبديل به ابزاري در دست كارفرما و عوامل حراست شده در جهت منافع كارفرما .تاثير برخوردهاي امنيتي با كارگران زنداني شدن كارگران و محكوميت هاي سنگيني كه عليه كارگران حق خواه از سوي دادگاه هاي انقلاب با هماهنگي عوامل اطلاعاتي صورت ميگيرد .كه بطور مشخص دهها نفر از اعضاي سنديكاي شركت واحد در دادگاههاي انقلاب محكوم گرديده و حبس هاي طولاني كشيده اند از جمله منصور اسانلو و ابراهيم مددي ، رضا شهابي كه هم اكنون نزديك به سه سال است در زندان بسر ميبرد كه با توجه به اينكه دادستاني بخاطر مشكلات جسمي و جراحي سنگين مهر ه هاي گردن با مرخصي پزشكي نا محدود شهابي موافقت كرده و خانواده نامبرده 6روز است وثيقه برايش گذاشته اند اما هنوز به مرخصي نيامده و تا امروز 23روز است كه با اين حال وخيم در اعتصاب غذا ي تر بسر ميبرد از ديگر كارگران زنداني هم ميتوان از شاهرخ زماني بهنام ابراهيم زاده و.....نام برد . اين تاثيرات البته نتوانسته مبارزات كارگران را متوقف كند اما از شكل گيري ديگر تشكل هاي مستقل كارگري جلوگيري كرده ، كه عدم شكل گيري تشكل هاي مستقل كارگري باعث فاصله طبقاتي زيادي در جامعه شده بطوري كه يك نفر به نان شب محتاج است و ديگري اتومبيل 500ميليوني سوار ميشود

. اين فاصله طبقاتي خود دليلي بر افزايش فقر ناهنجاري هاي اجتماعي ، افزايش طلاق ، گسترش اعتياد ، رانت خواري ، رشوه خواري ، و در كل بي تفاوتي مردم نسبت به اتفاقات و مشكلات جامعه ميشود بطوري كه شاهد هستيم در روز روشن در تهران در مقابل چشمان رهگذران سارقان اقدام به زور گيري و دزدي ميكنند . بهترين راه برون رفت از اين گسترش فقر در جامعه آزادي ايجاد تشكل هاي كارگري و ايجاد نهادهاي مدني و مردمي مستقل و آزادي احزاب ميباشد. لذا مردم بهترين و مطمئن ترين ناظرين بر جامعه و كشورشان خواهند بود.بدون آزادي عدالت اجتماعي توهمي بيش نخواهد بود .
داود رضوي فعال سنديكائي

علیرغم وعده ووعیدها حقوق معوقه بازنشستگان صندوق فولاد پرداخت نشده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 18 دی آمده است : مقرر شده بود که مطالبات و حقوق بازنشستگان ذوب‌آهن اصفهان در روز ۱۶ دی ماه پرداخت شود که متاسفانه این کار عملیاتی نشده و موجب نگرانی و تشویش خاطر دوباره بازنشستگان شده است.
براساس این گزارش،ابراهیم دستمزد مدیرعامل صندوق بازنشستگی ذوب‌آهن اصفهان با اشاره به اینکه دو ماه به پایان سال جاری بیشتر نمانده اما هنوز مطالبات بازنشستگان پرداخت نشده، اظهار کرد: علاوه بر اینکه تا این لحظه حقوق و مطالبات معوقه بازنشستگان صندوق فولاد کشور پرداخت نشده وعده‌های ارائه شده از سوی مسئولان ذیربط نیز برای پرداخت حقوق معوقه این قشر محقق نشده است.
وی تاکید کرد: دو وزارتخانه صنعت، معدن و تجارت و تعاون، کار و رفاه اجتماعی باید پاسخگو باشند که چرا تاکنون بند ۵۹ قانون بودجه امسال را نهایی نمی‌کنند.
مدیرعامل کانون بازنشستگان ذوب‌آهن اصفهان ادامه داد: در جلسه ای که در چند روز گذشته با حضور هیئت امنای سازمان تامین اجتماعی و سازمان ایمیدرو برگزار شد خبر از انتقال صندوق بازنشستگی فولاد به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی از سوی معاون مالی و اداری سازمان ایمیدرو اعلام شد که شنیده‌ها حاکی است که این امر محقق نشده است.
بنا بهمین گزارش، برطبق دستور و ابلاغ رییس جمهور و معاون اول آن تمامی اقدامات انتقال سهام صندوق فولاد به وزارت رفاه صورت گرفته، اما مدیریت صندوق در اجرای کارهای اداری و اجرایی بند ۵۹ قانون اهمال‌کاری می‌کند.
با توجه به شنیده‌ها روند پیگیری توسط مدیریت صندوق فولاد بسیار کند و انگیزه‌ای برای انتقال صندوق به وزارت رفاه در آن مشاهده نمی‌شود.

تجمع اعتراضی کارگران قند اهوازمقابل استانداری خوزستان برای دومین روز پیاپی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 18 دی آمده است : کارگران کارخانه قند و تصویه شکر اهواز برای دومین روز پیاپی مقابل استانداری خوزستان تجمع اعتراضی برگزار کردند.
بر اساس این گزارش، ۵۰ کارگر کارخانه قند اهواز در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۵ ماهه خود دیروز ۱۷-دی ماه- نیز در مقابل درب ورودی ساختمان استانداری تجمع کرده بودند.

کارگران کارخانه کاغذسازی کارون هم برای احقاق حقوقشان مقابل استانداری خوزستان اجتماع کردند

جمعی از کارگران کارخانه کاغذسازی کارون، صبح امروز (دوشنبه ۱۸ دی ماه) در اعتراض به بی‌توجه‌ای مسئولان در رفع مشکلات‌شان، در مقابل استانداری خوزستان دست به تجمع زدند.
برپایه این گزارش،۲۰۰ کارگر این واحد تولیدی علاوه بر اینکه خواستار دریافت مطالبات سنواتی خود از سالهای ۸۰ تا ۸۵ هستند، فعالیت مجدد این واحد تولیدی و بازگشت به کار را خواستارند.

کشته وزخمی شدن 3کارگردرسیلوی کارخانه سیمان نایین

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 18 دی از قول دادستان شهرستان نایین آمده است : بر اثر حادثه ای در سیلوی کارخانه سیمان خاکستری یک کارگر جان خود را از دست داد و دو نفر دیگر راهی بیمارستان شدند.

محمد خادمی در رابطه با این حادثه اظهار داشت: در حادثه ای که دیروز در کارخانه سیمان خاکستری نایین رخ داد، یک کارگر جان خود را از دست داد.
وی افزود: در این حادثه سه کارگر که بر روی داربست مشغول تمیز کردن دیواره داخلی سیلوهای ذخیره سیمان این کارخانه بودند بر اثر جدا شدن قسمت بزرگی از سیمان جداره این سیلو دچار حادثه شدند.
دادستان شهرستان نایین خاطرنشان کرد: در این حادثه کارگری ۳۲ساله به نام "کیوان . ص" متاسفانه به دلیل قرار گرفتن در زیر لایه های سیمان جدا شده از جداره سیلو جان خود را از دست داد و دو نفر کارگر دیگر با نام های "رضا" ۳۳ساله و "امین" ۲۱ساله که برادر وی بوده اند، مصدوم شدند.
دادستان نایین افزود: علت حادثه هنوز مشخص نشده و در دست بررسی است.
گفتنی است هر دو سال یکبار به خاطر جلوگیری از کاهش ظرفیت سیلوهای سیمان، تمیزکاری جداره های آن در دستور کار مدیران کارخانه های سیمان قرار می گیرد که حادثه اخیر در حین این تمیزکاری اتفاق افتاده است.

طرح نمایندگان کارگری برای افزایش دستمزد/دولت یارانه مزد را بررسی می کند

به نوشته خبرگزاری دولتی هر در تاریخ 18 دی 91 آمده است : نمایندگان کارگری طرحی برای بررسی در شورای عالی کار در دست تهیه دارند که براساس آن، حداقل مزد کارگران برای سال آینده 1.1 میلیون تومان شود، ضمن اینکه برای نخستین بار مابه‌التفاوت توان پرداخت کارفرمایان و فاصله آن با مزد واقعی باید از سوی دولت به صورت یارانه پرداخت شود.

به گزارش خبرنگار مهر، با نزدیک شدن به ماه‌های پایانی سال تعیین حداقل دستمزد سال آینده بیش از 10 میلیون کارگر و مشمول قانون کار وارد فاز جدیدی شده است.

تاکنون چند نشست 3 جانبه بین مقامات کارگری، کارفرمایی و دولت در قالب شورای عالی کار برگزار شده و مباحثی نیز پیرامون مسائل معیشتی خانوار کارگری و همچنین مشکلات تامین مالی و نقدینگی واحدهای تولیدی کشور و همچنین لزوم دستیابی به راه حلی بینا بینی مطرح و بررسی شده است.

قرار است به زودی - تا ماه آینده- ستادهای مزد کارگری در سارسر کشور نیز نظرات و پیشنهادات گوناگون خود از وضعیت قیمتها و معیشت کارگران را به کانون های عالی کارگری و از آنجا نیز به نمایندگان کارگران در شورای عالی کار برای طرح در تصمیم گیری های نهایی، ارائه کنند.

محور مذاکرات مزدی

همچنین به زودی و پس از اتمام نشست های مقدماتی تعیین حداقل دستمزد در شورای عالی کار، این شورا وارد دور نهایی گفتگو بر سر تعیین مزد سال 92 مشمولان قانون کار خواهد شد.

تعیین دستمزد به دلیل دایره وسیع فراگیری و اینکه همه فعالان بازار کار به نوعی با این مسئله سر و کار دارند، همیشه مورد توجهات ویژه جامعه کارگری قرار دارد. از انتقادات مهم و محوری نمایندگان کارگری به ویژه در سالهای اخیر افزایش فاصله بین تعیین حداقل مزد واقعی و مصوبات شورای عالی کار است.

در پایان سال گذشته شورای عالی کار حداقل دستمزد امسال کارگران را تنها به میزان 59 هزار و 400 تومان افزایش داد و اعلام کرد که در سال 91 کارگران و مشمولان قانون کار باید حداقل در پایان هر ماه 389 هزار و 700 تومان دستمزد دریافت کنند که البته این میزان در سال 90 تنها 330 هزار و 300 تومان بوده است.

سناریوی پرداخت یارانه توسط دولت

یک پیشنهاد به تازگی از سوی جامعه کارگری کشور مبنی بر لزوم طراحی و پذیرش نقشی از سوی دولت در افزایش توان پرداخت دستمزد کارفرمایان مطرح شده است که مشخصا پرداخت یارانه از سوی دولت به تولیدکنندگان و صاحبان بنگاه ها را مطرح می کند.

کارگران می گویند دولت در حداقل یک دهه گذشته نه تنها هیچ نقشی در بهبود وضعیت معیشت و دستمزد کارگران نداشته، بلکه به واسطه اینکه خود کارفرمای بزرگ است، در مواقعی باعث تصویب حداقل دستمزدهای پایین نیز شده و مستقیما در مصوبه پایانی شورای عالی کار تاثیرگذار است در حالی که این تاثیر در سالهای اخیر از سوی مقامات دولتی رد شده است.

علی اکبر عیوضی در گفتگو با مهر با اعلام پیشنهاد طرحی به شورای عالی کار گفت، طی مذاکراتی که با نمایندگان کارفرمایی داشتیم، قرار است در قالب مذاکرات شورای عالی کار نقشی موثر برای دولت در تامین معیشت کارگران قائل شویم.

پیشنهاد 1.1 میلیونی و چراغ سبز کارفرمایان

رئیس کمیته ویژه مزد استان تهران اظهار داشت: همچنین مطرح شد که در راستای تعیین حداقل مزد واقعی برخی بررسی ها از سوی جامعه کارفرمایی و کارگری کشور صورت پذیرد. مابه التفاوت توان پرداخت کارفرمایان و فاصله آن با مزد واقعی باید از سوی دولت به صورت یارانه پرداخت شود.

عیوضی خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه سیاستهای دولت در بازار کار منجر به بروز مسائل اقتصادی و تورم شده است، این مسئله نباید متوجه کارگران باشد و آنها به واسطه دستمزدهای پایین، مسئول تورم بالا و افت توان مالی بنگاه ها باشند.

این مقام مسئول کارگری افزود: در حال حاضر مبلغی هم که برای بررسی بین کارگران و کارفرمایان و طرح در شورای عالی کار مطرح است، بیش از 1 میلیون و 100 هزار تومان است و قرار است شورای عالی کار بررسی کند که چه میزان از این مبلغ را کارفرمایان می توانند بپردازند و مابقی آن از سوی دولت تامین شود.

وی یکی از راهکارهای کاهش فشار مالی در واحدهای تولیدی کشور را پرداخت یارانه سهم تولید از سوی دولت عنوان و تاکید کرد: در مذاکراتی که با کارفرمایان داشتیم، آنها مسائل و مشکلات موجود در معیشت کارگران را پذیرفته اند و نمایندگان کارفرمایی نیز قبول دارند که دیگر با حدود 400 هزار تومان مزد در ماه نمی توان زندگی کرد.

عضو هیئت مدیره کانون شوراهای اسلامی کار استان تهران اظهار داشت: کارفرمایان معتقدند که دولت باید از طریق به کارگیری ابزارهای کنترلی، اجازه افزایش دوباره نرخ تورم را ندهد و نقش اساسی خود را در بهبود معیشت کارگران ایفا کند.

بازداشت یوسف آب خرابات عضو کمیته ي هماهنگي

به نوشته سایت کمیته هماهنگی .... در تاریخ 18 دی آمده است : بنا به خبر ارسالي،امروز سه شنبه مورخ 19/10/91 یوسف آب خرابات فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری از طرف اداره اطلاعات مهاباد احضار شد. نام برده در ساعت 30/10 صبح خود را به اداره اطلاعات مهاباد معرفی کرد که تا لحظه ارسال این خبر هنوز از سرنوشت او اطلاعی در دست نیست.
قابل ذکر است که چند روز پیش محمد مولانایی و واحد سیده دو عضو دیگر کمیته هماهنگي توسط نیروهای اطلاعاتی مهاباد دستگیر شدند و هنوز در بازداشت می باشند. خانواده محمد مولانایی مکررا" به اداره اطلاعات مراجعه کردند ولی هنوز جوابی از طرف آن اداره به ایشان داده نشده است.
کمیته ي هماهنگي براي كمك به ایجاد تشكل هاي كارگري، بازداشت و فشار بر اعضاي این کمیته را محکوم کرده و خواهان آزادي فوري و بي قيد شرط بازداشت شدگان شهر مهاباد و همچنین سایر کارگران و فعالین دربند مي‌باشد.
کمیته ي هماهنگي براي كمك به ایجاد تشكل هاي كارگري-19 دي 1391

بازداشت واحد سیده از اعضای کمیته‌ی هماهنگی در مهاباد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی .... در تاریخ 18 دی آمده است : به گزارش رسیده امروز دوشنبه 18/10/91 واحد سیده پس از مراجعه به اداره اطلاعات مهاباد بازداشت و در حال

حاضر به زندان مهاباد منتقل گردیده است. نامبرده دیروز به اطلاعات احضار و پس از حدود 2 ساعت بازجویی، قرار بود امروز نیز برای ادامه بازجویی به اطلاعات مهاباد مراجعه کند.
کمیته‌ی هماهنگی بازداشت واحد سیده را محکوم کرده و خواهان آزادی بی قید و شرط وی و سایر کارگران و فعالین در بند می باشد.
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-18 دی 1391

تجمع بازنشستگان آموزش و پرورش، تأمین اجتماعی و ارتش دربهارستان دراعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان

به گزارش خبرگزاری مجلس،در 19 دی آمده است : جمعی از بازنشستگان آموزش و پرورش، تأمین اجتماعی و ارتش امروز به منظور عدم دریافت مطالبات خود مقابل مجلس تجمع کردند.
براساس این گزارش،یکی از تجمع کنندگان گفت: مطالبات ما از سال ۸۶ است و مبلغ آن بین یک میلیون تا ۴ میلیون تومان متغیر است؛ یکی دیگر از تجمع کنندگان در این رابطه می گوید چرا مطالبات ما باید به بخش خصوصی داده شود تا آنها این اعتبارات را به کار گیرند.

شهرک صنعتی چرم مایان فاقد آب آشامیدنی است

بنا به گزارشات منتشره، شهرک صنعتی چرم مایان فاقد آب آشامیدنی است و به همین دلیل کارگران با خود از منزل آب شرب می آورند .
براساس این گزارشات،این شهرک صنعتی که با کارگران زیادی مشغول به کار است مشکل آب سالم و بهداشتی دارد و مدیران تا کنون هیچ اقدامی برای رفع این مشکل انجام نداده اند
کارگران هر روز در بطری و بشکه با خود آب سالم از منزل می آورند و رئیس این کارخانه هیچ تلاشی برای رفع این معضل نکرده است .

گودبرداری غیر اصولی جان کارگرجوانی را گرفت

به گزارش پایگاه خبری 125 ، دزتاریخ 19 دی آمده است : روزگذشته رعایت نکردن اصول ایمنی به هنگام تخریب و گودبرداری یک ساختمان در خیابان فرهنگ، خیابان تفرشی مرگ کارگر جوان را رقم زد.
حسن علیمردانی افسرآماده منطقه یک که در محل حادثه حضور داشت دراین باره گفت: بر اثر رعایت نکردن اصول ایمنی به هنگام گودبرداری ساختمان، متاسفانه مقداری از دیوار تخریب نشده بر روی دو کارگر جوان افغان که مشغول کار بودند ریخته بود و آنان را زیر انبوه زیادی از خاک و آجر گرفتار کرده بود.
وی افزود: در این حادثه یکی از کارگران از ناحیه پا دچار آسیب شده بود که بلافاصله توسط عوامل اورژانس به بیمارستان منتقل و کارگر دوم که تا سینه زیر آوار مدفون شده بود پس از تلاش آتش نشانان از زیر آوار بیرون کشیده شد که متاسفانه مرگ وی توسط عوامل اورژانس تأئید شد.

۱۶ واحد صنعتی کردستان در آستانه تعطیلي

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 19 دی آمده است : دو روز پس از آنکه یک مقام مسئول در کردستان از استخدام بیش از ۲۰ هزار نفر از جوانان این استان «در آینده نزدیک» خبر داد، دبیر اجرایی خانه کارگر استان کردستان اعلام کرد: بسیاری از کارخانجات صنعتی و تولیدی استان به علت کمبود نقدینگي، نوسانات نرخ ارز و عدم حمایت جدی از تولید و اشتغال تعطیل شده‌اند.
عباسعلی صفری در این باره به ایلنا گفت: در حال حاضر در استان کردستان ۱۶ واحد صنعتی و تولیدی بحران‌زده وجود دارد که به بهانه‌های مختلفی همانند بحرانهای اقتصادی حاصل از کمبود نقدینگي، حقوق کارگران خود را با تاخیر پرداخت مي‌کنند.
به اعتقاد وی همه کارگران باید از امنیت شغلی مطلوبی برخوردار باشند چرا که بي‌توجه‌ای به این امر مهم باعث بروز بحران‌های اقتصادی در واحدها ی تولیدی مي‌شود.
این فعال کارگری با نام بردن از چند واحد تولیدی تعطیل این استان از جمله نساجی کردستان، شاهو، آجر ماشینی شن، کچ کردستان، اضافه کرد: دولت باید بیشتر ین توجه خود را بر روی واحدهای

بحران‌زده و زیان‌ده معطوف کند و با سرمایه گذاری و حمایت از این واحدها، از تعطیلی و بیکاری کارگران جلوگیری کند.
وی در پایان سخنان خود با انتقاد از مصوبات اجرا نشده دولت در زمینه اشتغال زایی تصریح کرد:
وعدهای دولت در خصوص ایجاد واحدهای اشتغال‌زا در این استان محروم هنوز به ثمر نرسیده است.

40 ماه حقوق معوقه ومشکل بازنشستگی کارگران نساجی کاشان ووعده های توخالی دولت ووزیرکارش

بنابرگزارشات منتشره،حقوق کارگران کارخانه ریسندگی، بافندگی و نساجی کاشان 40ماه است که پرداخت نشده است.
برپایه این گزارشات،سال پیش 250 نفر از کارگران این کارخانه که با بازنشستگی تنها 1 یا 2 سال فاصله داشتند، با توجه به شرایط نابسامان کارخانه ازجمله عدم پرداخت حقوق کارگران، به صورت داوطلبانه به کارشان خاتمه دادندو از بیمه بیکاری استفاده کردند.
این کارگران باتوجه به مصوبه 25/5/90 هیئت وزیران مبنی بر احتساب مدت زمان استفاده از بیمه بیکاری در سابقه بازنشستگی این تصمیم راگرفتند،اما متاسفانه اکنون با سپری شدن یکسال ورجوع تعدادی ازاین کارگران به اداره بیمه برای بازنشستگی ،روشن شدکه مدت زمان استفاده از بیمه بیکاری برای آنها جز سابقه کاریشان محسوب نشده است و می بایست آن مدت راکار کنند تا بتوانند بازنشست شوند.
این گزارشات حاکیست،سال گذشته مشکل این کارگران به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گزارش شدومقرر شد حل مشکلات این کارخانه دردستورقرارگیرد.اما متاسفانه اقدامی صورت نگرفت.
قول برطرف شدن این مشکل کارگران نه تنها از سوی وزیر وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی داده شده بود بلکه رئیس جمهور در دیدار با مردم کاشان این وعده را دادند که مشکلات این کارخانه برطرف خواهد شد اما بیش از یکسال می‌گذرد و همچنان کارگران منتظر تحقق وعده دولت هستند.

بر اثر ریزش سیلوی سیمان کارخانه سیمان يك كارگر كشته و دو نفر مجروح شدند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در اصفهان در 19 دی آمده است : به گزارش خبرنگار ایلنا در اصفهان، فرمانده انتظامی شهرستان نایین با اعلام این خبر گفت: روز گذشته در پی اعلام خبری درباره اینکه سیلوی شرکت تولید سیمان در این شهرستان دچار ریزش شده، به سرعت ماموران به محل مورد نظر اعزام شدند.
به گفته سرهنگ رجبعلی مختاری در این حادثه یکی از کارگران سیلو هنگام بستن داربست، به دلیل ریزش انبوهی از سیمان در دم فوت کرد و دو نفر دیگر به شدت مصدوم و به بیمارستان منتقل شدند.

وی با اشاره به حضور کارشناسان قضایی و نماینده بازرسی اداره کار در صحنه و بررسی علل بروز اینحادثه افزود: ایمنی بر کار مقدم است و با رعایت اصول و نکات ایمنی باید از بروز چنین حوادثی خودداری کرد.

تایید خبر توسط دادستانی نایین
دادستان شهرستان نایین نیز در این باره گفت: بر اثر حادثه‌ای در سیلوی کارخانه سیمان خاکستری یک کارگر جان خود را از دست داد و دو نفر دیگر راهی بیمارستان شدند.
محمد خادمی محل وقوع این حادثه را کارخانه «سیمان خاکستری» نایین عنوان کرد و ادامه داد: در این حادثه سه کارگر که بر روی داربست مشغول تمیز کردن دیواره داخلی سیلوهای ذخیره سیمان این کارخانه بودند بر اثر جدا شدن قسمت بزرگی از سیمان جداره این سیلو دچار حادثه شدند.
دادستان شهرستان نایین خاطرنشان کرد: در این حادثه کارگری ۳۲ساله به نام «کیوان. ص» به دلیل قرار گرفتن در زیر لایه‌های سیمان جدا شده از جداره سیلو جان خود را از دست داد و دو نفر کارگر دیگر با نامهای «رضا» ۳۳ساله و «امین» ۲۱ساله که برادر وی بوده‌اند، مصدوم شدند.
دادستان نایین افزود: علت حادثه هنوز مشخص نشده و در دست بررسی است. هر دو سال یکبار به خاطر جلوگیری از کاهش ظرفیت سیلوهای سیمان، تمیزکاری جداره‌های آن در دستور کار مدیران کارخانه‌های سیمان قرار مي‌گیرد که حادثه اخیر در حین این تمیزکار اتفاق افتاده است.

هزینه خانوار کارگری را در ماه بین ۱/۵ تا ۱/۶میلیون تومان/ دستمزدهای ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزارتومانی برای زنان کارگر

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 19 دی آمده است : مسئول کمیته دستمزد کانون انجمن‌های صنفی کارگری استان تهران با اشاره به حداقل دستمزد تعیین شده برای کارگران در سال جاری (۳۸۹ هزار تومان) نرخ سبد هزینه خانوار کارگری را در ماه بین ۱/۵ تا ۱/۶میلیون تومان اعلام کرد.
به گزارش خبرنگار ایلنا، مسعود نیازی در نشست خبری که امروز در دفتر کانون عالی انجمن صنفی کارگران استان تهران برگزار شد، گفت: نمایندگان جامعه کارگری باید از حداقل‌های دستمزد کارگران برای سال آینده به گونه‌ای دفاع کنند تا این قشر بتوانند از پس معیشت‌های روزمره خود برآیند. تا زمانی که حداقل مزد بصورت واقعی تعیین نشود مطرح کردن بهره‌وری بي‌معنی است.
وی ادامه داد: در حال حاضر بر اساس ماده ۴۱ قانون کار، دستمزد بر اساس صنایع و نقاط مختلف کشور متناسب با شرایط نیست و همچنین نرخ تورم بر اساس قانون از سوی بانک مرکزی تعیین مي‌شد که طبق قانون برنامه چهارم به مرکز آمار محول شده است.
این فعال کارگری با بیان اینکه طبق استانداردهای بین‌المللی باید دو پنجم هزینه درآمد کارگران را مسکن، یک پنجم را خوراک و پوشاک، یک پنجم آموزش و یک پنجم آن صرف پس‌انداز و گذران اوقات تفریح شود، گفت: ماده ۴۱ قانون کار تعیین حداقل دستمزد را به نحوی تعریف کرده که بتواند معیشت یک خانوار ۴ نفره کارگری را تامین کند. طبق محاسبات بین المللی باید از طریق هزینه دو پنجم حداقل دستمزد، هزینه مسکن را تامین کرد در حالی که امروز در ایران با صرف ۳ برابر حداقل دستمزد نیز نمي‌توان هزینه‌های مسکن را پوشش داد.
مسئول کمیته دستمزد کانون انجمن‌های صنفی کارگری استان تهران به عامل تورم به منظور تعیین دستمزد اشاره کرد و گفت: نرخ واقعی تورم آذر ماه سال گذشته تا آذر ماه سال جاری ۶۲/۷ درصد بوده است و این در حالی است که بسیاری از اقلام نیز رشد صد در صدی داشته‌اند و در ماههای باقیمانده نیز با توجه به شرایط موجود تورم بالاتر خواهد رفت.
نیازی با تاکید بر اینکه دولت در تعیین حداقل دستمزد سال آینده باید یک عقب افتادگی تاریخی دستمزدها را جبران نماید و جایگزینی را برای این منظور اختصاص دهد، تصریح کرد: برآوردها نشان مي‌دهد که هزینه هر کارگر در ماه بین ۱/۵ تا ۱/۶ میلیون تومان است.
مسئول کمیته دستمزد کانون انجمن‌های صنفی کارگری استان تهران در پایان همچنین از دستمزدهای ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزارتومانی برای برخی زنان در بازار کار انتقاد کرد و دولت را ملزم به اجرای سیاست‌های کنترلی مناسب در این رابطه دانست.

احضار یازده عضو انجمن صنفی معلمان کردستان به دادگاه

به گزارش موکریان، سرویس حقوق بشر در 19 دی آمده است : یازده عضو انجمن صنفی معلمان کردستان از سوی اجرای احکام دادگاه انقلاب سنندج احضار شدند.
بنا بهمین گزارش، رامین زندنیا، بها ملکی، پیمان نودینیان، علی قریشی، کمال فکوریان، مصطفی سربازان، عزت نصرتی، پرویز ناصحی، محمد صدیق صادقی، هیوا احمدی و رضا وکیلی از جمله احضار شدگان می باشند.
اجرای احکام دادگاه انقلاب سنندج از آنان خواسته تا روز چهارشنبه بیستم دی ماه خود را به دادگاه معرفی کنند.
یادآور می گردد این افراد آذرماه سال جاری از طرف شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سنندج به اتهام تبلیغ علیه نظام، هر کدام به چهار ماه حبس به مدت دو سال تعلیق، محکوم شده بودند.

آماده سازی کودکان برای بازار کار پیش از طی شدن دوران کودکی نوعی تجاوز است!

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20 دی آمده است : موضوع حرفه‌آموزی به کودکان کار مدتی است از جانب برخی رسانه‌ها طرح و از جانب تعدادی از مسئولین نیز تایید شده است.
مدافعان حرفه‌آموزی به کودکان کار این اقدام را از آن جهت مفید می‌دانند که اقدامی عملی برای خروج این کودکان از چرخه مشاغل کاذب و نهایتا فقر است. آنان مدافع تبدیل این کودکان زباله‌گرد و شیشه‌پاك کن، به نیروهای مولد و مفید برای اجتماع‌اند. اما این نظر مخالفانی هم دارد. کسانی که به

اصل اشتغال کودکان - خواه کاذب، خواه مفید و مولد - اعتراض دارند. آنان آماده سازی کودکان برای ورود به بازار کار پیش از طی شدن دوران کودکی را نوعی تجاوز می‌دانند که با پذیرش منفعلانه‌ی متجاوز بودن اجتماع - در مقام تمثیل - نباید بدنبال مجهز ساختن آنان به وسایل پیشگیری بود و از سر استیصال و رقت قلبی کاسبکارانه، تن به پذیرش مخدوش شدن مرزهای انسانی داد.
حرفه‌آموزی به کودکان کار عقب‌گرد است
یاشار پورخامنه، مسئول بهداشت جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان در این باره می‌گوید: وقتی ما بخواهیم روی مواضع‌مان ایستادگی کنیم ممکن است در کوتاه مدت نتوانیم مشکل را فوری حل کنیم، اما حرکت رو به جلو و تداوم خواست‌ها باعث می‌شود دولت مجبور به اقدام جدی در این خصوص شود. به عنوان مثال ساعات کار کارگران و حق رای و سایر حقوق مشابه مدنی که امروز مسلم‌اند، با سال‌ها فعالیت و مبارزه به دست آمده است و در مورد کار کودک نیز وضع به همین منوال است.
این فعال حقوق کودکان کار ادامه داد: ما هم در جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان از هدایت این کودکان به سمت تولید استقبال می‌کنیم. اما در سنی که این افراد از کودکی عبور کرده باشند و دیگر ضعف و ناتوانی این دوران را نداشته باشند. ما در جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان برای کودکان بالاتر از ۱۵ و ۱۶ سال یک سری کارگاه در نظر گرفته‌ایم و تلاش می‌کنیم آنها را به سمت این کارگاه‌ها هدایت کنیم.
پورخامنه با تاکید بر پی‌گیری مستمر مطالبات کودکان کار، ادامه داد: اگر بخواهیم به سراغ حرفه آموزی به کودکان کار برویم در واقع از مواضع اصولی تمام فعالان حقوق کودک عقب نشینی کرده‌ایم. آموزش، بهداشت و تأمین اجتماعی رایگان جزء مهم‌ترین مواردی هستند که فعالان کودک باید برای پیگیری مطالبات کودکان کار بصورت جدی و مستمر دنبال کنند.
مسئول بهداشت جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان افزود: آموزش و پرورش سال گذشته اعلام کرد ما هفت میلیون کودک بازمانده از تحصیل داریم که بین ۲/۵ تا ۴ میلیون از این کودکان، کودک کار هستند. اگر امروز ما بخواهیم از دولت تقاضا کنیم هزینه‌ای که برای آموزش این کودکان در نظر گرفته است خرج حرفه آموزی آن‌ها کند یک قدم بزگ به عقب برداشته‌ایم.
تحصیل تنها کار کودك است
وی علی اکبر اسماعیل‌پور عضو هیئت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان نیز در این خصوص گفت: در سالهای اخیر حرفه آموزی به سمت خصوص سازی پیش رفته است و وقتی که اغلب امور آموزشی این سازمان به بخش خصوصی واگذار شده است بخش دولتی این سازمان پاسخگوی جوانان نیازمند و جویای کار نیست. حال چگونه می‌تواند کودکان کار و خیابان را پوشش دهد؟
وی ادامه داد: مسئله دیگر این است که لزوم آموزش این کودکان باید مورد توجه جدی قرار گیرد. دولت باید شرایطی را فراهم کند که تحصیل کودکان در اولویت قرار بگیرد و حرفه آموزی در حاشیه و در کنار امر تحصیل می‌تواند برای ارتقای توانمندی کودکان امر مفیدی باشد اما بحث اصلی بر سر این است که ما آماری از این کودکان نداریم و گروه هدف این کودکان نیز مشخص نیست.
عضو هیئت مدیره انجمن حمایت از حقوق کودکان افزود: چون آمار نداریم و گروه هدف مشخص نیست هرگونه طرح و برنامه ریزی محکوم به شکست است و تنها در موسسات حمایت از کودکان فضای مناسبی برای حمایت از کودکان کار ایجاد کرده‌ایم و خانواده‌های این کودکان هم به نوعی متوجه شده‌اند که این مراکز دلسوز آموزش کودکان هستند و به همکاری با این مراکز علاقمندی نشان داده‌اند و بسیاری از این کودکان بخشی از وقت خود را در این مراکز سپری می‌کنند تا یک حداقلی از آموزش را فرا بگیرند.
اسماعیل‌پور الگوی موسسات خیریه حمایت از کودکان کار را بهترین الگو در این مورد ارزیابی کرد و گفت: به نظر من موسسات حمایت از کودکان که توسط تشکل‌های غیر دولتی بنا گذاشته شده‌اند می‌توانند یک الگوی خوبی برای سازمانهای دولتی متولی ساماندهی کودکان کار و خیابان باشند.
وی بعضی از پیشنهادهای ارگان‌های دولتی را نامناسب ارزیابی کرد و گفت: مسئولین به جای مطرح کردن بحث پوشاندن لباس متحد الشکل به کودکان کار و حرفه آموزی که به کلیات می‌پردازند و هیچ دستاورد اجرایی نخواهد داشت، می‌توانند از خانه‌های کودک الگو بگیرند و بر برنامه‌هایی که در خانه‌های کودک اجرا می‌شوند متمرکز شوند.
وی تصریح کرد: کودکان به دلخواه خودشان مشغول کار نشده‌اند ونیاز اقتصادی خانواده‌ها آن‌ها را وادار به کار کرده است. به نظر من اولویت زندگی این کودکان حرفه آموزی نیست و این موضوع باعث هدفمندتر شدن این موضوع خواهد شد.
این فعال حقوق کودک گفت: اگر از جنبه حقوق کودک هم به این موضوع نگاه کنیم در کشور ما در قانون کار آمده که اشتغال کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است و از ۱۵ تا ۱۸ سال اگر کودکی بخواهد کار کند باید تابع شرایطی باشد و باید از لحاظ پزشکی تأیید شود که توانایی کار کردن را دارد. این کار نیز باید تابع شرایطی داشته باشد و به صورت مستمرنباشد، ایمنی کار کنترل شود و ساعات کار باید

کنترل شود و موارد دیگر نیز باید رعایت شود.
اسماعیل‌پور گفت: بحث اصلی من این است که در کشور ما که شاهد بیکاری هر روزه کارگران نان آور و سرپرست خانواده هستیم اصرار بر آموزش و حرفه آموزی کودکان منطقی نیست و نباید محلی از اعراب داشته باشد. این در شرایطی می‌تواند درست باشد که همه چیز سر جایش باشد، شرایط حرفه آموزی کودکان، ساعات کار آن‌ها، تولیداتی که قرار است داشته باشند و تمام چند و چون کار شفاف باشد و اینکه این اقدامات قرار است زیر نظر چه موسسه‌ای انجام شود نیز حائز اهمیت است.
افزود: در زمانی که ما آمار درستی از این کودکان نداریم و تمام اقدامات ما بر اساس حدس و گمان است و گروه هدفمان مشخص نیست، اینکه که گروه هدف کودکان کولی، مهاجر، مهاجرت کننده از شهرهای کوچک‌تر به شهرهای بزرگ‌تر و یا هر گروه دیگری باشند بر روی تصمیم گیری نهایی ما تأثیر گذار خواهد بود و بحث اصلی در این موضوع جدا کردن خودی از غیر خودی نیست بلکه توجه به این موضوع باعث می‌شود ما بتوانیم در مورد توانمند کردن این کودکان هم تصمیم بگیریم.
اسماعیل‌پور ادامه داد: به این دلیل که پیمانکار، کارفرما، نظارت بر مشاغل در خصوص کار کودک شفاف نیست و هر نوع تصور حرفه آموزی در مورد گماردن کودکان به کار قانونی در شرایط فعلی مقدور نیست، اجرای چنین طرح‌هایی به بهره کشی بیشتر از کودکان منجر خواهد شد.
این فعال حقوق کودک کار کودکان به پیمان نامه جهانی حقوق کودک اشاره کرد و گفت: تأکید همه ما این است که تحصیل حق همه کودکان است و سال‌ها قبل انجمن حمایت از حقوق کودک یک شعار جدی‌تر را مطرح کرد و آن این است که «کار کودکان تحصیل است»، به این معنا که غیر از تحصیل ما هیچ کار دیگری را نباید برای کودکان تصور کنیم.

وعده های تکراری در خصوص استخدام آموزشیاران نهضت سواد آموزی

نامه رسیده ؛ بر پایه نوشته کارمند نیوز در تاریخ 20 دی آمده است : این همان بخشنامه ای بود که قرار بود هجدهم بیاید و خیال می کردیم که الان برای اموزشیاران شق القمر خواهند کرد ولی متاسفانه دیدیم که در این بخشنامه چیزی جز همان حرف های تکراری و همیشگی نبود حرف هایی از جنس همان حرف های اقای باقر زاده ریاست محترم سازمان و همکارانشان که متاسفانه در هفته سواد اموزی مکرر تکرار شد همان امار و ارقام تکراری بی سوادان و امار ضد و نقیض و انداختن مشکلات 30 ساله نهضت و چه بسا اموزش و پرورش به گردن 15000اموزشیاران بی پناه نهضت .
متاسفانه احساس می شود که کمیسیون اموزش مجلس و وزارت اموزش و پرورش دستشان در یک کاسه است تا کی باید وعده های واهی استخدام را از زبان مسولان نهضت بشنویم شخص اقای باقرزاده پارسال در اردبیل گفتند که اموزشیارانی که ارتباط خود را با نهضت حفظ کرده باشند و مدرک دانشگاهی خود را تیر ماه 91 ارایه کنند به یقین جز نیروهای استخدامی خواهد بود و بارها وعده پیگیری استخدام اموزشیاران را از پارسال تا امثال دادند ولی همه حرف ها و قول های واهی در این بین برخی از مسولان استانی نهضت بحث کمبود بودجه دولت را عامل عدم استخدام اموزشیاران عنوان کردند حال انکه سوال مهم و بی جواب این جاست که چطور دولت برای استخدام 5000 شرکتی که از اساس به کارگیری انها در اموزش و پرورش در سال 89-88 اشتباه بود و بعد با یک ازمون نابرابر با اموزشیاران (چون اموزشیاران عمدتا شاغل بودند و استرس کاری بالایی داشتند و وقت مطالعه کافی را نداشتند) قبول و حق التدریس شدند هنوز سابقه انها بعد از قبول شدن به یک سال نرسیده بودجه استخدامشان فراهم شد اما اموزشیارانی که الان از 5 تا 10 سال سابقه دارند ان هم در شرایطی سخت تر از انها این سوابق را به دست اورده اند بودجه برای استخدام ندارند؟
مگر شهروند درجه 1 و درجه 2 در این مملکت داریم؟ به اعتقاد من این حق کشی اشکار را باید به گوش مسولان سازمان ملل رساند تضییع حقوق بشر بالاتر از این از بس به ارگان های مختلف داخلی از نهاد رهبری تا دفتر ریاست جمهوری و معاون توسه و مسولان وزارت خانه نامه نوشتیم که خسته شدیم ولی دریغ از گوش شنوا ؟ همه دستشان برای تضییع حقوق اموزشیاران در یک کاسه است.

تفکیک جنسیتی ۱۰هزار کلاس در اصفهان

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در تاریخ 20 دی آمده است : بدنبال اسلامی کردن مدارس و دانشگاه ها، معاون فرهنگی ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر استان اصفهان از تفکیک جنسیتی حدود ۱۰ هزار کلاس در دانشگاه‌های استان اصفهان تاکنون خبر داد.
میثم ریاحی در حاشیه همایش رؤسای ستادهای امر به معروف و نهی از منکر شهرستان‌های استان اصفهان در گفت‌وگو با فارس، اظهار داشت: امسال همچنین طرح پوشش متحدالشکل و کاملا اسلامی در مدارس راهنمایی، دبیرستان و دانشگاه‌های استان اصفهان با استفاده از نقطه‌نظرات

دانشجویان اجرا مي‌شود.
وی افزود: برای تحقق پوشش کاملا اسلامی و متحدالشکل در مراکز آموزشی استان اصفهان دو کمیته پوشش، حجاب و عفاف و طراحي، فعاليت خود را آغاز کرده است.
ریاحی در ادامه از برگزاری دوره‌های آموزشی کارمندان ادارات شهرستان‌ها توسط مربیان آموزش دیده با موضوع امر به معروف و نهی از منکر خبر داد و یادآور شد: کارمندان ادارات ملزم به حضور در این دوره‌های آموزشی هستند.
وی از تهیه و توزیع گل‌واژه‌های امر به معروف و نهی از منکر در قالب سي‌دي‌های تبلیغاتی خبر داد و بیان داشت: سي‌دي‌های حاوی طرح و گل‌واژه‌های امر به معروف و نهی از منکر در ۲۲ شهرستان استان اصفهان توزیع شده است.

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد

اوضاع بحرانی اقتصاد وتاثیر هولناک آن بر معیشت کارگران به حدی است که احتمال انفجار توده ای وخیزش گرسنگان به تهدیدی جدی برای رژیم سرمایه داری ایران تبدیل شده است . رژیم ترسان از انقلاب نه تنها به ابعاد سرکوب وسعت بخشیده بلکه دامنه فشار بر کارگران زندانی را گسترش داده است. اخبار زندانها حاکی از آزار روز افزون کارگران دربند است. دفاع وحمایت از زندانیان ومبارزه برای آزادی کارگران زندانی به یک وظیفه عاجل تبدیل شده است. باید یک پارچه دردفاع از این کارگران ومبارزات کارگری درایران به میدان آمد. شورا ضمن حمایت از هر اقدام آزادیخواهانه دردفاع ازکارگران اما بر هماهنگی وهمراهی نیروهای مدافع جنبش کارگری تا سرحد امکان اصرار دارد. ما ترجیح میدهیم حال که امکان همکاری نیروهای چپ وکمونیست فراهم شده است فراخوان ها حتی الامکان از سوی شورای نمایندگان نیروهای چپ و کمونیست باشد. یقینا هرجریانی حق دارد مستقل عمل کند اما حضور یکپارچه وتلاش برای عمل مشترک به تقویت جنبش کارگری و آزادیخواهانه وهمچنین انسجام مدافعین جنبش کمک خواهد کرد.
ضمن اظهار شادی از آزادی هرچند کوتاه مدت رضا شهابی برای فشار هرچه بیشتر علیه رژیم وآزادی دهها کارگر زندانی دیگر که درشرایط وخیم درزندانهای رژیم بسر میبرند شورا مثل همیشه پیکت هایی در مرکز شهر دایر میکند وخواست آزادی بهنام ابراهیم زاده ،شاهرخ زمانی ، محمد جراحی ، پدرام نصرالهی و..... را بگوش مردم سوئد میرساند. مثل همیشه پیکت به زبان سوئدی خواهد بود.
روز شنبه 19 ژانویه ساعت 2 درمحل سرگل برگزار خواهد شد.
کارگر زندانی زندانی سیاسی آزاد باید گردد
زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم
شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران ـ استکهلم
www.shora.se shoraye1@gmail.com Mobil:0728379451

حداقل و حداکثر عيدي امسال کارگران

به گزارش آريا، در 20دی 1391 آمده است : قائم مقام وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعي حداقل عيدي امسال کارگران را 779 هزار و 400 تومان و حداکثر يک ميليون و 169 هزارو 100 تومان اعلام کرد.
بنا بهمين گزارش، مجيد دوستعلي به مصوبه مجلس شوراي اسلامي در سال 1370 اشاره کرد و گفت: بر اساس اين مصوبه همه کارفرمايان کارگاه هاي مشمول قانون کار مکلفند به هريک از کارگران خود به نسبت يک سال کار، معادل 60 روز يا دو ماه آخرين مزد را به عنوان عيدي و پاداش بپردازند.
وي با بيان اينکه حداقل حقوق کارگران در سال جاري 389 هزار و 700 تومان است و افزود: عيدي و پاداش کارگران نبايد از سه ماه معادل 90 روز حداقل مزد روزانه قانوني تجاوز کند.

اداره آمار بانک مرکزی:نرخ تورم در آذرماه 1391 معادل 4/27درصد است

به گزارش سایت بانک مرکزی،در 20 دی آمده است : خلاصه نتایج به دست‌آمده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران براساس سال پایه 100=1383 درآذرماه 1391 به شرح زیر است :
- شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در آذرماه 1391 به عدد 9/390 رسید.
- نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به آذرماه 1391 نسبت به دوازده ماه منتهی به آذرماه 1390 معادل 4/27درصد است.

کمبود آب در عسلویه/قطعی چند روزه، سهمیه بندی نامناسب

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در 20 دی آمده است : کمبود مخازن ذخیره و قطعی آب در روزهای اخیر مشکلاتی را برای شهروندان عسلویه به وجود آورده است.
به گزارش خبرگزاری مهر، توسعه و پیشرفت عسلویه در سال‌های اخیر بسیار چشمگیر بوده و با توجه به قرار گرفتن این شهر در مرکز پایتخت انرژی ایران، شاهد ساخت و سازهای بسیار زیاد و حضور جمعیت بسیار زیادی در این منطقه هستیم که همین افزایش جمعیت باعث بالارفتن نیازها شده است.
بي‌شک افزایش جمعیت در یک منطقه باعث مي‌شود تا نیاز به توسعه زیرساخت‌ها در آن منطقه بیش از پیش احساس شود و باید همزمان با توسعه و پیشرفت تاسیسات نفتی و گازی در این منطقه، زیرساخت‌های لازم برای زندگی مردم نیز توسعه یافته و پیشرفت کند.
مسئولان منطقه ویژه پارس جنوبی همواره بر توسعه پیرامونی در شهرستان کنگان و به‌ویژه عسلویه تاکید فراوانی داشته‌اند و کارهای بسیار زیادی نیز در این منطقه صورت گرفته ولی هنوز هم مشکلاتی وجود دارد که نیازمند توجه بیشتری است تا مردم این منطقه بتوانند زندگی بهتری داشته باشند.
احداث و راه‌اندازی فازهای متعدد پارس جنوبی و حضور نیروهای کاری در این منطقه باعث شده تا جمعیت این منطقه به صورت چشمگیری افزایش یابد و تامین آب و برق و گاز و برای مردم این منطقه سخت‌تر شود.

* قطعی چند روزه آب در عسلویه و نارضایتی شهروندان
یکی از مشکلاتی که در روزهای اخیر گریبان‌گیر مردم منطقه عسلویه شده، کمبود منابع آبی و قطعی آب در این منطقه است که نارضایتی برخی از شهروندان این منطقه را باعث شده است.
عبدالمجید کشکولی یکی از شهروندان عسلویه با ابراز نارضایتی از قطعی چندروزه آب در این شهر اظهار داشت: با توجه به اینکه ما مخزن ذخیره آب در منزل نداریم، این قطعی آب باعث شد تا مشکلاتی برای ما به‌وجود آید و قطعی آب زندگی ما را دچار اختلال کرد.

* سهمیه آب اختصاص یافته به عسلویه با ظرفیت جمعیتی آن مناسب نیست
رئیس شورای شهر عسلویه نیز اظهار داشت: جمعیت شهر عسلویه در حالت واقعی با در نظر گرفتن کمپ‌های کارگری و همچنین افراد فعال در بازار به ۱۲ هزار نفر مي‌رسد و سهمیه اختصاصی آب این شهر برای جمعیت چهار هزار و ۵۰۰ نفری دیده شده است.
حسن علیزاده با بیان اینکه این جمعیت با ظرفیت آبی منطقه تناسبی ندارد، خواستار افزایش این ظرفیت و بهبود وضعیت فشار آب در این منطقه شد و اضافه کرد: فشار آب به سمت مخزن به اندازه لازم نیست و نیاز به کارشناسی بیشتر برای تعویض خط لوله یا نصب یک پمپاژ دارد.

تجمع خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی در مهاباد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی .... در تاریخ 20 دی آمده است : به گزارش رسیده روز چهارشنبه 91/10/20 خانواده‌ی فعالین کارگری بازداشتی در مهاباد مقابل اداره اطلاعات تجمع کردند. آنان خواهان آزادی محمد مولانایی، واحد سیده و یوسف آب خرابات شدند؛ اما با برخورد توهین آمیز و تهدید مامورین روبرو شدند و تنها واحد سیده طی تماس تلفنی کوتاهی با خانواده‌اش درخواست لباس نموده است.
بر اساس این گزارش فعالین کارگری بازداشتی هنوز در اداره اطلاعات هستند و مشخص نیست که تفهیم اتهام شده‌اند یا نه؟
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکومیت بازداشت اعضای خود در مهاباد آقایان محمد مولانایی، واحد سیده و یوسف آب خرابات خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنان و همچنین سایر کارگران، فعالین و زندانیان سیاسی و عقیدتی می‌باشد.
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

بازداشت کومار خدري راننده شرکت جهاد توسعه

به نوشته سایت کمیته هماهنگی .... در تاریخ 20 دی آمده است : بنا به خبر ارسالي، روز شنبه 16/10/91 یکی از رانندگان شرکت پیمانکاری جهاد توسعه به نام کومار خدری به اداره اطلاعات سنندج

احضار و تا اين تاريخ از سرنوشت نام برده هيچ اطلاعي در دست نمي باشد. لازم به ذكر است كه رانندگان شركت جهاد توسعه در سال جاری چندين بار برای دريافت مطالبات خود از جمله گرفتن حقوق های معوقه دست به اعتصاب زده بودند.
كميته ي هماهنگي براي كمك به ايجاد تشكل هاي كارگري

تجمع جمعی از بازنشستگان کشوری در مقابل مجلس

به نوشته سايت كميته هماهنگی .... در تاريخ 20 دی آمده است : ه گزارش رسيده جمعي از بازنشسته هاي كشوري (بازنشستهاي آموزش و پروش) سهشنبه 19 دي مجددا در مقابل مجلس تجمع كردند. در اين تجمع حدود 120 نفر از بازنشستگان آموزش و پرورش و تعداد محدودي از بازنشسته هاي تامين اجتماعي شركت داشتند. بازنشستگان با دادن شعارهايي مانند "حقوق بازنشسته پول آب و برق نمي شه" ، "حقوق بازنشسته با ريالهه هزينه ها با دلاره " ... اعتراض خود را نسبت به خبر 10 درصد افزايش حقوق براي سال آينده اعلام نمودند. در پي اين تجمع تعداد 3 نماينده از طرف بازنشستگان انتخاب و به درون مجلس رفته و خواسته هاي آنان را به نمايندگان اعلام نمودند. در پايان تجمع كنندگان اعلام نمودند در صورت عدم پاسخگويي به خواسته هاي آنان مجددا در مقابل مجلس تجمع خواهند نمود.
لازم به ذكر است كه اين بازنشستگان در هفته گذشته 12 دي نيز در مقابل مجلس در اعتراض به خبر افزايش 10 درصد اضافه حقوق براي سال آينده تجمع كرده بودند. بعضي از خواسته هاي بازنشستگان عبارت است از:
1- اجرای كامل قانون مديريت كشوری
2- تعديل و ترميم حقوق و مزايای بازنشستگی مطابق با ساير سازمانهای دولتی
3- پرداخت معوقه مطالبات سالهای 86 و 87
كميتهی هماهنگی برای كمک به ايجاد تشكلهای كارگری

بدون شرح

نامه 100 به اصطلاح " تشکل کارگری و بازنشستگی " در حمایت از سعید مرتضوی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20 دی آمده است :دبیر کل کانون عالی شوراهای اسلامی کار از «نامهٔ ۱۰۰ تشکل کارگری و بازنشستگی» به مقامات عالی رتبهٔ کشور در حمایت از عملکرد «سعید مرتضوی» رئیس سازمان تامین اجتماعی خبر داد.
به گزارش ایلنا، ناصر برهانی با بیان اینکه بالغ بر ۱۰۰ تشکل کارگری و بازنشستگی طی نامه‌ای به مقامات عالی رتبهٔ کشور خواستار حفظ جایگاه فعلی سازمان تامین اجتماعی شده‌اند، مدعی شد این تشکل‌ها «نمایندگان بیش از ۲۰ میلیون کارگر و بازنشسته تامین اجتماعی» هستند که باید خواسته‌ها و انتظارات آنان مورد توجه قرار بگیرد.
وی در ادامه به حمایت ۱۶۴ نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از تبدیل «صندوق تامین اجتماعی» به «سازمان» استناد کرده است هرچند بسیاری از نمایندگان در زمان طرح این نامه در صحن علنی مجلس،حاضر به انتشار نامشان نشدند.
ایلنا پیش‌تر روز یکشنبه مورخ ۱۷ دی ماه از تلاش دو تشکل رسمی کارگری و یک تشکل بازنشستگان تامین اجتماعی برای تهیه نامه‌ای در حمایت از مدیریت سعید مرتضوی در سازمان تامین اجتماعی خبر داده بود.
در آن خبر آمده بود « مسئولان تشکل‌های یاد شده طی روزهای اخیر از اعضای خود خواسته‌اند تا در حمایت از مدیرعامل سازمان تامین اجتماعي، طوماری که خطاب به عالي‌ترین مقام نظام نوشته شده است را امضا کنند».
جمع آوری امضا در دفاع از یک مقام دولتی در حالی توسط تشکل‌های رسمی کارگران انجام مي‌شود که جامعه کارگری ایران در ماه‌های گذشته بیش از هرزمان دیگری با دغدغه‌هایی چون کاهش قدرت خرید، فقدان امنیت شغلي، بروز حوادث حین کار و حذف جنبه‌های حمایتی قوانین کار و تامین اجتماعی مواجه است.
گفتنی است مرتضوی در بدو ورودش به این سازمان، با استناد به قانون پنجم توسعه، پیش نویسی را برای تغییرات قانون تامین اجتماعی آماده کرده بود که علاوه بر افزایش سن بازنشستگی تا ۵ سال،

منجر به افزایش ۲ درصدی سهم حق بیمهٔ کارگران و محدود شدن خدمات رایگان به بیمه شدگان مي‌شود.
هر چند در خبری که امروز توسط کانون عالی شوراهای اسلامی کار به ایلنا ارسال شده است، به متن نامه اشاره ای نشده اما این خبرگزاری در تلاش است تا متن کامل نامه را منتشر کند.

خطر بیکاری ۱۰ هزار کارگر در ساوه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20 دی آمده است : شهلا میرگلو بیات در صحن علنی امروز - سه‌شنبه - مجلس شورای اسلامی با بیان این که شهرستان ساوه قطب صنعتی کشور است، گفت: حدود ۵۰۰ کارخانه در شهرهای صنعتی استان مرکزی فعال هستند که تعدادی از این کارخانه‌ها با مشکلات اقتصادی مواجه شده‌اند و صاحبان صنایع نیز در این زمینه با وزیر صنعت، معدن تجارت جلسه داشته‌اند و دستور داده‌اند که اقدامات لازم صورت گیرد.
وی افزود: اگر از کارخانه‌هایی که اکنون با مشکل مواجه شده‌اند حمایت نکنیم ۱۰ هزار کارگر در این شهرستان بیکار خواهند شد.
نماینده ساوه در مجلس شورای اسلامی گفت: در جاده زرندیه تهران روزانه ۲۰ هزار اتومبیل تردد می‌کند و اینجاده طراحی‌اش برای ۴۰ سال پیش است و اگر دستورات لازم در رابطه با تعریض اینجاده صادر نشود قطعا ساکنین این مناطق با مشکلاتی مواجه خواهند شد.
عضو کمیسیون بهداشت در مجلس شورای اسلامی گفت: شهرستان ساوه قطب بزرگ صنعتی و کشاورزی است اما در رابطه با تامین آب بخش کشاورزی خود سدی قرار بود در سال ۸۵ ساخته شود که هنوز افتتاح نشده و این درحالی است که بعنوان طرح‌های ماندگار از سوی رئیس جمهور اعلام شده است.
وی افزود: ۷۰ درصد این پروژه پیشرفت فیزیکی داشته اما هنوز به بهره برداری نرسیده است.

مادر ستار بهشتی: دادگاه فرزندم باید علنی باشد

به نوشته سایت خبرگزاری هرانا در 20 دی آمده است : مادر ستار بهشتی، وبلاگ نویس مقتول در بازداشتگاههای ایران گفت: "من می‌خواهم زودتر پرونده پسر مرا به دادگاه بفرستند. دادرسی باید علنی باشد. تمام خبرنگارها هم باشند. داغ آن بچه دارد مرا می‌سوزاند."
خانم گوهر عشقی در گفتگو با رادیو فردا تاکید کرد: "بچه مرا سالم از خانه بردند و کشته‌اش را به من دادند. اگر آن‌ها می‌گویند که ما نفهمیدیم ستار چطور مرده است، پس چرا جنازه‌اش را به ما نشان ندادند؟ چرا صورتش را به من نشان ندادند؟"
گزارش درگذشت ستار بهشتی، وبلاگ‌نویس منتقد حکومت، در زندان، روز یکشنبه ۱۷ دی ماه ۱۳۹۱ در صحن علنی مجلس قرائت شد.
به نوشته خبرگزاری‌ها، در این گزارش آمده است که علت قطعی فوت از لحاظ پزشکی مقدور نیست، اما محتمل‌ترین علت منجر به فوت می‌تواند «پدیده شوک» باشد. در این میان، محمدرضا تابش، نماینده اصلاح‌طلب مجلس از اردکان، گفت که "بخش‌هایی از این گزارش حذف شده است."
ستار بهشتی به‌واسطه فعالیت‌های اینترنتی خود روز نهم آبان ۱۳۹۱، توسط پلیس سایبری ایران، فتا، بازداشت شد و ۱۳ آبان‌ماه تحت نظر پلیس فتا درگذشت. گوهر عشقی، مادر ستار بهشتی در گفت‌وگو با رادیو فردا در مورد گزارش قرائت شده در مجلس می‌گوید:
گوهر عشقی: بچه مرا کشته‌اند. بچه مرا کشته‌اند. بچه مرا سالم از خانه بردند. بی‌گناه بود. وابسته به هیچ جا نبود. من هیچیک از این حرف‌ها را قبول ندارم.

در این گزارش گفته شده است که پسر شما متهم به فعالیت تبلیغی علیه نظام، توهین به ارزش‌های نظام و اجتماع و تبانی به قصد اقدام علیه امنیت کشور بوده است؟ نظرتان در مورد این اتهاماتی که به پسرتان وارد شده است، چیست؟

من هیچ کدام از این‌ها را قبول ندارم. پسر من اصلا وابسته به کسی نبود، وابسته به خودش بود. بچه من ایرانی و ایران‌پرست بود و در راه ایران کشته شد.
در مورد مرگ فرزند شما در زندان صحبت‌های زیادی از طرف مقام‌های رسمی شده است از جمله در همین گزارش مجلس.
من از متهمی که آورده بودند پرسیدم می‌خواهم بدانم ستار بهشتی وقت بازجویی چه می‌گفت؟ به من جواب داد ما او را می‌زدیم و او می‌خندید. بچه من زیر شکنجه مرده است. او را کشته‌اند. اگر نکشته‌اند پس چرا جنازه‌اش را به ما ندادند تا خودم بدنش را شستشو دهم؟

کسی که برای عذرخواهی از شما آمده بود، گفت که ما ستار بهشتی را می‌زدیم و او می‌خندید؟
بله. یک بار هم بیشتر او را ندیدم. گفتم من یک کلام بیشتر با شما صحبت ندارم. می‌خواهم ببینم شما که بچه مرا شکنجه می‌دادید، چه می‌کرد؟ جیغ می‌زد؟ گریه می‌کرد؟ ناله می‌کرد؟ گفت نه. ما می‌زدیم و او می‌خندید. گفتم بنازم به او که شیر بود و شما روباه بودید.

مشخص شده است که چند نفر در ضرب و شتم فرزند شما در زندان دخالت داشته‌اند؟
فکر می‌کنم یک نفر بوده است. یک نفر را به ما نشان دادند و گفتند تا آخرش این بوده است.

خبر دارید که پرونده اتهام علیه کسی که خودش اعتراف کرده که فرزند شما را مورد ضرب و شتم قرار داده و متهم است، در محاکم قضایی به کجا رسیده است؟
نه. این جور که من شنیده‌ام الان در مجلس مطرح است.

از مقام‌های قوه قضائیه و سایر مقامات کشور در مورد پرونده پسرتان چه درخواستی دارید؟
من از آن‌ها خواهش می‌کنم، تمنا می‌کنم که دادگاه فرزند من علنی باشد، نه مخفی. تمام خبرنگاران هم آنجا باشند. رسیدگی به پرونده بچه من علنی باشد. باید هر چه زودتر این پرونده را به دادگاه بفرستند.

آیا بعد از اینکه فرد متهم را پیش شما آوردند تا از شما عذرخواهی کند، از سوی مقام‌های قوه قضائیه یا نیروی انتظامی و سایر نهادها در رابطه با پرونده مرگ فرزندتان با شما تماسی گرفته شده است؟
نه. کسی نیامد عذرخواهی کند. هیچ کس نیامده است. از مقام‌های ایرانی یا ملل متحد خواهش می‌کنم که به این موضوع رسیدگی کنند. دست‌های تک‌تکشان را می‌بوسم. پرونده بچه من را زودتر به نتیجه برسانند اما به طور علنی باشد.
یک مادر داغدار اینجاست. یک مادری که سرپرستش را از دست داده است. مادری هستم که الان با عکس‌های فرزندم زندگی می‌کنم.
با مریضی خودم دارم دست و پنجه می‌زنم. ستار پرستارم بود. یک موضوع دیگر را هم بگویم. وقتی که چهلم ستار تمام شد مرا گرفتند و زدند. موهای سرم را کشیدند. روسری‌ام را کشیدند و حرف‌های نامربوطی به من زدند. با دختر من هم همین طور برخورد کردند. او سید اولاد پیغمبر است و نباید روسری و چادر او را می‌کشیدند. تازه ما عزادار هم بودیم. پسرهای مرا هم گرفتند و زدند. آیا باید با یک مادر داغدیده این طور رفتار کنند؟

آیا شما در همین ارتباط شکایتی مطرح کرده‌اید؟
نه اصلا شکایتی مطرح نکردیم. به ما گفتند که اصلا با جایی مصاحبه نکنید ما خودمان رسیدگی می‌کنیم. اما چه رسیدگی کردند؟ هیچ کس نیامد دم در خانه من را باز کند و حتی یک تسلیت خشک و خالی بگوید.
بچه مرا سالم از خانه بردند و کشته‌اش را به من دادند. اگر آن‌ها می‌گویند که ما نفهمیدیم ستار چطور مرده است، پس چرا جنازه‌اش را به ما نشان ندادند؟ چرا صورتش را به من نشان ندادند؟
خبرنگار رفته و از مرده‌شورخانه پرسیده است. به او گفته‌اند بدن آقای ستار بهشتی آنقدر

آزرده بوده که به سختی شستشو داده شده و حتی قابل شستشو نبوده است.
خود متهم گفت که پسر شما زیر شکنجه کشته شده است. من از آن‌ها می‌خواهم زودتر پرونده پسر مرا به دادگاه بفرستند. دادرسی باید علنی باشد. تمام خبرنگارها هم باشند. داغ آن بچه دارد مرا می‌سوزاند.

مسئول کمیته دستمزد انجمن‌های صنفی تهران:

سبد هزینه خانوار کارگری در ماه ۱/۵ میلیون تومان است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20 دی آمده است : نرخ واقعی تورم آذر ماه سال گذشته تا آذر ماه سال جاری ۶۲/۷ درصد بوده است و این در حالی است که بسیاری از اقلام نیز رشد صد در صدی داشته‌اند و در ماههای باقیمانده نیز با توجه به شرایط موجود تورم بالاتر خواهد رفت.
مسئول کمیته دستمزد کانون انجمن‌های صنفی کارگری استان تهران با اشاره به حداقل دستمزد تعیین شده برای کارگران در سال جاری (۳۸۹ هزار تومان) نرخ سبد هزینه خانوار کارگری را در ماه بین ۱/۵ تا ۱/۶میلیون تومان اعلام کرد.
به گزارش خبرنگار ایلنا، مسعود نیازی در نشست خبری که امروز در دفتر کانون عالی انجمن صنفی کارگران استان تهران برگزار شد، گفت: نمایندگان جامعه کارگری باید از حداقل‌های دستمزد کارگران برای سال آینده به گونه‌ای دفاع کنند تا این قشر بتوانند از پس معیشت‌های روزمره خود برآیند. تا زمانی که حداقل مزد بصورت واقعی تعیین نشود مطرح کردن بهره‌وری بی‌معنی است.
وی ادامه داد: در حال حاضر بر اساس ماده ۴۱ قانون کار، دستمزد بر اساس صنایع و نقاط مختلف کشور متناسب با شرایط نیست و همچنین نرخ تورم بر اساس قانون از سوی بانک مرکزی تعیین می‌شد که طبق قانون برنامه چهارم به مرکز آمار محول شده است.
این فعال کارگری با بیان اینکه طبق استانداردهای بین‌المللی باید دو پنجم هزینه درآمد کارگران را مسکن، یک پنجم را خوراک و پوشاک، یک پنجم آموزش و یک پنجم آن صرف پس‌انداز و گذران اوقات تفریح شود، گفت: ماده ۴۱ قانون کار تعیین حداقل دستمزد را به نحوی تعریف کرده که بتواند معیشت یک خانوار ۴ نفره کارگری را تامین کند. طبق محاسبات بین المللی باید از طریق هزینه دو پنجم حداقل دستمزد، هزینه مسکن را تامین کرد در حالی که امروز در ایران با صرف ۳ برابر حداقل دستمزد نیز نمی‌توان هزینه‌های مسکن را پوشش داد.
مسئول کمیته دستمزد کانون انجمن‌های صنفی کارگری استان تهران به عامل تورم به منظور تعیین دستمزد اشاره کرد و گفت: نرخ واقعی تورم آذر ماه سال گذشته تا آذر ماه سال جاری ۶۲/۷ درصد بوده است و این در حالی است که بسیاری از اقلام نیز رشد صد در صدی داشته‌اند و در ماههای باقیمانده نیز با توجه به شرایط موجود تورم بالاتر خواهد رفت.
نیازی با تاکید بر اینکه دولت در تعیین حداقل دستمزد سال آینده باید یک عقب افتادگی تاریخی دستمزدها را جبران نماید و جایگزینی را برای این منظور اختصاص دهد، تصریح کرد: برآوردها نشان می‌دهد که هزینه هر کارگر در ماه بین ۱/۵ تا ۱/۶ میلیون تومان است.
مسئول کمیته دستمزد کانون انجمن‌های صنفی کارگری استان تهران در پایان همچنین از دستمزدهای ۱۵۰ تا ۲۰۰ هزارتومانی برای برخی زنان در بازار کار انتقاد کرد و دولت را ملزم به اجرای سیاست‌های کنترلی مناسب در این رابطه دانست.

گزارشی از افزایش حوادث شغلی:

۹ کشته و ۹ مصدوم سهم کارگران ظرف دو هفته گذشته

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20 دی آمده است : پیش‌تر سازمان پزشکی قانونی در خصوص حوادث حین کاری آمارهایی را منتشر کرده بود که با تحلیل آن به میانگین مرگ روزانه پنج کارگر بر اثر حوادث شغلی رسیدیم. اما به نظر می‌رسد با توجه به وسعت انتشار اخبار رسمی که نشان دهنده بخشی کوچکی از واقعیت است باید در نتایج به

دست آمده از این آمار تجدید نظر کرد.
حادثه در حین کار همچنان از میان کارگران قربانی می‌گیرد. تنها در دو هفتهٔ گذشته تا به امروز مورخ بیستم دی ماه، خبر رسمی جان باختن ۹ کارگر و مصدومیت همین تعداد از میان کارگران گزارش شده است که عمق فاجعه را به خوبی نشان می‌دهد. این جدا از خیل وقایع و حوادثی است که هیچ‌گاه به سطح رسانه‌ها راه نمی‌یابند.
به گزارش ایلنا، دو روز پیش مورخ هجدهم دی ماه، ریزش سیلوی سیمان کارخانه سیمان خاکستری در شهرستان نایین اصفهان، یک کشته و دو مجروح را به جمع قربانیان حوادث کار اضافه کرد.
در این حادثه کارگری ۳۲ساله به نام «کیوان. ص» به دلیل قرار گرفتن در زیر لایه‌های سیمان جدا شده از جداره سیلو جان خود را از دست داد و دو نفر کارگر دیگر با نام‌های «رضا» ۳۳ساله و «امین» ۲۱ساله که برادر بوده‌اند، مصدوم شدند.
این سه کارگر که بر روی داربست، مشغول تمیز کردن دیواره داخلی سیلوهای ذخیره سیمان این کارخانه بودند که بر اثر جدا شدن قسمت بزرگی از سیمان جداره این سیلو دچار حادثه شدند.

۹ کشته و مصدوم در دو هفتهٔ گذشته
وقوع همزمان دو حادثه حین کار دیگر در مشهد در همان روز – ۱۸ دی ماه - باعث مصدومیت شدید دو کارگر شد. سقوط یک کارگر در داخل میکسر ۱۵ متری، باعث آسیب دیدگی شدید وی از ناحیه کتف شد. همچنین گیر کردن دست یک کارگر زن لای نقاله دستگاه مرباسازی جراحات زیادی را به وی وارد کرد.

–
ظهر روز هفدهم دی ماه، برشکاری غیر اصولی بر روی تانکر حاوی گازوئیل باعث مصدومیت کارگر برشکاری شد که در خیابان استاد احمد آرام شهر یزد مشغول کار بود. طی این حادثه، کارگر برشکار برای انتقال تانکر بزرگ گازوئیل به بیرون از کارگاه، قصد برش دادن آن را داشت که ناگهان تانکر دچار حریق شد.

–
یک روز پیش از آن در ۱۶ دی ماه، یک کارگر ساختمانی در مشهد هنگام حمل مصالح ساختمانی با بالابر از ارتفاع ۱۲ متری سقوط کرد و جان باخت. این حادثه در بلوار جانباز شهر مشهد، هنگامی رخ داد که کارگر ۲۸ساله‌ای در اولین روز کاری خود مشغول انتقال نخاله‌های ساختمانی از عمق ۱۲متری یک گودال به سطح زمین بود که ناگهان دستگاه بالابر مصالح ساختمانی همراه با کارگر جوان به پایین سقوط کرد و باعث مرگ کارگر جوان شد.
در همان روز واژگون شدن تخته داربست، باعث مرگ یک کارگر ساختمانی دیگر در اهواز شد. «جابر محبی» کارگر ۲۵ ساله‌ای که در طبقه سوم یک ساختمان نو ساز در خیابان گلستان اهواز در حال سنگ کاری بود به دلیل واژگون شدن تخته داربست سقوط کرد و جان باخت.
اما این روز پر حادثه با وقوع اتفاق ناگوار دیگری نیز همراه بود. سقوط یک کارگر ساختمانی از ارتفاع ۷ متری در کارگاه خط آهن تهران – تبریز باعث مصدومیت وی شد. این حادثه در کارگاه پل سازی خط آهن تهران - تبریز باعث مصدومیت وی شد. طی این حادثه کارگر ۳۵ ساله‌ای با نام «سید حمید- م» در حال کارکردن برروی داربست متحرک قالب بندی بتن بود که ناگهان برروی پایه‌های داربست سقوط کرد و از ناحیه کمر و لگن به شدت آسیب دیده بطوری که دیگر قادر به حرکت نبود.

–
۴روز پیش از این حوادث مورخ ۱۲ دی ماه، یک کارگر مقنی در مشهد، هنگام حفر چاه در خیابان شهید صادقی با ریزش دیواره چاه در عمق ۶ متری زیر خاک جان باخت. مسئولان امداد و نجات «سست بودن خاک و ریزش دیواره‌های چاه علت» را علت بروز این حادثه ناگوار اعلام کردند.

–
شامگاه ۱۰ دی ماه، انفجار کپسول گاز در معدن استخراج سیمان کارخانه سیمان شاهرود باعث کشته شدن ۲ کارگر و یک پیمانکار شد. انفجار چند کپسول هوا در قسمتهای جنبی

کارخانه (استخراج سیمان) که تحت نظر پیمانکار تهیه مواد اولیه قرار داشت، باعث شد کارفرمای این شرکت بنام حسین قاسمی به همراه دو کارگر به نامهای علیرضا قاسمی و امیر بیکی به علت شدت جراحات وارده جان خود را از دست بدهند. مسئولان مربوطه علت این حادثه را «انفجار کپسولهای صنعتی هوا در کارگاه تعمیرات نگهداری خودرو» عنوان کردند. همچنین «مصطفی خیمه» بازرس وزارت کار شاهرود به ایلنا گفته بود «با توجه به اطلاعات بدست آمده این احتمال وجود دارد که کارگری که با کپسول برش هوا کار می‌کرده، دستش روغنی بوده و در اثر برخورد دست وی با سر کپسول، انفجار رخ داده باشد.»

–

۹ دی ۹۱ حوالی ساعت ۱۲ ظهر، یک خودرو به علت تخطی از سرعت مطمئنه در اتوبان آزادگان بعد از خروجی خلیج فارس با پنج کارگر شهرداری تصادف کرد که یکی از این کارگران بر اثر شدت جراحات کشته شد. در این تصادف مرگبار، یک دستگاه پراید پس از آنکه کنترل حرکت خود را از دست داد با کارگران شهرداری که در حاشیه اتوبان مشغول کار بودند، برخورد کرد. این تصادف به مرگ «منصور بهادری» و مصدومیت شدید چهار کارگر پیمانکاری شهرداری منجر شد.

در همان روز کارگری در تبریز هنگام کار با دستگاه پرس در یک کارگاه سماورسازی جان خود را از دست داد. در این حادثه که در میدان کاه فروشان، سرای قریش شهر تبریز رخ داد، سر کارگر بین جک بالایی پرس و پایه ثابت دستگاه گیر کرد. کارگر مذکور از ناحیه صورت، فک و گردن دچار آسیب دیدگی شدید شده بود که شدت جراحات وارده جان وی را گرفت.

نقش بحران اقتصادی بر افزایش حوادث حین کار

به باور بسیاری از کارشناسان اقتصادی و فعالان کارگری، روند صعودی افزایش حوادث در کارگاه‌ها و واحدهای تولیدی، افزایش هزینه‌های کارفرما پس از افزایش قیمت دلار و افزایش بی‌سابقه نرخ تورم است زیر دیگر کارفرمایان انگیزه و توان اجرای طرح‌های ایمنی را به منظور کاهش حوادث شغلی را ندارند.

کارفرمایی که چندین ماه حقوق کارگرانش را پرداخت نکرده است چطور می‌تواند آموزش کارگران که به افزایش ایمنی در کارخانه‌ها کمک می‌کند را اجرا کند.

افزایش هزینه‌های ایمنی، تحریم‌ها و همچنین کاهش بازرسی‌های اداره کار را از عوامل مهمی در افزایش حوادث ناشی از کار، منجر شده تا آموزش‌های لازم که به هزینه شخصی کارفرما در کارخانجات برای کاهش حوادث کار صورت می‌گرفت در بسیاری از کارخانه‌های خصوصی متوقف شود.

روزانه ۵ کارگر کشته می‌شوند

پیش‌تر سازمان پزشکی قانونی در خصوص حوادث حین کاری آمارهایی را منتشر کرده بود که با تحلیل آن به میانگین مرگ روزانه پنج کارگر بر اثر حوادث شغلی رسیدیم. اما به نظر می‌رسد با توجه به وسعت انتشار اخبار رسمی که نشان دهنده بخشی کوچکی از واقعیت است باید در نتایج به دست آمده از این آمار تجدید نظر کرد.

بر اساس آمارهای رسمی. سازمان پزشکی قانونی، در هفت ماه نخست سال جاری بطور میانگین روزانه پنج کارگر جان خود را جریان حوادث حین کار از دست داده‌اند.

از این میان، روزانه ۲ کارگر تنها به دلیل سقوط از بلندی، یک کارگر روزانه بر اثر اصابت جسم سخت و ۲ کارگر دیگر به دلایل مختلف از جمله برق‌گرفتگی، سوختگی و کمبود اکسیژن و... جان می‌بازند

احضار یازده عضو انجمن صنفی معلمان کردستان به دادگاه

آژانس خبری موکریان - سرویس حقوق بشر در 20 دی آمده است : یازده عضو انجمن صنفی معلمان کردستان از سوی اجرای احکام دادگاه انقلاب سنندج احضار شدند.

بنا به اطلاع خبرنگار آژانس خبری موکریان، رامین زندنیا، بها ملکی، پیمان نودینیان، علی قریشی، کمال فکوریان، مصطفی سربازان، عزت نصرتی، پرویز ناصحی، محمد صدیق صادقی،

هیوا احمدی و رضا وکیلی از جمله احضار شدگان می باشند.
بر اساس همین گزارش، اجرای احکام دادگاه انقلاب سنندج از آنان خواسته تا روز چهارشنبه بیستم دی ماه خود را به دادگاه معرفی کنند.
یادآور می گردد این افراد آذرماه سال جاری از طرف شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی سنندج به اتهام تبلیغ علیه نظام، هر کدام به چهار ماه حبس به مدت دو سال تعلیق، محکوم شده بودند.

نارضایتی مردم بوکان از دستگاههای دولتی

آژانس خبری موکریان - سرویس حقوق بشر در 20 دی آمده است : مشاور استاندار و مدیرکل دفتر بازرسی، مدیریت عملکرد و امور حقوقی استانداری آذربایجان غربی گفت : مردم بوکان از عملکرد دستگاه های خدمات رسان شاکی هستند.
به گزارش آژانس خبری موکریان و به نقل از منابع محلی، مشاور استاندار و مدیرکل دفتر بازرسی، مدیریت عملکرد و امور حقوقی استانداری آذربایجان غربی اظهار کرد: بیشترین شکایات مطرح شده توسط مردم بوکان از دستگاه های خدمات رسان از جمله شرکت گاز، امور آب و فاضلاب و شهرداری ها مربوط بوده است.
وی در مورد شکایات مطرح شده توسط مردم در سطح شهرستان بوکان گفت: بیشترین شکایات مطرح شده توسط مردم به دستگاه های خدمات رسان از جمله شرکت گاز، امور آب و فاضلاب و شهرداری ها مربوط بوده است.
نادرسلامت، مساعدت در زمینه دریافت وام و تسهیلات بانکی، درخواست برای تحت پوشش قرار گرفتن در نهادهای حمایتی از جمله کمیته امداد و بهزیستی را از دیگر مواردی ذکر کرد که عمدتا در سطح استان توسط مردم مطرح شده است.
سلامت ادامه داد : 90 درصد از مشکلات مردم دراین شهرستان توسط ارگان های دولتی در بوکان قابل پیگیری و رفع شدن بوده ومابقی در مرکز استان و با حضور مدیران کل بررسی شده واز طریق سامانه الکترونیک استانداری در عرض یک هفته اعلام می گردد

کمپین برای آزادی بهنام ابراهیم زاده
فراخوان ۹ نفر از زندانیان سیاسی

۹ نفر از زندانیان سیاسی طی بیانیه ای از مردم خواسته اند به حکومت اسلامی فشار بیاورند که بهنام ابراهیم زاده آزاد شود و در کنار فرزندش نیما که متاسفانه به بیماری سرطان مبتلا شده و در وضعیت بسیار سختی به سر میبرد، باشد. جانیان اسلامی بهنام را بیش از دو سال است بدلیل دفاع از کودکان و کارگران به زندان انداخته است. نیما ١٤ سال دارد و از ١١ سالگی پدرش در زندان به سر میبرد. نیما در بیمارستان بستری است اما جانیان رژیم اسلامی اجازه نمیدهند پدرش در کنارش باشد. خانواده بهنام برای تامین دارو و درمان نیما در شرایط دشواری قرار دارند. رژیم اسلامی با اجازه ندادن به بهنام برای دیدار فرزندش نه تنها بهنام را که یک زندانی سیاسی است شکنجه میکند بلکه نیمای ١٤ ساله را نیز که چند سال اخیر کودکیش را با غم ندیدن پدرش سپری کرده است، مورد شکنجه قرار میدهد.

نگهداشتن بهنام در زندان یک جنایت بزرگ است و هر انسان شریفی را تکان میدهد. باید با یک کمپین جهانی، جمهوری اسلامی را تحت فشار بگذاریم که بهنام را که تنها جرمش دفاع از حقوق کودکان و کارگران است فورا آزاد کنند. ما از فراخوان صمیمانه و مسئولانه زندانیان سیاسی قاطعانه حمایت میکنیم و از همه مردم آزادیخواه، احزاب و سازمانهای سیاسی، فعالین مدیای اجتماعی، رسانه ها، جوانان، مدافعین حقوق کودک، سازمانهای کارگری و همه نهادهای مدافع حقوق انسان در ایران و در سراسر جهان میخواهیم از این فراخوان پشتیبانی کنند و با تمام نیرو و امکاناتشان این حکومت ضد انسان را برای آزادی بهنام ابراهیم زاده تحت فشار قرار دهند.
اقدامات آتی درمورد کمپین آزادی بهنام بزودی اعلام خواهد شد.

کودکان مقدمند
کریم شاهمحمدی: ۰۰٤٦۷۰۸٥۲٦۷۱٦
childrenfirstnow@hotmail.com
barnenforst@hotmail.com

کمپین برای آزادی کارگران زندانی
شهلا دانشفر ۰۰٤٤۷۷۷۹۸۹۸۹٦۸
FreeThemNow2@gmail.com
http://free-them-now.blogspot.com

کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی
شیوا محبوبی ۰۰٤٤۷٥۷۲۳٥٦٦٦۱
freepoliticalprisoners2@gmail.com
www.iranpoliticalprisoners.com
۱۰ ژانویه ۲۰۱۳ (۲۱ دیماه ۱۳۹۱)

متن نامه ۹ زندانی سیاسی از زندان رجائی شهر:
مرخصی حق مسلم بهنام برای دیدار از جگرگوشه بیمارش است

ما جمعی از زندانیان سیاسی رجایی شهر مطلع شدیم نیما پسر 14 ساله تنها فرزند بهنام ابراهیم زاده فعال کارگری که به 5 سال حبس محکوم شده با بیماری سرطان بدخیم در بیمارستان بستری شده است، پزشکان معالج نیما اعلام کردند وی از نظر روحی برای اثر بخشی معالجه بشدت نیاز دارد بهنام در کنارش باشد اما مسئولان زندان اوین با هماهنگی اداره اطلاعات از دادن مرخصی به بهنام برای دیدار فرزند دلبندش خودداری می کنند در حالیکه حتی طبق قوانین موجود این حق مسلم بهنام می باشد مخصوصا" حالا که پاره تنش در شرایطی بسیار سختی بسر می برد. ما ضمن محکوم کردن عمل غیرانسانی رژیم جمهوری اسلامی از تمامی نهاد ها و مجامع جهانی و انسانهای آزادیخواه می خواهیم به هر طریق ممکن فشارهای خود را بر حکومت در دادن مرخصی به بهنام بیشتر کنند بهنامی که جرمش فقط دفاع از حق تشکل، حق اعتصاب،حقوق طبقه کارگر و دفاع از کودکان کار و خیابان است، بهنام پدریست زندانی، که سالهاست تنها فرزندش را در آغوش نگرفته و او اکنون در شرایط بسیار خطرناکی بیمار و تحت معالجات شیمی درمانی است.
امضا کنندگان:
وحید اردلانی،رضا دهقانی، افشین عنایتیان، افشین اسانلو، شاهرخ زمانی، علی جباری، فیروز منصوری، میثاق یزدان نژاد، صالح کهندل
بیستم دیماه ۱۳۹۱

گود برداری غیر اصولی باز هم جان کارگر ساختمانی را گرفت/کارگر درنورد فولاد ملایر جان خود را از دست داد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 21 دی آمده است : این حادثه روز گذشته در خیابان فرهنگ تهران رخ داد و طی آن یک کارگر ساختمانی کشته و کارگر دیگری به شدت مجروح شد.
بر اساس این گزارش، به هنگام گودبرداری غیر اصولی ساختماني، بخشی از دیوار تخریب شده و بر روی دو کارگر جوان افغان که مشغول بکار بودند فرو ریخت.
این گزارش حاکی است، به علت حجم زیاد آوار یکی از کارگران از ناحیه پا دچار آسیب دیدگی شدید شده و کارگر دیگر که تا سینه زیر خاک مدفون شده بود کشته شد.
بنا بر این گزارش، کارگر مصدوم توسط امداد گران به بیمارستان انتقال یافت.
***

ایلنا-همدان: یاسر می آبادی کارگر قراردادی 29 ساله ای که 2 سال در این شرکت مشغول کاربود در حال جابجائی کلاف نورد جان خود را از دست داد.
به گزارش ایلنا؛ علت حادثه هنوزمشخص نشده است کارشناسان اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان ملایر درحال بررسی علت حادثه هستند.
شرکت نورد فولاد ملایر در 25 کیلومتری ملایر بروجرد واقع شده است و درحال حاضر 300 کارگر قراردادی در این واحد تولیدی مشغول کار هستند.

بیانیه ٦٦
برای جلوگیری از اعدام زانیار و لقمان مرادی از هیچ اقدامی فروگذار نکنیم

در پی انتشار اخبار مبنی بر خبر اجرای حکم اعدام در مورد زانیار و لقمان مرادی دو زندانی سیاسی بی گناه که تحت شرایط غیر انسانی و شکنجه علیه شان پرونده سازی نموده و محکوم به اعدام کردند بطوری که بار ها خود امام جمعه مریوان که اکنون تحت فشار ماموران شاکی پرونده است اعلام نموده که پسرش را ماموران دولت جمهوری اسلامی کشته اند، اما جمهوری اسلامی برای گم کردن سر نخها و از زیر ضرب و شکایت خارج کردن قاتلان و جنایت کاران واقعی که از ماموران اداره اطلاعات ، که مخصوص قتل و ترور می باشند ، طبق سنت ذاتیش دو انسان بی گناه را دستگیر و در دادگاه نمایشی محکوم به اعدام کرد در همین حال برای تکمیل پروژه خود امام جمعه مریوان را تحت فشار مجبور به شکایت و ادامه آن نمود. و اکنون لقمان و زانیار مرادی دو بیگاهی که در زندان گوهردشت کرج انتظار اجرای حکم ناعادلانه را می کشند.
خانواده های این دو زندانی در پیامی که در تاریخ چهارشنبه ۲۰ دی ماه منتشر شد، خواستار کمک و یاری متحدانه ی مردم مریوان و حومه در اعتراض به این احکام شدند، این خانواده ها در پیام خود گفته اند:
مردم آزاده مریوان و حومه! کمک کنید عزیزان ما اعدام نشوند! همانگونه که میدانید فرزندان عزیز ما زانیار و لقمان مرادي در خطر اعدام شدن هستند. ما از فکر اینکه عزیزان ما اعدام شوند لحظه اي آرام و قرار نداریم. از دست دادن این دو جوان براي ما جبران ناپذیر است و به همین دلیل از شما مي خواهیم کمک کنید تا جان و زندگي این دو جوان را نجات دهیم. ما از دانشجویان، محصلین، کارگران، کسبه و بازاریان و عموم مردم مریوان و حومه دعوت مي کنیم براي کمک به نجات جان زانیار و لقمان در یک حرکت دست جمعي و متحدانه روز شنبه ۲۳ دي ماه با دست کشیدن از کار و فعالیت کمک کنند جان عزیزان ما نجات یابد.
تجربه ی موفق اعتصاب سراسری در اعتراض به اعدام دسته جمعی فرزاد کمانگر و ۳ زندانی سیاسی دیگر نشان گر عملی بودن این درخواست خانواده های زانیار و لقمان مرادی دارد، ضمن این که امروز ضرورت این حرکت که به عنوان یک حرکت پیشگیرانه مطرح است بیش تر از قبل احساس می شود.
کمیته ی حمایت از شاهرخ زمانی ضمن حمایت از خواست این خانواده ها و دعوت از عموم مردم و جوانان انقلابی و کارگران شهر مریوان برای یاری به این خانواده ها از مردم سایر شهرهای کردستان و دیگر نقاط ایران نیز می خواهد تا متحدانه به این اعتصاب بپیوندند. تنها راه جلوگیری از اجرای حکم ضد انسانی اعدام در مورد این دو زندانی و سایر زندانیان اتحاد عمل و مبارزه ی متحدانه است. فراخوان خانواده های مرادی برای اعتصاب یک گام عملی در این جهت است لذا با تمام قوا بایستی از خواست این خانواده های حمایت کرد.

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار :
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

کمیتهٔ حمایت از شاهرخ زمانی
۲۱/۱۰/۱۳۹۱

جان باختن کارگر درنورد فولاد ملایر

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 21 دی آمده است : یاسر می آبادی کارگر قراردادی 29 ساله ای که 2 سال در این شرکت مشغول کاربود در حال جابجائی کلاف نورد جان خود را از دست داد.

براساس این گزارش،علت حادثه هنوزمشخص نشده است کارشناسان اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی شهرستان ملایر درحال بررسی علت حادثه هستند.
شرکت نورد فولاد ملایر در 25 کیلومتری ملایر بروجرد واقع شده است و درحال حاضر 300 کارگر قراردادی در این واحد تولیدی مشغول کار هستند.

شرکت جهاد نصر 40 نفر از کارگران این شرکت را اخراج کرد

به نوشته سایت کمیته هماهنگی .... در تاریخ 21 دی آمده است : بنا به خبر ارسالی، روز چهارشنبه 91/10/20 شرکت جهاد نصر 40 نفر از کارگران قراردادی این شرکت را اخراج و بقیه کارگران قراردادی را نیزتهدید به اخراج دسته جمعی کرده است.
این شرکت وابسته به سپاه بوده و دارای چندین پروژه‌ی راه‌سازی در مسیرهایی همچون جاده سنندج –مریوان، جاده گاران، جاده مریوان سرواباد.... می‌باشد. صاحبان این شرکت علت اخراج کارگران را نداشتن بودجه کافی عنوان کرده‌اند.
کارگران شرکت جهاد نصر اعلام کرده‌اند روز پنج‌شنبه 21/10/91 در اعتراض به اخراجشان در مقابل شرکت مزبور واقع در جاده بهشت محمدی تجمع خواهند کرد. آنان همچنین تهدید کرده‌اند در صورت عدم رسیدگی به مطالباتشان از جمله بازگشت به کارهمراه با خانواده‌های خود در مقابل درب استانداری دست به تجمع زده و به اعتراض خود ادامه خواهند داد.
کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

کشتار ۲۳۰ راس حیوان باربر در شهرستان بانه

به نوشته سایت آژانس خبری موکریان / اجتماعی در 21 دی آمده است : نماینده سقز و بانه گفت: وزارت کشور باید درباره ایجاد رعب و وحشت و کشتار ۲۳۰ راس حیوان باربر در شهرستان بانه که در قالب طرح مبارزه با قاچاق و با شلیک گلوله انجام شد، توضیح دهد.
به گزارش خبرگزاری موکریان و به نقل از منابع محلی، محسن بیگلری ، با بیان اینکه هیچ انسان عاقلی منکر مبارزه با مقوله قاچاق نیست، گفت: اما ایجاد رعب و وحشت که با شلیک هزاران گلوله منجر به کشتار ۲۳۰ راس حیوان باربر در شهرستان مرزی بانه شد، منطقی و قانونی نیست.
وی تصریح کرد: آیا بهتر و انسانی‌تر نبود که به جای کشتار حیوانات، فقط بارهای قاچاق مصادره می‌شد و از کشتن حیوانات ممانعت به عمل می‌آمد.
نماینده سقز و بانه در مجلس شورای اسلامی، افزود: این مساله باعث نارضایتی شدید مردم این منطقه شده است و در همین حال فرماندار این منطقه که رئیس شورای تامین و عالی‌ترین مقام دولت در شهرستان بانه است، از این امر اظهار بی‌اطلاعی کرده است.
عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس، تاکید کرد: سوال از وزارت کشور این است که باید هر چه سریع‌تر درباره این مساله و جهت روشن شدن اذعان عمومی توضیحات لازم را ارائه دهد

تحریم‌های جدید استرالیا علیه ایران

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در 21 دی آمده است : وزارت خارجه استرالیا در بیانیه‌ای از اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران خبر داد.
استرالیا روز پنج‌شنبه اعلام کرد که تحریم‌های بیشتری علیه جمهوری اسلامی ایران اعمال مي‌کند.
این تحریم‌ها شامل بخش‌های مالي، انرژي، تجارت و حمل و نقل است. این تحریم‌ها همچنین تراکنش‌های مالی میان استرالیا و بانک‌های ایران نیز شامل مي‌شود.
آسوشیتدپرس گزارش داد؛ «باب کار» وزیر خارجه استرالیا در بیانیه‌ای مدعی شده است؛ هدف از اعمال این تحریم‌ها، افزایش فشار بر جمهوری اسلامی ایران برای پیروی از تعهدات هسته‌اي و شرکت در مذاکراتی جدی برای حل مناقشه اتمی است.
در این بیانیه همچنین تحریم‌های استرالیا همسو با تحریم‌های اتحادیه اروپا و سایر کشورها توصیف شده است.

این درحالیست که ایران بارها اعلام کرده است که برنامه هسته‌ای‌اش صلح آمیز است و تحریم کشورهای غربی و هم‌پیمانان آنها خللی در برنامه هسته‌ای این کشور ایجاد نمي‌کند.

تجمع خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی در مهاباد

به نوشته سایت کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در 21 دی آمده است :
تجمع خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی در مهاباد
به گزارش رسیده روز چهارشنبه ۹۱/۱۰/۲۰ خانواده‌ی فعالین کارگری بازداشتی در مهاباد مقابل اداره اطلاعات تجمع کردند. آنان خواهان آزادی محمد مولانایی، واحد سیده و یوسف آب خرابات شدند؛ اما با برخورد توهین آمیز و تهدید مامورین روبرو شدند و تنها واحد سیده طی تماس تلفنی کوتاهی با خانواده‌اش درخواست لباس نموده است.
بر اساس این گزارش فعالین کارگری بازداشتی هنوز در اداره اطلاعات هستند و مشخص نیست که تفهیم اتهام شده‌اند یا نه؟
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکومیت بازداشت اعضای خود در مهاباد آقایان محمد مولانایی، واحد سیده و یوسف آب خرابات خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنان و همچنین سایر کارگران، فعالین و زندانیان سیاسی و عقیدتی می‌باشد.

کارخانه‌های گلپایگان در حال ورشکستگی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 21 دی آمده است :نماینده گلپایگان در مجلس شورای اسلامی گفت: کشاورزان گلپایگانی امروزه با مشکلات بسیاری مواجه شده‌اند و برای حمایت نیازمند تسهیلات و کمک‌های ویژه هستند.
به گزار ش خبرنگار ایلنا، علی لاریجانی با حضور در منزل آیت الله گلپایگانی با امام جمعه و نماینده گلپایگان و فرماندار گلپایگان دیدار و گفت‌وگو کرد.
رییس قوه مقننه در دیدار خود با نماینده، فرماندار و امام جمعه گلپایگان از وضع کارخانجات موجود در گلپایگان سوال کرد.
نماینده گلپایگان دررابطه با وضع کارخانجات این شهرستان گفت: وضع کارخانجات با توجه به شرایط اقتصادی که ایجاد شده مناسب نیست و بیشتر کارگران کارخانجات صنایع و تولیدی در حال بیکار شدن هستند.
وی افزود: به دلیل اینکه برخی از این کارخانجات و صنایع و واحدهای تولیدی نیاز به وارد کردن مواد اولیه از خارج از کشور هستند، با شرایط اقتصادی و تحریم‌های کنونی این امر به خوبی صورت نمي‌گيرد و کارخانجات در حال ورشکسته شدن مي‌باشند.
میرمحمدی در ادامه تصریح کرد: با همگرایی و همفکری که با امام جمعه گلپایگان انجام شده است، نسبت به اشتغال افراد اقداماتی صورت گرفته است.
وی همچنین در رابطه با وضع دامپروری و کشاورزی این منطقه نیز گفت: وضع دامپروری و کشاورزی در شهرستان گلپایگان در حال حاضر در حد مطلوبی نیست و دامداران امروزه گاوهای شیری خود را به جای گوشتی مي‌فروشد و در این زمینه بیان مي‌کنند که نگهداری آن‌ها از نظر اقتصادی به صرفه نمي‌باشد.
وی در ادامه بیان کرد: در حال حاضر استفاده آبیاری قطره‌ای از ۱۰۰ درصد به ۸۵ درصد افزایش یافته اما در این زمینه نیاز به فرهنگسازی برای کشاورزان داریم چرا که آن‌ها هنوز استفاده از آبیاری قطره‌ای را نپذیرفته‌اند.
وی در ادامه گفت: در حال حاضر تولیدات شیر گلپایگان از ۶۰۰ تن به ۱۵۰ تن رسیده است چرا که دامداران معتقد هستند که میزانی که برای تولید شیر هزینه مي‌کنند، از لحاظ اقتصادی به صرفه نیست که شیر خود را به قیمت ۹۰۰ تومان به کارخانجات بفروشند.
کارخانه تولید لبنیات پگاه گلپایگان نیز همواره بیان مي‌کندکه اگر بخواهیم شیر را از دامداران گران خرید کنیم، نمي‌توانیم محصولات خود را در کشور و منطقه به خوبی عرضه کنیم.
وی درادامه به خرید گندم در شهرستان اشاره کرد و گفت: در شهرستان گندم از کشاورزان ۴۲۰ تومان خریداری مي‌شود در حالیکه مجلس تصویب کرده است، باید گندم از کشاورزان ۶۵۰ تومان خریداری شود. ولی نمي‌دانم چرا دولت به بخش کشاورزی توجه نمي‌کند.
نماینده گلپایگان بیان کرد : اگر به بخش کشاورزی بیش از این توجه مي‌شد قطعا امروز در برابر مشکلات مي‌توانستیم مقاومت بیشتری داشته باشیم.
نماینده گلپایگان همچنین از لاریجانی درخواست کرد که برای آبیاری قطره‌ای کشاورزان اعتبارات لازم

به این شهرستان تخصیص یابد .
نماینده گلپایگان همچنین در ادامه بیان کرد: باید تسهیلات لازم برای حمایت ازکشاورزان در اختیار کشاورزان شهرستان قرار گیرد.
لازم به ذکر است علی لاریجانی در حال حاضر در مسجد جامع این شهرستان حضور یافته و قرار است تا دقایق دیگر برای مردم این شهرستان سخنرانی کند.

پاکستان واردات سیب از ایران را ممنوع کرد

به نوشته قطره و به از گزارش پایگاه خبری صراط در 21 دی آمده است ؛ رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی گفت: در حالی که پاکستان واردات سیب از ایران را بدون دلیل ممنوع کرده اما صادرات برنج و نارنگی این کشور به ایران ادامه دارد و سازمان توسعه تجارت بایدتصمیم متقابل بگیرد.
سید رضانورانی اظهار داشت: کشور پاکستان دو سه هفته‌ای است که واردات سیب از ایران را ممنوع کرده است.
رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی افزود: برنج و نارنگی از محصولاتی است که از این کشور و از طریق مرز زاهدان و میرجاوه وارد و در مقابل سیب به این کشور صادر مي‌شد.
وی توضیح داد: البته به دلیل ممنوع بودن واردات نارنگی به کشور این محصول از طریق این مرز به کشورهای آسیایي، مرکزي، اکراین و بلاروس ارسال مي‌شد.
نورانی گفت: کشور پاکستان تا همین دو هفته پیش واردات سیب از کشور ما را ادامه مي‌داد اما به یکباره و بدون دلیل واردات را قطع کرده است در حالی که صادرات برنج و نارنگی به کشور ما ادامه دارد.
رئیس اتحادیه ملی محصولات کشاورزی معتقد است ایران نیز در قبال تصمیم کشور پاکستان در ممنوعیت واردات سیب باید سیاست متقابل اتخاذ کند.

*ارسال نامه به سازمان توسعه و تجارت برای روشن شدن مشکل صادرات سیب ایرانی به پاکستان
به گزارش خبرگزاری فارس، این اتحادیه امروز نامه‌ای را در این زمینه به سازمان توسعه و تجارت ایران ارسال کرده است.در این نامه خطاب به ریاست سازمان توسعه تجارت ایران آمده است:«تا یک هفته گذشته بازرگانان مرزی نسبت به صادرات سیب درختی به پاکستان از گمرک زاهدان و میرجاوه فعالیت داشتند و از آن طرف به واردات نارنگی مي‌پرداختند و به دلیل ممنوعیت ورود آن به کشور از مسیر جاده ابریشم قدیم به کشورهای آسیای مرکزی و روسیه صادر مي‌کردند.
در ادامه این نامه اشاره شده است: حدود یک هفته است که صادرات سیب درختی از مرز زاهدان با مشکل مواجه شده است. خواهشمند است موضوع پیگیری شود و چنانچه این حرکت ناپسند را پاکستان ادامه دهد در جهت ممنوعیت و ترانزیت نارنگی از مرز زاهدان اقدام عاجل صورت پذیرد.

من درد مشترکم
گزارش ملاقات با رضا شهابی و نیما ابراهیم زاده
محمد عبدی پور

ایجاد و انسجام و اتحاد طبقاتی در میان کارگران همواره از اولویت های اصلی فعالان پیشروی کارگری بوده است. به طور کلی این نکته از هر نظر قابل توجه است که یکی از راههای تشکل یابی کارگری در مسیر اعتلای سمپاتی های فردی و اجتماعی و شیفت آن به وحدت طبقاتی نهفته است. به همین اعتبار نیز کارگران بر اساس یک سنت شناخته شده از برپائی تشکل ها به پشتوانه نیروی خود دفاع می کنند و وظیفه دارند در دشواری اجتماعی به یاری هم طبقه ای های خود بشتابند.
بهنام ابراهیم زاده از فعالان کارگری در بند است. بهنام به خاطر دفاع از طبقه و منافع طبقاتی

کارگران به 5 سال زندان محکوم شده است.. بهنام ابراهیم زاده نه فقط یک فعال کارگری پیشرواست بلکه به خانواده ای تعلق دارد که پدرش نیز از اعضای دلسوز کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری است. رحمان ابراهیم زاده (پدر بهنام) در شرایطی دشوار و در غیاب فرزند کارگر و زندانی خود با بیماری نوه اش نیما مواجه شده است.در مدت کوتاهی که نیما در بیمارستان محک تهران بستری بوده است، بنا به شواهد عینی کاک رحمان از هیچگونه تلاش مادی و معنوی برای بهبود نوه ی خود
کوتاهی نکرده است و با وجود کهولت سن و دوری راه تمام همت خود را در راستای بهبودی فرزند بهنام به کار گرفته است. به طور مشخص کاک رحمان ابراهیم زاده با اعلام صمیمانه تشکر از بیانیه کمیته دفاع از شاهرخ زمانی مبنی بر ارسال کمک های مالی بارها بر این موضوع تاکید کرده است که خود قادر به تامین نیازهای مادی خانواده بهنام و پاسخگوئی به مشکلات درمانی نیما می باشد و از فعالان کارگری خواسته است که توجه خود را به رسانه ای کردن و اظهار همدردی و همپوشانی عاطفی با او و بهنام و خانواده اش بنمایند.در نتیجه از نطر کاک رحمان هرگونه بحثی که در خصوص کمک مالی به او و خانواده ی بهنام صورت گرفته باشد از اساس بلاوجه است.
با شناختی که از کاک رحمان داریم خوب می دانیم که این درجه از فداکاری فقط ناشی از یک احساس پدرانه نسبت به بهنام و فرزندش نیست. رحمان ابراهیم زاده به نوه خود مانند فرزند یک فعال کارگری می نگرد و تردید ندارم که اگر به جای نیمای عزیز فرزند هر کارگر دیگری نیز در وضع مشابه از کاک رحمان در خواست کمک می کرد او در حد توان دریغ نمی کرد.به دنبال صدور فراخوان کمیته ی دفاع از شاهرخ زمانی مبنی بر پشتیبانی همه جانبه از بهنام و فرزند بیمارش و بویژه تنها نگذاشتن نیما در بیمارستان؛ تصمیم گرفتیم به اندازه توان خود در کنار کاک رحمان و خانواده ی بهنام قرارگیریم. بدین منوال ضمن تماس های تلفنی و اعلام همدردی با کاک رحمان؛ بر آن شدیم به اتفاق جمعی از دوستان در اولین فرصت ممکن با حضور در بیمارستان محک تهران به مسئولیت کارگری و وظیفه انسانی خود عمل کنیم.لذا روز چهارشنبه(20 دی 91) ضمن هماهنگی با کاک رحمان در مقابل بیمارستان محک حاضر شدیم و مراتب همبستگی و همدردی خود را با این خانواده مبارز کارگری اعلام کردیم.ملاقات با نیما به نمایندگی از جمع از سوی دوستِ عزیزمان مان محمد قراگوزلو انجام شد و ایشان در جریان روند درمان نیما قرار گرفت.
رضا شهابی عضو سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه از درون یک اعتصاب غذای سخت و نفسگیر پیروزمند بیرون آمده است. او موفق شده است که خواست خود مبنی بر ادامه درمان در بیرون از زندان را متحقق کند. رضا شهابی نماد و نمونه یک کارگر مبارز و مدافع سرسخت منافع طبقاتی کارگران است. رضا در راستای این اهداف خود و همرزمانش متحمل هزینه های جسمی زیادی شده است با این حال روحیه مقاوم او همیشه سرمشق فعالان مبارز کارگری بوده است. در تمام این مدت خانواده و دوستان رضا به شیوه های مختلف مراتب همبستگی خود را با او اعلام کرده اند. هرچند کمیته دفاع از رضا شهابی با وجودکثرت کمی و کیفی اعضایش نتوانسته است در این مدت نسبتا طولانی به مسئولیت و وظایف خود به طرز شایسته ای عمل کند با این همه تلاش دوستان رضا در حد توان خود قابل ستایش است .
اوج گیری بیماری رضا و ورود او به مرحله خطرناک اعتصاب غذا ؛ جنبش کارگری ایران و جهان را به نحو کم سابقه ای وارد کمپین دفاع از او کرد. در نتیجه تمام این تلاش ها و به اعتبار مقاومت کم مانند شخص رضا و همیاری دوستانش در زندان؛ در نهایت رضا با روحیه ای عالی به یک مرخصی کوتاه و مشروط برای ادامه درمان از زندان آزاد شد.
دیدار با رضا شهابی و تمدید همبستگی طبقاتی با این فعال کارگری پیشرو در غروب همان روز چهار شنبه و به اتفاق دوستانی صورت گرفت که ساعتی قبل به ملاقات فرزند بیمار بهنام رفته بودند. خوشبختانه در این دیدار رضا شهابی از روحیه ای بالا و کماکان رزمنده و مقاوم برخوردار بود. در این دیدار مراتب همبستگی و حمایت همه جانبه خود و دوستان را به رضا اعلام نمودیم.
به امید آزادی همه زندانیان کارگری و سیاسی
21 دی 1391

تعطیلی ۵۰ درصد از بنگاه‌های زودبازده‌ای که تسهیلات اشتغالزایی دریافت کرده‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 دی آمده است : از مجموع بنگاههای دریافت کننده تسهیلات، ۳۱درصد از بنگاههای ایجادي، ۱۰درصد از بنگاههای توسعه‌ای و ۹درصد از بنگاههای دریافت کننده سرمایه در گردش، اکنون غیرفعال‌اند.
نماینده مردم رشت در مجلس با اشاره به وعده‌های جدید اعطای وام اشتغالزایي، گفت: تسهیلات پرداختی به بنگاههای زودبازده پیش از این نتیجه بخش نبوده و باعث هدر رفتن منابع و عدم تحقق اشتغال وعده داده شده است و وعده‌های جدید نیز باعث افزایش تورم مي‌شود.
به گزارش ایلنا از رشت، غلام علی جعفرزاده ایمن آبادی با بیان این مطلب، اظهار کرد: مطابق بررسي‌های انجام شده بیش از ۵۰ درصد بنگاه‌های زودبازده، که از بانک‌های عامل تسهیلات دریافت کرده‌اند هم اکنون غیرفعال‌اند.
وی با اعلام اینکه اهداف بنگاههای زودبازده تحقق نیافته است خاطر نشان کرد: از مجموع بنگاههای دریافت کننده تسهیلات، ۳۱درصد از بنگاههای ایجادي، ۱۰درصد از بنگاههای توسعه‌ای و ۹درصد از بنگاههای دریافت کننده سرمایه در گردش، غیرفعال‌اند.
نایب رئیس فراکسیون اشتغال مجلس افزود: بخش قابل توجهی از این تسهیلات به مشتریانی داده شده که دارای بدهی معوقه بوده و برای تسویه معوقات به آن‌ها تسهیلات پرداخت شده است.
به گفته جعفرزاده ایمن آبادي، علی رغم اینکه مقرر شده بود تسهیلات بیش از ۱۰میلیارد ریال پرداخت نشود، گزارشات واصله حکایت از آن دارد که ۴۱درصد از تسهیلات بنگاههای زودبازده با مبلغ بیش از ده میلیارد ریال پرداخت شده است.
وی تصریح کرد: آنچه که محرز است بانک‌های عامل، هیچ گونه اقدامی جهت اخذ تعهد رسمی برای ایجاد اشتغال انجام نداده‌اند و تصویب تعداد اشتغال برخی طرح‌ها از سوی کارگروه اشتغال استان‌ها نیز واقع بینانه نبوده است.
این نماینده مجلس ابراز کرد: در نتیجه منابع قابل توجه بانک‌ها که با هدف ایجاد اشتغال پرداخت و هزینه شده منتج به ایجاد اشتغال برای جوانان نشده و از طرفی با ورود بخش اعظمی از این نقدینگی به بازار شاهد افزایش تورم و رواج سفته بازی در بخش مسکن و... بوده‌ایم.
گفتنی است غلامعلی جعفرزاده در جلسه علنی روز سه شنبه نوزدهم دی ماه مجلس تذکری در این خصوص به رئیس جمهوري، وزیر صنعت، معدن و تجارت و رئیس بانک مرکزی اعلام داشت

وزیر صنعت و معدن: تحریم‌ها هوشمندانه و فلج‌کننده‌اند

به نوشته سایت آفتاب در 22 دی آمده است : غضنفری در شصت وسومین اجلاس عمومی شورای عالی استان‌ها حضور یافت و با اشاره به فرمایشات رهبری درخصوص انتخابات ریاست جمهوری اظهار کرد: هر کس مي‌خواهد رییس جمهور کشور شود باید تجربه سال ۸۸ را به یاد داشته باشد و بداند که اصل نظام فراتر از پیروزی وی است.

تحریم‌ها کل اقتصاد کشور را در بر مي‌گیرد
وی سپس درباره وضعیت اقتصادی کشور به مقوله تحریم و آثار آن پرداخت و گفت: متاسفانه در حال حاضر جنس تحریم‌ها با تحریم‌هایی که در گذشته بر کشور ایران اعمال مي‌شد فرق کرده است اگرچه به لطف خداوند این تحریم‌ها بر ما غلبه نکرده است اما جنگی که در تحریم‌ها مطرح است جنگ مرز جغرافیایی نیست و باید مردم را به گونه‌ای آماده کنیم که انتظاراتی از ما داشته باشند که این انتظارات قابلیت اجابت داشته باشد.
وزیر صنعت و معدن به تاریخچه تحریم‌ها در دنیا اشاره کرد و گفت: پیش از شکل گیری سازمان ملل نیز تحریم‌هایی بر کشورهای مختلف اعمال مي‌شد اما در این بین موضوع تحریم در کشور ما همواره متفاوت بوده است.

غضفنری علت اصلی اعمال تحریم‌ها بر کشور ایران را حمایت از تروریسم، دخالت در روند صلح خاورمیانه، دستیابی به سلاح کشتار جمعی دانست و افزود: ایران چون نمي‌خواهد زیر سلطه ظالمان برود مذاکرات آن‌ها را قبول نمي‌کنند و از این رو تحریم‌های مختلفی بر ما اعمال مي‌شود که مي‌توان به تحریم‌های مربوط به دوره جنگ ایران و عراق، تحریم دوره بازسازی ایران، تحریم مربوط به ریاست جمهوری کلینتون، پس از واقعه ۱۱ سپتامبر اشاره کرد اما نوع اصلی تحریم‌ها که با تحریم‌های گذشته فرق دارد از سال ۱۳۸۵ آغاز شده است که بسیار هوشمندانه است و کل اقتصاد کشور را در بر مي‌گیرد.
غضنفری با بیان اینکه ایران در ۵ و ۶ دوره، تحریم‌های مختلف و صدور قطعنامه از سوی کشور آمریکا، اتحادیه اروپا را تجربه کرده است، گفت: آغاز این تحریم‌ها از سال ۸۵ بوده است و شدیدترین نوع آن نیز اوایل امسال با تحریم نفت، بانک مرکزی و مخابراتی آغاز شد.
وی در ادامه سخنرانی خود که برای اعضای شورای عالی استان‌ها صحبت مي‌کرد به تفکیک تاثیرات تحریم‌ها بر حوزه حمل ونقل، نفت، تجارت، بانک و بیمه و کل اقتصاد پرداخت و در این بین نکاتی را برای اعضاء بیان کرد تا از نزدیک با وضعیت اقتصادی کشور آشنا شوند و بدانند که چرا قیمت‌ها چند برابر شده است.
غضنفری تحریم خرید نفت ایران را یکی از تحریم‌های اساسی علیه ایران دانست و گفت: ارزی که از طریق فروش نفت، کشور تامین مي‌کرد با این تحریم تحت تاثیر قرار گرفت از سویی در هیچ جای دنیا بانک مرکزی آن کشور را تحریم نمي‌کنند چرا که این بانک، بانک سودآور نیست اما تحریم این دو بر اقتصاد کشور فشار آورد و مانع از آن شد تا ما بتوانیم نیازهای اقتصادی خود را در بخش‌های مختلف تامین کنیم چرا که نه ارزی داشتیم نه بانک مرکزی مي‌توانست ارز را منتقل کند و نه حمل و نقلی که بتواند کالاهای مورد نیاز را به کشور وارد کند.
وزیر صنعت و معدن تصریح کرد: همه این تحریم‌ها برای این است که پیوند عمیق بین حاکمیت و مردم از هم جدا شود و در این بین با اذیت کردن مردم با اعمال تحریم‌ها این موضوع پیگیری شد تا مردم برای تامین کالاهای خود هزینه بیشتر پرداخت و در صف خرید کالا منتظر بمانند که نمونه عینی آن افزایش قیمت مرغ و کمبود آن بود.
غضنفری با بیان اینکه این تحریم‌ها را ما به عنوان تحریم فلج کننده مي‌دانیم، گفت: خوشبختانه به لطف و عنایت خداوند و راهنمایي‌های مقام معظم رهبری تدابیری برای حل این تحریم‌ها اتخاذ کردیم و امروز اعلام مي‌کنم که وضعیت اقتصادی ما در بسیاری از کالاهای اساسی به نسبت سال گذشته از رشد خوبی برخوردار است. چرا که با جهت گیري‌های اقتصادی و اولویت بندی کالاهای اساسی و تعیین ارز مرجع و مبادله‌ای از ورود کالاهای لوکس و غیر ضروری جلوگیری کردیم.

افزایش نرخ ارز به دلیل تحریم‌ها نبود
وی با بیان اینکه تحریم‌ها در حوزه تجارت در راستای این بود که ایران همانند کره شمالی شود، گفت: چند سال پیش برخی از سرمایه داران از ما مي‌خواستند تا ارز را به ۲۵۰۰ تومان افزایش دهیم اما ما با آن مخالفت کردیم در خلال این تحریم‌ها خود ما مشکل نظام بانکی را درست کردیم که برگرفته از تحریم‌ها نبود تا با افزایش ارز به اهدافمان دست یابیم.
وی گفت: هم اکنون بسیاری از کالاهای ما در کشورهای خلیج فارس به فروش مي‌رسد.
غضنفری ادامه داد: امیدواریم بتوانیم شعار ۳۰ ساله که در آن مي‌خواستیم نفت را از بودجه و حوزه اقتصاد حذف کنیم با سیاست‌های کنونی حل شود. اگرچه تمامی اتفاقات افتاده در تحریم‌ها را ما یک نوع امتحان الهی مي‌دانیم که موجب شد ما در حوزه اقتصادی به آرزوهای خود دست یابیم.

علت تحریم دستیبای به انرژی هسته‌ای نیست
وی خطاب به اعضای شورای عالی استان، اظهار کرد: هدف از تحریم‌ها در فشار قرار دادن مردم بود و علت آن نه موضوع هسته‌ای بود نه حقوق بشر علت این است که ایران نمي‌خواهد تابع دستورات ظالمانه برخی کشورها باشد.
غضنفری در ادامه سخنرانی خود که بیش از یک ساعت به طول انجامید به تفاهمنامه‌ای که

میان وزارت صنعت و معدن و شورای عالی استان منعقد شده بود اشاره کرد و گفت: این تفاهمنامه که سال گذشته به امضا رسیده است بدون آنکه حتی یک بار خوانده شود در کشوی میز من باقی مانده بود و جای تقدیر دارد که هیچ کاری در آن نشده است امسال نیز تفاهمنامه دیگری قرار است منعقد شود که من مطمئنم سرنوشت آن همانند اولی خواهد بود.
وی ادامه داد: بهتر است کمیته‌ای برای پیگیری این تفاهمنامه تشکیل شود تا بلکه این مسایل رنگ بوی اجرایی یابد و کاربردی شود.
غضنفری از اعضای شورای عالی استان خواست تا با فعال کردن شهرک‌ها و واحدهای صنعتی محل سکونتشان به افزایش تولید کمک کنند.
به گزارش ایلنا، وی گفت: اشک در چشمانم جاری مي‌شود وقتی که مي‌بینم جوانان ما تحصیلات عالیه دارند اما بیکارند و هنوز استخدام نشده‌اند بهتر است با هم همکاری کنیم تا این معضل نیز حل شود.

۶۰درصد کارمندان در بوشهر توان خرید برنج ندارند

بر پایه خبر منعکس شده در سایت اصلاح طلب جرس درتاریخ 23 دی ماه آمده است : رئیس صنف خواربار و لبنیات بوشهر مي‌گوید: در مرکز نمایندگی های بزرگ گرفته می شود به نوعی وابستگی ایجاد می کنند، ما را ملزم می کنند فقط از آنها خرید کنیم، نمونه اش شرکت نستله که یک شرکت دولتی اجناسش را سه برابر قیمت می فروشد کسی هم بررسی نمی کند.
به گزارش جنوب نیوز، عباس نامدار زاده ادامه داد: اگر من مغازه دار جنس هزار تومانی را صد تومان گران تر بفروشم برایم تشکیل پرونده می دهند، سر در مغازه ام پارچه می زنند و جریمه ام می کنند اما شرکت دولتی که یک نسکافه 200 گرمی را دو هفته پیش سیزده هزار تومان می فروخت حالا سی هزار تومان می فروشد مثل اینکه نمی بینند آب از آب تکان نمی خورد.
رئیس صنف خواربار و لبنیات می گوید: گرانی که در بازار مشهود است به مغازه دار نیز ضرر می رساند، در طول شش ماه گذشته 110 پروانه کسب باطل کرده ایم قدرت خرید مردم پایین آمده است، به جرأت می گویم 60 درصد کارمندان نمی توانند برنج بخرند.
وی اضافه می کند: مسئولان تصمیم دارند جلوی قاچاق کالا را بگیرند تا تورم مهار شود، تا زمانی که تریلی های بزرگ با پلاک دولتی در گمرک تردد می کنند و بازرسین با گرفتن رشوه جواب ارباب رجوع را می دهند جلوی ورود کالای قاچاق گرفته نمی شود.
نامدار زاده اضافه می کند: دولت نمی تواند از قشر بازاری حمایت کند، از اجرای طرح شبنم سخن می گویند برای جنسی که شاید دویست تومان برای من سود داشته باشد صد تومان می گیرند تا بارکد کالابزنند، اگر قرار است دولت خدماتی ارائه کند چرا خدمات را ریگان ارائه نمی دهد متاسفانه عرف شده اول طرح اجرا شود سپس سعی می کنند ایرادهایش را اصلاح می کنند.
رئیس صنف خواربار و لبنیات بوشهر گفت: طرح شبنم به بازار شهرهای مرز نشین آسیب می زند، داستان ته لنجی امتیازی است برای شهر های مرز نشین که اصلا با طرح شبنم هماهنگی ندارد، اجناس ته لنجی بارکد نمی گیرند چگونه قرار است این طرح اجرا شود نمی دانم

نامه ی زندانی سیاسی دربند بهنام ابراهیم زاده «رنج زندان را تحمل می کردم، ناگهان کوهی از اندوه بر من آوار شد.»

بر پایه نامه رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 23 دی آمده است : نمی دانم كي، شاید 8-9 روزی است، شنیده ام تنها فرزندم نیمای سیزده ساله ام که غم دوری از پدر و محرومیت از همه حیث او را فرا گرفته بود به بیمارستان کودکان محک اعزام شده است، آنجا بیمارستان کودکان سرطانی است. تجربه ای تلخ و لحظات تکان دهنده ای که تا عمق روح و روانم نفوذ کرده است. من از وضع این امید دلبندم چیزی نمی دانم، همسرم به روشنی بیان نمی کند

فقط آرزو دارد که هر چه زودتر به مرخصی برای دیدن آنها بیایم.برای این منظور درخواست مرخصی کرده ام که مسلماً موافقت با این درخواست تاثیری عمیق بر من و فرزند بیمارم می گذارد. این تنها لحظه ای در زندگی یک پدر است که مایل نیست تحت هیچ شرایطی آن را از دست بدهد. به همین منظور به لطف دوستان وثیقه ای ملکی دست و پا کرده ام و مثل همیشه که برای رفع محرومیت ها اقدام می کردم جواب مساعدی هم شنیده ام. اما شاید این بار نیز فقط حرف تحویل گرفته باشم. در این شرایط و با هزاران خیال که درباره فرزندم نیما در سر دارم یادآوری وعده های توخالی گذشته مسئولان رنج مرا به دردی جانکاه تبدیل کرده است. من باید در کنار فرزند بیمارم باشم این حق من است من یک زندانی سیاسی ام که اکنون نگرانی بیماری فرزندم همه چیز را در برابرم تیره و تار کرده است، چندین اقدام در برابر من قرار دارد که یکی از آنها اعتصاب غذای خشک کامل است. شاید جوابی بگیرم. خودم صبر و تحمل را می پسندم همراه با فشار و مقاومت، اما همه چیز ممکن است اتفاق بیفتد. با این همه محرومیت از غذا، مرخصي، ملاقات مناسب و تلفن، امکانات درماني، ... حالا محرومیت از حق بودن در بالای سر فرزند بیمارم می خواهد مرا از پای در آورد.
من با تاکید بر درخواستم برای مرخصی و دیدار با فرزندم ایستادگی می کنم اما در همان حال از همگان برای دفاع از حقوق فرزندم و بهبود وضعیت ایشان استمداد می کنم. چه کسی گمان می کرد کسی که سالها در عرصه کودکان و کارگران تلاش و مبارزه کرده است برای عقیده اش و در دفاع از کودکان به زندان بیفتد و بشنود که مردم دلسوز دوستان و رفقا گروه گروه به دیدن فرزند بیمارش می روند اما خودش در حسرت کشیدن دست بر پیشانی داغ فرزندش محروم بماند. من ایستادگی و مقاومت می کنم که تا به حال کرده ام، اما چه کسانی باید پاسخ این همه بی عدالتی و رنج را بدهد چه کسی مسئول وضع پیش آمده برای فرزندم نیما است.من امیدوارم به همت دستان توانمند و مهربان پزشکان و پرستاران و امیدوار به همت دوستان و رفقا و همکارانم و مردمان خوب و دلسوز کشورم، من از همه کسانی که طی این چند روز جویای حال فرزندم بوده اند و به دیدار خانواده و فرزندم رفته اند نهایت تشکر و قدردانی می کنم. من از تمامی پزشکان و پرستاران بیمارستان محک و همه کسانی که برای بهبودی وضعیت فرزندم تلاش کرده و قدمی برداشته اند و بر می دارند قدردانی و سپاسگزاری می کنم به امید بهبودی هر چه سریعتر فرزندم نیما ابراهیم زاده و تمامی کودکان

بهداشت زیر صفر کوره پزخانه‌ها

به گزارش خبرنگار دولتی کار ایران - ایلنا، در 24 دی آمده است : مشکلات بیمه‌اي، اندک بودن دستمزد کارگران، عدم بهداشت کارگاه‌ها و محل سکونت و عدم نظارت بازرسان وزارت کار، تنها بخشی از مصائبی است که کارگران کوره پزخانه‌ها از سر مي‌گذرانند.
غلامرضا عباسی رئیس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران با اشاره به «فراری داده شدن کارگران کوره پزخانه‌ها» به ایلنا مي‌گوید: کارفرماها در فصول قبل، با کارگران کوره‌پزخانه‌ها رفتار مناسبی نداشتند و آن‌ها را به نحوی فراری دادند. این کارفرماها در سال‌های قبل هم از اتباع غیر ایرانی استفاده مي‌کردند و هم در بحث مزد، مبالغ مورد توافق را به کارگران پرداخت نمي‌کردند.

بهداشت زیر صفر کوره پزخانه‌ها
اما فراری شدن کارگران کوره پزخانه‌ها را نباید تنها در کمی دستمزد و به کارگیری اتباع غیر ایرانی جستجو کرد. عدم رعایت حداقل‌های استانداردهای بهداشتی در کوره پزخانه‌ها از مهم‌ترین مواردی است که کارگران را به ستوه آورده است.
در همین رابطه رئیس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران وضعیت بهداشتی کوره پزخانه‌ها را اینگونه توصیف مي‌کند: در زمینهٔ مسائل بهداشتي، کارگران کوره پزخانه‌ها هر چه دارند از اوایل انقلاب است که کارفرمایان مجبور بودند امکانات رفاهی را برای آنان فراهم سازند و تمام این امکانات رفاهی از جمله خانه، آشپزخانه و سرویس‌های بهداشتی از سی و چهار سال پیش دست نخورده باقی مانده و اینک مخروبه شده است.

همچنین پیروز چراغی رئیس انجمن صنفی کوره پزخانه‌های منطقه یافت آباد وضعیت بهداشت کوره پزخانه‌ها را «زیر صفر» توصیف می‌کند.
بازرسان وزارت کار، با اختیارات ضابط قضایی موظف‌اند که به صورت دوره‌ای یا سرزده در فواصل زمانی کوتاه از واحدهای صنعتی کوچک، متوسط یا بزرگ بازدید کنند بدیهی است چنانچه این بازرسان وظایف خود را به درستی انجام دهند، بسیاری از مشکلات به خودی خود حل می‌شود. اما وقتی نظارتی از سوی وزارت کار بر کارفرمایان نباشد، حق و حقوق کارگران به راحتی پایمال می‌شود. در همین رابطه حضور تشکل‌های مستقل کارگری می‌تواند به بازرسان وزارت کار و بیمه کمک کند تا مشکلات کارگران را بهتر ببینند و درک کنند.
غلامرضا عباسی رئیس انجمن صنفی کارگران کوره پزخانه‌های استان تهران با انتقاد از دید منفی مسولان دولتی نسبت به انجام وظایف صنفی تشکل‌های کارگری می‌گوید: هرگاه مسئله‌ای در جهت احقاق حق کارگران از سوی تشکل‌های کارگری دنبال می‌شود مسئولان به گونه‌ای برخورد می‌کنند که گویا دخالتی در کار آن‌ها شده است. حال آنکه وظیفهٔ تشکل‌های کارگری کمک به مسئولان در شناسایی مشکلات کارگران و حراست از حقوق نیروی کار است.
این فعال کارگری ادامه می‌دهد: برای مثال وقتی کارگری تحت فشار قرار گرفته است تا خود را از دید بازرس بیمه پنهان سازد، تشکل کارگری مربوطه به وی کمک می‌کند تا با حقوق خود آشنا شود.

دفن محیط زیست ایران در ضایعات پلاستیک

به گزارش «پایگاه خبری تحلیلی اعتدال»،در 24 دی آمده است : اکنون که در ماه های پایانی سال 91 قرار داریم به گفته مسئولان سرانه مصرف پلاستیک به بیش از 30 کیلوگرم رسیده است. البته عده ای آن را نشانه پیشرفت اقتصادی و صنعتی کشور و عده ای دیگر آن را معلول افزایش فرهنگ بهداشت اجتماعی می دانند. عده ای هم آن را نتیجه تنبلی روز افزون مردم قلمداد می کنند. ولی دلیل آن هر چه که باشد نمی توان این واقعیت را ندیده گرفت و از این افزایش سرانه خوشحال بود.
چند سالی است که پلاستیک ها محیط زیست ما رابه محاصره خود درآورده اند. فرشی از نایلون دشت ها و بیابان های اطراف شهرها و روستاها را پوشانده و دور درختان پیچیده شده است. پلاستیک ها داخل خاک فرورفته اند و گیاهان را خفه می کنند و جلوی ریشه دواندن گیاهان را می گیرند. پلاستیک های مدفون در زمین نمی گذارد درختان در جایی که می توانند برویند. در کنار رودخانه هایی که مردم برای تفریح می روند بطری ها در همه جا پراکنده است و گاهی با جریان رودخانه همراه می شوند. آن ها سرچشمه رودها را آلوده می کنند. در رودها و دریاها، ماهی ها و کوسه ها ظرف های یک بار مصرف را با غذا اشتباه می گیرند و می بلعند و لاک پشت ها با خوردن آن ها خفه می شوند. از دیگر سو ظرف های یک بار مصرف هم به رغم هشدارهای پزشکی هر روز بیشتر و بیشتر مورد استفاده قرار می گیرند. بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ سال طول می کشد تا این مواد مخرب در طبیعت تجزیه شود. این مواد ممکن است سمومی را وارد چرخه حیاتی کنند که در نهایت بدن انسان را تحت تأثیر قرار می دهد و می توانند اکوسیستم را از شکل طبیعی خارج کنند. ما بدون ایجاد یک سیستم بازیافت قوی اجازه می دهیم این مواد تمام این مدت در طبیعت باقی بمانند و بر محیط زندگی مان تأثیر منفی به جا بگذارند و روز به روز هم بر میزان مصرف خود می افزاییم. حتی تلاش نمی کنیم که آن ها را در طبیعت پراکنده نکنیم یا آن ها را از طبیعت جمع آوری کنیم.
با وجود این شرایط، مصرف پلاستیک ها و نایلون ها با سرعتی سرسام آور روبه گسترش است. مغازه داران هرکالایی را با هر حجمی داخل نایلون ها می گذارند و آن را "کلاس" کار خود می دانند. حتی چنین به نظر می رسد که گردش کار فروشگاه ها بدون نایلون ممکن نیست. تقریبا دیگر مکانی وجود ندارد که در آن نایلون ها برای مصارف حتی غیرضروری به کار گرفته نشده باشد. مصرف کننده ها هم عادت کرده اند به طور دایم از نایلون‌ها و مواد پلاستیکی استفاده کنند.ضمن این که در شرایطی که نفت هر روز بیشتر و بیشتر در جهان ارزش پیدا می کند ما به این وسیله میزان زیادی نفت را برای تولید بیش از حد این مواد می

سوزانیم.
بن بر آمارها ایران جزو 5 کشور اول در زمینه مصرف سرانه پلاستیک که یکی از دیرتجزیه پذیرترین مواد در طبیعت به شمار مي‌رود ، است و در حالی که در کشور ما انفجاری در زمینه تولید و مصرف نایلون ها و ظروف یک بار مصرف رخ داده، بسیاری از کشورهای جهان مدت هاست رویکرد خود را در مورد استفاده از مواد پلاستیکی تغییر داده اند. به ویژه در این کشورها با هماهنگی رسانه ها و فعالان محیط زیست جنبش عمومی برای کاهش مصرف این مواد رخ داده است. به طوری که یک فروشگاه زنجیره‌ای مشهور در یک کشور اروپایی به این دلیل با اقبال عمومی مواجه شد که شعار خود را تلاش برای حذف نایلون از فروشگاه اش انتخاب کرد.
کشورهای پیشرفته چندسالی است که دوباره به سمت استفاده از پاکت گرایش پیدا کرده اند. قانون هم کارخانجات سازنده نایلون ها و برخی از انواع دیگر پلاستیک ها را واداشته خط تولید خود را به ساختن انواع پاکت های محکم و یا کیسه های پارچه ای و دیگر جایگزین های مناسب تغییر دهند. در این کشورها نایلون های بی دوام برای خرید کالا جایشان را به کیسه های بسیار بادوام داده است. همین کیسه ها هم بسیار گران عرضه می شود تا استفاده از آن ها زیاد نباشد و بسیاری از خریداران چندین بار برای خرید از این کیسه ها استفاده می کنند. شهروندان این کیسه ها را به عنوان ساک به فروشگاه ها می برند تا کالاهای خریداری شده در پاکت را داخل آن ها جای دهند. این در حالی است که سیستم بازیافت در این کشورها هم بسیار توانمند است. به طوری که با وجود ده ها سال استفاده وسیع از نایلون و پلاستیک با پیامدهای فاجعه بار زیست محیطی دست به گریبان نشده اند. حتی در کشوری نظیر پاکستان هم شهروندان برای حمل کالاهای خریداری شده از کیسه های پارچه ای استفاده می کنند و فروشگاه ها به وفور این کیسه ها را در اختیار خریداران کالاها قرارمی دهند.
امروزه پلاستیک و صنایع وابسته قسمت اعظمی از زندگی بشری را تشکیل می دهد و مصرف بالای این ماده انکارناپذیر است. طبق آمار موجود در کشور، این صنعت سالانه 35 درصد افزایش تولید و مصرف دارد. انعطاف پذیري، وزن کم و کاربرد زیاد این ماده ازعمده دلایل افزایش سرانه مصرف پلاستیک به شمار می رود. بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ سال طول می کشد تا این مواد مخرب در طبیعت تجزیه شود. این مواد ممکن است سمومی را وارد چرخه حیاتی کنند که در نهایت بدن انسان را تحت تأثیر قرار می دهد و می توانند اکوسیستم را از شکل طبیعی خارج کنند. با توجه به این حقایق نکته تاسف بار این است که کشور ما در دنیا جزو 5 کشور اول در زمینه مصرف سرانه پلاستیک است. این در حالی است که کشورهای پیشرفته چندسالی است که دوباره به سمت استفاده از پاکت گرایش پیدا کرده اند. از طرف دیگر چند سالی است که برخی محققان و مخترعان کشورمان موفق به ساخت ظروف یک بار مصرف تجزیه پذیر شده اند. دولت نیز در مواردی سعی کرده است تولید و مصرف این محصول را تشویق کند. با این اوصاف آیا می توان امیدوار بود که به تدریج دیگر شاهد انبوه بطری های پلاستیکي، ظروف یک بار مصرف و نایلون های پاره پاره در عرصه محیط زیست کشور نباشیم؟

استیو هانکه : تورم سالیانه ایران ۱۱۰ درصد است

به گزارش «تابناک»، در 24 دی آمده است : چندی پیش، بانک مرکزی ایران اعلام کرد که نرخ تورم ماهیانه در آذر ماه برابر با ۲۷,۴ درصد است؛ تورمی که از آغاز سال تا کنون بیش از ۷ درصد افزایش را نشان مي‌دهد. این در حالی است که بسیاری بر این باورند، این نرخ تورم که از سوی بانک مرکزی اعلام مي‌شود، چندان با واقعیات اقتصادی کشور همخوانی ندارد.
بنا بر این گزارش، «استیو هانکه»، که متخصص در موضوع ابر تورم یا تورم حاد است و به تازگی با افزایش میزان ارز در ایران و کاهش ارزش ریال، مطالبی پیرامون بروز ابر تورم در کشور منتشر ساخته است، در آخرین مطلب خود با اشاره به غیر واقعی بودن نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی مدعی شده که تورم سالیانه در ایران ۱۱۰ درصد است.

استیو هانکه در این مطلب آورده است:
به تازگی بانک مرکزی ایران اقدام به انتشار آمار نرخ تورم کرده است. در حالی که در فضای بین‌الملل بحث‌ها بر سر بروز تورم حاد در ایران در ماه اکتبر بالا گرفته، بانک مرکزی ایران مدعی شده که نرخ تورم این کشور ۲۷,۴ درصد است.
بانک مرکزی ایران تقریباً عادت به این دارد که از ارائه و انتشار آمار دقیق اقتصادی سر باز زند و آنچه منتشر شده، چیزی است که من نام آن را به لحاظ کیفیتی متناسب با «آلیس در سرزمین عجایب» می‌نامم. در واقع نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی ایران به شدت با واقعیت فاصله دارد. بنا بر یک متدولوژی شناخته شده، محاسبات بنده نشان می‌دهد که نرخ تورم سالیانه ایران در سال ۲۰۱۲ برابر با ۱۱۰ درصد است.
فرمول برابری قدرت خرید که هانکه برای محاسبه نرخ تورم زیمبابوه از آن استفاده کرده است. همین فرمول برای محاسبه میزان تورم ایران نیز مورد استفاده وی قرار گرفته:

To determine the PPP for Zimbabwe relative to the United States, let

P_{ZIM} = the Zimbabwe price level in Zimbabwe dollars (ZWD),
P_{US} = the United States price level in U.S. dollars (USD), and
$E_{ZWD/USD}$ = the exchange rate (ZWD per unit of USD).

Then PPP, in a static sense, states that:

$$(1)\ \frac{P_{ZIM}}{P_{US}} = E_{ZWD/USD}$$

PPP can be interpreted in a dynamic sense by looking at the changes in price levels and values of currencies over time. This relative form of PPP states that:

$$(2)\ \frac{1+\frac{\Delta P_{ZIM}}{P_{ZIM}}}{1+\frac{\Delta P_{US}}{P_{US}}} = 1 + \frac{\Delta E_{ZWD/USD}}{E_{ZWD/USD}}$$

Given the state of hyperinflation in Zimbabwe, the change in the price level in the United States relative to that in Zimbabwe is insignificant. In consequence, ΔP_{US} can be assumed to be zero. As a result, (2) becomes

$$(3)\ \frac{\Delta P_{ZIM}}{P_{ZIM}} = \frac{\Delta E_{ZWD/USD}}{E_{ZWD/USD}}$$

این گزارش در ادامه می‌افزاید، از ماه اکتبر و در زمانی که میزان تورم در ایران شروع به افزایش شدید کرد، دولت در ایران تلاش کرده با هر روشی، پول ملی را که در حال افت روزافزون ارزش است، سر پا نگه دارد. در یک نگاه، این تاکتیک غیر مشروع کارگر واقع شده و نرخ تورم ایران پس از آن که در ماه اکتبر به حد نهایی خود رسید، اکنون تا اندازه‌ای کاهش را نشان می‌دهد.
این امر به معنای آن است که نرخ تورم رسمی در ایران (یعنی ۱۱۰ درصد) که من با استفاده از داده‌های عینی موجود در بازار محاسبه کرده‌ام به گونه‌ای فاحش، چهار برابر بزرگتر از نرخی است که بانک مرکزی اعلام می‌کند.
البته ارائه آمار غیر واقعی برای نخستین بار نیست که در کشوری که دچار پدید تورم حاد است استفاده می‌شود. در واقع هنگامی که تورم شروع به افسار گسیختگی می‌کند، دولت‌ها می‌کوشند آمار واقعی اقتصادی را در لفافه محرمانه بودن پنهان کنند.
اکنون این حجاب پنهان‌کاری سایه خود را بر تهران گسترانده و یک بار دیگر ارائه آمار غیر واقعی دستور کار روز است.

علیه تهاجم وحشیانه رژیم بر فعالین
کارگری و به دفاع از مبارزات کارگران ایران برخیزیم

موج تازه ای از تهاجمِ رژیم سرمایه داری و ضد کارگری ایران بر توده های محروم جامعه و فعالینِ کارگری آغاز شده است. رضا شهابی از اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد که تنها به جرمِ دفاع از کارگران و منافع طبقاتی خود تحت شکنجه و آزار واذیت نیروهای رژیم قرار دارد، در اعتراض به رفتار غیر انسانی آنها دست به اعتصاب غذا و دارویی زده وبعد از ۲۲ روز موفق به گرفتن مرخصی ۵ روزه برای مداوای بیرون از زندان میشود. پدرام نصرالهی فعال کارگری و عضو کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در زندان مرکزی سنندج ملاقات ممنوع شده است.
محمد مولانایی، یوسف آب خرابات و واحد سیده فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی، پس از احضار به اداره اطلاعات شهر مهاباد بازداشت شده اند. این درحالی است که رژیم اخیرا ۷ نفر دیگر از فعالین کمیته هماهنگی را در شهرهای بوکان و اشنویه دستگیر و بعد از چند روز بازداشت با قرار وثیقه آزاد نموده است. سرکوبها و بازداشتها در شرایطی صورت میگیرد که همچنان تعدادی از فعالین کارگری از جمله بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی و محمد جراحی در زندان بسر میبرند.
یورش وحشیانه و ضد انسانی رژیم در شرایطی صورت میگیرد که کارگران ایران هم اکنون در وضعیت اسفباری بسر میبرند. رژیم در تلاش است با تصویبِ لایحه ضد کارگری "اصلاحیه قانون کار" موج دیگری از تهاجم خود را به سفره خالی کارگران به راه انداخته و فقرو بی‌حقوقی آن‌ها را تشدید کند. از سوی دیگر موج اخراج و بیکارسازی ها، عدم پرداخت دستمزدهای معوقه، فاصله‌ی چند برابری دستمزد با خط فقر و عدم امنیت محیط کار، مشقت و نابسامانی اجتماعی را در زندگی کارگران و زحمتکشان شدت بخشیده است.
بدون شک پس زدن این تعرض ضد کارگری رژیم در نتیجه یک مبارزه طبقاتی و گسترده میسر خواهد بود. از همین رو همبستگی و پشتیبانی از فعالین کارگری در بند و محکومیت رژیم جنایتکار ایران، تا آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران و زندانیان سیاسی و به عقب راندن فشار رژیم بر کارگران و زحمتکشان جامعه، امری ضروری و اقدامی عاجل از سوی آزادی‌خواهان و مدافعان طبقه کارگر در سراسر جهان را می طلبد.
بدین منظور ما هم در کشور هلند همراه و هماهنگ با سایر احزاب، سازمانها و نهادها، به کمپین دفاع از مبارزات کارگران ایران می پیوندیم و از همه زنان ومردان کمونیست وآزادیخواه ، احزاب و سازمانها، نهادها وتشکل های کارگری درخواست میکنیم تا در آکسیون اعتراضی و سراسری روز شنبه ۲۶ ژانویه در شهر دنهاخ (لاهه) جلو پارلمان ساعت ۲ بعدازظهر- شرکت کنند، تا صدای برحق کارگران و مردم زحمتکش جامعه ایران را به گوش جهانیان برسانیم و موجبات رسوایی و افشای ماهیت ضد انسانی رژیم جنایتکار اسلامی را در ابعاد وسیعتری فراهم کنیم.
مکان و زمان برگزاری آکسیون:

شنبه ۲۶ ژانویه ۲۰۱۳ Zaterdag 26 januari 2013
ساعت ۱۴ تا ۱۷ بعدازظهر Om 14:00 t/m 17:00
جلوی پارلمان در دنهاخ voor Tweede Kamer op het Plein
کارگر زندانی، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
زنده باد همبستگی بین المللی در دفاع از کارگران ایران!
زنده باد سوسیالیسم!

حزب کمونیست ایران - تشکیلات هلند
فعالین سازمان فدائیان (اقلیت) - هلند
۱۳ ژانویه ۲۰۱۳

بهنام ابراهیم زاده نیم ساعت در کنار فرزند بیمارش

به گزارش رسيده امروز دوشنبه 25/10/91 ساعت 2 بعد از ظهر بهنام ابراهيم زاده فعال كارگري و عضو كميته ي پيگيري و فعال حقوق كودكان تحت الحفظ جهت ملاقات فرزندش به بيمارستان محك برده شد. اين فعال كارگري دربند موفق شد با فرزندش كه به دليل بيماري خوني در بيمارستان محك بستري است فقط نيم ساعت ملاقات داشته باشد و مجددا به زندان اوين برگردانده شد. همانطور كه قبلا نيز ذكر شده بود پزشكان معالج نيما ابراهيم زاده فرزند بهنام تاكيد كرده اند كه شرايط بيماري نيما به گونه اي است كه جهت تسريع روند بهبودي وي از نظر روحي ضروري است حتما پدرش در كنارش حضور داشته باشد. مقامات امنيتي به خانواده بهنام ابراهيم زاده اعلام كرده اند كه با قرار وثيقه 200 ميليون توماني نام برده مي تواند به مرخصي برود.

بهنام ابراهيم زاده در خردادماه 89 دستگير و به 5 سال زندان محكوم گرديد و در طي اين مدت عليرغم مشكلات گوناگون جسمي از وجود حداقل امكانات پزشكي جهت درمان و همچنين مرخصي و يا ملاقات حضوري با خانواده اش محروم بوده است.

كميته ي هماهنگي خواهان آزادي فوري و بي قيد و شرط بهنام ابراهيم زاده از زندان جهت حضور در كنار فرزند بيمارش و همچنين آزادي ساير كارگران و فعالين دربند و زندانيان سياسي مي باشد.

كميته ي هماهنگي براي كمك به ايجاد تشكل هاي كارگري-25 دي 1391

ممانعت از ملاقات کارگران بازداشتی در مهاباد با خانواده هایشان

به گزارش رسیده امروز یکشنبه مورخ 24/10/91 خانواده اعضای بازداشتی کمیته هماهنگی محمد مولانایی، یوسف آب خرابات و واحد سیده در جلو درب اداره اطلاعات مهاباد تجمع کرده و خواستار ملاقات با دستگیر شده گان شدند.

بعد از چند ساعت آنان را به داخل برده و چند لحظه بعد پسر محمد مولانایی بنام جواد که منتظر ملاقات بود از طرف یک نفر از ماموران مورد بی احترامی قرار می گیرد و او را مورد ضرب و شتم قرار می دهد. بعد از این رویداد همه ی خانواده دستگیر شدگان را از محل دور و نمی گذارند که با عزیزان خود ملاقات کنند.

قابل ذکر است که اتهام این فعالین شرکت در مجامع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهرهای سنندج و کرج است.

اتهام دیگر آنان شرکت در مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر اعلام شده که قبلا" در یک باغ در منطقه مهاباد برگزار شده بود.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط اعضای بازداشتی خود در مهاباد و هچنین آزادی سایر کارگران و فعالین دربند می‌باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-24 دی 1391

تجمع مجدد جمعي از بازنشستگان آموزش و پرورش در تهران

به گزارش خبر در سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 25 دی آمده است : حدود 150 نفر از بازنشستگان آموزش و پرورش (بازنشستگان كشوري) امروز ساعت 10 تا 11 صبح در مقابل اداره بازنشستگان استان تهران در خيابان فياض بخش تجمع كردند. در اين تجمع نمايندگان منتخب بازنشستگان كه در تجمع سه شنبه مورخ 19 دي به درون مجلس رفته و با نمايندگان

صحبت کرده بودند گزارشي از اين گفت و گو به حاضرين داده شد. آنها اعلام کردند در هفته گذشته تا ساعت 3 بعد از ظهر با نمايندگان در کميسيون هاي مختلف مجلس صحبت کرده و در نهايت مسائل بازنشستگان به کميسيون اجتماعي مجلس ارجاع داده شد.

همچنين در اين تجمع علاوه بر نمايندگان چند نفر ديگر از بازنشستگان صحبت کرده و بر خواسته هاي بازنشستگان از قبيل اعتراض به افزايش 10 درصدي حقوق براي سال آينده، عدم پرداخت معوقات سالهاي گذشته، تعديل و ترميم حقوق و مزاياي بازنشستگي مطابق با ساير سازمانهاي دولتي، ناکارآمدي بيمه طلايي ... تاکيد کردند.

در پايان قطعنامه 6 ماده اي تنظيم و توسط همه حاضرين امضا گرديد و قرار بر اين شد که اين قطعنامه توسط نمايندگان به کميسيون اجتماعي مجلس تحويل داده شود.

کميته ي هماهنگي براي کمك به ايجاد تشکل هاي کارگري-25 دي 1391

ابطال حکم مدیر عاملی مرتضوی در سازمان تامین اجتماعی

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 25 دی آمده است :مدیرکل حوزه ریاست و روابط عمومی دیوان عدالت اداری گفت: با رای هیئت عمومی دیوان عدالت اداری ابلاغ سعید مرتضوی مبنی برای تصدی مدیرعاملی سازمان تامین اجتماعی ابطال شد.

براساس این گزارش،علی اکبر بختیاری اظهار داشت: بر اساس مصوبه هئیت وزیران در تاریخ 15 مرداد امسال صندوق تامین اجتماعی به سازمان تامین اجتماعی تغییر یافت. در ادامه نیز وزیر کار با پیشنهاد هئیت امنا، سعید مرتضوی را به عنوان مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی انتخاب کردند.

وی افزود: رئیس مجلس هم این مصوبه را مغایر قانون اعلام کرده بود که پس از مهلت قانونی در این خصوص ترتیب اثر داده نشد. در جلسه امروز هیئت عمومی دیوان عدالت اداری این مصوبه مغایر قانون تشخیص داده شد و حکم وزیر برای مدیرعاملی سعید مرتضوی بر سازمان تامین اجتماعی لغو شد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران :جهت اطلاع عموم

بر پایه خبر سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 25 دی آمده است : بدنبال حمله به سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران از روز 18 دی ماه جاری، مسئولین سایت "اتحاد" (سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران) سعی در بروز رسانی سایت "اتحاد" کردند اما از انجا که سایت اتحاد هر روزه زیر بار حملات هکرهای ناشناخته ضد جنبش کارگری قرار دارد اتحادیه آزاد کارگران ایران از این پس و تا ایجاد ثبات در به روز کردن سایت، اخبار کارگری را به سایتهای مرتبط با جنبش کارگری ارسال خواهد کرد.

حدود ٤٠٠ نفر از کارگران شرکتهای پیمانکاری پتروشیمی های ماهشهر، دست به تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری ماهشهر زدند

اتحادیه آزاد کارگران ایران: در ادامه دوسال کشمکش و اعتراضات و اعتصاب کارگران پیمانکاری بندر امام، امروز 25 دی ماه حدود 400 نفر از این کارگران دست به تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری ماهشهر زدند.

بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال اعتراضات و اعتصابات دو سال گذشته کارگران پیمانکاری پتروشیمی بندر امام و از آنجا که مصوبه هیئت وزیران در سال 1384

مبنی بر بر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری بطور کامل به اجرا در نیامده است امروز 25 دی ماه حدود 400 نفر از کارگران پیمانکاری پتروشیمی بندر امام شامل شرکتهای فراورش و بسباران که بنا بر سلایق اعمال شده در پتروشیمی ها موفق به انعقاد قرارداد مستقیم با کارفرمای اصلی نشده اند در مقابل فرمانداری ماهشهر دست به تجمع اعتراضی زدند. بدنبال این تجمع تعدادی از کارگران پیمانکاری منطقه ویژه اقتصادی ماهشهر نیز به این تجمع پیوستند.

بنا بر این گزارش، این کارگران از ساعات اولیه صبح امروز دست از کار کشیدند و از ساعت 8 صبح دست به یک تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری ماهشهر زدند. این کارگران بطور مرتب با سر دادن شعارهایی خواهان رسیدگی به خواستهای خود بودند و در مقابل درخواست فرمانداری مبنی بر انتخاب نماینده جهت مذاکره دست به مقاومت زدند و خواهان حضور فرماندار در میان خود شدند.

بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایرن، بدنبال این کشمکش فرماندار ماهشهر به ناچار در میان کارگران تجمع کننده حاضر شد و اعلام کرد: فردا سه شنبه با مدیران جلسه ی هماهنگی داریم و در این جلسه مسائل و مشکلات شما را بطور جدی پیگیری خواهیم کرد و روز چهاشنبه پاسخ قطعی را به شما خواهیم داد.

در ادامه حضور فرماندار در میان کارگران و پس از صحبتهای ایشان کارگران تجمع کننده بطور متحدانه ای اعلام کردند تا چهارشنبه منتظر پاسخ شما خواهیم ماند و چنانچه در این روز پاسخ قانع کننده ای به ما داده نشود از صبح روز یکشنبه هفته آینده بار دیگر تجمعات اعتراضی خود را در مقابل فرمانداری از سر خواهیم گرفت.

آزادی کومار خدری کارگر شرکت جهاد توسعه

عصر روز دوشنبه 25/10/91 کومار خدری، یکی از رانندگان شرکت پیمانکاری جهاد توسعه، که از روز شنبه 16/10/91 در بازداشت اداره اطلاعات سنندج بود، با قید وثیقه آزاد شد. لازم به ذکر است که رانندگان شرکت جهاد توسعه همراه با کارگران این شرکت چندین بار برای دریافت مطالبات خود از جمله گرفتن حقوق های معوقه، دست به اعتصاب زده بودند.

کمیته‌ی هماهنگی ضمن محکوم کردن بازداشت و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری، آزادی کومار خدری را به خانواده ایشان و بخصوص کارگران شرکت جهاد توسعه تبریک گفته و خواهان آزادی بدون قید و شرط تمام کارگران و فعالین کارگری در بند می‌باشد.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-25 دی 1391

تجمع اعتراضی کارگران نساجی خامنه شبستر مقابل مجلس

به گزارش خبرگزارش دولتی کار ایران در 26 دی 91 آمده است : امروز حدود ۵۰ نفر از کارگران کارخانه نساجی خامنه به دلیل عدم پرداخت حقوق، تعطیلی کارخانه مذکور و عدم رسیدگی به بیمه بازنشستگی خود مقابل درب شمالی مجلس تجمع کردند.

براساس این گزارش،یکی از این کارگران گفت: چند ماه حقوق ما پرداخت نشده است و از سوی دیگر هم کارخانه نیروهای تعدیلی زیادی داشته است.

بنابه گزارش 26دی خبرگزاری مجلس، یکی از کارگران حاضردر تجمع اعتراضی امروزبا بیان اینکه سال‌هاست پیگیر بیمه بازنشستگی خود هستیم، گفت: هیات وزیران مصوب کرده بود تا سازمان تامین اجتماعی نسبت به حقوق بازنشستگی کارگران شرکت نساجی خامنه

تسهیلات لازم را فراهم کند اما با گذشت سه سال از زمان این مصوبه هنوز اقدامات لازم در این زمینه انجام نگرفته است. وی، تصریح کرد: سازمان تامین اجتماعی اعلام کرده که دولت هنوز بودجه‌ای برای ارائه خدمات به این کارگران نداده و این سازمان همچنان منتظر نامه وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است.

این کارگر شرکت نساجی خامنه، افزود: دولت کارگران این شرکت را در زمره دارندگان مشاغل سخت و زیان‌آور قرار داده از این رو خواستار این امر هستیم که هر چه زودتر نسبت به پرداخت بودجه بیمه بازنشستگی کارگران این شرکت بودجه کافی به سازمان تامین اجتماعی اعطا شود.

اخراج صدها کارگریکی از بزرگترین کارخانجات تولیدي کالاهاي خانگي ايران در اصفهان

به نوشته خبر بهار نیوز در 26 دی آمده است : روند اخراج کارگران در این کارخانه از اوایل امسال آغاز اما از نیمه دوم سال روند افزایشي پیدا کرده و با توجه به اینکه آمار مشخص و دقیقي نیز توسط مدیران آن به رسانه ها داده نشده برخي نقل‌قولها و شایعات حاکیست آمار کارگران اخراج شده از 2000 نفر نیز بیشتر است.

به گزارش 26دی بهارنیوز،یکي از بزرگترین کارخانجات تولیدي کالاهاي خانگي ايران در اصفهان به دلیل مشکلات اقتصادي ناشي از افزایش نرخ ارز طي چند ماهه اخیر تاکنون صدها کارگر خود رااخراج کرده است.

بنا بهمین گزارش، این کارخانه بزرگ در زمینه تولید و مونتاژ انواع یخچال، تلویزیون، اجاق گاز، آب میوه‌گیري و... فعالیت مي‌کند و یکي از قطب‌هاي معتبر تولیدکننده کالاهاي خانگي کشور به شمار مي‌رود. عمده تولیدات این کارخانجات، مونتاژ یکي از برندهاي معروف کشور کره مي‌باشد.

گفتني اینکه، در پي افزایش نرخ ارز و دشوار شدن تهیه و واردات قطعات، بسیاري از مراکز تولیدي صنعتي با مشکلات عدیده‌اي مواجه و به همین دلیل ناچار به تعدیل نیروهاي کاري خود شده‌اند.

به گفته یکي از کارگران اخراجی این شرکت بزرگ تولیدي، روند اخراج کارگران در این کارخانه از اوایل امسال آغاز اما از نیمه دوم سال روند افزایشي پیدا کرده و با توجه به اینکه آمار مشخص و دقیقي نیز توسط مدیران آن به رسانه ها داده نشده برخي نقل‌قولها و شایعات حاکیست آمار نیروهاي اخراج شده از 2000 نفر نیز بیشتر است. در همین راستا خطوط تولید اکثر کالاها در این مرکز بزرگ تولیدي به حدود نصف تقلیل پیدا کرده است.

تاخیر چندماهه در پرداخت حقوق کارگران آب منطقه‌ای گیلان

به گزارش خبرگزارش دولتی کار ایران در 27 دی 91 آمده است : طی گزارشی از تاخیر چندماهه در پرداخت حقوق کارگران شرکت آب منطقه‌ای گیلان،خبرداد.

بنا بهمین گزارش، تمام یا بخشی از پروژه‌های کلان شرکت آب منطقه‌ای گیلان از جمله پروژه در حال احداث سد مخزنی شهر بیجار در حوزه شهرستان رودبار و پروژه احداث سد مخزنی پلروددر حوزه شهرستان رودسر (با هدف تامین آب شرب و زراعی بیش از ۸۰ درصد مناطق استان) و ... احتمال داردتعطیل شود.

تاخیر چندماهه در پرداخت حقوق کارگران آب منطقه‌ای گیلان

به گزارش خبرگزارش دولتی کار ایران در 27 دی 91 آمده است : طی گزارشی از تاخیر چندماهه در پرداخت حقوق کارگران شرکت آب منطقه‌ای گیلان،خبرداد.

بنا بهمین گزارش، تمام یا بخشی از پروژه‌های کلان شرکت آب منطقه‌ای گیلان از جمله پروژه در حال احداث سد مخزنی شهر بیجار در حوزه شهرستان رودبار و پروژه احداث سد مخزنی پلروددر حوزه شهرستان رودسر (با هدف تامین آب شرب و زراعی بیش از ۸۰ درصد مناطق استان) و ... احتمال داردتعطیل شود.

مرگ ومصدومیت 2کارگربدنبال ریزش ساختمان در مشهد

به گزارشخبر روزنامه خراسان،در 27 دی آمده است : ساختماني كه تا ۷۰ درصد پيشرفت فيزيكي داشت روز گذشته به علت نامعلوم ريزش كرد وموجب مرگ ومصدميت 2كارگرشد.

براساس اين گزارش،مدير حوزه ۲ آتش نشاني مشهد افزود: از كارگران مشغول كار در اين ساختمان ۲ تن نجات يافتند كه يک تن از آن ها به علت صدمات وارده براي انجام اقدامات درماني توسط اورژانس به بيمارستان منتقل شد.

مجيد شادي ساعت ۲۰ شب گذشته افزود: كارگر ديگر ي كه در زير آوار مانده بود جسدش با تلاش آتش نشانان از زير آوار خارج شد.

يگيري مجد د اعتراض 2000تن از رانندگان شركت واحد به لايحه ضد كارگري اصلاح تغيير قانون كار در مجلس شوراي اسلامي

تعدادي از رانندگان شركت واحد اتوبوسراني تهران و حومه به همراهي نمايندگان سنديكايي خود امروز مورخ 27/10/91 با مراجعه به مجلس شوراي اسلامي خواستار رسيدگي به 2000 امضاء جمع آوري شده نسبت به اعتراض به تغيير لايحه قانون كار شدند . در اين حضور نامه اي مجدد به رئيس مجلس شوراي اسلامي نوشتند كه اين بار بر خلاف پيگيري قبلي نامه به ثبت رسيد و در دستور كار كميسيون اجتماعي قرار گرفت كارگران و رانندگان شركت اميدوراند كه اين لايحه هر چه زودتر از مجلس برگردانده شود . متن نامه فوق بدين شرح است

داوود رضوي فعال سنديكايي

متن نامه مجدد رانندگان شركت واحد اتوبوسراني تهران و حومه:

رياست محترم مجلس شوراي اسلامي

با درود و سلام

احتراما بعرض ميرسانيم در رابطه با لايحه اصلاحيه قانون كار كه در مورخ 14/9/91به مجلس شوراي اسلامي رسيده پيرامون تغييرات قانون كار، اينجانبان رانندگان شركت واحد اتوبوسراني تهران وحومه اقدام به جمع اوري 2000امضاء در سطح شركت واحد جهت اعتراض به اين لايحه كه هيچگونه منافعي از ما كارگران را در نظر نگرفته و حتي در پيش نويس اين لايحه نظر نمايندگان مستقل كارگري كشور را در نظر نگرفته و امنيت شغلي تمامي كارگران را به خطر مي اندازد و دست كارفرمايان را جهت اخراج كارگر و قراداد هاي سفيد امضاء باز تر ميكند. لذا سالها است كه نمايندگان مستقل كارگري منتظر تغيير قانون كار هستند، گويا بجاي تغيير فصل ششم قانون كار كه قرار بود كارگران تشكل هاي مستقل كارگري خودشان را داشته باشند ، ولي متاسفانه ما شاهد از بين رفتن تمامي دستاوردهاي كارگران در تغييرات فعلي اصلاح قانون كار هستيم. اين اصلاحيه ضد كارگران است و ما خواهان برگرداندن اين

لايحه ضد كارگري هستيم ، متاسفيم از اينكه اين دومين بار است كه رونوشت اين اعتراضات را به مجلس ارسال ميكنيم ،گويا كسي صداي كارگران دردمند را كه با خانواده هايشان بخش بزرگي از جامعه را تشكيل ميدهند نمي شنود، باز هم تكرار ميكنيم، تصويب اين لايحه ها عليه كارگران از طرف مجلس اقدامي عليه منافع جامعه كارگري محسوب ميشود و ما كارگران ديگر تحمل اين همه بي عدالتي و زندگي در فقر و فلاكت را نداريم .

جمعي از كارگران و رانندگان شركت واحد اتوبوسراني تهران و حومه

27/1091

نامه مجلس:



برادر گرامی جناب آقای دکترعزیزی
ریاست محترم کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی

سلام علیکم،

احتراماً به پیوست نامه تعدادی ازکارگران شرکت واحد اتو بوسرانی تهران دراعتراض به لایحه مربوط به تغییر قانون کار به لحاظ ارتباط موضوع جهت استحضار و اقدام لازم ارسال می‌شود.

عبدالله ملکی

رونوشت:

تجمع اعتراضی کارگران فضای سبز شهرداری اصفهان مقابل شهرداری

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 27 دی آمده است : اعتراض به برخی تصمیمات شهرداری اصفهان در نهایت در روز سه‌شنبه هفته گذشته و با اعتراض و تجمع بخشی از کارگران فضای سبز شهرداری اصفهان در لوکیشن محوطه ساختمان مرکزی شهرداری اصفهان به نقطه اوج خود رسید، صحنه‌ای که در پیگیری خبرنگاران از مسئولان ذیربط در مورد

علت آن، جز بی‌خبری و شانه خالی کردن از رفع وضعیت پیش آمده جواب قانع کننده‌ای مطرح نشد.

برپایه این گزارش،در حالی افزایش حقوق و دستمزد کارگران شهرداری‌ها سال گذشته در مصوبه‌ای از سوی وزارت کشور به شهرداری اصفهان ابلاغ شده که مدیریت شهری اصفهان با وجود گلایه‌های بسیار کارگران خود از وضعیت معیشتی، هنوز تصمیم به اجرایی کردن این مصوبه نگرفته است.

اما هرچه مسئولان و مدیران شهری اصفهان از علل این تجمع بی‌خبر بودند، کارگران جمع شده در برابر شهرداری اصفهان، مملو از انتقاداتی بودند که در پی مدت‌ها بی‌توجهی مدیران خود به وضعیت معیشت و دستمزد، آنها را وادار کرده بود تا صدای خود را با روش اعتراض به مسئولان برسانند؛ صدایی که حرف از سختی کار و عدم تعلق سختی کار در میزان حقوق پرداختی به این کارگران از سوی شهرداری داشت.

یکی از این کارگران در این خصوص گفت: متاسفانه موضوع به همین جا ختم نمی‌شود و اگر یکی از آنها در محل کار دچار آسیب شود برای او مرخصی رد خواهد شد و مشمول مرخصی استعلاجی و ... نمی‌شود. وی ادامه داد: متاسفانه تاکنون هیچ افزایش حقوقی را نیز شاهد نبوده‌ایم و افزایش حقوق کشوری نیز به ما تعلق نگرفته است.

این حرف‌های کارگران در حالی بود که غلامرضاشیران عضوشورای شهر،حرف از مصوبه سال 1390که توسط وزارت کشور به شهرداری کلان‌شهرها ابلاغ شده می‌زند و می‌گوید: در این مصوبه از شهرداری خواسته شده تا حقوق کارگران شهرداری تا حدودی متعادل سازی شود که تاکنون این مصوبه در اصفهان جنبه عملیاتی به خود نگرفته است.این بخشنامه به چندین کلانشهر در سطح کشور ابلاغ شده و متاسفانه گویا به دلیل بار مالی در دو یا چند کلانشهر جنبه عملیاتی به خود نگرفته است. "

البته گرچه شیران تلویحا نیز به عدم احقاق کامل حقوق کارگران شهرداری اصفهان اشاره دارد اما ، "داریوش فتحی، سرپرست پارک‌ها و فضای سبز اصفهان، در رابطه با علت تجمع کارگران شهرداری در مقابل ساختمان مرکزی و انتقادات آنها به عدم افزایش قانونی دستمزد، تصریح کرد: کارگرانی که امروز در مقابل شهرداری بوده‌اند تعدادی از کارگران یک شرکت پیمانی بوده که گویا حقوق خود را دریافت نکرده‌اند."

این موضوع در حالی است که "تعدادی از کارگرانی که در مقابل شهرداری بودند پیش ازاین اعلام کرده بودند که از کارگران رسمی هستند و نزدیک به چهار الی پنج سال است معوقات خود را نیز دریافت نکرده‌اند."

در شرایطی که مسئولان شهری اصفهان حاضر به قبول اصل مشکل که همان، عدم احقاق و افزایش حقوق کارگران شهرداری که یکسالی است در بین بخش‌نامه‌های موجود در ساختمان سنگی خیابان دروازه دولت اصفهان خاک می‌خورد، نیستند و کارگران رسمی خود را به دلیل تعهدی که در برابر آنها دارند اما قادر به برآورده کردن نیازهایشان نیستند، نیروهای غیرشهرداری می‌دانند، چگونه می‌توان از مدیریت شهری اصفهان انتظار داشت که پیگیر مطالبات به حق مجموعه ذیربط خود باشد.

ابوالقاسم گلستان نژاد، معاون برنامه‌ریزی شهرداری اصفهان، در واکنش به درخواست کارگران شهرداری اصفهان و مصوبه وزارت کشور مبنی بر افزایش حقوق کارگران با اشاره به اینکه" باید افزایش حقوق کارگران در دست بررسی قرار گیرد، بیان داشت: هنوز تصمیم برای افزایش حقوق کارگران در شهرداری گرفته نشده و مراتب آن در دست بررسی است."

"یکی از کارگران شهرداری اصفهان که در اجتماع روز سه شنبه حضور داشت ادامه داد: بهانه آنها از این موضوع این است که چون مجموعه شهرداری اصفهان گسترده است نمی‌توان برای شما اقدام خاصی انجام داد و علاوه بر آن هیچ گونه اضافه کار و معوقاتی نیز به ما تعلق نمی‌گیرد."

به علاوه در تصمیمی که ستاد مدیریت بحران استان اصفهان در سال جاری برای تعطیلی پنجشنبه‌های اصفهان گرفت، تمام نهادهای دولتی براساس مصوبه استانداری اصفهان روزهای کاری خود را از شنبه تا چهارشنبه قرار دادند و این تنها شهرداری اصفهان بود که از همان ابتدای طرح تعطیلی با آن به مخالفت برخواست و اعلام کرد که شهرداری به دلیل تاثیر تعطیلی بر کاهش درآمدهای خود حاضر به تعطیل کردن شهرداری‌های 14گانه خود در سطح شهر اصفهان نیست.

رونمایی ازهدف نظام استاد و شاگردی :حذف قانون کار

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 27 دی آمده است :مهدی ابراهیمی نژاد مدیر کل فنی و حرفه ای استان کرمان هدف اصلی نظام استاد و شاگردی رارونمایی کرد.

به گزارش 27دی مهر، مهدی ابراهیمی نژاد پیش ازظهر سه شنبه در نشست خبری با اصحاب رسانه به تشریح نظام استاد و شاگردی در سطح استان کرمان پرداخت و گفت:

قانون کار مشکلی بود که سال ها به کسبه، کارگاه های صنعتی و بخش های تولیدی استان فشار می آورد و بلافاصله بعد از به کارگیری هر نیرو بدون هیچگونه آموزش لازم مجبور به پرداخت بیمه و حقوق دیگر برای کارگر بود که این مشکل در نظام استاد و شاگردی حل شده است.

ابراهیمی نژاد ادامه داد: طبق مصوبه جدید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی؛ کسبه، کارگاه های صنعتی و مجموعه بخش تولید می توانند نیروهایی را به عنوان شاگرد به کار گیرند و ضمن آموزش به این نیروها از پرداخت بیمه و حق مالیات معاف خواهند بود. وی ادامه داد: افراد برای آموزش در بخش های صنعتی و تولیدی استان کرمان باید از سازمان فنی و حرفه ای کارت دریافت کرده و حداکثر در مدت دو سال آموزش های لازم را دریافت در نهایت در امتحانات فنی و حرفه ای شرکت و مردک دریافت کنند.

مدیر کل فنی و حرفه ای استان کرمان، ادامه داد: بعد از دریافت این مدرک در صورت اشتغال در هر واحد صنفی، کارفرما موظف به پرداخت بیمه و دیگر حقوق کارگری بر مبنای قانون کار است و البته کارآموز در مدت آموزش در آن واحد صنفی از سوی سازمان فنی و حرفه ای بیمه حوادث خواهد شد.

اخراج وبیکاری 15 هزار کارگردر صنعت سنگ!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 27 دی آمده است :خداداد غیاثوند دبیر و نائب رئیس کانون سنگ ایران از تعدیل 15 هزار نفر نیرو در صنعت سنگ خبر داد.

دبیر و نائب رئیس کانون سنگ ایران با بیان اینکه از تعداد افراد تعدیل شده در صنعت سنگ کشور نزدیک به هزار نفر در استان لرستان بوده است، عنوان کرد: با توجه به مدیریت صورت گرفته توسط واحدهای تولیدی سنگ لرستان این استان کمتر به سمت تعدیل نیروی انسانی خود رفته است. وی به وضعیت واحدهای سنگ بری در کشور اشاره کرد و گفت: در حال حاضر بیش از 10 درصد واحدهای سنگ بری کشور نیز غیر فعال و تعطیل است.

غیاثوند تصریح کرد: از سایر واحدهای سنگ بری کشور نیز 65 درصد فعال و مابقی به اندازه ظرفیت خود تولید ندارند.

دبیر و نائب رئیس کانون سنگ ایران اشتغالزایی ایجاد شده در واحدهای سنگ بری لرستان را حدود هشت هزار نفر ذکر کرد و بیان داشت: این میزان اشتغالزایی معادل 38 درصد اشتغال ایجاد شده در بخش صنعت استان لرستان است و همین امر ضرورت صیانت از نیروی کار در این بخش را ضروری ساخته است.

وی ادامه داد: با احتساب بخش حمل و نقل در این زمینه بیش از 17 هزار نفر به صورت مستقیم و غیر مستقیم از صنعت سنگ در لرستان ارتزاق می کنند که با توجه به نرخ بالای بیکاری در لرستان در نوع خود رقم قابل توجهی است.

کشته وزخمی شدن 4کارگربراثرگودبرداری درنیاوران

به گزارش پایگاه خبری 125،در 27 دی آمده است : رعایت نکردن موازین ایمنی در ساختمان در حال ساخت ریزش آوار و مصدومیت و فوت چهار کارگر را در خیابان نیاوران، خیابان صادقی قمی در پی داشت.

به گفته علی امینی(معاون منطقه سه عملیات)، 4 کارگر در عمق 10 متری محل گودبرداری در حال کار بودند که بر اثر ریزش دیواره خاکی این گودال در زیر انبوهی از خاک و سنگ گرفتار شدند. وی ادامه داد: در این حادثه آتش نشانان در همان لحظات اولیه دو کارگر را از زیر آوار بیرون کشیدند و تحویل امدادگران اورژانس دادند که خوشبختانه هر دو زنده و سالم بودند.

امینی افزود: نیروهای عملیات با تلاش بی وقفه خود در 6 ساعت تلاش دو کارگر دیگر را نیز از زیر خاک بیرون کشیدند که طبق نظر اورژانس یک نفر از آنها به علت شدت صدمات وارده جان باخته بود و دیگری برای اعزام به مراکز درمانی تحویل امدادگران اورژانس شد.

مرگ دو برادر کارگر در کارگاه آهنگري

به گزارش پایگاه خبری 125، در 28 دی آمده است : ظهرامروز،انتشار گاز مونواکسیدکربن مرگ دو کارگر را در کارگاه آهنگری واقع درجاده دماوند، روبروی بیمارستان لواسانی، مجتمع صنعتی دوستان در پی داشت.

حسن جعفری فرمانده آتش نشانان اعزامی در این باره گفت:در قسمت بالای یک کارگاه آهنگری اطاقکی به مساحت هشت متر مربع بدون تهویه برای اسکان کارگران آماده سازی شده بود که در این اطاقک نیز یک آبگرمکن دیواری با گاز مایع و بدون نصب دودکش برای سیستم گرمایشی آب و همچنین پلوپز برقی به جهت گرم کردن محیط در حال کارکردن بود.

وی افزود: کارشناسان آتش نشانی در همان بررسی های اولیه، با استفاده از دستگاه گازسنج متوجه وجود گاز منواکسید کربن در محل شدند که در نتیجه افزایش گاز مونواکسید کربن و کاهش اکسیژن بنا به اعلام عوامل اورژانس فوت دو برادر که از کارگران این کارگاه بودند رقم خورد.

آقای کوهستانی! متشکرم...متشکر!

محمد قراگوزلو

Qhq.mm22@gmail.com
درآمد

چنان که انتظار می رفت انتشار یادداشت "درین ظلام..." با تاکید بر مواضع روشن ضدامپریالیستی رضا شهابی – که در این نوشتار تنها نیمی از هزاران بود- با واکنش هایی رو به رو شد.از محبت بی دریغ عزیزانی که لطف شان همیشه شامل حال این قلم بوده است می گذرم و به "نقد" جناب آقای مهدی کوهستانی می پردازم. از آن جا که نام آقای کوهستانی در نوشته ی من به نقل از "بیانیه ی 16 کمیته ی دفاع از رضا شهابی" آمده است؛ این حق طبیعی و بدیهی ایشان بود و هست که به موارد مربوطه جواب بدهند. مضاف به این که تمام سایت هایی که نوشته ی من را منتشر کرده اند در صورت درخواست جناب کوهستانی موظفند جواب ایشان را درج کنند. گیرم که مخلص برای هیچ سایتی به طور مستقیم مقاله نداده است. باری برای پرداختن به نکات مطروحه در یادداشت انتقادی جناب کوهستانی ابتدا شایسته می دانم که صمیمانه و بدون کم ترین کنایتی از ایشان تشکر کنم. یادداشت جناب کوهستانی به این قلم فرصتی می دهد که به چند نکته ی کم و بیش تازه وارد شود و به شفافیت فضای حاکم بر جنبش کارگری کومک کند. نکاتی که در این یادداشت من خواهد آمد از انسجام و اولویت بندی خاصی برخوردار نیست و به تبع آن چه که به خاطرم می رسد و با توجه به مواضع جناب کوهستانی گفته خواهد شد. در نتیجه پیش تر اعتراف کنم که خواننده با یک مقاله ی مدون مواجه نیست.

یک.آشنایی من با جناب کوهستانی

من نیز مانند خیلی های دیگر جناب کوهستانی را بارها و بارها دیده ام. از فاصله سه چهار متری. و البته از تله ویزیون های آمریکا و بی بی سی. به عنوان کارشناس مسایل جنبش کارگری ایران از کانادا.جناب کوهستانی نیز مانند آقای نوری زاده و سازگارا تا مهدی خزعلی به اعتبار حضور مکرر در این رسانه ها چهره یی مشهور و شناخته شده هستند. خیلی خیلی بیش از من و امثال بهنام ابراهیم زاده که حتا نامش نیز در این رسانه ها ذکر نشده است. اما سابقه ی آشنایی بنده با جناب کوهستانی به مهر یا آبان 88 باز می گردد. در آن زمان- که تاریخش به درست یادم نمانده است- نامه یی کوتاه از جناب کوهستانی به دست من رسید. ایشان نامه ی خود را برای مدیر سایت البرز فرستاده و خواسته بودند که در اختیار من قرار گیرد. نشانی یک صندوق پستی را هم نوشته بودند و بعد از کلی تعریف و تمجید از مقالات من درخواست مکاتبه کرده بودند. به جز این درخواست ؛ جناب کوهستانی چند مقاله را ارسال فرموده و خواسته بودند که بنده با استفاده از" نفوذ قلمی خود و به اعتبار محبوبیت ام" آن ها را منتشر کنم. جواب من به ایشان از چند کلمه بیش تر نبود. "یادداشت و مقالات مورد نظر دریافت شد.متاسفانه از دست من کاری برای شما ساخته نیست!" بعد از این جواب مستقیم جناب کوهستانی طی نامه ی دیگری و ابراز "محبت" مجدد این بار اقدام به تماس مستقیم کردند و تصریحا مرقوم فرمودند "که زحمات شما برای انتشار آن مقالات و یا نوشته های همسو و مشابه بی مزد و منت نخواهد ماند!"(نقل به مضمون) این آخرین نامه و مکاتبه ی آقای کوهستانی بود. چرا که از سوی من هرگز جوابی نگرفت. متن آن مکاتبات نزد من موجود نیست اما اگر جناب کوهستانی سابقه ی آن ها را دارند می توانند عینا منتشر کنند. ازین بابت من را مرهون خود خواهند کرد.همچنین از جناب کوهستانی که با نقد خود مجال طرح این نکته را فراهم کردند بی تعارف و تعریف متشکرم. اما بعد.....

دوم. امپریالیسم در نوشته های من

مطلع سخن جناب کوهستانی این است "تا چندی قبل محمد قراگوزلو را کمتر کسی از فعالین فرهنگی و اجتماعی مستقل در ایران می شناخت ، اکنون نیز تنها فعالینی که دسترسی به اینترنت و فیلتر شکن دارند از طریق مطالبشان در سایت ها ایشان را می شناسند. البته به جز دانشجویان دانشگاه آزاد قزوین، هنگامی که ایشان در مقام معاونت دانشجویی این دانشگاه مشغول به کار بوده اند. ایشان بعد از بازنشستگی و در فضای بعد از پروسه انتخابات 88 بطور خبره وار با یک تاخیر سی ساله خود را به جنبش کارگری نزدیک کرد"(مهدی کوهستانی ؛ دریغا سیاست که رندی شد و باز نیامد! مندرج در این لینک: http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=50380)

این که آدم ناشناسی مثل محمد قراگوزلو چرا باید در همان سال 88 مورد "محبت" جناب کوهستانی قرار بگیرد بر من دانسته نیست. البته تا پیش از این تاریخ من در فضای مجازی

نمی نوشتم و تا آن جا که ممکن بود می کوشیدم از رسانه های مکتوب و مجاز داخل بهره بگیرم. نتیجه ی این تلاش انتشار بیش از دویست مقاله و بیست مجلد کتاب در زمینه های مختلف اجتماعی است. واضح است که بخش عمده یی از این مقالات به سبب حاکمیت سانسور به شکل همه جانبه و کامل منتشر نشده است. در میان مقالات من ظرف سی سال گذشته مواضع متفاوتی وجود داشته است. از حمایت از اصلاح طلبان تا نقد شدید سیاست های ایشان. عرصه ی سیاست گستره یی پیچیده است و انسان های دخالت گر در این عرصه که به طور مستمر موضع گیری می کنند و همیشه در میانه ی میدان هستند به طور طبیعی دچار اشتباه در موضع گیری نیز می شوند. من نیز ازین قاعده مستثنا نبوده ام. اما همیشه شهامت نقد خود را داشته ام. نکته یی که در مواضع من طی سی سال گذشته و کل مقالاتم موجود است نقد امپریالیسم و تمام جنبه های امپریالیسم آمریکا و سیاست های نئولیبرالی بیست سی سال گذشته غرب است. من هرگز در هیچ مقاله یی از نقد سیاست های امپریالیستی آمریکا و متحدین اش در اروپا و منطقه غافل نبوده ام. و حتا در یک مورد چشمکی به امپریالیسم نزده ام. از جنگ اول و تجاوز وحشیانه آمریکا به عراق تا جنگ دوم و جنگ علیه افغانستان و طالبان سازی و جهانی شدن مقالات بسیاری از من ظرف بیست سال گذشته منتشر شده است. خود جناب کوهستانی نیز به این مساله معترف است. آن جا که مرقوم می فرمایند" قراگوزلو که مطالب زیادی دارد که نشان میدهد که میتوان خود او را یکی از مخزنهای فکری بسیاری از سیاستهای اجتماعی جامعه ایران قلمداد کرد، ایشان از دیدگاه جامعه شناسی در دوره های متفاوت در سه دهه گذشته سیاستهای را پیشنهاد میدادند مبنی بر اینکه چگونه میتوان به بیرون آوردن سود بیشتر از کارگران پرداخت ولی امروز چنان خودش را نشان میدهد که انگار این رژیم در عرض چند سال گذشته یکباره به یک هیولای اقتصادی افسار گسیخته تبدیل شده است و همانند دیگر کشورهای سرمایه داری است."(پیشین. ناکید ها از من است) ابتدا باید عرض کنم که خوب است در نقل مطالب یک مقاله صادقانه رفتار کرد. جناب کوهستانی چنین نمی کند. گوشه یی از یک مقاله را می گیرد تا به نتیجه از پیش تعیین شده برسد. آن چه که جناب کوهستانی نقل فرموده ماحصل تحقیق آقای علی رضا ابراهیمی است که در نوشته من به آن رفرنس داده شده است. مساله در آن مقاله بارآوری کم نیروی کار در ایران بوده است. و دلایل این ضعف بار آوری در مباحث مختلفی جست و جو شده که کم ترین ربطی به دفاع از" استثمار کارگران" ندارد. گاهی اوقات انصاف و شرم در روایت واقعیت بد نیست.در ادامه جناب کوهستانی برای این جانب اقدام به شغل سازی فرموده اند و بنده را "معاون دانشجویی دانشگاه آزاد و بازنشسته این دانشگاه" معرفی کرده اند. خیر قربان غلط به عرض تان رسانده اند! معاون دانشگاه آزاد بودن فی نفسه امر مثبت یا منفی و مذمومی نیست اما واقعیت این است که در سی سال گذشته و در کل زمام داری جمهوری اسلامی بنده هیچ مسئوولیت دولتی و خصوصی در هیچ مرکز دولتی و آزاد از جمله دانشگاه آزاد نداشته ام. نه یک سنت وام گرفته ام و نه یک سانت زمین و برخلاف تصور حکیمانه و افشاگری داهیانه ی جناب مهدی کوهستانی بازنشسته ی این دانشگاه یا هر نهاد دیگری نیستم. بنده همیشه به شکل قراردادی با نهادهای دانشگاهی کار کرده ام و اکنون نیز مدت هاست بی کارم. بدون کم ترین مزایای بازنشسته گی اعم از حقوق و دفترچه ی بیمه و مشابه. این را چندین بار گفته و نوشته ام و جناب کوهستانی می تواند برای تکمیل افشاگری های خود و دوستانش یک هیات تحقیق راهی ایران کند. اما نکته یی که خشم جناب کوهستانی را بر انگیخته جای دیگری است.راستی جناب کوهستانی من مجاز هستم که نظر شما را درباره ی امپریالیسم و به طور مشخص امپریالیسم آمریکا بپرسم؟آیا شما حاضرید در حین یکی از مصاحبه های متعدد خود با تی وی آمریکا از اصطلاح امپریالیسم استفاده کنید؟ زخم زبان پیش کش شما و دوستان تان در سولیداریتی آیا شما حاضرین اشغال عراق و حمله ی امپریالیستی به افغانستان و لیبی را محکوم کنید؟

دوران سپری شده ی سولیداریتی سنتر
من در یادداشت "درین ظلام..." فقط بخشی از مواضع ضد امپریالیستی رضا شهابی را نوشتم. و فقط به گوشه یی از موضع گیری های تند و رادیکال او علیه مهدی کوهستنانی و

سولیداریتی سنتر اشاره کردم. رضا فقط در گوش من صحبت نمی کرد. چند فعال کارگری معتبر و با سابقه شاهد مواضع رضا بودند. مضاف به این که من به نقل از بیانیه ی شماره ی 16 کمیته ی دفاع از رضا شهابی مواضع ضد سولیداریتی سنتر او را باز نوشتم و بازهم مضاف به این که مواضع رضا علیه مهدی کوهستانی و سازمان متبوعش با دست خط خود رضا منتشر شده است. در این صورت جناب کوهستانی منکر کدام واقعیت عریان هستند؟
جناب کوهستانی به نقل از بنده مرقوم فرموده اند که "امروز ضدیت با اصلاح طلبان علامت رمزی است برای مقبولیت در کنار کسانی که معتقدند مشکل امروز اقتصاد جامعه ایران از سیاستهای همین اصلاح طلبان می آید در حالی که در زمینه گفتگوی تمدن ها خود ایشان بسیار پر کار بوده اند و میخواستند حوزه را به جامعه مدنی وصل کنید. ایشان در کمتر مقاله ای است که با کنایه، متلک، زخم زبان به رسانه های غربی نپردازید ولی خودشان را به فراموشی زده اند که در مقاله خطوط گسل در نظریه برخورد تمدنها نوشتند " در حقیقت‌همین‌ضرورت‌تعدیل‌و حذف‌حضور آمریکا از منطقه‌است‌که‌خاتمي، رئیس‌جمهوري‌ایران‌را به‌گفت‌وگوي‌تاریخي‌با مردم‌آمریکا از طریق‌شبکه «C.N.N» و طرح‌موضوع‌گفت‌وگوي‌تمدنها در سطح‌کلان‌مجاب‌نمود . باید اعتراف‌کرد سیاستي‌را که‌آقاي‌خاتمي‌طي‌مدت‌تصدي‌پست‌ریاست‌جمهوري‌در عرصه‌ارتباطات‌خارجي‌اتخاذ نموده‌عملاً‌به‌برون‌رفت‌ایران‌از انزواي‌سیاسي‌و شکست‌بسیاري‌از تحریمهاي‌اقتصادي‌انجامیده‌است." (عینا به نقل از مقاله ی پیشین. تاکیدها از من است) البته جناب کوهستانی موضوعی درست را به شیوه یی نادرست مطرح می فرمایند. تا آن جا که به موضع گذشته و فی الحال و تا آینده ی ثانوی من مربوط می شود ؛ همیشه مدافع تشنج زدایی از سیاست خارجی دولت ایران و اتخاذ سیاست همزیستی مسالمت آمیز با غرب بوده ام. به نظر من مناقشات ایران و غرب و نتیجه ی مستقیم آن یعنی تحریم ها و احتمالا جنگ همیشه به زیان مردم و توده های کارگر و زحمت کش تمام شده است. فردا هم که به فرض سوسیالیسم در ایران پیروز شود بنده از لشکر کشی به غرب و یک جنگ سرد جدید دفاع نخواهم کرد.افراد متشکل در اپوزیسیون پروغرب ایران که از تحریم ها خشنودند و دل شان برای جنگ امریکا با ایران لک زده است و به طور مشخص از نهادهای متمایل به نئوکنسرواتیست های آمریکایی تغذیه می شوند همواره از بالا گرفتن تشنج میان ایران و غرب به قصد تحقق سودای رژیم چنج دفاع کرده اند. جناب کوهستانی از چنین سنت هایی می آیند. ایده آل ایشان در جنبش کارگری لخ والسا؛ در سیاست واتسلاو هاول و در نظریه پردازی اقتصادی میلتون فریدمن است. اما از نظر سوسیالیست ها و کارگران ایران همه ی این جبهه به ضدانقلاب امپریالیستی تعلق دارند. کما این که انترناسیونالیسم پرولتری یک مساله است و جنگ سرد با امپریالیسم مساله یی دیگر. اما این که جناب کوهستانی از "کنایه و متلک و زخم زبان من به رسانه های غربی" دلخور تشریف دارند – و راستش کل مساله و انگیزه ی نقدشان همین است و بس-- واقعا مشکل خودشان و دوستان شان در این رسانه هاست.مواضع من در مورد این رسانه های امپریالیستی البته بیش از "زخم زبان" است و بارها درخواست مصاحبه ی آنان را رد کرده ام. خودشان بهتر می دانند. گیرم که پیش نهاد من همیشه در مورد مصاحبه با این رسانه ها پخش زنده و بی سانسور همه ی مواضع من در مورد مباحث ذی ربط بوده است. پیشنهادی که هرگز از سوی آنان تایید نشده است. و این یعنی "دموکراسی" از نظر جناب کوهستانی که مدافع و مشتری پرو پا قرص این رسانه ها هستند.

اپوزیسیون پروغرب ایران
واقعیت این است که تحولات آفریقای شمالی تا خاورمیانه اپوزیسیون پروغرب ایران را به تکاپو انداخته است. تشکیل کنفرانس های متعدد در مرکز اولاف پالمه و بروکسل و پراگ و مشابه نشان دهنده ی این واقعیت است که برخی بوی کباب شنیده اند. وقتی که شاهزاده رضا پهلوی به صراحت می گوید "اگر ما به قدرت برسیم مشکلات قشر کارگر؟؟ را به کمونیست ها واگذار می کنیم چرا که اینها متخصص کارگران هستند" (عینا به نقل از مصاحبه ی رضا پهلوی با سهراب اخوان از تله ویزیون اندیشه) دیگر تکلیف کارشناسان کارگری سولیداریتی سنتر روشن است. جناب مهدی کوهستانی کارشناس ویژه ی سولیداریتی سنتر در امور کارگری

ایران هستند و با توجه به این که مسایل کارگری ایران و جهان را به دقت مطالعه و پی می گیرند می خواهم محبت کنند و به چند سئوال مختصر مخلص جواب دهند:
الف. نظر ایشان در مورد نقش سولیداریتی سنتر در لهستان چیست؟
ب.آیا ایشان روند لهستانیزه شدن ایران را مثبت می دانند؟
پ موضع ایشان درمورد انقلاب های رنگی در بلوک شرق چیست؟
ت. ایشان میان امپریالیسم و دولت های استبدادی و ارتجاعی کدام را انتخاب می کنند؟
ث. نظر اثباتی و دفاعی ایشان در مورد جوایزی همچون لخ والسا و واتسلاو هاول و میلتون فریدمن و سیاست های نئولیبرالیزاسیون چندان پوشیده نیست. اما با توجه به این که جناب کوهستانی به صراحت و با شهامت از آمریکا و سازمان "ان ای دی" و زیر مجموعه ی آن یعنی سولیداریتی سنتر دفاع می کنند و خود عضو شاخص این مراکز هستند و.... نظرشان در مورد ملاقات با خانم دکتر کاندولیزا رایس(مشاور وقت امنیت ملی آمریکا) و به طور کلی ارتباط مستقیم و غیر مستقیم با وزارت خارجه ی آمریکا چیست؟
ث. و در نهایت این که آیا جناب کوهستانی همکاری فرضی مالی و سیاسی جنبش کارگری و فعالان کارگری ایران و هر جای دیگری با سولیداریتی سنتر را به سود طبقه کارگر می دانند و شرکت در کنفرانس هایی با ایتکار سولیداریتی سنتر و لیبر استارت را در راستای دفاع از منافع جنبش کارگری ارزیابی می کنند؟
مواضع من روشن است و عرض دیگری ندارم. اگر جناب کوهستنای امر دیگری ندارند می توانند برای روشن شدن نهایی تکلیف خود با جنبش کارگری ایران زحمت کشیده به این سئوالات جواب بدهند.

بعد از تحریر
جناب کوهستانی و دوستانش در سولیداریتی سنتر خوب می دانند که جنبش کارگری ایران سال هاست که از ایشان عبور کرده است. حالا دیگر در ایران کسانی که دفاع از امپریالیسم و سولیداریتی سنتر را مباح می شمردند و در تقابل با استبداد حاکم از مدرنیسم امپریالیستی دفاع می کردند آب توبه روی خود ریخته اند و در خلوت نیز از ابراز چنان مواضعی شرم دارند. آقای کوهستانی و حامیانش در نهادها و رسانه های امپریالیستی آب در هاون می کوبند.
محمد قراگوزلو/ تهران- پنج شنبه 28 دی 1391

حقوق معوقه کارگران نساجی مازندران 30ماهه شد!علیرغم وعده ووعیدها بلاتکلیفی ادامه دارد!

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در 28 دی آمده است : کارگران نساجی نیز طلب 30 ماهه را بزرگترین مشکلشان دانستند و تصریح کردند:خروج دستگا ه های موجود شرکت از دغدغه کارگران است.

به گزارش 28دی خبرنگاران جوان، استاندار مازندران در نشست ستاد سرمایه گذاری استان با بیان اینکه ناتوانی سرمایه گذار شرکت نساجی مازندران در پرداخت معوقات 30 ماهه کارگران وبدهی 52 میلیاردی به سازمان تامین اجتماعی ومالیات دیگر شرایط ادامه فعالیت را نداردگفت: ناتوانی این سرمایه گذار در استان مصوب و به زودی خلع ید می شود.

سید علی اکبر طاهایی با اشاره به اینکه پس از خلع ید شرکت به بانک ملی واگذار می شود افزود: فروش اموال شرکت راه کار مناسبی برای حل مشکل نساجی مازندران نیست.

مدیر کل صنعت معدن وتجارت مازندران نیز با بیان اینکه از 2 سال گذشته هزینه آب ، برق ، گاز و تلفن شرکت پرداخت نشده گفت: برای پرداخت بخشی از معوقات 16 میلیارد تومانی کارگران، زمین 3 هکتاری شرکت نساجی در سرخرود به فروش می رسد.

هاشم پور با اشاره به اینکه بازنشستگی افراد واجد شرایط تا پایان سال تعیین تکلیف می شود گفت :با وجود به رکود کشیده شدن این صنعت لیست بیمه کارگران همچنان ارسال می شود. وی فعال کردن بخش بافندگی وواحد رنگریزی و چاپ ونوسازی گونی بافی را از الویت های بازسازی این شرکت اعلام کرد. همچنین در این نشست کارگران نساجی نیز طلب 30 ماهه را بزرگترین مشکلشان دانستند و تصریح کردند:خروج دستگاه های موجود شرکت از دغدغه کارگران است.

از 803 کارگر شرکت نساجی مازندران و قائمشهر 319 نفر مشمول بیمه بیکاری ، 230 نفر بازنشسته واز 287 کارگر رسمی و قراردادی مانده 150 نفر مشغول و بقیه بیکارند .

آتش گرفتن اتاقک کارگری مرگ کارگرجوانی را رقم زد

به گزارش پایگاه خبری 125،در 28 دی آمده است : صبح امروز در شهرک اکباتان، انتهای بیمه 3 بخاری نفتی اتاقک کارگری را به اتش کشید وبراثرشدت آتش سوزی کارگرجوانی جان باخت.

محمدرضا رحمانی، فرمانده ایستگاه 98 گفت: در پی آتش سوزی یک بخاری نفتی در اتاقک کارگری و سرایت آن به سیلندر گاز مایع دو کارگر درون آن محبوس و گرفتار شده بودند.

وی افزود: یکی از کارگران در همان لحظات اولیه از اتاقک بیرون آمده بود و کارگر دیگر در میان دود و آتش گرفتار شدو براثرشدت این آتش سوزی جانش را ازدست داد.

انتقال یوسف آب خرابات به زندان مرکزی مهاباد

به گزارش سایت کمیته هماهنگی ... در پنجشنبه مورخ 28/10/91 آمده است : ساعت 3 بعدازظهر یوسف آب خرابات فعال کارگری و عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری از زندان اداره اطلاعات مهاباد به زندان مرکزی مهاباد انتقال داده شد.

این فعال کارگری 10 روز پیش در تاریخ 19/10/91 پس از احضار به اداره اطلاعات مهاباد بازداشت گردیده بود.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط محمد مولانایی، یوسف آب‌خرابات و واحد سیده اعضای این کمیته در مهاباد و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین دربند و زندانیان سیاسی می‌باشد.

کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-29 دی 1391

قراگوزلو تشکر لازم نیست، بی سند مطلب ننویسید
مهدی کوهستانی

با سلام
این مطلب در جواب آخرین نوشته قراگوزلو است که در سایت شما هم آمده است . لطف کنید در همان قسمت چاپ کنید
با درود
مهدی

جواب چند ساعته قراگوزلو به نوشته ام دوباره بر روی سایت اخبار روز آمد. (1) قراگوزلو واقعا تمام قضاوت و نوشته های شما چنین است وای بر کسانی که اساسا تا کنون زحمت کشیده

و نوشته هایتان را خوانده اند.

عمل شما همانند سندی است که آقای اولیای فرد وکیل کارگران سندیکای هفت تپه توضیح میدهد." زمانی که قاضی دادگاه شعبه سیزده تجدید نظر اهواز (2)در سال 88 در جلسه دادن رای متهمین کارگری در دادگاه یکی از موارد اتهام کارگران را ارتباط با مهدی کوهستانی ذکر کرد از قاضی سوال میکند بر اساس چه سندی این ارتباط را شما جرم میدانید؟ کوهستانی در کانادا کار میکند و چه ربطی به امریکا دارد و تمام ارتباط ایشان با تشکلات کارگری روشن است و شما میتوانید از نهادهای کارگری سوال کنید؟ چرا مدرک نشان نمیدهید؟ قاضی دادگاه در جواب گفت به ما گفته شده است و به شما ربطی ندارد

قراگوزلو هم می گویید جناب کوهستانی ودوستانش در سولیداریته سنتر ..." و کار خود را از اینجا آغاز می کنید که :"جناب آقای کوهستانی کارشناس ویژه سولیداریته سنتر در امور ویژه ایران هستند" لطفا بگویید چگونه به این امر رسیده اید که من کارشناس ویژه سولیداریته سنتر هستم

اصلا مدرک شما در مورد ارتباط اینجانب با سولیداریته سنتر کجاست که تا کنون من از آن خبر ندارم.

شیوه ی شما همان شیوه کیهان شریعتمداری و نشریات اطلاعات سیاسی است که درآن مکتب آموزش دیده اید. افراد را متهم مي‌کنید و سپس محاکمه کرده و حکم صادر می کنید، آنگاه آنها رامجازات هم می کنید. به این جمله ی خود نگاه کنید:

" حالا دیگر در ایران کسانی که دفاع از امپریالیسم و سولیداریتی سنتر را مباح می شمردند و در تقابل با استبداد حاکم از مدرنیسم امپریالیستی دفاع می کردند آب توبه روی خود ریخته اند و در خلوت نیز از ابراز چنان مواضعی شرم دارند. آقای کوهستانی و حامیانش در نهادها و رسانه های امپریالیستی آب در هاون می کوبند."

من حتا یک نفر را درجنبش کارگری امروز ایران نمی شناسم که دفاع از امپریالیسم و سولیداریته سنتر را مجاز شمرده باشد، لطفا یک نفر حتا یک نفر را که مصداق این باشد را نام ببرید. حال لطفا مرحمت فرموده آن مدافعان امپریالیسم و سولیداریته سنتر را نام ببرید تا ببینیم چگونه در خلوت آب توبه بر سر خود ریخته اند. ضمنا می دانید که این آب توبه ریختن همان اصطلاح شهر نوی های قدیم است نه اصطلاح فرهیختگانی همانند شما. و احتمالا می دانید که این اصطلاح تواب سازهای دهه شصت هم بود وکسانی همانند حاج داوود و شریعتمداری ها این اصطلاح را به کار می بردند.

شما سرتان را زیر برف می کنید و گمان می کنید که دیگران شما را نمی بینند.

در همین مقاله اخیر خود "یک دم در این ظلام و آقای کوهستانی متشکرم... شیوه ی سؤال برانگیزانانه شما از لای قبای استدلال شما بیرون زده است.

در شرایطی که فعالان داخلی حتا اجازه برگزاری جلسات عادی خود را ندارند، و با برگزاری این جلسات مورد عتاب وخطاب چه قرار میگیرند و یا برگزاری مجمع عمومی خود با بگیر وببندهای آن چنانی مواجه می شوند، شما یک دیدار ساده از یک زندانی را به مجمع عمومی علنی تعبیر میکنیدو برای چی که شهابی را به زندان برگردانند.

به راحتی سند سازی می کنید . ای میلی ازمن را نشان دهید که برای شما یا سایت

البرزفرستاده باشم و نوشته باشم" که زحمات شما برای انتشار آن مقالات و یا نوشته های همسو و مشابه بی مزد و منت نخواهد ماند"تا همه حرفهایتان را قبول کنم.

یک مدرک حتا یک مدرک از وابستگی من به سولیداریته سنتر ، ان ای دی یا هر نهادی که شما آن را امپریالیستی می دانید ارائه دهید

چه کسانی در کنفرانس هایی با ابتکار سولیداریته سنتر و لیبراستار شرکت کرده اند، بخصوص در داخل ترکیه. آیا جز دوستان امروزی شما بوده اند شهامت داشته باشید بگویید وگرنه ما بگوییم برای شما بد می شود.

یک سند یک مدرک بیاورید که من از لخ والسا و ... دفاع کرده با شم وآنها را و یا کمک های آنها را تایید و تمجید کرده باشم. از دوستانتان در کارگری تبعیدی سابق بخواهید که تاریخ سالودرنوش لهستان را برایتان بازگو کنند. برای اینکه دائماً در حال نوشتن هجویات هستید و زبان غیر فارسی هم نمیدانید و خواندن هم برایتان مضر هست بگویم سالودرنوش لهستان در سال 1980 تاسیس شد و سالودریتی سنتر در سال 1997 تاسیس شده است و کسی که منطق میداند به شما بگوید چطوری نهادی 17 سال بعد از شکلگیری اش جنبش دیگری را میتواند به انحراف بکشد

لازم نیست من موضعم را در باره تمام این مسایل بگویم . اگر حتا کمی وحتا بسیار کم با علم حقوق آشنا باشیم می دانیم که بینه و دلیل بر عهده ی مدعی است. اگر شما اتهامی به کسی می زنید، این شما هستید که باید دلیل بیاورید و متهم درهمه ی حقوق شناخته شده تا زمانی که مدرکی علیه او ارائه نشده ، بی گناه است و اصل بر بی گناهی افراد است. البته بجز در جمهوری اسلامی و دادگاه های آن.

گویا این اصل برائت در ریزه خواران فرهنگ استبداد تا مغز استخوان نفوذ کرده است. زیرا قرا گوزلو شما اصلا خودتان راموظف به آوردن یک سند هم نمی دانید. اتهام زدن همان ،و اثبات شدن آن هم همان. بدون دلیل و مدرک و تقاضای توبه ازمتهمی که هنوز اتهامش ثابت نشده است

این دروغ ها چیست که سرهم می کنید چه کسی به شما این دروغ ها را گفته است؟ مدرکتان کجاست. من خوشحال می شوم که شما ابتدا یک مدرک برای اتهاماتان بیاورید بعد از من تقاضای توبه کنید.

از این که پذیرفته اید که در گذشته ازگفت وگوی تمدن ها و جمهوری اسلامی و... دفاع کرده اید و ... میتوان از شما تشکر کرد زیرا که به سبک وسیاق گذشته خود تلاش نکرده اید قضیه را ازاصل منکر شوید.

زمانی عده ای آمدند وگفتند که من شخصی را به سولیداریته سنتر معرفی کرده ام. من آن تهمت ها را شنیدم و دم فروبستم زیرا آن شخص در زندان وتحت نظر بازجویانی بود که بی مدرک اتهام می زنند... اکنون که آن شخص از زندان آزاد شده است و اکنون به صراحت می گویم هیچ گاه و در هیچ زمانی هیچ کس را به سولیداریته سنتر و شرکت در هیچ جلسه ای معرفی نکرده ام .

قراگوزلو شما در چه مقامی هستید: بازجو، بازپرس، دادستان، قاضی یا مجری حکم؟

شما می گویید که "بنده همیشه به شکل قراردادی با نهادهای دانشگاهی کار کرده ام" طبیعتا برای کسب درآمد بوده که در رسای مدیریت دانشگاه آزاد قزوین نوشته اید: برادر فاضلم دکتر مرتضی موسی خانی

که اندازه های آرمان و ایمان خود را به تاسی از الگوی مولایش حسین بن علی (ع) برش داده است و مدار منش و کنش زندگی اش را بر پایه و مایه ی رهایی از تعلقات دنیای دنی گذرانده است تا بتواند به دفاع از حریم حرمت معروف و معرفت بشر بشیر دانش باشد.

اکنون هم برای کسب درآمد این چنین نوشته هائی مینویسید .

همانگونه که نوشتید "نتیجه ی این تلاش انتشار بیش از دویست مقاله و بیست مجلد کتاب در زمینه های مختلف اجتماعی است. واضح است که بخش عمده یی از این مقالات به سبب حاکمیت سانسور به شکل همه جانبه و کامل منتشر نشده است. در میان مقالات من ظرف سی سال گذشته مواضع متفاوتی وجود داشته است. از حمایت از اصلاح طلبان تا نقد شدید سیاست های ایشان. عرصه ی سیاست گستره یی پیچیده است و انسان های دخالت گر در این عرصه که به طور مستمر موضع گیری می کنند و همیشه در میانه ی میدان هستند به طور طبیعی دچار اشتباه در موضع گیری نیز می شوند." در مقاله جامعه مدنی و قانون گرایی شماره 145- 146 صفحه 28 نوشتید :"ظهور انقلاب اسلامی با تمام ویژگیهای یگانه و فراز و نشیب هایش، دفاع مقدس 8 ساله و دستاوردهای حیرت انگیزه اش " آیا جدا دچار موضعگیری اشتباهی شده اید. زمانی که شما در مدح جنگ مقدس مینوشتید ما در افشای جنایت مقدس مبارزه میکردیم . تمام مطالب خودتان به یک پاراگراف از نوشته هایدگر نمی ارزد، همان برخوردی که روشنفکران جهانی با آثار هایدگر میکنند جنبش کارگری ما با شما میکند و خواهند کرد.
من دیگر این بحث را ادامه نمیدهم اما اگر مدرکی برای ادعاهایتان دارید ارائه دهید حتما پاسخ خواهم داد در غیر این صورت وقتم را تلف این نوشته های و اتهامات بی مدرک شما نخواهم کرد
دی ماه 1391

http://www.akhbar-rooz.com/article.jsp?essayId=50406 (1
http://sunninews.org/fa/articles.aspx?selected_article_no=12552(2

احضار و بازداشت دبیر کانون صنفی معلمان کرمانشاه

به گزارش خبر اژانس موکریان در 30 دی آمده است :یک فعال صنفی اهل کرمانشاه توسط نیروهای حکومتی احضار و بازداشت شد.

بنا بهمین گزارش ، محمد توکلی، فعال فرهنگی و عضو کانون صنفی معلمان کرمانشاه، روز پنجشنبه 28 دی ماه 91 از طریق حراست آموزش و پروش کرمانشاه به اطلاعات سپاه احضار و سپس بازداشت شد.

تا لحظه تنظیم این گزارش از محل نگهداری، اتهام یا اتهامات وارده و وضعیت محمد توکلی دبیر عربی دبیرستانهای کرمانشاه اطلاعی در دست نیست.

تجمع کارگران یخچال سازی ایران پویا وابسته به بنیاد مستضعفان مقابل کارخانه

به گزارش خبرگزارش دولتی کار ایران در 30 دی 91 آمده است : ۲۰۰نفر از کارگران رسمی و قرار دادی کارخانه یخچال سازی «ایران پویا» در اعتراض به شایعه انحلال این کارخانه صبح امروز (شنبه ۳۰ دی ماه) در مقابل درب ورودی این کارخانه دست به تجمع زدند.

برپایه این گزارش،مجموعه کارگران این کارخانه ۲۰۰ نفر می باشدوبیکاری تعداد ۹۰ نفر از کارگران قرار دادی با سوابق بین ۸ تا ۱۸ سال کار مستمر در ایران پویا اکنون تمامی کارگران را نگران امنیت شغلیشان کرده است.

علاوه بر ۹۰ کارگر قرار دادی مابقی کارگران رسمی هستند اما اشتغال این کارگران نیز به خطر افتاده است و با توجه به اینکه اکثر آن‌ها (حدود ۶۰ نفر) با سوابق بیش از ۲۰ سال کار در شرف بازنشستگی قرار دارند، با تصمیمات جدید کارفرمایان این کارخانه، بازنشستگی این کارگران نیز با مشکل روبرو خواهد شد.

کارخانه یخچال سازی ایران پویا وابسته به بنیاد مستضعفان، واقع در جاده مخصوص کرج سازنده انواع یخچال و پروفیل آلومینیومی است که هم اکنون خط تولید یخچال آن متوقف شده است.

بیکاری ۵۰ کارگر در پی تعطیلی کارخانه اتاقسازی ماهوت سلماس

به گزارش خبر وبلاگ آذوح، در 30 دی آمده است : همزمان با تعطیلی کارخانه‌ها در شهرهای مختلف ایران، توقف فعالیت کارخانه اتاقسازی ماهوت با مدیریت حجت جهان‌بین فرزند ابراهیم در شهرستان سلماس نیز تقریبا قطعی شد.

این کارخانه زمانی بیش از ۱۵۰ کارگر داشت که تعدادشان در ماه‌های گذشته به ۱۰۰ نفر رسیده بود.

از حدود یک ماه پیش فعالیت کارخانه اتاقسازی ماهوت واحد سلماس متوقف شده و ۵۰ کارگر آن بیکار شده‌اند. شماری از کارگران بیکار شده واحدهای تولیدی به اجبار به کارهای فصلی، از جمله کارهای ساختمانی روی می‌آورند.

عدم پرداخت چند ماهه حقوق کارگران شهرداری گتوند

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر بتاریخ 30دی،آمده است : بنقل از محسن شکری زاده شهردار گتوند،ازتاخیرچندماهه پرداخت حقوق کارگران شهرداری گتوند خبرداد.

دراین خبرتعدادماه هایی که حقوق کارگران شهرداری گتوند پرداخت نشده است ناروشن است؟!

تجمع کارگران بازنشسته شرکت پتروشیمی آبادان در اعتراض به عدم پرداخت حق معیشت

به گزارش خبرگزارش دولتی کار ایران در 30 دی 91 آمده است : امروز ۶۰ نفر از کارگران بازنشسته شرکت پتروشیمی آبادان با تجمع مقابل ساختمان شرکت نفت خواستار پرداخت «حق معیشت» خود شدند.

مشاور رئیس هیئت مدیره صندوق‌های بازنشستگی وزارت نفت با تایید این تجمع اعتراضی، گفت: مستمری بازنشستگان شرکت پتروشیمی آبادان را صندوق بازنشستگی وزارت نفت پرداخت می‌کند ولی حق معیشت آنان را نمی‌توانیم قانونا پرداخت کنیم زیرا کارفرمای آن‌ها این مبلغ را به ما پرداخت نکرده است.

محمد حسین عبدالعزیزی ادامه داد: بخش عمده‌ای از بازنشستگان در شرکت‌هایی مشغول به کارند که کماکان در دل وزارت نفت قرار دارند اما تعدادی از آن‌ها که عمدتا پتروشیمی

هستند طبق اصل ۴۴ واگذار شده‌اند. وزارت نفت تنها مستمری بازنشستگان را به صورت مستقیم می‌پردازد. باقی هزینه‌هایی را که وزارت نفت به بازنشستگان می‌پردازد باید پیش‌تر از طریق کارفرمای مربوطه به صندوق بازنشستگی پرداخت شود.

وی افزود: مثلا اگر کسی در شرکت ملی حفاری بوده و بازنشسته شده است به جز مستمری که جزء تعهدات صندوق بازنشستگی قرار دارد هزینهٔ درمان، هزینهٔ سفر، حق معیشت را باید شرکت ملی حفاری در چارچوب تعاملات اداری به ما بپردازند و ما هم به نیابت از آنان به بازنشستگان بپردازیم.

مشاور رئیس هیئت مدیره صندوق‌های بازنشستگی وزارت نفت در پایان با تاکید بر لزوم تعیین نهاد نظارتی بر سرنوشت تعهدات بازنشستگان شرکت‌هایی که طبق اصل ۴۴ به بخش خصوصی واگذار شده‌اند اظهار داشت: باید در چارچوب اولیهٔ خصوصی سازی، نهادهای نظارتی مسئول بر این قضیه دیده می‌شدند. زمانی که پتروشیمی آبادان به بخش خصوصی واگذار می‌شد بایست سرنوشت تعهدات آن‌ها به بازنشستگان خود به طور دقیق مشخص می‌شد تا در شرایط بد اقتصادی کشور این مشکلات به وجود نیاید.

استفاده ازکودکان کاردرایران وجهان

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در 30 دی 91 آمده است : قانون کار در ماده 79 تنها در چند کلمه استفاده از کودکان زیر 15 سال را در مشاغل مختلف ممنوع کرده و آمده است:"به کار گماردن افراد کمتر از 15 سال تمام ممنوع است".

با این حال در مواد 80 تا 84 تحت عنوان شرایط کار نوجوانان بین سنین 15 تا 18 سال، شرایط بکارگیری کارگران نوجوان، نوع مشاغلی که می توان به این گروه ها واگذار کرد و ساعات روزانه کار تشریح شده است.

قوانین منع کار کودک در ایران

با وجود قوانین شفاف و روشن درباره کار کودکان و استفاده از نوجوانان در مشاغل مختلف، نه تنها در ایران بلکه در بیشتر کشورهای جهان از کودکان در بازار کار استفاده می شود.

این پدیده مذموم امروز در کشورهایی که به لحاظ اقتصادی و اجتماعی شرایط مناسبی ندارند به مراتب رواج بیشتری از کشورهایی دارد که دارای بازار کار مناسب به همراه قوانین محکم و با ضمانت اجرایی بالا هستند.

بر پایه این گزارش، استفاده از کودکان کار در ایران به اشکال مختلفی انجام می شود و می توان به راحتی کودکانی را در خیابان ها، کارگاه ها و در سطح شهر مشاهده کرد که مشغول انجام مشاغل مختلفی هستند.

سازمان جهانی کار در تازه ترین گزارش خود درباره وضعیت و آمار کار کودکان در کشورهای مختلف جهان ضمن هشدار نسبت به لزوم پایان دادن به استفاده از کودکان در کار، اعلام کرد: تعداد کودکان کارگر در طول دوره 2004 تا 2008 از 222 میلیون نفر به 215 میلیون نفر کاهش یافته است.

افزایش 8 میلیون نفری کودکان کار پسر

با اینکه طبق آمار سازمان جهانی کار 3 درصد از میزان کودکان کار کاسته شده، اما این سازمان هشدار داده است که به دلیل بحران اقتصادی جهانی، ممکن است سرعت مبارزه با کار کودکان در کشورها تا سال 2016 کاهش یابد.

طبق برآوردهای ILO بیشترین میزان کاهش در استفاده از کودکان کار در سنین 5 تا 14 سال بوده است که به میزان 10 درصد کاهش نشان می دهد. این میزان در بین دختران به میزان 15 درصد است ولی در بین پسران این آمار حدود 7 درصد معادل 8 میلیون کودک کار افزایش یافته است.

آمارها نشان می دهد کودکان کار بین سنین 15 تا 17 سال به میزان 20 درصد افزایش یافته و از 52 میلیون نفر به 62 میلیون نفر بالغ شد. سازمان جهانی کار معتقد است برای تحقق هدف بلندپروازانه جلوگیری از کار کودکان نیازمند یک برنامه و دستور کار استراتژیک است.

سی دی ماه 1391

تأخیر ۱۰ ماهه در پرداخت حق‌الزحمه نیروهای ستادی آموزش و پرورش

به گزارش خبرگزارش دولتی کار ایران در 30 دی 91 آمده است : عضو کانون صنفی معلمان، از پرداخت نشدن حق‌الزحمه نیروهای ستادی آموزش و پرورش از اسفند ماه سال گذشته تا کنون خبر داد.

محمدرضا نیک‌نژاد در این باره گفت: در حال حاضر 10 ماه در پرداخت حق الزحمه نیروهای ستادی آموزش و پرورش تأخیر وجود داشته است و بیش از چهار ماه از موعد پرداخت اضافه کاری (حق‌التدریس) معلمان گذشته است و هیچ برنامه و خبری هم مبنی بر پرداخت این اضافه کاری ها از طرف آموزش و پروش اعلام نمی‌شود.

عضو کانون صنفی معلمان با بیان اینکه «ما امیدوار نیستیم که در روزهای آتی مبلغ مورد نظر را دریافت کنیم» اظهار داشت: مدیران به ما اعلام می‌کنند که لیست‌ها را به اداره آموزش و پرورش داده‌اند و هنوز هیچ خبری از پرداخت این حقوق‌ها از طرف اداره دریافت نشده است.

نیک‌نژاد افزود: ما در آموزش و پرورش دو نوع دریافتی داریم. یکی حقوق ثابت است که بین ۲۵ تا ۳۰ هر ماه پرداخت می‌شود. دریافتی دیگری که معلمان از آموزش و پروش دارند حقوق حق‌التدریس است که هر دو ماه یک بار پرداخت می‌شود. نیروهای ستادی و اجرایی مدارس هر دو ماه این حق‌الزحمه‌ها را دریافت می‌کنند. امسال در یک حالت غیر معمول با وجود قرار گرفتن در ماه پنجم، هنوز این حق‌التدریس‌ها به معلمان پرداخت نشده‌اند.

وی در پایان گفت: حاجی‌بابایی (وزیر آموزش و پرورش) در آغاز ورودش اعلام کرد که به خاطر حفظ شان معلمان می‌خواهد هر ماه حق‌التدریس‌های معلمان و حق‌الزحمه نیروهای ستادی را پرداخت کند. اما تنها یک ماه آموزش و پروش به وعده‌اش عمل کرد و مبلغ اضافه‌کاری را در همان ماه پرداخت کرد.

دریغا سیاست که رندی شد و تعقل باز نیامد
اشاره ای به مقاله یک دم درین ظلام محمد قراگوزلو
مهدی کوهستانی

تا چندی قبل محمد قراگوزلو را کمتر کسی از فعالین فرهنگی و اجتماعی مستقل در ایران می شناخت ، اکنون نیز تنها فعالینی که دسترسی به اینترنت و فیلتر شکن دارند از طریق مطالبشان در سایت ها ایشان را می شناسند. البته به جز دانشجویان دانشگاه آزاد قزوین،

هنگامی که ایشان در مقام معاونت دانشجویی این دانشگاه مشغول به کار بوده اند. ایشان بعد از بازنشستگی و در فضای بعد از پروسه انتخابات 88 بطور خبره وار با یک تاخیر سی ساله خود را به جنبش کارگری نزدیک کرد.
قراگوزلو که مطالب زیادی دارد که نشان میدهد که میتوان خود او را یکی از مخزنهای فکری بسیاری از سیاستهای اجتماعی جامعه ایران قلمداد کرد، ایشان از دیدگاه جامعه شناسی در دوره های متفاوت در سه دهه گذشته سیاستهای را پیشنهاد میدادند مبنی بر اینکه چگونه میتوان به بیرون آوردن سود بیشتر از کارگران پرداخت ولی امروز چنان خودش را نشان میدهد که انگار این رژیم در عرض چند سال گذشته یکباره به یک هیولای اقتصادی افسار گسیخته تبدیل شده است و همانند دیگر کشورهای سرمایه داری است.
در مقاله دولت و توسعه که در نشریه سیاسی اقتصادی شماره 167- 168 صفحه 115نوشتند " برای مثال ضمن مطالعه ای که در سال 1365 در مورد ساعت کار مفید یک سازمان اداری به عمل آمد مشخص شد که مقدار کار در سازمان مزبور 52 ساعت در هفته بوده است: یعنی افزون بر 44 ساعت مقرر ، کارکنان آن سازمان 8 ساعت هم اضافه کاری داشته اند، حال آنکه کار مفید کارکنان سازمان فقط 7/8 ساعت در هفته بوده است، حال آنکه کار مفید آنها یعنی حتی کمتر از 8 ساعت اضافه کاری که دریافت کرده اند. بدیهی است این کم کاری در کشوری مانند ایران که نخستین گام های لرزان توسعه را با تردید فراوان یا قرار است بردارد آفتی بزرگ تلقی میشود." در همان مطلب گفتند که " نیکبختانه دولتمردان جمهوری اسلامی چشمان اسفندیار توسعه ایران را به درستی شناخته اند".
امروز ضدیت با اصلاح طلبان علامت رمزی است برای مقبولیت در کنار کسانی که معتقدند مشکل امروز اقتصاد جامعه ایران از سیاستهای همین اصلاح طلبان می آید در حالی که در زمینه گفتگوی تمدن ها خود ایشان بسیار پر کار بوده اند و میخواستند حوزه را به جامعه مدنی وصل کنید. ایشان در کمتر مقاله ای است که با کنایه، متلک، زخم زبان به رسانه های غربی نپردازید ولی خودشان را به فراموشی زده اند که در مقاله خطوط گسل در نظریه برخورد تمدنها نوشتند " در حقیقت همین ضرورت تعدیل و حذف حضور آمریکا از منطقه است که خاتمي، رئيس جمهوري ايران را به گفت‌وگوي تاريخي با مردم آمريكا از طريق شبكه «C.N.N» و طرح موضوع گفت‌وگوي تمدنها در سطح كلان مجاب نمود . بايد اعتراف كرد سياستي را كه آقاي خاتمي طي مدت تصدي پست رياست جمهوري در عرصه ارتباطات خارجي اتخاذ نموده عملاً به برون رفت ايران از انزواي سياسي و شكست بسياري از تحريمهاي اقتصادي انجاميده است."
shahd2.persianblog.ir
ایشان که بیشترین انگیزه خود را در نوشتن مطالبی در مورد جنبش کارگري، از دید و بازدید با فعالان کارگری می گیرد، بیشتر به نقد کانون نویسندگان و یا تحلیل هایی در مورد برخی تشکل های کارگری می پردازند که مضمون نوشته هایشان واقعا سوال برانگیز است. (از این منظر بادقت همین مطلب اخیر ایشان بازخوانی شود نکاتی که در مورد مجمع عمومی علنی و فعالیت های آقای رییس دانا و... نوشته اند.
آقای قراگوزلو در آخرین مطلب خود در سایت اخبار روز با عنوان "یک دم درین ظلام " پارگرافی را میاورند که نشان از نظرات رضا شهابی دارد و مینویسند:
"رضا با شدت و حدت از سیاست خارجی جنبش کارگری و ضرورت اتخاذ موضع ضد امپریالیستی جنبش سخن می گوید. همین چند ماه پیش بود که رضا، طی نامه یی رادیکال، دست رد به سینه ی جایزه ی کذایی "حقوق بشر" و "جامعه ی جهانی" زد و به وضوح نشان داد که تحت هیچ شرایطی حاضر نیست در چارچوب های مختلف سرمایه ◄ اعم از امپریالیستي، لیبرال،سکولار و اصلاح طلب ◄ تعریف شود! در آن نامه رضا رو به جنبش کارگری نوشت: "شنیده ام جایزه یی با عنوان حقوق بشر در حوزه ی کارگری به نام من اعلام و به شخصی به نام مهدی کوهستانی تحویل شده است. لازم می بینم به اطلاع عموم برسانم که نه بنده و نه هیچ یک از اعضای خانواده و نیز دوستانم که باور به استقلال طبقه ی کارگر دارند؛ در جریان این اتفاق نبوده ایم. همچنین لازم به توضیح است که مهدی کوهستانی نه نماینده و نه همفکر من است." (بیانیه ی 16 کمیته ی دفاع به تاریخ 30 دی 1390)

اولا بگوییم که بسیار خوشحال هستم رضا شهابی در بیرون از زندان است و امیدوارم در شرایطی که آزادی ایشان حتمی شد بتواند نظرش را در فضای آزاد بنویسد و ما هم اگر جوابی داشتیم به ایشان خواهیم داد. ولی پارگراف مورد نظر قراگوزلو به چندین زبان اروپایی و انگلیسی ترجمه شده است و هزاران نفر غیر ایرانی آنرا دیدند و حتی بر در سایت لیبر استارت هم آمده است. به نظرم هیچ فعال غیرایرانی این موضوع را جدی نگرفت زیرا جایزه ای که می خواهد به نهاد و شخص زندانی بگوید که تنها نیستند و آنها هم بدانند که حرکت شان ادامه دارد، نیاز به این معرکه گیری و مظلوم نمایی ندارد. و کسانی هم که این مظلوم نمایی ها را انجام دادند، میدانند که خودشان از زمان اشغال کویت تا عراق و افغانستان در کدام سمت این معادله بودند. ولی دلیل این تکرار موضوع از محمد قراگوزلو را می توان حدس زد، زیرا مریدان ایشان که تکالیف شان را از چشم انداز این نوع مطالب می گیرند، هر چند وقت یک بار نیاز دارند همانند دایی جان ناپلئون بگویند دیدید کار، کارِامریکا یی هاست.
محمد قراگوزلو معاون دانشگاه بوده اند و باید حداقل یک بار در جلسات هیئت علمی رفته باشند و بدانند که فعالیت هر نهاد اجتماعی پروسه دارد. ولی متاسفانه همه چیز در جامعه ما متفاوت است و مدارج و مدارک لزوما تاییدی بر دانستن نیست و همیشه می توان سنگر را عوض کرد. ولی میتوانند بپذیرند که در سایر کشورها اینطور نیست و تمام کارها روندی دارد که باید به آن پایبند بود و این اصول است که ما در این جوامع شاهد این نوع تقدس گرایی افراد نیستیم و منافع جنبش و طبقه همه چیز است.
وظیفه خود دانستم برای حتی یک نفری که آن مطلب را خوانده باشد، توضیح دهم که این اولین بار نیست که سندیکا یا اعضایش جایزه می گیرند و چندین نمونه قبلی بوده است و همانطوری که در مقاله پیوست از رضا شهابی آمده است ایشان بدرستی اشاره میکند که جنبش کارگری در اشخاص خلاصه نمی شود و این جنبش با گذشت و فداکاری بسیاری شکل گرفته، و میگوید همیشه رسم بر این بوده است که در زمانیکه کسی یا نهادی را کاندید میکنند از آن نهاد اجازه میگیرند، که در رابطه با کاندید شدن در چند جایزه قبلی هم این کار شد و هیئت مدیره تایید یا رد میکرد، در رابطه با جایزه اتحادیه هلند هم همین بود که آقای اسالو در زندان بود و ما به آی تی یو سی و آی تی اف هم همین پیشنهاد را دادیم که اسم ایشان باشد تا کمکی باشد برای آزادی ایشان درسطح داخلی و بین المللی اما متاسفانه دوستان فرصت طلب از این شرایط استفاده کردند برای عقده گشایی مسائل سابق خودشان.
انضباطی که در کار سندیکا ی واحد دیده شده است، تحسین برانگیز است و در کلیت خودش کمک مهمی بوده است برای شناختن جنبش کارگری ایران که به پشتوانه ی کار جمعی اعضایش این سندیکا رشد کرده و سندیکا را بقول فعالین اش به یک جنبش تبدیل کرده است، و ما به جای آنکه به افراد بهایی بیش از لزوم بدهیم و به یارگیری درون سندیکا بپردازیم، بهتر است به اصل حفظ این نهاد فکر کنیم. می شود مطالب سندیکا را در سایت اش دید و به آن استناد کرد و ما نباید در مسایل داخلی سندیکا دخالت کنیم.
پروسه گرفتن جایزه شهابی هم مشابه موارد گذشته بود. یک نهادی حقوق بشری ایرانی در تورنتو، که از تعدادی از فعالین دانشجوی دهه هفتاد شمسی ایران تشکیل شده است میخواستند در یک برنامه به چند نفر از فعالین زندانی در زندانهای ایران یک لوح افتخار بدهند که اسامی زندانیان بر روی آن نوشته شده بود. در این جلسه به کسانی که در زمینه مشابه فعالین زندانی فعالیت میکردند خواستند که این لوح ها را از جانب آن زندانیان تحویل بگیرند. از من خواستند ولی به روال همیشه گفتم باید از خود سندیکا اجازه گرفته شود (مسئله ای که بهیچ وجه برای دیگرانی که این لوح ها را گرفتند مطرح نبود) که این کار شد، باز خود سندیکا سوال شد که چه گفته شود در کمتر از یک دقیقه تشکر شد و مانند لوح های سابق گفته شد که این لوح متعلق به خانواده، همکاران و جنبش کارگری و شهابی است.

خوانندگان مقاله یک دم درین ظلام را رجع میدهم به مقاله خود رضا شهابی که خطاب به خانواده اسانلو بعد از گرفتن جایزه ایشان نوشته شده است و می گذارم خوانندگان خود قضاوت کنند.
مهدی کوهستانی

دیماه 91

بیانیه مشترک سندیکاها، اتحادیه ها و دیگرتشکل های کارگری پیرامون بی توجهی به زندگی کارگران وکودکان

حوادث ناگوار مرگ کارگران و کودکان در چند هفته ی اخیر یکی پس از دیگری بیانگر بی توجهی مسوولان و کارفرمایان به جان انسان هاست.

5 کارگر افغانی به هنگام کار در منطقه خاک سفید تهران پارس زیر آوار رفتند. به دنبال آن، فاجعه کشته شدن کارگران در معدن زغال سنگ طبس و فاجعه های دیگری که هر روزه در جای جای ایران رخ می دهد... بنا بر آمار منتشره، هر روز به طور متوسط 5.5 کارگر در اثر حوادث کار و نبود شرایط ایمنی جان خود را از دست می دهند.
با توجه به آنکه حکومت کلیه مسوولیت های خود را در قبلا مردم و نظارت بر ایمنی و بهداشت و بهروزی مردم و به خصوص کارگران و خانواده هایشان را فراموش کرده است، هر روز شرایط بدتری بر زندگی اقشار متوسط به پایین سایه می افکند و هر روز اخبار وحشتناک تری از نابودی انسان ها در محل کار و زندگی و سفر و جاده و خیابان ها پخش می شود.
همچنین کنار ناایمنی شرایط کار، خبرها حاکی از آن است که جان کودکان در مدارس مخروبه و غیر ایمن نیز در خطر است. قربانیان حریق مدرسه ی روستایی شین آباد در پیرانشهر ارومیه در آذربایجان به 37 نفر رسیده است که دو نفر از آنان فوت کرده اند. متاسفانه مسوولان به جای آن که امکانات رفاهی، گرمایشی و شرایط ایمنی وگرمایشی کلاس های درس روستاها و شهرستان ها را افزایش دهند، معلم، مستخدم یا بخاری مدرسه را محکوم کرده اند تا شانه از زیر بار مسوولیت خود کنار کشند.
آینده ی این دانش آموزان سوخته شده ، زخمی و ترسیده و معلم زحمتکش آنها چه می شود که باید با نقص عضو به زندگی در شرایط سخت ادامه دهند؟
ما تشکل های کارگری امضا کننده، ضمن حمایت از بیانیه انجمن صنفی معلمان، یادآوری می شویم که مسوولان مملکتی باید به وظایفشان عمل کنند و از کارگران وخانواده های آسیب دیده این حوادث می خواهیم یکدیگر را دریابند، به هم بپیوندند و برای درمان این دردهای مشترک، تشکل های خود را تشکیل دهند.
برای رسیدن به آینده ای بهتر برای زندگی و کار، چاره ای جز وحدت، تشکیلات و اتحاد سراسری نداریم. پیش به سوی تشکل مستقل و سراسری کارگران ایران.
دی ماه 1391
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران وحومه
هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمانی
اتحادیه کارگران پروژه ای
سندیکای کارگران فلزکار ومکانیک
اتحادیه آزاد کارگران ایران
کانون مدافعان حقوق کارگر

روزشمار کارگری ماه بهمن سال ۱۳۹۱ ــ۲۰۱۲و ۲۰۱۳

مرخصی بهنام ابراهیم زاده با قرار وثیقه ۲۰۰ میلیون تومانی

براساس گزارش رسیده، روز یکشنبه اول بهمن ماه ۱۳۹۱ ساعت ۸ شب، بهنام ابراهیم زاده

فعال کارگری و عضو کمیته پیگیری با قرار وثیقه ۲۰۰ میایون تومانی برای مدت چهار روز به مرخصی آمد.
لازم به ذکر است که فرزند این فعال کارگری، نیما ابراهیم زاده به دلیل بیماری سرطان در بیمارستان کودکان محک بستری است و پزشکان تاکید کرده‌اند که حضور بهنام در کنار فرزندش، تاثیر به سزایی در کمک به امر درمان نیما دارد.
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن ادامه بازداشت و زندانی بهنام ابراهیم‌زاده، خواهان آزادی بی قید و شرط وی و کلیه کارگران و فعالین کارگری دربند و زندانیان سیاسی می باشد.
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-۱ بهمن ۱۳۹۱

محمد جراحی با دست بند و پابند برای عکس برداری از غده تیروئید به مراکز درمانی خارج بیمارستان منتقل شد

دو خبر از زندانیان کارگری 2 بهمن ماه 1391

1- به قرار اطلاع ساعت 20 روز یک شنبه اول بهمن ماه بهنام ابراهیم زاده با تودیع وثیقه به مرخصی آمد.
2- محمد جراحی با دست بند و پابند برای عکس برداری از غده تیروئید به مراکز درمانی خارج بیمارستان منتقل شد. در بیمارستان برخورد بسیار خشونت بار و توهین آمیز نگهبانان با وی برای پزشکان و کادر درمانی سوال برانگیز بود به شکلی که وی برای آنان توضیح داده که چرا زندانی شده است.

با امید به آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی از جمله فریبرز رییس دانا، شاهرخ زماني، محمد جراحي، پدرام نصراللهی ، رسول بوداغي، کیوان صمیمي، مسعود باستاني، منیژه نجم عراقي، سروش ثابت، فریدون صیدی راد و ...
کانون مدافعان حقوق کارگر

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/01/20-1391.html

خوراک دام را به خورد مردم مي‌دهند!

به نوشته سایت قطره به نقل از روزنامه جمهوری اسلامی در اول بهمن 91 نوشت: از اردبیل خبر مي‌رسد صف‌های طولانی کامیون‌های حامل گندم وارداتی در مقابل سیلوهای استان اردبیل تعجب همگان را برانگیخته است.
به گفته مدیر عامل شرکت غله استان اردبیل براساس برنامه‌ریزي‌ها، این گندم‌ها از طریق بنادر کشوربه مقصد اردبیل بارگیری و برای مصرف مردم اردبیل ذخیره سازی مي‌شود، اما برخی از صاحب نظران آگاه معتقدند این گندم‌ها بي‌کیفیت هستندکه برای مصارف دامی وارد شده‌اند.
استان اردبیل به دلیل داشتن استعدادهای بالای کشاورزی بخصوص مطرح بودن به عنوان قطب تولید محصول استراتژیکی گندم از نوع مرغوب در کشور به استان ذخیره شهرت یافته و سالانه مقادیر زیادی از این محصول به سایر استانهای کشور صادر مي‌گردد.

تحصن کارگران آب و فاضلاب دشتستان در این اداره در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه حقوق

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ اول بهمن 91 آمده است : کارگران اداره آب و فاضلاب روستایی دشتستان در اعتراض به عدم پرداخت چهار ماه حقوق خود در این اداره تحصن کردند.
به گزارش ایلنا به نقل از پایگاه اینترنتی اتحاد جنوب، نماینده این کارگران گفت: همه ما با

سابقه بالای ۲۰ سال در اداره آب و فاضلاب روستایی کار مي‌کردیم اما متاسفانه از سه سال پیش و با اجرای اصل واگذاری این اداره به بخش خصوصي، به ناچار مجبور به همکاری با بخش خصوصی و پیمانکاران شدیم و این آغاز مشکلات بود چرا که با این واگذاري، مشکلات مالی متعددی ایجاد شد تا اینکه الان کار به جایی رسیده است که تمامی کارگران استان ۶ ماه کامل است حقوق نگرفته‌اند.
کارگر دیگری گفت: اگر مصوبه اجرایی دولت در راستای خصوصی سازی اعمال شده است، چرا رسیدگي‌های لازم صورت نمي‌گیرد؟ چرا بودجه‌ای اختصاص نمي‌یابد؟
وی از شکستگی لوله‌های آب روستای محل کار خود گفت و افزود: متاسفانه هیچ بودجه‌ای جهت تعمیر آن اختصاص نیافته است.
وی بیان کرد: این مشکل مختص به شهرستان دشتستان نبوده و تمامی آب فاضلاب روستایی و درگیر مشکل پرداخت اعتبار و بودجه است.
کارگر معترض دیگری نیز در این باره گفت: این اعتراض صنفی در پی اعلام عدم پرداخت حقوق کارگران از اول بهمن‌ماه صورت گرفت.
وی ادامه داد: کارگران با توجه به مشکل بودجه و اعتبار در این بخش و پیگیري‌های مکرر به استانداری و عدم توجه استانداری به بخش آب و فاضلاب روستایی کارگران دست از کار کشیده و خواستار حق و حقوق خود شدند.
این کارگر اضافه کرد: متاسفانه سال ۹۱ در حال اتمام است اما هیچ اعتباری از این سال به بخش آب و فاضلاب روستایی استان اختصاص نیافته است.
وی افزود: مدیرعامل تعاونی آب داران دشتستان گفته که شرکت تمامی حق و حقوق ما را تا امروز پرداخت خواهد کرد حتی اگر از بودجه شخصی خودش باشد اما از فردا هیچ تعهدی در قبال پرداخت حقوق ما نخواهد داشت.
وی ادامه داد: کارگران وعده را از طرف مسئولان توهین به خود مي‌دانند و تنها حق و حقوق نقدی چند ماه اخیر خود را خواستار هستند.

یک کشتارگاه با ۵۰ کارگر تنها واحد بزرگ تولیدی سیستان و بلوچستان

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ اول بهمن 91 آمده است : به گفته یک مقام رسمی کارگری در استان سیستان و بلوچستان، يك کشتارگاه صنعتی با ۵۰ کارگر اکنون تنها واحد بزرگ تولیدی فعال در این استان پهناور محسوب مي‌شود.
گل محمد بامري، مسئول کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان سیستان و بلوچستان با اعلام این خبر به ایلنا گفت: فعالیت این تنها واحد بزرگ استان که تحت مدیریت دولت اداره مي‌شود منوط به صدور مجوز برای واردات دام از کشورهای افغانستان و پاکستان است.
این مقام کارگری تصریح کرد: بر این اساس مادامی که انواع دام (گاو، شتر و گوسفند) از خارج کشور با مجوزهای قانونی و بهداشتی وارد کشور مي‌شوند و دام داخلی مورد استفاده قرار نمي‌گیرد، بدلیل مقطعی بودن کار کارگران این واحد صنعتی بصورت پیمانکاری و موقت مشغول به کار هستند.
وی در خصوص وضعیت سایر بنگاه‌های تولیدی استان سیستان و بلوچستان گفت: بخشی از کارگران این استان در بنگاه‌هایی که از محل تسهیلات زودبازده دایر شده‌اند مشغول به کار هستند.
بامری یادآوری شد: بسیاری از بنگاه‌هایی که از محل پرداخت تسهیلات زودبازده راه‌اندازی شده‌اند به دلیل ناتوانی در بازپرداخت این تسهیلات غیر فعال ورها شده‌اند.
این فعال کارگری گفت: مابقی بنگاه‌های زودبازده استان نیز که در زمینه خدمات رایانه و حرفه‌های صنعتی و کارگاهی فعال هستند، درگیر بازپرداخت تسهیلات بانکی هستند.
به گفته بامری وضعیت اشتغال در استان سیستان و بلوچستان بگونه‌ای است که غالب جویندگان کار با داشتن تحصیلات دانشگاهی راهی استان‌های دیگر مي‌شوند.

وی گفت: در حال حاضر تنها برای دانش آموختگان رشته‌های کشاورزی این فرصت وجود دارد که با داریافت زمین از دولت به فعالیت کشاورزی بپرازند.

تجمع اعتراضی بازنشستگان مقابل مجلس

به نوشته سایت آفتاب در اول بهمن 91 آمده است : رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس از تجمع تعدادی از بازنشستگان در مقابل مجلس خبر داد و گفت: بازنشستگان در اعتراض خود خواستار این شدند که سازمان تامین اجتماعی به صندوق تغییر نام ندهد.
عبدالرضا عزیزی در گفتگو با مهر با بیان این مطلب افزود: پیش از ظهر امروز جمعی از بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی در اعتراض به طرح بازگشت مجدد سازمان تامین اجتماعی به صندوق تجمع کرده و خواستار سازمان ماندن این نهاد شدند.
وی گفت: این معترضان نامه اعتراض آمیز خود را به کمیسیون اجتماعی مجلس ارائه دادند و در همین خصوص نیز جلسه ای با حضور نایب رئیس مجلس برگزار شد.
رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس تاکید کرد: در این جلسه قرار شد نظرات کارگران و نمایندگان بازنشستگان را بررسی و به هیئت رئیسه ارائه دهیم.

مرگ نزدیک تالاب انزلی

به نوشته خبر سایت اعتدال در تاریخ 1 بهمن 91 آمد است : تالاب انزلی از جمله زیباترین مناظر آبی گیلان تالاب انزلی است . این تالاب محل تخم ریزی آبزیان و پناهگاه و مامن پرندگان بومی ومهاجر است . تالاب انزلی از سال ۱۳۵۴ جزو تالاب های بین المللی تحت حفاظت شد و مهمترین منبع تکثیر و تولید ماهیان خاویاری و استخوانی دریای خزر است .
به گزارش پایگاه خبری تحلیلی اعتدال ، وضعیت اسف بار تالاب انزلی آن هم در یکی از معدود مناطق بسیار مستعد کشور از نظر اقلیمی حجم بالای اندوخته های آبی و استعداد بی رقیب توان رطوبتی مطلوب گواهی آشکار بر لکنت های روز افزون حاکم بر مدیریت سازمان حفاظت محیط زیست ایران و در حاشیه ماندن ۵۰ قانون اساسی است اصلی که به تصریح آشکار در آن باید دولت از هر نوع فعالیتی که منجر به آلوده ساختن و تخریب محیط زیست بیانجامد جلوگیری کند.
«آزولا» با نام علمی Azolla filiculoides یک علف هرز مهم آبزی شناور به شمار مي‌رود که سطح وسیعی از تالاب انزلی را اشغال کرده است. رشد بیش از اندازه این گیاه در تالاب انزلي، موجب دخالت در استفاده از منابع آب توسط انسان، تأثیر نامطلوب بر کیفیت آب و ایجاد مشکلات اکولوژیکی بر سایر گونه‌های گیاهی و جانوری شده است. علف هرز آزولا با رشد سریع و زمان کوتاه دو برابر شدن، دارای قدرت رقابت بالایی برای حذف سایر گونه‌های شناور نظیر «عدسک آبي» است. با افزایش درجه حرارت و غلظت فسفر، رشد آزولا افزایش و زمان دوبرابر شدن آن کاهش مي‌یابد. جلوگیری سریع از ورود فاضلاب‌ها به آبگیرهای شمالی دارای آزولا، عامل اساسی در کاهش معنی دار رشد این گیاه محسوب مي‌شود.
«آزولا» یک گیاه غیربومی با پرده‌ای به ضخامت 10 سانتی متر است که تراز تالاب انزلی را پوشانده و از رسیدن نور خورشید به لایه‌های زیرین آب، جلوگیری مي‌کند. به طوری که اگر برای ریشه‌کن کردن جلبک «آزولا» به روش مکانیکی سرمایه گذاری شود، باقیمانده جلبک‌ها را تالاب (به گونه‌ای خودجوش) به کمک سیلاب‌های فصلي، در دریا تخلیه مي‌کند و با این کار برای مدت زمانی از چنگ این پدیده ویرانگر، رهایی مي‌یابد.
آزولا سال‌ها پیش‌به این علت در تالاب رها شد تا به واسطه رشد خوب و ارزش تغذیه‌ای بالا به عنوان علوفه برای دام‌ها استحصال شود اما نه فقط آزولا منفعتی برای دامداران حاشیه تالاب نداشت بلکه همچون طنابی در گردن تالاب شد که راه نفس کشیدن را بر آن بست. نبود رقیب غذایی و دشمن طبیعی برای آزولا که از جنوب شرقی آسیا آمده بود، موجب شد تا در چشم بر هم زدنی تمامی عرصه آبی تالاب پوشیده از آزولا شود و نیز وجود فاضلاب و غنی بودن آب شرایط را برای شکوفایی و رشد بیش از حد آن فراهم ساخت.
پوشیده‌شدن سطح آب از آزولا، لایه‌ای نفوذ ناپذیر را به وجود آورد که تبادل اکسیژن را بین هوا

و آب تالاب مختل کرد در نتیجه آبزیان تالابی با کمبود اکسیژن مواجه شدند و بسیاری از این آبزیان مانند انواع ماهي‌شامل اردک ماهي، سوف، سیم در اثر کمبود اکسیژن تلف شدند.
سال‌ها قبل، گرفتن اردک ماهی و سوف برای ماهیگیران امری عادی بود اما اکنون معجزه است.
رویش گیاهان آبزی در تالاب، امری طبیعی به شمار مي‌رود و در حالت مخصوص شرایط تالابی به علت ورود رسوبات ریز دانه و مواد معلق در آب رودخانه سفید رود از شبکه آبیاری و شسته شدن کوه‌های حاصلخیز داخل مزارع در مواقع باران‌های شدید فصلی و وارد شدن این مواد با زهکشی طبیعی و شبکه آبیاری به داخل تالاب به رویش آنان توان بیشتری مي‌دهد.
شاید انتظار 6 ماهه برای پایان عمر دولت دهم برای بهبود وضعیت اقتصادی کشور قابل تحمل باشد ولی بی گمان حتی یک روز هم گذشت زمان برای تالاب انزلی حیاتی است و به نظر می رسد سازمان حفاظت از محیط زیست باید هر چه سریع تر با طراحی تله های رسوب گیر و اقدام به لایروبی بستر تالاب از بار اضافی آن در کوهتاترین زمان ممکن کاسته و آنگاه با توانمند سازی جوامع محلی و ملزم کردن واحدهای صنعتی و شهری و کشاورزی به تصفیه ی سامانه ی فاضلاب و پس آب و پسماند خود گامی موثر برای بازگشت حیات به انزلی بردارد.
به راستی چرا باید این همه زیبایی زیر هزاران خروار لجن مدفون شود؟

اخراج کارگران شرکت پیمانکاری جهاد نصر

بنا به خبر رسیده، شرکت پیمان کاری جهاد نصر کلیه ی کارگران خود را از کار اخراج کرد.
کارگران شرکت پیمان کاری جهاد نصر که 110 نفر می باشند در روز یکشنبه اول بهمن ماه از ساعت 9 صبح در اعتراض به اخراج خود در مقابل دفتر مرکزی این شرکت در سنندج دست به تجمع زدند.
قابل ذکر است که این تجمع تا نزدیکی ظهر طول کشید و کارگران دسته جمعی به اداره کار مراجعه کردند. در نتیجه این اعتراض، کارفرما ناگزیر شد در جمع کارگران حضور یابد و علت اخراج را نداشتن بودجه و طلبکار بودن 9 میلیارد تومان از اداره امور آب و اداره راه و ساختمان اعلام کرد. کارفرما و همکارانش به کارگران قول دادند که حقوق معوقه چهارماه کارگران را در چند روز آینده پرداخت نمایند. کارگران در اعتراض به سخنان کارفرما خواستار پرداخت حقوق معوقه، دریافت حقوق اضافه کاری، حق شیفت شب و حقوق ایام تعطیلات رسمی و بازگشت به کار با انعقاد قرارداد دسته جمعی و دایم در حضور نماینده اداره کار شدند. کارگران همچنین تاکید کردند تا رسیدن به خواسته‌هایشان از جمله بازگشت به کار همچنان به تجمعات خویش ادامه خواهند داد و در صورت عدم رسیدگی به خواسته‌هایشان اعتراضاتشان را با تجمع در مقابل استانداری ادامه خواهند داد.
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-1 بهمن 1391

فرار مسعود اسانلو به همراه مریم ضیاء از کشور!

مریم ضیاء و مسعود اسانلو دو تن از فعالین فتنه گردر حوزه های کارگری که به اتهام اقدام بر علیه امنیت ملی مدتی در زندان بودند ،پس از خروج از زندان متواری و با هم از کشور خارج شدند.

به گزارش خبرنگار سیاسی عصر امروز، درروز اول بهمن آمده است : خبرهای رسیده حاکی از این است مسعود اسانلو " فعال حوزه کارگری که به اتهام تلاش بر علیه امنیت ملی دستگیر و روانه زندان شده است ، پس از خروج از زندان به اتفاق " مریم ضیا " همسر فردی به اسم (م .ح) ، از کشور متواری شده اند .

مریم ضیا از فعالین اجتماعی محسوب می شود که در تظاهرات غیر قانونی طرفداران جنبش سبز شرکت داشته است و در همین اعتراضات غیر قانونی نیز دستگیر و روانه زندان شده بود.
وی که از قرار معلوم با وثیقه از زندان آزاد شده است به همراهی مسعود اسانلو و فرزندانش

از کشور خارج و به کشور ترکیه رفته اند.!
گمانه زنی ها حاکی از این است (م. ح) موافق خروج و همراهی همسرش با مسعود اسانلو نبوده است.
لازم به ذکر است م.ح نیز عضو سند یکاههای غیر قانونی کارگری داخل کشور بوده است که مدتی نیز با اسانلو همکاری و رفت و آمد خانوادگی نیز داشته است. شائبه هایی مبنی بر داشتن روابط خاص اسانلو و مریم ضیاء مطرح می باشد.
کد مطلب : 41411
http://www.asremrooz.ir/vdca6yny.49n6615kk4.html

سفره‌ای که ۱۰۰ درصد گران شده است!

به نوشته سایت قطره به نقل از سایت اقتصاد ایران آنلاین در اول بهمن 91 آمده است : قیمت برخی محصولات حتی از افزایش ۱۰۰ درصدی نیز عبور کرده‌اند و شتابان به صعود خود ادامه مي‌دهند. در این بین، باید در نظر بگیریم که آیا قدرت خرید مردم نیز همراه با این افزایش قیمت، بالا رفته است یا خیر؛ امری که عموم مردم از آن گلایه دارند و حتی صدای برخی از مسئولان را هم در آورده است ... در اینجا بر اساس گزارش رسمی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، متوسط قیمت برخی از مواد خوارکی را در تهران در آخرین هفته قبل از هدفمندی یارانه‌ها و همچنین هفته آخر شهریور امسال آورده‌ایم.

اعتراضات وخواسته های کارگران زن اخراجی کارخانه پوشش گستراردکان طی 8 ماه بلاتکلیفی

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، در تاریخ 2 بهمن آمده است : این کارگران بیش از پنج نوبت در محل فرمانداری، دفتر نماینده و شورای اسلامی شهر اردکان تجمع و تحصن کرده اند.
هشت ماه پیش 45 زن کارگر از یکی از کارخانه های بزرگ اردکان اخراج شدند که اغلب آنها سرپرست خانوار بوده اند اما اکنون بعد از گذشت این مدت از بیکاری آنها، هنوز کسی پاسخگوی مشکلات آنها نیست.
برپایه این گزارش،خدیجه سرافراز از کارگران اخراجی کارخانه پوشش گستر اردکان درباره مشکلات به وجود آمده برای زنان شاغل در این واحد تولیدی اظهار داشت: کارخانه پوشش گستر اردکان در سال 1380 با هدف تولید روکش فابریک صندلی خودرو و با ایجاد اشتغال برای 400 نفر از زنان و مردان اردکانی کار خود را آغاز کرد.
این کارگر اخراجی اضافه کرد: متاسفانه به علت سوء مدیریت و تعویض پیاپی مدیران عامل، این کارخانه در 20 تیرماه امسال تعطیل و ورشکسته اعلام شد.
سرافزاز تصریح کرد: متاسفانه بدهی کارگران از سال 1386 تاکنون پرداخت نشده و هر یک از کارگران که بیشتر آنان بی سرپرست یا بدسرپرست هستند بین 90 تا 150 میلیون ریال از این کارخانه طلب دارند و تلاش آنان برای توقیف بخشی از ساختمان یا دستگاه های کارخانه نیز به جایی نرسیده است.
سمیه فتاحی یکی دیگر از کارگران اخراجی نیز گفت: متاسفانه از تیرماه سال جاری که کارخانه به صورت رسمی تعطیل شده، حتی یک ریال به عنوان بیمه بیکاری به هیچ یک از کارگران پرداخت نشده و کارگران برای رفع نیازهای اساسی زندگی خود دچار مشکلات عدیده ای هستند.
وی افزود: در حال حاضر بانک تجارت کارخانه را مصادره کرده و طبق قانون باید حق و حقوق کارگران اخراجی را پرداخت کند اما مسئولان این بانک نیز جوابگو نیستند.
فاطمه خالویی هم که مبلغ 100 میلیون ریال حقوق خود را از این کارخانه طلبکار است، گفت: جوابگو کردن تمامی مدیران عامل کارخانه و شفاف شدن وضعیت مالی این واحد از بدو تاسیس، تعیین محل انبار مواد اولیه کارخانه که بیش از یک میلیارد ریال ارزش دارد، همچنین جواب قاطع و قانع کننده مسئولان شهرستان اعم از نماینده مردم اردکان در مجلس شورای اسلامی، فرماندار، امام جمعه و اعضای شورای شهر به ما از جمله درخواست های جمع 45

نفری ما زنان کارگر اخراجی است.
این گزارش حاکیست،این کارگران بیش از پنج نوبت در محل فرمانداری، دفتر نماینده و شورای اسلامی شهر اردکان تجمع و تحصن کرده اند و شنیده می شود شهرداری اردکان در صورت توافق با بانک تجارت قرار است در راه اندازی این واحد تولیدی مشارکت کند.

رییس کل بانک مرکزی: تجار خریدهای خود را از کشورهایی انجام بدهند که ایران بیشترین صادرات نفت را به آنها انجام می دهد

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : ار اف آی ،محمود بهمنی در ادامه گفته است که به کارگیری این توصیه باعث می شود که ایران با مشکلات کمتری در زمینهٔ نقل و انتقال پول روبرو شود. رییس کل بانک مرکزی ایران توضیحی در مورد دلایل توصیهٔ خود به تجار ایرانی نداد. اما، او گفت که به مرور دلار و یورو در مرکز مبادلات ارزی حذف و جای آنها را ارزهای دیگر می گیرند، زیرا، به گفتهٔ محمود بهمنی ایران مبادلهٔ اقتصادی با آمریکا و اروپا ندارد. رییس کل بانک مرکزی ایران همچنین از قیمت ارز مرجع در سال آینده ابراز بی اطلاعی کرد و افزود که تنها بعد از تصویب بودجهٔ سال آینده می توان قیمت ارز مرجع را تعیین کرد.
دیروز نشریهٔ آمریکایی "واشنگتن پست" نوشت که دو هفتهٔ دیگر با اجرای تحریم های کنگرهٔ آمریکا، دولت ایران نخواهد توانست از کشورهایی که بیشترین صادرات نفت را به آنها انجام می دهد ارز دریافت کند. به موجب تحریم های جدید آمریکا کشورهای آسیایی خریدار نفت ایران نظیر چین، هند، کره جنوبی و ژاپن به جای پرداخت پول به جمهوری اسلامی ایران برای آن در ازای واردات نفت حساب های اعتباری خواهند گشود و در آنها مبالغ نفت وارداتی از ایران را نگهداری خواهند کرد.
با این اقدام ایران ناگزیر خواهد بود که در ازای فروش نفت به کشورهای خریدار آسیایی کالاهای مصرفی و به ویژه غذا و دارو از آنها خریداری و وارد کند. این امر به گفتهٔ دیوید کوهن، معاون خزانه داری آمریکا، پشتیبانی کشورهای آسیایی از تشدید تحریم ها علیه ایران را باعث می شود، زیرا، سازوکار جدید تحریم ها، منافع آنها را بیش از گذشته تأمین و حکومت ایران را مجبور به خریداری میلیاردها دلار کالاهای مصرفی از این کشورها خواهد کرد. افزون بر این، با این تدبیر دولت ایران دیگر نمی تواند کمبود مواد غذایی و دارویی در کشور را به تحریم های بین المللی نسبت بدهد.

اعتصاب کارگران شهرداری شوشتر

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس،در 2 بهمن آمده است : کارگران بخش تنظیف شهرداری شوشتر از صبح امروز به دلیل تعویق طولانی مدت در پرداخت حقوقشان دست از کار کشیدند.
براساس این گزارش،در حال حاضر کارگران شهرداری شوشتر در واحد موتوری این شهرداری تجمع کرده و حاضر به انجام امور روزانه خود نیستند.
کارگران شهرداری شوشتر 50 روز پیش حقوق اردیبهشت ماه خود را دریافت کرده‌اند و در شرایط کنونی به دلیل فشار اقتصادی و عدم پرداخت حقوق‌های معوق دست از کار کشیده‌اند.
اعتصاب کارگران شهرداری بخش تنظیف شهرداری شوشتر از چهار سال پیش در ماه‌های پایانی سال اتفاق می‌افتد و هر بار با وعده پرداخت حقوق‌های معوق و ... این افراد به سرکار خود باز می‌گردند.
کارگران شهرداری شوشتر 50 روز پیش حقوق اردیبهشت ماه خود را دریافت کرده‌اند و در شرایط کنونی به دلیل فشار اقتصادی و عدم پرداخت حقوق‌های معوق دست از کار کشیده‌اند.

کارگران بازمانده از فاجعه معدن هنوز هیچگونه مقرری دریافت نکرده اند و همچنان بلاتکلیف

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ دوم بهمن 91 آمده است : یک فعال کارگری در طبس اعلام کرد: ۲۴ کارگر باز مانده از انفجار معدن یال شمالی بعد از گذشت بیش از یک ماه از وقوع حادثه هنوز حقوق یا مقرری بیمه بیکاری دریافت نمي‌کنند و حتی تکلیف شغلی خود را نمي‌دانند.
علی محمدی درباره شرایط این کارگران بازمانده از انفجاری که هشت همکارشان را کشت، به ایلنا گفت: این ۲۴ کارگر که بصورت قراردادی در بخش‌های استخراج معدن مشغول به کار بودند بعد از انفجار و توقیف معدن همچنان بلاتکلیف بوده و تا به امروز هیچ گونه مقرری دریافت نکرده اند.
او افزود: تا زمانی که این کارگاه به علت تخرب حاصل از انفجار و حکم قانونی تعطیل است و هنوز ایمن نشده است کارفرما موظف است حقوق ماهانه این ۲۴ کارگر را پرداخت کند.
این فعال کارگری با بیان اینکه مقرری بیمه بیکاری این کارگران هنوز برقرار نشده است، اضافه کرد: طبق قانون حقوق یا مقرری بیمه بیکاری این کارگران تا زمان ایمن سازی معدن باید هر چه سریع‌تر بر قرار شود.

گزارشی از وضعیت کارگران مرکز تولیدی الداد مهر پارس

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : کارخانه الداد مهرپارس که در شهرک صنعتی فاز 3 سنندج قرار دارد در حدود 30کارگردارد که حدود 25 نفر از آنها را کارگران زن تشکیل داده است.

ساعات کارآنها از صبح ساعت 8 شروع شده و تا ساعت 5 عصر ادامه دارد.در صورتی که روند تولید به هر دلیل متوقف شود(تعطیلی رسمی و...) کارگران باید در روزهای پنج شنبه- که کارنیمه وقت است باید تا آخر وقت کار کنند و جبران تعطیلی را بکنند.درطول مدت زمان کار،کارگران از هرگونه صبحانه و نهار و سلف سرویس بی بهره هستند و باید خود غذای مانده شب گذشته را مصرف کنند.در ابتدا به کارگران اعلام میکنند که اضافه کاری اجباری نیست اما بعد از مدتی روشن میشود که به علت تقاضا باید اضافه کاری کنند.دستمزد کارگران در این واحد تولیدی حتی از اندازه های قانون کار بسیار فاصله دارد و ماهیانه حدود 150 هزار تومان برای کارگر ساده است که بعد از سه ماه پرداخت میشود و دستمزد کارگران را به گروگان میگیرند.کاربه صورت کنترات،قطعه کاری و درصدی است؛یعنی هرچه بیشترتولید کنند بیشتردریافت میکنند.صاحب کار که خانمی به اسم جباری است دو راه را سرراه کارگران گذاشته است یا دستمزد ماهیانه یا کار قطعه کاری که هر دو باهم برابرند. شرایط بیمه کارگران بدین گونه است که فقط 10درصد آن را کارفرما پرداخت میکند.شایان ذکر است که شدت کار به گونه ای است که بعضی از کارگران از هوش رفته و کسی حق رسیدگی به او را ندارد تا روند تولید متوقف نشود.درضمن هزینه تعمیرات چرخ خیاطی به عهده خود کارگران است.این واخر نیز صاحب کار از کارگران برای این استثمار شدید سفته میخواهد.

اخراج ۵ نفر از کارگران شرکت تعاونی ۱۶۳ سنندج

بنا به گزارش رسیده، شرکت تعاونی ۱۶۳ کارخانه آسفالت واقع در جاده سنندج کامیاران روز یکشنبه اول بهمن ماه ۱۳۹۱، پنج نفر از کارگران قراردادی خود را اخراج کرد.
اسامی ٤ تن از کارگران کارگران اخراجی عبارت است از: برهان ریاضی، محمد کریم زمانی ، فرشاد رسولی و چنگیز. لازم به ذکر است که این شرکت دارای ۷۰ کارگر می باشد و هر یک از این کارگران اخراجی از ۷ ماه تا دو سال در این تعاونی مشغول به کار بوده اند. این گزارش حاکی است که کارفرما قبلا به این کارگران قول داده بود که آنها را رسمی کند.
کمیته‌ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۱ بهمن ۱۳۹۱

عدم پرداخت کامل پاداش بهره وری به کارکنان غیررسمی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی

به گزارش پانانیوز،در دوم بهمن 91 آمده است : پس از سهمیه بندی هزینه نهار کارکنان غیر رسمی شرکت ملی پخش فرآورده‌های نفتی اخیرا پاداش حق الزحمه بهره وری هم به روش‌های جدید مهندسی مالی "تکه تکه" شده است و بخشی از این پاداش به کارکنان این مجموعه اختصاص یافته است.
این گزارش حاکیست،تماس مکرر کارکنان شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی نشان می دهد از مجموع پاداش 350 هزار تومانی حدود 220 تا 230 هزار تومان پاداش به کارکنان غیر رسمی اختصاص یافته است.
از سوی دیگر نوع برخورد واحد حقوق و دستمزد و مدیریت مالی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی با کارکنان این مجموعه هم بسیار تاسف برانگیز است. به طوری که حتی برخی از برخوردهای تحقیر آمیز بغض برخی از کارکنان را هم ترکانده است.
قابل یادآوری است، براساس اطلاعیه شماره 455260-28.1 مورخ 17/10/91 وزیرنفت پاداش بهره وری نیمه اول سال 91 به کارکنان قرارداد مدت موقت مبلغ 350000تعیین شده است.
اما بنا به آنچه که دررنج نامه تعدادی از کارکنان شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی آمده است،در این خصوص امور مالی شرکت ملی پخش به صورت سلیقه ای و خلاف اطلاعیه عمل نموده و اصلا جوابگو نیستند و اظهار می کنند که بابت روزهایی که کارکنان به مرخصی می روند و همچنین زمان عقد قرارداد نیروهای قرارداد مدت موقت با شرکت این مبلغ کسر شده است.
قابل توجه اینکه زمان قرارداد کلیه نیروها از تاریخ یک فروردین ماه سال 1391 بوده و در خصوص روزهای مرخصی نیز عطف به بند 2 نامه وزیر پاداش بهروه وری بدون ملحوظ داشتن مرخصی استعلاجی و استحقاقی قابل پرداخت است. حالا چرا شرکت ملی پخش خلاف این عمل میکند جای تعجب است!
شایان ذکر است با پیگیری‌های کارکنان شرکت ملی پخش نفتی از اداره تدوین مقرارات وزارت نفت و پالایش و پخش باید عین مبلغ 350000 تومان به تمامی کارکنان تعلق گیرد و این خلاف دستور العمل مقام عالی وزارت نفت می باشد.
دوم بهمن ماه 1391

برای گرفتن سابقهٔ بیمهٔ خود کارگران کوره‌پزخانه‌ها باید به دنبال کارفرمای ۴۰ سال قبل خود بگردند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ دوم بهمن 91 آمده است : رئیس انجمن صنفی کوره پزخانه‌های منطقه یافت آباد از بروز مشکل بیمه‌ای برای کارگران قدیمی کوره پزخانه‌های این منطقه انتقاد کرد.
پیروز چراغی در این باره به ایلنا گفت: وضعیت کارگران کوره پزخانه‌ها به جای بهتر شدن روز به روز بدتر مي‌شود. در حال حاضر به مشکل بزرگی برای رد نشدن سابقه بیمهٔ کارگران قدیمی کوره پزخانه‌ها توسط سازمان تامین اجتماعی بر خورده‌ایم. تامین اجتماعی از کارگران خواسته است سابقه بیمه‌شان را به تایید کارفرمایان سابق خود برسانند.
این فعال صنفی در توصیف وضعیت بیمه‌ای کارگران کوره‌پزخانه‌ها گفت: به دلیل ماهیت کار در کوره‌های آجرپزی که فصلی است، این کارگران معمولا با سوابق بیش از مدت معمول بازنشستگی مشمول این قانون مي‌شوند.
وی ادامه داد: برای مثال به کارگری که ۴۰ سال پیش کار مي‌کرده و الان برای گرفتن سابقهٔ بیمهٔ خود به سازمان تامین اجتماعی مراجعه کرده است مي‌گویند باید کارفرمایی که برایش کار مي‌کرده است وی را تایید کند. حال کارگران از کجا کارفرمای ۴۰ سال پیش خود را باید پیدا کنند مسئله‌ای است که مورد توجه دستگاه اداری تامین اجتماعی قرار نمي‌گیرد.
متاسفانه در میان کارگران اینطور شایع شده است که تامین اجتماعی کارگران را به دنبال «نخود سیاه» مي‌فرستد.
چراغی افزود: پرونده‌ای داریم که کارگری در سال ۸۹ در خواست بازنشستگی با ۱۰ سال سابقه کار و یک سوم حقوق داده است که تا به امروز به نتیجه نرسیده و این پرونده هنوز در

شعبهٔ اسلام آباد تامین اجتماعی مفتوح است.
رئیس انجمن صنفی کوره پزخانه‌های منطقه یافت آباد در پایان اظهار داشت: به نظر مي‌رسد این کارها همگی بهانه است. من به مسئولان سازمان تامین اجتماعی مي‌گویم که اینقدر کارگران را اذیت نکنید.

فقدان تجهیزات ایمنی و سقوط کارگر ساختمانی از ارتفاع 12 متری

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ دوم بهمن 91 آمده است : با سقوط این کارگر میلگردی در قسمت ران پای او فرو رفت و بشدت به وی آسیب رساند/ کارگران ساختمانی مي‌بایستی همواره در هنگام کار کردن بر روی اسکلت‌ها و ارتفاعات، از تجهیزات ایمنی که شامل کلاه ایمني، هارنس، طناب حمایت و مسیر عبور مطمئن جهت بالا و پایین رفتن مي‌باشد استفاده کنند.
کارگری بر اثر سقوط از ارتفاع ۱۲متری ساختمان در حال ساخت به شدت مصدوم شد.
به گزارش ایلنا، روز گذشته (۳۰ دی ماه) کارگری ۴۰ ساله به نام ایرج-ن در طبقه سوم یک ساختمان نیمه ساز در دربلوار کوهک مشغول کار کردن بر روی اسکلت فلزی بود که به دلیل نبود تجهیزات ایمنی و نداشتن مسیر عبور مطمئن در طبقات و همچنین نداشتن تعادل کافي، از ارتفاع ۱۲ متری به طبقه منفی دو سقوط کرد.
بر اساس این گزارش، با سقوط این کارگر میلگردی در قسمت ران پای او فرو رفت و بشدت به وی آسیب رساند.
بنا بر این گزارش، با ورود عوامل امداد و نجات قسمتی از میلگرد فرو رفته بر پای این کارگر را بریده و با استفاده از جرثقیل و برانکارد مصدوم را که در وضعیت مناسبی قرار نداشت از محل خارج کرده و تحویل امدادگران اورژانس دادند.
یکی از کارشناسان امداد و نجات در این زمینه تشریح کرد: مسئولان ایمنی و کارگران ساختمانی مي‌بایستی همواره در هنگام کار کردن بر روی اسکلت‌ها و ارتفاعات، از تجهیزات ایمنی که شامل کلاه ایمني، هارنس، طناب حمایت و مسیر عبور مطمئن جهت بالا و پایین رفتن مي‌باشد استفاده کنند و عدم استفاده از این تجهیزات مي‌تواند مخاطرات جدی برای کارگران در پی داشته باشد.

دو خبر از کارگران زندانی 2 بهمن ماه 1391

1- به قرار اطلاع ساعت 20 روز یک شنبه اول بهمن ماه بهنام ابراهیم زاده با تودیع وثیقه به مرخصی آمد.

2- مجمد جراحی با دست بند و پابند برای عکس برداری از غده تیروئید 'گردن به مراکز درمانی خارج بیمارستان منتقل شد. در بیمارستان برخورد بسیار خشونت بار و توهین آمیز نگهبانان با وی برای پزشکان و کادر درمانی سوال برانگیز بود به شکلی که وی برای آنان توضیح داده که چرا زندانی شده است.

با امید به آزادی بدون قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی از جمله فریبرز رییس دانا، شاهرخ زمانی، محمد جراحی، پدرام نصراللهی ، رسول بوداغی، کیوان صمیمی، مسعود باستانی، منیژه نجم عراقی، سروش ثابت، فریدون صیدی راد و ....

فراخوان به سمینار فعالین کارگری کمونیست

رفقای گرامی
چندین سال است که با جهانی سازی سرمایه داری - گلوبالیزاسیون - حمله به دستاوردهای سیاسی - اجتماعی ، فرهنگی ، بهداشتی و آموزشی طبقه کارگر ابعاد گسترده ای پیدا کرده است . محو تدریجی دستاوردهای کارگران مثل ساعات کاری ،

قراردادهای سفید دسته جمعی از طرفی و سرکوب تشکل های کارگری و عدم آزادی های سندیکایی از طرف دیگر، کارگران را در وضعیت انفجاری قرار داده است.
در خارج از کشور فعالیت های کمپینی زیادی برای همبستگی با کارگران ایران طی سال های اخیر سازمان داده شده است. ضمن ارج گذاری به این فعالیت ها، با توجه به اینکه عمدتا از ماهیت صنفی برخوردار بوده اند، امر همبستگی انترناسیونالیستی را نیز در حد مطالبات صنفی محدود کرده اند.
ما فعالین کارگری کمونیست در خارج از کشور بر این اعتقادیم که با توجه به اینکه طبقه کارگر نه تنها امر رهایی طبقه خود بلکه رهایی کل جامعه را از شر سرمایه داری به عهده دارد، بنابراین امر همبستگی بایستی در ابعاد سیاسی آن نیز به پیش برده شود. به همین جهت برگزاری سمیناری را در این راستا جهت سازماندهی یک تشکل کارگری کمونیست در خارج از کشور ضروری می دانیم و از فعالین کارگری کمونیست دعوت می کنیم که ما را در پیشبرد این امر یاری رسانند.
جمعی از فعالین کارگری کمونیست
یکم بهمن ۱۳۹۱ برابر با بیستم ژانویه ۲۰۱۳
برای مکاتبه با ایمیل زیر تماس بگیرید:
falynkargaykomunist@yahoo.com

منصور اسالو از ریاست سندیکای کارگران شرکت واحد برکنار شد

برپایه نوشته سایت اخبار روز در دوم بهمن 91 آمده است : سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، در نامه ای خطاب به فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل اعلام کرده است که منصور اسالو از ریاست هیات مدیره ی این سندیکا برکنار شده است. رونوشت نامه ی کارگران شرکت واحد به سازمان جهانی کار (ILO)، کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری (ITUC)، کنفدراسیون کارگران فرانسه (CGT) و کلیه اتحادیه ها و نهادهای کارگری داخلی و بین الملل ارسال شده است.
در نامه ی مذکور که در سایت این سندیکا درج شده، آمده است:

از: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
به: فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF)
موضوع: برکناری منصور اسالو از ریاست هیئت مدیره سندیکا

احتراما"، سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اعلام می دارد؛
منصور اسالو را به علت انجام تخلفات متعدد و عدم پایبندی به تعهدات خود و نادیده گرفتن هشدارها و اعتراضات درونی سندیکا، از ریاست هیئت مدیره برکنار کرده و از این تاریخ هیچگونه سمت و مسئولیتی در این سندیکا ندارد و از آن نهاد کارگری خواستار قطع همه ارتباطات، همکاری ها و حمایت ها از نامبرده می باشد.
یادآوری می شود سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هیچ نماینده و سخنگویی در خارج از کشور ندارد.

با امید به گسترش صلح، عدالت و صداقت در همه جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه
دوم بهمن یک هزاروسیصد و نود و یک

سوالهای پیش روی سندیکای شرکت واحد

برپایه خبر انعکاس یافته در سایت اخبار روز آمده است : امروز بر روی وبسایت رسمی سندیکای شرکت واحد خبر اخراج منصور آسانلو از ریاست هیئت مدیره این سندیکا منتشر شد.

اگر فرض را بر این بگیرم که این وبسایت هک نشده است! سندیکا باید به دو سوال اساسی جواب دهد.
از سال 2005 بعد از یک وقفه طولانی سندیکای شرکت واحد با تلاشهای پیگیر منصور آسانلو و عده ای دیگر بازسازی شد. از آن سال عده ای زیادی از رهبری این سندیکا بارها به زندان افتاده اند، که مشهور ترین آنها منصور آسانلو (رهبر تا دیروز این سندیکا است). منصور آسانلو بارها مورد تهدید نیروهای لباس شخصی قرار گرفت که فیلم های منتشر شده از این تهدید ها و برخوردهای فیزیکی در اینترنت منتشر شده است.
در خارج از ایران حمایتهای وسیعی از سندیکا و شخص آسانلو در این هشت ساله صورت گرفته است، از فدراسیون سراسری کارگران حمل و نقل گرفته تا احزاب چپ ایرانی و غیر ایرانی بارها به جمهوری اسلامی به خاطر زندانی کردن عده ای از رهبری این سندیکا و بخصوص شخص آسانلو اعتراض شده است
اما امروز بدون هیچ مقدمه ای سندیکای شرکت واحد اطلاعیه می دهد که آسانلو اخراج شده است! تا اینجا اگر در یک جلسه ای قانونی صورت گرفته باشد اشکالی ندارد. اما در ادامه اطلاعیه از فدراسیون سراسری کارگران حمل نقل خواسته می شود که دیگر از آسانلو حمایت نکنند! اگر سندیکا دلایل قانع کننده ای را رو نکند باید در حسن نیت آنها شک کرد!
لذا سندیکا باید توضیح دهد چرا آسانلو اخراج شده است؟
چرا دیگر نباید از او حمایت کرد؟
در غیر این صورت هیچ کس این اطلاعیه را جدی نخواهد گرفت
عباس رضایی
22ژانویه 2013

از : محمود کنارکی (کارگر هفت تپه)
عنوان : به آقا یا خانم معنا
در مثل مناقشه نیست اما تو که یک جوالدوز به دیگران می زنی یک سوزن هم به خودت بزن. تو با بی شر... هر چه تمام تر اعضای هیئت مدیره خوشنام سندیکا را متهم به جاسوسی برای امنیت خانه وزارت اطلاعات می کنی و از غیر شفاف بودن بیانیه روضه میخوانی و مدعی میشوی که باید همه چیز روشن باشد و همه اعضای مدیران سندیکا را تهدید به افشاگری کذائی می کنی بعد در همین حال خودت از گذاشتن نام واقعی ات در یک کامنت ساده عاجز هستی. نه برادر! شتر سواری دلا دلا نمی شود. ابتدا نام مبارک را بنویس و بعد فعالان کارگری را تهدید کن. از تهدیدت خنده آمد مرد را. چنان سخن گفتی از اسرار مگو که فکر کردم به اسرار محرمانه وزارت خانه دسترسی داری معنا جان.
از عزیزان سندیکا میخواهیم ضمن خویشتنداری با صبوری اقدام به شفاف سازی کنند.
۵۱۰۱۸ - تاریخ انتشار : ۵ بهمن ۱۳۹۱

از : لیثی حبیبی - م. تلنگر
عنوان : سلام دوستان. این اطلاعیه نه فقط کافی نیست، بلکه کمی مشکوک است. چون جهان اینترنت است و همه جور ترفند
آنجا یافت می شود. ای کاش دوستان عزیز در این مورد توضیحات کافی می دادند و همه چیز را روشن می ساختند. خیلی عذر می خواهم که این جمله را بکار می برم، ولی برداشت واقعی من همین است که می نویسم: از متن این اطلاعیه بوی کودتا می آید. از نظر من هیچ اشکالی ندارد که منصور اسانلو برود و یکی دیگر جایش بنشیند. این امر خیلی عادی است. امروز یکی را انتخاب می کنند، فردا به هر دلیلی با رای برش می دارند و کس دیگری به جایش می گذارند. و هیچ اشکالی هم ندارد. زیرا هدف خدمت است و این پست ها جاودان نیست. ولی شیوه باید دمکراتیک باشد. یعنی باید رای گیری انجام شود و بر مبنای همین رای ها تصمیم گرفته شود. در این مورد باید گزارش دقیق تهیه شود.
یعنی باید به مردم ایران گزارش داده شود که در روز فلان ساعت فلان رای گیری به عمل آمد و فلان شخص برداشته شد و کس دیگری بجایش گذاشته شد. و نام شخص

جدید نیز باید به روشنی بیان شود. این است شیوه ی کار.

از این اطلاعیه ی شما عزیزان بوی دعوا می آید و کمی هم مشکوک است. زیرا نه فقط گزارش پروسه ی کار دیده نمی شود. بلکه حتی فامیلی منصور اسانلو را غلط نوشته اند. و همین بر تردید من می افزاید. چطور شما که عمری با هم کار کرده اید، شکل نوشتن فامیلی هم را نمی دانید!؟

به نظر می رسد نیرویی دارد از درون می زند. فراموش نکنیم وقتی که می خواهند بزنند نه فقط لباس ترا می پوشند، بلکه دو آتشه طرفدار تو نیز می شوند؛ در حالی که نمی خواهند سر به تنت باشد.
و «تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل».
قبل از هر چیز باید دقیق شود که آیا سایت سندیکا هک نشده.
یعنی آنچه به نام سندیکا می آید واقعی است. اگر جواب مثبت باشد، آنوقت باید عزیزان گزارش کامل از رای گیری و شیوه برکناری صادر کنند. این یک دعوای شخصی نیست. موضوعی همه ایرانی و حتی جهانی می باشد. پس باید همه ی گوشه های کار دقیق شود و هیچ ابهامی نباید بر جای بمانَد. در غیر این صورت، آن مرکز را می توان یک مرکز فرماندهی نامید و نه سندیکا.
با احترامات ویژه
لیثی حبیبی - م. تلنگر
۵۱۰۰۹ - تاریخ انتشار : ۴ بهمن ۱۳۹۱

از : ونداد اولادعظیمی
عنوان : نیاز به اظهار نظر صریح
منصور اسانلو شخصیتی نیست که حتی در صورت تخلف احتمالی با چنین اطلاعیه ای مبهم ؛ از کار برکنار شود . کاش در این خصوص رفع ابهام شده و صراحتا موارد تخلف که جهت این تصمیم شده ؛ اعلام شود .
۵۱۰۰۵ - تاریخ انتشار : ۴ بهمن ۱۳۹۱

از : معنا
عنوان : انگیزه شما چیست؟
حضرات محترم صادر کننده اطلاعیه!
شما اول باید به مردم توضیح بدهید یا به فلان محفل بین المللی نامه بنویسید؟ آن هم با این لحن زننده و بی نزاکت در مورد اسالو؟
من توضیح خواستم. ندادید.
قرائنی دیگر هم در دست است که به من می گوید به احتمال زیاد، سندیکا دارد قربانی دعوا های یکی دو نفر از به قول خودشان «تئوریسین» ها !! می شود که به دنبال اسم و رسم و خود را مطرح کردن هستند، و در این راه از کارگران، به ناجوانمردانه ترین وجهی سوء استفاده می کنند.

مگر به همین کشکی است؟ مگر دوستداران مردم خواهند گذاشت که آن ها این کار را انجام بدهند؟

من با توجه به بعضی دانسته های دیگر، حدسیاتی می زنم که فعلاً برای خودم نگاه می دارم. اما در صورت عدم توضیحات شفاف شما از طریق سایت های معتبر به مردم، آن حدسیات را با همه در میان خواهم گذاشت.
نمی شود به همین مفتی اعتبار مبارزات کارگران ایران را به بازی گرفت.
این را خوب است همه بدانند. مخصوصاً بعضی ها که...
۵۱۰۰۴ - تاریخ انتشار : ۴ بهمن ۱۳۹۱

از : علی کارگر
عنوان : تحرکی دیگر از وزارت اطلاعات در درون سندیکا ی شرکت واحد
کسانی که نامه پراکنی می کنند آیا اطلاع ندارند که طبق همه اساسنامه های تشکل های صنفی فقط مجمع عمومی حق اخراج اعضای یک تشکل را دارد .دوم از کی تا حالا به خودتان این اجازه را می دهید که با دست گرفت سایت و یک دسته سربرگ سندیکادرگیری های داخلی صنف را بین المللی کنید؟سوما مرکز هدایت این جریان همان جریانی است که سندیکا را در آخرین گردهمایی اش که اسانلو در زندان بود با طرح اعتصاب رانندگان شرکت واحد به کمین نیروهای امنیتی فرستاد وفرصت ضربه را به سلاخان حکومت داد که بعد از دستگیری گسترده و متلاشی کردن تشکیلات سندیکا صد ها نفر را زندانی وبیش از یک هزار نفر از اعضای سندیکارا به منجلاب بدبختی بکشانند.
سندیکا ارث و میراث فردی کسی نیست که بخواهید آن را تقسیم کنید ، چنین تحرکاتی فقط از نیروهای امنیتی حکومت ساخته است ،فعالان سیاسی ،اجتماعی و کارگری ایران چه در داخل کشور و چه در خارج ایران ازنیرو های خالص سندیکا می خواهند با مبارزه علیه عناصر نفوذی اطلاعات و نیرو های ضد تشکیلاتی قدرت طلب ،از موجودیت و حیثیت سندیکای شرکت واحد دفاع کنند و مسایل صنفی و تشکیلاتی را در محافل داخلی خود حل و فصل نمایند.برای پایداری سندیکا وخنثی کردن عناصر نفوذی وزارت اطلاعات دوچندان تلاش کنید که فردا دیر است.اتحاد شما رمز پایداری وسرافرازی شماست و تفرقه ریشه شکست و بی اعتباری شما.
۵۱۰۰۰ - تاریخ انتشار : ۳ بهمن ۱۳۹۱

از : معنا
عنوان : طرفین لطفاً توضیح دهند
چه خبر است آنجا؟ لطفاً طرفین قضیه به مردم توضیح دهند. چرا اینطور در ابهام رفتار می کنید؟ این چه معنایی دارد؟
۵۰۹۸۸ - تاریخ انتشار : ۲ بهمن ۱۳۹۱

پیرامون اطلاعیه ای ابهام انگیز مربوط به "برکناری" منصور اسانلو
اکبر تک دهقان

بر پایه مطلب در یافتی در تاریخ 3 بهمن 91 آمده است : در روز 2 بهمن 1391- 22 ژانویه 2013، سایت اینترنتی سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، طی اطلاعیه ای از "برکناری" رئیس هیئت مدیره این سندیکا منصور اسانلو از پست خود، خبر داده است. سایت فوق کمتر از ساعتی پس از آن اطلاعیه دیگری را، پیرامون "عیادت" اعضاء هیئت مدیره از رضا شهابی زندانی در حال مرخصی عضو هیئت مدیره این سندیکا در همین روز، درج نموده است.
مسئله ای که اطلاعیه مورد ذکر را ابهام آمیز میسازد، عدم خطاب آن به اعضاء این سندیکا، کارگران و مردم ایران است. در حالیکه تحولی در این سطح که به چهره ای مشهور در جامعه ایران برمیگردد، قبل از همه به هزاران عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، و نه به سازمان جهانی کار و نظایر آن مربوط است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، از سوی کارگران و کارکنان این مؤسسه ایجاد شده و هیئت مدیره تشکل فوق، در برابر اعضاء آن و نه سازمان جهانی کار، پاسخگو است.
خبر منتسب به سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، همچنین به این موضوع که طی کدام نشست هیئت مدیره و با حضور چه میزان از اعضاء این ارگان، چنین تصمیمی اتخاذ شده، اشاره ای نکرده است- نمیتوان رئیس یک نهاد بزرگ اجتماعی را برکنار ساخت، اما چند و چون اتخاذ چنین تصمیمی را اعلام نکرد. از این گذشته، اطلاعیه فوق به مضمون و سابقه وجود اختلافات در میان مسئولین آن، و اینکه دقیقاً "تخلفات" رئیس هیئت مدیره آن شامل چه مواردی میگردد نیز نپرداخته است. محتوای اعلامیه صادره در کنار موارد

مطرح شده، نمیتواند بدون اظهار نظر و واکنش منصور اسانلو نیز از قطعیت لازم برخوردار گردد.
اطلاعیه مورد بحث، به دلایل ناروشنی به تلاشها و فداکاریهای رئیس هیئت مدیره این سندیکا در تشکیل و ادامه حیات آن اشاره ای ننموده، حتی از سازمانهای بین المللی مورد خطاب خود درخواست کرده، از منصور اسانلو "حمایت" نکنند!؟
بجز چند سایت متعلق به جریانات محفلی، تاکنون هیچیک از سایتهای مؤسسات خبری حرفه ای فارسی زبان در خارج، این خبر را- احتمالاً بدلیل غافلگیرانه بودن و ابهامات متعدد-، درج نکرده اند.
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، در شرایط بسیار سختی فعالیت کرده، هنوز از حداقل رسمیت قانونی برخوردار نبوده، و مجاز به برگزاری مجمع عمومی خود نیست. تاکنون دهها نفر از اعضاء این سندیکا دچار محرومیتهای متعدد شغلی و اجتماعی گردیده، اکثریت اعضاء هیئت مدیره و فعالین اصلی آن، مداوماً تحت سرکوب پلیسی، بازداشت و تحمل شرایط غیرانسانی در زندانهای رژیم ضدمردمی حاکم قرار داشته اند. فشارهای طاقت فرسای سیاسی، مالی و انسانی، مطمئناً به ظهور اختلافات فکری، و یا به بروز کم اعتمادی و سوء تفاهمات شخصی میان برخی از مسئولین این نهاد مستقل کارگری منجر شده است. این معضلات غیرقابل اجتناب بویژه در شرایط کاهش مبارزات سیاسی در جامعه، میتوانند تنها از طریق نگرش همه جانبه، ریشه یابی صبورانه، تقویت تحمل پذیری و اعتماد متقابل، و توسل به روشهای دموکراتیک حل و فصل گردند.
آنچه مسلم است، موقعیت این سندیکا در میان اعضاء آن و جامعه ایران، تحت هیچ شرایطی نباید تضعیف گردد.
البته تجدید نظر در تصمیمات اتخاذ شده مسئولین سندیکاها و نهادهای اجتماعی مشهور در جوامع دموکراتیک، بهیچوجه امری غیرعادی نیست. برخی از تصمیمات و مصوبات مهم اتحادیه های بزرگ کارگری، در اثر ارزیابی دقیق تر از عواقب آنها، بررسی انتقادات، کار فکری بعدی و مشورت بیشتر با اعضاء اتحادیه ها، توسط مسئولین آنها تغییر یافته اند. از این رو، اطلاعیه صادره از سوی هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، هنوز نمیتواند بمثابه تصمیم نهایی و خراب شدن همه پلهای پشت سر برای طرفین اختلافات محسوب گردد.
تجارب تاکنونی از فعالیتهای سازمانهای سیاسی ایرانی نشان میدهند، تصمیم گیریهایی که با بررسیهای کافی صورت نگرفته اند و یا از شرایط احساسی، لحظات استثنایی، موارد حاشیه ای، سوء ظن های اثبات نشده، علائق شخصی و دخالتهای افراد غیرمسئول تأثیر گرفته باشند، تنها بطور موقتی باعث از سر گذراندن یک بحران و ایجاد یک وحدت ظاهری گشته اند. بحران تشکیلاتی پس از دوره ای اما، بعضاً حتی مدتی کوتاه و اینبار با قدرت تخریبی بیشتری، بازگشته است.
توضیحات
نشانی محل درج اطلاعیه مورد بحث:
http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=403&Itemid=10
نشانی محل درج خبر دیدار اعضاء هیئت مدیره با رضا شهابی:
http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=404&Itemid=9

در خارج از کشور، بلافاصله چندین سایت متعلق به عناصر محفل باز، این خبر را بدون توجه به موارد بالا، نظیر یک اتفاق هیجان انگیز رسانه ای- با هدف کسب مقام اول در انتشار آن!-، بازتکثیر نموده اند. یکی از افراد وابسته به این طیف، "نیمه شب نوشته ها" ی خود را فوراً به این مسئله اختصاص داده، و طی آن از برخی مسائل پشت پرده که کسی از آنها اطلاعی ندارد نیز خبر داده، بر حدت ماجراسازی و نان خوردن از یک رویداد احتمالی تأسف انگیز افزوده است. در منبع مزبور، نویسنده به مسائلی نظیر خروج منصور اسانلو از کشور، و احتمالا نقش این اقدام در"برکناری" او میپردازد. معلوم نیست برخی از مردم، از چه طریقی و به چه

منظوری در جریان چنین مسائلی قرار میگیرند؟! مطلع شدن محفل بازان از اختلافات درونی هر سازمان و تشکلی، بیان سطح معینی از تمایل به دخالت و دامن زدن به این اختلافات هم هست.
دخالتهای جریانها و عناصر خارج از سندیکا در امور داخلی آن، بمنظور تقویت و یا تضعیف گرایشهای معینی و تأثیر گذاری بر نحوه موضع گیریهای روزمره آن، امری مولد نبوده، بر انبوه معضلات بعضاً لاینحل این سازمان اجتماعی دموکراتیک افزوده است.
سایت اینترنتی سندیکای شرکت واحد، یک ساعت پس از انتشار اطلاعیه فوق، اطلاعیه دیگری را مبنی بر "عیادت" اعضاء هئیت مدیره این سندیکا از رضا شهابی، در همان روز و در محل سکونت او، منتشر ساخته است. پس بشرط موثق بودن اطلاعیه مزبور و با یک حساب ساده، این "عیادت" چیزی جز نشست اعضاء هیئت مدیره، برای تعیین تکلیف با منصور اسانلو، نبوده است. اگر این ملاقات، حقیقتاً یک نشست رسمی هیئت مدیره سندیکا محسوب میگردد، پس میتوانست چنین موضوعی و تاریخ برگزاری نشست هم، در اعلامیه مورد بحث ذکر گردد.

همکاری مهدی کوهستانی با مرکز همبستگی آمریکایی
رضا مقدم

20 ژانویه 2013

انتشار شرحی از گفتگوهای رضا شهابي، مسئول مالی سندیکای کارگران واحد با فعالین جنبش کارگری که از سراسر ایران به دیدارش می روند مجددا بر مخالفت با مرکز همبستگی آمریکایی (سولیداریتی سنتر) و مهدی کوهستانی تاکید گذاشته است. رضا شهابی در دیدار با فعالین جنبش کارگری از جمله بر مخالفت با مرکز همبستگی آمریکایی (سولیدارتی سنتر) تاکید می کند و راههای نفوذ این مرکز را برای مهمانان خود شرح می دهد. محمد قراگوزلو که همراه با تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی (محمد عبدی پور، عمر مینایي، رحمان ابراهیم زاده، نظام قوامی) به دیدار رضا شهابی رفته بود مختصری از صحبتهای رد و بدل شده را منتشر کرده و مهدی کوهستانی در نوشته ای با نام "قراگوزلو تشکر لازم نیست، بی سند مطلب ننویسید" ادعا کرده که "اصلا مدرک شما در مورد ارتباط اینجانب با سولیداریته سنتر کجاست که تا کنون من از آن خبر ندارم."
در بهمن ماه 1387 نهادهای همبستگی با جنبش کارگری ایران جلسه ای در پالتاک برگزار کردند و سیامک موئد زاده (وارتان) در جزئیات توضیح داد که چگونه مهدی کوهستانی وی را به مرکز همبستگی آمریکایی (سولیدارتی سنتر) وصل کرده است. هفت نوار این جلسه احتمالا هنوز در سایت نهادهای همبستگی موجود است. (برای شنیدن نوارهای این جلسه همچنین می توانید به سایت اتحاد سوسیالیستی کارگري، ستون فایلهای صوتی رجوع کنید و متن پیاده شده آن نیز ضمیمه این مطلب است) آیا مهدی کوهستانی فراموش کرده که سیامک موئد زاده را به سولیداریتی سنتر وصل کرده است؟ آیا از برگزاری این جلسه در سال 1387 و اینکه وارتان تمام ماجرا را شرح داده بی اطلاع است؟
مهدی کوهستانی نوشته است که اصل بر برائت است. از نظر حقوقی قطعا چنین است. اما با شهادت 4 سال قبل سیامک موئد زاده که هنوز هم مورد تکذیب مهدی کوهستانی قرار نگرفته، ایشان همکار سولیداریتی سنتر است. نزد انقلابیون که مهدی کوهستانی تعلق به آنها ندارد علاوه بر اصل بر برائت است اصل بر صداقت هم هست. به همین دلیل نمی شود از مهدی کوهستانی خواست که بگوید که در خارج کشور بجز سیامک موئد زاده چه کسان دیگری را به سولیداریتی سنتر وصل کرده است. همکاران سولیداریتی سنتر روی عمر رژیم اسلامی زیادی حساب باز کرده اند. دور نیست که رژیم اسلامی برود و فعالین این مرکز، مدافعان و روشهایشان برای عموم کارگران ایران برملا شود.
در این باره باز هم خواهم نوشت.

ضمیمه :

شهادت سیامک موئد زاده (وارطان) در مورد تماس سولیداریتی سنتر از طریق مهدی کوهستانی با وی در جلسه "افشای همبستگی آمریکایی وعوامل آن برای نفوذ در جنبش کارگری ایران ده نهاد همبستگی باجنبش کارگری ایران در خارج کشور- قسمت اول"
بهمن 1387 - فوریه 2009
با سلام به همه عزیزان و خوشامد به شما و تشکر از رفقای برگزار کننده این برنامه. با اجازه تان مقدمتا یک توضیحی را خدمتتان عرض کنم که، قبل از هر چیز لازم می دانم انگیزه خودم را از طرح این مسائل با شما در میان بگذارم. ببینید با اوضاع آشفته ای که حول مسئله مورد بحث ما در این روزها بوجود آمده که افراد و گروه های مختلف با ادعاها، اتهامات، برچسب ها، شایعات، نامه ها، اطلاعیه علیه همدیگر یک فضای جنجالی بوجود آوردند که اصل قضیه در حقیقت در آن لوث شده و شاهد انعکاسات و اثرات منفی آنهم متاسفانه هستیم.
من چون در متن قضایا نیستم نه می توانم آنها را تائید کنم و نه تکذیب. من فقط حرف خودم را می زنم. به نظر من طرفین این دعوا هر دو هم می توانند نیت خیر داشته و هدفشان خدمت به جنبش کارگری باشد، ولی از دو زاویه مختلف، و همین که مسائل شخصی و گروهی بمنظور تخریب یکدیگر باشد.
گروه اول می تواند از موضع مثبت به منظور جلوگیری از نفوذ عوامل مثلا سولیداریتی سنتر و بالا بردن هشیاری کارگران، خواهان اجرای این مسائل باشد؛ در ضمن این که این خواست می تواند به منظور خراب کردن رقیب، مانع از رشد و مطرح شدن او هم باشد، و یا برای رادیکال و منزه نشون دادن خودش باشد.
گروه دوم ممکن است به این دلیل که طرح این مسائل ممکن است موجب تفرقه و تضعیف جنبش کارگری بشود، و یا رژیم از آن بهره برداری کند، مایل به طرح این مسائل نباشد؛ و یا اینکه برای حفظ خودش و ادامه پروژه نفوذ در جنبش، و خودش را هم سالم نشان دادن، مخالف طرح این مسائل باشد. در هر حال حرف ها و شهادت های من می تواند مورد بهره برداری و یا سوء استفاده این یا آن جریان و یا حتی رژیم قرار بگیرد.

آیا به صرف این امر باید سکوت کنم و یا حقایق رو کتمان بکنم؟ نه! من بعد از وقایع درون شرکت واحد و سپس اخباری که در مورد تلاش برای نفوذ در سندیکای هفت تپه رسید، احساس کردم که خطر جدی است، و وظیفه خودم دانستم که تجربه مستقیم خود را علنی کرده در اختیار فعالین کارگری ایران در داخل و خارج قرار بدهم. پذیرفتن یا نپذیرفتن، قبول یا رد این شواهد با خود این عزیزان است. من نه مرعوب آن نظراتی می شوم که خواهان انصراف من بودند، بهمان دلایل که عرض کردم، و نه شیفته تشویق و تائید بعضی از رفقا. این را عرض کنم خدمتتان، در این فاصله دو سه هفته اخیر از سمینار قبلی گویا من مرکز دنیا شده بودم و مرتب تماس های مختلف، تلفن و یا ای میل از طرفین متخاصم که بعضی ها با صمیمیت و با محبت در حد تشویق، تائید و رهنمود می دادند و خواهان بودند که جلسه برگزار بشود. بالعکس دوستانی که به هر دلیل و به سبب مناسبات دوستی و روابطی که با هم داشتیم تلاش می کردند مرا منصرف کنند و هشدار می دادند، و غیره و غیره، که این برنامه در حقیقت برگذار نشود. گویا پالتاک هم امشب دستی در این ماجرا داشته که با اخلالاتی سعی در تاخیر جلسه دارد*. بگذریم!
شنیده بودم که خود آقای مهدی کوهستانی هم مایل هست که در این جلسه حضور داشته باشد. من واقعا خوشحال می شوم و امیدوارم که ایشان در اینجا باشد تا چنانچه من حرفی به خطا گفتم، و یا موردی از نظر ایشان واقعیت نداشت یا من چیزی را فراموش کرده بودم، همین جا مچم رو بگیرد و تصحیح کند، انتقاد کند، رد بکند؛ و از مجریان برنامه هم تقاضا می کنم اگر حضور داشتند و خواستند صحبت کنند حق دموکراتیک و انسانی شان رعایت بشود و به ایشان فرصت داده بشود که حرفهایشان را بزنند.
اشاره ای بکنم به سابقه آشنائی با آقای مهدی کوهستانی نژاد. از سال 1996 حدودا - به دلیل جوانی حافظه ام زیاد دقیق نیست! - حدودا سال 1996 در رابطه با انتشارات سوگله که من یکی از گردانندگانش بودم و پخش کتابهای ما که مستقیما از طریق دوستان و آشنایان پخش می کردیم در آن زمان، با ایشان آشنا شدم، که محبت کرده بودند و در پخش کتابهای ما در کانادا تا حدودی همکاری می کردند، و انصافا بگویم بد حساب هم نبود ایشان. در ادامه

این روابط ، در رابطه با مبارزات جهانی علیه گلوبالیزاسیون و اجلاسهای G8 و سازمان تجارت جهانی و غیره با هم در رابطه بودیم و ایشان برای من اخبار، گزارشات و ویدئو میفرستاد، و منهم متقابلا اخبار اروپا را با ایشان در میان می گذاشتم. بعد یک پروژه ترجمه آثار مارکس داشتیم که مقداری در این زمینه هم ایشان با من همکاری کرد و بعد با متوقف شدن این پروژه حدود دو سال یا دو سال و نیم دقیقا ارتباطی با هم نداشتیم. یعنی مورد مشخصی نبود که ضرورتی برای تماس باشد. اوایل سپتامبر 2006 که کانونهای همبستگی با کارگران ایران در آلمان شکل گرفته بود و مطرح شده بود، بخصوص در هامبورگ، که نشریه ماهانه آلمانی زبان آربایتر نیوز (اخبار کارگری) از ایران منتشر می کردیم، یا روزشمارهای کارگری که شامل مبارزات کارگران در طول یکسال بصورت کرونولوژی بود و یا روزشمار حوادث محیط کار، همچنین در ارتباطات با مجامع کارگری و چپ آلمان فعال شده بودیم و بیشتر شناخته شده بودیم، ایشان با من تماس تلفنی گرفت و ضمن تشویق و تایید و تبریک فعالیت های ما و ضرورت تحکیم و گسترش آن به سراسر آلمان و سایر کشورها مطرح کرد که "ولی با دست خالی نمیشود کار زیادی کرد. این فعالیتها احتیاج به بودجه مالی دارد که شما ندارید. باید از امکانات بین المللی استفاده کرد، با مجامع کارگری رابطه گرفت. من رئیس DGB (1 را می شناسم، دوست من است. من می توانم شما را به او معرفی کرده تا محل و امکانات بگیرید، من با رهبران مجامع کارگری بین المللی در رابطه مستقیم هستم و دائم به کشورهای آسیایی و امریکای لاتین و اروپا سفر می کنم. می توانم بودجه ای برای فعالیتهای شما تامین کنم و روابطتان با این مجامع گسترده تر بشود". من بنا بر شناخت و اعتمادی که به او داشتم استقبال کرده ولی اقدام به آن را موکول کردم به این که موضوع را با رفقای آلمان مطرح کنم و با توافق آنها شروع به برنامه ریزی کنیم. من ابتدا در واحد هامبورگ، سپس در اولین نشست واحدهای آلمان گزارش این گفتگو و امکانات مطرح شده و سوابق آشنائی ام با مهدی را مطرح کردم که مورد تایید و استقبال قرار گرفت، و به پیشنهاد من قرار شد یک بار از مهدی دعوت کنیم که در حضور جمع آلمان نظرات و پیشنهاداتش را مشخص تر مطرح کند. در تماس بعدی مهدی این پیشنهاد را پذیرفت ولی آن را موکول کرد به بعد از سفرش به هند یا اندونزی - دقیقا یادم نیست - و اینکه احتمالا در برگشت به آلمان بیاید و دیداری با هم داشته باشیم. ضمنا سوال کرد، دقت کنید! سوال کرد، که "خانمی برای آربایتور نیوز نامه ای نوشته و گویا امکاناتی برای ترجمه به انگلیسی و انتشار وسیع آن دارد. چرا جوابش را ندادید؟" من اظهار بی اطلاعی کردم و گفتم از ایشان بخواهید مجددا بفرستد و محض محکم کاری کپی آن را به آدرس خودم هم بفرستد. چند روز بعد ای میلی از آن خانم بنام فرزانه داوري، فقط به آدرس خودم و نه به آدرس آربایتور نیوز، رسید که او هم مفصلا کار آربایتور نیوز را تایید و تشویق و لزوم پخش وسیع آن به انگلیسي، امکاناتی که دارد و غیره را مطرح کرد. شماره تلفن را هم خواسته بود. من متن این نامه را به اطلاع رفقای هامبورگ رسانده، بعد هم ایشان تلفنی با من تماس گرفت، و در عرض دو سه هفته چندین بار با من تماس گرفت، و بسیار صمیمی و خودمانی شد و از فعالیت و امکاناتش و ارتباطاتش با محافل کارگری آمریکا صحبت کرد. از جمله اطلاع داد که با سولیداریتی سنتر که نهاد مستقلی است کار می کند که من تا آنموقع اسمی از آن نشنیده و آن را نمی شناختم؛ همچنین گفت همسر شمس لنگرودی است، که بعدا معلوم شد سالهاست از او جدا شده و تنها خواسته از نام او برای جلب اعتماد بخودش سوء استفاده کند. طی این تماس ها برنامه ریزی منظمی برای انتشار همزمان آربایتورنیوز به آلمانی و انگلیسی ریخت. همینطور در یکی از این تماس ها از من خواست که به دعوت سولیداریتی سنتر سفری به آمریکا بکنم، هم برای معرفی نهادهای کارگری آلمان و هم معرفی به اتحادیه های کارگری آمریکا و آمریکای لاتین. من مجموعه این مذاکرات، پیشنهادات و برنامه ها را در جلسه بعدی نهادهای آلمان مطرح کردم. از آنجا که هنوز رفقای آلمان هم شناختی از سولیداریتی سنتر نداشتند، همه تائید کرده و من پای اجرای این برنامه ها رفتم. و اولین مطالب شماره بعدی را هم برای آن خانم فرستادم، و مشغول تدارک سفر هم شدم. در این زمان در پاسخ نامه ای به رفیقمان یدالله خسرو شاهی از فعالین اتحادیه بین المللي، که از اوضاع و فعالیت هایمان پرسیده بود اختصارا به این ارتباطات با مهدی کوهستانی و فرزانه داوری و برنامه آربایتور نیوز و سفرم به آمریکا به دعوت سولیداریتی سنتر و غیره اشاره کردم، که او بلافاصله با من تماس گرفت و هشدار داد که "حواست جمع باشد! در تله

افتادی"، و سولیداریتی سنتر و ماهیت آن را و وابستگی اش را به CIA توضیح داد، و این که "فرزانه کارمند سولیداریتی سنتر است و رسما با آنها کار میکند و این ها تلاش های زیادی کردند که در جریانات فعال کارگری در داخل نفوذ کنند، موفق نشدند. در خارج هم چند جا رابطه برقرار کردند که آنها جواب رد دادند. حالا سعی کردند از طریق شما وارد ماجرا بشوند". یدالله سپس ترتیب جلسه مشترکی با یکی دیگر از رفقای لندن داد که اطلاعات بیشتری در مورد سولیداریتی سنتر بمن دادند. بطور ضمنی به مهدی اعتراض کردند که برای جاه و مقام و پول چه کارهایی که نمی کند.
آن موقع هنوز مهدی اخراج نشده بود. تاریخ نامه من به یدالله اول نوامبر 2006 بود. تاریخ اخراج مهدی از اتحاد بین الملل 19 دسامبر 2006 بود، که بعدها یدالله بمن گفت "یکی از دلایل عمده اخراج مهدی همین برنامه ای بود که از طریق تو میخواست برای شماها پیاده کند". منظورم این است که من تحت القائات یدالله با مهدی در نیفتادم بلکه بعکس برنامه او برای من موجب اخراجش شد. من با این توضیحات یدالله و آن رفیقمان یک لحظه تصور کردم که ممکن است با مهدی اختلافاتی دارند و میخواهند او را خراب بکنند، و با تردید به نظرات و اطلاعاتشان برخورد کردم. محض اطمینان در تماس با رفقای قدیمی آمریکا برای هماهنگ کردن برنامه سفرم و جلساتی هم با آنها داشتن، راجع به سولیداریتی سنتر و آن خانم از آنها پرسیدم که همگی تائید کردند که سولیداریتی سنترسازمانی موازی CIA برای نفوذ در جنبشهای کارگری جهان است، از جمله نقش موثرش در ماجرای لهستان، و بودجه اش از محل سازمان اوقاف آمریکا تامین میشود؛ آن خانم کارمند رسمی سولیداریتی سنتر است و آدم جنجالی است؛ همه جا خودش را مطرح می کند، در تظاهرات ها شلوغ می کند، شعار می دهد، و سعی می کند اعتماد همه را بخودش بعنوان یک فعال جلب کند؛ که این صحبتها، این شواهد و نظرخواهی ها در حقیقت مهر تاییدی بود بر اطلاعاتی که رفقای اتحاد بین الملل به من دادند.
در این فاصله خانم داوری اطلاع داد که "مطالب آربایتر نیوز که به انگلیسی ترجمه شده آماده است ولی با اجازه شما من آن بخش "درباره ما" را حذف کردم". ما در آربایترنیوز یک ستونی داشتیم، تا چندین شماره اش، برای معرفی خودمان زیر عنوان "درباره ما" که در آن مواضع، نظرات، اهداف و برنامه مان را از انتشار این نشریه توضیح می دادیم که روشن بود مواضع ضد امپریالیستی و ضد سرمایه، و در پشتیبانی از جنبش کارگری ایران و جهان است. ایشان گفت که "ما چون نشریه را به رهبران و فعالین اتحادیه ها می دهیم آنها زیاد از این مسئله خوششان نمی آید و هدف ما اطلاع رسانی است و نه تبلیغ سیاسی و غیره". گفتم خانم شما اگر قصد اطلاع رسانی دارید چه احتیاجی به آربایتر نیوز دارید. آن ستون هویت و شناسنامه آربایتور نیوز هست، و بدون آن که دیگر آربایتور نیوز نیست. تازه، تازه، نرخ معامله ایشان به دستم آمد. معلوم شد که به چه قیمتی امکانات و کمک ها را در اختیار ما می گذارند.
نمی دانم داستان آن سگه را شنیدید یا نه. جا دارد و بد نیست برایتان تعریف کنم. می گویند یک روز یکی از این سگ های اشرافی با آن مامور گردشش قدم می زدند کنار رودخانه اي، خیلی شیک و پیک و پاپیون بسته، و غیره غیره. می رود به پلي، می بیند یک سگ نحیف و مریض آن زیر خوابیده و یک استخوان پوسیده ای هم جلویش هست، یک واق واقی می کند. می گوید چه شده، این چه وضعش است، ای چه زندگی است برای خودت درست کردی. چرا این طوری افتادی این جا؟ من را نگاه بکن، ببین چه وضعی دارم، روزی چند بار گوشت آهو بهم می دهند، با شامپاین حمامم می کنند، هفته ای دو دفعه سلمانی می برند و غیره. می گوید، می گوید، می گوید از وضعیت و چیزهایی که در اختیارش گذاشته اند. آن سگ گوش می کند و می گوید خوب این چیزهایی که به تو می دهند در مقابلش چی از تو می خواهند، چی بهشان می دهي؟ می گوید هیچی فقط هر وقت بخواهند من پارس بکنم، براشان واق واق می کنم. سگ میگوید برو واق واقت را برای آنها بکن. من با همین زندگی خودم میسازم. هر وقت خودم دلم بخواهد واق واق می کنم.
در باغ سبزی هم که این خانم به من نشان می داد در حقیقت از همین قماش بود. در جلسه بعدي، بعد از این که این مسئله رو شد تمام این ماجراها، اطلاعات و گفتگوها را در جلسه آلمان گزارش دادم و از خودم انتقاد کردم که به صرف اعتماد به مهدی از طریق او به کسی که

او معرفی کرده، یعنی آن خانم، نزدیک بود به چه دام خطرناکی بیفتم. من طی ای میلی شدیدا به آن خانم اعتراض کرده، او را مجری این توطئه کثیف خطاب کردم و خواستم که از انتشار آن آربایتر نیوز انگلیسی خودداری بکند، و دیگر هم با من تماس نگیرد. ولی او با سماجت طی پاسخی اظهار تاسف کرد که "علیه ما تبلیغات سوء می شود و دست جمهوری اسلامی در کار است، نمی گذارند ما به جنبش کارگری خدمت کنیم" و غیره و غیره. طی تماسی هم که تلفنی با مهدی داشتم، از او سوال کردم که "این چه خوابی بود برای ما ديدي؟ مگر این خانم را نمی شناختي؟ آن سناریویی را که "خانمی به شما نامه نوشته، چرا جواب ندادی" چی بود؟ چرا این طور با حیثیت من بازی کردی" و غیره. ابتدا سعی کرد حاشا کند یا صحبت را منحرف بکند ولی چون دستش بوضوح رو شده بود جای انکار نداشت، گفت: "من فکر نمی کردم روابط شما به این زودی اینقدر نزدیک بشود که کار به اینجا ها بکشد". این کل ماجراست.
... از اون مثال یا عبارتی که بکار بردم بر اساس "در مثل مناقشه در کار نیست" و آن مثال سگ را زدم، امیدوارم که سوء تفاهم نشده باشد؛ ضمن این که شامل خود من هم می شد، من هم یک طرف آن سگ بودم. بگذریم.
خلاصه می کنم. مهدی کوهستانی بر مبنای آشنایی و روابطی که با من داشت با من تماس می گیرد، وعده و وعید ها و در باغ سبزی به من نشان می دهد، از جمله این که با رئیس DGB آشناست، محل و امکان در اختیارمان می گذارد و بودجه تامین می کند و غیره و غیره. مهدی کوهستانی با سناریوی "خانمی برای شما نامه نوشته، چرا جواب ندادید؟" فرزانه داوری رو به ما وصل می کند. فرزانه داوری کارمند سولیداریتی سنتر است. در رابطه با آن برنامه هایی را به ما پیشنهاد می کند، سعی می کند امکاناتی را در اختیار ما بگذارد.
این تمام ماجرا در رابطه با من برای نفوذ در نهادهای همبستگی آلمان بود. اگر قضیه محدود به همین مورد بود، و اگر من مسئله شخصی با مهدی داشتم، خوب همان زمان جار و جنجال می کردم و همان زمان این مسائل را مطرح می کردم. در این صورت می شد، با اغماض، آن را به حساب خطا و سهل انگاری و غیره گذاشت. اما وقتی مطلع شدم که مهدی کوهستانی همین خانم را بعنوان مترجم به سندیکای شرکت واحد معرفی کرده و از قرار تا مدتی ایشان اخبار شرکت واحد را ترجمه و سایت آنها را اداره می کرده، زنگ خطر به صدا در اومد. اخیرا این خانم از سولیداریتی سنتر استعفا می دهد، هرچند نمیشود پذیرفت که او قبلا این سازمان را نمی شناخته، از ماهیت آن اطلاع نداشته، ولی ظاهرا می گوید که "متوجه شدم که این سازمان در خدمت جنبش کارگری نیست، به این دلیل استعفا دادم، ولی کماکان به همکاری خود برای ترجمه با سندیکای شرکت واحد ادامه می دهم". جالب است که مهدی کوهستانی که خودش این خانم رو به سندیکا معرفی کرده حالا از آنها میخواهد که با او همکاری نکنند. به روشنی پیداست که استعفای داوری از سولیداریتی سنتر سبب مخالفت کوهستانی با اوست. و چون بخشی از فعالین سندیکا حرف او را نمی پذیرند - یعنی حرف مهدی را قبول نمی کنند - عملا موجب تفرقه ای در سندیکا شده و همانگونه که اطلاع داریم اکنون سندیکای شرکت واحد دو سایت متفاوت دارد. این اولین حاصل همبستگی بین المللی سولیداریتی از کانال آقای کوهستانی در جنبش کارگری ایران، یعنی تفرقه در یکی از فعال ترین نهادهای مستقل کارگری است.
در مورد نحوه پذیرائی و استقبال از آقای اسانلو توسط آقای کوهستانی در ITF 2) و ممانعت از تماس سایرین با اسانلو و هزینه های تدارکات و غیره نیز چیزهائی شنیده ام، گویا گوینده در این جلسه حضور دارد، امیدوارم حضور داشته باشد و من امیدوارم و خواهش می کنم خود ایشان آن وقایع را بازگو کند.
همچنین تلاشهای مستقیم و غیر مستقیم برای نفوذ در سندیکای کارگران هفت تپه و کوشش برای ممانعت از حضور آنها در سمینار 9 آذر، سمینار قبلی ما، و غیره، مواردی هست که انسان را بفکر می اندازد. اگر آنها را مثل قطعات پازل کنار هم بگذاریم تصویری بدست می دهد که موجب نگرانی های موجود می شود.
روشن است که شخص من هدف مهدی کوهستانی نبود، هر چند او از اعتماد من سوء استفاده کرد، سعی کرد از من بعنوان وسیله استفاده ابزاری بکند و نهایتا با حیثیت من نیز بازی کرد، که اذعان می کنم بعنوان یک زخم خورده ده در صدی هم این عوامل در تصمیم من

برای افشاگری بی تاثیر نبوده، ولی او نهادهای آلمان و از آن طریق کل جنبش کارگری ایران مورد نظرش بوده؛ لذا باید با دقت و جدیت بیشتری به آن پرداخت. هر چند رویکرد روشن و قاطع سندیکای شرکت واحد در بیانیه اخیرشان نسبت به سازمان های بین المللی نشانه هوشیاری بالا، درایت و پختگی عمیق فعالین جنبش کارگری است که جای کمترین نگرانی باقی نمی گذارد، و موجب خوشحالی و افتخار همه ماست. اما علاوه بر تلاشها و تحرکات و اخلال های عملي، تبلیغات و حتی تئوری سازی هائی نیز وجود دارد که کمک گرفتن از نهادهای بین المللی از جمله سولیداریتی سنتر را توجیه می کند، می تواند زمینه نفوذ آن مجامع و نهایتا وابستگی نهادهای مستقل کارگری بشود.
بعنوان مثال جریانی که طبل رسوائی کمک مالی گرفتنش از اسرائیل به سر بام افتاده و به کمک همین منابع توانسته در داخل به اخلال گری بپردازد و شاهد ضربه آنها به جنبش دانشجوئی و دستگیری فعالینشان بودیم، این عمل خودشان رو به این شکل تئوریزه و توجیه می کنند که "چپ هایی که با گرفتن این نوع کمک ها مخالفند به این مسئله نگاه مذهبی دارند و کمک گرفتن را نجس می دانند؛ چرا نباید از این کمک ها استفاده کرد، چه اشکالی دارد که ما از دشمن پول بگیریم و بر علیه خودش بکار ببریم، این که با اسلحه دشمن علیه اش جنگید". این باز همان نرخ این کمک ها رو مطرح می کند. به چه قیمتي؟ آیا آنها از شما نمی خواهند هر وقت که خواستند برایشان پارس کنید؟ زهی وقاحت و بیشرمی! اصل اتکا به نیروی خود، استقلال و عدم وابستگی در جنبش کارگری و کمونیستی ایران را به سطح نگاه مذهبي، و نجس و پاک کردن، تقلیل می دهند تا برای نفوذ سازمان های آنچنانی پااندازی بکنند. حتی اگر این سازمانها فرض کنیم که هیچ شرط و شروط و خواسته ای هم نداشته باشند و فقط خیرخواهانه کمک می کنند، با مناقشاتی که هم اکنون بین موافقین و مخالفین دریافت کمک ایجاد می کنند موجب تفرقه در جنبش و تضعیف و منحرف کردن آن شدند.
اما به دلیل تهاجمات، غارتگری و استثمار امپریالیسم و نظام سرمایه داری سنت و آگاهی ضد استعماری و ضد امپریالیستی در جنبش کارگری ایران بسیار قوی و ریشه دار است، ولی دشمن هم زیرک و کار کشته است. در شرایط کنونی خفقان، خلا تشکلات مستقل کارگری و سرکوب هر گونه حرکتي؛ همچنین بیکاری ها، اخراج ها و عدم پرداخت دستمزدها و استیصال کارگران از تامین معاش خانواده خود، آنها نیز سعی می کنند از این آب گل آلود ماهی بگیرند، و به هر طریق ممکن افراد جاه طلب، مقام پرست و پول دوستی را خریده و از طریق آنها و با دادن امکانات وسیع سعی در نفوذ در جنبش می کنند. لذا باید هوشیار باشیم به هوشیاری خودمان بیفزائیم، در مقابل هر پیشنهاد یا امکاناتی ابتدا نرخ آن را بپرسیم تا شرف کارگري، مناعت طبع، استقلال و عدم وابستگی خود را با پارس کردن برای دیگران تاخت نزنیم.
متشکرم عزیزان. حرفم تا اینجا تمام شد. من در خدمتتان هستم اگر سئوالی هست پاسخ خواهم داد و بحثی هست گوش خواهم داد. متشکرم از عزیزانی که جلسه را برگزار کردند و از ادمین های محترم بسیار بسیار سپاسگزارم و از همه شما عزیزان که به عرایضم گوش کردید متشکرم.

این متن از روی فایل صوتی زیر پیاده شده است
http://www.wsu-iran.org/audio/SCenter_1.wma
* در خلال صحبت های رفیق سیامک موئد زاده اختلالات فنی در پالتاک بوجود آمد. به همین خاطر هم بخشی از صحبت های ایشان در فایل دو بار تکرار شده است.
1 ◄ اتحادیه سراسری آلمان
2 ◄ فدراسیون بین المللی ترانسپورت

عیادت اعضای سندیکا با رضا شهابی

بر پایه خبر دریافتی به روز شمار کارگری آمده است : رضا شهابی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که از تاریخ بیست و دوم خرداد هشتاد ونه دستگیر و در زندان به سر می برد پس از عمل جراحی سنگینی که انجام داد روانه زندان گردید و پس از گذشت چند ماه با موافقت مسئولین زندان به مرخصی آمد.

اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه روز دوشنبه دوم بهمن ماه نود و یک برای عیادت و احوالپرسی با حضور در منزل اقای رضا شهابی با ایشان ملاقات کردند.
سندیکای کارگران شرکت واحد ضمن آرزوی سلامتی برای این عضو زحمتکش ، آرزو دارد هر چه سریعتر شاهد آزادی بی قید و شرط ایشان باشیم.
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
دوم بهمن نودویک

گزارش سالیانه وضعیت سندیکای کارگران شرکت واحد در سال ۱۳۹۱

با توجه به آنکه سالیان زیادی از بازگشایی مجدد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نمی‌گذرد اما به دلیل تاثیر گذاری فراوان آن بر مسائل جنبش کارگری ایران و جلب نظر سیاسیون و علاقمندان به مسائل سیاسی و اجتماعی در سپهر فعالیت‌های مردمی شاید به دلیل آنکه اولین نمونه‌ای بود که با از خودگذشتگی بسیاری از کارگران موفق به برگزاری مجمع عمومی خود شد و با ایستادگی رهبرانش در زیر بازجویی و زندان‌ها با روحیه مقاومت و پا فشاری بر اهداف کاملا قانونی و انسانی خویش باعث شد که سنت مقاومت در برابر استبداد و پایمردی بر حقوق قانونی بار دیگر در جامعه سرکوب شده ایران رخ بنمایاند.

گزارش سالیانه وضعیت سندیکای کارگران شرکت واحد در سال ۱۳۹۱

به نوشته سایت هرانا: با توجه به آنکه سالیان زیادی از بازگشایی مجدد سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه نمی‌گذرد اما به دلیل تاثیر گذاری فراوان آن بر مسائل جنبش کارگری ایران و جلب نظر سیاسیون و علاقمندان به مسائل سیاسی و اجتماعی در سپهر فعالیت‌های مردمی شاید به دلیل آنکه اولین نمونه‌ای بود که با از خودگذشتگی بسیاری از کارگران موفق به برگزاری مجمع عمومی خود شد و با ایستادگی رهبرانش در زیر بازجویی و زندان‌ها با روحیه مقاومت و پا فشاری بر اهداف کاملا قانونی و انسانی خویش باعث شد که سنت مقاومت در برابر استبداد و پایمردی بر حقوق قانونی بار دیگر در جامعه سرکوب شده ایران رخ بنمایاند.

از سوی دیگر سرکوب سراسری که حکومت جمهوری اسلامی بر علیه این سندیکای کارگری در پیش گرفت اوج ترس حاکمان را از ایجاد تشکیلات بخصوص تشکل‌های کارگری و سازماندهی محرومین اجتماع نشان داد. در نتیجه روند فعالیت‌های آموزشی، تشکیلاتی و دموکراتیک این نهاد مستقل و آزاد کاملا غیر عادی و خارج از روند درخواست شده در اساسنامه به تصویب رسیده آن در مجمع عمومی در تاریخ ۱۳ / ۳/ ۱۳۸۴ قرار گرفت و سرکوب مداوم و اخراج‌ها و احضارهای متناوب که تا همین امروز نسبت به فعالین سندیکا ادامه یافته است.گزارش پیش رو به عنوان یکی از ابزارهای بیلان سالیانه که در شرایط کاملا غیر عادی اما برای اطلاع عموم کارگران شرکت واحد و هم چنین عموم مردم ایران و علاقمندان به فعالیت‌های این سندیکا که‌گاه خودشان کمکهایی به ادامه تلاشهای این سندیکا داشته‌اند به همت منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد که در اختیار خبرگزاری هرانا قرار گرفته است؛ ارائه می‌گردد.**گزارش سالیانه وضعیت سندیکای کارگران شرکت واحد در سال ۱۳۹۱ و نحوه ادامه سرکوب های این سندیکا توسط حکومت جمهوری اسلامی**چند سال پیش فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF)، کتابی را در ارتباط با حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر منتشر کرد که در بررسی این حقوق از موضع دستیابی کارگران به حقوق خویش، حقوق کارگران را هم عرض حقوق بشر دانست. نام کتاب، حقوق کارگران، همان حقوق بشراست، که در سایت فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) موجود می باشد، پیرو این مقدمه در رابطه با پایمال شدن گسترده حقوق بشر در ایران و به ویژه حقوق کارگران ایرانی، با آغاز فعالیت های سندیکایی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در ایران از سال ۱۳۸۳ به بعد هزینه های گسترده ای به این سندیکا و اعضا، رهبران و فعالان آن تحمیل گردید، از جمله اخراج های دسته جمعی و زندانی شدن های دسته جمعی کارگران، حمله به دفتر و تشکیلات سندیکا، سرقت لوازم و قبوض و اموال و پول های سندیکا توسط عوامل شوراهای اسلامی کارفرمایی شرکت واحد و

خانه کارگری های غاصب ساختمان سندیکای کارگران ایران در خیابان ابوریحان و ضرب وشتم رئیس و نائب رئیس و دیگر اعضای هیئت مدیره و اعضای هیئت موسس آن روز سندیکا، در تاریخ ۱۹/۲/۱۳۸۴ و تحمیل و فشار و تهدید و ایجاد رعب و وحشت بین کارگران برای جلوگیری از آنها در جهت پیوستن به سندیکای کارگری مستقل و آزاد و دموکراتیک خویش که کماکان ادامه دارد و بر خلاف قولهایی که مسئولان دولتی و اولیای وزارت کار به نهادهای بین المللی کار از جمله ILO ، سازمان جهانی کار و فدراسیونهای سراسری جهانی کارگری و کمیته دفاع از حقوق فعالیت های اتحادیه ای در ژنو دادند، هنوز فشار وتهدید و ارعاب و اخراج بر علیه کارگران سندیکایی در شرکت واحد و دیگر نهادهای کارگری از جمله هیئت موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، اتحادیه کارگران پروژه ای و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کانون مدافع حقوق کارگر و هیئت های موسس اتحادیه ها و سندیکاهای دیگر کارگری ادامه دارد، به عنوان نمونه مهم و قابل ملاحظه، اخراج ۵ تن از کارگران عضو سندیکای کارگران شرکت واحد و ادامه اخراج سه نفر از اعضای هیات مدیره سندیکا که کاملا بی رویه، غیرقانونی و بر خلاف مقررات موجود حقوقی خود جمهوری اسلامی بوده است که اسامی آنها و شرح تجاوز به حقوق آنها در پی می آید:

زندانی کردن شاهرخ زمانی و محمد جراحی از سندیکای کارگران نقاش، مهدی شاندیز از هیئت موسس سندیکای معلمان حق التدریسی، اجرایی کردن وثیقه ي علیرضا ثقفی، عضو هیئت مدیره و هیئت موسس کانون مدافع حقوق کارگر، ادامه زندانی بودن افشین اسانلو از هیئت موسس سندیکای رانندگان برون شهری (میان شهری)، ادامه زندانی بودن رسول بداغی از کانون صنفی معلمان ایران، و احضارهای پیاپی کارگران فعال سندیکایی و تشکیلاتی دیگر.

در ادامه گزارش مشروح مربوط به سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد می آید:

۱-***حسن سعیدی*** عضوفعال سندیکا و یکی از سازمان دهندگان تجمع رانندگان در جلوی شهرداری تهران حدود ۲ ماه قبل برای درخواست حداقل ۱۰% افزایش حقوق کارگران شرکت واحد مطابق با افزایش حقوق دیگر پرسنل کارمندی وکارگری شهرداری تهران به دلیل آنکه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه یکی از زیر مجموعه های مهم معاونت حمل و نقل ترافیک شهرداری تهران می باشد و کلیه افزایش دستمزد و مزایای دیگر که شامل حال کارکنان شهرداری می شود، شامل حال کارگران شرکت واحد نیز می باشد. حسن سعیدی یکی از داوطلبین عضویت در هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد می باشد که در خرداد ماه سال ۱۳۸۶ زمانی که دفتر سندیکا در خیابان ابوریحان با کمک یکی از وکلای انساندوست و هوادار طبقه کارگر با ارائه دفترش به عنوان دفتر سندیکا بدون هیچ چشم داشتی مجددا گشوده شد، شرح داوطلب شدن خود را همراه عکس و سوابق کار و فعالیت های سندیکایی اش در سایت رسمی سندیکا ثبت نمود و هم اکنون با اتهامات دروغین و روش های کاملأ غیر قانونی و مافیایی با همکاری مدیریت شرکت واحد و بخصوص شخصی بنام عظیمی که بعنوان مشاور مدیر عامل شرکت واحد (آقای پیمان سنندجی) و مدیریت اداره ی کل کار استان تهران اخراج شده است.

از دیگر تلاشهای حسن سعیدی حضور در ادارات کار استان تهران، بعنوان نماینده و وکیل کارگران میباشد که کارگران با حضور در دفاتر رسمی ثبت اسناد رسمی طبق قانون کار و با صرف هزینه، نمایندگی خود را از جهت حقوق کار به ایشان می سپارند و ایشان با آگاهی حقوقی از شرایط و قوانین و شناسایی مقررات و آئین نامه ها، بهترین دفاعها را از کارگران به بعمل آورده است که ده ها تن از کارگران که ایشان وکیل آنها بوده اند، حکم بازگشت به کار دریافت کرده اند و مزایای دوران بیکاری و اخراج خود را از کارفرما گرفته اند. از جمله تلاشهای ایشان حضور در جلسات سندیکایی در منازل همکاران و تشریک مساعی پیرامون حضور در ادارات کار و شهرداری و وزارت کشور و دیگر نهادهای مربوطه است که پیگیرانه به این امور علیرغم آنکه بصورت کاملأ غیر قانونی و با اتهامات واهی اخراج شده است، کماکان ادامه می دهد. ایشان به اشکال مختلف مورد تهدید و ارعاب از سوی کار فرما و حراست و نهادهای امنیتی قرار گرفته است.(اسناد ۲۱ – ۳۵)

۲-***وحید فریدونی،*** دیگر عضو فعال سندیکای کارگران شرکت واحد که او نیز همانند حسن سعیدی و با همان اتهامات واهی و پرونده سازی و همکاری مدیریت شرکت واحد و مدیریت اداره ی کل کار استان تهران (وزارت کار) فقط به صرف فعالیتهای سندیکایی اخراج شده است.

عظیمی مشاور مدیر عامل (پیمان سنندجی)، بارها گفته است: ما به همه ی ادارات کار پول می دهیم و حکم اخراج شما را میگیریم، همین چند نفر را که از شرکت واحد اخراج کنیم، شر سندیکا کنده شده است و کارگران بر سرجای خود می نشینند و دیگر درخواست اضافه حقوق و لباس سالیانه و کمد و رختکن و دوش و شیر و کیک و عیدی و پاداش و لغو قراردادهای کار موقت و رسمی کردن همه ی کارگران را نمی دهند، دقیقا چون وحید فریدونی با مطالعه قوانین موجود و رعایت مقررات و آئین نامه های کاملا بر خلاف قانون اساسی و کنوانسیون های کار جهانی موفق شده است چندین مورد حقوقی و حقیقی و مالی را به اثبات برساند، از جمله کشف عدم واریز کسر پس انداز کارگران شرکت واحد به صندوق پس انداز کارکنان شهرداری در بانک شهر به میزان ۳ % حقوق کارگران بعلاوه ۳ درصدی که کارفرما یا شهرداری باید بر روی آن باید بگذارد و به حساب صندوق پس انداز کارکنان واریز کند که وحید فریدونی با پیگیری های خود متوجه شده که از سال ۱۳۸۹ تا کنون مبلغی به این صندوق از سوی مدیریت شرکت واحد (پیمان سنندجی) ومشاورانش مثل (عبد الله مالکی و عظیمی که خود باز نشسته ی نیروهای انتظامی و از دشمنان کارگران و ضد حقوق بشر و کارگران است) واریز نشده است و بر اثر پیگیری های وحید فریدونی بالاخره مبلغی کلی را با احتساب واریز ۳ % کارفرما، شهرداری تهران به صندوق پس انداز کارکنان شهرداری، واریز کردند، آن هم تا تاریخ ((۲۹/۱۲/۱۳۹۰))! و عملا کسورات حقوق کارگران و دریافتی ۳ % حقوق آنها از شهرداری تا امروز ۲۷/۱۰/۱۳۹۱ به صندوق واریز نشده است، که کلیه مدارک مربوط و فتوکپی فیشهای مربوطه و اسکن نامه های مربوطه بعنوان سند این گزارشات در انتها ارائه خواهد شد، که با یک محاسبه ی سر انگشتی میانگین حقوق کارگران ضربدر ۳ درصد و سپس ضربدر ۲ یعنی احتساب واریز معادل کارفرما از سوی شرکت واحد یا کارفرما (شهرداری) ضربدر ۱۳ هزار نفر، رقمی نزدیک به :

×۶۰۰۰۰۰

۳٪

_____-

۱۸۰۰۰ تومان ۳% ماهیانه کارگر

۲×

= ۳۶۰۰۰۰ (کسر سه درصد کارگر بعلاوه ۳ درصد ماهیانه کارفرما)

× ۱۰

= ۳۶۰۰۰۰ تومان

سهم ۱۰ ماهه کسورات یک نفر از فروردین تا انتهای دیماه ۱۳۹۱

_____ بعلاوه ۳% ماهیانه کارفرما

۳۶۰۰۰۰ تومان یکنفر

×۱۳۰۰۰

_____

۴ جمع کل /۰۰۰/۰۰۰/۶۸۰

از فروردین تا انتهای دی ماه ۱۳۹۱ در طول ۱۰ ماه سهم سالیانه یکنفر

۱۳ هزار نفر تعداد پرسنل رسمی شرکت واحد درحال حاضر یعنی رقم چهارمیلیارد و ششصد و هشتاد میلیون تومان از حقوق پرسنل بعنوان ۳% بعلاوه ۳% سهم کارفرما که از بودجه ی شرکت واحد در شهرداری کسر شده است، در اختیار مدیران شرکت واحد است که به حساب صندوق پس انداز شهرداری در بانک شهر واریز نشده است، آنگاه برای اینکه وحید فریدونی با پیگیری های حقوقی خود چنین مطالبی را که به سود همه است کشف کرده با همکاری شوراهای اسلامی کار شرکت واحد و ادارات کار استان تهران بخصوص هیات های تشخیص ادارات کار که با عظیمی مشاور مدیرعامل شرکت واحد هماهنگ هستند و بده بستان دارند، باید اخراج شود. پرونده ی خدمتی او یکی از درخشان ترین پرونده های شغلی کارگران شرکت واحد است.(اسناد ۱ – ۲۰)

۳- ***ناصر محرم زاده*** راننده منطقه چهار نازی آباد که از فعالین شجاع سندیکای کارگران شرکت واحد است و از اولین کارگرانی که از مردم و مسافران بلیط نمیگرفت چون از وظایف شغلی اش نبود، با توجه به نامه ای که سندیکا موفق شد از راهنمایی و رانندگی تهران بگیرد، راننده بجز رانندگی هیچ وظیفه ی دیگری مثل: پول گرفتن، بلیط گرفتن، جدا کردن زن و مرد و یا دختر و پسر و امثالهم ندارد، به همین دلیل ناصر محرم زاده کارگر سندیکایی و از داوطلبین عضویت در هیئت مدیره ی مجمع عمومی دوم سندیکای کارگران شرکت واحد که رزومه ی خود را برای این داوطلبی با عکس خودش در سایت رسمی سندیکای کارگران شرکت واحد قرار داد، از گرفتن بلیط و پول، استنکاف ورزیده است و بارها بدلیل همین عمل کاملاً قانونی از محل کارش تبعید و اخراج شده است که با تلاشهای نمایندگان و وکلای سندیکای کارگران شرکت واحد در هیئت های تشخیص و رسیدگی به تخلفات کارگران بر سر کار خویش بازگشت و مثل سایر سندیکایی های اخراجی موفق شد دستمزد و حقوق و کلیه ی مزایای ایام بیکاری اش را دریافت کند و آخرین بار، بدلیل اعتراض به اینکه فقط یکدست لباس فرم به رانندگان می دهند که آن هم در هوای چرب و دود آلود و بیماری زای تهران، هر روز کثیف و سیاه و چرب میشود و یقه اش مثل تخته از زور دود و چربی، سفت و چرمی میشود و خود به خود برای شستن چنین لباس کار کثیفی هر روز رانندگان باید کلی پول بابت مواد شوینده با توجه به گرانی روز افزون و هزینه ی آب بها و گرم کردن آب با این افزایش قیمتهای آب و برق و گاز و از سوی دیگر باید لباس خشک شده و اتو شود تا مرتب و تمیز باشد. پس اتو کلاو و اتو شویی میخواهد و سپس یک رختکن برای تعویض لباس فرم یا کار با لباس شخصی کارگران و رانندگان نیاز است که وجود ندارد و همچنین لباس رزرو که در صورتیکه لباس اول خشک یا آماده نشد بتوان از آن استفاده کرد که اغلب این امکانات وجود ندارد و لباس رزروی را هم که در بعضی از مناطق و سامانه ها داده شده است بر پایه ی اعتراض و درخواست های دیگر کارگران سندیکایی مثل داوود رضوی، همایون جابری و سندیکالیست های آموزش دیده دیگر به کارگران داده شد.

در آخرین باری که ناصر محرم زاده را اخراج کردند بهانه کارفرما این بوده است که از دستور مافوق سرپیچی کرده و اتوبوس را در میان خیابان متوقف کرده است، که البته اتهامی کاملا بی اساس و ظالمانه می باشد چرا که اتوبوسی را که به کارگر سندیکایی ناصر محرم زاده داده بودند خراب بوده و دو روز قبل هم به علت ایراد فنی توسط دو راننده ی دیگر متوقف شده و همان روز هم بکسل، خرابی اتوبوس را تایید و برگه اعزام به تعمیرگاه داده و تعمیرگاه هم ایراد و نقص فنی اتوبوس را تایید کرده است و فردای آن روز هم که اتوبوس به علت نقص فنی متوقف شده است تایید کرده و خوشبختانه از تعرفه هایی که تعمیرگاه و بکسل، خرابی اتوبوس را تایید کرده اند، عکس و اسکن و کپی وجود دارد اما هیات تشخیص اداره کار در هماهنگی با عظیمی و اداره حقوقی شرکت واحد که آنها را تطمیع میکند با وجود این مدارک مستدل، رای اخراج کمیته انضباط کار شرکت واحد را تایید میکنند ، جالب آن که اعضای شورای اسلامی کار که طبق اساس نامه شورا باید از حق کارگر دفاع کنند، خودشان آتش بیار معرکه شدند و پیشاپیش با نوشتن نامه ای اتهامات واهی؛ درخواست اغتشاش و بستن راه و اعلام اعتراض و دورغ های دیگر را به ناصر محرم زاده راننده ی عضو سندیکای کارگران شرکت واحد نسبت داده اند و در خواست اخراج او را از مدیریت کرده اند که بر خلاف تمام اصول حتی صوری مقررات ضد کارگری موجود است و به چنین بهانه های ضد حقوق بشری و ضد کارگری و ضد انسانی که محروم کردن یک انسان بیگناه از اشتغال و کسب درامد است، ناصر محرم زاده را اخراج کرده اند که پرونده اش تا دیوان عدالت اداری هم رفته و عظیمی، مشاور مدیر عامل، بارها گفته است ما از طریق دوستانمان دیوان عدالت اداری را هم خریده ایم و دیگر نمی گذاریم کارگران سندیکایی رای بازگشت به کار از دیوان عدالت اداری بگیرند. باید دید آینده برای این کارگر عضو سندیکا چه رقم زده است.

۴-آقای ***علی نوریانی*** از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد که به دلیل جمع آوری امضا برای ۱۰% افزایش حقوق کارگران و پی گیری در ادارات کار و حضور جمعی در جلوی شهرداری تهران و دیگر فعالیت های سندیکاییش اخراج شده است.

او از فعالین دوره ی جدید فعالیت های سندیکا از سال ۱۳۸۸ به بعد میباشد و در جلسات خانگی سندیکایی همراه دیگر کارگران شرکت داشته است و بعد از حضور در جلوی شهرداری تهران بارها مورد مواخذه و احضار به حراست سامانه شد و نهایتا با بهانه ای واهی مثل بقیه سندیکایی ها طی دو ماه گذشته اخراج شده است .

۵-خانم ***فرحناز شیری*** اولین زنی که سعی در تشکیل آژانس ویژه ی خانم ها نمود، که بعد اتحادیه آژانس ها و شهرداری با توسل به امکانات خویش این امتیاز را از دست او خارج نمودند. این خانم فرزند یک کارگر عضو سندیکایی کارگران شرکت واحد تهران در زمان شاه و بعد از انقلاب میباشند، بعد از آنکه در آژانس کار کرد و بعد تجربه آموزش رانندگی برای دیگر خانم ها را از سر گذراند، اولین زنی بود که اتوبوس درون شهری خرید و راننده ی بخش خصوصی شرکت واحد در اولین مرحله شد که اتوبوس خویش را با وام و پیش قسط اولیه خریده بود.

اما مدیران شهرداری و اتوبوسرانی تهران در یک اقدام تبلیغی از وی خواستند که اتوبوس خصوصی را رها سازد و به استخدام رسمی‌شرکت واحد در بیاید و در خط یک بی‌آر تیمشغول انجام وظیفه شود و چون ایشان را به استخدام شرکت واحد اتوبوسرانی در آورند به ناچار اتوبوس وی را بنام همسرش نمودند چرا که بنا به قوانین فرموده ي آقایان، نمی‌شد فردی که شغل رسمی‌دارد ، اتوبوس خصوصی هم داشته باشد به ناچار و یا شاید از روی اقبال، خانم فرحناز شیری به عنوان اولین زن راننده اتوبوس بی‌آر تیمسافربری داخل شهری تهران و ایران در طول تاریخ مشغول به کار شد ، بنا به گفته خودش در دومین روز استخدام رسمی‌اش بعداز ظهر وقتی‌حسن سعیدی و اکبر نظری به او گفتند که آقای منصور اسانلو رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد را برای جراحی چشمش به هنگام آخرین دستگیری در ۱۹ تیرماه ۱۳۸۶ مورد اصابت مشت و لگد ماموران لباس شخصی‌و امنیتی قرار گرفته بود و بعد از چهار ماه حضور در سلول‌های انفرادی بند ۲۰۹ به ناچار و از روی اجبار وقتی‌که متوجه شدند چشم چپش واقعا نابینا شده و پزشک متخصص زندان و متخصص مرکز چشم پزشکی‌در نزدیکی بیمارستان هزار تختخوابی اعلام کردند که بر اثر ضربات وارده پردهٔ شبکیه چشمش پاره شده و در معرض کور شدن قرار گرفته است در آبان ماه ۱۳۸۶ او را برای جراحی چشم به بیمارستان لبافی نژاد بردند و مورد جراحی فوق تخصصی شبکیه چشم قرار گرفت و بعد در بخش مراقبت‌های ویژه چشم بستری شده است، به همراه آقای اکبر نظری و دیگر کارگران عضو سندیکا به ملاقات رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد رفتند و در همان جا با ارائهٔ یک دست گل زیبا و ضمن احوال پرسی‌و آرزوی سلامتی همکارش، درخواست شفاهی خود را برای عضویت در سندیکا اعلام نموده که پذیرفته شد و از همان روز سندیکاهایی که موضوع ملاقات را میدانستند ایشان را عضو سندیکا و همراه خود به شمار آوردند . فردای همان روز که به ملاقات منصور اسانلو رفته بود او را حراست خواست و از او پرسیدند که چرا به ملاقات رئیس هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد رفته است که ایشان فرمودند ، بعداز ساعت کار هر کجا که بخواهم میروم، و به کسی‌ربطی‌ندارد، در ضمن ایشان به خاطره ما و همکاران این همه بلا دیده و زندان رفته و کتک خورده و چشمش را از دست داده، چه عیبی دارد به ملاقات یک همکار بروم و جوابهای قوی او حراست را ساکت کرد و بعداز آن هر کجا که خانم فرحناز شیری مشکل و کمبود یا ظلم و ستمی و بی‌قانونی می دید ساکت نمی‌شد و اعتراض قانونمند خود را اعلام میکرد و راهکار هم ارایه می داد: به گفته خود ایشان بارها در سولهٔ تعمیرگاه یا پنچری یا از دهان برخی‌از رؤسا شنیده بود که گفته بودند او شده است اصانلوی دوم ، مثل منصور دائم اعتراض می‌کند و دیگران را تشویق به حرف زدن می نماید و بر اثر همین رفتار درست و شجاعانه برای خانم فرحناز شیری اقدام به پرونده سازی کردند و بعداز آنکه قرار داد یکساله خدمتش تمام شد ، سعی‌کردند به بهانه اتمام قرار داد او را اخراج کنند که با هوشیاری او و همکاری دیگر سندیکایی‌ها مثل حسن سعیدی و اکبر نظری موفق به اخراج او نشدند ، اما کارفرما با کمی‌نیرنگ بازی و ایجاد رعب و وحشت و دادن مبالغی ناچیز و یا سؤ استفاده از نا آگاهی‌پنج نفر دیگر از خانم‌های راننده و سپس به تدریج بقیه رانندگان زن حدوداً ۳۰ نفر دیگر که جهت حمل و نقل درون شهری در شرکت واحد استخدام کرده بودند ، اخراج و فسخ قرار داد و باز خرید نمودند (آقای قالیباف به عنوان شهردار تهران با تبلیغ از اینکه راننده زن در شرکت واحد داریم، موفق شد از یکی از نهادهای بیت المللی کارفرمایی، جایزه و سند افتخار برابری حقوق زن و مرد را بگیرد که بعد از دریافت این جایزه ترتیب اخراج زنان راننده از شرکت واحد را دادند) اما فرحناز شیری ایستاد و به ادارهٔ کار شکایت کرد و با استفاده از

دانش سندیکایی و همکاری دیگر یاران عضو سندیکا موفق به ادامه خدمت در شرکت واحد شد و توانست مبالغی را بابت دوران بی‌کاری و اخراج غیر قانونی خود بگیرد ، اما مدیریت شرکت واحد زیر بار نمی‌رفت و با سوْ استفاده از گفتگوی خانم فرحناز شیری در ساختمان شورای شهر با برخی از اعضای این شورا داشت که به گوش خبر نگارانی هم که انجا بودند رسید و حقایق ستمهایی که از سوی کار فرما در حق کارگران شرکت واحد و به خصوص ایشان شده بود را روزنامه ها به گوش وچشم همگان رساندند وبه بهانه همین موضوع کار فرما ی شرکت واحد بخصوص عظیمیِ بازنشسته نیروهای انتظامی، شکایتی علیه خانم شیری در دادگاه تحت عنوان تشویش اذهان عمَومی وبیان تبلیغ علیه نظام و تهمت وافترا نمودند که بعد از چند ماه با حضور خانم شیری و وکیل مدافع و دفاعیات مستدل ایشان در دادگاه رای برائت گرفتند و سیاهی به ذغال ماند. بعد از انکه خانم شیری در ادارات کار به دنبال حکم بازگشت به کار خویش بود بالاخره رئیس اداره کار استان تهران پس از بررسی پرونده ایشان پذیرفت که رای به اخراج ایشان که از سوی هیئت تشخیص اداره کار صادرشده بود، غیر قانونی است وحکم اخراج ایشان فاقد دلایل قانونی بوده است وباید به هر نوعی این حکم را تغییر داد تا ایشان به سر کار خویش بازگردند. از سوی دیگر کارفرما سعی می کرد که ایشان را با پرداخت بیست میلیون تومان راضی به بازخریدی نمایند که با مخالفت ایشان روبرو شد و سپس با طرح شکایت در دیوان عدالت اداری برای بازگشت به کار خویش رهیافت قانونی را ادامه دادند و هنوز برای اثبات بی گناهی خود و حق اشتغال وحق شرکت در سندیکای کارگران شرکت واحد که هر دو از حقوق پایه ای وقانونی تاییده شده در اصول منشور جهانی حقوق بشر واعلامیه جهانی حقوق بشر و قانون اساسی ج-ا نیز می باشد طبق اصول ۲۸و ۲۹و ۲۶ قانون اساسی به تلاش خویش ادامه می دهند واز یاری دیگر اعضای سندیکا بهره مند هستند.

یکی برای همه، همه برای یکی از ساده ترین وگویاترین شعارهای سندیکا بود که در تابلوی ساده ای روی در ورودی سالن اجتماعات سندیکا در میدان حسن اباد کوچه خیام نقش بسته بود، اینگونه در شرایط عملی تبلور می یابد.

علاوه بر این اخراجی های سندیکایی، حقوق ودستمزد دوران بازداشت و زندان و بیکاری بعد از زندان این گروه از اعضای سندیکا نیز توسط کارفرما پرداخت نشده است و بر خلاف قولی که اقای شاهمیر مسئول میز دائمی وزارت کار ج-ا در ژنو در کنفرانس سالیانه سازمان جهانی کار ILO (که همه ساله در اواخر اردیبهشت تا اواسط خرداد ماه برگزار می شود) به دیوید کاکرافت دبیر کل فدراسیون جهانی کارگران ترانسپورت، در ایمیلی که برای ایشان فرستاده بود که در متن ان تعهد به ازادی منصور اسانلو رئیس هیئات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد ودیگر فعالین سندیکاهای کارکری و پرداخت دستمزد وحقوق وکل مزایای دوران دستگیری و زندان و حل مشکلات فی مابین انها و کارفرماهایشان و بازگشت به کار انها، داده بود، متأسفانه هیچکدام از این تعهدات انجام نشده است وکماکان آقایان ۱- ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای کارگران شرکت واحد ۲- علی اکبر پیرهادی عضو هیئات مدیره سندیکا ۳-حسن کریمی عضو هیئات مدیره سندیکا ۴-رضا شهابی عضو هیئات مدیره سندیکا ۵-منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکا، از حقوق و دستمزد و مزایای دوران اخراج –بازداشت –زندان – ودوران پس از زندان محروم هستند و هیچ یک از مطالبات و طلبهای ایشان پرداخت نشده است. از این بین اقایان علی اکبر پیر هادی و حسن کریمی با رای دیوان عدالت اداری (هیات عمومی دیوان) بر سر کار بازگردانده شده اند، اما عقب افتادگی های این چند سال انها پرداخت نشده است ، اما آقایان مددی ، شهابی و اسانلو حتی بر سر کار خویش نیز باز گردانده نشده‌اند و در این بین آقای رضا شهابی هنوز زندانی هستند و آقای منصور اسانلو از سوی بیدادگاه های انقلاب اسلامی کرج و تهران تحت تعقیب می باشند و از کفیل های ایشان در کرج و تهران خواسته اند که او را به زندان معرفی نمایند.

که همه این موارد بر خلاف قول و قرارهای است که وزیر کار جمهوری اسلامی آقای شیخ الاسلامی در ژنو در خرداد ماه ۱۳۹۰به رهبران سازمان جهانی کار برای آزادی منصور اسانلو و دیگر فعالین کارگری در کنفرانس سالیانه سازمان جهانی‌کار، به کمیته دفاع از آزادیهای فعالیتهای سندیکایی و اتحادیه ای‌داده بود و باز این خلف وعده‌ای است که بر خلاف قول و قرارهایی که وزیر کار از طریق مشاور حقوقی اش که همکنون معاونت حقوقی اش به نام آقای دکتر حبیب زاده شده است داده بود که منصور اسانلو طی‌در خواست نامه‌ای که در هشت بند آن آزادی ابراهیم مددی ، شهابی و دیگر کارگران سندیکایی شرکت واحد و دیگر کارگران سندیکایی و اتحادیه ای‌و آزادی فعالیت‌های سندیکایی مطابق کنوانسیون‌های بین المللی و قانون اساسی، پرداخت دستمزد و حقوق و مزایای دوران بازداشت و اخراج و زندان و به رسمیت شناختن فعالیت‌های سندیکایی کارگران شرکت واحد و دیگر

مرکز و مواردی دیگر را خواسته بود که دکتر یوسف مولائی یکی‌از وکیلهای سندیکا و منصور اسانلو زیر این در خواست نامه را امضا و با تایید و تاکید بر این خواسته‌ها خواهان اجرائی شدن این در خواست ها شده بودند که یک برگ از فتو کپی این نامه به عنوان سند نزد آقای حسن سعیدی عضو محترم و فعال سندیکا برای امانت و ارشیو و ثبت در تاریخ تحویل داده شد.

علاوه بر این موارد نقض حقوق کارگران که همانا حقوق بشر است کماکان در ج-۱ و در شرکت واحد اتوبوسرانی بر علیه فعالین کارگری و سندیکایی ادامه دارد و ج-۱ با انواع ترفندها و روشها سعی‌بر جلوگیری از گسترش و ژرفش جنبش کارگری و سندیکایی دارد و از تشکل و سازمان دهی‌وحشت دارد و با سرکوب خشن و گسترده و با ایجاد انواع رعب و وحشت و ترس و تهدید و تطمیع کارگران به خصوص کارگران نا آگاه سعی‌در پراکنده کردن آنها دارد.

از جمله عده‌ای را وسوسه کردند تا بازخرید شوند و با پول باز خریدی خود مشتری اتوبوس‌های خصوصی آقایان شوند و مفت و بدون بیمه و باز نشستگی و سوابق کار تا آخر عمر برای آقایان مدیران شرکت واحد که حالا صاحبان شرکتهای حمل و نقل درون شهری شده‌اند کار بی‌جیره و مواجب انجام دهند. حتئ با ایراد فشار و ایجاد ترس و تلفن زدن و تهدید به دستگیری عده‌ای از اعضای سندیکا را وادار به استعفا از سندیکا ، باز خرید کردن، تعهد به عدم حضور در جلسات سندیکا و جلسات هیئت مدیره سندیکا، وادار شدن به ورود به بخش خصوصی بر خلاف آئین سندیکا و بازنشستگی زود هنگام، خرید اتوبوس‌های بخش خصوصی و به نوعی کار فرما شدن و همکاری با کارفرما و حراست و منابع نیرویی انسانی‌و بخش‌های امنیتی ج- ا به خصوص در اطلاعات شهر ری.

همچنین فشارها و کنترلها و تهدید مضاعف حکومت و ترس از بی‌کاری و زندانی و بی‌پولی، برخی‌دیگر از اعضای سندیکا را وادار به مهاجرت از کشور نمود.

لذا برای رشد فعالیت‌های سندیکایی باید مبارزه برای رشد آزادیها و دمکراسی هماهنگ با اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر در دستور کار قرار گیرد. در ادامه توضیح فشارها و آزارهای غیرقانونی بر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، بررسی چگونگی نشست جلسات هیات مدیره سندیکا در این روزها می تواند زاویه و نوع فشار و میزان ایستادگی افراد در برابر این فشارها را به خوبی نمایان کند که باز هم برخلاف آئین نامه ها و مقررات و کنوانسیون های بین المللی و قوانین داخلی خود ج-ا می باشد. حدود ۲ ماه و نیم پیش یعنی اواسط آبان ماه ۱۳۹۱ در ملاقاتی که رئیس هیئت مدیره و نایب رئیس و چند تن از فعالین سندیکا در منزل نایب رئیس داشتند، بنا به پیشنهاد چند نفر از فعالین سندیکا که در جلسات خانگی ماههای قبل هم حضور داشتند، از جهت پیگیری و سامان دادن به پراکندگی وضعیت سندیکا و متشکل و متمرکز کردن فعالیت های سندیکایی، تصمیم گرفتند که آقای منصور اسانلو رئیس هیئت مدیره سندیکا بر طبق مفاد یکی از مواد اساسنامه سندیکا که دعوت از اعضای سندیکا برای تشکیل جلسات سندیکا را به عهده رئیس هیئت مدیره نهاده است، از تک تک افرادی که با رأی مجمع عمومی سندیکا به عنوان بالاترین مرجع تصمیم گیری در سندیکا در تاریخ ۱۳/۳/۱۳۸۴ به عضویت هیئت مدیره سندیکا انتخاب شده بودند، جدای از شرایط و اتفاقات بعدی که برای آنها افتاده است، دعوت به حضور در جلسه رسمی هیئت مدیره سندیکا به عمل آورد. این درخواست حضوری و چهره به چهره باشد و از افرادی که دعوت می شوند امضاء بگیرند که برخی از آنها بعد از دعوت شدن از امضای دعوت نامه استنکاف نمودند. این گرفتن امضا برای آن بود که در آینده این افراد نتوانند بگویند که بی خبر بوده اند. لذا در پیامد این تصمیم گیری، آقای منصور اسانلو، رئیس هیئت مدیره سندیکا در روزهای آتی در نقاط مختلف تهران حضور پیدا کرد تا بتواند رو در رو و بدون استفاده از تلفن (بدلیل شرایط ویژه امنیتی و تعقیب و مراقبت های عوامل اطلاعات) اعضای هیئت مدیره را دعوت به حضور در جلسه کرد. که در یک روز از آن روزهایی که برای دعوت از آقایان می رفت، آقایان عباس نژند کودکی و داوود رضوی با ایشان همراهی داشتند و بالاخره پس از دعوت از همه آقایان برای اولین نشست اعضای هیئت مدیره سندیکا بعد از آزادی اسانلو و مددی از زندان، در تاریخ ۱۷/۹/۹۱ جلسه سندیکا در منزل یکی از اعضای بازنشسته سندیکا در منطقه تهران پارس تشکیل شد؛ بعضی از اعضای دعوت شده در این جلسه شرکت نکردند.

در این جلسه بعد از گفتگوهای جمعی، قرار شد که برای بار دوم هم، از اعضای هیئت مدیره دعوت بعمل آید تا در جلسه بعدی، خط مشی های اجرایی هیئت مدیره سندیکا را طراحی کنند. در طی این فرصت دعوتنامه برای اول دیماه ۱۳۹۱ تنظیم و توسط رئیس هیئت مدیره سندیکا، منصور اسانلو، دعوت بعمل آمد. چند روز بعد، قبل از اول دیماه، در بیمارستان سینای تهران، که گروهی از اعضای

سندیکا به اتفاق رئیس و نایب رئیس هیئت مدیره برای ملاقات با عبدالفتاح سلطانی وکیل مدافع حقوق بشر و حقوق کارگران (که دهها بار در دادگاهها و هیئت های تشخیص و تخلفات ادارات کار استان تهران همچون دیگر وکلای محترم سندیکا در جهت دفاع از حقوق کارگران اخراجی سندیکا حضور یافته بود) رفته بودند از سوی نائب رئیس هیئت مدیره به رئیس هیئت مدیره گزارش داده شد که از ادارات اطلاعات و امنیت به منازل و موبایل های برخی از افراد سندیکا تلفن شده است و آنها را تهدید کرده اند که ما می دانیم شما دو هفته قبل یک جلسه هیئت مدیره در تهران پارس برگزار کرده اید، آنرا نادیده گرفتیم، اما اگر در جلسه دوم هیئت مدیره که ما خبر داریم در خانه مادر آقای اسانلو قرار است تشکیل شود شرکت کنید دوباره اخراج، دستگیر و به زندان برده خواهید شد. رئیس هیات مدیره پس از شنیدن این گزارش گفت: » با توجه به اینکه ما از قبل افراد را برای جلسه دعوت کرده ایم من بر سر دعوت خویش ایستاده ام اما اگر شما و دیگران برای شرکت در جلسه مانعی دارید و نمی خواهید جلسه را تشکیل بدهید مرا مطلع کنید تا بدانم که جلسه تشکیل نمی شود و برای آن روز کار دیگری را پیش بینی کنم.» پس از آن نائب رئیس به منزل مادر اسانلو رفته و بعد از مذاکره با ایشان به این نتیجه رسیدند که جلسه را تشکیل ندهند و این همان چیزی بود که اطلاعاتی ها می خواستند و می خواهند که جلسات هیات مدیره سندیکا و مجمع عمومی سندیکا هرگز تشکیل نشود تا در اختلافات درونی که توسط عوامل نفوذی خود در درون سندیکا ایجاد میکند، سندیکا را از درون متلاشی کرده و رهبران آنرا به دست اعضای نفوذی و نا آگاه و دنباله رو و سنتی بی اعتبار و در نتیجه کارگران را از رهبری آماده پرداخت هزینه ها و با تجربه و عملگرا محروم نماید.

در پی این اخطار از سوی اطلاعات برخی از افراد اعلام کردند که به جلسه نخواهند آمد. در طی همین مدت هم، آقای سلطانعلی شکاری و یکی دیگر از اعضا استعفای خود را از هیئت مدیره سندیکا کتبا و شفاها اعلام کرده بودند. همچنین به دلیل حمله ای که به همسر آقای غلامی طی ماه پیش در شهر ساری که برای دیدار فرزندش رفته، شده بود و تحت فشار قرار گرفته بودند و ضمن سرقت لوازم ایشان و ضرب و شتم بی رحمانه که به این خانم محترم در داخل مینی بوسی که توسط آن ربوده شده بود، ضاربان کیف او را خالی کرده و دفترچه بیمه تأمین اجتماعی او را یافته، بازکرده و اسامی خودش و همسرش را به او گفته و فریاد زده اند تو همسر همان غلامی سندیکایی هستی، این یک زنگ خطر بود تا به شوهرت بگویی پایش را از بساط سندیکا بیرون بکشد که ایشان هم طی هفته بعد خودش را بازخرید کرد و عملا با قطع ارتباط شغلی، ارتباطتش با سندیکا هم قطع شد.(اسناد ۳۶ – ۵۳)

سعی شده است در این مقاله کوتاه تا حدی از وضعیت نقض حقوق بشر و حقوق کارگران و تن دادن کارگران به توطئه های نهادهای امنیتی و پلیسی آشکار گردد. در صورت لزوم و استقبال خوانندگان موارد دقیق تر از انواع سرکوب ها و توطئه های حکومتی برای جلوگیری از رشد فعالیت های تشکیلاتی کارگران و دیگر اقشار زحمت کش و روشن فکر منتشرخواهد شد.

سند شماره ۱| سند شماره ۲| سند شماره ۳| سند شماره ۴| سند شماره ۵| سند شماره ۶| سند شماره ۷| سند شماره ۸| سند شماره ۹| سند شماره ۱۰| سند شماره ۱۱| سند شماره ۱۲| سند شماره ۱۳| سند شماره ۱۴| سند شماره ۱۵| سند شماره ۱۶|سند شماره ۱۷| سند شماره ۱۸| سند شماره ۱۹| سند شماره ۲۰| سند شماره ۲۱| سند شماره ۲۲| سند شماره ۲۳| سند شماره ۲۴| سند شماره ۲۵| سند شماره ۲۶| سند شماره ۲۷| سند شماره ۲۸| سند شماره ۲۹| سند شماره ۳۰| سند شماره ۳۱| سند شماره ۳۲| سند شماره ۳۳| سند شماره ۳۴| سند شماره ۳۵| سند شماره ۳۶| سند شماره ۳۷| سند شماره ۳۸| سند شماره ۳۹|سند شماره ۴۰| سند شماره ۴۱| سند شماره ۴۲| سند شماره ۴۳| سند شماره ۴۴| سند شماره ۴۵| سند شماره ۴۶| سند شماره ۴۷| سند شماره ۴۸| سند شماره ۴۹| سند شماره ۵۰| سند شماره ۵۱| سند شماره ۵۲| سند شماره ۵۳|

تهیه و تنظیم: منصور اسانلو رئیس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد تهران

منبع: خبرگزاری هرانا ارگان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران

به یاد نهمین سال کشتار کارگران خاتون آباد

بر پایه نوشته سایت کمیته هماهنگی ... آمده است : چهارم بهمن سال 1382، یادآور روزی خونین، تلخ و دردناک در تاریخ جنبش کارگری ایران است. در این روز جمع کثیری از کارگران اخراجی معدن مس خاتون آباد برای حق بازگشت به کار و حفظ امنیت شغلی خود تصمیم به مسدود کردن جاده شهر بابک – خاتون آباد گرفتند.
این اقدام پس از بی جواب ماندن اعتراض و تحصن چند روزه آنها توسط صاحبان معدن و مقام های اداری، انجام گرفت. پس از این حرکت بود که مامورین امنیتی و انتظامی از زمین و هوا و توسط هلی کوپتر، کارگران را مورد اصابت گلوله قرار دادند. پس از جان باختن یکی از کارگران، آنها به سمت شهر بابک حرکت می کنند، اما در آنجا نیز مورد حمله مسلحانه قرار می گیرند و چهار نفر به نام های ریاحی، جاویدی، مومنی، واحدی و دانش آموزی به نام پورامینی جان خود را از دست می دهد و تعداد زیادی دیگر زخمی می شوند.
کشتار کارگران خاتون آباد در بهمن سال 82 که فقط برای حق کار و امنیت شغلی تجمع نمودند را باید یکی از فجایع حاکمیت سرمایه داری در ایران دانست؛ کشتاری که هیچ گاه عاملان و آمران آن معرفی و مجازات نشدند. اما در سال های بعد سرکوب اعتراض های کارگری متوقف نشد و هم چنان به شکلی گسترده، ادامه یافت. هجوم گسترده و حمله به کارگرانی که اقدام به بازگشایی سندیکای واحد تهران و نیشکر هفت تپه نمودند؛ ضرب و شتم و بازداشت و زندانی کردن فعالین کارگری و شرکت کننده گان در مراسم های اول ماه شهرهایی مانند تهران، سنندج و سقز؛ سرکوب اعتصاب ها و تجمع های مختلف کارگران در اعتراض به بی حقوقی ها، از نمونه های بارز سرکوب در دهه 80 بود.
این در حالی است که شرایط سخت معیشتی و دستمزدهای زیر خط فقر و مرگ در معادن و دیگر مراکز کارگری به بخشی از واقعیت های زندگی کارگران و خانواده های شان تبدیل شده است.
ما اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری یاد و خاطره کارگران خاتون آباد که در چهارم بهمن سال 82 در شهر بابک جان باختند را گرامی می داریم. بدون شک کارگران باید بدانند که برای جلوگیری از چنین فجایعی و به دست آوردن خواسته و مطالبات خود و داشتن زندگی شایسته و امروزی نیاز به اتحاد و همبستگی و ایجاد تشکل های خود دارند. تشکل هایی که بتواند با اتکا به اراده و خواست کارگران ایجاد شده و بتواند به نیروی خود آنها، از مطالبات شان آنها دفاع کند.
گرامی باد یاد کارگران جان باخته خاتون آباد
زنده باد اتحاد و همبستگی کارگری
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-2 بهمن 1391

صدور وثیقه های سنگین برای کارمندان معترض پالایشگاه بندر عباس

بنابه گزارشات رسیده به «فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران» در دوم بهمن 91 آمده است :
انتقال ۳ کارمند زندانی پالایشگاه بندر عباس به دادسرای انقلاب ولی فقیه و مورد بازپرسی قرار دادن آنها و تعیین وثیقه های سنگین مالی
روز یکشنبه اول بهمن ماه ۳ کارمند ارشد و باسابقه پالایشگاه نفت بندر عباس به دادسرای انقلاب ولی فقیه برده شدند و در شعبه ۱ مورد بازپرسی و تفهیم اتهام قرار گرفتند. علاوه بر وارد کردن اتهامات سنگین به آنها وثیقه مالی بسیار سنگین برای هر یک تعیین گردید.
اسامی این سه کارمند ارشد و باسابقه که مورد احترام کارگران و کارمندان پالایشگاه می باشند به قرار زیر می باشد:
۱ـ محسن زبر دست ۴۴ ساله با اتهامات زیر مواجه می باشد؛۱ـ اقدام علیه امنیت نظام از طریق تبلیغ علیه نظام ۲ـ توهین به رهبري ۳ـ ارتباط با گروهک منافقین (سازمان مجاهدین خلق ایران).برای وی ۵۰ میلیون وثیقه تعیین گردید.
۲ـ عباس حسن پور ۳۴ ساله با اتهامات زیر مواجه می باشد؛۱ـاقدام علیه امنیت نظام از طریق تبلیغ علیه نظام ۲ـ توهین به رهبری ۳ـ تبلیغ جدایی دین از سیاست.برای ایشان ۲۰ میلیون وثیقه تعیین گردید
۳ـوهاب مقدسی ۳۲ ساله با اتهامات زیر مواجه می باشد؛۱ـاقدام علیه امنیت نظام از طریق تبلیغ علیه نظام ۲ـ توهین به رهبری ۳ـ تبلیغ جدایی دین از سیاست.برای ایشان ۲۰ میلیون وثیقه تعیین گردید
هر سه کارمند فوق پس از بازپرسی و تعیین وثیقه مجددا به زندان مرکزی بندر عباس بازگردانده شدند.
این ۳ کارمند ارشد و باسابقه از کارمندان رسمی پالایشگاه بندر عباس می باشند که در تاریخ ۲۴ آذرماه در محل کار خود با یورش مأمورین وزارت اطلاعات ولی فقیه دستگیر و به مدت ۳۴ روز در سلولهای انفرادی تحت شکنجه های جسمی و روحی قرار داشتند تا آنها را وادار به اعتراف علیه خود

نمایند.
آنها از فعالین شناخته شده پالایشگاه بودند وبه خاطر وضعیت و شرایط موجود ، در تدارک اعتراضات و اعتصابات بودند.
از طرفی دیگر از زمان انتشار خبر دستگیری این سه کارمند، کارمندان و کارگران پالایشگاه های دیگر مانند آبادان،اصفهان شیراز و تهران حمایت خود را از همکاران زندانی خود اعلام نمودند و هشدار دادند در صورتی که همکارانشان آزاد نشوند اقدام به اعتراض و اعتصاب گسترده خواهند کرد.
در حال حاضر اعتصاب و اعتراضات پراکنده در پالایشگاه های آبادان،کنگان ،ماهشهر، بندر عباس و نقاط دیگرایران وجود دارد.وزارت اطلاعات برای ایجاد فضای رعب و وحشت بطور دائم کارگران را احضار و مورد بازجویی و تهدید قرار می دهد.
فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران، دستگیري، شکنجه، بازپرسی و تعیین وثیقه های سنگین و انتقال کارمندان پالایشگاه به زندان مرکزی بندر عباس رامحکوم می کند و از سازمان جهانی کار و کمیسر عالی حقوق بشر خواستار دخالت برای آزادی بدون قید و شرط آنها است.
فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران
۰۲ بهمن ۹۱ برابر با ۲۱ ژانویه ۲۰۱۳

مافیای «برنج»

به نوشته سایت فرارو- از قول مرتضی واعظ در تاریخ 2 بهمن 91 آمده است : سود حاصل از واردات برنج در مقابل تولید این محصول، دولت را ترغیب کرده است که بیش از دوبرابر نیاز کشور برنج وارد کند.
به گفته یک نماینده مجلس بر اساس سیاست های دولت، تاکنون 1000 هکتار از زمین های کشاورزی در استانهای شمالی به دلیل مشکلات تولید و صرفه کم مالی تغییر کاربری داده اند. واردات بی رویه، برنجی را که به رنج بدست آمده روی دست کشاورزان گذاشته است.
به گزارش فرارو؛ برنج یکی از کالاهای اساسی و استراتژیک کشور است. تا همین یک هفته پیش هم این کالا به دلیل نیاز روزانه مردم در اولویت اول دریافت ارز قرار داشت و ارز 1226 تومانی می گرفت. اما قرار است از این به بعد ورادات برنج به کشور با ارز مبادلاتی صورت بگیرد. شاید این تصمیم دولت، از رانت حاصل از واردات این محصول بکاهد اما با توجه به سابقه این تصمیمات چندان هم نمی توان به آینده این محصول خوش بین بود.
چندی پیش بازار برنج بدون هیچ مقدمه ناگهان آشفته شد و قیمت ها در مدت کوتاهی رو به افزایش گذاشتند. البته خبر حذف محصول برنج ار دریافت ارز مرجع به این آشفتگی دامن زد. از سوی دیگر دولت برای مهار بازار اقدام به توزیع برنج آرژانتینی با قیمت 1900 تومان کرد. البته این اتفاق را می توان از جهت دیگر هم دید. آگاهان در این حوزه معتقدند که وارد کنندگان با شایعه گرانی و احتکار این محصول، دولت و بنکداران را به این کار ترغیب کرده باشند.
این اتفاق در سال های قبل هم سابقه داشته است. در چند سال قبل هم ابتدا صاحبان سرمایه و قدرت با به راه انداختن شایعه گرانی و کمبود برنج در بازار، هم محصولات انبار های خود را که با ارز مرجع خریداری کرده بودند به قیمت بالاتری فروختند و هم دولت را مجبور کردند که تعرفه واردات را ازاین محصول بردارد. در نتیجه واردکنندگان برنج توانستند این محصول سود آور را با تعرفه صفر به کشور کنند.
نیاز کشور به واردات برنج در سال 400 هزار تن است اما در 9 ماه گذشته نزدیک به 900 هزار تن از این محصول وارد کشور شده است. این در حالی است که نیاز مصرفی کل کشور به برنج سالانه به میزان 2 میلیون 800 هزار تن است که تولید داخلی ما دو میلیون 400 هزار تن از آن را پوشش می دهد.
کارشناسان معتقدند که با مساعدت وزارت کشاورزی و کشت بذر های پر محصول می توان از واردات برنج بی نیاز شد.

اما چرا این اتفاق نمی افتد؟
بر اساس آمار ارائه شده، سودی معادل 500 میلیون دلار از واردات برنج عاید وارد کنندگان برنج می شود، بنابراین می توان به راحتی به پاسخ این سوال رسید. ارزش برنج وارداتی به کشور در سال جاری بالغ بر 975 میلیون دلار است. این مقدار که با ارز مرجع (1226 تومانی) وارد کشور شده است، برای وارد کنندگان به ازای هر کیلو 2000 تومان تمام می شود. اما وارد کنندگان با یک سود 75 درصدی هر کیلو برنج را به قیمت 3500 تومان به فروش می رسانند.
تولید محصولات کشاورزی بر عهده وزارت جهاد کشاورزی است، اما این وزارت نقش چندانی در سیاست‌گذاري، برنامه‌ریزی و مدیریت نهاده‌های تولیدي، قیمت‌گذاری کالا، تنظیم واردات و صادرات، صنایع تکمیلی و تبدیلی ندارد.

در مجلس هشتم سعی شد تا این مشکل برطرف شود و وظایف وزارت صنعت در این زمینه به وزارت کشاورزی محول شود. اما بنا به گفته مهرداد لاهوتی عضو کمیسیون عمران این طرح با دخالت برخی از نمایندگان و تحت تاثیر صاحبان و سرمایه و قدرت سه ماه مسکوت شد. اما «طرح انتزاع» این هفته در صحن علنی مجلس نهم به رای گذاشته می شود تا وزرات کشاورزی از این به بعد پاسخگوی واردات برنج به کشور باشد.
نمایندگان در جلسه علنی روز یکشنبه مجلس شورای اسلامی طرح یک فوریتی انتزاع وظایف و اختیارات بخش کشاورزی از وزارت صنعت، معدن و تجارت و الحاق آن به وزارت جهاد کشاورزی را با 201 رای موافق، 27 رای مخالف و 7 رای ممتنع تصویب کردند.

فروش 200 مجوز داروخانه در تهران به دلالان

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 2 بهمن 91 آمده است : دکتر رهبر مژدهی آذر رئیس انجمن داروسازان ایران در گفتگو با خبرنگار مهر اظهارداشت: جامعه داروسازان کشور از اول روی بعضی مسائل با وزارت بهداشت مشکل داشت که یکی از آنها، تصویب آیین نامه هایی بود که به تخلفات داروخانه ها دامن می زد.
وي، فاصله طولی داروخانه ها از یکدیگر را مورد اشاره قرار داد و افزود: وزارت بهداشت، فاصله 300 متری داروخانه ها از یکدیگر را به 200 متر کاهش داد، در حالی که داروخانه ها در فاصله 300 متری هم دچار مشکلات مالی و اقتصادی بودند.
مژدهی آذر به صدور مجوز تاسیس داروخانه از سوی وزارت بهداشت اشاره کرد و گفت: وزارت بهداشت برای حدود 200 نفر در تهران بدون نوبت، اقدام به صدور مجوز تاسیس داروخانه کرد.
متاسفانه این افراد که از اساتید و هیئت علمی دانشگاهها بودند، نیامدند داروخانه ها را تاسیس کنند بلکه بلافاصله مجوزهای خودشان را فروختند.
رئیس انجمن داروسازان ایران، این اقدام وزارت بهداشت را نیز در راستای دامن زدن به تخلفات داروخانه ها قلمداد کرد و افزود: این قبیل اقدامات وزارت بهداشت به نابسامانی اقتصادی داروخانه های خصوصی دامن زد و در نتیجه همکاران داروساز از عهده اداره داروخانه های خود برنیامدند.
وی همچنین به مشکلاتی که اداره دارایی و مالیات بر سر راه داروخانه های خصوصی ایجاد کرده اند، اشاره کرد و گفت: اداره مالیات که قبلا همکاری و تعامل خوبی با داروخانه ها داشت، حالا با گرفتن مالیاتهای سنگین، موجبات ورشکستگی داروخانه ها را رقم زده است. به طوریکه مالیات 2 میلیونی به 10 تا 20 میلیون تومان رسیده و در نتیجه داروخانه ها را ورشکسته کرده اند.
مژدهی آذر تاکید کرد: بروز چنین مشکلاتی باعث شده تا داروخانه ها به دست افراد سودجو بیافتد و آنها با اجاره این داروخانه ها، وارد این عرصه شوند.
به گفته رئیس انجمن داروسازان ایران، 70 درصد داروخانه های تهران اجاره ای است.
وی با طرح این موضوع که گرداننده اصلی داروخانه های اجاره ای در پشت دکتر داروساز پنهان شده اند، اظهارداشت: این افراد برای تامین هزینه های داروخانه، ناچارند دست به کارهایی بزنند که تخلف است.
مژدهی آذر در ادامه به برخی دیگر از تصمیمات غیرمنطقی وزارت بهداشت در ارتباط با توزیع داروساز در کشور اشاره کرد و افزود: برنامه هایی که این وزارتخانه در ارتباط با داروخانه های خصوصی و داروسازان اجرا می کند، می بایست در مناطقی غیر از تهران و سایر شهرهای بزرگ کشور باشد. زیرا در حال حاضر به ازای هر 100 هزار نفر در تهران 46 داروساز است اما این عدد در استانهای سیستان و بلوچستان وهرمزگان، یک داروساز به ازای هر 100 هزار نفر است.
رئیس انجمن داروسازان ایران گفت: بنابراین، وزارت بهداشت باید به استانهایی امتیاز بدهد که به لحاظ نیروی انسانی با کمبود مواجه است تا بتواند از طریق امتیازهای تشویقي، شرایط حضور بیشتر داروسازان در این مناطق را فراهم آورد.
وی با تاکید بر این نکته که پیش بینی می کردیم چنین مشکلاتی برای داروخانه های خصوصی کشور به وجود بیاید، تصریح کرد: البته اگر نخواهند شرایط موجود را اصلاح کنند، وضع از این هم بدتر خواهد شد.
مژدهی آذر، وزارت بهداشت، وزارت دارایی و همچنین سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان را در بروز نابسامانی در داروخانه های خصوصی کشور و به انحراف کشیدن آنها مقصر دانست و افزود: این در حالی است که داروخانه های دولتی به شدت حمایت می شوند. به طوریکه 50 درصد داروی کشور توسط 1000 داروخانه دولتی و 50 درصد دیگر توسط 8500 تا 9000 داروخانه خصوصی در کشور توزیع می شود.
وی در همین زمینه ادامه داد: البته داروخانه های خصوصی به دلیل پایین بودن سود دارو، قادر به توزیع

داروهای گران قیمت و خاص نیستند. زیرا با توجه به 5 درصد سود این داروها، امکان سوددهی داروهای خاص برای داروخانه های خصوصی کشور وجود ندارد.
مژدهی آذر افزود: نگهداری و حفاظت از داروهای خاص، هزینه بر است و نمی توان با سود 5 درصدي، هزینه ها را تامین کرد. اگر سود دارو را از 5 درصد به 10 تا 20 درصد برسانند، شاید وضع مالی داروخانه های خصوصی هم بهتر شود.
وی با رد این اتهام وزارت بهداشت که می گویند داروخانه های خصوصی حاضر به توزیع داروهای خاص نیستند، گفت: اگر سود دارو بالا برود، قطعا داروخانه های خصوصی هم از توزیع داروهای خاص و گران قیمت استقبال می کنند.
رئیس انجمن داروسازان ایران با اشاره به حضور سرپرست وزارت بهداشت و تجربه مدیریتی دکتر طریقت در حوزه سلامت، اظهار امیدواری کرد که مشکلات داروخانه های خصوصی مرتفع شود.

نیمروزی در میان فروشندگان داروهای غیرمجاز

به نوشته روزنامه دولتی خراسان در تاریخ 3 بهمن 91 آمده است :تاکنون بارها درباره بازار سیاه دارو و عرضه برخی داروهای غیرمجاز از سوی دلالان شنیده بودم، اما این بار برای تهیه گزارش عینی در این باره به محله ای قدم می گذارم که در تسخیر دلالان داروهای غیرمجاز است. اگر شما هم به این محله بیایید با کمی تأمل این افراد را می بینید که قدم به قدم با ژست های خاص ایستاده اند و با نگاه های معنادار دنبال مشتری و عرضه داروها با قیمتی چند برابر می گردند.

محله ای در پایین شهر
این محله در اطراف یکی از میدان های پایین شهر قرار دارد. به این محله سری می زنم و خود را مشتری و خریدار داروی اعصاب معرفی می کنم. به یکی از دستفروشانی که مشغول فروش اسباب بازی است نزدیک می شوم. از این جوان ۲۵- ۲۴ ساله می پرسم «اینجا چه کسی دارو می فروشد؟ به دارو نیاز دارم.» جواب می دهد: «چه دارویی نیاز داري؟» به او می گویم: «داروی اعصاب» با دست به داروخانه آن طرف خیابان اشاره می کند و می گوید: «از داروخانه تهیه کن».

پاساژی برای عرضه دارو
از مرد میانسالی که سوار بر موتورسیکلت کهنه اش در حال یافتن مشتری برای یکی از هتل های شهر است، درباره محل فروش دارو سوال می کنم.او می گوید: در حال حاضر چند سرباز نیروی انتظامی (روی پل) مکانی که همیشه محل فروش دارو بود ایستاده اند و دلالان به دلیل ترس از نیروی انتظامی در پیاده رو و حاشیه خیابان پراکنده شده اند اگر مشتری هستید، می توانید آنها را پیدا کنید.به همان سمتی که آدرس داده بود می روم. یک داروخانه هم اینجاست اما مشتری های دلالان به داروخانه مراجعه نمی کنند. به مردی نزدیک می شوم که تقریبا ۴۵-۴۰ ساله است با پیراهن چرکین و کاپشن مشکی و شلوار لی سیگار روشنی در دست دارد و پشت سر هم مشغول بیرون دادن نفس پردودش است.با فاصله یک متری از او می ایستم تا از دود سیگارش اذیت نشوم، از او می پرسم داروی آزاد داري؟ سرش را به حالت تایید تکان می دهد و می گوید: «بیا برویم» چند قدم به دنبالش می روم. می گوید: داخل پاساژ است.

داروی ترک اعتیاد می خواهي؟
به پاساژ مورد نظر نزدیک می شوم، پاساژ به هم ریخته ای که بیشتر شبیه انباری است تا پاساژ، ضربان قلبم تندتر می شود و وحشت تمام وجودم را فرامی گیرد. ناگهان از من می پرسد: «چه دارویی می خواهي؟» می گویم: «سترالین، داروی اعصاب»، می گوید: «نداریم اگر قرص ترامادول یا شربت متادون و ترک اعتیاد می خواهی داریم، این دارویی که شما می خواهی باید از داروخانه تهیه کني، ما نداریم.» به او اصرار می کنم. می گوید: «برو از افراد دیگری که اینجا ایستاده اند بپرس، ولی این نوع داروها را در اینجا نمی فروشند.»از مرد دیگری که او هم منتظر مشتری است، می پرسم: «دارو دارید؟» می گوید: «بستگی دارد چه دارویی بخواهی»، می گویم: «داروی اعصاب» می گوید: «نه داروی ترک اعتیاد داریم، اگر می خواهی قیمت بدهم». می گویم: «نه نمی خواهم».

دلالان داروهای غیرمجاز
از خیابان شلوغ و پرتردد عبور می کنم و به پیاده روی آن سوی خیابان می روم. در آنجا هم چند نفر را می بینم که درباره قیمت یک دارو گفت وگو می کنند. دلال جوان گویا حاضر نیست جنس خود را ارزان تر بفروشد و می گوید: «این دارو را از هر کدام از دلالان بخواهی کمتر از این قیمت که من می گویم به

تو نمی دهند.» با هم قرار می گذارند که فردا خریدار ساعت ۱۱ با ۲۰۰ هزار تومان پول برگردد و دارو را دریافت کند.

چانه زنی بر سر قیمت داروی سقط جنین
به یکی از این مشتری ها که زن میانسالی است و پالتوی کهنه ای پوشیده است می گویم: «آیا قیمت دارویی که این جوان می گوید مناسب است؟» پاسخ می دهد: «بله من چند بار از او دارو گرفته ام و خودم به افرادی که نیاز داشته اند فروخته ام. اگر شما هم داروی سقط جنین می خواهی من با قیمت مناسب تری حساب می کنم.» من می گویم: «قیمت داروها چقدر است؟» می گوید: «اگر قرص بخواهی هر قرص ۴۵ هزار تومان و اگر آمپول، آمپولی ۹۵ هزار تومان. از من می شنوی آمپول بهتر از قرص عمل می کند.»می گویم: «نه باید با کسی که به دارو نیاز دارد، مشورت کنم. اگر خواست دوباره می آیم.» این زن می رود و من با همان دلال جوان درباره داروی سقط جنین صحبت می کنم.

هر قرص ۴۰ هزار تومان و هر آمپول ۹۰ هزار تومان
در حالی که دست هایش را در جیب کاپشنش قرار داده است، می گوید: «چه دارویی می خواهی ترامادول ، ترک اعتیاد یا سقط جنین؟» می گویم: «می خواهم برای یکی از آشنایان داروی سقط جنین بخرم اما دنبال دارویی با قیمت مناسب می گردم.» می گوید: «هر قرص ۴۰ هزار تومان و هر آمپول ۹۰ هزار تومان، اگر پول داری که الان بروم و بیاورم.» می گویم: «الان که پول همراهم نیست ولی چند عدد قرص یا آمپول نیاز است؟» می گوید: «بستگی دارد به این که فرد چند ماه از بارداری اش می گذرد» می گویم: «۲، ۳ ماه»، می گوید: «۲، ۳ ماه زیاد است و با قرص جواب نمی گیرد، باید حتماً آمپول تهیه کني، آن هم ۴، ۵ عدد که در کل می شود، ۴۵۰ هزار تومان، اگر می خواهی الان قرار بگذاریم که شما پول را بیاوری و من هم دارو را» می گویم: «شما همیشه اینجایید، می گوید: بله، به راحتی می توانید مرا در این محدوده پیدا کنید، اما شماره تلفن همراهم را یادداشت کن تا اذیت نشوی ۰۹۳۶۰۰۰۰۰۰۰» شماره اش را در تلفن همراهم ثبت و از او خداحافظی می کنم.

ارزان تر می فروشم!
از عرض این خیابان شلوغ به وسط خیابان می رسم که احساس می کنم جوانی قدم به قدم دنبالم می آید. به آن طرف خیابان می رسم. او هم شلوار لی و کاپشن مشکی به تن دارد مثل این که همه دلالان اینجا فرم خاص پوشیده اند. به من نزدیک می شود، می گوید: «داروی سقط می خواهی»، می گویم: «داري؟» می گوید: «بله اما ارزان تر از قیمتی که به تو گفته اند. من هر قرص را ۳۵ هزار تومان و هر آمپول را ۸۵ هزار تومان می فروشم. اگر الان پول داری به اندازه پولی که داری دارو به شما تحویل می دهم و بقیه اش را فردا بیاور و بقیه داروها را بگیر.» می گویم: «شاید تاریخ مصرف گذشته باشد، می گوید: برو به هر پزشکی که می خواهی نشان بده داروها هم تاریخ مصرف دارند و هم اصل اصل هستند، اگر همان مقدار که می گویم مصرف کنی حتماً جواب می گیری.» می گویم: «باشد هر وقت خواستم می آیم»

این داروها را نخر
به محض این که آن دلال جوان از من دور می شود ناگهان دختر جوانی را می بینم که از مغازه کفش فروشی خارج می شود و به سمت من می آید و می گوید: این داروها را نخر. می گویم: «چرا مگر چه اشکالی دارد؟» دختر جوان که ظاهری ساده دارد، می گوید: «خواهر من آمپول سقط جنین را از یکی از این دلالان گرفت و تزریق کرد اما با افت شدید فشار خون مواجه و حالش به شدت بد شد به طوری که همه فکر می کردیم می میرد، سریعا او را به بیمارستان منتقل کردیم پزشکان بیمارستان گفتند: «خدا به خواهر شما رحم کرد، چون آمپولی که تزریق کرده تاریخ مصرف گذشته بوده است و اگر دیرتر به بیمارستان می رسید کار از کار می گذشت. او ادامه می دهد: «از من گفتن بود»، این را گفت و رفت.در مسیر برگشت سوالی برایم ایجاد می شود و آن این که چطور ماموران حفظ سلامتی مردم (مسئولان وزارت بهداشت) دلالان بازار سیاه عرضه داروهای غیرمجاز که سلامتی مردم را قربانی خواسته های شوم خود می کنند شناسایی و بازداشت نمی کنند، آیا شناسایی این افراد برای آنها سخت است؟

کارگران نی بر شرکت نیشکر هفت بطور یکپارچه ای دست به اعتصاب زده اند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در سوم بهمن 91 آمده است : کارگران نی بر شرکت نیشکر هفت تپه از ساعات اولیه صبح امروز دست از کار کشیدند و در مقابل مدیریت کارخانه تجمع کردند.
این کارگران مدت سه ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند و به همین دلیل با خواست پرداخت سه ماه دستمزد معوقه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل دست از کار کشیده اند. تا لحظه مخابره این خبر (10 صبح) هیچیک از مسئولین کارخانه در میان کارگران اعتصابی حاضر نشده اند. خبر تکمیلی این اعتصاب متعاقبا منتشر خواهد شد.

خبر تکمیلی اعتصاب 1500 نی بر شرکت نیشکر هفت تپه

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در سوم بهمن 91 آمده است : 1500 کارگر نی بر شرکت نیشکر هفت تپه در اعتراض به عدم دریافت سه ماه دستمزد و با خواست اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از صبح روز یکشنبه اول بهمن ماه در اعتصاب بسر می برند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، از صبح روز یکشنبه که این کارگران دست به اعتصاب زده اند مسئولین شرکت نیشکر هفت تپه تا کنون هیچ پاسخی به خواستهای آنان نداده اند. به همین دلیل از صبح امروز این کارگران دست به تجمع در مقابل دفتر مدیریت زدند و خواهان رسیدگی به خواستهای خود شدند اما نه تنها امروز نیز پاسخی به این کارگران داده نشد بلکه عوامل حراست با حضور در محل تجمع کارگران سعی در کنترل آنان کردند.
از سوی دیگر از صبح امروز حدود 60 نفر از کارگران کارخانه نیز به کارگران نی بر تجمع کننده در مقابل دفتر مدیریت پیوستند. این کارگران از جمله کارگران ساکن در خانه های سازمانی شرکت نیشکر هفت تپه هستند که به آنان اعلام شده است از این پس باید ماهیانه مبلغ یکصد هزار تومان بابت سکونت در خانه های سازمانی به شرکت پرداخت کنند اما کارگران زیر بار این خواست نرفته اند و به همین دلیل آنان نیز از صبح امروز همراه با کارگران نی بر، دست به تجمع در مقابل دفتر مدیریت زدند.
لازم به توضیح است در خبر اولیه اتحادیه آزاد کارگران ایران از اعتصاب کارگران نی بر شرکت نیشکر هفت تپه آمده بود که این کارگران از صبح امروز دست به اعتصاب زده اند این درحالی است که تجمع آنان در مقابل دفتر مدیریت از صبح امروز آغاز شده است اما اعتصاب شان از صبح روز یکشنبه اول بهمن آغاز شده بود که بدینوسیله تاریخ شروع اعتصاب کارگران نی بر شرکت نیشکر هفت تپه اصلاح میشود.

سعید مرتضوی از سمت خود عزل شد

یک منبع آگاه در گفت‌وگو با بخش اجتماعی خبرگزاری دولتی فارس در سوم بهمن 91 اظهار داشت: در جلسه‌ای که امروز با حضور اعضای هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی برگزار شد، اعضا در نهایت به این نتیجه رسیدند که سعید مرتضوی از مدیریت بر سازمان تأمین اجتماعی عزل شود.
وی درباره سرپرست جدید سازمان تأمین اجتماعی اظهار داشت: هنوز فردی برای این سمت انتخاب نشده است.
این منبع آگاه تصریح کرد:سرپرست سازمان تامین اجتماعی بزودی توسط وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و اعضای هیئت امنای سازمان انتخاب و معرفی خواهد شد.
وی همچنین آمدن علي‌اکبر محرابیان و ابوالحسن فقیه به سازمان تامین اجتماعی را در حد شایعه خواند.
گفتنی است، عزل مرتضوی در حالی صورت مي‌گیرد که از روز نخست انتصاب وی به این سمت با مخالفت‌هاي‌بسیاری از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبرو شد.
علی اکبر بختیاری مدیرکل حوزه ریاست دیوان عدالت اداری چند روز پیش در گفت‌وگو با خبرنگار قضایی فارس از لغو حکم مدیر عاملی مرتضوی در سازمان تأمین اجتماعی از سوی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری خبر داده بود.
همچنین رضا طلایی نیک جانشین معاون نظارت مجلس امروز اعلام کرده بود که با توجه به

مستندات صریح قانوني، ادامه مدیریت مرتضوی در تأمین اجتماعی با هر عنوانی پیگیرد قانونی دارد.

سعید مرتضوی "سرپرست" سازمان تامین اجتماعی شد

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 3 بهمن 91 آمده است : در حالی که خبرگزاری مهر روز گذشته از صدور حکم سرپرستی سعید مرتضوی در سازمان تامین اجتماعی خبر داده بود امروز این خبر تائید شد و وی از این پس با حکم معاون اول رئیس جمهور به عنوان سرپرست عهده دار مسئولیت این سازمان است.
به گزارش خبرنگار مهر، ماجرای سعید مرتضوی در سازمان تامین اجتماعی با اعلام حکم سرپرستی وی به پایان رسید و وی از این پس با عنوان سرپرست ماندگار شد.
طبق ماده 113 قانون خدمات کشوری وزیر تعاون ، کار و رفاه اجتماعی می تواند تا 6 ماه حکم سرپرستی برای سازمان تعیین کند.
در جلسه روز دوشنبه 25 دیماه هئیت عمومی دیوان عدالت کشور، این دیوان مصوبه هئیت وزیران در خصوص تغییر صندوق تامین اجتماعی به سازمان تامین اجتماعی را مغایر قانون تشخیص داد و حکم وزیر برای مدیرعاملی سعید مرتضوی بر سازمان تامین اجتماعی لغو شد.
این حکم دو روز بعد به وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ابلاغ شد و روز 30 دی نیز در روزنامه رسمی به چاپ رسید. به گفته رئیس دیوان عدالت اداری این رای قطعی است و باید اجرایی شود.
در واکنش به این این حکم، شیخ الاسلامی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی عنوان کرد که مطیع قانون هستیم و حدود یک هفته بعد از ابلاغ، حکم عزل مرتضوی از مدیرعاملی سازمان تامین اجتماعی صادر شد اما این بار هم با تعیین حکم سرپرستی ، مرتضوی مجددا در راس سازمان تامین اجتماعی به فعالیت خود ادامه می دهد.
همچنین روز گذشته نیزمحسنی اژه ای سخنگوی قوه قضائیه در مورد خصوص آخرین وضعیت سعید مرتضوی عنوان کرد که وقتی از وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در این خصوص سئوال شد اعلام کردند بر اساس قانون عمل می کنند که امیدواریم همانگونه باشد اما اگر اقدامی خلاف قانون انجام شود موضوع مجرای خاص خودش را طی خواهد کرد.

تجمع کارگران فصلی «نی‌بر» در مقابل نهاد ریاست جمهوری

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 3 بهمن 91 آمده است : جمع کثیری از کارگران فصلی کشت صنعت کارون شوشتر با سفر به پایتخت امروز در اعتراض به اجرای نشدن طرح بندی مشاغل و بازنشستگی پیش از موعد در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.
یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: دو هزار کارگر فصلی کشت صنعت کارون شوشتر که به کار تخصصی بریدن نی اشتغال دارند خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و همچنین اجرا نشدن بازنشستگی پیش از موعد خود هستند.
او افزود: این تعداد کارگر برای چندمین بار متوالی طی چند سال اخیر ضمن اعتراض در مقابل ارگانهای وابسته به دولت در استان خوزستان برای دومین بار به تهران آمده و در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کرده‌اند.
او ادامه داد: در پی تجمع اول کارگران، طبق دستور ریاست جمهوری، وزارت کار وعده داده بود هر ساله ۱۰۰ تا ۲۰۰ کارگر فصلی نی بر بازنشسته شوند که متاسفانه تا به امروز این دستور محقق نشده است.
این کارگر افزود: کارگران نی بر کشت صنعت کارون شوشتر در زمستان در فضای باز طبیعی در میان گل ولای و در تادبستان در گرمای بیش از ۵۰ درجه مشغول بکار هستند.
او گفت: این کارگران به علت عدم آگاهی از قوانین بیمه و کم سواد بودن پی گیر مطالبات بیمه‌ای خود نبودند و تصور می‌کردند حقوق بیمه‌ای‌شان بطور مرتب توسط کارفرما منظور می‌شده است.

این کارگر در خصوص عمده مشکلات همکارانش اضافه کرد: تعداد زیادی از این کارگران با ۳۵ سال کار در این واحد امکان بازنشستگی ندارند و به آنان گفته شده با آنکه ۳۵ سال کار کرده‌اید اما در سوابق بیمه‌ای شما ۱۵ سال سابقه کار منظور شده است.
او با اشاره به اینکه کارگران به علت سختی کارشان بعد از گذشت ۳۰ تا ۳۵ سال دیگر توان کار کردن ندارند، گفت: در این مورد وقتی به مسئولان ذیربط استان مراجعه کردیم پاسخی دریافت نکردیم و آنان نسبت به مشکلاتمان بی‌توجه بودند.
وی در پایان سخنان خود تصریح کرد: طبق گفته کارشناسان تامین اجتماعی برای بازنشسته شدن هر کارگر ۷۵ میلیون تومان پول باید واریز شود که ازاین رقم ۶۰ درصد آن سهم کارفرما است ومابقی ۴۰ درصد را که ۳۰ میلیون تومان بر آورد شده باید کارگر پرداخت کند، که این در توان مالی کارگران فصلی که بخشی از سال بیکار هستند نیست.
لزوم پوشش بیمه بدلیل خطرات کار نی‌بری
یکی دیگر از کارگران معترض ادامه داد: کار ما بریدن نی با قمه است، که با حوادث زیادی همانند بریدن انگشتان دست، بریدن پا، دیسک کمر و حوادث طبیعی همانند حمله حیوانات وحشی مثل گراز همراه است. این حوادث برای تعداد زیادی از همکارانمان اتفاق افتاده و پس از مصدومیت از کار بیکار شده‌اند و کسی از آنان حمایت نکرده است.
این کارگر افزود: به علت فصلی بودن کارمان در طول سال ۸ ماه کار می‌کنیم و ۴ ماه بیکار هستیم اما فقط حقوق و بیمه ما در طول زمانی که فعال هستیم رد می‌شود.
او در مورد اجرای طرح طبقه بندی مشاغل نیز افزود: با وجود این که اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و قانون مشاغل سخت و زیان اور از سال ۶۸ در این واحد تولیدی انجام شده است، کارگران نی بر به علت کم سواد بودن و عدم آگاهی هنوز از این امکان برخوردار نشده‌اند و به ما گفته شده طرح طبقه بندی مشاغل فقط برای کارگران رسمی منظور می‌شود.
این کارگر اضافه کرد: این در حالیست که طبق نظر کارشناسان و دستور مسئولان وزارت تعاون کار ورفاه اجتماعی، کارگران نی بر نیز حق استفاده از طرح طبقه بندی مشاغل را دارا هستند وحتی گروه بندی نیز برای این تعداد کارگران اختصاص یافته است.
نگرانی از جایگزینی دستگاه‌به جای کارگر
همچنین کارگر دیگری در ادامه مشکلات کارگران نی بر اظهار داشت: با فصلی بودن کارمان در سال ۸ ماه کار می‌کنیم و ۴ ماه بیکار هستیم، با وجود آن در چهار ماه بیکاری خود با مشکلات تامین معیشتی زیادی روبرو هستیم.
او افزود: با ورود دستگاه‌های نی بر که جدیدا خریداری و فعال شده‌اند وقرار است تعداد این دستگاه‌ها نیز افزایش یابد، کارگرانی که قبلا ۸ ماه در سال کار می‌کردند هم اکنون با وجود این دستگاها، بجای ۴ ماه بیکاری، ۶ ماه در سال بیکار هستند. از این بابت نگرانیم که با اضافه شدن این دستگاه‌های نی بر اشتغال کارگران نیز به خطر بیافتد.
این کارگر با ابراز نگرانی از وجود این دستگاها در مورد سایر مطالبات خود گفت: هم اکنون یک ماه و نیم از حقوق ما پرداخت نشده و بیمه تامین اجتماعی ما نیز از آبان ماه واریز نشده است.

کودکان کار در قامت «جاساز» مواد مخدر

به نوشته سایت قانون در سوم بهمن 91 آمده است :فرشید اسحاقی:زمستان و تابستان و در سرما و گرما، سرچهار راه های شهر مشغول کارند، کاری کاذب که فقط دود را جای سود، نصیبشان مي‌کند. کودکان کار، معضل امسال و چند سال اخیر پایتخت و شهرهای بزرگ هستند که بي‌برنامگی مسئولان در عین برنامه دار بودن ساماندهی کودکان کار! آسیب‌های جدی را رقم زده است. آسیب‌هایی که امروز نه تنها سن کودکان کار را به چهار و پنج سال هم رسانده، که از آن‌ها به «جاساز مواد مخدر» سودجویان بدل ساخته است. فاجعه‌ای که بعید است شهروندی در تهران، گمان کند در جیب کودکی که به او فال مي‌فروشد، مواد مخدر است و تا دقایقی دیگر، بي‌آنکه کسی بفهمد، از جیبش ترانزیت مي‌شود. کاهش سن کودکان کار در تهران و سودجویي‌های مختلف از آن‌ها موضوعی است که معاون خدمات اجتماعی سازمان رفاه، خدمات و مشارکت اجتماعی شهرداری تهران با تاسف از آن خبر داده

و تار شدن دنیای روشن کودکان را تایید مي‌کند. «رضا جاگیری»، مي‌گويد: تعداد کودکان زير هشت سال که در خیابان های تهران «کار» مي‌کنند، «زیاد» است.

سود جویی از کودکان کار
معاون سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران با بیان اینکه کمتر به سودجوييهایی که از کودکان کار مي‌شود، توجه صورت گرفته و برای مقابله با آن اقدام مي‌شود، به « قانون » مي‌گويد: هنوز دستگاه‌ها به روندی واحد در ساماندهی کودکان کار نرسیده‌اند. این نبود توافق موجب شده تا مشکلات کودکان کار و سود جوييها از آنان بیشتر شود. وی مي‌افزاید: به واقع ساماندهی کودکان کار متولی واحد ندارد. همین هم باعث شده تا تعداد کودکان کار افزایش یافته و البته کار تیمی آن‌ها نیز زیاد شود. بسیاری از کودکان کار که در سطح شهر مي‌بینیم، به طور تیمی و برای سودجویی برخی افراد کار مي‌کنند. این سودجوييِ، اکنون حتی در استفاده از کودکان برای جابه جایی مواد مخدر هم دیده مي‌شود که آینده مبهم و خطرناکی را پیش روی کودکان کار قرار مي‌دهد.

کودک معتاد هم داریم
معاون سازمان رفاه، خدمات و مشارکت اجتماعی شهرداری تهران علاوه بر مشکلات بیماری و بهداشتی کودکان کار، سوء استفاده جسمی و جنسی از کودکان کار را نیز مورد توجه قرار داده و مي‌گويد: بسیاری از کودکان کار به خصوص کودکان چهار و پنج ساله، حتی برای جابه جایی مواد مخدر نیز مورد استفاده قرار مي‌گیرند.
جثه ریز آن‌ها سبب مي‌شود تا افراد سودجو، به سود جویی از آن‌ها پرداخته و البته سود جویی شان دیده نشود. برخی از کودکانی که جمع آوری شده‌اند، اعتیاد هم داشتند که باید چاره‌ای برای آن اندیشید. جاگیری با اشاره به خلأهای قانونی موجود در جمع آوری و ساماندهی کودکان کار تاکید مي‌کند: ۱۲ دستگاه در بحث ساماندهی کودکان کار مسولند اما بسیاري، وظیفه‌ای بر عهده نمي‌گیرند و شهرداری هم به تنهایی نمي‌تواند همه کار را انجام دهد. یکی از خلاءها همین بحث جمع آوری کودکان زیر هشت سال است که بهزیستی آن‌ها را نمي‌پذیرد و از دیگر سو حضورشان در شهر، مشکلات زیادی همراه دارد. وی با اشاره به تعریف قانون برای سن کودکان کار مي‌گويد: کودکان کار زیر هشت سال در قانون تعریف نشده و از این رو، بهزیستی از پذیرش این کودکان که توسط شهرداری جمع آوری شده سرباز مي‌زند. بسیاری اوقات، با اصرارها و پیگیري‌های شهرداري، بهزیستی به سختی این گروه از کودکان را مي‌پذیرد اما مواقعی نیز پیش مي‌آید که پذیرش این کودکان عملی نیست و شهرداری به ناچار آن‌ها را در شهررها مي‌کند. فعالیت کودکان زیر هشت سال در خیابان‌های تهران که کودکان ۴ و ۵ ساله نیز در آن‌ها وجود دارند، مشکلات و آسیب‌های بسیاری را همراه دارد که باید اقدام و برنامه‌ای عاجل و جامع برای آن صورت گیرد.

کودکانی با لباس متحدالشکل
فعالیت کودکان کار با لباس متحدالشکل در برخی نقاط تهران از نکاتی است که معاون سازمان رفاه و خدمات و مشارکت‌های اجتماعی به آن اشاره مي‌کند و مي‌گويد: در گذشته کودکان خیابانی و کار با هر لباس و وضعیتی در چهارراه‌ها و مناطق مختلف شهر اقدام به تکدي‌گری مي‌کردند اما به تازگی برخی از این کودکان لباس های فرم به تن دارند و گویا از سوی فردی و یا گروهی سازماندهی شده‌اند. شاید برخی از خانواده‌ها به دلیل مشکلات مالی و اقتصادي، کودکان خود را برای کار سر چهارراه بفرستند اما تعدادی از این کودکان توسط باندهایی به این کار مجبور مي‌شوند که شاید لباس یک رنگ و یک مدل نیز بر تن آنان بپوشند. باندهای تکدي‌گری با پوشاندن لباس‌های یک رنگ به کودکان احساسات مردم را برای کمک به این کودکان جریحه دار مي‌کنند و متاسفانه فرهنگ حاکم در کشور به گونه‌ای است که شهروندان تحت تاثیر ظاهر کودکان قرار گرفته و با کمک‌هایشان، زمینه را برای تداوم فعالیت کودکان کار فراهم مي‌کنند.

بیش از ۷۰ درصد کودکان کار، بیمار هستند

یکی از تبعات جدی کودکان کار و به خصوص کودکان زیر هشت سال، آلودگي‌هایی است که از آن‌ها بیمارانی کم سن و سال و البته خطرناک ساخته است. معاون سازمان رفاه و خدمات اجتماعی شهرداری تهران مي‌گوید: حضور کودکان کم سن و سال در خیابان‌های شهر و قرار گرفتن در معرض انواع و اقسام آلودگي‌ها، سلامت آن‌ها و به دنبالش سلامت جامعه را به خطر انداخته است. وی به تحقیقی در این باره اشاره کرده و تصریح مي‌کند: بیش از ۷۰ درصد کودکان کار، بیمار هستند. آن هم بیماري‌هایی که بسیار برای سن و سال آن‌ها خطرناک است. عفونت‌های داخلي، بیماري‌های اعصاب و روان، عفونت‌های خونی و گوارشی و حتی سل و بیماري‌های دیگر اکنون در کودکان کار سطح تهران زیاد است.

جمع آوری ماهانه ۱۲۰۰ کودک کار
گروهی از کودکان کار که از سطح خیابان‌های تهران جمع آوری مي‌شوند، دارای خانواده و سرپرست هستند. جاگیري، آمار جمع آوری کودکان کار در تهران را ماهانه ۱۲۰۰ کودک، که روزانه ۴۰ کودک را شامل مي‌شود اعلام کرده و تصریح مي‌کند: عمده این کودکان دارای خانواده هستند که با همکاری سایر دستگاه‌ها، خانواده‌هایشان شناسایی شده و تحویل مي‌شوند. کودکان بي‌سرپرست که در دایره سنی ۸ تا ۱۸ سال باشند، تحویل بهزیستی مي‌شوند. اما مشکل اینجاست که شمار زیادی از کودکان جمع آوری شده، به دلیل شرایط معیشتي، دوباره راهی خیابان‌های شهر برای کار و فعالیت مي‌شوند و این یعنی تکرار چرخه کودکان کار.

بدون شرح

احمدي‌نژاد: آپارتمان جای زندگی نیست/ مي‌توانیم به 15میلیون خانوار 2هکتار زمین بدهیم / نفت نمی خرید به جهنم که نمی خرید

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در سوم بهمن 91 آمده است : محمود احمدي‌نژاد پس از افتتاح چند طرح عمرانی در استان همدان در سخنرانی خود با اشاره به میلاد پیامبر اکرم در ماه ربیع‌الاول اظهار کرد: شاید گذاشتن نام ربیع‌الاول برای این ماه از آن جهت است که پیامبر عزیز ما که حقیقت بهار هستی است از ناحیه خداوند متعال به عالم هدیه شده است.
وی در ادامه مردم استان همدان را مردمانی مومن و از پایه‌گذاران تاریخ و فرهنگ و تمدن انسانی و توحیدی دانست و افزود: در عالم، تمدن و یا ادعای آن زیاد است و من معتقدم این واژه‌ها باید بازتعریف شوند. تمدنی که بر پایه توحید و چند هزار سال مطالعه با رویکرد تحقیق باشد و کوچکترین نشانه‌ای از شرک و بت‌پرستی در آن پیدا نشود، ممتاز است.
رییس‌جمهور ایمان،بزرگواري، صمیمیت، پاکي، فداکاری و ایستادگی بر ارزش‌های الهی را از ویژگي‌های مردم همدان برشمرد و اظهار کرد: در این دیار انسان‌های بزرگ، عارفان، فقیهان و مجاهدان یگانه‌ای تربیت و به جامعه بشری هدیه شده‌اند. همچنین مردم این استان در دوران انقلاب اسلامی پیشتاز ملت ایران بوده است و در کار خیر همبستگی و عشق برای ساختن و عشق به پیامبر و آل پیامبر زبانزد عام و خاص بودند.
وی در بخش دیگری از سخنان خود با بیان اینکه خوشبختانه سرعت سازندگی در استان همدان بالا است، خاطرنشان کرد: البته امسال به دلیل طراحي‌های دشمنان و فشارهای آنان یک مقدار منابع دولت دچار آسیب شد و آنطور که ملت مي‌خواست کارها به سرعت جلو نرفت اما با این حال کارهای خوبی در حال انجام است.
احمدي‌نژاد با مورد توجه قرار دادن پروژه مسکن مهر گفت: مسکن مهر با تمام حواشی که دارد در حال انجام است. من دیدم که در یک گزارش آورده بودند که در گوشه‌ای از شهري، گچ یکی از برج‌ها ریخته شده و عده‌ای داد و بیداد راه انداخته‌اند اما این طرح یک طرح ضربتی و فوری بود که باید درد مضمن را تسکین مي‌داد تا ما بتوانیم طرح‌های شایسته‌ای را در کشور اجرا کنیم و به لحاظ مسکن ولو موقت در کشور آرامشی ایجاد شود.
وی با اشاره به افتتاح طرح مسکن مهر در استان همدان و شهر ملایر گفت:البته این

شهرک‌های ساخته شده از نظر محوطه سازی نواقصی داشتند که باید تکمیل شود و شیرینی در کام مردم دو چندان شود. به هر حال قیمت‌ها بالا رفت و هزینه‌ها به مردم فشار آورده است، بنابراین ما باید کاری کنیم که این به نوعی جبران شود. مثلا مي‌توانیم زمان را طولاني‌تر کنیم تا قسطها کمتر شود چراکه استفاده‌کنندگان از مسکن مهر نوعا طبقات متوسط به پایین هستند باید برایشان گشایشی انجام شود.
رییس‌جمهور همچنین به پروژه آزادراه ساوه - همدان اشاره کرد و گفت: خوشحالم که گفته شده رتبه استان در راه روستایی و آسفالت بالا است و ان‌شاءالله که به لحاظ تجهیزات و ایمنی هم به گونه‌ای عمل شود که این راه‌ها در شان مردمی باشد که از آن عبور مي‌کنند.
احمدي‌نژاد با تاکید بر اینکه "آنچه در عالم هستی از انسان باقی مي‌ماند، اعمال خیر است"، گفت:هرچه غیر از خیر، نیستی و سقوط و محو شدن است بنابراین هر کسی هرجایی که است باید کارش را طوری تنظیم کند که این کار در راستای پیشرفت و اعتلای کشور و با چنین انگیزه‌ای باشد آنوقت دیگر ما دو هزار پیمانکار و ده هزار مدیر خدمتگذار نداریم بلکه 75 میلیون پیمانکار و مدیر و انسانی داریم که همه در یک راستا تلاش مي‌کنند.
وی همچنین با اشاره به تاریخ و تمدن و فرهنگ ایران اظهار کرد: مهمتر از بحث تاریخ و تمدن این است که ما ملتی هستیم که پی در پی در دامان خود انسان‌های بزرگ پرورش داده‌ایم و در این زمین استعدادهای نهان نهفته است و این آب و خاک نخبه، بزرگ و انسان‌پرور است.
البته خدا پروردگار است و من اعتقادم را مي‌گویم که این نه ناسیونالیسم و نه خودبرتربینی و نه به رخ کشیدن است بلکه ذکر نعمت خدا برای شکر او قلمداد مي‌شود. من معتقدم خدای متعال به سرزمین و مردم او ویژگي‌هایی داده که نوعا اگر نگوییم بي‌نظیر، کم نظیر و بسیاری از آنها منحصر به فرد است.
رییس‌جمهور ادامه داد: ما تنها ملتی هستیم که در تاریخ‌ما بت‌پرستی نبوده است؛ البته بت‌پرستی به معنای شناخته شده چراکه هواپرستی و نفس‌پرستی و امید به غیر خدا به نوعی بت‌پرستی و شرکت است. همچنین ما هیچ وقت برده‌داری نداشته‌ایم و هیچگاه بدی دیگران را نخواسته‌ایم یعنی از وارد شدن سختی به دیگران هیچ وقت خوشحال نشدیم.
احمدي‌نژاد با بیان اینکه "نمونه این گفته در همین 30 سال اخیر است"،گفت: یک آدم خودخواه، قدرت‌طلب و فاسد آمد و امکانات جهانی و کشورش را علیه ملت ایران بسیج کرد و به ملت خود و ملت ایران ظلم فراوانی شد و بعد هم او رفت و دشمنان آمدند و به کشور او صدمات بیشتری وارد کردند اما تنها کشوری که ایستاد و با آن کشور همراهی کرد و غصه خورد ملت ایران بود. بنابراین ملت ایران، ملت بزرگی است که نه تنها کینه‌ای از آن کشور ندارد بلکه از او حمایت و پشتیبانی هم مي‌کند و همه این‌ها ویژگي‌هایی است که نمي‌شود همه جان آن را پیدا کرد.
رییس‌جمهور ایران را یار معرفت، علم،آگاهی و دیار نخبگان دانست و افزود: نخبه فقط به ده نفر مخدوم نمي‌شود چراکه نخبگی در ذات ملت ایران است و مي‌بینیم اقلیت‌های ایرانی در هر کشور مي‌درخشند مردم کشورهای دیگر هم چنین موضوعی را قبول دارند. البته من اعتقاد دارم خدای متعال این ظرفیت و بزرگی را در این کشور به امانت گذاشته تا ملت ایران در تکمیل رسالت انبیاء و استقرار صلح و عدالت در جهان یک ماموریت ویژه ایفا کند و یک مسئولیت برجسته و موثر نیز به عهده بگیرد. اگرچه در مقابل هر استعداد و توانایی یک مسئولیت است و ما باید امروز ایران را بسازیم.
وی خاطرنشان کرد:من در مجلس هم به این موضوع اشاره کردم که ما روی دریای ثروت نشسته‌ایم و نباید فقیری داشته باشیم بلکه باید از منابع خود به خوبی استفاده و آن را مدیریت کنیم و در این مسیر اصل این است که از ثروت‌های طبیعی خداداد به درستی استفاده شود.
احمدي‌نژاد افزود:خداوند خوراک هزاران نسل بعد از ما حتی اگر بخواهند در رفاه کامل زندگی کنند در این کشور قرار داده و درها بسته نشده است؛ اگرچه اصل درها در زمان حاکمیت جهانی عدالت که به زودی زود خواهد بود باز مي‌شود و عطر او در عالم پیچیده است.
رییس‌جمهور با تاکید دوباره بر ضرورت استفاده از منابع طبیعی همچون زمین تصریح کرد: نباید به سمتی برویم که یک عده‌ای قلیلی کار و بقیه مصرف کنند. باید هرکس که توانایی دارد وارد چرخه تولید شود. در این راستا مي‌توان زمین‌های وسیعی را که وجود دارد بین مردم تقسیم

کنیم و بگوییم شرطش این است که این زمین‌ها را آباد و برخی از مصارف خانه را کم کنید.
احمدي‌نژاد با طرح این پرسش که "چرا همه باید در آپارتمان زندگی کنند و اصلا مگر آپارتمان جای زندگی است؟" گفت:آپارتمان جای زندگی موقتی و اضطراری است اما بعد از 50 و 100 سال زندگی که ان‌شاءالله سلامت بیشتر و عمرها طولاني‌تر شد، باید فرصت عبادت خداوند متعال و آبادانی پیدا شود.
وی با بیان اینکه "چشم‌انداز وسیع و هوای پاک لازم است"، افزود:اینها را باید مردم با ثروت اصلیشان که زمین است ایجاد کنند اما متاسفانه نگاه ما دچار مشکل شده است و به خاطر استیلای طولانی مدت حاکمان فاسد و کوچک، اندیشه سازمان و حکمرانی در کشور تضعیف شده است. چطور دو هزار سال پیش تمام ایران را راه کشیدند و آبادانی درست کردند اما ما هم‌اکنون نمي‌توانیم این کارها را بکنیم؟
رئیس جمهور یکی از ثروت های خدادادی ایران را زمین دانست و ادامه داد: ما کشور وسیع و پهناوری هستیم و 187.3 میلیون هکتار زمین داریم که تمام آن مفید است که قسمتی از آن یا آب است یا مرتع یا معدن و یا زمین کشاورزی و بیش از 45 میلیون هکتار آن نیز قابل کشت است که تنها از 14 میلیون آن استفاده می کنیم. نباید به سمتی برویم که عده معدودی کار کنند و بقیه مصرف کنند. همه باید بر تولید مشارکت داشته باشند.
وی افزود: ما بیست میلیون خانوار داریم که حدود 5-6 میلیون آن خانه و زمین دارند و ما به 15 میلیون خانوار دیگر می توانیم دو هکتار زمین بدهیم به شرطی که آن را آباد کنند.
احمدی نژاد افزود: خانه وسیع و چشم انداز زیبا برای مردم لازم است که باید توسط خود آنان بوجود آید و ثروت رسیدن به این هدف زمین است.
رئیس جمهور با اشاره به موانع و مشکلات استفاده از ثروت های ملی گفت: متاسفانه نگاه ما دچار مشکل است و دلیل آن هم استبداد طولانی مدت حاکمان فاسد، اندیشه سازمانی و حکمرانی در کشور است.
وی با طرح این سوال که ما چطور در دو هزار سال پیش در ایران آبادانی داشتیم و راه درست می کردند، الان نمی توانیم از ظرفیت های خود استفاده کنیم؟، گفت: باید توانمندی های خودمان را باور کنیم بعضی ها چون خودشان کوچک هستند در مقابل یک طرح دائما بهانه می آورند و مشکل ایجاد می کنند، اما ملت ایران بارها امتحان خود را در سختی ها داده است مانند جنگ تحمیلی و هدفمند سازی یارانه ها، بنابراین باید از ظرفیت مردم در جهت بهره برداری از توانمندی های کشور استفاده کنیم.
احمدی نژاد افزود: وقتیکه بیگانگان می گویند ما از شما نفت نمی خریم ما باید بگوییم که بجهنم که نفت نمی خرید. ما اگر از ظرفیت های مردم در تولید استفاده کنیم و مردم به میدان بیایند در جواب آنها می گویند ما اصلا نفت نمي‌فروشیم و راه عملی شدن این امر این است که فکر را باز کنیم و به توانمندی های توده های مردم اعتماد کنیم که اگر اینطور نشود بازار بورس بازی و دلالی راه می افتد.

رئیس جمهور با اشاره به تمدن کویر ایران تصریح کرد: بعضی ها به کویر به چشم ثروت نگاه نمی کنند، اما ببینید در همین کویر چه تمدنی پابرجاست و شهر جیرفت نمونه ای از آن است و زیباترین معماری ها برای کویر است.
وی با بیان اینکه مسئولین نباید خودشان را سقف پرواز مردم قرار دهند، ادامه داد: ظرفیت و توانمندی های مردم بالا و بی پایان است و اگر این انرژی عظیم ملت به صحنه بیاید دیگر بی جهت نمی توانند برای کشور مشکل درست کنند و البته بعضی ها از داخل دست به دست آنان بدهند بیایند به صحنه و بازی ارز درست کنند.
احمدی نژاد تاکید کرد: بنابراین ما می توانیم با استفاده از ظرفیت مردم بر مشکلات فائق بیاییم و با اصلاح مقررات و قوانین می شود کاری کرد که سهم مبادلات خارجی و آثار نوسانات ارز به حداقل برسد و با تفاهم و همدلی کار را جلو ببریم.
رئیس جمهوری تصریح کرد: ما ملتی هستیم که به سمت قله در حرکتیم و بدخواهان کوته بینان و دشمنان عدالت و توحید نمی خواهند که ما به قله برسیم و در مسیر ما تفرقه پراکنی می کنند، اما اگر با امید حرکت کنیم و همدل باشیم و قدرت ملت و عظمت آن را باور کنیم می توانیم به قله برسیم؛ چراکه ملت ما امام زمانی است و باور داریم که اگر ملتی برای خدا

حرکت کند هیچوقت به بن‌بست نمی رسد و شکست نمی خورد.
وی در پایان خاطر نشان کرد: باید ایران را بسازیم و تنها به عزت کشور توجه کنیم.

نشریه جهان صنعت: ۳۳ میلیارد دلار در بانک‌های ایران مفقود شده است

به گزارش رادیو بین المللی فرانسه در سوم بهمن 91 آمده است :با گذشت بیست و چهار ساعت از انتشار خبر انفصال محمود بهمنی- رئیس بانک مرکزی ایران از پست خود، هنوز روشن نیست که وی برکنارشده، درخواست بازنشستگی کرده است یا همچنان در رأس بانک مرکزی ابقا شده است.
رئیس بانک مرکزي، خود شخصاً درخواست بازنشستگی را تکذیب کرد و گفت: حدود چهل سال از خدمتم می گذرد و طی سال ها چندین بار نسبت به ارائه درخواست بازنشستگی اقدام کرده ام.
به گزارش خبرگزاری مهر، محمود بهمنی درمورد برداشت پول شبانه از بانک‌های کشور گفته است: «تمام برداشت‌های انجام شده توسط بانک مرکزی از حساب بانک‌ها براساس مصوبه هیئت دولت به حساب خزانه واریز شده که تمام مدارک آن موجود است. وی در ادامه گفت: بانک مرکزی براساس مصوبه دولت، در صورت نیاز باز هم از حساب بانک‌ها برداشت و به حساب دولت واریز می کند»
در این حال، نشریه جهان صنعت گزارش داد، دلیل صدور حکم انفصال محمود بهمنی- رئیس بانک مرکزي، از سوی دیوان محاسبات، این است که «۳۳ میلیارد دلار در بانک‌ها گم شده است»
عزت الله یوسفیان- نماینده آمل در مجلس شورای اسلامی و کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، در خصوص این حکم انفصال گفته است: در یکی از جلسات اخیر، بهمنی احضارشد تا در خصوص ارزهایی که به بانک‌های ذیربط داده است توضیح دهد و در این نشست قرار بر آن شد تا ارز به قیمت واقعی فروخته شود.
وی در ادامه، به نقل از بهمنی- رئیس بانک مرکزي، گفته است: پولی که از فروش ارز بدست می آید برای بیت‌المال است و باید به حساب آن واریز شود، با توجه به دستوراتی که از مقامات بالا داشتم این سپرده‌ها را تهاترکردم.
این عضو کمیسیون برنامه و بودجه، در خصوص اینکه چند تا بانک در این امر دخیل بوده اند گفت: ۱۸ بانک خصوصی و دولتی دراین مورد نقش داشتند که حدود ۳۳ میلیارد دلار معلوم نیست کجا رفته و مصرف چه خرج هائی شده است.
یک نماینده دیگر در مجلس اسلامی گفته است: این مبلغ یعنی ۳۳ میلیارد دلار، در بانک‌های مختلف جابجا شده و این کار توسط بانک مرکزی صورت گرفته است؛ اما هیچ گونه جواب قانع کننده‌ای نمي‌دهند و نمی گویند که در کجا این پول‌ها خرج شده، زیرا حتی از تولید ملی هم حمایت نشده است

اعتصاب 200 نفر از رانندگان کامیون های شهرداری تبریز

به گزارش آذوح،در تاریخ 3 بهمن آمده است : حدود 200 نفر از رانندگان کامیون های شهرداری مناطق ده گانه ی تبریز 2 روز است که در حال اعتصاب می باشند .
به دلیل قطع بیمه ی تامین اجتماعی رانندگان کامیون ها از طرف شهرداری ها و نیز اخراج برخی از رانندگان (در حال واگذار شدن شهرداری به بخش خصوصی) از روز شنبه مورخه ی 30/10/91 در حال اعتصاب هستند.
به گفته ی یکی از رانندگان : قطع بیمه تامین اجتماعی و اخراج برخی از رانندگان در حالی صورت گرفته که قرارداد های بین رانندگان و شهرداری تمام نشده قبلا نیز در مورد این اقدام به رانندگان کامیون ها هیچ اطلاع رسانی نشده است.
پیش از این نیز از طرف شهرداری در بعضی مواقع بیمه ی تامین اجتماعی رانندگان قطع می شد که با اعتراض رانندگان روبه رو می شد.

تجمع کارگران مخابرات خوزستان و خراسان رضوی مقابل مجلس دراعتراض به تعویق ده ماهه پرداخت حقوق

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 3 بهمن 91 آمده است : کارکنان استان خراسان رضوی نیز نیز در پلاکاردهایی که در دست داشتند خواستار رسیدگی به وضع اشتغال خود بودند. این تجمع با همراهی نیروی انتظامی به صورت مسالمت آمیز در حال برگزاری است.
جمعی از کارگران مخابرات استان خراسان رضوی و خوزستان امروز در مقابل مجلس تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، کارکنان مخابرات استان خوزستان با در دست داشتن پلاکاردی که بر روی آن نوشته شده بود ده ماه است حقوق نگرفته‌ایم خواستار رسیدگی نمایندگان مجلس به مشکلاتشان شدند.
علیرضا محجوب، رئیس فراکسیون کارگری مجلس با حضور در جمع این کارگران گفت: درحال حاضر پرونده شما همزمان در دادگاه و در کمیسیون‌های مجلس درحال پیگیری است.
دبیرکل خانه کارگر خطاب به کارگران تجمع کننده گفت: حضور شما در مقابل مجلس مي‌تواند مفید باشد اما اینجا قوه مقننه است و این دولت است که باید اجرا کند. در حال حاضر قاضی پرونده مي‌خواهد به کارگران کمک کند، اما به دلیل ناآشنا بودن به قانون کار این روند به کندی طی مي‌شود.
کارکنان استان خراسان رضوی نیز نیز در پلاکاردهایی که در دست داشتند خواستار رسیدگی به وضع اشتغال خود بودند. این تجمع با همراهی نیروی انتظامی به صورت مسالمت آمیز در حال برگزاری است

عدم پرداخت یک تا پنج ماه حقوق کارگران منطقه صنعتی غرب بندرعباس

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس،در 3 بهمن 91 آمده است : معاون اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی هرمزگان گفت: 71 شرکت در منطقه صنعتی غرب بندرعباس بین یک تا پنج ماه حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده‌اند.
عمده معوقات در غرب بندرعباس مربوط به شرکت‌های طرف پیمانکار با پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس، راه و شهرسازی و پیمانکاران آب منطقه‌ای است.
برپایه این گزارش،محمدعلی سلیمی در حاشیه برگزاری نشست شورای حمایت از صنایع هرمزگان ، با اشاره به لیست شرکت‌های دارای معوقه حقوق و مزایا به کارگران اظهار داشت: در حال حاضر تعداد 71 شرکت حاضر و فعال در غرب بندرعباس وجود دارد که بین یک تا پنج ماه نسبت به پرداخت حقوق کارکنان و کارگران خود اقدام نکرده‌اند.
وی با بیان اینکه 20 شرکت از این تعداد را شرکت‌های کوچک‌تر با حجم بدهی کمتر شامل می‌شود، اضافه کرد: در منطقه ویژه اقتصادی صنایع معدنی فلزی خلیج فارس در حال حاضر شرکت فولاد جنوب با چهار ماه پرداخت معوقه از جمله شرکت‌هایی است که حجم بالایی بدهی دارد که این امر می‌تواند در صورت تداوم برای این شرکت بحران‌زا باشد.
معاون اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی هرمزگان ادامه داد: این شرکت گاها تهدید به اخراج کارگران و یا دست به کارهای دیگر زده است که بعضا برخی‌ها از این نوع اقدامات با عنوان سو مدیریت در این شرکت نیز یاد کرده‌اند.
سلیمی افزود: تجربه نشان داده است که افزایش معوقات به ویژه در ماه‌های پایانی سال با توجه به اضافه شدن عیدی و سنوات می‌تواند شرکت‌ها را تا آستانه ورشکستی و بروز مشکلاتی عدیده پیش ببرد.
این مسئول همچنین یادآور شد: عمده معوقات در غرب بندرعباس مربوط به شرکت‌های طرف پیمانکار با پالایشگاه نفت ستاره خلیج فارس، راه و شهرسازی و پیمانکاران آب منطقه‌ای است.

افزایش 147 درصدی فوت شدگان حوادث کار در استان کردستان

برپایه خبر رسیده به روز شمار آمده است : در 9 ماهه سال جاری 42 نفر بر اثر حوادث کار در استان کردستان جان خود را از دست داده اند.
به گزارش روابط عمومی اداره کل پزشکی قانونی کردستان در 9 ماهه سال جاری تعداد فوت شدگان بر اثر حوادث کار 42 مورد بوده که این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که تعداد فوت شدگان حوادث کار 17 نفر بود، 147 درصد رشد نشان می دهد.
براساس این گزارش از کل فوت شدگان حوادث کار این استان شش نفر بر اثر برق گرفتگی(مرد)، 15 نفر بر اثر اصابت جسم سخت(مرد)، 19 نفر بر اثر سقوط از بلندی (18مرد و یک زن) و دو نفر بر اثر سایر موارد جان خود را از دست داده اند.

مرگ یک کارگردرپی سقوط از بلندي

به گزارش پايگاه اطلاع رساني پليس،در 3 بهمن آمده است : سرهنگ منصور حميدوند، رييس كلانتري 107 فلسطين، صبح امروز در گفتگو با خبرنگار پايگاه اطلاع رساني پليس، ضمن اعلام اين خبر گفت:" عصرروزگذشته در محدوده فلسطين، يک کارگر ساختماني به نام "جواد" هنگام کار بر روي نماي يک ساختمان از بالاي داربست سقوط کرد و پس از افتادن روي يک خودرو جان سپرد.

تالاب‌های لرستان در خطر نابودی

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران(ایسنا)- منطقه لرستان،در 3 بهمن 91 آمده است : لرستان با داشتن حدود 12 تالاب آب شیرین در شهرستان‌های پلدختر و بروجرد زیستگاه مناسبی برای جانوران آبزی، پرندگان بومی و مهاجر محسوب می‌شود.
این تالاب‌ها در فصول پرآبی، زیبایی خاصی به استان داده به طوری‌که برای هر گردشگری دارای جذبه است. تالاب‌های استان طی سال‌های اخیر به دلایل مختلفی در آستانه نابودی قرار گرفته و وضعیت مطلوبی ندارند.

تالاب‌های لرستان در خطر نابودی
یک کارشناس ارشد مسائل زیست محیطی در خصوص نحوه تشکیل تالاب‌های یازده‌گانه شهرستان پلدختر به خبرنگار ایسنا گفت: بر اساس بررسی‌های زمین‌شناسی، حدود یازده هزار سال پیش وقوع زلزله‌ای به بزرگی بیش از 7 ریشتر موجب رانش لایه‌های سنگی یال شمالی طاق‌دیس کبیرکوه و مسدود شدن رودخانه‌های سیمره و کشکان و در نتیجه تشکیل دریاچه‌ای بزرگ در جنوب شهرستان پلدختر و شمال و شرق شهرستان دره‌شهر شده و به دنبال آن شرایط تشکیل تالاب‌ها فراهم شد. سن تالاب‌های پلدختر در واقع معادل سن لنداسلاید سیمره است.
میرزایی در رابطه با منشاء آب تالاب‌های پلدختر بیان کرد: منشاء آب تالاب‌های پلدختر نزولات جوی بوده که باتوجه به وضعیت زمین‌شناسی و توپوگرافی منطقه، تالاب‌ها نسبت به محدوده‌های همجوار پست‌تر و کف آنها نیز از رسوبات مارنی دانه‌ریز و نفوذناپذیر سازند گچساران است و جریان‌های زیرسطحی به تبعیت از گرادیان هیدرولیک به سمت تالاب‌ها حرکت کرده و به داخل آنها زهکش و یا به صورت چشمه در مرز لایه آبدار(آهک‌های خردشده لنداسلاید) با سنگ کف(مارن‌های سازند گچساران) به داخل تالاب‌ها تراوش می‌کند.
وی در رابطه با تعداد دقیق تالاب‌های پلدختر اظهار کرد: براساس آثار و شواهد موجود، تعداد تالاب‌های پلدختر بعد از وقوع لنداسلاید سیمره بالغ بر 50 تالاب کوچک و بزرگ بوده که بزرگترین آنها موسوم به گری‌بلمک دارای وسعتی حدود 600 هکتار بوده است. بیشتر این تالاب‌ها از زمان تشکیل تا حدود یکصد سال پیش، تحت تأثیر عوامل طبیعی، خشک و نابود شده‌اند و تنها 11 تالاب که از تغذیه بهتری برخوردار بوده باقی مانده‌اند.
این کارشناس ارشد مسائل زیست محیطی عنوان کرد: طی بیست سال اخیر نیز تحت تأثیر توام عوامل طبیعی و انسانی تعداد تالاب‌های پلدختر به 9 تالاب کاهش و تبدیل به نیزار شده‌اند و تقریبا در آستانه نابودی هستند.

میرزایی تصریح کرد: 7 تالاب باقیمانده واقع در مناطق ولیعصر و تنگ فنی به نام‌های لفونه یک، لفونه دو، تکانه، تاف یک، تاف دو، جمجمه و گری کبود در مجموع با مساحتی حدود چهل هکتار وضعیت مناسبی ندارند، بطوری‌که حجم فعالی آب آنها در مقایسه با 15 سال قبل نشان می‌دهد که بیش از 60 درصد کاهش داشته‌اند.
وی درخصوص تالاب بیشه‌دالان بروجرد گفت: این تالاب در 15 کیلومتری جنوب شرقی شهر بروجرد در دشت سیلاخور قرار دارد که در گذشته زیستگاه بسیار مناسبی برای پرندگان مهاجر و جانوران و پرندگان بومی بوده است. این تالاب نیز در حال حاضر وضعیتی به مراتب بدتر از تالاب‌های پلدختر دارد و نفس‌های آخر را می‌کشد.
این کارشناس ارشد شرکت آب منطقه‌ای لرستان اضافه کرد: مساحت تالاب بیشه‌دالان در گذشته 913 هکتار بوده که به دلایل مختلف در حال حاضر وسعت آن به 79 هکتار کاهش یافته است.
میرزایی در خصوص کاهش آبدهی و وسعت تالاب‌های پلدختر و بیشه‌دالان بروجرد افزود: تغییرات اقلیمی و تاثیرات سوء خشکسالی‌ها، تغذیه نامناسب، تبخیر شدید، استفاده و برداشت آب از تالاب‌ها و حریم آنها برای مصارف کشاورزی و در برخی موارد مصرف شرب، تصرف غیرقانونی اراضی تالاب و تغییر کاربری آن‌ها توسط کشاورزان محلی، ورود فاضلاب خانگی، صنعتی و کشاورزی به محیط تالاب(در بیشه‌دالان)، وارد شدن سموم کشاورزی و مواد زائد به تالاب به علت فعالیت‌های کشاورزی در اطراف تالاب(در بیشه‌دالان)، بهره‌برداری از نیزارهای اطراف تالاب‌ها، شکار بی‌رویه و غیرمجاز توسط اهالی منطقه و نبود متولی و مدیریت واحد بر تالاب‌ها مهمترین عوامل طبیعی و انسانی است که طی سال‌های اخیر باعث کاهش شدید آبدهی، وسعت و انقراض تالاب‌های استان لرستان شده است.
وی در رابطه با حفاظت و نجات تالاب‌های باقیمانده در استان گفت: تعیین متولی و مدیریت واحد برای تالاب‌ها، جلوگیری از تغییر کاربری اراضی تالاب‌ها، تعیین حق‌آبه تالاب‌ها، تعیین حریم اکولوژیکی و آبی تالاب‌ها، ارتقاء سطح حفاظت تالاب‌ها و ایجاد منطقه صید و شکار ممنوعه، جلب مشارکت مردم محلی روستاهای همجوار و درگیرکردن و مشارکت آنها در حفاظت از تالاب‌ها، تخصیص منابع مالی برای حفاظت و مدیریت تالاب‌ها، انجام مطالعات توسط مهندسین مشاور به‌منظور احیاء تالاب‌ها و جلوگیری از نابودی آنها از مهمترین راهکارهایی است که می‌تواند تالاب‌های باقیمانده استان لرستان را از خطر نابودی نجات دهد.

در آکسیون های 26 ژانویه شرکت کنید
شاهرخ زمانی

خبردار شدم که در روز شنبه 26 ژانویه 2013 نیروهای فعال ایرانی به همراه دوستان و همرزمانشان در کشورهای مختلف در حمایت از مبارزه کارگران ، برای آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی اقدام به برگزاری آکسیونهای اعتراضی خواهند کرد .
ضمن اینکه صمیمانه از اقدام این دوستان تشکر می کنم و از تمامی تشکل ها و فعالین داخل نیز می خواهم در هر حدی که ممکن است دست به اعتراض بزنند و همچنین برای کسب مطالبات خود هر چه بیشتر تلاش نمایند. و از تمامی فعالین و تشکلها می خواهم در شهرها ی مختلف دنیا به طور متحدانه و هر چه گسترده تر، روز شنبه اعتراض نمایند . اطمینان دارم که هر چه تعداد بیشتری از دوستان در این اقدام پیشرو شرکت کنند به همان اندازه تأثیر مثبتی خواهد داشت .
کارگر زندانی و زندان سیاسی آزاد باید گرد
بر چیده زندانها ، نجات انسان ها
شاهرخ زمانی - زندان رجایی شهر
3/11/1391

امروز در زنجان،سقوط از طبقه ششم جان کارگری را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 3 بهمن 91 آمده است : یک کارگر ساختمانی در زنجان با سقوط از طبقه ششم جان خود را از دست داد.
براساس این گزارش، در این حادثه که امروز در ساختمانی در حال ساخت واقع در شهرک «پونک» زنجان روی داد، کارگر ساختمانی ۴۰ ساله به نام «حسین-ق» با سقوط از ارتفاع جان باخت.
گفتنی است کارگران ساختمانی می‌بایستی همواره در هنگام کار کردن بر روی اسکلت‌ها و ارتفاعات، از تجهیزات ایمنی که شامل کلاه ایمنی، هارنس، طناب حمایت و مسیر عبور مطمئن جهت بالا و پایین رفتن می‌باشد استفاده کنند و عدم استفاده از این تجهیزات می‌تواند مخاطرات جدی برای کارگران در پی داشته باشد.

کشته شدن یک کولبر کُرد در مرز بانه

به گزارش کُردپا،در 3 بهمن آمده است : در مناطق مرزی شهرستان بانه یک کولبر کُرد با شلیک نیروهای انتظامی جانش را از دست داد.
بنابهمین گزارش، شامگاه روز دوشنبه، ۲ بهمن‌ماه، نیروهای انتظامی مستقر در یکی از پایگاه‌های مرزی شهرستان بانه، تعدادی از کولبران کُرد را مورد هدف مستقیم گلوله قرار دادند و در نتیجه یک جوان به نام "صابر آلتون"، جان سپرد.
"صابر آلتون" که ۱۷ سال سن دارد، فرزند "جلال" و از اهالی روستای "نمینجه"ی پیرانشهر می‌باشد.
این شهروند کُرد به علت نبود فرصت‌های شغلی در پیرانشهر، به کسب درآمد پر مخاطره کولبری روی برده بود.
تا لحظه انتشار این خبر، جسد این کولبر کُرد در بیمارستان شهر بانه می‌باشد و به خانواده وی تحویل داده نشده است.
سوم بهمن ماه 1391

مرتضوی در تامین اجتماعی می‌ماند: این بار «با حکم سرپرستی»

برپایه گزارش منتشره در سطح خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ سوم بهمن 91 آمده است :
در پی انتشار خبر عزل سعید مرتضوی از سمت مدیرعاملی سازمان تامین اجتماعی، خبرگزاری فارس امروز سه‌شنبه، سه بهمن، نوشت که او بار دیگر به سازمان تامین اجتماعی بازگشته است و این بار سمت «سرپرست» این سازمان را بر عهده دارد.
بر اساس گزارش این خبرگزاری، محمدرضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهوری ایران، که طبق «مصوبه اخیر دولت» اختیارات وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در نصب و عزل مدیرعامل یا سرپرست سازمان تامین اجتماعی را بر عهده گرفته حکم سرپرستی سعید مرتضوی بر سازمان تامین اجتماعی را امضا کرده است.
خبرگزاری فارس روز دوشنبه، دو بهمن، از برکناری سعید مرتضوی، مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی ایران، خبر داده بود.
این خبرگزاری به نقل از منابع خود نوشته بود که اعضای هیئت امنای سازمان تأمین اجتماعی در جلسه‌ای که دوشنبه برگزار شد، به این نتیجه رسیدند که سعید مرتضوی از مدیریت بر سازمان تأمین اجتماعی عزل شود.
خبر عزل سعید مرتضوی از مدیرعاملی سازمان تامین اجتماعی و انتصاب او در مقام سرپرست این سازمان در شرایطی منتشر می‌شود که دیوان عدالت اداری تاکنون دو بار حکم مدیرعاملی او در سازمان تامین اجتماعی را باطل کرده است، اما دولت محمود احمدی‌نژاد همواره از ادامه فعالیت‌های او در این سازمان دفاع کرده است.
این اصرار دولت و حمایت‌های او از سعید مرتضوی واکنش منفی بسیاری از نمایندگان مجلس را در پی داشته است که از عدم صلاحیت او برای احراز سمت مدیرعاملی سازمان تامین اجتماعی سخن می‌گویند.
اما با انتشار دومین حکم دیوان عدالت اداری علیه آقای مرتضوی در آخرین روزهای ماه دی،

فشارها بر دولت محمود احمدی‌نژاد برای برکناری او افزایش یافت، تا جایی که نمایندگان مجلس تهدید به استیضاح وزیر تعاون، رفاه و امور اجتماعی کردند.
آنها همچنین ادامه حضور آقای مرتضوی در سازمان تامین اجتماعی را «تخلف آشکار و در حکم تصرف غیرقانونی در وجوه و اموال دولتی و عمومی» دانستند.
سعید مرتضوی که سابقه سال‌ها قضاوت در دستگاه قضایی ایران را دارد، به واسطه جرایم پرونده کهریزک از سمت قضاوت تعلیق شده است.
پرونده کهریزک مربوط به بازداشتگاه گمنامی در اطراف تهران است که جمعی از معترضان به نتیجه انتخابات ریاست جمهوری ایران در سال ۱۳۸۸ در آن حبس شده بودند. اما این بازداشتگاه زمانی به مرکز توجهات تبدیل شد که خبر کشته شدن چند تن از معترضان در آن انتشار یافت.
در نهایت نیز سعید مرتضوی به واسطه آن‌چه مسئولیت او در این رخداد خوانده شده است از سمت‌های خود در قوه قضاییه ایران تعلیق شد، اما محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهوری ایران، تصمیم گرفت او را در دولت خود به کار بگیرد که این تصمیم به مناقشات دنباله‌داری میان دولت و مجلس قانون‌گذاری ایران تبدیل شد.

۱۲ نفر از مدیران موسسه مطبوعاتی ایران برکنار شدند

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران – ایلنا در 3 بهمن 91 آمده است : دفتر رسانه‌های دولتی شب گذشته شاهد عزل چند تن از مسئولان موسسه ایران بود.
به گزارش خبرنگار ایلنا، ۱۲ نفر از مسئولان موسسه ایران از جمله غلامحسین اسلامی‌فرد سردبیر کل نشریات موسسه ایران و مدیر مسئول ایران ورزشی، قاسم اسلامی‌فرد مدیر امور چاپ، میکائیل محسنی مدیر امور اداری، ابوالقاسم وطن‌دوست معاون اداری مالی، میعاد صادقی مدیر عامل موسسه شهرستان‌ها، هاشم سروش‌پور دبیر کمیته انضباطی و سردبیر ایران زمین و از سمت خود عزل شدند.

مدیران از طریق تابلوی اعلانات برکنار شدند
براساس گزارش‌های رسیده به ایلنا، هیات مدیره جدید در جلسه‌ای که شب گذشته با حضور مدیر عامل جدید خبرگزاری ایرنا تشکیل می‌شود پس از بحث و بررسی تا ساعت ۲ بامداد به این نتیجه می‌رسند که ۱۲ نفر از مسئولان موسسه ایران باید عزل و افراد دیگری جایگزین آن‌ها شوند. بر همین اساس نتیجه جلسه بر روی تابلوی اعلانات قرار می‌گیرد تا عزل شدگان از این طریق از جزئیات نه چندان خوشایند این جلسه مطلع شوند.
در نامه‌ای که بدون ابلاغ رسمی این افراد را از سمت خود عزل کرده، آمده است: بدینوسیله افراد نامبرده از تمامی سمت‌هایی که در موسسه فرهنگی مطبوعاتی دارند، برکنار می‌شوند. این نامه در تابلوی اعلانات موسسه مطبوعاتی ایران نصب شده بود.
تعدادی از افراد عزل شده درباره علت این برکناری‌های گسترده به ایلنا گفتند: در زمان مدیریت جوانفکر عده‌ای که به دنبال انجام کارهای خاص بودند به دلیل مخالفت‌های نعیمی مدیر مسئول و شخص جوانفکر برای راه اندازی یک روزنامه دیگر این رسانه را ترک کردند. اما این افراد اکنون دوباره وارد مجموعه شده‌اند.
تعدادی از مسئولان موسسه ایران اعلام کردندکه طی سه هفته گذشته تنها از طریق سایت این مجموعه خبر تشکیل هیات مدیره جدید اعلام شده و این درحالی است که تاکنون در این زمینه صورت جلسه و ابلاغ رسمی نشده است. گفته می‌شود که اعضای هیات مدیره جدید را اکثرا افرادی تشکیل می‌دهند که در آن زمان به جهت تفاوت دیدگاه‌ها روزنامه ایران را ترک کرده بودند.
یکی از مسوولان سابق موسسه به خبرنگار ما گفت: طی این مدت خط قرمز ما این بود که چارچوب نظام مورد تعرض قرار نگرفته و در عین حال به دفاع منطقی از دولت بپردازیم و از اینکه یک طرف دعوا باشیم خودداری می‌کردیم اما آقایان گویا چیز دیگری از ما توقع داشتند.
در همین حال برخی از عزل شدگان تاکید داشتند که صرف مشاهده خبر در سایت برای تحویل همه کارها به هیات مدیره جدید کفایت نمی‌کند و باید کارها روال قانونی خود را سپری

کند. بر همین اساس اعلام کردندبنای ما همکاری در این خصوص است و با کسی برای ادامه حضور دعوا نداریم.
وی تاکید داشت چنین برخوردهایی نه تنها بر خلاف رویه منطقی است بلکه نشان از این دارد که این عده ماموریت خاصی را دنبال می‌کنند. چرا که حتی از آن‌ها خواسته نشده تا مدارک و اسناد مربوط به حوزه مسئولیت خود را تحویل داده و سپس سمت خود را ترک کنند.

ایجاد محدودیت برای تردد عزل‌شدگان از موسسه ایران
همچنین گفته می‌شود به برخی از این افراد طی تذکری گفته شده است در صورت حضور در مجموعه از ورود آن‌ها به داخل جلوگیری به عمل خواهد آمد.
در همین راستا میکائیل محسنی مدیر امور اداری موسسه ایران که نام وی نیز میان عزل شدگان به چشم می‌خورد به خبرنگار ایلنا، گفت: پس از سال‌ها سابقه کاری بهتر این بود که آقایان خودشان به ما اعلام می‌کردند. نیازی هم به تشکر نبود ما خودمان از آن‌ها خداحافظی می‌کردیم.
وی افزود: صبح امروز هنگام ورود به موسسه مسئولان حراست با احترام به من گفتند که اجازه رفتن به دفتر کارم را ندارم به نظر من این حرکت اساسا انسانی نبود که به خاطر تلافی گذشته این برخورد با ما صورت گیرد.
بر اساس این گزارش به نظر می‌رسد عزل و نصب‌هایی که طی چند ماه اخیر در کابینه دولت و برخی دستگاه‌های اجرایی صورت گرفته و سر صدای زیادی نیز به پا کرده است، به رسانه‌های دولتی نیز سرایت کرده است.

اکسیون در استکهلم در دفاع از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی

بر پایه اطلاعیه دریافتی به روز شمار کارگری آمده است : جمهوری اسلامی از بدو تاسیس تا کنون با زندانی کردن و اعدام فعالان سیاسی بخصوص فعالان جنبش کارگری تصمیم داشته است هر گونه ندای آزادی خواهی و برابری طلبی را در ایران سرکوب کند.
این روند در سالهای اخیر با گسترش مبارزات کارگری دو چندان شده است .
در دفاع از کارگران زندانی و در اعتراض به جمهوری اسلامی روز شنبه 26 ژانویه اکسیونی در استکهلم برگزار می شود
تشکیلات استکهلم حزب حکمتیست به همراه بقیه احزاب و نهاد های مدافع حقوق کارگران در این اکسیون شرکت می کند و همه آزادی خواهان را به شرکت در این اکسیون و اعتراض به جمهوری اسلامی فرا می خواند.
تشکیلات استکهلم حزب کمونیست کارگری_ حکمتیست
زمان : شنبه 26 ژانویه ساعت 13
مکان : Medborgraplatsen
فراخوان دهندگان
تشکیلات استکهلم حزب کمونیست کارگری _حکمتیست
تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست ایران_ استکهلم
حزب کمونیست کارگر ایران
کمیته همبستگی بین المللی با کارگران ایران

کارگران زندانی باید بدون قید و شرط آزاد شوند!

کانون همبستگی با کارگران ایران ـ فرانکفورت
اطلاعیه

بر پایه اطلاعیه رسیده به روزشمار کارگری آمده است : در راستای کارزارهای آزادی کارگران وفعالین کارگری از زندانهای رژیم جمهوری اسلامی ، از آکسیون فعالین چپ در این رابطه که درمرکز شهر فرانکفورت در روز شنبه 26 ژانویه ساعت 15.00 برگزار می شود حمایت کرده و

در حد توان خود در آن شرکت می کنیم .
اطلاعیه کانون در رابطه با کارزار آزادی کارگران و فعالین کارگری را در زیر ملاحظه می کنید :
با نیروی همبستگی طبقاتی کارگران و فعالین کارگری دربند را آزاد کنیم !
با بن بست سیاسی قدرت سیاسی در ایران وامکان خیزش های توده ای ، جهموری اسلامی لبه تیز حملات سرکوبگرانه اش را متوجه فعالین اعتراضات اجتماعی وخصوصن فعالین کارگری کرده است و کارگران زندانی و خانواده های آنها تحت بیشترین آزار و فشار قرار گرفته اند.
دولت های سرمایه داری امریکا و اروپا ،از یک طرف با انجام تحریمها همسو با رژیم بیشترین فشار اقتصادی را بر سفره خالی کارگران تحمیل کرده اند و زندگی آنها را به فلاکت کشانیده اند وازطرف دیگربه منظورفشار سیاسی بر رژیم و تامین آلترناتیویی در میان راست ترین نیروهای اپوزیسیون درجهت اعمال هژمونی درشرایط برآمداعتراضات سیاسی در ایران بر آمده اند . هم سیاست های رژیم اسلامی دست ساز سرمایه و هم سیاست های دولت های امریکا و اروپا در پیشگیری از اعتراضات اجتماعی متشکل وسیاسی در میان کارگران است .
رژیم با سرکوب آشکار کارگران ونماینده گان سرمایه جهانی با شکل دادن آلترناتیوضد کارگري، در چنین شرایطی تنها آن استراتژی می تواند رفاه اجتماعی و آزادی برای کارگران و اکثریت توده های اجتماع را در بر داشته باشد که متکی برتشکل های توده ای و سیاسی کارگران باشد.هر گونه تلاش برای آزادی کارگران و نماینده های کارگری لازم و ضروری است اماآنگاه به ثمر خواهد نشست که به مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل وسیاسی کارگران گره خورده باشد.
کانون همبستگی با کارگران ایران ـ فرانکفورت
22 ژانویه

در اعتراض به محقق نشدن وعده احمدی‌نژاد رخ داد:

تجمع کارگران فصلی «نی‌بر» در مقابل نهاد ریاست جمهوری

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کارایران – ایلنا در تاریخ سوم بهمن 91 آمده است : جمع کثیری از کارگران فصلی کشت صنعت کارون شوشتر با سفر به پایتخت امروز در اعتراض به اجرای نشدن طرح بندی مشاغل و بازنشستگی پیش از موعد در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.
یکی از کارگران حاضر در این تجمع به خبرنگار ایلنا گفت: دو هزار کارگر فصلی کشت صنعت کارون شوشتر که به کار تخصصی بریدن نی اشتغال دارند خواستار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و همچنین اجرا نشدن بازنشستگی پیش از موعد خود هستند.
او افزود: این تعداد کارگر برای چندمین بار متوالی طی چند سال اخیر ضمن اعتراض در مقابل ارگانهای وابسته به دولت در استان خوزستان برای دومین بار به تهران آمده و در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کرده‌اند.
او ادامه داد: در پی تجمع اول کارگران، طبق دستور ریاست جمهوری، وزارت کار وعده داده بود هر ساله ۱۰۰ تا ۲۰۰ کارگر فصلی نی بر بازنشسته شوند که متاسفانه تا به امروز این دستور محقق نشده است.
این کارگر افزود: کارگران نی بر کشت صنعت کارون شوشتر در زمستان در فضای باز طبیعی در میان گل ولای و در تادبستان در گرمای بیش از ۵۰ درجه مشغول بکار هستند.
او گفت: این کارگران به علت عدم آگاهی از قوانین بیمه و کم سواد بودن پی گیر مطالبات بیمه‌ای خود نبودند و تصور می‌کردند حقوق بیمه‌ای‌شان بطور مرتب توسط کارفرما منظور می‌شده است.
این کارگر در خصوص عمده مشکلات همکارانش اضافه کرد: تعداد زیادی از این کارگران با ۳۵ سال کار در این واحد امکان بازنشستگی ندارند و به آنان گفته شده با آنکه ۳۵ سال کار کرده‌اید اما در سوابق بیمه‌ای شما ۱۵ سال سابقه کار منظور شده است.
او با اشاره به اینکه کارگران به علت سختی کارشان بعد از گذشت ۳۰ تا ۳۵ سال دیگر توان کار کردن ندارند، گفت: در این مورد وقتی به مسئولان ذیربط استان مراجعه کردیم پاسخی

دریافت نکردیم و آنان نسبت به مشکلاتمان بی‌توجه بودند.
وی در پایان سخنان خود تصریح کرد: طبق گفته کارشناسان تامین اجتماعی برای بازنشسته شدن هر کارگر ۷۵ میلیون تومان پول باید واریز شود که ازاین رقم ۶۰ درصد آن سهم کارفرما است ومابقی ۴۰ درصد را که ۳۰ میلیون تومان بر آورد شده باید کارگر پرداخت کند، که این در توان مالی کارگران فصلی که بخشی از سال بیکار هستند نیست.

لزوم پوشش بیمه بدلیل خطرات کار نی‌بری
یکی دیگر از کارگران معترض ادامه داد: کار ما بریدن نی با قمه است، که با حوادث زیادی همانند بریدن انگشتان دست، بریدن پا، دیسک کمر و حوادث طبیعی همانند حمله حیوانات وحشی مثل گراز همراه است. این حوادث برای تعداد زیادی از همکارانمان اتفاق افتاده و پس از مصدومیت از کار بیکار شده‌اند و کسی از آنان حمایت نکرده است.
این کارگر افزود: به علت فصلی بودن کارمان در طول سال ۸ ماه کار می‌کنیم و ۴ ماه بیکار هستیم اما فقط حقوق و بیمه ما در طول زمانی که فعال هستیم رد می‌شود.
او در مورد اجرای طرح طبقه بندی مشاغل نیز افزود: با وجود این که اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و قانون مشاغل سخت و زیان اور از سال ۶۸ در این واحد تولیدی انجام شده است، کارگران نی بر به علت کم سواد بودن و عدم آگاهی هنوز از این امکان برخوردار نشده‌اند و به ما گفته شده طرح طبقه بندی مشاغل فقط برای کارگران رسمی منظور می‌شود.
این کارگر اضافه کرد: این در حالیست که طبق نظر کارشناسان و دستور مسئولان وزارت تعاون کار ورفاه اجتماعی، کارگران نی بر نیز حق استفاده از طرح طبقه بندی مشاغل را دارا هستند وحتی گروه بندی نیز برای این تعداد کارگران اختصاص یافته است.

نگرانی از جایگزینی دستگاه‌به جای کارگر
همچنین کارگر دیگری در ادامه مشکلات کارگران نی بر اظهار داشت: با فصلی بودن کارمان در سال ۸ ماه کار می‌کنیم و ۴ ماه بیکار هستیم، با وجود آن در چهار ماه بیکاری خود با مشکلات تامین معیشتی زیادی روبرو هستیم.
او افزود: با ورود دستگاه‌های نی بر که جدیدا خریداری و فعال شده‌اند وقرار است تعداد این دستگاه‌ها نیز افزایش یابد، کارگرانی که قبلا ۸ ماه در سال کار می‌کردند هم اکنون با وجود این دستگاها، بجای ۴ ماه بیکاری، ۶ ماه در سال بیکار هستند. از این بابت نگرانیم که با اضافه شدن این دستگاه‌های نی بر اشتغال کارگران نیز به خطر بیافتد.
این کارگر با ابراز نگرانی از وجود این دستگاها در مورد سایر مطالبات خود گفت: هم اکنون یک ماهو نیم از حقوق ما پرداخت نشده و بیمه تامین اجتماعی ما نیز از آبان ماه واریز نشده است.

زندگی کارگران کارخانه طلای تکاب با طعم سیانور!

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر،در 4 بهمن آمده است : مسئله آلودگی محیط کار در کارخانه تولید طلای زره شوران سالهاست روح و روان کارگران این کارخانه را آزار می دهد و آنها از ترس از دست دادن شغل خود مجبورند آلودگی ها را به جان بخرند و دم نزنند چرا که آلوده شدن به مواد سمی را به بیکاری و بی پولی ترجیح می دهند.
خط تولید این کارخانه در فضایی نامناسب داخل یک کانکس روی مخزن اکسیداسیون و در احاطه بخارات جیوه و سیانور است که منشا آلودگی محیط کار به شمار می رود.

تماس مستقیم کارگران با سیانور
یکی از کارگران فنی خط تولیدسایت پایلوت تولید طلای زره شوران تکاب که سابقه 5 سال کار در بخش های مختلف این کارخانه را دارد با اشاره به تماس مستقیم و غیرایمن کارگران بامواد سمی از جمله سیانور می گوید: در محیط کارخانه، سیانور بصورت غیر اصولی و روباز نگهداری شده و توسط لودرها بر روی خاک محوطه ریخته می شود و در برخی مواقع با بیل به خط تولید تزریق می شود.

وی می افزاید: ماده سمی سیانور که برای جداسازی طلا از خاک معدن مورد استفاده قرار می گیرد به راحتی در محیط کارخانه پراکنده بوده و نظارت کافی بر نحوه نگهداری خام این ماده قبل از استفاده اعمال نمی شود و اثرات سیانور از جمله سوزش دستها تا چند هفته پس از تماس با آن نیز احساس می شود.
وی با اشاره به دفع غیر اصولی و عجولانه پساب سیانور پس از فرایند تولید طلا در این کارخانه ادامه می دهد: پسماند مواد سمی وارد حوضچه باطله کارخانه می شود و هنگامی که این حوضچه ها پر می شود مسئولان خط تولید از کارگران می خواهند پساب آلوده صنعتی را بصورت مستقیم وارد آب رودخانه های جاری منطقه کنند. البته با افزودن «کلر» از غلظت سیانور در ظاهر کم شود.

سطح پایین استاندارد های ایمنی
کارگر دیگری نیز با بیان اینکه مصرف سیانور و دفع پسماند های آلاینده در کارخانه طلای زره شوران هیچ گاه صورت اصولی و فنی نداشته است تاکید می کند: اگر به درخواستهای مسئولان کارخانه مبنی بر دفع مستقیم پساب صنعتی از طریق تزریق به آبهای رودخانه ها عمل نمی کردیم با بهانه های مختلف و تهمت های واهی از جمله کم کاري، دزدی از کارخانه و مصرف مواد مخدر به سرعت از کار اخراج می شدیم و این مسئله تاکنون برای چند نفر از کارگران این سایت اتفاق افتاده است.
وی در توضیح حرفهای خود گفت: تمامی پرسنل سایت پایلوت زره شوران از خط تولید گر فته تا بخش های خدماتی آن با سیانور و بخارات مواد سمی سر و کار دارند و کارگران هنگام تمیز کردن مخازن طلا و محوطه سایت بصورت مستقیم با بخارات جیوه و سم سیانور تماس دارند در حالی که لباس کار و ماسک مورد استفاده کارگران ایمن و مناسب کار در چنین محیط خطرناکی نیست.
نکته دیگری که کارگران شاغل در کارخانه تولید طلای زره شوران تکاب به آن اشاره کردند آن است که مسئولان این کارخانه از تحویل مدارک و پرونده های پزشکی و بهداشتی کارگران کارخانه به خودشان خودداری می کنند.
در این مورد دو نفر از کارگرانی که به گفته خودشان از ناراحتی اعصاب، بی خوابي، بی حسی اندامهای حرکتی و درد معده و اختلالات گوارشی به شدت رنج می برند توضیح می دهند: تا قبل از اشتغال در این کارخانه دچار اینگونه بیماری ها نبودیم و پزشکان معتمد کارخانه نیز اطلاعات دقیقی از وضعیت پزشکی ما ارائه نمی دهند.

قراردادهای یک طرفه و نامطمئن کارگران
مشکل بعدی کارگران کارخانه طلای زره شوران تکاب «قراردادهای موقت یک طرفه و یک ماهه و پرداخت با تاخیر حقوق» است.
یکی از این کارگران در گفتگو با مهر می گوید: قراردادهای کارگران این کارخانه کاملا یک طرفه و در مدت زمان یک یا دو ماهه بوده که پس از انجام کار ماهانه ذکر شده در مدت قرارداد توسط مسئولان کارخانه به امضای کارگران می رسید و کارگران باید بدون اینکه موافقت یا مخالفتی با مفاد این قراردادها داشته باشد آنها را امضا کنند. و پیش از کار قراردادی امضا نمی شود.
او توضیح می دهد: مفاد این قراردادها کاملا یک طرفه و به نفع کارفرما (شرکت پیشتازان فناوری طلا) بوده و در آنها ذکر شده مسئولیت حفاظت فردی کارگران در برابر مواد سمی و خطرناک از جمله سیانور، آرسنیک وغیره بر عهده کارگران است.
وی می افزاید: حقوق کارگران نیز با تاخیرهای فراوان پس از 6 ماه پرداخت می شد و به دلیل اینکه قراردادهای کارگران با کارفرما کاملا یک طرفه و به نفع شرکت است، کارگران امکان پیگیری حقوق و مطالبات خود را ندارند.

لزوم استفاده از دستگاه بازیافت و سیانورزدایی در زره شوران
یک کارشناس ارشد آلودگی های زیست محیطی در خصوص استانداردهای لازم برای کارخانه طلای زره شوران به خبرنگار مهر گفت: این کارخانه از نظر احداث سد باطله و نصب و بکارگیری دستگاه های تهویه و بازیافت در وضعیت مطلوبی قرار ندارد.

منصور رضایی با بیان اینکه احداث سد باطله برای کنترل فاظلاب خروجی برای چنین کارخانه هایی لازم و ضروری است افزود: مکانیزم ذخیره و تولید خمیر موسوم به دستگاه « پی .پی.اس.ام» که فرآیند بازیافت و سیانور زدایی را انجام می دهد در این کارخانه نصب نشده و همین مسئله موجب گسترش آلودگی شده است.
وی ادامه داد: در صورت نصب چنین سیستمی و فعالیت مداوم و مرتب آن هیچ گونه خطرجدی متوجه منطقه نخواهد شد ولی اکثرا این سیستم یا نصب نمی شود یا در ساعاتی از روز و ماه های محدودی از سال آن را به کارگیری می کنند.
رضایی اعلام کرد: برای جلوگیری از نشت سیانور و تماس با آن لازم است این کارخانه اقدام به ایزولاسیون کف و دیواره های سد از لایه های خاک رس کند.

تذکرات پیاپی به مدیران کارخانه زره شوران
رئیس شبکه بهداشت و درمان تکاب نیز در گفتگو با خبرنگار مهر از بازرسی مداوم محیط کار در کارخانه طلای زره شوران تکاب خبر داد و اظهارداشت: کارشناسان این مرکز هرماه در دو نوبت از این سایت بازدید می کنند و نواقص موجود در بخش بهداشت محیط کار بصورت شفاهی و کتبی به مسئولان کارخانه اعلام شده که در موادی که تذکرات رعایت نشده به پلمب کارخانه منجر شده است.
دکتر علی سعیدی ادامه داد: در خصوص نواقص بهداشت محیط کار متاسفانه اقدامات اساسی و پایه ای در این سایت انجام نمی گیرد و رفع نواقص ایمنی و بهداشتی از جمله «حل مقطعی نشتی فاضلاب داخل کارخانه» بصورت سطحی بوده که دوام چندانی نداشته است.
وی یادآور شد: سیستم های تهویه این کارخانه وضعیت رضایت بخشی ندارند و در این مورد چندین بار مسئولان شرکت تولید کننده طلا به دادگاه معرفی شده وبه دستگاه های اجرایی ذیربط در تکاب نیز اطلاع داده شده است.
سعیدی اضافه کرد: در صورت عدم کارکرد اصولی سیستم های تهویه یا وجود نقص فنی در آنها در زمان تزریق سیانور به مخزن، گاز از دیگ های ذخیره در هوای محوطه منتشر شده و بدلیل عدم نصب کلینرهای مناسب و حتی تبخیر مواد سمی بخصوص سیانور از سد باطله که کاملا در داخل محوطه کار است خطرتماس کارگران با مواد آلاینده بشدت احساس می شود.
وی در خصوص وجود بیماری های شغلی در میان کارگران کارخانه زره شوران تکاب گفت: در این مورد تاکنون بیماری شغلی خاص و مزمنی گزارش نشده است اما در معاینات بیولوژیکی برخی کارگران عناصر فلزی نزدیک به خطر مشاهده شده که می تواند در طولانی مدت و عدم حذف عوامل زیان آور محیط کار به بیماری شغلی کارگران دامن بزند.

معاینات پزشکی کارگران اصولی نیست
رئیس شبکه بهداشت و درمان تکاب همچنین در رابطه با مشکلات پزشکی وعدم دسترسی کارگران کارخانه طلای زره شوران به پرونده های پزشکی خود افزود: مطابق ماده 92 قانون کار معاینات کارگران این کارخانه توسط پزشک متخصص طب کار مورد تایید معاونت بهداشتی دانشگاه علوم پزشکی استان آذربایجان غربی در این شرکت هر ساله انجام شده واما کاملا اصولی نبوده است و پس از معاینات اولیه پزشک طب کار، ارجاع کارگران به پزشک متخصص انجام نشده است.
سعیدی افزود: تمام پرونده ای پزشکی کارگران در واحد ایمنی و بهداشت کارخانه زره شوران موجود است و کارگران باید از تمام محتویات آن مطلع شوند و کارفرما مکلف است علاوه بر اینکه از این محتویات صیانت نماید بلکه باید جهت هر نوع بهره برداری تصویری از پرونده های پزشکی رادر اختیار کارگران قراردهد.
وی در پایان تاکید کرد: مشکلات زیست محیطی و آلودگی های این کارخانه و مواجهه با عوامل زیان آلود شیمیایی بویژه سیانیه سدیم (سیانور) باید بصورت اصولی و کاملا زیربنایی حل شود.
مجموعه سایت پایلوت استحصال طلای زره شوران در سال 1382 در 27 کیلومتری شهرستان تکاب در جنوب استان آذربایجان غربی زیرنظرسازمان گسترش و نوسازی صنایع معدنی ایران

احداث شده اما در حال حاضر با حضور شرکت های خصوصی فعالیت می کند. در این سایت روزانه بیش از یک کیلوگرم طلا و بیش از پنجاه کیلوگرم نقره تولید می شود.
ساب این کارخانه حاوی مقادیر زیادی سیانور و مواد سمی دیگر است که نه تنها در یک سد باطله مجهز و ایمن جمع آوری نمی شود بلکه توسط حوضچه ها و استخرهای کوچک بصورت غیر اصولی و غیراستاندار و با حفاظ نایلونی دفع می گردد.

۴۷ کارگر نساجی درخشان یزد در انتظار حقوق ۲۳ سال گذشته

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 4 بهمن 91 آمده است : یک فعال کارگری در یزد از پرداخت نشدن معوقات حقوقی ۴۷ کارگر کارخانه نساجی درخشان یزد طی ۲۳ سال گذشته خبر داد.
علی دهقاني، دبیر خانه کارگر یزد با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: ۴۷ کارگر نساجی درخشان یزد علی رغم پی گیري‌های متعدد خود طی ۲۳ سال گذشته از ارگانهای دولتی در خصوص معوقات حقوقی خود که از سال ۶۸ طلب دارند، هنوز موفق به دریافت نشده‌اند و کسی به آنان پاسخگو نیست.
او افزود: معوقات این کارگران مربوط به دستمزد، عیدي، پاداش و سایر مطالباتی است که طی چندین سال گذشته توسط کارفرما پرداخت نشده و قانونا باید این مطالبات به حساب کارگران واریز شود.
این فعال کارگری با بیان اینکه کارخانه نساجی درخشان یکی از مطرح‌ترین واحدهای نساجی در استان بود اظهار داشت: این واحد در طول سالهای گذشته با مشکلات زیادی مواجه بوده که پس از انتقال کارخانه با ماشین الات از مرکز شهریزد به شهرک صنعتی اشک زرد بر مشکلات این واحد تولیدی افزوده شد.
او گفت: کارفرما با به فروش رساندن کارخانه در مرکز شهر و زمین‌های حاشیه‌ای آن قرار بود مطالبات چندین ساله کارگران خود را پرداخت کند که تا هم اکنون این امر محقق نشده است.
دبیر خانه کارگر یزد میزان مطالبات معوقه این ۴۷ کارگر را بیش از ۶ میلیارد و نهصد میلیون تومان عنوان کرد و گفت: این تعداد کارگر هم اکنون در شرایط سخت مالی به سر برده و در تامین معیشت خانوار خود دچار مشکل‌اند.

در گرامی داشت یاد جان باختگان معدن مس خاتون آباد کرمان

امروز در شرایطی نهمین سالروز کشتار وحشیانه ی کارگران معدن مس خاتون آباد را پشت سر میگذاریم که طبقه ی کارگر در ایران و جهان روزانه و به اشکال مختلف از جانب سیستم سرمایه و حافظان آن مورد وحشیانه ترین تهاجمات قرار میگیرد.سیستم سرمایه که شالوده ی آن بر سودپرستی افسارگسیخته واستثمار اکثریت به دست اقلیت استوار میباشد، میکوشد تا به اتکاء به ساختارهای انسان ستیز خود هر دم منافع سیری ناپذیر خود را با عریان تر ساختن استثمار بی شرمانه ی خویش برآورده تر سازد و حیات خویش را با گوشت و خون طبقه ی کارگر جشن بگیرد و با به نابود ی کشاندن آن سرمست گردد.

از اهرام مصر تا دیوار چین، تا آسمان خراش های پاریس و نیویورک ، از ایفل تا برج های دوقولو، از زندان با ستیل و گوانتانامو و اوین، همه با عرق و خون برشانه های خسته و تکیده ی انسان ستمدیده و کارگر بنانهاده شده است.کارگری که امروز میرود تا بنای نوبنیاد دیگری را بر پایه های متزلزل و لرزان سرمایه داری استوار سازد، بی گمان در این راه فراز و نشیب های بی شماری را پیشاروی خود خواهد داشت و هزینه های گزافی را نیز باید بپردازد.

از کشتار کارگران **کمون پاریس** و **یورکشایر** انگلستان تا **ماریکانای** آفریقای جنوبی و خاتون آباد ایران ، از به خاک و خون کشیدن اعتراضات کارگران شیکاگو تا به صلابه کشاندن کارگران ایران در سیاه چال های سرمایه ، گوشه ای کوچک از حمام خونی است که حافظان سرمایه در دفاع از منافع خویش به راه انداخته اند و در سیانت از آن از هیچ جنایتی دیگری نیز

روی گردان نخواهند بود.روزی نیست که در چارگوشه ی گیتی شاهد بروز فجایعی دردناک نباشیم؛ فجایعی که تنها قربانیان آن کارگران و تهی دستان می باشند.

چهارم بهمن 1382 در تاریخ مبارزات طبقه ی کارگر ایران یکی از سیاه ترین روزهای دوران نظام سرمایه داری است؛ روزی که سرمایه با برداشتن پرده از چهره ی ضد کارگری خود و با به خون کشاندن مبارزات کارگران معدن مس خاتون آباد بار دیگر ماهیت و سرشت واقعی خود را بر همگان نمایان ساخت و فریاد نان و آزادی را در گلوی انسان های به ستوه آمده از درد و رنج خفه ساخت تا ابد به مثابه ی لکه ی ننگی بر پیشانی سرمایه داران ایران خواهد ماند.

کارگران خاتون آباد نه اولین و نه آخرین قربانیان نظم سرمایه اند و تاریخ مبارزات طبقه ی کارگر هر دم با حروفی از آتش و خون به ثبت رسیده است. زیرا پایان بخشیدن به فقر و فلاکت و سیه روزی و خروج از قربانگاه نظم سرمایه مستلزم پیکاری طبقاتی می باشد.

اما بی شک طبقه ی کارگر ثمره ی این مقاومت هار و جان فشانی های خود را خواهد دید. روزی که کارگران سراسر جهان با شکستن ساختارهای و مناسبات طبقاتی نظام سرمایه داری بر ویرانه های آن به جشن و سرور بپردازند و گرامی بدارند یاد تمامی جانباختگانی را که در راه رهایی انسان از یوغ اسارت و بندگی و برپایی جهانی آزاد و برابر جان عزیزشان را فدا نمودند...

برخیزید زنجیریان گرسنگی

خود به رهایی خویش برخیزیم

جهان از بنیاد دگرگون میشود

وفردا آفتاب جاودانه خواهد درخشید.

گرامی باد یاد جانباختگان معدن مس خاتون آباد

گرامی باد یاد تمامی جانباختگان راه رهایی طبقه ی کارگر

شورای کارگران بیکار 4/11/1391

۴۰ درصد مردم قصرشیرین بیکارند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا – کزمانشاه در 4 بهمن 91 آمده است : نماینده مردم قصرشیرین، سرپب ذهاب و گیلانغرب گفت: شهرهای سر پل ذهاب، گیلانغرب و قصر شیرین سال های طولانی جنگ تحمیلی در اشغال دشمن بود یا به طور مستقیم درگیر جنگی تمام عیار شد که در نهایت منجر به ویرانی و تخریب منطقه گردید که هنوز هم آثار این تخریب ها در آن منطقه مشهود است.
به گزارش خبرنگار ایلنا از کرمانشاه، فتح الله حسینی تاکید کرد: قشر عظیمی از مردم این شهرها در طول سال های جنگ تحمیلی یا به شهادت رسیده یا اسیر شده یا جانباز گشته اند و بسیاری هم به عنوان قشر جنگ زده آواره شدند.
وی با بیان اینکه اصلی ترین شعار دولتهای بعد از جنگ برقراری عدالت اجتماعی بود تصریح کرد: انتظار می رود با توجه به مؤلفه های یاد شده بعد از پایان جنگ مهمترین اولویت های کاری این دولت ها بررسی عمیق شرایط مناطق جنگ زده و برآورد خسارت های ناشی از ویرانی های جنگ باشد.
حسینی ادامه داد: با وجود برخورداری مناطق قصر شیرین از پتانسیل ها و ظرفیت های غنی

و ارزشمند، بیش از ۴۰ درصد مردم شریف این منطقه بیکار هستند.
این نماینده مردم در مجلس شورای اسلامی با اشاره به برخورداری کشور از منابع غنی نفت و گاز تأکید کرد: با وجود این منابع شهرهای قصرشیرین، سرپل ذهاب وگیلانغرب که وارث دردناک ترین آثار جنگ هستند تنها ۲۰ درصد مردم این منطقه از نعمت گاز برخوردار هستند و تمام روستاهای این شهرها از داشتن گاز محرومند در حالی که لوله انتقال گاز ایران به عراق از میان روستاهای قصر شیرین عبور کرده است.
وی در تشریح مشکلات حوزه انتخابیه خود گفت: بیمارستان شهرهای قصرشیرین، گیلانغرب و سرپل ذهاب با وجود داشتن ۳ هزار و ۴۰۰ جانباز شیمیایي، اعصاب و روان، فاقد تجهیزات و متخصص درمانی هستند و ساکنین این شهرها برای امور درمانی تخصصی خود به شهرهای دیگر می روند.
حسینی با بیان اینکه جاده های مواصلاتی این شهر مورد بی توجهی قرار گرفته است توضیح داد: نفت شهر با وجود ۲۴ سال پس از جنگ و اشغال از سوی عراق، هنوز بازسازی نشده در حالی که بسیاری از مردم این منطقه آرزوی برگشت به وطن خود را دارند.
وی یادآور شد: یکی از مشکلات شدید منطقه ورود افراد سودجو و فرصت طلب است که با سوء استفاده از یک مصوبه مجلس به دنبال تصرف زمین های کشاورزی افراد مستضعف منطقه هستند که از نمایندگان مجلس می خواهم نسبت به اصلاح آن اقدام عاجلی را در نظر بگیرند.
نماینده مردم قصرشیرین در مجلس تصریح کرد: ورود ریزگردها از عراق به یک مشکل اساسی تبدیل شده است که باید به طور جدی پیگیری شود چرا که مشکلاتی را برای مردم و مجروحان شیمیایی ایجاد کرده است.
وی با بیان اینکه شهرک های صنعتی حوزه انتخابیه غیر فعال هستند تأکید کرد: از وزارت صنعت، معدن و تجارت انتظار دارم تا هیأتی کارشناسی برای فعال کردن این شهرک ها اعزام کنند.
حسینی با بیان اینکه روند اجرای احداث بزرگراه کربلا بسیار کند است تصریح کرد: از رئیس جمهور تقاضا دارم تا با اعزام هیأتی به استان کرمانشاه با بررسی صدها مصوبه سه سفر استانی وی به کرمانشاه میزان دقیق اجرای مصوبات دولت را اعلام کند و قانون مربوط به ایثارگران دفاع مقدس را به اجرا گذارد.
عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با یادآوری سفر مقام معظم رهبری به استان کرمانشاه گفت: این سفر دستاوردهای معنوی و مصوبات کارشناسی عمیق و دقیقی داشت که باید به خوبی اجرا شود چرا که در این صورت بخش عمده ای از مشکلات مردم کرمانشاه مرتفع می شود و من از طرف خود و مردم کرمانشاه از حضور رهبر معظم انقلاب تشکر کرده و در انتظار دیدار مجدد معظم له هستیم.

۸۷ هزار نفر بازنشسته فولاد ۳ ماه حقوق نگرفته‌اند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 4 بهمن 91 آمده است : نماینده مردم قائم شهر و جویبار گفت: ۸۷ هزار بازنشسته صنعت فولاد کشور که در معادن یا گرمای بیش از حد کار کرده‌اند، سه ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، سید هادی حسینی در تذکر شفاهی خود در شصت و سومین جلسه علنی مجلس نهم درباره کارگران نساجی مازندران نیز گفت: تذکر من خطاب به آقای غضنفری است چراکه رئیس جمهوری در سفر استانی خود به قائم شهر قول داده بودند نساجی این شهرستان را راه اندازی مي‌کنند اما هنوز از سوی غضنفری در این زمینه اقدامی انجام نشده است.
وی در ادامه افزود: غضنفری مي‌گوید برای راه اندازی نیازمند سرمایه گذار خصوصی هستند در حالی که سرمایه گذار خصوصی آمده ولی به دلیل نبود مدیر مسئول‌رها کرده است و وزیر صنعت تجارت نیز برای راه اندازی نساجی امروز و فردا مي‌کند.
نماینده مردم قائم و جویبار در مجلس شورای اسلامی در ادامه در تذکری دیگر به وزیر صنعت معدن تجارت بیان کرد: ۸۷ هزار بازنشسته مظلوم صنعت فولاد سه ماه است که حقوق خود را

دریافت نکرده‌اند آیا اگر ما یک ماه حقوق خود را دریافت نکنیم مي‌توانیم مشکلات گراني‌های موجود در کشور را تحمل کنیم. من به وزیر تذکر مي‌دهم که نسبت به این موضوع رسیدگی کند و مشکلات را حل کند.

تلاش دولت برای افزایش 4.5 برابری قیمت‌ها

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در 4 بهمن 91 آمده است : عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس از توافقات نسبی در جلسات مشترک دولت و مجلس برای اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها و درآمد بیش از 100 هزار میلیارد تومانی خبر داد و گفت دولت قصد دارد به طور متوسط قیمت حامل های انرژی را تا 4.5 برابر افزایش دهد.
اسماعیل جلیلی در گفتگو با مهر، در پاسخ به این سوال که آیا دولت و مجلس در نشست های مشترک بر سر اجرای هدفمندی یارانه ها در فاز دوم به توافقی رسیدند، گفت: توافقات به سمتی می رود که دولت بتواند برای اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ها به درآمد بیش از 100 هزار میلیارد تومانی ناشی از افزایش قیمت حامل های انرژی برسد.
وی ادامه داد: این درآمد نسبت به شرایط فعلی یعنی حدود افزایش 4.5 برابری در قیمت حامل های انرژی و به احتمال زیاد دولت در لایحه بودجه 92 این رقم را جزو پیش بینی های خود لحاظ خواهد کرد.
عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس خاطر نشان کرد: درآمد امسال دولت از هدفمندی یارانه ها و افزایش قیمت حامل های انرژی کمتر از 30 هزار میلیارد تومان بوده است. فاصله بین تا 100 هزار میلیارد تومان فاصله زیادی است و مجلس قطعا مخالف این رشد ناگهانی است و در صورتیکه چنین پیشنهادی در صحن مجلس مطرح شود، اکثریت مجلس با آن مخالفت می کنند هر چند که اکثریت نمایندگان حاضر در نشست مشترک دولت و مجلس به این نظر دولت نزدیک شدند.
وی تصریح کرد: در صورتیکه دولت بخواهد بیش از 100 هزار میلیارد تومان درآمد از هدفمندی یارانه ها در مرحله دوم داشته باشد، نرخ حامل های انرژی به صورت ترکیبی و به طور میانگین 4.5 برابر رشد خواهد داشت، اما اینکه هر کدام از حامل های انرژی چه قیمتی داشته باشد، این به اختیار دولت است.
جلیلی گفت: دولت تلاش می کند بحث افزایش حامل های انرژی را حتما در دستور کار خود قرار دهد تا بتواند اهداف خود را در کسری بودجه و همچنین اجرای فاز دوم هدفمندی پیاده کند. از طرف دیگر مجلس به دلیل دغدغه هایی که در حوزه معیشت مردم از قبیل گرانی و تورم دارد، چنین درآمدی را تهدید می داند.
عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس یادآور شد: تعدادی از نمایندگان حاضر در جلسات مشترک مجلس و دولت از جمله چند چهره شاخص اقتصادی از شب گذشته این جلسات را ترک کردند، چون معتقدند دولت تلاش دارد نظر خود را به جمع تحمیل کند.

بازداشت هشت شهروند در نستان سردشت

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 4 بهمن آمده است : در پی بروز درگیری بین مأمورین انتظامی و جمعی از اهالی روستای نستان ، چند شهروند در این روستا بازداشت شدند.
به گزارش آژانس خبری موکریان، به دنبال درگیری هفته گذشته در روستای نستان که به خاطر ضبط بار چند کاسبکار توسط نیروی هنگ مرزی در منازلشان، روی داد، دوشنبه دوم بهمن ماه چند تن از اهالی این روستا توسط نیروی انتظامی بازداشت و روانه زندان شدند.
براساس این گزارش، اسامی هشت تن از این افراد ابوبکر محمدي، قادر خضرزاده، شیرزاد مام خضري، ابراهیم پوراحمدي، علی قاله یي، محمد حبیبي، ابراهیم حسین زاده و آکو نازی اعلام شده است.
گفتنی است تا لحظه مخابره خبر از اتهام یا اتهامات احتمالی این هشت شهروند اطلاعی در دست نیست.

ایران وارد کننده آب می شود

به نوشته سایت خبر آنلاین در 4 بهمن آمده است :براساس اظهارات سرپرست معاونت آب و آبفا وزارت نیرو، مذاکراتی برای واردات آب از کشورهای همسایه به ایران صورت گرفته است.
گفته می شود در حال حاضر این طرح در کمیسیون کشاورزی مجلس در حال بررسی است.
علی ایرانپور یک عضو کمیسیون کشاورزی مجلس با بیان این‌که خرید آب از برخی کشورهای همسایه برای حل مشکل بي‌آبی در بعضی مناطق دیده شده است، گفت: در این زمینه کشور تاجیکستان که دارای منابع خوب آبی است مي‌تواند مبدأ مناسبی برای خرید آب و حل مشکل آب استان‌های خراسان باشد.
این تصمیم در شرایطی است که ایران بیش از 40 سال است که در شرایط خشکسالی به سر می برد و با توجه به افزایش روزانه مصرف آب در کشور بحران کم آبی هر سال نسبت به سال گذشته افزایش می یابد.
در حال حاضر در بسیاری از استان های کشور کشاورزان با مشکل برای آبرسانی به مزرعه های خود مواجه هستند و همین امر به یکی از اساسی ترین معضل های مسوولان استان های کویری کشور بدل شده است.
اگرچه گفته می شد سال بارندگی امسال پر رونق تر از گذشته بود اما متاسفانه طی یک ماه گذشته با کاهش محسوس بارندگی در کشور مواجه بوده ایم و همین امر نیز بر مشکلات افزوده است.
پیش تر علیرضا دایمی با تشریح جدیدترین وضعیت دشت‌های ممنوعه در کشور که امکان برداشت آب از آنها به لحاظ استفاده بی رویه وجود ندارد، تاکید کرده بود در حال حاضر از 609 دشت کشور، 240 دشت ممنوعه شناخته شده است.
سرپرست معاونت آب و آبفای وزارت نیرو تاکید کرد: وقتی می گوییم ممنوعه یعنی دشت‌هایی هستند که ظرفیت برداشت آب از آنها یا به اتمام رسیده و یا در وضعیت نامناسبی قرار ندارند.
دایمی با اعلام اینکه هم اکنون بیشتر این دشت‌ها در مناطق کویری کشور قرار دارند که در آنها مصرف آب بالا است، ادامه داد: به صورت كلي، اين دشت‌ها در استان‌های خراسان شمالي، جنوبی و رضوي، يزد، كرمان، سمنان، تهران و قم قرار دارند.
وی با اشاره به استان‌هایی که دارای منابع مناسب آبی هستند، افزود: استان‌های پرآب در حال حاضر استان‌های غربی کشور هستند که می توان به کهکیلویه و بویراحمد اشاره کرد.
این مقام مسئول در وزارت نیرو تاکید کرد: همچنین بخشی از استان‌های شمال کشور مانند گیلان، گلستان و مازندران و تا حدودی نیز خراسان شمالی دارای منابع آب مناسب هستند.
براساس این گزارش، در سال 89 مجلس وزارت نیرو را مکلف کرد تا در راستای صیانت از سفره های آب زیرزمینی نسبت به شناسایی چاه‌های غیرمجاز و صدور پروانه بهره برداری اقدام کند.
همچنین مقرر شد تا در مدت پنج سال این وزارتخانه اقدامات مربوط به برقدار کردن چاه های آب کشاورزی را انجام دهد. طی سال گذشته برخی اقدامات در این باره انجام شده است، با این حال برداشت‌های غیرمجاز از منابع آب زیرزمینی باعث فرونشست برخی دشت‌ها از جمله در یکی دو منطقه استان تهران شده است.
در سال‌های اخیر طرح تغذیه مصنوعی دشت‌ها و سفره های آب زیرزمینی به منظور تعادل بخشی به منابع موجود در دشت‌ها نیز انجام شده است. با این حال، بهترین و موثرترین راه برای صیانت از منابع آب زیرزمینی و استفاده درست از آن، استفاده مناسب و در چارچوب‌های استاندارد، همچنین جلوگیری از برداشت های غیرمجاز است.
مقامات وزارت نیرو معتقدند احداث تاسیسات، ایجاد خطوط انتقال آب های سطحی به دشت‌های ممنوعه و انتقال برداشت‌ها از آبهای زیرزمینی به آب‌های سطحی و تلفیق آبرسانی از طریق استفاده از آب‌های سطحی و دشت ها؛ از جمله راهکارهایی است که برای حفاظت از دشت‌های ممنوعه می توان بکار گرفت.اولین فرونشست دشت در کبوتر آهنگ همدان طی 12 سال گذشته ایجاد شد. با این حال ادامه این روند در سایر دشت ها نیز باعث شد تا از کمتر از 50 دشت کشور از وضعیت مناسب و تعادلی به لحاظ ذخیره آب

برخوردار باشند و مابقی در شرایط نامناسب قرار گیرند.
بنابراین در چنین شرایطی واردات آب به کشور در جهت تامین نیاز بخش خانگی و کشاورزی به یکی از دغدغه های اساسی مسوولا بدل شده که در صورت اختصاص بودجه به این بخش به زودی ایران به واردکننده آب بدل خواهد شد.

هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد: خطایی فاحش

امیرپیام

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در 5 بهمن 91 آمده است : هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد تهران طی اطلاعیه ای از برکناری منصور اسالو از ریاست این هیئت خبر داده است.
این واقعه به خودی خود چیز عجیب و غریبی نیست. تغییر و تحول در مناصب و مسئولیت ها و عزل نصب ها و انتخاب ها در هر تشکلی و بویژه تشکلات کارگری امر بدیهی و طبیعی است. توجه به این مساله یعنی بدیهی و طبیعی بودن اینگونه تحولات بویژه برای جنبش کارگری بسیار حیاتی است. برای این جنبش اگر چه وجود رهبران کاریزماتیک و با نفوذ اش در میان توده های کارگر اهمیت بسیار زیادی دارند، اما نباید فراموش کرد که هیچ رهبر و فعال کارگری مصون از اشتباه و خطا و انحراف نیست، و به همین اعتبار نیز هیچیک از آنان مقدس و هیچ پست و منصبی در تشکل کارگری ابدی و اذلی نمی باشد.
اما به همراه این امر بدیهی، امر بدیهی دیگر اینست که اعلام بیرونی و عمومی چنین تحولاتی با در نظر گرفتن منافع آنی و آتی کارگران و مصالح طبقاتی آنان در مبارزه طبقاتی آنهم تحت سیطره یکی از استبدادی ترین و خونبارترین حاکمیت های سرمایه داری یعنی جمهوری اسلامی، و با عطف توجه به تاثیرات کوتاه مدت و بلند مدت این تحولات بر طبقه کارگر انجام می گیرد. از این منظر، اعلام بیرونی چنین تحولاتی بطور عمده و در اکثر قریب به اتفاق موارد (غیر از موارد استثنایی که برای افشای خائنین به طبقه کارگر و نفوذی ها و جاسوسان دشمن طبقاتی در تشکل کارگری ضروری می شود) با لحن و بیان و انشایی محترمانه و صمیمانه و مهربانانه و با تشکر از زحمات تاکنونی فرد مربوطه انجام می گیرد.
متاسفانه لحن و بیان و انشای اطلاعیه هیئت مدیره سندیکا علیه منصور اسالو در افراطی ترین شکل ممکنه انجام شده و صریحا برای تخریب شخصیت طبقاتی و سیاسی وی می باشد. هیئت مدیره می توانست به جای اعلام « برکناری »، بسادگی از این روش اصولی و مشروع استفاده نموده و ضمن عملا برکناری منصور اسالو (طبق صلاح دید خود) اما روبه بیرون آنرا به عنوان تحولی عادی اعلام نماید. یا به جای شیطان سازی از ایشان و طرح « انجام تخلفات متعدد و عدم پایبندی به تعهدات خود و نادیده گرفتن هشدارها و اعتراضات درونی سندیکا »، از زحمات تاکنونی منصور اسالو تشکر کند و مساله را به این صورت تمام نماید. هیئت مدیره تا آنجا پیش رفته که خواسته است از منصور اسالو حتی حمایت نشود و عملا برای طرد و انزوای او تلاش نموده است.
همه اینها در حالی اتفاق می افتد که تا این لحظه منصور اسالو یکی از معدود فعالین و رهبران جنبش مستقل کارگری ایران است که در سالهای اخیر نقشی درخشان و برجسته و عزیزی در بیداری طبقه کارگر و بازگشت اعتماد به نفس آن و احیای تشکل یابی توده ای این طبقه در محیط های کار داشته اند. این نقشی بسیار با ارزش و طبقاتی و تاریخی و حک شده بر تارک جنبش کارگری است، و هیچ اندازه از « انجام تخلفات متعدد و عدم پایبندی به تعهدات خود و نادیده گرفتن هشدارها و اعتراضات درونی سندیکا » تاکنون و در آینده خللی در آن وارد نمی سازد.
اما برخورد تخریبی هیئت مدیره به منصور اسالو به شخص وی ختم نمی شود و

ضربه ایست به کل جنبش مستقل کارگری ایران. به همان اندازه که اجتماعات کارگران شرکت واحد در میدان حسن آباد و نبردهای روزمره آنان برای تشکیلات و ایجاد ظفرمندانه سندیکا و اعتصابات قهرمانه شان نوید بخش دورانی نو برای ایجاد تشکل های توده ای کارگری در محیط های کار و بیدار طبقاتی کارگران بود و به منشا امید آنان بدل شد و الهام بخش مبارزه شان گشت، آری به همان اندازه نیز، این اطلاعیه هیئت مدیره ضربه ایست به آن الهام و امید. همگان دارند می بینند که چگونه رفقا و همرزمان و هم طبقه ای ها، آنهم زیر سلطه رژیمی که دمار از روزگار همه فعالین کارگری درآورده است، همدیگر را تخریب می کنند. آیا جنبش مستقل کارگری ایران پا درمسیری گذاشته است که فرزندان خود را ببلعد؟ آیا به این ترتیب جنبش ما به سمتی می رود که این رفتار نافی خویش را به سنت بدل سازد؟ این زنگ خطری برای همه فعالین مستقل جنبش کارگری است.
ابعاد مخرب و ویرانگر این اطلاعیه دوخطی برای جنبش مستقل کارگری ایران و کل طبقه کارگر آنقدر عمیق و گسترده است که ذهن را ابتدا به این سوق می دهد که شاید اعضای هیئت مدیره و خود اسالو و طبعا نادانسته و ناخواسته طمعه توطئه ای پیچیده از طرف وزارت اطلاعات و عوامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی که همه جا می لولند شده باشند.
اما اگر چنین ظنی بی پایه باشد و هیئت مدیره با چشم باز دست به این اقدام زده باشد، آنگاه این خطایی فاحش و نقطه ای تلخ و تاریک در جنبش مستقل کارگری و بدعت گذار اقدام علیه خود است. اگر چه مسئولیت این خطا به عهده هیئت مدیره است اما بطور ویژه نیز بر دوش آن چهره هایی از هیئت مدیره قرار می گیرد که در جلوی صحنه هستند و نزد جامعه این سندیکا با این چهره ها تداعی می شود یعنی: داود رضوی و ابراهیم مددی و رضا شهابی.

کمک ارزی رژیم ایران به سوریه به‌رغم مشکلات داخلی

به نوشته سایت صدای آلمان در 5 بهمن آمده است :جمهوری اسلامي، به رغم مشکلات ارزی داخلی و سقوط ارزش ریال، یک میلیارد دلار اعتبار در اختیار سوریه گذاشته است.
نخست وزیر سوریه مي‌گوید بخشی از این اعتبار برای تقویت بانک مرکزی و حفظ ارزش پول ملی این کشور است.
مسئولان جمهوری اسلامی اعتراف مي‌کنند که فشار تحریم‌ها تامین ارز مورد نیاز کشور را با مشکلات جدی روبرو کرده است. نوسان‌های شدید در بازار ارزهای خارجي، که پس از آرامش نسبی از چند روز پیش دوباره آغاز شد، به کاهش ۱۱۰ درصدی ارزش ریال طی ده ماه منجر شده است.
با وجود مشکلات داخلي، مطابق تازه‌ترین توافق‌های دوجانبه، ایران یک میلیارد دلار اعتبار در اختیار سوریه قرار داده که بخشی از آن به صورت سپرده ارزی برای حمایت از ذخائر ارزی بانک مرکزی این کشور در نظر گرفته شده است.

جزییات توافق‌ها از زبان نخست وزیر سوریه
نخست وزیر سوریه، وائل الحلقی همراه با چند مقام ارشد این کشور بعد از ظهر سه‌شنبه، ۲۶ دی وارد تهران شد و شامگاه چهارشنبه این شهر را ترک کرد.
در حاشیه دیدار محمدرضا رحیمي، معاون اول محمود احمدي‌نژاد با الحلفی توافق‌نامه‌ها و قراردادهای مالی و اقتصادی مهمی نیز میان مدیران ارشد دو کشور به امضا رسید که در گزارش‌های رسمی به جزییات آن اشاره‌ای نشد.
خبرگزاری ایسنا ۲۷ دی نوشت در جریان این سفر مدیر بانک توسعه صادرات ایران و مدیرعامل بانک تجارت سوریه قرارداد یک "خط اعتباری یک میلیارد دلاری" میان دو کشور را به امضا رساندند.
به گزارش روزنامه دولتی الوطن چاپ دمشق، نخست وزیر سوریه پس از نشست هیئت دولت این کشور در روز چهارشنبه (۴ دی/ ۲۳ ژانویه) "جزئیات توافقات با مقامات ایرانی در سفر

اخیرش به تهران" را برای خبرنگاران تشریح کرده است.
مطابق اظهارات نخست وزیر سوریه، آنچه از سوی منابع ایرانی یک خط اعتباری خوانده شده، وامی به مبلغ یک میلیارد دلار با شرایطی ویژه برای بازپرداخت بوده است.

سپرده‌گذاری ایران برای تقویت ارزش لیره سوریه
سایت خبری "عصر ایران" از قول الحلفی و به نقل از الوطن نوشت: «در این سفر توافق‌نامه‌ای با ایران برای هزینه کردن ۵۰۰ میلیون دلار در بخش برق سوریه امضا شد. این رقم از کل مبلغ یک میلیارد دلار وام دریافتی از ایران با بازپرداخت آسان است.»
نخست وزیر سوریه مي‌گوید: «توافقی با ایران صورت گرفت که براساس آن ایران رقم بالایی از ارز خارجی را در سوریه سپرده گذاری خواهد کرد تا وضعیت ذخایر ارزی بانک مرکزی سوریه و ارزش پول سوریه (لیره) تقویت شود.»
ظاهرا این "رقم بالا از ارزهای خارجی" ارتباطی با اعتبار مورد اشاره ندارد و به صورت پول نقد در اختیار بانک مرکزی سوریه قرار مي‌گیرد.
به گزارش عصر ایران، وائل الحلقی به خبرنگاران گفت: «از طریق این سپرده گذاری ارزی ایران، از ذخایر ارزی بانک مرکزی سوریه حمایت مي‌شود که این اقدام تاثیر مثبتی بر حمایت از اقتصادی سوریه خواهد داشت.»

اعتراف احمدي‌نژاد به کمبود منابع
همزمان با اظهارات نخست وزیر سوریه در دمشق، رئیس کل بانک مرکزی ایران، محمود بهمنی نوسان بهای ارزهای خارجی در روزهای گذشته را متاثر از تصویب طرح تحقیق و تفحص از این بانک در مجلس شورای اسلامی عنوان کرد.
برخلاف اظهارات بهمني، شمس‌الدین حسيني، وزیر امور اقتصادی و دارایی شامگاه سه‌شنبه، ۳ بهمن در یک گفت‌وگوی تلویزیونی "مهم‌ترین عامل نوسانات اخیر در بازار ارز" را فشارهای سیاسی خارجی و تحریم عنوان کرد.

شمس‌الدین حسینی مي‌گوید "خبرهای ناخوشاید در مورد بانک مرکزی" نمي‌تواند به تنهایی علت نوسان‌های اخیر بازار ارز باشد. او تاکید مي‌کند که فشار تحریم‌ها که نقل و انتقال پول و درآمدهای ارزی را مشکل کرده، عامل مهم‌تری در این رابطه است.
محمود احمدي‌نژاد نیز روز چهارشنبه در جمع مردم همدان گفت: «امسال به دلیل طراحي‌های دشمنان و فشارهای آنان یک مقدار منابع دولت دچار آسیب شد و آن‌طور که ملت مي‌خواست کارها به سرعت جلو نرفت اما با این حال کارهای خوبی در حال انجام است.»

۲۰۰ میلیون دلار برای واردات دارو به سوریه
یکی از آسیب‌هایی که احمدي‌نژاد به آن اشاره مي‌کند کمیابی و گرانی سرسام‌آور دارو و تجهیزات پزشکی است که وزیر برکنار شده‌ی بهداشت، مرضیه وحید دستجردی علت آن را عدم اختصاص ارز کافی برای واردات اعلام کرده است.
وحید دستجردی هفتم دي‌ماه به دستور احمدي‌نژاد برکنار شد. ظاهرا یکی از علت‌های این تصمیم ادامه‌ی اختلاف میان وزارت بهداشت و بانک مرکزی بر سر تامین ارز مورد نیاز بخش سلامت و درمان بوده است.
وزیر برکنار شده بهداشت ۱۸ آذر گفت: «بانک مرکزی تعلل در اختصاص ارز دارو را جبران کند چون نقل و انتقال ارز در خارج از کشور را از طرق غیررسمی مي‌توانیم دور بزنیم ولی مشکل تخصیص ارز توسط بانک مرکزی در داخل کشور را نمي‌توانیم دور بزنیم.»
وحید دستجردی چندی پیش میزان ارز مورد نیاز برای واردات دارو در سال ۱۳۹۱ را حدود دو و نیم میلیارد دلار اعلام کرده و گلایه مي‌کند "از این مبلغ تنها ۶۰۰ میلیون دلار ارز تاکنون از سوی بانک مرکزی به واردکنندگان دارو اختصاص داده شده است".
عصر ایران به نقل از رسانه دولتی سوری نوشت، وائل الحلقی به خبرنگاران گفته که ۲۰۰ میلیون دلار از وام ایران برای بخش بهداشت و درمان سوریه اختصاص مي‌یابد که در حوادث

این کشور با آسیب‌های بسیاری روبه رو شده. بنابر این گزارش او مي‌افزاید: «بخش دیگری از اعتبارها نیز برای واردات تجهیزات پزشکی و انواع دارو به سوریه در نظر گرفته مي‌شود.»

زمزمه حذف ارز مرجع دارو؛مسئولان تکذیب نکردند

به نوشته سایت سلامت نیوز در 5 بهمن آمده است : چند ماهی است که ارز دارو دستخوش چالش شده است و بر اساس گفته های مسئولان وزارت بهداشت تا آبان تنها یک سوم ارز مرجع مورد نیاز دارو اختصاص یافت و حتی برخی گفته ها حکایت از آن داشت که اختصاص ارز مرجع برای واردات لوازم آرایش و زین اسب نسبت به واردات دارو در اولویت قرار داشته است.
به گزارش سلامت نیوز به نقل از خراسان ؛ در حال حاضر با وجود گذشت چند ماه از چالش به وجود آمده میان بانک مرکزی و وزارت بهداشت بر سر تأمین ارز مورد نیاز برای واردات دارو و مواد اولیه آن و وعده های مکرر مسئولان دولتی و بانک مرکزی مبنی براختصاص یافتن ارز مورد نیاز بازار دارویی کشور هنوز هم در بلاتکلیفی به سر می برد و خبرهای ضد و نقیض از اختصاص نیافتن ارز و حتی احتمال حذف ارز مرجع برای واردات دارو باعث شده است تا بیش از پیش بازار دارویی کشور دچار التهاب شود. در حالی که بانک مرکزی از اختصاص 2.3 میلیارد دلار ارز مرجع برای واردات دارو از ابتدای سال جاری خبر می دهد،رئیس اتحادیه واردکنندگان دارو با تکذیب این خبر میزان ارز تخصیص داده شده به شرکت های دارویی تا اوایل آذر را تنها 977میلیارد یورو و این میزان را تنها یک سوم ارز مورد نیاز برای واردات دارو در سال جاری اعلام کرده است.
با این اوصاف و درشرایطی که بسیاری از گمانه زنی ها، عزل نابهنگام وزیر بهداشت را به مسئله تخصیص نیافتن ارز مورد نیاز واردات دارو مرتبط می دانست گویا این گمانه زنی ها به واقعیت نزدیک شده است و حال با وجود گذشت نزدیک به یک ماه از عزل وزیر بهداشت از کابینه و استقرار سرپرست جدید زمزمه هایی از حذف ارز مرجع برای واردات دارو به گوش می رسد که پیامد آن افزایش قیمت دارو تا سه برابر قیمت فعلي، کمبود دارو و... است.
در همین باره خبرگزاری فارس از در دسترس داشتن اسنادی خبر داده است که بر اساس آن ارز مرجع برای دارو حذف خواهد شد و شرکت های واردکننده دارو با ارز آزاد دارو به کشور وارد خواهند کرد. همچنین گفت وگوی خراسان با ۲ مسئول در وزارت بهداشت و همچنین یک مسئول در بانک مرکزی نشان می دهد که پیشنهادهایی درباره حذف ارز مرجع برای دارو در دولت مطرح است.
به گزارش فارس تصمیماتی در دولت در حال شکل گیری است که بر اساس آن اختصاص ارز مرجع برای دارو به جز موارد اضطراری حذف و از این پس دارو با ارز آزاد وارد کشور شود. بر این اساس با توجه به تفاوت حدود 3 برابری نرخ ارز مرجع با نرخ ارز آزاد این تصمیم به افزایش 3 برابری قیمت دارو برای مردم منجر می شود.

پیشنهاد حذف ارز مرجع برخی اقلام دارویی در دولت
یک مسئول در بانک مرکزی در پاسخ به سوال خراسان درباره صحت حذف ارز مرجع دارو گفت: پیشنهادهایی در دولت برای حذف ارز مرجع برای واردات برخی اقلام دارویی وجود دارد ولی تا به امروز چنین مواردی به عنوان پیشنهاد دولت در بانک مرکزی مطرح و به عنوان سیاست های ارزی تصویب نشده است. وی تصریح کرد: این پیشنهاد باید ابتدا در بانک مرکزی مطرح و درصورت تصویب و تایید به عنوان یک سیاست ارزی اجرایی شود.اما آنچه امروز به عنوان سیاست توسط بانک مرکزی درحال اجراست، اختصاص ارز مرجع برای واردات داروست.
متاسفانه پی گیریهای خبرنگار خراسان از معاونت غذا و داروی وزارت بهداشت برای تایید یا تکذیب خبر مربوط به حذف ارز مرجع واردات دارو نیز نتیجه ای در برنداشت و دکتر احمد شیبانی رئیس سازمان غذا و دارو در پاسخ به تماس تلفنی خبرنگار خراسان و درمواجهه با سوال خراسان در باره حذف ارز مرجع برای واردات دارو اظهار داشت به دلیل حضور در جلسه ای حتی قادر به تایید یا تکذیب این ادعا نیست و امکان مصاحبه ندارد.

فعلاً مشکلی در ارز دارو نداریم!

همچنین یک مسئول دیگر در سازمان غذا و دارو در پاسخ به سوال خراسان درباره میزان ارز اختصاص یافته به واردات دارو گفت: ارز دارو در حال تخصیص است و فعلاً مشکلی در اختصاص ارز دارو نداریم!

یک مسئول در سازمان غذا و دارو: نمی توانم توضیحی بدهم
وی همچنین در پاسخ به پرسش خراسان که پرسید شنیده ایم ارز مرجع دارو در حال حذف شدن است و دولت پیشنهادهایی را در این زمینه در دست بررسی دارد آیا این موضوع صحت دارد گفت: من هیچ توضیحی در این باره نمی توانم بدهم بهتر است از روابط عمومی بپرسید.
وی همچنین در مقابل اصرار خراسان که اگر این خبر درست نیست، حداقل آن را تکذیب کنید گفت: هیچ توضیحی در این زمینه ندارم. من نمی دانم، واقعاً معذورم و نمی توانم توضیح بدهم!

مصاحبه ممنوع!
شایان ذکر است سرپرست وزارت بهداشت در دستورالعملی به معاونت های وزارت بهداشت به خصوص سازمان غذا و دارو اعلام کرده است که مصاحبه ای با رسانه ها نداشته باشند و تنها خود سخنگوی مسائل مرتبط با دارو خواهد بود.

این نگرانی در مجلس نیز وجود داشت
دکتر مراد هاشم زهی نماینده مجلس و عضو کمیسیون بهداشت مجلس نیز در گفت وگو با خراسان آخرین اطلاعاتش در باره تصمیمات اتخاذ شده در خصوص ارز موردنیاز برای واردات دارو را مربوط به جلسه اخیر اعضای کمیسیون بهداشت با سرپرست وزارت بهداشت دانست و گفت: متاسفانه این نگرانی بین نمایندگان مجلس نیز وجود داشت و در همین راستا از سرپرست وزارت بهداشت نیز سوال شد. اما وی از عزم رئیس جمهور برای تخصیص ارز مرجع برای واردات دارو خبر داد و احتمال حذف ارز مرجع برای واردات دارو را منتفی اعلام کرد.

اختصاص ۲میلیارد دلار ارز!
وی افزود: بر اساس گزارش سرپرست وزارت بهداشت تاکنون دو میلیارد دلار برای واردات دارو در اختیار این وزارت خانه قرار گرفته است.
حسینعلی شهریاري، رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس نیز با هشدار در باره نوسانات شدید قیمت دارو در صورت تغییر قیمت ارز واردات دارو گفت: تغییر نرخ ارز مرجع از هزار و ۵۰تومان در سال گذشته به ۱۲۲۶ تومان در سال جاری به تنهایی موجب گرانی حدود ۱۶درصدی دارو و تجهیزات پزشکی شد؛ بنابراین اگر قرار باشد دارو و مواد اولیه دارویی با نرخ ارز آزاد وارد کشور شود، رشد قیمت داروبسیار بیشتر خواهد بود که برای مردم غیرقابل تحمل است.
به هر حال تکذیب نکردن مسئولان سازمان غذا و دارو و همچنین به استناد گفته یک مسئول در بانک ارزی نشان می دهد که جریانی برای آزادسازی ارز دارو مطرح است و امیدواریم چنین اتفاقی نیفتد وگرنه وای به حال بیماران. چرا که با وضعیت موجود بازار دارو به شدت دچار مشکل مي‌شود و کمبود دارو، نبود برخی اقلام دارويي، افزایش قیمت دارو و سهمیه بندی دارو در برخی استان ها نظیر همدان از جمله مشکلات پیش رو خواهد بود

جای فعالین کارگری در زندان نیست

باتوجه به بحرانهای نظام سرمایه داری و سرکوب هرچه بیشتر طبقه ی کارگر، فعالین کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی در سراسر جهان و دستگیری،زندانی و شکنجه ی آنان از طرف حامیان سرمایه،همچنان طبقه ی بزرگ کارگر از پا نایستاده و در مقابل تمامی این تعرضات مقاومتی جانانه از خود نشان داده است.

در ایران نیز نظام سرمایه داری در سالهای اخیر اقدام به دستگیری گسترده تری در میان فعالین کارگری ،دانشجوئی، اجتماعی و غیره نموده است. در این میان میتوان به رضا شهابی ، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زمانی، پدرام نصراللهی و غیره اشاره کرد.

ما شورای کارگران بیکار همگام با دیگر تشکلهای کارگری دستگیری فعالین کارگری و دیگر جنبشهای اجتماعی را به شدت محکوم کرده و هرگونه فشار و بازگرداندن رضا شهابی و بهنام ابراهیم زاده را به زندان محکوم می کنیم. همچنین آزادی موقت آنان را که – نه از سر دلسوزی حامیان سرمایه بلکه، نتیجه مقاومت سرسختانه ی این عزیزان و تلاش نهادها و فعالین کارگری دانسته – را به آنان و تمامی کارگران و فعالین کارگری تبریک گفته و خواستار آزادی بی قید وشرط آنان ودیگر فعالین کارگری می باشیم. و بر این باوریم که جای این عزیزان در زندان نیست زیرا که تنها دلیل زندانی نمودن آنان دفاع از حقوق انسانی طبقه ی کارگر است.

شورای بیکاران

http://www.kargaranbikar.blogfa.com/1391/11

مرگ یک کارگر اهل سنندج بر اثر تصادف

روز 28دیماه 1391 یک کارگر به نام **" شریف زندی آلیپینک"** بر اثر تصادف در سلیمانیه کردستان عراق متاسفانه جان خود را از دست داد. شریف زندی که دارای سه فرزند ومستاجر است ؛ بعد ازاخراج ازکارخانه **ایستک** ،برای پیدا کردن نان سر سفره خود و خانواده اش مانند هزاران کارگر دیگر راهی کردستان عراق شد که متاسفانه قربانی سود پرستی سیستم ظالمانه سرمایه داری شد.این اولین و آخرین حوادث محل کار نیست که جان انسانهای جویای نان را میگیرد.

کارگران می توانند و باید تشکلات مستقل خود را در این شرایط بحرانی ایجاد کنند
گروه پژوهش کارگری

برپایه مطلب دریافتی از گروه پژوهش کارگری درتاریخ 5 بهمن به روزشمارکارگری آمده است :صدای اعتراض کارگران روزی نیست که از گوشه ای شنیده نشود ، اما بنسبت حجم اعتراضات نتایج مثبت حتی اقتصادی برای کارگران در کمترین میزان بدست آمده است و آیا نداشتن تشکل مستقل کارگران تنها دلیل این موضوع نیست ؟ آیا این بستر گسترده اعتراضات کارگران نباید کارگران آگاه و فعالین کارگری را وادار کند تا در این شرایط بحرانی همه نیروی خود را صرف سازماندهی تشکلات مستقل نمایند ؟ آیا بر گروههای چپ که آرمانشان سوسیالیسم و رهبری طبقه کارگر است ضرورت ندارد که اگر برایشان برخورد تئوریکی الویت دارد ، بخشی از نیروی خود را هم صرف گسترش سازماندهی کارگران در واحدهای کاری آنها نمایند ؟ آری امروزه که جناحهای حکومت برای بدست آوردن قدرت سیاسی و اقتصادی بیشتر به حذف یکدیگر همت گذاشته اند و سایتهای جناحی در رقابت و جذب آرا به انتشار بیشترین اخبار اعتراضات کارگران پرداخته اند و کارگران روزبروز از تامین معاش درمانده اند ، بهترین زمان برای ایجاد تشکل است . امروزه که کارگران واحدهای تعطیل شده بدنبال حقوق عقب افتاده و بیمه بیکاری هستند و آنهایی که کاری دارند ، نگران از دست دادنش بوده و اینکه حقوق دریافتی توان مقابله با تورم روزافزون را ندارد بنوعی همه آنها را می توان حول خواسته های مشخصی گرد هم آورد و لذا زمان طلایی برای ایجاد تشکل بوجود آمده است .
جناحهای حکومت اگر با آرامش به درگیری و افشای یکدیگر می پردازند ، بدلیل آنستکه گمان دارند هرگونه اعتراضی را در نطفه خاموش کرده اند و در نتیجه خطری از سوی

مخالفان داخل برای رژیم تصور نمی کنند . مروری بر اعتراضات اقشار مختلف از خرداد سال ۸۸ که میلیونی بود تا به امروز که بیشتر صدای اعتراضات کارگران بگوش می رسد ، حاکیست که تحولی در حرکت مخالفان رژیم باید شکل گیرد . منکر این نمی توان شد که شدت سرکوب و بیرحمی نیروهای سپاهی و امنیتی رژیم در خاموش کردن صدای مخالفان تاثیر مهمی داشته ، اما مگر در طول یکصد سال گذشته همواره دیکتاتوری و سرکوب وجود نداشته و مگر امکان برقراری دموکراسی و آزادی را باید هدیه جناحهای حکومت دانست ! چگونه است که دیگر از دانشجویان که همواره پرچم آزادیخواهی را در دست داشتند ، صدایی شنیده نمی شود و دیگر تجمعاتی در دانشگاهها بروز نمی دهد ! آیا روشن نشده که دانشجویان خواست دموکراسی را از تفکر اصلاح طلبی جدا دیده و باور دارند که دیگر حکومت اجازه نخواهد داد تا آنها به قدرت برسند و بنابراین اشتراک مخالفان در نحوه برخورد با حاکمیت دچار تفرقه و یاس گشته است ! اما این موضوع چرا موجب نمی شود تا دانشجویان چپ به آرمانشان بیشتر امیدوار گشته و بتوانند سایر تفکرات سکولار و دموکرات دانشجویان را حول استراتژی خود متحد سازند و ثابت نمایند که هنوز قادرند نقش پراهمیتی را در جامعه بازی نمایند ؟
انتشار مجدد سخنان رفسنجانی در پذیرش قطعنامه ۵۹۸ برای پایان جنگ با عراق در میان فرماندهان سپاه ، مبنی بر اینکه انقلابی گری (؟) کلّه شقی متحجرانه نیست ، تحول پذیری منطقی است ، انسان انقلابی مقتدر است امّا جمود ندارد ، تعصب ندارد و وقتی حق را تشخیص داد حتی خلاف نظرش در مقابل حق خاضع است و می پذیرد این بهترین مصداق انقلابی گری است که امروز امام ما آن را به منصه ظهور رساندند ، هشداری مهم به خامنه ای برای امکان سقوط نظام است و چنانچه گروهی از نمایندگان سابق مجلس شورای اسلامی در ایران نیز خواستار مذاکره مستقیم ایران و آمریکا شده اند . زمانیکه کرباسچی مهره ارزشمند رفسنجانی مشکلات را نتیجه برنامه های هردو اصلاح طلبان و اصولگرایان دانسته و از عدم اشتراک درونی خود اصلاح طلبان در زمان قدرت آنها حرف می زند و در آخر نتیجه می گیرد که انتخابات را باید باهر شکلی انجام داد ، اینکار را جز از وظیفه شناسی وی برای حفظ نظام باید دانست ! اگر اصلاح طلبان از درون زندان و خارج کشور از انتخابات آزاد سخن می گویند ، در حالیکه یادشان نمی آید که چگونه خود در زمان داشتن قدرت عامل محدودیت در انتخابات بوده اند ، چرا نباید خامنه ای ، جنتی و دیگران بگویند در طول ۳٤ سال گذشته همواره انتخابات آزاد بوده است ! دلیل اینکه برخی چراغ جادوی انتخابات را در دست گرفته تا این نظام یکبار دیگر از پیروزی خود با شرکت اکثریت مردم در انتخابات سخن گوید ، ترسی است که از رشد خدا ناباوری و بی دینی در ایران بویژه جوانان کرده است و اینکه مردم به راههای دیگری برای تحول می اندیشند . بیشتر گروههای سیاسی استراتژی خود را بر محور انتخابات آزاد گذاشته اند ، در حالیکه کاملا واقفند که چنین امکانی در چنین نظامی وجود ندارد واین موضوع تنها سرپوشی است تا تغییر و سرنگونی نظام را از محوریت برنامه خود کنار بگذارند .
آیا با قانون کاری که بگفته بازرس اتحادیه پیشکسوتان خانه کارگر ، حاصل تلاش حسین کمالی وزیر پیشین کار و رییس فعلی حزب کار که احتمالا خود را کاندید رییس جمهوری می کند ، نباید به حال کارگران و فعالین که چنین خانه کارگری داشته و چنین قانون کاری را ارزش می دهند ، گریست ! چرا همه بر طبل انتخابات چه نوع آزاد و چه غیر آزاد در حال حاضر سخن می گویند ، در حالیکه زندگی کارگران در بدترین شرایط دوران اخیر قرار دارد و مگر حتی تقسیم قدرت جناحها کمکی در بهبود زندگی کارگران صورت خواهد داد ؟ مگر با تکیه برهمان قانون کارمصوب زیر نظر همین مسولان زرد کارگری نبوده که بیمه کارگران کارگاههای زیر ۵ و ۱۰ نفر حذف شده و تدریجا قراردادهای موقت پایه گزاری گردند تا با استمراری از گذشته ، قوانین ضد کارگری بیشتری تصویب گردند ؟ آیا سالروز کشته شدن چهار کارگر ذوب مس خاتون آباد شهر بابک در چهارم بهمن ۱۳۸۲ که در زمان اوج قدرت خاتمی و اصلاح طلبان بود و تنها خواست استخدام دائمی توسط پیمانکار را داشتند اما در روز نهم تحصن با حمله هلیکوپتر و گارد ویژه نیری انتظامی روبرو شدند ، یادآوری این نکته نیست که برای کارگران تفاوتی از اینکه چه جناحی در این نظام و هر نظام سرمایه داری حکومت کند ، نبوده و وضعیت آنها تا برقراری استثمار طبقاتی بهبود کیفی نخواهد یافت .

آیا پس از ۱۰ سال از گذشتن این کشتار که همگی مسولان اظهار شرم کردند ، حقوق کارگران کشته شده و آسیب دیده پرداخت شده و زندگی خانواده آنها تامین شده است و یا اینکه کارگران بیشتری در این استان و سایر استانها بیکار شده اند ؟ آیا حوادثی که به کشته شدن کارگران در معادن و دیگر کارها بویژه کارهای ساختمانی پیش می آید کاهش یافته ، و یا اینکه با وجود ابلاغ کتبی دولت هنوز یکی از مهمترین خواسته های کارگران همان حذف پیمانکاران واسطه و رسمی شدن بخش بزرگی از کارگران صنایع کشور و بخش خدماتی است ؟ اخبار ایلنا سایت رسمی حاکیست که ٢٤ کارگر بازمانده از آخرین مورد انفجار معدن یال شمالی طبس بعد از گذشت یکماه همچنان نه حقوق و نه بیمه بیکاری دریافت می کنند و نه تکلیف شغلی خود را می دانند و همواره تکلیف بازماندگان کارگران در حوادثی که خود هیچگونه تقصیری ندارند ، همین بلاتکلیفی است !
میلیاردها درآمد نفتی در طی ٣٤ سال گذشته در جیب چه کسانی رفت ، در حالیکه کارگران روزبروز بیکارتر شده و نسبت حقوق دریافتی آنها نسبت به گرانی و تورم همواره سیر نزولی داشته و دارد و چرا پرداخت یارانه نیز برخلاف وعدهای توخالی همیشگی مسولان نتوانسته است ، حداقل تورم افسار گسیخته تحت مدیریت خودشان را پوشش دهد ؟ مگر مسولان که نیمی از بحران اقتصادی را ناشی از تحریم قدرتهای غربی می دانند ، خود با سیاستهای بحران زا در منطقه و برای توسعه غنی سازی انرژی هسته ای دامن نزدند ، گرچه تحریمهای اقتصادی و فساد مسولان حکومتی و دولتی بیشتر بر کارگران و زندگی اقشار کم درآمد تاثیر ویرانگر داشته است . قدرتهای بزرگ چه غربی و چه شرقی بخوبی با فروش کالاهای ساخته شده نظامی و صنعتی از سود سرشاری استفاده کرده و تا زمانیکه وجود رژیم بسود آنها باشد باهمه مشکلاتی که برای کارگران و سایر اقشار پیش می آید ، بربقای آن اصرار خواهند داشت و بی جهت پاسدار رحیم صفوی باور دارد که با کمک روسیه و چین در مقابل آمریکا خواهند ایستاد ! مسولان خانه کارگر تاکید دارند با کمک وام و تسهیلات دولتی ، سرمایه داران خواهند توانست به تولید بپردازند تا بیکاری کاهش یابد ، اما دیگر سخنی از اینکه مگر منابع دولتی سهم همه مردم نیست و چرا دولت باید بجای تامین زندگی کارگران با حداقل حقوقی برمبنای هزینه های جاری به کمک سرمایه داران که بیشتر آنها وابستگان دولتی و حکومتی است بروند . همواره وعده های رییس دولت و سایر مسولان به کارگران توخالی بوده و اما برای وابستگان آنها سرمایه میلیاردی یک شبه فراهم کرده و از همین حالا روشن است که حقوق حداقل کارگران در سال دیگر نیز افزایشی در حد گذشته خواهد داشت و سخنان مسولان نیز حاکیست که بیشتر در فکر رقابت با یکدیگر در کسب قدرت بوده و برایشان زندگی کارگران اهمیتی ندارد . احمدینژاد که در تحریف سخنان و پرتاب توپ در دورترین نقطه تبحر بسزایی دارد ، بجای جلوگیری از بیکاری روزافزون و پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران از طریق همان پیمانکاران وابسته و دلال و یا سازمانهای تحت پوشش دولت ، از ٥ برابر شدن یارانه و دادن هر ٢ هکتار زمین به ١٥ میلیون خانوار می گوید تا بقول خودش سراب دل انگیزی برای کسانی باشد که مدام فریب حرفهایش را می خورند ! در حالیکه کارگران فصلی صنعت کشت کارون برای چندمین بار جلوی دفتر رییس جمهوری تجمع کرده اند تا بدانند چرا ایشان بقولی که داده عمل نمی کند و آنها چگونه باید زندگی روزمره خانواده خود را تامین کنند ! چگونه است که دبیر خانه کارگر همدان اعلام می کند که حمایت تشکلات و گروههایی که نام کارگران را یدک می کشند از شخصی که نهاد قانون گزاری در صلاحیتش تردید دارد ، غیرقانونی بوده و تا زمان اثبات یا تکذیب رسمی ، تشکلهای کارگری باید سکوت کنند و چرا وی می گوید که دخالت تشکلهای کارگری در امور سیاسی به زیان فعالیت های صنفی کارگران است و همه باید تابع قانون باشند ! قانونی که تنها از طبقه سرمایه دار حمایت می کند ، مگر همین قانون از حق تشکل مستقل و حق اعتصاب سخن نگفته پس چرا این نهادهای وابسته سخنی از اعتصاب برای گرفتن حقوق کارگران نمی گویند ! چگونه است برخی نهادهای وابسته کارگری برای مرتضوی نامه حمایتی نوشته و نهادهای مربوط به خانه های کارگر ، کارگران را به دادن رای به محجوب و کمالی و جلودارزاده ها تشویق می کنند ، مگر نماینده مجلس و کاندید ریس جمهور شدن یک امر سیاسی نیست ! چگونه است که سرمایه داران حقوق عقب افتاده کارگران را نداده و یا بیمه آنها را در زمان کارکرد

پرداخت نمی کنند تا در تمدید دفترچه های بیمه مشکلی نداشته باشند ، کارگرانی که با گرانی وحشتناک دارو و بیمارستان و با عدم سرویس درست بیمه های اجتماعی برای پوشش کامل روبرو هستند ! اعتراضات مسولان خانه کارگر به تشکیلات زرد دولتی تنها بدلیل اینستکه با حمایت دولت مورد تایید اتحادیه های بین المللی کارگری هستند و نقد آنها به مدیریت دولت تنها بدلیل رقابت انخاباتی و کنترل کارگران است . چرا این مسولان که نگرفتن حق کارگران را بدلیل نداشتن تشکلات کارگری می دانند ، خود به نیروهای امنیتی و انتظامی می پیوندند تا هیچ تشکل مستقلی ایجاد نگردد و چرا زمانیکه از دولت خواهان اجرای سه جانبه گرایی هستند ، آنرا تنها برای شرکت همکاران خود در تشکیلات دولتی و بین المللی خواهند و این حق را مثلا برای کارگران شرکت واحد که خواهان حذف شورای اسلامی بدلیل حمایت کارفرمایان و فعال شدن سندیکای مستقل خود هستند ، قائل نیستند !
اخیرا علاوه بر کمکهای پیشین ، اعلام شده که اختصاص خط اعتباری یک میلیارد دلاری بانک ایرانی به سوریه و کمک چهار میلیون دلاری دولت به سه کشور آفریقایی انجام می گیرد ، پولهایی که برگشت ندارد ، پس چرا دولت بودجه ای برای رسمی کردن کارگران پیمانکاریها و حق بیمه بیکاری کارگران بیکاری که بدلیل همین فساد مدیریتی کارشان را از دست داه اند ، اختصاص نمی دهد ! اخیرا سفیر ایالات متحده آمریکا در یمن ، جمهوری اسلامی ایران را متهم کرده که با گروه های جدایی طلب در یمن همکاری می کند تا نفوذ خود را در این کشور گسترش داده و مناطق استراتژیک اطراف تنگه هرمز را بی ثبات کند .
همچنین گزارش نیویورک تایمز که از قاچاق مهمات به آفریقا و رد گلوله ایرانی تا آفریقا سخن می گوید و جیمز بیوان بازرس سابق سازمان ملل که از سال ۲۰۱۱ مدیر تحقیقات تسلیحات در بریتانیا بوده است می‌گوید ؛ اگر قبلا از من می‌پرسیدید سهم ایران در قاچاق مهمات سلاح‌های سبک در آفریقا چقدر است می‌گفتم خیلی ناچیز و اما درک ما نسبت به این موضوع تغییر یافته است . اخیرا باز اعلام شده که دولت و مجلس با پادرمیانی ولایت فقیه توافق کرده اند که دو میلیارد دلار از ۷ میلیارد درخواستی از صندوق توسعه ناشی از درآمد فروش نفت برداشت گردد . صندوق توسعه ملی ای که به جای حساب ذخیره ارزی و برای سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ تشکیل شده است و بر اساس لایحه بودجه ۹۱ کل کشور ، ۲۳ درصد درآمد نفت و گاز و میعانات گازی به این صندوق واریز می‌شود و دارایی‌های این صندوق تا پایان مهر سال جاری ۴۲ میلیارد و ۸۶۲ میلیون دلار اعلام شده است .
همچون گذشته برداشت پول از درآمد فروش نفت با عنوان کمک به اقشار کم درآمد از طریق کمک به پروژه‌های عمرانی و بازپرداخت بدهی پیمانکاران بخش مسکن برداشت می گردد ، در حقیقت این بودجه برای نیاز دولت به پرداخت حقوق و یارانه ای است که احتمالا در چند ماه آخر برای جذب مردم برای انتخابات هزینه خواهد شد و همچنین صرف هزینه های پروژه بی سرانجام انرژی هسته ای و باج به سران منطقه و دیگر هزینه های رانتی نیز خواهد گردید . در مورد کاهش بیکاری کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران در خصوص نتایج آمارگیری از نیروی کار که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده توجه را به دو نکته اساسی در نحوه‌تهیه‌این گزارش و شیوه‌پیمایش مرکز آمار ایران در دولت محمود احمدی‌نژاد ضروری می داند یکی تعریف مفهوم کار و دوم تعریف اشتغال که به واسطه این تعاریف می توان دید که کار کودکان زیر ۱۵ سال نیز رسمیت یافته و بر آمار اشتغال افزوده شده تا به این ترتیب درصد بیکاری کمتری در کارنامه دولت مشاهده گردد . با صرف میلیاردها دلار نفتی ، اما کارگران کوره پز خانه ها پس از ٤٠ سال کار مشقت آور باید به برای گرفتن تایید دنبال کارفرمای ٤٠ سال پیش خود بگردند ، چرا که سازمان بیمه اجتماعی تحت مدیریت مرتضوی جنایتکار این کارگران زحمتکش را بدنبال کسانی میفرستد که پیدا کردنشان تقریبا محال است ! روحانی که سالها جزو مسولان درجه یک حکومت بود ، از نرخ بیکاری ۱۲ درصد سخن گفته و اختصاص ۲۳ هزار میلیارد تومان از منابع بانکی را که توسط دولت با عنوان ایجاد فرصتهای شغلی به بنگاههای زودبازده که در حقیقت رانت به وابستگان بود را بی نتیجه خوانده است ، این پول بخشی از پول بی زبان بزرگتری است که هنوز به بانکها برگشت نشده اند ! آری سیر ٣٤ سال گذشته بازگوی حقیقتی است که پر

کردن جیب سران دولتی و حکومتی از اصلاح طلب و اصولگرا بهمراه فقر بیشتر کارگران نتیجه آنست . مرحله دوم یارانه ها که افزایش شدید قیمتها را بدنبال دارد بر فقر کارگران خواهد افزود و بی جهت نیست که بقول یکی از مسولان مردم حاضرند یارانه ها را پس بدهند تا قدرت خرید گذشته را داشته باشند ، زیرا می دانندکه در مرحله دوم با افزایش یارانه ، هزینه انرژی و سایر کالاهای مورد نیاز بالاتر خواهد رفت .
با وجود بحران اقتصادی و درگیری جناحها برای کسب قدرت ، مسولان دولتی و حکومتی از طریق بازوهای امنیتی و انتظامی و تشکیلات زرد کارگری کاملا مواظب هستند تا هیچگونه تشکلات مستقل کارگری شکل نگیرد . از یک طرف تلاش آنها بر فشار بیشتر به کارگران آگاه و فعالین کارگری است که در داخل و خارج زندانها هستند بطوریکه دیگر کارگران اسارت آنها را سرمشق قرار داده و به فعالیت نپردازند . از طرف دیگر با فعال کردن تشکیلات زرد کارگری تلاش دارند تا کارگران را به آنها امیدوار کرده و جذبشان گردند و دنبال کسانی نروند که خواهان تشکلات مستقل هستند . فشار به رضا شهابی که تا فلج شدن وی پیش رفت ، فشار به بهنام ابراهیم زاده که فرزند بیمارش در بیمارستان بستری است و فشار به سایر کارگران و فعالین جزو برنامه های آگاهانه مسولان امنیتی است تا روشن کنند که تضاد بین طبقه سرمایه دار و کارگران آنتاگونیستی است و تا وجود استثمار ادامه خواهد داشت . وضعیت کارگران آگاه و فعالین کارگری از زندان آزاد شده همچون اسالو ، مددی ، نجاتی ، اعضای کمیته هماهنگی و سایرین غیر از اخراج از کار و مشکل امرار معاش ، تحت نظر کامل نیروهای امنیتی اند تا نتوانند به سازماندهی در میان کارگران بپردازند . ماههای اخیر بهترین فرصت برای کارگران و همچنین سایر اقشار ایجاد شده تا خیال راحت جناحهای حکومت را که فارغ از تشکل کارگران و سایر اقشار بدلیل سرکوب شدید ، بدنبال رقابت انتخاباتی هستند ، با حربه عدم تامین معاش به سازماندهی نیروهای خود بپردازند . کارگران آگاه و فعالین کارگری باید که این فرصت طلایی با بستر فراوان اعتراضات کارگران که دیگر زندگی زیر خط فقر را بدلیل سیاست بازیهای مسولان می دانند را به ایجاد هرچه بیشتر تشکل مستقل کارگری تبدیل نمایند .
متاسفانه اخبار ناگواری نیز غیر از زندانی شدن کارگران آگاه و فعالین کارگری و فشاری که بر خانواده آنها و سایر کارگران اخراج شده می آید ، غیر از حوادثی که روزانه به کشته و زخمی شدن کارگران می انجامد ، غیر از خیل کارگرانی است که هنوز به دنبال حقوق عقب افتاده و بیمه بیکاری خود هستند و موارد بیشمار دیگری که اینروزها به مشکلات طبقه کارگر افزوده می شوند ، بگوش می رسد که در جهت خلاف رشد و گسترش حرکت کارگران است . یکی از آنها دعوای دونفر است که یکی داخل کشور بسر برده و دیگری در کانادا زندگی میکند و جوابیه های آنها که پشت سرهم در سایتها منتشر می گردند و دیگر نیازی به نامبردن اسامی آنها نیست . اگر این دونفر همچون کسان دیگری که خود را وابسته به چپ دانسته و به رهبری کارگران باور دارند ، ولی بجای پراتیک بیکدیگر تاخته و همدیگر را منحرف و تجدید نظر می خواندند ، ایرادی نداشت چراکه ربطی به گسترش جنبش کارگران داخل کشور نداشت . اما مساله اینستکه دونفر نامبرده در دعوای بین خود از کارگران مبارز مایه گذاشته و در این میان برای اثبات حقانیت خود از آن کارگران نقل قول کرده و دیگری را رد می کنند و این موضوع می تواند موجب فعال شدن آتش زیر خاکستری باشد که بدلیل تفکر ایدئولوژیکی در بین فعالین کارگری و گروههای چپ وجود داشته و دارد ، اختلافاتی که در سالهای ۸٤ تا ۸۸ منجر به کاهش گسترش و سازماندهی حرکت کارگران گردید . این موضوع باید هشداری برای کسانی همچون رضا شهابی و دیگر کارگرانی که در زندان هستند و کسان دیگری همچون محمود صالحی و دیگرانی را که نهادهایی در حمایت از شهابی ، ابراهیم زاده و دیگر کارگران براه انداخته تا موجب آزادی آنها گردند ، تا مواظب حاشیه ها باشند .
شخصی که در ایران است و بتازگی با مقالات متعدد خود را مطرح کرده است ، هرچند این مقالات از پراکنده گویی بسیار و ذهن دور از طبقه ای را تداعی می کند که بیشتر به بازگویی آثار لنین با درهمی از نئولیبرالیسم و موارد دیگر است ، با تکیه بر دیداری که از رضا شهابی داشته که به چند روز مرخصی آمده ، دعوای قدیمی را با فرد دیگر آغاز نمود . هرچند امید بود که این دیدار بتواند مایه ای باشد تا این شخص درد طبقه را از نزدیک حس

کرده و در بازگویی آثارش تاثیر مثبتی بگذارد ، اما ایشان در مقاله ای که به دیدارش از شهابی پرداخته به بازگویی روایتی از جایزه اهدایی به شهابی پرداخته که ربطی به گزارش این دیدار نداشته تا خصوصیت سوسیال دمکراسی اش را نشان دهد . متاسفانه شخص دیگر که در کانادا زندگی می کند و بنظر فرد شناخته شده ای در خارج کشور در مورد تشکلات صنفی کارگران است ، بلافاصله جوابیه ای را مبنی بر وابستگیش به سندیکای کارگران شرکت واحد می دهد که در ادامه نامه نگاریها و دعوای خصوصی آنها به نقد شهابی و اینکه نباید چنان روایتی را نقل می کرد ، کشیده می شود . اگر ایندو نفر با شناختی که از یکدیگر دارند به نقد تئوریکی و عملی یکدیگر می پرداختند ، مشکلی ایجاد نمی شد ، اما نوشته های آنها بیشتر از آنکه به این موضوع بپردازد ، غیر مستقیم و آشکارا به زیر سوال بردن شهابی را دارد که برای درد بی درمان خود چند روزی را به مرخصی آمده و شجاعانه در خانه اش را بروی همه باز گذاشته ، در حالیکه می داند نیروهای امنیتی همه این موارد را دیرتر برسرش خراب خواهند کرد . سوال اینستکه اگر آنها باور دارند و یا تلاش می کنند که خدمتی به گسترش مبارزات کارگران انجام دهند ، چرا این چنین و با واسطه قرار دادن کارگران زندانی خود را تبرئه می نمایند و همچنین شاخک های تیز نیروهای امنیتی را نیز حساس می کنند ، شاید این موضوع به خبر دوم هم ارتباطی داشته باشد !

خبر ناگوار دوم مربوط به برکناری منصور اسالو از ریاست هیات مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه است که بدون مقدمه توسط سندیکای مزبور در اکثر سایتها منتشر شده است . قابل قدردانی است که هنوز هیات مدیره این سندیکا خود را برسمیت شناخته و با وجودیکه اکثر نمایندگانش یا در زندان و یا اخراجی هستند ، تلاش دارد تا توان خود را در مبارزات کارگران بگذارد . کسی نمی تواند تاثیر قاطع ایجاد این سندیکا را در شرایطی که ایجاد تشکل مستقل همچون تف سربالا برای مسولان دولتی و نیروهای امنیتی بود و بویژه مسولان زرد خانه کارگر و نیروهای انتظامی که جلسه رای گیری را به صحنه جنگ بدل کرده بودند ، برروی مبارزات کارگران شرکت واحد و سایر واحدهای صنعتی و خدماتی فراموش نماید . با ایجاد سندیکای واحد منصور اسالو تنها سمبلی بود که از میان مددی ، ترابیان ، رضوی و سایرین انتخاب گردید که خود همه این نمایندگان سمبلی از هزاران کارگر شرکت واحد اتوبوسرانی بودند که سروصدای خواسته حق ایجاد تشکل مستقل و حق اعتصاب را برای محقق کردن خواسته های کارگران در داخل کشور و در جهان به صدا درآوردند تا اتحادیه های بین المللی کارگری نیز اندکی وقت گرانبهای خود را صرف کارگران ایران بنمایند . حرکت مبارزاتی این سندیکا ، اولین حرکت سندیکایی در طول ٣٤ سال گذشته بود که مبارزات اقتصادی کارگران را به اعتراضی سیاسی تبدیل نمود و اعضایی را پرورش داد که همچنان به مبارزه خود ادامه می دهند . بطور قطع وجود این کارگران مبارز سندیکا در حرکتهای اعتراضی اخیر کارگران شرکت واحد نیز تاثیر مهمی داشته و هرکدام آنها وزنه سنگینی در آینده جنبش کارگری خواهند بود .

سخن این نیست که هیات مدیره یک سندیکا حق ندارد تا رییس خود را تغییر دهد که البته در این نامه اسمی از جایگزین آورده نشده است ، سخن اینستکه چرا در این زمان که وحدت همین تعداد اندک کارگران آگاه و فعالین ضرورت دارد ، چنین نامه ای منتشر می گردد ! اهمیت اسالو ها و مددی ها و شهابی ها و دیگران بیشتر در حرکت طبقه کارگر داخل ایران است ، در حالیکه نامه به فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل نوشته شده و به دیگر سازمانهای بین المللی و سرآخر به نهادهای داخل نیز کپی داده شده است .

سوال اینستکه چگونه هیات مدیره سندیکا پس از وقفه طولانی به انتشار این نامه همت گذاشته ، در حالیکه کمتر سایر اخبار کارگری و مقالات مفید را همچون گذشته منتشر کرده است . اگر حذف پوشش اخبار کارگری و مقالات که در همین سندیکا منتشر می گردید را بدلیل سرکوب نیروهای امنیتی دانست ، اما همه این کارگران مبارز با دانستن این امر پا به میدان گذاشته و تا بامروز نیز بسیار از خود گذشتگی کرده اند و لذا باید که خود را فعالتر نشان دهند تا تاثیر مثبت آن بر دیگر کارگران دیده شود . اگر ناراحتی آنها استفاده منصور اسالو از نهادهای بین المللی است ، می توانستند اینکار را مانند دیگر عملکردهایشان به آرامی انجام دهند و اگر منظور استفاده از حمایت اتحادیه های بین

المللی برای مسائل مشخصی است که با توجه به حمایتهای محدود آنها ، نمی بایستی چنین شوکی را ایجاد نمایند . گرچه بت پرستی و شخصیت سازی نامربوط و مردود است ، ولی شکستن اسطوره نیز تایید نمی گردد ، کسی نمی تواند منکر مبارزات این نمایندگان و بویژه تاثیر منصور اسالو در حرکت کارگران باشد و هیچکس نیز نمی تواند بدلیل مبارزات گذشته برای خود حق بخصوصی قائل باشد و یا تضمین دهد که تا به آخر مبارز باقی خواهد ماند . اما اگر انتشار نامه الزامی بود ، حداقل همچون نامه های متداول با تقدیر از گذشته و بدون ذکر کلی تخلفات که هزار نوع اندیشه را در ذهن تداعی می کند ، آنرا با ذکر جانشین و برنامه های آینده منتشر می کردند.
باری با بستر گسترده اعتراضات کارگران سوال اینستکه تاچه زمانی کارگران معادن باید منتظر کارگران آگاهی باشند که در ایجاد تشکل مستقل آنها را یاری نمایند تا دیگر همچون کارگران مس خاتون آباد برای درخواست استخدام رسمی در مقابل شلیک گلوله ها قرار نگیرند و یا اینکه حوادثی بدلیل هزینه نکردن سرمایه داران برای تجهیزات ایمنی همچون کارگران یال شمالی طبس و کارخانه قدیر یزد کشته نشوند و خانواده آنها بدون سرپرست اسیر اجتماع پراز فساد و اعتیاد نگردند . چرا نیروی بیشتری صرف سازماندهی تشکلات ایجاد شده کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی منطقه بندر ماهشهر نمی گردد تا آن اعتصابات ارزشمند تنها به رسمی شدن بخشی از کارگران منتهی نگردد ، البته اخیرا ۸۰۰ نفر از کارکنان پتروشیمی آبادان نیز رسمی شدند . چرا باید درخواست کارکنان شاغل و بازنشسته شرکت پالایش نفت آبادان و سازمان‌های تابع وزارت نفت از وزیر نفت از وزیر نفت در مورد فروش منازل سازمانی طبق تعهد گذشته ، اقدامی صورت نگرد تا مجبور گردند تا اجاره بیشتر داده و یا در زمان بازنشستگی تخلیه نمایند ! چرا زندانی شدن ۳ کارگر پالایشگاه بندر عباس و سایر اعتراضاتی که در سایر پالایشگاههای نفتی و گازی صورت می گیرد که با تلاش مسولان سپاهی مستقر در واحدها و نیروهای امنیتی مسکوت مانده با حمایت همه جانبه ای برای آزادی آنها و ایجاد تشکل برای سایر خواسته ها روبرو نگردید تا بخش صنعت مهم نفت و با اهمیت وارد کارزار مبارزاتی گردد . مگر بدلیل نبود تشکل مستقل نیست که کارگران بسیاری از واحدهای تولیدی و خدماتی همچون کارگران مخابرات استانهای خراسان رضوی و خوزستان که ده ماه حقوق عقب افتاده دارند که جلوی مجلس تجمع کرده اند و یا کارگران نساجی کاشان که با ٤٠ ماه حقوق معوقه و مشکل بازنشستگی تنها با وعده های توخالی دولت ووزیرکار روبرو هستند . شوخی نیست ۱۰ ماه و ٤٠ ماه حقوق ناچیز در این بحران اقتصادی و گرانی روزافزون که حقوق کارکرد خود را هم نمی گیرند ، آیا محجوب و جلودار زاده که خود را نمایندگان کارگران در مجلس می دانند نیز حقوق عقب افتاده دریافت نشده دارند و یا حقوق و مزایای سرسام آور دارند ؟ چگونه است که کارگری از میان معترضین کارگران آب و فاضلاب روستایی دشستان که در اعتراض به ٦ ماه حقوق پرداخت نشده به تحصن در اداره نشسته اند ، می گوید چرا دولت بودجه ای برای آنها در نظر نگرفته است ، در حالیکه این کارگران نمی دانند که بانک رفاه به طلاب حوزه قم تا پایان سالجاری ماهانه تعداد ۱۰۰۰ فقره تسهیلات قرض الحسنه ضروری ۲۰ میلیون ریالی به معرفی شدگان مرکز خدمات حوزه های علمیه قم اعطا می کند تا تنها به تبلیغ دینی بپردازند ! آنچه مایه تاسف است اینکه درسیستان و بلوچستان بزرگ یک کشتارگاه با ٥٠ کارگر تنها واحد بزرگ تولیدی استان است و خیل بیکارانی که باید یا به قاچاق کالاها روی آورند و یا برای کار به سایر استانها بروند و بازهم دولت از عدالت اجتماعی سخن می گوید ! چرا باید ۹۰ درصد شرکتهای تامین اجتماعی و صندوق بازنشستگی که همگی سالها سود ده بودند ، اکنون زیان ده باشند ، هرچند آنقدر سرمایه و پول در سازمان تامین اجتماعی هست که برای کارگران و بیمه کردن آنها استفاده نمی شود ، اما مرتضوی را سرپرست آن تعیین کرده اند تا هم به خودش و هم به رانتها حق و حساب برسد .
آیا صدها مورد از نامه نگاری ، تحصن ، تجمع ، اعتراض ، اعتصاب کافی نیست تا حجم عظیم اعتراضات کارگری روشن گردد و کار وسیعی که کارگران آگاه و فعالین کارگری باید جهت سازماندهی و گسترش آنها انجام دهند ! امروزه در هر شهر کوچک و بزرگ موارد مختلفی از اعتراضات کارگری وجود دارد ، بطوریکه فرمانده سپاهی اعلام کرد که نارضایتی

ها از شهرستانها آغاز خواهد شد و شاید این بدلیل کنترل و دور بودن تهران از واحدهای صنعتی باشد ، بهرحال نشان از آگاهی می دهد که می دانند حجم اعتراضات بیشتر خواهد شد . در حال حاضر بهترین زمان برای کارگران آگاه و فعالین است تا به کارگران نشان دهند که چگونه مسولان دولت و مجلس کاری برای کارگران انجام نداده و تنها بفکر پرکردن جیب خود هستند و در نتیجه براحتی میتوان از جنبه سیاسی به کارگران آگاهی داده و ترکیب خواست اقتصادی و سیاسی را بوجود آورد . کارگران با حضور در مقابل مجلس و ادارات دولتی و نامه نگاری به مسولان ، زمانیکه با عکس العمل مثبتی روبرو نمی گردند ، مبارزه طبقاتی را بخوبی حس کرده و آماده جهت دهی و تغییر کیفی مبارزه می گردند . باید در خلال این مبارزات اقتصادی و نیمه سیاسی به کارگران آموزش داد و ایجاد تشکل مستقل را به درک آنها رساند که نقش تبلیغات در کنار ترویج مبارزه بسیار اهمیت دارد . انتشار اخبار کارگری که نشان از تحصن و تجمع کارگران یک واحد در مقابل مجلس و ادارات دولتی در حد وسیع و بدون نوشتن شعارهای گروهی و مرگ بر نظام در واحدهای صنعتی و محله های کارگری برای وادار کردن کارگران به افزوده شدن به تحصنها و تجمعات بسیار اهمیت دارند . باید پیروزی کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی ها برای کارگران نوشته و در مقدار زیاد توزیع گردند تا کارگران بدانند با کمی تشکل امکان پیروزی دارند . باید مبارزات شهابی ها ، نجاتی ها ، ابراهیم زاده ها ، جراحی ها و سایرین برای کارگران منتشر گردند تا آنها بدانند که رژیم با زندان و شکنجه نیز نتوانسته مبارزه آنها را بشکند و گاها مجبور به آزادی آنها شده است ، البته باید تبلیغات و افشاگری ها افزایش یافته و با همدردی و مشارکت خانواده ها در مقابل زندانها افزوده گردد . همه این کارهای تبلیغی باید بدون وابستگی به گروههای سیاسی و شعارهای تند انتشار یابند تا بهانه دست نیروهای امنیتی برای سرکوب ندهد ، چه هر تعداد بیشتر کارگران به اعتراضات دست بزنند ، امکان دستگیری گسترده کمتر خواهد بود . امید است که این فرصت طلایی منجر به وحدت بیشتر کارگران آگاه ، فعالین کارگری و کسانی که باور به سوسیالیسم دارند منجر گشته و تشکلات مستقلی بیشماری ایجاد گردد که دیگر هیچ دولت و حکومتی قادر به درهم شکستنش نباشد .

گروه پژوهش کارگری دی ماه ۱۳۹۱

پیوستها
www.syndicavahed.asia
www.syndicavahed.asia
www.syndicavahed.asia
kanoonmodafean1.blogspot.ca
kanoonmodafean1.blogspot.ca
www.khamahangy.com
www.khamahangy.com
www.azadi-b.com
www.akhbar-rooz.com
asre-nou.net
radiokoocheh.com
www.hafteh.de
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir

www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir

هنوز دیه قربانیان «شین‌آباد» پرداخت نشده است

به نوشته سایت سلامت نیوز در 5 بهمن آمده است : حدود 50 روز از حادثه دلخراش پیرانشهر با کشته شدن دو دانش‌آموز و مصدومیت 28 نفر دیگر مي‌گذرد اما هنوز یک ریال به عنوان دیه به خانواده قربانیان و مصدومان پرداخت نشده است؛ این اتفاق در شرایطی رخ مي‌دهد که از آن زمان انگشتان دست سه نفر از مصدومان نیز قطع شد و دانش‌آموزان بد حال هنوز در بیمارستان به سر مي‌برند، در کنار تمام این رخدادها، اعزام به خارج تعدادی از مصدومان برای ادامه درمان نیز غیرضروری تشخیص داده شد. حاجی بابایي، وزیر آموزش و پرورش، پس از آن در روز هوای پاک در جمع دانش‌آموزان دبیرستاني، از آنها خواست تا لیز نخورند، سرما نخورند، چرا که یقه او را مي‌گیرند.

بدون شرح

دبیرکل خانه کارگر:
سرمایه ملی را پول توجیبی کرده‌اند

به گزارش خبرنگار دولتی کار ایران- ایلنا،درتاریخ 5 بهمن آمده است :علیرضا محجوب در یازدهمین کنگره حزب مردمسالاری با تاکید بر ضرورت وجود احزاب در کشور گفت:حزب مدرسه سیاست است ما وقتی سیاست ورزی می‌کنیم باید حزب داشته باشیم.وقتی مجلس و دولت را بدون حزب تشکیل می‌دهیم، وقتی احزاب کم رمق و کم افق باشند وضعیت این گونه می‌شود که همه می‌بینید.
وی با انتقاد از هجمه های صورت گرفته به مواضع عسگراولادی گفت: وقتی عسگراولادی نظر خودش را مطرح می‌کند به جای تشویق، مورد انتقاد قرار می‌گیرد که این به صلاح جامعه نیست.نباید فضای گفتگو بسته باشد و راه را بر ارائه نظرات مختلف ببندیم.
محجوب اظهارداشت: اینکه در هر کجا هر کس می‌خواهد فقط منافع و مصالح خودش را مطرح کند سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. اگر ما فضایی را ایجاد کنیم که همه یک شکل فکر کنند طریقه احزاب را نقض کرده‌ایم. این نه طریقه احزاب است و نه طریقه کار سیاسی است.
دبیر کل خانه کارگر تصریح کرد:ما نمی‌توانیم بگوییم همه برای مشارکت در زیر یک پرچم قرار بگیرند. مشارکت که نباید فقط در انتخابات باشد.مشارکت همیشه و در پروسه انتخاب، نظر دادن و تصمیم گیری باید اعمال شود.
وی گفت: احزاب باید محترم شمرده شوند و مطابق نص صریح قانون اساسی باید تفکر احزاب مورد احترام واقع شود و هر کس حق دارد نظر مخالفش را اعلام کند.
محجوب با بیان اینکه اصل در پسندیدن و تایید نظر من یا دیگری نیست، گفت: پاسداشت جریان‌های سیاسی این است که همه به هم احترام بگذارند و به شخصیت‌های ریشه دار اهانت نکنند. برای مثال کسی مثل آیت الله هاشمی فردی نیست که هر کسی طرف خطاب قرارش دهد و چیزی که شایسته خودش است به او بگوید.
وی تاکید کرد: امروز اندیشه‌ورزی در عرصه سیاست دارد زیر سوال می‌رود. به ناطق نوری،

عسگراولادی، هاشمی رفسنجانی و همه اندیشه ورزان دارد حمله می‌شود در حالی که در جامعه اسلامی هر کسی باید سلیقه‌اش را با احترام اعلام کند.
نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی اظهار داشت:همانطور که با هدفمندی یارانه‌ها ما را به آنارشیسم اقتصادی کشاندند می‌ترسیم آنارشیسم سیاسی هم در جامعه ایجاد کنند.در دنیا افراد رادیکال مورد انتقاد و تمسخر قرار می‌گیرند ولی، این مساله در ایران برعکس شده و حمله به بزرگان برای برخی‌ها به یک افتخار تبدیل شده است. به هم تاختن، حمله کردن و انتقاد کردن هنر نیست. درهمه جای دنیا آنارشیست‌ها را از دولت بیرون می‌کنند چون معضل دولت و سیاست هستند.
محجوب گفت: امروز سرمایه ملی را تبدیل به پول توجیبی کرده‌اند و این پولی است که باید برای سرمایه گذاری خرج می‌شد این باعث به هم ریختن نظم اقتصاد و بازار شده است.
وی تصریح کرد: رادیکال‌ها باید محکوم و منکوب شوند تا جامعه به شرایط مناسبی برسد. ما نباید فکر کنیم منهای سیاست بودن، رادیکال بودن، آنارشیسم بودن و بی‌احترامی به دیگران راه و مسیر جامعه است. ما باید به نظر دیگران احترام بگذاریم و در شرایط فعلی که در آستانه سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی قرار داریم به تفکرات امام و اندیشه‌های همه احترام بگذاریم.
محجوب در پایان تاکید کرد: حزب پایگاه اندیشه سیاسی و پرورش و بازآموزی است جامعه بدون حزب بدون پایگاه و اندیشه است.

سومین روز تجمع اعتراضی کارگران نی بر شوشتر/ هنوز هیچ مسئولی برای شنیدن و رسیدگی به مطالبات آنان در جمعشان حضور پیدا نکرده است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 5 بهمن 91 آمده است : ایلنا کارگران نی‌بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر برای سومین روز متوالی در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.
به گزارش ایلنا، تعداد ۵۰۰ نفر از مجموع ۲۰۰۰ کارگر فصلی که به کار بریدن نی‌شکر در مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر اشتغال دارند از بامداد سه شنبه (سوم بهمن ماه) با سفر به پایتخت به اجرای نشدن طبقه‌بندی مشاغل و بازنشستگی پیش از موعد در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کردند.
این کارگران چهارشنبه و پنجشنبه (چهارم و پنجم بهمن) نیز در اعتراض به عدم پایبندی به وعده‌هایی که در سفر استانی هیئت دولت در خصوص اجرای طرح بندی مشاغل و بازنشستگی پیش از موعد به آنان داده شده بود، تجمع خود را ادامه دادند.
به گفته یکی از کارگران حاضر در این تجمع، در سه روز گذشته هیچ مقام مسئولی برای شنیدن و رسیدگی به مطالبات آنان در جمعشان حضور پیدا نکرده است.
کارگران نی‌بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر پیش از این تاکید کرده بودند تا زمانی که پاسخ قانع کننده‌ای دریافت نکنند به تجمع اعتراضی‌شان ادامه می‌دهند.

کشته شدن یک کارگر در شهریار بر اثر آتش‌سوزی کارگاه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 5 بهمن 91 آمده است : به علت گستردگی آتش در این کارگاه مبل سازی، پس از سه ساعت و چهل و دو دقیقه این آتش خاموش شد.
آتش سوزی در یک کارگاه مبل سازی در شهریار باعث کشته شدن یک کارگر شد.
به گزارش ایلنا، آتش سوزی عصر روز گذشته (سوم بهمن ماه) در یک کارگاه مبل سازی در سعید آباد شهریار، خیابان آزادگان باعث مرگ یک کارگر و مصدومیت دو مامور آتش نشانی شد. بر اساس این گزارش، به علت گستردگی آتش در این کارگاه مبل سازی، پس از سه ساعت و چهل و دو دقیقه این آتش خاموش شد.
گفتنی است علت این آتش سوزی توسط کارشناسان آتش نشانی «باغستان» تحت بررسی است.

برگزاری مراسم یادبود کشتار کارگران معدن مس خاتون آباد در سنندج

صبح روز جمعه ۶/۱۱/۹۱ مراسم یادبود جانباختگان معدن مس خاتون آباد، با شرکت جمع زیادی از کارگران و فعالین کارگری و اعضای شورای کارگران بیکار، اتحادیه آزاد کارگران و کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، در اطراف شهر سنندج برگزار شد.
مراسم در ساعت ۹ صبح با یک دقیقه سکوت به یاد تمام جانباختگان راه آزادی و برابری انسان‌ها شروع و سپس با سرود انترناسیونال، سرود همبستگی طبقاتی کارگران، ادامه یافت. سپس بیانیهٔ کمیتهٔ هماهنگی در یادبود و محکومیت کشتار کارگران معدن مس خاتون آباد، توسط یکی از حاضرین خوانده شد. همچنین بیانیهٔ شورای کارگران بیکار نیز توسط نمایندهٔ آنان برای جمع قرائت شد. پس از حدود یک ساعت، مراسم با یک سرود کارگری دیگر، و سپس بحث و گفت‌وگوی کارگران در مورد ضرورت اتحاد عمل کارگران و فعالین کارگری، از جمله برای مقابله با اخراج و بیکار سازی‌های گسترده و دسته جمعی کارگران، به پایان رسید.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۶ بهمن ۱۳۹۱

کارگران نی برشوشترپس از ۳روزتجمع اعتراضی درتهران ازخواسته‌ها ومشکلاتشان می‌گویند:

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 6 بهمن 91 آمده است : شورای اسلامی کار شرکت کشت و صنعت کارون بجای دفاع از منافع کارگران بیشتر به فکر حفظ منافع کارفرمایان هست.
با گذشت سه روز متوالی از این تجمع، مسئولان کشوری هم، همچون مسئولان استانی توجهی به خواسته‌های ما نکرده‌اند.
به جرأت می‌گویم از دو هزار کارگر شاغل در این مزارع حتی یک نفر هم دارای سلامت کامل جسمی نیست.
یکی از کارگران درباره پیشینه این اعتراض صنفی و دلیل سفر کارگران به تهران گفت: هر سال در چنین ایامی که فصل برداشت محصول نیشکر در شرکت کشت و صنعت کارون است، اما کارگران فصلی با اجتماع در مقابل نهادهای دولتی استان خوزستان و دفتر اداره مرکزی شرکت، خواستار رسیدگی به مشکلات صنفیمان می‌شویم اما امسال به دلیل آنکه از وعده‌های مسئولان استانی از جمله مدیریت شرکت کشت و صنعت کارون و مسئولان بانک کشاورزی خوزستان مایوس شده بودیم، تصمیم گرفتیم با سفر به تهران و تجمع در مقابل ساختمان ریاست جمهوری قول رئیس دولت در سفر استانی به کارگران را یادآوری کنیم.
این کارگر با تاکید بر اینکه مسئولان از طریق رسانه‌ها از سفر ما به تهران مطلعند، افزود: با گذشت سه روز متوالی از این تجمع، مسئولان کشوری هم همچون مسئولان استانی توجهی به خواسته‌های ما نکرده‌اند و حتی به دلیل کنجکاوی هم دلیل سفر ما به تهران را جویا نشده‌اند.
او ادامه داد: مشکلات ما که مربوط به سالهای بسیار دور است اما از ۱۰ سال پیش به صورت جدی‌تری پی‌گیری می‌شود اما با هر بار شکایت و تشکیل پرونده، مجددا که برای پی گیری شکایتمان می‌آییم از ما خواسته می‌شود که پرونده جدیدی تشکیل دهیم.
او اضافه کرد: همچنین هر بار که تجمع می‌کنیم از ما خواسته می‌شود مطالباتتان را کتبی نوشته و مشکلاتتان را با تشکیل پرونده به صورت قانونی پی گیری کنیم. با وجود آنکه هر بار شماره نامه‌هایی نیز به ما داده می‌شود، در نوبت بعدی مراجعه متوجه می‌شویم نام و نشانی در بایگانی‌ها از ما موجود نیست، انگار با رفتن ما، اعتراضمان را تمام شده تلقی می‌کنند.
این کارگر معترض اضافه کرد: در اوایل دهه ۶۰ من و بسیاری از کارگرانی که امروز برای اعتراض به تهران آمده‌ایم، با دستمزد مناسب استخدام شدیم و از شرایط کار خود بسیار راضی بودیم اما به مرور زمان که تعداد کارگران بیکار و جوانان جویای کار افزایش یافت، حقوق ما هم به تدریج کاهش یافت چرا که نیروی کار در بیرون از شرکت آماده و منتظر جایگزینی بود.
دومین نماینده کارگران، اراضی زیر کشت نی شکر این مجتمع را ۲۴ هزار هکتار ذکر کرد و

گفت: با این گستردگی زمین زیر کشت در گذشته ۱۸ هزار کارگر نی بر در این مزارع کار می‌کردند.
او افزود: با وجود کاهش نیروهای این شرکت هنوز هم کارفرمایان این واحد مدعی هستند که توان پرداخت مطالبات کارگران را ندارند.
این کارگر اضافه کرد: مجتمع کشت و صنعت کارون شوش‌تر وابسته به بانک کشاورزی است و پرداخت مطالبات کارگران نیز باید توسط این بانک انجام شود.
او در ادامه به یکی دیگر از دغدغه‌های کارگران اشاره کرد: در بسیاری از ماهای سال که هنوز در مزارع نی شکر وجود دارد و از اتمام قرارداد کارگران نیز چندین ماه باقی مانده است، به دلایل نامعلومی به ما گفته می‌شود دیگر بر سر کار خود حاضر نشوید و بروید خانه و حقوق خود را بگیرید. کارگران از این دستور اطاعت نمی‌کنند چرا که حتی وقتی ما مشغول کار هستیم حقوقمان را نمی‌توانیم به طور کامل دریافت کنیم، چگونه ممکن است برویم خانه و حقوق بگیریم.
این کارگر ادامه داد: از جمله سیاستهایی که مدیران ارشد این واحد در مقابل مطالبات کارگران اتخاذ کرده‌اند تغییرات پی در پی مدیران داخلی است تا هرموقع که کارگران پی گیر حقوق قانونیشان می‌شوند مدیر جدید از وجود مشکلات کارگران اظهار بی‌اطلاعی می‌کند.
او اضافه کرد: بیش از ۱۲ سال است که ما وعده داده‌اند که تعداد زیادی از کارگران را باقانون بازنشستگی با مشاغل سخت وزیان آور بازنشسته کنند اما هنوز این امر محقق نشده است.
او گفت: اجرای قانون سخت وزیان اور حق قانونی کارگران نی بر است که تا مدت‌ها به سبب ناآگاهی کارگران و کم سواد بودنشان پی گیری نمی‌شده است.
یکی دیگر از کارگران در ادامه سخنان همکارانش یادآور شد: تعداد دو هزار نفر از کارگران نی بر بصورت فصلی برای بریدن نیشکرهای شرکت کشت و صنعت کارون شوش‌تر استخدام شده‌اند که تعداد هزارنفر از این کارگران غیربومی بوده و درکمپ مخصوص نی برها که شرکت در دراختیارشان گذاشته است زندگی می‌کنند.
به گفته این کارگر، این تعداد کارگر در شرایط بسیار سخت بدون داشتن حداقلهای رفاهی در این کمپ‌ها بدور از خانوادهایشان زندگی می‌کنند ودر هر یک ماه اگر توان مالیشان یاری کند می‌توانند یک روز را برای دیدن خانواده‌هایشان اختصاص دهند.
او گفت: با وجود زندگی هزار کارگر در یک کمپ امکانات زندگی در آنجا بسیار محدود است. این کمپ‌ها فاقد حداقل امکانات بهداشتی و درمانی بوده و کارگران از ترس بیکاری ناچارند سکوت کنند و این شرایط سخت را تحمل کنند.
او در این مورد تاکید کرد: به جرأت می‌گویم از دو هزار کارگر شاغل در این مزارع حتی یک نفر هم دارای سلامت کامل جسمی نیست.
این کارگر اضافه کرد: خم شدن برای بریدن نی باعث شده بسیاری از کارگران دچار دیسک کمر شوند. کار با قمه‌های بلند و تیز برای بریدن نی‌ها نیز همیشه کارگران را در خطر مصدومیت قرار داده. همچنین گرد و غبار حاصل از این کار نیز باعث مشکلات تنفسی شده است.
نماینده کارگران کارون شوش‌تر افزود: سختی کار در حین کار با گرمای ۵۰ درجه تابستان بقدری زیاد است که حین بریدن آنقدر دمای بدنمان بالا می‌رود که با عرق تنمان لباس‌هایمان کاملا خیس می‌شود وچسبیدن شیره نی به بدنمان نیز باعث زخم شدن بدنمان می‌شود.
او عنوان کرد: هر چند کارگران نی بر عموما کم سوادند اما بی‌توجه‌ای به مطالبات بحق و قانونیشان را نمی‌پذیرند.
در خاتمه این کارگر از نحوه عملکرد شورای اسلامی کار این واحد تولیدی انتقاد کرد و گفت: به نظر می‌رسد بعضی از این نمایندگان کارگران بجای دفاع از منافع کارگران بیشتر به فکر حفظ منافع کارفرمایان هستند.

نگاهی به چند تشکل پروژه‌ای یاور

بر پایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده است : صدای ژنراتورهای تولید برق بسیار بالاتر از اندازهٔ استانداردهای بهداشت جهانی است به خصوص زمانی که دستگاه‌ها همه قدیمی باشند. و بدون پوشش‌های صداگیر کار کنند. آخر ما توی ایران کار می‌کنیم.
داشتم می‌گفتم: صدای ژنراتورها آن قدر بالاست که اسکلت فلزیِ اطرافش همیشه دچار یک لرزهٔ خفیف است. در محل‌هایی که کار در حال انجام است هر ۵۰ متر یک ژنراتور و در برخی مکان‌ها که کار زیاد و سنگین است، دو الی سه ژنراتور غول پیکر در کنار هم فریادشان را تا آسمان هفتم هم می‌رسانند و کار ما بازرسی در میان این امواج کر کنندهٔ صوتی است. به هر حال باید لقمه نانی به دست آورد. از گوشی هم نمی‌توان استفاده کرد چون از زیر کمپرسی‌های حمل خاک می‌رویم و یا بار لیفتراک و جرثقیل حسابمان را می‌رسد. تازه باید مرتب با نیروی کار گفت‌وگو داشته باشیم و ایرادات کار را گوش زد کنیم و یا به توضیحات آنان گوش بدهیم. به این جهت مجبور می‌شویم طی ۱۲ ساعت کار مرتب با صدای بلند حرف بزنیم. وقتی بعد از ۲۴ روز به مرخصی می‌رویم با اولین گفت‌وگو مورد اعتراض واقع می‌شویم:
- چرا داد می‌زنی. نمی‌تونی آرامتر صحبت کنی...
تازه متوجه می‌شویم باید صدایمان را آرامتر کنیم چون ژنراتورها اینجا وجود ندارند.
در کارگاه تنها زمان ناهار برای یک ساعت همهٔ دستگاه‌های پر سر و صدا خاموش می‌شوند. با این سکوت چه آرامشی به ما دست می‌دهد مثل اینکه بار سنگینی را از دوش ما برداشته‌اند. به یک باره احساس سبکی می‌کنیم. بدون استثنا پس از چندی کار کردن در این شرایط درصد شنوایی کارگران افت می‌کند و این نقص عضو غیرقابل برگشت است. ولی پرسش این است مسئولیت این ناتوانی ناشی از شرایط غیر ایمن کار، با کیست؟؟
اینجا گوشه‌ای بن بست ازجهان عقب رانده شده است. جهانی که باید طبق دستورالعمل‌های بانک جهانی محل نصب کارخانه‌های آلوده ساز محیط زیست باشد و رعایت مسایل ایمنی، بهداشتی برای سلامت کارگران را غیر ضروری می‌داند. و متخصصین سود آوری سرمایه (کارشناسان اقتصادی نئولیبرالیسم وطنی) نسخهٔ اقتصاد امریکایی را برای اقتصاد ما پیچیده‌اند که قرار بود نه شرقی باشد و نه غربی.... واقعیت این است که نئولیبرالیسم جهانی ما را چند هزار سال به عقب برگردانده است به دموکراسی دوران یونان باستان که در آن انسانِ تولید کنندهٔ نعمات مادی هیچ حق و ارزشی نداشت و تنها یک برده بود!!. امروز سرمایه داری نئولیبرالیستی وطنی باهمان نگرش به کار و کارگر و نیروی کار می‌نگرد و اینک در قرن بیست و یکم در ساختاری که مدعی یک ایدئولوژی ناب الهی بود ما آن بردگان هستیم که نه از «دموکراسی» خودی‌ها بهره‌ای داریم و نه از حقوق توافق شده. شرایط برده‌های یونان از وضع ما بهتر بوده است. برای‌همان حقوق سر و دم بریدهٔ توافق شده هم باید پس از چند ماه، با فشار از پایین و اعتصاب و به قیمت اخراج چند نفر به عنوان فعالین اعتصاب یا به زعم برادران ذوب شده در سیستم صندوق بین المللی پول، عوامل ضد انقلاب و...
بگذریم که این دردهای تحمیلی مزمن شده و آن چنان بی‌حسی ایجاد کرده‌اند که دیگر احساس کردنشان هم دشوار شده است. فقط حوادث دردناک کار است که این دردها را عیان می‌کند؟ در روند مناسبات تعدیل ساختاری و خصوصی سازی، دولت، ادارهٔ کار و بخش خصوصی (سرمایه داری دلالی و به اصطلاح مالی) همه بی‌گناهند. می‌ماند خود کارگر. او مجرم واقعی است چون نعمات مادی جهان به وسیلهٔ او تولید می‌شود ولی او از ارزش‌هایش بی‌خبر است و دستان توانایش در بندهای خرافات اسیر است و شعورش مسخ شده است. این رشته سر دراز دارد. پس آن رارها می‌کنیم.
کار من تمام شده بود و می‌توانستم به کانکس پناه ببرم ولی ترجیح دادم در سایت، در میان دریایی از صداهای نابهنجار و درکنار کارگران به جست‌وجوی لحظه‌ها بپردازم. حوادث را از نزدیک ببینم و لحظه‌ها را با دوربین محقر تلفن همراهم شکار کنم. مثل حمل لوله‌های سنگین به وسیلهٔ کارگران به صورت دسته جمعی، در حالی که لیفتراک و جرثقیل هم وجود دارد ولی کرایه‌شان سنگین است و پیمانکار مایل نیست هزینه کند. هم کارگر فراوان است و هم قانون کاری در کارگاه‌ها وجود ندارد. اگر چه دیسک کمر کارگران به شدت آسیب می‌بیند آن هم در این شرایط که اکثریت قاطع پزشکان ما از دلالان میدان تره بار هم پولکی‌تر شده‌اند و بابت یک

کار کوچک بیمار بیچاره را سرکیسه می‌کنند و رقم‌های چند میلیونی می‌گیرند. به هر حال مهرهٔ پیمانکار در این چالش‌ها صدمه نمی‌بینند. پس گور بابای کارگران. کارگران به خصوص نسل اولی‌ها هم وقتی از کار افتاده و معلول شدند، خیلی راحت گناه خیانت سرمایه داری و نهادهایی که این مسایل را از نظر قانونی پیگیری نمی‌کنند و جهل و بی‌خبری خودشان را به دوش خدا می‌اندازند و خود را راحت می‌کنند که: «خواست خداست»، «یک حکمتی در این فلاکت است» و از این قبیل نگرش‌ها.
در حال قدم زدن با خود وارد گفت‌وگو شده بودم که در پشت یک تاور بلند (مخزن با قطر سه متر و بیشتر و به بلندای ۳۰ الی ۸۰ مرتر) یک کارگر جوان را دیدم که برای سیگار کشیدن و یا خلوت کردن با خود و شاید برای دمی خستگی در کردن به این گوشه آمده بود. روی یک لولهٔ بریده نشسته بود و آرام به سیگارش پک می‌زد. دودش را با کندی از میان لبانش که آن‌ها راغنچه کرده بود بیرون می‌داد و به حلقه‌های دودی که ساخته بود نگاه می‌کرد. به آرامی به اونزدیک شدم:
- خسته نباشی
ابتدا تصور کرد سرگروه‌شان هستم و آمده‌ام مچش را بگیرم. از جا پرید. وقتی مرا دید آرام شد و پاکت سیگارش را به سویم دراز کرد:
- می‌کشی؟
- نه درود. بچه کجایی؟
- رامهرمز. دنبال کسی می‌گردی؟
- نه قیافه‌ات آشنا بود خواستم ببینم کدام پروژه تو را دیده‌ام؟
- من همه‌اش توی پارس جنوبی کار کرده‌ام. از کنگان تا عسلویه و هر بار توی یک پروژه کار کرده‌ام.
- حالا در کدام خوابگاه هستی؟
- چه فرقی می‌کند؟ اینجا پارس جنوبیه. اسمش روشه، جنوبی و جنوب یعنی همه‌اش محرومیت، خوابگاه‌هایش در حد یک طویله است. اینکه کدام خوابگاه باشم مطرح نیست. همه مثل ه‌مند. تابستان آب دستشویی وحمام جوش است که نمی‌توانی دوش بگیری و زمستان‌ها هم سرد می‌شود که نمی‌توانی بدون سرما خوردگی حمام کنی اتاق‌هایش بوی ناوعرق تن و بوی جوراب‌های شسته نشده را می‌دهد. کارگران وقتی به خوابگاه می‌رسند خیلی خسته‌اند و حوصله و توان کار کردن را ندارند که بخواهند به نظافت خوابگاه برسند. پیمانکار هم که خدمات نمی‌دهد و می‌گوید خدمات مال زمان آن خدا بیامرز است که شما کارگرها قدرش را ندانستید. آنچه را که می‌خواستید دارید (اعتقادات) پس عواقبش (فقر و فلاکت و بی‌قانونی) را هم تحمل کنید. توی خوابگاه پتوها را نمی‌توان روی سر کشید چون بوی ماندگیش حال آدم را به هم می‌زند و خوابیده را بیدار می‌کند.
بی‌وقفه درونش را خالی می‌کرد. میان حرف‌هایش دویدم:
- واقعا به این بدی است که می‌گویی؟
با تعجب مرا نگاه کرد:
- هی عمو شما وضعتون توپه. اما ما نمی‌تونیم نصف بیشتر حقوق مون را خرج کرایه و هزینه‌های جانبی آن بکنیم. ما نداریم و می‌سازیم. می‌دونی چیه همه فکر می‌کنن که ما توی پارس جنوبی پول پارو می‌کنیم. تا می‌گوییم آنجا کار می‌کنیم می‌گویند خوش به حالتان. خنده داره نه؟ بیچاره‌ها نمی‌دونن که ذره ذره جون می‌کنیم. آره نمی‌دونن که پیمانکاران هر بار آن چندرغاز حقوق رو به یک شکلی سرو دم می‌زنند و مانده را هم به موقع نمی‌دن. چند ماه دیرتر آن هم بعد از کلی بدبختی. یک بار سنوات را نمی‌دن، یک بار مرخصی سالانه را بالا می‌کشن و یک بار بیمه را پرداخت نمی‌کنن. یا این بازی جدیدشان.
- چی؟
- در حالی که ما روزی ۱۲ ساعت و طی ۲۴ روز بدون استفاده از تعطیلات هفتگی و رسمی ۲۸۸ ساعت کار کرد داریم. با توجه به قانون کار و مقدار ۱۷۶ ساعت قانونی، ما در هر ماه ۱۱۲ ساعت اضافه کار می‌کنیم. و حداقل انتظار از پیمانکار این است که یک ماه کامل بیمه را برای ما محاسبه کند، ولی پیمانکار با اتکا به نگرش اقتصادی حاکمیت ۶ روز استراحت ماهانه را از کارگر ما کم می‌کند. به این صورت که تعطیلات رسمی را که ما کار کرده‌ایم محاسبه نمی‌کند

و در ماه بابت ۲۸۸ ساعت کار و ۶ روز استراحت جمعا ۱۸ روز بیمه با ۱۲۴ ساعت کار برای ما رد می‌کند. باور می‌کنی؟ هیچ شعبده بازی نمی‌تواند این همه ترفند بزند. یعنی ۱۶۴ ساعت در ماه بالا می‌کشد. خلاصه مطلب دزد بازاره و بخور بخوره. آن هم از کیسهٔ مردمی شرافتمند وزحمتکش که با کارشان زندگی می‌کنند و با کارشان به جامعه انسانی زندگی می‌بخشند.
- آره درسته.
باز ادامه می‌دهد یک ریز مشکلات را بیان می‌کند. حرفش را قطع می‌کنم:
- بابا یک کم صبر کن. یک پک به سیگارش می‌زند و آن را با نک انگشتانش پرت می‌کند. از جایش بر می‌خیزد. لباس‌هایش را با دست می‌تکاند و قصد رفتن می‌کند.
- چرا این واقعیت‌ها را به ادارهٔ کار نمی‌گویید؟ چرا شکایت نمی‌کنید؟
- چرا شکایت نمی‌کنیم؟ هی عمو تو از کجا آمده‌ای؟ از کدام پشت کوه به اینجا اومدی؟ آخه تو چه جور کارگری هستی که نمی‌دونی این‌ها همه از یک کاسه آش می‌خورند؟
- کیا؟
- اداره چی‌ها و پیمانکارا.
داشت می‌رفت که بازویش را گرفتم:
- یک لحظه صبر کن. سوال من دلیل دیگه‌ای داره
- چه دلیلی؟
برگی از روزنامه چندماه پیش را نشانش دادم. این مطلب در بارهٔ کارگران پروژه ایست. اهمیت کارشان، مشکلات کارشان و حقوق پایمال شده‌شان را بیان کرده است. چهره‌اش کلی عوض شد و خیلی جدی به من نگاه می‌کرد. ولی دیگر خیلی دیرش شده بود:
- باشه این باشه پیش خودت فعلا کار دارم. یک ساعت دیگه همین جا.
و با عجله دور شد. من شاد و سرمست از این دیدار بودم چون دوست جدید من به زعم من هم جوان بود و هم آگاه و هم کارگر. از این رو تصور می‌کردم او باید تربیت شدهٔ یک خانوادهٔ آگاه و روشن اندیش باشد. ولی چرا او کارگر است؟ چنین خانواده‌هایی به هر قیمت فرزندانشان را تا پایان دانشگاه حمایت می‌کنند. ولی او یک کارگر فنی «فی‌تر» است. اندیشه‌ام با کلی پرسش درگیر شده بود. شاید او کار را در کنار یک کارگر قدیمی نسل دومی و سندیکایی یاد گرفته باشد. فکر می‌کردم با چنین جوانانی می‌توان تشکل‌ها را سامان داد. ولی در پروژه‌های موقت این کار دشواری‌های فراوانی دارد. زیرا ما در هر پروژه با تعدادی کارگر کار را شروع می‌کنیم و به پایان می‌بریم و با پایان کار پروژه کارگران از هم جدا می‌شوند و هر کدام برای جست‌وجوی کار به سویی می‌روند. به این جهت هر تشکلی در پروژه‌های ساخت صنایع مادر مانند قراردادهایش جنبهٔ موقتی دارند. اگر چه این پراکندگی‌ها ضرورت چنین نوع کاری است، البته در ساختارهای اجتماعی بسته. ولی راهکار مقابله با این شرایط ضد تشکل هم وجود دارد. ولی تنها در شرایطی که آزادی سیاسی واقعی و درعملکرد اجتماعی وجود داشته باشد، امکان پذیر است که عملی می‌شود.
در سال ۷۵ ضمن ساخت پتروشیمی تبریز با ۴۰۰ کارگر فنی به یک سازمان صنفی کارگری تبدیل شدیم. با یک درگیری ۴ ماهه با نهادهای نیمه دولتی ودولتی که برگ برندهٔ ما تشکل یکپارچه و تظاهرات و تحصن‌ها در جلوی استانداری و فرمانداری تبریز بود. با کمک قوهٔ قضاییه و دادستان آن موقع تبریز توانستیم بزرگ‌ترین شرکت صنایع نفت آن زمان را محکوم کنیم که همیشه با ۴ وکیل پایه یک به جنگ ما می‌آمد و حقوق ۴ ماه را پس از ۴ ماه چالش به دست بیاوریم. ولی با پیروزی و دریافت حقوق هر کدام در جست‌وجوی کار به یک گوشه و یک پروژه رفتیم و در نهایت از هم گسستیم. در سال‌های ۷۷ و ۷۸ در فرا ساحل بندرعباس یک تعاونی کار بوجود آوردیم تا بتوانیم همیشه در کنار هم کار کنیم و پراکندگی را خنثی کنیم. مهم‌ترین بند اساسنامه این تعاونی که کارگران خودشان به اصول تعاونی دولتی اضافه کرده بودند این بود: هر کس به استخدام تعاونی در می‌آید عضو رسمی آن محسوب می‌شود، پرداخت حقوق طبق عرف بازار کار صنعتی و قانون کار بود. ولی سود تعاونی در پایان کار به طور مساوی بین همهٔ نیروی کار از مهندس و کارگر ساده تقسیم می‌گردد. بعضی همکاران مهندس این شیوه را عادلانه نمی‌دانستند. تعاونی اعلام کرد: نیروی کار کارشناس و متخصص بابت توانایی و مهارت و دانشش طبق عرف بازار کار حقوق و مزایای بیشتری دریافت می‌کند. ولی در زمان تقسیم سود کار همه حق برابر دارند. چون تفاوت‌ها در زمان پرداخت حقوق و

مزایا به آن‌ها پرداخت شده است. به همهٔ شرکت‌های دولتی و خصوصی برای کار مراجعه کردیم ولی به تعاونی ما کار ندادند. در بندرعباس فراساحل با مدیریت آقای ربانی که شدیدا هوادار تعدیل ساختاری و خصوصی سازی بود، گروه کار ما را از ۴ ماه حقوق محروم کردند و همگی را اخراج. تعاونی به یک سازمان صنفی برای مبارزه با شرکت‌های دولتی، ادارهٔ کار و دادگاه هرمزگان تبدیل شد. پس از ۵ ماه تحصن و تظاهرات و حتا درگیری‌های فیزیکی با عوامل پیمانکار دولتی عاقبت اتحاد و یک پارچگی ما با دریافت حقوقمان به نتیجه رسید. ولی از کار در بندرعباس محروم شدیم و از ۹ ماه کارکرد تنها ۲ ماه بیمه برای ما رد کردند. از سوی دیگر برای گرفتن ۴ ماه حقوق ۵ ماه بدون حقوق و بدون رفتن پیش خانواده رزمیدیم. از نظر اقتصادی ما برنده نبودیم ولی از نظر صنفی کارگری سیاست‌های نئولیبرالیسم در فراساحل و بندرعباس را که با نام تعدیل ساختاری و خصوصی سازی حکومت می‌کرد، شکست دادیم. و باز هم پراکنده شدیم. واز تشکل جز نام چیزی باقی نماند.
به پروژه بعدی رفتیم و با مشورت‌های کتبی و نظر خواهی از کارگران و نیروی کار پروژه‌ای به سوی یک تشکل پیش رفتیم. و پس از دوسال و اندی تلاش اعلام موجودیت نمودیم. ولی ۶ ماه بعد کار به پایان رسید و باز هم ما از هم جدا شدیم. به گونه‌ای که حتا دونفر از آن دو هزار نفر کنار هم نیستیم. و ارتباط ما یک ارتباط تلفنی شده است.
جای پیشین نشسته بود و یک نخ سیگار دود می‌کرد. به سویش رفتم:
- مثل اینکه اینجا پاتوق توست؟
- آره جای دنجی است. می‌شه یک نخ سیگار رو بدون دردسر کشید. آن روزنامه را بده ببینم.
درحالی که سیگار را بین لب‌هایش گرفته بود، بدون اینکه به آن پک بزند مطالعهٔ یک برگ روزنامه را شروع کرد. پس از خواندن سیگار خاموش شده‌اش را دور انداخت و گفت:
- مطلب خیلی خوبه و کسانی که آن را جمع و جور کرده‌اند زحمت زیادی کشیده‌اند، ولی...
با یک مکث و چهره‌ای پرتردید:
- ولی چی؟
- ولی نه دولت گوشش به این حرف‌ها بدهکار است و نه کارگران دل و دماغ این کارها را دارند. نه نه بهتر است بگوییم جرات فکر کردن به آن را ندارند.
- چرا جرات ندارند؟
- با تعجب به من نگاه می‌کند و با حیرت می‌گوید:
- یعنی تو این همه بی‌خبری یا ما رو سرکار گذاشتی؟
یک بار دیگر مرا ورانداز کرد و نگاهی هم به روزنامه می‌کنه:
همین موقع گوشی تلفن همراهش زنگی می‌خورد. با لهجهٔ لری:
- چه، اِمشُو؟ ایگم، باشه، ایگم..
و تلفن را قطع می‌کند. پرسیدم:
- چی شده؟
- هیچی تکلیف امشب معلوم می‌شه.
- تکلیف چی؟
- شرط بندی...
- شرط بندی چی؟
- چرا تعجب کردی؟
گویا چهرهٔ من در اختیار خودم نبود و سراسر حیرت شده بود.
- کارگران خوابگاه نفری ۵۰ هزار تومان روی هم گذاشته‌اند که شده ۴ میلیون. شرط بندی روی بازی بارسلون مادریده. هر کی بتونه تعداد گل‌ها و برد هر تیم را با دقت بیشتری اعلام کنه، بعد از بازی ۴ میلیون تومان را برده و با شوق و ذوق گفت:
- امشب تکلیف معلوم می‌شه. من باید بروم و به بچه‌ها بگم.
برگه روزنامه را توی دستان من چپاند و به سرعت از آنجا دور شد.
حرکت این جوان و چپاندن برگ روزنامه در دستانم و به سرعت دور شدن او گرچه دور از انتظار نبود ولی این برخورد درون مرا به کلی منقلب کرد و در خود فرو ریختم. مات و مبهوت از این دست گرایشات خام کارگران او را که دور می‌شد نگاه می‌کردم آره اینجا جهنم پارس جنوبی اینجا علاوه بر آلودگی‌های کشنده‌اش و گرما و شرجی بیدادگرش به دور از تمدن و مدنیت و

به شدت قانون گریز است. در اینجا همهٔ دستور کارهای صندوق بین المللی پول (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی) با قدرت و وسواس پیاده می‌شود این عملکردهای ضد قانون کار و ضد کارگری امید کارشناسان و مشاوران اقتصادی (بخوانید فراماسویونرهای دورهٔ نئولیبرالیستی) حاشیهٔ دولت را برای پیوستن به تجارت جهانی بالا برده است مجوز ورود به جبهه سرمایه داری امپریالیستی (سازمان تجارت جهانی) تسلیم در مقابل مناسبات پیشنهادی صندوق بین المللی پول است باز به مسایل کلی پرداختم و بازگردیم به جزءها به خود گفتم این‌همان نسل جدیدند نسل برخواسته از روستا که بازیکن‌های فوتبال بارسلون و مادرید را به خوبی می‌شناسند و می‌دانند کدام بازیکن در کدام قست میدان بهتر بازی می‌کند اهل کجاست و به چه چیزی علاقه دارد ولی درکی از حقوق مدنی و انسانی خودش ندارد اگر اعتراضی هم دارد این اعتراض در او انگیزه‌ای ایجاد نمی‌کند. بقیه هم که گرفتار شیشه و کراک... هستند. ولی باز هم خودم را به چالش گرفتم: توهم تحمل شکست را نداری. فوری این و آن را محکوم می‌کنی. باید از زاویهٔ دیگری به مساله نگاه کنی.
پس از شام، زندگی مهندسان پیر و جوانی رارها می‌کنم که سریال‌های ترک ماهواره‌ای و حرمسرای سلیمان پاشا زمین گیرشان کرده، تا در تنهایی یقهٔ خود را بگیرم.
ساحل دریای جنوب چند صد متری با ما فاصله دارد. دیدن خانواده‌ها و بازی بچه‌ها در ساحل ماسه‌ای گرما و صمیمیت خانوادگی، در لحظات‌رها شده از مشکلات زندگی و کار و گرانی و... چه زیباست. در ساحلی ماسه‌ای با آب‌های گرم و ولرم و امواجی که با سرو صدا و کف آلود خود را روی ماسه‌هارهایم می‌کنند و بعد به سرعت به سوی دریا باز می‌گردند. دیدن انسان‌ها در کنار هم، جست خیز بچه‌ها و شادی و بی‌خبری آن‌ها از دنیای در حال انحطاط، امید و شادی را در رگ‌های انسان می‌دواند. شاید فضای خشن کارگران، آلودگی‌های صوتی و گازی و مصیبت‌های دیگر باعث یک نگرش منفی در من شده بود. دیگر با نفرت نگاه نمی‌کنم.: «نسل اولی‌های آدم فروش معتاد مسخ» به یاد برخی حرکت‌های اعتراض و مخربشان می‌افتم و بی‌اختیار می‌خندم.
به یاد اتفاقی که در ماهشهر سال‌های پیش رخ داده بود. در آن پروژه کارگران لر آمده از روستا، مورد توهین و ستم چند سوپروایزر و کارگر نسل دومی (آبادانی) قرار گرفتند که خود را به پیمانکار فروخته بودند،. کارگران لر پس از یک مشاورهٔ کوتاه دسته جمعی آمادهٔ حمله شدند. نسل دومی‌هایی که ادعای رزمی کاری و بوکس داشتند، پا به فرار گذاشتند و دریک کانکس مخفی شدند. کانکس در زیر ضربات سنگین ریگ‌های درشت کارگران روستایی در حال تلاشی بود. پیمانکاران از ترس نیمه جان شده بودند و حتا پس از رفتن کارگران تا ساعتی شهامت بیرون آمدن از کانکس را نداشتند. آری اگر کارد به استخوان آن‌ها برسد چیز آبادی به جای نمی‌ماند.
اما باید دانست که کارگران هم مسائل خاص خودشان را دارند، وبا آنچه در برخی کتاب‌ها آمده است تفاوت دارند باید با آن‌ها زندگی کنی تا از نزدیک آنان را بشناسی.....
منبع: وبلاگ مدافعان حقوق کارگر- ۲۵ ژانویهٔ ۲۰۱۳

فرجام یک غرور –نگاهی به تصمیم گیری هیئت مدیره سندیکای واحد

همایون جابری
عضو سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

به نوشته مجله سیاسی و فرهنگی هفته در تاریخ 6 بهمن آمده است :زمانی که منصور اسالو در جلوی ترمینال واحد روی صندلی رفت و فریاد میزد که " ما انقلاب نکردیم که دخترهایمان را در دوبی و کراچی بفروشند، مردم ما فقیر باشند و حقوق مان از بین برود. این شرایط حق ما نیست" کمتر کسی در آن شرایط فکر میکرد که انسانی با جسارتی مانند او امروز دست سرنوشت رقم بخورد و در جلسه هیئت مدیره ای بدون یک استثنا همه رای بر برکناری او بدهند ، آنهم در جلسه ای که در چند سال گذشته برگذاری اش کم اتفاق افتاده بود و زمانیکه دستور جلسه بر روی سایتها رفت کسی که دستی بر آتش آن مبارزه داشته است از دیدن آن ناراحت نشود.

خودم بعنوان کسی که در پایین و بالای این سندیکا در شرایطی بوده ام وظیفه ام دانستم در حد عمل خود ام به این تصمیم گیری جواب بدهم
یک/تصمیم گیری جدید سندیکای واحد ناشی از شرایطی است که از عدم برگذاری انتخابات هئیت مدیرهء از سال ۱۳۸۶به بعد بوجود آمده, چرا که نداشتن مکان سندیکا و امکان نمایندگی در محیط کار ما را مجبور کرد که نتوانیم نهاد سندیکا را براساس مفاد اساسنامه .پیش ببریم
درست است که خیلی از اعضاء هیئت مدیره از جمله خود منصور اسالو که امروزه آماج حملات هستند نمیتوانستند تن به برگذاری انتخابات بدهند و چه بسا خانه کارگر و شورای اسلامی کار با تهدید و تعطیلی کار نمی گذاشتند انتخاباتی صورت بگیرد و موج حمایت افرادی بسیاری از این بحث بالا گرفت ؛ شاید با برگذاری دور جدید انتخابات در آن تاریخ موافق بودند ولی ترس ازبرگذاری مجمع عمومی که بیم آن میرفت اعتبار چند هزار نفری سال ۸۴را نداشته باشد.باعث به اصطلاح مصلحتی شد که امروز به جزیی جدا نشدنی تبدیل شد و تمام اعضای .هیئت مدیره امروز نمیتوانند این مشکل را نادیده بگیرند
دو/رفتار امروز سندیکای شرکت واحد ناشی از دیسپلین نهادینه شده در کل امورات آن است که سیستم حاکم بر سیاست واقتصاد ایران بوجود آورده, چه بسا میتوان آنرا به سیستمهای تک حزبی تشبیه کرد نه سیستم سندیکای و اداره سندیکا و برگذاری جلسات و پایداری به مواز سندیکای تا حدی بود که ما هیچگاه گذشتی در قبال هم نداشتیم و با یک خطا فرد مخاطی را ترد میکردیم. ما اعضای داشتیم که بخاطر داشتن چندین فرزند و حتی نداشتن نان شب و مریض در خانه اشان بخاطر دادن تعهد به مدیریت برای بازگشت به کار از سندیکا اخراج می کردیم و چه بسا این افراد شریفترین افراد جامعه ما بودند و در تعهد اجتماعی آنها نمیشد شک کرد ولی متاسفانه گرسنگی دین و ایمان ندارد و آدم هر کاری میتواند بکند این که کارگر عضو سندیکا را مجبور میکردند که برخلاف آنچه بدان ایمان دارد برعلیه سندیکا واعضاء آن حرفی بزند تا سند برگشت به کار و رهایی از مجازات و آوارگی وی باشد,امروز قابل درک است ولی قابل دفاع نیست و باید با این سنت مبارزه کرد چرا که این سنت به اینجا رسیده است که در زمانیکه خود اسالو نیست همین کار را انجام دهند و خود ایشان در ساختن این فرهنگ بسیار مسئول زیرا ما شاهد بودیم در جلسه ای که به او انتقاد میشد سریع به طرف میگفت تو اطلاعاتی هستی
سه/رفتار امروزمنصور اسالوخیلی فراتر از آن چیزیست که هواداران وی از بیرون سندیکا وی را شرف جنبش کارگری ایران مینامند,اسالو با ورود به عرصه سیاست واقعا سندیکا را آماج حملاتی قرارکه با معرفی کردن سندیکا بعنوان نهادی با تفکر براندازی نظام و خارج از چهارچوب حقوق کارگری معرفی شد و نزدیکی او با افرادی رانده از سیاست ایران و کسانی که در بیرون از ایران بودن و گاه حتی کمک گرفتن از افرادی که در ایران به گروههای سیاسی تعلق داشتند کلیت سندیکا را زیر سوال میبرد که دو نمونه آن کنترل سایت سندیکا توسط افراد خارج از سندیکا و ارتباطش با خانم داوری و ادامه این ارتباط تا نابودی ایشان را نمیشود نادیده گرفت
چهار/امروز سندیکای واحد تابو شکنی کرد.سنت رهبری مادام العمررا از منصور اسالو بازپس گرفت تا به ما بفهماند که اجازهء تند روی ورعایت نکردن اصول اجتماعی و اخلاقی را به هیچ یک از اعضاء نخواهد داد
موضوعی که از زمان مشروطیت در درون نهادهای سیاسی جا افتاده است و در سی سال گذشته نمیتوان حزبی را سراغ داشت که دبیرکل، رئیس دفتر سیاسی و رهبر آن تغییر کرده باشد و کسانیکه تمام زندگی خد را در این راه گذاشته اند حق دارند این تصمیم را بگیرند ولی ایراد آن این است که میشود فهمید در شرایط احساسی تن به این کار داده اند ولی باید روی مواد آن کمی تحمل کرد آنهم از دوستانیکه حاضر نیستند با آبرو و حیثیت کسی بازی کند و گسگ بدست نیروهای امنیتی بدهند
پنج/اینکه سندیکا پیام میدهد که مجامع مدافع حقوق کارگر از اعضاء و یارانش هیچ حمایتی نکنند را قبول ندارم.همانطوری که این سازمانهای کارگری در مورد تک تک ما که هرکدام به نحوی و در شرایط خاصی از ایران گریخته ایم بدون صلاح دید و مشورت با سندیکا حمایت های مالی و فکری کرده اند را دیده ایم.سندیکای محترم شرکت واحد تهران چرا آن زمانی که آقای

اسالو با همین کمک های مالی و اعتبار سازمانهای کارگری و مدافع سندیکا و از جیب میلیونها کارگر عضو در سطح جهان هزینهء اقامت مجلل و تور دوسالهء فرزندان اسالو در ترکیه رافراهم میکرد؛بیانیه صادر نمیکردید؟منتظرماندید تا آقا زاده ها به سلامت و بی دغدغه به آمریکا برسند؟ و اونجایی که احساس میکردید یکی از کارگران میخواهد به استناد درج نامش در فعالین سندیکایی از کمیساریای پناهندگان در آنکارا درخواست پناهندگی کنه اسمش رو حذف کردین؟!!!شما برای کدام یک از اعضاء سندیکا از آی تی اف و ....درخواست کمک و مساعدت کردید که امروز درخواست قطع این کمک ها رو در مورد منصور اسالو میکنید؟
سندیکاهای کارگری هیچگاه به یک بیانیه خالی نگاه نمیکنند و یک دوره را بررسی میکنند و حتی از آقا زاده ها هم نه بخاطر دروغهای مبنی بر تجاوز و کتک در خیابان به آنها کمک نکردند بلکه احساس کردند که شاید اسالو نتواند ببیند که اعضای خانواده اش در رنج باشند ولی همین سندیکاها امروز اشک در چشمشان جمع میشود زمانیکه که به پروانه همسر سابق اسلو فکر میکنند که ایشان چه زجرهای نکشید ولی لین جواب زحمات اش نبود و وقتی آدم مقاله سایت نشریات درون رژیم را می بیند دردش میگیرد در رابطه با فرار منصور اسالو
http://www.asremrooz.ir/vdca6yny.49n6615kk4.html
شش/این که آدمها در زندگی مبارزاتی در شرایط مختلف قرار میگیرند در فضای امروز عادی شده(انگشت شمارها رو نمیگم)با کمترین آلودگی محیط دوام نمیارن و رنگ میبازن ,منصور اسالو هم تو این شرایط قرار گرفته. ما امیدواریم منصور در فراغت بال یکبار دست به تحقیق بزند و به گذشته خودش رجوع کند و به آن مبارزه ارج بگذارد و تصمیم دوستانش را ارج بگذارد و در این بازی سیاست کثیف خارج از کشور وارد نشود ، میتوان مانند گنجی و سازگارها یک صندلی در این استودیو بدست آورد ولی نمیتوان عشق و علاقه بچه های سندیکا را زمانیکه در مقابل دادگاه و زندان برای دیدن شما لحظه شماری میکردند را دوباره بدست آورد
مبارزه سخت است ولی مبارز بودن کار هر کسی نیست نیاز به گذشت و فداکاری هست و به یاران ات فکر کن نه به غرور و خودخواهی ات و رویای رئیس جمهور بودن را از سرت دور کن

http://kanoonmodafean1.blogspot.de/2013/02/blog-post_12.html#more
کانون مدافعان حقوق کارگر -
در مورد این اخبار نظر بدهید
یاور

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : در یک جامعه در حال ویرانی که گرانی و تورم باعث پرواز نان از سفره ی مردم شده است و اکثریت بزرگی از افراد جامعه به خصوص در روستاها و اقوام کوچنده با این مبلغ ناچیز که به نام یارانه به آن ها پرداخت می شود، روزگار می گذرانند، شیوه وعمل کردی بسیار واپس گرایانه و پیشاسرمایه داری که از مردم افیون زده مشتی بیکار و گدا تربیت می کند، آن هم در حالی که با این همه ثروت های بیکران در کشور، می باید با توسعه صنعتی و تولید کالایی آن قدر پیشرفت کرده باشیم که حتا کارگران خارجی هم از سفره ی کار و تولید بهره مند گردند. ولی مدیریتی که خود را به مشتی اقتصاددان خود فروخته ، امریکایی (نئولیبرالیستی) واگذار نموده است، باعث شده جوانان ما ، دختر و پسر ، میلیونی در انتظار کار باشند و در آرزوی شغلی که بتواند یک حداقل زندگی معمولی را برای خود تشکیل دهند. ولی برنامه های دولت های بعد از جنگ روندی به سوی بیکاری هر چند بیشتر و گرانی و تورم صد چندان افزون تر دارند. در این شرایط اخبار پنهان کار که رسانه های موجود بدان نمی پردازند یک سوی این ماسک بزرگ اجتماعی است.ولی اخباری که با تیترهای معمولی درحاشیه های رویه های این رسانه ها دیده می شوند، گویای غارت ثروت های مردم به وسیله ی مشتی نوبازاری و دلال سنتی خرافی است که روی دیگر این ماسک اجتماعی است. در چنین وضعيتي هيچ كس در جايگاه خود نيست و نيروهاي تحصيل كرده كه با خون دل و با صرفه جوئي از خوراك و پوشاك خانواده، هزينه هاي سرسام آور تحصيل را پرداخته اند تا شغلي با در آمدي نسبتا كافي داشته باشند، اكنون مجبورند براي گذران زندگي در سخت ترين شرايط به كار مشغول باشند. شما هم به این نمونه هاي زنده توجه کنید و نظرات و دیدگاه های خود را برای راهنمایی ما ارسال نمایید.

خبر اول:
از میان پروژه های نفتی پارس جنوبی
حسین مهربان اهل گچساران (دوگنبدان) لیسانس الکترونیک برق از دانشگاه آزاد شوشتر، فارغ التحصیل سال 87، پس از دوسال خدمت نظام یک سال و 5 ماه است که در پروژه مشغول به کار است. شغل این دانش آموخته، کارگر ساده برق کار است. در زمان شروع کار کابل کشی پروژه ایشان باید یک کابل سنگین را روی دوش بگذارد و با همیاری بقیه کارگران و سوت سرکارگر کیلومترها کابل را در کانال و ارتفاع حمل کنند و بکشند. پدر این مهندس زحمتکش جوشکار خطوط لوله شرکت نفت ایران درخوزستان بوده است. ایشان خانواده تشکیل داده اند.
خبر دوم:
حمید محبی نسب اهل زاغه خرم آباد، لیسانس مکانیک (قالب ساز) از دانشگاه پارسیان قزوین، محل زندگی کوهستان های آکنده از جنگل های بلوط خرم آباد. پس از سربازی به دلیل نداشتن یک رابطه نیرومند (رانت خوار) نتوانست کاری پیدا کند که با تحصیلات و تخصص او هماهنگ باشد. از این رو اینک در یک شرکت پیمانکار دست سوم به عنوان کارگر کمکی نقاش کار می کند . او با اندوه وافسردگی می گوید:" هر چه باشد از بیکاری و سربار خانواده بودن بهتر است."
خبر سوم:
قدم علی حیاتی از اهالی سمیرم فوق لیسانس مکانیک ماشین آلات، درحال دفاع از پایان نامه اش می باشد. تخصص در ترمودینامیک و مقاومت مصالح طراحی اجزا. از شهریور 91 در پارس جنوبی در یک شرکت پیمانکاری دست سومی کارگر کمکی جوشکار ورق های فلزی است. شغل پدرش باغداری سیب در سمیرم بود که بر اثر خشکسالی همه ی 1200 اصله درخت سیب آنها از میان رفت و درآمد فعلی خانواده ی پدری پول یارانه هاست. قدم علی حیاتی از دانشگاه سراسری شیراز ، دانشکده مکانیک در سال 91 فارغ التحصیل شد. قبلا به وسیله ی یکی از استادانش به آموزشکده های کنکور معرفی شده بود که مبلغ 250 هزار تومان می توانست دریافت کند (معافیت کارگاه های زیر ده نفر از قانون کار ، هدیه جناب گفت و گوی تمدن ها به کارگران ایران مبارک باشد) ایشان به پارس جنوبی آمده اند تا حداقل، حقوق زیر خط فقر شامل حالشان شود.
خبر چهارم
بهنام اسدی، لیسانس مدیریت صنعتی شغل کمکی انباردار (کارگر ساده)
برادرش لیسانس جغرافیای شهری، کارگر ساده
خبر پنجم:
داود اکبردخت، کارشناس معارف اسلامی، اقتصادی، کارشناس الهیات از دانشگاه امام صادق تهران شغل اول، پیک موتوری به مدت یک سال، شغل دوم راننده تاکسی به مدت یک سال، شغل سوم راپینگ کار (بستن عایق پشم شیشه اطراف خطوط لوله) ساکن هرسین کرمانشاه.
این خبرها حاکی از وضعیت جوانان دانش آموخته و دانشگاه رفته ی ماست. تعداد این افراد در پروژه ها جایی که هنوز کار عملگی پیدا می شود، بسیار زیاد است. ولی آنها حاضر نیستند نامشان مطرح شود یا در این مورد حرفی زده شود. دلشان خون تر از آن است که با انتشار این اخبار امیدی داشته باشند. در ایران درصد بالایی از مردم دیگر امیدی ندارند که از این "امام زاده "معجزه ای برخیزد.
خبر ششم
این خبر از دنیای از ما بهتران است" است. با توجه به اینکه سرمایه داری صنعتی کوچک در ایران نفس های پایانی را می کشد و سرمایه داری صنعتی بزرگ قبلا مصادره شده است) این خبر مربوط است به دنیای دلال ها و واسطه ها و انگل ها و کاسبکاران نو کیسه.
صبح اقتصاد شماره 2357 پنج شنبه 12مرداد رویه 5: تیتر خبر: "صاحبان هواپیماهای شخصی مجوز تاسیس فرودگاه می گیرند."
در ادامه ی خبر، فرودگاه های خصوصی موجود: فرودگاه آزادی در آبیک قزوین، فرودگاه آسمان در شهر ری، مجموعه سپهر در شمال شهر تهران...

در این صورت باید جنگل های شمال را نابود کنند و زمین های سوخته اش را آسفالت کنند تا آقازاده ها در چشم و هم چشمی بتوانند رقابت کنند.(راستی این زندگی علی گونه است؟!) و به ریش نظریه پردازان جامعه ی بی طبقه ی توحیدی و یا حکومت مستضفان بخندند. ولی مردم ایران استثنایی اند، در طول تاریخ جهان نشان داده اند. این مردم در حاشیه مناسبات ضدبشری نئولیبرالیسم (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی) شاهد ساکت این ابعاد نجومی فاصله طبقاتی هستند. بدون این که ضمیر خودآگاه آنها بداند، در ضمیر ناخوادآگاهشان همه ی این واقعیت ها پردازش و بررسی می شود که این فاصله ایجاد شده را می توانند به صورت فردی پر کنند یا باید با همیاری جمعی به سوی دیگر بروند.

در طول تاریخ ایران هیچ دوره ای نبوده، حتا در دوران حاکمیت وحشی ترین اقوام جنایتکار چون مغول که حتا به سگ و گربه های موجود در یک جامعه هم رحم نمی کردند، که ایرانیان در یک انفجار مردمی قوی ترین مناسبات سرکوب گر را سرنگون نکرده باشند. قیام سربداران خراسان و نابودی حکومت های مغول در آن قسمت ایران...

آری زمانی که کارد به استخوان ها برسد، تاریخ ناخودآگاه فرمان هایی صادر می کند که فرد ِتسلیم دیروز یک پارچه غوغا و قیام می شود. ایران سرزمین انقلابات مردمی است، از قبل از اسلام تا همین دیروز.

پارس جنوبی 6 بهمن 91

گزارشی از برگزاری گلگشت در محکومیت کشتار کارگران مس خاتون آباد کرمان

روز جمعه 6/11/1391 ساعت 9صبح بامشارکت جمعی از کارگران و فعالین کارگری در سنندج مراسمی در محکومیت کشتار وحشیانه کارگران مس خاتون آباد(4 بهمن 1382) برگزار شد.این مراسم با یک دقیقه سکوت به یاد تمامی جانباختگان راه رهایی طبقه ی کارگر آغاز و با سرود انترناسیونال ازطرف حاضرین سکوت شکسته شد.سپس بیانیه ی کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری وبیانیه ی شورای کارگران بیکار از طرف دو تن از شرکت کنندگان قرائت شد.به دنبال یکی از حضار در مورد شرایط ایران و وضعیت فلاکت بار طبقه ی کارگر سخنانی ایراد نمود. مراسم با پذیرایی و بحث وگفتگو در فضایی صمیمانه به پایان رسید.

دومین اعتصاب سندیکای کارگران شرکت واحد نشانگر اتکای سندیکا بر ا عضایش می‌باشد

بر پایه مطلب رسیده به ایمیل روز شمار کارگری آمده است :

۸ بهمن ۱۳۸۴ ساعت ۳۰/۴بامداد هنوز هوا تاریک است، اولین تردد کنندگان شهر تهران رانندگان شرکت واحد هستند که با اتوبوسهای سرویس از دور افتاده‌ترین نقطه تهران به محل کارخود می‌روند معمولا اولین اتوبوس سرویس رانندگان در ساعت ده دقیقه به پنج صبح به توقفگاه اتوبوس‌ها می‌رسند، امروز با روزهای دیگر فرق دارد، طبق اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد، رانندگان قرار است اعتصاب کنند. و قرار است با حاضر شدن در محل کار خود بطور آگا هانه دست از کار بکشند،. ازآنجائیکه مقامات اطلاعاتی وامنیتی و مدیر عامل شرکت واحد و حراست شهرداری با مذاکره کنندگان سندیکائی به توافق نرسیدند. اکثر اعضای هیئت مدیره سندیکا و بخشی از فعالین را دو روز قبل از اعتصاب بازداشت کردند.

سال‌ها بود که تهران چنین فضای امنیتی را در سطح شهر به خود ندیده بود. شاید بتوان گفت بعد از وقایع کوی دانشگاه در سال ۷۸این اولین باری بود که حضور گسترده‌ای از یگان‌های ویژه و مامورین لباس شخصی‌ها در خیابان‌های تهران به چشم می‌خورد. توقفگاه‌های شرکت واحد در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران قرار دارد، به دلیل این پراکندگی و اهمیت سرکوب این اعتصاب که بسیار مهم بود شایدبتوان گفت ده‌ها هزار نیروی یگان ویژه در سرکوب این اعتصاب شرکت داشتند. بطور مثال توقفگاه منطقه یک و دو در آن زمان در خیابان هنگام بعد از میدان رسالت قرار داشت، اما حضور مامورین و لباس شخصی‌ها ازپل سید خندان بطور پراکنده و فشرده در کل بزرگراه رسالت تا درب توقفگاه به چشم می‌خورند، در میدان رسالت از رهگذران کارت

شناسائی می‌خواستند وهر که راننده سندیکائی شرکت واحدبود قبل از رسیدن به محل کار ش بازداشت می‌شد. در مناطق مختلف اتوبوسرانی در داخل توقفگاه‌ها حضور یگان‌های ویژه حتی از تعداد رانندگان بیشتر بود، در منطقه چهار اتوبوسرانی در محله نازی آباد تونلی بزرگ از مامورین یگان ویژه در مقابل درب توقفگاه درست شده بود و رانندگان باید از این تونل عبور می‌کردند تا به داخل می‌رفتند و سوال می‌کردند آیا کار می‌کنی یا نه؟ آن‌ها ئی که کار نمی‌کردند تا ته صف برسند زیر ضربات باتون قرار می‌گرفتند، و داخل اتوبوس‌های از قبل آماده شده انداخته می‌شدند، معمولا اکثرا ازاین ضربات نصیبشان می‌شد. در منطقه ۹ اتوبوسرانی آنقدر حضور مامورین یگان ویژه زیاد بود که سطح توقفگاه از این حضورسیاه رنگ به نظرمیرسید. البته این مطالب را ازاین جهت عنوان کردم که بگویم چقدر برای عوامل اطلاعاتی مهم بوده که این اعتصاب صورت نگیرد و به همین دلیل از تمام نیرو و امکان خود استفاده کرده بودند و حتی تعدادی از نیروهای سپاه و بسیج به عنوان راننده در روز ۸ بهمن ۸۴ بجای رانندگان در خطوط کار می‌کردند و اکثر کارخانه‌ها هم سرویس‌های خودشان را در اختیار شرکت واحد گذاشته بودند، اما آنقدر همکاری رانندگان سندیکائی وتلاش کار جمعی منظم و حساب شده بود، که باز هم این اعتصاب شکل گرفت. تردد مردم در سطح هائی از شهر با مشکل مواجه شده بود. طبق خاطرات رانندگان در داخل توقفگاه‌ها، ما مورین لباس شخصی بعد از شناسائی سندیکائی‌ها، گونی‌های مخصوصی داشتند که بندی در انت‌ها داشت از سر تا پای راننده می‌کشیدند با کشیدن نخش بسته می‌شد و داخل اتوبوسهائی که از قبل آماده شده بود می‌انداختند مثل بسته بندی کردن، که به همین ترتیب صدها نفر از رانندگان معترض بازداشت شدند و صدها نفر هم محل کار خودشان را ترک کردند، این نوع برخوردهم نتوانست باعث عقب نشینی رانندگان از خواسته‌هایشان بشود، بلکه آن‌ها را مصمم‌تر کرد بروی خواست‌هایشان پافشاری کنند. البته با وجود اینکه اکثریت اعضای هیئت مدیره سندیکا و فعالین سندیکائی دو روز قبل از شکل گیری اعتصاب بازداشت و روانه بند ۲۰۹ شده بودند، اما تا ساعت ده صبح کمبود اتوبوس‌ها با تدابیری که انجام داده بودند به وضوح به چشم می‌خورد، شاید بتوان گفت بیش از هزار تن از رانند گان شرکت واحد در آن روز اعتصاب یا دستگیر شدند و یا محل کارشان را ترک کردند، که این خود باعث مختل شدن حمل و نقل در سطح شهر تهران گردید. این خود نشانه‌ای از کار جمعی و کار تشکیلاتی بود. لذا اعتصاب دوم رانندگان سندیکائی ثابت کرد که سندیکای کارگران شرکت واحد با توجه به آگاهی که از برخورد نیروهای امنیتی داشت تصمیمی آگاهانه و یکپارچه به اتفاق آرا گرفت، لذا دو روز قبل از اعتصاب اکثریت اعضای هیئت مدیره صدها ساعت مورد بازجوئی و تهدید قرار گرفتند تا از اعتصاب جلوگیری شود، اما هیئت مدیره سندیکا پایبندی خودش را به تصمیم و خرد جمعی نشان دادند و هیچکدام از این اعضا حاضر به متوقف کردن اعتصاب نشدند. به همین دلیل اعضای هیئت مدیره در ساعت ۱۱شب پنج شنبه مورخ ۶/۱۱/۸۴از دادگاه انقلاب که تنها مشتریانش در آن وقت شب بود، مستقیم به بند ۲۰۹اوین منتقل شدند در این اعتصاب بیش از ۵۰۰ تن دستگیر شدند و بیش ۴۰۰تن از کار اخراج شدند که با پایداری و تلاش اعضای سندیکا ی شرکت واحد تقریبا اکثرا از زندان آزاد و بعد از مدتی به سر کار خود بازگشتند. این اعتصاب ثابت کرد که سندیکای کارگران شرکت واحد متکی به فرد نیست و با وجود زندانی شدن اکثریت اعضای هیئت مدیره‌اش، باز هم بدنه این تشکل واقعی کارگری سندیکا از حرکت نایستاد و تا امروز با تمام فشارها و سرکوب‌ها به حیات خودش ادامه داده ومیدهد. گرامی باد نام تمامی کسانی که با از خود گذشتگی و تلاش خود باعث تغییراتی عظیم و باورنکردنی در شرکت واحد و جامعه کارگری کشور شده‌اند و هرگز نامشان در جائی شنیده نشده، ما به تمام این انسانهای گمنام و تلاشگر درود می‌فرستیم. به امید آینده‌ای روشن برای کارگران و حق آزادی تشکل‌های واقعی کارگری درکشور

داوود رضوی فعال سندیکائی

تجمع اعتراضی مشترک کارگران نی بر نیشکر هفت تپه و کشت و صنعت کارون شوشتر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا،در 7 بهمن 91 آمده است : صبح امروز (شنبه هفتم بهمن ماه) حدود ۳۰۰ نفر از مجموع ۷۰۰ کارگر «نی‌بر» نیشکر هفت تپه با سفر به پایتخت به جمع کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوش‌تر پیوستند که از بامداد سه شنبه (سوم بهمن ماه) در تهران به سر می‌برند و هر روز در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری تجمع می‌کنند.
بنابهمین گزارش، یکی از کارگران حاضر در این تجمع اعتراضی گفت: چون از سال ۸۲ تا به امروز هیچ مسئولی در استان پاسخگوی خواسته‌های صنفی ما نبوده، ما دست از کار و زندگی خود کشیده و عازم تهران شده‌ایم تا به همراه همکارانمان در مجتمع کارون شوش‌تر بتوانیم مشکلات خود را به گوش شخص رئیس جمهوری برسانیم.
این کارگر با اشاره به مطالبات مشترک کارگران این دو واحد بزرگ کشت و صنعت در خوزستان، از جمله اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل، پرداخت منظم دستمزد و حقوق، به مشکلاتی که سازمان تامین اجتماعی در راه بازنشستگیشان قرار داده اشاره کرد و گفت: از عمده مشکلات کارگران نی بر پرداخت سهمی است که سازمان تامین اجتماعی برای بازنشسته شدن از ما می‌خواهد.
این کارگر با تشریح شرایط کار نی‌بری گفت: کارگران فصلی به دلیل اینکه بطور متوسط ۶ ماه در سال کار می‌کنند نمی‌توانند مانند سایر کارگران بازنشسته شوند و به همین دلیل سازمان تامین اجتماعی مقرر کرده است که هر کارگر باید فاصله بیمه‌ای‌اش را شخصا پر کند و به این منظور رقمی بین ۶ تا ۹ میلیون تومان در سال بپردازد.
او ادامه داد: رقمی که سازمان تامین اجتماعی از ما در خواست کرده در توان مالی ما نیست، چرا که ما در سال فقط شش ماه شاغل هستیم و دولت باید در این زمینه چاره اندیشی کند.
کارگران این دو مجتمع بزرگ کشت و صنعت واقع در استان خوزستان، علاوه بر درخواست تحت شمول قانون مشاغل سخت و زیان‌آور قرار گرفتن و اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت منظم دستمزد و حقوق؛ خواستار تغییر ساز و کار رفع فاصله بیمه‌ای خود هستند.
وجود فاصله بیمه‌ای در سوابق این کارگران به آن دلیل است که به دلیل امکان برداشت محصول نی‌شکر تنها در نیمی از سال، کارگران نی‌بر به صورت فصلی مشغول به کارند و به همین دلیل حق بیمه آنان نیز تنها نیمی از سال پرداخت می‌شود. با این وجود سازمان تامین اجتماعی طبق نامه‌ای به شماره ۱۱۰۱/۹۱/۱۹۰ در تاریخ هشتم مهرماه سال جاری، مقرر کرده است که برای رفع این فاصله بیمه‌ای هر نفر کارگر در سال حدود ۹ میلیون تومان بپردازد که با این حساب هر کارگر برای رسیدن به شرایط بازنشستگی در مجموع می‌بایست حدود ۷۰ میلیون تومان بپردازند. کارگران نی‌شکر هفت تپه و کارون شوش‌تر با توجه به دستمزد دریافتی پرداخت این مبلغ را در توان خود نمی‌بینند و به تعیین سازوکاری که پرداخت این مبلغ را ضروری می‌سازد اعتراض دارند.
یک از کارگران نی‌بر هفت تپه حاضر در تجمع امروز گفت: سوال ما از نمایندگان مجلس و مدیران دولتی این است که آن‌ها اکنون کجا هستند تا از نزدیک شاهد اعتراض کارگران باشند؟
او اضافه کرد: چرا باید تاوان سیاست‌های غلط و ناکار آمدی مدیران و کسری بودجه‌های دولت را ما کارگران بدهیم؟
یکی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوش‌تر درباره تجمع پنج روزه کارگران در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری گفت: تا کنون جواب قانع کننده‌ای به ما داده نشده است اما کارگران مصمم به ادامه اعتراض تا رسیدن به خواسته‌های بحق صنفی خود هستند.
او ادامه داد: تنها پاسخی که به تجمعات پنج روزه ما داده شده این است که از مسئولان استانداری وفرمانداری استان خوزستان خواسته شده به تهران بیایند و با حضور در جلسات رسیدگی درباره مشکلاتمان پاسخگو شوند.
به گفته این کارگر، فردا (یکشنبه ۸ بهمن) نیز تجمعات آنان ادامه خواهد داشت.
تصادف کارگران در مسیر تهران
همچنین با خبر شدیم یکی از ۱۹ اتوبوس و می‌نی‌بوسی که ۳۰۰ کارگر را از شوش دانیال به

تهران رسانده است، در گردنه رازان خرم آباد تصادف کرده و در این حادثه ۸ کارگر دچار مصدومیت شده‌اند.
این کارگران پس از مداوا در بیمارستان شهدای عشایر خرم آباد به مبداء بازگشته‌اند.

ادامهٔ تجمعات کارگران اخراجی شرکت جهاد نصر کردستان

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... آمده است : روز شنبه ۷/۱۱/۹۱ ده‌ها نفر از کارگران اخراجی شرکت جهاد نصر کردستان، جهت پیگیری خواسته‌ها و مطالبات خود در مقابل اداره کار سنندج تجمع کردند.
کارگران تجمع کننده اعلام کردند که روز بعد در مقابل شرکت جهاد نصر تجمع خود را ادامه خواهند داد و تا زمانی که نامهٔ کتبی اخراج را دریافت نکنند آنجا را ترک نخواهند نمود. لازم به ذکر است که ۱۱۰ نفر از کارگران این شرکت چندی پیش به صورت دسته جمعی و بدون ارائهٔ نامه رسمی اخراج شدند.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری

تجمع کارگران قند و تصفیه شکر اهواز مقابل استانداری دراعتراض به عدم دریافت مطالبات ۲۵ماهه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا،در 7 بهمن 91 آمده است : بیش از ۵۰ کارگر کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز صبح امروز (شنبه هفتم بهمن ماه) در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۵ ماهه خود در مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.
این گزارش حاکیست، یکی از دغدغه‌های کارگران، بدهی‌های معوقه کارخانه به تامین اجتماعی و عدم ارسال لیست‌های بیمه‌کارگران در سه ماه گذشته بوده است. اداره تامین اجتماعی استان نیز از تمدید اعتبار دفترچه‌های درمانی کارگران از آبان ماه خوداری می‌کند.

ثبت ۱۰ هزار مورد سکته قلبی از شهریور ماه

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در 7 بهمن آمده است : رئیس مرکز مدیریت بیماري‌های غیرواگیر وزارت بهداشت با اعلام ثبت ۱۰ هزار مورد ثبت سکته های قلبی از شهریورماه آمار واقعی را بیش از این میزان اعلام کرد.
کوروش اعتماد با اشاره به اینکه سامانه ثبت سکته‌های قلبی در شهریورماه راه‌اندازی شده و ۱۰ هزار مورد را نشان مي‌دهد افزوده احتمال مي‌رود تا همین لحظه به ۱۱ هزار مورد نیز رسیده باشد.
وی ادامه داد: سامانه ثبت سکته های قلبی در ۸۳ درصد بیمارستان‌های کشور مستقر شده اما هنوز ارزیابی مناسبی از اینکه چند درصد بیماران در این سامانه ثبت‌شده‌اند، وجود ندارد.
به گزارش فارس، رئیس مرکز مدیریت بیماري‌های غیرواگیر وزارت بهداشت تصریح کرد: به عنوان مثال بیمارستانی در شهرستان تعدادی از سکته‌های قلبی را ثبت مي‌کند اما دقیقاًنمي‌دانیم که این آمار از میان چند بیمار سکته قلبی برآورد شده است.
اعتماد افزود: بنابراین علي‌رغم راه‌اندازی این سامانه پوشش ۱۰۰درصدی بیماران نشان داده نمي‌شود و این در حالی است که قطعاً کم شماري‌هایی وجود دارد و آمار ارائه شده کمتر از واقعیت است.
وی در مورد ثبت موارد سکته قلبی در ارتباط با تشدید آلودگی هوا گفت: نمي‌توانیم به این زودي‌ها در این مورد قضاوت کنیم چراکه این موضوع نیازمند بررسی دقیق در یک دوره زمانی است.
رئیس مرکز مدیریت بیماري‌های غیرواگیر وزارت بهداشت اضافه کرد: باید حداقل یک سال از زمان ثبت سکته‌های قلبی در ارتباط با آلودگی هوا بگذرد تا اگر کم‌شماری هم داشته باشیم تمامی موارد دقیقاً ثبت شود.

اعتماد اظهار کرد: در اکثر نظام‌های مراقبتی کم‌شماری وجود دارد و هم‌اکنون ثبت سامانه سرطان با ۱۵ سال قدمت ۷ درصد کم‌شماری دارد.
وی گفت: بنابراین با توجه به کم‌شماری‌های موجود، نیازمند یک سال زمان هستیم تا موارد ثبت شده از سکته‌های قلبی در پاییز، زمستان و بهار را با توجه به آلودگی هوا بررسی کنیم.
رئیس مرکز مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت در رابطه با سامانه ثبت سرطان نیز گفت: هیچ نرم‌افزاری ثبت پوشش صد درصدی را ندارد چراکه ممکن است بیماری در منزل فوت کند و یا بیماری‌اش تشخیص داده نشود بنابراین ثبت دقیق با مشکلاتی مواجه می شود.
با این وجود سامانه ثبت سرطان کشورمان در خاورمیانه بی رقیب است و در بهترین‌نظام‌های ثبت حداقل ۵ درصد کم‌شماری وجود دارد.

در پنجمین روز اعتراض کارگران فصلی نی‌بر کارگران هفت تپه به جمع کارگران کارون شوشتر پیوستند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 7 بهمن 91 آمده است : تجمع اعتراضی کارگران فصلی نی بر کارون شوش‌تر مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری در حالی وارد پنجمین روز خود شد که حدود ۳۰۰ نفر از کارگران نی‌شکر هفت تپه نیز در اعتراض به مشکلات صنفی مشابهی از شوش دانیال با سفر به تهران به جمع کارگران کارون پیوسته‌اند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، بامداد امروز (شنبه ۷ بهمن) ۳۰۰ نفر از کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت تپه با ۱۹ دستگاه اتوبوس و مینی‌بوس برای پی‌گیری مطالبات صنفی خود به جمع کارگران کشت و صنعت کارون شوش‌تر پیوسته‌اند که از سه شنبه (۳ بهمن ماه) در تهران حضور دارند.
کارگران این دو مجتمع بزرگ کشت و صنعت واقع در استان خوزستان، علاوه بر درخواست تحت شمول قانون مشاغل سخت و زیان‌آور قرار گرفتن و اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت منظم دستمزد و حقوق؛ خواستار تغییر ساز و کار رفع فاصله بیمه‌ای خود هستند.
وجود فاصله بیمه‌ای در سوابق این کارگران به آن دلیل است که به دلیل امکان برداشت محصول نی‌شکر تنها در نیمی از سال، کارگران نی‌بر به صورت فصلی مشغول به کارند و به همین دلیل حق بیمه آنان نیز تنها نیمی از سال پرداخت می‌شود. با این وجود سازمان تامین اجتماعی طبق نامه‌ای به شماره ۱۱۰۱/۹۱/۱۹۰ در تاریخ هشتم مهرماه سال جاری، مقرر کرده است که برای رفع این فاصله بیمه‌ای هر نفر کارگر در سال حدود ۹ میلیون تومان بپردازد که با این حساب هر کارگر برای رسیدن به شرایط بازنشستگی در مجموع می‌بایست حدود ۷۰ میلیون تومان بپردازند. کارگران نی‌شکر هفت تپه و کارون شوش‌تر با توجه به دستمزد دریافتی پرداخت این مبلغ را در توان خود نمی‌بینند و به تعیین سازوکاری که پرداخت این مبلغ را ضروری می‌سازد اعتراض دارند.
یک از کارگران نی‌بر هفت تپه حاضر در تجمع امروز در گفتگو با ایلنا خطاب به نمایندگان مجلس و مدیران دولتی گفت: سوال ما از نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی و مدیران دولتی این است که آن‌ها اکنون کجا هستند تا از نزدیک شاهد اعتراض کارگران باشند؟
او اضافه کرد: چرا باید تاوان سیاست‌های غلط و ناکار آمدی مدیران و کسری بودجه‌های دولت را ما کارگران بدهیم؟
به گفته این کارگر، بدلیل بی‌توجهی مسئولان استانی در رسیدگی به مشکلات صنفی کارگران، آنان تصمیم گرفته‌اند به تهران بیایند و همکاران خود در مجتمع کارون شوش‌تر را همراهی کنند.
یکی از کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوش‌تر درباره تجمع پنج روزه کارگران در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری گفت: تا کنون جواب قانع کننده‌ای به ما داده نشده است اما کارگران مصمم به ادامه اعتراض تا رسیدن به خواسته‌های بحق صنفی خود هستند.
او ادامه داد: تنها پاسخی که به تجمعات پنج روزه ما داده شده این است که از مسئولان استانداری وفرمانداری استان خوزستان خواسته شده به تهران بیایند و با حضور در جلسات

رسیدگی درباره مشکلاتمان پاسخگو شوند.
به گفته این کارگر، فردا (یکشنبه ۸ بهمن) نیز تجمعات آنان ادامه خواهد داشت.

تجمع اعتراضی کارگران قند و تصفیه شکر اهواز در مقابل استانداری

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 7 بهمن 91 آمده است : بیش از ۵۰ کارگر کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز صبح امروز (شنبه هفتم بهمن ماه) در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۵ ماهه خود در مقابل ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.
هوشنگ طاهري، عضو شورای اسلامی کار کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که در این تجمع حضور یافته بود، به ایلنا گفت: حدود ۸۰ کارگر این کارخانه بیش از ۲۵ ماه است که به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق نگرفته‌اند.
او افزود: یکی از دغدغه‌های کارگران، بدهي‌های معوقه کارخانه به تامین اجتماعی و عدم ارسال لیست‌های بیمه‌کارگران در سه ماه گذشته بوده است.
نماینده کارگران قند و تصفیه شکر اهواز با بیان اینکه این امر هم اکنون باعث شده دفترچه‌های درمانی کارگران بی اعتبار شود تصریح کرد: اداره تامین اجتماعی استان نیز از تمدید اعتبار دفترچه‌های درمانی کارگران از آبان ماه خوداری مي‌کند.
طاهری ادامه داد: مشکلات معیشتی حاصل از عدم دریافت حقوق باعث افزایش نگرانی برای تامین معیشت خانواده‌هایمان شده و در حال حاضر در شرایط سختی به سر مي‌بریم.
او در این زمینه اضافه کرد: هم اکنون در شرایطی هستیم که فرزندانمان از مدارس و دانشگاها ترک تحصیل مي‌کنند تا شاید بتوانند هزینه‌زندگیمان را به حداقل برسانند.
نماینده کارگران قند و تصفیه شکر اهواز ادامه داد: مسئولان کارخانه به راه کارهایی که کارگران با تجربه برای خروج از این بحران ب پیشنهاد مي‌کنند اهمیتی نمي‌دهند.
به گفته او تعدادی از کارگران متقاضی بازنشستگی این واحد تولیدی که در آستانه بازنشسته شدن هستند نیز به جهت اینکه لیست بیمه‌ای معوق و جاری این کارگران به تامین اجتماعی پرداخت نشده است در این خصوص دچار مشکل شده‌اند.
او با اشاره به اینکه تا کنون کارگران این کارخانه چندین بار جهت دریافت مطالبات قانونی خود دست به تجمع زده‌اند، اظهار داشت: با وجود اینکه تجمع و اعتراضات زیادی در خصوص حل مسائل صنفي‌مان انجام داده‌ایم اما تاکنون توجهی از سوی مسئولان به مشکلات‌مان نشده است.

گزارشی از اعتصاب رانندگان تاکسی شهر سنندج

روز شنبه ۷/۱۱/۹۱ ساعت ۹ صبح رانندگان تاکسی شهر سنندج به مدت ۱ ساعت در اعتراض به یکطرفه و جدا کردن مسیر های تاکسی در خیابانهای شهر اعتصاب کردند. این رانندگان با بستن خیابان شاهپور(امام) اعتراض خود را ابراز داشتند. این اعتراض باعث شد که شهردار سنندج در آنجا حضور پیدا کند و به آنها وعده داده که خیابانهارابه حالت سابق در آورد.نظر رانندگان این است که این طرح باعث ترافیک و دسترسی دیر به مسافران شده است.لازم به ذکر است که در پی موج بیکاری گسترده و برای رفع مایحتاج زندگی بسیاری از رانندگان شخصی هم به مسافر کشی روی آوده اند.

اعتراض کانون صنفی معلمان ایران به وضعیت نابهنجار معیشتی- اقتصادی فرهنگیان

به نام خداوند جان و خرد
بر کسی پوشیده نیست که وضعیت اقتصادی نابسامان و آشفتهٔ کنونی ایران، یکی از بزرگ‌ترین دل نگرانی‌های زندگی روزمرهٔ قشرهای گسترده‌ای از مردم است. دغدغهٔ بزرگ قشرهای فرودست و طبقات متوسط جامعه، تأمین معاش روزانه و برخورداری از بهداشت و خدمات درمانی ضروری زندگی است. رشد سرسام آور قیمت‌ها و تورم و گرانی افسار گسیخته - هرچند از سوی برخی کارگزاران و کاربدستان مملکتی انکار شود- واقعیتی است

که روز به روز بر تاثیر ویرانگرش افزوده می‌گردد و ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی و سیاسی نمایان تری می‌یابد. بی‌گمان آموزش نیز، یکی از گستره‌هایی است که از چنین شرایط نابسامانی آسیب‌ها دیده و می‌بیند.
مهم‌ترین رکن آموزش، آموزگاران هستند که «به» بود و یا «بد» بود وضعیت اقتصادی آن‌ها، سرراست بر کیفیت آموزش و کار و کنش آن‌ها اثرگذار است. یکی از وظایف بنیادی فرادستان آموزشی نیز، آنچنان که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش آمده، رسیدگی به شرایط اقتصادی فرهنگیان و دشواری‌های اقتصادی آن‌ها می‌باشد: «ایجاد ساز و کارهای قانونی برای افزایش انگیزه معلمان و مربیان، با ساماندهی مناسب خدمات و امکانات رفاهی و رفع مشکلات مادی و معیشتی آنان» (راهکار ۱۲/۳). با این همه، به جرات می‌توان گفت که در میان سخنان بسیار و برنامه‌های فراوان ریز و درشت مسئولان آموزش و پرورش، به ویژه شخص وزیر، کمتر نشانی از نگرانی دربارهٔ وضعیت بد معیشتی و اقتصادی فرهنگیان بازنشسته و شاغل دیده می‌شود. گویی در میان انبوه برنامه‌های شتاب زده و سست بنیاد ایشان، آنچه سراسر گم و ناپدید گردیده، همین دشواری‌های مادی زندگی فرهنگیان است.
در این چند سال که نرخ میانگین تورم رسمی، دست کم چیزی نزدیک به سی درصد اعلام شده و می‌شود، میانگین افزایش حقوق سالیانهٔ فرهنگیان، نزدیک به ده – دوازده درصد انجام گرفته است، البته همگان می‌دانند که هم نرخ تورم رسمی، اختلاف چشمگیری با تورم واقعی دارد و هم افزایش قیمت کالاهای ضروری زندگی، بالاتر از نرخ تورم است. این افزایش زیر تورم رسمی، البته درست خلاف بند ۱۲۵ قانون مدیریت خدمات کشوری انجام می‌گیرد که افزایش حقوق سالیانهٔ کارمندان دولت را دست کم برابر تورم مقرر نموده است. در هفت سال گذشته، و در شهری مانند تهران، برابر گزارش مرکز آمار ایران، میزان اجاره بهای ماهانه مسکن، نزدیک به پنج و نیم برابر گردیده است. این در حالی است که شمار زیادی از فرهنگیان، مستأجرند و این افزایش جهشی اجاره ب‌ها، سخت بر زندگی آن‌ها اثرات منفی گذاشته است.
اما در این شرایط و وضعیت نابهنجار، چندین ماه است که حق التدریس (اضافه کار) آموزگاران و برخی دیگر از دستمزدهای آن‌ها پرداخت نگردیده است. نزدیک به یک سال است که اضافه کار نیروهای ستادی مدرسه‌ها (مدیران، معاونان و...) پرداخت نشده، چهار ماه است که اضافه کار فرهنگیان و به ویژه معلمان واریز نگردیده است، چندین ماه است که آموزش و پرورش، سهم بیمهٔ طلایی فرهنگیان شاغل را نپرداخته، دستمزد آموزگارانی که در آزمون‌های نهایی خردادماه گذشته، حضور داشته و یافته اند- چه در حوزه‌های اجرایی و چه در حوزه‌های تصحیح برگه- واریز نشده، پاداش پایان خدمت فرهنگیان بازنشسته که برابر گفتهٔ وزیر قرار بود یک هفته پس از بازنشستگی پرداخت شود هنوز پس از گذشت ماه‌ها به دستشان نرسیده، دو سال است که از سرانهٔ آموزشی مدرسه‌ها خبری نیست و تنها درصد ناچیزی از آن به برخی از مدرسه‌ها داده شده، و بسی مطالبات دیگری که هم اکنون ماه هاست به تعویق افتاده است.
کانون صنفی معلمان ایران، مسئولان را دعوت می‌کند که سری به دفتر مدرسه‌ها بزنند و از نزدیک، به سخنان و گلایه‌ها و اعتراض‌های آن‌ها گوش فرادهند. ما چنین شرایطی را، بحران آفرین ارزیابی می‌کنیم و به مسئولان هشدار می‌دهیم، و بر این باوریم که دگرگونی بنیادین در آموزش و پرورش، بدون دگرگونی راستین در معیشت فرهنگیان روی نخواهد داد و تغییرات شتاب زدهٔ صوری، نه تنها مشکلی را حل نخواهد کرد که بی‌گمان بر آشفتگی‌ها و نابسامانی‌ها خواهد افزود.
کانون صنفی معلمان ایران-۳/۱۱/۹۱
هفتم بهمن ماه ۱۳۹۱

از سوی هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران صورت گرفت خواست صدور مجوز برای برگزاری تجمع کارگری در مقابل وزارت کار در خیابان آزادی

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 8 بهمن 91 آمده است : امروز هشتم بهمن ماه ۱۳۹۱ هماهنگ کنندکان طومار سی هزار نفری کارگران با حضور در استانداری تهران خواست خود مبنی بر صدور مجوز برای برگزاری تجمع کارگری در مقابل وزارت کار را تحویل مسئولین ذیربط این استانداری دادند.
خواست صدور مجوز برای برگزاری تجمع کارگری از سوی هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در حالی صوت می‌گیرد که پس از گذشت ۴۰ روز از تحصن آنان در مقابل مجلس هنوز هیچ پاسخ روشنی به آنان داده نشده است.
روز ۲۸ آذر ماه گذشته هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی پس از تحصن در مقابل مجلس شورای اسلامی با نایب رئیس و رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس ملاقات کردند و سپس با حضور در کمیسیون اجتماعی مجلس که وزیر کار نیز در آنجا حضور داشت خواستهای خود را مطرح کردند اما از آن تاریخ به این سو هیچ پاسخ روشنی به هماهنگ کنندگان طومار مبنی بر تحقق خواستهای سی هزار کارگر امضا کننده طومار داده نشده است. عدم پاسخ گویی مسئولین وزارت کار و مجلس شورای اسلامی به خواست‌ها و مطالبات سی هزار کارگر در حالی همچنان ادامه دارد که جلسات شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۲ در حال برگزاری است. یکی از مهم‌ترین خواستهای کارگران در طومار اعتراضی، افزایش حداقل دستمزدها بر اساس تورم واقعا موجود و تامین سبد هزینه یک خانوار چهار نفره بوده است.
بر اساس نامه هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی به استانداری تهران، این کارگران خواهان صدور مجوز برای برپایی تجمع کارگری در مقابل وزارت کار در خیابان آزادی در روز ۲۸ بهمن ماه جاری از ساعت ۱۰ صبح لغایت ۱۲ ظهر شده‌اند.
تصویر نامه هماهنگ کنندگان برای صدور مجوز تجمع کارگری در مقابل وزارت کار:

سایت «اتحاد» تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران بتدریج بروز رسانی می‌شود

بدنبال هک سایت «اتحاد» تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران در روز ۱۸ دی ماه، مسئولین سایت تلاش زیادی برای بروز رسانی آن بعمل آوردند اما سایت «اتحاد» پس از مدت کوتاهی بروز رسانی برای دومین بار هک شد و این مسئله کار مسئولین سایت را برای باز سازی آن مشکل‌تر کرد و همین امر باعث به درازا کشیدن باز سازی و بروز رسانی سایت شد.
اینک سایت «اتحاد» پس از بیش از ۲۰ روز تا حدی که بشود مقالات و اخبار کارگری را بر روی آن گذاشت باز سازی شده است اما استفاده از تصویر در قسمت اخبار کارگری بدلیل لطمه شدیدی که این بخش خورده است همچنان بر جای خود باقی است و مسئولین سایت در صدد رفع آن هستند.
اتحادیه آزاد کارگران ایران بار دیگر با محکوم کردن هک سایت «اتحاد» بدینوسیله اعلام می‌دارد دامنه این سایت با آدرس www. ettehadeh. com حذف شده است و از این پس سایت اتحاد فقط با آدرس www. etehadyh. com قابل دسترسی خواهد بود لذا از سایتهای دیگری که از آدرس www. ettehadeh. com برای لینک دادن به سایت «اتحاد» استفاده کرده‌اند خواهشمندیم به جای این لینک، از آدرس www. etehadyh. com برای لینک دادن به سایت اتحاد استفاده نمایند.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – هشتم بهمن ماه ۱۳۹۱

ادامه تجمع مشترک کارگران کارون و هفت تپه مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا،در 8بهمن 91 آمده است : اعتراض صنفی کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوش‌تر در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری وارد ششمین روز خود شد. این در حالی است که امروز (یکشنبه، هشتم بهمن ماه) کارگران نی بر هفت تپه نیز برای دومین روز متوالی به جمع همکاران خود در مقابل این نهاد دولتی پیوسته‌اند.

براساس این گزارش، یکی از کارگران نی بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوش‌تر حاضر در این تجمع، گفت: امروز ششمین روزی است که ما از کار و زندگی خود در خوزستان دست کشیده‌ایم و برای مطالبه خواسته‌هایمان به تهران پناه آورده‌ایم تا شاید به مشکلاتمان رسیدگی شود.
او افزود: با وجود آنکه همکارانمان ازصبح روز گذشته از یک واحد تولیدی دیگر (مجتمع هفت تپه) به ما پیوسته‌اند و تعدادمان بسیار قابل توجه است متاسفانه هنوز پاسخ قانع کننده‌ای دریافت نکرده‌ایم.
این کارگر تاکید کرد: اگر پاسخی می‌گرفتیم این تجمع اعتراضی تا به امروز طول نمی‌کشید.
این کارگر با اظهار به اینکه در طول این شش روز هیچ مسئولی نه تنها حاضر نشد از مشکلات ما بپرسد، بلکه حتی کسی نپرسید که در این مدت چه می‌خورید و شب‌ها به کجا می‌روید،
افزود: سال گذشته در مزارع نی شکر که کار می‌کردیم وقتی به علت سرما تعداد زیادی کلاغ به صورت دسته جمعی مردند ده‌ها خبرنگار و عکاس برای دریافت خبر و به تصویر کشیدن مرگ کلاغ‌ها به مزارع نی شکر آمدند. اما در این شش روزی که در تهران هستیم با وجود آنکه از طریق ایلنا به همه مسئولان و مطبوعات اطلاع دادیم، کسی به سراغمان نیامد.
او ادامه داد: زندگی کلاغهای همجوار ما برای خبرنگاران جذاب‌تر از کارگرانی بود که در وضعیت سخت معیشتی به سر می‌برند.
او افزود: در طول این چند روزی هم که در تهران هستیم با وجود اینکه همه مسئولان و رسانه‌های دولتی و صدا وسیما از وجود اعتراض ما با خبر هستند حتی کوچک‌ترین سختی به خود راه ندادند تا بیایند و از نزدیک مشکلات ما را جویا شوند.
این کارگر در خاتمه گفت: ما که با تحمل سختی شش روز را در تهران گذرانده‌ایم تا زمانی که جواب قانع کننده‌ای برای همسر و فرزندانمان به شهرمان نبریم به تجمع خود ادامه می‌دهیم.
یکی دیگر از کارگران درباره شائبه تهدید قضایی در زمان بازگشت کارگران به خوزستان، گفت: اگر مسئولان استانی به وعده‌های خود ظرف پنج سال گذشته عمل می‌کردند هیچ نیازی به مراجعه ما به تهران برای پی‌گیری مسائل صنفیمان وجود نداشت.

کارگران قند اهواز برای دومین روز متوالی تجمع کردند، امروزبه همراه خانواده‌ها

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا،در 8 بهمن 91 آمده است : صبح امروز (یکشنبه هشتم بهمن ماه) تعداد ۵۰ نفر از کارگران قند و تصفیه شکر اهواز در اعتراض به ۲۵ ماه معوقات حقوقی، برای دومین روز متوالی، این بار به همراه خانوادهایشان در مقابل استانداری اهواز تجمع کردند.

اعتراض کارگران پیمانکاری تامین ترابر سبز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا،در 8بهمن 91 آمده است : ۴۰۰ تن از کارگران پیمانکاری شرکت تامین ترابر سبز که زیر نظر راه آهن جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کند در اعتراض به عدم تسویه حساب شرکت پیمانکاری قبلی (پویش پژوهان صنعت) و عدم پرداخت حقوق خود در دومین ماه شروع به کار شرکت پیمانکاری فعلی، دست به یک اعتراض صنفی زدند.
برپایه این گزارش، نماینده کارگران معترض گفت: شرکت پویش پژوهان صنعت که پیمانکار قبلی این مجموعه بود هنوز با کارگران تسویه حساب نکرده است. شرکت تامین ترابر سبز که پیمانکار جدید این مجموعه است در دومین ماه شروع به کار خود توان پرداخت حقوق کارگران را ندارد و به مشکل برخورده است.
وی ادامه داد: به همین دلیل ۴۰۰ تن از کارگران پیمانکاری شرکت تامین ترابر سبز که در بخش تعمیرات جاری دیزل‌ها مشغول به کارند از صبح امروز دست به یک اعتراض صنفی زده‌اند.
او افزود: مشخص نیست شرکتی که کمتر از دو ماه از شروع به کارش گذشته است و توان مالی پرداخت حقوق کارگران خود را ندارد چگونه در مناقصهٔ برگزار شده برای این مجموعه

برنده شده است.
گفتنی است «جوکار» مسئول پروژه دیزل‌های شرکت پیمانکاری تامین ترابر سبز در پاسخ به پرسش در این رابطه، وقوع این اعتراض صنفی را تکذیب کرد، اما مسئولان روابط عمومی شرکت راه آهن قول پی‌گیری دادند.

معلمان: وزیر فقط شعار می‌دهد

به نوشته روزنامه بهار در تاریخ 8 بهمن 91 آمده است : مدیرکل آموزش‌وپرورش تهران از پرداخت عیدی فرهنگیان با حقوق بهمن‌ماه خبر داد، معلمان اما می‌گویند: «از چهار ماه پیش هر هفته می‌گویند هفته دیگر، اما سال رو به اتمام است و خبری از پرداخت معوقات ما نیست.» به گزارش بهار، سیدعلی ایزدخواه، مدیرکل آموزش‌وپرورش استان تهران دیروز اعلام کرد: «براساس اعلام مسئولان مالی کشور، عیدی کارمندان دولت با حقوق بهمن‌ماه پرداخت شود که فرهنگیان نیز جزو کارمندان دولت محسوب می‌شوند.» دولت عیدی امسال کارکنان دولت را ۴۰۲هزار و ۵۰۰تومان اعلام کرده است و به معلمان هم همین مقدار پرداخت می‌شود. وعده دولت برای پرداخت عیدی کارمندان دولت در این ماه در حالی است که آموزش‌وپرورش تقریبا به همه معلمان چه رسمی‌ها، چه حق‌التدریس‌ها و چه معلمان بازنشسته بدهکار است. مهدی بهلولی، عضو کانون صنفی معلمان ایران، به بهار گفت: «چهار ماه است اضافه‌کار و حق‌التدریس معلمان پرداخت نشده است. از خردادماه قرار بوده است حق الزحمه معلمان را برای شرکت در حوزه‌های امتحانات نهایی پرداخت کنند و هر هفته که برای پیگیری این موضوع مراجعه می‌کنیم، می‌گویند هفته بعد. نه‌تن‌ها معلمان که مطالبات مدیران و معاونان هم در مدارس پرداخت‌نشده، آموزش‌وپرورش به همه فرهنگیان بدهکار است.»
معاونان و مدیران مدارس به دلیل پست‌هایی که دارند افزون بر حقوق معلمیشان مبلغی حدود ۸۰ تا ۱۰۰هزار تومان در ماه دریافت می‌کنند، اما به گفته بهلولی یک سال است این مبلغ به آن‌ها داده نشده است.
او با بیان این‌که این تنها مشکل معلمان در تهران نیست و یک مسئله سراسری است افزود: «وزارت آموزش‌وپرورش هم معلمان را به امان خدارها کرده است و هم مدرسه‌ها را. مدیران نمی‌توانند مدرسه را بچرخانند و به روش‌های گوناگون از خانواده‌ها پول دریافت می‌کنند.»
بهلولی با تاکید بر این‌که معلمان به شدت از وضعیت اقتصادی ناراضی هستند و این نارضایتی به کلاس مدارس کشیده می‌شود، ادامه داد: «وزیر آموزش‌وپرورش شعار می‌دهد می‌خواهیم معلم پژوهشگر داشته باشیم و چندی پیش هم گفته بود ما با معلمان قرار داد پولی نبستیم و قرارداد ما اخلاقی است. مگر وزیران دولت حقوق نمی‌گیرند؟ فقط معلمانند که قرارداد اخلاقی دارند یا این شامل دیگر گروه‌های جامعه هم می‌شود؟ وزیر گفته است که ما ۱۰هزار مدرسه را در سراسر کشور هوشمندسازی کرده‌ایم. در حالی که آموزش‌وپرورش اعتباری برای طرح هوشمندسازی ندارد و اجرای این طرح به قراردادن تنها یک کامپیوتر در یک کلاس درس محدود شده است، اما هر کلاس درس نیازمند هفت‌میلیون تومان اعتبار است تا امر هوشمندسازی انجام شود، نه این‌که یک کامپیوتر برای یک مدرسه.»
وزیر آموزش‌وپرورش در خرداد گفته بود به همه فرهنگیان بازنشسته یک هفته پس از بازنشستگی پاداش می‌دهد، این در حالی است که به گفته بهلولی معلمانی که خرداد و شهریور بازنشسته شده‌اند، باوجود گذشت چندین ماه هنوز پاداش بازنشستگی خود را نگرفته‌اند.

ریزش ساختمان جان ۳ کارگر را گرفت

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 8 بهمن 91 آمده است : صبح امروز (شنبه هفتم بهمن) ریزش ساختمان دو طبقه در حال تخریب در خیابان امین الملک (امامزاده حسن) سه کارگر را مدفون کرد.
بر اساس این گزارش، ساختمان دو طبقه‌ای به مساحت تقریبی ۹۰ متر مربع به علت تخریب

غیر اصولی و رعایت نکردن اصول ایمنی بر روی سه کارگر فرو ریخت و باعث مصدومیت آنان شد.
در این حادثه دو نفر از کارگران پیش از رسیدن گروه‌های امداد و نجات از زیر آوار خارج شده بودند اما نفر سوم به نام گلبدین-ت از اتباع افغانستان در زیر آوار همچنان گرفتار و محبوس بود که با ورود گروهای امدادي، کارگر سوم نیز که از زیر انبوهی از خاک به بیرون انتقال یافته و برای درمان تحویل امدادگران اورژانس شد.

قیمت مرغ کیلویی ۵۶۰۰ تومان

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در 8 بهمن 91 آمده است : در حالی که قیمت مرغ طی دو روز گذشته حدود 700 تومان در هر کیلو افزایش یافته است رئیس اتحادیه پرورش دهندگان مرغ گوشتی آن را مقطعی خوانده و از کاهش دوباره قیمت خبر مي‌دهد.
امروز در بازار تهران هر کیلوگرم مرغ گوشتی کیلویی 5 هزار و 600 تومان عرضه مي‌شود که نسبت به چند روز گذشته در هر کیلو 700 تومان افزایش داشته است.
براساس این گزارش امروز قیمت هر کیلوگرم مرغ در میادین نیز 5 هزار و 400 تومان عرضه شد.
محمد یوسفی رئیس اتحادیه پرورش دهندگان مرغ گوشتی در گفت‌وگو با فارس افزایش قیمت مرغ را با توجه به وضعیت تولید و تفاهمنامه صادرات منطقی ندانست و از کاهش قیمت در آینده خبر داد.
یوسفی گفت: دلیل اصلی افزایش قیمت مرغ بالا بودن قیمت سایر محصولات پروتئینی مانند گوشت، ماهی و نیز حبوبات است که سبد کالای مصرفی مردم را به سمت مرغ سوق داده است.
براساس این گزارش اخیرا به دلیل تولید مازاد مرغ در کشور اتحادیه سه جانبه‌ای بین وزارت صنعت، وزارت جهاد کشاورزی و اتحادیه مرغداران برای صادرات به سایر کشورها منعقد شد، صادرکنندگان تعیین شدند و قرار است تا پایان سال جاری 20 هزار تن مرغ صادر شود.

واردات ۱۵۰۰ دستگاه بنز به ارزش ۱۰۱ میلیون دلار/سود ۶۰ درصدی واردکنندگان

به نوشته سایت آفتاب در تاریخ 8 بهمن آمده است : گران‌قیمت‌ترین خودروی بنز وارداتی به کشور در ۹ ماهه سال جاری بدون احتساب تعرفه واردات و دیگر هزینه‌های مربوطه بنز S۵۰۰ L مدل ۲۰۱۲ به ارزش تقریبی ۳۲۰ هزار دلار بوده است.
نکته جالب در آمار گمرک ایران این است که در ۹ ماهه امسال یک دستگاه خودروی بنز به ارزش تنها ۲۸۸۵ دلار از طریق هلند وارد کشور شده است، در حالی که هیچ‌یک از محصولات شرکت بنز چنین قیمت پایینی ندارند و معلوم نیست این خودرو چگونه با چنین قیمت پایینی وارد کشور شده است. بنز در کنار برندهای هیوندای و کیا کره‌جنوبی بیشترین سهم را در بازار خودروهای وارداتی ایران دارند.
خبرگزاری ایسنا مرداد ماه امسال با انتشار گزارشی از حاشیه سود ۶۰ درصدی واردکنندگان خودروی بنز خبر داده بود. از سوی دیگر براساس تازه‌ترین اخبار منتشر شده از اواخر هفته گذشته خودروهای با حجم موتور کمتر از ۲۵۰۰ سي‌سی برای واردات مشمول دریافت ارز مبادله‌ای شده‌اند. به این ترتیب برخی از مدل‌های خودروی بنز نیز مي‌توانند برای واردات ارز مبادله‌ای بگیرند.
روند صعودی واردات خودروهای لوکس به کشور در حالی همچنان ادامه دارد که بسیاری از فعالان صنعتی طی چند ماه گذشته از واردات خودروهای لوکس با ارز مرجع به شدت انتقاد کرده بودند. مسوولان وزارت صنعت، معدن و تجارت اگرچه در ابتدا اختصاص ارز مرجع به واردات خودروهای لوکس را تکذیب کردند، اما در ادامه وزیر صنعت، معدن و تجارت اذعان کرد که در ماه‌های ابتدایی سال به واردات خودروهای لوکس هم ارز مرجع اختصاص یافته بود.
از سوی دیگر در حالی بسیاری از تولیدکنندگان برای واردات مواد اولیه خود در چند ماه گذشته دچار مشکل شده‌اند که آمار و ارقام نشان مي‌دهد واردکنندگان خودروهای لوکس بدون

کوچکترین مشکلی به کسب‌وکار پرسود خود ادامه داده‌اند. این در حالی است که سازمان توسعه تجارت چند ماهی است که ثبت سفارش واردات‌خودروهای با حجم موتور بالای ۲۵۰۰ سی.سی را متوقف کرده است. اما مشخص نیست که این توقف به چه میزان رعایت شده است.
همچنین آمار گمرک ایران نشان مي‌دهد که همزمان با آغاز سال جدید میلادی روند ورود خودروهای مدل ۲۰۱۳ نیز به کشور آغاز شده است. این خودروها در شرایطی به کشور وارد مي‌شوند که در چند ماهه گذشته به دلیل محدودیت‌های ارزی به وجود آمده حتی واردات دارو و تجهیزات پزشکی هم دچار اختلال شده بود.
به گزارش باشگاه خبرنگاران،روند صعودی کالاهای لوکس به کشور با وجود محدودیت‌های ارزی نشان مي‌دهد که واردکنندگان این خودروها قبل از اولویت‌بندی ده‌گانه کالاهای وارداتی با حجم گسترده ثبت سفارش سود کسب‌وکار خود را دست کم برای چند ماه آینده تضمین کرده‌اند و به نظر نمي‌رسد فعلا شاهد کاهشی در واردات این خودروها به کشور باشیم. در همین حال رشد ۱۳,۵ درصدی واردات خودروهای لوکس در ۹ ماهه امسال با کاهش ۴۵ درصدی تولید خودرو در کشور همزمان شده است.

کارگران قند اهواز برای دومین روز متوالی تجمع کردند/ این بار به همراه خانواده‌ها / فشار بر کارگران پیمانکاری با جریمه‌های متوالی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 8 بهمن 91 آمده است : صبح امروز (یکشنبه هشتم بهمن ماه) تعداد ۵۰ نفر از کارگران قند و تصفیه شکر اهواز برای دومین روز متوالي، این بار به همراه خانوادهاي‌شان در مقابل استانداری اهواز تجمع کردند.
هوشنگ طاهري، عضو شورای اسلامی کار کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: امروز دومین روز تجمع کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر در هفته اخیر برای احقاق حقوق معوقه است، که متاسفانه تا کنون هیچ عکس العمل قانع کننده‌ای از سوی مسئولان استانی در این زمینه مشاهده نشده است.
او میزان معوقات حقوقی کارگران کارخانه قند را ۲۵ ماه اعلام کرد و گفت: با وجود اینکه در سال اخیر بارها در مقابل استانداری و درب کارخانه تجمع کرده‌ایم اما به دلایلی که کارگران از آن بي‌اطلاعند، به مشکلات بیش از ۸۰ کارگر این کارخانه رسیدگی نمي‌شود.

مشکلات کارگری در استان پی گیری نمي‌شود
دبیر اجرایی خانه کارگر اهواز با اظهار تاسف از عدم پی گیری مسئولان استانی در خصوص مشکلات کارگران تصریح کرد: با وجود اینکه مشکلات کارگری استان هر روز در حال افزایش است اما هیچ عکس العملی از جانب مسئولان استانی مشاهده نمي‌شود.
آقایار حسینی با بیان اینکه اکثر واحدهای تولیدی و صنعتی در استان دچار مشکل شده‌اند، اظهار داشت: افزایش دفعات اعتراضات کارگری در استان، با بي‌توجه‌ای مسئولان استانی به تهران کشیده شده و ما امروزه شاهد هستیم تعداد زیادی از کارگران فصلی نی بر در صنایع کشت و صنعت شوشتر و هفت تپه شوش دانیال با سفر به پایتخت خواستار پی گیری مطالبات خود از شخص رئیس دولت هستند.

فشار بر کارگران پیمانکاری رجا با جریمه‌های متوالی
یک فعال صنفی کارگری از فشار شرکت‌های پیمانکاری زیر مجموعه رجا به کارگران انتقاد کرد و جریمهٔ پی در پی کارگران از سوی این شرکت‌ها را به دلیل مشکلات مالی آنان خواند.
این فعال کارگری در تماس با ایلنا گفت: شرکت‌های پیمانکاری فشار شرایط اقتصادی را به کارگران منتقل مي‌کنند و با جریمه‌های پی در پی آنان سعی مي‌کنند تا مشکلات مالی خود را مرتفع کنند.
وی ادامه داد: برای مثال اگر یکی از مهتابي‌واگن‌ها به هر دلیلی بسوزد یا خراب شود، کارگر مسئول بخش مربوطه بایستی جریمهٔ آن را بپردازد و چنین چیزی غیر منطقی و نامعقول است.

در همین رابطه «تورانی» رئیس اداره مطبوعات و رسانه‌های شرکت رجا ضمن اظهار بي‌اطلاعی از این موضوع به خبرنگار ایلنا گفت: چنین مسئله‌ای در صورت وقوع تخلف است و موضوع را پیگیری مي‌کنیم.

تجمع مشترک کارگران کارون و هفت تپه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 8 بهمن 91 آمده است: اعتراض صنفی کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر در مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری وارد ششمین روز خود شد. این در حالی است که امروز (یکشنبه، هشتم بهمن ماه) کارگران نی بر هفت تپه نیز برای دومین روز متوالی به جمع همکاران خود در مقابل این نهاد دولتی پیوسته‌اند.
یکی از کارگران نی بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر حاضر در این تجمع، به ایلنا گفت: امروز ششمین روزی است که ما از کار و زندگی خود در خوزستان دست کشیده‌ایم و برای مطالبه خواسته‌هایمان به تهران پناه آورده‌ایم تا شاید به مشکلاتمان رسیدگی شود.
او افزود: با وجود آنکه همکارانمان ازصبح روز گذشته از یک واحد تولیدی دیگر (مجتمع هفت تپه) به ما پیوسته‌اند و تعدادمان بسیار قابل توجه است متاسفانه هنوز پاسخ قانع کننده‌ای دریافت نکرده‌ایم.
این کارگر تاکید کرد: اگر پاسخی می‌گرفتیم این تجمع اعتراضی تا به امروز طول نمی‌کشید.
این کارگر با اظهار به اینکه در طول این شش روز هیچ مسئولی نه تنها حاضر نشد از مشکلات ما بپرسد، بلکه حتی کسی نپرسید که در این مدت چه می‌خورید و شب‌ها به کجا می‌روید، افزود: سال گذشته در مزارع نی شکر که کار می‌کردیم وقتی به علت سرما تعداد زیادی کلاغ به صورت دسته جمعی مردند ده‌ها خبرنگار و عکاس برای دریافت خبر و به تصویر کشیدن مرگ کلاغ‌ها به مزارع نی شکر آمدند. اما در این شش روزی که در تهران هستیم با وجود آنکه از طریق ایلنا به همه مسئولان و مطبوعات اطلاع دادیم، کسی به سراغمان نیامد.

او ادامه داد: زندگی کلاغهای همجوار ما برای خبرنگاران جذاب‌تر از کارگرانی بود که در وضعیت سخت معیشتی به سر می‌برند.
او افزود: در طول این چند روزی هم که در تهران هستیم با وجود اینکه همه مسئولان و رسانه‌های دولتی و صدا وسیما از وجود اعتراض ما با خبر هستند حتی کوچک‌ترین سختی به خود راه ندادند تا بیایند و از نزدیک مشکلات ما را جویا شوند.
این کارگر در خاتمه گفت: ما که با تحمل سختی شش روز را در تهران گذرانده‌ایم تا زمانی که جواب قانع کننده‌ای برای همسر و فرزندان‌مان به شهرمان نبریم به تجمع خود ادامه می‌دهیم.
یکی دیگر از کارگران درباره شائبه تهدید قضایی در زمان بازگشت کارگران به خوزستان، گفت: اگر مسئولان استانی به وعده‌های خود ظرف پنج سال گذشته عمل می‌کردند هیچ نیازی به مراجعه ما به تهران برای پی‌گیری مسائل صنفی مان وجود نداشت.

اعتراض صنفی کارگران پیمانکاری تامین ترابر سبز

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 8 بهمن 91 آمده است :
۴۰۰ تن از کارگران پیمانکاری شرکت پیمانکاری تامین ترابر سبز که زیر نظر راه آهن جمهوری اسلامی ایران فعالیت مي‌کنند در اعتراض به عدم تسویه حساب شرکت پیمانکاری قبلی (پویش پژوهان صنعت) و عدم پرداخت حقوق خود در دومین ماه شروع به کار شرکت پیمانکاری فعلي، دست به یک اعتراض صنفی زدند.
در همین رابطه نماینده کارگران معترض در تماس با ایلنا گفت: شرکت پویش پژوهان صنعت که پیمانکار قبلی این مجموعه بود هنوز با کارگران تسویه حساب نکرده است. شرکت تامین ترابر سبز که پیمانکار جدید این مجموعه است در دومین ماه شروع به کار خود توان پرداخت حقوق کارگران را ندارد و به مشکل برخورده است.
وی ادامه داد: به همین دلیل ۴۰۰ تن از کارگران پیمانکاری شرکت تامین ترابر سبز که در بخش تعمیرات جاری دیزل‌ها مشغول به کارند از صبح امروز دست به یک اعتراض صنفی زده‌اند.
او افزود: مشخص نیست شرکتی که کمتر از دو ماه از شروع به کارش گذشته است و توان

مالی پرداخت حقوق کارگران خود را ندارد چگونه در مناقصهٔ برگزار شده برای این مجموعه برنده شده است.
گفتنی است «جوکار» مسئول پروژه دیزل‌های شرکت پیمانکاری تامین ترابر سبز در پاسخ به پرسش در این رابطه، وقوع این اعتراض صنفی را تکذیب کرد، اما مسئولان روابط عمومی شرکت راه آهن قول پي‌گيری دادند.

از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حمایت کنیم
مینا فرخنده

26/01/2013
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار اطلاعیه ای تصمیم خود را مبنی بر برکناری ریاست هیئت مدیره سندیکا و اینکه هیچ سخنگویی را در خارج از کشور به رسمیت نمیشناسد اعلام کرد.1 این تشکل از سازمان اتحادیهٔ جهانی حمل و نقل "ای ت اف" خواستار قطع همه ارتباطات ،همکاری ها و حمایتهایش از رئیس سابق سندیکا شد. در این رابطه سیل کامنت ها و مقالات متعددی از طرف سازمان ها و اشخاص در سایتها سرازیر گردید. مثل هر رویدادی در جنبش کارگری ایران، این رویداد هم فضای مجازی اینترنتی و همچنین جنبش کارگری و طرفدارانش را به شدت قطبی کرده ، آنچنان که حتی آنها که خواستارایفای نقش بینا بینی در این قضیه بودند را ناخواسته در درون یکی از این قطبها قرارمی دهد. تمام مقالات نوشته شده در این رابطه و مواضع اعلام شده، علی رغم خواست و قصد نویسندگان آنها می تواند یا مخالف و یا موافق تصمیمات سندیکای کارگران شرکت واحد باشد و شقه سومی هم در اینجا وجود ندارد.
سندیکای شرکت واحد از زمان تشکیلش تا کنون با فراز و نشیب های زیادی مواجه بوده است. این سندیکا چه از طرف رژیم و چه از طرف نهادهای امپریالیستی و مامورانش متحمل ضرباتی بوده، که همگان از آنها با خبرند.
اینکه سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه یک تشکل مستقل کارگریست، هیئت مدیره، اساسنامه و سایت 2 خود را دارد، بر همه روشن می باشد. اینکه همیشه در درون هر تشکلی مسائلی وجود دارد و برای علنی کردن مسائل داخلي، این خود آن تشکل است که می تواند تصمیم گیرنده باشد را کسانی که خودشان به نوعی در تشکل های مختلف مشغول به فعالیت هستند، می بایست بخوبی بشناسند. گروه های سیاسی مدعی حامی تشکل های کارگری که یکی از خواستهای اساسیشان بوجود آمدن هر چه گسترده تر همین تشکل هاست، تنها با به رسمیت شناختن حقوق همین تشکل های موجود و با اعتماد خود به آنها و حمایتشان از آنها است که می توانند به یاری آنها بشتابند. هر گونه مقابله کردن با تصمیمات هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد با هر پوششی و به هر بهانه اي، موضع گیری بر علیه خود این تشکل کارگری و بی اعتمادی به تصمیمات هیئت مدیره آن می باشد.
کسانی که نگران برخورد تند کارگران سندیکا هستند و اینکه چرا هیئت مدیره آن خواستار قطع همه ارتباطات، همکاری ها و حمایتهای "ای ت اف" از رئیس سابق هیئت مدیره شده است، آیا خبر دارند که "ای ت اف" چه حمایت هایی از رئیس این سندیکا می کرده ، خبر دارند که این سازمان چگونه ارتباط و همکاری هایی با او داشته و... که در قبال خواست سندیکا مبنی برقطع ارتباط این سازمان با رئیس سابق سندیکا، حمایت خود را از آقای اسانلو اعلام کرده و خود را در تقابل با این خواست سندیکا قرارمی دهند!
در آن اطلاعیه 1، هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد بطور مشخص خواستار قطع کامل ارتباط و حمایت "ای ت اف" از رئیس سابق هیئت مدیره سندیکا می باشد، اما این ارتباط ها و حمایت ها چیست و در چه زمینه هایي، هنوز نامشخص است. به تشخیص سندیکا و هیئت مدیره اش این حمایت ها بر ضد منافع سندیکا بوده، و اگر نه چه دلیل دیگری می توانست موجب این تصمیم شده باشد، مگر اینکه تمام اعضای سرد و گرم کشیده هیئت مدیره بعد از سالها مبارزه به ناگهان و بدون هیچ منافعي، فقط از روی لجبازی قصد بردن آبروی چندین و چند ساله خود را کرده باشند! کسانی که رفتار این سندیکا را غیر اصولی می دانند، در واقع

حامی کمک ها و حمایتهای "آی ت اف" از رئیس سابق هیئت مدیره و بر ضد تشخیص هیئت مدیره مبنی برمضر بودن آن حمایتها برای سندیکای واحد هستند. همین نکته مهم روشن کننده جایگاه کسانی که می خواهند مراقب اخلاقیات تشکل های کارگری باشند و بدون توجه به اصل مسئله خود را وسط معرکه انداخته اند، است. اینها ناخواسته در صف کسانی قرار می گیرند که بخاطر منافع سازمانی خود دست به اغتشاش زده و در این راه از تهمت و انگ زنی به کارگران شرکت واحد و سندیکایشان فروگذار نیستند.
ماه پشت ابر پنهان نمی ماند، چه آن سازمانها و افرادی که به تشکل های کارگری اعتماد کرده و مدافع سندیکا و تصمیماتش بوده اند، چه کسانی که با مشکل بی اعتمادی به جنبش کارگری و تشکل های کارگری دست به گریبان هستند و خود را منجی و معلم اخلاق این طبقه میدانند، یا آنها که تنها به خاطر منافع سازمانی خود در پی هر فرصتی برای ضربه زدن به تشکل های مستقل کارگری برمی ایند، روزی به حقیقت پی خواهند برد و پاسخ همه سوالات مطرحه را دریافت خواهند کرد؛ هر چند برای این دسته آخر که تنها در پی منافع خود هستند و عوامفریبانه خود را حامیان جنبش کارگری معرفی می کنند، دانستن حقیقت بی فایده می باشد، اینها کاری به غیر از تحریف، دروغ پراکنی و...ندارند، دروغ پراکنی و تهمت زنی هم نیازی به حقیقت ندارد!
این روزها برای کارگران شرکت واحد و سندیکای آنان روزهای مهم و متحولی است. هر تصمیمی که امروز از طرف هیئت مدیره این سندیکا گرفته می شود، تمام عملکرد این سندیکا در این شرایط و سرنوشت آینده این تشکل را رقم خواهد زد. امیدوارم کسانی باشند که تمام این نوشته ها و اطلاعیه ها و کامنت ها را به عنوان مدارک جنبش کارگری جمع اوری کرده تا با ارائه آنها به آیندگان، به آنان نشان دهند که تشکل های کارگری ما و جنبش کارگری با چه موانعی مواجه بوده و با متحمل شدن چه دشواری هایی، وجود تشکل های کارگری ممکن شده است.

1 ـ http://www.ofros.com/etelayee/syndicav_bkmo.htm
2 ـ http://www.syndicavahed.asia/

mina.farxonde@gmail.com

شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا به دادگاه انقلاب احضار شدند

بر پایه اطلاع سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 9 بهمن 91 آمده است : شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از بهمن ماه سال گذشته برای چهارمین بار جهت محاکمه به دادگاه انقلاب احضار شدند
شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران برای چهارمین بار طی یکسال گذشته جهت محاکمه به شعبه اول دادگاه انقلاب سنندج احضار شدند. بر اساس این احضاریه شریف و مظفر می‌باید در روز پنجم اسفند ماه ۱۳۹۱ در ساعت ۱۰ صبح در این دادگاه حاضر شوند.
شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در روز ۱۵ دی ماه سال گذشته به فاصله سه روز از یکدیگر توسط مامورین امنیتی دستگیر و حدود دو هفته تحت بازداشت اداره اطلاعات سنندج قرار گرفتند. از آن تاریخ تاکنون این چهارمین بار است که این دو نفر با اتهامات واهی مورد محاکمه قرار می‌گیرند.
احضاریه‌ها و برگزاری دادگاههای مکرر برای رهبران و فعالین کارگری در شرایطی در حال تبدیل شدن به یک سیاست برای اعمال فشار دائمی بر این کارگران است که در چند هفته گذشته تعدادی از کارگران شرکت واحد تهران بدلیل اعتراضات صنفی از کار خود اخراج شده‌اند و یوسف آب خرابات، محمد مولانایی و واحد سیده از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری نیز دستگیر و به زندان افکنده شده‌اند.
اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن تداوم سیاست اخراج، بازداشت و اعمال فشار بر کارگران معترض اعلام می‌دارد بر پایی تشکلهای کارگری، اعتصاب و اعتراض به شرایط فلاکت بار موجود بدیهی‌ترین حق کارگران است و بی‌تردید اینگونه سیاست‌ها همچنانکه تا به امروز شاهدش بوده‌ایم هیچگاه نخواهد توانست مانعی در تلاش کارگران ایران برای دفاع از حقوق

انسانیشان ایجاد کند.

تجمع مشترک کارگران نی بر خوزستان ادامه دارد

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 8 بهمن 91 آمده است : امروز، دوشنبه (نهم بهمن ماه) تجمع اعتراضی کارگران نی بر کشت و صنعت کارون در مقابل ساختمان ریاست جمهوری وارد هفتمین روز خود شد و این در حالی است که کارگران نی بر مجتمع کشت و صنعت هفت تپه نیز برای سومین روز متوالی این کارگران را همراهی می‌کنند.
یکی از کارگران معترض نی بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوش‌تر حاضر در این تجمع، گفت: با وجود آنکه امروز هفتمین روز است که ما کارگران فصلی نی بر برای پی‌گیری خواسته‌های صنفیمان در مقابل دفتر رئیس جمهور جمع شده‌ایم، با مذاکراتی که چند تن از کارگران به نمایندگی از همه کارگران نی بر انجام داده‌اند مطلع شدیم که هنوز به خواسته‌هایمان پاسخ قانع کننده‌ای داده نشده است.
او افزود: ما که طی این هفت روز به سختی توانسته‌ایم بدور از هر امکاناتی به تجمع خود ادامه بدهیم همچنان مصممایم تا زمان دریافت پاسخ قانع کننده‌ای که نشان دهنده حل مشکلاتمان باشد در تهران حضور یابیم.
گفتنی است کارگران این دو مجتمع بزرگ کشت و صنعت واقع در استان خوزستان، علاوه بر درخواست تحت شمول قانون مشاغل سخت و زیان‌آور قرار گرفتن و اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت منظم دستمزد و حقوق؛ خواستار تغییر ساز و کار رفع فاصله بیمه‌ای خود هستند.
براساس این گزارش، تعداد کارگران شاغل در دو شرکت نی بر کشت و صنعت کارون شوش‌تر و هفت تپه شوش به ۲۷۰۰ تن می‌رسد که از شش سال پیش پیگیر مطالبات قانونی خود هستند.

تجمع اعتراضی کارگران شرکت صنایع غذایی فلات کوهرنگ شهر کیان در چهارمحال و بختیاری

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنابتاریخ ۹بهمن آمده است : طی گزارشی کوتاه وسربسته، ازتجمع تعدادی از کارگران یک شرکت خصوصی (شرکت صنایع غذایی فلات کوهرنگ شهر کیان در چهارمحال و بختیاری) دراعتراض به عدم پرداخت به موقع حقوق، بیمه و اخراج مکرر کارگران توسط مدیران خبرداد.
برپایه این گزارش، کارگران معترض بازگرداندن حدود ۱۵۰ نفر از کارگران اخراج شده این کارخانه را از دیگر خواسته‌های خود اعلام کردند و گفتند، با وجود پیگیری‌های مکرر و دیدار با مسئولین استانی از جمله نماینده شهرستان شهرکرد در مجلس، امام جمعه شهرکرد و شهر کیان، استاندار استان و فرماندار شهرکرد، تا کنون به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌ایم.

تخریب تاریخچه منصور اسالو، کار جمهوری اسلامی است!

عبداله شریفی

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 9 بهمن آمده است : این روزها ماجرای اسالو و سندیکای شرکت واحد سرتیتر مباحث چپ و فعالین "جنبش کارگری ایران" شده است. بحث ها و تمایزها در تقابل هم قرار گرفته اند. در فضائی که مقدمتا نهادهای امنیتی رژیم اسلامی ایجاد کرده و پرونده "اخلاقی" اسالو را مهندسی کرده اند، برخی از منزه طلبانی که بی ربطی خود را به جنبش کارگری ایران در پرده ریاکارانه دفاع از "سلامت" تشکل ها و فعالین جنبش کارگری و خطر آلوده شدن آنها به تطمیع توسط نهادهائی از جمله "سولیداریتی سنتر" پنهان کرده اند، تلاش کرده اند که با جلوس بر صندلی مفسر حقوقی

.اختلاف بین اسالو و رهبری سندیکای شرکت واحد میداندار شوند
در این میان، نقش جنایتکارانه جمهوری اسلامی و وزارت اطلاعات و سنت تخریب سابقه مبارزاتی انسانهای شریف و مبارز کاملا پیدا است. تلاش برای نادیده گرفتن این پروژه و چیدن سناریو به این ترتیب که جمهوری اسلامی حذف شود و بحث را به اختلاف اسالو و رهبری سندیکا، تقلیل دادن اگر امری آگاهانه و زشت نباشد حداقل غیر سیاسی گری و آماتوریسم و بی مسئولیتی محض است.
اسالو از جمله رهبران کارگری است که سالهای اخیر عمر خود را در سیاه چالهای جمهوری اسلامی سپری کرد. او کسی بود که زبانش را بریدند و تمام فشارها و قدرت ارعاب را علیه او بکار بستند تا بلکه با به زانو درآوردن او ضربه به جنبش کارگری وارد کنند. مستقل از اینکه اسالو در آینده چکار میکند و چه انتخاب سیاسی خواهد کرد، بازهم مستقل از اینکه حلقه دوستیها و دوریها و نزدیکیهای سیاسی آتی او چه خواهد شد، این تاریخ مبارزاتی و واقعی او را نمیتوان با یک قلم چرخانی اختیاری حذف کرد.
مدافعان دروغین جنبش کارگری ایران، کمترین نشانی از این ناسپاسی "هیات مدیره" نسبت به اسالو رویت نکرده اند. اینکه پس از "افشای" پرونده فساد اخلاقی اسالو توسط نهادهای امنیتی رژیم، او را شخصی قلمداد کنند که نسبت به دام های سولیداریتی سنتر، گارد باز داشته است و اینکه در پی خروج اسالو از ایران به همراه پرونده قطور اخلاقی یکباره حکم تکفیر او را به زبان اعلامیه بدون امضای افراد حقیقی و به نام "هیات مدیره" سندیکای شرکت واحد، صادر کرده اند، کلا از دستگاه مدافعین دروغین جنبش کارگری، قلم گرفته شده است. این حضرات در واقع با علم به این زمینه چینی ها، وارد این عرصه "خوشنام" شده اند. عرصه ای که رژیم اسلامی در تقابل با هر مخالف خود، استاد و معمار آن بوده است.
برخورد هیات مدیره سندیکای شرکت واحد حتی اگر بدون زمینه چینی های رژیم اسلامی هم بوده باشد، رفتاری جبونانه، ناسپاس و بری از احساس همبستگی طبقاتی است. موضعی ناروا، و پشت کردن سریع و ساده به نقش چندین ساله اسالو، و بی ارج و قرب کردن زحمات و شکنجه ها و لطماتی است که در راه دفاع از حقوق سندیکائی کارگران تحمل کرده است. این برخورد یکشبه و "ناگهانی"، حتی با فرض اتهام "فساد اخلاقی" و "فساد احتمالی مالی" به او غیر منصفانه و ضد انسانی و ضد کارگری است.
متاسفانه تاریخ جنبش کارگری ایران، رهبران مقاوم و شناخته شده در سطح جهانی نظیر اسالو را کم دارد، بهمین دلیل باید در چنین مواردی با نهایت مسئولیت و حساسیت سیاسی برخورد کرد. سندیکای شرکت واحد میبایست به تاریخ مبارزاتی اسالو با احترام و عزت برخورد میکرد و حتی در تمایل به جانشین کردن کسی دیگر به جای او میبایست به جای چنین اطلاعیه ای که صادر کرد، در بیانیه ای با افتخار از زحمات و تاریخ مبارزاتی او در این چند سال قدردانی میکرد. اگر چنین نکرده است، یا از سر جبن و ترس و یا سرخم آوردن در برابر فشارهای دوائر امنیتی رژیم اسلامی، عملا ادامه رشد و بلوغ فعالان جنبش کارگری در موقعیت شخصیت های سرشناس و سیاسی، را تکفیر کرده است. این "خطا" نه از نظر برخورد منصفانه و محترمانه با اسالو بطور مشخص و نه از منظر دفاع از حرمت و حیثیت فعالان جنبش کارگری ایران بطور کلی، غیر قابل دفاع و غیر قابل بخشش و در بیرون از سنتهای جنبش کارگری جهانی است.
آنچه که در این میان باید قاطعانه ابراز کرد این است که نباید اجازه داد که خارج کشور "حیاط خلوت" و میدان تاخت و تاز جناتیکاران اسلامی شود. نباید اجازه داد پروژه های ضد کارگری رژیم اسلامی جهت تخریب مبارزات کارگران و بی حیثت کردن اخلاقی و سیاسی و پاپوش دوزی و پرونده سازیهای آنها به این سادگی عملی شود. دفاع از شخصیت سیاسی و تاریخ مبارزاتی اسالو کمترین کاری است که در مقابل ابعاد جنایات جمهوری اسلامی باید انجام داد.
اما سوال تکان دهنده و هشدار دردناک این قضیه اینجاست که چرا جمهوری اسلامی علیرغم وجود و "حضور" این همه احزاب و جریانات اپوزیسیون، این چنین در مورد خارج با خیال راحت عمل میکند؟
اگر حضور جریانات کمونیست و میلیتانت در خارج کشور چنان در سلطه و اختیار مخالفین جمهوری اسلامی بود، آیا جمهوری اسلامی جرات میکرد در فضای تعرضی و میلیتانت در

خارج، این چنین موش بدواند؟

ژانویه ۲۷ ۲۰۱۳

درخواست صدور مجوز برای برگزاری تجمع کارگری

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 9 بهمن آمده است : روز هشتم بهمن ماه ۱۳۹۱ هماهنگ کنندکان طومار سی هزار نفری کارگران با حضور در استانداری تهران خواست خود مبنی بر صدور مجوز برای برگزاری تجمع کارگری در مقابل وزارت کار را تحویل مسئولین ذیربط این استانداری دادند.
خواست صدور مجوز برای برگزاری تجمع کارگری از سوی هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در حالی صوت میگیرد که پس از گذشت ۴۰ روز از تحصن آنان در مقابل مجلس هنوز هیچ پاسخ روشنی به آنان داده نشده است.
روز ۲۸ آذر ماه گذشته هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی پس از تحصن در مقابل مجلس شورای اسلامی با نایب رئیس و رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس ملاقات کردند و سپس با حضور در کمیسیون اجتماعی مجلس که وزیر کار نیز در آنجا حضور داشت خواستهای خود را مطرح کردند اما از آن تاریخ به این سو هیچ پاسخ روشنی به هماهنگ کنندگان طومار مبنی بر تحقق خواستهای سی هزار کارگر امضا کننده طومار داده نشده است. عدم پاسخ گویی مسئولین وزارت کار و مجلس شورای اسلامی به خواستها و مطالبات سی هزار کارگر در حالی همچنان ادامه دارد که جلسات شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۲ در حال برگزاری است. یکی از مهمترین خواستهای کارگران در طومار اعتراضی، افزایش حداقل دستمزدها بر اساس تورم واقعا موجود و تامین سبد هزینه یک خانوار چهار نفره بوده است.
بر اساس نامه هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی به استانداری تهران، این کارگران خواهان صدور مجوز برای برپایی تجمع کارگری در مقابل وزارت کار در خیابان آزادی در روز ۲۸ بهمن ماه جاری از ساعت ۱۰ صبح لغایت ۱۲ ظهر شده اند.

تصویر نامه هماهنگ کنندگان برای صدور مجوز تجمع کارگری در مقابل وزارت کار:

باگذشت ۴۰ روز از کشته شدن ۸ کارگر؛هنوز مقصر فاجعه یال شمالی مشخص نیست

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 9 بهمن 91 آمده است : یک فعال کارگری در طبس گفت: با گذشت چهل روز از کشته شدن هشت کارگر در جریان حادثه انفجار معدن یال شمالی هنوز مسوولان این حادثه مشخص نشده‌اند.
غلامرضا محمدی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: امروز (یکشنبه هشتم بهمن ماه) چهلمین روزی است که در جریان انفجار معدن یال شمالی هشت کارگر کشته شدند اما هنوز عاملان این حادثه مشخص نشده‌اند.
دبیر اجرایی خانه کارگر شهرستان طبس افزود: این درحالي‌است که پرونده این حادثه در تاریخ ۱۲/۱۰/۹۱ به دادگستری ارجاع و بلافاصله از متهمین و شاکیان حادثه دعوت بعمل آمده و جلسه اول دادگاه برگزار شده است.
این فعال با بیان اینکه تاریخ برگزاری جلسه دوم دادگاه شاکیان این پرونده هنوز ابلاغ نشده است، تصریح کرد: قولهایی از سوی مسئولان استانی به خانواده‌های قربانیان و حادثه دیدگان داده شده همانند پرداخت حقوق و ایجاد امکان اشتغال برای فرزندان قربانیان اما تضمینی برای تحقق این وعده‌ها وجود ندارد.
او با یادآوری اینکه باید پاسخگوی خانواده کارگران قربانیان بود؛ گفت: باید مشخص شود که چگونه در این معدن با وجود مسئول ایمنی و توربین‌های تخلیه هوا و دستگاه‌های هشدار دهنده در اثر انباشت گاز این انفجار مهیب رخ داده است.

این فعال کارگری گفت: بجاست مسئولان مربوطه اعلام کنند که برای مشخص شدن دلایل و عوامل این حادثه چه اقداماتی کرده‌اند و تاکنون از خانواده‌هایی داغدیده چه حمایت‌هایی به عمل آورده‌اند.
دبیر خانه کارگر طبس خواستار برخورد قانونی با مسببین این حادثه شد و تاکید کرد: در اینگونه حوادث همیشه کارگران هستند که قربانی مي‌شوند

مرگ ماهانه 50 نفر با قرص برنج

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در 9 بهمن آمده است : قرص برنج همچنان در کشور قربانی مي‌گيرد و آمار مرگ با آن طی 9 ماهه امسال 26 درصد افزایش داشته است. این در حالی است که فروش این قرص مرگبار در کشور ممنوع است.
به گزارش مهر، قرص برنج که به نام فسفید آلومینیوم نیز شناخته می شود قرصی است که یک عدد آن قادر است هزاران شته را از بین ببرد. این قرص از خود گاز فسفید تولید می کند و از آن برای جلوگیری از آفت زدگی برنج در انبار استفاده می شود.
مسمومیت با این قرص هم از راه استنشاق، هم از راه تماس پوستی و هم به صورت خوراکی اتفاق مي‌افتد. مصرف خوراکی آن باعث تهوع، درد معده ، استفراغ، اسهال، تنگی نفس، احساس سرما، عطش، سر درد، تشنج و کما می شود.
بر اساس آمار سازمان پزشکی قانونی کشور طی 9 ماه اول امسال 449 نفر که 245 نفر آنها مرد و 204 نفر زن بوده اند به علت استفاده از قرص برنج جان خود را از دست داده اند. این در حالی است که در 9 ماه سال 1390 ، 354 نفر جان باخته بودند (198 نفر مرد و 156 نفر زن) و مقایسه آمار 9 ماهه سال 1390 با سال جاری نشان می دهد آمار مرگ های ناشی از مسمومیت با قرص برنج 26.8 درصد افزایش داشته است.
در 9 ماهه امسال بیشترین تعداد مرگ های ناشی از مسمومیت با قرص برنج با 185 مورد در استان تهران اتفاق افتاد و پس از آن، در گیلان با 69، مازندران با 53 مورد و لرستان با 41 مورد، بیشترین آمار این قبیل مرگ ها ثبت شده است.
دکتر غلامعلی جعفری- متخصص سم شناسی- در این باره به مهر گفت: سم قرص برنج سمی است که بر روی سلولها تاثیر بدی می گذارد و تنفس سلولی را از بین می برد و باعث آسیب جدی به اعضا و ارگانهای دیگر بدن مثل کلیه ها و قلب می شود.
مرگ با قرص برنج مرگ بسیار دردناکی است و فرد عطش زیادی به آب دارد. در این مرگ فرد تا زمانی که زنده است هوشیار و بیدار بوده و سوزش بدی در بدن خود احساس می کند.
بر اساس علامت های بالینی فرد دچار خستگی و کمبود اکسیژن می شود. به طوریکه بدنش رو به کبودی رفته و دچار خفگی سلولی خواهد شد. این روند روندی غیر قابل برگشت است و مسمومیت با قرص برنج برابر با مرگ است.
وی در مورد زمان مسمومیت و مرگ بر اثر مصرف این قرص گفت: معمولا افراد زیر 24 ساعت فوت می کنند که زمان مرگ بستگی به ایرانی یا خارجی بودن قرص، تاریخ مصرف، میزان مقاومت فرد و تعداد آن دارد.
طی سال های 1387 تا 1390 در ایران هزار و 311 نفر به علت مسمومیت با قرص برنج کشته شدند که از این تعداد 696 نفر مرد و 615 نفر زن بودند.

«سخنی چند درباره مهدی کوهستانی»
جهانگیر محمود ویسی - عمر مینایی - جلال حسینی- اسماعیل نیازی - عمر شاکری- محمد عبدی پور

"به نوشته سایت کمیته هماهنگی .... در 9 بهمن 91 آمده است : آن کس که حقیقت را نمی داند بی شعور است
وآنکس که حقیقت را میداند وآن را دروغ می انگارد تبهکار است")برتولدبرشت(

به حق ،جنبش طبقه کارگر جنبشی است مستقل ، زیرا تنها کارگرانند که مجبورند نیروی کار

خویش را به خاطر معاش وزیست به فروش برسانند .
آنان نه صاحب ابزار کارند و نه پول کافی دارند تا بتوانند بدون دغدغه واضطراب زندگی کنند .
جنبش طبقه کارگر جنبشی اجتماعی و سیاسی است و در عرصه هر حرکت مبارزاتی یگانه هدفش رسیدن به دنیایی عاری از استثمار ونابرابری است .
حرکت طبقه کارگر در کلیت خویش حرکتی جهانی است . پیروزی ویا شکست آن در هر گوشه جهان تاثیرات بس عمیقی برحرکات هم طبقه ای هایشان دارد . شعار (کارگران جهان متحد شوید) از هیچ جا صادر نشده بلکه مبارزات آنان صحت این مدعا را به اثبات ثبوت رسانده است .
در این رابطه هرگونه دخل وتصرف و لوث نمودن مبارزات کارگران از محتوای طبقاتي،آنان را به زیرمجموعه ی عوامل سرمایه مبدل خواهد کرد . استقلال طبقاتی رکن اصلی این مبارزات به شمار می رود . کارگران موظفند تحت هر شرایطی صف مستقلشان را از سایر عوامل سرمایه و یا تشکل های غیر کارگری که به هر نحو بخواهند مبارزاتشان را تحت الشعاع اندیشه های غیر کارگری قرار دهد،جدا نمایند

کارگران به خاطر استقلال طبقاتی و مبارزاتیشان همواره افشاء کننده عوامل فرصت طلبی هستندکه به خاطر امیال ،مادی و قدرت طلبی های کاذب و غیر کارگری خواستار وارد شدن به صفوفشان هستند.تا صف مبارزاتی خویش را قاطعانه و مستقلانه ادامه دهند.
هر گونه تفکری که خارج از همبستگی طبقاتی کارگران و مبارزات ضد استثماری شان باشد از ناحیه هر شخص، گروه و جرياني، محکوم به شکست است . صف مستقل کارگری صفی است که در جهت رسیدن به خواسته های طبقاتی قدم به عرصه مبارزه نهاده و وحدت عمل شان باید حول اهداف دراز مدت باشد . تحت هیچ شرایطی صف مستقل نباید فدای الگو برداری از احزاب و جریانات غیر کارگری وغیر طبقاتی و ... قرارگیرد .
پیشروان طبقه کارگر نه از بیرون بلکه از درون مبارزات این طبقه برخاسته و تنها در ادامه این پروسه است که می توانند نقش تاریخی خویش را به سرانجام برسانند .

همگان به این مهم واقفند که شکست بخشی از مبارزات طبقه کارگر در سالیان گذشته ناشی از هژمونی فرد و یا افراد و احزاب غیر کارگری و . . . بوده که به درون صفوف آنان رخنه کرده و به خاطر امیال و منافع غیر کارگري، مبارزات آنان را در پایین ترین سطح نگه داشته و به انحراف کشانده اند) هژمونی حزب توده بر مبارزات کارگران در سالیان دور و به کجراهه کشیدن آن، خود دلیل صحت مدعای ماست)
آگاهی طبقاتی نه وارداتی است و نه صادراتی . بلکه کارگران در جریان مبارزات مستقل و طبقاتی خویش ،در همه عرصه هاي، اقتصادی و سیاسی و عینی و ذهني، به عینه آن را کسب نموده و بر حست ضرورت سازمان می یابند. به قولی عین مقدم بر ذهن است .
آری با توجه به شکست بخشی از مبارزات طبقه کارگر از جانب احزاب ، گرایشات و جریانات به ظاهر چپ مدعی رهبری طبقه کارگر و در واقع راست و مدافع سرمایه ،ضروری است کارگران آگاه به منافع طبقاتی خویش، از گذشته درس گرفته و به هیچ فرد یا دسته یا گروه و یا حزب غیر کارگری و غیر طبقاتی اجازه ندهند که در مقام یک پدرسالار یا منجی و یا رهبر و . . . ، آنان را همچون ابزاری برای رسیدن به خواسته های سرمایه دارانه و غیر کارگری خود مورد سوء استفاده قراردهند و در گنداب سرمایه به مرگ تدریجی بکشانند . لازم به ذکر است که معنای این امرالبته خلع سلاح طبقه کارگر از حزب واقعی و طبقاتیش نیست . ما بر این باوریم که در جریان مبارزه با سرمایه برای پایان دادن به هر نوع استثمار و بهره کشی از طبقه کارگر، کارگران نیاز مبرمی به سازمان یابی طبقاتی و حزب راستین خود دارند. دیگرحنای افراد و جریاناتی که طبقه کارگر را زیر مجموعه و تحت تکفل خود دانسته و در کاخ های شیشه ای و خوش آب و رنگ خود نشسته اند، تا با فرمانروایي، کارگران را به مسلخ سرمایه بکشانند نزد کارگران آگاه و مستقلی که در زیر خط فقر کار و زندگی می کنند و توسط همپالکی های همین افراد و جریانات، به شدت استثمار می شوند رنگی ندارد . چه بسا عده ای پیدا شده اند که با پولهای هنگفتی که از جانب سازمان های معلوم الحال سرمایه داری به آنان داده می شود می خواهند از طریق دادن پاداش و جایزه به کارگران سوار برموج مبارزاتیشان

شوند . آنان در تلاش جهت برقرار نمودن تماس و ارتباط با چهره های مبارز و فعال طبقه کارگر و کارگران می خواهند مبارزات به حق آنان را در جهت امیال سرمایه جهانی سوق داده و از کارگران برای رسیدن به اهداف ضد کارگری شان حد اکثر سوء استفاده را بنمایند.
هر چند تعداد این عده از تعداد انگشتان دست تجاوز نمی کند . اما حضور آنان به عنوان دلالان سرمایه در برخی از کشور ها و نهادهای سرمایه داری جهانی به چشم می خورد. این عوامل و جیره خواران، در موقع مقتضي، تمامی سعی و تلاش خود را برای حفظ و بقای سرمایه به عمل آورده و همه ی زور خود را می زنند تا حتی المقدور استثمارو بهره کشی از طبقه کارگر همچنان تداوم یابد.

نقد از گذشته و چشم به آینده کمال مبارزه است و به همین خاطر طبقه کارگر در هر شرایطی با هوشمندی و هوشیاری بایستی از منافع خویش دفاع نمایند.

متاسفانه بودند کسانی که به ظاهر خود را حامی طبقه کارگر نشان داده اما به آنها لبیك گفته و جوایزشان را با کمال میل قبول می کردند . اما زهی خیال باطل، مبارزات هر روزه و مستمر، پولادها را آبدیده ساخته و پیشروانی با اندیشه های باز در دامان خود پرورش داده ومی دهد، تا اغوای چنین سیاست هایی نشوند و این تحقیر سرمایه داری را قبول ننمایند . همین باعث آن شد هنگامی که رضا شهابی از ماهیت و سیاست اهدا کنندگان جوایز حقوق بشری هلندتحت عنوان ان . ی دی آگاه شدند ، در حرکتی آگاهانه و توام با جسارت، دست رد به سینه آنان زده و جوایز برخی از این نهادهای سرمایه سالار را که جز برای مطرح کردن عوامل و دلالان خود و به بند کشیدن کارگران هدف دیگری را دنبال نمی کنند قبول نکرد. چرا که این نهادهای سرمایه داری و مدافع سرمایه اگر دوست دار طبقه کارگر بودند،هم طبقه ای های ما را در کشورهای خود استثمار نمی کردند . ویا آنها را در رنج بیکاری عذاب نمی دادند

طبقه کارگر به یاد دارد که در سال 2006 خواب های طلایی مهدی کوهستانی و سولیداریتی سنتر برای به انحراف کشاندن مبارزات کارگران ایران با هوشمندی فعالان کارگری خنثی شد . با وجود سکوت و مماشات بعضی از جریانات مدعی منافع کارگران و با وجود و همراهی کژدار و مریز جناح راست این جنبش با مهدی کوهستاني، کارگران آگاه در عرصه مبارزه طبقاتی از توطئه های مرکز همبستگی آمریکایی(سولیداریتی سنتر(پرده بر داشته و دلال این مرکز)مهدی کوهستانی(راافشانمودند . حالا این شخص پس از سال ها باردیگر وارد گود شده و برای اثبات دلالیش از فعالان چپ و کارگر سند و مدرک می خواهد . کوهستانی که دلال کاردانی است ! خوب می داند که برای انجام مسئولیتش فیش حقوقی نمی نویسند . حضور هر چند گاهش در رسانه های مقتدر بی بی سی و صدای امریکا که تخطئه کننده جنبش طبقاتی ضد سرمایه داری است، کافی است .
آقای کوهستانی خوب می داند که فکر و اهدافش حول چه محورهایی می چرخد !! دفاع از استثمار و سرمایه کجا !! وجایگاه مبارزات کارگران ایران کجا ؟

شما خود نیك می دانید که نماینده چه جریان ها و نهادهایی هستید ! سرمایه داری مدرن غربی و نهادهایی که شما دلال و مدافع آن هستید اساسن موجودیتش به غارت نیروی کار و منابع کشورهایی چون کشور ما وابسته است . حضور امثال شما در بهترین رسانه های اغواگر سرمایه داری امریکایی و ، انگلیسی و . . . که همیشه نقش فریبکارانه ای را را در به کجراهه کشاندن و سرکوب انقلابات و مبارزات کارگران داشته و دارند، بر اساس وظیفه و در راستای خدمت گذاری به سرمایه، همواره منفورترین چهره ها را علم کرده و ضدیتشان را با مبارزات واقعی ، حق طلبانه و انسانی کارگران و توده های ستم دیده مردم نشان داده اند.کارگران ایران هالو نیستندکه با این چندر غاز سرمایه داری که از خون کارگران تهیه شده است اغوا شوند وچشم خویش را بر روی استثمار میلیون ها کارگر در سطح جهان ببندند.
آقای کوهستانی ! شما از طرح این مسئله که آقای شهابی زمانی ازجوایز داده شده به آقای منصوراسانلو جانبداری کرده است در صدد اثبات چه چیزی هستید ؟ اینکه این قبیل نهادهای وابسته به سرمایه، مدافع منافع کارگرانند و برای برجسته کردن فعالیت ها و مبارزات کارگران

اقدام به اعطای این جوایز و هدایا می کنند ؟ آیا شما می خواهید بدین وسیله وانمود کنید که نهادهایی از این دست هیچ ربطی به گماشتگان و عوامل سرمایه ندارند و در راستای فریب و اغوای کارگران نیستند ؟ در این صورت چرا از خود رضا شهابی و حرکت آگانه و مستقل او که جایزه ی این نهاد وابسته به سرمایه را با نام عوام فریبانه و دهان پر کن "حقوق بشر" رد کرده اند چیزی نمی گویید ؟

ما درهزاره ی سوم میلادی به سر میبریم دیگر عصر ملانصرالدین ها به سر رسیده است شهابی و شهابی ها خوشبختانه درکوران مبارزات کارگران ایران وجهان به این بالندگی و غنای فکری رسیده اند که ازنیات شما با همه ی رنگ و لعابی که به آن می زنید آگاه شده و خوب را از بد و دوستان خود را ازدشمنانش تشخیص دهدو دوست نما ها و دشمنان واقعی را در هر لباسی که هستند افشا نمایند . آقای کوهستانی! مطمئن باشید که در این عصر و این دوران، شمشیر داموکلسی که می خواهید و تلاش می کنید برفرق سر شهابی و شهابی ها و در یک کلام طبقه ی کارگر ایران قرار دهید تا نتوانند فعالانه علیه سرمایه برخیزند آن قدر کند و زنگ زده است که کار بردی نداشته باشد . چرا که طبقه ی کارگر ایران می رود تا عزم خود را علیه تمامیت سرمایه جزم کند و با کلیت آن به مبارزه برخیزد.
هدف رضاشهابی ازقبول نکردن این جایزه،حفظ صف مستقل طبقه ی کارگر بوده و ایشان نشان داده اند که تنها به این طبقه و پیشروان آگاه آن اعتمادارند . درموردآقای محمدقراگوزلو و امثال ایشان که نامبرده درکدام جایگاه وصف قراردارد‌تشخیص آن باطبقه ی کارگراست نه شما ونهادهایی که ازشما به عنوان سدی درمقابل خیزش کارگران استفاده می نمایند .
آقای کوهستانی وهمفکران وارباباتش خوب می دانند . حرکات طبقه ی کارگر درهیچ نقطه ای
ازجهان خاموش نخواهد شد . همواره به سیر تکاملی مبارزاتیشان تارسیدن به خواسته های برحقشان که همانا زندگی شرافتمندانه وانسانی است ادامه داده دراین روندهرنوع تفکر ضدکارگری رابه زباله دان تاریخ خواهند فرستاد .
آقای کوهستانی خود بهترازمامیدانندکه مهره ی سوخته ای بیش نیستند وتاریخ مصرفشان نزد اربابانشان به اتمام رسیده و در شرایط کنونی هم پالگی های دیگری درصف انتظار صدارت ایشان نشسته اند .
سوال اینجااست که آیا باید نسبت به خطرات کوهستانی های آینده وجریاناتی همچون) سولیداریتی سنتر(آگاه بوده وبه استقلال مالی وسیاسی طبقاتی کارگران اتکا داشت .
کسانیکه دربرابر پول و جوایز کذایی امپریالیستی حساسیتی ندارند . این عبارات طلایی مارکس رابه خاطرداشته باشندکه :پول وفاداری را به بی وفايي، عشق را به نفرت، نفرت را به عشق، فضیلت را به شرارت ،شرارت را به فضیلت، خدمتکار را به ارباب ، ارباب را به خدمتکار ، حماقت را به هوش ، هوش را به حماقت تبدیل می کند .
اگر انسان ، انسان باشد و روابطش با دنیا، روابط انسانی باشد، آنگاه می تواند عشق را فقط باعشق، اعتماد را با اعتماد و غیره معاوضه کند

اعضای کمیته هماهنگی برای کمک برای ایجاد تشکل های کارگری

1 جهانگیر محمود ویسی 2 - عمر مینایی 3 - جلال حسینی 4- اسماعیل نیازی
5 - عمر شاکری 6 - محمد عبدی پور_

تجمع اعتراضی کارگران شرکت صنایع غذایی فلات کوهرنگ در چهارمحال و بختیاری

به نوشته خبرگزاری دولتی دانشجویان ایران – ایسنا در تاریخ 9 بهمن 91 آمده است :
کارگران شرکت صنایع غذایی فلات کوهرنگ شهر کیان در گفت‌وگو با خبرنگار خبرگزاری دانشجویان ایران(ایسنا) منطقه چهارمحال و بختیاري، عدم پرداخت به موقع حقوق، بیمه و اخراج مکرر کارگران توسط مدیران این شرکت خصوصی را از جمله مشکلات خود دانستند.

متحصنین بازگرداندن حدود 150 نفر از کارگران اخراج شده این کارخانه را از دیگر خواسته‌های خود اعلام کردند و گفتند، با وجود پیگیري‌های مکرر و دیدار با مسئولین استانی از جمله نماینده مردم شهرستان شهرکرد در مجلس شورای اسلامي، امام جمعه شهرکرد و شهر کیان، استاندار استان و فرماندار شهرکرد، تا کنون به هیچ نتیجه‌ای نرسیده‌ایم.

پرداخت نشدن مطالبات کارگران قارچ سینا دو سال پس از تعطیلی کارخانه

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 9 بهمن 91 آمده است : جمعی از کارگران واحد تولیدی «قارچ سینا»، با حضور در خانه کارگر همدان به پرداخت نشدن بخشی از حقوق و سایر مطالبات خود با وجود گذشت دو سال از تعطیلی این کارخانه شدند.
دبیر خانه کارگر همدان با اعلام این خبر به ایلنا گفت: ۶۷ کارگر بیکار شده «قارچ سینا» بعد از گذشت دو سال از ورشکستگی این واحد تولیدی هنوز نتوانسته‌اند مطالبات خود را دریافت کنند.
چنگیز اصلانی در این باره افزود: این کارگران پس از گذشت دو سال از بیکاری به نحوه عملکرد هیئت تسویه حساب با کارگران معترضند و معتقدند فعالیت این هیئت به کندی صورت مي‌گیرد.
او افزود: مشکلات نبود نقدینگی و افزایش بدهي‌ها در این واحد تولید کننده قارچ در گذشته، سبب شده در پرداخت بیمه‌هاي‌کارگران فاصله ایجاد شود و اینك تعداد زیادی از این کارگران که شرایط بازنشستگی در مشاغل سخت زیان آور را دارند، امکان بازنشستگی نداشته باشند.
او با بیان اینکه فواصل بیمه‌ای کارگران دو نیم سال است اضافه کرد: با توجه به سختی کار کارگران در تولید قارچ، این شغل در زمره مشاغل سخت زیان آور قرار دارد.
این فعال کارگری در این زمینه ادامه داد: سازمان تامین اجتماعی موظف است علاوه بر دریافت سهم کارگر که در گذشته به حساب سازمان واریز شده، کارفرما را نیز مکلف به پرداخت سهم خود در مورد بازنشستگی کارگران کند.
او از سابقه کار ۱۵ تا ۲۴ ساله بیشتر کارگران این واحد خبر داد و گفت: تامین‌اجتماعی نیز به دلیل واریز نشدن حق بیمه‌ها، از بازنشسته شدن کارگران با قانون مشاغل سخت وزیان اور خود داری مي‌کند واین موضوع به مشکل اساسی برای کارگران تبدیل شده است.

تجمع اعتراضی ششصد کارگر پتروشیمی بندر امام در مقابل فرمانداری ماهشهر

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 9 بهمن آمده است : ششصد نفر از کارگران تبدیل وضعیت نشده پتروشیمی بندر امام از ساعت ۳۰/۸ صبح امروز تا ۳۰/۱۲ ظهر در مقابل فرمانداری ماهشهر دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان اجرای تمام و کمال مصوبه هیئت وزیران مبنی بر چیده شدن کامل شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرار داد مستقیم شدند.
کارگران تبدیل وضعیت نشده پتروشیمی بندر امام صبح امروز در حالی بطور متحدانه ای بر دامنه اعتراض خود افزودند و در مقابل فرمانداری ماهشهر دست به تجمع زدند که اعتراضات گاه و بیگاه آنان در مجتمع هایشان طی هفته های گذشته نتیجه ای در بر نداشته است و مدیریت پتروشیمی در اقدامی جدید بار دیگر و بمدت سه سال بخشهای مختلف در مجتمع های بسباران و کیمیا را به شرکت پیمانکاری فریمکو واگذار کرد.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران تجمع امروز کارگران پتروشیمی بندر امام بر اساس فراخوان قبلی آنان و علیرغم تهدیداتی که مسئولین فرمانداری ماهشهر بعمل آورده بودند برگزار شد. در این تجمع که به نشانه همبستگی تعدادی از کارگران تبدیل وضعیت شده نیز در آن حضور داشتند معاون حراست پتروشیمی بندر امام برای ایجاد رعب در میان کارگران شخصا اقدام به فیلمبرداری از آنان کرد و از سوی دیگر تلاش مامورین امنیتی برای گرفتن موبایل برخی از کارگران و بازداشت یکی از نماینده های آنان با عکس

العمل قاطع همکارانشان مواجه شد.
بنا بر این گزارش علیرغم تجمع ۴ ساعته ششصد کارگر تبدیل وضعیت نشده پتروشیمی بندر امام در مقابل فرمانداری ماهشهر و برگزاری جلسه شورای تامین، هیچیک از مسئولین این فرمانداری پاسخی به خواستهای کارگران نداند و از سوی دیگر مسئولین حراست پتروشیمی بندر امام در اقدامی تحریک آمیز و برای ایجاد رعب در میان کارگران اقدام به یادداشت اسم و شماره سریال کارتهای آندسته از کارگرانی کردند که پس از پایان تجمع وارد کارخانه میشدند. همچنین مدیر عامل مجتمع بسباران نیز در اقدامی مشابه از کارگران این مجتمع آمار گیری کرد.
کارگران معترض پتروشیمی بندر امام در پایان تجمع امروز خود اعلام کردند دوشنبه هفته آینده نیز دست به تجمع در مقابل فرمانداری ماهشهر خواهند زد و چنانچه به خواستهایشان رسیدگی نشود این تجمعات را بصورت پی در پی ادامه خواهند داد.

رییس دیوان عدالت: انتصاب مرتضوی متهم جنایت کهریزک، به سخره گرفتن آرای قضایی است

به نوشته سایت ندای سبز در 9 بهمن 91 آمده است :رئیس دیوان عدالت اداري، انتصاب دوباره مرتضوی به عنوان سرپرست تامین اجتماعی را به سخره گرفتن احکام قضایی توصیف کرد.
سعید مرتضوي، متهم جنایت کهریزک، پس از برکناری از مدیر عاملی سازمان تامین اجتماعی دوباره به عنوان سرپرست این سازمان منصوب شد. دلیل برکناری او حکم دیوان عدالت اداری و لغو حکم مدیرعاملی او بود.
رییس دیوان عدالت اداری در واکنش به این اقدام دولت گفته است: اگر در جامعه‌عالي‌ترین مسوول اجرایی کشور، رای قضائی را که در چارچوب قانون صادر و ابلاغ شده است، به سخره گرفته، مورد بی اعتنایی قرار دهد و قانون را دور بزند، دیگر از بدنه آن مجموعه و عموم مردم چگونه مي‌توان انتظار داشت که در برابر رای قاضی تمکین کنند.
به گزارش خبرگزاری مهر، منتظری امروز در جلسه هیات عمومی دیوان عدالت اظهار داشت: رای قاضی را با دور زدن قانون به سخره گرفته اند.
رئیس دیوان عدالت اداری افزود: این چه معنا دارد که یک قاضی معزول را در راس سازمانی بسیار گسترده، هم از لحاظ فراگیری و هم از این حیث که بنگاه‌ها و شرکت‌های اقتصادی متعددی در ذیل آن قرار دارد و از اهمیت بسزایی برخوردار است، قرار مي‌دهید و به این ترتیب مجلس و قوه قضائیه را نسبت به موضوع حساس مي‌کنید. شکایتی را مطرح مي‌کنند و در رسیدگي، تصمیمی که گرفته‌اید، مغایر قانون شناخته مي‌شود. با تغییراتی بر همان تصمیم اصرار مي‌ورزید و در پیگیری بعدی و رسیدگی مجدد این تصمیم نیز خلاف قانون تشخیص و رایی صادر مي‌شود. باز قانون را دور مي‌زنید و کار خودتان را انجام مي‌دهید. این به سخره گرفتن آرای دستگاه قضایی است.
در همین حال سعید مرتضوی نیز که با وجود حکم دیوان عدالت در مقام خود باقی مانده، مدیرعامل شستا را برکنار کرد.
به گزارش فارس، محمدرضا حیدری ملایر در حالی ۲۹ شهریور سال جاری با حکم سعید مرتضوی به سمت مدیرعامل شرکت سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی(شستا) منصوب شده بود که ۵ ماه بعد از این انتصاب برکنار شد.
نجات امینی معاون اقتصادی و برنامه‌ریزی تامین اجتماعی با حفظ سمت به عنوان سرپرست شستا تعیین شد تا ظرف ۵-۶ روز آینده مدیر عامل جدید مشخص شود.

برای پیگیری وعده‌های دولت؛ نمایندگان کارگران «نی بر» خوزستان بار دیگر به تهران آمدند

ریاست جمهوری که از بامداد سوم بهمن ماه تا شامگاه روز دوشنبه ۹ بهمن ماه در مقابل ساختمان دولت ادامه داشت، نمایندگان این دو واحد تولیدی پس از گذشت ۱۴ روز و مرتفع نشدن مشکلات صفی‌شان، برای پی‌گیری وعده‌های دولت بار دیگر به تهران آمدند.

یکی از نمایندگان کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر با اعلام این خبر به ایلنا گفت: با بی نتیجه ماندن وعدهایی که مسئولان نهاد ریاست جمهوری در خصوص دریافت مطالبات صنفی به کارگران داده بودند، امروز (دوشنبه ۲۳ بهمن) طبق توافق با نمایندگانی که از سوی کارگران انتخاب و مامور رسیدگی به این موضوع شده بودند به پایتخت آمده و با حضور در دفتر نهاد ریاست جمهوری پی گیر قولهایی شدیم که در اخرین روز تجمع کارگران به ما داده شده بود.

او اضافه کرد: کارگران نی بر علاوه بر درخواست اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت منظم دستمزد و حقوق؛ خواستار تغییر ساز و کار رفع فاصله بیمه‌ای خود هستند.

این کارگر با اشاره به اینکه معوقات حقوقی کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر به دو ماه رسیده است، گفت: بعد از پایان تجمع در روز نهم بهمن ماه تا دیروز (۲۲ بهمن) با اعلام مسئولان شرکت کشت وصنعت، کار در مزارع نیشکر به بهانه تعطیلات دهه فجر و بارندگی‌های مکرر تعطیل اعلام شده بود اما امروز همه کارگران نی بر بر سر کار خود حاضر شدند.

نماینده کارگران نی‌بر کارون شوشتر با تاکید بر اینکه باید تکلیف مطالبات صنفی کارگران نی بر مشخص شود، گفت: پی‌گیری و حضور امروز ما در تهران تا این لحظه بی نتیجه بوده است و کارگرانی که در خوزستان هستند با تماس‌های مکرر با ما همچنان منتظرند خبر امیدوار کننده‌ای از سوی مسئولان دولت بشنوند.

پایان پیام

یک فعال صنفی بازنشستگان تامین اجتماعی مطرح کرد:
زندگی دشوار بازنشستگان با وجود ۳۰ سال پرداخت حق بیمه

یک فعال صنفی بازنشستگان تامین اجتماعی با انتقاد از عدم تناسب عیدی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی با افزایش تصاعدی قیمت‌ها، بر همسان سازی امتیازات بازنشستگان این سازمان و بازنشستگان کشوری و لشکری تاکید کرد.

محمد سلیمی در این باره به ایلنا گفت: در هفته گذشته میزان عیدی بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی ۴۰۲ هزار و پانصد تومان اعلام شد که در مقایسه با عیدی سال گذشته تنها ۵۲ هزار تومان اضافه شده است.

وی ادامه داد: این در حالی است که قیمت یک کیلو گوشت از ۱۳ هزار تومان به ۳۰ هزار تومان، یک کیلو برنج ایرانی از ۳۵۰۰ تومان به ۷۰۰۰ هزار تومان، یک حلب روغن جامد ۵ کیلویی از ۱۲ هزار تومان به ۲۲ هزار تومان رسیده است.

سلیمی با تاکید بر همسان سازی امتیازات بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی و بازنشستگان کشوری و لشکری افزود: امتیازهای از قبیل کارت طلایی بیمه تکمیلی، سبد کالا، هزینه گردشگری و وام ازدواج فرزندان که به بازنشستگان کشوری و لشکر تعلق می‌گیرند بایستی مشمول بازنشستگان سازمان تامین اجتماعی نیز شود.

این فعال جامعه بازنشستگان تامین اجتماعی شهر ری در ادامه با اشاره به وضعیت سخت معیشتی کارگران بازنشسته، گفت: شعارهایی مانند عدالت اجتماعی، چاره وضعیت ناگوار جامعه بازنشستگان و مستمری بگیران نیست.

محمد سلیمی در پایان با بیان اینکه «سازمانی که جمعیتی بیشتر از ۳۵ میلیون نفر بیمه شده اصلی و تبعی دارد حتی در دخل و خرج خود به مشکل خورده است» اظهار داشت: بازنشستگان و مستمری بگیران ۳۰ سال پیش از دریافت دستمزد به این سازمان حق‌بیمه نداده‌اند تا در وضعیت ناگوار فعلی با تورم و گرانی دست و پنجه نرم کنند.

پایان پیام

درخواست مجوز کارگران برای برپایی تجمع در روز ۲۸ بهمن در تهران

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 9 بهمن 91 آمده است : فعالان کارگری هماهنگ کننده طومار سی هزار نفری کارگران با حضور در محل استانداری تهران، درخواست خود برای صدور مجوز برگزاری تجمع کارگری در مقابل وزارت کار را تحویل مسئولان دولتی دادند.

به گزارش کلمه، این درخواست مجوز برای برگزاری تجمع در مقابل ساختمان وزارت کار در حالی از سوی هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران مطرح شده است که به نوشته وب سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران، پس از گذشت ۴۰ روز از تحصن فعالان کارگری در مقابل مجلس، هنوز هیچ پاسخ روشنی به آنان داده نشده است.
روز ۲۸ آذر ماه گذشته هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی پس از تحصن در مقابل مجلس شورای اسلامی با نایب رئیس و رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس ملاقات کردند و سپس با حضور در کمیسیون اجتماعی مجلس که وزیر کار نیز در آنجا حضور داشت خواسته های خود را مطرح کردند. اما از آن تاریخ به این سو هیچ پاسخ روشنی به هماهنگ کنندگان طومار داده نشده و از تحقق خواست های سی هزار کارگر امضا کننده طومار نیز خبری نیست.
پاسخ گو نبودن مسئولان دولت و مجلس به مطالبات سی هزار کارگر در حالی همچنان ادامه دارد که جلسات شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۲ در حال برگزاری است. یکی از مهم‌ترین خواسته های کارگران در طومار اعتراضي، افزایش حداقل دستمزدها بر اساس تورم فزاینده کنونی و تامین سبد هزینه یک خانوار چهار نفره بوده است.
بر اساس نامه هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی به استانداری تهران، این کارگران خواهان صدور مجوز برای برپایی تجمع کارگری در مقابل وزارت کار در خیابان آزادی در روز ۲۸ بهمن ماه جاری از ساعت ۱۰ صبح لغایت ۱۲ ظهر شده‌اند.
بر اساس اصل ۲۷ قانون اساسی " تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها ، بدون حمل سلاح ، به شرط آن که مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است." و بر اساس قوانین جاری کشور نیروی انتظامی مسئول برقرای نظم و امنیت این گونه راهپیمایي‌ها و تجمعات اعتراضی است. اما سالهاست که این اصل تنها برای تجمعات و راهپیمایي‌های که گروه های وابسته به حکومت برگزار کننده ی آن مي‌باشد، مصداق پیدا مي‌کند و مسئولین از دادن مجوز به راهپیمایي‌ها و تجمعات اعتراضی مردمی خودداری مي‌کنند.
به عنوان مثال ۱۵۰۰ تن از کارگران سابق و فعلی گروه صنعتی انتخاب در پی استمرار ممانعت شرکت «دوو الکترونیک» از باز پرداخت مطالبات این مجموعه، صبح دیروز (۸ بهمن ماه) در مقابل سفارت کره جنوبی در تهران تجمع کردند. در تاریخ یک آبان گذشته نیز کارگران معترض این کارخانه مقابل سفارت کره جنوبی تجمع داشتند، که این تجمع ها نه تنها توسط نیروهای نظامی سرکوب نشد، بلکه مسئولیت برقراری نظم آنها را نیز بر عهده داشت و استانداری تهران نیز از قبل مجوز قانونی برگزاری این تجمع اعتراضی را صادر کرده بود!

برای تجمع اعتراضی مقابل سفارت یک کشور خارجی و اعتراض به بي‌قانوني‌های اعمال شده در یک شرکت خارجي، کارگران از کارخانه‌های مختلف گروه صنعتی انتخاب، شبانه از

اصفهان حرکت کرده بودند و به تهران آمدند و بعد با هماهنگی شرکت واحد با اتوبوس‌های شهری از ترمینال جنوب عازم خیابان ملا صدرا شده بودند تا در مقابل سفارت کره جنوبی به مدت ۲ ساعت اعتراض کنند و در نهایت به‌همان شکل و ازهمان راهی که آمدند باز گردانده شدند.
صدور مجوز برای این تجمع اعتراضی کارگری در حالی صورت گرفته بود که این امر در میان جامعه کارگری متداول نیست و مسئولین حتی حاضر نیستند که برای تجمعات غیر اعتراضی کارگران در ایامی همانند جشن‌های روز جهانی کارگر مجوزی صادر کنند. اکنون سالهاست که این تجمعات و مراسم یا برگزار نمي‌شوند و یا اینکه تنها تشکل‌های کارگری که زیر فشار نظارت استصوابی دولت و کارفرما بوجود آمده اند، تنها مي‌توانند این مراسم‌ها به شکل علنی و رسمی برگزار کنند؛ و آن هم نه در خیابان بلکه در امکان سربسته. برای نمونه مراسم روز جهانی کارگر امسال در ورزشگاه شهید شیرودی برگزار شده بود و استانداری تهران مجوزی برای راهپیمایی و برگزاری این مراسم در خیابان و فضای عمومی باز صادر نکرده بود.
رعایت اصل ۲۷ قانون اساسی گویا تنها برای راهپیمایي‌های و تجعات اعتراضي‌ای است که حکومت به زعم خود در آن ذی نفع است و وقتی که دلیل راهپیمایی و تجمع اعتراض به بي‌قانوني‌های اعمال شده از طرف دولت و کارفرماهای خصوصی ایرانی است این قانون شأنیتی برای اجرا و عمل ندارد. نیروهای انتظامی نیز تنها وقتی که پای تجمعات حکومتی در میان باشد، مسئول تامین امنیت راهپیمایی و مردم شرکت کننده در آن هستند؛ در غیر این صورت تنها باتوم است و گاز اشک آور.
اکنون وزارت کشور و مسئولین امر دوباره در مقابل آزمون مهمی قرار گرفته اند تا میزان پایبندی شان به قانون را نشان دهند. همکاری و مساعدت مسئولین کشوري، شهری و انتظامی در برگزاری تجمع اعتراضی کارگران مقابل سفارت کره جنوبی بسیار درخور تحسین و ستایش است. از همین رو انتظار می رود که مسئولین وزات کشور و استانداری تهران سعه صدر نشان داده و همچون تجمع اعتراضی کارگران مقابل سفارت یک کشور خارجي، برای این تجمع اعتراضی مقابل وزارت کار نیز مجوز صادر کنند و نیروی نظامی نیز امنیت برگزاری این تجمع را به عهده بگیرد.

اعتصاب ۸۰۰ کارگر پیمانکاری شرکت «فرا ساحل» از زیر مجموعه‌های شرکت بزرگ «صدرا»

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در دهم بهمن 91 آمده است: دیروز دوشنبه نهم بهمن ماه، ۸۰۰ نفر از کارگران شرکتهای پیمانکاری ساحل سازان، عمران ذوبان و ایمن سازه از مجموعه شرکتهای پیمانکاری «شرکت فراساحل» بطور همزمان دست از کار کشیدند و هر کدام دست به تجمع اعتراضی در مقابل کارگزینی مجموعه‌های خود زدند و خواهان پرداخت دستمزد مهر ماه‌شان شدند.
دستمزد این کارگران بمدت سه ماه از شروع کار هیچگاه پرداخت نمی‌شود و این مدت از دستمزد آنان بطور دائم و بعنوان ضمانت در نزد پیمانکاران تا زمان تصفیه حساب کارگران باقی می‌ماند. با اینحال شرکتهای پیمانکاری مجموعه صنعتی «فرا ساحل» با وجود گذشت ده روز از بهمن ماه دستمزد مهر ماه این کارگران را نیز پرداخت نکرده‌اند به همین دلیل این کارگران در اقدامی متحدانه دیروز دست به اعتصاب زدند و خواهان پرداخت دستمزد مهر ماه خود شدند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال این اعتصاب و تجمع اعتراضی، مسئولین شرکتهای پیمانکاری با حضور در میان کارگران اعلام کردند از آنجا که «شرکت صدرا» هیچ پولی به آنان نداده است در نتیجه آنان هم قادر به پرداخت دستمزد کارگران نیستند با اینحال کارگران اعتصابی به اعتصاب و تجمع خود تا پایان ساعت کاری ادامه دادند و پس از تعطیلی شرکت بدون اینکه پاسخ روشنی به خواست‌هایشان داده شود عازم منازل خود شدند.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، بدنبال اعتصاب و تجمع دیروز ۸۰۰ کارگر پیمانکاری شرکت صدرا، زمزمه تعطیلی شرکت «فرا ساحل» تا روز شنبه آینده مطرح شده است. این در حالی است که تاکنون کارگران شرکتهای پیمانکاری ساحل سازان، عمران

ذوبان و ایمن سازه از زیر مجموعه‌های شرکت «فرا ساحل» حتی در تعطیلات رسمی نیز مجبور به کار می‌شدند و کارگران شرکت ساحل سازه اغلب اوقات از ساعت ۷ صبح تا ده شب بطور یکسره مشغول به کار بودند و در این ساعت از شب بناچار با هزینه شخصی خود عازم منازل و خوابگاه‌هایشان می‌شدند.
صدرا جزیرهٔ صنعتی بزرگی است که سهامدار عمدهٔ آن دولت است. شرکت «صدرا» که در این جزیره مستقر است شامل دو بخش مجزا با مدیریت جداگانه به نام شرکتهای «کشتی سازی صدرا» و «شرکت فراساحل» است. شرکت «کشتی سازی صدرا» سازنده کشتی‌ها و شرکت «فرا ساحل» سازنده سکوهای نفتی و گازی بر روی دریاست. مدیریت «شرکت صدرا به عنوان شرکت مادر» در تهران است و علاوه بر بوشهر در خرمشهر نیز دارای زیر مجموعه‌هایی می‌باشد.

عدم پرداخت سه ماه حقوق کارگران شرکت تایت واتر بندرعباس وابسته به سپاه پاسداران

بنا به گزارش منتشره ۱۰بهمن، شرکت تایت واتر بندرعباس وابسته به سپاه پاسداران سه ماه حقوق کارگران را پرداخت نکرده است.
براساس این گزارش بنقل از منابع محلی، تعداد زیادی از کارگران شرکت تایت واتر سه ماه حقوق معوقه دارند و حقوقی دریافت نکرده‌اند.
شرکت تایت واتر بندرعباس یکی از بزرگ‌ترین شرکت‌های حمل و نقل و بارگیری کانتینر در اسکله بندر عباس است و ۵۲درصد از سرمایه این شرکت متعلق به سپاه پاسداران است.

شکستگی لوله آب ۳ کارگر سیرجانی را گرفتار کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در تاریخ 10 بهمن آمده است : شکستگی لوله آب ۳ کارگر شهرداری سیرجان را گرفتار کرد.
بنا بهمین گزارش، شکستگی لوله فضای سبز شهرداری سیرجان که بعد از ظهر امروز در طرح کانال انتقال آب مجتمع گل‌گهر به وجود آمد، کارگران را بر آن داشت تا برای ترمیم این شکستگی وارد کانال با عمق دو متری شوند.
با ریزش این کانال سه کارگر شهرداری سیرجان زیر آوار گرفتار شدند.
ناصر ستوده‌نیا مسئول آتش‌نشانی سیرجان گفت: نشت آب از طریق لوله شکسته و شنی بودن کانال موجب این حادثه شد که حسن پورجعفرآبادی کارگر ۲۱ ساله دچار مرگ مغزی شد و حال وی وخیم است.
وی افزود: دو کارگر دیگر نیز در بیمارستان بستری و تحت درمان قرار گرفتند.

یک کارگر ساختمانی در شهر مریوان جان سپرد

به گزارش ۱۰بهمن کُردپا، در 10 بهمن آمده است: روز گذشته یکی از کارگران ساختمانی در شهر مریوان به علت سقوط از بلندی در حین کار، جان خود را از دست داد.
هویت این کارگر متأهل ۴۵ساله، «حسین» و از اهالی روستای «نژمار» اعلام شده است.
سابقهٔ کاری این شهروند کُرد ۱۵ سال می‌باشد و به سبب نبود ایمنی در محل کار و بی‌توجهی کارفرما، دچار حادثه شده بود.
حسین دارای ۴۵ سال سن بوده است.

هفتمین سالگرد اعتصاب بزرگ سندیکای کارگران شرکت واحد

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه - گروه کارگری در تاریخ 10 بهمن 1 آمده است : طی روز های گذشته هشتم بهمن، هفتمین سالگرد اعتصاب بزرگ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه بوده است. در این اعتصاب که در هشت بهمن ۱۳۸۴ به وقوع

پیوست بیش از ۵۰۰ تن دستگیر و مورد ضرب و شتم نیروهای نظامی و امنیتی قرار گرفته بودند. این اعتصاب برای احقاق حقوق کارگران، نام سندیکا کارگران شرکت واحد را در کل کشور و مجامع بین المللی و حقوق بشری بلند آوازه ساخت. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه در سال ۱۳۳۷ تأسیس شد و از آن زمان تا کنون فراز و نشیب زیادی را طی کرده است.

تاریخچه سندیکای کارگران شرکت واحد

شاید تاکنون به این فکر نکرده باشیم که کلمه "واحد" در نام شرکت اتوبوس رانی واحد از کجا آمده است. محمد گیلانی نژاد در شماره چهل و یک "پیام فلزکار"، نشریه سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، در مورد تاریخچه سندیکای شرکت واحد نوشته است: اوایل دهه سي، دو بنگاه حمل و نقل درون شهری با هم در رقابت بودند، با نام های اتو توکل متعلق به حاج آقا توکل و اتو واحد متعلق به حاج آقا واحد. در دوران دکتر مصدق قرار بود طرحی اجرایی گردد که سرویس حمل و نقل شهری با مدیریت دولتی در تهران راه اندازی شود. در سال ۱۳۳۵ حاج آقا واحد توانست رقیب را از میدان بدر کرده و امتیاز تنها سرویس حمل و نقل درون شهری را به خود اختصاص دهد، و قرار شد اتو توکل هم سرویس حمل و نقل حومه تهران را پوشش دهد. در ۱۴ تیر ۱۳۳۵ شرکت اتوبوسرانی واحد افتتاح شد و اولین اتوبوس از میدان فردوسی به سمت بازار حرکت کرد. فعالین باقی مانده از یورش ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ که در شرکت واحد استخدام شده بودند، با توجه به راه اندازی این سرویس حمل و نقل درون شهری و با استفاده از تجربیات سال های گذشته اقدام به تبلیغ برای تشکیل سندیکا نمودند. سال ۱۳۳۶ اولین هیات موسس سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که دفتری در زیرپل چوبی اجاره کرده بود، شروع به فعالیت نمود. در تاریخ ۲۷ فروردین ۱۳۳۷ هیات موسس جشنی برای افتتاح سندیکا واقع در لاله زار تماشاخانه تهران گرفت که باقر روغنیان دبیر سندیکای مستقل کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با شماره ثبت ۸۲ دعوت کننده این مراسم بود.

در مهر ۱۳۳۷ اولین انتخابات هیات مدیره سندیکای کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه برگزارشد. و فرج فرج الهی به عنوان رئیس هیات مدیره و یوسف ساروخانیان به عنوان دبیر انتخاب شده بود. درسال ۱۳۳۹شرکت واحد از دادن حق عایله‌مندی خودداری کرده و روز جمعه را روز کار و نیامدن به سرکار موجب کسر کار و جریمه اعلام نمود. در مخالفت با این مساله رانندگان دست به اعتصاب زدند. هرچند هیات مدیره سندیکا با این اعتصاب مخالف بود، ولی رانندگان با پارک کردن اتوبوس های خود در کنار خیابان و نشستن بر روی جدول کنار خیابان، بدون هیچگونه عمل اعترض آمیزی دیگري، با سکوت کامل اعتصاب را شکل دادند. پلیس آگاهی تهران به محض اطلاع از این موضوع و دستگیری رانندگان اعتصاب راشکسته و شرکت واحد نیز با اخراج دست جمعی هیات مدیره و اعضای فعال سندیکا به این حرکت واکنش نشان داد. در حالی که برخی از رانندگان در بازداشت به سر می بردند، هیات مدیره به دبیری یوسف ساروخانیان با کارفرما وارد مذاکره شد، و با حمایتی که ازطرف رانندگان و کارگران می شدند حق عایله مندی را به کارفرما قبولانده و رانندگان زندانی آزاد شدند و همگی به کار بازگشتند.

در اواخر سال ۱۳۳۶ با همت محمد پروین گنابادی و مهندس ارداقی "انجمن طرفداران اجرا و اصلاح قانون کار" تشکیل گردیده و بصورت جریانی آموزشی پا به عرصه مبارزات کارگری مي‌گذارند. این انجمن در بالابردن سطح آگاهی در میان فعالین سندیکایی نقش بسیاری مهمی در جنبش کارگری ایران داشته است. تلاش این انجمن و سایر سندیکاها موجب شده بود که تا طرح عایله مندی پس از این اعتصاب شامل همه کارگران و مزد بگیران ایرانی شود.

در سال ۱۳۴۰ در جریان بازدید نخست وزیر وقت علی امینی از شرکت واحد، اعضای هیات مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد با وی در محل تعمیرگاه شرکت واقع در نارمک جلسه

ای برگزار کردند. در این جلسه مذاکره کنندگان ازکسر مالیات از حقوق ناچیز کارگران معترض بوده و خواستار رفع این مشکل بودند. علی امینی پس از مشورت با ملایری مدیرعامل شرکت واحد (کارفرما) به سندیکا اعلام نمودکه از این پس مالیات از سودحاصله از درآمدخود شرکت واحد کسر خواهد شد و بدینسان کارگران شرکت واحد تا سال ۱۳۵۹ از کسر مالیات ازحقوقشان معاف شدند.

سندیکای کارگران شرکت واحد بعد از انقلاب

بعد از انقلاب به مرور از فعالیت سندیکاهای کارگری جلوگیری شد و تشکل های کارگری ای که تحت نظارت استصوابی دولت شکل گرفته بودند، جایگزین سندیکاهای کارگری شد. اما رانندگان شرکت واحد در سال ۱۳۸۴ توانستند بعد از سالها سرکوب فعالان سندیکایي، سنت سندیکا را در کشور احیا کنند. در این سال سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه بازگشایی شد و شروع به کار کرد. البته مثل همیشه این فعالیت ها همراه با سرکوب و زندان و شکنجه همراه بوده است.

اعتصاب کارگران سندیکای شرکت واحد در هشتم بهمن ۱۳۸۴ به حدی گسترده بود که موجب شد تا نام سندیکا در همه کشور شنیده شود و برای اولین بار جامعه ایرانی بعد از انقلاب دوباره با پدیده اعتصاب به عنوان ابزاری قانونی برای پیگیری مطالباتش آشنا شده بود. این اعتصاب در پی آن انجام گرفت که شهردار تهران، قالیباف و مدیرعامل وقت شرکت واحد حاضر نشد به خواست کارگران را عملی کند.

داود رضوی در مورد مشکلاتی که منجر به این اعتصاب شده است می گوید: "سال ها بود که رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی از ابتدایی ترین حقوق و مزایا خود محروم بودند و کمترین مزد را جهت بیشترین کار دریافت میکردند. و با صراحت میتوان گفت هیچ مزایایی جز حداقل حقوق دریافتی نداشتنند و حتی دریافتی پول ناهارشان ماهانه برابر بود با یک عدد ساندویچ. هیچ امید و روزنه ای جهت مسکن وجود نداشت و میتوان گفت نود درصد کارگران بخصوص رانندگان مستاجر بودند آنهم در حاشیه و شهرهای اطراف تهران. با توجه به اینکه رانندگان در آلودگی شدیدهوا کار میکنندد اما از مزایای شیر روزانه محروم بودند. و یا حتی لباس کار نداشتند و با لباس شخصی خودشان باید کار میکردند. به اجبار باید هم رانندگی میکردند و هم کار کمک راننده را انجام میدادند و در اصل دو نوع کار انجام میدادند و یک حقوق دریافت میکردند. رانندگان از مزایای واقعی مددکاری و امکانات پزشکی محروم بودند. در واقع تمام این کاستی ها و بی توجهی به مشکلات کارگران زمانی بود که شوراهای اسلامی کار که تحت پوشش خانه کارگر، بازوی کار فرما بودند و نقش نماینده کارگر را در شرکت واحد بازی میکردند."
در روز شش بهمن بعد اکثر اعضای هیات مدیره سندیکا بازداشت شدند. اطلاعیه سندیکا مبنی بر اعتصاب به شکل وسیعی در سطح شهر بین رانندگان پخش شده بود. هشتم بهمن، سپیده دم سرد زمستان است و رانندگان معمولا ساعت پنج صبح در توقفگاه های اتوبوس های شرکت واحد حاضر می شوند. قرار است که رانندگان با حضور در توقفگاه ها دست از کار بکشند و اتوبوس ها را به شهر حمل نکنند. داود رضوی فعال سندیکایی آن سپیدم را چنین توصیف می کند: "سال‌ها بود که تهران چنین فضای امنیتی را در سطح شهر به خود ندیده بود. شاید بتوان گفت بعد از وقایع کوی دانشگاه در سال ۷۸ این اولین باری بود که حضور گسترده‌ای از یگان‌های ویژه و مامورین لباس شخصي‌ها در خیابان‌های تهران به چشم مي‌خورد. توقفگاه‌های شرکت واحد در مناطق ۲۲ گانه شهر تهران قرار دارد، به دلیل این پراکندگی و اهمیت سرکوب این اعتصاب که بسیار مهم بود شایدبتوان گفت ده‌ها هزار نیروی یگان ویژه در سرکوب این اعتصاب شرکت داشتند. بطور مثال توقفگاه منطقه یک و دو در آن زمان در خیابان هنگام بعد از میدان رسالت قرار داشت، اما حضور مامورین و لباس شخصي‌ها ازپل سید خندان بطور پراکنده و فشرده در کل بزرگراه رسالت تا درب توقفگاه به چشم مي‌خورند، در میدان رسالت از رهگذران کارت شناسائی مي‌خواستند و هر که راننده

سندیکائی شرکت واحد بود قبل از رسیدن به محل کار ش بازداشت مي‌شد. در مناطق مختلف اتوبوسرانی در داخل توقفگاه‌ها حضور یگان‌های ویژه حتی از تعداد رانندگان بیشتر بود، در منطقه چهار اتوبوسرانی در محله نازی آباد تونلی بزرگ از مامورین یگان ویژه در مقابل درب توقفگاه درست شده بود و رانندگان باید از این تونل عبور مي‌کردند تا به داخل مي‌رفتند و سوال مي‌کردند آیا کار مي‌کنی یا نه؟ آن‌ها ئی که کار نمي‌کردند تا ته صف برسند زیر ضربات باتون قرار مي‌گرفتند، و داخل اتوبوس‌های از قبل آماده شده انداخته مي‌شدند، معمولا اکثرا از این ضربات نصیبشان مي‌شد. در منطقه ۹ اتوبوسرانی آنقدر حضور مامورین یگان ویژه زیاد بود که سطح توقفگاه از این حضورسیاه رنگ به نظر می رسید.“

در این اعتصاب بیش از ۵۰۰ تن دستگیر شدند و بیش ۴۰۰ تن از کار اخراج شدند که با پایداری و تلاش اعضای سندیکای شرکت واحد تقریبا اکثرا از زندان آزاد و بعد از مدتی به سر کار خود بازگشتند. اما سرکوب و فعالان سندیکایی با این بازگشت به کار رانندگان متوقف نشده است و هنوز هم ادامه دارد. منصور اسالو چهار سال در زندان ماند و سپس با قید ضمانت آزاد شد. ابراهیم مددی سه سال و نیم در زندان بود و با پایان دوره محکومیت اش آزاد شد. و اکنون رضا شهابی از دیگر اعضای این سندیکا هنوز زندانی است که این روزها در مرخصی برای درمان بیماری های که در اثر شکنجه در زندان دچارش شده است در بیرون از زندان به سر می برد.

وضعیت کنونی سندیکای کارگران شرکت واحد
منصور اسانلو در گزارشی که در هفته گذشته نسبت به وضعیت یک ساله سندیکا نشر داده است بخشی ها از بی قانونی ها و سرکوب سندیکای کارگران شرکت واحد را بیان کرده است. اسانلو در این گزارش اش نوشته است: ”چند سال پیش فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF)، کتابی را در ارتباط با حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر منتشر کرد که در بررسی این حقوق از موضع دستیابی کارگران به حقوق خویش، حقوق کارگران را هم عرض حقوق بشر دانست. نام کتاب، حقوق کارگران، همان حقوق بشراست، که در سایت فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) موجود می باشد، پیرو این مقدمه در رابطه با پایمال شدن گسترده حقوق بشر در ایران و به ویژه حقوق کارگران ایراني، با آغاز فعالیت های سندیکایی کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در ایران از سال ۱۳۸۳ به بعد هزینه های گسترده ای به این سندیکا و اعضا، رهبران و فعالان آن تحمیل گردید، از جمله اخراج های دسته جمعی و زندانی شدن های دسته جمعی کارگران، حمله به دفتر و تشکیلات سندیکا، سرقت لوازم و قبوض و اموال و پول های سندیکا توسط عوامل شوراهای اسلامی کارفرمایی شرکت واحد و خانه کارگری های غاصب ساختمان سندیکای کارگران ایران در خیابان ابوریحان و ضرب وشتم رئیس و نائب رئیس و دیگر اعضای هیئت مدیره و اعضای هیئت موسس آن روز سندیکا، در تاریخ ۱۹/۲/۱۳۸۴ و تحمیل و فشار و تهدید و ایجاد رعب و وحشت بین کارگران برای جلوگیری از آنها در جهت پیوستن به سندیکای کارگری مستقل و آزاد و دموکراتیک خویش که کماکان ادامه دارد و بر خلاف قولهایی که مسئولان دولتی و اولیای وزارت کار به نهادهای بین المللی کار از جمله ILO ، سازمان جهانی کار و فدراسیونهای سراسری جهانی کارگری و کمیته دفاع از حقوق فعالیت های اتحادیه ای در ژنو دادند، هنوز فشار وتهدید و ارعاب و اخراج بر علیه کارگران سندیکایی در شرکت واحد و دیگر نهادهای کارگری از جمله هیئت موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، اتحادیه کارگران پروژه ای و سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کانون مدافع حقوق کارگر و هیئت های موسس اتحادیه ها و سندیکاهای دیگر کارگری ادامه دارد- لذا برای رشد فعالیتهای سندیکایی باید مبارزه برای رشد آزادیها و دمکراسی هماهنگ با اصول اعامیه جهانی حقوق در دستور کار قرار گیرد. “
در ماه های اخیر پنج تن از اعضای سندیکا با نام های حسن سعیدي، وحید فریدوني، ناصر محرم زاده، علی نوریانی و فرحناز شیری از کار اخراج شده اند که اسالو در گزارش خود شرح دقیقی از این اقدام غیر قانونی مسئولین ارائه کرده است.
امید است که سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه با اتحاد و همدلی همه اعضای خود، همچون گذشته، سعی در احقاق حقوق کارگران داشته باشد و در سازمان

یابی کارگران، خارج از نظارت استصوابی دولت و کارفرما و مستقل از گرایشات سیاسی احزاب، گام ها استوار و بلندی بردارد

به علت کمبود پرستار همراهان جایگزین پرستاران می شوند

به نوشته سایت سلامت نیوز در 10 بهمن 91 آمده است : دکتر میرزابیگی رئیس نظام پرستاری در گفتگو با باشگاه خبرنگاران گفت: علیرغم اینکه فعالیت کادر پرستاری طبقه بندی شده است اما به علت کمبود نیروی پرستاران متأسفانه در مراکز درمانی بهیاران جایگزین کار پرستاران می شوند.
یعنی فردی با تخصص پایین جایگزین و متولی انجام تخصص بالاتر از علم خود شده که بیماران به شدت متضرر این موضوع هستند.
وی افزود: درنظام سلامت هر فرد باید فعالیت خود را انجام دهد اما حتی در برخی از بیمارستان ها چه دولتی و چه خصوصی شاهدیم که حتی همراه بیمار نیز جهت انجام کارهای بیمار خود باید مبلغی را نیز به بیمارستان واریز نماید که تمامی این مشکلات به علت کمبود پرستاران ایجاد می شود.
وی با بیان اینکه حتی در بخش خصوصی مبالغی بالغ بر 100 هزار تومان از همراه بیمار دریافت می شود خاطر نشان کرد: بیشترین آسیب ناشی از کمبود پرستاران به بیماران وارد می شود.
وی افزود: قانون ارتقا بهره وری مشکلات ناشی از کمبود پرستاران را بررسی کرده است و با جذب بیشتر پرستاران می توانیم شاهد ارائه خدمات بهتر در حوزه سلامت باشیم.
وی افزود: سلامت نعمتی همگانی است نه تجاری لذا باید همه ارگان ها در جهت ارائه آن کوشا باشند.

"در حمایت از اطلاعیه اخیر سندیکای کارگران شرکت واحد، در راستای تصمیم گیری جمعی و شورایی"

"سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه" اخیرن اطلاعیه ای را تحت عنوان "برکناری منصور اسانلو از ریاست هیئت مدیره سندیکا" انتشار داده است که از برخی جهات حاوی نکات و موارد با اهمیتی در ارتباط با جنبش کارگری و مسائل و موضوعات "درونی این سندیکا" است. اهم آن ها عبارتند از: ۱ــ هیئت مدیره این سندیکا، در اطلاعیه کوتاه خود، به ویژه بر روی "برکناری منصور اسانلو، از ریاست هیئت مدیره این تشکل کارگری، "به علت انجام تخلفات متعدد و عدم پایبندی به تعهدات و نادیده گرفتن هشدارها و اعتراضات درونی این سندیکا"، تأکید کرده و اعلام نموده است که نامبرده "از این تاریخ هیچگونه سمت و مسئولیتی در این سندیکا ندارد." سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه همچنین از فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) - به این دلیل که خود را عضوی از آن فدراسیون می داند - خواسته است تا "همه ارتباطات، همکاری ها وحمایتهای"خود را از ایشان (منصور اسانلو) قطع نمایند."
این که دقیقن کدام مسائل و معضلات و در واقع تا چه درجه از "انجام تخلفات" و "عدم پایبندی"ها از جانب منصور اسانلو، سبب شده است تا هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد **به اتفاق آرا** اطلاعیه ای را با این لحن و مضمون برای برکناری وی از ریاست این سندیکا در دستور کار خود بگذارد و آن را در سطح جنبش کارگری اعلام نماید، هنوز بر ما روشن نیست. اما آن چه از خود متن اطلاعیه استنباط می شود و ظاهرن هیئت مدیره را متفقن به عکس العمل در قبال عملکرد شخص منصور اسانلو واداشته، همانا استمرار و"تعدد تخلفات" نامبرده و یکه تازی و "عدم پایبندی" او به "تعهداتی" بوده است که سندیکا و دیگر اعضای این تشکل بر روی آن ها تأکید داشته و خود اسانلو نیز زمانی به آن ها "پایبندی" نشان می داده است. هیئت مدیره سندیکا در اطلاعیه خود همچنین تأکید می کند که آقای اسانلو به دفعات "هشدار ها و اعتراضات درونی سندیکا" را در ارتباط با "تخلفات" و خطاهای خود نادیده گرفته و "عدم پایبندی" خویش را به آن "هشدارها و اعتراضات" نشان داده است . لذا با توجه به رای و تصمیم جمعی اعضای هیئت مدیره و تأیید و حمایت برخی دیگر از کارگران و اعضای این تشکل از این تصمیم، از ریاست هیئت مدیره این سندیکا برکنار شده است.
این البته سنتی خوب و پسندیده است که باید از جانب کارگران آگاه و فعالین و تشکل های کارگری مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد . بارقه ها و نشانه های یک سنت دیرپا و ارزشمند کارگری، سنت

شورایی کارگران، آشکارا در این حرکت دیده می شود. باید آنرا به حد کافی برجسته کرد و تقویت نمود و از جوانب و ابعاد مختلف گسترش داد. تقویت این حرکت و حرکت هایی از این دست به منزله تأیید و تکریم کار و خرد جمعی کارگران است. به ویژه این که در راستای امر اصولی و درستی انجام شده باشد.

واقعیت این است که بخصوص در کشور ما و در روند کار و فعالیت تشکل های کارگری سال های اخیر، کم تر به این سنت و این روال کار توجه شده است. سنت یاد شده بر این پایه و منطق استوار است که "در یک تشکل جدی کارگری، افراد با هر درجه از سابقه و اعتبار، اگر مرتکب انجام خطا و "تخلف" گردند و مهم تر از آن، به "هشدارها و اعتراضات" دیگر اعضا و کارگران، در خصوص اجتناب از "تخلفات" و خطاهای ارتکابی بی اعتنا باشند و در یک کلام به گونه ای برخورد نمایند که گویی تشکل و نهاد مورد نظر، ملکِ طلقِ آن ها است، باید که از جانب دیگر اعضا و کارگران مورد سؤال و مؤاخذه قرار گرفته و در صورت "عدم پایبندی به هشدارها و اعتراضات" کارگران حتی از منصب و جایگاهی که در آن قرار گرفته اند برکنار شوند. این اطلاعیه نشان می دهد که این روند عینن در شرکت واحد و در خصوص شخص منصور اسانلو طی شده است. با توجه به متن اطلاعیه و نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیئت مدیره این سندیکا، نامبرده بارها دست به "تخلف" از ضوابط و معیارهای موردنظر و قبول این سندیکا ــ که بعضن در اساسنامه این تشکل کارگری نیز قید شده است ــ زده و آن ها را زیر پا گذاشته است. و وقتی هم که به او هشدار داده می شد که دست از این گونه اعمال فردی بردارد، به هشدارها توجه و پایبندی لازم را نشان نمی داده است. جنبش اصیل کارگری باید جایی در برابر این یکه تازی ها و بی حرمتی ها نسبت به تصمیمات و عملکردهای جمعی کارگران و تشکل های کارگری قد علم کند و در مقابل آن بایستد. هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در واقع با این اطلاعیه، اقدام به این کار کرده است و دقیقن از همین زاویه است که باید اطلاعیه مورد نظر را که تصمیم پسندیده ای را در این خصوص گرفته و شجاعانه اقدام به انعکاس آن در سطح جنبش کارگری کرده است، به فال نیک گرفت و مضمون آن را تقویت نمود و برجسته کرد. کارگران شرکت واحد و هیئت مدیره محترم آن، هیچگاه اقدامات و فعالیت های کارگری و حق طلبانه منصور اسانلو و هر شخص دیگر را، تا آن جا که به منفعت کارگران ربط پیدا می کند و در دفاع از منافع و حرمت آن هاست از یاد نبرده و نخواهد برد. این قبیل فعالیت ها ــ چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه موافق آن ها باشیم و چه نباشیم ــ از جانب هر کس که باشد در تاریخ فعالیت ها و مبارزات جنش کارگری ثبت شده اند. اما سئوال این جاست که همه ی آن ها آیا می تواند توجیهی برای اقدامات خودسرانه و بعضن نگران کننده برخی افراد و فعالینی باشد، که یک نمونه آن، انعکاس گزارش سالانه این سندیکا از جانب آقای اسانلو است که کاملن خودسرانه و بدون حتی کوچکترین هماهنگی با هیچ یک از اعضای این تشکل در سطح جنبش منتشر شده است؟

این سنت را که فلان شخص یا بهمان فعال سرشناس جنبش کارگری ــ و یا هر جنبش دیگری ــ حق داشته باشد، به صرفِ سال ها فعالیت در این عرصه و دفاع از حقوق کارگران حتی، به گونه ای دلبخواهی و سرخود، بدون این که دیگر کارگران و اعضای سندیکا را حتی در جریان برخی اعمال و اقدامات خود قرار دهد ــ مشورت پیشکش ایشان - و یک تنه دست به هر اقدامی بزند و هرعملی را ــ اگر چه بعضن ناپسند و نگران کننده ــ توجیه نموده و به طور دلبخواهی در صدد انجام آن ها برآید و بدتر از همه به "اعتراضات و هشدارهای" دیگر همکاران کارگر خود نیز وقعی نگذارد و اصلن آن ها را به حساب نیاورد و . . . دیگر باید دور ریخت و در زباله دانی تاریخ جایی برای آن در نظر گرفت. باید با این قبیل جاه طلبی ها و چهره سازی ها به مقابله برخاست. این خود نشانه رشد و تعالی جنبش کارگری است که دیگر این گونه چهره پردازی ها و فرد گرایی ها را نمی پذیرد و در برابر آن می ایستد. اتفاقن حرکت هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، در انعکاس این اطلاعیه، درست در همین جا و از این زاویه است که ارزش پیدا می کند. باید آن را به فال نیک گرفت و در حد یک الگو، در این قبیل موارد از آن استفاده نمود. نباید آن را تضعیف کرد و به باد ناسزا و تهمت گرفت. این اطلاعیه را هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، به اتفاق آرا و پس از یک دوره طولانی برخورد با این شخص (منصور اسانلو) در بسیاری از زمینه ها، در دستور کار گذاشته و در سطح جنبش انعکاس داده اند. "مشکوک"، "اطلاعاتی" ، " ارتجاعی" و " عقب مانده" خواندن این حرکت و این اطلاعیه، بیش از آن که این برچسب ها را به این اطلاعیه و هیئت مدیره این سندیکا بچسباند، نویسندگان چنین ردیه هایی را افشا می کند و ادبیات و شیوه های برخورد آن ها را در مواجهه با یک تشکل کارگری به نمایش می گذارند. از ظاهر امر پیداست که هیئت مدیره سندیکا، هنوز خیلی چیز ها را نگفته و خیلی قضایا را رو نکرده است. این قضایا ممکن است در آینده و به وقت مقتضی روشن شوند و در معرض نگاه و قضاوت جنبش قرار بگیرند. قضایایی که هیئت مدیره این سندیکا را به حد کافی نگران کرده و به دادن این اطلاعیه ترغیب نموده است. فوریت و لحن اطلاعیه، دقیقن به خاطر همین نگرانی است. بگذریم از این که اگر این گونه هم نبود و چنین نگرانی هایی هم وجود نداشت، در آن صورت هم، ما و هر جریان

جدی دیگری حق نداشتیم که تصمیم جمعی و متشکل هیئت مدیره این سندیکا را بدون هر گونه تحقیق و بررسی ای مورد تخطئه و انکار قرار دهیم و مهر باطل بر آن بزنیم. چنین برخوردهای نسنجیده ای قطعن در آینده ای نه چندان دور دامن این افراد و جریانات را خواهد گرفت. باید از این گونه برخوردها پرهیز نمود و کار را به روال صحیح آن انداخت. باید از این هیئت مدیره و این دوستان به خاطر چنین حرکت درستی حمایت کرد و صدالبته ضعف ها و نارسایی های آن را نیز گوشزد کرد.
واقعیت این که کارگران شرکت واحد اگر بتوانند به عنوان یک حرکت پسندیده و ارزشمند، این گونه تصمیم گیری های جمعی و شورایی را دنبال نموده و با اتکا به دخالت روزافزون کارگران، آن را به سایر موارد، تصمیم گیری ها و اقدامات کارگری خود سرایت دهند و برای گسترش و همه گیر شدن آن تلاش کنند دست به کار مهمی در سطح جنبش کارگری زده اند و به راستی بدعت درست و پسندیده ای را در سطح این جنبش بر جای نهاده اند.
۲- از دیگر نکات برجسته و قابل تعمق این اطلاعیه، تأکید هیدت مدیره محترم این سندیکا، دایر بر عدم پذیرش "نماینده و سخنگو، در خارج از کشور" است. این موضع گیری اصولی و انقلابی، مطمئنن برخی افراد فرصت طلب و گرگ هایی را که در لباس میش برای جنبش کارگری ایران و تشکل های موجود در آن دندان تیز کرده اند یکسره نا امید می کند و خواب های طلایی آن حضرات و جریانات را سخت آشفته و پریشان می سازد . برای این موضع گیری نیز باید به سندیکای کارگران شرکت واحد و هیئت مدیره آن دست مریزاد گفت و آن را نیز به فال نیک گرفت. این سندیکا و این کارگران با این اطلاعیه و این قبیل موضع گیری ها در واقع دست رد بر سینه افراد و نهادهای ارتجاعی و سرمایه سالاری زده اند که به عنوان دلالان و جیره خواران سرمایه همواره مترصد دخالت در این جنبش، به منظور به انحراف کشاندن آن و سوق دادنش به دامان اربابان سرمایه هستند. چنین موضع گیری هایی همچنین دلالت بر سلامت و راست قامتی این جنبش دارد. کارگرانی که با توجه به بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی و دستمزدهای تا چهار برابر زیر خط فقر، حتی یک لحظه در عدم پذیرش وعده های چرب و نرم دلالان خارجه نشین سرمایه درنگ نمی ورزند و عطای پول ها و وعده های "با منظور" و هدفمند آن ها را به لقایشان می بخشند به راستی مستحق قدردانی و احترامند . همان گونه که تا کنون بوده اند.
۳- آخرین موردی را که باید در خصوص این اطلاعیه مطرح کرد راجع به لحن و شیوه بیان آن است. در واقع همین مسئله به نوبه خود مخالفت های زیادی را علیه این اطلاعیه و هیئت مدیره سندیکای کارگران این شرکت برانگیخته است. باید توجه کرد که اطلاعیه اخیر این سندیکا خطاب به "فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF) که سندیکا خود را یکی از اعضای آن می داند و کم و بیش با آن مکاتبات و مراوداتی دارد نوشته شده است و منظور آن البته این بوده است که این "فدراسیون" از این پس با شخص اسانلو، به عنوان "ریاست هیئت مدیره این سندیکای کارگری" ارتباط برقرار نکند و همکاری های احتمالی خود را در ارتباط با این سندیکا، از طریق نامبرده دنبال ننماید . همین و بس. و این البته حرف بسیار درستی است. کسی را که از ریاست سندیکا برکنار شده است نمی توان رابط این تشکیلات با دیگر تشکل ها و نهاد های کارگری دانست. از دیگر مسائل و قضایا هم که بگذریم، اسانلو به صرف این که برای همیشه از کشور خارج شده است بر اساس اساسنامه این تشکل کارگری، از عضویت در این سندیکا و به طریق اولی از ریاست آن برکنار می شود. این مسئله را باید سندیکای کارگران به طور علنی و رسمی به اطلاع این فدراسیون می رساند. و این کار را هم طی اطلاعیه ای انجام داده است . واضح است که نه سندیکا به عنوان یک نهاد حقوقی و نه تک تک اعضای آن راضی نخواهند شد که در مواقع لزوم، اسانلو به عنوان یک انسان و یک فعال کارگری از هرگونه حمایتی محروم شود[۱]. این مسئله اگر چه تا حدود زیادی از همین متن کوتاه استنباط می شود، اما بهتر بود که هیئت مدیره محترم این سندیکا بیش از این به آن وضوح و روشنی می بخشید تا احتمالن ابهامی در این زمینه باقی نماند .

با آرزوی سلامتی و راست قامتی هر چه بیش تر جنبش کارگری و تلاش روز افزون همه فعالین کارگری برای پیشبرد بیش از پیش امر مبارزه ی طبقاتی.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری
سه شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۱

[۱]- بر اساس شنیده های تا کنونی خیلی از همان نهادها و جریانات معلوم الحال از هر طرف به دنبال این به قول خودش "لخ والسای" ایرانی راه افتاده اند تا از او به نحو احسن حمایت (حمایت ؟!!!) کنند . آنان ظاهرن برنامه هایی نیز برای ایشان طرح ریزی کرده اند.

نامه ی یک اخراجی سال ۱۳۶۲

به نوشته سایت اخبار روز بر پایه گزارش دریافتی در 10 بهمن آمده است : در خرداد ۱۳۶۲ شمسی (جون ۱۹۸۳) تعداد ۵۲ تن از کارمندان وزارت امور اقتصادی و دارایی (در زمان تصدی حسین نمازی وزیر و دوران نخست وزیری سید حسین موسوی) از وزارت خانه مزبور اخراج شدند و عده ای از انان را که در کرج کار میکردند به زندان انفرادی گوهردشت بردند برای کاری و جرمی که نکرده اند اعتراف بگیرند.
کارمندان اخراجی ذکر شده به دیوان عدالت اداری شکایت کرده اند و دادنامه های بدوی و تجدید نظر بنفع خودشان اخذ نموده اند. بدیهی است افراد فوق الذکر بسر کار خود بازگشتند و بلافاصله برای بار دوم اخراج شده اند!
اکنون سال ۲۰۱۳ هستیم و حدود ۳۰ سال می گذرد و حق و حقوق ما را نمی دهند. تکلیف ما چیست؟ بایستی چیکار کنیم؟ به چه منبعی شکایت کنیم؟
با تشکر
یکی از ۵۲ نفر اخراجی سال ۱۹۸۳

ادامه تجمع کارگران کشت و صنعت شوشتر در برابر دفتر ریاست جمهوری

به نوشته سایت دویچه وله در تاریخ 10 بهمن آمده است : با گذشت یک هفته از تجمع مطالباتی کارگران نی بر شوشتر و هفت تپه هنوز هیچ مقام یا نهاد مسئولی به خواست آنها توجه نشان نداده است. این دومین بار در سال جاری است که چنین تجمعی برگزار می‌شود.
تجمع اعتراضی کارگران نی‌بر کشت و صنعت کارون شوشتر روز دوشنبه (۹ بهمن/ ۲۸ فوریه) وارد هفتمین روز خود شد.
کارگران شرکت هفت تپه نیزاینک سه روز است که به تجمع کارگران کشت و صنعت کارون شوشتر پیوسته‌اند.
کارگران نی بر کشت و صنعت کارون از سال ۱۳۸۸ به دنبال اصلاح سوابق بیمه‌ای خود بوده‌اند. تجمع جاری پس از آن شکل گرفت که نامه‌نگاری‌های انجمن صنفی کارگران نی‌بر به شماری از مقام‌ها و نهادهای مسئول در این رابطه، بی‌نتیجه ماند.
این انجمن در ۱۴ دی امسال به محمود احمدی‌نژاد، رئیس جمهور ایران نامه‌ای نوشت و با تشریح مشکلات بیمه‌ای کارگران کشت و صنعت شوشتر و نیز شرکت هفت تپه شوش دانیل، از وی خواست که برای اصلاح سوابق بیمه‌ای این کارگران اقدام کند و در تدوین بودجه سال آینده به آن توجه داشته باشد.
کمیسیون شوراها و امور داخلی مجلس شورای اسلامی نیز در پیگیری خواست کارگران یادشده به محمود احمدی‌نژاد نامه نوشته که به این نامه نیز تا کنون ترتیب اثری داده نشده است.
به گزارش خبرگزاری ایلنا کارگران تجمع کرده در برابر نهاد ریاست جمهوری، می‌گویند که «کار ما بریدن نی با قمه است، که با حوادث زیادی همانند بریدن انگشتان دست، بریدن پا، دیسک کمر و حوادث طبیعی همانند حمله حیوانات وحشی مثل گراز همراه است. این حوادث برای تعداد زیادی از همکاران‌مان اتفاق افتاده و پس از مصدومیت از کار بیکار شده‌اند و کسی از آنان حمایت نکرده است.» این مشقات سبب شده که کارگران بیش ازپیش بر خواست خود برای بازنشستگی قبل از موعد تاکید داشته باشند.

شغلی شاق، بیمه‌ای کمر شکن
بنا به مقررات موجود، سهمی که بابت بیمه اجتماعی هر کارگر نی بر باید به صندوق تامین اجتماعی پرداخت شود، ۸۱ میلیون تومان است که از این مبلغ ۶۰ درصد را کارفرما و ۴۰ درصد را خود کارگر می‌پردازد. کارگران سهم خود را کمرشکن می‌دانند و خواهان تعدیل آن هستند.
تقبل بخشی (۵۰ درصد) از این سهم از سوی دولت نیز در کنار اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل خواست دیگر کارگران است.
کارگران کشت و صنعت شوشتر برای چندمین بار متوالی طی چند سال اخیر برای پیگیری مطالبات خود در مقابل ارگان های وابسته به دولت در استان خوزستان اجتماع کردند و حالا برای برای دومین بار در سال جاری است که به تهران آمده و در مقابل نهاد ریاست جمهوری

تجمع می‌کنند.
کارگران شوشتر و هفت‌تپه که شمارشان به ۲۷۰۰نفر می‌رسد روز ۴ بهمن با ناامیدشدن از پاسخگویی دولت، در نامه‌ای به آیت‌الله خامنه‌ای به طرح مطالباتشان پرداختند که این نامه نیز تا کنون بی‌جواب مانده است.
به گزارش ایلنا هنوز هم کمتر مسئول یا نهادی حاضرشده که به خواست کارگران اعتنایی بکند. یکی از کارگران در این رابطه به ایلنا گفته است: « در طول این چند روزی که در تهران هستیم با وجود اینکه همه مسئولان و رسانه‌های دولتی و صدا وسیما از وجود اعتراض ما با خبر هستند حتی کوچک‌ترین سختی به خود راه ندادند تا بیایند و از نزدیک مشکلات ما را جویا شوند.»

آی تی اف در باره موضوع
رانندگان اخراجی با دولت ایران گفتگو می کند

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در 10 بهمن آمده است: دبیر کل‌ای تی اف آقای دیوید کاک رافت به در خواست سندیکای کارگران شرکت واحد مبنی بر برسمیت شناختن تصمیم هیت مدیره سندیکا ی شرکت واحد در مورد بر کناری منصور اسالوو محکوم کردن اخراج رانندگان سندیکایی اخیر که جهت فعالیت‌های سندیکایی اخراج گردیده پاسخ رسمی داد ضمن برسمیت شناختن تصمیم هیئت مدیره سندیکا به وزیر کار و رئیس جمهوری ایران در مورد بازگشت بکار رانندگان سندیکایی نامه فرستاد که متن نامه به انگلیسی و فارسی که در سایت‌ای تی اف و سایت سندیکا درج گردیده:
آی تی اف در باره موضوع رانندگان اخراجی با دولت ایران گفتگو می‌کند-۹ بهمن ماه ۱۳۹۱
امروز آی تی اف موضوع سه راننده اخراجی سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد را مستقیما با دولت ایران مطرح کرد.
دیوید کاکرافت؛ دبیر کل آی تی اف پس از اینکه از اخراج این رانندگان توسط ابراهیم مددی؛ نایب رئیس سندیکای شرکت واحد که از سازمان‌های عضو آی تی اف است، مطلع شد در نامه‌هایی به رئیس جمهور و وزیر کار خواستار بازگشت به کار این رانندگان اخراجی شد.
نامهای این سه راننده حسن سعیدی، ناصر محرمزاده و وحید فریدونی است. هر سه این رانندگان از اعضای فعال سندیکا هستند و پس از فعالیت برای افزایش دستمزد کارگران از کار اخراج شده‌اند. اخراج این سه نفر مستقیما به فعالیت‌های اتحادیه کارگری آن‌ها مربوط است.
دیوید کاکرافت به ابراهیم مددی؛ نایب رئیس سندیکای شرکت واحد» قول داده است که آی تی اف به حمایت خود از هئیت مدیره سندیکای واحد که اولین اتحادیه عضو آی تی اف در ایران است در دفاع از اعضای خود ادامه خواهد داد.»
دیوید کاکرافت همچنین تصمیم هئیت مدیره سندیکا را مبنی بر برکناری منصور اسانلو از پست خود بعنوان رئیس سندیکا برسمیت شناخت و تاکید کرد: «ما حق هئیت مدیره را بعنوان هئیت منتخب اداره کننده سندیکا برای این تصمیم به رسمیت می‌شناسیم و آن را کاملا رعایت می‌کنیم.»

ITF raises sacked drivers case with Iran government
January 2013 28
view larger image
The ITF today raised the case of three sacked Vahed Syndicate bus drivers directly with the Iranian government.
ITF general secretary David Cockroft called for the men» s reinstatement in letters to the country» s president and labour minister، after being alerted to their dismissals by the ITF-affiliated union» s vice chair، Ebrahim Madadi.
The three drivers are Hasan Saiedi، Naser Mohramzadeh and Vahid Feraydouni. All are active union members and have been dismissed after campaigning for higher

.wages. The sackings are clearly directly linked to their union activities
David Cockroft promised Vahed Syndicate vice chair Ebrahim Madadi that the ITF would: «continue to support the board of directors of the Vahed Syndicate، the first ITF affiliate in Iran، in defending your members».
He also acknowledged the decision of the union» s executive board to discharge Mansour Osanloo from the position of the union» s chair، stating «we recognise the right of the board of directors as the elected governing body of the syndicate to take this decision، which we fully respect».
http: //www. itfglobal. org/news-online/index. cfm/newsdetail/8422

ابطال مصوبه دولت و استیضاح وزیر تعاون و کار

به گزارش سایت دویچه وله در 11 بهمن 91 آمده است : علی لاریجانی ضمن ابطال مصوبه هیات دولت در خصوص سپردن اختیارات وزیر کار به معاون اول رئیس‌جمهور، سرپرستی مرتضوی بر سازمان تامین اجتماعی را غیرقانونی دانست. به گفته علی مطهری وزیر کار بزودی استیضاح می‌شود.
علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی مصوبه هیات وزیران پیرامون تفویض اختیارات عبدالرضا شیخ‌الاسلامی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به معاون اول رئیس‌جمهور را ابطال کرد.
علی لاریجانی تصریح کرد که مصوبه دولت بر خلاف قانون بوده و تفویض اختیارات وزیر تعاون و کار به محمدرضا رحیمی وجهه قانونی ندارد. بدین ترتیب لاریجانی ادامه سرپرستی سعید مرتضوی بر سازمان تامین اجتماعی را غیرقانونی دانست.
رئیس مجلس شورای اسلامی از دولت خواست که هرچه زودتر مصوبه خود را اصلاح کند، در غیر این صورت این "مصوبه ابطال" خواهد شد.
دولت برای بازداشتن مجلس از استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، انتصاب مرتضوی به عنوان رئیس سازمان تامین اجتماعی را به رحیمی، معاون اول رئیس‌جمهور سپرده بود.
رحیمی نیز یک روز پس از عزل مرتضوی از مقام خود، وی را دوباره به عنوان رئیس سازمان تامین اجتماعی معرفی کرد.
با ادامه درگیری‌ها میان مجلس و دولت بر سر انتصاب مرتضوی، برخی از نمایندگان بار دیگر طرح استیضاح وزیر تعاون و کار را در دستور کار خود قرار دادند. به گفته خبرگزاری مهر قرار است که جلسه استیضاح روز یک‌شنبه، ۱۵ بهمن برگزار شود.

مطهری: وزیر تعاون و کار قانون‌ستیز است

علی مطهری، نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی نیز گفت که موضوع استیضاح همچنان به قوت خود باقی است. مطهری تصریح کرد که این استیضاح به دلیل "قانون‌ستیزی" وزیر کار در ارتباط با واگذاری اختیارات خود به رحیمی صورت می‌گیرد.
مطهری افزود: «چیزی درباره احتمال عزل مرتضوی نشنیده‌ام و موضوع استیضاح شیخ‌الاسلامی بدون هیچ شک و شبهه‌ای به قوت خود باقی است.»
نماینده تهران تاکید کرد که استیضاح وزیر کار در "روز یک‌شنبه قطعی" است. به گفته مطهری «موضوعات مربوط به تامین اجتمای در حیطه کار وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است و اگر پذیرفته اختیارات خود در این زمینه را واگذار کند، تخلف کرده است.»
مطهری درباره پیروی وزیر تعاون و کار از دستورات مافوق خود تصریح کرد که «اگر دست وی بسته است و از بالا دستور می‌گیرد، این کار را بدتر می‌کند و به نوعی عذر بالاتر از گناه است.» مطهری گفت که چنین وزیری "صلاحیت رای نمایندگان مردم" را ندارد و اعتمادی که به وی داده شده، باید پس گرفته شود

فروش کیسه پر از جو و ماسه بجای برنج

به نوشته روزنامه جمهوری اسلامی و به نقل از سایت شفاف در تاریخ 11 بهمن 91 آمده است : از جمله طی روزهای اخیر برخی دسته‌های متخلف به وسیله کامیون‌ها در محله‌های کم درآمد و حاشیه شهرها به طور هماهنگ اقدام به توزیع برنج هندی در بسته‌های 10 کیلویی به قیمت دولتی نموده‌اند که خریداران، هنگام مصرف متوجه شده‌اند بسته‌های حاوی مقداری جو مخلوط با مقداری ماسه است. فروشندگان متقلب دوره گرد توانسته بودند با بلندگوهای دستي، صف طولانی ایجاد نمایند.
خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی در اردبیل که این خبر را فرستاده افزوده است: از آنجا که در استان اردبیل اقلام حمایتی عمومی از طریق تعاوني‌های مصرف ادارات به کارمندان داده و در برخی فروشگاه‌های خاص توزیع مي‌شود، اقشار محروم جامعه از این قبیل اقلام محروم مي‌مانند و زمینه برای سوءاستفاده‌گران فراهم مي‌شود.

پایان يك هفته تجمع مستمر ني‌برها در مقابل ساختمان دولت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 12 بهمن 91 آمده است : پس از گذشت هفت روز از تجمع کارگران فصلی نی بر در مقابل ساختمان ریاست جمهوري، ناچار شدیم به وعده‌های مسئولان دفتر ریاست جمهوری برای پي‌گیری مطالباتمان اعتماد کنیم.
تجمع اعتراضی کارگران نی بر هفت تپه و کشت و صنعت کارون شوشتر که بامداد روزسه شنبه (3 بهمن ماه) درمقابل ساختمان ریاست جمهوری آغاز شده بود عصر روز دوشنبه 9 بهمن ماه با توافقاتی میان نمایندگان کارگران و وعده‌های مسئولان دولتی خاتمه یافت.
به گزارش خبرنگار ایلنا، تجمع اعتراضی کارگران فصلی نی بر کارون شوشتر مقابل ساختمان نهاد ریاست جمهوری در حالی خاتمه یافته است که حدود ۳۰۰ نفر از کارگران ني‌شکر هفت تپه نیز که از روز شنبه هفتم بهمن ماه در اعتراض به مشکلات صنفی مشابهی از شوش دانیال با سفر به تهران به جمع کارگران کارون پیوسته بودند.
به گفته یکی از کارگران معترض، پس از گذشت هفت روز از تجمع کارگران فصلی نی بر در مقابل ساختمان ریاست جمهوري، ناچار شدیم به وعده های مسئولان دفتر ریاست جمهوری برای پی گیری مطالباتمان اعتماد کنیم.
این کارگر در ادامه گفت: نمایندگان ما طی مذاکراتی که به مسئولان داشته‌اند قرار شده است ظرف دو هفته آتی دولت مشکلاتمان را در مجلس مطرح کند و در این زمینه با پی گیری و هماهنگی مجلس و دولت پاسخ مثبی در جهت حل مشکلاتمان دریافت کنیم.
این کارگر با تاکید بر اهداف صنفی کارگران در طول مدت اقامت در تهران، گفت: کارگران با پایان دادن به تجمع خود نشان دادند که به وعدهای دولت اعتماد کرده‌اند.
اوبا بیان اینکه کارگران نی بر از روز شنبه به محل کار خود بازگشته و به کار خود ادامه خواهند داد، افزود: بعد از گذشت دو الی سه هفته فرصتی که دولت از کارگران خواسته است تا به مشکلاتمان رسیدگی کند، در صورت بی پاسخ ماندن خواسته هایمان، طبق گفته مسئولان دفتر ریاست جمهوری (که اگر به مشکلات شما رسیدگی نشد دوباره تجمع کنید)، ما به تجمعات خود ادامه خواهیم داد.

سرگردانی ۴ ساله ۲۰۰ کارگر کارخانه نخ پنگوئن/ بدون حقوق در خیابان‌ها و ادارات سرگردانند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 12 بهمن 91 آمده است : عضو هیئت رئیسه شورای اسلامی شهر رشت از سرگردانی ۲۰۰ کارگر کارخانه نخ پنگوئن طی ۴ سال گذشته انتقاد کرد.
به گزارش خبرنگار ایلنا از گیلان، محمد محمودیان در نشست تعاملی تعدادی از نمایندگان مردم گیلان در مجلس با شهردار رشت، به ارزیابی وضعیت کارخانجات گیلان پرداخت و با اعلام اینکه «اکثر کارخانجات گیلان در حال حاضر تعطیل‌اند»، اظهار کرد: هم اکنون کارگران

کارخانه نخ پنگوئن رشت که بیش از ۲۰۰ نفر هستند توپ فوتبال بین ادارات استان از جمله اداره کار، دادگاه و کارخانه شده‌اند.
این عضو شورای شهر رشت با اشاره به اینکه برخی از کارگران شرکت نخ پنگوئن رشت شکوائیه‌هایی را تهیه کرده‌اند، گفت: باید تکلیف این کارگران توسط نمایندگان مجلس، استانداری و اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان روشن شود.
محمودیان تصریح کرد: وام و تسهیلات بانکي‌ای که مدیر این کارخانه دریافت کرده صرف بدهي‌های قبلی او شده و واحد صنعتی را همچنان تعطیل و کارگران را بدون حقوق در خیابان‌ها و ادارات استان سرگردان کرده است.
وی از نمایندگان مردم گیلان به طور اخص خواست این مسائل را که از مسائل اجتماعی و چالش‌های مهم مردم است جدی بگیرند و این مشکل را از طریق تعامل با دولت و استانداری گیلان حل کنند.
عضو هیئت رئیسه شورای شهر گیلان در بخش دیگری از سخنان خود به تشریح شرایط کشاورزان این استان پرداخت و گفت: در شرایط فعلی کشاورز ما حتی قادر نیست برنج خانوار خود را تامین کند.
این مقام مسئول تاکید کرد: به خاطر وضعیت نامناسب بخش کشاورزی گیلان، فرزندان کشاورزان این استان در رشت به دنبال کار هستند و اگر کار پیدا نکنند به ناچار به شغل‌های کاذب از جمله دست فروشی روی مي‌آورند که معضلاتی را برای این شهر ایجاد کرده و مي‌کند.

بهنام ابراهیم زاده آزاد باید گردد

به پایه سه اطلاعیه رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 12 بهمن آمده است : نوشته کمیته پیگیری بهنام ابراهیم زاده از اعضای شورای نمایندگان کمیته پیگیری ....که در زندان اوین زندانی بود طی ماههای اخیر تنها فرزندش دچار بیماری سرطان شده است. بهنام ابراهیم زاده با تقاضای مکررش برای ملاقات فرزند بیمارش بلاخره با سپردن وثیقه از زندان به مرخصی آمد.او با دیدار و ملاقات تمامی کودکان بستری شده بیمارستان محك تهران اولین روز مرخصی را نزد پزشکان و فرزندش سپری کرد.
پزشکان بیمارستان با ارسال نامه ای به مسولان زندان ازآنها خواسته بودند که مرخصی بهنام را تمدید کنند. در نتیجه با موافقت دادستان تهران بهنام در کنار فرزند بیمارش مرخصی را می گذراند.
کمیته پیگیری ...در اینجا از کلیه مردم شریف و آزادیخواه و دوستان وآشنایان که جهت اعلام همدردی به ملاقات و یا از طرق دیگری با این خانواده همدردی نمودند. سپاس گزاری میکند.

به امید بهروزی و پیروزی

محمد جراحی آزاد باید گردد

محمد جراحی عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری که هم اکنون سومین سال زندان خود را سپری می کند او که بارها تقاضای بهداری کرده بود طی روزهای اخیر او را با دست بند وپابند به بیمارستانی خارج از زندان میبرند مشروط بر اینکه هزینه بیمارستان را خودش باید بپردازد.علاوه بر این محمد جراحی مدتهاست که اوتحت توهین ها و آزار و اذیت های متوالی از سوی زندانبانان قرار گرفته است.
محمد جراحی که به اتهامات واهی زندانی شده در زندان تبریز به سر میبرد. وی به بیماری دچارگردیده که پزشکان معتقدند باید تحت درمان و عمل جراحی قرار بگیرد. ما کارگران خواستار آزادی فوری این کارگر زندانی هستیم.

کارگر زندانی زندانی سیاسی آزاد باید گردد.

احظار و ابلاغ حکم دادگاه آیت نیافر

به نوشته کمیته پیگیری آمده است : آیت نیافر کارگر و فعال کارگری که عضو وسخنگوی کمیته پیگیری است به دادگاه اجرای احکام احظار و حکم دادگاه به وی ابلاغ گردید. در مهر ماه سال گذشته ماموران اطلاعات اورا در تجمع کارگران کارخانه ایرانیت دستگیر وبه زندان اوین منتقل گردید. وی پس از یك ماه زندان در اوین به قید وثیقه ... یك صد میلیون تومانی آزاد گردید. آیت نیافر به دادگاه اجرای احکام احضار و حکم دادگاه تجدید نظر به وی ابلاغ شد. او محکوم به پرداخت جزای نقدی ۲۰ میلیون ریال گردیده است.

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری

در پی مبادله گاز ایران با طلای ترکیه بسیاری از بانک‌های امارات از خرید طلای ترکیه سر باز مي‌زنند

به نوشته سایت رادیو صدای آلمان در 12 بهمن آمده است : به گزارش خبرگزاری رویترز ارسال طلا از ترکیه به ایران از طریق دبی در حال کاهش است، زیرا که تعدادی از بانک‌ها و واسطه‌گران در دبی از خرید شمش‌های طلای ترک از بیم تجارت با ایران سرباز مي‌زنند. بنا بر این گزارش میزان صادرات طلا از ترکیه به امارات متحده عربی از دو میلیارد دلار در ماه اوت به ۶۲۱ میلیون دلار در ماه نوامبر کاهش یافته است.
فشار روزافزون آمریکا وضعیت بغرنجی برای صادرکنندگان طلای ترکیه به وجود آورده است. بسیاری از واسطه‌گران در بازار دبی از خرید شمش‌های طلای تولید شده در ترکیه خودداری مي‌کنند. برخی از آن‌ها نیز قیمت بسیار پایینی را تعیین مي‌کنند.
مقامات آمریکا مي‌گویند نگران‌اند که مبادلات ترکیه با ایران راه را برای مدیریت اقتصادی ایران که بر اثر تحریم‌ها از سیستم بانکی جهان کنار گذاشته شده باز کند. انتقال مستقیم و غیرمستقیم طلا از ترکیه به ایران در حال حاضر ناقض هیچ یک از تحریم‌های بین‌المللی نیست اما به ایران یاری مي‌رساند تا وضعیت مالی خود را که به علت تحریم‌ها بحراني‌ست، مدیریت کند. وزارت امور خارجه آمریکا در ماه دسامبر اعلام کرده بود دیپلمات‌های این کشور در حال مذاکره با آنکارا درباره ارسال طلا به ایران هستند.
ترکیه به شدت به انرژی وارداتی وابسته است. این کشور که بزرگ‌ترین مشتری گاز طبیعی ایران است بیش از ۹۰ درصد صادرات گاز ایران را مي‌خرد که معادل ۱۰ میلیارد متر مکعب در سال است. قرارداد گاز ترکیه با ایران ۲۵ ساله است.
مسئولان کشور ترکیه مي‌گویند که آن‌ها بارها برای واشنگتن مشخص کرده‌اند که تا چه میزان اقتصاد به سرعت رو به رشد ترکیه وابسته به واردات انرژی است و این کشور به راحتی نمي‌تواند به واردات خود از ایران خاتمه دهد. ایران پس از روسیه دومین تامین‌کننده گاز ترکیه است.

توقف خرید طلای ترکیه در سکوت
ترکیه به علت تحریم‌ها، برای واردات نفت و گاز ایران به جای دلار یا یورو، لیره به تهران مي‌پردازد. ایران نیز با این پول در ترکیه طلا مي‌خرد و سپس افرادی در چمدان‌های دستی این طلا را به دبی منتقل مي‌کنند، جایی که این طلا یا به ارز تبدیل مي‌شود یا به ایران انتقال داده مي‌شود.
یک منبع اطلاعاتی در ترکیه به رویترز گفت موضوع خریداری طلا توسط ایرانیان در ترکیه و انتقال آن از طریق دبی به ایران نگرانی بانک‌های جهانی را در پی داشته و در نتیجه خرید شمش طلای ترکیه را معلق کرده‌اند.
وی گفت: «این چیزی نیست که اعلام شده باشد. این موضوع در چند ماه‌گذشته بسیار در سکوت جریان داشته است. برخی از بانک‌های جهانی در این امر پیشتاز بوده‌اند و به سادگی خود را از خرید و فروش شمش‌های طلای ترکیه دور کرده‌اند.»

سخنگوی بانک استاندارد (Standard Bank) لندن که در بازار طلای دبی فعال است در همین زمینه به رویترز اعلام کرد که این بانک در حال حاضر طلای ترک را معامله نمي‌کند و پیش از این نیز به صورت منظم در تجارت طلای ترک نبوده است. با این‌همه وی گفت که بانک به تجارت طلای ثبت شده در انجمن بازار شمش لندن (LBMA) ادامه خواهد داد. شمش‌های طلای ترکیه در LBMA ثبت شده‌اند. یک تاجر طلا در استانبول نیز به رویترز گفت: «در کل ما شاهد کاهش تقاضا از سوی دبی هستیم.»

نظارت دولتی در دبي، تلاش ترکیه برای فروش طلا
در دبی دولت با اعمال فشار بر تجار در پی آن است تا آن‌ها نسبت به خرید طلای ترکیه احتیاط به خرج دهند. در ماه نوامبر نیز گروه بانکی NBD که از لحاظ میزان دارایی در خاورمیانه مقام اول را و در بازار شمش محلی دبی نیز نقش فعالی دارد، اعلام کرد که خرید و فروش شمش‌های طلای ترکیه را متوقف مي‌کند.
به گفته منابع آگاه در ترکیه و دبي، نمایندگان صنف طلاسازان ترکیه در ماه دسامبر از مرکز چند کالایی دبی (DMCC) دیدار کردند تا بتوانند جایگاه متزلزل طلای ترکیه را مجددا تقویت کنند. مرکز چند کالایی دبی کنترلی بر طرف‌های معامله ندارد.
گرچه ترکیه فروش طلا به ایران را تایید کرده است، اما همواره گفته این موضوع مربوط به بخش اقتصاد خصوصی است.

اعتراض کارگران قطار شهری اهواز به نحوه پرداخت مطالبات صنفی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 12 بهمن 91 آمده است : در حالی که گفته مي‌شود کارگران قطار شهری اهواز در اعتراض به عدم دریافت مطالبات صنفی ۶ ماه گذشته خود از دیروز اعتراض صنفی خود را آغاز کرده‌اند، مدیر عامل این مجموعه از پرداخت یک ماه حقوق کارگران خبر داد.
هلاکویي، مدیرعامل شرکت متروی اهواز در گفت‌وگو با ایلنا اظهار داشتک در رابطه با مطالبات معوقه کارگران قصد داریم که تا اول مهر با تمامی کارگران این مجموعه تسویه حساب کنیم.
وی بابیان اینکه هم اکنون حدود ۸۰۰ کارگر در پروژه متروی اهواز مشغول کار هستند، گفت: با خبر شدیم که جمعی ۴۰ نفره از کارگران بخش حفاری نسبت به نحوه پرداخت مطالبات خود معترض شده‌اند.
مدیرعامل متروی اهواز یادآور شد: این گروه از کارگران به دلیل انجام کار بي‌وقفه شبانه-روزی در زیر زمین، دارای مشاغل سخت‌تر و تخصصي‌تری هستند و برای همین به نسبت سایر کارگران حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد بیشتر دستمزد مي‌گیرند.
به گفته هلاکویی مشکل عدم پرداخت به موقع مطالبات مزدی کارگران متروی اهواز به پرداخت نشدن مطالبات پیمانکاران از سوی دولت باز مي‌گردد.
کارفرمای متروی اهواز بایادآوری اینکه دولت از ابتدای سال جاری تنها به ۱۰ درصد تعهدات خود در زمینه تامین اعتبار پروژه مترو شهر اهواز عمل کرده است، گفت: بر همین اساس مطالبات مزدی کارگران شاغل در این پروژه بصورت علی الحساب و از طریق کمک مالی نهادهایی مانند شهرداری اهواز پرداخت مي‌شود.
این مقام مطلع در خصوص میزان مبالغی که در این مدت بصورت علی الحساب به کارگران مترو پرداخت شده است، گفت: مقدار این مبالغ به نسبت دفعات ثابت نیست اما در هر نوبت برای همه کارگران یکسان است بطوری که در برخی موارد بیش از دستمزد توافق شده به کارگران پرداخت شده است.
وی یادآور شد: در نتیجه این وضع تعداد کارگران شاغل در این مجموعه از ۱۲۰۰ نفر به ۸۰۰ نفر کاهش یافته و حتی بخشی از فعالیت‌های این پروژه شهری متوقف شده است.
به گفته هلاکویی در این شرایط کارفرمایان پروژه مترو ناچار هستند تا منابع مالی حداقلی موجود را طوری تقسیم کنند که هم بتوان بخشی از حقوق کارگران را پرداخت کرد و هم بتوان در شرایط اقتصادی اخیر مواد اولیه کارگاه‌ها از جمله آهن و سیمان را تهیه کرد.
مدیرعامل متروی شهر اهواز در خصوص میزان طلب معوقه کارگران شاغل در این پروژه گفت:

تنها کارگرانی که از ابتدای آغاز پروژه یعنی حدود ۵ سال پیش در استخدام موقت متروی اهواز هستند نزدیک ۶ ماه حقوق پرداخت نشده طلبکار هستند.
وی تصریح کرد: طلب معوقه کارگرانی که به مرور بعد از آغاز پروژه به استخدام متروی اهواز درآمده‌اند به مراتب کمتر از ۶ ماه است.

هشدار نسبت به تبعات بي‌توجهی به اعتراضات کارگران
این اظهارات از سوی کارفرمای پروژه قطار شهری اهواز در حالی مطرح مي‌شود که به گفته یک فعال کارگری در اهواز هم اکنون به واسطه تعدیل‌های صورت گرفته و نیز اعتراض صنفی کارگران فعالیت این پروژه به حالت نیمه تعطیل درآمده است.
آقایار حسيني، دبیر خانه کارگر خوزستان در این باره به ایلنا گفت: کارگران شرکت متروی اهواز که چند سالی است با تاخیر مطالبات معوقه خود را دریافت مي‌کنند از روز گذشته به نشانه اعتراض صنفی فعالیت‌های روزانه خود را در کارگاه‌های این شرکت متوقف کرده‌اند.
وی بابیان اینکه کارگران متروی اهواز با قراردادهای یک ماهه و بصورت روز مردی در استخدام هستند، یاد آور شد: طبق برآوردهای اولیه احداث و راه‌اندازی متروی اهواز حداقل تا اواسط دهه ۹۰ طول خواهد کشید و این درحالی است که در تمامی ۶ سال گذشته قرارداد این کارگران ماه به ماه تمدید شده است.
دبیر اجرایی خانه کارگر اهواز با بیان اینکه دلیل این تاخیر، تامین نشدن اعتبارات مصوب بوده است، افزود: مسئولان کشوری و استانی باید به این مهم توجه کنند.
این فعال کارگری با اشاره به تجمع اعتراضی کارگران قند اهواز و همچنین کارگران ني‌بر قند کارون، شوشتر و هفت تپه، در هفته گذشته گفت: اگر مسئولان مربوطه به این وضعیت رسیدگی نکنند باید در انتظار تبعات جدی این بحران‌ها باشیم.

نامه جمعی از کارکنان سازمان توسعه تجارت در اعتراض به تبعیض در زمینه حقوق و مزایا

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 12 بهمن 91 آمده است : جمعی از کارکنان رسمی و قراردادی سازمان توسعه تجارت ایران وابسته به وزارت صنعت، معدن و تجارت با ارسال نامه‌ای به خبرگزاری ایلنا، نسبت به وجود تبعیض در زمینه حقوق و مزایای خود اعتراض کرده و خواستار پیگیری فوری دولت در این رابطه شده‌اند.
به گزارش ایلنا، در ابتدای این نامه آمده است: از سال گذشته حق بهره وری کارکنان رسمی و پیمانی مشغول در حوزه ستادی به موجب مفاد مصوبهٔ مورخ ۸۴/۴/۱۳ هیات وزیران در پی ادغام وزارتخانه‌های صنعت، معدن و بازرگانی به اجرا گذاشته شده و حقوق و مزایای آنان پرداخت مي‌شود اما این حق به رغم صراحت مصوبهٔ مذکور و مستند قاطع و غیر قابل انکار ابلاغ شده از سوی معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری مبنی بر تسری وصف ستادی بودن به سازمان توسعه تجارت ایران، از سوی مدیریت سازمان مذکور نادیده گرفته مي‌شود.
بنا بر این گزارش، سید مهدی میر حسینی زواره‌ای معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی ریاست جمهوری در نامه‌ای به تاریخ ۹۱/۶/۱۳ خطاب به تقی تقي‌پور مدیر کل امور اداری سازمان توسعهٔ تجارت، با اشاره این موضوع که «مسئولیت امر توسعه تجارت اعم از داخلی و خارجی در کشور و همچنین تولیت حوزه بازرگانی بین المللی در بخش صنعت، معدن و تجارت به عهدهٔ سازمان توسعه تجارت قرار دارد» ، این سازمان را در زمره دستگاه‌های «ستادي» دولت خوانده است.
کارکنان رسمی و قراردادی سازمان توسعه تجارت ایران در ادامهٔ نامهٔ خود با اشاره به عدم اجرای مصوبهٔ هیات وزیران مبنی بر ۱۵ درصد افزایش حقوق کارکنان قراردادی این سازمان آورده‌اند: کارکنان قراردادی سازمان توسعه تجارت ایران به رغم گذشت ۱۰ ماه از تاریخ تصویب ۱۵ درصد افزایش حقوق مصوب هیات وزیران، هنوز افزایش حقوقی را مشاهده نکرده‌اند. این موضوع در کنار قراردادهای تنظیم شده متمایز از آنچه در وزارتخانه به اجرا در آمده است موجب کاهش حقوق کارکنان نسبت به سال گذشته و در نتیجه تقلیل مستمر معاش آنان شده

است.
در پایان این نامه با انتقاد از قطع مزایا و پاداش کارکنان رسمی شاغل در سازمان توسعه تجارت ایران آمده است: ارائه تسهیلات رفاهی مانند پاداش سالانه مطابق با قانون خدمات کشوري، پاداش روز ملی صنعت و معدن و دیگر مزایای مالی پرداخت شده در سطح وزارتخانه به کارکنان اعم از رسمی و قراردادي، از کارکنان رسمی و شاغل در سازمان توسعه تجارت ایران دریغ شده است.

جلوگیری از حضور فعال دربند کارگری در مراسم ازدواج فرزندش

http://www.komitedefa.com/index.php?option=com_content&view=article&id=4550:1391-11-13-13-28-42&catid=34:1389-03-14-23-30-41&Itemid=572

کمیته دانشجویی دفاع از زندانیان سیاسیدر 13 بهمن نوشته است : در حالیکه غارتگران اموال مردم بدون کوچکترین مشکلی با توسل به وثیقه های تودیع شده از اموال ملت تعطیلات خود را در مناطق خوش آب و هوای کشور سپری کرده و متجاوزان به نوامیس مردم و زندانیان جرایمی نظیر قتل عمد آزادانه می گردند، اما زندانیان سیاسی همچنان با انواع محدودیت ها مواجه هستند.
در همین راستا و در ادامه داستان تکراری کارشکنی مسئولان قضایی-امنیتی کشور در اعطای امکان مرخصی کوتاه مدت به زندانیان سیاسی و عقیدتي، روز گذشته نیز دیگر زندانی سیاسی تبعیدگاه رجایی شهر کرج از حضور در مراسم ازدواج تنها فرزند دختر خود بازماند.
روز گذشته دوازدهم بهمن ماه و در آستانه مراسم ازدواج تنها دختر شاهرخ زمانی فعال کارگری و از اعضای سندیکای نقاشکاران که هم اکنون محکومیت سنگین یازده ساله زندان خود را با اتهام «تشکیل گروه مخالف نظام» و «فعالیت تبلیغی علیه نظام» در تبعیدگاه رجایی شهر کرج سپری می کند، مقامات امنیتی-قضایی جمهوری اسلامی نهایتاً پس از تلاش های چند هفته ای خانواده این زندانی سیاسی برای مهیا کردن امکان مرخصی کوتاه مدت وي، با درخواست آزادی موقت آقای زمانی مخالفت کردند.
هفته گذشته نیز مسئولان زندان رجایی شهر کرج با درخواست ملاقات حضوری دختر آقای زمانی با وی مخالفت کرده و تنها اجازه ملاقات کوتاه کابینی را به این دو دادند.
متاسفانه طی سالیان اخیر، دستگاه قضایی با تابعیت بی چون و چرا از نهادهای چندگانه امنیتی جمهوری اسلامی و کارشکنی در امور معمول زندانیان سیاسي، همواره تلاش داشته تا بیشترین فشار ممکن را بر زندانیان سیاسی و عقیدتی وارد نماید.
کارشکنی مقامات امنیتی محدود به جلوگیری از حضور زندانیان سیاسی در مراسم شادی و عزای عزیزان خود نبوده و طی سالیان اخیر مقامات امنیتی نهایت تلاش خود را به کار بسته اند تا علاوه بر مجازات ناعادلانه که ای در پوشش احکام قانونی به زندانیان سیاسی تحمیل می کنند، خانواده های ایشان را نیز با اقداماتی همچون «فشار بر همسران زندانیان سیاسی برای جدایی از همسر زندانی خود» تحت تاثیر قرار داده و حتی موجبات از هم پاشیدن آن را فراهم کنند. آذرماه سال جاري، ابوالفضل قدياني، زندانی سیاسی ۶۷ ساله در نامه ای خطاب به صادق لاریجانی رئیس دستگاه قضای جمهوری اسلامی ایران از فشار بازجوی وزارت اطلاعات بر خانواده علیرضا رجایی و فشار بر همسر این زندانی سیاسی برای جدا شدن از همسرش خبر داده بود.
شاهرخ زمانی زندانی سیاسی بند ویژه امنیتی زندان رجایی شهر کرج می باشد که با صدور محکومیت سنگین یازده ساله در شعبه یک دادگاه انقلاب تبریز در شهریورماه سال گذشته، و تائید آن از سوی شعبه ششم دادگاه تجدید نظر این شهر، پس از مدت ها حبس در زندان های تبریز و یزد، علیرغم عدم اشاره به محکومیت تبعید در حکم محکومیت اش، در اقدامی خلاف قانون در مهرماه سال جاری به زندان رجایی شهر کرج تبعید شد.

اعتراض کارگران قطار شهری اهواز به نحوه پرداخت مطالبات صنفی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 13 بهمن 91 آمده است : به گفته مدیرعامل، مشکل عدم پرداخت به موقع مطالبات مزدی کارگران متروی اهواز به پرداخت نشدن مطالبات پیمانکاران از سوی دولت باز می‌گردد./ یک فعال کارگری: کارگران متروی اهواز از روز گذشته به نشانه اعتراض صنفی فعالیت‌های روزانه خود را در کارگاه‌های این شرکت متوقف کرده‌اند.
ایلنا: در حالی که گفته می‌شود کارگران قطار شهری اهواز در اعتراض به عدم دریافت مطالبات صنفی ۶ ماه گذشته خود از دیروز اعتراض صنفی خود را آغاز کرده‌اند، مدیر عامل این مجموعه از پرداخت یک ماه حقوق کارگران خبر داد.
هلاکویی، مدیرعامل شرکت متروی اهواز در گفت‌وگو با ایلنا اظهار داشتک در رابطه با مطالبات معوقه کارگران قصد داریم که تا اول مهر با تمامی کارگران این مجموعه تسویه حساب کنیم.
وی بابیان اینکه هم اکنون حدود ۸۰۰ کارگر در پروژه متروی اهواز مشغول کار هستند، گفت: با خبر شدیم که جمعی ۴۰ نفره از کارگران بخش حفاری نسبت به نحوه پرداخت مطالبات خود معترض شده‌اند.
مدیرعامل متروی اهواز یادآور شد: این گروه از کارگران به دلیل انجام کار بی‌وقفه شبانه-روزی در زیر زمین، دارای مشاغل سخت‌تر و تخصصی‌تری هستند و برای همین به نسبت سایر کارگران حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد بیشتر دستمزد می‌گیرند.
به گفته هلاکویی مشکل عدم پرداخت به موقع مطالبات مزدی کارگران متروی اهواز به پرداخت نشدن مطالبات پیمانکاران از سوی دولت باز می‌گردد.
کارفرمای متروی اهواز بایادآوری اینکه دولت از ابتدای سال جاری تنها به ۱۰ درصد تعهدات خود در زمینه تامین اعتبار پروژه مترو شهر اهواز عمل کرده است، گفت: بر همین اساس مطالبات مزدی کارگران شاغل در این پروژه بصورت علی الحساب و از طریق کمک مالی نهادهایی مانند شهرداری اهواز پرداخت می‌شود.
این مقام مطلع در خصوص میزان مبالغی که در این مدت بصورت علی الحساب به کارگران مترو پرداخت شده است، گفت: مقدار این مبالغ به نسبت دفعات ثابت نیست اما در هر نوبت برای همه کارگران یکسان است بطوری که در برخی موارد بیش از دستمزد توافق شده به کارگران پرداخت شده است.
وی یادآور شد: در نتیجه این وضع تعداد کارگران شاغل در این مجموعه از ۱۲۰۰ نفر به ۸۰۰ نفر کاهش یافته و حتی بخشی از فعالیت‌های این پروژه شهری متوقف شده است.
به گفته هلاکویی در این شرایط کارفرمایان پروژه مترو ناچار هستند تا منابع مالی حداقلی موجود را طوری تقسیم کنند که هم بتوان بخشی از حقوق کارگران را پرداخت کرد و هم بتوان در شرایط اقتصادی اخیر مواد اولیه کارگاه‌ها از جمله آهن و سیمان را تهیه کرد.
مدیرعامل متروی شهر اهواز در خصوص میزان طلب معوقه کارگران شاغل در این پروژه گفت: تنها کارگرانی که از ابتدای آغاز پروژه یعنی حدود ۵ سال پیش در استخدام موقت متروی اهواز هستند نزدیک ۶ ماه حقوق پرداخت نشده طلبکار هستند.
وی تصریح کرد: طلب معوقه کارگرانی که به مرور بعد از آغاز پروژه به استخدام متروی اهواز درآمده‌اند به مراتب کمتر از ۶ ماه است.

حقوق کارکنان شهرداری بردخون چندماه پرداخت نشده است

به گزارش خبرگزاری دولتی مهربتاریخ ۱۳بهمن آمده است : طی گزارشی ازعدم پرداخت چندماه حقوق کارکنان شهرداری بردخون خبرداد.
دراین گزارش بنقل از محمّدپوربخشداربردخون آمده است: شهرداری در زمینه منابع مالی مشکلاتی دارد و نتوانسته حقوق چندماه کارکنان را پرداخت کند که انتظار داریم با افزایش درآمدها و منابع مالی و اعتباری این مشکل نیز رفع شود.

هشدار نسبت به تبعات بی‌توجهی به اعتراضات کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 13 بهمن 91 آمده است : این اظهارات از سوی کارفرمای پروژه قطار شهری اهواز در حالی مطرح می‌شود که به گفته یک فعال کارگری در اهواز هم اکنون به واسطه تعدیل‌های صورت گرفته و نیز اعتراض صنفی کارگران فعالیت این پروژه به حالت نیمه تعطیل درآمده است.
آقایار حسینی، دبیر خانه کارگر خوزستان در این باره به ایلنا گفت: کارگران شرکت متروی اهواز که چند سالی است با تاخیر مطالبات معوقه خود را دریافت می‌کنند از روز گذشته به نشانه اعتراض صنفی فعالیت‌های روزانه خود را در کارگاه‌های این شرکت متوقف کرده‌اند.
وی بابیان اینکه کارگران متروی اهواز با قراردادهای یک ماهه و بصورت روز مردی در استخدام هستند، یاد آور شد: طبق برآوردهای اولیه احداث و راه‌اندازی متروی اهواز حداقل تا اواسط دهه ۹۰ طول خواهد کشید و این درحالی است که در تمامی ۶ سال گذشته قرارداد این کارگران ماه به ماه تمدید شده است.
دبیر اجرایی خانه کارگر اهواز با بیان اینکه دلیل این تاخیر، تامین نشدن اعتبارات مصوب بوده است، افزود: مسئولان کشوری و استانی باید به این مهم توجه کنند.
این فعال کارگری با اشاره به تجمع اعتراضی کارگران قند اهواز و همچنین کارگران نی‌بر قند کارون، شوشتر و هفت تپه، در هفته گذشته گفت: اگر مسئولان مربوطه به این وضعیت رسیدگی نکنند باید در انتظار تبعات جدی این بحران‌ها باشیم.

دلار دوباره به بالای چهار هزار تومان رسید

به نوشته یاست بخش فارسی بی بی سی در 13 بهمن 91 آمده است : از تهران گزارش شده که در آخرین ساعات فعالیت بازار ارز در روز پایانی هفته پنج شنبه دوازدهم بهمن (۳۱ ژانویه)، قیمت انواع ارزهای خارجی به شدت افزایش پیدا کرده و هر دلار آمریکا به قیمت بیشتر از چهار هزار تومان رسیده است.
در همین روز قیمت هر پوند بریتانیا ۶ هزار و ۲۵۰ تومان و هر یورو، پول واحد اروپایی ۵ هزار و ۳۵۰ تومان خرید و فروش می شد.
مقایسه قیمت ارزهای خارجی در روز پنج شنبه دوازدهم بهمن با یک هفته پیشتر آن نشان می دهد که در طول یک هفته به طور متوسط ارزهای معتبر خارجی در بازار دستکم بین ۵۰۰ تا ۶۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است.
در ماههای اخیر به خصوص بعد از تحریم های بانکی و نفتی اتحادیه اروپا قیمت ارز و سکه طلا در بازار ایران به شدت افزایش پیدا کرده است. کاهش صادرات نفت ایران و به دنبال آن کاهش درآمدهای نفتی و مشکلات انتقال درآمدهای نفتی به داخل از جمله دلایل این افزایش قیمت اعلام شده است. دولت برای کنترل بازار ارز یک مرکز مبادله ارز راه اندازی کرده و ارز مورد نیاز کالاهای وارداتی غیر از دارو و غذا از سوی این مرکز تأمین می شود که قیمت دلار در آن دو برابر قیمت دولتی آن است و دولت سعی دارد قیمت ارز در این مرکز را مبنای قیمت ارز کالاهای وارداتی قرار دهد. علاوه بر این، بانک مرکزی ایران در ماههای اخیر تحت فشار شدیدی قرار گرفته و تحریم های بین المللي، به خصوص تحریم های اتحادیه اروپا و آمریکا انتقال درآمدهای نفتی به داخل کشور را به شدت محدود کرده است.
این تحریم های شامل مصوبات دولت آمریکا در مورد تحریم نظام بانکی ایران و تصمیم اتحادیه اروپا به قطع واردات نفت خام و تحریم بانک مرکزی ایران بوده است.
گزارشها نشان می هد که این تحریم ها نه تنها باعث کاهش صادرات نفت شده، بلکه دریافت ارز حاصله از صادرات را نیز با دشواری مواجه کرده و باعث کاهش چشمگیر عرضه ارز در بازار داخلی شده است.
افزایش بهای ارز با افزایش شدید نرخ تورم و کاهش قدرت خرید مردم همراه بوده و به نگرانی در مورد تبعات اجتماعی و سیاسی این روند دامن زده است.
حدود دو هفته پیش مجلس ایران طرح تحقیق و تفحص از بانک مرکزی را تصویب کرد و یک روز پس از آن نیز دیوان محاسبات رای به برکناری رئیس کل بانک مرکزی داده است گرچه هنوز نتیجه این پرونده روشن نیست.

در اوایل پائیز قیمت ارزهای خارجی به شدت افزایش یافت ولی با برخوردهای پلیس با فروشندگان ارز و ایجاد اتاق مبادلات ارزي، در سه ماه اخیر تا حدودی تب افزایش قیمت فروش کش کرده بود ولی به نظر می رسد که با نزدیک شدن به پایان سال، دوباره قیمت ارزهای خارجی در حال افزایش است.

پرداخت یک ماه از معوقات ۳۰ ماهه کارگران نساجی مازندران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 14 بهمن 91 آمده است : يك فعال كارگری در مازندران از پرداخت یک ماه از معوقات ۳۰ ماهه کارگران نساجی مازندران خبر داد.
نصراله دریابیگي، دبیر خانه کارگر مازندران با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارفرمای نساجی مازندران یک ماه از حقوق هزار کارگر خود را بعد از گذشت ۳۰ ماه از بیکاري آنان که با دریافت نکردن حقوق همراه بوده است، پرداخت کرد.
او افزود: همچنین قرار شده است حقوق دو ماه دیگر این تعداد کارگر در ۲۲ بهمن ماه و ۱۰ اسفند به حسابشان واریز شود.
این فعال کارگری ضمن ابراز تشکر از زحمات مسئولان استانی و مخصوصا صبوری کارگران نساجی مازندران که در پی ماه‌ها عدم دریافت حقوق متحمل مشکلات زیادی شده‌اند، اظهار داشت: کارخانه نساجی مازندران به مناسبت ایام دهه فجر در هفته آتی مجددا راه اندازی خواهد شد و قرار است همه کارگران آماده بکار این مجتمع نساجي، دوباره دعوت بکار شوند.

« گراني‌ها، مردم را عصبی کرده است / کارمندی که یک سوم خط فقر حقوق بگیرد، مي‌تواند پرخاشگر و دزد هم شود»

به نوشته سایت سلامت نیوز در 14 بهمن آمده است : قابل کتمان نیست، نوسانات اقتصادی هر روز بیشتر مي‌شود و بالا و پایین رفتن قیمت‌ها هم همان. چند صباحی است که مردم بیش از قبل اخبار شاید شوک آور اقتصادی مي‌شوند و بخواهیم و نخواهیم، این نوسانات اقتصادی و تاثیر آن بر اوضاع مالی مردم، نقش پررنگی در رفتارهای فردی و اجتماعی شهروندان دارد.
به گزارش سلامت نیوز به نقل از قانون ؛ چنانچه چندی پیش، مدیرکل سلامت روان وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی «آمار ۶/۲۳ درصدی شیوع اختلالات روانی در جامعه ایران» را هشدار دهنده خواند و در این میان، گرانی و رشد و نوسانات قیمت‌ها از مهم‌ترین دلایل شیوع این اختلالات روانی به شمار مي‌رود. «عباسعلی ناصحی» گفته بود «مسائلی که به صورت حاد در اقتصاد جامعه ایجاد مي‌شود اگر به خوبی مدیریت شود اثرات پایداری بر سلامت روان نمي‌گذارد.» وی خطاب به دولتمردان تاکید کرد «از استرس‌های مردم بکاهند تا پرخاشگر و عصبی نشوند و برای بهتر شدن شرایط رفاهی آن‌ها تلاش کنند.»

در این میان روانپزشکان نیز هشدار مي‌دهند که بالا و پایین رفتن قیمت ارز، سکه، طلا و... فقط اوضاع بازار را بالا و پایین نمي‌برد، بلکه با ایجاد اضطراب و فضایی ناامن، اعصاب و روان اقشار گوناگون جامعه را هم دچار تشنج مي‌سازد و این عامل را باید در ردیف عوامل مؤثر در بروز اختلالات روانی دسته بندی کرد.

گرانی همراه با افزایش پرخاشگری و خشونت بین مردم
رشد سریع تحولات و نوسانات اقتصادی که عمدتا بدون دلیل و منطق اقتصادی در حال شکل گرفتن است، تاثیری بسزا بر زندگی اجتماعی شهروندان دارد. دکتر پرویز مظاهري، دبیر انجمن روانپزشکان ایران در این باره به «قانون» مي‌گوید: مسائل اقتصادی یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر اختلالات روانی است. درآمد کسانی که ثابت است و دخلشان تکاپوی خرجشان را نمي‌کند موجب خودخوري، پرخاشگری و اضطراب مي‌شود و روابط بین فردی را در خانواده دچار خدشه مي‌کند. وی ادامه مي‌دهد: به این مفهوم که پدر و مادر به دلایل اقتصادی دچار افسردگی مي‌شوند و به دلیل رفتارهای نامناسب این افسردگی را به فرزندانشان هم منتقل

مي‌كنند.
بايد توجه بيشترى بشود چون اين مسئله ايجاد نگرانى و افسردگى مي‌كند. به گفته وي، فضاى روانى نامطلوب و استرس زا در جامعه كه اخيرا به دليل فشارهاى اقتصادى زيادى كه هر روز نرخ كالاها افزايش چشمگيرى مي‌يابد و مردم را دچار شوک عصبى مي‌كند از موضوعاتى به شمار مي‌آيد كه مي‌تواند جامعه را به تنش كشانده و گذر زندگى را براى افراد سخت كند، چرا كه هر روز بر ناآرامى روانى آن‌ها اضافه خواهد شد.
وى با اشاره به اينكه در جامعه دامن زدن به شايعات و گسترش نارضايتي‌هاى اجتماعى از مشكلات خطرناک در پى گرانى به شمار مي آيد، ادامه مي‌دهد: پايين آمدن آستانه تحمل افراد جامعه و عدم همسويى مردم با دولت در مقابل مشكلات خارجي، داخلى و ايجاد ناامیدى در جامعه نسبت به آينده كشور از نتايج بد افزايش ناگهانى قيمت‌ها در جامعه است.
مظاهرى با بيان اينكه بايد فعاليت‌هاى فرهنگى به‌صورت مستمر گسترش و توسعه يابد، اظهار مي‌دارد: مبانى اعتقادى ما همان فعاليت‌هاى فرهنگى هستند كه در اثر مغفول ماندن، اثرى در جامعه ندارند.

افزايش خشونت و پرخاشگرى به دنبال تورم
قريب به اتفاق مردم معتقدند كه هيچ پيش بينى از آينده وضعيت اقتصادى و ايجاد فرصت برنامه ريزى براى آن را ندارد. اين مهم سبب شده رفتارهايى ناخواسته در مديريت زندگي‌شان سر زند كه با آسيب‌هاى فراوانى مواجه است.

«مصطفى اقليما» رئيس انجمن مددكارى ايران در گفت‌وگو با «قانون» با بيان اينكه در ۱۰ سال گذشته آسيب‌هاى اجتماعى رواج بيشترى يافته است، مي‌گويد: هر سال هم به دليل تورم و فقرى كه در جامعه وجود دارد، آسيب‌هاى اجتماعى اعم از خشونت، پرخاشگري، فشارهاى روانى و غيره افزايش مي‌يابد. اما امسال به صورت علنى نمود پيدا كرده است. ميزان درآمد كارمندان با مخارجشان همخوانى ندارد و قادر نيستند زندگى خود را تامين كنند و اين مسئله باعث مي‌شود حالت عصبى بگيرند و در نتيجه گسترش پرخاشگرى در جامعه را به همراه دارد. وى مي‌گويد: با بسيارى از كسانى كه زورگيرى مي‌كنند، صحبت مي‌كنم و از آن‌ها پرسيده‌ام دليل اين كار و يا رفتار شما چيست؟ يكى از آن‌ها مي‌گفت ما زورگير نيستيم به دليل بيكارى و رعايت نشدن حقوقمان پس ازبيكارشدن توسط كارفرماها، به اداره كار شكايت كرديم و آن‌ها هيچ اقدامى براى ما انجام ندادند.
نه سنواتى و نه بازگشت به كارى. مثلا برخى ازآن‌ها كه قبلا كارمند بودند، مي‌گفتند رئيسشان از آن‌ها دل خوشى نداشته و بر اساس سليقه شخصى آن‌ها را اخراج كرده‌اند.
آن‌ها مي‌گويند اين اتفاق از طرف رئيس زور نيست؟ خب، به كجا شكايت كند از دست اين برخوردها و بيكاري‌ها از سوى رئيسى كه قانون را زير پا مي‌گذارد؟ اقليما توضيح مي‌دهد: همچنين بسيارى از افراد ديگر به دليل پرخاشگرى و خشونت عصبى به من مراجعه مي‌كنند و مي‌گويد نوسانات قيمت و گراني‌هاى اخير تاثير زيادى بر اعصاب و روانمان گذاشته و كنترل رفتارى نداريم.

كارمندى كه يک سوم خط فقر حقوق بگيرد، مي‌تواند پرخاشگر و دزد هم شود
اقليما مي‌گويد: از ابتداى امسال تا كنون دوبار قيمت شير افزايش يافته و قيمت ساير اقلام هم به همين ترتيب. در حالي‌كه درآمد مردم افزايشى نداشته است، زمانى كه همه كالاها در كشور چهار برابر مي‌شود، زور نيست؟ كارمند يا كارگرى كه ماهانه ۷۰۰ هزارتومان حقوق دريافت مي‌كند چگونه دزد، پرخاشگر نشود و يا خشونتى را انجام ندهد. وى با تاكيد براينكه روند زندگى در جامعه به نحوى شده كه همه چيز با زورگويى پيش مي‌رود، ادامه مي‌دهد: همه مردم در هر سطح و قشرى در حال زورگويى به يكديگر هستند.
شما توقع نداريد بخشى از همين مردم، زورگو و پرخاشگر نشوند، گرانى واقعا به مردم فشار وارد مي كند. در چنين شرايطى با وجود آنكه دستگاه‌هاى دولتى آمار و ارقامى از وضعيت بهداشت روان و سلامت مردم در تنگناهاى اقتصادى و مالى نمي‌دهند، اما نگاهى به

رفتارهای روزمره شهروندان و کم شدن صبر و طاقت آن‌ها در مقابل کوچک‌ترین کنش‌های جامعه، خود گویای هزار و یک اثر مشکلات اقتصادی بر زندگی آنهاست.

در واکنش به تعویق ۶ ماه حقوق؛ اعتراض صنفی کارگران متروی اهواز به پنجمین روز رسید

ایلنا به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 14 بهمن 91 آمده است : اعتراض صنفی کارگران قطار شهری اهواز به عدم دریافت ۶ ماه گذشته خود معوقه امروز شنبه (۱۴ بهمن ماه) در مقابل کارگاه محل فعالیتشان وارد پنجمین روز خود شد.
یکی از کارگران حاضر در این تجمع به ایلنا گفت: حدود ۴۰۰ نفر از کارگران قطار شهری اهواز که در قسمتهای پشتیباني، ترانسفور (تامین کننده ماشین آلات) و حفاری تونل مشغول به فعالیت‌اند از روز سه شنبه (۱۰ بهمن) تا به امروز (۱۴ بهمن) در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه حقوق معوقه خود در مقابل درب ورودی تونل کارگاه محل فعالیتشان تجمع کرده‌اند.
بنا بر این گزارش، کارگران از روز سه شنبه هفته گذشته تا به امروز دست از کار کشیده و خواستار پرداخت معوقات خود از پیمانکار مجری احداث این پروژه (شرکت کیسون) هستند.
این کارگر با بیان اینکه هنوز پاسخ قانع کننده از کارفرما در خصوص دریافت مطالباتمان دریافت نکرده‌ایم، اظهار داشت: شرکت کیسون که مجری احداث این پروژه و کارفرمای کارگران است در چندین مرحله با وعده پرداخت معوقات حقوقی کارگران مانع اعتراض آنان شده بود و به همین دلیل تا رسیدن به نتیجه و دریافت پاسخ قانع کننده‌ای از سوی کارفرما به تحسن و تجمع خود ادامه خواهیم داد.

ادامه اعتصاب ۴۰۰ کارگر قطار شهری اهواز

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 14 بهمن 91 آمده است :
۴۰۰ کارگر قطار شهری اهواز از روز سه شنبه گذشته تاکنون در اعتراض به پرداخت نشدن شش ماه حقوق خود دست از کار کشیده اند.
به گزارش خبرگزاری ایلنا، این کارگران در قسمت های پشتیباني، حمل و نقل و حفاری تونل شاغل هستند و در این مدت در مقابل در ورودی تونل کارگاه محل خود تجمع کرده‌اند.
بنا بر این گزارش، کارگران از روز سه شنبه هفته گذشته تا به امروز دست از کار کشیده و خواستار پرداخت معوقات خود از پیمانکار مجری احداث این پروژه (شرکت کیسون) هستند.
یکی از این کارگران با بیان اینکه هنوز پاسخ قانع کننده از کارفرما در خصوص دریافت مطالباتمان دریافت نکرده‌ایم، به ایلنا گفته است: شرکت کیسون که مجری احداث این پروژه و کارفرمای کارگران است در چندین مرحله با وعده پرداخت معوقات حقوقی کارگران مانع اعتراض آنان شده بود و به همین دلیل تا رسیدن به نتیجه و دریافت پاسخ قانع کننده‌ای از سوی کارفرما به تحسن و تجمع خود ادامه خواهیم داد.

اخراج ۵۳ کارگر رسمی مجتمع موقوفه متقین از سوی اداره اوقاف استان تهران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 14 بهمن 91 آمده است : دو نماینده از طرف ۵۳ کارگر مجتمع موقوفه «متقین» با حضور در دفتر ایلنا به مشخص نبودن شرایط شغلی خود، اعتراض کردند و خواستار بازگشت به کار شدند.
به گزارش ایلنا، اخیرا از سوی اداره کل اوقاف تهران به ۵۳ نفر از نیروی کار مجتمع موقوفه متقین (که از سال ۱۳۱۷ برای تحصیل ایتام بي‌بضاعت شهر تهران وقف شده است) آنان گفته شده است از اول بهمن ماه بر سر کار خود حاضر نشوند.
یکی از کارگران مجتمع موقوفه متقین در تشریح وضعیت نیروی کار این مجتمع موقوفه گفت: ۵۳ نفر از پرسنل مجتمع موقفه متقین با سوابق ۸ تا ۳۰ سال، به صورت قرار داد دائم بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل وزارت کارکه در سال ۷۹ مصوب واجرا شده است از محل موقفه حقوق و مزایا دریافت مي‌کنند و هیچ گونه رابطه استخدامی با اداره کل اوقاف استان

تهران ندارند و همگی استخدام دائمی این موقفه هستند.
او افزود: به موجب ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و حسب مورد، ادارات اوقاف ناظر بر مسائل اجرایی و مالی هستند و بایستی برابر نیت واقف که در وقف نامه مندرج است موقفه را اداره کنند.
نماینده کارگران این موقوفه با انتقاد از برخورد نامناسب نماینده اوقاف برای پی گیری اخراج کارکنان این موقفه ادامه داد: علاوه بر برخورد نامناسب نماینده اوقاف برای تخلیه وسایل این مجتمع، نادیده گرفتن سال‌ها تلاش و سوابق این تعداد کارگر باعث نگرانی آنان شده است.
یکی دیگر از نمایندگان کارگران در ادامه افزود: مجتمع موقوفه متقین حدود ۳۵۰ دانش‌آموز یتیم دختر و ۳۵۰ دانش‌آموز یتیم پسر را در مقاطع ابتدایی و راهنمایی در پناه خود دارد و به مدد عواید حاصل از موقوفات وابسته به خود، تمام احتیاجات این دانش‌آموزان اعم از خوراک و پوشاک، لوازم‌التحریر، هزینه‌های ایاب و ذهاب را تأمین مي‌کند.
او با اظهار نگرانی از وضعیت این تعداد دانش اموز بي‌سرپرست افزود: تعداد زیادی از دانش آموزان، پس از پایان دوره‌های ابتدایی و راهنمایی در این مجتمع، تحصیلات خود را در دبیرستان و دانشگاه ادامه داده‌اند و اینک موقعیت‌های خوبی در جامعه دارند.
او در این مورد اضافه کرد: دانش آموزان این مجتمع از کارگاه‌های آموزشي، آزمایشگاه، کتابخانه و وسایل کمک آموزشی استفاده مي کنند و به دلیل در اختیار داشتن موقعیت مناسب تربیتی و آموزشي، موفقیت‌هایی در زمینه های مختلف علمی و فرهنگی کسب کرده‌اند.
او همچنین بیان کرد: اصل موقوفه در پاکدشت است و عزیزخان (واقف)، پنج روستا را که حدود سه هزار هکتار از آن اراضی زراعی بود در سال ۱۳۰۴ وقف کرد و تا افتتاح رسمی درسال ۱۳۱۷ درآمد آن وقف هزینه های تحصیل، تغذیه، لوازم‌التحریر، ایاب و ذهاب و پوشاک کودکان بي‌بضاعت شهر تهران و کمک مالی به خانواده های آن‌ها مي‌شود.
او ادامه داد: مجموعه‌های اقتصادی زیادی مربوط به موقوفات «متقین» است و درآمدهای آن صرف ایتام مي‌شود ضمن اینکه با این اقدام نامناسب وغیر قانونی اداره اوقاف تکلیف حدود بیش از ۶۰۰ دانش‌آموز و کودکان یتیم که تحت پوشش این موقفه هستند معلوم نیست.
به گفته نماینده کارکنان موقوفه متقین، منافع این مجتمع مادام‌العمر متعلق به ایتام است دانش آموزان دختر و پسر بي‌بضاعتی که از نعمت پدر محروم هستند، در دو واحد آموزشی دبستان و راهنمایی پسرانه و دخترانه به طور مجزا در مجتمع متقین تهران تحصیل مي‌کنند.
این نماینده همچنین تصریح کرد: هم اکنون اداره کل اوقاف استان تهران باستناد عدم ابلاغ ساختار تفصیلی مجتمع تربیتی متقین در صدد تعطیلی محلی که از سال ۱۳۱۷ دایر بوده، است این درحالیست که همچنان دانش آموزان ایتام در ان محل مشغول به تحصیل هستند.
او گفت: تعطیلی مجتمع تربیتی متقین و اخراج و تسویه حساب ۵۳ کارگر آن با توجه به نامه شماره ۹۶۴۵۴۳/۹۱ مورخه ۹۱/۱۰/۱۲ در خصوص تشکیلات تفصیلی ادارات تابعه و دفتر نمایندگی که از محل منابع مالی سازمان واداره کل اوقاف تامین مي‌شود غیر قانونی است چرا که تمامی هزینه‌های این مجتمع از محل خود موقفه تامین مي‌شود.
نماینده کارگران در خاتمه از مسئولان ذي‌ربط خواستار بررسی اخراج ۵۳ نفر از کارکنان مجتمع موقفه متقین و همچنین بلاتکلیفی بیش از ۶۰۰ دانش آموز بي‌سرپرست که تحت پوشش وسرپرستی این مجتمع قرار دارند شد.

تداوم اعمال فشار به کارگران و فعالین کارگری محکوم است

طبق خبر ارسالی به اتحادیه آزاد کارگران ایران روز چهارشنبه یازدهم بهمن ماه جاری، ماموران اطلاعات نیروی انتظامی با حضور خود در محل کار مظفر صالح نیا در سنندج، اقدام به طرح سوالات بی‌اساس و گرفتن امضا و دادن تذکر به ایشان شده‌اند. مظفر صالح نیا یکی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران است که سال گذشته پرونده‌ای علیه وی به همراه عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران، شریف ساعد پناه تشکیل شده و به اتهامات بی‌اساسی بارها به دادگاه فراخوانده شده و ۵ اسفند ماه سال جاری نیز بایستی برای بار چهارم در دادگاه حضور پیدا کنند. رویه‌های غیر قانونی و غیرمعمول از قبیل حضور مامور در

محل کار کارگران و فعالین کارگری و استنتاق و بازجویی و نیز فراخواندن‌های مکرر به دادگاه، در راستای اعمال فشار به کارگران برای بازداشتن آنان از پیگیری حقوق پایمال شده خود و هم سرنوشتانشان است و عملی محکوم است. این گونه اعمال ناشایست هیچ‌گاه نتوانسته در اراده کارگران برای ایستادگی در مقابل تعرض همه جانبه و هر دم تشدید شونده به زندگی و معیشت و کرامت آنان تاثیری بگذارد. اتحادیه آزاد کارگران ایران ضمن تقبیح آزار و اذیت کارگران و فعالین کارگری خواهان پایان دادن به این رویه و پاسخگویی به مطالبات برحق کارگران و به رسمیت‌شناسی حق فعالیت قانونی و متشکل کارگران است.
اتحادیه آزاد کارگران ایران-۱۴ بهمن ۹۱

کارگران پیمانکاری شرکت بسباران در پتروشیمی بندر امام از صبح امروز دست به اعتصاب زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است : کارگران پیمانکاری شرکت بسباران در مجتمع پتروشیمی بندر امام از صبح امروز در اعتراض به عدم افزایش دستمزدهای خود دست به اعتصاب زدند.
بدنبال دوسال مبارزه و کشمکش کارگران پیمانکاری پتروشیمی بندر امام برای اجرای مصوبه هیات وزیران مبنی بر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری و علیرغم اینکه این مصوبه از اوایل تابستان امسال به مرحله اجرا در آمد اما وزارت نفت و مدیریت پتروشیمی‌ها با معیار قرار دادن تحصیلات کارگران، سابقه آنان و مسائلی از این دست، آنچنان شرایطی را پدید آورده‌اند که این مصوبه عملا مشمول حال بسیاری از کارگران نشده است. این درحالی است که بر اساس مصوبه هیات وزیران و خواست ده‌ها هزار کارگر در شرکت ملی نفت و صنایع تابعه، تاکنون شرکتهای پیمانکاری در صنایع پتروشیمی می‌باید بطور کامل برچیده می‌شدند اما نه تنها این امر متحقق نشده است بلکه پتروشیمی بندر امام در اقدامی جدید قرار داد خود را با شرکت پیمانکاری فریمکو در مجتمع‌های بسباران و کیمیا تمدید کرد و علاوه بر این به وعده‌ای که از دو سال گذشته به کارگران شرکتهای پیمانکاری مبنی بر افزایش دستمزدهای آنان داده بود عمل نکرد. به همین دلیل از هفته گذشته کارگران تبدیل وضعیت نشده در پتروشیمی بندر امام از یک سو به تمدید قرار داد با شرکت پیمانکاری فریمکو معترض شده‌اند و از سوی دیگر خواهان افزایش دستمزدهای خود بر اساس وعده مدیریت پتروشیمی شده‌اند. مدیریت پتروشیمی بندر امام از مدت‌ها پیش به کارگران پیمانکاری وعده داده بود در صورت انعقاد قرار داد جدید با شرکت پیمانکاری فریمکو کاری خواهد کرد تا دستمزد آندسته از کارگرانی که تبدیل وضعیت نشده‌اند افزایش پیدا کند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال اعتصاب و تجمع اعتراضی هفته گذشته ششصد کارگر تبدیل وضعیت نشده پتروشیمی بندر امام درمقابل فرمانداری ماهشهر، کارگران پیمانکاری مجتمع بسباران از آنجا که مدیریت پتروشیمی بندر امام، این مجتمع را با قرارداد جدیدی به شرکت پیمانکاری فریمکو واگذار کرده است خواهان افزایش دستمزدهای خود شدند اما با بی‌توجهی مدیریت مواجه شدند و به همین دلیل صبح امروز با خواست افزایش دستمزدها دست از کار کشیدند.
بنا بر این گزارش، بدنبال این اعتصاب مسئولین مجتمع بسباران از کارگران خواستند تا نماینده‌های خود را جهت رسیدگی به خواست‌هایشان به مدیریت معرفی کنند اما با معرفی نماینده‌ها از سوی کارگران و در جلسه‌ای که با شرکت چندین تن از مسئولین مجتمع بسباران، حراست و شرکت پیمانکاری فریمکو برگزار شد نماینده‌های کارگران مورد تهدید مسئولین پتروشیمی واقع شدند و یکی از نماینده‌های آنان به نام فرزاد علیزاده از کار خود معلق گردید.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران پیمانکاری بسباران اعلام کرده‌اند نماینده‌هایشان را تنها نخواهند گذاشت و تا رسیدن به خواست‌هایشان اعتصاب خود را ادامه خواهند داد.
اتحادیه آزاد کارگران ایران- ۱۴ بهمن ماه ۱۳۹۱

اعتصاب کارگران متروی اهوازواردپنجمین روزشد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 14 بهمن 91 آمده است : کارگران متروی اهواز از روز سه شنبه هفته گذشته تا به امروز دست از کار کشیده و خواستار پرداخت معوقات خود از پیمانکار مجری احداث این پروژه (شرکت کیسون) هستند.
براساس این گزارش، یکی از کارگران حاضر در این تجمع گفت: حدود ۴۰۰ نفر از کارگران قطار شهری اهواز که در قسمتهای پشتیبانی، ترانسفور (تامین کننده ماشین آلات) و حفاری تونل مشغول به فعالیت‌اند از روز سه شنبه (۱۰ بهمن) تا به امروز (۱۴ بهمن) در اعتراض به عدم دریافت ۶ ماه حقوق معوقه خود در مقابل درب ورودی تونل کارگاه محل فعالیتشان تجمع کرده‌اند.
این کارگر با بیان اینکه هنوز پاسخ قانع کننده از کارفرما در خصوص دریافت مطالباتمان دریافت نکرده‌ایم، اظهار داشت: شرکت کیسون که مجری احداث این پروژه و کارفرمای کارگران است در چندین مرحله با وعده پرداخت معوقات حقوقی کارگران مانع اعتراض آنان شده بود و به همین دلیل تا رسیدن به نتیجه و دریافت پاسخ قانع کننده‌ای از سوی کارفرما به تحصن و تجمع خود ادامه خواهیم داد.

اخراج و تعویق دستمزد کارگران شرکت راه پویان صنعت غرب کرمانشاه

به گزارش کُردپا،در 14 بهمن 91 آمده است : مدیران شرکت «راه پویان صنعت غرب» در کرمانشاه از پرداخت دستمزد ۱۵۰ کارگر شاغل، امتناع می‌کنند.
بنابهمین گزارش، یکی از مراکز صنعتی استان کرمانشاه به نام راه پویان صنعت غرب، طی شش ماه اخیر، حقوق و مزایای ۱۵۰ کارگر را بدون هیچ دلیلی، به تعویق انداخته است.
یک کارگر شاغل در شهرک صنعتی کرمانشاه گفت: کارفرمای شرکت پویان غرب در چند ماه گذشته نیز ۳۵۰ کارگر را به بهانه‌های مختلف از کار اخراج کرده‌اند.
این شرکت صنعتی طراح و نصب کننده‌ی کانلهای شبکه‌های انتقال و توزیع برق است.

پرداخت یک ماه از معوقات ۳۰ ماهه کارگران نساجی مازندران و وعده بازگشایی کارخانه

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 14 بهمن 91 آمده است : کارفرمای نساجی مازندران یک ماه از حقوق هزار کارگر خود را بعد از گذشت ۳۰ ماه از بیکاری آنان که با دریافت نکردن حقوق همراه بوده است، پرداخت کرد.
برپایه این گزارش، قرار است همه کارگران آماده بکار این مجتمع نساجی، دوباره دعوت بکار شوند.

عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس خواستار شد: ارائه فاز دوم به صورت متمم در بودجه 92

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر تاریخ 14بهمن 91 آمده است : عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس، با بیان این که نباید لایحه بودجه 92 به دلیل سرنوشت هدفمندی فاز دوم بیش از این به تأخیر بیفتد، ارائه متمم اجرای فاز دوم هدفمندی در بودجه را خواستار شد.

جعفر قادری در گفت و گو با ایلنا، گفت: دولت می‌تواند لایحه بودجه را بدون وارد کردن مبحث هدفمندکردن یارانه‌ها به مجلس تحویل دهد و هر زمان که در خصوص اجرای فاز دوم به تصمیم‌گیری نهایی رسید، می‌تواند آنرا به شکل متمم به بودجه اضافه کند

نماینده مردم شیراز در مجلس نهم، با اشاره به تأخیر قابل توجه دولت در ارائه لایحه بودجه 92، اظهار داشت: برای بررسی بودجه یک حداقل های زمانی وجود دارد و برای این حداقل ها هم هیچ کاری نمی توان کرد. مگر اینکه مجلس بیاید و آیین نامه را اصلاح کند. بر اساس آیین نامه وقتی بودجه به مجلس برسد باید تکثیر شود. از زمانیکه بودجه تکثیر شد و در اختیار نمایندگان قرار گرفت حداقل ده روز نمایندگان باید فرصت داشته باشند تا پیشنهاد های خودشان را به کمیسیون های تخصصی ارائه کنند. کمیسیون های تخصصی هم حداقل یک تا دو هفته باید فرصت داشته باشند تا پیشنهاد های افراد را بررسی کنند و نظرات را جمع بندی شده در اختیار کمیسیون تلفیق قرار دهند. این جریان 25 روز طول می کشد. پس از آن هم کمیسیون تلفیق هم حداقل دو هفته زمان نیاز دارد تا بررسی های لازم را انجام دهد که در مجموع 40 روز خواهد شد. در صحن مجلس هم حداقل دو هفته زمان نیاز است تا پیشنهاد های کمیسیون تلفیق را بررسی کنند.به گفته وی، بر این اساس برای بررسی لایحه بودجه تقریبا دو ماه زمان نیاز است. از سوی دیگر یک رفت و برگشتی باید بین مجلس و شورای نگهبان وجود داشته باشد.

وی بیان داشت: دولت باید لایحه بودجه را به مجلس ارائه کند چرا که بیش از این تأمل جایز نیت و باعث افزایش خزینه انباشته خواهد شد.

پایان پیام

اخراج ۵۳ نفر از کارگران رسمی مجتمع موقوفه متقین

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر تاریخ 14بهمن 91 آمده است : اخیرا از سوی اداره کل اوقاف تهران به ۵۳ نفر از نیروی کار مجتمع موقوفه متقین (که از سال ۱۳۱۷ برای تحصیل ایتام بی‌بضاعت شهر تهران وقف شده است) آنان گفته شده است از اول بهمن ماه بر سر کار خود حاضر نشوند.
یکی از کارگران مجتمع موقوفه متقین در تشریح وضعیت نیروی کار این مجتمع موقوفه گفت: ۵۳ نفر از پرسنل مجتمع موقفه متقین با سوابق ۸ تا ۳۰ سال، به صورت قرار داد دائم بر اساس طرح طبقه بندی مشاغل وزارت کارکه در سال ۷۹ مصوب واجرا شده است از محل موقفه حقوق و مزایا دریافت می‌کنند و هیچ گونه رابطه استخدامی با اداره کل اوقاف استان تهران ندارند و همگی استخدام دائمی این موقفه هستند.
او افزود: به موجب ماده ۳ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف هر موقوفه دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و حسب مورد، ادارات اوقاف ناظر بر مسائل اجرایی و مالی هستند و بایستی برابر نیت واقف که در وقف نامه مندرج است موقفه را اداره کنند.
نماینده کارگران این موقوفه با انتقاد از برخورد نامناسب نماینده اوقاف برای پی گیری اخراج کارکنان این موقفه ادامه داد: علاوه بر برخورد نامناسب نماینده اوقاف برای تخلیه وسایل این مجتمع، نادیده گرفتن سال‌ها تلاش و سوابق این تعداد کارگر باعث نگرانی آنان شده است.
یکی دیگر از نمایندگان کارگران در ادامه افزود: تعطیلی مجتمع تربیتی متقین و اخراج و تسویه حساب ۵۳ کارگر آن با توجه به نامه شماره ۹۶۴۵۴۳/۹۱ مورخه ۹۱/۱۰/۱۲ در خصوص تشکیلات تفصیلی ادارات تابعه و دفتر نمایندگی که از محل منابع مالی سازمان واداره کل اوقاف تامین می‌شود غیر قانونی است چرا که تمامی هزینه‌های این مجتمع از محل خود موقفه تامین می‌شود.
نماینده کارگران در خاتمه از مسئولان ذی‌ربط خواستار بررسی اخراج ۵۳ نفر از کارکنان مجتمع موقفه متقین و همچنین بلاتکلیفی بیش از ۶۰۰ دانش آموز بی‌سرپرست که تحت پوشش وسرپرستی این مجتمع قرار دارند شد.

مصاحبه سایت اتحاد با پروین محمدی، از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی ۳۰هزار نفره کارگران ایران

سایت اتحاد گزارش می دهد : خانم محمدی حرکت جمع آوری طومار اعتراضی کارگران از چه زمانی و چگونه شروع شد؟
پروین محمدی: ابتکار این حرکت در پی اعلام دستمزدهای سال ۹۱ و ناهمخوانی این میزان دستمزد با سبد هزینه معیشت کارگران و تورم فزاینده قیمت مایحتاج اولیه زندگی، توسط تعدادی از کارگران عضو هئیت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران مطرح و در تاریخ ۱۱ اردیبهشت به مناسبت روز جهانی کارگر فراخوانش رو به جامعه داده شد. در پی این حرکت در روز ۲۷ خرداد ماه سال جاری اولین ۱۰ هزار امضای کارگران از کارخانجات سراسر کشور به وزارت کار و مجلس شورای اسلامی و نیز دفتر رسیدگی به شکایات مردمی ریاست جمهوری داده شد. جمع آوری امضاها متوقف نشد و در پی بی‌پاسخ گذاشتن مسئولین، مرحلهٔ دوم این طومار اعتراضی یعنی ۱۰ هزار امضای دیگر در تاریخ اول مهر ماه تحویل مسئولین ذکر شده گردید.

در طی مراحل تحویل امضاهای اعتراضی، رسانه‌های داخلی از سایت‌های اینترنتی گرفته تا نشریات و روزنامه‌های کثیر الانتشار، پوشش گسترده‌ای دادند و حق به جانب بودن خواست کارگران بیش از پیش در معرض دید جامعه قرار گرفت.
سایت اتحاد: آیا تاکنون از طرف نهادهای ذیربط از جمله وزارت کار و امور اجتماعی پاسخی به طومار اعتراضی کارگران داده شده است؟
پروین محمدی: متاسفانه نه تنها وزارت کار و امور اجتماعی، به اعتراض بیست هزار کارگر که در واقع خواست میلیون‌ها کارگر را نمایندگی می‌کند، هیچ گونه اعتنایی ننمود، بلکه در فاصله بین تحویل ۱۰ هزار امضای اول تا تحویل مرحله دوم، طرح قرون وسطایی استاد –شاگردی را به طور رسمی برای اجرا در سراسر کشور اعلام نمودند که از آن به عنوان «طرح نوین حل بحران بیکاری و گشایش معضل انگیزه صاحبان سرمایه جهت میل به سرمایه گذاری» نام برده شد. و بعد از تحویل ۱۰ هزار امضای اعتراضی دوم، دولت «اصلاحیه ضد کارگری قانون کار» که مکمل طرح برده داری استاد-شاگردی است را، برای تصویب به مجلس داد.
در این بین هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی بر آن شدند تا ۱۰ هزار تای سوم از این طومار اعتراضی را کما فی سابق به دبیرخانه مجلس تحویل ندهند و در روز ۲۸ آذر ماه، جلوی مجلس شورای اسلامی دست به تحصن زدند و خواهان دیدار با رئیس مجلس و وزیر کار و نمایندگان مجلس شدند و گفتند امضاها را فقط مستقیما تحویل رئیس مجلس خواهیم داد. در آن روز هماهنگ کننده‌ها توانستند به علت عدم وجود رئیس مجلس، با نایب رئیس اول مجلس، آقای ابوترابی دیدار داشته باشند و امضاها را مستقیما تحویل ایشان دادند و حضورا چکیده ایی از خواست کارگران را مطرح کنند و در ادامه با رئیس کمسیون اقتصادی دیداری داشتند و در کمسیون اجتماعی مجلس، با حضور وزیر کار شرکت کردند و در انتهای جلسهٔ این کمسیون توانستند اعتراضشان را به گوش وزیر کار و نمایندگان حاضر در جلسه، برسانند و از جانب سی هزارنفری که این طومار اعتراضی را امضا کرده بودند به آنان بگویند انسان بودن و همانند انسان قرن ۲۱ زندگی کردن حق ماست و برای پیش بردن این خواست، هر تلاشی را خواهند کرد و اجازه نخواهند داد اصلاحیه ضد کارگری قانون کار به قانون و نورم جامعه تبدیل شود و داشتن حقوق متناسب با هزینه‌های جاری که خط بقای آن یک میلیون و پانصد هزار تومان است را حق طبیعی خود می‌دانند.
سایت اتحاد: شما فکر می‌کنید با وجود تمام تلاشی که کارگران امضا کننده انجام داده‌اند، مسئولین توجهی به این حرکت خواهند کرد؟ احتمالا در مسیر این حرکت اجتماعی چه سنگ اندازی‌هایی از طرف مخالفانش صورت گرفته است؟
پروین محمدی: در طول این حرکت کارگران امضا کننده را از بیکار شدن و از دست دادن شغل اشان ترساندند و نمایندگان دروغین کارگری شروع به لجن پراکنی و مصاحبه‌های متعدد با رسانه‌ها کردند که این افراد (هماهنگ کننده‌ها) هویت مشکوک دارند و تشکل رسمی نیستند و این خواست افزایش دستمزد شدنی نیست. حتی از جانب کانون عالی شورای اسلامی به زیر مجموعه‌هایشان دستور داده شد در کارخانجات جلوی این حرکت را بگیرند و نگذارند کارگران امضا جمع آوری کنند. درجاهایی که از دستشان در می‌رفت و یا زورشان نمی‌رسید تا کارگران را قانع کنند که این طومار اعتراضی را امضا نکنند، امضاهای هزاران کارگر را جمع آوری کردند و به عنوان متولیان و نمایند گان دروغین کارگر به کارگران قول دادند این

امضاها را به سیل بقیه امضاها برسانند. ولی بعدا متوجه شدیم ازامضاهای کارگران بعنوان وسیله‌ای برای گرفتن پست و ارتقای جایگاه‌شان استفاده کرده‌اند و بجای تحویل به هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی، امضاها را به جای دیگری تحویل داده‌اند.
بنابر این می‌بینید که ظاهرا توجهی نمی‌کنند ولی این حرکت در شرایط و اوضاع موجود اجتماعی آنچنان بزرگ و نوبود (نو به جهت اینکه برای اولین بار از طرف کارگران یک حرکت سراسری شکل گرفت که از دست تشکل‌های دست ساز وزارت کار خارج بود) که نمی‌توانستند آن را نادیده بگیرند. همانطور که از موارد بالا معلوم می‌شود از همان لحظات اولیه شکل گیری این حرکت، به جنب و جوش افتادند تا این حرکت را خفه کنند و طبق خبرهای رسیده در شورای عالی کار نیز از این حرکت مستقل انجام گرفته صحبت شده و گفته‌اند امسال نمی‌توانند خواست کارگران و مشخصا این ۳۰ هزار نفر امضا را جدی نگیرند و باید پاسخ در خوری پیدا کنند.
سایت اتحاد: در ادامه این حرکت و پیگیری خواست‌های امضاکنندگان طومار اعتراضی، شما هماهنگ کنندگان چه برنامه‌هایی در پیش دارید؟
پروین محمدی: وضعیت تورم و روند رو به رشد افسار گسیخته افزایش قیمت کالاها که هیچ توقفی برایش قابل تصور نیست، وضعیت معیشت و بقای ما کارگران را بیش از هر زمان دیگری به خطر انداخته است. بنابر این امسال روند اعلام دستمزد، نمی‌تواند همانند روال سالهای قبل ادامه پیدا کند. حقوق ۳۹۰ هزار تومانی آنچنان فاصلهٔ مضحکی از هزینه یک خانوار ۴ نفره کارگری گرفته است که نمی‌تواند مبنایی برای افزایش دستمزد سال بعد باشد.
بنابراین هرمیزان درصد افزایشی براین حقوق ۳۹۰ هزار تومانی بی‌معنا خواهد بود، چرا اگر ۱۰۰ درصد هم اضافه کنند باز به رقم یک سوم خط فقر می‌رسیم که پاسگوی جامعه نیست. همانطور که تمام کالاها از ارز تبعیت می‌کنند، مزد ما کارگران نیز باید با نوسانات ارز محاسبه گردد، چرا که ما سالهاست با ریال حقوق می‌گیریم و با دلار خرج می‌کنیم.
ولی در سالهای قبل اینقدر ارز در نوسان و با رشد سرسام آور رو به رشد نبود و مسئولین می‌توانستند با یک رقم دلبخواهی از آمار رشد تورم در آخر سال، سرو ته افزایش دستمزد را به هم ببافند. ولی امسال مثل همه چیز بازار فرق کرده و از فاکتورهای جهانی تبعیت می‌کند باید درآمد ما کارگران هم از همان فاکتورها تبعیت کند و قدرت خرید متناسب بازار موجود را به ما برگردانند.
ما از ابتدای امسال بر ناهماهنگی دریافتی و مزد کارگران با هزینه‌های جاری، پای فشردیم و یکی از خواسته‌های اساسی و محوری طومار اعتراضی کارگران خواست افزایش دستمزد متناسب با تورم واقعا موجود بوده است و اکنون که ماههای پایانی سال است و شورای عالی کار، طبق روال همه ساله جلسات به اصطلاح «تخصصی» خود را آغاز کرده، ما هماهنگ کننده‌های طومار اعتراضی برای پیگیری و رسیدن به خواستهای برحق خود، در روز ۸ بهمن به استانداری رفتیم و خواهان صدور مجوز تجمع بزرگ کارگری در ۲۸ بهمن ماه در مقابل وزارت کار در خیابان آزادی شدیم.
سایت اتحاد: با تشکر از پروین محمدی نایب رئیس هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران
۱۴/۱۱/۹۱
چهاردهم بهمن ماه ۱۳۹۱

عدم پرداخت شش ماه حقوق کارکنان صنایع دستی کردستان در سنندج

بر اساس گزارش ذکر شده در سایت هماهنگی ... در 14 بهمن آمده است :تعداد ۲۸ نفر از کارکنان صنایع دستی شهر سنندج که ۲۱ نفر از آن زن و مابقی مرد هستند حدود شش ماه و نیم است که حقوق ماهیانه خود را دریافت نکرده اند.
این کارکنان در حالی از دریافت حقوق ماهیانه خود محروم هستند که هر یک از آنها نزدیك به ۲۰ سال سابقه کار داشته و برای پیگیری مطالبات خود بارها مراتب اعتراض خود را به نهادهای دولتی بویژه استانداری کردستان اعلام کرده اند اما تاکنون جواب قانع کننده ای به آنها داده نشده است.

لازم به ذکر است که عدم پرداخت حقوق کارکنان صنایع دستی کردستان در شرایطی صورت می گیرد که این سازمان نهادی دولتی بوده و احتمال آن می رود که این کارکنان شامل طرحهای ریاضتی دولت شده باشند؛ همچنین برای کاهش هزینه، این سازمان از اول سال ۹۱ اضافه کاری کارکنان خود را قطع کرده است.

کمیتهٔ هماهنگی برای کمك به ایجاد تشکل های کارگری
۱۴ بهمن ۱۳۹۱

نوبتی هم باشه،
نوبت حاکمیت دمکراتیک و شورایی کارگران است!!!

تشدید بحران اقتصادی سرمایه داری و ناتوانی آن در عدم پاسخگویی به مطالبات عدیده مردم، و اوج گیری مبارزات زحمتکشان، باعث درگیری و شدت یابی بحرانهای قانونی و مشروعیت جناح های اصلاح طلب و سرکوبگر دولتهای سرمایه داری درسطح جهان شده است، از جمله تشدید در گیری ها جمهوری خواه با دمکراتها در آمریکا ،حزب اخوان المسلمین در مصر و حزب سوسیالیست ها در فرانسه ... و بالاخره اصولگراها و احمدی نژاد و اصلاح طلبان در کشور خودمان حاصل تشدید بحران های فوق است، هر چه به دامنه بحران اقتصادی _ اجتماعی افزوده می شود، هر چه از طرف جناحها ی گفته شده در انداختن بار بحران بر دوش طبقات پایین افزایش می یابد،همچنین هرچه به مشکلات اقتصادی ، افزایش مالیاتها و تشدید بهره کشی چند گانه در حوزه تحصیل ، بهداشت و درمان و خدمات افزوده می شود به همان نسبت فاصله طبقاتی بیشتر عیان شده در نتیجه دولتهای حاکم در دفاع مستقیم از سرمایه داران بیش از پیش دست شان رو شده و مجبور می شوند، عوامفریبی های مردم پسندانه و یکدست دمکرات منشانه درباره آزادی، عدالت و دمکراسی و... را کنار بگذارند،یعنی دیکتاتوری بودن حاکمیت سرمایه داری شفافتر دیده می شود، در مقابل به همان میزان آگاهی طبقاتی توده ها از منافع آنی تاریخیشان افزایش می یابد و آنان به مبارزه مستقیم با استبداد و بهره کشی، مجموعا" نبرد با دیکتاتوری طبقاتی سرمایه داری بیشتر کشیده می شوند. نتیجه چنین نبردی در صورت طی روند علمی و اصولی باید منجر به حاکمیت طبقاتی کارگران شود.
جمهوری اسلامی ایران به عنوان نماینده انگشت شمار مولتی میلیادرهای نظامی _ روحانی و شریک نیروهای چند ملیتی در غارت و بهره کشی از مردم، از قاعده بالا مستثنی نیست، با یک تفاوت اساسی نسبت به دیگر کشورها، آن هم اینکه، اگر در دیگر کشورها هنوز مردم به برخی از جناحهای سرمایه داری در برآوردن خواسته هایشان امیدوارند، اما در ایران مردم کلیه جناحهای دولتی را تکذیب کرده و کوچکترین امید و اعتقادی به آنان نداشته و عامل ادامه فلاکت و بدبختی خود را کلیت نظام دیکتاتوری سرمایه داری ایران می دانند، که فقط با سرنیزه و خفقان در مقابل روند رو به رشد موقعیت انقلاب مردمی خود را نگه داشته است، در مقابله، توده ها مانند سال 88 بیشترین استفاده را از امکانات خود در ضربه زدن به پاشنه آشیل حکومت اسلامی را کرده اند، هر چند نبود رهبری باعث به نتیجه نرسیدن قطعی مبارزات قهر آمیز توده ها شده و می شود، اما مبارزات 88 علیرغم خیانت و تلاشهای اصلاح طلبان حکومتی با ایجاد انحراف در طی مسیر و جلو گیری از رشد اعتراضات و همچنین ضربات سنگین در سرکوب توسط سپاه و اطلاعات، باعث ریزش 8000 نفر از 30000 نفر نیروهای اطلاعات، 30 بازداشت خانگی و 17 بازداشتی و زندان در سطح رده فرماندهان بالا و مهمتر از همه با خارج کردن اصلاح طلبان به عنوان مدافعان رژیم در مقابل انقلاب و انتقال کاخ درونی به هسته مرکزی رژیم اصول گراها ، بیش از پیش درخت انقلاب آتی را بارور کرد، همچنین نشان داد در مقابل حاکمیت دیکتاتوری طبقاتی سرمایه داری که اکنون در ایران به شکل جمهوری اسلامی ظاهر شده،و همین طور در مقابل سرمایه داران بورکراتیک و دلالان نفوذ کرده در طبقه کارگر ، اقشار متوسط ، کارمندان ، پرستاران، معلمین، کسابان جز و همه ی لایه های پایینی منافع تاریخی و دمکراتیک مشترک در انقلاب دارند، که علیرغم وجود شرایط عینی در حوزه های داخلی و جهانی، به سبب نبود رهبری سیاسی- انقلابی (سازمان سیاسی طبقه

کارگر) در طی روند طبیعی خود دچار بحران رهبری و پراکندگی می باشند، تنها راه برون رفت از سردرگمی فوق الذکر بطور کل، متشکل شدن و سازمان یابی نیروهای فوق در سازمان سیاسی وسازمانهای توده ی طبقه کارگر که با داشتن پیوند ارگانیک بین خود به عنوان دو نیروی مکمل یکدیگر، نیروهای اساسی پیش برنده انقلاب هستند، اما قبل از آن و برای ممکن شدن آن در قدم اول باید بر اساس منافع طبقاتی و مستقل خود در احزاب و سازمانهای توده ی کارگران از جمله سندیکاها ، کمیته ها ، و شوراهای انقلابی متشکل شویم گام دوم تشکیل جبهه واحد کارگری بر پایه منافع مشترک تاریخی در نظم فعلی و حاکمیت بلاواسطه متحد توده ها در ایجاد نظمی نوین است.
در راستای گفته بالا،یکی از مهمترین شرایط پیروزی مسیر فوق افشا کردن نا پی گیری ،سازشکاری، خیانت ، اپورتونیسم و دورویی اصلاح طلبان و لیبرالهای مذهبی وغیر مذهبی، همچنین سوسیال دمکراتها است که مشغول فریب مداوم توده ها هستند.
قبول رهبری طبقه کارگر تنها شرط پیروزی انقلاب آتی است .
چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است
زنده باد اعتصاب عمومی سیاسی
زنده باد انقلاب
شاهرخ زمانی – زندان گوهر دشت
14/11/1391

کاهش ۷۵ درصدی قدرت خرید کارگران ایران در سال گذشته

به گزارش رادیو صدای آلمان در 15 بهمن 91 آمده است : حسین راغفر اقتصاددان مي‌گويد در یک سال اخیر قدرت خرید نیروی کار در ایران ۷۵ درصد کاهش یافته است. "کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران" نیز اعلام کرد کارگران حتی از تامین نیاز "کالریک" خود ناتوانند.
حسین راغفر کارشناس اقتصادی و استاد اقتصاد "دانشگاه الزهرا" در یادداشتی که شنبه ۱۴ بهمن ۱۳۹۱ در روزنامه «بهار» منتشر شده از کاهش ۷۵ درصدی حداقل دستمزدها و قدرت خرید نیروی کار در سال‌های اخیر و به‌ویژه در یک سال گذشته داده است.
این کارشناس اقتصادی با اشاره به "کاهش شدید سطح رفاه کارگران در حال حاضر"، نوشته است: «بر اساس آمار موجود در حال حاضر هر خانوار چهار نفره برای تامین ۱۶ قلم کالاهای اساسی مورد نیز خود در ماه، نیازمند ۴۶۰ هزار و ۸۹۸ تومان است؛ این میزان از حداقل دستمزد سال‌جاری که ۳۸۹ هزار و ۷۰۰ تومان است، حدود ۷۱هزار و ۱۹۸ تومان بیشتر است»
این کارشناس اقتصادی با اشاره به دو الی سه برابر شدن قیمت بسیاری از محصولات لبني، خانگی و... در یک سال اخیر ادامه داده است: «عرف بازار ایجاب مي‌کند تا ۱۳درصد از این افزایش قیمت (هزینه کارگر در قیمت تمام شده کالا) به کارگران و نیروی کار تعلق گیرد که در این مدت چنین افزایش دستمزدی را شاهد نبوده‌ایم»
حسین راغفر در ادامه این یادداشت پیش‌بینی کرده است در نتیجه سیاسیت‌های غلط اقتصادی طراحی شده توسط دولت و مجلس به‌زودی سونامی تورم در ایران از راه مي‌رسد.

در همین زمینه گزارشی از "کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران" توسط خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 14 بهمن 91 منتشر شده است که در آن عنوان شده حداقل دستمزد فعلی کارگران در ایران حتی نتوانسته است تامین کننده نیاز "کالریک" کارگران شود.
در این گزارش آمده است خط فقر شدید یا گرسنگی مبلغی است که باید توسط خانواده هزینه شود تا افراد خانواده دچار سو تغذیه نشده و حداقل کالری مورد نیاز برای زنده ماندن را کسب کنند. حداقل دستمزد متناسب با خط فقر این گزارش ۱۸ میلیون ریال اعلام کرده است.
در گزارش «کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران»، که یکی از سه تشکل قانونی کارگران در ایران معرفی شده، آمده است: «حداقل دستمزد واقعی نتوانسته است تامین کننده حتی نیاز "کالریک" کارگران شود و بصورت اجتناب ناپذیری عوارض متعددی چون پدیده پر

کاری کارگران (چند شیفت کار کردن)، اضافه کاری آنان، کاهش انگیزه نیروی انسانی و کاهش بهره‌وری... را ناشی شده است.»
افزایش سرسام‌آور قیمت‌ها در ایران به معضل بزرگ معیشتی بخش‌های بزرگی از جامعه و از جمله خانوارهای کارگری بدل شده است. هم فشارهای ناشی از تاثیر تحریم‌ها که به افزایش قیمت قیمت ارز و بالارفتن بي‌سابقه بهای بسیاری از کالاهای وارداتی انجامیده و هم حجم بالای نقدینگی در جامعه از عوامل اصلی تورم به شمار مي‌آیند.

کارخانه ایران پویا منحل شد:بیکاری ۹۰ نفر از کارگران قرار دادی با سوابق بین ۸ تا ۱۸ سال کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 15 بهمن 91 آمده است : کارخانه یخچال‌سازی ایران پویا وابسته به بنیاد مستضعفان، سازنده انواع یخچال و پروفیل آلومینیومی به دلایلی که اعلام نشده است، منحل اعلام شد.
نماینده کارگران کارخانه ایران پویا با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: از صبح دیروز (شنبه) نامه انحلال کارخانه ایران پویا به مدیران این کارخانه ابلاغ شده است اما هنوز تکلیف کارگران شاغل در این مجموعه صنعتی مشخص نیست.
این کارگر با اشاره به اینکه این وضعیت باعث تشدید نگرانی کارگران شده است، اضافه کرد: از ورود و خروج ۹۰ کارگر قراردادی این کارخانه طی هفته‌های گذشته (30 دی ماه) جلوگیری به عمل آمد و در نهایت این کارگران اخراج شدند.
او اضافه کرد: بیکاری تعداد ۹۰ نفر از کارگران قرار دادی با سوابق بین ۸ تا ۱۸ سال کار مستمر در ایران پویا اکنون تمامی کارگران را نگران امنیت شغلي‌شان کرده است.
این کارگر با بیان اینکه تعداد زیادی از کارگران ایران پویا در شرف بازنشستگی هستند ادامه داد: علاوه بر ۹۰ کارگر قرار دادی اخراج شده که هم اکنون با شکایت به اداره کار روند قانونی خود را دنبال مي‌کنند، ۷۲ کارگر رسمی نیز نگران آینده و امنیت شغلی خود هستند و فقط ۱۸ کارگر در این واحد تولیدی با سوابق کمتر از ۲۰ سال امکان بازنشستگی ندارند.

بازنشستگی کارگران با حداقل حقوق
دبیر خانه کارگر غرب تهران ضمن تایید خبر انحلال کارخانه ایران پویا تصریح کرد: طبق نامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کارخانه ایران پویا از دیروز منحل اعلام شده است.
سهراب قنبری با بیان اینکه بعد از انحلال این کارخانه، اختیارات کارخانه و کارگران آن به مدیر تسویه واگذار شده است، اظهار داشت: مدیر تسویه این اختیار را دارد که در مورد به فروش رساندن اموال منقول و غیر منقول کارخانه و همچنین تکلیف نهایی کارگران و بدهي‌ها کارخانه تصمیم گیری کند.
او با انتقاد از اخراج تعداد زیادی از کارگران کارخانه ایران پویا افزود: کارگران رسمی که دارای شرایط بازنشسته شدن نیستند حتی اگر با مدیر تسویه مشکلی نداشته باشند، با سازمان تامین اجتماعی به مشکل بر خواهند خورد.
او اضافه کرد: سازمان تامین اجتماعی برای بازنشسته شدن کارگری که یک روز سابقه کار هم کم داشته موافقت نمي‌کند.
این فعال کارگر ادامه داد: شرایط بازنشسته شدن با سوابق ۲۵ سال به شرط جایگزینی نیروهای جدید است و برای کارگاهی که منحل شده جایگزینی معنی ندارد.
او همچنین گفت: بازنشسته شدن این کارگران صرفا با درج سوابق دو سال آخر با بیمه بیکاری به زیان آنان خواهد بود چرا که این کارگران با حداقل حقوق بازنشسته مي‌شوند.
قنبری با انتقاد از تامین اجتماعی افزود: متاسفانه اخیرا سازمان تامین اجتماعی بدون دریافت مصوبه‌ای در خصوص بازنشسته کردن بیمه شدگان در هنگام دریافتی ۵ سال آخر بیمه شده را مد نظر قرار مي‌دهد.

بیش از ۳ میلیون جوان بیکار در ایران

به نوشته سایت آفتاب در 15 بهمن 91 آمده است : با وجود بیش از ۳ میلیون جوان بیکار در کشور، حداقل ۳ میلیون نفر بیش از یک فرصت شغلی را اشغال کرده‌اند و در این بین برخی به واسطه عضویت در هیئت مدیره‌ها تا ۲۰ فرصت دریافت حقوق را برای خود فراهم کرده‌اند!
موضوع مربوط به پرکاری و انجام بیش از یک شغل توسط برخی از گروه های شاغل در بازار کار کشور موضوعی است که به تازگی مورد توجه مجلس قرار گرفته و درباره ممنوعیت و لزوم متوقف شدن این روند، مباحثی مطرح و قوانینی نیز به تصویب رسیده است.
پدیده چندشغلگی در ایران به دو صورت مشخص قابل بررسی است. دسته اول دوشغله ها و یا چندشغله ها گروه هایی هستند که در مشاغل مدیریتی و مناصب دولتی فعالیت دارند و به این واسطه مشاغل و مسئولیت های متعددی به این افراد واگذار می شود.
دسته دیگر که ممکن است باعث توجه به موضوع چندشغله شدن افراد شده باشد، شاغلانی هستند که در سطوح میانی و معمولی بازار کار حضور دارند و به دلایل گوناگون که بررسی خواهد شد، مشاغل متعددی را انجام می دهند.

چندشغله های دولتی و خصوصی
نکته با اهمیت در پرونده تعدد مشاغل افراد در کشور نامشخص بودن درصد افرادی است که دارای بیش از یک شغل هستند، یعنی آنچنان که مرکز آمار ایران در گزارش های فصلی خود آمارهایی از تعداد بیکاران و تغییرات آن ارائه می دهد درباره افراد چندشغله وجود ندارد و یا دست کم منتشر نمی شود.
کارشناسان بازار کار، بروز پدیده چندشغله شدن افراد را ناشی از تلاش برای کسب درآمد بیشتر می دانند و این مسئله به ویژه در مورد مشاغلی که امکان چندانی برای افراد به منظور تامین معیشت نمی دهد، بیشتر اتفاق می افتد.
با این حال افزایش گرایش به انجام دو یا چند شغل به صورت همزمان می تواند ناشی از تجمل گرایی و بالا رفتن سطح خواسته های افراد از زندگی نیز باشد؛ به این معنا که ممکن است افراد با انجام یک شغل اصلی بتوانند هزینه های زندگی خود را تامین کنند ولی لیست کردن خواسته های متعدد باعث جستجو برای بیش از یک شغل در افراد شده است.
شاید مهم ترین نتیجه و یا آسیبی که افزایش پدیده چندشغله شدن بخشی از بازار کار می تواند در شرایط بالا بودن نرخ بیکاری در کشور و ماندن چند میلیون جوان متقاضی کار در صف بیکاری به همراه داشته باشد، ادامه بیکاری برای جویندگانی کار باشد.

برخی چند شغله، برخی هیچی!
اشغال بیش از یک شغل توسط افراد باعث می شود جوانان بسیاری حتی فرصت ورود به بازار کار و نشان دادن استعدادهای خود را نیز نداشته باشند؛ در حالی که برخی افراد بدون هیچگونه تلاشی به راحتی آن فرصت های شغلی را اشغال نمایند.
مسئله اشغال فرصت های شغلی در مورد پست های مدیریتی و مناصب دولتی نمود بیشتری دارد از آن جهت که اساسا افرادی از بدنه واقعی بازار کار امکان وارد شدن در یک رقابت عادلانه برای تصدی آن شغل را هرگز نخواهند یافت و در این رهگذر می توان متصور بود که بسیاری از استعدادها و سرمایه های فکری کشور نیز هرگز فرصت شکوفا شدن را نیابند.
حمید حاج اسماعیلی در گفتگو با مهر با بیان اینکه در شرایط مناسب بازار کار هیچ فردی حاضر نیست بیشتر از استانداردهای جهانی تعریف شده کار کند، گفت: استاندارد کار افراد در روز ۸ ساعت و در هفته ۴۴ ساعت پیش بینی شده است.
نماینده کارگران در هیئت حل اختلاف، اظهار داشت: رعایت این مسئله امروزه در کشورهای توسعه یافته و مناطقی که مهارت نیروی کار مطرح است، در بالاترین سطح خود قرار دارد.
حاج اسماعیلی نیاز مالی و تامین خواسته ها را از دلایل مهم چند شغله شدن افراد دانست و اظهار داشت: در ایران افراد برای آینده و تامین شرایط زندگی در سال های بعد کار می کنند، اما به دلیل نهادینه نشدن استانداردها در کشور هنوز هم بسیاری از مشاغل به صورت گروهی به افراد به ویژه در بخش های دولتی واگذار می شود.

دوشغله ها مشکل بیکاری را حل می کنند

وی خاطر نشان کرد: یکی از موضوعات دیگری که هیچگاه در کشور رعایت نشده است مربوط به اشتغال دوباره افراد بعد از بازنشستگی است. متاسفانه نمی توان با توجه به تاکیدات اخیر مجلس درباره حل مشکل چند شغله بودن افراد، به متوقف شدن این رویه خوشبین بود.
این فعال کارگری کشور، ادامه داد: اگر این اتفاق بیافتد و راهی برای واگذاری تصدی های بیش از یک شغل افراد به گروه های فاقد شغل اتفاق بیافتد، حتی می توان گفت مشکل بیکاری در کشور حل می شود.
به گفته حاج اسماعیلي، اگر شرایطی فراهم شود تا افراد بتوانند در مشاغل خود حقوق و مزایای کافی دریافت کنند می توان انتظار داشت که بیکاری نیز حل خواهد شد. البته ادامه بی ثباتی در اقتصاد و نوسانات شدیدی که در درآمد افراد صورت می گیرد باعث گرایش روزافزون به انجام مشاغل متعدد می شود.

۲۰ شغل مدیریتی برای ۱ نفر
وی تاکید کرد: هم اکنون بسیاری از افراد هستند که در قالب هیئت مدیره ها حتی ۳ شغل و بیشتر نیز دارند و برآورد می شود به صورت کلی افراد دارای بیش از یک شغل در کشور بالغ بر ۳ میلیون نفر باشند. البته برخی افراد نیز هستند که دارای ۱۰ تا ۲۰ عنوان مشاغل صوری نیز هستند.
به گزارش مهر، علی صالح آبادي، رئیس سازمان بورس و اوراق بهادار نیز در هفته گذشته با اشاره به لزوم افزایش نظارت بر فعالیت هیئت مدیره های شرکت های بورسي، گریزی به مشاغل متعدد برخی افراد زد و گفت: بررسی پرونده کاری فردی نشان داد که وی در ۲۰ هیئت مدیره حضور دارد.

تجمع بازنشستگان ذوب آهن مقابل ساختمان مجلس

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 15 بهمن آمده است : بازنشستگان ذوب‌آهن با تجمع مقابل مجلس از رئیس و نمایندگان مجلس خواستند، تا دولت را مجاب به اجرای مصوبه مجلس در خصوص ادغام صندوق حمایت از بازنشستگان صنعت فولاد در سازمان تامین اجتماعی کند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، بازنشستگان ذوب‌آهن در تجمع صبح امروز (۱۵بهمن) در مقابل ساختمان قوه مقننه از رئیس و نمایندگان مجلس خواستند، تا دولت را مجاب به اجرای مصوبه مجلس در خصوص ادغام صندوق حمایت از بازنشستگان صنعت فولاد در سازمان تامین اجتماعی کند.
یکی از تجمع‌کنندگان مطرح کرد: در دهه مبارکه فجر مقابل مجلس تجمع کردیم تا نمایندگان مجلس، دولت را مجاب به اجرایی کردن مصوبه مجلس کنند.
طبق مصوبه مجلس دولت موظف است تا موسسه صندوق حمایت از بازنشستگی کارکنان فولاد را با سازمان تامین اجتماعی ادغام کند و کسری صندوق مذکور را از محل واگذاری شرکت‌های دولتی تامین کند. ولی هنوز بعد از گذشت سه سال از تصویب، این مصوبه اجرایی نشده است.

دبیر خانه کارگر شوشتر خبر داد:
خاتمه قرارداد ۱۰ هزار کارگر با اتمام پروژه سد گتوند

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 15 بهمن 91 آمده است : دبیر خانه کارگر شوشتر اعلام کرد: با اتمام پروژه سد گتوند بحران بیکاری در شهرستان شوشتر افزایش یافته چرا که اقدامی در جهت اشتغال زایی صورت نگرفته است.

علی علیزاده یکی عوامل موثر در روند رو به رشد بیکاری در این شهرستان را اتمام پروژه سد گتوند ذکر کرد و به ایلنا گفت: بیش از ۱۰ هزار نفراز کارگران شاغل در احداث سد گتیوند با اتمام این پروژه هم اکنون به بیکاران شهرستان شوشتر افزوده شده‌اند. او با بیان اینکه بیکاری یکی از معضلات جوانان جویای کار در این شهرستان است، ادامه داد: شاغلین نیز با وجود مشکلات اقتصادی که به دلیل تاخیر در پرداخت حقوق از سوی واحدهای محل کارشان صورت می‌گیرد مشکلات عدیده‌ای را در خصوص تامین معیشت خانواده خود دارند.

این فعال کارگری نرخ بیکاری در شهرستان شوشتر را بیش از ۲۰ درصد اعلام کرد و گفت: وعده‌های اشتغال زایی در این شهرستان عملی نشده و آنچه که به عنوان اشتغال زایی مطرح می‌شود مشاغل کاذب و ناپایدار محسوب می‌شوند.

علیزاده در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مشکلات کارگران نی بر کشت وصنعت کارون شوشتر که هفته گذشته برای پی‌گیری مشکلات صنفی خود به تهران آمده بودند نیز اظهار داشت: تعداد زیادی از کارگران فصلی نی بر سالهاست که مشکلاتی را در بحث سوابق بازنشستگی و طرح طبقه بندی مشاغل دارند که متاسفانه هنوز مرتفع نشده است. او افزود: وضعیت نامناسب اقتصاد کشور و به تبع آن افزایش قیمت اجناس و کالاهای اساسی، فشار مضاعفی را به کارگرانی که ماه‌ها حقوق دریافت نکرده‌اند وارد کرده است.

پایان پیام

تورم، ۲۸ درصد، ۷۰ درصد یا ۱۱۰ درصد؟

بر پایه گزارش منتشره در سایت تابناک درتاریخ 15 بهمن آمده است:
بانک مرکزی نرخ تورم ماهیانه برای دی ماه را منتشر کرد که بر اساس آمار بانک مرکزی رقم تورم اعلامی برابر با ۲۸,۷ درصد است. این در حالی است که بنا به باور کارشناسان داخلی و خارجی، نرخ تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی به هیچ وجه مطابقتی با واقعیات جامعه ندارد.
مهدی تقوی استاد دانشگاه چرایی تفاوت آمار اعلامی بانک مرکزی را با واقعیات جامعه انتظارات تورمی می‌داند.
به گزارش «تابناک»، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران امروز نرخ تورم دی ماه را اعلام کرد. بنا بر اعلام بانک مرکزی تورم در دی ماه به ۲۸,۷ درصد رسیده است؛ آماری که حاکی از آن است که نرخ تورم نسبت به یک ماه پیش از آن یعنی آذر ماه معادل ۱,۴ درصد افزایش داشته است.
آمار بانک مرکزی در حالی اعلام می‌شود که بسیاری از کارشناسان بر این باورند که این آمار به هیچ وجه با واقعیات تورمی جامعه همخوانی ندارد. پیش از این استیو هانکه در مطلبی اشاره کرده بود که تورم سالیانه در ایران برابر با ۱۱۰ درصد است؛ اما این موضوع منحصر به اقتصاددانان خارج از کشور نمی‌شود.
مهدی تقوی اقتصاددان و استاد دانشگاه در گفت‌وگو با تابناک، در خصوص تورم موجود در کشور و تناقض واقعیات تورمی با آمار اعلامی بانک مرکزی گفت: همه ما می‌دانیم که این آمار بیانگر واقعیت تورمی در جامعه نیست. زیرا می‌توان به آسانی دریافت که بسیاری از کالاها در چند ماه اخیر، چهار برابر افزایش قیمت داشته‌اند.
تقوی بر این باور است که تورم در کشور دست‌کم نزدیک ۶۰ تا ۷۰ درصد است. وی دلیل آن که بانک مرکزی دست به اعلام آمار واقعی نمی‌زند این می‌داند که در صورت اعلام واقعی آمار تورم در کشور انتظارات تورمی به شکلی شدید بروز خواهد کرد.
تقوی می‌گوید: انتظارات تورمی عرضه را دچار مشکل می‌کند و با ایجاد اشکال در عرضه مجدداً نرخ تورم افزایش می‌ابد. بانک مرکزی نیز شاید به همین دلیل است که نرخ تورم را بسیار پایین‌تر از آنچه واقعاً در سطح جامعه احساس می‌شود، اعلام می‌کند، زیرا انتظارات تورمی که با اعلام تورم مثلاً ۷۰ یا ۸۰ درصدی در جامعه به وجود می‌آید، قابل کنترل نخواهد بود.
تقوی البته بر این باور است که استدلال استیو هانکه درباره محاسبه تورم در ایران و رقم اعلامی ۱۱۰ درصد نیز نمی‌تواند چندان درست باشد، زیرا فرمول مورد استفاده هانکه (PPP یا فرمول برابری قدرت خرید) که هانکه از آن استفاده کرده است، برای برآورد نرخ ارز از روی تورم است نه محاسبه تورم از روی نرخ ارز. تقوی تأکید دارد که نرخ تورم در کشور دست‌کم ۶۰ تا ۷۰ درصد است.
صرف نظر از رقم اعلامی تورم، اما موضوع مهم‌تر آن است که از آغاز سال جاری، نرخ تورم

کشور همچنان در حال افزایش است و به رغم وعده‌های پیاپی دولت و بانک مرکزی برای مهار تورم، و حتی علیرغم توقف اجرای فاز دوم هدفمندی در سال جاری، آجرهای دیوار تورم همچنان روی هم چیده می‌شوند که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و آسیب‌های عمیق آن بر بدنه جامعه مشهود است.

درباره ی اخراج منصور اسالو از هیات مدیره سندیکا –

گفتگوی بهرام رحمانی با محمود صالحی

بهرام رحمانی: رفیق محمود، از این که این گفتگو را پذیرفتید بی نهایت متشکرم. هدف از این گفتگو، این است که موضع شما را درباره اطلاعیه منتشر شده سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در تاریخ دوم بهمن 1391، جویا شویم.
آقای منصور اسانلو، جدا از این که هر نظری سیاسی و جهت گیری طبقانی دارد یکی از چهره های شناخته شده جنبش کارگری ایران است. وی، از جمله در سال های اخیر، چند سالی از عمر خود را در زندان و در شرایط سخت گذرانده است. از این رو، اطلاعیه اخیر سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه علیه وی، غیرمنتظره و غیر قابل باور است.
صدور اطلاعیه هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، برای فعالین و طرفداران جنبش کارگری، هم چون یک شوک غیرمنتظره و باور نکردنی است. حق طبیعی سندیکاست که سیاست ها و جهت گیری ها و عزل و انتخاب نمایندگان خود را داشته باشد هیچ انتقادی وارد نیست.
محمود صالحی عزیز، به نظر شما که خود بخش اعظم زندگی خود را از همان سنین کودکی، در مبارزه طبقاتی کارگران و برپایی تشکل های مختلف کارگری سپری کرده اید آیا نمی شد برکناری منصور اسانلو، با چند خط رو به اعضای شرکت واحد و جنبش کارگری ایران و با تقدیر از تلاش ها و مبارزات تاکنونی وی در سندیکای شرکت واحد اعلام شود؟

محمود صالحی دوستان توجه داشته باشید، هر تشکلی که تاسیس می گردد، در اولین اقدام برای این تشکل اساسنامه تدوین می کنند تا فعالیت های خود را بر اساس اساسنامه پیش ببرد. از جمله در اساسنامه نوشته می شود که هر کارگری که اساسنامه را قبول کند و در یکی از ارگان های آن فعالیت کند می تواند عضو آن تشکل شود. پس هر تشکلی باید پایبند به اساسنامه خود باشد و اعضای آن تشکل هم باید مفاد اساسنامه را رعایت کنند. در غیر این صورت عضویت آن می تواند لغو گردد.
به نظر من این یک امر طبیعی است که هر تشکلی مسئولان خود را عزل و یا انتخاب کند. هیچ کس غیر از عضو تشکل مورد اشاره نمی تواند در امور داخلی یک تشکل که دارای مجمع عمومی، هیئت مدیره و بازرسان است دخالت کند. من درکم این است که اطلاعیه شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه، احساسی بوده تا یک اطلاعیه تشکیلاتی با حساب و کتاب. ما با دقت آن را پیگیری کردیم و دیدیم که مراحل اساسنامه ای در آن رعایت نشده است. وقتی هر تشکلی مجمع عمومی تشکیل می دهد برای این است که فعالیت بین دو مجمع را به استحضار اعضای خود برساند. این اعضای شرکت کننده در مجمع عمومی هستند که اقدام به عزل و یا انتخاب هیئت مدیره و بازرسان جدید می کنند. ما وقتی به اساسنامه شرکت واحد نگاه می کنیم از ماده 23 لغایت ماده 26 با تمام بند و تبصره های آن وظایف هیئت مدیره را مشخص و شفاف تعریف آن را می بینیم. اما در هیچ جای این وظایف مشاهده نمی کنید که هیئت مدیره اختیار عزل و انتخاب رئیس یا نایب رئیس را داشته باشد مگر بعد از مجمع عمومی که آن هم در ماده 17 اساسنامه به شرح زیر به آن اشاره کرده است (اعضای هیئت مدیره در اولین جلسه ای که حداکثر 15 روز پس از قطعی شدن انتخابات تشکیل می شود از بین خود یک نفر را به عنوان زئیس، یک نفر نایب رئیس، یک نفر دبیر، یک نفر خزانه دارد و یک نفر را به عنوان مسئول روابطه عمومی انتخاب می کنند و طی تنظیم و امضای صورت جلسه اسامی انتخاب شدگان را جهت اطلاع اعضا و هم چنین انجام تشریفات قانونی و صدور کارت شناسایی اعلام می کند.) اما چیزی که جای سئوال است هیئت مدیره و بازرسان چرا اقدام به تشکیل مجمع عمومی نکردند تا مورد اسالو در مجمع عمومی مطرح شود و کارگران به کس دیگری رای دهند.؟

بهرام رحمانی: بی شک این اطلاعیه، هزینه سنگین روانی برای اسانلو و خانواده اش و اعضای سندیکا که به وی رای داده اند تحمیل می کند. این که اطلاعیه هیئت مدیره سندیکا تاکید دارد که اسانلو، به دلیل «تخلفات متعدد و عدم پای بندی به تعهدات...» اخراج می شود؛ از فدراسیون جهانی

کارگران حمل و نقل «خواستار قطع همه ارتباطات همکاری ها و حمایت ها» (ITF) از اسانلو می شود راه ها به ابهامات و سئوالات و گمانه زنی ها و سوء استفاده های زیادی باز کرده است. به نظر شما، چرا هیئت مدیره سندیکا در اطلاعیه خود، برخورد «غیررفیقانه» و «غیردوستانه» و «خشمگینانه» در پیش گرفته است؟

محمود صالحی: من به آن معتقد نیستم که در یک تشکل مواردی از جمله رفیقانه، دوستانه باعث شود که انسان ها نتوانند تصمیمی درست اتخاذ کنند. هر تشکلی وقتی تاسیس می شود دارای ارگان ها تصمیم گری هستند، پس ما نباید به این شیوه صحبت کنیم که ما رفیق هستم و... اگر ما امروز نتوانیم در مقابل رفیق و یا دوستان خودمان از منافع طبقه کارگر و بدنه هر تشکلی دفاع کنیم به نظر من هم به طبقه کارگر و هم به تشکلی که در آن عضو هستم اشتباه کرده ایم. اما حرف من این است که باید با شیوه درست و منطقی و با در دست داشتن مدارک مستند و اگر ما بخواهیم رو به افکار عمومی صحبت کنیم باید قبل از هر چیز اذهان عمومی را آماده کرده باشیم. یا برابر بند 2 از ماده 11 اساسنامه شرکت واحد، رسیدگی به اظهار نظر نسبت به گزارش هیئت مدیره و بازرسان به عهده مجمع عمومی عادی است که هر یک سال یک بار تشکیل می گردد. بلی من مطمئن هستم که این برخورد هیئت مدیره هزینه سنگین روانی برای اسانلو و خانواده ایشان به بار می آورد. سئوال من به عنوان یک کارگر رو به هیئت مدیره و بازرسان این است که چرا برابر ماده 16 اساسنامه: «هیئت مدیره برای مدت 2 سال از بین اعضا انتخاب می شود»، عمل نکرده اید؟ مگر حساب بانکی یا اوراق بهادار با امضای دو نفر و مهر سندیکا نیست؟ که امروز اعلام می کنید که اسانلو را به دلیل تخلفات متعدد و عدم پایبندی به تعهدات اخراج کرده اید. آیا این موارد در کدام مجمع عمومی مورد بررسی قرار گرفته است؟

بهرام رحمانی: به نظر شما چرا، خطاب هیئت مدیره سندیکا در رابطه با اخراج اسانلو، فدراسیون و تشکل های دیگر است و رو به طبقه کارگر ایران و حتی اعضای سندیکا نیز نیست؟ چرا نویسندگان این اطلاعیه، از فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل و دیگر تشکل های بین المللی خواسته است که به وی کمک نکنند و...؟

محمود صالحی: به نظر من اعضای هیئت مدیره قبل از هر چیز باید مجمع عمومی را تشکیل می دادند و کلیه مواردی که مربوط به تخلفات اعضاء (یک نفر) هیئت مدیره و بازرسان است به استحضار شرکت کنندگان در مجمع عمومی می رساندند. اساسنامه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه در تاریخ 4/10/1387 به تصویب مجمع عمومی رسیده است. برابر تبصره ماده 6 اساسنامه هیچ عضوی را جزء با تصویب مجمع عمومی نمی توان از سندیکا اخراج کرد. پس نتیجه خواهیم گرفت که اخراج یک عضو ساده سندیکا هم باید برابر تبصره ماده 6 اساسنامه به تصویب مجمع عمومی برسد. سئوال این جاست کدام مجمع تصویب کرده است که منصور اسانلو را اخراج کنند؟ هیئت مدیره قبل از انتشار آن اطلاعیه باید مصوبه مجمع عمومی را انتشار می دادند تا از هر گونه اظهار نظر های بی مورد جلو گیری می کرد. برابر بند 8 از ماده 11 اساسنامه شرکت واحد عزل انفرادی با دسته جمعی اعضای هیئت مدیره و بازرسان به عهده مجمع عمومی عادی است. تا جای که ما اطلاع داریم سال هاست که مجمع عمومی سندیکا برگزار نشده است. به نظر من هیئت مدیره نمی تواند با توجه به همین بند اسانلو را عزل کنند از این رو، درخواست هیئت مدیره از اتحادیه ها و سازمان های کارگری و تشکلات کارگری اصولی و قابل قبول نیست. باید هیئت مدیره اقدام به برگزاری مجمع عمومی می کرد و صورت جلسه مجمع عمومی را به استحضار اعضای خود می رساند. آن وقت هیچ کس حاضر نبود از کسی مثل اسانلو حمایت کند و یا نقدی از هیئت مدیره داشته باشد. چون ما کارگران هیچ وقت کسی را که به ما خیانت کند نخواهیم بخشید و امیدوارم که اسانلو دچار این مشکل نشده باشد.

بهرام رحمانی: جدا از این که منصور اسانلو مرتکب خطایی شده است و یا نه، مستلزم آگاهی و دلایل و مستندات بیش تر و به ویژه مواضع مستقیم خود ایشان و هم چنین روشنگری سندیکای شرکت واحد است. اما تا آن موقع موضع اصولی و انسانی و سیاسی، حکم می کند که قضاوت نادعلانه نشود و اصل باید بر برائت «مجرمین» نهاده شود. نظر شما چیست؟

محمود صالحی: به نظر من قبل از این که ما کسی را مجرم بدانیم باید تحقیق کنیم و با سند و مدارکی علیه کسی موضع بگیریم؛ به ویژه شخص هم که از طرف مجمع عمومی انتخاب شده است. باید کلیه مدارک را به مجمع عمومی ارجاع کنیم و این مجمع عمومی است که فرد خاطی را عزل و

کس دیگری را انتخاب می کند. یعنی مجمع عمومی، بالاترین ارگان هر تشکلی است و به همین دلیل، هرگونه تخلف و نقض اساسنامه باید در مجمع عمومی طرح و نظر مجمع عمومی برای اکثریت شرکت کنندگان مورد قبول واقع شود. به عبارت دیگر، اصل بر برائت است و هیچ کس از نظر جنبش کارگری مجرم شناخته نمی شود مگر این که جرم او آشکار و ثابت شده باشد.

بهرام رحمانی: آیا این موضع ناگهانی هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد مبنی بر اخراج اسانلو، مغایر با کار جمعی و نظر آن بخش از اعضای سندیکا که وی را انتحاب کرده اند، نیست؟ به نظر می رسد نویسندگان اطلاعیه مورد نظر، رفتاری خصمانه و به دور از روابط و مناسبات و احساس همبستگی طبقاتی کارگران و رفیقانه با اسانلو اتخاذ کرده اند. به نطر شما، آیا نمی شد سندیکا روش دیگری برای برکناری اسانلو در پیش می گرفت؟ تنها راه همین بود؟

محمود صالحی: اعضای محترم هیئت مدیره باید در مجمع عمومی این موارد را به رای عمومی می گذاشتند. تصمیم شرکت کنندگان در مجمع عمومی، تصمیم جمعی است. برابر بند 5 از ماده 15 اساسنامه شرکت واحد مجامع عمومی نماینده قانونی اعضاء بوده و تصمیمات آن در مورد تمام اعضاء اعم از حاضرین و غایبین نافذ است. با توجه به بند 5 از ماده 15 شیوه درست مراجعه به مجامع عمومی، عمل هئیت مدیره یک عمل غیرسیاسی و غیر تشکیلاتی و غیرقابل قبول است از این رو، امید است در آینده هیئت مدیره بتواند شفاف تر و با موضعی به دور از احساسات و با حضور خود اسانلو به این ابهامات پایان دهند.

بهرام رحمانی: ظاهرا منصور اسانلو از کشور خارج شده است. این حق طبیعی و خدشه ناپذیر هر شهروندی است که آزادی سفر داشته باشد. وی، یک فعال کارگری شناخته شده در جنبش کارگری ایران و تا حدودی در نزد تشکل های کارگری جهان است. در چنین شرایطی، یکی از رسانه های داخل کشور به نام «عصر امروز»، یک شنبه ۱ بهمن ۱۳۹۱، به شکل چندش آوری نوشته است: «فرار مسعود اسانلو به همراه مریم ضیاء از کشور... شائبه هایی مبنی بر داشتن روابط خاص اسانلو و مریم ضیاء مطرح می باشد.» نظرتان در این مورد چیست؟

محمود صالحی: رسانه های داخل کشور بنابه وظیفه ای که دارند هر چیزی علیه فعالان کارگری بنویسند برای شخص من طبیعی است. چون که کار و وظیفه 99 درصد آنان جزء تخریب و بزرگ نمایی چیز دیگری نیست. پس هرگونه تخریب و شانتاژ کردن واقعیت از طرف آنان برای ما سندیت ندارد. حق طبیعی اسانلو است که از کشور خارج شود؛ جان خود را بردارد و در آرامش زندگی کند. هر روز ده ها نفر از گوشه و کنار ایران به خارج از کشور می روند ولی کسی به آنان توجه نمی کند. در حالی که اگر یک فعال کارگری کشور را ترک کند بلافاصله همه تیرها به طرف او شلیک می شود و تلاش هایی صورت می گیرد که ایشان را تخریب کنند. در رابطه با مریم ضیاء، باید به عرض برسانم که من شخصا هیچ گونه اطلاعاتی در این رابطه ندارم. بر همین اساس از هرگونه اظهار نظر معذورم. اما تنها چیزی که من می خواهم در این نوشته به عرض منصور برسانم این است که «ما کارگران برابر رسالتی که بر دوش داریم هیچ وقت آماده نیستیم که همسر و بچه های خود را ترک کنیم و با کسی که امروز اسم ایشان بر سر زبان هاست به خارج از کشور برویم. امیدوارم که منصور اسانلو دچار این مشکل نشده باشد و به جای این که با همسر خود که 5 سال دوری ایشان را تحمل کرد و ده ها بار مورد بی احترامی از طرف شخص و یا اشخاصی قرار گرفته است، آن هم به خاطر فعالیت های شما آقای اسانلو! پس چه شد آن عدالتی که شما با کارگران می کردید؟! مگر همسر شما مورد بی مهری شما قرار نگرفته است؟ پس این بی عدالتی نیست؟» شما اسانلو می توانید به تمام این اتهامات پایان دهید و امیدواریم در هر کجا که هستید با همسر و بچه هایت زندگی خوب و شادی داشته باشید و به دام کسانی نیفتید که از قبل برای شما پهن کردند. جنبش کارگری به شما و آنانی که برای طبقه کارگر دل می سوزانند احتیاج دارد و سرمایه داران و حامیان آنان هر لحظه در کمین هستند تا فعالان جنبش ما را با خود همراه کنند. اگر امروز دولت های سرمایه داری به یاری یک عده از جیره خواران خود می خواهند فعالان جنبش کارگری را به بی راهه بکشانند ما باید با آگاهی طبقاتی و به دور از هر گونه تعصب با مبارزه پیگر خود آنان را به عقب نشینی وادار کنیم.

بهرام رحمانی: البته که باید از سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی محکم و قاطع از سندیکای شرکت واحد حمایت و پشتیبانی کرد. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در سال 1986 تاسیس شد که بعدها توسط دولت منحل گشت. این سندیکا، در سال ۲۰۰۵ توسط کارگران اتوبوسرانی تهران و حومه شرکت بازسازی شد و به عضویت رسمی ITF فدراسیون جهانی کارگران

حمل و نقل درآمد. منصور اسانلو تا همین چند روز پیش از رهبران این سندیکا بود. حتی هنگام تشکیل آن، نزدیک بود عوامل خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار، زبان او را ببرند. آیا در عین حال نیز به دلیل این که اطلاعیه هیئت مدیره، کارگران آگاه و فعالین و تشکل های کارگری و مدافعین جنبش کارگری را به شدت نگران کرده است مورد نقد قرار گیرد؟

محمود صالحی: منصور اسانلو، یکی از بنیان گزاران سندیکا است و در آن زمان، خانه کارگری ها به ایشان حمله کردند و می خواستند زبان ایشان را ببرند. بعد از آن منصور، به دلیل فعالیت های سندیکایی به زندان محکوم شد و مدت 5 سال از عمر گران بهای خود را در پشت میله های زندان سپری کرد. اما هیچ وقت ما یادمان نمی رود که چه مشکلاتی را تحمل کرد. اما با توجه به این موارد که گفتم نباید ما یادمان برود که برابر اساسنامه باید عمل کنیم. قصور از مفاد اساسنامه برای هر شخص قابل بخشش نیست و باید بدون مماشات در مجمع عمومی آن را مطرح کرد و در دستور کار مجمع عمومی قرار داد تا اعضای شرکت کننده در مجمع عمومی برای هر مواردی تصمیم گیری کنند.

بهرام رحمانی: کارگران شرکت واحد، در عرصه مبارزات طبقاتی تجربه درخشانی از سر گذرانده اند. آیا اعضای سندیکا نمی توانند در دفاع از سنت های مبارزاتی و همبستگی ارزشمند و با شکوه طبقاتی خود، این گونه تصمیم گیری ها را جمعی و در مجامع عمومی خود و به شکل شورایی اتخاذ کنند و جمعی نیز پیش ببرند؟

محمود صالحی: من در چند سئوال قبل این موارد را شکافتم و توضیح دادم که اعضای سندیکا باید در چنین مواردی تصمیم گیری می کردند. اما متاسفانه برای این مورد به مجمع عمومی مراجعه نشده و تنها هیئت مدیره این تصمیم را گرفته است که با مفاد اساسنامه مغایرت دارد.

بهرام رحمانی: محمود گرامی، شما بهتر از هر کس دیگری می دانید که موانع مختلفی بر سر راه خودسازمان یابی و پیشروی طبقه کارگر ایران وجود دارد. موانعی چون عدم تجربه فعالیت متشکل، مشکلات امنیتی، مشکلات مالی، اخراج از کار، سکتاریسم و فرقه گرایی، جهت گیری های متفاوت سیاسی - طبقاتی و عدم افق و چشم انداز روشن و شفاف و غیره. در این میان فقر و نداری نیز کمر طبقه کارگر و خانواده آن ها را خم کرده است. بر اساس آمارهای منتشر شده در رسانه های جمهوری اسلامی و یا از لابلای سخنان مقامات و مسئولین آن، متوجه می شویم که بحران بخش عظیمی از صنایع ایران را گرفته و محاصره اقتصادی و هدفمندسازی یارانه ها نیز لطمات جبران ناپذیری به صنایع کشور زده اند و بیش از هر کس آوار این بحران ها با بی کاری سازی کارگران و گسترش گرانی و فقر بر سر کارگران و خانواده آن ها ریخته است. برای مثال، خبرگزاری پانا، شنبه 2 دی ماه 1391، نوشت: عضو شورای عالی کار خط فقر واقعی در کشور را یک میلیون و 500 هزار تومان اعلام کرد؛ رییس اتاق صنعت، معدن و تجارت حکومت اسلامی در استان کردستان از تعطیلی صدها واحد تولیدی در این استان خبر داده و افزوده است: در حال حاضر از هزار واحد تولیدی در استان کردستان بیش از 420 واحد آن تعطیل است؛ ایسنا، ۱۳۹۱/۶/۱۹، نوشت: معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت در نشستی خبری از کاهش 38 درصدی تولید انواع خودرو در کشور در پنج ماهه نخست 1391 خبر داد؛ به گزارش خبرنگار ایلنا از مشهد، شنبه، 25 آذر ماه 1391، معاون اشتغال و خودکفایی کمیته امداد امام خمینی خراسان رضوی در حاشیه نشست مشترک کارشناسان فرش، سه هزار قالی باف در خراسان رضوی بی کار شدند؛ رحیم عابدی نایب رییس کانون انجمن صنفی آموزشگاه های آزاد فنی و حرفه ای کشور، از تعطیلی ۶ هزار آموزشگاه فنی و حرفه ای در دو سال گذشته خبر داد؛ سایت کلمه، 8 آذر 1391، نوشت: از ۷۰۰۰ هزار کارگر که سال گذشته در شهرک صنعتی پرند کار می کردند، تنها ۲۸۸۰ کارگر باقی مانده اند. برخی مدیران صنعتی این شهرک صنعتی به سایت اقتصاد ایرانی اظهار داشتند تنها با ۲۰ درصد توان واقعی خود فعالیت می کنند. براساس گفته یکی از کارخانه داران این شهرک صنعتی، واحدهای صنعتی بین ۵۰ تا ۷۰ درصد کارگران خود را تعدیل کرده اند؛ در سال ۸۴ نرخ بی کاری جوانان ۱۵ تا ۲۴ ساله 3/23 درصد بوده که این میزان با طی نوساناتی در سال ۸۹ تا 7/28 درصد اوج گرفت و در سال گذشته به 5/26 درصد رسیده است؛ اعتدال، 3 دی 1391، نوشت: شنیده شد که سهم کشاورزان در اشتغال کشور طی 8 سال اخیر 4/7 درصد کاهش یافت که حاکی از بی کاری حدود 800 هزار کشاورز طی این سال هاست؛ فتح الله بیات، رییس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی سراسر کشور در گفتگو با خبرنگار راه دانشجو، 12 آذر 1391، تعداد کارگران قراردادی را ۸ میلیون نفر در سراسر کشور اعلام کرد؛ طبق اظهارات تشکل های اقتصادی سراسری، از ابتدای سال جاری 50 واحد تولیدی یا خدماتی در حوزه فعالیت تشکل های سراسری مشارکت کننده در یک نظرسنجی تاسیس شده و 566 واحد به دلایل مختلف تعطیل شده اند؛ یا خبرگزاری حکومتی فارس، 07 دی

1391، به نقل از یک مدرس دانشگاه به وجود سه و نیم میلیون فارغ التحصیل دانشگاهی بی کار در ایران اذعان نموده است. این مدرس دانشگاه که در سمینار کارآفرینی در دانشکده فنی و حرفه ای دانشگاه آزاد قزوین سخن می گفت، تصریح نمود: «وجود 3.5 میلیون فارغ التحصیل بی کار در ایران نشان می دهد که هیچ رابطه ای بین زندگی تحصیلی و زندگی شغلی در ایران وجود ندارد در حالی که این وضعیت در جهان چنین نیست. علاوه بر این در ایران از هر 10 هزار متقاضی استخدام تنها 32 نفر استخدام می شوند.» و...
به نظر شما، در حالی که بحران های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی تمام جامعه ایران را فراگرفته است این نوع بحث ها انحرافی بوده و به مبارزه کل جنبش کارگری لطمه نمی زند؟ مشخصا به نظر شما، اولویت مبارزه طبقاتی کارگران ایران در حال حاضر کدام هاست!

محمود صالحی: توضیحاتی که شما دادید خیلی شفاف و جامع بود، یعنی برای من جای خالی نگذاشتید تا من هم چند جمله را به عرض برسانم.
اما در این میان چه باید کرد به مشغله فکری امروز ما کارگران تبدیل شده است. مناسبات سرمایه داری برای بقای خود دست به هر کاری می زند. طبقه کارگر ایران، باید به نیرو و سیاست ها و اهداف خودش متکی باشد. طبقه کارگر ایران، باید به سوی هدفی که در پیش روی او قرار دارد حرکت کند و نباید با یک سری سیاست ها و مباحث بیهوده خارج از طبقه انرژی تلف کند. ما کارگران باید برای رهایی از دست استثمار انسان از انسان مبارزه کنیم. در این میان، شکی نیست که مبارزه با مناسبات سرمایه داری خیلی ساده و به دور از خطر باشد!

بهرام رحمانی: مدتی پیش زیرزمین منزل شما را آتش زده بودند. خوشبختانه به هیچ کدام از اعضای خانواده شما، آسیبی نرسیده بود. همه می دانند که به ویژه کارگران و مردم سقز، بی نهایت شما را به دلیل سابقه درخشان تان در عرصه مبارزات طبقاتی و در راستای تحقق حقوق خود و هم طبقه ای هایتان و صمیمیت تان و جان فشانی هایتان دوست دارند و دشمن شخصی ندارید. بنابراین، بسیار سئوال برانگیز است که چه کسانی و به چه دلایلی زیرزمین منزل شما را به آتش کشیده اند؟ آیا شخصی و یا اشخاصی در این مورد دستگیر شده اند یا نه؟

محمود صالحی: البته این نوع تهدیدات یکی دو تا نیست. سال 1390 در روز 26 بهمن مصادف با روز کومه له، من همراه همسرم نجیبه و یکی از کارگران به نام سیدعلی حسینی از خیابان امام به طرف میدان هلو می رفتیم که در فاصله بین بانک ملی و بانک کشاورزی مورد حمله چند نفر لباس شخصی قرار گرفتم. آنان از من درخواست می کردند که سوار ماشین شوم و آن محل را ترک کنم. من هم به درخواست آنان اعتراض کردم و صدایم را یه کم بلند کردم. در عرض چند دقیقه ده ها نفر انسان جمع شدند و هر کسی حرفی می زد. من هم از ماموران لباس شخصی درخواست می کردم که چرا باید این محل را ترک کنم. مردم جواب می دادند چون امروز روز کومه له است به همین دلیل نمی گذارند شما این جا باشید. من با ماموران صحبت می کردم که یک عده جوان سر رسیدند و همه پشت سر من قرار گرفتند و از حرف های من حمایت کردند. ماموران وقتی تجمع مردم را دیدند محل را ترک کردند و رفتند.
وقتی به منزل برگشتم یک نفر با من تماس گرفت و من را تهدید کرد که اگر دست از این کارها بر ندارم مسئولیت جانم با خودم است. این تهدیدها چند روز ادامه داشت. یک روز با این شماره 09187840319 با من تماس گرفتند بعد از این که تماس گیرنده حدود 10 دقیقه ای به من بی احترامی کرد و من را تهدید به مرگ نمود و گفت اگر دست از کارهایی که می کنم برندارم مسئولیت جانم با خودم است. آن وقت گوشی را قطع گذاشت.
این تهدید ها ادامه داشت تا روز 11/2/91 روز جهانی کارگر. ما در آن روز برای برگزاری مراسم اول ما مه به میدان کارگران ساختمانی رفتیم و مراسم روز کارگر را آن جا برگزار کردیم. وقتی از محل میدان کارگران ساختمانی بر می گشتیم به مبایلم زنگ زدند. کسی که پشت خط بود خود را خبرنگار تلویزیون کردسات معرفی کرد و گفت مراسم کجا برگزار شده است. من هم جواب دادم که در میدان کارگران ساختمانی، وقتی حرف من تمام شد بلافاصله شروع به فحاشی کرد و گفت مگر ما به شما نگفتیم که دست از این کارها بردار؛ مگر ما به شما نگفتیم ادامه دادن به فعالیت سیاسی برابر است با مرگ و... بعد گوشی را قطع کرد. وقتی مانیتور مبایلم را نگاه کردم این شماره افتاده بود 08741030053 که از کویسک های تلفن عمومی بود.
یک بار دیگر روز شنبه مورخ 10/4/91 ساعت 11 صبح یک ماشین بژو 405 با رنگ جگری که حامل دو نفر بود در خیابان شهدا بالاتر از میدان معلم در لحظه ای که می خواستم از خیابان عبور کنم به طرف من آمد و من زمانی متوجه شدم که ماشین داشت به طرف من می آمد و من هم بلافاصله فرار کردم

و خودم را به آن طرف خیابان رساندم. من خیال می کردم که یک اتفاق عادی بوده و توطئه ای در کار نبوده است به همین دلیل این مورد را پیش کسی نگفتم.
اما در روز شنبه مورخ 31/4/91 ساعت 55/8 دقیقه غروب سر کوچه خودمان که 40 متر با درب اصلی منزل فاصله دارد رسیدم که یک مرتبه داد و فریاد توجه من را به خود جلب کرد. وقتی به داخل کوچه نگاه کردم همان ماشین پژو جگری در مقابل درب منزل ما ایستاده بود و به نجیبه همسرم و من فوش می داد و مرتب دست های خود را از پنجره ماشین به بیرون می آورد و داد می زد. من هم بلافاصله شماره ماشین را یاداشت کردم و می خواستم به طرف آنان بروم اما آنان هم متوجه من شدند و سریع به طرف من حمله کردند؛ که من ناچارا فرار کردم و خودم را به پشت یک تیر برق رساندم؛ آنان با فوش و بی احترامی آن محل را ترک کردند. آنان وقتی فرار کردند و نتوانستند من را زیر بگیرند شناسایی کردم و یکی از آنان سربازی بود که پسر یک دوست قدیمی من است. با پدر آن سرباز تماس گرفتم و ایشان اظهار می کرد که پسر او خلط می کند که چنین عملی را انجام می دهد. همان لحظه به منزل آن یکی دیگر زنگ زدم و با مادر آن شخص دیگر صحبت کردم و ایشان هم اظهار می کرد که پسر من نیست. این مورد را با چند نفر از دوستان در میان گذاشتم که همگی اظهار می کردند که آنان را به نیروی انتظامی معرفی کنم. ولی پدر و مادر راننده به خانه ما آمدند و با خواهش و تمنا از من درخواست کردند که این کار را نکنم تا مشکلی برای بچه هایمان به وجود نیاید. آن قدر خواهش کردند که ما از طرح هر گونه شکایت خودداری کردیم. (شماره ماشین هم موجود است) در آن زمان که این دو نفر به خانواده من فوش می دادند سیامند پسر کوچکم در خانه بود و می خواست با آنان درگیر شود ولی نجیبه همسرم به سیامند اجازه نداد تا از منزل خارج شود. بعد از این واقعه دیگر همه چیز تمام شده بود که در تاریخ 3/10/91 ساعت 5/11 صبح با من تماس گرفتند و کسی پشت خط به من گفت، «آقای صالحی شما هنوز زنده هستید مگر شما را آتش نزدند و چطور است که شما هنوز زنده هستید، مطمئن باش که پدرت را در می آورم و کاری خواهم کرد که تمام دنیا به حالت گریه کند فلانی فلان شده و...» بعد از فوش های بی شرمانه گوشی را قطع کرد و این شماره روی مانیتور مبایلم ثبت شده بود 09371783047. آخر چند روز بود که شایعه کرده بودند دال بر این که خانه ما آتش گرفته و من هم جان خودم را از دست دادم. این شایعات در میان همه دوستان پخش شده بود و هر کسی به شکلی به منزل ما می آمدند و یا با تلفن جوای حالم می شدند.
سرانجام در روز پنج شنبه مورخ 21/10/91 بعد از ساعت یک شب شخص یا اشخاصی به منزل ما حمله کردند و با آتش زدند درب زیر زمین می خواستند منزل ما را به آتش بکشند که خوشبختانه به دلیل بارش برف آتش بعد از چند وقت خاموش می شود و مهاجمان بعد از این که درب زیر زمین را آتش می زنند برای این که کسی نتواند وارد آن جا شود. یک اسپری فلفل را به داخل زیر زمین انداخته و با این عمل غیرانسانی می خواستند کسی نتواند وارد زیر زمین شود. ما صبح آن شب متوجه شدیم که زیر زمین ما را آتش زدند.
این اقدامات تروریستی را بعدا با جزئیات به استحضار افکار عمومی خواهم رساند. در ضمن من به هیچ مرجعی شکایت نکردم و کسی هم در این مورد بازداشت نشده است.

بهرام رحمانی: محمود صالحی گرامی، من سئوال دیگری ندارم. از این که وقت گذاشتید و جواب سئوالات مرا دادید بی نهایت سپاسگزارم. اگر در پایان نظری، توصیه ای و پیامی برای فعالین جنبش کارگری ایران در داخل و خارج کشور دارید، بفرمایید.

محمود صالحی: من هم به سهم خودم از شما و همه دست اندرکاران تشکر می کنم. امید است که برای جنبش کارگری مفید و
سرفراز باشید.
جمعه سیزدهم بهمن 1391 - یکم فوریه 2013

ضمائم:
برکناری منصور اسانلو از ریاست هیئت مدیره سندیکا
1391/11/02
از: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
به: فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF)
موضوع: برکناری منصور اسانلو از ریاست هیئت مدیره سندیکا
احتراما سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اعلام می دارد؛
منصور اسانلو را به علت انجام تخلفات متعدد و عدم پایبندی به تعهدات خود و نادیده گرفتن هشدارها و اعتراضات درونی سندیکا، از ریاست هیئت مدیره برکنار کرده و از این تاریخ هیچ گونه سمت و

مسئولیتی در این سندیکا ندارد و از آن نهاد کارگری خواستار قطع همه ارتباطات، همکاری ها و حمایت ها از نام برده می باشد.
یادآوری می شود سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هیچ نماینده و سخنگویی در خارج از کشور ندارد.
با امید به گسترش صلح، عدالت و صداقت در همه جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
دوم بهمن یک هزاروسیصد و نود و یک
رونوشت:
- سازمان جهانی کار (ILO)
- کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری (ITUC)
- کنفدراسیون کارگران فرانسه (CGT)
- کلیه اتحادیه ها و نهاد های کارگری داخلی و بین المللی

جواب فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل
نامه «آی تی اف) درباره موضوع رانندگان اخراجی و تایید بر کناری منصور اسانلو

1391/11/09 ساعت 23:19:06
نامه آی تی اف به سندیکا در مورد اخراج غیر قانونی سه تن از رانندگان شرکت واحد آقایان وحید فریدونی، حسن سعیدی و ناصر محرم زاده و تایید برکناری رئیس پیشین سندیکا
امروز آی تی اف موضوع سه راننده اخراجی سندیکای کارگران اتوبوسرانی شرکت واحد را مستقیما با دولت ایران مطرح کرد.
دیوید کاکرافت؛ دبیر کل آی تی اف پس از اینکه از اخراج این رانندگان توسط ابراهیم مددی؛ نایب رئیس سندیکای شرکت واحد که از سازمان های عضو آی تی اف است، مطلع شد در نامه هایی به رئیس جمهور و وزیر کار خواستار بازگشت به کار این رانندگان اخراجی شد.
نام های این سه راننده حسن سعیدی، ناصر محرم زاده و وحید فریدونی است. هر سه این رانندگان از اعضای فعال سندیکا هستند و پس از فعالیت برای افزایش دستمزد کارگران از کار اخراج شده اند.
اخراج این سه نفر مستقیما به فعالیت های اتحادیه کارگری آن ها مربوط است.
دیوید کاکرافت به ابراهیم مددی؛ نایب رئیس سندیکای شرکت واحد «قول داده است که آی تی اف به حمایت خود از هئیت مدیره سندیکای واحد که اولین اتحادیه عضو آی تی اف در ایران است در دفاع از اعضای خود ادامه خواهد داد.»
دیوید کاکرافت هم چنین تصمیم هئیت مدیره سندیکا را مبنی بر برکناری منصور اسانلو از پست خود به عنوان رئیس سندیکا برسمیت شناخت و تاکید کرد: «ما حق هئیت مدیره را بعنوان هئیت منتخب اداره کننده سندیکا برای این تصمیم به رسمیت می شناسیم و آن را کاملا رعایت می کنیم.»

معرفی کوتاهی از مبارزات و زندگی محمود صالحی
محمود صالحی، در یک از گفتگوهایش به همه فعالین کارگری در ادامه مبارزه کارگری اش چنین اطمینان می دهد: «من به همه فعالین کارگری اطمینان می دهم که مبارزه ما ادامه خواهد یافت. اگر فرجام خواهی ما نتیجه نداد و ما به زندان افتادیم، آن گاه بر اساس شرایط، مبارزه خود را ادامه خواهیم داد. در آن صورت ما وارد یک فاز دیگر خواهیم شد. زندان هم محل مبارزه است. آن جا پر از قربانیان جامعه سرمایه داری است. از آن جا نیز می شود صدای خود را به بیرون رساند. آن ها که این احکام را علیه ما صادر کرده‌اند فکر می کنند ما عقب می نشینیم. این خیالی خام است. در روز اول ماه می ۸۳ ما را بازداشت کردند تا مراسم روز جهانی مان را نگیریم، اما ما در همان بازداشتگاه با نوای الهام بخش «سرود انترناسیونال» روز طبقاتی و جهانی خود را گرامی داشتیم. در این مورد نیز همین کار را خواهیم کرد.»
محمود صالحی، از بنیان گذاران سندیکای خبازان سقز و حومه و هم¬چنین «کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری» است. زندگی محمود و همسر و هم رزمش نجیبه صالح زاده و هم چنین دو فرزندش، مملو از وقایعی سیاسی و خاطرات تلخ و شیرینی است که پرداختن به ابعاد مختلف آن از حوصله این بحث خارج است.سندیکای خبازان سقز و حومه سندیکا تا یورش نیروهای سرکوبگر حکومت اسلامی به کردستان، فعالیت علنی داشت. اما پس از حمله ارتش به کردستان، محمود اجبارا سقز را ترک کرد و به مهاباد رفت و به فعالیت خود در راستای متحد کردن کارگران در آن شهر ادامه داد.
محمود در سال 1359، به اتهام کومه¬له¬ای بودن دستگیر شد. اما زیاد در زندان نماند و کمی بعد

آزاد گردید. محمود را در سال 1361 دوباره دستگیر کردند که مردم مهاباد به این دستگیری اعتراض نمودند.
ارتباطات محمود، به ویژه با کارگران خباز به حدی گسترده و صمیمانه بود که در 11 اردیبهشت روز جهانی کارگر در سال 1362 طی فراخوانی توانستند 90 درصد کارگاه های خبازی را از ساعت 10 صبح الی 11 صبح تعطیل کنند و فعالین کارگری با پخش شیرینی و صحبت با مردم، روز جهانی خود را جشن گرفتند. در آن روز، محمود در سه راه میدان آرد برای کارگران و تعداد کثیری از مردم، سخن رانی کرد و محمود آخکند هم در میدان آهنگران که محل تجمع کارگران ساختمانی بود سخن رانی کرد. به دنبال این سخن رانی محمود صالحی دستگیر شد و مدتی را در زندان گذراند. وی پس از آزادی از زندان، مهاباد را ترک کرد. اما محمود در سال 1364 یک بار دیگر در مهاباد دستگیر و زندانی شد. او، مدت 6 ماه از زندان خود را در زندان ارومیه گذراند.
محمود، در سال 1365 پس از آزادی از زندان، به شهر سقز برگشت و در این شهر به فعالیت های کارگری خود ادامه داد. او، در بهار همان سال دستگیر شد و تا 22 بهمن 1367 در سقز زندانی شد. او، پس از آزادی، بلافاصله فعالیت خود را در جهت تشکیل سندیکای خبازان آغاز کرد به طوری که این سندیکا، در سال 1373 تشکیل شد و محمود هم رسما به نمایندگی آن انتخاب گردید.
در سال ۱۳۷۳ در کردستان، عده ¬ای از کارگران خباز با تلاش های پیگیر موفق شدند «هیات موسس انجمن صنفی کارگران خبازی های سقز و حومه» را آورند. دفتر کار این انجمن، عملا به مرکز تجمع آن ها تبدیل گردید. کارگران نمایندگان خود را انتخاب کردند و خود را سازمان دهی نمودند. حضور فعالین سرشناس کارگری از جمله محمود صالحی در این تشکل کارگری، سبب شد تا اقدامات بزرگی از جمله بیمه بیش تر از نود درصد از کارگران خباز، دایر کردن کلاس نهضت سوادآموزی برای کارگران، دایر کردن کتابخانه، تشریح قانون کار، برگزاری مراسم اول ماه می در سطح شهر و ... سازمان دهی و برگزار شود. در مقابل این پیشروی جنبش کارگری در این شهر، سرمایه داران و حکومتیان ساکت ننشستند. کارفرمایان عده ای از کارگران را اخراج کردند و تهدیدات رهبران و فعالین این اتحادیه توسط ارگان های امنیتی افزایش یافت.
محمود، یک بار دیگر به اتهام کومه¬له ¬¬ای بودن و دفاع از کارگران دستگیر شد و بعد از مدتی آزاد گردید. اما او پس از آزادی باز هم به فعالیت های خود در سندیکای خبازان ادامه داد تا این که این بار اداره اطلاعات تصمیم گرفتند او را از کار اخراج کند. در چنین وضعیتی، در حالی که محمود حدود 9 سال سابقه کار در یک خبازی را داشت بدون پرداخت هیچ گونه مزایایی اخراج گردید.
محمود باز هم در سال 1378،به همراه تنی چند دستگیر شد و مدت 75 روز در سلول انفرادی گذراندند. محمود پس از آزادی باز هم به فعالیت های کارگری خود پرداخت.
محمود، بعدها محاکمه شد و به مدت 10 ماه حبس تعزیری محکوم گردید و در شهریور ماه 1379 به زندان رفت و بقیه دوستانش تبرئه شدند. او، در سال 1380 از زندان آزاد شد. 11 اردیبهشت همان سال که فقط 13 روز از آزادیش گذشته بود باز هم از طرف اداره اطلاعات در مراسم اول ماه می دستگیر و به خارج شهر انتقال داده شد.
کارگران و شرکت¬کنندگان در روز جهانی کارگر، به دستگیری او اعتراض کردند و خواستار آزادی فوری او شدند. تا این که سرانجام پس از چند ساعت او را آزاد کردند. او بلافاصله به مراسم روز جهانی برگشت و چند دقیقه ¬ای در مورد روز جهانی کارگر سخن رانی کرد. در سال 1381، اداره اطلاعات و اداره کار، رسما به نماینده کارگران خباز اعلام کردند که محمود حق سخن رانی ندارد.
محمود روز جهانی کارگر سال 1382، به دعوت انجمن خبازان شهر بوکان، به این شهر رفت و در آن جا سخن رانی کرد.
محمود همراه با محسن حکیمی، در تاریخ 10/2/1383 با خانم آنا بیوندی و هیات همراه وی که به عنوان نماینده کنفدراسیون اتحادیه¬های کارگران آزاد به تهران آمده بود ملاقات کرد و مشکلات واقعی کارگران ایران را برای او و همکارانش تعریف کرد.
محمود صالحی، درباره مراسم با شکوه اول مه سال 83 سقز، می گوید: «ما کارگران مراسم اول ماه مه 83 را کارگران سقز چند روز مانده به اول ماه مه 83، با تشکیل یک شورا سازمان دهی کردیم. شورایی به نام «هماهنگی اول ماه مه، روز جهانی کارگر در سقز». این شورا در میان کارگران زن و مرد تشکیل شد و دستور کار این شورا برگزاری مراسم اول ماه مه روز جهانی کارگر در خیابان و انتشارفراخوان در میان مردم کوچه و خیابان بود. این شورا مصوب کرد که باید به هر شکلی مراسم را به خیابان آورد. هر چند دست ما از طرف مسئولان دولت تهدید شدیم و چند بار ما را احضار کردند که حق نداریم به خیابان بیایم اما ما اعلام کردیم که با کفن به خیابان خواهیم آمد و شما نیروهای دولتی هم می توانید با تفنگ هایتان ما را هدف قرار دهید. به این ترتیب، قبل از این که ما وارد آن جا شویم توسط صدها مامور لباس شخصی محاصره شده بود؛ قبل از این که ما مراسم را برگزار کنیم به صفوف ما حمله کردند و تعداد 24 نفر: 1- سماعیل خودکام، کارگر خباز، ساکن بوکان 2- هادی تنومند، کارگر

خباز، ساکن بوکان 3- جعفرمولائی، کارگر کارواش، ساکن بوکان 4- خالد پورآذر، کارگر، ساکن بوکان 5- فرهاد مولودی، کارگر، ساکن بوکان 6- محمود صالحی، کارگر خباز 7- جلال حسینی، کارگر خباز 8- محسن حکیمی، مترجم، ساکن تهران 9- جمال احمدزاده، کارگر 10- ئەوین واصلی، خانه دار 11- فخرالدین واصلی، کارگر برق کار 12- ایرج محمدی، کارگر خباز 13- امجد محمدزاده، کارگر خباز 14- عمر جوانپور، کارگر خباز 15- لقمان مهری، دانشجو 16- زاهد صالحی، کارگر نقاش 17- عبدالله ربانی، راننده 18- برهان دیوارگر، کارگر خباز 19- محمد عبدی پور، کارگر خباز 20 – سیدصالح حسینی، کارگر دخانیات 21- حامد بیخانی، کارگر خباز 22- محمد رضازاده، کارگر کارخانه بسته بندی بهداد 23- علی عزیزپور، کارگر کارخانه بسته بندی بهداد 24– عطا رحمان نارنج، کارگر خباز. قابل ذکر است با اکثریت آرا من به عنوان دبیر شورا هماهنگی اول ماه مه، روز جهانی کارگر در سقز انتخاب شدم.»

این حرکت در همان لحظات آغاز مراسم مورد هجوم نیروهای انتظامی و امنیتی حکومت اسلامی قرار گرفت که حدود 50 نفر دستگیر شدند. غیر از 7 نفر بقیه ساعاتی پس از دستگیری آزاد شدند. این هفت نفر به نام های محمود صالحی، جلال حسینی، محسن حکیمی، برهان دیوارگر، محمد عبدی پور، اسماعیل خودکام و هادی تنومند، به زندان سنندج انتقال داده شدند. این هفت فعال جنبش کارگری با مقاومت خود در زندان، مبارزه خانواده هایشان و مبارزه کارگر و کمپین های اعتراضی که در داخل و خارج کشور راه افتاد حکومت اسلامی را وادار کرد پس از 12 روز آن¬ها را آزاد کند. اما حکومت اسلامی، این هفت تن را همواره به بی دادگاه های خود کشانید تا سرانجام دادگاه انقلاب سقز حکم آن ها را صادر کرد.

آخرین دستگیری محمود به این شکل بود که ظهر روز دوشنبه ۲۰ فروردین ماه ۱۳۸۶، تعدادی از افراد نیروهای انتظامی به محل کار او مراجعه کردند و وی را به بهانه این که دادستان می خواهد با او در خصوص روز جهانی کارگر صبحت کند با خود ¬بردند. منشی اجرای احکام در یک دادگاه چند دقیقه ای و به طور شفاهی حکم دادگاه تجدیدنظر استان مبنی بر محکومیت محمود صالحی به یک سال حبس تعزیری و سه سال حبس تعلیقی را قرائت ¬نمود و بی درنگ حکم بازداشت او را صادر کرد. محافظان سرمایه، محمود صالحی را بدون اطلاع خانواده اش و حضور وکیلش با سرعتی سرسام¬ آور از شهر محل اقامت خود ¬(سقز) دور کردند و بعد مشخص شد که وی را در زندان مرکزی شهر سنندج زندانی کرده‌اند. زندان محمود این بار یک سال طول کشید.

کمپین های بزرگی که نخست برای آزادی دستگیرشدگان سقز و سپس به دنبال دستگیری مجدد محمود صالحی و هم چنین منصور اسانلو در داخل و خارج کشور راه افتاد در تاریخ جنبش کارگری ایران بی سابقه بوده و جنبش کارگری ایران را به جهانیان شناساند.

رویداد سقز، به عنوان یک نقطه عطف مهم تاریخی در جنبش کارگری ایران ثبت شده است. تهدید و ارعاب دستگیرشدگان روز جهانی کارگر در این شهر، دو دوره متفاوت حاکمیت جمهوری اسلامی را در برمی¬گیرد؛ یعنی، دوره ای که جناح اصلاح طلبان حکومت در راس قدرت بود و هم در دوره ¬ای که اصول گرایان قدرت را گرفتند و هنوز هم در قدرت هستند. در هیچ کدام از این دوره ها، کم ترین بهبودی در زیست و زندگی و سطح دست مزد و آزادی¬ مبارزه کارگران به وجود نیامده است. در هشت سال ریاست جمهوری محمد خاتمی و هم چنین در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد، برخوردهای سرکوب گرانه و تحمیل بی حقوقی های فراوان بر کارگران در جریان بوده و تفاوت چندانی در برخورد حاکمیت به جنبش کارگری و تهدید و فشار بر فعالین کارگری دیده نمی شود. بنابراین، سرمایه داران و حکومت حامی سرمایه، با وجود رقابت ها و کشمکش های جناحی شان در استثمار هر چه شدیدتر نیروی کار و سرکوب جنبش کارگری و هم چنین دیگر جنبش های برابری طلب و عدالت جو چون جنبش زنان، جنبش دانش جویی و روشنفکران یک نوع منافع مشترک سیاسی¬-¬ طبقاتی را دنبال می کنند.

به این ترتیب، محمود آگاهانه و پیگیرانه زندگی خود را وقف برپایی تشکل های کارگری و اتحاد و همبستگی طبقه کارگر کرده است. محمود و هم فکرانش برای برپایی آن تشکل های کارگری تلاش می کنند که اساسا به نیروی خود کارگران اتکاء کند و مستقل از دولت و قوانین و ارگان های آن اعلام موجودیت کرده و به زائده هیچ حزب و سازمان سیاسی نیز تبدیل نگردد. تشکلی که هیچ دیوار چینی در میان مبارزه اقتصادی، صنفی و سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر نمی بیند و با استراتژی طبقاتی خود در جهت تحقق مطالبات خود مبارزه می کند. تشکلی که فعالین آن در جهت اتحاد و همبستگی طبقاتی همه کارگران و هم چنین اتحاد جنبش زنان و جنبش دانش جویی و دیگر جنبش های برابری طلب با جنبش کارگری گام های عملی برمی دارند. تشکلی که به برابری زن و مرد، به لغو کار کودک، به مساله بازنشستگان و به طور کلی آزادی بیان، قلم، اندیشه و آزادی های فردی و اجتماعی بی تفاوت نمی باشد.

نوشته ها و فعالیت های محمود صالحی بیش از هر چیز نشان دهنده صداقت، جان فشانی، جسارت و رک گویی اوست. از این رو، سرگذشت او، دوران سپری شده نیست؛ بلکه طرح مسایل کارگری که او در طول سال های طولانی تجربه کرده است بی شک برای نیروهای جوان سیاسی و به ویژه

کارگران و فعالین سیاسی چپ در حال و آینده نیز آموزنده است.
در پایان مهم ترین پرسش در مورد محمود صالحی این است که او، چرا بیش از هفت سال زندگی خود را در زندان های حکومت اسلامی گذرانده، اتهامش چه بوده است؟
قاطعانه و محکم می توان جواب این سئوال را چنین داد: تنها «جرم» محمود صالحی این است که او، به طور پیگیر و در شرایط گوناگون از حقوق خود و هم¬ طبقه ¬ای هایش بدون توجه به رنگ، پوست، ملیت، مذهب و جنسیت دفاع کرده است. دفاعی که برای سرمایه داران و حکومت حامی آن¬ ها، نه تنها خوشآیند نیست؛ بلکه خطرناک نیز به شمار می آید. به همین دلیل محمود و هم فکرانش همواره از سوی سرمایه داران مورد تهدید قرار می گیرند و از کار بی کار و یا زندانی می شوند.
علاقه مندان می توانند برای آشنایی بیش تر با مبارزات و افکار محمود صالحی، به کتاب «من مرگ را سرودی کردم» که درباره زندگی و مبارزه «محمود صالحی» است مراجعه کنند. این کتاب، از سوی «بهرام رحمانی»، در سال 1389 - 2010 در 410 صفحه تهیه و منتشر شده است. ناشر این کتاب، انتشارات «کتاب ارزان» در سوئد- استکهلم است.

انحلال کارخانه ایران پویا وبلاتکلیفی کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 15 بهمن 91 آمده است : کارخانه یخچال‌سازی ایران پویا وابسته به بنیاد مستضعفان، سازنده انواع یخچال و پروفیل آلومینیومی به دلایلی که اعلام نشده است، منحل اعلام شد.
نماینده کارگران کارخانه ایران پویا با اعلام این خبر، گفت: از صبح دیروز (شنبه) نامه انحلال کارخانه ایران پویا به مدیران این کارخانه ابلاغ شده است اما هنوز تکلیف کارگران شاغل در این مجموعه صنعتی مشخص نیست.
این کارگر با اشاره به اینکه این وضعیت باعث تشدید نگرانی کارگران شده است، اضافه کرد: از ورود و خروج ۹۰ کارگر قراردادی این کارخانه طی هفته‌های گذشته (۳۰ دی ماه) جلوگیری به عمل آمد و در نهایت این کارگران اخراج شدند.
او اضافه کرد: بیکاری تعداد ۹۰ نفر از کارگران قرار دادی با سوابق بین ۸ تا ۱۸ سال کار مستمر در ایران پویا اکنون تمامی کارگران را نگران امنیت شغلیشان کرده است.
این کارگر با بیان اینکه تعداد زیادی از کارگران ایران پویا در شرف بازنشستگی هستند ادامه داد: علاوه بر ۹۰ کارگر قرار دادی اخراج شده که هم اکنون با شکایت به اداره کار روند قانونی خود را دنبال می‌کنند، ۷۲ کارگر رسمی نیز نگران آینده و امنیت شغلی خود هستند و فقط ۱۸ کارگر در این واحد تولیدی با سوابق کمتر از ۲۰ سال امکان بازنشستگی ندارند.

بازنشستگان صندوق فولاد باردیگردست به تجمع اعتراضی دربهارستان زدند

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس،در تاریخ 15 بهمن آمده است : تعدادی از بازنشستگان صندوق فولاد امروز مقابل مجلس تجمع کردند.
بنا بهمین گزارش، یکی از تجمع کنندگان گفت: ما برای پیگیری مطالباتمان اینجا جمع شده‌ایم؛ در حال حاضر دو ماه است که حقوقمان را نگرفته‌ایم و مطالباتمان را نمی‌دهند.
براساس این گزارش، تجمع کنندگان پلاکاردی که نوشته شده بود ما خواهان تحقیق و تفحص از وزارت صنعت و روشن شدن موضوع اختلاس در صندوق فولاد هستیم، نیز مقابل مجلس نصب شده بود.
به گزارش امروز ایسنا، جمعی از اعضای کانون مستقل بازنشستگان فولادی و صنعتی کشور با تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی خواهان حضور وزرای اقتصاد، صنعت، معدن و تجارت، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و مدیرعامل سازمان خصوصی‌سازی در مجلس برای پاسخ به دلایل عدم پرداخت مطالباتشان شده‌اند.
این بازنشستگان تجمع‌کننده همچنین خواستار تداوم تحقیق و تفحص مجلس از صندوق فولاد کشور جهت روشن شدن تکلیف ۳۰۰ میلیارد تومان از منابع این صندوق شدند که مدعی «اختلاس» این منابع از صندوق بودند.
همچنین بازنشستگان کانون مستقل فولادی و صنعتی کشور خواستار تامین منابع پرداخت مطالبات معوق طبق قانون بودجه سالانه توسط مهدی غضنفری، وزیر صنعت، معدن و تجارت

شده و خواستار پاسخگویی وزیر به مجلس شدند.
این بازنشستگان می‌گفتند که به نمایندگی از ۸۰ هزار بازنشسته صنعت فولاد کشور مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کرده بودند.
به گزارش ۱۵بهمن ایلنا، بازنشستگان ذوب‌آهن در تجمع صبح امروز (۱۵بهمن) در مقابل ساختمان قوه مقننه از رئیس و نمایندگان مجلس خواستند، تا دولت را مجاب به اجرای مصوبه مجلس در خصوص ادغام صندوق حمایت از بازنشستگان صنعت فولاد در سازمان تامین اجتماعی کند.
طبق مصوبه مجلس دولت موظف است تا موسسه صندوق حمایت از بازنشستگی کارکنان فولاد را با سازمان تامین اجتماعی ادغام کند و کسری صندوق مذکور را از محل واگذاری شرکت‌های دولتی تامین کند. ولی هنوز بعد از گذشت سه سال از تصویب، این مصوبه اجرایی نشده است.

بانک مرکزی: نرخ تورم دی ماه ۲۸. ۷ درصد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر،در 15 بهمن آمده است : بانک مرکزی نرخ تورم در دوازده ماهه منتهی به دی ماه امسال را ۲۸. ۷ درصد اعلام کرد.
بنابهمین گزارش، گزارش بانک مرکزی از خلاصه نتایج به دست‌آمده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران براساس سال پایه ۱۰۰=۱۳۸۳ در دی‌ماه ۱۳۹۱ نشان می‌دهد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در دی ماه ۱۳۹۱ به عدد ۵/۳۹۷ رسید.
نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به دی‌ماه ۱۳۹۱ نسبت به دوازده ماه منتهی به دی ماه ۱۳۹۰ معادل ۷/۲۸درصد است.
در حالی نرخ تورم در دوازده ماهه منتهی به دی ماه امسال به ۲۸. ۷ درصد رسیده که این نرخ در مدت مشابه در مهرماه ۲۴. ۹ درصد، آبان ماه ۲۶. ۱ درصد و آذرماه ۲۷. ۴ درصد بوده است.
پیش از این، بانک مرکزی نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به شهریورماه را ۲۴ درصد، مردادماه ۱۳۹۱ را ۲۳. ۵ درصد، تیرماه را ۲۲. ۹ درصد، خردادماه را ۲۲. ۴ درصد، اردیبهشت ماه را ۲۲. ۲ درصد و فروردین ماه را ۲۱. ۸ درصد اعلام شده بود.
پانزدهم بهمن ماه ۱۳۹۱

در دفاع از تصمیم جمعی سندیکای شرکت واحد –

محمد عبدی پور

بر پایه خبر دریافتی به روز شمار کارگری در 16 بهمن آمده است : کارگران! هم زنجیران!
همانطور که اطلاع دارید سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه طی یک اطلاعیه رسمی و علنی برکناری منصوراسانلو از ریاست هیئت مدیره آن سندیکا را اعلام داشتند.
در اطلاعیه سندیکای شرکت واحد ، دلیل برکناری اسانلو انجام "تخلفات متعدد و عدم پایبندی به تعهدات و نادیده گرفتن هشدار ها و اعتراضات درونی سند یکا" ذکر شده است. این استدلال اگر چه تا حدودی مبهم و کلی است، اما در مجموع و با توجه به شرایط ویژه کشور از اهمیت خاصی برخوردار است. واضح است که اعضای هیئت مدیره برای بیان شفاف و صریح مسائل مورد نظر با محدودیت ها ی قابل فهمی مواجه بوده اند. و همین امر باعث شده که بیانیه تا حدودی مبهم و سربسته صادر شود.
با این حال آنچه برای تشکل های مستقل کارگری از اهمیت بالایی برخوردار است همانا پایبند بودن به کار جمعی و پیروی از سیاست های حاکم بر تشکل مربوطه است . اساسنامه تشکل های کارگری با آرای جمعی تصویب می شود و به این دلیل برای تک تک اعضاء نه فقط قابل احترام است بلکه به عنوان یک دستورالعمل جمعی متکی به خط مشی عملی نیز هست.

بر این اساس سندیکای شرکت واحد طی اطلاعیه رسمی خود، آقای اسانلو را از ریاست این سندیکا برکنار کرده است . فعالین صادق، مستقل و دلسوز جنبش کارگری از یک سو به این تصمیم سندیکا احترام خواهند گذاشت و از سوی دیگر در حمایت از دوستان خود در هیئت مدیره سندیکا از هرگونه همفکری و همپوشانی دریغ نخواهند کرد. صدور بیانیه کمیته هماهنگی برای کمک به ایجادتشکل های کارگری و دفاع فعالان واقع بین جنبش کارگری از بیانیه سندیکا در همین راستا انجام شده است.

روشن است که آقای اسانلو د رکنار دیگر کارگران شرکت واحد برای ایجاد سندیکا نقش خود را داشته است ؛ اما هیچ درجه از فعالیت گذشته آقای اسانلو دلیل و مانعی نخواهد شد که امروز سندیکا نتواند با تخلفات وی برخورد کند. این امر نه فقط درباره آقای اسانلو بلکه در مورد هر فعال کارگری دیگری که به تصمیم جمعی و شورائی پایبند نباشد مصداق دارد . اعضای تشکل های کارگری مستقل برخلاف اعضای پارلمان های سرمایه داری از مصونیت قضائی برخوردار نیستند و نمی توانند به اعتبار سابقه مبارزاتی خود علیه منافع طبقه کارگر و بر ضد سیاست و اساسنامه تشکل عمل کنند.

خصلت بارز جنبش کارگری بر خلاف سنت جریانات و سازمان های غیر کارگری در این است که گذشته افراد و اعضای خود را خدشه دار نخواهند کرد . فرهنگ کارگری بار دیگر ثابت خواهد کرد آنچه برای تشکل های کارگری ضروری و قابل تعمق می باشد دوری و نزدیکی فعالان به منافع طبقا تی است . بر خلاف نظر افراد و سازمان های بی ربط به طبقه کارگر، بحث و تبادل نظر، یک بخش تفکیک ناپذیر مبارزه کارگران بوده و جنبش کارگری در ارائه نظرات خود از هیچ کسی کسب اجازه نخواهد کرد .فرهنگ کارگری از کیش شخصیت ورهبر سازی ، پچ پچ کردن و هر گونه موارد غیر اصولی، بیشتر از گذشته دوری خواهد کرد.
به این اعتبار و از آنجا که آقای اسانلو پس از خروج از کشور با استفاده از امنیت شخصی و در اقدامی ضد تشکیلاتی اقدام به انتشار یک گزارش علنی کرده و با راه اندازی وبلاگ شخصی اسنادی را منتشر نموده که می تواند محل مناقشه باشد، لازم است سندیکای کارگران شرکت واحد با ذکر موارد مشخص (به هر شکلی که برای این سندیکا مقدور است) به موارد تخلف و دلایل برکناری آقای اسانلو بپردازد تا ضمن بر طرف کردن هر گونه توهمی، ماهیت تمام کسانی که منفعتی جدا از منفعت کارگری را تعقیب می کنند برای جنبش کارگری روشنتر شود.

یادآوری یک نکته:
خبر برکناری آقای اسانلو با واکنش های مختلفی در داخل و خارج از کشور روبرو شده است، اما سکوت آگاهانه "کمیته پیگیری"، "کانون مدافعان حقوق کارگر" و "اتحادیه آزاد کارگران ایران" در مقابل این رویداد سوال برانگیز است! در این کشمکش مهم که می تواند بر سرنوشت یکی از مهم ترین تشکل های توده ای کارگری تاثیرگذار باشد بی طرفی و شیخوخیت و وسط ایستادن و مشاهده گری منفعلانه عین فرصت طلبی سیاسی است. طبقه کارگر و تشکل های مدعی مدافع منافع طبقاتی کارگران نمی توانند نسبت به آینده سندیکای شرکت واحد سکوت اختیار کنند و یا با عملکرد ضدتشکیلاتی اسانلو همراه شوند. تاریخ در قضاوت خود بی رحم است!
بهمن ماه ۱۳۹۱
محمد عبدی پور ،عضو کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد به پیش نویس قانون کار و تامین اجتماعی

به نوشته سایت سندیکای کارگران شر کت واحد تهران و حومه در تاریخ 16 بهمن آمده

است : سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه اعلامیه ای در مورد پیش نویس قانون کار و تامین اجتماعی منتشر کرده و در این اعلامیه خاطر نشان کرده است که ضمن اعتراض شدید و رد پیش نویس های مطروحه قانون کار و تامین اجتماعی خواستار تدوین قانون کار و تامین اجتماعیی است که در آن
استانداردهای حقوق بنیادین کار بدون چون و چرا و کم و کاست تضمین گردد.
متن این بیانیه به شرح زیر است:

اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد به پیش نویس قانون کار و تامین اجتماعی
کارگران و زحمتکشان ایران که در چنین روزها و هفته هایی در سال ۱۳۵۷ با هزاران امید و آرزو به منظور دست یافتن به شرایط بهتر کار و زندگی و برقراری عدالت اجتماعی مبارزات خود را که از ماه ها پیش شدت یافته بود به اوج رسانده و با این اندیشه که قول های داده شده به آنها در جریان مبارزات انقلابی به واقعیت تبدیل خواهد شد بزرگترین اعتراضات و اعتصابات را برگزار کردند که به گواهی همه ناظرین آگاه این اعتصابات و اعتراضات کارگران و دیگر زحمتکشان بود که پیروزی نهایی مردم ایران را در گذر از رژیم پیشین رقم زد و پس از حمله ارتش متجاوز عراق به مرزهای میهن و آغاز جنگ باز هم این کارگران و زحمتکشان و فرزندانشان بودند که بیشترین سهم از جان و مال و آسایش خویش را در راه دفاع از مردم و میهن پرداختند.
اما امروز به گواهی آمار و ارقام منتشره از سوی مراکز حکومتی، بیشترین سهم از فشار گرانی و تورم و بیکاری و نگرانی از آینده به کارگران و زحمتکشان رسیده و می رسد و آنها در شرایط سهمگین، دشوار و کمرشکن تحریم ها و ندانم کاری ها بیش از پیش باز هم سهم بیشتری را می پردازند و عجبا در چنین اوضاع و احوال طوفان خیز گرانی، تورم و کمبود، طرح پیش نویس قانون کار و تامین اجتماعی که شرایط را بر کارگران و زحمتکشان و بازنشستگان کارگری بدتر از قبل می کند به مجلس می رود و اعتراض هزاران هزار کارگر در این باره نادیده و ناشنیده گرفته می شود.
کارگران و زحمتکشان این سرزمین که بار اصلی کار و تولید و سازندگی و خدمت رسانی به جامعه را به دوش می کشند همچنان از حقوق عمومی نظیر حق داشتن سندیکای مستقل و حق تجمع و اعتراض و راه پیمایی و اعتصاب، که در اکثر کشورهای متمدن و پیشرفته جهان پذیرفته شده و هر روز در رسانه های داخلی و خارجی منتشر می شود، محروم بوده و هستند و این محرومیت در حالی است که بنا بر قوانین و مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار به ویژه مقاوله نامه های ۸۷ و ۹۸ که از عضویت کشورمان در آن بیش از پنجاه سال می گذرد، مسئولان موظف و مکلف به رعایت آنها می باشند.
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به عنوان نهادی مستقل که دل در گروی خوشبختی و سربلندی عموم مردم ایران به ویژه کارگران و زحمتکشان دارد و در این راه ستمهای زیادی از جمله زندانی شدن، بیکاری، محرومیت، تهمت و افترا و تعقیب و مراقبت های پلیسی را متحمل شده اند ضمن اعتراض شدید و رد پیش نویس های مطروحه قانون کار و تامین اجتماعی خواستار تدوین قانون کار و تامین اجتماعیی است که:
استانداردهای حقوق بنیادین کار مصوب سازمان جهانی کار نظیر حق تشکیل سندیکا، فدراسیون و کنفدراسیونها و حق تجمع و اعتراض، اعتصاب و راه پیمایی و بهره مندی از دستمزدی برای داشتن زندگی شرافتمندانه در آن بدون چون و چرا و کم و کاست تضمین گردد.
باید دانسته شود صبر و تحمل جوامع بشری از جمله جامعه کارگری ایران در برابر بی عدالتی و حق کشی حدی دارد.
در این باره باید سخن دلسوزان آگاه را به گوش جان شنید که گفته اند: پیشگیری بهتر از درمان است.
با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
بهمن ماه ۱۳۹۱

عباسی سرپرست وزارت کار شد

بر پایه خبر رسیده به روز شمار گارگری در 16 بهمن آمده است : احمدی نژاد در حکمی اسدالله عباسی را با حفظ سمت به عنوان سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منصوب کرد.
به گزارش عصرایران به نقل از پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، متن حکم احمدی نژاد برای سرپرستی وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای اسدالله عباسی
سلام علیکم
نظر به تعهد و دانش و تجربیات ارزنده و به استناد اصل یکصد و سی و پنجم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و بر اساس این حکم با حفظ سمت به عنوان سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منصوب می گردید.
امید است با استعانت از خداوند متعال در انجام وظایف محوله موفق و موید باشید.
محمود احمدی نژاد

شایان ذکر است اسدالله عباسی که معاونت توسعه و منابع وزارت کار و رفاه اجتماعی را بر عهده دارد بر اساس اصل ۱۳۵ قانون اساسی و با حفظ سمت سرپرستی این وزارتخانه را بر عهده گرفته است.
گفتنی است برخی دولتی ها، پیش از این به تعدادی از نمایندگان پیغام و پسغام داده بودند که بهتر است از استیضاح وزیر کار منصرف شوند زیرا احمدی نژاد تصمیم گرفته است در صورت برکناری شیخ الاسلامی از وزارت، سعید مرتضوی را به عنوان سرپرست این وزارتخانه منصوب نماید.
نکته مهم اما این است که برغم آن که کل استیضاح وزیر کار ، به خاطر حضور مرتضوی در رأس سازمان تأمین اجتماعی بود و وزیر هم برکنار شد، هنوز مرتضوی بر مسند خود نشسته است.
با توجه به ابطال مصوبه دولت در خصوص واگذاری اختیار عزل و نصب رئیس سازمان تأمین اجتماعی به معاون اول، اینک وزیر یا سرپرست وزارت کار، عهده دار این مسوولیت است و لذا باید دید که آیا سرپرست وزارت کار، مرتضوی را برکنار می کند یا خیر؟ هر چند که ماجرا به گونه ای است که تصمیم گیرنده اصلی و نهایی در این باره احمدی نژاد است، احمدی نژادی که به قیمت استیضاح وزیرش هم که شده، از ابقای مرتضوی حمایت کرده است.

سعید مرتضوی بازداشت شد/ علت نامعلوم

خبرگزاری دولتی فارس: سعید مرتضوی دادستان سابق تهران شامگاه گذشته بازداشت شد.

به گزارش خبرنگار دولتی قضایی فارس به نقل از دادسرای تهران سعید مرتضوی سرپرست سازمان تامین اجتماعی و دادستان عمومی و انقلاب سابق تهران شامگاه شب گذشته بازداشت شد.
دادستانی تهران، هنوز درباره علت بازداشت مرتضوی اظهار نظری نداشته است.
اخبار تکمیلی به نقل از دیگر منابع خبری حاکی است، مرتضوی به هنگام خروج از محل کار خود بازداشت شده و معاون دادستان در هنگام بازداشت نامبرده در محل حضور داشته‌است.
گفته می‌شود، مرتضوی پس از بازداشت به زندان اوین منتقل شده است.
سعید مرتضوی در پرونده کهریزک به همراه تعدادی از همکارانش از کار معلق شده و پرونده مفتوحی داشت که احتمال می‌رود علت بازداشت وی به همین دلیل باشد.
پیش از این محسنی اژه‌ای در نشست خبری خود عنوان کرده بود که در اسفند ماه امسال دادگاه رسیدگی به پرونده کهریزک برگزار خواهد شد.
انتهای پیام/

رییس جمهوری در پاسخ به ایرنا؛

موضوع بازداشت مرتضوی را بطور جدی پیگیری می کنم/ قوه قضاییه، سازمان ویژه خانوادگی نیست

رییس قوه مجریه صبح سه شنبه پیش از ترک تهران به مقصد قاهره در پاسخ به سوال خبرنگار سیاسی ایرنا در فرودگاه مهرآباد درباره بازداشت مرتضوی رییس سازمان تامین اجتماعی اظهار داشت: نمی دانم چگونه است که فرد دیگری تخلف کرده است و کسی دیگر دستگیر می شود.
رییس جمهوری با تاکید بر این که دستگاه قضایی باید قوه قضاییه ملت باشد، تصریح کرد: قوه قضاییه که یک سازمان ویژه خانوادگی نیست. کسی تخلف کرده، فردی مطلع شده و آن را اعلام کرده است؛ به جای این که متخلف را دنبال کنند، فردی که تخلف را اعلام کرده است مورد برخورد قرار می گیرد و این بسیار زشت است.

احمدی نژاد اضافه کرد: برای ملت ما و جمهوری اسلامی ایران شایسته نیست و برای قوه قضاییه هم بسیار زشت است.
رییس شورای عالی امنیت ملی تاکید کرد: هنگامی که از سفر بازگردم این مساله را به طور جدی دنبال خواهم کرد.
پایگاه اطلاع رسانی دادسرای عمومی و انقلاب تهران دوشنبه شب در خبری کوتاه، بازداشت "سعید مرتضوی" را اعلام کرد.

انتهای پیام

یادمان سومین سا لگرد درگذشت یداله خسرو شاهی

یداله خسرو شاهی از فعالین سرشناس جنبش کارگری ایران، این یار همیشگی جنبش کارگری ایران در تاریخ ۴ فوریه ۲۰۱۰ در یکی از بیمارستانهای لندن در اثر سکته مغزی درگذشت.
در سومین سال از دست دادن یداله خسرو شاهی روز یکشنبه سوم فوریه، خانواده و ده‌ها نفر از یاران یداله بر سر آرامگاه او حضور یافتند تا یادش را یکبار دیگر گرامی بدارند. رفقا، دوستان و خانوداه یداله در یک گردهمایی دوستانه یک بار دیگر مبارزات خستگی ناپذیر یداله را در دفاع از حقوق پایه‌ای کارگران در ایران و تلاش‌های بی‌وقفه او برای جلب همبستگی فعالین و تشکلات کارگری درخارج کشور را زنده کردند.
شرکت کنندگان در این مراسم با گرفتن عکس‌های دستجمعی و و ادای احترام به این یار خستگی ناپذیر جنبش کارگری همبستگی خود با آرمان‌های یداله را به نمایش گذاشتند.
یادش گرامی باد
ستار رحمانی-۰۳/۰۲/۱۳

۱۲۰۰ کارگر نورد لوله صفا از صبح دیروز دست به اعتصاب زده‌اند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 16 بهمن 91 آمده است : پس از گذشت یک ماه از پایان اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا که با وعده‌های کارفرما صورت گرفت این کارگران بار دیگر و بدنبال خلف وعده‌های کارفرما از عصر دیروز دست به اعتصاب زدند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال هشت روز اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا در دی ماه گذشته، کارفرمای این کارخانه روز شانزده دی در میان کار گران حاضر شد و با ارائه یک جدول بندی برای پرداخت شش ماه دستمزد معوقه کارگران، توافق آنانرا برای پایان دادن به اعتصاب جلب کرد و این کارگران از روز ۱۷ دی ماه بر سر کارهایشان بازگشتند. بر این اساس مقرر شده بود یک ماه از دستمزد معوقه کارگران بین دهم تا ۱۵ بهمن ماه پرداخت شود اما دیروز ۱۵ بهمن ماه و با به پایان رسیدن ساعت کاری شیفت روز هیچ پولی به حساب کارگران واریز نشد و به همین دلیل آنان با قاطعیت و بطور متحدانه‌ای از ساعت ۱۶ عصر دیروز دست از کار کشیدند.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه ازاد کارگران ایران، بدنبال این اعتصاب مسئولین کارخانه به کارگران اعلام کردند روز چهارشنبه هفته جاری یکماه دستمزد معوقه را به حسابشان واریز خواهند کرد اما کارگران زیر بار این وعده نرفتند و امروز نیز به اعتصاب خود ادامه دادند و اعلام کردند: هر زمان پول به حسابمان واریز شود ما همان زمان بر سر کار باز خواهیم گشت.

نامه فدراسیون سندیکاهای حمل و نقل ث ژ ت به سندیکای کارگران شرکت واحداتوبوسرانی تهران وحومه

Fédération Nationale des Syndicats de Transports CGT
مونتروی، ۳۱ ژانویه ۲۰۱۳
به آقایان

ابراهیم مددی نایب رئیس سندیکای شرکت واحد
رضا شهابی خزانه دار سندیکای شرکت واحد
داوود رضوی عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد
رفقای عزیز،
باخبر شدیم که با مرخصی همکارمان رضا شهابی به دلایل پزشکی موافقت شده است. این مرخصی به وی امکان می‌دهد که از زندان خارج شود و به درمان خود بپردازد.
ما کاملا آگاهیم که بیماری‌های رضا شهابی ارتباط مستقیم با شرایط غیرانسانی دوران زندانی‌اش دارد. ما به آ زادی بی‌قید و شرط این رفیق برمبنای مقاوله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار، که جمهوری اسلامی ایران امضا کننده آن‌ها است، امیدواریم و به مبارزات خود در این زمینه ادامه می‌دهیم.
فدراسیون ملی سندیکاهای حمل و نقل ث ژ ت به همراه فعالین سندیکایی ایرانی و همانند آن‌ها به مبارزات خود جهت عدالت اجتماعی که بر مبنای همبستگی و حق کارگران برای تشکیل و کنترل سندیکاهایشان جهت دفاع از منافع خود، بنیان گذاشته شده است، ادامه می‌دهد.
فدراسیون ملی سندیکاهای حمل و نقل باردیگر همبستگی خود را با سندیکای کارگران شرکت واحد تمدید می‌کند و آکسیون‌های همبستگی خود را جهت وادار کردن دولت ایران در احترام به آزادی‌های سندیکایی و آزادی حق تشکل شدت خواهد بخشید.
با احترامات رفیقانه
ژروم وریته – دبیر کل

۸۰۰ کارگر پیمانکاری شرکت «فراساحل» به اعتصاب خود پایان دادند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 16 بهمن 91 آمده است : بدنبال اعتصاب ۸۰۰ کارگر پیمانکاری شرکت «فراساحل» (یکی از دو مجموعه بزرگ شرکت «صدرا» در بوشهر) که روز دوشنبه هفته گذشته صورت گرفت کارفرما برای جلوگیری از گسترش اعتراضات کارگران اعتصابی، اقدام به تعطیلی شرکت تا روز شنبه هفته جاری کرد اما با شروع کار در روز یکشنبه ۱۵ بهمن ماه (دیروز) کارگران همچنان بر خواست خود برای دریافت دستمزد معوقه تاکید کردند و حاضر به شروع کار نشدند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران با ادامه اعتصاب ۸۰۰ کارگر پیمانکاری شرکتهای ساحل سازان، عمران ذوبان و ایمن سازه از مجموعه شرکتهای پیمانکاری شرکت «فراساحل»، نماینده‌های این شرکت‌ها بناچار در میان کارگران حضور پیدا کردند و به آنان اعلام کردند صبح روز چهارشنبه هفته جاری دستمزد دی ماه کارگران به حساب‌هایشان واریز خواهد شد. مسئولین این شرکت دوشنبه هفته گذشته (روز اول اعتصاب) به کارگران گفته بودند از آنجا که شرکت صدرا به ما پولی نداده است ما نیز فعلا قادر به پرداخت دستمزدهای شما نیستیم.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران حوالی ظهر دیروز و پس از وعده مسئولین شرکتهای پیمانکاری، کارگران اعتصابی بر سر کارهای خود بازگشتند و اعلام نمودند چنانچه روز چهارشنبه دستمزدهایشان پرداخت نشود بار دیگر اعتصاب ر ا از سر خواهند گرفت.
بنا بر اظهار کارگران شرکت فرا ساحل، همزمانی شروع اعتصاب کارگران با غرق پایه سکوی نفتی در آبهای خلیج فارس، شرایط بحرانی تری در شرکت «فراساحل» ایجاد کرد و همین امر باعث دستور تعطیلی شرکت تا روز شنبه هفته جاری شد. لازم به یادآوری است پایه عظیم سکوی نفتی که دهم بهمن ماه در میدان مشترک نفتی هنگام در مرز آبی مشترک ایران و عمان در خلیج فارس غرق شد ساخت شرکت «فراساحل» بود.
یکی از کارگران این مجموعه در همان روز به سایت اتحاد اظهار داشت: متاسفانه سازه عظیم فلزی که حاصل زحمت چند صد کارگر فرا ساحل صدرا بود به قعر دریا رفت و سرنوشتی مانند حقوق آن‌ها پیدا کرد.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – ۱۶ بهمن ماه ۱۳۹۱

کارگران پیمانکاری شرکت بسباران در مجتمع پتروشیمی بندر امام حوالی ظهر دیروز به اعتصاب خود پایان دادند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 16 بهمن 91 آمده است : کارگران پیمانکاری شرکت بسباران از مجتمع‌های پتروشیمی بندر امام، که از صبح روز شنبه ۱۴ بهمن ماه با خواست افزایش دستمزد دست به اعتصاب زده بودند حوالی ظهر دیروز به اعتصاب خود پایان دادند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، با شروع اعتصاب کارگران شرکت بسباران در پتروشیمی بندر امام مسئولین این شرکت با هدف پایان دادن به اعتصاب، طی جلسه‌ای با تهدید نماینده‌های کارگران یکی از آنان به نام فرزاد علیزاده را نیز از کار تعلیق کردند اما این اقدام کارفرما نه تنها باعث عقب نشینی کارگران نشد بلکه آنان بطور متحدانه تری از صبح روز یکشنبه ۱۵ بهمن ماه اعتصاب خود را ادامه دادند و بطور قاطعانه‌ای خواهان بازگشت بکار نماینده خود شدند. بدنبال این وضعیت مسئولین شرکت بسباران با حضور در میان کارگران اعلام کردند ما نماینده شما را اخراج نکرده‌ایم و ایشان روز چهارشنبه بر سرکار خود باز خواهد گشت. همچنین مسئولین شرکت در مورد خواست افزایش دستمزد کارگران اعلام کردند ما با جدیت خواست شما مبنی بر افزایش دستمزدها را پیگیری خواهیم کرد و چنانچه تا اول سال نو رسما نتوانیم کاری انجام دهیم کاری خواهیم کرد تا در روزهای باقی مانده به پایان سال، دستمزد بیشتری به شما تعلق بگیرد.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران اعتصابی بسباران پس از حصول اطمینان از عدم اخراج نماینده خود و وعده‌ای که کارفرما برای افزایش دستمزدها در روزهای باقی مانده به پایان سال داد حوالی ظهر دیروز به اعتصاب خود پایان داده و بر سر کارهایشان بازگشتند.

کارگران اداره راه کهگیلویه و بویراحمد ۶ ماه حقوق دریافت نکرده‌اند

به گزارش ۱۶بهمن ایلنا، به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 16 بهمن 91 آمده است : در حالیکه تا رسیدن سال جدید کمتر از ۵۰ روز دیگر باقی است، حقوق شش ماه گذشته کارگران پیمانی و خدماتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد پرداخت نشده است.
براساس این گزارش، اضافه کاری از ابتدای سالجاری تاکنون به ۲۰۰ نفر از این کارگران پرداخت نشده است.

مرگ یک کارگر در کارخانه کاغذ کار کسری یزد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا درتاریخ 16 بهمن 91 آمده است : صبح امروز یک کارگر کارخانه «کاغذ کار کسری» در شهر صنعتی یزد جان خود را در حین کار از دست داد.
برپایه این گزارش، علی ذولمعالی، کارگر ۲۱ ساله، تعمیر کار شاغل در کارخانه کاغذ کار یزد صبح امروز (دوشنبه ۱۶ بهمن ماه)، در حین تعمیر دستگاه غلطک کشته شده است.
شانزدهم بهمن ماه ۱۳۹۱

هشدار به :
فعالین جنبش دانشجویی در تبریز
فعالین جنبش ملی آذربایجان
فعالین جنبش کارگری در تبریز

خبر دریافتی از دانشگاه ملی تبریز حاکی از این است که ماموران وزارت اطلاعات فعالیت منظم خود را در دانشگاه فوق مدتهاست بشدت افزایش دادند. طبق بررسی های رفقای

تبریز، از ماموران وزارت اطلاعات مستقر در دانشگاه فوق یک نفر بنام بهرنگ نجاتی فرزند چنگیز که ظاهرا" کارمند می باشد، شناخته شده است.بررسی ها فوق نشان می دهد که نامبرده در چهار حوزه زیر فعالیت می کند :

1- نفوذ در جنبش دانشجویی و جمع آوری اطلاعات.
2- تبلیغ علیه جنبش کارگری و ایجاد نفاق بین جنبش کارگری و فعالین آن با دانشجویان و فعالین ملی آذربایجان ، که در این راستا می توان به تبلیغات سوء او به صورت سازمان یافته علیه فعالین کارگری مانند شاهرخ زمانی و محمد جراحی که توانستند محبوبیت خوبی در میان دانشجویان و فعالین ملی آذربایجان کسب کنند . با توجه به اینکه فعالین کارگری نام برده بخصوص شاهرخ زمانی با مقاومت خود توانستند ضمن کسب محبوبیت به عنوان الگوی مبارزاتی میان فعالین کارگری ، دانشجویی و ملی آذربایجان قرار بگیرند ، در نتیجه ماموران وزارت اطلاعات بخصوص بهرنگ نجاتی با شدت بیشتری علیه آنها اقدام به تبلیغ می کنند.
3- فعالیت و تبلیغ سوء علیه فعالین ملی آذر بایجان و ایجاد نفاق و پراکندگی میان انها ، این نیز با برنامه های منظم ماموران وزارت اطلاعات با رهبری بهرنگ نجاتی پیش برده می شود .
4- حوزه چهارم فعالیت بهرنگ نجاتی ماموریت های خارج کشور است که طبق بررسی های صورت گرفته حداقل ماهی سه مسافرت به باکو و ترکیه دارد، هنوز جزئیات کارهای که در آنجا ها انجام می دهد مشخص نشده است . اما همینقدر معلوم شده است که علیه نیرو های فعال آذربایجان در دو کشور همسایه فعالیت دارد و اطلاعات لازم در باره آنها و نیرو های مرتبط در داخل را جمع آوری می کند.

بنا براین ما به تمامی دانشجویان فعال ایرانی بطور عام و دانشجویان دانشگاه تبریز به طور خاص و همچنین فعالین کارگری و ملی آذربایجان هشدار می دهیم ، و از همه انها می خواهیم با دقت و انظباط بیشتری، فعالیت نمایند.
لازم بذکر است که بهرنگ نجاتی بعنوان کارمند در دانشگاه حضور دارد.

کمیته تشکیلات جبهه واحد کارگری
16/11/1391

بیکاری 10 هزار کارگر با اتمام پروژه سدگتوند و افزایش بیکاری شوشتر با نرخ کنونی بیکاری 20 درصد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 16 بهمن آمده است : وعده‌های اشتغال زایی در این شهرستان عملی نشده و آنچه که به عنوان اشتغال زایی مطرح مي‌شود مشاغل کاذب و ناپایدار محسوب مي‌شوند.
دبیر خانه کارگر شوشتر اعلام کرد: با اتمام پروژه سد گتوند بحران بیکاری در شهرستان شوشتر افزایش یافته چرا که اقدامی در جهت اشتغال زایی صورت نگرفته است.
علی علیزاده یکی عوامل موثر در روند رو به رشد بیکاری در این شهرستان را اتمام پروژه سد گتوند ذکر کرد و به ایلنا گفت: بیش از ۱۰ هزار نفراز کارگران شاغل در احداث سد گتیوند با اتمام این پروژه هم اکنون به بیکاران شهرستان شوشتر افزوده شده‌اند.
او با بیان اینکه بیکاری یکی از معضلات جوانان جویای کار در این شهرستان است، ادامه داد: شاغلین نیز با وجود مشکلات اقتصادی که به دلیل تاخیر در پرداخت حقوق از سوی واحدهای محل کارشان صورت مي‌گیرد مشکلات عدیده‌ای را در خصوص تامین معیشت خانواده خود دارند.
این فعال کارگری نرخ بیکاری در شهرستان شوشتر را بیش از ۲۰ درصد اعلام کرد و گفت: وعده‌های اشتغال زایی در این شهرستان عملی نشده و آنچه که به عنوان اشتغال زایی مطرح مي‌شود مشاغل کاذب و ناپایدار محسوب مي‌شوند.
علیزاده در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به مشکلات کارگران نی بر کشت وصنعت

کارون شوشتر که هفته گذشته برای پي‌گیری مشکلات صنفی خود به تهران آمده بودند نیز اظهار داشت: تعداد زیادی از کارگران فصلی نی بر سالهاست که مشکلاتی را در بحث سوابق بازنشستگی و طرح طبقه بندی مشاغل دارند که متاسفانه هنوز مرتفع نشده است.
او افزود: وضعیت نامناسب اقتصاد کشور و به تبع آن افزایش قیمت اجناس و کالاهای اساسي، فشار مضاعفی را به کارگرانی که ماه‌ها حقوق دریافت نکرده‌اند وارد کرده است.

مرگ یک کارگر در کارخانه کاغذ کار کسری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 16 بهمن آمده است : علی دهقاني، دبیر خانه کارگر یزد با اعلام این خبر به ایلنا گفت: علی ذولمعالي، کارگر ۲۱ ساله، تعمیر کار شاغل در کارخانه کاغذ کار یزد صبح امروز (دوشنبه ۱۶ بهمن ماه)، در حین تعمیر دستگاه غلطک کشته شده است.
این فعال کارگری در تشریح شرایط این کارگر افزود: این در حدود ۵ ماه سابقه کار در واحد تولیدی کاغذ کار کسری را داشته و تعمیر کار این واحد تولیدی بوده است.
دهقانی با بیان اینکه هنوز علت حادثه مشخص نشده است گفت: بازرسین کار در حال بررسی موضوع هستند و از مسئولین درخواست شده تا در بررسی و علت وقوع این حادثه تسریع کنند.

هشدار بانک مرکزی درباره «سوءاستفاده‌های بزرگ» در نظام بانکی

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 16 بهمن آمده است : معاون نظارتی بانک مرکزی ایران با اعلام نقض مقررات و قوانین توسط برخی بانک‌ها، نسبت به احتمال وقوع برخی تخلفات و سوءاستفاده‌های بزرگ در نظام بانکی هشدار داده و گفته است که این امر منجر به «سلب اعتماد عمومی» مي‌شود.
به گزارش خبرگزاری مهر، ابراهیم درویشی روز دوشنبه ۱۶ بهمن در مورد نحوه تخلفات بانک‌ها توضیحی نداده و از بانک‌های متخلف نامی نبرده است اما گفته است این موارد به «فراهم شدن موجبات بدبینی و یاس» از بانک‌ها مي‌انجامد.
این هشدار در حالی اعلام شده که ده روز پیش‌تر نیز مصطفی پورمحمدي، رئیس سازمان بازرسی کل کشور گفته بود «هر جا که پول هست تخلف هم زیاد است و بیشترین پرونده‌های سازمان بازرسی کل کشور مربوط به تخلفات اداری بانک‌ها است.»
حالا آقای درویشی مي‌گوید که برخی بانک‌ها با وجود «تاکیدات و تذکرات مکرر بانک مرکزی» مقررات نظارتی و به خصوص مقررات تسهیلات و تعهدات اشخاص مرتبط و تسهیلات و تعهدات کلان را نقض کرده‌اند.
او همچنین اعلام کرده است که درباره این تخلفات بخشنامه‌ای برای تمام بانک‌های دولتي، غیر دولتي، شرکت دولتی پست بانک و مؤسسه اعتباری توسعه فرستاده و هشدارهایی به آن‌ها داده شده است.
پیش از این یک عضو هیئت رییسه کمیسیون اقتصادی مجلس گفته بود «پرداخت تسهیلات کلان به افراد ذي‌نفوذ و ضعف و ناتوانی نظام بانکی از بازپس‌گیری مطالبات بانکی» بزرگ‌ترین مانع بر سر پرداخت تسهیلات بانکی به اقشار مختلف مردم است.
به گفته ابراهیم نکو، پرداخت نشدن وام‌های خرد نظیر وام ازدواج به مردم از یک جنبه نشان از بروز تخلف در فرآیند تصویب و ابلاغ سیاست‌های بانکی یا در مرحله اجرای این سیاست‌ها در نظام بانکی دارد.
بانک مرکزی ایران در حالی به بانک‌های هشدار داده است که نظام بانکی ایران طی سال گذشته با سوءاستفاده‌های مالی گسترده مواجه بوده که در بزرگ‌ترین مورد آن، «سه هزار میلیارد تومان» از بانک صادرات اختلاس شد.
طی جلسات رسیدگی به اتهامات متهمان پرونده اختلاس سه هزار میلیارد تومانی بسیاری از مقام‌های دولتی به دادگاه کشانده و تعداد زیادی از آن‌ها محاکمه شدند.

کارگران ساختمانی بیشترین قربانیان حوادث کار

به نوشته سایت سحام نیوز در 16 بهمن آمده است : سرپرست اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بجنورد بیشترین حوادث ناشی از کار در این شهرستان را در بخش ساختمان عنوان کرد.
به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعي، حسین فیض آبادی با اعلام اینکه در ۱۰ ماهه سال جاری بازرسان کار این اداره از ۳ هزار کارگاه مشمول قانون کار بازرسی بعمل آورده‌اند، افزود: این بازرسي‌ها به شکل عمومی و موردی از کارگاه‌ها و به منظور رعایت مقرارت ایمني، جلوگیری از حوادث و نظارت بر پرداخت حقوق و مزایای قانونی به کارگران انجام مي‌گیرد.
این مقام دولتی ادامه داد: بازرسی کار شهرستان بجنورد بر اساس برنامه زمان بندی شده و به منظور نظارت بر حسن اجرای قانون کار و آئین نامه حفاظت فنی و ایمنی از کارگاههای مشمول قانون کار و به منظور کاهش حوادث ناشی از کار، بازرسي‌های لازم را به عمل آورده و موارد نقص، طی ابلاغیه با تعیین مهلت مقرر جهت رفع موارد به کارفرما اعلام مي‌گردد.
سرپرست اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی شهرستان بجنورد بیشترین حوادث ناشی از کار را در بخش ساختمان عنوان کرد و یادآور شد: ارزش نهادن به جان انسان‌ها، رعایت اصل تناسب در نظام کاري، جلوگیری از موازی کاري، داشتن برنامه ایمنی در کار و رعایت استانداردها و قوانین مربوطه، آموزش و تقویت بازرسي، ایجاد نظام اطلاع رسانی و عبرت از حوادثی که اتفاق افتاده از مهم‌ترین راهکارها در راستای کاهش حوادث ناشی از کار است.
وی همچنین بیان داشت: به استناد قانون کار بازرسان کار در حدود وظایف خویش حق دارند در هر موقع از شبانه روز به موسسات مشمول قانون کار وارد شده و به بازرسی بپردازند و در صورت لزوم از اسناد و مدارک لازم رونوشت تهیه نمایند.

عسلویه با ۱۵۰ هزار کارگر بیمه شده بیمارستان ندارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 17 بهمن آمده است : رییس شورای شهر عسلویه اعلام کرد: عسلویه با بیش از صدهزار کارگر فعال و صد و پنجاه هزار بیمه شده، بیمارستان تامین اجتماعی ندارد.
حسن علیزاده در گفتگو با ایلنا با اشاره به اینکه بیمارستان تامین اجتماعی با ۹۷٪ پیشرفت فیزیکی احداث، اکنون به صورت تعطیل در آمده است افزود: به دلیل صرفه جویي، بخش زایشگاه و منازل سازمانی کارکنان آن حذف شده است و یک بیمارستان ۳۲ تخت خوابه به یک کلینیک تبدیل شده است.
علیزاده در ادامه یادآور شد طی سفر مقام معظم رهبری ۱۰۶ میلیارد تومان اعتبار برای عسلویه در نظر گرفته شده است که متاسفانه فقط ۵۰ میلیارد آن به ما تعلق گرفته و تنها ۱۳ میلیارد تومان از این مبلغ جذب شده است و مابقی اعتبارات در مرکز شهرستان هزینه مي‌شود.
وی تاکید کرد: میزان آلاینده‌های موجود در هوای عسلویه بیش از ۱۰۰ برابر تهران است و ما در سال های اخیر شیوع سرطان در منطقه روبرو هستیم به گونه ای که در اکثر روستاها شاهد وجود دو تا سه نفر سرطانی هستیم.
وی در ادامه افزود: آلودگی آب باعث کوچ ماهي‌ها و کاهش چشم گیر صید شده و به بافت فرهنگی و اجتماعی منطقه صدمه‌هایی وارد شده است که با برگذاری برنامه‌های متنوع فرهنگی به مقابله با آن پرداخته‌ایم.

۱۲۰۰ کارگر نورد لوله صفا اعتصاب کردند

اتحادیه آزاد کارگران ایران – ۱۶ بهمن ماه ۱۳۹۱: اتحادیه آزاد کارگران ایران: پس از گذشت یک ماه از پایان اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا که با وعده های کارفرما صورت گرفت این کارگران بار دیگر و بدنبال خلف وعده های کارفرما از عصر دیروز دست به اعتصاب

زدند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال هشت روز اعتصاب کارگران کارخانه نورد لوله صفا در دی ماه گذشته، کارفرمای این کارخانه روز شانزده دی در میان کار گران حاضر شد و با ارائه یک جدول بندی برای پرداخت شش ماه دستمزد معوقه کارگران، توافق آنانرا برای پایان دادن به اعتصاب جلب کرد و این کارگران از روز ۱۷ دی ماه بر سر کارهایشان بازگشتند. بر این اساس مقرر شده بود یک ماه از دستمزد معوقه کارگران بین دهم تا ۱۵ بهمن ماه پرداخت شود اما دیروز ۱۵ بهمن ماه و با به پایان رسیدن ساعت کاری شیفت روز هیچ پولی به حساب کارگران واریز نشد و به همین دلیل آنان با قاطعیت و بطور متحدانه ای از ساعت ۱۶ عصر دیروز دست از کار کشیدند.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه ازاد کارگران ایران، بدنبال این اعتصاب مسئولین کارخانه به کارگران اعلام کردند روز چهارشنبه هفته جاری یکماه دستمزد معوقه را به حساب شان واریز خواهند کرد اما کارگران زیر بار این وعده نرفتند و امروز نیز به اعتصاب خود ادامه دادند و اعلام کردند: هر زمان پول به حساب مان واریز شود ما همان زمان بر سر کار باز خواهیم گشت.

ممانعت از پرداخت معوقات ۲۸ میلیارد تومانی چایکاران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 17 بهمن آمده است :نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور با اعلام خبر انصراف شرکت صدرا از تفاهم نامه‌ای که با سازمان چای منعقد کرده بود، نسبت به پرداخت معوقات ۲۸/۵ میلیارد تومانی چایکاران تا ۲۲ بهمن ماه (که پیش‌تر مسئولان دولتی وعده داده بودند) ابراز ناامیدی کرد.
پرویز شعبانی در این باره به ایلنا گفت: کشاورزان به وعدهٔ مسئولان مبنی بر پرداخت معوقات خود تا ۲۲ بهمن ماه امید بسته بودند.
«هنوز یک ریال از معوقات کارگران پرداخت نشده است. قرار بر این بود شرکت صدرا تمام حواله‌های چای خشك را بخرد، به حساب کشاورزان پول واریز کند و حتی برای آباد کردن باغات چاي، پول مساعده به آن‌ها بدهد که به طور کل منصرف شدند.»
وی تصریح کرد: مدیر عامل شرکت صدرا، عدم همکاری مسئولان استانی را دلیل انصراف خود اعلام کرده است.
شعبانی در پایان افزود: مسئولان دولتی آن همه در رسانه‌ها، جراید و صدا و سیما مانور دادند که شرکت خصوصی آمده و تمام بخش های تولید، فرآوري، خرید و مساعده و... چای کشور را بر عهده گرفته است اما شرکت صدرا هنوز نیامده از تفاهم نامهٔ خود با سازمان چای عقب نشینی کرد و رفت.
گفتنی است طبق تفاهم نامهٔ مذکور، سازمان چای موظف بود در قبال پرداخت معوقات چایکاران از سوی شرکت صدرا، حدود ۵۰ هزار تن حواله چای خشک به این شرکت تحویل دهد. مسئولان دولتی پیش‌تر وعده داده بودند که طلب ۲۸/۵میلیارد تومانی چایکاران را تا ۲۲ بهمن ماه سال جاری (سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی) پرداخت کنند

بدهی سی میلیارد تومانی دولت چایکاران پرداخت نمی شود؛ وعده پرداخت بدهی تا ۲۲ بهمن دروغ بود

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در 17 بهمن آمده است :حدود یک ماه پس از اعلام وعده پرداخت بدهی چایکاران از سوی یک شرکت وابسته به سپاه که با تبلیغات گسترده تلویزیونی همراه بود، امروز اعلام شده که این شرکت از پرداخت بدهی مذکور انصراف داده است و بدین ترتیب چایکاران بار دیگر در مواجهه با بی مسئولیتی دولت، سرگردان و بی پناه شده اند.
به گزارش کلمه، در حالی که مسئولان دولتی وعده داده بودند طلب ۲۸/۵میلیارد تومانی چایکاران تا ۲۲ بهمن ماه پرداخت می شود و برای این منظور قراردادی را نیز با شرکت صدرا وابسته به سپاه پاسداران بسته بودند، حالا مشخص شده که این وعده دروغ از آب درآمده و همچنان خبری از پرداخت بدهی ها نیست.

دولت در تفاهم نامه اش با این شرکت وابسته به سپاه، حاضر شده بود در قبال پرداخت بدهی های معوق خود چایکاران از سوی شرکت صدرا، حدود ۵۰ هزار تن حواله چای خشک به این شرکت تحویل دهد.
اکنون نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور در گفت و گو با ایلنا، با اعلام خبر انصراف شرکت صدرا از اجرای تفاهم نامه‌ای که با سازمان چای منعقد کرده بود، نسبت به پرداخت معوقات ۲۸/۵ میلیارد تومانی چایکاران تا ۲۲ بهمن ماه (که پیش‌تر مسئولان دولتی وعده داده بودند) ابراز ناامیدی کرده است.
به گفته پرویز شعباني، کشاورزان به وعدهٔ مسئولان مبنی بر پرداخت معوقات خود تا ۲۲ بهمن ماه امید بسته بودند. اما هنوز حتی یک ریال از معوقات کارگران پرداخت نشده است.
وی تاکید کرده: قرار بر این بود شرکت صدرا تمام حواله‌های چای خشک را بخرد، به حساب کشاورزان پول واریز کند و حتی برای آباد کردن باغات چاي، پول مساعده به آن‌ها بدهد که به طور کل منصرف شدند. مدیر عامل شرکت صدرا، عدم همکاری مسئولان استانی را دلیل انصراف خود اعلام کرده است.
شعبانی در پایان افزود: مسئولان دولتی آن همه در رسانه‌ها، جراید و صدا و سیما مانور دادند که شرکت خصوصی آمده و تمام بخش های تولید، فرآوري، خرید و مساعده و چای کشور را بر عهده گرفته است اما شرکت صدرا هنوز نیامده از تفاهم نامهٔ خود با سازمان چای عقب نشینی کرد و رفت.

www.ilna.ir

اعضای اصلی و علی‌البدل هیئت مدیرهٔ این تشکل کارگری انتخاب شدند؛ برگزاری اولین مجمع عمومی اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام

روز چهارشنبه مورخ ۱۸ بهمن ماه سال جاری اولین مجمع عمومی اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام برگزار شد و اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیرهٔ این تشکل کارگری برای مدت ۲ سال انتخاب شدند.

به گزارش ایلنا، عباس رضایی، منوچهر یار احمدی، موسی هندیجانی، سید علی موسوی نیا، علیرضا ملکوتی، علی لطیفی و غلامرضا رفیعیان با کسب بیشترین آراء از مجمع عمومی به عنوان اعضای اصلی هیات مدیرهٔ اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام انتخاب شدند.

همچنین شمس الله همیشه بهار، مسعود رحمانی و فرزاد علیزاده اعضای علی البدل هیات مدیرهٔ این تشکل کارگری را تشکیل می‌دهند.

بر اساس این گزارش، جهاد لطیفی، پیمان سعیدی و ناصر احمدی به عنوان بازرسان اصلی و علیرضا بهادری به سمت بازرس علی البدل اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام انتخاب شده‌اند.

گفتنی است اولین مجمع عمومی عادی سالانهٔ اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام با حضور ۳۸ تن از فعالان کارگری برگزار شده است.

پایان پیام

برداشت ۲هزار میلیارد تومان دیگر از بانک‌ها

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 18 بهمن آمده است : رئیس کل بانک مرکزی از برنامه این بانک برای برداشت تقریبی ۲ هزار میلیارد تومان دیگر از حساب بانک‌های دولتی و خصوصی خبر داد.
محمود بهمنی در گفت‌وگو با تسنیم در خصوص آخرین وضعیت برداشت بانک مرکزی از حساب بانک‌های دولتی و خصوصي، اظهار داشت: قرار است بانک مرکزی طی اقدامی در آینده نزدیک حدود ۲ هزار میلیارد تومان دیگر از حساب این بانک‌ها برداشت کند.
وی با بیان اینکه برداشت از حساب بانک‌ها اقدامی کاملاً قانونی تلقی می شود، افزود: یک بار دیگر هم اعلام کرده بودم اگر احساس کنیم یک ریال کم از بانک‌ها برداشت کرده‌ایم مجدداً نسبت به برداشت اقدام خواهیم کرد.
رئیس کل بانک مرکزی در همین ارتباط تأکید کرد: از آنجایی که بانک مرکزی جلوی برخی از تخلفات عده ای از آقایان را گرفته طی هفته‌های اخیر این افراد شانتاژ رسانه‌ای درست کرده بودند.
بهمنی ضمن تأکید براینکه اجازه نخواهد داد حتی یک ریال از بیت المال مورد سوءاستفاده قرار گیرد، گفت: اجازه نمی دهم بانک‌ها پول های مردم را به ناحق برداشت کنند.
رئیس کل بانک مرکزی برداشت روزهای آتی را با احتساب به برداشت قبلی دومین برداشت از حساب بانک‌ها برشمرد و گفت: عده ای از بانک مرکزی ارز با قیمت مرجع دریافت کرده و خورده بودند اما بانک مرکزی پول این ارزها را از حساب بانک ها برداشت و به خزانه واریز کرده و خواهد کرد.
وی با بیان اینکه برداشت از حساب بانک ها توسط بانک مرکزي، مصوبه دولت و هیات وزیران بوده است، بار دیگر تأکید کرد: بانک مرکزی به همین خاطر این مصوبه را اجرا کرده و قصد دارد مجدداً از حساب بانک‌ها برداشت کند.

در بیانیه یک تشکل کارگری شرکت واحد عنوان شد:
اعتراض کارگران به لایحه اصلاح قانون کار را جدی بگیرید

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 18 بهمن 91آمده است :در حالی که هنوز حال هوای وزات‌کار و سازمان تامین اجتماعی متاثر از بلوای استیضاح وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی است، فعالین مستقل صنفی در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با انتشار بیانیه‌ای نسبت به لوایح و پیش‌نویس‌های مربوط به قوانین کار و تامین اجتماعی اعتراض کرد.

به گزارش ایلنا در بیانیه این تشکل صنفی آمده است: به عنوان نهادی مستقل که دل در گروی خوشبختی و سربلندی عموم مردم ایران به ویژه کارگران و زحمتکشان دارد ضمن اعتراض شدید و رد پیش نویس‌های مطروحه قانون کار و تامین اجتماعی خواستار تدوین قانون کار و تامین اجتماعی‌ای است که استانداردهای حقوق بنیادین کار مصوب سازمان جهانی کار نظیر حق تشکیل سندیکا، فدراسیون و کنفدراسیون‌ها و حق تجمع و اعتراض، اعتصاب و راه پیمایی و بهره‌مندی از دستمزدی برای داشتن زندگی شرافتمندانه در آن بدون چون و چرا و کم و کاست تضمین گردد.

نویسندگان این بیانیه با اشاره به سهم قابل توجه کارگران در پیروزی انقلاب اسلامی و جنگ هشت ساله تحمیلی، یادآور شده‌اند: امروز به گواهی آمار و ارقام منتشره رسمی، بیشترین سهم از فشار گرانی و تورم و بیکاری و نگرانی از آینده به کارگران و زحمتکشان رسیده و می‌رسد و عجبا در چنین اوضاع و احوالی، تورم [...] و کمبود، طرح پیش نویس قانون کار و تامین اجتماعی که شرایط را بر کارگران و زحمتکشان و بازنشستگان کارگری بدتر از قبل می‌کند به مجلس می‌رود و اعتراض هزاران هزار کارگر در این باره نادیده و ناشنیده گرفته می‌شود.

فعالان مستقل صنفی کارگری در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در بیانیه خود می‌نویسند: کارگران و زحمتکشان این سرزمین که بار اصلی کار و تولید و سازندگی و خدمت

رسانی به جامعه را به دوش می‌کشند همچنان از حقوق عمومی که به موجب مقاوله‌نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار به رسمیت شناخته شده و مسئولان ملزم به پذیریش آن هستند محرومند.

سابقه مخالفت کارگران شرکت واحد با اصلاح قانون کار

انتشار این بیانیه درحالی صورت می‌گیرد که در تاریخ ۲۷ دی‌ماه نیز گروهی از همین فعالان کارگری به نمایندگی از ۲ هزار کارگر شرکت واحد با مراجعه به مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به کمسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی نسبت به اصلاح قانون کار مراتب اعتراض کارگران را اعلام کرده بودند.
در این نامه که در همان تاریخ در دبیرخانه مجلس شورای اسلامی ثبت شد، آمده است: نمایندگان مستقل کارگری کشور در جریان لایحه اصلاح قانون کار که در مورخ ۱۴/۹/۹۱ به مجلس شورای اسلامی رسیده است نیستند و به همین دلیل این لایحه از بابت امنیت شغلی هیچگونه منافعی را برای کارگران درنظر نگرفته‌است، بطوری که در پیش نویس لایحه یاد شده دست کارفرمایان جهت اخراج کارگر و انعقاد قراردادهای سفید امضا بازتر شده است.
همچنین در ادامه این نامه با یادآوری اینکه کارگران شرکت واحد قبلا نیز اعتراض کتبی خود را نسبت اصلاح قانون کار اعلام کرده بودند؛ آمده است: در این لایحه به جای تغییر فصل ششم قانون‌کار برای ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری شاهد از بین رفتن تمامی دستاوردهای کارگران هستیم، این اصلاحیه ضد منافع کارگران است و ما خواهان برگرداندن این لایحه ضد کارگری هستیم.

پایان پیام

از کارگران خدمات شهری رشت چه خبر؟

بر پایه دو خبر دریافتی از کارگران فعال ضد سرمایه داری گیلان در 18 بهمن آمده است :

خبر اول:

حدود یکماه پیش شرکت تعاونی شهرداری رشت اقدام به بستن قرارداد ۵ ساله با هدف استخدام ۷۰۰ نفر از کارگران و کارکنان شهرداری رشت طبق مصوبه دولت و سازمان امور استخدامی کرد.
بین این ۷۰۰ نفر حدود ۴۰۰ نفر از کارگران و کارکنان دارای سابقه حدود یک سال تا ۷سال دارند که بیشتر آنان کارکنان بخش اداری و کمتر آنها کارگران عملیاتی می باشند حدود ۳۰۰ نفر نیز زیر یکسال و حتی جدیدالاستخدام هستند در استخدام این افراد بیشتر از امتیاز خانواده های شهدا و جانبازان و ... که کمتر ساکن رشت و بیشتر از دیگر شهرستانهای استان می باشند استفاده شده است پی گیری این استخدام توسط نصیری معاون ثابت قدم شهردار رشت صورت گرفته گفتنی ست نصیری و مباحی رئیس شورای شهر رشت از کارمندان سابق اداره زندانها می باشند در حالیکه بیشترین تعداد نیروهای کارگران خدمات شهری رشت که طرف قرارداد با شرکتهای خصوصی مانند شهرباران نیل آبی زرجوب، نورتابان و ... معترض به این محدودیت و تبعیض در استخدام می باشند و آنرا نتیجه باند بازی در ترکیب شورای شهر و شهرداری رشت میدانند.

خبر دوم:

پنجشنبه ۹۱/۱۱/۱۲ ساعت شش عصر حدود ۴۰ نفر از کارگران قرارداد موقت خدمات شهری تحت پوشش شرکتهای خصوصی با داشتن طوماری از امضای سایر همکارانشان به دیدار محمد محمودیان عضو شورای شهر رفته و با وی ملاقات کردند.
در مقابل محمودیان به کارگران قول مساعد داده است که با "ثابت قدم" شهردار رشت در این

.زمینه مذاکره کرده تا وی قانع به استخدام سایر کارگران قراردادی باقیمانده شوند
لازم به ذکر است در حدود ۲ سال است که کارگران خدمات شهری قراردادی تحت پوشش شرکتهای خصوصی بارها در مقابل نهادهای دولتی، استانداری، فرمانداری، شهرداری و ... دست به تجمع اعتراضی زده اند و پیگیر خواسته های بر حقشان شده اند در حال حاضر اکثر کارگران خدمات شهری دارای قرارداد موقت یک ماهه که ماهیانه تمدید می شود و از دستمزد پرداختی توسط شهرداری که حدود هفتصد هزار تومان است حداکثر ۴۵۰ هزار تومان بدست کارگران میرسد و بقیه توسط شرکتهای خصوصی ملاخور می شود قابل ذکر است که سازمان .شهرداری زیر مجموعه نهادهای رهبری می باشد

مرتضوی آزاد شد

به گزارش سایت عصر ایران در 18 بهمن آمده است :روزنامه خورشید ارگان سازمان تامین اجتماعی در شماره امروز چهارشنبه نوشت: دکتر سعید مرتضوي، سرپرست سازمان تأمین اجتماعی که بامداد روز گذشته توسط قوه قضائیه بازداشت شده بود، بامداد امروز (چهارشنبه) آزاد شد.
این روزنامه اضافه کرد: مرتضوی بامداد روز سه‌شنبه 17 بهمن‌ماه پس از پایان کار روزانه و در پی مراجعه به دفتر دادستان عمومی و انقلاب تهران بازداشت شده بود، بعد از ارائه توضیحات و رفع ابهامات و سوء تفاهمات، یک روز بعد، یعنی بامداد امروز (چهارشنبه) از زندان اوین آزاد شد.
فارس هم به نقل از یک منبع آگاه نوشت: مرتضوی امروز آزاد شده و به تامین اجتماعی می رود.

۱۸۰۰ کارگر راه آهن خرمشهر فقط حقوق ۴ ماه از سال را گرفته‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 18 بهمن آمده است : به گزارش خبرنگار ایلنا، عبدالله ثامری نماینده خرمشهر در تذکر شفاهی در صحن علنی امروز (۱۸ بهمن) مجلس گفت: ۱۸۰۰ کارگر ساخت پل راه‌آهن درحالی که بودجه ساخت آن ارائه شده؛ فقط برای ۴ ماهه اول حقوق دریافت کرده‌اند و از آن پس کارگران حقوق دیگری دریافت نکرده‌اند.
نماینده خرمشهر گفت: چرا مردم خرمشهر را فراموش کرده‌اید و فقط در سوم خرداد یادی از پایتخت ایثار مي‌کنید. در طول خدمت دولت‌های قبلی نیز به این شهرستان توجه نشده است.

سعید مرتضوی آزاد شد

سعید مرتضوی ، آزاد شد. سرپرست سازمان تأمین اجتماعی که شامگاه ۱۶ بهمن ، توسط دادستانی تهران بازداشت شده بود ، بامداد روز چهارشنبه آزاد شد. دادستانی تهران «آزادی موقت» سعید مرتضوی را تایید کرده است.

به گزارش عصر ایران، خبر آزادی مرتضوی ، ابتدا در روزنامه خورشید - ارگان سازمان تامین اجتماعی - منتشر شد. این روزنامه در خبری کوتاه در سایتش با اعلام خبر آزادی مرتضوی ، آن را ناشی از رفع سوء تفاهمات عنوان کرد و نوشت: مرتضوی بامداد روز سه‌شنبه ۱۷ بهمن‌ماه پس از پایان کار روزانه و در پی مراجعه به دفتر دادستان عمومی و انقلاب تهران بازداشت شده بود، بعد از ارائه توضیحات و رفع ابهامات و سوء تفاهمات، یک روز بعد، یعنی بامداد امروز (چهارشنبه) از زندان اوین آزاد شد.
با این حال ، مقامات قضایی هنوز در این باره اظهار نظری نداشته اند و واقعیت ماجرا مشخص نیست.
در همین حال، فارس هم به نقل از یک منبع آگاه نوشت: مرتضوی امروز آزاد شده و به تامین اجتماعی می رود.
همچنین اسد اسد الله عباسی، سرپرست وزارت کار نیز با اعلام بازگشت مرتضوی بر سر کار خویش، گفت: منتظریم رئیس جمهور از سفر مصر بازگردد تا درباره مدیریت سازمان تأمین اجتماعی

تصمیم گیری شود.
روز گذشته، محمد رضا رحیمی، معاون اول رئیس جمهور اعلام کرده بود: مرتضوی از نظر دولت، سرپرست سازمان تأمین اجتماعی است.
این در حالی است که مجلس، وزیر کار را به دلیل حضور مرتضوی در رأس این سازمان استیضاح و برکنار کرد.
پیش از این، دستگاه قضایی کشور، تصرف مرتضوی در اموال سازمان تأمین اجتماعی را "غیرقانونی" اعلام کرده است. همچنین محسنی اژه ای، سخنگوی قوه قضاییه نیز اعلام کرده است دادگاه متهمان پرونده کهریزک، هشتم اسفند امسال برگزار می شود.

توضیحات دادستانی درباره پرونده لاریجانی و مرتضوی
در همین حال دادستانی تهران اعلام کرده است رسیدگی به پرونده سعید مرتضوی و فاضل لاریجانی ادامه دارد.
به گزارش گروه دریافت خبر خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا)، پایگاه اطلاع‌رسانی دادستانی تهران روز چهارشنبه اعلام کرد پس از اعلام جرم دادستان تهران علیه سعید مرتضوی به اتهام قید شده در اعلام جرم، نامبرده به دادسرا احضار و پس از تحقیق و تفهیم اتهام توسط بازپرس پرونده، به زندان معرفی گردید. متعاقباً پس از تکمیل تحقیقات بازپرس، نامبرده با صدور قرار تأمین مناسب آزاد شد. همچنین از فاضل لاریجانی با توجه به مطالب منعکس در نوار منتشره، تحقیقات لازم توسط بازپرس انجام گرفت.
رسیدگی به پرونده هر دو نفر فوق ادامه دارد

کمیته «مبادله نفت با کالا» در ایران شروع به کار کرد

به نوشته سایت مردمک در 18 بهمن 91 آمده است :در آستانه اجرایی شدن تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران، یک مقام وزارت صنعت، معدن و تجارت ایران از شروع به کار «کمیته تهاتر»، مبادله پایاپای نفت با کالا، در این وزارت‌خانه خبرداد.
حمید صافدل، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت ایران، گفته است که کمیته تهاتر برای مبادله کالا با نفت تشکیل شده و به‌تازگی کالاها با روش تهاتر وارد کشور شده است.
به گفته او در ماه‌های گذشته در سه مورد مبادله کالا با نفت انجام شده و برخی کالاها با این روش و در حجم محدود توسط برخی شرکت‌ها وارد شده است.
آقای صافدل با اشاره به اجرایی شدن تحریم‌ها علیه ایران افزوده است که این تحریم‌ها بر «امکان فروش نفت توسط بخش خصوصی و جابه‌جایی کالا تاثیر خواهد گذاشت.»
از روز چهارشنبه ۱۸ بهمن (ششم فوریه) قانون جدید آمریکا مانعی برسر راه ایران برای دریافت عواید حاصل از فروش نفت خواهد شد و مقام‌های آمریکا گفته‌اند که بخش عمده درآمدهای حکومت ایران «قفل خواهد شد.»
در همین راستا با اجرایی شدن تحریم‌های جدید آمریکا خریداران عمده نفت خام ایران مانند چین، ژاپن و هند قادر نخواهند بود که پول نفت ایران را پرداخت کنند و ایران مجبور خواهد شد به میزان پول حاصل از فروش نفت توافق‌نامه‌های مبادله کالا با این کشورها را در دستور کار خود قرار دهد.
این در شرایطی است که به گفته محمود بهمني، رئیس کل بانک مرکزی ایران، ایران پیش از این مجبور شده بود با چین وارد توافق مبادله کالا دربرابر نفت شود.

اثرات تحریم بر صادرات و واردات
به گزارش بلومبرگ درنتیجه تاثیر تحریم‌ها بر بخش بانکی ایران و دشواری دریافت دلارهای نفتي، صادرات نفت خام این کشور به چین، ژاپن و کره جنوبی و واردات کالا از این سه کشور در یک سال گذشته کاهش یافته است.
چین واردات نفت خام از ایران را در سال ۲۰۱۲ به میزان ۲۱ درصد کاهش داد و همزمان صادرات کالاهای چینی به ایران نیز در این سال ۱۸ درصد سقوط کرد و ارزش آن به ۲۴,۹ میلیارد دلار رسید.
طبق این گزارش واردات نفت خام ژاپن از ایران در سال ۲۰۱۲ حدود ۳۸ درصد سقوط کرد و به

۶,۹ میلیارد دلار رسید. صادرات این کشور آسیایی به ایران که عمدتا مواد شیمیایی بوده ۶۲ درصد کاهش یافت و ارزش آن ۵۶۱ میلیون دلار اعلام شد.
صادرات کره جنوبی به ایران شامل سنگ آهن، فولاد و محصولات پتروشیمی سال گذشته با ۳,۲ درصد افزایش، ۶,۳ میلیارد دلار اعلام شد. اما واردات نفت خام این کشور از ایران با ۲۵ درصد کاهش، ۸,۵ میلیارد دلار اعلام شد.

پیش‌بینی‌ها
ساموئل سیژوک، تحلیلگر اقتصادی در لندن، به بلومبرگ گفته است: اوضاع هر ماه پیچیده‌تر مي‌شود. تحریم‌های جدید آمریکا علیه ایران این واقعیت را بیشتر نشان مي‌دهد که ایران تنها مي‌تواند به گروه کوچکی از کشورها برای فروش نفت تکیه کند.
آمریکا و متحدانش گفته‌اند که ایران از درآمدهای نفتی برای پیشبرد برنامه هسته‌اي‌اش استفاده مي‌کند برنامه‌ای که به گفته آنها با هدف ساخت سلاح هسته‌ای منظور شده و برهمین اساس نفت ، بخش انرژی و سیستم بانکی ایران را تحریم کرده‌اند.
ایران این ادعا را ردکرده و گفته است که برنامه هسته‌ای این کشور اهداف صلح‌آمیز ازجمله تامین برق را دنبال مي‌کند.
طبق پیش‌بینی ساموئل سیژوک «به‌خاطر تحریم‌های جدید آمریکا، وضعیت ایران برای تامین کالا و فناوری بحرانی خواهد شد زیرا بسیاری از شرکت‌ها به‌ویژه در ترکیه، ژاپن و کره جنوبی از معامله با ایران مي‌ترسند.»
تصمیم برای مبادله پایاپای کالا دربرابر نفت اردیبهشت سال جاری اعلام شده بود و پیش‌تر رستم قاسمي، وزیر نفت ایران، گفته بود که وزارت نفت باید اختیارات ویژه‌ای برای دور زدن تحریم‌های بین‌المللی داشته باشد و در این زمینه راهکارهایی نیز ارائه کرده است.

بانک صادرات از تحریم خارج شد

به نوشته سایت فرارو در تاریخ 18 بهمن آمده است :پس از برقراری تحریم های به ناحق از سوی اتحادیه اروپا بر علیه بانک صادرات ایران، این بانک با پیگیری های حقوقی مداوم توانست حقانیت خویش را اثبات و با رای دادگاه اروپایی از لیست تحریم ها خارج شود.
به گزارش روابط عمومی بانک صادرات ایران، این بانک در جهت رفع تحریم های اعمال شده با انجام فعالیت های حقوقی و پیگیری های مستمر توانست تحریم ها را لغو و نام خود را از لیست شرکت ها و سازمان های تحت تحریم خارج سازد.
بر اساس این راي، دادگاه اروپایی درخواست بانک صادرات مبنی بر ابطال تصمیمات اتحادیه اروپا در خصوص تحریم بانک را پذیرفت.
شایان ذکر است لغو تحریم ها بیانگر حقانیت بانک در انجام فعالیت ها بوده و این امر می تواند ضمن تقویت جایگاه بانک در عرصه های داخلی و بین المللی تاثیر بسزایی در افزایش روند سودآوری داشته باشد.

تحریم های جدید آمریکا از امرور به اجرا گذاشته می شود

به نوشته سایت انتخاب در 18 بهمن آمده است :قرار است تحریم های جدید آمریکا علیه ایران که استفاده از درآمدهای فروش نفت را برای ایران بسیار محدودتر خواهدکرد، از روز چهارشنبه، ششم فوریه، 18 بهمن به اجرا گذاشته شود.
به گزارش سرویس بین الملل انتخاب ؛ مطابق این تحریم ها، کشورهای خریدار نفت ایران موظف می شوند تا پول آن را در بانک های خود نگهداری کنند و این پول، باید فقط صرف خرید کالاهایی شود که مشمول تحریم ها نیستند.
در همین حال، حمید صافدل، معاون وزارت صنعت، معدن و تجارت ایران از تشکیل کمیته مبادلات تهاتری یا پایاپای کالاها با نفت خبر داده و گفته است که تحریم های جدید، فروش نفت توسط بخش خصوص را نیز دشوارتر خواهد کرد.

او افزوده که ما هم اکنون بیش از 100 میلیارد دلار ارز در دیگر کشورها داریم اما مشکل اصلی جابجایی و انتقال آن است.

نایت رئیس شورای شهرتهران:پرداختن به ۳۲۰ میلیارد تومان پول گم شده بشهرداری به صلاح نیست!

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا 19 بهمن 91 آمده است : نایب رییس شورای شهر تهران به ضرورت روشن سازی نسبت به پرونده ۳۲۰ میلیارد تومان هزینه فاقد سند در مدیریت پیشین شهرداری تهران پاسخی صریحی نداد و گفت پرداختن به این مسایل به صلاح کشور نیست.
حسن بیادی در گفت‌وگو با ایلنا درباره باز شدن پرونده ۳۲۰ میلیارد تومان هزینه‌های فاقد سند شهرداری تهران در دوران مدیریت احمدی نژاد و اظهار نظر برخی از اعضای شورای شهر اظهار کرد: دامن زدن به این مسایل در رسانه‌ها آن هم در شرایط کنونی به صلاح کشور نیست.
وی ادامه داد: من هر آنچه را که لازم بود درباره این مورد بگویم ۷ سال پیش، یعنی در سال ۸۴ اعلام کردم و تکرار آن را به صلاح نمي‌دانم.
نایب رییس شورای شهر تهران گفت: فاقد به معنای نبود سند نیست بلکه دال بر این است که کاری بدون برنامه انجام شده است .
به گزارش ایلنا، حسن بیادی به عنوان نماینده رسمی شورای شهر تهران در کمیته سه نفره رسیدگی به پرونده ۳۲۰ میلیارد تومان هزینه فاقد سند در مدیریت پیشین شهرداری تهران بود.

جلب حمایت بین المللی از سندیکای کارگران شرکت واحد وظیفه ماست

در رابطه با مسائل مرتبط با سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که پس از اطلاعیه برکناری آقای منصور اسانلو از ریاست هیئت مدیره این سندیکا پیش آمده است، اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران لازم می داند اعلام کند، جدا از ملاحظاتی که در مورد شیوه بیان، لحن و ناروشنی های اطلاعیه سندیکا در مورد برکناری آقای اسانلو وجود دارد، اتحاد بین المللی به حق هیئت مدیره سندیکای واحد به عنوان یک تشکل مستقل کارگری در ایران برای تصمیم گیری در امور داخلی خود احترام میگذارد و کماکان همچون سالیان گذشته به جلب حمایت بین المللی کارگری از مبارزات و حقوق سندیکای کارگران شرکت واحد و کلیه فعالین و تشکلات مستقل کارگری در ایران ادامه خواهد داد. امیدواریم که هیئت مدیره و فعالین و کلیه اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد بتوانند با درایت، پشتکار و فعالیتهای شفاف بر مبنای منفعت طبقاتی کارگران بر هر گونه مشکلات داخلی سندیکا غلبه کنند.

ما همچنین از آقای منصور اسانلو به عنوان یکی از فعالین سرشناس جنبش کارگری ایران به خاطر مبارزات و از خود گذشتگی های ایشان در سال های گذشته قدردانی می کنیم و برایشان در هر جای دنیا که باشند آرزوی موفقیت و سربلندی داریم.

اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران در ایران

هفتم فوریه ۲۰۱۳برابر 19 بهمن

حق الزحمه امتحانات به اندازه کرایه معلمان نیست/ بیش از ۸ ماه حقوق معوقه

به پایه گزارش رسیده به روز شمار کارگر در تاریخ 19 بهمن آمده است : عضو انجمن صنفی معلمان اظهار داشت: بیش از ۸ ماه است حقوق نیروهای ستادی آموزش و پرورش پرداخت نشده است.

محمد رضا نیک‌نژاد به ایلنا گفت: مقدار این حق الزحمه بر طبق حکم و سابقه تدریس و در نظر گرفتن معیارهای دیگر اندکی ثابت نیست اما تقریبا آموزش و پرورش باید ماهیانه ۱۸۰ هزار تومان بابت اضافه کار به نیروهای ستادی پرداخت کند که این مبلغ در ۸ ماه گذشته پرداخت نشده است.
وی گفت: حق الزحمه امتحانات بسیار پایین است و گاهی به اندازه کرایه رفت و برگشت معلم هم نیست ضمن اینکه از ساعت آموزشی نیز بیشتر زمان مي‌برد.
نیك نژاد گفت: شاغلین آموزش و پرورش به لحاظ مالی تأمین نمي‌شوند و در حال حاضر بیشتر امور به واسطه ارتباط عاطفی بین معلم و معاون و سایر پرسنل پیش مي‌رود.
عضو انجمن صنفی معلمان گفت: هم اکنون حدود ۸۰ درصد کارهای آموزش و پروش به همین سبک رفع و رجوع مي‌شود و معلمان خیلی از روزها مجبورند برای رفت و برگشت به محل کار مبلغی را به حق الزحمه خود اضافه کنند.

۱۸۰ نفر از کارگران کارخانه «فروآلیاژ ازنا» بیکار شدند

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا 20 بهمن 91 آمده است : رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار لرستان از بیکاری ۱۸۰ نفر از کارگران کارخانه فروآلیاژ ازنا خبر داد و خواستار بازگشت به کار این کارگران شد.
به گزارش خبرنگار ایلنا از خرم آباد، محمد حسن موسیوند در مراسم افتتاح دفتر جامعه اسلامی کارگران لرستان، با اعلام اخراج ۱۸۰ کارگر کارخانه فروآلیاژ ازنا، گفت: با وجود اینکه مقرر شده است تا این کارگران به کار خود بازگردند. اما متاسفانه تا کنون این امر محقق نشده است و با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه کارگری انتظار داریم از جانب مقامات کارگری با وزرات کار رایزنی انجام شود.
موسیوند در ادامه با اشاره به فقدان امنیت شغلی در برخی از واحدهای تولیدی این استان، اظهار کرد: زمانی که کارگری امنیت شغلی نداشته باشد ابتکار و نوآوری وی نیز تضعیف مي‌شود.
دبیر جامعه اسلامی کارگران لرستان با بیان اینکه افزایش کمی و کیفی تولید ملی در گرو حمایت و تضمین امنیت شغلی کارگران است، افزود: با ارائه سرمایه در گردش به تولیدکننده مي‌توان امنیت شغلی کارگران را برای حمایت از تولید ملی تأمین کرد.

ریزش معدن، جان کارگر جوان را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 20 بهمن 91 آمده است : فرمانده انتظامی شهرستان کرمانشاه گفت: در پی اعلام مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر مرگ مشکوک مردی جوان از کارگران یک شرکت سنگ معدن در حومه شهر کرمانشاه، بلافاصله گروهی از ماموران پاسگاه «چالابه» این شهر برای بررسی موضوع به محل رفتند.
به گزارش خبرگزاری ایلنا از کرمانشاه، سرهنگ علیرضا مرزبانی افزود: ماموران پاسگاه پس از حضور در محل مشاهده کردند جسد مردی جوان در بین سنگ‌های ریزش کرده از معدن سنگ مذکور قرار داشته و آثار جراحت و شکستگی بر روی سر و صورت و استخوان‌های ساق پای وی مشهود است.
مرزبانی با بیان اینکه گزارش اولیه ماموران پاسگاه حکایت از آن داشت مرد مذکور احتمالا به‌علت جراحات وارده ناشی از ریزش معدن فوت کرده است، افزود: جسد وی برای بررسی‌های بیشتر و تعیین علت تامه مرگ به پزشکی انتقال داده شد.
فرمانده انتظامی شهرستان کرمانشاه متوفی را مردی ۲۷ ساله و ساکن استان زنجان عنوان کرد.

قیمت مرغ کیلویی ۶۳۰۰ تومان شد / تخم‌مرغ شانه‌ای ۷۵۰۰ تومان

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در 20 بهمن آمده است :در حالی که دولت از توزیع مرغ 5 هزار و 100 تومانی و کاهش قیمت خبر داده بود، اما قیمت مرغ در بازار با روند افزایشی به کیلویی 6 هزار و 300 تومان رسیده است.
گزارش میدانی حاکی است قیمت مرغ طی چند روز اخیر با جهش از 4 هزار و 800 تومان به 6 هزار و 300 تومان رسیده است این در حالی است که طی هفته گذشته مسئولان از توزیع مرغ 5 هزار و 100 تومانی و کاهش قیمت خبر داده بودند.
براساس این گزارش هر کیلوگرم مرغ آماده طبخ در میدان فردوسی تهران 6 هزار و 300 تومان و در منطقه جنوب تهران 6 هزار و 200 تومان عرضه مي‌شود. هفته گذشته قیمت مرغ کیلویی 4 هزار و 800 تومان بود.
در حال حاضر تولید مازاد مرغ در کشور وجود دارد و براساس تفاهمنامه‌ای که اخیرا بین وزارتخانه‌های صنعت، جهاد کشاورزی و اتحادیه سراسری مرغداران به امضا رسید قرار است تا آخر سال 20 هزار تن مرغ صادر شود و این صادرات در سال آینده هم ادامه داشته باشد.
به گفته رئیس انجمن صنفی پرورش‌دهندگان مرغ گوشتی خوراک طیور شامل ذرت و سویا نیز به وفور وجود دارد، بدون اینکه بازار سیاه هم در افزایش قیمت نقشی داشته باشد.
یوسفی قیمت کیلویی 5 هزار و 700 تا 5 هزار و 800 تومان را با لحاظ سود مناسب برای مرغ مناسب خواند و گفت: توزیع مرغ 5 هزار و 100 تومانی که دولت قول آن را داده بود از امروز توزیع مي‌شود و تاکنون در میادین میوه و تره‌بار تهران این مرغ‌ها وجود نداشت تا باعث کاهش قیمت هم شود.

*دلیل افزایش قیمت مرغ و قول کاهش تا هفته آینده
وی پیش‌بینی کرد که طی هفته آینده قیمت مرغ 500 تومان در هر کیلو کاهش داشته باشد.
یوسفی دلیل افزایش قیمت مرغ طی چند روز اخیر را بالا بودن قیمت سایر محصولات پروتئینی مانند گوشت و حبوبات عنوان کرد که به گفته وی سبد مصرف کالا به سمت مرغ سنگینی کرده است.
رئیس انجمن صنفی پرورش‌دهندگان مرغ گوشتی تصریح کرد: شرکت پشتیبانی امور دام 120 هزار تن مرغ گوشتی ذخیره‌سازی کرده و مشکلی از نظر تأمین وجود ندارد. این در حالی است که براساس مشاهدات خبرنگار فارس مرغ منجمد برزیلی در بازار فراوان و قیمت 5 هزار و 600 تومان عرضه مي‌شد.

*مرغ برزیلی 5600 تومانی
یوسفی درباره دلیل وجود مرغ برزیلی در بازار گفت: این واردات مربوط به ثبت سفارش‌های قبلی است که در ماه رمضان گذشته بازار با مشکل مواجه شد و اقدام به واردات شد.
طی سال‌های گذشته نبودن تناسب بین واردات و تولید داخل همواره برای تولیدکنندگان مشکل‌ساز بوده است، در حالی که از چندین ماه گذشته دولت برنامه صادرات دارد و اخیراً تفاهمنامه‌ای برای صادرات به امضاء رسیده اما در بازار مرغ‌های منجمد برزیلی همچنان خودنمایی مي‌کند.

*قیمت گوشت شتر و شترمرغ
گزارش میدانی حاکی است قیمت یک کیلوگرم گوشت بوقلمون 8 هزار و 200 تومان، گوشت شترمرغ 22 هزار و 500 تومان و گوشت شتر 27 هزار و 900 تومان در بازار عرضه مي‌شود.
*****
در حالی چند ماه پیش تفاهمنامه‌ای منعقد شد که قیمت تخم‌مرغ در بازار برای مصرف‌کننده از کیلویی 3 هزار و 700 تومان بالاتر نرود، اما نرخ آن 7500 تومان شد.
قیمت تخم‌مرغ طی چند روز گذشته در بازار سیر افزایشی داشته و از شانه‌ای 5 هزار و 500 تومان به 7 هزار و 500 تومان رسیده است.
حجم تولید تخم مرغ در ایران سالانه 850 هزار تن یعنی ماهانه 71 هزار تن است و پیش‌بینی شده است، میزان تولید تخم‌مرغ در سال آینده ماهانه 83 تا 85 هزار تن برسد، در حالی که نیاز ماهانه کشور 65 هزار تن است.

اخیراً طی تفاهمنامه سه جانبه وزارتخانه‌های صنعت، معدن، جهاد کشاورزی و اتحادیه سراسری مرغداران ایران برنامه‌ریزی تا آذر سال 92 بر این قرار گرفت که ماهانه 7 هزار و 500 تن تخم‌مرغ صادر شود و در صورت افزایش تولید، به این رقم اضافه شود.
طی دو ماه گذشته نزدیک به 20 هزار تن تخم مرغ به کشورهای عراق، افغانستان، تاجیکستان، ترکمنستان و کویت صادر شده است.
همچنین تفاهمنامه‌ای بین وزارت جهاد کشاورزي، وزارت صنعت،معدن و تجارت و تولید کنندگان به عاملیت اتحادیه تولید کنندگان مرغ تخمگذار منعقد شده که قیمت تخم‌مرغ در بازار برای مصرف‌کننده از کیلویی 3 هزار و 300 تومان پایین‌تر و از کیلویی 3 هزار و 700 تومان بالاتر نرود.
با افزایش قیمت تخم‌مرغ به شانه‌ای 7 هزار و 500 تومان از سقف قیمت تفاهم شده برای مصرف کننده فراتر رفته و مسئولان باید در جهت کاهش قیمت آن اقدام کنند.

اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد به پیش نویس قانون کار

بر پایه خبر دریافتی به روز شمار کارگری در تاریخ 20 بهمن آمده است : کارگران و زحمتکشان ایران که در چنین روزها و هفته هایی در سال 1357 با هزاران امید و آرزو به منظور دست یافتن به شرایط بهتر کار و زندگی و برقراری عدالت اجتماعی مبارزات خود را که از ماهها پیش شدت یافته بود به اوج رسانده و با این اندیشه که قول های داده شده به آنها در جریان مبارزات انقلابی به واقعیت تبدیل خواهد شد بزرگترین اعتراضات و اعتصابات را برگزار کردند که به گواهی همه ناظرین آگاه این اعتصابات و اعتراضات کارگران و دیگر زحمتکشان بود که پیروزی نهایی مردم ایران را در گذر از رژیم پیشین رقم زد و پس از حمله ارتش متجاوز عراق به مرزهای میهن و آغاز جنگ باز هم این کارگران و زحمتکشان و فرزندانشان بودند که بیشترین سهم از جان و مال و آسایش خویش را در راه دفاع از مردم و میهن پرداختند.
اما امروز به گواهی آمار و ارقام منتشره از سوی مراکز حکومتی ، بیشترین سهم از فشار گرانی و تورم و بیکاری و نگرانی از آینده به کارگران و زحمتکشان رسیده و می رسد و آنها در شرایط سهمگین ، دشوار و کمر شکن تحریم ها و ندانم کاریها بیش از پیش باز هم سهم بیشتری را می پردازند و عجبا در چنین اوضاع و احوال طوفان خیز گرانی ، تورم و کمبود ، طرح پیش نویس قانون کار و تامین اجتماعی که شرایط را بر کارگران و زحمتکشان و بازنشستگان کارگری بدتر از قبل می کند به مجلس می رود و اعتراض هزاران هزار کارگر در این باره نادیده و ناشنیده گرفته می شود .
کارگران و زحمتکشان این سرزمین که بار اصلی کار و تولید و سازندگی و خدمت رسانی به جامعه را به دوش می کشند همچنان از حقوق عمومی نظیر حق داشتن سندیکای مستقل و حق تجمع و اعتراض و راه پیمایی و اعتصاب ، که در اکثر کشورهای متمدن و پیشرفته جهان پذیرفته شده و هر روز در رسانه های داخلی و خارجی منتشر می شود ، محروم بوده و هستند و این محرومیت در حالی است که بنا بر قوانین و مقاوله نامه های سازمان بین المللی کار به ویژه مقاوله نامه های 87 و 98 که از عضویت کشورمان در آن بیش از پنجاه سال می گذرد، مسئولان موظف و مکلف به رعایت آنها می باشند
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه به عنوان نهادی مستقل که دل در گروی خوشبختی و سربلندی عموم مردم ایران به ویژه کارگران و زحمتکشان دارد و در این راه ستمهای زیادی از جمله زندانی شدن ، بیکاری ، محرومیت ، تهمت و افترا و تعقیب و مراقبت های پلیسی را متحمل شده اند ضمن اعتراض شدید و رد پیش نویس های مطروحه قانون کار و تامین اجتماعی خواستار تدوین قانون کار و تامین اجتماعی است که :
استانداردهای حقوق بنیادین کار مصوب سازمان جهانی کار نظیر حق تشکیل سندیکا،فدراسیون و کنفدراسیونها و حق تجمع و اعتراض،اعتصاب و راه پیمایی و بهره مندی از دستمزد ی برای داشتن زندگی شرافتمندانه در آن بدون چون و چرا و کم و کاست تضمین گردد.
باید دانسته شود صبر و تحمل جوامع بشری از جمله جامعه کارگری ایران در برابر بی عدالتی و حق کشی حدی دارد .
در این باره باید سخن دلسوزان آگاه را به گوش جان شنید که گفته اند: پیشگیری بهتر از

درمان است
با امید به گسترش صلح و عدالت در همه جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
بهمن ماه 1391
http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=409&Itemid=10

بیانیه شاهر خ زمانی کارگر محبوس در زندان مخوف جمهوری اسلامی سرمایه داری ایران

خطاب به سندیکای کارگران شرکت واحد

برپایه خبر ایمیل رسیده به روز شمار کارگری در 20 بهمن 91 آمده است : با درود و سلامهای آتشین از زندان جهنمی جمهوری اسلامی
همرزمان :
طبقه جهانی کارگر طبق تجربه 200 سال تاریخ مبارزاتی در تمامی اشکال اقتصادی-سیاسی - فکری خود مقابل صفوف متحد و سازمان یافته نظام سرمایه داری تجلی یافته در دولت طبقاتی سرمایه داری به معنایی کلی آن، چاره ای جز همبستگی ، تشکل و سازمان نداشته و ندارد.صد البته که خانواده 50 میلیونی طبقه کارگر ایران به عنوان گردانی از ارتش 5/2 میلیاردی کارگران جهان در مقابل چند تا شرکت فرا میلیتی امپریالیستی از این قائده مستثنی نیست، حکومت جمهوری اسلامی به عنوان مباشر و شریک سرمایه داری جهانی است، که درجهت بهره کشی و پیاده کردن سیاستهای دیکته شده آنها برعلیه کارگران وزحمتکشان عمل می کند. همه سیاستهای ضد کارگری از جمله خصوصی سازی تولید و توزیع ، خدمات ، بهداشت ، درمان و تحصیل، وارد کردن کالاهای بنجل و نابودی تولید و تحمیل قوانین ضد کارگری و ضد انسانی در جهت استثمار مضاعف نیرو کار است،همچنین از طریق رواج قراردادهای موقت و سفید امضا ،کشاندن دستمزدها به یک چهارم خط فقر، نابودی و تبدیل تمام قوانین کار به قانون اخراج نامه کارگران و ... باعث گسترش بیکاری میلیونی ، نابودی تمام عیار امنیت شغلی شده است، بالاخره با نابودی تمام تشکل های مستقل و اخراج، دستگیری فعالین کارگری و کارگران مبارز، این حکومت به عنوان چماق سرکوب طبقه سرمایه داری علیه طبقه کارگر عمل می کند. این حکومت به عنوان عضو و امضا کننده میثاق های جهانی از جمله قوانین مصوب سازمان جهانی کار که حق تشکل و حق اعتصاب را به رسمیت می شناسد به هیچ کدام از آنها پایبند نمی باشد . در حالی که در کلیه کشورهای منطقه و همسایه از جمله عراق و خاص کشورهای عربی امر بدیهی می باشد. این حکومت در صنایع بزرگ مانند نفت ، پتروشیمی ، ماشین سازی و... از طریق بسیج و حراست حکومت نظامی برقرار کرده حاصل اعتراض و اعتصاب در این مراکز اعدام می باشد. علی رغم ددمنشی حکومت و سرکوب ، زندان و خفقان در محیط های کاری هم قطاران ما ساکت ننشسته اند، با ایجاد اشکال ویژه تشکل و سازماندهی و اعتصاب خود در مقابل هجوم سازمان یافته دولت طبقه سرمایه دار مقاومت می کنند، هر روز با سازمان یافتگی ، برنامه ریزی به اگاهی طبقاتی خود افزوده اند، در این بین سندیکای کارگران شرکت واحد به عنوان نمونه جهت ایجاد تشکل مستقل صنفی با شرایط فاشیسم ضد کارگری حاکم و با وجود خفقان و ظلم موجود مانند ستاره ی درخشیده است، راهنمایی، برای کارگران و دیگر اقشار مانند معلمین و پرستاران بوده و می باشد، اما عواملی چون دیکتاتوری امنیتی _ نظامی موجود، و بخصوص نبود حزب سیاسی رزمنده کارگری باعث شده امکان مقابله و انطباق شرایط موجود در جهت مبارزه لازم را نداشته باشیم.
وحشت دولت سرمایه داری از صد سال تجربه جنبش سوسیالیستی - کارگری ایران موضوع بسیار مهم و به روزی است، که از یک طرف هر تشکل نوپای کارگری را در معرض سرکوب و حمله دشمنان قرار می دهد و از طرف دیگربدلیل عدم آگاهی لازم طبقاتی و برای ایجاد حاشیه امن در مقابل سرکوب ها در درون جنبش کارگری به مسیرهای رفرمیستی شانس انتخاب شدن بیشتری را می دهد. یعنی در شرایط پایین بودن اگاهی طبقاتی داشتن پیوند

میان تشکل های کارگری و در کل جنبش کارگری با جنبش سوسیالیستی را نتیجه فریب قلمداد کرده، مورد سرکوبی ایدئولوژیک قرار می دهند. کارگران و تشکل های کارگری را از ابزارها و مسیر اصلی و پیوند ارگانیک با قسمتهایی که امکان پیروزی را به دست می دهند، جدا کرده به دنبالچه جریانات سرمایه داری و ضد کارگری تبدیل می کنند . به عبارت روشنتر خصلت اساسی سندیکا و اتحادیه ها به عنوان ابزار تشکل یابی صنفی کارگران در قانونیت ، عینیت و گستردگی نفوذ آن در کل طبقه در سطح ملی و جهانی به صورت فدراسیون و کنفدراسیون است. یکی از مشکلات تشکل های کارگری این است که رژیم ضد کارگری فعالیت مخفی و نیمه علنی را تحمیل می کند، نتیجه مخفی سازی فعالیت به دنبال ایجاد رعب و وحشت، اخراج و زندان، باعث قطع ارتباط رهبری با بدنه میلیونی می شود، یعنی باعث قطع ارتباط توده های کارگری شده و بطور عینی از نقش سازماندهی مستقیم آن کاسته وعملا" از میان برمی دارد، مکمل این مشکل، مخصوصا" در شرایط دیکتاتوری نبود حزب سیاسی کارگران است، که باید متشکل از جسورترین ، آگاهترین و منظم ترین عناصر طبقه کارگر از میان قسمتهای مختلف طبقه باشد. فقط حزب واقعی طبقه کارگر به علت داشتن توان مبارزاتی و سازمان دهی پیچیده قدرت وعلم انطباق با شرایط سرکوب پلیسی می تواند با ارتباط گسترده سازمانی کل اجزای صنفی _ سیاسی مبارزات کارگران را در راستای اهداف حاکمیت طبقاتی ممکن کند.
خلاصه نبود حزب باعث می شود **اولا"** در شرایطی که هزینه های مبارزات صنفی در حد مبارزات سیاسی بالا باشد، و به علت عدم وجود رهبری سیاسی مقابله با پلیس سیاسی ممکن نباشد، حتی سازمانهای توده ای کارگران نیز نتوانند وظایف خود را به انجام رسانند.
ثانیا" مبارزات سندیکایی به علت محدودیت های خود که با چهارچوب صنوف با نامهای مختلف بر پایه فروش بهتر نیروی کار و بهبود وضعیت معیشتی کارگران می باشد، بدون قبول و ارتباط با مبارزات سیاسی در جهت کسب آزادیهای تجمع و تشکل و بالاخره حاکمیت کارگران نمی تواند، کل طبقه کارگر را در مقابل دولت سرمایه داری متحد کند،به عبارت دیگر مبارزه برای کسب نان و آزادی در شرایط تسلط و حاکمیت سرمایه داری جدایی ناپذیرند.
ثالثا" طبقه کارگر بدون درک منافع سیاسی خود به عنوان یک نیروی مستقل در همه ی حالات آلت دست یکی از جناح های سرمایه داری در گرفتن امتیاز ازدیگر جناح ها (رقبای) مورد سو استفاده همه جانبه قرار می گیرد، نمونه های از کشورهای اروپایی و کشور خودمان اثبات کننده این موضوع است، با توجه به مسائل بالا تصور اینکه یک تشکل هر چند رزمنده بتواند در مقابل قدرت مطلقه حاکمیت طبقه سرمایه دار با امکاناتی بسیار گسترده، روند مبارزاتی و استقلال خود را ادامه دهد یک توهم است، مانند این می باشد که تصور کنیم یک ارتش یا گردان فئودالی با یک ارتش مدرن و در حال رشد مقابله کند.
تاریخ مبارزه طبقه کارگر در کلیه کشورهای استبدادی نشانگر این مسئله است که اشکال متفاوت تشکل های صنفی پس از یا همزمان با سازمان سیاسی امکان بر قراری یافته اند و سپس نقش تعیین کننده در مبارزات ایفا کردند. در سیستم های سرمایه داری مانند ایران تا کنون چنین روندی حرف اول را زده است، از سال 1307 تا سال 1333 که هنوز جامعه سرمایه داری حاکم نبوده و نظام فئودالی _ دهقانی بر جامعه مسلط بود کارگران با داشتن حزب سیاسی و اتحادیه های کارگری در رأس حرکتهای طبقاتی _ سیاسی انقلابی آن زمان قرار داشتند. شورای متحده کارگری مرکب از چهار فدراسیون سراسری با صدها سندیکا و اتحادیه تحت رهبری حزب سیاسی طبقه کارگر بود، که با حدود 400000 عضو رسمی صدها نشریه سیاسی روزانه داشت و با برپایی هزاران اعتصاب سیاسی - صنفی به عنوان نیرو متشکل طبقه کارگر مطالبات اساسی را در حوزه های کارگری و دمکراتیک به حکومت استبدادی تحمیل می کرد، از جمله مسئله نفت ، آزادیهای تجمع ،تشکل ، مطبوعات ، احزاب و انجمنها ، مصوبات قانون کار مترقی برای نود درصد مردم ایران ، افزایش دستمزد ، دوام کار ، لغو تمامی قوانین ضد کارگری مانند جریمه ها ، کسریها و موارد دیگر قانون کار و تشکلهای فعال کارگری نتیجه و دستاوردهای مبارزاتی همان سالها می باشد، در ادامه همان روند(البته این بار نه به دلیل وجود حزب سیاسی که دیگر وجود نداشت بلکه به دلیل وجود موقعیت انقلابی که باعث شده بود حاکمیت توان سرکوب نداشته باشد اما در همین حال نبود حزب طبقه کارگر باعث شد ضد انقلاب پس از پیروزی قیام به حکومت برسد و انقلاب را به

شکست برساند) مبارزات و تظاهراتی که طبقه کارگر در انقلاب 57 با بستن شیرهای نفت و شعله ور کردن آتش اعتصاب سراسری کارگری پیش گرفت حاکمیت را به زانو در آورد، با خواباندن تولید تیر خلاص بر حکومت نظامی زدند. در پی چنین پیروزی های بود که کارگران چنان جسارتی انقلابی یافتند که 160 شورای کنترل تولید کارگری برای اولین بار در تاریخ ایران بوجود آمدند، که مهمترین سکان نفی بهره کشی و هدایت و کنترل مستقیم و دمکراتیک تولید جامعه، توسط خود کارگران بود، صد افسوس که به علت نبودن حزب سیاسی به بار ننشست. اما در آگاهی و سنت تاریخی طبقه کارگر ثبت شد تا توشه راه در نبردهای آتی طبقه گردد.

دوستان مبارز سندیکای کارگران شرکت واحد

با توجه به مسائل گفته شده من به عنوان عضو کوچکی از جامعه کارگری ایران دوباره یادآوری می کنم.

اول : طبقه کارگر ایران به سندیکای شرکت واحد به عنوان خط شکن و الگوی تشکل مستقل کارگری نگاه می کند، که به بهای اخراج ، زندان ، آزار و اذیت فراوان اعضا، خانواده ها و فعالین تشکل ها حامی، ممکن شده است. مخصوصا" در باورکارگران این یک تشکل توده ای می باشد که باید به عنوان الگو در مبارزاتشان به کار ببرند، اما به طوری که اشاره شد ممکن نیست بدون تشکل سراسری سیاسی _ صنفی در اشکال حزب سیاسی و اتحادیه های سراسری کل طبقه 12 میلیونی کارگران ایران در مقابل دولت طبقه سرمایه داری متحد و یک دست شود، نمی تواند به صورت پراکنده و موضعی در یک سنگر کوچک از دست آورد های خود و ملت دفاع کند، فقط در شکل سراسری می تواند در حین دفاع به حمله متقابل دست بزند، و با تثبیت مواضع و تحمیل خواسته های پایه ای ،ایجاد تشکلهای خود را ممکن نماید.

دوم : حکومت ضد کارگری از طریق اخراج ، زندان و رعب و وحشت بدنه سندیکا را از رهبری آن جدا می کند،علی رغم جانفشانی های قابل ستایش و فداکاریها از سازمان دهی مستقیم و تأثیر گذاریشان باز می دارد، بدین جهت این تشکل ها برای ادامه کار مجبورند با کاستن خواسته های خود به نهاد نظاره گر و پاسیو تبدیل گشته و نتوانند نقش خود را به عنوان تشکل مستقل صنفی ایفا کنند

سوم : جسارت و نقش تمام تشکل های سیاسی طبقه کارگر چنین آموزش و تربیت خود را به اراده ی یکپارچه آنان در جریان مبارزات درخشان برای بدست اوردن مطالبات شان به عنوان یک طبقه ایده آل در مقابل دولت طبقه سرمایه داری می باشد، اتحادیه ها به عنوان بخشی از ابزار قدرت در همراهی شوراها و کمیته های کارگری جهت اعمال قدرت سیاسی طبقه کارگر می باشند. هرگونه جدایی و دیوار کشی بین این دو بستر(حزب طبقه کارگر و سازمانهای توده ی کارگران) که عموما" آگاهانه از طرف عوامل سرمایه داری تحمیل می شود منجر به تنزل قوای کارگر در حد برده و آلت دست احزاب و جناحها سرمایه داری شده و در گرفتن امتیاز بیشتر از یکدیگر مورد سواستفاده قرار می گیرد. هر گونه مبارزه برای بهبود وضعیت کارگران در شرایط بردگی اقتصادی، فقط در صورتی می تواند مفید باشد کهدر جهت رشد آگاهی ، اتحاد و سازمان یابی و حاکمیت مستقل کارگران باشد. مشغول شدن طبقه کارگر صرفا" به سازماندهی فروش بهتر نیروی کارش ایده ای است که کارگران را از مسائل عمدتا" سیاسی بازداشته و باعث تثبیت و ادامه حاکمیت سرمایه داری میشود. به طوری که در بحرانهای سیاسی کشور از جمله 76 ، 74 و 88 علیرغم شرایط مساعد سیاسی، کارگران در بهترین حالت فقط نظاره گر بی تفاوت حوادث بودند. بارها در طول تاریخ طبقه کارگر با اکثریت 50 میلیونی در صورت شرکت سازمان یافته و با برنامه در امورات و خواسته های خود و کل مردم در جهت استقرار آزادی های دمکراتیک پیش قدم بوده و به طرف حاکمیت دمکراتیک حرکت کرده است.

چهارم : با توجه به اینکه استبداد حاکم ارتباط رهبر با توده ها را درک کرده و تاوان سنگینی تحمیل می دهد. با انواع سرکوبها انتقاد، کنترل، نظارت و بازرسی از پایین و مستقیم از طریق مجمع عمومی و نظارت را از بین برد است و باعث تمرکز شدید قدرت ، تکروی و انحرافات عدیده ای می شود. این مسئله هر چند در مورد سندیکای شرکت واحد کم می باشد، اما در تجارب کشورها ی اروپایی و آمریکا سندیکا بخشی از سرمایه داری و به اداره و مراکز نظارت بر نیروی کارتوسط بورکراتها تبدیل شده است. به دنبال چنین استراتژی جهانی سرمایه داری

و در موارد مانند بلژیک ، فرانسه و آمریکا دیده شده است که عملکرد سندیکا ها واتحادیه ها باعث شورش کارگران عضو علیه این تشکل ها شده است، این مسئله باعث تکروی و بدبینی و تشکل گریزی توده های کارگری می گردد.
پنجم و دست آخر: اینکه حکومت جمهوری اسلامی که در مقابله انقلاب و پیروزی قریب الوقوع دست به کشتارها و اعدامهای دسته جمعی می زند هر گونه اصلاح قانونی باعث سواستفاده رژیم و تحت شعاع قرار دادن این مسئله می باشد.
در رابطه با مشکل کنونی سندیکا !!!
مسائلی که بیان شد یادآوری از موارد عمومی برای دوستانم در سندیکای کارگران شرکت واحد بود ولی لازم است در موقعیت کنونی سندیکای کارگران شرکت واحد که شنیده ام در روند مبارزات خود غیر از وجود سرکوب و فشار های بسیار زیاد از جانب دشمن، دچار مشکل درونی نیز شده اند بابت این موضوع نیز لازم می دانم مواردی را با کارگران شرکت واحد بخصوص اعضای سندیکا و باز هم مخصوصا" با اعضای هیت مدیره سندیکا ی کارگران شرکت واحد در میان بگذارم .
شنیدم آقای اسانلو از ایران خارج شده است و به دنبال آن و بنا به دلایلی که من نمی دانم بقیه اعضای هییت مدیره سندیکای واحد آقای اسانلو را از سمت خود بر کنار کردند. و متاسفانه اخبار دریافتی من نشان میدهد که آقای اسانلو این بر کناری را نه تنها قبول نکرده است بلکه در حال اماده کردن خودش برای مقابله با بقیه اعضای هیات مدیره است، و می خواهد به تنهای از خارج کشور سندیکای کارگران شرکت واحد را رهبری کرده و آن را از مشکلات و پراکندگی و از دست دشمن نجات داده و مشکلاتش را حل کند، یعنی کاری را انجام دهد که در داخل باداشتن ارتباط مستقیم و کمک های دیگر دوستان ممکن نشده است.آقای اسانلو اعتقاد دارد، در بین افراد فعلی هیت مدیره سندیکا افرادی یا حداقل دو نفر وجود دارند که از خروج موقت ایشان سو استفاده کرده اولا" خروج ایشان را علنی نمودند که دیگر نمی تواند برگردد و این برنامه را از طرف دشمن به بقیه اعضای هیت مدیره تحمیل نمودند، که بعد از علنی شدن خروج ایشان و بزرگ نمایی موضوع خانم مریم ضیاء که همراه ایشان خارج شده است بقیه اعضای هیت مدیره را در مقابل عمل انجام شده قرار دادند و انها مجبور به پذیرش اخراج او شدند. اما در مقابل برخی از اعضا هیت مدیره می گوید اولا" خروج ایشان موقتی نبوده و دلیل شان این است که مدتها قبل با برنامه، بچه هایش را از ایران خارج کرده بود، و حالا نوبت خودش بود، همچنین گفته میشود، اگر خروج ایشان موقتی بود چه نیازی به خارج کردن مدارک سندیکا، بدون اطلاع دیگران بوده است در حالی که اصولی بود ایشان قبل از خروج استعفا می دادند، یا هنوز دیر نشده است اگر خود را حاکم مطلق سندیکا نمی داند بهتر است استفا بدهد آنها می گویند، حتی طرح های به قول خودشان نو آورانه و ساختار شکنانه ای هم دارند که قبل از خروج تهیه کرده بودند ولی انتظار نداشتند پس از خروج بقیه اعضا ایشان را خلع ید کنند، او انتظار داشت ما سکوت کنیم تا ایشان طرح های ضد کارگری خود را به نام و با اعتبار سندیکا پیش ببرد و چون ما در خفقان هستیم امکان دفاع نمی توانیم در مقابل ایشان داشته باشیم . البته هر دو طرف حرف های بسیاری دارند . که فعلا" نیازی به طرح آنها نداریم . انچه لازم است بگویم اینکه :
آقای اسانلو دوست عزیز، شما یک سندیکای هستی، درست مانند من، باید بدون شرط و شروط بپذیری که رهبر و عضو هیت مدیره سندیکای شرکت واحد نمی تواند خارج از ایران باشد . اگر علاقه به جنبش کارگری داری و اگر علاقه ای به سندیکای کارگران شرکت واحد داری و اگر تک رو نیستی و اگر فکر می کنی گفته بقیه خطا یا از روی دشمنی با تو یا با سندیکا است و هر دلیل دیگری داشته باشی، نمی توانند باعث شوند جنبش کارگری بپذیرد که رئیس هیت مدیره سندیکا می تواند خارج از ایران باز در سمت خود باقی باشد و یکه و تنها سندیکای شرکت واحد را رهبری کرده و قهرمان نجات سندیکا و جنبش کارگری شود. اگر طبق قانون سندیکا حرکت شود همان گونه که شما می گویید افرادی که تصمیم به اخراج شما گرفتند طبق قانون سندیکا چون اخراجی هستند ویا بازنشسته شده اند و برخی نیز استعفا دادند نمی توانند عضو سندیکا باشند بنا براین تصمیم انها تصمیم سندیکا نیست در نتیجه من هنوز رئیس هیت مدیره هستم . این بحث از ریشه غلط است چون هر مانعی که برای بقیه وجود دارد برای شخص شما نیز وجود دارد اگر انها نمی توانند عضو باشند خود شما

نیز نمی توانید عضو باشید، تازه اگر قرار باشد طبق این قانون نظر بدهیم چندین سال است که هیچ کدام از شما نمی توانید عضو حساب شوید.در حالی که جنبش کارگری تابع قوانین ضد خود و قوانین بورکراتیک نمی شود و این نشدن نیز برای شما و بقیه اعضای هیت مدیره برابر است. نو آوری و ساختار شکنی نیز باید از طریق جمع پذیرفته شود و طبق نظر جمع اجرایی شود، در غیر این صورت حتی اگر عالی ترین کار و نظر هم که باشد به دلیل تک روی قابل قبول نخواهد بود مگر اینکه منظور شما از نو آوری رهبری یک نفره در مقابل جمع باشد که اصلا" قابل بحث نیست ... به هر صورت حتی اگر واقعا" افرادی در داخل به هر صورتی روند کنونی را به بقیه تحمیل کرده باشند راه مقابله با آنها این نیست که شما خارج از ایران و به تنهایی رهبری کنید بلکه باید راه دیگری برای مقابله و نجات سندیکا پیدا کرد، چرا که دقیقا" دشمن همین را می خواهد یعنی حتا اگر بر کناری شما بر طبق نقشه بوده باشد قسمت دوم نقشه همین است که شما تک روانه مقابله کنید بنا براین سندیکا به سه قسمت و هر سه دشمن یکدیگر تقسیم گردد در حالی که اگر شما عاقلانه و اصولی بر خورد کنید دشمن حداقل در قسمت دوم نقشه خود شکست خواهد خورد، از این بابت توصیه می کنم هر چه زودتر استعفای خود را اعلام کنید و مدارک سندیکا را به همرزمان خود پس بدهید و پس از ان به بقیه همرزمان خود کمک کنید تا مشکلات را حل نمایند.حداقل کمک شما این است که با بقیه مخالفت غیر اصولی نکنید.
طرف دیگر بحث یعنی دوستان هیت مدیره سندیکای شرکت واحد بخصوص آقایان مددی ، رضوی و شهابی باید با دقت بیشتر و با قدم های استوار اگر واقعا" افرادی به صورت عامل مشکل آفرینی می کنند که البته این احتمال وجود دارد، با این افراد برخورد کنند و حتی اگر لازم دیدند آنها را اخراج نمایند هر چند که ممکن است در مقابل چنین بر خوردی به بهانه های مختلف دستگیر و زندانی شوند اما می توانند سندیکا، یعنی دسترنج 8 ساله خود و دست آورد جنبش کارگری را نجات بدهند. اگر انها را اخراج نکنید بدون شک آنها سوت تعطیلی سندیکا را خواهند کشید، در کنار این کار لازم است به هر صورت ممکن از بقیه کارگران شرکت واحد کمک گرفته و نیروهای فعال را به همکاری و حتی عضویت در هیت مدیره دعوت نمایید، نباید برای مبارزه با سرمایه داری خود را وابسته به قوانین تحمیلی سرمایه داری کنید در حالی که سرمایه داری اجازه اجرای قانون را به شما نمی دهد پس چه نیازی است شما خود را تابع قانونی کنید که موجودیت شما را نادیده می گیرد.حتا می توانید مجمع عمومی خود را بخش به بخش بر گزار نمایید. اگر شما اقدام به نجات سندیکا نماید و حتی موفق نشوید در تاریخ جنبش کارگری ثبت می شود که شما وظایف خود را انجام دادید اما اگر بدون مقابله تسلیم شوید حقایق پنهان خواهد ماند . و شما محکوم خواهید شد.
هر روز صبح با امید اینکه خبری خوش از سندیکای واحد بشنوم در این جهنم از خواب بیدار می شوم . می دانم که هزاران کارگر دیگر نیز مانند من منتظر شنیدن اخبار های دلگرم کننده هستند.
درودبر مبارزان راه آزادی طبقه کارگر مخصوصا" سندیکای شرکت واحد
پیش به سوی ایجاد حزب و اتحادیه سراسری کارگران
نابود باد بهره کشی و استبداد
بر قرار باد حاکمیت شورایی دمکراتیک زحمتکشان
شاهرخ زمانی – زندان گوهر دشت
20/11/1391

کف دستمزد هر کارگر در سال جدید ۴۶۰ هزار تومان تعیین شد

به نوشته سایت خبر آنلاین در تاریخ 20 بهمن آمده است : حسین حبیبی عضو کمیته تعیین دستمزد از افزایش کف دستمزد به ۴۶۰ هزار تومان خبر داد.
هرچند امسال نیز بحث افزایش ۲۰ درصدی دستمزد را به دلیل رشد حدود ۲۹ درصدی تورم مطرح می‌کنند و حسین حبیبی عضو کمیته تعیین دستمزد برخی کارفرمایان در خصوص تعیین مزد سال آینده که از افزایش کف دستمزد به ۴۶۰ هزار تومان استقبال کرده‌اند، ولی خود او در ادامه می‌افزاید: این رقم همان افزایش ۲۰ درصدی دستمزد است که پیشنهاد شده اما قطعا

مورد نظر ما نیست چرا که این رقم حتی یک سوم هزینه‌های خانوار کارگری را پوشش نمی‌دهد.
چانه زنی برای افزایش میزان دستمزد در سال ۹۲ همچنان ادامه دارد.
به گزارش خبرآنلاین، در کف دست کارگر و مزد بگیر چه چیزی در پایان ماه سنگینی می‌کند؟ تمام آنچه در کف دست نیروی کار قرار می‌گیرد، می‌تواند تمام نیاز ماهیانه‌اش را پاسخگو باشد؟ برخی برآوردها که در هفته جاری اعلام شد گویای آن است که ۳۰ درصد از نیروی کار کشور بیش از یک شغل داشته و ۲۰ درصد تک شغله‌ها نیز به دنبال شغل دوم هستند.
این تعابیر بیش از آنکه گویای فضای فعال و پویای کار کشور و یا دلیل بیکاری باشد موید آن است که چانه‌زنی‌های سه جانبه پایان سال اگرچه بر روی کاغذ همترازی افزایش حداقل دستمزد و نرخ تورم را نشان داده ولی درعمل چیز دندان‌گیری برای کارگر و مزد بگیر به همراه نداشته است.
هرچند امسال نیز بحث افزایش ۲۰ درصدی دستمزد را به دلیل رشد حدود ۲۹ درصدی تورم مطرح می‌کنند و حسین حبیبی عضو کمیته تعیین دستمزد برخی کارفرمایان در خصوص تعیین مزد سال آینده که از افزایش کف دستمزد به ۴۶۰ هزار تومان استقبال کرده‌اند، ولی خود او در ادامه می‌افزاید: این رقم همان افزایش ۲۰ درصدی دستمزد است که پیشنهاد شده اما قطعا مورد نظر ما نیست چرا که این رقم حتی یک سوم هزینه‌های خانوار کارگری را پوشش نمی‌دهد.
طی سال‌های ۵۷ تا ۱۳۹۱ نرخ تورم به طور متوسط ۱۹ درصد رشد داشته است این در حالی است که متوسط نرخ رشد حداقل دستمزد در کشور طی همین دوره ۳۴ ساله معادل ۲۲ درصد بوده است.
اما این نرخ رشد باعث نشده است که حداقل دستمزد در کشور تضمین‌کننده حداقل معاش باشد. نگاهی به روند تغییرات دستمزد در کشور گویای سکون نسبی حداقل دستمزدها طی سالهای ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ هستیم، یعنی دوران جنگ که با توجه به شرایط ویژه حاکم بر اقتصاد کشور و تجهیز همه منابع برای دفاع از مرزهای مورد تجاور کشور، این ثبات توجیه داشته است اما در همین دوره می‌بینیم که شاخص بهای کالاهای مصرفی در کشور افزایش داشته است. یعنی یک دوره ۷ ساله ثبات درآمدها و افزایش قیمت‌ها همزمان شده است و این مسئله باعث افزایش فاصله بین حداقل دستمزد و حداقل معاش بوده است.
براساس محاسبات منتشر شده از سوی بانک مرکزی شاخص بهای کالاهای مصرفی و خدمات (با سال پایه ۱۳۸۳) از ۶۱. ۱ واحد در سال ۱۳۶۰ به ۲۱. ۶ واحد در سال ۱۳۶۸ رسیده است، این در حالی است که حداقل دستمزد در سال ۱۳۶۰ معادل ماهی ۱۹۰۵ تومان بوده و در سال ۱۳۶۸ این رقم به ۲۴۹۰ تومان رسیده است.
یعنی در حالی که حداقل دستمزد طی دوره‌ای ۸ ساله معادل ۲۳ درصد رشد داشته است، شاخص بهای کالاهای مصرفی و خدمات معادل ۲۸۶ درصد رشد کرده است و متاسفانه در سال‌های بعد از پایان جنگ تحمیلی نیز بنا به دلایل مختلف اگر چه تلاش شده است قدرت خرید حداقل دستمزد متناسب با تورم حفظ شود ولی هیچگاه فاصله ایجاد شده در سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۶۸ جبران نشده است.
این فاصله جبران نشده در دو سال بعد از اجرای هدفمندی متاسفانه تشدید هم شده است، طی دو سال گذشته میزان افزایش دستمزد بین ۱۰ تا ۱۲ درصد کمتر از نرخ رسمی تورمی بوده است که از سوی بانک مرکزی اعلام شده است.
نکته جالب آنکه طی دو دهه اخیر به رغم آنکه بحث حمایت از تولید مطرح بوده است، در تعیین دستمزد ۱۲ میلیون مشمول قانون کار به گونه‌ای عمل نشده است که واقعا سبد هزینه خانوارها متناسب با دستمزد حاصل از یک شیفت کار روزانه تامین شود، با توجه به آنکه در حال حاضر بعد خانوار نیز در حال کوچک شدن است و از مرز حدود ۴ نفر در دهه گذشته آخرین سرشماری نفوس و مسکن نشان داد که بعد خانوار به حدود ۴. ۳ نفر کاهش پیدا کرده است و لی هنوز شاهد این موضوع هستیم که حداقل حقوق پرداختی به کارگران و مشمولین قانون کار نمی‌تواند تامین هزینه سبد خانوار را داشته باشد هر چند در شعار این موضوع مورد توجه قرار گرفته است، نماینده کارگران در شورای عالی کار از برگزاری نشست جدید نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت برای تعیین حداقل دستمزد سال ۹۲ خبر داد و گفت: اجرای ماده

۴۱ قانون کار را بهترین راهکار برای تعیین حداقل دستمزد منطقی برای نیروی کار است، توجه به نرخ تورم و تامین سبد معیشت خانوار کارگری می‌تواند به تعیین حداقل دستمزدی مناسب برای کارگران و کارفرمایان منجر شود.
نباید فراموش کرد قطع رابطه بین کار و دستمزد از بزرگ‌ترین مشکلات امروز اقتصاد ایران است، مشکلی که هم به کاهش بهره‌وری نیروی کار منجر شده و هم توان رقابتی کشور را تحت‌الشعاع قرارداده است.
اگر تعیین دستمزدهای سالانه به گونه‌ای باشد که نیروی کار با یک شغل خود را در سرازیری اقتصادی ببیند، یعنی در آستانه سقوط به مرزهای پایین‌تر خط فقر به طور حتم انگیزه‌ای برای کار بهتر نخواهد داشت و متاسفانه ساختار کارفایی ما در ایران توجهی به این مساله ندارد.
هرچند شاید نتوانیم تمامی تقصیر را ناشی از قصور و نگرش کارفرما دانست ولی نمی‌توان این نکته را نیز نادیده گرفت که ضعف مدیریت در ساختارهای اقتصادی کشور از اصلیترین دلایل ناکارآمدی بخش‌های مختلف تولیدی و خدماتی بوده و هست و نتیجه همین ضعف در نهایت به بدنه مزد بگیر جامعه تزریق می‌شود. طبقه‌ای که کف بینی اندک دستمزدشان سالانه در نشست‌های سه جانبه انجام می‌گیرد.
تازه‌ترین برآوردهای انجام شده در جریان همین چانه‌زنی‌های سه‌جانبه نشان می‌دهد، در سبد هزینه خانوار که بخش مسکن، خوراکی و حمل و نقل بیشترین هزینه‌های یک خانوار را تشکیل می‌دهند که در مجموع برای یک خانوار ۴ نفر در یک ماه هزینه‌ای بالغ بر ۲ میلیون و ۳۶۱ هزار و ۴۶۴ تومان نیاز است. آیا با توجه به وضعیت اقتصادی کشور می‌توانیم انتظار داشته باشیم کارفرمایان غیر دولتی توان پرداخت چنین ارقامی را به نیروی کار خود باشند؟ وقتی به حداقل حقوق ۳۹۰ هزار تومانی سال ۹۱ نگاه می‌کنیم، آیا می‌توانیم رابطه منطقی بین سطح دستمزدها و حداقل معاش خانوارها پیدا کنیم؟ چه کسی پاسخگوی این وضعیت باید باشد؟

حق الزحمه امتحانات به اندازه کرایه معلمان نیست

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 20 بهمن 91 آمده است : عضو انجمن صنفی معلمان اظهار داشت: بیش از ۸ ماه است حقوق نیروهای ستادی آموزش و پرورش پرداخت نشده است.
محمد رضا نیک‌نژاد به ایلنا گفت: مقدار این حق الزحمه بر طبق حکم و سابقه تدریس و در نظر گرفتن معیارهای دیگر اندکی ثابت نیست اما تقریبا آموزش و پرورش باید ماهیانه ۱۸۰ هزار تومان بابت اضافه کار به نیروهای ستادی پرداخت کند که این مبلغ در ۸ ماه گذشته پرداخت نشده است.
وی گفت: حق الزحمه امتحانات بسیار پایین است و گاهی به اندازه کرایه رفت و برگشت معلم هم نیست ضمن اینکه از ساعت آموزشی نیز بیشتر زمان می‌برد.
نیك نژاد گفت: شاغلین آموزش و پرورش به لحاظ مالی تأمین نمی‌شوند و در حال حاضر بیشتر امور به واسطه ارتباط عاطفی بین معلم و معاون و سایر پرسنل پیش می‌رود.
عضو انجمن صنفی معلمان گفت: هم اکنون حدود ۸۰ درصد کارهای آموزش و پروش به همین سبک رفع و رجوع می‌شود و معلمان خیلی از روزها مجبورند برای رفت و برگشت به محل کار مبلغی را به حق الزحمه خود اضافه کنند.

تشدید نگرانی کارگران قراردادی از اخراج در روزهای پایانی سال

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 20 بهمن 91 آمده است : رئیس اتحادیه کارگران قرار دادی کشور اعلام کرد: نگرانی کارگران قراردادی و پیمانی شاغل با رسیدن به روزهای پایانی سال دو چندان شده است.
فتح الله بیات با اشاره به اینکه قرارداد غالب جامعه کارگری در روزهای پایانی سال خاتمه می‌یابد، دلیل نگرانی کارگران قرارداد موقت و پیمانی از تمدید نشدن قرارداد کاری‌شان در سال آینده را تاخیر یا عدم دریافت حقوق، عیدی و سنوات آنان در سال جاری عنوان کرد و به

ایلنا گفت: اولین راهکاری که کارفرمایان برای فرار از بحران در پیش می‌گیرند اخراج کارگران قراردادی است و کارگران با آگاهی از این نوع مدیریت هیچ‌گاه در طول سال، حتی با وجود داشتن قرارداد کاری امنیت شغلی را درک نمی‌کنند.
به گفته این فعال کارگری، با توجه به نزدیک شدن به تعطیلات نوروز، علاوه بر اضطراب افزایش چند برابری قیمت کالاها، کارگران قراردادی فشار روانی پایان قرارداد یکساله و احتمال عدم تمدید قرار داد و بیکاری را نیز متحمل می‌شوند.
بیات در ادامه با اشاره به اینکه کارگاهای کوچک و بنگاهای زود بازده که بطور واقعی به امر تولید و کارآفرینی پرداخته‌اند نیز بیش از بیش به حمایت نیازمندند، اظهار داشت: در صورت تامین نشدن افزایش هزینه‌های ناشی از آزاد سازی قیمت حامل‌های انرژی، کارخانجات و سایر بنگاهای تولیدی دچار ورشکستگی و به تبع تعدیل نیروی کار خواهند شد.
رئیس اتحادیه کارگران قرار دادی کشور گفت: افزایش ناچیز حقوق و عقد قراردادهای موقت کار برای مشاغلی که جنبه استمراری دارند همواره یکی از مهم‌ترین حربه‌های کارفرمایان برای استثمار کارگران بوده که این دو مسئله امنیت شغلی کارگران را به شدت مورد تهدید قرار داده است.
این فعال کارگری با تاکید بر اینکه نباید اجازه داد کارفرمایان با بروز کوچکترین بحران اقدام به تعدیل نیروی کار کنند، اضافه کرد: نیروی کار سرمایه اصلی هر واحد تولیدی محسوب می‌شوند و اخراج آنان به معنی اتلاف سرمایه ملی است.
بیات ادامه داد: افزایش تعداد کارگران قراردادی، بی‌توجهی به کار شایسته و طرح بهسازی قراردادهای موقت کار، وقوع بحران اقتصادی و به تبع آن تعطیلی یا سخت‌تر شدن فعالیت واحدهای تولیدی، از جمله عواملی هستند که نگرانی کارگران قرارداد موقت کشور را از اخراج تشدید کرده است.
او گفت: بدنه جامعه کارگری کشور را کارگران قرارداد موقت و پیمانی تشکیل می‌دهند که به خطر افتادن امنیت شغلی آنان به معنی نابودی انگیزه نیروهای مولد اجتماع برای کار و تولید بیشتر است.

کارگران فولاد توان پرداخت هزینه‌های جاری زندگی را ندارند

نماینده شهر کرد گفت: کارگران و کارمندان صنعت فولاد کشور چند ماهی است به دلیل عدم دریافت حقوق تاکنون نتوانسته‌اند هزینه‌های آب برق و دیگر هزینه‌های جاری خود را پرداخت کنند.
وی افزود: کارگران و کارمندان صنعت فولاد کشور چند ماهی است به دلیل عدم دریافت حقوق، تاکنون نتوانسته‌اند هزینه‌های آب برق و دیگر هزینه‌های جاری خود را پرداخت کنند.
زمانیان گفت: تذکر من به وزیر راه شهرسازی درخصوص وضعیت جاده‌های چهارمحال بختیاری است چراکه با دستور رئیس جمهور و معاون وی هنوز اقدامی انجام نگرفته است.

۱۸۰۰ کارگر راه آهن خرمشهر حقوق ۴ ماه از سال را گرفته‌اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 20 بهمن 91 آمده است : نماینده خرمشهر در مجلس گفت: ۱۸۰۰ کارگر ساخت پل راه‌آهن درحالی که بودجه ساخت آن ارائه شده؛ فقط برای ۴ ماهه اول حقوق دریافت کرده‌اند و از آن پس کارگران حقوق دیگری دریافت نکرده‌اند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، عبدالله ثامری در تذکر شفاهی در صحن علنی امروز (۱۸ بهمن) مجلس گفت: ۱۸۰۰ کارگر ساخت پل راه‌آهن درحالی که بودجه ساخت آن ارائه شده؛ فقط برای ۴ ماهه اول حقوق دریافت کرده‌اند و از آن پس کارگران حقوق دیگری دریافت نکرده‌اند.
نماینده خرمشهر گفت: چرا مردم خرمشهر را فراموش کرده‌اید و فقط در سوم خرداد یادی از پایتخت ایثار می‌کنید. در طول خدمت دولت‌های قبلی نیز به این شهرستان توجه نشده است.

عسلویه با ۱۵۰ هزار کارگر بیمه شده بیمارستان تامین اجتماعی ندارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 20 بهمن 91 آمده است : رییس شورای شهر عسلویه اعلام کرد: عسلویه با بیش از صدهزار کارگر فعال و صد و پنجاه هزار بیمه شده، بیمارستان تامین اجتماعی ندارد.
حسن علیزاده در گفتگو با ایلنا با اشاره به اینکه بیمارستان تامین اجتماعی با ۹۷٪ پیشرفت فیزیکی احداث، اکنون به صورت تعطیل در آمده است افزود: به دلیل صرفه جویی، بخش زایشگاه و منازل سازمانی کارکنان آن حذف شده است و یک بیمارستان ۳۲ تخت خوابه به یک کلینیک تبدیل شده است.
علیزاده در ادامه یادآور شد طی سفر مقام معظم رهبری ۱۰۶ میلیارد تومان اعتبار برای عسلویه در نظر گرفته شده است که متاسفانه فقط ۵۰ میلیارد آن به ما تعلق گرفته و تنها ۱۳ میلیارد تومان از این مبلغ جذب شده است و مابقی اعتبارات در مرکز شهرستان هزینه می‌شود.
وی تاکید کرد: میزان آلاینده‌های موجود در هوای عسلویه بیش از ۱۰۰ برابر تهران است و ما در سال های اخیر شیوع سرطان در منطقه روبرو هستیم به گونه ای که در اکثر روستاها شاهد وجود دو تا سه نفر سرطانی هستیم.
وی در ادامه افزود: آلودگی آب باعث کوچ ماهی‌ها و کاهش چشم گیر صید شده و به بافت فرهنگی و اجتماعی منطقه صدمه‌هایی وارد شده است که با برگذاری برنامه‌های متنوع فرهنگی به مقابله با آن پرداخته‌ایم.

مرگ یک کارگر در کارخانه کاغذ کار کسری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 20 بهمن 91 آمده است : صبح امروز یک کارگر کارخانه «کاغذ کار کسری» در شهر صنعتی یزد جان خود را در حین کار از دست داد.
علی دهقانی، دبیر خانه کارگر یزد با اعلام این خبر به ایلنا گفت: علی ذولمعالی، کارگر ۲۱ ساله، تعمیر کار شاغل در کارخانه کاغذ کار یزد صبح امروز (دوشنبه ۱۶ بهمن ماه)، در حین تعمیر دستگاه غلطک کشته شده است.
این فعال کارگری در تشریح شرایط این کارگر افزود: این در حدود ۵ ماه سابقه کار در واحد تولیدی کاغذ کار کسری را داشته و تعمیر کار این واحد تولیدی بوده است.
دهقانی با بیان اینکه هنوز علت حادثه مشخص نشده است گفت: بازرسین کار در حال بررسی موضوع هستند و از مسئولین درخواست شده تا در بررسی و علت وقوع این حادثه تسریع کنند.

کارخانه ایران پویا منحل شد/ بلاتکلیفی کارگران در آستانه بازنشستگی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 20 بهمن 91 آمده است : کارخانه یخچال‌سازی ایران پویا وابسته به بنیاد مستضعفان، سازنده انواع یخچال و پروفیل آلومینیومی به دلایلی که اعلام نشده است، منحل اعلام شد.
نماینده کارگران کارخانه ایران پویا با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: از صبح دیروز (شنبه) نامه انحلال کارخانه ایران پویا به مدیران این کارخانه ابلاغ شده است اما هنوز تکلیف کارگران شاغل در این مجموعه صنعتی مشخص نیست.
این کارگر با اشاره به اینکه این وضعیت باعث تشدید نگرانی کارگران شده است، اضافه کرد: از ورود و خروج ۹۰ کارگر قراردادی این کارخانه طی هفته‌های گذشته (30 دی ماه) جلوگیری به عمل آمد و در نهایت این کارگران اخراج شدند.
او اضافه کرد: بیکاری تعداد ۹۰ نفر از کارگران قرار دادی با سوابق بین ۸ تا ۱۸ سال کار مستمر در ایران پویا اکنون تمامی کارگران را نگران امنیت شغلی‌شان کرده است.
این کارگر با بیان اینکه تعداد زیادی از کارگران ایران پویا در شرف بازنشستگی هستند ادامه داد: علاوه بر ۹۰ کارگر قرار دادی اخراج شده که هم اکنون با شکایت به اداره کار روند قانونی خود را دنبال می‌کنند، ۷۲ کارگر رسمی نیز نگران آینده و امنیت شغلی خود هستند و فقط ۱۸ کارگر در این واحد تولیدی با سوابق کمتر از ۲۰ سال امکان بازنشستگی ندارند.

اعلام ساعت کار مفید در ایران؛ روزانه ۲۲ دقیقه

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 20 بهمن 91 آمده است : در حالی که طبق گزارش مرکز پژوهش های مجلس این رقم در ایران روزانه به 22 دقیقه رسیده است، در مقایسه با سال پیش که یک ساعت و 4 دقیقه اعلام شده بود به طور چشم گیری کاهش یافته است.
به گزارش تسنیم، مشکل کم کاری وناکارآمدی سیستم اداری کشورازمعضلات مزمنی است که تاکنون هیچ دارویی نتوانسته است این درد را درمان کند.
تا به حال حتماچند بار سروکارتان به یک اداره دولتی افتاده و همیشه با مشکل وقت کشی از سوی کارمندان و یا نرسیدن به موقع به کارتان مواجه شده اید. و احتمالا اعصابتان خورد می شود ،بحث می کنید و پیش خودتان می گویید ای کاش کارم به اینجا نمی کشید.اینها مشکلاتی است که در ادارات دولتی و دستگاه ها وجود دارد.و دیگر شما هم تحمل اینگونه مشکلات را نخواهید داشت.اما واقعا این معضلات از کجا نشأت می گیرد؟
در جایی که قانون 8 ساعت کار را برای کارمندان خود قرار داده اما غیر از تعریف ساعت کار،یک واقعیت به عنوان ساعت کار مفید در ادارات دولتی نیز باید وجود داشته باشد.
بنا به این گزارش ،در ابتدا بهتر است با یک تعریف کلی از مدت زمان معین کار طبق تعریفی که قانون ارائه کرده است وارد این موضوع شویم. طبق ماده 51 قانون کار :ساعت کار در این قانون مدت زمانی است که کارگر نیرو یا وقت خود را به منظور انجام کار در اختیار کارفرما قرار می دهد.در تبصره یک این قانون اشاره شده است که مجموع کار در هفته نباید از 44 ساعت تجاوز کند.که جمعه را از این مجموع کم کنیم تقریبا روزی هشت ساعت کار برای کارمندان منظور شده است .
ساعت کار مفید را تقریبا می توان این طور بیان کرد که میزان وقتی است که یک کارمند برای انجام مسئولیت و وظایف خویش صرف می کند.این در حالی است که ساعات کار مفید در ایران با سایر کشور های پیشرفته قابل مقایسه نمی باشد.در واقع در کشورهای پیشرفته از 44 ساعت کار در هفته ،نزدیک به 30 ساعت کار مفید انجام می دهند.که این رقم در ایران به 10 ساعت در هفته می رسد.به طور کلی تر طبق آمار، ساعت کار به طور سالانه در ژاپن به 2420 ساعت در کره جنوبی به 1900 ساعت در امریکا به 1360 ساعت ،المان 1600 ساعت و در ایران به 800 ساعت می رسد.
در حالی که طبق گزارش مرکز پژوهش های مجلس این رقم در ایران روزانه به 22 دقیقه رسیده است، در مقایسه با سال پیش که یک ساعت و 4 دقیقه اعلام شده بود به طور چشم گیری کاهش یافته است.
کارشناسان علت های متعددی را برای بروز این مشکل بر شمرده اند.که جمیع نظرات بر این موارد استوار است.

- پایین بودن دستمزد ها و حقوق
- ضعف مدیریت و نظارت
- سیستم فرسوده ی اداری
- ضعف فرهنگی و اموزشی کارکنان

و بی انگیزه بودن انها از مهمترین دلایل بر شمرده کارشناسان می باشد

محسن رضایی: 1000تومان امروز به اندازه 300تومان سال گذشته ارزش دارد

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا 20 بهمن 91 آمده است : دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: امروز اقتصاد کشور به گونه‌ای است که طبق گفته کارشناسان، هزار تومان امروز، به اندازه ۳۰۰ تومان سال گذشته است و البته باز مي‌خواهند هزار تومان سال بعد، ارزشی به اندازه ۱۰۰ تومان سال ۹۰ داشته باشد؛ آن‌ها مي‌خواهند پول ایران را زمین بزنند و از این رو باید خود را برای یک وضعیت جهادی آماده کنیم.
به گزارش خبرنگار ایلنا در قم، محسن رضايي، شب گذشته در مراسم گرامیداشت دهه فجر که به همت جبهه پیروان امام و رهبری قم و در محل مسجد امام زین العابدین (ع) قم برگزار

شد، اظهار داشت: سال‌های آخر مبارزات برای تحقق انقلاب اسلامی مخصوصا سال‌های ۵۵ و ۵۶ اوج یأس و ناامیدی انقلابیون بود و افراد مبارز، یا در زندان‌های شاه حضور داشتند و یا آن‌ها که در بیرون از زندان بودند، روحیه مبارزه نداشتند.
وی با بیان اینکه سال‌های ۵۵ و ۵۶ علاوه بر اینکه اوج ناامیدی نیروهای انقلاب بود، اوج قدرت نمایی ساواک نیز بود، گفت: انقلاب امام خمینی (ره) زمانی اتفاق افتاد که شیوه‌های مبارزه نیروهای انقلاب به ته خط رسیده بود و درست در چنین زمانی حادثه ۱۹ دیماه سال ۵۶ که همچون جرقه‌ای برای حرکت‌های انقلابی بود، اتفاق افتاد و مبارزات رفته رفته اوج مي‌گرفت؛ البته اگر چه تجمعات و راهپیمایي‌های مردم محدود به حدود ۱۰۰ الی ۲۰۰ نفر مي‌رسید اما رفته رفته این مبارزات ده‌ها هزار نفری و صدها هزار نفری شد.
دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به دوران پس از انقلاب اسلامی در ایران، گفت: تا زمانی که انقلاب اسلامی تثبیت شد، فشارهای زیادی به مسئولان وارد شد تا اینکه سال‌های ۷۲ و ۷۳ یک تثبیت نسبی در کشور حاکم شد.
وی با بیان اینکه این انقلاب با سختي‌ها و فشارها، و با هدیه کردن انسان‌های بزرگ چون شهید زین الدین، شهید همت، شهید باکري، شهید صادقی و... به تثبیت رسید، گفت: با تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران، به جای نظام فاسد شاهنشاهي، استقلال، آزادی و مردم سالاری در این کشور حاکم شد.
رضایی با اشاره به قدرت نظامی جمهوری اسلامي، گفت: امروز به برکت انقلاب اسلامي، کشور ایران تبدیل به یک قدرت بازدارنده نظامی شده است و واقعیت این است که ایران امروز هر اقدام نظامی علیه خود را در نطفه خفه مي‌کند و شاهد آن این است که در طی همین سال‌های اخیر دو بار اسرائیل و یک بار آمریکا در زمان جرج بوش قصد حمله نظامی به ایران را داشته و حتی دستور آن را نیز صادر کرده بودند، اما در نهایت این کار را نکردند.
وی خاطرنشان کرد: در زمان‌های قبل از انقلاب اسلامی ایران و در سال‌های دورتر با هر فشاری به کشور ایران قسمتی از این کشور را جدا کرده و برای مثال باید پرسید کجاست بخارا؟ کجاست سمرقند؟ کجاست نخجوان؟ کجاست بحرین؟ اما امروز به برکت انقلاب اسلامي، کشور ایران عزت خود را بازیافته است.
دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام با تأکید بر اینکه باید شکرگذار نعمت‌ها بود، گفت: به برکت انقلاب اسلامی ایران، نعمت آزادی و استقلال به ایران داده شد و البته شکر این نعمت‌ها به این است، که از آن‌ها درست استفاده کنیم و الا ناشکري، از بین رفتن نعمت و عذاب الهی را در پی دارد.
وی تصریح کرد: مسئولان ما حق ندارند در پیش چشم همگان و در زمانی که ماهواره‌های دشمنان منتظر فرصت هستند، شأن جمهوری اسلامی را زیر پا بگذارند، چرا که حق این کار را نداریم و قطعا نه شهداء، نه امام شهداء و نه رهبر معظم انقلاب از این وضعیت راضی هستند.
رضایی اضافه کرد: چرا باید از نعمت ارزشمند آزادی و نعمت استقلال کشور و نعمت حمایت‌های رهبری بد استفاده کنیم؟ همه باید بدانیم که این انقلاب به سادگی به دست نیامده است و از این رو همه باید مراقب آن باشیم.
وی گفت: آن چنان خاطرات تکان دهنده‌ای در انقلاب اسلامی هست که اگر این خاطرات همیشه جلوی چشممان باشد، به خود اجازه نمي‌دهیم هر حرفی را بزنیم و هر کاری را انجام دهیم.
دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام در ادامه سخنان خود با بیان اینکه نباید چشم خود را بر واقعیت‌ها ببندیم، گفت: واقیعت این است که با حمایتی که از نظام حاکم بر سوریه کردیم، ناتو را زمین گیر کردیم و یا با حمایتی که از مبارزین فلسطینی شد، دشمنان به قدرت نظامیمان پی بردند، اما سؤال اینجاست که چرا باید در گوشت و برنج مردم خود و در گراني‌ها بمانیم؟ سؤال این است که این مسائل چه ربطی به انقلاب اسلامی دارد؟ این مسائل حتما به مسئولان مربوط است و باید دید که اشکال کارمان کجاست؟ باید ببینیم که آیا مغرور و دچار توهم شده‌ایم و از کارشناسان استفاده نمي‌کنیم؟
وی تأکید کرد: نباید در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲، سرمان را پایین بیاندازیم و ۸ سال دیگر را از دست بدهیم.

رضایی افزود: باید ببینیم که چرا گروه ۵+۱ حاضر به مذاکره جدی با جمهوری اسلامی ایران نیست؟ آن‌ها چرا باید پیش خود بگویند که با گرانی‌ها و نارضایتی‌های مردم، کار آن‌ها رو به اتمام است و دلیل برای مذاکره جدی وجود ندارد؟
وی با تأکید بر اینکه باید ببینیم اشکال کارمان در اقتصاد چیست که به این وضعیت گرفتار شده‌ایم؟ گفت: ما در کشور، با خود تحریمی و سوء مدیریت رو به رو هستیم که این امر، بزرگ‌ترین کمک به دشمنان و از جمله آمریکاست و در این صورت آن‌ها اصلا نیازی به آتش توپخانه‌ای برای مقابله با جمهوری اسلامی ندارند.
دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: باید پرسید که انقلاب اسلامی را می‌خواهیم یا پست و صندلی را؟
وی در ادامه سخنان خود با بیان اینکه مردم ایران تا کنون چند آزمون را با موفقیت پشت سر گذاشته‌اند، گفت: با توجه به شرایطی که اقتصاد کشور دارد، باید گفت که وارد آزمون دیگری شده‌ایم.
رضایی تصریح کرد: این‌ها می‌خواهند داد مردم را در بیاورند که به خیابان‌ها بریزند و البته از جریانات فتنه و انحراف نیز استفاده می‌کنند.
وی گفت: امروز اقتصاد کشور به گونه‌ای است که طبق گفته کارشناسان، هزار تومان امروز، به اندازه ۳۰۰ تومان سال گذشته است و البته باز می‌خواهند هزار تومان سال بعد، ارزشی به اندازه ۱۰۰ تومان سال ۹۰ داشته باشد؛ آن‌ها می‌خواهند پول ایران را زمین بزنند و از این رو باید خود را برای یک وضعیت جهادی آماده کنیم.
دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام خاطرنشان کرد: رهبر معظم انقلاب برای اولین بار، چندی پیش با اشاره به انتخابات ریاست جمهوری ۹۲ گفتند افرادی با سطح توانایی بالا در اداره کشور به صحنه بیایند و آن‌ها که نمی‌توانند نیایند و این نکته‌ای است که باید به آن توجه لازم را داشت.
وی با بیان اینکه مردم ایران، آزمون زندگی و اقتصاد را در پیش دارند، گفت: بیکاری، طلاق و... از امور نامطلوبی است که وجود دارد و البته یک مقدار آن به دلیل فشارهای خارجی است، اما قسمت اعظم آن مربوط به مدیریت داخلی است و از این رو باید یک تجدید نظر جدی در خود داشته باشیم.
محسن رضایی در ادامه با بیان اینکه سرزمین اصلی مبارزه مردم ایران، سرزمین اقتصادی است، گفت: به عنوان سرباز انقلاب اسلامی، از همه وفاداران به انقلاب می‌خواهم که خود را برای عبور با موفقیت از این آزمون آماده کنند.
وی گفت: البته معتقدم ملت ایران، با یک درخشش بی‌نظیری از این مرحله سوم عبور می‌کند تا دشمنان بار دیگر بگویند ما اشتباه کردیم.
دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: چهار روز پیش خدمت رهبر انقلاب بودم که ایشان تأکید داشتند ما در کشور، ظرفیت‌های زیادی داریم که از آن‌ها استفاده نمی‌شود؛ یعنی اگر ما این منابع کنونی کشور را نداشتیم، بازهم با کمک همین نیروهای انسانی، حوادث را پشت سر می‌گذاشتیم.
وی در پایان تصریح کرد: اقتصاد کنونی در شأن جمهوری اسلامی نیست و قطعا کشور ایران نیاز به یک اقتصاد بزرگ و با سطح بالای مادی برای مردمان خود دارد.

۱۸۰ نفر از کارگران کارخانه «فروآلیاژ ازنا» بیکار شدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 20 بهمن 91 آمده است : رئیس کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار لرستان از بیکاری ۱۸۰ نفر از کارگران کارخانه فروآلیاژ ازنا خبر داد و خواستار بازگشت به کار این کارگران شد.
به گزارش خبرنگار ایلنا از خرم آباد، محمد حسن موسیوند در مراسم افتتاح دفتر جامعه اسلامی کارگران لرستان، با اعلام اخراج ۱۸۰ کارگر کارخانه فروآلیاژ ازنا، گفت: با وجود اینکه مقرر شده است تا این کارگران به کار خود بازگردند. اما متاسفانه تا کنون این امر محقق نشده است و با توجه به مشکلات اقتصادی جامعه کارگری انتظار داریم از جانب مقامات کارگری با وزرات کار رایزنی انجام شود.

موسیوند در ادامه با اشاره به فقدان امنیت شغلی در برخی از واحدهای تولیدی این استان، اظهار کرد: زمانی که کارگری امنیت شغلی نداشته باشد ابتکار و نوآوری وی نیز تضعیف می‌شود.
دبیر جامعه اسلامی کارگران لرستان با بیان اینکه افزایش کمی و کیفی تولید ملی در گرو حمایت و تضمین امنیت شغلی کارگران است، افزود: با ارائه سرمایه در گردش به تولیدکننده می‌توان امنیت شغلی کارگران را برای حمایت از تولید ملی تأمین کرد.

بازنشستگی کارگران با حداقل حقوق

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 20 بهمن 91 آمده است : دبیر خانه کارگر غرب تهران ضمن تایید خبر انحلال کارخانه ایران پویا تصریح کرد: طبق نامه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی کارخانه ایران پویا از دیروز منحل اعلام شده است.
سهراب قنبری با بیان اینکه بعد از انحلال این کارخانه، اختیارات کارخانه و کارگران آن به مدیر تسویه واگذار شده است، اظهار داشت: مدیر تسویه این اختیار را دارد که در مورد به فروش رساندن اموال منقول و غیر منقول کارخانه و همچنین تکلیف نهایی کارگران و بدهی‌ها کارخانه تصمیم گیری کند.
او با انتقاد از اخراج تعداد زیادی از کارگران کارخانه ایران پویا افزود: کارگران رسمی که دارای شرایط بازنشسته شدن نیستند حتی اگر با مدیر تسویه مشکلی نداشته باشند، با سازمان تامین اجتماعی به مشکل بر خواهند خورد.
او اضافه کرد: سازمان تامین اجتماعی برای بازنشسته شدن کارگری که یک روز سابقه کار هم کم داشته موافقت نمی‌کند.
این فعال کارگر ادامه داد: شرایط بازنشسته شدن با سوابق ۲۵ سال به شرط جایگزینی نیروهای جدید است و برای کارگاهی که منحل شده جایگزینی معنی ندارد.
او همچنین گفت: بازنشسته شدن این کارگران صرفا با درج سوابق دو سال آخر با بیمه بیکاری به زیان آنان خواهد بود چرا که این کارگران با حداقل حقوق بازنشسته می‌شوند.
قنبری با انتقاد از تامین اجتماعی افزود: متاسفانه اخیرا سازمان تامین اجتماعی بدون دریافت مصوبه‌ای در خصوص بازنشسته کردن بیمه شدگان در هنگام دریافتی ۵ سال آخر بیمه شده را مد نظر قرار می‌دهد.

تجمع بازنشستگان ذوب آهن مقابل ساختمان مجلس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 20 بهمن 91 آمده است : بازنشستگان ذوب‌آهن با تجمع مقابل مجلس از رئیس و نمایندگان مجلس خواستند، تا دولت را مجاب به اجرای مصوبه مجلس در خصوص ادغام صندوق حمایت از بازنشستگان صنعت فولاد در سازمان تامین اجتماعی کند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، بازنشستگان ذوب‌آهن در تجمع صبح امروز (۱۵بهمن) در مقابل ساختمان قوه مقننه از رئیس و نمایندگان مجلس خواستند، تا دولت را مجاب به اجرای مصوبه مجلس در خصوص ادغام صندوق حمایت از بازنشستگان صنعت فولاد در سازمان تامین اجتماعی کند.
یکی از تجمع‌کنندگان مطرح کرد: در دهه مبارکه فجر مقابل مجلس تجمع کردیم تا نمایندگان مجلس، دولت را مجاب به اجرایی کردن مصوبه مجلس کنند.
طبق مصوبه مجلس دولت موظف است تا موسسه صندوق حمایت از بازنشستگی کارکنان فولاد را با سازمان تامین اجتماعی ادغام کند و کسری صندوق مذکور را از محل واگذاری شرکت‌های دولتی تامین کند. ولی هنوز بعد از گذشت سه سال از تصویب، این مصوبه اجرایی نشده است.

پیش‌بینی بانک مرکزی: نرخ متوسط تورم سال ۹۱ معادل ۳۲ درصد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 21 بهمن آمده است : پیش‌بینی‌ها و برآوردهای بانک مرکزی ایران نشان می‌دهد که نرخ تورم در سال ۹۱ به ۳۲ درصد خواهد رسید.
به گزارش مهر، روند نرخ تورم از فروردین تا دی ماه امسال همواره افزایشی بوده و این نرخ از ۲۱,۸ درصد ابتدای سال به ۲۸,۷ درصد در دوازده ماهه منتهی به اولین ماه زمستان ۹۱ رسیده است.
در همین حال، برآوردهای بانک مرکزی حاکی از آن است که به احتمال زیاد، نرخ تورم در دوازده ماهه منتهی به اسفندماه (متوسط سال ۹۱) به ۳۲ درصد خواهد رسید. البته برآوردهای گذشته نشان می‌داد که نرخ تورم در سال ۹۱ به ۳۷ درصد خواهد رسید اما با اتخاذ تدابیری، این رقم برآوردی تعدیل شده است.
پیش از این، بانک مرکزی نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به آذر ماه را ۲۷,۴ درصد، آبان ماه را ۲۶,۱ درصد، مهرماه را ۲۴,۹ درصد، شهریورماه را ۲۴ درصد، مردادماه ۱۳۹۱ را ۲۳,۵ درصد، تیرماه را ۲۲,۹ درصد، خردادماه را ۲۲,۴ درصد، اردیبهشت ماه را ۲۲,۲ درصد و فروردین ماه را ۲۱,۸ درصد اعلام شده بود.

صادرات داروی آمریکا به ایران به نصف تقلیل یافت

به نوشته صدای آلمان در 21 بهمن آمده است : روز جمعه (۸ فوریه/ ۲۰ بهمن) خبرگزاری رویترز به نقل از گزارش رسمی وزارت بازرگانی ایالات متحده آمریکا اعلام کرد که صادرات دارو از این کشور به ایران در سال ۲۰۱۲ به نصف تقلیل یافته است.
رویترز با استناد به این گزارش که روز جمعه انتشار یافت، خبر داد که این کاهش چشمگیر در شرایطی رخ می‌دهد که مجموع صادرات آمریکا به ایران در سال ۲۰۱۲ افزایشی ۹ درصدی را نشان می‌دهد.
گزارش رسمی وزرات بازرگانی آمریکا می‌تواند تاییدی بر گفته‌های فعالان ضد تحریم علیه ایران و وکلایی باشد که در ماه‌های اخیر بارها تاکید کرده‌اند که تحریم‌های شدید علیه ایران، دسترسی به دارو برای بسیاری از ایرانیان را با دشواری‌بسیار همراه کرده است.
مقامات آمریکا و اتحادیه اروپا بارها در صحبت‌های خود گفته‌اند که تحریم‌ها علیه ایران "هوشمند" هستند تا شهروندان عادی ایران متحمل زیان نشوند. با این‌حال تحریم‌های گسترده بانکی علیه ایران، خرید و واردات دارو را بسیار مشکل ساخته و نرخ دارو را چندین برابر کرده است.
در دی ماه سال جاري، شهاب‌الدین صدر، رئیس سازمان نظام پزشکی کشور در نشست شورای عالی سیاست‌گذاری اعلام کرد که بسیاری از بیمارستان‌های دولتی ایران در آستانه‌ورشکستگی قرار گرفته‌اند و تنها حدود ۱۱ درصد جمعیت کشور از خدمات بیمه درمانی برخوردارند.
خبرگزاري‌های داخلی در ماه‌های اخیر گزارش دادند که به دلیل تحریم و گرانی ناشی از آن، سرم، داروهای ویژه‌ی بیماران قلبی و مبتلا به فشار خون و داروهای بیماران مبتلا به ام اس و صرع و بیماران کلیوی در کشور نایاب شده یا افزایش قیمتی سرسام‌آور یافته‌اند.
غلامرضا غزنوي، رئیس انجمن دندانپزشکان ایران نیز اعلام کرد که با افزایش نرخ خدمات دندانپزشکی به دلیل گراني‌های ناشی از تحریم تجهییزات، میزان مراجعه بیماران به دندانپزشکان به سرعت کاهش یافته است.

گندم در صدر خریدهای ایران از آمریکا
گزارش رسمی وزارت بازرگانی آمریکا می‌گوید مجموع صادرات آمریکا به ایران در سال ۲۰۱۲ به بیش از ۲۵۰ میلیون دلار رسیده است. این رقم در سال ۲۰۱۱، کمی بیشتر از ۲۲۹ میلیون دلار بود.
بنا به این گزارش، عمده ۹ درصد افزایش صادرات به ایران مربوط به افزایش خرید گندم و سایر غلات از سوی جمهوری اسلامی ایران بوده است. بنا به گزارش وزارت بازرگاني، ایران در سال ۲۰۱۲ بیش از ۸۹ میلیون دلار گندم از این کشور خریداری و وارد کرده است.
بنا به این گزارش، صادرات برخی سبزیجات یخزده، خربزه و مواد اولیه تولید لبنیات به ایران نیز

افزایش نسبتا چشمگیری را نشان مي‌دهد. با این‌حال در بخش دارو، حتا صادرات قرص‌های ویتامین نیز با کاهش چشمگیری مواجه شده است.
در بخش محصولات پزشكي، صادرات وسایل و تجهییزات پزشکی و جراحی اندکی افزایش را نشان مي‌دهد. ایران در سال ۲۰۱۱، مجموعا ۶,۵ میلیون دلار تجهییزات جراحی و پزشکی از آمریکا خریداری کرده بود. این رقم در سال ۲۰۱۲ به ۷,۶ میلیون دلار رسیده است.

اعتراض اتحادیه روزنامه نگاران بریتانیا به بازداشت روزنامه نگاران ایرانی

برپایه گزارش رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 21 بهمن آمده است : در ادامه واکنش ها به بازداشت روزنامه نگاران و سرکوب مطبوعات در ایران، اتحادیه روزنامه‌نگاران بریتانیا از روزنامه‌نگاران ایرانی در بند اعلام حمایت کرده است.
به گزارش بی بی سي، اتحادیه روزنامه‌نگاران بریتانیا در بیانیه‌ای از افزایش فشار بر روزنامه‌نگاران ایران در ماه‌های مانده به انتخابات ریاست جمهوری ایران ابراز نگرانی کرده است.
ماموران امنیتی جمهوری اسلامی در روزهای گذشته و در موج جدیدی از دستگیري‌ها، ۱۶ نفر دیگر از روزنامه‌نگاران ایرانی را بازداشت کرده‌اند.
در بیانیه اتحادیه روزنامه‌نگاران بریتانیا آمده است که این بازداشت‌ها برای ارعاب رسانه‌های ایران در ماه‌های قبل از انتخابات این کشور است.
فدراسیون بین‌المللی روزنامه‌نگاران هم از این بیانیه حمایت کرده است.
ریحانه طباطبایي، میلاد فدایی اصل، سلیمان محمدي، ساسان آقایي، نسرین تخیري، جواد دلیري، امیلی امرایي، نرگس جودکي، صبا آذرپیک، پوریا عالمي، پژمان موسوي، اکبر منتجبي، کیوان مهرگان، حسین یاغچي، و فاطمه ساغرچی از جمله روزنامه نگارانی هستند که اخیرا بازداشت شده‌اند.
ماموران امنیتی با یورش به چهار روزنامه بهار، شرق، اعتماد، آرمان و هفته نامه آسمان تعدادی از این روزنامه‌نگاران را بازداشت کردند و برخی از آنها نیز در منازل خود یا در خیابان دستگیر شدند. اغلب روزنامه‌نگاران بازداشتی تاکنون از حق دسترسی به وکیل یا ملاقات با خانواده خود محروم بوده اند و برخی از آنها توانسته‌اند تماس کوتاه تلفنی با منزل داشته باشند.
با اینکه قاضی پرونده به برخی از خانواده‌های روزنامه‌نگاران زندانی وعده داده بود که با سپردن وثیقه آنها آزاد خواهند شد، اما با گذشت چند روز از تودیع وثیقه‌ها هنوز هیچ تصمیمی برای آزادی آنها گرفته نشده است.

کشته شدن دو کارگر در تهران

به نوشته سایت آفتاب در 21 بهمن 91 آمده است : کارگر ساختمانی ۲۷ ساله‌ای بر اثر حادثه ریزش دیواره محل گودبرداری در شمال پایتخت زیر آوار مدفون شد و جان سپرد.
همچنین بر اثر آتش‌سوزی کارخانه‌ای در شرق تهران در روز جمعه کارگر دیگری بر اثر سوختگی شدید جان خود را از دست داد.
به گزارش ایلنا، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران درباره حادثه ریزش دیواره محل گودبرداری در شمال پایتخت و محبوس شدن یک کارگر در زیرآوار حدود ظهر جمعه (۲۰ بهمن) گفت: متاسفانه علي‌رغم تلاش آتش‌نشانان کارگر افغان ۲۷ ساله در این حادثه جان سپرد.
سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران با اشاره به آتش‌سوزی یک کارخانه در شرق تهران گفت: در پی این حادثه یک کارگر در آتش سوخت و ۲ آتش‌نشان نیز مصدوم شدند.
سید جلال ملکی افزود: حوالی ظهر جمعه وقوع یک فقره آتش‌سوزی در یک کارخانه در شرق تهران گزارش شد که به دلیل گستردگی آن چند ایستگاه به محل حادثه اعزام شدند.
وی با اشاره به اینکه این این آتش‌سوزی پس از ساعت‌ها تلاش ماموران اطفا شد تصریح کرد: در این حادثه ۲ تن از ماموران آتش‌نشانی مصدوم شدند و آتش‌نشانان پس از اطفای حریق و ورود به کارخانه، با جسد سوخته یک کارگر رو به رو شدند

گازگرفتگی جان کارگر ۱۹ ساله را گرفت

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا 21 بهمن 91 آمده است :کارگر ۱۹ ساله‌ای در یک ساختمان ۵ طبقه درحال ساخت در منطقه سردار جنگل تهران، جان خود را از دست داد.
به گزارش ایلنا، در این حادثه ایستگاه ۵۵ سازمان آتش‌نشانی شهر تهران به محل حادثه واقعه در سردار جنگل ـ خیابان بهادر غربی اعزام شد.
سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهر تهران درباره این حادثه گفت: بدلیل بي‌احتیاطی و استاندارد نبودن شلنگ بخاري، گاز جان یک کارگر ۱۹ ساله را گرفت.

ورود بسیج برای نظارت بر قیمت ها

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در 21 بهمن 91 آمده است : غلامرضا مصباحی مقدم رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت: با دولت در زمینه نظارت بر قیمت ها به توافقاتی رسیدیم که بسیج را وارد عمل کنیم تا در کنار وزارت صنعت معدن و تجارت کار نظارت بر قیمت ها در کشور را اجرا کند.

افزایش ۳۰ درصدی کلاهبرداری در کشور/ تشکیل بیش از ۱۷ هزار پرونده

به نوشته سایت آفتاب در 21 بهمن 91 آمده است : سرهنگ مهرداد امیدی در تشریح اقدامات این پلیس در حوزه کلاهبرداری گفت: طی ۱۰ ماهه گذشته، هفده هزار و ۳۵۳ پرونده با موضوع کلاهبرداری مورد رسیدگی قرار گرفت که منجر به دستگیری ۶ هزار و ۸۰۰ نفر و صدور قرار تامین قضایی برای آنان شد.
وی با اشاره به اینکه پرونده های رسیدگی شده دارای ۱۷ هزار و ۱۰۰ نفر شاکی بودند، افزود: ۴۵ درصد از پرونده ها به شناسایی و دستگیری کلاهبرداران و معرفی آنان به مراجع قضایی منجر شد. ۲۱ درصد از پرونده ها قبل از صدور قرار، منجر به رضایت شاکی شد، در ۲۸ درصد پرونده ها نیز کلاهبرداران شناسایی و به مراجع قضایی معرفی شدند اما از حکم اتخاذ شده برای آنان بی اطلاع هستیم و ۶ درصد از پرونده ها نیز نتیجه مثبتی به دست نیامده است.

استان های رکورددار وقوع کلاهبرداری
معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهي، یادآور شد: بیشترین پرونده های کلاهبرداری به ترتیب در استان های تهران بزرگ، آذربایجان شرقي، البرز، اصفهان، مازندران و استان مرکزی تشکیل شده است.

افزایش ۳۰ درصدی کلاهبرداری در کشور
به گفته سرهنگ امیدي، در ۱۰ ماهه امسال میزان کلاهبرداری در مقایسه با مدت مشابه در سال قبل ۳۰ درصد افزایش یافته است که عمده آن مربوط به کلاهبرداری های تلفنی و پیامکي، بوده است.
وی ادامه داد: این درحالی است که میزان کشف به وقوع در جرم کلاهبرداری طی ۱۰ ماهه گذشته در مقایسه با مدت مشابه در سال قبل، ۴ درصد افزایش یافته است.

بیشترین کلاهبرداری های کشور
این مقام انتظامی در تشریح عناوین کلاهبرداری نیز گفت: ۲۴ درصد از کلاهبرداری ها در پوشش فروش املاک و وسائط نقلیه،۲۰ درصد مربوط به کلاهبرداری های تلفنی و پیامکي، ۱۰ درصد در پوشش فروش اقساطی یا پیش فروش ملک، واحدهای مسکوني، تجاری و وسائط نقلیه، ۱۶ درصد مربوط به امور بازرگانی و تجاری ، ۴ درصد مربوط به دلالی و واسطه گري، ۳ درصد مربوط به فروش اجناس بدلي، ۳ درصد مربوط به اجاره ملک، ۲ درصد کاریابی و

استخدام و بقیه شامل سایر عناوین کلاهبرداری مانند رمالي، خواستگاری و امور خیریه بود.

کلاهبرداری و گرفتن چک تضمینی از بانک
معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی در ادامه به شناسایی و انهدام اعضای یک باند کلاهبرداری در پاییز امسال خبر داد و افزود: اعضای این باند که ۳ تن بودند از طریق آگهی روزنامه ها، فروشندگان خودروهای خارجی را شناسایی و سپس با تهیه مدارک هویتی جعلي، چک تضمینی از بانک دریافت می کردند.
وی با اشاره به اینکه متهمان ارقام چک های تضمینی را تغییر می دادند، افزود: آنان چک های فوق را به فروشندگان خودروها داده و از این طریق از ۳۷ نفر کلاهبرداری کرده بودند.
به گفته سرهنگ امیدي، متهمان، معاملات را در ساعات پایانی کار بانک ها انجام می دادند تا فروشندگان با مراجعه به بانک از دستکاری ارقام چک مطلع نشوند و سپس خودروهای خریداری شده را به صورت قولنامه ای در نمایشگاه های اتومبیل به فروش می رساندند.
این مقام مسئول در پلیس آگاهی ناجا، خاطرنشان کرد: باهماهنگی مراجع قضایي، تصویر متهمان در روزنامه های کثیرالانتشار به چاپ رسید و پلیس آگاهی تهران موفق شد متهمان را از طریق اطلاعات مردمي، شناسایی و دستگیر کنند.

انهدام باند کلاهبرداری خرید و فروش آپارتمان
وی همچنین از اقدام مجرمانه یک باند دیگر که تحت عنوان خرید و فروش آپارتمان، در استان البرز کلاهبرداری کرده بودند، خبر داد و افزود: اعضای این باند که ۴ تن بودند، با راه اندازی دفتر املاک در حیدرآباد کرج، اقدام به سند سازی و فروش آپارتمان هایی می کردند که برای فروش به آنان سپرده شده بود و از این طریق یک واحد آپارتمان را به چند نفر فروخته بودند.
معاون مبارزه با جعل و کلاهبرداری پلیس آگاهی ناجا، تصریح کرد: متهمان، دسته چک های سرقتی را از سارقان می خریدند و برای معاملات از آنها استفاده می کردند و از این طریق، از ۷۰ نفر کلاهبرداری کرده بودند.
به گزارش مهر، سرهنگ امیدي، با اعلام اینکه این متهمان بالغ بر ۴ میلیارد تومان از مردم کلاهبرداری کرده بودند، یادآور شد: اعضای این باند قصد خروج از کشور را داشتند که بدلیل ممنوع خروج بودن موفق نشدند و سرانجام در شهرهای مختلف کشور شناسایی و دستگیر شدند.

اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر نورد لوله صفا با تحقق خواست کارگران به پایان رسید.

به گزارش سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 21 بهمن 91آمده است : اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر نورد لوله صفا با تحقق خواسته هایشان توسط کارفرما به پایان رسید.
به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران به دنبال اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا که از عصر روز یکشنبه ۱۵ بهمن ماه در اعتراض به خلف وعده کارفرما در عمل به جدول بندی توافق شده برای پرداخت دستمزدهای معوقه آغاز شده بود، کارگران این کارخانه تا عصر روز سه شنبه ۱۷ بهمن ماه به اعتصاب خود ادامه دادند. بر اساس این جدول بندی مقرر شده بود ۱۵ بهمن، یکماه از شش ماه دستمزد معوقه این کارگران به حساب شان واریز شود اما با فرا رسیدن روز ۱۵ بهمن از آنجا که هیچ پولی به حساب این کارگران واریز نشد آنان بلافاصله دست به اعتصاب زدند.
بنا بر این گزارش با تداوم اعتصاب کارگران و ایستادگی آنان برای تحقق خواست شان، کارفرمای کارخانه نورد لوله صفا به ناچار عصر روز سه شنبه ۱۷ بهمن ماه یکماه از دستمزد معوقه آنان را به حساب شان واریز کرد و کارگران نیز به اعتصاب خود پایان داده و بر سر کارهایشان بازگشتند.

مرگ سه کارگر در یک روز در اثر نبود امکانات ایمنی

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا 21 بهمن 91 آمده است : کارگر ۱۹ ساله‌ای در یک ساختمان ۵ طبقه درحال ساخت در منطقه سردار جنگل تهران، جان خود را از دست داد.
به گزارش ایلنا، در این حادثه ایستگاه ۵۵ سازمان آتش‌نشانی شهر تهران به محل حادثه واقعه در سردار جنگل ـ خیابان بهادر غربی اعزام شد. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهر تهران درباره این حادثه گفت: بدلیل بي‌احتیاطی و استاندارد نبودن شلنگ بخاري، گاز جان یک کارگر ۱۹ ساله را گرفت.
در خبری دیگر کارگر ساختمانی ۲۷ ساله‌ای بر اثر حادثه ریزش دیواره محل گودبرداری در شمال پایتخت زیر آوار مدفون شد و جان سپرد. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران درباره حادثه ریزش دیواره محل گودبرداری در شمال پایتخت و محبوس شدن یک کارگر در زیرآوار حدود ظهر جمعه (۲۰ بهمن) گفت: متاسفانه علي‌رغم تلاش آتش‌نشانان کارگر افغان ۲۷ ساله در این حادثه جان سپرد.
همچنین بر اثر آتش‌سوزی کارخانه‌ای در شرق تهران در روز جمعه کارگر دیگری بر اثر سوختگی شدید جان خود را از دست داد. سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران با اشاره به این آتش‌سوزی گفت: در پی این حادثه یک کارگر در آتش سوخت و ۲ آتش‌نشان نیز مصدوم شدند. سید جلال ملکی افزود: حوالی ظهر جمعه وقوع یک فقره آتش‌سوزی در یک کارخانه در شرق تهران گزارش شد که به دلیل گستردگی آن چند ایستگاه به محل حادثه اعزام شدند.
وی با اشاره به اینکه این این آتش‌سوزی پس از ساعت‌ها تلاش ماموران اطفا شد تصریح کرد: در این حادثه ۲ تن از ماموران آتش‌نشانی مصدوم شدند و آتش‌نشانان پس از اطفای حریق و ورود به کارخانه، با جسد سوخته یک کارگر رو به رو شدند

پایان موفقیت آمیز تجمع ۸۰۰ کارگر شرکت فراساحل پس از ۹ روز

به گزارش سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 21 بهمن آمده است : تجمع ۸۰۰ کارگر پیمانکار شرکت فرا ساحل صبح چهارشنبه پس از نه روز اعتراض با موفقیت به پایان رسید.
به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال اعتصاب و تجمع ۸۰۰ کارگر پیمانکاری شرکت فرا ساحل در روز دوشنبه نهم بهمن ماه و تعطیلی کار از سوی کارفرما تا روز شنبه ۱۴ بهمن و سپس ادامه اعتصاب و تجمع این کارگران در روز یکشنبه ۱۵ بهمن ماه، کارفرما به کارگران اعتصابی وعده داد روز چهارشنبه ۱۸ بهمن دستمزد معوقه آنان را پرداخت خواهد کرد و آنان نیز با این اولتیماتوم که چنانچه روز چهارشنبه دستمزدشان پرداخت نشود بار دیگر اعتصاب را از سر خواهند گرفت به اعتصاب خود پایان دادند.
بنا بر این گزارش صبح روز چهارشنبه از آنجا که پولی به حساب کارگران واریز نشده بود آنان بنا بر اولتیماتومی که قبلا داده بودند از اول صبح دست به تجمع زدند و خواهان پرداخت دستمزد معوقه خود شدند. بدنبال این تجمع نماینده های شرکتهای پیمانکاری مجموعه شرکت فراساحل به کارگران اعلام کردند تا ۹ صبح دستمزدشان پرداخت خواهد شد.
بنا بر این گزارش با فرا رسیدن ساعت ۹ صبح یکماه دستمزد معوقه کارگران به حساب شان واریز گردید و آنان بر سر کارهایشان بازگشتند. کارگران همچنین خواهان پرداخت دستمزد آبانماه خود نیز بودند که در این رابطه مسئولین مربوطه پرداخت دستمزد آبان را طی روزهای آینده به کارگران وعده دادند.
لازم به یادآوری است در مجموعه شرکت بزرگ صدرا در بوشهر که شرکت فراساحل یکی از اصلی ترین بخشهای آن است دستمزد دو ماه کارگران بطور معمول نزد پیمانکار تا زمان تصفیه حساب کارگران باقی می ماند و این دو ماه عملا جزو دستمزد معوقه کارگران به حساب نمی آید.

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون روند تعیین حداقل دستمزدها

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 21 بهمن آمده است : امسال با نزدیک شدن به اسفند ماه مسئله افزایش دستمزد کارگران بطور کم سابقه ای در مرکز توجه کل جامعه و افکار

عمومی قرار گرفته است. اینروزها همه چشمها به حل معضل معیشت کارگران بمثابه اصلی ترین چالش فی مابین دولت و کارفرمایان از یک سو و میلیونها کارگر از سوی دیگر دوخته شده است چرا که با چندین برابر شدن هزینه های زندگی در یک سال گذشته، مسئله معیشت به اصلی ترین دغدغه اکثریت عظیم مردم ایران نیز تبدیل شده است و همگان میدانند که در این میان میزان حداقل دستمزد کارگران تعیین کننده ترین معیار در حل این مسئله و یا عدم حل آن خواهد بود.
اما تا آنجا که به تعیین میزان حداقل دستمزدها و نقش و وظیفه تشکلهای به اصطلاح قانونی و رسمی همچون کانون عالی شورای اسلامی و کانون عالی انجمنهای صنفی و نماینده هایشان در شورایعالی کار مربوط میشود به نظر میاید اینان امسال را با سالهای گذشته بشدت اشتباه گرفته اند و چنین می پندارند که میتوانند با براه انداختن موج عظیمی از تبلیغات در راستای چند و چون میزان حداقل دستمزدها، میلیونها کارگر ساقط شده از هستی را در واپسین روزهای اسفند ماه وادار به تمکین به افزایش ناچیز دستمزدها بنمایند. اینان نیک میدانند که بویژه امسال ما کارگران با توجه به تورم افسار گسیخته ای که سر تا پای جامعه را فرا گرفته است براحتی به روال تاکنونی تعیین حداقل دستمزدها تن نخواهیم داد به همین دلیل نیز هر کدام به نوبه خود و تحت عنوان تشکلهای قانونی!! هر روز و هر لحظه در حال ارائه آمار و ارقام و جداول مختلف برای اعلام دستمزد واقعی کارگران هستند. یکی اجرای ماده ۴۱ قانون کار را پیش میکشد و آن دیگری مبلغ یک میلیون و هشتصد هزار تومان را به عنوان سبد هزینه یک خانوار چهار نفره اعلام میکند. اما هر کدام از این نهادها و نماینده هایشان در شورایعالی کار وقتی صحبت از قطعیت درصد احتمالی افزایش دستمزدها به میان می آید افزایش ۲۰ و حداکثر ۲۵ درصدی دستمزدها را جار میزنند و با یاد کردن از آن به عنوان موفقیتی بزرگ و حاصل تلاشهای شبانه روزیشان در شورایعالی کار، سعی در جا انداختن چنین میزانی از افزایش دستمزدها در میان ما کارگران میکنند و ریاکارانه ژست قهرمانانی را بخود میگیرند که لشگر عظیم کارگران را در شورایعالی کار نمایندگی کرده اند.
اما از نظر ما کارگران، اگر واقعیت این است که امروز سبد هزینه یک خانوار چهار نفره کارگری یک میلیون و هشتصد هزار تومان است و اگر واقعیت این است که قانونی وجود دارد و دستمزد کارگران می باید بر اساس تورم واقعا موجود و سبد هزینه یک خانوار چهار نفره تعیین بشود آنوقت معلوم نیست که چرا و بر اساس کدامین قانون و معیاری می باید بدیهی ترین حقوق انسانی ما کارگران بمثابه اکثریت عظیم مردم ایران در خشن ترین و ضد قانونی ترین شکلی زیر پا گذاشته شود و دستمزد ما با افزایش ۲۰ الی ۲۵ درصدی، معادل یک سوم زیر خط فقر تعیین گردد. چنین حقی را بدون تردید هیچ کارگری نه به دولت و نه به نماینده های خود خوانده ضد کارگری در شورایعالی کار نداده است و نخواهد داد.

کارگران و همکاران در سراسر کشور
سی هزار امضای ما کارگران برای افزایش فوری دستمزدها بر اساس ماده ۴۱ قانون کار و اجرای بی کم و کاست آن بر روی میز شورایعالی کار قرار دارد. اگر قانونی وجود دارد آن قانون همانا زندگی ما و خواست مشروع مان برای افزایش واقعی دستمزدهاست. افزایش ۲۰ درصدی و حداکثر ۲۵ درصدی دستمزدها که امروزه و در آستانه اسفند ماه نماینده های خود خوانده ضد کارگری در شورایعالی کار در حال زمینه سازی برای تحمیل آن بر ما کارگران هستند نه تنها ذره ای از قدرت خرید از دست رفته ما را در طول یکسال گذشته جبران نخواهد کرد بلکه با سیر صعودی افزایش قیمتها که هر روزه شاهد و ناظر آن هستیم ما در همان روزهای پایانی اسفند ماه با شرایط بسیار مشقت بارتری نیز نسبت به همین امروزمان مواجه خواهیم شد.
خواست ما کارگران برای افزایش دستمزدها باید توسط خود ما نمایندگی شود، نباید هیچ امیدی به کسانیکه از همین الان افزایش ۲۰ درصدی دستمزدها را کوک کرده اند و طی ماههای گذشته در جمع آوری طومار اعتراضی ما کارگران سنگ اندازی نموده و با مصادره آنها در کارخانه ها در مقابل ما کارگران قرار گرفته اند ذره ای امید بست. باید در تداوم طومار سی هزار نفری مان در صفی متحد و همبسته به میدان آمد و بطور قاطعانه ای خواهان افزایش دستمزدها بر اساس تامین شرافتمندانه سبد هزینه یک خانوار چهار نفره شد.
بر این اساس از نظر ما کارگران و به عنوان تضمین حداقلی از امکان برای بقا، میزان دستمزدها می باید تا چندین برابر سقف کنونی آن و حداقل به میزان یک میلیون و پانصد هزار تومان در قدم اول افزایش پیدا کند.
این خواست فوری ما کارگران در سراسر ایران است و ما در ادامه اعتراضات خود برای افزایش واقعی دستمزدها و تحقق دیگر مطالباتمان که از یازدهم اردیبهشت ماه امسال با جمع آوری طوماری سی هزار نفری آنرا آغاز کرده ایم لحظه ای در دفاع از حقوق انسانی خود درنگ نخواهیم کرد و با تشدید اعتراضاتمان اجازه نخواهیم داد با افزایش فقط ۲۰ درصدی دستمزدها حقوق قانونی

و انسانی ما کارگران بمثابه اکثریت عظیم مردم ایران در خشن ترین و ضد قانونی ترین شکلی لگدمال گردد.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – ۲۱ بهمن ماه ۱۳۹۱

نظرسنجی گالوپ: اکثر ایرانیان آمریکا را بابت فشار اقتصادی تحریم‌ها مقصر می‌دانند

به نوشته سایت بی بی سی در تاریخ 21 بهمن آمده است : بنا به گزارش تازه موسسه نظرسنجی گالوپ اکثریت ایرانیان معتقدند که تحریم‌های نفتی و مالی وسیع اعمال شده از طرف ایالات متحده و اتحادیه اروپا، به همراه تحریم‌های محدودتر شورای امنیت سازمان ملل تاثیر قابل ملاحظه‌ای بر زندگی ایرانیان گذاشته است.
از این میان ٥٦ درصد گفته‌اند که این تحریم‌ها بر زندگی همه ایرانیان اثر زیادی گذاشته و ٤٨درصد گفته‌اند که زندگی خودشان تحت تاثیر قرار گرفته است.
تنها ١٤درصد از شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی اعلام کرده‌اند که زندگی خودشان مطلقا تحت تاثیر تحریم‌ها قرار نگرفته است.
این نظرسنجی در دی ماه سال جاري، به صورت تلفنی و با جامعه نمونه‌ای هزار نفري، از میان ایرانیان بالای ۱۵ سال، انجام گرفته است.
ایالات متحده و اتحادیه اروپا به دلیل مناقشه بر سر برنامه هسته‌ای ایران تحریم‌های وسیع یک‌جانبه‌ای علیه نظام بانکی و صنعت نفت و گاز ایران وضع کرده‌اند. آنان ایران را متهم مي‌کنند که مخفیانه قصد ساخت تسلیحات هسته‌ای دارد، اتهامی که ایران به شدت آن را رد مي‌کند.

برنامه هسته‌ای ادامه یابد؟
گزارش تازه گالوپ مي‌گوید که ٦٣درصد از شرکت‌کنندگان در نظرسنجی گفته‌اند به رغم ابعاد تحریم‌های وضع‌شده علیه ایران، خواهان ادامه برنامه هسته‌ای ایران هستند.
تنها ۱۷درصد از پاسخ‌دهندگان گفته‌اند که ایران باید برنامه هسته‌ای خود را متوقف کند.
از میان ایرانیان شرکت‌کننده در نظرسنجی گالوپ نزدیک به نیمی از آنان، یعنی ٤٧ درصد، ایالات متحده آمریکا را بابت تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران مسئول دانسته‌اند. ۱۰درصد نیز گفته‌اند مسئولیت این تحریم‌ها متوجه حکومت ایران است.
علاوه بر این اسرائیل (۹درصد)، "کشورهای اروپای غربی" (۷درصد) و سازمان ملل متحد (۷درصد) از گزینه‌های دیگری هستند که شرکت‌کنندگان در نظرسنجی مسئول تحریم‌ها قلمداد کرده‌اند.
تحریم‌های اعمال‌شده علیه ایران مبادلات تجاری و نقل و انتقالات مالی را برای ایران به قدری دشوار کرده است که ایران اقدام به تشکیل کلیک "کمیته مبادله کالا با نفت" کرده است.
آیت‌الله علی خامنه‌اي، رهبر ایران، در اظهار نظری این تحریم‌ها را کلیک "وحشیانه" خوانده است.
مقامات ایرانی بر سر شدت تاثیر تحریم‌ها بر اقتصاد ایران اتفاق نظر ندارند. قدرت‌های غربی مي‌خواهند با اعمال این تحریم‌ها ایران را از ادامه برنامه هسته‌ایش منصرف کنند.

یکي ازهماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سي‌هزار نفره کارگران: مسئولان بی توجهند

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 22 بهمن 91 آمده است : پروین محمدی کارگر بازنشسته کارخانه صنایع فلزی شماره دو که پیش از بازنشستگی سابقه بیش از ده سال فعالیت به نمایندگی از کارگران این کارخانه را داشته است، از تاریخ ۲۵ تیر ماه ۱۳۹۰ به عضویت و منصبِ نائب ریاستِ هیأت مدیره اتحادیهِ آزادِ کارگرانِ ایران انتخاب شده است.
محمدی یکي از فعالینِ کارگری است که طومارِ اعتراضی ۳۰۰۰۰ نفره را در ابتدا به اعتراض به

عدمِ تناسبِ حداقل دستمزد با هزینه معیشتی و سپس به اعتراض به طرح قرون وسطایی استاد - شاگردی و "اصلاحیه ضد کارگری قانون کار " وزارت کار و امور اجتماعی تنظیم و هماهنگ کردند. تارنمای اتحادیه آزادِ کارگران به تاریخ ۱۴ بهمن ماه سالِ جاری متن مصاحبه‌ای که این تارنما با پروین محمدی در ارتباط با چگونگي تدوين، تنظيم و هماهنگي طومار اعتراضی ۳۰۰۰۰ نفره کارگرانِ ایران به انجام رسانده را منتشر کرده است. متنِ کاملِ این مصاحبه به شرحِ زیر است:

خانم محمدی حرکت جمع آوری طومار اعتراضی کارگران از چه زمانی و چگونه شروع شد؟
ابتکار این حرکت در پی اعلام دستمزدهای سال ۹۱ و ناهمخوانی این میزان دستمزد با سبد هزینه معیشت کارگران و تورم فزاینده قیمت مایحتاج اولیه زندگي، توسط تعدادی از کارگران عضو هئیت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران مطرح و در تاریخ ۱۱ اردیبهشت به مناسبت روز جهانی کارگر فراخوانش رو به جامعه داده شد. در پی این حرکت در روز ۲۷ خرداد ماه سال جاری اولین ۱۰ هزار امضای کارگران از کارخانجات سراسر کشور به وزارت کار و مجلس شورای اسلامی و نیز دفتر رسیدگی به شکایات مردمی ریاست جمهوری داده شد. جمع آوری امضاها متوقف نشد و در پی بی پاسخ گذاشتن مسئولین، مرحله ی دوم این طومار اعتراضی یعنی ۱۰ هزار امضای دیگر در تاریخ اول مهر ماه تحویل مسئولین ذکر شده گردید. در طی مراحل تحویل امضاهای اعتراضي، رسانه های داخلی از سایت های اینترنتی گرفته تا نشریات و روزنامه های کثیر الانتشار،پوشش گسترده ای دادند و حق به جانب بودن خواست کارگران بیش از پیش در معرض دید جامعه قرار گرفت.

آیا تاکنون از طرف نهادهای ذیربط از جمله وزارت کار و امور اجتماعی پاسخی به طومار اعتراضی کارگران داده شده است؟
متاسفانه نه تنها وزارت کار و امور اجتماعي، به اعتراض بیست هزار کارگر که در واقع خواست میلیونها کارگر را نمایندگی می کند، هیچ گونه اعتنایی ننمود،بلکه در فاصله بین تحویل ۱۰ هزار امضای اول تا تحویل مرحله دوم ،طرح قرون وسطایی استاد - شاگردی را به طور رسمی برای اجرا در سراسر کشور اعلام نمودند که از آن به عنوان "طرح نوین حل بحران بیکاری و گشایش معضل انگیزه صاحبان سرمایه جهت میل به سرمایه گذاری" نام برده شد. و بعد از تحویل ۱۰ هزار امضای اعتراضی دوم ، دولت "اصلاحیه ضد کارگری قانون کار " که مکمل طرح برده داری استاد-شاگردی است را، برای تصویب به مجلس داد.
در این بین هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی بر آن شدند تا ۱۰ هزار تای سوم از این طومار اعتراضی را کما فی سابق به دبیرخانه مجلس تحویل ندهند و در روز ۲۸ آذر ماه، جلوی مجلس شورای اسلامی دست به تحصن زدند و خواهان دیدار با رئیس مجلس و وزیر کار و نمایندگان مجلس شدند و گفتند امضاها را فقط مستقیما تحویل رئیس مجلس خواهیم داد.

در آن روز هماهنگ کننده ها توانستند به علت عدم وجود رئیس مجلس ،با نایب رئیس اول مجلس ،آقای ابوترابی دیدار داشته باشند و امضاها را مستقیما تحویل ایشان دادند و حضورا چکیده ایی از خواست کارگران را مطرح کنند و در ادامه با رئیس کمسیون اقتصادی دیداری داشتند و در کمسیون اجتماعی مجلس ،با حضور وزیر کار شرکت کردند و در انتهای جلسه ی این کمسیون توانستند اعتراضشان را به گوش وزیر کار و نمایندگان حاضر در جلسه ، برسانند و از جانب سی هزارنفری که این طومار اعتراضی را امضا کرده بودند به آنان بگویند انسان بودن و همانند انسان قرن ۲۱ زندگی کردن حق ماست و برای پیش بردن این خواست ،هر تلاشی را خواهند کرد و اجازه نخواهند داد اصلاحیه ضد کارگری قانون کار به قانون و نورم جامعه تبدیل شود و داشتن حقوق متناسب با هزینه های جاری که خط بقای آن یک میلیون و پانصد هزار تومان است را حق طبیعی خود میدانند.

شما فکر میکنید با وجود تمام تلاشی که کارگران امضا کننده انجام داده اند، مسئولین توجهی به این حرکت خواهند کرد؟ احتمالا در مسیر این حرکت اجتماعی چه سنگ اندازی هایی از طرف مخالفانش صورت گرفته است؟

در طول این حرکت کارگران امضا کننده را از بیکار شدن و از دست دادن شغل اشان ترساندند و نمایندگان دروغین کارگری شروع به لجن پراکنی و مصاحبه های متعدد با رسانه ها کردند که این افراد(هماهنگ کننده ها) هویت مشکوک دارند و تشکل رسمی نیستند و این خواست افزایش دستمزد شدنی نیست. حتی از جانب کانون عالی شورای اسلامی به زیر مجموعه هایشان دستور داده شد در کارخانجات جلوی این حرکت را بگیرند و نگذارند کارگران امضا جمع آوری کنند. درجاهایی که از دستشان در میرفت و یا زورشان نمی رسید تا کارگران را قانع کنند که این طومار اعتراضی را امضا نکنند ، امضاهای هزاران کارگر را جمع آوری کردند و به عنوان متولیان و نمایند گان دروغین کارگر به کارگران قول دادند این امضاها را به سیل بقیه امضاها برسانند. ولی بعدا متوجه شدیم ازامضاهای کارگران بعنوان وسیله ای برای گرفتن پست و ارتقای جایگاهشان استفاده کرده اند و بجای تحویل به هماهنگ کنندگان طومار اعتراضي،امضاها را به جای دیگری تحویل داده اند.
بنابر این میبینید که ظاهرا توجهی نمیکنند ولی این حرکت در شرایط و اوضاع موجود اجتماعی آنچنان بزرگ و نوبود(نو به جهت اینکه برای اولین بار از طرف کارگران یک حرکت سراسری شکل گرفت که از دست تشکل های دست ساز وزارت کار خارج بود) که نمی توانستند آن را نادیده بگیرند. همانطور که از موارد بالا معلوم میشود از همان لحظات اولیه شکل گیری این حرکت ،به جنب و جوش افتادند تا این حرکت را خفه کنند و طبق خبرهای رسیده در شورای عالی کار نیز از این حرکت مستقل انجام گرفته صحبت شده و گفته اند امسال نمی توانند خواست کارگران و مشخصا این ۳۰ هزار نفر امضا را جدی نگیرند و باید پاسخ در خوری پیدا کنند.
در ادامه این حرکت و پیگیری خواست های امضاکنندگان طومار اعتراضي، شما هماهنگ کنندگان چه برنامه هایی در پیش دارید؟
وضعیت تورم و روند رو به رشد افسار گسیخته افزایش قیمت کالاها که هیچ توقفی برایش قابل تصور نیست، وضعیت معیشت و بقای ما کارگران را بیش از هر زمان دیگری به خطر انداخته است. بنابر این امسال روند اعلام دستمزد، نمی تواند همانند روال سالهای قبل ادامه پیدا کند. حقوق ۳۹۰ هزار تومانی آنچنان فاصله ی مضحکی از هزینه یک خانوار ۴ نفره کارگری گرفته است که نمی تواند مبنایی برای افزایش دستمزد سال بعد باشد.
بنابراین هرمیزان درصد افزایشی براین حقوق ۳۹۰ هزار تومانی بی معنا خواهد بود، چرا اگر ۱۰۰ درصد هم اضافه کنند باز به رقم یک سوم خط فقر میرسیم که پاسگوی جامعه نیست. همانطور که تمام کالاها از ارز تبعیت میکنند، مزد ما کارگران نیز باید با نوسانات ارز محاسبه گردد، چرا که ما سالهاست با ریال حقوق میگیریم و با دلار خرج میکنیم.
ولی در سالهای قبل اینقدر ارز در نوسان و با رشد سرسام آور رو به رشد نبود و مسئولین میتوانستند با یک رقم دلبخواهی از آمار رشد تورم در آخر سال، سرو ته افزایش دستمزد را به هم ببافند. ولی امسال مثل همه چیز بازار فرق کرده و از فاکتورهای جهانی تبعیت میکند باید درآمد ما کارگران هم از همان فاکتورها تبعیت کند و قدرت خرید متناسب بازار موجود را به ما برگردانند.
ما از ابتدای امسال بر ناهماهنگی دریافتی و مزد کارگران با هزینه های جاری ،پای فشردیم و یکی از خواسته های اساسی و محوری طومار اعتراضی کارگران خواست افزایش دستمزد متناسب با تورم واقعا موجود بوده است و اکنون که ماههای پایانی سال است و شورای عالی کار، طبق روال همه ساله جلسات به اصطلاح" تخصصی" خود را آغاز کرده، ما هماهنگ کننده های طومار اعتراضی برای پیگیری و رسیدن به خواستهای برحق خود، در روز ۸ بهمن به استانداری رفتیم و خواهان صدور مجوز تجمع بزرگ کارگری در ۲۸ بهمن ماه در مقابل وزارت کار در خیابان آزادی شدیم.

تحصن جمعی از کشاورزان اصفهانی در اعتراض به قطع آب زاینده رود

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در تاریخ 22 بهمن آمده است : جمعی از کشاورزان منطقه شرق اصفهان در اعتراض به قطع آب زاینده رود تحصن کرده اند.
معترضان به بی بی سی فارسی گفته اند که از زمانی که مدیریت آب زاینده رود به شهر کرد

واگذار شده نه تنها آب زاینده رود قطع شده، بلکه کشاورزان منطقه هم بیکار شده اند.
کشاورزان در سال های اخیر در اعتراض به شیوه انتقال آب زاینده رود به کاشان، یزد، گلپایگان و کرمان و خشک شدن آب منطقه، تحصن ها و تجمعات مختلفی برگزار کرده اند.
اردیبهشت سال گذشته نیز کشاورزان اصفهانی با تحصن شبانه روزی خواستار بازگشایی آب زاینده رود شده بودند.
آقای صادقی یکی از کشاورزان گفته است که انتقال نادرست آب زاینده رود به شهرهای کاشان، یزد و گلپایگان عملا باعث نابودی کشاورزی در این منطقه شده است.
به گفته او انتقال نادرست آب زاینده رود باعث کاهش چشمگیر آب و مختل شدن اکولوژی منطقه و خشک شدن باتلاق گاوخونی می شود.
آقای صادقی می گوید که امسال کشاورزان منطقه شرق اصفهان دوباره دچار خشکسالی شده اند و به همین دلیل حدود ۲۰ روز است که در مناطق ورودی شهر اصفهان دست به تحصن زده اند. به گفته او مسئولان مربوطه پاسخی در این زمینه نداده اند.
غلامحسین حیدرپور، معاون حفاظت و بهره‌برداری آب منطقه‌ای استان اصفهان خردادماه سال جاری گفته بود که میزان ذخایر آب اصفهان به دلیل خشکسالی پنج سال گذشته به پایین‌ترین مقدار خود در چهل سال اخیر رسیده است و به همین دلیل خروجی آب از دریچه‌های سد زاینده رود کاهش یافته و تا چند روز دیگر رودخانه زاینده رود به طور کامل خشک خواهد شد.
برخی از کارشناسان محیط زیست، چند سال گذشته را از نظر آسیب رسیدن به منابع طبیعی و محیط زیست برای ایران "فاجعه بار" توصیف کرده اند.

آتش سوزی در یک انبار مواد شیمیایی جان یک کارگر را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا از در تاریخ 23 بهمن آمده است : به گزارش ایلنا، حادثه آتش سوزی در یک انبار موادشیمیایی در جاده دماوند، خیابان سازمان آب باعث مرگ یک کارگر و مصدومیت دو مامور امداد و نجات شد.
براساس این گزارش، سوله ۸۰۰ متری که انبار بزرگ از کالا و لوازم و تجهیزات سریع الاشتعال مثل الکل، چوب و دیگر موادشیمیایی بود، دچار آتش سوزی شد که علاوه بر مصدومیت دو مامور آتش نشانی یک کارگر به سبب استنشاق دود و مواد سمی جان خود را از دست داد.
گفتنی است بنابر اظهارات همکاران کارگر مقتول، ۵ کارگری که داخل سوله فعال بودند در میان دود و آتش انبار محبوس شده بودند که با حضور گروه‌های امداد در لحظات اولیه آتش سوزی به بیرون منتقل شدند و از میان دو نفر از این کارگران که علائم حیاتی در آنان دیده نمي‌شد، یکی از آنان نجات یافت و دیگری براثر شدت استنشاق دود و گازهای سمی دچار خفگی شده و جان خود را از دست داد.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس:
تغییر در قانون کار تنها با تضمین امنیت شغلی کارگران ممکن است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران – ایلنا/تبریز از در تاریخ 23 بهمن 91آمده است : عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی تأکید کرد هرتغییری در قانون کار باید امنیت شغلی کارگران را تامین و از تولید حمایت کند.

به گزارش خبرنگار ایلنا در تبریز، محمد اسماعیل سعیدی که در جشن سی و چهارمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی در محل مرکز آموزش خانه کارگر تبریز سخن می‌گفت با اشاره به اصلاح قانون کار اظهار داشت: هر طرح و لایحه‌ای که به مجلس جهت بررسی می‌آید برای ما اهمیتش آن است که امنیت شغلی ایجاد کند و برای تولید مفید باشد.

عضو کمیسیون اجتماعی مجلس در بخش دیگری از سخنانش اظهار کرد: یکی از موضوعات بحث هدفمندی یارانه هاست که دیدگاه مجلس در این زمینه بر اساس کارکارشناسی انجام شده و به این جمع بندی رسیده که هدفمندی یارانه‌ها در مرحله اول در بخشی ناقص اجرا

شده و با توجه به شرایط اقتصادی فعلی و فقدان ثبات اقتصادی، نوسانات ارزی، تحریم‌ها، تورم و مشکلات معیشتی مردم به این نتیجه رسیده اجرای مرحله دوم متوقف شود و اجرا زمانی آغاز شود که تکلیف بحث تحریم‌ها روشن شده ونوسانات ارزی کنترل و ثبات اقتصادی ایجاد شود.

نماینده تبریز گفت: کارشناسان دولت ومجلس شورای اسلامی در حال بررسی برای برون رفت از این موضوع بوده تا اینکه به یک جمع بندی برسند تا پایان سال ۹۲ متوقف شود.

سعیدی در مورد مسایل معیشتی مردم نیز گفت: با توجه به ارتباطاتی که با مردم داریم مشکلات معیشتی جدی است و تورم قابل انکار نیست و با توجه به جلسات مشترکی که بین دولت و مجلس شورای اسلامی برگزار شده مقرر است تا بسته‌های حمایتی در اختیار مردم قرار گیرد تا از فشار مضاعف بر قشر محروم جامعه کاسته شود.

پایان پیام

نمایندگان کارگران معترض «نی بر» خوزستان بار دیگر به تهران آمدند

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا از در تاریخ 23 بهمن 91آمده است : در پی تجمع اعتراضی هفت روزه کارگران نی‌بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر و هفت تپه در مقابل نهاد ریاست جمهوری که از بامداد سوم بهمن ماه تا شامگاه روز دوشنبه ۹ بهمن ماه در مقابل ساختمان دولت ادامه داشت، نمایندگان این دو واحد تولیدی پس از گذشت ۱۴ روز و مرتفع نشدن مشکلات صفی‌شان، برای پی‌گیری وعده‌های دولت بار دیگر به تهران آمدند.
یکی از نمایندگان کارگران مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر با اعلام این خبر به ایلنا گفت: با بي نتیجه ماندن وعدهایی که مسئولان نهاد ریاست جمهوری در خصوص دریافت مطالبات صنفی به کارگران داده بودند، امروز (دوشنبه ۲۳ بهمن) طبق توافق با نمایندگانی که از سوی کارگران انتخاب و مامور رسیدگی به این موضوع شده بودند به پایتخت آمده و با حضور در دفتر نهاد ریاست جمهوری پی گیر قولهایی شدیم که در اخرین روز تجمع کارگران به ما داده شده بود.
او اضافه کرد: کارگران نی بر علاوه بر درخواست اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت منظم دستمزد و حقوق؛ خواستار تغییر ساز و کار رفع فاصله بیمه‌ای خود هستند.
این کارگر با اشاره به اینکه معوقات حقوقی کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر به دو ماه رسیده است، گفت: بعد از پایان تجمع در روز نهم بهمن ماه تا دیروز (۲۲ بهمن) با اعلام مسئولان شرکت کشت وصنعت، کار در مزارع نیشکر به بهانه تعطیلات دهه فجر و بارندگي‌های مکرر تعطیل اعلام شده بود اما امروز همه کارگران نی بر بر سر کار خود حاضر شدند.
نماینده کارگران نی‌بر کارون شوشتر با تاکید بر اینکه باید تکلیف مطالبات صنفی کارگران نی بر مشخص شود، گفت: پی‌گیری و حضور امروز ما در تهران تا این لحظه بی نتیجه بوده است و کارگرانی که در خوزستان هستند با تماس‌های مکرر با ما همچنان منتظرند خبر امیدوار کننده‌ای از سوی مسئولان دولت بشنوند.

دستگیر شدگان شهر بوکان دادگاهی شدند

بنابرخبر رسیده،از کمیته هماهنگی ... در تاریخ 24 بهمن آمده است : اعضای دستگیر شده کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در شهر بوکان دادگاهی شدند.
هادی تنومند، قاسم مصطفی‌پور، ابراهیم مصطفی‌پور وجمال مینا شیری که در تاریخ ۲۹ آذر ۱۳۹۱ درشهر بوکان و در محل کار و زندگی خود بازداشت و روانه زندان شده بودند در تاریخ ۲۳/۱۱/۱۳۹۱ دادگاهی و اتهام آن‌ها اقدام علیه امنیت کشورو عضویت در کمیته هماهنگی

اعلام شده است. همچنین محمد کریمی از دیگر دستگیر شدگان بود که به دلیل نبودن در شهر محل سکونت، دادگاهی نشد.
ما اعضای کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم کردن اتهام وارده
به اعضای کمیته هماهنگی، خواستار آزادی فوری و بی‌قید وشرط تمامی کارگران و فعالین کارگری دربند هستیم.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۲۳ بهمن ماه ۱۳۹۱

تجمع کارگران شرکت نیما سازه در سنندج

به گزارش رسیده، روز سه شنبه ۲۴ بهمن حدود ۲۰ نفر از کارگران شاغل در شرکت نیما سازه به دلیل عدم پرداخت ۲ ماه حقوق معوقه خود از ساعت ۱۳:۳۰ تاساعت ۱۵ در مقابل دفتر این شرکت تجمع کردند. این شرکت در پروژه ۱۷۲۸ واحدی شهر سنندج در زمینه ساخت مسکن مشغول به فعالیت می‌باشد.
لازم به ذکر است که این کارگران روزانه حدود ۹ ساعت کار سخت و زیان‌آور انجام می دهند که در قبال آن ماهانه مبلغی حدود ۴۲۰ هزار تومان دستمزد را دریافت می‌کنند که این مبلغ نیز از سوی مدیر پروژه آقای فرزاد سنجری تمام و کمال پرداخت نمی شود.

در مورد این اخبار نظر بدهید
یاور

برپایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده است : در یک جامعه در حال ویرانی که گرانی و تورم باعث پرواز نان از سفرهٔ مردم شده است و اکثریت بزرگی از افراد جامعه به خصوص در روستاها و اقوام کوچنده با این مبلغ ناچیز که به نام یارانه به آن‌ها پرداخت می‌شود، روزگار می‌گذرانند، شیوه وعمل کردی بسیار واپس گرایانه و پیشاسرمایه داری که از مردم افیون زده مشتی بیکار و گدا تربیت می‌کند، آن هم در حالی که با این همه ثروت‌های بیکران در کشور، می‌باید با توسعه صنعتی و تولید کالایی آن قدر پیشرفت کرده باشیم که حتا کارگران خارجی هم از سفرهٔ کار و تولید بهره‌مند گردند. ولی مدیریتی که خود را به مشتی اقتصاددان خود فروخته، امریکایی (نئولیبرالیستی) واگذار نموده است، باعث شده جوانان ما، دختر و پسر، میلیونی در انتظار کار باشند و در آرزوی شغلی که بتواند یک حداقل زندگی معمولی را برای خود تشکیل دهند. ولی برنامه‌های دولت‌های بعد از جنگ روندی به سوی بیکاری هر چند بیشتر و گرانی و تورم صد چندان افزون‌تر دارند. در این شرایط اخبار پنهان کار که رسانه‌های موجود بدان نمی‌پردازند یک سوی این ماسک بزرگ اجتماعی است. ولی اخباری که با تیترهای معمولی درحاشیه‌های رویه‌های این رسانه‌ها دیده می‌شوند، گویای غارت ثروت‌های مردم به وسیلهٔ مشتی نوبازاری و دلال سنتی خرافی است که روی دیگر این ماسک اجتماعی است. در چنین وضعیتی هیچ کس در جایگاه خود نیست و نیروهای تحصیل کرده که با خون دل و با صرفه جوئی از خوراک و پوشاک خانواده، هزینه‌های سرسام آور تحصیل را پرداخته‌اند تا شغلی با در آمدی نسبتا کافی داشته باشند، اکنون مجبورند برای گذران زندگی در سخت‌ترین شرایط به کار مشغول باشند. شما هم به این نمونه‌های زنده توجه کنید و نظرات و دیدگاه‌های خود را برای راهنمایی ما ارسال نمایید.
خبر اول:
از میان پروژه‌های نفتی پارس جنوبی
حسین مهربان اهل گچساران (دوگنبدان) لیسانس الکترونیک برق از دانشگاه آزاد شوش‌تر، فارغ التحصیل سال ۸۷، پس از دوسال خدمت نظام یک سال و ۵ ماه است که در پروژه مشغول به کار است. شغل این دانش آموخته، کارگر ساده برق کار است. در زمان شروع کار کابل کشی پروژه ایشان باید یک کابل سنگین را روی دوش بگذارد و با همیاری بقیه کارگران و سوت سرکارگر کیلومترها کابل را در کانال و ارتفاع حمل کنند و بکشند. پدر این مهندس زحمتکش جوشکار خطوط لوله شرکت نفت ایران درخوزستان بوده است. ایشان خانواده

تشکیل داده‌اند.
خبر دوم:
حمید محبی نسب اهل زاغه خرم آباد، لیسانس مکانیک (قالب ساز) از دانشگاه پارسیان قزوین، محل زندگی کوهستان‌های آکنده از جنگل‌های بلوط خرم آباد. پس از سربازی به دلیل نداشتن یک رابطه نیرومند (رانت خوار) نتوانست کاری پیدا کند که با تحصیلات و تخصص او هماهنگ باشد. از این رو اینک در یک شرکت پیمانکار دست سوم به عنوان کارگر کمکی نقاش کار می‌کند. او با اندوه وافسردگی می‌گوید: «هر چه باشد از بیکاری و سربار خانواده بودن بهتر است.»
خبر سوم:
قدم علی حیاتی از اهالی سمیرم فوق لیسانس مکانیک ماشین آلات، درحال دفاع از پایان نامه‌اش می‌باشد. تخصص در ترمودینامیک و مقاومت مصالح طراحی اجزا. از شهریور ۹۱ در پارس جنوبی در یک شرکت پیمانکاری دست سومی کارگر کمکی جوشکار ورق‌های فلزی است. شغل پدرش باغداری سیب در سمیرم بود که بر اثر خشکسالی همهٔ ۱۲۰۰ اصله درخت سیب آن‌ها از میان رفت و درآمد فعلی خانوادهٔ پدری پول یارانه هاست. قدم علی حیاتی از دانشگاه سراسری شیراز، دانشکده مکانیک در سال ۹۱ فارغ التحصیل شد. قبلا به وسیلهٔ یکی از استادانش به آموزشکده‌های کنکور معرفی شده بود که مبلغ ۲۵۰ هزار تومان می‌توانست دریافت کند (معافیت کارگاه‌های زیر ده نفر از قانون کار، هدیه جناب گفت‌وگوی تمدن‌ها به کارگران ایران مبارک باشد) ایشان به پارس جنوبی آمده‌اند تا حداقل، حقوق زیر خط فقر شامل حالشان شود.
خبر چهارم
بهنام اسدی، لیسانس مدیریت صنعتی شغل کمکی انباردار (کارگر ساده)
برادرش لیسانس جغرافیای شهری، کارگر ساده
خبر پنجم:
داود اکبردخت، کارشناس معارف اسلامی، اقتصادی، کارشناس الهیات از دانشگاه امام صادق تهران شغل اول، پیک موتوری به مدت یک سال، شغل دوم راننده تاکسی به مدت یک سال، شغل سوم راپینگ کار (بستن عایق پشم شیشه اطراف خطوط لوله) ساکن هرسین کرمانشاه.
این خبرها حاکی از وضعیت جوانان دانش آموخته و دانشگاه رفتهٔ ماست. تعداد این افراد در پروژه‌ها جایی که هنوز کار عملگی پیدا می‌شود، بسیار زیاد است. ولی آن‌ها حاضر نیستند نامشان مطرح شود یا در این مورد حرفی زده شود. دلشان خون‌تر از آن است که با انتشار این اخبار امیدی داشته باشند. در ایران درصد بالایی از مردم دیگر امیدی ندارند که از این «امامزاده» معجزه‌ای برخیزد.
خبر ششم
این خبر از دنیای از ما بهتران است «است. با توجه به اینکه سرمایه داری صنعتی کوچک در ایران نفس‌های پایانی را می‌کشد و سرمایه داری صنعتی بزرگ قبلا مصادره شده است) این خبر مربوط است به دنیای دلال‌ها و واسطه‌ها و انگل‌ها و کاسبکاران نو کیسه.
صبح اقتصاد شماره ۲۳۵۷ پنج شنبه ۱۲مرداد رویه ۵: تی‌تر خبر:» صاحبان هواپیماهای شخصی مجوز تاسیس فرودگاه می‌گیرند. «
در ادامهٔ خبر، فرودگاه‌های خصوصی موجود: فرودگاه آزادی در آبیک قزوین، فرودگاه آسمان در شهر ری، مجموعه سپهر در شمال شهر تهران...
در این صورت باید جنگل‌های شمال را نابود کنند و زمین‌های سوخته‌اش را آسفالت کنند تا آقازاده‌ها در چشم و هم چشمی بتوانند رقابت کنند. (راستی این زندگی علی گونه است؟!) و به ریش نظریه پردازان جامعهٔ بی‌طبقهٔ توحیدی و یا حکومت مستضفان بخندند. ولی مردم ایران استثنایی‌اند، در طول تاریخ جهان نشان داده‌اند. این مردم در حاشیه مناسبات ضدبشری نئولیبرالیسم (تعدیل ساختاری و خصوصی سازی) شاهد ساکت این ابعاد نجومی فاصله طبقاتی هستند. بدون اینکه ضمیر خودآگاه آن‌ها بداند، در ضمیر ناخودآگاه‌شان همهٔ این واقعیت‌ها پردازش و بررسی می‌شود که این فاصله ایجاد شده را می‌توانند به صورت فردی پر کنند یا باید با همیاری جمعی به سوی دیگر بروند.

در طول تاریخ ایران هیچ دوره‌ای نبوده، حتا در دوران حاکمیت وحشی‌ترین اقوام جنایتکار چون مغول که حتا به سگ و گربه‌های موجود در یک جامعه هم رحم نمی‌کردند، که ایرانیان در یک انفجار مردمی قوی‌ترین مناسبات سرکوب گر را سرنگون نکرده باشند. قیام سربداران خراسان و نابودی حکومت‌های مغول در آن قسمت ایران...
آری زمانی که کارد به استخوان‌ها برسد، تاریخ ناخودآگاه فرمان‌هایی صادر می‌کند که فرد تسلیم دیروز یک پارچه غوغا و قیام می‌شود. ایران سرزمین انقلابات مردمی است، از قبل از اسلام تا همین دیروز.
پارس جنوبی ۶ بهمن ۹۱
منبع: وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر

نرخ تورم در سبد معیشت خانوار کارگری ۱۵۰ درصد است

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا از در تاریخ 24 بهمن آمده است : استفاده از عبارت «افزایش حقوق کارگران» صحیح نیست زیرا دستمزد کارگران هر ساله از تورم عقب‌تر است.
در واقع کارگران به دنبال خط فقر مي‌دوند/ کارگران گمان نبرند که حقوق سربار تولید است.
کارگری که خوب حقوق مي‌گیرد بهتر هم بازدهی دارد.
عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان تهران با اشاره به ۲ برابر شدن هزینهٔ سبد معیشت خانواده‌های کارگري، بر افزایش دستمزد کارگران متناسب با تورم واقعی در کشور طبق ماده ۴۱ قانون کار تاکید کرد.
عبدالله مختاری در این باره به ایلنا گفت: قانون مي‌گوید دستمزد باید متناسب با میزان تورم واقعی تعیین شود. در ماده ۴۱ قانون کار ذکر شده است که حداقل مزد «باید به اندازه‌ای باشد تا زندگی یک خانواده» را تامین کند. پس منظور قانون گذار ، محاسبهٔ تورم در سبد هزینهٔ معیشت خانواده‌های کارگری است نه تورم به شیوه‌ای که این روزها بانک مرکزی اعلام مي‌کند.
وی ادامه داد: عجیب است که بانک مرکزي، نرخ تورم را بین ۲۰ الی ۲۵ درصد اعلام مي‌کند بعد وقتی به فروشگاه مواد غذایی مراجعه مي‌کنید مي‌بینید تمامی قیمت‌ها نسبت به سال گذشته حداقل ۲ برابر شده‌اند.
این فعال کارگری افزود: تورم فعلی کشور در سبد معیشت خانوار کارگری ۱۵۰ درصد است. برای درک این موضوع نیازی نیست جای دوری برویم. کافی است سری به فروشگاه‌های مواد غذایی بزنید تا همه چیز روشن شود.
مختاری با تاکید بر اجرای صحیح و کامل قانون اساسی و مواد حمایتی آن در رابطه با تحصیل و درمان خانواده‌های ایرانی گفت: در قانون اساسی کشور ذکر شده است آموزش و پرورش و درمان برای خانواده‌های ایرانی رایگان است. حال در زندگی یک خانوادهٔ کارگری چه میزان هزینهٔ تحصیل و درمان مي‌شود؟ چقدر برای مسکن هزینه مي‌شود؟ دولت باید طبق قانون در این موارد از کارگران حمایت کند.
او ادامه داد: همچنین دولت مي‌تواند از محل یارانه‌های عمومي، بن‌هایی که شامل کالاهای ضروری زندگی است را به کارگران اختصاص دهد تا شرایط دشوار اقتصادی را برای آنان تسهیل کند.
این فعال کارگری با انتقاد از استفادهٔ لفظ «افزایش حقوق کارگران» که در پایان هر سال مطرح مي‌شود بیان کرد: استفاده از عبارت «افزایش حقوق کارگران» صحیح نیست زیرا دستمزد کارگران هر ساله از تورم عقب‌تر است. در واقع کارگران به دنبال خط فقر مي‌دوند. تورم در طی سال افزایش مي‌یابد و کارگران با دستمزد خود که در ابتدای سال تعیین شده است باید شرایط اقتصادی که به آن‌ها تحمیل شده است را تحمل کنند تا در آستانه سال جدید دستمزد آن‌ها بار دیگر به حداقل معیارهای زندگی نزدیک شود.
عضو هیات مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان تهران در پایان اظهار داشت: کارگران گمان نبرند که حقوق سربار تولید است. کارگری که خوب حقوق مي‌گیرد بهتر هم بازدهی دارد. کارفرمایان نباید صرفا به دنبال منفعت خود باشند و باید به تولید، کارآفرینی و تامین معیشت خانواده‌های کارگران اهمیت بدهند.

گزارش خبری؛
بی‌اطلاعی سرپرست وزارت‌خانه از نتیجه مذاکرات اصلاح قانون کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا از در تاریخ 24 بهمن آمده است : در حالی که رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور به عنوان مذاکره کننده ارشد کارگری در آذرماه سال جاری صراحتا از بی‌نتیجه ماندن مذاکرات نمایندگان کارگران و کارفرمایان درباره اصلاح قانون کار سخن گفته بود و ارسال لایحه اصلاح قانون کار به مجلس را اقدامی یکجانبه از سوی دولت دانسته بود، امروز (سه‌شنبه 24 بهمن) سرپرست جدید وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که پس از برکناری عبدالرضا شیخ‌الاسلامی به این منصب رسید مدعی شد لایحه اصلاح قانون کار با نظر شرکای اجتماعی (کارگران و کارفرمایان) تدوین و به مجلس ارسال شده است.

به گزارش ایلنا، اسدالله عباسی گفت: بر روی لایحه اصلاح قانون کار بسیار دقیق کار شد و با برگزاری نشست‌های متعدد با حضور کارگران و کارفرمایان با نظر تمام این گروه‌ها لایحه تدوین و به مجلس ارسال شد.

سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی درباره لایحه اصلاح قانون کار و انتقاد بعضی از شرکای اجتماعی در این باره، اظهار داشت: اگر انتقاداتی در این زمینه مطرح می‌شود، شاید نظرات سلیقه‌ای برخی از کارگران باشد زیرا در هنگام تدوین این لایحه نشست‌های سه جانبه‌ای با حضور نمایندگان جامعه کارگران و کارفرمایان برگزار شد و با نظر کارشناسی همه گروه‌ها این لایحه تدوین شده است. وی افزود: البته به طور طبیعی این اتفاق نخواهد افتاد که نظرات همه صد در صد لحاظ شود ولی به هر حال آن چیزی که بر اساس منطق و قانون است، این لایحه شامل حال همه می‌شود و فراگیر است.

عباسی در ادامه تصریح کرد: البته این لایحه در مجلس هم با نظرات کارشناسی و کمیسیون‌های مشترکی که تشکیل خواهد شد، بررسی می‌شود و امیدواریم در نهایت آن چیزی که اتفاق خواهد افتاد به نفع جامعه کارگران و کارفرمایان باشد و ما هم نظرمان همین است و هیچ‌گاه شخصاً تصمیم نگرفته‌ایم. سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی یادآور شد: بر روی لایحه اصلاح قانون کار بسیار دقیق کار شده است و امید داریم با تصویب در مجلس بتوانیم آن را هر چه سریع‌تر ابلاغ کنیم.

بی‌اطلاعی سرپرست وزارت کار از نتیجه مذاکرات

رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور پیش از این در ۲۶ آذرماه سال جاری با اعلام اینکه لایحه اصلاح قانون کار ارسال شده به مجلس به هیچ وجه حاوی نظرات و توافقات کارگران و کارفرمایان نیست، گفته بود: نماینده دولت به وعده خود عمل نکرد.

اولیاء علی بیگی در ارتباط با لایحه ۸۶ ماده‌ای اصلاح قانون کار که توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به نمایندگی از دولت؛ ۱۳ آذرماه امسال در صحن علنی مجلس اعلام وصول شد، اظهار کرده بود: در این رابطه مشغول رایزنی با نمایندگان مجلس و مرکز پژوهش‌ها هستیم.

علی بیگی تاکید کرده بود: دولت باید نظر واقعی کارگران را درباره اصلاح قانون کار دریافت می‌کرد، اما در قالب لایحه‌ای که ارسال شد، تنها واژه‌ها تغییر یافته است و دولت سعی کرد تا مسئولیت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی را در این قانون کم کند.

پایان پیام

مدیر اجرایی انجمن ام.اس :مشکلات اقتصادی و فاصله طبقاتی برای عده خاصی از جامعه روز به روز صدمه و آسیب بیشتری را در پی دارد

به نوشته سایت آفتاب در 24 بهمن آمده است : مژگان محسنی نیا، مدیر اجرایی انجمن ام.اس با بیان این موضوع که بیاران ام.اس از آسیب پذیرترین اقشار جامعه هستند، گفت: «عمده‌ترین مشکلات بیماران مبتلا به ام اس، دارو است. مسئله قیمت و کمیاب بودن دارو هر دو مشکلاتی است که بیماران ام اسی را درگیر کرده است. این بیماری در درجه اول به سیستم اعصاب حمله مي‌کند. پس حفظ آرامش اولین فاکتور کنترل بیماری برای این افراد است. زمانی که برای بیماران اردوهایی برگزار مي‌کردیم به چشمان خود دیدیم که شرایط روحي، فردی که در بستر بیماری است بهتر مي‌شود و به حالت بسیار بهتری از وضعیت روانی و جسمانی برمي‌گردند.»

وی افزود: «مشکلات اقتصادی و فاصله طبقاتی برای عده خاصی از جامعه روز به روز صدمه و آسیب بیشتری را در پی دارد. در بسیاری از موارد، داروهای مورد نیاز این افراد تک نسخه‌ای است و باید از طریق واردات به دست بیمار برسد. نباید فراموش کرد که در اکثر موارد حتی اگر دارو موجود باشد نیز توانایی مالی تهیه آن برای بیمار وجود ندارد.»

مدیر اجرایی انجمن در رابطه با فعالیت‌های انجمن ام اس گفت: «این انجمن به شخصه تحت پوشش هیچ نهاد و ارگان خاصی نیست. انجمن ام اس ایران غیر انتفاعی بوده و تنها با کمک خیرین در حال فعالیت است. این انجمن حدود ۱۴ سال است که فعالیت خود را شروع کرده است.»

وی با تأکید بر وضعیت بحرانی خانم‌ها در معقوله بیماری ام اس گفت: «خانم‌ها در بحث ام اس بسیار آسیب پذیرتر هستند. چه خود آن‌ها گرفتار ام اس باشند و چه جزو خانواده فرد بیمار باشند. اگر خودشان بیمار باشند با بي‌توجهی خانواده و مخصوصاً همسر مواجه مي‌شوند. در موارد بسیاری دیده شده است که آقایان تقاضای جدایی مي‌کنند و یا در عین وجود همسر بیمار خود در خانه اقدام به ازدواج مجدد مي‌کنند. همین ضربه‌های روحی باعث کاسته شدن سرعت در روند درمان بیمار مي‌شود. بیماری ام اس به خودی خود صعب العلاج است و این فشارهای عصبی نیز باعث دیر درمانی در این بیماری مي‌شود.»

این دارو در ابتدا حدود ۳,۵ میلیون تومان بود و در طول چند ماه اخیر قیمت آن به مرز ۱۱ میلیون رسیده است .به گفته وی در حالت دوم یعنی حالتی که در آن خانم، خانواده بیمار ام اسی است؛ چه در نقش مادر و چه همسر باید در عین حال که پرستار بیمار است نقش پرستار و سرپرست خانواده را نیز ایفا کند و در هر حال تمام کمبودها بر دوش خانم خانواده خواهد افتاد.

وی با اشاره به فرمایش مقام معظم رهبری مبنی بر اینکه نگذاریم بیماران دغدغه‌ای غیر از درد بیماری خود داشته باشند گفت: «این مسئله هنوز عملی نشده است. ما انتقاد بسیار زیادی را به عنوان سخنگوی این بیماران داریم. زمانی که آمار و ارقام هزینه‌های سرسام آوری که در طی یک روز برای مصارف تفریحی خرج مي‌شود در تلویزیون اعلام مي‌شود، درک این موضوع که یک بیمار ام اسی در تنگنای بسیاری برای تهیه هزینه داروی خود است، بسیار دردناک و تأمل برانگیز مي‌شود.»

زبان بیماران ام اسی به دعای مسئولین باز شده است

وی در رابطه با مشکلات تهیه دارو افزود: «دارویی بود که به صورت تک نسخه‌ای برای بیماران تجویز مي‌شد. این دارو در ابتدا حدود ۳,۵ میلیون تومان بود و در طول چند ماه اخیر قیمت آن به مرز ۱۱ میلیون رسیده است. این دارو باید به صورت مداوم برای مدت زمان خاصی برای بیماران تزریق شود. در رابطه با دارو زمانی که دارو توسط پزشک تجویز مي‌شود بدون هیچ چون و چرایی باید تهیه و مصرف شود در صورتی که در بسیاری موارد بیمار توانایی تهیه دارو را ندارد و این موضوع تا به جایی کشیده است بیماران ام اس لب به ناله و نفرین گشوده‌اند. بسیاری از بیمارانی که به مرکز مراجعه میکنند لب به ناله نفرین مسئولین دارند تا جایی که می گویند: ای کاش آن ها هم به این بیماری گرفتار شوند تا شاید گوشه ای از درد و غم ما را درک کنند.»

مژگان محسنی نیا، با تأکید بر این نکته که هر روزی که مي‌گذرد فرصت‌های بسیاری را از

دست مي‌دهيم گفت: «بياييد نوش دارو بعد از مرگ سهراب نباشيم. نمي‌توانيم درمان كنيم اما اگر به جا و به موقع به بيمار رسيدگی شود، بيماري ام اس تا حدی كه اكنون با آن مواجه هستيم پيش نخواهد رفت. هزينه‌های بسياری كه هم اكنون در مراكز درمان ام.اس پرداخت مي‌شود، در صورت جا افتادن فرهنگ پيشگيری مي‌تواند تماماً به عنوان پس انداز و سرمايه گزاری برای جلوگيری از ابتلا به اين بيماری صعب العلاج تلقی شود.»
به گزارش ايسنا ؛مدير اجرايی انجمن ام اس در پايان با مطرح كردن محدوديت پوشش بيمه برای داروهاي ام اس ادامه داد: «تعداد بسيار پايينی از داروهای پايه‌ای بيماران ام اس كه هزينه‌های پايينی هم دارد تحت پوشش بيمه قرار گرفته است. ما انتظار داريم كه داروهای جديدی كه قيمت‌های بسيار بالايی دارند تحت پوشش بيمه قرار گيرد. با سرپرست جديد وزارت بهداشت نيز در اين مورد تعاملات و نامه نگاري‌هايی انجام شده و هم اكنون منتظر جوابيه ايشان هستيم.»

تجمع اعتراضی امروز اعضای تعاونی مسکن تعمیرکاران اتوموبیل سنندج مقابل دادگستری

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس، در 24 بهمن 91 آمده است : ظهر امروز تعمیرکاران اتومبیل شهرستان سنندج با ادعای کلاهبرداری تعاونی‌های مسکن در مقابل دادگستری استان تجمع اعتراض‌آمیز برگزار کردند.
براساس این گزارش، ادعای کلاهبرداری تعاونی‌های مسکن در کشور هر بار از نقطه‌ای سر و صدا می‌کند. این‌بار نوبت تعمیرکاران اتومبیل شهرستان سنندج بود که به همین بهانه جلوی دادگستری کردستان تجمع کنند.
در همین رابطه رئیس تعاونی مسکن تعمیرکاران اتومبیل می‌گوید: اعضای این تعاونی از سال ۸۰ به حساب هیئت مدیره سابق این تعاونی پول واریز کرده که مدارک آن به شماره ۳۰۹۰ ثبت شده است.
جلال نوری با بیان اینکه مجموع اعضای این تعاونی ۶۵۷ نفر هستند، افزود: این افراد نزدیک به یک میلیارد تومان به حساب تعاونی مسکن پول واریز کردند، در حالی که سال ۸۷ که برای درخواست سند و مدارک زمین‌ها مراجعه کردیم، متوجه شدیم یکی از اعضای هیئت مدیره این تعاونی که اتفاقا از اعضای شورای شهر است، ۹۵ درصد این مبلغ را از حساب تعاونی خالی کرده و با این پول به نام خود زمین خریداری کرده است.
وی محل این زمین‌ها را پشت می‌دان‌بار شهر سنندج و در محدوده جاده ساحلی عنوان کرد.
رئیس تعاونی مسکن تعمیرکاران اتومبیل با تأکید بر اینکه پس از شکایت اعضا پرونده در دادگاه تشکیل شده و در تاریخ ۲۰ آبان ماه ۹۱ رای بر محکومیت این فرد صادر شده است، افزود: مشخص نیست چرا دادستانی با وجود این محکومیت آشکار هنوز و با گذشت ۳ ماه اقدامی در این راستا انجام نداده است.

تجمع مردم بندر امام در مقابل ساختمان دولت برای تبدیل شهر به شهرستان

به گزارش خبرگزاری دولتی كارايران - ايلنا از در تاريخ 24 بهمن آمده است : به گزارش ايلنا از بندر امام خميني، حدود ۳۰۰ نفر از اهالی اين شهر بندري، با وسايل عمومی و شخصي، امروز (سه‌شنبه ۲۴ بهمن) خود را به تهران رسانده و ضمن تجمع در مقابل ساختمان دولت خواستار تبديل اين شهر به شهرستان بدون اعمال تغيير در محدوده جغرافيايی بندر شدند.
گفتنی است كه در خصوص چگونگی تقسيم صنايع عظيم پتروشيمی در محدوده‌های بندر امام و ماهشهر، يكشنبه شب، آقاجری نماينده مردم شهرهای ماهشهر و بندر امام با اعضاء شورای شهر و جمعی از ريش سفيدان اين شهر نشستی برگزار كرد.

راهپیمایی وتحصن کارگران اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد دراعتراض به پرداخت نشدن هفت ماه حقوق و مزایایشان

به گزارش خبرگاری دولتی کار ایران -ایلنا در تاریخ 24 بهمن 91 آمده است : بیش از ۱۰۰ نفر از مجموع ۲۳۰ نیروی شرکتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد امروز بعد از تجمع بی‌نتیجه در مقابل اداره کل راه و شهرسازی به سمت استانداری حرکت کرده و هم اکنون در دفتر استاندار تجمع کرده‌اند.
بنابهمین گزارش، کارگران پیمانی و خدماتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد، بدنبال پرداخت نشدن حقوق و مطالبات معوقه‌شان در مقابل استانداری تجمع کردند.
کارگران معترض تاکید کردند تا زمان دریافت پاسخ قانع کننده‌ای از سوی مسوولان به تحصن خود ادامه می‌دهند.
دفتر «سید حسین صابری» استاندار کهگیلویه و بویر احمد مملو از کارگران معترضی است که بیش از هفت ماه حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند و به دنبال پاسخ استاندار در ارتباط با رفع مشکل خود هستند.
معاون راهداری اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد پیش‌تر از نبود اعتبارات لازم برای پرداخت حقوق و مزایای نیروهای شرکتی و خدماتی این اداره کل خبرداده بود.
«می‌رحمید بوترابی» گفته بود: هفت میلیارد ریال کسری اعتبار جاری در این اداره کل وجود دارد.

اعتراض کارگران به کاهش خدمات درمانی بیمارستان تامین اجتماعی خرم‌آباد

به گزارش خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا از در تاریخ 24 بهمن آمده است : پیمان نادرنیا دبیر خانه کارگر خرم آباد با بیان این مطلب به ایلنا گفت: بیمه شدگان شاغل و بازنشسته تامین اجتماعی با مراجعه به خانه کارگر و سایر تشکلات کارگری از کاهش خدمات درمانی بیمارستان تامین اجتماعی خرم آباد گله‌مند بوده و خواستار پی گیری مسئولان استانی و نمایندگان مجلس در این زمینه شده‌اند.
این فعال کارگری با تاکید بر اینکه امکانات درمانی تامین اجتماعی خرم آباد کفاف بیمه شدگان این شهرستان را نمي‌دهد، افزود: در حالی که کارگران و بازنشستگان این شهرستان هر ماه بخشی از دستمزدشان را جهت دریافت خدمات درمانی از سازمان تامین اجتماعی «پیش‌خرید» مي‌کنند، هنگام بروز جزئي‌ترين بیماری با مراجعه به این بیمارستان از خدمات درمانی ارائه شده ناراضی بوده و آن را در شأن خود نمي‌دانند.
او ادامه داد: با وجود اینکه بیمارستان ۲۵۶ تختخوابی این شهرستان دارای بخشهای تخصصی از جمله داخلي، جراحي، زنان و زایمان، گوش، حلق و بيني، چشم پزشكي، اطفال، راديولوژي، آزمایشگاه، سی تی اسکن است اما این خدمات به بیمه‌شدگان هم اکنون به حداقل رسیده است.
این فعال کارگری کمبود پزشکان متخصص و کاهش تجهزات پزشکی را از دیگر عوامل نارضایتی بیمه شدگان عنوان کرد و گفت: تسریع در تجهیز و نظارت بر این بیمارستان، مشکلات درمانی بسیاری از بیمه شدگان و بازنشستگانی را که به کاهش امکانات درمانی معترض‌اند را بهبود مي‌بخشد.
نادرنیا همچنین با انتقاد از بخش سی تی اسکن این بیمارستان گفت: دستگاه سی تی اسکن این بیمارستان در اکثر مواقع به گفته مسئولان این بخش خراب است و در مواقعی که این دستگاه تعمیر مي‌شود به بیماران زیر مجموعه خودخدمات ارائه نمي‌دهد.
نادرنیا در این زمینه اضافه کرد: این در حالیست که تجهیز این بیمارستان به دستگاه سی تی اسکن با پی گیری فعالان کارگری همانند خانه کارگر و کانون شوراهای اسلامی کار صورت گرفته است.

عدم موافقت استانداری تهران با صدور مجوز برای برگزاری تجمع کارگری در مقابل وزارت کار

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 24 بهمن 91 آمد است : هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران: پیگیری‌ها و اعتراضات خود را همچنان ادامه خواهیم داد

اتحادیه آزاد کارگران ایران: امروز جعفر عظیم‌زاده و شاپور احسانی راد دو نفر از هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران با حضور در استانداری تهران پیگیر دریافت مجوز برای برگزاری تجمع اعتراضی کارگری در مقابل وزارت کار شدند.
این کارگران هشتم بهمن ماه جاری و بدنبال بی‌توجهی‌های مسئولین وزارت کار به خواستهای سی هزار کارگر با مراجعه به استانداری تهران خواهان صدور مجوز جهت برگزاری تجمع کارگری در مقابل وزارت کار شدند.
از ۱۱ اردیبهشت ماه سالجاری کارگران کارخانه‌های مختلفی از سراسر کشور با تهیه طوماری اعتراضی خطاب به وزیر کار خواهان توقف اصلاح قانون کار، افزایش فوری دستمزدها و تحقق دیگر مطالباتشان شدند اما علیرغم اینکه سی هزار امضای کارگری در سه مرحله در ماههای خرداد، مهر و آذر تحویل وزارت کار، نهاد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی شد مسئولین وزارت کار به عنوان متولی اصلی رسیدگی به مطالبات کارگری هیچ پاسخی به این کارگران ندادند به همین دلیل هماهنگ کنندگان این طومار اعتراضی پس از تحصن در مقابل مجلس در ۲۸ آذر ماه و در ادامه اعتراضات خود، خواهان صدور مجوز قانونی برای برگزاری تجمع اعتراضی کارگری در روز ۲۸ بهمن ماه جاری در مقابل وزارت کار شدند اما با گذشت بیش از دو هفته از این مسئله امروز مسئولین استانداری تهران مخالفت خود را با برگزاری این تجمع به این کارگران اعلام کردند و از آنان خواستند با مراجعه حضوری به وزارت کار پیگیر مطالبات خود شوند.
هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران اعلام کرده‌اند علیرغم مخالفت استانداری تهران با برگزاری تجمع اعتراضی در مقابل وزارت کار، همچنان و به اشکال اعتراضی دیگری پیگیر رسیدگی به مطالباتشان خواهند شد.

احضار هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 24 بهمن 91 آمد است : بدنبال مخالفت استانداری تهران با برگزاری تجمع کارگری در مقابل وزارت کار، دفتر پیگیری وزارت اطلاعات نیز طی تماسی تلفنی با جعفر عظیم‌زاده و پروین محمدی آنان را برای پاره‌ای توضیحات به این دفتر احضار کرد.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران این دو نفر فردا ساعت ده صبح می‌باید در دفتر پیگیری وزارت اطلاعات حاضر شوند.

اعتصاب غذای ۱۰ زندانی سیاسی در حمایت از حقوق کارگران ایران
ما زندانیان سیاسی امضا کننده‌ی این بیانیه، در راستای همراهی با کارگران عزیز ایران زمین روز ۲۸ بهمن ۱۳۹۱ در اعتصاب غذایی سیاسی خواهیم بود

دوستان و هموطنان کارگر، درود و سلام گرم ما جمعی از زندانیان سیاسی زندان رجائی‌شهر را پذیرا باشید. خبر طومار ۳۰ هزار نفری شما کارگران زحمتکش ایران‌زمین در استفاده از حقوق قانونی و مسلم در برگزاری مسالمت‌آمیز تظاهرات سراسری برای احقاق مطالبات صنفی و قانونی کارگران در شرایط کنونی کشور مایه‌ی مباهات و سرافرازی است.
در تمام دنیا، حق اعتصاب و تشکل قانونی و تظاهرات کارگری از حقوق مسلم محسوب می‌شود، اما در شرایط و خفقان و سرکوب ولایت فقیه این امر قانونی کاملا نادیده گرفته شده است. در شرایطی که کارگران ایران قشر وسیعی از مولدان صنعت ملی از قبیل قسمت‌های صنعت، معدن، خدمات، کشاورزی، نفت، گاز، پتروشیمی و ماشین‌سازی به نام خصوصی‌سازی یک چهارم دستمزد خط فقر را تشکیل می‌دهند، فعالین کارگری در عرصه‌های تشکل و سندیکا بازداشت، زندان، اخراج و شلاق می‌خورند و امنیت شغلی از طریق قراردادهای موقت و سفید امضا نابود شده است، در کشوری که درمان، آموزش و تحصیل، خدمات عمومی و امکانات رفاهی و ورزشی در تصرف حکومت‌گران است و ثروت‌های ملی صرف گروه‌های تروریست در لبنان، سوریه، عراق و افغانستان میشود و هموطنان عزیزمان

مورد تعرض وحشیانه و اعدام‌های فله‌ای آنچه که در تهران، خوزستان، کُردستان، سیستان و بلوجستان و آذربایجان قرار می‌گیرند و تعدادی از هموطنان عزیز را در لیپرتی مستقیم یا غیرمستقیم می‌کشند.
طومار ۳۰ هزار نفری شما در این حکومت قبرستانی مایه‌ی امیدواری مردم ستم‌دیده برای تجدید مبارزه علیه استبداد و حاکمان ظالم است.

دوستان و هموطنان کارگر :

حکومت ولایت فقیه به عنوان عضو سازمان جهانی کار، به ابتدایی‌ترین اصول این سازمان یعنی حق داشتن تشکل و حق داشتن اعترض و اعتصاب پایبند نیست و حقوق مسلم و قانونی کارگران را نادیده می‌گیرد، چرا که دزدان ۳ هزار میلیاردی، ۶۰% از ثروت ملی را خرج کرده و برادران لاریجانی با در اختیار داشتن دو قوه، زمین‌خواری، دزدی از ثروت‌های ملی و چپاول را در دستور کار خود قرار داده‌اند و از طرفی بی‌کاری، گرسنگی و تورم افسار گسیخته، تحریم‌های فلج‌کننده، فحشا و خانه به دوشی مردم عزیز و محرومین تمام زوایای اجتماعی ایران زمین را در بر گرفته و قشر وسیعی از مردم به نان شب نیازمند و محتاجند.
با اطمینان اعلام می‌کنیم که وزارت کشور با درخواست شما موافقت نخواهد کرد. ما زندانیان سیاسی امضا کننده‌ی این بیانیه در راستای همراهی با کارگران عزیز ایران زمین روز ۲۸ بهمن ۱۳۹۱ در اعتصاب غذای سیاسی خواهیم بود، باشد که کارگران برای اعتصاب قانونی و حقوقی مشروع خود که همانا آزادی، نان و عدالت می‌باشد زندانی و شکنجه نشوند.

زندانیان سیاسی زندان رجائی‌شهر کرج :

۱ـ افشین اسانلو ۲ـ افشین حیرتیان ۳ـ خالد حردانی ٤ـ زانیار مرادی ٥ـ شاهرخ زمانی ٦ـ صالح کهندل ۷ـ عباس بادفر ۸ـ علی جباری ۹ـ لقمان مرادی ۱۰ـ محمد بنازاده امیر خیزی
24/11/1391
گرفته شده از سایت : کردپا،آژانس خبر رسانی کردستان
باز تکثیر :
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

۴ ماه حقوق نگرفتیم؛ شرمنده زن و بچه‌هایمان هستیم!

به گزارش شمال فردا، در 24 بهمن آمده است : بیش از ۱۵۰ خانواده بازرس بازار استان مازندران از اوایل سال ۹۱ تاکنون با مشکل عدم دریافت حقوق مواجه هستند و تاکنون چندین بار درددل‌ها و مشکلات آن‌ها از طریق رسانه‌ها پیگیری شد که تاکنون برای رفع مشکل این اقشار جامعه اقدام مناسبی صورت نگرفت.
برپایه این گزارش، بازرسان بازار استان مازندران که زیر مجموعه سازمان صنعت، معدن و تجارت مازندران هستند طی نامه‌ای به استاندار مازندران اعلام کردند که از اردیبهشت‌ماه سال‌جاری تاکنون حقوق دریافت نکرده‌اند.
بازرسان بازار استان مازندران طی نامه‌ای به ۲۰ ارگان و نهاد دولتی مازندران از روند دریافت حقوق و مزایای خود اظهار گلایه کردند.
بازرسان سازمان صنعت، معدن و تجارت استان مازندران در این نامه که استاندار مازندران را مورد خطاب قرار دادند، اعلام کردند: بیش از پنج سال است که در حمایت از مصرف‌کنندگان در مازندران مشغول فعالیت هستند.
در ادامه این نامه تأکید شد: فعالان بازرسی استان مازندران از اردیبهشت ماه تاکنون هیچ‌گونه حقوق، مزایا و اضافه کاری دریافت نکردند و حدود چهار ماه است که از دریافت حقوق محروم شدند.
بازرسان در ادامه نامه با اشاره به مشکلات معیشتی که در حال حاضر با آن مواجه هستند، اعلام کردند که به خاطر عدم دریافت حقوق با مشکلات عمده خانوادگی مواجه هستند.
در این نامه که حاوی رنج‌نامه بازرسان سازمان صنعت، معدن و تجارت مازندران است با اشاره به پیگیری‌های انجام شده و عدم همکاری مسئولان استانی و شهرستانی برای رفع مشکل

این اقشار جامعه آمده است: بارها مشکلاتمان را از طریق سازمان اقتصاد و دارایی، ذیحسابی و نیز معاون سیاسی ـ امنیتی استانداری مازندران نیز پیگیری کردیم که نتیجه‌بخش نبود.
در ادامه نامه با اعلام این‌که بازرسان بازار استان مازندران در حال حاضر با مشکل عدم پرداخت اجاره بهای منزل مسکونی، عدم پرداخت وام‌های دریافتی از بانک‌ها مواجه هستند، عنوان کرد: تاکی به خاطر عدم همکاری مسئولان شرمنده زن و بچه‌هایمان باشیم.
عدم دریافت مطالبات، مشکلات روانی را به بازرسان بازار استان مازندران تحمیل کرد.

تحریم‌های جدید آمریکا علیه یک فرد و چند شرکت ایرانی

به نوشته سایت مردمک در 24 بهمن آمده است :وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده است که یک شهروند ایراني، یک تاجر چینی و چند شرکت ایرانی و خارجی را به دلیل نقض ممنوعیت فروش تجهیزات مرتبط با برنامه موشکی و اتمی از جمله به ایران، تحریم کرده است.
به گزارش وب‌سایت وزارت خارجه آمریکا، در بیانیه‌ای که روز دوشنبه ۲۳ بهمن منتشر شده، آمده که شخصی به نام میلاد جعفری و پنج شرکت در ایران و چندین شرکت در چین، سوریه، بلاروس، سودان و ونزوئلا به فهرست تحریم‌ها اضافه شده است.
در این بیانیه نام سازمان صنایع دریایی ایران، شرکت صنایع الکترونیک ایران، گروه صنعتی شهید باکري، گروه صنعتی شهید ستاری و وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ایران به عنوان نقض‌کننده قانون‌های آمریکا آمده است.
همچنین به گزارش خبرگزاری رویترز، آمریکا یک تاجر چینی به نام «لی فنگ‌وی» را به دلیل صدور تجهیزات موشکی به ایران تحریم کرده که این اقدام با واکنش انتقادی وزارت خارجه چین همراه بوده است.
سخنگوی این وزارتخانه در بیانیه‌ای رسمی گفته است که اقدام ایالات متحده در تحریم یک تاجر و شرکت‌های چینی ناقض قواعد روابط بین‌المللی و به ضرر منافع چین است و باید آمریکا این «سیاست اشتباه» خود را تغییر دهد.
بنا بر نوشته نشریه فدرال رجیسترز، این شخص با نام سابق «کارل لی» از سال ۲۰۰۶ میلادی تا کنون سه بار اقدام به نقض قوانین ایالات متحده در ممنوعیت صدور تجهیزات موشکی به ایران کرده است.
در این گزارش آمده است که این تاجر چینی همراه با شرکت «سانی دالیان»، فناوری «پلی» اقدام به ارسال تجهیزات کرده است و از طرف دیگر دو شرکت چینی فناوری «بي‌اس‌تی» و «سي‌پي‌امآي‌اي‌سی» نیز تحریم شده‌اند.
تحریم‌های جدید آمریکا که بیستم دسامبر سال گذشته تصویب و از پنجم فوریه امسال به اجرا گذاشته شده، از جمله تحریم‌هایی است که طی ماه‌های گذشته علیه ده‌ها شخص و شرکت مرتبط با برنامه‌های اتمی و موشکی گرفته است.
اوایل ماه گذشته، وزارت خزانه‌داری آمریکا اعلام کرد که چهار شرکت و یک مدیر ایرانی را به خاطر ارتباطشان با برنامه‌های هسته‌ای و موشک بالستیک ایران تحریم کرده است. همزمان اتحادیه اروپا از تحریم ۱۸ شرکت و یک فرد ایرانی خبر داده است.
با وجود اینکه تحریم‌ها علیه ایران گسترده‌تر شده اما فروردین امسال برخی مقام‌های آمریکایی اعلام کردند که بر اساس تحقیقات آن‌ها «پرونده‌های قاچاق هسته‌ای ایران نسبت به سه سال پیش ۳۰ درصد افزایش یافته است.»

کارگران شهرداری کرمانشاه ۳ ماه حقوق نگرفته‌اند

بنا بر گزارش رسیده به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران شرکتهای پیمانکاری شهرداریهای کرمانشاه ماههای آذر، دی و بهمن حقوق دریافت نکرده‌اند. بر اساس این خبر تعداد خیلی زیادی از این کارگران روزمزد هستند که طبق عرف باید در پایان هر روز مزدشان را دریافت کنند. اما با این حال سه ماه حقوق معوقه دارند.
انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ۲۵/۱۱/۱۳۹۱

شکایت کارگران پیمانی تعمیرکار لوکوموتیو به اداره کار طبس از شرکت فنی مهندسی «بافق شهاب»

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در ۲۵بهمن 91 آمده است : ۲۴کارگر پیمانی تعمیرکار لوکوموتیو و واگن خواستار اقدام شرکت راه آهن جهت دریافت مطالبات معوقه خود از شرکت پیمانکاری سابق شدند.
براساس این گزارش، نماینده این کارگران گفت: شرکت فنی مهندسی «بافق شهاب» پیمانکار سابق تامین کننده نیروی انسانی شرکت راه آهن از پرداخت مطالبات ۲۴ کارگر خود خوداری می‌کند.
او افزود: با وجود خاتمه همکاری این شرکت پیمانکاری، کارگران تعمیرکننده لوکوموتیوهای راه آهن در ایستگاهای طبس، تربت حیدریه، بیشه در و رباط پشت بادام هستند هنوز نتوانسته‌اند بخش اعظمی از مطالبات خود در خصوص اضافه کاری، مرخصی‌های سالانه و... دریافت کنند.
او با بیان اینکه این تعداد کارگران در زمینه کار خود تخصص داشته و دوره دیده‌اند تصریح کرد: با وجود آنکه کار تخصصی آنان باید ضامن امنیت شغلیشان باشد اما متاسفانه به سبب اینکه بعداز هر دوره قراردادها شرکتهای تامین نیروی انسانی در تعمیرات لو کوموتیوها و واگن‌ها با مناقصه تعویض می‌شوند امنیت شغلی این کارگران نیز به خطر افتاده و این موضوع دغدغه ذهنی آنان شده است.
نماینده کارگران ادامه داد: با وجود اینکه قرار داد شرکت بافق شهاب با راه آهن از موخه ۱۶ مرداد ماه سال ۹۱ به اتمام رسیده است و ما هم اکنون با پیمانکار جدید قرار داد داریم هنوز نتوانسته‌ایم مطالبات گذشته خود را از کارفرمای سابقمان دریافت کنیم.
این کارگر در تشریح مشکلات کارگران گفت: طبق توافق کارگران و کارفرما، هر کارگر در ماه ۱۸۰ ساعت اضافه کاری اجباری انجام داده است. اما پیمانکار سابق از پرداخت مبلغ این اضافه‌کاری‌ها خودداری کرد و با شکایت کارگران اداره کار تنها ۱۲۰ ساعت اضافه کاری که قانون مصوب کرده است را به رسمیت می‌شناسد.
او اضافه کرد: همچنین کارفرمای سابق با در خواستهای مرخصی کارگران مخالفت می‌کرد و از ما خواسته بود به ازای هر روز مرخصی معادل پولی آن را در پایان قرار داد طبق توافق پرداخت کند که این وعده هم عملی نشد وطبق قانون بیشتر از ۹ روز از مجموع مطالبات مرخصیمان محاسبه نخواهد شد.
این کارگر در ادامه از پرداخت نکردن معوقات نوبت کاری کارگران انتقاد کرد و افزود: در شغل ما به ازای هر ۱۲ ساعت کار مداوم ۲۴ ساعت استراحت داریم و کارفرما موظف است ۲۲/۵ درصد حق نوبت کاری را به کارگر پرداخت کند که کارفرمای ما در طول قرارداد کاری فقط چند ماه از این مبلغ را پرداخت کرده است.

« آرایشگری و آوازه خوانی، دو شغلی که برای زنان حرام است »

به نوشته سایت خبرآنلاین در 25 بهمن آمده است : در کتب فقهی و روایات اسلامی از دو شغل برای زنان نامبرده شده که مشاغلی مباح هستند اما در مواردی درآمدی که از آن حاصل می شود حرام است یا کراهت دارد.

1-آرایشگری:

اجرت و درآمد آرایشگر حرام است اگر:
در کتب فقهی اصطلاحی با عنوان «تدلیس ماشطه» به معنای «حیله گری آرایشگر» وجود دارد. اگر آرایشگر با ترفندهایی که به کار می برد عیوب زنی را بپوشاند و وی را دارای محاسنی کند تا زمینه ازدواج او را با مردی فراهم سازد، به این کار تدلیس ماشطه می گویند که در این صورت اجرتش حرام است. اگر آرایشگر بدون هیچ قصدی زنی را آرایش کند ولی آن

زن خود، قصد فریب دیگری را داشته باشد، اجرت آرایشگر حلال است و تدلیس بر آن صدق نمی کند.
بعد از تدلیس، برای زن آرایشگر، «تبرج» مطرح می شود. در واژه های قرآني، تبرج به معنای خودنمایی است. تبرج از ماده برج گرفته شده و به معنای زنی است که زیبایی های خود را به مردان آشکار کند. اگر آرایشگر، زنی را به گونه تبرج آرایش کند، خود عمل تزیین حرام است و به همین دلیل اجرت حاصل از آن نیز حرام می باشد.
موضوع دیگر درباره شغل آرایشگری بانوان، دریافت وجه است. بهتر است آرایشگر برای اجرت خود شرطی قرار ندهد وآنچه به او می دهند را بپذیرد. مستحب است آرایشگر مبلغ بیش از حق خود را مطالبه نکند و اجرت دهنده دستمزد او را پرداخت کند.

2-آوازه خوانی:
خوانندگی از دیگر مشاغلی است در کتب فقهی برای زنان حرام یاد شده است.

درباره غنا در میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقها همچون محدث کاشانی و آخوند خراسانی غنا را به طور مطلق حرام نمی دانند، بلکه حرام بودن آن را ناظر به زمانی می دانند که مواردی حرام مانند اختلاط زن و مرد در مجلس و سرگرمی های لهو به آن ملحق شود. اما محقق بحرانی این توجیه را دربارة حرمت غنا توهمی بیش نمي‌داند و آن را نمي‌پذيرد.

طبق نظر مشهور فقها، همان‌گونه که غنا حرام است، اجرت زن آوازه‌خوان (خواننده) نیز حرام است، مگر اینکه این خوانندگی در شب عروسی باشد و همراه با حرام دیگری مانند دروغ گفتن، تار زدن و یا داخل شدن مردان در مجلس عروسي، با آن همراه نشود. در این صورت اجرت و کسب زن خواننده حلال است.

کاهش ۴۰ میلیارد دلاری درآمدهای نفتی ایران

به گزارش رادیو صدای آلمان آژانس بین‌المللی انرژی روز چهارشنبه (۱۳ فوریه/ ۲۵ بهمن) اعلام کرد :که تحریم‌های بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی درآمد نفتی این کشور را در سال ۲۰۱۲ حدود ۴۰ میلیارد دلار کاهش داده‌اند.
بنا بر اعلام این آژانس، تولید نفت ایران در ماه ژانویه ۲۰۱۳ به کمترین مقدار در سه دهه‌ی گذشته کاهش یافته است. بر این اساس تولید نفت ایران از ۷/ ۳ میلیون بشکه در روز در ماه‌های پایانی سال ۲۰۱۱ به ۶۵/ ۲ میلیون بشکه در روز در ماه ژانویه ۲۰۱۳ کاهش یافته است. تحریم‌های نفتی ایالات متحده و اتحادیه اروپا که از آغاز تابستان ۲۰۱۲ به جریان افتادند، دلیل اصلی این کاهش عنوان شده‌اند.
آژانس بین‌المللی انرژی در بخش دیگری از گزارش ماهانه‌ی خود در مورد بازار جهانی نفت پیش‌بینی کرده است که «تولید نفت ایران [...] در پی اجرايي‌شدن تحریم‌های ششم فوریه ایالات متحده، به احتمال در ماه‌های پیش رو هم کاهش یابد».
اشاره آژانس بین‌المللی انرژی به تازه‌ترین دور تحریم‌های ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی است. بر اساس این تحریم‌ها، پول نفت ایران اجازه خروج از کشور خریدار را ندارد، بلکه باید به حسابی در یک بانک در کشور خریدار واریز شود. جمهوری اسلامی ایران مي‌تواند در ازای این پول از کشور خریدار کالا وارد کند.
هدف این تحریم‌ها بستن دست تهران در هزینه‌کردن آزاد درآمدهای نفتی بوده است؛ درآمدی که در ماه‌های اخیر زیر بار سنگین تحریم‌های نفتی کاهش چشمگیری یافته و انتقال آن به داخل در سایه محدودیت‌های بانکی با مشکلات فراوانی روبرو است.

کارگران شهرداری کرمانشاه ۳ ماه حقوق نگرفته‌اند

بر پایه خبر دریافتی در 25 بهمن آمده است : بنا بر گزارش رسیده به انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه، کارگران شرکتهای پیمانکاری شهرداریهای کرمانشاه ماههای آذر، دی

و بهمن حقوق دریافت نکرده‌اند. بر اساس این خبر تعداد خیلی زیادی از این کارگران روزمزد هستند که طبق عرف باید در پایان هر روز مزدشان را دریافت کنند. اما با این حال سه ماه حقوق معوقه دارند.
انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ۲۵/۱۱/۱۳۹۱

حداقل هزینه ماهانه یک خانوار دو میلیون و سیصد هزار تومان

به نوشته سایت قانون در 25 بهمن 91 آمده است :شورای عالی کار مرجع تعیین‌کننده حداقل میزان دستمزد است. برای تعیین حداقل میزان دستمزد باید نرخ تورم در سال جاری محاسبه و بر اساس آن میزان افزایش دستمزدها مشخص شود. کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران برای تصویب حداقل دستمزد سال ۹۲ پیشنهاد کرده است که شرکای اجتماعی از دو فاکتور همزمان نرخ تورم و برخورداری خانوارهای کارگری از معیشت با عزت در روند تصمیم گیري‌های حداقل مزد بهره‌مند شوند. معیارهای تعیین حداقل دستمزد در کنوانسیون شماره ۱۳۱ و توصیه نامه شماره ۱۳۵ سازمان بین المللی کار مطرح شده است. برای تعیین حداقل دستمزد باید نیازهای معیشتی و سطح زندگی کارگران، تامین اجتماعی و استانداردهای زندگی جامعه لحاظ شود. در قانون کار ایران هم گفته شده حداقل مزد بدون اینکه مشخصات جسمی و روحی کارگران را مورد توجه قرار دهد باید به اندازه‌ای باشد که زندگی یک خانوار را که تعداد متوسط آن توسط مراجع قانونی اعلام مي‌شود کفایت کند.
هرچند در قانون برنامه پنجم توسعه، وظیفه اعلام نرخ‌های رسمی تورم به مرکز آمار ایران سپرده شده اما تا سال گذشته وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این نرخ را از بانک مرکزی درخواست کرده است. حداقل دستمزد سال ۹۱ از سوی شورای عالی کار، به میزان ۳۸۹ هزار و ۷۵۴ تومان تعیین و تصویب شده بود. با این حال بیش از آنکه مرجع تعیین کننده آمار تورم کشور مهم باشد، میزان استناد تعیین دستمزدها به این نرخ است که باید مورد توجه قرار گیرد. افزایش بي‌سابقه قیمت کالاها در سال جاری به گونه‌ای است که در بسیاری از کالاهای اساسی خانوارها، با افزایش ۳۰۰ درصدی مواجه بودیم. بر اساس گزارش‌های کارشناسی هزینه ماهانه یک خانوار چهار نفره بیش از دو میلیون تومان است با این حال باید دید حداقل دستمزدها تا چه اندازه مي‌تواند افزایش یابد که بتواند مشکلات معیشتی مردم را جبران کند. تحریم‌های اقتصادي، مدیریت ناکارآمد اقتصادی و برخی اختلافات سیاسی در سطوح بالای حکومت از جمله مواردی است که از سوی برخی صاحبنظران به عنوان عوامل اصلی بروز این وضعیت مطرح مي‌شود.

به آمارهای رسمی هم توجه نمي‌شود
غلامرضا کاتب سخنگوی کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات در گفت‌وگو با «قانون»، گفت: تعیین حداقل دستمزدها در هر سال بر عهده دولت است و مجلس نمي‌تواند در این موضوع ورود کند. وی افزود: در قانون برنامه پنجم و همچنین در قانون مدیریت خدمات کشوري، تکلیف شده است که افزایش حقوق کارمندان و کارگران بر اساس میزان نرخ تورم تعیین شود.

نماینده مردم گرمسار همچنین به طرح برخی مسائل در مورد مرجع رسمی اعلام نرخ تورم، گفت: شاید اختلاف زیادی بین ارقام مرکز آمار و بانک مرکزی در مورد تورم وجود نداشته باشد اما مسئله اینجاست که همواره تعیین حداقل دستمزدها هیچ‌گاه بر اساس افزایش نرخ تورم نبوده است. کاتب خاطرنشان کرد: باید تلاش کنیم که طبق قانون عمل شود و شورای عالی کار هم باید تلاش کند که بر اساس قانون عمل کند.
این عضو کمیسیون برنامه و بودجه همچنین ادامه داد: بیش از آنکه اختلاف در مورد نرخ تورم ارائه شده از سوی مراکز ذي‌ربط وجود داشته باشد، اختلاف در این است که حتی پایبندی به همان آمار مورد استناد هم برای تعیین حداقل دستمزد وجود ندارد. وی در پایان متذکر شد: بخشی از تعیین حداقل دستمزدها و پایین بودن آن ناشی از کمبود منابع است؛ زمانی که منابع محدود مي‌شود قطعا تعیین دستمزدها نیز با مشکل مواجه خواهد شد.

هزینه ماهانه خانوار بیش از دو میلیون تومان
کمال‌الدین پیرموذن عضو هیأت رئیسه فراکسیون کارگری مجلس با تاکید بر ضرورت افزایش دستمزدها گفت: ما به طور صد درصد با افزایش دستمزد کارگران موافقیم اما باید بیش از آن چیزی باشد که از سوی نهادهای ذي‌ربط اعلام مي‌شود. وی افزود: در جلسه دستمزد در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و گزارش آن جلسه، آمده است که احتمالا افزایش حداقل دستمزد ۲۵ درصد باشد. نماینده مردم اردبیل با بیان اینکه بر اساس توافقات قرار شده است همچون سنوات گذشته یک مزد ملی وجود داشته باشد، گفت: در مورد حق مسکن، افزایش باید بر اساس نرخ تورم سالانه و به عنوان قلمی از سبد معیشت بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار افزایش یابد. پیرموذن خاطر نشان کرد: بر اساس برآوردها حداقل سبد هزینه خوار و بار یک خانوار چهار نفره در آذرماه سال جاری ۶۵۰ هزار تومان و در دیماه ۶۷۰ هزار تومان بوده است. وی افزود: سهم مسکن نیز در سبد یک خانوار چهار نفره ۶۷۵ هزار تومان بوده است. این عضو فراکسیون کارگری به هزینه‌های دیگر مانند بهداشت و درمان، تحصیل، حمل‌ونقل و ارتباطات اشاره کرد و گفت: بر اساس گزارش‌های کارشناسی به طور کل سبد هزینه یک خانوار چهار نفره در یک ماه، حدود دومیلیون و ۳۶۱ هزار تومان بوده است.

تعیین حداقل دستمزدها با نظر کارگر و کارفرما باشد
یک عضو کمیسیون برنامه و بودجه مجلس گفت که تعیین حداقل دستمزد کارگران در سال ۹۲ باید حد وسطی باشد که هم کارفرما توان پرداخت آن را داشته باشد و هم کارگر بتواند با دریافت آن میزان حقوق، هزینه‌های زندگی خود را تامین کند. موسي‌الرضا ثروتی در گفت‌وگو با خبرنگار قانون اظهار کرد: تعیین حداقل دستمزد به چند عامل از جمله میزان درآمد، میزان هزینه‌ها، تورم و وضعیت رکود یا رونق اقتصادی بستگی دارد. اگر این میزان دستمزد بالا برود تعدادی از بنگاه‌های اقتصادی مجبور مي‌شوند بنگاه‌های خود را تعطیل کنند و در این صورت بر تعداد بیکاران اضافه خواهد شد. وی افزود: در واقع این کار بسیار مهم و حساسی است که در بررسی آن هم باید به تورم، هم رونق و رکود اقتصادی توجه شود و هم میزان درآمد بنگاه‌های اقتصادی مورد توجه قرار گیرد زیرا اگر آن‌ها درآمد داشته باشند حقوق کارگر باید بالا برود وگرنه افزایش حقوق کارگران به ورشکستگی یا تعطیلی کارگاه‌ها منجر خواهد شد. نماینده مردم بجنورد با اشاره به تعیین حداقل دستمزد کارگران در توافق نماینده کارگران، نماینده کارفرما و نماینده دولت، تصریح کرد: در این مسیر میزان درآمد بنگاه‌ها و سودآوری آن‌ها و همچنین هزینه‌های زندگی کارگران باید در نظر گرفته شود. در حال حاضر هزینه‌های مردم واقعا بالا رفته و با درآمد آن‌ها همخوانی ندارد در واقع هم کارگر محق است و هم تولیدکننده. وی در پایان تاکید کرد که در تعیین میزان حداقل دستمزد کارگران باید حد وسطی لحاظ شود که جامعه دچار مشکل نشود و برای حمایت از کارگران این میزان چندان بالا گرفته نشود زیرا در این صورت بنگاه‌های اقتصادی تعطیل و در نتیجه کارگران بیکار مي‌شوند.

تورم ۲۵ تا ۳۰ درصدی مبنای افزایش دستمزد کارگران باشد
عضو دیگر کمیسیون برنامه و بودجه مجلس نیز در همین رابطه گفت: بر اساس قانون، دولت باید افزایش حقوق و دستمزد را بر مبنای تورم در نظر بگیرد و این موضوعی کاملا شفاف و روشن است که در حوزه دستمزد کارگران باید به این نحو عمل شود. اسماعیل جلیلی در گفت‌وگو با خبرنگارقانون یادآور شد: در واقع حداقل تورمی که وجود دارد چه بر اساس اعلام مرکز آمار یا بانک مرکزی باید به صورت ماهانه یا سرجمع سالانه برای حقوق و دستمزد کارگران مبنا قرار گیرد، در غیر این صورت در این باره به مشکل برخواهیم خورد. نماینده مردم مسجدسلیمان در مجلس اضافه کرد: متاسفانه گاهی مبلغی به عنوان حقوق و دستمزد به کارگران پرداخت مي‌شود که کارگران امکان تامین مایحتاجشان را با آن میزان دستمزد ندارند و این نارضایتی همواره وجود دارد. تقاضای ما از دولت این است که به قانون عمل کند. جلیلی در پایان یادآور شد: باید درصدی که تورم در سال ۹۱ به آن تحمیل شده یعنی بین ۲۵ تا ۳۰ درصد آنچه به صورت رسمی به عنوان تورم تایید مي‌شود مبنای افزایش دستمزد کارگران قرار گیرد.

اظهار نظر علی اکبر عیوضی، رییس کمیته ویژه مزد کارگران استان تهران، پیرامون هزینه ماهیانه یک خانوار چهار نفری

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر، چهارشنبه، 25 بهمن ماه 1391، علی اکبر عیوضی در گفتگو با مهر با اعلام نتایج محاسبات جدید مزدی کارگران از دست یابی به رقم ۱ میلیون و ۱۶۰ هزار تومان به عنوان هزینه ماهیانه یک خانوار ۴ نفره کارگری خبر داد و گفت: با این حال به دلیل تغییرات روزانه قیمت ها و نوسان رو به بالای قیمت ها در بازار، امکان نهایی کردن پیشنهاد وجود ندارد.

رییس کمیته ویژه مزد کارگران استان تهران، اظهار داشت: متاسفانه به تغییرات متعدد قیمت ها قادر به محاسبه تغییرات سبد هزینه خانوار و تکمیل پیشنهاد میزان افزایش حداقل دست مزد نیستیم.

عیوضی، خاطر نشان کرد: ما نتوانستیم در کمیته مزد کالایی را بررسی کنیم که قیمت آن تنها به مدت یک هفته ثابت مانده باشد. برنج به عنوان یک کالای پرمصرف در سبد هزینه های خانوار کارگری در طول ۱۰ روز ۱۵۰۰ تومان به ازای هر کیلوگرم افزایش یافته است.

به گفته عیوضی، یک سئوال مهم کارگران این است که چرا دولت نمی تواند حداقل در آن بخشی که جزو اقلام پرمصرف خانوار است، نظارت های دقیقی را اعمال کند که امروز برنج ایرانی به کیلویی ۵ تا ۶ هزار تومان برسد؟

بازهم قیمت برخی اقلام مورد استفاده مردم از قول سای ها و خبرگزاری های دولتی در ایران

به گزارش اقتصاد پرس، چهارشنبه، 25 بهمن ماه 1391، این روزها با قیمت دو عدد تن ماهی می توان دو کیلو مرغ خرید و گرانی قیمت موادغذایی گریبان تن ماهی را هم گرفته است؛ به طوری که در بازار یک قوطی کنسرو تن ماهی ۵ تا ۶ هزار و ۵۰۰ تومان قیمت دارد.

دبیر سندیکای صنایع کنسرو، درباره تعداد شرکت های فعال در حوزه تولید تن ماهی نیز گفت: حدود ۱۲۰ واحد تولیدی تن ماهی در کشور وجود دارد که حدود ۴۰ واحد یعنی بیش از ۳۰ درصد از این واحدها عضو این سندیکا هستند و بر اساس قیمت مصوب محصولات خود را عرضه می کنند، اما متاسفانه برخی از واحدهایی که عضو این انجمن نیستند گاهی اوقات سوء استفاده هایی می کنند و محصولات خود را بیش از قیمت های تعیین شده در بازار عرضه می کنند و سبب افزایش قیمت ها می شوند.

«احمد پیریان»، رییس اتحادیه آجلیل و خشکبار همدان، در گفتگو با ایسنا، چهارشنبه، 25 بهمن ماه 1391، عنوان کرد: امسال قیمت آجیل نسبت به سال گذشته رشد صددرصدی داشته است به طوری که ثبات قیمت سبد آجیل شب عید بستگی به عرضه و تقاضا و نوسانات قیمت دلار دارد.

او، خاطرنشان کرد: در محصولات داخلی بیش ترین رشد قیمت ها مربوط به پسته، کشمش و کم ترین افزایش قیمت مربوط به تخمه ژاپنی و تخمه آفتاب گردان بوده است. هم چنین در بازار وارداتی ها نیز بیش ترین افزایش قیمت ها مربوط به بادام زمینی و بادام هندی است. پیریان، تصریح کرد: با توجه به افزایش قیمت دلار، صادرکنندگان به افزایش صادرات ترغیب شده اند که این امر نیز منجر به رشد نسبی قیمت ها در بازار شده است.

روزنامه بهار، چهارشنبه، 25 بهمن ماه 1391، نوشت: عصر یک روز زمستانی، سر در گریبان، خزیدن به گوشه ای دنج در ذهن تان به پا می شود، برای دقایقی آرامش و صرف پیاله ای

بستنی. آرامش که باشد پرداخت 75هزار تومان برای سه اسکوپ بستنی خیالی نیست. خیالی نیست چون این جا آرامش را هم با پول می توان خرید.

... بستنی های برج میلاد را که به گوشه ای بگذاریم می توان گفت گران ترین بستنی در تهران به کیلویی 500 هزار تومان سرو می شود. اسکوپ 50 گرمی 25 هزار تومان و یک ظرف کوچک سه اسکوپی 75 هزار تومان. شاید زیاد عجیب نباشد برای شمایی که درآمد چند میلیونی در ماه دارید. اما باور کنید گونه کارمندی با حقوق 500 هزار تومان با دیدن قیمت ها و مغازه هایی که برای شما عادی است؛ سرخ می شود و شاید هم دست و پا بزند تا حواس فرزندش را بگیرد و پرتاب کند جایی که در آن سقف خواسته ها بستنی دوقلوی‌هزار تومانی است، تا دلبندش عدد فیش حقوقی پدر را روی یک ظرف بستنی نبیند.

... شاید برایتان جالب باشد بدانید زندگی بدون کافه رفتن، بدون قلیان 120 هزار تومانی و غذای 400 هزار تومانی هم امکان پذیر است.

سرپرست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، هزینه های درمانی در کشور را «بسیار سرسام آور و زیاد» توصیف کرده و گفته است که مردم دیگر توان هزینه های درمان را ندارند.

محمد حسین طریقت منفرد، سرپرست وزارت بهداشت روز چهارشنبه ۲۵ بهمن 1391، به خبرگزاری مهر گفت که ۳۰ هزار میلیارد تومان از ۵۰ هزار میلیارد تومان هزینه درمان در بخش دارو و درمان در سال ۹۱ را بیماران پرداخت کردند و سال گذشته نیز، ۲۵ هزار میلیارد تومان از ۴۰ هزار میلیارد تومان هزینه دارو و درمان بر دوش بیماران بوده است.

او، با اشاره به این میزان هزینه تاکید کرد که «این هزینه ها با مشکلات مالی که در شرایط کنونی اقتصادی با آن مواجه هستیم دیگر از سوی مردم قادر به تامین نیست.»

سرپرست وزارت کشور، هم چنین به هزینه های بیمارستان ها اشاره کرد و علت آن را در این موضوع دانست که «از کارآیی لازم برخوردار نیستند» و گفت: چون کمیت کار بیمارستان ها ناکافی است به همان نسبت هزینه آن ها بالاست و چناچه کیفیت و کمیت خدمات بیمارستانی بالا برود درآمدهای آن ها جوابگوی هزینه های آن ها خواهد بود.

گفتگورادیوبین المللی فرانسه با جعفرعظیم‌زاده

بر پایه مطلب دریافتی آمده است : جعفر عظیم‌زاده، رئیس هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، تأکید می‌کند که در حداقل‌ترین حالت، دستمزد فعلی باید چندین برابر افزایش یابد و به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برسد.
با نزدیک شدن اسفند ماه و هفته‌های آخر سال، مطابق سنت معمول بحث درباره تعیین حداقل دستمزد کارگران، به لیست مطالب خبری پراهمیت در کشور پیوسته است و اینک روزی نیست که مطالبی درباره اظهار نگرانی کارگران نسبت به نرخ جدید حداقل دستمزد منتشر نشود.
نکته‌ای که شاید وضعیت امسال را نسبت به سال‌های گذشته استثنائی کرده است، موج عظیم گرانی و سپس بحران‌های پی در پی ارزی و در نتیجه سقوط باور نکردنی قدرت خرید پول کشور و از این رهگذر رواج تورم بیسابقه‌ای است که همه صاحب نظران آنرا «لجام گسیخته» توصیف کرده‌اند و هیچ کدام از سازمان‌های مسئول کشور نیز نتوانستند از گسترش آن جلوگیری کنند.
یکی از پیامدهای فوری این بحران بیسابقه اقتصادی، گسترش و تعمیق فقر و تنگدستی در میان اقشار آسیب پذیر اجتماعی بویژه کارگران کشور است.
درست از همین روست که کارگران، درمانده در مقابل غول سیری‌ناپذیر گرانی‌ها، چشم به اسفند ماه و تشکیل اجلاس سه جانبه شورای عالی کار دوخته‌اند و خواهان ترمیم قدرت

خرید برباد رفته دستمزدهای ناچیز خود هستند.
از این روست که سازمان‌ها و نیروهای مختلف کارگری کشور با اعلام مواضع و اظهار نظرات مختلف، بحث داغی درباره تعیین حداقل دستمزد براه انداخته‌اند.
در میان این نیروهای کارگری، اتحادیه آزاد کارگران ایران، این روزها با انتشار بیانیه‌ای با اشاره به وضعیت معیشت مردم که بقول بیانیه «به اصلیترین دغدغه اکثریت عظیم مردم ایران تبدیل شده است»، خواهان افزایش دستمزدها بر اساس تأمین شرافتمندانه سبد هزینه یک خانواده چهار نفره شده است.
اتحادیه آزاد کارگران ایران، سبد هزینه یک خانوار چهار نفره را، یک میلیون و هشتصد هزار تومان برآورد می‌کند و بر اساس آن، خواهان افزایش دستمزدها حداقل به میزان یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان است.
اتحادیه آزاد کارگران ایران، آنچه را که خود «تشکل‌های به اصطلاح قانونی و رسمی» می‌نامد، جزو سازمان‌های واقعی کارگری برسمیت نمی‌شناسد و معتقد است که آن‌ها در شورای عالی کار سازش می‌کنند و با یک افزایش ۲۰ و یا ۲۵ درصدی راضی خواهند شد.
این در حالی است که سازمان‌های کارگری، امسال صدای اعتراض خود را بسیار بالا برده‌اند و همه آن‌ها خواهان افزایش دستمزد با توجه به نرخ «واقعی تورم» شده‌اند.
عبدالله مختاری، عضو هیأت مدیره کانون عالی شوراهای اسلامی کار استان تهران، در گفتگو با خبرگزاری ایلنا، نرخ تورم مورد ادعای بانک مرکزی را که حدود ۲۰ تا ۲۵ در صد ادعا شده نادرست می‌داند و خود مدعی است که «تورم فعلی کشور در سبد معیشت خانوار کارگری، ۱۵۰ در صد است».
او می‌گوید، استفاده از عبارت «افزایش حقوق کارگران» صحیح نیست، زیرا دستمزد کارگران هر ساله از تورم عقب‌تر است و در واقع کارگران بدنبال خط فقر می‌دوند.
دبیر اتحادیه کارگران قراردادی کشور، رجبعلی شهسواری، نیز می‌گوید حقوق کمتر از یک میلیون تومان، جوابگوی زندگی کارگران و خانواده‌های آنان نخواهد بود. او اضافه می‌کند که افزایش نقدی دستمزد آثار تورمی زیانباری خواهد داشت و پیشنهاد می‌کند که به کارگران سبد معیشتی متشکل از کالاهای اساسی تعلق گیرد.
نادر قاضی‌پور، عضو فراکسیون کارگری مجلس، نیز اعلام کرد که این فراکسیون حقوق پایه کارگری را ۸۰۰ هزار تومان می‌داند بشرطی که فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها اجرا نشود. او مدعی شده که اگر طرح یارانه‌ها اجرا گردد، فراکسیون مجلس پیشنهاد ۲۰ میلیون ریالی اعلام خواهد کرد.
در گفتگوئی با جعفر عظیم‌زاده، رئیس هیأت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران، وی می‌گوید که اگر بخواهیم کارگران ایران باندازه سی سال پیش قدرت خرید داشته باشند، دستمزد ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومانی را هم اگر بپردازند پاسخگوی زندگی کارگران نخواهد بود.
او تأکید می‌کند که در حداقل‌ترین حالت دستمزد فعلی باید چندین برابر افزایش یابد و به یک میلیون و ۵۰۰ هزار تومان برسد.
بعقیده جعفر عظیم‌زاده، اجلاس شورای عالی کار برای تعیین دستمزد، یک نهاد سه جانبه نیست و کاملاً یک جانبه است. بعقیده او سازمان هائی مثل کانون عالی شورای اسلامی کار نماینده واقعی کارگران نیست و در شورای تعیین دستمزد، با یک افزایش ۲۵ درصدی موافقت خواهد کرد.
جعفر عظیم‌زاده، در پاسخ به کسانی که می‌گویند افزایش زیاد دستمزد کارگران را کارفرماها نمی‌توانند بپردازند، استدلال می‌کند که از حدود ۱۲ میلیون کارگری که امروز در ایران تحت پوشش قانون کار و تأمین اجتماعی هستند، ۷۰ تا ۸۰ درصدشان در بخش دولتی کار می‌کنند. بنابراین باید گفت دولت نمی‌خواهد چنین دستمزدی بپردازد. او درباره ۲۰ درصد فعالیت اقتصادی بخش خصوصی هم، معتقد است که دولت می‌تواند با برقراری سوبسید و یا بسته‌های کمکی مختلف این وضعیت را جبران کند تا حقوق کارگر افزایش یابد.
گوش کنید: http://telechargement.rfi.fr.
بیژن برهمندی-۱۱فوریه

وزیر معزول، معاون احمدی نژاد شد

برپایه اخبار منعکس شده در سایت های رژیم در تاریخ 25 بهمن 91 آمده است : احمدی نژآد در اقدامی تحریک آمیز وزیر معزول کار و امور اجتماعی را به عنوان معاون خود در امور اجتماعی منصوب کرد. عبدالرضا شیخ الاسلامی هفته ی گذشته توسط مجلس از وزارت کار و امور اجتماعی برکنار شده بود.
به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، متن این حکم به شرح زیر است:

بسم الله الرحمن الرحیم
فرهیخته ارجمند جناب آقای دکتر شیخ‌الاسلامی
با توجه به تعهد و ایمان و تجربیات و سوابق درخشان و ارزشمند و به استناد اصل یکصد و بیست و چهارم قانون اساسی جنابعالی را به عنوان «معاون رییس جمهوری در امور اجتماعی» برمی‌گزینم.
رسیدگی به امور اجتماعی که دایره وسیعی از موضوعات مرتبط با زندگی عمومی مردم را در بر می‌گیرد بسیار مهم است. توسعه بیمه و بهداشت و تأمین اجتماعی، رفاه عمومی و امور کارگری، تکمیل طرح عظیم پزشک خانواده و ده‌ها عنوان دیگر از موضوعاتی است که بروز نقصان در آنها زندگی بخش‌های وسیعی از مردم را تحت تأثیر جدی قرار می‌دهد.
اینجانب جنابعالی را به علم و تدبیر و امانت و فداکاری و همچون برادری دلسوز می‌شناسم که عمر خود را وقف خدمت بی‌منت به ملت بزرگ و انقلاب عظیم اسلامی نموده‌اید.
جنابعالی در دوره تصدی وزارت تعاون، کار و امور اجتماعی که از ادغام سه وزارتخانه ایجاد شده است و قبل از آن در مدیریت‌های گوناگون همواره با تمام وجود در خدمت ملت و در انجام وظایف موفق بوده‌اید. با مدیریت خوب شما برای اولین بار با هماهنگی بین کارگران و کارفرمایان و همه دست‌اندرکاران بخش‌های گوناگون بیمه و بازنشستگی و تعاون و رفاه، آهنگ زیبایی از همدلی و خدمت نواخته شد و خدمات کم‌نظیری به کشور عرضه گردید.
ضمن تقدیر مجدد از همه تلاش‌های مخلصانه شما امیدوارم در مسئولیت «معاون رییس‌جمهوری در امور اجتماعی» همچنان یار و مددکار دولت و همکاران خود و خدمتگزار ملت شریف باشید و همه همکاران شما را یاری خواهند کرد.
مطمئن هستم که در این مسئولیت نیز خوش خواهید درخشید.
امیدوارم همچون گذشته با عنایت خداوند متعال و با ایمان و عشق و مجاهدت و تحت توجهات حضرت ولی عصر (ع) در انجام خدمات موفق باشید.

محمود احمدی‌نژاد

اعتصاب در جهنم یاور

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 25 بهمن 91 آمده است : صف طويلي از مردگان رو به سوي بهشت در حركت بودند . تنها يك مشكل در راه داشتند . مي بايد از روي آن پل معروف كه زرتشتي ها آنرا چند هزار سال قبل از اسلام چينود مي ناميدند و به قولي از مو باريكتر و از تيغ برنده تر است ، عبور كنند . آنهم از روي جهنم . تا در آن سو به بهشت وارد شوند . بعضي از مردگان در گوش هم پچ پچ ميكردند : وقتي از روي پل مي خواهي رد شوي زير پايتان را نگاه نكنيد تا از وحشت ديدن جهنم تعادلت را از دست ندهي. خيلي ها روي اين پل نمي توانند تعادل شان را حفظ كنند و سقوط غير قابل اجتناب مي شود . سقوط آزاد در ميان شعله هاي آتش و هياهوي دلهره آور و گنگ جهنم . ولي سلطون مراد كه داربست بند بود و سالها در ارتفاع بدون هيچ حفاظ ايمني با يك پا روي لوله داربست مي ايستاد و با پاي ديگرش لوله عمودي را مي گرفت تا سقوط نكند و با دستان آزاد شده اش تخته هاي چهار تراش سنگين را بالا مي كشيد و يا لوله هاي 6 متري دربست را در ارتفاعي بالاتر از سينه اش ، نصب ميكرد . از پل صراط نمي ترسيد و تصور ميكرد براحتي قادر به عبور از آن خواهد بود . از اين رو با اعتماد به نفس جلو مي رفت . از سوي ديگر تصور ميكرد چون تمام دوران

زندگيش با كار و رنج لقمه اي بدور از آلودگيهاي دلالي و واسطه گري بدست آورده است و به كسي ستم نكرده و حقوق كسي را لگد مال ننموده ، بهشت رفتنش هيچ جايترديدي ندارد . ولي هميشه تصورات با واقعيتها در تضادند . هنگام عبور از روي پل سرنوشت ساز در زير پايش بدنهاي آش و لاش شده ي جهنمي ها را مي ديد و ديگهاي جوشان با مايعي متعفن و تيره رنگي كه سر آدمها گاهي با فريادي از آن بيرون مي آمد ، ولي ماموران نگهبان ديگها ، آنها را دوباره به درون مايع جوشان متعفن فرو مي كردند . براي يك لحظه از اين همه شقاوت بدنش به رعشه افتاد و اعتماد به نفس ش را بكلي از دست داد . زانويش لرزيد ، ديگر پاهايش به فرمانش نبود ، همه ي تلاشش براي حفظ تعادل بي نتيجه ماند . فرياد وحشت ش در گلو خفه شد چون به خوبي درك كرد كاري است بي فايده و احمقانه . به يك باره خود را در حال سقوط آزاد در ميان دود و آتش جهنم ديد در حين سقوط و گذر از طبقات جهنم شاهد شكنجه جهنميان بود . بعضي از جهنمي هاي قديمي كه از بس شكنجه شده بودند ديگر پوست كلفت شده بودند و نسبت به همه چيز بي تفاوت ، براي او كه بدون فرياد بدون وحشت سقوط مي كرد دست تكان مي دادند و برايش شكلك در مي آوردند . آخه اون اولين كسي بود كه بدون جيغ و داد و عربده و فرياد جهنم را پذيرا شده بود . قيافه گريس گريسي با لباس كار آبي چرك يك تكه ، از دور فرياد مي زد كه يك كارگر به جهنم وارد شده است . دستان پينه بسته اش در هواي داغ پيچ و تاب مي خورد ، عاقبت با سر وارد يك ديگ جوشان متعفن شد . تعفن و مايع جوشان همه وجودش را به آتش كشيد . نمي توانست حتي فرياد بزند . وحشت زده بسوي لبه هاي ديگ هجوم بود . ولي غول بدتركيب و درشت اندامي كه مامور شكنجه ي او بود با يك ميله ي گداخته دستانش را سوزاند . تازه خود ديگ از مايعش داغ تر بود . در حال خفگي تلاش كرد سرش را از مايع بيرون بياورد و نفسي بكشد . مامور مجازات الهي با ميله ي گداخته بر سرش كوبيد و او را به ته ديگ چسباند . مايع در حال جوش متعفن و چركين وارد دستگاه تنفس و گوارشش شد . همه ي وجودش از درون در حال متلاشي شدن بود . غول مامور مجازات با همان ميله كه مرتب در كوره گداخته اش مي كرد او را زير و رو مي كرد مثل اينكه مي خواست همه ي بدنش پخته شود . شكنجه تا بي هوشي ادامه داشت . وقتي جهنمي اعضايش متلاشي و از هم دريده مي شد .مامور نگهبان ديگ با همان ميله گداخته اعضاء متلاشي شده را از ديگ بيرون مي آورد و به كناري پرت مي كرد و مامور بازتوليد جهنمي را صدا مي كرد تا جسد را بازسازي و بازتوليد نمايد . و او را براي عمليات بعدي آماده كند . سلطان مراد در آن دنياي خاكي يك فعال كارگري بود ولي از بس به خاطر دفاع از حقوقش ، حقوقي قانوني كه در حاكميت بي اعتنا به قوانين هر روز بيشتر لگد مال مي شد .اعتراض كرده بود ، مرتب از كار اخراج مي شد و بلك ليست . همسرش مي ديد در زمان بيكاري پولي ندارند و زماني هم كه كاري گير مي آورد 5 الي 7 ماه بدون حقوق كار مي كرد و اولين حقوق را دريافت نكرده باز اخراج مي شد . از اين رو عطاي سلطان مراد را به لقايش بخشيد ، و طلاق گرفت . و رفت بدنبال سرنوشت مبهم مش . آنها يك فرزند پسر داشتند كه با پدربزرگ و مادربزرگ پدري زندگي ميكند . سلطان مراد پس از در هم ريختن كانون خانوادگيش تصميم گرفت مبارزه صنفي و چالش با پيمانكاران را رها كند تا حداقلي براي فرزندش تهيه كند . تا او از زندگي عقب نيفتد . زيرا در مملكتي زندگي مي كرد كه عمل كرد واقعي دست اندركاران تنها مشتي شعار براي جلب توجه مردم است بدون كاربردي كردن . و هر روز يكي از بندهاي قانون كار را براي تامين منافع سرما يه داران دلالان و واسطه هاي مالي بازار ، حذف مي كنند. و امكان تشكيل نهادهاي مردمي براي دفاع از حقوق شهروندي هم وجود خارجي نداشت . از اين رو يك فعال كارگري هميشه دچار بحران مالي تا مرز گرسنگي بود . توي ترك مبارزه صنفي بود ، كه باز گرفتار يك شركت بزرگ با كاري ميلياردي شد كه نگرش و مناسباتش با نيروي كار ، عميقا" درپيتي بود . 7 ماه بدون حقوق كاركرد و صدايش را خفه كرده بود . ولي شركت كه پشتوانه اش يكي از آقايان بسيار با نفوز و رانت خوار بود ، حتي يك اميد كاذب هم براي پرداخت حقوق كارگران نمي داد . ديگه از كوره در رفته بود ، مرتب با خودش چالش داشت ، تا تسليم باشد ، و سكوت كند . يك روز در زمان خوردن ناهار روي زمين و در ميان خاك و گرما و آلودگي در حالي كه عرق تنش با غذايش تركيبي شور و بد مزه ساخته بود كنترل ارادي بر اعتقاداتش را از دست داد و به قول كارگرها زد به سيم آخر و انتقاد با پرخاش گري و دعوت به اعتراض را در ميان كارگران مطرح كرد – مگه اين شركت

با اين همه سرمايه و اين قرارداد ميلياردي ، 20 درصد پيش پرداخت را نگرفته ؟ پس چرا پول سالن غذا خوري كه در قراردادش قيد شده بالا كشيده ؟ و حالا ما بايد توي گرما و سرما روي زمين غذا به خوريم . هر ماه پول صورت وضعيتها يش را گرفته ولي حقوق ما را نمي ده . ما چون خر شديم آنها دارند بارمان مي كنند . چرا ساكت هستيد ؟ اگه دسته جمعي اعتراض كنيم ، اگه همه با هم و يك صدا باشيم ، پيمانكار كه نمي تونه همه را اخراج كنه . او به نيروي كار احتياج داره . كارگراي جديد تا به خواهند با كار آشنا ، بشن ، زمان بندي كار پيمانكار به پايان مي رسه و دچار خسارات سنگين مي شه . شما با هم يك قدرت هستيد و ... يك كارگر ميان سال به او نزديك شد : به بين همكار عزيز تو درست ميگي ولي اينجا پر از آدم فروشه ، همين حالا با موبايل خبر حرفهايت را به مدير رسانده اند ، حواست را جمع كن . يكي ديگه از همكاران – هي سلطان مراد ، بسه هيچي نگو ، اين شركت چند تا از اين ورزشكاراي هيكلي را استخدام كرده تا اگه كسي مثل تو نق بزنه ، آنقدر كتكش مي زنند به بهانه هاي ديگه ، تا خون بالا بياره . و خودش دمشو رو كولش بزاره و بره – مگه شهر هرته ، شكايت مي كنم – عمو دلت خوشه ، ها ، تو پول نداري شام شبت را تهيه كني پيمانكار با پول همه را مي خره و تو بازنده خواهي بود . سلطان مراد از روي ناچار و درماندگي چند فحش چارواداري نثار مدير پروژه كرد . يكي ديگه از كارگرها – مي دوني اين شركت مال كيه – نه – مال يك جوشكار بي سواد بنام .... كه با بند و بست با آقايان " از ما بهتران " و شريك كردن آنها در درآمد كار ، از يك پيمانكار جزء به يك شركت ميلياديِ تبديل شد ، پس ، صداتو ببر . چون چنين آدمي مار خورده كه افعي شده ، مثل آب خوردن سر تو را هم ميكنه زير آب . اين اعتراض به سادگي پايان نيافت ، وقتي سلطان مراد از لاي لوله هاي انبار شده بسوي محل كارش مي رفت متوجه شد از پس و پيش دو نفر راهش را بسته اند در حالي كه آستين هايشان را بالازده اند با ريشخند بسويش مي آيند . بسرعت به اطراف نگاه كرد و يك بريده لوله داربست زنگ زده را براي درگيري بدست گرفت . همين باعث مرگش شد چون آن افراد مجبور شدند براي ساكت كردنش از چوب استفاده كنند و با يك ضربه كه به سر سلطان مراد خورد براي هميشه ساكت شد . نيروي ضد شورش پيمانكار ، جسد را در گوشه اي زير داربست قرار دادند تا تصور شود سقوط كرده است . با كمي دست و دل بازي پيمانكار پرونده سلطان مراد كارگر داربست بند و فعال سابق كارگري براي هميشه بسته شد . بدتر از همه در درگاه الهي هم كم آورد و در پايين ترين طبقه ي جهنم " درك " ساكن شد . بهر حال مامور بازسازي يا بازتوليد ، سلطان مراد را روبراه كرد تا براي شكنجه هاي بعدي آماده شود . ديو شكنجه گر سلطان مراد ، در حال تيز كردن آتش ديگ او بود . با فوت هاي سنگين آتش را زنده مي كرد . در هنگام كار متوجه شد سلطان مراد در حال آوردن چوبهاي خشك براي اوست . ديو حيرت زده به او نگاه مي كرد و گفت : مي دوني كه اين ديگ براي مجازات توست ؟ - آره مي دونم – پس چرا كمك مي كني ؟ من از بچگي كار كرده ام ، ديگه عادتم شده بدون كاركردن بي حوصله مي شم . از بيكاري بدم مياد . ديو تا به حال چنين پديده اي نديده بود . با بهت زدگي او را نگاه مي كرد . سلطان مراد با خنده گفت : راستي آقا ديوه با اين همه گاز تو آن دنيا ، تو ايران ، چرا يك لوله گاز به جهنم نمي كشين تا اين همه زحمت براي آتش روشن كردن نكشيد . ديو با اخم ، توي كار ما دخالت نكن ، ما سنتي كار ميكنيم .- آخه من لوله كشي صنعتي هم ، كار كرده ام . به جاي پختن من ، براتون يك لوله گاز مي كشم ... ديو پشت گردن سلطان مراد را گرفت و او را انداخت توي ديگ ولي ديگ هنوز كاملا" گرم نشده بود سلطان مراد با خنده : هي غول شاخ شكسته ، آبش سرد ، آخه من سرمايي يم . ديو از تعجب داشت شاخهاي شكسته اش در مي آمد . كارگر به چشمان وق زده و مبهوت ديو خنديد و گفت : راستي به شما تو اين جهنم سختي كار هم ميدن ؟ ديو با تعجب پرسيد سختي كار چيه ؟ - تو نمي دوني ؟ اي بابا اينجا با اين همه گاز و آتيش و بوي گند و گنداب و شكنجه و ناله و بدنهاي تكه تكه بايد به شما سختي كار بدن ، حتما" قانون كارتان هم مثل قانون كار در كشور ما سر و دم بريده و اخته است . آره اين طوره ؟ ديو پاك كيج شده بود و نمي توانست درك كند سختي كار يا قانون كار چيه . مي خواست سئوال كند كه ديد اين فعال كارگري يك ريز براش مطالب تازه مطرح مي كند – به بينم ، نه كه جهنم را به بخش خصوصي دادن كه حق شما را ضايع مي كنند ، آره اين طوره ؟ ديو : براي سختي كار چه ميدن ؟ ما اينجا به هيچ چيز نياز نداريم . ما بايد 24 ساعته به جز زمان عبادت پاي اين ديگ ها و در ميان آتش و گنداب

شما را شكنجه بدهيم . – من هم همينه ميگم سختي كار شامل حال شما مي شود . شما بايد جمع بشين و از رييس جهنم تقاضاي سختي كار بكنين . ديو : سختي كار ، چي مي تونه به ما بدن ، ما همه چي داريم – نه نداريم . شما به گنداب عادت كرده ايد زندگي نوع ديگري هم هست . شما آن نوع زندگي را نداريد . – چي رو ؟ - حداقل بابت سختي كار چند ساعتي استراحت در بهشت ، حور و ... جوي هاي شير و عسل و ... ديو آب از لب و لوچه اش سرازير شد . تصور بهشت و مزاياي نديدن اين جهنمي ها ، با بدنهاي خوني و تكه تكه شده . اين تصورات ديو را به شدت هيجان زده كرد . تداركات تيز كردن آتش را رها كرد و فعال كارگري را از ديگ بيرون آورد و با صدايي متفاوت و كمي لرزان پرسيد : راست ميگي ؟ اگه ما تقاضاي سختي كار بديم حالا اگر چند دقيقه هم شده ما را به بهشت راه مي دن ؟ - آره ولي شرط داره .- شرط آن چيه ؟ اتحاد بين همه ي ديوهاي جهنم ، بايد آنها را با سختي كارشان و حق استفاده از بهشت آگاه كرد – حق ، حق ما چيه ؟ - اي بابا شما كه از كارگراي نسل اولي ما هم عقب ترين . به بينم مگه جهنم هم از صندوق بين المللي پول وام گرفته كه سياست ها ضد ديوي را پياده كرده اند . ديو گيج و منگ به اين واژه هاي نا آشنا گوش مي داد .به بين شما در شرايط بسيار سخت گرما ، آتش بوهاي متعفن خون و چرك ناله و فرياد 24 ساعته كار مي كنيد . اين حق شماست كه گاهي اوقات استراحتي در جايي مثل بهشت داشته باشيد ولي طوري كه من مي بينم نئوليراليسم خانم تاچر پايش اينجا هم باز شده – خانم تاچر كيه ؟ توي جهنمه ؟ نمي دونم ولي شايد توي بهشته ، اگه رفتي آنجا پيدايش مي كني . – اوه پس او يك فرشته است – او يك انگليسي حتما" سر رئيس شما هم كلاه گذاشته و رفته توي بهشت . – ما همه اش بايد پاي ديگ باشيم هيچ اوقات فراغت نداريم كه بروم و به ديوهاي ديگه خبر بدم – درست مثل ما توي آن دنيا كه گرسنگي و بي چيزي همه اوقات فراغت ما را به كار ، براي لقمه اي نان تبديل كرده بود و هرگز نفهميديم ، كه انساني با حقوق و ارزشها بالا هستيم ، در روز مرگي كسب درآمد گم شديم . بهرحال بگذريم من به تو كمك ميكنيم ، تازه تو زمان عبادت مي تواني اطلاع رساني بكني – نميشه .بايد عبادت كرد – خاك بر سرت خيلي امتياز خوبي داري كه شكر گذار هم هستي ؟ وضعت كه از اين بدتر نمي تونه بشه ، مگر نه – آره . – گوش كن بايد يك سنديكا راه بيندازيد . با حيرت – چي ، سنديكا . و جرائت نداشت بپرسد سنديكا چيست . فعال كارگري كه واقعيتها را به خوبي مي شناخت . شروع كرد ساختار سنديكا و وظايف و كارهايي را كه مي تواند انجام دهد ، توضيح دادن . – اگه بفهمند – نبايد بفهمند ، بايد يك سنديكا زير زميني تشكيل دهيد وقتي با اتحاد روبرويشان ايستاديد ، نبايد هيئت رئيسه جهنم شما را بشناسند .به ديوهاي ديگه چه بگويم از سختي كارتان بگو و بعد از بهشت حرف بزن اين بهترين وسيله اتحاد اين ديوهاي شكنجه گر است – هي عمو كارگر ، اگه همه ي ديوها حرفهاي تو را بشنوند دنبال ما راه مي يفتند آنوقت چه كنيم؟ يك اعتصاب راه مي اندازيم و رئيس جهنم را تهديد مي كنيم كه اعتصاب را ادامه خواهيم داد ، نه نه اول يك تومار از درخواستهايمان را مي نويسيم و بعد تهديد به اعتصاب مي كنيم . آنها كه از اتحاد ما خبر ندارند . اول قبول نمي كنند ولي ما با اعتصاب جهنم را سرد مي كنيم و آنها را وادار به پذيرش خواستهايمان مي كنيم . ديو غرق گفتگو با فعال كارگري بود كه حس ششمش به او هشدار داد . جن ها ، جن هاي نامريي ممكن است در گزارش دادن اين وضعيت او باشند . به يك باره رنگ تيره اش تيره تر شد و فوري پشت گردن كارگر را گرفت و او را مقابل صورتش قرار داد و گفت : براي اينكه جن ها نمي توانند راز ما را بفهمند ، بايد تو را بجوشانم . و قبل از اينكه كارگر بتواند راه حلي پيشنهاد كند او را به درون ديگ انداخت و براي اينكه شكنجه نشود با يك ضربه خرد كننده او را متلاشي كرد و بدن آش و لاش او را با انبر سوزانش به بيرون ديگ ريخت . جن هاي نامريي يا همان " لباس شخصي ها در ميان انبوه جمعيت " گزارش دادند : ديو كارش را به خوبي انجام مي دهد .

پس از بازتوليد مجدد فعال كارگري ، ديو او را مامور روشن نگهداشتن آتش ديگ كرد و خود به سراغ ديوهاي ديگر رفت . حرارت بسيار بالا و بوهاي متعفن جهنم باعث مي شد ، جن ها به ندرت سري به آنجا بزنند . ولي بيشتر اوقات از خاصيت غيب شدن خود سوء استفاده مي كردند و به تماشاي خوش گذراني بهشتي ها مي رفتند . ديو هم شاگرد باهوشي از كار در آمد و همه ي آموزه هاي فعال كارگري را با دقت پياده مي كرد و بر خلاف شيوه ي فعال كارگري در دنياي خاكي، با زيركي يك سازمان زيرزميني در ميان ديوها ايجاد كرد و زماني كه از

اتحاد و يك پارچگي و از آمادگي تشكيلاتش براي چالش و مبارزه اطمينان يافت . يك تومار از خواستهايشان را آماده ي فرستادن به نزد رئيس جهنم كرد . فعال كارگري با بررسي و نقد علمي شكستهايش ، راههاي پيروزي ديوها را به آنها يادآوري مي كرد . و از آنها مي خواست با گفتگوهاي اقناعي همه در انتخاب راه مبارزه شركت داشته باشند تا پراكندگي پيش نيايد . ديوها اين درسهايي را كه آنها را از روز مرگي نجات داده بود به خوبي فرا گرفتند و كاربردي كردند . بهمين دليل در روز اعلام شده براي اعتصاب ، از جهنم آتشي برنخاست . ديگها سرد بودند و از بوي گنداب و تعفن و شكنجه خبري نبود . خبر غير منتظره اعتصاب آنهم در جهنم همه را شوكه كرد . جهنمي ها زن و مرد وحشت و شكنجه را فراموش كردند و از فرصت بدست آمده نهايت بهره را بردند. لخت و عور با بدنهايي كتك خورده به رقص و پايكوبي پرداختند . كار عبور مردگان جديد از روي پل چينود ايراني يا همان صراط عبري – عربي متوقف گرديد . هياهو و صداي رقص و شادي از جهنم برنامه هاي عبادي دعاهاي كميل و توصل و جوشن كبير بهشتي ها را مختل كرد . آنها با حيرت و تعجب از روي ديوار بهشت سرك مي كشيدند تا خبري بدست آورند – چي شده كسي خبر ندارد ؟ - باز دوباره آخر زمان شده ؟ پچ پچ و شايعه در بهشت بازار داغي پيدا كرد . فعال كارگري شده بود ليدر ديوها و رهبر پنهان اعتصاب . مرتب به مشاورهاي ديوها مي انديشيد و گوش مي داد و از تجربه هايش براي آنها مي گفت . ديوها هم پس از هزاران سال كار يك نواخت انجام دادن و در شرايط نا به هنجار جهنم زندگي كردن به استقبال اين تغيير و تحول نو رفتند . و تجربه ايستادگي در مقابل قدرت را به جاي اطاعت و تسليم ، آنها را به وجد آورده بود . به طوري كه از جهنمي هاي رها شده از شكنجه هم شادتر بودند . در طبقه ي بالاتر از " درك " درست بالاي سر ديگ شكنجه فعال كارگري ، چند پيمانكار جهنمي شده دور هم جمع شده بودند و از اتفاقات غير منتظره جهنم و اعتصاب ديوها حرف مي زدند . پيمانكار اول: فكر كردم ديگه توي اين دنيا اسمي از اعتصاب و اين جور آشوب گري به گوشم نمي خوره ولي مثل اينكه اين دنيا هم دست از سرما بر نميدارند . پيمانكار دوم : اين اعتصاب به منافع ما ضرري نمي زنه . بگذار هر چه مي خواهند اعتصاب كنند در عوض ما كمتر عذاب مي كشيم . يكي از پيمانكاران گفتگوي فعال كارگري و ديو را شنيده بود – همه ي اين آتيش ها زير سر يك سنديكاليست است كه توي پايين ترين طبقه جهنم " درك " يك ديو را فريب داده است . پيمانكار اول : هر چه زودتر برويم دم درب ورودي جهنم و خبر اين خرابكاري را به ماموران حراست جهنم اطلاع بدهيم . چه ديدي ، شايد ما را عفو كنند و بفرستند به بهشت . پيمانكار دوم : بدبخت اينجا كه پارس جنوبي نيست ، كه بنام منطقه ي آزاد ، قانوني وجود نداشته باشد تا من و تو پدر كارگران را در بياوريم . اينجا قانون عرضه و تقاضاي كور بازار ديگه فايده اي نداره از ناتو و صندوق بين المللي پول و بانك جهاني هم خبري نيست . اگه اونجا سر اولاد پيغمبر را شيره ماليدي ، سر خدا را كه نمي توني . اينجا ديگه با يك ريش دانه برنجي و يك تسبيح بلند و مهر روي پيشاني نمي توني كاسبي كني ، اگه اين كار را بكنيد . همه امان را بيچاره مي كنيد ، - آره راست ميگه بگذاريد همين وضع ادامه پيدا كنه ، ما هم راحت گردش مي كنيم و عذابي هم در كار نيست .
پيمانكار اول با حيرت رو كرد به دوستش و با ناباوري گفت : امير علي ، يعني اين تو هستي كه با اعتصاب بازي موافق شدي ؟! آره واقعا" موافقي ؟ - آره موافقم، آن موقع منافعمان آن گونه تامين مي شد و حالا درست بر عكس با اعتصاب . – آخه مرد حسابي يك عمله رئيس اعتصاب شده ، بايد ريشه ي اين ملعون را از بيخ و بن كند ، اگه جهنم را در اختيار بگيره پوست ما ها را مي كنه – پيمانكار سوم : اي بابا كي مي فهمه ما چه كاره ايم بايد به او كمك كنيم تا هميشه از اين اعتصابات در جهنم را بيفته تا ما هم كمي استراحت داشته باشيم ، و روي كرد به سوي بقيه همكارانش ، مگه نه ؟ - ولي اگه بفهمه ما پيمانكاريم ؛ به خاطر شكنجه شدن ما هم كه شده اعتصاب را بهم مي زنه .... تئوري پردازي دلالها ، خودشان را هم به سرسام دچار كرد .
آرامش و سردي جهنم چندان دوام نياورد . نيروهاي علني سركوب با گرزهاي آتشين بدست سوار بر اژدها هايي چند سر با غرش رعدآسا به جهنم و به اعتصابيون حمله كردند . از همه بدتر نيروهاي نامريي و آنهايي بودند كه خود را بصورت اعتصابيون در آورده بودند . و از هر سو بر سر اعتصابيون آتش گشودند . ديوهايي كه تا ديروز كارشان شكنجه اين و آن بود و بابت اين شغل چندش آور هيچ احساس بدي نداشتند خود طعمه شكنجه شدند . سركوب حساب

شده و با برنامه دقيق همه ي اعتصابيون را تار و مار كرد . جهنمي ها از اينكه مي ديدند ، بدن شكنجه گرشان زير ضربات گرز تكه پاره مي شود . هورا مي كشيدند و از شادي برقص در آمده بودند . ولي سركوب خونين اعتصاب باعث گردش چرخ دندانه هاي جهنم نشد . ديوهاي تكه تكه شده ديگر قادر به كار نبودند . و جهنم هم چنان بدون سر وصدا و غلغل ديگها و نعره ي ديو ها ، آرام و سرد بود . مديريت جهنم پيامي به مقامات بهشت فرستاد مبني بر اين كه ، اگر ديوها را باز توليد نكنيد ، جهنم كارش را نمي تواند ادامه دهد و توي پرانتز اعلام كرده بود : در اين دنيا از نوع چيني و فيليپيني و كره اي آنها هم پيدا نمي شود كه با ديوهاي موجود جاي گزين كنيم. (1)
فعال كارگري به ديگ متعفن ولي سرد خود تكيه داده بود و در حال بررسي شرايط جديد بود . او آن ميزان شناخت علمي داشت كه با هر شكست هر چند بزرگ از هم وا نرود . در بازنگري سير تحولات پس از شكست مي دانست بعضي از ديوها عقب نشيني مي كنند و بعضي هم به خاطر منافع فردي با سيستم قدرت همكاري مي كنند و به آدم فروشي به بخشيد به ديو فروشي خواهند پرداخت . برخي هم منفعل مي شوند و با خاطرات اين دوران كوتاه يك عمر را بسر خواهند برد . عده اي هم بيرون گود مي نشينند و با فرياد مي گويند : لنگش كن . مي ماند يك اقليت كه استوارند و معتقد به داد .آنها بيدي نيستند كه با شكستها سر خم كنند ، انعطاف دارند . ولي با ريشه و پايدارند . براي آنها بايد برنامه ريزي كرد . با تصورات و گردش انديشه سرش روي شانه اش لغزيد و به خواب رفت . در اين چرت كوتاه رويايي پارس جنوبي به سراغش آمد . گرما با انواع آلودگيها ، بي قانوني و حكومت مطلقه دلالها (بخش خصوصي) و مدير پروژه هاي پيمانكاري كه با كمك بند " ز " مصلحت نظام هر كدام يك حاكم شرع پروژه شده اند . اخراج مي كنند و نام ها را وارد ليست سياه مي كنند (بلك ليست) و كارگران را به خاك سياه مي نشاند . كابوس پارس جنوبي چنان وحشتي در او پديد آورد كه با فرياد از خواب پريد . كابوسي بدتر از واقعيت جهنم . با وحشت به اطراف نگاه كرد آهي از روي رضايت كشيد، وقتي ديد در پارس جنوبي نيست و به ديگ شكنجه اش در جهنم تكيه داده است .

1391/11/25

1-مانند استخدام كارگران چيني ،فيليپيني و كره اي در ايران در حالي كه كارگران ايراني بيكارند

سرپرست وزارت بهداشت: مردم دیگر توان هزینه‌های درمان را ندارند

به نوشته سایت مردمک در 25 بهمن 91 آمده است :سرپرست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشكي، هزینه‌های درمانی در کشور را «بسیار سرسام‌آور و زیاد» توصیف کرده و گفته است که مردم دیگر توان هزینه‌های درمان را ندارند.
محمد حسین طریقت منفرد، سرپرست وزارت بهداشت روز چهارشنبه، ۲۵ بهمن به خبرگزاری مهر گفت که ۳۰ هزار میلیارد تومان از ۵۰ هزار میلیارد تومان هزینه درمان در بخش دارو و درمان در سال ۹۱ را بیماران پرداخت کردند و سال گذشته نیز، ۲۵ هزار میلیارد تومان از ۴۰ هزار میلیارد تومان هزینه دارو و درمان بر دوش بیماران بوده است.
او با اشاره به این میزان هزینه تاکید کرد که «این هزینه‌ها با مشکلات مالی که در شرایط کنونی اقتصادی با آن مواجه هستیم دیگر از سوی مردم قادر به تامین نیست.»
سرپرست وزارت کشور همچنین به هزینه‌های بیمارستان‌ها اشاره کرد و علت آن را در این موضوع دانست که «از کارآیی لازم برخوردار نیستند» و گفت: چون کمیت کار بیمارستان‌ها ناکافی است به همان نسبت هزینه آنها بالاست و چناچه کیفیت و کمیت خدمات بیمارستانی بالا برود درآمدهای آنها جوابگوی هزینه‌های آنها خواهد بود.
اواخر آذرماه امسال، مرضیه وحید دستجردي، وزیر پیشین بهداشت نیز با هشدار درباره افزایش هزینه‌های بیماری اعلام کرده بود که به طور میانگین سالی بین پنج تا هفت و نیم درصد مردم ایران به دلیل هزینه‌های بیماري‌های صعب‌العلاج به زیر خط فقر مي‌روند.

به گفته وزیر بهداشت، دولت تلاش می کند هزینه‌های درمانی مردم کنترل شود اما بخش زیادی از مسائل درمانی مردم هزینه‌بر است و هر روز هم به این هزینه‌ها اضافه مي‌شود.
درحالی بیش از ۶۰ درصد هزینه‌های درمان توسط بیماران پرداخت مي‌شود که براساس برنامه چهارم توسعه قرار بود این رقم تا سال ۲۰۱۰، به ۳۰ درصد برسد، اما همچنان با اجرای برنامه پنجم توسعه، بیش از ۵۰ درصد از هزینه‌های درمانی را، خود مردم پرداخت مي‌کنند.
سهم سلامت از درآمد ناخالص ملی در کشورهای توسعه یافته بین ۱۵ تا ۲۰ است، در ایالت متحده از ۲۰ بالاتر و در کشورهای در حال توسعه، این رقم بالاتر از ۱۰ است. رتبه ایران همواره بین ۹۷ تا ۱۱۳ شناور بوده است.
مقامات وزارت بهداشت در شرایطی از بار سنگین هزینه‌های درمان بر دوش مردم ابراز نگرانی کرده‌اند که در چند ماه گذشته، و براثر نوسان قیمت ارز در بازار ایران، تامین دارو در ایران با بحران مواجه شده است.
بازار ارز ایران با شدت گرفتن تحریم‌ها علیه این کشور از تابستان امسال، قیمت‌هایی تاریخی را تجربه کرده و در برخی روزها قیمت دلار از ۴۰۰۰ تومان نیز گذشته است.
تحریم‌ها علیه ایران، دارو را شامل نمي‌شوند اما قطع ارتباط بانکی ایران با بانک‌های جهاني، مشکلاتی را در واردات دارو پیش آورده است.
با ادامه یافتن این وضعیت، گزارش‌هایی مبنی بر مرگ چند بیمار هموفیلی به دلیل نبود دارو منتشر شد و چندین نماینده مجلس نیز با انتقاد از عملکرد دولت در زمینه دارو و درمان و بهداشت هشدار دادند که با ادامه این وضع مطمئنا در زمینه دارو فاجعه به بار مي‌آید.
همچنین به گفته این نماینده‌ها، دولت حتی یک ریال از درآمد حاصل از هدفمند کردن یارانه‌ها را در بخش درمان هزینه نکرده است.
در همین راستا، مرضیه دستجردي، وزیر بهداشت پیشین نیز گفته است که بانک مرکزی در تامین ارز واردات دارو تعلل کرده و باید این عقب‌ماندگی را جبران کند چراکه دارو وابسته به جان مردم است و با جان شهروندان نمي‌توان شوخی کرد.

ممنوعیت فراخوان تجمع خیابانی به دو نفر از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران ابلاغ شد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 26 بهمن 91 آمده است : بدنبال احضار جعفر عظیمزاده و پروین محمدی به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات، این دو نفر ساعت ۱۰ صبح دیروز در این دفتر حاضر شدند و تا ساعت ۱۷ بعد از ظهر در مورد اتحادیه آزاد کارگران ایران و طومار سی هزار نفری کارگران مورد بازجویی قرار گرفتند. در این بازجویی پروین محمدی و جعفر عظیمزاده ضمن بیان صریح دیدگاه‌هایشان در باره مسائل مطروحه، بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران و حق کارگران برای جمع آوری طومار اعتراضی، تلاش برای افزایش دستمزدها، جلوگیری از تصویب اصلاحیه قانون کار و تحقق دیگر مطالباتشان تاکید گذاشتند و اعلام کردند پیگیرها و اعتراضات خود را برای تحقق مطالبات طومار سی هزار نفری کارگران ادامه خواهند داد. در ادامه این بازجویی مامورین امنیتی بویژه بر عدم دادن فراخوان تجمع خیابانی توسط هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی تاکید گذاشتند و جعفر عظیمزاده و پروین محمدی نیز اعلام کردند تا آنجا که به آنان مربوط می‌شود ضمن ادامه تلاش و اعتراضاتشان برای تحقق مطالبات طومار سی هزار نفری کارگران، از دادن فراخوان تجمع خیابانی تا پایان انتخابات ریاست جمهوری در سال ۹۲ پرهیز خواهند کرد و چنانچه تا آنزمان به خواستهای کارگران در طومار سی هزار نفریشان رسیدگی نشود این حق را برای خود محفوظ می‌دانند که پس از انتخابات ریاست جمهوری و در صورت لزوم اقدام به تجمع خیابانی نیز بکنند.

تجمع کارگران شرکت نیما سازه در سنندج

به گزارش رسیده، به سایت کمیته هماهگی ... آمده است : روز سه شنبه ۲۴ بهمن حدود ۲۰ نفر از کارگران شاغل در شرکت نیما سازه به دلیل عدم پرداخت ۲ ماه حقوق معوقه خود از ساعت ۱۳: ۳۰ تاساعت ۱۵ در مقابل دفتر این شرکت تجمع کردند. این شرکت در پروژه ۱۷۲۸

واحدی شهر سنندج در زمینه ساخت مسکن مشغول به فعالیت می‌باشد.
لازم به ذکر است که این کارگران روزانه حدود ۹ ساعت کار سخت و زیان‌آور انجام می‌دهند که در قبال آن ماهانه مبلغی حدود ۴۲۰ هزار تومان دستمزد را دریافت می‌کنند که این مبلغ نیز از سوی مدیر پروژه آقای فرزاد سنجری تمام و کمال پرداخت نمی‌شود.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۲۶ بهمن ۱۳۹۱

شاپور احسانی راد در گفتگو با سایت اتحاد
کارگران ایران نظاره گر تحمیل فلاکتی خرد کننده بر زندگیشان نخواهند شد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 26 بهمن 91 آمده است : طی چند سال گذشته با فرا رسیدن ماههای پایانی سال مسئله هزینه‌های زندگی و در این میان عدم پرداخت دستمزدها و اخراج سازی کارگران شکل حادتری بخود گرفته است و ده‌ها هزار کارگر گذشته از هزینه‌های زندگی و عدم پرداخت دستمزدها، پیش از پایان سال از کار خود اخراج شده‌اند. این مسئله بویژه طی دو سال گذشته رشد چشمگیری داشته است و با توجه به شرایط حاد اقتصادی در سالجاری و گرانی سرسام آور هزینه‌های زندگی، به یقین روزهای پایانی امسال و عید پیش رو یکی از تلخ‌ترین روزهای زندگی کارگران ایران خواهد بود و طبیعتا اخراج سازی کارگران نیز ابعاد هر چه گسترده تری به خود خواهد گرفت. در این رابطه شاپور احسانی راد از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران طی گفتگویی با سایت اتحاد اظهار داشت: روزهای پایانی سال چندین سال است که برای کارگران ایران به سخت‌ترین و مشقت بارترین روزها بدل شده است و در این میان امسال یکی از بدترین سالهاست چرا که هزینه‌های زندگی از اول امسال به این سو چندین برابر شده است و در خوشبینانه‌ترین حالت می‌توان گفت این هزینه‌ها حداقل دو برابر شده‌اند، ما هیچگاه طی سالهای گذشته با چنین وضعیتی مواجه نبوده‌ایم، امسال یک سال بسیار استثنایی است و معلوم نیست میلیون‌ها خانواده کارگری روزگارشان در عید امسال چگونه خواهد گذشت همین الان که به پایان سال حدود یک ماه باقی مانده است قیمت مرغ و برنج و گوشت و آجیل سر به فلک زده است و آن چیزی که به عنوان عیدی برای همه مردم و به مبلغ ۷۰ هزار تومان برای هر نفر اعلام شده است مطمئنا دردی از دردهای میلیون‌ها خانواده کارگری دوا نخواهد کرد.
شاپور احسانی راد در ادامه این گفتگو به طرح مسائل و مشکلات کارگران شهر صنعتی کاوه (ساوه) پرداخت و در باره وضعیت کارگران این شهر صنعتی در هفته‌های پایانی سال اظهار داشت:
شهرستان ساوه یک قطب کارگری با حدود ۵۰۰ کارخانه در شهرستان ساوه و شهرصنعتی کاوه (۱۰ کیلومتری شهرستان ساوه) می‌باشد اما در حال حاضر تعداد قابل توجهی از این کارخانه‌ها عملا تعطیل شده‌اند و اکثر کارخانه‌های در حال تولید نیز با ظرفیت پایینی در حال ادامه کار هستند و کارخانجات دیگر نیز همچون نورد لوله صفا، نورد و پروفیل ساوه، پاک وش، ریخته‌گری، پارس شیر، پارلو، مس کاوه، فنر سازی خاور، بهینه تکنیک، چینی سازی اسپیدار، بن رو، شیشه تابان و...، با مشکلاتی از قبیل عدم توانایی در پرداخت وامهای بانکی و هزینه‌های آب و برق و گاز و گرانی مواد اولیه مواجه‌اند و خوب طبیعی است که چنانچه فکری به حال این وضعیت نشود در آستانه سال جدید هزاران کارگر از کارشان بیکار خواهند شد. این وضعیت در حال حاضر چنان حاد شده است که اخیرا نماینده شهرستان ساوه نیز در مجلس شورای اسلامی در باره آن هشدار داد و اعلام کرد چنانچه از این کارخانه‌ها حمایتی صورت نگیرد بزودی ده هزار کارگر در شهرستان ساوه بیکار خواهند شد.
شاپور احسانی راد در ادامه این گفتگو با اشاره به اخراج سازی‌ها و عدم پرداخت بموقع دستمزد کارگران به عنوان مهمترین مشکلات هزاران کارگر در شهرستان ساوه در سالجاری اظهار داشت: در بسیاری از کارخانه‌های شهرستان ساوه عدم پرداخت بموقع دستمزد کارگران بیداد می‌کند و اغلب کارگران به علت ترس از اخراج و از دست دادن شغلشان دست به اعتراض نمی‌زنند و اگر اعتراضی هم بکنند از آنجا که کارفرمایان نفوذ بالایی در اداره کار و دیگر نهادهای دولتی دارند اعتراضاتشان نیز چندان به جایی نمی‌رسد.
وی در این رابطه با اشاره به اعتراضات کارگران نورد لوله صفا در سالجاری گفت: ۱۲۰۰ کارگر

این کارخانه از اول امسال به این سو در اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدهای خود چندین بار دست به اعتصاب زدند و حتی یکی دو بار نیز در مقابل فرمانداری تجمع کردند با اینحال مسئله عدم پرداخت دستمزد کارگران این کارخانه همچنان حل نشده است و آنان پس از هر بار اعتصاب و اعتراض نهایتا موفق به دریافت یکماه از دستمزد معوقه خود شده‌اند. تازه این وضعیت مربوط به کارخانه‌ای است که کارفرمایش یکی از بزرگ‌ترین و با امکانات‌ترین کارفرمایان در ایران است.
شاپور احسانی راد در پایان این گفتگو در باره افزایش دستمزدها اظهار داشت: من به عنوان یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران اعلام می‌کنم کارگران ایران بطور یقین زیر بار افزایش دستمزدها به روال سالهای گذشته نخواهند رفت چرا که تورم و افزایش هزینه‌های زندگی مطابق با سالهای گذشته نبوده است و نه تنها مطابق نبوده است بلکه ما با جهش چندین برابری در هزینه‌های زندگی مواجه بوده‌ایم. به همین دلیل ساده نیز کاملا روشن است که کارگران ایران تسلیم فلاکتی خرد کننده در زندگیشان نخواهند شد و با افزایش حداکثر ۲۵ درصدی دستمزدها آنگونه که نماینده‌های خود خوانده ضد کارگری در شورایعالی در صدد تحمیل آن بر کارگران هستند رضایتمندانه در خانه‌هایشان نخواهند نشست و طبیعتا دست به جدالی تعیین کننده بر سر هستی و بقا خود خواهند زد این امر تبیین من از شرایط موجود است و ربطی نیز به اراده من نوعی ندارد. حال این مسئولان ممکلتی کشورمان هستند که می‌باید پاسخی شایسته برای برون رفت از وضعیت حاضر پیدا کنند.

اتحادیهٔ آزاد کارگران ایران: این اتحادیه اعتراضات خود را همچنان پیگیری خواهد کرد

بر پایه گزارش رسیده آمده است : در پی مخالفت استانداری تهران با در خواست فعالان کارگری برای گرد هم آئی اعتراضی، در خصوص تعیین مزد سال آینده در مقابل ساختمان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اتحادیهٔ آزاد کارگران ایران، با صدور اطلاعیه‌ای و به نقل از هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران نوشت که این اتحادیه اعتراضات خود را همچنان پیگیری خواهد کرد.
در خواست کنندگان در نظر داشتند در روز ۲۸ بهمن‌ماه در اعتراض به لایحه پیشنهادی دولت برای تغییر قانون کار و عمل نکردن شورای عالی کار به ماده ۴۱ این قانون برای افزایش دستمزدها (متناسب با تورم و سبد هزینه یک خانوار چهار نفره) در برابر وزارت کار گرد هم آیند.
در خواست کنندگان این تجمع، جمعی از فعالان مستقل صنفی هستند که از اردیبهشت ماه سال جاری تاکنون در هماهنگی طومار سی هزار امضایی کارگران برای بازبینی مزد سال ۹۱ مشارکت داشته‌اند.
به گفته متقاضیان این تجمع، مسئولان استانداری به آن‌ها توصیه کرده‌اند تا با توجه به استیضاح و برکناری عبدالرضا شیخ الاسلامی و نیز انتصاب اسدالله عباسی به عنوان سرپرست این وزارت‌خانه، مطالبات و خواسته‌های خود را از سرپرست جدید وزارت‌خانه پیگیری کنند.
به گزارش جرس، در پیوند با این درخواست چهار تن از اعضای اتحادیهٔ آزاد کارگران ایران به وزارت اطلاعات احضار شدند.
به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران، این احضار شدگان عبارتند از: جعفر عظیم‌زاده، پروین محمدی، جمیل محمدی و ناهید خداجو.
اتحادیهٔ آزاد کارگران ایران با صدور اطلاعیه‌ای از مخالفت استانداری تهران با تقاضای برگزاری تجمع کارگری خبر داده و به نقل از هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران نوشت که این اتحادیه اعتراضات خود را همچنان پیگیری خواهد کرد.
کارگران معترض در روز هشتم بهمن ماه، به دنبال بی‌توجهی‌های مسئولین وزارت کار به خواستهای سی هزار کارگر، با مراجعه به استانداری تهران، خواهان صدور مجوز جهت برگزاری تجمع کارگری در مقابل وزارت کار شدند.

از روز 11اردیبهشت ماه، کارگران کارخانه‌های مختلفی از سراسر کشور با تهیه طوماری اعتراضی خطاب به وزیر کار خواهان توقف اصلاح قانون کار، افزایش فوری دستمزدها و تحقق دیگر مطالباتشان شدند اما علیرغم اینکه سی هزار امضای کارگری در سه مرحله در ماه‌های خرداد، مهر و آذر تحویل وزارت کار، نهاد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی شد مسئولین وزارت کار به عنوان متولی اصلی رسیدگی به مطالبات کارگری هیچ پاسخی به این کارگران ندادند.
علیرضا نوائی، کارشناس مسائل کارگری می‌گوید دولت حتا به نرخ تورم رسمی خود هم افزایش حقوق‌ها را تعیین نمی‌کند و گر چه هزینه ماهیانه یک خانواده چهار نفره یک میلیون و ششصد هزار تومان تعیین شده حداقل دستمزد ۳۸۹. ۷۵۴ تومان است. بنابراین کارگران می‌بایست ساعات بیشتری کار کنند و گزارش‌ها حکایت از ۱۶ تا ۱۷ ساعت کار در روز دارند. از این رو با خستگی زیاد روبرو می‌شوند و این خستگی خطرهای جانی برای آن‌ها به دنبال می‌آورد. بنا به آمار پزشک قانونی روزانه حدود ۵ نفر در ایران بر اثر حوادث کار جانشان را ازدست می‌دهند.
نداشتن وقت برای خانواده هم خطر در هم پاشیدگی زندگی آن‌ها را به وجود می‌آورد. نکته دیگر اینکه نمی‌توانند هزینه تحصیل کودکانشان را تأمین بکنند و از این رو فرزندان آنان ناچار به ترک تحصیل می‌شوند.
گفتگو با علیرضا نوائی گوش کنید (۰۶: ۴۳)
http://telechargement.rfi.fr
منبع: رادیوبین المللی فرانسه-۱۴فوریه-شهلا رستمی

حساب بانکی ایرانی ها در آلمان در تیررس تحریم‌ها

به گزارش رادیو صدای آلمان در 26 بهمن 91 آمده است : حساب بانکی شماری از ایرانی‌ها در یکی دو سال اخیر در آلمان مسدود شده و شماری دیگر نیز امکان گشودن حساب بانکی ندارند. تفسیر دلبخواهانه بانک‌ها از تحریم‌ها عامل این مشکل تلقی می‌شود. گفت‌وگو برای رفع مشکل در جریان است.
در آلمان اگر بخواهی اجاره و قبض آب و برق را بپردازی یا هزینه استفاده از موبایل را پرداخت کني، بدون داشتن یک شماره حساب تقریبا ناممکن است. ترکش تحریم‌ها علیه ایران اما اینک گریبان شماری از شهروندان ایرانی مقیم آلمان را هم گرفته و آنها با محروم‌شدن از داشتن حساب بانکی در انجام امور مالی خود با مشکلات اساسی روبرو شده‌اند.
روزنامه زود دویچه سایتونگ در شماره روز سه شنبه (۱۲ فوریه/ ۲۴ بهمن) خود گزارشی در این باره دارد که با شرح دشواري‌های یک دانشجوی ایرانی مقیم آلمان در افتتاح حساب در دویچه بانک آلمان آغاز مي‌شود.
این دانشجو که زود دویچه نام مستعار نوید امیدی بر او گذاشته، شش سال پیش به آلمان آمده و از گشودن حساب در دویچه بانک بدون ارائه هیچ دلیلی محروم مي‌شود. او گرچه نهایتا در بانکی دیگر موفق به افتتاح حساب مي‌شود، اما حتی ازدواج با یک زن آلمانی نیز نمي‌تواند دویچه بانک را به گشودن حساب برای او متقاعد کند.
اما مورد نوید امیدی موردی استثنایی نیست. لوتس بوکلیچ، از چهره‌های مدافع حقوق بشر و از مسئولان انجمن یاری پناهندگی ایران در برلین (Verein Fl=chtlingshilfe Iran)، به زود دویچه گفته است که افراد مختلفی با تابعیت ایران که مقیم آلمان هستند مشمول چنین محدودیت‌هایی شده‌اند.

استناد مبهم به قطعنامه‌ها و فهرست‌های تحریمی
این محدودیت‌ها شش سال پیش که تحریم‌ها علیه ایران آغاز شد چندان گسترده نشدند و شمار کسانی که امکان گشایش حساب بانکی را نیافتند یا حساب موجودشان مسدود شد، معدود ماند. اما از ماه مه سال گذشته به گفته بوکلیچ دستکم حساب بانکی ۱۵۰۰ ایرانی مسدود شده است. در مجموع ۵۴ هزار ایرانی مقیم آلمان همچنان تابعیت اصلی خود را حفظ کرده‌اند و اکثر افراد یادشده از میان این گروه هستند.

فعالیت گسترده شرکت‌ها وافراد حقیقی و حقوقی ایرانی با ارتباطهای آشکار و پنهان با جمهوری اسلامی در آلمان، از دیرباز موضوع پنهانی نبوده است. اما گزارش زود دویچه نشان مي‌دهد که محدودیت‌های ناشی از تحریم‌ها صرفا گریبان این گونه افراد و شرکت‌ها را نگرفته است.
بانک‌های آلمان دلیل روشنی برای انسداد حساب‌های موجود یا امتناع از افتتاح حساب جدید برای شماری از ایراني‌ها عنوان نمي‌کنند و تنها پای دلیل کلی و مبهمی مانند مسائل "سیاسی- اقتصادی" را به میان مي‌کشند. تنها در یک مورد، بانک موسوم به "هیپو فرآینزبانک" در نامه‌ای که در توضیح مخالفت با گشایش حساب برای یک ایرانی نوشته، به قطعنامه ۱۹۲۹سازمان ملل استناد مي‌کند.
بنا بر این قطعنامه که سال ۲۰۱۰ در شورای امنیت سازمان ملل تصویب شد، همه افراد، شرکت‌ها و موسساتی که با برنامه اتمی ایران مرتبط هستند مشمول تحریم مي‌شوند. "هیپوفرآینزبانک" البته بعدتر اعلام کرد که نوشتن این نامه و استناد به قطعنامه ۱۹۲۹ درست نبوده است.
دویچه بانک هم اعلام کرده است که برای ایرانیانی که بیش از ۶ ماه در آلمان اقامت دارند افتتاح حساب با مشکلی روبرو نیست. با این همه بوکلیچ به زود دویچه گفته است که دستکم دانشجویان ایرانی همچنان از این قاعده مستثنی هستند و کمتر مي‌توانند در دویچه بانک حساب باز کنند.
"رفتار و رویکرد بانک‌های آلمانی در قبال شماری ازایراني‌های مقیم این کشور از نظر فعال امور پناهندگان با ملاحظات آنها نسبت به روابط با آمریکا قابل توضیح است. در واقع این بانک‌ها مراقبند که از هر گونه اقدامی که اتهام نقض تحریم‌ها را متوجه آنها کند بپرهیزند.

گفت‌وگو در جریان است
اقتصاد اعتباری و مالی آلمان" که تشکل اتحادیه‌های اصلی بانکی و مالی آلمان به شمار مي‌رود در پاسخ به پرسش زود دویچه در باره ممانعت تعدادی از بانک‌ها از همکاری با شهروندان ایرانی به مقررات مارس ۲۰۱۲ اتحادیه اروپا استناد کرده است. این مقررات ناظر بر هشیاری و دقت در مورد تبادلات مالی و بانکی با موسسات، بانک‌های ایرانی و ارسال یا دریافت پول از این کشور است.
ظاهرا شماری از بانک‌ها برای این که این "هشیاری" را در حد اعلا رعایت کنند، اصولا هر گونه همکاری با شهروندان آلمانی دارای تابعیت ایرانی را رد مي‌کنند. یک دانشجوی ایرانی به زود دویچه گفته است که در بانک "اشپارکاسه" برلین صراحتا به او گفته شده که تابعیت ایرانی وی مانعی برای ارائه کارت اعتباری به او است.
مارکوس لونینگ، مسئول امور حقوق بشر در دولت آلمان: مرعوب نشوید و برای گشودن حساب بانکی سماجت کنید
این در حالی است که بر اساس قانون "برخورد برابر با همه شهروندان" کسی را نباید از انجام خدمات عمومی محروم کرد. خانم کریستنه لودرز، مدیر مرکز فدرال برای مبارزه با تبعیض نژادي، با استناد به همین قانون مي‌گوید که رفتار بانک‌های آلمانی غیرقابل توجیه است.
امیلی هابر، مدیرکل وزارت خارجه آلمان نیز در نامه‌ای به دو بانک معروف آلمان نوشته است که بر اساس مبانی حقوقی آلمان و اتحادیه اروپا هیچ ممنوعیت و محدودیتی برای انجام عملیات بانکی ایراني‌ها وجود ندارد، مگر آن که نام فرد یا موسسه ایرانی در فهرست تحریمی اتحادیه اروپا صراحتاً ذکر شده باشد.
مارکوس لونینگ، مسئول امور حقوق بشر در دولت آلمان نیز از طریق زود دویچه به شهروندان ایراني‌ها توصیه مي‌کند «مرعوب نشوید! سماجت به خرج دهید. این بانک نشد به بانک دیگری بروید.»
در حاضر برای رفع محدودیت‌ها و اختلال‌ها در امور بانکی شماری از ایراني‌های مقیم آلمان گفت‌وگوهایی میان موسسات بانکي، مقام‌های سیاسی و انجمن یاری پناهندگی ایران در برلین در جریان است که انتظار مي‌رود تا عید پاک (فروردین) به نتیجه برسد.

عدم پرداخت حقوق کارگران سد ژاوه

بر اساس گزارش دریافتی آمده است : کارفرمایان شرکت معتبر (آقایان فرشید و حمید ابوالفتاحی) یکی از شرکتهای فعال در پروژه سد ژاوه که در قسمت راه سازی و تونل این سد مشغول به فعالیت می‌باشد از پرداخت ۴ماه حقوق ۳۰۰ نفر از کارگران خود سرباز می‌زند.
بر اساس همین گزارش شرکت ژیان دیگر شرکت فعال در سد ژاوه که از طرف مهندس آذری اداره می‌شود و در قسمت دیوارهٔ سد کار می‌کند در اقدامی مشابه ۴ ماه حقوق کارگران خود را پرداخت نکرده است. این عدم پرداخت حقوق در حالی صورت می‌گیرد که کارگران در صورت اعتراض به این شرایط تهدید به اخراج می‌شوند و در مواردی هم اخراج کارگران صورت گرفته است.
لازم به ذکر است که این کارگران در شرایط سخت و زیان‌آوری کار می‌کنند به گونه‌ای که درقبال ۱۲-۱۰ ساعت کار روزانه، ماهیانه مبلغی حدود ۶۰۰ هزار تومان دریافت می‌کنند؛ همچنین این کارگران دارای قرارداد ۳ ماهه می‌باشند.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۲۶ بهمن ۱۳۹۱

اتحادیه چایکاران شمال: از طلب ۲۸/۵میلیارد تومانی چایکاران تنها یک میلیارد تومان پرداخت شد

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 26 بهمن 91 آمده اس : امروز در حالی که مدیر عامل شرکت صدرا از پرداخت ۳ میلیارد تومان از مطالبات چایکاران خبر داده است، نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور با اشاره به وعدهٔ مسئولان دولتی مبنی بر پرداخت تمامی معوقات چایکاران تا ۲۲ بهمن ماه سال جاري، از پرداخت تنها یک میلیارد تومان از این بدهی خبر داد.
پرویز شعبانی با انتقاد از بي‌توجهی مسئولان دولتی به معوقهٔ ۲۸/۵ میلیارد تومانی بیش از ۵۰ هزار چایکار استان‌های شمالی کشور، به ایلنا گفت: در آستانهٔ ۲۲ بهمن تنها ۱ میلیارد تومان از کل معوقات چایکاران پرداخت شده است.
شعبانی افزود: این یک میلیارد تومان هم مشخص نیست از چه محلی واریز شده است.
شرکت صدرا تا کنون هیچ یک از وعده‌های خود را عملی نکرده است. تفاهم نامهٔ میان شرکت صدرا و سازمان چای هیچ گونه تضمین عملی ندارد و دولت باید ترتیبی را اجرا کند تا کشاورزان از بابت این مساله آسوده خاطر شوند.
وی پیش‌تر با اعلام خبر انصراف شرکت صدرا از تفاهم نامه‌ای که با سازمان چای منعقد کرده بود، نسبت به پرداخت معوقات ۲۸/۵ میلیارد تومانی چایکاران تا ۲۲ بهمن ماه (که پیش‌تر مسئولان دولتی وعده داده بودند) ابراز ناامیدی کرده بود.
مدیر عامل شرکت سرمایه‌گذاری و تامین خودروی صدرا روز ۱۸ بهمن ماه سال جاری با کذب خواندن سخنان شعباني، از پرداخت «مطالبات حدود ۵۰ درصد از چای کاران گیلان و مازندران به حساب سازمان چای شمال کشور» خبر داد.
گفتنی است طبق تفاهم نامهٔ میان سازمان چای و شرکت صدرا، سازمان چای موظف است در قبال پرداخت معوقات چایکاران از سوی شرکت صدرا، حدود ۵۰ هزار تن حواله چای خشک به این شرکت تحویل دهد. مسئولان دولتی پیش‌تر وعده داده بودند که طلب ۲۸/۵میلیارد تومانی چایکاران را تا ۲۲ بهمن ماه سال جاری (سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی) پرداخت کنند

تجمع تراکتورها در اعتراض به قطع آب

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر از اصفهان در تاریخ 26 بهمن آمده است: کشاورزان شرق اصفهان معتقدند از سال‌های گذشته آب زاینده رود که بهزمینهای آنها اختصاص داشت به استان‌های یزد، قم، کاشان و کارخانه‌های بزرگی مانند فولاد مبارکه و ذوب‌آهن فروخته می شود. این کشاورزان در اعتراض به قطع سهمیه آب خود، اینگونه اعتراضشان را نشان دادند.

شکایت کارگران پیمانی تعمیرکار لوکوموتیو بـه اداره کـار طبـس بـه خـاطر حقـوق و مزایای عقب افتاده/ترس از اخراج در واکنش به اعتراض

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 26 بهمن 91 آمده است : با وجود اینکه قرار داد شرکت بافق شهاب با راه آهن از موخه ۱۶ مرداد ماه سال ۹۱ به اتمام رسیده است و ما هم اکنون با پیمانکار جدید قرار داد داریم هنوز نتوانست‌هایم مطالبات گذشته خود را از کارفرمای سابقمان دریافت کنیم.
۲۴ کارگر پیمانی تعمیرکار لوکوموتیو و واگن خواستار اقدام شرکت راه آهن جهت دریافت مطالبات معوقه خود از شرکت پیمانکاری سابق شدند.
نماینده این کارگران به ایلنا گفت: شرکت فنی مهندسی «بافق شهاب» پیمانکار سابق تامین کننده نیروی انسانی شرکت راه آهن از پرداخت مطالبات ۲۴ کارگر خود خوداری مي‌کند.
او افزود: با وجود خاتمه همکاری این شرکت پیمانکاري، کارگران تعمیرکننده لوکوموتیوهای راه آهن در ایستگاهای طبس، تربت حیدریه، بیشه در و رباط پشت بادام هستند هنوز نتوانسته‌اند بخش اعظمی از مطالبات خود در خصوص اضافه کاري، مرخصي‌های سالانه و... دریافت کنند.
او با بیان اینکه این تعداد کارگران در زمینه کار خود تخصص داشته و دوره دیده‌اند تصریح کرد: با وجود آن که کار تخصصی آنان باید ضامن امنیت شغلي‌شان باشد اما متاسفانه به سبب اینکه بعداز هر دوره قراردادها شرکتهای تامین نیروی انسانی در تعمیرات لو کوموتیوها و واگن‌ها با مناقصه تعویض مي‌شوند امنیت شغلی این کارگران نیز به خطر افتاده و این موضوع دغدغه ذهنی آنان شده است.
نماینده کارگران ادامه داد: با وجود اینکه قرار داد شرکت بافق شهاب با راه آهن از موخه ۱۶ مرداد ماه سال ۹۱ به اتمام رسیده است و ما هم اکنون با پیمانکار جدید قرار داد داریم هنوز نتوانسته‌ایم مطالبات گذشته خود را از کارفرمای سابقمان دریافت کنیم.
این کارگر در تشریح مشکلات کارگران گفت: طبق توافق کارگران و کارفرما، هر کارگر در ماه ۱۸۰ ساعت اضافه کاری اجباری انجام داده است. اما پیمانکار سابق از پرداخت مبلغ این اضافه‌کاري‌ها خودداری کرد و با شکایت کارگران اداره کار تنها ۱۲۰ ساعت اضافه کاری که قانون مصوب کرده است را به رسمیت مي‌شناسد.
او اضافه کرد: همچنین کارفرمای سابق با در خواستهای مرخصی کارگران مخالفت مي‌کرد و از ما خواسته بود به ازای هر روز مرخصی معادل پولی آن را در پایان قرار داد طبق توافق پرداخت کند که این وعده هم عملی نشد وطبق قانون بیشتر از ۹ روز از مجموع مطالبات مرخصي‌مان محاسبه نخواهد شد.
این کارگر در ادامه از پرداخت نکردن معوقات نوبت کاری کارگران انتقاد کرد و افزود: در شغل ما به ازای هر ۱۲ ساعت کار مداوم ۲۴ ساعت استراحت داریم و کارفرما موظف است ۲۲/۵ درصد حق نوبت کاری را به کارگر پرداخت کند که کارفرمای ما در طول قرارداد کاری فقط چند ماه از این مبلغ را پرداخت کرده است.
کارگران از ترس اخراج نمي‌توانستند اعتراض کنند
دبیر اجرایی خانه کارگر طبس ضمن تایید ادعای کارگران بافق شهاب گفت: با وجود اینکه قرار داد شرکت پیمانکاری بافق شهاب با شرکت راه آهن به اتمام رسیده است اما متاسفانه مطالبات ۲۴ کارگر خود را پرداخت نشده است و این کارگران برای پي‌گیری حقوق خود به اداره کار شکایت کرده‌اند.
غلامرضا محمدی افزود: کارفرما این شرکت از کارگران در خواست کار اجباری کرده بود که باید طبق توافقی که با کارگران کرده بود مبلغ اضافه کاري‌ها و مرخصی های این کارگران را پرداخت کند.
او با بیان اینکه مطالبات کارگران باید پرداخت شود افزود: در زمانی که این کارفرما هنوز باشرکت راه اهن قرارداد پیمانکاری داشت این کارگران از ترس اخراج نمي‌توانستند مطالباتشان را به صورت قانونی دنبال کنند

افت 15درصدی محصولات کشاورزي، کاهش 20 درصدی اراضی زیر کشت، افزایش 30 درصدی قیمت تمام شده محصولات

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 26 بهمن 91 آمده است : کشوری که در گذشته جشن خودکفایی گندم را برگزار کرده بود، مجبور به واردات گندم شد که قابل پیگیری است و از مسئولان مي‌خواهم در پرداخت به موقع مطالبات چایکاران نیز تلاش کافی داشته باشد.
مهرداد بائوج لاهوتی در نطق میان دستور خود، گفت: در سال جاری به دلیل نبود حمایت از بخش تولید کشاورزي، این بخش دچار خسارت شدید شد که کاهش ۲۰ درصدی اراضی زیر کشت، افت ۱۵ درصدی محصول و افزایش ۳۰ درصدی قیمت تمام شده محصولات، فضای دلسردی کشاورزان در ادامه تولید را به همراه داشته است.
به گزارش ایلنا، نماینده لنگرود در صحن علنی مجلس از عدم وجود سیاست منظم جهت تغییر کاربری اراضی کشاورزی و تخصیص به موقع نهاده‌های کشاورزی و نبود سیاست مدون و منظم برای خرید محصولات کشاورزي، انتقاد کرد.
عضو کمیسیون عمران مجلس در ادامه نطق خود بیان کرد: کشوری که در گذشته جشن خودکفایی گندم را برگزار کرده بود، مجبور به واردات گندم شد که قابل پیگیری است و از مسئولان مي‌خواهم در پرداخت به موقع مطالبات چایکاران نیزتلاش کافی داشته باشد.
لاهوتی نسخه اقتصاد مقاومتی را راهگشا و درست دانست و تاکید کرد: اگر دولتمردان از ابتدا موضوع اقتصاد مقاومتی را برای رفع تحریم‌ها مدنظر قرار مي‌دادند، افت اقتصادی در تابستان سال جاری اتفاق نمي‌افتاد.
نماینده مردم لنگرود افزایش غیرمعقول، غیرفنی و بدون توجیه قیمت خودرو در کشور را ناشی از نبود نظارت و سیاست‌های راهبردی دولت در بزرگ‌ترین عرصه تولید صنعت (خودروسازی) دانست و گفت: این رویه موجبات نارضایتی مردم را فراهم کرده و لازم است دولت با اتخاذ تدابیر صحیح و علمی مانع از افزایش بي‌رویه و لجام گسیخته خودرو شود.
وی به شاخص‌های PPP درخصوص قدرت برابری پول بر اساس آخرین ارزیابی پولی و مالی بین المللی اشاره کرد و گفت: در این رده بندی ایران دارای رتبه ۱۷ در دنیا و رتبه ۲ منطقه است و کشورهایی همچون آرژانتین، هلند و عربستان پس از ما قرار دارند.
وی افزود: عدم ارائه لایحه بودجه توسط دولت نشان مي‌دهد یا دولت در این زمینه فاقد برنامه است و به همین دلیل توان تهیه لایحه بودجه را ندارد و یا برنامه دارد ولی اعتقادی به حرکت بر اصول برنامه‌ای در او دیده نمي‌شود که در هر دو صورت دارای اشکال است.

قطع ۴ انگشت دست یک کارگر زن در محل کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 26 بهمن 91 آمده است : کارگر زن ۵۲ ساله يك کارگاه صنعتی قند شکنی در احمد آباد اصفهان که مشغول کار با دستگاه قند شکن بود، طی يك حادثه شغلی ۴ انگشت دست راستش را از دست داد.
بر اساس این گزارش، با اطلاع رسانی سایر کارگران این کارگاه به مراکز امداد و نجات، ماموران امدادی سایر کارگران وحشت زده را از کنار دستگاه قند شکن دور کرده و به وسیله بازوهای هیدرولیکی اقدام به بازکردن تیغه‌های دستگاه کردند.
گفتنی است امداد گران پس از مشاهده علائم حیاتی در این کارگر مصدوم که درد بسیار زیادی را تحمل مي‌کرد و وحشت زده شده بود پس از آزادکردن دست او از زیر تیغه‌های دستگاه قند شکن، وی را به عوامل اورژانس تحویل مي‌دهند.
یک کارشناس امداد نجات در این زمینه تاکید کرد: رعایت نکات ایمنی در کارگاه‌ها بارها توسط رسانه‌های جمعی و کارشناسان آموزش و پیشگیری از حوادث به کارگاه‌ها و کارگران گوشزد شده و ما امیدواریم که دیگر شاهد رخ دادن چنین اتفاق‌هایی نباشیم.

رتبه ۱۶۸ ایران در فضای کسب و کار از میان ۱۷۶ کشور

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 26 بهمن 91 آمده است :سه روز پس از آنکه مرکز آمار ایران در تازه‌ترین گزارش خود از کاهش نرخ بیکاری در کشور خبرداد، یک مقام کارفرمایی گفت: ایران در میان ۱۷۶ کشور جهان از نظر فضای کسب و کار دارای رتبه ۱۶۸ است.
به گزارش ایلنا، حسين ساساني، دبیرکل کنفدراسیون صنعت ایران در در جشنواره نشان حمایت ملی گفت: براساس گزارش سال ۲۰۱۳ هریتیج، نمره ایران در زمینه فضای کسب و کار از حد متوسط (۵۰) پایین‌تر بوده است.
عوامل فضای کسب و کار شامل ۱۱ پارامتر بیرونی و تاثیر گذار بر فرآیند تولید است که کنترل آنها خارج از اراده و اختیار مدیریت بنگاه‌اقتصادی است که از جمله آنها مي‌توان به مالیات، حمایت‌های اجتماعي، فرآیند صدور مجوز تولید، نرخ بهره بانکي، و هدفمند سازی یارانه‌ها اشاره کرد.
چنانچه این آمار صحت داشته باشد باید گفت که کشور ایران در میان ۱۷۶ کشور دیگر، از نظر امینت فضای کسب و کار به مقام دوازدهمین کشور از آخر رسیده است.
به گفته این مقام کارفرمایی در زمینه شاخص آزادی اقتصادی نیز ایران در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در رتبه ضعیف ۱۶ قرار گرفته است بطوری که ایران از نظر شاخص آزادی اقتصادی در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا تنها بالاتر از کشورهای سوریه، لیبی و عراق قرار دارد.
این اظهارت درحالی است که مرکز آمار ایران در تاریخ ۲۳ بهمن‌ماه اعلام کرد: گزارش این مرکز از بررسی نرخ بیکاری افراد ۱۰ ساله و بیشتر نشان مي‌دهد که ۱۱/۲ درصد از جمعیت فعال (شاغل و بیکار) بیکار بوده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ بیکاری حاکی از آن است که این شاخص نسبت به پاییز ۱۳۹۰، ۰/۶ درصد و نسبت به تابستان ۱۳۹۱، ۱/۲ درصد کاهش یافته است.

تعدادی از کاسبکاران کرد ایران پس از بازداشت کشته شده‌اند"

به گزارش رادیو دویچه وله در 26 بهمن 91 آمده است :مسعود کردپور، خبرنگار در کردستان، به دویچه وله مي‌گوید که هفته پیش تعداد قابل توجهی از اهالی مهاباد در مجلس درگذشت دو کاسبکار کرد شرکت کرده‌اند که پس از بازداشت توسط نیروهای امنیتی کشته شده‌اند.
رسانه‌های کرد خبر داده‌اند که در روزهای اخیر "سه نوجوان کاسبکار کرد پس از بازداشت توسط نیروهای مرزبانی جمهوری اسلامی ایران در منطقه بانه از کوه به زیر پرت شده و جان خود را از دست داده‌اند".
رسانه‌های کرد همچنین نوشته‌اند که این سه جوان "رزگار معروف‌زاده ۱۸ ساله، حسین رستم‌نژاد ۱۶ ساله و برادر او هوشیار رستم‌نژاد ۲۰ ساله و هر سه اهل مهاباد بوده‌اند".
مسعود کردپور، خبرنگار در کردستان، در گفت‌وگو با دویچه وله کشته شدن دو تن از کاسبکاران کرد ایران را تایید کرد. او در این باره گفت: «هفته گذشته تعدادی از کاسبکاران کرد توسط نیروهای امنیتی بازداشت مي‌شوند و بار آن‌ها مصادره مي‌شود. هنگامی که کاسبکاران بازداشت شده به همراه نیروهای امنیتی مشغول عبور از کوه بوده‌اند، دو کاسبکار کرد از کوه سقوط کرده و کشته مي‌شوند.»
به گفته مسعود کردپور، هفته گذشته اطلاعیه درگذشت این دو کاسبکار به طور وسیع در شهر مهاباد پخش شد و در مجلس ترحیم آنان، تعداد قابل توجهی از اهالی مهاباد شرکت کردند.
این خبرنگار کرد در کردستان گفت: «هنوز کاملا مشخص نیست که این دو کاسبکار کرد را نیروهای امنیتی از کوه به پایین پرت کرده‌اند یا نه، اما آنچه مشخص است، این‌که این دو نفر پس از بازداشت کشته شده‌اند.»

"قتل یک کاسبکار کرد در حضور همسرش توسط نیروهای انتظامی"
در روزهای اخیر کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران به نقل از یک منبع محلی گزارش داده بود که یک کاسبکار کرد در حضور همسرش توسط نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران کشته شده است.

بر اساس این گزارش، روز جمعه ۲۰ بهمن (۸ فوریه) نیروهای مبارزه با قاچاق کالای شهر اندیمشک در استان خوزستان در محور پل‌دختر- اندیمشک بعد از تعقیب و گریز خودروی سواری یکی از کاسبکاران کرد به نام مختار خاطری را به ظن آنکه کالای قاچاق دارد، متوقف مي‌کنند.
راننده این خودروی سواری که به همراه همسر و فرزندش داخل خودرو بوده است، توقف کرده و پس از آنکه از خودرو خارج شده است توسط نیروهای انتظامی واحد مبارزه با قاچاق کالا مورد هدف تیراندازی مستقیم قرار گرفته و در دم جان خود را از دست داده است.

"کشته شدن کولبران کرد به دلیل خشونت نیروی انتظامی ایران"
پیش از این نیز کمپین بین‌المللی حقوق بشر در ایران در اردیبهشت سال جاری گزارش داده بود که ۷۴ کولبر (افرادی که اجناس را روی پشت خود حمل می کنند) در مرزهای ایران بر اثر برخورد خشن نیروهای انتظامی و نظامی کشته شده‌اند. همگی این افراد در اسفند ۱۳۹۰ و فروردین ۱۳۹۱ و پس از آغاز برنامه انسداد مرزها در استان‌های کردنشین ایران کشته شدند.
بنا به این گزارش، ۷۰ نفر از ۷۴ نفر کولبری که جان خود را از دست دادند، توسط ماموران مرزی دولتی هدف گلوله قرار گرفتند و کشته شدند و ۴ نفر از آنان به دلیل انفجار مین، سقوط بهمن، و سرمای شدید جان خود را از دست دادند.
این نهاد حقوق‌بشری از حکومت ایران خواسته است که مقررات امنیت مرزهای خویش، بخصوص روند رو به رشد قتل کولبران و کاسبکاران توسط ماموران امنیتی مناطق مرزی را بازنگری کند.

بازجویی دو نفر از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در وزارت اطلاعات

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 26 بهمن 91 آمده است : بدنبال احضار جعفر عظیم زاده و پروین محمدی به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات، این دو نفر ساعت ۱۰ صبح دیروز در این دفتر حاضر شدند و تا ساعت ۱۷ بعد از ظهر در مورد اتحادیه آزاد کارگران ایران و طومار سی هزار نفری کارگران مورد بازجویی قرار گرفتند. در این بازجویی پروین محمدی و جعفر عظیم زاده ضمن بیان صریح دیدگاههایشان در باره مسائل مطروحه، بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران و حق کارگران برای جمع آوری طومار اعتراضی، تلاش برای افزایش دستمزدها، جلوگیری از تصویب اصلاحیه قانون کار و تحقق دیگر مطالبات شان تاکید گذاشتند و اعلام کردند پیگیریها و اعتراضات خود را برای تحقق مطالبات طومار سی هزار نفری کارگران ادامه خواهند داد. در ادامه این بازجویی مامورین امنیتی بویژه بر عدم دادن فراخوان تجمع خیابانی توسط هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی تاکید گذاشتند و جعفر عظیم زاده و پروین محمدی نیز اعلام کردند تا آنجا که به آنان مربوط میشود ضمن ادامه تلاش و اعتراضات شان برای تحقق مطالبات طومار سی هزار نفری کارگران، از دادن فراخوان تجمع خیابانی تا پایان انتخابات ریاست جمهوری در سال ۹۲ پرهیز خواهند کرد و چنانچه تا آنزمان به خواستهای کارگران در طومار سی هزار نفری شان رسیدگی نشود این حق را برای خود محفوظ میدانند که پس از انتخابات ریاست جمهوری و در صورت لزوم اقدام به تجمع خیابانی نیز بکنند.

بیانیه انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه در مورد تعیین حداقل دستمزد

به نوشته انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه در 27 بهمن 91 آمده است : باز هم در پایان سال بحث بر سر میزان افزایش حداقل دستمزد کارگران میان مقامات و مسؤلین دولت و وزارت کار و نمایندگان خود گمارده تشکلهای دولتی منتسب به کارگر در جریان است.
بحث‌ها و رایزنی‌ها حول این موضوع می‌چرخند که چگونه درصد ناچیزی به عنوان افزایش حداقل حقوق در مقابل گرانی کمر شکن را به کارگران تحمیل کنند. در شرایطی که به گفته خود مقامات، خط فقر یک میلیلون و هشت صد هزار تومان است زمزمه افزایش ۲۰ درصدی بر سر زبان هیئت تعیین حداقل دستمزد است. این منطق که اجازه می‌دهد حقوق ۴۶۰ هزار تومانی را به عنوان حداقل دستمزد کارگران در جامعه‌ای که خط فقر در آن یک میلیون هشت

صد هزار تومان است تنها می‌تواند منطق سرمایه داری عنان گسیخته و حریص باشد. در شرایطی که مرغ کیلوئی ۶ هزار تومان و برنج هندی کیلوئی ۳۸۵۰ تومان است، با حقوق ۴۶۰ هزار تومان دیگر حتی بقاء خانواده کارگری هم در معرض نابودی قرار می‌گیرد.
این دنیائیست که عده‌ای که زندگیشان هیچ سنخیتی با زندگی میلیون‌ها کارگر ندارد، برای کارگران رقم می‌زنند. کسانیکه درد نداری و فقر را نچشیده‌اند و بر عکس در ازای فقر و فلاکت این میلیون‌ها انسان شریف و رنجدیده سودهای سرسام آور به جیب می‌زنند. کسانیکه به عنوان نماینده کارگران بر سر میز نه مذاکره، بلکه مصالحه آسیب نرسیدن به منافع سرمایه داران می‌نشینند هیچ ربطی به طبقه کارگر نداشته و از سوی هیچ کارگری انتخاب نشده‌اند و طبیعیست منافع کارگران را نمایندگی نکنند.
ما کارگران اعلام می‌کنیم افزایش ۲۰ یا ۳۰ درصدی حداقل حقوق در حالی که خط فقر یک میلیون و هشت صد هزار تومان است توهینی آشکار به شأن انسانی میلیون‌ها انسان کارگر است و این اهانت را تحمل نخواهیم کرد. ما مبارزات خود را حول افزایش چند برابری دستمزد ادامه خواهیم داد.

قیمت آپارتمان‌های حدود 100 متر در تهران/ خریدهای 500 میلیون تومانی

به نوشته خبرگزاری دولتی مهردر 27 بهمن 91 آمده است : در ماه‌های اخیر آپارتمان‌های بالای 100 متر به نسبت آپارتمان‌های کوچک افزایش قیمت کمتری را متحمل شده‌اند. عمده این واحدها در شمال و غرب تهران ساخت شده و به فروش مي‌رسد.
به گزارش خبرنگار مهر، در آخرین ماه‌های سال با همچنان نوسان قیمتها در بخش مسکن روبرو هستیم و با وجود افزایش ساخت و ساز در سالهای گذشته بازهم بازار مسکن نسبت به افزایش قیمت تمایل بیشتری نشان می دهد.
این در حالی است که در سالهای اخیر ساخت و ساز در شهر تهران افزایش یافت و در کنار مجوز تراکم‌های تشویقی برای بافت فرسوده، ساخت و ساز در شهر تهران رونق زیادی پیدا کرد. البته در ماه‌های اخیر افزایش قیمت مصالح ساختمانی تا حدودی این روند را کند تر کرده است اما سود زیاد آپارتمان سازی موجب توقف ساخت و ساز نمی شود.

در واقع با وجود تاکید دولت بر اینکه با افزایش ساخت و ساز و تحویل واحدهای مسکن مهر، مسکن از کالای سرمایه ای خارج می شود، این امر محقق نشده است و دلالان و سودجویان از این بازار نهایت استفاده را می برند. در بازار فعلی مسکن، قیمت آپارتمان‌های بالای 100 متر به نسبت واحدهای کوچک افزایش قیمت زیادی نداشته است، زیرا متقاضیان این واحدها به دلیل گران بودن بسیار کمتر هستند اما در نهایت نمی توان واحد 100 متری را در محله های متوسط کمتر از 500 میلیون تومان خریداری کرد.
عمده آپارتمان‌های نوساز با متراژ بالا در غرب و شمال تهران ساخته می شوند که قیمت بالای هر مترمربع آن در نهایت قیمت آپارتمان را گران تر می کند و به همین دلیل، این نوع از آپارتمان‌ها مشتریان خاص خود را در بازار دارد.

قیمت آپارتمان‌های بالای 100 متر در تهران
براساس گزارش میدانی خبرنگار مهر، یک آپارتمان 100 متری در خیابان مرزداران دو خوابه، با عمر 8 ساله و پارکینگ و انباری به قیمت 515 میلیون تومان فروخته می شود و واحد دیگری با همین متراژ در خیابان مرزداران متری 5 میلیون و 300 هزار تومان به فروش می رسد.
یک دستگاه آپارتمان به مساحت 103 متر در خیابان فردوس شرق با پارکینگ و انباری و سونا و جکوزی متری 5 میلیون و 200 هزار تومان قیمت گذاری شده است و واحدی 102 متری و دو خوابه در دروس با عمر 4 ساله متری 7 میلیون و 500 هزار تومان به فروش می رسد.
آپارتمان 105 متری در سعادت آباد هم با قیمت 500 میلیون تومان فروخته می شود و 105 متری در بلوار کاشانی متری 5 میلیون و 650 هزار تومان قیمت گذاری شده است.
واحدی دیگر در ستارخان، طرشت شمالی به مساحت 103 متر، متری 3 میلیون و 600 هزار تومان فروخته می شود و در اشرفی اصفهانی واحدی با متراژ 105 متر و عمر 3 ساله با

تمامی امکانات متری 4 میلیون و 550 هزار تومان از سوی مالک قیمت گذاری شده است.
همچنین یک آپارتمان 110 متری در محدوده جام جم ولیعصر، نوساز، متری 7 میلیون تومان به فروش می رسد و واحد دیگری به مساحت 110 متر در خیابان عراقی با عمر 7 ساله 620 میلیون تومان قیمت گذاری شده است.

صمد قدیانی کارگر لاستیک البرز در حین کار در شرایطی بسیار اسف بار جان باخت

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 27 بهمن 91 آمده است : صمد قدیانی یکی از شریفترین کارگران کارخانه لاستیک البرز در ساعت ۲ بامداد روز پنج شنبه ۱۹ بهمن ماه در حالی که در نتیجه کم توجهی مسئولین حراست کارخانه در پست نگهبانی این کارخانه مشغول نگهبانی بود دچار حمله بیماری آسم شد و پس از ۶ روز مقاومت در برابر مرگ در روز سه شنبه ۲۴ بهمن ماه جان باخت. وی از حدود ده سال پیش به علت بیماری آسم از بخش تولید کارخانه به بخش نگهبانی منتقل شده بود .
بنا بر اظهار کارگران کارخانه لاستیک البرز وی در پست نگهبانی به علت بیماری اش بطور مداوم با مسئولین حراست کارخانه بر سر محل باجه ای که وی در آن انجام وظیفه میکرده درگیر بوده است. بنا بر اظهار این کارگران وی در روز حادثه به مسئولین حراست کارخانه اعلام کرده بود که حالش خوب نیست و با اصرار این مسئولین بناچار نگهبانی در باجه ای را قبول کرده بود که محل جمع آوری زباله های کارخانه بوده است.
کارگران لاستیک البرز طی تماسی با اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کرده اند محلی که صمد قدیانی در روز حادثه و علیرغم بیماری آسم در آن مشغول نگهبانی بوده است در جایی قرار دارد که به علت تجمیع زباله های کارخانه در آن، تحمل اش حتی برای یک انسان سالم نیز بسیار سخت می باشد.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران صمد قدیانی علیرغم اینکه در روز حادثه اعلام کرده بود حالش خوب نیست اما با اجبار مسئولین حراست کارخانه ناچار شده بود در باجه محل تجمیع زباله های کارخانه به انجام وظیفه بپردازد. بنا براین گزارش صمد قدیانی در حین نگهبانی در این باجه در ساعت ۲ بامداد روز پنج شنبه هفته گذشته دچار حمله بیماری آسم میشود و بلافاصله طی تماسی با مسئولین حراست وضعیت خود را اعلام میکند اما پس از سپری شدن مدتی، در حالی که وضعیت اش رو به وخامت بوده است خبری از دریافت کمک نمیشود به همین دلیل بناچار با ترک باجه نگهبانی راسا اقدام به عزیمت به بهداری کارخانه میکند اما بارها در میان زباله ها گرفتار میشود و در جدالی بین مرگ و زندگی بصورت سینه خیز و در حالی که تمامی بدنش آغشته به لجن زباله ها میگردد خود را از مهلکه بیرون میکشد و موفق به رسیدن به بهداری کارخانه میشود. وی در حالی به بهداری میرسد که بلافاصله از هوش میرود و در تلاشی سنگین از سوی مسئولین بهداری برای بازگرداندن تنفس به صمد قدیانی، تعدادی از استخوانهای قفسه سینه اش میشکند اما تلاش آنان موثر واقع نمیشود و وی به بیمارستان شماره دو اعزام میگردد و در آنجا توسط مسئولین بهداری کارخانه به حال خود رها میشود بطوریکه آنان نه تنها خود اقدام به ترک بیمارستان میکنند بلکه خانواده و نزدیکانش را نیز در جریان حادثه قرار نمیدهند و صبح روز پنج شنبه پس از اینکه از صمد قدیانی خبری نمیشود خانوده اش را تلفنی در جریان حادثه قرار می دهند.
بنا بر این گزارش خانواده صمد قدیانی صبح روز پنج شنبه پس از حضور در بیمارستان و مشاهده وضعیت وی، صمد را به یک بیمارستان خصوصی منتقل میکنند اما تلاشهای پزشکان در بیمارستان خصوصی نیز موثر واقع نمیشود و صمد روز سه شنبه هفته جاری به علت نرسیدن اکسیژن کافی به مغزش و سکته ناشی از آن تسلیم مرگ میگردد.
اما صمد کسی نبود که مرگ اش مرگ زندگی باشد صمد با توجه به وضعیتی که داشت از سالها پیش به همسرش وصیت کرده بود در صورت فوتش تمامی اعضای بدنش از ناخن تا هر آن چیزی که برای بقا و بهروزی و خوشبختی یک انسان لازم است به همنوعانش اهدا شود به همین دلیل جنازه صمد با تاخیر و صبح امروز جمعه ۲۷ بهمن ماه تحویل خانواده اش گردید و وی در حدود ساعت ۱۳ ظهر امروز در سن ۴۵ سالگی در میان غم و اندوه صدها نفر از

همکاران و همسر و دو ختر دانشگاهی اش در آرامگاه دارالسلام شهرستان اسلام شهر برای ابدیت پذیرای خاک شد.
اتحادیه آزاد کارگران ایران با تاکید بر سهل انگاری مسئولین کارخانه لاستیک البرز در فوت جانگداز صمد قدیانی و جبران تبعات مادی و معنوی ناشی از مرگ وی، این ضایعه جبران ناپذیر را به عموم کارگران لاستیک البرز، همسر و دختران این عزیز از دست رفته صمیمانه تسلیت میگوید و بر صمد قدیانی که آگاهانه و با روحیه ای فداکارانه تمامی اعضای بدنش را تسلیم بقا و بهروزی همنوعانش کرد درود میفرستد.
بیست وهفتم بهمن ماه ۱۳۹۱

تظاهرات علیه جشن دولتی ۲۲ بهمن

توسط از جان گذشتگان طالش کاسِی سرا ماسوله

برپایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 27 بهمن آمده است : در روز ۲۲ بهمن امسال ۱۳۹۱/۱۱/۲۲ ساعت حدود ده صبح هنگام برگزاری جشن دولتی در فومن حدود ۲۰ خانوار زن و مرد و بچه حتی پیرزن سالخورده در حالیکه ۲۰ فانوس روشن در دست داشتند با شعار مرگ بر ستمگر وارد تظاهرات دولتی ۲۲ بهمن شدند و علیه حاکمیت سرمایه داری شعار دادند که با هجوم ماموران امنیتی آنان دستگیر شده و سپس توسط نیروهای یگان ویژه در پاسگاه فومن زندانی شدند.
بر روی پلاکاردهایی که این ۲۰ خانوار حمل می کردند نوشته بودند ما، نان، آب، گاز و برق نداریم. این ۲۰ خانوار اهالی روستای کاسِی سرا ی سیاهکوه ماکلوان ماسوله و همگی طالش هستند آنان از طریق چوپانی و دامداری چند راس مال معیشت می کنند.
که با قانون منع ورود احشام به داخل جنگل خانه نشین شده و در فقر مطلق بسر می برند .
در شب ۲۲ بهمن پس از ضرب و شتم شدید و گرفتن تعهد از این خانوارها بجز جلیل بهرامی که آزاد شدند البته جلیل بهرامی نیز در شب ۲۲ بهمن پس از کتک و ضرب و شتم فراوان و گرفتن تعهد از وی آزاد گردید. این خانوارها قبلاً با هفته نامه شریف مصاحبه کرده و مشکلاتشان را مطرح کرده بودند و بارها به فرمانداری فومن، شهرداری ماکلوان مراجعه کرده و نتیجه ای نگرفتند.
لازم به ذکر است "احمد صادقی" که در اثر نفوذ پدرش که از اعضای شورای شهر می باشد و شهردار ماکلوان می باشد نیز تا کنون اقدامی نسبت به ساماندهی و وضعیت معیشت این خانوارها نکرده است و صادقی از طریق اجاره نانوایی سهمیه آزاد را در بازار فروخته و برای خود ثروتی بهم زده. در این روستا خانه بهداشت وجود ندارد. از مدرسه فقط ساختمانش موجود است و کلاس درس وجود ندارد دانش آموزان فاقد سواد می باشند. از آب، برق و گاز ... خبری نیست. هر بشکه ۲۲۰ لیتری نفت ۲۰۰ هزار تومان هزینه دارد تا بدست این خانوارها برسد که البته دریغ از پول ونفت.
تو گویی اینان در شرایط قرون وسطی بسر می برند. آنچه در این منطقه وجود دارد فقر مطلق، تنگدستی و ... می باشد گفتنی ست تا لحظه انتشار خبر ۹۱/۱۱/۲۶ شهر فومن پر از یگان ویژه عوامل اطلاعاتی و حالت حکومت نظامی دارد.

حرف ما، فعالان کارگری ضد سرمایه داری این است

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : دیکتاتوری سیاسی حافظ دیکتاتوری اقتصادی سرمایه داری است . استبداد بستر مناسب دیکتاتوریست.
در حالیکه دولتمردان حاکمیت اسلامی سرمایه داری میلیاردها دلار تولید ناخالص ملی را صرف هزینه های زراد خانه ها و سازمان های پلیس و نهادهای موازی دولت سرمایه داری ، هزینه های جنبش های ارتجاعی منطقه ای و فرا منطقه ای و حمایت از دولتهای ارتجاعی مانند سوریه و سودان و ... می کنند در حالیکه فقر در ایران و گیلان بیداد می کند. گرانی و تورم گریبان معیشت کارگران و مردم مزد بگیر و زحمتکش را می فشارد. هر روز به تعداد تعطیلی

کارخانجات افزوده و کارگران معترض سرکوب و دستگیر می شوند جناحهای مختلف سرمایه در دولت به جان یکدیگر افتاده و از طریق باندهای فالانژیست و با لنگه کفش و مهر نماز به لاریجانی "رئیس مجلس سرمایه" حمله ور می شوند. تا به تسویه حساب های سیاسی و مالی بر سر سهم خواهی بیشتر از توبره و آخور خود بپردازند. تا احمدی نژاد جلاد همچنان به حمایت خود از سعید مرتضوی جانی و قاضی معلق و مجرم حمایت کند تا وی ریاست صندوق تامین اجتماعی را حفظ کند. شستا در واقع دارای صدها شرکت بزرگ متوسط و کوچک و میلیاردها دلار ثروت و خود تراستی عظیم ناشی از غارت دسترنج کارگران می باشد تا همچنان از طریق قمارخانه سالن بورس به غارت ارزش اضافی حاصل خون دل کارگران تسمه از گرده مزد بگیران بکشد. حجم نقدینگی افزایش یابد و تورم افسار گسیخته چهار نعل بتازد. جالب است سعید مرتضوی رهرو سعید امامی و سعید عسگر و ... می باشد البته در حکومت اسلامی سرمایه از این سعیدهای جانی و خدمتگزار ولایت سرمایه فراوان است که جاپای تهرانی و آرش ماشاالله قصاب و ... ، شکنجه گران معروف ساواک میگذارند. آری تمامی جنایات اینان بر این اساس است تا دیکتاتوری سرمایه باقی بماند و امنیت ملی بشکه های ۱۰۰ دلاری نفت حفظ شود و سهم کارگران و سایر مزد بگیران صدقه ای باشد بنام یارانه و عیدانه با دلی پر از خون و گرسنگی و فقری که روزانه بیشتر می شود.

فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان

عدم پرداخت بموقع دستمزدکارگران بیداد میکند/«کارگران ایران بطور یقین زیر بار افزایش دستمزدها به روال سالهای گذشته نخواهند رفت»

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه به نقل از فعالان اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 27 بهمن 91 آمده است : یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران: افزایش دستمزدها باید مطابق تورم باشد
طی چند سال گذشته با فرا رسیدن ماه های پایانی سال مسئله هزینه‌های زندگی و در این میان عدم پرداخت دستمزدها و اخراج سازی کارگران شکل حادتری بخود گرفته است و ده‌ها هزار کارگر گذشته از هزینه‌های زندگی و عدم پرداخت دستمزدها، پیش از پایان سال از کار خود اخراج شده‌اند. این مسئله بویژه طی دو سال گذشته رشد چشمگیری داشته است و با توجه به شرایط حاد اقتصادی در سالجاری و گرانی سرسام آور هزینه‌های زندگي، به یقین روزهای پایانی امسال و عید پیش رو یکی از تلخ‌ترین روزهای زندگی کارگران ایران خواهد بود و طبیعتا اخراج سازی کارگران نیز ابعاد هر چه گسترده تری به خود خواهد گرفت.
در این رابطه شاپور احسانی راد از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران طی گفتگویی با سایت اتحاد اظهار داشت: روزهای پایانی سال چندین سال است که برای کارگران ایران به سخت‌ترین و مشقت بارترین روزها بدل شده است و در این میان امسال یکی از بدترین سال هاست چرا که هزینه‌های زندگی از اول امسال به این سو چندین برابر شده است و در خوشبینانه‌ترین حالت مي‌توان گفت این هزینه‌ها حداقل دو برابر شده‌اند، ما هیچگاه طی سال های گذشته با چنین وضعیتی مواجه نبوده‌ایم، امسال یک سال بسیار استثنایی است و معلوم نیست میلیون‌ها خانواده کارگری روزگارشان در عید امسال چگونه خواهد گذشت همین الان که به پایان سال حدود یک ماه باقی مانده است قیمت مرغ و برنج و گوشت و آجیل سر به فلک زده است و آن چیزی که به عنوان عیدی برای همه مردم و به مبلغ ۷۰ هزار تومان برای هر نفر اعلام شده است مطمئنا دردی از دردهای میلیون‌ها خانواده کارگری دوا نخواهد کرد.
شاپور احسانی راد در ادامه این گفتگو به طرح مسائل و مشکلات کارگران شهر صنعتی کاوه (ساوه) پرداخت و در باره وضعیت کارگران این شهر صنعتی در هفته‌های پایانی سال اظهار داشت:
شهرستان ساوه یک قطب کارگری با حدود ۵۰۰ کارخانه در شهرستان ساوه و شهرصنعتی کاوه (۱۰ کیلومتری شهرستان ساوه) مي‌باشد اما در حال حاضر تعداد قابل توجهی از این کارخانه‌ها عملا تعطیل شده‌اند و اکثر کارخانه‌های در حال تولید نیز با ظرفیت پایینی در حال

ادامه کار هستند و کارخانجات دیگر نیز همچون نورد لوله صفا، نورد و پروفیل ساوه، پاک وش، ریخته‌گري، پارس شیر، پارلو، مس کاوه، فنر سازی خاور، بهینه تکنیک، چینی سازی اسپیدار، بن رو، شیشه تابان و، با مشکلاتی از قبیل عدم توانایی در پرداخت وامهای بانکی و هزینه‌های آب و برق و گاز و گرانی مواد اولیه مواجه‌اند و خوب طبیعی است که چنانچه فکری به حال این وضعیت نشود در آستانه سال جدید هزاران کارگر از کارشان بیکار خواهند شد. این وضعیت در حال حاضر چنان حاد شده است که اخیرا نماینده شهرستان ساوه نیز در مجلس شورای اسلامی در باره آن هشدار داد و اعلام کرد چنانچه از این کارخانه‌ها حمایتی صورت نگیرد بزودی ده هزار کارگر در شهرستان ساوه بیکار خواهند شد.

شاپور احسانی راد در ادامه این گفتگو با اشاره به اخراج سازي‌ها و عدم پرداخت بموقع دستمزد کارگران به عنوان مهمترین مشکلات هزاران کارگر در شهرستان ساوه در سالجاری اظهار داشت: در بسیاری از کارخانه‌های شهرستان ساوه عدم پرداخت بموقع دستمزد کارگران بیداد مي‌کند و اغلب کارگران به علت ترس از اخراج و از دست دادن شغلشان دست به اعتراض نمي‌زنند و اگر اعتراضی هم بکنند از آنجا که کارفرمایان نفوذ بالایی در اداره کار و دیگر نهادهای دولتی دارند اعتراضاتشان نیز چندان به جایی نمي‌رسد.

وی در این رابطه با اشاره به اعتراضات کارگران نورد لوله صفا در سالجاری گفت: ۱۲۰۰ کارگر این کارخانه از اول امسال به این سو در اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدهای خود چندین بار دست به اعتصاب زدند و حتی یکی دو بار نیز در مقابل فرمانداری تجمع کردند با اینحال مسئله عدم پرداخت دستمزد کارگران این کارخانه همچنان حل نشده است و آنان پس از هر بار اعتصاب و اعتراض نهایتا موفق به دریافت یکماه از دستمزد معوقه خود شده‌اند. تازه این وضعیت مربوط به کارخانه‌ای است که کارفرمایش یکی از بزرگ‌ترین و با امکانات‌ترین کارفرمایان در ایران است.

شاپور احسانی راد در پایان این گفتگو در باره افزایش دستمزدها اظهار داشت: من به عنوان یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران اعلام مي‌کنم کارگران ایران بطور یقین زیر بار افزایش دستمزدها به روال سالهای گذشته نخواهند رفت چرا که تورم و افزایش هزینه‌های زندگی مطابق با سالهای گذشته نبوده است و نه تنها مطابق نبوده است بلکه ما با جهش چندین برابری در هزینه‌های زندگی مواجه بوده‌ایم. به همین دلیل ساده نیز کاملا روشن است که کارگران ایران تسلیم فلاکتی خرد کننده در زندگیشان نخواهند شد و با افزایش حداکثر ۲۵ درصدی دستمزدها آنگونه که نماینده‌های خود خوانده ضد کارگری در شورای عالی در صدد تحمیل آن بر کارگران هستند رضایتمندانه در خانه‌هایشان نخواهند نشست و طبیعتا دست به جدالی تعیین کننده بر سر هستی و بقا خود خواهند زد این امر تبیین من از شرایط موجود است و ربطی نیز به اراده من نوعی ندارد. حال این مسئولان ممکلتی کشورمان هستند که مي‌باید پاسخی شایسته برای برون رفت از وضعیت حاضر پیدا کنند.

افزایش ۱۸درصدی حقوق مورد قبول بازنشستگان نیست

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 27 بهمن 91 آمده است :رییس کانون کارگران بازنشسته استان آذربایجان شرقی خواستار افزایش حقوق بازنشستگان بر اساس نرخ تورم شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا از تبریز، محمد مسگری که در نشست مشترک روسای کانون‌های کارگران بازنشسته شهرستانهای تابعه استان آذربایجان شرقی با مدیر درمان تامین اجتماعی و بانک رفاه کارگران استان برگزار شد، با اشاره به اهمیت موضوع افزایش حقوق بازنشستگان اظهار داشت: افزایش ۱۸درصدی مورد قبول کانونعالی قرار نگرفت و ما افزایش حقوق را بر مبنای تورم اعلامی بانک مرکزی که اکنون ۲۹ درصد است را قبول داریم و در جلسه بعد کانونعالی بازنشستگان کشور آن را مطرح خواهیم کرد.

محمد مسگری از تشکیل کمیته همسان سازی حقوق خبر داد و گفت: فعالیت این کمیته روبه اتمام است که باید در سال ۹۲ نتایج آن را اعلام کنند و باید توجه داشته باشیم که چندین سال است حق مسکن، بن و عائله‌مندی افزایش نیافته و ما به این موضوع

معترض‌ایم.
مسگری با اشاره به تورم بالای موجود در جامعه گفت: با این تورم سنگین بازنشستگان در شرایط بسیار سختی زندگی می‌کنند و باید برای همسان سازی حقوق اقدام عاجل شود.
وی با اشاره به بیمه تکمیلی بازنشستگان گفت: بر اساس ماده ۹۳ قانون تامین اجتماعی خدمات درمانی برای بیمه شدگان رایگان است ودیگر نیازی به بیمه درمان تکمیلی نبود و اگر کارها در جای خود درست انجام می‌شد دیگر نیازی به این اقدامات نبود.

قطع ۴ انگشت دست یک کارگر زن

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 27 بهمن 91 آمده است :کارگر زنی که در یک کارگاه قند شکنی مشغول کار با دستگاه قند شکن بود، طی يك حادثه شغلی انگشتان دست راستش را از دست داد.
به گزارش ایلنا، کارگر زن ۵۲ ساله يك کارگاه صنعتی قند شکنی در احمد آباد اصفهان که مشغول کار با دستگاه قند شکن بود، طی يك حادثه شغلی ۴ انگشت دست راستش را از دست داد. بر اساس این گزارش، با اطلاع رسانی سایر کارگران این کارگاه به مراکز امداد و نجات، ماموران امدادی سایر کارگران وحشت زده را از کنار دستگاه قند شکن دور کرده و به وسیله بازوهای هیدرولیکی اقدام به بازکردن تیغه‌های دستگاه کردند.
گفتنی است امداد گران پس از مشاهده علائم حیاتی در این کارگر مصدوم که درد بسیار زیادی را تحمل می‌کرد و وحشت زده شده بود پس از آزادکردن دست او از زیر تیغه‌های دستگاه قند شکن، وی را به عوامل اورژانس تحویل می‌دهند.
یک کارشناس امداد نجات در این زمینه تاکید کرد: رعایت نکات ایمنی در کارگاه‌ها بارها توسط رسانه‌های جمعی و کارشناسان آموزش و پیشگیری از حوادث به کارگاه‌ها و کارگران گوشزد شده و ما امیدواریم که دیگر شاهد رخ دادن چنین اتفاق‌هایی نباشیم.

مرگ کارگران معدن «همکار» ناشی از قصور شخصی بوده است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 27 بهمن 91 آمده است :در پی انتشار گزارشی از وقوع چندین حادثه شغلی منجر به فوت در معدن «همکار» کرمان به نقل از نماینده کارگران این معدن، روابط عمومی شرکت معادن زغالسنگ کرمان با ارسال جوابیه‌ای ضمن برشمردن امکانات موجود در معادن کرمان، مدعی شد دو فقره از این حوادث منجر به مرگ، ناشی از قصور و بی‌احتیاطی کارگران بوده است.
نماینده کارگران معدن «همکار» در گزارش مذکور به ایلنا گفته بود: طی سالهای متوالی شاهد مرگ دلخراش تعدادی از همکاران‌مان از جمله «عبدالرضا مولایی»، «علی حاج حسنی»، «علیرضا کاظمی» و... بوده‌ایم و در ادامه این روند متاسفانه در تاریخ ۲۵/۸/۹۱ باز هم جوان ۲۷ ساله‌ای بنام «مجید شهریاری» در این معدن براثر گاز گرفتگی جان خود را از دست داد که این مرگ را مسئولان امری طبیعی تلقی کردند.
متن کامل جوابیه روابط عمومی شرکت معادن زغال سنگ کرمان مطابق قانون مطبوعات به طور کامل در ادامه می‌آید:
احتراماً عطف به انتشار خبری با کد ۲۷۸۲۱ - ۲۶/۹/۹۱ و عنوان «ممکن است هر روز در این معادن ناامن فاجعه‌ای رخ دهد» مواردی به شرح ذیل جهت تنویر افکار عمومی خدمتتان ایفاد می‌گردد:
شرکت معادن ذغالسنگ کرمان مطابق با خط مشی تعریف شده، متعهد به ایمن سازی محیط، حفظ محیط زیست و رعایت بهداشت حرفه‌ای در راستای صیانت از بزرگ‌ترین سرمایه خود همانا نیروی انسانی می‌باشد در این ارتباط با صرف مبالغ هنگفت میلیاردی ضمن خریداری مدرن‌ترین تجهیزات ایمنی از قبیل نصب و مونتاژ سیستم مونیتورینگ پایش گاز در معادن (ساخت شرکت ترولکس انگلیس) - گازسنج‌های دیجیتالی پیشرفته (ساخت کشورهای کانادا و انگلیس) - دستگاه‌ها تنفسی مدل BG ۴ (ساخت کشور آلمان) - کیت‌های امداد و نجات - کپسول‌های خود نجات انفرادی - دستگاههای تنفسی مصنوعی - سیستم

مخابرات زیرزمینی (رادیویی) - کپسولهای اطفاء حریق - خودروهای آتش نشانی و... توانسته بهترین شرایط ایمن کار را فراهم نماید مع الوصف جای سوال دارد شرکتی که حاضر است پیشرفته‌ترین تجهیزات ایمنی را تهیه نماید آیا امکان دارد که به اولی‌ترین نیاز کارگران که همانا لوازم حفاظت فردی می‌باشد بی‌توجهی نموده باشد ضمن اینکه لوازم حفاظت فردی هر شش ماه یک بار به کارگران تحویل و از نامبردگان رسید دریافت می‌گردد که در معدن مورد اشاره (همکا ر) آخرین تاریخ دریافت لباس کار ۱/۶/۹۱ بوده و مستندات در دفتر ایمنی معدن موجود است. کیفیت لوازم و تجهیزات حفاظت فردی مخصوصاً ماسک ضد گرد و غبار که در خبر، ذکر گردیده بود از بهترین تکنولوژی و استاندارد روز دنیا و ساخت کشور اکراین می‌باشد.
لازم به ذکر است که اقدامات فوق الذکر به لطف و عنایت خداوند کاهش صد در صد تعداد حوادث منجر به فوت بوده است به طوری که در سال ۱۳۹۰ هیچگونه حادثه منجر به فوتی در معادن رخ نداده است.
حادثه اخیر معدن همکار به دلیل سهل انگاری فرد حادثه دیده در ورود خودسرانه به محلی که هیچ گونه فعالیتی در آن انجام نمی‌شده و تعطیل بوده است رخ داده و این در حالیست که کارگر فوق با تجربه بیش از ۴ سال در شغل فوق بوده و با تمامی ریسک‌ها و خطرات محیط کار آشنا بوده است ضمن اینکه حادثه ۲ سال قبل این معدن نیز به دلیل سهل انگاری فرد حادثه دیده (مرحوم علیرضا کاظمی) در بیرون کشیدن چوب از زیر سقف و ریختن آوار بر روی نامبرده بوده است. لازم به ذکر است که مطابق بند ه ماده ۹۶ قانون کار جمهوری اسلامی ایران، رسیدگی به حوادث ناشی از کار در کارگاه‌ها و تجزیه و تحلیل علت حوادث به عهده بازرسین کار اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی می‌باشد و مطابق با ماده ۱۰۱ همین قانون گزارش بازرسان کار در حکم گزارش ضابطین دادگستری می‌باشد لذا در حوادث مطرح شده مطابق نظریه بازرسین فوق، سهل انگاری حادثه دیدگان علت اصلی حادثه تشخیص داده شده است.
در ارتباط با امکانات پزشکی و بهداشتی در معدن همکار نیز به استحضار می‌رساندهمکاران پزشک، پرستار، بهیار و راننده آمبولانس در سه شیفت معدن مشغول به کار هستند؛ که این افراد شامل ۳ پزشک مرد، یک پرستار خانم، ۴ بهیار مرد و ۴ نفر راننده می‌باشند.
همچنین وسایل اورژانس اعم از: تخت بیمار، دستگاه اکسیژن، مانومتر، اتو کلاو، دستگاه ساکشن، وسایل پانسمان و بخیه و داروهای اورژانسی و... موجود می‌باشد.

برگزاری اولین مجمع عمومی اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 26 بهمن 91 آمده است :روز چهارشنبه مورخ ۱۸ بهمن ماه سال جاری اولین مجمع عمومی اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام برگزار شد و اعضای اصلی و علی البدل هیئت مدیرهٔ این تشکل کارگری برای مدت ۲ سال انتخاب شدند.
به گزارش ایلنا، عباس رضایی، منوچهر یار احمدی، موسی هندیجانی، سید علی موسوی نیا، علیرضا ملکوتی، علی لطیفی و غلامرضا رفیعیان با کسب بیشترین آراء از مجمع عمومی به عنوان اعضای اصلی هیات مدیرهٔ اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام انتخاب شدند.
همچنین شمس الله همیشه بهار، مسعود رحمانی و فرزاد علیزاده اعضای علی البدل هیات مدیرهٔ این تشکل کارگری را تشکیل می‌دهند.
بر اساس این گزارش، جهاد لطیفی، پیمان سعیدی و ناصر احمدی به عنوان بازرسان اصلی و علیرضا بهادری به سمت بازرس علی البدل اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام انتخاب شده‌اند.
گفتنی است اولین مجمع عمومی عادی سالانهٔ اتحادیهٔ کارگران قراردادی و پیمانی پتروشیمی بندر امام با حضور ۳۸ تن از فعالان کارگری برگزار شده است.

شرکت معادن زغالسنگ کرمان: مرگ کارگران معدن تقصیر خود کارگران بود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 27 بهمن 91 آمده است : در پی انتشار گزارشی از وقوع چندین حادثه شغلی منجر به فوت در معدن «همکار» کرمان به نقل از نماینده کارگران این معدن، روابط عمومی شرکت معادن زغالسنگ کرمان با ارسال جوابیه‌ای ضمن برشمردن امکانات موجود در معادن کرمان، مدعی شد دو فقره از این حوادث منجر به مرگ، ناشی از قصور و بي‌احتیاطی کارگران بوده است.
نماینده کارگران معدن «همکار» در گزارش مذکور به ایلنا گفته بود: طی سالهای متوالی شاهد مرگ دلخراش تعدادی از همکاران‌مان از جمله «عبدالرضا مولایی»، «علی حاج حسنی»، «علیرضا کاظمی» و... بوده‌ایم و در ادامه این روند متاسفانه در تاریخ ۲۵/۸/۹۱ باز هم جوان ۲۷ ساله‌ای بنام «مجید شهریاری» در این معدن براثر گاز گرفتگی جان خود را از دست داد که این مرگ را مسئولان امری طبیعی تلقی کردند.

مدیر موسسه علوم و امنیت بین‌الملل: ایران قطعات سانتریفوژ خود را از چین تامین می کند

به گزارش خبرگزاری فرانسه،در 27 بهمن آمده است : بر اساس گزارشی که از سوی دیوید آلبرایت، مدیر موسسه علوم و امنیت بین‌الملل تهیه شده، اقدام ایران برای تامین هزاران جاذب مغناطیسی مورد نیاز تاسیسات سانتریفوژ، به روشنی نشان می دهد که چین یک محل ترانزیت مهم برای پیشبرد برنامه هسته ای ایران است.
در این گزارش همچنین توضیح داده شده که یک شرکت ایرانی از وبسایت یک شرکت تجاری چینی برای تهیه هزاران قطعه جاذب مغناطیسی تخصصی استفاده کرده است.
گفتنی است صادرات این قطعات به ایران براساس قطعنامه‌های سازمان ملل ممنوع است.
آقای آلبرایت در این گزارش تاکید می کند که ایران درصدد افزایش قابل ملاحظه نسل اول سانتریفوژهای خود است.
در این گزارش همچنین با اشاره به تاثیر چین در اقتصاد جهاني، آمده که این کشور باید به متوقف کردن شبکه های قاچاق ایران اقدام کند.
اما این گزارش مشخص نمی کند که ایران چگونه توانسته است قطعات مغناطیسی مورد نیاز برای سانتریفوژ را از چین تهیه کند.
روزنامه واشینگتن پست که روز پنج شنبه این گزارش را منتشر کرده، به نقل از یک دیپلمات اروپایی و کارشناس مسائل هسته ای ایران آورده که این کشور تلاش می کند به سرعت به سلاح اتمی دست یابد.
همچنین در این گزارش به نگرانی های جامعه جهانی از احتمال اتمی شدن ایران اشاره شده است.
این موسسه پیش از این نیز اعلام کرده بود که ایران تا اواسط سال ۲۰۱۴ آن‌قدر فرصت دارد که یک سایت مخفی غني‌سازی اورانیوم ایجاد کند و یا تعداد سانتریفوژهای خود را افزایش دهد.

۳۰ کارگر شرکت فلارک از کارشان اخراج شدند

اتحادیه آزاد کارگران ایران: ۳۰ کارگر شرکت فلارک از کار خود خراج شدند. این کارگران علیرغم اینکه از کارشان اخراج شده‌اند اما هنوز موفق به دریافت ۴ ماه دستمزد معوقه خود نشده‌اند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه ازاد کارگران ایران شرکت فلارک یک شرکت آبیاری در شهرستان کامیاران است. در این شرکت ۳۸ کارگر مشغول به کار بودند و در حال حاضر ۸ کارگر باقی مانده این شرکت نیز هر کدام ۸ ماه دستمزد معوقه دارند و کارفرما همچنان از پرداخت دستمزد معوقه کارگران خودداری می‌کند.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – ۲۸ بهمن ماه ۱۳۹۱

گفتگوباوحیدفریدونی وحسن سعیدی درباره مشکلات پرسنل شرکت واحداتوبوسرانی تهران و حومه

شرکت اتوبوسرانی تهران و حومه بیش از ۱۰ هزار راننده و کارمند دارد اما سیاست شهرداری تهران پس از واگذاری امور بیشتری در این شرکت به بخش خصوصی بر این محور قرار گرفت که به کاهش نیرو و تعدیل کردن کارگران در این بخش بپردازد. پیش از این در پی اختلافاتی که کارگران با سیاست‌های تعدیل نیرو داشتند اعتراضاتی در سال ۸۴ صورت گرفت و در آن دور عده‌ای خواهان این بودند که شهردار تهران صدای آن‌ها را بشنود. در همین زمان محمدباقر قالیباف به میان کارگران آمد و خواسته‌های آنان را پذیرفت و اعلام کرد همه شما از خانواده شهرداری تهران هستید و هر آنچه به کارکنان شهرداری تعلق گیرد شما هم استحقاق داشتنش را دارید. از آن زمان نزدیک به ۶ سال گذشته اما کارگران شرکت اتوبوسرانی در طول این سال‌ها مشکلات دیگری را پشت سر گذاشتند. در این باره با وحید فریدونی و حسن سعیدی دو تن از کارگرانی که به نمایندگی کارگران پیگیر مطالبات رانندگان اتوبوس بودند به گفت‌وگو نشستیم. این دو به همراه یکی دیگر از رانندگان به تازگی از کار اخراج شده‌اند. اینک آن‌ها پیگیر مشخص شدن دلایل اخراج و اثبات حقانیتشان هستند.

درباره اخراج و دلایلی که منجر به صدور این حکم شد بفرمایید.
وحید فریدونی: اخراج من و آقای سعیدی تقریبا ۴ماه است که انجام شده. حدود ۱۰ ماه پیش ما در جریان حق جذبی قرار گرفتیم که شهرداری به پرسنلش می‌داد و در این جریان به ما اعلام کردند که به کارکنان شرکت واحد تعلق نمی‌گیرد. این حق جذب از ۱/۱/۸۸ به همه کارکنان شهرداری پرداخت شد اما تا این لحظه چیزی به ما پرداخت نکرده‌اند. آقای امانی جانشین معاون اداری مالی شهرداری در ۱۱ اردیبهشت ۸۸ این موضوع را در رسانه‌ها اعلام کرد. نامه‌هایی هم که از شهرداری به مناطق ۲۲ گانه مبنی بر تعلق حق جذب به کارکنان شهرداری ابلاغ شد هم موجود است. ما هم حدود ۱۰ماه قبل با طوماری بالغ بر ۴ هزار امضا به دفتر شهردار مراجعه کردیم

یعنی ۴ هزار نفر این حق جذب را نگرفته بودند؟
حسن سعیدی: در واقع با وجود ۱۰ هزار پرسنل شرکت واحد ما ۴ هزار نفر بودیم که این نامه را امضا کردیم. در نامه درخواست تعلق حق جذب به کارکنان شرکت واحد را مطرح کردیم. این نامه را تحویل دفتر شهردار دادیم. در ادامه نامه‌های دیگری ارسال کردیم و حتی با شورای شهر هم مکاتباتی انجام دادیم. روزی در سازمان ۱۸۸۸ جلسه‌ای درخصوص حمل و نقل بود. با جانشین معاون حمل و نقل صحبت کردیم و نیز پیگیری‌های دیگری هم داشتیم تا اینکه با مراجعه حضوری به همراه ۲۰۰ نفر از کارکنان شرکت واحد در جلوی ساختمان شورای شهر به تاریخ ۱۸ مهر ماه امسال این تعهد مورد پذیرش قرار گرفت که حق جذب از تاریخ ۱/۱/۹۱ به ما پرداخت شود. بعد از آن هم پروژه پرونده‌سازی برای ما و بسیاری از افرادی که در این خصوص فعالیت کرده بودیم کلید خورد و در بحث اخراج من به این دلیل که پیگیر حق جذب بودم به‌عنوان بیشترین دلیل برای اخراج اعلام شد که البته خواسته حق جذب یکی از خواسته‌های ما بود و آن‌ها می‌دانستند که ما در ادامه خواسته‌های دیگرمان را هم پیگیری می‌کنیم، چنین تصمیمی گرفتند و ما را اخراج کردند.
وحید فریدونی: یکی دیگر از خواسته‌های ما توقف اصلاح قانون کار بود. در این بین ما نامه‌ای به مجلس شورای اسلامی برای تغییر قانون کار نوشتیم و درخواست توقف اصلاح قانون را داشتیم. در یک دوره‌ای هم برای بیمه‌های اتوبوس شرکت واحد این فشار و پیگیری‌های ما بود که انجام شد. این آقای سعیدی تا کنون قریب به ۲۰۰ نفر اخراجی را برگشت به کار زده است چراکه شرکت خصوصی شده و ۴ هزار نیرو اضافه دارد و برنامه‌ای وجود دارد که این ۴ هزار نفر را تعدیل کنند درحالی‌که اگر این ۴ هزار نفر عضو سندیکا باشند به این راحتی نمی‌توان آن‌ها را اخراج کرد. درحالی‌که این کار برای ما هیچ نفع مالی ندارد و چه بسا مشکلات بیشتری هم داشته باشد. ما در کنار حق جذب خواهان دریافت پاداش شش ماهه پایان سال که در شهرداری پرداخت می‌شود نیزهستیم. همچنین خواهان حق مسکنی که به

کارمندان شهرداری پرداخت می‌شود. در این میان شرکت افراد را به دودسته تقسیم کرد: بخش کارمندی و بخش کارگری. برای کارمندان شهرداری به‌صورت ویژه حق مسکن را حتی تا ۳۲۰ هزار تومان تعیین کردند درحالی‌که برای کارگران چه در کلانشهر و چه در روستاها به ماهی ۱۰ هزار تومان بسنده کردند. البته در بخشی از قانون آمده که کارگر و کارفرما می‌توانند براساس شرایط با هم به توافق برسند و بیشتر یا کمتر از حقوقی که شورای عالی کار تعیین کرده، تعیین کنند. البته این اتفاق معمولا در کارگاههای ۴۰ یا ۵۰ نفره نمی‌افتد این همان پیمان دسته جمعی است و در کارگاههای بزرگ که اعتراضاتی مطرح می‌شود روی می‌دهد. این موضوع در زمان پیش از انقلاب و چند سال بعد از انقلاب هم در شرکت واحد وجود داشت و ما شاهد چنین پیمان‌هایی بودیم. مثلا یکی از پیمان‌هایی که ما امروز هم از آن استفاده می‌کنیم این است که بر خلاف همه شرکت‌هایی که ۶۰روز به‌عنوان پاداش پایان سال دریافت می‌کنند شرکت واحد ۶۲روز پاداش می‌دهد یا پیمان‌های دیگری که به دست فراموشی سپرده شد که یکی از آن‌ها این بود که سالانه دو دست کت و شلوار به کارگر پرداخت شود که در حال حاضر یکدست داده می‌شود.

به هرحال برای پیگیری حکم اخراجتان کاری هم قرار است انجام دهید؟

حسن سعیدی: بله برای حکم و پرونده آقای فریدونی که شورای حل اختلاف هم حکم ایشان را تایید کرده دادخواستی برای دیوان عدالت اداری تنظیم کرده‌ایم. البته بنده هنوز پرونده‌ام به شورای حل اختلاف نرسیده و تایید نشده است. اما در حال حاضر نامه نگاری‌هایی با وزیر کار و معاونت‌های مختلف و حتی رئیس‌جمهور انجام داده‌ایم. ما خواهان ویژه خواری نبوده و نیستیم. ما خواهان این هستیم که به‌صورت عادلانه به پرونده‌مان رسیدگی شود که در نهایت اخراجمان مانند آقای فریدونی در اداره کار تایید نشود. حتی اتحادیه کارگران حمل و نقل جهان به وزیر کار و رئیس‌جمهور در این خصوص نامه داده و خواستار تسریع و پیگیری پرونده ما شده است. بعد از اخراج با شکایت آقای فریدونی و حسینی از شورای اسلامی کار پیگیری‌هایمان را آغاز کردیم. زیرا برای اینکه فردی اخراج شود لازمه‌اش این است که شورای اسلامی کار و آن مجموعه با این اخراج موافقت کند. شورای اسلامی کار به بندی اشاره کرد که به طور قانونی نمی‌توان براساس آن اخراج را تایید کرد اما اداره کار با استناد غیرقانونی به همان بند حکم اخراج ما را تایید کرد. ما نسبت به این تخلف شکایت کردیم. هیئتی که به تخلفات شورای اسلامی کار رسیدگی می‌کند رایی صادر کرده که هیچ کدام از بندهای این رای با قانون مطابقت ندارد و در نهایت همه تخلفاتی که شورا نامبرده را تایید کرده است. کار این هیات رسیدگی به سه موضوع است. شکایت کارگر از شورای اسلامی کار، شکایت شورای اسلامی کار از کارفرما و شکایت کارفرما از شورای اسلامی کار. اعضای این هیات هم متشکل از نماینده وزارت کار، سه نفر نمایندگان کارگران از کانون‌های کارگری استان و سه نفر از نمایندگان کارفرمایان که آن‌ها هم از کانون‌های کارفرمایان استان هستند است که البته خیلی هم نمی‌توان به این نمایندگان و رای‌هایی که می‌دهند دل بست چراکه این افراد کسانی هستند که با صلاحیت شرکت برای نمایندگی تعیین می‌شوند. یکی از تخلفات این بود که فردی که عضو علی البدل شورا بود درباره صلاحیت دلایل اخراج ما نظر داده بود در حالی که این فرد هنوز اعتبار نامه‌ای برای این کار از وزارت کشور دریافت نکرده است. در جواب به اعتراض ما می‌گویند رای این فرد با استناد به اینکه در انتخابات رای آورده مورد قبول است. این در شرایطی بود که اعضای اصلی حضور داشتند اما نمی‌خواستند نظری بدهند و آن‌ها هم از عضو علی البدل استفاده کردند. متاسفانه این‌ها توانسته‌اند اداره کار استان تهران را هم قانع کنند. امروز به اداره کاراعلام می‌کنند به دلیل شرایط اقتصادی که داریم که اگر این تعداد کارگر در کارگاه باقی بمانند کارگاه دچار خصوصی‌سازی می‌شود و مقامات استان تهران یا هر استان دیگری هم به دلیل اینکه می‌خواهند چرخ کارگاه‌ها در هر شرایطی بچرخد رای اخراج را پذیرفتند.

در این مدت توانستید با شهردار تهران دیداری داشته باشید؟

سال ۸۴ نیمه‌های شب بود که آقای قالیباف در جمع کارگران حاضر شد و در حالی که با پذیرش دو خواسته‌ای که ما آن روز داشتیم گفت من می‌پذیریم که شما ۴ خواسته بحق دارید اعلام کرد که این خواسته‌ها یک شبه انجام شدنی نیست و در حالی که تا آن روز ما زیر نظر وزارت کشور بودیم به ما گفتند که از امشب زیر نظر شهرداری هستیم و آقای قالیباف گفت که هر آنچه به پرسنل شهرداری تهران پرداخت شود به شما هم پرداخت خواهد شد و با کارمندان شهرداری تهران هیچ تفاوتی نمی‌کنید اما بعدها دیدید که در سال ۸۸ آن حق جذبی که به کارکنان شهرداری داده شد به کارکنان شرکت واحد داده نشد.

یک زمانی سندیکا منحل شد دلیلش چه بود؟

سندیکا هیچ وقت منحل نشد. فعالیت ما همگاه با فراز و فرودی مواجه شد. اما امروز یکی از دورانی است که سندیکا در اوج فعالیت می‌کند.

یعنی رسمیت پذیرفته شده دارد؟

اگرچه همیشه بر سر این مسئله با مشکل مواجه بودیم اما ما همیشه معتقدیم که باید تلاشمان را بکنیم. به هرحال قوانین خواست ملت هاست و ما بر این اساس به تلاش خود ادامه می‌دهیم.

به نظر می‌رسد همین مشکلات باعث شده که مدیرعامل‌های متعدد در شرکت اتوبوسرانی کمتر به مشکلات شما گوش فرا دهند؟

ما دو مشکل بر سر راه داریم: اولی قانونی است که در یک بازه زمانی تغییراتی در آن اعمال شد و سندیکاها را از قانون کار حذف کردند و به جای آن شورای اسلامی کار، انجمن صنفی و نمایندگان کارگران را جایگزین کردند و بخش دیگر نظارتی است که بر فعالیت‌های ما می‌شود.

آیا تاکنون برای برون رفت از این مشکل به فکر راهی برای تطبیق موقعیتتان با قانون افتاده‌اید؟

بله در آخرین دوره انتخابات شورای اسلامی کار آقای وحید فریدونی و چند تن از دوستان را به‌عنوان نمایندگان کارگران تعیین کردیم اما همه به دلایلی که هنوز اعلام نشده رد صلاحیت شده‌اند.

آیا در این بین گفتمانی هم داشتید که توضیحی بخواهید یا با شما وارد مذاکره شوند؟

یکی از دوره‌ها برای رد صلاحیت اعضای سندیکا بسیار گفتمان انجام دادیم حتی با مقامات وزارت کار و شرکت واحد دیدار داشتیم اما هیچ یک موثر واقع نشد.

ظاهرا یکی دیگر ازخواسته‌هایتان قرار گرفتن شغل شما در لیست مشاغل سخت و زیان آور براساس قانون کار است؟ چه اقداماتی توانستید انجام دهید؟

حسن سعیدی: بله براساس ماده ۵۲ قانون کار مقررشده که طبق مشاغل سخت و زیان آور کارگر باید ۶ ساعت در روز کار کند و مرخصی سالانه‌اش افزایش می‌یابد. پیگیری کردیم و متوجه شدیم تعیین شغل ما به‌عنوان شغل سخت و زیان آور براساس ماده ۵۲ قانون کار باید براساس نظر کمیته‌ای تحت عنوان تطبیق مشاغل سخت و زیان آور صورت بگیرد. این کمیته در سطح استان تشکیل می‌شود که نمایندگانی از وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی دارد اما به گفته خود مقامات این کمیته از زمان تصویب این قانون که سال‌ها از آن می‌گذرد هیچگاه در استان تهران تشکیل نشده است. البته مشاغل سخت و زیان‌آور شامل دو ماده می‌شوند. اولی ماده ۵۲ قانون کار و دیگری ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی است. اگر کار شما براساس ماده ۵۲ قانون کار شغل سخت و زیان آور شناخته شود مزایای بازنشستگی پیش از موعد و حق روزانه ۶ ساعت کار دارید اما اگر بواسطه ماده ۷۶ قانون تامین اجتماعی سخت و زیان آور شناخته شوید فقط بازنشستگی پیش از موعد دارید. ما به دنبال تحقق ماده ۵۲ قانون کار هستیم.

وحید فریدونی: متاسفانه خودشان هم اذعان می‌کنند که در ۲۰ سال گذشته چنین چیزی را اجرایی نکرده‌اند. اجرای این قانون در استان تهران از زمان تصویب تاکنون معلق مانده است.

حسن سعیدی: بسیاری از مشاغل هستند که نیازی به بررسی کمیته ندارند مانند کار در غسالخانه یا کاردر معدن اما مشاغلی مثل ما نیاز به بررسی از سوی کمیته دارد.

آیا این وظیفه مدیرعامل شرکت یا کارخانه نیست که به دنبال اثبات این مسائل باشد؟

حسن سعیدی: این وظیفه بیشتر بر عهده تشکلات کارگری است. از آنجایی که شورای اسلامی کار در شرکت واحد مستقر هستند معمولا دنبال کارهایی که مد نظر شرکت نیست نمی‌روند مگر اینکه توافقی از قبل صورت گرفته باشد.
منبع: روزنامه آرمان-۲۸بهمن

تجمع اعضای یک تعاونی مسکن مقابل اداره کل مسکن و شهرسازی خراسان رضوی

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس،در تاریخ 28 بهمن 91 آمده است : صبح امروز بیش از ۳۵۰ نفر اعضای یکی از تعاونی‌های مسکن در مقابل ساختمان اداره کل مسکن راه و شهرسازی تجمع کردند و خواهان بررسی روند کند اجرای ساخت مسکن توسط این تعاونی شدند.
بنابهمین گزارش، ساعت ۱۱ امروز بیش از ۳۵۰ نفر از اعضای یکی از تعاونی‌های مسکن در مقابل سازمان زمین و مسکن خراسان رضوی تجمع کردند و با پلاکاردهایی در رابطه با احقاق حق خویش، خواهان رسیدگی مسئولان ذیربط به مشکلات این تعاونی مسکن شدند.
محمد اورزی، یکی از اعضای تعاونی اظهار داشت: حدود ۶ سال است که در این تعاونی مسکن اقدام به ثبت‌نام کرده‌ام اما با این وجود هنوز خبری از پیشرفت ساخت و سازهای تعاونی مسکن نیست.
وی در ادامه به پیشرفت ساخت و سازهای واحدهای این تعاونی مسکن اشاره کرد و گفت: این تعاونی که دارای ۶۵۶ عضو است، قرار بود به تعداد اعضا واحد مسکونی بسازد و واحدها را نیز سال ۸۹ تحویل دهد.
اورزی افزود: اکنون ۶ سال از زمان ثبت‌نام و واریز پول در این تعاونی می‌گذرد اما در عمل و با پیگیری‌هایی که انجام دادیم، متوجه شدیم که هیئت مدیره شرکت تعاونی نتوانسته است کاری از پیش ببرد و واحدها هنوز در مراحل ابتدایی و با ۱۴ درصد پیشرفت قرار دارد.
این عضو شرکت تعاونی ادامه داد: این شرکت با ۲۰ میلیارد تومان اعتبار، قراردادهایی را با اعضا منعقد کرده است، آیا با این مبلغ نمی‌توان وارد کار ساخت و ساز شد که هنوز واحدهای اعضای این تعاونی در مراحل ابتدای ساخت قرار دارند.
محمدرضا قلندر، مدیرکل مسکن و شهرسازی خراسان رضوی اما در جمع تجمع کنندگان در سالن اجتماعات اداره کل مسکن و شهرسازی اظهار داشت: سازمان مسکن و شهرسازی خراسان رضوی در مقابل تعاونی‌های مسکن و شهرسازی به تمام تعهدات خود در این حوزه عمل کرده است.
قلندر واگذاری زمین رایگان، صدور پروانه‌های آب و برق و گاز و نیز ارائه وامهای ارزان قیمت به تعاونی‌ها را از جمله وظایف سازمان مسکن و شهرسازی خراسان رضوی در قبال تعاونی‌ها عنوان کرد.
وی ادامه داد: اینکه این تعاونی نتوانسته به تعهدات خود در این حوزه نسبت به اعضا به شکل مناسب و مطلوب عمل کند، در حوزه کاری ما نیست و مربوط به اداره کل کار، رفاه و تعاون است و این اداره کل باید پاسخگوی عملکرد تعاونی باشد.
در ادامه مدیرکل مسکن و شهرسازی خراسان رضوی با ارائه سه راهکار خواستار رفع مشکلات اعضای این تعاونی مسکن شد و اظهار داشت: به عنوان راهکار اول باید گفت که این تعاونی منحل شود و تمام اعضا پس از تسویه حساب در میان دیگر شرکت‌های انبوه‌ساز مسکن مهر تقسیم شوند.
وی راهکار دوم را ادامه کار تعاونی با همت دوباره هیئت مدیره و ادامه راه توسط اعضای این تعاونی دانست و ادامه داد: راهکار سوم هم این است که قرارداد سه جانبه امضا شود و شرکت از حالت شرکت تعاونی به انبوه ساز تبدیل شود که این راهکار مستلزم لغو تمام قراردادها با بانک و شکل‌گیری قراردادهای جدید در این حوزه است.

اعتصاب خدمه اوکراینی نفتکش ایرانی

به نوشته پانا نیوز در تاریخ 28 بهمن 91 آمده است : رویترز به نقل از منابع آگاه اعلام کرد ۶ خدمه اوکراینی یک نفتکش ایرانی که در هند لنگر انداخته به بهانه عدم دریافت حقوق اعتصاب کرده و از تخلیه محموله نفت این کشتی خودداری می‌کنند.
به گزارش ۲۸بهمن پانا نیوز به نقل از رویترز، خدمه اوکراینی یک نفتکش ایرانی به نام کریستال اعتصاب کرده و از تخلیه محموله نفت این کشتی که در بندر مانگلور هند پهلو گرفته است خودداری می‌کنند.
مدیرعامل پالایشگاه مانگلور هند نیز این خبر را تایید کرد و تعداد اعتصاب کنندگان را ۶ نفر اعلام کرد. در حالی که وی دلیلی برای اعتصاب این افراد ذکر نکرده است منابع آگاه عدم پرداخت حقوق را علت این اعتصاب بیان کرده‌اند.
مدیرعامل پالایشگاه مانگلور افزود: «حدود سه چهارم محموله کشتی تخلیه شده است اما آن‌ها نه باقیمانده این محموله را تخلیه می‌کنند و نه باز می‌گردند».
منابع آگاه از حضور ۶ خدمه اوکراینی در عرشه کشتی خبر داده‌اند که مدعی‌اند چهار ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند. این منابع افزودند افراد مذکور از دریافت حقوق خود به روپیه خودداری می‌کنند.
کشتی کریستال به شرکت ملی نفتکش ایران تعلق دارد. این کشتی در روز یک شنبه هفته جاری به بندر مانگلور رسیده است و روز دوشنبه لنگر انداخته است.
به گفته منابع آگاه، ایران حقوق خدمه کشتی کریستال تا ۳۱ دسامبر را پرداخت کرده اما این افراد هنور تاییده از بانک‌های محل حساب خود را دریافت نکرده‌اند و به این بهانه از ادامه کار خود امتناع می‌کنند.

مرگ کارگر ۵۰ساله درآتش سوزی خانه نگهبانی در یک گاراژ

به گزارش پایگاه خبری ۱۲۵،در 28 بهمن 91 آمه است : آتش سوزی دیشب در یک ساختمان دو طبقه در یک گارا ژ در خیابان هلال احمر، نرسیده به میدان رازی موجب سوختن ومرگ یک کارگر ۵۰ساله شد.
موسی قیامی افسر آماده منطقه یک در این باره گفت: به محض رسیدن به محل حادثه مشاهده شد یک ساختمان ۲ طبقه در داخل گاراژی به وسعت ۱۳۰۰ متر مربع کاملا شعله ور شده و دود و آتش زیادی از آن زبانه می‌کشید.
وی افزود: آتش نشانان بلافاصله با استفاده از لوله‌های آبدهی آتش سوزی را خاموش کرده و از سرایت آن به انبار گاراژ جلوگیری کردند.
گفتنی است پس از بررسی‌های بیشتر متأسفانه جسد فردی ۵۰ ساله درون این ساختمان یافت شد که برای شناسایی و مشخص شدن علت این آتش سوزی به عوامل نیروی انتظامی سپرده شد.
بیست وهشتم بهمن ماه ۱۳۹۱

رشد ۱۰۰ درصدی قیمت انواع خشکبار در آستانه نوروز

به نوشته روزنامه مردم سالاری در تاریخ 28 بهمن 91 آمده است : قیمت انواع خشکبار در روزهای جاری سال با رشد ۱۰۰درصدی نسبت به چندماه گذشته به بالاترین بهای خود رسیده است.این وضعیت در حالی بوجود آمده است که سالانه بیش از ۶۰۰ هزار تن انواع محصولات خشکباری در کشور تولید می‌شود و ایران با این میزان تولید توانسته رتبه‌های دوم تا ششم را میان تولیدکنندگان جهانی این محصولات اعم از پسته، گردو، بادام و فندق از آن خود کند.هر ساله تفاوت قیمت از تولید تا بازار محصولات خشکباری قدرت خرید مردم را در آستانه فرا رسیدن سال نو کاهش می‌دهد اما امسال این امر شتاب بیشتری گرفته و گویا قصد توقف ندارد. در حال حاضر قیمت هر کیلو گرم پسته در بازار ۴۰ تا ۴۵ هزار تومان، هر کیلو گرم گردو حدود ۴۰ هزار تومان و هر کیلوگرم بادام ۲۸ تا ۳۰ هزار تومان است. در صورتی که قیمت این محصولات پس از پایان فصل برداشت (اوایل آبان ماه) تاکنون تا ۱۰۰ درصد افزایش یافته و فاصله زیادی بین قیمت خرید این محصولات از باغدار تا قیمت فروش آن‌ها در بازار

مصرف به وجود آمده است.

نبود مدیریت در بازار و احتکار سودجویان
مجتبی شادلو - رییس اتحادیه باغداران - در این باره به خبرگزاری ایسنا گفت: علی‌رغم افزایش ۵/۱ برابری هزینه‌های تولید در بخش‌های کارگری، بسته‌بندی، نهاده‌ها، حمل‌ونقل و ... تولید محصولات خشکباری هیچ‌گونه افزایش قیمتی نسبت به سال گذشته نداشته است اما پس از پایان فصل برداشت، این محصولات حدود دو برابر افزایش قیمت داشته‌اند.وی افزود: افزایش قیمت محصولات خشکباری و باغی که در سال جاری رخ داده به دلیل نبود مدیریت در بازار و ایجاد فاصله بین تولید و مصرف است اما تولیدکنندگان از این افزایش قیمت‌ها هیچ سهمی ندارند تا بتواند بخشی از افزایش هزینه‌های خود را جبران کنند. از سوی دیگر دود افزایش قیمت این محصولات به چشم مصرف‌کنندگان می‌رود و قدرت خرید آنها را کاهش می‌هد.رییس اتحادیه باغداران گفت: گردو در بهترین نوع آن با پوست چوبی در فصل برداشت کیلویی ۶۰۰۰ تومان در عمده‌فروشی‌ها فروخته شد و در خرده‌فروشی‌ها نیز کیلویی ۸۰۰۰ تا ۹۰۰۰ تومان بود اما امروز قیمت این محصول تا چند برابر افزایش یافته است. همچنین مغز گردو در پایان فصل برداشت حدود ۲۰ هزار تومان بود که در حال حاضر به بیش از ۴۰ هزار تومان رسیده است.به گفته‌ی شادلو علی‌رغم افزایش تولید پسته در سال جاری قیمت آن پس از فصل برداشت تاکنون بیش از ۱۰۰ درصد افزایش یافته که با توجه به هزینه‌ی کم انبارداری این میزان افزایش منطقی نیست.وی با بیان این‌که در سال جاری تولید محصولات باغی ۳۰ درصد افزایش داشته است عنوان کرد: محصولات خشکباری حدود ۱۲ درصد و محصولات تره‌باری حدود ۳۵ درصد افزایش تولید داشته‌اند اما افزایش قیمت‌ها در برخی از محصولات خشکبار بیش از دو برابر شده است.رییس اتحادیه باغداران تصریح کرد: با توجه به اینکه خشکبار اجباری برای توزیع نداشته و قابل نگهداری است، بسیاری از سودجویان این محصول را برای بازار بهتر در آینده احتکار می‌کنند اما یکی از عوامل اصلی افزایش قیمت این محصولات سود ناحق و مضاعف فروشندگان است.ایران سالانه ۲۰۰ هزار تن از حدود ۶۰۰ هزار تن پسته جهان را تولید می‌کند و دومین تولیدکننده پسته در جهان است. همچنین با تولید ۱۸۰ هزار تن گردو، ۲۰۰ هزار تن بادام و ۳۱ هزار تن فندق به ترتیب رتبه‌های چهارم، پنجم و ششم را میان تولیدکنندگان این محصولات برای خود ثبت کرده است.همچنین در هشت ماهه امسال ۷۲۶ میلیون دلار انواع محصولات خشکباری به ۲۳ کشور اروپایی و آسیایی از جمله هندوستان، انگلستان، ایتالیا، المان و کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر شده است که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۵/۷ درصد افزایش داشته است.

ممنوعیت صادرات پسته ایران
عضو ستاد تنظیم بازار از ممنوعیت صادرات پسته به دستور معاون اول رئیس‌جمهور خبر داد و گفت: برای تنظیم بازار، گوشت قرمز از کشور قرقیزستان وارد می‌شود.قاسم نوده فراهانی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس در خصوص مصوبات جلسه اخیر ستاد تنظیم بازار که به ریاست معاون اول رئیس‌جمهور برگزار می‌شود، اظهار داشت:در این جلسه تأکید شد تا برای تنظیم بازار مرغ، مرغ ذخیره شده در بازار توزیع شود و ابعاد این توزیع گسترش پیدا کند تا قیمت‌ها شکسته شود.وی افزود: برای تنظیم بازار گوشت نیز مصوب شد تا واردات گوشت از کشور قرقیزستان و همچنین از مرز سیستان و بلوچستان توسعه یافته تا در این زمینه نیز شاهد رشد قیمت نباشیم.عضو ستاد تنظیم بازار با تأکید بر اینکه در این جلسه یکی از اعضای انجمن پسته‌کاران حضور داشت، گفت: این عضو اظهار داشت که پسته با قیمت ۳۰ هزار تومان صادر می‌شود و قرار شد تا در انتهای جلسه تفاهمنامه‌ای در این خصوص امضا شود به قیمت صادرات، پسته در داخل کشور عرضه شود اما در پایان جلسه فرد مذکور جلسه را ترک کرد لذا معاون رئیس جمهور دستور داد تا صادرات پسته به مدت ۶ ماه متوقف شود.وی افزود: معاون اول رئیس جمهور دستور دادند تا کارگروه‌هایی برای تنظیم بازار کالاهای اساسی تشکیل شود تا در ایام پایانی سال مردم مشکلی نداشته باشند.رئیس کمیسیون صادرات اتاق ایران در واکنش به ممنوعیت پسته ایرانی به خارج از کشورگفت: ممنوعیت صادرات پسته به نفع آمریکا است.اسدالله عسگراولادی در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس اظهار داشت:

علیرغم اراداتی که با آقای دکتر رحیمی دارم ممنوعیت صادرات پسته اشتباه بزرگی است که مرتکب شده‌اند و در واقع این تصمیم فقط به نفع آمریکا است.وی افزود: آمریکا برای اینکه ما را از دور خارج کند باید ۲ میلیارد دلار هزینه می‌کرد و در واقع این تصمیم باعث شد تا آمریکایی‌ها دو میلیارد دلار جلو بیافتند.رئیس کمیسیون صادرات اتاق بازرگانی ایران گفت ما سالانه ۲۰۰ هزار تن پسته تولید می‌کنیم که فقط ۱۵ هزار تن آن مصرف داخلی دارد چرا که پسته در داخل کشور یک کالای لوکس محسوب می‌شود و توزیع کنندگان پسته شب عید را خریداری کرده اند، لذا این تصمیم تاثیری در بازار نخواهد داشت.وی افزود: منطقی نیست برای ۱۵ هزار تن مصرف داخلی جلوی صادرات ۱۹۰ هزار ان را بگیریم چرا که اگر این ممنوعیت پیش نمی‌آمد حداقل ۶۰۰ - ۵۰۰ میلیون دلار می‌توانیم صادرات داشته باشیم.عسگراولادی گفت: بزرگترین رقبای ما در صادرات پسته کشورهای آمریکا و ترکیه هستند و به تازگی چین هم به حساب می‌آید.

هشدار وزارت اطلاعات به فعالان کارگری: تا انتخابات دعوت به هرگونه تجمع خیابانی ممنوع است

به نوشته سایت سحام نیوز در 28بهمن 91 آمده است : به دنبال احضار جعفر عظیم‌زاده و پروین محمدي، دو فعال کارگری به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات، این دو نفر ساعت ۱۰ صبح در این دفتر حاضر شدند و تا ساعت ۱۷ بعد از ظهر در مورد اتحادیه آزاد کارگران ایران و طومار سی هزار نفری کارگران مورد بازجویی قرار گرفتند.
به گزارش اتحادیه آزاد کارگران، در این بازجویی پروین محمدی و جعفر عظیم‌زاده ضمن بیان صریح دیدگاه‌هایشان در باره مسائل مطرح شده، بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران و حق کارگران برای جمع آوری طومار اعتراضي، تلاش برای افزایش دستمزدها، جلوگیری از تصویب اصلاحیه قانون کار و تحقق دیگر مطالباتشان تاکید گذاشتند و اعلام کردند پیگیری ها و اعتراضات خود را برای تحقق مطالبات طومار سی هزار نفری کارگران ادامه خواهند داد.
در ادامه این بازجویي، مامورین امنیتی به ویژه بر خودداری از دعوت به تجمع خیابانی توسط هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی تاکید داشتند و جعفر عظیم‌زاده و پروین محمدی نیز اعلام کردند تا آنجا که به آنان مربوط مي‌شود ضمن ادامه تلاش و اعتراضاتشان برای تحقق مطالبات طومار سی هزار نفری کارگران، از دادن فراخوان تجمع خیابانی تا پایان انتخابات ریاست جمهوری در سال ۹۲ پرهیز خواهند کرد.
بر اساس این گزارش، این دو فعال کارگری تصریح کرده اند که چنانچه تا آن زمان به خواست های کارگران در طومار سی هزار نفری شان رسیدگی نشود، این حق را برای خود محفوظ مي‌دانند که پس از انتخابات ریاست جمهوری و در صورت لزوم اقدام به تجمع خیابانی نیز بکنند.

پیشنهاد لغو تحریم فلزات گرانبها در ازای تعطیلی فردو در مذاکرات قزاقستان

به نوشته سایت مردمک به نقل ازخبرگزاری رویترز در تاریخ 28 بهمن گزارش داده است : که قدرت‌های بزرگ درنظر دارند لغو تحریم طلا و فلزات گرانبها را به ایران پیشنهاد بدهند و در مقابل، ایران سایت هسته‌ای فردو، یکی از مراکز غني‌سازی اورانیوم را تعطیل کند.
رویترز با این گزارش در روز جمعه ۱۵ فوریه به نقل از مقام‌های غربی گفته است که اعضای گروه ۵+۱ این پیشنهاد را در مذاکرات روز ۲۶ فوریه (هشتم اسفند) در قزاقستان به ایران اعلام خواهند کرد.
براساس تحریم‌های جدید علیه ایران که ماه گذشته با امضای باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا قانونی شد تجارت و فروش فلزات گرانبها و فلزاتی با کاربرد صنعتی مانند گرافیت، فولاد و آلومینیوم به ایران ممنوع شده است.

اتحادیه اروپا نیز چند ماه پیش از آمریکا صادرات فلزات گرانبها به ایران را تحریم کرده بود.
طبق این گزارش درصورت لغو تحریم طلا و فلزات گرانبها، این فلزات مي‌توانند به عنوان راهی

برای انجام معاملات پایاپای مورد استفاده قرار بگیرند که به ایران اجازه می‌دهد تحریم‌های اقتصادی را دور بزند.
به گفته مقام‌های غربی این پیشنهاد در راستای پیشنهاد قبلی گروه به ایران است که از این کشور خواسته شده بود غنی‌سازی اورانیوم در درجات بالا را متوقف کند، ذخایر اورانیوم را از خاک ایران خارج و سایت زیرزمینی فردو را تعطیل کند. ایران با این درخواست موافقت نکرد.
یک مقام غربی گفته است: این پیشنهاد نزدیک به پیشنهاد قبلی است و مستلزم همکاری ایران با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و راهی برای محک زدن جدی بودن این کشور نسبت به پرونده هسته‌ای‌اش است.
مقام‌های غربی با اعلام این خبر، تاکید کرده‌اند که «تصمیم ندارند پیشنهاد بسیار متفاوتی به ایران ارائه دهند زیرا تردید دارند که ایران تا پیش از انتخابات ریاست جمهوری ۱۴ ژوئن (۲۴ خرداد) آماده توافق با گروه مذاکره‌کننده هسته‌ای باشد.»
اعضای گروه ۵+۱ شامل آمریکا، روسیه، فرانسه، چین، بریتانیا و آلمان از ایران خواسته‌اند که ثابت کند برنامه هسته‌ای این کشور اهداف نظامی را دنبال نمی‌کند و بازرسی گسترده‌تر از سایت‌های هسته‌ای‌اش را برای بازرسان آژانس فراهم کند.
ایران اهداف برنامه هسته‌ای خود را صلح‌آمیز اعلام کرده اما درخواست گروه مذاکره‌کننده هسته‌ای برای توقف غنی‌سازی اورانیوم را ردکرده است. غنی‌سازی اورانیوم در درجات پایین کاربرد غیرنظامی اما در درجات بالا کاربرد غیرنظامی دارد و برای ساخت سلاح اتمی استفاده می‌شود.
طبق گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در نوامبر گذشته ایران تعداد سانتریفیوژهای سایت فردو را از ۶۴۴ به ۲۷۸۴ ماشین افزایش داده و در یک چهارم از این سانتریفیوژها اورانیوم را غنی‌سازی کرده است.
به گفته دیپلمات‌های غربی ایران آماده است درجه غنی‌سازی اورانیوم در سایت زیرزمینی فردو را بالا ببرد اما هنوز چنین کاری نکرده است.
ایران چند روز پیش نیز اعلام کرد که سانتریفیوژهای پیشرفته‌تری را در نطنز راه‌اندازی کرده است، خبری که به گفته غرب نشانگر توانمندی این کشور برای غنی‌سازی بیشتر اورانیوم است.
درپی اعلام این خبر ازسوی ایران، گروه ۵+۱ پیشنهاد جدید خود را مطرح کرده و این در شرایطی است که ایران پیشنهادهای قبلی این گروه را نپذیرفته است. یکی از پیشنهادها این بود که ایران غنی‌سازی اورانیوم را متوقف کند و درعوض تحریم قطعات هواپیما لغو و سوخت راکتور پژوهشی تهران تامین شود. ایران این پیشنهاد را هم نپذیرفت.
مقام‌های غربی از ارائه جزئیات دقیق این پیشنهاد جدید گروه ۵+۱به ایران خودداری کرده‌اند.
واکنش مقام‌های دولت ایران به این پیشنهاد جدید نیز مشخص نیست و معلوم نیست که آیا ایران این پیشنهاد را آنقدر جالب توجه بداند که حتی بخواهد براساس آن گفت‌وگوهای بیشتری با طرف مقابلش داشته باشد.

توقف ۴۰۰ پروژه برق به دلیل افزایش تورم، تحریم‌ها و در نهایت نوسانات شدید نرخ ارز

به نوشته سایت قانون در 28 بهمن 91 آمده است :دبیر سندیکای صنعت برق ایران با بیان اینکه 400 پروژه صنعت برق به دلیل نوسانات شدید قیمت‌ها متوقف شده‌اند، گفت:دولت موضوع افزایش نرخ ارز و تاثیرات آن بر پروژه‌ها را می‌پذیرد پس ضبط ضمانت نامه‌ها وجاهت قانونی ندارد. حمیدرضا صالحی در گفت و گو با فارس افزود:طی یکی دو سال اخیر به دلیل افزایش تورم، تحریم‌ها و در نهایت نوسانات شدید نرخ ارز، شرکت‌های سازنده و پیمانکار صنعت برق نتوانستند به تعهدات خود عمل کنند. در این شرایط دولت به جای حمایت از این شرکت‌ها، نسبت به ضبط ضمانت نامه‌های بانکی آنها اقدام کرده است. وی ادامه داد: تاکید می کنم که صنعت برق بر عکس صنایعی مانند ساختمان، پیش از این هم در قراردادهای خود، تعدیل نداشت و به همین دلیل فعالان این صنعت تا پیش از بحران اخیر هم از محل نوسانات قیمت ارز، فلزات و تاخیر در پرداخت‌ها دچار مشکلات و زیان‌های بسیاری می‌شد.

صالحی در ادامه ضمن تاکید بر این نکته که فعالان صنعت برق به دلیل عدم اعمال تعدیل در قراردادهایشان و نیز افزایش ناگهانی نرخ ارز دچار صدمات جبران ناپذیری شدند، افزود: بر اساس استعلامی که از اعضای سندیکا صورت گرفته، بیش از 400 پروژه به دلیل نوسانات شدید قیمت‌ها متوقف شده‌اند. وی افزود: به همین دلیل این موضوع از طریق معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری پیگیری شد که در نهایت این معاونت در اواسط دی ماه سال جاری بخشنامه ای را ابلاغ کرد که پیام اصلی آن پذیرش تفاوت نرخ ارز در اجرای پروژه‌ها با اعمال برخی از فرمول‌ها بود. وی اضافه کرد:هر چند بر اساس بررسي‌های انجام شده در سندیکای صنعت برق ایران، این بخشنامه تنها 25 تا 30 درصد مشکلات قراردادی را از نظر تعدیل حل می کند. صالحی ضبط ضمانت نامه سازندگان و پیمانکاران در برخی از پروژه‌ها توسط کارفرمایان را ضربه ای دیگر به این شرکت‌ها دانست و تصریح کرد: اخیرا در برخی از قراردادها و پروژه‌ها، کارفرما به دلیل عدم انجام تعهدات از سوی پیمانکاران، به صورت یک طرفه نسبت به ضبط ضمانت نامه اقدام کرده است. وی تاکید کرد:مهم‌ترین آثار تخریبی ضبط یک یا دو ضمانت نامه بانکي، قرار گرفتن بنگاه‌ها در خطر نابودی است. دبیر سندیکای صنعت برق ایران ادامه داد: به عنوان مثال در بین اعضای سندیکا، شرکت‌های کنتورسازی وجود دارد که پروژه‌ای برای تحویل تعداد مشخصی کنتور در یک زمان خاص داشته‌اند، اما به این دلیل که حجم زیادی از مواد و تجهیزات اولیه ساخت کنتور یعنی بالغ بر 60 تا 70 درصد آن مرتبط با ارز است، این شرکت‌ها در عمل به تعهدات خود در قراردادی که فاقد تعدیل نرخ ارز بوده، دچار مشکل مي‌شوند.

صالحی افزود: به این ترتیب کار متوقف مي‌ماند و کارفرما هم بدون توجه به شرایطی که به توقف پروژه منجر شده و تنها با این استدلال که از طریق قانون و سازمان‌های بازرسی تحت فشار قرار مي‌گیرد، ضمانت نامه شرکت مزبور را ضبط مي‌کند. وی در ادامه از سازمان بازرسی کل کشور و سازمان‌های بازرسی استان‌ها درخواست کرد که با دولت و بخش خصوصی برای بهبود شرایط کسب و کار و نیز تسهیل روابط کارفرما و پیمانکار سازنده همکاری کند. دبیر سندیکای صنعت برق ایران ضمن تاکید بر این مسئله که تعدیل نرخ ارز در قالب بخشنامه ابلاغ شده از سوی معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوري، به معنای پذیرش تاثیرات سوء نوسانات نرخ ارز بر قراردادهاست، گفت: این بخشنامه خود به خوبی گواه این مسئله است که ضبط ضمانت نامه های شرکت های سازنده و پیمانکار، وجاهت قانونی ندارد، چرا که نظام فنی و اجرایی مملکت و حاکمیت و دولت موضوع افزایش نرخ ارز و تاثیرات آن بر پروژه‌ها را می پذیرد. وی خاطر نشان کرد:به نظر می رسد بهترین راهکار این است که وزارت نیرو با تشکیل ستادی نسبت به اصلاح قراردادها اقدام کرده یا برخی از قراردادهای رو به اتمام را خاتمه دهد.

صالحی افزود:این وزارتخانه باید با بهره‌گیری از مفاد بخشنامه، مشکلات را به گونه ای مدیریت کند که با اجرای پروژه، علاوه بر منافع کشور، منافع دولت و شرکت‌های پیمانکار و سازنده نیز تامین شوند. صالحی به بحراني‌تر شدن وضعیت شرکت ها به دلیل ضبط ضمانت نامه‌های بانکی آنها اشاره کرد و افزود: برخی از این شرکت‌ها حتی پیش پرداخت هم برای قراردادهایشان دریافت نکرده‌اند لذا این شرکت به دلیل عدم دریافت پیش پرداخت نمي‌توانسته مواد اولیه خود را در همان زمان و با همان بهای پیشین ارز خریداری کند. وی اضافه کرد:در نهایت به دلیل افزایش ناگهانی قیمت ارز توان شرکت‌ها برای تامین و واردات مواد اولیه به شدت کاهش پیدا کرده و نتوانسته‌اند همه کنتورها را در زمان مقرر تحویل دهند و ضمانت نامه آن ضبط شده است.

ممنوعیت صادرات پسته لغو شد

به نوشته خبرگزاری دولتي فارس در 28 بهمن 91 آمده است : رئیس کل سازمان توسعه تجارت گفت: مشروط به تأمین نیاز داخلی پسته با قیمت مناسب ممنوعیت صادرات این کالا لغو شد.

حمید صافدل در گفت‌وگو با فارس، گفت: در جلسه‌ای که لحظات پیش به پایان رسید، تصمیم گرفته شد به شرط تأمین نیاز داخلی با قیمت مناسب صادرات پسته آزاد باشد.

وی افزود: قیمت پسته را سازمان حمایت تعیین مي‌کند و معاونت بازرگانی داخلی نیز بر نحوه توزیع و تنظیم بازار این کالا در ایام پایانی سال نظارت مي‌کند.
معاون وزیر صنعت گفت: امسال سال بسیار مناسبی به لحاظ برداشت پسته بوده است و بالغ بر 183 هزار تن پسته برداشت شده است.
وی افزود: دو سوم پسته جهان را ایران و آمریکا تأمین مي‌کنند و یک سوم دیگر توسط سایر کشورها تولید مي‌شود.
صافدل گفت: تمام تلاشمان را مي‌کنیم تا ایران همچنان جایگاه برتر خود در صادرات پسته را در بازارهای هدف در جهان داشته باشند.

احمدی نژاد، دستور استخدام ۷۰ هزار نفر در وزارت بهداشت را صادر کرد

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی فارس در 28 بهمن 91 آمده است : سرپرست وزارت بهداشت گفت: رئیس جمهوری دستور استخدام 70هزار نفر را در وزارت بهداشت صادر کرد و هر وقت بودجه و منابع آن تأمین شود در این زمینه اقدام مي‌کنیم.
محمد حسن طریقت افزود: رئیس جمهور در دستور استخدام نیروهای جدید در وزارتخانه ها و دستگاههای دولتي،سهم وزارت بهداشت را از این استخدامها 70 هزار نفر تعیین کرده است که قرار است با تأمین منابع آن در چند نوبت انجام شود.
وی درباره زمان استخدام این نیروها گفت: منتظریم تا معاونتهای ریاست جمهوری اعتبار این کار را در اختیار وزارت بهداشت قرار دهند تا بعد بر اساس منابع اختصاص داده شده در این مسیر حرکت کنیم، فعلاً نمي‌توانیم زمانی را برای استخدام این نیروها اعلام کنیم.
سرپرست وزارت بهداشت درباره بودجه وزارت بهداشت در سال آینده نیز توضیح داد: هنوز بودجه سال آینده نهایی نشده است. البته آقای رئیس جمهور قول داده است (با وجود اقتصاد مقاوتی و بودجه انقباضی) عنایت خاصی به بودجه بخش بهداشت و درمان داشته باشد اما هنوز هیچکدام از ردیفهای بودجه سال 92 برای حوزه بهداشت و درمان بسته نشده است.
طریقت منفرد ادامه داد: البته سرفصلهای کلی بودجه سال 92 برای حوزه سلامت کامل شده است و اولویت و محوریت بودجه وزارت بهداشت، اجرای کامل برنامه پزشک خانواده و فعال کردن مراکز بهداشتی و درمانی سراسر کشور است.
وی در پاسخ به این پرسش که با توجه به کسری بودجه وزارت بهداشت آیا قرار است دولت این کسری را در اواخر سال جبران کند، نیز توضیح داد: قرار است بودجه وزارت بهداشت اواخر سال ترمیم شود اما در مورد میزان آن هنوز دستوری صادر نشده و قرار است طی هفته جاری رقم آن مشخص شود که البته معاونت نظارت راهبردی ریاست جمهوری در این زمینه تصمیم مي‌گیرد.

رکوردزنی چک های برگشتی / روزی 70 تا 75 هزار

به گزارش خبرگزاری دولتی مهردر 28 بهمن 91 آمده است : روزانه 70 تا 75 هزار چک در کشور برگشت مي‌خورد که برای خود رکوردی در سال 91 محسوب می شود. آمار زندانیان نیز حاکی از افزایش تعداد زندانیان چک است. کارشناسان اعتقاد دارند، چک برگشتی از جنبه کیفری باید به جنبه حقوقی تغییر ماهیت دهد و محرومیتهای اجتماعی و اقتصادی جایگزین زندان شود.
به گزارش خبرنگار مهر، صدور چک بلامحل در مردادماه ۱۳۱۲ در قانون مجازات عمومی عنوان مجرمانه به خود گرفت و در سالهای ۱۳۲۱، ۱۳۳۳، ۱۳۳۷ و ۱۳۴۴ به کرات ملغی شده و جای خود را به قانون جدید چک داد و این قانون در سال ۱۳۵۵ مجدداً تغییر یافت و سپس در سال ۱۳۷۲ و ۱۳۷۶ و در نهایت در سال ۱۳۸۲ بار دیگر قانون چک تغییر کرد. در این مدت چک برگشتی هم جنبه کیفری و هم جنبه حقوقی به خود دید. هر زمان زندانها پر از زندانی چک برگشتی شد داد کارشناسان درآمد و چک از جنبه کیفری به جنبه حقوقی تغییر یافت. اما پس از مدتی دوباره به دلیل اینکه راهکار مناسبی با متخلفان در نظر گرفته نشد باز آمار چک های برگشتی بالا رفت و دوباره چک به جنبه کیفری بازگشت. تجربه سال های گذشته نشان

داده است جنبه کیفری چک بازدارنده نیست و با افزایش زندانیان، برای خانواده های آنها و دولت هزینه های بسیاری خواهد داشت. گاهی دیده می شود در زندان برای یک زندانی چک برگشتی چند برابر ارزش چک او هزینه می شود.
در ابتدای این گزارش بهتر است برای پی بردن به عمق این فاجعه خاموش نگاهی به آمار های رسمی بانک مرکزی اشاره شود. طبق بررسي‌های انجام شده در این خصوص، تعداد چک‌های برگشتی در سال 1378 بالغ بر 2.63 میلیون برگ بوده که با شیب صعودي، این رقم در سال 1390 به 6.37میلیون برگ رسیده است . این آمار حاکی از رشد 142 درصدی تعداد چک‌های برگشتی طی دوره مورد بررسی مي‌باشد. همچنین در بازه زمانی بین سنوات 1378 تا 1390، مبلغ چک‌های برگشتی نیز هم‌سو با افزایش تعداد چک‌های برگشتي، افزایش قابل توجهی را شاهد بوده و از مبلغ 2.09 هزار میلیارد ریال در سال 1378 به 35.61هزار میلیارد ریال در سال 1390 رسیده که رشد بسیار زیادی معادل 1.603 درصد را نشان می دهد. در این رابطه درصد چک‌های برگشتی به کل چک‌های مبادله شده به لحاظ تعدادی از 5.89 درصد در سال 1378 به 12.41 درصد در سال 1390 رسیده است که 110 درصد رشد را نشان مي‌دهد. بدین معنا که در سال 1378 از هر 100 فقره چک صادره حدود 6 فقره برگشت خورده است و این تعداد در سال 1390 به حدود 13 فقره رسیده است. به گفته دبیرکل بانک مرکزی ،روزانه حدود 70 تا 75 هزارچک در کشور برگشت می خورد.

لایحه قانون جدید چک
روند صعودی چک های برگشتی و زندانیان چک باعث شده ، دستگاه قضایی تدوین لایحه جدید قانون چک را در دستور کار قرار دهد و در آن به جای جنبه کیفری به محرومیت های اقتصادی توجه شود. به گفته مدیر کل تدوین لوایح قوه قضاییه ، در آخرین بازنگری لایحه اصلاح قانون چک، محرومیت در فعالیتهای بانکي، پولی و اداری جایگزین ضمانت کیفری شد.جواد طهماسبی گفت : اگر صادر کننده چک توان مالی داشته باشد، چک خود را پرداخت مي‌کند و اگر نداشته باشد، با زندان رفتن نیز پول فرد طلبکار را پرداخت نخواهد کرد. در عین حال به زندان رفتن این افراد بار سنگینی را به جامعه تحمیل کرده و آسیبهایی را نیز برای خانواده‌های آنان در خواهد داشت. وی ادامه داد: اتفاقا بانکها نیز بر حذف ضمانهای کیفری چک اتفاق نظر دارند و معتقدند ضمانتها بانکی و اداری برای چک موثرتر است.

محرومیت های بانک مرکزی
البته این لایحه در حالی تهیه شده است که هم اکنون بانک مرکزی برای جلوگیری از روند صعودی آمار چک های برگشتی محرومیت های اقتصادی را اعمال می کند.
مرتضی ستاک، مدیر اداره مطالعات و مقررات بانکی بانک مرکزی با اشاره به اهمیت مبادلاتی که از طریق حساب جاری و خصوصاً چک صورت می گیرد و لزوم اطلاع همگان از دستورالعمل های مرتبط با آن بیان داشت : در حال حاضر، چک به عنوان یکی از اسناد تجاری به علت رواج و سهولت مبادله، تبدیل به یکی از پرطرفدارترین سندهای تجاری و ابزار معامله در ایران شده است . به همین خاطر از جمله معضلاتی که در کشور ما وجود دارد، افزایش صدور چک‌های بلامحل است. صدور حجم گسترده‌ای از چک‌های بلامحل، عدم دستیابی بسیاری از دارندگان چک به مطالبات و حقوق قانونی خود و حجم عظیم زندانیانی که مرتکب جرم صدور چک بلامحل شده‌اند از جمله معضلات فعلی کشور ما مي‌باشد. در این رابطه "دستورالعمل حساب‌جاری" با در نظر گرفتن نیازها، مقتضیات و مصالح کشور و با بیش از دو سال کار کارشناسی و اخذ نظرات و پیشنهادات مراجع ذي‌ربط و همچنین پیشکسوتان و صاحب‌نظران این حوزه، تدوین و پس از تصویب در جلسه مورخ دوم خردادماه سال جاری شورای پول و اعتبار، طی بخشنامه شماره 91.59912 مورخ هشتم خرداد ماه سالجاری به شبکه بانکی کشور ابلاغ شد.
وی درخصوص نتایج حاصل از اجرایی شدن این دستورالعمل ، نحوه تاثیر آن در ارتقاء جایگاه و منزلت چک در میان مردم و محدودیتهایی که از این طریق برای ارائه‌کنندگان چک‌های برگشتی ایجاد خواهد شد، افزود : مقررات ناظر بر حساب‌جاری به گونه‌ای تدوین شده است که در طبیعت خود جنبه بازدارندگی لازم را داشته باشد و برای متخلفین حداکثر محرومیت‌ها

اعمال شود. بنابراین در تدوین مقررات جدید تمامی تلاش‌ها بر این بوده است تا از ظرفیت‌های موجود برای طراحی و پیاده‌سازی تمامی ابزارهای کارا و قابل اجرایی که می‌توان در قالب مقررات درج کرد، استفاده شد. در صورت التزام عملی نظام بانکی کشور به اجرای صحیح و دقیق مقررات جدید، شخص صادرکننده "چک" یقین پیدا خواهد کرد که با صدور "چک" بلامحل و یا عدم اقدام جهت رفع سوءاثر از سوابق چک برگشتی خود، از طیف گسترده‌ای از خدمات بانکی محروم می‌شود. لذا اقدامات لازم در این خصوص را اجرایی خواهد نمود و بدین ترتیب بسیاری از مشکلات حال حاضر مرتفع می شود .

اعتبار سنجی مهمتر از تغییر قانون
از سوی دیگر سخنگوی کمیسیون قضایی مجلس معتقد است به جای تغییر قانون باید برای مشتری اعتبار سنجی کرد. محمدعلی اسفنانی به مهر گفت: قانون چک از سال 1355 تا کنون یک بار در سال 1372 و یک بار هم در سال 1382 با تغییراتی روبرو بوده است. تغییرات صورت گرفته در این قانون فقط در خصوص جنبه کیفری یا حقوقی چک بوده است.
وی افزود: وقتی به چک با جنبه کیفری نگاه کرده ایم زندانها از زندانیان چک پر شده است. آن زمان به این نتیجه رسیدیم که از جنبه حقوقی به چک نگاه کنیم تا زندانها خالی شود. حال به چک از جنبه حقوقی نگاه کردیم و با افزایش پرونده های چک برگشتی روبرو شدیم. این نگاه به مشکلات چک، راه حل مناسبی نیست. نباید به چک با نگاه صرفا قانونی نگاه کرد.
سخنگوی کمیسیون قضائی مجلس ادامه داد: برای حل مشکل چک باید به سه ضلع یک مثلث توجه کنیم. یک ضلع این مثلث بحث قانون است که برای چک باید ضمانت قانونی لازم درنظر گرفته شود. ضلع دیگر بانکها هستند که شرایط سختی را برای دریافت کنندگان چک باید در نظر داشته باشند. ضلع آخر هم مردم هستند که در خصوص استفاده از چک در جامعه باید فرهنگ سازی صورت گیرد.وی درباه وجود جنبه کیفری برای چک و افزایش زندانیان چک برگشتی گفت: نمی توان منکر تاثیر جنبه کیفری قانون چک شد. در حال حاضر خیلی از صادر کننده های چک از ترس زندان چکهای خود را پاس می کنند تا مبادا به زندان بیافتند. حال اگر جنبه کیفری وجود نداشت دیگر کسی خود را مقید به پاس کردن چک نمی دانست. اما از سوی دیگر با افزایش آمار زندانیان روبرو هستیم.
اسفنانی خاطر نشان کرد: در کشورهای دیگر نیز به جنبه کیفری چک توجه نمی شود و برای افرادی که چک برگشتی دارند محرومیتهای اجتماعی و اقتصادی در نظر گرفته می شود.
متاسفانه در ایران چک یک برگه سفید است که می توان به آن هر اعتباری را اختصاص داد.
حال آنکه در کشورهای دیگر بر اساس اعتبار صاحب حساب دسته چک تا میزان اعتبار مشخص داده می شود.وی تاکید کرد: به جای اینکه درباره تغییر قانون صحبت کنیم باید بر روی اعتبار سنجی مناسب بانک تاکید کرد و همه مشکلات را در قانون منحصر نکنیم.
حال باید دید در طرح اصلاح قانون چک چه میزان به این ضعف ها توجه شده است و چه تاثیری در کاهش آمار زندانیان و چک های برگشتی خواهد داشت.

کاهش درآمد نفت دلیل اصلی سقوط پول ملی

به نوشته سایت انتخاب در تاریخ 29 بهمن آمده است : آژانس بین المللی انرژی در آخرین گزارش خود اعلام کرده که تحریم های اعمالی علیه ایران درآمدی نفتی جمهور اسلامی را در سال 2012 ، به میزان 40 میلیارد دلار کاهش داده و تولید نفت در ماه گذشته به کمترین میزان در سه دهه اخیر رسیده است. این گزارش پیش بینی شده که این روند در سال آینده تشدید شود. در مورد آثار کاهش درآمدهای نفتی با دکتر مهدی تقوي، اقتصاددان و استاد دانشگاه علامه طباطبایی گفتگو کرده ایم که در زیر می خوانید:
گزارش اخیر آژانس بین المللی انرژی از کاهش 40 میلیارد دلاری درآمد نفتی ایران خبر می دهد. با توجه به وضعیت اقتصادی داخلی تا چه اندازه می توان گفت که این خبر و آمار درست است؟
به نظر می رسد که این مسئله درست است. وقتی نگاهی به وضعیت اقتصادی داخلی بکنیم بازتاب های این مسئله را می بینیم. اگر فروش نفت ایران همانند سالهای قبل بود آیا شاهد

سقوط قیمت دلار بودیم؟ توجه کنید که قیمت دلار از 1025 تومان سه سال پیش و 1250 تومان سال پیش به نزدیک به 4 هزار تومان رسیده است. این افزایش قیمت دلار کاملا به کاهش درآمدهای نفتی ایران مربوط می شود. البته این به این معنی نیست که مشکلات دیگر در اقتصاد ایران را نادیده بگیریم و همه مسائل را به گردن تحریم ها بیندازیم. سوء مدیریت های اقتصادی هم وضعیت نابسامانی را در اقتصاد کشور ایجاد کرده است. یکی از مهم ترین علل سیطره این نابسامانی بر اقتصاد، تورم لجام گسیخته ای است که با وجود هشدارهای مکرر کارشناسان نسبت به ضرورت اصلاح سیاست های پولی و مالی اقدام درخور توجهی به منظور مهار آن صورت نگرفت و نتیجه این شد که تورم هم اکنون از مرز ۲۷درصد عبور کند.

ولی برخی اوضاع اقتصادی کشور را مناسب توصیف می کنند؟
شما به نابسامانی های پیش آمده در ماههای گذشته در بازارهای مختلف ازجمله مواد غذايي، دارو، خودرو و دلار و سکه توجه کنید. گرانی بی سابقه اقلام مختلف در این بازارها یک حقیقت است که نمی توان کتمان کرد. به نظر می رسد که این نابسامانی ها در روزهای آتی همزمان با نزدیک شدن به ایام پایانی سال با قدرت بیشتری به سایر بازارهای کشور هم سرایت می کند و ما بیشتر شاهد این مسئله خواهیم بود.
گزارش اخیر آژانس بین المللی انرژی پیش بینی کرده که در سال آینده این روند کاهش درآمد نفتی ایران ادامه خواهد یافت. بنابراین باید منتظر روزهای سخت تری برای اقتصاد ایران باشیم؟
بله. اقتصاد ایران وابسته به نفت است و کمترین تحولی در قیمت نفت یا درآمد نفتی ایران به روشنی در وضعیت اقتصادی کشور تاثیر می گذارد. به هر حال کشورهای غربی بی خود نیست که کمر خود را برای تحریم ایران بسته اند و چنانچه این وضعیت ادامه داشته باشد باید منتظر دلار شش یا هفت هزار تومانی بود. با این وضعیت متاسفانه باید بگویم تحریم ها کمر اقتصاد را شکسته است و مردم هم این فشارها را احساس می کنند. باید توجه داشت که این مسئله از حوزه اقتصاد به حوزه های دیگر سرایت می کند. یعنی تورم، فقر و بیکاری منجر به دزدي، زورگيري، فساد و فحشا می شود. این وضعیت بسیار نگران کننده است و حل این مشکلات نیازمند اتخاذ تدابیر صحیح به منظور کنترل اوضاع اقتصادی کشور است. طبیعی است که در چنین اوضاعی بعضی از دارندگان کالاهای مورد نیاز مردم، فروش این کالاها را به منظور کسب سود بیشتر، به شب عید موکول می کنند. این دقیقا یک رفتار اقتصادی و البته نامطلوب و ناپسند است و نباید از آن تعجب کرد. در روزهای گذشته وعده هایی مبنی بر پرداخت عیدانه نقد از سوی دولت به مردم داده شده است. این حرف یعنی اینکه به جای کنترل علت ها، مسئولان به دنبال برطرف کردن معلول ها بوده و این کار را از آسان ترین راه آن یعنی چاپ اسکناس انجام خواهند داد. به این ترتیب در شرایطی که رکود تورمی بر اقتصاد ایران حاکم است، تقاضا در حال تحریک و افزایش است. بر این اساس به نظر من با توجه به مجموعه شواهد می توان از بدتر شدن وضعیت اقتصادی نگران بود که به نظر می رسد که باید راهکارهایی در نظر گرفته شود.

منظورتان از این راهکار ها چیست؟
اولا چنانچه زمزمه هایی شنیده می شود مسئولان به این نتیجه رسیده اند که باید راهکارهایی در نظر گرفته که تحریم ها کاهش یابد. صحبت هایی که در مورد مذکرات با آژانس، 1+5 یا حتی آمریکا مطرح می شود به نظر من ناشی از همین مسئله است. علاوه بر این به نظر می رسد که باید شرایط اقتصادی را برای انطباق با تحریم ها تغییر داد. متاسفانه مسئولان فرصت هایی زیادی برای انطباق با تحریم ها از دست داده اند. ما در سالهای گذشته درآمدهای سرشار نفتی داشته ایم مسئولان باید پاسخگو باشند که این درآمدها صرف ساخت کدام زیرساخت ها شده است؟ و آیا کشور برای مقابله با تحریم ها آماده شده است؟

شما به مذاکرات ایران با غرب اشاره کردید. تا چه اندازه به نظر شما این مسئله می تواند بر

وضعیت اقتصادی اثرگذار باشد؟
بله. هم مذاکرات ایران و غرب و هم انتخابات آینده ریاست جمهوری می تواند نشانه هایی از تغییر در وضعیت اقتصادی را بیان کند. چنانچه پیشرفتی در مذاکرات ایران با جامعه جهانی ایجاد شود می توان انتظار داشت که آرامش به اقتصاد کشور بازگردد. علاوه بر، با توجه به این که در ماههای پایانی دولت آقای احمدی نژاد به سر می بریم ممکن است با روی کار آمدن دولتی خردگرا وضعیت اقتصادی بهتری را شاهد باشیم.

آژانس بین المللی انرژی در گزارش ماهیانه خود برای بازار نفت پیش بینی کرده است که روند نزولی تولید نفت در ایران در ماه های آتی ادامه داشته باشد و در این زمینه به تحریم های جدید آمریکا اشاره می کند که از هفته قبل علیه جمهوری اسلامی به اجرا گذاشته شده است. به نظر شما تحریم هایی که آمریکا اخیرا علیه ایران اعمال کرده است تا چه اندازه می تواند به کاهش بیشتر درآمدهای نفتی ایران بینجامد؟
تحریم هایی جدیدی که دولت آمریکا از روز چهارشنبه، ۱۸ بهمن علیه ایران اعمال کره است منجر به این می شود که ایران نتواند درآمدهای حاصل از فروش نفت را به صورت نقدی دریافت کند و صرفا می تواند از خریداران نفت خود کالا دریافت کند. این یعنی مبادله پایاپای و بازگشت به زمانی که پول اختراع نشده بود. یعنی ما به چین و نفت و کره جنوبی نفت می دهیم و آنها برنج و چای و ... به ما می دهند. این روابط تجاری ما را بیش از گذشته محدود می کند. این مسئله همانند این است که در یک شهر یک فروشگاه باشد و همه مجبور باشند از او خرید کنند در این صورت آن فروشگاه می تواند گران تر بفروشد. یعنی الان خریداران نفت ایران می توانند در این مبادله به ایران اجحاف کنند چرا که می دانند ما تحت فشار هستیم و ناچار هستیم که نفتمان را به آنها بدهیم. این مسئله هم در قیمت نفت ایران و هم در قیمت کالاهایی که آنها در مقابل نفت به ما می دهند موثر خواهد بود.

ممنوعیت و آزادسازی صادرات پسته طی 10 ساعت/ زمزمه تحریم آجیل توسط مردم

به نوشته سایت عصر ایران در تاریخ 29 بهمن آمده است : واکنش مردم به گرانی آجیل، در شبکه های اجتماعی بیشترین بازتاب را داشته است. کار آن قدر بالاگرفته که حتی صفحه هایی خاص برای تحریم آجیل ایجاد شده است. صفحه هایی که البته کم هم طرفدار ندارد.
به گزارش مهر، افزایش کم سابقه و ناگهانی قیمت آجیل شب عید این روزها بحث اول پیامک ها و شبکه های اجتماعی شده است.
«بیایید برای یک بار هم که شده در تحریم آجیل به دلیل گرانی متحد باشیم. ما آجیل نمی خریم و نمی خوریم.» این پیامک شاید این روزها روی تلفن همزاه شما هم آمده باشد.
پیامکی که این روزها به یکی از بحث های داغ در شبکه های اجتماعی هم تبدیل شده است.

ما امسال آجیل نمي‌خريم...
واکنش مردم به گرانی آجیل، در شبکه های اجتماعی بیشترین بازتاب را داشته است. کار آن قدر بالاگرفته که حتی صفحه هایی خاص برای تحریم آجیل ایجاد شده است. صفحه هایی که البته کم هم طرفدار ندارد. شعارها و متن های این صفحه ها هم در نوع خودش جالب است:
« اگر 15 میلیون خانواده بطور متوسط 100 هزار تومن توی جیب دلالای آجیل بکنن، همین یک قلم میشه 1500 میلیارد تومن!!! پولی که بلافاصله میره توی یک مسیر دیگه و هر بار فربه تر و فربه تر میشه و دمار مردمو درمیاره ...حرف ساده است.
بیاییم امسال آجیل نخریم و یک نوشته قشنگ روی سفره هفت سینمون، میزمون بزاریم که برای چی اینکارو کردیم. اگر کسی دوست داشت (دوست داشت بدون هیچ اجباری) میتونه معادلشو به افراد نیازمند اطرافش یا مثلاً به زلزله زده هایی که یک زمستون وحشتناک رو گذروندن کمک کنه تا اونها هم یه کمی عید داشته باشن یه کمی مرهم آلامشون باشیم یه کمی "بگیم" هموطن ما کنارت هستیم...امسال هیچ خانواده ایرانی در پذیرایی نوروز خود

آجیل نخواهد داشت خواهشا با نخریدن آجیل همکاری نمایید.»

بحران پسته خندان
«60 تا 65 هزار تومان.» این رقمی است که استاندار تهران از قیمت پسته در بازار آجیل تهران می دهد. رقمی که مرتضی تمدن می گوید واقعی و منصفانه نیست:«همین پسته موقع صادرات کیلویی 30 تا 35 هزار توما قیمت دارد. اما در بازارهای ایرانی رقمش می شود 60 تا 65 هزار تومان. این رقم باید اصلاح شود و به قیمت واقعی برسد. یعنی حدود 25 تا 30 هزارتومان.»
نماینده مردم کرمان هم در واکنشی جالب به گرانی پسته، از مردم خواسته است تا بیشتر از 32 هزار تومان،پول بابت خرید پسته نپردازند. «محمدرضا پورابراهیمی» به خبرگزاری فارس گفته:« قیمت بهترین پسته در کرمان بیشتر از ۳۲هزار تومان نیست و بیشتر از این قیمت به جیب دلالان مي‌رود. از مردم عزیز مي‌خواهیم بهترین پسته را گرانتر از 32 هزار تومان نخرند چرا که این موجب سود بیشتر دلالان بازار پسته مي‌شود..»
این در حالی است که قیمت مصوب پسته در بازار آجیل شب عید، بالاتر از این حرف هاست. به عنوان مثال قیمت هرکیلو پسته اکبری درجه یک 38 هزارتومان و نرخ درجه 2 این پسته نیز 34 هزارتومان تعیین شده. رقمی که بالاتر از رقم های تعیینی استاندار تهران و نماینده کرمان در مجلس شورای اسلامی است.
از طرف دیگر مساله صادرات پسته و ممنوعیت آن هم، این روزها یکی از بحث های داغ حوزه اقتصاد و بازار است. وضوعی که واکنش های مختلفی از سوی تولیدکنندگان، صادرکنندگان و تشکل های صنفی داشته و ممنوعیت صادرات پسته به مدت 6 ماه را باعث نابودی صنعت پسته ایران به عنوان یکی از دو صادرکننده عمده پسته هان دانسته اند. واکنشی که البته خیلی زود جواب گرفت و وزیر بازرگانی را مجبور به پاسخگویی کرد: «هنوز تصمیمی درباره ممنوعیت صادرات پسته نگرفته ایم.»

دوئل پسته و پیامک
حالا تقریبا یک ماه به عیدنوروز و آغاز سال 92 مانده است. آجیل و پسته و خشکبار هم که جزو عناصر ثابت دید و بازدیدهای نوروزی است، این روزها بالاترین و بی سابقه ترین قیمت های خود را تجربه می کند. آیا با این اوضاع، آجیل از سبد کالاهای نوروزی خانوارهای ایرانی حذف می شود؟ آیا شبکه های اجتماعی و پیامک هایی که این روزها لحظه به لحظه بیشتر می شوند می تواند قدرت خود را در تاثیرگذاري، یک بار دیگر به رخ بکشد؟

بدون شرح

معاون دبیر کل خانه کارگر در امور استان‌ها:
افزایش حقوق نمی‌خواهیم؛ قدرت خرید سال ۸۴ را بازگردانید

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر تاریخ 29 بهمن 91 آمده است : رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری گفت: ما به جای افزایش حقوق، خواهان بازگشت قدرت خرید سال ۸۴ به کارگران هستیم.

به گزارش خبرنگار ایلنا در تبریز، حسن صادقی که در کنگره استانی خانه کارگر آذربایجان شرقی و در جمع کارگران واحدهای تولیدی و صنعتی سخن می‌گفت با تشریح وضعیت اقتصاد ایران گفت: اقتصاد کنونی کشور از دایره اصلی حرکت خود در ابتدای انقلاب اسلامی خارج و از اقتصاد تولید محور به یک اقتصاد بنکداری وابسته به نفت تبدیل شده است.

صادقی تاکید کرد: در اقتصاد تک محصولی وابسته به نفت کارگر تحقیر شده و کارفرما عزت ندارد و دولت خود را نه مدیر و نوکر مردم، بلکه حاکم و مالک بر جامعه می‌داند.

معاون دبیرکل خانه کارگر در امور شهرستان‌ها ادامه داد: دولت باید وابستگی خود را به ارزآوری، تولید و درآمد حاصل از مالیات بردرآمد متکی کند و در برابر صادرات و واردات پاسخگو باشد. درواقع یکی از گرفتاریهای دولت ما این است که درآمد اصلی‌اش از نفت است و این درآمد هیچ ارتباطی به فعالیت مردم ندارد، لذا دولتمردان در چنین وضعیتی از مردم اجازه اینکه این پول را چگونه خرج کنند نمی‌گیرند و این یک بدبختی بزرگی است که گریبانگیر کشور ماست و در چنین شرایطی دولت گارد غیردموکراتیک به خود می‌گیرد و چه بخواهیم و چه نخواهیم تا زمانی که اقتصاد ما مردم محور نباشد این رفتار در کشور استمرار خواهد یافت. وی با اشاره به تاثیرات عدم شکل گیری اقتصادمردمی و مقاومتی در کشور یادآور شد: اگر اقتصاد مقاومتی در کشور محور قرار می‌گرفت دیگر بانک‌ها در خدمت برج ساز و بنکدار و واردکننده نبود و آنان به آسانی وام دریافت نمی‌کردند، بلکه پوشش بیمه‌ای و چندلایه‌ای کارگر افزایش می‌یافت و سرمایه گذار و کارآفرین در اولویت قرار می‌گرفتند.

کاهش بیش از ۴۷/۶ درصد قدرت خرید کارگران

صادقی خاطرنشان کرد: در اقتصاد مقاومتی مردم حضور اساسی دارند و پایه‌های محکمی در آن شکل گرفته که در برابر تحریم‌ها سست و لرزان نیست.وی به معیشت کارگران و بازنشستگان و افزایش حقوق اشاره کرد و گفت: از سال ۱۳۸۴ تاکنون بیش از ۴۷/۶ درصد قدرت خرید کارگران آنهم تنها در سبدحداقلی با ۱۷ قلم کالای اصلی کاهش پیدا کرده و ما از دولت و شورایعالی کار افزایش حقوق نمی‌خواهیم بلکه تنها می‌خواهیم قدرت خرید ۷ سال قبل را به ما برگرداند.

رییس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری کشور ادامه داد: با حداقل دستمزدماهانه سال ۸۴ هر کارگر قادر به خرید چند سکه بود ولی اکنون با این نرخ و تورم باید حقوق حداقلی چندماه را برای خرید یک سکه درنظر گرفت.

صادقی افزود: البته باید در نظر داشت که اگر قدرت خرید در سبد اصلی با ۳۹۵ کالا مدنظر قرار گیرد این کاهش به بیش از ۱۲۴ درصد می‌رسد.وی گفت: خانه کارگر به عنوان یک نهاد برخاسته از بطن انقلاب اسلامی موظف به بازگو کردن این حقایق است.

صادقی با اشاره به برگزاری کنگره استانی خانه کارگر آذربایجان شرقی و حضور گسترده کارگران در آن برای انتخاب نمایندگان کنگره اظهار داشت: برگزاری کنگره به عنوان بالاترین رکن خانه کارگر نشانه‌ای از فعالیت دموکراتیک این نهاد است که باید با انتخاب نمایندگان توانمند و آگاه به مسایل کارگری فعالیت آن را در جهت دفاع از منافع جامعه کارگری تداوم بخشیم.

بخش خصوصی «لوس» شده است

معاون دبیر کل خانه کارگر به نقش بخش خصوصی در اقتصاد کشور اشاره کرد و گفت: بخش خصوصی در دهه‌های اخیر با دریافت هرنوع امتیاز به اصطلاح لوس شده است و متاسفانه زمانی که وام برای ساخت کارخانه دریافت می‌کرد آن را در بخشی غیر از تولید هزینه می‌نمود در حالی که اگر بخش تعاون را بر اساس قانون اساسی حمایت می‌کردیم و مردم را به مشارکت در این بخش فرا می‌خواندیم امروز نقش بخش تعاون ناکارآمدی بخش خصوصی را پوشش می‌داد و بخش خصوصی خود را در یک رقابت سالم با بخش تعاون می‌دید و به جای گرفتن امتیار به دنبال فعالیت اقتصادی سالم می‌رفت. وی افزود: اما بخش خصوصی به امتیازات مادی قانع نبوده و به دنبال تغییر قوانین حمایتی کار و تامین اجتماعی رفته است که این روحیه روحیه خوبی نیست که منافع ملی را در نظر نداشته باشند و بیشتر به منافع بخشی بیاندیشد درست عکس بخش خصوصی کشورهای توسعه یافته که منافع ملی اولی بر منافع بخشی خود می‌دانند.

نقش وزرای کار دهه ۸۰ به بعد در تغییر در مفاد قانون کار

صادقی در ادامه به ارزیابی عملکرد وزارت کار پرداخت و گفت: تغییری که امروز در مفاد قانون کار مشاهده می‌شود وزرای کار دهه ۸۰ به بعد در آن دخیل هستند. ظرف ۱۲ سال گذشته ما با اشخاصی در راس این وزارتخانه مواجه شده‌ایم که انسانهای فلسفه بافی بودند، حالا گاهی اقتصادی گاهی هم اخلاق اقتصادی مثلا وقتی در بخش اشتغالزایی موفق نبودند و سرمایه‌های کشور را فنا می‌کردند رئیس کل بانک مرکزی مقابل ایشان برای دفاع از منافع مردم می‌ایستاد آنان ساختار بانکی ایران را متهم به پوسیدگی می‌کردند یا وقتی بانک‌ها همکاری می‌کردند و جامعه توان جذب این همه نقدینگی نشات گرفته از این همکاری را که به صورت وام توزیع شده را نداشت پایتخت را متهم می‌کردند که باید جابجا شود و هزاران نمونه دیگر که این نوع افراد دنبال این بودند که تنها برای خودشان پوششی درست کنند تا ناتوانی مدیریتی خود را توانمندجلوه دهند و خود را مبرا از اشتباهات نشان دهند.

پایان پیام

بدون شرح

نماینده کارفرمایان آذربایجان شرقی:
با افزایش دستمزد مطابق با نرخ تورم موافق‌ایم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر تاریخ 29 بهمن 91 آمده است : نماینده کارفرمایان آذربایجان شرقی اعلام کرد: با افزایش دستمزدها مطابق با نرخ تورم موافق‌ایم.

علی محمدزاده که در کنگره استانی خانه کارگر آذربایجان شرقی سخن می‌گفت در مورد موضع کانون‌های تشکلات کارفرمایی و اتاق‌های بازرگانی در مورد افزایش دستمزدها گفت: ما چنین افزایشی موافقیم چرا که اگر قدرت خرید کارگران بالا نرود و سال آینده به جای سال رشد، سال رکود باشد کارفرمایان هم نخواهند توانست کالاهای خود را به فروش برسانند و در واقع منافع کارفرمایان هم در همین موضوع قرار دارد.وی افزود: ما معتقدیم این افزایش‌ها را هم به یک بار در سال موکول نکنند و حداقل دوبار در سال افزایش دستمزد داشته باشیم تا قدرت خرید افت پیدا نکند.

نماینده کارفرمایان استان آذربایجان شرقی در ادامه به اهمیت نیروی انسانی پرداخت و گفت: زمانی سرمایه به کشورهای فقیر برای استثمار می‌رفت ولی اکنون سرمایه به کشورهایی می‌رود که دانش دارند و در واقع سرمایه دانش و دانش سرمایه را تکمیل می‌کند که نیروی انسانی و وجود سرمایه و دانش در یک مربع باعث توسعه کشورها می‌شود.

محمدزاده با اشاره به وجود بیش از ۱۰درصد صنعت کشور در آذربایجان شرقی افزود: آذربایجان شرقی بیش از هر منطقه دیگری هر تهدیدی در این عرصه را لمس خواهد کرد.

افت بیش از ۳/۵ برابر سرمایه کشور

وی با بیان اینکه در عرض چندماهه گذشته بیش از ۳/۵ برابر سرمایه کشور افت پیدا کرده است خاطرنشان کرد: اما کشورما به دلیل داشتن مردان و زنان بزرگ توانسته چنین شوکی را تحمل کند و اگر این موضوع را با کشورهای دیگر مقایسه کنیم بی‌سابقه است.

محمدزاده با تاکید بر اینکه کشور می‌تواند از این شوک اقتصادی وتحریم‌ها نیز به خوبی عبور کند اظهار داشت: البته زمانی می‌توانیم در این امور موفق شویم که از قبل برنامه ریزی داشته باشیم اگر توصیه‌های مقام معظم رهبری در ابتدای سال ۹۱ در بحث تولید ملی و

حمایت از کار وسرمایه ایرانی به طور جدی مورد توجه قرار می‌گرفت وضعیت صنعت و اقتصاد به این شکل نبود.

پیام رهبری در آغاز سال هشدار بود

وی افزود: پیام رهبری در آغاز سال هشدار بود چرا که اگر قرار بود حمایت معمولی شود دیگر توصیه‌ای نمی‌شد ولی متاسفانه به موقع عمل نشد وایشان اخیرا با موضوع را با ریزکردن مسایل به سران سه قوه گوشزد کردند و اکنون حجت بر همه تمام است.

محمدزاده با بیان اینکه شرایط تحریم قوانین خاص خود را می‌خواهد گفت: ما مشکل قوانین داریم و باید صنعت کشور را از این قوانین رد کنیم مثلا چگونه می‌توان قبول کرد که قیمت‌های کالاها را با ۸۰ کارشناس یک وزارتخانه می‌توان تعیین و تثبیت کرد ما پیشنهاد دادیم این کار را به تشکل‌های قانونی بخش خصوصی داده شود تا کنترل بهتری انجام شود و گفتیم که دولت تنها بر روی کالاهایی قیمت گذاری کد که به آن‌ها ارز مرجع می‌دهد.وی تأکید کرد: در شرایط فعلی قوانین دست وپاگیر وبورکراسی اداری حاکم مانع از توسعه تولید در واحدهای صنعتی شده است.

محمدزاده در ادامه با بیان اینکه در حال حاضر دیگر واردات صرف نمی‌کند افزود: اکنون تولید داخلی با صرفه است و فرصت برای صادرات و توسعه واحدهای تولیدی فراهم شده که البته اگر برنامه ریزی‌ها برای این بخش به درستی انجام شود.

سال آینده را سال صنعت محور است

وی سال آینده را سال صنعت محور خواند و گفت: از نیمه دوم سال آینده به سمت صنعت محوری خواهیم رفت و سرمایه‌ها در این بخش جذب خواهد شد که بدین لحاظ باید از الان صادرت را افزایش دهیم که فرصتش فراهم شده است.

پایان پیام

« گرانی و تحریم ،افغان ها را از ایران به ترکیه فراری می دهد »

به گزارش سایت عصر ایران به نقل از " نشنال" در تاریخ 29 بهمن 91 آمده است : در ماه های گذشته بیش از 20 هزار مهاجر افغان ساکن در ایران وارد ترکیه شده اند.
بر اساس این گزارش کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل در آنکارا اعلام کرده است بسیاری از این آوارگان افغان در مساجد و پناهگاه هایی که خیریه ها برای آنها سازمان داده اند سکنی گزیده اند.
مهاجران افغان با توجه به افزایش هزینه های زندگی در ایران در اثر تحریم ها و افت محسوس ارزش ریال در برابر دلار در یک سال گذشته با حقوق های اندک خود قادر به ادامه زندگی در ایران نیستند.
مسئول یکی از خیریه ها در آنکارا با اعلام اینکه تلاش می کنند به این افغان های مهاجر سرپناه ، غذا ، لباس و دیگر مایحتاج اولیه زندگی را تامین کنند می گوید ، "چه کار دیگری از دستمان بر می آید، اگر این کار را نکنیم در این سرمای زمستان این افراد مجبورند در خیابان ها بمانند."
بر اساس اعلام کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل تا ژوئن 2012 تعداد مهاجران افغان ثبت نام کرده در دفتر این نهاد بین المللی در ترکیه 7 هزار نفر بودند که از این تاریخ به بعد 13 هزار نفر دیگر به این رقم افزوده شده است.
بر اساس بر آورد های سازمان ملل هم اکنون بیش از 820 هزار افغانی مهاجر در ایران زندگی می کنند.

کمیساریای عالی پناهندگان سازمان ملل دلیل مهاجرت گسترده افغان های ساکن در ایران به ترکیه را در نامشخص بودن شرایط کشورشان پس از خروج نیروهای خارجی در سال 2014 و نیز اوضاع و شرایط نامساعد اقتصادی در ایران می دانند که ترجیح می دهند به جای بازگشت به کشورشان و ادامه اقامت در ایران راه مهاجرت به ترکیه را در پیش بگیرند.
سخنگوی سفارت ایران در آنکارا این مساله را که دولت ایران به افغان های مهاجر در ایران فشار می آورد تا این کشور را ترک کنند ، تکذیب کرده است.
عبدالرضا شقاقی با اعلام این موضوع می گوید:" در ایران هیچ فشار خاصی روی افغان ها نیست بلکه مهاجرت آنها به ترکیه بیشتر برای این است که آنها در پی اخذ اقامت از یک کشور اروپایی هستند."
دولت ترکیه به افغان های مهاجر پناهندگی نمی دهد اما ظاهرا مقامات ترکیه ای موافقت کرده اند تا زمانی که این افغان های مهاجر از کشورهای ثالث مجوز اقامت دریافت کنند، در این کشور بمانند.
"تانر کیلیچ" مدیر یک سازمان غیر دولتی حامی مهاجران می گوید به طور متوسط افغان های مهاجر مجبورند حدود 4 سال برای اخذ مجوز اقامت از کشورهای ثالث در ترکیه بمانند.

بیانیه شماره 70

پنج فعال مدنی در زندان اهواز به حمایت فوری نیاز دارند

بنا بر اخبار منتشره، رژیم اسلامی در تاریخ نهم ژانویه ۲۰۱۳ احکام اعدام محمد علی عموری, جابر البوشوکه و برادرش مختار البوشوکه و معلمان زندانی هاشم شعبانی, هادی راشدی را به خانواده هایشان ابلاغ کرده است.
پنج نفر زندانی سیاسی نامبرده که در حال حاضر در زندان کارون در شهر اهواز بسر مي برند, در تاریخ هفتم جولای ۲۰۱۲ در شعبه ۲ داگاه انقلاب اهواز به اعدام محکوم شدند. این زندانیان از حق داشتن وکیل محروم بوده, مورد شکنجه های وحشیانه قرار گرفته اند و در ابتدای دستگیریشان به مدت ۹ ماه اجازه تماس با خانواده هایشان را نداشتند.
جابر البوشوکه ۲۸ ساله و برادرش مختار البوشوکه ۲۶ ساله در تاریخ ۱۳ مارس ۲۰۱۱ دستگیر و هفت ماه در یکی از بازداشتگاه های مخفی تحت وحشیانه ترین شکنجه ها قرار گرفتند. به نقل از خانواده ی این دو زندانی سیاسی, جابر ۱۰ کیلو وزن کم کرده و دندان ها و فکش را شکسته اند. مختار نیز در نتیجه شکنجه تا حدی حافظه اش را از دست داده است.
هادی راشدی ۳۹ ساله, در تاریخ ۲۸ فوریه ۲۰۱۱ دستگیر شد. وی از بیماری کبد, فشار روانی رنج برده و يك پايش در زيرشكنجه شكسته است.
محمد علی عموری ٣٤ ساله, در دسامبر ۲۰۰۷ توسط نيروهاي عراقی دستگیر شد و ٤ سال در زندان به سر برد که به دلیل شکنجه هاي سخت در طول این مدت دچار ناراحتي های روحی و جسمی شده است. علي رغم درخواست عفو بین الملل و ملل متحد در ژانویه ۲۰۱۱ توسط دولت عراق که در واقع مزدوری ولایت فقیه را می کند به ایران دیپورت و توسط رژیم به زندان افکنده شد.
هاشم شعبانی ۳۲ ساله, در ١٦ فوریه ۲۰۱۱ دستگیر و تحت شکنجه قرار گرفت, یکی از شکنجه ها قرار دادن پاهای هاشم در آب جوش بوده است.
علاوه بر احکام اعدام پنج زندانی سياسي نامبرده که توسط قاضی سید محمد باقر موسوی در شعبه دوم دادگاه انقلاب رژیم در شهر اهواز صادر شده است, يك زندانی سياسي ديگر به اسم رحمان عساکره نیز در ماه جولای ۲۰۱۲ به ۲۰ سال زندان محکوم شده است.
علي رغم تهدید و فشار بر خانواده های این پنج زندانی سیاسی توسط رژیم, خانواده هاي نگران این پنج جوان به احکام فرزندانشان اعتراض کردند و روز هاي دوم و سوم فوریه ۲۰۱۳ در مقابل محل زندگي خامنه اي تجمع کرده و خواهان لغو این احکام شدند. آن ها هم چنین طومارهاي امضا شده توسط فرهنگیان, دانش آموزان, دوستان و اقوام و همکاران این پنج نفر را تحویل مسئولین دفتر خامنه اي دادند. هم زمان با اعتراضات خانواده ها, اعتراضاتی علیه این احکام اعدام در سطح بین المللی از سوی سازمان های جهانی مدافع حقوق بشر صورت

گرفته است. طبعا تا حال رژیم اسلامی عقب نشینی کرده است اما برای لغو حکم اعدام پنج نفر زندانی فوق باید اعتراضات را وسیع تر کرد.
جمهوری اسلامی در حالی که به دلیل شکاف های درونی خود در بحران عمیقی فرو رفته و از طرفی هر لحظه خطر خیزش های وسیع توده ای را احساس می کند، چاره ای به جز کشتار و اعدام های دسته جمعی در مقابل خود نمی بیند. اما باید به یاد داشته باشیم که این سرکوب ها نه از موضع قوت که از موضع ضعف و ترس از سرنگونی کلیت نظام انجام می شود.
کمیته ی حمایت از شاهرخ زمانی ضمن محکوم کردن این احکام اعدام و پافشاری بر خواست لغو کلیه ی احکام اعدام، از تمامی جوانان و کارگران انقلابی، فعالین مدافع حقوق بشر، احزاب، سازمان ها و گروه ها می خواهد تا با اتحاد عمل و اعتراضات یک پارچه رژیم اسلامی را وادار به لغو احکام اعدام این 5 جوان عرب کند. در شرایطی که سازمان ها و گروه های اصلاح طلب و لیبرال به دلیل دیدگاه های عمیق شوونیستی خود از دفاع از این افراد خودداری می ورزند، وظیفه ی نیروهای انقلابی و کمونیست است که با تمامی نیرو در مقابل این احکام ضد بشری بایستند.

پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!

پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:

کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
29/11/1391
www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

یک فعال حقوق کودکان: از هر پنج کودک یکی به مدرسه نمی رود

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا و به نقل از سایت اصلاح طلب جرس در 29 بهمن آمده است : به گفته یک فعال حقوق کودکان، 22 درصد از کودکان کشور به مدرسه نمي‌روند.
به گزارش ایسنا، فرشید یزدانی با اشاره به پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک که براساس آن هر فرد زیر 18 سال کودک محسوب مي‌شود، اظهار کرد: مجموع کودکان در سن مدرسه در سال‌جاری 14 میلیون و 700 هزار نفر هستند که مطابق آخرین آمار اعلام شده توسط آموزش‌وپرورش، حدود 11 میلیون و 600 هزار نفر از این تعداد در مدارس ثبت‌نام کرده‌اند. وی با بیان اینکه مابه‌التفاوت تعداد کودکان در سن مدرسه نسبت به کودکانی که در مدارس ثبت‌نام کرده‌اند، کودکان خارج از چرخه تحصیل را تشکیل مي‌دهند، اظهار کرد: بر اساس این آمار، سه میلیون و یکصد هزار کودک خارج از چرخه تحصیل قرار دارند بنابراین مي‌توان گفت که 22 درصد از کودکان به مدرسه نمي‌روند.
یزدانی با اشاره به الگوی کودکان خارج از چرخه تحصیل سال 85 که از میان سه میلیون و 600 هزار کودک خارج از چرخه تحصیل یک میلیون و 700 هزار نفرشان کودکان کار بودند، گفت: طبق این الگو مي‌توان برآورد کرد که در سال 91 از میان سه میلیون و یکصد هزار کودک خارج از چرخه تحصیل، یک میلیون و 500 هزار کودک کار در کشور وجود دارد.

هخا، ربع پهلوی، چپ بورژوایی و اتحادیه آزاد__

به نوشته سایت امید در تاریخ 29 بهمن آمده است : با یک برگ چند بار می شود بازی کرد؟ گیرم کسی چشم بندی هم بلد باشد، آدم عاقل که به قوانین بازی شک نمی کند، به آسانی می فهمد چشم بندی در کار است، آدم می فهمد طرف زیر و رو می کشد، حالا ماییم

و طومار 30 هزار امضا در دستان اتحادیه آزاد که با این طومار در برابر صداهایی که تشکل یابی طبقه کارگر را فریاد می زدند، ایستادند و گفتند این هم 30 هزار تای ما حالا شما بروید زور مفت بزنید. گفتیم شما خاک در چشم طبقه کارگر می پاشید، قدرت طبقه کارگر را ناچیز جلوه می دهید، با مصاحبه و خبر سازی محیط رسانه ای را اشغال می کنید و خودتان را نماینده کارگران جا می زنید. با این طومار رفتند با نمایندگان مجلس شورای اسلامی مذاکره کردند و شماره تلفن رد و بدل کردند و گفتند ماییم نمایندگان کارگران، ندیدید جمهوری اسلامی ما را به رسمیت شناخت، ندیدید شانه به شانه محجوب در کمسیون اجتماعی مجلس ایستادیم! گفتیم شانه به شانه کلمه کارگری و ایلنا ایستادن، هویت ضد کارگری شما را افشا می کند، شما با میز خبر تلویزیون من و تو رشد می کنید، اما در جنبش کارگری مثل غده سرطانی مرگ آور می شوید. در جواب، ما را پلیس معرفی کردید. حالا با این طومار چرک مرده و دستمالی شده رفتید استانداری و در خواست مجوز راهپیمایی کردید و چند روز مانده به بیست و هشتم بهمن اعلام کردید مجوز ندادند و دو تن از ما گرد آورندگان امضاها را برای پاره ای توضیحات به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار کرده اند و بعد سر ساعت ده صبح آنجا حاضر شدید و تا پنج بعد از ظهر با تمام توان قول دادید که تا بعد از انتخابات ریاست جمهوری دست اقدام به برگزاری تجمع نمی زنید. یعنی این برگی که دست شماست تا این حد اعتبار دارد که قبول عدم اقدام به برگزاری تجمع را تبدیل به اطلاعیه کنید و به سمع و نظر دیگران برسانید؟ کمی شرافت داشته باشید. چقدر شامورتی بازی؟ واقعیت این است که مانند خانه کارگر، شورای اسلامی کار و دیگر تشکل های دولتی که از پتانسیل اعتراضی به اعلام حداقل دستمزد به دست و پا افتاده اند و هی درصد اعلام می کنند، شما سر دیگر طناب را جلوی پای طبقه کارگر گرفته اید. سیاست ورزی های شما هیچ ارتباطی به فعالین صادق طبقه کارگر ندارد. تحت لوای اجازه گرفتن از استانداری، فراخوان دادن و اندکی قبل از روز موعود عقب کشیدن اتفاقی نیست، تاکتیک غیر کارگری و منفعت طلبانه ی شماست. پیش خودتان گفتید روز تجمع که توسط میز خبر من وتو اعلام شده است، ما که فراخوانمان را داده ایم، می رویم یک قولی هم درباب عدم برگزاری تجمع می دهیم و می نشینیم ببینیم در برابر وزارت کار اتفاقی می افتد یا نه، اگر اعتراضی شد نفع تبلیغیش را می بریم، اگر هم نشد هم که نشد، یک بازی دیگر راه می اندازیم. این همان تاکتیک آشنای هخا و ربع پهلوی و چپ بورژوایی است، وقتی هخا به جماعت می گفت بروید در میدان آزادی نون پنیر سبزی بخورید، من با هواپیما می آیم، وقتی رضا پهلوی فراخوان شمع روشن کردن برای آزادی زندانی های سیاسی می داد، وقتی بعضی ها فراخوان برداشتن روسری و آتش زدن صندوق های رای گیری را می دادند، مثل شما بالای گود نشسته بودند و تاس می ریختند. حال آن که فعالین کارگری همیشه ابتدای صف ایستاده اند، نه پشت نقشه ها و توطئه ها ی ننگ آور و واضح است که شما حق ندارید از این اعتبار خرج کنید. سیاست های حاکم بر این تشکل به شکل روشن و شفاف در برابر منافع طبقاتی کارگران قرار دارد، بدیهی است که یکایک اعضای این تشکل و کلیه حامیان آن مسئول هستند و بی تردید برخورد غیر کارگری و غیرمسئولانه؛ سکوت در برابر این سیاست ورزی هاست. جان کلام اینکه رفتارهایی همچون اعتراض به آن چه که کارگران را از نیل به مطالباتشان دور می کند و نیز کنار گذاشتن و خلع ید مهره های نا کار آمد جنبش کارگری با هر پیشوند و پسوندی، غیر کارگری و بی پرنسیپی نیست، بلکه بی پرنسیپی؛ دفاع از مجریان این سیاست هاست.

سعید آقام علی

28 بهمن 91

از همین نویسنده
www.omied.de

تجمع اعتراضی هماهنگ کنندگان
طومار سی هزار نفری کارگران

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در دوشنبه 30 بهمن 91 آمده است : حدود 50 نفر از کارگران کارخانه های مختلف تهران که در جمع آوری طومار سی هزار نفری کارگران همکاری داشتند به همراه هماهنگ کنندگان این طومار از ساعت ده صبح امروز سی ام بهمن ماه در محل وزارت کار در خیابان آزادی دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان رسیدگی به خواستهای خود شدند. این کارگران در حالی صبح امروز دست به این اقدام زدند که استانداری تهران از صدور مجوز برپایی تجمع خیابانی کارگری در روز 28 بهمن ماه در مقابل وزارت کار خودداری کرد و بدنبال آن دفتر پیگیری وزارت اطلاعات نیز با احضار دو نفر از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی ممنوعیت عدم دادن فراخوان تجمع خیابانی را به آنان اعلام نمود.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، با شروع این تجمع کارگری مامورین حراست وزارت کار از کارگران تجمع کننده خواستند به تجمع خود پایان دهند اما آنان با تاکید بر خواستهای خود اعلام کردند تا دریافت جواب روشنی از شخص آقای عباسی سرپرست وزارت کار به تجمع خود ادامه خواهند داد. در ادامه این کشمکش از آنجا که آقای عباسی در وزارتخانه حضور نداشت مسئولین وزارت کار، کارگران تجمع کننده را به جلسه ای با حضور نظری جلالی معاون وزیر در امور روابط کار دعوت کردند و از آنان خواستند با جمع آوری پلاکارد خود به تجمع شان پایان دهند اما این کارگران به تجمع خود پایان نداند و اعلام کردند تا بازگشت نماینده هایمان و شنیدن پاسخ وزارت کار به تجمع خود ادامه خواهند داد.
بر روی پلاکارد کارگران تجمع کننده نوشته شده بود: اعتراض سی هزار کارگر به عدم افزایش دستمزدها و اصلاحات ضد کارگری در قوانین کار و تامین اجتماعی
بنا بر این گزارش، در جلسه ای که در ادامه این تجمع کارگری با شرکت جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد به نمایندگی از کارگران تجمع کننده از یک سو و آقای جلالی نظری به نمایندگی از سوی وزارت کار برگزار شد جلالی نظری اعلام کرد نماینده های شما در شورایعالی کار حضور دارند و شما می باید از طریق آنان خواستهای خود را پیگیری کنید اما جعفر عظیم زاده با توضیحی پیرامون اقدامات تاکنونی کارگران و محق بودنشان برای این اقدامات، بر ماهیت اعتراضی حرکت کارگران تاکید نمود و اعلام کرد کسانی که در شورایعالی کار به عنوان نماینده های کارگران حضور دارند به هیچ وجه نماینده های آنان نیستند و وزارت کار به عنوان دولت و متولی امور کارگران می باید پاسخگوی مطالبات طومار سی هزار نفری آنان باشد در ادامه این جلسه جلالی نظری بر تورم زا بودن افزایش دستمزد کارگران تاکید نمود و جعفر عظیم زاده و شاپور احسانی راد نیز در پاسخ با اشاره به روند تورم در سالهای گذشته و جهش سرسام آور قیمتها در سالجاری اعلام کردند کدامیک از این تورمها را دستمزد کارگران باعث شده است که امروز افزایش دستمزدها باعث تورم شود مگر مصرف برای یک زندگی عادی و شرافتمندانه باعث تورم میشود، کجای دنیا چنین شده است که در کشور ما چنین بشود. در ادامه این جلسه جعفر عظیم زاده با تاکید بر این نقطه که هیچ جامعه ای برای بقا خود بر روی پایه ای که امروز ما کارگران ایران در آن قرار داریم نمیتواند دوام نمیاورد گفت: خوردن، نفس کشیدن، مصرف آب و انرژی و هزینه بهداشت و درمان پیشکش، شما با این دستمزدی که در صدد تصویب آن هستید محبت کنید یک منزل مسکونی در جنوبی ترین نقطه تهران برای من پیدا کنید؟؟!!
در پایان این جلسه که حدود 2 ساعت به درازا کشید نظری جلالی اعلام کرد ما تا یک هفته پاسخ وزارت کار را به شما خواهیم داد، نماینده های کارگران تجمع کننده نیز در پایان این جلسه با تاکید بر خواست افزایش دستمزدها بر اساس ماده 41 قانون کار و متناسب با سبد هزینه یک خانوار چهار نفره و تورم واقعا موجود اعلام کردند دولت به عنوان متولی جامعه مسئول معیشت ما کارگران است و چنانچه حداقل دستمزد به روال سالهای گذشته تعیین بشود کارگران به آن تن نخواهند داد و دست به اعتراضات گسترده تری خواهند زد.
بنا بر این گزارش پس از پایان این جلسه نماینده های کارگران با حضور در میان تجمع

کنندگان گزارش کامل جلسه را با آنان در میان گذاشتند و کارگران با پایان دادن به تجمع خود ضمن تاکید بر تحقق خواستهایشان اعلام کردند چنانچه وزارت کار پاسخ مناسبی برای تحقق خواستهایشان ندهد اعتراضات خود را همچنان ادامه خواهند داد.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – 30 بهمن ماه 1391

رشد ۳۲ تا ۱۰۰درصدی هزینه‌های تولید

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 30 بهمن 91 آمده است : حدود ۳۲ تا صددرصد. این روزها وقتی صحبت از هزینه‌های تولید و تورمی که سایه خود را بر این بخش انداخته، به میان مي‌آید، ارقام متفاوتی به نمایش گذاشته مي‌شود که نشانی از رشد افسارگسیخته هزینه‌هایی دارد که نبض اقتصاد کشور یعنی تولید را کند کرده است.
بانک مرکزی در خردادماه، تورم تولید در نخستین ماه سال را ۳۲/۴ درصد اعلام کرد و پس از آن گزارش شاخص بهای کالا و خدمات ادامه افزایش هزینه‌های تولید را به نمایش گذاشت، روندی که در ماه‌های بعد هم ادامه‌دار شد و بنا برگزارش بانک مرکزی تورم تولید در اردیبهشت‌ماه ۱/۴ درصد و در خردادماه ۱/۴ درصد نسبت به ماه قبل رشد کرده است. این رشد در تیرماه جهش چشمگیری به خود مي‌بیند و نسبت به خردادماه رشدی ۳/۳درصدی را تجربه مي‌کند. حال آن‌که این رشد در مرداد به سه درصد و در شهریورماه که آخرین آمار رسمی شاخص بهای تولیدکننده از سوی بانک مرکزی اعلام شده است، نسبت به مردادماه ۲/۷ درصد رشد را نشان مي‌دهد.
به این ترتیب افزایش هزینه‌های تولید یا تورم تولید در شهریورماه به ۴۴/۲ درصد رسیده است. هرچند که این رشد هزینه‌های تولید در آمارهای رسمی در محدود ۳۰ تا ۴۰درصد در نوسان است اما صنعتگران روایت متفاوتی از افزایش هزینه‌های تولیدشان در یک سال اخیر دارند. روایتی که از رشد ۳۲/۴ درصدی برآوردشده در بانک مرکزی تا افزایش صددرصدی هزینه‌ها خبر مي‌دهد. البته تولیدکنندگان به این امر اذعان دارند که نوسانات نرخ ارز و محدودیت‌های بین‌المللی برآورد هزینه‌های تولید را سخت کرده است و نمي‌توان برآورد درست یا نزدیک به دقیقی از هزینه‌های تولید داشت.
در همین باره حائري، دبیر انجمن نساجي، به بهار مي‌گوید: «پس از اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها که برآوردی درباره میزان افزایش هزینه‌های تولید برآوردی در انجمن صورت گرفت، اما پس از آن با افزایش نرخ ارز و نوساناتی که نرخ ارز به خود دید، برآورد جدیدی انجام نشده است، چراکه این نوسانات امکان برآورد دقیق و تصمیم‌گیری را از بخش تولید گرفته و نمي‌توان برآورد درستی از شرایط داشت.» وی ادامه مي‌دهد: «در سال‌های اخیر، ابتدا شاهد افزایش ۲۵درصدی نرخ ارز مرجع بودیم که این نرخ را از ۹۰۰ تومان به ۱۱۲۶ تومان افزایش داد، پس از آن این نرخ رشدی صددرصدی را ثبت کرد و از ۱۲۲۶ تومان به حدود ۲۵۰۰ تومان رسید که این امر برای بخش نساجی که عمده مواد اولیه خود را وارد مي‌کند، هزینه‌های تولید را به شدت بالا برد.»
حائری با اشاره به این‌که، حدود ۵۰درصد مواد اولیه بخش نساجی وارداتی است و این بخش ارزبری بالایی دارد، یادآور مي‌شود که «سهم مواد اولیه در قیمت تمام‌شده محصولات نساجی بین ۶۰ تا ۸۵درصد است که این سهم در بخش‌های مختلف متفاوت است و این تفاوت هزینه‌های تولید در بخش‌های مختلف نساجی را متفاوت کرده است.» وی خاطر نشان مي‌کند: »وقتی سهم ۶۰درصدی در قیمت تمام‌شده محصولات نساجی رشدی صددرصدی مي‌یابد پس این بخش تنها در بخش ارز خود با افزایش ۶۰درصدی هزینه‌ها روبه‌رو شده، در این میان این افزایش صددرصدی نرخ ارز تاثیرات غیرمستقیمی نیز بر هزینه‌های تولید دارد که اگر این هزینه‌ها را نیز برآورد کنیم به راحتی مي‌توانیم از افزایش صددرصدی هزینه‌های تولید در بخش نساجی خبر بدهیم»
دبیر انجمن نساجی با اشاره به برآوردی که اجرای فاز نخست هدفمندی یارانه‌ها بر بخش تولید داشته است، مي‌گوید: «در اجرای فاز نخست هدفمندی یارانه‌ها نیز برآورد کردیم که اجرای این قانون ۲۵درصد بر هزینه‌های تولید افزود. حال آن‌که ۱۰درصد اجرای این قانون نیز تاثیرات جانبی داشت و تاثیر هدفمندی یارانه‌ها بر بخش نساجی را به ۳۵ تا ۴۰درصد

برساند.» وی تاثیر نوسانات نرخ ارز بر هزینه‌های تولید را بیش از هدفمندی یارانه‌ها می‌داند و تصریح می‌کند که «در صنعت نساجی با افزایش نرخ ارز مشکلی نداریم آنچه تاثیر مخرب بر این صنعت دارد نوسانات نرخ ارز است که امکان برآورد هزینه‌ها و پیش‌بینی آینده را از ما گرفته است. مشکل دیگر قفل‌بودن سیستم بانکی و مسدودبودن خطوط اعتباری بین‌المللی است که اگر آن خطوط باز بود و می‌توانستیم از یوزانس یا ریفاینانس استفاده کنیم، مشکلی نداشتیم و حتی می‌توانستیم از افزایش قیمت ارز در راه افزایش صادرات نیز بهره ببریم.»

مرکز مبادلات توان تامین ارز تمام بخش‌ها را ندارد
حائری درباره این‌که دولتی‌ها معتقدند که راه‌اندازی مرکز مبادلات ارزی مشکلات نوسان نرخ ارز برای بخش تولید را حل کرده است اما اکنون شما در کنار بسیاری دیگر از تولیدکنندگان همچنان از نوسانات نرخ ارز و تاثیر مخرب آن بر بخش تولید می‌گویید، خاطرنشان می‌کند که «مرکز مبادلات ارزی نمی‌تواند تمام ارز مورد نیاز بخش‌های مختلف را تامین کند، در این میان فرقی نمی‌کند که واردکنندگان کالا یا مواد اولیه باید ۱۳۰درصد قیمت ثبت سفارش را در ابتدا پرداخت کنند تا بتوانند اعتبار گشایش کنند، این در حالی است که در گذشته تنها با ۱۰درصد گشایش اعتبار می‌کردیم.»
وی توضیح می‌دهد که «در حال حاضر برای واردکردن کالایی هزاردلاری باید هزار و ۳۰۰ دلار پرداخت شود، این رقم یک تا دو ماه بلوکه شده و می‌خوابد تا گشایش انجام شود و پول انتقال یابد، این نقدینگی باید از کجا تامین شود، وقتی بانک‌ها توان پرداخت ندارند و بخش تولید نیز مشکل تامین نقدینگی دارد، این رقم هم بر هزینه‌های تولید افزوده است.» دبیر انجمن نساجی یادآور می‌شود: «با این اتفاقات بخش تولید ناگزیر است، تولید را کاهش دهد؛ کاهش تولید به معنی افزایش هزینه‌های تولید و افزایش هزینه‌های سربار است. هزینه‌هایی که رقابت و حضور در بازار چه داخلی و چه خارجی را از تولید گرفته و امکان ادامه فعالیت را نمی‌دهد.»

رشد ۱۳۰درصدی بهای مواد اولیه
در این میان، محمدرضا نجفی‌منش، عضو انجمن قطعه‌سازان، نیز درباره شاخص بهای تولیدکننده تا قبل از اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها به بهار می‌گوید: «این شاخص در سال ۹۰ سالانه بین هفت تا ۲۳درصد در نوسان بوده است. در اواخر سال ۸۹ به دلیل اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها شاهد افزایش قابل ملاحظه در هزینه‌های تولید برای سازندگان داخلی بوده‌ایم به طوری که رقم رشد شاخص بهای تولیدکننده در سال ۹۰ به رقم بی‌سابقه ۳۴/۲درصد رسیده است که در صورت اجرای فاز دوم هدفمندسازی یارانه‌ها استمرار آن برای سال ۹۱ نیز پیش‌بینی می‌شود.» وی ادامه می‌دهد: «در این میان، افزایش ۱۳۰درصدی میانگین قیمت مواد عمده مصرفی صنعت قطعه‌سازی خودرو از ۲۲۲۲ تومان در سال ۸۸ به ۵۱۰۶ تومان در هفت ماهه ۹۱ نیز یکی از چالش‌های اصلی صنعت خودروسازی داخلی بوده است و این درحالی است که نوسانات شدید قیمت مواد مصرفی در سال ۹۱ همچنان به دلیل وجود التهابات موجود در بازارهای داخلی و خارجی به قوت خود باقی است و این عوامل افزایش هزینه‌های قطعه‌سازی و در نهایت خودرو را به‌شدت بالا برده است.» هرچند که برآورد دقیقی از افزایش هزینه‌های تولید یا به عبارتی تورم تولید در بخش‌های مختلف تولیدی کشور در دست نیست، اما به نظر می‌رسد برآوردهای تولیدکنندگان تفاوت چشمگیری با برآورد تورم تولید از سوی بانک مرکزی دارد که آخرین‌بار در شهریورماه این شاخص را اعلام کرد و این در حالی است که از شهریورماه تاکنون این رشد هزینه‌ها ادامه‌دار بوده است.

ایران رتبه اول منطقه از نظر نرخ تورم در سال ۲۰۱۲ را داراست

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 30 بهمن 91 آمده است : مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارشی با بررسی موقعیت شاخص‌های اقتصادی ایران و جهان را در زمینه نرخ تورم، تصریح کرد: ایران رتبه اول منطقه از بعد نرخ تورم در سال ۲۰۱۲ را دارا است.
به گزارش تسنیم، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی موقعیت شاخص‌های اقتصادی

ایران و جهان را در زمینه نرخ تورم بررسی کرد.
در این گزارش آمده است: سال‌های طولانی است که پدیده تورم یکی از مهمترین چالش‌ها و معضلات اقتصادی کشور است ولی طی زمان جایگاه جهانی کشور از نقطه نظر این شاخص بدتر شده است چرا که در حال حاضر بسیاری از کشورها توانسته‌اند بر معضل تورم‌های بالا و دو رقمی غلبه یابند؛ معضل افزایش سطح عمومی قیمت‌ها در ایران از نیمه اول دهه ۱۳۵۰ با افزایش درآمد نفت در ابعاد وسیع تری ظاهر شد و این افزایش ابتدا از بازار کالاها و خدمات آغاز شد لکن به سرعت به بازار عوامل تولید سرایت کرده و موجبات افزایش هزینه تولید، دستمزدها و افزایش بي‌رويه سهم سود در اقتصاد کشور را فراهم ساخت. (بدون آنکه این سود صرف سرمایه گذاری مجدد و تولید شود)
این گزارش عنوان مي‌کند: در مرحله بعد به لحاظ بروز تنگناهای شدید مربوط به نیروی انسانی و بهره وري، مصالح و مواد، تاسیسات زیربنايي، محدوديت بازارهای ارتباطي، حمل و نقل، انرژی و سرعت رشد افزایش نقدینگی عدم تعادل‌های موجود تشدید شد و در این جریان رفع هر تنگنا عملاً به بهای بروز تنگناهای جدید و پایداری نرخ تورم در اعداد دو رقمی تمام شد؛ در سند چشم انداز بیست ساله برای دستیابی به جایگاه اول اقتصادی تمهیداتی در جهت کاهش تورم به منظور دستیابی به جامعه‌ای دور از فقر، توزیع مناسبتر درآمدها و ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه پیش بینی شده است لذا برای وصول به چنین جایگاهی پدیده تورم و عملکرد در اقتصاد کشور و موقعیت ایران در اقتصاد جهانی و منطقه شامل آسیایی میانه، خاورمیانه و کشورهای همسایه مورد بررسی قرار گرفته است.

رتبه ششم جهانی ایران در خصوص نرخ تورم در سال ۲۰۱۲
در ادامه این تحقیق فهرستی از کشورهای جهان که بیشترین نرخ تورم را در سال ۲۰۱۲ داشته‌اند، آورده شده است که براین اساس کشورهای بلاروس، اتيوپي،ونزوئلا، اوگاندا، سودان، جمهوری اسلامی ایران، تانزانیا، جمهوری یمن، گینه، مغولستان، جمهوری تیمور شرقی و ازبکستان به ترتیب رتبه‌های اول تا دوازدهم را به خود اختصاص داده اند و جمهوری اسلامی ایران با نرخ تورم ۲۱/۸ درصد رتبه ششم جهان در داشتن بالاترین نرخ تورم در سال ۲۰۱۲ را به خود اختصاص داده است.
در ادامه در این گزارش آمده است: پیش بینی مي‌شود کشور بلاروس در سال ۲۰۱۲ با ۶۵,۹۵ درصد دارای بیشترین نرخ تورم در سطح جهان باشد و کشورهای اتيوپي، ونزوئلا و اوگاندا در رتبه بعدی قرار گیرند همچنین از لحاظ رتبه بندی کشورهای منطقه از بعد نرخ تورم در سال ۲۰۱۲ کشور ایران با نرخ تورم ۲۱/۸ درصد در رتبه اول منطقه قرار دارد و پیش بینی می شود ایران با داشتن تورمی معادل ۲۱/۸ درصد در جایگاه ششم بیشترین کشورهای با نرخ تورم بالا در سطح جهان قرار داشته باشد.
این گزارش خاطرنشان مي‌کند: در مقایسه با میانگین کشورهای منطقه از بعد تورم در سال ۲۰۱۲ تورم در کشور ۳/۴ برابر میانگین کشورهای آسیای جنوب غربی است؛ از این حیث اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مرتبط با هدف گذاری کاهش نرخ تورم لازم است به ویژه این که رابطه مستقیمی بین تورم و درصد خانوارهای زیر خط فقر وجود دارد.

۵۰ کارگر سد زیویه کردستان بیکار شدند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 30 بهمن 91 آمده است : دبیر اجرایی خانه کارگر کردستان گفت: حدود ۵۰ کارگر ازمجموع ۸۰ کارگر شاغل در اجرای پروژه سد زیویه به دلیل آنچه که اتمام بخش اعظمی از پروژه سد نامیده مي‌شود از کار بیکار شده‌اند.
عباسعلی صفری با اعلام این خبر به ایلنا گفت: اخراج کارگران در حالیست که به گفته کارگران هنوز بخشهای زیادی از کار پروژه سد زیویه باقی مانده وکارگران هنوز قرار داد کاری با پیمانکار دارند.
او یادآور شد: اکثر این کارگران از سال ۸۴ در آغاز اجرای این پروژه مشغول بوده‌اند.
به گفته او علاوه بر اخراج این تعداد کارگر از سوی مدیران شرکت سازنده سد زیویه بخشی از مطالبات معوقه کارگران نیز پرداخت نشده است.

گفتنی است، سد زیویه با هستهٔ رُسی در فاصلهٔ ۲۶ کیلومتری شمال غربی شهر کامیاران واقع شده، از سال ۸۴ با پیمانکاری شرکت جهاد نصر آغاز بکار کرده است.

بیماران، پای گرانی دارو «جان» مي‌دهند

به نوشته سایت سلامت نیوز در 30 بهمن 91 آمده است :همه چیز گران مي‌شود، دارو هم روش، اما این بار این‌جان آدمی است که زیر بار گرانی دارو و افزایش چند برابری آن، تهدید مي‌شود. همه گیر شدن مشکلات اقتصادی و افزایش قیمت‌های بي‌سابقه، اکنون به وضوح و نهان در داروخانه‌ها و داروهایی که به دست مردم مي‌رسد، رخ مي‌دهد و همچون سایر دلایل گراني‌ها، توجیهی بر آن نیست. گشتی در داروخانه‌های شهر از دولتی گرفته تا خصوصي، گویای افزایش قیمت داروهای بیمارانی است که تنها امیدشان در جامعه، به دست آوردن دارو برای زنده ماندن است. انواع داروهایی که بیماران از مصرف در اتاق‌های عمل گرفته تا درمان‌های طولانی مدت بیماران خاص، با افزایش قیمت مواجه شده‌اند و در این میان، آنچه بیش از همه بیماران را آزار مي‌دهد، وعده‌های بي‌عمل مسئولان دولتی است.
به گزارش سلامت نیوز به نقل از قانون ؛ هنوز درگیري‌های دارویی دولتي‌ها از یاد نرفته است. درگیري‌هایی که نه تنها مشکلات دارویی کشور از جمله کمبود دارو و گرانی را حل نکرد بلکه بر گرانی دارو دامن زد. از یک سو دولتي‌ها اعلام مي‌کردند هیچ مشکلی در زمینه دارو وجود ندارد و از سوی دیگر وزیر بهداشت سابق، از موضوع گرانی دارو و اختصاص ندادن ارز به دارو سخن مي‌گفت. کار آنقدر بالا گرفت که محمود احمدي‌نژاد سرانجام خانم وزیر را برکنار کرد تا شاید با پاک کردن صورت مسئله، مشکل گرانی دارو را حل کند اما عملا چنین اتفاقی نیفتاد و هنوز بیماران خاص درگیر خرید دارو از بازار آزاد هستند و ناصر خسرو همچنان میزبان کسانی است که از درماندگی پا به کوچه پس کوچه‌های آن مي‌گذارند و تلاش مي‌کنند تا عزیزان خود را زنده نگه دارند.
از سوی دیگر، هزینه‌ای که مردم بابت درمان از جیب پرداخت مي‌کنند، روز به روز سنگین‌تر مي‌شود. درحالی که قرار بود در پایان برنامه چهارم توسعه کشور، این سهم به زیر ۳۰ درصد برسد. اما بعد از گذشت دو سال از آغاز برنامه پنجم، نه تنها کم نشده که برعکس افزایش یافته و به بیش از ۶۰ درصد رسیده است. بر اساس قانون برنامه چهارم توسعه که دو سال هم از پایان زمان اجرای آن مي‌گذرد، سهم مردم از پرداخت هزینه‌های درمان مي‌باید به کمتر از ۳۰ درصد مي‌رسید. در حالی که این سهم هم اکنون به اعتقاد برخی کارشناسان و دست اندرکاران حوزه سلامت، به ۷۰ درصد رسیده و برخی نیز معتقدند که این سهم حدود ۶۰ درصد است. اما آنچه در این بین مهم است، اینکه برنامه‌های دولت در حوزه سلامت به گونه‌ای اجرا نشده که بتواند سهم مردم را کاهش دهد.
روند کیفی درمان در بیمارستان‌ها به دلیل مشکلات مالي، به شدت افت کرده و بیماران رضایت چندانی از خدماتی که دریافت مي‌کنند، ندارند. شاید یکی از چالش‌های اصلی حوزه سلامت در بروز چنین مشکلاتی برای مردم و بیمارستان‌ها، کمبود اعتبارات حوزه سلامت و تخصیص نیافتن اعتبارات مصوب باشد. به طوری که سال گذشته از محل ۳ هزار میلیارد تومان سهم سلامت از هدفمندی یارانه‌ها، ۱۱۵۰ میلیارد آن به حساب وزارت راه واریز شد. در حالی که خود وزارت بهداشت تا آخرین روزهای سال گذشته برای پرداخت حقوق پرسنل بیمارستان‌ها با مشکل مالی مواجه بود.
گذری به داروخانه‌های شهر تهران از ۱۳ آبان گرفته تا هلال احمر و حتی داروخانه‌های خصوصي، حکایت از اوضاع آشفته بیماران در دسترسی به دارو دارد. داروهایی ۱۰۰درصد خارجی عمدتا در دسترس بیماران نیست و آن‌ها هم که پیدا مي‌شود قیمت‌های حداقل دو برابری نسبت به ماه‌های قبل دارد. داروهای بیماران صرع، تشنج،ام. اس، اعصاب و... از این دست داروهاست که هر روز از ابتدای صبح تا نزدیکای غروب، بسیاری از متقاضیان دارو را به این سو و آن سو مي‌کشاند. داروهای ایرانی هم همچنان در کش و قوس تاییدهای دکترهای متخصص قرار دارد که اغلب تایید نمي‌شود و درد بیماران را دو چندان مي‌کند. گفت‌وگوی «قانون» با برخی از مراجعه کنندکان به داروخانه‌های مرجع تهران حکایت از بالا و پایین رفتن‌های مکرر آن‌ها برای تهیه دارو و مواجهه با گراني‌های دارو دارد.

امسال مجلس شورای اسلامي، ۶ هزار ميليارد تومان از همين محل برای وزارت بهداشت در نظر گرفت که گفته مي‌شد اگر اين اعتبار تخصيص يابد، بيمارستان‌های دولتی رايگان خواهند شد که البته تا امروز چنين رويايی محقق نشده و مردم بابت رفتن به اين بيمارستان‌ها بايد پول پرداخت کنند. نتيجه اين وضعيت هم اين مي‌شود که افراد فقير و کسانی که بضاعتی برای خريد دارو و پرداخت هزينه‌های درمانی ندارند، محکوم به مرگ هستند چرا که بدون خرج کردن پول از درمان خبری نخواهد بود.

افزایش ۳۰ تا ۵۰ درصدی قیمت مسکن به خاطر تحریم؟!

به نوشته سایت انتخاب در 30 بهمن 91 آمده است : یک روزنامه انگلیسی نوشت: در چند هفته گذشته، قیمت مسکن در تهران پایتخت ایران، افزایشی ۳۰ تا ۵۰ در صدی داشت. این روند به دلیل تحریم هایی است که علیه ایران اعمال شده است. این تحریم ها به کاهش ارزش پول ملي، تورم بی سابقه و بحرانی شدن اوضاع اقتصادی این کشور انجامیده است.
به گزارش سرویس بین الملل انتخاب ؛ "فایننشال تایمز" به نقل از به نقل از دلالان مسکن در ایران گزاش داده است که یک آپارتمان مسکونی به مساحت ۱۰۰ متر در منطقه "شهید مطهری" که از مناطق متوسط در مرکز تهران است، یک ماه پیش ۳,۹ میلیارد ریال (۳۱۷ هزار دلار) فروخته می شد. اکنون اما قیمت این آپارتمام به ۵,۵ میلیارد ریال رسیده است.
به گفته دلالان قیمت مسکن در چند هفته گذشته، در تهران به ویژه در مناطق شمالی آن شاهد جهش بود که در برخی از مناطق به ۵۰ درصد می رسد.
این تورم در قیمت مسکن در ایران که ناشی از بحران اقتصادی شدید این کشور است در اثر تحریم های اقتصادی سخت اعمال شده از سوی غرب روی داده و از چند ماه پیش تحریم بخش های نفت و بانکداری ایران نیز آغاز شده که ارزش پول این کشور را بیش از ۶۰درصد کاهش داده است.
به دلیل کاهش ارزش پول ملی ایران و متزلزل شدن اعتماد به آن، ایرانی ها در چند ماه گذشته برای تبدیل پس اندازهای خود به ارز یا طلا روی آوردند.
یک دلال مسکن ایرانی گفته است: "بازار مسکن در ایران متناسب با تورم کلی و کاهش ارزش پول ملی حرکت می کند."
او خاطرنشان کرده است: "مالکان نگران بی ارزش شدن املاکشان هستند و معتقدند که بازار مسکن نباید تابع بازار طلا و ارز باشد."
روزنامه "فایننشال تایمز" نوشته است که فعالان بخش مسکن ایران گمان می کنند که قیمت مسکن در این کشور در روزهای آینده بیش از پیش بالا رود.
این روزنامه نوشته است که بخش مسکن یکی از مهمترین اهرم های اقتصادی در ایران به شمار می آید که ۱۷درصد مشاغل کل کشور را تشکیل می دهد. این بخش همچنین به دلیل مستقل بودن بخش قابل توجهی از سرمایه گذاری های خصوصی را به خود جذب می کرد.
با وجود افزایش قیمت مسکن در ایران، اما سرمایه گذاران از ریسک در این بخش امتناع می کنند چرا که این افرایش قیمت تنها در واکنش به کاهش ارزش پول ملی روی داده است.

احتمال شکسته شدن رکورد تورم سال ۷۵، در سال ۹۲؛ امسال رکورد دار تورم ۱۷ سال گذشته خواهد بود

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر تاریخ 30بهمن 91 آمده است : سال ۹۱، با ۳۲ تا ۳۷ درصد رکورددار تورم در ۱۷ سال گذشته و آبان سال جاری نیز با ۲۶/۱ درصد رکورد داربیشترین نرخ تورم در سال جاری بوده است.
به گزارش خبرنگار ایلنا، برای اولین بار پس از سال ۷۴ و در پی اجرای سیاست تعدیل اقتصادی که نرخ تورم به بیش از ۴۹ درصد رسید، تورم در سال ۹۱ و پس ازپدیدار شدن آثار ناشی از اجرای هدفمندی یارانه‌ها از مرز ۳۲ درصد عبور کرد.
این عدد بیشترین میزان تورم در ۱۷ سال گذشته بوده است. کارشناسان بر این باورند که نرخ تورم در سال ۹۲ با افزایش ۱۵ تا ۲۰ درصدی رکورد سال ۷۴ را شکسته و از مرزی ۵۰ درصد

عبور خواهد کرد.
تامین کسری بودجه با استقراض از بانک مرکزی، افزایش حجم نقدینگی، افزایش قیمت انرژی، حذف یارانه صنعتی و صنفی پس از اجرای سیاست‌های تعدیل، از عوامل اصلی رشد تورم در سال ۷۴ بوده است.
در حال حاضر علاوه بر دلایل گفته شده، افزایش ریسک فعالیت‌های مولد اقتصادی، ضعف در مدیریت خصوصا مدیریت ارز و کاهش ارزش پول و بالاخره افزایش قیمت‌های جهانی، عوامل اصلی تورم در ایران است.
کمترین و بیشترین نرخ تورم در چهار دهه گذشته در دهه ۵۰ به ترتیب در سال‌های ۵۷ و ۵۹، در دهه ۶۰ سال‌های ۶۴ و ۶۹، در دهه ۷۰ سال‌های ۷۰ و ۷۴ و در دهه ۸۰ سال‌های ۸۴ و ۸۷ تحقق یافته است. کمترین نرخ تورم ثبت شده نیز مربوط به سال ۶۴ با ۶/۹درصد، و بیشترین مربوط به سال ۷۴ با ۴۹/۴درصد بوده است.
پیش‌بینی‌ها و برآوردهای بانک مرکزی نشان می‌دهد که نرخ تورم در سال ۹۱ به ۳۲ درصد خواهد رسید،این درحالی است که منابع غیر رسمی نرخ تورم در پایان سال ۹۱ را با جهش ۱۶ درصدی ۳۷ درصد اعلام می کنند.
روند نرخ تورم از فروردین تا دی ماه امسال همواره افزایشی بوده و این نرخ ازابتدای سال ۲۸/۷درصد ثبت شده است.

نرخ تورم از سال ۸۳ تا ۹۰ به ترتیب، ۱۵/۲، ۱۰/۴، ۱۱/۹، ۱۸/۴، ۲۵/۷، ۱۰/۸، ۱۲/۴، ۲۱/۵، به ثبت رسیده است.
گزارش ازعلی پیرولی

بحران خودرو سازیها و صنایع وابسته در حال اوج گیری
ما کارگران دست از پا دراز تر!

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در 30 بهمن 91 به امضاء جمعی از کارگران صنایع خودروسازی آمده است :

همکاران!
تولید در شرکتهای خودرو سازی به کمتر از ۲۰درصد کاهش یافته که در واقع به این معناست که حداقل یک چهارم کارگران اضافی هستند و می بایستی در شرایط عادی سیاسی اخراج شوند. اما شرکتهای سایپا، ایران خودرو، پارس خودرو، سایپا دیزل، ایران خودرو دیزل، زامیاد و... شاید به توصیه سران سرمایه تصمیم گرفته اند فعلا کارگران مازاد را که معادل دو شیفت کاری است اخراج نکنند، بلکه با حذف یک شیفت(شیفت شب) کل پرسنل را در دو شیفت کاری صبح و عصر آن هم در هفته چهار روز در شرکت باشند و دو روز دیگر را در منزل. درعوض، دریافتی کارگران به کمتر از دو سوم روال عادی در طی سالهای گذشته رسیده است، به طوری که فقط پایه حقوق خود را دریافت می کنیم.
اولین ذهنیت کارگران از این حرکت شرکتهای خودروسازی (که با سازندگان قطعات در سراسر کشور تخمین زده می شود جمعیتی بیش از یک میلیون نفر کارگر را داشته باشند) این است که چقدر به فکر کارگران هستند وچه مسوولان دلسوز و مهربانی داریم! که نمی خواهند کارگرانشان اخراج شوند!
این در حالی است که باند احمدی نژاد و مشائی خودرو سازیها را تصرف کرده اند. ولی اگر کمی عمیق تر به مساله فکر کنیم مجموعه عواملی را می بینیم که باعث تصمیم فوق شده است.اول، اگر نگاهی اجمالی به اوضاع سیاسی،اجتماعی و اقتصادی بیندازیم می بینیم که داریم به انتخاباتی نزدیک می شویم که ادامه همان انتخابات چهار سال پیش است و سرکوب سال ۸۸هنوز سایه اش از ذهن مردم پاک نشده، هنوز نحوه برخورد خیابانی به اعتراض کنندگان از طرف پلیس و برادران انصار حزب الله و لباس شخصیها جلو چشمان مردم رژه می رود، هنوز تجاوز به زندانیان و معترضان به انتخابات از ذهن ها پاک نشده است، هنوز مجبور کردن زندانیان به اعترافات تلویزیونی وجدانها را می آزارد و...

دوم، به علت بحران سیاسی حاکم، در گیری بین حاکمان آنچنان بالا گرفته که روسای دو قوای(مقننه وقضاییه) وجناح دولت در آن درگیرند و شاخ و شانه برای هم می کشند و کرکری می خوانند! و از همدیگر حق سکوت می گیرند. اگر وزیری بازخواست شود، رییس جمهور تهدید به افشاگری می کند و چون در این فسادهای مالی و اخلاقی و اداری همه درگیر هستند، همه علیه همدیگر گارد گرفته اند و گوش خوابانده اند ودر حالت سرشاخ هستند ومنتظرند در یک فرصت مناسب رقیب خود را از میدان به درکنند. به بیان دیگر، تَرَک این سد می رود که از هم بگسلد. ولی طبیعی است که آنها در مقابل نیروهای سرنوشت ساز جامعه (کارگران) با هم متحد می شوند، چون همه موجودیتشان در گرو کل حفظ نظام سرمایه است و نیک می دانند که همگی در یک کشتی نشسته اند و در صورت غرق شدن همه شان غرق خواهند شد. سوم، با توجه به این اوضاع و بی ثباتی هر گونه تلنگری منجر به حرکتی می شود غیرقابل کنترل، پس عجیب نیست اگر کارگران شرکتهایی مانند خودرو سازیها و صنایع وابسته را فعلا اخراج نکنند. چون اخراج دسته جمعی کارگران صنایع خودرو سازی با جمعیت میلیونی که دیگر چیزی برای بقا ندارند قابل کنترل نیست ونمی توان به امید توهمات مذهبی و در خطر بودن اسلام و ملیت و قومیت و وطن پرستی جلودارش شد. سرمایه در ایران این را خوب می داند که نیروی کارگر اگر با توان خود بیگانه نباشد و اگر متحد گردد، نه فقط قابل مهار نیست بلکه با توجه به این اوضاع اجتماعی می تواند نیروهای جامعه را به دنبال خودش بکشاند و دگرگونی اجتماعی را به وجود آورد.
اما آنچه مایه تاسف است عدم شناخت و آگاهی و بیگانگی اکثر ما کارگران از توان خودمان است. حافظان سرمایه با این قدرت بالقوه ما کارگران آشنایند و تابحال چندین بارمزه آن را چشیده اند. در کمال احتیاط برخورد می کنند تا این قوه بالفعل نگردد و حاضرند ضرر بدهند ولی کلیتشان را حفظ کنند.اما ما چون با هم متحد نیستیم و تشکیلاتی نداریم، نیروی خود را نیز نمی شناسیم. همان گونه که با محصول کار خود بیگانه ایم، با توان خود نیز بیگانه تریم. فشارهای ناشی از اقتصاد و سیاست را صرف درگیری های روزمره با همکاران و خانواده می کنیم تا آن انرژی به نحوی تخلیه گردد. به عبارتی، ما کارگران با نیروی خویش بیگانه هستیم. اما دیگران(سرمایه) بهتر از خود ما می دانند که چه قدرتی داریم. ما به جای اینکه با کوچکترین تحریکی از هم عصبانی شویم، باید کمی بیندیشیم و ببینیم باعث و بانی مشکل کی است؟ کجاست؟
می بینیم که آن بخش از سرمایه در ایران که در حال حاضر قدرت سیاسی را در دست دارد، فعلا به نوعی با جمعیت میلیونی کارگران خودروسازی مدارا می کند. دیگرانی هم که سودای به قدرت رسیدن را در سر می پرورانند، به قدرت ما عملا اعتراف می کنند و با توجه تجربیات شکست خورده ما کارگران در سال ۵۷ ، قصد آنرا دارند که تا دیر نشده همان ریل سال ۵۷ را در مقابل ما قرار دهند وما را باز سوار همان قطاری کنند که مقصدش با مقصد ما کارگران هزاران کیلومتر فاصله دارد.
می بینیم و می شنویم که صدای آمریکا، بی بی سی، رضا پهلوی، احزاب سیاسی راست، سلطنت طلبان، جمهوری خواهان، اصلاح طلبان، ملی گرایان، مجاهدین در مبارزه و اختلاف خود با سرمایه داران حاکم فعلی برای ما کارگران دایه های مهربان تر از مادر شده اند. بخشی دیگر هم که پس از سالها برایشان در هنوز بر همان پاشنه سابق می چرخد، ما را مایملک و سرباز پیاده نظام خود دانسته واعتقادی به جنبش سراسری و ضد سرمایه داری (در صورت فراگیر شدن) ندارند و حاضرند ما را به خاطر سکتاریسم خود شقه شقه کنند، به امید آنکه با ساختاری حزبی و هیئت مدیره ای از ما کارگران برای خود نرده بانی بسازند و بر اریکه قدرت بنشینند.
این واقعیت ها به خوبی نشان می دهد که قدرت اجتماعی و تعیین کننده ما طبقه کارگر از طرف آنانی که در قدرت هستند ودیگرانی که قصد به قدرت رسیدن را دارند شناخته شده است و با توانایی های ما کارگران که در برشهای مختلف تاریخی آنرا نشان داده ایم آشنایند و هر کدام میخواهند با کانالیزه کردن قدرت ما آن را در اختیار خود بگیرند. می دانند که ما کارگران هستیم که با حرکت توفنده اجتماعی خود قدرت تغییر جامعه را داریم و هیچ گروه، حزب و شخصیتی بدون توجه و تکیه بر ما نمی تواند به قدرت برسد.اما، همان گونه

که گفتیم، ما کارگران چنین نمی اندیشیم. کمی خنده دار و تراژیک است. بیشتر ما کارگران عادت کرده ایم که چشم به بالا داشته باشیم و همیشه منتظررسیدن منجی از بالا هستیم. آن بخش از کارگران که تحت تاثیر رسانه های قدرتهای خارجی هستند منتظرند آنها کاری برایشان بکنند. آن بخش که تحت نفوذ فرهنگ مذهبی هستند منتظر ظهور امام زمان هستند. دسته کوچک دیگری هم با همان فرهنگ امام زمانی منتها به شکلی دیگر منتظر ظهور و دستور احزاب و رهبران وکمیته مرکزی ها هستند که فرمان صادر کنند تا ما زیر پرچم شان سینه بزنیم. بخشی اندکی هم که به نجات خود از چنگال آهنین سرمایه می اندیشند و از توان بالقوه خود آگاهی دارند، پراکنده و سازمان نیافته اند و صرفا به مبارزات مقطعی می پردازند. در کل، با توجه به مطالب گفته شده بالا، عواملی باعث شده اند که نیروی ما کارگران بالفعل نگردد.عامل اول، نیروهای مادی سرمایه هستند و سرکوب گران که همواره می خواهند ما سیاهی لشکر آنها باشیم. عامل بعد، ذهنیتی است که این نیروها در ما پرورانده اند به طوری که ما همیشه در طلب منجی و منتظر نجات از سوی کسی هستیم. این ذهنیت باعث گردیده که ما کمتر جرأت اندیشیدن را به خود بدهیم وهمیشه منتظر بمانیم تا دیگران بجایمان بیندیشند.ما بایستی روی پای خود بایستیم، نبایستی برای خود قیم فکری بسازیم وآویزان آن گردیم و با نیروی اندیشه خود بیگانه باشیم، زیرا سرمایه داری همین را از ما میخواهد. تا ما خود نخواهیم و اندیشه و اراده نکنیم که سرمایه داری را از میان برداریم، این نظام همواره ما را در چنبره خود خواهد داشت.
پس برای آن که قدرت خود را برای مبارزه با سرمایه بالفعل کنیم، باید با این دو عامل مبارزه کنیم، و این کار نیز فقط و فقط با اتحاد و تشکل علیه سرمایه ممکن می شود.
حوادث سیاسی به سرعت در حال پیش آمدن هستند و رابطه بین جناحهای حاکم سخت به هم خورده است. ممکن است جناحی که در حال حاضر حاکم بر شرکتهای خودرو سازی و صنایع وابسته به آن است، برای رقابت با جناح دیگر بتواند تا انتخابات با ما کجدارو مریض مدارا کند و ما را فعلا اخراج نکنند. اما پس از آن چه؟ ما همیشه در معرض تهدید اخراج و فقر و فلاکت هستیم و باید خود را به وسیله ای همیشگی برای مبارزه با این تهدید مجهز کنیم. این وسیله چیزی نیست جز تشکل شورایی و سراسری برای مبارزه با سرمایه داری. فقدان این وسیله، یک ضعف اساسی و تاریخی ما کارگران است. سابقه تاریخی نشان می دهد که همکاران ما نیز در گذشته همین مشکل را داشته اند. ...کارخانه هایی چون جنرال موتورز سابق (پارس خودرو کنونی) در روزهای پایان رژیم گذشته شورای خود را به وجود آوردند و حتا اقدام به سراسری کردن آن نیز کردند. اما از یک سو سرکوب رژیم تازه به قدرت رسیده و از سوی دیگر ذهنیت توهم آلود ما کارگران (همان دو عاملی که در بالا ذکر کردیم) مانع پایداری و استحکام ضدسرمایه داری این شوراها شد و کارگران دوباره پراکنده و اسیر سرمایه شدند. اکنون ما می توانیم و باید با پیگیری همان خواسته ها، شوراهای ضدسرمایه داری خود را به وجود آوریم و به این ترتیب، ضمن آن که گامی در جهت رفع پراکندگی و بیگانگی خود برمی داریم، برای شرکت فعال و مستقل در حوادث سیاسی پیش رو نیز آماده شویم.

[جمعی از] کارگران صنایع خودرو سازی
بهمن 1391
* ضمیمه این بیانیه را نتوانستیم آپلود کنیم. این ضمیمه نزد ما موجود است.

http://derabaa.wordpress.com

سندیکای کارگری، شورای کارگری نیست
و انقلاب درذهن صورت نمی گیرد
گروه پژوهش کارگری

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در 30 بهمن 91 آمده است : سندیکا نهادی کارگری است که از درون مبارزات خود بخودی کارگران با سرمایه داران و دولت بعنوان سرمایه دار بزرگ برای گرفتن حقوق اقتصادی کارگران ایجاد می گردد و این تعریف پیش از تدوین دانش مبارزه طبقه کارگر توسط مارکس روشن بود . اما نقش شورای کارگری توسط مارکس و سپس لنین و دیگران بیشتر توضیح داده شد و بعنوان نهادی شناخته شد که پیش از انقلاب توسط کارگران و روشنفکران انقلابی برای مقابله سیاسی با سرمایه داران و دولت سرمایه دار ایجاد شده تا علاوه بر اینکه پایه ای برای حزب سیاسی طبقه کارگر باشد ، بتواند در پروسه و پس از انقلاب کنترل واحد های تولیدی و خدماتی را در دست گیرد . عدم درک این دو نهاد نسبت به وظیفه هرکدام و ارزیابی غلط در مورد جابجایی نقش این دو نهاد کارگری ، موجب می گردد که همه مفاهیم سندیکا ، شورا ، نهادهای سیاسی ، حزب و انقلاب در ذهن به مفاهیم دیگری تبدیل گشته و به درگیریهای ایدئولوژیکی بیهوده مبدل گردد تا سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران مختل گردد .
سندیکای مستقل کارگران به هیچوجه تابع نحوه حکومت در جوامع سرمایه داری چه مبتنی بر دیکتاتوری و چه مبتنی بر دموکراسی غربی نبوده و همواره بدلیل تضاد طبقاتی به توسط کارگران آگاه ساخته می شود . این موضوع حتی در کشورهای انقلاب سوسیالیستی کرده روسیه و چین و سایرین نیز صدق نموده و بتدریج کارگران آن کشورها نهادهایی که از حقوق اقتصادی آنها دفاع کنند را ساخته و خواهند ساخت . بدلیل برخی کارهای پراکنده بویژه کارهای ساختمانی و پروژه ها ، کارگران آگاه آنها نیز بدلیل پراکندگی و با توجه به شغل خود همچون جوشکار ، نقاش ، مکانیک ، بنا و غیره که گاهی هم ترکیبی از مشاغل گوناگونند به ایجاد اتحادیه های کارگری دست می زنند تا از حقوق صنفی آنها دفاع نمایند . البته سندیکاها و اتحادیه هایی نیز براساس نوع کار همچون کارگران اتوبوسرانی ، راه آهن ، کشتیرانی یا معادن در سطح کشور ایجاد می گردد که نمایندگی کل کارگران یک بخش را بعهده می گیرند .
شورای کارگری در جوامع سرمایه داری در حقیقت نطفه های نهادهایی هستند که کنترل تولید و مدیریت واحد تولیدی و خدماتی را بعهده گرفته و تلاش می کنند تا زمینه های خلع سرمایه داران را در آن واحد ها فراهم کنند . تفاوت اصلی شورای کارگری با یک سندیکا در زمان شکل گیری است ، چراکه شورای کارگری بدلیل سرکوب شدید در کشورهای تحت دیکتاتوری امکان کمتری برای ایجاد دارد و اگر شکل گیرد قادر به انجام وظایف اصلی شورا را طبق تعاریف مارکسیستی ندارد . در کشورهای نیمه دموکراسی غربی نیز بدلیل فهم سه جانبه گرایی و پذیرفتن حق سرمایه داران ، در حال حاضر درکی برای ایجاد شورا وجود نداشته و شاید در مراحل بعدی و درک غنی تر کارگران آن کشورها از تضاد طبقاتی ، شورا شکل گیرد . اشتراک اصلی شورا و سندیکا در انتخاب نمایندگان به توسط اکثریت کارگران یک واحد تولیدی ، یا خدماتی است که نمایندگان برطبق اساسنامه وظیفه دارند تا به دفاع از خواسته های اقتصادی و یا سیاسی کارگران اقدام نمایند .
مفاهیم سندیکا و شورا گرچه در بالا بطور کلی و خیلی ساده توضیح داده شدند ، اما اگر این مفاهیم بدرستی درک نگردند مشکلات فراوانی را بویژه در کشور ایران موجب گردیده و می گردند . جالب است که همه فعالان و گروههای سیاسی ایران چه داخل و چه خارج کشور بصورت مفرد مفاهیم سندیکا را درست فهمیده اند ، اما بیشتر آنها بمجرد اینکه بخواهند آنرا در وظایف تشکلات مستقل داخل ایران پیاده کنند ، به نتیجه دیگری می رسند . از سندیکای مستقلی که بزحمت و سختی و با تلفات کارگران آگاه که به نپرداختن حقوق ، اخراج و حتی زندانی شدن منجر شده ، انتظار انجام وظایف شورا و یا درگیری سیاسی با دولت را دارند ، وگرنه تهمت انحرافی و طرفداری از کارفرمای منتخب سرمایه دار به آنها زده می شود . تراژدی زمانی بیشتر حس می گردد که برخی فعالان و نیروهای چپ وظیفه خود را بدلیل باوری که دارند ، فراموش کرده و از نمایندگان کارگران در سندیکا می خواهند تا بجای آنها مقابله با نظام سرمایه داری و دفاع از سوسیالیسم را انجام دهند .
سندیکای مستقل اگر ایجاد شود که با سختی و تلفات کارگران آگاه همراه خواهد بود ، کارگران دیگر را وادار می کند تا به ترس از نمایندگان کارفرما و نیروهای نظامی و امنیتی و همچنین ترس از اخراج و عدم دریافت حقوق فائق آیند ، لذا سندیکا بهترین محل برای

کارگران است تا قدرت خود را در مقابله با سرمایه داران بسنجند . بیشتر کارگران بدلیل آنکه حقوق و مزایای خود را باید از صاحبان سرمایه و دولت دریافت کنند و همواره توسط تشکیلات زرد و وابسته کارگری و کارگزاران کارفرما در تهدید مطیع بودن و نپیوستن به نهادهای مستقل کارگری هستند ، در صورت امکان ایجاد سندیکای مستقل و دیدن عملکردش ، بسرعت به آن پیوسته و سندیکا را حافظ منافع خود خواهند دانست .
سندیکاهای واحد اتوبوسرانی تهران و نیشکر هفت تپه و پشتیبانی سفت و سخت هزاران کارگر آنها در سالهای اخیر بهترین نمونه های ایجاد سندیکای مستقل است که نمونه آن آرزوی واحدهای دیگر است . بدلیل عملکرد آشکار نمایندگان ، کارگران در سندیکا قادر به دیدن فداکاریهای همکاران نماینده خود بوده و از قدرت بالفعل خود آگاهی می یابند و در پروسه مبارزه خودرا ارتقا می دهند .
طبیعی است که اعضای هیات مدیره سندیکا دارای تفکرات مختلف و آرمانهای متفاوتی باشند ؛ برخی گرایش به ایجاد سوسیالیسم داشته و برخی تنها به مبارزات اقتصادی دلبستگی دارند ، اما وابستگیهای مذهبی ، قومی ، جنسیتی ، سازمانی و غیره در آنها اهمیت ثانوی داشته و باید داشته باشد . اعضای اصلی باید الویت مسائل اقتصادی کارگران را بدلیل آنکه برای همین منظور انتخاب شده اند ، در فعالیتهای خود در نظر بگیرند تا همواره اکثریت بیشتری از کارگران را پشتیبان خود داشته باشند . کارگران همواره بدلیل آنتاگونیسم طبقاتی با سرمایه داران ، کشش برای جذب مبارزات اقتصادی و سپس سیاسی را دارند ، اما برخی از کارگران بدلیل ناآگاهی فریب تبلیغات مذهبی و کارفرمایی را خورده و یا از افکار ایدئولوژیکی می ترسند و اگر هدف نمایندگان سندیکا را متفاوت ببینند از دورش پراکنده می گردند . استفاده از کارگران ناآگاه و مذهبی در سالهای ۵۷ تا ۶۰ برای سرکوب کارگران آگاه و نیروهای چپ نمونه های تاسف بار در گذشته هستند .
نمایندگان سندیکا نیز چاره ای ندارند تا بلافاصله پس از انتخاب ، درگیر مسائل اقتصادی کارگران و مذاکره با نمایندگان کارفرما گردند و در صورت نرسیدن به خواسته ها ، به حربه اعتراض ، تجمع و اعتصاب با پشتیبانی کارگران دست زنند . البته برای همه کارگران اهمیت دارد که از طریق فشار سندیکا به خواسته های خود برسند و اگر چنین نشود بخشی از پشتیبانی کارگران از دست می رود . اما برای بخشی دیگر از کارگران کافیست تا با مبارزه پیگیر نمایندگان خود ، حتی اگر به نتیجه مثبتی نرسد را ناشی از حمایت دولت و سیستمی بدانند که مانع رسیدن به خواسته ها می گردد که در نتیجه آنها وارد فاز مبارزه سیاسی می گردند . در حقیقت سندیکا اولین نهاد کارگری است که از درون مبارزات خود بخودی کارگران و توسط آگاهان خود ایجاد می گردد و در آنجا کارگران به اهمیت نیروی فراوان خود در مقابل سرمایه داران و سپس دولت پی می برند و در ادامه می فهمند که تنها همین نیرو را در مبارزه طبقاتی دارند و در نتیجه یاد می گیرند که چگونه از این نیرو استفاده کنند . سندیکا همچنین محلی است که کارگران در آنجا آموزش دیده ، به قوانین کار و حقوق خود پی برده و درمی یابند که مسولین همین حقوق ناچیز آنها را با زیرپا گذاشتن همین قوانین مصوب ، نمی پردازند .
ایجاد شورا که در ایران قدمت بسیار کمی دارد و به ویژه در سالهای ۵۶ تا ۶۰ تحت تاثیر آثار لنین ، باب گردید ، بدلیل بدست گرفتن کنترل تولید و مدیریت تعدادی از واحدهای صنعتی بدست برخی از کارگران و نیروهای سیاسی ، همچنان ایده آل گروههای چپ است .
مروری بر تاریخ کارگری ایران از ابتدای مشروطیت ، حاکیست که خواسته نیروهای سیاسی و کارگران آگاه بیشتر حول تشکیل سندیکا و اتحادیه دور می زده است . این موضوع حتی در اوج فعالیتهای حزب توده نیز دیده می شود که تلاش داشت کارگران را حول خواسته های اقتصادی متشکل نماید و کمتر شعار ایجاد شورا داده می شد ، گرچه برخی مدعی باشند که حزب طبقه کارگر شکل گرفته بود ! در طول یک قرن کارگران آگاه همواره بدلیل وجود تشکیلات زرد و وابسته کارگری ، عوامل کارفرماها و نیروهای امنیتی و انتظامی در خطر اخراج و زندانی شدن بودند ، اما همواره تلاش کردند تا اهمیت نهادهای مستقل را به کارگران بفهمانند . شورای کارگری گرچه بدون شک نهاد پیشرفته تری نسبت به سندیکا در مبارزات کارگران است ، اما بدلیل سرکوب دیکتاتورهای بومی و طبقه سرمایه دار حاکم ، امکان ایجاد کمتری داشته و شوراهای تشکیل شده در سالهای ۵۶ تا

٦٠ نیز با کنترل تولید و مدیریت نه تنها مشکل اقتصادی کارگران را حل نکردند ، بلکه بالا بردن تولید بسود سرمایه داران را با کارگران تجربه کرده و ناامیدی بیشتری را برای آنها به یادگار گذاشتند .
نام گذاری برای نهاد کارگری مستقل در فهم فعالین و نیروهای چپ چنان عمده گردید که از کلمه شورا با تقدیس یاد شده و نام سندیکا اکثرا با لعنت و انحراف عجین گشته است .
مسولین ابتدایی نظام که چرخ صنعت و وزارت کار را برعهده گرفتند ؛ از فروهر ، سازگارا ، توکلی ، سرحدی زاده ، محجوب ، روحانیون و سایرین ، کلمه شورا را با چسباندن آیه ای در تعریف شورا به نهادهای وابسته خود و با کمک مدیران دولتی گسیل شده و نیروهای انتظامی ، بتدریج توانستند علاوه بر خلع سلاح کردن نیروهای چپ از شعارها به کنترل کارگران دست یابند . در حالیکه بخشی از نیروهای چپ ذوق زده شده و گمان کردند که نظام ضد امپریالیستی حاکم شده است ! باورش برای خیلی ها آسان نبود تا درک کنند در این برهه از جوامع سرمایه داری که کنترل بازار تولید و مصرفی در دست شرکتهای امپریالیستی افتاده و دیگر حاکمیت ملی بدون برانداختن طبقه سرمایه دار بومی بهمراه سرمایه های امپریالیستی امکان پذیر نیست . نمونه های آلنده در شیلی ، مصدق در ایران ، سوکارنو در اندونزی ، سقوط سلطنت در ایران و اخیرا سقوط دیکتاتورهای عربی همگی نشاندهنده این موضوع هستند .
شورا چنانچه گفته شد پایه و مبنای ابتدایی نهادهای سوسیالیستی بوده و باید در پروسه هایی با شکستن سرکوب حاکمیت ایجاد گردد ، اما برای ایجادش ابتدا باید اکثریتی از کارگران کشور به این درک برسند . زمانی که حاکمیت با اشکال مختلف در طول ٣٤ سال گذشته با امضای مقاوله نامه های سه جانبه اجازه هیچ تشکل مستقلی حتی با نام سندیکا را نداده و نمایندگان مبارز دو سندیکای مستقل اتوبوسرانی و هفت تپه نیز سالها پس از تشکیل هنوز تاوان جرات گذشته خودرا می دهند ، سخن از ایجاد شورا بمفهوم واقعی تفکری ایده آلیستی است . بسیاری از نیروهای چپ که مدام از شورا سخن می گویند ، خود هنوز یک نمونه را پیاده نکرده اند و اگر حضوری در برخی جاها دارند ، بناچار شکل مخفی بخود گرفته و در نتیجه دامنه فعالیت آنها برای جذب کارگران بسیار محدود است . در سالهای اخیر بغیر از دو سندیکای نامبرده نهادهای مستقل دیگری تحت عنوان کمیته هماهنگی ، کانون مدافعان ، کمیته پیگیری و سایرین ایجاد گردید که همچون دو سندیکا از حمایت بسیاری از فعالین و کارگران برخوردار بوده و تفاوتشان این بود که که از آرمان سوسیالیسم نیز دفاع می کردند . گرچه تشکلات مستقل اخیر در خارج واحدهای تولیدی و خدماتی شکل گرفتند ، اما هیچکدام آنها دیگر نتوانستند چنین پشتیبانی علنی و محکمی از کارگران را بدنبال داشته باشند . البته برخی اصناف همچون نقاش ، جوشکار و مکانیک و دیگران نیز وجود دارند که البته قادر نیستند صنف مربوطه را کنترل کنند و در ادامه نهادهای دیگری همچون اتحادیه آزاد کارگران در خارج از محیط کار ایجاد شدند . این نوع تشکلات که خارج از محیط کار شکل می گیرند ، اگرچه مزیتی بدلیل تماس با واحدهای مختلف دارند ، اما باید در مورد ترکیب اعضا و نحوه کار کردن بر روی کارگران در تشکلاتشان بیشتر مواظب باشند .
با توجه به عملکردهای متفاوت نهادهای سندیکا و شورا ، درک درست مفاهیم آنها بسیار اهمیت داشته و بهیچوجه نباید آنها را در مقابل هم ، رقیب و یا جایگزین یکدیگر دانست و به عبارتی شوراست و سندیکا سندیکا و اینکه هردو نهاد کارگری بوده و هر کدام وظایف مشخصی دارند . تمام تعاریف جوامع سرمایه داری و مفاهیم مارکسیستی حاکیست که سندیکا یک نهاد کارگری است که برای گرفتن حقوق اقتصادی کارگران ایجاد می گردد . بنابراین باید از چنین دیدگاهی عملکرد یک سندیکا مورد بررسی قرار گیرد و انتظار اینکه نمایندگان سندیکا نقش سوسیالیستها را بازی کنند ، ناشی از عدم درک وظایف نمایندگان سندیکاست . وظیفه نمایندگان سندیکایی در اینستکه مدام در جهت خواسته های اقتصادی ، ایمنی و رفاهی کارگران اقدام نموده و تلاش کنند که در این حرکتها کارگران بیشتری را به پشتیبانی بکشانند تا به پیروزی برسند . حتی اگر این حرکتها به نتیجه مطلوب و یا به بن بست برسد ، بازهم مبارزات اقتصادی باید ادامه یابد و این موضوع حتی در پروسه انقلاب نیز قطع نمی گردد .

آنچه موجب مقابله بیشتر نیروهای چپ برضد عملکرد سندیکای مستقل را بدنبال دارد ، بدلیل آنستکه گمان می برند که ادامه حرکت هر سندیکای مستقلی نیز به سندیکالیستی ختم می گردد که سالهاست در کشورهای غربی عملکرد ضعیفی دارند . آنچه برای آنها قابل درک نیست اینکه اولا حکومتهای دیکتاتوری هیچ نهاد مستقل کارگری را اجازه تشکل نمی دهند و اگر چنین نهادی با پشتیبانی کارگران تحت نام سندیکا و یا هر اسم دیگری شکل گیرد ، مورد سرکوب قرار گرفته و نمایندگان منتخب کارشان به اخراج و زندان ختم می گردد . دلایلی همچون سرکوب ، زیربار نرفتن به خواسته های کارگران و نگاه داشتن آنها در بدترین شرایط زندگی در کشوری که دارای درآمد میلیاردی از فروش نفت است ، موجب می گردند تا برعکس عملکرد سندیکالیستی اتحادیه های بین المللی کارگران که خواسته ها را در چهارچوب قانون و سه جانبه گرایی دنبال می کنند ، کارگران ایرانی و کشورهای تحت دیکتاتوری مجبورند تا به مقابله سیاسی روی آورند . این موضوع خود دلیلی بر تفکر نیروهای چپ و برخی از فعالان کارگری می گردد تا از سندیکا وظایف دیگری که بعهده شورا و نهادهای سیاسی است ، طلب کنند و خود موجب ترس و پراکندگی کارگران بیشتری از حمایت علنی سندیکا گشته و دلیل خوبی برای سرکوب بیشتر توسط نیروهای امنیتی را بدنبال دارد . با همه اینها هر گروه فعال و سیاسی که قادر باشد شورای واقعی کارگران ونه صرفا اسمی را در این زمان ایجاد کند ، حرکتی روبجلو را موجب خواهد شد ، البته نه به صورت محفل در یک واحد صنعتی و یا خدماتی که گاهی اطلاعیه ای با شعارهای سرنگونی مبنی بر تاثیر خود در یک واحد بدهند . بلکه محفل و یا گروه سیاسی اگر مخفی هم باشد باید که کارگران بتوانند عملکردشان را دیده و جذب آن گردند ، وگرنه شکل محفلی بدون ارتباط با طبقه خواهند بود .
طبیعی است که برخی از نمایندگان منتخب سندیکا بهمراه برخی از کارگران یک واحد ، در پروسه مبارزه اقتصادی به مبارزه سیاسی روی می آورند و تلاش می کنند که در پروسه شکل دهی نهادهای سیاسی خود ، کارگران بیشتری را به ارتقای مبارزه بکشانند . اما آنها نباید در این پروسه سندیکا را قربانی اینکار نموده و آنرا منحل نمایند ، چراکه در پیشرفت مبارزه سیاسی ،
عملا سندیکا محلی است که کارگران با توجه به افکار گوناگون جذب آن شده و در پروسه ای مبارزه آنها ارتقا می یابد ، در حقیقت سندیکا محل تولد کارگران سیاسی شده را داشته و نقش افزودن نیروهای کارگری برای ایجاد جنبش کارگری را بازی می کند . البته نمونه مبارزات سندیکایی در ایران به ویژه در سالهای اخیر این موضوع را ثابت نموده است و اگر در طول پروسه مبارزاتی برخی کارگران آگاه و فعالین حتی خواهان مبارزات صرف اقتصادی و دموکراتیک شدند نیز نباید بوق و کرنای وا انحرافها را سر داد ، چراکه علاوه بر جا انداختن تشکل مستقل ، نقش آنها حداقل قابل مقایسه با تشکیلات زرد کارگری و وابسته جناحی نیست . زمانیکه مسولان آنها می گویند کارگران مزد با تاخیر را به بیکاری ترجیح داده و یا اینکه ما مخالف تغییر قانون کار هستیم و تلاش دارند که کارگران را اسیر قوانین و رحمت کارفرمایان و دولت بار آورند .
اعتراضات کارگران بدلایل مسائل اقتصادی در سراسر کشور گسترده شده و تجمعات و نامه نگاریهای آنها به مسولین کشور رو به افزایش است ، این اعتراضات اقتصادی در میان کارگران اتوبوسرانی بدلیل ویژه تفاوت با کارکنان شهرداری و در میان کارگران هفت تپه بدلیل کار فصلی و نحوه بازنشستگی نیز گسترش یافته است ، اما دو سندیکای مستقل آنها بدلیل سرکوب و برخی اختلافات قادر نیست که هماهنگی لازم را انجام دهد .
درحالیکه نیاز جدی به فعالیت گسترده نمایندگان این دو سندیکا هست ، اخراج منصور اسالو (اسانلو) از سندیکای واحد به موضوعی لاینحل برای نیروهای چپ و برخی فعالین کارگری تبدیل شده و بحثهای پایان ناپذیری را ایجاد کرده است . وفور مقالات واظهار نظرها از طرف تعداد بیشماری و به ویژه کسانی که پیشتر چه اسانلو و چه سندیکا را باهمدیگر می کوبیدند ، فرصت خوبی به برخی داده تا کم کاری خود را در پراتیک درون طبقه پرکرده و به جای اندیشدن به چگونگی گسترش و سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران ، داس و چکش را برسر دوطرف بکوبند .
کسی منکر این نیست که بیانیه هیات مدیره سندیکا دارای نکات اشتباه است و هیچکس

منکر نقد درست نیست ، اما طول دادن این نقدها در مقابل خاموشی هیات مدیره سندیکا ، نباید موجب فراموشی وظیفه اصلی گردد . باید منتظر ماند تا حقایق روشن گردند ، ولی سوال از هیات مدیره این می تواند باشد که اگر نمیخواست دلایل اصلی فاش گردند ، چرا تنها بذکر اینکه با خارج شدن منصور اسانلو از کشور ، برطبق اساسنامه ایشان اتوماتیک وار از سندیکا اخراج می گردد و سپس بدلیل زندگی و رنج سالهای مشترک گذشته و اهمیت وجودی مبارزه کارگران به حل اختلافات می پرداختند . هیات مدیره می بایست بیانیه را به کارگران شرکت واحد خطاب می کرد که وجودشان به آنها بستگی دارد و با رونوشت دادن به تشکلات مستقل کارگری داخل کشور و حتی اتحادیه های بین المللی ، خود بخود به آنها اطلاع می داد که دیگر ایشان نقشی در هیات مدیره سندیکا ندارد و دیگر نیازی نبود که به تخلفات مبهم و این که کسی نباید به ایشان کمکی نماید ، اشاره کند . اگر هنوز اطلاعیه سندیکا مبنی براینکه اخبار سندیکا تنها از سایت سندیکا اعتبار دارد ، چرا اخباری از گوشه و کنار و حتی توسط برخی از اعضای سابق سندیکا مبنی بر بردن اسناد سندیکا به خارج و روابط منصور اسانلو با مریم ضیاء توسط منصور حیات غیبی عضو هیات مدیره منتشر می گردد ، اما خود سندیکا عکس العملی نشان نمی دهد تا علاوه بر حفظ حرمت خصوصی ، انتشار شایعه اختلافات فراوان چند سال گذشته هیات مدیره پخش و نگرانیها را افزایش دهد !
نقد بر هیات مدیره سندیکا ابتدا گفته شد زیرا که آنها نقش جمعی و مهمتری نسبت بهر عضو سابق دارند ، اما بدون فراموش کردن سابقه درخشان منصور اسانلو بعنوان رییس هیات مدیره و یکی از مجموعه نمایندگان سندیکا ، باید گفت که ایشان نیز می توانست و باید که حرمت مبارزه کارگران و به ویژه رانندگان اتوبوسرانی را که با حمایت خود موجب تحرک و مشهور شدن اعضای هیات مدیره شدند ، را داشته و از کشور خارج شدن را به وسیله ای برای شنیدن صدای همکارانش مبدل می کرد . اسانلو نمی بایست به انتقادهای یکطرفه در سایت خود دست بزند ، وی می تواند بهترین نماینده کارگران مبارز در خارج کشور را داشته باشد ، امری که حداقل کارگران شرکت واحد به آن نیاز داشتند تا کسانی خود را نماینده آنها قلمداد نکنند . اسانلو و دیگر کارگران مبارز و آگاه باید بدانند که چهره شدن در میان کارگران نباید به قهرمان پروری تبدیل گردد ، امری که در میان سوسیال دموکراسی متداول است . هر کارگر آگاه محصول مبارزات تعداد زیادی از کارگران هستند و بدون آنها جز گذشته آنها چیزی باقی نمی ماند . لذا اسانلو دو راه در پیش دارد یا با برقراری رابطه درست با همکاران سابق خود که آنها نیز باید چنین کنند ، تا مبهمات را حل نموده و دست و صدای سندیکا در خارج کشور گردد و یا اینکه نقش دموکراتیک را دنبال کند که بازهم می تواند کمکی برای کارگران باشد . آنچه مهم است اینکه اسانلو و برخی از اعضای سندیکا نباید تیشه به ریشه نهادی بزنند که هنوز ایده آل بسیاری از کارگران است و از نقد خودشان هیچ ابایی نداشته باشند که کارگران براحتی ضعفهای فردی را فراموش می کنند ، چراکه در زندگی کارگری فراوانند .
وظیفه مهم اعضای سندیکا سازماندهی حرکتهای اعتراضی جدید کارگران شرکت واحد است که تحت تاثیر حرکتهای گذشته تعداد بیشتری کارگر آگاه و مبارز تربیت کرده که قادرند ضمن پالایش سندیکا از ضعفهای گذشته بطرف جلو و تامین خواسته های کارگران واحد خود حرکت نموده و چه بسا حرکت خود را با کارگران واحدهای دیگر هماهنگ کنند . انتشار اخبار کارگری و مقالات آموزشی و تئوریکی همچون گذشته باید بدون واهمه از سرکوب نیروهای امنیتی منتشر گردند ، وگرنه سایت بدون آنها شکل منفعل خواهد گرفت . این موضوع سبب میل به مبارزه بیشتر کارگران شرکت گردیده و آنها باور خواهند کرد که اگر دوباره نتوانستند دور هم جمع شده و انتخابات مجددی که لازمست داشته باشند ، اما نمایندگان آنها با وجود سختی و تلفات فراوان بکمک اعضای فعال جدید هنوز وظیفه خود را تا فرصت انتخابات بعدی کارگران انجام می دهند . هیات مدیره سندیکا می تواند و باید نقش جدید را پذیرفته و با تحرکی که ایجاد خواهد کرد ، فرصت کوبیدن آنها توسط سوسیال دموکراسی را محو خواهد کرد تا ثابت کند که کارگران آگاه بدلیل وسعت و دامنه پراتیکی موجود ، زمان ندارد تا همچون برخی از سوسیال دموکراسی بی پراتیک برگرد خاکستر شعله های سوخته فرصت سوزی کنند و خود را مشغول بررسی نامحدود

اخراج منصور اسانلو نمایند .
انتقادهای فراوانی بر اخراج منصور اسانلو از هیات مدیره سندیکا در سایتها منتشر گردید که بدلیل تعداد زیاد همگی آنها مطالعه نگردید ولی به تیترها توجه شد ، از میان آنهایی که بررسی گردید روشن شد که هرکدام نکات مثبت و منفی موضوع را بیان کرده و بسته به مواضع فردی و یا گروهی به نتیجه گیریهای مختلفی رسیدند . گرچه تشکلات مستقل داخلی جز کمیته هماهنگی نظری ندادند که شاید بدلیل خاموش کردن فتیله چراغ باشد که اکنون خیلی داغست ، اما امید می رود که از آن درس گرفته شود . گروههای سیاسی نیز بشکل سازمانی جوابی ندادند ، اما افرادی از آنها بهمراه منفردینی که سابقه ای در حرکتهای کارگری و گروههای چپ داشتند به انتشار مقالاتی دست زدند که بیشتر به گذشته و نوع اخراج پرداخته و کمتر به آینده و سازماندهی گسترش مبارزات کارگران نگریستند . از میان آنها تنها به دو بررسی پرداخته می شود ؛ یکی مربوط به مصاحبه بهرام رحمانی با محمود صالحی که یک فعال کارگری داخل است و دیگری انتشار مقاله مینا فرخنده چون در سایت سندیکا منتشر شده است .
محمود صالحی که خود محصول مبارزات کارگران استان کردستان است و رنجهای فراوانی در اینراه داشته ومبارزاتش بکمک همراهانیمنجر به یک تشکل مستقل شده است در دو مصاحبه شرکت کرد که یکی از آنها با بهرام رحمانی بود که شخص اخیر جوابیه ای را برای مقاله مینا فرخنده نیز منتشر نمود . در مقالات گذشته یادآوری شده بود که کارگران مبارز که در صف اول مبارزه طبقاتی قرار دارند باید که از حاشیه ها جلوگیری کنند ، کاری که هیات مدیره سندیکا نیز نکرد . ارزش حرکت محمود صالحی نه تنها در مبارزات کارگران سنندج است ، بلکه وظیفه ایشان در مورد کمیته حمایت از رضا شهابی نیز مورد قدردانی است . حاشیه ای که توسط فردی ؛ که بقول یکی از اعضای سابق سندیکا خودرا بین دو پلیس قرار داده و از آنها می پرسد مرا کجا میخواهید ببرید و اخیرا با کپی از آثار مارکس و لنین و ترکیب آنها با تحلیلهای بی سرانجام و نامفهوم خود سایتها را مشغول خود کرده است ، ایجاد شد که منجر به مقالات بیهوده ای بین وی و فرد دیگری که در خارج کشور هست گردید تا آنها به لطف مبارزه کارگران داخل کشور به گردگیری بایکدیگر بپردازند که خوشبختانه بنظر رسید که کنترل گردید .
چنین حاشیه هایی توسط برخی کمیته های حمایت از کارگرانی همچون شاهرخ زمانی و بهنام ابراهیم زاده هم ایجاد می شود که بجای تمرکز در حمایت از این کارگران به کارهای سیاسی دیگر و برخی شعارها می پردازند . زمانیکه ابراهیم زاده ها و زمانی ها از درون زندانها مبارزه جویی خود را اثبات می کنند ، تمرکز باید به گفته آنان سازماندهی کارگران باشد .نامه اخیر سراسر مبارزه جویی شاهرخ زمانی از زندان نیز که با شجاعت تمام چنین نامه تهور آمیزی نوشته و از سوسیالیسم دفاع می کند ، هشداری است به کسانی که حمایت آنها را بدست گرفته اند ، گرچه در این نامه تحلیلهایی با تکیه بر شعارهایی ذکر شده اما وی باید بداند وظی بیرون از زندانش اهمیت بیشتری دارد .برخی از اعضای سابق سندیکا و فعالین کارگری نیز از خود بینیهای اسانلو در گذشته گفته اند ، که چرا در گذشته آنها را بیان نکرده و و اقدامی در جهت رفع ضعفها نشده ، قابل توجیه نیست که در فرصت بدست آمده ، کاسه را داغتر از آش نمایند ، گرچه ضعفها باید رفع شوند .
نکته ای که در سخنان محمود صالحی در مصاحبه و مقاله مینا فرخنده مشترک است ، اینکه رییس و هیات مدیره به توسط کارگران در مجمع عمومی برای مدت محدودی برگزیده می شوند ، باوجودیکه در اساسنامه نحوه عضویت روشن است اما چون در اساسنامه ذکر نشده که اخراج رییس یا هر عضو هیات مدیره به مجمع عمومی بستگی دارد ، نتیجه متفاوتی هرکدام گرفته اند که محمود صالحی شرط اخراج را تایید مجمع عمومی دانسته و مینا فرخنده چنین شرطی را جایز ندانسته است . آنچه قابل قبول نیست اینکه بخشی از مقاله مینا فرخنده بدون توجه به نکات درست مصاحبه به گردگیری گذشته خود و گروهی پرداخته که به آن وابستگی دارد و تلاش کرده نقدی که به اخراج رییس هیات مدیره مربوط است به وابستگی فکری محمود صالحی و بهرام رحمانی وصل کند که به موضوع ربطی ندارد . از طرف دیگر محمود صالحی نیز حضور مجمع عمومی را ضروری می داند که خود چندی پیش تاوان جلسه مجمع عمومی گروه خود را داد که هنوز اعضایش درگیر نیروهای

امنیتی بوده و بدلیل شناسایی و کنترل کمتر از گذشته قادرند به سازماندهی کارگران بپردازند . روشن است اگر امکان مداوم مجمع عمومی ممکن بود ، اصولا اعضای غیرفعال و دارای کژی از هیات مدیر کنار گذاشته شده و حرکتهای اعتراضی با سرعت بیشتری بجلو می رفت .
اگر از نکات مثبت و منفی مصاحبه و مقاله گذر شود ، جوابیه رحمان بهرامی که ضمن کوبیدن متقابل مینا فرخنده ، تلاش کرده تا محمود صالحی را برای جواب تندتری برانگیزد ، قابل بررسی و تاسف است ، که خوشبختانه با هوشیاری محمود صالحی به نتیجه نرسیده است . اما چرا بهرام رحمانی اگر قرار است جوابی دهد بجای پرداختن به موضوع بجز چند خط مقاله طولانی خود ، بخشی را به کوبیدن مینا فرخنده و در ادامه بخش بیشترش را به دونفر دیگر از گروههای سیاسی که ربطی به سندیکا و مبارزات کارگران ندارند ، اختصاص می دهد ، به روحیه سوسیال دموکراسی و عدم پراتیک برمی گردد . آیا خود ایشان و بسیاری دیگر از افراد گروههای سیاسی که به نقد اخراج منصور اسانلو پرداخته اند ، از دموکراسی درون گروهی خود و اینکه چرا اینهمه جدایی ها و انشعابات پیش آمده نقدی نموده اند ، امید است که نقد اخراج حداقل وجدان نقادان را در مورد گروههای خود نیز بصدا درآورده و مقالاتی در آن موارد منتشر گردند تا عملکرد درون گروههای سیاسی و نقش هیات مدیره های آنها نیز روشن گردد . آیا آنها از خود سوال کرده اند که باوجود اینهمه سازمانها و احزاب کمونیستی ایرانی چرا هنوز تعداد نهادها و تشکلات مستقل کارگری اندک است و سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران ، انجام نمی گردد و این موضوع چگونه به پراتیک درون طبقه مربوط می گردد ! گرچه بدون این انتقاد و پراتیک نیز حق همه افراد دلسوز و گروههای سیاسی است که نظر دهند ، اما چرا این نظریات با درگیریهای سیاسی و تئوریکی آنها توام شده و حتی الویت می یابد !
چرا از طرف کسانیکه پیشتر مبارزات سندیکای واحد را سندیکالیستی و انحرافی می دیدند ، حال تلاش کرده که با پشتیبانی کردن از یک طرف ، سوی دیگر را کوبیده و موضوع را انحرافی بدانند ؟ چرا تلاش شده که سابقه درخشان اسانلو و دیگر اعضای هیات مدیره سندیکای شرکت واحد زیر سوال برود که آری از ابتدا آنها به سولیداریتی سنتر و اتحادیه های کارگری وابسته و لذا انحرافی بودند ؟ مگر پیش از این اعضای هیات مدیره سندیکا باهم یکی نبودند و قصد نداشتند فریاد دادخواهی خودرا به آی ال او بدلیل مذاکراتشان با مسولین دولت برسانند و مگر چه اطلاعاتی داشتند که برخی از آنها سوء استفاده نکنند ! آموزش مارکس انتقاد را در پراتیک قابل قبول می داند و لذا هرکسی که دلش با طبقه کارگریست که فریاد کمک خواهی آنها هر روزه بلند است در پراتیک درون طبقه ثابت کند که چه اندازه انتقادشان برای حرکت کارگری و ایجاد جنبش کارگری است .
اخیرا مقاله گزینه های جنبش کارگری در ایران به قلم محمد مالجو منتشر شده که ضمن ارائه آماری بسیار مفید به نتیجه گیری اشتباهی رسیده اند . ابتدا باید گفت به اعتراضات گسترده کارگران بدون سازماندهی شده را نمی توان جنبش کارگری نامید و در ادامه اضافه کرد تا این سازماندهی و جنبش کارگری ایجاد نگردد ، بقول ایشان بحث شرکت فعالان کارگری پیشرو را در منازعات جناحی رژیم و اپوزیسیون انجام داد . ایشان در انتهای مقاله تحلیل می کند ؛ در شرایطی که میان مدافعان سلسله مراتب های سیاسی موجود از یک سو و کلیت دگرگونی طلبان از دیگر سو نوعی عدم توازن قوا به نفع اولی ها و به زیان دومی ها در صحنه ی سیاست ایران برقرار است ، نه مدافعان تغییر شیوه ی حکمرانی و نه هواداران دگرگونیهای ساختاری هیچ یک به تنهایی در برابر مدافعان صرفا تغییر مناصب سیاسی چنان که باید و شاید قوی نیستند که منازعه را به نفع خود جلو ببرند . این دو گروه کماکان به یکدیگر نیازی دو سویه دارند ، یکی برای ممانعت از حذف تمام عیار خویش از صحنه ی سیاست ایران به یارگیری گسترده تر در طبقات اجتماعی نیاز دارد که تاکنون در نقش طبقاتی خود به منازعه وارد نشده اند ، دیگری به امکانات لجستیک در زمینه ی پشتیبانی سیاسی و رسانه ای و مالی تا پتانسیل های خود را از قوه به فعل برساند . فعالان کارگری پیشرو با طراحی مسیری برای حرکت بسوی دگرگونیهای ساختاری اما مشارکت در منازعه ای که طرفداران تغییر شیوه ی حکمرانی دنبال می کنند ، می توانند فرصتهایی برای تشکل یابی طبقه ی کارگر فراهم بیآورند . اگر

فرایند منازعه نهایتا بسود طرفداران تغییر شیوه ی حکمرانی رقم بخورد ، تفاوت طبقه ی کارگری که در انتهای این فرایند زاده خواهد شد با طبقه ی کارگری که در ابتدای این فرایند به چنین منازعه ای وارد شده بسته به نحوه ی استفاده از فرصتهایی که در این مسیر بدست می آید در درجه ی تشکل یافتگی اش خواهد بود .همین عامل درجه ی تشکل یافتگی طبقه ی کارگر از عوامل مهمی است که میزان موفقیت یا شکست در پروژه ی تحقق دگرگونیهای ساختاری در سطح ملی را به سهم خود تعیین می کند . ایشان که تلاش کردند موضوع ساده درگیری جناحی و اپوزیسیون را با استفاده از کلمات دقیق و با پیچیدگی توضیح دهند ، فراموش کرده اند که اکنون تنها درگیری جناحی اصولگرایان با یکدیگر در حال رخ دادن است و رفسنجانی و سران اصلاح طلب نقش حاشیه ای دارند ، اما اصولگرایان در پی تثبیت موقعیت جناحی خود بوده و رفسنجانی و سران اصلاح طلب با تعداد کمی از اصولگرایان در پی تغییر شیوه ی حکومتند . در عین حال اپوزیسیون قدرتمند خواهان تغییر ساختار وجود ندارد که بخواهد نقشی را در میان آنها بازی کرده ، مگر آنکه دنبالچه یکی از جناحها گشته و یا امید به قدرتهای بزرگ داشته باشد . در این میان آگاهان کارگری و فعالان بدون پشتیبانی بدنه طبقه کارگر سازماندهی شده که توان تغییر در قانون کار و یا تغییر دستمزد برای رسیدن به خط فقر نیستند ، نه تنها قادر نخواهند بود نقشی در این تغییر داشته باشند ، بلکه در صورت ورود به منازعه ی جناحی تنها به سیاهی لشگر و پیاده نظام آنها تبدیل خواهند شد .

اخبار همچنان از گسترش اعتراضات کارگران حکایت دارد از جمله سفر مجدد تعدادی از نمایندگان کارگران نی ریز است که بسختی هزینه مسافرت به تهران و پیگیری کارشان را می پردازند و با شهامتی که کردند مجلس ضد کارگری را مجبور کرده اند که وقت خود را به بررسی مشکلات آنها بدهند . حتی اگر اینکار مدتها طول بکشد و جوابی از دولت و مجلس به کارگران داده نشود ، آیا کارگران نی ریز چاره ای دیگر دارند جز اینکه همچنان پیگیر باشند ! کارگران پیمانکاریهای مجتمعهای پتروشیمی منطقه بندر امام همچنان درگیر رسمی شدن بوده و نمایندگان آنها برای جلوگیری از سرکوب و همچنین رسیدن به خواسته های خود مجبورند بیانیه ای بدهند که کارشان تنها اقتصادی بوده و ربطی به سیاست ندارد . اجازه راه پیمایی به گرد آوران نامه های ۳۰،۰۰۰ امضای کارگران در رابطه با قانون کار و دستمزد ، داده نشده و نیروهای امنیتی تهدید کرده اند که بدلیل انتخابات هیچگونه مجوز راه پیمایی را نخواهند داد ، اما مگرآنها می توانند جلوی تجمعات انبوه کارگران را جلوی ادارات دولتی و مجلسی بگیرند و این کاریست که باید مدام صورت گیرد . کارگران که سختی فراوان و گاها با حداقل حقوق بازنشسته می شوند ، با افزایش ۱۸ درصدی حقوق چگونه قادر به ترمیم تورم افسر گسیخته هستند و آیا چاره ای جز تجمع و اعتراض دارند ؟ اخراج کارگران قراردادهای موقت در پایان سال بیشتر شده و آیا چاره ای جز تجمع و اعتراض برای آنها وجود دارد ؟ آیا نباید همه کارگران آگاه و فعالین و کسانی که مدعی رهبری طبقه کارگرند ، پراتیک را بر حاشیه ها الویت داده و تلاش کنند تا از پس فضای مناسب اعتراضات گسترده کارگران به قانون کار ، دستمزد ، حقوق عقب افتاده ، بیمه ، بازنشستگی و سایر موارد به سازماندهی آنها پرداخته و در تداوم مبارزه به ایجاد نهادهای قدرتمند کارگری بپردازند ؟

گروه پژوهش کارگری بهمن ۱۳۹۱

پیوستها

پیوستها
www.syndicavahed.asia
www.syndicavahed.asia
kanoonmodafean1.blogspot.ca
kanoonmodafean1.blogspot.ca
www.etehadyh.com
www.etehadyh.com

www.khamahangy.com
www.etehad.se
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir
www.ilna.ir

www.syndicavahed.asia

برکناری منصور اسالو از ریاست هیئت مدیره سندیکا

1391/11/02 ساعت 17:59:33

از : سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

به : فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل (ITF)

موضوع : برکناری منصور اسالو از ریاست هیئت مدیره سندیکا

احتراما" سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه اعلام می دارد ؛
منصور اسالو را به علت انجام تخلفات متعدد و عدم پایبندی به تعهدات خود و نادیده گرفتن هشدارها و اعتراضات درونی سندیکا ، از ریاست هیئت مدیره برکنار کرده و از این تاریخ هیچگونه سمت و مسئولیتی در این سندیکا ندارد و از آن نهاد کارگری خواستار قطع همه ارتباطات ،همکاری ها و حمایتها از نامبرده می باشد.
یادآوری می شود سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه هیچ نماینده وسخنگویی در خارج از کشور ندارد.
با امید به گسترش صلح ،عدالت و صداقت در همه جهان
سندیکای کارگران شرکت واحد
اتوبوسرانی تهران و حومه
دوم بهمن یک هزاروسیصد و نود و یک

رونوشت:
- سازمان جهانی کار (ILO)
- کنفدراسیون بین المللی اتحادیه های آزاد کارگری (ITUC)
- کنفدراسیون کارگران فرانسه (CGT)
- کلیه اتحادیه ها و نهاد های کارگری داخلی و بین المللی

www.syndicavahed.asia

در دفاع از اطلاعیه سندیکا (مینا فرخنده)

1391/11/22 ساعت 20:12:11

آقای محمود صالحی به اتفاق جمعی از مخالفین سندیکا و هیئت مدیره اش خواهان برگزاری مجمع عمومی شده اند. چنین خواستی از طرف فعالین خارج از کشور قابل فهم است، اما وقتی از طرف یک فعال کارگری در داخل کشور مطرح می شود،...

از زمان صدور اطلاعیه 1 هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد که رو به سازمان اتحادیهٔ جهانی حمل و نقل "ای ت اف" نوشته شده بود تا کنون ما شاهد برخوردهای متفاوتی بوده ایم. در بعضی مقالات و همچنین در مصاحبه ای که آقای بهرام رحمانی با محمود صالحی داشته اند، سعی در اثبات خاطی بودن سندیکا و هیئت مدیره آن شده است. قصد من در این نوشته با پرداختن به آنها، بررسیشان و اثبات قابل دفاع بودن کلیت اطلاعیه هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد است.

قبل از هر چیز میبایست به یک سوال پاسخ بدهم. در پی نوشتن مقاله قبلیم "از سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه حمایت کنیم"1 آقای محترمی سوال کرده بودند که از کجا انقدر مطمئن نظر میدهم، آیا اطلاعاتی دارم...

آقای محترم هر کس می تواند از بدو تشکیل یک تشکل کارگری و یا هر جریان دیگری، حرکت آن را از طریق اخبار مربوط به آن و خواندن مقالاتی که در آن رابطه نوشته می شود، دنبال کرده و از این طریق با آن جریان آشنا شود، در این صورت تا حدودی می تواند متوجه تغییر و تحولات آن بشود، البته پیش شرطش نبود پیش داوری و غرض ورزی است و اگر نه با نادیده گرفتن بعضی مسائل امکان اشتباه ما بیشتر می شود.

حال به اصل مطلب می پردازم. خواندن نوشته های مخالفین سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه و هیئت مدیره این سندیکا مرا بیاد " درخت مراد" نیما یوشیج انداخت، در آن داستان کوتاه نیما نشان می دهد که چگونه یک درخت معمولی خشک شده می تواند با توسل به خرافه و بتوسط خرافه پرستان به یک درخت مراد دهنده تبدیل بشود. داستان از این قرار بود که باد دستمال کسی را، در راه سفر از ولایتی به ولایتی دیگر می برد و آن دستمال به یکی از شاخه های خشک درختی در کنار راه گیرکرده و آویزان می ماند. برخی ازعابرین که این داستمال را روی شاخه می بینند، آن درخت را درخت مراد دهنده می پندارند. خبر وجود یک درخت مراد دهنده در ایالات می پیچد و از آن پس خیلی ها به هوای بستن دستمال به شاخه های آن درخت و به امید گرفتن مراد خود به آنجا مراجعه می کردند. در این داستان اگر یک درخت خشکیده در اذهان مردم به درخت مراد تبدیل شد، اما در نوشته های مخالفین سندیکا سعی شده که نهال امید ما با توسل به غرض ورزی ها و تحریف ها به درختی خشک و بی بار بدل شود. احتمالا اگر امروز زنده یاد نیما زنده می بود، پایه آن داستان را نه بر انتقاد از خرافه پرستی و نادانی بلکه بر انتقاد از مغرضان و غرض ورزی هایشان قرار می داد.

در اینجا من برای بررسی نقد مقالات مخالفین اطلاعیه سعی کرده ام مقالات و نوشته هایی که نکات مطرح شده در آنها عمومیت بیشتری داشته و همچنین محتوایشان هم تکراری نبوده را انتخاب بکنم.

در شروع به بررسی مصاحبه 1 آقای بهرام رحمانی با آقای محمود صالحی می پردازم. اینکه سوال های آقای بهرام رحمانی کاملا جانب دار و هم گرایش با آقای محمود صالحی است، لزومی به بررسی ندارد. حتی خوشدلترین آدمها هم از همان جملات اول به مغرضانه بودن سوالات ایشان پی می برند. در مصاحبه خود آقای صالحی می گویند" مراحل اساسنامه ای در این اطلاعیه (یعنی اطلاعیه برکناری اسانلو از هیئت مدیره سندیکا "توضیح داخل پرانتز از خودم است.") رعایت نشده و اعضای شرکت کننده مجمع عمومی هستند که اقدام به عزل و یا انتخاب هیئت مدیره و بازرسان جدید را می کنند و در هیچ کجای وظایف مشاهده نمی کنید که هیئت مدیره اختیار عزل و انتخاب رئیس یا نایب رئیس را داشته باشد، مگر در مجمع عمومی"

اگر صحبت های آقای صالحی سوال برانگیز است، مقصر من نیستم. آخر کجای اساسنامه 2 آمده که رئیس هیئت مدیره را مجمع عمومی انتخاب می کند! بر خلاف آنچه که شما می گویید در ماده 17 آمده است " اعضاي هيات مديره در اولين جلسه اي كه حداكثر 15 روز پس از قطعي شدن انتخابات تشكيل مي شود از بين خود يك نفر را به عنوان رييس، يك نفر نايب رييس، يك نفر دبير ، يك نفر خزانه دار و يك نفر را به عنوان مسئول روابط عمومي انتخاب مي كند و ..." در ضمن آیا در جایی از اساسنامه آمده است که هیئت مدیره که خود می بایست رئیس خود را انتخاب کند، حق ندارد دوباره رئیس خود را برکنار بنماید؟! شما هر وقت اساسنامه نوشتید می توانید در آن تبصره یا ماده ای بیاورید که هیئت مدیره ای که شما را برای ریاست خود انتخاب کرد، دیگر حق گرفتن مقام ریاست از شما را نداشته باشد، اما در اساسنامه شرکت واحد چنین چیزی نیامده است. ماده 11 در رابطه با وظایف مجمع عمومي سيزده بند دارد که بند چهارم و هشتم آن عبارت هستند از" انتخاب اعضاي هيات مديره، بازرسان و عزل انفرادي يا دسته جمعي اعضاي هيات مديره و بازرسان." آخر کجای این بندها به این

معنی است که هیئت مدیره حق برکناری رئیس خود را ندارد؟ اگر این تحریف اساسنامه نیست پس چه است؟! از کی تا بحال کار شورایی به معنی این است که آنها که رئیس خود را انتخاب می کنند؛ حتی در صورت تخلفات و وجود مشکلات... دیگر حق برکناریش را ندارند. آیا می بایست هیئت مدیره بسوزد وبسازد؟ احتمالا عقدشان در آسمان ها بسته شده و کسی اجازه نقضش را ندارد. آقای صالحی به هیئت مدیره سندیکا اجازه یک بار رای گیری و انتخاب رئیس شان را می دهند و دیگر هیچ اختیاری برای هئیت مدیره قائل نیستند! در جایی دیگر گفته اند "هیچ عضوی را جز با تصویب مجمع عمومی نمی توان از سندیکا اخراج کرد." معلوم نیست که این اظهار ایشان چه ربطی به اطلاعیه سندیکا و هیئت مدیره اش دارد. در کجای آن اطلاعیه صحبتی از اخراج یک عضو بود!؟ برکناری رئیس هیئت مدیره کجا و لغو عضویت کجا! اینجا قضیه همان درخت آرزوی جعلی است. به قول معروف "چیزی می گیم یا میگیره یا اینکه نه..."

اگر این اختراعات آقای صالحی در حد خود ایشان محدود بود و متعلق به هیچ گرایشی نبود و طیفی را در بر نمی گرفت، اصلا لزومی هم به نقد، بررسی و سوال نمی بود، اما این شیوه را تقریبا تمام مخالفین سندیکا و هیئت مدیره آن بکار برده اند. بطور مثال آقای سعید آوا که نظر خود را در یک بسته بندی خیلی منطقی و اصولی مطرح کرده اند، می نویسند "اطلاعیه دوم بهمن هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد مبنی بر اخراج آقای اسانلو"1 ایشان هم برکناری آقای اسانلو از ریاست هیئت مدیره را به تحریف اخراج او از سندیکا قلمداد کرده اند.

در ضمن آقای صالحی هم مثل خیلی ها، بعضی از مفاد اساسنامه را که به صرفه شان نبوده نادیده گرفته اند. البته این برخورد انقدر رایج است که به نظر طبیعی میاید، مثلا خیلی طبیعی است که شما ماده 8 را ندیده باشید. در آن ماده آمده " به هريك از اعضاء كه مدت 3 ماه بدون عذر موجه از پرداخت حق عضويت خودداري كند از طرف خرانه دار كتباً اخطارداده مي شود . درصورتي كه حداكثر ظرف مدت 3 ماه پس ار اخطار كتبي ،عضو مورد نظر اقدام به پرداخت حق عضويت نكند عضويت وي به شكل تعليق در مي آيد و پذيرش دوباره وي با راي مجمع عمومي خواهد." جل الخالق این ماده درست برخلاف نظر شما ست. همچنین در ماده 18 تبصره یک "غيبت در سه جلسه متوالي يا 5 جلسه متناوب، بدون ارائه عذر موجه به ديگر اعضاي هيت رييسه و بازرسان كه مانع انجام وظيفه هريك از اعضاي هيات مديره شود، موجب استعفا از سمت عضويت در هيات مديره خواهد بود و عضو يا اعضاي علي البدل كه به ترتيب بيشترين آرا را در مجمع عمومي كسب كرده اند جانشين عضو يا اعضاي مستعفي خواهند شد." ديگر اينكه در تبصره 2 " كليه اسناد و اوارق بهادار و تعهد آور نزد مستعفي حداكثر ظرف مدت يك هفته بايد به هيات مديره عودت داده شود ورسيد كامل با امضاء و مهر هيت مديره سنديكا به او داده" و يا در تبصره 3 " تشخيص موجه يا غير موجه بودن عذر به عهده هيات مديره و بازرسين اصلي خواهد بود."

آیا کسی در هیچ کجای این مواد و تبصره ها اسمی از مجمع عمومی و برگزاریش مشاهده می کند؟

آقای محمود صالحی به اتفاق جمعی از مخالفین سندیکا و هیئت مدیره اش خواهان برگزاری مجمع عمومی شده اند. چنین خواستی از طرف فعالین خارج از کشور قابل فهم است، اما وقتی از طرف یک فعال کارگری در داخل کشور مطرح می شود، جای شگفتی دارد. مثل معروفی می گوید یک سوزن به خود بزن و یک جوالدوز به دیگران؛ هر وقت آقای صالحی در همین روزها فراخوان مجمع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری را دادند و از طرف همه اعضا هم به این فراخوان پاسخ مثبت داد شد، بعد می توان از سندیکای شرکت واحد یک همچین تقاضایی کرد. با وجود این احوال در ماده 10 تبصره 2 آمده است " در صورت خودداري هيات مديره از دعوت مجمع عمومي، با دعوت دو سوم بازرسان و يا با تقاضاي كتبي يك سوم اعضا و با امضاي مشخص متقاضيان با صدور دعوتنامه اي كه به اطلاع عموم اعضا رسيده باشد نسبت به دعوت براي مجمع عمومي و تشكيل آن اقدام كنند."همانطور که در این ماده روشن است، حتی اگر هم این بدبینی و شکی که برخی مخالفین نسبت به هیئت مدیره سندیکا دارند به جا بدانیم، اساسنامه سندیکای شرکت واحد دست اعضا و بازرسان را برای فراخواندن مجمع عمومی باز گذاشته است. یعنی اینکه لزومی به نگرانی آقای صالحی و آقای ناصری از اقدام ضد آزادیخواهی سندیکای شرکت واحد نیست، چرا که بغیر از شرایط سرکوبی

که رژیم جمهوری اسلامی مسبب آن است، هیچ مانع دیگری برای تشکیل مجمع عمومی وجود ندارد، هر آن شرایط مهیا باشد و اعضای سندیکا لازم بدانند در اساسنامه سندیکا با دقت تمام، آزادی اعضا برای فراخواندن مجمع عمومی در نظر گرفته شده است.

در ادامه مصاحبه آقای صالحی با بهرام رحمانی از آنجا که هیچ ربطی به جنبش کارگری ندارد و فقط مسائل شخصی ایشان مورد گفتگو بوده، نوشته را با بررسی مقاله آقای بهروز ناصری تحت عنوان "دوباره در باره برکناری آقای اسانلو و پاسخی به بعضی موضعگیری ها"1 می پردازیم. آقای بهروز ناصری لطف کرده و می گویند: هر جا اعتصابی از طرف سندیکا فراخوانده شود از آن اعتصاب حمایت خواهند کرد. در عین حال سندیکا و هیئت مدیره اش را محکوم به "اقدامات ضد آزادیخواهی"می کنند. آقای ناصری شما به جای حمله به کارگران عضو سندیکای شرکت واحد و هیئت مدیره ایشان بهتر بود نیش حمله خود را متوجه رژیم می کردید. آزادی را نه سندیکا، نه اساسنامه اش و نه هیئت مدیره هیچ کدام سلب نکرده اند. سنت شورایی همانطور که می بینید بطور مثال در ماده 10 تبصره 2 بخوبی در نظر گرفته شده است. می بخشید، اما مثل اینکه اشکال اینجاست که شما سوراخ دعا را گم کرده اید. این رژیم دیکتاتوری جمهوری اسلامی است که سرکوب کننده سنت شورایی است نه سندیکا و متاسفانه دوستی شما با سندیکا همانند دوستی خاله خرسه شده است.

در آخر به طور خلاصه به دو مقاله آقای همایون جابری با نامهای " فرجام یک غرور- نگاهی به تصمیم گیری هیئت مدیره سندیکای واحد"1 و " بگذار منصور اسانلو سخن بگوید"1 می پردازیم. ایشا ن از وقایع می گویند و بعد هم نظراتی از خود ارائه می دهند. مثلا " دو/ رفتارامروز سندیکا شرکت واحد ناشی از دیسیپلین نهادینه شده در کل امورات آن است." ایشان از سنتها و فرهنگی می گویند که خود اسانلو ایجاد کننده آن بوده و این سنتها را غلط ارزیابی می کنند. هر دو مقاله به وضوح نمایانگر این است که ایشان فکر می کنند هر چه حق بجانب تر از دیگران حسابرسی بکنند و برای دیگران "جنسیت" تعیین کنند، همانقدر محق تر و در نتیجه از فرهنگ و سنت بالاتری برخوردار هستند. سوال من از آقای جابری این است شما که از نظر خودتان کلی اطلاعات در اختیار خواننده قرار داده اید، آیا با آقای شهابی که تازه آزاد شده اند و یا با آقای مددی ملاقاتی داشته اید؟ اطلاعات جدیدی دارید یا که همان اطلاعات کهنه را به رخ ما بی اطلاعان می کشید، قصد شما چه است، می خواهید خود را ثابت بکنید؟ عالم و آدم را زیر چوب تازیانه گرفتن، این است فرهنگ کارگری شما! به هر حال همانطور که نوشتم اطلاعیه سندیکا و همه تصمیمات گرفته شده از طرف هیئت مدیره منطبق با اساسنامه می باشد. شما که خود را عضو سندیکا اعلام می کنید و با اینهمه اطلاعاتتان می بایست اساسنامه خود را بهتر از من می شناختید. طبق اساسنامه ای که خودتان یک زمانی قبولش داشتید رئیس برکنار شده می بایست تمام مدارک و وظایف را تحویل بدهد و برای این کارهم یک وقت معین یک هفته ای تعیین شده. یکی از کارهای رئیس هیئت مدیره روابط خارجیش با ای ت اف بوده و می بایست به هیئت مدیره تحویل بدهد. سوال من از شما این است که همه اینها چه ربطی به فرهنگ و سنت و ... دارد؟ شما می گویید "این سنت به اینجا رسیده است که در زمانیکه خود اسالو نیست همین کار را انجام دهند و خود ایشان در ساختن این فرهنگ بسیار مسئولند زیرا ما شاهد بودیم در جلسه ای که به او انتقاد میشد سریع به طرف میگفت تو اطلاعاتی هستی" این صحبتهای شما در اینجا ربطش به مسئله مشخص تحویل گرفتن همه وظایف رئیس برکنارشده هیئت مدیره چیست. آیا به غیر از این است که شما به اعضای هیئت مدیره تهمت بی فرهنگی و بی سنت بودن را می زنید، آیا سندیکا و هیئت مدیره اش دچار بی فرهنگی هستند، نمی فهمند که این حق هر کارگر عضو سندیکا است که از سازمان های مدافع حقوق کارگران برای حمایت از خود کمک بخواهد، شما با این بدبینی و پرخاشگری مزمن خود از فرهنگ والا دم می زنید و می خواهید با سنت غلط مبارزه بکنید! اگر تمام اظهارات و اطلاعات آقای جابری را در هر دو مقاله در کنار هم قرار بدهیم، با یک من سریش هم به هم نمی چسبند، آقای جابری از نوشتن دو مقاله چه قصدی داشتید، قصد به رخ کشیدن اطلاعات سوخته، شما بدون رعایت هیچ اصول فرهنگی و اخلاقی، بدون هیچ ارزیابی اصولی هر چه دلتان خواسته است گفته اید، چرا؟

ایشان می گویند" سوال این است که چگونه نهادهای ایرانی با داشتن سابقه هشتاد ساله و جریانات بسیاری مثل فدایی، مجاهد، پیکار، حزب کمونیست و رزمندگان و تشکیلات مستقل کارگری در زمینه

سیاست و جنبش کارگری ایران سکوت کرده اند...ونظر پردازان درخارج می توانند و متعلق به یک گرایش سیاسی به خود اجازه می دهند..." این آش شله قلمکار سازمان های سیاسی که بعضا هم هیچ ربطی به جنبش کارگری ندارند، البته می بایست در مسائل جنبش کارگری دخیل باشند، چرا که همه اینها به تشخیص آقای جابری از آنجا که از جنس خود ایشان هستند اجازه حرف زدن دارند. جالب اینجاست که او در جای دیگر کار اسانلو در رابطه با دخالت دادن سازمانهای سیاسی و مربوط کردن آنها را با سندیکا نقد می کند. و اما سوال ایشان از تشکل های مستقل کارگری که چرا آنها سکوت کرده اند! طبق فرهنگ و سنت، آقای جابری هم هر جا واقعیت بصرفشان نباشد، آنرا ندیده می گیرند. آقای جابری نظر شما راجع به حمایت "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری"1 از اطلاعیه هیئت مدیره سندیکا چیست؟ آیا شما از تشکل های کارگری داخل از قبیل کمیته پیگیری، اتحاد آزاد کارگری و کانون مدافعان حقوق کارگران سوال می کنید؟ چرا در جایی با جسارت تمام اسم سازمانهای سیاسی را برده اید، اما برای اسم بردن از تشکل های مستقل کارگری در داخل خجول شده، نام آنها را نمیبرید، مگر شما از جنس اینها نیستید؟

در خاتمه این سوال مهم هم وجود دارد که چرا تشکل های کارگری داخل از جمله کمیته پیگیری، کانون مدافعان حقوق کارگر و اتحاد آزاد کارگران هیچ موضع شفافی در قبال اطلاعیه هیئت مدیره، وضعیت بوجود آمده برای سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه و اقدامات اسانلو ارائه نمی دهند؟ سکوت این تشکل های کارگری در داخل میتواند آنها را زیر سوال ببرد. متاسفانه به تشکل های کارگریی که نسبت به وضعیت تشکل های کارگری دیگر بی توجه و منفعل برخورد می کنند، یا موضع خود را بطور شفاف بیان نمی کنند، نمی توان اعتماد کرد.

mina.farxonde@gmail.com

1- www.ofros.com/etelayee/syndicav_bkmo1.htm

2- www.syndicavahed.asia/index.php

۹ فوریهٔ ۲۰۱۳

در فصل تعیین حد اقل دستمزد
علیرضا ثقفی خراسانی

هر ساله در فصل آخر سال و بیشتر اوقات در روزهاي پاياني سال، حداقل دستمزد يا افزايش دستمزد مورد بحث قرار مي گيرد. اين بخش از تعيين ميزان دستمزد و مزاياي نيروي كار در سال آينده، همواره مناقشه برانگيزترين مساله مورد بررسي بوده است.
كارگران و نمايندگان واقعي آنان هيچ گونه نقشي در تعيين آن ندارند. گويا آنان موظفند آنچه را كه ديگران برايشان تصميم مي گيرند بي چون و چرا بپذيرند.
تعيين كنندگان اين ميزان دستمزد براي كار روزانه، هيچ معيار مشخصي براي تعيين اين قوت لايموت ندارند ....گاه مي گويند معيار آنها حداقل معيشت است كه بارها بطلان آن در نوشته و تحليل هاي مختلف از جانب محافل مستقل كارگري ثابت شده است. حتي خود مقامات رسمي ميزان حداقل معيشت را 3 تا 4 برابر آن تعيين كرده اند. (حداقل حقوق 390 هزار تومان و خط فقر بيش از يك ميليون و چهار صد هزار تومان و در آمارهاي غير رسمي بالاتر از آن) و گاه مي گويند ميزان تورم معيار افزايش دستمزد است كه آن را مستند به قوانين جاري مديريتي مي دانند. (ماده 125 قانون مديريت كشوري) اما در سال هاي اخير اين امر ثابت شده است كه تورم اعلام شده از جانب بانك مركزي هيچ گونه هم خواني با تورم واقعي ندارد. به خصوص كه اين تورم در اسفند ماه همواره كمتر از ماه هاي ديگر اعلام مي شود. اين امر بارها به وسيله آمار مشخص يعني از جانب محافل مستقل تائيد شده است كه تورم اعلام شده در اسفند ماه همخواني با تورم واقعي ندارد .(1)

گاه و بيشتر اوقات براي توجيه پايين نگه داشتن دستمزد چنين استدلالي مي كنند كه افزايش زيادتر آن سبب مي شود تا سودآوري بنگاه هاي اقتصادي پايين آمده و منجر به تعطيلي اين بنگاه ها شود و اين استدلال در حالي است كه آمارهاي رسمي سودهاي افسانه اي براي بنگاه هاي اقتصادي ترسيم مي كنند كه خود جاي بحث مفصل دارد و من در بررسي حداقل دستمزد در سال هاي گذشته ميزان سود سرمايه را در بخش هاي مختلف و در كل سرمايه گذاري ها تا حدودي بررسي كرده ام. (رجوع شود به مقاله دستمزد در سال 1391 و 1390 كه در آن ميزان سود سرمايه در ايران بالاي 70 در صد است و آن را مي توان از ميزان بهره هاي موجود در بازار اثبات كرد)
اما مهم ترين بخش مساله كه شايد تا كنون كمتر به آن پرداخته ايم، مساله دستمزد ها در حوزه هاي مختلف است و تفاوت عظيم ميان دستمزد مديران ارشد و افزايش هر ساله و سرسام آور آن در مقايسه با دستمزد كارگران و ساير زحمت كشان است. در حالي كه تعيين كنندگان ميزان دستمزد نگران سودهاي سرسام آور و بنگاه هاي اقتصادي هستند و هيچ گونه محدوديتي در پرداخت دستمزد و پاداش مديران ارشد قائل نمي شوند، شاهد افزايش سود بنگاه هاي اقتصادي و سير صعودي فوق العاده دستمزد و مزاياي شغلي مديران ارشد هستيم. من مي خواهم در اين جا به بخشي از آن بپردازم.
قبل از ورود به اصل مساله ضروري است كه اين نكته مهم را يادآوري كنم كه:
بحران هاي فزاينده در سيستم سرمايه داري كه هر روز ابعاد آن وسيع تر مي شود، سبب شده است تا هر روز نهادهاي حافظ اين نظام در فكر چاره اي جديد بيافتند و اجلاس و گردهم آيي هايي براي برنامه ريزي هر چه وسيع تر در مقابله با اين بحران ها ارائه دهند، و اگر مجموع دست آوردهاي آن ها را در يك كاسه كنيم و تمام آنچه را كه اين نهاد ها پيشنهاد مي كنند و با تمام وجود در فكر اجراي آن هستند، با يكديگر جمع كنيم، چنين نتيجه مي شود:
اين نهادها (كه عبارتند از كنفرانس G- 20، G-8، صندوق بين المللي پول، بانك جهاني و در ايران شوراي عالي اقتصاد و....) توصيه مي كنند:
1 – سياست هاي رياضت اقتصادي در همه زمينه ها پياده شود كه كارگران دستمزد كمتر بخواهند تا موسسات اقتصادي سودشان محفوظ بماند و تعطيل نشوند.
2 – از بار هزينه هاي دولتي بكاهند و خدمات بخش عمومي به حداقل برسد، خدماتي نظير بهداشت، بيمه، تحصيل رايگان و نگهداري از سالمندان و حمايت از كودكان ... همه به بخش خصوصي واگذار شود و بخش خصوصي با توجه به سودآوري هر يك از قسمت هاي خدمات عمومي در آن سرمايه گذاري كند و هر كس متناسب با توان مالي اش از اين خدمات استفاده كند.
3 – همه گونه خدمات دولتی انرژي نظير آب، برق، تلفن، گاز و سوخت ... برداشته شده وضعيت آن ها به دست غول هاي بزرگ سرمايه داري تعيين شود تا سودهاي افسانه اي آنان پايين نيايد.
4 – در مقابل نهادهاي مالي و دولت ها وام هاي كلان با بهره هاي بسيار كم و يا صفر به بنگاه هاي اقتصادي بپردازند تا سود آنان حفظ شده و بتوانند هم چنان به گسترش سرمايه هاي خود بپردازند و غيره ...
{البته جالب است بدانيم كه مخالفت با سياست اين نهادها در مصوبه هاي كشورهاي مختلف جرم تلقي مي شود و مخالفان با اين سياست ها در رده تروريست ها قرار مي گيرند و يا اخيرا در ايران برخي مخالفان اين سياست هاي فشار به مردم را فتنه گران اقتصادي مي نامند.}
و البته همين "و غيره" است كه مهم ترين مساله را تشكيل مي دهد و ما در زير به آن بيشتر مي پردازيم.
در چند سال گذشته، چه در ايران و چه در كشورهاي مهد سرمايه داري همواره فشار بر نيروي كار افزايش يافته و بسياري و حتي اكثريت نيروي كار را مجبور كرده اند براي زنده ماندن تن به كارهاي طاقت فرسا، با دستمزدهاي كم بدهند. كساني كه فروشنده نيروي كار هستند براي گذران زندگي در دو يا سه زمينه كاري به تلاش مشغول مي شوند تا بتوانند حداقل هاي زندگي را براي خود فراهم كنند، زيرا دستمزدها آنقدر پايين است وهزينه ها آنقدر بالا است كه چرخاندن معيشت يك خانوار بايك دستمزد امكان ناپذير است و در بسياري از

خانواده هاي كارگري از نيروي كار كودكان براي امرار معاش استفاده مي شود. در نتيجه بسياري از كودكان از تحصيل محروم مي مانند. (در ايران حدود 4 ميليون كودك در سن تحصيل هستند كه به مدرسه نمي روند و با آمار اثبات شده مجبور به ترك تحصيل هستند و حتي اخيرا با تمهيدات شهرداري و بهزيستي اقدام به تهيه لباس متحدالشكل براى آنان كرده اند كه در حقيقت رسمي كردن كار كودك است) تا كمكي براي خانواده و يا براي خودشان باشند كه از گرسنگي و فقر جان ندهند...
اما در برابر اين فشار فزاينده به نيروي كار شاهد دو وجه مشخص در جبهه سرمايه هستيم.
1– افزايش تعداد ميلياردرها در سطح جهاني و افزايش سرمايه بنگاه هاي اقتصادي به صورت فزاينده
2– افزايش بي حد و حصر حقوق مديران ارشد به ميزان سرسام آور
الف) براي نمونه به گزارش هاي زير توجه كنيد:
تعداد ميلياردرها در اندونزي در حال پيشرفت است (2)
فرودگاه هاي خصوصي در اندونزي جا براي هواپيما هاي خصوصي كم مي آورند، زيرا كه دارندگان هواپيماهاي خصوصي كه در گذشته 10 نفر بودند، اكنون به 40 نفر رسيده اند، هواپيماهاي خصوصي كه هر كدام 30 ميليون دلار قيمت دارند و .....
{در حالي كه اندونزي يكي از فقير ترين نيروي كار دنيا را دارد و جمعيت حدود 200 ميليون نفري آن در جزايري با امكانات ابتدايي زندگي مي كنند.}
خبرگزاري رويترز به نقل از ميكولاس رامبوس، رئيس اجرايي شركت ويلث، گفته است كه صاحبان يك تا دو ميليارد دلارسرمايه از مصونيت بيشتري برخوردارند و امكانات بيشتري از لحاظ مشاوره و سرمايه گذاري داشتند. آنها به طور حتم مورد توجه بانك هاي بزرگ قرار مي گيرند. اين شركت كه در زمينه ارزيابي ميزان ثروت ها تخصص دارد، اعلان كرد كه ثروتمندان جهان، ثروتمندتر شدند به طوري كه شمار ميلياردرهاي جهان در سال گذشته 9.4 درصد افزايش يافته است و ثروت آن ها نيز 14درصد افزون شده است 6.2 ترليارد دلار شده است اين امر نشانگر آن است كه نظام سرمايه داري كه در برابر افزايش حقوق كارگران مقاومت مي كند، چگونه در برابر افزايش سود ثروتمندان سكوت كرده و ساز و كار را به گونه اي ترتيب مي دهد كه سود شركت هاي بزرگ حفظ شده و افزايش يابد، به طوري كه در سال گذشته سود شركت هاي نفتي هشتاد ميليارد دلار بوده است. (3)
در گزارشی ديگر آمده است كه دارايی يک صد نفر از ثروتمندان جهان در سال گذشته به 280 ميليارد دلار رسيده است كه با اين مبلغ سرمايه گذاری در بخش های مفيد توليدی، مي توان فقر و محروميت را كنترل كرد. كه البته در آن صورت سودها كاهش خواهد يافت .
و در حالي كه تمام نظام سرمايه داري بسيج شده تا سودها كاهش نيابد و بيشترين فشار بر نيروي كار وارد مي شود تا ارزش سهام محفوظ بماند و دائم از كارگران خواسته مي شود كه به سياست رياضت اقتصادي تن دهند، اما همه گزارش ها حاكي از آن است كه حقوق مديران ارشد (ceo) به ارقامي سرسام آور مي رسد و در سال هاي اخير حقوق آنها گاه تا چهارصد در صد افزايش يافته است. اين افزايش حقوق مديران چه در ايران و چه در سطح جهاني آنقدر شور شده است كه صداي جناح هاي مختلف سرمايه داري به مخالفت ظاهري بلند شده اما گويا هيچكدام توان مقابله با آن را ندارند و از آن بيم دارند كه اگر مديران ارشد احيانا ناراضي شوند، سود سرمايه داران در خطر قرار گيرد كه در آن صورت كل نظام سرمايه داری به مخاطره می افتد.
در يكي از گزارش هاي افزايش حقوق مديران چنين آمده است:
يك شركت مشاوره مديريت در آمريكا سال گذشته 11 شركت بزرگ و مشهور اما با مديريت ضعيف را شناسايي كرد كه مديريت ارشد آنها دو سال است بيش از 15 ميليون دلار در سال حقوق و دستمزد دريافت مي كنند. اين در حالي است كه ارزش سهام اين شركت ها رشد نداشته بلكه افول هم كرده است. از جمله اين شركت ها ATT، مرك و تيم وارنر هستند.
رابرت ناردلي، از مديران شركت هوم ديپوت، چندي پيش هنگام ترك سمتش 210 ميليون دلار بابت تسويه حساب دريافت كرد. اين در حالي است كه سهام اين شركت در دوران مديريت او...
كارلي فيورينا با 180ميليون دلار پاداش از سمت خود، به عنوان مدير ارشد شركت اچ پي،

خارج شد....
بین سال 1993 تا 2003 میزان کل دستمزد 5 مدیر ارشد استاندارد اند یورز به 350 میلیارد دلار مي رسيد. (4)
بنا به گزارش آسوشيتدپرس) 25 مي 2012)(5) میانگین درآمد متوسط يك مدير ارشد در سال 2011 ده میلیون دلار بوده است که از 5/1 میلیون دلار شروع شده وتا 35 میلیون دلار مي رسد. اين تحقيق كه در سال 2011 انجام شده، نشان مي دهد متوسط حقوق مديران در شركت هاي عادي 6/9 ميليون دلار بوده، در حالي كه متوسط دريافتي سالانه يك كارگر در همين سال 39.300 دلار بوده است . كه البته اين مبلغ در كشورهاي مختلف متفاوت است و گاه يافته ها، آمارهاي متفاوت را نشان مي دهند. به عنوان مثال يكي از مديران ارشد به نام ديويد سيمون دريافت سالانه اش به 137 ميليون دلار در همين سال رسيد كه 458 درصد افزايش را نسبت به سال قبل نشان مي داد. (اين شركت يك موسسه تجاري است كه در سال 1993 تاسيس شده است) دستمزد اين مدير ارشد 342 برابر دستمزد رئيس جمهور (400 هزار دلار در سال) و به اندازه 600 تن از مقامات ارشد حكومتي آمريكا است (البته به صورت رسمي)
برخي تحقيقات ديگر نشان مي دهد كه درآمد يك مدير ارشد در سوئد چهل برابر يك كارمند و در كانادا 255 برابر و در آمریکا 288برابر یک حقوق بگیر عادی است.(6)
حقوق مدیران چینی نیز این افزایش ها را داشته است. به طوری که در سال های اخیر مدیران چینی تا 14 میلیون دلار در سال حقوق دریافت می کنند و مدارک نشان می دهد که تلاش دولت چین برای کنترل حقوق مدیران شرکت ها با شکست مواجه شده است. در عین حال گزارش ها حاکی از آن است که کارگران چینی با کمتر از یک دلار در روز زندگی را می گذرانند وتحت شدید ترین فشارها قرار دارند.
در کشورهای دیگر نیز وضعیت به همین منوال است. بر طبق یک گزارش حقوق مدیران ارشد بی بی سی در سال گذشته تا 100درصد افزایش یافته است.
در سال های گذشته مدیران ارشد در ایران تلاش کرده اند تا از رقبای امریکایی و اروپایی خود در سطح جهانی عقب نمانند. به همین جهت گزارشات رسمی و غیر رسمی حاکی از آن است که حقوق مدیران ارشد در رقابتی شدید مدام در حال افزایش است.
در ماه گذشته بنا به گزارش شبکه ایران (7) نامه ای در میان کارکنان صدا و سیما دست به دست می شد که حاکی از افزایش حقوق 70 درصدی مدیران بود. در حالی که افزایش حقوق کارکنان عادی 16درصد بوده است. یکی از کارکنان صدا و سیما گفت : تغییر در ضریب جذب و فوق العاده شغلی مدیران علاوه بر آنکه نزدیک به یک میلیارد تومان بار مالی برای سازمان دارد، از تبعیض آشکار میان مدیران و سایر کارمندان خبر می دهد. نامه دیگری در میان کارکنان شرکت سایپا منتشر شد که حاکی از حقوق های چند صد میلیون تومانی برای مدیران ارشد بود. هر چند این اسناد به صورت رسمی تایید نشده است و بعضا نیز تکذیب شده، اما اسناد دیگر حاکی از آن است که این اخبار چندان بی راه نیست.
ر خبری که در سایت الف متعلق به مسوولان حکومتی منتشر شد آمده بود که محمد آقایی معاون وزیر نفت در دوره اصلاحات ماهیانه ده میلیون تومان دریافتی داشته است. این در حالی است که در آن زمان حداقل حقوق یک صد و پنجاه هزار تومان بوده است و بر طبق قانون حداکثر حقوق یک مدیر باید 7 برابر حداقل حقوق باشد.
ر چند ماه گذشته بر طبق خبری در سایت مطالعات راهبردی آمده بود (8) که یک مدیر صنعتی که از ابتدای مهر ماه 88 منصوب شده حقوقی معادل 9 میلیون تومان دارد. هر چند خبرها در این زمینه بسیار پراکنده، جسته و گریخته است و مسوولان حاضر به پاسخ گویی در این زمینه ها نیستند. اما خبرهای بعضا تایید شده، حاکی از آن است که این ارقام بخش کوچکی از کل ماجرا ست .
در جریان اختلاس سه هزار میلیارد تومانی گروه امیر منصور آریا مشخص شد که حقوق آقای جهرمی مدیرعامل بانک صادرات 30 میلیون تومان در ماه بوده است. (که اگر در آن زمان دلار را هزارتومان حساب کنیم، 30 هزار دلار در ماه می شود، یعنی تقریبا معادل حقوق رئیس جمهوری فعلی امریکا) علاوه بر آن مبلغ 480 میلیون تومان تحت عنوان کارانه سه ماهه یا کارانه سهم مدیرعامل به حساب ایشان ریخته شده است. جالب تر آن است که ایشان در

مصاحبه خودشان این امر را تکذیب نکرده و در جواب گفتند: "مگر حقوق یک مدیر بالا باشد، بد است."
هم چنین سایت هموطن به نقل از روزنامه خراسان در تاریخ 27 اردیبهشت 91 از پاداش صد میلیونی مدیرعامل مخابرات خبر داد و در همان منبع گزارشی از پاداش های پانصد میلیون تومان تا هزار سکه طلا به مدیران بخش های مختلف آمده است.
در همان گزارش آمده است که بنیاد مستضعفان پاداشی به مبلغ سه میلیارد و سیصد میلیون تومان به مدیران بانک سینا پرداخت کرده است. (بنیاد مستضعفان 80 درصد سهام بانک سینا را دارد)
در سال 88 شرکت سرمایه گذاری شستا (شرکت های متعلق به سازمان تامین اجتماعی) متهم شد که ده ها میلیارد تومان پاداش به مدیران خود پرداخته است، اما مدیر عامل وقت شستا آن را شایعه خواند و گفت: در هیچ یک از زیر مجموعه شستا پاداشی بیش از صد میلیون تومان!!!!. پرداخت نشده است.
در همین گزارش آمده است که در شرکت سرمايه گذاري شستا وابسته به تامين اجتماعي (که مالکیت صد درصد آن متعلق به کارگران است ولي در راس شرکت هاي آن وابستگان به قدرت قرار دارند و فيلم جنجالي در جريان استيضاح وزير کار مربوط به زد و بند ها بر سر حيف و ميل اموال همين سازمان است ...) در سال گذشته پرونده قطوري به اتهام تخلف مالي يك هزار و چهارصد و پنجاه ميليارد تومان تشکيل شد. بخشي از اين تخلف مربوط به 450 ميليون تومان پاداشي مي شد که يکي از مديران به کارکنانش پرداخته بود و همچنين در جريان فروش يکي از شرکت هاي اين سازمان پاداش هاي 1050 سکه اي پرداخت شده بود ....
بدین ترتیب و با توجه به آمار و ارقام حدودا تایید شده، شاهد آن هستیم که هر روز حقوق مديران ارشد افزايش مي يابد، حال به شکل حقوق و يا پاداش !! درحالي که کارگران و حقوق بگيران تشويق به صرفه جويي مي شوند و هر روز حقوق آنها متناسب با تورم پائين تر مي رود. و همواره تلاش مي شود با خصوصي کردن خدمات عمومي، همانند بهداشت، آموزش پرورش، انرژي، حمل و نقل، بار هزينه هاي عمومي به گردن مزد و حقوق بگيران و به طور کلي نيروي کار انداخته شود. علاوه بر آن با همين حقوق اندك همواره در معرض خطر بيکاري و اخراج و پيوستن به خيل عظيم لشکر بيکاران قرار دارند.
همواره اين چنين تبليغ مي شود که اگر حقوق کارگران افزايش يابد، موسسات اقتصادي سود دهي خود را از دست مي دهند و کارگران بيکار مي شوند، اما افزايش حقوق مديران که در دهه اخير بر طبق آمار بيش از 400 برابر شده است، لطمه اي به تداوم کار موسسات اقتصادي نمي زند !! حال اگر به درستي و با ديدي عميق تر به مساله بيکاري نگاه کنيم، مشاهده خواهيم کرد که مساله بيکاري امري است که ربطي به افزايش حقوق کارگران ندارد. بلکه نظام سرمايه داري از آن وحشت دارد که سود پرستي و زندگي انگلي صاحبان سرمايه مورد تعرض قرار گيرد. نگاهي به تاريخ ظهور و گسترش سرمايه داري اين امر را ثابت مي کند .
در ابتداي ظهور و گسترش سرمايه داري، چنین تصوری وجود داشت که با پیشرفت علم و دانش، و فن آوری نیاز به کار انسان کم می شود و ضرورتی وجود ندارد تا انسان ها از بام تا شام به کار مشغول شوند تا قوت لایموت به دست آورند. حقیقت آن است که ورود ماشین به زندگی انسان ها باید به میزان بسیار وسیعی به پیش برد زندگي انسان ها کمك کند و زندگي انسان ها را آسان تر کند، نه آنکه هر روز آن را مشکل تر کرده و آنان در حسرت آسایش گذشته روزگار بگذرانند. اگر دهقانی در یک مزرعه با بیل و وسایل کشت اولیه تنها می توانست به اندازه حداکثر دو برابر میزان مصرف خود و خانواده اش تولید کند، با پیشرفت ماشین آلات وتکنولوژي، یک کشاورزی صنعتی می تواند با به کارگیری چند نفر و ماشین آلات پیشرفته، برای صدها نفر موادغذایی لازم تولید کند و اگر در صد سال پیش با یک ماشین ابزار ساده مکانیکی تنها می شد صد قطعه در روز تولید کرد و یا با یک مانوفاکتور ابتدایی تنها امکان تولید دو ارابه در روز بود. امروز با ماشین آلات پیشرفته با همان تعداد نیروی کار می توان ده ها و صدها برابر کالای غذایی و صنعتی و مایحتاج روزانه مردم را تولید کرد. به این ترتیب است که اگر سرمایه داری سود محوری خود را کنار بگذارد و یا وادارش کنیم که از آن دست بردارد (البته می دانیم که خود به خود کنار نخواهد گذارد، بلکه از درون بحران ها و زیر و بم ها و بن بست هایی که نظام سود محور هر روز برای خود ایجاد می کند، باید وادار به کنار گذاردن

سود محوری شود) آن گاه خواهیم دانست که نه تنها مواد غذایی موجود در سطح کره زمین و تولید شده در زمین های کشاورزی موجود برای سیرکردن تمام انسان ها کافی است و زمین و مصالح ساختمانی برای ساختن سرپناهی برای همه ی افراد وجود دارد و تولید پارچه و لباس به آن اندازه هست که همگان را بپوشاند وآب های موجود در سطح کره زمین برای کشت و زرع و تهیه مواد غذایی و آشامیدنی ساکنان کره زمین بسیار بیش از نیاز است، بلکه بسیاري امکانات پیشرفت و گسترش بیشتر نیز در دسترس است...
اگر درنظر آوریم که تنها درآمد یک صد نفر از افراد صاحب سرمایه تنها 280 میلیارد دلار است که این میزان درآمد برای تولید و تغذیه و سرمایه گذاری کافی است تا تمام کمبودهای زندگی یک میلیارد و دویست میلیون نفری را فراهم کنند که در فقر مطلق زندگی می کنند. علاوه بر آن اگر سود محوری و توسعه طلبي را کنار بگذاریم که آن هم براي افزایش سود است، و این میزان سرمایه را به جای به کار انداختن در کازینوها، قمارخانه ها و عشرتکده ها و بریز و بپاش های تجملاتی و به کار گیری سلاح های کشتار انسان و لشکر کشي ها صرف تبلیغات فشن و... کردن به جای تفکر سود محورانه به سرمایه گذاری مورد نیاز انسان ها بیاندیشیم، نه تنها گرسنه ای نخواهد ماند، بلکه بیکار نیز وجود نخواهد داشت.
در این حالت است که ضرورت کاهش ساعات کار مطرح می شود. به جای آنکه افراد را وادار کنیم که چندین ساعت اضافه کار کنند تا بتوانند زندگی ساده ای را بگذرانند و یا کودکان را مجبور به کارکنند تا سودها را افزایش دهند، با پایین آوردن ساعات کار افراد شاغل، زمان استراحت و فراغت بیشتری برای کلیه نیروی کار فراهم مي شود و افراد بیکار نیز به کار گمارده مي شوند.
در این صورت 6 ساعت کار در روز برای گذران زندگی کفایت می کند. همان گونه که در دهه 80-1970 این شعار از جانب برخي احزاب نیز مطرح مي شد و برخی کشور ها برنامه کاهش ساعت کار را در دستور قرار داده بودند .اما پس از توسعه طلبی های جدید، به خصوص از دوران آغاز به اصطلاح جهانی سازی آنرا کنار گذاشتند و روز به روز بر فشار به نیروی کار افزودند. درحالی که نظام سرمایه داری در سه دهه اخیر تمام تلاش خود را به کار می برد تا با افزایش ساعات کار هر چه بیشتر سود خود را افزایش دهد و کارگران را به ریاضت اقتصادی و بیشتر کار کردن و کمتر مصرف کردن فرا می خواند، همه ی شواهد و آمارها حاکی از آن است که سود سرمایه داران و حقوق مدیران ارشد و پاداش ها و مزایای خدمت گزاران سود سرمایه هر روز افزایش می یابد و در حالی که کارگران و زحمتکشان را به مصرف کمتر انرژی دعوت می کنند، خود انرژی های کلان صرف می کنند، در جزایر دور افتاده برای خود امکانات شخصی می سازند، دریاها و جنگل ها را املاک شخصی اعلام می کنند و بهترین امکانات زائد زندگی را برای اقلیتی ناچیز فراهم می کنند. علاوه بر آن سرمایه های متعلق به مردم را که از کار کارگران و زحمتکشان به دست آمده اند، صرف عیاشی ها و خوشگذرانی ها، مصرف بی حد و حصر مواد افیونی، مراکز تفریحی شخصی، فشن های مختلف، قمارخانه ها و ساخت سلاح های جنگی کشتار انسان، نیروهای نظامی و انتظامی و امنیتی مي کنند تا جلو اعتراض تهي دستان و به فقر کشیده شدگان را بگیرند.
پس نه تنها شش ساعت کار مفید کافی خواهد بود، بلکه امکان زندگی برای دیگران نیز فراهم خواهد شد و اوقات فراغت و تفریح و رسیدگی به زندگی انسانی برای همگان ایجاد خواهد شد. بدون آنکه جایی برای کسی تنگ شده باشد. جای زندگی برای همگان خواهد بود.
آنچه به عنوان بیکاري و ضرورت ریاضت کشي نیروي کار مطرح مي شود، تنها براي حفظ سودها و زندگي انگل وار و حفظ سلطه سرمایه بر نیروي کار است.

زیرنویس ها
1)

قیمت اقلام	قیمت به تومان بهمن 1390	قیمت به تومان بهمن 1391

شکر یک کیلو	1000	2000
روغن خوراکي	2000	4500
لوبیا یک کیلو	2000	6000
گوشت گوسفند یک کیلو	16000	26000
روغن موتور یک لیتری	2000	4000
پسته یک کیلو	16000	36000
مغز بادام یک کیلو	14000	29000
بادام هندی یک کیلو	16000	30000
بلیط مترو	250	350
پنیز تبریز یک کیلو	8000	14000
برنج ایرانی یک کیلو	3000	5000

2) گزارش تابناك تاریخ انتشار 18/07/90 - عصر ایران 29/06/91 -بیکاري در اندونزي 14/07–
www.asriran.com
3) یورو نیوز اخبار 12 شب 10/10/90
4)دنیای اقتصاد، شماره 1166 مترجم نیلوفر قدیری
5)http://rt.com /usa/news/million-year-averag
6) http//wwwihelocals/31884/20110207
www.huffingtinpost.com
www.policyallernaives.ca/silet
7) inn.ir/nsite
8) WWW,PERSIAN TOOLZ

kanoonmodafean1.blogspot.ca

۳۱ ژانویهٔ ۲۰۱۳

درباره لایحه تغییرات قانون تامین اجتماعی
تامین اجتماعی حق مسلم کارگران

سعید محمدي
چندی است که مسایل بازنشستگان و تامین اجتماعی در خبرها مطرح می شود. از تجمع و تحصن و اعتراض کارگران بازنشسته پتروشیمی آبادان گرفته تا کارگران ذوب آهن اصفهان، کارگران بازنشسته آبادان و معلمان تهران و... همه خواستار آنند که تا پس از عمری کار و زحمت کرامت انسانی آنان ارج نهاده شده و بدون هیچ منت و فریبکاری های مرسوم حق آنان برای ادامه یک زندگی طبق معمول سخت و پرمشقت، بی کم و کاست ادا شود. در این گیر و دارها دو موضوع به صدر اخبار آمده است:
1- رفتن لایحه تغییرات قانون تامین اجتماعی به مجلس
2- عزل یا ابقائ قاضی مرتضوی در راس سازمان تامین اجتماعی
پس از سپردن ریاست سازمان به قاضی مرتضوی ماجرای اصلاح این قانون وارد فاز عملی جدی تری شد. قاضی مرتضوی معتقد است که این قانون باید از سال اول برنامه پنجم به اجرا گذاشته می شد و تا به حال تاخیر هم داشته است. با کمک همه جانبه دولت و... که حتا اسم و اساسنامه سازمان را هم برای ماندن وی تغییر دادند. تمام سعی خود را برای به کرسی نشاندن این قانون ضد کارگری به کار بست.
برای روشن تر شدن موضوع نگاهی اجمالی به بعضی از مواد و تبصره های این قانون می

اندازیم:
در ماده ی 28 قانون قدیم که معادل 30 درصد حقوق کارگر بیمه شده باید به سازمان تامین اجتماعي پرداخت مي شد، سهم دولت 3 درصد، سهم کارفرما 20 درصد و سهم کارگر هم 7 درصد بود. در ماده 17 قانون جدید سهم کارگر به 9 درصد افزایش یافته است و همچنین در اصلاحیه ماده 16 آمده است که دولت می تواند با توجه به رونق یا تنزل بازار کار و ... میزان سهم خود را کاهش داده یا به بخش های دیگر سرایت دهد.
سال های زیادي است که با این ادبیات و تفسیرهای کش دار و مشروط به این و آن چیز آشنا هستیم. مانند بند معروف قانون اساسی که : همه آزادند مشروط بر آن که مخل مبانی اسلام نباشد و...
مطابق ماده 28 قانون فعلی تامین اجتماعی یکی از اصلی ترین منابع درآمدی سازمان از طریق وصول حق بیمه می باشد که باید طبق ماده ی بعدی 9 درصد آن بابت تامین اجتماعی بیمه شوندگان هزینه شود. اما مطابق پیش نویس و با توجه به انبوه بدهی های دولت و بعضا کارفرمایان ، رایگان بودن هزینه های درمانی و مراکز بهداشتی تامین اجتماعی دچارمحدودیت شدید گشته و به اصطلاح سقفدار می گردد که خود آشکارا نقض غرض بوده و حق مسلم و فلسفه ی وجودی بیمه و بیمه شوندگان را تحت الشعاع خواسته ها و امیال و سیاست های دولت ها و... قرار می دهد. با توجه به ید طولایی که این جماعت در پایمال کردن و بی توجهی به حقوق کارگران و زحمتکشان دارند تبعات و آثار زیان بار آن برای سلامتی و بهداشت و درمان و.. کارگران و بازنشستگان و خانواده های آنان بسیار زیاد و پرمخاطره خواهد بود. نگاه کنید به تبصره ی 1ماده ی 34 پیش نویس:
بیمه شدگانی که از خدمات درمانی کمتر در طول سال استفاده می کنند به گونه ای که کمتر ازمیانگین هزینه های درمانی بابت هر بیمه شده باشد، مطابق دستورالعملی ... از مقررات تشویقی بهره مند خواهند شد . همچنین بیمه شدگانی که بیشتر از حد متوسط سالیانه هزینه ی درمانی و... استفاده کنند موظف به پرداخت فرانشیز هستند.
در اینجا با کارگران همان برخوردی می شودکه با بیمه اتومبیل همسان است. اگر اتومبیلی کمتر تصادف کند، تشویقی می گیرد و در سر سال بیمه شخص ثالث تخفیف می گیرد. اکنون باید به کارگران گفت: کمتر مریض بشوید تا تشویقی بگیرید و کارگری که بیشتر مریض شود، لایق عقوبت است. انسان به یاد برده داران قدیم می افتد که به بردگان نحیف و ضعیف نهیب می زدند و الگوی مورد تشویق شان بردگان قوی بود که کمتر مریض می شدند و همواره برای کارهای سخت آماده بودند تا به برده دار سود بیشتر برسانند. برده های قوی قیمت شان بیشتر بود و برده دار برده ضعیف و مریض را آنقدر تحت فشار قرار می داد تا از پای درآید و برده داران جدید ما آن کارگری را که ضعیف تر است و زیر بار استثمار ضعیف شده و بیمار است تنها لایق مرگ می دانند.
کافی است نگاهی به وضعیت سلامت زحمتکشان این مرز و بوم فقط در رابطه دهان و دندان صورت گیرد. بیش از نیمی از مردم سال هاست که به خاطر هزینه های بالا و کمرشکن از دریافت خدمات درمانی در این زمینه محروم و در عذاب هستند.
به درستی و با تاکید فراوان فعالین کارگری و طیف نیروهای مترقی مطالبه گر بهداشت و درمان رایگان از طریق معاینات اجباری، منظم و رایگان کارگران و زحمتکشان و با تاکید بسیار برای زنان و کودکان (به خرج دولت، کارفرمایان و از کانال سازمان تامین اجتماعی و...) بوده و هستند. حال با توجه به این اصلاحیه و در صورت تصویب مشخص است که چه سرنوشت دردناکی در انتظار توده های میلیونی مردم می باشد.
از جمله مسایل بسیار مهم دیگری که در پیش نویس اصلاحیه مورد تعرض قرار گرفته مساله افزایش 5 ساله بازنشستگی و سخت تر شدن شرایط استفاده از مزایای مشاغل سخت و زیان آور است. در متن لایحه اصلاحیه آمده است که کارفرمایان مشاغل سخت و زیان آور مي توانند حق بیمه اضافی یعنی 4 درصد را پرداخت نکنند کارگر مشمول نمی تواند حتا با داشتن سابقه طولانی و شرایط سنی و ... از مزایای این قانون استفاده کند. بر اساس حکم این بند کارگران که سال ها تحت شرایط طاقت فرسا و سخت مشغول کار بوده اند به خاطر سود بیشتر کارفرما عملا از این مزایا محروم می گردند. در قانون فعلی شرط سنی برای استفاده بیمه شوندگان در نظر گرفته نشده است. ما می دانیم که همه ی کسانی که به طور مداوم و

طولانی در معرض این گونه کارها بوده اند به مرور و به نسبت به سایر کارگران زودتر فرسوده شده و دچار آسیب های جسمی و روحی می گردند و مشخصا در معرض حوادث کار قرار می گیرند. در سال های گذشته به خاطر اعتراضات کارگران به قوانین تامین اجتماعی و کار جاری و قبل، کارگران در مشاغل سخت به اندازه ی 2 ساعت از ساعات و روزکار، کمتر کار می کردند . حال در صورت تصویب و اجرا، شاغلان در مشاغل سخت باید حداقل 20 سال اشتغال داشته و زنان با 45 سال و مردان با 50 سال می توانند پیش ازموعد بازنشسته شوند.
نکته ی دیگری که آگاهانه وعامدانه مورد غفلت قانون جدید واقع شده است، آن است که افزایش 5 سال به سن بازنشستگی کارگران و زحمتکشان برای قرارداد کاری مثلا با 30 سال کار و 30 روز دستمزد بازنشسته می شوند. اگر قرار است که 5 سال اضافه شود ، دستمزدها و مستمری هم باید به 35 روز افزایش یابد. اصولا با کدام منطق باید 35 سال کار کرد؟ در متن اصلاحیه جواب قانع کننده اي به این پرسش به چشم نمی خورد. نگاه کنید به دلایل افزایش سن بازنشستگی که در نوع خود بسیار شنیدنی و درعین حال مضحک است. افزایش سن بازنشستگی به خاطر بالا رفتن سن امید به زندگی!!!
بر طبق تبصره ی 2 ماده ی 36 اصلاحیه سازمان می تواند متناسب با سن امید به زندگی در کشور و به تدریج شرایط بازنشستگی را از جهت سن و سابقه تا 5 سال افزایش دهد...
حتما با نظر کارشناسان عظیم الشان دولتی! در کشوری که طبق آمار رسمی نیمی از مردم عملا در زیر خط فقر قرار دارند با بیکاری شدید و سوء تغذیه آشکار در نبردی دائمی هستند، زیر بار استرس و فشار های اجتماعی و خفقان له و لورده می شوند، از هیچ نوع مسایل رفاهی در زندگی کارگران خبری نیست، مشخصا در مسکن های کوچک و غیربهداشتی و اعتیاد و عدم شادی و .... دست به گریبان اند، از ورزش و تفریح و... به خاطر گرانی وغیرقابل دسترس بودن وعدم وقت و... اثری دیده نمی شود، افزایش معنی دار خودکشی و افسردگی و ترویج گسترده ی خشونت و زن ستیزی و کودک آزاری و... جهل از مشخصه های بارز این سیستم بوده و در همه جا و همه حال به راحتی قابل مشاهده است، آری وقتی همه ی این نکات خود دلیل موثقی برای بی افقی و ناامیدی مفرط از یک زندگی بهتر می باشد، چگونه می توان از افزایش سن امید به زندگی صحبت کرد؟ چقدر بی شرمی و وقاحت لازم است تا خوردن آشکار حق میلیون ها نفر به پدیده ای قانونی تبدیل شود؟ اگر صدها دستاورد عظیم و سیاسی و مبارزاتی و یا حتا علمی و هنری و ورزشی در سطح جهان توسط توده های مردم کسب می شود، هیچ یک از مسئولان کوچک ترین وقعی به آن نخواهند داد. اما اگر 4 نفر سیاستمدار جنایتکار همچو سارکوزی و برلوسکونی و گردانندگان و مشاورین وتئوریسین های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی و سازمان تجارت جهانی برای همراهی با فدراسیون کارفرمایان اروپا و احزاب دست راستی یونان و انگلیس و... چیزی بگویند فورا همپالکی های داخلی گوی سبقت را از آنان خواهند ربود و به تقلید و تصویب قانون و... می پردازند. بگذریم.
سخت تر شدن بازنشستگی به معنی دریافت حق بیمه بیشتر و پرداخت مستمری کمتر است. سازمان فقط به فکر پول است و درآمد می خواهد پس چه بهتر که کارگر قبل از بازنشستگی و دریافت مستمری هر چه زودتر بمیرد و تعداد هر چه کمتری به مرز بازنشستگی برسند.!
سازمان تامین اجتماعی باتوجه به قوانین متعدد مخصوصا با قانون خارج کردن کارگاه های کمتر از ده نفر و بعضا به خاطر مسایل دیگر منابع درآمدش کاهش یافته و با توجه به وظایف و تکالیف خود تلاش دارد از هر راهی شده از جیب و کیسه ی کارگران و زحمتکشان بزند و به آنان کمتر پرداخت کند. اما علیرغم این موضوع با دست و دل بازی بسیار عجیبی طرح هایی مانند بیمه خدام مساجد، طلاب و مداحان را اجرایی می کند. هزینه های بسیار زیادی همچون چاپ و نشر روزنامه های رنگارنگ مانند خروشید و... به تامین هزینه های تبلیغاتی برای این جا و آن جا و افراد و باندها و جناح های دست اندر کار می پردازد حال آنکه هزینه های روحانیون و طلاب و... با ید توسط مراجع تقلید و حوزه های دینی و سازمان تبلیغات اسلامی و ... تامین گردد که می گردد. اما بازهم بودجه و مخارج فراوان این نهادها و... از طریق بودجه عمومی از کیسه مردم تهی دست تامین می شود. ثروت هنگفت این سازمان از طریق کار و زحمت کارگران و سایر بیمه شدگان فراهم شده اما برای آسایش و رفاه آنان و خانواده هایشان هزینه نمی شود.

حال این سوال مطرح است که اصلاحیه قانون تامین اجتماعی چرا و برای پاسخگویی به کدام نیاز؟
می دانیم که سازمان تامین اجتماعی با تمام امکانات و سرمایه های مختلف و ...محصول کار و زحمت کارگران و مزدبگیران است که طی ده ها سال با پرداخت حق بیمه و... آن را به این جا رسانده اند. بسیار طبیعی است که مجموعه امکانات و پول و...باید برای روزهای سخت و دشوار کارگران و... مدیریت و برنامه ریزی می شد. اما به هزار و یک دلیل که از جمله می توان به انجماد وعدم افزایش واقعی دستمزد ها در دوره های طولانی سوءمدیریت وعدم هر گونه نظارت و کنترل کارگری بر ارکان و اموال و امکانات سازمان و عدم هدایت و اداره ی این نهاد غول پیکر کارگری توسط تشکل های مستقل و طبقاتی کارگران به این حال و روز افتاده است و این مجموعه کم نظیر ثروتمند و بزرگ عملا به آستانه ورشکستگی سوق داده شده است. فرایندی که در تمامی دولت های کنونی و با توجه به گستره ی فساد و بعلاوه بی کفایتی مفرط و هزینه های فزاینده بوروکراتیک ادامه یافته و این چنین در باتلاق دست و پا می زند. وقتی این مدل مدیریت که مشخصه ی اصلی آن غارت و هدر دادن منابع و بی توجهی و ضدیت و دشمنی مطلق با کارگران زحمتکشان باشد، حتما دریافتی آن در کل کاسته می شود. به خصوص از ناحیه بدهی های معوقه ی کارفرمایان و دولت (به صورت بزرگترین کارفرما) و مسلما مساله ساز می شود. پس در یک کلام دریافت ها ی کمتر و پرداخت های غیرضروری و فساد هر چه بیشتر. بنابراین جز کاستن خدمات و تامین اجتماعی و پرداخت های کارگری و خلاصه سخت گیری های ضد کارگری راهی وجود ندارد. تمامی این اقدامات زمانی معنای واقعی خود را می یابند که مشاهده می شود هم زمان قانون کار جدید و همچنین دورخیز دولت برای اجرای فاز دوم حذف سوبسیدها و.. نیز زمینه اجرایی پیدا می کنند. این مثلث شوم و نحس تثبیت سیاه روزی و قانونی کردن فقر و فلاکت کارگران ایران است. اگر این مفروضات در شرایط بحران فراگیر سرمایه داری ایران و جهان مورد بررسی واقع شود خیلی روشن مشخص می گردد که این سیاست ها و قوانین نه یک برنامه و خواست و انتخاب صرفا داخلی بلکه راه حل جهان سرمایه داری برای غلبه بر بحران است. کاهش خدمات اجتماعی پس گرفتن تمامی دستاوردهای طبقه ی کارگر و زحمتکشان افزایش شهریه دانشگاه ها و کاستن از بودجه ی مدارس و بهداشت و شهرداری با کاهش واقعی دستمزدها و به حداقل رساندن میزان دریافتی بازنشستگان و مستمری بگیران و افراد بیمار و تحت پوشش و...خصوصی سازی تمامی امور اقتصادی و اجتماعی و... سیاست جهانی طبقه ی سرمایه دار است. و هر شخصی می تواند فقط با گوش کردن به اخبار این سیاست ها را از اروپا تا آسیا و از امریکا تا افریقا به وضوح بفهمد.
انتخاب قاضی سعید مرتضوی برای ریاست این سازمان یعنی اجرای این طرح و خواست و گرایش سرمایه داری آن هم با مشت آهنین و بی توجهی کامل به همگان . بی جهت نبود که عده ای از نمایندگان مجلس گفتند (نقل به مضمون) نباید با کسی که در سال های گذشته به خصوص سال 88 منشا آن همه خدمات برجسته بوده است، این گونه غیرمنصفانه برخورد کرد. باید قدردان چنین اشخاص فداکاری باشیم تا در آینده اگر مشکلی پیش آید کسی باشد که بتوان به آن اتکا کرد. حالا در جنگ ها و رقابت های سیاسی بالایی ها عده ای خواهان عزل چنین عنصری با آن سابقه ی درخشان! هستند و عده ای نیز خواهان ابقای وی هستند. ولی آن چیزی که مشخص است ماندن و رفتن مرتضوی برای کارگران اصلا مساله مهمی نیست. مهم خود سازمان تامین اجتماعی و قوانین و برنامه های آتی آن است که از نظر انسانی و سیاسی و اجتماعی هیچ گونه تخفیف و نقصانی در آن نباشد.
تامین اجتماعی از دستاوردهای مبارزاتی و گران قدر کارگران با قدمتی بیش از 150 سال در تمامی جهان است. از دیدگاه دیگری که مسلما انسانی ترین دیدگاه است تمامی انسان ها باید به اندازه ی کافی از انواع و اقسام بیمه ها و حمایت ها برخوردار و از رفاه و آسایش و امنیت بهره مند شوند. تا در مواقع پیری و بیکاری ، از کار افتادگی و خسارات ناشي از حوادث طبیعی و کار و بارداری و... دغدغه ی زندگی و فردای خود را نداشته باشند. درهمین جامعه و با این درجه از ثروت و علم می توان به آن دسترسی داشت. به خصوص برای کارگران و زحمتکشان این امر به صورت حقی غیرقابل انکار و بسیار مبرم مطرح است. زیرا اینان عمر و جوانی خود و هست و نیست شان را برای گرداندن چرخ های این جامعه و تولید و بازتولید این

همه ثروت و امکانات و نعمات به کار گرفته اند. پس لایق بیشترین پشتیبانی و برخورداری از تمامی فرصت ها و امکانات هستند. اما قطار وحشت سرمایه داری سرباز ایستادن و توقف ندارد. این هیولا باید همه چیز را ببلعد وگرنه آرام نمی گیرد. برپرچم نظام سرمایه داری بحران زده حک شده است: یا همه ی دستاوردها یا نابودی.
مسلما نظام سرمایه داری با این بحران عمیق و این همه معضلات رنگارنگ و این درجه از بربریت را نمی توان با راهکارها و سیاست های خانه کارگری و کانون عالی صنفی کارگران وادار کرد که به حق و حقوق کارگران تن بدهد. تجربه های مشخص جهانی هم گواهی است بر این که راه حل های نیروهای دست راستی اعم از طرفداران اقتصاد بازار آزاد و رقابتی و سلطنت طلبان و اصلاح طلبان حکومتی و سران سبزها ... نمی تواند از آلام بیشمار کارگران بکاهد . همه ی آنان در حفظ وضع موجود (ولو در اشکال مختلف) توافق نظر داشته و دشمني شان با طبقه کارگر و خواست های بر حقش اظهر و من الشمس است.
طبقه ی کارگر با چالش ها و موانع متعددی روبرو است و آینده آبستن تحولات بسیار مهمی است. باید بذر آگاهی پراکنده شود تا طبقه ی کارگر بتواند نقش و وظایف تاریخی و اجتماعی خود را به نحو احسن به انجام برساند. طبقه ی کارگر باید به عنوان مدیر و هدایت گر نه فقط در عرصه ی مبارزه اقتصادی بلکه در میدان مبارزه ی سیاسی گسترده نیز وارد شود و گرنه تمامی داشته هایش در خطر است اصلاحیه تغییرات قانون تامین اجتماعی و قانون کار (که هر دو از ارتجاعی ترین لوایح هستند) خود گویای همه چیز بوده و کاملا ملموس است که سرمایه داری چه خوابی برای کارگران دیده است.
ما خواستار لغو فوری لایحه تغییرات قانون تامین اجتماعی و قانون کار هستیم.
5 بهمن 91
kanoonmodafean1.blogspot.ca

شاپور احسانی راد در گفتگو با سایت اتحاد

کارگران ایران نظاره گر تحمیل فلاکتی خرد کننده بر زندگی شان نخواهند شد

سایت اتحاد: طی چند سال گذشته با فرا رسیدن ماههای پایانی سال مسئله هزینه های زندگی و در این میان عدم پرداخت دستمزدها و اخراج سازی کارگران شکل حادتری بخود گرفته است و دهها هزار کارگر گذشته از هزینه های زندگی و عدم پرداخت دستمزدها، پیش از پایان سال از کار خود اخراج شده اند. این مسئله بویژه طی دو سال گذشته رشد چشمگیری داشته است و با توجه به شرایط حاد اقتصادی در سالجاری و گرانی سرسام آور هزینه های زندگی، به یقین روزهای پایانی امسال و عید پیش رو یکی از تلخ ترین روزهای زندگی کارگران ایران خواهد بود و طبیعتا اخراج سازی کارگران نیز ابعاد هر چه گسترده تری به خود خواهد گرفت. در این رابطه شاپور احسانی راد از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران طی گفتگویی با سایت اتحاد اظهار داشت: روزهای پایانی سال چندین سال است که برای کارگران ایران به سخت ترین و مشقت بارترین روزها بدل شده است و در این میان امسال یکی از بدترین سالهاست چرا که هزینه های زندگی از اول امسال به این سو چندین برابر شده است و در خوشبینانه ترین حالت میتوان گفت این هزینه ها حداقل دو برابر شده اند، ما هیچگاه طی سالهای گذشته با چنین وضعیتی مواجه نبوده ایم، امسال یک سال بسیار استثنایی است و معلوم نیست میلیونها خانواده کارگری روزگارشان در عید امسال چگونه خواهد گذشت همین الان که به پایان سال حدود یک ماه باقی مانده است قیمت مرغ و برنج و گوشت و آجیل سر به فلک زده است و آن چیزی که به عنوان عیدی برای همه مردم و به مبلغ 70 هزار تومان برای هر نفر اعلام شده است مطمئنا دردی از دردهای میلیونها خانواده کارگری دوا نخواهد کرد.

شاپور احسانی راد در ادامه این گفتگو به طرح مسائل و مشکلات کارگران شهر صنعتی کاوه (ساوه) پرداخت و در باره وضعیت کارگران این شهر صنعتی در هفته های پایانی سال اظهار داشت:

شهرستان ساوه یک قطب کارگری با حدود 500 کارخانه در شهرستان ساوه و شهرصنعتی کاوه (10 کیلومتری شهرستان ساوه) می باشد اما در حال حاضر تعداد قابل توجهی از این کارخانه ها عملا تعطیل شده اند و اکثر کارخانه های در حال تولید نیز با ظرفیت پایینی در حال ادامه کار هستند و کارخانجات دیگر نیز همچون نورد لوله صفا، نورد و پروفیل ساوه، پاک وش، ریخته گری، پارس شیر، پارلو، مس کاوه، فنر سازی خاور، بهینه تکنیک، چینی سازی اسپیدار، بن رو، شیشه تابان و ...، با مشکلاتی از قبیل عدم توانایی در پرداخت وامهای بانکی و هزینه های آب و برق و گاز و گرانی مواد اولیه مواجه اند و خوب طبیعی است که چنانچه فکری به حال این وضعیت نشود در آستانه سال جدید هزاران کارگر از کارشان بیکار خواهند شد. این وضعیت در حال حاضر چنان حاد شده است که اخیرا نماینده شهرستان ساوه نیز در مجلس شورای اسلامی در باره آن هشدار داد و اعلام کرد چنانچه از این کارخانه ها حمایتی صورت نگیرد بزودی ده هزار کارگر در شهرستان ساوه بیکار خواهند شد.

شاپور احسانی راد در ادامه این گفتگو با اشاره به اخراج سازی ها و عدم پرداخت بموقع دستمزد کارگران به عنوان مهم ترین مشکلات هزاران کارگر در شهرستان ساوه در سالجاری اظهار داشت: در بسیاری از کارخانه های شهرستان ساوه عدم پرداخت بموقع دستمزد کارگران بیداد میکند و اغلب کارگران به علت ترس از اخراج و از دست دادن شغل شان دست به اعتراض نمیزنند و اگر اعتراضی هم بکنند از آنجا که کارفرمایان نفوذ بالایی در اداره کار و دیگر نهادهای دولتی دارند اعتراضات شان نیز چندان به جایی نمیرسد.

وی در این رابطه با اشاره به اعتراضات کارگران نورد لوله صفا در سالجاری گفت: 1200 کارگر این کارخانه از اول امسال به این سو در اعتراض به عدم پرداخت بموقع دستمزدهای خود چندین بار دست به اعتصاب زدند و حتی یکی دو بار نیز در مقابل فرمانداری تجمع کردند با اینحال مسئله عدم پرداخت دستمزد کارگران این کارخانه همچنان حل نشده است و آنان پس از هر بار اعتصاب و اعتراض نهایتا موفق به دریافت یکماه از دستمزد معوقه خود شده اند. تازه این وضعیت مربوط به کارخانه ای است که کارفرمایش یکی از بزرگترین و با امکانات ترین کارفرمایان در ایران است.

شاپور احسانی راد در پایان این گفتگو در باره افزایش دستمزدها اظهار داشت: من به عنوان یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران اعلام میکنم کارگران ایران بطور یقین زیر بار افزایش دستمزدها به روال سالهای گذشته نخواهند رفت چرا که تورم و افزایش هزینه های زندگی مطابق با سالهای گذشته نبوده است و نه تنها مطابق نبوده است بلکه ما با جهش چندین برابری در هزینه های زندگی مواجه بوده ایم. به همین دلیل ساده نیز کاملا روشن است که کارگران ایران تسلیم فلاکتی خرد کننده در زندگی شان نخواهند شد و با افزایش حداکثر 25 درصدی دستمزدها آنگونه که نماینده های خود خوانده ضد کارگری در شورایعالی در صدد تحمیل آن بر کارگران هستند رضایتمندانه در خانه هایشان نخواهند نشست و طبیعتا دست به جدالی تعیین کننده بر سر هستی و بقا خود خواهند زد این امر تبیین من از شرایط موجود است و ربطی نیز به اراده من نوعی ندارد. حال این مسئولان ممکلتی کشورمان هستند که می باید پاسخی شایسته برای برون رفت از وضعیت حاضر پیدا کنند.

پایان گفتگو

اتحادیه آزاد کارگران ایران – 26 بهمن ماه 1391
www.etehadyh.com

ممنوعیت فراخوان تجمع خیابانی به دو نفر از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران ابلاغ شد

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران آمده است : بدنبال احضار جعفر عظیم زاده و پروین محمدی به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات، این دو نفر ساعت 10 صبح دیروز در این دفتر حاضر شدند و تا ساعت 17 بعد از ظهر در مورد اتحادیه آزاد کارگران ایران و طومار سی هزار نفری کارگران مورد بازجویی قرار گرفتند. در این بازجویی پروین محمدی و جعفر عظیم زاده ضمن بیان صریح دیدگاههایشان در باره مسائل مطروحه، بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران و حق کارگران برای جمع آوری طومار اعتراضی، تلاش برای افزایش دستمزدها، جلوگیری از تصویب اصلاحیه قانون کار و تحقق دیگر مطالبات شان تاکید گذاشتند و اعلام کردند پیگیریها و اعتراضات خود را برای تحقق مطالبات طومار سی هزار نفری کارگران ادامه خواهند داد. در ادامه این بازجویی مامورین امنیتی بویژه بر عدم دادن فراخوان تجمع خیابانی توسط هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی تاکید گذاشتند و جعفر عظیم زاده و پروین محمدی نیز اعلام کردند تا آنجا که به آنان مربوط میشود ضمن ادامه تلاش و اعتراضات شان برای تحقق مطالبات طومار سی هزار نفری کارگران، از دادن فراخوان تجمع خیابانی تا پایان انتخابات ریاست جمهوری در سال 92 پرهیز خواهند کرد و چنانچه تا آنزمان به خواستهای کارگران در طومار سی هزار نفری شان رسیدگی نشود این حق را برای خود محفوظ میدانند که پس از انتخابات ریاست جمهوری و در صورت لزوم اقدام به تجمع خیابانی نیز بکنند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران – 26 بهمن ماه 1391
http://www.etehadyh.com/?page=news&nid=2810

www.khamahangy.com

در حمایت از اطلاعیه اخیر سندیکای کارگران شرکت واحد، در راستای تصمیم "گیری جمعی و شورایی"

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه" اخیرن اطلاعیه ای را تحت عنوان "برکناری منصور اسانلو از ریاست هیئت مدیره سندیکا" انتشار داده است که از برخی جهات حاوی نکات و موارد با اهمیتی در ارتباط با جنبش کارگری و مسائل و موضوعات "درونی این سندیکا" است. اهم آن ها عبارتند از: ۱ــ هیئت مدیره این سندیکا، در اطلاعیه کوتاه خود، به ویژه بر روی "برکناری منصور اسانلو، از ریاست هیئت مدیره این تشکل کارگری، "به علت انجام تخلفات متعدد و عدم پایبندی به تعهدات و نادیده گرفتن هشدارها و اعتراضات درونی این سندیکا"، تأکید کرده و اعلام نموده است که نامبرده "از این تاریخ هیچگونه سمت و مسئولیتی در این سندیکا ندارد." سندیکای شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه همچنین به این دلیل که خود را عضوی از آن - (ITF) از فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل فدراسیون می داند - خواسته است تا "همه ارتباطات، همکاری ها وحمایتهای"خود را از ایشان (منصور اسانلو) قطع نمایند."
این که دقیقن کدام مسائل و معضلات و در واقع تا چه درجه از "انجام تخلفات" و "عدم پایبندی"ها از جانب منصور اسانلو، سبب شده است تا هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد به اتفاق آرا اطلاعیه ای را با این لحن و مضمون برای برکناری وی از ریاست این سندیکا در دستور کار خود بگذارد و آن را در سطح جنبش کارگری اعلام نماید، هنوز بر ما روشن

نیست. اما آن چه از خود متن اطلاعیه استنباط می شود و ظاهرن هیئت مدیره را متفقن به عکس العمل در قبال عملکرد شخص منصور اسانلو واداشته، همانا استمرار و"تعدد تخلفات" نامبرده و یکه تازی و "عدم پایبندی" او به "تعهداتی" بوده است که سندیکا و دیگر اعضای این تشکل بر روی آن ها تأکید داشته و خود اسانلو نیز زمانی به آن ها "پایبندی" نشان می داده است. هیئت مدیره سندیکا در اطلاعیه خود همچنین تأکید می کند که آقای اسانلو به دفعات "هشدار ها و اعتراضات درونی سندیکا" را در ارتباط با "تخلفات" و خطاهای خود نادیده گرفته و "عدم پایبندی" خویش را به آن "هشدارها و اعتراضات" نشان داده است . لذا با توجه به رای و تصمیم جمعی اعضای هیئت مدیره و تأیید و حمایت برخی دیگر از کارگران و اعضای این تشکل از این تصمیم، از ریاست هیئت مدیره این سندیکا برکنار شده است.

این البته سنتی خوب و پسندیده است که باید از جانب کارگران آگاه و فعالین و تشکل های کارگری مورد حمایت و پشتیبانی قرار گیرد . بارقه ها و نشانه های یک سنت دیرپا و ارزشمند کارگری، سنت شورایی کارگران، آشکارا در این حرکت دیده می شود. باید آنرا به حد کافی برجسته کرد و تقویت نمود و از جوانب و ابعاد مختلف گسترش داد. تقویت این حرکت و حرکت هایی از این دست به منزله تأیید و تکریم کار و خرد جمعی کارگران است. به ویژه این که در راستای امر اصولی و درستی انجام شده باشد.

واقعیت این است که بخصوص در کشور ما و در روند کار و فعالیت تشکل های کارگری سال های اخیر، کم تر به این سنت و این روال کار توجه شده است. سنت یاد شده بر این پایه و منطق استوار است که "در یک تشکل جدی کارگری، افراد با هر درجه از سابقه و اعتبار، اگر مرتکب انجام خطا و "تخلف" گردند و مهم تر از آن، به "هشدارها و اعتراضات" دیگر اعضا و کارگران، در خصوص اجتناب از "تخلفات" و خطاهای ارتکابی بی اعتنا باشند و در یک کلام به گونه ای برخورد نمایند که گویی تشکل و نهاد مورد نظر، ملکِ طلقِ آن ها است، باید که از جانب دیگر اعضا و کارگران مورد سؤال و مؤاخذه قرار گرفته و در صورت "عدم پایبندی به هشدارها و اعتراضات" کارگران حتی از منصب و جایگاهی که در آن قرار گرفته اند برکنار شوند. این اطلاعیه نشان می دهد که این روند عینن در شرکت واحد و در خصوص شخص منصور اسانلو طی شده است. با توجه به متن اطلاعیه و نظر اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیئت مدیره این سندیکا، نامبرده بارها دست به "تخلف" از ضوابط و معیارهای موردنظر و قبول این سندیکا ــ که بعضن در اساسنامه این تشکل کارگری نیز قید شده است ــ زده و آن ها را زیر پا گذاشته است. و وقتی هم که به او هشدار داده می شد که دست از این گونه اعمال فردی بردارد، به هشدارها توجه و پایبندی لازم را نشان نمی داده است. جنبش اصیل کارگری باید جایی در برابر این یکه تازی ها و و بی حرمتی ها نسبت به تصمیمات و عملکردهای جمعی کارگران و تشکل های کارگری قد علم کند و در مقابل آن بایستد. هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد در واقع با این اطلاعیه، اقدام به این کار کرده است و دقیقن از همین زاویه است که باید اطلاعیه مورد نظر را که تصمیم پسندیده ای را در این خصوص گرفته و شجاعانه اقدام به انعکاس آن در سطح جنبش کارگری کرده است، به فال نیک گرفت و مضمون آن را تقویت نمود و برجسته کرد. کارگران شرکت واحد و هیئت مدیره محترم آن، هیچگاه اقدامات و فعالیت های کارگری و حق طلبانه منصور اسانلو و هر شخص دیگر را، تا آن جا که به منفعت کارگران ربط پیدا می کند و در دفاع از منافع و حرمت آن هاست از یاد نبرده و نخواهد برد. این قبیل فعالیت ها ــ چه بخواهیم و چه نخواهیم، چه موافق آن ها باشیم و چه نباشیم ــ از جانب هر کس که باشد در تاریخ فعالیت ها و مبارزات جنبش کارگری ثبت شده اند. اما سئوال این جاست که همه ی آن ها آیا می تواند توجیهی برای اقدامات خودسرانه و بعضن نگران کننده برخی افراد و فعالینی باشد، که یک نمونه آن، انعکاس گزارش سالانه این سندیکا از جانب آقای اسانلو است که کاملن خودسرانه و بدون حتی کوچکترین هماهنگی با هیچ یک از اعضای این تشکل در سطح جنبش منتشر شده است؟

این سنت را که فلان شخص یا بهمان فعال سرشناس جنبش کارگری ــ و یا هر جنبش دیگری ــ حق داشته باشد، به صرفِ سال ها فعالیت در این عرصه و دفاع از حقوق کارگران حتی، به گونه ای دلبخواهی و سرخود، بدون این که دیگر کارگران و اعضای سندیکا را حتی در جریان برخی اعمال و اقدامات خود قرار دهد ــ مشورت پیشکش ایشان - و یک تنه دست به هر اقدامی بزند و هرعملی را ــ اگر چه بعضن ناپسند و نگران کننده ــ توجیه نموده و به طور

دلبخواهی در صدد انجام آن ها برآید و بدتر از همه به "اعتراضات و هشدارهای" دیگر همکاران کارگر خود نیز وقعی نگذارد و اصلن آن ها را به حساب نیاورد و . . . دیگر باید دور ریخت و در زباله دانی تاریخ جایی برای آن در نظر گرفت. باید با این قبیل جاه طلبی ها و چهره سازی ها به مقابله برخاست. این خود نشانه رشد و تعالی جنبش کارگری است که دیگر این گونه چهره پردازی ها و فرد گرایی ها را نمی پذیرد و در برابر آن می ایستد. اتفاقن حرکت هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، در انعکاس این اطلاعیه، درست در همین جا و از این زاویه است که ارزش پیدا می کند. باید آن را به فال نیک گرفت و در حد یک الگو، در این قبیل موارد از آن استفاده نمود. نباید آن را تضعیف کرد و به باد ناسزا و تهمت گرفت. این اطلاعیه را هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد، به اتفاق آرا و پس از یک دوره طولانی برخورد با این شخص (منصور اسانلو) در بسیاری از زمینه ها، در دستور کار گذاشته و در سطح جنبش انعکاس داده اند. "مشکوک"، "اطلاعاتی" ، " ارتجاعی" و " عقب مانده" خواندن این حرکت و این اطلاعیه، بیش از آن که این برچسب ها را به این اطلاعیه و هیئت مدیره این سندیکا بچسباند، نویسندگان چنین ردیه هایی را افشا می کند و ادبیات و شیوه های برخورد آن ها را در مواجهه با یک تشکل کارگری به نمایش می گذارند. از ظاهر امر پیداست که هیئت مدیره سندیکا، هنوز خیلی چیز ها را نگفته و خیلی قضایا را رو نکرده است. این قضایا ممکن است در آینده و به وقت مقتضی روشن شوند و در معرض نگاه و قضاوت جنبش قرار بگیرند. قضایایی که هیئت مدیره این سندیکا را به حد کافی نگران کرده و به دادن این اطلاعیه ترغیب نموده است. فوریت و لحن اطلاعیه، دقیقن به خاطر همین نگرانی است. بگذریم از این که اگر این گونه هم نبود و چنین نگرانی هایی هم وجود نداشت، در آن صورت هم، ما و هر جریان جدی دیگری حق نداشتیم که تصمیم جمعی و متشکل هیئت مدیره این سندیکا را بدون هر گونه تحقیق و بررسی ای مورد تخطئه و انکار قرار دهیم و مهر باطل بر آن بزنیم. چنین برخوردهای نسنجیده ای قطعن در آینده ای نه چندان دور دامن این افراد و جریانات را خواهد گرفت. باید از این گونه برخوردها پرهیز نمود و کار را به روال صحیح آن انداخت. باید از این هیئت مدیره و این دوستان به خاطر چنین حرکت درستی حمایت کرد و صدالبته ضعف ها و نارسایی های آن را نیز گوشزد کرد.

واقعیت این که کارگران شرکت واحد اگر بتوانند به عنوان یک حرکت پسندیده و ارزشمند، این گونه تصمیم گیری های جمعی و شورایی را دنبال نموده و با اتکا به دخالت روزافزون کارگران، آن را به سایر موارد، تصمیم گیری ها و اقدامات کارگری خود سرایت دهند و برای گسترش و همه گیر شدن آن تلاش کنند دست به کار مهمی در سطح جنبش کارگری زده اند و به راستی بدعت درست و پسندیده ای را در سطح این جنبش بر جای نهاده اند.

۲- از دیگر نکات برجسته و قابل تعمق این اطلاعیه، تأکید هیدت مدیره محترم این سندیکا، دایر بر <u>عدم پذیرش "نماینده و سخنگو، در خارج از کشور" است.</u> این موضع گیری اصولی و انقلابی، مطمئنن برخی افراد فرصت طلب و گرگ هایی را که در لباس میش برای جنش کارگری ایران و تشکل های موجود در آن دندان تیز کرده اند یکسره نا امید می کند و خواب های طلایی آن حضرات و جریانات را سخت آشفته و پریشان می سازد . برای این موضع گیری نیز باید به سندیکای کارگران شرکت واحد و هیئت مدیره آن دست مریزاد گفت و آن را نیز به فال نیک گرفت. این سندیکا و این کارگران با این اطلاعیه و این قبیل موضع گیری ها در واقع دست رد بر سینه افراد و نهادهای ارتجاعی و سرمایه سالاری زده اند که به عنوان دلالان و جیره خواران سرمایه همواره مترصد دخالت در این جنبش، به منظور به انحراف کشاندن آن و سوق دادنش به دامان اربابان سرمایه هستند. چنین موضع گیری هایی همچنین دلالت بر سلامت و راست قامتی این جنبش دارد. کارگرانی که با توجه به بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی و دستمزدهای تا چهار برابر زیر خط فقر، حتی یک لحظه در عدم پذیرش وعده های چرب و نرم دلالان خارجه نشین سرمایه درنگ نمی ورزند و عطای پول ها و وعده های "با منظور" و هدفمند آن ها را به لقایشان می بخشند به راستی مستحق قدردانی و احترامند . همان گونه که تا کنون بوده اند.

۳- آخرین موردی را که باید در خصوص این اطلاعیه مطرح کرد راجع به لحن و شیوه بیان آن است. در واقع همین مسئله به نوبه خود مخالفت های زیادی را علیه این اطلاعیه و هیئت مدیره سندیکای کارگران این شرکت برانگیخته است. باید توجه کرد که اطلاعیه اخیر این

که سندیکا خود را یکی از (ITF) سندیکا خطاب به "فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل اعضای آن می داند و کم و بیش با آن مکاتبات و مراوداتی دارد نوشته شده است و منظور آن البته این بوده است که این "فدراسیون" از این پس با شخص اسانلو، به عنوان "ریاست هیئت مدیره این سندیکای کارگری" ارتباط برقرار نکند و همکاری های احتمالی خود را در ارتباط با این سندیکا، از طریق نامبرده دنبال ننماید . همین و بس. و این البته حرف بسیار درستی است. کسی را که از ریاست سندیکا برکنار شده است نمی توان رابط این تشکیلات با دیگر تشکل ها و نهاد های کارگری دانست. از دیگر مسائل و قضایا هم که بگذریم، اسانلو به صرف این که برای همیشه از کشور خارج شده است بر اساس اساسنامه این تشکل کارگری، از عضویت در این سندیکا و به طریق اولی از ریاست آن برکنار می شود. این مسئله را باید سندیکای کارگران به طور علنی و رسمی به اطلاع این فدراسیون می رساند. و این کار را هم طی اطلاعیه ای انجام داده است . واضح است که نه سندیکا به عنوان یک نهاد حقوقی و نه تک تک اعضای آن راضی نخواهند شد که در مواقع لزوم، اسانلو به عنوان یک انسان و یک فعال کارگری از هرگونه حمایتی محروم شود[۱]. این مسئله اگر چه تا حدود زیادی از همین متن کوتاه استنباط می شود، اما بهتر بود که هیئت مدیره محترم این سندیکا بیش از این به آن . وضوح و روشنی می بخشید تا احتمالن ابهامی در این زمینه باقی نماند

با آرزوی سلامتی و راست قامتی هر چه بیش تر جنبش کارگری و تلاش روز افزون همه .فعالین کارگری برای پیشبرد بیش از پیش امر مبارزه ی طبقاتی

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

سه شنبه ۱۰ بهمن ۱۳۹۱

۱]- بر اساس شنیده های تا کنونی خیلی از همان نهادها و جریانات معلوم الحال از هر طرف] به دنبال این به قول خودش "لخ والسای" ایرانی راه افتاده اند تا از او به نحو احسن حمایت (حمایت ؟!!!) کنند . آنان ظاهرن برنامه هایی نیز برای ایشان طرح ریزی کرده اند

www.ilna.ir

عصر امروز و فردا در کمیسیون اجتماعی مجلس؛
مشکلات کارگران «نی بر» خوزستان در مجلس بررسی می‌شود

کمیسیون اجتماعی مجلس عصرامروز و فردا (۲۹ و ۲۸ بهمن) در خصوص بررسی مشکلات کارگران نی بر هفت تپه و کشت و صنعت کارون تشکیل جلسه می‌دهد.

یکی از نمایندگان کارگران نی بر کشت و صنعت کارون با اعلام این خبر به ایلنا گفت: بررسی مشکلات بیمه‌ای بیش از سه هزار کارگر نی برخوزستان عصر امروز و فردا در کمسیون اجتماعی مجلس با حضور نمایندگان و کارفرمایان این دو مجموعه تولیدی و همچنین نمایندگانی از تامین اجتماعی بررسی می‌شود.

او افزود: پیش از این، کارگران نی‌بر مجتمع کشت و صنعت کارون شوشتر و هفت تپه از بامداد سوم بهمن ماه تا شامگاه روز دوشنبه ۹ بهمن ماه در مقابل ساختمان دولت ادامه تجمع کرده بودند. طبق پی گیری نمایندگان این دو واحد تولیدی پس از گذشت ۲۰ روز از پایان تجمع، عصر امروز یکشنبه مشکلات کارگران در کمسیون اجتماعی مجلس بررسی می‌شود.

او اضافه کرد: کارگران نی بر علاوه بر درخواست اجرای قانون مشاغل سخت و زیان‌آور، اجرای بازنشستگی پیش از موعد، اجرای طرح طبقه‌بندی مشاغل و پرداخت منظم دستمزد و حقوق؛ خواستار تغییر ساز و کار رفع فاصله بیمه‌ای خود هستند.

این کارگر با اشاره به اینکه معوقات حقوقی کارگران نی بر کشت و صنعت کارون شوشتر به دو ماه رسیده است، افزود: کارفرمای کشت و صنعت کارون شوشتر، از کل دو ماه مطالبات کارگران که حدود یک میلیون ۸۰۰ هزار تومان است، حدود ۴۰۰ هزار تومان به صورت الحساب پرداخت کرده است و از سایر مزایا همانند عیدی و پاداش پایان سال و پرداخت نقدی بن کارگری خبری نیست.

نماینده کارگران نی‌بر کارون شوش‌تر با تاکید بر اینکه باید تکلیف مطالبات صنفی کارگران نی بر مشخص شود، گفت: امیدواریم مشکلات کارگران نی بر با مساعدت نمایندگانی که از سوی دولت و مجلس مسئول پی گیری مطالبات کارگران در کمسیون اجتماعی و هیات دولت هستند مرتفع شود.

پایان پیام

روزشمار کارگری ماه اسفند سال ۱۳۹۱ ــ۲۰۱۲و ۲۰۱۳

نامه نیما ابراهیم زاده فرزند کارگر زندانی
سلام بر همه مردم ، سلام بر کارگران

بر پایه ایمیل رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه : من نیما ابراهیم زاده فرزند کارگر زندانی در بند ودوستدار کودکان بهنام ابراهیم زاده هستم، بیش از یک ماه است که در بیمارستان محک کودکان بستری شده ام، بیش از دوسال ونیم است که پدرم به جرم دفاع از ما کودکان وجامعه کارگری در زندان بسر می برد، اولین ملاقات ودیدار با پدرم بعد از ماهها انفرادی ومحروم از ملاقات را هنوز یاد دارم دیدن ان لحظات دهشناک وپر از تشویش ونگرانی، هنگامیکه پدر را برای اولین بار بعد از ماهها از بند 209 وزارت اطلاعات به سالن ملاقات آوردند قلب من به شدت مجروح شد، حسرت اینکه پدر نمی تواند در کنارما بماند و به ما نزدیک شود در ان لحظه دوست داشتم با تمام وجودم پدرم را در اغوش بگیرم اما وجود شیشه های بیرنگ وبیروح که حتی به سختی می توانستم پدر را در انسوی میله های زندان ببینم اجازه این را به من نمی داد که پدر را با تمام وجودم در اغوش بگیرم، همیشه به خانواده ام به پدر ومادرم وپدر بزرگم افتخار کرده ام در نبود پدر،پدر بزرگ ودوستان ورفقای پدرم همواره در کنار من ومامان بوده اند، تا به امروز ما را تنها نگذاشته اند این نیز توان ونیروی من ومامان را در نبود پدر برای زنده ماندن دو چندان می کند، روزهایی که پدر عزیزم در کنارم بود وهرسال روز جهانی کودک مرا به مراسم روز جهانی کودک وجمعیت دفاع از کودکان کار وخیابان میبرد روزهای که به همراه پدر ومامان به کردستان خانه بابا بزرگ میرفتیم وخوش بودیم واز این همه خوش برخوردی مردم ودوستان واشنایان بسیار خوشحال بودم و آرزو دارم باز هم چنین روزهایی داشته باشم.
من که کودکی پر شور وفعال وپرتحرک ، اجتماعی وعاشق فعالیت های اجتماعی وانسانی پدر بودم، اما اکنون بیش از یکماه است در بیمارستان محک کودکان در بخش انکولوژی یک طبقه چهارم ساختمان محک مخصوص کودکان سرطا نی بستری شده ام مادرم همراه من است، وقتی مرا نگاه می کند چشمانش همیشه پر از اشک می شود و باتمام وجود حسرت مر ا می خوردکه تنها فرزندش در بستر بیماری است پدر هر روز از جنوبی ترین نقطه تهران ساعت دوازده ظهر به بیمارستان می آید که در کنار من چند ساعتی بماند با اینکه خودش از

ناراحتی های آرتروز گردن ودرد گوش بشدت رنج میبرد هنوز فرصت پیدا نکرده است که خودش را معالجه کند او به شدت درگیر وضعیت پیش آمده وپیگروضعیت درمان ومعالجه من است این روزها که به سال نو نزدیک میشویم بیشتر در رنج وناراحتی بسر میبرم نگرانی از اینکه من در بستر بیماری ام واینکه نکند پدر را به زندان برگردانند، اینکه وقتی می بینم همه مردم وخانوادها این روز ها به همراه فرزندان خود برای خرید راهی بازار شهر میشوند، من در بستر بیماری هستم ، نمی توانم به همراه پدر ومادرم به خرید عید بروم واصلا می توانیم عیدی داشته باشیم؟آیا وسفری خواهیم داشت؟ سخت ناراحت می شوم .
اما آن چه که توانسته است حتی در تلخ ترین لحظات زندگی خانواده مرا سرا پا نگه دارد این باور است که من عضو یک خانواده امتحان پس داده ام ما توانسته ایم در امتحانهای فراوان فایق ایم ما خوشبختیم که در دوره ای زندگی میکنیم که رفاه اجتماعی وحمایتهای انسانی نه فقط به عنوان یک امر مطلوب وبا ارزش بلکه به عنوان یک ضرورت مطرح هستند.
در پایان از تمامی کارکنان ودکترها، پرستاران بیمارستان محک که توجه زیادی به من ودیگر کودکان دارند وبرای بهبودی ما از هیچ تلاشی دریغ نمی کنند از دوستان ورفقای خوب پدرم ومردم عزیز کشورم در داخل وخارج که همواره در کنار ما بوده اند نگرانی عمیق خودشان را ابراز داشته اند حمایتهای خودشان را از ما دریغ نکرده اند صمیمانه تشکر وقدر دانی میکنم، امیدوارم هرچه زودتر بهبود یابم ودل پدر ومادرم وتمامی کسانی که نگران من هستند را خوشحال کنم و بتوانیم جشن سلامتی را همراه با جشن ازادی پدر عزیزم ونوروز سال جدید را در کنار هم جشن بگیریم، به امید آن روز .
نیما ابراهیم زاده فرزند زندانی سیاسی دربند بهنام ابراهیم زاده
بیمارستان محک کودکان
اسفند 91بخش انکولوژی یک

کارگر زندانی، بهنام ابراهیم زاده را دریابیم .

بر پایه اطلاعیه رسیده به روز شمار کارگری آمده است : (اسعد) بهنام ابراهیم زاده، فعال کارگری ،کودکان و وبلاگ نویس است. او عضو جمعیت دفاع از کودکان کارو خیابان و همچنین عضو شورای نمایندگان کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری است. بهنام صدای ما مردم به ستوه امده، طبقه کارگر ومحروم جامعه که از حداقل های مورد نیاز محروم هستیم بوده وهست. او در دفاع از مردم ، کارگران وکودکان حتی در داخل زندان هم یک لحظه از پای ننشست، در دفاع ازکارگران وکودکان وزنان وتلاش برای لغو اعدام همواره در تلاش بود، شهامت و مقاومت و پایداری این زندانی سیاسی ستودنی است، هزینه های مختلفی که خانواده بهنام تا به امروز متحمل شده اند برای همگان روشن است، از این خانواده باید قدر دانی شود.

اکنون نیما، تنها فرزند بهنام در بیمارستان محک بستری است، او مبتلا به سرطان خون است. کارگران و عمومی مردم نباید امروز در مقابل وضع پیش امده برای بهنام بی تفاوت باشد، بهنام کارگر و از طبقه محروم جامعه است.
تشکلها واتحادیه های کارگری :
بهنام نیز مانند اعضای شما، یک کارگراست، او حتی در داخل زندان دست از اعتراض نکشید ودر دفاع ازما مردم وکارگران وکودکان و زنان به مبارزه خود ادامه داد.
فرزند بهنام، نیما ابراهیم زاده در بستر بیماری است، اکنون وقت آن رسیده در کنار خانواده بهنام ابراهیم زاده وتنها فرزندش باشیم، گامی بلند در جهت نجات جان نیمای عزیز برداریم.
ما روبه تمامی انسانهای شریف وآزادیخواه ایران وجهان وتشکلهای کارگری وسازمانهای مدافع حقوق بشر رو آورده ایم. ما از همه مردم ، همه کارگران و وجدانهای بیدار میخواهیم، در راستای نجات جان نیما ی عزیز، نگذارند بهنام به زندان برگردانده شود، و از هرطریق ممکن برای نجات جان نیما از این خانواده حمایت کنیم.
آزاد زیستن حق همه ای انسانهاست

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری
1/12/1391

محمد جراحی تحت عمل جراحی قرار گرفت

محمد جراحی کارگر و عضو کمیته پیگیری پس از تحمل درد زیاد و اسرار بلاخره به بیمارستان امام رضا در تبریز منتقل شد.
روز شنبه 28 بهمن ماه با دستبند وپابند، روی تخت بیمارستان قرار گرفت . ودر همان حال به کلیه پرسنل بیمارستان تاکید شد که وی ممنوع ملاقات است .با اسرار خانواده اش به مدت چند دقیقه توانستند دیداری حضوری کوتاهی با این عزیز دربند را داشته باشند.
اعزام زندانی به بیمارستان از حقوق اولیه زندانیان است. محمد جراحی کارگری که مدتها بیکار بود. او را در تاریخ 17/3/1390 دستگیر کردند. اتهامات علیه محمد جراحی کذب محض هستند . علاوه بر ان دادگاه وی طوری برگذار گردید که او و وکیلش اجا زه دفاع نداشتند، وکیل به شرط سکوت، یعنی برای تزیین دادگاه اجازه حضور داشت .محمد جراحی همیشه مورد بدرفتاری ، توهین و رفتارها غیر قانونی و غیر انسانی از سوی زندانبابان قرار گرفته است .
ما از کلیه سازمانهاو نهادهای مدافع کارگران و مدافعین حقوق بشری میخواهیم که از حقوق زندانیان سیاسی از جمله این کارگر زندانی به دفاع برخیزند.

کارگر زندانی، زندانی سیاسی ازاد باید گردد
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری
1/12/1391

تجمع بازنشستگان در مقابل سازمان بازنشستگان کشوری در تهران

به گزارش رسیده جمعی از بازنشستگان کشوری آموزش و پرورش دوشنبه ۳۰ اسفند در مقابل سازمان بازنشستگان کشوری در خیابان فاطمی تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به خواستهایشان تجمع نمودند.
بر اساس این گزارش در پی نامه نگاریهای انجام شده و شکایت بازنشستگان و در نهایت رای دیوان عدالت اداری به نفع آنان مبنی بر پرداخت دیون معوقه و ارجاع به سازمان بازنشستگی، اداره حقوقی این سازمان اعلام کرده بود "این رای اقدامی ندارد و به بایگانی سپرده شود."
بازنشستگان بعد از این برخورد سازمان بازنشستگی، اقدام به تجمع در مقابل این سازمان نموده و خواستار رسیدگی به خواستهایشان و عمل به رای دیوان عدالت اداری شدند. در این تجمع نمایندگان گزارشی از وضعیت دادند و بر خواسته های بازنشستگان مبنی بر پرداخت دیون معوقه سالهای ۸۶ و ۸۷ و اجرای کامل قانون خدمات مدیریت کشوری ، ساماندهی بیمه های درمانی بازنشستگان و افزایش خدمات آن و ... تاکید کردند.
تجمع کنندگان با سر دادن شعارهایی مانند عطاریان حیا کن صندوق را رها کن ، ما طلبکاریم .... ضمن حمایت از اقدامات نمایندگان، اعتراض خود را به این عمل سازمان بازنشستگان کشوری اعلام نمودند.
در حین شعار دادن تجمع کنندگان ، مامورین اقدام به پاره کردن پلاکاردها نمودند، همچنین بازنشستگان اعلام کرده اند که در صورت عدم رسیدگی مجددا تجمع خواهند کرد. لازم به ذکر است این بازنشستگان در هفته های گذشته در مقابل مجلس و اداره بازنشستگان استان تهران نیز تجمع کرده بودند.

۱ اسفند ۱۳۹۱

دیدار کارگران معترض تهرانی با معاون روابط کار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران- ایلنا آمده است : جمعی از کارگران به همراه هماهنگ‌کنندگان طومار ۳۰ هزار امضایی در اعتراض به کاهش ارزش مزد سال ۹۱ و اصلاح قوانین کار و تامین اجتماعی دیروز برای پیگیری پاسخ دولت به خواست کارگران به وزارت کار مراجعه کردند.
به گزارش ایلنا، در آخرین روز بهمن‌ماه سال ۹۱، در حدود ۵۰ کارگر از کارخانه‌های تهران به نمایندگی از سایر کارگران امضا کننده طومار یاده شده برای پیگری خواسته‌های خود به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مراجعه کردند.
در این مراجعه حضوری، دو نفر از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران با مسئولان این وزارتخانه از جمله ابراهیم نظری جلالی معاون تنظیم و نظارت بر روابط کار دیدار و گفت‌وگو کردند.
گفته می‌شود در جریان این دیدار کارگران با اشاره به فرارسیدن زمان تعیین مزد سال ۹۲ در شورای عالی کار و همچنین انتشار شایعاتی در خصوص احتمال افزایش ۲۰ تا ۲۵ درصدی مزد سال آینده، نسبت به سکوت این وزارتخانه در قبال خواسته‌های طومار ۳۰ هزار امضایی اعتراض کردند که در ادامه این دیدار مسئولان وزارت کار وعده داده‌اند که تا دو هفته آینده بصورت کتبی به طومار یاد شده پاسخ خواهند داد.

جدال تشکل‌های کارگری منافع کارگران را به حاشیه برده است

یك فعال کارگری در استان گلستان معتقد است کارگران از اختلاف میان تشکل‌های کارگری بیشترین زیان را می‌بینند.
هادی رضازاده، دبیر خانه کارگر گلستان با انتقاد از تشکل‌های کارگری وابسته به دولت، به ایلنا گفت: برخی تشکل‌های رسمی با سوءاستفاده از عنوان «نماینده کارگری» علاوه بر آنکه عملا هیچ دفاعی از کارگران انجام نمی‌دهند بلکه با تایید نظرات تحمیلی دولت موجب تصویب قوانینی به زیان کارگران می‌شوند.
این فعال کارگری با بیان اینکه امید کارگران در شرایط نامناسب اقتصادی به نمایندگان صنفی‌شان است، تاکید کرد: اختلافات و لابی‌های پشت پرده بعضی از مسئولان تشکلات کارگری به قیمت تضعیف اقتصاد و فشار به قشر کارگر تمام شده است.
رضازاده جدال تشکل‌های کارگری را موجب به حاشیه رفتن مطالبات اصلی جامعه کارگری دانست و گفت: مشکلات از جایی شروع می‌شود که تشکل‌هایی که باید در چارچوب موازین صنفی حرکت کنند سعی می‌کنند همانند دولت مردان به دنبال مچ گیری از رقیبان باشند.
دبیر خانه کارگر گلستان ادامه داد: در همه جای دنیا نمایندگان کارگران برای منزلت اجتماعی جامعه کارگری می‌جنگند اما اکنون در ایران تشکل‌های کارگری به جان هم افتاده‌اند و هر تشکل ساز خود را می‌زند. رضازاده در پایان از تشکل‌های کارگری درخواست کرد بجای لابی با دولت مردان و رقابت برای گرفتن امتیاز از دولت، در جهت حفظ منافع جامعه کارگری با هم متحد شوند.

اخراج ۴۰ کارگر «نی بر» خوزستان شایعه است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا آمده است : در پی انتشار اخباری مبنی بر اخراج ۴۰ کارگر «نی بر» دو کارخانه هفت تپه و کشت و صنعت کارون شوشتر به دلیل اعتراض صنفی یك هفته‌ای این کارگران در مقابل ساختمان دولت، یکی از نمایندگان کارگران در تماس با ایلنا ضمن تکذیب این شایعه، انتشار چنین اخباری را موجب ترس و دلسردی کارگران از پی‌گیری حقوق صنفی خود دانست.
به گزارش ایلنا، این نماینده کارگران کشت و صنعت شوشتر که نخواست نامش فاش شود، تهدید شغلی کارگران در زمان حضور یك هفته‌ای در تهران را تایید کرد اما از محقق نشدن این تهدید در زمان بازگشت به خوزستان خبر داد و گفت: کارگران پس از تجمع اعتراضی هفت روزه خود در مقابل ساختمان ریاست جمهوری به خوزستان بازگشتند اما دلیل بارندگی‌های مداوم امکان کار در مزارع وجود نداشت و کارگران پس از این تعطیلی اجباری، هم اکنون به کار

تخصصی بریدن ساقه نیشکر در مزارع مشغول‌اند.
این فعال کارگری با اعلام نگرانی کارگران در پی انتشار این شایعه، اظهار کرد: پی‌گیری مطالبات صنفی در چارچوب قوانین هرچند بدون هزینه نیست اما انتشار شایعه اخراج فعالان صنفی پیش از وقوع، تنها باعث ناامیدی، ترس و دلسردی کارگران از پی‌گیری مطالبات بحق خود خواهد شد.

اعتراض کارگران به نفع کارفرمایان شد

برپایه خبر منعکس شده در سایت خبرگزاری دولتی ایلنا آمده است : نماینده کارگران کشت و صنعت کارون شوشتر همچنین در ادامه سخنان خود در خصوص آخرین وضعیت مطالبات این کارگران در مجلس، تصریح کرد: بررسی مشکلات بیمه‌ای بیش از سه هزار کارگر نی برخوزستان در روزهای ۲۹ و ۲۸ بهمن در کمسیون اجتماعی مجلس با حضور نمایندگان مجلس و کارفرمایان این دو مجموعه تولیدی و همچنین نمایندگانی از تامین اجتماعی بررسی شد.

این فعال کارگری از برگزاری اولین جلسه کمیته‌ای متشکل از نمایندگان کارگران و کارفرمایان، دولت و سازمان تامین اجتماعی که شامگاه دوشنبه (30 بهمن) در ساختمان تامین اجتماعی خبر داد و گفت: در جلسه دیشب مقرر شد، دولت بخش اعظمی از بدهی‌های بیمه‌ای مجتمع کشت وصنعت کارون شوشتر و هفت تپه را که رقم آن بیش از ۱۷۰ میلیارد تومان است را ببخشد. این کارگر اضافه کرد: سهم کارفرما و کارگران با بخشودگی ۱۰۰ میلیارد تومانی، حدود ۷۰ میلیارد تومان شده و آنان موظف شده‌اند این رقم را پرداخت کنند.

او گفت: در این میان سهم هر کارگر برای پرداخت فاصله بیمه‌ای، در گذشته به نسبت سوابق در حدود ۴۰ الی ۵۰ میلیون تومان می‌شد که این رقم هم اکنون به کمتر از ۸ میلیون تومان رسیده است. او با بیان اینکه کارگران توان پرداخت این مبلغ را نیز ندارند، اظهار داشت: خواسته کارگران این است که این مبلغ از سنوات پایان خدمتی کارگران کسر و پرداخت شود. در غیر اینصورت کارگران توان پرداخت آن را نخواهند داشت.

او در خاتمه گفت: تلاش کارگران و تحمل مشکلات گوناگون اقامت یك هفته‌ای در تهران به سود کارفرمایان این دو شرکت شد، در صورتی که کارگران انتظار داشتند اگر قرار بود تخفیفی اختصاص یابد شامل حال کارگران شود.

پایان پیام

اعتصاب کارگران بزرگترین تولید کننده پلاتین جهان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا آمده است : کارگران شرکت معدنی «آنگلوآمریکن» بزرگ‌ترین تولید کننده پلاتین جهان، امروز در اعتراض به خشونت اعمال شده علیه معدنچیان در یکی از معادن این شرکت در استان شمال غرب آفریقای جنوبی دست از کار کشیدند.
به گزارش ایلنا به نقل از شبکه تلویزیونی آفریقای جنوبی، بدنبال حرکت اعتراضی معدنچیان، تمامی فعالیت معادن شرکت «آنگلوآمریکن» روز سه شنبه در این کشور متوقف شد. براساس این گزارش، در جریان تیراندازی روز دوشنبه گارد امنیتی یکی از معادن این شرکت در منطقه «روستنبرگ» واقع در ۱۲۰ کیلومتری ژوهانسبورگ، بسوی معدنچیان، یکی از آنان کشته و حداقل ۱۳ نفر زخمی شدند.
گفته می‌شود که تیراندازی گارد امنیتی این معدن در زمانی صورت گرفت که میان اعضای دو اتحادیه رقیب معدنکاران درگیری صورت گرفته بود.
یک مقام پلیس محلی عنوان کرده است که درگیری این کارگران برای اشغال یک دفتر اتحادیه

در معدن یاد شده بوده است.
بگزارش شبکه تلویزیونی آفریقای جنوبی، نزدیک به یکهزار معدنچی همچنین روز سه شنبه در ورزشگاه «بلسکوپ» واقع در منطقه روستنبرگ اقدام به برگزاری تجمعی اعتراضی کردند.
براساس این گزارش، یکی از رهبران معدنچیان گفته است که نیروهای گارد شرکت آنگلوآمریکن حق دخالت در مسایل و اختلافات میان دو اتحادیه ملی معدنکاران و معدنکاران و کارگران ساختمان نداشته‌اند.
منطقه روستنبرگ واقع در یکصد کیلومتری ژوهانسبورگ سال گذشته میلادی شاهد اعتراض‌های وسیع کارگری و نیز درگیری نیروهای پلیس با معدنچیان بود. در جریان این درگیری‌ها و تنش‌های کارگری شمار زیادی از معدنچیان کشته و تعداد زیادی از آن‌ها زخمی و دستگیر شدند.

مرگ تعمیرکار آسانسور بر اثر سقوط از طبقه ششم

به گزارش سایت دولتی ایلنا آمده است : کارگر تعمیر کار آسانسور به علت سقوط از طبقه ششم ساختمانی در تهران جان خود را از دست داد.
به گزارش ایلنا، عصر روز گذشته (۳۰ بهمن ماه)، يك كارگر سرویس کار آسانسور، هنگام تعمیر آسانسوری در یک مجتمع مسکونی در بزرگراه حکیم، بلوار تعاون از طبقه ششم ساختمان ده طبقه به داخل چاهک آسانسور سقوط کرد و جان خود را از دست داد.
بر اساس این گزارش، گروه‌های امداد و نجات در بررسی‌های خود از محل حادثه دریافتند کارگری در حین تعمیر آسانسور سقوط کرده و به علت مصدومیت و خونریزی شدید جان خود را از دست داده است.

ممبینی:
لایحه بودجه سال ۹۲ یکشنبه به مجلس می‌رود

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر تاریخ اول اسفند 91 آمده است : معاون بودجه معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری اعلام کرد: لایحه بودجه سال ۹۲ یکشنبه تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهد شد.
به گزارش خبرگزاری ایلنا، رحیم ممبینی افزود: قرار بود لایحه بودجه در همین هفته راهی مجلس شود اما کار نهایی کردن لایحه در معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی این اجازه را نداد و اکنون که لایحه نهایی شده است، اوایل هفته آینده لایحه بودجه ۹۲ برای تصویب تقدیم می‌شود.

پایان پیام

از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:
دستمزد عادلانه حق مسلم ماست

به مسئولان وزارت رفاه، کار و امور اجتماعی و شورای عالی کار
رانندگان و کارگران شرکت واحد همانند هزاران هزار کارگر دیگر در شرایط وحشتناک گرانی و تورم وشرایط خطرناک کار همچون الودگی هوا مشغول خدمت رسانی صادقانه به مردم و جامعه هستند. بنابراین خواستار دریافت دستمزدی عادلانه می‌باشند در خواست ما برای تعیین دستمزد سال ۱۳۹۲این است که علاوه بر تورم واقعی امسال تورم سال آینده در نظر گرفته شود، تا طبق ماده ۴۱ قانون کار و با استفاده از روش‌های حمایتی دولتی حداقل دستمزد کارگران پاسخگوی هزینه‌های کمر شکن زندگی کارگران و بازنشستگان کارگری باشد.
در این راستا کارگران انجام اقدامات اعتراضی را حق مسلم خود می‌دانند.

سقوط مرگبار کارگر به چاهک آسانسور

به گزارش پایگاه خبری ۱۲۵، در اول اسفند 91 آمده است : روز گذشته سقوط سرویس کار ۵۳ ساله به نام (لطف الله- ز) هنگام سرویس آسانسور از طبقه ششم ساختمان ۱۰ طبقه به درون چاهک، رقم زد.
این حادثه در شرق به غرب بزرگراه حکیم، بعد از بلوار تعاون، مجتمع‌های مسکونی ایران پویا، واقع شده است.

نائب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور:
عرضه ۶۰ هزار تن چای به بازار غیر قانونی است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر تاریخ اول اسفند 91 آمده است : نایب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور ورود ۶۰ هزار تن چای غیر مصرفی و کمپوست شده به بازار چای کشور را غیر قانونی دانست.

پرویز شعبانی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: ۶۰ هزار تن چای سنواتی تعاونی روستایی که در سالهای ۸۵ و ۸۶ تولید شده بود و هم اکنون بغیر از مصرف جهت ساخت کود غیر مصرفی است، بصورت غیر قانونی وارد بازار چای کشور شده است.

نائب رئیس اتحادیه چایکاران شمال کشور با بیان اینکه سلامت اجتماعی مصرف کنندگان چای با این اقدام غیر اخلاقی در خطر است، تصریح کرد: طبق مصوبه هیئت دولت به شماره ۹۸۳۱۳-ط ۴۵۷۱۶-ن مورخه ۱۳/۵/۹۰ به ریاست معاون اول رئیس جمهوری، با موضوعیت اصل ۱۲۷ قانون اساسی همه چای‌های موجود در تعاونی روستایی باید به کمپوست تبدیل شوند و به هیچ وجه نباید وارد بازار چای کشور شوند. به گفته او همچنین طبق این مصوبه چایی‌هایی از این محموله قابلیت شرب و عرضه در بازار را دارند که مورد تایید اداره استاندارد قرار گرفته و مجوز مربوطه صادر شده باشد.

شعبانی تاکید کرد: مسئولان استانی بویژه استانداری گیلان باید هر چه سریعتر نسبت به جمع آوری و جلوگیری از پخش این چایی‌های غیر قابل مصرف اقدام کند.او در پایان ضمن یاد آوری پرداخت نشدن مطالبات ۱۰ ماهه چای کاران، گفت: امید واریم در آستانه سال نو تمامی مطالبات معوقه چای کاران پرداخت شود.

پایان پیام

حادثه در محل کار فاجعه آفرید

بنا به گزارش دریافتی روز شنبه مورخ ۲۸/۱۱/۹۱ بر اثر انفجار یک دیگ بخار در کارخانهٔ آروین پلاستیک قزوین متاسفانه ۸ نفر از کارگران شاغل در این کارخانه جان خود را از دست دادند.
لازم به ذکر است یکی از جان باختگان این حادثه به نام صادق اوسطی اهل سنندج بود که در میان غم و اندوه وابستگانش به خاک سپرده شد.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن اعلام اینکه فقدان شرایط ایمنی و استاندارد در محیطهای کار عامل این گونه حوادث بوده و منفعت طلبی کارفرمایان را مسئول مستقیم حوادث ناشی از کار برای کارگران می‌داند، مرگ این کارگران را به خانواده این عزیزان تسلیت گفته و خود را در غم آنان شریک می‌داند.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۱ اسفند ۱۳۹۱

نماینده این کارگران خبر داد:

اخراج ۴۰ کارگر «نی بر» خوزستان شایعه است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر تاریخ اول اسفند 91 آمده است : در پی انتشار اخباری مبنی بر اخراج ۴۰ کارگر «نی بر» دو کارخانه هفت تپه و کشت و صنعت کارون شوشتر به دلیل اعتراض صنفی یك هفته‌ای این کارگران در مقابل ساختمان دولت، یکی از نمایندگان کارگران در تماس با ایلنا ضمن تکذیب این شایعه، انتشار چنین اخباری را موجب ترس و دلسردی کارگران از پی‌گیری حقوق صنفی خود دانست.

این نماینده کارگران کشت و صنعت شوشتر که نخواست نامش فاش شود، تهدید شغلی کارگران در زمان حضور یك هفته‌ای در تهران را تایید کرد اما از محقق نشدن این تهدید در زمان بازگشت به خوزستان خبر داد و گفت: کارگران پس از تجمع اعتراضی هفت روزه خود در مقابل ساختمان ریاست جمهوری به خوزستان بازگشتند اما دلیل بارندگی‌های مداوم امکان کار در مزارع وجود نداشت و کارگران پس از این تعطیلی اجباری، هم اکنون به کار تخصصی بریدن ساقه نیشکر در مزارع مشغول‌اند. این فعال کارگری با اعلام نگرانی کارگران در پی انتشار این شایعه، اظهار کرد: پی‌گیری مطالبات صنفی در چارچوب قوانین هرچند بدون هزینه نیست اما انتشار شایعه اخراج فعالان صنفی پیش از وقوع، تنها باعث ناامیدی، ترس و دلسردی کارگران از پی‌گیری مطالبات بحق خود خواهد شد.

طی ۱۵ روز گذشته کارگران نورد لوله صفا برای دومین بار از صبح امروز دست به اعتصاب زدند

به گزارش سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در اول اسفند 91 آمده است : ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا طی ۱۵ روز گذشته از صبح امروز برای دومین بار دست به اعتصاب زدند و خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند.
در پی این اعتصاب مسئولین کارخانه با حضور در میان کارگران اعلام کردند تا آخر وقت اداری امروز یکماه از دستمزد معوقه آنان به حسابشان واریز خواهد شد اما کارگران اعتصابی با قاطعیت اعلام کردند زمانی دست از اعتصاب خواهند کشید که پولی به حسابشان واریز شود.
بنا بر آخرین خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، تا لحظه دریافت این خبر (ساعت ۱۸) و علیرغم پایان وقت اداری هیچ پولی به حساب کارگران واریز نشده است و آنان مصمم هستند همچنان به اعتصاب خود ادامه دهند.
کارگران نورد لوله صفا نهم دی ماه سالجاری بمدت ۸ روز دست به اعتصاب زدند در پایان این اعتصاب بر اساس یک جدول بندی مقرر گردید کارفرما علاوه بر پرداخت دستمزد ماهیانه کارگران، تا پایان سالجاری ۴ ماه از ۶ ماه دستمزد معوقه آنان را نیز پرداخت کند. بر این اساس روز ۲۵ بهمن ماه می‌باید یکماه از دستمزد معوقه این کارگران به حسابشان واریز می‌شد اما با گذشت نزدیک به یک هفته از ۲۵ بهمن ماه کارفرما به وعده خود عمل نکرد و به همین دلیل کارگران این کارخانه از صبح امروز دست به اعتصاب زدند. در حال حاضر این کارگران ۵ ماه دستمزد معوقه دارند.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – اول اسفند ماه ۱۳۹۱

اعتراض یک تشکل کارگری به بی توجهی فعالان سیاسی جریان های مختلف به مشکلات کارگران کشور

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در اول اسفند 91 نوشته است : فعالان و تشکل های کارگری در روزهای باقیمانده تا پایان سال و اعلام کف دستمزدها، با صدور بیانیه های متعدد سعی در بیان مطالبات و خواست های قانونی خود دارند تا بتوانند صدای اعتراض و خواست های خود را به مسئولان برسانند.
انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه بیانیه ای در زمینه تعیین حداقل دستمزد صادر

کرده است که متن کامل بیانیه به نقل از وبلاگ این تشکل کارگری به شرح ذیل است:
باز هم در پایان سال بحث بر سر میزان افزایش حداقل دستمزد کارگران میان مقامات و مسؤلین دولت و وزارت کار و نمایندگان خودگمارده تشکلهای دولتی منتسب به کارگر در جریان است. بحث‌ها و رایزني‌ها حول این موضوع مي‌چرخند که چگونه درصد ناچیزی به عنوان افزایش حداقل حقوق در مقابل گرانی کمر شکن را به کارگران تحمیل کنند. در شرایطی که به گفته خود مقامات، خط فقر یک میلیلون و هشت صد هزار تومان است زمزمه افزایش ۲۰ درصدی بر سر زبان هیئت تعیین حداقل دستمزد است. این منطق که اجازه مي‌دهد حقوق ۴۶۰ هزار تومانی را به عنوان حداقل دستمزد کارگران در جامعه‌ای که خط فقر در آن یک میلیون هشت صد هزار تومان است تنها مي‌تواند منطق سرمایه داری عنان گسیخته و حریص باشد. در شرایطی که مرغ کیلوئی ۶ هزار تومان و برنج هندی کیلوئی ۳۸۵۰ تومان است، با حقوق ۴۶۰ هزار تومان دیگر حتی بقاء خانواده کارگری هم در معرض نابودی قرار مي‌گیرد.
این دنیائیست که عده‌ای که زندگیشان هیچ سنخیتی با زندگی میلیون‌ها کارگر ندارد، برای کارگران رقم مي‌زنند. کسانیکه درد نداری و فقر را نچشیده‌اند و بر عکس در ازای فقر و فلاکت این میلیون‌ها انسان شریف و رنجدیده سودهای سرسام آور به جیب مي‌زنند. کسانیکه به عنوان نماینده کارگران بر سر میز نه مذاکره، بلکه مصالحه آسیب نرسیدن به منافع سرمایه داران مي‌نشینند هیچ ربطی به طبقه کارگر نداشته و از سوی هیچ کارگری انتخاب نشده‌اند و طبیعیست منافع کارگران را نمایندگی نکنند.
ما کارگران اعلام مي‌کنیم افزایش ۲۰ یا ۳۰ درصدی حداقل حقوق در حالی که خط فقر یک میلیون و هشت صد هزار تومان است توهینی آشکار به شأن انسانی میلیون‌ها انسان کارگر است و این اهانت را تحمل نخواهیم کرد. ما مبارزات خود را حول افزایش چند برابری دستمزد ادامه خواهیم داد.
انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
/۲۷/۱۱

هشت ماه حقوق معوقه کارگران شرکت فلارگ در کامیاران

به نوشته تارنمای انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه در اول اسفند آمده است :
کارگران شرکت فلارگ پیمانکار پروژه آبیاری قطره بارانی جاده کامیاران روانسر ۸ ماه حقوق دریافت نکرده اند.
به گزارش تارنمای انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه این شرکت ۴ ماه پیش اقدام به اخراج ۳۰ نفر از کارگران خود نموده که تا حالا حقوقشان را نپرداخته است.
هم اکنون ۸ کارگر درشرکت فلارگ مشغول به کار هستند.

فضای کسب و کار در ایران رتبه 168 در میان 176 کشور

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در اول اسفند 91 آمده است : بر اساس گزارش سال ۲۰۱۳ هریتیج، نمره ایران در زمینه فضای کسب و کار از حد متوسط (۵۰) پایین‌تر بوده است و چنانچه این آمار صحت داشته باشد باید گفت که کشور ایران در میان ۱۷۶ کشور دیگر، در رتبه ۱۶۸قرار دارد.
معاون توسعه کارآفرینی و اشتغال وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در حالی از افزایش ۶۰ درصدی ایجاد اشتغال برای جویندگان کار طی ۹ ماهه سال جاری به نسبت مدت مشابه سال قبل خبر داد که بر اساس گزارش‌های بین المللي، ایران از نظر فضای کسب و کار در میان ۱۷۶ کشور، در رتبه ۱۶۸ قرار دارد.
به گزارش ایلنا، علی اکبر لبافی با اعلام این خبر گفت: طی ۹ ماهه سال جاری ۵۵۲۳۵۶ نفر نزد کاریابیهای کشور به عنوان جوینده کار ثبت نام کرده‌اند و در همین مدت حدود ۴۲۱۵۵۱ فرصت شغلی بدست آمده است و ۵۴۴۸۷۶ نفر جوینده کار به بنگاه‌های اقتصادی معرفی شده‌اند که تاکنون اشتغال ۱۷۴۴۲۸ نفر از آنان اعلام شده است.
این در حالی است که بر اساس گزارش سال ۲۰۱۳ هریتیج، نمره ایران در زمینه فضای کسب

و کار از حد متوسط (۵۰) پایین‌تر بوده است و چنانچه این آمار صحت داشته باشد باید گفت که کشور ایران در میان ۱۷۶ کشور دیگر، در رتبه ۱۶۸قرار دارد.
همچنین در حالی که در سال جاری بسیاری از کارخانه‌ها به صورت رسمی تولید خود را ۳۰ الی ۴۰ درصد کاهش داده‌اند و هر روز خبرهای تعدیل و اخراج کارگران را از رسانه‌های مختلف مي‌شنويم مرکز آمار ایران نرخ بیکاری پاییز سال ۹۱ را ۱۱/۲ درصد اعلام کرده است که این نرخ نسبت به پاییز سال قبل کاهش ۰/۶ درصدی و نسبت به تابستان سال جاری کاهش ۱/۲ درصدی را نشان مي‌دهد

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون فیلترینگ سایت «اتحاد»

سایت «اتحاد» تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران طی سالهای گذشته برای چندمین بار فیلتر شد. این سایت با آدرس: www. etehadyh. com پس از مدتی تعطیلی بدلیل حمله از سوی هکرهای ناشناخته و بروز رسانی‌اش از روز هشتم بهمن، از صبح روز یکشنبه ۲۹ بهمن ماه در حالی فیلتر شد که تعدادی از اعضای هیات مدیره اتحادیه به عنوان هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران به دلیل سازماندهی این طومار و پس از اینکه خواهان صدور مجوز قانونی برای برپایی تجمع کارگری خیابانی در مقابل وزارت کار شدند به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار و ضمن بازجویی در مورد این طومار از دادن فراخوان برگزاری تجمع خیابانی بر حذر شدند.
اتحادیه آزاد کارگران ایران با اعتراض شدید به فیلترینگ سایت اتحاد و محکوم کردن اعمال هر گونه سانسور بر گردش آزاد اخبار و اطلاعات و بیان نظر از سوی کارگران، اعلام می‌دارد هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران و این اتحادیه برای دستیابی کارگران ایران به حقوق صنفی و انسانی خود تسلیم هیچگونه فشاری نخواهند شد و با عزمی راسخ همچنان به فعالیت‌ها و مبارزات خود حول تحقق مطالبات طومار سی هزار نفری و بر خورداری کارگران ایران از حق اعتصاب، تجمع و بر پایی تشکلهای مستقل کارگری ادامه خواهند داد.
از نظر ما فیلتر سایت «اتحاد» به عنوان یکی از سایتهای مستقل و معتبر کارگری در داخل کشور که هزینه‌های آن توسط خود کارگران و از سفره‌های خالی آنان تامین می‌شود تلاشی است برای پاک کردن صورت مسئله مطالبات بر حق کارگران ایران و بی‌تردید کمترین خللی در پیشبرد مبارزات آنان و اعتلای بیش از پیش جنبش کارگری ایجاد نخواهد کرد.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – اول اسفند ۱۳۹۱

تجمع بازنشستگان در مقابل سازمان بازنشستگان کشوری در تهران

به گزارش رسیده جمعی از بازنشستگان کشوری آموزش و پرورش دوشنبه ۳۰ اسفند در مقابل سازمان بازنشستگان کشوری در خیابان فاطمی تهران در اعتراض به عدم رسیدگی به خواست‌هایشان تجمع نمودند.
بر اساس این گزارش در پی نامه نگاریهای انجام شده و شکایت بازنشستگان و در نهایت رای دیوان عدالت اداری به نفع آنان مبنی بر پرداخت دیون معوقه و ارجاع به سازمان بازنشستگی، اداره حقوقی این سازمان اعلام کرده بود «این رای اقدامی ندارد و به بایگانی سپرده شود.»
بازنشستگان بعد از این برخورد سازمان بازنشستگی، اقدام به تجمع در مقابل این سازمان نموده و خواستار رسیدگی به خواست‌هایشان و عمل به رای دیوان عدالت اداری شدند. در این تجمع نمایندگان گزارشی از وضعیت دادند و بر خواسته‌های بازنشستگان مبنی بر پرداخت دیون معوقه سالهای ۸۶ و ۸۷ و اجرای کامل قانون خدمات مدیریت کشوری، ساماندهی بیمه‌های درمانی بازنشستگان و افزایش خدمات آن و... تاکید کردند.
تجمع کنندگان با سر دادن شعارهایی مانند عطاریان حیا کن صندوق را رها کن، ما طلبکاریم.... ضمن حمایت از اقدامات نمایندگان، اعتراض خود را به این عمل سازمان بازنشستگان کشوری اعلام نمودند.
در حین شعار دادن تجمع کنندگان، مامورین اقدام به پاره کردن پلاکاردها نمودند، همچنین بازنشستگان اعلام کرده‌اند که در صورت عدم رسیدگی مجددا تجمع خواهند کرد. لازم به ذکر

است این بازنشستگان در هفته‌های گذشته در مقابل مجلس و اداره بازنشستگان استان تهران نیز تجمع کرده بودند.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۱ اسفند ۱۳۹۱

بازداشت ۱۲ روزنامه‌نگار دیگر

به نوشته سایت اصلاح طلب ندای سبز در اول اسفند 91 آمده است :وبسایت ملی - مذهبي، از بازداشت ۱۲ روزنامه نگار محلی خبر داده است.
با این حال این سایت تاکیدکرده که هنوز اطلاعات کامل و قابل اتکایی در این زمینه وجود ندارد.
بر اساس این گزارش، ۱۲ نفر از روزنامه نگاران محلی در شهر ایلام که در نشریات "وریا"، "کوشک" و "نجوا" مشغول بودند، ظهر روز گذشته از طرف اطلاعات سپاه بازداشت شده اند.
کمپین خانواده زندانیان سیاسی با اعلام این خبر، اسامی برخی از بازداشت شدگان را به شرح زیر اعلام کرده است: احسان نیک پي، نسرین باوندپور، کامران محمدرحیمي، محسن چراغی و رحمت چراغی.
در همین حال برخی فعالان ایرانی کُرد می گویند، خبرنگاران و فعالان مطبوعاتی در مناطق کردنشین با موج جدیدی از محدودیت‌های کاری و احضار به نهادهای امنیتی مواجه شده اند.
بر اساس این گزارش ها، فعالان مطبوعاتی تحت فشار قرار گرفته اند که از هر گونه اطلاع رسانی درباره بازداشت شدگان و وضعیت سیاسی این مناطق خودداری کنند.

فقر غذایی ۵ دهک شهری و ۶ دهک روستایی

به نوشته رزنامه قانون در اول اسفند 91 آمده است : پنج دهک شهری و ۶ دهک روستایی فقر غذایی دارند. ایران درآمد سرانه پایین و گران‌ترین مواد غذایی در دنیا را دارد. سال ۸۴، ۴دهک شهری و ۵دهک روستایی فقر غذایی داشتند. اقتصاد مردم به قدری بد است که توان تامین موادغذایی ندارند امنیت غذایی نباشد امنیت ملی هم نخواهد بود. سال آینده سهم مردم در هزینه‌های درمان به ۷۰ درصد مي‌رسد. سهم مردم از هزینه‌های درمان در دنیا ۱۸ درصد است. سال ۸۴ تعرفه واردات شکر از ۱۵۰ به ۴ درصد رسید. کشت چغندر قند با واردات بي‌رویه‌در سال ۸۴ به یک سوم رسید.
اینها رئوس مطالبی بود که در همایش امنیت غذایی مطرح شده است. شاید نگاهی گذار تنها به روئوس مطالب گفته شده نشان از عمق بحران و سیه روزی داشته باشد که ماحصل حاکمیت اقتدارگرایان بر منابع ملی و بین النسلی میهن است. منابع و ثروت های که پای زیاده خواهی ها و زرسالاری ها و قانون گریزی های حاکمیت تباه می شود و سفره معیشت مردم روز به روز تنگ تر می گردد.

روزنامه قانون در شماره روز سه شنبه یکم اسفند گزارشی از این همایش ارائه داده است که به شرح ذیل است:
تامین ۷۰ درصد از مواد غذایی در ایران از طریق واردات است
همایش «امنیت غذایی» روز گذشته در مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام برگزار شد. نگرانی از نبود امنیت غذایی در ایران ناشی از سیاست‌گذاري‌های غیر کارشناسی دولت‌ها و نیز شرایط بد اقتصادی موجود در کشور محور نطق سخنرانان در این همایش بود. رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک در این همایش با تاکید بر اینکه ایجاد امنیت ملی در کشور بدون امنیت غذایی امکان‌پذیر نیست گفت: منظور از ایجاد امنیت غذایی آن است که مواد غذایی ایمن، سالم و با دارا بودن مواد مغذی کافي، با توزیع عادلانه در اختیار تمام دهک‌های جامعه قرار گیرد. حسن روحاني، با تاکید بر اینکه ایجاد امنیت شدر تامین مواد غذایي، سیاست‌گذاري‌های هوشمندانه از سوی سیاست‌گذارانی با قدرت تصمیم گیری بالا را مي‌طلبد افزود: در صورتی که امنیت مستمر در جامعه و به‌خصوص در تامین مواد غذایی سالم نباشد، اعتماد به دولت، ایجاد سرمایه‌گذاري، نشاط و امید در جامعه نیز نخواهد بود.

روحانی در ادامه با اشاره به واردات گسترده در بخش کشاورزی اظهار داشت: تاکید ما بر این است که نیاز مواد غذایی و خوراکي، با توجه به شرایط تحریم که برای ایران به وجود آمده است در داخل کشور انجام شود، اما این مسئله به آن معنا نیست که واردات نباید صورت گیرد. وی با اشاره به سازمان خواروبار جهانی تصریح کرد: بر اساس آمار منتشر شده از سوی این سازمان، هم اکنون در حدود یک میلیارد از جمعیت جهان با مشکل سوء تغذیه و کمبود مواد غذایی روبه رو هستند و بر همین اساس گفته شده تا سال ۲۰۵۰، برای رفع بحران غذا در جهان باید تولید مواد غذایی در هر کشور ۷۰ درصد افزایش داشته باشد. وی به برنامه دولت برای افزایش جمعیت نیز اشاره کرد و ادامه داد: اگر مي‌گوییم قصد داریم جمعیت ایران را از ۷۰ میلیون به جمعیتی ۱۵۰ میلیون نفری برسانیم باید از هم اکنون برای تامین مواد غذایی آن‌ها تدابیر لازم را اندیشیده باشیم.

امنیت غذایی با شکاف طبقاتی امکان‌پذیر نیست
رئیس مرکز تحقیقات استراتژیک تشخیص مصلحت نظام با تاکید براین نکته که نمي‌توان گفت کشوری که رشد تولید و رشد تولید ناخالص ملی دارد به راحتی مي‌تواند بحران کمبود غذا را در کشورش حل کند، توضیح داد: رشد تولید و رشد تولید ناخالص ملی شرطهای لازم برای ایجاد امنیت غذایی در کشورها هستند اما در کشوری که فاصله طبقاتی عمیق بین دهک‌های مختلف جامعه وجود داشته باشد و نه درآمد سرانه و نه رشد تولید ناخالص ملی نمي‌تواند کمکی به امنیت غذایی در آن کشورها باشد. وی با اشاره به شرایط تحریم در ایران و اینکه کشور در حدود ۷۰ درصد از مواد غذایي‌اش را از طریق واردات تامین مي‌کند افزود: چنین کشوری نمي‌تواند مدعی دارا بودن امنیت غذایی باشد.

سهم مردم از هزینه‌های درمان ۶۵ درصد
در این همایش همچنین به نقل از یکی از مسئولان وزارت بهداشت و درمان گفته شد که گردش مالی بخش سلامت در کشور در سال گذشته ۴۰ هزار میلیارد تومان بود که دولت تنها ۱۵ هزار میلیارد تومان و ۲۵ هزار میلیارد تومان مابقی را مردم پرداخت کردند. براساس این آمار، سهم مردم در هزینه‌های درمان در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۶۰ تا ۶۵ درصد که به گفته روحانی این سهم در سال ۹۲ به ۷۰ درصد خواهد رسید. این در حالي‌است که با استناد حسن روحانی به آمارهای جهانی این سهم در دیگر کشورهای دنیا در حدود ۱۸ درصد است.

دولت در سیاست‌هایش محتاط باشد
روحانی در ادامه سخنراني‌اش با انتقاد از سیاست‌های غیرکارشناسی دولت و نیز دستکاری بدون فکر تعرفه‌ها به گرانی کمی به عقب بازگشت و توضیح داد: یادمان هست که در سال‌های ۸۴ و ۸۵، دستکاری واردات شکر و کاهش آن از ۱۵۰ به ۴ درصد چه مشکلی را در رابطه با این کالا به وجود آورد، اما در آن مقطع هیچ مسئولی به مردم در این رابطه توضیحی نداد که چرا در این ۵ سال ۵ میلیون تن شکر وارد کرد و موجب شد کشت چغندر قند در داخل کشور به یک سوم در مقایسه با سال ۸۳ کاهش پیدا کرد. همین مسائل در نهایت موجب کمبود و گرانی مواد غذایی در داخل کشور مي‌شود و ناامنی غذایی را به وجود مي‌آورد.

۵ دهک شهری و ۶ دهک روستایی فقر غذایی دارند
همچنین در این همایش عیسی کلانتری از وزرای اسبق کشاورزی که که اکنون نیز رئیس خانه کشاورز است با انتقاد از بي‌تدبیري‌هایی که طی ۷ سال گذشته تولید را در بخش کشاورزی به ورطه نابودی کشانده است، گفت: بر خلاف تمام شعارهایی که از سوی مسئولان در خصوص خودکفایی و ایجاد امنیت غذایی در کشور داده مي‌شود، طبق آمار منتشر شده خرده فروشی از سوی بانک مرکزي، ۵ دهک شهری و ۶ دهک روستایی در حد کشورهای آفریقایی مشکل تامین مواد غذایی و نیز سوءتغذیه دارند. کلانتری افزود: سیاست‌های دولت در حوزه پولی و مالی نیز وضع اقتصادی مردم را چنان بحرانی کرده که بسیاری از این دهک‌ها توان مالی برای تامین مواد غذایی و خوراکی خود را ندارند. وی

همچنین بر این نکته تاکید کرد که با توجه به پایین بودن درآمد سرانه در ایران اما مواد غذایی در کشورما گران‌تر از تمام کشورهای دنیاست. به عقیده او گرانی مواد غذایی در ایران است که موجب مي‌شود ۵ دهک شهری و ۶ دهک روستایی در فقر کامل غذایی به سر ببرند در حالي‌است که در سال ۸۴، ۴ دهک شهری و ۵ دهک روستایی فقر غذایی داشتند. کلانتری در ادامه با انتقاد از روابط بسته تجاری و سیاسی ایران با دیگر کشورها تصریح کرد: وقتی هرروز شعار مرگ بر این کشور یاآن کشور سر مي‌دهیم، با دنیادر جنگیم چطور توقع داریم بتوانیم امنیت غذایی مطلوب در کشور را تامین کنیم.

بدون شرح

دبیرکل حزب اسلامی کار عنوان کرد:
فقدان نگاه تولید محور در اقتصاد عامل بیکاری کارگران

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر اول اسفند 91 آمده است : دبیرکل حزب اسلامی کار در جمع کارگران خوزستانی گفت: تعطیلی واحدهای تولیدی و بیکاری کارگران در اکثر استانهای کشور به وفور به چشم می‌خورد.

به گزارش ایلنا، حسین کمالی در کنگره استانی خانه کارگر خوزستان افزود: جامعه کارگری امروز تاوان سیاستهایی کسانی را می‌دهد که روش غلطی را برای اداره جامعه انتخاب کرده‌اند.وزیر کار دولت‌های هاشمی و خاتمی با اشاره به تعطیلی واحدهای تولیدی در نقاط مختلف کشوز، اظهار داشت: وضع روز به روز بدتر می‌شود زیرا عقل و علم مبنای حرکت قرار نگرفته است.

کمالی با یادآوری درآمد نفتی ایران، افزود: با این میزان درآمد می‌توانستیم تمام کشور را در ابعاد مختلف بازسازی کنیم اما اتفاقی که افتاد وضعیت در هم ریخته‌ای است که به ویژه در بخش کارگری شاهد آن هستیم.

دبیرکل حزب اسلامی کار این وضعیت آشفته را به دلیل شکل نگرفتن اقتصاد ایران بر اساس مزیت‌های تولیدی دانست و گفت: اقتصاد غیر رقابتی، غیر تخصصی و غیر مزیتی نتیجه‌اش آن است که امروز می‌بینیم. فقدان نگاه تولید محور در اقتصاد سبب شده تا بسیاری از واحدهای صنعتی ما تعطیل و کارگران آن‌ها بیکار شوند.

کمالی با اشاره به تورم ایجاد شده در سطح کشور گفت: مسئولان اجرایی کشور به این دلخوش کرده‌اند که مبلغی را به عنوان یارانه به مردم می‌دهند، اما ما از آنان می‌خواهیم که ما را به وضعیت قبل برگردانند.

او افزود: با مبالغی که از محل گران کردن قیمت حاملهای انرژی پرداخت می‌شود، می‌شد برای بسیاری از جمعیت بیکار کشور، شغل ایجاد کرد.وی میزان درآمد حاصل از فروش حاملهای انرژی در طی ۱۹ ماه گذشته را ۴۵ هزار میلیارد تومان عنوان کرد و اظهار داشت: این مبلغ به انضمام مبلغ دیگری که برای پرداخت یارانه به مردم داده می‌شود می‌توانست زمینهٔ اشتغال فراوانی را برای افراد جویای کار ایجاد کند.

کمالی در ادامه سخنانش با اشاره به تلاش دولت برای تغییر قوانین کار و تامین اجتماعی، گفت: آقایان قوانین حمایتی از نیروی کار را به حداقل ممکن رسانده‌اند و فشار می‌آورند که قوانین حمایتی تامین اجتماعی کاهش یابد. این در حالیست که در سایر کشورها این مساله دقیقا به عکس عمل می‌شود یعنی با تعدیل یک قانون، قانون دیگری جایگزین می‌شود. وی با اشاره به پرداخت ۲۹ میلیارد تومان اعتبار تحت عنوان اعتبار اشتغال زود بازده ادامه داد: آقایان توضیح دهند که با پرداخت این مبلغ چه میزان شغل در کشور ایجاد شده است؟

دبیر کل حزب اسلامی کار افزود: کارفرمایانی که پول را دریافت کردند آن را در جایی غلط بکار گرفتند و این سبب عدم بازگشت اعتبارات شده است. کمالی افزود: در زمان حاضر ۹ هزار نفر از دریافت کنندگان این اعتبارات ممنوع الخروج شده‌اند. وی با اشاره به رشد نرخ بیکاری در کشور اظهار داشت: رشد نرخ بیکاری در جامعه برآیند همین سیاستهای غلط است،جامعه کارگری نیاز به تغییر نگرش در کار و تولید دارد.

پایان پیام

دیروز رخ داد:
دیدار کارگران معترض تهرانی با معاون روابط کار

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر اول اسفند 91 آمده است : جمعی از کارگران به همراه هماهنگ‌کنندگان طومار ۳۰ هزار امضایی در اعتراض به کاهش ارزش مزد سال ۹۱ و اصلاح قوانین کار و تامین اجتماعی دیروز برای پیگیری پاسخ دولت به خواست کارگران به وزارت کار مراجعه کردند.

به گزارش ایلنا، در آخرین روز بهمن‌ماه سال ۹۱، در حدود ۵۰ کارگر از کارخانه‌های تهران به نمایندگی از سایر کارگران امضا کننده طومار یاده شده برای پیگری خواسته‌های خود به وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی مراجعه کردند.
در این مراجعه حضوری، دو نفر از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران با مسئولان این وزارتخانه از جمله ابراهیم نظری جلالی معاون تنظیم و نظارت بر روابط کار دیدار و گفت‌وگو کردند.
گفته می‌شود در جریان این دیدار کارگران با اشاره به فرارسیدن زمان تعیین مزد سال ۹۲ در شورای عالی کار و همچنین انتشار شایعاتی در خصوص احتمال افزایش ۲۰ تا ۲۵ درصدی مزد سال آینده، نسبت به سکوت این وزارتخانه در قبال خواسته‌های طومار ۳۰ هزار امضایی اعتراض کردند که در ادامه این دیدار مسئولان وزارت کار وعده داده‌اند که تا دو هفته آینده بصورت کتبی به طورمار یاد شده پاسخ خواهند داد.
پایان پیام

صدای بهنام باش تا صدایش خاموش نشود

نیما ابراهیم زاده فرزند کارگر زندانی دربند بهنام ابراهیم زاده در بیمارستان محک کودکان بستری شده است نیما تنها فرزند بهنام ابراهیم زاده در دهم دیماه سال جاری به طور ناگهانی بدون حضور پدر در بیمارستان محک بستری شد طبق اظهارات پزشکان نیما در وضعیت وخیمی بسر می برد واحتیاج مبرم به رسیدگی پزشکی دارد خانواده این فعال سیاسی وکارگر زندانی احتیاج به حمایت دارند با تمام قوا به یاری این کارگر زندانی بشتابیم بهنام ابراهیم زاده به جرم آشکار کردن بی عدالتی ها دفاع از کودکان وکارگران در روز بیست ودوم خرداد هشتادو نه در تهران توسط نیروهای لباس شخصی دستگیر و به زندان اوین انتقال و متعاقب ان به بند وزارت اطلا عات سلولهای انفرادی انتقال داده شدوی چهار ماه در سلولهای انفرادی وزارت اطلاعات تحت شدیدترین بازجویی ها گذراند که بعد ها در یک دادگاهی مضحک وچند دقیقه ای به بیست سال محکوم گردید که در نهایت در دادگاهی مجدد به پنج سال حبس تعزیری ومحروم از فعالیت محکوم گردید وی در حال حاضر از ناراحتی های ارتروز گردن و گوش سمت چپ رنج میبرد.این کارگر زندانی در تمام دوران محکومیت محروم از حق ملاقات های حضوری ومرخصی بوده است.
وی هیچگاه حتی در داخل زندان دست از فعالیت بر نداشت وبه فعالیت های خود ادامه میداد وی بارها در دفاع از کودکان وکارگران وزنان و... از داخل زندان بیانیه ومطلب ودلنوشته ارسال کرده است ، تهدید و فشار مقامات قضای وامنیتی وی را در دفاع از کارگران وکودکان وزنان راسخ تر کرده است، بهنام بارها به همراه دیگر زندانیان از جمله فریبرز رئیس دانا ، رضا

شهابی و...مطالب انتقادی وکوبنده نوشته ودر سایتهای خبری منتشر کرده است، نامه های انتقادی وسرگشاده وافشای شکنجه ونقض حقوق بشر، نامه به گزارشگر ویژه سازمان ملل احمد شهید در امور ایران، نامه در مورد وضعیت وخامت بار ومعیشت اقتصادی مردم، گرانی وتورم ودهها مورد دیگر بخشی از کارنامه درخشان مبارزاتی این وبلاگ نویس وفعال کارگری وکودک است، که تا این لحظه ازپای ننشسته وادامه داشته.این زندانی سیاسی وفعال کارگری دربند کسی که هیچگاه در دفاع از معیشت وکرامت توده مردم به ستوه آمده زنان وکارگران وکودکان ازپای ننشسته و همواره شاهد مبارزات بی امان وی بوده ایم، امروز تنها فرزندش در بستر بیماری است ونیاز به حمایت ما مردم دارد باید با هر وسیله ممکن این کارگر زندانی را مورد حمایت قرار داد.
/http://khabarebrahimi.blogfa.com

کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری
2/12/1391

بدون شرح

محجوب:از هر 10 واحد تولیدی 8 واحد وضعیت بحرانی دارند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر دوم اسفند 91 آمده است : دیگر نمي‌توان بدون دادن رشوه،کاری را در ادارات دولتی پیش برد/ایران به یکی از واردکنندگان بزرگ گندم تبدیل شده است/دیگر چیزی از تولید ملی باقی نمانده است، حداکثر ظرفیت تولید در شهرک‌های صنعتی 40 درصد است.
عضو کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: هم‌اکنون از هر 10 واحد تولیدی 8 واحد دارای وضعیت بحرانی و نزدیک به بحران هستند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، علیرضا محجوب عضو کمیسیون اجتماعی مجلس شب گذشته در جشنواره تولید ملي، افتخار ملی با اشاره به اینکه سیاست غلط واردات گسترده کالاهای خارجی همچون گذشته ادامه دارد، اظهار داشت: هم‌اکنون از هر 10 واحد تولیدی هشت واحد دارای وضعیت بحرانی و نزدیک به بحران هستند
علیرضا محجوب شب گذشته در جشنواره تولید ملي، افتخار ملی افزود: دولت برخی از قوانین مصوب مجلس را اجرا نکرده اما پیش‌بینی ما این است که سال آینده فضای مثبتی برای طرح مسائل اقتصادی به وجود خواهد آمد.

سیاست گذاری ارزی در جایی غیر از بانك انجام می شود
در ادامه این نشست، ارسلان فتحي‌پور رئیس کمیسیون اقتصادی مجلس نیز گفت: بازپرداخت اقساط ارزی تولیدکنندگان با نرخ مبادله‌ای باعث ورشکستگی آنها مي‌شود و سیاست‌های اقتصادی و ارزی دولت، بسیاری از مردم را به سفته‌بازی و دلالی هدایت کرده است.
وی تصریح کرد: دیگر نمي‌توان بدون دادن رشوه، کاری را در ادارات دولتی پیش برد، اینکه یک روستایی گاو و گوسفند خود را بفروشد و کارمند دولت شود افتخار نیست.
فتحی پور با بیان اینکه هرکس بگوید منابع مالی نداریم، خائن است، اظهار داشت: سیاست‌های ارزی در جایی غیر از بانک مرکزی گرفته مي‌شود که باید این وضعیت اصلاح شود.
او با بیان این‌که در لایحه جدید مبارزه با کالا و ارز مجازات اخلالگران سیستم پولی و مالی کشور تشدید شده است،گفت: نقدینگی کشور به 430 هزار میلیارد تومان رسیده است و با وضعیت فعلی نمي‌توان تورم را کنترل کرد.
رییس کمیسیون اقتصادی مجلس همچنین گفت: این تصمیم که بازپرداخت اقساط ارزی باید با

نرخ مبادله‌ای انجام شود، فاجعه‌بار بوده و باعث ورشکستگی بنگاه‌های تولیدی مي‌شود.
وی خطاب به مسوولان بانک مرکزی با بیان این‌که آیا مي‌خواهید همه را راهی زندان کنید؟ از عملکرد این بانک در زمینه عمل به تعهداتش در قبال تولید کنندگان و وارد کنندگان انتقاد کرد و گفت: بانک مرکزی مدام شعار حمایت از تولید ملی را مي‌دهد اما به آن عمل نمي‌کند، دیگر چیزی از تولید ملی باقی نمانده است، حداکثر ظرفیت تولید در شهرک‌های صنعتی 40 درصد است.

سهم معدن از تولید ناخالص داخلي،فقط 4 درصد
در ادامه این نشست حمید رسایي، نماینده تهران نیز با بیان اینکه دولت تعمدی در طولانی شدن روند تهیه و تنظیم لایحه بودجه و ارائه آن به مجلس ندارد، گفت: تردیدی نیست که شرایط دشوار اقتصادی که از سوی قدرت‌های خارجی تحمیل شده، کار تدوین بودجه را مشکل کرده است.
محمد رضا بهرامن نایب رئیس خانه معدن نیز با اشاره به صادرات 2.2 میلیارد دلاری معدن و صنایع معدنی در 10 ماهه امسال گفت: این رقم حدود 21 درصد رشد را نسبت به سال قبل نشان مي‌دهد و سهم معدن و صنایع معدنی از تولید ناخالص داخلی کشور به 4 درصد مي‌رسد
بهرامن که در جشنواره تولید ملي، افتخار ملی سخن می گفت، خطارنشان کرد: تا پایان برنامه پنجم توسعه، میزان استخراج مواد معدنی باید به 570 میلیون تن برسد.
هادی غنیمي‌فرد رئیس خانه صنعت و معدن استان تهران نیز در این جشنواره با اشاره به اینکه عملکرد سیستم بانکی یکی از عوامل اصلی در افزایش نرخ دلار و سکه در بازار بوده است، گفت: قرار است انجمن آمارگران مستقل ایجاد شود تا بتوان آمارهای اقتصادی قابل اعتماد را در جامعه عرضه کرد.
هادی غنیمي‌فرد اظهار داشت: بانک‌ها کاخ‌های شیشه‌ای خود را با بهره‌هایی که از تولید گرفته‌اند، بنا کرده‌اند.
او با اشاره به اینکه نرخ رشد اقتصادی کشور در سال گذشته قطعا زیر 4 درصد بوده است، گفت: اینکه گفته مي‌شود اقتصاد باید از دست چند هزار نفر خارج شود حرف درستی نیست و با این گونه اظهارات اوضاع اقتصادی بهتر نمي‌شود

وقتی کارگر و سرمایه‌دار مقابل یکدیگر قرار داده مي‌شوند

حمیدرضا فولادگر عضو هیأت مدیره خانه صنعت و معدن نیز شب گذشته در جشنواره تولید ملي، افتخار ملی اظهارداشت: هنوز هم افکار شبه کمونیستی و سوسیالیستی در اقتصاد ایران جاری بوده و مدام کارگر و سرمایه‌دار در مقابل یکدیگر قرار داده مي‌شوند.
عضو هیأت مدیره خانه صنعت و معدن با اشاره به اینکه نوسان شدید نرخ ارز طی چند ماه گذشته بسیاری از واحدهای تولیدی را به مرز ورشکستگی رسانده است، گفت: نرخ سود تسهیلات بانکی در دنیا به طور متوسط 6 و در ایران بالای 20 درصد است.

گشایش السی با 10 درصد اعتبار به تاریخ پیوست
وزیر صنعت، معدن و تجارت نیز در این جشنواره با اشاره به اینکه گشایش السی با 10 درصد اعتبار عملا به تاریخ پیوست، گفت: 40 درصد از کل واردات کشور در نیمه نخست امسال از طریق ارز حاصل از صادرات انجام شد و صندوق توسعه در اختصاص تسهیلات به واحدهای تولیدی ضعیف عمل کرده است.
مهدی غضنفری افزود: در 10 ماهه امسال تولید ماشین لباسشویي، محصولات پتروشیمي، یخچال فریزر، تلویزیون و انواع خودرو با کاهش مواجه شد.

همه جای صنعت هزینه دانشگاه را مي‌دهد
در ادامه این جشنواره احمد توکلی دبیر انجمن تحقیق و توسعه صنایع نیز با انتقاد از عدم حضور وزارت صنعت در شورای عالی 'عتف'، گفت: لایحه بخشودگی مالیاتی فعالیت‌های

تحقيقاتي، 15 سال است در مجلس و دولت متوقف شده است.
حمید توکلی تصریح کرد: در همه جای صنعت هزینه دانشگاه را مي‌دهد،اما در ایران چنین چیزی وجود ندارد.

هشتاد درصد اقتصاد ایران دولتی است
محمود جامساز کارشناس اقتصادی نیز در این جشنواره با اشاره به دولتی بودن 80 درصد از اقتصاد و منابع کشور، گفت: ایران دارای یک اقتصاد سرمایه‌داری دولتي، نفتی ایدئولوژیک بوده که تحریم‌ها به عنوان یک ابزار سیاسی برای اثرگذاشتن بر آن مورد استفاده قرار گرفته است.
او افزود: دولت دارای کسری بودجه بوده و سیاست‌های ارزی در جهت چندنرخی شدن ارز است که یک تجربه غلط است.
کاظم اجلالی نایب رییس خانه صنعت نیز در این جشنواره گفت: ایران به یکی از واردکنندگان بزرگ گندم تبدیل شده است.
او گفت: این حجم واردات متناقض با شعارهای سال حمایت از تولید ملی بوده و این در حالیست که چند سال پیش جشن خودکفایی گندم برگزارشد

حوادث کار:مرگ تعمیرکار آسانسور بر اثر سقوط از طبقه ششم

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر دوم اسفند 91 آمده است : يك كارگر سرويس كار آسانسور، هنگام تعمیر آسانسوری در یک مجتمع مسکونی در بزرگراه حکیم، بلوار تعاون از طبقه ششم ساختمان ده طبقه به داخل چاهک آسانسور سقوط کرد و جان خود را از دست داد.
کارگر تعمیر کار آسانسور به علت سقوط از طبقه ششم ساختمانی در تهران جان خود را از دست داد.
به گزارش ایلنا، عصر روز گذشته (۳۰ بهمن ماه)، يك كارگر سرويس كار آسانسور، هنگام تعمیر آسانسوری در یک مجتمع مسکونی در بزرگراه حکیم، بلوار تعاون از طبقه ششم ساختمان ده طبقه به داخل چاهک آسانسور سقوط کرد و جان خود را از دست داد.
بر اساس این گزارش، گروه‌های امداد و نجات در بررسي‌های خود از محل حادثه دریافتند کارگری در حین تعمیر آسانسور سقوط کرده و به علت مصدومیت و خونریزی شدید جان خود را از دست داده است

افزایش ۷ درصدی نرخ بیکاری در سال آینده

به نوشته سایت آفتاب در دوم اسفند 91 آمده است : نادر قاضی پور در گفت و گو با خانه ملت، افزود: آمار دولت در مورد افزایش و ایجاد اشتغال در کشور صحیح نبوده، چراکه هر روزه شاهد افزایش بیکاران تحصلیلکرده در کشور هستیم.

نماینده مردم ارومیه در مجلس شورای اسلامیبا اشاره به وعده‌های دولت برای ایجاد اشتغال در کشور گفت: با چنین وعده‌هایی که از سوی دولت برای ایجاد اشتغال در کشور ارائه مي‌شود نباید حتی یک بیکار نیز در کشور وجود داشته باشد اما با مشاهده روند کنونی چنین ادعاهایی که از سوی دولت بیان مي‌شود صحت ندارد.

وی چشم انداز آینده اشتغال در کشور را نامناسب دانست و اظهار داشت: در دو سال گذشته باید در امر اشتغال سرمایه گذاری مناسبی انجام مي‌شد که متاسفانه این امر تاکنون محقق نشده است، در نتیجه به نظر مي‌رسد به رقم کنونی به نرخ بیکاری در سال آینده ۶تا ۷ درصد اضافه شود که این امر بسیار ناگوار است.

عضو کمیسیون صنایع و معادن مجلس در پایان با اشاره به تاخیر دولت در ارائه لایحه بودجه به

مجلس، خاطر نشان کرد: لایحه بودجه اگر یکشنبه هفته آینده نیز به مجلس بیاید با تاخیری ۸۱ روزه مواجه شده، لذا در این مورد دولت تخلفی آشکار و جرمی بزرگ مرتکب شده است.

در مورد طرح‌های اشتغال زایی در کشور مسئولین وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دلیل اصلی روند کند ایجاد اشتغال در کشور را بانک‌ها اعلام کرده اظهار داشته‌اند: توان بانکها در تامین منابع مورد نیاز بنگاه‌ها پایین بوده، اما ما انتظار بیشتری از بانکها داشتیم که بتوانند به بنگاه‌های اقتصادی کمک کنند.

دبیر خانه کارگر تهران مطرح کرد:
عیدی لطف کارفرما نیست؛ حق اکتسابی کارگران است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر دوم اسفند 91 آمده است : یک فعال کارگری معتقد است بحران‌های مالی حاصل از کاهش ارزش پول ملی باعث شده کارفرمایان بسیاری از واحدهای تولیدی تهران برای پرداخت عیدی و پاداش پایان سال کارگران خود با مشکل مواجه شوند.

اسماعیل حق پرستی دبیر خانه کارگر تهران، با اشاره به اینکه هر ساله با شروع بهمن ماه پرداخت عیدی پایان سال کارگران و مشمولان قانون کار آغاز می‌شود، به ایلنا گفت: در شرایطی که دستمزد کارگران به سختی کفاف مخارج ماهانه کارگران را می‌دهد، آنان حساب ویژه‌ای بر حقوق جانبی از جمله عیدی پایان سال باز کرده‌اند. این در حالی است که کارفرمایان بسیاری از واحدهای تولیدی و صنعتی علاوه بر پرداخت نکردن حقوق و دستمزد ماه‌های گذشته، برای پرداخت عیدی و پاداش پایان سال کارگران خود نیز با مشکلات مالی مواجه‌اند.

دبیر خانه کارگر تهران در ادامه به دلایل دیگر محرومیت از عیدی اشاره کرد و افزود: گروهی دیگر از کارگران به سبب اینکه قرارداد مشخصی با کارفرمای خود ندارند از دریافت عیدی و پاداش پایان سال محرومند.به گفته حق پرستی کارگران برای تهیه پوشاک و ارزاق تعطیلات عید، روی مبلغ عیدی حساب کرده‌اند و این مبلغ را نه از سر لطف کارفرما، که از جمله حقوق اکتسابی خود می‌دانند که توسط مجلس نیز به تصویب رسیده است.

پایان پیام

معاون نظام پزشکی: بیش از ۱۰ هزار پزشک در ایران گم شده‌اند

به نوشته سایت رادیو دویچه وله آلمان در دوم اسفند 91 آمده است :معاون سازمان نظام پزشکی ایران از "گم شدن" بیش از ۱۰ هزار فارغ‌التحصیل پزشکی در پنج سال گذشته خبر داد. وی مهاجرت و عدم اشتغال در رشته‌پزشکی را از علل نبود دسترسی به این پزشکان دانست.
معاونت سازمان نظام پزشکی ایران روز چهارشنبه (۲ اسفند، ۲۰ فوریه) از عدم مراجعه ۱۰ هزار و ۵۰۰ فارغ‌التحصیل رشته پزشکی در کشور در پنج سال گذشته برای اشتغال در رشته پزشکی خبر داد. علیرضا زالی در یک نشست خبری گفت: «ده هزار پزشک کشور گم شده‌اند.»
به گزارش خبرگزاری نیمه‌رسمی فارس زالی توضیح داد: «این افراد دو دسته هستند. گروهی از آن‌ها افرادی هستند که بعد از فارغ التحصیلی تمایلی برای اشتغال در حرفه پزشکی نداشته و جذب مشاغل دیگر شده‌اند و گروه دیگر نیز از کشور مهاجرت کرده‌اند.»
این عضو ارشد سازمان نظام پزشکی ایران در عین حال اعلام کرد: «آماری از پزشکان مهاجرت کرده نداریم.» وی مشخص نکرد چه تعداد از ۱۰ هزار پزشک "گم‌شده" پزشکان متخصص و چه تعداد فارغ‌التحصیلان دوره عمومی پزشکی هستند.

الی از "سرخوردگی و ناامیدی" در میان بخش زیادی از جامعه پزشکی به خصوص فارغ التحصیلان جوان رشته‌های پزشکی خبر داد و آن را عاملی برای کاهش روحیه "مطالبه‌گری" در میان این قشر ارزیابی کرد. وی از نبود "نظر خوش" در دولت‌های مختلف ایران برای واگذاری وظایف خود به سازمان نظام پزشکی کشور و ایجاد زمینه نقش آفرینی بیش‌تر این سازمان انتقاد کرد.
ششمین دوره انتخابات سازمان نظام پزشکی کشور قرار است جمعه (۴ اسفند/۲۲ فوریه) برگزار شود. رد صلاحیت‌های گسترده برای شرکت در این انتخابات اعتراض بخشی از پزشکان کشور را در پی داشته است.

"آسیب دیدن" اعتماد به سازمان نظام پزشکی
پیش از این دکتر مصطفی معین، عضو فعلی شوراي عالی نظام پزشکی ایران طی یک اطلاعیه به رد صلاحیت‌های گسترده در انتخابات سراسری نظام پزشکی اعتراض کرده و این اقدام را تداوم رویکردهای توطئه‌اندیشانه به نهادهای مدنی و تشکل‌های تخصصی خوانده بود. وی رد صلاحیت عده‌ای از چهره‌های شاخص جامعه پزشکی ایران را رویدادی نگران‌کننده و هشدار دهنده خواند و از مراکز تصمیم‌گیرنده خواسته بود که از سیاست‌زدگی و تنگ‌نظری در برخورد با مسائل علمی و امر سلامت پرهیز کنند و جامعه پزشکی را از انتخابات مشروع و مقبول محروم نسازند.

شهاب‌الدین صدر، رییس کنونی سازمان نظام پزشکی ایران، نیز از رد صلاحیت‌شده‌های هیات نظارت مرکزی ششمین دوره انتخابات این سازمان است.
در نشست روز چهارشنبه دکتر علی اصغر پیوندي، عضو هیات مدیره انجمن گوش و حلق و بيني، از کاهش مشارکت در انتخابات نظام پزشکی خبر داد. پیوندی گفت: «در دوره قبلی انتخابات نظام پزشکی در مجموع ۶۳ هزار شرکت داشتند که این آمار در تهران در حدود هفت هزار نفر بود.»
وی "آسیب دیدن دیوار اعتماد" میان پزشکان و سازمان نظام پزشکی را از عوامل کاهش زیاد مشارکت پزشکان در انتخابات نظام پزشکی دانست.
سازمان نظام پزشکی ایران بزرگ‌ترین و قدیمي‌ترین سازمان غیردولتی در ایران محسوب مي‌شود. این نهاد در سال ۱۳۳۵ تاسیس شده و حدود ۲۰۰ هزار عضو پزشک، دندانپزشک، داروساز، ماما، دکتر علوم آزمایشگاهي، فیزیوتراپ و کادرهای درمانی دیگر دارد.

حقوق پایین و نبود فرصت اشتغال
در نشست روز چهارشنبه همچنین یکی از پزشکان از "نبود اشتغال، حقوق پایین و دیده نشدن" پزشکان عمومی سخن گفت. کامران احمدي، پزشک عمومی گفت: «بر خلاف این‌که در رسانه‌ها روی مسئله تعرفه‌های پزشکی تأکید زیادی مي‌شود باید گفت که ۸۰ درصد جامعه پزشکی که پزشکان غیر متخصص هستند، مشکل اصلي‌شان بحث تعرفه و مالیات نیست، مشکل اصلی آن‌ها اشتغال، حقوق پایین و دیده نشدن است.»
احمدی گفت: «رزیدنت‌ها و دستیاران پزشکی با حقوق ۵۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومانی زندگی سختی دارند و یک پزشک جوان حتی اگر نفر اول بورد تخصصی هم باشد باید روی نیمکت ذخیره‌های پزشکان قدیمی بنشیند تا روزی بتواند جایگاهی داشته باشد.»
وی گفت: «گروه اندکی که سکان نظام سلامت را به دست دارند معمولاً مسائل و مشکلات جامعه پزشکی جوان را بیان نمي‌کنند و این مسائل مغفول مانده است.»
مشکلات ارزی در ماه‌های اخیر نیز به مشکلات این قشر دامن زده است. تا جایی که بیمارستان‌های خصوصی نگران بقای خود هستند. برخی از آن‌ها در آبان ماه اعلام کردند در صورت عدم دریافت ارز مناسب از سوی دولت به زودی حتما "ورشکسته" خواهند شد.

اخراج ۴۰ کارگر پیمانی مدیریت پسماند تهران

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر دوم اسفند 91 آمده است : شرکت تامین نیروی انسانی «ترابر گستر نکو» از پیمانکاران تحت نظارت سازمان مدیریت پسماند تهران ۴۰ نفر از کارگران خود را اخراج کرد.
به گزارش خبرنگار ایلنا، روابط عمومی مدیریت پسماند تهران به نقل از مدیر عامل این سازمان در واکنش به این خبر اعلام کرد: سازمان مدیریت پسماند تهران برای انجام بخشهایی از خدمات شهری خود با تعدادی از پیمانکاران بخش خصوصی قرار داد منعقد کرده است که شرکت «ترابر گستر نکو» یکی از این شرکت‌ها بوده است.
مسئول روابط عمومی مدیریت پسماند تهران با بیان اینکه هم اکنون قرار داد این شرکت پیمانکاری با سازمان پسماند به اتمام رسیده است، گفت: پس از اتمام قرار داد این شرکت پیمانکاری با سازمان، بخشی از نیروهای انسانی زیر مجموعه این شرکت در نتیجه جابجایی پیمانکار بیکار شده‌اند.
روابط عمومی این سازمان با اعلام اینکه پیمانکار جدیدی جایگزین «ترابر گستر نکو» شده است، اعلام کرد: با وجود آنکه سازمان مدیریت پسماند در زمینه بیکاری این کارگران هیچ گونه مسئولیتی ندارد، اما برای حمایت از کارگران بیکار شده در این بخش، مجددا از آنان در بخشهایی دیگر خدماتی بهره مي‌گيرد.
روابط عمومی این سازمان ضمن دعوت از این کارگران بیکار شده برای مراجعه به سازمان مدیریت پسماند، گفت: سازمان مدیریت پسماند تمام سعی خود را برای جذب این نیروها (کارگران بیکار شده) درسایر شرکتهای وابسته به این سازمان انجام خواهد داد.

پس از سه ماه از انفجار معدن یال شمالی که به مرگ ۸ کارگر منجر شد هنوز علت حادثه را نگفتند/ مقرری خانواده های قربانیان هنوز برقرار نشده

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر دوم اسفند 91 آمده است : خانواده‌های قربانیان انفجار معدن یال شمالی مدعي‌اند که هنوز با گذشت سه ماه این پرونده کامل نشده و رسیدگی به دلایل انفجار و مجازات مقصران روند کندی را طی مي‌کند.
برادر یکی از کارگران کشته شده در معدن یال شمالی که نخواست نامش فاش شود، در این زمینه به ایلنا گفت: پیش از این بازرسان اداره کل کار استان یزد نیز نظر خود را اعلام کرده و مسئول ایمنی و ناظر فنی و کارفرمای معدن یال شمالی که پیمانکار معدن به حساب مي‌آمد را به عنوان مقصران اصلی این حادثه تشخیص داده‌اند.
او افزود: بیش از سه ماه از وقوع حادثه معدن یال شمالی در طبس مي‌گذرد ولی هنوز حکمی برای مقصران حادثه مرگبار انفجار معدن ذغال سنگ یال شمالی صادر نشده و گفته مي‌شود هر سه آن‌ها اکنون آزاد هستند.
رادر یکی از قربانیان با اشاره به کشته شدن ۸ کارگر در این حادثه عنوان کرد: پس از اعلام شکایت اولیاء دم، پرونده اولیه تشکیل شده است اما هنوز از هیچ یک ازخانواده‌های کشته شدگان برای حضور در دادگاه برای رسیدگی به این پرونده دعوتی به عمل نیامده و ما از روند پی گیری این پرونده بي‌اطلاع هستیم.

مقرری خانواده های قربانیان هنوز برقرار نشده
فرزند یکی از کارگران کشته شده نیز به ایلنا گفت: عدم رعایت مسائل فنی و ایمنی در معدن یال شمالی منجر به قتل ۸ نفر از کارگران شده است و لازم است عاملان این حادثه هر چه سریع‌تر مجازات شوند.
او گفت: بعد از حادثه انفجار و کشته شدن پدرم> قولهایی از سوی مسئولان استانی به خانواده‌های قربانیان داده شد که هنوز هیچ یک از آن وعده‌ها عملی نشده است.
او اضافه کرد: در این زمینه تنها قرار است سازمان تامین اجتماعی از ماه جاری (اسفند) مقرری ماهانه خانواده‌های کشته شدگان را برقرار کند و همچنین گفته شده معوقات سه ماهه گذشته نیز پرداخت می شود.

فرزند این کارگر کشته شده که خود متاهل و بیکار است در ادامه گفت: مسئولان همچنین

وعده داده بودند برای فرزندان پسر این قربانیان در شرکت ملی فولاد ایران به صورت رسمی اشتغال ایجاد مي‌کنند اما هنوز از تحقق این وعده هم خبری نیست.
او اضافه کرد: خانواده ۸ کارگر کشته شده در حادثه انفجار معدن یال شمالی به دلیل از دست دادن سرپرست خانواده با مشکلات اقتصادی عدیده‌ای دست و پنجه نرم مي‌کنند و باید هر چه سریع‌تر مقرری ماهانه خانواده‌های این کارگران برقرار شود.

رعایت نکردن ایمنی عامل انفجار
در همین زمینه برادر یکی دیگراز درگذشتگان حادثه انفجار یال شمالی اظهار داشت: یکی از مهم‌ترین عوامل حادثه ساز در معادن زغال سنگ رعایت نکردن ایمنی و نبود نظارت و ایمنی کافی به دلیل سوءمدیریت است.
او گفت: در منطقه طبس نظارت بر کار معادن خصوصی بسیار ضعیف است و تجهیزات ایمنی که در این معادن استفاده مي‌شود سال‌ها پیش منسوخ شده است.
او ادامه داد: تجهیزاتی همانند سنسورهای گاز و دستگاه‌های تهویه که حکم حیاتی برای کارگران فعال در معادن را دارند در این معادن خصوصی غیر قابل استفاده است و به همین دلیل ما شاهد بروز هر ساله این حوادث در معادن خصوصی هستیم.
او که خود کارگر یک معدن زغال سنگ در بخش دولتی است ادامه داد: نظارت و ایمنی و تجهیز وسایل ایمنی در معادن دولتی خوب و به روز است اما این تجهیزات در معادن خصوصی جوابگوی نیازهای کارگران نیست.
این کارگر افزود: در معادن خصوصی همانند یال شمالی بخاطر افزایش هزینه های انرژی دستگاه‌های تهویه در شب‌ها خاموش مي‌شوند.
او ادامه داد: تجمع گازها بویژه گاز متان در بخشهای داخلی تونل به سبب خاموش بودن دستگاه‌های تهویه و ترکیب آن با آبی که از شکاف‌ها ودرزهای سقف تونل به داخل جاری مي‌شود، زمینه ایجاد یک انفجار مهیب را فراهم مي‌کند که ما متاسفانه در معدن یال شمالی شاهد نمونه‌ای از این انفجار که با اولین جرقه رخ داده است، بودیم.
او در انتهای سخنان خود خواستار تسریع در روند پیگیری پرونده قربانیان پرونده ۸ کارگر کشته شده یال شمالی شد و تاکید کرد: از مسئولان مي‌خواهیم همه مقصران این حادثه را به مجازات برسانند تا دیگر شاهد تکرار این وقایع نباشیم.

500 دستگاه خودروی پورشه از جزیره ابوموسی وارد کشور شد/ وارد کننده نامعلوم است

به گزارش خبرگزاری دولتی مهردر دوم اسفند 91 آمده است : رئیس کمیسیون شوراها با بیان اینکه اخیرا خبر رسیده تعداد 500 دستگاه خودروی لوکس پورشه از طریق جزیره ابوموسی به کشور وارد شده گفت: مرجع واردکننده و ارز تخصیصی به این خودروهای لوکس مبهم است.
امیر خجسته در گفتگو با خبرنگار مهر، با اشاره به تذکر کتبی امروز خود به وزیر صنعت معدن و تجارت در صحن علنی مجلس شورای اسلامی و با طرح این سوال که 500 خودروی پورشه توسط چه کسی و با چه ارزی وارد کشور شده است، گفت: اخیرا خبر رسیده تعداد 500 دستگاه خودروی لوکس پورشه از طریق جزیره ابومسی به کشور وارد شده که مرجع واردکننده و ارز تخصیصی به آن مبهم است.
رئیس کمیسیون شوراها با اشاره به مأموریت واردات خودروی لوکس با حجم مصرف بنزین بالا به کشور گفت: در حالیکه شرایط اقتصادی کشور نیاز به آرامش و ثبات داشته و بسیاری از مردم در تامین معیشت روزانه خود مشکل دارند، معلوم نیست 500 دستگاه خودرو با این قیمت نجومی به چه طریق و به چه ارزی وارد کشور شده است.
وی با اشاره به فرمان هشتم دی رهبر معظم انقلاب در تاکید اخیر ایشان مبنی بر مبارزه با مفاسد اقتصادی از عزم جدی مجلس و کمیسیون متبوع خود برای ریشه یابی و مبارزه با مفاسد اقتصادی خبر داد و گفت: با توجه به دستور رهبری برای مبارزه با مظاهر مفاسد به

خصوص فساد اقتصادی کمیسیون شوراها با قاطعیت و با رصد کردن اتفاقاتی از این دست به مبارزه جدی با اخلال گران امنیت کشور خواهد پرداخت.

وزیر نیرو از اختلاف نظر در بودجه 92 خبرداد:
درصورت حل نشدن اختلاف نظر در بودجه رییس جمهور وارد عمل می‌شود

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر دوم اسفند 91 آمده است : مجید نامجو امروز در جمع خبرنگاران با بیان اینکه همیشه در مراحل تدوین بودجه اختلاف نظر وجود داشته،اظهار داشت: در بودجه امسال نیز مقداری اختلاف نظر وجود دارد و برای حل آن تلاش می شود، اما در صورت حل نشدن موضوع قرار شد با دخالت رییس جمهور و یا نظر وی کار بودجه 92 جمع شود و در اولین فرصت تحویل مجلس داده شود.

او افزود:در حال احاضر کارها نهایی شده وتبصره‌های لازم در بودجه دیده شده است.وی در باره قیمت آب وبرق در بودجه سال آینده نیز گفت: افزایش قیمت آب و برق فقط در ستاد هدفمندی یارانه‌ها باید تصویب شود و افزایش تعرفه در بودجه به معنی افزایش قیمت آب و برق مطرح نمی‌شود. بلکه باید منتظر تصمیم ستاد هدفمندی یارانه‌ها باشیم.

نامجو در ادامه در واکنش به صدور قبض های چند صد هزار تومانی اهالی ورزقان نیز گفت: موضوع صدور این قبض‌ها را شنیده‌ایم و باید بررسی کنیم. در تمام زلزله‌ها باید حال مردم را رعایت کنیم.وزیر نیرو با تاکید بر این‌که دولت اصرار دارد که اجرای هدفمندی یارانه‌ها را دنبال کند گفت: باید مجلس را برای این کار قانع کنیم.

وزیر نیرو با اشاره به احداث نیروگاه‌های آبی در کشور،عنوان داشت: مجموع بسته‌ای که برای وزارت نیرو فراهم شده شامل استفاده از منابع تجدیدپذیر است. اما دو مشکل بومی کردن دانش و سرمایه‌گذاری سنگین در ابتدای امر وجود دارد.او ادامه داد: باید تلاش کنیم تا از انرژی‌های تجدیدپذیر حمایت کنیم و یا به صورت تضمینی از سرمایه گذاران خرید کنیم.

پایان پیام

تاجگردون در گفت‌وگو با ایلنا:
افزایش مالیات ها در بودجه سال آینده غیر منطقی است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر دوم اسفند 91 آمده است : نایب رئیس کمیسیون برنامه و بودجه مجلس با ارزیابی تخلفات دولت در بودجه های سنواتی، گفت:دولتی که خود ذاتا منضبط نیست، نباید انتظار داشت که بودجه ای که ارایه می کند نیز انضباط مالی داشته باشد.

غلامرضا تاج گردون در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا با بیان اینکه دولت باید بودجه ۹۲ را انقباضی تدوین کند،اظهارداشت: کم کردن اتکای بودجه به نفت و نحوه واریزی درآمدهای نفتی براساس میزان سهم صندوق توسعه ملی،باید مدنظر قرار بگیرد.
او افزود: در بودجه ۹۲ رفتار سیاسی بر بودجه حاکم است چون این بودجه متعلق به دو دولت است،به همین دلیل دولت و مجلس نمی‌دانند چگونه به آن تکه دوم سال نگاه کنند.
نماینده مردم گچساران به دو ضرورتی که باید در بودجه ۹۲ مد نظر قرار بگیرد،اشاره کرد و گفت: مهمترین اولویت دولت در بودجه 92 باید انقباضی کردن بودجه و کم کردن اتکای بودجه دولت به نفت باشد.
وی در واکنش به طرح افزایش سهم مالیات‌ها در بودجه سال آینده نیز گفت: اینکه گفته می‌شود مالیات‌ها باید ۶۰ تا ۷۰ درصد افزایش یابد، غیر منطقی و ناکارآمد است چراکه در نهایت این فشار به روی فعالان اقتصادی وارد می شود کما اینکه در شرایط رکود اقتصادی این

امر امکان پذیر نیست.
تاج گردون در ادامه به سهم صندوق توسعه ملی و نحوه تخلفات دولت در بودجه‌های سنوات گذشته اشاره کرد و گفت: نکته مهم در بحث ارز به خصوص در بودجه این است که سهم صندوق توسعه ملی در سال آینده که ۲۶ درصد است چگونه باید باشد و دولت درآمدهای ارزی خود را چگونه و به چه نرخی بفروشد.
وی اضافه کرد: از سویی دیگر دولت در بودجه‌های گذشته تخلفاتی داشته است و این نشان از مجوزهایی است که در بودجه به دولت داده شده بود، لذا مجلس باید در این زمینه بر انضباط بیشتر بودجه دقت لازم را به عمل آورد.

پایان پیام

رییس کمیسیون قضایی مجلس:
سو مدیریت عامل ۸۰ درصدی تورم و گرانی است

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر دوم اسفند 91 آمده است : رییس کمیسیون قضایی مجلس گفت: مردم بدانند که ۲۰ درصد گرانی‌ها و تورم به خاطر تحریم‌ها است و ۸۰ درصد گرانی‌ها به دلیل سوءمدیریت و عدم نظارت و کنترل مدیریتی است.

به گزارش خبرنگار ایلنا، الله یار ملک شاهی در دفتر حزب حامیان ولایت، وضعیت عمومی کشور را آرام و مقبول دانست و گفت: امروز از نظر داخلی زیرساخت‌های رشد و توسعه فراهم است و با توجه به وجود منابع غنی در کشور و ولایت فقیه زمینه‌های توسعه در کشور فراهم است.

رئیس کمیسیون قضایی مجلس با بیان اینکه صدای انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی در سراسر دنیا طنین انداز شده است، خاطرنشان کرد: امروز اگر پرچمی علیه ظلم برافراشته می‌شود زیر سایه انقلاب اسلامی است.

این نماینده مجلس با اشاره به اقتدار جمهوری اسلامی در منطقه و خاورمیانه، تاکید کرد: وجود اختلافات‌های داخلی چهره بدی از ایران نشان می‌دهد و متاسفانه افرادی با عنوان دفاع از قانون اساسی که حاصل خون شهداست، آرمان‌های انقلاب و قوانین اساسی کشور را زیر پا می‌گذارند.وی ضمن اشاره به مفاد قانون اساسی، تصریح کرد: بنابر اصل ۵۷ قانون اساسی، سه قوه مجریه، مقننه و قضایی می‌بایست زیر نظر ولایت فقیه عمل کنند، پس علت این اختلاف‌ها چیست.

ملک شاهی اختلافات داخلی یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مردم دانست و گفت: این اختلافات هیچ ریشه‌ای جز هوای نفس ندارد و باید پرسید چرا رفتار مسئولان باعث می‌شود که تاکید رهبری بر وحدت قوا، نادیده گرفته شود.وی ادامه داد: مقام معظم رهبری بارها تاکید داشتند که هیچ کس حق ندارد که تا قبل از انتخابات، اختلاف افکنی کند و عامل این اختلافات به انقلاب و ولایت خیانت کرده است.

رئیس کمیسیون قضایی مجلس شرایط کنونی کشور را حساس دانست و افزود: تنها راه گذر از این شرایط همان راه سابق انقلاب و جنگ یعنی وحدت امت و تبعیت محض از رهبری است و وجود اختلاف به معنای عدم تبعیت از رهبری است.

ملک شاهی با بیان اینکه مقام دشمنان به انتخابات آینده ایران چشم دوخته‌اند، گفت: در زمان انتخابات فضای کشور باز تر است و این فرصت نظام ماست تا مردمی بودن خودن را اثبات کند و دشمنان منتظر هستند تا این فرصت را به یک تهدید تبدیل کنند.وی ضمن اشاره به گلایه رهبری از استیضاح وزیر کار افزود: تمام نمایندگان و حتی کسانی که خواستار

استیضاح وزیر بودن از رهبری و مردم عذرخواهی کردند و مردم بدانند که مجلس به دنبال اختلافات داخلی نبوده است.

ملک شاهی تحریم‌ها را ترفند دشمنان برای تحریک مردم دانست و افزود: دشمنان می‌خواهند که با فشارهای اقتصادی مردم را نسبت به حکومت ناراضی کنند و مردم بدانند که ۲۰ درصد گرانی‌ها و تورم به خاطر تحریم‌ها است و ۸۰ درصد گرانی‌ها به دلیل سوءمدیریت و عدم نظارت و کنترل مدیریتی است.

رئیس کمیسیون قضایی مجلس اظهار کرد: مجلس برای مسائل اقتصادی بیشترین وقت و دقت را صرف کرده است چرا که این مسائل مهم‌ترین دغدغه مردم است که توقف فاز دوم هدفمندی یارانه‌های یکی از همین برنامه‌های مهم مجلس بود.

ملک شاهی درباره برنامه و طرح هدفمندی یارانه‌ها، خاطرنشان کرد: فاز اول هدفمندی یارانه‌ها بسیار بد اجرا و همین اجرای بد موجب گرانی و تورم باورنکردنی در کشور شد و مجلس برای جلوگیری از شدت گرفتن درباره تورم از اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه امتناع می‌کند.وی ادامه داد: اگر فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها اجرا شود قیمت‌ها ۵ برابر می‌شود و حاملان انرژی مانند برق، سوخت و گاز بیش از ۳ برابر گران‌تر می‌شوند.

رئیس کمیسیون قضایی مجلس ضمن اشاره به طرح تحقیق و تفحص از بودجه فرهنگی، خاطرنشان کرد: این طرح که به تازگی در مجلس بررسی شد با هدف بررسی حرف هزینه‌های فرهنگی است تا بتوانیم مصرف آن را کنترل کنیم.

پایان پیام

رئیس اتحادیه فروشندگان گوشت گوسفندی:
کارگران قصاب هم از بحران امنیت شغلی در امان نیستند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر دوم اسفند 91 آمده است : رئیس اتحادیه فروشندگان گوشت گوسفندی با انتقاد از وضعیت نامناسب امنیت شغلی کارگران قصابی‌ها، از افزایش قیمت گوشت گوسفندی در دو هفتهٔ گذشته خبر داد.

علی اصغر ملکی در گفت‌وگو با ایلنا گفت: امنیت شغلی در قصابی‌ها مثل سایر واحدهای تولیدی و خدماتی در سایر نقاط کشور است و شرایط کارگران قصابی‌ها اعم از «سردست» و «گوشت فروش» با سایر کارگران که در واحدهای تولیدی مشغول به کارند تفاوتی نمی‌کند. بحران اشتغال در کشور به ترتیبی نیست که بشود آن را کتمان کرد.

این فعال صنفی در رابطه با اقدامات اتحادیه برای عدم سرایت تب کریمهٔ کنگو به کارگران، اظهار داشت: همه کارگران موظف به داشتن کارت بهداشت هستند که هر ۶ ماه یکبار باید چک بشوند و کارتشان تمدید شود.پیش‌تر رئیس مرکز مدیریت بیماریهای واگیر وزارت بهداشت روز ۲۱ خرداد ماه با اعلام اینکه از ابتدای سال جاری تاکنون ۲۶ نفر در کشور به تب کریمه کنگو مبتلا شده‌اند از مرگ ۶ کارگر در اثر ابتلا به این بیماری خبر داده بود.

رئیس اتحادیه فروشندگان گوشت گوسفندی در بخش دیگری از سخنانش به تاثیر افزایش قیمت گوشت در حرفه قصابی پرداخت و گفت: قیمت گوشت افزایش پیدا کرده است و قصابی‌ها مجبورند هر چه به هزینهٔ خریدشان افزوده می‌شود بر قیمت فروش خود اعمال کنند. این روزها گوشت گوسفندی کیلویی ۲۴ تا ۲۵ هزار تومان به قصابی‌ها تحویل داده می‌شود و آن‌ها نیز گوشت شقه را با ۱۰ درصد سود به مشتری می‌فروشند.

ملکی تصریح کرد: بعد از دو هفتهٔ گذشته که شاهد افزایش قیمت گوشت بودیم، اکنون بازار راکد شده است. گفتنی است قیمت هر کیلو گوشت گوسفندی در ابتدای سال جاری بین ۱۳ الی ۱۴ هزار تومان بود که هم اکنون بنا به اظهار رئیس اتحادیه فروشندگان گوشت گوسفندی، به ۲۴ تا ۲۵ هزار تومان رسیده است.

پایان پیام

یک کارگر بعلت ریزش ساختمان در یزد جان خود را از دست داد.

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنا/ یزددر 3اسفند 91 آمده است : به گزارش ایلنا از یزد و بنابر اعلام مرکز فوریت های امداد و نجات، در پی ریزش آوار یک ساختمان 3 طبقه قدیمی واقع در بلوار شهید بهشتی و محبوس شدن 2 تن از کارگران 5 خودروی آتشنشانی به محل اعزام شدند.
بنابراین گزارش، آتشنشانان با استفاده از دستگاه زنده یاب و آوار برداری صحیح و اصولی موفق شدند کارگر اول - 20 ساله ای را - از زیر آوار به بیرون منتقل و جهت معاینات اولیه تحویل پرسنل اورژانس نمایند.
آتشنشانان همچنین تجسس را برای یافتن کارگر دوم ادامه دادند ولی با توجه به حجم زیاد آوار و پس از تجسس 3 ساعته با بیل مکانیکي، پیکر بدون جان کارگر دوم یافت شد

تعداد کارخانه‌های چای نصف شده است

به نوشته روزنامه فرارو در سوم اسفند 91 آمده است : عبدالغفار شجاع رئیس سابق سازمان چای در گفت‌وگو با روزنامه قانون گفت: خیلی از کارخانجات چای شمال تعطیل شده‌اند. در گذشته 200 کارخانه داشتیم که در حال حاضر تعداد کارخانه های فرآوری چای به کمتر از 100 کارخانه در شمال رسیده است.

پیمانکار ترابر گستر: سازمان مدیریت بدهي‌اش را نداد، ۴۰ کارگر اخراج شدند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 3 اسفند 91 آمده است : در پی انتشار خبری مبنی بر اخراج ۴۰ کارگر شرکت پیمانکاری «ترابر گستر نکو» وابسته به سازمان مدیریت پسماند تهران و درج توضیحات روابط عمومی این سازمان، مدیرعامل این شرکت پیمانکار نیروی انسانی دلیل اخراج و عدم پرداخت بخشی از دستمزد و حقوق سنوات کارگران را عدم پرداخت ۱۸ ماه از معوقات مالی شرکت ترابر گستر نکو توسط سازمان مدیریت پسماند تهران عنوان کرد.
«ناصر نکو نام» در این باره به ایلنا گفت: عدم پرداخت ۱۸ ماه از معوقات مالی شرکت ترابر گستر نکو توسط سازمان مدیریت پسماند تهران باعث شده علاوه بر اخراج ۴۰ کارگر نتوانیم حقوق سنوات آنان را پرداخت کنیم.
مدیر عامل شرکت پیمانکاری ترابر گستر نکو در این زمینه تشریح کرد: سازمان مدیریت پسماند تهران با پرداخت نکردن معوقات ۱۸ ماهه این شرکت پیمانکاری زمینه ایجاد مشکلات مالی زیادی را برای این شرکت فراهم کرده به طوری که علاوه بر ناتوانی در تامین هزینه های روزمره شرکت، نتوانسته‌ایم از عهده دستمزد و سنوات پایان خدمت کارگران خود نیز بر آییم.
این پیمانکار، میزان معوقات مالی شرکت ترابر گستر نکو از سازمان مدیریت پسماند را یک میلیارد و ۱۴۰ میلیون تومان عنوان کرد و گفت: سازمان مدیریت پسماند مدعی است این شرکت ۸۰۰ میلیون تومان خسارت مالی به سازمان وارد کرده و به این بهانه از پرداخت بدهي‌های خود طفره مي‌رود.
نکونام اضافه کرد: حدود ۴۰ کارگر با مجموع مطالبات حدود ۲۰۰ میلیون تومان با احتساب سنوات در نتیجه بي‌توجه‌ای مسئولان سازمان پسماند اکنون با وجود آنکه حقوق خود را دریافت نکرده‌اند، بیکار و بلاتکلیف شده‌اند.

او اضافه کرد: در سالهای ۸۳ تا ۸۵ و مجددا از سال ۸۶ تا پایان دی ماه سال ۹۱ در مجموع حدود هفت سال با سازمان مدیریت پسماند قرار داد کاری منعقد کرده‌ایم و در طول این سال‌ها با تحمل مشکلات فراوان به کار خود ادامه داده‌ایم.
نکونام ادامه داد: ۱۱۳ دستگاه ماشین آلات در طول این سال‌ها در اختیار شرکت ترابر گستر نکو بوده که به علت وجود این مشکلات تا پایان قرار داد تعداد این ماشین آلات به ۳۰ دستگاه کاهش یافت.
مدیر عامل این شرکت پیمانکاری افزود: مسئولان سازمان مدعي‌اند خسارت‌های ناشی از غیر فعال بودن ماشین آلات در اختیار شرکت باید پرداخت شود و به گفته انان به ازای هر روز غیر فعال بودن این ماشین آلات باید ۱۰۰ هزار تومان خسارت پرداخت کنیم.
نکونام در ادامه با ابراز نگرانی از وضعیت کارگران بیکار شده گفت: این شرکت تمام تلاش خود ر ا مي‌کند تا بخشی از دستمزد و سنوات کارگران اخراجی را پیش از پایان سال پرداخت کند.

مشکلات دارو از آنچه به نظر می رسد جدی تر است

به نوشته سایت عصر ایران در سوم اسفند 91 آمده است :در پی بررسی مشکلات حوزه دارو در کمیسیون بهداشت و درمان مطرح گردید که این مشکلات جدی تر و واقعی تر از آن است که احساس می شود.
دکتر احمد آریایی نژاد عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس در گفتگو با باشگاه خبرنگاران گفت: موضوع اختصاص ارز و واردات دارو باید به طور جدید پیگیری شود چرا که حوزه دارو با مشکلات عدیده ای همراه است.
وی با بیان این که کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، بانک مرکزی وزارت بهداشت و درمان برای حل مشکلات دارو کمیته ای ویژه تشکیل داده اند خاطر نشان کرد: برای حل مشکلات حوزه سلامت به ویژه دارو تشکیل این کمیته ضروری است.
وی تاکید کرد: در حال حاضر مشخص نیست چه کسی مسئول اصلی حل مشکلات دارو است و لذا این کمیته می تواند در رفع ابهامات در این حوزه اثر گذار باشد.
وی افزود: این کمیته می تواند حلقه مفقود همکاری بین سازمان های مرتبط باشد و جریان رفع مشکلات حوزه دارو را به حرکت اندازد.

تحقیر کارگران ساختمانی در هنگام صدور کارت مهارت/ بوی بدن کارگران، تمسخر وضعیت ظاهری و پوشاک...

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 3 اسفند 91 آمده است : رئیس انجمن صنفی کارگران و بنایان ساختمانی استان تهران از واگذاری صدور کارت مهارت کارگران ساختمانی به معاونت اجتماعی شهرداری انتقاد کرد.
حسین ناطق در این باره به ایلنا گفت: بیمه شدن کارگران ساختمانی منوط به دریافت کارت مهارت از سازمان فنی و حرفه‌ای است، اما این امر مهم در شهر تهران به معاونت امور اجتماعی شهرداری واگذار شده است.
او افزود: همه کارگران و بنایان ساختمانی شهر تهران طبق ماده 18 قانون «بهبود مستمر فضای کسب و کار» برای بیمه شدن نیاز به تایید انجمن صنفی کارگران و بنایان دارند، این در حالی است که بصورت غیر قانونی سازمان فنی حرفه‌ای با بي‌توجه‌ای به این نهاد کارگري، برای صدور کارت مهارت با معاونت امور اجتماعی شهرداری تهران قرار داد منعقد کرده است.
به گفته این فعال کارگري، برخورد ناشایسته برخی از کارمندان شهرداری که مامور رسیدگی به صدور کارت مهارت کارگران ساختمانی هستند باعث اعتراض کارگران ساختمانی شده است.
رئیس انجمن صنفی کارگران و بنایان ساختمانی استان تهران ادامه داد: این کارمندان که وابسته به یک شرکت کاریابی هستند، با توهین به کارگران ساختمانی از وضعیت ظاهری و پوشاک آنان ایراد مي‌گیرند و در مواردی درگیري‌های فیزیکی نیز ایجاد کرده‌اند. در چند مورد هم این کارمندان از بوی بدن کارگران ساختمانی ایراد گرفته‌اند و آنان را مورد تمسخر قرار

داده‌اند.
ناطق اضافه کرد: معاونت اجتماعی شهرداری تهران این بخش از مسئولیت خود را که غیر قانونی است به یک شرکت کاریابی واگذار کرده و این شرکت مسئول ثبت نام کارگران شده است.
به گفته این فعال صنفي، دخالت بخش خصوص در زمینه صدور کارتهای فنی کارگران ساختمانی علاوه بر سود جویی باعث هرج و مرج در این حوزه شده است.
رئیس انجمن صنفی کارگران ساختمانی تهران در خاتمه تاکید کرد: طبق قانون، کارگران ساختمانی پس از تایید انجمن صنفی باید تنها در مراکز فنی و حرفه‌ای برای دریافت کارت مهارت آزمون بدهند و سپس با ارائه کارت مهارت به سازمان تامین اجتماعی از خدمات بیمه‌ای بهره‌مند شوند.

تعطیلی اکثر شرکت های تولید لوازم خانگی/ بازار در قرق تولیدات خارجی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 4 اسفند 91 آمده است : در آخرین ماه از سال تولید ملی و در نتیجه سیاستهای دولت مورد حمایت رهبري، گزارش ها حاکی از آن است که ۶۵ تا ۷۰ درصد بازار لوازم خانگی کشور را لوازم خارجی به خود اختصاص داده است و شرکت‌های تولید داخل نیز یا تعطیل شده‌اند و یا در شرف تعطیلی هستند.
خبرگزاری ایلنا در این باره گزارش داده است: چند ماهی است که قیمت لوازم خانگی لحظه‌ای بالا مي‌رود و این افزایش قیمت‌ها نه به تومان بلکه به دلار است. طی چند ماه گذشته قیمت لوازم خانگی خارجی تا ۳ برابر و قیمت لوازم خانگی داخلی تا ۲ برابر افزایش یافته است.
این در حالی است که هم اکنون ۶۵ تا ۷۰ درصد بازار لوازم خانگی کشور را لوزام خارجی به خود اختصاص داده است و شرکت‌های تولید داخل نیز یا تعطیل شده‌اند و یا در شرف تعطیلی هستند و از کل ظرفیت لوازم خانگی تنها یک چهارم مربوط به تولیدات داخل است و سه چهارم دیگر را خارجي‌ها در دست گرفته‌اند.
در این راستا محمد طحان‌پور، رییس اتحادیه کشوری لوازم خانگی مي‌گوید: کنترلی در افزایش قیمت لوازم خانگی خارجی وجود ندارد و وابستگی لوازم خانگی داخلی به قطعات خارجی مانند وابستگی یخچال به موتور وای بي‌اس خارجی نیز نیازمند ارز است که باعث افزایش قیمت این محصولات شده است که همین موضوع هم باعث کاهش تقاضا از سوی متقاضیان مي‌شود.
رئیس اتحادیه لوازم خانگی با اشاره به برخی از سوء استفاده‌های رخ داده در بازار لوازم خانگی یادآور شد: افزایش قیمت مواد پتروشیمی مانند رنگ و حتی افزایش قیمت مواد بسته‌بندی نیز در بالا رفتن قیمت لوازم خانگی در بازار موثر بوده است. وی معتقد است، افزایش قیمت کالاهای داخل هم کم نیست که به دنبال آن شاهد کاهش عرضه و تقاضا در بازار هستیم.
همچنین حمید صالحی یک فروشنده لوازم خانگی در سه راه امین حضور نیز معتقد است، طی ۲ تا ۳ ماه گذشته لوازم خانگی داخلی افزایش قیمتی نداشته است اما از ابتدای سال تا کنون لوازم خانگی ۱۳۰ درصد افزایش قیمت را تجربه کرده است. وی مي‌گوید: مارک‌هایی که در بازار برش دارند فروش را متوقف مي‌کنند و شرکت‌ها برای توجیه افزایش قیمت‌ها لیست ارزی ارائه مي‌دهند.
این روزها و با نزدیک شدن به ایام پایانی سال یک روز شاهد احتکار لوازم خانگی و روز دیگر شاهد افزایش قیمت هماهنگ در این محصولات هستیم. همچنین محمد رضا دیاني، رییس انجمن تولید کنندگان لوازم خانگی داخلی مي‌گوید: نباید انتظار داشت تولید کننده ضرر بدهد هم اکنون تولید کننده کمبود مواد اولیه دارد که باید تامین شود.
دیانی تصریح کرد: رکود بازار بدنبال کاهش قدرت خرید مردم موجب شده تا تولیدکنندگان امکان نقد فروشی را از دست بدهند، در حالی که برای گشایش «ال. سی» ناچار به پرداخت به صورت نقد هستند. وی مي‌گوید: متاسفانه هنوز بانک‌ها مشکلات تولید کنندگان را حل نکرده‌اند و این انتظارات یک طرفه است. وی معتقد است سیاست‌های تولیدی ناقص هستند

و نمي‌توان در مورد وضعيت بازار لوازم خانگی و قیمت‌ها تا پایان سال و حتی سال آینده پیش‌بینی خاصی کرد.
بنا بر این گزارش، صنعت لوازم خانگی دومین صنعت اشتغال‌زا در کشور پس از صنایع خودروسازي است. اما بررسی وضعیت کارخانه‌های تولیدکننده لوازم خانگی و میزان ساخت داخل یا مونتاژبودن این محصولات پاشنه آشیل این صنعت است چرا که اکنون سهم مواداولیه و قطعات وارداتی در تولید لوازم خانگی داخلی بسیار بالاست.
از سوی دیگر به‌نظر مي‌رسد به‌رغم پیشرفت‌های به‌دست آمده در تولید این محصولات هنوز هم تولیدکنندگان داخلی با تکنولوژی روز دنیا در تولید این محصولات فاصله دارند و هنوز وابستگي‌ها به قطعات خارجی ادامه دارد. در این میان کالبد شکافی ساخت برخی لوازم خانگی در داخل کشور گواهی بر این مدعاست و در این شرایط بازار لوزام خانگی به جولانگاهی برای سودجویان تبدیل شده است.

عیدانه ها واریز شد

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر در تاریخ 5 اسفند 91 آمده است : «عیدانه» ۸۵ هزارتومانی دولت و مجلس به هر ایرانی روز یکشنبه به حساب سرپرستان خانوار واریز شد.
به گزارش خبرنگار مهر، بر اساس توافق دولت و مجلس ۲ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار از صندوق توسعه ملی به عنوان قرض برداشت و اعتبار ریالی معادل آن به عنوان کمک اقتصادی شب عید در نظر گرفته شد.
بر همین اساس، عیدانه ۸۵ هزارتومانی به ازاء هر ایرانی به حساب سرپرست خانوار واریز شد که البته این مبلغ از ساعت ۲۴ امشب قابل برداشت می شود.
بر اساس اطلاعات رسیده، عیدانه اقشار تحت پوشش کمیته امداد و سازمان بهزیستی ۲۰ درصد بیشتر از سایر اقشار جامعه در نظر گرفته شده است.
طبق اعلام نمایندگان مجلس بیش از ۷۳ میلیون ایرانی عیدانه دولت و مجلس را دریافت می کنند.

بار دیگر از ۸ مارس سخن می گوییم - اعلامیه ی «زنانی دیگر»

بر پایه ایمیل رسیده به روز شمار کارگری در 5 اسفند 91 آمده است : سال های زیادی است، بیش از صد و اندی سال، که زنان، پیش از ما و همزمان با ما، هر سال از گرامیداشت روز جهانی زن سخن گفته‌اند، گرامیداشت‌هایی در اوج اعتلای انقلابی و یا در حضیض رکود و خفقان. اینک نیز ما زنان ایران، ازبطن یکی از سیاه‌ترین دوران‌های تاریخی از روز جهانی زن سخن می‌گوییم، ما همچون همواره‌ی تاریخ، با عشق و امید به زندگی و باور به عدالت، آزادی و رهایی، این روز را گرامی می‌داریم. و امسال این روز را درشرایطی گرامی می‌داریم که زنان، در ایران و جهان در زیر بار فقر، بیکاری، تورم، قوانین ضد زن، فحشا، قتل‌های جنسیتی، ناموسی و .... له می‌شوند. در ایران تورم و بیکاری ناشی ازطرح خانمان برانداز حذف یارانه‌ها، این رهاورد سرمایه‌داری سفاک جهانی در قالب سیاست‌های خصوصی‌سازی و نقش رذیلانه‌ی دیکتاتوری اسلامی که زالوصفتانه به جان مردم افتاده مزید بر علت شده و شانه‌های رنجدیده اما توانمند زنان را هرچه بیشتر خم کرده است، با خط فقردو میلیونی، در جامعه‌ای که ۹۹% مزد بگیران با درآمدی بسیار کمتر از آن مجبور به گذران هستند، این چنین است دوزخی که سرمایه‌داری اسلامی برای ما ساخته و پرداخته است. جنایتکاران حاکم که به خوبی سرنگونی خود را نزدیک می‌بینند در دزدی، فساد، ارتشا گوی سبقت از هم ربوده و آخرین تکه‌های باز مانده‌ی دارایی کشور را، وحشیانه به دندان می‌کشند. اختلاف و درگیری بین بالایی‌ها اوج گرفته و هر روز نمود تازه‌ای پیدا می‌کند. رهبر در بین یاران خود نیز اعتبارش را از دست داده و این مسئله ولوله‌ای در سیستم برپا کرده است. وزرا استیضاح می‌شوند، پست‌ها جابجا می شوند، شرح دزدی‌های چند میلیاردی پشت سر هم افشا می‌شوند، دیگر گذر سران نیز به اوین افتاده است. افشاگری، دعوا، کتک کاری و بد وبیراه گفتن جناح‌های مختلف حکومت به یکدیگر، بخش زیادی از اخبار روزانه را به خود اختصاص داده؛ دولت و مجلس به جان هم می افتند و خامنه ای میانجی گری می‌کند،

احمدی نژاد اسناد جرم جمع کرده و به اصطلاح پرونده همه را زیر بغل دارد. از سویی دیگر سرکوب‌ها و فشارهای مختلف اقتصادی - اجتماعی که بر مردم وارد شده، زندگی آنان را طاقت فرسا نموده و تضاد بین بالایی‌ها و پایینی‌ها را به اوج خود رسانیده و جز با سرکوب و کشتار از جانب بالایی ها قابل کنترل نیست. رژیم برای سرکوب وحشیانه و ایجاد رعب و وحشت، انتشار خشونت و خشونت‌طلبی در جامعه، دستگیری‌ها و اعدام‌ها را روز به روز افزایش می‌دهد و با هر بهانه و عنوانی و به اشکال مختلف دست به اعدام‌های گسترده در تمامی نقاط کشور می‌زند. اعدام‌های گروهی با عنوان اراذل و اوباش به وحشیانه‌ترین شکل در انظار عمومی، اعدام ملیت ها ی کرد، عرب، سیستانی بلوچستانی، به دار کشیدن وحشیانه چند تن در سبزوار آن هم در یک استادیوم ورزشی که برای اولین بار حضور زنان نیزدر آن آزاد بوده! اعدام در زاهدان، کردستان، آذربایجان، قطع دست در شیراز در انظار عموم به فجیع‌ترین شکل و با تکنولوژی جدید اسلامی! آمار اعدام‌ها را تنها درسال گذشته به ۵۷۸ تن رساند! از سویی دیگر دستگیری‌های گسترده به ویژه دستگیری خبرنگاران با عناوین واهی و بدون هر گونه توجیه، از جمله دستگیری ۴۵ خبرنگار در سال گذشته و حدود ۱۰ نفردر همین اواخر ما را جزو ۱۰ کشور اول جهان از نظر زندان و قتل خبرنگاران و رتبه چهارم در جهان از نظر سانسور مطبوعات قرار داده است. رژیم با نزدیک شدن انتخابات دروغین ریاست جمهوری سرکوب را هر چه شدیدتر نموده و به بهانه‌ی رمز « انتخابات آزاد »، می کشد، زندانی می کند و شکنجه می کند. گرچه فضای نفس گیردیکتاتوری دینی امان را از مردم بریده اما نتوانسته است ترس را بر مردم حاکم کند چرا که اخراج، بیکاری، دستگیری و زندان، بخش ملموسی از زندگی مردم شده است. مزاحمت‌های دائمی مزدوران رژیم با عنوان «گشت ارشاد» در خیابان‌ها، حضور افزیش یابنده‌ی بیخانمان‌ها، متکدیان، دستفروشان، کودکان کار، سیر صعودی و وحشتناک اعتیاد، صنعت سکس و تن فروشی، تباهی و فساد سیستم را آشکارترنموده و دیگر مردم پشیزی اعتبار و مشروعیت برای رژیم قائل نبوده و سران حکومتی به انحاء مختلف اسباب مضحکه و تمسخر آنان می‌شوند.
بار دیگر از ۸ مارس سخن می گوییم، در شرایطی که تحریم ها نه تهدیدی برای رژیم بلکه به چماقی برای اعمال فشار بیشتر بر مردم تبدیل شده و رژیم در سایه‌ی آن هرگونه بیداد اقتصادی را توجیه می‌کند، افزایش نرخ ارز و طلا، افزایش کمرشکن قیمت مواد غذایی، مسکن، حمل ونقل، سوخت، دارو و امکانات درمانی زندگی را برای مردم سخت و سخت تر نموده، افزایش روزانه‌ی و حتی ساعت به ساعت قیمتِ مایحتاج زندگی، مردم را به شدت درگیر کرده و گذران زندگی را برای آنان تبدیل به کابوسی روزانه نموده است. بیکاری فلج کننده‌ای در همه‌ی سطوح فراگیر شده، روز به روز بر تعداد فارغ التحصیلان بیکار افزوده می‌شود. فضای یاس و افسردگی کشنده‌ای بر جوانان حاکم شده چرا که آنان به خوبی می‌دانند هیچ امکانی برای کار کردن، برای مستقل شدن، برای شاد بودن و حتی برای زندگی کردن وجود ندارد. شاغلین ازامنیت شغلی برخوردار نیستند. قراردادهای موقت، تعدیل نیرو و اخراج‌های دسته جمعی و پرداخت‌های معوقه چند ماهه و حتی چند ساله زندگی آنان را مخدوش نموده. فقط نمونه کوچکی از آن کارگران کارخانه قند اهواز هستند که ۲۲ ماه است حقوق نگرفته اند و حتی بیمه هم ندارند. چه بسیارند کارگرانی که با دستمزد زیر حداقل، شرایط طاقت فرسای کاری را تحمل می‌کنند و افراد تحصیل کرده ومتخصصی که با حداقل دستمزد در مشاغل حاشیه‌ای و سیاه مشغول به کارند. بیش از یک میلیون و هشتصد هزار زن سرپرست خانوار در ایران در بی حقوقی مطلق بار سنگین هزینه‌های زندگی و مصائب اجتماعی ناشی از آن، بار سنگین زن بودن به عنوان مادر و مسئول خانواده رابه دوش می‌کشند. وضعیت اقتصادی لایه‌های پایینی زنان از جمله زنان کارگر و مزد بگیر به اسف بارترین شکل خود رسیده وآنان را در معرض آسیب‌های فراوان اجتماعی قرار داده است. زنان کارگر، معلم، پرستار، کارمند و سایر مزدبگیران، محروم از تمامی قوانین حمایتی در بدترین شرایط کاری استثمار می‌شوند و خیل عظیم بیکاری، طبق معمولِ مناسبات سرمایه داری که همواره ابتدا زنان را در برمی‌گیرد، فقر را در جامعه‌امان هر چه بیشتر زنانه می‌کند و آنان را همچنان در ردیف اول استثمار شوندگان قرار داده است.
بار دیگر از ۸ مارس سخن می گوییم، در زمانی که قوانین ضد زن اسلامی آخرین بقایای حقوق زنان را به تاراج برده و آنان را به بردگانی محروم از هر گونه حقوق انسانی تبدیل

نموده است. این قوانین تبعیض آمیز در زمینه های مختلف از جمله آموزش و پرورش، خروج از کشور، استخدام، قوانین مربوط به ارث، ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان، و غیره حاکم شده است. بر اساس لایحه جدید گذرنامه، زنان مجرد زیر چهل سال برای صدور گذرنامه ملزم به کسب اجازه از ولی قهری یا حاکم شرع هستند. بر طبق قانون جدید مجازات اسلامی، سن مسئولیت کیفری زنان همچنان ۹ سال تعیین شده، مجازات سنگسار به نهادهای پشت پرده همچون فقهای شرع و ولی فقیه ارجاع شده، در واقع به جای حذف این مجازات غیر انسانی تنها آن را از ویترین قوانین کیفری خارج نموده‌اند. در عین حال قتل‌های ناموسی، فحشا، تجاوزهای وحشیانه، رواج ازدواج کودکان حتی زیر ده سال، زنان را به ابزاری جنسی در دست سیستم قرون وسطایی اسلامی بدل نموده است. خشونت بر علیه زنان بیداد می‌کند و انحطاط معیارهای انسانی، زنان را درمعرض خشونت‌آمیزترین برخوردها قرار داده و هیچ نهاد و قانونی هم در جهت حمایت از زنان وجود ندارد و بازهم همانند مناسبات همیشگی سیستم‌های طبقاتی مردسالار،این زنان هستند که هرچه بیشتر در معرض خشونت‌های مختلف قرار می‌گیرند. تفکیک جنسیتی در دانشگاه ها و مراکز آموزشی سدی غیرقابل عبور برای دختران ایجاد نموده و آنها را ازحق ابتدایی خود، یعنی آموزش در رشته دلخواه محروم نموده است. در سال ۹۱ سی و شش دانشگاه، دانشجویان دختر را نپذیرفته و در هفتاد و هفت رشته دانشگاهی دختران حق انتخاب رشته را نداشته‌اند. در شهرهای مختلف از جمله مشهد، کرمان، سمنان دانشگاه‌های دخترانه به منظور جداسازی جنسیتی، در حال راه‌اندازی است. این تبعیضات نه تنها در دانشگاه‌های دولتی بلکه در دانشگاه آزاد هم اجرا شده است.

زنان ایران بار دیگر از ۸ مارس سخن می‌گویند، از عمق مناسبات ظالمانه‌ی استثمار و سلطه‌ای که در آن همپای سایر اقشار مردم رنج می‌کشند و تبعیض زن بودن را در سیستم عقب‌مانده‌ی اسلامی، با گوشت و پوست خود احساس می‌کنند. آنچه را که در آمار، سبب شده ایران از صد و سی وپنج کشورجهان رتبه صد وبیست و هفتم رادر زمینه نابرابری جنسیتی داشته باشد ما زنان در هر لحظه و هر نفس، لمس می کنیم، تحمل می‌کنیم، زندگی می‌کنیم، اما همچنان به مقاومت و مبارزه ادامه می‌دهیم. ما در این روز از زنان و مردان مبارز و آزاده‌ای سخن می‌گوییم که در زندان‌های قرون وسطایی اسلامی در بنداند. ما بویژه ازمردان و زنان گمنام بیشماری یاد می‌کنیم که زندانی شدند، شکنجه شدند، مورد تجاوز و سنگسار قرار گرفتند بی‌آنکه نامی و نشانی از آنان باشد. ما از عمق این سیاهی، روز جهانی زن را گرامی می‌داریم، چه هراس که ما زنانی هستیم که در جنبش مشروطه اسلحه به دست مبارزه کردیم، هرچند تاریخ مردسالار این مبارزات را در هیچ جا ثبت نکرد. ما زنانی هستیم که دروقایع سال ۳۲، سال ۵۷، سال ۸۸ پیشگامان مبارزه بودیم. ما یقین داریم علیرغم آنکه سیستم با سرکوب، تبانی و ساخت و پاخت با آمریکا و سایر قدرت‌های جهانی توانسته تا کنون خود را سرپا نگه دارد اما نتوانسته شعله‌های مبارزات زنان را خاموش کند. ما بر این باوریم که اگر اختلافی بین حاکمین اسلامی با امریکا و قدرت‌های سرمایه جهانی هست بر سرمیزان بهره بردن از منافع و غنائم است. هر چند که آمریکا با آلترناتیوسازی های گاه و بیگاه خود نشان داده است که نیروهای مختلفی اعم از سلطنت‌طلب، لیبرال، اصلاح طلب را در آستین دارد که هر وقت خواست آن‌ها را رو کند و با رسانه ها و تبلیغات گسترده‌ای که در اختیار دارد می تواند در انظار جهانی یک شبه آنها را نیروهایی ترقیخواه و مردمی جلوه دهد. آلترناتیوهایی که هیچ گونه ارتباطی با مردم ایران ندارند، مردم را نمی‌شناسند و مشکلات آنان را نمی‌دانند. خارج از گود نشسته‌اند و با حمایت قدرت‌های جهانی برای مردم دربند و زجرکشیده‌ی ایران نسخه می‌پیچند، غافل از آنکه تنها نیروهایی می‌توانند و قادراند با مردم باشند که از میان مردم سرچشمه گرفته، با مبارزات آنان همرا ه بوده و هیچ اتکایی به قدرت‌های جهانی نداشته باشند.

ما زنانی دیگر باور داریم که تا محو کامل مالکیت خصوصی، استثمار، مردسالاری و هر گونه سلطه اعم از جنسیتی، طبقاتی، ملیتی، قومی، نژادی، مذهبی و غیره، رهایی زنان ممکن نخواهد بود و اولین قدم در این راه را سرنگونی دیکتاتوری اسلامی می‌دانیم. موفقیت در این مسیر از طریق تلاش در جهت ایجاد تشکل‌های مردمی از پایین، از میان مردم و توسط مردم، از به میدان آمدن زنان زحمتکش، زنان حاشیه‌نشین و ایجاد تعاونی‌ها و انجمن‌های خودیاری

و توانمندسازی آنان، ایجاد تشکلات مستقل زنان از جمله تشکلات مستقل زنان کارگر، زنان خانه دار محلات کارگری، زنان معلم، پرستار، دانشجو، خانه دار و... امکان پذیر خواهد بود.
این تشکل‌ها امکان تمرکز بر روی خواست‌های ملموس و بی واسطه زنان را فراهم می‌آورند.
شکل‌گیری این تشکل‌ها می‌تواند همچنین سبب پیوند جنبش زنان با توده زنان و مبارزات آنان در کوچه و خیابان، محل‌کار، مدارس و دانشگاهها گردد. ما زنانی دیگر مطالبات خاص زنان را که هم سو و در راستای مطالبات عمومی مطرح است به شرح زیراعلام می کنیم و امید داریم که بتوانیم ضمن تلاش در جهت دستیابی به مطالبات زیر، مبارزه برای رسیدن به مطالبات حداکثری خود یعنی محو کامل هر گونه سلطه و استثمار را ادامه دهیم:
۱. جدایی دین از حکومت و استقرار جامعه‌ای دموکراتیک و عاری از هر گونه تبعیض و نابرابری جنسیتی، طبقاتی، مذهبی، قومی، ملی و ... که ضامن حقوق زنان به شرح زیر باشد:
۲. الغای قوانین زن ستیز از جمله لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز دراجتماع، خانواده، آموزش و پرورش، رسانه‌ها، قوانین مربوط به ارث، ازدواج، طلاق، حضانت فرزندان، تحصیل در دانشگاه ها، اشتغال، خروج از کشور و ....
۳. به رسمیت شناختن حق زنان بر بدنشان از جمله: الغای حجاب اجباری، تامین آزادی پوشش و آزادی سقط جنین؛
۴. مبارزه با باورها، فرهنگ و سنت‌های زن ستیز در اجتماع، محل کار، خانواده، رسانه ها، مراکز آموزشی و ....
۵. دستمزد مساوی برای زنان در مقابل کار برابر و ایجاد فرصت‌های شغلی یکسان با مردان ؛
۶. آزادی بیان اندیشه، رسانه، تشکل، تجمع و تظاهرات ؛
۷. آزادی کلیه زندانیان سیاسی. این خواسته به ویژه در شرایط کنونی که تعداد زیادی از مبارزین مدافع حقوق زنان، کارگران، روزنامه نگاران، دانشجویان، اقلیت‌های مذهبی، قومی و ملی دربندند از اولویتی خاص برخوردارابوده و از ضروری‌ترین مطالباتی است که باید عملی گردد. همچنین لغو احکام اعدام، سنگسار، قصاص و هر نوع شکنجه،
۸. ریشه کن کردن فقر، فحشا، اعتیاد و ....
۹. محاکمه آمرین و عاملین جنایات از سه دهه گذشته تا کنون و تامین حقوق و مطالبات بازماندگان این جنایت‌ها.

زنانی دیگر
اسفند ۱۳۹۱

رضا شهابی : بهنام ابراهیم زاده این کارگر زندانی را دریابیم

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است: **فعالان در تبعید :** رضا شهابی عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه در بیانیه ای در حمایت از کارگر زندانی بهنام ابراهیم زاده و فرزند بیمارش نیما , نوشت
بهنام ابراهیم زاده وبلاگ نویس و فعال کارگری و از اعضای جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان؛ وعضو شورای نمایندگان در کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری، کارگری است که در دفاع از حقوق کارگران و کودکان زندانی گردیده است.

بهنام در دفاع ازمردم وکارگران وکودکان حتی در داخل زندان هم یک لحظه از پای ننشست.

در دفاع ازکارگران و کودکان و زنان و تلاش برای لغو اعدام همواره در تلاش بوده و شهامت و مقاومت و پایداری این زندانی سیاسی وهزینه هایی که خانواده بهنام تا به امروز متحمل شده اند برای همگان روشن و ستودنی است.
اکنون تنها فرزند بهنام در بیمارستان کودکان محک بستری شده است.

افکار عمومی و جامعه نباید امروز در مقابل این وضع پیش آمده برای بهنام بی تفاوت باشد.بهنام کارگری است که مثل بسیاری ازشما مردم از طبقه محروم جامعه بوده و اکنون فرزند بهنام، نیما ابراهیم زاده در بستر بیماری است. حال وقت آن رسیده تا ما نیز در کنار خانواده بهنام ابراهیم زاده وتنها فرزندش باشیم وگامیبلند در جهت نجات جان فرزند بهنام نیمای عزیز برداریم

ما اکنون روبه تمامی انسانهای شریف و آزادی خواه ایران وجهان وتشکلهای کارگری وسازمانهای مدافع حقوق بشر آورده ایم ما از همه مردم وکارگران و وجدانهای بیدار می خواهیم حمایتهای خود را از هرطریق ممکن برای نجات جان نیما از این خانواده دریغ نکنننند.

رضا شهابی
عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکا کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
:آدرس تماس
nejatehamvatan@gmail.com

تجمع اعتراضی کارگران اخراجی در مقابل سازمان مدیریت پسماند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 5 اسفند 91 آمده است : صبح امروز (پنجم اسفند ماه) حدود ۲۰ نفر از کارگران شرکت ترابر گستر نکو پیمانکار تامین نیروی انسانی سازمان مدیریت پسماند تهران در اعتراض به عدم دریافت مطالبات معوقعه خود در مقابل ساختمان مرکزی این سازمان تجمع کردند.
یکی از کارگران حاضر در این تجمع در تشریح جزئیات مشکلات کارگران به ایلنا گفت: شرکت پیمانکاری ترابر گستر نکو بعد از خاتمه قرارداد خود با سازمان مدیریت پسماند، حدود ۴۰ کارگر خود را بدون تسویه حساب و پرداخت سنوات بعضا پنج ساله تعدیل کرده است.
او افزود: کارفرمای این شرکت واسطه نیروی انسانی به بهانه دریافت نکردن معوقات مالی خود از سازمان مدیریت پسماند، پس از اخراج ۴۰ کارگر از پرداخت حدود سه ماه از حقوق و سنوات چندین ساله آنان خود داری کرده است.
این کارگر دلیل تجمع امروز صبح کارگران در مقابل سازمان مدیریت پسماند را به بي‌توجهی کارفرما به پرداخت مطالبات کارگران خواند و تاکید کرد: سازمان‌های عمومی و دولتی که بخش تامین نیروی انسانی خود را به شرکت‌های واسطه مي‌سپارند، باید در قبال مشکلات صنفی کارگران‌شان مسئول باشند.
این کارگر در ادامه افزود: سازمان مدیریت پسماند به عنوان طرف قرار داد شرکت ترابر گستر نکو موظف به پیگیری مطالبات کارگران از کارفرماست.
او همچنین گفت: با اتمام قرار داد این پیمانکار با سازمان مدیریت پسماند کارگران هم اکنون بلاتکلیف بوده و انتظار دارند سازمان مدیریت پسماند با آوردن پیمانکار جدید این نیروهای که هم اکنون بیکار شده‌اند را در آسانه سال نو دوباره به کار گیرد.
این کارگر در ادامه اظهار داشت: با تجمع امروز، سازمان مدیریت پسماند قول داده است تا پایان هفته آتی علاوه بر دریافت مطالبات کارگران از پیمانکار زمینه‌ای فراهم آورد تا همه این نیروها مجددا مشغول بکار شوند.

حوادث کار روزانه جان ۵تا ۷ کارگر ایرانی را مي‌گیرند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 5 اسفند 91 آمده است : سازمان پزشکی قانونی امروز (۵ اسفند) از کشته شدن یک هزار و ۵۱۷ کارگر در کشور بر اثر حوادث ناشی از کار در ده ماهه نخست سال جاری خبر داده که این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که تعداد کشته شدگان حوادث کار یک هزار و ۳۳۱ نفر بود، ۱۴ درصد افزایش یافته است.
همچنین بر اساس آمارهای موجود به ترتیب سقوط از بلندي، اصابت اجسام سخت،

برق‌گرفتگي، سوختگی و کمبود اکسیژن مرگ آورترین حوادث حین کار را به خود اختصاص داده‌اند.
بر اساس تحلیل ایلنا از گزارش سازمان پزشکی قانوني، ده ماه نخست سال جاری ۳۰۶ روز را شامل مي‌شود که با کم کردن روزهای تعطیل کارگران از آن (ماهی ۴ روز به طور متوسط)، ۲۶۶ روز کاری باقی مي‌ماند. حال اگر تعداد کشته شدگان ده ماه نخست را بر تعداد روزهای کاری تقسیم کنیم عدد ۵/۷ بدست مي‌آید که میزان مرگ و میر روزانهٔ کارگران در حوادث حین کار را ما نشان مي‌دهد.

لزوم توجه مسئولان به مرگ خاموش کارگران
افزایش ۱۴ درصدی تعداد جان باختگان حوادث حین کار نشان از بي‌توجهی مسئولان دولتی و کارفرمایان بخش خصوصی به این مساله دارد. گویا از تمامی مسائل و مشکلات مربوط به روابط کار، ایمنی کارگران در پایین‌ترین مرتبهٔ اهمیت قرار دارد.
پیگیری مسئولان در مورد فجایع کارگری طی يك سال گذشته، از جمله حادثهٔ انفجار معدن یال شمالی در طبس، انفجار کارخانهٔ فولاد غدیر در یزد و انفجار کارخانهٔ سیمان شاهرود نشان از میزان اهمیت این مساله برای مسئولان وزارت کار دارد. این وزارتخانه در حالی همچنان درگیر جدال سیاسی است که طبق قانون کار موظف به بازرسي‌های منظم و مستمر برای جلوگیری از رخداد چینین حوادثی است.
روز پنج‌شنبه (۳ اسفند) سازمان تامین اجتماعی نیز در گزارشی «بي‌احتیاطی» را مهم‌ترین عامل حوادث ناشی از کار اعلام کرده بود.
اما نکته مغفول در آمارهای سازمان بیمه‌گر کارگران آنجاست که نظارت بر رعایت ایمنی کارگران بر عهدهٔ چه گروه و نهادی قرار دارد؟ آیا از کارگری که کمترین آموزش‌های ایمنی را ندیده است مي‌شود توقع داشت که احتیاط کند تا دچار حادثه نشود یا مسئولان باید احساس وظیفه کرده و با آموزش کامل مسائل ایمنی به کارگران و نظارت دقیق بر رعایت موارد ایمنی در کارگاه‌ها، واحدهای تولیدي، معادن و... از بروز حوادث حین کار جلو گیری کنند؟
البته این سازمان در ادامهٔ گزارش خود «نور ناقص، تهویه نامطلوب، لباس خطرناک و عدم آموزش» را از دیگر عواملی دانسته که منجر به آسیب‌دیدگی و حوادث ناشی از کار شده است.
با نگاهی گذرا به اخبار بخش کارگری ایلنا در مي‌یابیم که تنها ظرف هفته گذشته، شش خبر رسمی از مرگ و مصدومیت شدید کارگران ساختمانی منتشر شده که بدیهی است انتشار این تعداد خبر رسمی - از خیل وقایعی که هیچ‌گاه به سطح رسانه نمي‌رسند - نشان از مرگ خاموش کارگرانی دارد که برای تامین معیشت خود و خانواده‌شان، مجبور هستند به کار در هر شرایطی تن دهند.

نام صادق محصولی در لیست ثروتمندترین ایرانیان جهان/باقی اسامی

به نوشته سایت آفتاب در 5 اسفند 91 از قول خانم آذرنگارآمده است : سامانه ویکی پدیا درحالی لیست ثروتمندترین ایرانی های جهان را معرفی کرده است که به نظر می رسد صادق محصولی عضو ارشد جبهه پایداری تنها میلیاردر مسلمان این لیست باشد. محصولی پیش از این وزیر کشور دولت نهم بود که در دولت دهم وزیر رفاه شد و پس از انحلال این وزارتخانه از دولت خارج شد.

سامانه ویکی پدیا لیست ایرانیان ثروتمند جهان را در حالی به روز کرده است که در سال گذشته نام اسدالله عسگراولادی در این لیست به چشم می خورد که امسال این نام در بین اسامی منتشر شده وجود ندارد. در لیست ۱۱ نفره منتشر شده تنها نام یک ایرانی که در داخل کشور زندگی می کند دیده می شود و بقیه افراد این لیست را یهودیان ساکن انگلستان و آمریکا تشکیل می دهند.

۱- خانواده قرمزیان

خانواده قرمزیان از خانواده های ایرانی یهودی تبار مقیم کانادا هستند که سازنده و مالک چند عدد از بزرگترین مراکز خرید دنیا هستند.
یعقوب قرمزیان سال ۱۹۰۲ در آذربایجان به دنیا آمد. وی در دهه ۱۹۴۰ به همراه خانواده خود به نیویورک مهاجرت نمود. شغل خانوادگی آنها که واردات و فروش فرشهای ایرانی بود رونق خوبی داشت و تا سال ۱۹۶۴، خانواده قرمزیان ۱۶ فروشگاه در امریکا و کانادا را در مالکیت خود داشتند. در طول سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ آنها کم کم به معاملات املاک و مستغلات روی آوردند. در سال ۱۹۶۵، یعقوب قرمزیان رسما" بنگاه معاملاتی خود بنام Germez Developments را تأسیس نمود که این نام بعدا" به Triple Five تغییر یافت.
در دهه ۱۹۷۰، با توسعه صنایع نفتی در منطقه ادمونتون، کسب و کار قرمزیان رونق فوق العاده ای یافت به نحوی که کل خانواده به ادمونتون مهاجرت کردند. به گزارش افکار نیوز ، اگرچه یعقوب قرمزیان در سال ۲۰۰۰ در سن ۹۷ سالگی درگذشت، اما پسرانش، اسکندر، نادر، رافائل و بهمن، همچنان با روحیه ای خلاقانه کسب و کار پدر را ادامه دادند و بزرگترین امپراطوری معاملات املاک و مستغلات را در سراسر کانادا بوجود آورده اند. گروه Triple Five اکنون حدود ۴۰۰ شعبه در کانادا، امریکا، انگلیس، ژاپن، تایوان و خاورمیانه دارد. برادران قرمزیان به ساختن بزرگترین مرکز خرید دنیا (West Edmonton Mall) در کنار سایر فعالیتهای خود افتخار می کنند. این مرکز خرید که مساحت آن حدود پانصد هزار متر مربع (۵۰ هکتار!) است، در بر گیرنده ۸۰۰ فروشگاه، ۲۵ رستوران، یک کازینو، یک پارک سرگرمي، یک استخر مواج سرپوشیده، یک حوضچه دلفین و ۲۶ پرده نمایش فیلم در دو مجموعه سینمایی می باشد.
در سال ۲۰۱۰، نشریه اورشلیم پست، ثروت خانواده قرمزیان را در حدود ۴ میلیارد دلار برآورد کرد.

۲- ناصر داوود خلیلی
ناصر داوود خلیلی متولد ۱۳۲۴ خورشیدی/۱۹۴۵ میلادی در اصفهان یک یهودی ایرانی تبار ساکن انگلستان است. او طبق فهرست سندی تیمز در سال ۲۰۰۷ پنجمین فرد ثروتمند ایرانی در بریتانیا شناخته شد. داوود خلیلی به خاطر داشتن مجموعه‌ای از آثار هنری اشتهار یافته است. بخش عمده دارایی او را مجموعه‌ای از آثار هنری ایرانی و اسلامی تشکیل مي‌دهدکه بالغ بر ۲۰,۰۰۰ شيء هنری و عتیقه را شامل مي‌شود. گفته می شود ثروت وی به تنهایی از ثروت ملکه انگلستان بیشتر است.
خلیلی صاحب مجموعه ای از ۲۰ هزار اثر هنری عمدتا مربوط به دوران اسلامی است که ساندی تایمز ارزش آنها را ۵۰۰ میلیون پوند برآورد کرده است. البته خلیلی ارزش مجموعه خود را بیش از یک میلیارد پوند می داند. آقای خلیلی همچنین دو شرکت سودآور را اداره می کند و در بازار املاک نیز فعال است به طوری که باقی یکصد میلیون پوند ثروت او نیز از این طریق حاصل شده است.

۳- امید کردستانی
امید کردستانی تاجر ایرانی-آمریکایی و نایب‌رئیس ارشد بخش فروش و عملکرد جهانی در شرکت اینترنتی گوگل است. امید کردستانی در شهر تهران به دنیا آمد و در همین شهر به مدرسه رفت. کردستانی که در تهران به یک مدرسه کاتولیک ایتالیایی مي‌رفت در سن چهارده سالگي، پس از مرگ پدرش به کالیفرنیا مهاجرت کرد. او مدرک کارشناسی مهندسی برق خود را در سال ۱۹۸۴ از دانشگاه ایالتی سن خوزه گرفته‌است. وی همچنین در سال ۱۹۹۱ مدرک کارشناسي‌ارشد خود را در رشتهٔ «مدیریت بازرگانی» (MBA) از دانشگاه استنفورد گرفت. امید متولد و بزرگ شده تهران است و زبان مادری فارسی دارد.
او دارای سابقه‌ای بیش از ۱۲ سال در زمینه فناوری سطح بالا در شرکت‌های پیشروی اینترنتی مانند نت‌اسکیپ است. او همچنین نائب‌رئیس بخش توسعهٔ کسب و کار و فروش در این شرکت بود و توانست بازده مالی وب‌گاه نت‌اسکیپ را در عرض ۱۸ ماه از ۸۸ میلیون دلار در سال به بیش از ۲۰۰ میلیون دلار در سال برساند.
او کارش را در نت‌اسکیپ در بخش فروش اُای‌ام (OEM) آغاز کرد و در طی دورهٔ چهار ساله که

در آن شرکت حضور داشت، مسئولیت برقراری ارتباطات تجاری با شرکت‌هایی چون ايِ‌بِي، سيتي‌بانک، آمریکن‌آن‌لاین، آمازون، تراولاسيتي، اینتل و اکسایت را برعهده گرفته بود.
کردستانی پیش از آغاز کار در نت‌اسکیپ در بخش‌هایی چون بازاریابي، مدیریت محصول و توسعهٔ کسب و کار در شرکت‌هایی چون Go، DO ۳ و هیولت پاکارد فعالیت مي‌کرده‌است.
کردستانی در ۸ مه ۲۰۰۶ در مجله تایم به عنوان یکی از صد نفری که دنیای ما را شکل داده‌اند نام گرفته‌است.
او یکی از ثروتمندترین ساکنین کالیفرنیای شمالی است. مجله سن خوزه ارزش دارایي‌های وی را ۱٫۹ میلیارد دلار برآورد کرده است.

۴ - اسحاق لاریان
اسحاق لاریان در ۲۸ مارس ۱۹۵۴ در خانواده ای یهودی در شهر کاشان در ایران متولد شد. او در سن ۱۷ سالگی پس از تحصیل در دبیرستان خوارزمی در تهران تصمیم گرفت برای ادامه تحصیلات به آمریکا مهاجرت کند. با ۷۵۰ دلار پول به لس آنجلس آمد و ضمن تحصیل در رشته مهندسی ساختمان در دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، در یک رستوران مشغول به کار شد.
پس از فارغ التحصیلی در ۱۹۷۹، لاریان و برادرش شرکتی تاسیس کردند که سرانجام به شکل گیری شرکت ام جی اِی انجامید. او کار خود را با واردات لوازم الکترونیکی در سال ۱۹۸۷ آغاز کرد و با فروش بازی های الکترونیکی بر پایه شخصیت های تحت امتیاز شرکت نِنتندو راه موفقیت پیش گرفت. اسحاق لاریان، ۱۰ سال بعد، با تولید اولین عروسک خود به نام «سینگینگ بانسینگ» در راه تسخیر صنعت اسباب بازی بود. ذهنیت اسحاق از همان کودکی به سمت کسب و کار سوق داده شد. او در سنین نوجوانی در بزازی پدرش کار می کرد و اخلاق کاری و صداقت را آموخته بود. او اظهار می دارد، «همان حس مسئولیت را هر روز با خودم به محل کار می برم و سعی می کنم بخش مهمی از زندگی شخصی ام هم باشد.»
شرکت اسحاق که از سال « ۱۹۹۸ام جی ای اینترتینمنت» نام گرفت، سمت او مدیر عامل است(هم اکنون بزرگ ترین شرکت تولید کننده اسباب بازی خصوصی جهان و تولید کننده عروسک بسیار محبوب «برَتز» است. عروسک برَتز حتی از عروسک باربی هم پیشی گرفته، محبوب ترین عروسک برای دختران نوجوان است. از این محصول حتی یک فیلم و نیز طیف وسیعی از اجناس مختلف تولید شده است.
ثروت وی بالغ بر ۷۲۳ میلیون دلار تخمین زده شده است.

۵- صادق محصولی
صادق محصولی (۱۳۳۸ در ارومیه) وزیر کشور دولت نهم بود که در دولت دهم وزیر رفاه شد و پس از انحلال این وزارتخانه از دولت خارج شد.
او لیسانس مهندسی عمران و فوق لیسانس مدیریت بازرگانی دارد. محصولی فعالیت خود را در جهاد سازندگی آغاز کرد او در مدت فعالیت خود، فرماندار ارومیه، معاون استاندار آذربایجان غربي، فرمانده سپاه منطقه ۵ «آذربایجان شرقی و غربی»، مسئول بازرسی سپاه پاسداران، دبیر تشکیلاتی به نام شورای مشورتی در مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز بوده‌است. او در سال ۱۳۸۴ برای پست وزارت نفت به مجلس هفتم معرفی شد ولی درنهایت با مخالفت نمایندگان وقت مجلس قبل از رأی گیری برای رأی اعتماد، انصراف داد. در آبان ۱۳۸۷ او برای تصدی پست وزارت کشور به مجلس معرفی شد. او پس از استیضاح و برکناری علی کردان به مجلس معرفی شد. در ۲۸ آبان ۱۳۸۷ از مجموع ۲۷۳ نماینده حاضر در جلسه، ۱۳۸ نفر به انتصاب او رای موافق و ۱۱۲ نفر رای مخالف و ۲۰ نفر دیگر رای ممتنع دادند. او همچنین باجناق سابق علی اکبر ولایتی بوده‌است.
به گفته سایت فرانت لاین در سال ۲۰۰۵ ثروت صادق محصولی به ۱۶۰ میلیون دلار رسیده است.

۶- مانی مشعوف
یک تاجر ایرانی-آمریکایی است. او فارغ‌التحصیل رشته علوم سیاسي، از دانشگاه ایالتی سان فرانسیسکو در سال ۱۹۶۶ میلادی است. وی همچنین بنیانگذار و رئیس فروشگاه‌های

زنجیره‌ای بي‌بی استورس است. مانی مشعوف، مبلغ ۱۰ میلیون دلار به عنوان کمک به دانشگاه ایالتی سان فرانسیسکوهدیه داد.ماهنامه فوربس وی را با ثروتی در حدود ۱،۳ میلیارد دلار به عنوان سومین ثروتمند ایرانی جهان معرفی کرده است. مانی مشعوف ۶۸ ساله پیش از افتتاح اولین بوتیک زنانه خود در سال ۱۹۷۶، استیک فروشی داشته است. او در اواخر دهه محصولات خود را در سریالهای محبوب تلویزیونی آمریکا بطور غیر مستقیم معرفی مي‌کرد و در سال ۱۹۹۸ شرکتش را سهامي عام کرد.
امروزه او ۲۲۸ بوتیک را در آمریکای شمالی اداره مي‌کند که فروش سالانه آنها ۵۱۰ میلیون دلار است.

۷ - اردوان فرهاد مشیری
تاجر ۵۶ ساله انگلیسی- ایرانی که سال‌هاست در زمینه تجارت استیل و انرژي، شرکت‌هایی را در انگلیس و روسیه تأسیس کرده است، صاحب حدود یک‌چهارم سهام باشگاه آرسنال است.
اردوان فرهاد مشیري، تاجر ۵۶ ساله انگلیسي- ایرانی که سال‌هاست در زمینه تجارت استیل و انرژي، شرکت‌هایی را در انگلیس و روسیه تأسیس کرده است، صاحب حدود یک‌چهارم سهام باشگاه آرسناال است.

۸ - سام نظریان
سام نظریان متولد ۱۳۵۴ در یک خانوادهٔ یهودی در ایران، فرزند یونس نظریان بنیانگذار شرکت بزرگ کوالکام و فارغ التحصیل دانشگاههای نیویورک و کالیفرنیای جنوبی میباشد. نظریان بنیانگذار و مدیر عامل شرکت SBE Entertainment Group و سرمایه گذار معتبر ترین و پرشکوه ترین تاسیسات تفریحی در لس آنجلس، لاس وگاس و میامی میباشد نظیر: مجموعه هتلهای (SLS Hotels) و هتل کازینوی بزرگ (Sahara) در لاس وگاس، ، رستورانهای بزرگ با همکاری بهترین آشپزهای دنیا نظیر کاتسویای ژاپني، و کلوبهای نظیر کالنی (THE COLONY) و هاید لاونج (Hyde Lounge) که شعبه اش در مرکز ورزشی استیپلز همزمان با بازی حامد حدادی درآن ورزشگاه افتتاح شد. نظریان سال گذشته از سخنرانان جلسه پرطرفدار آینده سازان ایرانی در کالیفرنیا بود.
نظریان در سال ۲۰۰۶ توسط نشریه لس آنجلس تایمز به عنوان یکی از ۱۰۰ شخصیت تاثیرگذار کالیفرنیای جنوبی معرفی شد. وی همچنین تهیه کننده چند فیلم هالیوود بوده است که بعضی از آنها موفق بوده اند نظیر فیلم Mr. Brooks با هنرنمایی کوین کاستنر و دمی مور.
ثروت نظریان ۱۵۰ میلیون دلار تخمین زده میشود. خانه وی با ۶۰۰ متر زیر بنا در هالی وود هیلزبر روی صخره ای مشرف بر شهر بنا شده است و استخر وی گنجایش ۲۰۰ میهمان را دارد.

۹ - پیر مراد امیدیار
پییر امیدیار در سال ۱۹۶۷ در شهر پاریس بدنیا آمد و در سنین کودکی به همراه خانواده به ایالت مریلند مهاجرت کرد. وی اولین برنامه کامپیوتری خود را در سن ۱۴ سالگی برای کتابخانه مدرسه ای که در آن مشغول تحصیل بود نوشت.
در سال ۱۹۸۸ از دانشگاه Tufts University در رشته کامپیوتر فارغ التحصیل و در یک شرکت بعنوان برنامه نویس سیستمهای Macintosh مشغول کار شد.

سپس در یک شرکت وابسته به Apple بنام Claris مشغول کار شد.
در سال ۱۹۹۱ در تاسیس یک شرکت نرم افزار همکاری کرد. این شرکت سپس به eShop تغییر نام داد . eShop در سال ۱۹۹۶ توسط شرکت Microsoft خریداری شد.امیدیار سپس به شرکت General Magic که توسط Apple حمایت می شد پیوست.
Pez یک نوع شیرینی است که معمولا در یک ظرف کوچک پلاستیکی به شکل عروسک قرار میگیرد و برای آنکه شیرینی از آن خارج شود باید سر عرسک را به پایین فشار داد.
شبی در سال ۱۹۹۵ امیدیار مهندس جوان برنامه نویس ایرانی الاصل، با نامزدش که عاشق

جمع آوری Pez بود , مشغول خوردن شام بود که نامزدش ازآنکه شریکی برای ایجاد یک کلکسیون Pez در سانفراسیسکو را ندارد گله کرد.
امیدیار به او پیشنهاد کرد که از اینترنت برای پیدا کردن شریک تجاری استفاده کند.
بنابراین امیدیار در وب سایت کوچک خود برای نامزدش بخشی را برای این موضوع آماده کرد و نام آن را Auction Webگذاشت. برنامه ایکه او برروی وب سایت شخصی خود ایجاد کرد, به کاربران امکان لیست کردن وسایل مختلف خود از جمله کلکسیون Pez ، نامزد او را نیز میداد.
در مدتی کوتاه افراد بسیاری فروشنده و خریدار برای اقلام لیست شده بروی سایت پیدا شدند. به تدریج تعداد کاربران این سایت زیاد شدند و معاملات بسیاری از طریق آن صورت گرفت . سپس مهندس جوان با مشاهده این موضوع تصمیم گرفت که سایتی مجزا برای این کار ایجاد کند که با نام eBayشروع به کار کرد.
امیدیار با دریافت مبلغی بین ۲۵ سنت تا دو دلار به فروشندگان اجازه داد که اجناس خود را برای شرکت در حراج در سایت eBay معرفی کنند. همچنین درصدی از خریدوفروشها به او میرسید و به این ترتیب eBay موجب شد که فروشندگان و خریداران با هم به راحتی به خرید و فروش بپردازند.
بعد از ۹ ماه که اولین حراجی که در سایت eBay انجام شده بود , وی شغل خود در General Magic را رها کرد و تمام وقت خود را صرف سایت خود, برای eBay کرد.
در سال ۱۹۹۸ او تصمیم گرفت برای رونق دادن به eBay از Meg Whitman که فارغ التحصیل رشته بازرگانی بود یاری بگیرد.
بعد از مدتی eBay شعبه های در آلمان, ژاپن , کانادا و استرالیا ایجاد کرد و روز به روز رونق یافت.در پایان سال ۱۹۹۸ کاربران این سایت به ۲/۱ میلیون نفر رسیدند و درآمدی بیش از ۷۵۰ میلیون دلار را برای eBay به ارمغان آوردند.
همچنین در این لیست نام دو ایرانی دیگر به نام های پاول تورجی و حوریه پرامام به چشم می خورد که اطلاعات زیادی از انها بر روی صفحات وب دیده نمی شود. پاول تورجی یکی از ایرانیان مقیم آمریکا و فعال در بازار سهام این کشور است. حوریه پرامام نیز زن ایرانی قزاقستانی است که ثروت وی در سال ۲۰۰۸، ۱میلیون یورو برآورد شده بود.

قاضی دادگاه: این اتحادیه [آزاد کارگران] را ویران خواهیم کرد!

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران – ۵ اسفند ماه آمده است ۱۳۹۱: شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران صبح امروز در شعبه یک دادگاه انقلاب برای چندمین بار مورد محاکمه قرار گرفتند. در این جلسه محاکمه که وکیل این کارگران آقای محمد قوامی نیز حضور داشت .قاضی دادگاه با غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران تلاش کرد شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را ملزم به استعفا از اتحادیه بنماید و به آنان اعلام کرد در صورت مراجعه به اداره اطلاعات و دادن تعهد مبنی بر استعفا از اتحادیه حکم برائت شان را صادر خواهد کرد و در غیر اینصورت باید منتظر صدور حکم باشند. اما شریف و مظفر با دفاع از فعالیت خود در اتحادیه آزاد کارگران ایران بر عدم استعفای خود از این اتحادیه تاکید کردند و اعلام نمودند این اتحادیه یک اتحادیه کارگری است و کلیه فعالیتهای آن مبتنی بر دفاع از حقوق صنفی و انسانی کارگران می باشد. در ادامه این دادگاه قاضی با تاکید مجدد بر دادن تعهد از سوی شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا اعلام کرد ما این اتحادیه را ویران خواهیم کرد. این دادگاه حدود ساعت ۱۲ ظهر پایان گرفت و شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا منتظر صدور حکم این دادگاه خواهند بود.
اعمال فشار بر شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج برای استعفا از اتحادیه آزاد کارگران ایران در حالی انجام میشود که روز ۲۵ بهمن ماه جعفر عظیم زاده و پروین محمدی دو نفر دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار شدند و پس از ساعتها بازجویی در این دفتر، ملزم به توقف فعالیتهای خود در این اتحادیه شدند اما این کارگران نیز ضمن دفاع از فعالیتهای تاکنونی اتحادیه بر تداوم فعالیتهای شان در اتحادیه آزاد کارگران ایران تاکید کردند.
فشارهای مامورین امنیتی بر اعضا هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در حالی طی هفته

های گذشته برای توقف فعالیتهای این اتحادیه افزایش پیدا کرده است که دهها اتحادیه از بالا و توسط خانه کارگر هر روزه در حال ایجاد هستند و هیچیک از آنها نیز به دلیل نبودن ساز و کار ثبت قانونی به ثبت نرسیده اند اما در این میان تلاش گسترده ای برای توقف فعالیتهای اتحادیه آزاد کارگران ایران از طریق تهدید و اعمال فشار بر اعضای هیات مدیره آن آغاز شده است.
اتحادیه آزاد کارگران ایران با محکوم کردن تداوم آزار و اذیت و افزایش اعمال فشار بر اعضای هیات مدیره خود اعلام میدارد :این اتحادیه یک اتحادیه مستقل و بدون وابستگی به نهادهای قدرت است که با اتکا به اراده صدها کارگر از کارخانه های مختلف سراسر کشور ایجاد شده است لذا ما هیچگاه تسلیم فشارهای امنیتی برای توقف فعالیتهایمان نخواهیم شد و در دفاع از زندگی و بقا خود بمثابه یک حق پایه ای و نهادینه شده انسانی طبقه کارگر از کسی اجازه نخواهیم گرفت.

طومار رانندگان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه بابیش از ۲۰۰۰هزارامضا در رابطه باتعیین نرخ دستمزد سال ۹۲ به دبیر خانه وزارت کار، تعاون ورفاه اجتماعی تحویل داده شد

امروزشنبه ۵اسفندماه، نمایندگان سندیکای کارگران شرکت واحداتوبوسرانی تهران وحومه طوماری بابیش از ۲هزارامضای رانندگان شرکت واحداتوبوسرانی تهران وحومه، در رابطه باتعیین نرخ دستمزد سال ۹۲، راتحویل دبیرخانه وزارت تعاون، کارورفاه اجتماعی دادند.
متن طومار:
دستمزد عادلانه حق مسلم ماست
از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه:
به مسئولان وزارت رفاه، کار و امور اجتماعی و شورای عالی کار
رانندگان و کارگران شرکت واحد همانند هزاران هزار کارگر دیگر در شرایط وحشتناک گرانی و تورم وشرایط خطرناک کار همچون الودگی هوا مشغول خدمت رسانی صادقانه به مردم و جامعه هستند. بنابراین خواستار دریافت دستمزدی عادلانه می‌باشند در خواست ما برای تعیین دستمزد سال ۱۳۹۲این است که علاوه بر تورم واقعی امسال تورم سال آینده در نظر گرفته شود، تا طبق ماده ۴۱ قانون کار و با استفاده از روش‌های حمایتی دولتی حداقل دستمزد کارگران پاسخگوی هزینه‌های کمر شکن زندگی کارگران و بازنشستگان کارگری باشد.
در این راستا کارگران انجام اقدامات اعتراضی را حق مسلم خود می‌دانند.

یک خبر
یاور

خبر استثنایی بود و داغ. داغ‌تر از تابستان‌های پارس جنوبی. به سرعت توفان درهمهٔ پروژه‌ها گردبادگونه پیچید و هیجان بوجود آورد. ساده اندیشان و زود باوران به ذوق آمدند:
- «دیدید کارگران چه کردند.؟!»
- «آره فاز... و فاز.... به وسیلهٔ کارگران تعطیل شد. چند روز کارگران درب ورودی این دو فاز را بستند.»
خبرهای بعدی:
- «کارگران با سنگ و می‌له آهنی به ادارات شرکت‌ها حمله کردند و کلی خسارت مالی به بار آوردند.»
یک منبع خبری دیگر:
- «۵ روز کارگران در اعتصاب و تحصن بودند. ولی کسی به آن‌ها توجهی نمی‌کرد. تظاهر می‌کردند برایشان اهمیتی ندارد. ولی آدم فروشانشان در میان کارگران در جست‌وجوی رهبران اعتصاب بودند. از این رو واکنشی از جانب آقایان صورت نمی‌گرفت. کارگران که از بی‌اعتنایی‌ها عصبی شده بودند، درهای فازها را بستند وآن‌ها را وادار به واکنش زود هنگام

نمودند.» زودباوران: «دیدید دیدید این طبقه است که قدرتش را به نمایش گذاشته...»
راستی چرا این حرکت صورت گرفت؟ آیا واقعا این روند یک روند امیدوارکننده از آمادگی طبقهٔ کارگر برای کسب حداقل حقوقش است؟ هم آری و هم نه. دلیل این چالش انفجاری چه بود؟ آیا کارگران برای خنثی کردن تورم وگرانی روزافزون که زندگیشان را فلج کرده و خانواده‌شان را به شدت آسیب پذیر کرده، تقاضای اضافه حقوق دارند؟ صد البته این حق مسلم آن هاست و اگر به همین جهت وارد این درگیری شدید شده‌اند، واقعا حق دارند. چون هیچ قانونی و هیچ نهادی از حقوقشان دفاع نمی‌کند. برای زندگی باید رزمید والا در جنگل بی‌قانونی، زبون و تسلیم و ترسیده پایمال می‌شود. ولی نه به این دلایل نبود.
آیا با تقاضای ایجاد سندیکایشان مخالفت شده بود که منجر به درگیری شده است؟ نه هرگز. آیا به خاطر غذا خدمات بهداشتی کارگران وارد اعتصاب شدند؟ غذایی که دیگر گوشتی ندارد و مشتی لپه و نخود نپخته است. باز هم نه.
کارگران ۵ ماه است که حقوق دریافت نکرده‌اند. خب دیگر دلیلش پیدا شد. خانوادهٔ کارگر، زن و فرزندانش چگونه می‌توانند در شهر با این گرانی دوام بیاوردند و ۵ ماه حقوق نگیرند؟! این حق طبیعی آن هاست. نه، نه باز هم نه.
آن‌ها در حاکمیتی زندگی می‌کنند که قرار بود عرق تنشان خشک نشده حقوقشان را بگیرند. ولی این هم تقصیر خداست که در اینجا شب و روز شرجی و رطوبت هوا آن قدر بالاست که عرق تن این کارگران خشک نمی‌شود تا برادران دلال و واسطه حقوق پرداخت کنند. این برادران چون خیلی پای بند اصول و قواعد الهی هستند، مجبور شده‌اند صبر کنند تاعرق کارگران خشک شود، که نمی‌شود واین بیچاره انگل‌ها گناهی ندارند. این گناه آسمان و زمین است که این عرق خشک نمی‌شود.
آری این تولیدکنندگان صنایع بزرگ مادر در ایران در این ساختار آنقدر زیر فشار قرار گرفته‌اند که حتا برای ۵ ماه حقوق تعویقی هم اعتصاب نمی‌کنند. حتا برای این ستم مضاعف هم اعتصاب نکرده‌اند.
دلیل شاید، ستم جدید شرکت‌های نیمه دولتی است که پس از ۱۲ ساعت کار شاق در این آب و هوای سراسر آلوده به گاز و آلودگی صوتی بالا، حداقل فرصت فراغت قبل از خواب را باید به مساجد و مراسم عمومی مذهبی بروند. والا خبرچین‌ها نامشان را به مدیران - ببخشید- به حاجی آقایان، رد می‌کنند و آن‌ها هم بی‌سرو صدا، فردایش از ورودشان به کارگاه خودداری می‌کنند. نه حتا به این دلیل هم نبود.
تنها به دلیل شنیدن یک خبر سادهٔ ساده بود که در این مملکت هر روز تکرار می‌شود. یک دزدی. یک فرار با مال دزدی. بلی وقتی کارگران شنیدیدند که یکی از مدیران شرکت دست دوم با حقوق کارگران، با حقوق ۵ماه همهٔ کارگران فرار کرده (یکی از حسابدارها که حقوق آن‌ها هم دزدیده شده بود، خبر را به کارگران رساند) ابتدا دست به اعتصاب زدند. ولی حوادث بعدی، بازتاب واکنش یا عدم واکنش مسوولان کارفرما بود که این پول را در اختیار واسطه کار قرار داده بود. (مبلغ ناقابل ۲۴ میلیارد تومان؟!)
وقتی کارگران به آن ناامیدی رسیدند که امکان دریافت حقوقشان امری محال است، با سنگ و می‌له آهنی به ساختمان‌های اداری حمله کردند و شد اخبار بالا.
واسطه اصلی با پول‌ها فرار کرد، ولی یکی از همراهان او، آقای قربانی دستگیر شده و شرکت پیمانکار اصلی که یک نام کاملا ایرانی برای خودش انتخاب کرده، با پرداخت حقوق همهٔ کارگران طی چک و اخراج همهٔ آن‌ها و بلک لیست کردن رهبران کشف شدهٔ اعتصاب همه چیز را خاتمه داد.
پارس جنوبی
منبع: وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر- ۲۴ فوریهٔ ۲۰۱۳

هزینه های جاری سبد زندگی از قول نماینده کانون شوراهای اسلامی کار در کمیته دستمز د

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 5 اسفند 91 آمده است : نماینده کانون شوراهای اسلامی بر پایه گزارش های رسمی اعلام کرد، در حالی که حداقل مزد از ابتدای سال جاری

مبلغ ۳۹۸ هزار تومان تعیین شده، هزینه یک خانواده متوسط بیش از ۵/۲ میلیون تومان برآورد می شود.

حسن حبیبی، نماینده کانون شوراهای اسلامی کار در کمیته دست مزد، روز شنبه ۵ اسفند 1391، به خبرگزاری کار ایران «ایلنا»، گفت که در بهمن ماه سال جاری، حداقل هزینه یک خانواده چهار نفره بالغ بر ۲۵ میلیون ریال بوده است.

به گفته او، این هزینه ها بر اساس نرخ دولتی کالاهایی است که در سبد نیازهای خوراک و پوشاک و مسکن کارگران به عنوان اقلام ضروری تعریف و محاسبه شده اند.

حبیبی، خاطرنشان ساخت که در سبد هزینه های خوراکی ۱۸ قلم کالای اساسی برگزیده مانند نان، برنج، حبوبات، سیب زمینی، سبزی، مرغ، ماهی، گوشت قرمز، تخم مرغ، قندوشکر و لبنیات جای دارد که سرانه مصرفی هر کدام برای هر نفر با توجه به استانداردهای وزارت بهداشت تعیین شده است.

به گفته این مسئول کارگری حکومت، تنها در بهمن ماه سال جاری هزینه این ۱۸ کالای خوراکی برگزیده، با نرخ دولتی بالغ بر ۵ میلیون ریال و با نرخ آزاد بالغ بر ۷ میلیون ریال بوده است. این در حالی است که حداقل دست مزد کارگران از ابتدای سال مبلغ ۳ میلیون و ۹۸۰ هزار ریال تعیین شده است.

حبیبی، افزود که در یازدهمین ماه سال سبد کالاهای مصرفی یک خانواده چهار نفری به نرخ دولتی تا ۲۵ میلیون ریال برآورد می شود. و این به آن معناست که هزینه یک زندگی عادی ۶ برابر حداقل مزد کارگران است.

اعتراض جمعی از کارکنان قراردادی تامین اجتماعی به رفتارهای غیر قانونی

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 6 اسفند 91 آمده است : جمعی از نیروهای قرارداد موقت ماده ۲۰ سازمان تامین اجتماعی در اعتراض به آنچه «افزایش رفتارهای غیر قانونی، تبعیض در نحوه محاسبه حقوق و مزایای خود و بویژه شرایط نابرابر تبدیل وضعیت این نیروها به قراردادی بند «ب» ماده ۲ آئین نامه استخدامی (پیمانی) در سازمان تامین اجتماعی»، نامه سرگشاده‌ای خطاب به مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی نوشتند.
براساس این گزارش، در بخشی از این نامه آمده است: «متاسفانه قانون گریزی و پایبند نبودن به مقررات و دستورالعمل‌های قانونی در سازمان تامین اجتماعی که قرار است از اقشار ضعیفی مانند بیمه شدگان، مستمری بگیران و کارکنان قرارداد موقت (ماده ۲۰) حمایت کند، اینک به یک شعار پر طمطراق، نمادین، صوری و کلیشه‌ای تبدیل شده است.»
این کارکنان تامین اجتماعی در بخش دیگری از این نامه آورده‌اند: «اخیرا یکی از این مقامات تامین اجتماعی در دستوری اداری با شماره ۴۰۷۷/۹۱/۲۰۰۰ مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۹۱، شرایط عجیب و غریب و من درآوردی خلق کرده است تا در عمل مانع از تبدیل وضعیت این نیروها از قرارداد موقت (ماده ۲۰) به نیروهای بند «ب» ماده ۲ (با عنوان ماده ۴) شود. در بخشی از مقررات عجیب و غریب معاون اداری سازمان تامین اجتماعی برای تبدیل وضعیت این نیروها بر دارا بودن مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر وحداکثر شرط سنی ۴۰ سال تمام داوطلبان تاکید شده و این در حالی است که اکثریت نیروهای قراردادی موقت (ماده ۲۰) شاغل در سازمان تامین اجتماعی که به طور عمده نیروهای خدماتی هستند، این دو شرط را ندارند. همچنین در حالیکه بر اساس ماده واحده مربوط به قانون تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاه‌های مشمول قانون کار مصوب ۶ اسفند ۱۳۷۰، کلیه کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون کار مکلفند به هر یک از کارگران خود به نسبت یک سال کار، معادل ۶۰ روز آخرین مزد، به عنوان عیدی و پاداش بپردازند و مبلغ پرداختی از این بابت به هر یک از کارکنان، نباید از معادل ۹۰ روز حداقل مزد روزانه قانونی تجاوز کند، معاون اداری مالی سازمان تامین اجتماعی

با صدور دستور اداری به شماره ۴۱۶۷/۹۱/۲۰۰۰ مورخ ۳ اسفند ۱۳۹۱ این مبلغ را برای نیروهای قراردادی موقت (ماده ۲۰) معادل کارکنان رسمی، آزمایشی، پیمانی، مشمولان قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان و مشمولان قانون حالت اشتغال (جانبازان، خانواده شهدا و مفقودان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی) قرار داده است. یعنی با ابلاغ این دستور اداری به کلیه نیروهای قراردادی موقت (ماده ۲۰) به عنوان عیدی و پاداش تنها مبلغ ۴۰۲ هزار و ۵۰۰ تومان پرداخت خواهد شد.»

مرکزآمار: استان خراسان جنوبی با ۵. ۴ درصد کمترین میزان بیکاری رادرکشوردارد

مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان: شمار نامعلوم کارگران بیکاردر پروژه‌های تعطیل استان
به گزارش ۶اسفندخراسان، عابدین محمدی مدیر کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان، در مورد آمار کارگران بیکار شده استان در سال ۹۱ گفت: براساس اعلام مرکز آمار ایران، نرخ بیکاری خراسان جنوبی در آذر امسال ۴/۵ و کمترین عدد در کشور است. وی افزود: بعضی پروژه‌های عمرانی به دلیل کمبود تخصیص با مشکل مواجه شد و عده‌ای بیکار شدند که البته هنوز دستگاه‌های اجرایی در این مورد آماری اعلام نکرده‌اند. به گفته وی، به دست آوردن تعداد کارگران بیکار شده در دست بررسی است، با این حال کارگران به ابلاغ اعتبار و شروع دوباره پروژه امیدوار بودند. «محمدی» افزود: بیکار شدن کارگران واقعیتی است که وجود دارد اما چون آمار دقیقی در دسترس نیست از دستگاه‌های اجرایی خواسته شده آمار پروژه‌های متوقف شده خود با پیمانکاران را ارائه دهند. وی ادامه داد: در مراجع حل اختلاف، اعتراض‌های منجر به شکایت ثبت می‌شود ولی گاهی ممکن است کار تعطیل شود اما کارگران شکایت نکنند، به همین دلیل نمی‌توان آمار دقیقی اعلام کرد.

مرگ کارگران چقدر بیشتر شده است؟

با وجود پایین بودن امنیت در فضاهای کاری، اعلام آمار مرگ و میر و جراحت‌های وارده بر کارگران همواره درهاله‌ای از ابهام بوده است. این موضوع چند علت عمده دارد؛ کارگران برای ادامه کار از گزارش جراحت‌های خود خودداری می‌کنند، کارفرمایان از بیمه کردن کارگران سر باز می‌زنند و به همین دلیل در صورت مرگ یا جراحت، نامشان به وزارت کار به عنوان کارگر اعلام نمی‌شود، مطرح شدن مرگ و میر یا جراحت‌هایی که به وسیله حضور کارگر در محل کارش به وجود می‌آید ممکن است برای کارفرما عوارض فراوانی داشته باشد همچون عدم پذیرش کار از سوی کارگران و ناچاری کارفرما در افزایش دستمزدها. اما آماری که به تازگی سازمان پزشکی قانونی اعلام کرده تناقضاتی دارد که حتی با آمار سه ماهه قبل این سازمان نیز همخوانی ندارد. این سازمان پیش از حادثه معدن یان طبس که به کشته شدن هشت کارگر معدن ختم شد اعلام کرده بود که «میزان کشته‌های فضای کار در هفت ماهه سال ۹۱ نسبت به همین مدت در سال ۹۰، ۲۴ درصد رشد داشته است.» این در حالی است که همین سازمان، دیروز و کمتر از سه ماه بعد از اعلام آمار بالا، اعلام کرده است که در ۱۰ ماهه سال ۹۱ میزان کشته‌های فضای کار نسبت به همین مدت در سال ۹۱ تنها ۱۴ درصد رشد داشته است! به لحاظ ریاضی نسبت در صورتی کاهش می‌یابد که دو سوی معادله کاهش پیدا کرده باشد این در حالی است که تنها در همین مدت سه ماهه به جز مرگ ۸ کارگر طبس، سه کارگر دیگر در شهرهای تبریز، مشهد و ایلام جان خود را از دست داده‌اند و طبیعی است که آمار ۱۰ ماهه اگر بیشتر از آمار هفت ماهه نباشد لااقل کمتر نخواهد بود! در ایران هنوز امن و ایمن بودن فضاهای کار رابطه مستقیمی با اهمال کاری کارفرمایان دارد اگرچه این موضوع هیچ‌گاه از سوی مراجع رسمی به زبان نیامده اما در میان اظهارات پراکنده مسئولان گاهی اوقات به این موضوع اشاره می‌شود به عنوان نمونه چندی پیش رئیس اداره بازرسی کار اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان اصفهان از وقوع هزار و ۱۱۷ حادثه برای کارگران این استان در سال جاری رخ داده بود که کارفرمایان بین ۷۰ تا ۷۵ مقصر بوده‌اند.
منبع: آرمان-۶اسفند

مرگ دلخراش یک کارگر ۱۹ساله در چاه

به گزارش پایگاه خبری پلیس،در 6 اشفند 91 آمده است : بر اثر جداشدن سطل پر از خاک از قلاب دستگاه بالابر و سقوط آن از ارتفاع ۱۰متری بر سر کارگر ۱۹ ساله افغانی، وی به طرز دلخراشی در دم کشته شد.
این گزارش حاکیست، روزگذشته، درمحله تهران نو، خیابان ارمغانی کارگر جوانی به نام «محمد قربان» ۱۹ ساله تبعه افغانی زمانیکه در داخل چاه در حال خاک برداری بوده سطل پر از خاک از قرقره‌ای که به یک دستگاه بالابر وصل بوده جدا و از ارتفاع ۱۰متری بر سر وی فرود می‌آید وموجب مرگش می‌شود.

افشای فساد چند هزار میلیارد تومانی درحوزه پتروشیمی ایران

رادیو بین المللی فرانسه از قول خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 6 اسفند 91 اعلام کرد : از بازداشت یکی از مدیران ارشد تجارت محصولات پتروشیمی به وسیله نهادهای امنیتی در ایران خبر میدهد. این فرد که این خبر گزاری از آن به نام "سلطان بازار پتروشیمی" یاد میکند متهم به سوء استفاده های گسترده مالی است که ابعاد آن پرونده فساد سه هزار میلیاردی را کوچک جلوه میدهد.
بنابر گزارش خبرگزاری فارس این مدیر که سالها مدیریت حساس شرکت بازرگانی پتروشیمی پی سی سی را قبل و بعد از خصوصی سازی بر عهده داشته است، به سلطان بازار تجارت محصولات پتروشیمی در داخل و خارج از ایران معروف گردیده و با ایجاد یک شبکه گسترده در داخل و خارج از کشور و وارد کردن شرکای راهبردی در این شبکه منافع کلانی از راه سوء استفاده در حوزه تجارت پتروشیمی، به خصوص صادرات این محصول برای خود ایجاد کرده است.
بر اساس منابع مطلع که خبر گزاری فارس بدون نام از آنان یاد می کند، بخش عمده ای از بازار پتروشیمی کشور در دهه اخیر در قبضه این شخص بوده است و طی این مدت، هیچ شخص و یا گروهی بدون اجازه این فرد قادر به ورود به این بازار نبوده است.
خبر گزاری فارس در دنباله اعلام این موضوع، از توانایی های اطلاعاتی خود در باره این شخص سخن میراند. در این راستا، این خبرگزاری اعلام میدارد با وجودیکه پیش تر در باره این فرد هشدار داده بود، اما این هشدارها، نه تنها مورد بی توجهی قرار گرفته، بلکه فرد یاد شده به مسئولیت حساس تری در کشور گمارده شده و به سمت مدیریت عامل یکی از شرکت های گروه های سرمایه گذاری وابسته به "ساتا" که وابسته به سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح میباشد، بر گزیده شد.

سعید مرتضوی هشتم اسفند 'به صورت علنی' محاکمه می شود

به نوشته سایت فارسی بی بی سی ازقول خبرگزاردولتی فارس در 6 اسفند 91 آمده است :

سعید مرتضوي، دادستان پیشین تهران که در حال حاضر با حکم دولت ریاست سازمان تامین اجتماعی را بر عهده دارد، روز سه شنبه هشتم اسفند (بیست و ششم فوریه) به همراه دو قاضی دیگر تعلیق شده در پرونده کهریزک، محاکمه می شود.
خبرگزاری فارس از قول محسن افتخاري، رئیس دادگاه کیفری استان تهران خبر داده که دادگاه آقای مرتضوی در شعبه ۷۶ دادگاه انقلاب برگزار مي‌شود و در صورتی که علنی بودن آن قطعی شود مانعی برای حضور هیچ کس وجود ندارد.

موضوعات مرتبط قوه قضائیه ایران، سیاست ایران
خبرگزاری مهر هم از قول یک منبع آگاه خبر داده که جلسه دادگاه و به صورت علنی و در سالن اجتماعات دادگاه کیفری استان تهران و به ریاست قاضی مدیرخراسانی برگزار می

شود.
قرار است در این جلسه به پرونده اتهامی سه قاضی تعلیق شده در ماجرای بازداشتگاه کهریزک رسیدگی شود.
در جریان اعتراض به نتیجه انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و اعلام پیروزی محمود احمدی نژاد که با واکنش تند نیروهای امنیتی مواجه شد، شماری از بازداشت‌شدگان به بازداشتگاه کهریزک انتقال یافتند.
روز ۱۸ تیر سال ۱۳۸۸ تعدادی از بازداشت شدگان اعتراضات خیابانی به بازداشتگاه کهریزک در جنوب تهران انتقال یافتند که دست کم سه نفر از آنها به نام های امیر جوادی فر، محسن روح الامینی و محمد کامرانی در اثر بدرفتاری مأموران این بازداشتگاه کشته شدند.
بعد از انتشار خبر کشته شدن این افراد، پرونده ای در این مورد تشکیل و اعلام شد که سعید مرتضوي، دادستان وقت تهران، حسن دهنوی (مشهور به قاضی حداد)، معاون امنیت وقت دادستان تهران و علی اکبر حیدری فرد، دادیاری که دستور انتقال معترضان به بازداشتگاه کهریزک را صادر کرده بود، از خدمت تعلیق شدند.
"سعید مرتضوي، دادستان وقت تهران، حسن دهنوی (مشهور به قاضی حداد)، معاون امنیت وقت دادستان تهران و علی اکبر حیدری فرد، دادیاری که دستور انتقال معترضان به بازداشتگاه کهریزک را صادر کرده بود، قضاتی هستند که در دادگاه محاکمه مي‌شوند."
هرچند پس ازطرح پرونده کهریزک، آقای مرتضوی در تابستان سال ۱۳۸۹ از سمت دادستانی تهران عزل شد اما با حکم محمود احمدی نژاد، ریاست ستاد مرکز مبارزه با قاچاق کالا و ارز را بر عهده گرفت.
سعید مرتضوی در اسفندماه سال ۱۳۹۰ به سمت رئیس سازمان تامین اجتماعی منصوب شد که اعتراض گروهی از نمایندگان مجلس را در پی آورد و سرانجام پس از هشدارهای مکرر به دولت برای برکناری او، عبدالرضا شیخ الاسلامي، وزیر کار استیضاح و از کار برکنار شد.
سازمان تامین اجتماعی پیش از این زیر نظر وزیر کار فعالیت می کرد اما دولت ایران با هدف جلوگیری از استیضاح وزیر در مجلس، با تغییر اساسنامه این سازمان آن را زیر نظر معاون اول رئیس جمهور قرار داده بود که به مجلس پاسخگو نیست.
در جریان استیضاح وزیر کار، محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران متن مذاکرات سعید مرتضوی با فاضل لاریجانی (برادر رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه) را در مجلس بخش کرد که در آن، ظاهرا فاضل لاریجانی پیشنهاد مي‌کرد با استفاده از ارتباط خانوادگی با برادرانش، (علی و صادق لاریجاني، رئیسان مجلس و قوه قضاییه) ، خدماتی را در اختیار یک موسسه تجاری قرار دهد و در مقابل، منافعی کسب کند.
یک روز پس از استیضاح جنجالی در مجلس، سعید مرتضوی بازداشت شد.
آقای احمدی نژاد که برای شرکت در اجلاس سران کشورهای سازمان همکاری اسلامی عازم مصر بود، تلویحا بازداشت آقای مرتضوی را حاصل واکنش قوه قضاییه به "افشاگری" خود علیه برادران لاریجانی دانست و گفت: "قوه قضاییه یک سازمان ویژه خانوادگی نیست" و وعده داد که پس از بازگشت از مصر، موضوع بازداشت سعید مرتضوی را پیگیری کند.
یک روز بعد پایگاه اطلاع‌رسانی دادستانی تهران در روز ۱۸ بهمن (۶ فوریه) اعلام کرد "پس از اعلام جرم دادستان تهران علیه سعید مرتضوی به اتهام قید شده در اعلام جرم، نامبرده به دادسرا احضار و پس از تحقیق و تفهیم اتهام توسط بازپرس پرونده، به زندان معرفی گردید. متعاقبا پس از تکمیل تحقیقات بازپرس، نامبرده با صدور قرار تأمین مناسب آزاد شد. همچنین از فاضل لاریجانی با توجه به مطالب منعکس در نوار منتشره، تحقیقات لازم توسط بازپرس انجام گرفت. رسیدگی به پرونده هر دو نفر فوق ادامه دارد".
سعید مرتضوی در دهه ۱۳۷۰ قاضی دادگاه رسیدگی به جرایم مطبوعاتی بود و در این سمت، حکم توقف انتشار و انحلال دهها نشریه را صادر کرد.
در سمت دادستانی تهران نیز، حتی پیش از ماجرای کهریزک، نام آقای مرتضوی در ارتباط با موضوع مرگ زهرا کاظمي، خبرنگار ایرانی - کانادایی در زندان مطرح بود.
برخی منابع گفته اند که خانم کاظمی به قتل رسیده و احتمالا دادستانی تهران با این قتل ارتباط داشته است

احمدی نژاد: 6 میلیون شغل ایجاد کردیم/ شرایط اقتصادی کشور بسیار خوب است/ هزینه آجیل و سبزی پلو با ماهی مردم را جور کردیم

به نوشته خبرگزاری دولتی مهردر تاریخ 6 اسفند 91 آمده است : رئیس جمهور در گفتگوی تلویزیونی خود با نمایندگان رسانه ها و مردم که قرار بود به صورت زنده از شبکه اول سیما پخش شود در پاسخ به سوال انتقادی خبرنگار مهر با بیان اینکه می شود همه مشکلات کشور را به این دولت وصل کرد. اشکالی هم ندارد، گفت: ما معتقدیم دولت پول نفت را بر سر سفره مردم آورد، چرا نیاورد؟ اینکه مي‌گویید پول مردم یک سوم شده در جیب چه کسی رفته است؟ پس یک عده پولدارتر شده اند. بله، کسانیکه حقوق ثابتی می گیرند در این یکساله آسیب دیده اند، قبل از این یکسال چه؟ بازهم آسیب دیده اند؟ تمام شاخص ها و اندازه گیری هایی که تمام نهادها حتی مخالفان دولت تهیه کرده اند می گویند فاصله طبقاتی کم شده است، این یعنی چه؟ یعنی رفت سر سفره مردم.
وی ادامه داد: من معتقدم شرایط اقتصادی کشور شرایط بسیار خوبی است. ما گفتیم سه میلیون شغل ایجاد می کنیم، با اجازه جنابعالی 6 میلیون شغل ایجاد کرده ایم، بیش از 6 میلیون شغل در این 7 سال ایجاد شده است، بیش از متوسط همه سال ها و همه دولت ها در کشور. بله بسیاری از جوانان مثل جنابعالی در دوره رشد جمعیت بالا هستند و هم اکنون وارد بازار کار و ازدواج و زندگی شده اند. اینها آمار رسمی کشور است. بیش از یک میلیون و 200 هزار نفر در این سالها وارد بازار کار، مسکن و ازدواج شده است.
***
انتخاب
مجری با اشاره به طرح برخی مردم در مورد نخریدن پسته از احمدی نژاد پرسید که چه برنامه ای برای قیمت های شب عید دارند.احمدی نژاد گفت: فکر می کنم با این عیدانه، مشکلات اولیه حل شود. سبزی پلويي، آجیلی چیزی .. این یک مقدار کمک است برای شب عید.

۱۰ راهکار بهبود شرایط اقتصادی - نامه ی گروهی از اقتصاددان ها

۱۰ راهکار بهبود شرایط اقتصادی
از قول روزنامه اعتماد در روز یکشنبه ۶ اسفند ۱۳۹۱آمده است : راه حل‌های پیشنهادی
۱- شایسته‌سالاری و زدودن فساد مالی از چهره سازمان‌های دولتی
۲- تنش‌زدایی در مناسبات بین‌المللی و حل مسائل هسته‌یی
۳-احیای نقش نظارتی مجلس و نهادهای مدنی بر دولت
۴-الزام دولت به رعایت جایگاه قانونی و رسالت صندوق توسعه ملی
۵-احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و حفظ استقلال آن
۶-استقلال بانک مرکزی و هدف‌گذاری تورم
۷-بهبود محیط کسب و کار
۸-مبارزه با فساد مالی و اداری در دستگاه‌های دولتی و نظام بانکی
۹-تعویق اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها
۱۰-تنظیم برنامه گذار از بحران اقتصادی

اعتماد: حدود پنج سال از آخرین توصیه‌های مشفقانه اقتصاددانان به دولت می‌گذرد؛ توصیه‌هایی که گذر زمان نشان داد که اگر به آنها عمل می‌شد اکنون اقتصاد ایران دچار چالش‌هایی که با آنها دست و پنجه نرم می‌کند، نمی‌شد. با آنکه حدود پنج سال این اقتصاددانان یا سکوت پیشه کردند یا به طور منفرد سخنان خود را طرح می‌کردند، اما بروز شرایط جدید و نیز در پیش بودن انتخابات ریاست‌جمهوری جمعی از اقتصاددانان را بر آن داشت تا بار دیگر به تحلیل شرایط موجود اقتصادی بپردازند و برای برون‌رفت از این شرایط راه‌حل‌هایی را ارائه کنند. ۴۳اقتصاددان کشور دیروز در بیانیه‌یی از اوضاع فعلی اقتصادی کشور اظهار نگرانی کردند. این اقتصاددانان در بیانیه بلند خود اظهار داشته‌اند: «در هشت

سال اخیر (۱۳۹۱-۱۳۸۴) اقتصاد ایران دوره جهش کم‌سابقه‌یی در درآمدهای نفتی را تجربه کرد. انتظار می‌رفت دولت با بهره‌گیری از این فرصت و مدیریت بهینه منابع عظیم ارزی و ریالی که در اختیار داشت، بتواند اقتصاد کشور را از فروبستگی ناشی از رکود- تورمی درآورد و به مسیر رشد اقتصادی بالاتر، نرخ‌های تورم و بیکاری پایین‌تر و بهبود عدالت اجتماعی هدایت کند. متاسفانه آرمانگرایی‌های ناپخته و تسلط نگاه غیرعلمی و کوتاه‌مدت بر مدیران ارشد دولتی به تدابیر نادرستی انجامید که این فرصت را از کف اقتصاد ایران ربود و اقتصاد کشور را مدت‌ها پیش از تشدید تحریم‌ها به دام رکود- تورمی تازه‌یی درافکند.» به نوشته این اقتصاددانان، «امروز وخامت اوضاع اقتصادی و اجتماعی کشور بر همگان آشکار شده است.» ۴۳ اقتصاددان کشور که در میان آنها نام اساتید بازنشسته و نیز فعال دانشگاه‌های کشور به چشم می‌خورد در تصویری از واقعیات اقتصادی و اجتماعی موجود کشور، نوشته‌اند، «در سند چشم‌انداز ۲۰ ساله و برنامه چهارم توسعه کشور (۱۳۸۸- ۱۳۸۴) رشد تولید ناخالص داخلی به میزان هشت درصد در سال پیش‌بینی شده بود. در عمل، با وجود عدم یکنواختی آمارها وتناقضات موجود در آنها، نرخ رشد اقتصادی بسیار کمتر از آن شد به گونه‌یی که در سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ به ترتیب به ۸/۰ و ۳ درصد رسید. هر چند در سال ۱۳۸۹ به علت جهش‌های بی‌سابقه در درآمدهای نفتی کشور رشد اقتصادی بهبود یافت و به ۸/۵ درصد در سال رسید، اما این وضع دوام نیاورد و عملکرد اقتصاد کشور در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ رو به وخامت گذاشت. در برنامه چهارم پیش‌بینی شده بود نرخ متوسط تورم ۹/۹ درصد در سال شود. اما، بر اساس آمار رسمی، تورم در دوران برنامه چهارم به طور متوسط به ۱/۱۶ درصد رسید. این نرخ در دو سال بعد یعنی سال‌های ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰ به ترتیب ۴/۱۲ درصد و ۶/۲۰ درصد شد. آخرین گزارش بانک مرکزی حاکی از آن است که نرخ تورم در یک‌ساله منتهی به پایان دی‌ماه سال ۱۳۹۱به ۲۸/۷ درصد رسیده است. انتظار می‌رود در ماه‌های باقیمانده سال جاری و سال آینده، با توجه به مشکلات ارزی موجود، ادامه تحریم‌های اقتصادی و اختلاف نظر در نظام تصمیم‌گیری کشور، نرخ تورم سیر صعودی بپیماید. برآورد بانک مرکزی برای سال ۱۳۹۱، ۳۲ درصد است. هر چند آمارهای رسمی درباره نرخ بیکاری چندان قابل اتکا نیست، با این وصف گزارش مرکز آمار ایران حاکی از آن است که میانگین نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۹ معادل ۵/۱۳ درصد و در میان جوانان ۱۵تا ۲۹ سال ۵/۲۵ درصد بوده است.

گزارش صندوق بین‌المللی پول در سال ۲۰۰۹ حاکی از آن است که ایران در میان ۱۷کشوری که درتدوین سندچشم‌انداز مورد توجه و مقایسه بوده‌اند، بالاترین نرخ بیکاری را داشته است. در این بیانیه با اشاره به این نکته که اطلاعات ارائه شده توسط وزارت کار بیانگر آن است که در سال ۱۳۹۱ حدود ۱۷۵۰ واحد صنعتی دچار اختلال در تولید شده‌اند و ناگزیر خواهند شد نیروی کار خود را تعدیل کنند، آمده است: «دست‌اندرکاران کسب و کار در اتاق بازرگانی ایران نیز با توجه به تنگنای ارزی و اعتباری و اختلال در تجارت خارجی کشور، کاهش نرخ بهره‌برداری از ظرفیت‌های صنعتی کشور و توقف سرمایه‌گذاری‌ها در این بخش را انتظار دارند.

به این ترتیب چنین به نظر می‌رسد که ظرف یک سال آتی تعدادی از شاغلان موجود بخش صنعت به خیل بیکاران بپیوندند و با توجه به چشم‌انداز سرمایه‌گذاری در همه بخش‌های اقتصادی به نظر نمی‌رسد فرصت‌های شغلی جدیدی در مقیاس در خور توجه در اقتصاد کشور پدیدار شود.»

گزارش اقتصاددانان از اوضاع اجتماعی کشور حاکی است که نرخ طلاق در کشور از ۳ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۸رسیده است ، همچنین تعداد معتادان کشور دو میلیون نفر گزارش شده است.

این اقتصاددانان همچنین از فرار سرمایه از کشور اظهار نگرانی و خاطرنشان کرده‌اند «تعداد کارآفرینانی که کشور را به قصد کار در دوبی، ترکیه، مالزی و کشورهای دیگر ترک می‌کنند

و سرمایه‌ها و شرکت‌های خود را به این کشورها منتقل می‌سازند، افزایش یافته است. این واقعیت که جوانان و کارآفرینان ایرانی که در خارج از کشور رحل اقامت می‌گزینند، عموما در امر تحصیل و کار موفق بوده‌اند، گویای آن است که محیط کشور برای نشو و نمای استعدادهای درخشان جوانان مناسب نیست و به همین دلیل جوانان و کار آفرینانی که با صرف مخارج درخور توجه در داخل آموزش دیده و تجربه کسب کرده‌اند، در زمان ثمردهی اقتصادی به کشورهای دیگر می‌روند و کشور را از سرمایه انسانی ذی‌قیمت خود محروم می‌کنند.»

همچنین به اعتقاد این اقتصاددانان دولت‌های نهم و دهم با وجود داشتن درآمدهای کلان نفتی (بیش از ۶۳۰ میلیارد دلار از سال ۸۴ تا پایان ۸۹)، نه‌تنها دستاورد قابل قبولی در حوزه رشد اقتصادی و توزیع ثمرات آن میان آحاد جامعه نداشته‌اند، بلکه بدهی سنگین حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومانی به نظام بانکی و بخش خصوصی را نیز از خود بر جای گذاشته‌اند (گزارش وزارت نفت و مرکز پژوهش‌های مجلس) . دولت بعدی نه تنها باید با تنگنای ارزی حاصل از تحریم‌ها و کاهش درآمد مالیاتی ناشی از رکود اقتصادی دست و پنجه نرم کند، بلکه باید بار باز پرداخت بدهی‌های سنگین دولت فعلی را نیز بر دوش کشد.

اما چرا چنین وضعیتی بر اقتصاد و اجتماع کشور حاکم شده است ؟ در بند دوم بیانیه اقتصاددانان به این موضوع مهم اشاره شده و به اعتقاد آنها، «تغییر آرایش درونی قوای حاکمیت و مناسبات دولت- ملت»، «تضعیف بروکراسی و عدول از اصول حکمرانی خوب»، «محیط باز دارنده کسب و کار»، «بهره‌گیری نادرست از عایدات نفتی و بیماری هلندی»، «سیاست مالی انبساطی و تخصیص نامناسب منابع بخش عمومی»، «سیاست نا مناسب پولی و اعتباری» و «تنش در مناسبات بین‌المللی و تحریم‌های اقتصادی» از عمده‌ترین دلایلی است که اقتصاد کشور را با چالشی جدی مواجه کرده است. یکی دیگر از دلایل بروز چنین مواردی از نگاه اقتصاددانان به «سیاست عدالت‌ورزی اجتماعی» دولت برمی‌گردد.

این اقتصاددانان با اشاره به شعارهای رییس دولت در ایام انتخابات می‌نویسند «سیاست‌های دولت در این زمینه عبارت بود از: توزیع سهام عدالت میان خانوارهای کم‌درآمد، ایجاد فرصت‌های اشتغال میلیونی از طریق تامین مالی و حمایت از طرح‌های زودبازده اقتصادی، تامین مسکن برای اقشار کم درآمد شهری از طریق اجرای برنامه مسکن مهر، اعطای تسهیلات قرض‌الحسنه به افراد نیازمند و واجد شرایط، توزیع یارانه نقدی از طریق اجرای نادرست هدفمندسازی یارانه‌ها و اخیرا مصوبه هیات دولت در زمینه استخدام حدود پانصد هزار نفر در مشاغل دولتی».

به نوشته این بیانیه، «نفس طراحی این سیاست‌ها گویای وجود یک بیماری مهلک در دستگاه تصمیم‌گیری کشور است، و آن عبارت است از اتخاذ تصمیمات خلق الساعه غیر کارشناسی برای جلب نظر مردم بدون در نظر گرفتن هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی آن.

این سیاست‌ها هر چند ممکن است درکوتاه‌مدت نظر مساعد قشرهای آسیب پذیر را به دولت حاضر جلب کند و احتمالا آرای بیشتری به نفع حامیان دولت در صندوق‌های انتخاباتی ریخته شود، اما در دراز مدت حاصلی جز اتلاف منابع و وخیم‌تر شدن وضعیت خانوارهای آسیب پذیر نخواهد داشت.»

۴۳ اقتصاددان کشور برای برون‌رفت از این تنگناها راه‌حل‌هایی را ارائه داده‌اند. آنها نوشته‌اند، «برون‌رفت از وضعیت کنونی قطعا مستلزم تغییرات اساسی در نگرش مسوولان نظام به‌وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور و موقعیت بین‌المللی آن است. چرا که وضعیت کنونی تا حدود زیادی خود محصول راهبردها و سیاست‌های گذشته است. اما

نکته اینجا است‌که ایجاد تغییرات اساسی درراهبردها وسیاست‌ها، خود مستلزم تجدید ساختار و شکل‌گیری ائتلاف‌های جدید در حاکمیت درجهت منافع ملی و به زیان رانت‌جویی و ویژه‌خواری است.

بدیهی است در این میان گروه‌هایی که از سیاست‌های گذشته منتفع می‌شده‌اند، از چنین تحولی استقبال نخواهند کرد و به هر وسیله‌یی خواهند کوشید نظم موجود را که بر اساس ائتلافات سیاسی رانت‌خوارانه شکل گرفته است، حفظ کنند. بنابراین تحول درون حاکمیت گرچه کاری است امکانپذیر اما در عین حال بسیار دشوار و ظریف است. در وضعیت کنونی چنین به نظر می‌رسد که احتمال وقوع تحول اساسی در نگرش‌ها و راهبردها و سیاست‌ها، هر چند اندک، اما به ضرورت تاریخی بیش از گذشته است.»

نخستین برون‌رفت از این اوضاع با توجه به انتخابات ریاست‌جمهوری که درپیش است، ارائه شده است. به نوشته این اقتصاددانان، «ما در مقام استادان اقتصاد در پی جانبداری از این یا آن گروه سیاسی نیستیم، اما در سایه تجربه انتخابات گذشته، توصیه می‌کنیم کسانی در فهرست نامزدهای انتخابات قرار گیرند که درایت، هوشیاری و بصیرت کافی نسبت به دنیای سیاست و اقتصاد داشته باشند و از توان اجرایی لازم برای نوسازی نظام اداری درجهت شایسته‌سالاری و زدودن فساد مالی از چهره سازمان‌های دولتی برخوردار باشند.»«تنش‌زدایی در مناسبات بین‌المللی و حل مسائل هسته‌یی»، «احیای نقش نظارتی مجلس و نهادهای مدنی بر دولت و التزام آن به قانون»، «الزام دولت به رعایت جایگاه قانونی و رسالت صندوق توسعه ملی»، «احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی و حفظ استقلال آن»، «استقلال بانک مرکزی و هدف‌گذاری تورم»، «بهبود محیط کسب و کار»، «مبارزه با فساد مالی و اداری در دستگاه‌های دولتی و نظام بانکی کشور»، «تعویق اجرای مرحله دوم هدفمندی یارانه‌ها» و «تنظیم برنامه گذار از بحران اقتصادی» از راه‌حل‌هایی است که برای برون‌رفت از این تنگناها پیشنهاد شده است.

کرمانشاه رتبه دوم بیکاری کشور

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 6 اسفند 91 آمده است : کرمانشاه پس از لرستان دومین استان کشور از نظر نرخ بالای بیکاری شد.
مرکز آمار ایران نرخ بیکاری پاییز امسال را منتشر کرد.
به گزارش خبرنگار ایلنا از کرمانشاه، بر اساس این گزارش استان کرمانشاه با ۱۸. ۸ درصد پس از لرستان در رتبه دوم بیکاری کشور قرار گرفت.
مطابق آمار یادشده نرخ بیکاری استان نسبت به تابستان نیز با افزایش ۴. ۷ درصدی همراه بوده است.
این در حالی است که هرچند این نرخ نسبت به مشابه سال قبل با کاهش ۱. ۳ درصدی همراه بوده اما عملا تغییری در جایگاه آن مشاهده نشده است.
پاییز گذشته نیز کرمانشاه پس از البرز در رتبه دوم قرار داشت.
در سفر سال گذشته مقام رهبری به استان نسبت به این مساله هشدار جدی داده شده بود.
رهبری در آن دیدار با مردم کرمانشاه؛ بیکاری را در رأس مشکلات استان عنوان کرد و آنرا از متوسط کشور، حساستر و خواستار توجه ویژه شده بود.
همچنین مجمع نمایندگان استان در مجلس شورای اسلامی بارها نسبت به آمار بالای بیکاری هشدار داده‌اند.
بنظر می‌رسد سیاست‌های اشتغالزایی دولت از جمله بنگاه‌های زودبازده نتیجه مطلوب برای کرمانشاه به همراه نداشته است.
در ماههای اخیر اخبار گوناگونی از تعطیلی واحدهای تولیدی صنعتی و سنتی کرمانشاه منتشر شده است.

حوادث کار:مرگ کارگر ۳۰ ساله زیر آوار کارگاه تراشکاری

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 6 اسفند 91 آمده است : یک کارگاه تراشکاری در کنار یک زمین که به عمق پنج متر گودبرداری شده بود ریزش کرد. در محل گودبرداری شمع بندی و اسکلت سازه نگهبان رعایت نشده بود که این موضوع و بافت فرسوده کارگاه باعث این حادثه شد.
ریزش آوار در کارگاه تراشکاری مرگ کارگر ۳۰ ساله را رقم زد.
به گزارش ایلنا، سخنگوی سازمان آتش نشانی درباره این حادثه گفت: ساعت ۱۶ و ۴۸ دقیقه دیروز حادثه ریزش آوار در محله شادآباد به سازمان آتش نشانی اطلاع داده شد. در ادامه آتش نشانان ایستگاه ۶۲ و گروه نجات ۵ خود را به محل حادثه رساندند.
وی افزود: در بررسي‌ها مشخص شد، یک کارگاه تراشکاری در کنار یک زمین که به عمق پنج متر گودبرداری شده بود ریزش کرده است. در محل گودبرداری شمع بندی و اسکلت سازه نگهبان رعایت نشده بود که این موضوع و بافت فرسوده کارگاه باعث این حادثه شده بود.
ملکی ادامه داد: یکی از کارگران کارگاه تراشکاری زیر آوار محبوس شده بود که سریع عملیات آوار برداری در محل آغاز شد. پس از دقایقی پیکر این مرد ۳۰ ساله از زیر آوار خارج شد که عوامل اورژانس مرگ او را تائید کردند. ساعت ۱۸ و ۵ دقیقه با پایان عملیات آتش نشانان به ایستگاه بازگشتند.

اعتراض جمعی از کارکنان قراردادی تامین اجتماعی به رفتارهای غیر قانونی به قصد تضییع حقوق مزدبگیران

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 6 اسفند 91 آمده است : جمعی از نیروهای قرارداد موقت ماده ۲۰ سازمان تامین اجتماعی در اعتراض به آنچه «افزایش رفتارهای غیر قانوني، تبعیض در نحوه محاسبه حقوق و مزایای خود و بویژه شرایط نابرابر تبدیل وضعیت این نیروها به قراردادی بند «ب» ماده ۲ آئین نامه استخدامی (پیمانی) در سازمان تامین اجتماعی»، نامه سرگشاده‌ای خطاب به مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی نوشتند.
به گزارش ایلنا، در بخشی از این نامه آمده است: «متاسفانه قانون گریزی و پایبند نبودن به مقررات و دستورالعمل‌های قانونی در سازمان تامین اجتماعی که قرار است از اقشار ضعیفی مانند بیمه شدگان، مستمری بگیران و کارکنان قرارداد موقت (ماده ۲۰) حمایت کند، اینک به یک شعار پر طمطراق، نمادین، صوری و کلیشه‌ای تبدیل شده است.»
این کارکنان تامین اجتماعی در بخش دیگری از این نامه آورده‌اند: «اخیرا یکی از این مقامات تامین اجتماعی در دستوری اداری با شماره ۴۰۷۷/۹۱/۲۰۰۰ مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۹۱، شرایط عجیب و غریب و من درآوردی خلق کرده است تا در عمل مانع از تبدیل وضعیت این نیروها از قرارداد موقت (ماده ۲۰) به نیروهای بند «ب» ماده ۲ (با عنوان ماده ۴) شود. در بخشی از مقررات عجیب و غریب معاون اداری سازمان تامین اجتماعی برای تبدیل وضعیت این نیروها بر دارا بودن مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر وحداکثر شرط سنی ۴۰ سال تمام داوطلبان تاکید شده و این در حالی است که اکثریت نیروهای قراردادی موقت (ماده ۲۰) شاغل در سازمان تامین اجتماعی که به طور عمده نیروهای خدماتی هستند، این دو شرط را ندارند. همچنین در حالیکه بر اساس ماده واحده مربوط به قانون تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاه‌های مشمول قانون کار مصوب ۶ اسفند ۱۳۷۰، کلیه کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون کار مکلفند به هر یک از کارگران خود به نسبت یک سال کار، معادل ۶۰ روز آخرین مزد، به عنوان عیدی و پاداش بپردازند و مبلغ پرداختی از این بابت به هر یک از کارکنان، نباید از معادل ۹۰ روز حداقل مزد روزانه قانونی تجاوز کند، معاون اداری مالی سازمان تامین اجتماعی با صدور دستور اداری به شماره ۴۱۶۷/۹۱/۲۰۰۰ مورخ ۳ اسفند ۱۳۹۱ این مبلغ را برای نیروهای قراردادی موقت (ماده ۲۰) معادل کارکنان رسمي، آزمایشي، پیماني، مشمولان قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان و مشمولان قانون حالت اشتغال (جانبازان، خانواده شهدا و مفقودان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی) قرار داده است. یعنی با ابلاغ این دستور اداری به

کلیه نیروهای قراردادی موقت (ماده ۲۰) به عنوان عیدی و پاداش تنها مبلغ ۴۰۲ هزار و ۵۰۰ تومان پرداخت خواهد شد»

احتمال بازگشت سیستم کوپنی به کشور

به نوشه سایت اعتدال در 6 اسفند 91 آمده است : نمایندگان مجلس با کلیات طرحی موافقت کردند که در صورت تصویب نهايي، دولت موظف مي‌شود در مقاطع سه‌ماهه سبدهای کالایی شامل برنج، روغن و گوشت، توزیع کند.
به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری فارس، نمایندگان مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی صبح امروز (یکشنبه) پارلمان کلیات طرح تأمین کالاهای اساسی برای اقشار آسیب‌پذیر را مورد بحث و بررسی قرار داده و به تصویب رساندند.
وکلای ملت با 144 رأی موافق، 29 رأی مخالف و 33 رأی ممتنع از 225 نماینده حاضر در جلسه، کلیات این طرح را مصوب کردند.
در صورت تصویب نهایی طرح مذکور، به منظور حفظ امنیت غذایی اقشار آسیب‌پذیر به ویژه خانواده‌های تحت پوشش کمیته امداد خمینی(ره) و سازمان بهزیستي، دولت موظف مي‌شود در مقاطع سه ماهه سبدهای کالایی شامل برنج، روغن و گوشت را تأمین و از طریق دستگاه‌های مزبور توزیع کند.
در این جلسه مهدی سنایی نماینده نهاوند، پورابراهیمی نماینده کرمان و مهرداد لاهوتی نماینده لنگرود در مخالفت با کلیات و همچنین عبدالرضا مصری نماینده کرمانشاه، کمال علیپور نماینده قائم‌شهر و حسین گروسی نماینده شهریار در موافقت با کلیات در صحن علنی سخنرانی کردند.

راز گرانی آجیل خندان، «سلطان پسته ایران» است؟

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در 6 اسفند 91 آمده است : راز گرانی آجیل خندان/ سلطان پسته ایران کیست؟
برادران عسکراولادي، حالا یکی از خبرسازترین برادران ایران هستند. یکی در عرصه سیاست و یکی در عرصه اقتصاد. «حبیب‌الله» چند وقتی مي‌شود که تیتر اول خبرهای سیاسی و روزنامه‌های مختلف است و «اسداله» هم با کسب و کارش، روی بورس خبرهای اقتصادی. آن هم به واسطه «طلای سبز»ی که خندان است. اما قیمتش، خنده را از روی لب خیلي‌ها محو کرده. «اسدالله عسکراولادی مسلمان» را خیلي‌ها «سلطان پسته ایران» مي‌دانند.

دبیر خانه کارگر تهران: افزایش اخراج رانندگان در آستانه پایان سال

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 6 اسفند 91 آمده است : یک فعال کارگری در تهران از افزایش اخراج رانندگان موسسات کرایه اتومبیل به دلیل کاهش قدرت خرید طبقه متوسط خبر داد.
اسماعیل حق پرستي، دبیر خانه کارگر تهران در این باره به ایلنا گفت: تعداد قابل توجه‌ای از کارگران شاغل در بخش‌های خدماتی همچون موسسات کرایه اتومبیل و مسافرتی بدلیل کاهش ارزش پول ملی و به تبع کاهش قدرت خرید طبقات مزد بگیر مخصوصا طبقه متوسط در آستانه سال جدید اخراج شده‌اند.
او افزود: این رانندگان با مراجعه مکرر به خانه کارگر تهران با اعلام اخراج خود خواستار پی گیری مطالبات قانونی خود از طریق این نهاد کارگری شده‌اند.
دبیر خانه کارگر تهران دلیل دیگر اخراج این رانندگان را «شانه خالی کردن کارفرمایان از پرداخت مطالبات پایان سال کارگران» خواند و گفت: این دسته از مالکان موسسات خدماتی پس از اخراج رانندگان قدیمي، رانندگان تازه‌ای استخدام مي‌کنند و به این ترتیب از پرداخت مطالبات پایان سال رانندگان شانه خالی مي‌کنند.
حق پرستی اضافه کرد: در شرایط تحریم و عدم امکان جدی توسعه واحدهای تولیدي، اخراج

کارگران ازواحدهای خدماتی به بهانه افزایش مشکلات مالي، غیر اخلاقی است.
این فعال کارگری درباره تبعات اخراج این کارگران گفت: بیکاری در شرایط فعلی به معنی نابودی کامل منبع درآمد خانوار است و این وضعیت برای کارگران جز نابودی تدریجی خود و خانواده‌شان پیامد دیگری نخواهد داشت.
دبیر خانه کارگر تهران درباره شرایط کار این رانندگان اظهار کرد: این کارگران با سوابق زیاد علاوه بر آنکه قرارداد معینی ندارند میزان حقوق و دستمزدشان نیز نامشخص است، به این جهت وقتی اخراج مي‌شوند نمي‌توانند برای دریافت مطالبات صنفي‌شان به طور قانونی اقدام کنند.
حق پرستی درخاتمه تاکید کرد: با کاهش و حذف هزینه‌های غیر ضروری بنگاه‌های خدماتی امکان حفظ اشتغال این نیروها وجود دارد اما حال با اخراج بي‌مسئولانه آنان شاهد افزایش نارضایتی این قشر آسیب پذیر هستیم که انتظار مي‌رود مسئولین امر وارد عمل شده و مانع بروز یک بحران جدی شوند

طومار ۲۰۰۰ امضای کارگران شرکت واحد: تورم سال آینده را در دستمزد ۹۲ پیش‌بینی کنید

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران ایلنادر 6 اسفند 91 آمده است :
جمعی از کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه با امضا طوماری از اعضای شورای علی کار و مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواستند تا برای سال ۹۲ مزدی عادلانه تعیین کنند.
به گزارش ایلنا، نویسندگان و امضا کنندگان این طومار که از فعالان مستقل صنفی در مجموعه شرکت واحد تهران هستند اعلام کرده‌اند که رشد ناگهانی تورم در شش ماه گذشته و تاثیر آن بر بهای کالاهای اساسی دغدغه اصلی آن‌ها برای تهیه این طومار بوده است.
تهیه کنندگان این طومار مي‌گویند: طومار یاد شده که تاکنون به امضای بیش از ۲ هزار کارگر شرکت واحد رسیده است روز گذشته بصورت رسمی تحویل دبیر خانه وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی شد.

متن این طومار در ادامه مي‌آید:
رانندگان و کارگران شرکت واحد همانند هزاران هزار کارگر دیگر در شرایط وحشتناک گرانی و تورم و شرایط خطرناک کار همچون الودگی هوا مشغول خدمت رسانی صادقانه به مردم و جامعه هستند.
بنابراین خواستار دریافت دستمزدی عادلانه مي‌باشند، در خواست ما برای تعیین دستمزد سال ۱۳۹۲این است که علاوه بر تورم واقعی امسال تورم سال آینده در نظر گرفته شود تا طبق ماده ۴۱ قانون کار و با استفاده از روش‌های حمایتی دولتی حداقل دستمزد کارگران پاسخگوی هزینه‌های کمر شکن زندگی کارگران و بازنشستگان کارگری باشد.

شکایت ۶۰ کارگر رسمی ایران‌پویا از بازخرید اجباری

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 6 اسفند 91آمده است : پس از اعلام انحلال کارخانه یخچال‌سازی ایران پویا در ۱۶ دی ماه سال جاري، علاوه بر اخراج ۹۰ کارگر قراردادي، ۲۰ کارگر رسمی بازنشسته و ۶۰ کارگر رسمی دیگر نیز در واکنش به آنچه «بازخرید اجباري» عنوان کرده‌اند اکنون در اداره کار طرح شکایت کرده‌اند.
یکی از اعضای شورای اسلامی کار کارخانه ایران پویا با اعلام این خبر به ایلنا گفت: اخراج و بازخرید خدمت ۱۵۰ کارگر رسمی و قراردادی ایران پویا به دلیل آنچه از سوی کارفرمای این واحد تولیدی «نداشتن توجیه اقتصادی تولید» عنوان شده صورت گرفته است.
این فعال کارگری افزود: تعداد ۲۰ نفر که دارای شرایط بازنشستگی پیش از موعد بوده‌اند بازنشسته شده و کارفرما از ورود ۶۰ کارگر که سابقه کمتری (حدود ۱۷سال) داشته‌اند جلوگیری کرده و آنان مجبور به پذیرش بازخرید خدمت شده‌اند.

این کارگر که خود نیز اخراج شده است انحلال کارخانه ایران پویا را غیر قانونی خواند و گفت: کارخانه ایران پویا تولیدی کننده انواع لوازم خانگی یکی از پر درامدترین واحدهای نمونه کشور است که اکنون به دلایلی که کارگران از آن بي‌اطلاعند منحل اعلام شده است.
او ادامه داد: بازخرید کردن تعداد ۶۰ کارگر رسمی این کارخانه (که تعدادی از آنان نیز از جانبازان دوران جنگ تحملی هستند) در آستانه سال نو غیر اخلاقی است و حق بازنشستگی این تعداد کارگران بعد از سال‌ها کارکردن از آنان گرفته شده است.
او اضافه کرد: بیکاری تعداد ۹۰ نفر از کارگران قرار دادی با سوابق بین ۸ تا ۱۸ سال کار مستمر در ایران پویا نیز غیر قانونی است و اکنون تمامی این کارگران نگران تامین معیشت زندگیشان هستند.
این فعال کارگری در خاتمه عنوان کرد: هم اکنون کارگران قراردادی این کارخانه با تشکیل پرونده در اداره کار منتظر دریافت مقرری بیمه بیکاری بوده و کارگران رسمی این کارخانه نیز با طرح شکایت به اداره کار و سایر ارگانهای ذیربط خواستار احقاق حقوق صنفی خود شده‌اند.

اعتراض جمعی از کاکنان قراردادی تامین اجتماعی به رفتارهای غیر قانونی به قصد تضییع حقوق مزدبگیران

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 6 اسفند 91آمده است : جمعی از نیروهای قرارداد موقت ماده ۲۰ سازمان تامین اجتماعی در اعتراض به آنچه «افزایش رفتارهای غیر قانوني، تبعیض در نحوه محاسبه حقوق و مزایای خود و بویژه شرایط نابرابر تبدیل وضعیت این نیروها به قراردادی بند «ب» ماده ۲ آئین نامه استخدامی (پیمانی) در سازمان تامین اجتماعي»، نامه سرگشاده‌ای خطاب به مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی نوشتند.
به گزارش ایلنا، در بخشی از این نامه آمده است: «متاسفانه قانون گریزی و پایبند نبودن به مقررات و دستورالعمل‌های قانونی در سازمان تامین اجتماعی که قرار است از اقشار ضعیفی مانند بیمه شدگان، مستمری بگیران و کارکنان قرارداد موقت (ماده ۲۰) حمایت کند، اینک به یک شعار پر طمطراق، نمادین، صوری و کلیشه‌ای تبدیل شده است.»
این کارکنان تامین اجتماعی در بخش دیگری از این نامه آورده‌اند: «اخیرا یکی از این مقامات تامین اجتماعی در دستوری اداری با شماره ۴۰۷۷/۹۱/۲۰۰۰ مورخ ۲۹/۱۱/۱۳۹۱، شرایط عجیب و غریب و من درآوردی خلق کرده است تا در عمل مانع از تبدیل وضعیت این نیروها از قرارداد موقت (ماده ۲۰) به نیروهای بند «ب» ماده ۲ (با عنوان ماده ۴) شود. در بخشی از مقررات عجیب و غریب معاون اداری سازمان تامین اجتماعی برای تبدیل وضعیت این نیروها بر دارا بودن مدرک تحصیلی دیپلم و بالاتر وحداکثر شرط سنی ۴۰ سال تمام داوطلبان تاکید شده و این در حالی است که اکثریت نیروهای قراردادی موقت (ماده ۲۰) شاغل در سازمان تامین اجتماعی که به طور عمده نیروهای خدماتی هستند، این دو شرط را ندارند. همچنین در حالیکه بر اساس ماده واحده مربوط به قانون تعیین عیدی و پاداش سالانه کارگران شاغل در کارگاه‌های مشمول قانون کار مصوب ۶ اسفند ۱۳۷۰، کلیه کارفرمایان کارگاه‌های مشمول قانون کار مکلفند به هر یک از کارگران خود به نسبت یک سال کار، معادل ۶۰ روز آخرین مزد، به عنوان عیدی و پاداش بپردازند و مبلغ پرداختی از این بابت به هر یک از کارکنان، نباید از معادل ۹۰ روز حداقل مزد روزانه قانونی تجاوز کند، معاون اداری مالی سازمان تامین اجتماعی با صدور دستور اداری به شماره ۴۱۶۷/۹۱/۲۰۰۰ مورخ ۳ اسفند ۱۳۹۱ این مبلغ را برای نیروهای قراردادی موقت (ماده ۲۰) معادل کارکنان رسمي، آزمایشي، پیماني، مشمولان قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان و مشمولان قانون حالت اشتغال (جانبازان، خانواده شهدا و مفقودان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی) قرار داده است. یعنی با ابلاغ این دستور اداری به کلیه نیروهای قراردادی موقت (ماده ۲۰) به عنوان عیدی و پاداش تنها مبلغ ۴۰۲ هزار و ۵۰۰ تومان پرداخت خواهد شد.»

حوادث کار:مرگ کارگر ۳۰ ساله زیر آوار کارگاه تراشکاری

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 6 اسفند 91آمده است : یک کارگاه تراشکاری در کنار یک زمین که به عمق پنج متر گودبرداری شده بود ریزش کرد. در محل گودبرداری شمع بندی و اسکلت سازه نگهبان رعایت نشده بود که این موضوع و بافت فرسوده کارگاه باعث این حادثه شد.

ریزش آوار در کارگاه تراشکاری مرگ کارگر ۳۰ ساله را رقم زد.
به گزارش ایلنا، سخنگوی سازمان آتش نشانی درباره این حادثه گفت: ساعت ۱۶ و ۴۸ دقیقه دیروز حادثه ریزش آوار در محله شادآباد به سازمان آتش نشانی اطلاع داده شد. در ادامه آتش نشانان ایستگاه ۶۲ و گروه نجات ۵ خود را به محل حادثه رساندند.
وی افزود: در بررسي‌ها مشخص شد، یک کارگاه تراشکاری در کنار یک زمین که به عمق پنج متر گودبرداری شده بود ریزش کرده است. در محل گودبرداری شمع بندی و اسکلت سازه نگهبان رعایت نشده بود که این موضوع و بافت فرسوده کارگاه باعث این حادثه شده بود.
ملکی ادامه داد: یکی از کارگران کارگاه تراشکاری زیر آوار محبوس شده بود که سریع عملیات آوار برداری در محل آغاز شد. پس از دقایقی پیکر این مرد ۳۰ ساله از زیر آوار خارج شد که عوامل اورژانس مرگ او را تائید کردند. ساعت ۱۸ و ۵ دقیقه با پایان عملیات آتش نشانان به ایستگاه بازگشتند.

برگزاری دادگاه دو فعال کارگری در سنندج/ قاضی: ما اتحادیه آزاد کارگران ایران را ویران خواهیم کرد

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 6 اسفند 91 آمده است : شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران صبح روز شنبه پنجم اسفند در شعبه یک دادگاه انقلاب برای چندمین بار مورد محاکمه قرار گرفتند. در این جلسه محاکمه که وکیل این کارگران محمد قوامی نیز حضور داشت قاضی دادگاه با غیر قانونی خواندن اتحادیه آزاد کارگران ایران تلاش کرد شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا را ملزم به استعفا از اتحادیه بنماید و به آنان اعلام کرد در صورت مراجعه به اداره اطلاعات و دادن تعهد مبنی بر استعفا از اتحادیه حکم برائتشان را صادر خواهد کرد و در غیر اینصورت باید منتظر صدور حکم باشند.
به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران، شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا با دفاع از فعالیت خود در اتحادیه آزاد کارگران ایران بر عدم استعفای خود از این اتحادیه تاکید و اعلام کردند این اتحادیه یک اتحادیه کارگری است و کلیه فعالیتهای آن مبتنی بر دفاع از حقوق صنفی و انسانی کارگران مي‌باشد. در ادامه این دادگاه قاضی با تاکید مجدد بر دادن تعهد از سوی شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا اعلام کرد ما این اتحادیه را ویران خواهیم کرد. این دادگاه حدود ساعت ۱۲ ظهر پایان گرفت و شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا منتظر صدور حکم این دادگاه خواهند بود.
اعمال فشار بر شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا در شعبه یک دادگاه انقلاب سنندج برای استعفا از اتحادیه در حالی انجام مي‌شود که روز ۲۵ بهمن ماه جعفر عظیم‌زاده و پروین محمدی دو نفر دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه به دفتر پیگیری وزارت اطلاعات احضار شدند و پس از ساعت‌ها بازجویی در این دفتر، ملزم به توقف فعالیتهای خود در این اتحادیه شدند اما این کارگران نیز ضمن دفاع از فعالیتهای تاکنونی اتحادیه بر تداوم فعالیت‌هایشان تاکید کردند.
فشارهای مامورین امنیتی بر اعضا هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران در حالی طی هفته‌های گذشته برای توقف فعالیتهای این اتحادیه افزایش پیدا کرده است که ده‌ها اتحادیه از بالا و توسط خانه کارگر هر روزه در حال ایجاد هستند و هیچیک از آن‌ها نیز به دلیل نبودن ساز و کار ثبت قانونی به ثبت نرسیده‌اند اما در این میان تلاش گسترده‌ای برای توقف فعالیتهای اتحادیه از طریق تهدید و اعمال فشار بر اعضای هیات مدیره آن آغاز شده است

هزینه زندگی عادي، شش برابر دستمزد کارگران

به نوشته سایت رادیو دویچه وله/ آلمان در 6 اسفند 91 آمده است :نماینده‌ی کانون شوراهای اسلامی بر پایه‌ی گزارش‌های رسمی اعلام کرد، در حالی که حداقل مزد از ابتدای سال جاری مبلغ ۳۹۸ هزار تومان تعیین شده، هزینه یک خانواده‌ی متوسط بیش از ۲/۵ میلیون تومان برآورد مي‌شود.
حسن حبيبي، نماینده‌ی کانون شوراهای اسلامی کار در کمیته‌ی دستمزد، روز شنبه ۵ اسفند به خبرگزاری کار ایران (ایلنا) گفت که در بهمن ماه سال جاري، حداقل هزینه‌ی یک خانواده‌ی چهار نفره بالغ بر ۲۵ میلیون ریال بوده است.
به گفته‌ی وي، این هزینه‌ها بر اساس نرخ دولتی کالاهایی است که در سبد نیازهای خوراک و پوشاک و مسکن کارگران به عنوان اقلام ضروری تعریف و محاسبه شده‌اند.

حبیبی خاطر نشان ساخت که در سبد هزینه‌های خوراکی ۱۸ قلم کالای اساسی برگزیده مانند نان، برنج، حبوبات، سیب‌زميني، سبزي، مرغ، ماهي، گوشت قرمز، تخم‌مرغ، قندوشکر و لبنیات جای دارد که سرانه‌ی مصرفی هر کدام برای هر نفر با توجه به استانداردهای وزارت بهداشت تعیین شده است.
به گفته‌ی این مقام کارگري، تنها در بهمن ماه سال جاری هزینه‌ی این ۱۸ کالای خوراکی برگزیده، با نرخ دولتی بالغ بر ۵ میلیون ریال و با نرخ آزاد بالغ بر ۷ میلیون ریال بوده است. این در حالی است که حداقل دستمزد کارگران از ابتدای سال مبلغ ۳ میلیون و ۹۸۰ هزار ریال تعیین شده است.
حبیبی افزود که در یازدهمین ماه سال سبد کالاهای مصرفی یک خانواده‌ی چهار نفری به نرخ دولتی تا ۲۵ میلیون ریال برآورد مي‌شود.
و این به آن معناست که هزینه‌ی یک زندگی عادی ۶ برابر حداقل مزد کارگران است.

درخواست دستمزد منصفانه برای کارگران
از سوی دیگر محمدرضا رجايي‌پور، رئیس شورای اسلامی کار کارخانه‌های مهرام ۵ اسفند به همین خبرگزاری گفت، اگر وزارت کار در تعیین دستمزد منصفانه گامی برندارد، قدرت خرید کارگران از بین خواهد رفت.
وی افزود که وزارت کار باید در تعیین دستمزد در سال ۹۲ مشکلات اقتصادی و سبد کالای خانواده‌های کارگران را در نظر بگیرد و افزایش حقوق کارگران بویژه برای سال آتی باید به حدی باشد که زندگی شرافتمندانه‌ای برای یک خانوار کارگری تضمین کند.
این فعال کارگری خاطر نشان ساخت، در صورتی که حداقل حقوق کارگران از پایه‌ی یک میلیون تومان کمتر تعیین شود، قدرت خرید خانواده‌های کارگری نابود خواهد شد.
به گفته‌ی رجايي‌پور، برای افزایش توان خرید کارگران باید حداقل حقوق و دستمزد به‌طور واقعی و با درنظر گرفتن نرخ تورم افزایش یابد تا کارگران بتوانند از عهده‌ی مخارج زندگی و هزینه‌های مسکن برآیند.

احمدی نژاد: 6 میلیون شغل ایجاد کردیم/ شرایط اقتصادی کشور بسیار خوب است/ هزینه آجیل و سبزی پلو با ماهی مردم را جور کردیم

به نوشته خبرگزاری دولتی مهردر 6 اسفند 91 آمده است : رئیس جمهور در گفتگوی تلوزیونی خود با نمایندگان رسانه ها و مردم که قرار بود به صورت زنده از شبکه اول سیما پخش شود در پاسخ به سوال انتقادی خبرنگار مهر با بیان اینکه می شود همه مشکلات کشور را به این دولت وصل کرد. اشکالی هم ندارد، گفت: ما معتقدیم دولت پول نفت را بر سر سفره مردم آورد، چرا نیاورد؟ اینکه مي‌گویید پول مردم یک سوم شده در جیب چه کسی رفته است؟ پس یک عده پولدارتر شده اند. بله، کسانیکه حقوق ثابتی می گیرند در این یکساله آسیب دیده اند، قبل از این یکسال چه؟ بازهم آسیب دیده اند؟ تمام شاخص ها و اندازه گیری هایی که تمام نهادها حتی مخالفان دولت تهیه کرده اند می گویند فاصله طبقاتی کم شده است، این یعنی چه؟ یعنی رفت سر سفره مردم.
وی ادامه داد: من معتقدم شرایط اقتصادی کشور شرایط بسیار خوبی است. ما گفتیم سه

میلیون شغل ایجاد می کنیم، با اجازه جنابعالی 6 میلیون شغل ایجاد کرده ایم، بیش از 6 میلیون شغل در این 7 سال ایجاد شده است، بیش از متوسط همه سال ها و همه دولت ها در کشور. بله بسیاری از جوانان مثل جنابعالی در دوره رشد جمعیت بالا هستند و هم اکنون وارد بازار کار و ازدواج و زندگی شده اند. اینها آمار رسمی کشور است. بیش از یک میلیون و 200 هزار نفر در این سالها وارد بازار کار، مسکن و ازدواج شده است.

***

انتخاب

مجری با اشاره به طرح برخی مردم در مورد نخریدن پسته از احمدی نژاد پرسید که چه برنامه ای برای قیمت های شب عید دارند.احمدی نژاد گفت: فکر می کنم با این عیدانه، مشکلات اولیه حل شود. سبزی پلويي، آجیلی چیزی .. این یک مقدار کمک است برای شب عید.

قرار منع تعقیب سعید مرتضوی در مورد اتهام 'آمریت در شکنجه'

به نوشته سایت فارسی بی بی سی در 7 اسفند 91 آمده است : دادستانی تهران در کیفرخواستی که در ارتباط با پرونده اتهامات سعید مرتضوي، حسن زارع دهنوی (معروف به قاضی حداد) و علی اکبر حیدری فر تنظیم کرده، برای آنها در ارتباط با اتهام "آمریت در شکنجه" و "بازداشت غیرقانونی و بدون تفهیم اتهام" بازداشت شدگان کهریزک قرار منع تعقیب صادر کرده است.

موضوعات مرتبط به قوه قضائیه ایران، سیاست ایران، ایران پس از انتخابات

خبرگزاری ایسنا، یکشنبه ۶ اسفند (۲۴ فوریه) متن کیفرخواست صادر شده توسط دادستانی تهران را منتشر کرده که در آن، اسامی سه قاضی فوق با حروف اول نام و نام خانوادگی آنها مشخص شده و نشان می دهد که مسئولان دادستاني، آنها را متهم به بدرفتاری با معترضان به انتخابات ریاست جمهوری ۱۳۸۸ نمی دانند.

سعید مرتضوي، دادستان پیشین تهران، حسن زارع دهنوي، معاون سابق امنیتی دادستانی تهران و علی اکبر حیدری فر، دادیاری که دستور انتقال تعدادی از معترضان انتخاباتی را به بازداشتگاه کهریزک داده بود، در پی مرگ تعدادی از این معترضان در بازداشتگاه کهریزک بر اثر شکنجه، از مقام های قضایی خود تعلیق شده بودند.

این سه نفر، قرار است روز سه شنبه ۸ اسفند در شعبه ۷۶ دادگاه کیفری استان تهران مورد محاکمه قرار بگیرند و محسن افتخاري، رئیس دادگاه کیفری استان تهران، گفته که ممکن است این محاکمه به صورت علنی برگزار شود.

مطابق کیفرخواست منتشر شده، دادستانی همچنین با قرار منع تعقیب آقای مرتضوی در مورد اتهام های "عدم نظارت بر زندان‌هاو بازداشتگاه‌های حوزه قضایی"، "کوتاهی در اجرای دستور مراجع رسمی کشور در انتقال بازداشت‌شدگان کهریزک به زندان اوین" و "نشر اکاذیب به قصد تشویش و فریب افکار و اذهان عمومی" موافقت کرده است.

به علاوه، در خصوص اتهام های "آمریت در ضرب و جرح شکات در حیاط پلیس پیشگیری"، "بیان الفاظ و عبارات خلاف شئون قضایی به متهمان" و "عدم اطلاع به خانواده‌های دستگیرشدگان" مربوط به آقای حیری فر نیز قرار منع تعقیب صادر شده است.

"دادستانی با قرار منع تعقیب آقای مرتضوی در مورد اتهام های 'عدم نظارت بر زندان‌هاو بازداشتگاه‌های حوزه قضایی'، 'کوتاهی در اجرای دستور مراجع رسمی کشور در انتقال بازداشت‌شدگان کهریزک به زندان اوین' و 'نشر اکاذیب به قصد تشویش و فریب افکار و اذهان عمومی' موافقت کرده است"

دادستانی تهران از سوی دیگر، سعید مرتضوی را به "مشارکت در بازداشت غیرقانونی" و "معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع از طریق امر یا ترغیب ماموران مربوطه به تنظیم گزارش خطاب به خود" متهم کرده و آقای مرتضوی باید در جلسه روز سه شنبه دادگاه، به دفاع از خود در مقابل این اتهامات بپردازد.

حسن زارع دهنوی و علی اکبر حیدری فر نیز، صرفا به "مشارکت در بازداشت غیرقانونی"

متهم شده اند و در جلسه دادگاه، باید پاسخگوی همین اتهام باشند.
وقایع بازداشتگاه کهریزکروز ۱۸ تیر سال ۱۳۸۸ تعدادی از بازداشت شدگان اعتراضات خیابانی به بازداشتگاه کهریزک در جنوب تهران انتقال یافتند که دست کم چهار نفر از آنها به نام های امیر جوادی فر، محسن روح الاميني، محمد کامرانی و امین آقازاده قهرمانی در اثر بدرفتاری مأموران این بازداشتگاه کشته شدند.
بعد از انتشار خبر کشته شدن این افراد، پرونده ای در این مورد تشکیل و اعلام شد که سعید مرتضوي، دادستان وقت تهران، حسن دهنوی (مشهور به قاضی حداد)، معاون امنیت وقت دادستان تهران و علی اکبر حیدری فرد، دادیاری که دستور انتقال معترضان به بازداشتگاه کهریزک را صادر کرده بود، از خدمت تعلیق شدند.
هرچند پس ازطرح پرونده کهریزک، آقای مرتضوی در تابستان سال ۱۳۸۹ از سمت دادستانی تهران عزل شد اما با حکم محمود احمدی نژاد، ریاست ستاد مرکز مبارزه با قاچاق کالا و ارز را بر عهده گرفت.
سعید مرتضوی در اسفندماه سال ۱۳۹۰ به سمت رئیس سازمان تامین اجتماعی منصوب شد که اعتراض گروهی از نمایندگان مجلس را در پی آورد و سرانجام پس از هشدارهای مکرر به دولت برای برکناری او، عبدالرضا شیخ الاسلامي، وزیر کار استیضاح و از کار برکنار شد.
"در خصوص اتهام های 'آمریت در ضرب و جرح شکات در حیاط پلیس پیشگیری'، 'بیان الفاظ و عبارات خلاف شئون قضایی به متهمان' و 'عدم اطلاع به خانوادههای دستگیرشدگان' مربوط به آقای حیری فر نیز قرار منع تعقیب صادر شده است"
سازمان تامین اجتماعی پیش از این زیر نظر وزیر کار فعالیت می کرد اما دولت ایران با هدف جلوگیری از استیضاح وزیر در مجلس، با تغییر اساسنامه این سازمان آن را زیر نظر معاون اول رئیس جمهور قرار داده بود که به مجلس پاسخگو نیست.
در جریان استیضاح وزیر کار، محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور ایران متن مذاکرات سعید مرتضوی با فاضل لاریجانی (برادر رئیس مجلس و رئیس قوه قضائیه) را در مجلس پخش کرد که در آن، ظاهرا فاضل لاریجانی پیشنهاد مي‌کرد با استفاده از ارتباط خانوادگی با برادرانش، (علی و صادق لاریجاني، رئیسان مجلس و قوه قضاییه) ، خدماتی را در اختیار یک موسسه تجاری قرار دهد و در مقابل، منافعی کسب کند.

یک روز پس از استیضاح جنجالی در مجلس، سعید مرتضوی بازداشت شد.
آقای احمدی نژاد که برای شرکت در اجلاس سران کشورهای سازمان همکاری اسلامی عازم مصر بود، تلویحا بازداشت آقای مرتضوی را حاصل واکنش قوه قضاییه به "افشاگری" خود علیه برادران لاریجانی دانست و گفت: "قوه قضاییه یک سازمان ویژه خانوادگی نیست" و وعده داد که پس از بازگشت از مصر، موضوع بازداشت سعید مرتضوی را پیگیری کند.
یک روز بعد پایگاه اطلاع‌رسانی دادستانی تهران در روز ۱۸ بهمن (۶ فوریه) اعلام کرد "پس از اعلام جرم دادستان تهران علیه سعید مرتضوی به اتهام قید شده در اعلام جرم، نامبرده به دادسرا احضار و پس از تحقیق و تفهیم اتهام توسط بازپرس پرونده، به زندان معرفی گردید. متعاقبا پس از تکمیل تحقیقات بازپرس، نامبرده با صدور قرار تأمین مناسب آزاد شد. همچنین از فاضل لاریجانی با توجه به مطالب منعکس در نوار منتشره، تحقیقات لازم توسط بازپرس انجام گرفت. رسیدگی به پرونده هر دو نفر فوق ادامه دارد".
" حسن زارع دهنوی و علی اکبر حیدری فر، صرفا به 'مشارکت در بازداشت غیرقانونی' متهم شده اند و در جلسه دادگاه، باید پاسخگوی همین اتهام باشند"
سعید مرتضوی در دهه ۱۳۷۰ قاضی دادگاه رسیدگی به جرایم مطبوعاتی بود و در این سمت، حکم توقف انتشار و انحلال ده ها نشریه را صادر کرد.
در سمت دادستانی تهران نیز، حتی پیش از ماجرای کهریزک، نام آقای مرتضوی در ارتباط با موضوع مرگ زهرا کاظمي، خبرنگار ایرانی - کانادایی در زندان مطرح بود.
برخی منابع گفته اند که خانم کاظمی به قتل رسیده و احتمالا دادستانی تهران با این قتل ارتباط داشته است.

تبرئه قبل از محاکمه؛ معاونت در قتل از اتهامات سعید مرتضوی حذف شد!

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 7 اسفند 91 آمده است :در آستانه برگزاری دادگاه علنی رسیدگی به اتهامات سه قاضی معزول جنایت کهریزک، سعید مرتضوی از معاونت در قتل کنار گذاشته شد و تنهابرای «مشارکت در بازداشت غیرقانونی» و «معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع از طریق امر یا ترغیب ماموران مربوطه به تنظیم گزارش خطاب به خود» محاکمه می شود.
متهم اصلی جنایت کهریزک قاضی سعید مرتضوی است، کسی که در آن زمان دادستانی تهران را بر عهده داشت و به دستور او معترضان به بازداشتگاه کهریزک اعزام شده بودند.
سعید مرتضوی دادستان سابق تهران بیش از این در زمینه های "معاونت در قتل"، "نقض حقوق شهروندی" و "هتک حیثیت ناجا" تفهیم اتهام شده و پرونده کهریزک هنوز مفتوح است.
مرتضوی در زمان رسیدگی به پرونده جنایت کهریزک گفته بود: «در این تماس تلفنی بدون ذکر هیچ علتی به این‌جانب ابلاغ شد که بازداشت‌شدگان حوادث ۱۸ تیر ۸۸ به زندان اوین منتقل

شوند که این‌جانب هم در کوتاه‌ترین زمان ممکن اجابت کردم. یعنی این ابلاغ را في المجلس

به آقای حداد معاونت امنیت محترم دادسرا ابلاغ کردم و همان لحظه با پلیس امنیت تهران در حضور همکاران قضایی تماس گرفتم و مراتب انتقال فوری بازداشت‌شدگان از کهریزک را ابلاغ و تاکید کردم چنان‌چه نیاز به تدارک وسیله نقلیه است اعلام نمایند تا فردا در اول وقت این‌جابه‌جایی انجام شود».
گزارش هیأت تحقیق و تفحص مجلس نیز تقصیر اصلی را متوجه سعید مرتضوي، دادستان سابق تهران که به دستور رییس وقت قوه قضاییه اختیار بازداشتگاه کهریزک را بر عهده داشته است، دانسته بود و این قاضی معزول متهم به معاونت در قتل بود.
اما اینک در آستانه تشکیل دادگاه سه قاضی معزول بر اساس کیفر خواست اتهام سعید مرتضوی "مشارکت در بازداشت غیرقانونی و معاونت در تنظیم گزارش خلاف واقع از طریق امر یا ترغیب ماموران مربوطه به تنظیم گزارش خطاب به خود" است. هنوز پای سعید مرتضوی به دادگاه نرسیده او از یکی از اتهامات خود تبرئه شده و قرار است خودش شخصا دفاع از خود را هم بعهده بگیرد

حوادث کار:مرگ کارگر ۲۰ ساله در عمق چاه ۱۰ متری در تهران

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 7 اسفند 91آمده است : کارگری به نام «غفار -ق» در محوطه زمینی دو هزار متری به همراه تعداد زیادی کارگر در حال کار و کندن چاه برای پی ساختمانی بود که بر اثر جدا شدن گیره و در نتیجه خارج شدن ناگهانی دلوی پر از خاک و سنگ، این محموله به سر و گردن او برخورد کرد و باعث مصدومیت شدید او شد.
کارگر جوانی به دلیل رعایت نشدن اصول ایمنی هنگام کار، در عمق ۱۰ متری چاهی درخیابان گلبرگ تهران جان سپرد.
به گزارش ایلنا، کارگر ۲۰ ساله‌ای به نام «غفار -ق» در محوطه زمینی دو هزار متری به همراه تعداد زیادی کارگر در حال کار و کندن چاه برای پی ساختمانی بود که بر اثر جدا شدن گیره و در نتیجه خارج شدن ناگهانی دلوی پر از خاک و سنگ، این محموله به سر و گردن او برخورد کرد و باعث مصدومیت شدید او شد.
بر اساس این گزارش، تلاش امدادگران با اجرای کمک‌های اولیه و تنفس مصنوعی برای

تورم ۳۱,۵ درصد؛ نقدینگی ۴۳۸ هزارمیلیارد تومان

به نوشته روزنامه دولتی شرق در 7 اسفند 91 آمده است : دومین همایش سیاست‌های پولی و تولید فرصتی شد تا محمود بهمنی، غایب بزرگ این روزهای آشفته، از آماری بگوید که انتشار آنها مدت‌هاست با اختلال همراه شده و اعلام نمی‌شود.

به گزارش «شرق»، او با وجود غیبت طولانی علاوه بر موارد تکراری مانند جمع‌آوری پنج‌هزارمیلیاردتومان نقدینگی با پیش‌فروش سکه در روزهای پایانی سال گذشته حرف‌های جدیدی هم گفت. جهش تورم به بالای ۳۰درصد و افزایش رشد نقدینگی که بیشتر از هر چیزی یادآور گرانی بیشتر در سال آینده است از جمله تلخ‌ترین سخنان او بود. بهمنی گفت: «نقدینگی تا پایان دی ماه سال‌جاری به ۴۳۸.۲ هزارمیلیاردتومان رسیده که با این حساب میزان رشد آن ۲۴,۱۴ درصد بالغ می‌شود.»
با اعلام این آمار از سوی رییس کل بانک مرکزی رشد ۱۹,۴ درصدی نقدینگی پایان سال ۹۰ که یکی از افتخارات رییس‌جمهوری بود و حتی بارها در گفت‌وگوهای ویژه با مردم مورد تاکید وی قرار گرفت، زیر سوال رفت. این آمار نشان می‌دهد دولت بعد از سال ۹۰ دوباره روند چندین ساله خود در تزریق نقدینگی بی‌حساب و کتاب به اقتصاد را در پیش گرفته به طوری که این رشد دو ماه دیگر به بیش از ۳۰درصد می‌رسد زیرا تازه دو روز پیش بود که ۶/۶ هزارمیلیارد تومان نقدینگی در قالب عیدانه به حساب ایرانیان ریخته شد. علاوه بر این در دو ماه پایانی سال به روال سابق ۳.۴ هزارمیلیاردتومان یارانه به حساب سرپرستان خانوار نیز واریز می‌شود که یارانه بهمن ریخته شده اما یارانه اسفند ماه مانده است. مجموع این دو یارانه بار مالی به میزان ۶.۸ هزارمیلیاردتومان برای دولت دارد. مطابق آمار رسمی تقریبا ۹ میلیون شاغل کارگری و دو میلیون بازنشسته تامین اجتماعی در کشور وجود دارد که معادل دو ماه حقوق، عیدی دریافت می‌کنند. به طور تقریبی مبلغ ۸,۸۰۰ هزارمیلیون‌تومان نیز از این طریق به نقدینگی سرگردان شب عید اضافه می‌شود. اگر تعداد کارکنان عیدی گیرنده از دولت را در حالت خوش‌بینانه ۸/۲میلیون‌نفر و بازنشستگان کشوری نیز حدود یک‌میلیون‌نفر باشند، با ضرب عدد ۳,۸ میلیون نفر در مبلغ عددی عیدی امسال دولت (۴۰۲,۵۰۰ هزارتومان) با عدد ۱,۵ هزارمیلیارد تومان مواجه می‌شویم که باید دولت اعتبار ریالی آن را تامین کرده و به‌حساب کارکنان خود واریز کند. حالا اگر کل این موارد را بر عدد اعلامی بهمنی اضافه کنیم نقدینگی در پایان امسال به ۴۶۳.۹ هزار میلیاردتومان بالغ می‌شود. بنابراین در سال ۹۱ حدود ۱۱۱,۹ هزارمیلیاردتومان بر حجم نقدینگی کشور افزوده شده که بیانگر رشدی معادل ۳۱,۷ درصداست.

تورم پایان سال ۳۱,۵ درصد
محمود بهمنی در ادامه نرخ تورم بهمن را ۲۸,۸درصد اعلام کرد و حتی پیش‌بینی قبلی این بانک از تورم پایان سال را هم که گفته می‌شد ۳۲درصد است، به ۳۰,۶ تا ۳۱,۵ درصد اصلاح کرد. بررسی‌های «شرق» نشان می‌دهد که این نرخ از سال ۷۴ تاکنون بی‌سابقه بود. البته او در ادامه مدعی شد که تورم ۴۰درصدی را با برخی از اقدامات مهار کرده است. رییس کل بانک مرکزی در همین رابطه می‌گوید: «در ابتدا برآوردها این بود که تورم در پایان سال به حدود ۴۰درصد برسد که با اقدامات کنترلی بانک مرکزی در این سطح باقی‌ماند.»
بهمنی همچنین تصریح کرد: «پایه پولی با ۱۵.۸ درصد افزایش نسبت به اسفندماه در پایان دی به ۸۸۶هزارمیلیاردریال رسیده است. در صورتی که اجزای پایه پولی را بررسی کنیم بیشترین سهم افزایش پایه پولی به خالص مطالبات بانک مرکزی از بخش دولتی مربوط می‌شود، اما عوامل شتاب‌دهنده تورم تنها پایه پولی نبوده بلکه سایر متغیرهای تاثیرگذار در تورم و نوسانات بازار ارز تاثیرگذار بوده است.»

کاهش تولید برخی اقلام تورم را افزایش داد
بهمنی تصریح کرد: کاهش تولید برخی محصولات مصرفی مانند خودرو، لبنیات و محصولات آهنی موجب افزایش نرخ تورم شده است و از طرفی دیگر تورم ناشی از انتظارات تورمی بر نرخ تورم افزوده است. وی گفت: بانک مرکزی در این مدت برای کنترل نقدینگی، بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی را کنترل کرده به‌طوری که از تیرماه تا پایان دی‌ماه میزان بدهی بانک‌ها ۷۷هزارمیلیاردریال کاهش یافته و این اقدام اثر ۱۰,۱ درصدی بر رشد پایه تولید داشته است.
رییس‌کل بانک مرکزی افزود: بانک مرکزی در سال‌جاری برای کنترل نقدینگی انتشار صد هزارمیلیاردریال اوراق مشارکت را برنامه‌ریزی کرد که تاکنون ۵۰هزارمیلیاردریال آن به فروش

رسیده و با احتساب ضریب تکاثر پولی حدود ۲۰هزارمیلیاردتومان نقدینگی را کاهش داده است.

رئیس بانک مرکزی:اقتصاد کشور با تورمی فزاینده روبرو است:نرخ تورم تا پایان سال جاری به ۵/ ۳۱ درصد مي‌رسد

به نوشته سایت دویچه وله / آلمان در تاریخ 7 اسفند 91 آمده است :رئیس بانک مرکزی تایید کرد که اقتصاد کشور با تورمی فزاینده روبرو است. این بدین معناست که شمار خانوارهای زیرخط فقر در ایران افزایش مي‌یابد. به گفته بهمنی بانک مرکزی برای جمع‌آوری نقدینگی سکه پیش‌فروش مي‌کند.
محمود بهمني، رئیس بانک مرکزی ایران اعلام کرد که نرخ تورم تا پایان سال جاری به ۵/ ۳۱ درصد افزایش مي‌یابد. بهمنی در دومین همایش سیاست‌های پولی و چالش‌های بانکداری و تولید تصریح کرد که طبق آخرین داده‌ها، نرخ تورم "در دی ماه سال جای به ۷/ ۲۸ درصد" رسیده و بر اساس پیش‌بیني‌های موجود تا پایان سال ۹۱ نرخ تورم به ۵/ ۳۱ درصد مي‌رسد.
بهمنی اعتراف کرد که حجم نقدینگی در سال جاری بطور فزاینده‌ای رو به رشد بوده و "پایه پولی در پایان دی ماه ۸۸۶ هزار میلیارد ریال رسیده که ۸ / ۱۵ درصد" نسبت به اسفند ماه سال ۹۰ افزایش و رشد داشته است.
وی افزود که افزایش نقدینگی تنها دلیل برای شتاب تورم در کشور نبوده و برخی متغیرهای دیگر نیز بر تورم و نوسات بازار ارز و به دنبال آن در شکل‌گیری مسایل کنونی کشور تاثیرگذار بوده است.
نرخ تورم رابطه‌ای مستقیم با شمار خانوارهای زیرخط فقر دارد. با افزایش نرخ تورم، از قدرت خرید خانوارهای کاسته شده و افراد بیشتری به زیرخط فقر سقوط مي‌کنند.
کارشناسان مستقل اقتصادی مي‌گویند که عیدانه ۷۰ هزار تومانی دولت کمکی به خانوارهای ایرانی نخواهد کرد و حتی یارانه ۷۰۰ هزار تومانی نیز مشکل‌گشا نخواهد بود.
حدود ۲ هزار کارگر شرکت واحد با امضای طوماری در روز یک‌شنبه (۶ اسفند) از شورای عالی کار و مسئولان وزرات تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواستند تا برای سال ۹۲ میزان تورم در تعیین دستمزدها لحاظ شود.
در این طومار آمده است: «رانندگان و کارگران شرکت واحد همانند هزاران کارگر دیگر در شرایط وحشتناک گرانی و تورم و شرایط خطرناک کار همچون آلودگی هوا مشغول خدمت‌رسانی صادقانه به مردم و جامعه هستند.» کارکنان شرکت واحد خواهان تعین دستمزدی عادلانه با توجه به وضعیت اقتصادی کشور شده‌اند.

اختلاف بر سر آمار و ارقام
دولت و نمایندگان مجلس بر سر آمار اعلام شده اختلاف نظر دارند. آمارهای بانک مرکزی تنها منبع رسمی قابل استناد برای نرخ تورم است. کارشناسان و منتقدان دولت مي‌گویند که فضای جامعه و مقایسه میان بهای کالاهای اساسی و قیمت ارز نشان مي‌دهد که میزان تورم بیش از ارقام ذکرشده از سوی بانک مرکزی است.
مرکز پژوهش‌های مجلس در تازه‌ترین گزارش خود تورم را یکی از "مهم‌ترین چالش‌ها و معضلات اقتصادی" کشور خواند. بر اساس این گزارش ایران با نرخ تورمی ۸/ ۲۱ درصدی در سال ۲۰۱۲ میلادی رتبه ششم در جهان و رتبه نخست در منطقه را داشته است. حال آنکه رئیس بانک مرکزی تورمی بیش از ۵/ ۳۱ درصد را برای سال ۹۱ اعلام کرده است.
به گفته مرکز پژوهش‌اقتصادی مجلس با این رشد تورم، امکان تحقق سند چشم‌انداز بیست ساله وجود ندارد و هیچ‌یک از موارد آن بطور مثال "کاهش تورم، دستیابی به جامعه دور از فقر، توزیع مناسب‌تر درآمدها و ارتقای نسبی سطح درآمدسرانه" عملی نخواهد شد.

طلا و ارز
بهمنی تصریح کرد در سال جاری شورای پول و اعتبار به منظور کنترل رشد نقدینگی برای انتشار صد هزار میلیارد ریال به بانک مرکزی مجوز داد. به گفته بهمنی در مقابل بانک مرکزی با

فروش سکه مي‌کوشد که بخشی از نقدینگی جامعه را جمع‌آوری کند. رئیس بانک مرکزی افزود: «تاکید مي‌کنم هدفمان اصلاً درآمد و سود نبوده است. بلکه مي‌خواهیم قسمتی از نقدینگی را از جامعه جمع‌آوری کنیم.»
بنا به گفته بهمنی "قیمت سکه پیش‌فروش یک میلیون و ۲۵۰ هزار تومان" خواهد بود و متقاضیان مي‌توانند از روز سه‌شنبه (۸ اسفند/۲۶ فوریه) اقدام به خرید سکه کنند. وی افزود که هر فرد تنها مي‌تواند تنها ۵ سکه تمام بهار آزادی یا ۱۰ نیم سکه بهار آزادی پیش خرید کند. تحویل سکه‌ها در یک زمان ۶ ماهه صورت خواهد گرفت.
در حال حاضر قیمت هر سکه بهار آزادی بیش از یک میلیون و ۴۰۸ هزار تومان در بازار آزاد است. به گفته کارشناسان هنوز روشن نیست که آیا مردم حاضر به پیش‌خرید سکه در چنین شرایط اقتصادی هستند یا خیر. از سوی دیگر این پرسش مطرح است که آیا دولت اصولاً مي‌تواند در طی شش ماه آینده، سکه‌ها را به خریداران تحویل دهد؟
بهمنی بار دیگر تاکید کرد که کشور باید به سوی ارز تک‌نرخی گام بردارد. وی افزود: «حتی نرخ ارز مرجع باید کنار برود. باید فقط مرکز مبادلات فعالیت کند تا جلوی فساد را بگیریم.»
در حال حاضر برخی کالاهای رده‌بندی یک و دو از جمله دارو از ارز مرجع استفاده مي‌کنند. نرخ ارز مرجع برای هر دلار ۱۲۶۰ تومان در نظر گرفته شده است. این در حالی است که براساس گزارش سایت فرارو دلار در بازار آزاد امروز (دوشنبه ۷ اسفند) حدود ۳۵۰۰ تا ۳۶۰۰ تومان خرید و فروش مي‌شود. از سوی دیگر وزارت‌خانه و شرکت‌های مختلف مدعي‌اند که برای تامین نیازهای خود به ارز مرجع دسترسی ندارند.

کاهش چهار پنجم نیروی انسانی ارج

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 7 اسفند 91آمده است :علی ردایی مسئول شورای اسلامی کار کارخانه لوازم خانگی ارج به ایلنا گفت: هم اکنون در کارخانه ارج بالغ بر ۴۰۰ نفر مشغول به کار هستند، یادآور شد: زمانی در این واحد تولیدی که از آن به عنوان قدیمي‌ترین واحد تولیدی لوازم خانگی ایران یا مي‌شود حدود ۲۵۰۰ نفر مشغول به کار بودند که به دلیل سوء مدیرت و وخامت شرایط اقتصادی تعداد شاغلان در این واحد تولیدی به کمتر از یک پنجم کاهش یافت.

تعویق یکساله حقوق کارگران شرکت «رانه دژ»

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 7 اسفند 91آمده است : کارگران شرکت پیمانکاری «رانه دژ»، علي‌رغم خاتمه نیافتن مدت‌زمان قرارداد کاري‌شان، در یکسال گذشته دستمزدی دریافت نکرده‌اند.
دبیر اجرایی خانه کارگر طبس با اعلام این خبر به ایلنا گفت: شرکت راه سازی «رانه دژ» وابسته به بخش خصوصي، یکی از پیمانکاران وزارت راه و شهر سازی است که به سبب پرداخت نشدن صورت وضعیت‌های مالی این شرکت توسط وزارت راه، هم اکنون تعطیل شده و حقوق معوقه ۲۷ کارگر آن به تعویق افتاده است.
او افزود: این شرکت پیمانکار جاده دیهوک (طبس) به خوشاب (فردوس) است و اغلب کارگران آن با سوابق بالا به عنوان کارگر ساده، راننده ماشین آلات سنگین و نگهبان در این واحد فعال هستند.
این فعال کارگری با بیان اینکه کارفرمای این شرکت از سال ۸۳، سه قرارداد پیمانکاری با اداره راه و شهر سازی یزد منعقد کرده است، اظهار داشت: پرداخت نشدن صورت وضعیتهای مالی این شرکت راه سازی از سوی اداره راه و شهر سازی استان یزد مشکلات مالی این کارفرمای خصوصی را دو چندان کرده است.
او میزان بدهی وزارت راه و شهر سازی به این پیمانکار را حدود ۶۰۰ میلیون تومان عنوان کرد و افزود: به گفته کارفرمای این شرکت، اداره راه وشهر سازی استان یزد این مبلغ را که صورت وضعیت مالی مربوط به قرار داد دوم (زیر سازی) بود به حساب شرکتی که تولید کننده قیر است واریز کرده تا برای شرکت رانه دژ قیر ارسال کند.

این فعال کارگری با بیان اینکه خرید قیر مربوط به قرا داد سوم شرکت رانه دژ با اداره راه وشهرسازی است که هنوز صورت وضعیت ان ارسال نشده است اضافه کرد: این در حالیست با عدم پرداخت این صورت وضعیت مالي، حدود ۱۰۰ میلیون از حقوق کارگرانی که هم اکنون بیکار و بلاتکلیف هستند پرداخت نشده و بیش از ۵۰ میلیون تومان نیز بدهی به فروشندگان و بازاریان در سطح شهر طبس دارد.
دبیر خانه کارگر طبس در خاتمه با ابراز امیدواری در خصوص رفع مشکل پیمانکار و پرداخت حقوق کارگران، گفت: پرداخت نکردن دستمزد و سایر مطالبات کارگران در سالهای اخیر به دلیل پرداخت نشدن صورت وضعیت‌های مالی شرکتهای پیمانکاری در حال افزایش است و در این زمینه هیچ مسئولی پاسخگو نیست.

قیمت داروی سرطان و ام اس به ۱۰ تا ۲۰ میلیون تومان رسید

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 8 اسفند 91 آمده است : قیمت داروی ضدسرطان «هرستپین» که با ارز آزاد هم وارد می‌شود به هر آمپول ۴ میلیون تومان رسیده و برای بیمار ماهانه ۱۶ میلیون تومان هزینه دارد. قیمت برخی داروهای اماس هم به هر دارو ۱۱میلیون تومان رسیده است.
رئیس انجمن اقتصاد داروی ایران گفت: قیمت داروی ضدسرطان «هرستپین» که با ارز آزاد هم وارد می‌شود به هر آمپول ۴ میلیون تومان رسیده و برای بیماری که باید ۴ بار در ماه تزریق کند. ماهانه ۱۶ میلیون تومان هزینه دارد. قیمت برخی داروهای اماس هم به هر دارو ۱۱میلیون تومان رسیده است.
به گزارش فارس، مهدی محمدزاده افزود: مقوله دارو در کشور یک حساسیت ویژه دارد و در تمام جوامع از جمله ایران دارو یکی از کالاهای پر مصرف، اساسی و استراتژیک است. اگر چه ۹۶ درصد داروهای مصرفی مردم در داخل تولید می‌شود اما حدود ۵۰ درصد مواد اولیه دارویی صنعت داروی کشور از خارج وارد می‌شود.
وی ادامه داد: واردات مواد اولیه دارویی به معنای ناتوانی صنعت داروی کشور نیست بلکه در کشورهای پیشرفته و حتی آمریکا و اروپا نیز وضعیت در مورد واردات مواد اولیه دارویی به همین شکل است، تولید همه مواد اولیه دارویی مقرون به صرفه نیست.
رئیس انجمن اقتصاد داروی ایران گفت: ۴ درصد داروی وارداتی کشور نیز اگر با ارز مرجع انجام شود در زمانی که دلار ۹۰۰ تومان بود و تحریم نبودیم. سالانه به حدود یک میلیارد تومان ارز نیاز داشت و اکنون نیز سالانه باید حداقل یک میلیون و ۲۰۰ هزار دلار ارز مرجع برای واردات این داروها اختصاص پیدا کند و برای واردات مواد اولیه هم سالانه به ۱,۵ میلیارد دلار ارز نیاز است و بنابراین کل سیستم دارویی کشور سالانه ۲,۷ میلیارد دلار ارز مرجع نیاز دارد تا بیماران با کمبود دارو مواجه نشوند.
وی ادامه داد: البته در شرایط بد اقتصادی هستیم اما از نظر دارو واقعاً تحریم نیستیم و شرکتهای بزرگ دارویی دنیا تمایلی برای نفروختن دارو به ایران ندارند و حاضرند همکاری کنند به شرط اینکه پول داروهایشان را به موقع دریافت کنند.
مهدی زاده گفت: ایرادی که هم اکنون به سیستم دارویی کشور وارد است این است که یا ارز مرجع دارویی را کم اختصاص می‌دهند یا دیر اختصاص می‌دهند. دارو با کالاهای دیگر فرق می‌کند چون جایگزین ندارد اگر یک ماه یک ماده غذایی وارد نشود و در کشور نباشد مردم شکم خود را با یک غذای دیگر سیر می‌کنند و اتفاقی نمی‌افتد.
وی افزود: اما اگر ارز مرجع دارویی را که عمدتاً برای واردات مواد اولیه و واردات داروهای گرانقیمت ضد سرطان و صد بیمارهای خاص هزینه می‌شود ندهیم. به محض اینکه ۱۰ روز کمبود ایجاد شود، سر و صدای آن بلند می‌شود.
وی ادامه داد: وقتی دارو گران می‌شود و اختلاف بین ارز مرجع و ارز آزاد زیاد است، اگر فردی دارویی را از خارج وارد کند باید قیمت دارو را بین ۳ تا ۴ برابر قیمت قبلی در بازار بفروشد. به عنوان مثال داروی ضد سرطان هرسپتین یک آمپول و دوز ۱۵۰ میلی گرمی آن اگر با ارز مرجع وارد شود، قیمتش یک میلیون تومان است و در شرایط فعلی که برخی این دارو را با ارز آزاد وارد می‌کنند، با قیمت ۳.۵ تا ۴ میلیون تومان به فروش می‌رسد.

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی گفت: بیمار سرطانی باید ماهانه ۴ بار آن هم به مدت ۶ ماه این دارو را تزریق کند و به این ترتیب باید ماهانه حدود ۱۶ میلیون تومان برای این دارو هزینه کند و قطعاً هزینه‌های درمانی دیگری دارد و تا ۲۰ میلیون تومان باید در ماه باید برای درمانش هزینه کند.
وی ادامه داد: هزینه یک داروی ام اس مانند آونکس و تایسبری نیز بین ۱۰ تا ۱۱ میلیون تومان شده است واقعاً پرداخت این هزینه‌ها در توان بیماران نیست. دولت باید این داروها را با ارز مرجع و تازه آن را هم با یارانه و قیمت حمایت شده در اختیار بیماران قرار دهد زیرا اکثر بیماران حتی توان پرداخت این داروها را با نرخ مرجع نیز ندارند.
مهدی زاده گفت: پرداخت سالانه ۲,۷ میلیارد دلار ارز دارویی برای دولت رقمی نیست. دولت باید این اعتبار را برای بیماران کنار بگذارد و به موقع تخصیص دهند زیرا حتی اگر یک ماه دارو کمبود داشته باشد اگر ماه بعد ۱۰ برابر هم ارز دارو بدهند جبران نمی‌شود زیرا تعدادی از بیماران در همان یک ماه می‌میرند.
وی افزود: یک بیمار مبتلا به دیابت به انسولین نیاز دارد و اگر انسولین در بازار نباشد بیمار می‌میرد، شوخی ندارد و این وظیفه حاکمیت است که در این زمینه احساس مسئولیت کند و وظیفه خود را انجام دهد.
وی گفت: معنای عدالت در سلامت همین است که دارو به موقع و با قیمت مناسب در اختیار بیماران قرار گیرد. اگر پزشک تجویز کند که بیمار باید فلان داروی خارجی را تجویز کند نمی‌توان گفت که چون ارز نداریم حتماً باید داروی ایرانی مصرف شود. در مورد تلویزیون یا کالاهای دیگر می‌توانیم حتی مردم را مجبور کنیم جنس خارجی نخرند اما در مورد دارو نمی‌توان چنین بی‌عدالتی را در حق بیماران روا داشت.

عده‌ای از مال باختگان ارزی مقابل مجلس تجمع کردند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 8 اسفند 91آمده است :جمعی از مال باختگان ارزی در اعتراض به کلاهبرداری ارزی از مناطق مرز نشین و تهران و شیراز برای پیگیری مشکلات خود امروز مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، جمعی از مال باختگان ارزی مناطق مرزي، تهران، شیراز، مریوان، اشنویه امروز مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.
مال باختگان در تجمع مقابل مجلس شورای اسلامی پلاکاردهایی با مضمون این مطلب که ۱۴ ماه از مال باختن مردم مناطق مرز نشین مي‌گذرد نمایندگان چرا اقدامی در این زمینه انجام نمي‌دهند و نمایندگان به داد مردم مال باخته برسند، چرا در این زمینه رسیدگي‌هایی انجام نمي‌پذیرد. را در دست داشتند.

مجلس خواستار واگذاری کامل نساجی مازنداران به سرمایه گذارخارجی شد

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در تاریخ 8 اسفند 91 آمده است : مرکز پژوهش‌های مجلس در گزارشی با بررسی مشکلات پیش روی شرکت نساجی مازندران، خواستار واگذاری کامل سهام این شرکت به طرف خارجی شد.
دفتر مطالعات انرژي، صنعت و معدن پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ضمن آسیب شناسی و بررسی مشکلات پیش روی شرکت نساجی مازندران، راهکارهای عملیاتی خود را برای برون رفت از وضعیت موجود ارائه کرد.
در این گزارش آمده است: هدف اصلی این گزارش، آسیب شناسی مشکلات شرکت نساجی مازندران و ارائه راهکارهای عملیاتی به منظور برون رفت از وضع موجود و به ویژه تعطیلی این واحد از اوایل سال جاری است. نتایج بررسي‌های انجام شده نشان مي‌دهند که عمده مشکلات شرکت مذکور، تعطیلی و تعویق بیش از ۲۸ ماه در پرداخت حقوق کارکنان شرکت، عدم ثبت آورده‌های نقدی و غیرنقدی سرمایه گذار خارجی به دلیل بالابودن میزان زیان انباشته و به وجودآمدن شائبه در اصالت و قیمت ماشین آلات وارد شده به کشور و به تبع آن متوقف شدن گشایش اعتبار اسنادی (LC)به مبلغ ۱۰۴ میلیون یورو توسط بانک ملی است که

راهکارهایی عملیاتی در خصوص هر یک از مشکلات فوق الذکر ارائه شده اند.
این گزارش مي‌افزاید: به نظر مي‌رسد مهمترین اولویت در برطرف شدن مشکلات واحد تولیدی مذکور، اصلاح و بازنگری تفاهمنامه بین سرمایه‌گذار خارجی و بانک ملی ایران، واگذاری کامل (۱۰۰ درصد)سهام سازمان خصوصي‌سازی و بقیه خرده سهام به سرمایه‌گذار خارجی و افزایش ضمانت اجرایی آن در یک چارچوب زمانبندی شده است.

«اگر تامین جانی داشته باشیم علیه سعید مرتضوی افشاگری خواهیم کرد»

بر اساس گزارش های برخی از رسانه های متعلق به جناح اصولگرا در ایران،در تاریخ 8 اسفند 91 آمده است : دادگاه رسیدگی به پرونده متهمان کهریزك به ریاست قاضی سیامك مدیر خراسانی آغاز شده است.
خانواده‌های روح‌الاميني، اميری فر و کامرانی به عنوان شاکیان پرونده کهریزك وارد دادگاه شده اند و سعید مرتضوي، حسن زارع دهنوی و حیدری فر هم به عنوان متهمان پرونده کهریزك در جایگاه قرار گرفتند.
پس از اعلام ناگهانی برگزاری غیر علنی دادگاه پرونده کهریزک توسط قاضی افتخاري، قاضی پرونده، یکی از نزدیکان عبدالحسین روح الامینی پدر محسن روح الاميني، یکی کشته شدگان زندان کهریزک در میان خبرنگاران عنوان کرد اگر «امنیت جانی داشته باشیم، سخنان مهمی درباره سعید مرتضوی خواهیم گفت.
محمد رضا زائری از همراهان عبدالحسین روح الامینی در جمع خبرنگاران حاضر شد و با بیان نکاتی درباره این دادگاه اعلام کرد که اگر برای برخی افراد تامین جانی برقرار گردد سخنان مهمی را درباره سعید مرتضوی و متهمان این پرونده اعلام خواهند کرد.
وی در اعتراض به برگزاری غیر علنی این دادگاه گفت:«قانون اساسی میگوید دادگاه علنی است و قاضی افتخاری هم گفته بود که دادگاه علنی است اما متاسفانه در نهایت این گونه نشد این دادگاه بدون نتیجه باقی می ماند.»

تعویق چهار ماهه حقوق کارگران شرکت صنعتی دریایی ایران

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 8 اسفند 91آمده است : یک فعال کارگری در بوشهر از پرداخت نشدن معوقات حقوقی حدود ۱۵۰۰ کارگر شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) در چهار ماهه گذشته خبر داد.
سید موسی میر جهانمردي، دبیر خانه کارگر بوشهر در تشریح جزئیات این خبر به ایلنا گفت: حدود ۱۵۰۰ کارگر قراردادی شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) که با کارفرمایی چندین شرکت پیمانکاری در ساخت پروژه‌های دریایی فعالیت دارند از آبان ماه سال جاری به دلیل پرداخت نشدن صورت وضعیت‌های مالی پیمانکاران حقوق دریافت نکرده‌اند.
او افزود: علاوه بر دستمزد، سایر مطالبات پایان سال این کارگران همانند عیدی و پاداش توسط کارفرما پرداخت نشده و قانونا باید این مطالبات به حساب کارگران واریز شود.
این فعال کارگری با بیان اینکه شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) یکی از مطرح‌ترین واحدهای ساخت و تعمیرات کشتی واجرای سکوهای نفتی و گاز در کشور است اظهار داشت: اغلب نیروهای فعال در مجموعه سازی شرکت صنعتی دریایی ایران (صدرا) را کارگران با تجربه و مهندسان متخصص در زمینه کشتی سازی و تعمیرات آن، سکوهای نفتي، گاز و سایر صنایع دریایی تشکیل مي‌دهند.

اخراج کارگران شرکت مهندسین مشاور یکم

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در 8 اسفند 91 آمده است : در طی چند روز گذشته بیش از ۲۵ نفر از کارگران شرکت ساختمانی و عمرانی مهندسین مشاور یکم بنا به دستور شنتیا مدیر شرکت و تحت عنوان فریبکارانه "قطع همکاری" از کار اخراج و بیکار شدند. هر یک از کارگران اخراجی در این شرکت دارای ۲ تا ۱۰ سال سابقه کاری میباشند. قطع همکاری

عنوان محترمانه همان اخراج کارگران زحمتکش در روزهای پایانی سال است. کارگران را از کار بیکار و اخراج نموده اند اما بسیاری از این کارگران اخراجی حتی تا امروز موفق به دریافت تسویه حساب نهایی و دریافت مطالبات و دستمزدهای معوقه خود نیز نشده اند. شنتیا و شرکایش خطاب به کارگران اخراجی گفته اند بعلت اتمام پروژه های کاری و کسری بودجه فعلا نیازی به شما نیست اما در آینده اگر نیاز کاری بود برای شروع به کار مجدد از شما دعوت بعمل خواهد آمد!
لازم به یاد آوریست علاوه بر مشکلات کارگران اخراجی، دیگر کارگران فعلا شاغل نیز تا امروز جمعه چهارم اسفند ماه دستمزدهای بهمن ماه خود را دریافت ننموده اند. همچنین در یک اقدام ضد کارگری دیگر به دستور شنتیا مدیر شرکت از آذر ماه گذشته مدت ۵/۲ ساعت از کار روزانه کارگران کاهش یافته است و در ازایش مبلغ ۲۵ درصد از دستمزدهای ماهیانه کارگران را کاهش داده اند.
شرکت عمرانی و ساختمانی مهندسین مشاور یکم فعلا با بیش از ۵۰۰ نفر کارگر قراردادی با دستمزدهای ۳۸۹ هزار تومانی و تعدادی کارگران ساعت مزد که دریافتیشان کمتر از کارگران قراردادی است، مجری و سازنده انواع پروژه های عمرانی و سد سازی است. هم اکنون تعدادی از کارگران در پروژه های سپاه پاسداران و شهرداری منطقه ۱۷ تهران که طرف قرارداد شرکت مشاورین یکم هستند مشغول به کارند. ساعت کاری کارگران فعلا و ظاهرا از ۸ صبح تا ۳۰/۲ عصر و اما اضافه کاری اجباری تا شب و کار در همه ایام تعطیل درازای دستمزدهای ناچیز و حداقلی که آن هم با تاخیر و انواع کارشکنی پرداخت میشود برقراراست. دفتر مرکزی شرکت در چهار راه طالقانی و خیابان زرتشت تهران واقع است.

افزایش فشار تحریم یک روز قبل از مذاکرات

به گزارش تابناک، در تاریخ 8 اسفند آمده است : طرحی که سنای آمریکا هفته قبل و در خصوص فشار بر بانک مرکزی اروپا برای ممانعت از استفاده ایران از سیستم Target2 این بانک، تدوین کرده بودند روز گذشته با نامه ای که این مجلس به اروپا فرستاده است، منجر به تشدید فشار بر بانک مرکزی اروپا برای تحریم بیشتر ایران شده است.
این در حالی است که این اقدام سنای آمریکا تنها یک روز قبل از مذاکرات ایران و 5 + 1 صورت گرفته است و قانون گذاران آمریکایی در نامه ای به رهبران اروپایی و بانک مرکزی اروپا اشاره کرده‌اند که ایران با استفاده از سیستم این بانک در حال دور زدن تحریم‌ها غرب است و حساب‌های یورویی خود را برای هدایت تجارت خارجی به ارزهای محلی تبدیل مي‌کند.
در این نامه که به هرمان رامپوی رئیس کمیسیون اروپا ارسال شده است، آمده: ما نگران این امر هستیم که این تبدیل یورو به سایر ارزها منجر به آن مي‌شود که منابع عظیم مالی در اختیار واردات ایران، ثبات بودجه ماهانه این کشور و استفاده در فعالیت‌های غیر قانونی قرار گیرد.
این نامه که یک نسخه از آن برای ماریو دراگی رئیس بانک مرکزی اروپا نیز فرستاده شده است، توسط جین شاهین دموکرات، مارک کرک جمهوری خواه (که در خصوص تحریم‌های ایران به شدت فعال هستند) و همچنین 34 ساتور دیگر به امضا رسیده است.
این سناتورها در این نامه آورده‌اند که : ما متوجه هستیم که در حالی که مقامات بانک مرکزی اروپا در تلاش هستند تا دست ایران را از استفاده از سیستم این بانک کوتاه کنند، اما برای اقدام منتظر دریافت دستورات از شورای اروپا هستند.
این بخش از نامه سنا، پاسخ به اظهاراتی است که هفته گذشته ماریو دراگی در خصوص طرح سنا برای افزایش فشار بر بانک مرکزی اروپا مطرح کرده بود. وی اشاره کرده بود که افزایش تحریم‌ها در صلاحیت اتحادیه اروپا است و نه بانک مرکزی اروپا.
طرح جدید که سنای آمریکا به دنبال تصویب آن برای فشار بیشتر بر ایران است، منجر به فشار بر بانک مرکزی برای نظارت بیشتر بر تراکنش‌های سیستم Target2 این بانک مي‌شود.
سیستمی که روزانه بیش از 350 هزار تراکنش و پرداخت دارد. هنوز این طرح نهایی نشده و به تصویب سنا نرسیده است اما فشارها و نامه نگاري‌های سناتورها از هم اکنون بر اتحادیه اروپا و بانک مرکزی اروپا آغاز شده است.

در این نامه سناتورهای آمریکایی اذعان کرده‌اند که: ما شدیداً در تلاش هستیم تا همه اقدامات لازم و فوری برای کوتاه کردن دست ایران از منابع مالی یورویی و استفاده از سیستم Target2 را صورت دهیم.
این همه در حالی اتفاق مي‌افتد که تنها یک روز بعد از آن قرار است مذاکرات ایران با غرب و گروه 5 + 1 در آلماتی برگزار شود و غرب ادعا مي‌کند که سعی دارد با پیشنهادی جدید به ایران در این مذاکرات به توافق برسند.

تجمع بازنشستگان صنایع فلزی در مقابل استانداری تهران

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 8 اسفند 91آمده است : نماینده کارگران بازنشسته گروه صنایع فلزی از مراجعه و تجمع چند ساعته ۱۸۰ کارگر بازنشسته کارخانه‌های یک و دو صنایع فلزی به استانداری تهران خبر داد.
پروین محمدی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: سه ماه از واگذاری موقت مسئولیت اداره کارخانه‌های صنایع فلزی یک و دو به استانداری تهران می‌گذرد و هر چند در این مدت بخشی از مطالبات کارگران شاغل پرداخت شده است اما هنوز کارگران بازنشسته نتوانسته‌اند حتی یک ریال از مطالبات خود را دریافت کنند.
وی با بیان اینکه مجموع طلب بازنشستگان کارخانه‌های صنایع فلزی یک و دو بالغ بر ۲۲ میلیارد ریال است، گفت: بازنشستگان به توصیه مسئولان استانداری برای وصول مطالبات خود از هیاتهای تشخیص و حل و اختلاف و نیز واحد اجرای احکام قوه قضاییه حکم توقیف اموال کارخانه را گرفته‌اند.
محمدی به نقل از مسئولان استانداری تهران گفت: هرچند تاکنون مسئولان استانداری و قوه قضاییه نتوانسته‌اند مالکان کارخانه را نسبت به انجام تعهدات قانونی خود متعهد کنند اما گفته می‌شود که شورای تامین در این خصوص مصوباتی داشته است.
وی گفت: مسئولان استانداری گفته‌اند با توجه با مصوبه شورای تامین استانداری، قوه قضاییه باید مالکان کارخانه را برای پرداخت مطالبات بازنشستگان فراخوانده و یا نسبت به توقیف و فروش اموال کارخانه اقدام کند.
وی گفت: بر این اساس قرار است بازنشستگان یه هفته دیگر منتظر اجرای احکام صادره و وصول مطالبات خود بمانند.
این کارگر بازنشسته کارخانه صنایع فلزی در خصوص وضعیت کنونی این کارخانه گفت: هرچند استانداری تاکنون سه میلیارد تومان بابت مطالبات مزدی کارگران شاغل پرداخت کرده است اما هنوز ۶۰۰ کارگر شاغل در کارخانه‌های صنایع فلزی یک و دو بابت بخشی از حقوق آبان و همچنین تمامی حقوق ماه آذر، سه ماهه فصل زمستان و عیدی سال ۹۱ طلبکار هستند. وی گفت: هرچند استانداری به کارگران وعده پرداخت مطالبت را داده است اما کارگران شاغل در کارخانه‌های صنایع فلزی از اینکه این واحد تولیدی دیگر فعالیت ندارد ناخرسند هستند.

یازدهمین تجمع کارگران قند اهواز در مقابل استانداری

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 8 اسفند 91آمده است :
80 کارگر کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز، صبح امروز (هشتم اسفند) برای یازدهمین بار طی سال جاری در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۶ ماهه خود در مقابل درب ورودی ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.
حسن لویلي، نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که در این تجمع حضور یافته است، به ایلنا گفت: ۸۰ کارگر این کارخانه بیش از ۲۶ ماه است که به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق دریافت نکرده‌اند.
او با اشاره به اینکه تا کنون کارگران این کارخانه چندین بار جهت دریافت مطالبات قانونی خود دست به تجمع زده‌اند، اظهار داشت: با اینکه تجمع و اعتراضاتی در خصوص حل مسائل صنفي‌مان انجام داده‌ایم، اما متاسفانه تاکنون با بي‌توجه‌ای مسئولان مواجه شده‌ایم.
این فعال کارگری در این زمینه اضافه کرد: کارگران بارها در مقابل نهادهای مختلف دولتی

همانند استانداری خوزستان و اداره کل صنعت و معدن و تجارت تجمع کرده‌اند اما به هیچ یک از این تجمعات پاسخ قاطعی از سوی مسئولان داده نشده است.
نماینده حقوقی کارگران قند اهواز ادامه داد: مشکلات کارگران کارخانه تصفیه قند اهواز به سبب افزایش مشکلات مالی کارخانه که با واگذاری کارخانه به بانک‌های ملی و ملت در سال ۸۷ شروع شد و در این جریان تعدادی از کارگران آن نیز اخراج شدند.
لویلی درادامه با تشریح مشکلات کارخانه اضافه کرد: مالکیت این کارخانه بر عهده بانک ملی و ملت بود که با افزایش مشکلات این واحد تولیدی با تصویب هیات دولت به وزارت صنایع جهت راه اندازی مجدد واگذار شد. اما چندی پس از معرفی و استقرار مدیر عامل جدید کارخانه از سوی معاونت راهبردی رئیس جمهور، روند بازسازی و فعالیت مجدد کارخانه متوقف شد.
او با اشاره به اینکه این کارخانه چند مصوبه هیئت دولت و ستاد تسهیل و پشتیبانی صنایع را دارا است ادامه داد: کارخانه قند اهواز با ظرفیتی بالغ بر تولید ۲۵۰ تن قند و شکر در روز چهار سالی است که تعطیل و تولید آن متوقف شده است.
این فعال کارگری افزود: در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیات دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتي، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد و وزارت صنایع و معادن با استناد به همین مساله بازسازی کارخانه را تعلیق کرد.
او افزود: متاسفانه بانک‌های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز زدند که همین مساله تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از طرفین، مسئولیتی در قبال این کارخانه برعهده نمي‌گیرند.
نماینده کارگران قند اهواز یاد آور شد: با پیگیري‌های انجام شده، بانک‌های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را برعهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت، روند بازسازی و راه اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده، که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.
کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که هم اکنون در حالت تعطیل کامل به سر مي‌برد، با ایجاد بیش از ۵۰۰ فرصت شغلی مستقیم و اشتغال ۲ هزار نفر به صورت غیر مستقیم یکی از کارخانه‌های مهم و استراتژیک اهواز محسوب مي‌شود که به دلیل تعطیلی این واحد تولیدي، اشتغال مردم منطقه تهدید شده است.
گفتنی است تجمع این کارگران تا لحظه ارسال این خبر همچنان ادامه دارد و تا کنون هیچ مسئولی از استانداری خوزستان در جمع کارگران حاضر نشده است.

ایجاد ۷۶۱ هزار اشتغال طی ۸ سال

به نوشته خبر آنلاین در 8 اسفند 91 آمده است : در تازه‌ترین گزارش منتشر شده از سوی مرکز آمار ایران جمعیت فعال کشور ۲۳ میلیون ۹۷۸ هزار نفر اعلام شده است. مقایسه این رقم با جمعیت فعال کشور طی سال ۸۴ نشان می‌دهد جمعیت فعال کشور طی دوره هشت ساله فعالیت دولتهای نهم و دهم معادل ۶۸۴ هزار نفر افزایش پیدا کرده است. یعنی طی دوره‌ای که جمعیت بالا ۱۰ سال کشور معادل ۷ میلیون ۱۲۸ هزار نفر رشد کرده است، حدود ۹. ۶ درصد از این جمعیت جذب بازار کار شده‌اند.
مرکز آمار ایران در تعریف جمعیت فعال می‌نویسد: «تمام افراد ۱۰ ساله و بیشتر (حداقل سن تعیین شده)، که در هفتهٔ تقویمی قبل از هفتهٔ آمارگیری (هفتهٔ مرجع) طبق تعریف کار، در تولید کالا و خدمات مشارکت داشته (شاغل) و یا از قابلیت مشارکت برخوردار بوده‌اند (بیکار)، جمعیت فعال اقتصادی محسوب می‌شوند».
به این ترتیب می‌توان گفت جمعیت شاغل کشور که در سال ۸۴ یعنی آغاز دوره فعالیت دولت دهم معادل ۲۰ میلیون و ۵۲۸ هزار و ۵۷۹ نفر بوده‌اند در پاییز سال ۹۱ یعنی آخرین سال فعالیت دولت دهم به ۲۱ میلیون و ۲۸۹ هزار و ۵۹۰ نفر افزایش پیدا کرده‌اند و این به معنی ایجاد ۷۶۱ هزار و ۱۱ اشتغال طی دوره ۸ ساله فعالیت دولتهای نهم ودهم است که به طور

متوسط سالانه رقمی معادل ۹۵ هزار اشتغال است، که می‌توانیم این رقم را کل اشتغال پایدار ایجاد شده طی فعالیت دولتهای نهم و دهم بدانیم.
نگاهی به جمعیت بیکار بالای ده سال کشور نشان می‌دهد در سال ۸۴ تعداد جمعیت بیکار ۲ میلیون ۷۶۴ هزار و ۸۶۶ نفر بوده ودر پاییز سال ۹۱ این رقم به ۲ میلیون و ۶۸۸ هزار و ۴۵۶ نفر رسیده که گویای کاهش ۷۶ هزار نفری در جعیت بیکار در کشور است.
مقایسه این ارقام نشان می‌دهد که طی دوره مورد بررسی در حالی که جمعیت بالای ۱۰ سال کشور معادل ۷ میلیون ۱۲۶ هزار و ۱۲۸ نفر افزوده شده تنها ۶۸۴ هزار و ۶۰۱ نفر به جمعیت فعال در کشور افزوده شده است. حال سئوال اینجاست باقی این جمعیت که رقمی معادل ۶ میلیون و ۵۷۵ نفر که به جمیعت بالای ۱۰ سال کشور افزوده شده ولی در جمعیت فعال کشور پذیرفته نشده‌اند، چه سرنوشتی پیدا کرده‌اند؟
وضعیت نامعلوم اشتغال چند میلیون نفر
نگاهی به جمعیت دانشجویی کشور نشان می‌دهد طی سال ۸۴ تعداد دانشجویان کشور از ۲ میلیون و ۳۸۹ هزار و ۷۶۸ نفر بوده است که در سال ۹۱ این رقم به ۴ میلیون و ۴۰۳ هزار و ۶۵۲ نفر رسیده به این ترتیب می‌توانیم بگوییم، بالغ ۲ میلیون و ۱۳ هزارو ۸۸۴ نفر از جمعیت افزوده شده به جمعیت فعال در دوره مورد نظر در جمع دانشجویان کشور وارد شده‌اند.
رئیس جمهور در تازه‌ترین مصاحبه تلویزیونی خود تعداد بازنشستگان را در دوره فعالیت دولت نهم و دهم معادل ۸۰۰ هزار نفر اعلام کرده است که اگر این رقم را یک میلیون نفر هم بدانیم سر جمع می‌توانیم بگویی که از حدود ۶ میلیون نفری که سرنوشت اشتغالشان نامعلوم بوده، حدود ۳ میلیون نفر در حال حاضر یا بازنشسته شده‌اند و یا دانشجو هستند.
با کسر کردن افزایش جمعیت بازنشستگان و دانشجویان کشور از جمعیت ۱۰ سالی که در جمعیت فعال وارد نشده‌اند در نهایت به رقمی معادل ۳ میلیون و ۴۲۹ هزار و ۶۹۱ نفر می‌رسیم که وضعیت اشتغال نامعلومی دارند، حتی اگر افزایش ۶۴۲ هزار نفری جمعیت سالخورده (بالای ۶۵ سال) بین سرشماری‌های ۸۵ و ۹۰ را از این جمعیت بلاتکلیف کسر کنیم (البته از این جهت با جمعیت بازنشستگان همپوشانی دارد دقت کافی ندارد)، بازهم ۲ میلیون ۷۸۷ هزار و ۶۹۱ نفر ایرانی با وضعیت نامعلوم اشتغال داریم. حال می‌توانیم این جمعیت را در جمع بیکاران اضافه کنیم و یا این تعداد جمعیت که حتی با تعریف یک ساعت اشتغال هم در جمع شاغلان و حتی بیکاران قابل شمارش نبوده‌اند را کاملا نادیده بگیریم و به عنوان خطای آماری تلقی کنیم.

بیمه ۳ ماه تاکسی داران بوشهر پرید

به نوشته بوشهر نیوز در تاریخ 8 اسفند 91 آمده است : برخی تاکسی داران می‌گویند: سه ماه از حق بیمه‌ای که آنان برای واریز به تامین اجتماعی دراختیار تعاونی قرار داده‌اند، به حساب مورد نظر واریز نشده است.
به گزارش ۸اسفندبوشهرنیوز، آنان با بیان اینکه تاکنون مراجعات زیادی به اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان، تامین اجتماعی و همچنین تاکسیرانی داشته‌اند، افزودند: متاسفانه پاسخی که بتواند راهگشای مشکلات تاکسی داران باشد از سوی مسئولین داده نشد.
این تاکسی داران با اشاره به نحوه انتخاب مسئولین تعاونی تاکسی داران افزودند: از آنجایی که مسئولین این تعاونی با آرای تاکسی داران انتخاب می‌شوند، سازمان تاکسی رانی بوشهر به ما اعلام کرده که این موضوع ارتباطی به آنان نداشته و موضوع باید توسط خودمان حل و فصل شود.
یکی از تاکسی داران گفت: متاسفانه اداره تعاون، کار و رفاه اجتماعی نیز به ما اعلام کرده که ما به مسئولین تعاونی تاکسی داران تذکر داده‌ایم و شما باید برای احقاق حقوقتان به شورای حل اختلاف شکایت کنید.
یکی دیگر از تاکسی داران با بیان اینکه حق بیمه دو ماه برخی و همچنین سه ماه بعضی دیگر پرداخت شده است، ابراز داشت: این در حالی است که برای جلوگیری از قطع بیمه، تاکسی داران همه ماهه حق بیمه خود را به حساب تعاونی واریز می‌کنند.
این راننده تاکسی با اشاره به مشکلات تاکسی داران گفت: علی رغم پیگیری‌هایی که

تاکنون انجام شده اما نتیجه‌ای از این پیگیری‌ها حاصل نشده است.
یکی دیگر از رانندگان تاکسی با گلایه از صدا و سیمای مرکز بوشهر اظهار داشت: تاکنون چندین بار با این سازمان تماس گرفته و خواستار انعکاس گزارش این مشکلات شدیم اما کسی از خبرنگاران برای پیگیری موضوع به ما مراجعه نکرده است.

بیانیه کمیته پیگیری برای افزایش حداقل دستمزدها در سال ۹۲
افزایش حداقل دستمزدها باید بالای خط فقر باشد

آخرسال نزدیک شد. امسال نیز مثل هرسال گما نه زنی و چانه زنی مسئولان، کارفرمایان، مجلس و دیگر دست اندرکاران برای افزایش چند درصدی دستمزدها به گفتگوی نمایشی نشسته‌اند.
اما امسال با سالهای پیش کاملا متفاوت بوده است. افزایش قیمت ارزاق عمومی، حمل نقل، بهداشت و درمان بسیار چشمگیر بوده است. آمار و ارقام سازمانهاو نهادهای دولتی ومجلس افزایش تورم را نزدیک به ۴۰٪ ارزیابی کرده‌اند.
افزایش قیمتهای وسایل زندگی که دم دست ما کارگران است بسیار بیشتر از آمارو ارقام گفته شده می‌باشد. این افزایش قیمت‌ها چنان چشمگیر بوده است که نیاز به تکرار مکررات ندارد. فقط اجاره بهای مسکن با افزایش حداقل ۳۰٪و حداقل دستمزد ۳۸۹۰۰۰ تومانی غیر قابل قیاس است. اجاره مسکن یک واحد کوچک ۵۰ الی ۶۰ متری اکنون بیش از ۷۰۰۰۰۰تومان رسیده است. یعنی حداقل دستمزد ۳۸۹۰۰۰ تومانی به نصف این اجاره بها هم نمی‌رسد.
خط فقر طبق ارزیابی سازمانهای ذیربط به بالای ۱۲۰۰۰۰۰ تومان در سال گذشته ۱۳۹۰ و خط بقا به ۹۰۰۰۰۰ افزایش یافته بود. سالی که در حال تمام شدن است. خودش به تنهایی مصادف با افزایش قیمت‌ها و تورم یک دهه است. کدام کالاست که قیمتش یک هفته ثابت مانده باشد. اما افزایش دستمزدهای ما سالی یک بار وآن هم بسیار ناچیز بوده است.
تأمین حداقل نیازمندی زندگیمان اینک به بیش از ۱۵۰۰۰۰۰ تومان می‌رسد. این هزینه‌ها را اکنون با افزایش تورم وگرانی طبق آمار رسمی دولتی نمی‌توان مقایسه کرد. دیگر حرف زدن از قانون کار که افزایش حداقل دستمزد را منطبق بر نرخ تورم اعلام شده توسط بانک مرکزی می‌داند. نه تنها دیگر معنایی ندارد بلکه اینک به یک طنز توهین آمیز شبیه شده است. اکنون نگاه کوتاهی به گزارش روزنامه کثیرالانتشار می‌کنیم در رابطه با افزایش قیمت‌ها:
افزایش قیمت‌ها هم چنان رو به اوج است. «قیمت گوشت در بازار نسبت به هفته گذشته افزایش چند هزار تومانی داشته است»
و «تخم مرغ شانه‌ای ۷۵۰۰ تومان..... درچند ماه پیش تفاهم نامه‌ای منعقد شدکه قیمت تخم مرغ در بازار برای مصرف کننده از کیلویی ۳۷۰۰تومان بالاتر نرود اما نرخ آن ۷۵۰۰ تومان شد.» و «قیمت مرغ طی چند روز اخیر با جهش از ۴۸۰۰تومان به ۶۳۰۰ تومان رسیده است.» (روزنامه بهار ۲۱بهمن ۹۱)
این گزارش نمونه روند افزایش قیمتهاست.
طی سالهای اخیر که افزایش حداقل دستمزد با افزایش نرخ تورم بسیار فاصله داشت. درهیچ زمان این دو (دستمزدهاو قیمت‌ها) ارقامشان به هم نزدیک نشد. با پایین نگه داشتن حداقل دستمزد سالیان سال است که فاصله‌ای ۵۰٪با نرخ تورم داشته‌ایم. با افزایش نجومی قیمت‌ها در سال جاری این فاصله عمیق‌تر شده است. طوری که اگر حداقل دستمزد ۳۰۰% هم افزایش یابد به افزایش نرخ تورم وقیمت‌ها نخواهد رسید.
افزایش نرخ تورم در ایران طی برآوردهای سازمان بین المللی اقتصاد نیز درجهان رتبه اول را به خود اختصاص داده است.
ما کارگران آسیب پذیرترین خانواده‌ها که جمعیت ۹۰٪ جامعه را تشکیل می‌دهیم تمام بار ویرانگر این تورم وگرانی را باید تحمل کنیم. وبا حقوقهای چندر قاز باید تاوان این نابسامانی رابپردازیم. چرا ما کارگران؟
ما کارگران که تمامی تولید جامعه را بردوش داریم. زحمتکشان اصلی و واقعی جامعه هستیم. خانواده‌هایمان نیز آماج این وضعیت نابسامان اقتصادی قرار گرفته‌اند. اینک خانواده ما

کارگران در معرض فاجعه انسانی قرار گرفته‌اند.
این نابرابری آشکار ضد انسانی برای ما کارگران قابل تحمل نیست. افزایش دستمزدها باید به گونه‌ای جهشی باشد که زندگی را قابل تحمل کند. این مطالبه حق مسلم انسانهایی که سرتاسر عمرشان را با زحمات غیر قابل جبران به سر می‌رسانند.
جمعیت بزرگ ما کارگران که اکثریت ۹۹٪جامعه را شامل می‌شویم. چگونه باید این ظلم بزرگ را تحمل کنیم؟؟
اگر در سالهای گذشته دستمزدها منطبق با افزایش واقعی تورم افزایش می‌یافت. ما اکنون شاهد این فاصله عمیق دستمزدهاو قیمت‌ها نبودیم. پایین نگه داشتن نرخ دستمزدها در سالهای اخیرموجب پیدایش عمیق فاصله طبقاتی بین فقیرو غنی شده است.
ما کارگران خواستار افزایش حداقل دستمزدها تا بالای خط فقر هستیم.
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری-۹/۱۲/۱۳۹۱

دستگیری گروهی از جوانان در ملاشیه اهواز

بر پایه خبر مدرج در سایت اخبار روز در 9 اسفند 91 آمده است : گزارش دریافتی موئد آن است که دیشب ۲۶/۲/۲۰۱۳ تعدادی از جوانان عرب در حین برگزاری جلسه تدریس زبان عربی و تفسیر قرآن توسط نیروهای امنیتی بازداشت شدند. منابع محلی گفته اند که نیروهای امنیتی با ورود شبانه به منازل دستگیرشدگان نه تنها خارج از قوانین حقوق بشری و بین المللی بلکه با تخلف از قوانیین آیین دادرسی مصوب داخلی رژیم اقدام به دستگیری عده ای از جوانان نموده وبدون تفهیم اتهام به بازداشتگاههای مجهول المکان برده اند.
فعالان حقوق بشری أضافه نموده اند که نیروهای اطلاعاتی برای إیجاد رعب و وحشت در میان فعالین فرهنگی عرب و جهت جلوگیری از موج گرایش به مذهب اهل تسنن تکرار أقدام به اینگونه بازداشت های خودسرانه کرده اند. دستگیر شدگان تنها جوانان بین ۲۰ و ۲۵ سال هستند که از جمله دستگیر شدگان
۱-رضا باوی
۲-سالم براجعه
۳-منصور براجعه
۴-عباس بدوی
۵-امیربدوی
۶-احمد بدوی
۷-محمد مزرعه
۸-ناصر اسدی
۹-احمد حیدری
۱۰-جاسب عفراوی
۱۱-ولید مسعودی
۱۲-خلیل خسرجی
که همگی اهل ملاشیه هستند.
ایران از جمله کشورهای ناقضان سیستماتیک آزادی مذاهب در جهان نزد سازمان های حقوق بشری معرفی شده بود و در این رابطه چندین بار جمهوری إسلامی را محکوم کرده اند.
محدودیت‌های مذهبی و دینی در چندین سال اخیر بر مسلمانان اهل تسنن ، صابئین(صبی ها) و مسیحیان در اهواز و شهرهای حومه آن افزایش یافته و چندین شهروند عرب دستگیر و در حال گذراندن محکومیت خود هستند.
کریم دحیمی فعال حقوق بشر

تجمع کارگران قند اهواز برای دومین روز متوالی

به نوشته خبرگزاری دولتی کارایران – ایلنا در 9 اسفند 01 آمده است : تعداد ۸۰ کارگر کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز، صبح امروز (نهم اسفند) برای دومین روز متوالی و

دوازدهمین بار طی سال جاری در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۶ ماهه خود در مقابل درب ورودی ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.
حسن لویمی، نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز درباره تجمع امروز کارگران به ایلنا گفت: مطالبات کارگران کارخانه قند اهواز قانونی است و مسئولان استانی و کشوری حداقل نسبت به دریافت نکردن ۲۶ ماه حقوق کارگران می‌توانند واکنش مسئولانه‌ای داشته باشند.
او با بیان اینکه از سال ۸۷ که کارخانه قند اهواز تعطیل شده و کارگران آن به دلیل دریافت نکردن مطالباتشان برای دفعات متعدد اعتراضاتی را در مقابل استانداری و اداره کل صنعت، معدن و تجارت خوزستان انجام داده‌اند متاسفانه در هیچ یک از این تجمعات هیچ مسئولی قاطعانه پاسخگوی کارگران معترض نبوده است.
این فعال کارگری همچنین با تاکید بر اینکه خواسته کارگران قند اهواز صنفی است، اظهار داشت: متاسفانه بعضی مسئولان با بی‌اعتنایی به اعتراض کارگران (قند اهواز) برای توجیه بی‌مسئولیتی‌های خود آن را سیاسی معرفی می‌کنند.
او در خاتمه با تاکید بر رفع مشکلات کارگران قند اهواز توسط مسئولان گفت: اگرمسئولان به خواسته‌های صنفیمان همچنان بی‌توجه باشند به تجمعات خود ادامه می‌دهیم.

تجمع اعتراضی بازنشستگان صنایع فلزی در مقابل استانداری تهران

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 9 اسفند 91آمده است : نماینده کارگران بازنشسته گروه صنایع فلزی از مراجعه و تجمع چند ساعته ۱۸۰ کارگر بازنشسته کارخانه‌های یک و دو صنایع فلزی به استانداری تهران خبر داد.
پروین محمدی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: سه ماه از واگذاری موقت مسئولیت اداره کارخانه‌های صنایع فلزی یک و دو به استانداری تهران مي‌گذرد و هر چند در این مدت بخشی از مطالبات کارگران شاغل پرداخت شده است اما هنوز کارگران بازنشسته نتوانسته‌اند حتی یک ریال از مطالبات خود را دریافت کنند.
وی با بیان اینکه مجموع طلب بازنشستگان کارخانه‌های صنایع فلزی یک و دو بالغ بر ۲۲ میلیارد ریال است، گفت: بازنشستگان به توصیه مسئولان استانداری برای وصول مطالبات خود از هیاتهای تشخیص و حل و اختلاف و نیز واحد اجرای احکام قوه قضاییه حکم توقیف اموال کارخانه را گرفته‌اند.
محمدی به نقل از مسئولان استانداری تهران گفت: هرچند تاکنون مسئولان استانداری و قوه قضاییه نتوانسته‌اند مالکان کارخانه را نسبت به انجام تعهدات قانونی خود متعهد کنند اما گفته مي‌شود که شورای تامین در این خصوص مصوباتی داشته است.
وی گفت: مسئولان استانداری گفته‌اند با توجه با مصوبه شورای تامین استانداري، قوه قضاییه باید مالکان کارخانه را برای پرداخت مطالبات بازنشستگان فراخوانده و یا نسبت به توقیف و فروش اموال کارخانه اقدام کند.
وی گفت: بر این اساس قرار است بازنشستگان یه هفته دیگر منتظر اجرای احکام صادره و وصول مطالبات خود بمانند.
این کارگر بازنشسته کارخانه صنایع فلزی در خصوص وضعیت کنونی این کارخانه گفت: هرچند استانداری تاکنون سه میلیارد تومان بابت مطالبات مزدی کارگران شاغل پرداخت کرده است اما هنوز ۶۰۰ کارگر شاغل در کارخانه‌های صنایع فلزی یک و دو بابت بخشی از حقوق آبان و همچنین تمامی حقوق ماه آذر، سه ماهه فصل زمستان و عیدی سال ۹۱ طلبکار هستند.
وی گفت: هرچند استانداری به کارگران وعده پرداخت مطالبت را داده است اما کارگران شاغل در کارخانه‌های صنایع فلزی از اینکه این واحد تولیدی دیگر فعالیت ندارد ناخرسند هستند.

پیش‌بینی کاهش ۶۷ درصدی صادرات نفت در بودجه

به نوشته خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 9 اسفند آمده است : دولت در لایحه بودجه سال 92 کل کشور قیمت نفت در بودجه را 95 دلار محاسبه و درآمد نفتی را حدود 31 میلیارد دلار

پیش‌بینی کرده است که براین اساس باید گفت دولت در بودجه سال 92 تنها صادرات روزانه 900 هزار بشکه نفت را پیش بینی کرده است.
این گزارش اضافه می کند: دولت در لایحه بودجه سال 91 صادرات روزانه 2 میلیون 740 هزار بشکه ای نفت را در نظر گرفته بود که با این شرایط باید گفت در لایحه بودجه سال 92 حدود 1 میلیون 840 هزار بشکه صادرات نفت کاهش پیدا مي‌کند.
همچنین این گزارش اضافه می کند: دولت در لایحه بودجه سال 92 نرخ ارز را به میزان 2130 تومان در نظر گرفته است.

۱۵۰ کارگر کارخانه سیم کابل شاهین (سرخه) 10 ماه حقوق نگرفته اند

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 9 اسفند 91آمده است :دبیر خانه کارگر سمنان اعلام کرد: حقوق کارگران کارخانه سیم کابل شاهین (سرخه) در ۱۰ ماه گذشته پرداخت نشده است.
حبیب الله محقق با اعلام این خبر به ایلنا گفت: حدود ۱۵۰ کارگر کارخانه سیم کابل شاهین (سرخه) در استان سمنان از اردیبهشت ماه سال ۹۱ تا هم اکنون که روزهای پایانی سال جاری را سپری مي‌کنیم حقوقی دریافت نکرده‌اند و تاکنون نتوانسته‌اند بعد از پیگیري‌های قانونی به مراجع ذیصلاح به مطالبات قانونی خود برسند.
این فعال کارگری با بیان اینکه بیش از ۷ ماه است که این کارخانه تولید کننده سیم و کابل تعطیل شده است، تصریح کرد: مشکلات این کارخانه به حدی پیچیده شده است که کارفرما و سایر مسئولان این واحد تولیدي، کارخانه را بدون پرداخت مطالبات کارگران رها کرده‌اند.
او در این زمینه اضافه کرد: یکی از مهم‌ترین عوامل تعطیلی کارخانه سیم کابل شاهین افزایش مشکلات مالی آن است که گفته مي‌شود، مدیر عامل این کارخانه به همین دلایل، با افزایش بدهي‌ها با حکم قضایی طلب کاران، روانه زندان شده است.
این فعال کارگری با اشاره به اینکه رهایی مدیر عامل کارخانه برای کاهش مشکلات کارخانه وکارگران مي‌تواند مثمر ثمر باشد، اظهار داشت: راهکار دیگری که برای حل این موضوع به نظر مي‌رسد این است که سایر مسئولان این کارخانه با اخذ وکالت قانونی از مدیر عامل پیگیر مشکلات کارخانه و کارگران شوند.

نکاتی در حاشیه رشد بی سابقه حوادث محیط کار در ایران
ناصر اصغری



به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 9 اسفند 91آمده است : در خبری به نقل از سازمان پزشکی قانونی جمهوری اسلامی روز ۵ اسفند، گزارش داد که هر دو روز ۱۱ نفر در محیط کار در ایران کشته می شوند. این گزارش می گوید که در ده ماهه نخست سال ۱۳۹۱ ۱۳۳۱ نفر جان خود را بر اثر حوادث کار از دست داده اند؛ که در مقایسه با سال گذشته ١٤ درصد افزایش یافته است. ایلنا همانجا می نویسد که این تعداد مرگ و میر، فقط گوشه ای است که گزارش شده: "با نگاهی گذرا به اخبار بخش کارگری ایلنا در می‌یابیم که تنها ظرف هفته گذشته، شش خبر رسمی از مرگ و مصدومیت شدید کارگران ساختمانی منتشر شده که بدیهی است انتشار این تعداد خبر رسمی - از خیل وقایعی که هیچ‌گاه به سطح رسانه نمی‌رسند - نشان از مرگ خاموش کارگرانی دارد که برای تامین معیشت خود و خانواده‌شان، مجبور هستند به کار در هر شرایطی تن دهند."
جمهوری اسلامی که خود باعث و بانی همه بدبختی ها در آن مملکت است هیچگونه مسئولیتی را در قبال جان این کارگران برای خود قائل نیست. اتفاقا تقصیر را برمی گرداند به خود کارگران. ایلنا در همان گزارش نوشته است: "روز ۳ اسفند سازمان تامین اجتماعی در گزارشی "بی‌احتیاطی" را مهمترین عامل حوادث ناشی از کار اعلام کرده بود." یعنی اگر کارگر احتیاط کند، حادثه ای پیش نمی آید!
همچنین لازم به یادآوری است که منظور نهادهای رژیم اسلامی از مرگ مربوط به کار

کارگران فقط مرگهای دلخراشی چون سقوط از بلندیها، انفجار معادن، انفجار در کارخانجات، انفجار مثل انفجار دیگ بخار در کارخانه آروین پلاستیک قزوین در روز ۲۸ بهمن ۹۱ که جان ۸ کارگر را گرفت و غیره است. مرگ تدریجی کارگران بر اثر استنشاق دائم گازهای سمی و آزبست و غیره را اصلا کسی به حساب هم نمی آورد! ظاهرا برای کارگر ارزان و مفت ایرانی زیادی لوکس است که به چنین چیزی نگاه هم بکنند.
ما درباره این جنگی که کارفرمایان بر علیه کارگران راه انداخته و روزانه در سکوت کامل جان کرور کرور کارگر را می گیرند، زیاد نوشته ایم. برای کارگران در ایران در واقع روز خوش روز بدون حادثه است. ظاهرا کارگر ایرانی بیش از حد "بی احتیاط"تر از کارگران در کشورهای هستند که مرگ و میرشان در محیط کار دائم مشغله جامعه می شود و برای پیشگیری از آنها راه حل جستجو می شود.
در بخش نظردهی خبر فوق از سایت ایلنا، فردی چنین کامنتی گذاشته است: "بنده بعنوان بازرس کار و مسئول نظارت بر اجرای قانون و مقررات کار در کارگاههای تابع بعرض می رساند مهترین عامل بروز حوادث ناشی از کار عدم توجه به رعایت اقدامات ایمنی و حفاظتی در محیط کار توسط کارفرمایان می باشد. کار نظارتی نیازمند پشتوانه قوی اجرایی می باشد. قانون کار که چارچوب روابط کارگر و کارفرما و همچنین وظایف کارفرما در محیط کار را مشخص می کند متاسفانه بدون پشتوانه مانده و مسئولین مربوطه در ادارات نیز هیچ توجهی به این موضوع نمی نمایند. هر کدام از ما بازرسان کار بر اساس برنامه تنظیمی در سال حدود ۵۰۰ مورد بازرسی از کارگاهها انجام می دهیم و موارد تخلف مشاهده شده علاوه بر گوشزد حضوری به کارفرما، بصورت نوشتاری نیز به وی اخطار ارسال می گردد. اما همانطور که گفته شد وقتی که پشتوانه ای اجرایی نباشد کار نظارتی نیز ناقص و بی ثمر می ماند. در سنوات گذشته بسیار کارفرمایان متخلفی که ما به مراجع قضایی معرفی نمودیم که پس از سالها هنوز نتیجه ای حاصل نگردیده است. حالا با این وضعیت چه انتظاری از بازرسان کار می شود داشته باشید و انتظار دارید که آمار حوادث روند کاهشی داشته باشد." در حاشیه این کامنت گویا چند نکته را بار دیگر باید یادآوری کنیم.
۱) کارفرمایان در ایران بخشی از دزدانی هستند که دستشان در دست مقامات ریز و درشت جمهوری اسلامی است که زندگی را بر مردم زحمتکش آنجا تلخ کرده و به تباهی کشانده اند. کارفرماها، که از قضا جمهوری اسلامی بعنوان دولت ایران خود بزرگترین کارفرما در ایران است، از طریق نمایندگان خود در مجلس و قوه قضائیه و دولت و رهبری و امام زاده ها و غیره، دائم در حال گذراندن قوانینی هستند که شرایط را هر روز از روز قبل برای استثمار وحشیانه تر و کاهش هر چه بیشتر قوانینی که می تواند لگامی بر وحشیگری کارفرمایان بزند و امنیت جانی کارگران را بطور نسبی تأمین کند، فراهم تر کرده و آنچه را که برایشان حائز کمترین اهمیت است جان همین کارگرانی است که بخشا دستمزدشان هم پرداخت نمی شود!
۲) بازرسان کار در جائی مثل ایران که رشوه دهی و رشوه گیری تحت شرایط فلاکتبار اقتصادی و معیشتی آن کشور به جزئی از فرهنگ آنجا تبدیل شده است، بخش وسیعی از تخلفات مدیران و کارفرمایان را در ازاء رشوه و تهدید و غیره، هیچوقت گزارش نمی کنند و اگر جائی هم گزارش کردند همانطور که کامنت بالا می گوید، تخلفات کارفرمایان هیچوقت بررسی نمی شوند. روابط حاکم بر زندگی در ایران در را بر روی رشوه دهی و باند بازی باز گذاشته و چوب آن را همه جامعه و بیش از همه کارگران و خانواده های آنها می خورند.
۳) مهمترین و عمده ترین عامل بروز حوادث ناشی از کار در ایران هم نه "بی احتیاطی" کارگر، که قوانین حاکم بر روابط کارگر و کارفرما است. احتیاط جزئی از زندگی هر انسانی و بتبع آن هر کارگری است. در بسیاری از کشورهای غربی، هر گاه کارگری احساس ناامنی از انجام کاری کرد که به آن محول شده است، حق دارد از انجام آن سرپیچی کند و مورد ناامن را به کارفرما، کمیته بهداشت و ایمنی محل کار (Joint Health and Safety Committee)، اداره و وزارت کار و اتحادیه کارگری محل کار گزارش بدهد. در ایران اما کامنت آن بازرس کار تکلیف کارفرما و اداره کار را روشن کرد! "کمیته ایمنی و بهداشت محل کار هم زمانی معنی می دهد که برای کارگر حقی در نظر گرفته شده باشد که چنین چیزی

در ایران بی معناست و کارگر در معادلات اسلامی سران قانون گذار رژیم، "کارپذیر" است نه کارگر و نه انسان. ذکر نام تشکل کارگری هم که خود می تواند همان امنیت نسبی‌ای که کارگری در محیط کارش می تواند داشته باشد را نیز از او سلب کرده و با پاسدار و پاسبان طرف حساب خواهد شد. در نتیجه حرف زدن از "بی احتیاطی" کارگر نه تنها حرف مفتی است، بلکه دروغی است که خودشان هم باور نمی کنند.

از دست کارگران چه برمی آید؟
وقتی که به سخنان رد و بدل شده بین احمدی نژاد و لاریجانی در مجلس گوش دادم، برای اولین بار با تمام وجود احساس کردم که تعدادی چاقوکش و سرگردنه بگیر بر این جامعه چنگ انداخته و زندگی مردم را به گرو گرفته اند. رئیس جمهورشان می آید و در برابر کل جامعه و روبروی میکروفون و دوربین‌های تلویزیون به رئیس مجلس می گوید که تو وزیر من را استیضاح نکن و من هم از دزدیهای اخویها و فک و فامیلانت پرده برنمی دارم. طرف هم بر می دارد و به رئیس جمهور آن کشور می گوید که خوب شد شما آمدید و این حرفها را زدید که مردم بدانند شما چقدر بی شخصیت هستید! بعد با انگشت همدیگر را تهدید می کنند. می خواهم بگویم که کارگر در کشوری تحت سلطه و حاکمیت اینها بیخود منتظر بهبود شرایط زندگی و از جمله امنیت جانی اش نمی ماند. باید اینها را سرنگون کند که بتواند نفس راحتی بکشد. جمهوری اسلامی به معنای واقعی کلمه زندگی کارگران آن جامعه را گرو گرفته است. دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر، عدم پرداخت دستمزدها و مرگ ۱۱ نفر در هر دو روز! این آن وضعیتی است که کارگران ایران در آن دست و پا می زنند. غیرقابل تحمل است.

دو استاد دانشگاه از تدریس محروم شدند

به نوشته سایت فرارو- در تاریخ 9 اسفند آمده است : پس از انتشار اخباری مبنی بر محرومیت احسان شریعتی و محمد ضیمران، دو استاد برجسته فلسفه غرب از تدریس در دانشگاه های ایران، دکتر احسان شریعتی ضمن تائید این خبر عنوان کرد که به صورت شفاهی این محرومیت را به او و چند استاد دیگر اعلام کرده‌اند.
احسان شریعتی فرزند دکتر علی شریعتی در گفت‌وگو با خبرنگار فرارو گفت: «به صورت شفاهی به بنده و چهار استاد دیگر ابلاغ کرده اند که حق تدریس در دانشگاه ها را نداریم.»
وی افزود: «گویا این ابلاغ بر اساس دستور العمل جدیدی است که به دانشگاه ها ابلاغ شده است. این دستور العمل تدریس اساتید مدعو را ممنوع مي‌کند.»
احسان شریعتی دارای مدرک دکترای فلسفه از دانشگاه سوربن فرانسه است که در دانشگاه آزاد اسلامی و دانشگاه تهران تدریس کرده است.
پیش تر نیز مقامات گزینش دانشگاه تهران بدون ارائه پاسخی مکتوب، با ادامه تدریس دکتر شریعتی مخالفت کرده بودند و با روند جدیدی وی به صورت شفاهی و غیررسمی از تدریس در هر دو دانشگاه سراسری و آزاد محروم شده است.
پیش از این گفته می شد دستورالعمل جدیدی به دانشگاه های کشور ابلاغ شده است که براساس آن کلاس‌های درس چند تن از اساتید مدعو دانشگاه آزاد -واحد علوم و تحقیقات- حصارک، در رشته فلسفه و علوم انساني، از ترم آتی تحصیلی تمدید نشده‌است.

احسان شریعتی محرومیت محمد ضیمران را نیز تائید کرد.
محمد ضیمران دارای مدرک دکترای معرفت شناسی و آموزش فلسفه از دانشگاه ماساچوست آمریکا است. وی نویسنده مشهور کتاب‌های حوزه فلسفه هنر، پست مدرنیسم، پدیدار شناسی و... است.
ضیمران عضو گروه فلسفه هنر در فرهنگستان هنر بود که در برخی دانشگاه های کشور نیز به صورت مدعو تدریس می کرد.
جستارهای پدیدار شناسانه پیرامون هنر و زیبایي، درآمدی بر نشانه شناسی هنر، گذر از جهان اسطوره به فلسفه، میشل فوکو: دانش و قدرت، ژاک دریدا و متافیزیک حضور، نیچه پس

از هایدگر، دریدا و دولوز و... از آثار محمد ضیمران به حساب مي‌آیند.
در چند سال اخیر تعداد زیادی از اساتید برجسته دانشگاه به دلایل مبهمی از تحصیل محروم شده اند و برخی از اساتید باتجربه نیز به طور ناگهانی با حکم بازنشستگی روبرو شده اند.
همچنین چند ماه پیش بود که کنار گذاشتن دکتر پرویز پیران جامعه شناس و عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی حاشیه‌هایی را در پی داشت.

سران تشکل های کارگري؛ سرباز ولایت اند یا مدافع حقوق کارگران؟:کارنامه هشت ساله دولت مورد حمایت رهبر: سفره خالی میلیون ها کارگر

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 9 اسفند آمده است : گاه، قلم در برابر این همه درد شرمسار است. درد خونین سرخ فامی که سیاه نوشته می شود. دردی که با تار و پود میلیون های انسان تولید کننده و کارگر عجین شده است. نرمک نرمک بهار از راه می رسد و زمستان سخت رخت برمی بندد. درختان لباس نو به تن می کنند. لباس نو عید، سفره هفت سین، آجیل، پسته و شیرینی، دید و بازدیدهای عید/ آیا اینها امسال برای همه مردمان سرزمین مان دست یافتنی است؟ فقط کافی است نگاهی به قیمت کالاها در این روزها بیفکنیم و اندکی با خود تامل کنیم؛ آن کسی که با ماهی چهارصد هزار تومان مسئول تامین زندگی خود و خانواده اش است این روزها چه حالی دارد؟ هفتاد درصد از کل ۱۰ میلیون کارگر شاغل در کشور و مشمولان قانون کار، صرفا به میزان مصوبه حداقل دستمزد هر سال شورای عالی کار دریافت می کنند که برای سال جاری به میزان ۳۸۹ هزار و ۷۰۰ تومان است.
به گزارش کلمه، سال هاست که دولت بر روند شکل گیری و فعالیت تشکل های کارگری نظارت استصوابی دارد و مانع از آن می شود که کارگران به شکل مستقل نمایندگان خود را انتخاب کنند. نظارت استصوابی دولت بر روند سازمان یابی صنفی مردم و تشکل های کارگري، کارفرمایی و خویش کاری خلاف اصل ۲۶ قانون اساسی و مقاوله نامه ۸۷ سازمان جهانی کار است. مطابق مقاوله نامه های بین المللی در حوزه کار، دولت حق ندارد در روند شکل گیری و فعالیت سازمان های مردم نهاد مبتی بر کار هیچ گونه مداخله بکند و همه نیروهای کار اعم از کارگر، کارفرما و خویش کار می تواند سندیکا، فدراسیون و کنفدراسیون مربوط به کارشان را تشکیل دهند و عضو آنها گردند.
مطابق ماده ۲ قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار "تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شوراهای اسلامی در چهارچوب شرایط مذکور در ماده فوق به عهده هیأتی مرکب از نماینده وزارت کار، نماینده وزارتخانه مربوطه و نماینده منتخب مجمع کارکنان می باشد." یعنی برای تائید صلاحیت کارگری که خواهان عضویت در شورای اسلامی کار می باشد دولت دو رای دارد و نماینده کارگران یک رای. و از این طریق نظارت استصوابی دولت بر شورای اسلامی کار اعمال می شود و اعضای شورا همه کسانی هستند که مورد تائید دولت باشند و دولت بر اساس این ماده مانع از راه یابی کارگرانی به شورای اسلامی کار می شود، که به حد خواهان اجرای قانون و احقاق حقوق کارگران می باشد.
این روزها افرادی به عنوان نمایندگان جامعه کارگری در شورای عالی کار سرگرم چانه زنی برای تعیین حداقل دستمزد سال آینده هستند. این افراد در حالی به نام نمایندگان جامعه کارگری در مراجع تصمیم گیری حضور دارند که انتخاب آنها از مجرای همین روند ذکر شده انجام گرفته است. روندی که در مخالفت کامل با اصل ۲۶ قانون اساسی و مقاوله نامه ۸۷ سازمان جهانی کار می باشد و سالهاست که هنوز ادامه دارد.
اولیا علی بیگي، رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور و غلامرضا خادمي‌زاده ، رییس کانون انجمن‌های صنفی کارگری کشور دو تن از این نمایندگان کارگری هستند، که بیش از آنکه در پی احقاق حقوق کارگران باشند، دغدغه حمایت از منافع دولت به عنوان بزرگترین کارفرما برایشان در اولویت است. خبرگزاری کار ایران، ایلنا، مصاحبه با آنها پیرامون مسائل و مشکلات جامعه کارگری انجام داده است. دیدگاه های مطرح شده توسط این دو فرد در این مصاحبه به خوبی نشان از عمق فاجعه ای دارد که نظارت استصوابی دولت بر تشکل های کارگری برای جامعه کارگری ایران رقم زده است. رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در این مصحابه گفت: "بندهٔ علی بیگی ابتدا سرباز ولایت هستم و در مرحله دوم از

حقوق کارگران دفاع مي‌کنم. حفظ نظام از خواندن نماز هم واجب‌تر است.“ خادمی زاده نیز با تائید چنین دیدگاهی گفت:با اشاره به ماده ۱۳۰ قانون کار، به این انتقاد اینگونه پاسخ داد: ”تشکل‌های رسمی کارگری اساسا در راستای حفظ نظام تاسیس شده‌اند. ما زمانی از حقوق کارگران دفاع مي‌کنیم که متضمن حفظ نظام باشد.“
باید از علی بیگی پرسید که ارتباط میان اقدامات و عملکرد ”ولایت“ ی که تو سرباز وی هستي، با تهی شدن سفره بیش از سی میلیون ایرانی اعضای خانواده جامعه کارگری چیست؟ مگر نه آن است که فاجعه ای که امروز کارخانه ها و کارگران با آن دست به گریبان هستند، ریشه در عملکرد همین دولتی دارد که نظر رهبری به نظر رییس آن نزدیکتر بود و با حمایت های غیرقانونی و بی دریغ خود از این دولت و با اتکا به تقلب و خیانت به آرای مردم و ریختن خون فرزندان این آب و خاک بر سنگفرش خیابان رهها و پر کردن زندان ها، ”دولت امام زمان“ ی اش را ابقا نمود و این ایام سیاه را برای مردم و جامعه کارگری رقم زده است. باید از خادمی زاده پرسید مگر هدف نظام پاسداری از حقوق مردم و کارگران نیست؟ نظامی که تو از آن فهم می کنی چیست که دفاع از حقوق کارگران می تواند زمانی متضمن حفظ آن نشود؟! آیا اجرای ماده ۴۱ قانون کار نظام جمهوری اسلامی ایران در تعیین حداقل دستمزد کارگران، به عنوان مهم ترین حق و خواسته کارگران در این مقطع زماني، و دفاع شما از این حق، می تواند مانعی برای حفظ نظام تبدیل شود؟ مگر نظام چیزی ورای قانون اساسی و قانون کار است که در خواست اجرای این قوانین ممکن است متضمن حفظ آن نشود؟ در خلوت خود با وجدان خود به این امر بیاندیشید که نظام به گونه ای که شما از آن فهم می کنید در کجای این معادله نامتوازن دخل و خرج کارگران قرار دارد: در بهمن ماه حداقل هزینه یک خانواده چهار نفره بالغ بر ۲۵ میلیون ریال بوده است و این در حالی است که این رقم ۶ برابر حداقل دستمزد کارگران می باشد.

بخش نخست مصاحبه ایلنا با این دو نماینده کارگری به شرح ذیل است:
رییس کانون انجمن‌های صنفی کارگری سراسر کشور با تاکید بر لزوم پرداخت حق عضویت کارگران به تشکل‌های رسمی کارگری گفت: وظیفهٔ کارگران پرداخت حق عضویت است که پشتوانهٔ تشکل‌های رسمی کارگری محسوب مي‌شود. آن‌ها همین را از ما دریغ مي‌کنند.
غلامرضا خادمي‌زاده اظهار کرد: ما حداقل مزد را تعیین کرده‌ایم. چرا بیش از ۵۳ درصد از کارگران به حرف ما گوش نمي‌دهند و با حقوق کمتر از این میزان کار مي‌کنند؟ متاسفانه کارگران وظیفهٔ خود را انجام نمي‌دهند و تشکل‌های رسمی کارگری پشتوانه‌ی کارگری احساس نمي‌کنند.
در ادامه اولیاء علي‌بیگي، رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور با انتقاد از بي‌تفاوتی کارگران نسبت به اقدامات اعتراضی نمایندگان رسمی خود اظهار داشت: کسی که بخواهد برای مطالبهٔ حق خود اقدامی کند نیازی به گفتن ما ندارد. هنگامی که در سال ۸۶ با ترک جلسهٔ شورای عالی کار مصوبه دستمزد را امضا نکردیم حتی یک نفر از کارگران نیامد از ما تشکر کند و بگوید کار نیکی را که شروع کردید تمام کنید و مثلا بگوید بروید شکایت کنید.
وی ادامه داد: ما احساس کردیم که کارگران مساله تعیین حداقل دستمزد را پذیرفته‌اند. زمانی که ما مصوبهٔ دستمزد سال ۸۶ را امضا نکردیم و در این باره اطلاع رسانی شد عکس العملی از سوی کارگران ندیدیم که بدین معنا بود آن‌ها این مساله را قبول کرده‌اند.

هر چه آقایان بگویند نمي‌گوییم چشم
علی بیگی با تاکید بر اشتباه بودن این تصور که «نمایندگان جامعه کارگری در جلسه شورای عالی کار از حقوق کارگران دفاع نمي‌کنند» بیان کرد: نباید تصور شود روند مذاکرات به ترتیبی است که هر چه آقایان بگویند ما مي‌گوییم چشم. برای مثال در سال ۸۹ که بحث دستمزد روی افزایش ۹ درصدی تثبیت شد، دولت در شورای عالی کار مصمم بود نرخ افزایش دستمزد تک رقمی تعیین شود تا آثار تورمی نداشته باشد. آن سال، سال اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها بود و بایستی میان بد و بدتر یکی را انتخاب مي‌کردیم. ما یک بار مصوبه را امضا نکرده بودیم که نتیجه‌ای نگرفته بودیم پس باید تدبیر به کار مي‌بستیم.
این فعال کارگری ادامه داد: ما در جلسه مطرح کردیم تمایل داریم در اجرای طرح هدفمندی

یارانه‌ها به دولت کمک کنیم و از طرفی باید قانون رعایت شود. آن زمان فاصله ۹ درصدی افزایش دستمزد با تورم که ۱۱/۶ درصد بود ۷ هزار و ۸۰۰ تومان مي‌شد. در آن برهه با دولت به توافق رسیدیم تا ۸ هزار تومان را به بن کارگری اضافه کنیم.
وی با اشاره به این موضوع که باید از هر کس به اندازهٔ تواناييِ‌اش انتظار داشت افزود: نمایندگان کارگران در شورای عالی کار هم فکر دارند، هم اندیشه دارند، هم ایده دارند، هم چانه زنی مي‌کنند ولی باید از هر فردی به اندازه تواناييِ‌اش انتظار داشت. تعیین دستمزد یک موضوع سخت و پیچیده است. هر زمان که عرضه و تقاضا در بازار کار برابر نباشد جامعه کارگری دست پایین را خواهد داشت. در شرایط نامطلوب اقتصادي، تحریم‌ها و نابرابری عرضه و تقاضا در بازار کار باید با موضوع مزد واقع بینانه برخورد کرد.

تعیین حداقل مزد با توافق نسبی
در ادامه خادمي‌زاده رییس کانون انجمن‌های صنفی کارگری سراسر کشور با بیان این مطلب که «ما برای چه کسانی باید اعتراض کنیم؟ «گفت: اساسا به دلیل نابرابری عرضه و تقاضا در بازار کار، کارگران گوش به حرف ما نمي‌دهند. ما برای چه کسی اعتراض کنیم؟ اعتراض برای ۵۷ درصدی که با حقوق زیر حداقل دستمزد کار مي‌کنند؟
وی در واکنش به این مطلب که «مصوبه شورای عالی کار روی زندگی کسانی که شامل طرح طبقه بندی مشاغل نمي‌شوند تا کسانی که در کارگاه‌های کوچک یا نانوايي‌ها کار مي‌کنند و بعضا حقوقشان تا چند سال تغییر نمي‌کند تاثیر گذار است بنابراین این انتظار وجود دارد که شما به صورت حداکثری این دستمزد را به تصویب برسانید» اظهار داشت: متاسفانه تشکلات رسمی کارگری به هیچ عنوان از سوی کارگران حمایت نمي‌شوند و هیچ پشتوانه‌ای احساس نمي‌کنند اما تلاش خود را خواهیم کرد. با توجه به شرایط اقتصادی کشور، توافق طرفین جوابگوی نیاز کارگران نخواهد بود.
علی بیگي، رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور نیز در پاسخ به مطلب فوق گفت: شورای عالی کار، شورایی ترکیبی است. دولت و کارفرمایان هم در این شورا حضور دارند و همه آرا دست نمایندگان کارگری نیست. شورای عالی کار حداقل دستمزد را تصویب مي‌کند و کارفرمایان بایستی با توجه به پایه سنواتی کارگران دستمزدهایی بیشتر از این مبلغ را به کارگردان پرداخت کنند.
علی بیگی با غیر موثر خواندن عدم حضور در جلسه شورای عالی کار یا ترک جلسه از سوی نمایندگان کارگری به نشانه اعتراض به روند تصویب دستمزد ادامه داد: مطابق آیین نامه شورای عالی کار، جلسه در صورت تشکیل با اکثریت اعضا رسمیت مي‌یابد. دولت ۵ نفر، کارفرمایان ۳ نفر و کارگران ۳ نفر را در این شورا دارند. یکی از دلایل تغییرات آیین نامه در سال ۸۶، ترک جلسه از سوی گروه کارگری در همان سال بود.
وی با اشاره به این موضوع که «تعیین حداقل دستمزد کارگران تا به امروز با توافق نسبی همهٔ طرفین صورت گرفته است» افزود: ما نیازی نداریم که به دیوان عدالت اداری شکایت ببریم. این حقی است که قانون گذار برای ما پیش بینی کرده اما لزومی ندارد ما از همه حقوق قانونی خود استفاده کنیم. بهتر است با درک متقابل از دیگر شریک اجتماعی و دولت، مساله حداقل دستمزد راحل و فصل کنیم.

تشکل مستقل کارگری بي‌معناست
رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور با انتقاد از جمع آوری طومار اعتراضی توسط فعالان مستقل کارگری که خواهان افزایش دستمزد کارگران با توجه به شرایط نامطلوب اقتصادی کشور هستند، گفت: ما باید به سمت آرامش در کشور حرکت کنیم و نباید به دنبال تنش در محیطهای کارگری باشیم. اگر آقایان و خانم‌هایی که این امضاها را جمع آوری کردند دارای ماهیت روشنی بودند باید قبل از ارسال نامه به وزیر کار و نمایندگان مجلس، آن را به نمایندگان رسمی جامعه کارگری ارائه مي‌دادند. همه باید سعی کنند از طریق تشکل‌های رسمی کارگری اقدامات خود راجلو ببرند. وقتی کارگران نمایندگان رسمی خود را انتخاب کردند اساسا چه نیازی به جمع آوری امضا است؟
علی بیگی در پاسخ به پرسش خبرنگار ایلنا مبنی بر اینکه «چگونه است که برخی تشکلات

رسمی کارگری طومار حمایتی از مدیر دولتی تامین اجتماعی در جدال سیاسی بین دولت و مجلس را امضا مي‌کنند اما نیازی به جمع آوری امضا در اعتراض به وضعیت معیشتی کارگران نمي‌بینند؟» اعلام کرد: آیا امضا کردن یک نامه جرم است؟ جمع آوری امضا از سوی مجامع قانونی با جمع آوری امضا از سوی کسانی که ناشناخته‌اند تفاوت دارد. تشکل مستقل کارگری اساسا به چه معنا است؟
همچنین خادمي‌زاده رییس کانون انجمن‌های صنفی کارگری سراسر کشور در پاسخ به این پرسش اظهار داشت: من خودم از مخالفان سرسخت آقای مرتضوی بودم اما وقتی فردی به ریاست سازمان منصوب مي‌شود اینکه بگوییم که فلانی باشد و فلانی نباشد نادرست است. در میان هجمه‌های سیاسی اخیر و عزل وزیر کار چه چیزی نصیب کارگران شد؟

همهٔ کارگران در هیئت مدیرهٔ شرکت‌های شستا حضور داشته باشند
علی بیگی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور در واکنش به شائبه‌هایی که امضای حمایت از مدیرعامل سازمان تامین اجتماعی توسط دبیر کل کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور با وجود عضویت در هیات مدیره یکی از شرکت‌های سازمان سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی برای کارگران ایجاد کرده است، اظهار داشت: آقای برهانی سال‌ها است که در هیات مدیره شستا حضور دارد. سوال امروز ما باید این باشد که چرا یک نفر از جامعه کارگری در هیات مدیره شستا حضور دارد؟
همچنین خادمي‌زاده رییس کانون انجمن‌های صنفی کارگری کشور در واکنش به این موضوع بیان کرد: اتفاقا ما به دنبال آن هستیم که همهٔ کارگران در هیات مدیره شستا حضور داشته باشند زیرا سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های وابسته به آن متعلق به کارگران است.

تشکل‌های رسمی کارگری در راستای حفظ نظام تاسیس شده‌اند
علی بیگی در پاسخ به مطرح شدن انتقاد برخی فعالان کارگری مبنی بر ناکارآمدی نمایندگان رسمی کارگری در مذاکرات سه جانبهٔ شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد گفت: آقایان چگونه در مورد عملکرد ما قضاوت مي‌کنند؟ ما در شرایطی هستیم که محدودیت‌هایی برای نظام ایجاد شده است. بندهٔ علی بیگی ابتدا سرباز ولایت هستم و در مرحله دوم از حقوق کارگران دفاع مي‌کنم. حفظ نظام از خواندن نماز هم واجب‌تر است.
همچنین خادمي‌زاده با اشاره به ماده ۱۳۰ قانون کار، به این انتقاد اینگونه پاسخ داد: تشکل‌های رسمی کارگری اساسا در راستای حفظ نظام تاسیس شده‌اند. ما زمانی از حقوق کارگران دفاع مي‌کنیم که متضمن حفظ نظام باشد. چند سال روز کارگر روبروی وزارت کار تجمع کردیم و تابوت قانون کار را تشییع کردیم؟ آیا طومار اعتراضی جمع شده اثرگذار بود؟ کارهای اعتراضی جواب نمي‌دهد.
علی بیگی در توضیح نامه حمایتی بیش از صد تشکل کارگری و بازنشستگی از یکی از مدیران دولتی گفت: مهر سربرگ این نام برای کجاست؟ مهر برای کانون شورای اسلامی کار شهر تهران است نه کانون عالی شوراهای اسلامی سراسر کشور. من رئیس کانون عالی هستم.
این فعال کارگری افزود: من معتقدم یک تشکل کارگری رسمی می تواند در مورد عملکرد مسئولان دولتی قضاوت کند اما در اینجا فردی از اعضای هیات مدیره شورای اسلامی کار اظهارنظر کرده که شخصی است و ربطی به کانون عالی ندارد.

منتقدان حمایت از مرتضوي، او را برای ریاست تامین اجتماعی پیشنهاد دادند
رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور با انتقاد از کسانی که پیشنهاد مناظره مي‌دهند و سپس میدان را خالی مي‌کنند گفت: اول باید ببنیم چه کسی مرتضوی را انتخاب کرده است. براساس قانون، انتصاب مدیرعامل با پیشنهاد وی از سوی هیات امنای سازمان تامین اجتماعی و تایید وزیر کار صورت مي‌گیرد. در هیات امنای سازمان تامین اجتماعی دو نفر به عنوان نمایندهٔ تشکل‌های کارگری حضور دارند که ما آن‌ها را قبول نداریم.
علی بیگی در ادامه با انتقاد از عملکرد نمایندگان «مجمع عالی نمایندگان کارگران» در هیئت امنای سازمان تامین اجتماعی به دلیل حمایت از پیشنهاد مرتضوی برای ریاست این سازمان

افزود: منادیان مناظره که دیگر تشکل‌های کارگری را متهم به حرکت درخلاف جهت حقوق کارگران مي‌کنند در هیات امنای سازمان تامین اجتماعي، مرتضوی را به وزیر کار پیشنهاد دادند. حال همان‌ها مي‌گویند چرا از آقای مرتضوی حمایت کردید و چرا از حقوق کارگران دفاع نمي‌کنید؟

همچنین خادمي‌زاده رییس کانون انجمن‌های صنفی کارگری سراسر کشور پرسش‌هایی را در قبال دفتر این تشکل کارگری مطرح کرد و عنوان کرد: اصلا دفتر این تشکل کارگری کجاست؟ این ساختمان برای چه نهادی بوده است؟ به چه دلیل به آن‌ها سپرده شده است؟ ما با حمایت از مرتضوی چه به دست آوردیم آن‌ها چه به دست آوردند؟

مشکلات اقتصادی بر سبک زندگی ایرانی سایه افکنده است

به نوشته روزنامه قانون در تاریخ 9 اسفند آمده است :فاطمه رمضانیان:تصویری که از یک «دلال» در ذهن اغلب ماست، شاید تصویر مردی باشد در اکناف و اطراف خیابان فردوسی که به نجوا، دم از خرید و فروش دلار مي‌زند. یا در نگاهی متفاوت، مردی شیک و اتو کشیده که می شناسی اش و می دانی دارایی خود را از راه خرید و فروش هر آنچه فکر کنی به دست آورده است. اما تصور قامت ظریف یک زن در هیبت « واسطه گر» یا به زبانی ساده تر همان «دلال»، برایت ناممکن به نظر خواهد رسید. رخدادی که البته ناممکن نیست و این روزها نه در تخیل که در دنیای واقعي، در حال وقوع است و با اندکی دقت می توانی شاهد حضور نامحسوس این زنان در گوشه و کنار شهر باشی و ببینی که « نیاز» و شاید هم تلاش برای ارزش افزوده بر دارایي، چگونه کمر به شکستن سنت هایی بسته است که فکر نمی کردی روزی « واسطه گری» را به شغلی برای گروه هایی از زنان تبدیل کند.

تمایل به شغلی که «کاذب» است
واسطه گری های این روزهای زنان از «بن فروشی» در اطراف فروشگاه های زنجیره ای شهر گرفته تا حضور در بازار بزرگ برای خرید و فروش سکه و طلا یا حتی سرکشی به آگهی های روزنامه برای خرید و فروش خودرو، در سایه بروز مشکلات اقتصادی و درآمدی در جامعه رخ داده است. مشکلاتی که سبب شده تا زنان به شغل هایی چون واسطه گری در «بازار بورس و مسکن» نیز کشانده شوند که شاید چندان با فرهنگ و سنت ایرانی سنخیت نداشته باشد. آنچه جامعه شناسان به آن معتقدند، این است که مشاغل، زن و مرد نمی شناسند و به همین نسبت، مشاغل کاذب نیز برای هر دو گروه، کاذب است. جامعه سنتی ایران شاید هنوز با این نقطه نظر موافق نباشد و با دیدن زنی در این هیبت، بی درنگ انگشت سرزنش را به سویش نشانه بگیرد، بی آنکه از خود بپرسد چه چیز و چگونه این زنان را ناگهان از خانه به دنیایی کشانده که از دنیای قبلی اش، یک دنیا فاصله دارد. بنا به نظر کارشناسان، این نیز دیری نخواهد پایید و «نیاز به کسب درآمد» بر هر آنچه سنت شکنی است ، سرپوش خواهد گذاشت.

نیاز عاجل افراد در برابر بحران اقتصادی
قمر فلاح، جامعه شناس در گفت و گو با «قانون» در خصوص حضور نامحسوس زنان جامعه در نقش واسطه گر خرید و فروش، « نیاز» را عامل اصلی گرایش زنان به این شغل که در ردیف مشاغل کاذب قرار دارد عنوان کرده و با اشاره به اینکه با کم شدن زمینه رسمی اشتغال، افراد راه تامین درآمد را به هر طریق وصورت در پیش می گیرند، می گوید: «مشاغلی از این دست، پاسخگوی نیاز عاجل خانوارها در مقابل بحران اقتصادی و بیکاری است. با وجود اینکه این شغل به ویژه برای زنان جامعه سنتی ما، از آسیب و آزار مبرا نخواهد بود، اما آن‌ها دست از این کار نمی کشند و تنها عاملی که آن‌ها را در این راه نگه داشته ، نیاز است.» این جامعه شناس با تاکید بر اینکه تفکیک مشاغل بر مبنای جنسیت در شرایط بحران اقتصادی به منزله قیاس مع الفارق است، مردانه و زنانه بودن مشاغل را به سنت و تاریخ نسبت داده و می گوید که طی سال های آینده این نگاه شاید حتی برای جامعه ایران، کهنه و دور از ذهن به نظر

برسد. وی البته با قرار دادن نقش واسطه گر خرید و فروش یا به عبارت دیگر «دلال»، در ردیف «مشاغل کاذب» با تاکید بر اینکه چنین شغلی برای هردو گروه نامناسب است، اما در شرایط فعلی شاید برای افراد چاره ای جز این باقی نمانده باشد، مي‌گويد:« مسئله اینجاست که ما از انسان ها انتظار داریم در هر شرایطی به نفع جامعه و بدون فکر به نابودی خود عمل کنند. در حالی که انتفاع هر کس برای او در درجه نخست اهمیت قرار دارد. اشتغال به دلالی یا دست فروشی نه کار آسانی است و نه وجهه اجتماعی خوبی دارد، اما زنانی که به آن دست می زنند اغلب سختی را به جان می خرند. آن‌ها نه انتخاب دیگری دارند، نه تکیه گاهی و نه جایگزینی. در عین حال به راستی کدام یک از مشاغل این جامعه می تواند به کسب چنین درآمدی برای این افراد منتهی شود؟»

فقدان امنیت اجتماعي، تهدیدی برای زنان واسطه گر
فلاح در پاسخ به «قانون» دررابطه با آسیب های وارده از این شغل به خصوص بر وجود زنان، می گوید که فقدان امنیت اجتماعی و امکان سوءاستفاده های متفاوت، مهم ترین خطری است که این زنان را تهدید خواهد کرد. به دنبال این خطر، فقدان پایداری و امنیت شغلي، زیان هایی که ممکن است در دراز مدت سلامت این افراد را تحت الشعاع قرار دهد، بی برنامگی نسبت به روابط فرزند و خانواده و آسیب‌های ریز و درشت دیگر، بر زندگی این افراد سایه خواهد افکند. وی با اشاره براینکه شغل این افراد هرچند که درآمدزا، اما نا امن و بی برنامه است و این ضعف، از فقدان برنامه در سیاست گذاری و عملکرد حکومت ها نشات می گیرد، موضوع را از اصل نیازمند بررسی می داند و می گوید: « دولت زمینه اشتغال شهروندانش را فراهم نمی کند، به این ترتیب از حق نظارت بر عملکرد آن‌ها نیز محروم مي‌شود چرا که به این ترتیب با دست خود آن‌ها را به سمت مشاغل کاذب و پنهان سوق می دهد. امکان سوءاستفاده، تقلب و کلاه برداری را افزایش می دهد و شهروندانش، بی آنکه نقشی در تولید داشته باشند، به راه هایی مانند واسطه گری های خرد روی مي‌آورند. »

هر فعالیت غیر قانوني، یک هشدار برای جامعه
«هادی معتمد»، آسیب شناس اجتماعی نیز در گفت و گو با «قانون»، با اشاره به نادرست بودن تفکیک مشاغل بر مبنای جنسیت، میزان آسیب پذیری مشاغل کاذب از قبیل واسطه گری خرید و فروش را بسیار زیاد دانسته و با تاکید بر اینکه انجام هر کار غیر قانونی به منزله یک هشدار برای جامعه است، «دلالی» را به خصوص برای زنان با دو هشدار مضاعف همراه می داند: نخست، انجام فعالیت‌های غیر قانونی و دوم، امکان گرفتاری در سیستم حرفه ای کلاه برداری و خلافکاری. وی عواملی از قبیل وجود میلیون ها بیوه نیازمند اشتغال، ترجیح کارفرمایان به استخدام مردان، بیکار بودن بیش از نیمی از زنان تحصیل کرده و عواملی از این قبیل را بر حضور زنان در این مشاغل موثر می داند و در پاسخ به «قانون»، عملکرد زنانی را که با ذخیره سکه، طلا، دلار، و اجناس دیگر ، در فرصت مناسب اقدام به فروش آن‌ها و کسب سود سرشار می کنند، به منزله «احتکار» تلقی کرده و می گوید: «پولی که بدون ارائه تولید و خدمات، بر مقدار آن افزوده شود، به تورم می انجامد.» قمر فلاح اما در اظهار نظری متفاوت، معتقد است که این افراد به لحاظ عقلايي، دست به کاری منطقی زده و در وقع از فقیر شدن خود جلوگیری مي‌کنند. وی با اشاره به اینکه آنچه انسان ها در شرایط اضطرار در نظر می گیرند، انتفاع شخصی است، مي‌گويد:« راهکار کاهش حضور زنان در این مشاغل، در دست خود این زنان نیست. به نصیحت نیز چیزی درست نخواهد شد. جایی که باید در آن به دنبال راه حل گشت، دست های سیاست گذاران است که عهده‌دار مسئولیت شده ، بنابراین لازم است که مسئول و پاسخگو باشد. باید از دولت ها پرسید که چه برنامه ای دارند و ابزارشان برای جلوگیری از گرایش شهروندان به مشاغل کاذب چیست؟»

افزایش ۲۰درصدی قیمت بلیت متروتهران در سال ۹۲

به گزارش روز نامه آرمان در تاریخ 10 اسفند 91 آمده است : نرخ بلیت مترو تهران در سال آینده ۲۰درصد افزایش می‌یابد. براساس این خبر، تمامی بلیت‌های مدت‌دار مترو در سال آینده

حذف می‌شود. به گفته رییس کمیسیون عمران و توسعه شورای شهر تهران، لایحه پیشنهادی نرخ بلیت مترو تهران در سال آینده بررسی شد که در پایان کمیسیون نسبت به افزایش ۲۰درصدی رای مثبت داد. حمزه شکیب، با اشاره به این‌که کمیسیون عمران، کمیسیون تخصصی مباحث تعیین کرایه‌ها است، گفت: قطعا اعضای شورای شهر با این افزایش موافقت می‌کند زیرا ما با بررسی تمامی جوانب نسبت به این درصد افزایش رای مثبت دادیم و افزایش ما منطقی است. البته به گفته او، افزایش ۲۰درصدی حقوق کارمندان در سال ۹۲، به افزایش هزینه‌های نگهداشت مترو می‌رسد. شهرداری تهران نیز این میزان افزایش نرخ بلیت را پیشنهاد داده بود که به تایید کمیسیون عمران رسید. شکیب همچنین ادامه می‌دهد: «مترو ناچار است برای تامین هزینه‌های موجود در شرایطی که دولت سهم خود را پرداخت نمی‌کند، هزینه‌های خود را به نوعی تامین کند»

تشنگی مردم یزد و صف های طویل در مقابل تانکرها برای دریافت آب آشامیدنی

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 10 اسفند آمده است : نماینده مردم اردکان در مجلس شورای اسلامی در اخطار قانون اساسی گفت: پذیرش لایحه بودجه را به زمانی که رئیس جمهور گزارش برنامه یک ساله را ارائه کند موکول کنید.
به گزارش خبرنگار ایلنا، محمد رضا تابش در صحن علنی امروز مجلس شورای اسلامی اظهار داشت: طبق اصل ۱۲۲ به دلیل اینکه رئیس جمهو ر گزارش برنامه یک ساله کشور را به همراه بودجه به مجلس ارائه نداده است از هیات رئیسه مي‌خواهم پذیرش لایحه بودجه را به زمانی که وی این گزارش را به مجلس بدهد موکول کند.
محمدرضا تابش طی اخطار قانون اساسی بند ۱۱ ماده ۲۴ آیین نامه داخلی مجلس یادآور شد: عمده مشکلات کشور در شرایط فعلی ناشی از قانون گذاری است. در ماده ۲۱۳ دولت ملزم شده که هر سال شخص رئیس جمهور باید گزارش یک ساله قانون برنامه کشور را به همراه بودجه ارائه دهد اگر قانون به درستی اجرا مي‌شد امروز شاهد این تورم و معیشت بد مردم نبودیم، چراکه هر سال با رصد این برنامه درجهت چاره جویی برای حل مشکلات مردم عمل مي‌کردیم.
وی خطاب به ابوترابی فرد ادامه داد: رروز گذشته مجلس حسن نیت خود را در رای اعتماد وزیر ارتباطات نشان داد.شما میانه روی دارید از طرفی حضرت عالی موظف هستید طبق قانون شان مجلس را حفظ کنید، اما طبع اعتدالی شما باعث مي‌شود لایحه سه دوازدهم را برای اینکه اختلالی در امور کشور ایجاد نشود، بپذیرید.
وی ادامه داد: طبق اصل ۱۲۲ به دلیل اینکه رئیس جمهور گزارش برنامه یک ساله را همراه با بودجه ارائه نکرده است از هیات رئیسه مي‌خواهم پذیرش لایحه بودجه را به زمانی که رئیس جمهور گزارش برنامه را ارائه دهد موکول کند.
نماینده مردم یزد در ادامه با اشاره به مشکلات آب مردم این استان عنوان کرد:ای کاش صدا و سیما صف‌های طویل مردم را که برای دریافت آب شرب جلوی تانکرهای آب ایجاد کرده بودند منعکس مي‌کرد. ای کاش مسئولان هر چه زودتر به فریاد العطش مردم این استان پاسخ دهند

درگیری مردم اصفهان با نیروهای انتظامی

به نوشته سایت ندای سبز در 10 اسفند آمده است : بدنبال اعتراض جمعی از مردم اصفهان به انتقال آب این استان به یزد، روز گذشته بین معترضان و نیروهای انتظامی درگیری شد.
در حالی که اعتراضات مردم به درگیری با نیروهای انتظامی انجامیده است، قرار است مجلس برای بررسی وضعیت آب استان های اصفهان، یزد و چهارمحال و بختیاری با حضور وزیران اطلاعات، نیرو و کشور جلسه ای برگزار کند.
مشکل کمبود آب تاکنون مشکلات زیادی برای کشاورزان اصفهانی ایجاد کرده است.
کشاورزان منطقه در اعتراض به کمبود آب و انتقال آب این استان به یزد از دو ماه پیش اعتراضات خود را آغاز کردند که چهارم اسفند ماه به شکسته شدن خط انتقال آب به استان

یزد همراه شد.
بیشتر معاون سیاسی امنیتی استاندار اصفهان در خصوص شکسته شدن خط لوله انتقال آب اصفهان / یزد نیز مدعی شده بود:« دغدغه خاصی در این خصوص وجود ندارد و در زمان شکسته شدن این خط لوله مردم در صحنه حاضر شدند و در این خصوص حمایت خود را اعلام کردند و دغدغه خاصی برای آن نداریم.»
در همین حال، سردار محمد رضا فلاح زاده استاندار یزد طی پیامی با تاکید بر حل فوری این معضل که می تواند ابعاد اجتماعی گسترده ای داشته باشد، از مردم یزد خواسته است تا در مصرف آب صرفه جویی کنند.
فلاحزاده تصریح کرد: کار بازسازی خط انتقال آب از اصفهان به یزد از همین امروز آغاز شده و اگر امنیت کامل منطقه برقرار شود و مردم حاضر در محل به خانه‌هایشان بازگردند، ظرف یک هفته تا 10 روز آینده خط به طور کامل ترمیم مي‌شود و آب به مدار باز مي‌گردد.
وی در مورد پمپ‌های آسیب دیده ایستگاه چهار و تابلوهای برق این ایستگاه عنوان کرد: پمپ‌ها آسیب جدی دیده‌اند و باید بررسی شوند و در صورتی که قابل تعمیر نباشند باید تهیه و تعویض شوند. در پیام تاکید کرده در پی این رخداد، استان با محدودیت شدید منابع آبی در بخش شرب و بهداشت روبرو شده است. این حرکت خودسرانه در حالی صورت می گیرد که حدود 90 درصد از آب انتقالی از اصفهان به یزد در بخش شرب به مصرف می رسد.
وی در مورد پمپ‌های آسیب دیده ایستگاه چهار و تابلوهای برق این ایستگاه عنوان کرده بود : پمپ‌ها آسیب جدی دیده‌اند و باید بررسی شوند و در صورتی که قابل تعمیر نباشند.
در همین حال، نماینده مردم لنجان در مجلس شورای اسلامی با اشاره به صحبت های مسئولان یزد درباره اینکه مردم اصفهان بدانند که آب انتقالی به آن اندازه زیاد نیست که باعث ایجاد بحران شود، تاکید کرد: آبی که به استان یزد انتقال پیدا مي‌کند حداقل 60 میلیون لیتر در سال است که با توجه به مشکل آب اصفهان مقدار کمی نیست و مي‌تواند بخشی از آب آشامیدنی خود استان را تأمین کند.
از سوی دیگر اعتراض کنندگان اصفهانی با خانواده های خود در برابر لوله انتقال آب تجمع کرده بودند.
پس از آن نیروهای انتظامی عده ای را بازداشت کردند که با مقاومت مردم منطقه ناچار به آزادی آنان شدند.
روز گذشته در حالی که گروهی از ماموران برای تعمیر این خط لوله به منطقه عازم شدند با مقاومت مردم رو به رو و منجر به درگیری شد.
آنطور که در فیلم منتشر شده در یوتیوب دیده می شود مردم سه دستگاه اتوبوس نیروی ویژه انتظامی را به آتش کشیدند.
گفته می شود نیروهای انتظامی از گاز اشک آور و فشنگهای ساچمه ای برای متفرق کردن مردم استفاده کردند.
در همین حال خبرگزاری فارس روز گذشته گزارش داد که در اواسط مسابقه تیمهای فوتبال سپاهان و النصر اماراتتعدادی از اعضای نیروی انتظامی به دلیل مشکلاتی که به خاطر ترکیدگی لوله در شهر اصفهان به وجود آمده است ورزشگاه را ترک کردند.
مشکل کمبود آب در استان اصفهان تاکنون منجر به بیکاری سیصد هزار نفر از کشاورزان شده است.

«دورکاری» روشی برای دور نگاهداشتن زنان از محیط کار به بهانه حفظ وظایف مادری

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 10 اسفند آمده است : رئیس مرکز امور زنان و خانواده گفت: طرح دورکاری یکی از راهکارهای ارزشمند در زمینه اشتغال بانوان است و راهکاری برای ایجاد تعادل بین وظایف مادری و همسری و وظایف اجتماعی است.
به گزارش ایلنا، مشاور رییس جمهور در امور زنان و خانواده با ارائه آمار مقایسه‌ای قبل و پس از انقلاب اسلامي، رشد شاخص‌های توسعه انسانی در حوزه زنان کشور را در زمینه‌های مختلف آموزشي، بهداشتي، امید به زندگي، تحصیلات دانشگاهي، ورزشي، مدیریتي،

سياسي، اقتصادی و... ممتاز دانست و اظهار داشت: دیدگاههای مترقی امام راحل، علمای دین و مقام معظم رهبری که برگرفته از اسلام و احکام قرآنی مي‌باشد، سبب شد تا پس از انقلاب اسلامی تحولی شگرف میان زنان کشور ما در همه عرصه‌ها و به ویژه در حوزه اندیشه و تفکر به وجود آید.
وی همچنین فعالیت‌های مرکز امور زنان و خانواده در راستای اجرای ماده ۲۳۰ را تشریح کرد و گفت: سیاستهای مرکز امور زنان و خانواده براساس اسناد بالادستی طراحی و اجرا مي‌شود که بیانات و مطالبات مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری در حوزه زنان از سال ۶۸ تا کنون در حوزه مسائل زنان در ۸ هزار واژه جمع آوری شده و درقالب کتابی با عنوان ستم چاپ شده و به عنوان منشور فعالیت مرکز در حوزه سیاستگذاری و برنامه ریزی در حوزه زنان و خانواده تلقی مي‌شود.
مجتهدزاده با اشاره به سخنان مقام معظم رهبری دربحث امنیت زنان در حوزه خانواده گفت: تمام قوانین در حوزه زنان اعم از قوانین مدنی و جزايي، مورد بازنگری قرار گرفته و خلأهای قانونی که در مورد تأمین حقوق و تأمین امنیت زنان در خانواده وجود دارد مورد بررسی قرار گرفته است.
وی با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری در سومین نشست اندیشه‌های راهبردی در زمینه اشتغال زنان و توصیه‌های ایشان برای ایجاد تعادل بین مادری و همسری و فعالیت اجتماعي، خاطر نشان ساخت: فراهم آوردن زمینه‌های این تعادل وظیفه دولت است، لذا مرکز برای اشتغال زنان به شکل نیمه وقت و یا تمام وقت لوایح و طرح‌هایی را به هیات وزیران پیشنهاد کرده تا آن‌ها بتوانند بین وظیفه خانگي، مادری و حضور اجتماعی توازن ایجاد کند که برخی پذیرفته و برخی دیگر در حال بررسی است.
وی به طرح دور کاری به عنوان یکی از راهکارهای ارزشمند در این زمینه اشاره کرد و گفت: این طرح در بسیاری از کشورها اجرا شده و نتایج مثبتی در پی داشته است.
وی افزود: مرکز امور زنان پیشنهاد اولویت دادن به زنان دارای فرزند زیر شش سال، مادران دارای فرزند معلول، زنان دارای همسر بیمار یا سرپرست خانوار را ارائه کرد که مورد موافقت دولت قرار گرفت.
وی همچنین فعالیت‌های مرکز در زمینه مشوق‌های فرزند آوری را برشمرد و گفت: با توجه به اینکه نیروی انسانی مي‌تواند عامل اقتدار و پیشرفت جوامع باشند لذا مرکز امور زنان با مطالعه تجارب کشورهای مختلف در این زمینه به روش‌های منطقی در این زمینه دست یافته و در این زمینه طرح‌هایی در دست اقدام دارد.
مجتهدزاده به افزودن سه سال به شرط سنی اشتغال بانوان اشاره کرد و گفت: سنین فرزندآوری بسیاری از زنان با شروع اشتغال آن‌ها تداخل پیدا مي‌کند و این افراد اگر بخواهند بعد از به دنیا آوردن فرزند و طی دوران شیردهی شاغل شوند با شرط سنی اشتغال مشکل پیدا مي‌کنند که پیشنهاد افزایش سه سال به سن استخدام زنان دارای فرزند ارائه و مورد موافقت قرار گرفت و به مراکز استخدامی ابلاغ شد.
رئیس مرکز امور زنان و خانواده با اشاره به مشکل زنان پس از مرخصی زایمان برای بازگشت به محل کار گفت: از هیئت دولت درخواست شد مادرانی که فرزند شش ماهه دارند و مي‌خواهند از مرخصی بدون حقوق تا دو یا سه سال استفاده کنند و یا خواهان دورکاری هستند، برای آن‌ها این امکان فراهم شود، که مورد موافقت هیئت دولت قرار گرفت.
وی پیشنهاد سن بازنشستگی زود هنگام به تعداد فرزندان به هیات وزیران را نیز از تسهیلات در نظر گرفته شده به عنوان مشوق‌های فرزندآوری از سوی مرکز امور زنان و خانواده اعلام کرد.
وی با اشاره به اینکه بخشی از زنان متقاضی اشتغال نیمه وقت هستند، اعلام کرد: ما خواستار این بودیم که زنانی که از همان ابتدا درخواست استخدام نیمه وقت دارند با مانع مواجه نشوند، همچنین زنان سرپرست خانوار از حق اولاد برخوردار شوند و نیز دخترانی که ازدواج نکرده اما سرپرستی پدر و مادر خود را دارند حق عائله‌مندی دریافت کنند که همگی محقق شد.
مشاور رییس جمهور اظهار امیدواری کرد تعامل مرکز امور زنان و خانواده با دستگاه‌ها و

سازمانهای مردمی به ویژه سازمان داوطلبان هلال احمر بتواند در رفع کاهش آسیب‌های زنان و خانواده‌ها موثر باشد.

تجمع اعتراضی مردم یزد در مقابل استانداری

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا از یزد، در تاریخ 10 اسفند آمده است :جمعی از مردم یزد از دقایقی پیش با تجمع مقابل استانداری یزد، خواستار حل مشکل آب استان یزد شده اند.
این تجمع در فضایی آرام و به دور از تنش برگزار شده است.
گفتنی است آب برخی از مناطق شهر یزد با جمعیتی بالغ بر ۶۰۰ هزار نفر در پی آسیب به خط لوله انتقال آب در روز شنبه قطع است.
آب ۱۳ شهر استان یزد از آب گوهرنگ استان چهارمحال و بختیاری که از طریق اصفهان به یزد می آید، تامین می شود.
این خط لوله در سال ۱۳۷۹ با سرمایه گذاری ۷۵ میلیارد تومان توسط رئیس جمهور وقت افتتاح شده است.

دولت؛ کارگردان شورای نمایشی تعیین دستمزد

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 11 اسفند آمده است : یکشنبه شب خود، هیئت دولت را در روند تصویب حداقل دستمزد سال آینده واسطهٔ میان گروه‌های کارگری و کارفرمایی عنوان کرد و تصمیم‌گیرندگان نهایی دستمزد را کارگران و کارفرمایان خواند، نمایندگان کارگری و کارفرمایی شورای عالی کار معتقدند با حضور ۵ نماینده از سوی دولت و وجود تنها ۳ نماینده از جانب هر کدام از شرکای اجتماعی (کارگران و کارفرمایان) در شورای عالی کار، تصمیم نهایی در خصوص دستمزد به عهده دولت است.
به گزارش ایلنا، شورای عالی کار همه ساله در اسفند ماه با حضور نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت تشکیل جلسه می‌دهد تا با انجام مذاکراتی در مورد حداقل دستمزد سال آتی، میزان آن را مشخص کنند.
مطابق ماده ۱۶۷ قانون کار، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان رئیس شورای عالی کار مشخص شده است. همچنین دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسائل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وی و تصویب هیات دولت، سه نفر از نمایندگان کارفرمایان و سه نفر از نمایندگان کارگران در این شورا حضور دارند.
از دست رفتن سه جانبه گرایی در شورای عالی کار و بی‌تاثیر شدن حضور یا عدم حضور نمایندگان گروه کارگری در این شورا به موجب قوانین مصوب مجلس (ماده هشت قانون نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و تبصره سه ماده ۱۸ قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران) که ۲ نفر دیگر از سوی دولت را به اعضای شورای عالی کار اضافه کرده نگرانی جامعه کارگری را بر انگیخته است.

شورایی که دیگر شورا نیست

با افزایش ۲ نفر به ترکیب سه نفره گروه دولتی شورای عالی کار و ثابت ماندن تعداد آرای کارگران و کارفرمایان، دولت در مصوبات این شورا از جمله دستمزد دارای بیشترین رای است.
در همین رابطه محمد احمدی عضو کارگری شورای عالی کار حضور ۵ نماینده از سوی دولت در این شورا را با «روح سه جانبه‌گرایی در قانون کار» متضاد می‌داند و می‌گوید: در این شرایط، حضور یا عدم حضور گروه کارگری در جلسات شورای عالی کار تاثیری بر رسمیت یافتن جلسه و روند تصویب دستمزد ندارد.
همچنین حسین سلاح ورزی از فعالان جامعه کارفرمایی کشور نیز معتقد است: حضور ۵ نماینده از سوی دولت در شورای عالی کار روند مذاکرات را تحت الشعاع خود قرار داده است.
در حالی که ۱۱ نفر عضو رسمی در شورای عالی کار حضور دارند، جلسات این شورا مطابق آیین نامهٔ مصوب هیئت دولت با ۷ نفر رسمیت می‌یابد. در این صورت عدم حضور ۳ نمایندهٔ کارگری در شورا، تاثیری بر رسمیت یافتن جلسه نخواهد داشت.

همچنین ابزارهای اعتراضی کارگران از جمله ترک جلسه به روند مذاکرات و عدم امضای مصوبهٔ دستمزد از سوی نمایندگان کارگری بی‌تاثیر شده و بدان معناست که موافقت یا عدم موافقت نمایندگان کارگری با مبلغی که در نهایت به عنوان حداقل دستمزد تعیین می‌شود تفاوتی نمی‌کند و دولت کارگردان مطلق شورایی نمایشی شده است.
رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور که در به عنوان عضو ناظر، در صدر نمایندگان کارگری مذاکره کننده در شورای عالی کار قرار دارد، عدم حضور نمایندگان کارگری در این شورا یا ترک جلسه از سوی آنان به نشانه اعتراض به روند تصویب دستمزد را «غیر موثر» می‌خواند و می‌گوید: هرگونه اقدام به ترک جلسه یا خوداری از امضای مصوبه شورای عالی کار از سوی هرکدام از شرکای کارگری و یا کارفرمایی تنها جنبه نمادین داشته و فاقد کارایی و بازدارندگی قانونی است.
علی بیگی تغییرات ایجاد شده در آیین نامهٔ شورای عالی کار را به سال 86، زمانی ارجاع می‌دهد که نمایندگان کارگری برای اولین بار مصوبهٔ دستمزد را به نشانهٔ اعتراض امضا نکردند.
اما نکته‌ای که وی توضیح نمی‌دهد چرایی عدم ارجاع این مسئله از سوی تشکل‌های رسمی کارگری به نهادهای نظارتی وقضایی از جمله دیوان عدالت ادرای است.

نقش مشورتی نمایندگان کارگری

در شرایطی که وصف آن رفت، قدرت شورایی که تصمیماتش بر روی زندگی میلیون‌ها کارگر تاثیر می‌گذارد به گونه‌ای تقسیم شده که نقش نمایندگان کارگری در حد گروهی مشورتی تقلیل یافته است.
دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرمای کشور تبدیل به پدری شده است که از دو گروه کارگری و کارفرمایی حاضر در جلسات شورای عالی کار انتظار تبعیت دارد.
به نظر می‌رسد نمایندگان کارگری که قرار بوده است با چانه زنی و سایر ابزارهای قانونی از جمله شکایت به دیوان عدالت اداری، ماده ۱۴۱ قانون کار و... از حقوق جامعه کارگری دفاع کنند کمترین نقش را در شورایی که تصمیماتش بیشترین تاثیر را بر زندگی میلیون‌ها کارگر دارد بازی می‌کنند.

بازداشت کارفرما و تعویق ۱۰ ماه حقوق کارگران

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 11 اسفند آمده است : دبیر خانه کارگر سمنان اعلام کرد: حقوق کارگران کارخانه سیم کابل شاهین (سرخه) در ۱۰ ماه گذشته پرداخت نشده است.
حبیب الله محقق با اعلام این خبر به ایلنا گفت: حدود ۱۵۰ کارگر کارخانه سیم کابل شاهین (سرخه) در استان سمنان از اردیبهشت ماه سال ۹۱ تا هم اکنون که روزهای پایانی سال جاری را سپری می‌کنیم حقوقی دریافت نکرده‌اند و تاکنون نتوانسته‌اند بعد از پیگیری‌های قانونی به مراجع ذیصلاح به مطالبات قانونی خود برسند.
این فعال کارگری با بیان اینکه بیش از ۷ ماه است که این کارخانه تولید کننده سیم و کابل تعطیل شده است، تصریح کرد: مشکلات این کارخانه به حدی پیچیده شده است که کارفرما و سایر مسئولان این واحد تولیدی، کارخانه را بدون پرداخت مطالبات کارگران رها کرده‌اند.
او در این زمینه اضافه کرد: یکی از مهم‌ترین عوامل تعطیلی کارخانه سیم کابل شاهین افزایش مشکلات مالی آن است که گفته می‌شود، مدیر عامل این کارخانه به همین دلایل، با افزایش بدهی‌ها با حکم قضایی طلب کاران، روانه زندان شده است.
این فعال کارگری با اشاره به اینکه رهایی مدیر عامل کارخانه برای کاهش مشکلات کارخانه وکارگران می‌تواند مثمر ثمر باشد، اظهار داشت: راهکار دیگری که برای حل این موضوع به نظر می‌رسد این است که سایر مسئولان این کارخانه با اخذ وکالت قانونی از مدیر عامل پیگیر مشکلات کارخانه و کارگران شوند

با استحکام اتحادطبقاتی
به استقبال روز جهانی زن برویم !

8 مارس (روز جهانی زن) امسال در حالی فرا می رسد که نظام سرمایه داری در سطح جهان همچنان با یکی از بحران های کم نظیر اقتصادی خود بسر می برد. بحران جاری درمناطق زیادی از جهان به بحران های سیاسی عمیقی تا حد تغییر دولت ها وانتخابات بعد از انتخابات انجامیده است. سرمایه داری از طریق ارگانهای جهانی اش همچون صندوق بین المللی پول، بانک جهاني، بانک مرکزی اروپا، سازمان تجارت جهانی وسازمان نظامی ناتو و دولت های محلی در هر کشور بار بحران خود رابردوش کارگران، مزدبگیران انداخته است. بیکاري، فقرو نابسامانی اجتماعی بر جامعه سایه افکنده است وبیشترین قربانی های خود را کودکان و زنان تشکیل می دهند.
سیاست های سرمایه داری حاکم بر جهان (نئولیبرالی و خصوصی سازیها) ازسه دهه گذشته تاکنون فقر و فحشا، اعتیاد و بیکاری وانواع بیماریها را به پدیده ای وسیعاً رایج در جهان تبدیل کرده است. در این میان زنان کارگر و زحمتکش در چهارگوشه ای جهان به اشکال مختلف قربانی سیاست های سود جویانه و جنگ طلبانه سرمایه دارانی هستند که تنها به سود دهی بیشتر می اندیشند. زنان کارگر و زحمتکش نه تنها همپای مردان هم طبقه ای های خود مورد ستم و استثمار قرار میگیرند، از ستم جنسی نیز به علت تسلط سیستم ارتجاعی مرد سالارانه سرمایه داری رنج می برند. سرمایه داری که نظام اقتصادی اقلیتی ازجامعه است از طریق ابزارهای سیاسي، اجتماعي، فرهنگی و مذهبی نابرابری جنسی را دامن زده و به اشکال مختلف باز تولید می کند. هم از طریق بکارگیری نیروی کارارزان زنان کارگر و کودکان کار بیشترین سود آوری را بدست می آورد وهم با این روش بیشترین شکاف و تفرقه را در میان صفوف کارگران ایجاد می کند. طراحان، کارشناسان و نماینده گان رنگارنگ سرمایه داری واقفند که، در میان چالش های موجود، طبقه کارگرمتحد تنها نیرویی است که قادرخواهد بود جامعه بشری را به نفع اکثریت آحاد متحول کند وتمامی نابرابرهای موجود از جمله نابرابری جنسی و ستم بر زنان را ریشه کن کند.
درکشورهای صنعتی با سیستم سیاسی دموکراسی سرمایه داري، قوانین مدنی در مورد زنان و مردان ظاهرا برابر است. در واقع اما زنان از دستمزد وحقوق اقتصادی برابر با مردان برخوردار نیستند وآمار بالایی ازانواع خشونت و بویژه خشونت های خانه گی در مورد آنان اعمال می شود. کاهش خدمات اجتماعی و اعمال سیاست های ریاضتی از سوی نظام سرمایه داری بیشترین فشار را خصوصا بر زنان کارگر و زنانی که نگهداری فرزندان را برعهده دارند تحمیل شده است. تجارت انواع تن فروشی زنان را در معرض انواع آسیب های روانی و جسمانی قرار داده است.
در کشورهای پیرامونی که شرایط استثمار و برده گی بمراتب وحشتناکتراست، زنان در معرض انواع آسیب های ناشی از نظام مردسالار سرمایه داری بسر می برند. تمام قوانین قرون وسطایی و پیشاسرمایه داری را نظام حاکم بخدمت گرفته است تا از حفظ سود آوری بیشتر به قیمت استثمار کارگران و مزدبگیران و خصوصا زنان کارگر پاسداری کند. با دیکتاتوری عریان سیاسي، نظامی ومذهبی توقعات برحق جامعه سرکوب شده و زنان را در صف مقدم قربانیان نظام بسر می برند. انواع خشونت بر زنان چه در محیط کار و چه در محیط زندگی روزانه باز تولید می شود وبیشترین فجایع غیر انسانی در مورد زنان بکار گرفته می شود. بی جهت نیست که با بروز طغیان های اجتماعی و نیز عروج جنبش های توده ای بر علیه نظام حاکم و رژیم های دیکتاتوری دست نشانده آن در کشورهای پیرامونی زنان در صف مقدم مبارزات قرار می گیرند. جنبش های توده ای کشورهای عربی در دو سه سال اخیر حضور چشمگیر زنان را در آن نشان داد.
در ایران حاکمیت ارتجاع اسلامي، با نهادینه نمودن قوانین پوسیده ضد زن، بیشترین تبعیض جنسی و طبقاتی برآنان را اعمال نموده و از نظر اجتماعی- سیاسی آنها را درموقعیت درجه دوم قرار داده است. باز گرداندن زنان به کنج خانه و محروم ساختن آنها از اشتغال، وابسته کردن هر چه بیشتر آنها از نظر اقتصادی به مردان، خشونت و سرکوب روز افزون بر آنها، نهادینه شدن کنترل مردان بر زندگی زنان، مرد سالاری و نابرابری فزاینده ای را بر زندگی زنان

حاکم نموده است. فرودستی و تبعیض ونابرابري، فقدان تامین اجتماعی و سرکوب و خشونت بر زنان که ریشه در نظام سرمایه داری دارد، شرایط دشواری را برای زنان در ایران، تحت سلطه یک حکومت ارتجاعی مذهبی و در ابعاد گسترده ای ایجاد نموده است. اعتراض و مبارزه هر روزه زنان در ایران علیه این همه نابرابری و بربریت جمهوری اسلامی در طول بیشتر از سه دهه به اشکال مختلف درجریان بوده و خواهد بود.
رفع ستم جنسی و تبعیض برزنان درچهارگوشه جهان، چه آنجا که قوانین دموکراسی سرمایه حاکم است و چه در کشورهایی که دیکتاتوری های عریان نظامي، مذهبی حافظ قوانین سرمایه هستند بجزاز مسیرمبارزه علیه سیاست های سرمایه داری و متحد شدن هر چه بیشتر طبقه کارگر مقدور نخواهد گردید . مسئله زن در جهان، خاورمیانه و در کشورهایی مانند ایران ، در همه ابعاد آن، در روند حل نهائی خود، با مبارزه بر علیه سرمایه داری گره خورده است. بطور کلی مبارزات زنان برای رفع ستم جنسیتي، ماهیتی کاملا ضد سرمایه داری دارد و در پیوندی گسست ناپذیر با مبارزات کارگران و زحمتکشان است وبدون لغو مالکیت خصوصي، ماهیت زن به عنوان یک کالا نیز از بین نخواهد رفت.
نقش جنبش زنان بعنوان جنبشی بسیار مهم در اعتراضات ضد سرمایه داری و ضد سیاست های نئولیبرالیستي، بیش از پیش به این ضرورت مهر تایید می زند که مبارزه برای رفع ستم جنسیتی در پیوندی ناگسستنی با مبارزه برای رفع ستم طبقاتی قرار دارد و حضور زنان در صحنه مبارزه طبقاتی به تعمیق مبارزات زنان می انجامد. تجربه ثابت کرده است که میزان موفقیت و رشد جنبشهای اجتماعی به میزان شرکت زنان در آن جنبش رابطه مستقیم داشته و پیروزیهای حاصل بدون شرکت زنان امکان پذیر نخواهد بود. امروز مسئله رهایی زنان بنا به ضرورت طبقاتیش این وظیفه را جلوی پای فعالین سوسیالیستی جنبش کارگری و جنبش زنان می گذارد که یکی از راههای مهم خاتمه دادن به پراکندگی زنان و بویژه زنان کارگر در امر مبارزاتیشان و نزدیک شدنشان بدرجه ای به استراتژی موجودشان درگرو ایجاد تشکلها یشان است.

نهادهای همبستگی با جنبش کارگری در ایران - خارج کشور
مارس ۲۰۱۳

NHKOMMITTEHAMAHANGI@GMAIL.COM
/HTTP://NAHADHA.BLOGSPOT.COM
BOLTANXABERI@GMAIL.COM
HTTP://WWW.YOUTUBE.COM/USER/NAHADHAYHAMBASTEGY

مصاحبه مطبوعاتی با منصور اسانلو و اتحاد او با «موج سبز»

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در 11 اسفند 91 آمده است : اولین مصاحبه مطبوعاتی یکی از رهبران جنبش کارگری ایران در اتحاد با موج سبز
منصور اسنلو: شرایط تغییر در ایران امروز وجود دارد چرا که در فضای داخل هرکسی میگوید باید کاری کنیم

امیر حسین جهانشاهي، بنیانگذار موج سبز در یک کنفرانس خبری که با شرکت نمایندگان رسانه‌های معتبر بین‌المللی در قلب لندن برگزار شد، منصور اسانلو از رهبران شناخته شده جنبش کارگری ایران را برای اولین بار پس از خروج وی از کشور، معرفی کرد. وی همچنین اعلام کرد که آقای اسانلو پس از خروج از ایران در یک مکان امن و با حمایت و پشتیبانی «موج سبز» ماموریت مهم محول شده به ایشان را آغاز کرده است
طی سخنرانی آغازین که به صورت زنده توسط تلویزیون رها پوشش داده میشد، امیرحسین جهانشاهی گفت: به منظور ایجاد پیوند های لازم در جامعه کارگری ایران و آماده ساختن شرایط لازم برای رسیدن به اعتصابات عمومی و قیام ملي،از آقای منصور اسانلو خواسته ام تا مسئولیت اداره« ستاد هماهنگی فعالان کارگری» را بعهده بگیرند. مسئولیت اولیه آقای

اسانلو، با توجه به سابقه و تجربیات ارزشمند ایشان، ایجاد هماهنگی میان اتحادیه های کارگری و گارگران رنجدیده و معترض کشورمان مي‌باشد که باید برای دست یافتن به حقوق حقه خود، در وقت مقتضي، وارد صحنه عمل شوند
منصور اسانلو نیز در بخش پاسخ به سوالات خبرنگاران گفت: شرایط تغییر در ایران امروز وجود دارد چرا که در فضای داخل هرکسی میگوید باید کاری کنیم
اسانلو ضمن تشکر از حمایت‌های بین‌المللی که در سال‌های گذشته از او صورت گرفته گفت: در تمامی نظام‌های دیکتاتوري، جلب حمایت‌های بین‌المللی به مردم این دلگرمی را میدهد که رویای تغییر میتواند به واقعیت بدل شود
اسانلو افزود: در جامعه‌ای که امکان رشد نهادهای مستقل مدنی از مردم گرفته شده، مشکلات روی هم جمع میشوند و مانند سیلابی سدهای مقابل خود را در هم میشکنند. اما تنها از طریق سازماندهی و جلب حمایت‌های بین المللي‌ست که زنان و کارگران جوان میتوانند در شرایطی که امکان تغییر هست، به خواسته‌های عمومی خودشان برسند
پنجشنبه, ۱۰ اسفند ۱۳۹۱
February 28, 2013
http://organization.greenwavenews.com/
http://www.greenwavenews.com/jahanshahi/
برای اطلاعات بیشتر لطفا از طریق ای میل زیر مکاتبه کنید:
pressteam@greenwaveiran.com

آقای اسانلو تو باختی
رضا رخشان

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده است که: امروز اولین مصاحبه آقای اسانلو(پس از خروج) را در یکی از شبکه های تلویزیونی دیدم.آنطور که شنیده ام گویا ایشان بسلامتی مسئول بخش کارگری موج سبز شده اند.
مبارک است. آقای اسانلو ضمن تبریک مقام حضرت عالی ،خواستم یاد آور شوم که شما در گذشته خیلی بلند پرواز تر بودید. چه اتفاقی افتاده که حالا پادوی سبزها شده اید. سبزهایی که هیچ وقت ما کارگران برایشان مهم نبوده ایم. و اتفاقا آنها خود را نماینده بخش متمول وتحصیل کرده و طبقه متوسط جامعه می دانستند. هنوز گفته عباس عبدی از یادم نرفته است که ،اگر رای واقعی ما همان سیزده میلیون باشد ولی کیفت رای ما از 24میلیون احمدی نژاد بیشتر است. چرا که در میزان رای ما، مملو از دکتر و نویسنده و کارگردان و نخبه است .درین گفته یک تضاد و یک تحقیر بزرگ نهفته است. تضاد از این لحاظ که، حتی برخلاف ادعای ریاکارانه اصلاح طلبان، یعنی اعتقاد به همان دموکراسی بورژوازی (چرا که از اصول پایه ای دموکراسی (لیبرالی) پذیرش اصل هر نفریک رای می باشد. جدا از شغل ودارایی وپایگاه طبقاتی افراد). واما تحقیر بزرگ اینکه عدم اعتقاد به پذیرش اصل هر نفریک رای ، یعنی توهین وتحقیر نسبت به طبقات فرودست (بخوانید کارگران).یعنی اشرافیت فئودالی. برای انها بسیار دردناک بود که مشتی پابرهنه و پاپتی برایشان رئیس جمهور انتخاب نمایند.
آقای اسانلو دعوای جنبش سبز از اساس فقط همین بود. آن وقت تو به این جماعت پناه برده ای. ای کاش در ایران می ماندی. حتی اگر هیچ کاری نمیکردی و حداقل در حافظۀ کارگران بعنوان یک قهرمان میماندی. نه این چنین آمال وارزوهای این طبقه را به مفت نمی فروختی.
راستی اقای اسانلو خود را چقدر فروختي؟
برخی از مخالفانت تو را با لخ والسا مقایسه می کنند. اما تو نشان دادی که حتی قد و قوارۀ تبدیل شدن به لخ والسا را هم نداری. هر چند که خود لخ والسا هم در خدمت منافع سرمایه درآمده بود وهمه میدانیم که در دوران رهبری او بر کشور لهستان چه گندی به منافع طبقه کارگر زد. با اینهمه اقای اسانلو شما حتی وزیر کار که هیچ ،ابدار چی وزیر کار هم نمی شوید. اصولا شما باختید.شما شرافت کارگری خود را هم باختید. رفاقت را باختید. وبدتر از همه اخلاق را هم باختید. آیا جدا فکر میکنی که کارگران ایران به پادوی کسی به نام امیر حسین جهانشاهی که خودش پادو است اجازه این را می دهند که آنها را سازماندهی کند؟ یعنی تو

بعد از این همه سال هنوز این قدر این طبقه را نشناخته اي؟ این همه مبارزه کرده ایم، محرومیت کشیده ایم، سختی ها تحمل کرده ایم، زندان رفته ایم، کار خود را از دست داده ایم که بعد شاخهٔ کارگری یک جنبش ضد کارگری بشویم؟ نه همرزم سابق. بد جور اشتباه کره ای.
به این مصاحبه های ابکی و دوزاری دلخوش مباش بعد از مدتي، مانند خیلی از کسانی که در سنوات اخیر به محض اینکه اسمی در می کردند بلافاصله به دیار کعبه امال خود (یعنی غرب) پناه می بردند.یه چند صباحی بعضا صحبتی می کردند .بعد هم مانند یخ اب میشدند ودر دل زندگی خود فرو می رفتند. انشاالله انجا حتما خوش می گذره. ما بخیل نیستیم. ولی لطفا دست از سرما کارگران بردار.ما نیازی به پادو و قیم نداریم.
برای تو به عنوان یک همرزم سابق متأسفم. جنبش ما هم از تو و هم از هر کس دیگری که بخواهد اینطور منافع جنبش را چوب حراج بزند، عبور خواهد کرد. آرزو میکنم که در مسیری که در پیش گرفته ای تجدید نظر کنی و به منافع طبقه ات وفادار بمانی. هر چند امیدی به چنین شهامتی در تو ندارم. برایت واقعا متأسفم.
زنده باد استقلال طبقاتی کارگران
رضا رخشان
11/12/1391

یک میلیون و ۷۰۰ هزار بازنشسته در انتظار حق عیدی

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 11 اسفند آمده است : دبیر خانه کارگر قزوین از عدم پرداخت عیدی بازنشستگان تامین اجتماعی در آستانه آغاز سال جدید انتقاد کرد.
عید علی کریمی در این باره به ایلنا گفت: رقم عیدی مستمری‌بگیران تامین اجتماعی ۴۰۲ هزار و ۵۰۰ تومان اعلام شده که این مبلغ متناسب با هزینه‌های بازنشستگان در ایام عید نیست.
او با بیان اینکه یک میلیون و ۷۰۰ هزار بازنشسته و مستمری‌بگیر منتظر دریافت عیدی خود هستند، اظهار داشت: حتی پرداخت شدن عیدی بازنشستگان در روزهای پایانی سال در حالی که همچنان قیمت اجناس مصرفی رو به افزایش است دردی از آنان دوا نمی‌کند.
این فعال کارگری افزود: انتظار بازنشستگان این است که عیدی آن‌ها، همسان با عیدی کارگران پرداخت شود و سال‌هاست که این مطالبه را مطرح می‌کنند اما تا کنون هیچ واکنشی از سوی مقامات به این خواسته داده نشده است.
او گفت: پی گیری بهبود وضعیت اقتصادی و جهش حقوق بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی وظیفه کانون بازنشستگان تامین اجتماعی است که متاسفانه در این زمینه عکس العمل مطلوبی از سوی کانون مشاهده نمی‌شود.

بانک مرکزی ایران در صدد 'انطباق الگوی تجارت خارجی با الگوی درآمد ارزی' است

به گزارش سایت فارسی بی بی سی در 11 اسفند 91 آمده است : :در حالیکه تحریم‌های بین‌المللی باعث کاهش صادرات و محدودیت دریافت‌های ارزی ایران شده است، رئیس بانک مرکزی از تلاش برای مقابله با این وضعیت سخن گفته است.
روز جمعه، ۱۱ اسفند (۱ مارس)، خبرگزاری دولتی ایران - ایرنا - گزارش کرد که محمود بهمني، رئیس کل بانک مرکزي، ضمن تایید اینکه جمهوری اسلامی در نقل و انتقال دارایی های خود، "مشکلاتی با برخی از کشورها" دارد، گفته است مواجهه با این وضعیت مستلزم برنامه ریزی جدیدی است.
آقای بهمنی در مصاحبه با ایرنا افزوده است که در حال حاضر، "وجوه حاصل از درآمدهای نفتی در کشورهای مختلف پس از خرید به حساب آنها واریز می شود" که به نظر می رسد، به معنی عدم دسترسی جمهوری اسلامی به ارز حاصله از فروش نفت خام در برخی کشورهای خارجی است.

با توجه به شرایط کنونی، آقای بهمنی گفته است که "باید به سوی انطباق هرچه بیشتر الگوی تجارت خارجی با الگوی درآمد ارزی حرکت کنیم."
آقای بهمنی در این مورد توضیح بیشتری نداده اما ممکن است یکی از راه‌های این انطباق، اجبار به واردات کالاهایی باشد که در کشورهای خریدار نفت ایران موجود است. شیوه ای که ایران ناچار شده در ماههای اخیر برای دریافت پول حاصل از فروش نفت در برخی کشورها در پیش بگیرد.
در ماه های اخیر، ایران با تشدید تحریم‌های خارجی علیه برنامه‌های اتمی خود مواجه بوده که به خصوص با محدودیت ارتباط با مراکز مالی بین‌المللی و عدم دسترسی به درآمدهای ارزی کشور همراه بوده است. شرایط کنونی به نوعی به معنی "بلوکه" شدن این درآمدها در خارج از کشور است.
پیشتر، وبسایت ریاست جمهوری ایران گزارش کرده بود که محمود احمدی نژاد، رئیس جمهوري، روز پنجشنبه در نشست "کارگروه اقتصادی" شرکت کرده و در سخناني، ضمن تاکید بر مدیریت نقدینگی و تشریح خواست‌های دولت از شبکه بانکي، بر کنترل نوسانات ارزی تاکید نهاده است.
براساس این گزارش، آقای احمدی نژاد در این جلسه پنج ساعته، که رئیس کل بانک مرکزی هم در آن حضور داشت، از جمله خواستار "تقویت روند تامین ارز مورد نیاز بخش های مختلف" شد.
گزارش برنامه‌ریزی بانک مرکزی برای "انطباق الگوی تجارت خارجی با الگوی درآمد ارزی" در حالی منتشر مي‌شود که تحریم‌های خارجی علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامي، تجارت بین‌المللی ایران را محدود و عواید ارزی این کشور را کاهش داده است.
این هفته، دولت لایحه بودجه سالانه را به مجلس تحویل داد که در آن، پیش بینی عواید ارزی سال آینده نسبت به سال جاری به شدت کاهش یافته است.
برنامه "نفت در برابر غذا"؟رئیس کل بانک مرکزی در مصاحبه خود، در مورد واریز در آمد ارزی در کشورهای مختلف "به حساب آنها" توضیح بیشتری نداد اما به نظر می رسد که اشاره او به دور جدید تحریم‌های ایالات متحده علیه برنامه هسته‌ای ایران است که احتمالا آثار خود را آشکار کرده است.
حدود دو هفته پیش، گزارش شد که دولت ایالات متحده، مقررات جدید تحریم تجاري، فنی و مالی را علیه جمهوری اسلامی به اجرا می گذارد که براساس بخشی از آن، روابط مالی ایران با خریداران نفت این کشور محدودتر مي‌شود.
این تحریم‌ها عمدتا به مبادلات ایران با کشورهایی ارتباط دارد که با موافقت ایالات متحده، همچنان به خرید نفت خام از ایران ادامه مي‌دهند. چین، هند، ژاپن، کره جنوبي، مالزی و تایوان از کشورهایی هستند که از این امتیاز برخوردار شده‌اند.
این کشورها خریداران اصلی نفت ایران هستند و دولت آمریکا با توجه به اینکه آنها پیشتر روابط تجاری و مالی خود با جمهوری اسلامی را به میزان مورد نظر ایالات متحده کاهش داده‌اند، موافقت کرده تا همچنان به واردات نفت از ایران ادامه دهند بدون اینکه اقداماتی تلافی جویانه علیه آنها به عمل آورد.
در دور جدید تحریم‌ها، ایالات متحده از این کشورها خواسته است به منظور ادامه روابط نفتی با ایران، برخی محدودیت‌های جدید را نیز علیه جمهوری اسلامی به اجرا بگذارند.
از جمله، آمریکا از این کشورها خواسته است پول حاصل از صادرات نفت ایران را در اختیار جمهوری اسلامی قرار ندهند بلکه آن را در حسابی در بانک‌های خود نگهداری کنند و به ایران تنها اجازه بدهند از محل این حساب برای خرید کالاهای معاف از تحریم استفاده کند.
این روش به معنی سلب استقلال عمل ایران در استفاده از عواید نفتی این کشور بدون نظارت و موافقت دولت‌های خارجی است و مانع از آن مي‌شود که واردکنندگان ایرانی بتوانند با در اختیار داشتن ارز لازم، آزادانه به بازارهای بین‌المللی مراجعه کرده و اجناس مورد نظر را با کیفیت و بهای مناسبتر خریداری کنند.
برخی از کارشناسان، محدودیت دسترسی ایران به ارز نفتی را با برنامه تنبیهی موسوم به "نفت در برابر غذا" مقایسه کرده اند که سازمان ملل در سال های آخر حکومت صدام حسین، رهبر سابق عراق، علیه برنامه تسلیحاتی آن کشور به اجرا گذاشت.

در چارچوب آن برنامه، که مقامات عراقی آن را ناقض استقلال و حق حاکمیت ملی کشورشان مي‌دانستند، دولت عراق اجازه داشت از طریق صادرات نفت، تنها در حدی درآمد کسب کند که برای تامین نیاز مردم به کالاهای اساسی ضرورت داشت و این درآمد را هم زیر نظر سازمان ملل خرج کند.

یک بام و دو هوای صنعت نفت در قبال عیدی کارکنان مدت موقت

به نوشه پانا نیوزدر 11 اسفند 91 آمده است : پس از گذشت حدود یکسال از اولین دور قراردادهای کار مدت موقت که با کارکنان پیمانکاری واجد شرایط در صنعت نفت امضا شده است، در آستانه نوروز موضوع پرداخت عیدی مورد گلایه این دسته از کارکنان قرار گرفته است.
به گزارش ۱۱اسفندپانا نیوز، چنانچه در بخشنامه مربوط به ساماندهی نیروهای پیمانکاری تاکید شده بود که «کارکنان مشمول قرارداد کار مدت مستقیم تابع قانون و مقررات کار و تامین اجتماعی بوده و منحصرا براساس تکالیف ابلاغی قوانین مذکور حقوق و مزایای آنان تعدیل می‌شود»، این روزها این کارکنان با استناد به قانون کار خواستار پرداخت عیدی معادل دو ماه حقوق پایه خود شده‌اند و این درحالی است که شنیده‌ها از وزارت نفت، گویای این است که احتمالا عیدی طبق شرایط کارمندی و معادل یک حقوق پایه خواهد بود.
بر اساس قانون کار، عیدی کارگران باید بر اساس حداقل ۶۰ روز کاری (۲ ماه) و حداکثر ۹۰ روز کاری (۳ ماه) حقوق پایه محاسبه و پرداخت شود که در این مورد حداکثر عیدی کارگران نباید از ۳ برابر حقوق پایه بیشتر شود.
اگرچه وزارت نفت تاکنون نسبت به این موضوع، اظهار نظر رسمی نداشته است که شیوه پرداخت عیدی این دسته از کارکنان چگونه محاسبه خواهد شد ولی کاربران با اظهار نگرانی، نسبت به طرح این موضوع درخواست‌های فراوانی داشتند که در ادامه برخی نظرات و خواسته‌های کاربران می‌آید:
** میزان عیدی کارمندان دولت مبلغ چهار میلیون و بیست و پنج هزار ریال، در رابطه با کارمندان دولت مصوب شده و شامل ما قرارداد مدت موقتی‌ها که طبق قانون کار می‌باشیم و دارای قرارداد کارگری هستیم، نمی‌شود. کارگران طبق قانون کار عیدی و سنوات دریافت می‌کنند. هماهنگونه که در متن قراردادی که بسته‌ایم نیز قید گردیده است. خواهشمند کمی دقت نظر فرمائید.
**اینجا که می‌رسه ما قرارداد مستقیم‌ها کارمند دولت محسوب می‌شویم درحالی که موقع پرداخت فوق‌العاده‌ها وپاداش‌ها نه --- ما طبق قانون کار باید دو بیس عیدی بگیریم.
**ازاول سال ما گفتیم مزایا مون چی شد گفتند شما قرارداد موقت تابع قانون کار هستید، حالا موقع عیدی آخرسال که شد ما را جزء کارمندان دولت حساب کردند، وقت پاداش دادن که می‌شه ما کارگریم ولی وقت عیدی گرفتن کارمند؟!
** قرارداد ما طبق قانون کار و با دفترچه تامین اجتماعی، قرارداد کارگری بوده و عیدی نیز طبق قانون کار دو برابر دستمز ماهیانه حساب می‌شود.
** با ما طبق قانون اداره کار قرارداد بستید اما می‌خواهید عیدی مارا کارمندی قراردهید؟ چرا ۳ روز استراحت درمانی که طبق قانون کاربرای ما نیروهای قراردادی مدت موقت انجام نمی‌دهند، مرخصی استحقاقی اعمال می‌شود، حتی هزینه غذا که مبلغ آن ۶۶هزارتومان می‌باشد به طور کامل واریز نشده و روز به روز اضافه کاری نیروها کم می‌شود ولی حالا....
** آیا سزاوار است که کسانی چون ما، با مدرک فوق لیسانس قرارداد مدت مستقیم امضا کرده‌ایم ولی حقوق دیپلم می‌گیریم، نفت کارت که نداریم، بهره وری که نداریم، در قرار دادمان نوشته کارگری، بیمه ما تامین اجتماعی است و بعد تازه عیدی ما بشود یک پایه حقوق کارمندی؟ این چه عدالتی است؟ پس حداقل مدرک تحصیلی ما را محاسبه کنید و مزایای کارمندی را به ما بدهید. اگر کارگریم مزایای کارگری را بدهید این یک بام و دو هوا یعنی چه؟

کارگاههای کوچک از بیمه کارگران خود سرباز می‌زنند

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا در 11 اسفند 91 آمده است : تعداد کارگاههای کوچک بسیار زیاد است و عمده آن‌ها تولیدی یا خدماتی هستند ولی در این کارگاه‌ها با داشتن حتی ۳۰ نفر نیروی کار، قراردادی وجود ندارد.
بنا بهمین گزارش، بسیاری ازاین کارگاههای کوچک از بیمه کارگران خود سرباز می‌زنند.
بعبارتی دیگر وجود قرارداد موقت یا سفید امضا درهرکارگاه به منزله رد نشدن بیمه برای کارگران آن است.

مرحله جدید حمله به فعالین کارگری (برخورد به مقالات آقایان امیر پیام ، ایرج فرزاد و.. .)
مینا فرخنده

بر پایه مقاله رسیده به روز شمار کارگری آمده است : در مرحله جدید حمله به سندیکای شرکت واحد و هیئت مدیره اش، مخالفین اطلاعیه به این امر واقف شده اند که با مخالفت و حمله مستقیم به سندیکا نمی توانند کاری را بپیش ببرند و در امر عقب نشاندن سندیکا و "تصحیح تصمیم گیری هیئت مدیره" شکست خورده اند. اکنون دست به حمله به متحدان، دوستان و فعالین کارگری زده اند که حامیان تشکل های کارگری از جمله سندیکای شرکت واحد، کمیته هماهنگی وسایر تشکل های کارگری هستند. آنها تصمیم دارند با ایزوله کردن و حذف این فعالین کارگري، سندیکای شرکت واحد را تضعیف کرده و از این طریق برای پیش بردن خواستهای فرصت طلبانه خود راه را باز بنمایند. این در واقع ضد کارگران که خود را نماینده جنبش کارگری می نامند با استفاده از ابزارهایی که با گرایش فکری و خواست هایشان مطابقت دارد، یعنی فحاشي، تحریف، دروغ و ریا سعی دارند با حمله به فعالین کارگری خود را به جنبش کارگری قالب کنند.
برای روشن شدن این موضوع اول به مقاله آقای امیر پیام با عنوان "مجادله ای از دو قطب ارتجاعی (در حاشیه تحولات سندیکای کارگران شرکت واحد)"1 و در ادامه به سری یادداشت های آقای ایرج فرزاد می پردازم.
آقای امیر پیام در اول مقاله با دست و دلبازی تمام به درگیری های آشتی ناپذیر آقای قراگزلو و مهدی کوهستانی و مسئله مورد درگیریشان یعنی جنبش کارگری می پردازد. ایشان سعی می کنند خیلی از بالا و با پز روشنفکری به قضیه برخورد کنند. آقای امیر پیام با زرنگی خود را وسط دعوا انداخته شروع به کوبیدن هر دو طرف کرده اند، از آنجا که این بحث دو قطبی است، آن کس که خود را وسط این دعوا انداخته و برای خودش این وسط نرخ تعیین می کند، بقول پدرم بقال سرکوچه است که می خواهد با زرنگی جنس های بنجل خود را آب کند. ایشان در شروع مجادله به آقای مهدی کوهستانی می پردازند و بجای افشاگري، معلوم نیست چرا این مهره معلوم الحال سوخته را تجزیه تحلیل و نقد تئوریک می نمایند. در عوض اینکه مشخصا از ماموریتی که آقای مهدی کوهستانی در جنبش کارگری داشت بگویند، سعی می کند خیلی تئوریک وارد قضیه شود، در صورتی که خطر اصلی این مهره سوخته درجایگاه تحلیلی طبقاتی ایشان نیست، بلکه در ماموریتی که از طرف اربابانش در جنبش کارگری داشته و اقدامات و ارتباطات ایشان است، واگرنه همگی با افکار و وابستگی های آقای مهدی کوهستانی و جایگاه طبقاتی ایشان آشنا هستند. آقای پیام به جای پرداختن مشخص به اینکه چطور و از چه راه هایی مهدی کوهستانی برای جنبش کارگری زیان آور بوده، خیلی شیک به تحلیل طبقاتی ایشان پرداخته و از این طریق حیله گرانه قصد اثبات خود را دارند! و در واقع با خودداری از حمله واقعی خواسته اند راه های عملی آقای مهدی کوهستانی را (برای خود و یا کسانی دیگر) از زیر ضرب پیشروان کارگری خارج کنند. خدا را چه دیدید شاید روزی در جایگاه آقای کوهستانی یک جایی هم برای ایشان خالی باشد، بخاطر همین هم نمی بایست به راهکردهای عملی آقای کوهستانی حمله ای بشود.
در ادامه آقای امیر پیام می خواهند با نقد سیاست ضد امپریالیستی آقای قراگوزلو تمام فحش هایی که به ایشان داده اند و تحریف های خود را توجیه تئوریک کرده و خود را محق جلوه بدهند، این گونه برخورد ها را می توان همه چیز نامید الا نقد علمی و پرولتری!
آقای امیر پیام سرمایه داری ایران را "سرمایه داری اسلامی و ملی ایرانی" می دانند و هر

کسی را هم که اعتقادی به سرمایه داری ملی اسلامی ایرانی نداشته باشد و سرمایه داری ایران را جزئی از سرمایه جهانی بداند، اتوماتیک وابسته به رژیم می داند. ایشان با آسمان ریسمان به هم بافتن می خواهند ادعای خود را ثابت کنند که "هر کس اعتقادی به سرمایه داری ملی تافته جدا بافته شده از سرمایه داری جهانی ندارد، دیگر نمی تواند برای مطالبات آنی و فوری کارگری مبارزه کرده و خانه کارگری می شود و آخر عاقبتش هم همراهی با جمهوری اسلامیست و جنبش کارگری را به انحلال و اضمحلال می کشد." آقای امیر پیام با همه درایت شان از اینکه دو تا حزب الهی پشمالو در خیابان ها پرچم امریکا را به آتش می کشند و شعار مرگ بر آمریکا سر می دهند، باورشان شده است که جمهوری اسلامی واقعا ضد امپریالیست است. ایشان خیلی کاریکاتوري، جهانی شدن سرمایه را و امپریالیست را مساوی با آمریکا قمداد می کنند ودیگر اینکه در دنیایی که حتی قبایل امازون از دسترس سرمایه جهانی در امان نمانده اند و سرمایه جهانی به جنگل های دور افتاده هم نفوذ کرده است، ایشان لابد سرمایه داری ملی ایرانی اسلامی را در روی کره ماه فرض کرده اند، می بخشید فراموش کردم که حتی ماه هم از دسترسی سرمایه داری جهانی در امان نمانده است. آقای امیر پیام یا نسبت به سرمایه داری ایران متوهم هستند یا اینکه بصرفشان است تا واقعیات را از نظر دور داشته و آن را طوری دیگر جلوه بدهند. ایشان اینکه رژیم ایران با تمام توان در رقابت های منطقه ای و جهانی خواهان سهم اساسی است و خواهان این است که در این شرایط بحران جهانی سرمایه از طرف سرمایه داران بزرگتر زیر گرفته نشود را با ضد امپریالیست بودن عوضی گرفته اند. آیا از اینکه رژیم ایران برای کسب جایگاه و نقشی محوری در این نظام جهانی دست و پا می زند می تواند این نتیجه را گرفت که ایران ضد این نظام جهانی یعنی ضد امپریالیست است!؟ آقای امیر پیام در نتیجه این شیوه نگرش طبقه کارگر ایران و جهان را در مبارزاتشان بر علیه سرمایه داری خلع سلاح می کند. از طرف دیگر ایشان صف متحد طبقه کارگر جهانی را هم زیر سوال برده اند و بر این نظر هستند که هر کس ضد امپریالیست شد پس می بایست جمهوری اسلامی را مراعات کند، از طرف دیگر تمام اتحادیه های راست و زردی که بر این باورند "بخاطر مبارزه با آمریکا نمی بایست با رژیم جمهوری اسلامی مقابله کرد!" را با این برخورد شان توجیه تئوریک کرده اند.

دیگر اینکه آقای امیر پیام "سیاست تشنج زدایی" از سیاست خارجی ایران را به باد انتقاد گرفته اند. ایشان از اینکه کسی مخالف جنگ و حمله اسرائیل یا امریکا به ایران باشد شاکی هستند!؟ از ایشان باید پرسید چه مشکلی دارید با اینکه برای تغییر وضعیت در جامعه، به جای خواست دخالتگری امریکا و سازمان هایش در ایران و یا تحریکهای جنگ طلبانه، خواهان رشد جنبش کارگری و تشکل یابی کارگری بود تا هر تغییر و تحولی از پایین صورت بگیرد. مشکل ایشان با تشنج زدایی درسیاست خارجی ایران چیست؟ بنابر انتقاد ایشان از "خواست سیاست تشنج زدایی از سیاست خارجی ایران" اینکه دائما رژیم ایران کشورهای منطقه را تحریک به جنگ افروزی می کند از نظرشان سیاست درست و قابل حمایتی به حساب می اید! ایشان از طبقه کارگر و توده های ناراضی و تشکل های توده ای دست شسته و برای تغییر رژیم دست به دامن تشنج و حمله نظامی می شوند، به همین دلیل تشنج زدایی در سیاست خارجی را به نفع رژیم سرمایه جمهوری اسلامی قلمداد می کنند و برای پنهان کردن نظر واقعی خود می گویند " طبیعتا اولین شرط چنین تلاشی (تشنج زدایی) پذیرش جمهوری اسلامی به عنوان حاکمیت مشروع در ایران و تلاش برای حفظ و تحکیم و تقویت آن است. " یعنی هر چه امکان تشنج و جنگ موجود باشد، به نفع آقای امیر پیام است. اما در شرایط تشنج و جنگ این تنها طبقه سرمایه دار است که سود خواهد برد، شما که ادعا یتان سر به فلک می رسد این را بهتر از هر کس می دانید و آگاهانه پشت موضع کنونی خود ایستاده اید؟! واگر نه خواست تشنج زدایی در سیاست خارجی ایران چه ربطی به پذیرش جمهوری اسلامی دارد! جمهوری اسلامی خود سردسته تحریک به جنگ افروزی و تشنج در منطقه است. به هر حال شما می بایست با این سیاست تشنج طلبی تان تصمیم خود را بگیرید که آیا موافق با سیاست جنگ طلبانه جمهوری اسلامی هستید یا با سیاست حمله نظامی امریکا و... به ایران موافقت دارید. فعالین کارگری مخالف تشنج و موافق پیشروی جنبش کارگری هستند. ایشان در آخر مقاله با طرح شعارهایی که تنها برای پنهان کردن خواست اصلی شان است، تلویحا به آگاهانه بودن این موضع خود اذعان داشته اند. در

قسمت دوم مقاله از درد و ناراحتی خود که چرا آقای قراگوزلو و آقای رضا شهابی ملاقات داشته اند سخن می گوید که بیشتر حالت هذیان گویی دارد. بعد هم چند سطری را به این اختصاص می دهند که ثابت بکنند جمهوری اسلامی چیزی جز گسترش و تعمیق و تداوم فقر و بی حقوقی برای طبقه به ارمغان نمی آورد. از کرامات شیخ ما چه عجب پنجه را باز کرد و گفت یک وجب، این را که اکنون آقای امیر پیام در چندین سطر توضیح می دهند، بابا بزرگ بی سوادم هم از همان شروع شکست انقلاب فهمیده بود که می گفت جیب ملاها تا پایین ابایشان گود است و سوراخ هم ندارد، اینها تا مردم را خانه خراب نکنند و به روز سیاه ننشانند، دست بردار نیستند.
آقای امیر پیام در مقابل سوال " میان امپریالیسم و دولت های استبدادی و ارتجاعی کدام را انتخاب می کنید" در تله افتاده و برافروخته می شوند، دلیلش تنها می تواند موضعی باشد که نمی خواهند شفاف بازگویش بکنند وگرنه یک فعال کارگری که خود را جزئی از جنبش کارگری می داند، در دام اینگونه تله ها نمی افتد و برایش پاسخ به این سوال خیلی روشن و بی دغدغه است: پیش بسوی ایجاد تشکل های کارگری برای تغییرات کلان سیاسی و اقتصادی. تنها کسانی مانند آقای امیر پیام هستند که در مقابل این سوال برافروخته می شوند، چرا که ایشان سرمایه داری ایران را مستقل و ملی می دانند.
در جایی دیگر به پیوست همین حملات آقای ایرج فرزاد چهار یاداشت روزانه خود را به چاپ رسانده اند از قرار " در نکوهش توجیه" کارگری" ترور شخصیت" در تاریخ 29 ژانویه، " پیرامون برخی احکام نامربوط در مورد برکناری اسالو" در تاریخ چهارم فوریه، " بازگشت به خویش آقای مقدم و خیل متفرق کارگرپناهان" هشتم فوریه، "باز هم در باره برکناری اسالو" یازدهم فوریه 2. بقول معروف آفتابه لگن دوازده دست ، از شام و نهار اما خبری نیست. ایشان هم مثل خیلی از هوچی گران و دروغ گویان فکر می کنند که با شلوغ کردن و ... چند تا چند تا نوشته پشت سر هم دادن و پر کردن سایت های اینترنتی می توانند حقانیتی برای خود بخرند. اگر آقای فرزاد همه این نوشته ها را روی هم می گذاشتند، دریغ ازیک مقالهٌ چند خطی که "قابل خواندن" بود. بیشتر حرفهایی که دیگران بر علیه سندیکای شرکت واحد و هیئت مدیره و اطلاعیه نوشته اند، ایشان جویده و قورت داده و دوباره بالا آورده اند و همان سیر مداوم تکرار شده، همچنین اتهامات کثیف، دروغ و چندش آوری که به فعالین کارگری نسبت می دهند در این یاداشتها دوباره آمده است. تنها باید توجه داشت که املاح بالا آورده شده بخاطر اینکه دیگر آنقدر با اسید قاطی شده است، براثر تکرار مکرر از بوی تعفن خاصی برخوردار است که باعث حالت تهوع خواننده می شود. کسی نیست به ایشان بگوید که آخر مگر مجبور هستید حرفهای مکرر دیگران را دوباره و دوباره تکرار بکنید؟ فقط ایشان طبق مهارت ی که براثر سالیان سال تمرین کسب کرده اند، نوآوری هایی هم نموده اند که در این مقاله سعی می شود فقط به آنها اشاره بشود.
اما مقاله اول ایشان فقط و فقط هتک حرمت به فعالین کارگری است و واقعا ارزش بررسی را ندارد. در مقاله بعدی از برجستگی هنرایشان که بقیه نتوانسته بودند آنرا به خوبی ارائه بدهند، هنر زیر ضرب بردن فعالین کارگری داخل است. ایشان نوشته اند "یک اقدام معنی دار کارگر زندانی دیگري، رضا شهابی در ایام مرخصی از زندان، جلسه پالتاکی فراخوان میدهد و در میان فعالین سندیکایی و کارگری شبه ایجاد می کند که به احتمال آلوده بودن اسالو در ارتباط با سولیدریتی سنتر فکر کنند" این نقطه تحول ایشان است که بقیه هنوز در این وادی پای نگذاشته اند. از خواننده می خواهم خود را برای یک لحظه بجای آقای رضا شهابی بگذارد، ایشان در موقعیتی است که بطور موقتی از زندان آزاد شده، سوال این است که آیا آقای رضا شهابی قادر به پاسخ دادن به این نوشته ایشان است؟ آیا حرف های ایشان بوی اقدامات پلیسی بر علیه آقای رضا شهابی نمی دهد؟ مثل اینکه ایشان از همکاری های اطلاعاتی بدشان نمی اید واز این طریق می خواهند به هر قیمتی خواست های شخصی و فرصت طلبانه خود را بپیش ببرند.
آقای ایرج فرزاد در جایی دیگربه بررسی شرایط شکست انقلاب 57 می پردازند " جنبش کارگری ایران در جریان رویدادهای دوران بحران انقلابی سال 57 نقش تعیین کننده ای در ساقط کردن رژیم سلطنت داشت (توضیح از خودم: یعنی طبقه کارگر دخالتگری سیاسی کرده و اینجا سندیکالیست نبوده) اما این رهبران تشکل های کارگران صنعتی و کارگران نفت نبودند

که اعلام کردند: ما دولت تشکیل می دهیم. عدم ظهور رهبران اعتصابات عظیم کارگری در دوران انقلابی 57 به عنوان سیاستمدار و رهبر سیاسي، با وجود همه انحرافات سندیکالیستی آنها ..." یا " اگر طبقه کارگر ایران تا آن حد تسلط باورهای ناسیونالیسم چپ نبود چند نفر از رهبران مورد اعتماد خود را به عنوان سیاستمدار و رهبر سیاسی انقلاب برای دخالت در سرنوشت سیاسی جامعه جلو مردم می گذاشت،..." یا اینکه " حکم منع و نهی دخالت رهبری و فعال کارگری در صحنه سیاست در واقع ادامه همان نگرش به طبقه به عنوان عمله و ناظر خاموش رویدادهای سیاسی.." آخر کسی نیست که به ایشان بگوید چطور ممکن است کارگرانی که شاه و تخت سلطنتش را به زیر کشیدند وسندیکالیست نبودند، یکدفعه درست موقع انتخاب رهبر خود سندیکالیست شده و نخواستند دخالتگری سیاسی بکنند!؟ آیا کسی تا به حال تحلیل سیاسی به این شفافی را توی هیچ عطاریی پیدا کرده است! باید بگویم منظور ایشان از این همه صغری کبری چیدن ها این است که "کارگران و تشکل های کارگری همه عمله و بنا هستند، نیاز به شخصیتی دارن که به عنوان رهبر قبولش داشته باشند (حالا به هر قیمتي، مهم نیست!). یک فرد که در روند زندگی خود کسب قدرت کرده و شخصیتی شده است می تواند در سرنوشت سیاسی جامعه نقشی تعیین کننده داشته باشد. تشکل های کارگری از این کار ناتوان هستند و این همین شخصیت ها هستند که توانا بوده و می بایست همه جا جلو بیفتند." آقای فرزاد سرکوب طبقه کارگر بعد ازسرنگونی سلطنت را ناشی از این می دانند که طبقه کارگر کسی را به عنوان مهره و شخصیت جلو نینداخت، و تشکل های کارگری هم کسی را نداشتند تا مثل سربازان حرف شنو و برده وار پشت این شخصیت صف بکشند، واگر نه به نظر ایشان اگر طبقه کارگر شخصیت و مهره ای برای جلو انداختن می داشت، اکنون تاریخ 30 و چند ساله ایران طوری دیگر نوشته شده بود. از نظر ایشان نقش شخصیت در تحولات جنبش کارگری و مبارزاتشان سرنوشت ساز است، بخاطر همین به هیئت مدیره حق برکناری دبیر خود را نمی دهند. این هم تحلیل "علمی و مارکسیستی" آقای ایرج فرزاد از دلایل شکست انقلاب 57 !
ایشان در یادداشت خود " باز هم در باره برکناری اسانلو " پشتک و وارو زده و دو موضع درست و غلط را با هم قاطی کرده و به مغلطهٌ موضوع پرداخته تا نتیجه دلبخواه خود را بگیرند، می گویند" تصمیم سیاسی با پشت بند جنبه حقوقی و اداری رای است." منظورشان را بیشتر توضیح میدهند " رونالدو و شاملو و پرویز قلیچخانی و... را نمی توان با رای گیری برکنار کرد." نمی دانم این اشتباه ایشان از روی کند ذهنی است یا از روی اضطراب. توضیح اینکه اگریک تیم فوتبال بشیوه شورایی آقای پرویز قلیچخانی را به عنوان کاپیتان تیم خود انتخاب بکند، هر آن توان برکناری ایشان را دارد، اما آقای قلیچخانی همچنان فوتبالیست می مانند، فوتبالیست بودن ایشان را با رای نمی توان از ایشان سلب کرد. مگر اینکه آقای قلیچخانی دیگر نخواهد فوتبال بازی کند، در آن صورت هر چه ما حلوا حلوا بکنیم و آقای قلیچخوانی را فوتبالیست دو آتشه بدانیم واقعیت این است که ایشان دیگر فوتبالیست سابق هستند، هر چه هم که سابقا محشر بازی می کرده اند، حالا که دل به بازی نمی دهند و حوصله بازی هم ندارند با تلاش های پیگیرانه شما و ما نخواهیم توانست او را در تیم فوتبال نگه شان داریم. نمی دانم چرا فهم این مسئله ساده انقدر برای آقای فرزاد دشوار است. اینکه آقای اسانلو نمی تواند دبیر هیئت مدیره باشد نه به نظر من، نه به نظر شما مربوط است بلکه تنها به رای و حقوق شورایی هیئت مدیره مربوط می شود. اما آقای اسانلو خود می توانستند موقعیت خود را در درون جنبش کارگری حفظ بکنند. درست است که با رای نمی توان هیچ موقعیتی را در جنبش کارگری کسب یا سلب کرد. همانطور که فعال کارگری زندانی آقای شاهرخ زمانی در نامه شان از زندان خواهان بودند، چنانچه آقای اسانلو به مسائل سندیکا و جنبش کارگری مسئولانه برخورد می کردند، در اینصورت ایشان می توانستند موقعیت خود را در درون جنبش کارگری حفظ بکنند، اینکه آقای اسانلو نخواستند در کنار یا جلوی صف جنبش کارگری بمانند، نه شما و نه ما بلکه هیچ کس دیگری هم نمی توانست با زور تغییر بدهد. همانطور که وقتی ایشان خود را فعال حقوق بشری معرفی می کنند، شما با هزار قسم و آیه نمی توانید آقای آسانلو را به زور در صف جنبش کارگری نگه دارید. اما بدرست گفته شده: هر برداشت و تصمیمی سیاسی است و این ناشی از سیاست بورژوایی شما ست که رهبری فردی و شخصیت بودن را مانند مدال بر سینه، ابدی می انگارید، این همان سیاستی است که یک

فرد را با توجیه زرنگی و توانایی فردیش محق به دارا و صاحب سرمایه بودن و بقیه کارگران که تولید کننده اصلی سرمایه هستند را بی لیاقت می داند. انگار آقای اسانلو بتنهایی و با تکیه بر شخصیت خود سندیکا را راه انداخته و بقیه هم نقش خادمان بیفکر و سربازان ایشان را داشته اند، مانند سرمایه داران که می خواهند سرمایه شان را ابدی و سرمایه دار بودنشان را ازلی بدارند، ایشان هم تصمیم دارند از آقای اسانلو شخصیت ازلی ساخته و ابدیش بکنند. از نظر آقای فرزاد و امثال ایشان که دارای تفکرات سرمایه داری هستند، کارگران و تشکل های کارگری از آنجا که بی عرضه هستند، میبایست از این شخصیتها بطور ابدی آویزان بمانند و خدا را شکر کرده که چنین کسانی در جامعه وجود دارند تا در موقع ضروری در صحنه سیاست نقش بازی بکنند. باید گفت که ایشان با این منطق همچون اقای اسانلو جنبش کارگری را ترک کرده و مقالات ایشان در خدمت سنگ اندازی در مقابل جنبش کارگری و تشکل هایشان و در خدمت سرمایه داری قرار دارد.
در خاتمه در رابطه با مقالهٌ دوستان آقایان کوروش بخشنده، فواد فتحی و یدالله صمدی تحت عنوان" نکاتی چند پیرامون بیانیه شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه"3 یک نکته را اشاره می کنم. ایشان در مقاله به بندی در اساسنامه اشاره می کنند که در آنجا آمده است "صلاحیت اخراج اعضای هیئت مدیره را تنها مجمع عمومی دارا می باشد." دوستان احتمالا یا غلط به عرض شما رسانده اند و یا اینکه شما متوجه نیستید. برکناری از ریاست هیئت مدیره معنیش مساوی با برکناری از هیئت مدیره نیست. رئیس را خود هیئت مدیره انتخاب میکند و خودش هم می تواند برکنار بکند. دوستان قبل از اینکه مقاله تان را در رابطه با اطلاعیه شرکت واحد برای درج می فرستادید، بهتر بود خودتان قبلا به اطلاعیه، مقالات و اساسنامه مراجعه می کرده و دوباره نوشته خود را کنترل می کردید.
پیش به سوی تشکل های مستقل کارگری
1http://www.ofros.com/maghale/payam_mojadele.pdf
2http://www.azadi-b.com/arshiw/?cat=194
3http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1283:-l----------r------&catid=11:1389-12-23-23-55-51&Itemid=30

بازگرداندن محمدجراحی فعال کارگری از بیمارستان به زندان

به گزارش وبگاه «کانون مدافعان حقوق کارگر»،در تاریخ 11 اسفند 91 آمده است : محمد جراحي، کارگر زنداني، پس از مرخصی از بیمارستان، به زندان بازگردانیده شد.
محمد جراحی ده روز قبل برای عمل پزشکی به بیمارستان منتقل شده بود، پس از عمل جراحی به زندان بازگردانده شد.
به وی گفته شده بود که هزینه ی بیمارستان برعهده ی خود اوست.
این کارگر زندانی دو سال پیش در پی برگزاری یک دادگاه غیرعلنی همراه با شاهرخ زمانی به زندان های طویل المدت محکوم شدند.
اکنون شاهرخ زمانی مدت 11 سال محکومیت خود را در زندان گوهردشت و محمد جراحی در زندان تبریز مدت
5 سال محکومیت خود را سپری می کنند.

باردیگرطرح بیمه کارگران ساختمانی از سوی شورای نگهبان ارجاع داده شد

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس در تاریخ 11 اسفند 91 آمده است : بنقل ازیک بهارستان نشین، از ارجاع طرح بیمه تامین اجتماعی کارگران ساختمانی به مجلس به دلیل بار مالی خبر داد.

اطلاعیه بخشی از فعالین و اعضاء "کمیته فعالین کارگری سوسیالیستی-فرانکفورت"

اطلاعیه کمونیستها صادق ترین انسانها هستند.
ما بمثابه بخشی از فعالین و اعضاء "کمیته فعالین کارگری سوسیالیستی-فرانکفورت" در

سطح جنبش اعلام می نمائیم، که مـــا از ژانویه سال دوهزار و سیزده، هیچگونه ارتباط

سیاسی- تشکیلاتی با کمیته نداشته و هیچگونه مسئولیتی را در قبال اعلام مواضـع و یا

نظریات مطروحه در نشریات بیرونی از جمله "گاهنامه" که در ماه فوریه ی امسال انتشار یافته

بعهده نمی گیریم، چرا کـــــه آنها دیگر بیانگر نقطه نظرات و دیدگاه های ما نمی باشد.

هدف ما همبستگی با مبارزات طبقه کارگر بوده و همچنان در این راستا مبارزه سیاسی خود
را جدای از این کمیته پیگیرانه ادامـه خواهیـــــــــم داد.
ما پس از بحثهای تحلیلی متداوم و ارزیابی دقیق از عملکرد و روند حرکت کمیته نهایتا بدین

جمعبندی دست یافتیم که این تشـــکل که به نوعی محصول و برآمده از درجه ی معینی از

رشد مبارزات طبقاتی و بروز و شکل گیری خیزش ها و اعتراضـــــــــات وسیـــع اجتماعی در

ایران بود، پا به عرصه ی حیات سیاسی گذاشت و در شرایط خاصی از جنبش در پاسخگویی

به نیـــــازهای معینی، اهدافی را در دستور کار خود قرار داد و عملا قادر شد در یک پروسه
این رسالت تاریخی خود را با موفقیت به پیـــــش ببرد. اما متاسفانه در شرایط کنونی این
تشکل اساسا ظرف مناسبی برای پاسخ به نیازهای جنبش نبوده و بمثابه یک وسیـــــله یا

ابزار برای دستیابی به اهداف استراتژیک خود که همانا درهم شکستن ماشین نظام سرمایه

داری و استقرار سوسیالیسم باشـــــــد، کارآیی خود را از دست داده است. کمیته قادر نبود

از چند ماه گذشته بر بستر شکل گیری و حاد شدن بحران ها و اختلافات درونی به اهداف و

وظایف خود عمل نماید.

ما بعنوان بخشی از پیکرۀ این تشکل تمامی دستاوردهای کمیته را که با همت و پشتکار و در

نتیجه ی تلاش جمعی تمامـــــــــی رفقـــای کمیته میسر گردید تائید نموده و با صراحت

تمام از ضعف ها و لغزش هایی نیز که در عرصه سیاست هـــــــای بیرونی کمیته نمودار

گردیـده، از خود انتقاد می کنیم.

امیدواریم که بتوانیم در این راستا در کنار تمامی نیروهای انقلابی جنبش، اهداف و وظایف خود را بمثابه کمونیستها به پیـــــــش ببریم.
برقرار باد سوسیالیسم!
زنده باد استقلال طبقاتی کارگران!
زنده باد انقلاب!
23 فوریه 2013 - فرانکفورت
از طرف: بهروز د.- حبیب- سیامک- عسگر- فریدون- همایون

ادامه درگیری اصفهانی ها با پلیس بر سر حق آبه

قطره به گزارش پارس در 11 اسفند 91 آمده است : با گذشت روزها از اعتراض کشاورزان اصفهانی نسبت به اختلاف حقابه تعیین شده با میزان واقعی حقابه اختصاص یافته به ایشان، بالاخره ماجرایی که سالها محل مناقشه بخشی از مردمان اصفهان و مسئولان استان بوده است به شکل درگیری و ضرب و شتم سر باز کرد تا شرق اصفهان بحرانی شده و نگرانی ها به اوج برسد.
به گزارش پیام نیوز، درگیری بین کشاورزان و ماموران نیروهای انتظامی استان در حالی به وقوع مي‌پيوندند که کشاورزان شرق اصفهان معتقدند آب زاينده رود که از سال‌های دور به زمين‌های آنها اختصاص مي‌يافت، اکنون به استان‌های يزد، قم، کاشان و کارخانه‌های بزرگی مانند فولاد مبارکه و ذوب‌آهن فروخته مي‌شود. اين کشاورزان در اعتراض به قطع سهميه آب خود، از هفته قبل با تجمع در مقابل خط لوله انتقال آب اصفهان به يزد اعتراضشان را نشان دادند.
بر اساس این گزارش، وضعیت کشاورزان شرق اصفهان تا حدی نگران کننده و بحرانی است که دیگر هیچ‌یک از آنها قطره‌های آب برای کشاورزی خود ندارند و همواره نگران معیشت خانواده خود هستند؛ عاملی که سبب شده در این راه از هیچ تلاش و کوششی دریغ نکرده و موضوع را تا آنجا پیگیری کنند که حتی به هیئت دولت نیز کشانده شود.
همچنین برخی از آنها با پيگيري‌های لازم در خصوص وضعیت زاینده رود با معاون اول رئیس جمهور نیز جلسه گذاشتند و در این جلسه وعده‌هایی نیز به ایشان داده شد.
علاوه بر آن، رئیس جمهور در سفر آذر ماه خود به اصفهان که برای افتتاح چند طرح در کارخانه فولاد مبارکه اصفهان حاضر شده بود در بخشی از سخنانش در پاسخ به مسائل مطرح شده پیرامون بررسی خشک‌سالی در اصفهان و خشک شدن زاینده رود گفت: قبول دارم خشک‌سالی است و آب کم است و از طرفی زاینده رود منشا حیات اصفهان و استانهای همجوار است که باید با توسل به درگاه خداوند بخواهیم تا از آسمان این نعمت الهی بیش از پیش نازل شود؛ پس باید همه دعا کنیم چرا که حل همه مسائل به دست خداست و تجربه

نشان داده مردم اصفهان هرچه بخواهند به دست مي‌آوردند.
زمانی که رئیس جمهور این جمله را در اصفهان بیان کرد، درک آن برای بسیاری دشوار بود البته هر چند که در ادامه این سخنان وی طرح انتقال آب از دریای مازندران و خلیج فارس را نیز بیان کرد اما آنچه که مهم بود مشکل فعلی کشاورزان بود که احمدی نژاد با بیان اینکه دعا کنید تا باران ببارد وعده جریان آب را داد.
همچنین کشاورزان شرق اصفهان در تجمع خود قطعنامه‌ای را با عنوان قطعنامه تراکتور سواران و احیا گران زاینده رود را صادر کردند که در آن نسبت به عملکرد وزارت نیرو انتقاد داشته‌اند.
در بخشی از این قطعنامه آمده؛ فروش بی رویه آب از محل حقآبه‌ها و بارگزاري‌های بیش از ظرفیت بر روی رودخانه، عدم نظارت و محافظت شایسته از رودخانه که منجر به حفر 7620 حلقه چاه در حریم رودخانه و نصب پمپاژها و منصوبات و مستحدثات فراوان در حریم و بستر رودخانه شده است، عدم انجام مدیریت صحیح آبرسانی و انتقال آب از رودخانه و ممانعت از متجاوزین به حریم بستر رودخانه، احساس مالکیت بر حقابه ها به جای ماموریت و نگهداری و توزیع آن انتقاد شده است.
و در ادامه نوشته‌اند: موارد فوق با قانون توزیع عادلانه آب و آئین‌نامه‌های اجرایی مربوطه مغایر است که این امر سبب شده رودخانه زاینده رود یک رودخانه فصلی و حتی کمتر از آن شود و در واقع یک رودخانه خشک باشد، همچنین اقتصاد، تولید، سلامت روح و روان، معاش، بهداشت، فرهنگ، محیط زیست، ارتباط مردم با نظام، مهاجرت، اشتغال و توسعه مردم حوزه زاینده رود را نیز آسیب رساند.

چرا مبارزه برای افزایش دستمزد و مزایا می تواند نقش عمده ای در ارتقاء جنبش عمومی کارگران بازی کند؟

منصور اسانلو

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده است که : طی سال گذشته مردم روز به روز با افزایش قیمت ها و بالا رفتن سطح هزینه ها روبه رو بودند اکثریت مردم را مزد و حقوق بگیران و خانواده هایشان تشکیل می دهند و هر تصمیمی در این باره بر سرنوشت اکثریت جامعه تاثیر می گذارد.
نزدیک به ۵۰ روز پیش شهرداری تهران موفق شد یک متمم افزایش بودجه شهرداری را با اثبات روند رشد تورم ۱۲۰ درصدی به شورای شهر تهران بقبولاند که در نتیجه ۱۸۹۰ میلیارد تومان بودجه متمم جدید در سال ۱۳۹۱ را برای جبران هزینه ها و پیشبرد کارهایش گرفت، اگر همین روند نرخ افزایش تورم مصوب شورای شهر تهران را به عنوان پایه ای برای میزان افزایش تورم که از سوی یک نهاد رسمی حکومتی پذیرفته و از سوی یک نهاد رسمی حکومتی درخواست شده است را ملاک قرار دهیم نتیجه کاملا مشخص می شود یعنی پذیرش ۱۲۰% افزایش حقوق پایه برای کلیه کارگران، کارمندان، آموزگاران، پرستاران و دیگر دستمزد بگیران جامعه و فروشندگان نیروی کار یدی و فکری.
از سوی دیگر در نهادی مثل شهرداری تهران سطح پرداخت کمک هزینه مسکن تا ۳۲۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۱ بوده است که با افزایش نرخ اجاره بها و خرید مسکن در طی سال جاری انتظار می رود که برای سال ۱۳۹۲ افزایش یابد اما کارگران شرکت واحد و کارگران پیمانی و قراردادی از همین حداقل حق مسکن بهره مند نیستند در صورتی که طبق قوانین و عرف موجود این مزایا بایستی یکسان به همه پرسنل تحت پوشش یک سازمان تعلق بگیرد و این حق مسکن یا مزایای دیگر به نسبت روند رشد قیمت ها و تورم شامل حال همه حقوق بگیران می تواند باشد و نمونه ای از درخواست های تحقق یافته برای بخشی از حقوق بگیران است که دیگر کارگران و دستمزد بگیران می توانند با اشاره به آن برای افزایش حقوق و مزایای خود حول این درخواست متشکل گردند .
همچنین در سال جاری کارمندان شهرداری و شرکت واحد اتوبوسرانی تهران از یک افزایش حقوق ۳۵ درصدی نیز بهره مند شدند که در مقابل افزایش هزینه های زندگی به چشم نمی آید اما به طور میانگین سطح دستمزد کارمندان معمولی شهرداری و شرکت واحد با استفاده

از اضافه کاری به حدود یک میلیون و پانصد هزار تومان در ماه رسیده است که حتا این حداقل هم برای کارگران و رانندگان شرکت واحد و دیگر بخش های حمل و نقل عمومی درون شهری و جاده ای برقرار نشده است. از آن بدتر وضعیت رانندگان بخش خصوصی می باشد که از مزایایی همچون بیمه تامین اجتماعی و حق اضافه کاری و حق شیفت و لباس کار و دیگر مزایای کارگران رسمی هم محروم هستند همچنین از امنیت شغلی به هیچ وجه برخوردار نیستند اتفاقا این بخش از کارگران ایران هستند(کارگران غیر رسمی، قراردادی، پیمانی، شرکتی، قراردادسفید امضاء و کارگرانی که برای کار کردن به کارفرما سفته داده اند) که بیش از بقیه نیاز به تشکیل سندیکا و یا پیوستن به تشکل های مستقل وآزادوتحت فشار موجود کارگری دارند . به لحاظ بخش نامه ای و از نظر فصل سوم قانون اساسی که مربوط به حقوق ملت می باشد و اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون های مختلف مربوط به حقوق کارگران، زنان، کودکان، قومیت ها، ملیت ها و ... هیچ تبعیضی در بین مردم اعم از زن و مرد ، کارگر و کارمند و یا نژاد و قومیت و زبان نباید وجود داشته باشد کما اینکه نیازهای اولیه همه انسانها برای ادامه حیات و زندگی ایشان نیز مشمول همین عدم تبعیض می باشد، یعنی مدیریت اجتماعی مکلف و موظف است که با برنامه ریزی پایه ای خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و آموزش و شرایط حضور در اجتماع و برخورداری از رفاه و تفریح برای همگان در سطحی مناسب در اختیار همه گان قرار دهد، اصولا این مبارزات بشری از سوی طبقات محروم از امکانات بوده است که منجر به پیدایش قوانین گردیده تاآنها که اکثریت مردم بوده اند از مزایایی بهره مند گردند که صاحبان قدرت و ثروت در دوران مختلف از همه آن مواهب بهره مند بوده اند، لذا ایستادگی بر سر افزایش دستمزد و حقوق و مزایا برای پاسخ گفتن به هزینه های رو به افزایش زندگی همیشه واجب است چرا که سود و ما به التفاوت این افزایش هزینه ها که به صورت های مختلفی مثل گرانی و تورم خودش را نشان می دهد دائما به جیب حکومتی ها و دارندگان اهرم های تعیین سیاست ها و به جیب رانت خواران و دلالان و واسطه های حکومتی می رود، هر چه کارمندان و کارگران، پرستاران، آموزگاران بیشتر تلاش کنند و برای دریافت و افزایش حقوق و دستمزد خود متحد شوند و تشکل های مستقل و آزاد و دموکراتیک خویش را سازماندهی کنند، بهتر می توانند حق خود را برای زندگی بهتر و امکانات بیشتر برای آموزش و آینده سازی فرزندان خود به دست آورند. هم اکنون سعی و تلاش برای به دست آوردن فیش حقوق و دستمزد مدیران و کارمندان عالی رتبه و اطلاع از سطح در آمد های آنان ازنیازهای تشکیلاتی زحمتکشان اعم از کارگران و کارمندان است، وزراء، وکلای مجلس و اعضای شورای نگهبان، سران سپاه و نیروی انتظامی و بسیج، اطلاعاتی ها و بزرگان حوزه ها وسازمان های مختلف تبلیغی، ترویجی، دینی و مراکز نماز جمعه ها و درآمدهای افسانه ای حوزوی ها، سران و مدیران و روسای مختلف همه قوای متمرکز رهبری کننده سیستم به خصوص بنیاد ها ونهاد های تحت پوشش ولایت فقیه و کسانی که از اسکله های نظامی و اسکله ها و بارانداز‌های ناشناخته و تحت کنترل شدید برخی از فرماندهان سپاه انواع کالاها را وارد کرده و انواع معاملات غیرقانونی و شبه قانونی را انجام می دهند.اگر مردم یعنی کارگران ، کارمندان و همه دستمزد بگیران دون پایه و صنعت گران و تولید کنندگان ملی و خرد و کاسب هایی با درآمد میانگین ماهیانه که به حقوق و دستمزد کارگران و کارمندان نزدیک می باشد، متحدا در جستجوی تامین حقوق خود باشند، آن وقت همگان به این نکته می رسند که هر چه از آن ها کم شده است در میان درآمد و چنان ثروت های افسانه ای آن اقلیت رانت خور حکومتی، نظامی، انتظامی گم شده است، کسانی که در چنان موقعیت قدرت و ثروت و روابط قرار گرفته اند که هیچ کس جرات نکند از آنها بپرسد که چقدر ثروت و امکانات دارند و آن ثروت و امکانات را از کجا آورده اند، یک نمونه نزدیک آن همان معامله شفاهی بین لاریجانی و سعید مرتضوی است که هیچ کدام از آن ها به هیچ کس پاسخ گو نیستند. که چطور می توانند درباره میلیاردها دلار و تومان معامله و ارتباطات مربوط به آن معاملات غیرقانونی و رانتی و رابطه ای گفتگو کنند و قرار و مدار بگذارند. در آخر کار هم که رقابت سیاسی حکومتی آن معاملات را لو می دهد هیچ اتفاقی نمی افتد مرتضوی بعد از یک روز آزاد می شود یکی از راه های جلوگیری از این معاملات متحد شدن و مطرح کردن نیازها و مطالبات و درخواست ها از راه ایجاد تشکیلات سندیکایی، کارگری، کارمندی، مردمی و پیوستن این تشکلها،با یکدیگر سطح و روش برخورد برای رسیدن به خواسته هارا به مرور

زمان تغییر خواهد داد و هر چه تشکل ها احساس قدرت بیشتری از نظر کمی و کیفی پیدا کنند، مسلما شیوه ها و برخوردها و روش ایستادگی آنها برای رسیدن به خواسته های برحق شان محکم تر، منسجم تر و در سطح عالی تری از نظر سازماندهی قرار خواهد گرفت . هر چه تشکل های مختلف احساس کنند از حمایت تشکیلات دیگر و پشتیبانی مردمی بیشتری بهره مند هستند، در رسیدن به خواسته های خود پافشاری بیشتری خواهند کرد، اینکه مدیران و حکومت گران نمی خواهند به هیچ وجه به قدر ارزنی به حقوق زیر دستانشان اضافه شود، برای آن است که با آن تمرکز قدرت و ثروت می توانند نیروهای سرکوبگر بیشتری را با پول و امکانات سازمان دهی کرده و آموزش بدهند تا در روزهای مبادایشان مثل زمان جنبش سبز در سال ۸۸ ؛ آن نیروی منسجم، آموزش یافته و سیر و پر را با خشونت هر چه بیشتر بر سر مردم آوار کنند، یکی از راه های کم کردن قدرت مالی سرکوبگران، درخواست توزیع عادلانه ثروت و امکانات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی در میان تمام حقوق بگیران و دستمزد بگیران، اعم از کارگران و کارمندان و پرسنل دون پایه بخش های مختلف تولیدی- خدماتی است. حکومت با از بین بردن قراردادهای رسمی کار، و با قطع حمایت های بیمه ای و تاراج سرمایه های سازمان تامین اجتماعی و با خارج کردن آن سازمان از حیطه قدرت تصمیم گیری از سوی کارگران و حقوق بگیران و سرمایه گذاران واقعی سازمان تامین اجتماعی، عملا حمایت های بیمه ای مثل بیمه درمان، حوادث، از کار افتادگی، بهداشت، دندان پزشکی، کمک لوازم و تجهیزات پزشکی مثل پروتز ها، بیمه بیکاری، بازنشستگی، را به سوی نابودی می برد. درخواست متشکل برای حضور در مدیریت سازمان تامین اجتماعی و وزارت کار توسط تشکل های دموکراتیک کارگران نیز یکی دیگر از محورهای اتحاد عمل بین کارگران مبارز می تواند باشد تغییر قوانین کار و بیمه های تامین اجتماعی در جهت بی اختیار کردن حتا نهاد های مشاوره ای و کارفرمایی مثل شوراهای اسلامی کار موضوع ماده ۲۷ قانون کار و عدم نیاز به نظر همین شوراهای فرمایشی اسلامی برای تنبیه و اخراج کارگران و افزایش ۳% حق بیمه کارگران برای پرداخت به عنوان حق بیمه و دیگر مزایای بیمه ای بیمه گذاران طی چند سال گذشته و در برنامه ریزی های آینده، که سرفصل ها و اصلی ترین برآمدهای این تغییرات به سود کارفرمایان حکومتی ، دولتی و شبه دولتی و بخش خصوصی می باشد. روند رو به افزایش وحشتناک گرانی و تورم و بالا رفتن لحظه ای و روزانه قیمت ها از سوی سیاست گزاران و سیاست مداران حکومت روش دیگر خالی کردن دست و جیب حقوق بگیران است، که عملا هر چقدر برای افزایش دستمزد ها و حقوق و مزایا تلاش کنند از این سوی با ورود به بازار خرید برای هر کالای اساسی (چون دستمزد بگیران در شرایط حاضر به سراغ کالاهای غیر اساسی نمی توانند بروند) هر چه به دست آورده اند از دست می دهند. به همین دلیل نیاز به تشکیل سندیکاها و یا دیگر تشکل های واقعی، مستقل، آزاد و دموکراتیک برای همه مزد بگیران ایران لازم است که در مقابل افزایش لحظه ای هزینه ها، آنها هم خواهان افزایش لحظه ای درآمدها باشند. سندیکاها و تشکل های کارگری مبارز مثل پاسگاه های مرزبانی هستند که از مرز زندگی و سطح معیشتی کارگران دفاع می کنند. والا اگر یک بار در سال مبلغی یا درصدی را حکومتی ها به عنوان پایه افزایش تورم اعلام شده از سوی خودشان اعلام می کنند که بسیار غیر واقعی و همیشه زیر خط فقر است و بعد از اعلام این حداقل دستمزد، گرانی ها و افزایش هزینه ها از همان لحظه اعلام افزایش حداقل دستمزد، این حداقل را بی معنا کرده است و نرخ تورم معمولا چند برابر نرخ افزایش حداقل دستمزد سالیانه رشد کرده و می کند. در همین یکی دو ماه گذشته نرخ بسیاری از اقلام بیش از ۵۰٪ رشد داشته است، کرایه حمل و نقل بیش از ۲۰٪ رشد یافته است، در اخبار خرید خودروها آمده بود که تعیین قیمت خودرو میلیون ها تومان به ضرر خریداران پیش خرید کرده افزایش یافت و برخی از آنها بیش از دو برابر باید پول بدهند، نرخ سواری پراید از بیست و یک میلیون تومان بالا رفت و به همین ترتیب نرخ خرید و فروش مسکن و اجاره بها و از همه مهمتر دلار و یورو و دیگر ارزهای خارجی که در سیاست های اقتصادی کشور به دلیل وابستگی شدید به واردات و فروش نفت و گاز و کالاهای وابسته به صنعت نفت مثل تولیدات پتروشیمی نقش درجه اول دارند شدیدا بالا رفته است و عملا بسیاری از فروشندگان نرخ کالاهای فروشی خود را با نرخ دلار و دیگر ارزهای خارجی تعیین می کنند، در این وانفسا پراکندگی اجتماعی و بی سازمانی و تنها ماندن افراد بدترین وضعیست که هر هم وطن با آن روبه رو می شود، باید که تک تک ما

با اعضای خانواده، همسایه ، دوستان، فامیل، همکاران، هم محلی ها، به گفتگو بنشینیم و درباره شرایطی که هر روز برای مردم عادی بدتر می شود و در این بین چند درصد رانت خواران و دلالان و سرمایه داران وابسته به حکومت سودهای میلیاردی می برند، مذاکره کنیم و راه های پیوستن به یکدیگر را با استفاده از تجربه های دیگر مردم در دیگر کشورها که شرایط بهتری پیدا کرده اند را مورد بررسی قرار دهیم. و راهکارهای عملی سازمان دهی و همبستگی را برای جلوگیری از بدتر شدن بحران پیدا کنیم و برای نجات زندگی و آینده خود و سرزمین مان بکوشیم.

اعلامیه ی مادران پارک لاله
روز جهانی زن را گرامی می داریم

هشت ۸مارس در تمامی کشورها، روز اعتراض عمومی زنان علیه ستم و نابرابری است. بیش از ۱۳۰ سال پیش در چنین روزی زنان کارگر کارخانه های نساجی شهر نیویورک برای اعتراض به شرایط غیر انسانی و نابرابر خود در محیط کار تظاهرات کردند، اما پاسخ اعتراض آرام و مدنی آنها سرکوب وحشیانه پلیس بود. از آن به بعد حرکت اعتراضی زنان ادامه یافت تا سرانجام در سال ۱۹۱۱ میلادی کلارازتکین زن مبارز آلمانی ۸ مارس را به عنوان روز جهانی زنان پیشنهاد کرد و در سال ۱۹۷۷ یونسکو ۸ مارس را به عنوان روز جهانی زن به رسمیت شناخت. از آن سال به بعد زنان این روز را با برپایی مراسم گوناگون گرامی می دارند تا به خودشان و تمامی زنان جهان یادآوری کنند که برای داشتن جهانی بهتر و بدون تبعیض و تحقق خواست های عدالت خواهانه شان، راهی طولانی در پیش است و مبارزه ای مستمر و پیگیر را طلب می کند.
در سرزمین ما ایران نیز زنان سال هاست که برای پاره کردن زنجیرهای ستم و بردگی و بر پا کردن پرچم آزادی و برابری در تلاش هستند، تلاش هایی که همواره با سرکوب گسترده رژیم های دیکتاتوری همراه بوده است. گستردگی و افزایش قوانین ضد زن در ایران، بخصوص در جمهوری اسلامی به اهرمی برای تضییع حقوق زنان بدل شده است و زنان سرزمین مان هنوز در موارد زیادی در خانواده، اجتماع، محیط کار، محل تحصیل و غیرو مورد خشونت و تبعیض قرار می گیرند. تبعیضی که هر روزه در تمامی لایه های بالایی و پایینی شهرها و روستاها شاهدش هستیم، ولی زنان مبارز ایرانی با شیوه های مختلف، فریاد آزادی خواهی خود را بلند کرده اند و در هر حرکت اعتراضی و دادخواهانه در صف اول مبارزه حضور دارند.
زنان ایرانی خواهان جهانی دیگر هستند، جهانی که زنان از حقوق انسانی برابر با مردان برخوردار باشند و هیچ انسانی به واسطه تبعیضی که از طرف حکومت یا جامعه به او تحمیل می شود، به ویژه به دلیل جنسیت خود مورد ظلم و ستم قرار نگیرد و همه انسان ها در صلح و آزادی زندگی کنند و از تمامی امکانات جامعه به عدالت بهره مند شوند.
۸ مارس (۱۸ اسفند ۱۳۹۱) را در شرایطی گرامی می داریم که زنان ایرانی از طرف حکومت سراپا تبعیض و تحقیر جمهوری اسلامی به شدت تحت فشار هستند و از هر گونه برگزاری مراسم و سخنرانی و یادآوری آشکار این تبعیض مضاعف محروم اند و هر روز دامنه محدودیت و محرومیت بر آنها در تمامی سطوح جامعه بیشتر و بیشتر می شود ولی استواری و حق طلبی زنان ایرانی در این دوران سیاه و سخت چه در بیرون زندان ها و چه در درون زندان ها نشان داده است که زنان لحظه ای از مسیر دادخواهی عقب نشینی نخواهند کرد. هم چنین یادآور می شویم که افزایش بازداشت و دستگیری و دیگر محرومیت ها، حتی شکنجه و سنگسار و اعدام، هیچ گاه باعث نشده مادران و زنان این سرزمین از پیگیری خواسته های حق طلبانه خود ناامید شوند، بلکه آنان را در راه خود مصمم تر کرده است.
ما مادران پارک لاله ضمن تاکید بر سه خواسته همیشگی خود: آزادی همه زندانیان عقیدتی و سیاسی، محاکمه و مجازات آمرین و عاملین همه جنایات صورت گرفته در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، لغو مجازات اعدام؛ یاد و خاطره و راه همه زنانی که به دلیل پیگیری خواسته های انسانی خود کشته یا زندانی یا از زندگی اجتماعی و فردی محروم شده اند را گرامی می داریم.

ما تلاش می کنیم انعکاس صدای مادران و خانواده های زجر کشیده ای باشیم که می خواهند فریاد آزادی خواهی و عدالت جویی خود و فرزندان شان را به گوش جهانیان برسانند و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نخواهیم کرد. ما هم چنین می خواهیم صدای دادخواهانه زنان و مردانی باشیم که برای رسیدن به جهانی عاری از خشونت و جنگ و نابرابری و بی عدالتی مبارزه می کنند و در راه این مبارزه طولانی دست همراهی تمامی آزادی خواهان و عدالت جویان کشورمان را به گرمی می فشاریم و به آنان نوید می دهیم که جهان دیگری نیز با همراهی تمامی دادخواهان ممکن است.
مادران پارک لاله ایران
۱۲ اسفند ۱۳۹۱

اخراج ۷۷ کارگر سد مخزنی شهر بیجار

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 12 اسفند آمده است : نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی به وزیر نیرو در خصوص اتخاذ تدابیر لازم به منظور جلوگیری از تعطیلی پروژه‌های ملی و عدم اخراج کارگران در پروژه های ملی سد پلرود رحیم آباد و سد مخزنی رودبار تذکر داد.
به گزارش ایلنا از رشت، متن کامل تذکر غلام علی جعفر زاده ایمن آبادی به مجید نامجو به شرح ذیل است:
به دنبال بروز مشکلات مالی ناشی از عدم تزریق به موقع اعتبار و کمبود نقدینگی و مطالبات بالغ بر ۱۹۰ میلیارد ریال قرارگاه خاتم الانبیاء به عنوان پیمان کار پروژه سد مخزنی پلرود شهرستان رودسر، این پیمانکار علاوه بر محدود نمودن جبهه‌های کاری به اخراج ۷۰ نفر از کارگران و انتقال برخی از ماشین آلات خود به استان کرمان مبادرت کرده و قرارداد تا پایان سال مابقی کارگران را لغو و مجدداً با آن‌ها قرارداد یک ماهه تنظیم نموده است.

۱- قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (موسسه ثارالله) پیمان کار این پروژه بوده که از تاریخ ۱۳۸۹/۱/۱۷شروع به کار کرده و تحویل پروژه تاریخ ۱۳۹۴/۷/۱۷ مي‌باشد و تاکنون بیست درصد پیشرفت کار داشته است، درحالیکه مي‌بایست ۴۰درصد پیشرفت کار داشته باشد. این پروژه با هدف تامین آب کشاورزی و شُرب مناطق شرقی استان گیلان با اعتباری بالغ بر ۸۸۸ میلیارد ریال در حال احداث مي‌باشد.

۲- اعتبار تخصیص سال ۱۳۹۱، از سوی آب منطقه‌ای ۱۶ میلیارد تومان بوده که پیمان کار به همراه طلب سال گذشته بالغ بر ۲۰میلیارد تومان از آب منطقه‌ای طلب دارد و از ابتدای سال جاری مسئول پروژه با مراجعه حضوری مکرر به مسئولان استانی و شهرستانی درخواست حمایت و کمک برای گرفتن اعتبار لازم نمودند ولی به رغم وعده‌های داده شده نتیجه‌ای حاصل نشده و در نهایت حدود ده ماشین سنگین (بلدوزر، لودر و کمپرسی) به کرمان انتقال داده شده است.

۳- شرکت آب منطقه‌ای گیلان تاکنون مبلغ ۲۸ میلیارد تومان برای خرید ۲۱۲ هکتار زمین حاشیه پروژه مذکور پرداخت کرده است و تعداد ۲۴ نفر از اهالی منطقه مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان از شرکت آب منطقه‌ای طلب دارند که به همین دلیل املاک خود را در اختیار دارند و به دنبال نوسانات موجود در بازار از تحویل املاک خود با قیمت فعلی اظهار نارضایتی مي‌کنند.

۴- با اتمام عملیات خاکریزی بدنه سد مخزنی شهر بیجار شهرستان رودبار، پیمانکار مذکور ۷۷ نفر از کارگران بومی پروژه را تعدیل نموده که این موضوع و نیز عدم استفاده از بیمه بیکاری موجب نارضایتی شدید کارگران بومی شده است.
وجود مشکلات معیشتی قشر کارگر، عدم تحقق وعده‌های داده شده، مطالبات حقوق و مزایا از جمله خواسته‌های کارگران مي‌باشد که باتوجه به تورم و گراني‌های اخیر و نزدیکی ایام انتخابات، رسیدگی و رفع مشکلات کارگران امری ضروری مي‌باشد.

نشست جوش‌کاران لوله‌کشی گاز خانگی در سنندج

بر پایه مطلب آمده در سایت کمیته هماهنگی ... ؛روز جمعه ۱۱/۱۲/۹۱ جمع زیادی ازکارگران جوش‌کار لوله‌کشی گاز، جهت بررسی وضعیت بد اقتصادی و دستمزدهای پایین خود، نشستی را در سنندج برگزار کردند. این نشست با سخنان یکی از حاضرین، پیرامون درآمد پایین کارگران و دستمزدهایی که توسط کارفرماها تحمیل می‌شود، شروع شد. سپس این کارگران، در مورد تورم و گرانی سرسام‌آور و بالا رفتن هزینه‌های زندگی بحث و گفت و گو کردند.
در پایان این نشست، کارگران جوش‌کار بر ضرورت پرهیز از مبارزات فردی و پراکنده تأکید کردند، و تنها راه مقابله با مشکلات و درخواست مطالباتشان (از جمله بالا بردن سطح دستمزدهای خود) را اتحاد عمل و ایجاد تشکل مستقل کارگری دانستند. این نشست پس از ۲ ساعت به پایان رسید.

کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
۱۲ اسفند ۱۳۹۱

سومین تجمع کارگران قند اهواز در مقابل استانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 12 اسفند 91 آمده است : بیش از ۳۰ نفر از کارگران قند اهواز با حمل پلاکاردهای اعتراضی در مقابل استانداری تجمع کردند.به نظر نمي‌رسد ارادهٔ جدی در مسئولان برای حل مشکلات این کارگران وجود داشته باشد. دبیر اجرایی خانه کارگر استان خوزستان از تجمع امروز صبح بیش از ۳۰ نفر از کارگران قند اهواز در مقابل استانداری خبر داد.
آقایار حسینی در این باره به ایلنا گفت: صبح امروز بیش از ۳۰ نفر از کارگران قند اهواز برای سومین بار طی هفت روز اخیر با حمل پلاکاردهای در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.
وی با انتقاد از عملکرد سازمان تامین اجتماعی در قبال کارگران قند اهواز ادامه داد: سازمان تامین اجتماعی از آبان ماه امسال لیست بیمهٔ کارگران قند اهواز را رد نمی‌کند.
دبیر اجرایی خانه کارگر استان خوزستان در پایان اظهار داشت: علی رغم مصوبات کمیسیون کارگری استان هیچ گونه اقدامی در خصوص حل مشکلات صورت نگرفته و روال سابق کماکان ادامه دارد. به نظر نمی‌رسد ارادهٔ جدی در مسئولان برای حل مشکلات این کارگران وجود داشته باشد.

نقض قانون کار در پرداخت عیدی کارگران دولت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 12 اسفند آمده است : بر اساس گزارش‌های رسیده به ایلنا، دولت برای نپرداختن پول بیشتر، عیدی کارگران شاغل در سازمانهای دولتی را بر مبنای قوانین مربوط به استخدام کارمندان پرداخت می‌کند.
با این حال دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی‌کار استان تهران این اقدام دولت را نقض آشکار ماده ۸ قانون کار عنوان کرد و گفت: قرارداد کار کارگران شاغل در دستگاه‌های دولتی بر مبنای قانون کار منعقد شده است، بنابراین نمی‌توان به این کارگران مانند کارمندان عیدی داد.
بر اساس ماده ۸ قانون کار، شروط مذکور در قرارداد کار یا تغییرات بعدی آن در صورتی نافذ خواهد بود که برای کارگر مزایایی کمتر از امتیازات مقرر در این قانون منظور نکنند.

نمونه‌هایی از بی‌قانونی
دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران گفت: در چند سال اخیر دولت بدون توجه به ماده ۸ قانون کار، به کارگران شاغل در دستگاه‌های دولتی مانند کارمندان عیدی

می‌دهد.
حسن حبیبی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در چند سال گذشته کارگران شاغل در دستگاهای دولتی طبق قانون کار عیدی نگرفته‌اند و به عنوان نمونه امسال نیز عیدی کارگران شاغل در مجموعه‌های دولتی استادیوم آزادی و شرکت خدمات حمایتی کشاورزی کرج برمبنای قوانین مربوط به استخدام کارمندان پرداخت شده است.
این مقام کارگری ادامه داد: در حالی که براساس قانون کار، عیدی امسال هر کارگر نباید از مجموع مزد ۲ برج (۷۷۸ هزار تومان) کمتر باشد، گفت: تصور می‌کنم که عیدی کارمندان دولت مبلغی در حدود ۴۰۰ هزار تومان است.

سرنوشت شکایت به دیوان
این تناقض قانونی در حالی است که سال گذشته گروهی از کارگران علیه این اقدام دولت در دیوان عدالت اداری اقامه دعوی کردند اما در نهیات دیوان عدالت اداری با ناوراد دانستن اعتراض کارگران، اقدام دولت را تایید کرده بود.
حبیبی با بیان اینکه رای وحدت رویه هیات عمومی دیوان عدالت ادرای در خصوص تایید اقدام دولت مبنی بر نقض قانون کار در محسابه عیدی کارگران مبهم است، گفت: در این خصوص کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران با رئیس و نایب رئیس مجلس مکاتباتی داشته است.

تحصن مجدد کارگران راه‌سازی کهگیلویه و بویراحمد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 12 اسفند آمده است : تحصن کنندگان به شدت از وضعیت موجود نگران و تاکید کردند شرایط اقتصادی شان بدلیل دیر پرداخت شدن حقوق و مزایای هفت ماهه شان وخیم است.
کارگران اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد برای دومین بار در یک ماهه اخیر بدلیل پرداخت نشدن مطالبات خود که شامل حقوق، اضافه کاري، ماموریت و حق عیدی مي‌شود دست به تحصن زدند.
به گزارش خبرنگار ایلنا از یاسوج، بیش از ۱۰۰ کارگر شرکت‌های خدماتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد بعد از اولین تحصن خود که دو هفته پیش در دفتر استاندار این استان به نتیجه‌ای نرسید، این بار در دفتر معاونت پشتیبانی اداره کل راه و شهرسازی استان دست به تحصن زدند.
گفتنی است، حدود ۲۳۰ کارگر خدماتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد هفت ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند.

دیدار کارگران با نیما و بهنام ابراهیم زاده

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه : فعالان در تبعید: بنا بر گزارشهای رسیده به "کمپین صلح فعالان در تبعید" عصر روز پنج شنبه ۱۰ اسفند, اعضای کمیته پیگیری تشکلهای آزاد کارگری و تعدادی از کارگران پارس خودرو و ایران خودرو با حضور در بیمارستان محک با کارگر زندانی سیاسی و فعال حقوق کودک, بهنام ابراهیم زاده و فرزند بیمارش نیما ابراهیم زاده دیدار کردند.
گفتنی است اعضای کمیته پیگیری و کارگران حاضر در این ملاقات ضمن ابراز همبستگی و حمایت خود از این کارگر زندانی اعلام و خاطرنشان کردند که در این شرایط سخت نباید از هیچ کمکی به بهنام ابراهیم زاده و فرزند بیمارش دریغ شود.
بر اساس این گزارش بهنام ابراهیم زاده نیز به گرمی از اعضای کمیته پیگیری و کارگران پارس خودرو و اران خودرو استقبال و قدردانی کرد.

سقوط تیر برق، جان کارگر اداره برق لنده را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 13 اسفند 91 آمده است : کارگر اداره برق شهرستان لنده واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد بر اثر سقوط یک اصله پایه فشار ضعیف برق جان باخت.
به گزارش «ایلنا» از شهرستان لنده، در ساعت ۱۴ دیروز (شنبه) پرسنل اداره برق برای جمع آوری سیم‌های محوطه جدید مصلی شهر لنده و جابجایی تیر برق که اطراف آن قبلا خاک برداری شده بود اعزام شدند.
«فضل الله خنجری» یکی از کارگران این اداره برای جدا کردن کابل‌های انتقال برق به بالای دیرك برق رفت و مشغول بریدن کابل سوم بود که به یکباره تیر برق از جا کنده شد، به طوری که این کارگر فرصت باز کردن کمربند ایمنی را پیدا نکرد و با سقوط دیرك این کارگر ۴۵ساله جان خود را از دست داد.
شهرستان لنده یکی از شهرستان‌های گرمسیری کهگیلویه و بویراحمد محسوب می‌شود که با یاسوج مرکز استان حدود ۲۴۰ کیلومتر فاصله دارد.

اخراج کارگران اولین حربهٔ کارفرمایان در مقابل وقوع بحران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 12 اسفند آمده است : دولت باید سیاست‌های حمایتی خود را از قالب شعار به عمل درآورد و با ارائه تسهیلات بانکی مناسب از کارفرمایان حمایت کند.
به گزارش ایلنا از ساری، رئیس شورای اسلامی کار شهرداری ساری با اعلام «اخراج کارگران به عنوان اولین حربهٔ کارفرمایان در مقابل وقوع بحران در واحدهای تولیدی»، از اخراج و تعدیل نیروی کار در شرایط خاص، انتقاد کرد.
ناصر وفایی نژاد درمورد اخراج و تعدیل نیروی کار، گفت: متاسفانه به دلیل اینکه نیروی کار «دم دست‌ترین» عامل تولید به شمار می‌رود، کارفرمایان در شرایط خاص نسبت به تعدیل یا اخراج این افراد اقدام می‌کنند و این در حالی است که طبق آمار وزارت کار، دستمزد کارگران تنها ۸ تا ۱۲ درصد هزینه‌های تولید را شامل می‌شود.
او افزود: متاسفانه از نگاه کارفرمایان، مقصر اصلی در کاهش توان واحد صنعتی، هزینه‌های دستمزد کارگران است، در حالی که باتوجه به سهم دستمزد در میزان هزینه تولید این امر نادرستی محسوب می‌شود.
عضو کارگری هیئت حل اختلاف اداره کار ساری در تشریح علت اصلی مشکلات صنعت کشور گفت: دولت باید سیاست‌های حمایتی خود را از قالب شعار به حالت عمل درآورد و با ارائه تسهیلات بانکی مناسب از کارفرمایان حمایت کند، چرا که با توجه به هزینه‌های بالای مواد اولیه در شرایط تحریم و همچنین جریمه‌های بالای سیستم بانکی کشور، صنعتگران با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند.
وفایی نژاد ادامه داد: بخش زیادی از بار صنعت کشور را کارگاه و کارخانه‌های خرد و کوچک به دوش می‌کشند و این کارگاه‌ها توان رقابت با واحدهای بزرگ دولتی مثل صنایع فولاد، صنایع نفت و.. را ندارند، لذا برای حضور در عرصه مجبورند در شرایط فشار و تنگنا نسبت به تعدیل یا اخراج کارگران اقدام کنند.
این فعال کارگری با اشاره به مشکلات صنعت کشور خاطرنشان کرد: صنعتگران کشور جهت حمایت از سرمایه واقعی صنعت کشور یعنی کارگران تلاشی نمی‌کنند لذا بیشترین فشار در شرایط خاص به کارگران وارد می‌شود که درصد کمی از هزینه‌های تولید را شامل می‌شوند.

تجمع کارگران آونگان در مقابل کارخانه در اعتراض به پلمب محل کارشان

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 13 اسفند آمده است : پس از صدور حکم ورشکستگی کارخانه آونگان در دی ماه سال گذشته، صبح دیروز علیرغم توافقات انجام شده با طلبکاران مبنی بر پرداخت بدهی‌های شرکت در سه قسط، درب ورودی کارخانه پلمپ

شد.
صد نفر از کارگران شرکت آونگان اراک صبح امروز با تجمع در مقابل کارخانه اعتراض خود را نسبت به پلمپ این واحد تولیدی اعلام کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا از اراك، پس از صدور حکم ورشکستگی کارخانه آونگان در دی ماه سال گذشته صبح دیروز علیرغم توافقات انجام شده با طلبکاران مبنی بر پرداخت بدهي‌های شرکت در سه قسط، درب ورودی کارخانه پلمپ شد.
نماینده کارگران در این باره به ایلنا گفت: علي‌رغم صدور حکم ورشکستگی شرکت در سال گذشته تولید در کارخانه انجام مي‌شد و حقوق کارگران نیز پرداخت مي‌شد ولی از مهرماه امسال ورود تریلر به کارخانه ممنوع شد و فقط درب ورودی پرسنلی باز بود و از سوی دیگر طبق توافق انجام شده و قرارداد ارفاقی مقرر شده بود که بدهي‌های شرکت طی سه قسط در دیماه و بهمن ماه ۹۱ و اردیبهشت ماه ۹۲ به طلبکاران پرداخت شود و مطالبات و حقوق کارگران نیز طی ۶ سال قسط بندی شود ولی در روز گذشته شاهد بودیم که نیروی انتظامی همراه با یکی از مدیران کارخانه درب ورودی را پلمپ کردند.
در همین حال محمد حسن آصفری نماینده اراک در مجلس شورای اسلامی و عضو فراکسیون کارگری مجلس در گفتگو با ایلنا از پیگیری این موضوع خبر داد و گفت: در خصوص موضوع شرکت آونگان با رئیس کل دادگستری صحبتهایی انجام شده و پیگیر موضوع هستم و در حال گفتگو با سایر مسئولین مربوطه نیز هستم تا مشکل مرتفع شود.

به اقدام ضد کارگری سیاستمداران و رئیس شهرداری پارتیله در سوئد اعتراض کنید

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه : شهرداری پارتیله سوئد با اقدامی غیر قانونی برعلیه پرسنل بخش خدمات و حمایت ازاشخاص با معلولیت های خاص (LSS) دست به سرکوب مبارزه مستقل کارگران زد در روز 25 فوریه رئیس پرسنل شهرداری پارتیله و مدیر بخش خدمات و حمایت معلولین در مجتمع مسکونی اشخاص با معلولیت های خاص حاضر شده و آتبین کیان نماینده کارگران و ایرج یکه روستا مربی روش های تعلیمی حمایت از معلولیت های خاص را از کار اخراج کرد. این اقدام در پی دوره طولانی اعتراضات کارگران و پرسنل بخش خدمات و درمان و ارسال طومارها و نامه های اعتراضی به مجلس و مسئولین محلی صورت گرفت. اتبین کیان, نماینده کارگران در نامه اعتراضی اخیر خود به روش های سرکوبگران رئیس و مدیران کمون پارتیله و نادیده گرفتن قوانین و حقوق پایه ای پرسنل اعتراض کرده بود. این اعتراض, ادامه سنتی غیر متداول در سوئد, یعنی ارسال طومار کارگری به مسئولین و سیاستمداران صورت گرفته بود. طی سالهای گذشته, نامه ها و طومارهای جمعی متعددی ازمجتمع های مختل بخش خدمات حمایتی به مدیران و سیاستمداران شهرداری پاریتله ارسال میگشت. این امر نشانه اتحاد مستحکم کارگران و پرسنل محیط های مختلف کار و اقدامات مستقیم آنان, بر علیه کارفرمایان بود. نامه اعتراضی اخیر از طرف یک مجتمع حمایت از اشخاص با معلولیت های خاص ارسال گردیده بود. آتبین کیان در این نامه اعتراضی به بازگشت غیرمستقیم رئیس سابق مجتمع و مقامات و پست های جدید وی به شدت اعتراض کرده و آنرا نشانه فساد اداری قلمداد کرده بود. چرا که رئیس مزبور دو سال پیش بدلیل اعتراضات جمعی و مبارزات متحدانه پرسنل این بخش ناچار به ترک پست خود شده بود.
ایرج یکه روستا بعنوان مربی و مشارور روش های کاری با اشخاص دارای معلولیت های, وظیفه آموزش و راهنمای پرسنل این بخش در شهر را بعهده داشت. وی بدون هیچگونه دلیل روشنی و باوجود نبود نام او در زیر نامه اعتراضی از کار محروم گردید. علیت این امر , توسط مسئولین دخالت وی در طومار نویسی ها و اعتراضات بخش های مختلف بیان گردیده است.
بعد از این اقدام موجی از خشم و اعتراض بخش خدمات و درمان کمون پارتیله را دربر گرفت. کارگران با جمع آوری امضا و مراجعه به دفتر اتحادیه کارگری خواستار محکومیت اقدام غیر قانونی شهرداری پارتیله شده اند. آنان در نامه اعتراضی خود نوشته اند که ایرج یکه روستا و

آتبین کیان نقش بسزایی در پیشرت روش های کاری با افراد دارای معلولیتهای خاص داشته اند و آنان باید بلافاصله با محل کار خود باز گردند. همزمان کارگران و پرسنل بخش خدمات و درمان در گوتنبرگ دست به ایجاد صفحه ای در فیس بوک برای سازماندهی یک اعتراض جمعی زده اند. جنبش اعتراضی مستقل کارگران در حال گسترش است و فشار بر مسئولان شهری افزایش می یابد. گروه حمایت از ایرج و اتبین همه گروههای مبارز و مترقی و نهادهای کارگری در اروپا را فرا میخواند تا با ارسال پیام های اعتراضی به مجلس محلی و شهرداری پارتیله از مبارزات مستقل کارگران سوئد حمایت کنند. ارسال پیام های شما به اتحادیه کارمندان و کارگران سوئد که مسئول دفاع از موقعیت شغلی ایرج و آتبین هستند در اقدام موثر این اتحادیه ها تاثیرخواهد گذاشت. ایرج و آتبین که دو تن از فعالین شناخته شده جنبش اعتراضی پرسنل و کارگران بخش خدمات و حمایتی شهر یاد شده هستند, تنها بدلیل بیان نظرات خود دچار محرومیت شغلی گشته اند. این اقدام برخلاف قانون اساسی سوئد و حق ازادی بیان در محیط کار است و باید مورد اعتراض وسیع قرار گیرد.
با مراجه به صفحه فیس بود تحت عنوان زیر از اخبار لحظه به لحظه جنبش اعتراضی کارگران باخبر شده و با آن اعلام همبستگی کنید.
Stöd personlens kamp mot förtryck i Partille
برای تماس با روابط عمومی گروه حمایت از ایرج و آتبین میتوانید با افراد زیر تماس بگیرید.
,Linda Kreuzinger, tel 0760-700724, linda.kreuzinger@gmail.com
Catherine Holt, tel 0768-016816, cathholt@gmail.com
در صورت تماس تلفنی با زبانهای انگلیسی, سوئدی , آلمانی و فرانسوی صحبت کنید. در صورت تمایل به گفتگو بزبان فارسی لطفا پیشتر اطلاع دهید تا وقت مشخصی به شما اختصاص یابد

پاسخ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به طومار اعتراضی سی هزار کارگر

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 13 اسفند 91 آمده است : وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی پس از گذشت نزدیک به ۹ ماه از ارائه اولین مرحله طومار اعتراضی به این وزارتخانه و بدنبال تجمع اعتراضی هماهنگ کنندگان این طومار که با همراهی ۵۰ نفر از کارگران کارخانه های مختلف تهران در محوطه وزارت کار در روز سی ام بهمن ماه برگزار شد چهارشنبه گذشته پاسخ خود را خطاب به هماهنگ کنندگان طومار تحویل آنان داد. در این پاسخ علیرغم اینکه کارگران امضا کننده طومار خواهان توقف اصلاح قانون کار و تحقق برخی دیگر از خواستهای فوری خود شده بودند وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فقط به توضیحاتی پیرامون خواست افزایش دستمزدها بسنده کرده است.
در این رابطه جعفر عظیم زاده یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران به سایت اتحاد اظهار داشت: این پاسخ مطلقا ما کارگران امضا کننده طومار را قانع نکرده است. ما در جلسه ای که در وزارت کار برگزار شد در قبال برخورد آیین نامه ای آقای جلالی نظری به خواستهایمان همانجا اعلام کردیم حرکت ما یک حرکت اعتراضی است و نمایندگان به اصطلاح کارگری حاضر در شورایعالی کار نماینده های ما کارگران نیستند با اینحال در پاسخی که وزارت کار به ما داده است این نماینده ها را موکلین ما خوانده است و از ماده ۴۱ قانون کار بر سه جانبه گرایی آن انگشت گذاشته است این در حالی است که همگان میدانند سه جانبه گرایی در شورایعالی کار مضحکه ای بیش نیست چرا که تصمیم گیرندگان در این شورا ۱۱ نفر هستند که ۸ نفر آنان بر رویهم نماینده های دولت و کارفرمایان و سه نفر به اصطلاح نماینده های کارگران هستند.
وی در ادامه این مصاحبه افزود: ما بزودی پاسخ خود را نسبت به مسائل مطروحه در نامه وزارت کار رو به افکار عمومی اعلام خواهیم کرد و تلاشهای خود را جهت تحقق خواست هایمان همچنان ادامه خواهیم داد.
اتحادیه آزاد کارگران ایران – ۱۲ اسفند ماه ۱۳۹۱

متن کامل پاسخ وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی به هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی

کارگران
هماهنگ کنندگان محترم طومار اعتراضی نسبت به سطح عمومی دستمزدها
آقایان: احسانی راد، ساعد پناه، محمدی، امانی، عظیم زاده و خانم محمدی
با سلام و احترام
در خصوص طومارهای اعتراضی نسبت به سطح عمومی دستمزدها که آخرین آن‌ها به شماره ۱۵۸۷۴۰ مورخ ۲۹/۹/۹۱ ثبت دبیرخانه وزارتی شده است، به آگاهی می‌رساند:
۱- نظر به اینکه در عرف اداری برای ارایه پاسخ کتبی وجود نشانی مشخص با امضاء ضرورت دارد و چنین امضاء و نشانی‌ای در طومار ارسالی شما ملاحظه نمی‌گردید ارسال پاسخ تا زمانی پیگیری، اعلام نشانی مشخص و یا احراز سمت نمایندگی امضاءکنندگان معلق باقی مانده است، لذا با عنایت به جلسه حضور هفته اخیر، پاسخ طومار مزبور به شرح ذیل اعلام می‌شود.
۲- مطابق ماده (۴۱) قانون کار، مرجع تصمیم گیری در خصوص تعیین میزان حداقل مزد و افزایشات سایر سطوح مزدی شورای عالی کار است. این شورا نهادی سه جانبه بوده و در آن علاوه بر نمایندگان دولت، نمایندگان تشکلات عالی کارگری و کارفرمایی نیز عضویت دارند و تصمیمات آنان به منزله تصمیم و نظر موکلین آن‌ها (کارگران و کارفرمایان سراسر کشور) است.
۳- از جمله اهداف مورد نظر شورای عالی کار در تعیین حداقل مزد دستیابی به یک ساختار مزد مناسب و منصفانه بوده که علاوه بر ارتقاء سطح درآمد و بهبود معیشت کارگران، توان پرداخت بنگاه‌های اقتصادی را نیز در نظر بگیرد. اگر حداقل مزد بیش از توان صنایع افزایش یابد، به مشکلات جامعه کار و تلاش دامن زده و مخاطراتی برای کارفرمایان و به تبع برای کارگران در پی خواهد داشت. از سوی دیگر امید است حداقل مزد سال جاری در گفت‌وگوی سه جانبه مل به گونه‌ای تعیین شود تا بنگاه‌های اقتصادی ناچار به تعدیل نیروی انسانی نشوند. در واقع حفظ اشتغال و صیانت از نیروی کار از مولفه‌های ارجع در تصمیمات متخذه از سوی شورای عالی کار می‌باشد.
۴- از ابتدای دولت نهم تاکنون و از سال ۱۳۸۵ شورای عالی کار سعی در ایجاد تناسب بین افزایش حداقل مزد با معیشت کارگران و کاهش شکاف نسبی میان حداقل مزد و حداقل هزینه زندگی خانوار کارگری و افزایش درآمد واقعی کارگران نموده است. در جهت تحقق این امر و طی سال‌های اخیر شورای عالی کار در پی تعاملات گسترده با شرکای اجتماعی و با حسن تدبیر دولت در تعیین حداقل مزد با مطالعه و بررسی وضعیت و اقتضائات بنگاه‌های اقتصادی به تحلیل شرایط موجود پرداخته و با در نظر گرفتن حفظ اشتغال و صیانت از نیروی کار، تاکید بر وضع حداقل مزد متناسب و گاه بیشتر از نرخ تورم کرده است تا با کاهش شکاف درآمدی حاصل از سیاست‌های مزدی گذشته، موجبات رضایتمندی کارگران در راستای برقراری عدالت را فراهم نماید. به همین منظور و در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ همواره افزایش حداقل مزد متناسب و گاه بیشتر از نرخ تورم بوده به طوری که در مقطع زمانی مذکور متوسط رشد حداقل مزد بیش از متوسط سالانه تورم بوده است.
۵- حداقل مزد از متغیرهای اقتصاد کلان است و افزایش آن بدون توسل به دیگر روش‌های تکمیلی و اتخاذ سیاست‌های کلان اقتصادی به منظور مهار و کاهش تورم، نمی‌تواند به خودی خود سبب افزایش سطح درآمد واقعی و بهبود معیشت کارگران شود.
۶- در سال ۱۳۹۱ تدابیر متخذه از سوی شورای عالی کار علاوه بر افزایش حداقل مزد منجر به افزایش مبلغ کمک هزینه اقلام مصرفی کارگران از ۲۸۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۹۰ به ۳۵۰۰۰۰ ریال در سال ۱۳۹۱ شد که چنانچه سایر دریافتی‌های قانونی از قبیل کمک هزینه مسکن و کمک هزینه عائله‌مندی را به رقم حداقل مزد بیافزاییم، حداقل دریافتی کارگران در سال جاری به بیش از ۵۱۰۰۰۰۰ ریال در ماه خواهد رسید. ضمنا با عنایت به اینکه افزایش سطح قیمت‌ها از اواخر سال ۱۳۸۹ و بویژه در سال ۱۳۹۰ تا حدودی تحت تاثیر برنامه هدفمندی یارانه‌ها بوده است، افزودن یارانه نقدی به درآمد کارگران (ماهانه ۱۸۰۰۰۰۰ ریال بابت یک خانواده ۴ نفره) برای سنجش صحیح قدرت خرید کارگران ضروری است.
لازم به ذکر است وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی ضمن آنکه به عنوان مجری مصوبات شورای عالی کار مصالح کارگران، کارفرمایان را در نظر دارد، با تغییر در سیاست گذاری‌های

مزدی، تمهیدات دیگری را نیز برای افزایش میزان پرداخت‌های اساسی کارگران و بهبود معیشت آنان در نظر گرفته است از آن جمله می‌تنان به ملزم شدن تدریجی کارگاه‌ها به اجرای طرح طبقه بندی مشاغل، اشاعه فرهنگ بهره وری به تبع آن افزایش طرح‌های پاداش افزایش تولید، ساماندهی قراردادهای کار، نظارت هر چه بیشتر بر کار شرکت‌های پیمانکاری و... اشاره کرد.
۷- در خاتمه به اشاره به ظرفیت‌های موجود در قانون کار جمهوری اسلامی ایران و مقررات تبعی آن در خصوص ایجاد و فعالیت تشکل‌های کارگری و کارفرمایی توصیه می‌شود مطالبات صنفی خود را با فعالیت در قالب تشکل‌های موجود و یا ایجاد تشکل‌های قانونی جدید پیگیری نمایید. به این ترتیب علاوه بر تسهیل دستیابی به اهداف صنفی تعامل با دستگاه‌های ذی ربط از جمله این وزارتخانه در مجرای قانونی قرار گرفته و ضمن امکان پاسخگویی مناسب به درخواست‌ها و مطالبات صنفی اثرگذاری برحوزه مربوط نیز ممکن خواهد شد.

تحصن مجدد کارگران راه‌سازی کهگیلویه و بویراحمد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 13 اسفند 91 آمده است : کارگران اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد برای دومین بار در یک ماهه اخیر بدلیل پرداخت نشدن مطالبات خود که شامل حقوق، اضافه کاری، ماموریت و حق عیدی می‌شود دست به تحصن زدند.
به گزارش خبرنگار ایلنا از یاسوج، بیش از ۱۰۰ کارگر شرکت‌های خدماتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد بعد از اولین تحصن خود که دو هفته پیش در دفتر استاندار این استان به نتیجه‌ای نرسید، این بار در دفتر معاونت پشتیبانی اداره کل راه و شهرسازی استان دست به تحصن زدند.
گفتنی است، حدود ۲۳۰ کارگر خدماتی اداره کل راه و شهرسازی کهگیلویه و بویراحمد هفت ماه است حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند.

3.5 میلیارد دلار ارز ایران در بانک‌های چینی

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا در 13 اسفند 91 آمده است :
3.5 میلیارد دلار از منابع ارزی ایران در قالب واحد یوآن در بانک‌های چینی نگه‌داری مي‌شود.
به‌دنبال آن هستیم تا روش‌های مناسبی به منظور بازگشت این منابع ارزی به چرخه اقتصادی کشور بیابیم و آن را در اختیار واردکنندگان قرار دهیم.
به گزارش ایسنا، رضا توفيقي، معاون بازاریابی و کمک‌های تجاری سازمان توسعه تجارت در نشست "میز چین"، با بیان مطلب بالا چین را بزرگ‌ترین بازار صادراتی کالاهای غیرنفتی ایران در سال گذشته معرفی کرد و گفت: همفکری و جمع‌بندی در رابطه با تعیین روش‌هایی جهت بازگرداندن منابع ارزی ناشی از صادرات در بانک‌های چینی به چرخه اقتصادی کشور اقدامی ضروری است.
در ادامه این نشست، نقره‌کارشیرازي، دبیرکل اتاق ایران ظرفیت‌های دو کشور ایران و چین برای همکاري‌های تجاری را بیش از این برشمرد و گفت: در بخش انرژی پتانسیل‌های خوبی برای همکاري‌های دوجانبه و چندجانبه بین ایران و چین وجود دارد که تاکنون مغفول مانده است.
او با بیان این‌که قرار بود براساس این سند از نظر صنایع پتروشیمی مقام اول منطقه را به خود اختصاص دهیم، بیان کرد: متأسفانه به دلیل حرکات برخی کشورها این حرکت کند شد.
گو، رایزن بازرگانی چین در ایران نیزهمکاری دو کشور در زمینه‌های عمراني، برق، معدن، صنایع ریلی و ماشین‌آلات را بسیار عالی توصیف و اظهار کرد: چین دومین شریک تجاری ایران است. در سال 2012 تولید ناخالص داخلی (GDP) چین 8300 میلیارد دلار بود که نسبت به سال گذشته 7.8 درصد رشد یافت. حجم مبادلات چین در این سال 3870 میلیارد دلار اعلام شد.

وی در رابطه با گزارش‌های رسیده از بازرگانان ایرانی مبنی بر این‌که بانک‌های چینی اعتبار اسنادی (LC) ایراني‌ها را به راحتی قبول نمي‌کند، تشریح کرد: در حال حاضر گزارش‌هایی به دست سفارتخانه و دولت چین رسیده است. تسویه حساب معاملات دو کشور در حال حاضر تنها از طریق یک بانک چینی انجام مي‌شود که موانع بسیاری را برای طرف‌های ایرانی داشته است. بر این اساس به دنبال حل مشکلات هستیم و امیدواریم این مشکلات به زودی حل خواهد شد.
به گفته گو، ارائه تسهیلات ویژه به بازرگانان دو کشور برنامه دیگری است که در دستور کار دولت چین قرار دارد. از جمله ارائه تسهیلات در زمینه صدور ویزا. در ادامه جلسه سپس گزارشی از موقعیت، فعالیت‌ها و ظرفیت‌های تجاری چین در اختیار اعضای حاضر در جلسه قرار گرفت و هر یک از بازرگانان به بیان مشکلات خود در زمینه تجارت با این کشور پرداختند.
نشست "میز چین" با هدف بررسی مشکلات تجاری پیش‌روی بازرگانان ایرانی و چیني، با حضور دبیرکل اتاق ایران، رئیس اتاق مشترک ایران و چین، معاون بازاریابی و کمک‌های تجاری سازمان توسعه تجارت، رایزن بازرگانی چین در ایران و اعضای اتاق مشترک و بازرگانان فعال در این کشور صبح امروز یکشنبه در اتاق بازرگانی ایران برگزار شد.

دولتِ کارفرما طبیعتاً دغدغه‌های کارفرمایی دارد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 13 اسفند 91 آمده است : رئیس اتحادیه کارگران قراردادی و پیمانی کشور با اعلام اینکه دولت بزرگ‌ترین کارفرمای کشور است، نگرانی دولت در مورد آثار تورمی افزایش حداقل مزد سالانهٔ کارگران را غیر واقعی دانست.
فتح الله بیات در این باره به ایلنا گفت: ابراز نگرانی دولت در مورد آثار تورمی افزایش حداقل دستمزد نامربوط است. دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرمای کشور نگران جامعه کارگری نیست بلکه دغدغهٔ منافع خودش را دارد. وی تصریح کرد: بار تورمی کشور از زمان اجرای مرحلهٔ اول طرح هدفمندی یارانه‌ها آغاز شد و ربطی به افزایش ناچیز سالانهٔ حداقل مزد کارگران ندارد.
بیات با تاکید بر رشد جهشی تورم از زمان اجرای مرحلهٔ اول طرح هدفمندی یارانه‌ها افزود: با اجرای مرحلهٔ اول طرح هدفمندی یارانه‌ها تورم رشد قابل توجهی پیدا کرد و حامل‌های انرژی و قبوض برق و آب و گاز بار سنگینی را روی دوش جامعه کارگری و حقوق بگیران انداخت.
این فعال کارگری در پایان اظهار داشت: قدرت خرید جامعه کارگری کاهش یافته و تنها امید آن‌ها به ادامهٔ زندگی و تامین معیشت خود افزایش سالانهٔ حداقل دستمزدشان است. دولت باید حداقل دستمزد کارگران را متناسب با شرایط نامناسب اقتصادی کشور افزایش دهد.

یازدهمین تجمع کارگران قند اهواز در مقابل استانداری

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 13 اسفند 91 آمده است : تعداد ۸۰ کارگر کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز، صبح امروز (هشتم اسفند) برای یازدهمین بار طی سال جاری در اعتراض به عدم دریافت حقوق و مزایا و سایر مطالبات ۲۶ ماهه خود در مقابل درب ورودی ساختمان استانداری خوزستان تجمع کردند.
حسن لویلی، نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که در این تجمع حضور یافته است، به ایلنا گفت: ۸۰ کارگر این کارخانه بیش از ۲۶ ماه است که به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق دریافت نکرده‌اند.
او با اشاره به اینکه تا کنون کارگران این کارخانه چندین بار جهت دریافت مطالبات قانونی خود دست به تجمع زده‌اند، اظهار داشت: با اینکه تجمع و اعتراضاتی در خصوص حل مسائل صنفی‌مان انجام داده‌ایم، اما متاسفانه تاکنون با بی‌توجه‌ای مسئولان مواجه شده‌ایم.
این فعال کارگری در این زمینه اضافه کرد: کارگران بارها در مقابل نهادهای مختلف دولتی همانند استانداری خوزستان و اداره کل صنعت و معدن و تجارت تجمع کرده‌اند اما به هیچ یک از این تجمعات پاسخ قاطعی از سوی مسئولان داده نشده است.

نماینده حقوقی کارگران قند اهواز ادامه داد: مشکلات کارگران کارخانه تصفیه قند اهواز به سبب افزایش مشکلات مالی کارخانه که با واگذاری کارخانه به بانک‌های ملی و ملت در سال ۸۷ شروع شد و در این جریان تعدادی از کارگران آن نیز اخراج شدند.
لویلی درادامه با تشریح مشکلات کارخانه اضافه کرد: مالکیت این کارخانه بر عهده بانک ملی و ملت بود که با افزایش مشکلات این واحد تولیدی با تصویب هیات دولت به وزارت صنایع جهت راه اندازی مجدد واگذار شد. اما چندی پس از معرفی و استقرار مدیر عامل جدید کارخانه از سوی معاونت راهبردی رئیس جمهور، روند بازسازی و فعالیت مجدد کارخانه متوقف شد. او با اشاره به اینکه این کارخانه چند مصوبه هیئت دولت و ستاد تسهیل و پشتیبانی صنایع را دارا است ادامه داد: کارخانه قند اهواز با ظرفیتی بالغ بر تولید ۲۵۰ تن قند و شکر در روز چهار سالی است که تعطیل و تولید آن متوقف شده است.
این فعال کارگری افزود: در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیات دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد و وزارت صنایع و معادن با استناد به همین مساله بازسازی کارخانه را تعلیق کرد.
او افزود: متاسفانه بانک‌های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز زدند که همین مساله تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از طرفین، مسئولیتی در قبال این کارخانه برعهده نمی‌گیرند.
نماینده کارگران قند اهواز یاد آور شد: با پیگیری‌های انجام شده، بانک‌های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را برعهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت، روند بازسازی و راه اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده، که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.
کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز که هم اکنون در حالت تعطیل کامل به سر می‌برد، با ایجاد بیش از ۵۰۰ فرصت شغلی مستقیم و اشتغال ۲ هزار نفر به صورت غیر مستقیم یکی از کارخانه‌های مهم و استراتژیک اهواز محسوب می‌شود که به دلیل تعطیلی این واحد تولیدی، اشتغال مردم منطقه تهدید شده است.
گفتنی است تجمع این کارگران تا لحظه ارسال این خبر همچنان ادامه دارد و تا کنون هیچ مسئولی از استانداری خوزستان در جمع کارگران حاضر نشده است.

مخالفت پلیس با هرگونه تجمع در چهارشنبه‌سوری

به نوشته خبرگزاری دولتی ایسنا در 13 اسفند 91 آمده است : فرمانده نیروی انتظامی با اشاره به نزدیکی ایام چهارشنبه آخرسال با تاکید بر اینکه با هر گونه تجمعی تحت عنوان هماهنگ شده و ... مخالفیم اظهارکرد: ناجا تجربه خوبی از تجمع در پارک‌ها و اماکن عمومی نداشته است.
به گزارش خبرنگار «انتظامی» خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) سردار اسماعیل احمدی‌مقدم در حاشیه همایش فرماندهان مرزبانی سراسر کشور گفت: در خصوص حوادث چهارشنبه آخرسال اگر روند حوادث طی یک دهه اخیر را نظاره کنیم مشخص می‌شود که این حوادث همواره کاهش داشته به طوری که در گذشته از اوایل اسفند ماه عده‌ای با استفاده از موادمنفجره به استقبال چهارشنبه آخرسال می‌رفتند اما در سال‌های اخیر این حوادث تنها به یکی دو ساعت در شب چهارشنبه سوری محدود شده است.
وی با بیان اینکه مراسم چهارشنبه آخرسال در کنار خانواده برگزار می‌شود، تصریح‌کرد: متاسفانه افرادی هستند که از این روزها سوءاستفاده می‌کنند که ما روی این موارد و افراد کنترل داریم به طوری که کشفیات ما تاکنون به سه برابر سال گذشته افزایش داشته است.
احمدی‌مقدم با بیان اینکه با همراهی مردم امسال شرایط بهتری خواهیم داشت، گفت: بر اساس هماهنگی‌ها با دستگاه قضایی، پلیس با هر فردی که در این روز اقدام به آزار و اذیت دیگران و اوباشگری کند، برخورد خواهد کرد.

فرمانده ناجا همچنین در خصوص فروش و توزیع محصولات استاندارد وزارت دفاع برای ایام چهارشنبه آخرسال گفت: از این موضوع اطلاعی ندارم اما در گذشته که موضوع آن را به شورای امنیت آوردند، محصولات تولید شده توان رقابت با محصولات چینی را نداشتند که امیدوارم امروز با مسائل به وجود آمده این مشکل برطرف شده باشد.
وی با طرح این پرسش که در کجا گفته شده که مردم باید در چهارشنبه آخرسال از مواد آتش‌زا استفاده کنند، گفت: تجمع در پارک‌ها و اماکن عمومی تجربه خوبی برای ناجا نبود چرا که این امر منجر به ایجاد درگیری و مزاحمت برای افراد تا ساعت سه نیمه شب می‌شد و ماموران مجبور بودند برای برخورد با چنین موضوعاتی وارد عمل شوند.
به گفته احمدی‌مقدم پلیس با هرگونه تجمعی تحت عنوان تجمع هماهنگ شده و ... مخالف است و بر این باور است که تجربه کوچه و محله محور تجربه موفق‌تری است که باید امسال نیز اجرایی شود.

مدفون شدن دو کارگر در چاه در حال حفر

به نوشته سایت آفتاب در 13 اسفند 91 آمده است : سید جلال ملکی در گفت‌وگو با ایسنا، در تشریح جزئیات این خبر گفت: وقوع حادثه محبوس‌شدن در چاه در ساعت ۱۵:۲۷ به سامانه ۱۲۵ اطلاع داده شد و به دنبال آن ستاد فرماندهی آتش‌نشانان و عوامل گروه نجات را به محل حادثه واقع در تهرانپارس، شهرک فرهنگیان اعزام کرد.
وی ادامه داد: پس از حضور آتش‌نشانان در محل، مشخص شد که دو کارگر افغانی مشغول حفر چاهی در یک پارکینگ یک مجتمع مسکونی شش طبقه بودند که ناگهان به دلیل مجاورت چاه در حال حفر، دیواره حائل بین دو چاه تخریب شده و محتویات چاه دیگر بر سر دو کارگر افغان ریزش کرد.
ملکي، عمق چاه در حال حفر را ۱۷ متر اعلام کرد و به ایسنا گفت: دو کارگر در زیر محتویات چاه مجاور محبوس شده بودند که آتش‌نشانان اقدام به شناسایی محل آنان کردند.
سخنگوی سازمان آتش‌نشانی و خدمات ایمنی شهرداری تهران اضافه‌کرد: در حال حاضر آتش‌نشانان، محل دو کارگر افغان را که احتمال مي‌رود جان خود را از دست داده باشند، شناسایی و عملیات خارج کردن آنان را آغاز کردند.

اسانلو به صف دشمنان پیوست!!!

بالاخره بخشی از سبزها (اتحاد ارتجاع رانده شده با ارتجاع شکست خورده) از غنیمت خود رونمایی کردند و غنیمت جدید یعنی اسانلو قهرمان صف عوض کرده نیز با شرکت در این رونمایی با اجازه اربابان اظهار فضل نموده و نشان داد که چقدر مستقل است و چقدر به شعار تشکل مستقل کارگری پایبند است.
حدود دو ماه است که اسانلو از ایران خارج شده است خروج او با مریم ضیاء یک تاکتیک پوششی مشترک با سبز ها بود تا کارگران و فعالین کارگری مشغول دعوا بر سر موضوع روابط او با مریم ضیاء شوند آن وقت سبز ها و اسانلو فرصت برای برنامه ریزی لازم داشته باشند تا در **وقت مقتضی** چپ را غافلگیر نمایند. اما کلیت تاکتیک آنها توسط برخی از فعالین کشف شد و توانستند از به انحراف کشاندن افکار فعالین و کارگران توسط قهرمان صف عوض کرده و همپیمانان ارتجاعیش جلو گیری نمایند با این حال اسانلو در مدت 2 ماه غیبت صغرای خودش که ظاهرا" خود را در پرده حجاب قرار داده بود به صورت غیر مستقیم نظرات خود را ابهام امیز و خارق العاده از طریق اطرافیان خود بروز می داد مثلا" می گفتند آقای اسانلو طرح های ساختار شکنانه دارد که به زودی اعلام خواهد کرد یا می گفتند ایشان طرح های بسیاری برای همبستگی دارند و ایشان دارند روی موارد اتحاد های بزرگ کار می کند و ... اما بالاخره چند روز پیش همه ی ان طرح های ساختار شکنانه و طرح های بزرگ نجات دهنده، اعلام شدند، که اربابان اسانلو حتی اجازه ندادند او خودش اعلام کند و به قول معرف گربه را دم حجله سر بریدند تا به اسانلو غیر مستقیم گفته باشند که تو یک آلت دستی بیش نیستی.

پس از اعلام طرح های مثلا" بزرگ و ساختار شکنانه اسانلو توسط امیر حسین جهانشاهی که هنوز او و برخی از اطرافیانش ارتباطات مشکوکی با وزارت اطلاعات دارند معلوم شد که طرح های بزرگ و ساختار شکنانه همان صف عوض کردن بود، یعنی عبور از صف طبقه کارگر و پیوستن به صف سرمایه داری ان هم جناح ارتجاعی سبز رانده شده از حاکمیت است. تا به این روز افراد زیادی چنین طرح های را به اجرا گذاشته اند و اسانلو با بزرگ نمایی موضوع هم، نتوانست زیر سلطه بودن خود را پوشش بدهد، مثلا" لخ والسا در خاطرات خود از افتخاراتش می گوید " زنگ در خانه به صدا در امد در را باز کردم و رو بروی خود خانم مارگارت تاچر را دیدم ،آمدن وا به دیدار منمایهافتخار من بود، نمی دانستم از خوشحالی چکار کنم " آیا اسانلو در آینده می تواند به کسب معاونت امیر حسین جهانشاهی و کلکسیون ماموران دست چندمی وزارت اطلاعات افتخار کند؟

به خاطر دارم وقتی ما با کارگران شرکت واحد صحبت می کردیم اسانلو می گفت ما سیاسی نیستیم با بچه های شرکت واحد از موارد سیاسی صحبت نکنید، اما در همان زمانها خودش و حتی برخی از افراد نزدیکش با سوسیال دمکرات ها حشر و نشر داشتندو حتی از زندان پیام های حمایت از سبز ها را ارسال می کرد او در واقع در مورد چپ ها مخالف سیاست بود. در همین حال نیز حجره خود را در مورد تشکل مستقل پاره می کرد ما می دانستیم که او بالاخره صف، عوض خواهد کرد ولی در آن زمان راه دیگری نداشتیم.

یک بار دیگر به صورت تاریخی و طنز آمیز ثابت شد که تشکل های کارگری در نبود سازمان سیاسی طبقه کارگر نمی تواند مستقل باشد علی رغم ظاهر مستقل در ماهیت و مجموعه حاصل خود وابسته به سرمایه داری خواهند بود.این نیز زنگ هشداری به کمونیست هاست که باید هرچه زودتر وظایف خود را در ساختن ابزار برنده طبقه کارگر انجام دهند.

کمترین دلیل برای اثبات اینکه سبزها دشمن کارگران هستند این که بخش مهم سبزها همراه سیاه ها در سالهای شصت با شدت به سرکوب شوراهای کارگری و سندیکاهاو اتحادیه ها مشغول بودند حالا که از قدرت رانده شده اند به دنبال کارگران بی هویت و دکلاسه ای می گردند تا دوباره بر پشت آنها سوار شده و با شلاق سرمایه داریشان که اینبار رنگ سبز دارد بقیه کارگران را سرکوب نمایند . کارگران باید بدانند باوجود اینکه اسانلو کارگر بود، شکنجه و اذیت و آزار شده است، در 9 سال گذشته در قالب سندیکای خوب مبارزه کرده ولی اکنون به صف دشمن پیوسته است، بنابراین هیچ تفاوتی با بقیه دشمنان ندارد. بدون شک ضربات اوعلیه کارگران بسیار شدیدتر از دیگر دشمنان خواهد بود.

در نبرد و مبارزه طبقاتی بدون وجود سازمان سیاسی حضور برخی از کارگران در صف دشمن اجتناب ناپذیر است اما حضور انها نمی تواند صف دشمن را به صف دوست تبدیل کند بلکه دلیل بر بی هویتی و دکلاسه بودن کارگران فوق است که به قول شاملو **دسته خنجر دشمنان خود را از استخوانهای برادرانشان می تراشند.**

امروز اسانلو با توجه به موقعیت و اعتباری که از دفاع کارگران و فعالین کارگری ایران و جهان به دست آورده خیانت بزرگتری راکه می تواند علیه طبقه کارگر مرتکب شودشروع کرده است، اکنون اسانلو برای طبقه کارگر ایران با رفسنجانی ،خاتمی و احمدی نژاد در دوران ریاست جمهوری خودشان و موسوی در دوره نخست وزیری و عضویت در شورای انقلاب فرهنگی و کروبی و رفسنجانی به عنوان روسای مجلس که قوانین ضد کارگری بسیاری را ارایه ، تصویب و اجرا کردند، فرقی ندارد.او با پیوستن به اردوی سبز در کنار دولت های خمرخاک (خامنه ای، موسوی،رفسنجانی،خاتمی، احمدی نژاد و کروبی) که عامل اصلی وضعیت کنونی ایران ومجموع جنایت های که طی حاکمیت نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی صورت گرفته هستند قرار گرفته است.

در واقع او آلت دست جدیدی با شعارهای زیبا و اعتبار کارگری، برای جناحی از سرمایه داری جهت فریب دو باره ی کارگران است، ما کارگران باید بدانیم، کارگر بودن به تنهایی اصولی و درست کار بودن نیست بلکه کارگران که به دشمن طبقاتی در هر جناحی که باشد کمک کنند دشمن خود و بقیه هم طبقه ایهای خود هستند ،که در جنگ و نبرد طبقاتی بایدطرد شوند متاسفانه راه دیگری وجود ندارد .

باید کارگران به گفته های امیر حسین جهانشاهی بنیان گذار موج سبز دقت کنند او می گوید :

به منظور ایجاد پیوند های لازم در جامعه کارگری ایران و اماده ساختن شرایط لازم برای رسیدن به اعتصابات عمومی و قیام ملی ،از آقای منصور اسانلو خواسته ام تامسئولیت اداره "ستاد هماهنگی فعالان کارگری" را بعهده بگیرند. مسئولیت اولیه آقای اسانلو، با توجه به سابقه و تجربیات ارزشمند ایشان، ایجاد هماهنگی میان اتحادیه های کارگری و گارگران رنجدیده و معترض کشورمان می‌باشد که باید برای دست یافتن به حقوق حقه خود، در **وقت مقتضی**، وارد صحنه عمل شوند.
جالب است کسی که نه سال گلوی خود را در رابطه با تشکل مستقل کارگری پاره می کرد و هنوز هم از تشکل مستقل کارگری داد سخن می دهد طبق فرمایشات امیرحسین جهانشاهی به نوچه ایشان تبدیل شده و مسئولیت "ستاد هماهنگی فعالان کارگری"(خانه کارگر جدید) را بر عهده گرفته ، ستادی که بدون شک تحت نظر و حمایت های "سولیداریته سنتر" و "ند" است.
بالاخره معنا و مفهوم استقلال را درک کردیم شاید آقای اسانلو فکر می کند رهبران موج سبز کارفرما نیستند، به طبقه و حزب های سرمایه داری تعلق ندارند، عشاق سینه چاک کارگران هستند و اگر دولت تشکیل بدهندمانند خمینی آن را دو دستی تقدیم فعالان کارگری خواهند کرد و اسانلو را هم بر کرسی ریاست جمهوری یا تخت شاهی خواهند نشاند، تابتواند شعار تشکل مستقل کارگری، مستقل از کارفرما ، دولت و احزاب سرمایه داری را حفظ کرده نگذارد"استقلال" شان خدشه دار شود.
طبقه کارگر ایران در میان دو جناح از سرمایه داری ، جناح ارتجاع حاکم(ارتجاع سیاه) وجناح مشترک ارتجاع شکست خورده با ارتجاع رانده شده از حاکمیت(ارتجاع سبز) مانده است رهبران فریب کار می خواهند از این گیر افتادگی کارگران سو استفاده کرده و برای نجات از دست ارتجاع حاکم جنبش کارگری را به دنبالچه سبز تبدیل کنند.
لازم است یک بار دیگر گوشزد شود، تا زمانی که استقلال طبقاتی ایجاد نشود هر فریب کاری می تواند شعار استقلال سر دهد اما در همان حال که شعار تشکل مستقل سر می دهد کارگران را به قربانگاه جناحی از سرمایه داری هدایت نماید،
امروز نوبت اسانلو است که فریب خوردگان طبقه را با تکیه بر اعتبار ربوده اش از کارگران ایران و جهان ، تحویل موج سبز بدهد تا آنها بر گرده شان سوار شوند و با سو استفاده از آنها قدرت را به دست آورند باید دید فردا نوبت کدام سینه چاک خواهد بود.
اسانلو در مقابل تقسیم و بذل وبخشش مسئولیت از طرف امیر حسین جهانشاهی وتبدیل جنبش کارگری به دنبالچه حرکت های "ملی" که دقیقا" نشان دهنده همه باهمی خمینی در سالهای 57 و 58 است و سوء استفاده از کارگران خواهد بود که در تجربه تاریخی طبقه کارگر ثبت شده و چه ضرباتی از آن بر پیکر جنبش کارگری خورده است، هیچ سخن مخالفی نگفت، این تماما" نشان می دهد که او به دنبال تشکل مستقل و استقلال طبقاتی نسیت بلکه به دنبال شرکت در قدرت است.این را همایون جابری نیز یکی از اعضای سندیکای واحد در مطالبی که طی یک ماه گذشته نوشته، بیان کرده است.
برای افشای افکار ضد کارگری موج سبزو بقیه سبزها همین یک پاراگراف گفته امیر حسین جهانشاهی کافی است که او کارگران را نه یک طبقه، بلکه جامعه کارگری می داند که افراد "رنجدیده و معترضی هستند برای دست یافتن به حقوق حقه خود ، در **وقت مقتضی** وارد صحنه عمل شوند"
اولا**"در وقت مقتضی"** ، این وقت را چه کسی تشخیص می دهد؟ و حقوق حقه کارگران چیست؟ البته که موج سبزیها تشخیص خواهند داد و امیر حسین جهانشاهی به اسانلو اطلاع و دستور خواهد داد و او نیز گردانهای کارگری آماده خود را وارد مبارزه خواهد کرد، برای چه وارد مبارزه خواهد کرد؟ برای اینکه جناح دیگری از جنایتکاران سرمایه داری یعنی سبزهادو باره به حکومت برسند.طی تجربه تاریخی ثابت شده است که حاکمیت چه در دست احمدی نژاد(اصول گراها) باشد و چه دردست سبز ها(اصلاح طلبان) برای ما فرقی ندارد هر دوی انها در استثمار کارگران فکر، منافع و برنامه و اعتقاد مشترکی دارند و در این رابطه به طور دائمی تئوری و پراتیک همدیگر راپوشش داده و تقویت می کنند.
دوما "آقای امیر حسین جهانشاهی هنوز قبول ندارد که کارگران سی و پنج سال است دارند مبارزه می کنند و سی و پنج سال است توسط سبزها و سیاهها به شدت سرکوب می

شوند او هنوز قبول ندارد که دولتهای خمرخاک با روشهای قانونی و غیرقانونی سی و پنج سال است که کارگران را با تصویب قوانین ضد کارگری ، با پایین نگهداشتن دستمزدها ،با افزایش اخراجها ، با دادن اختیار تام به کارفرماها و... دارند سرکوب می کنند و کارگران سی و پنج سال است که اعتصاب می کنند ، زندان می روند و شکنجه و کشته می شوند.
اسانلو و سبزها باید تکلیف خود را با ارایه جواب به خواسته های مشخص کارگران از جمله موارد زیر که خصوصا مربوط به سبزها است به صورت شفاف و بدون ابهام مشخص کنند تمامی سبزها بخصوص سران آن از جمله رفسنجانی ، خاتمی ، میر حسین موسوی و مهدی کروبی و خیل نوچه هایشان مسببین وضعیت کنونی و قوانین جاری هستند، آنها که در ارایه و تصویب قوانین ضد کارگری طی سی و پنج سال هر کدام در مقطعی مجرم می باشند باید اعلام کنند که تصویب آن قوانین به طور کل جنایت علیه طبقه کارگر بوده است و از خطای خود شرمنده بوده ، حاضرند در مقابل چنین جنایت های که باعث مرگ و میر و فروپاشی خانواده های کارگری شدند، هم چنین باعث محرومیت فرزندان کارگران از تحصیل ، بهداشت و درمان ، تغذیه مناسب ، عدم شکوفایی استعداد کودکان ، افزایش کودکان کار و خیابان ، فحشا و اعتیاد بر اثر دامن زدن به بیکاری و اخراج ها شده اند، بپذیرند که در مقابل ارتکاب جنایات فوق محاکمه شوند آنگاه می توان پذیرفت که اسانلو وظیفه کارگری خودرا انجام داده است وآلت دست جنایتکاران نیست.
اکنون ما کارگران می دانیم که قانون ضد کارگری خروج کارگاههای زیر 5 نفر ، ده نفر و سپس بیست نفره از مشمولیت قانون، توسط رفسنجانی ، خا تمی و کروبی تصویب شدند می دانیم دهها ماده در قانون کار توسط دولت های خمرخاک گنجانده شدند تا کارفرمایان به راحتی بتوانند گروه گروه کارگران را اخراج کنند وقتی ما می دانیم توسط دولتهای خمرخاک استخدام رسمی به قرارداد موقت و سفید امضا تبدیل شده است، می دانیم توسط همین دولتها هزاران انسان به قتل رسیده اند ، وقتی می دانیم توسط دولتهای خمرخاک طرح استادی و شاگردی در حال اجراست ، وقتی می دانیم طرح حذف یارانه ها توسط مجموع دولتهای خمرخاک ما را فلج کرده است، می دانیم خصوصی سازی مدارس ، دانشگاهها ، بیمارستانها ، بیمه ها و بازنشستگی و شرکتهای پیمانکاری و آدم فروشی توسط همین دولتهای خمرخاک ایجاد شده اند وقتی می دانیم پول مردم ایران توسط باندهای زیر دست همین دولت ها سالهاست که با عناوین اختلاس و دزدی از کشور خارج می شود وقتی می دانیم هر چه قانون ضد کارگری و ضد مردمی که امروز احمدی نژاد بر علیه کارگران و مردم ایران اجرا می کند توسط سبزها در دولتهای خمرخاک طرح و تصویب شده اند چگونه می توانیم خود را فریب داده و فکر کنیم میان رفسنجانی ، خاتمی ، موسوی و کروبی با خامنه ای و احمدی نژاد در رابطه با طبقه کارگر تفاوت وجود دارد، چگونه می توانیم خود را فریب دهیم و همکاری اسانلو با سبزها را حمایت از کارگران و حمایت از تشکل مستقل کارگری یا استقلال طبقاتی کارگران بدانیم آیا باید اجازه دهیم سرمایه داران این بار با رنگ سبز و دنبالچه ای به نام اسانلو بر گرده ماسوار شوند؟
اسانلو که کارگران به قیمت جان و زندگی خود او را به قهرمان تبدیل کردند امروز به منافع طبقه کارگر خیانت کرده و رو در روی ولی نعمتهای خود ایستاده، این قهرمان صف عوض کرده در جمع سبزها می گوید همه در داخل می گویند باید تغییر ایجاد شود زبان اسانلو هم مانند سرمایه دارها و عوامل سرمایه داری مملو از ابهام شده است، او نمی گوید که آیا قوانین ضد کارگری که توسط سبزهای وسیاهها طی سی و پنج سال تصویب شده، قرار است عوض شود؟ روشن نمی کند که ایا سبزهای امروزی که متشکل از ارتجاع شکست خورده و ارتجاع رانده شده از قدرت هستند حاضرند پس از شکست دادن ارتجاع حاکم قوانین ضد کارگری از جمله حذف یارانه ها، خصوصی سازی ، انجماد دستمزدها ، ممنوعیت انواع تشکل و... را به نفع کارگران تغییر دهند؟ یا از این همه تغییر فقط تغییر مهره ها را دنبال می کنند؟ اسانلو نمی تواند بگوید که ما خودمان تغییر خواهیم داد او از کارگران است اما دیگر با کارگران نیست او حتی خودنیز استقلال ندارد او اکنون مرکب ارتجاع رانده شده است .
نرمین عثمان نماینده مردم کردستان در پارلمان عراق می گوید : ما خیلی منتظر شدیم کارگران جهان متحد شوند، نشدند، بنابراین رفتیم با آمریکا متحد شدیم، و امروز اسانلو نیز برای بدست آوردن تغییرات با سبزها متحد می شود، در واقع با دشمنان کارگران متحد می

شوند معلوم می شود که نه نرمین عثمان و نه اسانلو به دنبال حقوق کارگران نبودند، بلکه از اتحاد کارگران مطالبات خاص خود را تعقیب می کردند، که وقتی بدست نمی آورند با دشمنان کارگران دست اتحاد می دهند، امروز پیروان مارگارت تاچر در لباس سبزها ،اسانلو را در آغوش می کشند و این قهرمان صف عوض کرده خوشحال است که در جمع سبزها و پیروان تاچریسیم و ریگانیسم تبدیل به یک هم پیمان درجه چندمی شده است .
با توجه به اینکه اسانلو از میان جناح های مختلف سبز به راست ترین و مشکوکترین آنها نسبت به داشتن ارتباط مستقیم با وزارت اطلاعات پیوسته است ممکن است این پیوستن به دلخواه اسانلو نبوده، بلکه مهندسی شده باشد،اگر چنین باشد علی رغم اینکه پیوستن به راست برای اسانلو با توجه به افکار و گرایش او طبعیی است اما موضوع وارد فاز بسیار پیچیده ای می شود. که نشانه ی از گستردگی دام علیه فعالین کارگری است که با سلطه ایدئولوژی بورژوازی و ضعف اندیشه سوسیالیستی ضربات ادامه خواهد داشت.
با توجه به اینکه در دشمنی کردن با طبقه کارگر فرقی میان خامنه ای و احمدی نژاد با سبزها وجود ندارد چرا باید وارد بازی جناحی سرمایه داران شد و به صورت اجتناب ناپذیری مورد سوء استفاده قرار گرفت، طبقه کارگر تنها زمانی باید وارد مبارزه نهایی شود که تبدیل به طبقه ای برای خود شده باشد و تعیین کننده سرنوشت آینده خود و بقیه مردم شود و چنین شرایطی فقط زمانی بدست می اید که حزب واقعی خود را تشکیل بدهد و تحت رهبری آن رهبری سازمانی را به جای رهبری فردی بگذارد و با اعمال اتوریته طبقاتی عامل داشتن استقلال برای تشکل های کارگری خود گردد. البته این گفته به معنای تعطیل کردن مبارزات روز مره نیست که هرگز تعطیل بر دار نیستند بلکه مشخص کننده وظیفه عاجل انقلابیون طبقه کارگر در جهت مرز بندی صفوف مبارزات طبقاتی و جلو گیری از تبدیل شدن به دنباله رو جناح های سرمایه داری و مشخصا" اقدام به ایجاد حزب واقعی طبقه کارگر و حضور سازمان یافته در میدان های مبارزه است.
پیش به سوی ایجاد حزب طبقه کارگر
برقرار باد استقلال طبقاتی
سرنگون باد حکومت تمامی جناح های سرمایه داری
محمد اشرفی 13/12/1391

هشدار دیوان محاسبات به استانداران:هر کس مصوبه "مهر آفرین" را اجرا کند مجرم است

به گزارش خبرگزاری دولتی مهردر تاریخ 13 اسفند 91 آمده است : معاون حقوقی و پارلمانی دیوان محاسبات کشور از تذکر این سازمان به استانداران و مسولان اجرایی سراسر کشور برای عدم اجرای مصوبه استخدامی "مهر آفرین" به دلیل مغایرت با تعداد زیادی از مواد قانونی خبر داد.
حمید تیموری در گفتگو با خبرنگار پارلمانی مهر، درخصوص نحوه ورود دیوان محاسبات کشور به موضوع استخدام ها در دولت که طبق مصوبه " مهر آفرین" به گفته دولت در حال اجرا است، اظهارداشت: به محض اینکه مصوبه " مهرآفرین" به دست ما رسید، همکاران ما در حوزه های فنی این مصوبه را در انطباق با قوانین بالادستی دیگر قرار دادند که متوجه شدیم این مصوبه با بسیاری از مواد قانون برنامه پنجم توسعه و قانون مدیریت خدمات کشور مطابقت ندارد.
وی افزود: علاوه بر اینکه این موضوع را به هیات تطبیق مصوبات دولت با قوانین ارجاع دادیم و درخواست بررسی و ابطال آن را دادیم، به تمامی دستگاههای اجرایی و استانداران کشور به عنوان یادآوری و در راستای اقدامات پیشگیرانه اطلاع دادیم که این مصوبه مغایر با قوانین و مقررات از جمله ماده 29 و بند ط ماده 224 قانون برنامه پنجم توسعه و موادی از قانون مدیریت خدمات کشوری است.
معاون حقوقی پارلمانی دیوان محاسبات تصریح کرد: این مصوبه تعهد مازاد بر اعتبار ایجاد می کند و به نوعی هر کسی که آن را اجرا کند مجرم است.
تیموری گفت: هیات تطبیق مصوبات دولت با قوانین در جلسه 13 دی ماه سال جاری به این

نتیجه رسید که این مصوبه در بیش از 57 مورد دارای ایراد است که رئیس مجلس هم این مغایرت ها را در 25 دی ماه به رئیس جمهور ابلاغ کرد.
وی ادامه داد: دولت یک هفته پس از ابلاغ رئیس مجلس فرصت داشت که مصوبه خود را اصلاح کند و در غیر این صورت مصوبه دولت خود به خود ملغی الاثر می شود اما دولت پس از گذشت مهلت مقرر دست به اصلاح مصوبه خود زد و با وجود گذشت زمان قانوني، هیات تطبیق پذیرفت و مجددا این مصوبه مورد بررسی قرار گرفت ، در بررسی مجدد نیز هیات تطبیق ایراداتی به این اصلاحیه وارد کرد.
معاون حقوقی پارلمانی دیوان محاسبات کشور در پاسخ به این سوال که با وجود ایراد مجدد به این مصوبه، چرا دولت از اجرای آن در زمان فعلی خبر داده است، گفت: متاسفنه دو مشکل قانونی در این رابطه داریم که دوستان ما در دولت معتقدند تا زمانی که ایراد هیات تطبیق مصوبات کتبا به دولت و از سوی رئیس مجلس اعلام نشده باشد، مصوبه دولت قابلیت اجرایی دارد.
وی گفت: این خلاء قانونی باید برداشته شود. مشکل دیگر این است که در رابطه با مجریانی که این نوع مصوباتی که از سوی رئیس مجلس رد شده است را اجرا می کنند، مجازاتی در نظر گرفته نشده است که البته طرحی در مجلس تهیه شده که مشخص می کند چه جرائمی به مجریانی که خلاف قانون عمل می کنند، حاکم است.

بیکاری ۷۷ کارگر سد مخزنی شهر بیجار/ تبدیل قرارداد یک ماهه ۷۰ کارگر سد پلرود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا ، در تاریخ 13 اسفند 91آمده است : نماینده مردم رشت در مجلس شورای اسلامی به وزیر نیرو در خصوص اتخاذ تدابیر لازم به منظور جلوگیری از تعطیلی پروژه‌های ملی و عدم اخراج کارگران در پروژه های ملی سد پلرود رحیم آباد و سد مخزنی رودبار تذکر داد.
به گزارش ایلنا از رشت، متن کامل تذکر غلام علی جعفر زاده ایمن آبادی به مجید نامجو به شرح ذیل است:
به دنبال بروز مشکلات مالی ناشی از عدم تزریق به موقع اعتبار و کمبود نقدینگی و مطالبات بالغ بر ۱۹۰ میلیارد ریال قرارگاه خاتم الانبیاء به عنوان پیمان کار پروژه سد مخزنی پلرود شهرستان رودسر، این پیمانکار علاوه بر محدود نمودن جبهه‌های کاری به اخراج ۷۰ نفر از کارگران و انتقال برخی از ماشین آلات خود به استان کرمان مبادرت کرده و قرارداد تا پایان سال مابقی کارگران را لغو و مجدداً با آن‌ها قرارداد یک ماهه تنظیم نموده است.
۱- قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء (موسسه ثارالله) پیمان کار این پروژه بوده که از تاریخ ۱۳۸۹/۱/۱۷شروع به کار کرده و تحویل پروژه تاریخ ۱۳۹۴/۷/۱۷ می‌باشد و تاکنون بیست درصد پیشرفت کار داشته است، درحالیکه می‌بایست ۴۰درصد پیشرفت کار داشته باشد. این پروژه با هدف تامین آب کشاورزی و شُرب مناطق شرقی استان گیلان با اعتباری بالغ بر ۸۸۸ میلیارد ریال در حال احداث می‌باشد.
۲- اعتبار تخصیص سال ۱۳۹۱، از سوی آب منطقه‌ای ۱۶ میلیارد تومان بوده که پیمان کار به همراه طلب سال گذشته بالغ بر ۲۰میلیارد تومان از آب منطقه‌ای طلب دارد و از ابتدای سال جاری مسئول پروژه با مراجعه حضوری مکرر به مسئولان استانی و شهرستانی درخواست حمایت و کمک برای گرفتن اعتبار لازم نمودند ولی به رغم وعده‌های داده شده نتیجه‌ای حاصل نشده و در نهایت حدود ده ماشین سنگین (بلدوزر، لودر و کمپرسی) به کرمان انتقال داده شده است.
۳- شرکت آب منطقه‌ای گیلان تاکنون مبلغ ۲۸ میلیارد تومان برای خرید ۲۱۲ هکتار زمین حاشیه پروژه مذکور پرداخت کرده است و تعداد ۲۴ نفر از اهالی منطقه مبلغ ۵۰۰ میلیون تومان از شرکت آب منطقه‌ای طلب دارند که به همین دلیل املاک خود را در اختیار دارند و به دنبال نوسانات موجود در بازار از تحویل املاک خود با قیمت فعلی اظهار نارضایتی می‌کنند.
۴- با اتمام عملیات خاکریزی بدنه سد مخزنی شهر بیجار شهرستان رودبار، پیمانکار مذکور ۷۷ نفر از کارگران بومی پروژه را تعدیل نموده که این موضوع و نیز عدم استفاده از بیمه بیکاری

موجب نارضایتی شدید کارگران بومی شده است.
وجود مشکلات معیشتی قشر کارگر، عدم تحقق وعده‌های داده شده، مطالبات حقوق و مزایا از جمله خواسته‌های کارگران می‌باشد که باتوجه به تورم و گرانی‌های اخیر و نزدیکی ایام انتخابات، رسیدگی و رفع مشکلات کارگران امری ضروری می‌باشد.

محمد جراحی کارگر زندانی، پس از مرخصی از بیمارستان، به زندان بازگردانیده شد

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است که : محمد جراحی ده روز قبل برای عمل پزشکی به بیمارستان منتقل شده بود، پس از عمل جراحی به زندان بازگردانده شد. به وی گفته شده بود که هزینه ی بیمارستان برعهده ی خود اوست. این کارگر زندانی دو سال پیش در پی برگزاری یک دادگاه غیرعلنی همراه با شاهرخ زمانی به زندان های طویل المدت محکوم شدند. اکنون شاهرخ زمانی مدت ۱۱ سال محکومیت خود را در زندان گوهردشت و محمد جراحی در زندان تبریز مدت ۵ سال محکومیت خود را سپری می کنند.

کانون مدافعان حقوق کارگر

چاپ اسکناس‌های ۲۰ و ۵۰ هزار تومانی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 اسفند 91 آمده است : چاپ اسکناس‌های ۲۰ و ۵۰ هزار تومانی در صورت صدور مجوز/ طرح جدید اسکناس ۵۰۰ تومانی،اردیبهشت سال آینده رونمایی می‌شود/ امحاء ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون قطعه اسکناس در سال جاری.
مدیرکل سازمان تولید اسکناس و مسکوکات بانک مرکزی، از چاپ اسکناس‌های ۲۰ و ۵۰ هزار تومانی در صورت صدور مجوز خبر داد.
به گزارش خبرنگار ایلنا، مجید صنیعی در نشست خبری خود که در محل سالن کنفرانس بانک مرکزی برگزار شد، از ارایه طرح پیشنهادی بانک مرکزی به وزارت اقتصاد مبنی چاپ اسکناس ۲۰۰ هزار ریالی (۲۰ هزار تومانی) و ۵۰۰ هزار ریالی (۵۰) هزار تومانی خبرداد. و گفت: در صورت موافقت نظارت اقتصاد اسکناس ۲۰۰ هزار ریالی (۲۰ هزارتومانی) در سال آینده چاپ خواهد شد.
وی افزود: چاپ اسکناس‌های درشت در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفته است و در همین زمینه بانک مرکزی به ترتیب از اسکناس‌های ۱۰ هزار تومانی این موضوع را در دستور کار خود قرار داده و در حال حاضر پیشنهاد چاپ اسکناس ۲۰ هزار تومانی را بعد از موافقت بانک مرکزی به وزارت اقتصاد ارایه داده است.
به گفته وی در صورت موافقت اسکناس‌های درشت دیگر نیز به ترتیب اولویت چاپ خواهند شد.
مدیر کل سازمان تولید و مسکوکات بانک مرکزي، چاپ اسکناس های درشت از جمله ۲۰۰ هزار ریالی و ۵۰۰ هزار ریالی را در سال آینده از مهم‌ترین برنامه‌های کاری بانک مرکزی اعلام کرد.
صنیعی تصریح کرد: ارائه اسکناس درشت از سال‌ها قل در دستور کار بانک مرکزی قرار گرفته بود و از اسکناس ۱۰۰ هزار ریالی آغاز شده بود و این موضوع در آینده در اسکناس‌های ۲۰۰، و ۵۰۰ هزار ریالی نیز اتافق خواهد افتاد.
مدیر کل سازمان تولید اسکناس و مسکوکات بانک مرکزی همچنین از حذف قطعی ارائه چک پول از سوی بانک‌های عامل خبر داد و افزود: تنها بانک مرکزی متولی چاپ و عرضه چک پول است و هر گونه ارائه چک پول از سوی بانک‌های عامل غیر قانونی است.
طرح جدید اسکناس ۵۰۰ تومانی، اردیبهشت سال آینده رونمایی می‌شود
صنیعی در خصوص تغییر در طرح‌های اسکناس‌های کنونی اظهار داشت: در حال حاضر تنها در اسکناس ۵۰۰۰ ریالی طرح جدید ارائه شده و در اردیبهشت ماه سال آینده نیز رونمایی می‌شود.

به گفته وي، طرح قبلی پشت اسکناس ۵۰۰۰ ریالی منقش به پرتاب ماهواره بود و امسال نیز پشت آن برای یک مراسم ملی دیگر طراحی و رونمایی مي‌شود.
وی اسکناس ۵۰۰۰ ریالی را به عنوان نماد اعلام کرد.
وی همچنین از طراحی جدید پشت اسکناس ۵۰ هزارریالی (۵۰۰تومانی) و رونمایی آن در سال آینده خبرداد.
امحاء ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون قطعه اسکناس در سال جاری
مدیر کل سازمان تولید و مسکوکات بانک مرکزي، از امحاء ۵۰۰ تا ۷۰۰ میلیون قطعه اسکناس در سال جاری خبر داد و بیان داشت: به همان میزان قطعه اسکناس معدوم شده نیز اسکناس جدید چاپ مي‌شود.
وی در عین حال، به عدم عرضه این میزان حجم اسکناس امحاء شده به یکباره اشاره کرد و عنوان داشت: اارائه اسکناس‌های جدید به میزان تقاضا در جامعه وابسته بوده، لذا ارائه یکباره میزان حجم اسکناس امحاء شده، امکان پذیر نخواهد بود.

حرکت اعتراضی کارگران سندیکای شرکت واحد تهران و حومه در برابر وزارت کار

برپایه خبر رسیده به روز شمارکارگری در 14 اسفند آمده است : امروز مورخ 14/12/91بیش از صدها نفر از رانندگان سندیکایی و کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه جهت تعیین دستمزد سال 92 با تجمع در مقابل وزارت کار خواستار تعیین دستمزدی عادلانه بر اساس خط فقر و تورم امسال و سال اینده شدند اقای ظریفی ازاد مدیر کل روابط کار و جبران خدمت ،در جمع تجمع کنندگان حضور یافت و ضمن تایید خواسته های کارگران قول پیگیری و مساعدت داد نمایندگان سندیکایی هم مسایل و مشکلات خود از جمله اخراج سه تن از رانندگان سندیکایی که با پروند سازی های واهی ازکار اخراج شده اند،مطرح کردند.لازم به توضیح است که حضور مامورین امنیتی و حراست شرکت واحددر محل وزارت کار به چشم می خورد و پلیس مستقر در وزارت کار از حضور مستقیم خبرنگاران در جمع معترضین جلوگیری کرد و عنوان داشت همین که خبر را انجام دادید بفرمایید بروید .این تجمع بدون هیچ برخوردی در ساعت 12 ظهر بپایان رسید

تجمع رانندگان شرکت واحد در وزارت کار

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در 14 اسفند آمده است : روز 14 اسفند 1391 ساعت 9 صبح حدود 150 نفر از رانندان شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در مقابل وزارت کار تجمع کرده تا خواسته های خودشان را به گوش مسوولان وزارت کار رسانده و اعتراضات خودشان را به وضعیت موجود اعلام کنند. پس از تجمع کارگران در فضای باز وزارت کار خواستار ملاقات با مسوولین شدند که معاونت نیروی کار این وزارت خانه در میان کارگران حاضر شد. آقای مددی به عنوان نماینده ی کارگران به بیان خواسته های آنان پرداخت که عبارت بودند از :
1ـ بازگشت کارگران اخراجی شرکت واحد، آقایان وحید فریدونی، حسن سعیدی و دیگران به سرکار
2ـ اجرای طرح طبقه بندی مشاغل در شرکت واحد
3ـ تعیین حداقل دستمزد بر مبنای خواست کارگران ونمایندگان واقعی آنان
پس از آن، مقام مسوول وزارت کار توضیحاتی ارائه داد و قول پیگیری خواسته های سندیکای شرکت واحد را به آنان داد.
نیروهای امیتی نیز در سراسر تجمع در محل حاضر بودند و بعضا با کارگران نیز صحبت می کردند. پس از حدود دو ساعت رانندگان شرکت واحد که اکثرا با لباس فرم در این اعتراض شرکت کرده بودند، با آرامی و با تاکید بر این که پیگیر خواسته های خود هستند تجمع را به پایان رساندند.

کانون مدافعان حقوق کارگر

http://kanoonmodafean1.blogspot.com/2013/03/blog-post_4.html#more

در ادامه اعتراضات کارگری به نحوه تعیین و میزان افزایش حداقل دستمزدها، کارگران شرکت واحد تهران دست به تجمع اعتراضی در محل وزارت کار زدند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 14 اسفند 91 آمده است : در ادامه اعتراضات کارگری به نحوه تعیین و میزان افزایش حداقل دستمزد در شورایعالی کار، صبح امروز بیش از صد نفر از رانندگان شرکت واحد تهران با لباسهای فرم این شرکت در حالی که جلسه شورای عالی کار نیز برای تعیین دستمزد سال ۹۲ در وزارت کار بر قرار بود دست به تجمع اعتراضی در این محل زدند و خواهان افزایش دستمزدها و رسیدگی به دیگر مشکلات خود شدند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران این تجمع از ساعت ۹ صبح امروز در محل وزارت کار آغاز شد و پس از ساعاتی مسئولین حراست وزارت کار، تجمع کنندگان را به مسجد این وزارتخانه هدایت کردند و در ادامه چند نفر از مسئولین این وزارتخانه منجمله آقای ظریفی آزاد مدیر کل روابط کار در میان کارگران حاضر شد. در این نشست آقای ظریفی آزاد از کارگران تجمع کننده در مورد راه حل افزایش دستمزدها و تحقق دیگر مطالبات کارگران سوال کرد و کارگران شرکت واحد تهران با اشاره به اینکه کسانی که تحت عنوان نماینده های کارگران در شورایعالی کار حضور دارند نماینده های واقعی آنان نیستند به بر پایی تشکلهای مستقل کارگری تاکید گذاشتند و خواهان حضور و دخالت نماینده های واقعی کارگران در تعیین حداقل دستمزدها شدند.
در ادامه این نشست کارگران شرکت واحد تهران به طرح مشکلات خود از جمله اخراج چندین نفر از همکارانشان به دلیل فعالیتهای صنفی پرداختند و ظریفی آزاد به کارگران تجمع کننده قول داد شخصا پیگیر بازگشت بکار این کارگران خواهد شد.
بنا بر این گزارش تجمع کارگران شرکت واحد تهران با قولهای مساعد مسئولین وزارت کار در ابلاغ خواست کارگران تجمع کننده به شورایعالی کار برای افزایش دستمزدها در ساعت ۱۲ ظهر پایان گرفت.

تجمع رانندگان شرکت واحد مقابل محل جلسه تعیین مزد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 14 اسفند 91 آمده است : صبح امروز حدود ۱۰۰ راننده شرکت واحد تهران در مقابل محل جلسه شورای عالی کار واقع در ساختمان وزارت کار واقع در خیابان آزادی تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، رانندگان شرکت واحد با ارائهٔ امضاهایی جدید در ادامهٔ طومار ۲ هزار امضایی خود به مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواستار حضور مسئولان دولتی و اعضای شورای عالی کار برای شنیدن دغدغه‌ها و نگرانی‌های خود در رابطه با تعیین حداقل مزد سال ۹۲ شدند.
در همین رابطه یکی از معترضان به خبرنگار ایلنا گفت: ما امروز اینجا جمع شده‌ایم تا یکی از مسئولان دولتی یا اعضای شورای عالی کار در میان ما حضور پیدا کنند و دغدغه‌ها و نگرانی‌های ما را در رابطه با بحث تعیین حداقل مزد سال ۹۲ بشنوند.
وی ادامه داد: اگر کارفرمایان از پرداخت دستمزدی که فاصلهٔ معیشت کارگران با خط فقر را پر کنند عاجزند دولت باید با انجام حمایت‌هایی از کارگران پیش قدم شود.
در ادامهٔ این تجمع حراست وزارت کار تجمع کنندگان را برای شنیدن صحبت‌های مسئولان دولتی به نمازخانه ساختمان هدایت کردند که از ورود خبرنگار ایلنا جلوگیری شد.
گفتنی است امروز آخرین جلسه ی شورای عالی کار با حضور نمایندگان کارگری و کارفرمایی برای تعیین دستمزد سال ۹۲ در ساختمان وزارت کار تشکیل می شود.
متن طومار ۲ هزار امضایی بدین شرح است:
رانندگان و کارگران شرکت واحد همانند هزاران هزار کارگر دیگر در شرایط وحشتناک گرانی و تورم و شرایط خطرناک کار همچون الودگی هوا مشغول خدمت رسانی صادقانه به مردم و جامعه هستند.

بنابراین خواستار دریافت دستمزدی عادلانه می‌باشند، در خواست ما برای تعیین دستمزد سال ۱۳۹۲ این است که علاوه بر تورم واقعی امسال تورم سال آینده در نظر گرفته شود تا طبق ماده ۴۱ قانون کار و با استفاده از روش‌های حمایتی دولتی حداقل دستمزد کارگران پاسخگوی هزینه‌های کمر شکن زندگی کارگران و بازنشستگان کارگری باشد

پاسخ به نقدهایی پیرامون یک تصمیم سندیکایی
از: کاظم فرج الهی

http://www.kargareirani.blogsky.com/1391/12/13/post-54/
/http://www.kargareirani.blogsky.com/1391/12/13/post-54

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در بهمن ماه گذشته طی نامه ای به ITF (فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل) اعلام کرد از این تاریخ منصور اسالو دیگر در این سندیکا هیچ گونهٔ سمت و مسئولیتی ندارد و به همین دلیل سندیکا در این نامه از ITF که تا این زمان این عضو خود و رهبر سندیکایی زندانی را بطور همه جانبه مورد حمایت قرار داده بود خواستار قطع این حمایت ها و ارتباطات می شود .
در آغاز باید از دو بابت بسیار متاسف بود . یک :اصولن برای اتفاقی که افتاده و عضوی این چنین پرکار و فعال، بدون این که مشکل امنیتی حاد و جدیدی رخ داده باشد از عرصهٔ فعالیت در محیط کار و سندیکای خود خارج شده است. هرچند جذب افراد و نیروهای جدید و دفع یا خارج شدن نیرو هایی که کارکردشان به نفع مجموعه نیست بخشی از پروسه زندگی و پویایی یک سندیکا یا هر نهاد مدني دیگراست . دوم این که جنبش کارگری ایران در آن چنان موقعیتی قرار دارد که یک تغییر و جابجایی داخلی نه چندان ساده ولی قابل درک و نه چندان دور از انتظار در سندیکای کارگران یک بنگاه بزرگ (ده هزار نفره)این چنین همگان را به تعجب و غافلگیری کشاند. عجیب این که شمار بسیار زیادی از دوستان و علاقه مندان و پیگیران مسایل جنبش کارگری خود را موظف به موضع گیری پیرامون این واقعه دانستند. برخی این تصمیم را تقبیح، پاره ای محکوم، شماری تایید و حمایت کردند و برخی نیز از هیات مدیره سندیکا توضیحات رسمی و علنی خواستند و این در حالی است که رفت و آمد ها، جابجایی ها ، انشعاب ها و اخراج ها در دیگر گروه ها و سازمان های صنفی یا سیاسی هیچ گاه دیگران را این چنین به تعجب و تحرک و اظهار نظر وادار نکرده است. این که مسایل جنبش کارگری برای دیگر فعالان اجتماعی مهم و یا تا این اندازه مهم است مایه خشنودی بسیار است ولی این که از نظر این دوستان فعل و انفعالات داخلی یک سندیکا تبلور یا معادل تغییر و تحول در کلیت جنبش ارزیابی شود ابداً خوشحال کننده نیست . آشکار است که احیا و بازگشایی سندیکای کارگران شرکت واحد و رشد و شکوفایی این تشکل آن هم پس از سال ها سکوت و سکون در جنبش کارگری ایران مایه خرسندی و حتا افتخار همه ی فعالان و دوستان این جنبش بوده و تضعیف و ضربه خوردن آن نیز مایه نگرانی آنان است. اما چرا باید جنبش کارگری ایران با پیشینه ی مبارزاتی و تشکیلاتی بیش از یکصد سال و با شمار جمعیت نزیک به ده میلیون کارگر بیمه شده آن هم در شرایط بحران و رکود اقتصادی موجود در چنان موقعیتی قرار داشته باشد که چنین اتفاقی در یک سندیکا با این قد و قواره این چنین مورد توجه و حیاتی ارزیابی شود ؟ چرا دیگر بخش ها و اندام های این جنبش این قدر ضعیف است؟ در ایران کنونی بیش از ده ها و صدها و بل بیش از هزارها بنگاه تولیدی وخدماتی با ده ها تاهزاران کارگر داریم که علی القاعده مستعد داشتن تشکل های مستقل کارگری و از جمله سندیکا هستند، اگر یک دهم آن ها دارای سندیکا بودند همین واقعه با همین ابعاد تا این اندازه مهم جلوه می کرد؟
در مقطع کنونی یک واقعه ی اجتناب ناپذیر ولی قابل پیش بینی و علی القاعده گریزناپذیر، طی یک پروسه ، به هرحال رخ داده است ؛ غم و درد اصلی و مهم در این جاست که فعالان پرشماری که بر این رخداد به مثابه یک حادثه ی بسیار مهم و حتا سرنوشت ساز تمرکز کرده اند از پرداختن به این " چرا " و چگونگی حل و رها شدن ازقید این " چرایی " که برای جنبش کارگری ایران بسیار مهم و حیاتی هم هست غافل هستند و یا خود داری می کنند ؟

به راستی چرا این واقعه رخ داد ؟ باید بپذیریم که جنبش کارگری ایران به رغم داشتن پیشینه ی یکصد و اندی ساله هنوز رشدنایافته است و درمرحله ی - اگر نگوییم کودکی - پیش از بلوغ قرار دارد. پرداختن به عوامل و دلیل های این رشد نایافتگی هدف این نوشته نیست ولی میزان آگاهی طبقاتی ، شناخت منافع میان مدت و دراز مدت طبقه و حد سازمان یافتگی این طبقه به خوبي، درستی این ادعا را گواهی می دهد. در نتیجه تشکل ها و نهاد های کنونی موجود این طبقه و رفتار جمعی و تشکیلاتی فعالان و رهبران آن (دست کم برخی ازآن ها) هم نمی تواند از تبعات این عقب ماندگی برکنار باشد . البته در پروسه ی مبارزه ی طبقاتی دیگر جوامع حتا مدرن و پیشرفته هم این گونه موارد و این چنین رهبران و پیشروانی کم و نایاب نیستند که با وجود دارا بودن سوابق درخشان، در موقعیت های ویژه به دلیل گزینش روش ها و تصمیم هایی گریز ناپذیر و یا اجتناب پذیر و یا حتی به دلیل مسائل شخصی و گاه جاه طلبی و قدرت دوستی به شکل های مختلف از روند صحیح و خط اصلی مبارزه منحرف شده روش ها و خط های نادرستی برگزیده اند .رهبران اتحادیه ها و نهاد های کارگری رفرمسیت و یا خائن و خریداری شده توسط کارفرمایان و عوامل سرمایه های داخلی یا جهانی کم نیستند و در جریان مبارزه طبقاتی هیچگاه نباید از بروز چنین حوادثی متعجب شد، آنچه بسیارمهم بنظر می رسد پیش بینی و گزینش روش های پیشگیری از بروز این گونه رخدادها، مقابله با عوارض پس از رخداد و عبور از بحران های ناشی از آن است.
در جامعه ای که جنبش عمومی و بویژه کارگری آن تا این حد در دوره های مختلف سرکوب شده، عقب نگه داشته شده، فرصت تمرین و یادگیری عملی کار جمعی و دمکراتیک به ندرت به دست آمده و رشد نایافته است خیلی جای تعجب نیست که رخ داد جلوه هایی از مبارزهٔ طبقاتی و دست یابی کارگران به پیروزی و دست آوردهایی هر چند اندک ولی به هرحال مهم، ایجاد تشکل های نوپا و یا احیای سندیکایی سرکوب شده ،ذوق و شوق و تشویق و به ُ به و چه ُ چه بسیاری را برانگیزد. بیان مکرر و زیاده ازحد خوشحالی ها و تشویق و تمجید هایی که بسیاری از سرحسن نیت و برخی شاید از زاویه و مقصود هایی دیگر باشد، بستر مناسب و خوبی فراهم می کند برای مبالغه و بزرگنمایی در بیان کارهای انجام شده، هزینه های داده شده و امتیازهای بدست آمده از سوی آن دسته از فعالان عرصهٔ کارگری که متاسفانه بیش از هرچیز به تماشاچی نیاز دارند ! در حالی که جنبش ما بیش از هرچیز به بیشمار کارگران پیشرو و کارآزموده نیاز دارد. روحیه قهرمان دوستی افراطی و قهرمان پروری که هنوز نزد بسیاری از ایرانیان یافت می شود افراد کم ظرفیت بسیاری را به سوی قهرمان شدن، اغراق در ارزیابی امکانات و دست آوردها، توهم نسبت توانمندی های خویش، خودمحوری و گاه دیکتاتور شدن سوق می دهد. گزارش دهی نادرست، بزرگنمایی کارها ی انجام شده، مبالغه دربیان دستاوردها و امتیازات بدست آمده و یا هزینه های داده شده در راه مبارزه- چه از سرناآگاهی باشد و چه حسابگرانه و با صدای بلند بیان آرزوها باشد و در راستای مورد تحسین و تشویق قرار گرفتن (این دومی را دوستان خارج نشین و قهرمان پرور اغلب فراهم می آورند) و یا .... به هرحال موجب غلط اندازی است و تحلیل و تفسیرهای نادرست، خوشحالی های بی مورد دوستان و تحریک و خصومت دشمنان طبقهٔ کارگر را پدید می آورد. جنبش کارگری ما همواره از این رهگذرآسیب هایی را تجربه کرده است .
در چنین فضا و شرایطی کارگران فعال و سندیکایی شرکت واحد جهت احیا و بازگشایی سندیکای قدیمی خود که از سال 1362 به حالت تعلیق و غیر فعال در آمده بود اقدام کردند و همانطور که دور از انتظار هم نبود به موازات تحمل فشارها و تهدید های شغلی و امنیتی مورد توجه، تشویق و تحسین های بسیار نیز قرار گرفتند. بسیاری از فعالان، دوستان و خیر خواهان جنبش کارگری با حسن نیت و به قصد کمک از یک سو و دوستان ناآگاه، سیاست پیشگان، دشمنان دوست نما و دشمنان طبقاتی از دیگر سو هرکدام به شکل و شیوه های مختلف برای برقراری رابطه و یاری رسانی و یا نفوذ در این تشکیلات و تحت تاثیر قرار دادن فعالان و رهبران آن تلاش بسیار کردند. شماری از فعالان این گرایش ها بسیارکوشش کردند فرد یا افرادی از اعضای هیات مدیره یا بدنهٔ سندیکا را در راستای نیل به اهداف خویش یا نزدیک کردن به راه و روش و تفکر خود تحت تأ ثیر و نفوذ قرار دهند و اگر بتوانند تحریک و ... کنند . بدون تردید بیشترین اعضای هیات مدیره و بدنه ی سندیکا به کمک هوش و درایت و صداقت خود و با تکیه بر اساسنامه ،به رغم همه کم تجربگی ها در عین حال با کمک

پیشکسوتان و رجوع به خردجمعی و اصول کار گروهی _تشکیلاتی و دمکراتیک بر بسیاری کجروی ها و فشارهای گوناگون غلبه کردند. اما آنجا که بستری از کیش شخصیت ، تمایلات و ضعف های شخصي، خود محوری و تکروي، خود شفیتگی و جاه طلبی و توهم فراهم باشد در کنار کاتالیزورهایی چون حمایت، تحسین و تشویق های نابجا و افراطی اعم از مشفقانه و یا مغرضانه ، کج روی ها و کج اندیشی هایی پدید می آید، تصمیم هایی گرفته می شود و روش هایی اعمال می گردد که به سلامت و صلابت سندیکا آسیب زده هزینه های سنگین تحمیل می کند. نمی توان با اطمینان روی نقطه ی خاصی دست گذاشت اما احتمال اختلال افراد و یا نهاد های وابسته به سرمایه جهانی و سولیداریته سنتر را هم نباید از نظر دور داشت؛ این پدیده ها و اشکالات همیشه و در همهٔ تشکل های صنفی و سیاسی می تواند رخ دهد. در این روند است که فرد یا افرادی می توانند با سوار شدن بر احساسات و تاییدات بخشی بزرگی از بدنه به تدریج خود را در حد یک رهبر بلا منازع و قدر قدرت بیابند؛ روش ها و دیدگاه های شخصی خود را عین اساسنامه و تمایلات و آرزوها یشان را منافع و اهداف بلند مدت تشکل بدانند؛ درمقابل مخالفت ها و انتقادها با تکیه بر تشویق و حمایتهای اغراق آمیز درونی و بیرونی بر آشوبند و پا به زمین بکوبند؛ به جای برقراری روابط درست تشکیلاتی به لابی گری بپردازند؛ گزارش های غیر دقیق و مبالغه آمیز و گاه حتی نادرست ارائه دهند؛ در غیاب و به جای هیات مدیره خود راسا تصمیم بگیرند و نیازی هم به ادای توضیح برای دیگران احساس نکنند چرا که خود را دارای حمایت های وسیع توهم آلود و بدون عیب و نقض و همیشه دانا و توانا و موفق می دانند .
از یک سو رو در بایستی و نبود صراحت در برخورد و ملاحظه کاری هایی که متاسفانه بخشی از باورهای ما ایرانیان است و ازدیگر سو فشارهای مالی و امنیتی و شرایط اجتماعی و سیاسی خاصی که بر تشکل های صنفی حاکم است مانع اجرای درست اساسنامه و آیین نامه ها و جاری شدن روند دمکراسی و مراجعه به خرد جمعی می شود. همه ی این ها دست به دست هم داده موجب انباشته شدن نارضایی ها و انتقاد های گفته شده و گفته نشده می گردد و زمینه مناسبی می شود برای بروز به ظاهر ناگهانی نارضایتی ها درونی در پی یک تلنگر و یا حادثه ی غیر منتظره؛ بخصوص اگر آن حادثه یا بخشی از آن با باورها و سنت های موجود جامعه همخوان نبوده و براصل اعتماد متقابل استوار نباشد! رهبران و پیشروان سندیکا ها و همه ی نهاد ها و تشکل های مدنی و صنفی کارگری و مردمی باید باور های اخلاقی و سنت های موجود در جامعه را فارغ از خوب یا بد بودن آن ها همواره در نظر داشته و ملاحظات و محدودیت های آن ها را در روش های مبارزه و حتا زندگی شخصی خود رعایت کنند. رعایت نکردن این ملاحظات به گسترش نفوذ و صلابت این نهاد ها آسیب جدی وارد می کند وبی اعتمادی را رواج می دهد و می تواندستاویزی برای نهادستیزی گردد.
نمونه گزارش های نادرست را می توان در گزارش سالیانه وضعیت این سندیکا (سال 1391) دید : هیات موسسی که اعضای آن به دلایل مختلف سالهاست پراکنده شده و فقط دو نفر باقی مانده اند که بجز نامی و امضایی در پایین بیانیه های مشترک کارکرددیگری ندارند(هیات موسس سندیکای کارگران نقاش...) . هیات مؤسس های یک نفره ای که هنوز شاید چیزی به جز ایده ای در ذهن خود فرد نیستند و صرفآ برای پر شدن عریضه و یا کیس پناهندگی و رنگین شدن کارنامهٔ دیگران موجویت خارجی یافته اند(هیات موسس سندیکای رانندگان برون شهری و یا سندیکای معلمان حق التدریسی). بیان با صدای بلند آرزوهای زیبایی که هر علاقه مند دور از میدان این جنبش را به وجد می آورد، خود بزرگ بینی و توهم نسبت به نیرو توان خود عاملی می شود که ازتجمیع این هیات های مؤسس و اتحادیه های کاغذین فدراسیون های سراسری کارگران را می سازد؛ چه زیبا وغرور انگیز است این رویا، اما افسوس که بر دریا نتوان مایه زد و یک دریا دوغ بدست آورد .چه انگیزه ای می تواند دلیل نوشتن و ارائه این گونه گزارش های نادرست و یا غیر دقیق باشد ؟ این گونه گزارش دهی و چنین بازخوردهای تشویق و تحسین برانگیز و نابجا نتیجه ای جز ترویج دروغ و تزویر درپی نخواهد داشت.
اما سئوال دیگری هم می تواند مطرح باشد : اینکه چرا درخشش یک سری حرکات، مبارزات مقطعی و اتخاذ روش های تازه ی مبارزه و یا بروز حوداث کمتر عادی شده ای در عرصه جنبش کارگری پاره ای از دوستان راچنان به وجد می آورد که دچار این تصور نادرست می شوند که

جنبش کارگري روبه رو رشد همان جنبش اعتلا یافته است ! و یا فلان حرکت نقطهٔ عطفی در مبارزات است و اگر این دوستان اطلاعیه ندهند و یا دخالتگری نکنند از قطار جنبش کارگری در حال حرکت و سرعت گیری عقب می مانند! در واقع آرزوها و شوق و ذوق شان موجب می شود خوشبینی مفرط و توهم جای واقع بینی را بگیرد.
به یاد بیاوریم در بحران های کارگری پس از اجرای طرح های تعدیل ساختاری وقتی کارگران کارخانه بنز خاور در جریان مبازات خود تحریم سالن غذا خوری (نوعی اعتصاب غذا) را به عنوان یک شکل اعتراض بکار بردند گروهی از این تاکتیک چنان به وجد آمدند که آن را نقطهٔ عطفی در جریان مبارزات کارگران ارزیابی کردند ! مختصات این نقطهٔ عطف چه بود خصلت و ویژگی های مبارزه قبل و بعد از این نقطهٔ عطف چگونه بود و چه تمایزی از هم داشتند ؟
تقریبا دو دهه پس از آن و برگزار شدن - یا نشدن - مراسم اول ماه مه 1388 در پارک لاله تهران . چگونه گروه ها و شمارزیادی از دوستان طبقهٔ کارگر (بخصوص در خارج از کشور) این واقعه یعنی یک تجمع دست بالا 500 نفره را که امضای ده گروه و تشکل زیربیانیه ی آن دیده می شد بزرگنمایی کرده تحولی در جنبش کارگری و نشانهٔ اعتلای آن دانستند. کمتر کسی در آن روزها حاضر بود روی این نکته درنگ و تامل کند که بجز دو سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و نیشکر هفت تپه، دیگر امضا کنندگان اصولاً چقدر وجود خارجی موثر داشتند ؟ چقدر ماهیت کارگري، پایه های توده ای و کارگری و استقرار در محیط کار و زندگی طبقه کارگر و خلاصه چه اندازه نفوذ و توان بسیج داشتند . اگر این ویژگی ها و توانمندی ها را حتا بطور نسبی هم داشتند چرا به رغم امضای ده تشکل در پای بیانیه ، روز میدان جمعیت حاضر تا این اندازه ناچیز و قلیل بود. حتی پس از فرو نشست هیجانات و اضطراب های اولیه این واقعه کمتر کس یا گروهی حاضر شد بپرسد و یا پاسخ دهد اثرهای آن تحول چه بود؟ چه برسرآن اعتلا آمد ؟ واقعاً این حرکت ناشی از اعتلای جنبش بود و یا بی تدبیری و تشخیص نادرست شرایط و نبود توانایی تحلیل موقعیت؛ و یا شاید تاثیر ماجراجویی وعملکرد قهرمانانه عده ای از فعالان و علاقمندان به جنبش کارگری بود که به دیگران به نوعی در آن شرایط خاص تحمیل شد و متاسفانه عدم تحلیل و تشخیص درست آنها از شرایط و امکانات موجب تنها ماندن شان در میدان شد؟ آیا این عدم تمایل به درنگ و تامل و نتیجه گیری منطقی تر از واقعه ناگوار پیش آمده، ناشی از این حقیقت نبود که این دوستان ترس داشتند نکند که نتیجه گیری ها بر خلاف تمایل و آرزو هایشان باشد ؟
در درستی و انسانی و انقلابی بودن تمایل و آرزوی این دوستان تردیدی نیست، آنچه مورد تردید است امکان تحقق این آرزوها در شرایط کنونی است . اصرار بر تحقق این آرزوهای بزرگ و زیبای انقلابی درهر شرایط ، آیا مانع درست دیدن و تشخیص واقعی امکانات و رخدادها و تحلیل منطقی شرایط نمی شود؟ ویا موجب بزرگنمایی و اغراق در بیان آنچه رخ داده نمیگردد؟ و به مبالغه ی ارزیابی از دستاوردهای کسب شده و توان و ظرفیت های موجود نمی انجامد؟

تجمع کارگران صنایع فلزی با دخالت پلیس روبه‌رو شد؛ اعتراض در خیابان

به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران در 14 اسفند 91 آمده است : ششصد کارگر صنایع فلزی شماره یک و دو از صبح امروز ۱۳ اسفند ماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و بی توجهی مدیریت دولتی به وضعیت فلاکتبارشان دست از کار کشیدند و با تجمع در محوطه کارخانه خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند.
به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این اعتصاب و تجمع، مدیریت دولتی کارخانه به آنان اعلام کرد: ما شب عید فقط می توانیم ۴۰ درصد باقی مانده دستمزد آذر ماه شما را پرداخت کنیم، مشکل جای دیگری است و کاری از دست استانداری تهران بر نمی آید.
بدنبال این وضعیت کارگران معترض هر دو کارخانه صنایع فلزی شماره یک و دو در اقدامی اعتراضی تجمع خود را به محوطه بیرونی درب کارخانه مشرف به خیابان صنایع فلزی کشاندند و با روشن کردن لاستیک در وسط خیابان به اعتراض خود ادامه دادند.
بر اساس این گزارش در پی این اقدام اعتراضی از سوی کارگران بلافاصله نیروهای امنیتی و

انتظامی در محل حاضر شدند و پس از کشمکشی دو ساعته آنان به اعتراض خود در خیابان پایان دادند و سپس اقدام به برگزاری مجمع عمومی کردند. در این مجمع کارگران بطور یکپارچه ای تصمیم به ادامه اعتراض خود در مقابل نهادهای دولتی گرفتند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده این کارگران احتمالا از فردا صبح دست به تجمع در مقابل استانداری تهران و یا یک نهاد دولتی دیگر خواهند زد.
ششصد کارگر صنایع فلزی در حال حاضر علاوه بر آنکه ۴۰ درصد دستمزد آذر ماه خود را دریافت نکرده اند حقوق ماههای دي، بهمن، اسفند و عیدی و پاداش خود را نیز طلبکارند و مدیریت دولتی کارخانه به استثنای پرداخت ۴۰ درصد باقی مانده دستمزد آذر ماه این کارگران، حاضر به پرداخت ریالی از مابقی دستمزد معوقه آنان نیست.
کارگران بازنشسته این کارخانه نیز وضعیت مشابهی دارند و از ۵ سال پیش که بازنشست شده اند موفق به دریافت سنوات خود نشده اند بنا بر اذعان مسئولین استانداری تهران حدود صد میلیارد تومان از دارائی نقدی کارفرماهای شناخته و ناشناخته این کارخانه ها بلوکه شده است اما قوه قضائیه تاکنون اقدامی موثر برای پرداخت سنوات این کارگران از محل اموال نقدی بلوکه شده کارفرمایان این کارخانه ها انجام نداده است.

حوادث کار:سقوط تیر برق، جان کارگر اداره برق لنده را گرفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 14 اسفند 91 آمده است : کارگر اداره برق شهرستان لنده واقع در استان کهگیلویه و بویراحمد بر اثر سقوط یک اصله پایه فشار ضعیف برق جان باخت.
به گزارش «ایلنا» از شهرستان لنده، در ساعت ۱۴ دیروز (شنبه) پرسنل اداره برق برای جمع آوری سیم‌های محوطه جدید مصلی شهر لنده و جابجایی تیر برق که اطراف آن قبلا خاک برداری شده بود اعزام شدند.
«فضل الله خنجری» یکی از کارگران این اداره برای جدا کردن کابل‌های انتقال برق به بالای دیرك برق رفت و مشغول بریدن کابل سوم بود که به یکباره تیر برق از جا کنده شد، به طوری که این کارگر فرصت باز کردن کمربند ایمنی را پیدا نکرد و با سقوط دیرك این کارگر ۴۵ساله جان خود را از دست داد.
شهرستان لنده یکی از شهرستان‌های گرمسیری کهگیلویه و بویراحمد محسوب مي‌شود که با یاسوج مرکز استان حدود ۲۴۰ کیلومتر فاصله دارد

عدم پرداخت شش ماه حقوق ۱۲۰۰ کارگر کارخانه پروفیل ساوه و وضعیت فلاکتبار کارگران دیگر کارخانه ها در شهرستان ساوه

برپایه خبر مندرج در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 14 اسفند 91 آمده است : تعداد ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد پروفیل ساوه شش ماه است حقوقی دریافت نکرده اند. این کارگران در طول این مدت فقط مساعده اندکی دریافت نموده اند و در آستانه سال نو در شرایط فلاکتباری بسر میبرند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران پیگیریهای این کارگران در مراجعه به کارفرما برای دریافت دستمزدهایشان تا کنون نتیجه ای در بر نداشته است و از آنجا که محدودیتهای شدیدی نسبت به هر گونه اعتراض کارگری در این کارخانه وجود دارد آنان در طول شش ماه گذشته عملا موفق به سازماندهی اعتراضی کارساز نشده اند با اینحال بنا بر اظهار برخی کارگران این کارخانه در حال حاضر جو سنیگنی بر محیط کارخانه حاکم است و احتمال بروز اعتراضات بسیار شدیدی از سوی ۱۲۰۰ کارگر آن وجود دارد.
بنا بر گزارش دیگری که به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا نیز در حال حاضر چهار ماه حقوق معوقه دارند و کارفرما قرار است فقط یکماه از دستمزد معوقه این کارگران را پرداخت کند.
بنا بر این گزارش علاوه بر سی کارگر شرکت زادآخ که یکسال است دستمزدی دریافت نکرده اند و در حال حاضر با درب بسته کارخانه موجه شده اند هزاران کارگر دیگر نیز در شهر صنعتی

کاوه از یکسال تا سه ماه دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند و از آنجا که اراده ای نیز در میان کارفرمایان برای پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران وجود ندارد آنان در آستانه سال نو بدون روزنه ای امید برای دریافت دستمزدهایشان در شرایط فلاکتباری قرار دارند.

کاهش 300برابری ارزش پول ملی در 6 ماه

به گزارش سایت سلامت نیوز از قول دکتر علیرضا واعظ مهدوی کارشناس اقتصاد سلامت در گفت و گو با خبرنگار سلامت نیوز در 14 اسفند 91 گفت:
امروز شاهد آن هستیم که افزایش قیمت حامل های انرژی منجر به افزایش قیمت محصولات کشاورزی شده و حتی تولید بسیاری از ارقام محصولات کشاورزی را فاقد صرفه اقتصادی کرده است. همچنین هدفمندی یارانه ها،منجر به افزایش قیمت محصولات صنعتی شده، هزینه خدمات را افزایش داده که تمام این موارد منجر به افزایش نرخ ارز شده است به نحوی که ارزش پول ملی تنها در شش ماهه اخیر نزدیک به 300 درصد در برابر ارزهای خارجی کاهش پیدا کرده است»
دکتر واعظ مهدوی افزود:« قیمت طلا، خودرو، اتومبیل، مواد غذایی و خوراکی و هزینه های بهداشتی و درماني، دارو و تجهیزات پزشکی و بسیاری از کالاها و خدمات مورد نیاز مردم به شدت افزایش پیدا کرده است.»
با وجودی که به عقیده بسیاری از کارشناسان هدفمندی یارانه ها، راه علاج فقرزدایی از کشور اعلام شده و درحالی که بهبود شرایط معیشتی فقرا و کاهش نابرابری درآمدی به عنوان یکی از مهمترین اهداف هدفمندی یارانه ها مطرح شده بود شاهد افزایش فقرا در کشور هستیم و تمام ادعاها در این خصوص که با هدفمندی یارانه ها بعد از سه سال دیگر هیچ فقیری در ایران نخواهیم داشت وضعیت موجود عملا خلاف این ادعاها را ثابت می کند.
دکتر واعظ مهدوی از اثرات تورمی هدفمندی یارانه ها بر وضعیت معیشتی مردم و افزایش فقرا چنین می گوید:

فقیران بزرگترین زیان کننده از شرایط تورمی
وی تاکید کرد:« مطالعات جهانی نشان می دهد که بزرگترین زیان کننده از شرایط تورمي، فقرا و مستضعفین، گروه های دستمزد بگیر، معلمان، بازنشستگان، کارکنان دولت و کارگران هستند.»
وی تاکید کرد: در شرایط گرانی و افزایش تورم اخیر، بسیاری از خانواده ها و اقشار متوسط مصرف شیر و لبنیات را در سبد غذایی خود کاهش داده اند. مطالعات ما نشان می دهد مصرف گوشت قرمز به شدت کاهش یافته است و دسترسی به پروتئین مورد نیاز خانوارها بخصوص در دهک های پایین جامعه به شدت محدود شده است.»
از آنجایی که افزایش تورم به معنای افزایش مخارج خانوارها و کاهش قدرت خرید آنها است لذا خانواده ها باید علاوه بر اینکه بخشی از یارانه نقدی خود را صرف پرداخت هزینه های آب، برق، سوخت و ... (که افزایش قیمت داشته است) کنند باید بخشی از درآمد خود را به دلیل افزایش تورم صرف مخارج خود کنند لذا یارانه نقدی خانواده های کم درآمد کفاف افزایش هزینه های ناشی از تورم حاصل از هدفمندی یارانه ها را نخواهد داد لذا وضعیت معیشتی آنها حادتر خواهد شد.

جنبش کارگری و سم پاشی های بورژوایی
همبستگی با جنبش طبقاتی کارگری ـ پاریس

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه : طبقه کارگر جهانی به دلیل بحران هویت یابی طبقاتی و سلطه ی ایده های بورژوایی در تشتت و پراکندگی بسر می برد و هنوز قادر نیست تشکل مشخص و انقلابی خویش را در مبارزات سیاسی ـ اجتماعی ارایه دهد.
بنابراین تحقق هدف ایجاد تشکل های کارگری مستلزم افشای همه جانبه ی فرصت طلبان و اصلاح طلبانی است که سالوسانه یک پای خود را در جنبش کارگری و پای دیگر را که بیانگر

ماهیت واقعی آنهاست با دشمنان طبقه کارگر یعنی طبقه بورژوازی نمایان می سازند. با اینکه مبارزات پرشور، سخت و دشوار کارگران که با استقامت و شهامت وصف ناپذیری همراه است، توسط همین طیف مخدوش می شود و نظام سرمایه داري، از جمله بیکار سازی و فقر روزافزون، با شدت هرچه بیشتر تداوم می یابد.
با اشاره به اینکه سامان یابی متشکل کارگران، نظم سراسر ننگین سرمایه داری را پرمخاطره می کند، طبیعی است که روند مبارزات کارگری ایران نیز دستخوش تهاجم همان گرایشی شود که کارگران جهان با آن مبارزه می نمایند. استقلال تشکل طبقاتی یعنی مبارزه ی کارگران، مستقل از دولت ها و قدرت ها برای دفاع قاطعانه و خالصانه از منافع کارگری با در نظر گرفتن اهداف سیاسي، اقتصادی در بستر اجتماعی هر جامعه است. فرصت طلبانی که خود را در چارچوب گرایش اکونومیستی کارگری محدود می کنند و از نظر سیاسی پیرو افسانه ی دمکراسی بورژوازی هستند؛ سرانجام سوار بر ارابه ی سیاست های فریبکارانه ی خویش، سم پاشی های بورژوایی را به درون طبقه وارد می سازند که منجر به مخدوش شدن منافع طبقه ی کارگر می شود. در نتیجه باید گفت که طبقه کارگر ایران و جهان با چنین معضلاتی دست به گریبان است.
امروزه روز، آسیب های جنبش کارگری در عرصه های متفاوتی تظاهر می یابند، به طور مثال پیوستن آقای منصور اسانلو به رسواترین طیف بورژوازي، و یا مشارکت برخی فعالان به اصطلاح چپ در آلترناتیوسازی های رنگارنگ امپریالیستی که آخرین آن در پراگ بود، همچنین می توان به حضور برخی دیگر در پارلمان فرانسه و مذاکره با نمایندگان امپریالیسم فرانسه و آمریکا اشاره کرد. به هر روي، عاشقان سینه چاک سوسیال دمکراسي، در پی توهم های تخیلی خویش، جنبش کارگری را از آسیب های به اصطلاح دمکراسی بورژوایی در امان نمی گذارند.
ولی مبارزات طبقاتی کارگران در سطح جهانی از ضربه های فرصت طلبان گذر خواهد کرد و با صلابت و پیروزی شکوفا خواهد شد و سرانجام تشکل انقلابی خویش را با هویت کارگری را بر فراز آن ایجاد خواهد نمود. جنبش کارگری ایران نیز همچون بخش تفکیک ناپذیر جنبش جهانی کارگری در همین مسیر، گام های پرتوان خود را در جهت تقویت تشکل های خویش به پیش خواهد راند و همه ی طیف های رفرمیستی ـ بورژوایی را افشا خواهد ساخت.
زنده باد سوسیالیسم
زنده باد آزادی
همبستگی با جنبش طبقاتی کارگری ــ پاریس
14 اسفند 1391

رئیس دیوان محاسبات: کسری 50 درصدی بودجه / معاون رئیس جمهور تلفن مرا جواب نمی دهد

به گزارش خبرنگار دولتی مهر، در 14 اسفند 91 آمده است :عبدالرضا رحمانی فضلی ظهر دوشنبه در مراسم اختتامیه چهارمین همایش مدیران دیوان محاسبات کشور که در محل دیوان محاسبات برگزار شد طی سخنانی به شرایط داخلی و خارجی کشور اشاره کرد و گفت: در سال 91، گزارش 9 ماهه عملکرد دستگاه ها را به آنها ارائه کرده ایم که به نظر می رسد تا پایان سال هر اندازه هم تلاش شود فقط 50 درصد درآمدها محقق شود، یعنی 50 درصد کسری داریم. که البته این باید به نوعی تامین شود و راه های تامین آن صرفه جویي، تخصیص‌ها و اولویت‌بندی است که تا امروز توانسته ایم کار را تا حدودی جلو ببریم.
وی گفت: در افق پیش رو به نظر نمی آید گشایشی بیش از این داشته باشیم تحریم ها در حوزه های مختلف فشارهای زیادی وارد می کند اگر این تحریم ها البته به هر کشور دیگری وارد می شد قطعا آن کشور را از پا در می آورد.
وی در خصوص مشکلات مالی دیوان محاسبات گفت: ما در مضیقه مالی هستیم چند بار خواستم به معاونت نظارت راهبردی ریاست جمهوری این مسئله را در میان بگذارم که وضعیت دیوان محاسبات به لحاظ بودجه مناسب نیست اما یک ماه و 20 روز است که حتی نتوانسته ام تلفنی با آقای مرادی معاونت برنامه ریزی راهبردی ریاست جمهوری صحبت کنم، به هر

حال این هم از اخلاق و مرام دوستان است، شماره رئیس دیوان محاسبات را هم می بینند و جواب نمی دهند.

تعدیل تحریم ها به چه معناست؟

به نوشه سایت انتخاب در 14 اسفند 91 آمده است : علی اکبر صالحي، وزیر امور خارجه ایران می گوید از امروز به بعد نه تنها تحریم ها تشدید نمی شوند، بلکه شاهد لغو تدریجی تحریم ها خواهیم بود. این در حالی است که گروه 1+5، (آمریکا، انگلیس، فرانسه، چین، روسیه و آلمان) نیز در مذاکرات اخیر خود با ایران بسته ای ارایه داده اند که در مقابل برخی اقدامات اعتماد ساز از جانب تهران، تعدیل تحریم ها را پیشنهاد می دهد. تحریم هایی که گفته می شود امکان لغو آنها وجود دارد در بخش های تجارت طلا، بانکداری و پتروشیمی علیه ایران اعمال می شوند. اما اکنون پرسش اینجاست که لغو تحریم ها یا تعدیل آن چه معنایی دارد.

تحریم فلزات ارزشمند

تاریخچه تحریم فلزات ارزشمند علیه ایران به 30 جولای 2013 باز می گردد، زمانی که باراک اوباما، رئیس جمهور آمریکا فرمان اجرایی این تحریم ها را امضاء کرد و به این ترتیب خرید و فروش و یا کمک به تجارت فلزات ارزشمند با ایران ممنوع اعلام شد. هدف اصلی این تحریم ها رونق تجارت طلای ترکیه با ایران بود که البته با توجه به روابط نزدیک آنکارا با واشینگتن این تحریم ها هیچگاه گریبان مقامات یا شرکت های ترکیه ای را نگرفت.

اما چگونه می توان این تحریم ها را لغو کرد؟ طبق قوانین آمریکا، رئیس جمهور اختیار دارد قوانین اجرایی را که خود امضاء کرده لغو کند. به همین دلیل اوباما می تواند برای یک بازه زمانی فرمان اجرایی تحریم فلزات ارزشمند برای ایران را لغو کند. مانند اقدامی که اوباما در مورد شرکای خود انجام می دهد و آنها را برای بازه زمانی 180 روزه از تحریم ها معاف می کند تا بتوانند اندک اندک از واردات نفت خود از ایران کاسته و منابع دیگر را جایگزین کنند.

تحریم بخش پتروشیمی

به موجب تحریم هایی که در بخش پتروشیمی علیه ایران اعمال می شود، هر گونه صادرات یا تامین خدمات مواد و تجهیزات لازم در بخش پتروشیمی به ایران ممنوع است. اما باز هم در این مورد رئیس جمهور آمریکا این اختیار را دارد که معافیت هایی از این تحریم ها را اعلام کند.

تحریم های محدود بخش بانکداری

گروه 1+5، بدون اشاره به جزئیات، پیشنهاد تعدیل تحریم های محدود در بخش بانکداری شامل تحریم های مالی آمریکا را پیشنهاد داده است که به طور کلی چارچوب قانونی که این پیشنهاد بر مبنای آن مطرح شده، مشخص نیست. یکی از گزینه های احتمالی این است که موسسه های مالی آمریکایی و دیگر شرکت های مالی خارجی موانع موجود در راه نقل و انتقال های مالی بشردوستانه را حذف کنند. باتوجه به تحریم های غرب در سال گذشته ارسال محموله های بشردوستانه به ایران با دشواری هایی همراه بود. چرا که بسیاری از موسسه های مالی با توجه به ریسک تحریم ها از انجام نقل و انتقال های مالی مورد نیاز، خودداری می کردند.

البته هیچ یک از این گام ها به معنی لغو کامل تحریم ها نیست که می تواند برای روند مذاکرات دردسرساز باشد. همانگونه که در گزارش اخیر گروه بحران بین المللی آمده است، لغو کوتاه مدت تحریم ها یا اقداماتی که به آسانی برگشت پذیر هستند، نمی تواند به مصالحه معنا دار از سوی ایران منجر شود.چرا که لغو تحریم های مصوب در کنگره آمریکا به مسائلی خارج از پرونده هسته ای ایران مربوط می شود و با توجه به فضای سیاسی کنونی کپیتال هیل، لغو کامل تحریم ها امکان پذیر به نظر نمی رسد. البته در صورتی که توافقی بین ایران و آمریکا حاصل شود که منافع ایالات متحده را تامین کند، احتمال تغییر این فضا وجود خواهد داشت. در همین حال کاخ سفید ترجیح می دهد در شرایط کنونی و با توجه به تاکید تهران بر گام برداشتن در جهت لغو تحریم ها، از معافیت تحریمی استفاده کند. معافیت از

تحریم ها در واقع به مجوز کنگره نیاز ندارد و به مذاکره کنندگان آمریکایی این آزادی عمل را می دهد تا در صورت لزوم از این کارت در مذاکره با ایران استفاده کنند.
منبع: المانیتور / دیپلماسی ایرانی

اعتصاب کارگران صنایع فلزی

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 14 اسفند 91 آمده است : ششصد کارگر صنایع فلزی شماره یک و دو از صبح روز ۱۳ اسفند ماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و بی توجهی مدیریت دولتی به وضعیت فلاکتبارشان دست از کار کشیدند و با تجمع در محوطه کارخانه خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند.
بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بدنبال این اعتصاب و تجمع، مدیریت دولتی کارخانه به آنان اعلام کرد ما شب عید فقط میتوانیم ۴۰ درصد باقی مانده دستمزد آذر ماه شما را پرداخت کنیم، مشکل جای دیگری است و کاری از دست استانداری تهران بر نمی آید. بدنبال این وضعیت کارگران معترض هر دو کارخانه صنایع فلزی شماره یک و دو در اقدامی اعتراضی تجمع خود را به محوطه بیرونی درب کارخانه مشرف به خیابان صنایع فلزی کشاندند و با روشن کردن لاستیک در وسط خیابان به اعتراض خود ادامه دادند.
بنا بر این گزارش در پی این اقدام اعتراضی از سوی کارگران بلافاصله نیروهای امنیتی و انتظامی در محل حاضر شدند و پس از کشمکشی دو ساعته آنان به اعتراض خود در خیابان پایان دادند و سپس اقدام به برگزاری مجمع عمومی کردند. در این مجمع کارگران بطور یکپارچه ای تصمیم به ادامه اعتراض خود در مقابل نهادهای دولتی گرفتند. بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، این کارگران احتمالا از فردا صبح دست به تجمع در مقابل استانداری تهران و یا یک نهاد دولتی دیگر خواهند زد.
ششصد کارگر صنایع فلزی در حال حاضر علاوه بر آنکه ۴۰ درصد دستمزد آذر ماه خود را دریافت نکرده اند حقوق ماههای دی، بهمن، اسفند و عیدی و پاداش خود را نیز طلبکارند و مدیریت دولتی کارخانه به استثنای پرداخت ۴۰ درصد باقی مانده دستمزد آذر ماه این کارگران، حاضر به پرداخت ریالی از مابقی دستمزد معوقه آنان نیست.
کارگران بازنشسته این کارخانه نیز وضعیت مشابهی دارند و از ۵ سال پیش که بازنشست شده اند موفق به دریافت سنوات خود نشده اند بنا بر اذعان مسئولین استانداری تهران حدود صد میلیارد تومان از دارائی نقدی کارفرماهای شناخته و ناشناخته این کارخانه ها بلوکه شده است اما قوه قضائیه تاکنون اقدامی موثر برای پرداخت سنوات این کارگران از محل اموال نقدی بلوکه شده کارفرمایان این کارخانه ها انجام نداده است.

بدون شرح

کارگران و بازنشستگان در مقابل مزد ناعادلانه سکوت نمي‌کنند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 14 اسفند 91 آمده است : رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در اولین کنگره این اتحادیه گفت: به جای افزایش حقوق، خواهان بازگشت قدرت خرید سال ۸۴ به کارگران هستیم.
به گزارش ایلنا، حسن صادقی با اشاره به وضعیت نامناسب معیشت کارگران و بازنشستگان گفت: از سال ۱۳۸۴ تاکنون بیش از ۱۲۰ درصد قدرت خرید کارگران آنهم تنها در سبدحداقلی با ۱۷ قلم کالای اصلی کاهش پیدا کرده و ما از دولت و شورایعالی کار افزایش حقوق نمي‌خواهیم بلکه تنها مي‌خواهیم قدرت خرید ۷ سال قبل را به ما برگرداند.
او افزود: طبق برسي‌های اتحادیه پیشکسوتان میزان نرخ تورم بیش از ۱۲۰ درصد افزایش پیدا کرده واین یعنی اینکه به همین میزان قدرت خرید نیروی کار کاهش پیدا کرده است.
صادقی در رابطه با سبد فراوانی یا حداکثری خرید نیز گفت: در این سبد که ۳۹۵ قلم کالا گنجانده شده است قدرت خرید کارگران در ماه‌های مهر و آبان ۴۷/۶ درصد بوده است.
او اضافه کرد: این در حالیست که شورای عالی کار موظف است با مقایسه دو سبد حداقلی و

حداكثري، سبد حداكثری را برای تعیین دستمزد سال ۹۲ مد نظر قرار دهد که در اینصورت ۴۷/۶ درصد به قدرت خرید کارگران اضافه مي‌شود.
معاون دبیر کل خانه کارگر در امور شهرستانها در خصوص تعیین نرخ دستمزدها در سال آتی گفت: شورای عالی کار باید ادامه جلسات مزدی خود را به بعد از تعطیلات نوروزی و مشخص شدن اجرای نهایی مرحله دوم یارانه‌ها موکول کند چرا که به طور طبیعی اثرات تورمی همسان سازی مرحله دوم یارانه‌ها قیمت کالاها را نیز افزایش خواهد داد.
او در این زمینه اضافه کرد: در اینصورت است که با واقعی شدن قیمت‌ها مي‌شود در مورد نرخ دستمزد صحبت کرد، این امکان وجود ندارد که با بالا بردن قیمت انواع سوخت، و کالاها قبل از همه آن‌ها نرخ دستمزد را تعیین کرد.
به گفته صادقي، اختصاص یارانه‌ها از سوی دولت حتی ۱۰ درصد از قدرت خرید مزد بگیران را افزایش نداده چرا که اجرای این طرح با ایجاد یک تورم ذاتی و یک تورم توهمی مشکلات جامعه کارگری را به شدت افزایش داده است.
این فعال کارگری با انتقاد از نظر بعضی کارشناسان اقتصادی و مسئولان دولتی که ادعا دارند افزایش ناگهانی دستمزد کارگران و بازنشستگان میزان تورم موجود در کشور را افزایش مي‌دهد، اظهار داشت: آیا تزریق ناگهانی ۶ هزار و ۷۰۰ میلیارد تومان با عنوان طرح عیدانه به عموم مردم در اقتصاد تورم ایجاد نمي‌کند، اما افزایش حقوق متاثر از تورم که حق قانونی کارگران و بازنشستگان است تورم زاست و مشکلات اقتصادی زیادی بوجود مي‌آورد.
رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری درمورد رعایت اصل سه جانبه گرایی در شورای عالی کار گفت: حضور نمایندگان کارگری در شورای عالی کار برای اتخاذ تعیین نرخ حداقل مزد نمایشی است و آنچه در این زمینه اعلام مي‌شود نظر نهایی شخص دولت است که طبق قانون فقط باید جنبه نظارتی داشته باشد.
صادقی در ادامه این مطلب گفت: به هر صورت اگر نمایندگان دو گروه کارگری وکارفرمایی در شورای عالی کار بخواهند تصمیماتی را علاوه بر افزایش نرخ دستمزد در زمینه پرداخت مزایای جانبی اختصاص دهند، این دولت است که حتی با توافق این دو نماینده افزایش حقوق را متناسب با تورم اجرایی نمي‌کند.
او افزود: جامعه کارگری نه یارانه مي‌خواهد و نه عیدانه، بلکه خواستار بازگرداندن قیمت‌ها مطابق سالهای گذشته هستند چرا که هم اکنون قدرت خرید خود را ار دست داده و نمي‌توانند خواسته‌های خود و خانواده خود را برآورده کنند.
صادقی همچنین عنوان کرد: کارگران مي‌خواهند بجای پرداخت یارانه‌ها و عیدانه‌ها، طبق قانون هزینه‌های تحصیل و حمل و نقل و درمان رایگان داشته باشند و این سرمایه‌ها در راه ایجاد کسب و کار بکار گرفته شود.
او در بخش دیگری از سخنان خود با انتقاد از کانون بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی تصریح کرد: اعلام مبلغ عیدی چهارصد و دو هزار و پانصد تومانی بازنشستگان وظیفه رئیس کانون بازنشستگان نیست بلکه وظیفه کارمندان این سازمان است. این مسئول باید برای دریافت رقم واقعی دستمزد و عیدی بازنشستگان نهایت تلاش خود را انجام دهد.
صادقی در ادامه با اشاره به مواد ۹۶ و ۱۱۱ تامین اجتماعی گفت: طبق این مواد قانونی دولت مکلف است میزان عیدی بازنشستگان را مطابق سایر شاغلین بصورت سه برابری بر اساس ماده ۴۱ قانون کار پرداخت کند.
او در خاتمه سخنان خود با تاکید بر اجرای قانون در بحث دستمزدها اظهار داشت: مسئولان اگر بخواهند تصمیمی غیر قانونی در تعیین نرخ دستمزدها همانند سالهای گذشته داشته باشند بدانند جامعه کارگری و بازنشسته در مقابل این بي‌قانوني‌ها سکوت نخواهند کرد.

فروکش کردن زمین در خیابان ولیعصر / مرگ یک کارگر در گودال پر از آب

به گزارش خبرنگار دولتی مهر،در 15 اسفند 91 آمده است : ساعت 21 و 35 دقیقه امروز بخشی از خیابان ولیعصر ، حوالی تقاطع مولوی به طورناگهانی فروکش کرد. در حال حاضر نیروهای آتش نشانی ، اورژانس و شهرداری در محل حادثه حضور دارند.
به گفته شاهدان در زمان حادثه سه نفر از اهالی در محل حضور داشتند که از سرنوشت آنها

خبری نیست و تا کنون جسد یکی از آنها که کارگر مردی است از داخل گودال خارج شده است.
جلال ملکی ، سخنگوی سازمان آتش نشانی در این باره به خبرنگار مهر گفت : فروکش زمین در مسیر اتوبوس های تندرو رخ داده و مشکلی را برای خودروهای عبوری به وجود نیاورده است. در محل فروکش زمین آب جمع شده است. هنوز مشخص نیست فروکش زمین به دلیل ترکیدگی لوله آب بوده یا بر اثر فروکش زمین لوله آب دچار شکستگی شده است.
وی افزود: تا کنون برای امدادرسانی به افراد احتمالی که داخل گودال سقوط کرده باشند از آتش نشانی درخواست کمک نشده است.

رئیس اتاق بازرگانی تهران: روز به روز وابسته‌تر مي‌شويم

به گزارش رادیو دویچه وله در تاریخ 15 اسفند 91 آمده است :رئيس اتاق بازرگاني، يحيى آل‌اسحاق مي‌گويد تحريم‌ها "گلوگاه را روز به روز تنگ‌تر مي‌كنند" و هر روز "وابسته‌تر مي‌شويم". به اعتقاد او سياست‌های اقتصادی نیز مانع بازکردن "راه‌های میان‌بر و مویرگی" است.
در روزهای دوشنبه و سه‌شنبه (۱۴ و ۱۵ اسفند) کنفرانسی زیر عنوان "آینده پژوهی ایران با رویکرد تمدن‌سازی نوین اسلامی" در دانشگاه بهشتی تهران برگزار مي‌شود.
مسائل حوزه‌های "سياسي، اقتصادي، علمی فناوري، دفاعی امنيتي، فرهنگي، اجتماعي، دینی و ادیان و انرژی" از موضوع‌های سخنراني‌های این کنفرانس اعلام شده است.
یحیی ال اسحاق، رئيس اتاق بازرگاني، صنايع و معادن تهران یکی از سخنرانان روز دوشنبه بود که به بحث پیرامون آنچه "اقتصاد مقاومتی" خوانده مي‌شود پرداخت.

ضربه‌ی تحریم بر نقاط آسیب‌پذیر
"اقتصاد مقاومتی" ظاهرا مجموعه‌ای از راهکارهاست که باید به مقابله با تحریم‌ها و بي‌اثر کردن فشار آنها منجر شود. به گمان بسیاری از اقتصاددانان این اصطلاحی من‌درآوردی و مبهم است که به ویژه با تشدید تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا علیه جمهوری اسلامی بیشتر به کار برده مي‌شود.
مسئولان دولت در حالی که به تاثیر شدید تحریم‌ها بر اوضاع نابسامان اقتصاد کشور اعتراف مي‌کنند ادعا دارند با اتخاذ سیاست‌های مناسب "تهدید را به فرصت" تبدیل خواهند کرد.
ه گزارش خبرگزاری مهر رئیس اتاق بازرگانی تهران در تشریح مفهوم اقتصاد مقاومتی مي‌گويد، كشورهاى غربى "با تشكيل ستاد عملياتى و احصاء زنجيره‌هاى اقتصادي، نقاط آسيب و حلقه‌ها را شناسايى كرده و به تک تک آنها ضربه مي‌زنند." به اعتقاد او آنها "در برخی مسائل موفق شدند و در برخی از موضوعات خیر."
آل اسحاق در بخش دیگری از سخنانش سیاست‌های اقتصادی دولت را نقد مي‌کند و مي‌گويد: «به دلايل مختلف در حوزه ديپلماسى خارجى با چالش روبرو هستيم و اگر بنا به ادامه اين چالش است بايد بين سياست‌هاى اقتصادى و ديپلماسى خارجى يک همخوانى باشد كه متأسفانه ۱۸۰ درجه با هم فرق دارد.»

«چالش‌ها روز به روز بیشتر مي‌شود»
رئیس اتاق تهران معتقد است با سیاست‌های حاکم بر فعالیت‌های اقتصادی "ما روز به روز وابسته‌تر مي‌شويم و از طرفی روز به روز چالش‌هایمان هم بیشتر مي‌شود در حالی که باید برعکس باشد."
یحیی آل‌اسحاق مي‌گويد: «اگر قرار است كه مقاومت كنيم بايد نگاه‌مان به حوزه كسب و كار مخالف عملكرد فعلي‌مان باشد؛ آنها از ابزار اقتصاد براى شكستن ما بهره مي‌برند و گلوگاه را روز به روز تنگ‌تر مي‌كنند در حالى كه پاتک اين بستن، باز كردن است.»
خبرگزاری مهر دوشنبه، ۱۴ اسفند از قول آل‌اسحاق نوشت: «در اين شرايط بايد به بخش خصوصى كه حكم مويرگ‌ها را دارند اهميت بدهيم چون از طريق مراكز و نهادهاى دولتى امكان كار اقتصادى كمتر وجود دارد»

یکی از گلایه‌های وارد کنندگان بخش خصوصی برخی از قوانین گمرک است که از جمله مقرر مي‌کند "برای وارد کردن یک کالای خارجی باید کشور تولیدکننده و گواهی مبدأ یکی باشد." به گفته‌ی آل‌اسحاق این قانون کار افرادی را که مثلا قصد دارند کالای انگلیسی را به خاطر تحریم از مبدا آلمان وارد کنند دشوار مي‌کند.

فشار مضاعف بر نظام بانکی
رئیس اتاق بازرگانی یکی از معضلات مقابله با تحریم را "ناهمخوانی مجموعه سیاست‌ها" عنوان مي‌کند و مي‌گوید: «در شرایط بحرانی و تحریم باید از برخی از این قوانین دست و پا گیر عبور کنیم و از راه‌های میان بر اقتصادمان را پیش ببریم.»
برخی از کارشناسان معتقدند ترفندهایی که حکومت جمهوری اسلامی برای دور زدن تحریم‌ها به کار مي‌گیرد به دلیل همین "عبور کردن از قوانین دست و پاگیر" داخلی و خارجی زمینه‌ساز فساد و تخلف‌های سازمان‌یافته مالی شده است.
با تشدید تحریم‌های مالی و بانکي، جمهوری اسلامی در انتقال درآمدهای ارزی خود به کشور با مشکلات جدی روبروست. ایران متهم است که در موارد بسیاری برای مقابله با تحریم‌ها به پولشویی و دیگر فعالیت‌های غیرقانونی مالی روی مي‌آورد.
به گزارش خبرگزاری ایسنا محمود احمدي‌نژاد روز دوشنبه، ۱۴ اسفند در دیدار با مدیران عامل بانک‌ها گفت: «امروز دشمنان با رصد و شناخت شرایط کشور بر گلوگاه‌ها تمرکز کرده است و در این عرصه با توجه به نقش موثر بانک‌ها به عنوان ستون فقرات اقتصاد کشور، فشار مضاعفی از سوی بدخواهان متوجه نظام بانکی کشور شده است.»

رشد منفی اقتصادی و "دهن‌کجی" به قانون
به رغم انتقادهای آل‌اسحاق، رئیس دولت دهم مدعی است "تحریم‌های گسترده و پیچیده" که مي‌خواست "در ایران فروپاشی اقتصادی و بحران اجتماعی بیافریند" با تلاش‌های دولت و همکاری مردم "خنثی شده." او مي‌افزاید: «اما این، همه خواسته ما نیست، بلکه دولت به دنبال آن است تا ضمن مهار تحریم‌ها، آهنگ پیشرفت کشور حفظ و بر سرعت آن افزوده شود.»
مطابق تازه‌ترین بررسي‌های مرکز پژوهش‌های مجلس، جمهوری اسلامی در سال ۲۰۱۲ با ۳۶ دهم درصد رشد اقتصادی جایگاه ۲۳ منطقه و مکان ۱۶۴ در میان همه کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است.
به گزارش خبرگزاری مهر احمد توکلي، رئیس پیشین مرکز پژوهش‌ها و عضو کنونی کمیسیون برنامه و بودجه، ۱۳ اسفند، میزان رشد اقتصادی ایران را منفی و عامل وجود رکود اقتصادی در کشور خوانده است: «در کشور ما اگر نرخ رشد اقتصادی بالای ۵ درصد باشد رکود به وجود نمي‌آید اما اطلاعات و آمار ارائه شده از نرخ منفی رشد اقتصادی در کشور خبر مي‌دهد.»
بنابر این گزارش احمد توکلي، با اشاره به لایحه بودجه ۹۲ که به زعم او مغایرت‌هایی با قوانین و سیاست‌های کلی کشور دارد "بهترین کمک به اقتصاد مقاومتی را تثبیت احترام به قانون" مي‌خواند. او تاکید مي‌کند: «اگر مجری قانون به قانون دهن‌کجی و بي‌عملی کرد باید تنبیه شود تا بقیه مجریان ارزش قانون را درک و بدانند قانون شوخي‌بردار نیست»

دراعتراض به گراني، مردم استان چهارمحال بختیاری آجیل را تحریم کردند

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه در 15 اسفند 91 آمده است : بدنبال افزایش قیمت آجیل مردم استان چهارمحال و بختیاری خرید آن را تحریم کردند.
خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی از شهرکرد خبر داد: مردم شهرهای طاقانک و شهرکیان در استان چهارمحال و بختیاری در اطلاعیه‌هایی خرید آجیل شب عید را تحریم کردند. در اطلاعیه‌هایی که بصورت گسترده در سطح شهر کیان و طاقانک توزیع شده، آمده است:
گامی استوارتر از همیشه بر مي‌داریم و عهد مي‌کنیم برای حفظ آبروی خانواده‌های کم درآمد و کاهش فشار تورم، سال نو را بدون خرید و مصرف آجیل و تنقلات جشن بگیریم.
در این اطلاعیه همچنین عنوان شده: هدف دید و بازدیدهای نوروزی صله ارحام است و اجازه

نمي‌دهيم در اين سنت حسنه حاشيه‌ها از متن پررنگ‌تر شود.
در ادامه اين اطلاعيه افزوده شده است: اين پيام كسانى است كه تنها دغدغه خود را ندارند، به فكر جامعه و همشهريان خود نيز هستند، دل مشغولى آنها اكرام و احترام به همه انسان هاست. اين اطلاعيه در سطح شهرهاى طاقانک و شهركيان، درب منازل، اماكن عمومى توزيع شده و در پشت شيشه برخى مغازه‌ها نيز نصب شده است.

كارگران لوله سازی خوزستان ۳۰ ماه حقوق نگرفته اند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اسفند 91 آمده است : دبير اجرايى خانه كارگر استان خوزستان از ۳۰ ماه حقوق معوقه كارگران كارخانه لوله سازى اين استان خبر داد.
آقايار حسينى در اين باره به ايلنا گفت: ۶۰ كارگر كارخانه لوله سازى استان خوزستان ۳۰ ماه است كه حقوق خود را دريافت نكرده و بلا تكليف مانده‌اند.
وى افزود: متاسفانه به نظر نمي‌رسد ارادهٔ جدى در مسئولان براى حل مشكلات اين كارگران وجود داشته باشد.
در چند سال گذشته كارخانه لوله سازى خوزستان يكى از واحدهاى بحرانى استان خوزستان محسوب مي‌شود

رئيس سنديكاى توليدكنندگان دارو: ۱۴۰ ميليون دلار دارو در گمرک خاک مي‌خورد

به نوشته سايت اصلاح طلب كلمه در 15 اسفند 91 آمده است :رئيس سنديكاى توليدكنندگان دارو گفت: ۱۴۰ ميليون دلار دارو در گمرک خاک مي‌خورد. حوزه دارويي ۳۰۰ ميليون دلار ارز كم دارد و متأسفانه شركت‌هايى كه از قبل دارو وارد كرده‌اند و دارو را در جامعه پخش كرده‌اند از اولويت دريافت ارز جا مانده‌اند.
محمود نجفى كه در مراسم افتتاحيه كارخانه توليد محصولات بيوتكنولوژى در كرج سخن مى گفت، اظهار كرد: امروزه در حوزه توليد شرايط مناسبى نداريم و اگر به موقع تخصيص ارز نداشته باشيم ممكن است با بحران مواجه شويم.
نجفى كمبود ارز در حوزه دارو را مشكل صنعت داروسازى دانست و افزود: در ۴ يا ۵ ماه گذشته ما از ذخاير موجود براى ساخت دارو استفاده كرديم و واردات مواد اوليه به انتها رسيد و نتوانستيم جايگزين كنيم.
رئيس سنديكاى توليدكنندگان دارو ادامه داد: ما ۱۴۰ ميليون دلار دارو در گمركات داريم كه منتظر تخصيص ارز هستند.
وى ادامه دادوى با بيان اينكه ما ۳۰۰ ميليون دلار كمبود ارز داريم، گفت: قرار است ارز تخصيصى به داروهايى كه در گمرک مانده است اختصاص يابد و متأسفانه شركت‌هايى كه از قبل دارو وارد كرده‌اند و دارو را در جامعه پخش كرده‌اند از اولويت دريافت ارز جا مانده‌اند كه اين كار به اعتبار آنها لطمه وارد مي‌كند.
نجفى داروسازى در كشور را به ۴ دوره تقسيم كرد و گفت: ما قبل از انقلاب ۱۶ شركت چند مليتى داشتيم و دو شركت ملى اما امروزه با سرمايه‌گذارى و تأسيس شركت‌ها كه عمدتاً توسط بخش خصوصى صورت گرفته توانستيم در حوزه سلامت و داروسازى از امكانات جديد برخوردار شويم و از واردات بكاهيم.
رئيس سنديكاى توليدكنندگان دارو در ادامه گفت: دارو در كل دنيا توسط ۱۷ درصد از كشورها توليد مي‌شود كه ايران جزء يكى از اين كشورها است.
وى توليد ناخالص ملى را بر اساس برآوردهاى بانک مركزى ۹۰۰ ميليارد دلار عنوان كرد و افزود: ۵,۶ درصد از اين مقدار سهم بهداشت و ۵ ميليارد دلار آن به دارو اختصاص يافت كه ظرف اين چند سال قيمت دارو توسعه پيدا نكرده و سطح آن پايين آمده است كه اين خطرى است كه سرمايه‌گذاران و توليدكنندگان دارو با آن مواجه هستند.
وى با بيان اينكه در سال ۹۱ ، حدود ۳۴ ميليارد عدد دارو مصرف شده، گفت:۹۶ درصد داروى مورد نياز كشور در داخل توليد شده و ۴ درصد ديگر سهم واردات است.

هدفمند کردن یارانه‌ها از پرخسارت‌ترین تجربه‌ها برای کشور بوده است

به گزارش روزنامه سحام نیوز به نقل ازخبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اسفند 91 آمده است : سحام نیوز: رئیس پژوهشکده دین و اقتصاد گفت: هدفمند کردن یارانه‌ها یکی از پرشکست‌ترین و پرخسارت‌ترین تجربه‌ها برای کشور بوده است.
به گزارش خبرنگار ایلنا، در نخستین نشست بررسی آثار هدفمندی یارانه‌ها که با حضور دکتر مومنی و دکتر فرشاد سبحانی در دانشکده اقتصاد دانشگاه تهران برگزار شد، فرشاد مومنی اظهار کرد: تجربه‌های اقتصادی باید از زاویه‌های مختلف مورد بررسی قرار گیرد و این کار از یک طرف ارتقاء فهم عالمانه ما را از مسائل اقتصادی فراهم می‌کند و اینکه برای کسب تجربه جامعه هزینه‌های زیادی پرداخت کرده است.
وی ادامه داد: به همین خاطر ما باید کمک کنیم که جامعه در آینده چنین هزینه‌هایی را پرداخت نکند.
وی افزود: وقتی ما می‌خواهیم از نظر اهداف تجربه‌ها را داوری کنیم، این کار از دو زاویه امکان پذیر است. یک زاویه از طرف طرفداران سیاست اقتصادی کشور است. در این سطح انتظاراتی که طرفداران آن ایجاد کردند این بود که اجرای سیاست اقتصادی آنان ۲۷ تاثیر در جامعه ایران ایجاد خواهد کرد.
دکتر فرشاد مومنی نمونه بارز آن را عدالت اجتماعی عنوان کرد و گفت: در سطح دیگر هدف گذاری‌ها ما می‌توانیم مبنای داوری را قانون هدفمندی قرار دهیم. به طور مشخص برای دولت به ازای این شوک قیمتی ۱۲ مسئولیت جبرانی در نظر گرفته شده است که یکی از این‌ها به پرداخت نقدی مرتبط می‌شود.
وی ادامه داد: اگر این شوک قیمتی وارد شود سیاست بر اساس سیستم قیمت‌ها شکل می‌گیرد و اقتصاد عملکرد آزادانه تری در بازار خواهد داشت. ما با توجه به توضیحات و بررسی مسئله از هر دو زاویه می‌توانیم با اطمینان بگوییم که اقدام هدفمند کردن یارانه‌ها یکی از پرشکست‌ترین اقدامات بوده است. از نظر اهداف هم پرخسارت‌ترین تجربه در این خصوص بوده است. در تورم زایی این دولت هیچ اختلافی بین دانشگاهیان و کارشناسان اقتصادی با دولت وجود ندارد.
وی افزود: نکته دیگر این است که به اعتبار تجربه شکست خورده تعبیر اقتصادی طی دو دهه اخیر یک تعامل تمام عیار بین روندهای رکودی و تورمی اتفاق افتاده است و در شرایط حاضر اینگونه نیست که ما یا تورم داشته باشیم یا بیکاری. بلکه هر دو با هم وجود دارد که ترکیب رکود و تورم را می‌توان با معیار فلاکت، معین کرد. فقط در سال ۹۰ نسبت به سال ۸۹ سی درصد افت در اشتغال صنعتی داشته‌ایم.
مومنی افزود: در اثر این تجربه خسارت بار هیچ یک از اهدافی که پشت هدفمندی یارانه‌ها بود اتفاق نیفتاد البته خسارت‌های وارده فقط بدین صورت نیست که به اهداف نرسیم بلکه خسارات متعددی در حوزه‌های مختلف وارد می‌شود.
وی افزود: اساس فاجعه آفرینی‌های بعدی این سیاست این است که دولت کسری بودجه دارد و دستکاری قیمت‌ها را برای حل کسری بودجه انجام می‌دهد. در حالی که بدترین اثراتی که سیاست شوک درمانی به وجود می‌آورد بدتر کردن وضعیت مالی دولت است. مانند آنچه در سال ۷۰ انجام دادند. در واقع آسیب پذیر بودن بخش در سیاست‌های تورم زا خود دولت خواهد بود. چون هزینه‌های مصرفی دولت بالا می‌رود. وقتی هم این هزینه‌ها افزایش پیدا کند کل نهاد دولت تضعیف می‌شود.

وزارت بهداشت با کسری ۴۵۰۰ میلیارد تومانی مواجه است

به گزارش مردمک به نقل از خبرگزاری دولتی فارس در 15 اسفند 91 آمده است :رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با ابراز نگرانی از وضعیت سلامت مردم در سال آینده، از کسری ۴۵۰۰ میلیارد تومانی وزارت بهداشت خبر داده است.
حسینعلی شهریاري، رئیس کمیسون بهداشت و درمان مجلس روز سه‌شنبه، ۱۵ اسفند به خبرگزاری فارس گفت که دولت ۵۵ درصد از اعتبارات بودجه سال ۹۱ را به بخش سلامت

اختصاص نداده و در نتیجه آن، وزارت بهداشت اکنون با کسری بي‌سابقه ۴۵۰۰ میلیارد تومانی مواجه است و حدود یک سوم اعتبارات مصوب خود را دریافت نکرده است.
به گفته این نماینده مجلس، در قانون بودجه سال ۹۱، حدود ۱۵ هزار میلیارد تومان اعتبار برای بخش سلامت در نظر گرفته شده بود.
آقای شهریاري، حاصل این «بي‌تدبیری» دولت را «افزایش بي‌عدالتی و فشار مضاعف هزینه‌های سلامت بر دوش مردم» ارزیابی کرده و گفته است که در حال حاضر، بیش از ۷۰ درصد هزینه‌های سلامت را مردم از جیبشان پرداخت مي‌کنند و عده زیادی از مردم به خاطر نداشتن پول برای درمان فقیر مي‌شوند.
رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس همچنین وضعیت بودجه خدمات بهداشتی و درمانی در کشور را «بسیار اسفناک» توصیف کرده و با اشاره به نگرانی مجلس از وضعیت سلامت مردم، مسئولان دولتی را متهم کرده که «برای سلامت مردم ارزشی قائل نیستند و تصور مي‌کنند، اختصاص بودجه برای سلامت مردم حیف و میل منابع است.»
این نماینده مجلس در ادامه انتقادات خود از عملکر دولت در زمینه بهداشت و سلامت جامعه گفته است: وضعیت سلامت مردم بسیار نگران کننده است، نظارت‌های وزارت بهداشت بر امور بهداشتی مانند بهداشت محیط، نظارت بر سلامت موادغذایي، آرایشي، مدیریت بیماري‌های واگیر و غیر واگیر آبکی و بسیار کمرنگ شده است. وضعیت بیمارستانها هم که واویلاست و اکثر بیمارستان‌ها توان اداره خود و ارائه خدمات مناسب به مردم را ندارند.
او به مسئولان دولت هشدار داده که هر چه زودتر برای جلوگیری از افزایش مخاطرات سلامت برای مردم و افزایش مرگ و میر در کشور به قانون عمل کنند و وظایفی را که قانون برایشان تعیین کرده، انجام دهند.
اواخر بهمن‌ماه نیز، سرپرست وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکي، هزینه‌های درمانی در کشور را «بسیار سرسام‌آور و زیاد» توصیف کرده و گفته بود که مردم دیگر توان هزینه‌های درمان را ندارند.
به گفته محمد حسین طریقت منفرد، سرپرست وزارت بهداشت، ۳۰ هزار میلیارد تومان از ۵۰ هزار میلیارد تومان هزینه درمان در بخش دارو و درمان در سال ۹۱ را بیماران پرداخت کردند و سال گذشته نیز، ۲۵ هزار میلیارد تومان از ۴۰ هزار میلیارد تومان هزینه دارو و درمان بر دوش بیماران بوده است.
در یک سال گذشته، نگراني‌ها نسبت به هزینه‌های درمان و وضعیت سلامت کشور افزایش یافته است. در همین راستا، اواخر آذرماه امسال، مرضیه وحید دستجردي، وزیر پیشین بهداشت با هشدار درباره افزایش هزینه‌های بیماری اعلام کرد که به طور میانگین سالی بین پنج تا هفت و نیم درصد مردم ایران به دلیل هزینه‌های بیماري‌های صعب‌العلاج به زیر خط فقر مي‌روند.
درحالی بیش از ۶۰ درصد هزینه‌های درمان توسط بیماران پرداخت مي‌شود که براساس برنامه چهارم توسعه قرار بود این رقم تا سال ۲۰۱۰، به ۳۰ درصد برسد.
از طرف دیگر، در چند ماه گذشته، و براثر نوسان قیمت ارز در بازار ایران، تامین دارو در ایران نیز با بحران مواجه شده، چراکه بازار ارز با شدت گرفتن تحریم‌ها علیه این کشور از تابستان امسال، قیمت‌هایی تاریخی را تجربه کرده و در برخی روزها قیمت دلار از ۴۰۰۰ تومان نیز گذشته است.
تحریم‌ها علیه ایران، دارو را شامل نمي‌شوند اما قطع ارتباط بانکی ایران با بانک‌های جهاني، مشکلاتی را در واردات دارو پیش آورده است.
نمایندگان مجلس نیز به این موضوع اشاره کرده و کمبود و نایاب شدن برخی داروها در کشور را حاصل عملکرد بد دولت دانسته‌اند. در همین رابطه، مرضیه دستجردي، وزیر بهداشت پیشین گفت که بانک مرکزی در تامین ارز واردات دارو تعلل کرده و باید این عقب‌ماندگی را جبران کند چراکه دارو وابسته به جان مردم است و با جان شهروندان نمي‌توان شوخی کرد.
بي‌توجهی دولت به بودجه سلامت، سال گذشته نیز اعتراض نمایندگان را برانگیخته بود و مهرماه سال گذشته، یک عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس از پرداخت‌نشدن بودجه بخش سلامت پس از گذشت شش ماه از سال انتقاد کرده بود.
همچنین همزمان با اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها از آذرماه سال ۸۹، شماری از فعالان

بهداشت و درمان و نمایندگان مجلس نسبت به تحمیل هزینه‌های تازه درمانی بر مردم ابراز نگرانی کردند و درباره تاثیر منفی این طرح بر حوزه‌هایی چون حوزه بهداشت و درمان و حوزه آموزش هشدار دادند.

دومین تجمع کارگران پیمانی در مقابل سازمان مدیریت پسماند

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اسفند 91 آمده است : صبح امروز تعداد ۲۵ نفر از کارگران شرکت پیمانکاری ترابر گس‌تر نکو برای دومین بار ظرف ۱۳ روز گذشته، به دلیل عدم دریافت مطالبات مالی خود در مقابل سازمان مدیریت پسماند تهران تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، پس از اتمام قرار داد شرکت پیمانکاری ترابر گستر نکو از پیمانکاران تحت نظارت سازمان مدیریت پسماند تهران، ۴۰ کارگر پیمانی بدون دریافت معوقات حقوقی اخراج شدند که متعاقب این اخراج در تاریخ سوم اسفند کارگران اولین تجمع اعتراضی خود را در مقابل سازمان مدیریت پسماند برگزار کردند.
یکی از کارگران که امروز در دومین تجمع اعتراضی شرکت کرده است، با تشریح جزئیات مشکلات کارگران، به ایلنا گفت: شرکت ترابر گستر نکو به دلیل اتمام قرارداد کاری خود با سازمان مدیریت پسماند تهران ۴۰ کارگر خدماتی خود را که اکثرا راننده ماشین آلات هستند بدون تسویه حساب اخراج کرده است و اکنون کارگران از سازمان مدیریت پسماند که کارفرمای این پیمانکار است درخواست دارند به مطالبات آنان توجه شود.
او افزود: دراین میان کارفرمای شرکت ترابر گستر نیز گفته است پرداخت نکردن مطالبات سه ماهه کارگران و سنوات آنان به دلیل بدحسابی سازمان مدیریت پسماند بوده است.
این کارگر در این زمینه اضافه کرد: همچنین کارفرمای شرکت ترابر گستر مدعی است میزان مطالباش از شرکت پسماند حدود یک میلیارد و ۴۰ ۰ میلیون تومان است که سازمان مدیریت پسماند ازاین میزان بدهی، حدود ۸۰۰ میلیون تومان را به عنوان خسارت‌های وارده به سازمان مدیریت پسماند احتساب کرده است.
او کل مطالبات کارگران را حدود ۲۰۰ میلیون تومان عنوان کرد و از سازمان پسماند تهران خواست با توجه به اینکه در آستانه سال نو قرار داریم بخشی از مطالبات کارگران را پرداخت کنند.

مطالبات کارگران روز یکشنبه پرداخت می‌شود

بر پایه گزارش رسیده آمده است : مسئول دفتر مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند تهران به نقل از مدیر عامل این سازمان در واکنش به تجمع کارگران اعلام کرد: با وجود آنکه سازمان مدیریت پسماند در زمینه بیکاری این کارگران هیچ گونه مسئولیتی ندارد، اما برای حمایت از کارگران بیکار شده بخشی از مطالبات آنان را روز یکشنبه (۲۰ اسفند ماه) به حساب آنان واریز می‌کند.
حمید رضا ساری خانی افزود: سازمان مدیریت پسماند تهران برای انجام بخشهایی از خدمات شهری خود با تعدادی از پیمانکاران بخش خصوصی قرار داد منعقد کرده است که شرکت «ترابر گستر نکو» یکی از این شرکت‌ها بوده است.
ساریخانی با بیان اینکه هم اکنون قرار داد این شرکت پیمانکاری با سازمان پسماند به اتمام رسیده است، گفت: پس از اتمام قرار داد این شرکت پیمانکاری با سازمان، بخشی از نیروهای انسانی زیر مجموعه این شرکت در نتیجه جابجایی پیمانکار بیکار شده‌اند.
او در خاتمه گفت: پرداخت مطالبات کارگران با توجه به اینکه کارفرمای دیگری با آنان عقد قرار داد کاری دارد باید بصورت قانونی صورت بگیرد.

ریزش آوار کارگر ۲۲ ساله را مدفون کرد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اسفند 91 آمده است : صبح امروز بر اثر ریزش آوار یک ساختمان قدیمی در شهرك ولیعصر تهران، يك كارگر ساختمانی مصدوم شد.

به گزارش ایلنا، صبح امروز کارگران مشغول تخریب یک ساختمان سه طبقه فرسوده در شهرک ولیعصر، خیابان حیدری شمالی بودند که پس از تخریب طبقه سوم این ساختمان دیواره و بخش‌هایی از سقف طبقه دوم به طور ناگهانی ریزش کرده و کارگری ۲۲ ساله که تبعه کشور افغانستان بود نیز در آوار محبوس شد.
بنا بر این گزارش، آتش نشانان این جوان که وضعیتش وخیم بود را زنده از زیر آوار خارج کرده و به عوامل اورژانس مستقر در محل حادثه تحویل دادند.

مرگ دو چاه کن در تهرانپارس

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اسفند 91 آمده است : جسد دو کارگر مقنی که در جریان حادثه حین کار در تهران جان خود را از دست داده‌بودند پس از ساعت‌ها تلاش توسط امداد گران از عمق ۲۵ متری چاه به بیرون کشیده شد.
به گزارش ایلنا، دو دو کارگر مقنی ۳۸ و ۳۶ ساله، بنام‌های ثمرالدین و شمس الدین تاجیک بعد از ظهر روز سیزدهم اسفند هنگام حفر چاه در عمق ۲۵ متری بر اثر نفوذ ناگهانی فاضلاب از چاه مجاور در منطقه تهران پارس، جان خود را از دست دادند.
بر اساس این گزارش، امداد گران در مراحل اولیه با استفاده از دستگاه تنفسی بداخل چاه رفته و با ابزار مخصوص اقدام به کاوش در میان فاضلاب کردند که در نهایت ضمن پیدا کردن جسم بی‌جان این دوکارگر آنان را از چاه بیرون کشیدند وتحویل نیروهای انتظامی دادند.

گودبرداری غیر اصولی یك كارگر را كشت، دو نفر را مجروح كرد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اسفند 91 آمده است : بر اثر گودبرداری غیر اصولی و استفاده از سازه‌های نگهبان فاقد استاندارد، شامگاه گذشته در مرکز استان گلستان یک کارگر کشته و تعدادی نیز مجروح شدند.
به گزارش ایلنا، حادثه شب گذشته در بلوار شهید صیاد شیرازی گرگان رخ داده است که طی آن یک کارگر فوت شد و دو کارگر نیز روانه بیمارستان شدند.
بنا بر این گزارش، رئیس دفتر حوزه مرکز سازمان نظام مهندسی ساختمان گلستان علت این حادثه را استفاده از سازه‌های غیرمقاوم و رعایت نشدن اصول ایمنی در ساخت و ساز عنوان کرده و گفته است: کارگران مظلوم‌ترین قشری هستند که قربانی این حوادث می‌شوند.
پیام حسینی با بیان این مطلب گفت: متأسفانه در حادثه تلخ دیشب بر اثر گودبرداری غیر اصولی و استفاده از سازه‌های نگهبان فاقد استاندارد یک نفر کشته و تعدادی نیز مجروح شدند.
وی خاطرنشان کرد: البته سازمان نظام مهندسی از یک هفته قبل طی نامه‌هایی به معاونت پیشگیری از جرم دادستانی و شهرداری گرگان دستور توقف کار را برای این پروژه صادر کرده بود اما نهادهای مسئول همکاری لازم را نداشتند.

فرار دولت از قبول مسئولیت تامین معاش کارگران

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 15 اسفند 91 آمده است : در حالی که شرایط اقتصادی کشور با تحمیل تورم افسار گسیخته به مردم، قامت جامعه کارگری را خم کرده و تامین معیشت آن‌ها را با مشکلات جدی مواجه کرده است مسئولان دولتی هیچ گونه احساس مسئولیتی در قبال این مساله از خود نشان نمی‌دهند.
به گزارش ایلنا، اسد الله عباسی سرپرست وزارت کار در ابتدای هفتهٔ جاری در حاشیه مراسم اختتامیهٔ جشنوارهٔ ملی عکس کار، تعاون و تلاش، تعریف سبد کالاهای اساسی در کنار دستمزد سال آینده کارگران را وظیفه این شورا ندانست و اظهاراتی را که در رابطه با لزوم پرداخت کمک‌های غیر نقدی به کارگران بیان می‌شود نادرست و فاقد وجهه قانونی اعلام کرد.
وی با تاکید بر عدم دخالت دولت در تعیین حداقل مزد سال آتی و همکاری با گروه‌های دیگر،

تعیین مزد را مبحثی دو جانبه میان کارگران و کارفرمایان عنوان کرد که در نهایت بصورت سه جانبه مورد تایید شورای عالی کار قرار می‌گیرد.
همچنین هفتهٔ گذشته رئیس دولت در مصاحبهٔ تلویزیونی خود، هیئت دولت را در روند تصویب حداقل دستمزد سال آینده واسطهٔ میان گروه‌های کارگری و کارفرمایی عنوان کرد و تصمیم‌گیرندگان نهایی دستمزد را کارگران و کارفرمایان خواند.
این اظهارات در حالی است که به گفته اولیا علی بیگی رئیس کانون عالی شوراهای اسلامی کار کشور و و غلامرضا خادمی‌زاده رئیس کانون عالی انجمنهای صنفی کارگری ایران، دولت در زمان تعیین مزد سال ۹۰ حاضر نشد توافق گروه کارگری و کارفرمایی مبنی بر افزایش ۱۵ درصدی مزد را به رسمیت بشناسد و در نهایت باعث شد حداقل مزد آن سال تنها ۹ درصد افزایش یابد.
در همین رابطه محمد احمدی نماینده کارگری شورای عالی کار می‌گوید: شاید کلیات صحبت‌های آقای عباسی در مورد مبنای تعیین مزد صحیح باشد اما شرایط فعلی اقتصاد کشور بحرانی است و نمی‌توان به سازوکارهای همیشگی بسنده کرد.
وی ادامه می‌دهد: شرایط بحرانی فعلی معیشت کارگران را در مضیقه قرار داده است و باید تدابیر خاصی در این رابطه اندیشیده شود.
این فعال کارگری معتقد است: متاسفانه نرخ تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و حداقل‌های لازم برای تامین معیشت خانوار کارگری از فاصلهٔ فاحشی برخوردارند که این مساله تعیین دستمزد سال آتی را پیچیده کرده است.
به نظر می‌رسد با بحرانی شدن شرایط اقتصادی کشور و افزایش فشارهای اقتصادی بر کارگران و خانواده‌های آنان، دولت تمایل کمتری برای ورود به بحث تعیین حداقل مزد از خود نشان می‌دهد و همه چیز را به توافق گروه‌های کارگری و کارفرمایی واگذار کرده است.
این وضعیت بیشترین فشار را به جامعه کارگری وارد می‌کند. در حالی که دولت و مجلس به عنوان مسئولان شرایط فعلی اقتصاد کشور به بحث‌های سیاسی و انتخاباتی مشغولند، کارگران به دلیل عدم تامین نیازهای معیشتی روز به روز فقیرتر می‌شوند.

با تشکر ازحمایتها و پشتیبانیهای تاکنونی از منصور اسانلو
بهروز ناصری

مختصر در مورد شرکت و واحد و منصور اسانلو
بهروز ناصری ، 3 مارس 2013
قبلا در دو نوشته ی کوتاه مواضعم در مورد اطلاعیه سندیکای شرکت واحد در مورد عزل اسانلو بیان کرده بودم. من یکی از منتقدین آن اطلاعیه سندیکای شرکت واحد در عزل منصور اسانلو بودم. اعتراض مشخص من به اطلاعیه سندیکای شرکت واحد کماکان بقوت خود باقی است، و هنوز هم معتقدم که عزل منصور اسانلو بعنوان رئیس سندیکای شرکت واحد مورد اعتراض نیست و این مسئله امر داخلی خود سندیکای شرکت واحد و مربوط به اعضای آن سندیکا است. اعتراض اصلی به «نکنیدهای» اطلاعیه سندیکای شرکت واحد بود که هنوز هم آنرا نادرست میدانم.
اما نقد و اعتراض به آن تصمیم سندیکای شرکت واحد، بمعنای مرزبندی و عدم دفاع از مبارزات سندیکای شرکت واحد نبود و نیست، همچنانکه اعتراض به آن اطلاعیه سندیکای شرکت واحد در اعتراض به شکل و نحوه آن عزل و دفاع از مبارزات تاآنموقع که منصور اسانلو در سنیدکای شرکت واحد بود، مجوز ابدی و جاودانی برای استمرار دفاع از منصور اسانلو در اینده نیست. دفاع از آینده منصور اسانلو منوط به مواضع، جهت گیریها و حایگاه سیاسی و طبقاتی خود منصور اسانلو است.
تازگیها منصور اسانلو اولین مصاحبه ی تلویزیونی خود با تلویزیون رها انجام داده که در آن مصاحبه خبرنگار ملحق شدن رسمی منصور اسانلو به موج سبز را اعلام میکند. علاقه مندان میتوانند با مراجعه به لینک زیر متن آن برنامه را مشاهده نماید:
http://www.youtube.com/watch?v=nTsJvXUxbT0

انتقاد از نحوه برخورد سندیکای شرکت واحد در آن اطلاعیه بقوت خود باقی است. دفاع از مبارزات سندیکایی منصور اسانلو هم درست بود. اما از حالا بعد، یعنی از موقعیکه منصور اسانلو با تلویزون رها، بعنوان فعال منبعد موج سبز در بین فعالین کارگری معرفی میشود، مواضع نسبت به منصور اسانلو همان نخواهد بود که قبلا بوده است. دفعاعیاتی که بارها از مبارزات منصور اسانلو شده است، تا اینجا آمده است . اصلاح طلبان حکومتی و امواج سبز زائده هایی از خود جمهوری اسلامی هستند..
علیرغم اینکه از نظر سیاسی معلوم بود که منصور اسانلو(درست آنموقع که از او دفاع میکردیم و او در زندان بود) از لحاظ سیاسی متعلق به کدام گرایشی است، اما هیچگاه تعلق سیاسی گرایشی او را بعنوان دلیل یا بهانه ای برای عدم دفاع ازمبارزات او قرار نداده ام.حال نیز دفاعیات گذشته ام از منصور اسانلو را درست و قابل دفاع میدانم ، بدون اینکه آینده ی او به موج سبز اعلام شده مورد دفاع قرار گیرد.

(به نقل از نشریه مبارزه طبقاتی شماره 11)

دومین روز تجمع اعتراضی کارگران صنایع فلزی در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد

به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران،د رتاریخ 15 اسفند 91 آمده است : ششصد کارگر صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ برای دومین روز متوالی به اعتصاب خود ادامه داده و دست به تجمع اعتراضی در مقابل کارخانه زدند. این کارگران پس از تجمع روز یکشنبه خود در مقابل کارخانه و جواب منفی مدیریت دولتی به خواست‌هایشان، با برگزاری مجمع عمومی تصمیم به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری تهران گرفتند و صبح روز دوشنبه با اجاره اتوبوس در حال تدارک عزیمت به استانداری بودند که به آنان خبر داده شد مسئولین استانداری حوالی ظهر خود به کارخانه خواهند آمد به همین دلیل این کارگران تا ساعت ۱۴ ظهر به تجمع در مقابل درب کارخانه در خیابان صنایع فلزی ادامه دادند.

حوالی ساعت ۱۱ صبح شایعه‌ای مبنی بر حضور مسئولین استانداری در کارخانه شماره یک پیچید و به همین دلیل کارگران کارخانه شماره ۲ بصورت راهپیمایی عازم کارخانه شماره یک شدند اما خبری از حضور مسئولین استانداری در این کارخانه نبود تا اینکه حدود ساعت ۱۶ که کارگران خشمگین بناچار عازم خانه‌هایشان بودند یکی از مسئولین استانداری در میان آنان حاضر شد و اعلام کرد ما نهایتا ۴۰ درصد دستمزد آذر و دستمزد دی ماه را پرداخت خواهیم کرد و مابقی مطالبات خود را باید از طریق مسیرهای قانونی دنبال کنید که در این هنگام یکی از کارگران فریاد زد: وقتی کارخانه را به دزدان واگذار می‌کردید نیز مسیر قانونی را طی کردید!؟

از آنجا که کارخانه در حال تعطیل بود کارگران صنایع فلزی بناچار و بدون هیچ تصمیی در مورد وضعیت پیش آمده در ساعت ۱۶ عازم خانه‌هایشان شدند و قرار شد فردا در مورد وضعیت پیش آمده تصمیم گیری کنند.

لازم به یادآوری است مدیریت دولتی کارخانه‌های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ قبل از تجمع امروز کارگران این کارخانه‌ها به آنان اعلام کرده بود در روزهای پایانی سال نمی‌توانند دستمزد دی، بهمن، اسفند و عیدی و پاداش پرداخت کنند و فقط قادر به پرداخت ۴۰ درصد از دستمزد باقی مانده آذر ماه آنان هستند.

140 میلیون دلار دارو بخاطر نبود ارز در گمرک مانده است

به گزارش روز نامه فرارو در تاریخ 16 اسفند 91 آمده است : به نقل از تسنیم ، محمود نجفي، امروز سه شنبه در مراسم افتتاحیه کارخانه تولید محصولات بیوتکنولوژی در کرج اظهار داشت: استراتژی خوب وزارت بهداشت و فشار شرکتهای واردکننده دارو موجب شد

واردکنندگان بخشی از داروی وارد شده را در داخل تولید کنند و این موضوع هم توانست ما را از جزیره بودن نجات دهد.
وی تصریح کرد: کمبود ارز دارویی مشکل صنعت داروسازی است لذا طی 5 ماه گذشته از ذخایر موجود برای ساخت دارو استفاده کردیم و واردات مواد اولیه به انتها رسید و نتوانستیم جایگزین کنیم.
نجفی با بیان اینکه 140 میلیون دلار دارو در گمرکات منتظر تخصیص ارز هستند یادآور شد: متأسفانه هم اکنون در حوزه تولید دارو در شرایط مناسبی نیستیم و امکان دارد در صورت نبود دارو به مرحله بحران هم برسیم.
رئیس سندیکای تولیدکنندگان دارو یادآور شد: 300 میلیون دلار کمبود ارز داریم و البته قرار است ارز تخصیصی به داروهایی که در گمرک مانده است اختصاص یابد و متأسفانه شرکت‌هایی که از قبل دارو وارد کرده‌اند و دارو را در جامعه پخش کرده‌اند از اولویت دریافت ارز جا مانده‌اند که این کار به اعتبار آنها لطمه وارد مي‌کند.
وی با بیان اینکه تمام داروی دنیا توسط 17 درصد از کشورها تولید مي‌شود که ایران یکی از این 17 کشور است یادآور شد: تولید ناخالص ملی بر اساس برآوردهای بانک مرکزی 900 میلیارد دلار است که 5.6 درصد از این مقدار سهم بهداشت و 5 میلیارد دلار آن به دارو اختصاص یافت و ظرف این چند سال قیمت دارو توسعه پیدا نکرده و سطح آن پایین آمده است که این خطری است که سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان دارو با آن مواجه هستند.
نجفی با بیان اینکه نزدیک به 2372 مولکول ثبت شده در کشور داریم که 1729 عدد از آن سهم تولید داخل و 982 مولکول سهم واردات ما است خاطرنشان کرد: در سال 91 ، حدود 34 میلیارد عدد دارو مصرف شده است.

بیانیه ی کانون نویسندگان ایران به مناسبت هشت مارس:

رهیدن از زنجیرها

بر پایه ایمیل رسیده به روز شمار کارگری در 16 اسفند 91 آمده است : هشت مارس روز جهانی زن در حالی فرا می رسد که زنان در جای جای جهان همچنان در اسارت قوانین ،

رسوم و فرهنگ مردسالاری به سر می برند. با این همه ،سال گذشته در ایجاد وحدت میان

مردمان جهان برای مبارزه با ستم ، تبعیض و فرودستی زن گام هایی بزرگ برداشته شد. هنوز

می توان طنین صدای میلیونها زن و مرد را در کشور هند شنید که یکی از قربانیان تجاوز جمعی را "دختر هند" نام نهادند و برای ابراز انزجار از توهین آشکار و جنایتکارانه به زن، پا به خیابان گذاشتند و شهرهای هند را از فریاد اعتراض خود پر کردند؛ هنوز می شود مارش جنبش یک میلیارد نه به خشونت علیه زنان، و صدای میلیونها انسان برابری طلب در شهرهای مختلف جهان را شنید که با فریاد «نه به خشونت علیه زنان" و با شعار برقصیم و زنجیرها را

پاره کنیم، به خیابان آمدند. اینها فقط دو فراز از پیشروی های جنبش زنان در چند ماه اخیر

است. این حرکت ها، که در مناسبت های دیگر نیز در یک سال گذشته انجام گرفته است،

نشان می دهد زنان در کشورهای مختلف به اشکال و در اندازه های متفاوت تحت ستم قرار دارند و همین امر به اعتراضات مخالفان زن ستیزی ماهیتی جهانی بخشیده است. جهانی بودن هشت مارس و جهانشمول بودن حقوق زنان را در مضامین مشترکی درمی یابیم که

همه ی طرف داران رهایی و برابری زن و مرد در همه جای جهان فریاد می کنند. ویژگی دوران

اخیر فقط در گستردگی اعتراض ها نیست بلکه در متحد بودن آنها نیز هست.

زنان در ایران تحت ستم های فردی و اجتماعی بیشتری قرار داشته اند . این ستم در گذر

بیش از سی سال هر روز افزون تر شده است. اما به موازات فزونی حمله به حقوق زنان

مبارزه ی آنها نیز اوج گرفته است. از سال 57 تا کنون گستره و عمق این مبارزه وسعت یافته و

به رغم تمام مفابله های حاکمان برای خاموش کردن صدای این جنبش و به رغم تقلاهایشان برای سانسور کردن و حذف صدای زن از جامعه، جنبش حقوق زن توانسته است دستاوردهای نسبتا قابل توجهی کسب کند. هم اکنون زنانِ بسیاری در عرصه های گوناگون، به ویژه در

عرصه ی ادبیات و هنر، برای رهایی خود از قید قوانین ، سنت ها، سیاست ها و فرهنگ

اسارت آور و سرکوب گرجاری فعال اند و در بیشتر جنبش های اجتماعی نقشی جدی دارند.

نگاهی به زندان های سیاسی و حضور پر تعداد زنان در این زندان ها نشان می دهد که آنها بر

احقاق حقوق خود مصر ند و این موج را سر باز ایستادن نیست. موجی که بارها پیوستگی خود را به دریای جنبش جهانی رهایی زن نشان داده ؛ به آن نیرو بخشیده و از آن نیرو گرفته است. جامعه بدون آزادی زنان آزاد نخواهد شد.

کانون نویسندگان ایران هشتم مارس روز جهانی زن را به زنان و مردان آزادی خواه ایران و

جهان، خاصه زنان اهل قلم، تبریک می گوید و همراه همیشگی کوشش زنان نویسنده برای

گسترش آزادی بیان در همه ی عرصه هاست .

کانون نویسندگان ایران
16/اسفند/1391 - 6 /مارس/ 2013

سومین روز تجمع کارگران قند اهواز در یك هفته

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه ؛ صبح امروز (چهارشنبه ۱۶ اسفند ماه) تعداد ۵۰ نفر از کارگران قند و تصفیه شکر اهواز برای سومین بار طی هفت روز گذشته، در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.
حسن لویمی، نماینده حقوقی کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز با اعلام این خبر، به ایلنا گفت: امروز سومین روز تجمع کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر در هفته اخیر برای احقاق حقوق معوقه است، که متاسفانه باز هم جواب قانع کننده‌ای از سوی مسئولان استانداری دریافت نکرده‌ایم.
این فعال کارگری با بیان اینکه ۸۰ کارگر این کارخانه بیش از ۲۶ ماه است که به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق دریافت نکرده‌اند، تصریح کرد: هیئت دولت در دور دوم سفرهای استانی خود به شیراز برای حل مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران آن مصوبه‌ای را تصویب کرد که این مصوبه نه تنها نتوانست مشکلات کارخانه و کارگران را رفع کند بلکه بعد از تصویب آن گره‌ای باز نشدنی به مشکلات کارگران افزوده شد.
لویمی در تشریح جزئیات این مصوبه گفت: در جریان دور دوم سفرهای استانی دولت به خوزستان، هیات دولت مصوب کرد که کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتی، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه از بخش خصوصی به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد.
او افزود: متاسفانه بانک‌های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز می‌زنند که همین مشکل تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از طرفین، مسئولیتی در قبال مشکلات این کارخانه و کارگران بیکار برعهده نمی‌گیرند.
نماینده کارگران قند اهواز یاد آور شد: با پیگیری‌های انجام شده، بانک‌های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را برعهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت، روند بازسازی و راه اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده، که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.
این کارگر به نمایندگی از سایر کارگران قند اهواز از دولت خواست راهکار کارشناسی شده‌ای را برای برسی و رفع مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران بیکار شده‌اش ترسیم کنند تا آنان نیز در آستانه سال نو با دریافت مطالبات و رفع مشکلات کارخانه خبر خوشحال کننده‌ای را برای خانواده‌های خود ببرند

طلب کارگران لوله سازی خوزستان ۳۰ ماهه شد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اسفند 91 آمده است : دبیر اجرایی خانه کارگر استان خوزستان از ۳۰ ماه حقوق معوقه کارگران کارخانه لوله سازی این استان خبر داد.

آقایار حسینی در این باره به ایلنا گفت: ۶۰ کارگر کارخانه لوله سازی استان خوزستان ۳۰ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده و بلا تکلیف مانده‌اند.
وی افزود: متاسفانه به نظر نمی‌رسد ارادهٔ جدی در مسئولان برای حل مشکلات این کارگران وجود داشته باشد.
در چند سال گذشته کارخانه لوله سازی خوزستان یکی از واحدهای بحرانی استان خوزستان محسوب می‌شود.

پرداخت عیدی کارمندی به کارگران قرارداد مستقیم وزارت نفت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 16 اسفند 91 آمده است : رئیس انجمن صنفی کارگران پتروشیمی تبریز از پرداخت عیدی کارمندی به کارگران قرارداد مستقیم وزارت نفت انتقاد کرد و این رویه را مغایر با قانون دانست.
ناصر چمنی در این باره به ایلنا گفت: اخیرا اخباری مبنی بر پرداخت عیدی کارمندی به کارگرانی که با وزارت نفت قرارداد مستقیم امضا کرده‌اند منتشر شده که در صورت وقوع این پرداخت کاملا با قانون مغایرت دارد.
وی ادامه داد: عیدی کارمندی ۴۵۰ هزار تومان است در حالی که کف عیدی کارگری ۲ برابر حداقل دستمزد تعیین شده است.
این فعال کارگری در پایان اظهار داشت: قرار بود وضعیت کارگرانی که به موجب مصوبهٔ هیئت دولت و با پیگیری‌های فراوان نمایندگان کارگری قرارداد مستقیم شدند بهتر شود که بر عکس شده و شرایط برای آن‌ها بدتر شده است.
یك فعال کارگری در کهگیلویه و بویراحمد مطرح کرد:

اخراج کارگران گیلان

بر پایه گزارشات رسیده به سایت افق روشن در 17 اسفند 91 آمده است : شرکت پروژه ای گیلبان در منطقه آذربایجان غربی و در یکی از روستاهای پیرانشهر بنام گرده بین مشغول سد سازی است. این شرکت در حال احداث سد خاکی بر روی رودخانه چم اوجر در منطقه می باشد. در این شرکت تا چندی پیش ۱۵۰ کارگر مشغول به کار بودند که صد (۱۰۰) نفر از این کارگران اخراج شدند قابل ذکر است که در حدود ۴ ماه از حقوق این کارگران پرداخت نشده است.
کارگران علیرغم اعتراضات متعدد نتیجه نگرفتند و در هفته اول اسفند ۹۱ اقام به بستن درب کارگاه ها و جلوگیری از ادامه کار عملیات اجرایی کارگاه به شکل مسالمت آمیز کردند .
شرکت علت عدم پرداخت مطالبات معوقه کارگران را عدم تامین مالی طرف قرارداد که سازمان منطقه ای آب و وزارت نیرو می باشد اعلام کرده است.
درخواست ، از کارگران و فعالان کارگری در منطقه پیرانشهر اعلام حمایت آنها از مبارزات ضد سرمایه دارانه این کارگران و پوشش خبری و حمایتی این کارگران بومی تا رسیدن به خواسته های بر حقشان می باشد.
با تشکر قبلی از فعالان کارگری ضد سرمایه داری منطقه

ادامه دستگیری اعضای شورای شهر رشت

سایت افق روشن می نویسد : محمودیان عضو شورای شهر رشت نیز به جمع دستگیرشدگان توسط سازمان اطلاعات رشت پیوست. وی که قرار بود مشکل حدود ۴۰۰ نفر از کارگران قرارداد موقت را حل کند و از این طریق با سیاه بازی برای خود حاشیه ی امن بخرد بجرم اختلاس و تبانی با اعضای دیگر شورا رشت که دستگیر شده اند مباحی ، هاتفی ، قاسمی ، کارگزار ، دستگیر شده است.
جرم این حضرات دله دزد اختلاس بالای ۱۸۰ میلیارد تومان به اضافه تصرف زمین ها و خانه هایی است که دارای موقعیت معامله ای و سودجویی محض می باشد . لازم به ذکر است

که رضا خاکسار کارفرمای شرکت سابق خاک و گیل و کارفرمای فعلی نیل آبی زرجوب نیز به جمع دستگیرشدگان پیوسته است.
وی و برادرش شهردار سابق منطقه ای رشت مرتضی خاکسار در گذشته از خدمتگزاران صدیق ولایت حکومت اسلامی و از فالانژیستهای دست به تیغ در خدمت حاکمیت سرمایه بودند اینک مانند اسلافشان به جرم دزدی در حبس به سر می برند.

حرف ما کارگران فعال ضد سرمایه داری؛

حاکمیت سرمایه داری از نوع اسلامی با حمایت از این دله دزدهای رشوه بگیر و حاشیه نشین کاری جز صدمه به حقوق اولیه کارگران و زحمتکشان مزدبگیر نمی کنند. حاکمیت ولایت سرمایه داری به جز نوکری و خدمت در جهت تامین منافع سرمایه داری جهانی با سرکوب انقلاب ها و جنبش های کارگری و تامین مالی جنبشهای ارتجاعی حیات دیگری ندارد . مخلص کلام، ما بارها، دله دزدیهای این اعضای شورای شهر رشت ؟و منتخبین جمهوری دیکتاتوری سرمایه را افشا کرده ایم و معتقدیم که نقش تعیین کننده را خود کارگران با سازماندهی شورایی واقعاًً انقلابی قادر به اجرای این نقش را خواهند داشت.
با ما در تماس باشید، از دادن گزارشات واقعی سپاسگزاریم و از اعتماد شما

۴ ماه مطالبات معوقه

کارگران کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران بیش از ۴ ماه است که دستمزد ماهیانه و سایر حقوق معقوه خود را دریافت نکرده اند و در فقر مطلق دست و پا می زنند چه کسی پاسخگوست؟ مطالبات بازنشستگان کشوری پرداخت نشده است.
مطالبات معوقه فرهنگیان را بپردازید.
مطالبات کارگران پوشش رشت، نخ پنگوئن را بپردازید.
پیشنهاد ما حداقل دستمزد بین یک و نیم میلیون و تا دو میلیون تومان است البته اگر گوش شنوا باشد.
البته با توجه به رشد GDP ایران و کاهش شدید ارزش پول ملی و رشد نرخ تورم

فعالان کارگری ضد سرمایه داری گیلان

دستگیری اعضای کمیته‌ی هماهنگی مراسم هشت مارس در سنندج

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری در 17 اسفند 91 آمده است : امروز پنجشنبه، ماموران امنیتی طی یورشی وحشیانه، چند نفر نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای برگزاری مراسم هشتم مارس روز جهانی زن، بدون هیچ دلیلی با توهین و هتاکی دستگیر کردند.
به گزارش کمیته ی دفاع از زندانیان سیاسی و مدنی ماموران با کفشهای گلی وارد منزل شده و به طور توهین آمیز با این شهروندان سنندجی برخورد کردند.
تا به حال هیچ خبری از دستگیر شدگان در دست نیست.
علی آزادی، وفا قادری و خالد حسینی در میان کسانی هستند که صبح امروز توسط نیروهای امنیتی در سنندج بازداشت شده اند.
به گفته شاهدان احتمالا برای جلوگیری از برگزاری مراسم هشت مارس در سنندج این دستگیری‌ها صورت گرفته است.

بازداشت شش فعال فرهنگی و کارگری در شهرهای مختلف کردستان

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس از قول منابع کردی در 17 اسفند 91 آمده است : بر اساس گزارش ها، دو فعال فرهنگی- ادبی کردستان از طرف اداره اطلاعات پاوه احضار و بازداشت شدند و همزمان منابع کارگری از بازداشت چهار نفر از اعضای کمیته هماهنگی

برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در سنندج خبر می دهند.
به گزارش ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، کیهان عزیزی و داوود غفاری دو فعال فرهنگی- ادبی از طرف اداره اطلاعات پاوه احضار و بازداشت شدند.
این دو فعال فرهنگی- ادبی به اتهام نگارش متن اعلامیه تسلیت بزبان کردی بمناسبت درگذشت یکی ازنویسندگان در ماه گذشته احضار و بازداشت گردیدند.
همزمان منابع نزدیک به تشکل های کارگری از بازداشت چهار نفر از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در سنندج خبر داده اند.
به گزارش تارنمای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگري، وفا قادري، سید خالد حسيني، بهزاد فرج‌الهی و حامد (نام خانوادگی وی مشخص نیست) از اعضای این کمیته بامداد امروز پنج‌شنبه ۱۷ اسفندماه دستگیر شدند.
گفته شده است که مأموران امنیتی روز گذشته طی تماس تلفنی وفا قادری را تهدید کرده بودند که در صورت برگزاری مراسم هشت مارس، روز جهانی زن، در شهر سنندج وی را بازداشت خواهند کرد.
دي‌ماه سال جاری نیز سه فعال کارگری به اتهام شرکت در مجامع عمومی کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری و همچنین شرکت در مراسم اول ماه مه، روز جهانی کارگر در مهاباد بازداشت و پس از دو ماه آزاد شدند.

فراخوان به تظاهرات کارگری در میدان گوستاو آدولف توری گوتنبرگ

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : از فراخوان اعتراضی کارگران به کمون پارتیله، و خواست آنان برای بازگشت ایرج یکه‌روستا (محمد کشاورز) و آتبین کیان (بهمن البرزی) به کار حمایت کنید. آنان بدلیل رشد مبارزه مستقل کارگری و ارسال طومار و نامه‌های اعتراضی به سیاستمداران و بیرون راندن رئیس سابق محل کار، محکوم به محرومیت موقت شغلی گشته‌اند. اقدام کمون پارتیله ناشی از وحشت آنان از رشد حرکت مستقل کارگری چند ساله اخیر است. کارگران مبارزه خود از محیط کار را به میدان شهر کشانده‌اند تا سرکوب سیستماتیک کارفرما را عقب برانند. آنان را تنها نگذارید.
کانون نشر انترناسیونالیستی
مکان تجمع: گوستاو آدولف توری گوتنبرگ
زمان تجمع: شنبه ۹ مارس ۱۵ :۰۰-۱۶:۰۰
لینک صفحه گروه حمایت از ایرج و آتبین که به ابتکار تعدادی از پرسنل بخش خدمات حمایتی گوتنبرگ براه افتاده است.
http://www.facebook.com/pages/St%C3%B6d-personalens-kamp-mot-f%C3%B6rtryck-i-Partille-Kommun/150114051815471
لینک دعوت به تظاهرات در فیس بوک
http://www.facebook.com/events/589796301048892

کانون نشر و مطالعات انترناسیونالیستی

بیانیه 71
دستگیر شدگان 17 اسفند را بدون قید و شرط آزاد کنید.

جمهوری اسلامی سرمایه داری از نوع ارتجاعی آن دائما" و به طور برنامه ریزی شده و سیستماتیک مشغول سرکوب جنبش ها و فعالین اجتماعی است .مأموران حافظ سرمایه داری در جمهوری اسلامی با هزینه هنگفت از محل درآمدهای ملی بخصوص نفت و گاز که ثروت مردم ایران است استفاده کرده نهادهای سرکوبگر مانند وزارت اطلاعات ، انواع پلیس ، ارتش و سپاه و بسیج ، شوراها و انجمنهای اسلامی ، قوه قضاییه و صدها نهاد ضد مردمی دیگر را هر روز بیشتر از قبل مجهز و سازمان یافته تر می کنند ، نهادهای سرمایه داری فوق در مجموعه ی جمهوری اسلامی با دقت هر حرکت و برنامه ای از طرف جنبش های مختلف

اجتماعی بخصوص جنبش کارگری را زیر نظر گرفته و قبل از شروع و انجام برنامه ها و اعتراضات اقدام به دستگیری فعالین و سازمانده های آن می کنند .
مأموران جمهوری اسلامی در راستای سنت سرکوبگرانه ی خود در جهت مهار اعتراضات روز جهانی زن اقدام به دستگیری تعدادی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری از جمله وفا قادری، خالد حسینی ،علی آزادی ،بهزاد فرج الهی و حامد محمود نژاد کرده است
ما ضمن محکوم کردن دستگیری فعالین و اعضای جنبشهای اجتماعی بخصوص دستگیر شدگان اخیر از تمامی کارگران ، جنبش های اجتماعی و تمامی احزاب و سازمانها و نهادهای داخلی و جهانی می خواهیم در جهت آزادی کارگران ، زنان ، دانشجویان و دیگر زندانیان سیاسی به صورت متحدانه ، گسترده و برنامه ریزی شده حمایت و اعتراض نمایند.

فعالین و مبارزان :
همانطوریکه گفته شد جمهوری اسلامی با دقت و برنامه ریزی شده اقدام به سرکوب و دستگیری حتی قبل از شروع اعتراضات می کند، بنابراین بدون برنامه ریزی متمرکز و انقلابی ، بدون متشکل شدن در هسته های انقلابی و سازماندهی دو گانه امکان ندارد بتوان با جمهوری اسلامی مبارزه کرد و خواسته ای را کسب کرد علی رغم اینکه فعالین و مبارزان جنبش های مختلف شجاعانه و فداکارانه از جان و هستی خود مایه می گذارند اما در مقابل این همه هزینه آنچه بدست می آورند بسیار کم و ناچیز است انسانهای انقلابی بخصوص کمونیست ها هرگز خود را دچار خود به خودیسم و دور تسلسل نمی کنند و هرگز از یک راه شکست خورده دوبار حرکت نمی کنند .از این پس باید اقدام به سازماندهی جدیدی برای مقابله با روش پیشگیرانه مأموران سرکوبگر جمهوری اسلامی سرمایه داری کرد.
پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
17/12/1391
www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

گروه پژوهش کارگری
کارگران آگاه باید اعتراضات پراکنده را در مورد دستمزد و قانون کار سازماندهی نمایند

پنجشنبه ۱۷ اسفند ۱۳۹۱ - ۰۷ مارس ۲۰۱۳
نوروز باستانی فرا می رسد و کارگران بخاطر فرزندان خود بجای جشن و شادمانی همچون سایر اقشار از تاریخ کهنی که رسیده ، باید همچون سالهای گذشته در التهاب فریبنده ای باشند که سرمایه دارانی در قالب روحانی ، سپاهی و سیاسی مرتجع برای افزایش حقوق ایجاد می کنند . افراد عقب مانده و لمپنی که در طول سلطنت و کمک شاهانی که از شبح سوسیالیسم می ترسیدند ، به تعدادشان افزوده شد و تنها گروه متشکلی شدند که با کسب قدرت در طول ٣٤ سال گذشته جیبهایی را پر از ریال و ارز کردند که در سابق به خمس و زکات و تعدادی هم به نان جویی قانع بودند . قدرتهای بزرگ در این دوره رسانه ای که اخبار براحتی بهمه منتقل می گردد ، دیگر دیکتاتوریهای شاهان و سلاطین را در کشورهای جهان سومی امکان پذیر ندانسته و برای کنترل جنبشهای کارگری آنها را به پوپولیسم و باورهای مذهبی مردم بومی هدایت نمایند . اما همانطور که دست قدرتهای نیوامپریالیستی غرب و شرق برای کارگران و زحمتکشان خود نیز رو شده و با افزایش جنبشهای کارگری خود روبرو هستند ، باید که کارگران کشورهای تحت سلطه سرمایه داری وابسته بومی نیز نیروی خود را باور کرده و با همدیگر متشکل گشته تا در پروسه مبارزه طبقاتی سوسیالیسم را تحقق بخشند .

کارگران ایران از بدو پیدایش سرمایه داری در کشور ، جز در زمانهای کوتاهی نتوانستند با ایجاد تشکلات مستقل به مبارزه طبقاتی بپردازند و این فقدان موجب شده که طبقه حاکم در آسایش کامل به درگیری جناحی خود بپردازند . دلیل اصلی نبود تشکلات مستقل کارگری به عملکرد کارگران آگاه و نیروهای چپ جامعه مرتبط است که بجای سازماندهی کارگران پس از سرکوب شدید سالهای ٦٠ تا ٦٧ ؛ با تقلید مبارزات تئوریکی لنین بهمراه بلشویکها با دیگر سازمانهای بنوعی باورمند به سوسیالیسم ، به درگیری با یکدیگر پرداختند . تفاوت لنین و همراهانشان با بظاهر انقلابیون ایرانی در پراتیک درون طبقه و سایر اقشار سوسیال دموکرات بود ؛ آنها تلاش کردند تا نقد دیگر گروهها را در تفاوت عملکرد خود با دیگران نشان دهند . اما ایرانیانی که خود را کمونیست می نامیده و یا می نامند ، تلاش دارند تا عملکرد دیگران را در سایه بی عملی خود نقد نمایند و بهمین دلیل سنتزی از برخورد بظاهر تئوریکی آنها بوجود نمی آید . یک مشکل اساسی دیگر در ایران این است که برخی از نیروهای چپ فریب سراب ایجاد آلترناتیو در خارج کشور توسط سران گروههای اصلاح طلب ، لیبرال ، دموکرات ، سکولار ، سوسیال دموکرات را خورده اند ، تفاوتی هم نمی کند که آنها باور به حفظ نظام فعلی و یا تغییر آن را داشته باشند .
گروههای نامبرده شده باید که چنین تصوری برای تغییر جامعه داشته باشند ، اما جای تاسف دارد که نیروهای چپ با شعار محوری و یا حاشیه ای مبارزه طبقاتی تن به تفکر اصلاح طلبی و یا سوسیال دموکراتیک می دهند ! اگر تاریخ مبارزاتی در کشورهای جهان و انقلابات سوسیالستی راه اصلی را از طریق پراتیک درون طبقه نشان نمی دهد ، حداقل نیروهای چپ با تاریخ یک قرن اخیر کشورمان باید باور کنند که بدون جنبشهای کارگری حتی حکومت دموکراتیکی نیز برقرار نخواهد گردید . مروری بر اخبار سایتهای وابسته ایرانی در خارج کشور حاکیست که بیشتر نیروهای چپ تنها منتظر برخورد اشتباهی از مبارزات داخل کشور هستند تا سیل مقالات و انتقادات همچون مسلسل از افراد وابسته جناحی و بیشتر بی عمل بعنوان نقد روانه سایتها گردند . دیگر دانش مبارزه طبقاتی مانده از پیش که نقد را در رابطه با پراتیک جاری می داند ، بهیچ شمرده شده و برخوردهای پایان ناپذیر بظاهر تئوریکی ذهنی ، موضوع اصلی که طبقه کارگر بی تشکل باشد را بفراموشی می سپارد . اما چون پراتیک نیست بتدریج مساله ای که مقالات را موجب گشته بود ، فراموش شده و به برخورد تئوریکی و حتی فحاشی گروههای چپ از یکدیگر منتهی می گردد تا در سایه بظاهر نقد از کارگران انتقام انشعابات گذشته خود را بگیرند .
بیشتر کسانی که مقالاتی را برعلیه موضوع اخراج منصور اسانلو از هیات مدیره سندیکای شرکت واحد نوشته اند ؛ چه جانب یکطرف را گرفته و چه هر دو طرف را کوبیدند ، حتی نیم نگاهی به خود و یا گروه وابسته به خود نیانداختند که چه پراتیکی درون طبقه داشته و چه وظیفه ای برعهده آنان است ! در مقاله پیشین سندیکای کارگری ، شورای کارگری نیست و انقلاب در ذهن صورت نمی گیرد ، اشتباه دوطرف در کنار بحث اصلی ذکر گردید واینکه این موضوع نباید الویت سازماندهی اعتراضات پراکنده کارگران را تحت شعاع قرار دهد . اما سریال مقالات که در آن توهین بجای تحلیل پر است ، می خواهند حال که خود نویسندگان کاری انجام نمی دهند ، پس چه بهتر موضوع اصلی بررسی چند باره اخراج برای رد گم کردن بی پراتیکی آنها باشد . جای تاسف است که در این میانه رضا رخشانی که حق نقد دارد و باید این اشتباه را به گامی مثبت در جهت ایجاد تشکل کارگران تبدیل کند ، با تاثیر از روش سوسیال دموکراسی به توهین می پردازد ! وی باید از دو طرف می خواست که اشتباهشان را در پراتیک جبران کرده و بجای افزایش درگیری و پیوستن به درگیری جناحی طبقه حاکم و یا جذب در سوسیال دموکراسی ، تجربه خودرا در حمایت از طبقه کارگر بی پشتیبان و پردشمن قرار دهند . آیا اکنون که کارگران مبارز شرکت واحد و کارگران نی بر خوزستان بار دیگر به اعتراضات همگانی پرداخته اند ، کسانی همچون هیات مدیره سندیکا ، اسانلو ، رخشان ، نجاتی و دیگرانی که تجربه فراوان دارند ، نمی توانند در همبستگی بیشتر کارگران مفید باشند ؟
در میان اعتراضات پراکنده کارگران که هرروز با بیکاری بیشتر ، عدم دریافت حقوق ، مشکلات بیمه بازنشستگی ، حداقل حقوق ، مشکلات قانون کار و صدها مورد دیگر اوج بیشتری می گیرند ، تشکیلات زرد خود را در غیاب تشکلات مستقل کارگری ، دایه مهربانتر از مادر نشان

داده و تلاش در جذب بیشتر کارگران دارند . آنها با شعارهای افزایش حقوق ، حفظ قانون کار بشکل پیشین ، پرداخت حقوق عقب افتاده ، کمک دولت به سرمایه داران برای بسته نشدن واحدهای تولیدی و دهها مورد دیگر به مصاحبه های روزانه پرداخته و رسانه های وابسته با بزرگنمایی آنها را منتشر می کنند تا جذب کارگران ناآگاه به آنها را افزایش دهد . گرچه تشکیلات زرد کارگری وابسته به دولت و جناح رفسنجانی - اصلاح طلبان که در چند ماه اخیر شمشیر برعلیه یکدیگر کشیده اند ، تنها هدفشان به بیراهه کشاندن کارگران برای اهداف انتخاباتی و کسب قدرت است . چرا که تابحال دیده نشده که مسولی از خانه کارگر ، انجمن اسلامی و دیگر تشکیلات زرد کارگری حاضر باشند کارگران ناآگاه عضو خود را در جلوی ادارات دولتی ، مجلس و دیگر اماکن عمومی برای تحقق خواسته های کارگران بکشانند . بی جهت نیست که همه گروههای سیاسی برای اهداف خود به جذب کارگران همت می کنند ، زمانی که رسانه وابسته جهانی بی بی سی نیز اخبار کارگری را منتشر می کند .
چند تشکل محدود و مستقلی که وجود دارند نیز متاسفانه نه تنها به پشتیبانی از یکدیگر برنمی خیزند ، حتی گاهی سایتهای خودرا نیز همچون دیگر گروههای چپ ، محدود به اخبار و مقالات خاصی می کنند که بیکدیگر تعلق و وابستگی دارند . تشکلاتی که زحمت ۳۰،۰۰۰ امضای کارگران در مورد قانون کار و دستمزد را کشیده اند ، نباید چند نفر شناخته شده را بعنوان نماینده همه در مقابل تهدیدهای نیروهای امنیتی قرار دهند تا به بهانه امنیت انتخابات ، اعتراضات کارگران ملغی گردد . آگاهان و فعالین کارگری باید به کارگران بگویند تا دولت و مسولین جوابی به امضاها نداده و تنها راه اینستکه از کارگران بخواهند تا خود راه دیگری بیابند . باید دانست که اختلافات جناحی برای انتخابات درپیش و مذاکرات هسته ای بیشترین نیروی مسولین نظام را در داخل و خارج کشور جذب کرده و اگر از یکی و یا هردو مشکل فارغ شوند ، آنگاه بکمک یکدیگر مجددا شدت سرکوب را بیشتر خواهند کرد . همه کارگران آماده باید به اعتراضات دستجمعی بپردازند ، چون آشکار است که تصویب حداقل حقوق که تقریبا همانند سالهای پیش است تا روزهای آخر سال اعلام نمی گردد تا در تعطیلی سال نو مسولین نفسی براحتی بکشند .
سزاوار است اینهمه اعتراضات کارگران ، پراکنده مانده و نتیجه ای از آن بدست نیاید و تشکلات محدود مستقل موجود در حد حفظ خود بکوشند و یا ضروری است که با سازماندهی بخشی از کارگران به تعداد تشکل مستقل افزوده گردد . موضوع زمانی شکل تراژدی می گیرد که در این بهبوهه که کارگران ایران بی پشتیبانند و حتی قادر نیستند به حقوقی مطابق تورم دست یابند ، گروهی که خود را حزب کمونیستی میخوانند ، در بیانیه ای اعلام می کنند که کارگران نفت جنوب عراق چشم به حمایت ما دوخته اند . آنها از کارگران و فعالین کارگری می خواهند که از کارگران عراق حمایت کنند ! بیانیه در انتها می افزاید ؛ دفاع از کارگران نفت جنوب وظیفه طبقاتی ما و دفاع از حرمت و کرامت (کلمات بی بار مبارزه طبقاتی ؟) کل طبقه کارگر چه در عراق و چه در ایران و منطقه است ، ضروری است که بهر شیوه که می توانیم در کنار همسرنوشتان خود در جنوب عراق باشیم ، طبقه کارگر چه در عراق و چه در ایران به این همبستگی طبقاتی محتاج است . کسی منکر انترناسیونالیسم و همدردی کارگران سراسر جهان نسبت بیکدیگر نیست ، اما روشن است چگونه بی پراتیکی درون طبقه کسانی را وادار به حمایت از انقلابات ذهنی در سراسر جهان کرده و ضرورتها را تا چه حد دور و غیرممکن می سازند . آیا کارگران نفت بصره در پی حمله به دو کارگر ایرانی در کردستان عراق و یا برای آزادی بهنام ابراهیم زاده که تنها فرزندش با بیماری سختی دست به گریبان است ، اقدامی کرده اند ؟
آیا برای نیروهای باورمند به مبارزه طبقاتی و فعالین کارگری قابل تصور است که ۳۰ ماه حقوق عقب افتاده برای کارگران لوله سازی اهواز چه مفهومی برای خانواده های آنها دارد ؟ آیا برای آنها قابل درک است خانواده های صدها کارگر صنایع فلزی که پس از سالها کار سخت و رنج بازنشسته شده اند ، ماهها حقوق طلب دارند ؟ آیا برای آنها قابل حس است که مزدور خانه کارگر قزوین اعلام کند که ۱،۷۰۰،۰۰۰ کارگر در انتظار عیدی ناچیز هستند و یا مزدور دیگری بگوید که جدال تشکلهای کارگری منافع کارگران را به حاشیه برده است ؟ آیا درد خانواده های کارگران رانه دژ که پس از یکسال کار بدلیل نپرداختن هزینه ها توسط وزارت کار بلاتکلیف بوده و هنوز حقوقی دریافت نکرده اند ، آنها را وادار به کار جمعی می کند ؟ چه کسانی باید غم

خانواده های کارگران بیکار سد زیویه کردستان را در این دوران بیکاری بخورند ؟ آیا کارگر آگاه و فعال کارگری می تواند آسایش داشته باشد ، زمانیکه خانواده های ۱۲۰۰ کارگر پروفیل ساوه ٦ ماه بدون حقوق هستند ؟ چه کسانی باید به نمایشهای جنگ زرگری برای تعیین حقوق سال ۹۲ تشکیلات زرد وابسته جناحی که قانون کار فعلی را مناسب می دانند ، پایان داده و برای ایجاد تشکل مستقل کارگری فعالیت کنند ؟ آیا بازهم باید ایجاد سندیکای مستقل را در مقابل تشکیلات زرد انحرافی و تنها نوع دیگری از تشکل را کارگری دانست و آیا کارگران آگاه و فعالین کارگری باید به اختلافات منتج از سوسیال دموکراسی تن داده و مبارزه طبقاتی را فراموش کرده تا بیشترین استفاده به دولت و طبقه سرمایه دار برسد ؟
باید به کارگران شرکت واحد آفرین گفت که ضرورت را شناخته و در پی ۲۰۰۰ امضا برای تعیین دستمزد سال ۹۲ با توجه به تورم سالهای ۹۱ و ۹۲ ، بدون اجازه نیروهای امنیتی در مقابل وزارت کار تجمع کردند . باید به کارگران پیمانکاریهای پتروشیمی منطقه بندر امام آفرین گفت که با وجود رسمی شدن تعدادی از کارگران ، تداوم اعتراضات آنها برای رسمی شدن سایرین کاسته نشده و ادامه دارد . باید به کارگران نی بر خوزستان آفرین گفت که با وجود مشکلات مالی چند بار به تهران آمده و جلوی مجلس جمع شده اند و سرانجام نمایندگان مفت خور سرمایه داران را بفکر راهی انداخته اند ، آنها اینکار را آنقدر انجام خواهند داد تا به حقوق خود برسند . باید به کارگران صنایع فلزی آفرین گفت که برای دریافت حقوق عقب افتاده بارها و بارها جلوی استانداری تجمع می کنند . باید به کارگران صنایع قند اهواز آفرین گفت که برای یازدمین بار مقابل استانداری تجمع کرده و از پا نمی نشینند . چه دردناک است که کارگران بسیاری از واحدهای نامبرده و بسیاری دیگر که نامشان برده نشده ، با دست خالی و بدون کمک مدعیان رهبری کارگران ، به دفاع از منافع خود برخاسته اند . امید که کارگران آگاه و فعالین کارگری با هماهنگی با دیگر کارگران بتوانند برای وسعت بخشیدن به تجمعات ، این اعتراضات پراکنده را سراسری نموده تا علاوه بر گرفتن خواسته های اقتصادی ، ضرورت ایجاد تشکل مستقل بیشتر را تحقق بخشند .

گروه پژوهش کارگری اسفند ۱۳۹۱
پیوستها

http://www.syndicavahed.asia/index.php?option=com_content&task=view&id=428&Itemid=9
http://www.etehadyh.com/?page=news&nid=2852
http://www.khamahangy.com/index.php?option=com_content&view=article&id=1288:1391-12-08-21-35-46&catid=14:1389-12-23-23-57-18&Itemid=27
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=47908
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=46995
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=50901
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=51374
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=51580
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=52991
http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=48332

۱۳۰۰ میلیارد تومان عیدی بازنشستگان "گم شد"

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 17 اسفند آمده است : علیرضا رخشنده معاون اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی در حالی سه شنبهٔ هفته جاری (۱۵ اسفند ماه) از پرداخت مبلغ ۲۰۰۰ میلیارد تومان « بابت عیدی بازنشستگان و مستمري‌بگیران تأمین‌اجتماعی» به بانک خبر داد که طبق محاسبهٔ گروه کارگری ایلنا تنها رقمی نزدیک به

۷۰۰ میلیارد تومان برای پرداخت عیدی تمامی بازنشستگان مورد نیاز است.
به گزارش خبرنگار ایلنا، با توجه به آنکه حدود ۱ میلیون و ۷۰۰ هزار نفر بازنشسته و مستمری بگیر سازمان تامین اجتماعی در کشور وجود دارد و به هر نفر بطور ثابت حداکثر مبلغ ۴۰۲ هزار و ۵۰۰ تومان عیدی پرداخت مي‌شود، رقم مورد نیاز برای پرداخت عیدی بازنشستگان و مستمري‌بگيران تأمين‌اجتماعی اندکی کمتر از ۷۰۰ میلیارد تومان خواهد بود.
با یک محاسبهٔ سرانگشتی مشخص مي‌شود فاصلهٔ فاحش ۱۳۰۰ میلیارد تومانی میان رقم مورد نیاز برای پرداخت عیدی و مبلغ اختصاص داده شده برای این موضوع وجود دارد.
در همین رابطه رئیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران تأمین اجتماعی مي‌گويد: شاید ۱۳۰۰ میلیارد تومانی که مضاف بر میزان لازم برای پرداخت عیدی بازنشستگان و مستمري‌بگيران تأمين‌اجتماعی به بانک‌ها پرداخت شده برای افزایش حقوق سال آینده در نظر گرفته شده است.
علی اکبر خبازها ادامه مي‌دهد: در کنار این موضوع بحث همسان سازی سازی حقوق بازنشستگان و مستمري‌بگيران تأمين‌اجتماعی با حقوق بازنشستگان کشوری و لشکری وجود دارد که بایستی مبلغی نزدیک به ۱۱۶۳ میلیارد تومان به آن اختصاص داده شود. شاید آقای رخشنده به صورت کلی صحبت کرده‌اند اما باید در مورد این موضوع جوابگو باشند.
همچنین دبیر کانون بازنشستگان مشهد با «شک برانگیز» خواندن این موضوع اظهار مي‌کند: ممکن است این مبلغ علاوه بر عیدی مطالبهٔ همسان سازی حقوق بازنشستگان و مستمری بگیران سازمان تامین اجتماعی با حقوق بازنشستگان کشوری و لشکری را نیز شامل شود.
سید حسین رسولی معتقد است: البته همسان سازی نیاز به قانون و فرمول خاصی دارد که هنوز مشخص نشده است و پرداخت این مبلغ به بانک مساله‌ای شک بر انگیز است که توضیح مسئولان را مي‌طلبد.
به نظر مي‌رسد با توجه به حجم مبلغ پرداخت شده به بانک و صحبت‌های معاون اداری و مالی سازمان تأمین اجتماعی که پرداخت این مبلغ را «بابت عیدی بازنشستگان و مستمري‌بگيران تأمين‌اجتماعی» عنوان کرده است لازم باشد تا مسئولان سازمان تامین اجتماعی نسبت به سرنوشت ۱۳۰۰ میلیارد تومان اضافه پرداخت شده پاسخگو باشند تا جای هیچ گونه شک و شبهه‌ای باقی نماند.

بیانیه 72
اداره اطلاعات،
زندانیان سیاسی را تهدید به مرگ کرد.

برپایه بیانیه رسیده به روز شمار کارگری آمده است : اداره اطلاعات، زندانیان سیاسی خالد حردانی، شاهرخ زمانی ،سعید ماسوری و صالح کهندل را تهدید به مرگ کرد . جلادان اداره اطلاعات مستقر در بند 209 زندان اوین، در راستای دفاع از منافع مولتی میلیادرهای روحانی – نظامی- پلیسی و ادامه انجام وظیفه مقدس اسلامی خود رضا شریفی بوکانی و جلال... کرد فعالین حقوق بشر را جهت آزار و شکنجه مجدد، هشتم دی به بند 209 بردند، پس از بازجویی ها و آزار و اذیت طولانی در سلولهای انفرادی، تحت فشار اعتراضات و افکار جهانی مجبور شدند، دوباره به زندان رجایی شهر برگردانند.
علاوه بر تهدید و ارعاب رضا شریفی بوکانی برای شرکت در مصاحبه تلویزیونی و شوی تواب سازی، که این مبارز تن به ذلت نداده است، از طریق وی به خالد حردانی ، شاهرخ زمانی ،سعید ماسوری و صالح کهندل و... پیغام فرستادند که منتظر اعدام باشند. ماموران اداره اطلاعات به رضا شریفی بوکانی گفتند ما می دانیم این افراد اخبار و اطلاعات زندان را به بیرون می فرستند.
اگر گفته ماموران درست باشد، یعنی اینکه زندانیان نامبرده در حین اینکه خود اسیر دژخیم هستند، همچنان به مبارزه با دشمنان مردم ادامه می دهند. و در راستای مبارزه فوق با اطلاعاتی که از داخل زندان می دهند، کثافت کاری و خیانت و دروغگویی های سران جمهوری اسلامی و اربابان اداره اطلاعات را افشا کرده و مردم را دعوت به گرفتن حقوق انسانی خود می کنند.

آنها می گویند فاشیسم اختاپوسی هزار فامیل روحانی –نظامی - پلیسی در قالب حاکمیت مطلقه ولایت فقیه کثیف، باعث شده است، ایران که یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است، تحت سلطه این حکومت، مردمش دچار بهره کشی مضاعف و دزدیهای علنی ثروتهای ملی شوند، حکومت سرمایه داری جمهوری اسلامی باعث شده ایران در بالاترین رتبه آما رهای بیکاری ، بیگاری ، اعتیاد , طلاق ، تن فروشی ، کلیه فروشی با 90% جمعیت زیر خط فقر قرار بگیرد،ماموران اداره اطلاعات این سر بازان گمنام امام زمان که خود در دزدی های سران شریک جرم هستند و جزو گروه دزدان دست چندمی محسوب می شوند، از افشا شدن فرماندهان و روسای خود و سر نگونی آنها بشدت در وحشت بسر می برند، این ماموران و شرکای دزدان می دانند، در صورت سرنگونی روسای خود آنها نیز به عنوان شریک جرم به محاکمه کشیده خواهند شد، این شرکای دزدی ها و چپاولگری ها از افشا شدن، برادران دزد و زمین خوار روسای مجلس و قوه قضاییه که آزادانه و در سایه عدالت اسلامی مشغول چپاول هستند، در حالی که جوانان بیکار ، فقیر و گرسنه به خاطر دزدیدن 5000 تومان به دار آویخته می شوند، در وحشت به سر می برند، وزارت اطلاعات ، پلیس سیاسی، بخصوص اداره اطلاعات، محلی است که تمامی سران از فیلتر آن عبور کرده و به مقامات مختلف دست می یابند، بنا براین وزارت اطلاعات نه تنها از تمامی چپاول ها و دزدی ها اطلاع دارد بلکه همیشه یک پای شراکت هست، در نتیجه از افشا شدن هر فقره دزدی از جمله رقم اختلاس 3000 میلیاردی و 300 نفر دزد حکومتی و ... می ترسند و قبل از انجام وظیفه در جهت تعریف شده "قانونی"، وظیفه دفاع از دزدی ها را مقدم و مقدس می دانند، طبق آمار درز کرده دولتی 300 دزد دولتی 60% پول بانکها را بالا کشیده اند، در صورتی که یک زوج جوان برای یک وام 5 میلیون تومانی پس از معرفی سه ضامن 5 سال باید دوندگی کنند، صدها مورد دیگر را می توان نام برد.
بالاخره کوچکترین صدای حق طلبی ، حق گویی ، آزادیهای قلم ، بیان ، تشکل و احزاب برای اربابان نوکر مأب اداره اطلاعات سم مهلک بوده و این جغدهای ویرانه پرست باید سکوت قبرستانی برای ادامه بهره کشی و چپاول خود فراهم کنند.
طبق تجربه تاریخی جهان ، بخصوص تجربه تاریخی انقلاب 57 سربازان گمنام امام زمان باید بدانند، در مقابل اراده میلیونی مردم، در مقابل انقلاب توفنده قریب الوقوع هیچ شانسی برای بقای خود و اربابانشان ندارند، مردم با تظاهرات و اعتصابات خود درهای تمام زندانها را گشوده و فرزندان خود را آزاد خواهند کرد و شوراهای کارگران و نظامیان سرنوشت اقتصادی – سیاسی خود را در دست گرفته و در کشوری آباد و آزاد در برادری و برابری و بدون وجود این دزدان زندگی خواهند کرد.
کارگران ، دانشجویان ، زنان ، معلمان و دانش آموزان ، جوانان و مردم مبارز :
فعالین جنبش ها ، احزاب ، سازمانها ، نهاد های مردمی داخلی و جهانی :
تهدید زندانیان سیاسی هشداری واضح و شفافی است، که نظام اسلامی در سراشیب تندی بدون اختیار حرکت می کند و اگر با دقت و برنامه ریزی شده به صورت متحدانه و گسترده از فرزندان زندانی دفاع نکنیم آنها دچار انتقام گیری قساوت اسلامی – سرمایه داری خواهند شد.
دعوت زندانیان به سکوت پیش گرفتن همان سیاست تئوری بقا است که دقیقا" خواسته نظام اسلامی و اداره اطلاعات است، در حالی که فعالیت زندانیان در زوایای ممکن ادامه اصولی مبارزه است، امروز تداوم ، گسترش و ارتقاء دفاع از زندانیان وظیفه و رسالت تاریخی تمامی فعالین ، سازمانها و نهاد های داخلی و جهانی است، که باید تحت برنامه ریزی کمونیست ها ،سوسیالیست ها و فعالین انقلابی پی گیری شود.
ما از تمامی نامبردگان می خواهیم با سازماندهی اعتراضات و آکسیون های مدوام، پیوسته و برنامه ریزی جمعی در مقابل سفارت خانه های جمهوری اسلامی ، سازمانها و نهاد های جهانی اقدام کنند و برای جلب و جذب حمایت های گسترده بین المللی در دفاع تاریخی از مبارزین در بند، هرچه بیشتر فعالیت نمایند.
همچنین در راستای دفاع از زندانیان از خانواده زندانیان، کارگران ، فعالین کارگری و فعالین جنبش های اجتماعی می خواهیم ضمن اطلاع رسانی هر چه گسترده از مردم مبارز دعوت

به حمایت کنند ، از انقلابیون در داخل می خواهیم با دقت و برنامه ریزی و سازماندهی از هر فرصت برای اعتراض و حمایت استفاده نمایند .

دفاع از زندانیان سیاسی ضرورت حیاتی - تاریخی امروز است
پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
18/12/1391
www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

سال 91 ، سال مرگ جبرئیل زمانی !!!

جبرئیل زمانی انسان شریفی بود که در قلب توده ها جا دارد سالهای جوانی را در راه مبارزات کمونیستی گذاشته و با پیوستن به گروه آ سیاهکل سازمان فدایی خطر مرگ را به جان خرید،با دستگیری و شکنجه سالهای، سال را در زندان رژیم ستم شاهی گذراند، با پایداری و مقاومت انقلابی و جانفشانی اش در راه سرخ رهایی و نجات توده ها حقانیت کمونیسم رابه اثبات رسانید .
جبرئیل زمانی در انقلاب 57 با گشوده شدن در زندانها توسط مردم و رزمندگان آزاد شده و نبرد خود علیه بهره کشی و استبداد را در مبارزه با جمهوری اسلامی ادامه داد.
او در سال 1391 شمع وجودش خاموش شد، و ادامه مبارزه را به دیگر رفقای خود واگذاشت.
او در طول عمر خود به صورت همه جانبه ثابت کرد عشق و علاقه اش و معنای زندگیش مبارزه در راه طبقه کارگر بود جبرئیل زمانی نمونه و الگوی انقلابی ،کمونیستی استوار ، متین ،صادق و همیشه خندان، تحت تاثیر افکار و مقالات انقلابی در سخت ترین شرایط محبوب خاص و عام بود. مبارزه در راه انقلاب ازاو انسانی سر زنده ، اگاه با اخلاق و ایمان انقلابی همسو با توده ها ، کمونیستها و آزادیخواهان ساخته بود. او سرمشق ادامه کاری فعالیت انقلابی –سیاسی در شرایط مشکل بود، هر کجا قدم می گذاشت از طریق صمیمیت و سادگی همیشگی اش در دل مردم جای گرفته و آنان را از غم و ناامیدی ، سردرگمی و ناآگاهی در می آورد، بذر امید و آگاهی و رهایی از استبداد و دیکتاتوری را در دل و فکر اطرافیان می کاشت با حضور در صف انقلاب و تشکیلات انقلابی شور و انگیزه نبرد را صد چندان می کرد.اکنون او در یاد و خاطره ی توده ها،در ادامه مبارز طبقاتی به عنوان انقلابی آرمانگرا، و ظیفه شناس ، خواهان آزادی بشریت همیشه زنده است.
یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.
شاهرخ زمانی
زندان رجایی شهر اسفند 1391

http://www.2shared.com/document/SeWWNND5/8March2013-IRAN.html

روز جهاني زن و مطالبات به حقّ زنان

زنان نيمي از جمعيتِ جهان هستند. نقش تعيين‌كننده‌شان در توليد و بازتوليدِ هر آنچه مورد نياز حيات نوع بشر است، انكارناپذير است. با اين وصف، حقوق پايمال‌شده‌يِ زنان در طول تاريخِ نظام‌هايِ مبتني بر نابرابري به رسميت شناخته نشده است مگر با مبارزه‌يِ پيگيرِ جمعي و متشكّل؛ و روز جهاني زن يكي از نقطه‌يِ عطف‌هاي اين مبارزه‌يِ پيگيرِ زنان در راه بازپس‌گيريِ حقوق انساني‌شان است. زنان در كشور ما نيز از گذشته‌هايِ دور براي كسب برابري انساني و رفع هر نوع تبعيض تلاش‌هاي شايان توجّهي كرده‌اند. محدوديّت‌هاي موجود و قوانينِ تثبيت‌كننده‌يِ اين محدوديّت‌ها، يافتن اشتغال مناسب و كار در شرايط بهتر را براي زنان ناممكن كرده است. براي نمونه، زنان همچنان در مورد گرفتن تابعيّت ايراني براي همسر

خارجي و فرزندان خود گرفتار تبعيض هستند؛ چندان كه فرزندان اين زنان نه فقط از حدّاقل كمک‌هايِ دولتي كه به نام يارانه‌يِ نقدي پرداخت می‌شود، بلكه حتّي از داشتن شناسنامه‌يِ ايراني هم محروم هستند و امكان تحصيل در مدارس ايراني از اين كودكان سلب شده است.
زنان زحمت‌كش ايراني علاوه بر محروميت‌های ناشي از زن بودن كه زنانِ همه‌يِ طبقات اجتماعي از آن در رنج هستند بارِ محروميت‌هايِ طبقاتي را هم كه سهمگين‌تر از هر ستمي است بر دوش می‌كشند و در تهيه‌ی خوراك، پوشاك، اجاره منزل، سلامت، بهداشت و تحصيل فرزندان بيش‌ترين فشار را متحمل می‌شوند. زنان زحمتكش علاوه بر انجام كار بی‌مزدِ خانه به هزار زحمت، شغلي می‌گيرند و عليرغم دقت بسيار در كار و ساعت كار برابر با مردان از حقوق كمتر برخوردار می‌شوند. زناني كه شوهر شاغل و بيمه‌شده دارند حقّ بيمه كردن فرزندان خود را ندارند، گو اين كه بيشتر كارگاه‌هايی كه زنان در آن به كار می‌پردازند به اين دليل كه اغلب زير ده پرسنل دارد مشمول حدّاقل‌های قانوني هم نيست و اين بدان معناست كه كارفرما می‌تواند خودِ زنِ شاغل را هم بيمه نكند. بيشتر زنان شاغل در كارگاه‌هايی كه زير ده نفر پرسنل دارد از حدّاقلِ دستمزد اعلام‌شده‌ی دولتي هم بی‌بهره هستند.
با توجه به اين كه نيروی انسانی جدّی‌ترين سرمايه‌ی هر جامعه براي رشد و پيشرفت آن محسوب می‌شود، كانون مدافعان حقوق كارگر براي مسير تعاليِ جامعه و استفاده از همه‌ی ظرفيت‌های انساني براي تكامل اجتماعي، پيشنهادهای زير را به معرض قضاوت عمومي می‌گذارد تا در صورت تأييد، به عنوان كفِ خواسته‌ی عمومي زنان و به ويژه زنان زحمت‌كش مطرح شود.

1- تساوی كامل در مقابل قانون
2- الزامي كردن دستمزد برابر با مردان در مقابل كار برابر
3- حق داشتن تشكّل مستقل براي فعاليّت‌های اجتماعي و مشاركت در مديريّت جامعه
4- مشاركت در تدوين قوانين به طور عام و حضور تعيين‌كننده در موارد مربوط به حقوق زنان از طريق نمايندگان واقعي تشكّل‌های مستقل زنان
5- رفع تبعيض در تمامی زمينه‌ها به خصوص در اشتغال و تحصيل در همه‌ی سطوح
6- آزادي در انتخاب مشاغل و حرفه‌ها و حذف ممنوعيّت‌های قانوني كه ريشه در تبعيض جنسيتي دارد
7- حذف قوانيني كه مسافرت زنان را منوط به موافقت همسر يا پدر می‌كند
8- به رسميت شناخته شدن حق حاكميّت زنان بر بدن خويش
9- حمايت‌های قانوني و عملي از زنان در مقابل خشونت‌های خانوادگي و بردگي جنسي
10-به رسميت شناختن حقوق فردي در انتخاب شغل، رشته تحصيلي، همسرگزينی و نوع لباس و پوشش بدون در نظر گرفتن جنسيت
11-برابري با مردان در استفاده از حقوق تابعيت و شهروندي
12-ايجاد شيرخوارگاه‌های عمومي و مهدهای كودك در همه‌ی بنگاه‌های توليدي و خدماتي و محلّات با هزينه‌ی دولت.
13-به رسميّت شناختن اولويّت مادر براي سرپرستي فرزندان در موارد جدايي يا مرگ همسر و حمايت قانوني براي تأمين معاش و سرپناه زنان سرپرست خانوار
14-بيمه‌ی كامل زنان خانه‌دار و امكان استفاده از خدمات درماني و مستمرّي بازنشستگي
15-ايجاد آشپزخانه‌های عمومي براي پخت‌وپز موادّ خوراكي باكيفيّت، به‌طوری كه قيمت غذا متناسب با حدّاقل دستمزد باشد
16-ايجاد رختشوی‌خانه‌های عمومي براي نجات زنان از بردگي خانگي و كنترل بهداشت عمومي
17-ممانعت قانوني از ازدواج‌های اجباري و ازدواج‌های زير سن قانوني (18 سال)
18-ممنوعيّت تعدّد زوجات
19-قانوني شدن برابري در استفاده از حق طلاق
20-به رسميّت شناخته شدن حقّ مالكيّت برابر با مرد در خانواده و در حين جدايي

كانون مدافعان حقوق كارگر
اسفند 1391

اطلاعيه احزاب، سازمانها و نهادهای چپ و كمونيست به مناسبت ۸ مارس ۲۰۱۳
گل همين جاست، همين جا برقص!

یکصد وسومین سالگرد ۸ مارس فرا میرسد. روزی که یادآور رزم زنان کارگر در نیویورک است. روزی که زنان کارگر بر فرودستی خویش شوریدند و مزدهای کم و ساعات طولانی کار و سرمایه را به مصاف طلبیدند. روزی که جهانی است زیرا مسئله ستم بر زن امری جهانی است.

هشت مارس فرمان جشنی نیست تا بزرگش بداریم. مراسمی نیست تا پایی بکوبیم. هشت مارس تنها برداشتن سرپوش از ظلمی نیست که بر زنان می رود. حتی فریادی انتزاعی نیست برعلیه وضع موجود. هشت مارس طلایه های قیامی بزرگ است بر علیه نظم سرمایه داری و مردسالار کنونی. ما تنها از ظلمی که بر زنان روا می شود سخن نمیگوییم؛ ما از آنچه زن و جامعه در عطش آن می سوزد و نیازمند آنیم سخن می گوییم. ما نیازمند پایکوبی هستیم اما بر جسد مردسالاری و تمامیت نظام سرمایه داری.

تاریخ هرچه بوده باشد اما امروز سرمایه داری و عقب مانده ترین نیروهای جهان دست در دست هم، از استثمار بیشتر و ستم بر زن سود می برند. تبدیل زن به نیروی کار ارزانتر و خط کشیدن روی دوسوم تولید جهان که توسط زنان و کارخانگی صورت می گیرد؛ سود بادآورده ایست که از آن نمی توان گذشت. سیاست سرمایه جهانی بر پایه توجیه تجاوزات امپریالیستی درعراق، افغانستان و ... و بر بازسازی و نگهداری روابط سلطه و ضد زن استوار است. حمایت آنها از ارتجاعی ترین آلترناتیوها با آرایش دفاع از "دموکراسی و رهایی زنان" در همین راستا است. به خاورمیانه و افریقا بنگریم! عروج طالبان، و مذهب سیاسی و حکومت های مذهبی در ایران، ترکیه، عراق، مصر، وتونس و ..... آشکارترین جلوه های حمله به زنان است. این حملات به قصد سلطه و سود انجام میگیرند؛ لذا همزمان طبقه کارگر و بلاخص زنان کارگر و اقشار تهیدست جامعه را زیر ضرب میبرند. زنان کارگر که بخش بزرگی از زنان زیر ستم را تشکیل میدهند و تحت ستم مضاعف قرار دارند در ایران با بیکاری بیش از ۴۵ درصد و مزدی بمراتب حتی کمتر از مردان و نرخ بیکاری بالاتر مواجهند. بسیار ضروری و مهم است که بر همبستگی این گروه های اجتماعی یعنی کارگران و زنان تا آنجا که برعلیه سلطه و مردسالاری اند تاکید نمود. یکی از موانع این همبستگی حاکمیت فرهنگ طبقه حاکم است که در شکل مرد سالاری به تاریکترین زوایای جامعه نفوذ کرده و با دست فرودستان نیز بقا می یابد. مردسالاری و فرهنگ ناظر بر آن، دست دشمن است در میان زحمت کشان که در هیئت منفعت مردانه خود را نشان میدهد. آن جنبش کارگری که برعلیه مردسالاری، و سرمایه و سلطه مبارزه میکند همدست جنبش زنان است آنگاه که توطئه میکنند شکستن زنجیرها را. وضعیت زنان درایران بر بستر این مجموعه سیاست جهانی اتفاق میافتد. رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که هستی اش را به مقابله علیه زنان پیوند زده است، سرکوب هرگونه آزادی خواهی را از زنان آغاز کرد. اما در مقابل، نخستین سرود مرگ خود را نیز در سال ۵۷ از زنان دریافت نمود. آنگاه که زنان فریاد زدند "ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم" و یا "آزادی نه شرقی است نه غربی است، جهانی است".

زنان که نیمی از جامعه اند و کنترل آنان با توجیهات مذهبی کنترل کل جامعه را میسر می کند، آماج حکومت مذهبی قرار گرفتند. حاکمیت دین و اشاعه مردسالاری، خانه ها و جامعه را به جهنم زنان تبدیل کرده است. آپارتاید جنسی، تجاوز قانونی، اجرای شرع در کنار استثمار و افزایش حجم کارخانگی وگسترش تن فروشی در اثر فقر مفرط ، چنان وضعیتی ایجاد کرده است که دیگر سخن بر سر این یا آن حقوق نیست، بلکه تنها سرنگونی انقلابی رژیم سرمایه داری اسلامی میتواند، نخستین جلوه رهایی زن محسوب گردد.

هشیار باید بود، تمامی آلترناتیوهای بورژوازی و امپریالیستی نیز، واضعین و پیش برندگان سیاست جهانی ولاجرم تبعیض علیه زنان اند. آنها و همه کسانی که چشم امیدی به آنها دارند بردگی زنان را تقویت میکنند. باید وعده های بندگی آورشان را افشا و طرد نمود. بدیل سوسیالیستی تنها آلترناتیو وضع موجود است و رهایی زن و برابری او را با مرد در تمامی سطوح حقوقی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی ممکن میکند.

هشت مارس را به تدارک قیام برعلیه وضع موجود پیوند بزنیم. درهر کجا هستیم مانیفست خود را برعلیه نظم کنونی اعلام و تشکل و انقلاب علیه این شرایط را ممکن کنیم. نظاره گری مرگ است. گل همین جاست، همین جا برقص!

نابود باد مردسالاری و نظام سرمایه داری
زنده باد آزادی
زنده باد سوسیالیسم
سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی
۱۷اسفند ۱۳۹۱ ۷
مارس ۲۰۱۳

اسامی امضاء کنندگان
۱ـ اتحاد چپ ایرانیان در خارج کشور
۲ـ اتحاد چپ سوسیالیستی ایرانیان
۳ـ اتحاد فدائیان کمونیست
٤ -پیوند در خدمت وحدت کمونیست های ایران
٥ـ کمیته جوانان بلژیک
٦ـ حزب رنجبران ایران
۷ـ حزب کمونیست ایران
۸ـ سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) - کمیته مرکزی
۹- سازمان کارگران انقلابی ایران(راه کارگر) -هیئت اجرایی
۱۰ـ شورای حمایت از مبارزات آزادیخواهانه مردم ایران-استکهلم
۱۱ـ شورای فعالین سوسیالیست و آزادیخواه-هامبورگ
۱۲ـ کانون همبستگی با کارگران ایران-گوتنبرگ
۱۳- کمیته بین المللی برای حمایت زندانیان سیاسی ایران-ناظر
١٤ ـ کمیته حمایت از مبارزات کارگران ایران-فنلاند
١٥ـ کمیته خارج کشور سازمان فدائیان(اقلیت)
١٦ـ کمیته یادمان کشتار زندانیان سیاسی دهه ٦٠در ایران - مونترال ،کانادا
١٧ـ نهاد همبستگی با جنبش کارگری ایران-غرب آلمان
١٨ـ هسته اقلیت
١٩ـ کمیته حمایت از مبارزات جنبش کارگری ایران-دانمارک -
٢٠-میزکتاب دانمارک

زنده باد هشت مارس روز نبرد جهانی علیه بربریت سرمایه

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه ؛ رفقا و دوستان!
درودهای آتشین و رفیقانه مرا از زندان رجایی شهر پذیرا باشید!
در چنین روزهایی، با برگزاری اولین مراسم های روز جهانی زنان، به رهبری زنان کمونیست، کلارا زتکین و الکساندرا کولنتای، تبیین مبارزه سازمان یافته علیه ستم جنسی و طبقاتی نظام سرمایه داری به میان آمد.
طی این مدت جنبش جهانی مستقل زنان همراه و همگام با جنبش کارگری، علیه ستم طبقاتی و جنسی به اشکال گوناگون با افت و خیزهای فراوان مبارزه کرده و پخته تر و آبدیده تر شده است.
حاکمیت نظام جهانی سرمایه داری بر منابع و وسایل تولیدو استفاده از پیشرفت های تکنولوژیکی در بهره کشی از کارگران و زحمتکشان، چپاول ثروت ها و منابع ملّی کشورهای جهان، ، گسترش بی عدالتی و استثمار هفت میلیارد انسان باعث انباشت نجومی سرمایه و

افزایش شکاف شدید طبقاتی شده است. با انباشت سرمایه شدت استثمار افزایش یافته و با رشد تکنولوژی انسان رو به حذف از روند تولید است.
از سال 1890 تا کنون کلاً تولید ثروت های مادی ۳۸ برابر شده اما رشد جمعیت تقریباً دو و نیم برابر شده است. نه تنها از این بابت چیزی عاید بشریت نشده بلکه یک میلیارد ودویست میلیون نفر به فقر مطلق سقوط کرده اند.
با تعمیق مالکیت خصوصی و انباشت بیشتر سرمایه، خصلت اجتماعی کار در ابعاد جهانی آن بیشتر شده و در نتیجه پیوند جهانی طبقه کارگر نیز تعمیق شده است. سرمایه در جهت رسیدن به فوق سود ، از همه ی اشکال بهره کشی از جمله باجگیری و نزول خواری به سبک مدرن،پول فروشی، نظامیگری، کار ارزان زنان و کودکان،صنعت موادمخدر، تجارت و بهره کشی جنسی ، فروش اعضای بدن و... استفاده کرده سودهنگفتی عایدش می شود. در همین راستا در تشدید بحران ساختاری، به هجوم سراسری برای تشدید استثمار چندگانه و نابودی کلیه دستاورد های مبارزاتی زحمتکشان در عرصه تامین اجتماعی، بهداشت، درمان، خدمات عمومی روی و... آورده است، تا بار بحران را بر دوش زحمت کشان بیاندازد.
تحت چنین شرایطی تحمیل شده توسط سرمایه داری و در مقابل اوج گیری مبارزات کارگران و زحمتکشان دراشکال قانونی و غیر قانونی باعث گردیده نبرد و ستیز طبقاتی به وضعیت شعله ور شدن انقلاب جهانی نزدیک تر شده و به قول شاهین انقلاب جهانی رزا لوگزامبورگ، به مرحله سوسیالیسم یا بربریت رسیده است.
درنتیجه تعمیق بحران اقتصادی- اجتماعی و تشدید مبارزات انقلابی - طبقاتی، دولت های سرمایه داری به خصوص در کشورهای مرکزی به عنوان ابزارطبقاتی استفاده از تمام عوام فریبی های دمکراتیک، سوسیال دموکراتیک و سوسیال امپریالیستی در مورد آشتی طبقاتی، انتخابات آزاد و دولت های خلقی را کنار گذاشته است،این شمشیر دو لبه به عنوان ابزار سرکوب سرمایه عمل می کند و در همین راستا با فرو ریزی این توهمات ، بر شمّ و غریزه طبقاتی کارگران در جهت منافع مستقل طبقاتی و درک آگاهی کمونیستی شان افزوده میگردد.همچنین با تشدید بحران سیاسی - اقتصادی جناح های مختلف دول و احزاب سرمایه داری گرفتار افزایش و باز تولید بحران و خطر فروپاشی سرمایه داری خواهند شد،در نتیجه خیانت ،دمسازی و سازش طبقاتی در درون جنبش کارگری کمتر شده در مقابل روند حرکت انقلابی کارگران به ترمیم اصول و پایه های جریانات سوسیالیستی و کمونیستی منجر خواهد شد.
رفقا!
جنبش مستقل زنان به عنوان بخش جدایی ناپذیری جنبش کارگری در راه رهایی بشریت است که در رفع ستم طبقاتی و جنسی در رسیدن به جامعه بی طبقه کمونیستی باید همگام با جنبش سوسیالیستی جهانی باشد،پیوند فوق در مقابله با جریانات اوپورتونیستی، رفرمیستی و پست مدرنیستی که در تعیین کلیت مبارزه انقلابی و اصول اولیه نبرد طبقاتی وکسب مطالبات اصلی وفرعی از طریق سرنگونی انقلابی حاکمیت ورشد آگاهی جامعه انقلابی ضرورت حیاتی دارد.و برای رسیدن به خواست های فوری، و ایجاد سازمان متین، پایدار و منظم انقلابی که تنها ابزار سازماندهی است، مبارزه کند. تحت شرایط عمومی انقلاب و هرچقدر که ضرورت انقلاب بر توده های انقلابی آشکار می شود، به همان اندازه ضرورت تشکیلات انقلابی جهت پیش برد مبارزه و تشکیل ارتش جهانی کارگران واضح تر می گردد. روشن است که ترس نظام سرمایه در این رابطه حد و حدودی ندارد.
در نتسجه سرمایه داری با بسیج نیرو های خود تلاش می کند با نابودی رهبران انقلابی و آگاه و سازمان های کمونیستی –انقلابی مبارزات طبقاتی را در حد رفرمیستی کنترل کند. کشتن انقلابیون کارنامه ننگین و سیاه سرمایه داری را سیاهتر کرده است، این موضوع دلیل محکمی است که با توجه به آرمان مشترک و هدف های مبارزات انقلابی مشترک در عین نیاز به سازماندهی ملّی در هر کشور، نیروهای کمونیستی انقلابی باید در مقابله با سیاست برنامه ریزی شده دولت های سرمایه داری،اقدام به گسترش همبستگی جهانی نمایند،و برای پراتیک مشترک، تبادل تجارب مبارزه طبقاتی و تشکیلاتی و تدارکاتی باید تشکیلات منظم و جهانی داشته باشیم و از تجارب دویست ساله جنبش کمونیستی و تمام احزاب و سازمان های انقلابی در راستای سازماندهی انقلابی و تبلیغ و تبیین کمونیستی از این

سازماندهی استفاده کنیم.
اهم این موارد و مسائل استفاده به شرح زیر می باشد:
۱.چگونگی ایجاد ساختار تشکیلات انقلابی در جهت کادرسازی وسازماندهی افراد عضو وانقلابی در شرایط مبارزاتی،و چگونگی مقابله این ساختار با پلیس سیاسی و مخصوصا در شرایط مخفی
2. تدارک و تعیین استراتژی و تاکتیک ها
۳.چگونگی جدایی، ادغام و ترکیب ابعاد مبارزه دمکراتیک و سوسیالیستی در روند کلی مبارزه و رابطه خواست ها و مطالبات حداقلی با مطالبات نهایی.
٤.چگونگی اشکال ایجاد و ارتباط تشکلات صنفی- سیاسی و اشکال مبارزه باتوجه به توازن مشخص قوا و آرایش طبقاتی واشکال سرکوب
٥.ارتباط فعالیت علنی مخفی و خاستگاه این تئوری در انقلاب برای حکومت جایگزین.
٦.چگونگی ارتباط منطقه ای و جهانی با افراد و تشکیلات های انقلابی و ایجاد مراکز انقلابی مشترک برای همیاری و انتقال تجارب
رفقا! کشور ایران با سابقه دو انقلاب مشروطیت و انقلاب 57 و با بیش از صد سال سابقه مبارزه کمونیستی - کارگری و تلاش برای ایجاد شوراهای کارگری و کنترل کارگری به عنوان پایه سوسیالیسم و حاکمیت زحمت کش جایگاه ویژه ای در انقلاب جهانی و جنبش سوسیالیستی جهانی دارد. حکومت سرمایه داری در ایران، مدافع سیاست های لیبرالی در بهره کشی از زحمت کشان و کارگران و نماینده بربریت قرون وسطایی و مردسالارانه و در به بردگی کشاندن و ستم مضاعف بر زنان می باشد.
جنبش مستقل زنان ایران به عنوان نیمی از جمعیت کشور و آتشفشانی در حال انفجار، به عنوان همگام و همراه جنبش سوسیالیستی ایران، نقش حیاتی و ارزنده یی در انقلاب آتی ایران دارد.
رهبری مستقل طبقه ی کارگر در حزب انقلابی سیاسی، تنها ضامن پیروزی انقلاب سوسیالیستی - اجتماعی ایران و تحقق خواست های دمکراتیک رهایی برای زنان می باشد.
کمونیست های انقلابی نقش خود را در رهبری و سازماندهی جنبش کمونیستی، که دو جزء جدایی نا پذیر روند رهایی بشریت است، از طریق انقلاب سوسیالیستی، ایفا نقش خواهند کرد.و برای چنین اهداف ارزشمند و والایی ، تبیین برنامه خود در جهت ارتش انقلابی بر اساس کادرسازی و ایجاد تشکیلاتی پویا و انقلابی و رزمنده به عنوان ارکان هدایت انقلاب کارگری نیاز دارد.
زنده باد جنبش انقلابی طبقه کارگر!
زنده باد جنبش مستقل زنان!
زنده بادانقلاب!
زنده باد سوسیالیسم!
شاهرخ زمانی – زندان رجایی شهر کرج

۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا از رو سه شنبه در اعتصاب بسر می برند

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 18 اسفند 91 آمده است : تعداد ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا از روز سه شنبه ۱۵ اسفند ماه دست به اعتصاب زدند و خواهان عمل به توافق صورت گرفته از سوی کارفرما شدند. بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران بر اساس توافقی که در پی اعتصابات ماههای گذشته این کارگران با کارفرما صورت گرفته بود قرار بود ۱۵ اسفند دستمزد آذرماه این کارگران پرداخت شود اما با فرا رسیدن این روز هیچ پولی به حساب آنان واریز نشد و به همین دلیل این کارگران بلافاصله دست به اعتصاب زدند. کارگران نورد لوله صفا در حال حاضر و با احتساب ماه اسفند، ۴ ماه دستمزد معوقه بعلاوه عیدی و پاداش خود را از کارفرما طلب دارند. کارفرمای کارخانه نورد لوله صفا در حالی از دادن دستمزد معوقه کارگران پرهیز میکند که طی ماههای گذشته تولید در این کارخانه رونق زیادی گرفته است بطوریکه کارگران این کارخانه در سه شیفت و بطور شبانه روزی مشغول بکارند بنابراین آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، این

اعتصاب روز چهارشنبه نیز ادامه داشت و کارفرما در مقابله با اعتصاب روز پنج شنبه و جمعه را تعطیل اعلام کرد. کارگران نورد لوله صفا مصمم به ادامه اعتصاب خود تا رسیدن به خواست هایشان هستند.

ویژه نامه روز جهانی زن را از آدرس زیر می توانید دانلود کنید.
http://www.2shared.com/document/SeWWNND5/8March2013-IRAN.html

یکی دیگر از اعضای کمیته ی هماهنگی دستگیر شد

بر اساس خبر رسیده به روز شمار کارگری در 18 اسفند 91آمده است : روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه ۱۳۹۱، ساعت ٦ صبح علی آزادی از اعضای کمیته هماهنگی در محل کارش در سنندج دستگیر شد. علی آزادی کارگر نانوایی فانتزی است.
لازم به ذکر است که وفا قادری، خالد حسینی، بهزاد فرج‌اللهی و حامد محمود نژاد نیز ساعت ٥ و نیم صبح با هجوم ماموران اطلاعات به منازلشان، دستگیر و بازداشت شده بودند.
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم کردن بازداشت کارگران و فعالین کارگری، خواستار آزادی بدون قید و شرط دستگیر شدگان شده است.

نامه دکتر فریبرز رئیس دانا از زندان به مناسبت هشت مارس

?http://www.2shared.com/document/FehgO4Ij/8March2013-IRAN.html

درود بر شما زنان ایران که روز جهانی زن را در این روزگارانِ دشوارِ نژندی‌ها گرامی می‌دارید
فریبرز رئیس‌دانا
تلاش شما در سال گذشته در ایران، پایه‌های مبارزه‌هایِ جهانی علیهِ ستم و سلطه، برای رهایی زنان البتّه در بعضی زمینه‌های محدود توانست در یکی دو مورد از شکل‌های حادِّ سرکوب و تبعیض علیه زنان به‌ظاهر تخفیف دهد. با این وصف جنبه‌های دیگری از رنج و بی‌عدالتی پُرآزارتر سر بر آورده‌اند.
بهبودهای محدود و صوری در حقوق زنان که حاصل فشار خواست‌های شما هست، برای شما حتّی به جنبه‌های ماندگار و مهم‌تر آزادی و برابری تبدیل نمی‌شوند. این تغییرات ظاهری نمی‌توانند نابرابری و نبودِ آزادی بنیادین در مناسبات اقتصادی و در ستم‌های نهادینه‌شده‌ی مضاعف علیه زنان را که در روابط کار جامعه و سیاست نهفته است از دید شما بپوشانند. در سال گذشته آثار بحران و تحریم، بیشترین تخریب را در زندگی کارگران طبقات متوسّطِ کم‌بنیه و بخش‌های گسترده‌ی روستانشینان کم‌درآمد به‌بار آورد. در تکانه‌های اقتصادی که موجب افزایش شمار بیکاران به بالای مرز 5 میلیون نفر، در حدود دو برابر شدن متوسّط قیمتِ کالاهای مصرفی مردم عادی و افزایش فقر و بی‌سرپناهی و انواع محرومیت‌ها شد، زنان، به‌ویژه زنان کارگر، زنانِ بیکار و زنان خانواده‌های آسیب‌دیده بیشترین رنج را دیده‌اند و بیشترین هزینه را پرداخت کرده‌اند. می‌دانم که شما بار این مصیبت‌ها را مستقیم و نامستقیم بیشتر از دیگران درک کرده‌اید. این راپایداریتان برای استقلال همه‌جانبه‌ی زنان در متن مبارزه‌ی کامل برای رهایی همگانی از همه‌ی شکل‌های ستم و بهره‌کشی نشان داده است.
حضور مقاوم زنان زندانی سیاسی آزادی‌خواه و برابری‌طلب در همسایگی ما در این زندان، در تلاش بی‌وقفه‌ی شما در عرصه‌های سخت زندگی برای یاری‌رساندن به ما، به خانواده‌های‌مان، به دوستان و آزادی‌خواهان، بی‌اغراق اصلی‌ترین نیروبخش ما بوده است.
حضور سرزنده‌ی شما نشان می‌دهد که نه تنها حذفِ سرکوب و تبعیض جنسیتی، بلکه ریشه‌کنی بهره‌کشی و سلطه‌ی طبقاتی، انواع ستم، خودکامه‌گی، جهل و خرافه‌پرستی را در کنار ستیز علیه سیطره‌ی امپریالیستی و جنگ افروزی قدرت‌ها در همه‌ی جهان، در وجهه‌ی همّت خود دارید. تعمّق در این دوران باز به من ثابت کرد که رهایی قطعی همه‌ی ما جز با به‌کارافتادنِ نیروی جمعی و آگاهانه‌ی بخش وسیعی از شما میسّر نیست. پیشتر این آموزه‌ی فشرده را مبارزاتِ انسانیِ عصر ما به ما نشان داده بود.

همّت‌تان پایدار و پیروز روزتان گرامی باد
زندان اوین، اسفند 1391

تعرض مشترک کارفرمایان کمون پارتیله و اتحادیه کارگری علیه کارگران را محکوم می کنیم

فعالین جنبش لغو کار مزدی

اتحادیه های کارگری دنیا سلاح دست بورژوازی برای خفه ساختن هر جنب و جوش ضد سرمایه داری توده های کارگر هستند. این واقعیت عریان و عالمگیری است که فعالین جنبش لغو کار مزدی به طور مستمر بر آن تأکید کرده اند و به مناسبت های گوناگون با کارگران در میان نهاده اند.
اوضاع روز جهان آیینه تمام نمای این حقیقت است. نظام بردگی مزدی در گوشه، گوشه کره زمین و در لحظه لحظه زمان دست به کار سلاخی بهای نیروی کار و حداقل معیشتی طبقه کارگر است و اتحادیه ها همه جا، در انگلیس، آلمان، امریکا، اسپانیا، پرتقال، سوئد، نروژ و هر کجای دیگر با تدارک لازم برای تسلیم زندگی توده های کارگر به تیغ این سلاخی ها برنامه ریزی می کنند و برنامه های خود را لباس عمل می پوشانند. در همین راستا علیه فعالین رادیکال کارگری به هر دسیسه ای دست می یازند و از هیچ کار شنیعی فروگذار نمی کنند.
آنچه در کمون پارتیله (Partille) در ایالت موسوم به یوتالند غربی (Väster Göte land) در کشور سوئد رخ داده است نیز گوشه ای از همین همدستی های تنگاتنگ بورژوازی و اتحادیه کارگری علیه کارگران است. سرمایه داران دولتی حاکم در کمون پارتیله دو کارگر به اسامی آتبین کیان و ایرج یکه روستا را به جرم نمایندگی کارگران و ایفای نقش مؤثر در پیشبرد اعتراضات کارگری از کار اخراج کرده اند. اقدام زشت کارفرمایان با اعتراض وسیع همزنجیران دو کارگر اخراجی مواجه شده است. اتحادیه کارگری از جنایت کارفرمایان پشتیبانی و علیه اعتراض توده کارگر دست به مقاومت و توطئه زده است. اقدامی که سیره رایج اتحادیه است و خلاف آن قابل انتظار نیست. ما اخراج همزنجیران کارگر و تعرض مشترک سرمایه داران و اتحادیه برای خاموش ساختن صدای اعتراض کارگران را قویاً محکوم می کنیم. همزمان حمایت بی دریغ خویش را از مبارزات کارگران علیه سرمایه اعلام می داریم.
فعالین جنبش لغو کار مزدی
17 مارس 2013

نگاهی به لوایح و قوانین مربوط به زنان در یک سال گذشته

به نوشته سایت رادیو دویچه وله در 18 اسفند 91 آمده است : :لغو قانون تنظیم خانواده، تاسیس دانشگاه‌های دخترانه، کاهش ساعت کار زنان و ایراد شورای نگهبان به حذف مجازات سنگسار از جمله لوایح و قوانینی هستند که از ۸ مارس سال گذشته تا امسال بررسی و تصویب شده‌اند.
از اسفند ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۱، طرح‌ها و لوایح متعددی که مربوط به زنان بودند، در مجلس یا هیأت دولت مطرح و برخی از آنها هم به تصویب رسید. طرح اصلاح قانون گذرنامه را شاید بتوان جنجالي‌ترین این طرح‌ها دانست.
بر اساس این طرح که گفته شد از سوی دولت تهیه و به مجلس ارائه شده است، تمامی زنان زیر ۴۰ سال برای خروج از کشور نیازمند کسب اجازه از همسر، پدر یا ولی قانونی بودند.

مخالفت‌های گسترده با این طرح حتی در بین برخی زنان اصولگرا، سرانجام مجلس را وادار کرد تا این طرح را از دستور خارج کند.
در مقابل سر و صداهای زیادی که این طرح به پا کرد، اتفاق دیگری در سکوت خبری افتاد که تا کنون نیز بازتاب زیادی نداشته است. لایحه قانون مجازات اسلامی که پس از سر و صدای

فراوان بالاخره در صحن علنی مجلس تصویب و مجازات سنگسار از آن حذف شده بود، از سوی شورای نگهبان به مجلس پس فرستاده شد.
سخنگوی کمیسیون قضائی و حقوقی مجلس در گفتگو با خبرگزاری فارس در بهمن ماه امسال در این باره گفت: «در مورد رجم، مجموع نظریات این بود که اگر لفظ رجم یا سنگسار در قانون مجازات اسلامی نیاید، مناسب‌تر است. از این رو در پیش نویس لایحه مجازات اسلامی هم لفظ رجم آورده نشده بود اما شورای نگهبان در مورد این قضیه ایراد وارد کرد.»
تعیین سقف برای مهریه نیز سال گذشته در همین روزها به تصویب رسید. بر اساس این قانون، مهریه فقط تا سقف ۱۱۰ سکه "متعارف" تلقی مي‌شود و عدم پرداخت آن مستوجب زندان است و مهریه‌های بیشتر از این میزان، مشمول قانون مجازات عدم پرداخت نمي‌شود.
هرچند تصویب این قانون جلوی به زندان افتادن مردان به دلیل عدم توانایی پرداخت مهریه را مي‌گیرد اما از سوی دیگر تنها ابزار قانونی در دست زنان را که در مواقع ضروری و در شرایط نبود حمایت‌های قانونی دیگر چون حق طلاق، مي‌توانستند از آن استفاده کنند، از آنان ستانده است.

لغو قانون تنظیم خانواده و تصویب دورکاری زنان
تغییر سیاست دولت در مورد افزایش جمعیت، منتج به تصویب لایحه اصلاح قوانین تنظیم جمعیت و خانواده شد. این لایحه که در تیرماه به تصویب هیأت دولت رسید، ماده واحده‌ای دارد که در آن آمده: «از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون، قانون تنظیم خانواده و جمعیت مصوب سال ۱۳۷۲ و اصلاحات آن و نیز کلیه محدودیت‌ها و محرومیت‌هایی که در قوانین مختلف بر اساس تعداد فرزندان برای والدین شاغل یا فرزندان آنان ایجاد شده است، لغو مي‌گردد».
همزمان با تصویب این لایحه، لایحه تقلیل ساعت کاری زنان نیز در کمیسیون امور اجتماعی دولت تصویب شد. در این لایحه آمده است: «در راستای تحکیم خانواده و حمایت از زنان دارای شرایط خاص اجتماعي، ساعات کار زنان سرپرست خانوار دارای فرزند زیر ۷ سال، همسر یا فرزند معلول و مبتلا به بیماري‌های خاص یا صعب‌العلاج، حسب تقاضای کارکنان مشمول این قانون از ۴۴ ساعت به ۳۶ ساعت با حفظ حقوق و مزایا تقلیل مي‌یابد.»
در همین راستا، طرح استخدام دو زن به جای یک زن با ساعت کاری نیمه‌وقت نیز در اردیبهشت ماه اجرایی شد. بر اساس این طرح، به‌جای استخدام يك زن، دو زن در ادارات دولتی به‌صورت نیمه وقت استخدام مي‌شوند که ساعت کار و زمان حضور در اداره آنان نصف يك کارمند باشد و در عوض دریافتی و حق بازنشستگی و سایر مزایای آنها نیز به صورت نیمه خواهد بود.
این در حالی است که طبق تحقیقات انجام شده در کشورهای توسعه یافته، تصویب قوانین این چنینی که در ظاهر به نفع زنان به نظر مي‌رسد، موجب کاهش استخدام زنان شده و به تدریج آنان را از بازار کار دور مي‌کند.

محدودتر کردن فضاهای آموزشی برای دختران
در کنار مجلس و دولت، مرکز پژوهش‌های مجلس نیز سرگرم تنظیم وتهیه طرح‌هایی برای ارائه به مجلس است. از جمله این طرح‌ها مي‌توان به طرح الزام دانشگاه‌ها به پذیرش دانشجویان دختر در محل سکونت آنها اشاره کرد.
روابط عمومی مرکز پژوهش‌های مجلس در آذرماه امسال اعلام کرد که این طرح به منظور رفع مشکلات عدیده‌ای که از تحصیل دختران به دور از خانواده و محل سکونتشان ناشی مي‌شود ارائه شده است.
درآستانه برگزاری کنکور امسال نیز، ۳۶ دانشگاه ایران اعلام کردند که برای ۷۷ رشته کارشناسي، دختران را پذیرش نمي‌کنند. مقامات وزارت علوم همان زمان اعلام کرد که این تصمیم از سوی مسئولان دانشگاه‌ها گرفته شده و ربطی به این وزارتخانه ندارد. برخی دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه صنعت نفت اعلام کردند که رشته‌های آنها مردانه است و امکان کار برای دانش آموختگان دختر پس از فارغ التحصیلی وجود ندارد.
کامران دانشجو، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری تابستان امسال از راه‌اندازی دانشگاه‌های دخترانه در همه استان‌های کشور خبر داد. تاکنون دست‌کم مجوز ۱۶ دانشگاه تک‌جنسیتی

(دخترانه) صادر شده و تعدادی از این دانشگاه‌ها مانند "رفاه" و "ابرار" در تهران آغاز به کار کرده‌اند. رفسنجان، همدان، سمنان، میناب و قم از جمله شهرهایی هستند که شروع به تاسیس دانشگاه‌های دخترانه کرده‌اند.
سال گذشته رشته مطالعات زنان که از سال ۱۳۸۰ در دانشگاه‌های علامه طباطبايي، الزهرا و تربیت مدرس ایجاد شده بود، به مطالعات خانواده و حقوق زن در اسلام تغییر کرد.
این رشته که بعدها دانشگاه تهران و چند دانشگاه در شهرستان‌ها نیز آن را به دوره‌های کارشناسی ارشد اضافه کردند، در مقطع دکترا با چندین گرایش ارائه مي‌شد که یکی از آنها حقوق زن در اسلام بود. با مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی اما این رشته در مقطع کارشناسی ارشد نیز به رشته حقوق زن در اسلام تبدیل شد.

گسترش تحریم‌های اتحادیه اروپا علیه ایران

به نوشته رادیو صدای آلمان در 18 اسفند 1 آمده است : دیپلمات‌های اروپایی تایید کردند که اتحادیه اروپا هفته آینده لیست تازه‌ای از ایرانیان مشمول تحریم‌ها را نهایی خواهد کرد. این افراد به دلیل نقض حقوق بشر در ایران و نه به‌خاطر برنامه اتمی مناقشه‌برانگیز تحریم مي‌شوند.
پنج‌شنبه (۷ مارس/۱۷ اسفند) خبرگزاری رویترز گزارش داد که اتحادیه اروپا تحریم‌ها علیه ایران را افزایش خواهد داد. دیپلمات‌های اتحادیه اروپا تایید کردند که ۲۷ کشور عضو این اتحادیه هفته‌ی آینده ۹ مقام مسئول و تعدادی دیگر از ایرانیان را به دلیل نقض حقوق بشر در لیست افراد تحریمی قرار خواهند داد.
دیپلمات‌های اتحادیه اروپا تاکید کردند که تحریم پیش‌رو مربوط به تحریم‌هایی که علیه برنامه اتمی مناقشه‌برانگیز ایران تصویب شده نیست. بنا به گزارش رویترز این تحریم‌ها به دلیل نقض گسترده حقوق بشر در ایران است و افرادی که شامل این تحریم‌ها خواهند شد، در اکثر موارد ارتباطی با برنامه اتمی ایران ندارند.

اتحادیه اروپا پیشتر نیز برخی از مقامات ایرانی را مشمول تحریم‌ها کرده بود
اتحادیه اروپا پیش از این در طی چند سال مجموع ۷۸ ایرانی را به دلیل نقض حقوق بشر تحریم کرده است. صادق لاریجاني، رئیس قوه قضائیه ایران و عزت‌الله ضرغامي، رئیس سازمان صدا و سیمای ایران دو تن از افرادی هستند که پیش از این به دلیل نقض حقوق بشر در لیست تحریم‌های اتحادیه اروپا جا گرفتند.
قرار است دوشنبه آینده (۱۱ مارس/۲۱ اسفند) وزیران امور خارجه کشورهای عضو اتحادیه اروپا در جلسه‌ای درباره لیست تازه‌ی ایرانیان مشمول تحریم‌ها راي‌گیری نهایی را انجام دهند. رویترز گزارش داد که لیست کامل افراد تازه‌ای که مشمول تحریم شده‌اند بعد از این جلسه‌ی راي‌گیری اعلام خواهد شد.

تحریم‌های در پی گزارش احمد شهید
لیست تازه‌ی تحریم‌های اتحادیه اروپا چند روز بعد از اعلام آخرین گزارش سازمان ملل متحد درباره نقض گسترده حقوق بشر در ایران اعمال مي‌شود. احمد شهید، گزارشگر ویژه‌ی سازمان ملل درباره نقض حقوق بشر در ایران در آخرین گزارش خود اعلام کرد که آمار اعدام در ایران افزایش خطرناکی داشته است.
در آخرین گزارش سازمان ملل متحد درباره‌ی نقض حقوق بشر در ایران از حصر خانگی میرحسین موسوي، زهرا رهنورد و مهدی کروبی به عنوان یکی از جلوه‌های نقض گسترده حقوق انسانی در ایران نام برده شد.
بازداشت صدها روزنامه‌نگار، فعال حقوق بشر، فعال سیاسی و شکنجه زندانیان از دیگر موارد سرکوب و نقض حقوق بشر است که در این گزارش به آن توجه شده است. احمد شهید در گزارش خود تصریح کرده است که ۷۶ درصد افرادی که با او درباره دوران بازداشت خود صحبت کرده‌اند، مورد شکنجه قرار گرفته‌اند.
جمهوری اسلامی ایران در واکنش به گزارش مفصل احمد شهید، این گزارش را "جانبدارانه" و

"غیرمستند" دانست و اضافه کرد که این گزارش چیزی بیش از ادعاهای غرب علیه ایران نیست.
در گزارش ۷۷ صفحه‌ای احمد شهید که به شورای حقوق بشر سازمان ملل ارائه شد، از نبود انتخابات آزاد و منصفانه در ایران، تبعیض و سرکوب اقلیت‌های قومی و مذهبی و تبعیض علیه زنان به عنوان نمونه‌های دیگری از نقض سیستماتیک حقوق بشر در ایران یاد شده است.

تاخیر ۳ ماهه در پرداخت دستمزد کارگران نورد لوله صفا و پروفیل ساوه

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 18 اسفند آمده است : دو هزار و ۳۰۰ کارگر کارخانه‌های نورد لوله صفا و پروفیل ساوه در سه ماه گذشته حقوقی دریافت نکرده‌اند.
نماینده این کارگران با اعلام این خبر به ایلنا گفت: کارفرمای این دو کارخانه (نورد لوله صفا وپروفیل ساوه) از آذر ماه سال جاری به علاوه عیدی و پاداش پایان سال این تعداد کارگر را پرداخت نکرده است.
او با بیان اینکه بارها از سوی کارفرما وعده پرداخت حقوق به کارگران داده شده است، اظهار داشت: تجمعاتی را در این خصوص در مقابل ارگانهای مختلف همانند فرمانداری ساوه داشته‌ایم که متاسفانه تا کنون هیچ نتیجه‌ای در بر نداشته است.
این کارگر ادامه داد: کارگران در هفته جاری از روز سه شنبه بر سر کار خود حاضر نشده‌اند و کارفرما نیز روز پنجشنبه و جمعه را تعطیل اجباری اعلام کرده است.
این کارگر اضافه کرد: کارخانه نورد لوله صفا دارای تولید و بازار فروش خوبی است اما از دو سال گذشته، زمانی که تحریم‌ها هنوز به شدت امروز نبود کارفرمای این کارخانه حقوق کارگران را با تعویق پرداخت مي‌کرد.
او گفت: گراني‌های روز افزون کالاهای مصرفي، افزایش اجاره بهای مسکن، عقب افتادگی اقساط بانکی و... کارگران را در آستانه سال نو تحت فشار مضاعف اقتصادی قرار داده است.
گفتنی است پی گیری خبر نگار ایلنا برای گفتگو با کارفرمای کارخانه‌های نورد لوله صفا و پروفیل ساوه تا لحظه ارسال این خبر بی نتیجه بوده است.

آصفری:اگر امروز کارگرانی که با حقوق زیر ۸۰۰ هزار تومان خانواده‌ای را اداره مي‌کنند باید به کارگران مدال افتخار داده شود.

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 18 اسفند 91 آمده است :عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست‌خارجی می گوید: اگر امروز کارگرانی که با حقوق زیر ۸۰۰ هزار تومان خانواده‌ای را اداره مي‌کنند باید به کارگران مدال افتخار داده شود.
محمد حسن آصفری تصریح کرد: امروز فردی با حقوق زیر ۸۰۰ هزار تومان جز افراد فقیر ضعیف محسوب مي‌شود. امروز با ۸۰۰ هزار تومان نمي‌توان در شهرهای کوچک زندگی کرد چه برسد به زندگی در شهرهای کلان و در بخش کارگری افزایش ۲۰ درصد مشکلات کارگران حل نمي‌شود و کارگران باید در سال آینده حقوقشان دوبرابر افزایش یابد.
آصفری در رابطه با احتمال افزایش یارانه‌ها و اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها گفت: نمي‌توان قبل از بررسی بودجه در مجلس در این باره صحبتی کرد.
او تصریح کرد: دولت برای ادامه اجرای هدفمندی یارانه نیاز به مصوبه مجلس دارد و تا نمایندگان موضوع هدفمندی یارانه‌ها را در بودجه مصوب نکند و بودجه را بصورت قانون در نیاورند دولت نمي‌تواند تصمیمی در این خصوص بگیرد.
نماینده اراک افزود: تا زمانی که بودجه در مجلس به تصویب نرسد دولت نمي‌تواند یارانه پرداختی به مردم را افزایش دهد و اگر نمایندگان این موضوع را نیز در بودجه مصوب نکند هرگونه افزایشی خلاف قانون است، چراکه در این شرایط اقتصادی نمایندگان مخالف هرگونه افزایش و اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها هستند.
وی افزود: نمایندگان معتقدند برای اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها باید یک ثبات قیمت‌ها در کشور اجرایی شود و با این شرایط امکان دارد نمایندگان با افزایش قیمت پرداختی یارانه‌ها به مردم موافق باشند، ولی با اجرای فاز دوم هدفمندی مخالفت خواهند کرد.

آصفری تصریح کرد: برخلاف نظر احمدي‌نژاد ما معتقديم در بحث تورم کنترلی صورت نگرفته است و و وقتی مقایسه مي‌کنيم با اسفند سال گذشته مشاهده مي‌کنيم که از يک رشد بالايی برخوردار هستيم در حالی که در سال ۹۰، تورم ۱۹ درصد بود ولی امروز به ۳۵ درصد افزايش يافته است.
عضو کميسيون امنيت ملی و سياست خارجی با بيان اين مطلب که نظارت بر قيمت‌ها در اجرای فاز اول بدرستی از سوی دولت اجرايی نشد، گفت: بخش اعظم گرانی و تورم در اجرای هدفمندی يارانه در کشور ايجاد شده و اگر اجرای هدفمندی يارانه‌ها بطور دقيق و صددر صد اجرايی مي‌شد جلوی بخشی از تورم بي‌رويه را مي‌توانستيم بگيرم.

بیانیه 73
محمد جراحی را آزاد کنید

برپایه امیل دریافتی به روز شمار کارگری در 18 اسفند 91 آمده است : بنا به اخبار رسیده از زندان تبریز، پس ازتشخیص قطعی بیماری محمد جراحی که به سرطان بد خیم تیروئید،مبتلا شده است، مقامات قضایی تبریز هنوز اجازه نداده اند، او تحت مداوا قرار گیرد. این در حالی است که طبق نظر پزشکان وی مبتلا به سرطان بدخیم تیروئید بوده و خانواده ی وی نیز از مراکز درمانی تبریز وقت قبلی برای مداوای او گرفته اند. با این حال ماموران دادگستری و زندان تبریز از دادن مرخصی به این کارگر زندانی و اعزام او به بیمارستان خودداری کرده و عملا قصد جان وی را کرده اند. این فشار مضاعف و بازی کردن با جان زندانیان نشان از اوج ددمنشی و قساوت رژیم ضدبشری ولایت فقیه دارد.
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی ضمن محکوم کردن این اقدام خواستار آزادی فوری محمد جراحی برای مداوا در خارج از زندان است تا سلامتی کامل را بدست آورد. در همین راستا از تمامی احزاب و سازمان های انقلابی و نیز فعالین و تشکل های کارگری و نهاد های داخلی جهانی می خواهیم با اتحاد عمل و اعتراضات متحدانه برای آزادی وی تلاش کنند و اعلام می کنیم مسولیت هرگونه عواقب تاخیر در درمان محمد جراحی و به خطر افتادن جان وی مستقیما بر عهده ی حکومت جمهوری اسلامی است. جان محمد جراحی در خطر است و تنها راه برای نجات وی مبارزه و اعتراضات متحدانه و سراسری است.

دفاع از زندانیان سیاسی ضرورت حیاتی - تاریخی امروز است
پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
18/12/1391
www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

واژگونی اتوبوس حامل کارگران 4کشته برجای گذاشت

به نوشته سایت آفتاب در 19 اسفند 91 آمده است : فرمانده پليس‌راه استان مرکزی از واژگونی خونين اتوبوس حامل کارگران در محور ساوه - تهران خبرداد.
به گزارش ايسنا، سرهنگ مهدی حسنی در اين‌باره گفت: در ساعت ۷:۲۰ روزگذشته در پی اعلام مرکز فوريت‌های پليسی ۱۱۰ مبنی بر وقوع يک مورد واژگونی اتوبوس در کيلومتر ۵ محور قديم ساوه به تهران مقابل شهرک صنعتی کاوه، ماموران با هماهنگی ساير نيروهای امدادی به محل حادثه اعزام شدند.
وی ادامه داد: پس از حضور ماموران در محل و انجام بررسی های اوليه مشخص شد که سرعت بالای اتوبوس و ناتوانی راننده در کنترل خودرو در جاده لغزنده و برفی منجر به منحرف شدن خودرو و واژگونی آن شد.
به گفته فرمانده فرمانده پليس‌راه استان مرکزی در جريان اين حادثه چهار تن از سرنشينان

اتوبوس که کارگران یک شرکت در شهرستان ساوه بودند، مجروح و به بیمارستان انتقال داده شدند.
به گفته وي، با پيگيري‌های بعدی از بيمارستان ساوه مشخص شد که حال مجروحان اين تصادف رضايت‌بخش است.

اظهارات دبیرکل کانون عالی کارفرمایان در مورد حداقل دستمزد

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 19اسفند 91آمده است : دبیر کل کانون عالی کارفرمایان ایران می‌گوید: در صورتی که دولت مطالبات معوقه کارفرمایان بخش خصوصی را پرداخت کند با افزایش و پرداخت دستمزد واقعی به کارگران مشکلی نداریم.
محمد عطاردیان با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: در حال حاضر طلب معوقه مجموعه کارفرمایان خصوصی پیمانکار، مشاور و قطعه ساز از دولت به ۳۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد و تا این لحظه اقدام موثری در خصوص پرداخت این طلب صورت نگرفته‌است. در چنین شرایطی طبیعی است که بخش خصوصی با افزایش واقعی دستمزدها مخالفت کند.
وی همچنین در خصوص اینکه قرار بود بخشی از درآمد حاصل از هدفمند سازی یارانه‌ها بابت حمایت از تولید اختصاص یابد گفت: نه تنها این وعده اجرایی نشده بلکه در بخش تولید کارفرمایان بابت معوقه خود از دولت طلبکار هستند.
عطاردیان گفت: با این حال به عنوان کارفرما معتقدم که در شرایط کنونی حداقل مزد کارگران باید بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان تعیین شود.
وی یادآور شد: در صورتی که کارفرمایان توانایی داشته باشند تا این مبلغ را به عنوان حداقل مزد پرداخت کنند دریافتی کارگران با احتساب سایر مزایای نقدی تا ۲/۲ مقدار حداقل تعیین شده افزایش می‌یابد.
این فعال کارفرمایی افزود: با این حال در شرایط کنونی به دلیل شرایط سخت اقتصادی، کارفرمایان توانایی پرداخت این مبلغ را ندارند.
عطاردیان با بیان اینکه نه کارفرمایان و نه کارگران هیچکدام در بروز وضع نامناسب اقتصادی کنونی سهمی ندارند، گفت: این وضع بحرانی نتیجه اشتباهات مجموعه دولت است و خود مجموعه دولت باید برای خروج از این بحران عاقلانه چاره‌اندیشی کند.
دبیر کل کانون عالی انجمن‌های صنفی کارفرمایی ایران در خصوص اختصاص کمک‌های غیر نقدی و کالایی به کارگران در سال ۹۲ گفت: اینکه از کارگران حمایت شود خوب است اما در حال حاضر دولت خود بابت پرداخت نقدی یارانه به ۷۵ میلیون نفر گرفتار است.
وی بابیان اینکه دولت به جای پرداخت نقدی باید مطالبات واقعی شرکای اجتماعی را پرداخت کند، گفت: کمکهای نقدی چون یارانه و عیدانه باید به اقشار آسیب پذیر واقعی پرداخت شود.

مرگ یک زن کارتن خواب در مشهد/ مرگ مشابه هشت نفر در شیراز

به نوشته روزنامه خراسان در 19 اسفند 91 آمده است : که یک زن جوان حدودا ۳۵ ساله کارتن خواب در پارک باغ آلو در مشهد بر اثر سرما جان باخت.
به نوشته این روزنامه، هویت این زن جوان تاکنون مشخص نشده است اما بازپرس ویژه قتل اعلام کرده که وی یک کارتن خواب بوده است که در بررسي‌های اولیه جسد احتمالا بر اثر سرما جان باخته است. جسد این زن برای معاینات پزشکی به پزشکی قانونی مشهد منتقل شده است.
در همین حال گزارش های غیر رسمی حاکی از مرگ ۸ کارتن خواب در شیراز در ۱۰ روز گذشته است. این افراد هم از سرما یخ زده و فوت شده اند و اجساد آنها در محله های دروازه شیراز، ترمینال مسافربری و فلکه فرودگاه به سمت بوشهر توسط پلیس از معابر عمومی جمع آوری شده است.
با وجود تبلیغات رسانه های حکومتی مبنی بر ساماندهی کارتن خواب ها و راه اندازی خانه های امن در زمستان برای آنها، همه ساله در فصل زمستان موارد متعددی از مرگ کارتن خواب ها شنیده می شود که موارد معدودی از آن به رسانه ها راه می یابد.

خودسوزی یک کارگر معدن در اصفهان در واکنش به فشار اقتصادی و فقر

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه از قول نشریه بهار در 19 اسفند 91 آورده است : یک مقام کارفرمایی از خودسوزی یک کارگر معدن در استان اصفهان خبر داد.
به گزارش کلمه، این خبر تلخ و دردناک در شرایطی منتشر می شود که نگرانی ها از تبعات انسانی شرایط ناگوار اقتصادی کشور همچنان رو به افزایش است و کارشناسان هشدار می دهند که در صورت افزایش نیافتن دستمزد کارگران به نسبت نرخ واقعی تورم، فجایع بزرگتری در راه است.
عبدالوهاب سهل‌آبادی رییس کانون انجمن صنفی کارفرمایان استان اصفهان با تایید این خبر، در توضیح آن به افزایش شدید هزینه‌های زندگی و در همین حال افزایش ۱۰ الی ۲۰ درصدی حقوق کارگران اشاره کرد که به گفته وی باعث افزایش ۵۰ درصدی هزینه‌های زندگی آنان شده است.
وی به نام و محل کار این کارگر و سرنوشت وی پس از خودسوزی اشاره نکرده است.
این مقام کارفرمایی در توضیح تبعات شرایط موجود، اشاره کرد که کارگران در اصفهان به جای دندان پر کردن، دندان کش شده‌اند، چرا که پرداخت هزینه‌های درمانی را ندارند! بر اساس گزارش ایسنا منطقه اصفهان، وی همچنین اعلام کرد که ۷۰ درصد حوادث محیطهای کار ناشی از مشکلات روحی کارگران است.
این در حالی است که سیاست های دولت و فضای حاکم بر کسب و کار هم ایمنی کار را در همه ابعاد فیزیکی و روانی آن از بین برده و هم باعث تنگناهای بیشتر برای جامعه کارگری شده است.
گسترش کم سابقه اعتراضات کارگري، از نشانه های این وضعیت بحرانی است که به رغم تلاش های گسترده نهادهای امنیتی برای سرپوش گذاشتن بر آنها، در ماههای اخیر بروز بیشتری داشته است. با این حال رییس صنف کارفرمایان اصفهان معتقد است که مشکلات بیش از اینهاست و کار به جایی رسیده که حتی کارگران با چهار پنج ماه حقوق عقب افتاده هم دست به اعتراض نمی زنند.
وی می گوید: کارگران ما نعمت هستند، چراکه مشکلات مالی کارفرمای خود را درک کرده و در حال حاضر در بسیاری از واحدهای صنعتي، آنان ۴ الی ۵ ماه از کارفرمای خود حقوقی دریافت نکرده‌اند و اظهار ناخشنودی هم ننموده‌اند و این در حالی است که اگر هزینه برق، آب و گاز واحدهای صنعتی یک روز به عقب بیفتد، ادارات مربوطه اقدام به قطع این موارد خواهند کرد.
پیش از این هم، با وجود محدودیت های رسانه اي، چند بار مواردی از خودسوزی کارگران به مطبوعات و سایت ها درز کرده که هیچ گاه واکنش درخوری ازسوی مسئولان رسمی نداشته است.
این در حالی است که در همین هفته گذشته در بلغارستان که از کشورهای پیشرفته غربی هم محسوب نمی شود، خودسوزی یک شهروند در اعتراض به استانداردهای پایین زندگي، باعث شد که شهردار شهر ورنا در بلغارستان مجبور به استعفا شود.
انقلاب در برخی کشورهای عربی نیز از خودسوزی یک جوان دستفروش در تونس به عنوان اعتراض به شرایط سخت اقتصادی و سختگیری های ماموران آغاز شد و به سرعت به سرنگونی چند دیکتاتور انجامید.
سال گذشته هم در روز ۱۲ بهمن یک کارگر گروه خودروسازی بهمن به نام مصطفی علیزاده که نامش در فهرست اخراجی های کارخانه قرار گرفته بود، در محوطه این کارخانه دست به خودسوزی زد.
در ابتدای همان سال هم رسانه ها از خودسوزی یک کارگر شهرداری در بوشهر خبر دادند و پیش از آن هم خبرهایی درباره خودسوزی یک کارگر در مقابل وزارت کار در رسانه ها منتشر شد.
اما نزدیک ترین مورد خودسوزی یک کارگر، مربوط به اواخر دی ماه امسال است که یک کارگر ۳۷ ساله در خیابان دماوند تهران اقدام به خودسوزی کرد. روزنامه بهار درباره این واقعه نوشت:
رهگذرهایی که سه‌شنبه شب گذشته، ساعت ۲۱ و ۲۵ دقیقه، در خیابان دماوند تقاطع

سبلان بودند اتفاقی را با چشم‌هاي‌شان دیدند که شاید به این زودي‌ها از یادشان نرود؛ اتفاقی که یک انسان و شعله‌های سر به آسمان زده آتش، دو عامل به وجود آورنده آن بودند. ماجرا از آنجا آغاز شده که یک مرد ۳۷ ساله که کارگر هم بوده، بعد از جر و بحث با صاحب‌کارش، آن‌قدر عرصه را برخود تنگ دیده که تصمیم گرفته است به خیابان دماوند تقاطع سبلان بروند، تقاطع سبلان و خودش را بسوزاند و با مرگ از فشارها نجات پیدا کند. اول خبر را ظهر روز گذشته ماموران کلانتری ۱۲۷ نارمک دادند و بعد مسئولان اورژانس تهران در گفت‌وگو با «بهار» آن را تایید کردند.
بر اساس این گزارش، پلیس گفته است که سه‌شنبه شب فردی به نام پدرام خود را در برابر مردمی که در حال تردد بودند در خیابان دماوند پایتخت به آتش کشیده است. پلیس دلیل خودسوزی این مرد را اختلافات مالی اعلام کرده و گفته است که مرد مصدوم توسط اورژانس به بیمارستان منتقل شده است. اما حسن عباسی مدیر روابط عمومی اورژانس تهران در گفت‌وگو با «بهار» اطلاعات دقیق‌تری در این مورد دارد: «ساعت ۹ و ۲۵ دقیقه سه‌شنبه شب بود که اورژانس تهران از طریق آتش‌نشانی در جریان یک حادثه خودسوزی در تقاطع سبلان خیابان دماوند قرار گرفت. کارشناسان اورژانس بعد از هشت دقیقه و وقتی که آتش‌نشانی آتش را خاموش کرده بود، به محل حادثه رسیدند.»
او مي‌گوید که این مرد ۳۷ سال سن داشته و در این حادثه ۶۰درصد سوخته است: «زمانی که اورژانس این مرد را تحویل گرفت مي‌توانست حرف بزند. او مي‌گفت که من خودسوزی نکرده‌ام و صاحب‌کارم از بالای سرم روی من آب داغ ریخته است. این‌طور که معلوم بود او به دلیل مسائل مالی با صاحب‌کارش جر و بحث کرده بود و بعد به خیابان آمده و از شدت ناراحتی خود را به آتش کشیده بود.» اورژانس این مرد را آن شب به بیمارستان مطهری منتقل کرده است؛ بیمارستانی که معمولا افرادی که دچار چنین حوادثی مي‌شوند به آن انتقال داده مي‌شوند. تماس‌های «بهار» برای گرفتن اطلاعاتی در مورد وضعیت کنونی این مرد با کارمندان این بیمارستان بي‌نتیجه ماند و مدیریت این بیمارستان گفت که نمي‌تواند اطلاعاتی در این مورد در اختیار رسانه‌ها قرار دهد.

تعطیلی ۶۰ درصد کارخانه های فرآوری گوشت

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 20 اسفند 91 آمده است : مدیرعامل تعاونی تولیدکنندگان فرآورده‌های گوشتی با انتقاد از عملکرد مسئولان وزارت جهاد کشاورزی و صنعت گفت: تنها ۴۰ درصد کارخانه‌ها فعال هستند.
سیدمحمد موسوی در گفت‌وگو با تسنیم، گفت: طی دوسال گذشته حدود ۶۰۰ هزار نفر و با خانواده آنها حدود ۳ میلیون نفر از طریق این صنعت امرار معاش مي‌کردند این در حالیست که اکنون ۳۰درصد کارخانه‌ها تعطیل، ۳۰درصد نیمه تعطیل و تنها ۴۰درصد با وجود مشکلات متعدد فعال هستند.
وی با اشاره به گران شدن مواد اولیه و دشواري‌های تهیه آن برای کارخانه‌های فراورده‌های گوشتی بیان کرد: بارها از دولت درخواست معافیت مالیات ۵ درصدی از فرآورده‌های گوشتی را دادیم اما این درخواست با بی توجهی روبرو شده است.
موسوی با اشاره به اینکه طی دو سال گذشته تولید سالیانه فرآورده‌های گوشتی در کشور ۴۵۰هزار تن بود گفت: طی دو سال گذشته ورود گوشت به تشکل‌ها و بعضی از صاحبان صنعت سپرده شده بود ، اما در سال ۹۰ تشکیلاتی بدون رعایت قانون و بدون در نظر گرفتن مصالح عمومی و مصرف کنندگان با انگیزه سلطه به بازار گوشت با پشتیبانی برخی نهادها، به نام مجمع عالی واردات مواد پروتئینی واردات گوشت را به عهده گرفتند.
وی تأکید کرد: در اوایل سال گذشته سقفی برای واردات گوشت از سوی وزارت جهاد کشاورزی تعیین و تمام اختیارات واردات به این مجمع و کارگروه محول شد که به دلیل عدم رعایت سقف واردات و معاملات صوري، مشکلات بسیاری در زمینه گوشت برای مصرف‌کننده و تولیدکننده به وجود آمد وهمچنان ادامه دارد.
مدیرعامل اتحادیه تعاونی فرآوردهای گوشتی کشور با تاکید بر اینکه خواستار معافیت مالیات ۵ درصدی از فرآوردهای گوشتی هستیم، گفت: دولت باید برای تولید کنندگان این صنعت ارز

۱۲۲۶ تومانی اختصاص دهد.
موسوی ادامه داد: درحال حاضر تعیین قیمت براساس تعریف مواد اولیه و هزینه‌های جانبي، مشکلات بزرگی را به تولیدکنندگان تحمیل کرده و لازم است مسئولان سازمان حمایت با تشکیل کمیته‌ای از نمایندگان تشکل‌ها و تولیدکنندگان، نسبت به تعیین قیمت محصولات گوشتی اقدام کنند.
مدیرعامل تعاونی تولیدکنندگان فرآورده‌های گوشتی با اشاره به بیان مشکلات این صنعت از طریق نامه برای رئیس دولت، اظهار داشت: پاسخ آن نامه برایمان ارسال شد اما نتیجه مثبتی نداشت، یعنی وعده‌هایی که در پاسخ نامه داده شده بود محقق نشد.

اخراج کارگران در کارخانه‌های چوکا، فولاد، خاور و ایران پوپلین

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20اسفند آمده است : نماینده مردم رشت در مجلس با ابراز نگرانی از اخراج کارگران در آستانه سال جدید، اعلام کرد: مشکلاتی که باعث اخراج کارگران از برخی واحدهای تولیدی استان شده است، باعث می شود نتوانیم ظرفیت قبلی اشتغال خود را حفظ کنیم.
به گزارش خبرنگار ایلنا از گیلان، «جبار کوچکی نژاد ارم ساداتی» در جریان دیداری مردمی اظهار کرد: به دلیل عدم پرداخت سهم تولید در قانون هدفمندی یارانه‌ها، بخش تولید با مشکلاتی جدی مواجه شده است.
این نماینده مجلس از کارخانه‌های «چوکا»، «فولاد»، «خاور»، «ایران پوپلین» و... به عنوان واحدهایی که به دلیل تعهد شکنی دولت در پرداخت سهم تولید اقدام به اخراج کارگران خود کرده‌اند نام برد و گفت: از میان این کارخانه‌ها «خاور» و «ایران پوپلین» رشت در معرض تعطیلی کامل قرار دارند.
کوچکی نژاد درباره دلایل عدم رسیدگی به مشکلات «صنایع پوشش ایران» یاد آور شد: صاحب قبلی پوشش با حکم دادگاه این واحد را تحویل گرفته است.
وی بیان داشت: مالك صنایع پوشش ایران حتی با حضور در دفتر کار من تعهد داد که این واحد را مجدداً راه اندازی کنند و ما هم به دستگاههای نظارتی گفتیم هم مراقبت کنند و هم کمک کنند که اگر او مي‌خواهد کارخانه را راه اندازی کند یاری اش دهند.
عضو مجمع نمایندگان گیلان در مجلس با ابراز تمایل خود در جهت راه اندازی مجدد صنایع پوشش ایران، متذکر شد: مدیرعامل پوشش یک سری حرکاتی را در این واحد انجام داد و باعث نگرانی کارگران شده و باید به هر نحوی با کارگران به تفاهم برسد تا بتواند به کار خود ادامه دهند.

نماینده مردم رشت خبر داد:
اخراج کارگران در کارخانه‌های چوکا، فولاد، خاور و ایران پوپلین

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20اسفند آمده است : نماینده مردم رشت در مجلس با ابراز نگرانی از اخراج کارگران در آستانه سال جدید، اعلام کرد: مشکلاتی که باعث اخراج کارگران از برخی واحدهای تولیدی استان شده است، باعث می شود نتوانیم ظرفیت قبلی اشتغال خود را حفظ کنیم.

به گزارش خبرنگار ایلنا از گیلان، «جبار کوچکی نژاد ارم ساداتی» در جریان دیداری مردمی اظهار کرد: به دلیل عدم پرداخت سهم تولید در قانون هدفمندی یارانه‌ها، بخش تولید با مشکلاتی جدی مواجه شده است. این نماینده مجلس از کارخانه‌های «چوکا»، «فولاد»، «خاور»، «ایران پوپلین» و... به عنوان واحدهایی که به دلیل تعهد شکنی دولت در پرداخت سهم تولید اقدام به اخراج کارگران خود کرده‌اند نام برد و گفت: از میان این کارخانه‌ها «خاور» و «ایران پوپلین» رشت در معرض تعطیلی کامل قرار دارند.

کوچکی نژاد درباره دلایل عدم رسیدگی به مشکلات «صنایع پوشش ایران» یاد آور شد: صاحب قبلی پوشش با حکم دادگاه این واحد را تحویل گرفته است. وی بیان داشت: مالك صنایع پوشش ایران حتی با حضور در دفتر کار من تعهد داد که این واحد را مجدداً راه اندازی کنند و ما هم به دستگاههای نظارتی گفتیم هم مراقبت کنند و هم کمک کنند که اگر او می‌خواهد کارخانه را راه اندازی کند یاری اش دهند.

عضو مجمع نمایندگان گیلان در مجلس با ابراز تمایل خود در جهت راه اندازی مجدد صنایع پوشش ایران، متذکر شد: مدیرعامل پوشش یک سری حرکاتی را در این واحد انجام داد و باعث نگرانی کارگران شده و باید به هر نحوی با کارگران به تفاهم برسد تا بتواند به کار خود ادامه دهند.

پایان پیام

بازداشت شریف ساعد پناه

بنا به گزارش رسیده به روز شمارکارگری در تاریخ 20 اسفند 91 آمده است : بعد از ظهر روز یکشنبه ۲۰ اسفند ماه ۱۳۹۱ ، شریف ساعد پناه، توسط نیروهای امنیتی در منزلش دستگیر شد.
شریف ساعد پناه از فعالین کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران است که نیروهای امنیتی با هجوم وحشیانه به منزلش، وی را دستگیر و بازداشت کردند. لازم به ذکر است که چندین نفر از نیروهای اطلاعاتی و امنیتی برای بازداشت شریف ساعد پناه به منزل او یورش برده بودند.
همچنین امروز وفا قادری از اعضای بازداشتی کمیته هماهنگی تماس تلفنی کوتاهی با خانواده‌اش داشت. بنا به گزارشات رسیده، وفا قادری در سلول انفرادی نگه داری می شود اما از وضعیت دیگر اعضای بازداشتی کمیته ی هماهنگی خبری در دست نیست.
کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضمن محکوم کردن بازداشت شریف ساعد پناه ، خواستار آزادی فوری وی و کلیه فعالین کارگری زندانی می باشد.

تهدیدهای جدید علیه فعالان کارگری

در آستانه ی روز زن و در سالگرد روزي که با یاد کشتار کارگران زن صنایع نساجی در شهر شیکاگو در سال 1886، همه ساله برگزار می شود، مقامات انتظامی و امنیتی حملات جدیدی را علیه فعالان کارگری سازمان داده اند.
دستگیری تعدادی از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری (علی آزادی، وفا قادری، خالد حسینی، بهزاد فرج‌اللهی و حامد محمود نژاد) در شهر سنندج و یکی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران (شریف ساعدپناه) ، در راستای تهدیدهای هر ساله، برای جلوگیری از برگزاری هر گونه مراسمی است.
هم زمان هک و محو وبلاگ کانون مدافعان حقوق کارگر، نشانگر برنامه ریزی برای ایجاد محدودیت های جدید در برابر دفاع از حقوق کارگران و زنان است.
بارها مقامات امنیتی بی تاثیر بودن این اقدامات را در جهت گسترش فعالیت های کارگری و دفاع از حقوق زنان امتحان کرده اند. اما هم چنان بر این گمان باطل هستند که این اعمال، ندای آزادی خواهی و دفاع از حقوق زحمت کشان را خاموش می کند. غافل از این که تا ظلم و ستم و بی حقوقی اکثریت قاطع مردم این دیار ادامه دارد، مبارزه و حق طلبی و خواست دگرگونی نظام سرمایه ، هم چنان پابرجا خواهد بود.
ما ضمن محکوم کردن این اعمال خواستار آزادی فوری و بدون قید و شرط کلیه دستگیرشدگان و رفع محدودیت های اعمال شده بر مدافعان حقوق کارگران و زنان هستیم.
کانون مدافعان حقوق کارگر
20 اسفند 1391

تجمع بیش از 700 کارگر صنایع فلزی در مقابل استانداری تهران در اعتراض به عدم دریافت 4 ماه حقوق

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20اسفند آمده است : بیش از ۷۰۰ کارگر کارخانه‌های ۱ و ۲ صنایع فلزی ایران در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه حقوق معوقه به همراه عیدی و پاداش پایان سال صبح امروز (یکشنبه ۲۰ اسفند) در مقابل ساختمان فرمانداری تهران واقع در خیابان بهار تجمع کردند.
صبح امروز بیش از ۷۰۰ نفر از کارگر ان و بازنشستگان کارخانه صنایع فلزی ایران در مقابل ساختمان استانداری تهران تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، بیش از ۷۰۰ کارگر کارخانه‌های ۱ و ۲ صنایع فلزی ایران در اعتراض به عدم دریافت ۴ ماه حقوق معوقه به همراه عیدی و پاداش پایان سال صبح امروز (یکشنبه ۲۰ اسفند) در مقابل ساختمان استانداری تهران واقع در خیابان بهار تجمع کردند.
در این تجمع علاوه بر کارگران شاغل در دو کارخانه صنایع فلزی ایران، تعدادی از بازنشستگان این واحد تولیدی نیز در اعتراض به آنچه بي‌توجه‌ای صاحبان کارخانه صنایع فلزی ایران در پرداخت سنوات بازنشستگي‌شان عنوان مي‌کردند، آنان را همراهی مي‌کردند.
به گفته یکی از کارگران حاضر در تجمع، اعتراض امروز کارگران و بازنشستگان صنایع فلزی در مقابل فرمانداری علاوه بر دریافت نکردن حقوق ماهای آذر، دي، بهمن و اسفند و عیدی پایان سال، در پی عدم تحقق قولهایی است که استاندار تهران در جمع همه کارگران وعده حل مشکلات را داده بود که متاسفانه هیچ نتیجه‌ای تا هم اکنون برای کارگران در بر نداشته است.
او افزود: با وجود اعتراضات مکرر بازنشستگان و شاغلین در خصوص عدم دریافت مطالبات‌شان، و قولهای بي‌نتیجه مسئولان دولتی و بی توجه‌ای کارفرمای کارخانه، متاسفانه ناچاریم تا رسیدن به خواسته صنفی خود به تجمعات خود ادامه دهیم.
این کارگر در مورد مطالبات بازنشستگان اضافه کرد: کل سنوات بازنشستگان این دو کارخانه دو میلیارد و دویست میلیون تومان است که این رقم بعد از گذشت بیش از ۵ سال از بازنشستگی کارگران و کاهش شدید ارزش پول ملی هنوز به آنان پرداخت نشده است.
به گزارش خبرنگار ایلنا حاضر در این تجمع، تا لحظه ارسال این خبر هیچ یک از مسئولان فرمانداری تهران برای پاسخگویی به کارگران حاضر نشداند

صبح امروز:تجمع اعتراضی کامیون داران در مقابل مجلس

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20 اسفند آمده است : تعدادی از کامیون دارانی که کامیون‌های فرسوده خود را به منظور تعویض با کامیون‌های جدید به ایران خودرو سپرده بودند، در اعتراض به تحویل نگرفتن کامیون‌های جدید در مقابل مجلس تجمع کردند.
تعدادی از کامیون داران در اعتراض به عدم تحویل خودروهای جدیدشان در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، تعدادی از کامیون دارانی که کامیون‌های فرسوده خود را به منظور تعویض با کامیون‌های جدید به ایران خودرو سپرده بودند، در اعتراض به تحویل نگرفتن کامیون‌های جدید در مقابل مجلس تجمع کردند

تجمع بستگان فعالین کارگری بازداشتی سنندج در مقابل اداره اطلاعات

به گزارش رسیده،به روزمار کارگری در تاریخ 20 اسفند 91 آمده است : خانواده های ۵ عضو بازداشتی کمیته ی هماهنگی در سنندج، در روزهای شنبه ۱۹ اسفند و یکشنبه ۲۰ اسفند در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج تجمع نموده و ضمن پیگیری وضعیت عزیزانشان خواهان آزادی آنان شدند. بنا بر این گزارش مامورین اطلاعات دیروز شنبه به خانواده ها پاسخهای متناقضی داده اند. به طور مثال به یکی از خانواده ها گفته شد که تا یك هفته دیگر پرونده آنها را جمع می کنیم و به دادگاه می فرستیم. در صورتی که به خانواده دیگری گفته بودند که در

اینجا تجمع نکنید و بروید سه هفته دیگر مراجعه کنید.
همچنین امروز ۲۰ اسفند در پی تجمع تعداد بیشتری از بستگان فعالین کارگری بازداشتی در سنندج در مقابل اداره اطلاعات این شهر، مامورین نیروی انتظامی در محل حاضر شده و به صحبت با خانواده ها پرداختند و سعی در قانع کردن خانواده ها به انصراف از تجمع داشتند. در پایان این تجمع خانواده های این فعالین کارگری مصرانه خواهان آزادی فوری افراد بازداشتی شده و اعلام کرده اند که تا آزادی افراد بازداشتی به این تجمع ها ادامه خواهند داد.
اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمك به ایجاد تشکل های کارگری به نام های وفا قادری، سید خالد حسینی، علی آزادی، بهزاد فرج الهی و حامد محمودنژاد با هجوم مامورین اطلاعات به منازل و محل های کارشان در روز پنج شنبه ۱۷ اسفند بازداشت شده و تاکنون از وضعیت و اتهامات وارده به آنها اطلاعی در دست نیست.
کمیته ی هماهنگی برای کمك به ایجاد تشکل های کارگری خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط ۵ عضو بازداشتی خود در سنندج و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین دربند و زندانیان سیاسی می باشد.

چهارمین تجمع کارگران قند اهواز طی ۲ هفته

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 20 اسفند آمده است : صبح امروز بیش از ۷۰ نفر از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز برای اولین بار در هفته جاری و چهارمین بار طی دو هفته اخیر در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.
نماینده کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز در باره تجمع امروز کارگران به ایلنا گفت: صبح امروز (یکشنبه ۲۰ اسفند) بیش از ۷۰ نفر از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز برای چندمین بار در اعتراض به عدم دریافت ۲۶ ماه حقوق در مقابل استانداری اهواز تجمع کردند.
حسن لویمی افزود: متاسفانه بانک‌های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه هیئت دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز مي‌زنند که همین مشکل تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از طرفین، مسئولیتی در قبال مشکلات این کارخانه و کارگران بیکار برعهده نمي‌گیرند.
این کارگر افزود: مطالبات کارگران کارخانه قند اهواز قانونی است و مسئولان استانی و کشوری حداقل نسبت به دریافت نکردن ۲۶ ماه حقوق کارگران مي‌توانند واکنش مسئولانه‌ای داشته باشند.
نماینده کارگران قند اهواز با اشاره به اینکه تا کنون کارگران این کارخانه چندین بار جهت دریافت مطالبات قانونی خود دست به تجمع زده‌اند، اظهار داشت: با اینکه تجمع و اعتراضاتی در خصوص حل مسائل صنفي‌مان انجام مي‌دهیم متاسفانه تاکنون هیچ یک از مسئولان ارشد استانداری خوزستان حتی حاضر نیستند خواسته کارگران را بشنوند.
او در این زمینه اظهار داشت: با وجود تجمعات متعددی که در مقابل ساختمان استانداری خوزستان صورت مي‌گیرد هیچ یک از مسئولان استانداری بویژه شخص استاندار حاضر به پاسخگویی به مشکلات کارگران نیست و محول شدن مشکلات کارگران به مسئولان پایین دستی نیزجدی گرفته نمي‌شود

تاکید مجدد صالحی بر رفع تحریم:اطلاعاتی دارم که فعلا قابل بیان نیست

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در 21 اسفند 91 آمده است : وزیر امورخارجه کشورمان گفت: اطلاعاتی دارم که در حال حاضر قابل بیان نیست ولی سال آینده سال نویدبخشی در خصوص رفع تدریجی تحریم ها خواهد بود.
به گزارش خبرنگار مهر، علی اکبر صالحی وزیر امور خارجه کشورمان در نشست خبری مشترک با ناسیو آریو فاری باگو وزیر امور خارجه بنین گفت: جمهوری اسلامی ایران با ابتکارات، نشاط سیاسی و توانمندي‌های خود تحریم ها را تا جایی که امکان داشته دور می زند و در بحث قابل توجهی آنها را بلااثر می کند.

وی با تاکید بر اینکه ما ساکت ننشسته ایم که آنها هر کاری که می خواهند بکنند، اظهار داشت: امیدواریم با چشم انداز پیش رو شاهد رفع تدریجی تحریم ها باشیم.
وی تاکید کرد: دفعه گذشته نیز که این مطلب را عنوان کردم براساس اطلاعاتی که در اختیار دارم گفتم که اکنون قابل بیان نیست.

صالحی تصریح کرد: سال آینده در خصوص رفع تدریجی تحریم ها سال نویدبخشی خواهد بود.
جمهوری اسلامی ایران با عزت و قدرت جلو می رود و به عنوان پیشتاز در خط مقدم جبهه در این چالش بزرگ که شکل اقتصادی گرفته آرام آرام سربلند بیرون می آید.
وی افزود: ما فرض را بر این گذاشته ایم که طرفین علاقه مند به حل و فصل موضوع هسته ای هستند و اگر وقتی را برای حل و فصل این موضوع در نظر بگیریم الان بهترین زمان است.

تجمع خانواده های بازداشت شدگان کارگران سنندج در مقابل اداره اطلاعات

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... آمده است : صبح روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه علی آزادي، کارگر نانوایی فانتزي، در محل کار خود در سنندج، و وفا قادري، خالد حسيني، بهزاد فرج‌اللهی و حامد محمود نژاد نیز ساعت ۵ و نیم صبح روز پنج شنبه با هجوم ماموران اطلاعات به منازلشان، بازداشت شدند و تاکنون از وضعیت و اتهامات وارده به این ۵ فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری اطلاعی در دست نیست.
به گزارش تارنمای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگري، خانواده های این ۵ فعال کارگری در سنندج، در روزهای شنبه ۱۹ اسفند و یکشنبه ۲۰ اسفند در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج تجمع کرده و ضمن پیگیری وضعیت عزیزانشان خواهان آزادی آنان شدند.
بر اساس این گزارش مامورین اطلاعات به خانواده ها پاسخ های متناقضی داده اند. به طور مثال به یکی از خانواده ها گفته شد که تا یک هفته دیگر پرونده آنها را جمع می کنیم و به دادگاه می فرستیم. در صورتی که به خانواده دیگری گفته بودند که در اینجا تجمع نکنید و بروید سه هفته دیگر مراجعه کنید.
همچنین روز گذشته در پی تجمع تعداد بیشتری از بستگان فعالین کارگری بازداشتی در سنندج در مقابل اداره اطلاعات این شهر، مامورین نیروی انتظامی در محل حاضر شده و به صحبت با خانواده ها پرداختند و سعی در قانع کردن خانواده ها به انصراف از تجمع داشتند. در پایان این تجمع خانواده های این فعالین کارگری مصرانه خواهان آزادی فوری افراد بازداشتی شده و اعلام کرده اند که تا آزادی افراد بازداشتی به این تجمع ها ادامه خواهند داد.

دستمزد کارگران در سال آینده تعیین شد؛ ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان

به نوشته خبرگزاری دولتی مهر در 21 اسفند 91 آمده است : حداقل دستمزد سال آینده یازده و نیم میلیون کارگر و مشمول قانون کار ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان شد.
در نشست امروز دوشنبه شورای عالی کار که با حضور نمایندگان کارگران، کارفرمایان و دولت در محل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی برگزار شد، حداقل دستمزد سال آینده یازده و نیم میلیون کارگر و مشمول قانون کار ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان شد که نسبت به دستمزد سال ۹۱ معادل ۹۷ هزار و ۴۲۵ تومان افزایش یافته است.
برای تعیین و تصویب حداقل دستمزد سال آینده، در هفته‌های اخیر نشست‌ها و مذاکرات فراوانی بین گروه‌های کارگري، کارفرمایی و دولت برگزار شد اما در نهایت ۳ گروه بر سر رقم ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان هزارتومانی مزد که از ابتدای سال ۹۲ باید از سوی بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی مشمول قانون کار اجرا شود، به توافق رسیدند.
آخرین جلسه‌ای که پیش از این توسط شورای عالی کار برای تعیین حداقل دستمزد سالیانه برگزار شده است، در پایان اسفندماه سال ۹۰ بود که در آن زمان حداقل دستمزد سال جاری به میزان ۳۸۹ هزار و ۷۰۰ تومان تعیین شد.

دستمزد ۴۸۶ هزار تومانی برای سال سخت ۹۲ / جزئیات مصوبه مزد

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 21 اسفند آمده است : عضو کارگری شورای عالی کار از افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد کارگران در سال ۹۲ خبر داد.
محمد احمدی با اعلام این خبر به ایلنا گفت: درجلسه عصرامروز شورای عالی کارحداقل مزد کارگران درسال ۹۲ تعیین شد.
وی گفت: به موجب مصوبه این شورا حداقل دستمزد ۳۸۹ هزارتومانی کنونی ازابتدای سال آینده ۲۵درصد اضافه خواهد شد.
براین اساس حداقل مزد کارگران با حدود ۹۷ هزار تومان افزایش به مبلغ ۴۸۶ هزار و ۲۵۰ تومان افزایش یافت.
احمدی همچنین در خصوص مبنای افزایش سایر سطوح مزدی برای سال ۹۲ گفت: شورای عالی کار مبنای محاسبه سایر سطوح مزدی کارگران را مبلغ ۱۹۸۵ تومان به علاوه ۱۰ درصد تعیین کرد.
عضو کارگری شورای عالی کار در خصوص میزان پایه سنواتی کارگران برای سال ۹۲ نیز گفت: پایه سنواتی از مبلغ ۲۵۰ تومان به ۳۰۰ تومان افزایش یافت و مصوب شد که به تمامی کارگران قراردادی که حداقل یکسال دارای سابقه کار هستند مزایای پایه سنواتی تعلق بگیرد.
وی در خصوص میزان مزایای نقدی چون حق مسکن، حق بن و حق اولاد گفت: تعیین مبالغ این مزایا خارج از وظایف شورای عالی کار بوده و بر عهده هیات دولت است.

حداقل حقوق کارگران ۴۸۷هزار تومان تعیین شد

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 21 اسفند آمده است : شورای عالی کار متشکل از نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت در نشست امروز دوشنبه ۲۱ اسفند خود حداقل دستمزد سال آینده میلیون‌ها کارگر و مشمول قانون کار را تعیین و تصویب کرد.
بر پایه این گزارش، حداقل دستمزد سال ۹۲ که باید از سوی بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی مختلف کشور اجرا شود، به میزان ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان تعیین و تصویب شد.

تورم ۳۰ درصد، افزایش حقوق ۱۸ درصد!

به نوشته روزنامه خراسان در 21 اسفند 91 آمده است : می گوید یک پسر دانشجو و دختری دم بخت دارم. دختر و پسر دیگرم نیز معمولاً بیشتر روزهای هفته میهمانمان هستند. آن وقت بعد از ۳۰ سال خدمت فقط ۵۰۰ هزارتومان حقوق بازنشستگی می گیرم. گاهی از فرزندانم خجالت می کشم که نمی توانم حتی خواسته های ابتدایی آن ها را اجابت کنم. مانده ام عید امسال را چطور بگذرانیم! چه سفر برویم و چه در خانه پذیرای میهمان باشیم به هر حال توانایی پرداخت این هزینه های سرسام آور را ندارم.
وی ادامه می دهد: هر سال چند درصدی حقوقمان را افزایش می دهند ولی این رقم به اندازه حتی یک سوم نرخ تورم هم نیست. واقعاً ما بازنشستگان تا کی می توانیم صورتمان را با سیلی سرخ نگه داریم.

منتظر تاکسی هستم. خودروی مسافرکش جلوی پایم ترمز می کند. راننده، پیرمردی است که دستانش به وضوح می لرزد. دیدن مردی در این سن و سال در حین رانندگی برایم ناراحت کننده است. به سختی رانندگی می کند. در طول مسیر، سردرد دل راننده باز می شود و می گوید: دختر عقد کرده ای دارم که تهیه جهیزیه اش با یک حساب سرانگشتی و گرانی کالاها بیشتر از ۲۰ میلیون تومان می شود. با حقوق بازنشستگی که هیچ کاری نمی توانم انجام بدهم الان ۲ ماه است هر روز مسافرکشی می کنم. بزرگ خانواده هستم و همه از من توقع دارند مثل گذشته مهمان نواز باشم اما با این تورم و با این حقوق بازنشستگی نمی توانم!

تورم ۳۰ درصد، افزایش حقوق ۱۸ درصد!
درد دل و دغدغه این افراد بازنشسته و بسیاری دیگر از کسانی که بعد از سال ها کار و تلاش اکنون با موهای سپید دوران بازنشستگی را می گذرانند بارهاو بارها شنیده ایم و حتی به مسئولان انعکاس داده شده است اما سال هاست که نه تنها صدای آن ها در لابه لای بسیاری از دغدغه های سیاسی شنیده نمی شود بلکه انگار فراموش شده است که تصریح قانون درباره حقوق بازنشسته ها غیر از آن چیزی است که اکنون اجرا می شود. در ماده ۹۶ سازمان تامین اجتماعی به صراحت آمده است که این سازمان مکلف است میزان کلیه مستمری های بازنشستگي، از کارافتادگی کلی و مجموع مستمری بازماندگان رادر فاصله های زمانی که حداکثر از سالی یک بار کمتر نباشد با توجه به افزایش هزینه زندگی و با تصویب هیئت وزیران به همان نسبت افزایش دهد.
بر این مبنا حقوق بازنشستگان در سال ۹۲ باید حداقل ۳۰ درصد افزایش داشته باشد یعنی نرخی که بانک مرکزی به عنوان نرخ تورم اعلام کرده است. البته همه می دانیم در سال ۹۱ ایران تورمی بالاتر از این عدد را تجربه کرد اما حتی اگر به رقم رسمی اعلام شده هم دل خوش کنیم باید ۳۰ درصد افزایش حقوق بازنشستگی را شاهد باشیم اما خبرها حاکی از افزایش ۱۸ درصدی حقوق بازنشستگان است.

۱۸ درصد را به هیچ عنوان قبول نداریم
به تازگی روابط عمومی سازمان تامین اجتماعی در توضیحاتی اعلام کرد که میزان حداقل افزایش حقوق و مزایای بازنشستگان در سال ۱۳۹۲ بر اساس پیشنهاد مدیرعامل این سازمان به اعضای هیئت مدیره ۱۸ درصد است. بر مبنای این توضیح پیشنهاد مدیرعامل سازمان به هیئت مدیره حداقل افزایش از اول فروردین سال ۱۳۹۲ برابر ۱۸ درصد است و چنان چه حقوق فردی با اعمال این ضریب کمتر از یک صد هزار تومان افزایش یابد، حداقل افزایش حقوق به میزان صد هزارتومان اعمال می شود. ضمن آن که اگر بر اساس اعلام بانک مرکزی و تصمیم مراجع عالی درصد افزایش حقوق بیش از این میزان پیشنهاد شود، سازمان تامین اجتماعی آمادگی تامین اعتبارو پرداخت آن را خواهد داشت.
اگرچه این توضیحات به تازگی در اختیار رسانه ها قرارگرفت و نرخ افزایش ۱۸ درصدی مطرح شد اما رئیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی این میزان افزایش حقوق بازنشستگان را به هیچ عنوان قبول ندارد. علی اکبر خبازها می گوید: ۱۸ درصد افزایش حقوق نه از طرف ما پیشنهاد شده است و نه آن را قبول داریم. آن چه که توسط بانک مرکزی به عنوان نرخ تورم اعلام شده است مورد قبول ماست و ما این عدد را پی گیری می کنیم و منتظریم تا با برگزاری جلسه شورای عالی کار نرخ افزایش حقوق نیز مشخص شود.

قانون رعایت نمی شود
اما آیا نمایندگان مجلس نیز دغدغه و مشکلات بازنشستگان را می دانند ورقم ۱۸ درصدی افزایش حقوق این قشررا که متناسب با تورم نیست پی گیری می کنند؟
گفت وگو با تعدادی از نمایندگان مجلس نشان می دهد که بهارستان نشین ها هم نسبت به رعایت نشدن قانون و افزایش منطقی حقوق بازنشستگان معترض هستند. یکی از اعضای کمیسیون اجتماعی مجلس، با بیان این که افزایش ۱۸ درصدی حقوق بازنشستگان در سال ۹۲ دردی از مشکلات این قشر را دوا نخواهد کرد می گوید: با وجود آن که در قانون بر تناسب افزایش حقوق بازنشستگان با تورم تاکید شده اما شاهدیم که افزایش حقوق بازنشستگان متناسب با نرخ تورم نیست.
ضرغام صادقی درگفت وگو با خبرگزاری خانه ملت درباره انتقاد رئیس کانون بازنشستگان کشور از افزایش ۱۸ درصدی حقوق بازنشستگان درسال ۹۲، ادامه می دهد: واقعیت آن است که با توجه به نرخ تورم در کشور طبیعی است که بازنشستگان انتظار داشته باشند میزان افزایش حقوق آن ها با تورم همخوانی داشته باشد. به گفته وی بر اساس آمار ارائه شده بانک مرکزي، تورم در کشور بیش از ۲۵ درصد افزایش یافته که بدون شک این میزان تورم با افزایش ۱۸ درصدی حقوق بازنشستگان تناسبی ندارد. این نماینده مردم در مجلس نهم، با

تاکید بر این که افزایش حقوق بازنشستگان باید در اولویت های اختصاص بودجه قرار گیرد، تصریح می کند: با وجود آن که در قانون بر تناسب افزایش حقوق بازنشستگان با تورم تاکید شده است اما همچنان شاهد هستیم که این مهم عملیاتی نمی شود. وی با بیان این که هم اکنون در کشور حدود یک میلیون و ۱۵۰ هزار بازنشسته وجود دارد، خاطرنشان می کند: دستگاه های متولی از جمله وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی موظف هستند تا رسیدگی به این امر را در اولویت کاری خود قرار دهند زیرا این میزان حقوق دردی از بازنشستگانی که سالیان دراز با پرداخت حق بیمه به استفاده از آن در دوران کهولت سن امید بسته اند دوا نخواهد کرد. صادقی با تاکید بر این که همه دستگاه های متولی باید دست به دست هم دهند تا حقوق بازنشستگان متناسب با تورم افزایش یابد، می افزاید: با توجه به بالا بودن سن افراد بازنشسته و مشکلات پیش روی آن ها از جمله افزایش هزینه های درمان و... نیاز است تا حمایت ها از این قشر بیش از پیش گسترش یابد تا آن ها بتوانند گوشه ای از مشکلات خود را برطرف کنند.

سید امیرحسین قاضی زاده هاشمی سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس نیز با اشاره به قانون افزایش حقوق متناسب با تورم می گوید: بخشی از افزایش حقوق به اعداد و ارقامی که دولت در لایحه بودجه ارائه می کند و سقف اعتباراتی که به این امر تخصیص یافته، مرتبط است که این مسئله توسط نمایندگان بررسی می شود. وی خاطرنشان می کند: برای این افزایش حقوق مشکل قانونی وجودندارد بلکه رقم آن باید در بودجه پیش بینی شود که آن هم بر اساس پیش بینی دولت صورت می گیرد. وی با بیان این که رئیس جمهور در برنامه خبری سیما میزان افزایش حقوق کارکنان و بازنشستگان را ۲۰ درصد اعلام کرد می گوید: باید ببینیم آیا می توان این رقم را در مجلس کمی جابه جا کرد یا خیر! البته این موضوع به این مسئله بستگی دارد که منابع مالی که پیش بینی می کنیم چقدر قابل احصا باشد. ضمن آن که دولت از منابع مالی که می توان از آن ها استفاده کرد مطلع است و این اعداد و ارقام توسط دولت در بودجه سنواتی بررسی و درآمد و هزینه ها تراز می شود. یکی دیگر از نمایندگان مجلس نیز بر متناسب بودن افزایش حقوق بازنشستگان با واقعیت های جامعه تاکید می کند و می گوید: متاسفانه با وجود آن که در قانون خدمات کشوری بر افزایش حقوق متناسب با تورم تصریح شده اما در سال های گذشته دولت این رقم را ارائه نکرده است و همان زمان هم مجلس به این بخش از بودجه رای نداد. غلامرضا اسداللهی ادامه می دهد: در شرایط کنونی نیز با توجه به این که قدرت خرید کارمندان، کارگران و حقوق بگیران و بازنشستگان پایین آمده است و با توجه به گرانی های اخیر شرایط این گروه از افراد جامعه نسبت به گذشته نامطلوب شده ولازم است تا دولت برای این قشر افزایش حقوق بر مبنای تورم را لحاظ کند ضمن آن که مجلس هم تا حد توان به این موضوع کمک خواهد کرد تا بر اساس منابع درآمدی کشور که در بودجه احصا شده مطالبه این قشر از جامعه محقق بشود.

این عضو کمیسیون برنامه و بودجه با اشاره به رقم ۲۰ درصدی افزایش حقوق بازنشستگان که توسط رئیس جمهور مطرح شد در مقابل میزان تورم ۲۵ درصد که توسط بانک مرکزی اعلام شده است می افزاید: این امکان وجود دارد که در مجلس بین این ارقام تعادل ایجاد شود. به ویژه آن که تورم بسیار بالاتر از رقم اعلام شده است. وی خاطرنشان می کند: به هر صورت همه چیز بستگی به لایحه بودجه و رقم پیشنهادی رئیس جمهور دارد. ضمن آن که مجلس هم باید بودجه را متعادل کند و تا اندازه ای که قانون اجازه می دهد یا اقتضائات جامعه ایجاب می کند در ارقام و اعداد دخل و تصرف کند.

اسداللهی همچنین با بیان این که افزایش حقوق بر مبنای میزان تورم لازم الاجراست خاطرنشان می کند: البته امکان اصلاح لایحه قانون بودجه وجود دارد ودولت و نمایندگان می توانند در صورتی که شرایط جامعه ایجاب کند با شرایط خاص به قانون بودجه اصلاحیه بزنند همان طور که در همین اواخر چند اصلاحیه به قانون بودجه سال گذشته زدیم. وی تصریح می کند: با توجه به این که قدرت خرید قشر بازنشسته کشور پایین آمده است اگر قانون افزایش حقوق متناسب با تورم اجرا شود و رقمی که توسط دولت اعلام شده است افزایش پیدا کند کمک خوبی به این بخش از جامعه می شود تا در شرایط گرانی های اخیر کمتر در معرض آسیب قرار بگیرند.

تغییرات مدیریتی بازنشستگان را متضرر کرده است!
و اما رئیس سازمان تامین اجتماعی در دولت نهم و دهم بارها تغییرکرده و همین مسئله باعث شده است علاوه بر این که برنامه ریزی مشخصی در مورد حقوق بازنشستگان وجود نداشته باشد بلکه زمینه ای به وجود آمده تا حقوق بازنشستگان طبق آن چه که در قانون مقرر شده، افزایش پیدا نکند، نتیجه این موضوع نیز مشکلات فراوانی است که بازنشستگان با آن روبه رو هستند به ویژه مشکلات معیشتی.
قاضی زاده درباره این موضوع می گوید: به هر حال وزارت خانه ها نهادهای سیاسی هستند و این نوسانات می تواند روی آن ها تاثیر بگذارد. دولت بعدی هم برسر کار بیاید دوباره همه این مسئولان تغییر می کنند. در حالی که سازمان تامین اجتماعی سازمان بیمه ای است که ذی نفع های آن مشخص هستند. این سازمان ها باید خودشان انتخاب و خودشان هم اداره کنند. وی خاطرنشان می کند: البته ما در مورد نحوه گذران این مجموعه بحث داریم چرا که بسیار پرهزینه اداره می شوند و بهره وری آن ها پایین است و این امر به دلیل نبود ثبات مدیریت و همچنین مدیریت غیراصولی آن هاست. ولی عمده این سازمان های بیمه ای سازمان های عریض و طویل هستند که تعداد زیادی نیرو و بازنشسته دارند.
این کارکنان هزینه بر بوده و منابع سازمان را دچار استهلاک می کنند. وقتی منابعی که باید برای زمان بازنشستگی سرمایه گذاری می شده به گونه ای دیگر خرج می شود طبیعتاً توان آن ها را برای تنظیم این موارد کاهش می دهد.

اگر درآمدی باشد؛ توزیع می کنیم
در عین حال این سوال مطرح است که آیاراهکاری اجرایی برای افزایش حقوق بازنشستگان آن هم متناسب با تورم وجود دارد؟ بدون آن که مسئولان مرتبط، از دولت گرفته تا نمایندگان مجلس و مسئولان سازمان تامین اجتماعی دچار شعارزدگی بشوند؟

معاون نظارت مجلس در این باره معتقد است افزایش نیافتن حقوق بازنشستگان متناسب با تورم، منجر به نگرانی آن ها و خانواده هایشان می شود، بنابراین دولت به عنوان نهادی تصمیم گیرنده، می تواند به خوبی نقش آفرین باشد و برای سامان دهی حقوق بازنشستگان لایحه ای به مجلس ارائه کند. حسین مظفر در گفت وگو با خانه ملت، بر لزوم هوشیاری مسئولان درباره افزایش تعداد بازنشستگان تاکید می کند و ادامه می دهد: افزایش نیافتن حقوق بازنشستگان متناسب با تورم و مشکلات درمانی آن ها از معضلاتی است که امروزه دامن گیر بازنشستگان کشور شده است. وی معتقد است اگر دولت لایحه ای را در این باره ارائه کند، بدیهی است که پشتوانه مالی به همراه خواهد داشت و می تواند به مشکلات بازنشستگان تا حدودی پایان دهد. معاون نظارت مجلس شورای اسلامی همچنین خاطرنشان می کند: البته در این زمینه مجلس به ویژه کمیسیون اجتماعی نیز می تواند برای افزایش حقوق بازنشستگان متناسب با تورم، طرحی ارائه دهد تا پس از بررسی و رسیدگی به تصویب برسد.
طرح این راهکارها در حالی است که به گفته سخنگوی کمیسیون اجتماعی مجلس چنین مباحثی بیشتر از آن که واقعی باشد جنبه شعاری دارد. قاضی زاده می گوید: این گونه اظهارنظرها دقیق نیست. این که حرفی زده شود، شما از این حرف راضی بشوید و بازنشسته ها هم خوشحال بشوند این ها همه شعار است و یک سال نشده با افزایش نیافتن حقوق دروغمان مشخص می شود. وی خاطرنشان می کند: ما مثل پدر خانواده هستیم اگر درآمدی وجود داشته باشد توزیع می کنیم ضمن آن که باید دخل و خرجمان با هم بخواند. وقتی هم که دخل و خرج با هم نمی خواند باید هزینه ها را کنترل کنیم. به بیان دیگر ما خارج از درآمدها نمی توانیم حرفی بزنیم. به ویژه آن که درآمدهای نفتی ما به شدت کاهش پیدا کرده و ما از درآمدهای مالیاتی استفاده می کنیم.
این نماینده مجلس همچنین اظهار می کند: دولت هم بر همین مبنا قضاوت می کند. دولت منابع را پیش بینی می کند و با ارزیابی توانی که دارد اظهارنظر می کند و قول می دهد. یکی از دلایل اصرار بر اجراکردن هدفمندی یارانه ها توسط دولت هم همین بود که منابع جدید ایجاد شود. بنابراین مشکل افزایش حقوق بازنشستگان با ارائه لایحه وطرح حل نمی

شود. رئیس کانون عالی بازنشستگان و مستمری بگیران تامین اجتماعی نیز با بیان این که بودجه کل کشور هیچ نقشی در حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی ندارد و همیشه سازمان تامین اجتماعی از درون خودش هرگونه افزایش را پرداخت می کند می افزاید: سازمان تامین اجتماعی کاملاً مستقل و تحت نظارت دولت است ونه دخالت دولت. وی خاطرنشان می کند: پرداخت حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی از حق بیمه ای است که آن ها طی سال های گذشته پرداخت کرده اند و میزان افزایش حقوق این بخش از بازنشستگان فقط به تایید دولت می رسد. نمایندگان مجلس نیز در افزایش حقوق بازنشستگان تامین اجتماعی نقشی ندارند بلکه فقط ماهستیم و تامین اجتماعی و نرخ تورم که بانک مرکزی اعلام می کند.
خبازها خاطرنشان می کند: علاوه بر این افزایش حقوق بازنشستگان در فروردین ماه صورت می گیرد اما پرداخت آن ۲تا ۳ ماه زمان می برد ضمن آن که از ابتدای سال هم مابه التفاوت حقوق پرداخت می شود.
ناگفته پیداست که مشکلاتی که قشر بازنشسته با آن روبه رو هستند صرفاً با مدیریتی کارا سامان پیدا می کند. اما متاسفانه روزهای آرامش و مطمئن این قشر از جامعه به روزهایی ملال آور و تلخ تبدیل شده است که باید برای آن چاره اندیشی شود، البته در کنار اختصاص بودجه ای که دولت وظیفه تامین آن را بر عهده دارد.

جان باختن ومصدومیت شدید ۳کارگربراثرانفجار قراضهٔ جنگی دریک کارگاه صنعتی بروجن

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 21 اسفند 91 آمده است : مدیر حوادث و فوریت‌های پزشکی استان اصفهان از انفجار قراضهٔ جنگی در یک کارگاه صنعتی واقع در جادهٔ مجلسی به بروجن خبر داد که در این حادثه یک کارگرجان باخت و دو کارگردیگربه شدت مجروح شدند.
براساس این گزارش، دکتر غفور راستین اعلام کرد: حدود ساعت ۱۰ و ۳۵ دقیقهٔ امروز، دوشنبه ۲۱ اسفند ماه بر اثر انفجار تکه‌ای قراضهٔ جنگی در یکی از کارگاه‌های صنعتی واقع در جادهٔ مجلسی به بروجن، یک مرد ۴۰ ساله بر اثر شدت آسیب وارده از برخورد ترکش، در دم جان باخت و دو کارگر ۴۷ و ۳۱ ساله نیز از ناحیهٔ سر، صورت و دست، مورد اصابت ترکش قرار گرفتند.
وی با بیان اینکه در این کارگاه صنعتی، قراضه‌های آهن‌آلات برای استفاده در ذوب آهن اصفهان، تکه تکه می‌شود، افزود: امروز نیز کارگران در حال برش دادن یک تکه قراضهٔ جنگی بودند که متاسفانه مقداری مادهٔ منفجره در آن وجود داشت و انفجار مهلکی را رقم زد.
مدیر حوادث و فوریت‌های پزشکی استان اصفهان افزود، وضعیت مصدومان حادثه بسیار وخیم است و یکی از آن‌ها از ناحیهٔ دو چشم به شدت آسیب دیده و احتمال نابینایی برای وی وجود دارد.

بیانیه اول اتحادیه آزاد کارگران ایران پیرامون میزان حداقل مزد مصوب در سال ۱۳۹۲

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 21 اسفند 91 آمده است : با افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد، تحمیل فقر و گرسنگی غیر قابل تصوری بر میلیونها خانواده کارگری کلید خورد
با افزایش بسیار ناچیز فقط ۲۵ درصدی حداقل مزد و ۱۹۸۵ تومان بعلاوه ۱۰ درصد افزایش سایر سطوح مزدی، تحمیل فقر و گرسنگی فاجعه باری بر میلیونها خانواده کارگری در شورایعالی کار دولت جمهوری اسلامی رقم خورد.
نماینده های سر سپرده کارگری، نماینده های کارفرمایان و کسان دیگری که در شورایعالی کار به عنوان نماینده های دولت با حقوقهای چندین میلیون تومانی حاصل از غارت و چپاول ما کارگران بر کرسیهای تعیین حق بقا و زندگی و معیشت ما تکیه کرده اند باید بدانند چنین تصمیمی یک اعلان جنگ با طبقه کارگر ایران است.

اینان میتوانند همچون سالهای گذشته امیدوار باشند که در حال حاضر و با توجه به روزهای پایانی سال، اعتراضی عملی و تعیین کننده از سوی کارگران نسبت به میزان حداقل مزد مصوب در شورایعالی کار صورت نخواهد گرفت اما آنان و کلیه تصمیم گیرندگان در مورد حداقل مزد کارگران غافل از این اند که سال پیش رو متفاوت با هر سال دیگری خواهد بود و میلیونها کارگر در سراسر کشور با تصمیمی که در شورایعالی کار در مورد میزان حداقل مزدشان اتخاذ شده است در اعتراضاتی گسترده به میدان خواهند آمد و لحظه ای در دفاع از حق حیات خود درنگ نخواهند کرد.

خبر تعیین میزان حداقل مزد به نقل از خبرگزاری ایلنا

جوابیه هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران به پاسخ وزارت کار

این جوابیه امروز و در آخرین جلسه تعیین حداقل مزد بر روی میز شورایعالی کار قرار گرفت.
اتحادیه آزاد کارگران ایران: بعد از ظهر امروز و در حالیکه اعضای شورایعالی کار در محل وزارت کار در حال عزیمت به شورایعالی کار جهت برگزاری آخرین جلسه تعیین حداقل مزد سال 92 بودند هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران جوابیه اعتراض آمیز خود را تحویل ظریفی آزاد و برخی از اعضای شورایعالی کار دادند. این جوابیه در حالی امروز به وزارت کار تحویل شد که شریف ساعد پناه یکی از کارگران هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی بعد از ظهر دیروز در شهر سنندج توسط مامورین امنیتی بازداشت شد. هماهنگ کنندگان طومار در این جوابیه با انتقاد از نحوه پاسخگویی وزارت کار به مطالبات شان نوشته اند: جوابیه علیرغم لحن احترام آمیزش، مطلقا و به هیچ عنوان ارزش و اعتباری برای اعتراض سی هزار کارگر و زندگی و معیشت آنان قائل نشده است و در ادامه با بی اساس خواندن ادعای وجود سه جانبه گرایی در شورایعالی کار موارد مورد نظر شورایعالی کار در تعیین حداقل مزد کارگران را اعمال مصالحی فرا قانونی و ضد کارگری در تعیین حداقل مزد خوانده اند و نوشته اند: کدام بند و ماده و تبصره ی قانونی به شورایعالی کار این اجازه را داده است تا در تعیین حداقل مزد به جای لحاظ کردن تامین معیشت کارگران بر اساس سبد هزینه یک خانوار چهار نفره که با قید "باید" در ماده ۴۱ قانون کار بر آن تاکید شده است مباحث کلان اقتصادی، صیانت از نیروی کار، توان صنایع و مسائلی از این دست را مبنای تعیین حداقل مزد قرار دهد. اعتراض سی هزار کارگر برای بر چیده شدن این بساط بوده است و نه برای بازگویی و تکرار مکرر آن به ما کارگران.
هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در ادامه جوابیه خود به وزارت کار با بر شمردن مصائب بی شماری که بر کارگران ایران تحمیل شده است ادعای صیانت از نیروی کار را مورد اعتراض قرار داده و نوشته اند: اگر صیانت از نیروی کار بردگی و گرسنگی و بی تامینی ما کارگران است ما عطای این صیانت را به لقایش می بخشیم و هزینه دفاع از معیشت خود را که عین شرافت و حیثیت مان است به جان می خریم.
در ادامه این جوابیه هماهنگ کنندگان در پاسخ به ادعای وزارت کار مبنی بر لحاظ کردن پرداخت یارانه نقدی در سنجش قدرت خرید کارگران آورده اند: دولت بخشهای مهمی از سوبسیدی را که دهه های متمادی بر سر سفره مردم ایران بوده است قطع نموده و سپس با عودت نقدی فقط قسمتی از این خوان به یغما برده شده به مردم ایران، مابقی این ثروت برداشت شده از سفره توده های مردم را به جیب خود ریخته است. آیا این افزودن به سفره مردم و کارگران است یا کندن از این سفره؟! شما ما کارگران و فراتر از آن شعور میلیونها مردم ایران را چه به حساب آورده اید که چنین اقدامی از جانب دولت را یک کار مثبت در جهت افزایش قدرت خرید کارگران قلمداد نموده اید!
هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در پایان این جوابیه با تاکید بر خواست افزایش حداقل مزد متناسب با تامین یک زندگی شرافتمندانه برای کارگران نوشته اند: لذا ما بار دیگر و در آخرین لحظات تعیین حداقل مزد سال ۱۳۹۲ به شورایعالی کار و همه دست اندر کاران آن اعلام میداریم ما کارگران ایران در سراسر کشور مطلقا به روال تاکنونی تعیین حداقل مزد تن

نخواهیم داد و چنانچه حداقل مزد سال پیش رو به اندازه ای نباشد که زندگی و معیشت ما به نحو شرافتمندانه ای تامین بشود دیگر به جمع آوری امضا و ارائه طومار اعتراضی بسنده نخواهیم کرد و دست به اعتراضات گسترده ای خواهیم زد.

متن کامل این جوابیه به شرح زیر است:

جناب آقای ظریفی آزاد معاونت روابط کار و جبران خدمت وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی
با سلام
همانگونه اطلاع دارید از ۱۱ اردیبهشت ماه سالجاری به این سو، سی هزار کارگر از کارخانه های مختلف سراسر کشور با امضای طوماری خواهان افزایش حداقل مزد مبتنی بر اجرای بی کم و کاست ماده ۴۱ قانون کار و تحقق دیگر خواستهایشان شده اند و در این راستا هماهنگ کنندگان طومار با همراهی تعدادی از کارگرانی که در جمع آوری امضا در کارخانه های مختلف شهر تهران همکاری داشته اند با تحصن در مقابل مجلس شورای اسلامی و سپس در محل وزارت کار، تحقق مطالبات خود را پیگیری کرده و این پیگیریها نهایتا منجر به تنظیم جوابیه ای از طرف جنابعالی به عنوان نماینده وزارت کار خطاب به هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی شده است.
در خصوص جوابیه ای که جنابعالی خطاب به ما هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی نوشته اید باید بگوئیم این جوابیه علیرغم لحن احترام آمیزش، مطلقا و به هیچ عنوان ارزش و اعتباری برای اعتراض سی هزار کارگر و زندگی و معیشت آنان قائل نشده است. چرا که اولا در این جوابیه نه تنها هیچ پاسخی به دیگر خواستهای ما در متن طومار اعتراضی داده نشده است بلکه خواست توقف اصلاح قانون کار بمثابه یکی از دو خواست اصلی مطرح در متن طومار اعتراضی مسکوت گذاشته شده است و ثانیا این جوابیه تا آنجا که به پاسخ وزارت کار به خواست ما در مورد حداقل مزد مربوط میشود فقط ساز و کار ضد کارگری تا کنون موجود در تعیین حداقل مزد را به تصویر کشیده است.
ما اعتراض نکرده ایم تا وزارت کار، ساز و کار غیر قانونی و ضد کارگری تاکنون موجود در تعیین حداقل مزد را که همه ی ما کارگران بر آن آگاهی و اشراف کامل داریم برایمان بازگو کند، ما اعتراض کرده ایم تا بساط این ساز و کار غیر قانونی برچیده شود و بی کم و کاست به ماده ۴۱ قانون کار که سالهاست زیر پا گذاشته شده و در نتیجه آن میلیونها خانواده کارگری در فقر و فلاکتی غیر قابل تصور فرو رفته اند عمل گردد.
شما از سه جانبه گرایی در تعیین حداقل مزد صحبت کرده اید. کدام انسان عاقلی میتواند قبول کند که در شورایی (شورایعالی کار) ۵ نماینده از دولت به عنوان بزرگترین کارفرما، سه نماینده از دیگر کارفرمایان و سه نماینده، آنهم نماینده هایی دست ساز از کارگران حضور داشته باشند و بدتر از این، تصمیمات این شورا با رای نصف بعلاوه یک رسمیت داشته باشد و آنوقت چنین ساز و کاری نام سه جانبه گرایی بر خود بگیرد!!
گذشته از بی اساس بودن وجود سه جانبه گرایی در شورایعالی کار و تفاهم کارگر و کارفرما در آن، چه کسی و یا کدام قانون مصوبی این شورا را مکلف کرده است تا با زیر پا گذاشتن نص صریح ماده ۴۱ قانون کار، تبصره هایی خود ساخته را در تعیین حداقل مزد لحاظ کند. کدام بند و ماده و تبصره ی قانونی به شورایعالی کار این اجازه را داده است تا در تعیین حداقل مزد به جای لحاظ کردن تامین معیشت کارگران بر اساس سبد هزینه یک خانوار چهار نفره که با قید "باید" در ماده ۴۱ قانون کار بر آن تاکید شده است مباحث کلان اقتصادی، صیانت از نیروی کار، توان صنایع و مسائلی از این دست را مبنای تعیین حداقل مزد قرار دهد. اعتراض سی هزار کارگر برای بر چیده شدن این بساط بوده است و نه برای بازگویی و تکرار مکرر آن به ما کارگران. لذا از نظر ما و هر انسان شریف و منصفی طرح چنین مباحثی نمیتواند چیزی جز تلاش برای اعمال مصالحی فراقانونی و ضد کارگری در مسئله تعیین حداقل مزد تلقی گردد.
میلیونها کارگر در سراسر کشور از اداره زندگی عاجز و درمانده شده اند، کودکان خانواده های کارگری بیش از پیش در حال محروم شدن از تحصیل و برخورداری از یک زندگی کودکانه هستند، میوه و گوشت در حال برچیده شدن از سفره های خالی ما کارگران است،

خودکشی و خود سوزی کارگران به دلیل فقر و نداری آذین بخش صفحات رسانه ها شده است، بسیاری از کارگران برای رهایی از قرض و بدهی به کلیه فروشی روی آورده اند، دستمزد زیر خط فقر کارگران را با ماهها تاخیر نیز پرداخت نمیکنند، در نتیجه عدم واریز حق بیمه ی صدها هزار کارگر در سطح کشور و افزایش سرسام آور سهم بیمه گذار در هزینه های درمان، آنان از اندک خدمات درمانی نیز محروم شده اند، صدها هزار کارگر بازنشسته به جای استراحت و استفاده از دوران بازنشستگی آواره مسافر کشی در خیابانها شده اند و با تنی رنجور باقیمانده عمرشان را با سرایداری و کار در شرکتهای خدماتی میگذرانند و کارگران شاغل به دلیل عدم کفاف دستمزدشان برای گذران زندگی بناچار چند شغله شده و ۱۲ تا ۱۶ ساعت در روز کار میکنند، آنوقت شما به عنوان دولت حل این مصائب را که با افزایش مناسب حداقل مزد ممکن و میسر میشود صیانت از نیروی کار می نامید ؟! این چه صیانتی از نیروی کار است که هر روزه هزاران کارگر در سطح کشور آواره خیابانها میشوند، ۸۰ درصد آنان با قراردادهای موقت و سفید امضا در برده وارترین شرایط مشغول بکارند و از ذره ای امنیت شغلی برخوردار نیستند. شما از کدام صیانت تان از نیروی کار صحبت میکنید از طرح استاد شاگردی که کار کودکان و بیگاری بزرگسالان را رسمیت میبخشد؟ و یا از صیانت تان از نیروی کار در اصلاحیه دولت بر قانون کار صحبت میکنید که بر اساس آن کارفرمایان قادر میشوند به بهانه شرایط اقتصادی سیاسی و بی هیچ دغدغه ای میلیونها کارگر را آواره خیابانها بکنند. اگر صیانت از نیروی کار اینها است و اگر صیانت از نیروی کار بردگی و گرسنگی و بی تامینی ما کارگران است ما عطای این صیانت را به لقایش می بخشیم و هزینه دفاع از معیشت خود را که عین شرافت و حیثیت مان است به جان می خریم.
شما مدعی شده اید طی ۵ سال گذشته افزایش حداقل مزد کارگران بیش از متوسط تورم سالیانه بوده است و در این زمینه به ستایش از عملکرد دولت پرداخته اید. در حالیکه چنانچه قلم بدست گیرید و اندکی از وقت خود را صرف ضرب و تقسیم کنید متوجه خواهید شد که در این سالها (از ابتدای سال ۱۳۸۷ لغایت آخر سال ۹۱) بطور متوسط حداقل مزد کارگران نسبت به تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی حدود ۵/۳ درصد نیز پایین تر آمده است. این در حالی است که همگان میدانند تورم اعلامی از سوی بانک مرکزی هیچگاه و مطلقا مطابق با واقعیت موجود افزایش قیمتها و هزینه های زندگی نبوده است.
کیست که در این مملکت نداند قیمت کلیه اقلام غذایی و دیگر هزینه های زندگی فقط در طول یکسال گذشته تا چندین برابر افزایش پیدا کرده اند و آنوقت شما از ۷ هزار تومان افزایش کمک هزینه اقلام مصرفی کارگران بمثابه اقدامی در جهت افزایش قدرت خرید آنان اسم برده اید. آیا به نظر شما ۷ هزار تومان افزایش ماهیانه ی کمک هزینه زندگی بسیار خارج از حد و اندازه حقیرانه و توهین آمیز نیست؟ کمک ماهیانه ۷ هزار تومان در این مملکت میدانید یعنی چه؟ یعنی ۲۵۰ گرم گوشت و به ازای هر نفر خانواده چهار نفره در هر ماه ۶۲ گرم گوشت. آیا تحمیق آمیزتر از این وجود دارد که در مملکتی با افزایش چندین برابری قیمت گوشت این قلم غذای اساسی از سر سفره میلیونها خانواده کارگری بر بیافتد و آنوقت تامین ۶۲ گرم گوشت به ازا هر نفر در ماه از تمهیدات بهبود زندگی کارگران به حساب آورده شود؟! دولت بخشهای مهمی از سوبسیدی را که دهه های متمادی بر سر سفره مردم ایران بوده است قطع نموده و سپس با عودت نقدی فقط قسمتی از این خوان به یغما برده شده به مردم ایران، مابقی این ثروت برداشت شده از سفره توده های مردم را به جیب خود ریخته است. آیا این افزودن به سفره مردم و کارگران است یا کندن از این سفره؟! شما ما کارگران و فراتر از آن شعور میلیونها مردم ایران را چه به حساب آورده اید که چنین اقدامی از جانب دولت را یک کار مثبت در جهت افزایش قدرت خرید کارگران قلمداد نموده اید!
اگر شما صفهای طویل دریافت مبلغی معادل خرید یک تا سه چهار کیلو گوشت در ماه را حین واریز یارانه های نقدی و بی قراری مردم برای دریافت این پول را در مقابل باجه بانکها ببینید آنوقت خواهید دید که طرح قطع سوبسیدها و کندن از سفره خالی مردم ایران چه بلایی بر سر آنان آورده است. شما از کدام قدرت خرید صحبت کرده اید از قدرت خریدی که عملا زندگی میلیونها خانواده کارگری را از خط فقر به خط مرگ رانده است؟ از کدامین تمهیدات برای طرح طبقه بندی مشاغل و افزایش پاداش تولید و ساماندهی قرارداد کار و نظارت بر کار شرکتهای پیمانکاری صحبت میکنید. از طرح برده گرایانه استاد شاگردی یا استیلای مافیای شرکتهای

پیمانکاری بر زندگی و معیشت کارگران. از کدام تولید صحبت میکنید که پاداش آنرا به رخ ما کارگران کشیده اید، کدام تولید؟ کدام پاداش؟! آیا میدانید و قطعا نیز میدانید که علاوه بر نبود و یا قطع پاداش و مزایای کارگران در اکثریت قریب به اتفاق صنایع کشور در طول دو سال گذشته، در سود آورترین صنعت کشور نیز یعنی صنعت خودروسازی کلیه پاداش و مزایای صدها هزار کارگر از اول سالجاری قطع شده است و آنان در این مدت فقط پایه مزدی خود را دریافت کرده اند.
جناب ظریفی آزاد! ما هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار کارگر در جلسه ای که با آقای جلالی نظری در پی تجمع مان در محل وزارت کار داشتیم به صراحت اعلام کردیم شیرازه های هیچ جامعه ای در هیچ جای دنیا نمیتواند بر روی پایه ای که امروزه ما کارگران به مثابه اکثریت عظیم مردم ایران بر روی آن قرار گرفته ایم دوام بیاورد، به صراحت اعلام کردیم ما کارگران دیگر نمیتوانیم به روال تاکنونی نحوه تعیین و میزان حداقل مزد تمکین کنیم، اعلام کردیم چنانچه به خواست میلیونها کارگر در سراسر کشور توجه نشود اعتراضات موجود عمق و دامنه بیشتری پیدا خواهد کرد و کارگران ایران نظاره گر فقر و فلاکت تحمیل شده بر خود و خانواده هایشان نخواهند شد.
لذا ما بار دیگر و در آخرین لحظات تعیین حداقل مزد سال ۱۳۹۲ به شورایعالی کار و همه دست اندر کاران آن اعلام میداریم ما کارگران ایران در سراسر کشور مطلقا به روال تاکنونی تعیین حداقل مزد تن نخواهیم داد و چنانچه حداقل مزد سال پیش رو به اندازه ای نباشد که زندگی و معیشت ما به نحو شرافتمندانه ای تامین بشود دیگر به جمع آوری امضا و ارائه طومار اعتراضی بسنده نخواهیم کرد و دست به اعتراضات گسترده ای خواهیم زد.

هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی برای افزایش حداقل مزد
پروین محمدی، شاپور احسانی راد، شریف ساعد پناه، شیث امانی ، جعفر عظیم زاده، جمیل محمدی
آدرس: تهران کد پستی 186-13885 شماره های تماس: 09123368772- 09122449901
اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲۱ اسفند ماه ۱۳۹۱

بازداشت شریف ساعد پناه از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران

به گزارش سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 21 اسفند 91 آمده است : شریف ساعد پناه از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از کار شیفت شب در حالیکه حدود ساعت ۱۵ بعد از ظهر یکشنبه ۲۰ اسفند در منزل مسکونی خود به سر می برد بازداشت شد.
به گزارش اتحادیه ...؛ این بازداشت توام با حضور حدود ۲۰ نفر از مامورین امنیتی در منزل مسکونی شریف و تفتیش منزل وی بود.
مامورین امنیتی در حالیکه کیس کامپیوتر شریف را نیز با خود بردند در برابر اعتراض خانواده وی به بازداشت اش اظهار داشتند شریف را برای دو سه ساعت بازداشت میکنیم و سپس آزادش خواهیم کرد اما پس از مراجعه حضوری خانواده شریف ساعد پناه در اداره اطلاعات سنندج، مامورین این اداره اعلام کردند وی چند روزی بازداشت خواهد بود.
شریف ساعد پناه عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و از فعالین کارگری سنندج، ۱۵ دی ماه سال گذشته به همراه مظفر صالح نیا یکی دیگر از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران بازداشت شد که در ارتباط با این بازداشت تا بحال چندین بار مورد محاکمه قرار گرفته است. در آخرین دادگاه محاکمه شریف ساعد پناه و مظفر صالح نیا که در روز پنجم اسفند ماه جاری بر گزار شد قاضی دادگاه به آنان اعلام کرد در صورت مراجعه به اداره اطلاعات و دادن تعهد مبنی بر استعفا از اتحادیه حکم برائت شان را صادر خواهد کرد و در غیر اینصورت باید منتظر صدور حکم باشند. اما شریف و مظفر با تاکید بر قانونی بودن اتحادیه آزاد کارگران ایران اعلام کردند ما به فعالیت و عضویت خود در این اتحادیه ادامه خواهیم داد.
شریف ساعد پناه روز یکشنبه در حالی بازداشت شد که طی روزهای گذشته در شهر سنندج ۵ نفر از اعضا کمیته هماهنگی نیز به نام های وفا قادري، سيد خالد حسيني، علی آزادي،

بهزاد فرج الهی و حامد محمودنژاد بازداشت شده اند.
همچنین به گزارش تارنمای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری دیروز، یکشنبه ۲۰ اسفند وفا قادری از اعضای بازداشتی کمیته هماهنگی تماس تلفنی کوتاهی با خانواده‌اش اعلام کرده که در سلول انفرادی نگه داری می شود اما از وضعیت دیگر اعضای بازداشتی کمیته ی هماهنگی خبری در دست نیست.

اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر نورد لوله صفا ششمین روز خود را پشت سر گذاشت

به نوشته سایت اتحادیه ازاد کارگران ایران در 21 اسفند 91 آمده است :
۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا که در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد خود از روز سه شنبه هفته گذشته دست از کار کشیده اند همچنان در اعتصاب بسر می برند.

به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران این اعتصاب از روز ۱۵ اسفند به دنبال آن آغاز شد که کارفرمای این کارخانه به وعده خود عمل نکرد و از پرداخت یک ماه از ۴ ماه دستمزد معوقه این کارگران خودداری کرد. بدنبال این اعتصاب کارفرما در مقابله با کارگران اعتصابی روز پنج شنبه و جمعه را تعطیل اعلام کرد اما کارگران از دیروز در محل کارخانه حاضر شده اند و همچنان در اعتصاب بسر می برند.
کارفرمای نورد لوله صفا اعلام کرده است امشب یکماه از دستمزد معوقه کارگران را به حسابشان واریز خواهد کرد اما کارگران بطور متحدانه ای خواهان پرداخت دو ماه از دستمزد معوقه خود شده اند و اعلام کرده اند چنانچه کارفرما به این خواست شان عمل نکند اعتصاب خود را پایان نخواهند داد.

تجمع اعتراضی ده‌ها کارگر و تعطیلی چند کارخانه و واحد تولیدی

به نوشته سایت مردمک از قول خبرگزاری دولتی کار ایران در 21 اسفند 91 آمده است :طی روزهای گذشته ده‌ها کارگر در اعتراض به عدم پاسخگویی مسئولان به مطالبات آن‌ها تجمع کردند. برخی گزارش‌ها نیز حاکی از تعطیلی چندین واحد تولیدی و کارخانه است.
به گزارش خبرگزاری ایلنا، روز یکشنبه بیستم اسفند بیش از هفتصد نفر از کارگران کارخانه صنایع فلزی ایران در اعتراض به عدم دریافت چهار ماه حقوق معوقه، مقابل ساختمان استانداری تهران تجمع کردند.
همچنین تعدادی از بازنشستگان این کارخانه در اعتراض به آنچه «بي‌توجهی صاحبان کارخانه در پرداخت سنوات بازنشستگي‌شان عنوان مي‌کردند» با کارگران همراه شدند.
همزمان در تجمعی دیگر در جنوب ایران، ۷۰ نفر از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز برای چهارمین بار طی دو هفته گذشته در اعتراض به عدم دریافت ۲۶ ماه حقوق خود، مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند.
حسین لویمي، نماینده کارگران گفته است که بانک‌های ملی و ملت به عنوان مالکان قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه هیئت دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز مي‌زنند.
دیروز نیز تعدادی از کامیون‌دارانی که کامیون‌های فرسوده خود را برای تعویض با کامیون‌های جدید به ایران خودرو سپرده بودند، در اعتراض به عدم تحویل آن‌ها مقابل مجلس تجمع کردند.
از طرف دیگر، نماینده رشت خبر داده که کارخانه‌های «خاور» و «ایران پوپلین» در شمال ایران در آستانه تعطیلی کامل قرار دارند و کارخانه‌های «چوکا» و «فولاد» نیز کارگران را اخراج مي‌کنند.
جبار کوچکي‌نژاد با ابراز نگرانی از این وضعیت گفته است که دلیل تعطیلی و اخراج کارگران، عدم پرداخت سهم تولید در قانون هدفمندی یارانه‌ها است.
براساس قانون، دولت باید ۳۰ درصد از درآمدهای حاصل از افزایش قیمت‌ها را به کارخانه‌ها بدهد اما به گفته احمد توکلي، نماینده اصولگرای منتقد دولت در مجلس، دولت تنها یک هشتم از این سهم ۳۰ درصدی را به صنایع و تولید اختصاص داد.

همچنین دبیر خانه کارگر غرب اعلام کرده است که کارخانه «یخچال‌سازی ایران پویا» وابسته به بنیاد مستضعفان، سازنده انواع یخچال و پروفیل آلومینیومی به دلایلی روز شنبه به طور رسمی تعطیل شد.
سهراب قنبری گفته است که از صد کارگران رسمی و قراردادی شاغل در این کارخانه خواسته شده است بر سر کار خود حاضر نشوند و برای پی گیری مطالبات خود از سوی مراجع قانونی اقدام کنند.
در ایران طی سال‌های گذشته اعتراض‌های کارگری همواره خبرساز بوده اما از ابتدای امسال اعتصاب‌ها و تجمع‌های کارگری به خاطر نادیده‌گرفتن حقوق و عدم پرداخت دستمزدها و بیکاری آن‌ها توسط صدها کارگر صورت گرفته است.
در مهر امسال، «بیش از ده هزار کارگر» به جمع امضاکنندگان نامه اعتراضی ده هزار کارگر دیگر پیوستند و خطاب به وزیر کار، با هشدار درباره افزایش شدید هزینه‌های زندگي، خواستار افزایش فوری حداقل دستمزدها در شش‌ماه باقي‌مانده سال شده بودند.
به نوشته ایلنا، حقوق حدود ۳۹۰ هزار تومانی برای کارگران در سال ۱۳۹۱ با نرخ تورم و دلار ۱۹۰۰ تومانی در اسفند ماه گذشته تعیین شده بود و در مهر ماه با دلار حدودا ۲۵۰۰ تومان، قدرت خرید کارگران بیش از ۳۰ درصد کاهش یافته است.
طی ماه‌های گذشته با افزایش فشار تحریم‌های بین‌المللي، وضعیت اقتصادی ایران به شدت آشفته شده است و همزمان به گفته نمایندگان مجلس ایران عدم اجرای درست قانون هدفمندی یارانه‌ها، به بخش تولید کشور صدمه زده است.

کارگران زندانی آزاد باید گردند
کمیته دفاع از کارگران زندانی در ایران- سوئد

کارگران، تشکل های کارگری و نهادهای مدافع حقوق بشر داخلی و بین المللی
در روزها و هفته های اخیر دور تازه ای از احضار، بازداشت و زندانی کردن کارگران، رهبران و فعالین کارگری شدت یافته است. بر اساس گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگري، ٦ تن از فعالین کارگری به اسامی : وفا قادري، خالد حسيني، حامد محمودنژاد، علی آزادی و بهزاد فرج‌اللهی از اعضای کمیته هماهنگی و شریف ساعد پناه عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران در آستانه ۸ مارس روز جهانی زن، دستگیر و زندانی شده‌اند.
همچنین جلیل محمدي، کوروش بخشنده، فردین میرکي، عباس انديارى، گوهر ناصري، گلریز خلیلي، یدالله صمدي، آرام زندي، سیمین چایچي، سوسن رازانی و بسیاری دیگر از طریق تلفن و یا با حضور وحشیانه نیروهای امنیتی به منازل آنان تهدید شده‌اند.
این در حالی است که پدرام نصراللهي، شاهرخ زماني، محمد جراحي، رسول بداغي، فریبرز رئیس‌دانا، عبدالرضا قنبری و بسیاری دیگر از فعالین کارگری و سیاسی همچنان در زندان به سر مي‌برند.
در شرایطی بازداشت و محاکمه کارگران و فعالین سرشناس کارگری تداوم می یابد که طبقه کارگر از نظر شرایط کار و زیست هم چنان در شرایط نامساعدی بسر می برد. از یک سو تعطیلی مراکز کار و بیکار سازی ها و به تعویق افتادن همان حقوق ۳۹۰ هزار تومانی و از سوی دیگر در اختیار داشتن ابزارهای قانونی و فرا قانونی توسط سرمایه دارن در برابر اعتراض های کارگري، آنها را با مشکلات معیشتی فراوانی روبرو کرده است.
در چنین وضعیتی کارگران برای دفاع از مطالبات و حقوق پایمال شده ی خود راهی جز اتکا داشتن به نیروی خود ندارند. کارگران و فعالین دربند و محاکمه شده، جرمی جز دفاع از ابتدائي‌ترین حقوق خود و هم طبقه اي‌هایشان مرتکب نشده‌اند. جای کارگران و نمایندگان و فعالین کارگری در زندان نیست، بلکه آنها باید در کنار همکاران و هم طبقه ای های خود، در صف مبارزه برای داشتن یک زندگی انسانی قرار بگیرند.
ما به سهم خود از هر تلاشی برای دفاع از کارگران زندانی دریغ نخواهیم کرد و از همه ی کارگران، تشکل های کارگری و نهاد های حقوق بشر داخلی و بین المللی می خواهیم که نسبت به سرنوشت کارگران زندانی بی تفاوت نباشند واز هر طریق ممکن به ادامه احضار، محاکمه و بازداشت آنها، اعتراض کرده و خواستار آزادی همه کارگران زندانی در ایران شوند.

کمیته دفاع از کارگران زندانی در ایران- سوئد
/http://cstockholm.blogspot.se
cdk.stockholm@gmail.com
۲۰۱۳-۳-۱۱

سرنوشت مبهم پایه دستمزد ۹۲ در آستانه آخرین هفته سال

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 21 اسفند آمده است :ماه اسفند عنقریب به پایان هفته سوم خود می رسد و با گذشت هر روز که با گمانه زنی های گوناگون از یکسو و تقابل نظرهای بخش های متفاوت جامعه کارگری از سوی دیگر رقم می خورد لایه ابهام پیرامون میزان حداقل دستمزد سال ۹۲ با التهاب و دلنگرانی بیشتری برای فرد فرد کارگران و خانواده هایشان عجین می شود.

به گزارش کلمه، در این میان بر اساس گزارش های موجود ناظر بر مباحثات و مذاکرات جامعه کارگری پیرامون این موضوع به نظر می آید که دولت که باید نقش بی طرفی را در مذاکرات حفظ کند از یکسو با جلو راندن لایحه ضّد کارگری اصلاح قانون کار با لابیگری در محافل کارفرمایی و ارگان های استصوابی خود در محافل کارگری در نقض روح سه جانبه گرایی چهارنعل مي‌تازد و از سویی دیگر با عدمِ حضور در جلسات مهم شورای عالي کار که به منظور تعیین مزدِ ۹۲ تشکیل میشود با بالا بردنِ تنش و نگرانی زمینه را برای یکه تازی خود در فرصتِ بسیار کوتاهي که برای تعیینِ دستمزدِ عادلانه به این ترتیب باقي مانده است فراهم مي‌کند.

سرنوشت مبهم پایه دستمزد ۹۲ در آستانه آخرین هفته ۹۱
به گزارش تحلیلی گروه کار و تعاون سرویس اقتصادی ایسنا در هفته‌ای که گذشت دو گروه کارفرمایی و کارگری با تشکیل جلسه‌ای مشترک به بیان نقطه نظرات و دیدگاه‌های خود در خصوص افزایش دستمزد پرداختند و راهکارهای بالا بردن قدرت خرید کارگران را از جنبه‌های متعدد بررسی کردند، در نهایت مقرر شد این راهکارها به صورت مکتوب در جلسه روز دوشنبه ۱۴ اسفند شورای عالی کار به سرپرست وزارت کار ارائه شود. آنها همچنین در این جلسه پیشنهاد دیدار با رییس‌جمهور و برگزاری نشست مشترک با هیات دولت را مطرح کردند تا به این طریق اگر چه یک گام رو به جلو برداشته و به جلسه "طرح پیشنهادات" خود نزدیک شوند اما عملا با ریش سفیدی و میانجي‌گری دولت به عنوان کارفرمای بزرگ سرنوشت رقم دستمزد مشخص شود.
بخش هایی از این گزارش فضای ملتهب حاکم برجامعه کارگری را درهفته ای که با تلاش سرنوشت سازی برای وصول به دستمزدی عادلانه گذشت به تصویر می کشد:
اگر چه به نظر مي‌رسد که تشکل‌های کارفرمایی و کارگری سر تعیین دستمزد به توافق رسیده باشند اما کارفرمایان با توجه به رکود تولید و نبود نقدینگی تنها به شرط تامین هزینه‌هایشان از سوی دولت با رقم پیشنهادی کارگران موافقت کرده‌اند و شاید درخواست جلسه مشترک با هیات دولت به همین دلیل باشد. سرانجام جلسه دوشنبه شورای عالی کار فرا رسید و با وجود اینکه تشکل‌های کارگری و کارفرمایی مصمم بودند تا جمع‌بندی تصمیمات گرفته شده و راهکارهای پیشنهادی خود را برای کاهش فشار تورم از معیشت خانوار کارگری در این جلسه ارائه کنند، به دلیل عدم حضور سرپرست وزارت کار این اتفاق نیفتاد؛ با این حال دو گروه ضمن تاکید بر مطالبات گذشته، مصرانه درخواست جلسه‌ای مشترک با رییس‌جمهوری را به دبیرخانه شورای عالی کار ارائه کردند.
اما اعضای کانون هماهنگی شورای اسلامی کار استان تهران که از قضا همان روز جلسه‌ای ترتیب داده و آخرین تصمیمات و جمع‌بندی کمیته‌های مزد استانی و کشوری را در قالب بیانیه‌ای تنظیم کرده بودند هنگامی که از نشست بي‌نتیجه شورای عالی کار مطلع شدند بر موضع قبلی خود مبنی بر اعلام رقم یک میلیون و ۳۱۶ هزار تومان به عنوان تنها رقم دستمزد سال آینده کارگران پافشاری کردند، رقمی که در کمیته‌های مزد بر اساس محاسبه ۱۸ قلم کالای سبد معیشت یک خانوار چهار نفره و تورم موجود به دست آمده بود. به نحوی که

حسین حبیبی عضو ستاد دستمزد به صراحت اعلام کرد که چنانچه تعیین دستمزد سال آینده واقعی و منطقی و موافق با منافع کارگران نباشد هیچ یک از اعضای شورای عالی کار آن را امضا نخواهند کرد.

۸ مارس؛ جنبش زنان کارگر
بي‌شک به واسطه ريشه تاريخي روز جهاني زن اهميت اين روز براى جامعه كارگرى بخصوص زنان كارگر دو چندان است. تشكل‌هاى مستقل كارگرى ميهنمان نيز به همراه همسانان خود در سراسر دنيا روح عدالتخواهى اين روز را با بيانيه‌هاى خود دوباره زنده كردند. بيانيه انجمن صنفى كارگران برق و فلزكاركرمانشاه يكي از نمونه‌هاى مصداق اين مدعاست. بخشى از اين بيانيه چنين است:
«اگر امروز زنان در کشورهای متمدن دارای حقوقی نسبتا بهتر نسبت به جوامع عقب مانده هستند، خود مدیون مبارزات و رشادت های زنان مبارز و آزادیخواه است که با از جان گذشتگی به مصاف نظام نابرابر رفتند و پیروزی ها را خلق نمودند. امروز هر اندازه که زن در یک جامعه آزاد باشد، به همان اندازه آن جامعه انسانی و متمدن است.

اراک
صد نفر از کارگران شرکت آونگان اراک صبح یکشنبه، ۱۳ اسفند با تجمع در مقابل کارخانه اعتراض خود را نسبت به پلمپ این واحد تولیدی اعلام کردند. پس از صدور حکم ورشکستگی کارخانه آونگان در دی ماه ۹۰ علي‌رغم صدور حکم ورشکستگی تولید در کارخانه انجام مي‌شد و حقوق کارگران نیز پرداخت مي‌شد ولی از مهرماه امسال ورود تریلر به کارخانه ممنوع شد و فقط درب ورودی پرسنلی باز بود و از سوی دیگر طبق توافق انجام شده و قرارداد ارفاقی مقرر شده بود که بدهي‌های شرکت طی سه قسط در دیماه و بهمن ماه ۹۱ و اردیبهشت ماه ۹۲ به طلبکاران پرداخت شود و مطالبات و حقوق کارگران نیز طی ۶ سال قسط بندی شود ولی شنبه، ۱۲ اسفند نیروی انتظامی همراه با یکی از مدیران کارخانه درب ورودی را پلمپ کردند.

تهران
تهران- ششصد کارگر صنایع فلزی شماره یک و دو در حال حاضر علاوه بر آنکه ۴۰ درصد دستمزد آذر ماه خود را دریافت نکرده اند حقوق ماههای دي، بهمن، اسفند و عیدی و پاداش خود را نیز طلبکارند و مدیریت دولتی کارخانه به استثنای پرداخت ۴۰ درصد باقی مانده دستمزد آذر ماه این کارگران، حاضر به پرداخت ریالی از مابقی دستمزد معوقه آنان نیست. این کارگران از صبح یکشنبه، ۱۳ اسفند ماه در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و بی توجهی مدیریت دولتی به وضعیت فلاکتبارشان دست به اعتصاب زدند و با تجمع در محوطه کارخانه خواهان پرداخت دستمزدهای معوقه خود شدند. بدنبال این اعتصاب و تجمع، مدیریت دولتی کارخانه به آنان اعلام کرد که شب عید فقط می توانند ۴۰ درصد باقی مانده دستمزد آذر ماه را پرداخت کنند و کاری از دست استانداری تهران بر نمی آید. بدنبال این وضعیت کارگران معترض هر دو کارخانه در اقدامی اعتراضی تجمع خود را به محوطه بیرونی درب کارخانه مشرف به خیابان صنایع فلزی کشاندند و با روشن کردن لاستیک در وسط خیابان به اعتراض خود ادامه دادند. در پی این اقدام اعتراضی از سوی کارگران بلافاصله نیروهای امنیتی و انتظامی در محل حاضر شدند و پس از کشمکشی دو ساعته آنان به اعتراض خود در خیابان پایان دادند و سپس اقدام به برگزاری مجمع عمومی کردند. در این مجمع کارگران بطور یکپارچه ای تصمیم به ادامه اعتراض خود در مقابل نهادهای دولتی گرفتند. پس از تجمع روز یکشنبه خود در مقابل کارخانه و جواب منفی مدیریت دولتی به خواست‌هایشان، با برگزاری مجمع عمومی تصمیم به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری تهران گرفتند و صبح روز دوشنبه با اجاره اتوبوس در حال تدارک عزیمت به استانداری بودند که به آنان خبر داده شد مسئولین استانداری حوالی ظهر خود به کارخانه خواهند آمد به همین دلیل این کارگران تا ساعت ۱۴ ظهر به تجمع در مقابل درب کارخانه در خیابان صنایع فلزی ادامه دادند. حوالی ساعت ۱۱ صبح شایعه‌ای مبنی بر حضور مسئولین استانداری در کارخانه شماره یک پیچید و به همین دلیل کارگران کارخانه

شماره ۲ بصورت راهپیمایی عازم کارخانه شماره یک شدند اما خبری از حضور مسئولین استانداری در این کارخانه نبود تا اینکه حدود ساعت ۱۶ که کارگران خشمگین بناچار عازم خانه‌هایشان بودند یکی از مسئولین استانداری در میان آنان حاضر شد و اعلام کرد که نهایتا ۴۰ درصد دستمزد آذر و دستمزد دی ماه را پرداخت خواهند کرد و مابقی مطالبات خود را باید از طریق مسیرهای قانونی دنبال کنند که در این هنگام یکی از کارگران فریاد زد: وقتی کارخانه را به دزدان واگذار مي‌کردید نیز مسیر قانونی را طی کردید!؟

تهران- صبح دوشنبه، ۱۴ اسفند حدود ۱۰۰ راننده شرکت واحد اتوبوسرانی تهران در مقابل محل جلسه شورای عالی کار واقع در ساختمان وزارت کار واقع در خیابان آزادی تجمع کردند. رانندگان شرکت واحد با ارائهٔ امضاهایی جدید در ادامهٔ طومار ۲ هزار امضایی خود به مسئولان وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی خواستار حضور مسئولان دولتی و اعضای شورای عالی کار برای شنیدن دغدغه‌ها و نگراني‌های خود در رابطه با تعیین حداقل مزد سال ۹۲ شدند. آنان خواستار دریافت دستمزدی عادلانه ودر نظر گرفته شدن تورم واقعی امسال و تورم سال آینده در تعیین حداقل مزد شدند تا طبق ماده ۴۱ قانون کار و با استفاده از روش‌های حمایتی دولتی حداقل دستمزد کارگران پاسخگوی هزینه‌های کمر شکن زندگی کارگران و بازنشستگان کارگری باشد. در ادامهٔ این تجمع حراست وزارت کار تجمع کنندگان را برای شنیدن صحبت‌های مسئولان دولتی به نمازخانه ساختمان هدایت کردند

تهران-شرکت پیمانکاری ترابر گستر نکو تحت نظارت سازمان مدیریت پسماند تهران ۴۰ کارگر پیمانی که اکثرا راننده ماشین آلات بودند را پس از اتمام قرارداد بدون دریافت معوقات حقوقی اخراج کرد که متعاقب این اخراج در تاریخ سوم اسفند کارگران اخراج شده اولین تجمع اعتراضی خود را در مقابل سازمان مدیریت پسماند برگزار کردند. صبح چهارشنبه، ۱۶ اسفند تعداد ۲۵ نفر از کارگران شرکت پیمانکاری ترابر گس‌تر نکو برای دومین بار ظرف ۱۳ روز گذشته، به دلیل عدم دریافت مطالبات مالی خود در مقابل سازمان مدیریت پسماند تهران تجمع کردند. دراین میان کارفرمای شرکت ترابر گستر نیز گفته است پرداخت نکردن مطالبات سه ماهه کارگران و سنوات آنان به دلیل بدحسابی سازمان مدیریت پسماند بوده است. مسئول دفتر مدیر عامل سازمان مدیریت پسماند تهران اعلام کرد: با وجود آنکه سازمان مدیریت پسماند در زمینه بیکاری این کارگران هیچ گونه مسئولیتی ندارد، اما برای حمایت از کارگران بیکار شده بخشی از مطالبات آنان را روز یکشنبه (۲۰ اسفند ماه) به حساب آنان واریز مي‌کند.

عسلویه

روز دو شنبه، ۱۴ اسفند، کارگران شرکت توسعه شبکه های صنعتی ایران پیمانکار فاز ۱۲پارس جنوبی (پروژه توسعه میدان گازي، بزرگترین فاز گازی کشور) در اعتراض به عدم پرداخت حقوق و بدی سرویس و خوابگاه دست به اعتصاب زدند. کارگران از ساعت ۶ صبح به مدت ۲ ساعت اعتصاب کردند. این اعتصاب بدون نتیجه پایان یافت و یکی از فعالین اعتصاب به نام نجیم محمد زاده از کار اخراج شد.

ساوه

هزار و دویصت کارگر کارخانه نورد لوله صفا نیز در حال حاضر چهار ماه حقوق معوقه دارند و کارفرما قرار است فقط یکماه از دستمزد معوقه این کارگران را پرداخت کند. همچنین ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد پروفیل ساوه شش ماه است حقوقی دریافت نکرده‌اند. این کارگران در طول این مدت فقط مساعده اندکی دریافت نموده‌اند و در آستانه سال نو در شرایط فلاکتباری بسر مي‌برند. بر اساس توافقی که در پی اعتصابات ماههای گذشته این کارگران با کارفرما صورت گرفته بود قرار بود ۱۵ اسفند دستمزد آذرماه این کارگران پرداخت شود اما با فرا رسیدن این روز هیچ پولی به حساب آنان واریز نشد و به همین دلیل این کارگران بلافاصله دست به اعتصاب زدند. کارگران نورد لوله صفا در حال حاضر و با احتساب ماه اسفند، ۴ ماه دستمزد معوقه بعلاوه عیدی و پاداش خود را از کارفرما طلب دارند. کارفرمای کارخانه نورد لوله صفا در حالی از دادن دستمزد معوقه کارگران پرهیز میکند که طی ماههای گذشته تولید در این کارخانه رونق زیادی گرفته است بطوریکه کارگران این کارخانه در سه شیفت و بطور شبانه روزی مشغول بکارند. این اعتصاب روز چهارشنبه نیز ادامه داشت و کارفرما در مقابله با

اعتصاب روز پنج شنبه و جمعه را تعطیل اعلام کرد. کارگران نورد لوله صفا مصمم به ادامه اعتصاب خود تا رسیدن به خواست هایشان هستند. همچنین علاوه بر سی کارگر شرکت زادآخ که یکسال است دستمزدی دریافت نکرده‌اند و در حال حاضر با درب بسته کارخانه موجه شده‌اند هزاران کارگر دیگر نیز در شهر صنعتی کاوه از یکسال تا سه ماه دستمزدهای خود را دریافت نکرده‌اند و از آنجا که اراده‌ای نیز در میان کارفرمایان برای پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران وجود ندارد آنان در آستانه سال نو بدون روزنه‌ای امید برای دریافت دستمزدهایشان در شرایط فلاکتباری قرار دارند.

اهواز

اهواز- صبح چهارشنبه، ۱۶ اسفند تعداد ۵۰ نفر از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز برای سومین بار طی هفت روز گذشته، در مقابل استانداری خوزستان تجمع کردند که به گفته نماینده حقوقی کارگران این کارخانه جواب قانع کننده‌ای از سوی مسئولان استانداری به آنها داده نشده است. ۸۰ کارگر این کارخانه بیش از ۲۶ ماه است که به سبب بلاتکلیفی کارخانه و تعطیلی خط تولید، حقوق دریافت نکرده‌اند. هیئت دولت در دور دوم سفرهای استانی خود به شیراز برای حل مشکلات کارخانه قند اهواز و کارگران آن مصوبه‌ای را تصویب کرد که طی آن کارخانه قند اهواز از مالکیت بانک ملی و بانک ملت خارج و به قیمت دفتری به وزارت صنایع و معادن واگذار شود، اما بعد از مدتي، به تشخیص وزارت صنایع و معادن، انتقال کارخانه از بخش خصوصی به دولت مغایر قانون تشخیص داده شد. به این ترتیب این مصوبه نه تنها نتوانست مشکلات کارخانه و کارگران را رفع کند بلکه بعد از تصویب آن گره‌ای باز نشدنی به مشکلات کارگران افزوده شد. بانک‌های ملی و ملت نیز بعنوان مالکین قبلی کارخانه، با استناد به مصوبه دولت مبنی بر فروش کارخانه به وزارت صنایع و معادن از پیگیری امور کارخانه سرباز مي‌زنند که همین مشکل تا امروز ادامه داشته و کارخانه در وضعیت تعطیلی کامل قرار دارد و هیچکدام از طرفین، مسئولیتی در قبال مشکلات این کارخانه و کارگران بیکار برعهده نمي‌گیرند. بانک‌های ملی و ملت حاضر نیستند مسئولیت کارخانه را برعهده بگیرند و وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز، با استناد به غیرقانونی بودن مصوبه دولت، روند بازسازی و راه اندازی مجدد کارخانه را متوقف کرده، که این مساله مشکلات زیادی برای کارگران ایجاد کرده است.

اهواز- ۶۰ کارگر کارخانه لوله سازی استان خوزستان ۳۰ ماه است که حقوق خود را دریافت نکرده و بلا تکلیف مانده‌اند. در چند سال گذشته کارخانه لوله سازی خوزستان یکی از واحدهای بحرانی استان خوزستان محسوب مي‌شود.

سنندج

صبح روز پنجشنبه ۱۷ اسفند ماه علی آزادی از اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در محل کارش در سنندج دستگیر شد. علی آزادی کارگر نانوایی فانتزی است. به گزارش تارنمای کمیته هماهنگي، وفا قادري، خالد حسيني، بهزاد فرج‌اللهی و حامد محمود نژاد نیز ساعت ۵ و نیم صبح روز پنج شنبه با هجوم ماموران اطلاعات به منازلشان، دستگیر و بازداشت شدند

خشم کاربران ایلنا از تعیین دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 اسفند 91 آمده است : افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد سال آتی کارگران در شورای عالی کار، جامعه کارگری را در بهت و حیرت فرو برده و خشم آنان را به همراه داشته است.
به گزارش ایلنا، عصر روز گذشته در جلسهٔ شورای عالی کار، حداقل مزد کارگران در سال ۹۲ تعیین شد. به موجب مصوبهٔ این شورا، حداقل دستمزد ۳۸۹ هزار تومانی کنونی از ابتدای سال آینده، ۲۵ درصد اضافه خواهد شد. براین اساس، حداقل مزد کارگران با حدود ۹۷ هزار تومان افزایش به مبلغ ۴۸۷ تومان افزایش یافت.

در حالی که گرانی و تورم افسارگسیخته در کشور که ناشی از سیاست‌های اقتصادی دولت، اجرای ناقص طرح هدفمندی یارانه‌ها و تحریم‌های همه جانبهٔ اقتصادی غرب است بخش تولید را تحت فشار شدید قرار داده و جامعه کارگری را به سمت فقر و تنگدستی هدایت می‌کند، افزایش ۲۵ در صدی حداقل مزد کارگران و تعیین آن به میزان ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان، قطعا پاسخگوی نیازهای جامعه کارگری نخواهد بود.
در چند ساعتی که از اعلام این خبر می‌گذرد، کاربران ایلنا با نظراتی که در انتهای خبر اعلام رقم دستمزد سال آینده بیان کرده‌اند اعتراض شدید خود نسبت به تعیین چنین مبلغی را اعلام کرده‌اند.

واکنش کنایه آمیز کاربران ایلنا به افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران

«نمایشنامه قشنگی بود، حدود ۲۰ روز جلسه پشت جلسه، اونوقت ۲۵ درصد!»، «سران مملکت در رفاه باشند کارگر مگه آدمه»، «شرم آور است بازم آقازاده‌های کارخونه دار؟»، «خودتان با این حقوق می‌تونید زندگی کنید؟»، «همیشه گفتن سیر خبر از گرسنه نداره. وزیر و وکیلی که چند میلیون حقوق ماهانشونه می‌خوان برا ما دلسوزی کنن؟ قربون این عدالت برم که ماروکشته»، «آیا با این دستمزد می‌توان کرایه خانه و سایر هزینه‌های کمر شکن را مدیریت کرد؟»، «تورم هم که قربونش برم بیست درصده فقط نمی‌دونیم چرا همه چیز دو یا سه برابر شده... واقعا که خودتونید....»، «به قول فامیل دور، نخوردیم نون گندم آقای مجری، دیدیم دست مردم» تنها بخشی از نظرات کنایه آمیز و اعتراضی کاربران ایلنا در واکنش به تعیین حداق مزد سال آتی است.
در حالی که به نظر بسیاری از فعالان کارگری «نرخ تورم در سبد معیشت کارگری بیش از ۱۵۰ درصد است» و بر اساس گزارش کمیته مزد کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران ایران «حداقل مزد متناسب با خط فقر ۱۸ میلیون ریال است» مزد ۴۸۷ هزار تومانی عیدی نمایندگان رسمی جامعه کارگری، نمایندگان کارفرمایی و دولتمردان به کارگران محسوب می‌شود.
یکی از کاربران ایلنا در کامنتی اشاره کرده است: به اعضای شورای عالی کار، رییس کانون عالی شورای اسلامی کار و رییس کانون عالی انجمن‌های صنفی کارگران باید خسته نباشید بگوییم. با این تصمیمی که امروز در شورای عالی کار گرفتند واقعا خیلی زحمت کشیدند و از دولت هم باید تشکر کنیم که به محرومین کمک کردند.
وی که خود را «علی» معرفی کرده ادامه داده است: گروه کارگری از حق جامعه کارگری (در شورای عالی کار) واقعا دفاع کرد و باید به آن‌ها تبریک گفت. نمایندگان کارگران چگونه می‌توانند خود را به عنوان نماینده قشر محروم بدانند و به دولت هم تبریک می‌گویم که در خدمت کارفرماهای محترم می‌باشد و اگر دولت خدمتگزار است و این گونه خدمت می‌کند جای تشویق هم دارد و معنی خدمتگزار را هم فهمیدیم.
«رضا کوشکی» دیگر کاربری است که معتقد است: نمایندگان مجلس و نمایندگان کارگری از دستمزد ۷۰۰-۸۰۰ هزارتومانی صحبت می‌کردند. معلوم است که هیچ کاره بودند. چون نمایندگان کارفرما و دولت نظرات خود را تصویب کردند. کاربر دیگری می‌گوید: فعالان کارگری شعار دهنده کجا هستند؟ به امید روزی که حافظه‌ها قوی شود و تفکر جای احساس را در کارگران زنده کند.
«امین شفیعی» نیز نوشته است: واقعا مردم را چی فرض کردید؟ از یک طرف حداقل در آمد را برای یک زندگی نزدیک به خط فقر بالای یک میلیون اعلام می‌کنید از طرف دیگر با کمال پررویی به کارگران خبر خوش می‌دهید که حقوقشان ۲۵ درصد اضافه شده است.
همچنین شورای عالی کار مبنای محاسبه سایر سطوح مزدی کارگران را مبلغ ۱۹۸۵ تومان به علاوه ۱۰ درصد تعیین کرده است.
در همین رابطه «علی» می‌نویسد: چرا شعار ۲۵ درصد می‌دهید؟ اگر یک فرد حقوقش ۵۰۰ هزار تومان باشد با این فرمول حدود ۲۲ درصد افزایش داده‌اید به این ترتیب هر چه بالاتر برود افزایش دستمزد کاهش پیدا می‌کند به عنوان مثال اگر شخصی حقوقش ۱ میلیون باشد ۱۶ درصد افزایش دستمزد دارد آیا با این تورم که بعضی از کارشناسان بالای ۴۰ درصد اعلام

می‌کنند و بانک مرکزی ۳۲ درصد اعلام کرده است چطور شده که نمایندگان کارگران این افزایش دستمزد را اعلام کرده‌اند و بر چه مبنایی؟
به نظر می‌رسد مزد ۴۸۷ تومانی سال آینده جامعه کارگری و مردم را در موجی از ناامیدی فرو برده و بی‌اعتمادی نسبت به نهادهای رسمی را بیش از پیش افزایش دهد.
کارگران هنوز امیدوارند تا دولت با تعیین سبد معیشتی متشکل از کالاهای اساسی، بار تورمی سال جاری را در حداق حقوق سال آینده لحاظ کند. امری که البته با عملکرد هفت سال گذشتهٔ دولتمردان بعید به نظر می‌رسد.

پایان پیام

افزایش ۲۵ درصدی مزد همه‌گیر نیست/ تحلیل جزئیات مصوبه مزد ۹۲

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 اسفند 91 آمده است : شب گذشته شورای عالی کار در آخرین جلسه سال ۹۱، تکلیف مزد سال ۹۲ کارگران را روشن کرد. بر اساس این مصوبه «حداقل مزد» کارگران از ابتدای سال آینده ۲۵ درصد افزایش خواهد داشت.
به گزارش ایلنا، در این مصوبه همچنین در خصوص چگونگی افزایش سایر سطوح مزدی آمده است: مبنای افزایش سایر سطوح مزدی حدود ۱۰ درصد دستمزد به علاوه روزانه دو هزار تومان است.
به موجب مصوبه حداقل مزد سال ۹۲ شورای عالی کار از ابتدای سال جدید مبنای محاسبه پایه سنواتی کارگران از ۲۵۰ به ۳۰۰ تومان افزایش داشته است.
از آنجایی که به دلیل ناآشنایی بخش قابل توجهی از افراد جامعه با قانون کار ممکن است به غلط چنین تصور شود که مزد تمامی کارگران از سال ۹۲ به میزان ۲۵ درصد افزایش می‌یابد، باید توجه داشت که همه کارگران در ایران حداقل بگیر نیستند چرا که در برخی کارگاه‌ها به موجب اجرای قانون طبقه بندی مشاغل و یا توافق کارگر و کارفرما، دستمزدهای مختلفی به کارگران پرداخت می‌شود.
به همین منظور گروه کارگری ایلنا تلاش می‌کند تا در این گزارش مسئله سایر سطوح مزدی و پایه سنواتی را برای مخاطبان خود بصورت ساده مطرح کند.

سایر سطوح مزدی چیست؟

شورای عالی کار در سالهای اخیر برای افزایش مزد از فرمول تلفیقی استفاده می‌کند که به موجب آن رقم مزد کارگران در آغاز سال جدید براساس جمع یک مبلغ ثابت (K) با درصد ثابتی از مزد سال قبل افزایش می‌یابد که البته در نتیجه استفاده از این شیوه محاسبه، افزایش مزد شاهد افزایش حداکثری «حداقل مزد» و کاهش حداقلی «سطوح بالاتر مزدی» هستیم:
درصد ثابتی از مزد سال قبل + K = مزد سال جدید
بر این اساس دستمزدهای سال ۹۲ از جمله حداقل نیز از جمع عدد ثابت ۱۸۵۰ تومان با ۱۰ دردصد مزد سال ۹۱ تعیین شده است. به بیان ساده‌تر حداقل مزد ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومانی نتیجه جمع عدد ثابت ۱۸۵۰ با ۱۰ درصد حداقل مزد ۳۸۹ هزار تومان سال گذشته است: ۳۸ هزار و ۹۰۰ تومان (۱۰ درصد حداقل مزد سال ۹۱) + ۱۸۵۰تومان = حداقل مزد سال ۹۲
همانطور که گفته شد دستمزد تمامی کارگران ایران براساس حداقل مزد پرداخت نمی‌شود چرا که در برخی از کارگاه‌ها یا به دلیل اجرای قانون طبقه بندی مشاغل و یا توافق کارگر و کارفرما دستمزدها بیشتر از حداقل تعیین شده به کارگران پرداخت می شود. بنابراین آن بخش از مصوبه شب گذشته شورای عالی کار که به چگونگی افزایش سایر سطوح مزدی (با فرمول ۱۸۵۰ + ۱۰ درصد) مربوط می‌شود تنها شامل حال کارگرانی است که در کارگاه خود از مزایای طبقه بندی مشاغل برخوردارند و یا می‌توانند با توجه به نوع و شرایط کار و همچنین تخصص و تجربه خود با کارفرما بر سر مزد بیشتر چانه‌زنی انجام دهند.

مسئله‌ای به نام پایه سنوات

از آنجایی که در مناسبات روابط کار میان ارزش کار کارگر نابلد و تازه نفس با کارگر باسبقه تفاوت وجود دارد، شورای عالی کار هرسال در مصوبه دستمزدهای جدید خود برای کارگرانی که حداقل یک سال سابقه کار دارند دستمزد بیشتری تعیین می‌کند.

براین اساس چنانچه کارگری بیشتر از یک سال در کارگاهی کار کند در آغاز سال جدید علاوه بر دریافت مزد از مزایای نقدی پایه سنواتی نیز برخوردار می‌شود که مبلغ آن از حاصل ضرب یک عدد ثابت (N) در ۳۰ روز (تعداد روزهای یک ماه کاری) به دست می‌آید: ۳۰ × N روز (تعداد روزهای یک ماه کاری) = پایه سنوات

با توجه به اینکه در مصوبه شب گذشته شورای عالی کار پایه سنواتی کارگران (صرف نظر از نوع مدت قرارداد) برای سال ۹۲ از ۲۵۰ تومان به ۳۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است می‌توان چنین حساب کرد که تمامی کارگران قراردادی یا غیر قراردادی که در یک کارگاه حداقل یکسال سابقه کار دارند باید علاوه بر سایر دریافتی‌های نقدی خود مبلغ ۹ هزار تومان نیز به عنوان پایه سنواتی دریافت کنند:

۳۰۰ (مبلغ ثابت) × ۳۰ روز (تعداد روزهای یک ماه کاری) = ۹هزار تومان (پایه سنوات)

البته باید درنظر داشت که در کارگاه‌های دارای طرح طبقه بندی مشاغل مبنای محاسبه پایه سنوات با توجه به معیارهای کلی چون شرایط کار و شرایط کارگر متفاوت و بیشتر از حداقل تعیین شده شورای عالی کار محاسبه می‌شود.

حق اولاد چگونه محاسبه می‌شود

حق اولاد نیز یکی دیگر از مزایای نقدی و جنبی دیگری است که در جلسات مزد شورای عالی کار تعیین می‌شود.

مبنای محاسبه حق اولاد یک دهم حداقل مزد (N) است که در نهایت توسط کارفرما بابت ۲ نفر از فرزندان خانواده کارگر بصورت ماهانه پرداخت می‌شود. ۱۰ / N = حداقل حق اولاد

از آنجا که شب گذشته حداقل مزد براس سال ۹۲ مبلغ ۴۸۷ هزار تومان تعیین شد می‌توان نتیجه گرفت کارفرمایان مکلف هستند تا طبق قانون به کارگران صاحب اولاد خود حداقل ۴۸ هزار تومان و حداکثر ۹۶ هزار تومان علاوه بر دستمزد پرداخت کنند.

۱۰ / ۴۸۷ هزار تومان (حداقل مزد سال ۹۲) = حداقل حق اولاد

اخطار قانون اساسی در اعتراض به تصویب دستمزد ۹۲

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 اسفند 91 آمده است : يك عضو فراكسيون كارگری مجلس با ارائه اخطار قانون اساسی، افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران را نامتناسب با تورم موجود دانست و گفت: با این دستمزد قطعا کارگران در سال آینده با مشکل مواجه خواهند شد.

به گزارش خبرنگار ایلنا، نادر قاضی‌پور در اخطار قانون اساسی بیان داشت: من به عنوان عضو هیات رئیسه فراکسیون کارگری ۲۵ درصد افزایش حقوق کارگران را متناسب با وضعیت کارگران نمی‌دانم و این فراکسیون ۸۰۰ هزار تومان را پایه حقوق کارگران در نظر گرفته بود.

فاصله ۷ درصدی میان پایه دستمزد و تورم حداقلی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 اسفند 91 آمده است : یک کارشناس مسائل کارگری معتقد است با مصوبه شب گذشته شورای عالی کار قدرت خرید کارگران در سال ۹۲ تضعیف شد.

علیرضا حیدری با اعلام اینکه با توجه به شرایط اقتصادی ممکن است چنین تصور شود که برای سال ۹۲ افزایش حداقل مزد بیش از ۲۵ درصد امکان نداشت، به ایلنا گفت: حداقل مزد درحالی ۲۵ درصد افزایش یافت که بانک مرکزی از افزایش نرخ ۳۲ درصدی تورم سخن گفته بود.

وی با بیان اینکه میان نرخ تورم حداقلی و حداقل مزد جدید ۷ درصد فاصله است، گفت: از آنجا

که برای سال آینده سایر سطوح مزدی به میزانی کمتر از ۲۵ درصد افزایش پیدا کرده‌اند باید شاهد کاهش قدرت خرید کارگران باشیم.
به گفته این فعال کارگری حتی اگر مزد سال ۹۲ به اندازه تورم اعلامی بانک مرکزی ۳۲ درصد افزایش پیدا می‌کرد بازهم این میزان افزایش در مقایسه با رشد ۶۴ درصدی سبد خانوار ناچیز بود.
وی بایادآوری اینکه در پی افزایش سال گذشته قیمت‌ها سهم هزینه نیروی انسانی به کمتر از ۱۰ درصد هزینه تمام شده تولید کاهش یافته است، گفت: اینکه سایر گروه‌ها به بهانه تاثیر دستمزد بر نرخ تورم مانع افزایش واقعی مزد می‌شوند درست و منطقی نیست.
حیدری بابیان اینکه معلوم نیست در سال ۹۲ افزایش ۲۵ درصدی مزد چگونه در مقابل نوسانات تورمی مقابله خواهد کرد گفت: این نخستین باری نیست که مزد کارگران بصورت واقعی پرداخت نمی‌شود.

ناامیدی کارگران از سال ۹۲ با تصویب مزد ۴۸۷ هزار تومانی

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 اسفند 91 آمده است : یک فعال مستقل کارگری با انتقاد از افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزد سال آینده کارگران گفت: با توجه به نوسانات اقتصادی اخیر، سال ۹۲ برای مزد بیگران به ویژه کارگران نمی‌تواند سال خوب و امیدوار کننده‌ای باشد.
سعید ترابیان با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: حداقل مزد در حالی ۲۵ درصد افزایش یافت که طبق اعلام بانك مرکزی نرخ تورم تا ۳۲ درصد رشد داشته است. به این ترتیب بر خلاف تصریح قانون کار مزد جدید حتی به اندازه نرخ تورم رسمی نیز افزایش نیافته است.
این فعال صنفی کارگری در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ادامه داد: حتی دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی با برآوردی که اعضای کارگری از سبد هزینه کالاها کرده بودند هم خوانی ندارد، زیرا به ادعای کسانی که به عنوان کارگر در جلسه تعیین مزد شورای عالی کار شرکت کرده بوند هزینه اقلام مصرفی یک خانواده کارگری تا ۶۴ درصد افزایش داشته است.
ترابیان گفت: معلوم نیست با این مزد جدید چگونه کارگران می‌خواهند از عهده تامین کالاهای اساسی برآیند.

ادامه تجمع خانواده های فعالین کارگری بازداشتی سنندج

برپایه خبر رسیده به کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در ۲۲ اسفند ۱۳۹۱آمده است :امروز سه شنبه ۲۲/۱۲/۹۱ جمع زیادی از خانواده های فعالین کارگری بازداشتی در سنندج از ساعت ۹ صبح در مقابل اداره اطلاعات این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند. با مراجعه خانواده ها جهت پی گیری وضعیت عزیزانشان از طرف مامورین به آنها گفته شد بروید تا بعد از تعطیلات دنبال کارِ بازداشتی ها را نگیرید، اما خانواده ها همچنان برماندن در آنجا پافشاری کردند و رفته رفته بر تعداد تجمع کنندگان اضافه شد.
در ساعت ۱۱:۳۰ تعداد زیادی از نیروهای امنیتی شامل چندین ماشین وموتور سوار به محل آمدند و از حاضرین خواستند محل را ترک کنند ولی حاضرین بر ماندن تا دریافت جوابی از سوی اداره اطلاعات اصرار ورزیدند که در این میان نیروهای امنیتی به یکی از حاضرین بی حرمتی و به نامبرده حمله کردند که با عکس العمل جمعیت حاضر روبروشدند. بعد از این برخورد یکی از نیروهای امنیتی به میان حاضرین آمد و ضمن عذرخواهی از آنان، اعلام کرد که تا ۲۰دقیقه دیگر به شما جواب خواهیم داد؛ بعداز ۲۰ دقیقه به آنها گفته شد تا بعد از سیزده بدر به اینجا مراجعه نکنید. سپس جمعیت با تاکید بر اینکه دوباره بر می گردیم در ساعت ۱:۳۰ ظهر به تجمع شان پایان دادند.
کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط فعالین کارگری بازداشتی و همچنین سایر کارگران و فعالین دربند و زندانیان سیاسی می باشد

تذکرات کارگری امروز نمایندگان به دولت

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 اسفند 91 آمده است : نمایندگان مبارکه، آبادان، خرمشهر، قائمشهر و ارومیه در جلسه امروز مجلس تذکراتی را در خصوص مسائل کارگری ارائه دادند.
به گزارش ایلنا، «ایرانپور» نماینده مبارکه در تذکری به وزیر صنعت، معدن و تجارت در خصوص جلوگیری از تضییع بیت‌المال در شرکت فولاد مبارکه و تسریع در تبدیل وضعیت کارکنان شرکت‌های ذوب آهن و فولاد مبارکه اصفهان و همچنین جلوگیری از ادامه فشار و تهدید بر کارگران شرکت فولاد مبارکه مبنی بر امضای قراردادهای یکجانبه ارائه داد.
دهدشتی و سامری نمایندگان آبادان و خرمشهر به رئیس جمهور در خصوص تسریع در پرداخت حقوق کارگران کشتی‌سازی اروندان تذکر دادند. این نمایندگان همچنین به وزیر امور اقتصادی و دارایی در خصوص تسریع در پرداخت حقوق ارزی دریانوردان تذکر دادند.
علیپور، حسینی و فتاحی نمایندگان قائمشهر و ارومیه به رئیس جمهور و وزرای امور اقتصادی و دارایی و صنعت، معدن و تجارت در خصوص تسریع در پرداخت حقوق کارگران بازنشسته فولاد مبارکه کشور تذکر دادند.

مزد ۹۲ حاصل مشورت دولت و کارفرمایان است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 اسفند 91 آمده است : دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران با بیان اینکه مصوبه شب گذشته شورای عالی کار در خصوص حداقل مزد ناعادلانه بود، گفت: مادامی که ترکیب اعضای شورای عالی کار بر نقض سه جانبه گرایی استوار باشد مزد کارگران هیچگاه واقعی تعیین نخواهد شد.
حسن حبیبی با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: تا زمانی که ترکیب اعضای شورای عالی کار برمبنای سه جانبه گرایی نباشد و گروه کارگری (در نتیجه تغییرات ایجاد شده در آیین نامه تشکیل جلسات این شورای عالی)، تنها اقلیتی خنثی در این شورا باشند نمی‌توان از گروه کارگری این شورایعالی توقع تصویب مزدی واقعی داشت.
این مقام کارگری گفت: سال گذشته که مصوبه حداقل مزد شورای عالی کار افزایش ۱۸ درصدی مزد را رقم زد به دلیل نرخ نسبتا متعادل تورم، حداقل مزد تعیین شده جای دفاع داشت اما امسال که تنها در ماه‌های پایانی سال شاهد آخرین مرحله افزایش غیر منطقی و افسارگسیخته قیمت‌ها بودیم، نمی‌توان از افزایش ۲۵ درصدی حداقل مزد دفاع کرد.
وی بابیان اینکه مزد امسال ۱۰۰ درصد مطابق میل کارفرمایان دولتی و خصوصی تعیین شد، گفت: امسال قیمت‌ها در چند مرحله بطور ناگهانی زیاد شد اما حتی یک ریال به حقوق کارگران اضافه نشد.
حبیبی افزود: در نتیجه این افزایش قیمت‌ها اکنون هزینه کارگران به کمتر از ۱۰ درصد قیمت تمام شده تولید کاهش یافته است.
دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران افزود: با این شرایط مادامی که کارگران از حق قانونی اعتراض برخوردار نباشند نمایندگان آن‌ها نیز نمی‌توانند در مذاکرات به ظاهر سه جانبه از حقوق موکلان خود دفاع کنند.

پاسخ‌های جالب رئیس شورای عالی کار درباره مزد ۹۲

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 اسفند 91 آمده است : رئیس شورای عالی کار در پاسخ به این سوال که «ماده ۴۱ قانون کار نرخ تورم را ملاک تعیین دستمزد قرار داده است، آیا نرخ تورم سال آینده، بعد از اجرای فاز دوم هدفمندی یارانه ۲۵ درصد خواهد بود؟» افزود: افزایش دستمزد سال ۹۲ بر اساس تورم امسال و تامین معیشت خانوار کارگری مصوب شده است، ممکن است در سال آینده اصلا تورم نداشته باشیم.
او در این زمینه اضافه کرد: افزایش تورم در سال آینده بیشتر از این نیست و اگر هم باشد در مراحل اجرایی فاز دوم هدفمندی یارانه‌ها توجه زیادی به دهک‌های پایین جامعه شده است.

او گفت: در فاز دوم هدفمند کردن یارانه‌ها هم به بخش کارفرمایی (صنعت) توجه شده و هم به بخش کارگری، که برای جبران مشکلات کمك‌هایی در نظر گرفته‌اند.
عباسی در پاسخ به این سوال که «چرا دستمزد طبق نرخ رسمی بانک مرکزی که تورم را ۳۱ درصد اعلام کرده، تعیین نشده است؟» عنوان کرد: قانون به ما نگفته است که بیایید به میزان تورم، نرخ دستمزد را مشخص کنید بلکه گفته است بیایید بر اساس تورم یک افزایش دستمزد داشته باشید.
او در خاتمه گفت:ر سال گذشته در همین ماه (اسفند) نرخ تورم اعلامی ۲۶ درصد بوده اما امسال ۳۰/۲ دهم درصد اعلام شده که تفاوت چندانی با نرخ پارسال نداشته است.

کمبود داروی بیهوشی اتاق‌های عمل بیمارستان‌های ایران را در آستانه تعطیل قرار داده است

به نوشته سایت رادیو دویچه وله در 22 اسفند 91 آمده است : : رئیس انجمن بیهوشی دوباره هشدار مي‌دهد که کمبود داروی بیهوشی اتاق‌های عمل بیمارستان‌های ایران را در آستانه تعطیل قرار داده است. این کمبود سبب استفاده از داروهای خطرناکی شده که از چرخه مصرف خارج شده بودند.
دکتر محمدمهدی قیامت، رئیس انجمن بیهوشی و منتخب هیئت‌مدیره جدید نظام پزشکی ایران، برای دومین بار رسما هشدار مي‌دهد که کمبود داروهای بیهوشی اتاق‌های عمل بسیاری از مراکز درمانی ایران را در آستانه تعطیل قرار داده است. دکتر قیامت مي‌گوید که تاکنون بارها نسبت به خطر کمبود داروهای بیهوشی هشدار داده، اما مسئولان امر به این اخطارها توجه نکرده‌اند.

اتاق عمل فقط برای فوریت‌ها
برپایه اظهارات رئیس انجمن بیهوشی ایران، شواهد نشان مي‌دهد که در آستانه تعطیلات نوروزي، اتاق‌های عمل بیمارستان‌ها تنها توانائی پذیرش بیماران اورژانسی را خواهند داشت و تکلیف سایر بیماران روشن نیست.
دکتر قیامت در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر گفته است:«اتاق عمل را نمي‌توان به‌دلیل نبود داروی بیهوشی تعطیل کرد. متاسفانه داروهای قدیمی که تا پیش از این استفاده نمي‌شده دوباره وارد چرخه مصرف داروهای بیهوشی شده و این مي‌تواند زنگ خطری برای سلامت بیماران باشد.»
این نخستین‌بار نیست که انجمن بیهوشی ایران نسبت به کمبود شدید داروهای بیهوشی هشدار مي‌دهد. دکتر محمد مهدی قیامت ۲۸ دیماه امسال نیز در گفت‌وگوئی با دویچه وله اعلام کرده بود که سه نوع داروی بیهوشی به‌نام‌های "اولتیوا رمیفنتانیل"، "سیساتراسیریوم" و "سووفلوران" در ایران به شدت کمیاب شده‌اند.

داروهای بیهوشی تقلبی چینی
شهریورماه امسال وبسایت خبری انتخاب خبر داده بود که چند بیمار پس از عمل جراحی در بیمارستان شرکت نفت به علت استفاده از داروهای بیهوشی تقلبی چینی جان خود را از دست داده‌اند. اما مرضیه وحید دستجردی وزیر وقت بهداشت و چند مقام دیگر این خبر را تکذیب کردند. وزیر بهداشت وقت گفت که داروی بیهوشی تنها از کشورهای اروپائی وارد ایران مي‌شود.
از سال ۱۳۹۱ مي‌توان در مجموع به‌عنوان سال کمبود شدید دارو در ایران نام برد. دیماه امسال اعلام شد که علاوه بر کمبود شدید داروهای بیهوشي، کمبود دارو در روند درمان بیماران هموفیلي، سرطانی و برخی دیگر از بیماري‌های خاص نیز مشکلاتی ایجاد کرده است.

تاثیر تحریم یا سیاست‌های ارزی غلط؟
برخی منابع ایرانی کمبود دارو را ناشی از تحریم‌های بین‌المللی قلمداد مي‌کنند. اما تاکنون

صادرات دارو به ایران از این تحریم‌ها مستثنی بوده است. اتحادیه اروپا مهرماه امسال ضمن اعمال تحریم‌های تازه علیه ایران، تصریح کرد که مبادلات پولی که به تجارت دارو و مواد غذائی مربوط مي‌شود از شمول این تحریم‌ها خارج است.
با این همه، فاطمه هاشمی رئیس بنیاد امور بیماري‌های خاص در همان زمان اعلام کرد که تامین دارو برای درمان بیماري‌های خاص با تنگنای شدید روبرو شده است. وی ریشه دشواری مبادلات ارزی را مهمترین دلیل این بحران دانست.
اما مرضیه وحید دستجردي، وزیر پیشین بهداشت جمهوری اسلامي، چند روز پیش از برکناری از این مقام اعلام کرد که در شش ماهه نخست سال ۱۳۹۱ هیچ ارزی برای واردات دارو در اختیار وزارت بهداشت قرار نگرفته است. وی افزود که از شهریورماه به بعد نیز تنها یک سوم ارز مورد نیاز واردات دارو از سوی بانک مرکزی تامین شده است.
در پی این اظهار نظر، محمود احمدي‌نژاد تنها وزیر زن کابینه خود را برکنار کرد.

فاصله تورم و دستمزد به آسیب‌های اجتماعی منجر می‌شود

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 اسفند 9 آمده است : یک کارشناس مسائل کارگری معتقد است با حداقل مزدی که شامگاه دوشنبه (۲۱ اسفند) برای سال ۹۲ تعیین شد احتمال افزایش ناهنجاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی افزایش می‌یابد.
کاظم فرج اللهی در گفتگو با ایلنا ضمن بیان اینکه طبق فرمول‌های پذیرفتنه شده هزینه نیروی کار در نهایت ۱۳ تا ۱۵ درصد قیمت تمام شده کالای تولیدی را به خود اختصاص می‌دهد، گفت: جهش‌های تورمی سال ۹۱ باعث شده که این قاعده در ایران نقض شود زیرا در این شرایط تورمی حتی یک ریال به حقوق مزد بگیران اضافه نشد.
این فعال کارگری یادآور شد: کاهش سهم نیروی کار ایرانی در قیمت تمام شده تولید درحالی است که در کشورهای صنعتی سهم کارگران در قیمت تمام شده تولید تا ۴۰ درصد هم ارزیابی می‌شود.
فرج اللهی بابیان اینکه در نتیجه همین وضعیت سرمایه داران در کشورهای صنعتی برای کاستن از هزینه نیروی انسانی به دنبال سرمایه گذاری در کشورهای کمتر توسعه یافته هستند، گفت: در مناسبات روابط کار سود و درآمد هرکدام از طرفین باید متناسب و متعارف باشد و این درحالی است که به نظر می‌رسد در ایران سود کارفرمایان و مزد کارگران از این قاعده خارج است.
این فعال کارگری گفت: با این وضعیت مزدبگیران به ویژه کارگران برای تامین هزینه‌های زندگی ناتوان خواهند شد و همین امر می‌توان احتمال وقوع آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی را تشدید کند.

دستمزد ۹۲ نشان دهنده دور شدن از قانون اساسی است

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 22 اسفند 91 آمده است : یک کارشناس مسائل اقتصادی افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران را موجب افزایش استثمار و فقر در جامعه دانست و این رقم دستمزد را نشان دهندهٔ دور شدن کشور از قانون اساسی عنوان کرد.
کمال اطهاری در این باره به ایلنا گفت: در حالی ۲۵ درصد به حقوق کارگران اضافه شده است که حداقل نرخ تورمی که از سوی مراجع رسمی اعلام می‌شود ۳۱ درصد است اما در عمل با تورم بالای ۵۰ درصد رو به رو هستیم و این مساله شدت استثمار را در ایران بالا می‌برد.
وی ادامه داد: خط فقر در مناطق شهری حداقل ۱ میلیون تومان است و حداقل مزد ۴۸۷ تومانی فاصله زیادی با خط فقر دارد و این موضوع فقر را تشدید می‌کند.
این کارشناس اقتصادی با بیان این موضوع که رفع استثمار و محرومیت‌ها از اهداف مهم قانون اساسی است، شرایط فعلی را نشان دهندهٔ دور شدن مسئولان کشور از قانون اساسی دانست.
اطهاری افزود: برای مقابله با این شرایط باید به سمت تنش زدایی داخلی و خارجی برویم و با رفع تحریم‌ها و به وجود آوردن وفاق ملی به گونه‌ای که تمام اقشار جامعه را در تصمیم

گیری‌ها دخالت دهیم، کشور می‌تواند از بحران اقتصادی نجات یابد.
این اقتصاددان و استاد دانشگاه در پایان اظهار داشت: دولت در شرایط بحرانی فعلی بایستی کالاهای اساسی مردم را تامین کند زیرا میزان افزایش حقوق سال آتی به گونه‌ای است که کارگران را از حداقل‌ها نیز محروم می‌کند.

تعطیلی ۶۰ درصد کارخانه‌های فرآوری گوشت

برپایه مطلب دریافتی در 22 اسفند 91 آمده است : محمد موسوی، مدیرعامل تعاونی تولیدکنندگان فرآورده‌های گوشتی می‌گوید ۳۰ درصد کارخانه‌های فرآوری گوشت تعطیل، ۳۰ درصد نیمه تعطیل و تنها ۴۰ درصد «با مشکلات متعدد فعال هستند.»
آقای موسوی در گفتگو با خبرگزاری «تسنیم» این اظهارات را بیان کرده است.
وی افزوده این در شرایطی است که «طی دو سال گذشته حدود ۶۰۰ هزار نفر و با خانواده آن‌ها حدود ۳ میلیون نفر از طریق این صنعت امرار معاش می‌کردند.»
موسوی از عملکرد مسئولان وزارت جهاد کشاورزی و صنعت انتقاد کرده و گفته دولت به درخواست ما مبنی بر معافیت مالیات ۵ درصدی از فرآورده‌های گوشتی «بی‌توجهی» می‌کند.
مدیرعامل تعاونی تولیدکنندگان فرآورده‌های گوشتی، تولید سالیانه این فرآورده‌ها در ایران طی دو سال گذشته را ۴۵۰ هزار تن اعلام کرده است.
به گفته وی طی دوسال گذشته ورود گوشت به تشکل‌ها و بعضی از صاحبان صنعت سپرده شده بود، «اما در سال ۱۳۹۰ تشکیلاتی بدون رعایت قانون و بدون در نظر گرفتن مصالح عمومی و مصرف کنندگان با انگیزه سلطه به بازار گوشت با پشتیبانی برخی نهادها، به نام مجمع عالی واردات مواد پروتئنی واردات گوشت را به عهده گرفتند.»
بدنبال افزایش مشکلات اقتصادی ناشی از تحریم‌های بین‌المللی علیه برنامه هسته‌ای جمهوری اسلامی و ناکارآمدی دولت محمود احمدی‌نژاد صنایع بسیاری در ایران ورشکسته شده و یا در آستانه ورشکستگی قرار گرفته‌اند.
مشکل جمهوری اسلامی در دریافت پول نفت نیز مقامهای این کشور را مجبور به وارد کردن کالا در ازای فروش نفت کرده که تاثیر ویرانگری بر تولیدکنندگان داخلی گذاشته است

دیدار فعال کارگری محمود صالحی با بهنام ابراهیم زاده ورضا شهابی

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در 22 اسفند 91 آمده است : دیروز فعال کارگری محمود صالحی که از سنندج برای سفر خارجی شان به تهران آمده بود دیدار کوتاهی با دوتن از فعالین کارگری بهنام ابراهیم زاده ورضا شهابی داشتند وپیرامون وضعیت امروز جامعه کارگری وتصویب دستمزدهای شرم آور ازسوی دولت وشورای عالی کار اسلامی وآخرین وضعیت فرزند بیمار بهنام ابراهیم زاده نیمای عزیز که در بستر بیماری است گفتگو کردند در این دیدار دوستانه وصمیمانه بهنام از زحمات وتلاشهای آقای صالحی در زمان بازداشتشان ودر حال حاضر که تنها فرزندشان در بستر بیماری است تشکر وقدر دانی کردند بهنام همچنین با آقای صالحی از کشمکشها وتنشهای درونی بعضی از تشکلهای کارگری وبی توجهی به مسایل کارگری وانحصار گرای وفرقه گرای درمیان بعضی از تشکلهای کارگری ودر نشر اخبار واطلاعات کارگری وخصوصا به فعالین کارگری زندانی وکاستی ها وکمبودها واز نظر بهنام بعضی از این تشکلها در راستای خانه کارگری وابسته به دولت عمل می کنند وحتی بعضا بعضی از تنشها وکمبودها وکم کاری ها بعضی از فعالین هستند که خود به وجود می آورند بحث وگفتگو کردند آقای بهنام ابراهیم زاده وبلاگ نویس وفعال کارگری با گلایه از آقای صالحی که امروز طبقه کارگر وفعالین کارگری دربند هزینه زیادی را متحمل می شوند وشده اند اما متاسفانه در بیرون از زندان آنچنانکه باید وشاید هم صدای با صدای اعتراض ما فعالین کارگری در زندان نبوده .وی همچنین به آقای محمود صالحی یادآور شدند که سفر شما به خارج از کشور قطعا دستاوردهای مفیدی برای جنبش کارگری به همراه خواهد داشت لذا شما در خارج از کشور در این سفر چند روزه باید توجه زیادی به مشکلات جامعه کارگری وبا توجه به اینکه جمهوری اسلامی خود نیز عضو سازمان جهانی کار می باشد قطعا می توانید به

نمایندگی از کارگران ایران اعتراض خود را پیرامون تعیین دستمزدهای شرم آور برای سال جدید اعلام دارید درادامه بهنام پیرامون وضعیت پیش آمده برای تنها فرزندش نیما ووضعیت کارگران زندانی وخانوادهایشان نیز پیشنهاداتی را به آقای صالحی ارائه کردند بهنام با تاکید براینکه آقای صالحی شما چهره ای محبوب وشناخته شده امروز جامعه کارگری هستید به خوبی می توانید از تمامی ظرفیتها پیرامون صدای ما فعالین کارگری دربند وخانوادهای آنان ومشکلات جامعه کارگری باشید واستفاده کنید در این دیدار پیرامون کمیته دفاع از رضا شهابی وبهنام ابراهیم زاده وسخنگوی بهنام نیز صحبت شد . آقای صالحی با اشتیاق فراوان نکات کلیدی وپیشنهادات بهنام وآقای رضا شهابی را یادداشت وقول دادند از هیچ کوششی در این راستا دریغ نکنند .
www.behnamebrahimzadh.rozblog.com/post/64
بیست ودوم اسفندماه 1391

درحاشیه اعلان رقم دستمزد کارگران برای سال ۹۲

کُوه موش زائید!

امیرجواهری لنگرودی

سرانجام مبلغ تعیین دستمزدها برای سال پیشرِوی بعد ازهیاهوهای مزورانه،قیام وقعودهای رندانه برای هیچ،بمانند سال های پیش دراسفندِ ماه ازدرون شیشه تنوره کشید وخود رابه بیرون صحنه درمیان حیرت همگان پرتاب کرد. امسال نیزازجانب کارگزاران نظام درمعیت نمایندگان دولت امام زمانی،بمثابه بزرگترین کارفرمای کشورونمایندگان کارفرمایان وکارگرنماهای اعضاء کارگری شورای عالی کار،روزدوشنبه رویکرد دولت احمدی نژاد دررابطه با تعیین نرخ دستمزدهای کارگران سراسرکشوراعلام بیرونی یافت.

محمد احمدی با اعلام این خبربه خبرگزاری دولتی کارایران - ایلنا گفت: "درجلسه عصرامروز- دوشنبه- شورای عالی کارحداقل مزد کارگران درسال ۹۲ تعیین شد.وی گفت: به موجب مصوبه این شورا حداقل دستمزد ۳۸۹ هزارتومانی کنونی ازابتدای سال آینده ۲۵درصد اضافه خواهد شد. براین اساس حداقل مزد کارگران با حدود ۹۷ هزار تومان افزایش به مبلغ ۴۸۶ هزارو ۲۵۰ تومان افزایش یافت"، همچنین محمد احمدی عضوکارگری شورای عالی کارادامه داد : " درخصوص میزان پایه سنواتی کارگران برای سال ۹۲ نیزاعلام شد: "پایه سنواتی از مبلغ ۲۵۰ تومان به ۳۰۰ تومان افزایش یافت ومصوب شد که به تمامی کارگران قراردادی که حداقل یکسال دارای سابقه کارهستند مزایای پایه سنواتی تعلق بگیرد." محمداحمدی همچنین درگفتگو با خبرگزاری دولتی ایسنا ،در پاسخ به این پرسش که افزایش حق مسکن و بن کارگری درجلسه امروز شورا به کجا رسید، گفت: "متاسفانه کارفرمایان زیربارافزایش حق مسکن نرفته اند. بن کارگری هم افزایش نیافت..." وی در خصوص میزان مزایای نقدی چون حق مسکن، حق بن و حق اولاد گفت:" تعیین مبالغ این مزایا خارج از وظایف شورای عالی کار بوده وبرعهده هیات دولت است"

ایضا این خبرازجانب خبرگزاری دولتی مهرنیزواگویا گردید وآمده است :..."برای تعیین وتصویب حداقل دستمزدسال آینده،درهفته‌های اخیر نشست‌ها و مذاکرات فراوانی بین گروه‌های کارگري ،کارفرمایی ودولت برگزارشد اما درنهایت ۳ گروه برسررقم ۴۸۷ هزارو ۱۲۵ تومان هزارتومانی مزد که از ابتدای سال ۹۲ باید ازسوی بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی مشمول قانون کاراجرا شود،به توافق رسیدند. آخرین جلسه‌ای که پیش ازاین توسط شورای عالی کاربرای تعیین حداقل دستمزد سالیانه برگزارشده است، درپایان اسفندماه سال ۹۰ بود که درآن زمان حداقل دستمزد سال جاری به میزان ۳۸۹ هزارو ۷۰۰ تومان تعیین شد" (خبرگزاری دولتی مهر، ۲۱ اسفند ۹۱)چیزی که قابل بازگویی است .رژیم جمهوری اسلامی هرساله ازچنین سازوکارمسخره ای با همه بوق وکرنا به عنوان اصل سه جانبه گرایی یاد می کند .چه کسی

می تواند قبول کند که درشورایی ازجنس (شورای عالی کار) ۵ نماینده ازدولت به عنوان بزرگترین کارفرما،سه(۳)نماینده ازدیگرکارفرمایان وسه (۳)نماینده،آنهم نماینده هایی غیر انتخابی ،خودی ودست پرورده ازجنس علیرضا محجوب ها وحسن صادقی ها وعلی اکبرعیوضی ها،به نام نماینده کارگران حضورداشته باشند وبدترازاین، تصمیمات این شورا با رای نصف بعلاوه یک رسمیت داشته باشد وآنوقت چنین سازوکار نمایشی و فرمایشی،نام سه جانبه گرایی برخود بگیرد،این همان یک جانبه گرایی ماستمالی شده و فرمایشی است که برای خالی نبودن عریضه ونوعی چانه زنی یک جانبه بنمایش درمی آید!

این نمایشات درشرایطی فراهم آمد که امسال تورم و گرانی و فقر و بیکاری برای اکثریت مردم ایران بیش از پیش غیرقابل تحمل و کمرشکن شده است و درست درشرایط چانه زنی ها، هفته پیش صبح دوشنبه ۱۴ اسفند، درتهران حدود ۱۰۰ راننده سندیکای شرکت واحد اتوبوس رانی تهران وحومه با اونیفرم کارگری وبه اعتراض درمقابل بیکار سازی همکاران خود و بازگشت آنان برسرکار،درمقابل محل جلسه شورای عالی کار واقع درساختمان وزارت کاردرخیابان آزادی تجمع کردند. رانندگان سدیکای شرکت واحد با ارائه امضاهایی جدید درادامه طومار ۲هزارامضایی خود به مسئولان وزارت تعاون، کارو رفاه اجتماعی خواستارحضورمسئولان دولتی و اعضای شورای عالی کار برای طرح نگرانی های خود در رابطه با تعیین حداقل مزد سال ۹۲ شدند. آنان خواستار دریافت دست مزدی عادلانه و در نظر گرفته شدن تورم واقعی امسال و تورم سال آینده در تعیین حداقل مزد شدند ... در ادامه این تجمع، حراست وزارت کار تجمع کنندگان را برای شنیدن صحبت های مسئولان دولتی به نمازخانه ساختمان هدایت کردند...امسال هزینه زندگی آنچان کمرشکن شده که در بهمن ماه ازقول مجلسیان درسطح مطبوعات رژیم آمده است : "کمال‌الدین پیرموذن نماینده مردم اردبیل وعضو هیأت رئیسه فراکسیون کارگری مجلس با تاکید بر ضرورت افزایش دستمزدها گفت: ما به طور صد درصد با افزایش دستمزد کارگران موافقیم اما باید بیش از آن چیزی باشد که از سوی نهادهای ذیربط اعلام مي‌شود." وی افزود: "درجلسه دستمزد در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و گزارش آن جلسه، آمده است که احتمالا افزایش حداقل دستمزد ۲۵ درصد باشد." نماینده مردم اردبیل با بیان اینکه بر اساس توافقات قرارشده است همچون سنوات گذشته یک مزد ملی وجود داشته باشد، گفت: "در مورد حق مسکن، افزایش باید براساس نرخ تورم سالانه وبه عنوان قلمی از سبد معیشت بند ۲ ماده ۴۱ قانون کار افزایش یابد." پیرموذن خاطر نشان کرد:" براساس برآوردها حداقل سبد هزینه خواروباریک خانوارچهار نفره در آذرماه سال جاری ۶۵۰ هزار تومان و در دیماه ۶۷۰ هزار تومان بوده است." وی افزود: "سهم مسکن نیزدرسبد یک خانوارچهارنفره ۶۷۵ هزارتومان بوده است." این عضو فراکسیون کارگری به هزینه‌های دیگر مانند بهداشت و درمان، تحصیل، حمل‌ونقل و ارتباطات اشاره کرد و گفت: " بر اساس گزارش‌های کارشناسی به طور کل سبد هزینه یک خانوار چهار نفره در یک ماه، حدود دومیلیون و ۳۶۱ هزار تومان بوده است". (روزشمارکارگری به نقل از روزنامه قانون ، ۲۵بهمن ۹۱) ویا ازقول همین علی اکبرعیوضی رییس کمیته ویژه مزد کارگران استان تهران، درگفتگو با خبرگزاری دولتی مهربا اعلام نتایج محاسبات جدید مزدی کارگران از دست یابی به رقم ۱ میلیون و ۱۶۰ هزار تومان به عنوان هزینه ماهیانه یک خانوار ۴ نفره کارگری خبر داد و گفت: "با این حال به دلیل تغییرات روزانه قیمت ها و نوسان رو به بالای قیمت ها در بازار، امکان نهایی کردن پیشنهاد وجود ندارد."نامبرده اظهارداشت: "متاسفانه به تغییرات متعدد قیمت ها قادر به محاسبه تغییرات سبد هزینه خانواروتکمیل پیشنهاد میزان افزایش حداقل دست مزد نیستیم." عیوضی، خاطرنشان کرد: "ما نتوانستیم درکمیته مزد، کالایی را بررسی کنیم که قیمت آن تنها به مدت یک هفته ثابت مانده باشد. برنج به عنوان یک کالای پرمصرف درسبد هزینه های خانوار کارگری در طول ۱۰ روز ۱۵۰۰ تومان به ازای هر کیلوگرم افزایش یافته است."به گفته عیوضی، رییس کمیته ویژه مزد کارگران استان تهران، یک سئوال مهم کارگران این است که چرا دولت نمی تواند حداقل درآن بخشی که جزو اقلام پرمصرف خانواراست، نظارت های دقیقی را اعمال کند که امروز برنج ایرانی به کیلویی ۵ تا ۶ هزار تومان برسد؟ (روزشمارکارگری از قول خبرگزاری دولتی مهر،چهارشنبه ۲۵بهمن ۹۱)

کارکرد نظام برسرتعیین دستمزدهادربرابرزندگی فلاکت بارکارگران درشرایطی اجرایی می گردد که کارگران شناخته شده همچون پدرام نصراللهي، شاهرخ زماني، محمد جراحي،رسول بداغي، عبدالرضا قنبری ومدافع حقوق کارگران دکترفریبرزرئیس دانا وبسیاری دیگرازفعالین کارگری وسیاسی همچنان درزندان به سر مي‌برند ویا براساس گزارش "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگري"، ٦ تن از فعالین کارگری به اسامی : (وفا قادري، خالد حسيني، حامد محمودنژاد، علی آزادی و بهزاد فرج‌اللهی) از اعضای کمیته هماهنگی و (شریف ساعد پناه)عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران درآستانه ۸ مارس روز جهانی زن، دستگیر و زندانی شده‌اند. همچنین (جليل محمدي، کوروش بخشنده، فردين ميرکي، عباس انديارى، گوهر ناصري، گلريز خليلي، يدالله صمدي، آرام زندي، سيمين چايچي، سوسن رازانی)و بسیاری دیگر از طریق تلفن و یا با حضور وحشیانه نیروهای امنیتی به منازل آنان تهدید شده‌اند.

چنانچه اوج دستگیری ها، بازداشت و احضارها رادر مقابل سفره های خالی کارگران در آستانه نوروز قراربدهیم . نمایش زندگی کارگران آنچنان اسفبار است که اخبارخودکشی و خود سوزی کارگران به دلیل فقرو نداری به صفحات رسانه هاو شبکه های مجازی رسیده است . بسیاری از کارگران برای خلاصی ازبدهی و قرض های کمرشکن به کلیه فروشی روی آورده اند.دولت و کارفرما توامان همین مبلغ دستمزد زیر خط فقر کارگران را با ماهها تاخیر نیز پرداخت نمی کنند، کارگران از اندک خدمات درمانی نیز محروم شده اند، صدها وهزاران تن ازمعلمان وکارگران بازنشسته از زن ومرد،به جای استراحت واستفاده ازدوران بازنشستگی،برای گذران زندگی خود و فرزندانشان،مجبوربه رنج مسافر کشی درخیابانها شده اند وبا انواع بیماری وتنی رنجور،باقیمانده عمرشان را با کاردرشرکتهای خدماتی ،سرایداری و کلفتی درخانه های غیرمی گذرانند و کارگران شاغل به دلیل عدم کفاف دستمزدشان، تن به اضافه کاری می دهند وروزانه ۱۲ تا ١٦ ساعت اجبارا کارمی کنند. بنگاههای کاریابی همچنان برای بردگی کشاندن کار کارگران درخدمت چرخه سرمایه داری عمل می کنند وعلیرغم خواست کارگران برای برچیدن آنها همچنان پردوام تروبا تکثربیشتری درمحدوده محیط های کاری ایجاد می گردند تا برای کارپیمانی ،قراردادی ، پاره وقت کارگران عمل نمایند.امروزه تابیش از ۸۰ درصد کارگران با قراردادهای موقت وسفید امضا در برده وارترین شرایط مشغول بکارند و از ذره ای امنیت شغلی برخوردار نیستند. در طی سال دهها مصوبه ضد کارگری نظیر طرح "استاد شاگردی " ، " دور کاری" که کارکودکان و بیگاری زنان جوان وبزرگسالان را رسمیت می بخشد، دربرابرایستادگی و مقاومت کارگران علم گردید ودولت وضمایم اجرایی آنها مرتب هم مشغول شخم زدن به قانون کاروتامین اجتماعی باعنوان " اصلاح قانون" برای عقب نشینی واداشتن کارگران مشغولند.

دربرابراین نمایش تکراری ومسخره وبا توجه به نبودِ شرایط لازم برای تعیین با معنای حداقل دستمزد درنظام جمهوری اسلامی ، جدی گرفتن مراسم های سالانه تعیین نرخ دستمزد جمعیت احوال " شورای عالی کار"رژیمو رسمیت دادن به این نشست وبرخاست های یک سویه و بی معنی ، عملاً جز توهم پراکنی و گرم کردن تبلیغات رژیم اسلامی و پرکردن صفحات مطبوعات خودی معنای دیگری نمی تواند داشته باشد. وظیفه همه فعالان کارگری و مدافعین حقوق کارگران ،نهاد های همبستگی با جنبش کارگری ،شورای نمایدگان نشست احزاب وسازمان،نهاد ها یچپ و کمونیست این است که درصفی متحد و متشکل این مراسم تکراری سالانه را با تمام نیرو افشاء نمایند و نشان دهند که این بحث ها نه تنها ربطی به زندگی واقعی کارگران ندارند ، بلکه فقط برای مشروعیت بخشیدن به نهادهای شبه کارگری رژیم که ماهیت کاملاً ضدکارگری دارند ، بپاداشته می شوند. مهم ترین و حیاتی ترین وظیفه همه ما برای مقابله با سیاست ضدکارگری جمهوری اسلامی، متمرکز شدن روی مبارزه برای ایجاد تشکل های مستقل سراسری کارگری است. تنها نیروی متشکل کارگران است که می تواند به فلاکت عمومی کنونی پایان بدهند. ونیرومند شدن فقط با مبارزه و مقابله با پراکندگی ها،معنی می یابد نه هیچ چیز دیگر. برای چنین پیکار پراهمیتی باید ازهمین امروز قدم برداشت. فردا خیلی دیر است !

افزایش واقعی دستمزدها در گرو اعتراضات و اعتصابات کارگری است!

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در 23 اسفند 91 آمده است : با فرارسیدن سال ۹۲ بحث بر سر دستمزدها بار دیگر مطرح شده است. مسئله دستمزدها همیشه یکی از معضلات طبقه کارگر ایران بوده و بخش قابل توجه ای از مبارزات و اعتصابات کارگری را به خود اختصاص داده است. اعتراض برای دستمزدهای معوقه و افزایش آن یکی از عرصه های مهم مبارزات اقتصادی کارگران برعلیه دولتهای سرمایه داری می باشد.
معمولا در پایان هر سال بحث مربوط به دستمزدها وارد کشمکشهایی بین کارگران و شورای عالی کار میشود. تعیین دستمزد سالهاست توسط شورای عالی کار که ادعا می شود نمایندگان کارگر و کارفرما و دولت است صورت می گیرد. در نبود تشکل های کارگری رژیم و نمایندگانش گرد هم می آیند تا برای میزان معیشت کارگران در سال پیش رو تصمیم بگیرند. طبق آماررسمی مربوط به تورم، در سال ۹۲میبایست سبد هزینه یک خانوار چهار نفره کارگری یک میلیون و هشتصد هزار تومان باشد و دستمزدها ظاهراباید بر اساس آن و سبد هزینه یک خانوار چهار نفره تعیین شود، اما اکنون نیزشاهد هستیم که دولت سرمایه برای حداقل دستمزد کارگران در سال آینده نرخی تعیین کرده اند که با همان تورم رسمی خوانایی ندارد. ارگانهای ضد کارگری در کنار دولت کارفرماهاو شورای عالی کار بدیهي‌ترین حقوق معیشتی کارگران را بمثابه یک طبقه زیر پا گذاشته اند و دستمزد کارگران با افزایش باصطلاح ۲۵ درصدي، معادل یک سوم زیر خط فقر یعنی ۴۸۷ هزار توان اعلام گردید. درحالیکه قیمت مایحتاج عمومی و دیگر کالاهای مصرفی از صد درصد گذشته است، دولت کارفرمایان و شورای عالی کار، یکبار دیگر در نبود تشکلهای کارگری این حق را بخود دادند در مورد تعیین میزان دستمزدها هر تصمیمی که به نفع سرمایه داران و کارفرمایان می باشد اتخاذ نمایند. به آنها این امکان داده شد که یکه تاز میدان باشند و با وقاحت و بیشرمی به سطح معیشت کارگران، زحمتکشان و کارکنان دوباره تعرض نمایند.
رژیم سرمایه داری ایران هر سال تورم و گرانی را برای پایین نگه داشتن دستمزدها بهانه قرار میدهد. اکنون که میلیونها توده کارگر و زحمتکش به علت تحریمهای اقتصادی دول امپریالیستی تحمیل شده برآنان با تورم بی حد و حصر و گرانی سر سام آور دست و پنجه نرم می کنند و معیشت و هستی اشان با خطر جدی روبرو است، مزدوران سرمایه افزایش دستمزدها رابار دیگربهانه افزایش گرانی و تورم دانسته و تلاش نمودند که با اعلام نرخ آن مسئله را فیصله دهند. گرانی و تورم لجام گسیخته هیچ ربطی به افزایش دستمزد کارگران ندارد بلکه در ارتباط مستقیم با حرص و ولع و سودآوری بیشتر برای سرمایه است. البته این ادعا تنها به نظام سرمایه داری ایران خلاصه نمیشود بلکه سالهای متمادی است سرمایه داری جهانی با همین حربه به مبارزه با طبقه کارگر وزیر پاگذاشتن حداقل مطالبات آنها رفته است. منظور نمایندگان سرمایه از بالا رفتن تورم این است که افزایش دستمزدها عملاً حمله و تهاجمی به سود سرمایه داران است که آنها هم برای جبران سود از دست رفته چاره ای ندارند بجز اینکه قیمتها را افزایش داده و بر تورم موجود در جامعه بیافزایند.
بعنوان مثال دبیر کل کانون عالی کارفرمایان ایران مي‌گوید: "در صورتی که دولت مطالبات معوقه کارفرمایان بخش خصوصی را پرداخت کند با افزایش و پرداخت دستمزد واقعی به کارگران مشکلی نداریم."
محمد عطاریان میگوید:" در حال حاضر طلب معوقه مجموعه کارفرمایان خصوصی پیمانکار، مشاور و قطعه ساز از دولت به ۳۰ هزار میلیارد تومان مي‌رسد و تا این لحظه اقدام موثری در خصوص پرداخت این طلب صورت نگرفته‌است. در چنین شرایطی طبیعی است که بخش خصوصی با افزایش واقعی دستمزدها مخالفت کند. با این حال به عنوان کارفرما معتقدم که در شرایط کنونی حداقل مزد کارگران باید بین ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تومان تعیین شود. "
دولت اسلامی سرمایه از ابزار تحریم دولت های امپریالیستی سوء استفاده نموده و با شعار " اقتصاد مقاومتی" مشکلات و فشارهای ناشی از این تحریمها را که خود سرمایه داران بانی آن هستند به توده‌های کارگر و زحمتکش تحمیل نموده اند. پرداخت و افزایش دستمزدها را به گرو گرفته اند، که نتیجه ای جز فقر و فلاکت روزافزون برای طبقه کارگر ندارد. بهمین دلیل برای مهار تورم باید به جناب عطاریان گفت افزایش دستمزد کارگران عامل بالارفتن تورم نیست

،بلکه باید به طبقه سرمایه دار که شما هم جزء آن هستی افسار زد که با مکیدن شیره جان توده های کارگر و زحمتکش برای حفظ و افزایش سود بیشتر به زندگی انگلی اش ادامه می دهد. تاوان این تحریمها را باید طبقه کارگر و زحمتکشان بپردازند تا اینکه سرمایه و نمایندگانش بتوانند سود لازم را بدست آورند. سرمایه داران از این فرصت استفاده نموده و یاجامعه را در بسیاری از زمینه های ضروری با کمبود مواجه نموده و در شرایط تحریم های اقتصادی دست به احتکار و انبار مواد مورد نیاز مردم می زنند و به اصطلاح بازار سیاه برای نیازهای اولیه مردم ایجاد می نمایند. ویا با وارد نمودن جنس به بازار با چندین برابر قیمت سودها ی کلانی به جیب میزنند، صاحبان سرمایه خود عاملان اصلی این تورم و گرانی هستند.
چرا تاوان اینهمه فقر و فلاکت را کارگران باید بدهند؟ چرا قیمت کالاهای تولیدی که صاحبانش سرمایه داران هستند درسال چندین بار وچندین درصد افزایش می یابد و دستمزد کارگران سالی یک بار با در نظر گرفتن حداقل افزایش و هزاران چانه زنی باید انجام گیرد؟ دستمزدهای کارگران باید حداقل به میزان افزایش نرخ طلا و ارزهای خارجی مزدوران و چپاولگران سرمایه افزایش یابد. تا آنجاییکه به سرمایه داران و زدن سود به جیب آنها برمیگردد، افزایش بهای طلا و ارز و دیگر محصولات در سال بارها افزایش می یابد. اما چرا افزایش دستمزدها فقط سالی یک بار؟ هزینه زندگی کارگران بدور از اراده آنها امروزه به ارزهای خارجی رقم زده شده است. چرا دستمزدهای آنها نباید با همان نرخ ارزهای خارجی محاسبه گردد. در نظام ضد کارگر سرمایه داری کارفرمایانی که حقوق ها را با ماهها تأخیر می پردازند به عنوان مجرمین به دادگاه احضار نمی شوند، درعوض کارگران اعتصابی که برای دریافت حقوق معوق خود اعتراض می کنند زندانی وشکنجه و زندانی می شوند.
از همه بدتر آنکه جمع کلاهبرداران و چپاول گران و اختلاس کنندگان سالی یک بار گرد هم می آیند که برای کارگران بنا به رعایت منفعت خود دستمزد را برایشان تعیین کنند. اما وقتی حقوق های کارگران ماهها به عقب می افتد و یا کارگران را بطور جمعی از کار بیکار می کنند، هیچ کجا هیچیک از حضرات شرکت کننده در جمع " تعیین حداقل دستمزد" پیدایشان نمی شود. آنگا نیروی پلیس و انواع نیروی نظامی و انتظامی به کارگران یورش می آورند.
آری این سرمایه داران و نظام سرمایه داری است که در جامعه تورم و گرانی را ایجاد می کند و نه کارگران که برای یک زندگی مرفه و شرافتمندانه مبارزه می کنند. تعیین دستمزد کارگران تنها در صلاحیت حضور نمایندگان واقعی تشکل های کارگری است که به نیروی خود کارگران ایجاد شده باشد نه در حیطه تصمیم گیری سرمایه داران و نمایندگانشان، و در نبود یک چنین جنبش کارگری قدرتمندی است که اینها به خودشان اجازه می دهند این چنین بتازند و حقوق کارگران و زحمتکشان را مورد تهاجم قرار دهند.
هجوم اینباره سرمایه داری ایران با ایجاد بحرانهای اقتصادی عمیق یک هجوم سراسری و جدی تر به حقوق و مطالبات رفاهی و سیاسی توده های کارگر و زحمتکش این جامعه است. این هم بر فعالین کارگری پوشیده نیست که هر نوع مطالبه حتی صنفی کارگران امروز به مطالبات سیاسی شان گره خورده است. حتی خواست افزایش دستمزدها به سطح یک زندگی مرفه نیز به عقب راندن سیاسی این رژیم بسته است.
کارگران سندیکای شرکت واحد تهران با اخطار به دولت و شورای عالی کار بر سر افزایش دستمزدها اینچنین اعلام نمودند: " ما خواستار دریافت دستمزدی عادلانه مي‌باشيم، در خواست ما برای تعیین دستمزد سال ۱۳۹۲این است که علاوه بر تورم واقعی امسال تورم سال آینده در نظر گرفته شود تا طبق ماده ۴۱ قانون کار و با استفاده از روش‌های حمایتی دولتی حداقل دستمزد کارگران پاسخگوی هزینه‌های کمر شکن زندگی کارگران و بازنشستگان کارگری باشد." سپس با حضور گسترده خود در جلو سازمان کار و تامین اجتماعی جمع شدند و قاطعانه از دولت و نمایندگان خواستند تا یکی از مسئولان دولتی یا اعضای شورای عالی کار در میان آنها حضور پیدا کنند و دغدغه‌ها و نگراني‌هايشان را در رابطه با بحث تعیین حداقل مزد سال ۹۲ بشنوند."
سپس آنها عنوان نمودند: " اگر کارفرمایان از پرداخت دستمزدی که فاصلهٔ معیشت کارگران با خط فقر را پرکنند عاجزند، دولت باید با انجام حمایت‌هایی از کارگران پیش قدم شود."
تجمع بجا و بموقع کارگران سندیکای شرکت واحد در اعتراض به تصمیم گیریهای دولت و شورای عالی کار بدون حضور نمایندگان واقعی کارگران نه تنها نشانی از یک حرکت واقعی و

درست کارگران برای دخالتگریشان در کسب مطالبات آنها را دارد، بلکه میزان وسیعی از درک طبقاتی و سازمان یافته کارگران این سندیکا را به عنوان پیشروان جنبش کارگری نشان می دهد و این پیام را بهمراه دارد، تنها حضور طبقاتی و متشکل طبقه کارگر با استراتژی و سیاست مشخص طبقاتی خواهد توانست مطالبات کارگران را به صحنه آورده و خواسته های آنها را به رژیم سرمایه تحمیل نماید. کارگران با اتحاد طبقاتی خود قادر خواهند بود بورژوازی را از تعرض به حقوق کارگران قدمها به عقب برانند و اجازه ندهند در پشت درهای بسته، بدون حضور نماینده های منتخب کارگران سرنوشتشان را رقم بزنند. آري، کارگران سندیکای شرکت واحد به طبقه کارگر ایران راه نشان میدهند که امروز طبقه کارگر با اتحاد طبقاتی خود باید پا در میدان مبارزه بگذارد و هر درجه از تحقق خواسته های خودحتی صنفی را به عقب نشاندن این رژیم گره بزند.
این درس تاریخی است که هر روز در جریان زندگی روزمره، طبقه کارگر با آن روبرو است که کارگران تنها با یک مبارزه آشتی ناپذیر با سرمایه داری می توانند حقوق و مطالبات خود را به کارفرماها و دولت سرمایه تحمیل نمایند. حتی امروز این جنایتی که دولت سرمایه جمهوری اسلامی با افزایش ۲۵ درصدی دستمزدها کارگران و خانواده هایشان را در لب پرتگاه مرگ و زندگی قرار داده است، تنها اعتراضات و اعتصابات وسیع کارگری خواهد توانست پوزه این زالوصفتان را بر خاک بمالد و میزان دستمزد واقعی کارگران تا سطحی که تضمین کننده یک زندگی مرفه و شرافتمندانه باشد را متحقق سازد. تمام تاریخ سرمایه داری تا به امروز گواه این است که هیچگاه سرمایه داری به تمایل و خواست خود به مطالبات طبقه کارگر تن نداده بلکه تمامی پیشرویهای طبقه کارگر با مبارزه متشکل بدست آمده است و سرمایه داری در مقابل از هر فرصتی با نیرنگ و عوام فریبی برای باز ستاندن این دستاوردها استفاده می نماید. طبقه کارگر ایران امروز فقط با اتکا به نیروی همبستگی طبقاتی خود ودر مقابله و تعارض با این سیستم است که می تواند امیدوار به رسیدن به مطالباتش از جمله افزایش واقعی دستمزدها و نیز حفظ آنها باشد.
امروز راه برون رفت از این بحرانها که افزایش دستمزدها هم بخشی از آن را شامل میشود مستلزم این است که جنبش کارگری با یک پرچم مطالباتی سراسری که خواسته و مطالبات سیاسی و رفاهی توده ها را در خود گنجانده باشد به میدان مبارزه با رژیم سرمایه گام بگذارد و توده عظیم زحمتکشانی که امروز دغدغه اشان سیر کردن شکم خود و خانواده هایشان می باشد، را به دور این پرچم متشکل نماید.

HTTP://WWW.SOCIALIST-WORKERS.ORG/2013/03/BLOG-POST_12.HTML

برگرفته ازنشریه کارگر سوسیالیست شماره 9
کانون سوسیالیست های کارگری
مارس 2013

http://www.socialist-workers.org
kargar.socialist@gmail.com
Kanone Socialisthaye Kargari: Facebook

بدون شرح

کاهش ۶/۷ درصدی دستمزد کارگران در سال آینده

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 23 اسفند 9 آمده است : رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با تشبیه شورای عالی کار به ابزار دولت برای کاهش مزد، خروجی این شورا را کاهش ۶/۷ درصدی دستمزد کارگران عنوان کرد.
حسن صادقی در این باره به ایلنا گفت: شورای عالی کار که باید مطابق قانون سه جانبه باشد و حالت نمادین پیدا کرده، ۷/ ۶ (شش ممیز هفت) درصد دستمزد کارگران را کاهش

داده است. در حالی که نرخ رسمی تورم از سوی بانک مرکزی ۳۱/۷ درصد اعلام شده، افزایش ۲۵ درصدی حقوق کارگران چه معنایی غیر از این مي‌تواند داشته باشد؟
وی ادامه داد: اساسا مذاکرات سه جانبه برای تثبیت قدرت خرید کارگران است اما شورای عالی کار به صورت بر عکس عمل مي‌کند و به جای بحث در مورد تورم و معیشت کارگران دربارهٔ حداقل مزد صحبت مي‌کنند.
معاون دبیر کل خانه کارگر در امور شهرستان‌ها، شورای عالی کار را به ابزار دولت برای کاهش مزد کارگران تشبیه کرد و گفت: دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرمای کشور بیشترین سود را از میزان حداقل مزد سال ۹۲ مي‌برد. دولت اصولگرا که استاد بازی با کلمات، فرار رو به جلو و شوک به اذهان قشرهای مختلف مردم است، با استفاده از لفظ «شرکای اجتماعی» نظرات خود را پیاده مي‌کند. متاسفانه تشکل‌های کارگری و کارفرمایی به ابزار کاهش مزد کارگران تبدیل شده‌اند.
این فعال کارگری افزود: دولت، مجلس را متهم مي‌کند که اجازه نمي‌دهد یارانهٔ مردم افزایش پیدا کند. سوال من این است که چه کسی به دولت اجازهٔ افزایش مزد کارگران را نمي‌دهد؟ مگر کارگران جزیی از مردم نیستند؟ چرا قانون را زیر پا مي‌گذارند؟
صادقی با بیان این مطلب که «موضوع مزد باید از دستور کار خارج و بر اساس تورم سال ۹۲ تصویب مي‌شد» عنوان کرد: موضوع مزد بایستی به بعد از آنکه سرانجام بودجه و مرحله دوم طرح هدفمندی یارانه‌ها مشخص شد موکول مي‌شد. امروز بحث قدرت خرید مردم مهم است. برای تعیین مزد بر اساس تورم سال ۹۲ مي‌توانند شش ماهه نخست سال ۸۴ یا سال ۸۸ را در نظر بگیرند که دولت همهٔ توان خود را برای بهبود وضعیت اقتصادی در آستانهٔ انتخابات انجام داده است.
رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در پایان اظهار داشت: جامعه کارگری باید به خود بیاید و تصمیم بگیرد که این دستمزد را قبول یا آن را ابطال کند. تصمیم خلاف قانون شورای عالی کار در دیوان عدالت اداری قابل ابطال است. مي‌توان با طرح دعوی در دیوان، این مصوبه را ابطال کرد و باید فراتر از این هم عمل کنیم.

ششمین روز تجمع خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی در سنندج

بر پایه خبر منعکس شده در سایت کمیته هماهنگی ... آمده است : روز چهارشنبه ۲۳/۱۲/۹۱ ساعت ۹: ۳۰ صبح خانواده‌های فعالین بازداشتی، همچون روزهای گذشته در مقابل اداره اطلاعات برای پیگیری وضعیت عزیزانشان تجمع کردند. مطابق روزهای قبل نیروهای امنیتی هم از همان ساعات اولیه در محل حاظر شدند؛ این در حالی بود که روز قبل نیروهای امنیتی به خانواده‌ها گفته بودند این تجمع غیر قانونی است ودیگر به اینجا نیایید، ولی حاضرین گفته بودند که تجمع برای آگاه شدن از سرنوشت عزیزانمان حق ماست.
در این فاصله یک نفر از نیروها به داخل اداره اطلاعات رفت وبعد از مدتی به میان خانواده‌ها آمد و به آن‌ها قول داد تا روز شنبه ۲۵ /۱۲ پرونده بازداشت شدگان تکمیل شود وخانواده‌ها ساعات ۱: ۳۰ ظهرمحل را ترک کردند.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، ضمن محکوم کردن تداوم بازداشت وفا قادری، بهزاد فرج اللهی، خالد حسینی، حامد محمودنژاد، علی آزادی و شریف ساعدپناه خواهان آزادی فوری و بی‌قید شرطی این فعالین و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین و نزندیان سیاسی می‌باشد.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۲۳ اسفند ۱۳۹۱

پس از تشخیص قطعی بیماری سرطان بدخیم تیروئید، مقامات قضایی تبریز هنوز اجازه نداده‌اند محمد جراحی، تحت مداوا قرار گیرد

در رابطه با وضعیت محمد جراحی بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه ؛کانون مدافعان حقوق کارگر- پس از تشخیص قطعی بیماری سرطان بدخیم تیروئید، مقامات قضایی تبریز هنوز اجازه نداده‌اند محمد جراحی، تحت مداوا قرار گیرد. خانواده محمد جراحی، یک

هفته پیش لایحه درخواست مرخصی پزشکی و آزادی وی را تحویل مراجع قضایی داده‌اند، اما تاکنون هیچ پاسخی از این مراجع دریافت نکرده‌اند و در راهروهای دادگستری و دادگاه و اداره زندان‌ها سرگردان‌اند. بخشی از غده تیروئید محمد، که سرطانی شده بود، یک ماه پیش طی یک عمل جراحی در بیمارستان امام رضای تبریز، از بدن او خارج شد. نمونه به پاتولوژی فرستاده شد و طبق نتایج قطعی آزمایش‌ها، سرطان وی بدخیم تشخیص داده شد. وی باید بلافاصله بستری شده و تحت یُد درمانی قرار بگیرد. خانواده محمد، از مرکز طب هسته‌ای دبیری تبریز، وقت درمان گرفته‌اند تا محمد، در آن مرکز بستری و درمان شود، اما نه مقامات زندان و نه قاضی پرونده، هیچ یک تاکنون اجازه‌ای برای بستری و درمان وی در این مرکز، صادر نکرده‌اند. طبق قوانین موجود ایران، مقامات قضایی موظف‌اند زندانی مبتلا به بیماری‌های حاد را، بلافاصله آزاد کنند تا در خارج از زندان، تحت درمان قرار گیرد. محمد جراحی که به همراه شاهرخ زمانی و تعدادی از فعالان دانشجویی چپ تبریز، خرداد ماه ۱۳۹۰ بازداشت شده بود، دومین سال محکومیت خود را در زندان تبریز می‌گذراند. وی به دلیل فعالیت‌های صنفی-سیاسی کارگری، به پنج سال زندان محکوم شده است. شاهرخ زمانی نیز که به دلایل مشابه، به یازده سال زندان محکوم شده، پس از تبعید غیر قانونی از زندان تبریز به یزد، هم اکنون در حال سپری دومین سال محکومیت خود در زندان رجایی شهر کرج است. طبق اخبار رسیده به کانون مدافعان حقوق کارگر، درخواست زندانیان سیاسی زندان تبریز برای مرخصی طی عید سال ۱۳۹۲، در شورای مقامات قضایی تبریز، حتی بررسی هم نشده است. این در حالی است که محکومان بزه‌های جنایی و غیر سیاسی این زندان، مشمول مرخصی عید شده‌اند. طبق اخبار دریافتی از زندان تبریز، پس از این اجحاف مقامات، جمعی از زندانیان سیاسی زندان تبریز، از خانواده‌ها دعوت کرده‌اند تا با برپا کردن سفره‌های هفت سین، سال تحویل و عید سال ۱۳۹۲ را زیر دیوارهای زندان تبریز بگذرانند.

اخراج کارگران و ایجاد فضای رعب و وحشت در شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز

به گزارش آذوح، درتاریخ 23 اسفند 91 آمده است : کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز به دنبال حضور یک مدیر سپاهی که با لباس نظامی به محل کارخانه می‌آید، با اخراج‌های پی در پی از جمله اخراج ۱۰۰ کارگر رو به رو شده و مابقی کارگران هم در حالت رعب و وحشت و تهدید و انگشت نگاری قرار گرفته‌اند.
برپایه این گزارش، کارگران آهنگری تراکتورسازی تبریز طی نامه‌ای، خواستار توجه به مشکلات خود شده و از رسانه‌ها خواسته‌اند تا صدای اعتراضشان باشند.
درنامه این کارگران آمده است: ما کارگران آهنگری تراختورسازی نه توان و روحیه کار داریم و نه هیچ امنیت شغلی و فقط انتظار روز اخراجمان را می‌کشیم، این تهدیدها و قدرت طلبی‌ها بهمراه عدم پرداخت حقوق و مزایا باعث شده است که کارگران در خفقگان و سکوت کار کنند و از ترس برخوردهای ظالمانه این سرهنگ بازنشسته هیچ حرفی برای احیای حقوق خود نزنند.
آن‌ها می‌گویند: کارگران در ایران با این اندیشه می‌خوابند که صبح حکم اخراجشان خواهد آمد. آیا کارگران که قشر زحمت کش هستند همیشه باید در اضطراب و استرس زندگی کنند؟ باید همیشه شرمنده خانواده‌هایشان باشند؟

اعتصاب کارخانه نورد لوله صفا دهمین روز خود را پشت سر گذاشت

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 23 اسفند 91 آمده است : کارگران کارخانه نورد لوله صفا که از روز ۱۵ اسفند ماه جاری در اعتراض به عدم دریافت دستمزدهایشان دست از کار کشیده اند علیرغم واریز یکماه از ۴ ماه دستمزد معوقه خود به حساب هایشان همچنان در اعتصاب بسر می برند. این کارگران در پی خلف وعده کارفرما مبنی بر پرداخت یکماه دستمزد معوقه آنان که قرار بود روز ۱۵ اسفند ماه جاری پرداخت شود دست به اعتصاب زدند و در ادامه بدنبال بی توجهی کارفرما به خواست شان، در ششمین روز اعتصاب خود اعلام کردند چنانچه کارفرما از هم اکنون یکماه دیگر از دستمزدشان را که طبق توافق قبلی قرار بود روز بیستم

اسفند ماه به آنان پرداخت شود به حساب شان واریز ننماید همچنان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران در تداوم اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا، کارفرمای این کارخانه روز بیستم اسفند یکماه از دستمزد معوقه این کارگران را که قرار بود روز ۱۵ اسفند ماه پرداخت شود به حساب آنان واریز کرد اما از پرداخت یکماه دیگر از دستمزد معوقه این کارگران که قرار بود در همین روز به حساب آنان واریز شود خودداری نمود و به همین دلیل کارگران نورد لوله صفا دست از اعتصاب نکشیدند و تا به امروز همچنان در اعتصاب بسر می برند.

اخراج کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز

به گزارش سایت اصلاح طلب کلمه،در تاریخ 23 اسفند 91 آمده است : کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز به دنبال حضور یک مدیر سپاهی که با لباس نظامی به محل کارخانه می آید، با اخراج های پی در پی از جمله اخراج ۱۰۰ کارگر رو به رو شده و مابقی کارگران هم در حالت رعب و وحشت و تهدید و انگشت نگاری قرار گرفته اند.
آنها اکنون خواستار توجه به مشکلات خود شده و از رسانه ها خواسته اند تا صدای اعتراضشان باشند. این کارگران می نویسند: اکنون ما کارگران آهنگری تراکتورسازی نه توان و روحیه کار داریم و نه هیچ امنیت شغلی و فقط انتظار روز اخراجمان را می کشیم، این تهدیدها و قدرت طلبی ها بهمراه عدم پرداخت حقوق و مزایا باعث شده است که کارگران در خفقگان و سکوت کار کنند و از ترس برخوردهای ظالمانه این سرهنگ بازنشسته هیچ حرفی برای احیای حقوق خود نزنند.
آنها می گویند: کارگران در ایران با این اندیشه می خوابند که صبح حکم اخراجشان خواهد آمد. آیا کارگران که قشر زحمت کش هستند همیشه باید در اضطراب و استرس زندگی کنند؟ باید همیشه شرمنده خانواده هایشان باشند؟

دیدار بهنام ابراهیمزاده وبلاگ نویس وفعال حقوق کودکان از اعضای جمعیت دفاع از کودکان کارو خیابان در جمعیت دفاع از کودکان کار با فعالین کودک وکودکان کار

بر پایه مطلب رسیده به ایمیل روز شمار کارگری آمده استکه ؛ روز چهارشنبه بیست وسوم اسفند ودر آستانه سال جدید برای کودکان کار وفعالین حقوق کودک در جمعیت دفاع از کودکان کاروخیابان واقع در پاسگاه نعمت آباد تهران روز شاد وپرخا طره‌ای بود. بچه‌ها مدت‌ها بود منتظر دیدار با عمو بهنام خودبودند چرا که سه سال بود بهنام به جرم همین کودکان در حبس وزندان بود به بچه‌ها گفته بودند که امروز عمو بهنام به جمعیت می‌آید همه انتظار اینکه عمو بهنام خود را ببینند می‌کشیدند بعضی‌ها حتی با اینکه کلاسهای درسیشان هم تمام شده بود جمعیت را به خاطر دیدن بهنام ترک نکرده بودند راس ساعت یازده وسی قبل از ظهر وبلاگ نویس وفعال کودکان که او نیز مشتاقانه انتظار این دیدار واین روز را می‌کشید با بسته‌های شیرینی وشکلات‌های رنگاورنگ خود را به جمعیت رساند ووارد جمعیت شد بهنام مثل همیشه با لبخندهای ملیح وزیبایش با کیف دانشجوی‌اش وشیرینی وهدیه‌های که برای بچه‌ها گرفته بود وارد جمعیت شد
به محض وارد شدن وخبر بچه‌ها فریاد شادمانی وشادی درود بر عمو بهنام وعمو بهنام دوستت داریم از سوی بچه‌ها بهنام را غافلگیر کردند اعضای جمعیت دوستان ورفقای قدیمی بهنام وکودکان با گرمی ومشتاقانه بهنام را در آغوش گرفتند از وی استقبال کردند ودورش جمع شدند بعضی از این کودکان که در این سالهای اخیر وارد جمعیت شده بودند وقتی شنیدند بهنام از زندان مرخص وبه جمعیت آمده کنجکاو شدند روبه بهنام گفتند مگر عمو بهنام تو دزدی کرده‌ای که به زندان انداختند اقای علی هاشمی جواب بچه‌ها را می‌داد اما بچه‌ها قانع نمی‌شدند وجواب را از خود بهنام می‌خواستند بهنام نیز با حوصله واشتیاق فراوان جواب این کودکان دوست داشتنی را می‌داد آن‌ها را در آغوش می‌گرفت ودست بر سرشان می‌کشید بعد نیز بچه‌ها خواهان این شدند که عمو بهنام باید سر کلاس‌هایشان حاضر شود

ودر این زمینه صحبت کند مدیر جمعیت علی هاشمی نیز بچه‌ها را در یک کلاس بزرگ جمع کردو به بچه‌ها قول داد که عمو بهنام در سر کلاس حضور پیدا خواهند کرد وبرایتان صحبت وبه سوال‌هایتان جواب خواهند داد بعد از گپ وگفتگوی حسابی با خود فعالین بهنام در سر کلاس‌های کودکان حاضرونیم ساعتی در کنار این کودکان کنجکاو ماندندوبه سوالهای آنان اینکه چرا به زندان افتاده وآیا کتک هم خورده و بهت غذا هم می‌دادند پاسخ دادندبهنام سخنان خود را اینگونه شروع کرد با سلام به شما بچه‌های عزیز بعد از گذشت سه سال خیلی خوشحالم که در جمع کودکانه شما عزیزان ودر همچین جای که سه سال پیش من نیز به همراه همین دوستانم برای لغو کار کودک تلاش می‌کردیم دوبار قرار گرفتم من به جرم فعالیتهای کودکان وکارگری وبه جرم دفاع از شما عزیزان محکوم به پنج سال حبس شدم سه سال از حبس وزندانی شدنم گذشته است باید دوسال دیگر راهم در زندان بگذرانم دغدغه من وضعیت شما کودکان کار هستید اما حال عمق دغدغه ونگرانی‌هایم صد چندان شده واین نگرانی بیش از حد بر شانه‌های نحیف کارگری‌ام سنگینی می‌کند چرا که تنها فرزند عزیزم نیمای نازنین که هم سن وسال شما می‌باشد متاسفانه در بستر بیماری است من در جمعیت مسئول مصاحبه وگفتگو با کودکان کار بودم وبه خاطر همین مصاحبه‌ها ونوشتن مقاله‌ها بارها از سوی بازجویان مورد ضرب وشتم وتوهین واهانت قرار گرفتم چهار ماه در سلول انفرادی وزارت نگهداری شدم بدون حق استفاده از تلفن وملاقات با تنها فرزندم وخانواده‌ام ودر نهایت محکوم به حبسی سنگین شدم بچه‌ها با شنیدن مریضی و بستری شدن نیما فرزند بهنام ناراحت واشک بچه‌ها با سخنان بهنام در آمد ومعصومانه برای سلامتی نیمای عزیز فرزند بهنام دعا وآرزو کردند که هرچه زودتر بهبود یابند بهنام ساعت‌ها در کنار این کودکان وفعالین کودک در جمعیت دفاع ماند چندین عکس با بچه‌ها وفعالین گرفت در ادامه فعالین کودک وخود کودکان به دلیل اینکه بهنام حتی در درون زندان هم در دفاع از کودکان دست از فعالیت نکشید ه بود از وی تشکر وقدر دا نی کردند وقول دادند که در اسرح وقت به دیدار تنها فرزندش در بیمارستان بروند فعالین کودک دستاوردهای جمعیت وتاسیس رادیو اینترنتی جمعیت وادامه بولتن ونشریه وبسیاری از کارها واقدامات دیگر موثر را به بهنام این عضو فعال کودک گزارش دادند ومصاحبه‌ای در باره وضعیت کودکان کار ووضعیت تنها فرزند بهنام با این عضو فعال کودک انجام دادند که قرار شد بعد از عید وتعطیلات سال جدید آن را منتشر وبرروی سایت جمعیت ورادیو اینترنتی جمعیت قرار بدهند بچه‌ها از بهنام قول گرفتند که بعد از تعطیلات باید بار دیگر حتما به جمعیت بیاید وبه آن‌ها سر بزندبهنام نیز به بچه‌ها این قول را دادند که حتما بر می‌گردم ومشتاقانه یک روز دیگر را با شما سر می‌کنم ومی گذرانم ودر کنارتان خواهم بود بله این کودکان عمو بهنام خود را فراموش نکرده‌اند ونخواهند کرد.
http: //www. behnamebrahimzadh. rozblog. com/post/۷۱

شرکت های بزرگ خودروسازی ایران در آستانه تعطیلی

به نوشته سایت عصر ایران در 23 اسفند 91 آمده است :یک منبع آگاه از تعطیلی تمام خطوط شرکت های خودروسازی کشور با ادامه روند موجود در صنعت خودروسازی به زودی خبر داد.
این منبع آگاه در گفتگو با بازار خبر با اشاره به روند عدم حمایت از صنعت خودروسازی کشور و عدم امکان تولید خودرو و قفل شدن فروش خودرو با روند موجود در کشور از تعطیلی خطوط تولید بزرگترین شرکت های خودروسازی های کشور بزودی خبر داد.
این منبع آگاه ادامه داد: در سال آینده بدلیل مسائلی همچون افزایش ارزش افزوده، حق بیمه شخص ثالث، اضافه کردن هزینه های نصب ایربگ برای خودروهای فاقد آن در سال جاري، ارتقا استاندارد خودرو هایی که ملزم به ارتقا استاندارد یورو 4 شدند قیمت خودروهای تولید داخل حداقل با 1 میلیون و 400 هزار تا 2 میلیون تومان افزایش مواجه خواهد شد و این درحالی است که علاوه بر آن افزایش دستمزدهای کارگري، اثرات تورم بر نهاده های تولیدی ودیگر هزینه های پیش بینی شده و نشده تاثیر افزایشی خود را بر قیمت تمام شده خودروها خواهند گذاشت.
به گفته این منبع آگاه 85 درصد قیمت یک خودرو مربوط به مواد اولیه و قطعات به کار رفته در تولید آن است که طبق آمارهای رسمی قیمت مواد اولیه مورد استفاده برای تولید این قطعات

مانند فولاد، مس و محصولات پتروشیمی و ارز مورد نیاز افزایش میانگین 2.5 تا 3 برابری داشته است.
وی در پایان خاطرنشان کرد: بنابراین در این شرایط به جای دستکاری غیر کارشناسی قیمت‌ها باید جلسات کارشناسی با حضور نمایندگان وزارت صنعت، معدن و تجارت، شورای رقابت، خودروسازان و قطعه‌سازان برگزار شده و چنانچه طبق بررسي‌های بعدی قیمت فعلی خودروها بالا بود، قیمت‌ها کاهش یابد و اگر قیمت‌ها پایین بود، راهکار ترمیم و یا افزایش آن اعلام شود.

«ایجاد وضعیت فوق العاده در سنندج و دستگیری فعالان کارگری، دردی را دوا نمی‌کند»

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه ؛ در آستانه روز جهانی زن و در شرایطی که بسیاری از کارگران، زنان و مردم شهر سنندج خود را برای برگزاری مراسم بزرگداشت این روز آماده می‌کردند، نیروهای امنیتی با توسل به حربه تهدید و ارعاب و به دنبال آن هجوم به خانه‌های کارگران و فعالین کارگری اقدام به بازداشت تعدادی از آن‌ها به اسامی وفا قادری، شریف ساعدپناه، خالد حسینی، علی آزادی، حامد محمودنژاد و بهزاد فرج اللهی نموده و آنان را بازداشت و روانه زندان و سلول‌های انفرادی نمودند. و اینهمه در شرایطی اتفاق می‌افتد که این روز در سراسر جهان و در بسیاری از کشورهای دنیا، به عنوان روز جهانی زن گرامی داشته می‌شود و بر خواست و مطالبات زنان به عنوان نیمی از آحاد جوامع انسانی تأکید می‌گردد.
مراسم روز جهانی زن اما در رأس ساعت ۶: ۳۰ دقیقهِ عصر روز شنبه ۱۹/۱۲/۹۱، با حضور جمع کثیری از زنان و مردان شهر سنندج و استقبال و شعف مردم، با شعار «زنده باد ۸ مارس» و شعارهایی چون «رهایی زن، معیار رهایی جامعه است»، «جنبش زنان، متحد جنبش کارگری است»، «کارگر زندانی، زندانی سیاسی، آزاد باید گردد» و شعارهایی که حکایت از برابری زن و مرد در همهٔ زمینه‌ها می‌کرد، برگزار گردید و بار دیگر معلوم شد که حاکمیت سرمایه و عوامل آن از چه بابت نگران برگزاری مراسم این روز بودند. آنان با «برابری کامل حقوق زنان و مردان در همهٔ عرصه‌های زندگی اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و فرهنگی و جنسیتی و... و لغو هر نوع قوانین زن ستیزانه و جنسیت محور، که زنان را از دستیابی به حقوق حقهٔ خویش در عرصه‌های مختلف اجتماعی محروم می‌نماید.» مخالفند و خواست‌ها و مطالباتی از این دست را برنمی تابند و تحمل نمی‌کنند. لذا با همهٔ وجود به مخالفت با آن برمی خیزند و نیروهای خود را برای پیش گیری از برگزاری چنین مراسم‌هایی گسیل می‌دارند. فضای رعب و وحشت ایجاد می‌کنند. تهدید، احضار و بازداشت می‌کنند و تعدادی را نیز به کنج زندان‌ها و سلول‌های انفرادی می‌فرستند.
آری حضور نیروهای انتظامی و اطلاعاتی و ایجاد جو پلیسی و امنیتی در شهرهای کردستان و به ویژه شهر سنندج و به دنبال آن تهاجم به منازل تعدادی از کارگران و فعالان کارگری و بازداشت آنان را تنها و تنها باید ناشی از همین احساس نگرانی و ترس دانست.
اما این اولین بار نیست که صاحبان سرمایه و عوامل آنان برای جلوگیری از برگزاری این قبیل مراسم و در کلیت خویش، خاموش کردن صدای حق طلبی و اعتراض توده‌های مردم ستمدیده و استثمار شده جامعه، فضا را پلیسی و امنیتی می‌کنند و به حربه‌هایی چون تهدید، ارعاب، احضار و بازداشت کارگران، زنان، دانشجویان و فعالان جنبش‌های اجتماعی و مدنی متوسل می‌شوند و صدالبته آخرین بار آن نیز نخواهد بود. از قرار معلوم «این رشته سرِ دراز دارد».
هنوز خاطره حمله وحشیانه نیروهای انتظامی و امنیتی، که در راستای محافظت از مناسبات سرمایه داری و منکوب نمودن کارگران جهت خاموش نگاه داشتن آنان و پیشگیری از طرح خواست و مطالبات برحقشان در روز جهانی کارگر، به مراسم گرامی داشت این روز در پارک لاله تهران هجوم آورده بودند از یادها نرفته است. هنوز تهاجم نیروهای محافظ سرمایه، به اجتماع زنان آزادی خواه و برابری طلب، در جای جای این کشور پهناور، در اذهان فعالین این جنبش باقیست. هنوز یاد و خاطره یورش سبعانه نیروهای امنیتی و لباس شخصی، به اجتماعات دانشجویان سراسر کشور در روز دانشجو و روزها و مناسبت‌های دیگر، فکر و ذکر

دانشجویان را به خود مشغول داشته است. مگر این جنبش‌ها خاموش شده‌اند؟
این خود حقیقتی است که هر یک از این جنبش‌ها ریشه در شرایط عینی جامعه و واقعیت‌های سخت و ملموس اجتماعی دارند. آن‌ها از مبارزه طبقاتی موجود و حی و حاضر در جامعه نشئت می‌گیرند. در پس هر یک از این جنبش‌ها و اعتراضات، منفعت طبقات مختلف منزل کرده است. آن‌ها را نمی‌توان صرفن از طریق فشار و سرکوب به بوته فراموشی سپرد. آخر تا زمانی که بر اساس آمار ارائه شده از جانب بانک مرکزی تورم رسمی در درون جامعه بیش از ۳۲ درصد، و خط فقر بیش از ۱۵۰۰۰۰۰ تومان برآورد می‌شود، چگونه می‌توان کارگران را مجبور کرد که با حقوق ۴۸۷ هزار تومانی ـ که آن هم به دفعات و برای ماه‌های متمادی پرداخت نمی‌شود ـ ساکت و خاموش باشند و در مقابله با این ظلم آشکار دم بر نیاورند؟ وقتی در بسیاری از موارد حقوق زنان به راحتی یک آب خوردن پایمال می‌شود؛ وقتی زنان به مثابه نیمی از جامعه از بسیاری از خواست‌ها و مطالبات انسانی و اجتماعی خود محروم می‌شوند چگونه می‌توان انتظار داشت که تنها به صرف فشار و سرکوب این جنبش، زنان آزاده و عدالت طلب جامعه از دنبال نمودن حقوق و مطالبات خود صرف نظر نموده و حتی از برگزاری مراسم روز جهانی زن که امروزه در همه جای دنیا برگزار می‌شود اجتناب کنند؟ چگونه می‌توان از دانشجویان به عنوان شاخک‌های حساس جامعه توقع داشت که چشم و گوش خود را بر روی همهٔ نابسامانی‌ها و ظلم و ستم موجود در جامعه که هیچ علتی جز ستم و استثمار سرمایه ندارد، ببندند و به اصطلاح خم بر ابرو نیاورند؟ مگر صرفن می‌توان با ایجاد فضای اختناق و سرکوب همهٔ این جنبش‌ها را خاموش کرد و بر سر جای خود نشاند؟ این حرف اساسن حرف بی‌معنایی است و مطمئنن چنین اتفاقی نخواهد افتاد. همچنان که تا کنون نیفتاده است. و صاحبان سرمایه بهتر است که این فکر را از سر بدر کنند. بی‌جهت نیست که با همهٔ این فشارها و تضییقات که مقام‌های امنیتی و انتظامی جهت جلوگیری از برگزاری روز جهانی زن به دنبال آن بودند، بنا به اطلاعیه‌های کمیته هماهنگی: هزاران تراکت، بیانیه و پوستر در رابطه با هشت مارس، روز جهانی زن، روز اعتراض به نابرابری میان زن و مرد و نابرابری‌های موجود در جامعه، در سنندج توزیع می‌شود؛ مراسم این روز برگزار می‌گردد و همین مسئله شور و شوقی فراوانی را در بین زنان و مردان شهر سنندج به وجود می‌آورد. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم کردن همهٔ انواع تهدید و توهین به زنان و مردان جامعه و فشار بر کارگران، زنان، دانشجویان و فعالان هر یک از این جنبش‌ها، خواهان آزادی بی‌قید و شرط فعالان کارگری و دیگر جنبش‌های اجتماعی و به طور مشخص بازداشتی‌های اخیر شهر سنندج می‌باشد. اطلاعیه کمیته هماهنگی هزاران بار حق دارد وقتی می‌گوید: «اعتراض طبقات فرودست به نابرابری‌های اجتماعی جزء لاینفک نظام سرمایه داری است و تا بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه موجود است، مبارزه برای رهایی انسان از این مناسبات نابرابر نیز وجود خواهد داشت.» کمیته هماهنگی خود را موظف می‌داند که از جمله و به ویژه برای رهایی انسان از مناسبات نابرابر و ضد انسانی سرمایه داری فعالیت و مبارزه کند.
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۲۳ /۱۲/۹۱

کار در خطرناک‌ترین صنعت جهان در ایران سخت و زیان‌آور نیست

به گزارش پانا نیوز،در 23 اسفند 91 آمده استکه ؛ روزی وزارت صنعت، معدن و تجارت مانع صادرات محصولات پتروشیمی می‌شود، روز دیگر شهرداری یک شهرستان یک تاسیسات نفتی را بدون کوچک‌ترین دلیل قانع کننده‌ای می‌بندد و روز دیگر سازمان محیط زیست از سر تا پای صنعت نفت ایراد و اشکال می‌گیرد و در نهایت سازمان حمایت صنعت نفت را تهدید به معرفی به دادگستری می‌کند.
از سوی دیگر با مهاجرت گسترده برخی از مدیران غیر نفتی از سایر وزارت خانه‌های کشور به صنعت نفت شرایط برای کارکنان این مجموعه به ویژه در مناطق عملیاتی و دور افتاده صنایع نفت، گاز و پتروشیمی سخت‌تر خواهد شد.
مدیرانی که از پشت میز وزارت خانه دیگری به صنعت نفت کوچ می‌کنند و بدون‌شناختی از مشکلات کارکنان، مدیران و فعالان صنایع نفت و گاز بدون کوچک‌ترین تلاشی تسلیم

خواسته‌های وزارتخانه دیگر و حتی دولت می‌شوند.
اما اوج مظلومیت کارکنان صنعت نفت آن است که این صنعت با وجود اهمیت استراتژیک آن در اقتصاد ملی و ریسک بالای فعالیت با هیدروکربورهای گاز و مایع هنوز در لیست مشاغل سخت و زیان آور قرار ندارد.
مشاغل سخت و زیان آور کارهایی است که در آن‌ها عوامل فیزیکی، شیمیایی، مکانیکی و بیولوژیکی محیط کار غیر استاندارد باشد و تنشی به مراتب بالاتر از ظرفیت‌های طبیعی (جسمی و روانی) در کارگر ایجاد کند.
نتیجه برخی از کارهای سخت و زیان آور، بیماری شغلی و عوارض ناشی از آن است که می‌توان با به کارگیری تسهیلات فنی، مهندسی، بهداشتی، ایمنی و غیره صفت سخت و زیان آور بودن را از چنین مشاغلی کاهش داد یا حذف کرد.
در این بین وجود عوامل متعدد مخاطره آمیز در صنایع نفت، گاز و پتروشیمی، با در نظر گرفتن پیچیدگی و حساسیت فرآیندهای تولید، خود گواه سختی کار در مجموعه وزارت نفت است.
مجموعه صنعت نفت از مهم‌ترین و حساسترین صنایع کشور است. رنج دوری از شهر و دیار به‌ویژه در مشاغل اقماری، آفتاب، گرما، رطوبت و شرجی بسیار زیاد و گرد و خاک در مناطق عملیاتی و ریسک بالای خطرات ناشی از حوادث فنی در تاسیسات، از جمله برخی از سختی‌های کار در عمده مشاغل عملیاتی صنعت نفت است که سخت و زیان‌آور بودن آن‌ها را مسجل می‌کند.
درحالی که براساس قوانین کار و امور اجتماعی، افرادی که حداقل ۲۰ سال متوالی و یا ۲۵ سال متناوب در کارهای سخت و زیان آور انجام وظیفه کرده باشند و در هر مورد حق بیمه مدت مذکور را به سازمان پرداخته باشند، می‌توانند تقاضای بازنشستگی کنند و هر سال سابقه پرداخت حق بیمه در کارهای سخت و زیان آور ۱. ۵ سال محاسبه می‌شود.
براساس قوانین صنعت نفت، بازنشستگی بدون در نظر گرفتن سنوات خدمت در ۶۰ سالگی ممکن است و حتی اگر ۴۰ سال هم در این صنعت با تحمل شرایط سخت آن کار کرده باشید، باز در ۶۰ سالگی بازنشسته خواهید شد.
آیا حفاری در گرمای ۶۰ درجه جنوب زیان آور است؟
بنابهمین گزارش، بدون شک حفاری کلید دسترسی به مخازن هیدروکربوری و حلقه اول اکتشاف نفت و گاز است و صد البته فعالیت بر روی دستگاه‌های حفاری دریایی و خشکی با ریسک و سختی‌های غیر قابل توصیفی روبرو است.
با این وجود یکی از مشاغل پایه در روند تولید نفت و گاز در صنعت نفت که از صعوبت و فرسودگی بالایی هم برخوردار بوده ولی جرء مشاغل سخت و زیان‌آور محسوب نمی‌شود، حفاری است.
حفاری بر روی دکل‌های خشکی و دریایی از جمله سخت‌ترین مشاغل صنعت نفت و حتی سخت‌ترین شغل در کل جهان بوده و از ریسک بالای خسارات جانی و مالی ناشی از این حوادث مربوط به آن برخوردار است.
به طور کلی انفجار، آتش سوزی، انتشار گازهای سمی و بسیار خطرناک، آلودگی‌های محیطی، خطرات ورود به محفظه‌های بسته، حوادث چشمی، آسیب‌های شدید شنوایی، سقوط از ارتفاع، سوختگی‌های شدید، آسیب‌های حاصل از تماس با مواد شیمیایی، گرمازدگی‌های شدید و بسیاری دیگر از این قبیل، همراه با امکانات کم درمانگاهی و بیمارستانی در این مناطق، بیانگر برخی از خطراتی هستند که کارکنان این صنعت را تهدید می‌کند.
به طور ویژه هم فوران نفت و گاز و انفجار چاه نفتی براثر آتش سوزی دکل حفاری از جمله مسائلی است که هر ساله جان تعدادی از حفار مردان را در صنعت نفت کشورمان یا جهان می‌گیرد.
از طرف دیگر طبق آمارهای بین‌المللی، بیشترین حوادث در عملیات نفتی برای افرادی اتفاق افتاده که در سطح دکل قرار داشته‌اند و بیشترین عضو آسیب دیده انگشتان بوده است.
پس از آن مکشلاتی همچون گیر افتادن کارگران بین اجسام بر روی دکل، برخورد با اجسام، کشیدگی عضلانی ناشی از برداشتن بارهای سنگین و خارج از توان افراد و لیز خوردن و

سقوط از خطرات بعدی بوده که کارگران و مهندسان صنعت حفاری را تهدید کرده است با این وجود این مشاغل هنوز در کشور ما جز مشاغل سخت و زیان آور به شمار نمی‌رود.

اخراج ۷۰ درصدی نیروی کار «ایران سوئیچ»

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در 23 اسفند 91 آمده است : یک فعال کارگری در غرب تهران از اخراج ۷۰ درصدی کارگران ایران سویچ در طی دو سال گذشته به دلیل آنچه از سوی کارفرما فقدان نقدینگي، ذکر شده است، خبر داد.
سهراب قنبری در این باره به ایلنا گفت: مدیران کارخانجات ایران سویچ ۲۱۰ کارگر این کارخانه را با سابقه ۴ تا ۱۸ سال کار، طی دو سال گذشته به تدریج اخراج کرده‌اند.
این فعال کارگری تعداد کارگران حاضر در این واحد تولیدی را ۹۰ نفر اعلام کرد و گفت: از ۳۰۰ کارگر این کارخانه هم اکنون ۹۰ نفر شغل خود را حفظ کرده‌اند و پیش بینی مي‌شود با ادامه روند کنونی و وضعیت نامناسب کارخانه، در سال آینده تعداد کارگران حداکثر به ۳۰ نفر برسد.
دبیر خانه کارگر غرب تهران با بیان اینکه در حال حاضر هیچ کس پاسخگوی وضعیت این کارگران نیست، تصریح کرد: به گفته کارگران، کارفرمای کارخانه ایران سویچ تولید کننده تابلوهای برق صنعتی و.. توان نگهداری این واحد تولیدی را ندارد و با اخراج نیروی کار سعی دارد انجام سفارشات کاری خود را به پیمانکاران (دلالان نیروی کار) واگذار کند.
او در خاتمه اضافه کرد: پیش بینی مي‌شود در صورت عدم پی گیری مشکلات کارخانه سال آینده شاهد تعطیلی کامل کارخانه ایران سویچ باشیم.

اخراج کارگران و ایجاد فضای رعب و وحشت در شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز

به نوشته سایت اصلاح طلب کلمه در 23 اسفند 91 آمده است : کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز از اخراج ۱۰۰ کارگر این شرکت و ایجاد فضای تهدید و رعب و وحشت در محیط کارگری خبر می دهند.
به گزارش کلمه، این کارگران در پی اعتراضات اخیر و عدم پیگیری وعده های داده شده، با ارسال نامه ای برای رسانه ها تاکید کردند: مسئولانی که همیشه از عدالت در جمهوری اسلامی دم می زنند بهتر است بدانند که در این نظام ناعدالتی کامل برقرار است چرا که در این نظام نه نظارتی هست و نه عدالتي، این نظام روش پرورش ظالم را در پیش گرفته است و ظالمانه مردم را کنترل می کند، خصوصا قشر کارگری در همه جای ایران عزیزمان.
کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز به دنبال حضور یک مدیر سپاهی که با لباس نظامی به محل کارخانه می آید، با اخراج های پی در پی از جمله اخراج ۱۰۰ کارگر رو به رو شده و مابقی کارگران هم در حالت رعب و وحشت و تهدید و انگشت نگاری قرار گرفته اند.
آنها اکنون خواستار توجه به مشکلات خود شده و از رسانه ها خواسته اند تا صدای اعتراضشان باشند. این کارگران می نویسند: اکنون ما کارگران آهنگری تراکتورسازی نه توان و روحیه کار داریم و نه هیچ امنیت شغلی و فقط انتظار روز اخراجمان را می کشیم، این تهدیدها و قدرت طلبی ها بهمراه عدم پرداخت حقوق و مزایا باعث شده است که کارگران در خفقگان و سکوت کار کنند و از ترس برخوردهای ظالمانه این سرهنگ بازنشسته هیچ حرفی برای احیای حقوق خود نزنند.
آنها می گویند: کارگران در ایران با این اندیشه می خوابند که صبح حکم اخراجشان خواهد آمد. آیا کارگران که قشر زحمت کش هستند همیشه باید در اضطراب و استرس زندگی کنند؟ باید همیشه شرمنده خانواده هایشان باشند؟

اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد به حداقل دستمزد سال ۹۲: این توهین و تحقیر کارگران است

بر پایه ایمیل دریافتی از سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه در 23 اسفند 91 آمده است : هنوز چند روز از تصویب مصوبه مزدی شورای عالی کار نگذشته است که تشکل های

کارگری مستقل در این روزهای پایانی سال به تکاپو افتادند و با صدور بیانیه هایی نسبت به پایمال شدن ماده ۴۱ قانون کار و لحاظ نکردن هزینه های زندگی یک خانوده چهار نفره در تعیین حداقل مزد سال آینده اعتراض شان را اعلام داشته اند.
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه به عنوان یکی از این تشکل های مستقل کارگری در بیانیه ای مصوبه مزدی شورای عالی کار را توهین به طبقه کارگر اعلام کرده است و از حق اعتراض کارگران برای ابطال این مصوبه دفاع کرده است.

متن کامل این بیانیه که بدست ما رسیده است، به شرح ذیل است:
در حالی که غول بیرحم گراني، تورم، بیکاري، رانت خواري، احتکار، دلال بازي، رشوه خواري، هرج و مرج و ندانم کاري، تبعیض و فقر و فساد اقتصادی پیکر رنجور و لاغر اکثریت قریب به اتفاق کارگران و زحمتکشان و بازنشستگان و دیگر دارندگان درآمد ثابت و مردمان فرودست را پیاپی تکه پاره مي‌کند و خط فقر زندگی نزدیک به ۲ میلیون تومان شده است و هم زمان غوغا و فریاد مسئولان مبنی بر عدالت خواهی و رعایت کرامت انسانی و حقوق نه تنها محرومان ایران بلکه محرومان جهان گوش فلک را کر کرده است.

بر خلاف شعار اقتصادی سال ۱۳۹۱ نه تنها نیروی کار مورد حمایت قرار نگرفته بلکه با شرایط طوفانی و سخت‌تر اقتصادی معیشت حداقلی نیروی کار مورد هجوم همه جانبه قرار گرفته است. اکنون به مصداق ضرب المثل گل بود به سبزه نیز آراسته گشت، شورای عالی کار دولتی که به اصطلاح نماینده کارگری ناتوان و بریده از بدنه کارگری که با روش‌های غیر دموکراتیک و ناعادلانه در آن جایگزین شده‌اند، علیر غم در خواست‌های گسترده کارگران جهت تعیین دستمزد عادلانه که هزینه زندگی انسانی یک خانوار کارگری را تامین کند، حداقل دستمزد کارگری سال ۱۳۹۲ را ماهیانه نزدیک به پانصد هزارتومان تعیین کرده و بدین وسیله حلقه محاصره را علیه معیشت و زندگی کارگران تنگ و تنگ‌تر کرده است. این اوضاع و احوال تلخ و طاقت فرسا با اقدام ناعادلانه شورای عالی کار دولتي، با سرکوب گسترده حقوق بین المللی کارگران نظیر حق تشکیل سندیکای کارگری و حق اعتراض و راهپیمایی و اعتصاب کارگری -آنچنانکه در دنیا مرسوم و متد اول است- تشدید شده و مي‌شود.

سندیکای کارگران شرکت واحد به عنوان یک نهاد مستقل مردمی کارگری با تحمل همهٔ آزارها و اذیت‌ها و سختي‌های گوناگون نظیر زندان، بازداشت، اخراج، تهدید، تعقیب و مراقبت و پرونده سازی و غیره.... همچنان تلاش مي‌کند از حقوق کارگری دفاع کند و در این راستا اعتراض شدید خود را علیه پایین بودن حداقل دستمزد سال ۱۳۹۲ اعلام مي‌دارد و این عمل را توهین و تحقیر به طبقه کارگر مي‌داند.

سندیکای کارگران شرکت واحد مي‌خواهد و مسئولان وظیفه دارند شکاف گسترده حداقل دستمزد و هزینه و مخارج زندگی یک خانوار ۴نفره کارگری را تامین نمایند. در این راستا کارگران با امید به نیروی خویش حق پی گیری و اعتراض را برای خود محفوظ مي‌دارند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
۲۳/۱۲/۹۲

کارگران نورد لوله صفا با دریافت یکماه دیگر از دستمزد معوقه خود به اعتصاب پایان دادند

به نوشته وب نگار اتحادیه آزاد کارگران ایران در تاریخ 25 اسفند 91 آمده است : کارگران نورد لوله صفا با تداوم اعتصاب خود که از روز ۱۵ اسفندماه جاری آغاز کرده بودند موفق شدند یکماه دیگر از دستمزد معوقه خود را دریافت کنند و قرار است از صبح فردا بر سر کارهایشان بازگردند.
کارفرمای این کارخانه در ششمین روز اعتصاب کارگران در روز بیستم اسفند یکماه از دستمزد

معوقه آنان را که قرار بود در روز ۱۵ اسفند پرداخت شود به حساب کارگرن واریز کرد اما از آنجا که قرار بود در این روز بر طبق توافق قبلی یکماه دیگر از دستمزد معوقه کارگران را پرداخت کند آنان همچنان به اعتصاب خود ادامه دادند و اعلام کردند تا این پرداخت نیز انجام نشود دست از اعتصاب نخواهند کشید.
بنا بر آخرین گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران با ادامه این اعتصاب، دیروز پنج شنبه ۲۴ اسفند ماه کارفرما ناچار شد یکماه دیگر از دستمزد معوقه این کارگران را به حساب آنان واریز کند و کارگران نیز تصمیم گرفتند از صبح روز شنبه بر سر کارهایشان بازگردند.
بر اساس جدول بندی و توافقی که مابین کارگران نورد لوله صفا و کارفرمای این کارخانه در پایان اعتصاب آنان در دی ماه سالجاری صورت گرفته بود مقرر شده بود تا پایان امسال کارفرما چهار ماه از شش ماه دستمزد معوقه کارگران این کارخانه را بعلاوه عیدی و پاداش آنان پرداخت کند اما کارفرمای این کارخانه بارها از عمل به این توافق سرباز زد و هر بار کارگران با دست زدن به اعتصاب کارفرما را ناچار به عمل به توافق صورت گرفته کردند. بر این اساس قرار است دو ماه دیگر از دستمزد معوقه باقی مانده این کارگران در فروردین ماه سال آینده پرداخت شود.
اتحادیه آزاد کارگران ایران با انتشار خبری در روز ۲۲ اسفند ماه اعلام کرد اعتصاب کارگران نورد لوله صفا دهمین روز خود را پشت گذاشت. اما ۲۲ اسفند مصادف با هشتمین روز اعتصاب این کارگران بود که بدینوسیله تصحیح می‌گردد.

یک کولبر دیگر در کُردستان کشته شد

به گزارش کُردپا، در 24 اسفند 91 آمده استکه؛یک کولبر اهل روستای بیتوش از توابع شهرستان سردشت با شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران، جان خود را از دست داد.
بنابهمین گزارش، نظامیان مستقر در مناطق مرزی شهرستان سردشت با تیراندازی مستقیم به یک کولبر کُرد بنام نوزاد ابراهیم‌پور فرزند سعید، وی را به قتل رساندند.
این کولبر کُرد ۳۵ ساله، متأهل و ساکن روستای «بیتوش» از توابع منطقهٔ «آلان» سردشت می باشد

بازهم ریزش دیوار محل گودبرداری وبازهم مرگ یک کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس،در 24 اسفند 91 آمده استکه ؛ سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهر تهران با اشاره به ریزش دیوار محل گودبرداری زمینی به مساحت حدود ۶۰۰ متر در خیابان امین‌حضور گفت: در این حادثه ۵ کارگر زیر آوار مانده بودند که یک نفر آن‌ها جان باخت.
براساس این گزارش، جلال ملکی با اشاره به اینکه در ساعت ۹: ۴۵ امروز به سازمان آتش‌نشانی شهر تهران اعلام شد؛ حادثه‌ای در خیابان امین‌حضور، خیابان آبشار صورت گرفته است، اظهار داشت: نیروهای آتش‌نشانی سریعاً خود را در محل وقوع حادثه رساندند و اقدامات اولیه را انجام دادند.
وی تصریح کرد: در حادثه امروز مشاهده شد که دیواره محل گودبرداری ریزش کرده بود که و در این حادثه ۵ کارگر در زیر آوار مانده‌اند که در نهایت و با تلاش نیروهای آتش‌نشانی کارگران زیر آوار مانده نجات پیدا کردند.
سخنگوی سازمان آتش‌نشانی شهر تهران بیان داشت: با توجه به وسعت حادثه نیروهای ۲ ایستگاه به محل اعزام شده بود که ابتدا ۳ نفر از کارگران از زیر آوار نجات یافتند و در ادامه دو کارگر باقیمانده توسط نیروهای آتش‌نشانی از زیر آوار نجات یافتند ولی متأسفانه مشاهده شد یکی از کارگران که تبعه افغانستان است جان خود را در این حادثه از دست داده است.
ملکی با اشاره به اینکه در چند روز گذشته کارشناسان شهرداری و آتش‌نشانی تذاکرات لازم را به صاحب ملک داده بودند، گفت: متأسفانه صاحب ملک اقدامات لازم را برای ایمن‌سازی

محل گودبرداری انجام نداده بودو این حادثه در قسمت شرقی محل گودبرداری اتفاق افتاده بود.

قدرت خرید مردم در آستانه نوروز ۵۰ درصد کاهش یافته است

به نوشته روزنامه شرق در 25 اسفند آمده است : گزارش ها حاکی از "نصف شدن قدرت و میزان خرید شب عید مردم" می باشد و دست‌اندرکاران بازار معتقدند خرید شب عید امسال ۵۰ درصد نسبت به سال‌های قبل افت داشت. کاهش آمدوشد مردم به مراکز خرید نسبت به سال گذشته برای هر بیننده‌ای ملموس است.
بر اساس گزارش شرق، از یک سو نوسانات اقتصادی و رشد روزانه قیمت‌ها، قدرت خرید خانوار را کاهش داده و از سوی دیگر شروع دیرهنگام برنامه‌های تنظیم بازار بر خرید عیدانه امسال تاثیر داشته است. تاخیر در عرضه کالاهای اساسی مانند مرغ سبب شد تکانه‌های قیمتی این کالاها چندان کنترل نشود. در بین صنوف مختلف بعضی کم‌فروش‌تر و برخی پرفروش‌تر به‌نظر مي‌رسند اما همان پرفروش‌ها نیز از کاهش شدید حجم فروششان در ایام پایانی سال ۹۱ گلایه‌مندند.
پیام زمانی فروشنده مواد پروتئینی مي‌گوید: سال گذشته حجم خرید هر خانوار بالای پنج‌کیلو بود اما امسال غالبا برای خرید نیم یا یک‌کیلویی مراجعه مي‌کنند.
اولویت‌بندی در فهرست مایحتاج خانواده‌ها محسوس‌ترین تغییر خرید امسال با سال‌های گذشته است. به هرحال شرایط امسال با سال‌های گذشته در عرضه و خرید محصولات موردنیاز متفاوت است و مردم با احتیاط بیشتری به بازار مي‌روند و تلاش دارند که در خریدهای خود اولویت‌بندی داشته باشند.
تفاوت دیگری که در ماه‌های گذشته مردم را گیج و سردرگم کرده، گسترده شدن دامنه قیمت‌های غیررسمی است. تا پیش از این برای به دست آوردن میانگین قیمت محصولات کافی بود قیمت چهار منطقه شمال، جنوب، غرب و شرق شهر را گرفته و عدد مابین را به دست آورد اما اکنون تفاوت قیمت‌ها به حدی است که حتی دو مغازه خرده‌فروشی را با قیمت یکسان نمي‌توان پیدا کرد.
برچسب قیمت‌ها هر روز لاک گرفته شده و نرخی جدید به خود مي‌بیند. «گران شدن دلار» پاسخ بهانه‌وار بسیاری از فروشندگان در پاسخ این سوال مشتریانی است که مي‌پرسند: «چرا این‌قدر گران است؟» قدر مسلم گرانی سکه و دلار بیش از آنکه از این منظر بازار را متاثر کرده باشد، تاثیر روانی و انتزاعی بر ملتهب شدن بازار اقتصادی ایران داشته است.

پیامک‌های آجیلی
از بین تمام خوراکي‌های سفره هفت‌سین، آجیل دور از دسترس‌تر از سایر اقلام به‌نظر مي‌رسد به همین دلیل بیشتر پیامک‌ها مبنی بر حذف آجیل از سفره عید امسال است.
قیمت پسته، بادام و فندق حتی در بازار مولوی هم از ۴۰ تا ۶۰هزارتومان در نوسان است.
بادام هندی نیز رکورددار مغزهاست و بالای ۷۰هزارتومان در هر کیلو به فروش مي‌رسد. با این رقم‌ها تهیه یک آجیل چهار مغز در صورتی که از هر یک تنها یک کیلو خریداری شود؛ هزینه‌ای بالغ بر ۲۰۰هزارتومان برای خانوار در بر دارد.

بسیاری از خانواده‌ها که درآمدی بر مبنای پایه حقوق سال ۹۱ یعنی ۳۸۹هزارتومان دارند؛ این کالا را امسال در هفت‌سین‌شان نخواهند داشت. برخی نیز در پی نوسان قیمت کالاهای موردنیاز شب عید با پیش‌بینی افزایش احتمالی قیمت‌ها زودتر نسبت به خرید مایحتاج خود اقدام کرده‌اند که البته آنها نیز با سبدی سبک‌تر از سال‌های قبل به منزل بازگشته‌اند.

برچسب‌های عجیب میوه
میوه، همیشه پر سروصداترین محصول بازار شب عید بوده، نوسانات زیاد این محصولات همواره مسوولان را برای تامین میوه ایام پایانی سال بر سر دو راهی واردات و تامین از طریق نیاز داخل قرار داده است. اما امسال به دلیل باردهی مناسب محصولاتی نظیر سیب، نارنگی

و پرتقال قیمت‌ها تا ماه گذشته در حالت تعادلی پیش مي‌رفت. هرچند این تعادل نیز چندان دوام نیاورد و میوه‌فروشان نیز با شنیدن بوی عید، اتیکت قیمت‌هایشان را عوض کردند.
قیمت میوه‌های پرمصرفی نظیر سیب، پرتقال و نارنگی بین یک هزار و ۵۰۰ تا سه‌هزارتومان است. این در حالی است که قیمت بعضی از میوه‌ها در مغازه‌های مناطق شمالی شهر به شکل عجیبی تا ۱۲هزارتومان نیز مي‌رسد.
میوه‌های نوبرانه هم که همیشه قیمت‌های نامتعارف داشته امسال چغاله‌بادام تا ۸۰هزارتومان در هر کیلو به فروش مي‌رسد. رییس اتحادیه باغداران درباره این قیمت‌ها گفت: با به بازار آمدن گوجه سبز، قیمت چغاله را تعدیل خواهد کرد.

پروتئین کمرنگ‌تر شد
اقلام پروتئینی نیز از جمله کالاهای ضروری سبد غذایی خانوار است که رشد بالای قیمت را تجربه کرده است. نرخ گوشت قرمز در صدر دیگر مواد پروتئینی است. گوشت گوسفند فقط در طول پنج‌ماه، ۷۵درصد افزایش قیمت داشته و به ۳۸هزارتومان در هر کیلو رسیده است. این درحالی است که قیمت این محصول تا اوایل پاییز از ۲۲هزارتومان تجاوز نمي‌کرد. افزایش هزینه‌های تولید در دامداري‌ها از جمله دلایل گران شدن گوشت است که علی خندان‌رو جوان، رییس اتحادیه گوشت گاوی به آن اشاره مي‌کند. البته این نرخی است که سازمان تعزیرات، فروشندگان را مکلف به رعایت آن کرده و قصابان نیز این اعداد را روی تابلوهایی در مغازه به نمایش مي‌گذارند اما در عمل، موقع خرید، قیمت‌هایی بسیار بالاتر به پای مشتری نوشته مي‌شود. ناگفته نماند که فروشندگان نیز مشکلات خودشان را دارند. گوشت مرغ اما داستانی متفاوت‌تر دارد. بازار این کالا در سال ۹۱ تلاطمات زیادی را به چشم دید. با ورود به سال جدید، محموله‌های وارداتی غذای طیور در مبدا ماند و به مرغداري‌ها نرسید. این اتفاق باعث شد جوجه‌ریزی کم شده و نهایتا در ابتدای تابستان با کاهش تولید و عرضه مرغ، قیمت‌ها به هشت‌هزارتومان در کیلو برسد. اما از آنجا که گوشت مرغ یکی از کالاهای اساسی سبد خانوار است دولت دست به هر کاری زد تا بازار را از شوک قیمتی خارج کند. ایام ماه رمضان با تدابیر دولت، مرغ کمی آرام گرفت و قیمت‌ها رفته‌رفته تعدیل شد تا به پنج‌هزارتومان در کیلو رسید. هرچند مدتی این قیمت ثابت ماند اما به محض تصویب طرح انتزاع در مجلس (طرحی که اختیار تنظیم بازار را از وزارت صنعت به جهاد کشاورزی داد) قیمت گوشت مرغ ۲۹ درصد افزایش یافت. درواقع دلالان که دنبال بهانه‌ای برای ماهیگیری از آب گل‌آلود بودند، این طرح را دستمایه رسیدن به مقاصدشان کردند.

افزایش ۸۴ درصدی قیمت چای
در بین اقلام خوراکي، چای رکورددار قیمت‌هاست. این محصول از شهریور تا بهمن یعنی ظرف پنج‌ماه به طور میانگین ۸۴درصد افزایش یافته. البته بازار چای با دیگر کالاها کمی متفاوت است. رضا سعیدي‌نژاد یکی از بنکداران بازار، پس از آنکه مطمئن مي‌شود بازرس نیستم از انبار پشت مغازه چند نوع چای را در کیسه پلاستیکی مشکی مي‌گذارد و با احتیاط به من مي‌دهد. مي‌گوید توزیع این کالا ممنوع است اما چون مشتری دارد ما در خفا مي‌فروشیم. بله، بازار چای قاچاق همچنان داغ است. مردم عادت کرده‌اند چای عطردار خارجی مصرف کنند ولو اینکه از نظر کیفیت در سطح بسیار پایین‌تری از تولیدات داخلی باشد. مواد خوش‌عطروبویی که استفاده از آن در چای تولید داخل و محصولات وارداتی به علت غیربهداشتی بودن ممنوع شده، تنها رمز موفقیتی است که برندهای قاچاق در سال‌های گذشته از آن بهره برده‌اند. به همین علت اکنون که افزایش قیمت در بازار چای قاچاق دامنه وسیعی پیدا کرده، بازار این محصولات همچنان رونق خود را دارد و مردم تمایل خود را به خرید آنها با وجود رقبای ارزان‌تر ایرانی و خارجی بدون اسانس، از دست نداده‌اند.

نگراني‌های نخودی
۲۵درصد افزایش قیمت حبوب آن هم تنها در چندماه، این دغدغه را ایجاد کرد که مبادا این کالای به نسبت ارزان‌قیمت، به‌گونه‌ای نردبان قیمت را بالا ببرد که هر خانواده‌ای به راحتی نتواند در پی آن برود و حبوب هم مانند برخی دیگر از محصولات غذایی بر سر سفره‌ها رنگ

ببازد. قیمت این کالا در بسته‌های بزرگ‌تر و به عبارت دیگر قیمت عمده‌فروشی آن در پنج ماه گذشته بین دو تا ۴۳درصد رشد داشته است. نخود در صدر گران‌شده‌ها، افزایش ۴۳درصدی را تجربه کرده و کمترین افزایش قیمت هم مربوط به لوبیاچیتی با دودرصد افزایش است. گرچه قیمت از مبدا بازار یعنی از در مغازه عمده‌فروشان تعیین مي‌شود ولی آنچه اهمیت دارد قیمت نهایی برای مصرف‌کننده است که افزایشی بسیار بیشتر از رقم‌های ذکر شده را نشان مي‌دهد. با وجود آنکه دولت مانند سال‌های گذشته تلاش کرده با ذخیره‌سازی اقلام اساسی و پیش‌بینی برگزاری نمایشگاه‌های عرضه مستقیم، بازار پایانی سال را دور از تلاطم نگه دارد اما حتی اگر این نمایشگاه‌ها همان تاثیر دودرصدی هر ساله را در بازار بگذارد باز هم به‌طور یقین سبد کالایی خانوار نسبت به سال‌های گذشته سبک‌تر خواهد بود.

بیانیه انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه در رابطه با افزایش حداقل دستمزد سال ۹۲

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه ؛ مزد سال ۹۲ در حالی ۴۸۷ هزار تومان تعیین شد که بنا به اعلام بانک مرکزی نرخ تورم ۳۲ درصد است. هر چند که نرخ واقعی تورم خیلی بیشتر از این مقدار است اما شورای عالی کار حتی به اصل ۴۱ قانون کار هم پایبند نبود و تنها به افزایش مزد ۲۵ درصدی رضایت داد. به گفته خود مسؤلین خط فقر یک میلیون و هشتصد هزار تومان است، ولی حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار تومان تعیین می‌شود. این یعنی اینکه کارگر باید ۴ برابر زیر خط فقر زندگی کند. چرا که صاحبان سرمایه باید سودآوری سرمایه‌هایشان تضمین گردد و با خیال آسوده سود به جیب بزنند. دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی در شرایطی تعیین شد که فقط طی دو سه ماه گذشته قیمت مایحتاج عمومی دو برابر و بیشتر گردیده است. با این سطح دستمزد نمی‌شود زندگی فقیرانه‌ای را هم اداره نمود، چه رسد به اینکه خانواده کارگری بخواهد در رفاه باشد. آنچه که برای شورای عالی کار و هیئت تعیین دستمزد اهمیت داشته است امر قداست سرمایه و منافع کارفرمایان بوده است و چیزی که کمترین درجه از اهمیت برای این هیئت داشته همان مزد کارگر و زندگی او و خانواده‌اش است. هیئت تعیین دستمزد گذران زندگی کارگران را به همان راحتی نشستن خود به دور میز مصالحه پنداشته و خیال کرده که با همان خوشی و خرمی که ساعات جلسات سپری می‌شوند، زندگی خانواده کارگر نیز بدون ناراحتی اداره می‌گردد. اما واقعیت امرار معاش انسان‌ها و بخصوص خانواده‌های کارگری خلاف ذهنیات شورای عالی کار سیر می‌کند. کارگر و خانواده‌اش نیاز به غذا، پوشاک، بهداشت، تفریح و کرایه تاکسی و ده‌ها مورد دیگر مانند هر انسانی دیگر و از جمله آنچه که اعضای هیئت تعیین دستمزد برای خود لازم می‌دانند، دارند که نیازمند پول و درآمدی هستند که ۴۸۷ هزار تومان حداقل دستمزد به هیچ وجه کفاف بخش اندکی از آن‌ها را هم نمی‌کند. اما چرا شورای عالی کار و هیئت تعیین دستمزد این چنین تصمیمی در مورد میلیون‌ها کارگر می‌گیرند، این است که این میلیون‌ها انسان شریف را انسان به حساب نمی‌آورند و برایشان زندگی سراپا نکبت بار و فقیرانه‌ای رقم می‌زنند.

کارگران این بی‌حقوقی و توهین به خود را نخواهند پذیرفت و بدون شک اعتراض خود را همچنانکه تا به امروز اعلام داشته‌اند متحدانه به شیوه‌های مختلف و به طور جدی بروز خواهند داد. کارگر این حق را برای خود محفوظ می‌داند که اعلام نماید انسان است و مانند انسان می‌خواهد زندگی کند. تولید می‌کند و حق دارد از تولید خود، از دسترنج خود نیز بهره ببرد و در رفاه زندکی کند و از زندگیش لذت ببرد. کسی که چرخ تولید رفاه و آسایش و امنیت را به حرکت در می‌آورد خود سزاوارترین است که از همه آن‌ها بهره‌مند شود و در رفاه و آسایش و امنیت باشد. اگر کسی قرار است جبران کمبودها و اختلالات تولید را بکند آن کارفرماست که بانی و باعث کمبودهاست نه کارگر. چرا باید کارگر جبران مافات نماید؟ مگر نه این است که او مدام سرش به کارش است و کار و تولید می‌کند؟ مگر نه این است که او برای سیر نمودن شکم خود و خانواده‌اش در این دنیای وارونه مدام محتاج کار است و باید کار کند و گرنه گرسنه خواهد ماند؟ بنابراین چرا نباید کارفرما و صاحب سرمایه اندکی از حرصش را بکاهد؟ چرا رابطه بین کارگر و کارفرما از نظر سطح درآمد رابطه‌ای برعکس است؟ یعنی هرچه

کارگر فقیرتر می‌شود کارفرما سرمایه‌اش گزاف‌تر و سر سام آورتر می‌شود؟ اگر کارگران یک کارخانه و کارفرمای همان کارخانه را در نظر بگیریم می‌بینیم در مدت همین چند سال اخیر به اندازه‌ای که کارگران فقیرتر شده‌اند سرمایه کارفرما چند برابر گشته است. اگر بحران است پس چرا سرمایه کارفرما دچار افت و کسری نشده است؟ چرا فقط باید کارگر فلک زده‌تر از قبل شود؟ جواب به سادگی واضح است، چون این کارگر است که باید تاوان بحران را هم بپردازد.
می‌گویند افزایش دستمزد باعث تورم و گرانی می‌شود و مدام تکرار می‌شود. امروز دیگر این بهانه واقعا از نظر کارگران نخ نما شده است. کافی است که به تجربه تورم و افزایش قیمت‌ها در چند سال گذشته رجوع شود تا علت گرانی‌ها را دریافت، که این دیگر برای کارگران امری روز مره گشته است و می‌دانند علت گرانی نه تنها افزایش ناچیز حداقل دستمزد نیست بلکه اساسا ربطی به آن نداشته است. همین سه چهار ماهه آخر امسال را در نظر بگیریم کاملا مشهود است که چقدر ادعای «افزایش دستمزد باعث گرانی می‌شود» را بی‌معنا می‌کند. در این مدت هیچ حقوقی اضافه نشد ولی قیمت‌ها از صد درصد هم بیشتر افزایش یافت.
ما کارگران دیگر این وضع را تحمل نخواهیم کرد و به حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی اعتراض جدی داریم و خواهان مزدی هستیم که کفاف یک زندگی انسانی را بدهد. اما می‌دانیم که به فوریت این امر ممکن نیست به همین خاطر در قدم اول همان میزان خط فقری که خود مسؤلین اعلام کرده‌اند یعنی یک میلیون و هشتصد هزار تومان را به عنوان حداقل دستمزد مطالبه می‌کنیم. ما خالق ثروت هستیم و باید از مزد مکفی برخوردار باشیم ما اعلام می‌کنیم که دستمزد باید با حضور و دخالت نمایندگان واقعی و منتخب مجامع عمومی کارگران تعیین شود.
۲۵/۱۲/۱۳۹۱

عدم پرداخت دستمزد معوقه کارگران شرکت صدرا در آخرین روزهای سال

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران ۲۵ اسفند ماه ۱۳۹۱ آمده است : حدود ۸۰۰ کارگر شرکتهای پیمانکاری زیر مجموعه شرکت بزرگ صدرا دستمزد ماههای دی، بهمن و اسفند بعلاوه عیدی و پاداش خود را از کارفرما طلب دارند و علیرغم اینکه فقط چند روزی به پایان سال باقی مانده است کارفرما همچنان از پرداخت دستمزدهای معوقه این کارگران خودداری می‌کند.
بنا بر اظهار کارگران پیمانکاری شرکت صدرا، عیدی کارگران پیمانکاری در این شرکت بر اساس دستورالعمل‌های قانونی صورت نمی‌گیرد و هر ساله مبلغ ناچیزی به عنوان عیدی به آنان پرداخت می‌شود.
بنا بر گزارش دیگری، شرکتهای پیمانکاری زیر مجموعه شرکت بزرگ صدرا طی ماههای گذشته تعداد زیادی از کارگران خود را اخراج کرده‌اند و شکایت این کارگران به اداره کار بوشهر برای دریافت بیمه بیکاری نیز نتیجه‌ای در بر نداشته است. اداره کار بوشهر به این کارگران اعلام کرده است که چون شرکت صدرا یک شرکت پروژه‌ای است به همین دلیل به کارگران اخراجی آن بیمه بیکاری تعلق نمی‌گیرد. این درحالی است که شرکت صدرا سازنده کشتی و سکوهای نفتی است و بیمه بیکاری هر ماهه از حقوق کارگران کسر می‌شود.

پروین محمدی یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران در مصاحبه با سایت اتحاد

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه ؛ ما با اعتراض به حداقل مزد مصوب اجازه نخواهیم داد خود و خانواده‌هایمان را بی‌صدا در گور بخوابانند
سایت اتحاد: تصویب حداقل مزد ۴۸۶ هزار تومانی موجی از خشم و بهت و حیرت را در میان کارگران و افکار عمومی رقم زد. این میزان از حداقل مزد در حالی به تصویب شورایعالی کار رسید که از خرداد ماه سالجاری سی هزار کارگر با امضای طوماری اعتراضی خواهان افزایش حداقل مزد بر اساس تورم و سبد هزینه یک خانوار چهار نفره شده بودند و در این راستا

هماهنگ کنندگان این طومار یکبار دست به تحصن در مقابل مجلس زدند و بار دیگر با همراهی تعدای از کارگران کارخانه‌های مختلف تهران دست به تجمع در محل وزارت کار زدند. همچنین در اقدامی اعتراضی کارگران شرکت واحد تهران نیز با امضای طوماری خواهان افزایش حداقل مزد شدند و در ادامه آنان نیز دست به تجمع در محل وزارت کار زدند. گذشته از این اعتراضات، طی هفته‌های گذشته و قبل از تصویب حداقل مزد، نهادهای رسمی و دست ساز خود وزارت کار نیز سبد معیشت هزینه یک خانوار چهار نفره را یک میلیون و هشتصد هزار تومان اعلام کردند با اینحال شورایعالی کار حداقل مزد کارگران برای سال ۱۳۹۲ را مبلغ بسیار ناچیز و تحقیر آمیز ۴۸۶ هزار تومان به تصویب رساند. در این ارتباط سایت اتحاد در مصاحبه‌ای با پروین محمدی یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران، ارزیابی وی را از این مقدار حداقل مزد و طومارهای اعتراضی کارگران جویا شد.
پروین محمدی در این مصاحبه با اشاره به اعتراضات کارگران به حداقل مزد در سالجاری گفت: دولت همچون سالهای گذشته افزایش بسیار ناچیزتری را برای حداقل مزد در نظر داشت. بطوریکه بارها در رسانه‌های مختلف از شرایط بد اقتصادی و ناتوانی کارفرمایان از امکان افزایش در حداقل مزد صحبت به میان آمد اما با اعتراضاتی که از سوی کارگران از طریق طومار سی هزار نفری و همچنین طومار کارگران شرکت واحد و تجمعات کارگری هر چند محدود بعمل آمد دولت و شورایعالی کار نتوانستند تماما به دلخواه خود عمل کنند و همچون سالهای گذشته به افزایش زیر ۲۰ درصدی حداقل مزد اکتفا نمایند. اگر به اختیار این‌ها بود به نظر من حتی اقدام به انجماد حداقل مزد می‌کردند و برنامه اینکار را نیز داشتند.
وی در ادامه این مصاحبه اظهار داشت: اما افزایش حداقل مزد به مقدار بسیار ناچیز ۲۵ درصد مطلقا مورد نظر ما کارگران نبود. ما خواهان افزایش چندین برابری حداقل مزد بودیم و دولت با افزایش بسیار ناچیز و تحقیر آمیز ۲۵ درصدی حداقل مزد، رو به کارگران اعلان جنگ داد. چرا که هیچ انسانی در اینجامعه قادر نیست با دستمزد ۴۸۶ هزار تومانی حتی اجاره بهای منزل مسکونی‌اش را تامین کند.
وی در ادامه افزود: سالی که گذشت هر روزش با تورمی جدید روبرو شدیم و پیش بینی ما هم همین بود که قطع سوبسیدها و نوسانات ارز در سال ۹۱ بر سر سفره‌ها خواهد آمد و با تحریم‌ها این مسئله شدت بیشتری پیدا خواهد کرد ولی جالب اینجاست که دولت و کارفرمایان که سمت اداره جامعه را یدک می‌کشند توجهی به روزگار میلیون‌ها انسان حقوق بگیر ندارند و مسئولیتی نیز برای خود قایل نیستند. دولت در یکی از برنامه‌های تلویزیونی اعلان می‌کند که تورم چیز بدی نیست، سود هم دارد. فقط برای یک عده حقوق بگیر که اگر حقوقشان اضافه نشود بد است. خوب این یک عده با خانواده‌هایشان ۳/۴ جامعه هستند و دیگر یک عده به حساب نمی‌آیند و نارضایتی و ناتوانیشان از اداره زندگی این طور نیست که آرام و بیصدا ختم به خیر شود اینان انسانند و جامعه را برای آنکه زندگی بهتری داشته باشند شکل داده‌اند و اجازه نخواهند داد که انسانهای دیگری با زور اختیار زندگی را از آنان بگیرند.
پروین محمدی در پاسخ به این سوال که وضعیت معیشتی کارگران را در سال ۹۲ چگونه می‌بیند گفت:
واقعیت ناهمگونی مزد ۹۲ با واقعیت مخارج زندگی، آنقدر روشن و آشکار است که سرکردگان اقتصادی خود دولت هم نمی‌توانند آن را کتمان کنند. همه چیز سر به فلک کشیده و هیچ پایانی برای افسار گسیختگی قیمت‌ها به چشم نمی‌خورد. آقای احمدی‌نژاد در یکی از سخنرانی‌هایش گفت که باید به خانواده‌های کارگری مدال مدیریت داد چرا که امکان زندگی با این سطح در آمد وجود ندارد حالا من به عنوان یک کارگر می‌خواهم از ایشان بپرسم به شما باید چه چیزی را تقدیم کرد با این اوضاعی که برای زندگی ما کارگران رقم زده‌اید.
پروین محمدی در ادامه افزود: از همین الان پس لرزه‌های قیمتهای سال ۹۲ پیدا ست بازار مسکن در التهابی انفجاری به سر می‌برد، هزینه‌های درمان دولتی و خصوصی با افزایشی بی‌سابقه بالا رفته و اجازه مریض شدن را از خانواده‌های کارگری گرفته است و سرنوشت یک راست مردن را برایمان رقم زده است. می‌گویند داروی بیهوشی کمیاب شده است البته برای ما کارگران این را می‌گویند وگرنه برای مولتی میلیاردرهایی که توان شمردن صفرهای جلوی حسابهای بانکیشان را ندارند همهٔ دنیا به کامشان است و از جان آدمی تا شیر مرغ برایشان فراهم است.

مجلس جلوی اجرایی شدن فاز دوم هدفمند کردن یارانه‌ها را در سه ماه اول سال برای گذر از سلامت انتخاباتشان گرفته است تا فاجعه بعد از انتخابات و زمانیکه خرشان از پل گذشت به بار آید. صحبت از ۴ برابر شدن قیمت حامل‌های انرژی است خود این عبارت یعنی فاجعه برای ما کارگران، دیگر به بقیهٔ برنامه‌هایشان کاری نداریم.
صحبت از این می‌کنند که انگار رقمی که برنامه‌اش را ریخته بودند در فاز اول نتوانسته‌اند از جیبمان بیرون بکشند و می‌خواهند جبران این غارت را با اجرای فاز دوم قطع سوبسیدها عملی بکنند حال شما قضاوت کنید در روزگاری که ادعا می‌کنند کم توانسته‌اند از سفره‌های خالیمان چپاول کنند روزگارمان این است وای به حال سال ۹۲ که می‌خواهند جبران کمبودشان را انجام دهند. ۴۸۶ تومان آنقدر با هزینه‌های زندگی غریبه و بی‌معناست که به شوخی تلخی می‌ماند که زندگی میلیون‌ها انسان را به مسخره گرفته است.
در پایان این مصاحبه پروین محمدی در مورد این سوال که آیا به نظر شما امکان تغییر مصوبه حداقل مزد سال ۹۲ وجود دارد گفت:
باید بگویم که انسان‌ها با مقاومت‌ها و مبارزاتشان امکان بقا و بهبود زندگیشان را تضمین می‌کنند و هیچ امر غیر ممکنی وجود ندارد. این مصوبه هم کار یک عده آدمهایی است که اگر مقاومت و اعتراض ما را ببینند برای بقای خودشان هم که شده کوتاه خواهند آمد و ما کارگران بعد از تعطیلات تمام تلاشمان را خواهیم کرد تا این مصوبه را تغییر دهیم.
اگر ما اعتراضی که با طومار آنرا شکل دادیم عملی نمی‌کردیم اینان چه درصدی برای مزد ۹۲ در نظر می‌گرفتند؟ واقعیت‌اش این است که با انعکاسی که این اعتراض در سطح جامعه به راه انداخت در خصوصی‌ترین جلسات هم صحبت از این ۳۰ هزار نفر به میان آمده بود و اینکه نمی‌شود به صدایشان گوش نکرد و ما اکنون می‌گوییم این طور نیست که در برابر تحمیل فقر و گرسنگی بر خود و خانواده‌هایمان سکوت کنیم و روزگارمان را به دست اینان بسپریم. دولت به ما که با ابتدایی‌ترین شکل اعتراضی جلو آمدیم یاد داد که باید با شیوهٔ محکم تری صدایمان را بلند کنیم و ما حتما این کار را خواهیم کرد و اجازه نخواهیم داد خود و خانواده‌هایمان را بی‌صدا در گور بخوابانند و هر بلایی که دلشان می‌خواهند بر سرمان بیاورند.

درایران فقط کارگران «ارزان» میشوند!

به نوشه خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 25 اسفند 91 آمده است : در حالی که دولت افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزد را به عنوان «خبری خوش» مطرح کرده است، کارشناسان اقتصادی از کاهش هزینه نیروی انسانی در قیمت تمام شده کالا خبر مي‌دهند. به این ترتیب بر خلاف تبلیغات رسانه‌های دولتی این خبر دست کم برای کارگران «خوش» نخواهد بود، مگر آنکه در شرایطی که روز به روز همه چیز در حال گران‌تر شدن است، ارزان شدن نیروی کار را خبری خوش تلقی کنیم.
به گزارش ایلنا، در واپسین روزهای سالی که «توليد ملي، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نام دارد، کاهش ۶/۷ درصدی دستمزد نیروی کار به نسبت نرخ تورم رسمی به دلیل افزایش نرخ کالای تولیدی همگام با تورم، باعث شده است تا سهم هزینه نیروی انسانی در قیمت تمام شده کالا در قیاس با سایر هزینه‌های تولید کاهش یابد.
هرچند تعیین رقم دستمزد غیر واقعی و بي‌ارتباط با «نرخ تورم» و «سبد هزینه خانوار» برای کارگران ایرانی بیگانه نیست، اما این بار بر خلاف تبلیغات دولتی مصوبه دستمزد سال ۹۲ باعث شده تا برآوردهای متداول اقتصادی از ارزش نیروی انسانی تغییر کند. به این ترتیب مجموع سهم هزینه کارگر از جمله دستمزد از نرخ ۱۳ تا ۱۵ درصد به حدود ۱۰ درصد قیمت تمام شده کالا کاهش یافته است.

نقض قانون باز هم به زیان کارگران
در سال ۹۱ و در پی شوک‌های تورمي، معیارهای تعیین مزد دگرگون شد، از یک سو نرخ تورم طبق اعلام دولت به ۳۲ درصد رسید و از سوی دیگر بهای تمام شده سبد هزینه خانوار تا ۶۴ درصد افزایش یافت.
این همه در حالی رخ داد که با فرمول محاسبه دستمزد شورای عالی کار، دستمزد کارگران

برای سال ۹۲ به گونه‌ای تعیین شد که تنها کارگران حداقل بگیر بتوانند با ۲۵ درصد، بیشترین افزایش درآمد را تجربه کنند.
هرچند بنا به ادعای «اسدالله عباسی» سرپرست وزارت کار و رئیس شورای عالی کار، برای این شورا، هیچ الزامی در افزایش دستمزد بر مبنای نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی وجود ندارد، اما با این اقدام شورای عالی کار یکبار دیگر مزد کارگران در مقایسه با تورم ۳۲ درصدی عقب بماند. به این ترتیب در عمل بار دیگر ماده ۴۱ قانون کار که بر افزایش مزد بر مبنای تورم و سبد هزینه خانوار تاکید دارد، نقض شد.

کارگر ارزان‌تر از پیش
به باور کارشناسان مسائل اقتصادی این مسئله در کنار افزایش قیمت کالای تولیدی به تبع تورم، باعث شده است تا سهم هزینه‌های مالی مربوط به کارگر از قیمت تمام شده تولید کاهش یابد.
در این زمینه، علیرضا حیدري، کارشناس مسائل اقتصادی مي‌گوید: سال گذشته قیمت کالاهای مختلف بارها دچار افزایش شدند و دولت نیز برای مهار این وضع نتوانست کاری انجام دهد.
وی مي‌گوید: وضع پیش آمده باعث شد تا از یکسو قدرت خرید کارگران بیش از هر زمان دیگری دچار سقوط شود و از سوی دیگر سهم هزینه‌های کارگر در قیمت تمام شده تولید به کمتر از ۱۰ درصد برسد.
حسن حبیبي، دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران نیز با تایید اینکه در نتیجه شوک‌های اقتصادي، امسال بهای کارگران در قیاس با سایر عوامل موثر بر تولید ارزان‌تر شده است، گفت: امسال قیمت‌ها در چند مرحله افزایش اساسی پیدا کردند اما حتی یک ریال بر حقوق کارگران افزوده نشد.
وی با بیان اینکه قیمت کارگران به کمتر از ۱۰ درصد هزینه تمام شده تولید رسیده است گفت: شورای عالی کار مزد سال آینده را ۱۰۰ درصد مطابق میل کارفرمایان دولتی و خصوصی تعیین کرد.
همچنین کاظم فرج اللهی از فعالان مستقل کارگری نیز با یادآوری اینکه طبق فرمول‌های پذیرفتنه شده هزینه نیروی کار در نهایت ۱۳ تا ۱۵ درصد قیمت تمام شده کالای تولیدی را به خود اختصاص مي‌دهد، گفت: جهش‌های تورمی سال ۹۱ باعث شده که این قاعده در ایران نقض شود زیرا در این شرایط تورمی با وجود گران شدن قیمت محصولات تولیدي، حتی یک ریال به حقوق مزد بگیران اضافه نشد.
این فعال کارگری مي‌گوید: در حالی که باید در روابط کار سود و درآمد هرکدام از طرفین (کارگر و کارفرما) متناسب و متعارف باشد به نظر مي‌رسد در ایران سود کارفرمایان و مزد کارگران از این قاعده خارج شده است.
فرج الهی معتقد است که در این شرایط پر واضح است مزدبگیران به ویژه کارگران برای تامین هزینه‌های زندگی ناتوان خواهند شد و همین امر مي‌تواند احتمال وقوع آسیب‌ها و ناهنجاري‌های اجتماعی را تشدید کند.
از سوی دیگر فرشید یزدانی کارشناس مسائل بیمه‌های اجتماعی با انتقاد از نادیده گرفته شدن ارزش نیروی کار در فرآیند تولید، نحوه افزایش مزد سال ۹۲ را در مقایسه با تورم ۳۲ درصدی ناعادلانه و مغایر با کرامت انسانی مي‌خواند.
این کارشناس تامین اجتماعی بابیان اینکه در جریان جهش‌های تورمی سال ۹۱ هزینه نیروی انسانی در هزینه تمام شده تولید کاهش یافته است، مي‌گوید: براساس فرمول مورد استفاده شورای عالی کار برای تعیین مزد سال ۹۲ و همچنین آمارهای مربوط به وضعیت شغلی و دریافتی کارگران، تنها مزد کارگران حداقل بگیر ۲۵ درصد افزایش مي‌یابد و بر دریافتی کارگران سایر سطوح مزدی بطور متوسط ۱۵ درصد افزوده خواهد شد.

تنزل بهای تخصص
مي‌گویند از ویژگي‌های مهم اقتصادی کشور ایران داشتن منابع طبیعی و نیروی جوان و متخصص انسانی است. با این حال در شرایطی که در مناسبات کار، صحبت از تعامل و

گفت‌وگوی شرکای سه جانبه (کارگر، کارفرما و دولت) و تحقق کارشایسته است، شورایعالی کار با نحوه تعیین مزد سال ۹۲ جایگاه و ارزش نیروی انسانی را بیش از هر زمان دیگری تنزل داد و باعث شد تا تخصص، تجربه، مهارت و سایر ویژگي‌های انسانی در بازار کار ارزان‌تر از گذشته عرضه شوند

عدم پرداخت همان افزایش ناچیز (۲۰درصدی) حقوق کارمندان برای سال آینده!؟

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا،در تاریخ 25 اسفند 91 آمده است: مشاور معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی گفت: با توجه به مخالفت مجلس با افزایش ۲۰ درصدی اعتبارات هزینه‌ای، امکان افزایش حقوق کارمندان از فروردین ماه وجود ندارد.
براساس این گزارش، محمد کردبچه با اشاره به اینکه مجلس رقمی معادل ۴ هزار میلیارد تومان پایین‌تر از بودجه پیشنهادی دولت برای بهار سال آینده را به تصویب رساند، اظهار کرد: در واقع مجلس رقمی معادل سه دوازدهم بودجه عمومی سال جاری را تصویب و مقرر کرد که در سه ماه اول سال آینده احکام بودجه سال ۱۳۹۱ اجرا شود.
وی گفت: دولت پیشنهاد داده بود که به منظور افزایش حقوق کارمندان اعتبارات هزینه‌ای ۲۰ درصد افزایش یابد که مجلس با آن موافقت نکرد و در نتیجه امکان افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارمندان از ابتدای سال آینده وجود ندارد.
مشاور معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی تصریح کرد: اگرچه بنا شده پس از تصویب لایحه بودجه سال ۹۲، مابه التفاوت حقوق کارمندان به آن‌ها داده شود، اما مابه التفاوت اضافه کاری و هزینه‌های رفاهی به آن‌ها داده نمی‌شود.
کردبچه با اشاره به اینکه در لایحه سه دوازدهم اجرای گام دوم قانون هدفمندسازی یارانه‌ها دیده نشده بود، اظهار کرد: همچنین نرخ ارز در لایحه بودجه سال آینده شناور مدیریت شده است و کارگروهی متشکل از وزیر نفت، وزیر اقتصاد، رییس کل بانک مرکزی و معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی با توجه به میزان صادرات نفت قیمت ارز را مشخص می‌کند.

سه خبر و گزارش کارگری

بر پایه گزارش رسیده به روز شمار کارگری در 25 اسفند 91 آمده است : خبر و گزارش های ارسالی برای کانون مدافعان حقوق کارگر

1- پس از تشخیص قطعی بیماری سرطان بدخیم تیروئید، مقامات قضایی تبریز هنوز اجازه نداده اند محمد جراحي، تحت مداوا قرار گیرد
کانون مدافعان حقوق کارگر- پس از تشخیص قطعی بیماری سرطان بدخیم تیروئید، مقامات قضایی تبریز هنوز اجازه نداده اند محمد جراحي، تحت مداوا قرار گیرد. خانواده محمد جراحي، یک هفته پیش لایحه درخواست مرخصی پزشکی و آزادی وی را تحویل مراجع قضایی داده اند، اما تاکنون هیچ پاسخی از این مراجع دریافت نکرده اند و در راهروهای دادگستری و دادگاه و اداره زندان ها سرگردان اند. بخشی از غده تیروئید محمد، که سرطانی شده بود، یک ماه پیش طی یک عمل جراحی در بیمارستان امام رضای تبریز، از بدن او خارج شد. نمونه به پاتولوژی فرستاده شد و طبق نتایج قطعی آزمایش ها، سرطان وی بدخیم تشخیص داده شد. وی باید بلافاصله بستری شده و تحت پُد درمانی قرار بگیرد. خانواده محمد، از مرکز طب هسته ای دبیری تبریز، وقت درمان گرفته اند تا محمد، در آن مرکز بستری و درمان شود، اما نه مقامات زندان و نه قاضی پرونده، هیچ یک تاکنون اجازه ای برای بستری و درمان وی در این مرکز، صادر نکرده اند. طبق قوانین موجود ایران، مقامات قضایی موظف اند زندانی مبتلا به بیماری های حاد را، بلافاصله آزاد کنند تا در خارج از زندان، تحت درمان قرار گیرد.محمد جراحی که به همراه شاهرخ زمانی و تعدادی از فعالان دانشجویی چپ تبریز، خرداد ماه 1390 بازداشت شده بود، دومین سال محکومیت خود را در زندان تبریز می گذراند. وی به دلیل فعالیت های صنفی- سیاسی کارگري، به پنج سال زندان محکوم شده است. شاهرخ زمانی نیز که به دلایل مشابه، به یازده سال زندان محکوم شده، پس از تبعید غیر قانونی از زندان

تبریز به یزد، هم اکنون در حال سپری دومین سال محکومیت خود در زندان رجایی شهر کرج است.طبق اخبار رسیده به کانون مدافعان حقوق کارگر، درخواست زندانیان سیاسی زندان تبریز برای مرخصی طی عید سال 1392، در شورای مقامات قضایی تبریز، حتی بررسی هم نشده است. این در حالی است که محکومان بزه های جنایی و غیر سیاسی این زندان، مشمول مرخصی عید شده اند. طبق اخبار دریافتی از زندان تبریز، پس از این اجحاف مقامات، جمعی از زندانیان سیاسی زندان تبریز، از خانواده ها دعوت کرده اند تا با برپا کردن سفره های هفت سین، سال تحویل و عید سال 1392 را زیر دیوارهای زندان تبریز بگذرانند.

2- شرکت جهان پارس
کانون مدافعان حقوق کارگر - این شرکت که در پارس جنوبی واقع است، در آستانه ی سال نو حدود 200 نفر از پرسنل شاغل در پروژه را اخراج کرده است. این کارگران که خود را برای افزایش حقوق سالیانه آماده کرده بودند با این اخراج در معرض بیشترین آسیب قرار گرفتند و حالا حتا اگر پس از پایان تعطیلات موفق به اشتغال دوباره شوند، با همان حقوق سال گذشته را دریافت خواهند کرد.
ترفند کارفرما برای فرار از افزایش حقوق سال نو، کارگران اخراجی را بسیار آزرده است. لازم به یادآوری است که مدیرعامل و صاحب شرکت جهان پارس که خود جوشکار بیسوادی بوده و با استفاده از رانت و رشوه و... توانسته صاحب شرکتی بزرگ شود و پروژه های چند میلیاردی را داشته باشد.

3- گزارشی از شرکت آسیا پلاستیك
این کارخانه با حدود 30 کارگر در يك شيفت كاري، به تولید قطعات پلاستیکی با دستگاه های تزریق پلاستيك مشغول است. تولیدات این کارخانه عمدتا لوازم پلاستیکی منزل و سطل های پلاستیکی می باشد.
این کارخانه برای تولیدات خود از مواد اولیه بازیافتی پلاستيك، همراه با مواد نو استفاده می کند و همانند بسیاری از کارخانه های دیگر پلاستيك سازي، مواد کهنه وبازیافتی را بدون رعایت اصول بهداشتی در ظرف وظروف وسایر لوازم منزل نیز مورد استفاده قرار میدهد . با استفاده از چنین مواد اولیه ای سود کارخانه بسیار بالا است و به به رغم بالا بودن سود کارخانه ، کارگران و پرسنل آن وضعیت اسفباری دارند .
نزدیك به يك سوم پرسنل آن را زنان تشکیل می دهند. به رغم آلوده بودن محیط چه به لحاظ گازهای متصاعد شده از مواد در حال مذاب و چه به خاطر استفاده از مواد بازیافتي، کارگران از داشتن وسایل ایمنی همانند ماسك ، کفش ایمنی و تهویه مطلوب محروم هستند.
سودپرستی کارفرما سبب شده است تا کارگران چه در تابستان وچه در زمستان از داشتن وسائل خنك کننده همانند کولر و یا وسایل گرم کننده در زمستان محروم باشند. شرایط دشوار کار با ماشین آلاتی که باید به طور مدام تغذیه شده و کوچك ترین غفلتی سبب نقص عضو کارگر می شود، همراه با فضای سرد در زمستان و بسیار گرم در تابستان ، دشواری کار را دو چندان می کند. در تابستان حرارت هوا با حرارت ناشی از ذوب مواد که گاه تا 400 درجه گرم می شوند ، فضای بسیار رنج آوری را به وجود می آورد که با نبودن وسایل خنك کننده شرائط کار بسیار سخت ومسموم کننده است.
با وجود شرایط فوق کارگران مجبور به آن هستند که در روز 12 ساعت کارکنند (6 صبح تا 6 بعد از ظهر) و تنها همان حقوق رسمی 8 ساعت را دریافت کنند. در این کارخانه با بیش از 30 نفر پرسنل، کارگران از پوشش بیمه تامین اجتماعی محرومند وهمانند بسیاری از کارخانه های مشابه کارفرما با ساخت و پاخت با ماموران بازرسی تنها چند نفر از پرسنل وکارگران را بیمه کرده است و مامور بازرسی در هر نوبت بازرسی تنها از دفتر کارگاه بازدید می کند وگزارش خود را از همان دفتر می نویسد.
نبود وسائل حمل ونقل در درون کارخانه باعث می شود که کارگران مجبور به حمل کیسه های سنگین با دست شده و از این طریق سلامت آنان آسیب ببیند.
همچنین سودپرستی کافر ما شامل موارد دیگری از اجحاف به کارگران می شود. سرویس بهداشتی بسیار کثیف و در بسیاری موارد غیر قابل استفاده است. به رغم کار مداوم 12

ساعته ، هیچ گونه فضایی برای نهارخوری و و استراحت کارگران وجود ندارد.
مشکل اساسی در چنین کارخانه هایی آن است که کارفرما از وضعیت آشفته و بیکاری گسترده در بازار کار استفاده کرده و با تعویض و جایگزینی مدام کارگران وآوردن کارگران جدید و تصفیه حساب با کارگران قدیمی تر، امکان هر نوع هماهنگی وتشکل کارگران را از میان می برد .
کانون مدافعان حقوق کارگر

نامه سرگشاده کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری در تاریخ 25 اسفند 91 آمده است : کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز بدنبال اعتراضات اخیر خود و بی توجهی مسئولان به مشکلات پیش آمده از سوی مدیریت این واحد، نامه ای سرگشاده را به شرح ذیل تهیه و جهت انتشار در اختیار رهسا نیوز قرار دادند.
آنان در قسمتی از نوشتار خود با انتقاد از سرهنگ محمدپور(مدیریت این واحد) نوشته اند:
"مسئولانی که همیشه از عدالت در جمهوری اسلامی دم می زنند بهتر است بدانند که در این نظام ناعدالتی کامل بر قرار است چرا که در این نظام نه نظارتی هست و نه عدالتي، این نظام روش پرورش ظالم را در پیش گرفته است و ظالمانه مردم را کنترل می کند، خصوصا قشر کارگری در همه جای ایران عزیزمان".

متن کامل این نامه بشرح زیر است:

با سلام
مدتی است که شخصی پاسدار، از سپاه پاسداران بنام آقای سرهنگ محمد پرویزی که قبلا هم چندین بار با لباس و فرم نظامی سپاه وارد کارخانه شده بود و برای بازدید و بازرسی از شرکت چندین بار مراجعت نموده بود، چند ماهی است که از بازنشستگی ایشان در سپاه گذشته است و ایشان رسما در شرکت آهنگری مشغول بکار شده اند و از بدو ورود به شرکت تعداد ۱۰۰ نفر از کارگران را اخراج نموده اند و مابقی کارگران را در حالت رعب و وحشت و تهدید و انگشت نگاری تهدید نموده اند، اکنون ما کارگران آهنگری تراکتورسازی نه توان و روحیه کار داریم و نه هیچ امنیت شغلی و فقط انتظار روز اخراجمان را می کشیم، این تهدیدها و قدرت طلبی ها بهمراه عدم پرداخت حقوق و مزایا باعث شده است که کارگران در خفقگان و سکوت کار کنند و از ترس برخوردهای ظالمانه این سرهنگ بازنشسته هیچ حرفی برای احیای حقوق خود نزنند.
مسئولانی که همیشه از عدالت در جمهوری اسلامی دم می زنند بهتر است بدانند که در این نظام ناعدالتی کامل بر قرار است چرا که در این نظام نه نظارتی هست و نه عدالتي، این نظام روش پرورش ظالم را در پیش گرفته است و ظالمانه مردم را کنترل می کند، خصوصا قشر کارگری در همه جای ایران عزیزمان.
کارگران در ایران با این اندیشه می خوابند که صبح حکم اخراجشان خواهد آمد.آیا کارگران که قشر زحمت کش هستند همیشه باید در اضطراب و استرس زندگی کنند؟باید همیشه شرمنده خانواده هایشان باشند؟
ما کارگران ، بعد از رحمت خدای منان و بزرگ ، چشم امیدمان به شما رسانه های معزز می باشد تا صدای ما را در این خفگان به گوش مسئولان و همه دنیا برسانید تا پرده ای دیگر از جنایات فاسدین بر داشته شود.
با تشکر ؛ عده ای از کارگران شرکت آهنگری تراکتور سازی تبریز

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه: این دستمزد توهین به کارگران است؛ اعتراض جدی خواهیم کرد

برپایه گزارش رسیده به روز شمار کارگری در 25 اسفند 91 آمده است : اعتراض به مصوبه مزدی شورای عالی کار همچنان ادامه دارد و تا کنون تشکل های کارگری زیادی در این مورد بیانیه صادر کرده اند و سخن از شکل گیری اعتراض های گسترده بعد از تعطیلات عید کرده اند. برخی از این تشکل های کارگری نیز در روزهای گذشته طرح شکایت از دولت و کارفرما برای ابطال مصوبه مزدی شورای عالی را مطرح کردند و نوید این را دادند که در روزهای آتی روند قانونی این شکایت عملی خواهد شد.

انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه نیز در بیانیه اخیر خود اعتراض خود را نسبت به این اقدام دولت اعلام داشت و مزد ۴۸۷ هزار تومانی را توهین به کارگران دانست و اظهار داشت که "کارگران این بي‌حقوقی و توهین به خود را نخواهند پذیرفت و بدون شک اعتراض خود را همچنانکه تا به امروز اعلام داشته‌اند متحدانه به شیوه‌های مختلف و به طور جدی بروز خواهند داد."

این تشکل کارگری ضمن اعتراض به شورای عالی کار در رعایت نکردن ماده ۴۱ قانون کار، مصوبه مزدی این شورا را مسبب "زندگی سراپا نکبت بار و فقیرانه" برای جامعه کارگری دانست و اعلام داشت: "ما خالق ثروت هستیم و باید از مزد مکفی برخوردار باشیم ما اعلام مي‌کنیم که دستمزد باید با حضور و دخالت نمایندگان واقعی و منتخب مجامع عمومی کارگران تعیین شود."

متن کامل بیانیه انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه به شرح ذیل است:

مزد سال ۹۲ در حالی ۴۸۷ هزار تومان تعیین شد که بنا به اعلام بانک مرکزی نرخ تورم ۳۲ درصد است. هر چند که نرخ واقعی تورم خیلی بیشتر از این مقدار است اما شورای عالی کار حتی به اصل ۴۱ قانون کار هم پایبند نبود و تنها به افزایش مزد ۲۵ درصدی رضایت داد. به گفته خود مسؤلین خط فقر یک میلیون و هشتصد هزار تومان است، ولی حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار تومان تعیین مي‌شود. این یعنی اینکه کارگر باید ۴ برابر زیر خط فقر زندگی کند. چرا که صاحبان سرمایه باید سودآوری سرمایه‌هایشان تضمین گردد و با خیال آسوده سود به جیب بزنند. دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی در شرایطی تعیین شد که فقط طی دو سه ماه گذشته قیمت مایحتاج عمومی دو برابر و بیشتر گردیده است. با این سطح دستمزد نمي‌شود زندگی فقیرانه‌ای را هم اداره نمود، چه رسد به اینکه خانواده کارگری بخواهد در رفاه باشد. آنچه که برای شورای عالی کار و هیئت تعیین دستمزد اهمیت داشته است امر قداست سرمایه و منافع کارفرمایان بوده است و چیزی که کمترین درجه از اهمیت برای این هیئت داشته همان مزد کارگر و زندگی او و خانواده‌اش است. هیئت تعیین دستمزد گذران زندگی کارگران را به همان راحتی نشستن خود به دور میز مصالحه پنداشته و خیال کرده که با همان خوشی و خرمی که ساعات جلسات سپری مي‌شوند، زندگی خانواده کارگر نیز بدون ناراحتی اداره مي‌گردد. اما واقعیت امرار معاش انسان‌ها و بخصوص خانواده‌های کارگری خلاف ذهنیات شورای عالی کار سیر مي‌کند. کارگر و خانواده‌اش نیاز به غذا، پوشاک، بهداشت، تفریح و کرایه تاکسی و ده‌ها مورد دیگر مانند هر انسانی دیگر و از جمله آنچه که اعضای هیئت تعیین دستمزد برای خود لازم مي‌دانند، دارند که نیازمند پول و درآمدی هستند که ۴۸۷ هزار تومان حداقل دستمزد به هیچ وجه کفاف بخش اندکی از آن‌ها را هم نمي‌کند. اما چرا شورای عالی کار و هیئت تعیین دستمزد این چنین تصمیمی در مورد میلیون‌ها کارگر مي‌گیرند، این است که این میلیون‌ها انسان شریف را انسان به حساب نمي‌آورند و برایشان زندگی سراپا نکبت بار و فقیرانه‌ای رقم مي‌زنند.

کارگران این بي‌حقوقی و توهین به خود را نخواهند پذیرفت و بدون شک اعتراض خود را همچنانکه تا به امروز اعلام داشته‌اند متحدانه به شیوه‌های مختلف و به طور جدی بروز خواهند داد. کارگر این حق را برای خود محفوظ مي‌داند که اعلام نماید انسان است و مانند انسان مي‌خواهد زندگی کند. تولید مي‌کند و حق دارد از تولید خود، از دسترنج خود نیز بهره

ببرد و در رفاه زندکی کند و از زندگیش لذت ببرد. کسی که چرخ تولید رفاه و آسایش و امنیت را به حرکت در مي‌آورد خود سزاوارترین است که از همه آن‌ها بهره‌مند شود و در رفاه و آسایش و امنیت باشد. اگر کسی قرار است جبران کمبودها و اختلالات تولید را بکند آن کارفرماست که بانی و باعث کمبودهاست نه کارگر. چرا باید کارگر جبران مافات نماید؟ مگر نه این است که او مدام سرش به کارش است و کار و تولید مي‌کند؟ مگر نه این است که او برای سیر نمودن شکم خود و خانواده‌اش در این دنیای وارونه مدام محتاج کار است و باید کار کند و گرنه گرسنه خواهد ماند؟ بنابراین چرا نباید کارفرما و صاحب سرمایه اندکی از حرصش را بکاهد؟ چرا رابطه بین کارگر و کارفرما از نظر سطح درآمد رابطه‌ای برعکس است؟ یعنی هرچه کارگر فقیرتر مي‌شود کارفرما سرمایه‌اش گزاف‌تر و سر سام آورتر مي‌شود؟ اگر کارگران یک کارخانه و کارفرماي همان کارخانه را در نظر بگیریم مي‌بینیم در مدت همین چند سال اخیر به اندازه‌ای که کارگران فقیرتر شده‌اند سرمایه کارفرما چند برابر گشته است. اگر بحران است پس چرا سرمایه کارفرما دچار افت و کسری نشده است؟ چرا فقط باید کارگر فلک زده‌تر از قبل شود؟ جواب به سادگی واضح است، چون این کارگر است که باید تاوان بحران را هم بپردازد.

مي‌گویند افزایش دستمزد باعث تورم و گرانی مي‌شود و مدام تکرار مي‌شود. امروز دیگر این بهانه واقعا از نظر کارگران نخ نما شده است. کافی است که به تجربه تورم و افزایش قیمت‌ها در چند سال گذشته رجوع شود تا علت گراني‌ها را دریافت، که این دیگر برای کارگران امری روز مره گشته است و مي‌دانند علت گرانی نه تنها افزایش ناچیز حداقل دستمزد نیست بلکه اساسا ربطی به آن نداشته است. همین سه چهار ماهه آخر امسال را در نظر بگیریم کاملا مشهود است که چقدر ادعای «افزایش دستمزد باعث گرانی مي‌شود» را بي‌معنا مي‌کند. در این مدت هیچ حقوقی اضافه نشد ولی قیمت‌ها از صد درصد هم بیشتر افزایش یافت.

ما کارگران دیگر این وضع را تحمل نخواهیم کرد و به حداقل دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی اعتراض جدی داریم و خواهان مزدی هستیم که کفاف یک زندگی انسانی را بدهد. اما مي‌دانیم که به فوریت این امر ممکن نیست به همین خاطر در قدم اول همان میزان خط فقری که خود مسؤلین اعلام کرده‌اند یعنی یک میلیون و هشتصد هزار تومان را به عنوان حداقل دستمزد مطالبه مي‌کنیم. ما خالق ثروت هستیم و باید از مزد مکفی برخوردار باشیم ما اعلام مي‌کنیم که دستمزد باید با حضور و دخالت نمایندگان واقعی و منتخب مجامع عمومی کارگران تعیین شود.
انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه
۲۵/۱۲/۱۳۹۱

عبور نقدینگی از مرز ۵۰۰ هزارمیلیاردتومان علت کاهش ارزش ۳۰درصدی پول ملی

به نوشته سایت اصلاح طلب جرس در 26 اسفند 91 آمده است : یک کارشناس اقتصادي، عبور نقدینگی از مرز ۵۰۰ هزار میلیارد تومان را علت اصلی کاهش ارزش ۲۰ تا ۳۰ درصدی پول ملی ارزیابی کرد.
سید حسین قاسمی در گفت‌وگو با ایلنا، گفت: عدم ثبات در سیاست‌های پایدار پولی که در نتیجه آن تورم اشباع شده را به ظهور بازارهای جدید سوق داد،علت افزایش ۲۰ تا ۳۰ درصدی پایه پولی در کشور بوده است.
این کارشناس اقتصادي، افزایش پایه پولی کشور را به عوامل داخلی و خارجی مرتبط دانست و بیان داشت: افزایش ورشکستگی بنگاههای تولیدي، رشد نرخ ارز و بحران اقتصادی در کشورهای اروپایی و همچنین افزایش نوسان در فلزات گرانبها از عوامل د اخلی و خارجی کاهش ارزش پول ملی بوده‌اند.
قاسمي، علت اینکه دولت نتوانسته از افزایش پایه پولی و کاهش ارز آن جلوگیری کند، عدم ثبات در سیاست‌های پایدار پولی در طی هفت سال گذشته ذکر کرد.

به گفته وي، اين امر باعث شد كه تورم گسترده شود و به افزايش هزينه‌هاى سبد خانوارها دامن زده شود به طورى كه كالاهاى ضرورى سبد خانواده‌ها را نشانه گرفت.
اين استاد دانشگاه تصريح كرد: اين امر حاصل انفصال در سياست‌هاى پولى و بانكى و نظام اقتصادى است كه همچنان ادامه دارد

تجمع اعتراضی خانواده‌های کارگران زندانی در شهر سنندج ادامه دارد

بر پایه مطلب منعکش شده در سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 26 اسفند آمده است :
امروز ۲۶ اسفند ماه خانواده‌های کارگران بازداشتی در شهر سنندج همچون روزهای دیگر در مقابل اداره اطلاعات این شهر دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان آزادی عزیزان دربند خود شدند. تجمع امروز این خانواده‌ها هفتمین روز تجمع آنان در مقابل اداره اطلاعات سنندج بود.
این کارگران به نامهای وفا قادری، بهزاد فرج اللهی، خالد حسینی، حامد محمودنژاد، علی آزادی از اعضای کمیته هماهنگی از روز ۱۷ اسفند ماه و شریف ساعد پناه عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران از روز بیستم اسفند ماه همچنان در بازداشت بسر می‌برند.
تاکنون اداره اطلاعات سنندج در باره علت بازداشت این کارگران هیچ توضیحی به خانواده‌های آنان نداده است و امروز به این خانواده‌ها اعلام شد کارگران بازداشتی همچنان و تا تکمیل پرونده‌هایشان که معلوم نیست چه مدت زمانی طول بکشد همچنان در زندان خواهند ماند.
کارگران بازداشتی در شهر سنندج هیچ جرمی جز دفاع از حقوق انسانی خود و همکارانشان مرتکب نشده‌اند و از نظر ما در اتحادیه آزاد کارگران ایران ادامه بازداشت آنان معنایی جز تلاش از سوی مامورین امنیتی برای پرونده سازیهای واهی علیه این کارگران نمی‌تواند داشته باشد. لذا ما با محکوم کردن تداوم بازداشت و تلاش برای هرگونه پرونده سازی واهی علیه این کارگران، خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنان هستیم و بدینوسیله اعلام می‌داریم اعمال اینگونه فشارها بر کارگران معترض در شرایطی که هر روزه بر ابعاد بی‌حقوقی تحمیل شده بر کارگران ایران افزوده می‌شود نه تنها قادر به ایجاد هیچگونه سدی در برابر اعتراضات بر حق کارگری نخواهد شد بلکه بر عمق و دامنه انزجار کارگران از وضعیت موجود خواهد افزود.

بیانیه هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران پیرامون حداقل مزد مصوب

بر پایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه؛ سال پیش رو سال تشدید اعتراضاتمان برای افزایش فوری حداقل مزد خواهد بود
در حالیکه طی هفته‌های گذشته و با نزدیک شدن به آخرین روزهای تعیین حداقل مزد، سبد هزینه یک خانوار چهار نفره توسط نهادهای به اصطلاح رسمی و دست ساز وزارت کار یک میلیون و هشتصد هزار تومان اعلام گردید شورایعالی کار حداقل مزد سال ۱۳۹۲ را به میزان ۴۸۶ هزار تومان به تصویب رساند.
این اقدام خفت بار از سوی شورایعالی کار در شرایطی صورت گرفت که طی سالجاری با افزایش چندین برابری هزینه‌های زندگی و تلاش و مبارزه ما کارگران برای افزایش حداقل مزد، مسئله معیشت میلیون‌ها خانواده کارگری و وضعیت فلاکتبار آنان بطور کم سابقه‌ای در مرکز توجه افکار عمومی قرار گرفت، همه چشم‌ها به حل معضل معیشتی کارگران دوخته شد و انتظاری همگانی برای افزایش مناسب حداقل مزد و باز شدن روزنه‌ای هر چند کوچک برای پایان دادن به زندگی مرارت بار کارگران شکل گرفت. اما نماینده‌های ضد کارگری در شورایعالی کار و دولت و کارفرمایان با تصویب حداقل مزد ۴۸۶ هزار تومانی به صراحت نشان دادند که تنها چیزی که برای آنان از ذره‌ای اهمیت برخوردار نیست مسئله بقا و زندگی و معیشت میلیون‌ها خانواده کارگری است.
اینان خام اندیشانه تصور کرده‌اند با اتمام جلسات شورایعالی کار و تصویب حداقل مزد، همه چیز برایشان به خیر و خوشی پایان گرفته است و ما کارگران سالی دیگر را با بدبختی هر چه فزون تری سپری خواهیم کرد اما غافل از این‌اند که ما کارگران در سراسر کشور با جمع آوری امضا و اعتراض به وضعیت فلاکتبارمان قصد عریضه نویسی و عرض حال به کسی و یا نهادی را نداشتیم و با اینکار مصممانه در پی تحقق خواست‌هایمان بودیم.

اینان با جوابیه تحمیق آمیزی که به ما هماهنگ کنندگان پیرامون خواستهای سی هزار کارگر امضا کننده طومار اعتراضی دادند و سپس با تصویب حداقل مزد ۴۸۶ هزار تومانی نشان دادند که انسان بودن و حق ما برای برخورداری از یک زندگی انسانی نه تنها برایشان معنایی ندارد بلکه عزم و اراده ما کارگران برای بهبود شرایط زندگیمان را نیز بسیار دست کم گرفته‌اند. از همین رو هم بود که با دهن کجی آشکاری خواستهای ما را به هیچ گرفتند و با تصویب حداقل مزد ۴۸۶ هزار تومانی، چشم در چشم میلیون‌ها کارگر سهم آنان از تولید ثروت و حقشان از زندگی را فقر و گرسنگی اعلام نمودند.
لذا ما هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفره کارگران با اعلام انزجار از حداقل مزدی که در شورایعالی کار به تصویب رسید بار دیگر بر تحقق فوری همه خواست‌هایمان در طومار اعتراضی پای می‌فشاریم، تصویب حداقل مزد ۴۸۶ هزار تومانی را توهینی آشکار و غیر قابل گذشت به حرمت انسانی خود می‌دانیم و بدینوسیله اعلام می‌داریم اعتراضات و پیگیریهای خود را برای افزایش حداقل مزد بر اساس اجرای بی‌کم و کاست ماده ۴۱ قانون کار با توانمندی هر چه بیشتری ادامه خواهیم داد و تا تجدید نظری اساسی و فوری در حداقل مزد مصوب لحظه‌ای از اعتراض باز نخواهیم ایستاد.
هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار نفری کارگران
جعفر عظیم‌زاده – پروین محمدی – شاپور احسانی راد- شیث امانی – شریف ساعد پناه – جمیل محمدی
۲۶ اسفند ماه ۱۳۹۱

واکنش کارگران پیمانی راه‌آهن یزد به قراردادهای غیر قانونی

به گزارش خبرگزاری کار ایران - ایلنا، در 26 اسفند 91 آمده استکه ؛ جمعی از کارگران شرکتی راه آهن یزد با امضای طوماری خطاب به اداره کل راه‌آهن این استان، اجرای مصوبات دولت در خصوص تبدیل وضعیت نیروهای پیمانکاری به قرار دادکار معین را خواستار شدند.
بنابهمین گزارش، در این طومار که به امضای ۷۴ نفر از کارگران متخصص پیمانی و شرکتی شاغل در راه آهن استان یزد رسیده، خطاب به مدیرکل راه آهن یزد آمده است: در صورت اجرایی نشدن مصوبات هیات دولت توسط راه آهن، پرسنل متخصص شاغل شرکتی مشمول تبدیل وضعیت، از تاریخ ۳۱ فروردین ماه سال ۹۲ که قرارداد کار پایان می‌یابد دیگر در قالب شرکت‌های پیمانکاری قادر به همکاری با راه آهن نیستیم و لذا در صورت نیاز راه‌آهن به اینجانبان باید قرارداد جدید کار بصورت مستقیم از طرف راه آهن منعقد شود.
نویسندگان این نامه با اشاره به مصوبه مورخ ۱۶ بهمن ماه سال گذشته، هیات دولت در خصوص تبدیل وضعیت استخدامی کارگران شرکتی شاغل در دستگاه‌های دولتی یادآور شده‌اند: با وجود آنکه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان یزد مشاغل کارگران شرکتی شاغل در اداره کل راه آهن را تخصصی تشخیص داده است اما همچنان شاهد فرصت سوزی عمدی راه آهن هستیم.
کارگران راه آهن یزد با بیان اینکه شرکت راه آهن تاکنون با استدلال‌ها و استنادات بدون پشتوانه مانع اجرای دستور صریح دولت شده‌است یادآور شده‌اند: در میان کارگران شرکتی راه آهن افرادی دارای مشاغل فنی و تخصصی چون رئیس قطار باری، سرمانور چی، مانور چی و سوزنبانی هستند که با وجود داشتن مدارک مورد تایید راه آهن به دلیل نداشتن مدرک دانشگاهی از لیست واجدان تبدیل قرارداد حذف شده‌اند.
طومار نویسی کارگران راه آهن یزد درحالی است که پیش از این در تاریخ ۳۰ بهمن‌ماه سال جاری نیز ۱۰۹ نفر از کارگران پیمانکاری راه آهن شرق در نامه‌ای به معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور خواهان تبدیل وضعیت استخدامی خود از شرکتی به قرار دادکار معین شده بودند.

تجمع کارمندان خانه کشتی در فدراسیون دراعتراض به عدم پرداخت ۵ماه حقوقشان

به گزارش خبرگزاری دولتی فارس،در 26 اسفند 91 آمده استکه؛ کارمندان خانه کشتی در اعتراض به عدم پرداخت حقوقشان در فدراسیون کشتی تجمع کردند.
براساس این گزارش، حدود ۳۰ نفر از کارمندان خانه کشتی که اردوهای تیم‌های ملی کشتی در آن برگزار می‌شود صبح امروز در اعتراض به عدم پرداخت حقوق‌هایشان در فدراسیون کشتی حاضر شده و اعتراض خود را نسبت به این موضوع اعلام کردند.
یکی از این کارمندان با تأیید این خبر گفت: حدود ۵ ماه است که حقوقی دریافت نکرده‌ایم، این در حالی است که قبل از المپیک بیشترین زحمت را کشیده‌ایم، اما کوچک‌ترین تقدیری از ما نشد.
وی ادامه داد: بدون هیچ تعطیلی همپای کشتی‌گیران در اردوها و خانه کشتی حضور داشتیم و بهترین خدمات را ارائه دادیم؛ می‌توانید از تمام کشتی‌گیران سوال کنید، اما دریغ از یک تشکر خشک و خالی. نه تنها تشکری از ما نکردند بلکه چندین ماه است که حقوقی نگرفته‌ایم.
یکی دیگر از کارمندان خانه کشتی با گلایه از وعده‌های مسئولان فدراسیون گفت: قبل از جام جهانی در اعتراض به این موضوع تصمیم به تعطیلی کار گرفتیم، اما مسئولان فدراسیون کشتی قول دادند که بعد از جام جهانی حقوق‌ها پرداخت می‌شود، اما بازهم خبری نشد.
حالا هم قول دادند تا فردا پرداخت کنند و اگر بازهم این اتفاق نیفتد دوباره به نشانه اعتراض در فدراسیون کشتی حاضر خواهیم شد.
وی تصریح کرد: روزهای پایانی سال است و ما هم مانند بقیه مردم هزینه‌های خانواده را داریم؛ شغل دیگری هم نداریم که بخواهیم از آن طریق کسب درآمد کنیم.

تحمیل ساعت کار اجباری به پرستاران (۱۰۰ساعت بجای ۳۶ساعت)

به گزارش خبرگزاری دولتی مهر،درتاریخ 26 اسفند آمده استکه؛ محمد شریفی مقدم نسبت به تحمیل ساعت کار اجباری به پرستاران در ایام نوروز انتقاد کرد و گفت: هر پرستار به جای ۳۶ ساعت موظف شده ۱۰۰ ساعت شیفت داشته باشد.
وی با اشاره به قانون ارتقای بهره وری نیروهای بالینی نظام سلامت (کاهش ساعت کار پرستاران)، افزود: مسئولین امر در حالی این قانون را اجرایی و تمام شده می‌دانند که هدف قانونگذار این بوده که ساعت کار پرستاران به دلیل سختی کار، کاهش یابد.
دبیرکل خانه پرستار به اشاره به شرایط سخت کاری که پرستاران در محیط بیمارستانی دارند، ادامه داد: حضور در اورژانس‌ها، بخشهای ویژه و... باعث شد قانونگذار شرایطی ایجاد کند تا حضور پرستار در این محیطها کمتر شود. به همین دلیل موضوع استخدام ۲۳ هزار پرستار مطرح و انجام شد که متاسفانه این نیروها نیز بعد از جذب در محل خودشان قرار نگرفتند.
شریفی مقدم گفت: بعد از جذب نیروی جدید پرستاری، نه تنها کمبود پرستار جبران نشد بلکه نسبت به گذشته شاهد بروز مشکلات بیشتری هستیم.
وی در ادامه به ساعت کار پرستاران در ایام نوروز اشاره کرد و افزود: با توجه به اینکه فعالیت بیمارستان‌ها و مراکز درمانی تعطیل بردار نیست و پرستاران می‌بایست در محل کار حضور مداوم داشته باشند اما ساعت کار پرستاران را به گونه‌ای تعریف کرده‌اند که زندگی آن‌ها را تحت الشعاع قرار داده است.
عضو شورای عالی نظام پرستاری گفت: به پرستاران گفته‌اند در هفته اول و یا دوم نوروز می‌بایست حداقل ۱۰۰ ساعت شیفت کاری داشته باشند. در حالی که بر اساس قانون کاهش ساعت کار، حداکثر ساعت کار یک پرستار در طول هفته می‌بایست ۳۶ ساعت باشد.
شریفی مقدم با انتقاد از ۳ برابر شدن ساعت کار پرستاران در ایام نوروز، اظهارداشت: با این شیفت کاری، هر پرستار می‌بایست در یک هفته ۴ عصر و شب در بیمارستان حضور داشته باشد.
دبیر کل خانه پرستار ادامه داد: وقتی پرستاران به این وضعیت معترض می‌شوند، تهدید می‌کنند که کارانه شما را قطع می‌کنیم.
وی با بیان این مطلب که هیچ گروهی مثل پرستاران تحت فشار کاری نیست، افزود: این چه

منتی است که می‌گویند قانون کاهش ساعت کار پرستاران را اجرا کرده‌ایم. در حالی که باید ۱۰۰ ساعت شیفت کاری در هفته داشته باشیم.
شریفی مقدم، پیامد کمبود نیروی پرستاری را ناشی از نارضایتی پرستاران از اجرا نشدن قوانین پرستاری عنوان کرد و گفت: ترک شغل و مهاجرت پرستاران، نتیجه همین سیستم معیوبی است که مدام در حال تکرار و چرخش است.
بیست وششم اسفندماه ۱۳۹۱

فشار کارفرمایان شرکت سقز سازی کردستان (ون) به کارگران قراردادی

به نوشته سایت کمیته هماهنگی ... آمده استکه ؛ طبق گزارش رسیده کارفرمایان شرکت سقز سازی کردستان به کارگران قراردادی این شرکت اعلام کرده که سال ۹۲ طبق ضوابط شرکت ساعات کار، ۱۰ ساعت در روز می‌باشد وهر کارگری با شرایط کاری این شرکت خودرا تطبیق ندهد اخراج خواهد شد.
لازم به ذکر است کارفرمایان این شرکت به دونفر از کارگران قراردادی به نامهای فواد صالحی و ایوب کریمی که حدود ۳سال در این شرکت مشغول به کار بوده‌اند اعلام کرده‌اند تا پایان سال ۹۱ به شما نیاز داریم و به آن‌ها اعلام کردند در سال ۹۲ قرارداد شما تمدید نخواهد شد.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگر-۲۶ اسفند ۱۳۹۱

اعتراض به انحصار نمایندگی کارگران از سوی شوراهای اسلامی کار/ واکنش قاطع کارگران پیمانی راه‌آهن یزد به قراردادهای غیر قانونی

به نوشته سایت خبرگزاری دو لتی کارایران – ایلنادر 26 اسفند 91 آمده است : دبیر کل مجمع عالی نمایندگان کارگران کشور با انتقاد از مصوبه اخیر شورای عالی کار در مورد چگونگی افزایش مزد سال ۹۲، گفت: به موجب ماده ۱۶۷ قانون کار، در این شورای عالی مي‌بایست مزد کارگران با رعایت سه جانبه گرایی تعیین مي‌شد.
آرش فراز با اعلام این مطلب به ایلنا گفت: قانون گذار در این ماده قانونی رسمیت بخشیدن جلسه را منوط به حضور نمایندگان کارگری و کارفرمایی کرده است؛ بدین معنی که در صورت غیبت هر کدام از این نمایندگان، جلسه شورای عالی کار برگزار نمي‌شود.
وی تاکید کرد: اما متاسفانه با گذشت زمان این آیین نامه به صورت یک جانبه از سوی دولت تغییر کرد و شرط ضرورت حضور نمایندگان کارگر و کارفرما در جلسه شورای عالی کار حذف شد و در نهایت حق تصمیم گیری از گروه کارگری گرفته شد.
این مقام کارگری با اشاره به اینکه دولت کارفرمای بزرگ است، اظهار کرد: هم اکنون بیش از ۸۰ درصد سهم اقتصاد کشور در اختیار دولت است و تنها ۲۰ درصد کارخانه‌های تولیدی به صورت خصوصی اداره مي‌شوند.
وی خاطر نشان کرد: با توجه به این مسئله به راحتی مي‌توان گفت دولت در روابط کار نه به عنوان یکی از اضلاع مثلث بلکه به عنوان بزرگترن گروه کارفرمایی حضور دارد.
دبیرکل مجمع عالی نمایندگان کارگران کشور همچنین با انتقاد از اینکه تنها شوراي‌های اسلامی کار در جلسات تعیین مزد شورای عالی کار حضور موثر دارند، گفت: هرچند شورای های اسلامی کار در کارگاه‌های بیش از ۳۵ کارگر فعالیت دارند اما نمي‌توانند در امور کلان خود را نماینده تمامی کارگران کشور معرفی کنند.
فراز با اشاره به کم کاری نمایندگان کارگری در جلسات شورای عالی کار یادآور شد: چون در بیش از ۸۰ درصد کارگاه‌های تولیدی تعداد کارگران مشغول به کار از ۳۵ کمتر است، ضرورت دارد که نمایندگانی از سایر تشکل‌های کارگری در ترکیب شورای عالی کار حضور داشته باشند.
وی با اشاره به تاکید مسئولان عالی رتبه کشور در خصوص ضرورت توجه به مردم، گفت: توقع کارگران از دولت و مجلس این بود که با استفاده از ظرفیت‌های قانونی در راستای کاهش مشکلات جامعه کارگری قدم بردارند.
فراز با اشاره به اصل ۱۳۸ قانون اساسی افزود: در بخشی از این اصل قانونی آمده است؛

دولت مي تواند تصويب برخي از امور مربوط به وظايف خود را به كميسيون هاي متشكل از چند وزير واگذار كند كه مصوبات اين كميسيون‌ها در محدوده قوانين پس از تاييد رييس جمهوری لازم الاجرا است.
دبیرکل مجمع عالی نمایندگان کارگران کشور تاکید کرد: نهادهای کارگری پیشنهادهای عملی برای بهبود شرایط معیشت کارگران دارند که در صورتی که مورد تصویب شورای عالی کار واقع شود مي‌تواند وضعيت معيشتی کارگران را بهبود دهد.
این مقام کارگری بابیان اینکه هم اکنون وضعیت دستمزد کارگران متناسب با شرایط معیشتی آنان نیست گفت: با این حال هروقت که از افزایش دستمزد سخن به میان مي‌آید، نهادهای کارفرمایی شرایط نامطلوب و گران بودن هزینه تولید را بهانه قرارد داده و اعلام مي‌کنند که توان پرداخت دستمزد بیشتر را ندارند.
وی همچنین گفت: به طورمثال دولت مي‌توانست با کاهش مالیات و حق بیمه کارفرمایان، تخصیص ۱۰ میلیون تومان تسهیلات بانکی به ازای هر کارگر و برخی موارد دیگر، شرایط را برای کارفرمایان بهبود بخشد تا آن‌ها بتوانند با فراغ بال بیشتری دستمزد کارگران را افزایش دهند.
این مقام کارگری افزود: در زمان برگزاری جلسات تعیین مزد می شد با استفاده از کارگروه اجرای اصل ۱۳۸ قانون اساسی از حضور وزیران امور اقتصادی و دارايي، صنعت، معدن و تجارت و جهاد کشاورزی نیز استفاده کرد و بدین ترتیب بخشی از مشکلات جامعه کارگری را کاهش دهد.
فراز خاطرنشان کرد: این وزیران مي‌توانستند در تصميم گيري‌ها و تعیین میزان مزد نقش داشته باشند و بدون داشتن حق رای در شواری عالی کار، راهکارهای عملی افزایش دستمزد برای این شورا را تحقق بخشند.
وی گفت: افزایش بي‌رويه قیمت‌ها، شرایط معیشت خانوارهای کارگری را با مشکلات بیشماری مواجه کرده است از اینرو شورای عالی کار مي‌بایست برای سال جدید تصمیمات درستی جهت بهبود وضعیت معیشت خانوارهای کارگری اتخاذ مي‌کرد.

*****

به گزارش ایلنا، در این طومار که به امضای ۷۴ نفر از کارگران متخصص پیمانی و شرکتی شاغل در راه آهن استان یزد رسیده، خطاب به مدیرکل راه آهن یزد آمده است: در صورت اجرایی نشدن مصوبات هیات دولت توسط راه آهن، پرسنل متخصص شاغل شرکتی مشمول تبدیل وضعیت، از تاریخ ۳۱ فروردین ماه سال ۹۲ که قرارداد کار پایان مي‌یابد دیگر در قالب شرکت‌های پیمانکاری قادر به همکاری با راه آهن نیستیم و لذا در صورت نیاز راه‌آهن به اینجانبان باید قرارداد جدید کار بصورت مستقیم از طرف راه آهن منعقد شود.
نویسندگان این نامه با اشاره به مصوبه مورخ ۱۶ بهمن ماه سال گذشته، هیات دولت در خصوص تبدیل وضعیت استخدامی کارگران شرکتی شاغل در دستگاه‌های دولتی یادآور شده‌اند: با وجود آنکه اداره کل تعاون، کار و رفاه اجتماعی استان یزد مشاغل کارگران شرکتی شاغل در اداره کل راه آهن را تخصصی تشخیص داده است اما همچنان شاهد فرصت سوزی عمدی راه آهن هستیم.
کارگران راه آهن یزد با بیان اینکه شرکت راه آهن تاکنون با استدلال‌ها و استنادات بدون پشتوانه مانع اجرای دستور صریح دولت شده‌است یادآور شده‌اند: در میان کارگران شرکتی راه آهن افرادی دارای مشاغل فنی و تخصصی چون رئیس قطار باري، سرمانور چي، مانور چی و سوزنبانی هستند که با وجود داشتن مدارک مورد تایید راه آهن به دلیل نداشتن مدرک دانشگاهی از لیست واجدان تبدیل قرارداد حذف شده‌اند.
طومار نویسی کارگران راه آهن یزد درحالی است که پیش از این در تاریخ ۳۰ بهمن‌ماه سال جاری نیز ۱۰۹ نفر از کارگران پیمانکاری راه آهن شرق در نامه‌ای به معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهور خواهان تبدیل وضعیت استخدامی خود از شرکتی به قرار دادکار معین شده بودند.

راه‌آهن: قرارداد مستقيم نمي‌بنديم

با این حال مسئولان راه اهن مدعي‌اند که به مصوبه هیات دولت در خصوص تبدیل وضعیت بخش بزرگی از کارگران پیمانی راه آهن عمل کرده‌اند.
«صادق سکری» مدیرکل روابط عمومی راه آهن با بیان اینکه در راستای دستور سال گذشته هیات دولت بخش قابل توجهی از کارگران شرکتی شاغل در مجموعه راه آهن تبدیل قرارداد شدند، به ایلنا مي‌گوید: اطلاعات مربوط به جرئیات این تبدیل قرارداد به حوزه معاونت امورکارکنان راه آهن مربوط مي‌شود.
وی بابیان اینکه در اجرای این طرح کارکنان مشمول تبدیل وضعیت شدند گفت: در حال حاضر تنها معدودی از کارگران که بصورت پیمانکاری در پروژهای موقت راه آهن مشغول کار هستند تبدیل وضعیت نشده‌اند.
این مقام مسئول در راه آهن گفت: هرچند مشاغل این کارگران تخصصی است اما از آنجا که اشتغال و همکاری آن‌ها در راه آهن دائمی نیست نمي‌توان در خصوص جذب انها بصورت قراردادی اقدامی انجام داد.

نیروهای انتظامی یک کولبر دیگر را کشتند

بر پایه خبر دریافتی در تاریخ 26 اسفند 91 آمده است : یک کولبر اهل روستای بیتوش از توابع شهرستان سردشت با شلیک مستقیم نیروهای نظامی حکومت اسلامی ایران، جان خود را از دست داد.
بنا به گزارش رسیده از ایران، نظامیان مستقر در مناطق مرزی شهرستان سردشت با تیراندازی مستقیم به یک کولبر کُرد بنام نوزاد ابراهیم‌پور فرزند سعید، وی را به قتل رساندند.
این کولبر کُرد ۳۵ ساله، متأهل و ساکن روستای "بیتوش" از توابع منطقه‌ی "آلان" سردشت بوده است.
همچنین چند رأس از اسب‌های بارکش کاسبکاران نیز توسط نیروهای نظامی کشته شده اند.

در آستانه فرا رسیدن سال ۱۳۹۲

به نوشته کمیته هماهنگی .... آمده است : آخرین روزهای زمستان در حالی به پایان می‌رسد که طبیعت پیشاپیش مژده بهار را به ارمغان آورده و «نسیم روز میلاد اقاقی‌ها را جشن می‌گیرد و بهار روی هر شاخه، کنار هر برگ، شمع روشن کرده است.» با آمدن بهار، زمین بار دیگر نفس می‌کشد، شکوفه‌ها می‌روید و پرنده گان، بامدادان طراوات خواهند داد. بهار بار دیگر این درس بزرگ را با خود دارد که آری دوباره باید ساخت.
سال ۱۳۹۱ در شرایطی به پایان می‌رسد که اکثریت مزد بگیران جامعه با مشقات و مصائب بی‌شماری روبرو بودند. از یک سو افزایش سرسام آور قیمت کالاها و از سوی دیگر دستمزدهای ثابت و زیر خط فقر در این سال، کارگران و زحمت کشان را با مشکلات فراوانی روبرو کرد. تعطیلی مراکز کار و بیکار سازی گسترده، به تعویق افتادن دستمزد کارگران به امری عادی در مناسبات حاکم تبدیل شده است. مرگ روزانه ۵ نفر کارگر بر اثر حوادث محیط کار را نیز باید یکی دیگر از فجایع سرمایه داری ایران در سال ۹۱ دانست. تداوم این وضعیت موجب ایجاد نگرانی، اضطراب، تنش‌های روانی و نابسامانی‌های بی‌شمار دیگر در میان خانواده‌های کارگری شده و عوارض جبران ناپذیری را به وجود آورده است. هم چنین در این سال ما شاهد ادامه بازداشت و زندانی کردن کارگران، زنان، روزنامه نگاران، دانشجویان و اساتید دانشگاه‌ها به خاطر بیان باورها و اعتقاداتشان بودیم.
اما علی رغم همهٔ این فشارها و سرکوب پلیسی، اعتراض و مبارزه با این شرایط سخت و طاقت فرسا، در سال ۹۱ هم چنان ادامه یافت. در این میان جنبش کارگری با اعتراض‌ها و تجمع‌های هر روزه خود، از جنوب تا شمال و از غرب تا شرق ایران، مطالبات و خواسته‌های خود را طرح کردند. این در حالی بود که کارگران ایران از ایجاد تشکل‌های خود ساخته و مستقل محروم هستند و حاکمان سرمایه تحمل هیچ سازمان و نهاد کارگری مستقلی را

ندارند.
در آستانه سال ۱۳۹۲، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری همه کارگران و فعالین کارگری را به اتحاد و همبستگی و مبارزه برای ایجاد تشکل‌های خود ساخته، فرا می‌خواند. ایجاد تشکل کارگری در محیط کار، همان حلقهٔ مفقوده‌ای است که می‌تواند مبارزه طبقهٔ کارگر ایران را در برابر تهاجم سرمایه داران به معیشت و زندگی آن‌ها، منسجم و سراسری کند.
ما اعضای کمیته هماهنگی با تمام خانواده‌هایی که در این سال، عزیزانشان را در محیط کار از دست داده‌اند، اعلام همدردی می‌کنیم. هم چنین دست همهٔ کارگران، فعالین کارگری و دیگر زندانیان سیاسی را به گرمی می‌فشاریم که برای دفاع از حقوق هم طبقه‌ای‌های خود، پشت میله‌های زندان قرار داده شده‌اند و به خانواده‌های آن‌ها درود می‌فرستیم. به امید روزی که قفل به افسانه‌ای تبدیل شود.
پیشاپیش فرا رسیدن نوروز و آغاز سال ۱۳۹۲ را تبریک می‌گوییم.
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری – ۲۶ /۱۲/ ۱۳۹۱

اعتراض سندیکای کارگران فلزکار مکانیک به میزان افزایش حداقل دستمزدها

برپایه خبر منعکس شده در سایت خبری راه کارگر در 27 اسفند 91 آمده است :در ادامه اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، اتحادیه آزاد کارگران ایران و همچنین کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، به افزایش ناچیز دستمزدها، دیروز سندیکای فلزکار مکانیک بیانیه ای منتشر کرد.

دراین بیانیه، کارگران فلزکار مکانیک، مصوبه مزدی شورای عالی کار را «سند مرگ خانواده های کارگری» اعلام کرده ، ضمن تاکید بر ضرورت متشکل شدن در قالب سندیکاها، ایجاد تشکلهای همیاری ، بر حیاتی بودن هماهنگی و انجام اقدامات مشترک تاکید کرده ، خواهران و برادران زحمتکش خود را به هماهنگی برای برگزاری مراسم اول ماه مه ، دعوت کرده اند.
متن کامل این بیانیه به شرح ذیل است:
خواهران و برادران زحمتکش!
نان فرزندانمان بازیچه دست عده‌ای بی‌خبر وسودجو قرارگرفته است. بااجرای دستورات صندوق بین المللی پول درصحنه اقتصاد واجتماع، همانطور که پیش بینی می‌شد با توافق کارفرمای بزرگ (دولت) وکارفرمایان بخش خصوصی، حداقل دستمزد ماهیانه برای سال جدید ۲۵ درصد افزایش یافت، که ۲ برابر زیرخط فقر اعلام شده توسط منابع دولتی است. این افزایش حقوق ازطرف شورای عالی کار، بی‌اعتنایی به خواسته‌های جامعه کارگری و خانواده‌های شریف زحمتکشان است. به سخره گرفتن خواسته‌های طبقه کارگر درحالی صورت می‌گیرد که بیش از ۳۰ هزارامضای اعتراضی به وضعیت معیشتی خانواده‌های کارگری ومشکلات زحمتکشان به مجلس و وزارت کاربرده شده است. ۲ هزارامضای اعتراضی در ۲ هفته قبل ازطرف سندیکای کارگران شرکت واحد به وزارت کار داده شد. درسال جاری گرانی هر روزه، امان کارگران را بریده وسفره‌های ما هر روز خالیتر از روزقبل می‌شود. طی ۳ ماه گذشته با افزایش قیمت ارز نیمی ازقدرت خریدمان به جیب دلالان رفت. ۳ درصد ارزش افزوده به کالاها به ما تحمیل شد. باکمتراز نرخ تورم امسال، برای سال بعد برایمان حقوق تعیین می‌کنند، یعنی حداقل حقوق اعلام شده توسط شورای عالی کار، همیشه یکسال عقب‌تر از تورم سال بعداست. توجیهات آقای عباسی رییس شورای عالی کاربسیار توهین آمیز است. ایشان اعلام می‌کنند: «اگر با تورم امسال برای سال بعد حقوق تعیین می‌کنیم، برای این است که ممکن است درسال آینده اصلا تورم نداشته باشیم» (به نقل از ایلنا). افرادی با چنین درجه هوشی در شورای عالی کار پس از امضا کردن سند مرگ خانواده‌های کارگری، سفر تفریحی به دوبی پاداش می‌گیرند. (به نقل ازایلنا).
خواهران وبرادران زحمتکش!
کارگران فلزکار مکانیک ضمن اعتراض به چنین مصوبهٔ تحقیرآمیزی اعلام می‌کند:
۱-برای مبارزه بابی عدالتی هاهیچ چاره‌ای جزتشکیل ومتحد شدن درسندیکاها را نداریم.
۲- برای مبارزه باگرانی، دست به ایجاد تعاونی‌های مصرف زده واین تعاونی‌ها راتقویت کنیم.

۳- برای رسیدن به خواسته‌هایمان وموفقیت درمبارزاتمان، هیچ پشتیبانی بهتر ازهمدیگر نداریم. باتماس مستمر، اعتراضاتمان راهماهنگ کرده وازپشتیبانی یکدیگربرخوردار باشیم.
۴- از هم اکنون برای بزرگداشت وهم اندیشی مبارزات پدرانمان در روزکارگر، گرد هم آییم.
اتحاد رمز پیروزی است.
سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ۲۵/۱۲/۱۳۹۱
رونوشت به:
سندیکای کارگران شرکت واحد تهران وحومه
سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه اهواز
هیات موسس سندیکای کارگران نقاش وترئینات تهران وحومه
سندیکای کارگران ساختمانی وبنایان تهران وحومه
اتحادیه کارگران پروژه‌ای
اتحادیه کارگران آزاد
کانون مدافعان حقوق کارگر

جان محمد جراحی کارگر زندانی در خطر است

شنیدیم که محمد جراحی یکی از فعالین سندیکایی و از کارگران زحمتکش آذربایجان که از تاریخ خرداد 1390 در زندان است به علت سرطان حال وخیم و دردمندی دارد و به علت شرایط غیر استاندارد درمانگاه زندان پزشکان معالج از درمان او عاجز هستند،و متاسفانه مسئولین زندان و قوه قضاییه از دادن مرخصی درمانی به این فعال کارگری امتناع می کنند . ما زندانیان کارگری - سیاسی _ عقیدتی از انسانهای آگاه و تمام مردم آزادیخواه و مبارزان و نهادهای حقوق بشر می خواهیم نسبت به دفاع و حمایت از این فعال کارگری سکوت نکنند و از مقامات بخواهند هر چه سریعتر این کارگر زندانی ، پدر چهار فرزند را آزاد کرده و اجازه و امکان درمان به او بدهند .
امضا کنندگان :

1- مصطفی میری 2 - محمد امیرخیزی 3 – میثاق یزدان نژاد 4 – فیروز منصوری 5 – شاهرخ زمانی 6 – خالد حردانی 7 – احمد امویی 8 - ... محمودی 9 – رضا شریفی بوکانی 10 – سعید ماسوری 11 – عباس بادپا 12 – سید محمد سیف زاده 13 – شهرام 14 - افشین بایمانی

27/12/1391
باز تکثیر از :
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

کارگران زندانی آزاد باید گردند

به نوشته انجمن صنفی کارگران برق و فلز کار کرمانشاه در 27 اسفند 91 آمده است : بیش از یک هفته از بازداشت ۶ فعال کارگری به نامهای وفا قادری، حامد محمودنژاد، بهزاد فرج الهی، علی آزادی، خالد حسینی اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری و شریف ساعدپناه عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران می‌گذرد و هنوز هیچ خبری از آزادی این افراد نیست. این انسانهای شریف هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند که باید جایشان در بازداشتگاه باشد. این‌ها کسانی هستند که به فقر و بی‌عدالتی، به حقوق چندین برابر زیر خط فقر ۴۸۷ هزار تومانی اعتراض داشته‌اند. این‌ها خواستار یک زندگی انسانی برای همه و از جمله کارگران هستند و تنها به این جرم بازداشت و زندانی شده‌اند. در هیچ جای دنیا خواستار زندگی انسانی بودن به هیچ وجه جرم نیست و کسی به خاطر آن به زندان نمی‌رود. این اقدام تنها در ایران صورت می‌گیرد زیرا جوابی جز زندان برای خواست انسانی کارگران که حقوق ۴۸۷ هزار تومانی نمی‌خواهند ندارند. بازداشت این اشخاص به منظور ساکت نشاندن میلیون‌ها کارگر رنج دیدیده و فقر زده است تا نسبت به هر بلای وحشتناک تری که سرشان

بیاورند، صدایشان در نیاید. بازداشت فعالین کارگری اتفاق تازه‌ای نیست. هر بار که خواسته شده است تا به حرمت و شأن انسانی کارگران یورش برده شود چنین اتفاقاتی افتاده است. یورش به فعالین کارگری شهر سنندج نیز در راستای تحمیل مزد ۴۸۷ هزار تومانی است و می‌خواهند کل طبقه کارگر را با این اقدام به سکوت بکشانند. اما کارگران در مقابل، ساکت نخواهند نشست ولی قبل از هر چیز باید به بازداشت فعالین خود شدیدا اعتراض نمایند. باید فعالین را از بند رها نمود و در ادامه خواهان اعاده حقوق از دست رفته خود و از جمله افزایش دستمزد مطابق با استانداردهای بین المللی شد.
انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه بازداشت فعالین کارگری شهر سنندج را شدیدا محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط آنان است و از همه تشکل‌ها و جمعهای کارگری می‌خواهد همگام با خانواده‌های این افراد برای آزادیشان دست به اعتراض بزنند.

راهپیمایی وتجمع کارگران کاشی گیلانا مقابل فرمانداری در اعتراض به تاخیر ۷ ماهه در پرداخت دستمزد

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا،در تاریخ 27 اسفند 91 آمده استکه؛ ۲۰۵ کارگر و ۵ راننده کارخانه کاشی گیلانا در اعتراض به عدم دریافت ۷ ماه دستمزد و عیدی سالجاری خود و همچنین تحقق نیافتن وعده مسئولین مقابل فرمانداری رودبار تجمع کردند.
کارگران این کارخانه پیش از این هم در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود در مقابل فرمانداری رودبار تجمع کرده بودند که با وعده رفع مشکل از سوی مسئولان استانی به کار خود بازگشتند.
گفتنی است، کارگران کارخانه کاشی گیلانا برای شرکت در این تجمع فاصله ۶ کیلومتری از محل کارخانه (واقع در شهر منجیل) تا شهر رودبار را با پای پیاده پیموده‌اند.

تجمع ۲۵۰ کارگر مقابل سازمان اداری بهشت زهرادراعتراض به عدم پرداخت ۳ماهه حقوقشان

بنا به گزارش منتشره، صبح امروز درتاریخ ۲۷اسفند 91 آمده استگه ؛ ۲۵۰ کارگر بهشت زهرا به دلیل عدم دریافت عیدی و سنوات و تعویق ۳ ماهه حقوق خود مقابل ساختمان اداری ناحیه ۳بهشت زهرا تجمع کردند.
بنابهمین گزارش، کارگران مشغول به کار در واحد خدمات بهشت زهرا، روزانه ۱۰ ساعت کار می‌کنند وحدود ۳ ماه است که حقوق نگرفته‌اند.
قابل یادآوری است که هیچ مقام مسئولی پاسخگوی مشکلات کارگران معترض نبوده است.

تجمع و راهپیمایی خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی در سنندج

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه؛ روز یکشنبه ۲۷ /۱۲/۹۱ جمع زیادی از خانواده‌های ۶ فعال کارگری بازداشتی در ادامه تجمع اعتراضی خود نسبت به وضعیت نامعلوم عزیزانشان برای هشتمین روز متوالی در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج دست به تجمع زدند. خانواده‌ها روز قبل به نیروهای امنیتی هشدار داده بودند اگر به ما پاسخی ندهید تجمع خود را در مقابل استانداری ادامه خواهیم داد.
معترضین تا ساعت ۱۲ ظهر به تجمع خود در مقابل اداره اطلاعات ادامه داده و سپس به سمت استانداری به راه افتادند. راهپیمایی خانواده‌های فعالین بازداشتی در چند خیابان به سمت استانداری توجه مردم راه به خود جلب کرد. در طول مسیر راهپیمایی به سمت استانداری، خانواده‌ها به مردم توضیح می‌دادند که علت راه پیماییشان چیست. در مقابل استانداری یکی از حاضرین به داخل استانداری رفته و توضیحاتی در رابطه با دلایل این تجمع به معاون استاندار داده وسپس معاون استاندار قول داد در صورتی که خانواده‌ها به تجمعشان پایان دهند برای فردا ۲۸ اسفند امکان ملاقاتشان با استاندار را فراهم کند. در پی این وعده خا نواده‌ها ضمن تاکید بر ادامه تجمعات در صورت عدم پاسخگویی، دسته جمعی خیابان

استانداری را ترک کردند.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۲۷ اسفند ۱۳۹۱

فراخوان برای راه پیمائی اول ماه مه 2013 درپاریس

بر پایه خبر رسیده به روز مار کارگری در 27 اسفند 91 آمده است :

رفقا
امسال درشرایطی به استقبال روزجهانی کارگرمی رویم که جهان سرمایه داری دریکی دیگرازبحران های دوره ئی اش بسرمی برد وبعد ازگذشت چندسال هنوزروزنه ای برای خروج ازآن پیدا نکرده است. درسراسر جهان برای پرداخت هزینه این بحران مبارزه ای میان دنیای کاروسرمایه درجریان است که به بزرگداشت اول ماه مه جلوه ای خاص می بخشد.کارگران با شعارهای دفاع ازمنافع طبقاتی وحفظ دست آوردهای خویش، نظام سرمایه داری را مسوول این بحران دانسته وآن را به چالش می طلبند.
درایران نیزبحران سرمایه داري، سیاست های ویران کننده ی نئولیبرالی دولت های جمهوری اسلامی وبخصوص تحمیل تحریم های فلج کننده کشورهای سرمایه داری غرب فشاربرکارگران وحقوق بگیران دائمی را بیشتر کرده است. کارگران وحقوق بگیران ایران با اعتراضات واعتصابات پی درپی درمقابل این شرایط دشواردست به مقاومت زده ودر این راه با تحمل فشارهمه جانبه وحتی تحمل شکنجه وزندان هزینه ای گزاف را پرداخته و می پردازند.
باتدارک باشکوه تظاهرات اول ماه مه امسال درپاریس، بلندگوی مبارزات وخواسته های کارگران باشیم.ما شما را به شرکت درجلسه روز جمعه 29 مارس 2013 در ساعت نوزده و سی دقیقه محل آژکا دعوت می کنیم تا انتخاب مجدد کمیته موقت برای برگزاری تظاهرات اول ماه مه 2013را انجام دهیم.
Adresse: AGECA, 177 Rue de Charonne75011 M: Alexandre Dumas
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ایران
زنده باد آزادی ـ زنده باد سوسیالیسم
زنده باد روزاول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران
کمیته موقت برگزاری تظاهرات روز اول ماه مه در پاریس ـ مارس 2013

خواست های فوری کارگران ایران

به نوشته سایت اخبار روز در 27 اسفند 91 آمده است : در حالی که کارگران ایران از داشتن تریبون، حق تشکل و رسانه های مستقل محروم هستند و نمی توانند خواسته ها و مشکلات خود را بیان کنند، بیانیه ای که به همت فعالین جنبش کارگری تا به حال به امضای سی هزار کارگر رسیده است، معتبرترین سندی است که بر اساس آن می توان خواست های فوری کارگران ایران را شناخت. اصلاحات ضدکارگری در قانون کار، عدم به موقع پرداخت دستمزد، لغو قراردادهای سفید امضا، برچیدان شرکت های پیمانکاری که به شرکت های آدم فروشی مشهور هستند، و در راس همه ی این خواست ها افزایش دستمزدهای کارگران مطابق با افزایش سطح تورم و گرانی های فزاینده، از جمله ی عمده ترین خواست هایی است که در این نامه ی سی هزار امضایی بر روی آن تاکید شده است.
حکومت ایران با تعیین ۲۵ درصد افزایش حداقل دستمزد بر سال جاری، تقاضای این سی هزار کارگر و خواست میلیون ها کارگر برای داشتن یک زندگی بهتر را نادیده گرفته است. در آستانه ی سال نو اخبار روز با انتشار دوباره ی این نامه، همبستگی خود را با مبارزات کارگران ایران اعلام می کند.

نشریه ی پیام فلزکار متعلق به سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، با آقای مازیار گیلانی نژاد یکی از فعالین کارگری و از هماهنگ کنندگان نامه ی سی هزار امضایی، گفتگویی پیرامون این نامه، افزایش حداقل دستمزدها و برخی مسائل دیگری جنبش کارگری انجام داده است. این

مصاحبه را نیز به دنبال نامه ی مذکور می خوانید:

نامه ی سی هزار امضایی کارگران

«به وزیرکار،رفاه و امور اجتماعی
رونوشت به نمایندگان مجلس شورای اسلامی و نهاد ریاست جمهوری
همانطوریکه همگان می دانیم و بر آن آگاهیم، از یک سال نیم پیش با آغاز فاز اول طرح قطع یارانه ها اقلام و کالاهای اساسی زندگی چندین برابر افزایش قیمت داشته اند. این درحالی است که در طول این مدت میانگین دستمزد کارگران بر روی هم در سال ۹۰ و سال جاری، نسبت به سالهای قبل ازاجرای فاز اول قطع یارانه ها حتی کاهش نیز پیدا کرده است و علاوه بر آن درطول این مدت با اعمال ۴ و سپس ۵ درصدی ارزش افزوده برروی کلیه کالاهای مصرفی، عملا حدود ۵ درصد از دستمزد روزانه زیرخط فقر ما کارگران به خزانه دولت سرازیر شده است. عدم پرداخت بموقع دستمزد زیرخط فقر کارگران بیداد میکند. توام با چنین وضعیت اسفبار و غیرقابل تحملی در مورد دستمزدها، اصلاحیه ای بسیار ضدکارگری بر روی قانون کار که امنیت شغلی و معیشت کارگران را نشانه رفته است، تهیه شده و قرار است بزودی به مجلس ارائه شود. مبنای میانگین حقوق دو سال آخر برای تعیین حقوق بازنشستگی به میانگین حقوق ۵ سال آخر آنان تغییر پیدا کرده و باعث اُفت شدید حقوق بازنشستگان شده است. بیمه میلیونها کارگر ساختمانی علیرغم ثبت نام و تحمل هزینه، هنوزبه سرانجامی نرسیده است و شرکتهای پیمانکاری همچنان مشغول چپاول کارگران هستند و ناامنی شغلی، اخراج سازی و تعطیلی کارخانه ها در بدترین وضعیت نسبت به سالهای پیش قرار دارد. بدون تردید نه تنها ما کارگران بلکه هیچ انسان شریف و منصفی تحمل چنین شرایطی را بر میلیونها کارگر و خانواده های آنان بر نمی تابد. لذا ما کارگران امضا کننده این طومار بعنوان اقداماتی بسیار مبرم و عاجل برای پایان دادن به وضعیت مشقت بار موجود، مصرانه خواهان افزایش حداقل دستمزدها بر اساس تورم واقعا موجود و تامین شرافتمندانه سبد هزینه یک خانوار چهارنفره با دخالت نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران کارخانه ها و مراکز تولیدی و خدماتی هستیم. برکنار گذاشتن طرح اصلاحیه قانون کار و توقف احتساب حقوق بازنشستگی کارگران بر مبنای میانگین دستمزد ۵ سال آخر پای می فشاریم. خواستار اجرای فوری بیمه کارگران ساختمانی و مصوبه هیئت وزیران مبنی بر حذف شرکتهای پیمانکاری و عقد قرارداد مستقیم و دائمی با کارگران و ایجاد ساز و کار قانونی قاطع برای پرداخت به موقع دستمزدها و تعقیب قضایی کارفرمایانی هستیم که کارگران را بدون قرارداد و یا باقراردادهای سفید امضا و دستمزدهای معوقه وادار به کار میکنند.»

گفتگوی «پیام فلزکار» با «مازیار گیلانی نژاد» پیرامون افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزد برای سال آینده، و نامه ۳۰ هزار امضایی کارگران

پیام فلزکار: در روز ۳۰ بهمن بخشی از هماهنگ کنندگان ۳۰ هزار امضای اعتراضی به وزارت کار رفتند. نتیجه چه بود؟

مازیارگیلانی نژاد: باسلام به دوستان زحمتکش نشریه خوب و کارگری پیام فلزکار، توجه شما را به این نکته جلب می کنم که هماهنگ کنندگان برای روز ۲۸ بهمن از استانداری تهران تقاضای مجوز برای تجمع در اعتراض به عدم پاسخگویی مسوولین و بی توجه ای به ۳۰ هزار امضای اعتراضی، در مقابل وزارت کار را کرده بودند که با مخالفت آنان روبرو شد به همین خاطر تصمیم گرفته شد برای پیگیری ۳۰ هزار امضا به وزارت کار رفته و خواستار پاسخگویی مسوولین وزارت کار شوند که دوستان ما جعفر عظیم زاده و خانم پروین محمدی که جمعی از کارگران کارخانه ها نیز به دنبال این پیگیری بودند را همراه شدند که حتما در سایت این دوستان مفصل به آن اشاره شده است. نتیجه این شد که سرپرست وزارت کار آقای جلالی نظری ضمن دیدار با این دوستان به آنها قول داد که طی یک هفته به این نامه اعتراضی پاسخ بدهد. البته دو هفته قبل نیز دوستان سندیکای کارگران اتوبوسرانی به وزارت کار رفته در

نمازخانه آنجا با یکی از سرپرستان وزارت کار دیدار داشتند و پیگیر ۲ هزار امضای اعتراضی خود بودند، که آقای مددی از طرف کارگران شرکت واحد سخنرانی کردند و مسولین را به عاقبت ستیز با مطالبات کارگری هشدار دادند. از جمله اینکه از سرنوشت آقای جهرمی که به تیر غیب بزرگترین فساد مالی تاریخ ایران گرفتار آمده اند و آقای مرتضوی که برای کارگران حکم های سنگین صادر می کردند و خوشان امروز روانه زندان شده اند, عبرت بگیرید.

پیام فلزکار: لطفا بفرمایید که روند چگونگی جمع آوری ۳۰ هزارامضای اعتراضی چگونه بود؟

مازیارگیلانی نژاد: بعد از اول ماه مه امسال و گرانی روز افزون و حذف یارانه ها و زمزمه اصلاح قانون کار و مسئله افزایش سن بازنشستگی و فروش درمانگاههای تامین اجتماعی و حداقل حقوق مصوب توسط شورای عالی کار، به ابتکار اتحادیه کارگران آزاد فکر جمع آوری طوماری در اعتراض به مسایل گفته شده شروع شد. من فکر می کنم که حتا دوستان اتحادیه کارگران آزاد هم فکر نمی کردند که با چنین سرعتی بتوانیم این ۳۰ هزار امضا را جمع آوری کنیم، که در سه مرحله ۱۰ هزار امضای جمع آوری و به مجلس و وزارت کار داده شد. که مطبوعات هم پوشش دادند. تقریبا می شود گفت که کارگران بیشتر استانها در این امرفعال بودند.

پیام فلزکار: واکنش وزارت کار و مجلس به این ۳۰ هزار امضای اعتراضی چه بود؟

مازیار گیلانی نژاد: متاسفانه تا امروز هنوز هیچ، هر چندکه در ۲ نوبت که یکبار دوستان اتحادیه کارگران آزاد به کمیسیون اقتصادی مجلس دعوت شدند و در حضور وزیر کار آقای شیخ الاسلامی به طرح موضوع ۳۰ هزار امضا پرداختند و یکبار هم کارگران سندیکای شرکت واحد با حضور در مجلس و تقدیم ۲ هزار امضا تقاضای رسیدگی و حضور در کمیسیون مجلس را کردند، که تابحال هیچ اقدامی نشده است. البته نامه ۲۵ صفحه ای که به اصطلاح جوابیه به ۳۰ هزار امضا را هم آقای جلالی داد که می توانید متن آن را که بیشتر خارج از موضوع بوده در سایت ها دنبال کنید.

پیام فلزکار: یعنی هیچ تاثیری نداشته است؟

مازیار گیلانی نژاد: تاثیر در بدنه کارگری بسیار خوب بود، چرا که کارگران استقبال کرده و حتا خواستار حضور دست جمعی در هر حرکت اعتراضی شدند، که به دلیل وضع موجود چنین حرکتی را هماهنگ کنندگان ۳۰ هزار امضای اعتراضی تا به امروز صلاح ندیده اند.

پیام فلزکار: آیا این امضاها از اعضای اتحادیه و یا سندیکاها جمع آوری شده است؟

مازیار گیلانی نژاد: خیر، در این جمع آوری فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد و سندیکای کارگران فلزکار مکانیک، کارگران نقاش و اول از همه اتحادیه کارگران آزاد شرکت فعال کردند، ولی به جرات می توان گفت همه فعالین کارگری با هر دیدگاه و تعلق تشکیلاتی در این جمع آوری امضا شرکت داشته اند. این ۳۰ هزار امضا در حقیقت تایید متن نامه اعتراضی توسط کارگران ایران است.

پیام فلزکار: اینکه شما می گویید همه کارگران ایران بر چه اساسی است؟

مازیار گیلانی نژاد: خوب در تهران کارخانه های سیمان تهران، کاشی سعدی، لاستیک سازی البرز، صنایع فلزی، سایپادیزل، ایران خودرو، پاکشو ما، کارگران نقاش ساختمان، کارگران ساختمانی، پرستاران، کارگران بیکار، کارمندان، تراکتورسازی تبریز، پتروشیمی اهواز، نساجی های مازندران، گروه صنعتی بهشهر، و دیگر کارگران استان های کردستان، گیلان، لرستان، کرمانشاه، گلستان شرکت داشتند. در بسیاری از مواقع زحمتکشان با دسترنج خود این نامه

را کپی کرده به دیگران می دادند تا امضا شود. در آخرین امضاها ما شرکت فعال کارگران زن شاغل در کارگاههای کوچک را شاهدیم. در بعضی مواقع دانشجویان هم به کمک هماهنگ کنندگان آمده در جمع آوری این امضاها کمک شایانی کردندکه از این طریق به همه آنها خسته نباشید می گویم.

پیام فلزکار: آیاجمع آوری این طومار اعتراضی ادامه خواهد داشت؟

مازیارگیلانی نژاد: چرا که نه، بهرحال جنبش کارگری ایران با این عمل مسالمت جویانه خواستار حق و حقوق انسانی و قانونی خود شده است.

پیام فلزکار: یکبار دیگر سوال خود را مطرح می کنم، چرا شما از دیگر شیوه های اعتراضی استفاده نمی کنید؟ مانندجمع شدن کارگران در مقابل وزارت کار، کاری که به تازگی نی بُرهای کشت و صنعت در مقابل ریاست جمهوری و یا کارگران صنایع فلزی در مقابل استانداری تهران کردند؟

مازیار گیلانی نژاد: همانطوری که قبلا گفتم، فعلا هماهنگ کنندگان چنین ضرورتی را نمی بینند و فضای سیاسی هم اجازه چنین کاری رانمی دهد. ما از استانداری تهران تقاضای مجوز برای تجمع در مقابل وزارت کار کردیم، ولی اجازه ندادند. به اضافه اینکه کشاندن کارگران به یک تجمع، یکطرف قضیه است و کنترل و سازماندهی آن یکطرف دیگر. شما اگر بخاطر داشته باشید حتا مجوز راهپیمایی برای روز کارگر را هم به خانه کارگر ندادند، چه برسد به ما؟

پیام فلزکار: با توجه به اینکه فعالیت های کارگری شما ز طرف رسانه های داخلی پوشش داده نمی شود، شما چگونه می خواهید صدای اعتراض خود را به گوش کارگران برسانید؟

مازیارگیلانی نژاد: کارگران فلزکار مکانیک جز با رسانه های داخلی از جمله ایلنا و روزنامه کار و کارگر، قائل به مصاحبه با رسانه های غیر نیستند. این سیاست ماست. هر چند که این رسانه ها هم زیاد اخبار ما را پوشش نمی دهند. اما راهکار ما هم نفس شدن با کارگران، پاشیدن بذر آگاهی و از همه مهمتر ترغیب کارگران برای تماس و همکاری فعال باکارخانه های مجاور است. کارگران اگر بتوانندبا کارخانه های مجاور تماس مرتب داشته باشند می توانند حمایت این کارگران را در مواقع ضروری با خود داشته باشند. من فکر می کنم قبل از اینکه کارگران رابه راهپیمایی بکشانیم بهتراست اول کارگر با حق و حقوق خود آشنا بشود و بداند که حرکت بعدیش چیست و برای حرکت بعدی آماده باشد.

پیام فلزکار: به نظرشما ندادن مجوز تجمع چه توجیهی دارد؟

مازیار گیلانی نژاد: اولا راهپیمایی و تجمع مجوز نمی خواهد. اصل ۲۷ قانون اساسی به صراحت تاکید دارد به اینکه «تشکیل اجتماعات و راه پیمایی ها، بدون حمل سلاح بشرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد، آزاد است» و در آخر اصل نهم قانون اساسی آمده که «هیچ مقامی حق ندارد بنام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند» تا اینجا قانون به صراحت آزادی ها را حق همگان دانسته ولی گفته، سلاح حمل نشود که کارگران مسلح نیستند. به اضافه اینکه مگر ما چه می خواهیم؟؟ ما خواستار اضافه دستمزد و زندگی آبرومندانه هستیم که هیچ قانون و عقل منصفی این عمل را خلاف نمی داند. متاسفانه دیدگاهی در میان مسوولان کشور وجود داردکه می ترسند راهپیمایی کارگری به خشونت کشیده شود. در صورتیکه کافی است موافقت با راهپیمایی بشود، بعد ببینند کارگران چگونه راهپیمایی کرده، بدون اینکه حتا قطره ای خون از بینی کسی ریخته شود. بهرحال یکروز ما باید شروع به تمرین دمکراسی کنیم و از آزادی های مطرح شده در قانون اساسی بهره مند شویم. چرا امروز نه؟؟ فردا دیر است. نمی

شود با پاک کردن صورت مسئله، مسئله را حل کرد. گرانی، بیکاری، فساد اداری واقعیت های جامعه ماست. سندیکاهای کارگری قدرتمندمی توانند برای مبارزه با گرانی با اسلحه تعاونی هابه جنگش بروند. بیکاری را می توانند با پیشنهاد کمترکردن ساعت کار کنترل کنند و فساد اداری را هم باشفاف سازی و نبستن زبان حق گوی جامعه می توان کنترل کرد. زحمتکشان ایرانی بیشترین مالیات را به دولت می پردازند، پس حق دارند از حقوق اجتماعی خود بهره مندشوند. سرکوب مطالبات کارگری مشکلی را حل نمی کند بلکه به سرمایه داری انگل تجاری فرصت می دهد که بیشتر مردم را چپاول کند و اقتصاد کشور را ورشکسته و وابسته به سرمایه داری بین المللی کند تا هر زمان که اراده کرد گلوی آزادی را بفشارد. سرکوب مطالبات کارگری به عناصر نفوذی سرمایه داری انگل تجاری این امکان را می دهد که در غیاب سندیکاهای کارگری با تحریک احساسات کارگران آنان را به سمت اغتشاش سوق دهد. مسولین از این امر اجتناب کرده و حقوق ملت را که در فصل سوم قانون اساسی آمده رعایت کنند.

پیام فلزکار: نظرتان در مورد واکنش به حداقل دستمزد سال آینده چیست؟

مازیار گیلانی نژاد: همانطور که در مصاحبه ۲ هفته قبل به ایلنا هم گفتم این مبلغ افزایش دستمزد قابل پیش بینی بود. چرا که در اروپا صندوق بین المللی پول راضی به نه تنها افزایش حقوق نیست بلکه ریاضت اقتصادی را هم به کارگران می خواهد تحمیل کند. در ایران هر چند مسوولین قائل به مبارزه بر ضد سرمایه داری هستند ولی آنچه اجرا می شود، دستورات صندوق بین المللی پول است که مطابق با آخرین پیشنهادات سرمایه داری جهانی است. البته واکنش به این دستمزد چنانکه امروز شما به خبرگزاری ایلنا مراجعه کنید بسیار توفانی است امیدوارم که این خشم نمایندگان شوراها و خانه کارگری ها تا روز اول ماه مه با همین شدت باشد تا شاید آنروز با یک حرکت منسجم این مصوبه را بشود لغو کرد. البته سندیکاهای کارگری اگر امکان داشته باشند حتما به برگزاری قدرتمندانه روز کارگر فکر خواهند کرد.

پیام فلزکار: شما فکر می کنید که چگونه به این فرمول ۲۵ درصدی رسیده اند؟

مازیار گیلانی نژاد: آنچه از سال قبل گفته می شد این بود که با پرداخت یارانه ها اصلا تعیین حداقل دستمزد دیگر توجیهی ندارد. به اضافه اینکه اگر قرار باشد اصلاح قانون کار صورت بگیرد که موضوع برمی گردد به توافق کارگر و کارفرما که دیگر دلیلی برای تعیین حداقل حقوق نیست. از همه مهمتر جریانی است که چند دهه ای است سر برآورده این جریان که درسال ۱۳۶۰ با قانون کار توکلی سرش به سنگ کوبیده شد دوباره فعال شده است. این جریان حتا قانون اساسی را هم قبول ندارد چرا که شما می بینید آیین نامه ای، اصول قانون اساسی را نقض می کند. در همین مصوبه تعیین حداقل دستمزد با اینکه مراجع دولتی تورم را ۳۷ درصدی می دانند اما شورای عالی کاربدون رعایت ماده ۴۱ قانون کار که می گوید ۱- برطبق تورم محاسبه شده ۲- به اندازه کفاف مخارج یک خانواده ۴ نفره باشد، به یکباره نمایندگان کارفرمایی اعم از دولتی و بخش خصوصی از آستین ۲۵ درصد را در می آورند. دوستان وقتی من می گویم کسانی حتا قانون اساسی را هم قبول ندارند شما تعجب نکنید اصل ۴۳ قانون اساسی با این مصوبه زیر پا گذاشته شده چرا؟؟ چون سرمایه داری انگل تجاری هیچ قانونی را برای محدود شدن سودش نمی پذیرد.

پیام فلزکار: به عنوان آخرین سوال می خواستیم سوالی غیر از این موضوع مطرح کنیم اگر اجازه بدهید. مایلید در مورد اخراج منصور اسالو از سندیکای کارگران شرکت واحد توضیحاتی بدهید.

مازیار گیلانی نژاد: اولا توضیح کامل در اطلاعیه سندیکای کارگران شرکت واحد آمده که نه تنها شما بلکه بسیاری از دوستان دقت نکرده و حرف از اخراج می زنند. در صورتی که کلمه اخراج در این اطلاعیه نیامده و ایشان از مسوولیت های داشته خود که توسط هیات مدیره به ایشان

ارجاع شده بود منفصل شده است که این حق همه هیات مدیره هاست. ایشان هنوز هم عضو هیات مدیره و عضو سندیکای شرکت واحد هستند. متاسفانه فعالین کارگری هنوز یاد نگرفته اند که به خردجمعی تشکل های دیگر احترام گذاشته و از دخالت در امور سندیکاهای دیگر اجتناب کنند وبا کج سلیقگی به هر اطلاعیه ای نگاه می کنند و فکر می کنند اگر سندیکاها خواستند کاری بکنند باید پیش این آقایان آمده و کسب تکلیف کنند. بعضی از بیکاره های خارج نشین هم که کاری ندارند کافی است تا سندیکایی عطسه کند تا بخشی به مخالفین و بخشی هم به موافقین این عطسه تبدیل شوند و با جنگ رسانه ای خود را مشغول کنند. دوستان شما در جنبش کارگری اینقدر کار دارید که احتیاج به این گونه مشغولیات ندارید. کارگران جوان منتظر شما هستند آنان را دریابید.

یک هفته با جامعه کارگری: از یکشنبه ۲۰ اسفند تا یکشنبه ۲۷ اسفند در جامعه کارگری ایران

*اعلان تصویب مزد ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومانی بعدازظهر دوشنبه ۲۱ اسفند
رقم اعلام شده، کمتر از یک سوم هزینه های معیشتی را پوشش می دهد - تنها ساعاتی کوتاه پس از آن شروع اعتراض بی وقفه و اتحاد بی سابقه در جامعه کارگری برای افزایش دستمزدها؛

خبرهای دیگر در هفته ای که گذشت:
کنگان:
کارگران شرکت گاما درفاز ۱۲ کنگان منطقه پارس جنوبی (پروژه توسعه میدان گازی، بزرگترین فاز گازی کشور) در اعتراض به عدم پرداخت دوماه حقوق خود روز ۱۹ اسفند ماه یکپارچه دراعتصاب بودند. این اعتصاب درتمام روز به طول انجامید وکارگران حاضر به انجام کارنشدند.

رشت:
کارخانه‌های «خاور» و «ایران پوپلین» رشت در معرض تعطیلی کامل قرار دارند.

تهران:
بیش از ۷۰۰ کارگر شاغل و بازنشسته کارخانه های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ در ادامه اعتراضات خود نسبت به عدم پرداخت دستمزدهایشان از ساعت ۹:۳۰ صبح روز یکشنبه ۲۰ اسفند دست به تجمعی اعتراضی در مقابل استانداری تهران در خیابان طالقانی زدند. این اعتراضات از سوی کارگران این کارخانه ها پس از آن آغاز شد که مدیریت دولتی مستقر در کارخانه به آنان اعلام کرد فقط میتواند برای آخر سال ۴۰ درصد از دستمزد باقی مانده آذرماه آنان را پرداخت کند واز پی اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران دو کارخانه به آنان وعده داده شد که روز ۱۵ اسفند ماه یکماه از حقوق معوقه و تا آخر سال تمامی دستمزد معوقه کارگران تصفیه شود اما از تحقق هیچیک از این وعده ها خبری نشد و به همین دلیل این کارگران صبح ۲۰ اسفند به شکل گسترده ای دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری تهران زدند. بدنبال این تجمع از آنجا که تا ساعت ده صبح هیچیک از مسئولین استانداری تهران توجهی به خواست کارگران نکردند آنان با سر دادن شعارهایی اقدام به بستن خیابان پرتردد طالقانی در تقاطع خیابان بهار کردند و در حالیکه مردم حاضر در محل نیز بتدریج در حال پیوستن به کارگران معترض بودند کل منطقه مملو از نیروهای گارد ویژه شد و نیروهای انتظامی با ایجاد حلقه ای حائل میان مردم و کارگران مانع پیوستن آنان به کارگران شدند. کارگران در این اقدام اعتراضی در حالیکه پلاکاردهایی بر دست داشتند شعار میدادند: ما منتظر تمدن هستیم هیچ نمیریم همینجا هستیم – صنایع فلزی فلسطین ایران است – حقوق شش ماه پرداخت باید گردد، صنایع فلزی آزاد باید گردد – تمدن تمدن وعده وعید بس است ما منتظر جوابیم و...، بر روی پلاکارهای کارگران نیز این شعارها به چشم میخورد: ما گرسنه ایم – یک درصد تامین تامین – ۹۹ درصد در حال مرگ و.... با بسته شدن خیابان طالقانی توسط کارگران معترض مسئولین استانداری تهران با دعوت از نماینده های کارگران خواهان آرامش و پایان دادن به تجمع از

سوی کارگران شدند اما آنان تا حدود ساعت ۱۲ ظهر خیابان طالقانی را بسته نگه داشتند و اجازه تردد به خودرو ها ندادند.
صدها کارگر معترض و خشمگین صنایع فلزی پس از اینکه به آنان وعده داده شد تا آخر وقت اداری روز سه شنبه ۲۲ اسفند ۲ ماه از چهار ماه دستمزد معوقه بعلاوه عیدی و پاداش آنان پرداخت خواهد شد به تجمع خود پایان دادند و اعلام کردند چنانچه این وعده به هر دلیلی محقق نشود با قدرت بیشتری تجمعات اعتراضی خود را از سر خواهند گرفت.

اهواز:
صبح یکشنبه ۲۰ اسفند بیش از ۷۰ نفر از کارگران کارخانه قند و تصفیه شکر اهواز برای اولین بار در طول هفته گذشته و چهارمین بار طی دو هفته اخیر در اعتراض به عدم دریافت ۲۶ ماه حقوق در مقابل استانداری اهواز تجمع کردند. با وجود تجمعات متعددی که در مقابل ساختمان استانداری خوزستان صورت می‌گیرد هیچ یک از مسئولان استانداری بویژه شخص استاندار حاضر به پاسخگویی به مشکلات کارگران نیست و محول شدن مشکلات کارگران به مسئولان پایین دستی نیزجدی گرفته نمی‌شود.

ساوه:
۱۲۰۰ کارگر کارخانه نورد لوله صفا که در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد خود از روز سه شنبه ۱۵ اسفند به دنبال آنکه کارفرمای این کارخانه به وعده خود عمل نکرد و از پرداخت یک ماه از ۴ ماه دستمزد معوقه این کارگران خودداری کرد دست به اعتصاب زدند. بدنبال این اعتصاب کارفرما در مقابله با کارگران اعتصابی روز پنج شنبه و جمعه را تعطیل اعلام کرد. در پی تداوم اعتصاب کارفرمای این کارخانه در ششمین روز اعتصاب کارگران در روز بیستم اسفند یکماه از دستمزد معوقه آنان را که قرار بود در روز ۱۵ اسفند پرداخت شود به حساب کارگرن واریز کرد اما از آنجا که قرار بود در این روز بر طبق توافق قبلی یکماه دیگر از دستمزد معوقه کارگران را پرداخت کند آنان همچنان به اعتصاب خود ادامه دادند و اعلام کردند تا این پرداخت نیز انجام نشود دست از اعتصاب نخواهند کشید. سرانجام پنج شنبه ۲۴ اسفند ماه کارفرما ناچار شد یکماه دیگر از دستمزد معوقه این کارگران را به حساب آنان واریز کند و کارگران نیز تصمیم گرفتند از صبح روز شنبه بر سر کارهایشان بازگردند.

بندرعباس:
نزدیک ۸ ماه است که حقوق بیش از ۱۵۰۰ کارگر دریایی، ملوان و افسر دریایی که در شرکت‌های مختلف کشتیرانی مشغول به کارند به ریال پرداخت می‌شود و شعبه کشتیرانی بانک تجارت بندرعباس واقع در خیابان جهانگردی از پرداخت دستمزد ارزی ممانعت می‌کند.پیش‌تر نیز عدم پرداخت دستمزد کارگران دریایی شرکت‌های کشتیرانی جمهوری اسلامی، شرکت ملی نفتکش و شرکت کیش راه آبی که باید حقوق خود را به دلار دریافت می‌کردند خبر داده شده بود. هنگامی که پرسنل این شرکت‌ها برای دریافت حقوق خود به بانک مراجعه می‌کنند به آن‌ها گفته می‌شود که چون دلار نداریم حقوق شما را به ریال و مطابق نرخ بانک مرکزی (هر دلار ۱۲۵۰۰ ریال) پرداخت می‌کنیم اما پرسنل از دریافت آن سر باز زده و به این موضوع اعتراض می‌کنند. بعد از اعتراض کارگران، به آن‌ها پیشنهاد شده است تا حقوق خود را به ریال و با نرخ دلاری ۲۲۵۰۰ ریال دریافت کنند.

سنندج:
- شریف ساعد پناه از اعضای هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران پس از کار شیفت شب در حالیکه حدود ساعت ۱۵ بعد از ظهر یکشنبه ۲۰ اسفند در منزل مسکونی خود به سر می برد بازداشت شد. این بازداشت توام با حضور حدود ۲۰ نفر از مامورین امنیتی در منزل مسکونی شریف و تفتیش منزل وی بود.

- روز شنبه ۲۶/۱۲/۱۳۹۱ جمع کثیری از خانواده های فعالان کارگری بازداشتی سنندج، از ساعت ۹،۳۰ صبح در مقابل اداره اطلاعات این شهر در اعتراض به بازداشت و بی خبری از سر

نوشت عزیزانشان وفا قادری، سید خالد حسینی، بهزاد فرج‌الهی و حامد محمودنژاد، خواهان آزادی بی قید و شرط این فعالین کارگری و همچنین آزادی سایر کارگران و فعالین و زندانیان سیاسی شدند. مطابق معمول روزهای گذشته نیروهای امنیتی از همان ساعات اول در محل تجمع حاضر شدند. در ساعت ۱۰,۳۰ صبح چند تن از خانواده ها به داخل اداره اطلاعات فراخوانده شدند و با یکی از مسئولین صحبت کردند و خواهان آزادی عزیزان خود شدند که از طرف مسئول مربوطه این چنین جواب گرفتند "فعلن به دنبال این پرونده ها نیایید". این جواب در حالی گفته می ش د که روز چهارشنبه مسئولین به آنها قول داده بودند که شنبه پرونده بازداشتی ها را به دادگاه می فرستیم و زمانی که خانواده ها گفته بودند پس قول شما چه شد در جواب می گویند ما به خاطر پایان دادن به تجمع شما چنین حرفی زدیم. خانواده ها در جواب تهدید کردند ما اعتراض خودمان را به مقابل استانداری خواهیم کشاند و تا ساعات ۲:۳۰ به تجمع خود ادامه دادند وبا تاکید بر آزادی این فعالین کارگری به ششمین روز تجمع امروز خود پایان دادند.

تبریز:

تبریز- کارگران شرکت آهنگری تراکتورسازی تبریز از اخراج ۱۰۰ کارگر این شرکت و ایجاد فضای تهدید و رعب و وحشت در محیط کارگری خبر می دهند. این کارگران در پی اعتراضات اخیر و عدم پیگیری وعده های داده شده، با ارسال نامه ای برای رسانه ها تاکید کردند: مسئولانی که همیشه از عدالت در جمهوری اسلامی دم می زنند بهتر است بدانند که در این نظام ناعدالتی کامل برقرار است چرا که در این نظام نه نظارتی هست و نه عدالتی، این نظام روش پرورش ظالم را در پیش گرفته است و ظالمانه مردم را کنترل می کند، خصوصا قشر کارگری در همه جای ایران عزیزمان.

تبریز-پس از تشخیص قطعی بیماری سرطان بدخیم تیروئید، مقامات قضایی تبریز هنوز اجازه نداده اند محمد جراحی فعال کارگری، تحت مداوا قرار گیرد. خانواده محمد جراحی، یک هفته پیش لایحه درخواست مرخصی پزشکی و آزادی وی را تحویل مراجع قضایی داده اند، اما تاکنون هیچ پاسخی از این مراجع دریافت نکرده اند و در راهروهای دادگستری و دادگاه و اداره زندان ها سرگردان اند. بر اساس گزارش ها، بخشی از غده تیروئید جراحی، که سرطانی شده بود، یک ماه پیش طی یک عمل جراحی در بیمارستان امام رضای تبریز، از بدن او خارج شد. درخواست زندانیان سیاسی زندان تبریز برای مرخصی نوروزی سال ۱۳۹۲، در شورای مقامات قضایی تبریز، حتی بررسی هم نشده است. این در حالی است که محکومان بزه های جنایی و غیر سیاسی این زندان، مشمول مرخصی عید شده اند. طبق اخبار دریافتی از زندان تبریز، پس از این اجحاف مقامات، جمعی از زندانیان سیاسی زندان تبریز، از خانواده ها دعوت کرده اند تا با برپا کردن سفره های هفت سین، سال تحویل و عید امسال را زیر دیوارهای زندان تبریز بگذرانند.

بوشهر:

حدود ۸۰۰ کارگر شرکتهای پیمانکاری زیر مجموعه شرکت بزرگ صدرا دستمزد ماههای دی، بهمن و اسفند بعلاوه عیدی و پاداش خود را از کارفرما طلب دارند و علیرغم اینکه فقط چند روزی به پایان سال باقی مانده است کارفرما همچنان از پرداخت دستمزدهای معوقه این کارگران خودداری می‌کند. عیدی کارگران پیمانکاری در شرکت پیمانکاری صدرا، بر اساس دستورالعمل‌های قانونی صورت نمی‌گیرد و هر ساله مبلغ ناچیزی به عنوان عیدی به آنان پرداخت می‌شود. شرکتهای پیمانکاری زیر مجموعه شرکت بزرگ صدرا طی ماه های گذشته تعداد زیادی از کارگران خود را اخراج کرده‌اند و شکایت این کارگران به اداره کار بوشهر برای دریافت بیمه بیکاری نیز نتیجه‌ای در بر نداشته است.

اداره کار بوشهر به این کارگران اعلام کرده است که چون شرکت صدرا یک شرکت پروژه‌ای است به همین دلیل به کارگران اخراجی آن بیمه بیکاری تعلق نمی‌گیرد. این درحالی است که شرکت صدرا سازنده کشتی و سکوهای نفتی است و بیمه بیکاری هر ماهه از حقوق کارگران کسر می‌شود.

/http://www.kaleme.com/1391/12/27/klm-137285
[توضیح عکس:تجمع اعتراضی ۷۰۰ کارگر شاغل و بازنشسته کارخانه های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ روز یکشنبه ۲۰ اسفند مقابل استانداری تهران]

*در باره ی مصوبه ی افزایش دستمزدها بیشتر بخوانید:
حقوق اساسی کارگران پایمال می‌شود؛ فعالان سیاسی سکوت نکنند
/http://www.kaleme.com/1391/12/22/klm-136713

اعتراض سندیکای کارگران شرکت واحد به حداقل دستمزد سال ۹۲: این توهین و تحقیر کارگران است
/http://www.kaleme.com/1391/12/24/klm-136944

ایستادگی جامعه کارگری برای افزایش دستمزدها؛ درخواست شکایت به دیوان عدالت اداری
/http://www.kaleme.com/1391/12/25/klm-136965

سندیکای کارگران فلزکار مکانیک: این سند مرگ خانواده‌های کارگری است/ برای مبارزه با بی‌عدالتی‌ها، متحد شویم
/http://www.kaleme.com/1391/12/26/klm-137085

یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی سی هزار کارگر: باید با شیوه محکم تری صدایمان را بلند کنیم
/http://www.kaleme.com/1391/12/26/klm-137109

اعتراض سازمان دانشجویی حزب اسلامی کار: فعالان کارگری مستقل برای ابطال مصوبه مزدی به دیوان عدالت اداری شکایت کنند
/http://www.kaleme.com/1391/12/26/klm-137097

کاسه صبر کارگران لبریز شده؛ نباید بی‌تفاوت باشیم/ می‌گویند ضعیف‌تر شوید و سر به زیر بمانید!
/http://www.kaleme.com/1391/12/26/klm-137133

هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران: سال پیش رو سال تشدید اعتراضاتمان برای افزایش فوری حداقل مزد خواهد بود /http://www.kaleme.com/1391/12/27/klm-137214

توزیع فرم بازگشت به پیمانکاری بین کارگران تبدیل وضعیت شده!!!

به گزارش خور نیوز در تاریخ 27 اسفند 91 آمده است : کم نیستند طرح‌هایی از دولت کنونی که با ایجاد موج‌های روانی و تبلیغات پر سروصدا و با شعار حمایت از طبقات مستضعف و ضعیف جامعه کلید خوردند ولی پس از اجرا و رسیدن به مراحل بازده‌ای مشخص شد که تنها هدف دولت از اجرای این برنامه‌ها، اهداف تبلیغاتی و روانی بوده است. یکی از این نمونه طرح‌ها، تبدیل وضعیت نیروهای پیمانکاری به قراردادی در دستگاه‌های دولتی بود که در ظاهر با هدف کمک به کارگران صورت گرفت ولی اکنون خلاف آن در حال اثبات شدن است.
طرح تبدیل وضعیت کارگران و کارمندانی که از طریق پیمانکاران نیروهای انسانی در دستگاه‌های دولتی مشغول به کار بودند مصوبه‌ای بود که در پایان سال گذشته به تصویب هیئت وزیران رسید و با این مصوبه به کارگیری نیروی انسانی از طریق پیمانکاران تامین نیرو برای دستگاه‌های دولتی ممنوع شد و این دستگاه‌ها موظف شدند تا به صورت مستقیم با نیروهای خود قرارداد منعقد نمایند. اتفاقی که تنها در بعضی از دستگاه‌ها و آن هم به طور

ناقص انجام شد.
در هر برنامه با همه ضعف‌ها و نواقصی که داشت به اجرا درآمد و افرادی که شانس قراردادی شدن را با هر ضابطه و یا رابطه‌ای داشتند تبدیل وضعیت شدند با امید به اینکه حقوقشان بیشتر خواهد شد و به طبع آن مزایایی را نیز دریافت خواهند کرد تا در آینده‌ای نزدیک نیز طعم خوش رسمی شدن را نیز بچشند اما گویی روند اجرای این مصوبه از سوی دولت از پیش طراحی شده بود و با گذشت یک سال از اجرای آن دلیل عدم اجرای آن از سوی دولت‌های قبلی به وضوح قابل فهم شده است.
این گروه از کارکنان دولت از زمان قراردادی شدن نسبت به وضعیت قبلی خود در طول این یک سال حقوق کمتری دریافت می‌کردند و هیچ گونه مزایایی به واسطه قراردادی شدن به آن‌ها پرداخت نمی‌شد و در زمان پرداخت عیدی و پاداش به جای پرداخت حداقل دو پایه حقوق بر اساس قانون کار با آن‌ها مشابه کارکنان رسمی و با تابعیت از قانون خدمات کشوری برخورد شد و ۴۰۲. ۵۰۰ تومان عیدی دریافت کردند! برابر ماده واحده نحوه پرداخت عیدی و پاداش به کارکنان دولت مصوب ۲۰/۱۰/۷۴ و دادنامه شماره ۴۲۸-۴۲۹ مورخ ۰۵/۱۰/۹۱ هیئت عمومی دیوان عدالت اداری میزان عیدی و پاداش پایان سال تمامی کارکنان دستگاه‌های دولتی یکسان و برابر مصوبه اعلامی دولت در پایان هر سال می‌باشد که در واقع با ضرب نمودن پایه سنواتی هر سال در ضریب ثابتی به دست می‌آید ولی با توجه به اینکه کارکنان و بخصوص کارگران شاغل در این دستگاه‌ها بر اساس قانون کار حقوق دریافت می‌نمایند منع قانونی برای پرداخت دو پایه حقوق به عنوان عیدی و پاداش به این گروه وجود ندارد ولی دستگاه‌های دولتی از ماده واحده گفته شده استفاده کردند که جفا در حق آنهاست که حقوق کارگری باشد و عیدی و پاداش که یکی از جمله معدود امتیازات کارگری بر کارمندی است را شبیه کارمندان رسمی دریافت نمایند. اما چرا این طرح را باید از سوی دولت یک طرح برنامه ریزی شده دانست!؟
پس از این اتفاق دستگاه‌های مجری این طرح با ارسال بخش نامه‌هایی به ادرات تابعه خود فرمهایی را توزیع کردند که از آن‌ها خواسته شده در صورتی که این دسته از کارکنان از قراردادی شدن پشیمان شده‌اند برای بازگشتن به همان شکل پیمانکاری این فرمها را پر نمایند. این حرکت در واقع نیت واقعی را از برنامه قراردادی کردن نشان می‌دهد در حالی که دولت می‌توانست نسبت به تغییر نوع پرداخت حقوق و مزایا به کارگران اقدام کنند این افراد که تنها درآمدشان همین حقوق حداقلی است را برسر دو راهی پذیرش این وضعیت حقوقی و یا نیروی پیمانکار شدن قرار داده‌اند.

سرطان در کمین کارکنان زن در شیفت شب

محققان در جدیدترین تحقیقات خود هشدار دادند که کار در شب ممکن است زنان را به سرطان مبتلا سازد.
به گزارش ۲۶اسفند فارس به نقل از پایگاه خبری هلث‌دی‌نیوز آمریکا، تحقیقات جدید نشان داد: زنانی که در شیفت شب کار می‌کنند ممکن است با خطر ابتلا به سرطان تخمدان روبه‌رو شوند.
این تحقیقات در مورد تخمدان پیشرفته در ۳۹۰ نفر افراد مبتلا در مرز این بیماری و بیش از ۱۸۰۰ زن بدون سرطان تخمدان انجام گرفت.
این زنان ۳۵ تا ۷۴ ساله بودند که در زمینه مراقبتهای بهداشتی، خدمات غذا و اداری مشغول به کار بوده‌اند.
یافته‌ها نشان داد: نزدیک به ۲۷ درصد از زنان مبتلا به سرطان مهاجم که در شب کار می‌کردند با حدود ۳۲ درصد از افراد در مرز بیماری و در حدود ۲۲ درصد از افرادی که فاقد سرطان تخمدان بودند با هم مقایسه شدند.
با توجه به این تحقیقات، کار شیفت شب با افزایش ۲۴ درصدی خطر ابتلا به سرطان پیشرفته و ۴۹ درصدی افزایش خطر ابتلا به سرطان اولیه همراه است.
این تحقیقات در ۱۴ ماه مارس در «مجله آکیوپیشینال‌اند اینوایرمنتال» (Occupational and Environmental Medicine) منتشر شد.

این تحقیقات همچنین نشان داد: فقط زنان ۵۰ ساله‌ای که در شیفت شب کار می‌کردند به طور قابل توجهی به سرطان تخمدان مبتلا بودند.
بر اساس این تحقیقات، افزایش خطر ابتلا به سرطان در زنانی که در شیفت شب کار می‌کنند، می‌تواند با هورمون ملاتونین همراه باشد.
هورمون ملاتونین تنظیم کننده هورمون‌های تناسلی، به ویژه استروژن است و به طور معمول در شب تولید می‌شود اما توسط نور سرکوب می‌شود.
تولید ملاتونین در بدن، در شب ۱۰ برابر میزان آن در روز است و این هورمون در کنار وظایف دیگر، فعالیتهای بدن هنگام خواب را تنظیم می‌کند و به جهت ارتباط ترشح آن با نور، به تنظیم خواب و بیداری کمک می‌کند.
میزان ملاتونین در بدن انسان در روزهای زمستان که تابش نور صرفاً چند ساعت است، افزایش می‌یابد. خستگی و احساس خواب، افسردگی زمستانی و ناراحتی‌های هنگام خواب می‌تواند از نتایج فصل زمستان باشد، بدین خاطر پیاده روی در روزهای این فصل توصیه می‌شود.
پایین بودن مقدار ملاتونین در بدن می‌تواند باعث بی‌خوابی شود. بدن با افزایش سن، ملاتونین کمتری تولید می‌کند که در نتیجه مدت خواب به طور میانگین کاهش یافته و باعث بی‌خوابی می‌شود.
حتی کارهای شیفتی و سفرهای دور نیز می‌تواند بر مقدار ملاتونین در بدن به خاطر تغییر ساعات خواب و بیداری تأثیر منفی داشته باشد. ملاتونین یک هورمون مهم، محافظ و یک آنتی اکسیدان قوی است.
پژوهش‌های قبلی نشان داده است که شیفت شب کار ممکن است با افزایش خطر ابتلا به سرطان پستان در ارتباط باشد.
با وجود اینکه این تحقیقات ارتباط بین شیفت شب کار و افزایش خطر ابتلا به سرطان تخمدان را نشان داده است اما یک رابطه علت و معلولی را ثابت نمی‌کند.

سه نفر از کارگران شرکت حریر خوزستان در حادثه آتش سوزی مصدوم شدند

به گزارش سایت دولتی ایرنا،در 27 اسفند آمده است : سه نفر از کارگران شرکت حریر خوزستان در حادثه آتش سوزی دچار گاز گرفتگی شده و به بیمارستان منتقل شدند.
در این حادثه آتش سوزی که ساعت ۱۵ روز یکشنبه در انبار تولید این شرکت رخ داده، مقادیر زیادی مواد اولیه و حریر کاغذ آتش گرفت.
نیروهای اورژانس و امدادی حاضر در محل حادثه مصدومان این آتش سوزی را که بر استنشاق دود غلیظ دچار خفگی و تنگی نفس شده بودند به بیمارستان نظام مافی شوش منتقل کردند.
کارگران این شرکت علت آتش سوزی را اتصال سیم برق عنوان کردند.
رضا تهرانی مدیر کارخانه شرکت حریر خوزستان هر گونه اظهار نظر در خصوص این حادثه و میزان خسارت وارده را به بعد از بررسی کارشناسی موکول کرد.
شرکت حریر خوزستان در آتش سوزی مرداد ماه سال ۱۳۸۹ نیز دچار خسارات مالی سنگینی شد.
شرکت حریر خوزستان در هفت تپه یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان کاغذ بهداشتی در ایران در ۲۵ کیلومتری شهر شوش در شمال خوزستان واقع است.
بیست وهشتم اسفندماه ۱۳۹۱

در آستانه سال نو رخ داد:
بیکاری تعدادی از خبرنگاران روزنامه ایران

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 27 اسفند 91 آمده است : تعدادی از خبرنگاران روزنامه ایران در آستانه سال نو بیکار شدند.به گزارش ایلنا، در آستانه سال ۹۲

تعدای از خبرنگاران بخشهای مختلف روزنامه ایران از کار برکنار و یا به روزنامه شهروند منتقل شده‌اند.

پس از تعطیل شدن بخش ویژه نامه ایران زمین روزنامه ایران حدود ۶۰ الی ۷۰ نفر از خبرنگاران وارد تحریریه اصلی ایران شدند و در پایان سال به دلیل آنکه قراردادهای کاری آن‌ها به پایان رسیده است با آن‌ها قطع همکاری شده و یا اینکه برای ادامه همکاری به روزنامه شهروند معرفی شده‌اند.

پایان پیام

جان محمد جراحی در خطر است

محمد جراحی فعال کارگری وعضوکمیته پی گیری که درخرداد ماه سال پیش به همراه شاهرخ زمانی دستگیر و به ۵ سال حبس محکوم گردیدو اکنون دومین سال محکومیت خودرا می‌گذراند، یک ماه پیش به دلیل ابتلابه بیماری تیروئید به منظور نمونه برداری، در بیمارستان امام رضای تبریزمورد عمل جراحی قرار گرفت. نتیجه این نمونه برداری ابتلای وی به سرطان تیروئید بودوطبق نظر پزشکان می‌بایست مراحل درمانی وی هرچه سریع ترآغازشود. این درحالی است که تقاضای مرخصی محمد جراحی که از طرف خانواده‌اش به مراجع قضایی تحویل داده شده تا این تاریخ پاسخی دریافت نکرده است وخانواده محمد جراحی در راهروهای اداره زندان‌ها و دادگاه سرگردان و منتظر هستند در حالیکه طبق قانون می‌بایست زندانیانی که به بیماریهای حاد مبتلا هستند جهت مداوا آزاد شوندودرشرایطی که بسیاری از زندانیان به دلیل فرارسیدن سال نوبه مرخصی عید می‌روند، وضعیت محمد جراحی همچنان نامعلوم است.
همچنین نامه زندانیان سیاسی زندان تبریز برای مرخصی نوروزی سال ۹۲ حتی مورد بررسی نیز قرار نگرفته و به همین دلیل جمعی از زندانیان سیاسی زندان تبریز از خانواده‌ها ی خود خواسته‌اند که با برپا کردن سفره‌های هفت سین پای دیوارهای زندان، سال تحویل راکنار عزیزان خود بگذرانند.
مسئولیت جان محمد جراحی که تنها به جرم دفاع از حقوق کارگران پشت میله‌های زندان به سر می‌برد مستقیما به عهده مقامات قضایی و مسئولین زندان است. کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری خواهان آزادی هرچه سریع‌تر محمدجراحی و سایر فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در بند می‌باشد.
کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ۲۸/۱۲/۹۱

حسین اکبری در نقد ایلنای کارگری: به راستی چرا ایلنا فاقد هویت تاریخی است؟

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 29 اسفند 91 آمده است : خبرگزاری کار ایران تنها رسانه مجازی است که در داخل ایران در حد وقواره یک رسانه حرفه‌ای هر روز در حوزه‌های مختلف خبر، گزارش، مصاحبه و مطالب گوناگونی منتشر مي‌کند. طی سال‌ها مدیریت آن دچار تغییراتی گردیده و همراه با تغییر در مدیریت در مجموع تغییراتی در شیوه کارش اعمال شده است. تنها موضوعی که طی این تغییرات بلا تغییر مانده اینست تا کنون اثری ازتولیدات دوره حیاتش رابه جای و باقی نگذاشته است و اگر بیننده ویا خواننده‌ای بخواهد روند تحولات این رسانه را ارزیابی کند و یا انتظار داشته باشد از طریق این رسانه موضوعی را پی گیرد و مطالبی را در حوزه مشخصی رصد کند این امکان را در ایلنا نخواهد یافت در یک کلام ایلنا بایگانی (آرشیو) ندارد!
بایگانی یا آرشیو در واقع شناسنامه واقعی وهویت تاریخی یک رسانه است. در این مکان است که گروه‌های مختلفی از تولیدات رسانه‌ای خاصیت تاریخی رسانا بودن خود را نمایش مي‌دهد. به راستی چرا ایلنا فاقد هویت تاریخی است؟

ممکن است گفته شود که همان تغییرات مدیریتی عامل بي‌هویتی این رسانه است! شاید استدلال شود که ارباب قدرت مسلط بر رسانه در ایران جواز چنین هویت داری را به این رسانه نداده است! یا بنظر آید ضرورت چنین پوشه‌ای در این رسانه حس نشده است!
چه این پاسخ‌های احتمالی و یا هر پاسخ دیگری از اهمیت توجه به این مهم نمي‌کاهد.
رسانه‌ای که بطور معمول وهمیشگی دو موضوع مهم «کار» و «چرخه اقتصادی ناشی از کار» را در دستور کار دارد چگونه مي‌تواند روند تغییرات در این عرصه را نشان دهد در حالیکه اجازه ثبت موضوعات را از خودگرفته است؟
تن‌ها اشکال در این نیست که این رسانه فاقد هویت تاریخی است بل که روند منطقی تکامل پذیری رسانه‌ای هم با نبود آرشیو قابل ارزیابی نیست و روشن نیست که این رسانه تاچه حد ومیزان در خدمت چه طبقه و گروه اجتماعی قرار داشته و دارد. معلوم نیست که تا چه حد موفق به اطلاع رسانی حرفه‌ای و درعین حال بیطرفانه بوده و هست. در شرایطی که داده‌های آماری منحصر به مراجعی است که مردم در صحت داده‌های این مراجع دچار تردید هستند اگر محققی بخواهد از طریق این رسانه آمار و داده‌هایی را در مورد آنچه به کار در ایران مربوط مي‌شود به دست آرد، بطور حتم و قطع از طریق مراجعه به ایلنا موفق نخواهد بود در واقع این رسانه اعتبار مرجعیت در حوزه تحقیق را تاکنون به دست نیاورده است.
اگر کارگری بخواهد از مراجعه به ایلنا صحبت‌های نمایندگانی را که به نام او به مجلس راه یافته و یا درمسند نمایندگی کارگران درشورای عالی کار در سال‌های متمادی حضور داشته‌اند را بررسی کند و در یابد که این نمایندگان در مقام خودچگونه بوده‌اند، چه گفته‌اند و چه کرده‌اند، چیزی را به دست نمي‌آورد.
این‌ها بخش از مسایلی است که با نبود بایگانی در ایلنا گفته شد. شاید بسیاری جهات و زوایای دیگری هم وجود داشته باشد که نادیده شدنشان با نبود بایگانی در ایلنا عجین است.
بر گردانندگان و مدیران این رسانه است تا به این ضرورت پاسخ گویند!

حسین اکبری ۲۷/۱۲/

کاهش سهم نیروی کار در قیمت نهایی کالا/ تنها کارگران ارزان می‌شوند

بر پایه خبر رسیده به روز شمار کارگری آمده است : در حالی که دولت افزایش ۲۵ درصدی حداقل دستمزد را به عنوان «خبری خوش» مطرح کرده است، کارشناسان اقتصادی از کاهش هزینه نیروی انسانی در قیمت تمام شده کالا خبر می‌دهند. به این ترتیب بر خلاف تبلیغات رسانه‌های دولتی این خبر دست کم برای کارگران «خوش» نخواهد بود، مگر آنکه در شرایطی که روز به روز همه چیز در حال گران‌تر شدن است، ارزان شدن نیروی کار را خبری خوش تلقی کنیم.
به گزارش ایلنا، در واپسین روزهای سالی که «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» نام دارد، کاهش ۶/۷ درصدی دستمزد نیروی کار به نسبت نرخ تورم رسمی به دلیل افزایش نرخ کالای تولیدی همگام با تورم، باعث شده است تا سهم هزینه نیروی انسانی در قیمت تمام شده کالا در قیاس با سایر هزینه‌های تولید کاهش یابد.
هرچند تعیین رقم دستمزد غیر واقعی و بی‌ارتباط با «نرخ تورم» و «سبد هزینه خانوار» برای کارگران ایرانی بیگانه نیست، اما این بار بر خلاف تبلیغات دولتی مصوبه دستمزد سال ۹۲ باعث شده تا برآوردهای متداول اقتصادی از ارزش نیروی انسانی تغییر کند. به این ترتیب مجموع سهم هزینه کارگر از جمله دستمزد از نرخ ۱۳ تا ۱۵ درصد به حدود ۱۰ درصد قیمت تمام شده کالا کاهش یافته است.

نقض قانون باز هم به زیان کارگران

در سال ۹۱ و در پی شوک‌های تورمی، معیارهای تعیین مزد دگرگون شد، از یک سو نرخ تورم طبق اعلام دولت به ۳۲ درصد رسید و از سوی دیگر بهای تمام شده سبد هزینه خانوار تا ۶۴ درصد افزایش یافت.
این همه در حالی رخ داد که با فرمول محاسبه دستمزد شورای عالی کار، دستمزد کارگران

برای سال ۹۲ به گونه‌ای تعیین شد که تنها کارگران حداقل بگیر بتوانند با ۲۵ درصد، بیشترین افزایش درآمد را تجربه کنند.

هرچند بنا به ادعای «اسدالله عباسی» سرپرست وزارت کار و رئیس شورای عالی کار، برای این شورا، هیچ الزامی در افزایش دستمزد بر مبنای نرخ تورم اعلامی بانک مرکزی وجود ندارد، اما با این اقدام شورای عالی کار یکبار دیگر مزد کارگران در مقایسه با تورم ۳۲ درصدی عقب بماند. به این ترتیب در عمل بار دیگر ماده ۴۱ قانون کار که بر افزایش مزد بر مبنای تورم و سبد هزینه خانوار تاکید دارد، نقض شد.

کارگر ارزان‌تر از پیش

به باور کارشناسان مسائل اقتصادی این مسئله در کنار افزایش قیمت کالای تولیدی به تبع تورم، باعث شده است تا سهم هزینه‌های مالی مربوط به کارگر از قیمت تمام شده تولید کاهش یابد.

در این زمینه، علیرضا حیدری، کارشناس مسائل اقتصادی می‌گوید: سال گذشته قیمت کالاهای مختلف بارها دچار افزایش شدند و دولت نیز برای مهار این وضع نتوانست کاری انجام دهد.

وی می‌گوید: وضع پیش آمده باعث شد تا از یکسو قدرت خرید کارگران بیش از هر زمان دیگری دچار سقوط شود و از سوی دیگر سهم هزینه‌های کارگر در قیمت تمام شده تولید به کمتر از ۱۰ درصد برسد.

حسن حبیبی، دبیر کانون هماهنگی شوراهای اسلامی کار استان تهران نیز با تایید اینکه در نتیجه شوک‌های اقتصادی، امسال بهای کارگران در قیاس با سایر عوامل موثر بر تولید ارزان‌تر شده است، گفت: امسال قیمت‌ها در چند مرحله افزایش اساسی پیدا کردند اما حتی یک ریال بر حقوق کارگران افزوده نشد.

وی با بیان اینکه قیمت کارگران به کمتر از ۱۰ درصد هزینه تمام شده تولید رسیده است گفت: شورای عالی کار مزد سال آینده را ۱۰۰ درصد مطابق میل کارفرمایان دولتی و خصوصی تعیین کرد.

همچنین کاظم فرج اللهی از فعالان مستقل کارگری نیز با یادآوری اینکه طبق فرمول‌های پذیرفتنه شده هزینه نیروی کار در نهایت ۱۳ تا ۱۵ درصد قیمت تمام شده کالای تولیدی را به خود اختصاص می‌دهد، گفت: جهش‌های تورمی سال ۹۱ باعث شده که این قاعده در ایران نقض شود زیرا در این شرایط تورمی با وجود گران شدن قیمت محصولات تولیدی، حتی یک ریال به حقوق مزد بگیران اضافه نشد.

این فعال کارگری می‌گوید: در حالی که باید در روابط کار سود و درآمد هرکدام از طرفین (کارگر و کارفرما) متناسب و متعارف باشد به نظر می‌رسد در ایران سود کارفرمایان و مزد کارگران از این قاعده خارج شده است.

فرج الهی معتقد است که در این شرایط پر واضح است مزدبگیران به ویژه کارگران برای تامین هزینه‌های زندگی ناتوان خواهند شد و همین امر می‌تواند احتمال وقوع آسیب‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی را تشدید کند.

از سوی دیگر فرشید یزدانی کارشناس مسائل بیمه‌های اجتماعی با انتقاد از نادیده گرفته شدن ارزش نیروی کار در فرآیند تولید، نحوه افزایش مزد سال ۹۲ را در مقایسه با تورم ۳۲ درصدی ناعادلانه و مغایر با کرامت انسانی می‌خواند.

این کارشناس تامین اجتماعی بابیان اینکه در جریان جهش‌های تورمی سال ۹۱ هزینه نیروی انسانی در هزینه تمام شده تولید کاهش یافته است، می‌گوید: براساس فرمول مورد استفاده شورای عالی کار برای تعیین مزد سال ۹۲ و همچنین آمارهای مربوط به وضعیت شغلی و دریافتی کارگران، تنها مزد کارگران حداقل بگیر ۲۵ درصد افزایش می‌یابد و بر دریافتی کارگران سایر سطوح مزدی بطور متوسط ۱۵ درصد افزوده خواهد شد.

تنزل بهای تخصص

می‌گویند از ویژگی‌های مهم اقتصادی کشور ایران داشتن منابع طبیعی و نیروی جوان و متخصص انسانی است. با این حال در شرایطی که در مناسبات کار، صحبت از تعامل و

گفت‌وگوی شرکای سه جانبه (کارگر، کارفرما و دولت) و تحقق کارشایسته است، شورایعالی کار با نحوه تعیین مزد سال ۹۲ جایگاه و ارزش نیروی انسانی را بیش از هر زمان دیگری تنزل داد و باعث شد تا تخصص، تجربه، مهارت و سایر ویژگی‌های انسانی در بازار کار ارزان‌تر از گذشته عرضه شوند

هشتمین روز تجمع خانواده های کارگران زندانی کردستان

به نوشته سایت اتحادیه آزاد کارگران ایران در 28 اسفند 91 آمده است : خانواده های شش کارگر بازداشتی امروز برای هشتمین بار دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج زدند و خواهان آزادی فوری عزیزان دربند خود شدند.
به گزارش تارنمای اتحادیه آزاد کارگران ایران، امروز ۲۷ اسفند ماه ۱۱ روزی از بازداشت ۵ کارگر عضو کمیته هماهنگی به نامهای وفا قادري، بهزاد فرج اللهي، خالد حسيني، حامد محمودنژاد، علی آزادی و ۸ روز از بازداشت شریف ساعد پناه عضو هیات مدیره اتحادیه آزاد کارگران میی گذرد.
براساس این گزارش خانواده های این کارگران امروز برای هشتمین بار دست به تجمع اعتراضی در مقابل اداره اطلاعات شهر سنندج زدند و خواهان آزادی فوری عزیزان دربند خود شدند. اما امروز نیز همچون روزهای دیگر به این خانواده ها جواب روشنی داده نشد و آنان بنا بر تصمیم قبلی بصورت راهپیمایی به سمت استانداری کردستان حرکت کردند و با دست زدن به تجمع اعتراضی در مقابل این استانداری خواهان آزادی عزیزانشان شدند.
بدنبال این تجمع اعتراضی مسئولین استانداری کردستان از تجمع کنندگان خواستند تا یک نفر از میان خود را به نمایندگی از سوی بقیه تجمع کنندگان جهت ملاقات با یکی از معاونین استاندار به داخل استانداری بفرستند و در ادامه شهلا دل بینا همسر شریف ساعد پناه به نمایندگی از سوی تجمع کنندگان طی ملاقاتی با یکی از معاونین استاندار اعتراض خود را نسبت به تداوم بازداشت کارگران دربند اعلام کرد و خواهان آزادی فوری آنان شد. در این ملاقات معاون استاندار با تاکید بر این نکته تکراری که حتما پرونده های کارگران بازداشتی تکمیل نشده است تا آزاد بشوند خواهان صبر و حوصله خانواده های کارگران بازداشتی شد اما با اعتراض مجدد شهلا دل بینا مواجه شد. در ادامه این ملاقات به شهلا دل بینا اعلام شد از آنجا که استاندار در محل استانداری نیست فردا صبح جهت پیگیری خواست هایشان به استانداری مراجعه کنند.
خانواده های کارگران بازداشتی در سنندج اعلام کرده اند تا زمان آزادی عزیزان خود که بدون ارتکاب هیچ جرمی به زندان افکنده شده اند همچنان به تجمعات اعتراضی خود در مقابل اداره اطلاعات و دیگر نهادهای مسئول ادامه خواهند داد.

نهمین روز تجمع خانواده های فعالین کارگری بازداشتی در شهر سنندج

روز دوشنبه 28/12/91 جمع کثیری از خانواده های بازداشت شدگان 17 اسفند در دوازدهمین روز از بلاتکلیفی عزیزانشان از ساعات 9.30 در مقابل اداره اطلاعات تجمع کردند. طبق روال روزهای گذشته نیروهای امنیتی در همان ساعات اولیه در محل تجمع حاضر شدند. در میان حاضرین یک نفر که از طرف جمع به عنوان نماینده انتخاب شده بود و روز قبل به او وعده ملاقات با استاندار داده بودند به استانداری مراجعه کرد اما متاسفانه از طرف معاون استاندار با پاسخ هایی همچون "استاندار اینجا نیست واین پرونده باید مراحل قانونی خود را طی کند" روبرو شد. این تجمع تا ساعت 1 ظهر ادامه پیدا کرد سپس معترضین محل را ترک کردند.
کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری-28 اسفند 1391

اخراج کارگران در کارخانه‌های چوکا، فولاد، خاور و ایران پوپلین

بر پایه خبر انعکاس یافته در سایت افق روشن در تاریخ 28 اسفند 91 آمده است : نماینده مردم رشت در مجلس با ابراز نگرانی از اخراج کارگران در آستانه سال جدید، اعلام کرد:

مشکلاتی که باعث اخراج کارگران از برخی واحدهای تولیدی استان شده است، باعث می شود نتوانیم ظرفیت قبلی اشتغال خود را حفظ کنیم.
به گزارش خبرنگار ایلنا از گیلان، «جبار کوچکی نژاد ارم ساداتی» در جریان دیداری مردمی اظهار کرد: به دلیل م پرداخت سهم تولید در قانون هدفمندی یارانه‌ها، بخش تولید با مشکلاتی جدی مواجه شده است.
این نماینده مجلس از کارخانه‌های «چوکا»، «فولاد»، «خاور»، «ایران پوپلین» و... به عنوان واحدهایی که به دلیل تعهد شکنی دولت در پرداخت سهم تولید اقدام به اخراج کارگران خود کرده‌اند نام برد و گفت: از میان این کارخانه‌ها «خاور» و «ایران پوپلین» رشت در معرض تعطیلی کامل قرار دارند.
کوچکی نژاد درباره دلایل عدم رسیدگی به مشکلات «صنایع پوشش ایران» یاد آور شد: صاحب قبلی پوشش با حکم دادگاه این واحد را تحویل گرفته است. وی بیان داشت: مالك صنایع پوشش ایران حتی با حضور در دفتر کار من تعهد داد که این واحد را مجدداً راه اندازی کنند و ما هم به دستگاههای نظارتی گفتیم هم مراقبت کنند و هم کمک کنند که اگر او می‌خواهد کارخانه را راه اندازی کند یاری اش دهند.
عضو مجمع نمایندگان گیلان در مجلس با ابراز تمایل خود در جهت راه اندازی مجدد صنایع پوشش ایران، متذکر شد: مدیرعامل پوشش یک سری حرکاتی را در این واحد انجام داد و باعث نگرانی کارگران شده و باید به هر نحوی با کارگران به تفاهم برسد تا بتواند به کار خود ادامه دهند

یک محاسبه ساده اما وحشت انگیز

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 اسفند 91 آمده است : راهنمای تهیه خوراک با دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی
«یک خانوار ۴ نفره به طور میانگین ۲۰ کیلو برنج در ماه مصرف مي‌کند و اگر بخواهد هر ۳ وعدهٔ غذایی خود را با «برنج خالی» سر کند این میزان به ۵۰ کیلو در ماه مي‌رسد./ قیمت هر کیلو برنج آن هم از نوع نامرغوب و بي‌کیفیت حداقل ۵ هزار تومان است، بنابراین هزینهٔ تهیهٔ «خوراک شاهانه» برای یک خانوار ۴ نفره در ماه به ۲۵۰ هزار تومان مي‌رسد.»
هفتهٔ گذشته حداقل مزد سال ۹۲ در شورای عالی کار تصویب شد. مطابق مصوبهٔ این شورا، مزد کارگران با ۲۵ درصد افزایش به ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان رسید.
به گزارش ایلنا، این افزایش ۲۵ درصدی در حالی اتفاق مي‌افتد که نرخ رسمی تورم به روایت بانک مرکزی ۳۱/۷ درصد است. البته برخی مقامات کارگری بر این باورند که نرخ تورم در سبد معیشت خانوار کارگری به ۱۵۰ درصد نیز مي‌رسد.
در چنین شرایطی گروه کارگری ایلنا لازم دید با مقایسهٔ دستمزد دریافتی کارگران در سال آتی و هزینهٔ «خوراک حداقلی» یک خانوار ۴ نفره، تصویری از زندگی کارگران در سال آینده (حتی در صورت تثبیت تورم) در مقابل چشم مردم و مسئولان قرار دهد.

با نان و پنیر چطور مي‌گذرد؟
«نان و پنیر»، خوراکی حداقلی و از ساده‌ترین وعده‌های غذایی محسوب مي‌شود. اگر یک خانوار ۴ نفره بخواهند وارد یک دوره ریاضت اقتصادی شوند و یک ماه تمام در هر ۳ وعدهٔ غذايي، تنها نان و پنیر بخورند با این فرض که به صورت روزانه ۶ عدد نان سنگگ و یک بسته پنیر سفید مصرف شود، باید بالغ بر ۲۳۴ هزار تومان هزینه کنند.
قیمت یک بسته پنیر سفید در بازار در کمترین حالت ۴۲۰۰ تومان است و تهیهٔ هر عدد نان سنگگ ۶۰۰ تومان هزینه بر مي‌دارد بنابراین هر روز برای سه وعده غذای يك خانوار چهار نفره (متوسط خانوار طبق قانون کار) ۷۸۰۰ تومان خرج مي‌شود. این مبلغ در یک ماه به ۲۳۴ هزار تومان مي‌رسد که تقریبا نصف حقوق دریافتی کارگران است.
این در حالی است که اخیرا یکی از روسای سه تشکل کارگری کشور از آمار ۵۷ درصدی کارگرانی که با حقوق کمتر از مصوبهٔ شورای عالی کار مشغول به کارند خبر داده است. شاید اگر چنین آماری به مسئولان ارائه شود در مورد مزایای «نان و پنیر» به عنوان یک وعدهٔ غذایی

سالم سخنرانی کنند.

با املت چطور؟
حال بیایید فرض کنیم یک خانوار ۴ نفری بخواهند در تمام ماه، تنها «گوجه و تخم مرغ» یا اصطلاحا همان «املت گوجه» بخورند. با این فرض که به صورت روزانه یک کیلو گوجه فرنگی و ۱۲ عدد تخم مرغ (هر وعده ۴ عدد تخم مرغ - به ازای هر نفر یك عدد) مصرف شود.

هر شانه تخم مرغ به طور متوسط ۷ هزار تومان است، بنابراین قیمت یک عدد تخم مرغ نزدیک به ۲۵۰ تومان و قیمت ۱۲ عدد تخم مرغ ۴ هزار تومان مي‌شود. همچنین یک کیلو گوجه فرنگی را مي‌توان با قیمتی معادل ۱۷۰۰ تومان در بازار تهیه کرد. بنابراین هزینهٔ یک ماه مصرف کردن «املت گوجه» برای یک خانوار ایرانی ۱۴۱ هزار تومان هزینه بر مي‌دارد.

با برنج سفید...؟
شاید کارگری تصمیم بگیرد برای خانواده‌اش زندگی «شاهانه» راه بیندازد و در تمام وعده‌های غذایی «برنج خالی» مصرف کنند. در این صورت او باید بیش از نصف حقوق دریافتی خود را هزینه کند. یک خانوار ۴ نفره به طور میانگین ۲۰ کیلو برنج در ماه مصرف مي‌کند و اگر بخواهد هر ۳ وعدهٔ غذایی خود را با «برنج خالی» سر کند این میزان به ۵۰ کیلو در ماه مي‌رسد. قیمت هر کیلو برنج آن هم از نوع نامرغوب و بي‌کیفیت حداقل ۵ هزار تومان است، بنابراین هزینهٔ تهیهٔ «خوراک شاهانه» برای یک خانوار ۴ نفره در ماه به ۲۵۰ هزار تومان مي‌رسد.

توقف‌گاه لبخند
مي‌توان این بازی را ادامه داد. مي‌توان این لیست را کامل‌تر کرد. مي‌توان به هزینهٔ خوراک حداقلي، هزینه‌های مهم دیگری همچون مسکن، پوشاک، تحصیل، بهداشت و... را اضافه کرد تا به نتایج تاسف باری رسید. مي‌توان شورش را درآورد. مثلا با مثله کردن رقم حداقل دستمزد (که شامل ۸۰ درصد کارگران قرارداد موقت کشور مي‌شود) و تقسیم آن در سایر هزینه‌های جاری زندگي، به ارقام مضحکی رسید و «دم عیدی» موجبات شادی و سرور را برای کاربران فراهم کرد.
اما حقیقتی که کارگران در سال گذشته با نوسانات دیوانه‌وار بازار ارز و طلا تجربه کردند، و آنچه با دستمزد ۴۸۷ هزار تومانی و تورم لگام گسیخته به طور حتم در سال آینده تجربه خواهند کرد لبخند را بر صورت مي‌خشکاند. این بازی را همین جا تمام مي‌کنیم.

دستمزد ناچیز ۹۲ بر شمار کودکان کار می‌افزاید

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 28 اسفند 91 آمده است : یکی از فعالان حقوق کودک کار معتقد است باتوجه به شرایط تورمی فعلی افزایش ناچیز دستمزدهای سال ۹۲ می‌تواند بر تعداد کودکان کار و خیابان بیافزاید.
«حمیدرضا واشقانی فراهانی» یکی از دلایل اصلی کار کودکان را ناتوانی سرپرست خانواده در تامین هزینه‌ها دانست و به ایلنا گفت: دلیل کار کودکان، ناتوانی یا کم توانی سرپرستان آن‌ها در تامین هزینه‌های زندگی است. سرپرستان بعضی از این کودکان حتی توان جسمی کار کردن ندارند و ما بقی اکثرا دست فروش یا کارگر هستند که درآمد بسیار پایینی دارند.
این فعال حقوق کودک با اشاره به اینکه رشد تورم از ۳۲ تا ۵۰ درصد برآورد می‌شود، افزود: با توجه به اینکه افزایش مزد سال ۹۲ به هیچ وجه با نرخ تورم متناسب نبوده است احتمال دارد کودکان بیشتری برای تامین معاش خانواده از سوی سرپرستان خود وارد بازار کار شوند.
فراهانی با بیان اینکه طرح‌های ساماندهی و جمع‌آوری کودکان کار بیشتر جنبه نمایشی دارد گفت: دلیل اصلی گسترش این پدیده افزایش تورم و فقیرتر شدن جامعه است و به همین دلیل با توجه به شرایط بد اقتصادی روز به روز بیشتر با این پدیده مواجه می‌شویم.
وی با یادآوری اینکه در کلانشهرهایی مانند تهران، کودکان کار در محیطهای خیابانی یا کارگاه‌های پرت و مخفی کار می‌کنند، گفت: کودکانی که وارد بازار کار می‌شوند از داشتن

حق مهم کودکی محروم می‌شوند. شرایط و محیط کار این کودکان مطلوب نیست و باعث می‌شود تا کودکان کار بصورت عمدی یا غیر عمدی در معرض انواع آسیب‌های جسمی و روحی قرار گیرند.
این فعال حقوق کودک در خصوص نوع محیط کارگاه‌هایی که در آن کودکان مشغول به کار هستند، گفت: این کارگاه‌ها یا مشمول مقررات قانون کار هستند که در اینصورت کودکان را بصورت پنهانی و دور از چشم بازرسان کار به کار می‌گمارند و یا اینکه از اساس از شمول قانون کار معاف هستند.
به گفته واشقانی فراهانی درآمد کودکان کار به هیچ وجه با نقش اقتصادی آن‌ها در محیط کار و خانواده متناسب نیست.
وی بابیان اینکه درآمد کودکانی که در محیطهای کارگاهی فعالیت دارند در بیشترین حالت از ۲۰۰ هزار تومان بیشتر نمی‌شود، در خصوص درآمد کودکانی که در خیابان کار می‌کنند گفت: درآمد کودکانی که به کارهایی مانند دستفروشی مشغولند به سرمایه و میزان فروش آن‌ها بستگی دارد.
این فعال اجتماعی معتقد است: تا زمانی که ریشه این مساله یعنی مناسبات اقتصادی موجود که خاص ایران هم نیست حل نشود نباید امید داشت تغییری جدی و عمیق در مساله کار کودک به وجود بیاید. به نظر می‌رسد نهادهای صنفی- مدنی و اجتماعی می‌توانند پیش قدم باشند گرچه این نهادها خود در یک وضعیت پرفشار گرفتار شده‌اند.
وی گفت: از آنجا که کودکان به واسطه طی نکردن مراحل رشد، نسبت به انسانهای بالغ و بزرگسال در تامین نیازها و دفاع از حقوق خود ضعیف‌ترهستند؛ جامعه موظف است تا از آن‌ها حمایت کند.
واشقانی فراهانی بابیان اینکه طبق ماده ۴۲ از بخش دوم پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، نهادهای رسمی باید حقوق کودک را به مردم بیاموزند، گفت: با اینکه دولت ایران جزء گروه کشورهای اجراکننده این پیمان نامه است اما به نظر من شواهدی دال بر حمایتی واقعی، عینی و موثر وجود ندارد

حواشی جشن کودکانی که روزانه ۱۰ ساعت کار می‌کنند

به نوشته خبرگزاری دولتی کار ایران – ایلنا در تاریخ 28 اسفند 91 آمده است : خانه کودک شوش، یکی از مراکز آموزشی و حمایتی انجمن حمایت از حقوق کودکان است و هم اکنون بیش از ۲۲۰ کودک بازمانده از تحصیل که اکثرا کودکان کار هستند در این مرکز مرمرنهاد از کلاس اول تا پنجم ابتدایی به تحصیل می‌پردازند.
به گزارش ایلنا، در ابتدای این مراسم کودکان در کنار حاجی فیروزی که با یک دایره ضرب گرفته پایکوبی می‌کنند و پس از پذیرایی توسط داوطلبان روی صندلی‌های خود می‌نشینند تا مراسم شروع شود. مجری که روی سن می‌آید چشمانشان از شادی برق می‌زند، و پس از بازی‌های دسته جمعی و چند مسابقه، یک زنجیره بزرگ دورتادور سالن تشکیل می‌دهند و با شعرخواندن و پایکوبی جشن را تمام می‌کنند.
خبرنگار ایلنا در حاشیه این جشن با چند نفر از کودکان و اعضای خانه کودک گفت‌وگو کرده است. «عبدالرحیم رحیمی» که از معلمان این مرکز است می‌گوید: «از اسفند ۸۸ که خانه کودک فعالیت سوادآموزی را در ساختمان جدید خود شروع کرد به عنوان معلم به فعالیت پرداخته‌ام.»
وی درباره وضعیت تحصیلی این کودکان می‌گوید: «مشکل اصلی در اینجاست که این کودکان کار می‌کنند و فشار کاری مانع می‌شود که تمرکز و زمان کافی برای درس خواندن داشته باشند، ضمن اینکه کارکردن مانع تجربه کودکی می‌شود و بر روحیه کودکان آثار مخربی دارد.»
این معلم کلاس‌های سوادآموزی خانه کودک اضافه می‌کند: «از روزی که این پروژه شروع شد، با همدلی و کمک اعضای خانه کودک و حامیان‌مان، کودکان بسیاری وارد چرخه تحصیل شدند، و ما توانستیم کودکانی که در پایه دوم و سوم در آغاز پروژه داشتیم را پارسال و امسال به مدارس دولتی بفرستیم. من امیدوارم این حمایت‌ها ادامه پیدا کند تا این کودکان بتوانند از تحصیل به عنوان یکی از حقوق اصلی خود برخوردار باشند.»

ایمان که ۱۴ سال دارد و از کلاس اول در خانه کودک تحصیل کرده است می‌گوید: «من تمام تلاشم را می‌کنم تا با کمک خانه کودک هر سال بتوانم دو پایه درسی را بخوانم و الان کلاس پنجمم، اگر کار نمی‌کردم و مثل بقیه هم سن و سال‌های خودم از اول مدرسه می‌رفتم الان باید دوم راهنمایی می‌بودم.»
او که در خیابان دست فروشی می‌کند می‌گوید: «هر روز صبح می‌آیم خانه کودک، ساعت ۱۱ می‌روم سر کار و تا ۹ شب کار می‌کنم.»
ناجیه یکی دیگر از کودکان این مرکز می‌گوید: «من روزی ۴ ساعت دست فروشی می‌کنم اما در خانه هم مجبورم کمک مادرم کنم، او بیمار است و تنها نمی‌تواند کارهای خانه را انجام دهد.»
پریسا پویان، مدیر خانه کودک شوش می‌گوید: «در انجمن حمایت از حقوق کودکان و خانه کودک شوش همه اعضا تلاش می‌کنند تا بتوانند کاری برای بچه‌ها انجام دهند اما متاسفانه افزایش هزینه‌های جاری، کار را کمی با دشواری روبه‌رو کرده است، یک تغذیه ساده اما مقوی برای این کودکان که بتواند بازده آموزشی آن‌ها را بالا ببرد روزانه حدود ۵۰ هزار تومان هزینه دارد که در طول یک ماه هزینه بالایی است که به سختی تامین می‌شود. هزینه‌های آب و برق و گاز و همچنین لوازم التحریر کودکان و سایر هزینه‌های پروژه را هم در نظر بگیرید رقم بالایی می‌شود اما ما امیدوارم با همدلی و حمایت‌های مردمی بتوانیم برنامه سوادآموزی را برای این ۲۲۰ کودک ادامه دهیم.»
مدیر خانه کودک در ادامه می افزاید: «ما در اینجا علاوه بر کلاس‌های سوادآموزی برای کودکان در معرض آسیب محله دروازه غار که در مدارس دیگر درس می‌خوانند نیز امکاناتی نظیر کلاس‌های خلاقیت، تقویتی و هنری برگزار می‌کنیم و برای مادران کودکان هم برنامه‌های آموزشی بهداشت، فرزند پروری و سوادآموزی نیز اجرا می‌شود.»
گفتنی است این جشن، سیزدهمین بهار خانه کودکی بود که از سال ۷۹ به عنوان کمیته کودکان کار و خیابان انجمن حمایت از حقوق کودکان فعالیت خود را در منطقه دروازه غار آغاز کرد و پس از انتقال به میدان شوش نام خانه کودک شوش بر آن نهاده شد و حالا نزدیک به چهار سال است که دوباره به دروازه غار منتقل شده است..

نظام سلامت سالانه 5 میلیون نفر را فقیر مي‌کند

به نوشته سایت سلامت نیوز در 28 اسفند 91 آمده است : سیدحسن امامي‌رضوي، معاون وزارت بهداشت، درمان وآموزش پزشکی مي‌گوید که نظام سلامت سالانه 5 هزار ایرانی را به زیر خط فقر مي‌برد. او عدم تفاهم بین سیاست‌گذاران حوزه سلامت یعنی وزارت بهداشت، کار و شورای راهبردی ریاست‌جمهوری را مهم‌ترین دلیل پرداخت هزینه سلامت از جیب مردم مي‌داند. به گفته او در سال‌جاری مردم بیش از 61 درصد از هزینه‌های سلامت را برخلاف قانون از جیب پرداخت مي‌کنند. البته آماری که مجلسي‌ها از تحمیل هزینه‌ها بر مردم به رسانه‌ها مي‌دهند بیشتر از آمار امامي‌رضوی است و به 80 درصد مي‌رسد.
به گزارش سلامت نیوز به نقل از تهران امروز ؛ رضوی درباره آماری که مجلسي‌ها مي‌دهند مي‌گوید: «البته حدس‌هایی وجود دارد و نیاز است که مطالعه جدید در این مورد داشته باشیم تا عدد دقیق سهم مردم مشخص شود.» او این اختلاف نظرها را به خاطر تورمی مي‌داند که در بخش سلامت اتفاق افتاده است و نیز عدم رشد تعرفه‌ها، هم در بخش دولتی و هم در بخش خصوصی چون وقتی تعرفه‌ها را به صورت رسمی رشد مي‌دهیم، حمایت‌های بیمه‌ای هم در دل آن افزایش مي‌یابد ولی وقتی بخش تعرفه را رشد نمي‌دهیم، هزینه‌ها به شکلی بالا مي‌رود که خود به خود به مردم تحمیل مي‌شود.
این درحالی که بسیاری اعتقاد دارند که افزایش تعرفه‌ها هم نمي‌تواند بار سنگین هزینه‌ها را از روی دوش مردم بردارد. بسیاری کلید ماجرا را در افزایش سرانه درمان مي‌دانند. البته امامي‌رضوی خیلی پاسخ واضحی به این ماجرا نمي‌دهد و پاسخ‌های عجیبی مي‌دهد. او یکی از دلایل افزایش هزینه‌ها را وجود امکانات مي‌داند و مي‌گوید: «اگر امکانات آن را در کشور نداشته باشیم مطالبات مردم محدود است ولی اگر امکانات آن در کشور وجود داشته باشد نمي‌توانیم به مردم بگوییم این خدمت را نگیرید و به هر حال ارائه این خدمات برای مردم هزینه

دارد.»
به گفته او يك نمونه آن خدمات پت‌اسكن است كه ما تاكنون به صورت رسمی دستگاه آن را در كشور نداشته‌ايم ولی اگر در آينده اين خدمت را در كشور داشته باشيم ديگر مردم نياز ندارند برای دريافت آن به كشورهای اطراف بروند. چون در گذشته تعداد معدودی اين امكان را داشتند كه به خارج بروند و اين خدمت را دريافت كنند ولی در عوض هزينه اضافه‌ای به مردم تحميل نمي‌شد چون در كشور وجود نداشت اما وقتی امكانات آن در كشور فراهم شد، مردم توقع پيدا مي‌كنند و ديگر نمي‌توان به مطالبه مردم پاسخ نداد.
همچنين اين مسئله در مورد امرآراي، سي‌تي‌اسكن، راديوتراپی با شتاب‌دهنده‌های خطی و امثال آن هم صدق مي‌كند كه الان جزو توقعات مردم شده است كه بايد برآورده شود و البته اين خدمات خود به خود هزينه‌های تحميلی به مردم را هم افزايش داده است.
او در نهايت عدم تفاهم بين سياست‌گذاران در وزارت بهداشت، وزارت كار، تعاون و رفاه و معاونت نظارت راهبردی رياست‌جمهوری حوزه سلامت در نحوه مديريت اين حوزه را مهم‌ترين دليل هزينه تراشی برای مردم مي‌داند. امامي‌رضوی مي‌گويد: «تقريبا در اين 5 سالی كه من مسئوليت داشتم و سال‌های قبل كه شاهد بودم در اين راستا نتوانستيم سياست درستی را هماهنگ عمل كنيم»

5 سال ديگر هم بار از روی دوش مردم برداشته نمي‌شود
هرچند «محمدحسن طريقت»وزير بهداشت، درمان و آموزش پزشكی در مجلس اعلام كرده است كه هزينه‌ها را كاهش مي‌دهد تا سهم پرداختی مردم به 30 درصد برسد.هرچند بدون گفته‌های امامي‌رضوی هم سوالات بسياری درباره حرف‌های او وجود دارد اما امامي‌رضوی برخلاف او اعتقاد دارد كه با اين سيستم در 5 سال آينده هم نمي‌توان سهم مردم را به 30درصد رساند. به گفته او، برای اينكه بتوانيم اين بحث را مديريت كنيم نياز به جابه‌جايی منابع داريم. ديد من اين است كه مديريت منابع يك بحث است و تامين هزينه‌ها هم يك بحث ديگر. ما نبايد انتظار داشته باشيم كه بتوانيم با برنامه‌های يكساله، دو ساله يا حتی پنجساله پرداخت از جيب مردم برای سلامت را به زير 30 درصد برسانيم. چون بافت كشور ما در ارائه خدمات، يك بافت پيچيده است.
امامي‌رضوی مي‌گويد: «ما بارها گفته‌ايم اگر مي‌خواهيد اين اتفاق بيفتد و ميزان پرداخت از جيب مردم برای سلامت از 50 يا 60 درصد فعلی به زير 30درصد برسد فقط 20 درصد آن را با مديريت منابع و جلوگيری از پرت منابع (هدر رفت منابع) مي‌توانيم جبران كنيم. اما 40 درصد ديگر آن بايد با جابه‌جايی منابع جبران شود»
امامي‌رضوی همچنين يك مسئله كهنه اما حل‌ناشدنی را پيش مي‌كشد. در نظام سلامت ايران، دولت اعتبار را به وزارت كار و تعاون مي‌دهد اما مجری برنامه‌های بهداشتي، وزارت بهداشت است. بسياری از جمله نمايندگان مجلس اعتقاد دارند همين مسئله باعث مشكلات زيادی در نظام سلامت كشور شده است. مسئله‌ای كه امامي‌رضوی هم آن را تاييد مي‌كند.
او اعتقاد دارد كه برای رسيدن به موفقيت بايد سياست‌گذار، برنامه‌ريز، تخصيص‌دهنده منابع و ناظر يكی باشد. البته بحثی كه وجود دارد اين است كه چون وزارت بهداشت خودش ارائه كننده خدمات است بنابراين تعارض منافع دارد. اما امامي‌رضوی مي‌گويد: «اختيارات را بدهند و پاسخگويی بخواهند. اختيارات كل سيستم بايد در يكجا متمركز باشد تا پاسخگويی هم به‌دنبال آن بيايد.»
به گفته او معاونت نظارت راهبردی رياست‌جمهوری وظيفه‌اش نظارت بر مصرف درست منابع است ولی تخصيص‌دهنده منابع بايد خود وزارت بهداشت باشد.راهكاری كه البته از سوی تصميم‌گيران هرگز جدی گرفته نشده است. اما آنچه مسلم است با اين سيستم هر روز بر شمار كسانی كه زير خط فقر مي‌روند؛ افزايش مي‌يابد. كسانی كه آمارهای وزارت بهداشت، آنها را سالانه 5 ميليون نفر معرفی مي‌كند.

شاخص فلاکت - نشان‌دهنده شدت فشار بر فرودست‌ترین اقشار جامعه - در سال ۱۳۹۱

به نوشته سایت رادیو دویچه وله در تاریخ 28 اسفند 91 آمده است :در حالی که شاخص فلاکت - نشان‌دهنده شدت فشار بر فرودست‌ترین اقشار جامعه - در سال ۱۳۹۱ نسبت به سال ۸۴ دوبرابر شده، آیت‌الله خامنه‌ای در آستانه نوروز ابراز امیدواری کرده که مردم این ایام را با شادی سپری کنند.
شاید برای اولین بار است که آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی پیش از آغاز نوروز در سخنانی به این ایام اشاره کرده است. وی روز شنبه ۲۶ اسفند، ۱۶ مارس در دیدار با دست‌اندرکاران سفرهای نوروزی گفت: «امیدوارم ایام عید و تعطیلات نوروز به همه مردم ایران خوش بگذرد و مردم این ایام را با شادی و شیرینی سپری کنند».
خامنه‌ای همچنین نسبت به افزایش تصادفات در ایام نوروز ابراز نگرانی کرده و خواسته تدبیری اندیشیده شود تا این حوادث به حداقل ممکن برسد.
اظهارات آیت‌الله خامنه‌ای در حالی صورت مي‌گیرد که به گفته کارشناسان بسیاری از مردم ایران به لحاظ اقتصادی یکی از دشوارترین ایام دهه‌های اخیر را سپری مي‌کنند و در تدارک حداقل‌ها برای برگزاری نوروز با دشواری مواجه‌اند.
سعید لیلاز تحلیلگر اقتصادی و سردبیر روزنامه توقیف‌شده سرمایه در مقاله‌ای در دوماهنامه "چشم‌انداز ایران" که اسفند ماه امسال منتشر شده نوشته است: «شاخص فلاکت، به‌عنوان صرفاً یک مثال قابل اتکا از نظر آمارهای رسمی منتشره که در سال ۱۳۷۹ و ۱۳۸۴ به ترتیب ۲۸/۶ و ۲۴/۲ بود، در سال ۱۳۹۱ و تا دی ماه این سال، به حدود ۴۳ درصد، یعنی حدود دو برابر افزایش یافته است. شاخص فلاکت، از جمع دو شاخص نرخ بیکاری و نرخ تورم به دست مي‌آید و نشان‌دهنده شدت فشار بر فرودست‌ترین اقشار هر جامعه است».
افزایش قیمت‌ها در چند روز مانده به عید سرعت بیشتری گرفته است. یک شهروند تهرانی به دویچه‌وله گفت که در حالی که هفته گذشته گوشت چرخ کرده را کیلویی ۲۰ هزار تومان خریده بوده، این هفته همان گوشت را از قرار کیلویی ۳۵ هزار تومان خریداری کرده است.

سایت تابناک وابسته به محسن رضایی در گزارشی درباره گراني‌های شب عید نوشته است: «به نظر مي‌رسد افزایش قیمت کالاها و اقلام در آستانه شب عید امسال غیرمعقول است و افزایش قیمتی که مردم امسال در سطح جامعه احساس مي‌کنند، بیش از سال‌های گذشته است؛ ناسالم بودن بازار و شبکه تجاری کشور و واسطه‌گری نیز در گراني‌های اخیر مؤثر بوده است».

نگراني‌های نمایندگان مجلس از تورم شب عید
عبدالرضا ترابي، نماینده گرمسار در مجلس شورای اسلامی به تابناک گفته: «هم‌اکنون تعداد زیادی از مردم مشکلات مالی دارند و قدرت خرید آنها به شدت کاهش یافته
نویسنده گزارش تابناک، مقصر اصلی این وضعیت را دولت و بي‌تدبیری‌های او دانسته و از قول عبدالرضا ترابي، نماینده مجلس مي‌نویسد: «دولت در تنظیم بازار شب عید کم‌کاری مي‌کند؛ نتیجه این عملکرد ضعیف، افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی و اقلام مورد نیاز مردم در آستانه سال نو است»
عسگر جلالیان، نماینده دیر، کنگان و جم در مجلس نیز در گفت و گو با سایت تابناک، بیش از ۸۰ درصد افزایش قیمت‌های اخیر را به‌علت مدیریت نامناسب بازار دانسته و مي‌گوید: «اگر متولی بازرگانی کشور، مدیریت صحیح را در بازار اعمال مي‌کرد، تورم موجود در جامعه به این میزان نبود»
نماینده صومعه‌سرا در مجلس نیز، بخشی از گرانی کالاها را به علت اجرای قانون هدفمندی یارانه‌ها دانسته و به تابناک مي‌گوید: «اگر سهم بخش تولید از هدفمندی یارانه‌ها پرداخت میشد، ضمن اشتغال‌زایی و کمک به تولید، قیمت کالاها نیز افزایش نمي‌یافت».
خبرگزاری فارس نیز به موضوع گراني‌های شب عید اشاره کرده و از قول رئیس شورای شهر شیراز نوشته است: مسئولان باید چاره‌اندیشی کرده و نگذارند گراني‌ها نوروز را به کام مردم تلخ کنند»
علی زحمتکش که روز دوشنبه ۲۸ اسفند، ۱۸ مارس در جلسه شورای شهر شیراز صحبت مي‌کرده به اعلام نظر مراجع تقلید شیعه درباره گرانی اشاره کرده و تاکید کرده که مسئولان

باید از شعار پرهیز کرده و برای رفع این مشکل برنامه‌ریزی کنند.

تنها نان و پنیر برای چهار نفر: یک ماه ۲۳۴ هزار تومان

سایت انتخاب در گزارشی که از گرانی‌های شب عید منتشر کرده برآورد کرده است که اگر یک خانواده چهارنفره یک ماه تمام روزانه سه وعده نان سنگک و پنیر سفید بخورند، ۲۳۴ هزارتومان برای این منظور باید بپردازند.
این گزارش بر اساس قیمت ۴۲۰۰ تومان برای یک بسته پنیر سفید و ۶۰۰ تومان برای هر عدد نان سنگک و با احتساب این که این خانواده در روز شش عدد نان سنگک و تنها یک بسته پنیر مصرف کند به رقم ۲۳۴ هزار تومان در ماه رسیده است.
البته این رقم در صورتی که این خانواده تصمیم بگیرد تمام یک ماه را تنها املت گوجه فرنگی بخورد به ۱۴۱ هزار تومان در ماه تقلیل مي‌یابد و اگر فقط برنج سفید بخورد به ۲۵۰ هزار تومان در ماه مي‌رسد.
این در حالی است که طبق مصوبه شورای عالی کار حداقل دستمزد برای کارگران در سال ۱۳۹۲، ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان تعیین شده است. یعنی یک کارگر ساده باید نصف حقوق خود را تنها برای خوردن نان و پنیر بپردازد.
وضعیت بد کارگران و اقشار کم‌درآمد در آستانه نوروز، صدای نماینده آستانه اشرفیه در مجلس را نیز درآورده است. وی در گفت و گو با خبرگزاری ایلنا از وجود تورم و گرانی شدید ابراز نگرانی کرده و یادآور شده که کارگران و دهک‌های پائین جامعه قدرت خرید مایحتاج شب عید ندارند.
محمد حسین قربانی پنجاه که در جمع مردم شهرستان آستانه اشرفیه صحبت مي‌کرد، گفته: «یکی از وظایف حاکمیت این است که رفاه اجتماعی و آرامش روحی و روانی را برای مردم ایجاد کند»
این نماینده مجلس سپس با ابراز نگرانی از اینکه گرانی و تورم آرامش روحی و روانی جامعه را به هم مي‌زند، گفته: «وجود این معضلات سبب مي‌شود جامعه ملتهب شود و حاکمیت و دولت بر اساس قانون موظف هستند آرامش را برای جامعه مهیا کنند»
هرچند رهبر جمهوری اسلامی معتقد است مردم باید در نوروز شاد باشند واین ایام را با شادی سپری کنند اما ظاهرا حق با نویسنده مقاله روزنامه ابتکار است که نوشته:
«تلخي‌هایی که این روزهای منتهی به عید نوروز به کام مردمان این سرزمین ریخته مي‌شود، بیش از آن است که با توصیه و نصیحت از زهر آن کاسته شود»

فاجعه فولاد غدیر که به کشته شدن ۱۸ کارگر منجر شد؛ تلاشی برای فراموش نکردن

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 اسفند 91 آمده است : از حادثهٔ تاسف بار انفجار کوره کارخانه فولاد غدیر یزد که به کشته شدن ۱۸ کارگر منجر شد بیش از یکسال مي‌گذرد، ۲۷ آبان ماه امسال و در آستانه یک سالگی این ماجرای تکان دهنده، شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی و جزایی یزد به ریاست قاضی محمود رضا مسعودی طی رایی کارفرمای این کارخانه را مقصر تشخیص داد.
به موجب این رای کارفرمای این کارخانه و بر اساس شکایت‌های مطرح شده از سوی اولیاء دم، کارفرمای کارخانه فولاد غدیر یزد از یکسو در ارتباط با مرگ ۱۸ کارگر به «تسبیب در قتل غیر عمدی در ماه حرام» ناشی از عدم رعایت نظامات متهم شد و از سوی دیگر بابت مصدومیت سه کارگر باقیمانده نیز به اتهام «تسبیب در ایراد صدمه بدنی غیر عمدی» ناشی از عدم رعایت نظامات تحت پیگرد قضایی قرار گرفت.
به گواه اخبار و گزارشهای رسمی کارگران فولاد غدیر اولین و آخرین قربانیان جوادث حین کار در کشور نیستند اما با این حال بازخوانی اخبار مربوط به حادثه فولاد غدیر مي‌تواند بیانگر وضعیت همه کارگرانی باشد که در جریان حوادث حین کار آسیب دیده‌اند.

از ترس اخراج تحمل مي‌كرديم
به گزارش ايلنا، شامگاه روز ۲۰ آذر سال ۹۰ حوالی ساعت ۱۹ و ۴۵ دقيقه و درست يک ربع مانده به اتمام آخرين شيفت کاری کارگران، کوره ذوب آهن کارخانه فولاد غدير منفجر شد و در پی اين انفجار به دليل پرتاب مواد مذاب و گدازه‌های درون کوره، ۱۸ کارگر کشته و يک کارگر ديگر مجروح شد.
محمدعلی مكاري، آن کارگر نوزدهم که از انفجار کوره کارخانه فولاد غدير يزد زنده مانده اما در اين انفجار به شدت آسيب ديده است، در گفتگو با ايلنا دليل وقوع حادثه را اين چنين بيان مي‌کند: «کوره کيپ شده بود، فولاد مذاب سرد شده داخلش ريخته بودند. دهنهٔ کوره بسته بود. راهی وجود نداشت که گاز خارج شود. گاز زير مواد مذاب جمع شده بود و فولاد هم که داشت مي‌جوشيد. پنج ثانيه هم طول نكشيد.»
ناگفته نماند که در زمان وقوع حادثه، علی اکبر اولیا نماينده وقت مجلس شورای اسلامی و عزيزاله سيفی فرماندار وقت در گفتگو با ايلنا اعلام کرده بودند که انفجار کپسول گاز يا مهمات مستعمل و عمل نکرده به جا مانده از زمان جنگ دليل اين حادثه بوده است.
اين حادثه درحالی روی داد که بنا بر اظهارت منابع آگاه از جمله کارگران کارخانه فولاد غدير، کارخانه ياد شده همواره يکی از واحدهای توليدی حادثه خيز محسوب مي‌شده است؛ به طوری که از زمان راه‌اندازی اين کارخانه درسال ۸۶ تا زمان انفجار در آذر ماه سال ۹۰، حداقل ۵ حادثه مشابه ديگر در کارخانه فولاد غدير رخ داده است.
به گفته اين کارگران چه در زمان وقوع حادثه ۲۰ آذر ۹۰ و چه پيش از آن، کارفرما بدون در اختيار گذاشتن پوشش و لباس کار مناسب، کارگران را به محيط کار اعزام مي‌کرده است و آن‌ها همواره به اجبار در مجاورت کوره مشغول کار بوده‌اند به گونه‌ای که سوختگی سطحی همواره يکی از حوادث شايع در ميان کارگران اين واحد توليدی بوده است.
کارگران فولاد غدير و خانواده قربانيان در نامه‌ای با متهم کردن کارفرما به رعايت نکردن موارد حفاظت و ايمنی در محيط کار، مدعی شده‌اند «نظر به وقوع حوادث مشابه در اين واحد توليدی و انتشار اخبار آن به بيرون از کارخانه، مسوولان اداره کار نيز از تخلف کارفرما مطلع بوده‌اند».
محمدعلی مکاری که علاوه بر سوختگی ۴۵ درصدي‌اش، پدر خود را نيز در اين حادثه از دست داده است، مي‌گويد: «بازرس‌ها از اداره کار مي‌آمدند اما به درستی کار خود را انجام نمي‌دادند. چرا که در سال‌های گذشته هم چنين اتفاقاتی (البته نه در اين سطح با ۱۸ کشته) داشتيم. اگر آن‌ها کارشان را به درستی انجام مي‌دادند ما فقط برای کار کردن به کارخانه مي‌رفتيم. نمي‌رفتيم که ندانيم امروز زنده بر مي‌گرديم يا نه.»
او با اشاره به لباس نامناسبی که در روز حادثه در اختيار کارگران قرار گرفته بود اظهار مي‌کند: «بله بازرسين مي‌آمدند و مي‌رفتند ولی پيگيری نمي‌کردند. بازرس‌ها غير از اينکه بايد وضعيت ايمنی کوره را بررسی مي‌کردند بايد به تجهيزات ايمنی که کارفرما به ما مي‌داد هم نظارت مي‌کردند. ما بايد لباس‌های ايمنی مي‌داشتيم اما روز حادثه لباس پلاستيکی بر تن ما بوده که از کارخانه به ما داده بودند. همين لباس پلاستيکی باعث شدت سوختگی ما شد.»
اين کارگر آسيب ديدهٔ حادثه در ادامه درد دل همهٔ کارگران ايران را که عدم امنيت شغلی است بدين ترتيب شرح مي‌دهد: «ما مي‌دانستيم که لباس پلاستيکی هيچ محافظتی از ما نمي‌کند اما از ترس اخراج حرفی نمي‌زديم و تحمل مي‌کرديم. دولت - همين بازرس‌های کار - بايد صاحب کارخانه را مجبور مي‌کردند که به کارگرانش لباس ايمنی بدهد. ما که کارگر بوديم و قراردادمان کف دستمان بود. مي‌گفتند اين کوره ذوب فولاد و اين هم لباس، نمي‌خواهيد به سلامت.»

رای صادره برای کارفرما؛ پرداخت ديه و شش ماه حبس تعزيری
در پی اين انفجار و با شکايت نزديک به ۵۴ نفر از اولياء دم کارگران قرباني، شعبه ۱۰۷ جزائی شهرستان يزد به رياست قاضی محمود رضا مسعودی در تاريخ سوم آذر سال جاری رای خود را در رابطه با اين حادثه صادر کرد.
در رای صادره از شعبه ۱۰۷ دادگاه عمومی و جزايی يزد آمده است: «دادگاه با توجه به محتويات پرونده شکايت اولياء دم مرحومان و نيز شکات پرونده نظريه پزشکي، نظريه

کارشناسان کار، اظهارات متهم و تحقیقات معموله بزه انتسابی به نظر دادگاه محرز و مسلم است فعل ارتکابی متهم منطبق است با ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامي؛ لذا دادگاه به استناد ماده مذکور از قانون مجازات اسلامی و نیز مواد ۲۹۴و ۲۹۵و ۲۹۷و ۳۰۰ همان قانون و اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی به لحاظ وضعیت خاص متهم و حسن سابقه او نامبرده را به تحمل شش ماه حبس تعزیری و یک و یک سوم دیه کامل مرد مسلمان د رحق هر یک از اولیاء دم مرحومان به تفکیک (در خصوص تنها کارگر غیر مسلمان نیز مبلغ مذکور وفق دستور اجرای احکام به صندوق دادگاه واریز خواهد شد) و نیز پرداخت دیه مصدومان به شرح ذیل محکوم مي‌نماید».

عدم تناسب جرم و مجازات

رای مذکور در مورد حادثه انفجار کارخانه غدیر خم که صادر شد اولیای دم کشته شدگان و ناظران این ماجرا را در بهت و حیرت فرو برد. در حالی که جرمی همچون نگهداری و خرید و فروش اموال مسروقه و نه حتی عین عمل دزدی بیش از شش ماه حبس را در پی دارد، فعل ارتکابی متهم حادثه‌ای که قصور وی که به کشته شدن ۱۸ انسان دیگر منجر شده، تنها شش ماه حبس تعزیری را به دنبال داشته و این پرسش را در اذهان عمومی به وجود آورده است که در حالی که برخی جوانان به دلیل اخلال در ترافیک طبق قانون به حبس‌های طولاني‌تر از شش ماه محکوم شده‌اند، چگونه قصور و تقصیر در کشته شدن ۱۸ انسان چنین حکمی را در پی دارد. پس تناسب جرم با مجازات آنچه مي‌شود؟ و آیا چنین مجازاتی از وقوع حوادث مشابه جلوگیری مي‌کند یا زمینه را برای تساهل کارفرمایان در رعایت استانداردهای ایمنی ایجاد خواهد کرد؟ ناگفته پیداست که این پرسش‌ها نه از منظر خشونت طلبی و انتقام گیری بلکه از سر دغدغهٔ جلو گیری از وقوع دوبارهٔ حوادث این چنینی مطرح مي‌شود.

علی اکبراولیا نماینده سابق یزد در مجلس در خصوص رای دادگاه مي‌گوید: «با توجه به اینکه در حادثه یادشده ۱۸ کارگر بصورت تدریجی و دردآوری جان داده و سه نفر باقیمانده نیز به همان طریق به شدت دچار سوختگی شدند، تعیین محکومیت حبس ۶ ماهه برای تنها مجرم پرونده از نظر جنبه عمومی درست نیست»

وی درعین حال معتقد است: «هرچند از نظر فنی و حقوقی کارفرمای کارخانه فولاد غدیر در بروز این حادثه مقصر بوده‌است اما دولت به عنوان مروج فرهنگ کار نیز در بروز این حادثه بي‌تقصیر نیست.»

همچنین محمدعلی مکاري، کارگر بازمانده‌ای که یک سال پس از آن روز تلخ، همچنان با مشکلات ناشی از سوختگی شدید مواجه، مي‌گوید: «متاسفانه رای دادگاه آنطور که خانواده‌های قربانیان انتظار داشتند نبود.»

وی با بیان اینکه از زمان راه اندازی کارخانه در سال ۸۶ تا زمان وقوع حادثه آذر ماه سال گذشته، کوره ذوب کارخانه شش بار دچار حادثه شده بود، اظهار مي‌کند: «پیش از انفجار سال گذشته، و در سالهای ۸۶ و ۸۷ دو نفر از کارگران در جریان حوادث جداگانه دچار حادثه شدند که یکی از آنان فوت کرد و دیگری بر اثر شدت سوختگی در ناحیه چشم نابینا شد.»

این کارگر مصدوم کارخانه فولاد غدیر با یادآوری اینکه اداره کار به واسطه گزارش بازرسان خود از تخلف کارفرما مطلع بوده است، مي‌گوید: «با توجه به تکرار پی درپی حواث مشابه در کارخانه فولاد غدیر، اولیای دم و خانواده‌های قربانیان انتظار داشتند که دادگاه برای متهمان رای سنگین‌تری را صادر کند»

مکاری با بیان اینکه پس از عید قربان امسال، کارخانه بازگشایی شد مي‌افزاید: «چندی پیش برای پیگیری موضوعی به کارخانه مراجعه کردم و مطلع شدم که کارخانه باز شده و فعالیت‌ها از سر گرفته شده است اما هنوز کیفیت رعایت نکات حفاظت ایمنی و بهداشت مانند گذشته پایین است و احتمال تکرار حوادث مشابه وجود دارد.»

توصیه شده بود که وکیل نگیریم

صدور این رای در حالی بود که خانواده‌های بازماندگان بدون داشتن وکیل دعاوی علیه کارفرمای کارخانه فولاد غدیر اقامه دعوی کرده بودند و با توجه به سابقه وقوع حوادث در این کارخانه و نیز نظر کارشناسی بازرسان کار در خصوص مقصر بودن کارفرما، از دادگاه انتظار

تعیین مجازات سنگین‌تری را داشتند.
مکاری ضمن یادآوری اینکه انفجار کوره ذوب در شامگاه بیستم آذرماه سال گذشته، ششمین حادثه‌ای بود که در این کارخانه رخ داد، مي‌گوید: «بعد از اینکه بازرسان اداره کار در گزارش خود کارفرما را مقصر ۱۰۰ درصدی قلمداد کردند به اولیاء دم توصیه شد چون مجرمیت کارفرما محرز است بهتر است به منظور پرهیز از تشریفات بي‌مورد وکیل دعاوی اختیار نشود.»
وی همچنین از اینکه دادگاه به استناد ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی مبنی بر لحاظ کردن وضع خاص و حسن سابقه متهم برای کارفرمای مجرم مجازات تعیین کرده است؛ انتقاد کرده و اظهار مي‌کند: «برای اولیاء دم و همنیطور بازماندگان کارگران قربانی این ابهام وجود دارد که چگونه دادگاه با توجه به سابقه‌دار بودن کارفرما در رعایت نکردن نکایت حفاظت ایمنی و بهداشت کار رای به ۶ ماه حبس تعزیری داده‌است»

سبک بودن مجازات ناشی از عدم حضور وکیل بوده است
این در حالی است که به گفتهٔ یک کارشناس حقوقي، در پرونده مربوط به قربانیان حادثه انفجار کارخانه فولاد غدیر، دلیل سبک بودن مجازات تعیین شده مي‌تواند ناشی از عدم حضور وکیل دعاوی برای دفاع از حقوق اولیاء دم بوده باشد.
سهراب قنبری بابیان اینکه اولیاء دم و سایر شاکیان این پرونده باید برای پیگیری خواسته خود از حق قانونی داشتن وکیل دعاوی استفاده مي‌کردند؛ مي‌گوید: «متاسفانه به نظر مي‌رسد که چون در جریان رسیدگی به پرونده وکیل دعاوی برای دفاع از حقوق قربانیان حضور نداشته است دادگاه بطور کامل در جریان پرونده قرار نگرفته و در نتیجه در بحث عمومی این مجازاتی متناسب با جرم رخ داده صورت نگرفته است»
وی ادامه مي‌دهد: «اگر وکیل دعاوی در جریان دادرسی وجود داشت احتمال اینکه دادگاه در رای خود به استناد مواد ۲۲ و ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی برای کارفرما تعیین مجازات کند خیلی پایین بود و بطور قطع به منظور جلوگیری از تکرار چنین حوادثی در تمامی محیطهای کار برای متهم از جنبه عمومی مجازاتی به مراتب سنگین‌تر تعیین مي‌شد.»
این وکیل دادگستری در خصوص استناد دادگاه به ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی اظهار مي‌کند: «موضوع این ماده تعیین مجازات برای قتل غیر عمد است و این درحالی است که شواهد و مدراک از وقوع قتل شبه عمد در جریان حادثه انفجار سال گذشته کارخانه فولاد غدیر حکایت مي‌کند»
به موجب ماده ۶۱۶ قانون مجازات اسلامی «در صورتی که قتل غیرعمد (به غیر از قتل غیرعمد در اثر تصادف رانندگی) به واسطهٔ بي‌احتیاطی یا بي‌مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تاسه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد».
قنبری همچنین در خصوص اینکه اعمال ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامی در تعیین مجازات کارفرمای کارخانه فولاد غدیر گفت: «موضوع این ماده قانونی رافت اسلامی است و از نظر حقوقی و قانونی رافت اسلامی شامل حال متهمی مي‌شود که از نظر کیفری یا در خصوص جرم انتسابی دارای سوء سابقه نباشد»
به موجب بند ۵ از ماده ۲۲ قانون مجازات اسلامي، «دادگاه مي‌تواند با توجه به وضعیت خاص متهم و یا سابقه او مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسب‌تر به حال متهم باشد».
این درحالی است که بنا بر شواهد موجود شخص متهم در حادثه انفجار کارخانه فولاد غدیر حداقل در خصوص جرم انتسابی فاقد حسن سابقه بوده و به همین دلیل شرایط بر خورداری از رافت اسلامی را ندارد.

نگاهی فارغ از جناح بندي‌های سیاسی
صدور حکم سنگین‌تر برای متهم خواستهٔ اولیای دم کشته شدگان حادثه مذکور است.
همراهی با این خواسته از این جهت اهمیت دارد که بار دیگر شاهد وقوع حوادث دلخراش اینچنینی نباشیم. اگر موضوع طرح سوال از وزیر کار در زمان وقوع حادثه از حرف به عمل منجر

مي‌شد، دست کم وزارت کار را ترغيب مي‌کرد که جديت بيشتری در امر مهم بازرسی مستمر از محيطهای کارگری به خرج دهد.
علی اکبر اولیا، نماینده مردم یزد در زمان وقوع حادثه، در سالگرد حادثه مي‌گويد: در آن زمان پرسش از وزير کار در دستور کار مجلس قرار گرفت اما برخی از بيرون مجلس خواستار لغو پرسش شدند اما در نهايت عمر مجلس هشتم به پايان رسيد و پرسش مورد نظر مانند خيلی از اقدامات ناتمام مجلس هشتم از دستور کار خارج شد.
تفکری که از بيرون مجلس خواستار لغو يک سوال ساده مي‌شود و همه چيز را در نگاه تک بعدی و ساده نگر خود سياسی و جناحی مي‌بيند راه اصلاح را بر موارد اينچنينی مي‌بندد و زمينه باز تکرار چنين وقايعی را ايجاد مي‌کند. تمام کسانی که در بسته شدن هر چه زودتر اين پرونده بدون بررسی کامل و جامع و بدون تدارک ديدن بستری برای عدم تکرار آن فعال بوده‌اند در صورت تکرار دوبارهٔ چنين حوادثی اخلاقا مسئول خواهند بود.

احمدي‌نژاد دستور برکناری روسای دانشگاه‌های تهران و تربیت مدرس را صادر کرد

به گزارش خبرنگار خبرگزاری دولتی مهر در 28 اسفند 91 آمده است : متن نامه رئیس جمهور به وزیر علوم که در سایت موسسه ایران (ارگان رسمی دولت)، منتشر شده و صحت آن به تایید معاونت ارتباطات و اطلاع رسانی ریاست جمهوری رسیده است به این شرح است:

سلام علیکم
به عنوان یک دانشگاهی و وزیر به خوبی مي‌دانید که دانشگاه بالاترین مقام علمی کشور است که اساتید فرهیخته و مومن دهه های متوالی نخبگان و زبدگان جوان این مرز و بوم را با عشق و ایمان و فداکاری تربیت کرده‌اند.
دانشگاهیان خدمات علمی و فناوری گسترده و افتخارآمیزی را به ملت بزرگ ایران تقدیم داشته اند که به طور مستمر شاهد به ثمر نشستن آنها هستیم . در دوره ی انقلاب اسلامی و دفاع مقدس همپای ملت فداکاریها کردند و هزاران شهید و جانباز والامقام سند پیوند مقدس آنان با انقلاب و ملت است.
فرزندان ملت باید در فضای متعالی علم و اخلاق ، مشق آزادی و آزادگي، وطن دوستي، خداخواهی و خدمت گزاری کنند و خود را برای فردای بهتر و زیباتر و مسئولیت بزرگ ساختن و پیشرفت و استقرار عدالت و توحید آماده کنند. فضای عمومی دانشگاه باید سرشار از امید و مهربانی و آزادی و احترام و اعتماد باشد.
متاسفانه و بر اساس اطلاعات دقیق در دو دانشگاه مهم ، دانشگاه تهران که مادر دانشگاه های کشور و پرافتخارترین آن است و دانشگاه تربیت مدرس که تنها مرکز رسمی تربیت مدرسین کشور است، فضای عمومی به گونه ی دیگری مدیریت میشود که نه تنها سازنده نیست، بلکه تا حدودی در نقطه مقابل حرکت عمومی ملت و شئون دانشگاه و دانشگاهیان است.
رویکرد سیاست زده و غیرعلمی و یا احیانا امنیتی توسط مدیران در محیط اجتماعی ناکارآمد و تخریب کننده و در محیط دانشگاهی ناکارآمدتر و مخرب تر است.
اینجانب ضمن احترام به روسای محترم این دو مرکز مهم علمی کشور و پیرو تذکرات متعدد چندین ماهه ی اخیر انتظار دارد بدون هر گونه ملاحظه ، جز شان و ماموریت علمی و فرهنگی و ایمانی دانشگاه و جز ارزشهای انقلاب اسلامی ، وظیفه ی قانونی خود را در صیانت از حریم دانشگاه به فوریت عمل نمایید و با نصب مدیران آشناتر به ظرافت ها و الزامات کار دانشگاهی از مدیران فعلی در محل دیگری استفاده فرمایید.
به خوبی مي‌دانید که اینجانب به جنابعالی و این عزیزان و همه همکاران دانشگاهی و جوانان برومند دانشجو و سربلندی کشور و دانشگاه عمیقا علاقه دارم.
از خداوند منان برای همگان سعادت و سلامت و برای جنابعالی و این برادر کوچک شما توفیق خدمت بیشتر و والاتر به ملت و انقلاب عظیم اسلامی تحت توجهات حضرت ولیعصر(عج) مسئلت دارم.

مروری بر ایلنای کارگری در سال ۹۱
کارگران نساجی: از تهران تا قائمشهر

به گزارش خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 اسفند 91 آمده است : هجدهم آذرماه امسال آن موقع که هوای تهران می‌رفت تا در جابجایی پاییز و زمستان روی سرد خود را نشان دهد، کارگران نساجی مازندران برای چندمین بار شاکی از خلف وعده کارفرمای خارجی خود به تهران آمدند تا تحقق وعده‌های مسئولان مبنی بر پرداخت ۲۸ ماه مطالبات و بازگشایی دوباره کارخانه را دوباره پیگیر شوند.

هرچند آن زمان این کارگران بدون نتیجه‌ای خاص دوباره به شهر خود بازگشتند اما اکنون این کارگران از پرداخت بخشی از مطالبات معوقه خود توسط نماینده کارفرمای خارجی خبر می‌دهند.
به گفته این کارگران ظاهرا کارفرمای خارجی و نماینده او این بار تحت فشار مسئولان ایرانی و از ترس خلع ید، حدود ۲ تا ۳ ماه از مطالبات معوقه را بصورت علی الحساب پرداخت کرده‌اند و وعده داده‌اند که تا پایان شهریور ماه سال ۹۲ با همه کارگران شاغل و بازنشسته تسویه حساب خواهند کرد.

بازخوانی

متن زیر گزارشی از سفر به تهران، تجمع و در نهایت بازگشت کارگران نساجی مازندران در تاریخ ۱۸ آذرماه سال جاری است:

کارگران نساجی مازندران می‌گویند طبق وعده‌ای که به آن‌ها در جریان آخرین سفر به تهران داده شده است، برای بازگشایی کارخانه و دریافت مطالبات معوقه خود تا پایان آذرماه منتظر خواهند ماند.

به گزارش خبرنگار ایلنا، در پی سفر هفته گذشته جمعی از کارگران نساجی مازندران به تهران و اقامت دو روزه آن‌ها در محل دفتر مرکزی این کارخانه پایتخت برای تجمع در مقابل نهاد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی، سرانجام این کارگران شامگاه سه شنبه تهران را به مقصد قائمشهر ترک کردند تا بار دیگر تحقق وعده مسئولان کشوری و استانی را انتظار بکشند.
سعید ابراهیمی نماینده منتخب کارگران نساجی مازندران در این باره گفت: این کارگران در حالی برای پیگیری مطالبات خود در شرایط بد آب و هوایی به تهران آمده و در دفتر مرکزی کارخانه مقیم شدند که هم از بابت تامین هزینه‌های کرایه اتومبیل و خورد و خوراک دچار مشکل بودند و هم از نظر پوشش در برابر سرما و محل اقامت و اسکان سرپناه مناسبی نداشتند.
وی گفت: هر چند در نهایت کارگران نساجی مازندران چاره‌ای جز پذیرش وعده نمایندگان مجلس و بازگشت به شهر خود نداشتند اما چنانچه این بار نیز در موعد مقرر هیچ گام مثبت و قابل توجهی در خصوص بازگشایی کارخانه و پرداخت مطالبات کارگران برداشته نشود کارگران به همراه خانواده‌های خود عازم تهران خواهند شد.

گفتند برگردید و تا آخر آذر صبر کنید

نماینده کارگران نساجی مازندران با یادآوری اینکه در جریان این تجمع حدود ۲۰۰ نفر به نمایندگی از کارگران شاغل و بازنشسته نساجی مازندران در روزهای سه شنبه و چهارشنبه هفته گذشته در مقابل نهاد ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی تجمع کردند، گفت: به دنبال این تجمع روز چهارشنبه جمعی از نمایندگان مجلس از جمله نایب رئیس مجلس، رئیس فراکسیون کارگری مجلس، یکی از اعضای کمسیون صنایع و یکی از نمایندگان

قائمشهر در مجلس با تجمع کنندگان دیدار کرده و از آن‌ها خواستند تا برای بازگشایی کارخانه و دریافت مطالبات خود تا پایان آذر ماه صبر کنند.

به گفته ابراهیمی یک روز پیش از این نیز کارگران یاد شده در اقدامی مشابه در مقابل نهاد ریاست جمهوری تجمع کرده بودند، گفت: به دنبال این تجمع نهاد ریاست جمهوری به کارگران وعده رسیدگی داده بود.
وی گفت: قرار بود مرکز رسیدگی به شکایات مردمی نهاد ریاست جمهوری در خصوص اعتراض و خواسته‌های کارگرن نساجی مازندران جلسه‌ای را تشکیل دهد که به در پی افزایش آلودگی هوای پایتخت و اعلام تعطیلی دو روزه این شهر نتیجه این جلسه برای کارگران معترض نامعلوم ماند.

آمدیم به تهران چون کسی پاسخگو نبود

تجمع اعتراضی هفته گذشته کارگران نساجی مازندران در تهران پس از آن برگذار شد که نماینده کارفرمای خارجی این کارخانه نتوانست به هیچ کدام از تعهدات خود عمل کند.
پیش‌تر به دنبال تجمع اعتراضی مشابهی که اواخر ماه گذشته در تهران و توسط همین کارگران برگذار شده بود، نماینده کارفرمای خارجی کارخانه نساجی مازندران در حضور جمعی از مقامات و مسئولان استانی و کشوری متعهد شده بود که تا روز ۱۰ آذرماه علاوه بر بازگشایی کارخانه، حدود ۲ میلیارد تومان از مطالبات معوقه کارگران را نیز پرداخت کند.
همچنین به موجب این توافق دولت نیز متعهد شده بود تا درصورت اجرایی شدن وعده کافرما، بابت پرداخت باقیمانده طلب کارگران مبلغ سه میلیارد تومان تسهیلات در اختیار کارفرما بگذارد.
بنا بر ادعای کارگران نساجی مازندران که تا کنون حجم مطالبات معوقه آن‌ها به ۲۸ ماه رسیده است، با گذشت نزدیک به یک هفته از موعد مقرر هنوز نماینده کارفرما به وعده خود عمل نکرده است.

ابراهیمی، نماینده منتخب کارگران نساجی مازندران در این باره می‌گوید: حتی مسئولانی که در جریان توافق یاد شده قرار داشتند نمی‌دانستند که چرا نماینده کافرمای خارجی به تعهدات خود عمل نکرده است.

وی بابیان اینکه کارگران نساجی مازندران هفته گذشته زمانی به تهران آمدند که هیچ مقام مسئولی پاسخگوی برآورده نشدن مطالبات آن‌ها نبود، گفت: هرچند سفر دو روزه این کارگران به تهران موجب دلخوری برخی شد اما واقعیت این است که برای کارگران نساجی مازندران راهی به غیر مراجعه نمانده است.

کارگران صدقه گیر شده‌اند

این فعال کارگری گفت: کارگران نساجی مازندران خواهان بازگشایی کارخانه، دریافت مطالبات معوقه خود و واگذاری اداره و مالکیت کارخانه به دولت هستند.

منتخب کارگران نساجی مازندران در تشریح وضعیت این کارگران گفت: حدود ۸۰۰ کارگر کارخانه نساجی مازندران ۲۸ ماه حقوق و مزایای معوقه طلبکار هستند، خوشبختانه برخی از این کارگزان به موقع بازنشسته شده‌اند و تنها بابت سنوات و حقوق پرداخت نشده طالبکار هستند اما سایر کارگران که آن‌ها نیز بابت حقوق معوقه از کارفرما طلبکار هستند، نه می‌توانند به کار خود ادامه دهند و نه می‌توانند بازنشسته شوند.
وی ادامه داد نتیجه این وضعیت باعث شده تا برای خانواده‌های کارگران نساجی مازندران گرفتاری‌های متعدد اقتصادی-اجتماعی رخ بدهد.
به گفته کارگران نساجی مازندران هم اکنون مسئله تامین معاش انقدر برای آن‌ها و

همکارانشان مهم و حیاتی است که به دنبال تعطیلی کارخانه، برخی از کارگران مجبور شده‌اند تا از محل وجوهات شرعی اقوام و خویشان خود مانند صدقه و کفاره گذران زندگی کنند.

کارگران مدیریت دولتی را ترجیح می‌دهند

این کارگران در جریان تجمعات اخیر خود علاوه بر آنکه خواستار بازگشایی کارخانه و پرداخت مطالبات قانونی خود شده‌اند، موضع خلع ید کارفرمای خارجی را نیز خواستار شده‌اند.

نصر الله دریابیگی دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران نیز که از قبل در جریان مشکلات کارگران کارخانه نساجی مازندران قرار دارد به خبرنگار ایلنا گفت: بهتر است مسئولان هرچه زودتر مطالبات قانونی کارگران این کارخانه را برآورده کنند.

وی بایادآوری اینکه کارخانه نساجی مازندران زمانی سنبل توسعه و پیشرفت استان مازندران تلقی می‌شد گفت: در سالهای قبل از انقلاب فعالیت این کارخانه آنقدر رونق داشت که حداقل ۶ هزار کارگران در نقاط مختلف مازندران برای این کارخانه کار می‌کردند.
این فعال کارگری با بیان اینکه بعد از انقلاب در نتیجه اشتباه مدیران دولتی این کارخانه به مرور دچار بحران شد گفت: هرچند وضع امروز نتیجه ناکارآمدی مدیران دولتی است اما چون برای کارگران نساجی مازندران بی‌کفایتی سرمایه گذار خارجی محرض شده است کارگران نظارت دولت را بر وضعیت کنونی ترجیح می‌دهند.
حدود سه سال پیش کارخانه نساجی مازندران از سوی دولت به یک سرمایه گذار خارجی که داری تابعیت کشور ترکیه بود واگذار شد، با وجود آنکه این سرمایه گذار نوسازی کارخانه و افزایش فرصتهای شغلی از جمله تعهدات کارفرمای جدید بود اما در نهایت این کارخانه تعطیل و کارگران آن بدون دریافت مطالبت معوقه خود بیکار شدند.
کارگران نساجی مازندران به استناد اسناد موجود می‌گویند: کارخانه در شرایطی تعطیل شده است که بانک ملی بابت خرید ماشین‌آلات جدید و مدرن تسهیلاتی ارزی میلیاردی در اختیار مالک جدید قرار داده است.

تجمع اعتراضی کامیون داران در مقابل مجلس

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 اسفند 91 آمده است : تعدادی از کامیون داران در اعتراض به عدم تحویل خودروهای جدیدشان در مقابل مجلس شورای اسلامی تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، تعدادی از کامیون دارانی که کامیون‌های فرسوده خود را به منظور تعویض با کامیون‌های جدید به ایران خودرو سپرده بودند، در اعتراض به تحویل نگرفتن کامیون‌های جدید در مقابل مجلس تجمع کردند

مروری بر ایلنای کارگری در سال ۹۱
دولت؛ کارگردان نمایش تعیین دستمزد

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 اسفند 91 آمده است : حداقل مزد ۹۲ در حالی به میزان ۴۸۷ هزار و ۱۲۵ تومان تصویب شد که از مدت‌ها پیش ذکر شده بود ترکیب شورای عالی کار به صورتی چیده شده است که امکان دفاع از حقوق کارگران، چانه زنی و مقاومت بر خواسته‌های آنان از سوی نمایندگان کارگری این شورا وجود ندارد. گروه کارگری ایلنا چند روز پیش از تصویب حداقل مزد ۹۲ در شورای عالی کار با طرح این موضوع نسبت به تعیین مزد ناعادلانه هشدار داده بود.

در این گزارش تاکید شده است نقش نمایندگان کارگری که باید با چانه زنی از حقوق کارگران دفاع کنند به گروهی مشورتی تقلیل داده شده است و هر گونه تصمیمی که گروه کارفرمایی و دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرمای کشور می‌گیرند به عنوان نتیجهٔ نهایی جلسات این شورا اعلام می‌شود. مرور دوبارهٔ این گزارش بدون شک خالی از لطف نیست:

نمایندگان کارگری و کارفرمایی شورای عالی کار معتقدند با حضور ۵ نماینده از سوی دولت و وجود تنها ۳ نماینده از جانب هر کدام از شرکای اجتماعی (کارگران و کارفرمایان) در شورای عالی کار، تصمیم نهایی در خصوص دستمزد به عهده دولت است.

به گزارش ایلنا، شورای عالی کار همه ساله در اسفند ماه با حضور نمایندگان کارگری، کارفرمایی و دولت تشکیل جلسه می‌دهد تا با انجام مذاکراتی در مورد حداقل دستمزد سال آتی، میزان آن را مشخص کنند.

مطابق ماده ۱۶۷ قانون کار، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به عنوان رئیس شورای عالی کار مشخص شده است. همچنین دو نفر از افراد بصیر و مطلع در مسائل اجتماعی و اقتصادی به پیشنهاد وی و تصویب هیات دولت، سه نفر از نمایندگان کارفرمایان و سه نفر از نمایندگان کارگران در این شورا حضور دارند.

از دست رفتن سه جانبه گرایی در شورای عالی کار و بی‌تاثیر شدن حضور یا عدم حضور نمایندگان گروه کارگری در این شورا به موجب قوانین مصوب مجلس (ماده هشت قانون نظام جامع رفاه و تامین اجتماعی و تبصره سه ماده ۱۸ قانون اصلاح قوانین و مقررات موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران) که ۲ نفر دیگر از سوی دولت را به اعضای شورای عالی کار اضافه کرده نگرانی جامعه کارگری را بر انگیخته است.

شورایی که دیگر شورا نیست

با افزایش ۲ نفر به ترکیب سه نفره گروه دولتی شورای عالی کار و ثابت ماندن تعداد آرای کارگران و کارفرمایان، دولت در مصوبات این شورا از جمله دستمزد دارای بیشترین رای است.

در همین رابطه محمد احمدی عضو کارگری شورای عالی کار حضور ۵ نماینده از سوی دولت در این شورا را با «روح سه جانبه‌گرایی در قانون کار» متضاد می‌داند و می‌گوید: در این شرایط، حضور یا عدم حضور گروه کارگری در جلسات شورای عالی کار تاثیری بر رسمیت یافتن جلسه و روند تصویب دستمزد ندارد.

همچنین حسین سلاح ورزی از فعالان جامعه کارفرمایی کشور نیز معتقد است: حضور ۵ نماینده از سوی دولت در شورای عالی کار روند مذاکرات را تحت الشعاع خود قرار داده است.

در حالی که ۱۱ نفر عضو رسمی در شورای عالی کار حضور دارند، جلسات این شورا مطابق آیین نامهٔ مصوب هیئت دولت با ۷ نفر رسمیت می‌یابد. در این صورت عدم حضور ۳ نمایندهٔ کارگری در شورا، تاثیری بر رسمیت یافتن جلسه نخواهد داشت.

همچنین ابزارهای اعتراضی کارگران از جمله ترک جلسه به روند مذاکرات و عدم امضای مصوبهٔ دستمزد از سوی نمایندگان کارگری بی‌تاثیر شده و بدان معناست که موافقت یا عدم موافقت نمایندگان کارگری با مبلغی که در نهایت به عنوان حداقل دستمزد تعیین می‌شود تفاوتی نمی‌کند و دولت کارگردان مطلق شورایی نمایشی شده است.

رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور که در به عنوان عضو ناظر، در صدر نمایندگان کارگری مذاکره کننده در شورای عالی کار قرار دارد، عدم حضور نمایندگان کارگری در

این شورا یا ترک جلسه از سوی آنان به نشانه اعتراض به روند تصویب دستمزد را «غیر مـوثر» می‌خواند و می‌گوید: هرگونه اقدام به ترک جلسه یا خوداری از امضـای مصـوبه شـورای عـالی کار از سوی هرکدام از شرکای کارگری و یا کارفرمایی تنها جنبه نمادین داشته و فاقد کارایی و بازدارندگی قانونی است.

علی بیگی تغییرات ایجاد شده در آیین نـامهٔ شـورای عـالی کـار را به سـال 86، زمـانی ارجـاع می‌دهد که نمایندگان کارگری برای اولین بار مصوبهٔ دستمزد را به نشانهٔ اعتراض امضا نکردند.

اما نکته‌ای که وی توضیح نمی‌دهد چرایی عدم ارجاع این مسئله از سوی تشکل‌های رسمی کارگری به نهادهای نظارتی وقضایی از جمله دیوان عدالت ادرای است.

نقش مشورتی نمایندگان کارگری

در شرایطی که وصف آن رفت، قدرت شورایی که تصمیماتش بـر روی زنـدگی میلیون‌هـا کـارگر تاثیر می‌گذارد به گونه‌ای تقسیم شده که نقش نماینـدگان کـارگری در حـد گروهـی مشـورتی تقلیل یافته است.

دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرمای کشور تبدیل به پدری شده است کـه از دو گـروه کـارگری و کارفرمایی حاضر در جلسات شورای عالی کار انتظار تبعیت دارد.

به نظر می‌رسد نمایندگان کارگری که قرار بوده است با چانه زنـی و سـایر ابزارهـای قـانونی از جمله شکایت به دیوان عدالت اداری، ماده ۱۴۱ قانون کـار و... از حقـوق جـامعه کـارگری دفـاع کنند کمترین نقش را در شورایی که تصمیماتش بیشـترین تـاثیر را بـر زنـدگی میلیون‌هـا کـارگر دارد بازی می‌کنند.

پایان پیام

تمسخر مطالبه کارگران در روند تعیین مزد سال ۹۲

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 اسفند 91 آمده است : جمعی از فعالان مستقل صنفی «فلزکار و مکانیک» با انتشار بیانیه‌ای نسبت به افزایش ناچیز دستمزدها برای سال ۹۲ اعتراض کردند.
به گزارش ایلنا، در این بیانیه کارگران فلزکار و مکانیک با تاکید بر اینکه «درسال جاری گرانی هر روزه، امان کارگران را بریده و سفره‌های ما هر روز خالی‌تر از روز قبل می‌شود»، یادآور شده‌اند: طی ۳ ماه گذشته با افزایش قیمت ارز نیمی از قدرت خریدمان به جیب دلالان رفت و ۳ درصد ارزش افزوده کالاها به ما تحمیل شد.
این کارگران در بیانیه خود با بیان اینکه «حداقل مزد سال آینده ۲ برابر از خط فقری که توسط منابع دولتی اعلام می‌شود کمتر است»، می‌افزایند: «با نرخی کمتر از نرخ تورم رسمی امسال، برای سال بعد حقوق تعیین می‌کنند، یعنی حداقل حقوق اعلام شده توسط شورای عالی کار، همیشه یکسال عقب‌تر از تورم سال بعد است».
نویسندگان این بیانه همچنین در خصوص مصوبه دستمزد شورای عالی کار، نوشته‌اند: «این افزایش حقوق از طرف شورای عالی کار، بی‌اعتنایی به خواسته‌های جامعه کارگری و خانواده‌های شریف زحمتکشان است».
به باور کارگران عضو در سندیکای فلزکار و مکانیك، دولت (به عنوان بزرگ‌ترین کارفرما) و کارفرمایان بخش خصوصی طبق دستورات صندوق بین المللی پول بر سر افزایش ۲۵ درصدی مزد سال ۹۲ بایکدیگر توافق کرده‌اند.
فعالان صنفی فلزکار و مکانیک در این بیانیه می‌افزایند: «به سخره گرفتن خواسته‌های طبقه کارگر در حالی صورت می‌گیرد که بیش از ۳۰ هزارامضای اعتراضی به وضعیت معیشتی

خانواده‌های کارگری ومشکلات زحمتکشان به مجلس و وزارت کار برده شد و ۲ هزارامضای اعتراضی دیگر نیز ازطرف کارگران شرکت واحد به وزارت کار داده شده است».
این کارگران همچنین با انتقاد از اظهارت سرپرست وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی در خصوص نحوه افزایش مزد سال ۹۲ می‌افزایند: در این میان توجیهات آقای عباسی رییس شورای عالی کار مبنی بر اینکه «اگر با تورم امسال برای سال بعد حقوق تعیین می‌کنیم، برای این است که ممکن است درسال آینده اصلا تورم نداشته باشیم» بسیار توهین آمیز است.
در خاتمه این بیانیه بر ضرورت اتحاد بیشتر کارگران، تشکیل نهادهای مستقل صنفی کارگری و ایجاد و تقویت تعاونی‌های مصرف کارگری تاکید شده است.

کارگران کاشی گیلانا مقابل فرمانداری رودبار تجمع کردند

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 اسفند 91 آمده است : کارگران کارخانه کاشی گیلانا در اعتراض به عدم پرداخت ۷ ماه از دستمزد خود مقابل فرمانداری شهرستان رودبار تجمع کردند.
به گزارش خبرنگار ایلنا از رودبار، ۲۰۵ کارگر و ۵ راننده کارخانه کاشی گیلانا در اعتراض به عدم دریافت ۷ ماه دستمزد و عیدی سالجاری خود و همچنین تحقق نیافتن وعده مسئولین مقابل فرمانداری رودبار تجمع کردند.
کارگران این کارخانه پیش از این هم در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق خود در مقابل فرمانداری رودبار تجمع کرده بودند که با وعده رفع مشکل از سوی مسئولان استانی به کار خود بازگشتند.
گفتنی است، کارگران کارخانه کاشی گیلانا برای شرکت در این تجمع فاصله ۶ کیلومتری از محل کارخانه (واقع در شهر منجیل) تا شهر رودبار را با پای پیاده پیموده‌اند.

در سال 91 هرروز 5 کارگر در حواث کار جان داده اند

به نوشته سایت خبرگزاری دولتی کار ایران - ایلنا در 28 اسفند 91 آمده است : در سال ۹۱، حوادث دلخراشی هنگام کار برای کارگران رخ داد که پي‌گیری این حوادث بخش مهمی از اخبار بخش کارگری ایلنا را به خود اختصاص داد. حادثهٔ مرگ ۸ کارگر معدن در طبس، اوج اینگونه حوادث بود که دل هر انسانی را به درد مي‌آورد. تعدد و تکرار چندبارهٔ این حوادث در بازهٔ زمانی کوتاه، گروه کارگری ایلنا را بر آن داشت تا با استفاده از آمارهای منتشر شده از سوی نهادهای قانونی به ریشه یابی چنین حوادث تاسف باری بپردازد.
این گزارش که پس از حادثهٔ مرگ ۸ کارگر معدن در طبس به نگارش در آمد با اشاره به مرگ خاموش کارگران در ایران از مرگ روزانهٔ ۵ کارگر خبر مي‌دهد که رقمی فاجعه بار است. مرور این گزارش بدون شک خالی از لطف نیست:
مرگ ۸ کارگر معدن در طبس، احساسات بسیاری از ایرانیان را جریحه دار کرد، این در حالی است که طبق گزارش رسمی سازمان پزشکی قانونی که یک روز قبل از وقوع این فاجعه منتشر شد، روزانه پنج کارگر در سراسر ایران بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست مي‌دهند. با این آگاهی پرسشی که بار دیگر در اذهان همهٔ ما تکرار شد این است که حوادث شغلی تا چه زمانی قرار است از میان سخت‌گوش‌ترین مردم این سرزمین روزانه به اندازه یک فاجعه انسانی تمام عیار قربانی بگیرند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، سازمان پزشکی قانونی در روز ۲۷ آذرماه جاري، از کشته شدن یک هزار و ۱۰۱ نفر در جریان حوادث کار در هفت ماه نخست سال ۹۱ خبر داده که این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۲ درصد رشد داشته است.
براساس رتبه بندی سازمان پزشکی قانوني، سقوط از بلندی با ۴۵۶ قرباني، اصابت اجسام سخت با ۲۳۶ قرباني، برق‌گرفتگی با ۱۷۳ قربانی و سوختگی و کمبود اکسیژن به ترتیب با ۶۴ و ۳۲ قربانی به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم مرگ آورترین حوادث حین کار را به خود اختصاص داده‌اند.

آمار منتشر شده از سوی پزشکی قانونی و یک محاسبهٔ سر انگشتی به ما نشان مي‌دهد که روزانه ۵ کارگر، جان خود را در حوادث حین کار از دست مي‌دهند. از این میان، روزانه ۲ کارگر تنها به دلیل سقوط از بلندي، یک کارگر روزانه بر اثر اصابت جسم سخت و ۲ کارگر دیگر به دلایل مختلف از جمله برق‌گرفتگي، سوختگی و کمبود اکسیژن و... جان مي‌بازند.
با نگاهی به آمار فوق با نگاهی به آمار رسمی در مي‌یابیم که حادثهٔ انفجار معدن یال شمالی در طبس " علي‌رغم اندوهبار بودن" اتفاق جدیدی نیست و این فاجعه روزانه برای کارگران ایران رخ مي‌دهد. اما به دلیل بي‌توجهی افکار عمومی و رسانه‌ها در میان تلی از اخبار به مراتب کم‌اهمیت‌تر به دست فراموشی سپرده مي‌شوند.

مرگ خاموش کارگران
با نگاهی گذرا به اخبار بخش سایت دولتی کار ایران - ایلنا در مي‌یابیم که تنها ظرف هفته گذشته، شش خبر رسمی از مرگ و مصدومیت شدید کارگران ساختماني، تنها بر اثر سقوط از «چاه آسانسور» شده است که بدیهی است انتشار این تعداد خبر رسمی - از خیل وقایعی که هیچ‌گاه به سطح رسانه نمي‌رسند - بر اثر حوادثی مشابه نشان از مرگ خاموش کارگرانی دارد که برای تامین معیشت خود و خانواده‌شان، مجبور هستند به کار در هر شرایطی تن دهند.
در این گزارش‌های که عمدتا از طریق منابع رسمی در اختیار ایلنا قرار مي‌گیرند حتی به اسم قربانیان نیز اشاره نمي‌شود و تنها با ذکر عنوان شغلی قربانیان از مرگ آنان خبر مي‌دهند که این موضوع نشان از مظلومیت قشری دارد که بار اصلی تولید کشور را بر عهده دارند.
شاید دلیل ضمنی عدم ذکر اسامی کارگرانی که قربانی حوادث حین کار مي‌شوند کاستن از ابعاد وحشتناک حادثه‌ای باشد که در کشورمان در حال وقوع است و کارگران از آن با نام مرگ خاموش یاد مي‌کنند. چه بسا توجه به این حوادث و بر انگیخته شدن احساسات عمومی جامعه، عزمی جدی را در مسئولان ایجاد کند تا برای حل این معضل، چاره‌ای بیندیشند.

لزوم تامین امنیت محیط کار
عواملی همچون فقدان حداقل آموزش به کارگران، فقدان امکانات ایمنی و بهداشتي، ساعت کار طولانی و متعاقبا خستگی مفرط و پایین آمدن تمرکز در حین کار، عدم امنیت شغلی تنها چند مورد از دلایلی است که مرگ خاموش کارگران رقم مي‌زند.
همچنین به رسمیت شناختن تشکل‌های مستقل کارگری و ایجاد فضای باز برای فعالیت کنش‌گران مستقل کارگری منجر به آن خواهد شد تا مسئولان - اگر عزمی برای حل معضلات کارگران در آن‌ها وجود داشته باشد - مشکلات را بهتر ببینند و صدای اعتراض کارگران بشنوند.
به نظر مي‌رسد قدم اول برای جلوگیری از این فجایع، تقویب بازرسی برای تامین امنیت محیط کار است که هر روز باعث وقوع یک فاجعه انسانی مي‌شود.

نهمین روز تجمع خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی در شهر سنندج

برپایه خبر رسیده به روزشمار کارگری آمده استکه ؛ روز دوشنبه 28 اسفند 91 جمع کثیری از خانواده‌های بازداشت شدگان ۱۷ اسفند در دوازدهمین روز از بلاتکلیفی عزیزانشان از ساعات ۹. ۳۰ در مقابل اداره اطلاعات تجمع کردند. طبق روال روزهای گذشته نیروهای امنیتی در همان ساعات اولیه در محل تجمع حاضر شدند. در میان حاضرین یک نفر که از طرف جمع به عنوان نماینده انتخاب شده بود و روز قبل به او وعده ملاقات با استاندار داده بودند به استانداری مراجعه کرد اما متاسفانه از طرف معاون استاندار با پاسخ‌هایی همچون «استاندار اینجا نیست واین پرونده باید مراحل قانونی خود را طی کند» روبرو شد. این تجمع تا ساعت ۱ ظهر ادامه پیدا کرد سپس معترضین محل را ترک کردند.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۲۸ اسفند ۱۳۹

منصور اسانلو: سخن سال نو

بر پایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده استکه ؛ برای من، به عنوان فعالی که سال‌ها در راه احقاق حقوق همکاران خود در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و سندیکای کارگران شرکت واحد تلاش کرده‌ام، موجب اندوه است که نوروز امسال را دور از وطنم و همکاران و همراهانم در این تلاش و خویشان و عزیزانم در ایران می‌گذرانم.
چنان که پیش از این شرح داده‌ام شرایط بسیار دشوار ادامه فعالیت در ایران و دورنمای اقدامات غیر قانونی مقام‌های امنیتی که، عملا امکان ادامه زندگی در ایران را از من سلب می‌کرد، سبب شد تا ایران را ترک کنم و تلاش‌های خود را در شرایطی تازه ادامه دهم.
اکنون لازم می‌دانم با بهره گیری از این فرصت برای تبریک فرارسیدن سال نو و بهار به همه دوستان و عزیزانی که یار و یاور من بوده‌اند و به ویژه به کارگران عزیز بار دیگر اعلام کنم که به عنوان زبانی برای بازگویی وضعیتی که بر کارگران ایران می‌گذرد، همچنان به تلاش خود ادامه خواهم داد.
متاسفانه چند هفته پیش، هنگامی که برای شرح خروج خود از ایران با یکی از رسانه‌ها یعنی تلویزیون رها گفت‌وگو کردم، توضیحات این رسانه پس از گفت‌وگوی من این تصور را ایجاد کرد که من برای ادامه فعالیت به یک گروه یا تشکیلات خاص پیوسته‌ام. از این رو ضروری می‌دانم یادآور شوم، مطالبی که پیرامون پیوستن اینجانب به تشکیلات وابسته به این تلویزیون و صاحب امتیاز آن به عنوان یک سازمان سیاسی منتشر شد، از نظر شخص من نتیجهٔ سوءتفاهم در طی گفت‌وگوهای مربوط به مصاحبه بوده است. همچنین تاکید می‌کنم که من هیچ گونه وابستگی و پیوستگی به هیچ حزب و تشکیلات سیاسی و رسانه‌ای ندارم.
امیدوارم سالِ پیش رو سالی باشد برای سخن گفتن بیشتر پیرامون آینده جنبش کارگران و زحمتکشان ایران و نقش و تاثیر گذاری سندیکاها و دیگر تشکل‌های کارگری آزاد، مستقل و دموکراتیک از جمله تشکیل فدراسیون‌های دموکراتیک سراسری کارگران و سهمی که در تقویت جنبش آزادی و عدالت خواهی مردم ایران دارد.
منصور اسانلو
۲۹/۲۱/۱۲۱۳۹۱

بازداشت سید غالب حسینی فعال کارگری و عضو کمیتهٔ هماهنگی

به گزارش رسیده، به روز شمار کارگری آمده استکه ؛ امروز ۲۹ اسفند ساعت ۱۲ ظهر سید غالب حسینی فعال کارگری و عضو کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری در شهر سنندج، توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در محل کارش دستگیر شد.
نام برده در آستانه ۸ مارس و همچنین بعد از دستگیری ۶ فعال کارگری در ۱۷ اسفند چندین بار تلفنی توسط نیروهای امنیتی تهدید شده بود و نیروهای اطلاعات از وی خواسته بودند که خود را به ستاد خبری معرفی کند. همچنین در پی عدم پاسخگویی نیروهای اطلاعاتی به خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی، خانواده‌ها اعلام کرده‌اند که سفرهٔ هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری شهر سنندج برپا خواهند کرد و بدینگونه در زمان تحویل سال در کنار عزیزانشان خوهند بود.
کمیتهٔ هماهنگی ضمن محکوم کردن دستگیری سید غالب حسینی، خواهان آزادی فوری و بی‌قید و شرط نام برده و بهزاد فرج الهی، وفا قادری، سید خالد حسینی، حامد محمودنژاد و علی آزادی اعضای کمیته هماهنگی در شهر سنندج و شریف ساعد پناه فعال کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران و سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی دربند می‌باشد.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری-۲۹ اسفند ۱۳۹۱

جای کارگران در زندان نیست!

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه ؛ کارگران و مردم آزادیخواه!
اخیراً دور تازه‌ای از احضار، بازداشت و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری تشدید شده است. ۷ تن از فعالین کارگری به نامهای خالد حسینی، وفا قادری، علی آزادی، غالب حسینی، بهزاد فرج الهی و حامد محمود نزاد از اعضای کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد

تشکل‌های کارگری و شریف ساعدپناه عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران دستگیر و زندانی شده‌اند و تعدادی دیگر از فعالین کارگری تهدید یا احضار شده‌اند. این تهدید و ارعاب و دستگیری‌ها در حالی است که محمد جراحی، فریبرز رئیس دانا، شاهرخ زمانی، پدرام نصرالهی، رسول بداغی، عبدالرضا قنبری و بسیاری دیگر از فعالین کارگری و سیاسی همچنان در زندان به سر می‌برند.
فعالین کارگری در شرایطی بازداشت و محاکمه می‌شوند که قشر فرودست و زحمتکش از نظر درآمد در شرایط اسفباری به سر می‌برند و هرروزی که می‌گذرد قدرت خرید طبقه کارگر پائین می‌آید و امید به زندگی را از دست می‌دهند. در چنین شرایطی کارگران و فعالین کارگری برای دفاع از مطالبات و حقوق از دست رفته خود راهی جز ایجاد تشکل مستقل کارگری ندارند. آیا سزاوار است کارگران و فعالین کارگری که چرخ اقتصاد کشور را به چرخش در می‌آورند در آستانه عید نوروز به خاطر حق خواهی و درخواست یک زندگی شرافتمندانه زندانی شوند و خانواده و فرزندان این زحمتکشان را چشم انتظار گذاشت؟ جای این زحمتکشان در زندان نیست بلکه آن‌ها باید در آستانه عید نوروز در کنار خانواده، همکاران و هم طبقه‌ای‌های خود قرار بگیرند. من و هم طبقه‌ای‌هایم برای دفاع از کارگران زندانی ساکت نخواهیم نشست و بازداشت و زندانی و محکوم کردن کارگران را محکوم می‌کنیم.
کارگران، تشکل‌های کارگری و نهادهای اجتماعی و حقوق بشری داخلی و خارجی!
از شما می‌خواهم نسبت به سرنوشت کارگران زندانی بی‌تفاوت نباشید و از هر طریق ممکن به ادامه بازداشت آن‌ها اعتراض و خواستاری آزادی همه کارگران زندانی باشند.
رضا شهابی
عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
۲۹ اسفند ۱۳۹۱

اطلاعیه شماره ۲- خانواده‌های ۶ فعال کارگری بازداشتی در شهر سنندج

کارگران، مردم آزادیخواه وبرابری طلب، تشکل‌های کارگری در ایران و سراسر جهان!
همانگونه که مطلع هستید ۵ تن از فعالین کارگری عضو کمیتهٔ هماهنگی در آستانه روز جهانی زن (۸ مارس) در روز ۱۷ اسفند در خانه‌ها و محل کارشان با هجوم نیروهای لباس شخصی دستگیر و تاکنون در اداره اطلاعات در بازداشت به سر می‌برند؛ ۲ روز بعد با هجومی دیگر شریف ساعد پناه فعال کارگری وعضو اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز دستگیر شد. هم اکنون نزدیک به دو هفته از بازداشت همسران و فرزندان ما می‌گذرد.
آنان به چه جرمی مورد غضب حافظان سرمایه قرار گرفته‌اند؟ عزیزان ما به نابرابری‌های اجتماعی معترضند. از حقوق کارگران دفاع می‌کنند، به دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر معترضند. آن‌ها خواهان یک زندگی انسانی برای تولیدکنندگان تمام ثروت‌های بشری هستند. آن‌ها می‌گویند همه امکانات جامعه حاصل کار و رنج ما کارگران است ولی چرا ما همیشه در سختی به سر می‌بریم. آن‌ها خواهان امنیت شغلی برای کارگران هستند. خواهان بیمه بی‌کاری برای کارگران آماده به کارند. خواهان بیمه زنان خانه دار هستند و خواهان تعیین دستمزد به تناسب نرخ تورم هستند. در حالی که تورم به روز شده است چرا باید حقوق کارگران ثابت و چند برابر زیر خط فقر باشد. آیا دفاع از خواست و مطالبات بر حق کارگران جرم است. عزیزان ما به غیر از دفاع از خواست ومطالبات برحق کارگران هیچ جرمی مرتکب نشده‌اند. اکنون بار دیگر ما خانواده‌های ۶ فعال کارگری بازداشتی علی آزادی، حامد محمودنژاد، شریف ساعد پناه، سید خالد حسینی، وفا قادری و بهزاد فرج الهی از کارگران و مردم زحمتکش و تشکلهای کارگری و نهادهای مردمی و به خصوص مردم شهر سنندج در خواست می‌کنیم به هر صورت که در توان دارند و به هر شیوی ممکن ما را در جهت آزادی عزیزانمان یاری کنند.
خانواده‌های ۶ فعال کارگری بازداشتی در سنندج- ۲۹ اسفند ۱۳۹۱

بهار آمد نبود اما حیاتی!

بر پایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری آمده استکه ؛ فرا رسیدن بهار می‌تواند آغازی نو در مسیر ساختن یک زندگی بهتر باشد؛ آغازی برای ترک زشتی‌ها و عادات بد و شروعی تازه برای یک زندگی انسانی همراه با آسایش و رفاه برای تمام جامعه و نه تنها برای درصد کمی از آن. پس به استقبال نوروز می‌رویم، برای با هم بودن، بهتر بودن و بهتر زیستن.
هموطنان عزیز! نوروز در حالی فرا می‌رسد که سال گذشته سالی پرفراز و نشیب برای اکثریت زحمتکش جامعه بود؛ مردم در شرایط سخت اقتصادی و معیشتی، تورم افسارگسیخته، نداری و بیکاری سال را به آخر رساندند! از صمیم قلب امیدوارم در سال جدید با اتحاد و همبستگی طبقاتی بتوانیم گامی در مسیر زدودن تاریکی‌ها و ناعدالتی‌ها برداریم و زندگی بهتری برای فرزندانمان - که آینده متعلق به آنهاست - بسازیم.
سال نو و عید نوروز را به عموم کارگران، زنان و مردان آزادیخواه و عدالت طلب ایران، افغانستان و دیگر کشورهای منطقه که نوروز را جشن می‌گیرند و هم طبقه‌ای‌هایمان در سراسر جهان و همچنین به همکاران عزیزم در سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه و نیز معلمان، پرستاران، دانشجویان، زنان و مادران داغ دیده، شخصیت‌های مردمی و کلیه کارگران زندانی، زندانیان سیاسی و خانواده‌های آنان شادباش می‌گویم و آرزو می‌کنم که سال جدید عالیترین و شایسته‌ترین دستاوردها را برای همه این عزیزان به همراه داشته باشد.
نوروز ۱۳۹۲
رضا شهابی
عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

عیدی روزنامه دولت به کارکنان خود: بیکاری در شب عید!

برپایه مطلب رسیده به روز شمار کارگری آمده استکه ؛ ناشر روزنامه ایران متعلق به خبرگزاری دولتی ایرنا نوشته است : در حالی ۱۳۰ نفر از نیروهای خود را تعدیل کرده است که ایرنا، در اطلاعیه‌ای که ۲۸ اسفند در روزنامه ایران چاپ شده، فراخوان استخدام داده است.
نکته تأمل برانگیز که این آگهی، در آخرین روز کاری سال ۹۱ منتشر شده و مهلت ثبت نام در آن، ۱۵ فرودین ۹۲، یعنی پایان تعطیلات است (!)
به گزارش عصر ایران، موسسه فرهنگی مطبوعاتی «ایران» ناشر روزنامه‌های ایران، ایران دیلی، ایران ورزشی و... دیروز یکشنبه بدون اطلاع قبلی ۱۳۰ نفر از کارکنان خود را به بهانه نیروی مازاد بودن، تعدیل و از تمدید قرارداد با آن‌ها خودداری کرده است.
این افراد که بخش زیادی از آن‌ها دارای سابقه کار تا ۱۲ سال هستند شامل تمدید قرارداد نشده‌اند.
همچنین با وجود تکذیب مدیران موسسه و روزنامه ایران اما موضوع اخراج کارکنان این موسسه واقعیت دارد.
موسسه ایران برای جلوگیری از تبعات این اقدام خود، به بخشی از کارکنان اخراجی معرفی نامه‌هایی برای روزنامه شهروند ارائه کرده است.
در این معرفی نامه‌ها از مدیران روزنامه شهروند خواسته شده است در صورت صلاحدید، این افراد در این روزنامه مشغول کار شوند در حالی که مدیران روزنامه شهروند به صراحت به نیروهای اخراجی روزنامه ایران گفته‌اند که نیازی به نیروی جدید ندارند.
روزنامه شهروند به صاحب امتیازی جمعیت هلال احمر انتشار خود را به تازگی آغاز کرده است.
افراد تعدیل شده در موسسه ایران در بخش‌های مختلف از جمله تحریریه روزنامه‌های ایران، ایران ورزشی، ایران دیلی، ایران زمین، نگهبانی، حروفچینی، صفحه بندی، خدمات، فنی و مجلات جانبی فعالیت می‌کردند.
صاحب امتیاز روزنامه ایران که در سال نوزدهم انتشار خود قرار دارد خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) است. روزنامه ایران به عنوان ارگان دولت به شمار می‌آید.
روزنامه شرق هم به نقل از یکی از کارکنان موسسه ایران، تعداد افراد اخراجی از این موسسه را ۱۳۵ نفر از اعضای تحریریه و دست‌اندرکاران فنی موسسه ایران اعلام کرد.
یکی از اعضای تحریریه روزنامه ایران با اعلام این خبر به روزنامه شرق نیز گفته است: روز

یکشنبه با حضور در روزنامه قبل از ورود به تحریریه نامه‌ای به ما دادند که در آن عنوان شده قرارداد ما برای سال آینده تمدید نخواهد شد و باید تسویه‌حساب کنیم.
وی افزود: مدیر امور مالی خطاب به مدیرمسوول نوشته بود اگر صلاح می‌دانید ایشان را برای همکاری به روزنامه شهروند معرفی کنید. این خبرنگار تاکید کرد: در مراجعه به آقای شاکری، مدیر سایت شبکه ایران ایشان گفته‌اند روزنامه شهروند هم مال دولت است و فرقی نمی‌کند شما اینجا باشید یا در آن روزنامه.
وی ادامه داد: اما با مراجعه به روزنامه شهروند به ما گفته شد کادر ما تکمیل است و نیروی جدید استخدام نمی‌کنیم. به‌این‌ترتیب ۱۳۵ نفر در شب عید از کار خود بیکار شده‌اند. یکی دیگر از خبرنگاران این روزنامه گفته برخی از اخراجی‌ها را به سایت‌ها و نهادهای دیگر زیرمجموعه دولت ارجاع داده‌اند و به نظر می‌رسد این اتفاقات پیرو تغییر و تحولات اخیر مدیریتی در موسسه ایران است.
روزنامه ایران، متعلق به ایرنا در حالی نیروهای خود را تعدیل کرده که ایرنا، در اطلاعیه‌ای که امروز در روزنامه ایران چاپ شده، فراخوان استخدام داده است.
نکته تأمل برانگیز که این آگهی، در آخرین روز کاری سال ۹۱ منتشر شده و مهلت ثبت نام در آن، ۱۵ فرودین ۹۲، یعنی پایان تعطیلات است (!)
بیست ونهم اسفندماه ۱۳۹۱

جای کارگران در زندان نیست!

رضا شهابی

بر پایه مطلب رسیده در 29 اسفند آمده است :کارگران و مردم آزادیخواه!
اخیراً دور تازه ای از احضار، بازداشت و زندانی کردن کارگران و فعالین کارگری تشدید شده است. 7 تن از فعالین کارگری به نامهای خالد حسینی، وفا قادری، علی آزادی، غالب حسینی، بهزاد فرج الهی و حامد محمود نژاد از اعضای کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری و شریف ساعدپناه عضو اتحادیه آزاد کارگران ایران دستگیر و زندانی شده اند و تعدادی دیگر از فعالین کارگری تهدید یا احضار شده اند. این تهدید و ارعاب و دستگیری ها در حالی است که محمد جراحی، فریبرز رئیس دانا، شاهرخ زمانی، پدرام نصرالهی، رسول بداغی، عبدالرضا قنبری و بسیاری دیگر از فعالین کارگری و سیاسی همچنان در زندان به سر می برند.
فعالین کارگری در شرایطی بازداشت و محاکمه می شوند که قشر فرودست و زحمتکش از نظر درآمد در شرایط اسفباری به سر می برند و هرروزی که می گذرد قدرت خرید طبقه کارگر پائین می آید و امید به زندگی را از دست می دهند. در چنین شرایطی کارگران و فعالین کارگری برای دفاع از مطالبات و حقوق از دست رفته خود راهی جز ایجاد تشکل مستقل کارگری ندارند. آیا سزاوار است کارگران و فعالین کارگری که چرخ اقتصاد کشور را به چرخش در می آورند در آستانه عید نوروز به خاطر حق خواهی و درخواست یک زندگی شرافتمندانه زندانی شوند و خانواده و فرزندان این زحمتکشان را چشم انتظار گذاشت؟ جای این زحمتکشان در زندان نیست بلکه آنها باید در آستانه عید نوروز در کنار خانواده، همکاران و هم طبقه ای های خود قرار بگیرند. من و هم طبقه ای هایم برای دفاع از کارگران زندانی ساکت نخواهیم نشست و بازداشت و زندانی و محکوم کردن کارگران را محکوم می کنیم.
کارگران، تشکل های کارگری و نهادهای اجتماعی و حقوق بشری داخلی و خارجی!
از شما می خواهم نسبت به سرنوشت کارگران زندانی بی تفاوت نباشید و از هر طریق ممکن به ادامه بازداشت آنها اعتراض و خواستاری آزادی همه کارگران زندانی باشند.
رضا شهابی
عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه
29 اسفند 1391

تعیین حداقل دستمزد به شیوه کنونی،کاهش معیشت کارگران است

به نوشته کمیته پیگیری برای ایجاد تشکل های کارگری در 29 اسفند 91 آمده است : افزایش دستمزدها که ظاهرا و در تبلیغات دولتی در قبال افزایش قیمت ها و نرخ تورم در ایران صورت میگیرد نه تنها حداقل معیشت کارگران را تعین نمی کند، بلکه دهن کجی بزرگی به زندگی کارگران است.
با توجه به آمار و ارقامی که خود منابع دولتی از نرخ تورم و فزونی قیمتها اعلام می کنند اینک به وضوح می توان هویت ضدکارگری (تعین دست مزد) را مشاهده کرد. چنین رفتاری با کارگران و نادیده گرفتن حداقل حقوق آنها، در حقیقت تدارک دیدن جنگی بزرگ بر علیه ۹۹% جامعه به شمار می رود. جنگی که در آن نهایتا صف ضدکارگری مغلوب خواهد شد.
این عرصه مبارزه جنگ طبقاتی که دولت به نمایندگی سرمایه داران در آن حضور فعالی دارد. سالهاست که کارگران به عقب رانده می شوند و شرایط سخت تر به آنها تحمیل می گردد که همچنان تداوم دارد. برای ساکت کردن کارگران همواره از شیوه ایجاد رعب و وحشت استفاده شده. دست به خشونت زدن و اعمال و رفتار غیر انسانی و دستگیری و زندانی کردن کارگران و فعالان کارگری (که اکنون تعدادی فعالان کارگری را در استان کردستان دنبال می کند)، این شیوه ها همانطور که اشاره شد روی دیگر سکه ای است که دولت برای به تمکین وا داشتن کارگران در پذیرش شرایط برده داری نیروی کار انجام می دهد.
پایین نگه داشتن سطح معیشت و حق زندگی کارگران از طریق کاهش قدرت خرید آنها و از سویی دستگیری و زندانی کردن کارگران خود بخود عرصه فلاکت را بیش از پیش به روی کارگران می گشاید.
ما کارگران هیچ چاره ای جز مقابله با این شرایط خفت بار را نداریم. ما کارگران علاوه بر اینکه خواهان افزایش مجدد فصلی دست مزدهای کارگران هستیم، همچنین خواهان آزادی کارگران زندانی و زندانیان سیاسی می باشیم.

کمیته پیگیری ایجاد تشکل های کارگری

تورم ۵۰ درصدی سال آینده عامل افزایش کودکان کار

به نوشته سایت مردمک در 29 اسفند 91 آمده است :یک فعال حقوق کودکان کار با پیش‌بینی «نرخ تورم سال آینده در سطح ۳۲ تا ۵۰ درصد»، اعلام کرده است که با توجه به عدم تناسب دستمزد سال ۹۲ با نرخ تورم، «کودکان بیشتری وارد بازار کار خواهند شد».
حمیدرضا واشقانی فراهاني، فعال حقوق کودکان کار، به خبرگزاری کار ایران، ایلنا، گفته است که «دلیل کار کودکان ناتوانی سرپرستان آنها در تامین هزینه‌های زندگی است و با توجه به شرایط تورمی فعلي، افزایش ناچیز دستمزدهای سال ۹۲ مي‌تواند بر تعداد کودکان کار و خیابان بیافزاید»
حداقل دستمزد کارگران در سال آینده ۴۸۶ هزار تومان تعیین شده و چانه‌زني‌های هزاران کارگر و فعال معترض برای افزایش حداقل دوبرابر شدن دستمزد نسبت به سال گذشته بي‌نتیجه ماند.
او دلیل اصلی گسترش پدیده کودکان کار در جامعه ایران را «افزایش تورم و فقیرترشدن جامعه» دانسته و تاکید کرده است: با توجه به شرایط بد اقتصادی روز به روز تعداد کودکان کار در کشور بیشتر خواهد شد..
این فعال حقوق کودکان با اشاره به ماده ۴۲ پیمان‌نامه حقوق جهانی کودک، گفته است که با این‌که دولت ایران عضو این پیمان‌نامه است اما به نظر او «شواهدی مبنی بر حمایتی واقعي، عینی و موثر از کودکان وجود ندارد.»
براساس ماده ۴۲ این پیمان‌نامه حکومت‌های عضو پیمان، خود را موظف مي‌دانند که مفاد و مصوبات این پیمان‌نامه را از راه‌های گوناگون و موثر در اختیار بزرگسالان و همچنین کودکان قرار دهند تا آنها با این پیمان‌نامه آشنا شوند.
همچنین در ماده ۳۲ این پیمان‌نامه گفته شده که حکومت‌ها این حق را به‌رسمیت مي‌شناسند که کودک استثمار اقتصادی نگردیده و به کاری که برای سلامتی جسم یا جان و یا تربیت و تکامل او زیان‌بخش است، گمارده نشود.

جمهوری اسلامی ایران پیمان‌نامه بین‌المللی حقوق کودک را امضا کرده اما این پیمان‌نامه در ایران الزام‌آور و قانونی نیست زیرا حقوق کودکان در این کشور مطابق این پیمان‌نامه اجرا نمي‌شود.
در این پیمان‌نامه هر فرد زیر ۱۸ سال کودک محسوب مي‌شود اما براساس قانون شریعت که در ایران اجرا مي‌شود یک فرد ۱۸ ساله کوک به حساب نمي‌آید. درنتیجه نهاد مشخصی در ایران وجود ندارد که از حقوق کودکان دفاع کند.
درهمین راستا براساس ماده ۷۹ قانون کار ایران به کار گماردن افراد کمتر از ۱۵ سال تمام ممنوع است که این ماده با تعریف بین‌المللی سن کودک کار درتضاد است.
آمار دقیقی از تعداد کودکان کار در ایران وجود ندارد اما با توجه به گزارش سال ۹۰ مرکز پژوهش‌های مجلس درمورد «وجود سه میلیون و ۲۶۵ هزار کودک ایرانی بازمانده از تحصیل»، مي‌توان گفت که دست‌کم سه میلیون کودک کار در کشور وجود دارد.
فعالان حقوق کودکان در ماه مهر ۸۷ اعلام کرده بودند که نزدیک به یک میلیون و ۸۰۰ هزار کودک کار در ایران وجود دارد.
مهرماه سال جاری مدیرعامل سازمان رفاه، خدمات و مشارکت‌های اجتماعی شهرداری تهران از افزایش ۱۵ درصدی کودکان کار در مقایسه با سال گذشته در تهران خبر داده و سن آنها را بین پنج تا ۱۷ سال اعلام کرده بود

برگزاری مراسم چهارشنبه سوری در زندان گوهردشت

امروز مراسم چهارشنبه سوری توسط زندانیان بند سیاسی گوهر دشت با شکوه برگزار شد، ماموران در شروع مراسم سعی نمودند از جمع شدن و برگزاری جشن جلو گیری نمایند اما با مقاومت و عزم راسخ زندانیان جهت برگزاری مراسم رو بروی شدند و از ترس اینکه مبادا در گیری ایجاد شود عقب نشینی نمودند.
در این مراسم زندانیان آتش روشن کرده ضمن جشن و سرور به دور آتش حلقه زده سرود یار دبستانی و چند سرود و ترانه های دیگر را با صدای بلند خواندند، سپس اندک شرینی و شکلاتی که داشتند به رسم آروزی پیروزی و شادکامی بین خود تقسیم نمودند و در پایان همگی با آروزی پیروزی سال نو را به مردم ایران تبریک گفته اعلام امید واری کردند که سال 1392 سال شکست و نابودی دشمن باشد.
هر روزتان نو روز نوروزتان پیروز
پیش بسوی اتحاد بیشتر، برای فشار بیشتر!!!
پیش بسوی اعتراضات گسترده و متحدانه با شعار:
کارگر زندانی ، زندانی سیاسی آزاد باید گردد!
کمیته حمایت از شاهرخ زمانی
29/12/1391
www.chzamani.blogspot.com
freeshahrookh@gmail.com

پیام نوروزی زندانیان سیاسی رجایی‌شهر کرج

آژانس کُردپا: تعدادی از زندانیان سیاسی محبوس در زندان رجایی‌شهر کرج به مناسبت فرارسیدن سال نو پیامی را صادر کردند.
متن کامل این پیام که به آژانس خبررسانی کُردپا رسیده است، عینا درپی می‌آید:
ضمن تبریک سال جدید به هموطنان عزیز، آرزومندیم سال ۹۲ گریز و رهایی از فشار حاکمیت و رسیدن به بالاترین آرمان‌های بشری در سراسر ایران عزیز و جهان باشیم. تجدید میثاق و پیمان می‌بندیم که شهدای راه آزادی علی الخصوص خانواده‌ی شهدا و اسرای ایران عزیز در زندان‌های کشور را یاد می‌کنیم و به نمایندگی اکبر محمدی، ستار بهشتی، علی صالحی، فرزاد کمانگر و هاله سحابی و کسان دیگر که در چند سال اخیر توسط خون خود میهن وخیابان‌ها را لاله‌گون و عطرآگین و بهار، و بهار ایران زمین را تا ابدیت و جاودانگی به خون جان

گواه و شفا داده‌اند.
امضاء کنندگان:
۱ـ خالد حردانی ۲ـ شاهرخ زمانی ۳ـ رضا شریفی‌بوکانی ٤ـ صالح کهندل ٥ـ محمد علی منصوری ٦ـ موسی صفی اصلانی نژاد ۷ـ محمد بنازاده‌امیرخیزی ۸ـ عباس رادفر.
باز تکثیر : کمیته حمایت از شاهرخ
29/12/1392

منصور اسانلو:سخن سال نو
به تشکیلات موج سبز و تلویزیون رها نپیوسته ام

بر پایه مطلب رسیده به روزشمار کارگری به نقل از وبلاگ شخصی منصور اسانلو در تاریخ 29 اسفند 91 آمده است : برای من، به عنوان فعالی که سال ها در راه احقاق حقوق همکاران خود در شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و سندیکای کارگران شرکت واحد تلاش کرده ام، موجب اندوه است که نوروز امسال را دور از وطنم و همکاران و همراهانم در این تلاش و خویشان و عزیزانم در ایران می گذرانم.
چنان که پیش از این شرح داده ام شرایط بسیار دشوار ادامه فعالیت در ایران و دورنمای اقدامات غیر قانونی مقام های امنیتی که، عملا امکان ادامه زندگی در ایران را از من سلب می کرد، سبب شد تا ایران را ترک کنم و تلاش های خود را در شرایطی تازه ادامه دهم.
اکنون لازم می دانم با بهره گیری از این فرصت برای تبریک فرارسیدن سال نو و بهار به همه دوستان و عزیزانی که یار و یاور من بوده اند و به ویژه به کارگران عزیز بار دیگر اعلام کنم که به عنوان زبانی برای بازگویی وضعیتی که بر کارگران ایران می گذرد، همچنان به تلاش خود ادامه خواهم داد.
متاسفانه چند هفته پیش ، هنگامی که برای شرح خروج خود از ایران با یکی از رسانه ها یعنی تلویزیون رها گفت و گو کردم، توضیحات این رسانه پس از گفت و گوی من این تصور را ایجاد کرد که من برای ادامه فعالیت به یک گروه یا تشکیلات خاص پیوسته ام. از این رو ضروری می دانم یادآور شوم، مطالبی که پیرامون پیوستن این جانب به تشکیلات وابسته به این تلویزیون و صاحب امتیاز آن به عنوان یک سازمان سیاسی منتشر شد، از نظر شخص من نتیجه ی سوءتفاهم در طی گفت و گو های مربوط به مصاحبه بوده است . همچنین تاکید می کنم که من هیچ گونه وابستگی و پیوستگی به هیچ حزب و تشکیلات سیاسی و رسانه ای ندارم .
امیدوارم سالِ پیشِ رو سالی باشد برای سخن گفتن بیشتر پیرامون آینده جنبش کارگران و زحمتکشان ایران و نقش و تاثیر گذاری سندیکاها و دیگر تشکل های کارگری آزاد ، مستقل و دموکراتیک از جمله تشکیل فدراسیون های دموکراتیک سراسری کارگران و سهمی که در تقویت جنبش آزادی و عدالت خواهی مردم ایران دارد.
منصور اسانلو
29/12/1391

سال تلخ برای کارگران
هر روز ۵ کارگر کشته شدند

برپایه خبر انعکاس یافته درسایت اخبار روز در تاریخ 29 اسفند 91 آمده است :در سال ۹۱، حوادث دلخراشی هنگام کار برای کارگران رخ داد که پی‌گیری این حوادث بخش مهمی از اخبار بخش کارگری ایلنا را به خود اختصاص داد. حادثهٔ مرگ ۸ کارگر معدن در طبس، اوج اینگونه حوادث بود که دل هر انسانی را به درد می‌آورد. تعدد و تکرار چندبارهٔ این حوادث در بازهٔ زمانی کوتاه، گروه کارگری ایلنا را بر آن داشت تا با استفاده از آمارهای منتشر شده از سوی نهادهای قانونی به ریشه یابی چنین حوادث تاسف باری بپردازد.
این گزارش که پس از حادثهٔ مرگ ۸ کارگر معدن در طبس به نگارش در آمد با اشاره به مرگ خاموش کارگران در ایران از مرگ روزانهٔ ۵ کارگر خبر می‌دهد که رقمی فاجعه بار است. مرور

این گزارش بدون شک خالی از لطف نیست:
مرگ ۸ کارگر معدن در طبس، احساسات بسیاری از ایرانیان را جریحه دار کرد، این در حالی است که طبق گزارش رسمی سازمان پزشکی قانونی که یک روز قبل از وقوع این فاجعه منتشر شد، روزانه پنج کارگر در سراسر ایران بر اثر حوادث ناشی از کار جان خود را از دست می‌دهند. با این آگاهی پرسشی که بار دیگر در اذهان همهٔ ما تکرار شد این است که حوادث شغلی تا چه زمانی قرار است از میان سخت‌گوش‌ترین مردم این سرزمین روزانه به اندازه یک فاجعه انسانی تمام عیار قربانی بگیرند.
به گزارش خبرنگار ایلنا، سازمان پزشکی قانونی در روز ۲۷ آذرماه جاری، از کشته شدن یک هزار و ۱۰۱ نفر در جریان حوادث کار در هفت ماه نخست سال ۹۱ خبر داده که این آمار در مقایسه با مدت مشابه سال قبل ۱۲ درصد رشد داشته است.
براساس رتبه بندی سازمان پزشکی قانونی، سقوط از بلندی با ۴۵۶ قربانی، اصابت اجسام سخت با ۲۳۶ قربانی، برق‌گرفتگی با ۱۷۳ قربانی و سوختگی و کمبود اکسیژن به ترتیب با ۶۴ و ۳۲ قربانی به ترتیب رتبه‌های اول تا پنجم مرگ آورترین حوادث حین کار را به خود اختصاص داده‌اند.
آمار منتشر شده از سوی پزشکی قانونی و یک محاسبهٔ سر انگشتی به ما نشان می‌دهد که روزانه ۵ کارگر، جان خود را در حوادث حین کار از دست می‌دهند. از این میان، روزانه ۲ کارگر تنها به دلیل سقوط از بلندی، یک کارگر روزانه بر اثر اصابت جسم سخت و ۲ کارگر دیگر به دلایل مختلف از جمله برق‌گرفتگی، سوختگی و کمبود اکسیژن و... جان می‌بازند.
با نگاهی به آمار فوق با نگاهی به آمار رسمی در می‌یابیم که حادثهٔ انفجار معدن یال شمالی در طبس – علی‌رغم اندوهبار بودن– اتفاق جدیدی نیست و این فاجعه روزانه برای کارگران ایران رخ می‌دهد. اما به دلیل بی‌توجهی افکار عمومی و رسانه‌ها در میان تلی از اخبار به مراتب کم‌اهمیت‌تر به دست فراموشی سپرده می‌شوند.

مرگ خاموش کارگران
با نگاهی گذرا به اخبار بخش کارگری ایلنا در می‌یابیم که تنها ظرف هفته گذشته، شش خبر رسمی از مرگ و مصدومیت شدید کارگران ساختمانی، تنها بر اثر سقوط از «چاه آسانسور» شده است که بدیهی است انتشار این تعداد خبر رسمی - از خیل وقایعی که هیچ‌گاه به سطح رسانه نمی‌رسند - بر اثر حوادثی مشابه نشان از مرگ خاموش کارگرانی دارد که برای تامین معیشت خود و خانواده‌شان، مجبور هستند به کار در هر شرایطی تن دهند.
در این گزارش‌های که عمدتا از طریق منابع رسمی در اختیار ایلنا قرار می‌گیرند حتی به اسم قربانیان نیز اشاره نمی‌شود و تنها با ذکر عنوان شغلی قربانیان از مرگ آنان خبر می‌دهند که این موضوع نشان از مظلومیت قشری دارد که بار اصلی تولید کشور را بر عهده دارند.
شاید دلیل ضمنی عدم ذکر اسامی کارگرانی که قربانی حوادث حین کار می‌شوند کاستن از ابعاد وحشتناک حادثه‌ای باشد که در کشورمان در حال وقوع است و کارگران از آن با نام مرگ خاموش یاد می‌کنند. چه بسا توجه به این حوادث و بر انگیخته شدن احساسات عمومی جامعه، عزمی جدی را در مسئولان ایجاد کند تا برای حل این معضل، چاره‌ای بیندیشند.

لزوم تامین امنیت محیط کار
عواملی همچون فقدان حداقل آموزش به کارگران، فقدان امکانات ایمنی و بهداشتی، ساعت کار طولانی و متعاقبا خستگی مفرط و پایین آمدن تمرکز در حین کار، عدم امنیت شغلی تنها چند مورد از دلایلی است که مرگ خاموش کارگران رقم می‌زند.
همچنین به رسمیت شناختن تشکل‌های مستقل کارگری و ایجاد فضای باز برای فعالیت کنش‌گران مستقل کارگری منجر به آن خواهد شد تا مسئولان - اگر عزمی برای حل معضلات کارگران در آن‌ها وجود داشته باشد - مشکلات را بهتر ببینند و صدای اعتراض کارگران بشنوند.
به نظر می‌رسد قدم اول برای جلوگیری از این فجایع، تقویب بازرسی برای تامین امنیت محیط کار است که هر روز باعث وقوع یک فاجعه انسانی می‌شود.

بازداشت سید غالب حسینی فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی

به گزارش منعکس شده در سایت کمیته هماهنگی ... در تاریخ 29 اسفند 91 آمده است :
امروز 29 اسفند ساعت 12 ظهر سید غالب حسینی فعال کارگری و عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری در شهر سنندج، توسط نیروهای اطلاعاتی و امنیتی در محل کارش دستگیر شد.
نام برده در آستانه 8 مارس و همچنین بعد از دستگیری 6 فعال کارگری در 17 اسفند چندین بار تلفنی توسط نیروهای امنیتی تهدید شده بود و نیروهای اطلاعات از وی خواسته بودند که خود را به ستاد خبری معرفی کند. همچنین در پی عدم پاسخگویی نیروهای اطلاعاتی به خانواده های فعالین کارگری بازداشتی، خانواده ها اعلام کرده اند که سفره ی هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری شهر سنندج برپا خواهند کرد و بدینگونه در زمان تحویل سال در کنار عزیزانشان خوهند بود.
کمیته ی هماهنگی ضمن محکوم کردن دستگیری سید غالب حسینی، خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط نام برده و بهزاد فرج الهی، وفا قادری، سید خالد حسینی، حامد محمودنژاد و علی آزادی اعضای کمیته هماهنگی در شهر سنندج و شریف ساعد پناه فعال کارگری و عضو اتحادیه آزاد کارگران و سایر کارگران و فعالین کارگری و زندانیان سیاسی دربند می باشد.
کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

پیام رضا شهابی
بهار آمد نبود اما حیاتی!

فرا رسیدن بهار می تواند آغازی نو در مسیر ساختن یک زندگی بهتر باشد؛ آغازی برای ترک زشتی ها و عادات بد و شروعی تازه برای یک زندگی انسانی همراه با آسایش و رفاه برای تمام جامعه و نه تنها برای درصد کمی از آن. پس به استقبال نوروز می رویم، برای با هم بودن، بهتر بودن و بهتر زیستن.
هموطنان عزیز! نوروز در حالی فرا می رسد که سال گذشته سالی پرفراز و نشیب برای اکثریت زحمتکش جامعه بود؛ مردم در شرایط سخت اقتصادی و معیشتی، تورم افسارگسیخته، نداری و بیکاری سال را به آخر رساندند! از صمیم قلب امیدوارم در سال جدید با اتحاد و همبستگی طبقاتی بتوانیم گامی در مسیر زدودن تاریکی ها و ناعدالتی ها برداریم و زندگی بهتری برای فرزندان مان - که آینده متعلق به آنهاست - بسازیم.
سال نو و عید نوروز را به عموم کارگران، زنان و مردان آزادیخواه و عدالت طلب ایران، افغانستان و دیگر کشورهای منطقه که نوروز را جشن می گیرند و هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان و همچنین به همکاران عزیزم در سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه و نیز معلمان، پرستاران، دانشجویان، زنان و مادران داغ دیده، شخصیت های مردمی و کلیه کارگران زندانی، زندانیان سیاسی و خانواده های آنان شادباش می گویم و آرزو می کنم که سال جدید عالی ترین و شایسته ترین دستاوردها را برای همه این عزیزان به همراه داشته باشد.
نوروز 1392
رضا شهابی
عضو هیات مدیره و خزانه دار سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

عیدی روزنامه دولت به کارکنان خود:
بیکاری در شب عید!

ناشر روزنامه ایران متعلق به خبرگزاری دولتی ایرنا گزارش کرده است : در حالی 130 نفر از نیروهای خود را تعدیل کرده است که ایرنا ، در اطلاعیه ای که 28 اسفند در روزنامه ایران چاپ شده ، فراخوان استخدام داده است.نکته تأمل برانگیز که این آگهی، در آخرین روز کاری سال 91 منتشر شده و مهلت ثبت نام در آن ، 15 فرودین 92 ، یعنی پایان تعطیلات است(!)

به گزارش عصر ایران، موسسه فرهنگی مطبوعاتی "ایران" ناشر روزنامه های ایران، ایران دیلی، ایران ورزشی و ... دیروز یکشنبه بدون اطلاع قبلی 130 نفر از کارکنان خود را به بهانه نیروی مازاد بودن، تعدیل و از تمدید قرارداد با آنها خودداری کرده است.
این افراد که بخش زیادی از آنها دارای سابقه کار تا 12 سال هستند شامل تمدید قرارداد نشده اند.
همچنین با وجود تکذیب مدیران موسسه و روزنامه ایران اما موضوع اخراج کارکنان این موسسه واقعیت دارد.
موسسه ایران برای جلوگیری از تبعات این اقدام خود، به بخشی از کارکنان اخراجی معرفی نامه هایی برای روزنامه شهروند ارائه کرده است.
در این معرفی نامه ها از مدیران روزنامه شهروند خواسته شده است در صورت صلاحدید، این افراد در این روزنامه مشغول کار شوند در حالی که مدیران روزنامه شهروند به صراحت به نیروهای اخراجی روزنامه ایران گفته اند که نیازی به نیروی جدید ندارند.
روزنامه شهروند به صاحب امتیازی جمعیت هلال احمر انتشار خود را به تازگی آغاز کرده است.
افراد تعدیل شده در موسسه ایران در بخش های مختلف از جمله تحریریه روزنامه های ایران، ایران ورزشی، ایران دیلی، ایران زمین، نگهبانی، حروفچینی، صفحه بندی، خدمات، فنی و مجلات جانبی فعالیت می کردند.
صاحب امتیاز روزنامه ایران که در سال نوزدهم انتشار خود قرار دارد خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا) است. روزنامه ایران به عنوان ارگان دولت به شمار می آید.
روزنامه شرق هم به نقل از یکی از کارکنان موسسه ایران، تعداد افراد اخراجی از این موسسه را 135 نفر از اعضای تحریریه و دست‌اندرکاران فنی موسسه ایران اعلام کرد.
یکی از اعضای تحریریه روزنامه ایران با اعلام این خبر به روزنامه شرق نیز گفته است: روز یکشنبه با حضور در روزنامه قبل از ورود به تحریریه نامه‌ای به ما دادند که در آن عنوان شده قرارداد ما برای سال آینده تمدید نخواهد شد و باید تسویه‌حساب کنیم.
وی افزود: مدیر امور مالی خطاب به مدیرمسوول نوشته بود اگر صلاح می‌دانید ایشان را برای همکاری به روزنامه شهروند معرفی کنید. این خبرنگار تاکید کرد: در مراجعه به آقای شاکری، مدیر سایت شبکه ایران ایشان گفته‌اند روزنامه شهروند هم مال دولت است و فرقی نمی‌کند شما اینجا باشید یا در آن روزنامه.
وی ادامه داد: اما با مراجعه به روزنامه شهروند به ما گفته شد کادر ما تکمیل است و نیروی جدید استخدام نمی‌کنیم. به‌این‌ترتیب 135 نفر در شب عید از کار خود بیکار شده‌اند. یکی دیگر از خبرنگاران این روزنامه گفته برخی از اخراجی‌ها را به سایت‌ها و نهادهای دیگر زیرمجموعه دولت ارجاع داده‌اند و به نظر می‌رسد این اتفاقات پیرو تغییر و تحولات اخیر مدیریتی در موسسه ایران است.
روزنامه ایران ، متعلق به ایرنا در حالی نیروهای خود را تعدیل کرده که ایرنا ، در اطلاعیه ای که امروز در روزنامه ایران چاپ شده ، فراخوان استخدام داده است .
نکته تأمل برانگیز که این آگهی، در آخرین روز کاری سال 91 منتشر شده و مهلت ثبت نام در آن ، 15 فرودین 92 ، یعنی پایان تعطیلات است(!)
بیست ونهم اسفندماه 1391

اطلاعیه شماره 2- خانواده های 6 فعال کارگری بازداشتی در شهر سنندج

برپایه خبر رسیده به روز شمار گارگری آمده است : کارگران، مردم آزادیخواه وبرابری طلب، تشکل های کارگری در ایران و سراسر جهان !
همانگونه که مطلع هستید 5 تن از فعالین کارگری عضو کمیته ی هماهنگی در آستانه روز جهانی زن (8 مارس) در روز 17 اسفند در خانه ها و محل کارشان با هجوم نیروهای لباس شخصی دستگیر و تاکنون در اداره اطلاعات در بازداشت به سر می برند؛ 2 روز بعد با هجومی دیگر شریف ساعد پناه فعال کارگری وعضو اتحادیه آزاد کارگران ایران نیز دستگیر شد. هم اکنون نزدیک به دو هفته از بازداشت همسران و فرزندان ما می گذرد.

آنان به چه جرمی مورد غضب حافظان سرمایه قرار گرفته اند؟ عزیزان ما به نابرابری های اجتماعی معترضند. از حقوق کارگران دفاع می کنند، به دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر معترضند. آنها خواهان یک زندگی انسانی برای تولیدکنندگان تمام ثروت های بشری هستند . آنها می گویند همه امکانات جامعه حاصل کار و رنج ما کارگران است ولی چرا ما همیشه در سختی به سر می بریم. آنها خواهان امنیت شغلی برای کارگران هستند. خواهان بیمه بی کاری برای کارگران آماده به کارند. خواهان بیمه زنان خانه دار هستند و خواهان تعیین دستمزد به تناسب نرخ تورم هستند. در حالی که تورم به روز شده است چرا باید حقوق کارگران ثابت و چند برابر زیر خط فقر باشد. آیا دفاع از خواست و مطالبات بر حق کارگران جرم است. عزیزان ما به غیر از دفاع از خواست ومطالبات برحق کارگران هیچ جرمی مرتکب نشده اند. اکنون بار دیگر ما خانواده های 6 فعال کارگری بازداشتی علی آزادی، حامد محمود نژاد، شریف ساعد پناه، سید خالد حسینی، وفا قادری و بهزاد فرج الهی از کارگران و مردم زحمتکش و تشکلهای کارگری و نهادهای مردمی و به خصوص مردم شهر سنندج در خواست می کنیم به هر صورت که در توان دارند و به هر شیوی ممکن ما را در جهت آزادی عزیزانمان یاری کنند.
خانواده های 6 فعال کارگری بازداشتی در سنندج- 29 اسفند 1391

نماینده مجلس: فقدان نقدینگی دلیل بروز بحران‌های کارگری سال ۹۱ بود

به نوشته سایت دولتی ایلنا و به نق از سایت خبری راه کارگر آمده است : در سالی که گذشت از طرف دولت به تولید و صنعت هیچ کمکی نشد. کمال الدین پیرموذن با اعلام این مطلب، درباره عملکرد اقتصادی دولت در سال ۹۱ به ایلنا گفت: عملکرد دولت در در سال ۹۱ به گونه‌ای بود که نه تنها به تولید و صنعت کمکی نشد بلکه بر خیل عظیم بیکاران کشور نیز افزوده شد. این نماینده مجلس با بیان اینکه حل مشکلات کارگران در گرو حل مشکلات واحدهای صنعتی است، گفت: در نتیجه تخلفات دولت بر مشکلات کارگران واحدهای صنعتی افزوده شد. پیرموذن هم چنین به ویژه گی دلالی و سوداگری در سیستم اقتصادی حاکم اشاره کرد و با بیان اینکه عدم تامین سرمایه در گردش واحدهای تولیدی، علت بروز بحران‌های کارگری است گفت در حال حاضر بیش از آنکه به تولید و صنعت بها داده شود، به سوداگری بها داده شده است.

آتش سوزی در کارخانه پتوآذرشهر ومصدومیت ۳کارگر

به گزارش خبرگزاری دولتی ایسنا، در 30 اسفند 91 آمده است : مسئول روابط عمومی مرکز مدیریت حوادث و فوریتهای پزشکی استان آذربایجان شرقی در تشریح تلفات آتش سوزی در کارخانه پتو در آذرشهر گفت: این حادثه در ساعت ۱۱: ۳۰ دیروزبه وقوع پیوست و طی آن ۳ کارگر این کارخانه، دچار سوختگی درجه شدند.
حسینقلی‌زاده گفت: با اعزام آمبولانس‌های پایگاه ۱ و ۲ آذرشهر، مصدومان به بیمارستان آذرشهر و بعد بمنظور انجام اقدامات تخصصی به بیمارستان سینای تبریز منتقل شدند.

ادامه تجمع خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی در سنندج

به گزارش امروز چهارشنبه ۳۰ اسفند ماه بار دیگر خانواده‌های فعالین کارگری بازداشتی در سنندج برای پیگیری وضعیت عزیزانشان در مقابل ستاد خبری اداره اطلاعات در این شهر تجمع کردند. این تجمع در حالی بود که خانواده‌ها طبق قرار قبلی اعلام کرده بودند که اگر عزیزانشان راآزاد نکنند سفره هفت سین خود را در مقابل ستاد خبری پهن خواهند کرد و سال تحویل در آنجا خواهند بود؛ اما نیروهای امنیتی حاضر در محل با حمله به تجمع خانواده‌ها از برگزاری مراسم سال تحویل ممانعت به عمل آورده و سفره هفت سین آنان را جمع کردند.
لازم به ذکر است که امروز یکی دیگر از فعالین کارگری سنندج و عضو کمیته هماهنگی به نام کوروش بخشنده طی تماسی تلفنی احضار و مورد بازجویی قرار گرفته بود که پس از ۲

ساعت بازجویی به وی ابلاغ کرده بودند که تا ۱۵ فروردین فرصت دارد که از کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری استعفا داده در غیر این صورت با وی برخورد خواهد شد.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری ضمن محکوم کردن دستگیری و احضار فعالین کارگری، خواهان آزادی فوری و بی‌قید شرط ۷ فعال کارگری بازداشتی در شهر سنندج و همچنین آزادی سایر کارگران و زندانیان سیاسی دربند می‌باشد.
کمیتهٔ هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگر

پیام تبریک نوروزی کانون مدافعان حقوق کارگر:

زمستان دائمی نیست؛ روزهای پربارتری در راه است

بخوان به نام گل سرخ در صحاری شب
که باغ ها همه بیدار و بارور گردند

امسال بهار را در شرایطی آغاز می کنیم که فشارهای اجتماعی و اقتصادی بر کارگران و زحمتکشان هم چنان تداوم دارد، گرانی های سرسام آور و افزایش ناچیز دستمزدها برای سال آینده هم چنان حاکی از سخت تر شدن زندگی برای اکثریت قاطع مزد و حقوق بگیران و کسانی است که مجبورند نیروی کار خود را بفروشند تا زندگانی را بگذرانند. تحریم های بین المللی که لبه ی تیز آن متوجه مردم تحت ستم است گذران زندگی را هر روز سخت تر کرده و بر نگرانی ها می افزاید. از یک سو گسترش خصوصی سازی و از سوی دیگر موج بیکارسازی گریبان جامعه را گرفته است، درعین حال فعالان کارگری و اجتماعی برای کوچک ترین اعتراضی نسبت به این همه ستم، هم چنان تحت فشار های زندان و تعقیب قرار دارند.

اما مگر قرار است زمستان دائمی باشد و شب بی پایان . سرسختی زمستان در برابر ضرورت روییدن جوانه ها سر فرود می آورد و نسیم صبح هر بامداد نوید می دهد که شب زندگی را پایانی است که آن هم از درون تلاش و کوشش ما برمی خیزد.

از همین رو بهار را با امیدِ سالی بهتر و پربارتر آغاز می کنیم و نوید روزهای پربارتری را به جوانه های نو رسیده این باغ خزان زده می دهیم زیرا که عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد.
کانون مدافعان حقوق کارگر
نوروز ۱۳۹۲

جوانه های بهار
اطلاعیه کانون نویسندگان ایران در تبعید

باز بهار با تمام شکوه و عظمتش از راه می رسد و زمین و زمان نفس تازه می کند و ذهنیت انسان نوجو، آماده می شود که خیز دیگری را در راستای نو شدن بیآغازد. بهار و نوروز پدیده خجسته ای ست که روح مردم را زنده می کند و همین خصلت است که مردم جامعه ای به وسعت پهنه بزرگی از خاورمیانه را به جوش و خروش برپائی نوروز وامی دارد.
و جمهوری اسلامی نیز در این میان، مثل همیشه در هراس از فرارسیدن هر چیز تازه و نو، در اندیشه است که این بار چگونه با نوروز به مقابله برخیزد؛ به ویژه که، جنگ درون جناحی این نظم کهنه و پوسیده، ترفندهای تازه ای را از سوی یک بخش بر علیه بخش دیگر این حاکمیت، در پوشش «بهار» و سوءاستفاده از دیرپائی نوروز باب کرده است و بخشی می کوشد علی رغم تمام ضدیت پیشین اش با بهار و نوروز حربه تازه ای در برابر حریفش دست و پا کند.
اما برخلاف این لاف گزاف، و درست در آستانهٔ بهار، همهٔ دم و دستگاه تبه کار جمهوری اسلامي، از هر جناح و دسته اش کمر به سرکوب و دستگیری و غارت و قتل روزنامه نگاران و فعالین جنبش های اجتماعی و هر انسانی بسته است که ذره ای در راستای تحقق حقوق

خود و جامعه زبان گشوده باشد.
دستگیری وسیع کارگرانی که زیر فشار گرسنگی و گرانی سرسام آور و بی حقوقی مداوم، حق خود را می خواهند. دستگیری زنانی که برای رهائی از خشونت و نابرابری و فشارهای همه جانبه در مراسم 8 مارس شرکت کرده اند، دستگیری نویسندگان و روزنامه نگارانی که حتی بخش اندکی از مسائل تحریم و هم چنین تبه کاری های اقتصادی و سیاسی رژیم را در آستانه انتخابات رو می کنند و دستگیری همه آنان که دل در گرو زندگی انسانی دارند و اعدام های خیابانی و ایجاد ترس و وحشت؛ هدیهٔ نوروزی و رویکرد «بهار» رژیمی ست که در این جنگ خانمان برانداز نه تنها جان مردم را به لب شان رسانده، بلکه خود نیز در گرداب جهنمی که ساخته، به دست و پا افتاده است.
آیا می شود زندگی را از حرکت باز داشت؟ آیا می توان جلوی بهار و نو شدن را گرفت و روز نو را از ذهنیت تاریخی مردمی که بیش از سی و چهار سال است با یک رژیم تا دندان پوسیده و ارتجاعی می جنگد گرفت؟ آیا می شود ستم و تباهی را جاودانه کرد؟
طلیعه درخشانی که در افق پدیدار شده است نوید زندگی نو و خجسته ای را می دهد که جمهوری اسلامی را دیگر یارای مقابله با آن نیست.

بهاران خجسته باد
کانون نویسندگان ایران (در تبعید)
در آستانه نوروز 1392

بیانیه نوروزی اتحادیه آزاد کارگران ایران: سرسبزی بهار را سرلوحه آغازی پرشکوه قرار خواهیم داد

کارگران و مردم ایران
سالی دیگر در حال بر آمدن از پس تلاش‌ها و آرزوها و امیدهای ما مردم ایران است. سال گذشته ما کارگران ایران روزهای بسیار سختی را سپری کردیم و برای ماندن و زیستن لحظه‌ای از حرکت باز نایستادیم و قدم به قدم برای دست یابی به حقوق انسانی مان مبارزه کردیم.
اینک سالی دیگر و بهاری دیگر پیش روی ماست، اما سال پیش رو برای ما مردم ایران سالی سخت‌تر و به همان درجه تعیین کننده‌تر از همیشه خواهد بود بطوریکه به جرات مي‌توان گفت وضعیت حاضر چنان وضعیتی نیست که طبقه کارگر و عموم توده‌های زحمتکش مردم ایران برای دوره‌ای دیگر و سالی دیگر قادر به ماندگاری و ادامه حیات بر روی پایه‌های آن باشند. شرایط تحمیل شده بر ما کارگران در تحمل ناپذیرترین وضعیت قرار دارد و به یقین چنانچه به فوریت گشایش و بهبودی در شرایط معیشتی توده‌های میلیونی طبقه کارگر ایران صورت نگیرد سال پیش رو سال اعتراضات گسترده کارگری خواهد بود.
اتحادیه آزاد کارگران ایران با درک عمیق و احساس مسئولیت بسیار بالایی در قبال وضعیت حاضر، همراه با عموم کارگران و مردم ایران به استقبال سال نو مي‌رود و با تبریک فرا رسیدن عید نوروز به آنان، آغاز بهاری تازه را در کنار خانواده‌های کارگران جان باخته، خانواده‌های کارگران دربند و خانواده‌های تمامی زندانیان آزادیخواه گرامی مي‌دارد و به همه عزیزانی که بدلیل دفاع از حقوق انسانی خود و کارگران و مردم ایران در کنج زندان‌ها هستند درود مي‌فرستد، دست آن‌ها را مي‌فشارد و سبدها سبد شکوفه بهاری نثار این عزیزان مي‌کند.
ما حیات و سرسبزی و طراوت را برای پایان دادن به وضعیت مشقت بار کنونی سرلوحه آغازی پر شکوه در سال جدید قرار خواهیم داد و همدوش با کارگران در سراسر کشور لحظه‌ای از حرکت برای دست یابی به مطالبات انسانیمان باز نخواهیم ایستاد.
اتحادیه آزاد کارگران ایران - ۳۰ اسفند ماه ۱۳۹۱

گفت و گوهای کارگری؛

پیرامون بررسی روند آسیب های اجتماعی و موقعیت جنبش کارگری به بهانهٔ تعیین حداقل دستمزد در ایران، در گفت و گو با مجید تمجیدی، فعال کارگری

سلام عرض می کنم خدمت عزیزان شنونده؛
در روزهای پایانی سال 1391 به سر می بریم، به قول همکاران ما؛ شب عید که از راه می رسه، بچه ها به امید چهارشنبه سوری و کفش و لباس عید لحظه شماری می کنند، اون ها در دنیای کودکی شان به این فکر نمی کنند که تورم یعنی چی؟ همین طور، عقب افتادن کرایه خانه، حقوق نگرفتن بابا یا مامان به مدت چندین ماه یا سال؛ کودکانی که معلوم نیست، امسال و یا سال دیگر در کلاس درس و مدرسه باشند، و تحت اجبار زندگی، تن به کار در کارگاه های زیر زمینی ندهند.
اما پدران و مادران، به فکر خیلی چیزها هستند، از جمله تعیین حداقل دستمزد از طرف شورای عالی کار؛ اما امسال باز هم، همین شورای عالی کار که کارگران در تظاهرات اول ماه مه سال های پیش شعار؛ شورای عالی کار، شورای سرمایه دار در مورد آن سر می دادند، حداقل دستمزدی را برای سال 92 تعیین کرد که بنابه آمار رسمی دو برابر زیر خط فقر است.
در واکنش به میزان حداقل دستمزد، گروهای کارگری با بیانیه هایی این مصوبه را که تحقیر جامعهٔ کارگری محسوب می شود محکوم کرده اند، در بخشی از اطلاعیهٔ سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه آمده است؛

در حالي كه غول بيرحم گراني ،تورم،بيكاري،رانت خواري، احتكار،دلال بازي، رشوه خواري ، هرج و مرج و ندانم كاري، تبعيض و فقر و فساد اقتصادي پيكر رنجور و لاغر اكثريت قريب به اتفاق كارگران و زحمتكشان و بازنشستگان و ديگر دارندگان در آمد ثابت و مردمان فرودست را پياپي تكه پاره مي كند و خط فقر زندگي، نزديك به 2ميليون تومان شده است و هم زمان غوغا و فرياد مسئولان مبني بر عدالت خواهي و رعايت كرامت انساني و حقوق نه تنها محرومان ايران، بلكه محرومان جهان گوش فلك را كر كرده است. بر خلاف شعار اقتصادي سال 1391 نه تنها نيروي كار مورد حمايت قرار نگرفته بلكه با شرايط طوفاني و سخت تر اقتصادي، معيشت حداقلي نيروي كار مورد هجوم همه جانبه قرار گرفته است. اكنون به مصداق ضرب المثل گل بود به سبزه نيز آراسته گشت، شوراي عالي كار دولتي كه به اصطلاح نماينده كارگري ناتوان و بريده از بدنه كارگري كه با روش هاي غير دموكراتيك و نا عادلانه در ان جايگزين شده اند ، عليرغم در خواست هاي گسترده كارگران جهت تعيين دستمزد عادلانه كه هزينه زندگي انساني يك خانوار كارگري را تامين كند، حداقل دستمزد كارگري سال 1392 را ماهيانه نزديك به پانصد هزارتومان تعيين كرده و بدين وسيله حلقه محاصره را عليه معيشت و زندگي كارگران تنگ و تنگ تر كرده است. اين اوضاع و احوال تلخ و طاقت فرسا با اقدام نا عادلانه شوراي عالي كار دولتي ،با سركوب گسترده حقوق بين الملي كارگران نظير حق تشكيل سنديكاي كارگري و حق اعتراض و راهپيمايي و اعتصاب كارگري-آنچنان كه در دنيا مرسوم و متد اول است-تشديد شده و ميشود.

در اطلاعیهٔ دیگری که امضای سندیکای کارگران فلزکار مکانیک را با خود دارد، می خوانیم؛
خواهران وبرادران زحمتکش!
کارگران فلزکارمکانیک ضمن اعتراض به چنین مصوبه ی تحقیرآمیزی اعلام می کند:
1 -برای مبارزه بابی عدالتی ها هیچ چاره ای جز تشکل و متحد شدن درسندیکاها را نداریم.
2- برای مبارزه باگرانی،دست به ایجاد تعاونی های مصرف زده واین تعاونی ها راتقویت کنیم.
3- برای رسیدن به خواسته هایمان و موفقیت در مبارزاتمان،هیچ پشتیبانی بهتر از همدیگر نداریم.باتماس مستمر،اعتراضات مان را هماهنگ کرده و از پشتیبانی یکدیگر برخوردار باشیم.
4- از هم اکنون برای بزرگداشت و هم اندیشی مبارزات پدران مان در روزکارگر،گرد هم آییم.
اتحاد رمز پیروزی است.
در ارتباط با تبعات مصوبهٔ اخیر شورای عالی کار و روند پیش رو در زندگی کارگران، گفت گویی داشتم با آقای مجید تمجیدی فعال کارگری، با هم به این گفت و گو گوش خواهیم داد. اما پیش از این که این گفت و گو را بشنویم، من عید نوروز را به همهٔ عزیزان تبریک می گویم، امیدوارم سال 92 سال شادی برای خانواده های کارگران زندانی، فعالین کارگری و کوشندگانِ دیگر جنبش های اجتماعی، زنان، دانشجویان و روزنامه نگاران در ایران باشد.
سلام آقای تمجیدی؛

سلام به شما و شنوندگان عزیزتان.
آقای تمجیدی، همان طور که انتظار می رفت، شورای عالی کار مصوبه ای را برای حداقل دستمزد تعیین کرد که بسیار نازل و به قول گروه ها و فعالین کارگری در ایران، تحقیر آمیز بوده و اطلاعیه که سندیکای فلزکار مکانیک که رونوشت آن به دیگر گروه های کارگری نیز داده شده است، این را به معنی به سُخره گرفتن خواست های کارگران در ایران دانستند، سندیکای شرکت واحد هم این مسئله را به این صورت عنوان کرده است که؛ شورای عالی کار، حلقهٔ محاصره را بر علیه معیشت و زندگی کارگران تنگ تر کرده است و دست آخر گفته که؛ کارگران برای خودشان حق اعتراض را محفوظ می دارند. اما فارغ از واکنش های گروه های کارگری، ما الان داریم می بینیم که، آمارهای رسمی می گویند دو برابر زیر خط فقر حداقل دستمزد تعیین شده است. شما این روند را در ارتباط با اقشار تهی دست، کارگران و حقوق بگیران که چشم شان به آخر بُرج است تا بتوانند یک درآمد اندکی حتی داشته باشند، در رابطه با وضعیت شان، در رابطه با معیشت شان و در رابطه با واکنش های شان، الان به طور واقعی، جامعهٔ ما با این روند به کدام سمت می رود؟
مجید تمجیدی؛ همین که جمهوری اسلامی، آنهم در آستانهٔ عید، چنین مصوبه و خبر دهشتناکی را اعلام می کند، دقیقاً نشان می دهد که تصویری که در رابطه با تعیین حداقل دستمزد در ایران هست چیه؟ یعنی به یک بچهٔ دبستانی هم اگر چند تا عدد بدهید که مثلاً در سال گذشته تورم 25 تا 30 تا از کالاهای اساسی بالای 60 درصد بوده است، این که در همین سال سقوط ارز چند برابر بوده است، این که؛ دست مزدی که تعیین شده همان طور که شما گفتید؛ چهارصد و 87 هزار تومان بوده، و نسبت به حداقل دستمزدی که فعالین کارگری محاسبه کرده بودند و می گفتند یک میلیون و ششصد تا دو میلیون تومان باید باشد چقدر فاصله دارد، این که خود نمایندهٔ کارفرماها می گوید که؛ حداقل دستمزد باید ششصد هزار تومان باشد و مجموعهٔ این ها را که گفتم، اگر به عنوان چند عدد به یک دانش آموز دبستانی هم بدهید، به شما می گوید که این یک تصویر دهشتناک در رابطه با بخش اعظم مردم در ایران است. چرا بخش اعظم مردم؟ به خاطر این که شما می بینید که وقتی حداقل دستمزد تعیین می شود، تازه بخش زیادی از مردم که اساساً شامل قانون کار نیستند، بخصوص مهاجرین و در رشته هایی مثل قالی بافی و خدمات، و در بسیاری از واحدها، خیلی ها نصف حداقل دستمزد را دریافت می کنند، و در حقیقت همین تصویر نشان می دهد که، به نظر من اتفاقی که دارد می افتد این است که، بحث بر سر تعیین حداقل دستمزد در ایران نیست بلکه مسئله بسیار فراتر از آن است، سؤال خیلی خوبی کردید، بحث بر سر این است که، جامعهٔ ایران با اتخاذ این سیاست ها به کدام سمت دارد می رود؟ به هر حال جامعهٔ ایران مثل هر کشوری سابقهٔ تاریخی دارد، یک تحولاتی در آن اتفاق افتاده است، رفرم های اقتصادی، اجتماعی در آن صورت گرفته است، اصلاحات ارضی در آن صورت گرفته، یک سری کارخانه ها در آن ایجاد شده، در چند ده سالهٔ اخیر شهرهای جدیدی در آن ساخته شده است، بعد یک دفعه در یک مقطعی که به هر حال یک طاعونی آن جامعه را زده، و سال به سال عوارض این طاعون زدگی بیشتر تر می شود، این که؛ جامعه از حالت عادی خودش خارج شده است. یک کشوری مثل ایران، جایگاه معینی در طبقه بندی ای که کشورهای مختلف دارند داشته است، می تواند کاملاً به ردهٔ آخر در رابطه با تمام استانداردها سقوط بکند که البته کرده است، ببینید الان شما فکر کنید مثلاً در کشوری مثل افغانستان، بیست سال، سی سال جنگ بوده، مجاهدین آمدند، طالبان آمد، شیرازهٔ جامعه به هم ریخت، بالاخره سرنوشت تاریخی یک کشوری مثل افغانستان، در چند ده سال عوض شد و تازه بعد از چند ده سال اگر یک رژیمی بیاید و تازه مردمی باشد و واقعاً دلش به حال مردم بسوزد و بخواهد کاری بکند، چند ده سال طول می کشد که تازه این کشور را برگرداند به آن نقطه ای که بوده است. در رابطه با جامعهٔ ایران هم به نظر می رسد که چند سال است این اتفاق دارد می افتد و به طور سمبلیک تصمیم هایی را که در رابطه با تعیین حداقل دستمزد می گیرند این را نشان میدهد، که بخش اعظمی از مردم به ویژه در شهرها، از حالت شهروندی و اعضاء یک جامعه شهری صنعتی دارند خارج می شوند، دارند کاملاً به حاشیه پَرت می شوند، و وقتی چندین میلیون از جمعیت یک کشور چنان حاشیه ای بشوند که همه آنان زیر خطر فقر زندگی بکنند، در این حالت، جامعه دیگر حالت نرمال و معمولی خودش را از دست خواهد داد که دارد

می دهد، آسیب های اجتماعی جدی در بر خواهد داشت، این که چهرهٔ شهرها کاملاً عوض می شود، از لحاظ شغل های کاذبی که به وجود می آید، از لحاظ افزایش جرائم و جنایت و فحشاء و به هر حال جامعه از یک حالت کشور نیمه صنعتی یا نیمه مدرن در می آید، چون ایران جزو کشورهایی بوده است که با این مشخصات تعیین می شده است، پَرت می شود به عهد بوق، و به نظر من خطرات اجتماعی که این قضیه در رابطه با کودکان، در رابطه با افزایش فقر، این که بخش اعظمی از کودکان از تحصیل باز می مانند، افزایش ناراحتی های روحی و روانی، افزایش خشونت و اعتیاد، همهٔ این ها را خواهد داشت، که این ها در جامعهٔ ایران هست ولی به شدت تشدید خواهد شد، و متأسفانه این مسئله، قضیه را از حالت مبارزه بر سر دستمزد خارج می کند و به یک مسئلهٔ اجتماعی تبدیل می کند، که به هر حال واکنش اجتماعی خارج از فعالین کارگری را طلب می کند.

در این ارتباط من جاهایی خواندم و با یک دوستی از فعالین کارگری صحبت می کردم، او صحبت اش این بود که؛ به لحاظ اعترضات اجتماعی، با این روند در حقیقت جامعه یک روند معکوس را دارد طی می کند، یعنی این که؛ بحران های اجتماعی را جامعه در خودش می ریزد، به عنوان مثال، همان طور که در صحبت های شما بود، آسیب های اجتماعی زیادتر می شود، خودکشی ها چند برابر می شود، ترک تحصیل کودکان زیادتر می شود، فروپاشی خانواده ها فراوان خواهد شد و این ها چیزهایی است که به ویژه جامعهٔ کارگری در ایران تا به حال، همهٔ این تغییر و تحولاتی که به جهت اقتصادی اتفاق افتاده، در درون خودش ریخته و به جای این که این اوضاع و احوال به سمت اعتراض به آن هایی که این وضعیت را درست کردند برود، به لحاظ سازمان یافتگی، حرکت معکوسی را طی کرده است، و به انحطاط اخلاقی و به ویژه، بحران های اجتماعی در درون خانواده های کارگری دامن زده است. اولاً این روند را به این صورتی که من گفتم شما چطور می بینید؟ ما بارها در برنامه های مان در رابطه با عوامل بازدارنده در رابطه با سازمان یابی صحبت کرده ایم، اما این سؤال امروز با توجه به شرایط به شدت دهشتناکی که حقوق بگیران و مزدبگیران جامعه در ایران با آن روبرو هستند، چرا در این شرایط هم تصوری از این نیست که جامعه در حدّ کلان تری به سمت یک اعتراض عمومی برود، حداقل در رابطه با تهی دستان آن جامعه؟

مجید تمجیدی؛ ببینید همان طور که خودتان گفتید، بالاخره این ها یک چهارم، یک پنجم خطر فقر حداقل دستمزد تعیین می کنند، آن نان آور خانه که دراز نمی کشد بمیرد، حالا بخشی دست به خودکشی می زنند، ولی آن هایی که کُنش فعالی اتخاذ می کنند، این کنش الزماً مبارزه نیست، یعنی خیلی از این کارگرها الان چندین سال است، خیلی هایشان ناراحتی های روحی دارند و یا معتاد می شوند و وقتی یک کارگر معتاد شد، به کارهای خلاف می افتد، به هر حال جرائم افزایش پیدا می کند، بخشی از درآمدش را خرج تریاک و هروئین می کند، بخشی از این مواد را به این و آن و به جوان ها میدهد، و از آن طریق درآمدی هم کسب میکند، منظورم این است که، یک مکانیزم هایی در آن جامعه وقتی که شما دستمزد ات و حقوق ات کفاف زندگی ات را نمی دهد، کفاف تأمین خانواده ات را نمی دهد راه میافتد، به هر حال به کارهای دیگری دست می زنی، وقتی که بخش اعظم مردم بیافتند در این کارها، همان طور که شما گفتید، طبیعتاً جرم که زیاد شد، انحطاط اخلاقی زیاد می شود، الان کُلاً سطح ارزش ها و نُرم ها در آن جامعه واقعاً سال به سال و ماه مه ماه سقوط می کند، یعنی سقوط اخلاقی ای که در آن جامعه هست خیلی شدید است، در یک زورگیری می بینید که چه خشونت هایی اعمال می شود، که مثلاً از یکی کیفی را بدزدند، موتور سواری که به خیابان می آید، از روی استیصال و بدبختی، کیفی را که اصلاً معلوم نیست در آن پول هست یا نیست، مثلاً از یک رهگذر با خشونت می گیرد، می خواهم بگویم؛ مردم این ها را هر روزه نگاه می کنند، برای یک حلقه و انگشتر در آن مملکت انگشت می بُرند، به هر حال در ادامه این سقوط یک سناریو این است که، این روند متأسفانه ادامه پیدا می کند و تشدید می شود، یعنی این جوری نیست که الزاماً هر چقدر به مردم فشار بیاورند، مردم اعتراض و مبارزه می کنند، یک جا مردم نا امید می شوند، یک جاهایی به هر حال اعتراضات و مبارزات مردم نتیجه نداده است، سرکوب شده و هر کسی دنبال راه حل های فردی می گردد، این یک سناریو است، سناریوی دیگر این است که مردم وقتی خودشان را سازمان نمی دهند، ولی از طرف دیگر به لحاظ روانی، تحقیر و فشارهای وارد شده را مثل یک عقده در خودشان نگه می

دارند، و این به یک عکس العمل اجتماعی تبدیل می شود، و یک دفعه می بینید یک حادثه ای در آن جامعه باعث می شود که یک طغیان و شورشی انجام بگیرد که آن هم سازمان یافته نیست و خیلی وقت ها به این منجر می شود که دنبال یک ناجی هستند که؛ مثلاً کشورهای غربی بیایند و حمله کنند و به خاک و خون بکشند آن مملکت را، منظورم این است که در یک چنین شرایطی، مردم به آلترناتیوهایی از روی استیصال گرایش پیدا می کنند، یک سناریوی دیگر هم این است که؛ به هر حال همهٔ این سناریوها، خیلی با هم فرقی ندارند، یعنی آخرش اگر براساس این نوع نگاه، تغییری هم در آن جامعه اتفاق بیافتد، تغییر عجیب و غریبی نخواهد بود و همان روند به نوع دیگری ادامه پیدا خواهد کرد، جنگی در آن جا دربیافتد، جامعه از همین که هست عقب تر خواهد رفت، این که؛ همهٔ ما هشدار بدهیم با تمام سرکوب، با تمام فشارهایی که جمهوری اسلامی می آورد، این که فعالین و کُنشگران عرصه های مختلف اجتماعی، از زنان و دانشجویان و حقوق بشر گرفته، حالا این جا ما داریم در مورد مسئلهٔ کارگری صحبت می کنیم، یک بار دیگر برگردند و بتوانند تجدید قوا کنند، به هر حال از کارهای شان جمع بندی بکنند، و بتوانند آن فعالیت هایی که قبلا می خواستند بکنند مثل ساختن نهادهای مدنی، تشکل ها و همهٔ این ها را در جامعه درست بکنند، ببینند از چه راهی می شود دوباره بازسازی کرد و در رابطه با جنبش کارگری، خوشبختانه هنوز هم که هنوز است، بالاخره در بین فعالین جنبش کارگری حتی نسبت به فعالین و کُنشگران دیگر، عکس العمل بیشتر است، نهادهایی هستند و همین مسئله همان طور که خودتان اشاره کردید، نهادها و فعالین مختلفی به میزان مصوبهٔ حداقل دستمزد اعتراض کرده اند و اعتراضاتی قبلا هم شده بود. من امیدوارم که تمام نیروی فکر و عملی همهٔ فعالین به این معطوف شود که هیچ راهی به جز این که اعتراض دسته جمعی انجام بگیرد و سازمان یافته باشد و این کار واقعاً هزینه دارد، صبر و شکیبایی می خواهد و کارهای متحد می خواهد و با سنت های حاشیه ای، با سنت های سکتاریستی به سراغ این به قول شما پرسش های کلان نمی شود رفت، و امیدوارم که این مسئله فقط معطوف به جامعهٔ کارگری هم نباشد، توجه شهروندان، روشنفکران و فعالین خیلی گسترده تری را به خودش جلب بکند که از طریق همین بحث ها و صحبت هایی که شما کردید، امکان دارد در مرحله بعد کسانی که در مورد سازمان یابی، تشکل یابی و کار جمعی بحث و صحبت می کنند و در رسانه ها مطرح می شود، احتمالاً تأثیرات مثبتی داشته باشد و امیدوارم ما در سال جدید شاهد اعتراضات متشکل تر و سازمان یافته تری از طرف همهٔ کُنشگران و فعالین به ویژه فعالین کارگری باشیم.

یکی از فعالین کارگری بعد از اعلام حداقل دستمزد، گفته است که؛ این میزان حداقل دستمزد، کارگران را در خشم و بُهت و حیرت فرو برده است، پرسش آخر من اگر ممکن است کوتاه بفرمایید، فکر می کنید جهت گیری گروه ها و فعالین کارگری در ارتباط با خواست ها و مطالبات کارگران چطور باید باشد، ما می دانیم شعارهایی پیش برنده می تواند باشد که قدرت بسیج توده ای داشته باشد. اما به هر حال ما شاهد هستیم که در حوزهٔ فعالین کارگری، متأسفانه خلاء هایی به چشم می خورد، شما این سمت گیری و جهت گیری را برای آیندهٔ سازمان یابی جنبش کارگری چطور می بینید؟

مجید تمجیدی؛ من فکر می کنم الان خود جمهوری اسلامی در حقیقت شعارهای کارگران را تعیین کرده است، لازم نیست من خیلی بحث و جدل در این مورد داشته باشم که شعارها و مطالبات چیست؟ همین اعتراض به حداقل دستمزد. قبل از تعیین حداقل دستمزد از طرف شورای عالی کار، بحث تغییر قانون کار بوده است که الان هم ادامه دارد، همین دو تا عرصه را خارج از آن مطالبات و خواسته های فابریک و کارخانه ای به عنوان چند تا خواست اساسی مطرح کنند، مسئلهٔ لغو قرارداد موقت در سال گذشته از خواست های اصلی بوده است یعنی منظورم این است که اصلاً بحث بر سر شعارها و خواست ها نیست، این ها به جنبش کارگری تحمیل شده است و به نظر من سازمان ها و احزابی که می روند روی بحث های دیگر و خیلی از مطالباتی که خیلی هم ربطی به چند تا مطالبه و خواست اصلی نداره را وارد مباحث می کنند، که مثلا جنبش را رادیکال بکنند، این ها به نظر من وقت و انرژی فعالین کارگری را می گیرد، بنابراین فعالین و گروه های کارگری بر روی همان موارد اصلی متمرکز بشوند و جهت گیری هم بالاخره این است که شما اگر بخواهید اعتراض توده ای بر سر این قضیه داشته باشید، الان که تودهٔ کارگری با آن درگیر شده است، خوب برو سراغ تودهٔ کارگری

دیگه، یعنی فقط نمیشود در سطح اطلاعیه دادن و چند تا نهاد و چند فعال نخبهٔ در جنبش کارگری اعتراض بکنند. امیدوارم تمرکز کار بر روی این باشد که با همان آدم هایی که باید اعتراض بکنند، با آنان تماس بگیرند و بخصوص یک اعتراض متحدانه داشته باشند و تمام اختلافات و بحث هایی که در این سال ها بوده است، گرایشات مختلف و جدل های ایدئولوژیک خودشان را و همهٔ این ها را موقتا پارک بکنند و نیروی اصلی شان به سمتی برود که؛ چه جوری می شود که شما، کسانی که واقعاً به این مصوبه ها اعتراض می کنند را بسیج بکنید یعنی یک بسیج سازمان یافته و تمرکز باید به نظر من روی مراکز تولیدی، بخصوص صنایع بزرگ باشد.
ما هم امیدواریم و آرزو می کنیم که فعالین و گروه های کارگری سبک بال تر به پیش بروند و شاهد موفقیت های بیشتری به جهت کارگری در ایران باشیم. من از شما بسیار سپاسگزارم آقای تمجیدی عزیز.
خیلی متشکر و با تبریک سال نو به شما و شنوندگان عزیزتان.
همچنین زنده باشید./
برگرفته از سایت گزارشگران
http://www.gozareshgar.com/10.html?&tx_ttnews[tt_news]=20397&tx_ttnews[backPid]=23&cHash=d03530708affa67309486abcdfdb0d9d

گروه پژوهش کارگری

اعتراض جمعی در محل کار بهمراه تجمع جلوی ادارات برای ایجاد تشکل مستقل ضرورت ایجاد جنبش کارگری است

چهار شنبه ۳۰ اسفند ۱۳۹۱ - ۲۰ مارس ۲۰۱۳
سال نو مبارک و امید اینکه اعتراضات پراکنده به تشکلات مستقل تبدیل گردد
همچنانچه انتظار می رفت ، حداقل حقوق توسط دولت و سرمایه داران با وجود اقرار همه مسولین مبنی بر تورم افسار گسیخته تنها اندکی افزوده گردید تا به کارگران ثابت شود که درمان درد استثمار آنها تنها در دستان خودشان است . حتی ۳۰،۰۰۰ امضای کارگران به پاسخ مثبتی منجر نگردید تا روشن شود که چگونه دولت اجازه افزایش سرسام آور به سرمایه داران تولیدی و وارد کننده و دلال را داده ، اما اجازه نمیدهد تا زندگی کارگران از سطح فقر بالاتر رود . تراژدی زمانی آشکار می گردد که مسولین خانه کارگر و حزب اسلامی که در دولت اصلاحات تعیین کننده حداقل حقوق بودند و آنرا همواره در سطح پایین نگاه میداشتند ، امروز دایه مهربانتر از مادر شده و به همپالکیهای دولتیشان اعتراض می کنند . آیا اگر اعتراضات پراکنده کارگران متمرکز شود ، اگر تجمع کارگران ها و صدها واحد را شامل گردد و اگر کارگران دارای دهها و صدها تشکل مستقل گردند ، بازهم دولت و مسولان حکومتی می توانند خواسته های کارگران را نشنیده و نادیده بگیرند ؟
حمله نیروهای امنیتی به کارگران آگاه و فعالین کارگری نشان دهنده ترس آنها از گسترش اعتراضات کارگران است و همین موضوع باید به این فعالین ثابت کند که راهشان درست است . آنچه اهمیت دارد وحدت تشکلات مستقل محدودی است که جداگانه زیر فشار شدید نیروهای امنیتی همچنان تلاش دارند تا به گسترش اعتراضات کمک نمایند . تنها راه مقابله با نیروهای امنیتی اینستکه کارگران آگاه و فعالین هماهنگی برای حضور بیشتر کارگران را در صف مقدم جلوی ادارات دولتی ، مجلس و دیگر مکانهای عمومی انجام دهند . برای نیروهای امنیتی بسیار راحت است که با گرفتن فعالین که شناسایی شده اند ، جلوی گسترش اعتراضات کارگران را بگیرند . بنابراین باید که بیانیه هایی در همه مراکز کارگری منتشر گشته و ضمن توجیه به نتیجه نرسیدن اعتراضات توسط مسولین ، آنها را برای تجمعات مشترک دعوت کنند .
اعتراضات کارگران در سال ۹۲ حتما گسترده تر می گردد ، چراکه مسولین هیچگاه از هزینه کردن برای پروژه هسته ای ، فساد بی پایان ، بحران سازی و سود سرشار دلالی خود نمی گذرند و همواره آماده اند تا از حقوق ناچیز کارگران و دیگر اقشار بدزدند . بنابراین تاکید می گردد که وحدت گروههای مستقل با همه کارگران آگاه و فعالین کارگری نیاز مبرم است تا به ایجاد تشکلهای مستقل افزوده گردد .
خوشبختانه منصور اسانلو هم وابستگی خودرا به گروههای اصلاح طلب رد کرده و امید است که باهمه اختلافاتی که بین وی و سایر اعضای هیات مدیره سندیکای واحد پیش آمده بخاطر کارگران

کشور ، در یک جهت و آرمانی باشد که بهمان دلیل حرکت خودرا آغاز کردند . امید است که نیروهای چپی که که صفحات سایتها را به انتقاد از اسانلو و انحراف سندیکا پر کرده بودند ، حتی اگر شرمنده نیستند ، بهمراه دیگر نیروهای چپ که در جهت ایجاد تشکلات مستقل کارگری حرکت می کنند ، گام بردارند .
پیش بسوی گسترده کردن اعتراضات ، تجمعات و ایجاد تشکلات مستقل کارگری
گروه پژوهش کارگری
پایان اسفند ۱۳۹۱

سالی که گذشت وسالی که با بهارآرزوهاش درراه است !

امیرجواهری لنگرودی

اسفند ۱۳۹۱



سالی که گذشت به قول شاعر آزادی وتوده ها احمد شاملو ؛

سال بد/سال باد/سال اشک/سال شک/سال روزهای درازو.../سالی پست /سال درد / ..../سال کبیسه...

سرمای بجا مانده اززمستان جان سخت امسال،با درآمیختن اشک وآه مادران وپدران و همسران بیشماربرسرسفره های خالی شان،چنان‌که انتظارمی‌رفت،بسی استخوان سوزتر وجانکاه ترازسال‌های پیشین اش بود وگاه به‌راستی تا حد فسردنِ خون دررگ‌های افشرده مردمان جامعه ما برسرهرکوی و برزنی خودنمایی می کرد.بااین همه،قلب هادرتکاپواندوجان ها نفس می کشند وبا نی نی چشمانشان، جان‌گیری سرما را واپس می رانند تاعرق شرم برپیشانی آنانی نشانند که آفریدگان چنین سیه روزی اند.
آنانی که نوحه سردادند وسال رابا رجزخوانی بی معنایی به نام سال "تولید ملی وحمایت ازکاروسرمایه ایرانی"ادا کردند. آنچه تمامی سال ۱۳۹۱ ازخود نشان نداد رشد " تولید ملی"و "حمایت ازکار" و نیروی کارگربوده است. همه شاهد بودیم که اقتصاد مان دربحران مزمن ساختاری دست و پا زد وهمه نشانه ها حاکی از ورشکستگی سیاست های تا حال پیشرفته است. درمقابل آمارها ی ارائه شده امنیتی وغیرقابل اتکاء، وآنچه را که احمدی نژاد ازرشد شش(٦%)درصدی درسال جاری ازآن یاد می کند خود زایده دروغی بیش نیست.چرا که کارشناسان اقتصادی مستقل برخلاف گفته این و آن مقام،با استناد به رکود وشرایط تورمی حاکم درکشوروکاهش ارزش پول ایران،دربرابرارزخارجی، همواره ازرشد منفی سخن می گویند. تعطیل شدن وکاهش تولید بسیاری ازکارخانجات و کارگاههای تولیدی درسطح ۵۰تا ٦۰درصد ظرفیت تولیدی، گواه حقانیت ارزیابی آنهاست واین همه درسالی اتفاق افتاد که خامنه ای آن را سال "حمایت ازکاروسرمایه ایرانی" نامگذاری کرده است.
باری به پایان سال رسیده ایم ونوروز ۱۳۹۲درراه است . سالی که گذشت ،سفره کارگران وتهیدستان خالی ترازهمیشه ماند.درآستانه فرارسیدن سال نو،دگربارسفره آنان ازمیان تهی وبادشواری روبرو است.

سالی که گذشت، رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی بمنظورپشتیبانی ازسرمایه داران،فشاربرطبقه کارگررادرزمینه های گوناگون فزونی بخشید. فعالین کارگری تحت فشاروپیگردهای فزاینده ای قرارگرفتند.دهها کارگرمبارزازجمله: رضا شهابی- بهنام ابراهیم زاده- شاهرخ زمانی- محمد جراحی- علی نجاتي – همچنین پدرام نصراللهي- رسول بداغي- عبدالرضا قنبری ومدافع حقوق کارگران دکترفریبرزرئیس دانا وبرخی دیگرازفعالین متشکل وسازمانگرااحضار،بازداشت وزندان نمود. علی نجاتی کارگرنام آشنای خطه جنوب کشوروازپایه گذران سندیکای نیشکرهفت تپه را بجرم شرکت درمراسم شادمی درکردسان وخواندن ترانه لری " دایه دایه وقت جنگه"که نوارصوتی آن رادرخانه گردی شبانه منزلشان ودستگیری همسرش خانم شهنازسگوند درکیس کامپیوترش یافتند .دادگاه انقلاب سنندج دررابطه با پرونده علی نجاتی اعلام کرده است:«ازآنجایی که محل وقوع جرم (خواندن آوازلری و ارتباط با کارگران درکردستان!!!) دراستان کردستان واقع است بنابراین دادگستری شوش صلاحیت بررسی این پرونده را نداشته ونامبرده بایستی درسنندج محاکمه شود» وبرای محاکمه وی، اورااازجنوب به بیدادگاه سنندج کشاندند. دراین سال تمامیت جامعه مابا رنجموره های مادرانه ستاربهشتی کارگرجوانی که به جرم انعکاس نظراتش دروبلاگ شخصی اش،دربرابرچشمان مادرش با وحشیگری نیروهای اطلاعاتی دستگیربه قتل می رسد. خود یکی ازپرسروصدا ترین پرونده سال گذشته بود. همچنین کارگرجوان عرب اهوازی به نام جمیل سویدی درمنطقه لشکرآباد،تحت شکنجه نیروهای امنیتی کشته شد و تاحال ردی از قاتلین آنان تا حال پیدانشده است.

درسال گذشته همچون سال های پیش تعدادی مجبوربه ترک ایران وپذیرش تبعیدشدند. اعتصابات وتحصن هاوتجمعات کارگری نظیرمجمع فعالین "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" درخردداده ماه درشهرکرج بایورش کماندوهای پلیس ولباس شخصی ها وچماقداران حکومتی پاسخ گرفت. درتمامی سال گذشته ازهرگونه اقدام برای ایجاد تشکل مستقل کارگری جلوگیری به عمل آمد.

فشاربرکارگران درسالی که گذشت ،تنهادرمحدوده دستگیری وزندانی کردن فعالین کارگری نبود .کل زندگی کارگران ایران موردهجوم رژیم اسلامی قرارگرفت که ابعادگسترده معیشتی وامنیت شغلی واقتصاد فلج کننده خانواده های آنان رانیزباخودبه تخریب وویرانی کشاند. عدم پرداخت بموقع دستمزدها حتی دربرخی موارد بیش ازهیجده ماه تا دوسال،همچنان یکی ازمعضلات گذران کارگران بود.دنباله حذف سوبسیدها واجرای هدفمندسازی یارانه هااز یک طرف و موضوع تحریم های سرمایه جهانی ازسوی دیگر، درمقابل خود تورم بی مهاروفزونی چندباره بهای کلیه نیازمندی های زندگی کارگران رادرپی داشت. اینهمه تنگ دستی افزون تری را برای همه لایه‌های کارگران درتمامی سال،دشواری های بمانندی رادرزندگی روزمره کارگران بوجود آورد ومیلیون ها تن ازآنان را با سختی و تعب گذران زندگی روبرو ساخت!

درسالی که گذشت؛دیگرباره دستبرد به قانون کاروتامین اجتماعی،تحت عنوان " اصلاح " درمفاد آنها،وقت وانرژی کارگران و اعتراضات پیاپی آنان را بدنبال داشت. درتمامی سال گذشته،میزان بالای حوادث کاری حین کارکه مطبوعات رژیم آنراروزانه بامرگ ۵تا ۷نفراعلام داشتند بدون پوشش درمانی وبیمه وتامین اجتماعی وتوجه به وضعیت بازنشستگی همچنان معضل بزرگ اکثریت کارگران بویژه کارگران معادن وساختمانی وکارگاههای زیرده نفرکه حتی بااستناد به آماردولتی بالغ به مرزبالای پنج (۵) میلیون نفرمي باشندوهمه آنان ازشمول قانون کاربیرون اند،درکنارمشکلات کارگران قراردادی ،پیمانی وسفید امضاء، عفریت بیکاری،وگاها خودکشی کارگران رابخشا درمحیط کارخانه بدنبال داشت. همانگونه که پیشترگفتم ؛همه وهمه فاجعه بزرگ جامعه ما را دربرابرتحریم های گسترده امپریالیستی وکشاکش نرسیدن مواد خام به صنایع تولیدی، تعطیلی دهها وصد هاواحد صنعتی واخراج هزاران هزارکارگرونرسیدن دارو،مرگ پیشرس دهها تن را بدنبال داشت.

با اینهمه سالی که گذشت،رژیم جمهوری اسلامی نتوانست سکوت گورستانی برجنبش اعتراضی زنان، دانشجویان رادیکال وپایداری جوانان برای دفاع اززندگی عرفی،مقاومت روزنامه نگاران، سینماگران وهنرمندان مستقل،اعتصاب غذاوایستادگی تاریخی وکیل جسورخانم

نسـرین ستوده،مبـارزات اقلیـت هـای ملـی ومـذهبی بـرای احقـاق حقـوق برابرخـود،تجمعات معلمان،پرستاران،رانـندگان تاکسـی، کامیونداران،وشکسـتن مقـاومت کـارگران زنـدانی حـاکم سـازد بلکـه تعـداد اعتراضـات واعتصـابات ،تحصـن ها،طومارنویسـی هـا ومقـاومت درزنـدان ها...وتجمعات دربرابرمجلس، وزارت کار،آموزش وپرورش، وزارت بهداشت،دادگستری درمضـمون تحرکات فراکارخانه ای ازخود بجا گذاشت وهمچنین طی سال گذشته نامه بـه مجـامع جهـانی کارگری همواره فزونی یافت .این اعتراضات گوناگون کارگران که درمواردی نیزبا موفقیت نسـبی همـراه بـوده،خاص یـک منطقـه مشـخص ویـا یـک رشـته صـنعتی معیـن نبودنـد بلکـه درسرتاسرکشورودراکثربخشـهای صـنعتی - تولیـدی وبخـش وسـیع کـارگران خـدماتی جریـان داشـتند.طـی سـال گذشـته مقـاومت چنـدین بـاره کـارگران پتروشـیمی،وسرانجام ایـن اواخراعتراضات کشاورزان اصفهانی ، اعتراضات مردم شـاهرود و دیگرنقـاط کشـور،همه وهمـه سازوکارهای مقاومت مردمانی است که برای بهبود زندگی شان می جنگند ومی خواهنـد بـه اختیارخویش روی پای خود بایستند. همچنین طی سال تقویت سطوح شکل‌گیری کمیته های های دفاعی "رضا شـهابی" ، "شاهرخ زمانی" و"ابراهیم زاده" ،که ازسـال ۱۳۹۰ شـکل گرفتـه بـود. مرحلـه اوج ایسـتادگی خانوادهها وهـم طبقـه اي هـای آنـان درشـرایط سـرکوب مسـلط ومقاومت دلیرانه فعالین کارگری دربند، هم روحیه بخش برای سـایرزندانیان اجتمـاعی وفعـالین درگیرمبـارزه درکارخـانه هـا بـود وهـم تمـامی ترفنـدهای حکومـتی راکـه بـا تشدیدفشار،توهین،شکنجه وپرونده سـازی ،هـدف ازپـای درآوردن مقـاومت کـارگران وزنـدانیان سیاسی داشت ،نقش برآب کرد.

باری سالی که گذشت، **گرانی افسارگسیخته و**تورم بی مهار،یعنی جابجایی ثروت ازسمت اکثریت مردم زحمتکش اعم ازلشکرمیلیونی بیکارشدگان- بازنشستگان - معلمان - پرسـتاران - کارمندان جزء وطبقات محروم وهمه لایه های کارگران وتهیدستان جامعه مـا بـه سـمت اقلیـت توانمند اعم ازدولت بمثابه بزرگترین کارفرما- سرمایه داران بخش حصوصی– پاسـداران صـاحب پروژه- تجاربزرگ ملاومکلا – واسطه های انگلی بازار- آقازادگان وآیات عظـام (شـکرخوار- چـایی خوار- برنج خوارو ...) - زمینداران و ملاکـان - بانکـداران - مـدیران سـطح بـالا کـه بنـا بـه تصـمیم منافع عمومی ثروتمندان، این جابجـایی ثـروت وامکانـات غیرقابـل کنـترل را صـورت مـی دهنـدتا همه چیزدربرابردونیروی کاروسرمایه،غیرقابل مهارباقی بماند.

دراین میان کارگران وهمه مزدوحقوق بگیران جامعه ما طی سال هـای اخیـرو بـویژه درماههـای پایان سال،ازکاهش حقوق خود رنج بسیاربرده اند. یکایک آنان مـی بیننـد کـه پـس ازایـن همـه کـارکردن وتلاش،دردسـت یـابی بـه سـهم خـویش درمقایسـه بامـدیران وسـهم بـران درقدرت،مجبوربه تحمل فقر روزافزون خودهستند.ازاینرونسـبت بـه دسـتبرد بـه حقـوق خـویش درطی تمامیت سال (۱۳۹۱) با توجه به تورم سال پیش وسال آینده بسیارنگران هستند . هـم اکنون با توجه به واگویای آنچه مطبوعات ورسانه های خود رژیم اعلام می دارند؛هزینـه ماهـانه یک خانوارشهری حدود یک میلیون وپانصد هزارتومان است.درحالیکه حـداقل حقـوق کـارگربرای سال ۱۳۹۱،رقم میزان ۳۸۹ هزارو ۷۰۰ تومان کمتراز چهارصدهزارتومان اسـت .ایـن مسـئله بـا توجه به رشد تورم غیرقابل مهارهرروزه، برای سال آینده با دومیلیون تومان هم پاسخگونخواهد بود. درحالیکه حضرات با چانه زنـی هـای خـود ویـژه برسـررقم ۴۸۷ هزارو۱۲۵تومـان مـزد یعیـن کمـتر از ۵۰۰ هزارتومـان کـه ازابتـدای سـال ۹۲ جـاری مـی گـردد ،سـروته قضـیه را بهـم چسـپاندند..بگمـانم تعییـن ایـن رقـم حـداقل دسـتمزد کـارگران بیـش ازسـه برابرکمـتر ازخـط فقرمطلق ازجانب طراحان و رای دهندگان آن تنها یک پیـام دارد:مـا ازمـرگ تـدریجی ایـن طبقـه عظیم اجتماعی در سال جدیدکمترین گزندی به خود راه نمی دهیم .

آنگونه که پیشترآوردم ؛سالیکه گذشت،فشار،استثماروستم برکارگران وآحاد مردمان جامعه مـا فزونی یافت وزندگی آنان تباه ترازپیش شدوفشاروتهدیدبه اخراج وزندان افزایش داشت، ولیکـن دراراده مبارزاتی کارگران نتوانست خللی واردسازد.سطوح گوناگون مقـاومت یـک باردیگرنشـان داد، آنجا که ستم هست، پایداری وایستادگی ومبارزه هم هست .این تداوم مبـارزه ومقـاومت کم نظیرزندانیان زن ،دانشجویان،روزنامه نگاران ووکلای جسوروکارگران زندانی،جنبه‌های مثبـت

وامیدوارکننده ی مبارزه سال پشت سرگذاشته شده است.اگربتوان این اعتراضات مستمرولی پراکنده وجداازهم،درمقاطع وزمانهای متفاوت را درپیوندباهم درآورد. سازماندهی مبارزات درمحلات ومحیط های زیست در فراروی به تشکلات مستقل سراسری اقتصادی - اجتماعی سمت وسوی معین طبقاتی داد واتحاد عمل های پایداررا برسرمنافع کوتاه مدت و بلند مدت سازمان داد،راه پیشروی وپیروزی بررژیم وبهره کشی استثمارانسان ازانسان هموارتر خواهدشد.
درسالی که گذشت دردرون کشورپاره ای اتحاد عمل ها ،اقدامات دفاعی کمیته ها وتشکلات کارگری درون کشورنظیر: سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران وحومه /هیات موسس سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمانی/ اتحادیه کارگران پروژه ای/ سندیکای کارگران فلزکار ومکانیک/ اتحادیه آزاد کارگران ایران/ کانون مدافعان حقوق کارگربا شعار" پیش به سوی تشکل مستقل و سراسری کارگران ایران" توانستند درمواردی همکاریهای معینی رابه پیش برندو ازجمله برای خواست آزادی کارگران زنداني، فعالین دستگیرشده درگردهم آئی ها،نامه هاوطومارهای اعتراضی وبخشا بیانیه های مشترک اول ماه مه - یک صدا عمل نمایند.
سال پشت سرگذاشته، درخارج ازکشور،برای برانگیخته شدن پیوندی همه سویه تربا مبارزات درون کشور،ازجانب فعالان " نهاد های همبستگی با جنبش کارگری درایران - خارج ازکشور"،"اتحاد بین المللی درحمایت ازکارگران درایران " درسلسله اقدامات خود موفق شدند برای تحکیم پیوندعمیق ترهمبستگی انترناسیولیستی بامبارزات کارگران ایران فعالیتهای درپیوند با سندیکاهها واتحادیه ها و مجامع کارگری فرانسوی - کانادا- انگلیس - سوئد و استرالیا،آلمان ،ترکیه قدم هایی بردارند. نکته مهم اینکه سال ۱۳۹۱،سال فعال شدن وآماده سازی نیروهاوقدرت های سیاسی برای دوران پس ازجمهوری اسلامی نیزبود. نشست های انگلیس،آلمان ،فرانسه،اولاف پالمه دراستکهلم ونشست پراگ نشان ازتلاش بی وقفه قدرت های امپریالیستی برای سازماندهی آلترناتیوهای هم سووهم جهت با سیاست های خود بدست چلبی های وطنی هم بود.
همچنین درطی سال گذشه سازماندهی تدارکاتی دو"نشست مشترک احزاب وسازمان ها و نهاد ها ی چپ و کمونیست" درشهرهای کلن وفرانکفورت بودیم. این دو نشست فرایند نزدکی بیست وپنج جریان چپ سرنگونی طلب را با خود داشته ودارد. دربخشی ازاطلاعیه پایانی" دومین نشست احزاب،سازمان ها و نهاد های چپ و کمونیست" درتاریخ بهمن ۱۳۹۱(فوریه ۲۰۱۳) فرانکفورت آمده است : «... رویدادهای اخیرمبین این واقعیت است که دربرابرارتجاع رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی و طرح وبرنامه های نیروهای اپوزیسیون بورژوایی و نقشه های امپریالیستی، راه واقعی وانقلابی برای رهایی مردم ایران وجود دارد. ما کمونیست ها اعلام می کنیم که به میدان آمدن طبقه کارگر متشکل و سازمانیافته و همراهی جنبش رهائی زنان و دانشجویان و جوانان و دیگر جنبش های ترقی خواه و پیشرو اجتماعی تحت پرچم آلترناتیو سوسیالیستی برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و انهدام ماشین دولتی بورژوائی از طریق یک انقلاب اجتماعی تنها راه واقعبینانه برای رهائی از شر جمهوری اسلامی و مصائب نظام سرمایه داری است. آلترناتیو سوسیالیستی و کارگری تضمین کننده وسیعترین آزادیهای سیاسی، تامین حقوق و برابری فردی و اجتماعی، جدایی کامل دین از دولت، از نظام قضائی و آموزش و پرورش ، برابری کامل و بی قید و شرط زنان در همه عرصه های زندگی، تضمین حق تعیین سرنوشت ملل تحت ستم ایران و اتحاد داوطلبانه آن ها، حفاظت از محیط زیست و گذار به یک جامعه آزاد و عاری از ستم و استثمار است.
ما شرکت کنندگان در نشست دوم نیروهای چپ و کمونیست با عطف توجه به حساسیت اوضاع سیاسی کنونی بار دیگر جنبش کارگری ایران، جنبش رهایی زنان، جنبش دانشجویی و جوانان انقلابی و مردم زحمتکش ایران را به وحدت و تشکل درسطوح مختلف و بسیج حول یک راه حل کارگری، سوسیالیستی وشورائی فرا می خوانیم و دست همکاری و اتحاد عمل همه فعالین و نیروهای موجود در جنبش چپ و کمونیستی ایران و فعالین سوسیالیست و رادیکال جنبش های اجتماعی برای تامین ملزومات و رفع موانع آلترناتیو سوسیالیستی را به گرمی می فشاریم.» با اینهمه این وظیفه همچنان برشانه فعالین انقلابی کارگری و مبارزان و دوستداران واقعی طبقه کارگرو همه آنهایی که برای وصول به آزادی و برابری ،آرزوی جهانی

بهتردرتلاشند ،لازم می نماید که برای بسط وگسترش این همگامی ها قدم های اساسی درامرتحکیم مبارزات درون کشوربردارند وسال پیشروی را به سال رهایی ازبیداد نظام وهمسرنوشتی با توده مقاوم جامعه مابشناسند.برپایه آنچه که طی سال ۱۳۹۱صورت گرفت،باید با استواری تمامتر این اقدامات را نا کافی بلکه به فال نیک گرفت وبرای گشایش جبهه عظیم تحکیم مبارزه طبقاتی قدم های اساسی تری را برداشت.
با همه دشواری های برشمرده ودرمقابل جان سختی زمستان،بهاربه درون خانه هامان بازبرمی گردد. درچنین هنگامه ناسازگاری،سربرآوردنِ خرمی جان‌بخش بهارازاعماق زمین،درشرایطی که همه چیزبربرهوت انجماد وسلطه‌ی بی‌چون‌وچرای ارباب بیمروت دنیا گواهی می‌دهد،نغمه شادی و شور زندگی دراین سخت جانی زمستان، حکایت‌گرغلغله وغوغایی است که اگر همه سیمای خوشش هم اکنون وبی پرده هویدا نیست اما پُررمق تر، پُرنفس تروبگاه پُرخروش‌تر، نیرومندترازآنی است که به بی جانی درنده سرما تن دردهد. بلکه با تلالُو وزیدن اولین جوانه های امید،کهنه گی سال را درمی نوردد ودرآستانه‌ی بهارونزدیکی آن باسال نو، ازشراره نوروزخوانی عمو نوروزودایره زنگی حاجی فیروزبا هرنوع کهنگی وتحجر،به نبرددیرپای خودمی پردازندودرگدازه آتش افروزیهای چهارشنبه سوری همه آحاد جامعه، خاصه جوانان پُرشورمان ،زردی روی برآتش فکنند تا تلالو سرخی آنرا بررُخ گیرند وهنگامه ای دیگربرپا دارند!
سال ۱۳۹۱گذشت ونوروز ۱۳۹۲با بهارآرزوهایش درراه است.درچنین هنگامه نابهنگامی، مردمان ما نیز،نوونوروزرا به سوی هرچه کهنگی وسیاهی است پرتاب می کنند تا جامه نو رابرتن کنند وهلهله برپا می دارند که بهارخرمی ازراه رسید ودرب خانه می گشایند تا بیش ازهمه ودرمقابل همه تاریکی ها،بادبان برابری وآزادی را درمقابل تباهی وسیاهی برزمین سفت برافرازند. باری باآرزوی این نوبرانه شکفتن هابرای مردمان ما درایران وسراسرجهان، آمدن بهاروخرمی سال راشاد باش می گویم وبرای یکایک مردمان ما سلامتی – سرور- سعادت- سرخوشی – سخاوت- سرافرازی - سربلندی زندگی را بعنوان هفت سین سال آرزو می نمایم .